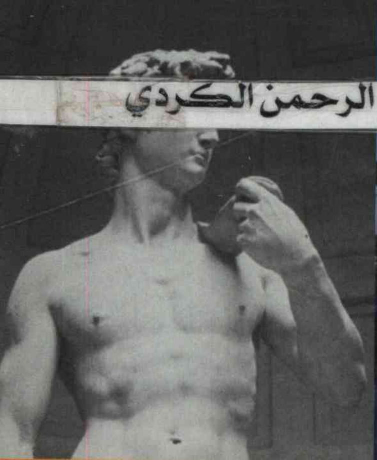
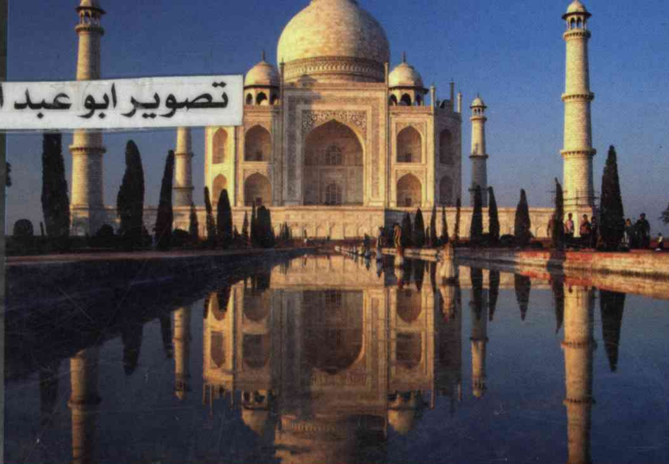
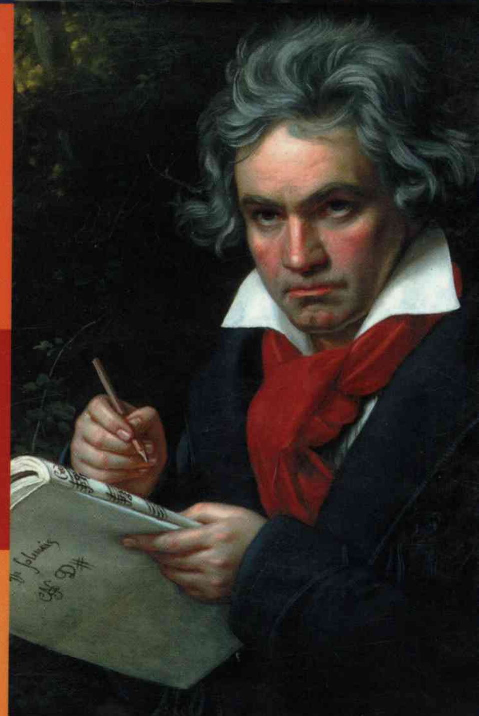






دانشنامه تاریخ جهان ۲



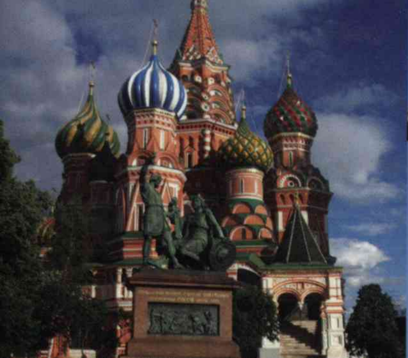
ویراستار متن انگلیسی : جروم برن
ترجمه فارسی از : دکتر محمود زنجانی
ویراستار و مقدمه نویس فارسی : پروفسور سید حسن امین

جلد دوم
از رنسانس تا انقلاب کبیر فرانسه و ناپلئون: از ۱۵۰۲ تا ۱۸۰۱ میلادی











دانشنامه‌ی تاریخ جهان

جلد دوم

گاه‌شماری تاریخی جهان

از ۱۵۰۲ تا ۱۸۰۱ میلادی

Chronicle of the World

A global view of history as it happened

مرسر، دریک، ۱۹۴۴ م، Mercer, Derrik

دانشنامه تاریخ جهان / ویراستاران متن انگلیسی دریک مرسر؛ جروم برن؛ زیرنظر و با مقدمه‌ی سیدحسن امین؛ مترجم محمود زنجانی. تهران: دایرة‌المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۸-.

ج. : مصور.

ISBN 964-96370-8-7 :(دوره)
ISBN 964-96370-5-2 (ج. ۱)
ISBN 978-600-520-4-001 (ج. ۲)
ISBN 978-600-520-4-01-8 (ج. ۳)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

عنوان اصلی: Chronicle of the World

۱. گاهشماری تاریخی. ۲. سالشمار. الف. برن، جروم، Burne, Jerome
. ب. زنجانی، محمود، ۱۳۱۳ ، مترجم. ج. عنوان.

D ۱۱ / ۲ د ۴ م — رده‌ی دیویی: ۹۰۲/۰۲

۱۳۸۸

کتابخانه ملی ایران — ۳۱۱۸ - ۸۵ م

ENCYCLOPAEDIA OF IRAN

دانشنامه‌ی تاریخ جهان (گاه‌شماری تاریخی جهان)

جلد اول : از ۳/۵ میلیون سال پیش تا ۱۵۰۲ میلادی

جلد دوم : از ۱۵۰۲ تا ۱۸۰۱ میلادی

جلد سوم : از ۱۸۰۲ تا ۲۰۱۰ میلادی

سرویراستار متن انگلیسی: دریک مرسر — **ویراستار متن انگلیسی:** جروم برن

ترجمه به فارسی از: دکتر محمود زنجانی

زیرنظر و با مقدمه‌یی به قلم: پروفسور سیدحسن امین

ناشر: سازمان انتشاراتی دایرة‌المعارف ایران شناسی

مدیر تولید: آرش اسدزاده — **مدیر اجرایی:** مهندس حجت حیدری — **طرح جلد:** هوتن پورزکی

چاپ: ندای ایران — **صحافی:** فردوس — **لیتوگرافی:** ندا

شمارگان: ۳۵۰۰ نسخه — **نوبت و تاریخ چاپ:** اول ۱۳۸۹

قیمت: تک جلد ۳۰۰۰۰ تومان - قیمت دوره‌ی دو جلدی ۵۰۰۰۰ تومان - دوره‌ی سه جلدی ۷۰۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۶۴-۹۶۳۷۰-۸-۷

شابک مجلّدات: (ج. ۱) ۹۶۴-۹۶۳۷۰-۵-۲ (ج. ۲) ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰۴-۰۰۱ (ج. ۳) ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۰-۴-۰۱-۸

سازمان دایرة‌المعارف ایران‌شناسی

تهران، تقاطع خیابان انقلاب و فلسطین، ساختمان مهر، شماره ۳۱۲، کدپستی: ۱۴۱۶۸۱۴۵۷۴

تلفن: ۶۶۹۶۸۴۸۸ ؛ دورنگار: ۶۶۹۶۸۴۸۷

پست الکترونیکی: E - mail: Info @ Hafizmonthly. org

مقدمه

به قلم: پروفسور سیدحسن امین

استاد بازنشسته‌ی کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیدونیا
سرپرست علمی و سرویراستار دایرةالمعارف ایران‌شناسی

به نام خداوند جان و خرد

۱- درآمد

کتاب حاضر، مجلّد دوم دانشنامه‌ی تاریخ جهان است که به قلم جمعی از پژوهشگران جهان به زبان انگلیسی تدوین و تحت عنوان Chronicle of the World با ویراستاری جروم برن Jerome Burne و سرویراستاری و سرپرستی علمی دریک مرسر Derrik Mercer در لندن منتشر شده است و اینک به همت همکار فاضل ما، مترجم و مؤلف فرهیخته جناب آقای دکتر محمود زنجانی به فارسی ترجمه شده است و توسط دایرةالمعارف ایران‌شناسی منتشر می‌شود.

دانشنامه‌ی حاضر که یک دایرةالمعارف تخصصی مرتبط با تاریخ عمومی است، همه‌ی رخدادهای مهم جهان بشریت در بین همه‌ی ملل و اقوام را از آغاز پیدایی اولین انسان‌نما (=حیوان دوپا) در روی کره‌ی زمین یعنی از ۳/۵ میلیون سال پیش تا سال ۲۰۱۰ میلادی، به خوانندگان عرضه می‌کند.

این دانشنامه شامل سه مجلّد است:

مجلّد اول این دانشنامه، شامل مهم‌ترین رخدادها از فجر پیدایی بشر یعنی از ۳/۵ میلیون سال پیش تا سال ۱۵۰۲ میلادی (= ۹۰۷ هجری قمری مصادف با برآمدن دولت صفوی در ایران) است.

مجلّد دوم این دانشنامه، شامل مهم‌ترین وقایع از ۱۵۰۲ تا ۱۸۰۱ میلادی‌ست. آغاز این مجلّد با کشف و استعمار آمریکای لاتین توسط اسپانیا در ۱۵۰۲ م و ساختن مجسمه‌ی داود توسط میکلانژ در ایتالیا در ۱۵۰۴م مصادف است. جالب است که در ۱۵۰۲م یکی از کاشفان برزیل که پس از کریستف کلمب به قارّه‌ی آمریکا رسیده است، از وجود انسان‌های آدم‌خوار در ینگی دنیا خبر می‌دهد. تاریخ مزبور، زمانی‌ست که ایران (دو هزار سال پس از صدور اولین منشور حقوق بشر جهانی به دست کورش در ۵۴۰ ق.م.)، در عهد صفویه‌ی یکی از متمدن‌ترین و مرفّه‌ترین ملل جهان بوده و با شرق و غرب روابط تجاری و دیپلماتیک داشته است.

مجلد سوم دانشنامه‌ی حاضر که در دست چاپ است، شامل وقایع ۱۸۰۲ تا ۲۰۱۰ میلادی‌ست.

ما در مقدمه‌ی مجلد اول این دانشنامه، آنچه در زمینه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری شایسته بود، از جمله مطالبی مفصل درباره‌ی ساختار و انواع دایرةالمعارف‌ها، و نیز تاریخچه و پیشینه‌ی دایرةالمعارف‌نگاری در ایران و جهان بر قلم آوردیم. در این‌جا، فقط به دو نکته اشاره می‌کنیم:

الف - اهمیت تاریخ عمومی جهان در برابر تاریخ‌های ملی، دودمانی و محلی متعلق به فرهنگ ایران و به زبان فارسی.

ب- شرح حال و خدمات علمی مترجم ارجمند و فرهیخته‌ی «دانشنامه‌ی تاریخ جهان» یعنی جناب آقای دکتر محمود زنجانی.

۲-تاریخ عمومی جهان

به طور طبیعی هر کسی در هر زمان و مکانی، شناخت خود را از دنیای بیرون با شناسایی محیط نزدیک خود شروع می‌کند و بنابراین، آگاهی تاریخی هر کسی از شناسایی خانواده و روستا و شهر و کشور خود در زمان حیاتش شروع می‌شود و در پی شناسایی اقوام و اجداد و تاریخ گذشته‌اش، به شناخت ملل دیگر که

از جهت تاریخی و جغرافیایی با او فاصله دارند، منتهی می‌شود.

در دایرةالمعارف‌ها، مقصود از علم تاریخ، شرح و بیان رخدادهای گذشته و سیر وقایع و پیش‌آمدهای یک جامعه توأم بر شناخت و تبیین علل وعواملی‌ست که موجب پیش آمدن آن وقایع شده‌اند. بنابراین تاریخ، علمی‌ست که کیفیت رویدادها و موجبات و علل حقیقی بروز آنها را بررسی می‌کند. از این جهت، تاریخ بشریت در سیر زمانی خود به شرحی که در مجلّد اول این دانشنامه آمده است، با لحظه‌یی آغاز می‌شود که موجودی «انسان‌نما» از دایره‌ی حیوانات جدا شده است و پیشینه‌ی آن به سه میلیون و پانصد هزار سال قبل می‌رسد. از جهت عملی، تاریخ از زمانی آغاز می‌شود که بشر با اختراع خط، به ثبت و ضبط وقایع پرداخته است.

نظر به این‌که تکیه‌ی دانشنامه‌ی حاضر بیشتر بر رویدادهای تاریخی بیرون از مرزهای ایران و آیینه‌های پندارهای غربیان است، لازم است که تاریخ تمدن ایران، آثار و تألیفات ایرانیان نیز در این زمینه شناسایی و معرفی شود.

۳-تمدن ده هزار ساله‌ی ایران

ایران ما یکی از کهن‌ترین حوزه‌های تمدنی جهان است. فلات ایران پیش از ورود آریاییان، صحنه‌ی تمدن‌های کهن‌تری بوده است که کشفیات باستان‌شناختی در جای‌جای ایران و انیران آن را اثبات می‌کند و سابقه‌ی آن را به ده هزار سال پیش از این می‌رساند. در حدود پنج یا شش هزار سال قبل، آریاییان از حدّ جنوبی سیحون به مرور به طرف غرب (اروپا) و جنوب (کاسپین) و جنوب خاوری (هند) مهاجرت کردند. از آن میان، آن گروه از آریاییان که ساکن فلات ایران شدند، با ساکنان بومی این منطقه درهم آمیختند و سرزمین جدید را اثیرینه وئجه (سرزمین آریایی) و به مرور اثیرنا (= آریا) یا ایران نامیدند.

عاقبت سه تیره‌ی آریایی پارت، ماد و پارس به شکل منسجمی در نجد ایران مستقر شدند. اولین دولت آریایی با ظهور دیاگو در ۷۰۸ ق.م در همدان (= هگمتانه) تشکیل شد. این دولت پس از اتحاد آن با پارس و تشکیل دولت هخامنشی، یعنی پس از ظهور کورش در ۵۵۰ ق.م. هرچه گسترده‌تر شد. کورش، بابل را بدون خونریزی در سال ۵۴۰ ق.م. فتح کرد و منشوری که می‌توان آن را ابتدایی‌ترین اعلامیه‌ی حقوق بشر و آزادی ادیان و ملل برشمرد، صادر نمود. در حقیقت تاریخ مدون و مستند ایران از آن زمان آغاز می‌شود. در عین حال، در «تاریخ یادبودی» ایرانیان، به شرح خدای‌نامه‌ها (= شاهنامه‌های بعدی)، سلسله‌های اساطیری پیشدادیان و کیانیان، جای مادها و هخامنشیان و اشکانیان را می‌گیرند؛ به این معنی که هم‌زمان با دولت‌های عیلام در جنوب کشور، باید دولت‌هایی هم در بخش‌های خاور ایران وجود داشته باشند که اطلاعات کنونی ما از آن‌ها چندان دقیق نیست.

از جهت فرهنگی هویت ما ایرانیان سه آبشخور غنی، مهم و موثر داشته و دارد که عبارتند از:

الف. تمدن ایران باستان که ریشه در فرهنگ‌های پیش‌آریایی، آریایی، هند و ایرانی و هم‌چنین تجربه‌ها و سرمشق‌های همسایگان دولت‌های ایرانی و ملل تابعه‌ی امپراتوری‌های هخامنشی و ساسانی دارد. درون‌مایه‌ی این فرهنگ را در سنگ‌نبشته‌ها، کتیبه‌ها، عهدنامه‌ها و اندرزنامه‌های پهلوی از یک‌سو و کتاب‌های حقوقی و قضایی، ادبی، اخلاقی و تاریخی می‌توان یافت. آثار این فرهنگ و تمدن باستانی نیز تا امروز به صورت عرف و عادت و آداب و رسوم و نیز فولکلور و اساطیر و داستان‌ها نه تنها در میان ایلات و عشایر بلکه حتی در شهرهای بزرگ ایران معمول و مرسوم است.

بعضی از رسوم عُرفی و آداب مردمی بازمانده از ایران باستان مثلاً در زمینه‌ی جشن نوروز، جشن یلدا، خواستگاری، ازدواج، جهیزیه، تولد، تعزیه، مراسم خاکسپاری، هفتم، چهلم، سالگرد مرگ و... در اکثر قریب به اتفاق موارد در ایران امروز معمول و مجری است.

ب. تمدن اسلامی که ناشی از ورود و نفوذ اسلام به طور عام و مذهب تشیّع به طور خاص در ایران است. البته تمدن اسلامی و فرهنگ شیعی به نوبت خود نه تنها در زمینه‌های فرهنگی و هنری بلکه هم‌چنین در زمینه‌های حقوق عمومی و اداری و تاسیس دیوان‌های لشکری و کشوری از تمدن و فرهنگ ایرانی تاثیر پذیرفته است؛ اما متقابلاً، نفوذ و رسوخ عمیق مناسک و احکام اسلامی در همه‌ی ابعاد زندگی ایرانیان از عبادات و آیین‌های دینی گرفته تا حقوق مدنی و حقوق قضایی نیز چشمگیر است.

ج. تمدن غربی که پس از آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های صنعتی و تمدنی اروپا در ایران تاثیر گذاشت و با اصلاحات اداری، حقوقی و قضایی به دست عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، قائم‌مقام، امیرکبیر، سپهسالار و مخصوصاً در قالب تنظیمات عصر ناصری شروع شد و به صدور فرمان مشروطیت، تصویب قانون اساسی عصر مشروطیت و پس از آن استخدام مستشاران خارجی برای بازسازی نظام‌های اداری، دیوانی، آموزشی، نظامی

و قضایی (مالیه، عدلیه، نظمیه، صحیه، معارف، بلدیه، ارتش و...) کشور و سرانجام تغییر تشکیلات و سازمان‌های مدنی و اداری و قضایی در عصر پهلوی منجر شد. بهترین نمونه‌های تاثیر تمدن غربی، اقتباس مجلس شورای ملی یا «مصلحت‌خانه» به‌عنوان قوه‌ی قانونگزاری، برگزاری انتخابات ادواری، تأسیس نهادهای آموزش و پرورش به سبک جدید از دبستان گرفته تا دانشگاه و سرانجام حذف رژیم سلطنتی و تاسیس نظام جمهوری در ایران است.

گفتنی‌ست که هر سه لایه‌ی تمدّنی ایرانی، اسلامی و غربی در اندیشه‌های فرهنگی، اجتماعی و آرمان‌های سیاسی رایج در ایران در سده‌ی اخیر به طور جدّی تاثیرگذار بوده است و همه‌ی اصلاحات حقوقی، مبارزات سیاسی و انقلابات چند دهه‌ی اخیر را می‌توان در قالب یکی از همین لایه‌های سه‌گانه - یا آمیزه‌یی از آن‌ها - شناسایی کرد.

برای مثال، تئوری غالب در پنجاه و هفت ساله‌ی سلطنت پهلوی تجدید مجد و عظمت ایران باستان و تاکید اکید بر نقش تاریخی رهبری بلامنازع شخص «شاهنشاه» (شاهان شاه: شاه شاهان) در نظام سیاسی ایران بود که می‌گفتند: چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه! انتخاب نام خانوادگی «پهلوی» برای رضاخان سردارسپه، عوض‌کردن نام کشور در زبان‌های خارجی از پرشیا Persia به ایران، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی خالق **شاهنامه** به‌عنوان شاعر بزرگ ملی ایران، جایگزینی واژگان پارسی به‌جای کلمات عربی و عوض‌کردن اعلام جغرافیایی از عربی به فارسی در عصر رضاشاه پهلوی یا برپاکردن جشن‌های دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی، جایگزین کردن تاریخ شاهنشاهی به جای تاریخ هجری شمسی، انقلاب شاه و ملت، برگرفتن لقب «آریامهر» برای شاه و تأسیس سیستم تک‌حزبی در عصر محمدرضاشاه پهلوی نشانه‌های تأکید نظام سلطنتی بر لایه‌ی تمدن ایران باستان بود.

در مقابل، نهضت‌هایی هم‌چون فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی، حزب ملل اسلامی به رهبری کاظم بجنوردی، هیات‌های موتلفه، تلاش‌های فرهنگی چهره‌هایی از علامه طباطبایی گرفته تا دکتر علی شریعتی، سیاست‌ورزی روحانیونی از سید جمال‌الدین اسدآبادی گرفته تا امام خمینی، قیام ۱۵ خرداد و در نهایت تأسیس جمهوری اسلامی ایران برخاسته از رسوخ فرهنگ شیعی و باورهای اسلامی در لایه‌های مذهبی مردم ایران بود. اما نیچریست‌هایی که در دوره‌های اول مجلس شورای ملی به طور رسمی به روحانیونی چون سید حسن مدرس در صحن مجلس شفاهاً و کتباً اعتراض می‌کردند، یا تشکّل گروه ۵۳ نفر به رهبری دکتر تقی ارانی، حزب توده، فرقه‌ی دموکرات، فراماسونری، پارلمانتریسم، سوسیالیسم و... برخاسته از آشنایی ایرانیان با تمدن اروپایی بودند.

در این میان، بعضی از احزاب و حرکت‌های اجتماعی و سیاسی هم آمیزه‌یی از دو یا هر سه لایه‌ی تمدنی موثر در فرهنگ ایرانی بودند. برای مثال، نهضت خداپرستان سوسیالیست به رهبری محمد نخشب که دکتر علی شریعتی نیز از درون آن برخاست، ترکیبی از اسلام با سوسیالیسم بود؛ هم‌چنان که مرام‌نامه‌ی حزب ایران به رهبری اللهیار صالح و مهندس علیقلی بیانی، آمیزه‌یی از فرهنگ ملی با سوسیالیسم به عنوان یک افزار اجتماعی / اقتصادی است. حزب رستاخیز به رهبری محمدرضاشاه پهلوی، ترکیبی از ارتجاعی‌ترین تئوری‌های حاکمیت یعنی رهبری بلامنازع فرد واحدی به‌عنوان شاهنشاه در سطح ملی با مترقّی‌ترین تئوری‌های مدنی یعنی دادن حق رأی به زنان، تشکیل خانه‌های انصاف و شوراهای داوری و پیشنهاد امین صلح انتخابی به رأی مستقیم مردم و تاسیس و تقویت تعاونی‌های زراعی، تولیدی و مصرف در هر محل بود.

ما باید هر سه لایه‌ی تمدنی ایران باستان، تمدن اسلامی و تمدن اروپایی را شناسایی، پالایش و استحسان کنیم.

تاریخ درازآهنگ ایران را از جهت تمدنی به سه بخش متمایز تقسیم باید کرد:

الف. دوره‌هایی که ملت ایران در ایجاد تمدن جهانی و تولید علم و فلسفه و هنر، نقشی موثر و سازنده داشتند، همانند دوران هخامنشیان و ساسانیان در قبل از اسلام و دوران سامانیان و صفویان در بعد از اسلام.

ب. دوره‌هایی که ملت ایران تحت تاثیر مستقیم تمدن و فرهنگ اشغالگران بودند، مانند دوره‌ی سلوکیان پس از حمله‌ی اسکندر که فرهنگ و تمدن یونانی و حتی خط و زبان یونانی بر ایران غالب بود؛ یا دو قرن اول اسلامی که خلافت اموی و مروانی به طور مستقیم بر ایران حکومت می‌کرد و فرهنگ و زبان بومی ایرانیان، از جامعه‌ی رسمی طرد شده بود.

ج. دوره‌های گذار و بینابین مثل دوره‌ی حکومت طاهریان، آل‌بویه، غزنویان و سلجوقیان که فرهنگ بومی وجود داشت ولی تقریباً به اختیار و انتخاب خود حکومت‌های بومی تحت تاثیر فرهنگ غیربومی ماند.

این‌که از این پس یعنی در هزاره‌ی سوم میلادی، ملت ایران در کدام رده - یعنی کشور مولّد علم و هنر یا مصرف‌کننده و مونتاژ کننده‌ی تولیدات و اکتشافات ملت‌های دیگر - قرار بگیرد، در گرو فکر و اندیشه‌ی نسل حاضر و نسل‌های بعدی است. آن‌چه مسلّم است با شعار تنها یا با تفاخر به گذشته ی با عظمت نیاکان، نمی‌توان مشکلات کشور را حل کرد و با جهانیان تعامل داشت. مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

از منظر استقلال سیاسی نیز تاریخ ایران را به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد:

الف. دوران‌هایی که ایران از نظر سیاست داخلی و خارجی مستقل بوده است، مانند دوران هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و صفویان.

ب. دوران‌هایی که ایران از نظر سیاست داخلی و خارجی مستقل نبوده است و تحت اطاعت و تحکّم دولت‌های بیگانه می‌زیسته است، مانند دورانی که در پی حمله‌ی اسکندر، سلوکیان بر ایران مسلط شدند، یا دورانی که پس از حمله‌ی اعراب، امویان، مروانیان و عباسیان بر ایران حکومت می‌کردند.

ج. دوران‌های بینابین، مثل دوره‌ی غزنویان و سلجوقیان که حکومت‌ها از جهت داخلی مستقل بودند ولی از جهت سیاسی خارجی، به فرمان خلیفگان عباسی کار می‌کردند.

د. دوران‌های گذار مانند زمان قاجار که مخصوصاً پس از شکست ایران از روسیه، ایران عملاً تحت فشار دو قدرت استعماری روس و انگلیس از خود استقلالی نداشت ولی استقلال آن برای این‌که یکی از رقبای استعماری از دیگری جلو نیفتد، حفظ می‌شد؛ هم‌چنان که پس از سقوط رضاشاه و اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ایران عملاً از خود اختیاری نداشت ولی برای آن‌که مبادا شوروی ایران را ببلعد، استقلال ایران را محفوظ نگاه داشتند. با این همه شوروی به کمک بعضی فریب‌خوردگان ایرانی پس از پایان جنگ جهانی دوم ارتش خود را از ایران بیرون نبرد و در مقام تجزیه‌ی ایران یعنی آذربایجان و کردستان برآمد. اما سیاست‌های جهانی توأم با فداکاری‌های ملی و تدبیراندیشی رجال وطن‌دوست، آن نقشه‌ها را نقش بر آب کرد.

۴- تاریخ دو هزار و پانصد ساله ی ایران

تاریخ ایران را به دو بخش مهم پیش از اسلام و پس از اسلام، تقسیم کرده‌اند.

۴-۱- تاریخ پیش از اسلام

ادوار تاریخی پیش از اسلام را بر حسب سلسله‌های پادشاهی به ادوار مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان بخش‌بندی می‌کنند.

۱- نام فرمانروایان مادی و رخدادهای عصر ماد، تنها از طریق بیگانگان به ما آشکار شده است. در روایت‌های شفاهی و کتبی ایرانی، نامی از مادها نیست. سنگ‌نبشته‌های پادشاهان آشور ما را از وجود مادها آگاه می‌کنند و تواریخ یونان از دیاکو (سرسلسله‌ی دولت ماد) به‌عنوان داور مرضی‌الطرفین و در نهایت پادشاه منتخب قبائل مادی سخن می‌گویند. شاید دیاکوی تاریخی همان هوشنگ یا کیومرث اساطیری باشد.

۲- دوران هخامنشی بر اثر سنگ‌نوشته‌های ایرانی جنبه‌ی تاریخی مستند دارند. پنج ستون کتیبه‌ی بیستون - با ترجمه اکدی و ایلامی - از سرزمین‌های تحت فرمانروایی داریوش و یاران داریوش و واقعه بردیای دروغین سخن می‌گویند. کتیبه‌ی سویز از واقعه‌ی تسخیر مصر و کندن ترعه‌یی که نیل را به دریای سرخ وصل می‌کند، به ما اطلاع می‌دهد؛ هم‌چنان که کتیبه‌ی خشایارشا اطلاعاتی راجع به تخریب نیایشگاه‌های مخالفان او که در حقیقت مراکز قدرت نظامی و اقتصادی دشمن بوده‌اند، در اختیارمان می‌نهد.

۳- داستان فتوحات اسکندر و حکومت سلوکیان (جانشینان سلوکوس، وفات ۳۸۱ ق.م.) در منابع مختلف ضبط است. هرچند در ایران اسکندر، شخصیتی پیامبرگونه پیدا می‌کند.

گاه‌شماری تاریخی ایران باستان را از آغاز تا حمله‌ی اسکندر چنین می‌توان ارائه داد.

۷۵۰۰۰ ق.م.	پیدایش نشانه‌های زندگی انسان کنونی در نجد ایران
۲۵۰۰ ق.م.	شروع مهاجرت آریاییان به ایران
۷۰۸ ق.م.	تاسیس دولت ماد در هگمتانه
۷۰۰ ق.م.	تاسیس دولت هخامنشی در پارس
۵۵۹ ق.م.	اتحاد ماد و پارس
۵۴۰ ق.م.	فتح بابل توسط کورش و صدور اولین منشور حقوق بشر
۴۸۴ ق.م.	وفات داریوش و جانشینی خشایارشا
۳۳۵ ق.م.	حمله‌ی اسکندر به ایران و سقوط دولت هخامنشی
۳۳۵ ق.م.	پایداری آریوبرزن سردار داریوش سوم در برابر اسکندر در دربند فارس

۳۳۵ ق.م. ازدواج اسکندر با برسین (دختر داریوش سوم) و پروشات (کوچک‌ترین دختر اردشیر سوم) پس از بازگشت از هند

۴- ناشناخته‌ترین ادوار تاریخ ایران باستان، عصر اشکانیان / پارتیان است. حکیم ابوالقاسم فردوسی در **شاهنامه** که شناسنامه‌ی تاریخی و سند هویت ملی ما ایرانیان است و سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی دارد، می‌گوید که از اشکانیان در «نامه‌ی خسروان» یعنی در «خداینامه»ها = تاریخ سیاسی ایران باستان، جز نامی نشنیده است:

چو کوتاه شد شاخ و هم بیخ‌شان
نگوید جهاندیده تاریخ‌شان
از ایشان به جز نام نشنیده‌ام
نه در نامه‌ی خسروان دیده‌ام

دولت اشکانیان با استقلال یکی از ساتراپ‌های پارتی‌تبار (= اشک اول) از سلوکیان آغاز شد. منابع تاریخ پانصد ساله‌ی اشکانیان شامل منابع یونان و لاتین، کتیبه‌ها، سنگ نوشته‌ها، مهرها و سکه‌های ایرانی و متون تاریخی پیش از اسلام است.

در حدود ۲۶۱-۲۴۶ پیش از میلاد یکی از ساتراپ‌های پارتی‌تبار که بعدها «اشک (ارشک) اول» خوانده شد، در برابر جانشینان سلوکوس (وفات ۳۸۱ پیش از میلاد) که بر ایران و بین‌النهرین (میان رودان) سلطنت می‌کردند، سر برداشت و در منطقه‌ی شمال گرگان کنونی دولت ایرانی مستقلی تشکیل داد. بعد از او نیز برادرش که «تیرداد» (تیریدادت) خوانده می‌شد، تا سال مرگش در ۲۱۱ پیش از میلاد، در گرگان و نواحی مجاور دریای مازندران به استقلال از سلوکیان که به سختی از پایتخت انطاکیه می‌توانستند به این سرزمین‌های دور لشکرکشی کنند، حکومت کرد.

سابقه‌ی قدرت یافتن تیرداد، چنین بود که سلوکوس دوم (۲۴۷-۲۲۶ق.م.) با برادرش در سوریه اختلاف پیدا کرده بود و در نتیجه حاکم یونانی منطقه‌ی پارتیان که آندرا گوراس نام داشت، توانایی‌اش کم شد. در این وضع تیرداد علیه حاکم محلی دست به تحرکاتی زد و بر او غالب شد. سلوکوس دوم هم ناچار، تیرداد را به رسمیت شناخت.

برای درک تاریخ پانصد ساله‌ی اشکانیان منابع موجود بسیار مزجات است. این منابع محدود را می‌توان به چند نوع تقسیم کرد که پژوهشگران آینده هیچ یک از آن‌ها را نباید از نظر دور بدارند:

الف. منابع محدود یونانی و لاتین
ب. متون متعلق به ایران باستان مثل اوستا و تلمود
پ. متون تاریخی متعلق به قرون اول اسلامی مانند مسعودی، طبری
ت. میراث‌های تاریخی و یادمانی یعنی تپه‌های باستانی و بقایای ساختمانی و معماری
ث. کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، سفال‌ها و فرش‌ها
ج. سکه‌ها، مهره‌ها، نگین‌ها و جواهرات
چ. تحقیقات خاورشناسان مانند ادوارد براون، کریستنسن، گریشمن، هرتسفلد، مالکوم کالج، کافمن آلمانی، استانلی انگلیسی و دیگران.

از اولین ایرانیانی که به نگارش تاریخ اشکانیان موفق شد، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه (وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه قاجار) است که کتاب خود را با عنوان **درر التیجان فی تاریخ بنی‌اشکان** چاپ کرد. این کتاب در ۱۳۷۱ به همت دکتر نعمت احمدی استاد دانشگاه و وکیل مبرز دادگستری تجدید چاپ شده است.

در سال‌های اخیر، در همان راستا، کتاب تازه‌یی با عنوان **تاریخ آستوئن اشکانی** به قلم استاد احمد شاهد (شاعر و پژوهشگر سبزواری الاصل مقیم اسفراین) از طرف انتشارات آستوئین به سال ۱۳۸۷ منتشر شده است که از نقطه نظر شناساندن ممالک تابعه‌ی اشکانیان به طور عام و تعیین دقیق قلمرو اشکانیان در منطقه‌ی آستوئین یعنی اسفراین کنونی، کتابی سودمند و خوشایند است.

اشکانیان که خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند، می‌خواستند قلمرو خود را به حدود هخامنشیان توسعه دهند، ولی به آن موفق نشدند. با این همه دولت ایشان از بین‌النهرین تا بلخ توسعه داشت. ساتراپی‌های عصر اشکانی به دو قسمت علیا و سفلی تقسیم می‌شد. ساتراپی‌های علیا عبارت بودند از: پارت (خراسان)، کومیسنه یا کومیشان (قومس)، هیرکانی (گرگان) مرو، هرات، زرنگ، آرا خوزیا، آستوئین یا آستاوانه (شامل شهرهای اسفراین، بجنورد، شروان و قوچان.) اما ساتراپی‌های سفلی عبارت بودند از سرزمین ماد شامل ماد بزرگ و ماد کوچک.

گاه‌شماری عصر اشکانی را چنین می‌توان ارائه داد:

۲۳۸ ق.م. قیام تیرداد اشکانی علیه آندرا - گوراس حاکم یونانی
۲۱۱ ق.م. تصرف قلمرو ماد توسط اردوان اول اشکانی
۱۶۲ ق.م. مهرداد اول قلمرو اشکانی را توسعه داد و در جبهه‌ی غرب، پایداری دمتریوس

	(۱۶۲-۱۵۰ق.م.) پادشاه سلوکی را درهم شکست.
۱۴۱ ق.م.	تصرف انطاکیه (پایتخت سلوکیان) توسط مهرداد اول
۱۲۸ ق.م.	کشته‌شدن فرهاد دوم (پسر و جانشین مهرداد اول) به‌دست سکاها
۹۱ ق.م.	تسخیر بابل توسط مهرداد دوم
۵۷ ق.م.	کشته شدن فرهاد سوم به‌دست پسرانش
۵۵ ق.م.	شکست کراسوس سردار رومی از ارتش ایران
۶۳ ق.م.	معاهده‌ی صلح کوربولو (سردار نرون امپراتور رم) با بلاش اول پادشاه اشکانی
۱۶۵ م.	شکست بلاش سوم از کاسیوس (سردار روم باستان) و عقب‌نشینی ارتش اشکانی تا زاگرس
۲۳۸ م	وفات اردوان سوم آخرین پادشاه اشکانی

دولت اشکانی، از نظر حقوق اساسی، به خلاف نظام یگانه‌سالاری عصر هخامنشی، ساختاری ملوک‌الطوایفی داشت. در رأس هرم قدرت، شاه و در طبقه‌ی زیر ساتراپ (= شهرب)ها یا والیان ایالت‌های بزرگ قرار داشتند. یک نوع قانون اساسی عرفی، قدرت مطلقه‌ی شاه را محدود می‌کرد و مخصوصاً در تصمیمات مهم شاه را ناگزیر می‌کرد که با مجلس شورای خانواده‌ی سلطنتی (متشکل از اعضای ذکور خاندان سلطنت که به سنّ بلوغ رسیده باشند) و مجلس شیوخ (متشکل از کاهنان و روحانیون بلندمرتبه قوم پارت) به رایزنی بپردازند. حائز اهمیت است که انتصاب اعضای مجلس شورای خانواده‌ی سلطنتی، به میل شاه نبود و بنابر سنت اشکانی شاهزادگان ذکور همین که به حدّ رشد می‌رسیدند، در این مجلس عضویت می‌یافتند. در بعضی تصمیم‌گیری‌های مهم هم، شورایی متشکل از هر دو مجلس شورای سلطنتی و مجلس شیوخ تشکیل می‌شد که به آن «مهستان» یا «مغستان» می‌گفتند و شاید «جرگه» که در افغانستان امروز هنوز نشانی از آن هست، بقیه السیف همان نهاد «مهستان» باشد.

تقسیمات و ساختار اداری ایران در عصر اشکانیان در اغلب موارد همان بود که در عصر سلوکیان (جانشینان اسکندر مقدونی) وجود داشت.

تقسیمات دولتی شامل دو قسمت بود: اول، تشکیلات خود دولت پارت و دوم، ممالک تابع دولت پارت. در داخل دولت پارت، ساتراپ‌نشین‌ها (ایالات بزرگ) به واحدهای کوچک‌تر (ولایات) که «اپارخیا» خوانده می‌شد، تقسیم می‌شد.

اشکانیان به اقتضای نظام سیاسی غیرمتمرکز خود در امر گردآوری مالیات تساهل بیشتری قائل بودند و اگرچه مالیات‌های عهد سلوکیان کمابیش همچنان وصول می‌شد، بخش عمده‌ی درآمد دولت اشکانی بر اثر رواج بازرگانی به عنوان حق ترانزیت و مالیات گمرکی تحصیل می‌شد. این‌گونه مالیات‌ها مخصوصاً از عصر مهرداد دوم که با چین رابطه بازرگانی برقرار کرد و طاقه‌های ابریشمی به عنوان کالایی سبک وزن و گران‌بها از طریق جاده‌ی ابریشم که از شمال ایران می‌گذشت، از چین به امپراتوری روم صادر می‌شد، فزونی گرفت. این عایدات پادشاهان اشکانی به حدّی فراوان بود که تاسیستوس، پارت‌ها را در مال و ثروت با رومیان همدوش و برابر معرفی کرده است.

در عصر اشکانیان، جمعیت ایران به دو گروه آزادگان و بردگان تقسیم می‌شد و آزادگان به دو طبقه تقسیم می‌شدند:

دسته‌ی اول شهروندان درجه یک که از حقوق کامل شهروندی (از جمله مالکیت اموال غیرمنقول) برخوردار بودند.

دسته‌ی دوم شهروندان درجه دو (مانند بردگان آزادشده، یا کسانی که بر اثر ارتکاب جرم از جامعه طرد شده بودند) که از حقوق مدنی برخوردار نبودند.

خانواده یا دوگ (به معنی دوده یا اجاق خانواده) واحد اصلی جامعه بود و خانواده، پدرسالار، پدرتبار، چند زن گزین و گسترده بود. پیرمردان خانواده از قدرت و آمریت قانونی کامل برخوردار بودند. زنان و فرزندان هم‌چون صغیری که نیاز به قیّم داشت، تابع و زیردست بودند. زن در عصر اشکانیان از حقوق خیلی کم‌تری برخوردار بوده است و زنان در امور اجتماعی دخالتی نداشته‌اند. زنان اشکانی نه تنها به پوشیدن چادر مجبور و از حضور در ملا عام ممنوع بودند، بلکه حتی حق هم‌سفره شدن با همسران خود را نیز نداشتند. دخالت دولت در حوزه‌ی خصوصی خانوادگی به هیچ‌وجه معمول نبوده است، به حدی که هرگونه جنایتی که در بین اعضای خانواده پیش می‌آید (مثل قتل زن به دست شوهر، یا قتل دختر بی‌شوهر به دست پدر و یا قتل خواهر بی‌شوهر به دست برادر) به دادگاه عمومی رجوع نمی‌شده است. زیرا زن بی‌شوهر، متعلق به خانواده پدری محسوب می‌شده است و پس از شوهرکردن متعلق به خانواده‌ی شوهر بوده و لذا اگر زن شوهردار به دست پدر یا برادر خود کشته می‌شد، موضوع قابل تعقیب بود.

به‌رغم همه‌ی این محدودیت‌ها، حکومت اشکانیان از جهت نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قضایی از ادوار درخشان تاریخ ایران باستان است بویژه که:

اولاً، از جهت نظام سیاسی به نوعی در توزیع قدرت، رعایت اعتدال می‌شده است و سلطنت موروثی جنبه‌ی حکومت استبدادی مطلقه نداشته است.

ثانیاً، از جهت دینی و عقیدتی هم آزادمنشی دینی و کثرت‌گرایی مورد قبول بوده است.

۵-ساسانیان، تاریخ‌شان بر اثر مبارزه‌ی مستقیم با رومی‌ها در حدّ قابل ملاحظه‌یی مدون است. شاخصه‌ی دولت ساسانیان، اتحاد دین و دولت است. در این دوره، کیش زرتشتی دین رسمی دولت اعلام شد و موبدان زرتشتی تأثیری چشمگیر در همه‌ی شوون کشور داشتند. شاهنشاهی ساسانیان، پس از این‌که در داخل تضعیف شده بود، در مقابل حمله‌ی اعراب مسلمان شکست خورد و از هم فروپاشید.

گاه شماری عصر ساسانی را چنین می توان ارائه داد:

۲۲۶ م تأسیس دولت ساسانی توسط اردشیر بابکان
۴۲۰ م وفات یزدگرد اول و تاجگذاری بهرام گور
۶۲۸ م کشته شدن خسروپرویز به دست پسرش شیرویه
۶۳۱ م به تخت نشستن پوران‌دخت و آذرمی‌دخت که هر کدام فقط چند ماه سلطنت کردند.
۶۳۷ م حمله‌ی اعراب به ایران
۶۵۲ م کشته شدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی به دست آسیابانی در مرو.

۴-۲-تاریخ پس از اسلام

تاریخ ایران پس از اسلام را نیز می‌توان به ده دوره تقسیم کرد:

۱- صدر اسلام یا دوران خلافت خلفای راشدین
۲- حاکمیت اعراب یا خلافت امویان و عباسیان
۳- حکومت استکفا یا دوره‌ی طاهریان
۴- حکومت‌های ایرانی: صفاریان، سامانیان، آل‌زیار، آل‌بویه
۵- حکومت‌های ترک‌تبار، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان
۶- حکومت مغول و تاتار: ایلخانیان و تیموریان
۷- حکومت صفویان
۸- حکومت نادرشاه، زندیه و قاجار
۹- عصر مشروطیت از صدور فرمان مشروطه تا سقوط رژیم پهلوی
۱۰- تأسیس نظام جمهوری اسلامی از ۱۳۵۷ تا امروز

گاه‌شماری تاریخی ایران پس از اسلام را با تکیه بر عناصر اسلامی آن به شرح زیر می‌توان رصد کرد:

۱ ق هجرت پیامبر از مکه به مدینه
۱۴ ق شکست ایران از اعراب در جنگ قادسیه
۴۰ ق قتل امام علی
۵۰ ق وفات امام حسن مجتبی
۶۱ ق شهادت امام حسین به دست یزید
۹۴ ق وفات امام سجاد
۱۱۳ ق وفات امام باقر
۱۳۲ ق قیام ابومسلم خراسانی که منجر به سقوط امویان و برآمدن عباسیان شد.
۱۳۶ ق پایان خلافت عبدالله سفاح و آغاز خلافت منصور دوانیقی
۱۴۸ ق وفات امام صادق
۱۵۸ ق به خلافت رسیدن مهدی (فرزند منصور دوانیقی)
۱۶۹ ق به خلافت رسیدن هادی (فرزند مهدی)
۱۷۰ ق به خلافت رسیدن هارون‌الرشید (فرزند مهدی)
۱۸۳ ق وفات امام موسی کاظم
۱۹۳ ق به خلافت رسیدن محمد امین (فرزند هارون)
۲۰۰ ق طاهرذوالیمینین به حکومت خراسان به رسم استکفا منصوب شد.
۲۰۲ ق وفات امام رضا
۲۱۸ ق به خلافت رسیدن معتصم (فرزند هارون)
۲۲۰ ق وفات امام جواد
۲۲۷ ق به خلافت رسیدن واثق (فرزند معتصم)
۲۳۲ ق به خلافت رسیدن متوکل (فرزند معتصم)
۲۴۷ ق به خلافت رسیدن منتصر (فرزند متوکل)
۲۴۸ ق به خلافت رسیدن مستعین (فرزند محمد بن معتصم)
۲۵۲ ق به خلافت رسیدن المعتز (فرزند متوکل)
۲۵۳ ق برآمدن یعقوب لیث صفاری
۲۵۴ ق وفات امام هادی
۲۵۵ ق به خلافت رسیدن مهتدی (فرزند واثق)
۲۵۶ ق به خلافت رسیدن معتمد (فرزند متوکل)
۲۶۰ ق وفات امام حسن عسکری و آغاز امامت امام غائب
۲۷۹ ق به خلافت رسیدن معتضد (فرزند موفق بن متوکل)
۲۸۷ ق تاسیس دولت سامانیان
۲۸۹ ق به خلافت رسیدن مکتفی (فرزند معتضد)

۲۹۵ ق به خلافت رسیدن مقتدر (فرزند معتضد)
۳۲۰ ق به خلافت رسیدن قاهر (فرزند معتضد)
۳۲۲ ق به خلافت رسیدن راضی (فرزند مقتدر)
۳۲۹ ق به خلافت رسیدن مقتدی (فرزند مقتدر)
۳۳۳ ق به خلافت رسیدن مستکفی (فرزند مکتفی)
۳۳۴ ق به خلافت رسیدن المطیع لله (فرزند مقتدر)
۳۶۳ ق به خلافت رسیدن الطایع لله (فرزند المطیع لله)
۳۶۶ ق تاسیس دولت غزنویان
۳۸۱ ق به خلافت رسیدن القادر (فرزند اسحاق بن مقتدر)
۴۲۲ ق به خلافت رسیدن القائم (فرزند قادر)
۴۳۱ ق تاسیس دولت سلجوقی با ورود طغرل به نیشابور
۴۶۷ ق به خلافت رسیدن المقتدی (فرزند قائم)
۴۸۷ ق به خلافت رسیدن المستظهر باللّه (فرزند مقتدی)
۵۱۲ ق به خلافت رسیدن المسترشد بالله (فرزند مستظهر)
۵۲۱ ق تاسیس دولت خوارزمشاهیان
۵۲۹ ق به خلافت رسیدن الراشد (فرزند مسترشد)
۵۳۰ ق به خلافت رسیدن المقتضی لامراللّه (فرزند مستظهر)
۵۵۵ ق به خلافت رسیدن المستنجد باللّه (فرزند مقتضی)
۵۵۶ ق به خلافت رسیدن المستضییء باللّه (فرزند مقتضی)
۵۷۵ ق به خلافت رسیدن الناصر لدین‌اللّه (فرزند مستضییء)
۶۱۹ ق حمله‌ی مغول به ایران
۶۲۲ ق به خلافت رسیدن الظاهر بامرللّه (فرزند ناصر)
۶۲۳ ق به خلافت رسیدن المستنصر باللّه (فرزند ظاهر)
۶۴۰ ق به خلافت رسیدن المستعصم باللّه (فرزند مستنصر)
۶۵۶ ق قتل مستعصم (آخرین خلیفه‌ی عباسی) به‌دست هلاکوخان مغول
۷۸۴ ق حمله‌ی تیمور به ایران
۹۰۷ ق برآمدن شاه‌اسماعیل صفوی و تاجگذاری او در تبریز و اعلام تشیع به عنوان مذهبی رسمی
۱۱۳۵ ق حمله‌ی افاغنه و سقوط اصفهان
۱۱۴۵ ق تاجگذاری نادرشاه افشار و قبول تشیع به عنوان مذهب خامس
۱۱۹۳ ق مرگ کریم‌خان زند
۱۲۱۰ ق تاجگذاری آقامحمدخان قاجار
۱۲۵۰ ق مرگ فتحعلی‌شاه قاجار
۱۲۷۳ ق فتح هرات توسط حسام‌السلطنه
۱۳۱۳ ق قتل ناصرالدین‌شاه قاجار به‌دست میرزا رضا کرمانی
۱۳۲۴ ق صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه
۱۴۰۰ ق تأسیس جمهوری اسلامی ایران

۵-تاریخ نگاری عمومی در ایران

تاریخ عمومی جهان در ایران، از پیدایش بشر شروع می‌شود و در این باب، دو روایت اساطیری (= خلقت مشی و مشیانه در فرهنگ ایران باستان) و دینی (= داستان خلقت آدم و حوا برابر ادیان ابراهیمی) در متون ایرانی گزارش شده است.

الف. برابر متون اساطیری، هر یک از اقوام کهن از مردم آمریکای لاتین گرفته تا ایرانیان داستان‌های مرموزی برای خاستگاه انسان و چه‌گونگی آفرینش بشر نقل می‌کنند. اسطوره‌ی خلقت مشی و مشیانه در ایران باستان هم یکی از این افسانه‌هاست. سلسله‌های پیشدادیان و کیانیان ایران باستان نیز بیش‌تر از مقوله‌ی اساطیر است تا تاریخ مستند.

ب. برابر متون مقدس ادیان ابراهیمی، خداوند، آدم و حوا را خلق کرد و آن‌ها را بعد از نافرمانی به زمین نزول داد.

کتاب‌های تاریخ پس از اسلام، چه عربی و چه فارسی، تاریخ عمومی جهان را اغلب از زمان خلقت آدم آغاز می‌کند. بسیاری از تواریخ عمومی تألیف ایرانیان، پس از گزارش خلقت حضرت آدم و حوا و ذکر احوال انبیای بنی‌اسراییل، به گزارش سلسله‌های پادشاهان اساطیری ایران از کیومرث به بعد و سپس به دوره‌ی ساسانیان و آن‌گاه بعثت پیامبر و تاریخ خلفا می‌پرداختند. نمونه‌ی برتر این‌گونه کتاب‌ها، **البدء و التاریخ** تألیف مظهر بن طاهر مقدسی است. از مهم‌ترین منابع تاریخ عمومی، تاریخ طبری. یعنی **تاریخ الرسل و الملوک** است. این کتاب در ۳۵۲ ق به دست ابوعلی بلعمی به فارسی تلخیص شده است. دیگر تاریخ‌های عمومی عبارتند از: **زین‌الاخبار گردیزی**، **مجمل التواریخ و القصص** که مولف آن ناشناس است، **طبقات ناصری** تألیف مناج سراج، **جامع التواریخ** خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر همدانی، **تاریخ گزیده** حمداللّه مستوفی، **زبدة التواریخ** کاشانی، **فردوس التواریخ** ابرقویی، **منتخب التواریخ** نطنزی، **مجمل التواریخ فصیح** خوافی، **روضة الصفا** میرخواند، **حبیب السیر** خواند میر و سرانجام **ناسخ التواریخ** میرزا محمدتقی‌خان لسان‌الملک سپهر.

۶- تاریخ نگاری محلی در ایران

تاریخ‌نگاری محلی، در کنار تواریخ دودمانی، طبقاتی و موضوعی، جزیی از تاریخ عمومی و ملی است. ناگفته نماند که تواریخ ایران اعم از عمومی و محلی و دودمانی، تا قرن پنجم به

زبان عربی که «زبان رسمی علمی و ادبی» کشور بود، تحریر می‌یافت اما از اواخر قرن پنجم به بعد به زبان فارسی تألیف شد. برای مثال،

الف. اصل **تاریخ قم** تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی به عربی بوده است و بعدها کسی به نام حسن بن علی قمی آن را در دو سه قرن بعد به فارسی ترجمه کرده است.

ب. اصل **تاریخ بخارا** تألیف ابوبکر نرشخی به عربی بوده است و بعدها کسی به نام ابونصر احمد بن محمد قباوی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

پ. اصل **تاریخ نیشابور** تألیف ابوعبدالله حاکم نیشابوری به عربی بوده است و بعدها دیگری به نام محمد بن حسین خلیفه آن را به فارسی ترجمه کرده است.

کتاب‌های تاریخ محلی دیگری هم هستند که «عنوان» آنها تاریخ شهر خاصی نیست (مثل «ذکر اخبار اصفهان» یا «فضائل بلخ» و امثال آن‌ها) ولی موضوع آنها همان تاریخ محلی‌ست. ما برای پرهیز از اطناب، در اینجا فقط به ذکر بیست عنوان مشهورترین و مهم‌ترین تواریخ محلی که عناوین آنها هم گویای موضوع آنهاست، اکتفا می‌کنیم. این تواریخ که همگی به چاپ رسیده‌اند و در دسترس‌اند به سلسله مراتب تاریخی، عبارتند از:

۱- **تاریخ بخارا** تألیف ابوبکر جعفر نرشخی (۲۸۶-۳۴۸ ق) (که دو قرن و نیم بعد ابونصر احمد بن محمد قباوی به سال ۵۲۲ ق) آن را به فارسی ترجمه کرده و تنها تلخیص آن متن پارسی به دست محمد بن زفر عمر در ۵۷۴ ق باقی مانده است و این متن خلاصه شده، با مقدمه و تعلیقات محمدتقی مدرس رضوی منتشر شده است.

۲- **تاریخ قم** تألیف حسن بن محمد قمی ساخته‌ی ۳۷۸ق به عربی (ترجمه‌ی حسن بن علی قمی در ۸۰۵-۸۰۶ ق) که توسط سید جلال‌الدین تهرانی چاپ شده است.

۳- **تاریخ نیشابور** تألیف ابوعبدالله حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ ق (ترجمه‌ی محمد بن حسین خلیفه نیشابوری) که با مقدمه و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی چاپ شده است.

۴- **تاریخ اصفهان** تألیف ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ق) که عنوان عربی آن «ذکر اخبار اصفهان» است. این کتاب در ۱۹۳۴ در لیدن به کوشش ددرینگ در دو جلد چاپ شده است.

۵- **تاریخ سیستان** از مؤلفی ناشناخته که بعدها مؤلفان دیگر بر آن چیزها افزوده و کاسته‌اند. یک بخش آن در ۴۶۵ ق توسط شمس‌الدین محمد موالی و بخش نهایی آن در ۷۲۵ ق توسط محمود بن یوسف اصفهانی تألیف شده است. این کتاب، توسط ملک‌الشعرای بهار تصحیح و چاپ شده است.

۶- **تاریخ بیهق** تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی (وفات ۵۶۵ ق) که به کوشش و با تعلیقات احمد بهمنیار و همراه مقدمه‌یی از علامه محمد قزوینی به چاپ رسیده است.

۷- **تاریخ طبرستان** تألیف ابن اسفندیار کاتب آملی متعلق به اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم هجری که به همت عباس اقبال آشتیانی منتشر شده است.

۸- **تاریخ بغداد** تألیف خطیب بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ق)

۹- **تاریخ هرات** تألیف سیف بن محمد بن یعقوب سیفی هروی (۶۸۱-۷۲۱ ق)

۱۰- **تاریخ رویان** تألیف اولیاءالله آملی که به همت منوچهر ستوده چاپ شده است.

۱۱- **تاریخ طبرستان و مازندران** تألیف ظهیرالدین مرعشی (۸۱۵-۸۹۴ ق) که دکتر منوچهر ستوده آن را چاپ کرده است.

۱۲- **تاریخ یزد** تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب که به کوشش ایرج افشار چاپ شده است.

۱۳- **تاریخ گیلان** (ساخته‌ی ۱۰۳۸) تألیف عبدالفتاح فومنی

۱۴- **تاریخ کرمان** تألیف احمدعلی وزیری که به کوشش دکتر ابراهیم باستانی پاریزی (استادی که خود او در زمینه‌ی تاریخی محلی کرمان نظیر ندارد)، به چاپ رسیده است.

۱۵- **تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر**، تألیف میرزا شمس بخارایی، متعلق به قرن سیزدهم هجری که در سلسله‌ی انتشارات میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

۱۶- **تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان**، تألیف احمد کسروی (۱۲۶۹-۱۳۲۴)

۱۷- **تاریخ لرستان**، تألیف محمدرضا والی زاده معجزی

۱۸- **تاریخ سبزوار**، تألیف سیدعلینقی امین (۱۲۹۷-۱۳۷۹ش) که موضوع آن تاریخ هزار و چهارصد ساله‌ی اخیر در منطقه‌ی شمال شرقی ایران و به طور خاص تاریخ سیاسی و شرح حال مشاهیر برخاسته از شهر تاریخی بیهق قدیم و سبزوار کنونی است.

۱۹- **تاریخ تبرستان**، تألیف اردشیر برزگر

۲۰- **تاریخ ابهر**، تألیف آقاجان فخیمی

تاریخ‌های محلی اغلب به سائقه‌ی دوست داشتن زادگاه مؤلفان و برای اثبات افتخارات زادبوم ایشان و تحکیم هویت

قومی نوشته شده است. اگرچه از منظر حقوق بشر جهانی، تاریخ و جغرافیا و انتسابات قومی و محلی به هیچ روی موجب تفاخر یا تبعیض نمی‌شود، هر ملتی مالک هویت خویش و هر جامعه و قومی مالک حقیقی تاریخ خویش است. بنابراین، هر انسان بافرهنگی حق دارد تاریخچه‌ی زندگی خود و خویشان و اطرافیان خود را چنان‌که می‌داند و می‌شناسد، باز گوید و باز نویسد. در عین حال، امروز اهمیت تواریخ محلی برای ما به دلایل تفاخر قومی یا تاکید بر عامل جغرافیایی به عنوان ارزش اجتماعی نیست بلکه به این دلیل است که نویسندگان تواریخ محلی با آگاهی بیشتر و دقیق‌تر، به ضبط مطالب جزیی‌تر در تاریخ اجتماعی و فرهنگی بخش‌هایی از ایران بزرگ پرداخته‌اند.

۷- زندگی‌نامه‌ی علمی مترجم

در خاتمه‌ی این مقدمه، واجب دانستم که شرح حال مترجم این دانشنامه‌ی ارزشمند را نیز برای ثبت در تاریخ به مقدمه‌ی خود اضافه کنم.

جناب آقای دکتر محمود زنجانی، متولد ۱۱ تیرماه ۱۳۱۳ خیابان خانی‌آباد تهران، دوره‌ی ابتدایی را در دبستان شریعت در خیابان مولوی و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان مروی در خیابان ناصرخسرو تهران با موفقیت گذراندند و بعد از آن وارد دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران شدند و در سال ۱۳۴۰ از آن دانشکده فارغ‌التحصیل شدند. ایشان از جهت حرفه‌ی پزشکی، پزشک کودکان‌اند و از این رهگذر به خدمات فراوانی به جامعه موفق شده‌اند. امّا آن‌چه نام ایشان را در تاریخ معاصر ماندگار کرده است، تألیف‌های ایشان است که عبارتند از:

۱-فرهنگ جامع **شاهنامه** در ۹۵۰ صفحه

۲-تاریخ تمدن ایران باستان در ۱۴۰ صفحه از پیش از تاریخ تا حمله تازیان

۳-ترجمه کتاب دانشنامه تاریخ جهان (در سه مجلد)

۴-این پزشک فرهیخته آثار دیگری نیز در دست تألیف و ترجمه دارند که به زودی منتشر خواهد شد.

۸- سخن پایانی

به حقیقت ما در سازمان انتشاراتی دایرة‌المعارف ایران‌شناسی احساس لذت و موفقیت بی‌شائبه‌یی داریم که از عهده‌ی یک چنین خدمت فرهنگی ارزشمندی در قالب نشر دانشنامه‌ی تاریخ جهان برآمده‌ایم؛ دانشنامه‌یی در تاریخ جهان که اثری ترکیبی، تلفیقی و توصیفی است و شامل مهم ترین حوادثی است که در سراسر جامعه‌ی جهانی در طول تاریخ اتفاق افتاده است. انتشار چنین کتابی هم چون اشباه و نظایر آن که در مقدمه‌ی خود بر جلد اول این دانشنامه ذکر کرده‌ایم، مایه‌ی توسعه ی فکری و علمی خواهد شد. لذا بیش و پیش از همه باید از همت و زحمت همکار فرهیخته، مؤلف و مترجم دانشور جناب آقای دکتر محمود زنجانی که یک تنه ترجمه‌ی این دایرةالمعارف را از انگلیسی به فارسی به سامان رسانده‌اند، سخن بگویم و کوشش و تلاش و پشتکار ایشان را ستایش و قدرشناسی کنم. ما خوشحالیم که رونمایی جلد اول این دانشنامه در تالار اجتماعات دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران در بهار ۱۳۸۸ با استقبال پرشور اهالی فرهنگ و ادب روبه‌رو شد. اطمینان داریم نشر مجلّدات دوم و سوم این دانشنامه نیز با استقبالی مشابه روبه‌رو خواهد شد.

در خاتمه از تمام همکارانی که در طول هفت ساله‌ی اخیر در به ثمر رساندن این مجموعه با این جانب همکاری کرده‌اند، بویژه آقایان و خانم‌ها: آرش اسدزاده، بهرنگ امان، احسان امراللهی، سید امیرمهدی امین، مهندس حجت حیدری، سارا حیدری، اعظم دانشجو، منوچهر رئیسی، سعیده رحیمی، مهندس رضا ملک‌زاده، محمدمهدی نایب‌الصدری و هوشنگ وزیری فراهانی تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

سیدحسن امین
تهران - دایرة المعارف ایران‌شناسی
فروردین ۱۳۸۹

دانشنامه‌ی تاریخ جهان

(جلد دوم)

از ۱۵۰۲ میلادی برابر ۹۰۷ هجری قمری

تا ۱۸۰۱ میلادی برابر ۱۲۱۵ هجری قمری

فرانسه، ۱۵۳۹
با انتشار کتاب ویلر کوترت (Villers Cotterets)، به رکود صنعت چاپ در شهرهای پاریس و لیون خاتمه داده شد.
ایتالیا، ۲۷ ژوئیه ۱۵۴۰
آنژلا دو مدیچی (Angela de Medici) که انجمن علمی اورسولین (Ursuline) را برای آموزش دختران جوان بنا نهاده بود، در برسیا (Brescia) بدرود حیات گفت.
مکزیک، فوریه ۱۵۴۰
فرانسیسکو واسکوئز دو کورونادو (Francisco Vasquez de Coronado)، منطقه‌ی اسپانیای جدید را ترک کرد و در رأس ۴۰۰ نفر اسپانیولی و یک هزار نفر سرخ‌پوست به سوی جنوب و به عزم یافتن هفت شهر زرین در سیبولا عازم آن دیار گردید.
هندوستان، ۱۷ مه ۱۵۴۰
شیرخان، فرمانده نیروهای افغانی، همایون‌شاه مغول را در ناحیهٔ کانوژ (Kanauj) شکست داد. همایون سپاهیان خود را برای غلبه بر شیرخان به شمال هند اعزام کرد، لیکن مغلوب شدند و شیرخان خود را شیرخان سوری و پادشاه شمال هند اعلام کرد.
امریکای شمالی، هفتم ژوئیه ۱۵۴۰
فرانسیسکو واسکوئز دوکورونادو در ناحیه‌ی جنوب غربی امریکای شمالی سرخ‌پوستان را مغلوب ساخت و عقیده داشت که این شهر یکی از شهرهای زرین سیبولا می‌باشد.
انگلیس، نهم ژوئیه ۱۵۴۰
هنری هشتم، چهارمین همسر خود به‌نام آن کلیوس (Anne of Cleves) را که توماس کرامول برگزیده بود، شش ماه پس از عروسی طلاق داد.
انگلیس، ۲۸ ژوئیه ۱۵۴۰
هنری هشتم با کاترین هوارد (Catherine Howard) ازدواج کرد.
لندن، ۲۳ ژوئیه ۱۵۴۰
با بی‌اعتباری و دگرگونی اخلاق و رفتار و بروز دشمنی در بین درباریان، به دستور هنری، کرامول را در تاور هیل (Tower Hill) به هلاکت رسانیدند.
مجارستان، ژوئیه ۱۵۴۰
یان زاپولیایی (John Zapolyai) که در نوامبر سال ۱۵۲۶ خود را پادشاه مجارستان خوانده بود، درگذشت و یان سیگموند (John Sigmund) پسرش جانشین وی گشت.
ایتالیا، ۲۸ اوت ۱۵۴۰
فرانچسکو ماتزولا (Francesco Mazzola)، نقاش ایتالیایی که به پارمیانو (Parmigiano) معروف و موطن اصلی وی شهر پارما (Parma) بود، در سن ۳۷ سالگی بدرود حیات گفت، در حالی‌که هنوز مشغول ترسیم تصویر مادونا (Madonna) با گردنی دراز بود، وی این تصویر را در سال ۱۵۳۴ شروع کرده بود.
پاریس، ۳۰ اوت ۱۵۴۰
گیلیوم باد (Guillaume Bude)، دانشمند انسان‌دوست، درگذشت. وی به چندین زبان از جمله زبان یونانی احاطه‌ی کامل داشت و در ضمن علوم ریاضی، طبیعی و الهیات را تدریس می‌کرد. او مؤسسه‌یی تأسیس کرد که دانش‌پژوهان در آن‌جا سه زبان اروپایی را می‌آموختند و هم‌چنین کتابخانه‌ی فونتن‌بلو (Fontainebleau) را بنیان نهاد.
امریکای شمالی، ۱۵۴۰
هرناندو دو آلورادو (Hernando de Alvarado) تا منطقه‌ی ریوگرانده (Rio Grande) (رودخانه‌ی بزرگ) در جنوب‌غربی امریکای شمالی به پیش رفت و به کلبه‌های روستایی تائو (Taos) دست یافت.
امریکای شمالی، اوت ۱۵۴۰
هرناندو دوسوتو به معبدی در منطقه‌ی کوسا (Coosa) (آلاباما) رسید که در آن‌جا سرخ‌پوستان قاره‌ی آمریکا با فرهنگ و آداب مسیحیت آشنا می‌شدند.
میلان، یازدهم اکتبر ۱۵۴۰
شارل پنجم امپراتور، فیلیپ پسر خود را به فرمانداری میلان منصوب کرد.
فلاندر، ۱۵۴۰
پس از فروپاشی شورش در سال گذشته، شارل پنجم دستور داد سران قیام شهر گنت را در حالی‌که زنجیر بر گردن دارند، به حضور وی برسند و استدعای عفو و بخشش کنند، معهذا تعداد بیست نفر از آنها اعدام شدند.

یکی از کاشفان برزیل می‌گوید در این سرزمین انسان‌های آدم‌خوار را مشاهده کرده است. (اسپانیا، ۱۵۰۲):

آمریگو وسپوکی *(Amerigo Vespucci)* یکی از مکتشفان، از سفر خود به دنیای جدید (ینگی‌دنیا) مراجعت کرد. وسپوکی (وسپوس) با ناوگان خود در سال ۱۴۹۹، سفر کریستف کلمب را پی گرفت و تا سواحل جنوبی سرزمین برزیل پیش رفت و اوّلین فرد اروپایی بود که به منطقه ریولاپلاتا *(Rio la Plata)* رسید. آمریگو وسپوس می‌نویسد که این‌جا بهشت واقعی است، سرزمینی بسیار حاصل‌خیز با میوه‌ها و سبزیجات فراوان و گله‌هایی از حیوانات گوناگون و پرندگان بومی، منطقه‌یی که بهشت را برای انسان تداعی می‌کند. با این وصف مردمان بومی این منطقه خوی وحشی‌گری و جنگ‌طلبی دارند و گوشت دشمنان خود را می‌خورند، در حالی‌که به افراد خودی به دیده‌ی احترام می‌نگرند.

با این وجود آن‌ها نه قانون اجتماعی دارند و نه مذهبی که به آن ایمان داشته باشند. او باز هم می‌نویسد: آنان هیچ‌گونه حق مالکیت خصوصی برای خود ندارند و از مال و ثروت شخصی برخوردار نیستند. آن‌ها حکومت و پادشاهی ندارند و به هیچ کس هم مدیون نیستند. مردم اینجا حق قضاوت ندارند، چون قانونی برای اداره کردن جامعه وجود ندارد. خوی و منش آن‌ها با خشونت و بی‌رحمی توأم است. مردان بومی لب پائین خود را سوراخ کرده و استخوان تیزی از آن گذرانده‌اند که چهره‌ی آن‌ها را بسیار وحشتناک کرده. در زد و خورد و جدال، بسیار بی‌رحم و دد منش هستند و دشمنان خود را با شقاوت قطعه‌قطعه می‌کنند و جسد مرده را دفن نمی‌کنند و همین‌طور بر زمین می‌ماند، آن‌ها گوشت دشمنان خود را می‌خورند و بردگان زنده را قربانی می‌کنند و جسد قربانی نصیب آدم‌خواران می‌گردد.

میکل آنجلو *(Michelangelo)* (میکلانژ) تندیس داود را از سنگ تراشید. (فلورانس، هشتم سپتامبر ۱۵۰۴):

پیکره‌ی عظیمی از داود به بلندی چهار متر به‌صورت لخت و عریان، در حالی‌که فلاخنی بر دوش

دارد، به سبک نوین، توسط میکل آنجلو بوناروتی *(Buonarotti)* تراشیده شد. این مجسّمه را که قرار بود در پیاتزادلا سینیورا *(Piazza della Signoria)* و در ارتفاع ۶۰ متری نصب شود، در قالبی چوبین قرار دادند و به وسیله‌ی الوار و طناب‌هایی که به آن بستند بالا بردند و مدّتی در وضعیت خطرناک آویزان بود و هر لحظه امکان داشت که سقوط کرده و منهدم شود.

برای این مجسّمه، قطعه سنگ مرمری به طول شش متر لازم بود و میکلانژ توصیه کرد آن را نزدیک محلّ نصب یعنی کلیسای سنت پیتر در شهر واتیکان رم بگذارند تا خود میکل آنجلو در محلّ کاتدرال (کلیسای بزرگ) آن را به‌صورت پیکره‌ی داود درآورد.

این سنگ را در سال ۱۴۶۴ در این محلّ گذارده بودند و تاکنون کاری روی آن صورت نگرفته بود، چون شکافی در آن وجود داشت و به‌نظر غیرقابل استفاده می‌رسید. در ضمن، تندیس‌نگار نمی‌دانست که مدل داود چگونه باید باشد و بدن او چه شکل داشته و خلاصه مدلی برای این کار نداشت و تا این زمان شخصی را به‌عنوان مدل انتخاب نکرده بود تا شبیه آن پیکره را تهیه کند.

در این مورد هیچ‌کس مقصّر نبود، چون از نظر تشریحی و فرم بدن، کسی را پیدا نمی‌کردند که مدل قرار گیرد. وی بالاخره توانست با پرداخت چهار هزار کرون *(Crowns)*، فردی را پیدا کند. بدین ترتیب یک نفر به‌عنوان مدل برگزیده شد و پیکره‌ی داود ساخته شد، این مجسّمه از نظر زیبایی بی‌نظیر است و شهرت جهانی دارد.

یک ساعت قابل حمل با به کار بردن فنر ساخته شد. (نورمبرگ *(Nuremberg)*، ۱۵۰۲):

پیتر هن‌لاین *(Peter Henlein)*، قفل‌ساز آلمانی، توانست ساعتی بسازد که با دست قابل حمل باشد. این ساعت را که ده سانتی‌متر طول و ۷/۵ سانتی‌متر قطر دارد، می‌توان در جیب جا داد و اختراعی جدید است که با کمک پیچ‌ها و فنرها تنظیم شده است.

فنر از سیمی ساخته شده که روی‌هم تا شده و در حقیقت انرژی ذخیره دارد که این انرژی با کار کردن ساعت به تدریج آزاد می‌شود و پیچ‌ها را به حرکت درمی‌آورد و پس از مدّتی باید به وسیله‌ی پیچ دادن این فنر یا سیم روی‌هم را دوباره جمع کرد که انرژی در آن انبار شود. به تدریج که فنر باز می‌شود، عقربه‌ی ساعت را حرکت می‌دهد و این انرژی ذخیره شده، آزاد شده و فنر هم باز می‌شود، با پیچاندن دوباره فنر روی هم جمع شده و انرژی در آن ذخیره می‌شود.

پیچ‌هایی که باعث حرکت عقربه‌ی ساعت می‌شود به شکل کنگره‌های تاج می‌باشد و فواصل کنگره‌ها به دقّت تنظیم شده و مساوی یکدیگر است. فنر اصلی که هن لاین آن را در ساعت به کار برده، مسئول گرداندن چند پیچ مسطح است و دندانه‌های این پیچ‌ها طوری تنظیم شده که هر یک دیگری را به حرکت وامی‌دارد و این حرکت به دندانه پیچ متّصل به عقربه منتقل شده و آن را از چپ به راست می‌راند.

با مرگ پاپ، معشوقه‌ی او به هرزگی و فحشا افتاد. (رم، ۱۸ اوت ۱۵۰۳):

با خبرهایی که امروز از شهر رم رسید، مردم از مردن پاپ آلکساندر ششم، غرق در سرور و شادی شدند. مردم از رودریگو بورژیا *(Rodrigo Borgia)* که به نام الکساندر ششم در مقام پاپ قرار داشت، متنفر بودند، چون وی اسپانیولی و آدمی هرزه و فاسق بود. از سوی دیگر، پاپ آدمی بسیار با انرژی و فعّال بود. وی پلیس رم را تقویت کرده و آن‌ها را در شهر رم و حومه‌ی آن به کار گمارد و تمام خزاین دستگاه روحانیت را صرف تبلیغ در راه مسیحیت و گرویدن پیروان سایر ادیان به این دین می‌کرد. او هم‌چنین مبالغ هنگفتی پول را برای کمک به پسرش سزار سرزمین رومانیا اختصاص داد که وی مبلّغ پاپ و دستگاه روحانیت رم باشد و دستگاهی شبیه رم در آنجا برپا سازد، به‌طوری که اشراف و نجبای ایتالیا از کارهای وی به خشم آمدند. پاپ‌های پیش از آلکساندر، همواره در تجرّد زندگی می‌کردند، لیکن او چندین معشوقه داشت و به همین جهت هم شهرت داشت که وی یکی از بزرگ‌ترین عشاق است.

او در اتاق خواب خود، تصویری از زیباترین معشوقه‌ی خود داشت که او را در لباسی شبیه مریم باکره نشان می‌داد و آن را روی در اتاق خواب نصب کرده بود.

اقیانوس هند، ۱۵۴۰
آندریامانلو (Andriamanelo)، نخستین فرد سلسله‌ی پادشاهی مارینای جزیره‌ی ماداگاسکار (Madagascar)، به سلطنت رسید.
آسیای جنوبی، ۱۵۴۰
دولت پرتغال با دولت کوچین‌چینا (Cochinchina) (ویتنام (Vietnam)) روابط بازرگانی برقرار کرد.
آلمان، ۱۵۴۰
گراردوس مرکاتور (Gerardus Mercator)، بزرگ‌ترین نقاش جغرافیایی، نقشه‌ی جهان را با ملحوظ‌کردن وضع دنیای جدید بر طبق کشفیات کریستف کلمب (Ghristopher Columbus) منتشر کرد، در حالی‌که بعداً دنیای جدید را به اسم آمریگو وسپوس (Amerigo Vespucci)، امریکا نامیده شد و معلوم شد که نقشه‌ی قدیمی اشتباهاتی دارد.
فرانسه، ۱۷ اکتبر ۱۵۴۰
فرانسیس، پادشاه فرانسه، به ژاک کارتیه، کاشف کانادا، دستور داده که هرچه بیش‌تر کاوش کند که از کانادا مسیر جدیدی به چین بیابد.
امریکای شمالی، ۱۹ اکتبر ۱۵۴۰
هرناندو دوسوتو، کاشف اسپانیولی، در منطقه‌ی آلاباما (Alabama) با شورش هندی‌ها روبه‌رو شد که در نتیجه‌ی آن ۱۸ نفر از همراهانش کشته و ۱۷۰ نفر مجروح شدند، دستور داد به تلافی آن ۲۸۰۰ نفر از هندی‌ها را بکشند.
فرانسه، ۱٤ نوامبر ۱۵٤۰
روسو فلورنتینو (Rosso Florentino) (جووانی باتیستا دی ژاکوپو (Giovanni Batista di Jacopo)) نقاش مشهور، در شهر پاریس درگذشت. در سال ۱۵۳۲ پادشاه فرانسه از وی دعوت کرد که نظارت ساختمان و تزیینات کاخ ییلاقی وی را در فونتن‌بلو برعهده گیرد، او هم تا هنگام مرگ به این امر مشغول بود.
امریکای شمالی، ۱۵٤۰
کشیشان همراه نیروهای هرناندو دوسوتو در تماس با هندیان= سرخ‌پوستان غربی اولین‌بار مراسم غسل تعمید و دیگر آیین‌های مسیحیت را به آنان آموختند.
امریکای شمالی، دسامبر ۱۵٤۰
لوپزدوکاردناس (Lopez de Cardenas) یکی از افسران همراه گروه کاشفان اسپانیولی فرانسیسکو واسکوئز دو کورونادو (Francisco Vasquez de Coronado)، ناحیه‌ی گراند کانیون (Grand Canyon) را کشف کرد.
امریکای جنوبی، ۱۲ فوریه ۱۵٤۱
پدرو دو والدیویا (Pedro de Valdivia)، افسر گروه فرانسیسکو پیزارو، شهری به‌نام سانتیاگو (Santiago) در شیلی بنیان نهاد.
امریکای شمالی، مارس ۱۵٤۱
اسپانیولی‌ها با محاصره‌ی منطقه‌ی سرخ‌پوست‌نشین تیگو (Tiguex)، شورش آن‌ها را فرونشاندند.
امریکای شمالی، هشتم مه ۱۵٤۱
دسوتو (De Soto) به رود عظیمی به‌نام ریو دو اسپیریتو سانتو (Rio de Spiritu Santo) (می‌سی‌سی‌پی (Mississippi)) دست یافت.
پرو، ۲٦ ژوئن ۱۵٤۱
فرانسیسکو پیزارو در شهر لیما به‌قتل رسید. دیه‌گو ال مونزو (Diego el Monzo)، فرزند آلماگرو (Almagro) که در سه سال پیش خود را فرماندار این منطقه اعلام داشته بود، به‌وسیله‌ی محافظان پیزارو کشته شد.
امریکای شمالی، ۲۳ اوت ۱۵٤۱
ژاک کارتیه (Jacques Cartier) در ساحل نزدیک کبک (Quebec) در کانادا لنگر انداخت و نیروهای همراه او منطقه‌ی مسکونی دایمی در آن‌جا ایجاد کردند.
اتریش، ۲٤ سپتامبر ۱۵٤۱
تئوفراستوس پاراسلسوس(Theophrastus Paracelsus)، دکتر و شیمیست سویسی که به شهر سالزبورگ (Salsburg) تبعید شده بود، درگذشت.
امریکای شمالی، ۱۵٤۱
هرناندو دوسوتو که مدت دو سال تمام با هیأت اعزامی در منطقه‌ی می‌سی‌سی‌پی سپری کرده بود، همه‌ی ساحل غربی این رودخانه را کشف کرد.

پاپ خود اعتراف کرده بود که وی یکی از سه فرزند نامشروع پدرش بوده و به این وسیله شهرت بدی پیدا کرده بود. هم‌چنین دخترش لوکرزیا (*Lucrezia*) در حالی‌که کمتر از هجده سال داشت، در عین حال دو شوهر داشت. به‌هر حال، شایعاتی درباره‌ی مسائل جنسی وی ورد زبان همه بود که در تمام عمرش به کارهای زشت و شنیع دست زده بود، در نتیجه برای سزار-جوان‌ترین پسر وی- آینده بدی پیش‌بینی می‌شود.

سزار، جوانی بلندقامت است به‌طوری که از همسالان خود خیلی بلند قدتر است، با شانه‌هایی پهن و چشمانی آبی رنگ براق و درخشان، او می‌تواند با یک حرکت خنجر، سر گاو نر را از بدن جدا کند. با این وصف، بی‌رحمی را از پدرش به ارث برده. او دشمن خود را در قلعه‌یی محصور کرده و وی را کشت، هم‌چنین برادرش و یکی از شوهر خواهرهای خود را به قتل رسانید.

پرتغالی‌ها پادشاه را به علّت عدم رعایت احترام، تبعید کردند. (کیلوا، آفریقای شرقی، ۲۴ ژوئیه ۱۵۰۵):

پرتغالی‌ها، ابراهیم پادشاه کیلوا (Kilwa)، یکی از شهرهای واقع در شرق آفریقا را به علّت رعایت نکردن احترام نسبت به آن‌ها به تبعید اجباری و اعمال شاقه محکوم کردند. یک ناظر آلمانی که همراه ناوگان پرتغالی به این منطقه سفر کرده بود، گزارش می‌دهد که این کافر و بت پرست می‌باید اعدام شود. پرتغالی‌ها کاخ محلّ اقامت وی را تخریب کردند و تمام طلا و نقره و جواهر و همه‌ی سنگ‌های قیمتی وی را به غنیمت بردند، آن‌ها هم‌چنین لباس‌های زردوزی او را هم دزدیدند. فرانسیسکو دوآلمیدا (Francisco de Almeida)، ناخدای پرتغالی، عدّه‌یی تیرانداز را در سر راه ابراهیم قرار داده، او را دستگیر کرد، این نخستین نبرد پرتغالی‌ها بود که با پیروزی همراه شد.

آن‌ها ابراهیم را مجبور کردند که به آن‌ها خوش‌آمد گفته و از ایشان عذر بخواهد، او را مجبور به ترک قصر خود کرده و در حفره‌یی که شبیه لانه‌ی گربه بود، چپاندند. مردم این جریان را به فال بد تعبیر کردند که آینده‌ی تاریکی در انتظارشان است. آلمیدا پس از این

حادثه، به شهر مومباسا هجوم برده و آنجا را غارت کرد. مانوئل، پادشاه پرتغال هم دسته‌یی از کشتی‌های خود را به آن صوب اعزام کرد تا با پادشاهان محلی قرارداد تجارتی بربندد و سفارش شده بود که این قراردادها را به نفع دولت پرتغال تنظیم کنند و هرچه می‌توانند به آن‌ها تحمیل کرده و باج و خراج از آن‌ها بستانند. به تازگی ایتالیایی‌ها و آلمانی‌ها هم به‌عنوان شرکای جدید تجاری تمام ایالات مسلمان نشین شرق آفریقا را احاطه کرده‌اند. ناظر آلمانی که از وی در بالا نام برده شد، می‌گوید، مانوئل شاه پرتغال دستور داده که استحکاماتی در این منطقه بسازند.

مسکو عصر طلایی را متوقّف ساخت. (مسکو، ۱۵۰۳):

مسکو استقلال خود را مدیون اقدامات ایوان سوّم می‌داند، چون او از پرداخت خراج به نوادگان چنگیز مغول خودداری کرد.

در یک قرن گذشته، شکافی در اردوی زرّین پیش آمد و قدرت خانات مغول رو به ضعف گذاشت، لیکن احمد، فرمانروای اصلی اردوی زرّین، اخیراً درخواست خراج را از سال ۱۴۸۰ از حکومت مسکو پیش کشید.

ایوان هم متقابلاً با پیمانی که با خان کریمه منعقد کرده بود با همیاری سپاهیان کریمه، بر احمد تاخت و جنگ شدیدی درگرفت. در سال ۱۴۷۲، احمد با لشگریان خود به سوی مسکو پیش راند و ایوان بدون حمایت متّحد خود لیتوانی، آن‌ها را شکست داد و احمد منهزم گشته، بازگشت. لیکن در سال ۱۴۸۰، پس از چهار سال گفتگو و کشمکش، جنگ خاتمه یافت. پس از آن، ایواک *(Ivak)* فرماندار سیبری غربی، به چادر محلّ اقامت احمد حمله کرده، وی را کشت. مسکو در حال حاضر، در صدد توسعه‌ی قلمرو خود می‌باشد.

مخترع آلمانی کره جغرافیا، درگذشت. (پرتغال، ۲۹ ژوئیه ۱۵۰۶):

بزرگ‌ترین تهیه کننده‌ی نقشه‌ی جغرافیا، مارتین بهایم *(Martin Behaim)* آلمانی، که به نخستین تهیه کننده‌ی کره جغرافیا شهرت داشت، در سنّ ۴۷ سالگی در شهر لیسبون دار فانی را وداع کرد. او در یک خانواده‌ی بازرگان متولّد شد و بیشتر زمان جوانی خود را در سرزمین پرتغال و آزور *(Azores)* سپری کرد. وی همواره ارتباط و همکاری خود را با گروههای اکتشافی پرتغالی حفظ کرده بود و مدعی بود که در سال ۱۴۸۵ به همراهی گروه اکتشافی دیه‌گوکائو *(Diego Cao)*، به مناطق آفریقایی سفر کرده، لیکن توسط دزدان دریایی انگلیسی دستگیر و مدّت چند سال را هم در زندان گذرانید، آن‌ها سپس به او اجازه دادند که به پرتغال برگردد. در سال ۱۴۹۲، هنگام بازدید از شهر نورمبرگ *(Nuremberg)* آلمان، توانست کره‌ی مشهور خود را بسازد. او در روی پارشمن *(Parchment)* (پوست‌های نازک شده که جهت نوشتن به کار می‌رفت) قاره‌ها را به رنگ‌های مختلف و زیبا کشید و حتا بخشی از آن‌ها را از نقشه‌های قدیمی استنساخ (کپی‌برداری) کرد و نقشه‌ی کاملی از جهان تهیه کرد. با تکمیل و پایان این نقشه، طرحی اجمالی از کره‌ی زمین تهیه شد که برای محققان این علم بسیار مفید خواهد بود.

دورر، نقّاش آلمانی، پس از تمرین هنر نقّاشی در ونیز، در هنگام مراجعت، تصویر آدم و حوا را کشید. (نورمبرگ، آلمان، ۱۵۰۷):

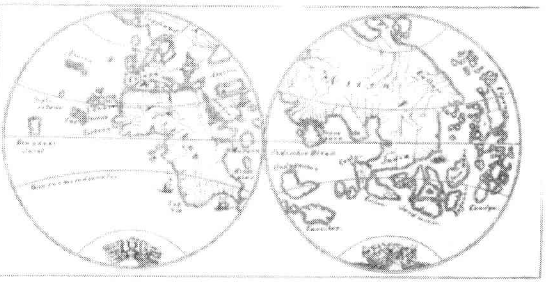
آلبرشت دورر *(Albrecht Durer)*، نقّاش برجسته‌نگار و قلمزن آلمانی، در خانواده طلاکار مجارستانی و در شهر نورمبرگ زاده شد. وی ابتدا شغل خانوادگی خود را دنبال کرد و سپس به مدّت دو سال به شهر ونیز رفت. او با وجودی که به منبت کاری روی چوب و قلمزنی در روی مس، نزد مردم شهرت داشت و کارهایی هم‌چون آپوکالیپس *(Apocalypse)* را انجام داده بود، معهذا کار خود را به نقّاشی با رنگ روغن به سبک ایتالیایی تغییر داد.

او هنگام اقامت در ونیز تابلویی به نام ضیافت در باغ رُز را به تصویر کشید و سپس برای مهارت در نقّاشی نزد استاد کهن‌سال و قابل تحسین به نام جووانی بلینی *(Giovanni Bellini)* رفت.

اکنون وی به موطن خود آلمان بازگشته و سعی می‌کند که در کار نقّاشی چهره‌ی انسان‌ها، مهارت خود را نشان دهد و در این راه موشکافی کند، در نتیجه اقدام به کشیدن تصویر آدم و حوا به اندازه‌ی طبیعی و



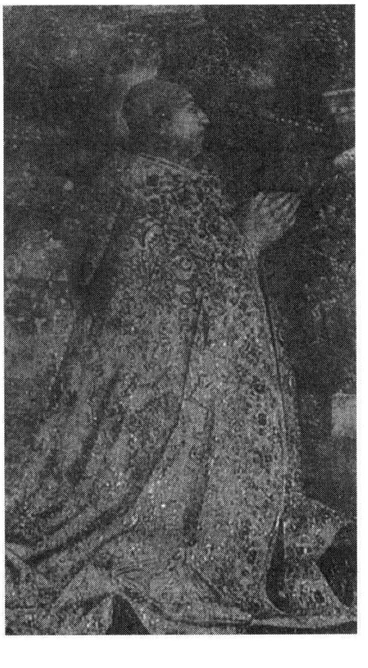
تندیس شیر در محل ورودی کلیسای سن مارک St Mark که توسط کارپاکوCarpaccio نصب شده و موجب افتخار شهروندان ونیزی است.



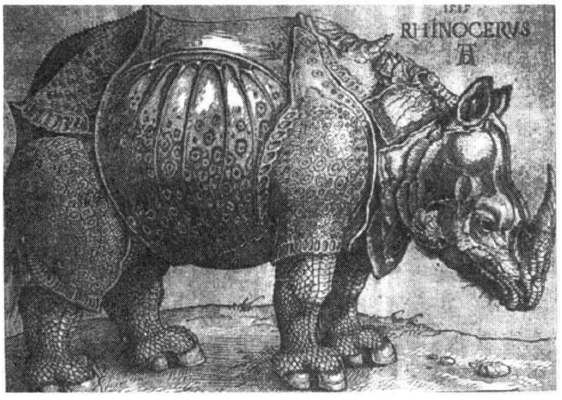
ی دو نیمکره ی زمین، پس از آن که کروی بودن آن به وسیله‌ی مارتین بهایم Martin Behaim در سال ۱۴۹۲ به اثبات رسید.



گوبلن رنگی با نقوشی از انسان های وحشی و حیوانات عجیب که در سده های شانزدهم و هفدهم توسط مردان یا زنان هنرمند سویسی بافته شده.



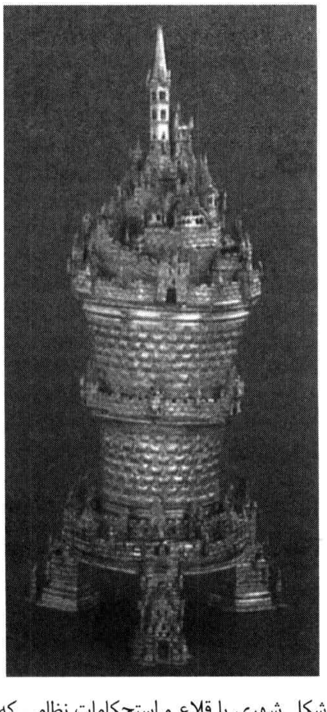
آلکساندر ششم، کار پینتوریکو Pintoricchio نقاش.



کرگدن بر روی چوب که به وسیله ی دورر در دو قطعه ی چوبی منبت کاری شده.



پرتره‌ی جوانی دورر Durer نقاش آلمانی، ترسیم خود او.



گلدانی به شکل شهری با قلاع و استحکامات نظامی که از طلای میناکاری شده تهیه گردیده (آلمان، سال های ۱۵۰۰)

در حالت لخت و برهنه، همان‌طور که بودند، کرد و آن را به انجام رسانید. اتمام این کار، کاملاً مصادف با جشن قلمزنی این زوج (آدم و حوا) بر روی مس بود. قدرت دورر در نقّاشی، با مطالعات وی درباره‌ی ریاضی توأم بود، چون نقاشان آلمانی علم ریاضی را در نقّاشی رعایت نمی‌کردند، در نتیجه، تصاویر اغلب با طبیعت وفق نمی‌داد، در حالی‌که اندازه و بُعد تصویر، یکی از رموز زیبایی تابلو به حساب می‌آید و دورر معروفیت خود را مرهون در نظر گرفتن دقیق اندازه‌ها در نقّاشی است. در حال حاضر، مردم درباره‌ی رنسانس و تجدید و احیای هنر نقّاشی در شمال اروپا بحث می‌کنند که شاید یکی از پایه‌گذاران آن در اروپا شخص دورر است.

ونیز، تجارت دریای مدیترانه را به خود اختصاص می‌دهد. (ونیز، ۱۵۰۷):

بیش از یک هزار سال است که شهر جزیره‌ی ونیز، یکی از مهم‌ترین مراکز تجارت دریای مدیترانه محسوب می‌شود. آن‌ها نه تنها با دریانوردی و کشتی‌های خود برای ونیز کسب ثروت می‌کنند، بلکه کار دریانوردی آن‌ها با امنیت و سلامت همراه است و این موضوع حس آز و طمع رقیبان را برانگیخته است.

بازرگانان ونیزی بر تمام راههای دریایی تجاری تسلّط دارند و این مرهون موقعیت آن‌هاست که بین آسیا و اروپای غربی قرار گرفته‌اند.

آن‌ها در کار بانکداری، بیمه، حسابداری و حسابرسی در اروپا بی‌رقیب هستند و به این امر افتخار می‌کنند، و به همین دلیل سرآمد و ارباب تجارت اروپا و منطقه‌ی آسیا به‌شمار می‌روند.

در حالی‌که کشور پرتغال کاشف دنیای تازه می‌باشد، لیکن از نظر بازرگانی در خفا از تجارب بازرگانی ونیز بهره گرفته‌اند و این تجارب را در امر بازرگانی با شرق به کار می‌برند و به تدریج بازارهای جدید را به دست می‌آورند.

آنان انحصار فروش ادویه‌ی شرق را از دست ونیز خارج کرده و نیز محصول نقره‌ی آمریکا را کاملاً در اختیار دارند و اخیراً با کشف مسیر جدید تجاری از راه دماغه امیدنیک، راه مبادلات آن‌ها را سد کرده‌اند، چون کرایه و هزینه‌ی بار از این راه به مراتب کمتر تمام می‌شود، آن‌ها دیگر نمی‌توانند به تجارت ادویه ادامه دهند، لیکن در هر حال هنوز هم داد و ستد محصولات زینتی و نفیس آسیایی منحصر به ونیز می‌باشد.

پادشاه مسلمان هند، ناوگان استعمارگران پرتغالی را در دریا غرق کرد. (بمبئی، ۱۵۰۸):

ناوگان پرتغالی با کمال تعجب در شائول *(Chaul)* واقع در کرانه‌های غربی هند توسط اهالی بومی گجرات *(Gujarat)* و مصری‌های مقیم آن منطقه، غرق شد.

در این نبرد دریایی، دُم لورنکو *(Dom Lourenco)*، پسر نایب‌السلطنه پرتغال هم به هلاکت رسید.

این فتح و پیروزی در اثر مساعی محمود بقره *(Begara)* پادشاه سالخورده‌ی گجرات حاصل شد. او نوه‌ی احمدشاه، بنیانگذار ایالت گجرات می‌باشد که مدّت پنجاه سال فرمانروای کشور بود و مرزهای آن را به دورترین نقاط گسترش داد.

او آدمی قد بلند، جنگجو و دارای ریش بلندی است که تا روی سینه‌اش می‌رسد، و همان‌طور که در میدان جنگ رزم‌آوراست در پشت میز مذاکره هم بی‌رقیب می‌باشد.

او فردی بود سخت پای‌بند به دین اسلام، لیکن پیروان سایر ادیان را هم آزاد گذاشته بود و هر روز برای این‌که نسبت به سم مقاومت داشته باشد، مقدار بسیار ناچیزی از گیاه تاتوره را مصرف می‌کرد.

وی اکنون دیگر عقیم شده و گفته می‌شود، مگس‌ها اگر بر روی پوست او بنشینند، از بین خواهند رفت. پیروزی او سبب سربلندی مسلمانان در هندوستان و کشورهای خاور نزدیک شد. وی از آن بیم دارد که دین اسلام در اثر توسعه‌طلبی و استعمار اروپائیان به افول گراید.

سفرهای کریستف کلمب پایان یافت. (والادولید *(Valladolid)*، اسپانیا، ۲۱ مه ۱۵۰۶):

کریستف کلمب، کاشف سرزمین‌های جدید، امروز در تنهایی و به وضع ناگواری جان سپرد، در حالی‌که هنوز معتقد بود که سرزمینی را که او کشف کرده و

مراکش، ۱۵٤۱
پرتغالی‌ها به‌سوی شهر اقادیر (Agadir) که تحت حکومت سلسله‌ی سعدیان قرار داشت، حمله کردند.
رم، ۱۵٤۱
ایگناتیوس لویولا (Ignatius Loyola)، فرقه‌ی ژزوئیت (Jesuits) را بنیان نهاد و خود او هم به ریاست این فرقه منصوب شد.
مجارستان، ۱۵٤۱
فردیناند اهل هابسبورگ، پادشاه مجارستان و بوهم، توسط ترکان عثمانی در شهر پست (Pest) شکست خورد، آن‌ها شهر بودا (Buda) را هم تسخیر کردند. اینک مجارستان به یکی از ایالات عثمانی مبدل شده است.
افریقای شرقی، ۱۵٤۱
فرانسیس خاویر (Francis Xavier) یکی از بنیان‌گزاران فرقه‌ی ژزوئیت و دوست لویولا (Loyola)، هیأت‌های مذهبی به موزامبیک (Mozambique)، مالیندی (Malindi) و سوکوترا (Socotra) اعزام کرد.
افریقای شمالی، ۱۵٤۱
شارل پنجم نیروهای نظامی خود را برای تسخیر الجزایر اعزام کرد که توفیق نیافتند.
مجارستان، ۲۹ دسامبر ۱۵٤۱
با انعقاد عهدنامه‌ی گیالو (Gyalu)، بیوه‌ی یان ژاپولیائی (John Zapolyai)، مجارستان را به فردیناند، پادشاه هابسبورگ تسلیم کرد.
انگلیس، ۱۳ فوریه ۱۵٤۲
هنری هشتم دستور قتل همسر پنجم خود را به‌علت شرکت در کمیته‌های ضد اخلاقی و هرزگی در قبل ازدواج صادر کرد.
مکزیک، آوریل ۱۵٤۲
فرانسیسکو واسکوئز دو کوروناذو (Francisco Vasquez de Coronado) که در جست‌وجوی هفت شهر زرین داخل امریکای شمالی و در ناحیه‌ی سیبولا بود، با ناامیدی به مکزیک برگشت و حتی به سرزمین ثروتمند افسانه‌یی کوییویرا (Quivira) هم دست نیافت.
امریکای شمالی، آوریل ۱۵٤۲
ژان فرانسوآ دو روبروال (Jean Francois de Roberval) که به فرمانداری منطقه‌ی کشف‌شده به‌وسیله‌ی ژاک‌کارتیه منصوب شده بود، به فرانسه برگشت.
امریکای شمالی، ۲۱ مه ۱۵٤۲
دسوتو در ساحل رود می‌سی‌سی‌پی بدرود حیات گفت.
رم، ۲۲ مه ۱۵٤۲
پاپ پل سوم، اسقف‌ها و کشیشان را به شرکت در اجلاسیه‌ی شهر سلطنتی ترنت (Trent) فراخواند. منظور وی از این فراخوانی، اصلاح امور کلیساها و روشن‌کردن اصول عقاید دین مسیح می‌باشد.
اروپا، ۱۵٤۲
با اقدام سریعی که شارل پنجم برای فرمانداری پسر خود در میلان صورت داد، بار دیگر خصومت فرانسیس پادشاه فرانسه را برانگیخت. شارل پنجم هم‌چنین پیمانی را با هنری هشتم برعلیه فرانسیس امضا کرد.
آلمان، ۲٦ اوت ۱۵٤۲
با پیمان نورمبرگ، منطقه‌ی دوک‌نشین لورن (Lorraine) استقلال خود را از امپراتوری آلمان اعلام کرد.
آلمان، سپتامبر ۱۵٤۲
پیتر هن‌لاین (Peter Henlein)، هنرمند آلمانی، در شهر نورمبرگ جهان را ترک کرد. او موفق به ساخت فنری در ساعت شد که جایگزین پیچ‌های سنگین‌وزن گردید و بدین‌وسیله توانست ساعت مچی تولید کند.
پرو، سپتامبر ۱۵٤۲
دیه‌گو ال مونزو آلماگرو (Diego el Monzo Almagro)، در نبرد چوپاس (Chupas) با واکا دو کاسترو (Vaca de Castro) مغلوب و کشته شد و این منطقه را به پادشاه اسپانیا تقدیم کرد.
امریکای شمالی، ۲۸ سپتامبر ۱٤٥۲
خوان رودریگوئز کابریلو (Juan Rodriguez Cabrillo) به بندرگاه سان‌دیه‌گو (San Diego) در ساحل اقیانوس آرام دست یافت. وی نخستین فرد اروپایی است که به کالیفرنیا رسیده است.

دیگران آن را دنیای جدید یا ینگی دنیا می‌نامند، هند غربی است.

او میل داشت که یک دهم از ثروت سرزمین‌های کشف شده را فردیناند، پادشاه پرتغال، به او و وارثانش بدهد که این امر تا به حال که چهارده سال از آن جریان گذشته، تحقّق نیافته است.

او یکی از بزرگ‌ترین ناخدایان بود، ولی از نظر استعمار کردن دیگران فردی ضعیف بود. او در سفر اوّل خود، از ساکنان هیسپانیولا *(Hispaniola)* (سانتودومینگو *Santo Domingo*) مبالغی به‌عنوان امانت یا وجه الضمان دریافت کرد. بومیان چند نفر از همراهان وی را کشتند.

در سپتامبر سال ۱۴۹۳ و در جریان دومین سفر خود، او با ۱۷ فروند کشتی و ۱۲۰۰ ملوان از بندر کادیز *(Cadiz)* حرکت و مدّت زمان مسافرتش تنها پنج ماه بود و هنگام برگشت به حضور ایزابلا ملکه اسپانیا رسید. در این سفر وی دچار مشقّات و بلایایی از سوی ساکنان اسپانیایی ساحلی شد.

کارها و کشفیات کریستف کلمب همواره تحت کنترل بود. او به اجبار برای تحصیل آب و غذا با بومیان درگیر نبرد شد، وی در پی غذا، زن و طلا بود و از این نظر رنجیده خاطر گشت، و به دستور وی بومیان قتل‌عام شدند.

بومیان اسپانیایی‌تبار به خاطر این کشتار و اعمال وی، به دربار مادرید آمده و از او شکایت کردند. کلمب در آن موقع در فاصله‌ی ۵۰۰۰ کیلومتری اسپانیا سرگرم جنگ با بومیان بود. در همان موقع، برادرش به نام بارتولومه در ناحیه‌ی سانتودومینگو، یک مستعمره‌ی اسپانیایی تشکیل داد و خود را از طرف پادشاه اسپانیا، امپراتور اعلام کرد.

در حال حاضر، راه و مسیر اسپانیا، بدون وجود کلمب مشخّص شده است. او سومین سفر خود را در سال ۱۴۹۹ به پایان رساند و به اسپانیا بازگشت، در حالی‌که مورد طعنه و شکایت فرانسیسکودو بوبادیلا *(Francisco de Bobadilla)* جانشین فرماندار آن ناحیه قرار گرفته بود. او در دفاع از خود اظهار داشت که برای جلوگیری از شورش و آشوب، هفت نفر را در خیابان حلق‌آویز کرده است.

آخرین مسافرت کلمب، در چهار سال پیش پایان یافت، در حالی‌که ناوگان غیرقابل استفاده‌ی وی در ساحل سانتاگلوریا *(Santa Gloria)* (جامائیکا *Jamaica*) لنگر انداخته و از نادانی و جهل زمامداران در رنج بود. اکنون دیگر حتی ضعیف‌ترین دشمنان او دسترسی به وی ندارند. او توانست به ۶۰ جزیره راه یابد و در ساحل ونزوئلا *(Venezuela)* لنگر بیندازد.

او در سفرهای خود مقدار ناچیزی طلا و برگ تنباکو به دست آورد. ملوانان وی به دنیای ناشناخته‌یی دست یافتند و راه تجارت دریایی را گشودند.

وی توانست جایگاه اسپانیا را در نقشه‌ی جغرافیایی مشخّص کند و نقشه‌ی دنیا را به وسیله‌ی اسپانیا تغییر دهد و مناطق دورافتاده‌ی دنیای جدید را به مردم دنیا بشناساند.

در نقشه‌ی کره آلمانی‌ها، نام سرزمین جدید به آمریکا تغییر یافت. (لورن *(Lorraine)*، ۱۵۰۷):

در نقشه‌ی دنیا که برای نخستین بار انتشار یافت، نقشه‌یی هم از دنیای جدید که بین دو قاره‌ی آسیا و اروپا واقع است، نشان داده شد. در این نقشه، نام قاره‌ی جدید را آمریکا نهادند که اقتباسی است از نام آمریکو وسپوس، کاشف ایتالیایی که ادعا می‌کرد در یک سال قبل از این‌که کریستف کلمب به این قاره دسترسی پیدا کند، در سال ۱۴۹۷، این سرزمین را کشف کرد و ناوگان اکتشافی وی مدّت دو سال در آنجا اقامت کردند. مارتین والدسیمولر *(Martin Waldseemuller)* و ماتیاس رینگمن *(Matthias Ringmann)* که از جریان بی‌خبر بودند، آن را پذیرفتند. در واقع کشف قاره‌ی آمریکا را نمی‌توان تنها به کریستف کلمب منحصر کرد. او شبیه ریشه‌ی درختی بود که تنه و ساقه و برگ تولید کرد و این کار او هم در تمام تاریخ به یادگار باقی خواهد ماند. سفرهای وسپوکی (وسپوس) هم در اسپانیا و پرتغال مشهور است.

وی به یقین، قسمت‌هایی از آمریکای مرکزی و جنوبی را کشف کرده است. او در سفر اوّل خود، با ناوگانی به ناخدایی آلونسودو اوژدا *(Alonso de Ojeda)* همراه بود و شهرهای هندی چندی را کشف کرد و در روی آب شهری را به یادبود شهر ونیز بنا کرد و نام آن را ونزوئلا یعنی ونیز کوچک گزارد.

از حسن اتّفاق، این نقشه در سال مرگ کلمب انتشار یافت، در حالی‌که از کریستف کلمب به‌عنوان کاشف آمریکا نام برده می‌شود و از این نظر اعتبار و حیثیت وی هم‌چنان باقی است و او بود که با استعداد درخشان خود توانست به این کار سترگ دست بزند و نام خود را جاوید سازد.

ساکنان اسپانیولی، بومیان را برده‌ی خود ساختند. (هیسپانیولا، وست اندیز، ۱۵۰۸) :

بخت و اقبال با ساکنان اسپانیایی این منطقه یار شد و آنان با تهدید و ارعاب و فشار توانستند بخش اعظم طلا و اشیای گران‌بهای بومیان منطقه‌ی هیسپانیولا (سانتودومینگو) را به یغما ببرند، در حالی‌که آن‌ها برای تحصیل طلا و ثروت منطقه دست به تلاش بی‌حاصل و پوچ زده بودند و چیزی عایدشان نشده بود. از سویی اسپانیولی‌ها از محصول نیشکر بومیان هم استفاده‌ی شایانی کردند، در حالی‌که اسپانیولی‌ها از بومیان به‌عنوان برده بهره می‌بردند و از آن‌ها برای کشف نقاط جدید استفاده می‌کردند، چون بومیان با موقعیت محلی آشنایی داشتند. در سال ۱۴۹۳، کریستف کلمب در جریان سفر دوّم خود، طرز استفاده از نیشکر را به بومیان آموخت، لیکن او بیشتر در جستجوی طلا بود و در قبال طلا به آنان نان تحویل می‌داد. کلمب از جستجوهای خود برای طلا نتیجه نگرفت و نومید شد. لیکن بومیان را واداشت که خراج خود را با طلا بپردازند، در ضمن در مقابل طلا به آنان دستبندهای مسی می‌داد و به آن‌ها می‌گفت که ارزش این دستبندها از طلا بیشتر است. با این نقشه، مقادیر زیادی طلا نصیب کلمب و اطرافیان او شد، به‌طوری که وی این جزیره را ال‌دورادو *(El-dorado)* یعنی سرزمین طلا نامید. امروزه دیگر طلا در این منطقه پیدا نمی‌شود، امّا کشت نیشکر ترقّی فاحشی کرده و شکر حاصل از آن عایدی خوبی برای اکتشاف کنندگان تولید نموده و برده‌های بومی هم از تفاله آن به‌عنوان سوخت بهره می‌برند.

اسپانیا، ۲۲ نوامبر ۱۵۴۲
قانون جدیدی در حمایت از بومیان امریکایی و جلوگیری از بردگی آن‌ها در بورگوس (Burgos) به‌اجرا گزارده شد.

انگلیس، ۲۴ نوامبر ۱۵۴۲
هنری هشتم در نبرد ناحیه‌ی سولوی‌موس (Solway Moss) با شکست دادن اسکاتلندی‌ها (Scots) به آرزوی دیرینه‌ی خود که الحاق اسکاتلند به انگلیس بود، رسید.

اسکاتلند، ۱۴ دسامبر ۱۵۴۲
جیمز پنجم، پادشاه اسکاتلند، درگذشت و ماری استوارت (Mary Stuart) دختر یک‌ساله‌اش به جانشینی او انتخاب شد و مادر وی ماری گوئیز (Mary Guise) نایب‌السلطنه‌ی او گشت.

سویس، ۱۵۴۲
ژان کالوین (John Calvin) اصلاح‌طلب پیشین پروتستان، با فراهم‌کردن مقدماتی برای به‌وجودآوردن یک حکومت خوب در ژنو اقدام کرد.

وست اندیز ۱۵۴۲
فرانسیس خاویر، تبشیرگر ژزوئیت اسپانیولی، یک گروه انجیلی در بندر گوا (Goa) تشکیل داد.

امریکای شمالی، ژانویه ۱۵۴۳
خوان رودیگوئز کابریلو که پس از اکتشاف کرانه‌ی غربی در پایین‌ترین بخش کالیفرنیا و در ۱۶۰۰ کیلومتری آن به اورگون (Oregon) رسیده بود، جهان را ترک کرد.

آلمان، دهم فوریه ۱۵۴۳
یوهان مایر (Johann Mayer) مشهور به یوهان اک (Johann Eck)، سرآمد دشمنان لوتر، در اینگولشتات (Ingolstad) درگذشت. وی انسان‌دوستی بود که آرزو داشت کلیساهای کاتولیک تجدید حیات کنند و هم‌او بود که پاپ را واداشت که لوتر (Luther) را تکفیر کند. وی در سال ۱۵۳۰ و ۱۵۳۷ این قوانین را در مجلس اوگسبورگ (Augsburg) به‌تصویب رساند و انجیل کاتولیکی را به زبان آلمانی ترجمه کرد.

مکزیک، ۱۴ اوریل ۱۵۴۳
بارتولومه فرلو (Bartoleme Ferrelo) که در ماه ژانویه پس از مرگ کابریلو به فرماندهی ناوگان اسپانیا رسیده بود، پس از کشف بندرگاه عظیم سان‌فرانسیسکو (San Francisco) به مکزیک مراجعت نمود.

انگلیس، یکم ژوئیه ۱۵۴۳
انگلیس و اسکاتلند در گرینویچ (Greenwich) پیمان دوستی منعقد کردند.

انگلیس، ۱۵ ژوئیه ۱۵۴۳
هنری هشتم، ششمین زناشویی خود را با کاترین پار (Catherine Parr) شروع کرد.

لندن، ۲۹ نوامبر ۱۵۴۳
هانس هولباین (Hans Holbein) نقاش آلمانی، که به‌سرعت شهرت یافت، در جوانی و در سن چهل و شش سالگی درگذشت. او از سال ۱۵۳۲ مقیم انگلیس شد و در سال ۱۵۳۶ به‌عنوان نقاش مخصوص هنری هشتم منصوب شد. او تصویر بسیاری از بزرگان انگلیس این زمان را ترسیم کرد.

اسکاتلند، ۱۱ دسامبر ۱۵۴۳
پارلمان اسکاتلند قرارداد گرینویچ را رد کرد.

ژاپن، ۱۵۴۲
یک کشتی پرتغالی در جزیره‌ی تانه‌گاشیما (Tanegashima) خراب شد و سه تفنگ فیتیله‌یی از این کشتی به‌دست ژاپنی‌ها افتاد که تا آن موقع سلاح آتشی ندیده بودند و از زمان حمله‌ی مغولان در سده‌ی سیزدهم در جنگی هم شرکت نداشتند.

فرانسه، ۱۵۴۳
خیرالدین بارباروسا با یک کشتی به ناوگان دریایی فرانسیس پادشاه فرانسه در بندر نیس (Nice) که شهری متعلق به خاندان سلطنتی بود، حمله کرده و با بمباران آن‌جا، شهر را به‌دست غارت داد.

انگلیس، ۱۵۴۳
یک کتاب اسقفی که در سال ۱۵۳۷ مطالبی را درباره‌ی تجدید نظر در اصول مذهب کاتولیک و علیه فرقه‌ی پروتستان به نگارش درآورده بود، در ماه مه سال ۱۵۳۹ به‌وسیله‌ی پارلمان مورد تایید قرار گرفت. پارلمان بخشی از نوشته‌های این کتاب را به‌عنوان کلید مذهب کاتولیک، معتبر شمرد، این موارد شامل پیمان‌نامه‌های کلیساها بود، لیکن سایر موارد را مردود دانست و هم‌چنین مطالب مربوط به الهیات را قابل قبول دانست.

معهذا مردان بومی همواره در تهدید مرگ قرار دارند، به‌طوری که از ۲۵۰ هزار نفر بومیان منطقه، تقریباً ۶۰ هزار نفر از آنان، توسط کاشفان به قتل رسیده‌اند.

هنری هفتم، فاتح سرزمین بوس ورث *(Bosworth)*، درگذشت. (انگلیس، ۲۲ آوریل ۱۵۰۹):

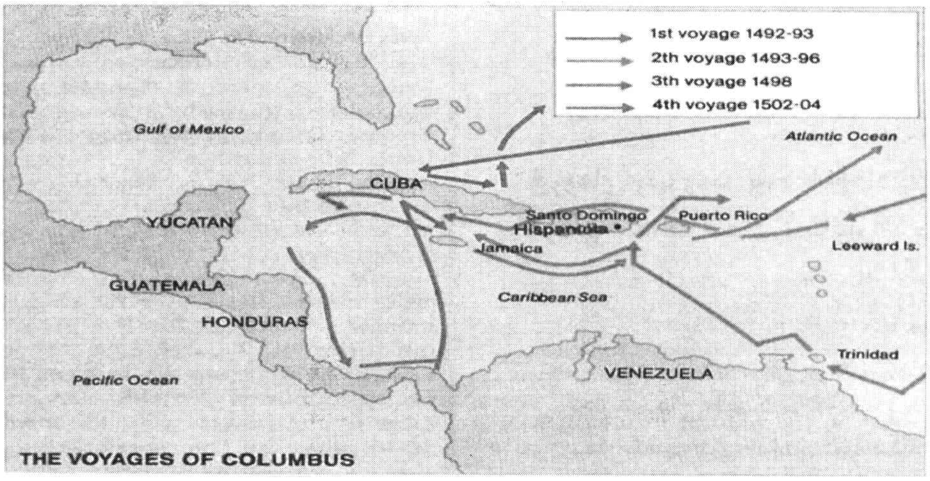
هنری هفتم، آخرین فاتح نبردهای رُز و پادشاه قصر تودور *(Tudor)*، از دنیا رفت. وی پس از غلبه بر ریچارد سوّم در سال ۱۴۸۵ و پیروزی در نبرد بوس وورث، مدّت سی سال با خشونت حکومت کرد و به‌طور متناوب با نبردهای خیابانی و بین شهری روبرو بود و سیاست او هم بر این پایه قرار داشت که به‌هر صورت اقتدار خود را در سراسر قلمروش حفظ کند و معتقد بود که این امر تنها در سایه‌ی خشونت میسّر خواهد بود.

هنری با این سیاست با مخاطرات چندی هم روبرو شد، از جمله خطرناک‌ترین واقعه در زمان سلطنت وی در پرکین واربک *(Perkin Warbeck)* و لمبرت سیمنل *(Lambert Simnel)* اتّفاق افتاد، که نزدیک بود حکومت او سرنگون شود، لیکن در سال ۱۴۹۷ سرانجام حریفان را از میدان به‌در کرد و حاکمیت خود را در سراسر کشور تحکیم بخشید.

هنری در مدّت سلطنت خود سعی داشت از ارتباط دربار با اشراف بکاهد و این سیاست را مستقیماً انجام نداد، بلکه دو طبقه از نجبا را به جان یکدیگر می‌انداخت و خودش در پس پرده بر صحنه نظارت داشت و در ظاهر خود را نسبت به آنان صمیمی نشان می‌داد و به اصالت و شخصیت آن‌ها احترام می‌گذاشت و ثروت و دارایی آن‌ها به رخ رقبایشان می‌کشید که حسادت آن‌ها را نسبت به هم تحریک کند.

به‌طوری که کشور از این سیاست منتفع شد و به صلح دست یافت. هنری هم‌چنین قوانین کشور را مدّنظر داشت و به رعایت قوانین شهرت یافت و به‌عنوان یک شاه قانون شناس معروف شد.

به‌هر حال، عدّه‌یی سیاست وی را مورد انتقاد قرار می‌دادند و به‌ویژه در این سال‌های اخیر که وی به امر



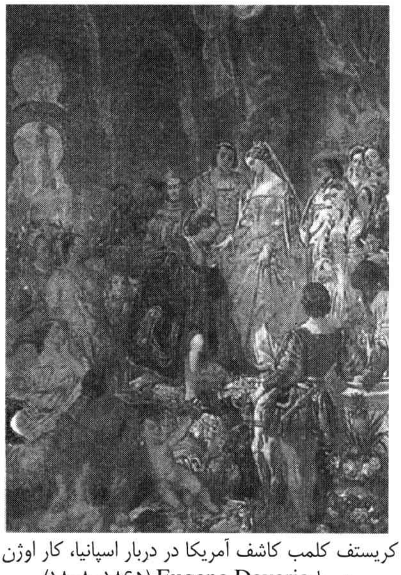
نقشه ی مسیر حرکت کریستوف کلمبColumbus . کاشف قاره‌ی آمریکا



صحنه یی از غارتگری نظامیان پرویی که تحت نظر دولت اسپانیا هستند، نقاشی سال های معاصر.



هنری هفتم، نخستین پادشاه دودمان تئودور Tudor. در انگلستان



کریستف کلمب کاشف آمریکا در دربار اسپانیا، کار اوژن دوریا Eugene Deveria (۱۸۶۵-۱۸۰۸)

قضاوت عنایت داشت و پیرو داوری عادلانه بود، قوانین را سخت رعایت می‌کرد. با مرگ وی، پسرش هنری هشتم، جانشین وی گشت.

نیروهای ونیزی در نبرد با اتّحاد پاپ و یارانش در هم شکسته شدند. (ایتالیا، ۱۴ مه ۱۵۰۹):

نیروهای نظامی ونیز در آینادللو *(Agnadello)*، واقع در شمال ایتالیا، توسط سپاهیان پیمان کامبرای *(Cambrai)* به فرماندهی لوئی دوازدهم پادشاه فرانسه دچار شکستی طاقت‌فرسا گردیده و منهزم شدند. این پیمان که در سال گذشته منعقد شد از تراوشات مغزی پاپ ژولیوس دوّم که اهل جنوا و فوق‌العاده زیرک و وحشتناک بود، می‌باشد که به‌صورت ظاهر پیمانی مقدّس علیه دولت عثمانی بود.

لیکن ژولیوس بلافاصله آن را علیه حکومت شهرهایی که تحت فرمانروایی ونیزی‌ها قرار داشت به کار برد که رقیب خطرناکی بر ضدّ جنوا بودند. امضاکنندگان این عهدنامه عبارتند از: امپراتوری فرانسه، اسپانیا، مجارستان، سویس و چند شهر کوچک ایتالیا که همگی علیه قلمرو تحت سلطه ونیزی‌ها به پا خاسته بودند، چون جمهوری ونیز نبض تجارت اروپا را در دست داشت، لیکن آن‌ها خواستار شکست ونیز بودند که از این دردسر و مانع بزرگ خلاصی یابند.

پاپ که در انتظار فتح و پیروزی بر جمهوری ونیز در آتش التهاب می‌سوخت، به نیروهای فرانسوی اجازه داد که به شهرهای شمالی ایتالیا تجاوز کرده و سپاهیان فرانسه به قلمرو ونیز حمله‌ور شوند.

در حالی‌که اقتصاد شرق رو به افول است، بازرگانی با دنیای جدید شکوفا می‌شود. (اقیانوس هند، ۱۵۱۰):

سلسله پادشاهی ممالیک که بیش از یک قرن است که در سرزمین‌های عربی فرمانروایی داشت، از چندی پیش به علّت ضعف دربار و دگرگونی اجتماعی و تخریب و ویرانی شهرها و گستردگی قلمرو تحت سلطه، به تدریج از نظر اقتصادی هم دچار ضعف و فتور گردید. بازرگانان عرب از راه تجارت و از زمانی که دروازه‌های هند بر روی آن‌ها باز شد، به‌طور تقریب از

امریکای شمالی، ۱٥٤۳
برای نخستین‌بار لوئیز دو موسکوزو (Luis de Moscoso) اسپانیولی در منطقه‌ی تگزاس (Texas) به کشف نفت موفق شد.

ایتالیا، ۱٤ آوریل ۱٥٤٤
سپاهیان فرانسوی در نبرد سرسول (Ceresole) در جنوب شهر تورین (Turin)، قوای سلطنتی شارل پنجم را شکست دادند.

اسکاتلند، مه ۱٥٤٤
نیروهای انگلیس در اسکاتلند به شهر ادینبورو (Edinburgh) حمله کردند. آن‌ها این شهر را غارت کردند، لیکن نتوانستند شهر را به تسلیم وادار کنند.

فرانسه، ژوئیه ۱٥٤٤
هنری هشتم با ترکیبی از قوای انگلیس و نیروهای شارل پنجم به‌طور مشترک به فرانسه حمله کرده، شهر سن دیزیه (St Dizier) را تصرف کرده و پاریس را مورد تهدید قرار دادند.

فرانسه، ۱٤ سپتامبر ۱٥٤٤
هنری هشتم شهر بولونی (Boulogne) را تسخیر کرد.

فرانسه، ۱۹ سپتامبر ۱٥٤٤
برای حمایت از مذهب کاتولیک و اتحاد اروپا، فرانسیس پادشاه فرانسه و شارل پنجم عهدنامه‌یی در شهر کرسپی (Grespy) امضا کردند. فرانسیس قول داد که از شارل در مقابل پروتستان‌ها پشتیبانی کند و اگر در آینده مشکلی ایجاد شود، اجلاسی در شهر ترنت تشکیل دهند تا به موضوعات مختلف رسیدگی شود، در ضمن پسر او با شاهزاده خانم هابسبورگ ازدواج کرد.

انگلیس، ۱٥٤٤
پارلمان انگلیس، ماری و الیزابت (Elizabeth) دختران هنری هشتم را به‌عنوان شاهان آینده‌ی انگلیس در صورت پیش‌آمد و حادثه‌یی که برای ادوارد فرزند هنری روی دهد، معرفی کرد.

پرو، ۱٥٤٤
بلاسکو نونز دو ولا (Blasco Nonez de Vela) که سال گذشته به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی پرو از سوی شارل پنجم انتخاب شده بود، به شهر لیما وارد شد.

آلمان، ۱٥٤٤
با امضای پیمان دانمارک و هلند در شهر اسپییر (Speyer)، دانمارک تمام حقوق بازرگانی هلند و هم‌چنین حق عبور آزاد در دریای بالتیک را برای آن کشور به رسمیت شناخت.

آلمان، ۱٥٤٤
اولین مدرسه‌ی ژزوئیت‌ها در آلمان و در شهر کلن (Cologne) افتتاح شد.

دانمارک، ۱٥٤٤
یک جادوگر بزرگ، تعداد ۵۲ نفر جادوگر را در مناطق مالمو (Malmo)، کوگو (Kogo) و ژوتلند (Jutland) به جادوگری واداشته بود.

موزامبیک، ۱٥٤٤
بازرگانان پرتغالی باب تجارت را با بندر کولیمان (Quelimane) که سابقاً در دست مسلمانان بود و نیز با اهالی خلیج ماپوتو (Maputo) (لورنکو مارکوئز (Lorenco Marquez)) گشودند.

کره، ۱٥٤٤
چونگ جونگ (Chungjong) که در سال ۱۵۰۶ به پادشاهی کره رسیده بود، بر اثر شورشی که بر ضد بی‌رحمی‌های فرماندار یونسانگون (Yonsangun) روی داده بود، درگذشت. در زمان پادشاهی وی طلبه‌های مکتب کنفوسیوس سعی داشتند که قدرت را در خانواده‌ی بزرگ مذهبی برقرار کنند، لیکن موفق نشده و شکست خوردند.

اسکاتلند، ۲٥ فوریه ۱٥٤٥
ارتش انگلیس خود را از دسترس نیروهای اسکاتلند در آنکروم مور (Ancrum Moor) بدر برد و عقب‌نشینی کرد.

ایتالیا، ۲٦ اوت ۱٥٤٥
پیترو لوییجی فارنز (Pietro Luigi Farnese)، پسر پاپ پل سوم، دوک‌نشین‌های پارما (Parma) و پیاچنزا (Piacenza) را گسترش داد.

اسکاتلند، سپتامبر ۱٥٤٥
ارتش انگلیس، اسکاتلند را مورد هجوم قرار داد.

فرانسه، سپتامبر ۱٥٤٥
هانس بالدونگ گرین (Hans Baldung Grien)، پیکرنگار، حکاک و نقاش که به کارهای مذهبی و هم‌چنین غیرروحانی می‌پرداخت، در شهر استراسبورگ (Strasbourg) درگذشت.

هشت سده پیش، منافع سرشاری داشتند، چون با افتتاح راه تجارت هندوستان آن‌ها با تمام نواحی شرق آسیا مراوده تجاری برقرار کردند. کشتی‌های آن‌ها سراسر اقیانوس هند و دریای مدیترانه را می‌پیمودند و کالاهای خود را در شهرهای بزرگ این نواحی مبادله می‌کردند.

از هنگامی‌که دریانورد پرتغالی مسیر جدید تجاری را با پیمودن دماغه امیدنیک کشف کرد، بازرگانان پرتغالی و سایر کشورهای اروپا، با استفاده از این مسیر حریف تجاری مهمّی در مقابل اعراب شدند و جای آن‌ها را اشغال کردند، در نتیجه موقعیت بازرگانی اعراب به خطر افتاد.

حملات ناوگان اروپایی به کشتی‌های بازرگانان عرب در دریای سرخ و اقیانوس هند روزافزون گشت. پرتغالی‌ها در شهر کلکته واقع در ساحل غربی اقیانوس هند پایگاه تجارتی برقرار کردند. سلطان قانساوه القواری *(Sultan Qansawh al Ghawari)* از سوی پاپ به جرم تخریب اماکن مقدسه‌ی مسیحی، مورد تهدید قرار گرفت و اروپاییان تجارت ادویه را به تدریج قبضه کردند و از اختیار اعراب خارج کردند. با اکتشاف بیشتر راه‌ها و مسیرهای جدید، اروپایی‌ها باز هم مشکلات زیادتری برای تجارت اعراب تولید کردند، به‌طوری که کاشفان غربی بر این منطقه غالب شدند. باز هم با کشف دنیای جدید (آمریکا) در سال ۱۴۹۲، غرب مرکز تجارت جهان شد. غربی‌ترین شهرهای دریای مدیترانه که پایگاه قدرتی برای اعراب به‌شمار می‌رفت، از دست آن‌ها خارج شده و تحت نفوذ غرب قرار گرفت.

هنرمندان دوران صفویه، طرح‌های جدیدی برای فرش ایرانی به کار می‌برند. (ایران، ۱۵۱۰):

بافندگان فرش ایرانی، طرح‌های قدیمی را کنار گذاشته و انقلابی در نقشه‌های فرش به‌وجود آورده‌اند و این امر مورد تشویق پادشاهان صفوی است.

هنرمندان نقّاش، نقشه‌های قرون وسطایی را به کنار نهاده و طرح‌های نوینی در این صنعت به کار گرفته‌اند و در شهرها کارگاههای بافت قالی را توسعه داده‌اند.

هر منطقه طرح و نقشه‌ی مخصوصی دارد، ولی روی هم رفته، تمام نقشه‌ها جدید است. طرح‌های نو بیشتر از طبیعت اقتباس شده و شامل تصاویری از جانوران مختلف و گل‌ها و مناظری از طبیعت و اغلب ترکیبی از تمام آن‌ها می‌باشد. بعضی از طرح‌ها هم دورنماهایی از مناظر کوه‌ها و دشت‌ها و دریاهاست که نقّاش با هنرمندی تام آن‌ها را با هم تلفیق نموده است.

نان‌های خارجی باعث کند ذهنی می‌گردد. (اروپا، ۱۵۱۰):

با ایجاد مؤسسات بزرگ و فروشگاهها و سایر تأسیسات شهری، چهره شهرها مرتب در حال دگرگونی است. با وجود این تغییرات، معلوم نیست نان روزانه که خوراک غالب مردم است، چگونه توزیع می‌شود و کیفیت آن چیست.

تولیدکنندگان نان، مقدار کمی گندم را با دانه‌های غیرخوراکی به هم آمیخته و از آن نان تهیه می‌کنند. یکی از مواد ترکیبی نان، دانه‌ی علفی است به نام دارنل *(Darnel)* که باعث ناراحتی‌هایی مانند خستگی و حالت تهوّع می‌شود و ماشک *(Rye)* (دانه‌یی شبیه ماش) که حالت خمودگی ایجاد می‌کند و تمام این‌ها دانه‌هایی تقلّبی است که به جای گندم در پختن نان استعمال می‌شود و همین طور خشخاش که منجر به نشئه و خواب می‌شود. دانه‌های چاودار (جو سیاه) که حاوی اسید لیسرژیک *(lysergic)* است و مصرف مداوم آن هالوسیناسیون و تشنّج و احیاناً جنون به‌وجود می‌آورد که حرکت و رقص ناشی از مصرف آن به رقص سنت ویتوس *(St Vitus)* مشهور است. به‌نظر می‌رسد که مردم فقیر اروپای شرقی که غذای اصلی آن‌ها نان حاوی این مواد می‌باشد، اغلب به جنون ادواری مبتلا می‌شوند.

دزدان دریایی ژاپنی اموال مردم آسیای شرقی را غارت می‌کنند. (چین، ۱۵۱۰):

دزدان دریایی ژاپنی که در زبان چینی به آن‌ها واکو *(Wako)* گفته می‌شود، بار دیگر در سواحل جنوبی چین لنگر انداخته و اموال ساکنان کرانه دریا را غارت کرده و به یغما می‌برند. کشتی‌های دزدان دریایی اغلب

بالکان، نوامبر ۱۵۴۵
شارل پنجم امپراتور و سلطان سلیمان عثمانی، در آدریانوپول (Adrianople) قرارداد متارکه‌ی جنگ امضا کردند.
ایتالیا، ۱۳ دسامبر ۱۵۴۵
جلسه‌ی عمومی کنفرانسی که به دعوت پاپ پل سوم در ماه مه ۱۵۴۲ تشکیل شده بود، از شرکت‌کنندگان در کنفرانس ترنت استقبال کرد و آن‌ها را پذیرفت. این‌طور به‌نظر می‌رسید موضوع این جلسات تجدید نبرد بین فرانسه و امپراتوری باشد.
مکزیک، ۱۵۴۵
هیأت اعزامی بارتولومه دو لاس‌کازاس (Bartolomeo de las Casas) که در دو سال پیش انتخاب شده بود، کار خود را تحت نظر اسقف چیاپاس (Chiapas) شروع کرد. یک قهرمان مدافع حقوق هندیان، خصومت خود را علیه استعمارگری لاس‌کازاس اعلام کرد.
هندوستان، ۱۵۴۵
همایون، پادشاه مغول هند، قندهار را تصرف کرد.
آلمان، ۱۸ فوریه ۱۵۴۶
مارتین لوتر (Martin Luther) در شهر زادگاهش آیزلبن (Eisleben) درگذشت.
اسکاتلند، یکم مارس ۱۵۴۶
جورج ویشارت (George Wishart)، خطیب و موعظه‌گر پیشین عقاید لوتر و وفادار نسبت به قضاوت‌های او، به‌دستور کاردینال بیتون (Cardinal Beaton)، سر اسقف کلیسای سنت اندریو (St Andrew)، به مرگ محکوم و سوزانده شد.
امریکای جنوبی، آوریل ۱۵۴۶
فیلیپ فون هوتن (Philipp Von Hutten) و بارتولومه ولسر (Bartholomeo Welser)، کاشفان آلمانی، در منطقه‌ی کورو (Coro) به‌قتل رسیدند.
اسکاتلند، ۲۹ مه ۱۵۴۶
کاردینال بیتون سر اسقف سنت آندریو و مسؤول تعقیب پروتستان‌ها، توسط گروهی توطئه‌گر در قلعه‌ی خودش به‌قتل رسید. پس از مرگ جیمز پنجم در سال ۱۵۴۲، وی و سه نفر از همکارانش خودشان را به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی ایالتی معرفی کردند. ابتدا او را دستگیر کردند، اما وی عنوان نخست‌وزیر را یافت و تلاش می‌کرد که از سیاست فرانسه پشتیبانی کند.
فرانسه، هفتم ژوئن ۱۵۴۶
فرانسیس پادشاه فرانسه و هنری هشتم پادشاه انگلیس، سرانجام با امضای پیمان آندره (Andres) به زد و خورد دو سال اخیر که با حمله‌ی هنری به بندر کاله (Calais) آغاز شده بود، پایان دادند. برطبق همین قرارداد شهر بولونی (Boulogne) به مدت هشت سال در اختیار انگلیس قرار گرفت.
رم، هفتم ژوئن ۱۵۴۶
برطبق عهدنامه‌یی که بین پاپ پل سوم و شارل پنجم به امضا رسید، منطقه‌ی بنت (Bent) از تابعیت آلمان خارج و به کلیسا پیوست و در ضمن امپراتور نیز قول داد هزینه و نیروی لازم را که بر ضد پروتستان‌ها لازم است، تأمین کند.
آلمان، ۲۰ ژوئیه ۱۵۴۶
شارل پنجم سند همکاری‌یی با موریس فرمانروای ساکسونی (Maurice of Saxony) علیه شاهزادگان پروتستان آلمانی امضا کرد که طبق آن فیلیپ اهل هس (Philip of Hesse) و یان فردریک (John Frederick) را از انتخاب به‌عنوان دوک ساکسونی بازدارند.
پاریس، سوم اوت ۱۵۴۶
اتین دوله (Etienne Dolet) نقاش را به اتهام پیروی از آراسموس (Erasmus) و ملانکتون (Melanchthon) و ترسیم تصاویر آن‌ها و هم‌چنین کفر و الحاد و توهین به مقدسات به دار آویخته و سوزاندند.
عربستان، ۱۵۴۶
دولت عثمانی سرزمین یمن را که دروازه‌ی دریای سرخ محسوب می‌شد، تصرف کرد.
مکزیک، ۱۵۴۶
برای نخستین‌بار از معادن نقره منطقه‌ی زاکاتکاس (Zacatecas) بهره‌برداری به‌عمل آمد.

ناخدایان ژاپنی دارند، لیکن ملوانان و جاشویان این کشتی‌ها هم با بریدن موهای پشت سرشان که شبیه دم خوک است، خود را به شکل ژاپنی‌ها درمی‌آورند. آنان با تقلید از واکوها و اقتباس از شکل و شمایل کارکنان دربار سلطنتی، سبب بیم و هراس مردم می‌شوند. دزدان دریایی با تعقیب کشتی‌های بازرگانی به بهانه‌ی بازرسی کشتی‌ها، اموال آن‌ها را به سرقت می‌برند و در نتیجه از پیشرفت شهرهای ساحلی جلوگیری می‌کنند.

این عملیات پلیسی سبب می‌شود که تمام امتعه و کالاهای تجاری نصیب دزدان دریایی شود و اقتصاد منطقه دچار ورشکستگی گردد. این دزدان دریایی که همواره در مخفی‌گاه‌ها به سر می‌برند، اغلب از چشم مأموران چینی در امان می‌مانند و در کمال راحتی اجناس و لوازم مردمان ساحل دریا و بازرگانان را می‌ربایند. این شکارچیان دریایی که به زبان چینی به آنان گرگ دریاها نام داده‌اند، هنوز هم به اعمال خود ادامه می‌دهند.

بنین (*Benign*)، پادشاه هند، پایتخت خود را به ثروت و خوشبختی سوق می‌دهد. (ویجایاناگار (*Vijayanagar*)، هند، ۱۵۰۹):

کریشنادوارایا (*Krishnadevaraya*)، در مدّت ۹ ماهی که به سلطنت رسیده، توانسته است حمله‌ی پادشاه ایالت بیدار، سلطان محمود را دفع کند. در نبردی که بین وی و سلطان محمود رخ داد، سلطان دچار شکست شده و زخمی شد و یکی از حریفان او به نام یوسف عدل خان، چون از ضعف وی آگاه شد و سپاهیان او را در حال عقب‌نشینی مشاهده کرد، به سوی منطقه‌ی گولبارگا (*Gulbarga*) و بیدار (*Bidar*) تاخت. سپاهیان تحت فرماندهی کریشنا با شجاعت و دلیری چون دشمن رادر حال ضعف دیدند، از روی رحم و شفقت، آن‌ها را یاری کردند و این شروع دورانی طلایی برای ویجایاناگار می‌باشد. گرچه کریشنا دوارایا پیرو آئین ویشناویسم (*Vaishnavism*) است که مورد استقبال تمام فرقه‌های هندوست و مانند سایر هم‌کیشان خود به آن پای‌بند است. چندین معبد برای آنان ساخته، فقرا را اطعام می‌کند و برای زه‌کشی زمین‌های زراعتی و آبیاری مزارع اقدامات مهمّی انجام

داده و پایتخت ویجایاناگارارا به شهری زیبا و باشکوه مبدّل کرده، به‌طوری که دانش پژوهان از سراسر هندوستان برای کسب علم به آن دیار روی می‌آورند.

نخستین گروه بردگان آفریقایی به آمریکا وارد شدند. (کارائیب، ۱۵۱۰):

سرزمین کوبا *(Cuba)*، خود را برای استقبال از بردگان سیاه آفریقایی که با کشتی از آن قاره آورده شده‌اند، آماده می‌کند. این بردگان را به جای کارگران محلی یا بومیان آمریکا در مزارع به کار می‌گماردند. این برده‌های سیاه را که از سواحل گینه *(Guinea)* به آمریکا آورده‌اند، به قیمت‌های گران خریداری کرده‌اند و هر یک از آن‌ها می‌تواند به جای چهار نفر بومی آمریکایی در مزرعه کار کند.

تعداد بومیان آمریکایی که در سال ۱۴۹۲، یعنی سال کشف آمریکا در هیسپانیولا (سانتودومینگو) به سیصد هزار نفر می‌رسید، اکنون به ۲۰ هزار نفر تقلیل پیدا کرده و به‌نظر می‌رسد، آن‌ها از بیم اسپانیولی‌ها اقدام به فرار از منطقه کرده‌اند. طبق قوانینی که اسپانیایی‌ها وضع کرده‌اند، در آینده‌ی نزدیک گروههای بومی آمریکایی بایستی به دین مسیح درآیند و تمام آن‌ها آداب دینی را تمرین کرده و به آن عمل کنند در اردوگاه‌های بومیان آمریکای غربی مراسم دینی انجام شود. به علاوه در غیر غیر این صورت هرکس که از این دستورها سر باز زند، به کار اجباری در مزارع گمارده خواهد شد، بازرسان مسیحی هم موظفند در بازدید از اردوگاهها، جریان را گزارش کنند.

پاپ جنگ‌طلب به فرانسویان حمله می‌کند. (رم، پنجم اکتبر ۱۵۱۱):

پاپ ژولیوس دوّم، اکنون هنری هشتم، پادشاه انگلیس را به‌عنوان عضوی از پیمان مقدّس، وادار کرده که برای حمله به فرانسه اقدام به جمع‌آوری نیرو و سرباز کند. دو عضو اصلی این معاهده، اسپانیا و ونیز هستند که در دو سال پیش، ونیز دشمن اصلی و مهمّ پاپ محسوب می‌شد. (به خاطر این‌که چند شهر ونیز در آن موقع پاپ را قبول نداشتند)، در ضمن فرانسه یکی از متّحدان پاپ بود. اکنون فریاد پاپ بلند شده که این قوم بربر فرانسوی که لوئی دوازدهم پادشاه آنهاست باید از ایتالیا اخراج شوند. در سال ۱۴۹۹، فرانسه میلان را اشغال کرد، در آن موقع آن‌ها این شهر را از تصرّف اسفورزاس *(Sforzas)* خارج کردند.

در آن زمان، نیروهای پاپ در لومباردی نبرد با ونیز را غیرقابل اجتناب می‌دانستند و سعی داشتند این نبرد ادامه یابد، اینک پاپ با جمهوری ونیز و اسپانیا و گروههای مزدور سویس پیمان همبستگی بسته است. سیاست پاپ ژولیوس اکنون بر این محور قرار گرفته که تا حد امکان قدرت سلطنتی دستگاه مذهبی پاپ را گسترش داده و به پایه باستان ارتقا داده و به تسلّط بیگانگان بر ایتالیا پایان دهد. او به پاپ جنگ طلب نامیده شده. وی شخصاً در استحکامات میراندولا *(Mirandola)* با لباس سربازی و کلاه‌خود به جنگ پرداخته است.

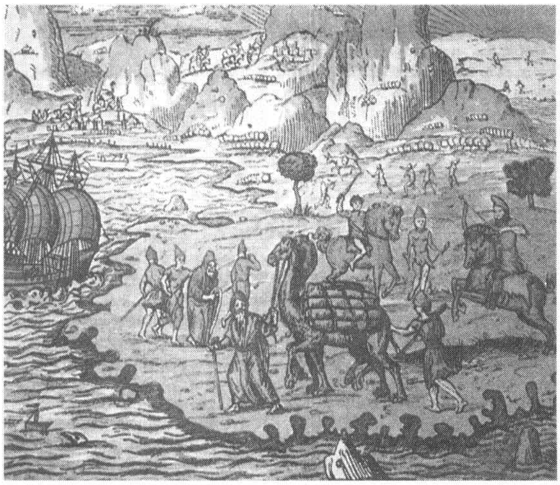
اراسموس *(Erasmus)* می‌گوید تفتیش عقاید، مردان را به جنون می‌کشاند. (پاریس، ۱۵۱۱):

اکثر دانشمندان دانشگاه سوربن پاریس، در بحث‌ها و مذاکرات راجع به حقوق و سرنوشت انسان‌ها خشمگینانه شرکت می‌کنند. ستایش از حماقت و بلاهت شعار اصلی آن‌هاست. (برخلاف این عنوان) آن‌ها با دقّت و هوشمندانه به بررسی این جریان پرداخته‌اند تا کنه و عمق موضوع تفتیش عقاید و جاسوسی، نسبت به افکار مردم را به روشنی نشان دهند.

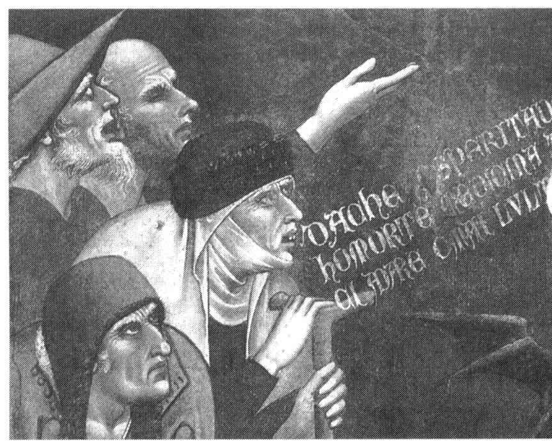
دزیدریوس اراسموس *(Desiderius Erasmus)* آلمانی ۴۴ ساله، قبلاً نامه‌هایی درباره‌ی این موضوع به دانشمندان فرانسوی نوشته و آن‌ها را آگاه ساخته بود. این جریان، (ستایش از حماقت) زنان را به جنون کشانده و اخلاق و منش آنان را دگرگون ساخته است. زنان با موعظه‌های کشیشان بر ضدّ شوهران خود به پا خاسته‌اند و آن‌ها را گناهکار می‌شمارند. پاپ‌ها با اعمال مزورانه و ریاکارانه‌ی خود، به آنان توصیه می‌کنند که مردان خود را به انحاء مختلف مورد تنبیه و توبیخ قرار دهند. او هم‌چنین تغییر اخلاق را در زنان به خوبی شرح می‌دهد. اراسموس عمر خود را با پرهیزکاری و تقوی به سر برده و به عقیده‌ی وی، پیروی از مذهب بهتر از اعتقاد نداشتن است و اجرای دستورات مذهبی بهتر از



یک قالی بسیار زیبای بافت ایران با تصویر پلنگی که به یک غزال حمله ور شده.



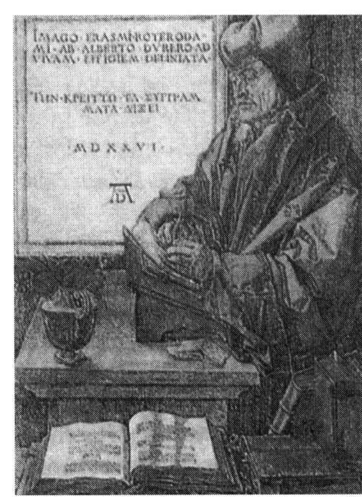
صحنه یی رنگی از تجار عرب که با شتر در صحرای افریقا و کرانه ی دریا کالا حمل می کنند.



روستاییانی که برای کمبود مواد غذایی و حتا یک وعده غذا طغیان کرده اند و تمام افکار آنان معطوف به قحطی و کمی آذوقه می باشد.



پاپ ژولیوس Julius دوم که هواخواه جنگ بود.



سموس Erasmus، دانشمند اهل روتردام، اثر دورر.



یورش شب هنگام، نقل از کتاب پیروزی، اثر نامازافا Namazafa نقاش.



دو نفر برده ی سیاه پوست که بر روی در کاخی در شهر ایکری اکیتی Ikere-Ekiti واقع در نیجریه کنده کاری شده.

ترک آن است. از او پرسیده شد که مایل به ازدواج هستی و او جواب داد که این امر مشکلاتی دارد و گرفتاری‌هایش بیشتر از تجرّد است.

او در جریان مسافرت‌های بی شمار، مدّت ده ماه در ونیز به سر برده و کتاب آلدو مانوزیو *(Aldo Manusio)* را به چاپ رسانده است. قبل از آن هم، از ایتالیا و آلمان بازدید کرده است.

ایران شاهنشاهی بر رقیب عثمانی خود غلبه می‌کند. (ایران، ۱۵۱۱):

شاه اسماعیل، مؤسس سلسله‌ی پادشاهی صفویه نخستین فردی است که ادعا می‌کند مذهب تشیع را در سراسر ایران به عنوان «مذهب رسمی کشور» گسترش داده و تمام سرزمین ایران از وی تبعیت می‌کنند. او ده سال پیش به سلطنت رسید. وی

در جنگ با ازبک‌ها، محمد شیبانی، رئیس طوایف ازبک را به قتل رسانید و هم‌چنین ظهیرالدین بابور *(Babur)* را به پادشاهی منطقه‌ی ماوراءالنهر (فرا رودان) منصوب کرد، بابور از خاندان تیمور لنگ و از طوایف مغول است و در هفت سال پیش شهر کابل را مسخّر کرد و پایتخت خود را در شهر سمرقند قرار داد. در نتیجه نیروهای نظامی صفویه توانستند، مرز ایران را در شمال شرقی به رود جیحون و غرب رود سیحون برسانند، این منطقه پیش از این محلّ تاخت و تاز ازبکان بود ولی اکنون صفویه رقیب سرسختی در مقابل عثمانی است.

شیخ صفی الدین، بنیانگزار یکی از سلاسل صوفیه در ایران است. او در سال ۱۳۰۱ در شهر اردبیل واقع در آذربایجان شرقی از دنیا رفت. صفویه مدّت ۱۵۰ سال در این شهر می‌زیستند و با اتّحاد و ائتلاف با یکدیگر، سلسله‌ی آق قویونلو *(Ak-Koyunlu)* را شکست داده و پادشاهی آن‌ها را برانداختند.

سه تن از سران صفویه، به نام جنید و حیدر و علی، به دست قوای آق قویونلو کشته شدند. پسر علی، یعنی اسماعیل، علیه آق قویونلو قیام کرد و در رأس سپاهیان صفوی آنان را شکست داد و خود به پادشاهی رسید. سربازان شاه اسماعیل که خود را فدایی شاه می‌خواندند، به وفاداری به شاه مشهور بودند ودر دلِ ترکمانان هراس افکنده بودند. این سپاهیان بعدها به قزلباش *(Qizilbash)* معروف شدند. سربازان یا فدائیان شاه، در سال ۱۵۰۱، نیروهای آق قویونلو را درهم پاشیدند.

در سال ۱۵۰۳، شاه اسماعیل شهر همدان را تسخیر کرد و بدین ترتیب کنترل مرکز ایران را در دست گرفت. در سال ۱۵۰۴، ایالات مازندران و گرگان در ساحل دریای خزر و هم‌چنین یزد را تصرّف کرد. پس از آن، به دیار بکر شتافت و آنجا را هم اشغال کرد و شورش مرزهای غربی را فرونشاند.

در سال ۱۵۰۸، شهر بغداد را تصرّف کرد و بدین ترتیب تمام سرزمین ایران را مسخر و کشور را زیر یک پرچم قرار داد. نیروهای قزلباش، رئیس قبایل ترکمانان را که به وکیل مشهور بود، از ایران راندند و خود جانشین ترکمانان شدند.

نور ملایمی که به هنر ونیز رسید، هنر نقّاشی را فروزان ساخت. (ونیز، ۱۵۱۱):

شهر ونیز که یکی از ثروتمندترین شهرهای ایتالیایی است، هم‌چون گلی در عرصه‌ی هنر و احیای آن مانند شهر فلورانس ۶۰ سال پیش، شکوفا شده و به رنسانس و تجدید سازمان آن کمک فراوانی کرده است. ونیزی‌ها نور ملایمی را به مرداب هنر تابانده و این نور بیشتر در جهت هنر نقّاشی روغنی نمودار شده و نقّاشی آب و رنگ را به حاشیه رانده است.

جووانی بلینی *(Giovanni Bellini)*، اکنون در سنّ ۸۰ سالگی، ریش‌سفید و پیش‌کسوت نقاشان به‌شمار می‌رود. نقّاشی‌های او که برای فرمانروای ونیز کشیده بود، در آتش‌سوزی منهدم شد. امّا تصویری که از شخص حاکم کشیده بود، سبب شهرت وی گردید. فرمانروای ونیز در این زمان فردی به نام لوردان *(Loredan)* بود. بلینی این تصویر را تمام رنگی و با سایه کشیده بود و این سایه‌ها زیبایی تابلو را دو چندان می‌ساخت. شهرت و اعتبار بلینی تا بدان‌جا رسید که سلطان محمد فاتح از وی دعوت کرد که سفری به قسطنطنیه برود و ضمن بازدید از این شهر، تصویری هم از او تهیه کند. مجلس سنای ونیز به او اجازه نداد که به آن شهر برود. لاجرم جووانی به جای خود، برادرش جنتیل *(Gentile)* را فرستاد که او تصویری از سلطان کشید. بلینی یکی از نقاشانی است که به صحنه‌ها حالت ملایم می‌دهد و هرچه بیشتر به طبیعت باز می‌گردد، تا در تماشاگر

مکزیک، ۱۵۴٦
اسپانیا کنترل سرزمین مایا (Maya) را پس از سرکوبی شورش مردم مایا به‌دست آورد.
هندوستان، ۱۵۴٦
پرتغالی‌ها ارتش گوجرات در ناحیه‌ی دیو (Diu) را نابود کردند.
ایتالیا، ژانویه ۱۵۴۷
جان لوئیجی فیه‌شی (Gian Luigi Fiechi) ناوگان خود را برای حمله به آندرآ دوریا (Andrea Doria) فرمانروای جنوا اعزام داشت. فیه‌شی با اتحاد با فرانسیس پادشاه فرانسه و پیترو لوئیجی فارنس (Pietro Luigi Farnese) دوک پارما و پیاچنزا (Piacenza) برای سرنگونی دوج (لقب فرمانروایان شهر جنوا) که مورد حمایت شارل پنجم بود علیه وی دست به اقدام زدند.
انگلستان، ۲۱ ژانویه ۱۵۴۷
هنری هوارد (Henry Howard) ارل سورای (Surrey) به اتهام توطئه‌ی بزرگی به‌قتل رسید. او در سال گذشته به اتهام سخنرانی‌هایی علیه ارل هرتفورد (eral of Hertford) و سخنان زشتی که بر ضد او در برج لندن زندانی شد، او هم‌چنین متهم بود که فرماندهی ارتش انگلیس در فرانسه را مدت زمانی در انتظار نگه داشته است.
انگلستان، ۲۸ ژانویه ۱۵۴۷
هنری هشتم وفات یافت و ادوارد ششم پسر نه ساله‌اش جانشین وی گردید. مادر ادوارد زن سوم هنری و به‌نام جین سای‌مور (Jane Seymour) بود.
انگلستان، ۳۱ ژانویه ۱۵۴۷
ارل هرتفورد عموی ادوارد ششم به‌عنوان لرد و دوک سامرست (Somerset) برگزیده شد. او در ضمن اداره‌ی دولت انگلیس را نیز عهده‌دار شد.
رم، ۲۵ فوریه ۱۵۴۷
ویتوریا کولونا (Vitoria Collonna) شاعره‌ی ایتالیایی و مارکیز پسکارا (Marquess of Pescara) که به سبک پیتر آرک (Peter Arch) شاعر مشهور ایتالیایی شعر می‌سرود، درگذشت. وی در رأس گروهی از روشن‌فکران و هنرمندان قرار داشت و همواره مورد تحسین میکل‌آنژ (Michelangelo) بود.
فرانسه، ۳۱ مارس ۱۵۴۷
فرانسیس پادشاه فرانسه که از سال ۱۵۱۵ سلطنت می‌کرد، بدرود حیات گفت و هانری دوم پسرش جانشین وی گشت.
آلمان، ۲۴ آوریل ۱۵۴۷
قوای شارل پنجم بر ضد پیمان اشمالکالدن (Schmalkalden) در نبرد مولبرگ (Muhlberg) اقدام کردند و پروتستان‌ها را شکست دادند، در این نبرد فیلیپ‌هس و یوهان فردریک منتخبان ساکسون دستگیر و زندانی شدند.
آلمان، ۱۵ مه ۱۵۴۷
شارل پنجم امپراتور پس از دستگیری موریس ساکسونی، کنترل آن‌جا را که در سال پیش در اختیار وی بود، در دست خویش گرفت.
رم، ۲۱ ژوئن ۱۵۴۷
سباستین دل پیومبو (Sebastian del Piombo) نقاش ایتالیایی درگذشت. وی پس از تعلیم این هنر نزد جووانی بلینی (Giovanni Bellini) و جورجونه (Giorgione) در شهر ونیز، در سال ۱۵۱۰ به شهر رم رفت تا در نزد میکل‌آنژ کار کند. یکی از شاهکارهای او تصویر لازاروس (Lazarus)می‌باشد که در سال ۱۵۱۹ ترسیم کرده است.
اسکاتلند، ۳۱ ژوئیه ۱۵۴۷
جان ناکس (John Knox) یکی از مریدان پیشین جورج ویشارت از هواخواهان لوتر پس از محاصره‌ی دژ سنت آندریو (St Andrew) توسط قوای سلطنتی دستگیر شد. این دژ در سال گذشته پس از مرگ کاردینال بیتون به دست پروتستان‌ها افتاده بود.
اسکاتلند، دهم سپتامبر ۱۵۴۷
دوک سامرست به فرماندهی نیروهای انگلیس، بر نیروهای اسکاتلند در ناحیه‌ی پینکی (Pinkie) غلبه یافت.
اسپانیا، دوم دسامبر ۱۵۴۷
هرناندو کورتس (Hernando Cortes) فاتح اسپانیولی در مکزیک بدرود حیات گفت.

احساس آرامش ایجاد کند، به‌ویژه در تابلوی (درد و رنج در باغ) تپّه و آسمان سراسر حاکی از روح آرامش دهنده وی می‌باشد که نور ملایم بامدادی با زیباترین وجهی نشان داده شده و از به کار بردن رنگ‌های تند در صحنه‌ی تابلو احتراز کرده است.

یکی از شاگردان وی به نام جورجونه *(Giorgione)*، برای یادگیری هنر نقّاشی نزد او آمد و در سنّ کم نبوغ خود را نشان داد.

جورجونه : (ونیز، ۱۵۱۱) :

جورجونه برای ترسیم مناظر و دورنما از سه‌پایه نقاشی استفاده می‌کرد و مهارت خود را در به کارگیری رنگ‌های تیره در صحنه نمایش داد، او از ترکیب رنگ‌ها مناظری بدیع به‌وجود می‌آورد و با پوشاندن صحنه از رنگ‌های گوناگون، حالت رومانتیک ایجاد می‌کرد. او مانند یک موسیقی‌دان برجسته می‌تواند در صحنه‌ها تحرّک و هیجان ایجاد کند و صحنه‌ها را زنده به بیننده القا کند.

او عاشق زنی از اهالی ونیز بود و امسال در اثر ابتلای به بیماری طاعون در کنار معشوقه‌اش جان سپرد. یکی از دستیاران او به نام تیزیانو وچلیو *(Tiziano Vecellio)* که به تیتیان *(Titian)* معروف است، نیز شاگرد بلینی بود. تابلوهای او هم به سبک رومانتیک است و ویژگی او نیز کشیدن دورنماها به اندازه‌ی طبیعی است.

شهر ونیز از نظر ساخت و تولید بلور و کریستال هم بسیار پیشرفته است و هنر تولید بلورهای رنگین و بسیار زیبا از ویژگی‌ها هنرمندان این شهر می‌باشد.

یکی دیگر از کارخانه‌های بلورسازی که از شیشه شاهکارهایی به‌وجود می‌آورد، در جزیره‌ی مورانو *(Murano)* قرار دارد که طبق سلیقه و سفارش مشتری، جنس موردنظر او را تولید می‌کند. در این کارخانه، انواع جام‌ها با رنگ‌های روشن و شفاف و همین‌طور بطری و بشقاب‌های گوناگون با کیفیت بالایی تولید می‌شود که بسیار زیبا و خیال‌انگیز است. این مصنوعات بلوری به تمام نقاط اروپا صادر می‌شود.

هنرمندان بلورساز، طرز کار و شیوه عمل ابتکاری خود را فاش نمی‌کنند و این فن را به دیگران یاد نمی‌دهند.

بازسازی کلیسای سنت پیتر و تهدید پاپ (رم، ۱۵۱۳):

پاپ ژولیوس دوّم که اینک در آستانه‌ی هفتاد سالگی است، قصد دارد که کلیسای عظیم و باشکوه سنت پیتر را بازسازی کرده و به عظمت آن بیفزاید، به‌طوری که در تاریخ نامش به‌عنوان یک مصلح جزو قدیسین باقی بماند، در ضمن استیل ساختمان آن را به سبک کنونی درآورد. وی قبلاً قسمتی از سنگ‌های نبش دیوارها را عوض کرده بود، لیکن برای بازسازی به پول زیادی نیاز دارد. وی بیش از پول، نیاز به افرادی هنرمند، چون میکل آنجلو *(Michelangelo)* و رافائل *(Raphael)* دارد که در این راه او را حمایت کنند. از نظر مالی، خودِ وی این کار را نظارت خواهد کرد، لیکن از نظر هنری به افراد هنرمند نیاز هست که در کار ساختمان سنت پیتر به وی یاری دهند.

او می‌تواند مقداری از وسایل سنت پیتر را بفروشد، لیکن ممکن است برخی از نمایندگان کلیسا به وی انتقاد کنند و او را متّهم به خیانت نمایند که اموال مخصوص کلیسا را حیف و میل کرده است. در سال ۱۴۷۶، پاپ سیکستوس چهارم را به این علّت که بعضی وسایل را به فروش رسانده بود، مورد انتقاد قرار دادند و به او گفتند که این گناهان، وی را به عالم برزخ خواهد راند. امسال هم نمایندگان دربار پاپ معتقدند پولی که برای بازسازی سنت پیتر از راه فروش اموال و اثاثیه حاصل شود، پدر و مادر وی را به برزخ خواهد فرستاد.

اکثریت عقیده دارند که پول فروش اثاثیه، هنوز به رم نرسیده، تغییر ماهیت داده و تقلّبی خواهد شد. شاهزاده آلبرت *(Albert)*، سراسقف ماینز *(Mainz)* و ماگدبورگ *(Magdeburg)*، ازپیروان این باور است و از این کار پشتیبانی نمی‌کند. وی برای هزینه‌ی بازسازی، مبلغ هنگفتی از بانک‌های آلمان وام گرفته و لیکن از عمل پاپ احتراز می‌کند.

وی بدهی خود به بانک را از راه فروش اموال اهدایی به وی تأدیه کرده است.

شاه اسپانیا مدعی است که فلوریدا به اسپانیا تعلق دارد. (آمریکای شمالی، هشتم آوریل ۱۵۱۳):

خوآن پونس‌دو لئون *(Juan Ponce de Leon)* اسپانیایی، در جوانی چشمه‌های افسانه‌یی فلوریدا را مشاهده کرده و در نتیجه این منطقه از کشفیات اوست.

روی این زمینه مدعی است که فلوریدا به پادشاه اسپانیا تعلق دارد. به باور آن‌ها، این سرزمین یک جزیره است. در این سرزمین، انواع گل‌ها به وفور یافت می‌شود، به این سبب پاسکوآ دوفلورس دولئون *(Pasqua de Flores de Leon)* در یک مهمانی که در این ناحیه برپا کرده بود، این ناحیه را فلوریدا نامید، یعنی گلی که به اسپانیا اهدا شد.

در سال ۱۴۹۳، دولئون همراه ناوگان دریایی کریستف کلمب در سفر دوّم وی به دنیای جدید قدم گذارد. او در سال ۱۵۰۸ جزایر هیسپانیولا و پرتوریکو *(Puerto Rico)* را کشف کرد و در سال ۱۵۰۹ به فرمانداری این منطقه منصوب شد. او اخیراً سیاست خود را تغییر داده و برخلاف پیشین عمل می‌کند.

مردم فلاندر از موسیقی ژوسکن *(Josquin)* لذّت می‌برند. (فلاندر *(Flanders)*، ۱۵۱۲):

سرزمین فلاندر که به موطن موسیقی معروف شده، این شهرت را مدیون مردی به نام ژوسکن دوپرز *(des prez)* می‌باشد، او که اکنون در سنّ هفتاد سالگی است، هنر موسیقی را به‌طور شگفت‌انگیزی ارتقا داده و مورد ستایش همه‌ی مردم اروپا می‌باشد و خود در نقش رهبر ارکستر در سالن‌های اپرا ظاهر می‌شود.

آهنگ‌های او ترکیبی از کار استاد موسیقی گیلیوم دوفای *(Guillaume Dufay)* (۱۴۷۴ـ۱۳۹۸)، آنتوان بوسنوآ *(Antoine Busnois)* (۱۴۹۲ـ۱۴۳۰) و به‌ویژه استاد خویش یوهانس اوگهام *(Johannes Ockeghem)* (۱۴۹۷ـ۱۴۱۰)، همراه با بخشی از هارمونی ایتالیایی می‌باشد، همین طور آهنگ‌های او

روسیه، ١٥٤٧
ایوان (Ivan) چهارم (مشهور به مخوف) به‌عنوان نخستین تزار روسیه در شهر مسکو تاج‌گذاری کرد. او برخلاف میل خاندان اشرافی بویار (Boyars)، اجلاسیه‌ی ویژه‌یی جهت اثبات قدرت خود و به‌منظور تضعیف مخالفان خود تشکیل داد.

اسکاتلند، ١٥٤٧
پس از دستگیری جان ناکس در دژ سنت آندریو در ماه ژوئیه، وی را به‌دستور ماری گوئیز نایب‌السلطنه‌ی انگلیس به‌عنوان خدمه‌ی کشتی‌های فرانسه محکوم و تبعید کردند.

ایتالیا، ١٥٤٧
محل اجلاس ترنت به بولونیا (Bologna) منتقل شد.

افغانستان، ١٥٤٧
شیرشاه سوری که لقب خود را از شیرخان به شیرشاه تغییر داده بود، توانست با سپاهیان خود بر همایون شاه مغول پیروز گشته و تمام قلمرو خود را در هند بار دیگر تسخیر کند و با تسخیر کابل همایون را از افغانستان براند.

انگلستان، ١٥٤٧
با پیشنهاد و انگیزش دوک سامرست، قانون ۶ ماده‌یی درباره‌ی اصول مذهب کاتولیک که در زمان هنری هشتم به‌تصویب رسیده بود (در سال ۱۵۳۹) لغو گردید.

رم، ١٥٤٧
در کمیسیونی که درباره‌ی بازسازی و کارهای ساختمانی کلیسای عظیم سنت پیتر (St Peter) تشکیل شد، میکل‌آنژ پیشنهاد کرد که بر روی ساختمان گنبد بسیار بزرگی بنا شود.

مکزیک، ١٥٤٧
برادر آندرس دو اولمو (Andres de Olmo)، نخستین دستور زبان ناهوتل (Nahuatl) را منتشر کرد.

هلند، ٢٦ ژوئن ١٥٤٨
اداره‌ی حاکمیت سرزمین هلند مستقل از امپراتوری آلمان شد.

آلمان، ٣٠ ژوئن ١٥٤٨
در عهدنامه‌یی که در مجلس اشمالکادریک اوگسبورگ (Augsburg Schmalkaldic) به‌تصویب رسید، شارل پنجم که یکی از طرفداران پر و پا قرص کاتولیک است، به‌طور موقتی موافقت کرد که این مراسم منسوخ گردد.

اسکاتلند، ١٥٤٨
ماری استوارت ملکه‌ی هفت‌ساله‌ی اسکاتلند را برای فرانسیس پسر ارشد پادشاه فرانسه نامزد کردند.

انگلستان، ١٥٤٨
سباستین کابوت (Sebastian Cabot) کاشف ونیزی از نخستین سفرش که با هیأت اعزامی در سال ۱۵۰۹ به امریکا رفته بود، به انگلستان بازگشت، وی موفق شد از راه شمال غرب قاره‌ی امریکا به قاره‌ی آسیا برسد. کابوت مدت چند سال اخیر در اسپانیا اقامت داشت. او توانست ناحیه‌ی ریودو لاپلاتا (Rio de laplata) را کشف و اولین مجتمع را در لاپلاتا به‌وجود آورد. در سال ۱۵۳۰، وی محموله‌یی از طلا و نقره به اسپانیا آورده بود.

لهستان، ١٥٤٨
سیگیسموند آگوستوس (Sigismund Augustus) به جانشینی سیگیسموند اول تاج‌گذاری کرد. اجداد او کشاورزی به شیوه‌ی سرفداری را در این کشور ترویج کردند. مدت دو سال نبرد با روسیه در سال ۱۵۳۶ پایان یافت. دولت لهستان که در نظر داشت ناحیه‌ی اسمولنسک (Smolensk) را بار دیگر به تصرف درآورد، توفیق نیافت، لهستان این ناحیه را در سال ۱۵۱۴ از دست داده بود. پروس (Prussia) به یکی از سرزمین‌های تحت تابعیت لهستان درآمد.

آنگولا، ١٥٤٨
میسیون‌های مذهبی پیرو ژزوئیت وارد کنگو (Kongo) شدند.

انگلستان، ژانویه ١٥٤٩
توماس کرانمر (Thomas Cranmer) کتابی درباره‌ی مذهب پروتستان‌های معتدل و میانه‌رو و عقاید و آیین‌های آنان و نیز اتحاد شاخه‌های آن منتشر کرد. در این کتاب او به پروتستان‌ها توصیه می‌کند که از میانه‌روی پیروی کنند.

بوهم (Bohemia)، ١٤ فوریه ١٥٤٩
ماکسیمیلیان (Maximilian) دوم برادر شارل پنجم به‌عنوان پادشاه آینده‌ی بوهم معرفی شد.

اقتباسی از فلمینگ *(Fleming)* و هاینریش ایساک *(Heinrich Isaac)* می‌باشد.

بخشی از آهنگ‌های ژوسکن در کلیساهای آلمان، فرانسه و ایتالیا به هنگام عشای ربّانی به‌صورت چند صدایی و همگانی اجرا می‌شود.

بزرگ‌ترین دانشمندِ زبان عبری، به ارتداد محکوم شد. (کلن، آلمان، ۱۵۱۳):

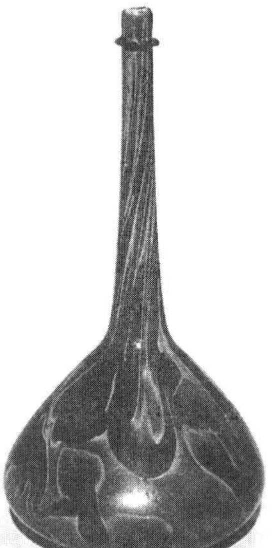
یوهان روکلن *(Johann Reuchlin)*، که پیش از این در دادگاه تفتیش عقاید محکوم شده بود، یکی از مشهورترین علمای یهودی است. علّت اصلی محکومیت وی طبق رأی صادره از سوی یاکوب فان هوخستراتن *(Jakob Van Hochstraten)*، مأمور تفتیش عقاید ناحیه‌ی راین انتشار رساله‌یی به نام اوگن‌اشپیگل *(Augenspiegel)* می‌باشد. تاریخ این محاکمه به سال ۱۵۰۹ برمی‌گردد. در آن سال فردی به نام یوهان پفرکورن *(Johann Pfefferkorn)* از مسیحیت به دین یهود درمی‌آید که این کار با حمایت دومی نیکن‌های *(Dominicans)* شهر کولن *(Cologne)* انجام می‌شود، لیکن امپراتور ماکسیمیلیان *(Maximilian)* دستور می‌دهد که تمام کتب یهودی به جز انجیل باید سوزانده شود و امپراتور با این فرمان اقتدار خود را به رخ یهودیان می‌کشد، به‌هر حال، تمام این وقایع در رساله‌ی روکلن آمده، او به این جرم محکوم می‌شود. با انتشار این رساله، سراسقف ماینز از روکلن به‌عنوان فردی ضدّ مسیح شکایت می‌کند.

پفرکورن علیه روکلن دست به اقدام می‌زند و چون روکلن با دادن رشوه به دانشمندان یهودی، کتب یهود را تجدید چاپ می‌کند، این باعث رنجش و خشم پفر کورن می‌شود و لیکن روکلن ادعا می‌کند که این کتاب‌ها از آن اوست.

در این نشریات، نیش و طعنه‌های روکلن مشهود است. برخلاف تصوّر عموم، در دادگاه تفتیش عقاید، فرقه‌ی دومی نیکن از روکلن حمایت نمی‌کند و او هم هیچ امیدی به آن‌ها ندارد. امّا با تمام این جریانات، سراسقف ماینز در مقام پشتیبانی وی برمی‌آید. روکلن به‌عنوان دانشمندی برجسته در دنیا و به‌ویژه ایتالیا مشهور است. او برای نخستین بار که از فلورانس بازدید



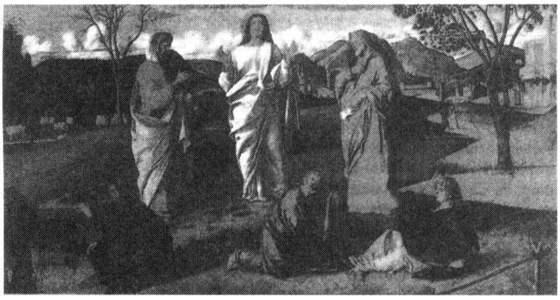
بطری گردن دراز بلوری کار کالسدون Chalcedony.



جام بلور از ظروف متبرکه.



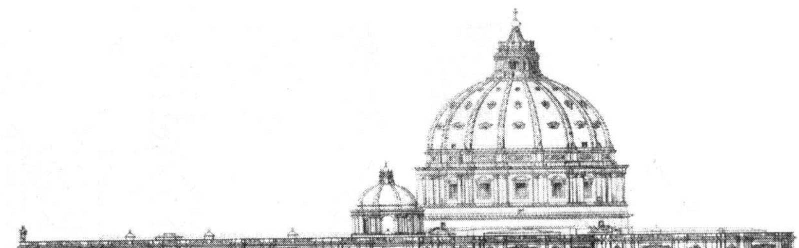
تصویر کله اونی Colleoni، اثر آندره آ
آوروکیو Andrea Verrocchio.



صحنه یی از تجلی نور مسیح، اثر جووانی
بلینی Giovanni Bellini، متولد سال های ۱۴۳۰



حکمران لئون Leon، عکسی از سال های اخیر.



رویای پاپ ژولیوس دوم که ساختن میدانی درسن پیتر San Pitter بود، سرانجام به حقیقت پیوست.

ایتالیا، ١٤ فوریه ١٥٤٩
جووانی باتزی (Giovanni Bazzi) نقاش ایتالیایی در شهر سیه‌نا (Siena) بدرود حیات گفت. او یکی از دوستان رافائل (Raphael) بود و در نقاشی آب و رنگ بر روی دیوار شهرت داشت و مدت زیادی از عمر خود را جهت تزیین کلیسای سن‌برنارد (St Bernard) در مونته اولیوتو ماجوار (Monte Olivieto Maggiore) گذرانید.
سویس، ژوئن ١٥٤٩
ژان کالوین و طرفداران اولریخ زوینگلی (Olrich Zwingli) درباره‌ی مراسم عشای ربانی به توافق رسیدند.
فلوریدا، ٢٦ ژوئن ١٥٤٩
لوئی کانسر دو بارباسترو (Luis Cancer de Barbastro) یک راهب دومی‌نیکن (Dominican) و اعضای هیأت مذهبی وی در گوآتمالا (Guatemala) در حین مراسم دعا و نماز به‌وسیله‌ی هندی‌ها در شهر تامپا (Tampa) کشته شدند. او برای ایجاد صلح و دوستی در بین مردم فلوریدا تلاش می‌کرد و خواست وی این بود که با اجرای مراسم مذهبی همگان را به رستگاری هدایت کند.
انگلستان، نهم اوت ١٥٤٩
انگلیس به فرانسه اعلان جنگ کرد.
ایتالیا، سوم سپتامبر ١٥٤٩
پاپ پل سوم نخستین جلسه‌ی سالیانه در بولونیا (Bologna) را تحریم کرد. (جلسات سالیانه‌ی قبلی در ترنت تشکیل می‌شد).
انگلیس، ١٤ اکتبر ١٥٤٩
با وجودی که دوک سامرست از مخالفت اشراف و نجبا با قدرت سلطنت ممانعت می‌کرد، وی را در برج لندن زندانی کردند.
فرانسه ٢١ دسامبر ١٥٤٩
مارگارت ناوار (Magaret Navarre) نویسنده‌ی فداکار و صمیمی که نمونه‌یی از افراد اصلاح‌طلب فرانسوی بود، درگذشت.
مراکش، ١٥٤٩
پرتغالی‌ها از استحکامات ناحیه‌ی آرزیلا (Arzila) در مراکش رانده شدند. این دژها را نیروهای پرتغالی در چند سال اخیر به‌وجود آورده بودند.
انگلیس، ١٥٤٩
شورش و آتش‌سوزی‌هایی که در نقاط مختلف کشور توسط گروه‌های مذهبی علیه یکپارچگی و اتحاد برپا شده بود، سرکوب شد. مهم‌ترین و شدیدترین آشوب‌ها در کورنوال (Cornwall) و کت (Kett) واقع در نورفولک (Norfolk) به‌وجود آمد.
ژاپن، ١٥٤٩
فرانسیس خاویر (Francis Xavier) که پیرو فرقه‌ی ژزوئیت بود، به سرزمین ژاپن رسید و به تبلیغ دین مسیح در کاگوشیما (Kagoshima) پرداخت.
برزیل، ١٥٤٩
تام دو سوزا (Tome de Sousa) که به‌عنوان نخستین فرماندار سرزمین برزیل از سوی ژان سوم پادشاه پرتغال منصوب شده بود، پایتخت را در شهر سالوادور دو باهیا دو تودوس لوس سانتوس (Salvador da Bahia de Todos los Santos) قرار داد.
رم، هفتم فوریه ١٥٥٠
پاپ پل سوم که جانشین ژولیوس (Julius) سوم شده بود، خانواده‌ی فارنس (Farnese) را از حقوق شهروندی رمی محروم کرد.
فرانسه، مارس ١٥٥٠
فرانسه و انگلیس در شهر بولونی پیمان صلح امضا کردند. انگلیس شهر بولونی را در ازای دریافت چهارصدهزار کرون (Crowns) به فرانسه تسلیم کرد و هم‌چنین اسکاتلندی‌های پروتستان‌مذهب از جمله جان ناکس (John Knox) که از سال ١٥٤٧ در دژ سنت آندریو زندانی فرانسوی‌ها بود، آزاد ساخت.
آلمان اکتبر ١٥٥٠
موریس پادشاه ساکسونی (Saxony) طی فرمانی دستور تعقیب مخالفان مصوبه‌ی مجلس اگسبورگ (Augsburg) را که دو سال پیش به محاصره‌ی ماگدبورگ (Magdeburg) اقدام کرده بودند، صادر کرد. این شهر مرکز مخالفان پروتستان‌مذهب است.
اسکاتلند، ١٥٥٠
در پی امضای عهدنامه‌ی بولونی (Boulogne)، نیروهای انگلیسی اسکاتلند را ترک کردند.

می‌کرد، به عبری علاقه‌مند شد و به دین یهود درآمد و به فرقه‌ی قاباله *(Qabbalah)* پیوست. این فرقه در پیکودولا میراندولا *(Pico de la Mirandola)* هواخواهان زیادی داشت. روکلن که نخست نسبت زبان عبری بی توجّه و حتا خصومت داشت، بعدها زبان عبری را پایه‌ی دین مسیح دانست و ثابت کرد که بدون دانستن این زبان فهم و درک دین مسیح مشکل است.

پرتغال جزیره‌ی مالاکا *(Malacca)* را تصرّف کرد. (مالاکا، ١٥١١):

پرتغالی‌ها که از تجارت ادویه‌ی شرق عایدی سرشاری داشتند، اکنون با کشتی‌های مجهّز به ناوگان آلفونسودو آلبوکرک *(Alfonso d' Albuquerque)*، رونق زیادی به آن دادند و توانستند این کالای گران‌بها را به دوردست‌ترین نقاط دنیا برسانند. آن‌ها با تصرّف جزیره‌ی مالاکا یکسره اقیانوس هند را پیموده و به جنوب دریای چین رسیده و بدون مانع و رادع، صفی از کشتی‌های تجاری خود را به دریای سرخ و بندر گوا *(Goa)* و قسمت شرق هندوستان اعزام می‌دارند.

با تصرّف مالاکا، درآمد ملوانان و کشتی‌های پرتغالی بسیار افزایش یافته است، به جهت این‌که دریانوردان تقریباً مدّت یک سال با انواع گرفتاری‌ها و توفان‌های مونسون *(monsoon)* که سالی یک بار در اوان پائیز در این منطقه روی می‌دهد، دست و پنجه نرم کردند و در مقابل آن ایستادند. در این مدّت، آن‌ها جزیره‌ی گوارا که تا سال پیش در تصرف پادشاه بیجاپور *(Bijapur)* بود، مسخّر کرده و در آنجا یک کارخانه‌ی کشتی‌سازی تأسیس کردند.

پرتغالی‌ها برای این‌که اقدامات خود را در منطقه تکمیل کنند، در صدد برآمدند کارخانه‌ی کشتی‌سازی دیگری به نام پادشاه پرتغال در مالاکا تأسیس کنند و در این مورد نظر شاه را جویا شدند و به او گفتند آیا می‌توانیم از بودجه‌ی خزانه‌ی کشور مبلغی برداشت کرده و صرف هزینه‌ی کارخانه کنیم؟ وی در جواب گفت: بدون شک، این موضوع هیچ‌گونه مانعی نخواهد داشت، به‌طوری که پادشاه سابق هم این جریان را تجربه کرده و به‌نظر می‌رسد که منافع سرشاری برای ما و کشور پرتغال خواهد داشت.

پرتغالی‌ها از این راه محموله‌های پر بهای ادویـه را به لیسبون حمل می‌کردند، محمولـه‌هـا شـامل فلفـل، دارچین، جوز هندی و میخک می‌باشد.

اسپانیایی‌ها راه دریای جنـوب را کشـف کردنـد. (دارین (*Darien*)، پاناما، ۲۹ سپتامبر ۱۵۱۳):

واسکونونزدو بالبوآ (*Vasco Nunez de Balboa*)، کاشف اسپانیولی، نخستین فـرد اروپـایی اسـت کـه راه دریای جنوب را یافته است. بـالبوآ و یـارانش از پایگـاه خود در دارین نزدیک اقیانوس اطلس، راه باریک دماغه در جنگل‌های غیرقابل نفوذ منطقه را در مدّت ۳۵ روز و پیمودن نزدیک به ۷۵ کیلومتر به دریای جنوب رسیدند. آن‌ها با رسیدن به کوهستان، از بالای ارتفاعات، دریای جنوب را مشاهده کردند. بالبوآ به تنهایی توانست با دعا و ثنا به قلّه‌ی مرتفع این کوه صعود کند و سپس یـاران وی موفق شدند با او همراه شوند.

او این دریا را که به اقیانوس آرام می‌پیوندد، دریای جدید خواند و آن را جزو اکتشافات اسپانیا قلمداد نمود.

بالبوآ و اطرافیانش که بالغ بر ۱۹۰ نفر مـی‌شـدند و چند صد نفر از بردگان هنـدی همـراه وی، عـلاوه بـر تحمّل رنج‌های طبیعی از قبیل جنگل و کوهسـتان، بـا بومیان منطقه درگیر شدند. بومیان مسلح به شمشـیر و تیر و کمـان و چکـش بودنـد، بـه‌عـلاوه نـوعی سـگ شکاری به همراه داشتند که راهنمای خوبی برای آن‌ها بود. همراهان بالبوآ و بردگان، درگیر جنگی نابرابر شدند و پیروزی در آن، بستگی به تیزهوشی و ذکاوت طرفین داشت. اسپانیایی‌ها با شمشیرهای بلنـد خـود، دسـت و پای عدّه‌یی از آنان را از بیخ کتـف و ران قطـع کردنـد، به‌طوری که هیچ یک از آنان زنده نماندند و سر کرده‌ی آن‌ها هم به قتل رسید.

یکی از کارکنـان شـهری، راهنمـای زمامـداران می‌شود. (فلورانس، ۱۵۱۳):

در کوشـش بـرای موفقیـت و احـراز قـدرت بـرای فرمانروایـان و زمامـداران، یکـی از کارمنـدان سـابق شهری، رساله‌ی جالبی درباره‌ی طـرز اداره‌ی حکومـت به رشته ی تحریر درآورده است.

نام این کتاب شهریار می‌باشد کـه توسـط نیکولـو ماکیاولی (*Niccolo Machiavelli*) درباره‌ی شـیوه‌ی اداره‌ی ایالت فلورانس و سیاست زمامداران آنجا نگارش یافته است.

ماکیاولی در سنّ ۲۹ سالگی به عضویت شـورای ده نفری شهر فلورانس منصوب شد. او دومین نفـری بـود که در جمهوری تحت تعقیب قرار گرفت. در ایـن شـورا به شروع جنگ رأی داده شـد (در ایـن هنگـام ایـالات مختلف ایتالیا، در جنگ‌های بین شهری درگیر بودنـد و به‌نظر می‌رسید که این نبردها دائمـی خواهـد بـود)، در نتیجه شورا تصمیم گرفت که برای امنیـت داخلـی بـه اقداماتی دست بزند، ماکیاولی در این پُسـت موفـق بـه دیدار سران بعضی از کشورهای خارجی از جمله پادشـاه فرانسه، پاپ و سزار بورژیا (*Cesare Borgia*) گردیـد و از این راه به آگـاهی‌هـایی دسـت یافـت کـه از ایـن اطلاعات در کتاب شاهان استفاده کرد.

در سال ۱۵۱۲، که مدیچی‌ها به حکومت فلـورانس رسیدند، وی شغل خود را از دست داد و تبعید گردیـد و در ضمن به اصرار مدیچی (*Medici*)، اقدام به نگارش تاریخ جمهوری کرد و پارسایی پیشه گرفت. این عضـو عالی‌رتبه‌ی شهر فلورانس، شغل خود را هم‌چون سالنی مطلا می‌دانست و در غـم و نگرانـی بـه سـر مـی‌بـرد. ماکیاولی در کتاب شـهـریار و سه کتاب دیگـرش بـه روشنی وضع دربار خاندان مدیچی را تشـریح مـی‌کنـد. وی در کتـاب شـهـریار ، مـدعی برتـری حکومـت فلـورانس بـر سـایر حکومـت‌هـا نیسـت و زمامـداران فلورانس را مردمـی و دموکراتیـک نمـی‌دانـد، بـا ایـن وصف، بحث مفصـلی راجـع بـه قـدرت شـاهزادگان و امرای کشوری را پیش کشیده و این حکومت‌ها و اقتدار آن‌ها را فرّار و گریزنده توصیف مـی‌کنـد و راه صـحیح سیاست را تجربه و بررسی می‌کند.

مدیچی با خواندن ایـن کتـاب از ماکیـاولی تشـکر کرد، چون وی او را از پلیدی‌ها و نادرستی‌هـا و افتـادن در ورطه‌ی خودخواهی برحذر می‌داشت و قصـد و نیـت زمامداران را هویدا و آشکار می‌ساخت.

سربازان پیاده‌ی سویسی، نیروهای فرانسـوی را از ناوارا (*Novara*) بیرون راندند. (نـاوارا، ایتالیـا، ششم ژوئن ۱۵۱۳):

امـروز سـربازان فرانسـوی در نبـرد بـا نیروهـای

ایسلند، ۱۵۵۰
اسقف آراسون (Arason) که نیروهایی از دسته‌های پروتستان و مخالفان جهت معرفی مذهب پروتستان در ایسلند (Iceland) تشکیل داده بود، توسط فردریک پادشاه دانمارک محکوم و اعدام شد.
رم، ۱۵۵۰
یک کالج از پیروان ژزوئیت در رم تأسیس گردید.
اسپانیا، ۱۵۵۰
کاشفان اسپانیولی در جنوب شرقی امریکای شمالی یک معبد چوبی عظیم به‌وسیله‌ی هندیان غربی ساختند.
فلوریدا، ۱۵۵۰
دولت اسپانیا اولین گاوهای گوشتی را به امریکای شمالی برد.
افریقای غربی، ۱۵۵۰
نوپ (Nupe) در سرزمین نیجریه (Nigeria) یوروبا (Yoruba)، حاکم ایالت اویو (Oyo) را مقهور کرد.
ونیز، ۱۵۵۰
گروه موسیقی فلاندری (Flemish) آدریان ویلارت (Adriaan Willaert)، سرپرست ارکستر کلیسای سن‌مارک (st Mark) با تلفیق ملودی‌های موزیک ایتالیایی با موزیک چندصدایی اروپای شمالی دسته موزیکی با صدای کر (گروهی) تشکیل داد که با به‌کاربردن آلات موسیقی‌های گوناگون همه را به اعجاب وامی‌داشت.
ایتالیا، ژانویه ۱۵۵۱
دومین اجلاس مربوط به بحث درباره‌ی جسم و روح عیسی در ترنت (Trent) گشایش یافت.
آلمان، نهم مارس ۱۵۵۱
در تعقیب قرارداد فامیلی هابسبورگ (Habsburg)، موافقت شد که فیلیپ پسر شارل پنجم به‌تنهایی به مقام امپراتوری و جانشین پدرش منصوب شود.
اتریش، ۱۹ ژوئیه ۱۵۵۱
بر طبق عهدنامه‌ی کارلسبورگ (Karlsburg)، قرار شد که فردیناند پادشاه هابسبورگ سلطنت بر مجارستان و ترانسیلوانی (Transylvania) را نیز عهده‌دار شود و بر این امر تأکید شد.
ایتالیا، ۱۵۵۱
هانری دوم پادشاه فرانسه پیکار با شارل پنجم امپراتور را از سر گرفت و تصمیمات اجلاس را باطل اعلام کرد.
مکزیک، ۱۵۵۱
قانون جدیدی به‌تصویب رسید که برطبق آن هندی‌ها نمی‌توانند معشوقه‌ی سفیدپوستان بشوند و یا با آن‌ها ازدواج کنند و همچنین اجازه‌ی حمل سلاح آتشین را ندارند. متخلفین از این امر تبعید شده و به بریدن گوش‌هاشان مجازات می‌شوند.
انگلیس، ۱۵۵۱
سر توماس مور (Sir Thomas More) کتاب آتوپیا (Utopia) را از لاتین به زبان انگلیسی برگرداند.
ژاپن، ۱۵۵۱
فرانسیس خاویر (Francis Xavier) ژزوئیت‌مذهب اسپانیولی پس از تبلیغ و ترویج فرقه‌ی ژزوئیت در سراسر سرزمین ژاپن برای انجام همین امر به چین رفت. دو هیأت مذهبی در تمام این مدت تلاش می‌کردند که هسته‌ی مسیحیت را در ژاپن کاشته و بارور سازند و از این نظر امیدوارند که راهبان بودایی آن‌ها را در این امر یاری دهند و با آن‌ها همکاری نمایند.
افریقای شمالی، ۱۵۵۱
دولت عثمانی شهر تریبولی (Tripoli) (طرابلس) را تسخیر کرد.
فرانسه، ۱۵ ژانویه ۱۵۵۲
هانری دوم پادشاه فرانسه و موریس شاه ساکسونی پیمانی به‌نام شامبور (Chambord) بر ضد شارل پنجم امپراتور امضا کردند. هانری به این منظور موریس را به این اتحاد دعوت کرد که بتواند از پول و نیروی نظامی ساکسونی استفاده کند و رسماً ناحیه‌ی متز (Metz) را در اختیار وی قرار داد، در حالی‌که در سال گذشته نواحی تول (Toul) و وردون (Verdun) را خود تصرف کرده بود.
انگلیس، ۲۲ ژانویه ۱۵۵۲
دوک سامرست لرد سابق که در نیمه‌ی اول سلطنت ادوارد ششم شریک وی به‌حساب می‌آمد، به دستور ادوارد اعدام شد. وی توسط دوک نورتمبرلند (Northumberland) دستگیر شد و سعی می‌کرد ضربه‌یی به ادوارد (Edward) بزند.

هم‌پیمان پاپ لئوی دهم که پیمان مقدّس نامیده می‌شد، پس از تحمّل ناراحتی‌های فراوان، دچار شکست شدند.

در سال گذشته، نیروهای فرانسوی که علیه نیروهای ونیزی اقدام به جنگ کرده بودند، دچار ضربه‌ی تخماق شدند، بدین معنی که از نیروهای متّحد ضربه‌ی مهلکی خوردند و امروز هم سربازان پیاده‌ی سویسی، تحت فرماندهی کاردینال اسکینر *(Schiner)*، آن‌ها را پس از یک ساعت نبرد، از ناوارا نزدیک میلان بیرون رانده و مجبور به فرار کردند. شکست امروز فرانسویان، در پی هجوم انگلیس به شمال فرانسه صورت گرفت و آن‌ها مجبور شدند برای همیشه شمال ایتالیا را تخلیه کنند. نیروهای دریایی انگلیس، در بندر کاله *(Calais)*، لنگر انداخته و شهرهای تروآنه *(Therouanne)* و تورنایی *(Tournai)* را اشغال کردند، در نتیجه فرانسه از شمال و جنوب کشور دچار شکست شد.

مرتاضان در جستجوی خوشبختی، مورد استهزاء و ریشخند قرار می‌گیرند. (کلن، آلمان، ۱۵۱۵):

یکی از درخشان‌ترین چهره‌های طنزنویس نو کتابی به نام (مردانی که در تاریکی به سر می‌برند) جهت تشریح و روشن شدن زندگی مرتاضان به نگارش درآورده است. او راهی را برای کمک به دانشمند راهب به نام یوهان روکلن *(Johann Reuchlin)* پیشنهاد کرده که چگونه وی می‌تواند از چنگ دادگاه تفتیش عقاید بگریزد. او در لباس طعن و کنایه، پیروان فرقه‌ی دومی نیکن را مورد خطاب قرار داده و عمداً به‌طوری که مفهوم آنان شود، از زبان لاتین استفاده کرده است.

در نامه‌های او، تمام راهبان، معلمان و الهیون مورد سؤال قرار می‌گیرند. مخاطب وی شخص اورت‌وینوس گراتیوس *(Ortvinus Gratius)*، یکی از دانشمندان الهیات دانشگاه کلن *(Cologne)* که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پشتیبان فرقه‌ی دومی نیکن می‌باشد. او سعی کرده که روکلن را مجرم بشناسد، چنین نگاشته: اگر راهبان به عوض این همه نماز و دعا و ثنا تصویرنگار بودند، خیلی شریف‌تر و عزیزتر از این بودند که هستند. آن‌ها شراب منطقه‌ی راین را به مراسم

عشای ربانی ترجیح می‌دهند و عشای ربانی را به خاطر شراب آن انجام می‌دهند. هم‌چنین با زبانی طنزآمیز و در عین حال خشن، بحث کوتاهی درباره‌ی الهیات دارد. این کتاب که در سال پیش انتشار یافت، با تیتر مردان روشنفکر، به حمایت بشر دوستانی چون روکلن برخاسته و علل این پشتیبانی را هم شرح داده است. زبان طعن نامه‌ها بیشتر متوجه‌ی کسانی مانند اولریخ فون هوتن *(Ulrich von Hutten)* است.

وی در یک خانواده‌ی اشرافی ثروتمند به نام فرانکونیان *(Franconian)* به دنیا آمد و هیچ گاه از حمایت اشراف صلیبی که در امپراتوری مقدّس رم شرکت داشتند، باز نایستاد.

وی گاهی از افراد وابسته که بر ضدّ روحانیت اقدام می‌کردند خشمگین می‌شد. او دانشمندی برجسته به‌شمار می‌رفت و زبان لاتین و یونانی را در بولونیا *(Bologna)* فراگرفته بود و اشعار و مقاله‌هایی که در زبان لاتین دارد از فصاحت بی‌نظیری برخوردار است.

مؤسس مستعمره‌ی پرتغالی در هند غربی، در یأس و نومیدی درگذشت. (گوا، هندوستان، ۱۶ دسامبر ۱۵۱۵):

یکی از بزرگ‌ترین دریانوردان پرتغالی به نام آلفونسو دوآلبوکرک *(Alfonso de Albuquerque)* امروز در روی کشتی در کمال یأس و ناامیدی جان سپرد. با وجودی که وی خدمات فراوانی به کشور انجام داده بود، قربانی کشمکش‌های دشمنان درباری خود گشت. او چند روز پیش، موفق به فتح این بندرگاه شد و اکنون رهسپار بندر گوا در اقیانوس هند به عزم دیدار نایب‌السلطنه هندوستان برای عقد قرارداد دو جانبه بین هند و لیسبون بود. در حالی‌که توفان مرگ پیشاپیش او در حرکت بود و سرانجام وی را در ربود. او در هنگام مرگ ۶۲ سال داشت.

آلبوکرک در پنجاه سالگی برای نخستین بار با ناوگان خود به سوی هند غربی رهسپار شد، او به زودی دریافت که باید فکری راجع به توفان و تندبادهای فصلی دریا و هوای متغیر این مناطق کرد. جمعیت این منطقه کم و در حدود ۱/۵ میلیون نفر است و دولت پرتغال قادر نیست اینجا را مستعمره خود کند.

برای این کار لازم است که دولت پرتغال پادگان‌هایی تأسیس کرده و از سربازان بومی جهت حفظ امنیت مستعمره استفاده کند. آلبوکرک با این پیشنهاد در نظر داشت که پرتغال را واسطه‌ی تجارت بین شرق و اروپا قرار دهد و از این راه عواید سرشاری نصیب کشور نماید. با این حساب، در سال ۱۵۱۲ عایدی کشور پرتغال از این راه به ۸۰۰ درصد رسید.

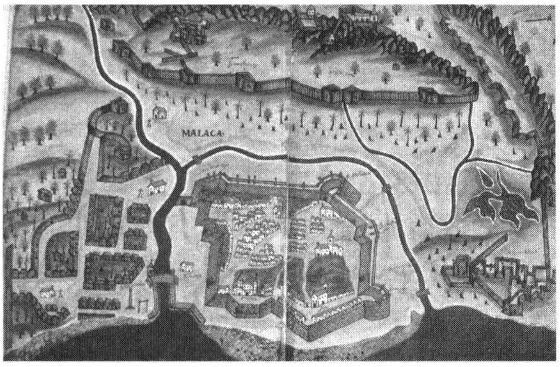
راهب محلی، مردم را بر ضدّ اسپانیایی‌های بی‌رحم دعوت به قیام کرد. (کوبا، ۱۵۱۴):

یک میسیون مذهبی مسیحی که برای تبلیغ دین مسیح به کوبا اعزام شده بود، از ظلم و ستم هموطنان سنگدل خود به هنگام فتح این جزیره دچار وحشت شد. راهب و سرپرست این گروه مذهبی، مردم بومی را به قیام علیه آن‌ها فرا خواند. بارتولومه‌دولاس کازاس *(Bartolomeo de las Casas)*، که یکی از اعضای گروه اعزامی پانفیلودو ناوارز *(Panfilo de Navarez)* بود که در سال ۱۵۱۳ به این منطقه وارد شدند، وی از ظلم و فساد سپاهیان اعزامی هر شب دچار کابوس می‌شد و از آزار و شکنجه‌ی آنان نسبت به بومیان بسیار غمگین بود. او خود شاهد بوده است که سربازان اسپانیولی، بومیان را، اعم از زن، مرد و بچّه، قتل‌عام می‌کنند. وی با خود فکر می‌کرد که آنان با شیطان قرارداد بسته‌اند و به او پیوسته‌اند که با افراد بومی بی‌سلاح این چنین رفتار می‌کنند، آن‌ها بچّه‌های شیرخوار را از پستان مادر گرفته و بر روی صخره پرتاب می‌کنند، برخی از آن‌ها را به دریا می‌اندازند تا طعمه‌ی جانوران گوشتخوار دریایی شوند. افراد بالغ را روی آهن گداخته می‌اندازند، یا این‌که به چوبه‌ی دار آویزان می‌کنند، در حالی‌که زیر پای آن‌ها را با هیزم افروخته‌اند.

هندیانی را که در مقابل آن‌ها مقاومت می‌کنند در مقابل سگ‌ها می‌اندازند تا آن‌ها را پاره کنند و با کمال شقاوت به قربانیان می‌نگرند. لاس کازاس، کشیش مسیحی چون قادر به مشاهده‌ی این چنین ظلم و ستم اسپانیولی‌ها نبود، کوبا را ترک کرده و به اسپانیا بازگشت. او سخت مشغول تبلیغ بر ضدّ این جنایات است و مردم اسپانیا را با وحشی‌گری‌های نیروهای اعزامی به کوبا آشنا می‌کند که چگونه هموطنان وی،



بالبوا Balboa ، کاشف اسپانیایی ، اثر قرن ۱۹.



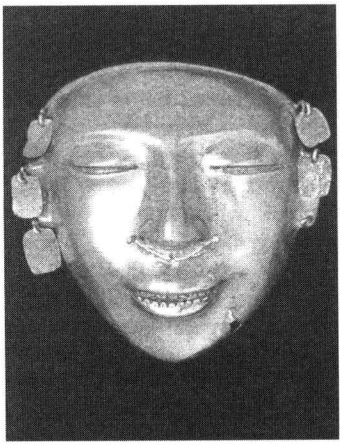
مالاکا Malacca ، دولت پرتغال با تسخیر این بندر، کنترل تجارت ادویه را در اختیار گرفت.



پاپ لئوی دهم با برادرزاده اش.



ماکیاولی Machiavelli ، تصویر سده ی اخیر.



یک ماسک زرین که به وسیله ی یک مجسمه سازَ ماهر کلمبیایی ساکن کیمبایا Quimbaya ساخته شده.



آخرین تصویر آلبوکرکAlbuquerque ، دریانورد بدعاقبت پرتغالی.

بومیان جزیره‌ی کوبا را به بردگی و کار اجباری وامی‌دارند.

به‌نظر می‌رسد آمریکا بین دو قاره‌ی قدیم واقع شده (اروپا، ۱۵۱۳):

پس از مدّت‌ها بررسی و تحقیق دانشمندان نقشه‌بردار و جغرافی‌دان اروپایی، بر این اصل توافق کردند که قاره‌ی جدید که در غرب اقیانوس اطلس قرار دارد، جزو قاره‌ی آسیا نیست.

مؤلفان جدید جغرافیا بار دیگر مانند پتولمی مصری، در سال ۱۴۰۵ به این نتیجه رسیدند که بین قاره‌ی آسیا و اروپا، قاره‌ی دیگری در کره‌ی زمین وجود دارد.

کریستف کلمب با کشف دنیای جدید گمراه شد، چون در ۱۴۰۰ سال پیش به کروی بودن زمین پی نبرده بودند و می‌پنداشتند که تنها دو قاره‌ی آسیا و اروپا وجود دارد و کره‌ی زمین را منحصر به آسیا و اروپا می‌دانستند که آفریقا هم زائده‌یی از این دو قاره بوده است.

میکل‌آنژ با هنر خود از خداوند و پاپ تجلیل می‌کند. (رم، ۲۰ فوریه ۱۵۱۳):

ماه گذشته پاپ ژولیوس دوّم یک پیروزی برای رم تحصیل کرد و ایتالیا را آزاد ساخت. وی امروز در شهر رم درگذشت و مانند یک شاهزاده از او تجلیل شد، لیکن سقف کلیسای سنت پیتر ناتمام ماند و میکل آنژ که به وی وعده داده بود آن را تمام کند، نتوانست به وعده‌ی خود وفا کند.

در سال ۱۵۰۳ که ژولیوس این مقام را اشغال کرد، نخستین کار وی این بود که میکل آنژ، هنرمند ۲۹ ساله را از فلورانس فرا خواند تا طرحی برای تزیین سقف کلیسای سن پیتر پیاده کند، میکل آنژ با اختیاری که پاپ به او داد، برای بازسازی و نوسازی بنای کلیسای بزرگ سنت پیتر، نقشه‌یی جامع و با ارزش برای آن کشید، این نقشه مورد موافقت قرار نگرفت.

دوناتو برامانته *(Donato Bramante)*، معمار معروف رمی، نقشه‌ی دیگری کشید و به‌نظر پاپ رسانید، طبق این نقشه، کلیسای سنت پیتر به‌صورت یکی از نوادر روزگار درمی‌آمد که تا به حال نظیر آن دیده نشده بود و بر این اساس کلیسای فعلی در مقابل آن محقر می‌نمود. میکل آنژ با وجود مناقشات زیاد در کار خود پیشرفت می‌کرد. میکل آنژ در نظر داشت تندیس‌هایی از مرمر بر روی سقف نصب کند که این امر با مخالفت پاپ روبرو شد، چون پاپ از نظر مالی در مضیقه بود و پیکره‌ها را با وجود التماس رمی‌ها به فلورانس انتقال دادند، این پیکره‌ها که از سنگ مرمر بسیار شفاف و زیبا ساخته شده و موجب افتخار شهر رم بود، به رم وفا نکرد.

در سال ۱۵۰۸، طی جلسات طولانی جهت تصمیم‌گیری برای ادامه کار، پاپ از میکل آنژ خواست که کار خود را از سر گیرد، لیکن بام کلیسا را سه اشکوبه نظیر کلیسای سیستین *(Sistine)* (یک طبقه مخصوص اسقف‌ها) بسازند و این کار را برادرزاده‌ی پاپ سیکستوس چهارم برعهده گرفت. میکل آنژ سعی کرد که کار را با سرعت به انجام رساند، لیکن پاپ آن را نپذیرفت.

پس از چهار سال میکل آنژ کار را دوباره آغاز کرد، لیکن دست تنها بود و کسی با وی همکاری نمی‌کرد، در حالی‌که پاپ می‌خواست هرچه زودتر کار خاتمه یابد و سریع‌تر پیش برود، بالاخره میکل آنژ طرح خود را به پایان رسانید.

سقف کلیسا حکایت از آفرینش جهان توسط خداوند متعال می‌کند و نقشه‌ی خلقت آسمان و زمین و مخلوقات است.

در همین حال، نقاشانی چون رافائل و برامانته مشغول نقّاشی آپارتمان مخصوص پاپ بودند و آن را به بهترین وجه با نقشه‌های دیواری تزئین کردند، در حالی‌که بنای ساختمان زیرنظر سرمعمار سنت پیتر *(St Peter)* در دست کار بود. در ضمن رافائل تصویر پاپ ژولیوس دوّم را هم در حالت عصبانیت و خشم ترسیم و آن را به وی تقدیم کرد.

ماتیاس گرون‌والد *(Matthias Grunewald)*، پیس (نمایشنامه) محراب را در آیزنهایم *(Isenheim)* به پایان رسانید. (آیزنهایم آلمان، ۱۵۱۵):

پس از سه سال انتظار، سرانجام نمایشنامه‌ی محراب در بیمارستان وابسته به کلیسای آیزنهایم بر

انگلیس، ۲٤ فوریه ۱۵۵۲
امتیازات عهدنامه‌ی هانی‌ستیک (Hanseatic) در انگلیس لغو گردید.
انگلیس، مارس ۱۵۵۲
یک کتاب جدید جهت یکپارچگی آداب و مراسم مذهبی پروتستان‌ها انتشار یافت.
آلمان، مه ۱۵۵۲
موریس پادشاه ساکسونی ناحیه‌ی اوگسبورگ را تصرف کرد و شارل پنجم را در اینسبروک (Innsbruck) تحت محاصره قرار داد.
آلمان، دوم اوت ۱۵۵۲
یوهان فردریک (John Frederick) کاندیدای انتخابی ساکسونی و فیلیپ هس (Philip Hesse) که از سال ۱۵۴۶ در اسارت شارل پنجم بودند، آزاد شدند.
آلمان، دوم اوت ۱۵۵۲
عهدنامه‌ی پاسو (Passau) که در سال ۱۵۴۸ بین موریس پادشاه ساکسونی و فردریک شاه هابسبورگ به‌طور موقتی و زیر نظر شارل پنجم منعقد شده بود در شهر اوگسبورگ لغو شد و بدین‌ترتیب شاهزادگان پروتستان از نظر مذهبی آزاد شدند.
چین، سوم دسامبر ۱۵۵۲
فرانسیس خاویر، اسقف وست ایندیز، در خارج از وطن خود، نزدیک شهر کانتون (Canton) درگذشت.
روسیه، ۱۵۵۲
ایوان مخوف (Ivan the Terrible) بر غازان‌خان غلبه کرد.
خلیج فارس، ۱۵۵۲
ناوگان دریایی دولت عثمانی بر استحکامات پرتغالی جزیره هرمز حمله کردند، لیکن شکست خورده و بار دیگر پرتغالیان آن‌جا را تصرف کردند.
اسپانیا، ۱۵۵۲
بارتولومه دو لاس کازاس (Bartolomeo de las Casas)، کشیش دومی‌نیکن با انتشار کتابی با عنوان مختصری از آثار تخریبی غربی‌ها در هند غربی، حملات شدیدی بر ضد سیاست استعماری اسپانیا در دنیای جدید انجام داده است.
ایتالیا، ۱۵۵۲
بارتولومه اوستاکیو (Bartolommeo Eustachio) عالم تشریح به کشفیات مهمی در گوش و قلب انسان دست یافته، او به‌خصوص در مورد مجاری عروقی قلب و دریچه‌های قلب وگوش کارهای برجسته‌یی انجام داده است و دریچه‌ی اوستاش در فاصله‌ی بین گوش و حلق به‌نام وی ثبت شده است.
فرانسه، ژانویه ۱۵۵۳
شارل پنجم در تسخیر شهر متز (Metz) دچار شکست شد.
فرانسه، نهم اوریل ۱۵۵۳
فرانسوا رابله (Francois Rabelais) نویسنده‌ی داستان‌های تخیلی که از سوی کالون و دکترهای دانشگاه سوربون پاریس متهم به بی‌بند و باری و هرزه‌درایی در نویسندگی شده بود، بدرود حیات گفت. نخستین کتاب او به‌نام پانتاگروئه (Pantagruel) به‌سرعت مورد استقبال مردم قرار گرفت.
انگلیس، ۱۵۵۳
اعتراف‌نامه‌یی در چهل و دو بند در معرض اظهار نظر مردم قرار گرفت. این اعتراف‌نامه توسط توماس کرانمر سراسقف کانتربوری (Canterbury) و شش نفر از اعضای کمیته‌ی جدید پروتستان‌ها تهیه و برای درج در کتاب آیین‌های دعا و نماز این مذهب مورد استفاده قرار گرفت.
انگلیس، ششم ژوئیه ۱۵۵۳
ادوارد ششم فوت شد، او سلطنت را به خانم جین‌گری (Jane Gray)، دخترخوانده‌ی دوک نورتامبرلند واگذار کرد و بدین ترتیب جین‌گری به‌عنوان ملکه‌ی انگلیس معرفی شد.
آلمان، نهم ژوئیه ۱۵۵۳
موریس پادشاه ساکسونی در نبرد سیورهاوزن (Sievershausen) که به حمایت آلبرت (Albert) پادشاه براندنبورگ ـ کولباخ (Brandenburg) ـ (Kulmbach) شرکت کرده بود، زخم‌های مهلکی برداشت.
ایتالیا، دوم اوت ۱۵۵۳
قوای فرانسوی در حمله به توسکانی (Tuscany) در مقابل نیروهای نظامی امپراتوری در نبرد مارچیانو (Marciano) به‌سختی شکست خوردند.

روی صحنه آمد، این نمایش یکی از باشکوه‌ترین آثار هنری است که در دنیا خلق شده است.

این نمایش‌نامه به وسیله‌ی ماتیس نی‌تارت *(Mathis Neithardt)* مشهور به ماتیاس گرون والد تهیه شده و شامل دو بخش است. در تمام روزهای هفته این نمایش به روی صحنه می‌آید. این بخش ویژه‌ی بیماران طاعونی تحت مراقبت سنت آنتونی *(St Antony)* می‌باشد.

روزهای یکشنبه هم نمایشی از زندگی عیسی مسیح در چهار پرده متحرک شامل قسمت‌های گوناگون به اجرا درمی‌آید.

گرون والد را می‌توان با دورر *(Durer)* مقایسه کرد، در حالی‌که دورر به پیشرفت تجدید حیات هنری (رنسانس) ایتالیا کمک فراوانی کرد. آثار گرون والد در حد قرون وسطایی باقی مانده است. موضوع به صلیب کشیده شدن عیسی در متن و کانون نمایشنامه محراب قرار دارد و آن را به سختی می‌توان به موضوعات مذهبی چسباند. در این پیس بیشتر جنبه‌های تحوّل و کارهای هنری و زندگی ثروتمندان موردنظر قرار گرفته است.

پادشاه هابسبورگ که پسر ۱۶ ساله‌یی بیش نیست، اسپانیا را جزو قلمرو خود می‌داند. (اسپانیا، ۱۳ مارس ۱۵۱۶):

شارل، پادشاه هابسبورگ، پس از سفری به دور کرانه‌های اقیانوس اطلس که از بروکسل آغاز کرده بود، امروز تاج پادشاهی اسپانیا را بر سر نهاد. شارل جانشین فردیناند دوّم پدربزرگش که پادشاه آراگون بود، شد.

این پادشاه جوان وارث سلطنتی با گرفتاری‌های فراوان شد، که یکی از کم اهمّیت ترین آن‌ها، طغیان اشراف به رهبری پدروجرون *(Pedro Giron)* می‌باشد که در نتیجه‌ی آن، سرزمین مستعمره شمال آفریقا از تسلّط امپراتوری هابسبورگ خارج شد. خوشبختانه، فرزند فیلیپ (مشهور به خوشگله) و ژووانا *(Joanna)* (مشهور به دیوانه) فرمانروایان هابسبورگ افراد با تجربه‌یی بودند. شارل فرزند این زوج بود که در هفت سالگی به‌طور اسمی فرمانروای هلند شد.

شارل در این هنگام تحت تعلیم قرار گرفت، او قبلاً زبان اسپانیایی را از لوئیس دوواکا *(Luis de Vaca)*، معلم خود، آموخته بود، در حالی‌که آموزگار اصلی وی، آدریان *(Adrian)*، اهل اوترشت *(Utrecht)* که فردی ریاضت‌کش بود و زندگی خود را وقف دیگران می‌کرد، می‌باشد.

هنگامی‌که فیلیپ، پدر شارل، درگذشت، فردیناند، مادر وی ژووانا را با فرصت به دست آمده به خارج فرستاد و خود سرپرستی شارل را با عنوان نایب‌السلطنه برعهده گرفت.

یکی دیگر از مربیان و سرپرستان شارل، فردی به نام گیلیوم دو کروآ *(Guillaume de Croy)*، از اشراف و اربابان منطقه‌ی کیورز *(Chievres)*که شخصی جاه‌طلب و بلندپرواز بود، او در ضمن، کاخ دار سلطنتی و فردی بود که اجازه داشت به اتاق خواب شاهزاده‌ی جوان برود و او را از خواب بیدار کند. شارل برای جلب اطمینان و اعتماد مردم، در سنّ ۱۵ سالگی، روزی در یک اجتماع آن‌ها را مورد خطاب قرار داد و گفت: من به وفاداری و صداقت شما در تمام موارد اطمینان دارم و امیدوارم من هم بتوانم پادشاه خوبی برای ملّت باشم.

توپ خانه‌ی فرانسویان، نیروهای سویس را در هم شکست. (مارینیانو *(Marignano)*، ۱۳ سپتامبر ۱۵۱۵):

دو سال پس از شکست خردکننده‌ی نیروهای فرانسوی در ناوارا، آن‌ها پیروزی عظیمی در مارینیانو در شمال ایتالیا کسب کردند. در این نبرد، نیروهای نظامی سویسی و فرمانده‌ی آن، کاردینال اسکینر *(Schiner)*، به کلّی نابود شدند. حال فرانسیس، پادشاه فرانسه، رهسپار شهر میلان است. فرانسیس که به جانشینی لویی دوازدهم در آغاز امسال منصوب شده، به تلافی نبرد ناوارا *(Novara)* اقدام به جنگ کرده است.

تلاش‌هایی برای جلوگیری از این نبرد به‌عمل آمد و دولت سویس در این زمینه پیشنهادهایی در جهت دادن رشوه به فرانسیس داد که مورد قبول وی واقع نشد، چون فرانسیس شهرت خوبی در این‌باره ندارد. او با دقت، مشغول طرح نقشه‌ی جنگ شد و در این مورد از هیچ فشاری برای آغاز نبرد خودداری نکرد.

پیمان‌های اتحاد بین انگلیس، ونیز و اتریش، امضا شد که بتوانند در مقابل چهل هزار سرباز فرانسوی و پیادگان نخبه‌ی آلمانی که به توپخانه‌ی سنگین مجهز بودند، ایستادگی کنند. نیروهای فرانسوی پس از گذشتن از کوه‌های آلپ، به پشت سپاهیان سویسی در لومباردی رسیدند، در این وقت، یعنی در هشتم سپتامبر، فرانسیس برای آخرین بار با فرمانده‌ی عملیاتی خود به نام گالارات *(Gallarate)* یک اجلاس جنگی تشکیل داد و به بررسی نقشه‌های نبرد پرداخت. او از متّحدین خواست که فوراً لومباردی و میلان را تخلیه کنند و قشون سویس ایتالیا را ترک کند.

این پیشنهاد از طرف کاردینال اسکینر *(Schiner)*، فرمانده‌ی سپاهیان سویس رد شد و او با کمال جسارت اظهار داشت من میل دارم که با خون سربازان فرانسوی دست‌هایم را شسته و با آن استحمام کنم. امروز ارتش‌های ما در منطقه‌ی مارینیانو به ملاقات یک‌دیگر خواهند شتافت و سرنوشت جنگ را سربازان نیزه‌دار سویسی تعیین خواهند کرد، همان‌طور که کاردینال گفته بود، سربازان سویسی به شدت جنگیدند، ولی سرنوشت جنگ را توپخانه‌ی فرانسوی تعیین کرد.

سلطان عثمانی، در رأس کشورهای اسلامی (کنستانتینوپول، ۱۵۱۷):

امپراتوری سلاطین مملوک مصر که دچار ضعف شده بود، سرانجام از هم پاشید سلطان سلیم پادشاه عثمانی، در لباس پیامبر اسلام به شهر قسطنطنیه وارد شد.

اکنون سلیم نگهبان و حافظ شهرهای مقدّس مسلمانان مثل مکه و مدینه می‌باشد و مسیر حجاج و زائران مسلمان را در حجاز کنترل می‌کند و مدعی رهبری مسلمانان جهان می‌باشد. او در سال ۱۵۱۴ در جنگ چالدران *(Chaldiran)*، بر کشور پادشاهی ایران پیروز شد و مرزهای عثمانی را از سوی غرب گسترش داده و بر اقتدار عثمانیان به نحو بی‌سابقه‌یی افزود.

انگلیس، سوم اوت ۱۵۵۳
نقشه‌های دوک نورتومبرلند (Northumberland) برای جلوگیری از سلطنت ماری تئودور (MaryTudor) یگانه‌فرزند در قید حیات هنری هشتم و کاترین آراگون (Catherine Aragon) نقش بر آب گردید و او فاتحانه به لندن وارد شد. او اخیراً در شهر کمبریج (Cambridge) خود را ملکه‌ی انگلیس خوانده بود.
انگلیس، ۲۲ اوت ۱۵۵۳
به فرمان ماری تئودور، دوک نورتومبرلند دستگیر و اعدام شد، او را متهم به توطئه علیه جان ملکه کرده بودند.
انگلیس، سپتامبر ۱۵۵۳
اسقف‌های پروتستان‌مذهب دستگیر شدند و به‌جای آن‌ها اسقف‌های کاتولیک را برگماشتند.
مراکش، ۲۳ سپتامبر ۱۵۵۳
سعدیان پادشاه مراکش آخرین دشمنان را مغلوب و خود را پادشاه تمام سرزمین مراکش خواند.
آلمان، ۱۶ اکتبر ۱۵۵۳
لوکاس کراناخ (Lucas Cranach) نقاش آلمانی درگذشت. وی با اتخاذ روشی نوین سبک جدیدی در ترسیم تصویر به‌وجود آورد و موضوعات نوینی در تصویرنگاری از خود به‌یادگار گذاشت. او تصاویری از قدیسین و صحنه‌هایی از آثار کلاسیک را خلق کرد.
سویس، ۲۷ اکتبر ۱۵۵۳
میشل سروتوس (Michael Servetus)، دانشمند الهیات و پزشک اسپانیولی را که با سمت استادی در دانشگاه پاریس به‌تدریس می‌پرداخت و گردش خون را در ریه‌ی انسانی کشف کرده بود، به جرم ارتداد، در آتش سوزانیدند. وی موضوع تثلیث در دین مسیح و الوهیت عیسی و مقام خدایی او را مطرود دانسته بود.
روسیه، ۱۵۵۳
ریچارد چانسلر (Richard CHancellor)، دریانورد انگلیسی، توسط سر هوف ویلوبی (Sir Hugh Willoghby) به سمت دریاسالار انتخاب و با گروهی به‌سوی جنوب شرقی هندوستان اعزام شد. این گروه پس از گذشتن از دریای سفید به آرخانگل (Archangel) رسیدند. چانسلر در این سفر به مسکو رسید و با تزار ملاقات کرد.
هلند، ۱۵۵۴
هانری دوم، پادشاه فرانسه، به سرزمین هلند هجوم برد.
انگلستان، فوریه ۱۵۵۴
توماس ویات (Thomas wyatt)، پس از مدتی که رهبری شورشیان پروستان در ناحیه‌ی کنت (Kent) را به‌عهده داشت، در لندن خود را به قوای دولتی تسلیم کرد، او ملکه ماری را تشویق کرد که با فیلیپ پادشاه اسپانیا ازدواج کند.
لندن، ۱۲ فوریه ۱۵۵۴
خانم جین‌گری که در سال پیش به هم‌یاری دوک نورتومبرلند، عموی خویش، خود را ملکه‌ی انگلیس خوانده بود، در برج لندن اعدام شد.
انگلیس، ۲۵ ژوئیه ۱۵۵۴
ماری تئودور، ملکه‌ی انگلیس، با فیلیپ پسر و جانشین شارل پنجم پادشاه اسپانیا ازدواج کرد.
مکزیک، ۲۲ سپتامبر ۱۵۵۴
فرانسیسکو واسکوئز دو کورونادو (Francisco Vasquez de Coronado) وفات یافت. او بخش جنوب شرقی، امریکای شمالی را به امید یافتن سرزمین ثروتمندی چون مکزیک کشف و سراسر آن نواحی را درنوردید. وی ایالت کلورادو (Colorado) و ریوگراند (Rio Grande) و رودخانه‌های آن مناطق را کشف کرد و نیز ایالات وسیع آریزونا (Arizona)، نیومکزیکو (New Mexico)، تگزاس (Texas)، اوکلاهوما (Oklahoma) و کانزاس (Kansas) را پیمود و اثراتی از خود به یادگار گذاشت.
عربستان، ۱۵۵۴
دولت عثمانی جزیره‌ی بحرین را تصرف کرد.
انگلیس، ۱۵۵۴
پارلمان انگلیس تمام قوانین مذهبی دوران هنری هشتم و ادوارد ششم را منسوخ اعلام کرد، قوانین مربوط به کاتولیک را ترویج و پاپ را هم به‌عنوان مرکز قدرت مذهب کاتولیک به رسمیت شناختند.

او در سال گذشته، دیار بکر را تصرّف کرد و دو سال پیش از آن هم، شهرهای منطقه‌ی آناتولی را مسخّر کرد. او با یورش به استحکامات ایران در شرق سرزمین عثمانی و تحت کنترل درآوردن فلات رفیع منطقه‌ی شمال‌غرب سرزمین ایران و به دست آوردن جادّه‌ی ابریشم، از شهر تبریز تا آله‌پو *(Aleppo)* و بورسا *(Bursa)* را در اختیار گرفت. در همین حال، با استفاده از پیمان همکاری با مملوکیان مصر که به دشواری بدان دست یافت، در سال ۱۵۰۹ موفق شد که ناوگان پرتغالیان را در دریای سرخ از هم بپاشد.

در سال ۱۵۱۶، سپاهیان عثمانی، قشون مملوکیان مصر را که ادعای انتساب به پیامبر را داشتند، در مکه و خیبر شکست دادند و سلطان سلیم در آله‌پو خود را جانشین پیامبر و رهبر مسلمانان جهان اعلام کرد.

القواری *(al-Ghawari)*، سلطان مملوک و کهن‌سال مصر، با وجود شکست نیروهایش در منطقه‌ی مرج دبیق *(Marj Dabiq)*، هنوز خود را سلطان می‌دانست.

در این حال، تومان‌بیگ *(Tuman Bey)* خود را سلطان قاهره نامید، لیکن سلیم وی را شکست داده و در خارج شهر به دار آویخت، با رها شدن مصر از مدعیان سلطنت، سلیم در رأس سرزمین‌های سوریه، مصر و حجاز قرار گرفت.

توماس مور *(Thomas More)* می‌نویسد از دیدِ من، مدینه‌ی فاضله شهری ایده‌آل می‌باشد. (فلاندر، دسامبر ۱۵۱۶):

توماس مور، دانشمند انسان دوست و صدراعظم انگلیس، سابقاً در کتاب کوچک زرین خود نوشته بود که آتوپیا *(Utopia)* (مدینه‌ی فاضله‌ی افلاطون)، بهترین توصیف از یک اجتماع پیرو سجایای انسانی است. گاهی اروپائیان از رهبران بد اخلاق و ستمکار خود ابراز انزجار می‌کنند و از آن‌ها بیزاری می‌جویند و در جستجوی اجتماعی هستند که در آن عدالت و انصاف و دوستی و برابری حکمفرما باشد و این کتاب راهنمایی برای افراد بشر دوست می‌باشد.



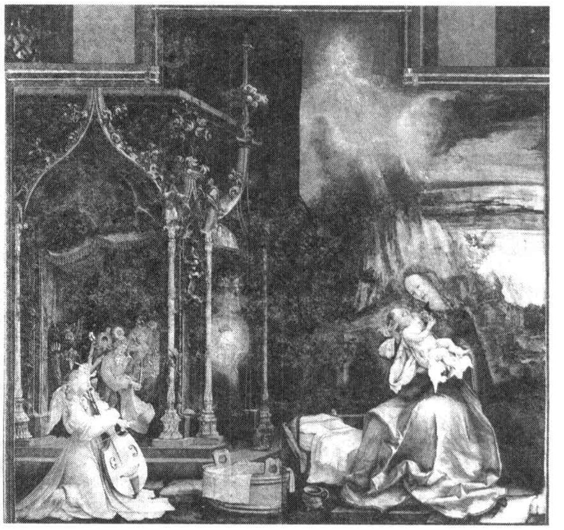
پاپ ژولیوس دوم، مرد قدرتمندی که همواره در اضطراب و نگرانی بسر می برد، اثررافائل Raphael ، نقاش بزرگ ایتالیایی.



سواره فرانسیس پادشاه فرانسه، اثر هنرمندانه ی فرانسوا کلوئه Francois Clouet (متولد سال های ۱۵۱۰)



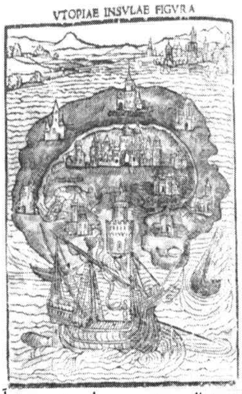
بالتازار کاستیلونه Balthasar Castiglione مرد مقتدر، اثر رافائل.



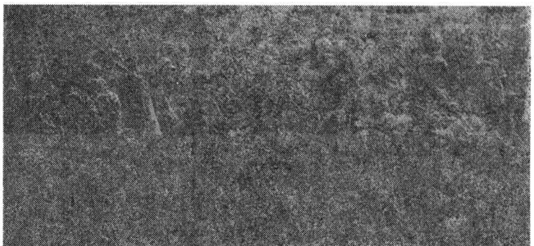
جشن و سرور به مناسبت تولد عیسی، اثر ماتیاگرونوالد Matthias Grunewald (متولد ۱۴۵۵)



ساختمان گنبد کلیسای سن پیتر، با نظارت دوناتوبرامانته Donato Bramante (متولد ۱۴۴۴)



تصویری خیالی و تجسمی از جزیره ی آتوپیا Utopia (مدینه ی فاضله) که کاشفان اولیه از دنیای جدید داشتند و تصور می کردند که مردمان آن جاهمگی در راحتی و آسایش بسر می برند، در حالی که ساکنان دنیای قدیم، مردمانی خودپسند و طماع هستند و به زندگی سخت و تلخ آن خو گرفته اند.



پیکره های نیمه برجسته بر روی سنگ های مرمر کاخ شارل پنجم در شهر گرانادا Granada واقع در جنوب اسپانیا، کار خوان دو اوره آ Juan de Orea



حمله ی قوای سلطان سلیم به سرزمین ایران (سال ۱۵۱۴)

فرانسه، ۱۵۵٤
سباستیانو سرلیو (Sebastiano Serlio)، معمار و تندیس‌نگار ایتالیایی در فونتن‌بلو، جایی که خود وی در ساختن قصر ییلاقی پاپ شرکت داشت، درگذشت. وی رساله‌یی درباره‌ی عقاید ویترویوس (Vitrovius) متخصص و معمار زمان امپراتوری آگوستوس (Augustus) که در تمام اروپای ان زمان مشهور بود، نوشت و از نظریات وی در کار معماری بهره برد.

رم، ۱۵۵٤
جان پیترو کارافا (Gian Pietro Caraffa)، اهل ناپل، به‌عنوان پاپ انتخاب شد و پل چهارم نام گرفت. وی جانشین مارچلوس (Marcellus) دوم که تنها ۲۱ روز در این مقام بود، گشت. کارافا مصمم بود که تمام مخالفان مذهب کاتولیک را تکفیر کند.

لندن، ۱۵۵٤
در پی دیدار ریچارد چانسلر (Richard Chancellor) از مسکو، شرکت مسکوی (Muscovy) باب تجارت پوست خز و چوب را با انگلیس گشود. اکنون بازرگانان انگلیسی با تجار آلمانی به رقابت برخاسته‌اند و مفاد پیمان هانستیک (Hanseatic) را که امتیازاتی برای بازرگانان آلمانی در بر داشت، در سال ۱۵۵۱ لغو کرده بودند.

ایتالیا، ۱۵۵٤
فیلیپ، پادشاه اسپانیا، منطقه‌ی ناپل (Naples) و سیسیل (Sicily) و دوک‌نشین میلان (Milan) را که شارل پنجم از دست داده بود، جزو قلمرو خویش اعلام کرد.

ایتالیا، ۱۵۵٤
دوشس فرارا رنید استه (Duchess of Ferrara Renee d' Este) به‌سبب تکفیر شوهرش دوک داسته، زندانی شد. رنی که دختر لویی دوازدهم پادشاه فرانسه بود، در سال ۱۵۲۸ با دوک ازدواج کرده بود. وی در حمایت از اصلاح‌طلبان مذهبی بسیار کوشا بود و سعی داشت در دربار خود آزادی مذهبی رعایت شود.

افریقای غربی، ۱۵۵٤
سرزمین کاتسینا (Katsina) (واقع در نیجریه) استقلال خود را از سونگایی (Songhai) اعلام داشت.

ایتالیا، آوریل ۱۵۵۵
قوای فرانسوی ناحیه‌ی سیه‌نا (Siena) را تسخیر کردند. این منطقه پس از پانزده ماه محاصره به‌وسیله‌ی نیروهای امپراتوری به فرماندهی کازیمو دومدیچی (Cosimo de Medici) دوک فلورانس (Florence) تسلیم شده بود.

اسکاتلند، مه ۱۵۵۵
جان ناکس از شهر ژنو به اسکاتلند بازگشت، او سخت تحت تأثیر عقاید کالون قرار گرفته بود. او به‌طور وسیعی به تبلیغات عقاید کالون می‌پرداخت و عمر خود را وقف این کار می‌کرد.

آلمان، سوم اکتبر ۱۵۵۵
قرارداد صلح اوگسبورگ به مردم آزادی مذهب اعطا کرد و برطبق این پیمان ایالات پیرو لوتر می‌توانستند به موجودیت خود ادامه دهند و به عقاید خود پای‌بند باشند. همین‌طور در دربار سلطنتی هیچ تفاوتی بین کاتولیک، پروتستان و کالوینیست وجود نداشت و به هر ترتیب بر این روال موافقت به‌عمل آمد.

انگلیس، ۱٦ اکتبر ۱۵۵۵
دو نفر اسقف پروتستان به‌نام‌های نیکلاس رایدلی (Nicholas Ridley) و هوف لاتیمر (Hugh Latimer) در آتش سوزانده شدند.

اروپا، ۲۵ اکتبر ۱۵۵۵
شارل پنجم، فیلیپ پسرش را از سلطنت بر سرزمین هلند محروم کرد.

خاور نزدیک، ۱۵۵۵
دولت عثمانی و کشور ایران در آمازیا (Amasya) پیمان صلح امضا کردند.

آلمان، ۱۵۵۵
فیلیپ پادشاه اسپانیا اعلام کرد که مایل است ماکسیمیلیان (Maximilian) فرزند فردریک شاه هابسبورگ به سلطنت آلمان برسد.

روسیه، ۱۵۵۱
ریچارد چانسلر، دریانورد انگلیسی، دومین سفر خود را به آرخانگل و مسکو آغاز کرد.

آتوپیا در واقع مکان معینی نبود و برخی سراغ آن را در یونان باستان می‌گیرند و در پی چنین مکانی هستند، اکنون آن را در دنیای جدید می‌جویند. آتوپیای مورد توصیف توماس مور که در دنیای جدید در پی آن است، مردم با وجود فاصله از هم‌دیگر، گرفتار بیماری‌های اروپایی نیستند، آن‌ها با هم به‌طور اشتراکی زندگی می‌کنند و به نسبت مساوی از مواد غذایی استفاده می‌کنند. تحت نظر دولت واحد هستند و از قوانین و فرهنگ یکسانی برخوردارند و در جنگ‌ها هم با یکدیگر شرکت می‌کنند، از لباس و خانه‌های همسانی برخوردارند، و به‌هر حال وضع متوازنی دارند.

آن‌ها تنها در وجود خدای جنگ با هم شریک نیستند. توماس مور سخت پای‌بند این بود که مردها فقط یک زن داشته باشند و همین طور معتقد بود که انسان‌ها باید آداب و مراسم مذهبی را به جا آورند، چون خداوند پس از مرگ، پاداش همه‌ی انسان‌ها را خواهد داد.

بسیاری از مردم کتاب توماس مور را یک شوخی و بذله‌گویی می‌دانستند که تنها در رؤیا به وقوع می‌پیوندد و این ایده‌آل در عالم واقع روی نخواهد داد.

توماس مور، فردی پای‌بند به قانون بود و برای شهر لندن فرماندار یا کلانتری معین کرد که حقوق ضعفا و فقیران را پایمال نکند و به شهروندان انگلیسی سخت احترام می‌گذاشت و روی هم رفته، یار ناداران بود. او به زندگی ساده علاقه داشت، و دارای صفات نیکو و مردمی بود و اغلب مردم شیفته‌ی اخلاق او بودند و در اطرافش پراکنده می‌شدند، به‌طوری که همواره مشغول رسیدگی به امور مردم بود.

مور در حقیقت یک نویسنده بود و ریچارد را غاصب سلطنت می‌دانست، در شرح حال او آمده که به بیماری طاعون مبتلا شد و در اثر آن بیماری درگذشت.

لئوناردو داوینچی، نقّاش، تئوریسین و مهندس، درگذشت. (کلوآ *(Cloux)*، فرانسه، دوّم مه ۱۵۱۹):

لئوناردو داوینچی، امروز در سنّ ۶۷ سالگی بدرود حیات گفت. برخی می‌گویند وی هنگام جان دادن، در آغوش فرانسیس پادشاه فرانسه حامی خود بود و

فرانسیس این میهمان خود را که در دو سال اخیر در دربار او می‌زیست، سخت گرامی می‌داشت. او برخلاف زندگی با شکوه و جلال خود در هنگام مرگ این کلمات را بر زبان جاری ساخت: من با وجود این‌که برای هنر زحمات زیادی کشیدم، در تنهایی می‌میرم.

او در تمام مدّت عمر خود، آدمی کنجکاو و متجسّس بود و به تمام زوایای هر دانشی سر می‌کشید. لئوناردو انسانی متفکر بود و در تمام مدّت زندگانی خود از نبوغ خود بهره برد. وی همان‌طور که در علوم زمان بی‌نظیر بود، هم‌چنان نقّاشی بی‌مانند بود و در حقیقت یک دایره‌المعارف متحرک بود. یادداشت‌های وی انباشته از برنامه‌های جدید و مطالعات گوناگون است. با مرگ وی، بسیاری از کارهایش ناتمام رها شد. وی مطالعات علمی خود را با آزمایش توأمان می‌ساخت و با سند و مدرک کار می‌کرد و تجارب بسیاری از تحقیقات خود بر جای گذاشته و برای کارهایش از متد مخصوص به خود استفاده می‌کرد.

او فرزند نامشروع پدر و مادر خود بود در شهر وینچی *(Vinci)* واقع در توسکانی به دنیا آمد. در سنین کودکی بدون استاد و معلم، به آموختن پرداخت و سپس به مؤسسه‌ی علمی وروکیو *(Verrocchio)* در فلورانس پیوست. در سنّ ۳۰ سالگی، شهر میلان را ترک کرد و در خدمت دوک لودویکوا سفورزا *(Ludovico sforza)* جهت ساختن و معماری استحکامات جنگی درآمد.

در شهر میلان، لئوناردو تابلوهایی به نام دوشیزه‌یی بر روی صخره‌ها و آخرین شام در صومعه را به‌نام سانتا ماریادله گریزی *(Santa Maria delle Grazie)* کشید. این شاهکار او متأسفانه رقبای دیگر داشت و کسانی هم به این نام قبلاً تابلوهایی ترسیم کرده بودند.

شبیه همین اتّفاق هم در مورد تصویری از جنگ پلاتزو وکیو *(Plazzo Vecchio)* در فلورانس روی داد. ولی وی تابلوی دیگری از همسر یکی از بازرگانان فلورانسی به نام مونا *(Mona)* یا لیزا *(Lisa)* یا (مادونا *Madonna*) یا لیزا *(Lisa)* کشید که رقیبی نداشت و از نظر هنری یکی از شاهکارهای برجسته‌ی اوست.

لئوناردو مدّت چهار سال را هم بدون دغدغه و در آرامش سپری کرد، که در این مدّت تصاویری از جهان هستی و کوشش انسان‌ها برای تکامل را برای صومعه‌های داخلی ترسیم کرد، در اواخر عمر هم برای این‌که به خود بپرازد، به فرانسه رفت و در این اوان از زندگی خود راضی به‌نظر می‌رسید.

لوتر با انقلاب خود، در مستحکم قلعه‌ی واتیکان را از پاشنه درآورد. (ویتن‌برگ، ۳۱ اکتبر ۱۵۱۷):

مارتین لوتر *(Martin Lutter)* ۳۴ ساله که یکی از استادان معتبر دانشگاه شهر کوچک و زیبایی در ساحل الب بود، باب مشاجره‌ی عمومی را درباره‌ی روزهای مقدّس با پاپ گشود. وی لیستی شامل ۹۵ مورد انتقادی را به کلیسا منتسب دانست که یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انتقادها، مربوط به بخشش گناهان از سوی کلیسا می‌باشد که آن را بر در کلیسای ویتن‌برگ *(Wittenberg)* نصب کرد. این اعلامیه که به زبان لاتین نوشته شده بود، شامل یک سری شوخی‌ها و هزلیاتی درباره‌ی مدعیان الهیات و حملاتی به دربار کلیسا و مردانی که نقش پاپ را بازی می‌کردند، بود.

لوتر در اوایل همین ماه، با کمال شگفتی مشاهده کرد که یکی از عوامل پاپ و کلیسا، به نام یوهانس تتزل *(Johannes Tetzel)*، مانند فروشندگان دوره‌گرد خیابانی، با تکیه زدن به مخده‌یی (کوسن) مخملی و قرمز رنگ، در سراسر شهرها و روستاهای آلمان می‌گردد تا گناهان مردم را به حراج بگذارد و در مقابل دریافت مبالغی پول، که بستگی به سبک و سنگینی جرم و گناه دارد، آن گناهان را می‌بخشد. این کشیشان دوره‌گرد در محلات شهری و روستایی برای مردم آمرزش نامه صادر می‌کردند و گناهان آنان را با پول می‌خریدند و آن را دور می‌ریختند و فقرا و تهیدستان که پولی در بساط نداشتند، هم‌چنان گناهکار باقی می‌ماندند. طبق اظهارات لوتر، پولی که از این راه حاصل می‌شود، صرف ساختن و تزئینات قصر عظیم کلیسای سنت پیتر می‌شود.

لوتر، پاپ را به مبارزه می‌خواند. چون پاپ مسیحیان پیرو فرقه‌ی کاتولیک را در خطابه‌ی خود به مثابه‌ی گوسفند می‌خواند. او حق دارد که از پوست و گوشت و استخوان این گوسفندان بهره‌برداری کند. از

هندوستان، ۱۵۵۵
همایون‌شاه امپراتور مغول هند که اخیراً شهر قندهار را گشوده بود، به کمک شاه‌اسماعیل صفوی توانست دوباره دهلی و اگرا (Agra) را تصرف کند و یکی از مدعیان پادشاهی افغانستان را شکست دهد.
کوبا، ۱۵۵۵
ساکنان شهر هاوانا (Havana) در کوبا (Cuba) مورد حمله‌ی قوای فرانسه قرار گرفتند.
امریکای شمالی، ۱۵۵۵
یک کشتی جنگی حامل داوطلبان باسکی (Basque) به فرماندهی خوآن دو ارازو (Juan de Erauso) و پرز دو هوآ (Perez de Hoa) به استحکامات قوای فرانسه در سنت ژان فیشری (St John s Fishery) در نیوفاندلند (Newfoundland) تاختند و آن منطقه را به نفع اسپانیا تصرف کردند.
امریکای جنوبی، ۱۵۵۵
دوراند دو ویلگانیون (Durand de Villegagnon) یک مستعمره‌ی فرانسوی در ریودو ژانیرو (Rio de Janeiro) تأسیس کرد.
اتیوپی، ۱۵۵۵
امپراتور گالاودووس (Galawdewos) در نبرد اتیوپی گالا (Ethiopian-Galla) به پیروزی دست یافت.
چین، ۱۵۵۵
دزدان دریایی ژاپن که اخیراً دو بار به چین حمله کرده بودند، در شهر نان‌جینگ (Nanjing) دستگیر شدند.
اسپانیا، ۱۶ ژانویه ۱۵۵۶
شارل پنجم، دست فیلیپ پسر خویش را در مستعمرات دنیای قدیم و جدید اسپانیا باز گذاشت.
آسیای مرکزی، ۱۵۵۶
ارتش روسیه به فرماندهی ایوان چهارم با تسخیر خانات آستراخان (Astrakhan) به دریای خزر دست یافت.
اسکاتلند، ۱۵۵۶
جان ناکس که پیش از این مرتد اعلام شده بود، بار دیگر جهت تبعید به ژنو رفت.
هندوستان، ۲۷ ژانویه ۱۵۵۶
همایون‌شاه امپراتور مغول هند پس از سقوط از بام کتابخانه‌ی دهلی درگذشت و اکبر فرزند ۱۳ ساله‌ی وی جانشین او گشت.
فرانسه، پنجم فوریه ۱۵۵۶
هانری دوم پادشاه فرانسه و فیلیپ پادشاه اسپانیا، در شهر وسلس (Vaucelles) قرارداد ترک مخاصمه امضا کردند.
انگلیس، ۲۱ مارس ۱۵۵۶
توماس کرانمر (Thomas Cranmer) سراسقف کانتربوری (Canterbury) را در شهر آکسفورد (Oxford) در آتش سوزاندند. به محض این‌که ماری تئودور (Mary Tudor) به سلطنت رسید، این اسقف اصلاح‌طلب مذهبی را به زندان انداخت.
انگلیس، ۲۲ مارس ۱۵۵۶
کاردینال رجینالدپل (Cardinal Reginald Pole) که در سال ۱۵۴۹ کاندیدای مقام پاپی بود، به مقام سراسقفی کانتربوری منصوب شد.
رم، ۳۱ ژوئیه ۱۵۵۶
ایگناتیوس لویولا (Ignatius Loyola)، افسر سابق و یکی از نجبای باسک (Basque) و مؤسس انجمن ژزوئیت‌ها، جان سپرد.
اسپانیا، اکتبر ۱۵۵۶
شارل پنجم، امپراتوری را به برادر خود فردیناند واگذار کرد و خود بازنشسته شد و در یک صومعه‌ی دورافتاده و پرت مسکن گزید. جانشین اصلی او به‌عنوان پادشاه اسپانیا، پسرش فیلیپ دوم شد.
هندوستان، پنجم نوامبر ۱۵۵۶
اکبر امپراتور مغول هند، هندیان را در پانی‌پات (Panipat) شکست داد و بدین‌وسیله امنیت امپراتوری را تأمین کرد.
اسکاتلند، دهم نوامبر ۱۵۵۶
ریچارد چانسلر، دریانورد انگلیسی، پس از پایان سفر دوم خود به روسیه به بندر آبریدن شایر (Abrdeenshire) رسید.
آلمان، ۱۷ نوامبر ۱۵۵۶
فردیناند ارتشی مجهز جهت اداره‌ی متصرفات آلمانی در هابسبورگ تشکیل داد.

سوی دیگر، هر مسیحی تائب (توبه کننده) در واقع با پرداخت پول، گناهانش بخشوده شده و از جرم او صرف‌نظر خواهد شد، در حالی‌که کشیش و راهب تنها می‌تواند یک هادی و راهنمای مردم در امور دینی و اعتقادی باشد و در مقام آن نیست که بتواند گناهان مردم را به بخشد. البته باید خاطر نشان ساخت که تمام ۹۵ موردی که لوتر به آن اشاره کرده و دستگاه مذهبی پاپ را مورد انتقاد قرار داده، نکات اصلی نیست. به‌هر حال شاگردان لوتر که چندین سال در کلاس‌های درس وی شرکت می‌کردند، لوتر را مردی غیرعادی می‌دانستند که اصولاً به اصول مذهب مسیح پای‌بند بود و در ضمن به طرز برخورد کشیشان با مردم انتقاد می‌کرد و آنان را افرادی خودخواه می‌دانست که به اصول دین مسیح توجّه ندارند و به ظاهر می‌پردازند. شاگردان لوتر در حالی‌که وی را فردی غیرمعمول به‌شمار می‌آوردند، لیکن او را گمراه کننده و متقلب نمی‌دانستند و به قول وی ایمان داشتند و او را شخصی اصلاح‌طلب تصوّر می‌کردند.

او در همه چیز با چشمان باز می‌نگریست و از این‌که از خانواده‌یی روستایی برخاسته و خون روستایی در رگهایش جاری است، افتخار می‌کرد.

لوتر در سخن گفتن خیلی خشن بود و از کلمات عامیانه و بازاری استفاده می‌کرد. خنده‌هایش طولانی و صدادار بود و بیشتر اوقات برای تحسین، هورا می‌کشید. صدایش زیر و ناصاف بود.

وی در سال ۱۴۸۳ در شهر آیزلبن*(Eisleben)* در منطقه ساکسونی و در یک خانواده‌ی ثروتمند و صاحب معدن مس زاده شد. تحصیلاتش را در رشته‌ی فلسفه تئوری یا صوری در دانشگاه ارفورت *(Erfort)* تمام کرد و سپس در هنرهای دراماتیک به مطالعه پرداخت، لیکن به‌طور ناگهانی و برق‌آسا مصمم شد که در خانقاه کشیشان آگوستین*(Augustine)* وارد شود. وی به مطالعه‌ی شرح حال و زندگی سنت اوگوستین پرداخت و آن را دوست می‌داشت. در سال ۱۵۱۲ و هنگام اقامت در خانقاه راهبان آوستین فریار*(Austin Fraiars)*، موفق به اخذ دکترای دانشگاهی شد. او به شرح حال و طرز زندگی سنت پلی حواری عیسی مسیح علاقه‌مند بود و آرزو داشت که وی را الگو قرار دهد.

لوتر عقیده داشت که کشیشان نباید خود را واسطه‌ی بین خدا و مردم بدانند و آن‌ها حق ندارند که تنها خود را مفسّر پندارند. او برخلاف طرفداران حقوق انسان‌ها فکر نمی‌کرد که تنها علم به طبقه‌ی روحانیون و کشیشان تعلق دارد و آن‌ها هستند که می‌توانند در مطالب علمی اظهارنظر نمایند.

کاشف دریاها در یک توطئه، سر خود را از دست داد. (پاناما، ۱۵۱۹):

واسکو نونزدو بالبوآ *(Vasco Nunez de Balboa)*، کاشف معروف و تجهیزکننده‌ی ملزومات جنگی، به دستور ناپدری خود به قتل رسید. بالبوآ که در هفت سال پیش به سرعت مناطق مختلف آمریکای مرکزی را کشف کرده و این مناطق را تحت استعمار اسپانیا قرار داده بود، از ترس واکنش بومیان آن نواحی به سانتودومینگو گریخت.

به‌طوری که بومیان سرزمین طلا اظهار می‌داشتند، او با ۱۹۰ نفر از مردان جنگی خود، مرداب‌ها و جنگل‌های بارانی و تپّه‌های دماغه‌ی پاناما را برای کشف طلا درنوردیدند، در حالی‌که تعدادی از آن‌ها در این راه طولانی و پر مشقّت هلاک شدند. در ۲۹ سپتامبر ۱۵۱۳، تعداد ۶۷ نفر از نیروهایی که زنده مانده بودند، با تنها سلاح باقی مانده‌ی خود که شمشیر بود، پیاده مسافت طولانی تا اقیانوس آرام را به عزم تسخیر منطقه‌ی ته‌دئوم *(Te Deum)* پیمودند. آن‌ها توانستند مسیر غرب تا شرق آمریکا را کشف کنند. بالبوآ چون به پاناما رسید، پدرو آریاس داویلا *(Pedro Arias Davila)* حکمران اسپانیایی پاناما برای تقدیر از زحمات جسورانه و بی‌باکانه‌ی بالبوآ، دختر خود را نامزد وی کرد.

نخست پدر زن و داماد یک سری کارهای عام‌المنفعه و سودمند درآن نواحی انجام دادند و در پی یافتن طلا، به جستجوی خود ادامه دادند و از این راه ثروت فراوانی کسب کردند. لیکن بر سر تقسیم آن اختلاف‌نظر پیدا کردند که مورد موافقت داویلا واقع نگردید،سپس‌داویلا با طرح توطئه‌یی بالبوآ را دستگیر و به قتل رسانید.

با درگذشت شاه، احتمال آن هست که عقاید هندو و سیستم طبقاتی، بار دیگر برقرار شود. (هندوستان، ۱۵۱۸):

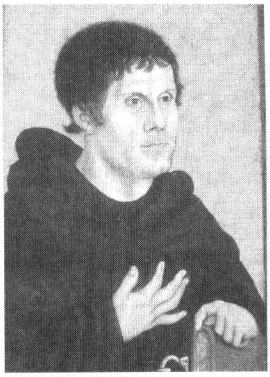
پس از گذشتن چند ساعت از مرگ پادشاه هندو ساج کبیر *(Hindu sage Kabir)* و آخرین احترامات نسبت به جنازه‌ی وی، مریدان او در کمال صداقت و بی‌پرده اظهار داشتند که ممکن است عقاید تعصب‌آمیز هندوئیسم بار دیگر به سرزمین هند سلطه یابد. در طول سلطنت دراز مدّت کبیر، مشهور به معجزه‌گر، عقاید مختلفی درباره‌ی وی ابراز می‌شد و از دید خود به او نگاه می‌کردند.

کبیر پس از مرگ پدر، عقاید مادر بیوه‌ی خود را به کناری نهاد و به اسلام گرایش یافت و بدون احساس خستگی، به ترویج عقاید دین اسلام پرداخت و از دین برهمایی دست کشیده و آن را باطل اعلام کرد و پیروان آن را کافر شمرد. کبیر با مطالعه و تحقیق درباره‌ی اسلام و هندوئیسم، مذهب هندو را یک نوع بت‌پرستی و پیروی از خدایان ساخته دست بشر دانست، در حالی‌که مسلمانان پیرو خدای یکتا و یگانه هستند که به‌هر نامی نامیده می‌شود، چه الله و چه راما *(Rama)*.

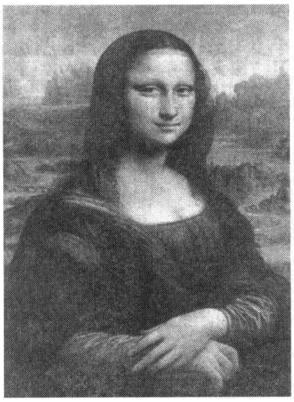
دربار پاپ در سوگ مرگ رافائل (رم، ششم آوریل ۱۵۲۰):

دربار پاپ غرق در ماتم و عزای مرگ رافائل *(Raphael)* ۳۷ ساله می‌باشد. وی دچار مرگ ناگهانی شد. او علاوه بر این‌که معمار و نقّاش برجسته‌یی بود، دوست و یار دو پاپ اخیر بود و در بازسازی قصر واتیکان نقش عمده‌یی داشت و بخشی از تزئینات و نقّاشی‌های سنت پیتر را انجام داد. اودر اثر عارضه‌ی تب در روز جمعه نیک (هفته ایستر) جان سپرد. در حالی‌که روز تولّد وی کاملاً مشخّص نیست و در این مورد بین شاگردانش اختلاف وجود دارد.

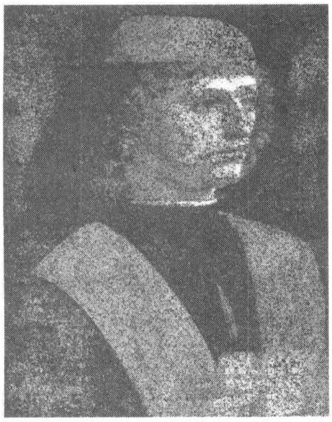
رافائل سانزیو *(Sanzio)*، فرزند یک نقّاش بود و در ناحیه‌ی اوربینو *(Urbino)* پا به جهان گذاشت و تحصیلات خود را با موفقیت در پروجینو *(Perugino)* به اتمام رسانید. مردم عقیده دارند که در مهارت و استادی وی شکی نیست، او استادی چیره‌دست بود، و



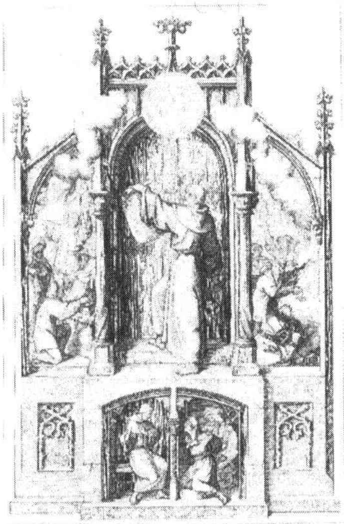
لوکاس کراناخ Lucas Cranach ، راهبی که از وضع کلیساها ناراحت و خشمگین بود.



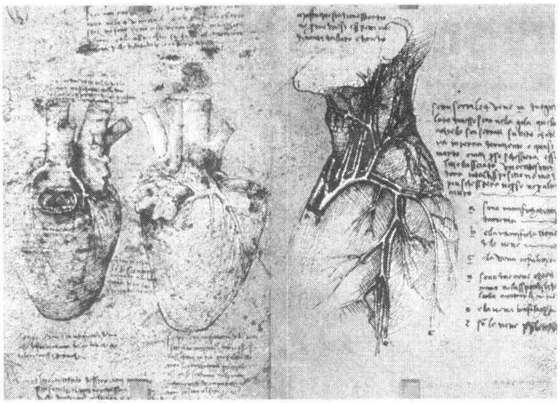
تابلوی لبخند ژوکوند یامونالیزا



تصویر یک موسیقی دان ناشناخته کار لئوناردو که وی را در ردیف نقاشان عالی مقام قرار داد. لئوناردو چون چپ دست بود از راست به چپ می نوشت و برای نخستین بار اعلام کرد: اشخاص چپ دست نقصی ندارند و نباید آن ها را مجبور کرد که با دست راست کار انجام دهند.



منظره یی از نوشته های لوترLuther علیه دستورات خلاف شرع که بر در کلیسا آویزان شده تا همگان متن آن را دریابند.



شکل تشریحی قلب، و عروق گردش خون بر طبق کشفیات لئوناردو داوینچیLeonardo da vinci



فروش آمرزش نامه در مقابل بخشش گناهان مردم را جذب کرد و همین عمل باعث شد که لوتر در مقابل آن بایستد. (نقاشی سده ی ۱۹)



واسکو دوبالبوآ Vasco de Balboa که اعدام شد.

پس از مدّتی که در نزد لئوناردو داوینچی و میکل آنژ به کار پرداخت و از فنون آن‌ها بهره‌مند شد، به شهر رم آمد و پاپ ژولیوس دوّم او را به کار نقّاشی و دکوراسیون کاخ واتیکان و آپارتمان مخصوص خودش واداشت. این آپارتمان نیم‌دایره‌یی شکل بود و پاپ دستور داد که قسمتی از دیوارهای آن را به سبک کلاسیک باستانی و قسمت دیگر را به شیوه‌ی آکادمی آتن رنگ‌آمیزی و نقّاشی کند. او هم‌چنین صحنه‌هایی به سبک کاریکاتور و کمیک و دورنمایی از صومعه‌ی سیستین را نقّاشی کرد.

وی همان‌طور صحنه‌هایی عاشقانه از مادونا و حالت غیر روحانی وی را به تصویر درآورد، که تماشاگران و هم‌چنین پاپ ژولیوس و جانشین او لئوی دهم را دچار حیرت می‌کرد، چون آن صحنه به اندازه‌یی زنده و طبیعی بود که هیچ کس باور نمی‌کرد که مصنوعی و حالت نقّاشی دارد. او هم‌چنین در به کارگیری رنگ‌ها تبحّر بی‌نظیری داشت. پاپ لئوی دهم زمانی رافائل را مأمور کرد که به فرانسه برود و صحنه‌هایی از راندن شیطان را توسط سنت میشل *(St Michael)* برای پادشاه فرانسه نقّاشی کند.

لوکرسیا بورژیا، طاووس زیبایی که جهان را وداع کرد. (فرارا *(Ferrara)*، ۲۴ ژوئن ۱۵۱۹):

لوکرسیا بورژیا *(Lucrezia Borgia)*، دوشس منطقه‌ی فرارا *(Ferrara)* و دختر پاپ آلکساندر چهارم، در سنّ ۳۹ سالگی و پس از ازدواج‌های مکرر و عشق‌های پنهانی که همگی منجر به جدایی شد، درگذشت. او تمام عمرش را مصروف عشق و خواستاری کرد. گرچه او بسیار زیبا و باهوش بود، با وجود این، از موقعیت پدرش سوءاستفاده کرد و مردان بسیاری را به بازی گرفت. در سنّ ۱۱ سالگی نامزد خوان سنه‌لس *(Juan de Cenelles)* اسپانیایی شد و پس از مدّت کوتاهی به معشوقگی دون گاسپارو *(Don Gasparo)*، کنت آورسا *(Aversa)* درآمد، او سرانجام در دو سال پیش با جووانی اسفورزا *(Giovanni Sforza)* لرد ناحیه‌ی پیزارو *(Pesaro)* ازدواج کرد. در سنّ ۱۸ سالگی اسفورزا را رها کرد و از نظر سیاسی ترجیح داد با آلفونسودو آراگون *(Alfonso d' Aragon)* دوک بیسگلی *(Bisceglie)* زناشویی کند، در حالی‌که او را هم دوست نداشت. در دو سال پیش، هنگامی‌که پاپ آلکساندر با فرانسه طرح اتّحاد ریخت، آلفونسو گرفتار و کشته شد، که این کار شاید به امر سزار (قیصر) برادر لوکرس اتّفاق افتاده بود.

در سال ۱۴۹۹، لوکرسیا به حکمرانی ایالت اسپولتو *(Spoleto)* برگزیده شد و در سال پس از آن، مجبور شد که قلعه‌های فامیلی خود را که در مرز قلمرو پاپ و ناپل قرار داشت، در مقابل ۸۰ هزار سکه بفروشد. در سال ۱۵۰۰ سرمونتا *(Sermoneta)* در سلطنت با او شریک شد. در سال ۱۵۰۱، افراد فاسدی چون پاپ و سزار برادر لوکرسیا در جشن ازدواج لوکرس بورژیا با آلفونسودو استه *(Alfonso d' Este)* دوک فرارا شرکت کردند. وی قبل از این رودریگو *(Rodrigo)*، پسرش را در وظایف سلطنت شرکت داده بود و رودریگو را به جانشینی برگزیده بود.

امپراتور جدید انتخاب شد. (بارسلونا، ششم ژوئن ۱۵۱۹):

در مدّتی کمتر از ۹ روز، پیک سواری تیزتک از فرانکفورت برای ارسال پیامی، سراسر اروپا را درنوردید و چندین اسب در زیر پایش هلاک شد تا در قلعه شهر بارسلونا خبر انتخاب شارل پادشاه اسپانیا را به سمت امپراتور مقدّس برساند. در جریان رأی‌گیری، شارل آرای شاهزادگان آلمانی را با پول خریده و با تطمیع آن‌ها موفقیت خود را تضمین کرد.

بلافاصله پس از مرگ ماکسیمیلیان، پادشاه اتریش، در ماه ژانویه تحرکاتی صورت پذیرفت تا شارل بتواند به سلطنت برسد. در طی همین روزها، پیک‌ها خبرهایی می‌رساندند مبنی بر این‌که هفت نفر از شاهزادگان آلمانی در جلساتی آرای خود را به نفع یکی از شاهزادگان خواهند داد. این موضوع شارل را بر آن داشت که پیش از آن‌که حریف وی آرای لازم را کسب کند، وی موقعیت خود را تثبیت کرده باشد.

از نظر دیپلماتیک، شارل می‌باید رعایت این موضوع را بکند، او طی نامه‌یی به فرانسیس پادشاه فرانسه، نظر او را به این امر جلب کرد که از قرار تحولاتی در جریان است.

فلورانس، دوم ژانویه ۱۵۵۷
ژاکو پوکاروکی (Jacopo Carrucci) یکی از استادان هنرمند نقاش که فردی ادب‌دان بود، درگذشت.

انگلیس، هفتم ژوئن ۱۵۵۷
فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا با حمایت همسر خویش، ملکه ماری تئودور، به فرانسه اعلان جنگ داد. برای جلوگیری از برپاشدن جنگ، پاپ پل چهارم که یک عمر دشمن اسپانیا بود، اقدام کرد.

فرانسه، دهم اوت ۱۵۵۷
لشگریان فرانسوی به فرماندهی مونمورنسی (Montmorency) افسر امنیتی در مقابل ارتش اسپانیا به فرماندهی امانوئل فیلیبرت (Emmanuel Philibert) دوک ساووی (Savoy) در ناحیه‌ی کوئنتین (St Quentin) شکست خورد. فیلیپ دستور داد که بنای یادبودی به نشانه‌ی این پیروزی بسازند.

فرانسه، یکم سپتامبر ۱۵۵۷
ژاک کارتیه (Jacques Cartier)، کاشف سرزمین کانادا، در ناحیه‌ی سنت‌مالو (St Malo) درگذشت.

اسکاتلند، سوم دسامبر ۱۵۵۷
پروتستان‌ها طی قراردادی، یگانگی خود را اعلام داشتند.

پرتغال، ۱۵۵۷
ژان سوم، فرزند ژان که در سال ۱۵۵۴ جانشین پدرش شده بود، زندگانی را ترک کرد و نوه‌ی سه ساله‌اش سباستین جانشین وی گشت و مادربزرگ وی به‌نام کاترین ملکه‌ی هابسبورگ، نایب‌السلطنه‌ی او شد.

هلند، ۱۵۵۷
مرکز بازرگانی جهانی در شهر آنتورپ (Antwerp) با اغتشاش و شورش مواجه گردید. این شورش به‌علت عدم پرداخت بدهی‌های پادشاه فرانسه برای جنگ‌های متعدد با اسپانیا برپا شده بود که بانک‌های هلند هم قادر نبودند بدهی مشتریان خود را تأدیه کنند.

مراکش، ۱۵۵۷
محمد المهدی، بینانگذار اصلی سلسله‌ی سعدیان مراکش، به‌قتل رسید. او در تمام مدت عمرش امنیت را در سراسر کشور تأمین کرد و پایتخت را از شهر فز (Fez) به شهر مراکش منتقل کرد، چون شهر فز به‌طور دایم با ترک‌های الجزایر درگیر بود.

ایتالیا، ۱۵۵۷
فرانسیس، دوک منطقه‌ی گوئیز (Guise)، با اعزام نیرو به شاهزاده‌نشین ناپل، دست به آزمایش زد، لیکن با عدم توفیق مواجه گشت.

چین، ۱۵۵۷
پرتغالی‌ها در بندر ماکائو (Macao) یک مرکز بازرگانی تأسیس کردند.

لندن، ۱۵۵۷
سباستین کابوت (Sebastian Cabot)، کاشف ونیزی، درگذشت.

آلمان، ۱۵۵۷
اولین داستان آلمانی به‌نام درگولدفادن (Der Goldfaden) توسط جورج ویکرام (George Wickram) منتشر شد.

سویس، نهم ژانویه ۱۵۵۸
شهر ژنو (Genova) استقلال خود را از برن (Berne) اعلام کرد.

فرانسه، ۲۰ ژانویه ۱۵۵۸
نیروهای فرانسوی به فرماندهی فرانسیس، دوک گوئیز، بندر کاله (Calais) را از انگلیس بازستاندند.

آلمان، ١٤ مارس ۱۵۵۸
فردیناند، عنوان امپراتوری را به خود منتسب کرد، بدون این‌که توسط پاپ تاج‌گذاری کند.

روسیه، ششم آوریل ۱۵۵۸
ایوان چهارم، تزار روس، به گریگوری استوگانف (Grigory Stoganov)، بازرگان روسی، خراج مورد مطالبه را بخشید و امتیاز کشت و کار در اراضی ساحل رود کاما (Kama) را اعطا کرد.

فرانسه، ٢٤ آوریل ۱۵۵۸
ماری، ملکه‌ی اسکاتلند و دختر جیمز پنجم و ماری گوئیز، با فرانسیس پسر ارشد شاه فرانسه ازدواج کرد.

پادشاه فرانسه به او جواب داد، آقای عزیز هرچه زودتر حرکت کنید، در ضمن احترامات من و ملکه را بپذیرید. در این هنگام، چهار نفر کاندیدای انتخاب شدن بودند، شارل، فرانسیس، هنری هشتم پادشاه انگلیس و فردریک (ملقّب به دانا) دوک ساکسونی.

به‌نظر می‌رسید که شارل نسبت به همه‌ی آن‌ها ارجحیت دارد، چون مشهور بود. او مبلغی پول از بانک اوگسبورگ *(Augsburg)* وام گرفته و آن را به فوزر داده است. در نتیجه فوزر *(Fuggers)* که ثروتمندترین فرد اروپا می‌باشد، از وی در قبال فرانسیس پادشاه فرانسه، حمایت خواهد کرد.

پادشاه آزتک دستگیر و زندانی شد. (مکزیک، نوامبر ۱۵۱۹):

هنگامی‌که نیروهای اعزامی اسپانیا وارد مکزیک شدند، مونته‌زوما *(Montezuma)* امپراتور را ندیدند، چون قبلاً هرناندوکورتس *(Hernando Cortes)*، فرمانده‌ی کاشفان، دستور داده بود که پادشاه مکزیک بایستی با او در خارج از پایتخت مکزیک به‌نام تنوکتیت لان *(Tenochtitlan)* ملاقات کند، در حقیقت، به دیدار او بیاید. اکنون ۹ ماه از پیروزی خون‌بار کورتس می‌گذرد.

این مکان جایی بود که نیروهای نظامی کورتس پس از نبرد زرّین به آنجا عقب نشستند و در واقع پایگاه اصلی نیروهای اسپانیا بود. او دستور داد که ناوگان اسپانیا را قبل از آن‌که در فلات مکزیک پیاده شوند، آتش بزنند. طبق فرمان وی، ۷۰۰ نفر از مردان برای جلوگیری از ورود نیروهای اسپانیایی به شهر تنوکتیت لان، شبانه این عمل را انجام دادند.

به عقیده‌ی بومیان، برپا کردن آتش شدید در شب بدشگون بود و توهینی به ماه بود که آن را مقدّس می‌داشتند، پیشگویان پیش‌بینی می‌کردند که این حریق نشانه‌ی زوال حکومت آزتک است و به‌هر حال آینده‌ی بدی را در پیش رو خواهد داشت. پس از این‌که بقایای ناوگان کورتس در ساحل لنگر انداختند، طلیعه‌ی سپاهیان او خبر دادند که مونته زوما را در لباس خدای بومیان مشاهده کرده‌اند، در این هنگام، آتشبار ساحلی کورتس کرانه‌های سرزمین مکزیک را زیر آتش

وحشت‌زا قرار داد. با آتش توپخانه، جنگ شدیدی آغاز شد و سپاهیان پیاده‌ی کورتس مونته زوما را در بحبوحه‌ی نبرد دستگیر کردند. در بین بومیان دستگیر شده، زن زیبایی به نام مارینا هم اسیر شد که زبان اسپانیولی را به خوبی می‌دانست.

سواران و سربازان کورتس، با تیر و کمان، تفنگ‌های آتش زا و توپ‌خانه به لشگریان بومی حمله‌ور شدند و چون از نظر تاکتیک نظامی هم تجربه داشتند، با اشغال تپّه‌های پیرامون شهر، در موضع بهتری قرار داشتند و آتش توپ خانه‌ی آن‌ها لشگریان بومی را قتل‌عام کرد. کورتس دستور داد که راه‌های منتهی به تپّه‌ها را با آتش توپخانه به بندند تا از خون بومیان رنگین شود، مسیر عبور لشگریان محلی در منطقه‌ی کولولا (*Cholula*) از جنازه‌ی بومیان قتل‌عام شده پوشیده شد.

کورتس اعلام کرد که شورشیان برای مدّت مدیدی سرکوب شده‌اند و این امر برای پیشرفت و دفاع سربازان خودی لازم بود.

لشگریان کورتس چون به پایتخت رسیدند، آنجا را شهری آرام و زیبا یافتند که در مرکز شهر روزانه ۶۰ هزار نفر مشغول مبادله‌ی کالا هستند. در عین حال، آن‌ها طبق رسم و عادت خود، انسان‌ها را در پای خدایان خود قربانی می‌کنند و این قربانیان را بیش‌تر از اسرای خودی انتخاب می‌کنند که در پیشگاه خدایان محکوم به مرگ شده‌اند و این امر امتیاز و پاداشی است که در راه خدایان قربانی شوند. مونته زوما مؤدبانه برای ملاقات با کورتس اعلام آمادگی کرد، مسیر امپراتور را قبلاً بردگان تمیز و جاروب کرده بودند، در این حال، مارینا (*Marina*) که اکنون به‌عنوان زن شرعی کورتس انتخاب شده بود، رُل مترجم را بازی می‌کرد.

مونته زوما مدّت زیادی در برابر خدای خود به حالت احترام و تعظیم ایستاد و اسپانیولی‌ها کنجکاوانه وی را می‌نگریستند، لیکن سربازان وی آنان را به عقب می‌راندند، چون طبق عقیده‌ی بومیان، اطراف خدای آنان بایستی حالت سکوت و آرامش برقرار باشد، چون ازدحام و شلوغی، باعث ناراحتی وی می‌گردید. مونته زوما تاکنون این همه جمعیت را در اطراف زیارتگاه ندیده بود.

بانکداران برای انتخاب شارل توفیق یافتند. (آگسبورگ، آلمان، ۱۵۲۰):

خانواده‌ی فوزر (*Fuggers*) که تعیین کننده‌ی شاه بودند، با پول خود توانستند شارل یکم را به پادشاهی اسپانیا انتخاب کنند و شارل هم در خفا به آنان قول داده بود که امتیاز استخراج معادن نقره و جیوه مستعمرات اسپانیا در آمریکای مرکزی را به آنان واگذارد.

در ۱۵۰ سال قبل، جد و نیای خاندان فوزر به نام اولریخ (*Ulrich*) فوزر. یک کارگاه نساجی کوچکی در شهر آگسبورگ دایر کرد، او پس از مدّتی توانست کارگاه خود را توسعه بدهد و به بافتن پارچه‌هایی مثل فاستونی بپردازد، او این منسوجات را به شرق صادر و در ازای آن پنبه و ادویه وارد می‌کرد. اولریخ پس از چندی موفق به صادرات انواع پارچه به خارج شد و از راه عایدی آن‌ها اقدام به استخراج معادن نقره‌ی سرزمین لهستان و کان‌های مس تیرول (*Tyrol*) و سایر مخازن اروپای شرقی کرد و از این راه به ثروت سرشاری رسید. پسران وی که وارث این ثروت هنگفت شدند، اقدام به تأسیس بانک در سراسر اروپا کردند.

ژاکوب فوزر دوّم، مشهور به فوزر ثروتمند، توانست امتیاز ضرب سکه را در شهر رم به دست آورده و بزرگ‌ترین شبکه‌ی تجاری را در قاره‌ی اروپا به‌وجود آورد. امروزه او به‌عنوان یکی از پیش‌کسوتان و پیشقدمان صنعت بانکداری در اروپا می‌باشد و در مقابل او رقیبانی چون خانواده‌ی ولسر (*Welsers*) آلمانی برخاسته‌اند که یک سازمان عریض و طویلی برای استخراج معادن آمریکای مرکزی به‌وجود آورده‌اند، و در کار تجارت بین قاره‌یی به موفقیت‌های عظیمی دست یافته‌اند. در عین حال، آن‌ها چندین بانک عظیم و قدرتمند در سراسر ایتالیا به خصوص در شهر جنوا تأسیس کرده‌اند.

کشور پرتغال به یکی از ثروتمندترین سرزمین‌های اروپا مبدّل می‌شود. (پرتغال، ۱۵۲۱):

کشور پادشاهی پرتغال که در گوشه‌ی جنوب غربی قاره‌ی اروپا واقع شده، در عرض مدّت کوتاهی، دفعتاً

مبدّل به غنی‌ترین کشور اروپایی شده است. مردمان این سرزمین با وارد کردن شکر و ادویه که از نظر ارزش با طلا برابری می‌کند و فروش آن به غرب، به ثروت سرشاری دست یافته‌اند و با پول آن کلیساهای مجللی که حاصل کار هنرمندان است، بنا کرده‌اند، که یکی از باشکوه‌ترین آن‌ها، کاتدرال سنت جروم *(St Jerome)* در شهر بلم *(Belem)* می‌باشد. پادشاه پرتغال هم هنرمندان و دانشمندان را به تدریس تشویق می‌کند و برای دانش پژوهان و طالبان علم و هنر، کمک هزینه‌ی مالی می‌دهد که در دانشگاه سن باربارای *(St Barbara)* پاریس به تحصیل بپردازند و در کشور پرتغال به کار مشغول شوند.

محصول شکری که از مادیرا *(Madeira)* وارد می‌شود، در سراسر اروپا به فروش می‌رسد. تنها کشور انگلیس سالیانه ۲۰ تُن شکر از پرتغال می‌خرد. هم‌چنین ادویه‌یی که از شرق آسیا تهیه می‌شود، با کشتی‌های پرتغالی از راه دماغه که راه بسیار کوتاهی است، حمل می‌شود و پرتغالی‌ها توانسته‌اند که ناوگان دولت عثمانی را در این مورد شکست دهند و حتا عثمانی در بخش آناتولی از رقابت با پرتغالی‌ها عقب افتاده است.

بخش مهمّی از ثروت حاصل شده را پادشاه پرتغال مدیون بازرگانان یهودی است، چون دولت اسپانیا با اخراج یهودیان از آن کشور، آنان را به همسایه‌ی هم‌جوارش گسیل داشته و دولت پرتغال از این ممر به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. دولت اسپانیا با نیرنگ، به یهودیان گفته اگر دین مسیح را بپذیرند، کسی از آن‌ها پرسشی نخواهد کرد و می‌توانند در این کشور اقامت کنند و اغلب آن‌ها آنجا را ترک کرده و به پرتغال مهاجرت کردند، یکی از آن‌ها ریاضی‌دان مشهور، آبراهام زاکوتو *(Abraham Zacuto)* بود که برای نخستین بار تمام محاسبات دریانوردان اروپایی را برای پیمودن دریاها انجام داده بود.

با این طرز تفکر و پیش‌بینی آینده‌ی کشور، اکنون پادشاه پرتغال مولتی میلیونر شده، سابقاً قیمت فلفل در بازار لیسبون پایتخت پرتغال، یک کنتال *(Quintal)* (۱۰۰ کیلو با سیستم متریک) و در محاسبات کشور پرتغال ۴۵ کیلو ۸۰ سکه معامله می‌شد، لیکن اکنون به ۲۰ سکه تقلیل یافته. پیش‌بینی می‌شود که در سفر

فرانسه، ۲۲ ژوئن ۱۵۵۸
فرانسوی‌ها شهر تیون ویل (Thionville) را تصرف کردند.
فرانسه، ۱۳ ژوئیه ۱۵۵۸
لشگریان اسپانیولی به فرماندهی کنت اگمونت (Count of Egmont) در ناحیه‌ی گراولین (Gravelines)، نیروی نظامی فرانسه را با تحمل صدمات و خساراتی شکست دادند.
اسکاتلند، ۱۵۵۸
جان ناکس با انتشار کتابی به‌نام وزش توفان علیه رژیم پادشاهی زنان، حمله‌ی شدیدی را بر ضد ملکه‌های انگلیس آغاز کرد.
اتریش، ۱۵۵۸
ساخت سلاح‌های آتشین دست‌ساز در شهر فرلاخ کارین‌تیا (Ferlach) - (Carinthia) آغاز شد.
هندوستان، ۱۵۵۸
اکبر امپراتور مغول هند بر گوالیور (Gwalior) غلبه کرد.
آلمان، ۱۵۵۸
شهر هامبورگ (Hamburg) تغییرات فوق‌العاده کرد.
اسپانیا، ۲۱ سپتامبر ۱۵۵۸
شارل پنجم که از سال ۱۵۱۶ تا ۱۵۵۵ امپراتور مقدس رم بود، جان سپرد. او تقریباً بیش‌تر عمر خود را در جنگ با فرانسه سپری کرد و توانست با انعقاد پیمان کامبری (Cambrai) در سال ۱۵۲۹ کنترل ایتالیا را در دست داشته باشد. برخلاف تلاش مجدانه‌ی وی بر ضد پروتستانیسم، او با عقد پیمان اشمالکادیک (Schmalkaldic) که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌هایی برای پیروان آن ایجاد کرد، پروتستان‌ها در آلمان موفق شدند و با قرارداد اوگسبورگ دست پروتستان‌ها باز شد، لیکن شارل با همکاری و همیاری موریس پادشاه ساکسونی باز هم به این تضییقات ادامه داد.
انگلیس، ۱۷ نوامبر ۱۵۵۸
ملکه ماری، دختر هنری هشتم و کاترین شاه آراگون، در سن ۴۲ سالگی جهان را بدرود گفت. او در مدت پنج سال سلطنت خود، بار دیگر مذهب کاتولیک را به‌رسمیت شناخت و مخالفان این مذهب را به‌عنوان ارتداد و الحاد تحت پیگرد قرار داد و عده‌یی از آن‌ها را به هلاکت رسانید. با مرگ ماری، خواهر ناتنی او الیزابت دختر آن‌بولی‌ین (Anne Boleyn) به‌عنوان ملکه برگزیده شد.
انگلیس، ۱۷ نوامبر ۱۵۵۸
کاردینال رجینالد پل، سر اسقف کانتربوری که قهرمان برگرداندن مذهب کاتولیک و به‌قدرت‌رساندن آن و به‌عقوبت‌رساندن پروتستان‌ها بود، تنها پس از ۱۲ ساعت پس از مرگ ملکه ماری، جان سپرد. او روش هنری هشتم را نمی‌پسندید، چون هنری قدرت سلطنت را مافوق کلیسا می‌دانست و کلیسای انگلیس را از رم جدا کرد، به این سبب رجینالد در سال ۱۵۳۲ انگلیس را ترک کرد. او مقام کاردینالی را در انگلیس برقرار کرد و ماری را تشویق کرد که با پاپ عهدنامه‌ی دوستی امضا کرده و مذهب کاتولیک را در کشور رسمی اعلام کند.
انگلیس، ۲۰ نوامبر ۱۵۵۸
ملکه الیزابت، ویلیام سه‌سیل (William Cecil) سیاستمدار معروف را به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب کرد.
ایتالیا، ۱۵۵۸
راموزیو (Ramusio)، دریانورد ایتالیایی، برای نخستین‌بار مشروح مسافرت‌های خود را به امریکای شمالی به‌صورت داستان درآورد و مسیر دریایی سراسر اروپا را کشف کرد.
آلمان، ۱۳ ژانویه ۱۵۵۹
منو سیمونز (Menno Simons) از طرفداران میانه‌روی گروه آناباپتیست (Anabaptist) درگذشت. او به‌عنوان منجی و رهاننده‌ی فرقه‌ی آناباپتیست مشهور بود، چون توانست از سخت‌گیری‌ها و تضییقاتی که بر این فرقه وارد می‌شد و در شمال اروپا آن‌ها را تحت تعقیب قرار می‌دادند، ممانعت کند.
فرانسه، سوم آوریل ۱۵۵۹
فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا و هانری دوم پادشاه فرانسه، با عقد پیمان صلح کاتوکامبرزیس (Cateau-Cambresis) به جنگ طولانی بین هابسبورگ و خاندان والوآ (Valois) پایان دادند. برطبق این پیمان صلح، نیروهای فرانسوی از ساووی (Savoy) و پیه‌مون (Peidmont) خارج شدند، لیکن بندر کاله به فرانسه ملحق شد و شهر متز (Metz) و هم‌چنین تول (Toul) و وردون (Verdun) به فرانسه برگشت، اسپانیا هم کنترل سیسیل و ساردنی (Sardinia)، ناپل و میلان و استحکامات ساحلی توسکانی (Tuscany) را عهده‌دار شد. هم‌چنین موافقت شد که ازدواج‌هایی بین دو خاندان سلطنتی صورت گیرد.



سن میشل St Michael و شیطان مربوط به سال های ۱۵۰۵.



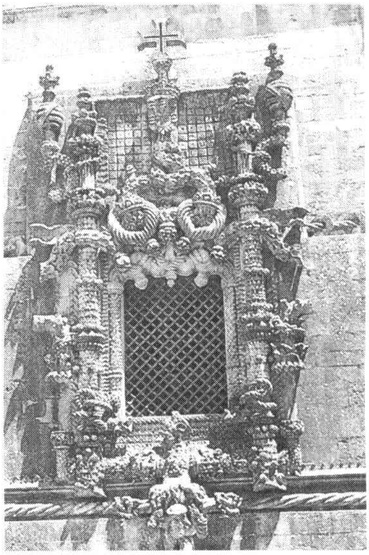
لوکرسیای Lucrezia زیبا که هیچ گاه معنی آزادی را درک نکرد.



شارل پادشاه اسپانیا، که اکنون به مقام امپراتوری رسیده است.



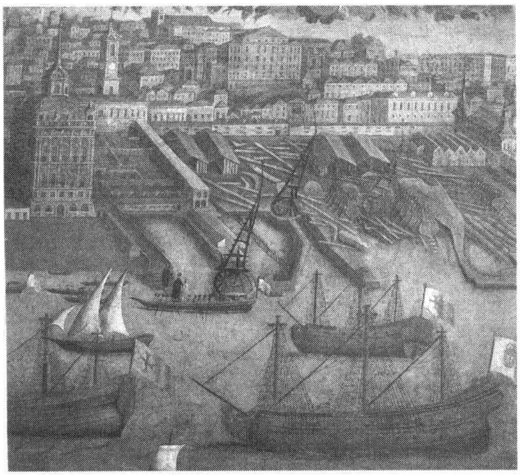
مونته زوما Monte Zuma عازم ملاقات با کورتس می باشد.



تحول و ثروت باعث شده که پنجره ها را با انواع زینت ها بیارایند.



از پناهندگان در قلمرو امپراتوری استقبال می شود.



بندرگاه کشتی سازی و انبار لوازم آن که فعالیت بازرگانی پرتغال را به سرعت ترقی داد.



پس از فتح مکزیک، نیروهای نظامی کورتس Cortes به شهر وراکروز Vera Cruz یورش می برند.

انگلستان، هشتم مه ۱۵۵۹
به‌خاطر جهت‌دادن به روش و سلیقه‌ی مردم در انتخاب مذهب و این‌که آیا رهبر کشور می‌تواند در عین حال رهبر دینی هم باشد، الیزابت ملکه‌ی انگلیس دستور داد که هیأتی برای بررسی این موضوع تشکیل شود و در ضمن اشتباهات حکومت‌های گذشته و توهین به مقدسات یکدیگر منع شود.
مکزیک، ۱۱ ژوئن ۱۵۵۹
تریستان دولونا آره‌لانو (Tristan de Luna Arellano) در رأس یک ناوگان ۱۵۰۰ نفری به عزم ایجاد اجتماعات مسکونی در ساحل خلیج فلوریدا از وراکروز (Vera Cruz) رهسپار آن دیار گردید.
فرانسه، دهم ژوئیه ۱۵۵۹
هانری دوم پادشاه فرانسه در اثر زخم‌های جانکاهی که در اثر شمشیربازی با گابریل مونتگمری (Gabriel de Montgomery) در بدنش ایجاد شده بود، جان سپرد. جانشین و وارث وی فرانسیس دوم پانزده ساله و شوهر ماری استوارت ملکه‌ی اسکاتلند به‌عنوان پادشاه فرانسه شد.
فلوریدا، ۱٤ اوت ۱۵۵۹
لونا (Luna)، کاشف اسپانیولی، به خلیج فلوریدا وارد شد.
انگلستان، ۱۵۵۹
ماتیو پارکر (Matthew Parker)، معلم الهیات، به‌عنوان سر اسقف کانتربوری تعیین شد و فرقه‌ی انگلیکان (Anglican) مجدداً به قدرت رسید و مورد تأیید قرار گرفت.
اسکاتلند، ۱۵۵۹
نایب‌السلطنه ماری‌گوئیز (Mary Guise) تلاش‌هایی برای فرونشاندن شورش اصلاح‌طلبان پروتستان انجام داد تا از اشاعه‌ی این اغتشاشات جلوگیری کند.
هلند، ۱۵۵۹
مارگارت ملکه‌ی پارما (Margaret of Parma) و خواهر فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا، به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی هلند معرفی شد.
اسکاندیناوی، ۱۵۵۹
فردریک دوم و فرزند کریستیان (Christian) سوم به دانمارک و نروژ رسید. او با یاری عمویش دوک هولشتاین (Holstein) توانست شورش جمهوری دیت‌مارش (Ditmarsh) واقع در بین رود الب (Elbe) و ایدر (Eider) را سرکوب کند.
رم، ۱۵۵۹
پاپ پل چهارم که سازمان‌های تفتیش عقاید کاتولیک روم را تشکیل داده بود و از انتشار کتاب‌های غیر مذهبی جلوگیری می‌کرد، جان سپرد و جووانی دو مدیچی (Giovanni de Medici) باعنوان پیوس (Pius) چهارم به جانشینی او انتخاب و به مقام پاپی رسید.
خاور نزدیک، ۱۵۵۹
سلیم سلطان‌عثمانی با حمایت پدرش سلطان‌سلیمان قانونی توانست برادرش بایزید را در صحنه‌ی نبرد قونیه (Konia) مغلوب کند. در نتیجه بایزید و پنج پسرش به ایران فرار کردند. آنان در هنگام برگشت به وطن همگی اعدام شدند و این بهایی بود که سلیمان برای این کار آن‌ها مقرر کرده بود.
فرانسه، ۱۵۵۹
ژاک آمیوت (Jacques Amyot) دانشمند انسان‌دوست فرانسوی زندگی‌نامه‌ی پلوتارک را به زبان فرانسه ترجمه و انتشار داد.
سویس، ۱۵۵۹
ژان کالون (Jahn Calvin) و تئودور بیزا (Theodore Beza) اصلاح‌طلب پروتستان که اخیراً در شهر ژنو یار و همدم شده بودند با کمک یکدیگر مدرسه‌یی جهت تعلیم الهیات و عقاید کالوینیست‌ها تأسیس کردند.
آلمان، ۱۵۵۹
زیر نظر مستقیم ماتیاس فلاسیوس (Matthias Flacius) پروفسور الهیات اخیراً دانشگاهی در شهر ژن (Jene) تأسیس شد و گروهی از لوترین‌ها (هواداران لوتر) جهت تاریخچه و اساس کلیساها نشریاتی به‌نام سال‌های ماگدبورگ (Magdeburg) انتشار دادند.
فلوراید، ۱۵۵۹
دولونای (De Luna) اسپانیولی مستعمره‌یی در خلیج موبایل (Mobile) (آلاباما (Alabama)) تأسیس کرد.

بعدی ناوگان پرتغال، این قیمت صعود کرده و به مرز قیمت پیشین برسد.

لوتر پاپ و امپراتور را به مبارزه طلبید. (وُرمز (*Worms*)، آلمان، ۱۸ آوریل ۱۵۲۱):

دوستان لوتر، اظهار می‌دارند که زندگی مارتین لوتر، دانشمند بنیادگرای الهی، امشب مورد تهدید قرار گرفته است. عصر امروز، وی در مراسم (پرهیز) با پادشاه جوان به مناقشه پرداخت و نظر پاپ، که وی را در ماه ژانویه محکوم به تکفیر کرده بود، رد کرد و اصالت این مراسم را مورد تردید قرار داد.

لوتر این آداب را غیراصولی تلقّی کرده و آن را فرموده‌ی پاپ می‌داند و پاپ را متّهم می‌کند که از موضع قدرت افراد را محکوم می‌کند. لوتر از باب حقوق کشیشان سؤال‌های بسیاری را مطرح می‌کند و به‌طور کلّی، نان و شراب را به‌عنوان جسم و خون عیسی رد می‌کند و آن را ساخته‌ی ارباب کلیسا می‌داند. او عقیده دارد که شخصیت عیسی مورد ستایش است و عقاید دیگر را محکوم می‌کند. مردم آلمان از این‌که لوتر به موضوع اصلی مذهب پرداخته از وی تشکر می‌کنند. لیکن امپراتور آلمان از موقعیت خود دچار بیم و هراس است و از انقلاب دینی لوتر می‌ترسد که قدرتش دچار تزلزل گردد. اکنون لوتر با رد آداب (پرهیز) و خودداری از شرکت در این مراسم، در خطر تعقیب از جانب پاپ قرار دارد و احتمال آن هست که جان خود را در این راه از دست بدهد.

مردم سرزمین کنگو، مذهب کاتولیک را به‌عنوان منجی، پذیرا شدند. (آنگولا، ۱۵۲۱):

اسقف هنری، فرزند آلفونسو پادشاه کنگو (آنگولا)، پس از سیزده سال که در کشور پرتغال به سر می‌برد، در سال ۱۴۸۲ به سرزمین مادری خود برگشت و لیکن تماس خود را با پرتغال حفظ کرده و با پیش گرفتن روش صلح و آشتی، زمینه و روحیه‌ی مسالمت را در مردم به‌وجود آورده است.

آلفونسو اکنون به مذهب مسیح درآمده و سلطنت را از چنگ برادرش که وی را غاصب می‌نامید، به درآورده و آنگولا را مستعمره دولت پرتغال کرده است.

بازرگانان و هیأت‌های سفید پوست مذهبی، برای ارشاد و تبلیغ دین عیسوی، صحنه را خالی یافته و مردم را به این مذهب هدایت می‌کنند. همین طور اروپائیان خود را نژاد برتر می‌دانند، سیاه پوستان بومی را برده‌ی خود می‌دانند و از آن‌ها بیگاری می‌کشند و آنان را به کارهای سخت و طاقت فرسا می‌گمارند، دولت و دستگاه سلطنت هم واسطه‌یی بین دولت استعماری کنگو و حکومت پرتغال است. اروپائیان تازه‌وارد، مردم بومی کنگو را هم‌چون بنده و اسیر می‌پندارند و اسقف هنری در تلاش است که سیاهان را ترغیب به آئین مسیح کند و همه‌ی عوامل را برای اجرای این امر فراهم آورده است، چون عقیده دارد که تمام بومیان کافر و بت پرست می‌باشند. از سویی این امر مورد قبول پاپ و کلیسای رم نیست و در این مورد پرتغالی‌های کنگو، از سوی پاپ به ارتداد محکوم شده‌اند و کار مفیدی هم نمی‌توانند انجام دهند، چون رم آن‌ها را هم شبیه ارتودوکس‌ها دانسته و مطرود می‌شمارد.

پادشاهان با لباس زردوزی و سوار براسب، به میدان می‌آیند. (گینه (*Guines*)، فرانسه، ۲۴ ژوئن ۱۵۲۰):

یکی از حوادثی که بر سر زبان‌هاست، این است که پادشاهان اروپایی با لباس زردوزی شده و سواره به میدان آمدند. هنری هشتم، پادشاه انگلیس و فرانسیس، پادشاه فرانسه، با کمال شوق و ذوق همدیگر را در آغوش کشیدند و با چشمان اشک‌بار از هم جدا شدند، در حالی‌که هر دو هم قسم شدند که کلیسایی بنا کرده و به مریم مقدّس (بانوی باکره) و برای اثبات دوستی و اتّحاد بین دو کشور تقدیم کنند. هنوز معلوم نیست سران دو کشور از نظر سیاسی چه منظوری داشتند و چه نتیجه‌یی از آن در آینده حاصل خواهد شد.

با توجّه به ملاقاتی که بین ولسی (*Wolsey*) و بونیوه (*Bonnivet*)، وزرای دو کشور به مدّت چندین ساعت و در دو چادر بسیار مجلّل در روز هفتم ژوئن صورت گرفت و طرفین بر سر موضوعاتی توافق کرده بودند، این امر انجام شد.

گرچه در این ملاقات مسائلی مطرح شد، لیکن تمام مذاکرات سرّی اعلام شد و در چادر وزیر خارجه‌ی انگلیس این طور برداشت شد که بهتر است هنری هشتم، پادشاه انگلیس، با امپراتور مقدّس رم متّحد شود و فرانسیس، پادشاه فرانسه و سیاست دولت انگلیس بر این پایه قرار گرفت که دوستی خود را با امپراتور مقدّس رم استحکام بخشند.

فرانسیس مبلغ دو میلیون کرون به هنری وام داده است، چون هنری ضمانت وی را جهت دریافت وام از بانک برعهده گرفته است.

در این ملاقات، تمام موضوعات پولی حل شد. پادشاه فرانسه با لباس زردوزی و در چادر زردوزی شده به انتظار هنری بود که یک دوره با هم شمشیربازی کنند.

هنری در این سفر مبلغ پانزده هزار پوند خرج کرد که یک‌هفتم درآمد سالیانه‌ی وی بود. چادر محلّ ملاقات وی با پادشاه فرانسه، هم‌چون قصری بود که از چوب و آینه پوشانده شده بود. هنری هم‌چون هرکول در لباس رزم، در حالی‌که نیزه‌یی در دست داشت، ایستاده بود. در این ضیافت، پادشاهان رقصیدند و به مثابه این بود که هر دو سوار در میدان جنگ مشغول رزم‌آزمایی هستند.

سلطان سلیمان قانونی، محاصره‌ی شهر بلگراد را تحکیم بخشید. (بلگراد، اوت ۱۵۲۱):

سپاهیان عثمانی پس از سه هفته محاصره، سرانجام شهر بلگراد را اشغال کردند و این شهر هم جزو متصرفات سلطان سلیمان خان قانونی قرار گرفت.

منطقه‌ی دانوب از نظر وضع دفاعی چندان پایگاه محکمی نیست و دفاع از آن مشکل است، در نتیجه دولت عثمانی توانست صربستان و مجارستان را تسخیر کند.

شارل پنجم پادشاه آلمان، پیش از آن‌که دولت عثمانی مجارستان را اشغال کند، با مشکلاتی از قبیل انقلاب مذهبی لوتر دست و پنجه نرم می‌کرد و از هر دولتی تقاضای کمک جهت دفاع از بلگراد را می‌کرد، مثل این‌که گوش‌های همه‌ی کر شده بود و به این درخواست جواب نمی‌دادند، تا این‌که دولت عثمانی از پایگاهی در یکی از جزایر رود دانوب شهر بلگراد را با توپ خانه بمباران کرد.

پاریس، ژانویه ۱۵۶۰
ژوآکیم دو بل‌لی (Joakim Du Bellay) بر اثر سکته‌ی قلبی در سن ۳۷ سالگی درگذشت. وی جزو گروه شعرای مشهور به پلیاد (pleiade) بود و بیانیه‌یی به‌نام دفاع از زبان فرانسه و درخشندگی این زبان انتشار داد.
فرانسه، مارس ۱۵۶۰
گروهی از پروتستان‌ها که به‌نام توطئه‌گران نامیده شدند، درصدد بودند که اعضای دربار فرانسه را دستگیر و حکومت خانوادگی گوئیز را براندازند. چون جریان به گوش گوئیز رسید دربار فرانسه احساس خطر کرد، پس چندصد نفر از هوگونوت‌ها (Huguenots) را اعدام کردند و لوئی دوبوربون (Louis de Bourbon) دوک منطقه‌ی کوند (Conde) را هم به زندان افکندند.
هندوستان، مارس ۱۵۶۰
اکبر پادشاه مغول هند که به سن ۱۷ سالگی رسیده، بایرام‌خان نایب‌السلطنه را برکنار کرد و خود زمام امور کشور را در دست گرفت.
آلمان، ۱۹ آوریل ۱۵۶۰
فیلیپ ملانکتون (Philip Melanchthon) دوست صمیمی و همکار نزدیک لوتر در شهر ویتن‌برگ (Withenberg) جان سپرد. او در سال ۱۵۳۰ تحت تأثیر عقاید آراسموس انسان‌دوست قرار داشت و به این موضوع معترف بود و پس از مرگ لوتر به‌عنوان رهبر کلیساهای هوادار لوتر روحی دوباره به آن‌ها داد و کوشش‌های زیادی جهت اصلاح امور طرفداران مذهب لوتری انجام داد و جلساتی هم در این‌باره برپا کرد.
سوئد، ۲۵ ژوئن ۱۵۶۰
گوستاو واسا (Gustav Vasa) که از سال ۱۵۲۳ در استکهلم زندانی بود، از سوئد به‌سوی دانمارک تاخت و به ۱۲۶ سال هم‌زیستی و الحاق سوئد به دانمارک پایان داد. او توانست ارتشی نیرومند و نیز ناوگانی قدرتمند برای سوئد تشکیل دهد و برای اداره‌ی کشور سازمانی قوی به‌وجود آورد.
اسکاتلند، ژوئن ۱۵۶۰
پارلمان اسکاتلند مذهب پروتستان را پذیرفت و آن را به‌عنوان یگانه‌مذهب رسمی و برطبق عقاید جان ناکس مورد قبول قرار داد، هم‌چنین مراسم عشای ربانی رد کرد و پاپ را هم به‌عنوان مرکز ثقل مسیحیت مورد تردید قرار داد.
فرانسه، دوم ژوئیه ۱۵۶۰
میشل دو هوپیتال (Michel de Hopital) سیاستمدار کاتولیک و پیرو سیاست آزادی مذاهب نظیر هوگونوت به نخست‌وزیری برگزیده شد.
فرانسه، ششم دسامبر ۱۵۶۰
فرانسیس دوم ده ساله برادر شارل نهم به پادشاهی فرانسه تعیین شد و کاترین دومدیسی (Catherine de Medici) ملکه مادر و بیوه‌ی هانری دوم نیابت سلطنت وی را عهده‌دار گردید.
انگلیس، ۱۵۶۰
یکی از دریانوردان انگلیسی به‌نام هنری ملقب به هاری کبیر (Great Harry) اقدام به ساختن نوعی کشتی برطبق نمونه کشتی‌های هنری هشتم کرده، این کشتی‌ها چهار دکله می‌باشد. اقدام هاری کبیر در ساخت این نوع کشتی انقلابی در دریانوردی و ساخت کشتی‌های بزرگ در سراسر اروپا به‌وجود آورده است.
فرانسه، ۱۵۶۰
شاعر فرانسوی موریس‌سیو (Maurice Sceve)، رهبر مکتب لیونز (Lyonnaise) و مؤسس انجمن پلهیاد (Pleiade)، درگذشت.
مسکو، ۱۵۶۰
ساختمان کلیسای بزرگ مسکو به‌جهت شفاعت باکره‌ی مقدس (سن بازیل‌کاتدرال (st Basil s Cathedral)) به‌پایان رسید.
پرو، ۱۵۶۰
دومینگو دو سانتو توماس (Domigo de Santo Tomas) راهب دومی‌نیکن کتابی به‌نام آگاهی‌های مختصر راجع به زبان بومی این ناحیه نگاشته که بیگانگان را قادر می‌سازد که به‌وسیله‌ی آن زبان کوئه‌چوا (Quechua) یا زبان مردم بومی سلسله‌ی جبال آند (Ande) را بیاموزند.
جنوب شرقی افریقا، ۱۵ مارس ۱۵۶۱
پدر داسیلویرا (da Silveira) نماینده‌ی سیاسی پرتغال در دربار مانهوموتاپا (Munhumutapa) به هلاکت رسید. به‌احتمال زیاد این قتل به تحریک امام مسلمانان صورت گرفته است.

هنگامی‌که شهر بلگراد به تصرّف عثمانی درآمد، سربازان این دولت، اهالی را قتل‌عام کردند و صربها را به‌عنوان برده به استانبول فرستادند. ونیزی‌ها هم از ترس عثمانی، تن به مذاکره‌ی صلح با سلطان سلیمان دادند.

در حالی‌که جنگ وحشتناک ادامه داشت، مردم امپراتور آزتک را سنگباران کردند. (تنوکتیت لان، ۱۵۲۰):

هنگامی‌که مونته زوما بر روی بام قصر خود ظاهر شد که با مردم صحبت کند و آنان را از پایداری در مقابل اسپانیایی‌ها باز دارد، مردم با سنگ و تیر و کمان از وی استقبال کرده و به او خوش‌آمد گفتند، در حالی‌که امپراتور با خود سلاحی نداشت. مردم آزتک نسبت به مونته زوما، صمیمی نبودند، آن‌ها از اقدامات اسپانیایی‌ها در آزار و شکنجه مردم خشمناک بودند.

اسپانیایی‌ها برای جلوگیری از خشم مردم، آن‌ها را به معبد هدایت کردند تا به انجام امور مذهبی مشغول شوند و چون آن‌ها به معبد رسیدند، تمام آن‌ها را قتل‌عام کردند و بدون اخطار قبلی، همه را از دم تیغ گذرانیدند. مکزیکی‌ها تنها سلاحی که با خود حمل می‌کردند، تیر و کمان بود، لیکن سپاهیان اسپانیایی از توپ خانه استفاده می‌کردند و حتا لوله‌های آب آشامیدنی پایتخت را قطع کردند، تا مردم را به تسلیم وادارند.

در این هنگام، کورتس خود را پنهان کرده بود تا از جریانات جنگ برکنار بماند، لیکن سپاهیان اسپانیولی چون نیروهای کوبایی را شکست دادند، قاصدی برای اعلام خبر برای کورتس فرستادند تا او را برای احراز قدرت دعوت کنند. آن‌ها برنده‌ی این نبرد شده بودند. به‌هر حال، آزتک‌ها کنترل مکزیک را از دست دادند و پدرو دو آلوارادو *(Pedro de Alvarado)* از سوی اسپانیا به قدرت رسید و زمام امور را در دست گرفت.

ماژلان یکی از کاشفان دریاها در کشمکش‌های قبیله‌یی به قتل رسید. (فیلیپین، ۲۷ آوریل ۱۵۲۱):

فردیناند ماژلان *(Ferdinand Magellan)*، دریانوردی که سه چهارم راههای آبی کره‌ی زمین را در

دریاها و اقیانوس‌ها پیموده بود و از شجاعت بی‌نظیری برخوردار بود، امروز در یک نبرد بین قبایل فیلیپین *(Philippines)* که در جزیره‌یی از جزایر آن سرزمین روی داد، کشته شد.

در اوایل همین ماه، دریانوردان ماژلان با عدّه‌یی تیرانداز در جزیره‌ی سه‌بو *(Cebu)* پیاده شدند. سران بومی این جزیره، دین مسیح را پذیرفته بودند و از ماژلان برای پیروزی بر جزیره‌ی ماکتان *(Mactan)* که مجاور جزیره‌ی سه‌بو قرار داشت، درخواست کمک کردند. در جریان نبردی که در ساحل این جزیره روی داد، ماژلان به وسیله‌ی تیر زهرآلودی که به پایش اصابت کرده بود، مصدوم شد، جنگجویان بومی پس از آن با نیزه، ضربات دیگری هم بر او وارد کردند و هنگامی‌که وی را از میدان جنگ دور می‌کردند،با یک ضربه دیگر خنجر وی را هلاک کرد.

پایتخت آزتک‌ها سرانجام به دست اسپانیولی‌ها سقوط کرد. (تنوکتیت لان، ۱۵۲۱):

تا زمانی‌که محاصره‌ی شهر تنوکتیت لان در سال گذشته ادامه داشت، جنگ بین سپاهیان کورتس و آزتک‌ها در مکزیک جریان داشت. چون مونته زوما پادشاه مکزیک، در زندان کشته شد، کورتس هم دست از محاصره‌ی شهر برداشت. به محض این‌که فرمانده‌ی آزتک‌ها از بین رفت، آنهایی هم که در کمین نشسته بودند، فرار کردند و باز هم تعداد زیادی از مردم کشته شدند. در این هنگام در کرانه‌های مکزیک، بیماری آبله بروز کرد و ساکنان محلی از آنجا فرار کردند. در سال گذشته که وضعیت منطقه آرامش یافت، کورتس به آنجا برگشت، شاید به خاطر این‌که به‌طور رسمی به دعا و نیایش بپردازد و از خداوند برای توفیق خود تشکر کند، لیکن با مقاومت شدید اهالی مواجه شد. آزتک‌ها روش جنگی خود را تغییر داده و به جنگ‌های چریکی پرداختند. کوماندوهای آزتک با قایق‌های خود در سراسر ساحل به گشت‌زنی می‌پرداختند و نیروهای دشمن را در سراسر کرانه‌های دریا و کانال‌ها هدف قرار می‌دادند و این نبرد تلخ مدّت‌ها ادامه داشت، آن‌ها حتا در خیابان‌ها و روستاها به ایذا و اذیت و کشتن نیروهای بیگانه دست می‌زدند. آن‌ها نه تنها اسرای اسپانیایی را سر می‌بریدند، بلکه آن‌ها را به اسب می‌بستند و تکه تکه می‌کردند. پس از مدّت‌ها که محاصره‌ی شهر به وسیله‌ی اسپانیولی‌ها ادامه داشت، دشمن برای از پا درآوردن آزتک‌ها، آب آشامیدنی را آلوده ساخت. اکنون پس از تسلیم اهالی، دشمن در تلاش است که اهالی را به دین مسیح درآورد.

شوالیه‌های آلمانی به راهزنی می‌پردازند. (آلمان، آوریل ۱۵۲۳):

شورشی که در بین خرده مالکان آلمانی آغاز شده بود، توسط نیروهای جنگجو و شوالیه سرکوب شد. شورشیان در منطقه‌ی لنداشتال *(Landstuhl)* پراکنده شدند و حتا رهبر آن‌ها از معرکه گریخت. امّا گروهی از شوالیه‌های فرانکونی *(Franconian)* به رهبری گوتز فون برلیخینگن *(Gotz Von Berlichingen)* در روستاهای نزدیک نورمبرگ دست به ایجاد وحشت و ترور زده و به راهزنی پرداختند. لیکن چون در فنون جنگی تغییرات مهمّی صورت گرفته بود، حکومت با سلاح‌های مدرن آتش‌زا، جنگجویان آشوب‌طلب را تار و مار کرده و قدرت خود را در آنجا برقرار ساخت.

در همین هنگام، شاهزادگان آلمانی در جلساتی که تشکیل دادند، به پیشرفت سیاست کمک کردند و با انتخاب وزرا و شهرداران محلی، دست یغماگران را کوتاه کردند.

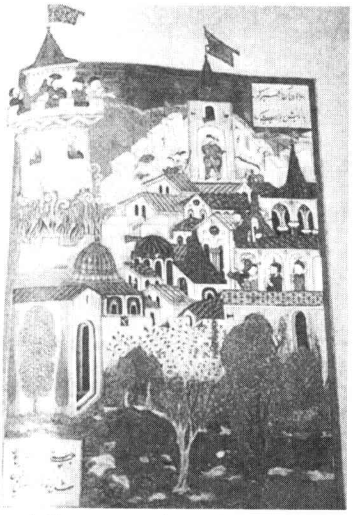
این شوالیه‌های شورشی، هم‌چون اولریخ فون هوتن *(Ulrich Von Hutten)* و فرانز فون سیکینگن *(Franz Von Sickingen)*، سعی کردند که ولتر را مجاب کنند که با شرکت آن‌ها نیروی نظامی علیه کلیسا تشکیل دهد، لیکن ولتر با پیشنهاد آن‌ها مخالفت ورزید.

فرقه‌یی با مذهب جدیدی در دنیا پیدا شده است. (آلمان، ۱۵۲۳):

همان‌طور که اصلاح‌طلبان لوتری در پی آنند که اصلاحاتی در مذهب کاتولیک انجام شود، پیامبرانی با عقاید جدید در اروپا پیدا شده‌اند و پیروان آن‌ها هم مرتب در حال افزایش می‌باشند. پیروان آناباپتیست *(Anabaptist)* که فردی روحانی و از جمله کشیشان فرقه‌ی تعمیدی است، یکی از مهم‌ترین گروه‌ها به‌شمار



تمثال ماژلان Magellan، دریانورد پرتغالی که در کاخ فارنسFarnese در شهر کاپرارولا Caprarola موجود است. ماژلان در سرزمین فیلیپین به قتل رسید.



صحنه یی از هنگام محاصره ی شهر بلگراد به وسیله ی نظامیان ترک عثمانی.



فون هوتنVon Hotten، رهبر شورشیان شوالیه.



صحنه یی از نبرد خونین نیروهای نظامی اسپانیا علیه قوای مردمی مونته زوما.



جشن ملاقات پادشاهان (کار سده ی ۱۹)



تصویر مونته زوما با جبه پر دار سلطنتی، کار یک نقاش اسپانیولی.

می‌روند و سعی دارند او را به‌عنوان پیامبر، معرفی کنند. آناباپتیست از زمانی پیدا شدند که یکی از حواریون در شهر زوریخ سویس به نام زوینگلی *(Zwingli)*، بحث تعمید را به میان آورد و اعلام داشت تمام کودکان مسیحی باید غسل تعمید داده شوند و در غیر این صورت مسیحی نخواهند بود. پس از آن، کشیشان دیگری چون کارلشتات *(Carlstadt)* و مونزر *(Munzer)* که از بنیادگرایان محسوب می‌شدند، عقاید زونیگلی را تأیید کردند. همین طور کشیشانی مانند کونراد گربل *(Conrad Grebel)*، بالتازار هوب‌مایر *(Balthasar Hubmaier)* و فلیکس مانتز *(Felix Mantz)* غسل تعمید را یکی از واجبات شمردند و عقیده داشتند هر فرد کاتولیک باید این امر را اجرا کند و اگر در کودکی به عللی اینَ امر واجب اجرا نگردید، این کار را در زمان بلوغ هم می توان انجام داد و پیروان پاپ باید آن را انجام دهند و هیچ یک از کاتولیک‌ها هم در هنگام ملاقات با پاپ نمی‌توانند با خود اسلحه داشته باشند.

فرقه‌ی آناباپتیست برای نخستین بار در روستاهای اطراف شهر زوریخ *(Zurich)* و در بین روستانشینان به ظهور رسید و برای پیشرفت و تبلیغ این فرقه کمیته‌هایی از قدیسین تشکیل شد. که به امر تبلیغ بپردازند.

پس از ده سال پیکار، مسکو پیمان صلح را امضا کرد. (مسکو، ۱۴ سپتامبر ۱۵۲۲):

واسیلی *(Vasily)* سوّم، شاهزاده‌ی مسکو، پس از ده سال نبرد با لیتوانی قرارداد متارکه‌ی جنگ را امضا کرد، این قرارداد رسماً امروز در شهر اسمولنسک *(Smolensk)* به مورد اجرا گذاشته شد و به جنگ پایان داد. طبق این پیمان، مدّت پنج سال متارکه اعلام شد و به دشمنی و پیکار بین سیگیسموند *(Sigismund)*، پادشاه اتحادیه لهستان و لیتوانی با مسکو خاتمه داد. این عهدنامه یک پیروزی برای شاهزاده‌ی واسیلی به‌شمار می‌رود.

در زمانی که جنگ بین مسکو و لیتوانی *(Lithuania)* جریان داشت، طرفداران لیتوانی به رهبری میخائیل گلینسکی *(Mikhail Glinsky)* دست به شورش زدند، مسکو تنها کنترل شهر اسمولنسک *(Smolensk)* را در دست داشت. سرانجام پس از هشت سال نبرد بدون نتیجه، گفت‌وگوهای صلح آغاز شد و امروز به نتیجه رسید.

اکنون واسیلی که خود را در مقام امپراتوری می‌بیند، در نظر دارد که با محور قرار دادن شهر اسمولنسک، قلمرو خود را تا سواحل رود دنیپر *(Denieper)* گسترش دهد و این رود را مرز دفاعی خود در ناحیه‌ی غرب قرار دهد. از سویی این قرارداد برای واسیلی از نظر سیاسی منافعی دربردارد و آن به رسمیت شناخته شدن او در مقام پادشاهی است.

در سال ۱۵۱۴، پیمان اتّحادی بین سیگیسموند *(Sigismund)* و همسایه‌ی غربی وی ماکسیمیلیان *(Maximilian)* امپراتور مقدّس رم امضا شد که پاپ هم آن را تأیید کرد و در همان هنگام واسیلی که آن را علیه منافع خود تشخیص داده بود با امپراتور لهستان و لیتوانی به نبرد پرداخت.

ناوگان ماژلان تمام دریاهای جهان را درنوردید. (اسپانیا، ششم سپتامبر ۱۵۲۲):

ناوگان دریایی فردیناند ماژلان *(Magellan)* که سه سال پیش با پنج کشتی شهر سویل *(Seville)* در اسپانیا را با ۲۶۵ ملوان ترک کرده بود، امروز با تنها ۱۵ دریانورد زنده مراجعت کرد. اکنون این ناوگان، ناخدا و فرمانده‌ی خود را از دست داده و تخریب شده، لیکن داستان پیروزی آن که تمام دریاها را پیموده، بر سرِ زبان‌هاست.

ماژلان که طبق نقشه‌ی شارل پادشاه اسپانیا، به این مأموریت اعزام شده بود، یک شهروند پرتغالی است و اینک پس از سال‌ها دوری از میهن، خیلی مایل بود که به شهر خود لیسبون *(Lisbon)* برگردد و احیاناً به هند غربی سفر کند. او که به تابعیت کشور اسپانیا درآمده بود، از سوی شارل پادشاه اسپانیا مأموریت یافت که به شرق رفته و تجارت ادویه را از سوی کشور متبوعش به خود اختصاص دهد و بر کشور پرتغال غالب شده و این تجارت را از چنگ پرتغال برباید و با پیمودن مسیر دماغه امیدنیک بتواند معبر جدیدی را به سوی آمریکای جنوبی بیابد.

منطقه‌ی کارائیب، نهم ژوئیه ۱۵۶۱
آنژل دو ویلافان (Angel de Villafane) و بقیه‌ی افراد هیأت اعزامی تریستان دولونا آرهلانو (Tristan de Luna Arellano) که برای ایجاد مستعمره‌یی در خلیج پنساکولا (Pensacola) رفته بودند و در اقدام خود موفقیت به‌دست نیاوردند از هیسپانیولا (Hispaniola) سانتودومینگو (Santo Domingo)) بازگشتند. چون دولونا در انجام مأموریت خود به‌علت عدم مدیریت صحیح موفق نشد، دولت پرتغال برای انجام این امر ویلافان (Villafane) را به منطقه اعزام کرد که کنترل اوضاع را به‌دست گیرد.

فرانسه، ژوئیه ۱۵۶۱
کاترین دو مدیسی هیأتی را برای مذاکره بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها تعیین کرد که زیر نظر میشل دو هوپیتال در شهر پواسی (Poissy) به‌کار بپردازند. کاترین طبق فرمانی به این هیأت دستور داد تا حد امکان رضایت طرفین را جلب کنند تا کاتولیک‌ها و هوگونوت‌ها (Huguenots) یا پروتستان‌ها متقابلاً هم‌دیگر را تحمل کنند. (هوگونوت‌ها نام پروتستان‌های فرانسوی بود).

اسکاتلند، ۱۹ اوت ۱۵۶۱
ماری ملکه‌ی اسکاتلند پس از فوت همسرش فرانسیس دوم پادشاه فرانسه که در سال گذشته رخ داد، به اسکاتلند بازگشت. نجبای اسکاتلند با رواج مذهب کاتولیک در سرزمین خود به‌شدت مخالفت می‌ورزند.

اسپانیا، ۲۳ سپتامبر ۱۵۶۱
به فرمان فیلیپ دوم تلاش‌هایی که برای مستعمره‌نمودن فلوریدا انجام می‌شد، متوقف گشت.

هلند، ۱۵۶۱
برحسب درخواست مارگارت نایب‌السلطنه‌ی پارما در سال ۱۵۵۹، سپاهیان اسپانیولی خاک هلند را ترک گفتند.

هلند، ۱۵۶۱
به‌فرمان پاپ، ۱۴ ناحیه‌ی اسقف‌نشین جدید به چهار ناحیه‌ی قبلی در هلند اضافه گشت. تعداد زیادی از نجبای محلی کشیشانی را که تنها درآمد آن‌ها از کلیسا تأمین می‌شد و حق بخشش گناهان را نداشتند، از حوزه‌ی محلی خود اخراج کردند.

اسکاتلند، ۱۵۶۱
جان ناکس مصلح امور مذهبی، کتابی به‌نام اعتبار و حیثیت انتشار داد. او تمام کلیساهای کاتولیکی اسکاتلند را منحل و به‌جای آن‌ها کلیساهایی به‌سبک کالوینیسم تأسیس کرد.

ایتالیا، ۱۵۶۱
فلورنتین فرانچسکو جوکاردینی (Florentine Francesco Guicciardini)، تمام تاریخ و رویدادهای سرزمین ایتالیا را به رشته‌ی تحریر درآورد. وی این کتاب را با تاریخ شهر فلورانس در سال ۱۵۰۸ آغاز کرد و تا زمان مرگش نتوانست آن را به‌اتمام برساند.

اسپانیا، ۱۵۶۱
شهر مادرید (Madrid) به پایتختی اسپانیا انتخاب شد.

فرانسه، ژانویه ۱۵۶۲
برحسب دستوری که در ماه ژوئیه سال گذشته صادر شد، فرمان قبلی سنت ژرمain (st Germain) لغو گردید، با این وصف چاره‌یی نبود که می‌بایستی مذهب هوگونوت‌ها (پروتستان‌های فرانسوی) هم را مورد قبول قرار دهند، چون عده‌ی کثیری در فرانسه پیرو آیین پروتستان بودند و این آیین از حصار شهرها فراتر رفته بود. مع‌هذا پارلمان فرانسه لغو فرمان را رد کرد و هوگونوت‌ها را مرتد اعلام داشت.

فرانسه، هشتم فوریه ۱۵۶۲
ژان ریبو (Jean Ribault) همراه با یک‌صد و پنجاه نفر از هوگونوت‌ها، فرانسه را به‌عنوان اعتراض ترک کردند، آن‌ها قصد داشتند که در فلوریدا ساکن شوند.

فرانسه، مارس ۱۵۶۲
طبق فرمان فرانسیس دوک منطقه گوئیز جماعت زیادی از هوگونوت‌های ضد قانون را در جریان جنگ مذهبی در شهر واسی (Vassy) به‌قتل رساندند.

فلوریدا، اول مه ۱۵۶۲
ژان ریبو در ضمن سفر خود به فلوریدا موفق به کشف راه آبی جدیدی شد که آن را رودخانه‌ی ماه مه نامید (سن ژان ریو).

ماژلان هم‌چنان مسیر خود را به طرف جنوب پیمود تا به کرانه‌های سرزمین برزیل رسید، در حالی‌که برزیل به کشور پرتغال تعلق داشت، او باز هم مسیر رودخانه را ادامه داد تا به بندر سن ژولیان *(St Julian)* رسید. در اینجا ناوگان وی به سرچشمه‌ی اصلی رودخانه رسید و آن را پای دیو (پاتاگونیان *Patagonians*) نامید، چون شباهت به پای عظیمی داشت. ملاحان وی که به این منطقه رسیدند، علیه او آشوب کردند، و پس از آن‌که این آشوب به وسایلی فرو نشانده شد، ماژلان حس کرد که به آب‌های عمیق ناشناخته‌یی رسیده‌اند. پس سردسته‌ی ملوانان آشوب‌طلب را با دار زدن به دیار عدم فرستاد. او باز هم به سوی جنوب شتافت و در تاریخ ۲۱ اکتبر، درست یک سال بود که شهر سویل را ترک کرده بود و اکنون به دماغه‌یی رسید و آن را به نام دماغه‌ی یازده هزار دختر باکره نامید. پس از پیمودن این تنگه حس کرد که به آخرین نقطه‌ی غرب آب‌های جهان رسیده است. او در حین پیمودن کانالی پرپیچ و خم، مشاهده کرد که در طرف ساحل، کوهستانی پر از برف پیداست. او در این حال دو فروند از کشتی‌های خود را از دست داده بود، یکی از آن‌ها بر اثر توفان و انقلاب دریا درهم شکسته شد و یک فروند دیگر در اثر برخورد به صخره غرق شد. پس از ۳۸ روز ناراحتی و از سر گذراندن بلایای وهم‌انگیز که ماژلان نام آن محلّ را تیرادل فوگو *(Tierra del Fuego)* یا محلّ رعب و وحشت نامید، سرانجام دریانوردان به اقیانوس آرام رسیدند. باز هم پس از ۹۸ روز بحرپیمایی، آنان به جست‌وجوی آب و غذا رفتند، چون ذخیره‌ی آن‌ها به پایان رسیده بود، ملوانان هم اشتیاق زیادی به خوردن گوشت خرگوش داشتند و به ماژلان فشار می‌آوردند که به خشکی برود.

در این هنگام، ندانسته به یکی از جزایر سرزمین‌های فیلیپین رسیدند و ماژلان چنان‌که ذکر شد در یک درگیری قبیله‌یی کشته شد، در حالی‌که ناوگان ناخدا ماژلان به نیمی از سفر دریایی رسیده بود و نتوانست این مسافرت را به اتمام برساند. در این هنگام ناخدا سباستین‌دل‌کانو *(Sebastian del Cano)* سرپرستی گروه ملوانان را با دو کشتی باقی‌مانده برعهده گرفت و به بحرپیمایی ادامه داد.

در جزایر ملوک *(Muloccas)* (اندونزی) آن‌ها به مانند بازرگانان مقدار زیادی ادویه تهیه کردند، لیکن مسیر برگشت را مثل ماژلان بلد نبودند تا بتوانند راه را تا پرتغال به‌طور مستقیم بپیمایند و دچار دردسر شدند و در حقیقت راهی را که به مسیر ادویه معروف بود، گم کردند.

یکی از کشتی‌ها در ساحل تری‌نیداد *(Trinidad)* به محاصره‌ی بومیان درآمد، لیکن ناخدا دل‌کانو کشتی دیگر را از مسیر اقیانوس هند به شهر سویل رساند و بار کشتی را سالم به مقصد رسانید.

دریانوردان در یک سفر، پنج هزار کیلومتر راه را پیمودند. (اسپانیا، ۱۵۲۲):

از زمانی‌که ناخدا فردیناند ماژلان به سفر قهرمانی خود اقدام کرد، تا برگشت این ناوگان، آن‌ها پنج هزار کیلومتر راه را در مدّت سه سال پیموده بودند، در صورتی که مردم اسپانیا آن را سفری چند روزه می‌پنداشتند، زیرا از نظر آن‌ها زمان خیلی زودگذر بود و مشقّات این مسافرت را مشاهده نکرده و به بلایای آن دچار نشده بودند. شاید تنها عدّه‌ی قلیلی از مسافات و بحرپیمایی آگاهی داشتند و اکثریت مردم هیچ اطلاعی از دریا و دریانوردی نداشتند و نسبت به آن جاهل بودند.

به‌عنوان مثال، عدّه‌یی از ملوانان می‌خواستند که عمق دریا را برای اوّلین بار بررسی و اندازه‌گیری کنند، امّا با فرستادن طناب‌هایی به طول ۴۳۰ متر نتوانستند به ته دریا برسند. برای اندازه‌گیری عمق دریا تا آن زمان وسیله‌ی دیگری هم وجود نداشت که مورد استفاده‌ی ملوانان قرار گیرد. آن‌ها از ۲۱ عدد زاویه‌یاب، ۱۸ زمان‌سنج ریگی (ساعت شنی)، ۲۳ مسافت‌سنج و ۳۷ عدد آلت انحناسنج در عین حال استفاده کردند تا توانستند مسافت طی شده به وسیله‌ی کشتی ماژلان را که بالغ بر پنج هزار کیلومتر بود، محاسبه کنند.

از سوی دیگر، آن‌ها در این زمان توانسته بودند از محاسبات و فنون اندازه‌گیری دریانوردی نوین بهره ببرند.

آن‌ها هم‌چنین برای ساختن بدنه‌ی کشتی، به جای چوب‌های معمولی از چوب‌های سخت و مقاوم در برابر پوسیدگی استفاده می‌کردند تا بتوانند مدّت‌های مدید در آب دریا که با املاح گوناگون همراه بوده و موجب پوسیدگی زود هنگام می‌شد، مقابله کنند.

لن ینسی *(Leniency)*، اسپانیا را به راه صلح و آشتی هدایت می‌کند. (اسپانیا، ۱۵۲۳):

با مراجعت ناوگان ماژلان پس از سفر سه ساله، موقعیت سیاسی شارل پنجم امپراتور مقدّس رم تحکیم یافت و پادشاه در مقابل شورشیان موضع سخت‌تری در پیش گرفت و به آنان نشان داد که کشور در این راه به موفقیت بزرگی نایل شده است.

با برگشت این ناوگان، شاه به کسانی که در قیام سانتاژونتا *(Santa Junta)* شرکت کرده بودند، فرمان عفو داد و این عفو شامل سایرین هم شد و بدین ترتیب به تنش و التهاب پایان داده شد.

از طرف دیگر، شورشیان کاستیلی *(Castilian)* که به افزایش مالیات و دادن مشاغل مهمّ به خارجیان اعتراض داشتند و شهرهای کاتالونیا *(Catalonia)* و آندلس *(Andalucia)* را در برگرفته بود، به علّت اختلاف بین رهبران شورشی فروکش کرد و شورای شورشیان به تزلزل دچار شد و آرامش و سکون در اسپانیا برقرار گشت.

لوتر برای نخستین بار کتاب انجیل را برای استفاده‌ی عموم به آلمانی برگرداند. (آلمان، سپتامبر ۱۵۲۲):

مارتین لوتر *(Martin Luther)* که بر اثر تهدید پاپ به قلعه‌ی ورمز *(Worms)* پناهنده شده، اقدام به یک کار بزرگ و بلندپروازانه کرده است، لوتر چون مراسم مربوط به پرهیز و روزه را مغایر با اصول دین مسیح دانسته از سوی پاپ تکفیر شده است. او مشغول ترجمه‌ی کتاب انجیل به زبان آلمانی است. انجیل چون به زبان لاتین نوشته شده، تنها تعداد بسیار کمی می‌توانند آن را خوانده و مورد استفاده قرار دهند و اکثر مردم آلمانی زبان چون زبان لاتینی نمی‌دانند قادر به خواندن و درک آن نیستند و از سویی با اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ *(Gutenberg)*، تکثیر و انتشار به سهولت انجام می‌شود و بهای آن هم ارزان‌تر است.

لوتر چون استاد دانشگاه می‌باشد و زبان لاتین را تدریس می‌کند، قادر به انجام این کار می‌باشد، از سویی چون لوتر خود یک فرد روستایی است و به لهجه‌ها و آهنگ صدای روستائیان و طرز گفتار آن‌ها آشناست، ترجمه‌اش برای افراد معمولی و بازاری بسیار مورد استفاده می‌باشد. انجیل ترجمه شده توسط لوتر، به‌طور کامل شامل روایات و احادیث است و نمی‌توان گفت که گفتار خود عیسی مسیح است.

قهرمانی که سرزمین سوئد را استقلال بخشید و به یک کشور پادشاهی مبدّل کرد. (سوئد، ششم ژوئن ۱۵۲۳):

گوستاو واسا (*Gustav Vasa*)، معمار استقلال سرزمین سوئد، در آئین پرهیز که امروز در پارلمان شهر استوک‌هولم یا استکهلم (*Stockholm*) برپا شده بود، به پادشاهی کشور انتخاب شد.

گوستاو پادشاه حالیه سوئد، که مدّت دو سال است انقلاب این کشور علیه کریستیان (*Christian*) دوّم پادشاه دانمارک را هدایت کرده و موفقیت‌هایی هم دربر داشته است، در نظر دارد که سوئد را از اتحادیه‌ی کالمار (*Kalmar*) که مدّت ۱۴۴ سال است سه سرزمین سوئد، دانمارک و نروژ را تحت کنترل دارد، خارج کند.

گوستاو هم‌چنین مشغول تهیه‌ی طرحی است که خلاء قدرتی را که با خروج نیروهای نظامی دانمارک از منطقه‌ی بالتیک ایجاد می‌شود، با تأسیس یک نیروی دریایی قدرتمند سوئدی جبران کند و هم‌چنین این نیرو حمایت ناوگان تجارتی کشور را برعهده بگیرد.

از نظر سیاست داخلی هم گوستاو در نظر دارد که در سیستم اداری کشور اصلاحاتی انجام داده و اداره‌ی کشور را به‌صورت نوینی درآورد. هم‌چنین در دربار سلطنتی هم سیستم جایگزینی نیابت سلطنت طلایی را که در سوئد به نام اشتن اشتور (*Sten Sture*) معروف است را پیاده کند که در موارد و مواقع ضروری نایب‌السلطنه جایگزین شاه شود و اختلالی در امور کشور پیش نیاید.

وی هم‌چنین در صدد است در صورت امکان حکومت اشراف را جانشین فرمانداری‌های محلی کرده

انگلیس، ۲۰ سپتامبر ۱۵۶۲
الیزابت ملکه‌ی انگلیس با لوئی دوبوربون (Louis de Bourbon) دوک کنده (Conde) و رهبر هوگونوت‌ها (پروتستان‌ها) در قصر همپتون (Hampton) عهدنامه‌یی امضا کرد. برطبق این پیمان الیزابت متعهد شد که در مقابل به‌دست‌آوردن بندر لوهاور (Le Havre)، وی را با نیروی نظامی علیه کاتولیک‌ها یاری نماید، در ضمن الیزابت قول داد که بندر لوهاور را در مقابل تصرف بندر کاله مسترد نماید.

ونیز، ۱۷ دسامبر ۱۵۶۲
آدریان ویلرت (Adrian Willaert) رهبر ارکستر فلاندری (Flemish) که مدت سی و پنج سال رهبری گروه آواز کلیسای سنت مارک را به‌عهده داشت و در ضمن مدرسه‌ی مشهور دسته‌های موسیقی جمعی را بنیان نهاده بود، درگذشت. او توانست از ترکیب موسیقی‌های فلاندری، فرانسوی و ایتالیایی سبک جدیدی را ابداع نماید.

افریقای غربی، ۱۵۶۲
جان هاوکینز (John Hawkins) انگلیسی تجارت برده را در سراسر اقیانوس اطلس آغاز کرد. وی یک کشتی حامل تعداد سیصد برده را از سرزمین سیرالئون (Sierra Leone) برای فروش به هیسپانیولا (Hispaniola) (سانتو دومینگو Santo Domingo) در منطقه‌ی کارائیب (Caribbean) برد.

مکزیک، ۱۵۶۲
اسقف دیه‌گو دولاندا (Diego de Landa) در ناحیه‌ی یوکاتان (Yucatan) دستور داد تعداد زیادی از نوشته‌ها را که به خط مایا (Maya) بود بسوزانند.

ونیز، ۱۵۶۲
پائولو ورونز (Paolo Veronese) نقاش ایتالیایی تزئینات ویلای باربارو (Barbaro) را با سبکی قابل ستایش که مخصوص خود او بود و نوعی ابداع در هنر نقاشی ونیز به شمار می‌رفت، به پایان رسانید.

فرانسه، ژانویه ۱۵۶۳
دولت انگلیس بندر لوهاور را که طبق پیمان انگلیس و شاهزاده کنده به‌امضا رسیده بود، از دست کاتولیک‌ها بیرون آورده و تصرف کرد.

فرانسه، ۱۹ مارس ۱۵۶۳
پیمان صلح آمبوآز (Amboise) به جنگ‌های مذهبی پایان بخشید. گرچه فرانسیس دوک گوئیز کاتولیک که همواره طرفدار جنگ بود در ماه گذشته به‌قتل رسید و متحدان هوگونوت انگلیس شکست خوردند، لیکن هنوز هم پروتستان‌ها (هوگونوت‌ها) بیش‌تر طرفدار دارند و مورد بخشش قرار می‌گیرند.

چین، ۱۵۶۳
افسران مینگ (Ming) سرانجام توانستند در شمال چین تجدید قوا کنند، در حالی‌که در کرانه‌های جنوبی چین، ژاپن سرگرم توطئه می‌باشد.

فلورانس، ۱۵۶۳
کازیمو دو مدیچی (Casimo de Medici) نخستین انجمن هنری اروپا را در فلورانس به‌نام انجمن دل دیزنیو (Del Disegno) را تأسیس کرد. اعضای این انجمن به‌صورت ظاهر از افراد رده بالای حاکمیت هستند، هم‌چنین هنرمندان و تندیس‌نگاران هم می‌توانند هم‌چون شخص کازیمو که در سابق به‌عنوان استاد این رشته محسوب می‌شد، در آن شرکت نمایند.

اروپا، ۱۵۶۳
هر روزه بر تعداد هواخواهان پوریتن‌ها (Puritan) (فرقه‌ی پوریتن طرفدار سادگی مذهب و انجام عبادات دینی نه به‌صورت تظاهر هستند) افزوده می‌گردد و پروتستان‌ها میل دارند هرچه بیش‌تر کلیساها گرایش به سادگی داشته باشند و از تجمل بپرهیزند.

انگلیس، ۱۵۶۳
ژان ریبو (jean Ribault) از دربار انگلیس بازدید کرد، وی با خود حقایقی از اکتشافات سرزمین فلوریدا به‌همراه داشت که برای نخستین‌بار در انگلیس انتشار یافت.

انگلیس، ۱۵۶۳
۳۹ فصل از مواد قانون کلیساهای پروتستان در انگلیس منتشر شد.



پاپ کلمنت Clement هفتم، نقاشی از رافائل.



کتیبه یی با نقش گوستاوواسا Gustav vasa پادشاه سوئد.



تصویری از اعتراضات بی پایان لوتر که هنرمندان آن را بر روی چوب به نقش درآورده اند. نقل از جلد اول کتاب انجیل، تالیف لوتر (۱۵۳۴)

انگلیس، ۱۵۶۳
قانون مربوط به پیشه‌وران، بازرگانان، مقاطعه‌کاران و کارمندان و قضات و موادی که در هنگام صلح درباره‌ی افراد اجرا می‌شود و حقوق ثابت این افراد در کشور به‌مورد اجرا درآمد.
اسپانیا، ۱۵۶۳
خوان باتیستا دو تولدو (Juan Batista de Toledo) ساختمان قصر اسکوریال (Escorial) که متعلق به فیلیپ دوم و در خارج شهر مادرید واقع است را آغاز کرد.
ونیز، ۱۵۶۳
ورونز (Veronese) تابلوی نقاشی به‌نام ضیافت کانا (Cana) را برای راهبان بندیکتن سان جورجو ماجوآر (San Giorgio Maggiore) ترسیم کرد.
روسیه، ۱۵۶۳
ایوان مخوف فرمان داد که یهودیان را در رودخانه‌ی دوینا (Dvina) بیفکنند.
اسکاندیناوی (*Scandinavia*)، ۱۵۶۳
نبرد بین سه کشور پادشاهی و به‌ویژه سوئد و دانمارک قطع شد، دانمارک از سوی لوبک (Lubeck) و لهستان حمایت می‌شد.
پاریس، اول ژانویه ۱۵٦٤
فرانسه روز اول ژانویه را برطبق تقویم ژولیان (Julian) به‌عنوان روز اول سال پذیرفت. بیشتر مردم در اغلب نقاط اروپا روز اول ژانویه را رسماً روز اول سال نو پذیرفته بودند، لیکن در چهارصد سال پیش طبق دستور کلیسای رم روز پیش از ایستر (Easter) (عید پاک) اول سال جدید به‌حساب آمد.
ایتالیا، ژانویه ۱۵٦٤
فرامین اجلاسیه‌ی ترنت انتشار یافت. مطابق این اساس‌نامه پایه‌ی مذهب مسیح دستورات کلیسای کاتولیکی رم است، لیکن اصلاحاتی در آن به‌ویژه راجع به طرز تعلیم افراد روحانی و کشیشان صورت گرفت.
هلند، ۲۲ ژانویه ۱۵٦٤
آنتوان گرانول (Antoine Granvelle) مشاور فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا و یکی از اعضای برجسته دولت هلند که از سال ۱۵۵۹ در آن کشور اقامت داشت، به‌سبب رفتار ناهنجار و ایجاد زمینه‌ی خشم در مجلس آن کشور به مادرید احضار شد.
رم، ۱۸ فوریه ۱۵٦٤
میکل‌آنژ نقاش و مجسمه‌ساز ایتالیایی جهان را بدرود گفت.
سویس، ۲۷ مه ۱۵٦٤
ژان کالوین چهره‌ی اصلاح‌طلب پروتستان در شهر ژنو درگذشت. او را در کفنی زبر و خشن پوشاندند و بدون خواندن سرود مذهبی و هیچ‌گونه مراسم در جایی گم‌نام دفن کردند.
فلوریدا، ۲۲ ژوئن ۱۵٦٤
رنه دوگولین دولودونیر (Rene de Goulaine de Laudonniere) با تعداد ۳۰۰ نفر دریانورد در داخل رودخانه‌ی مه (رود سنت جان (ST John)) و در آن محل استحکاماتی به‌نام کارولین (Caroline) به‌وجود آورد.
آلمان، ۲۵ ژوئیه ۱۵٦٤
با مرگ فردیناند، امپراتور مقدس رم که جانشینی برادر خود شارل پنجم در سال ۱۵۵۵ به وی تفویض شده بود، پسرش ماکسیمیلیان دوم به امپراتوری رسید، ماکسیمیلیان که در دو سال قبل به‌صورت رسمی جانشین پدرش بود، رسماً هم مذهب کاتولیک را پذیرفته بود.
مدیترانه، اکتبر ۱۵٦٤
آندرآ وسالیوس (Andreas vesaluis) عالم تشریح اهل فلاندر، در مراجعت از سفر به اماکن مقدسه، بر اثر توفان به جزیره‌یی در دریای ایونی (Ionian) پرتاب شد و در گرسنگی و رنج و عذاب جان داد. وسالیوس قصد داشت که پس از زیارت به تشریح انسان‌های زنده که به جرم‌های متعدد به مرگ محکوم شده‌اند، بپردازد. مهم‌ترین اثر به‌جامانده از او کتابی‌ست به‌نام ساختمان بدن انسان که در سال ۱۵۴۳ منتشر شد، این کتاب یکی از بزرگ‌ترین آثار در علم زیست‌شناسی می‌باشد.
روسیه، ژانویه ۱۵٦٥
سلطنت ایوان مخوف تزار روسیه همه‌روزه مرگ و خونریزی برای مردم به‌وجود می‌آورد، او با تحمیل فرمانی به‌نام اوپریچینا (Oprichina) در نظر دارد از سربازان مزدوری به‌نام اوپریچ نیکی (Oprichniki) برای ایالت مسکو استفاده کرده و سایر ایالات روسیه را تحت انقیاد حکومت مسکو قرار دهد.

و از وجود کارمندان غیردولتی استفاده کند که پاسخ‌گوی مسؤولیت خود و وفادار نسبت به دربار باشند.

وی به زودی خلاء قدرت را هم با دادن اختیارات به اسقف‌های محلی جبران خواهد کرد. پادشاه جدید، تمایل خود را نسبت به اصلاحات کلیسایی لوتر ابراز داشته و در صدد است که او نیز در دستگاه مذهبی کشور اصلاحاتی انجام دهد، لیکن با وجودی که سخت مایل به اجرای قوانین لوترین می‌باشد، در عین حال با این قوانین آشنا نیست، او هم‌چنین سپاهیانی از روستاها گردآوری کرده که در نبرد علیه دانمارک از آن‌ها استفاده کند و چون این سپاه جنبه‌ی مردمی دارد، مورد پشتیبانی اکثریت قرار گرفته است.

شرح زندگانی روزانه‌ی مردم به‌صورت تاریخ نوین درمی‌آید. (مصر، ۱۵۲۴):

محمّد بن ایاس (*Iyas*)، مشهور به ابن ایاس (*Ibn Iyas*) تاریخ‌نگار مصری زندگانی روزمره‌ی مردم را در زمان افول قدرت ممالیک مصری و هنگام به قدرت رسیدن پادشاهان عثمانی به‌صورت تاریخی جامع به نگارش درآورده است.

اثر عظیم ابن ایاس که با عنوان بادیةالظهور فی‌وقایعة الدهور(*Badai al Zuhur fi vakai al-duhur*) نامیده شده، رویدادهای سرزمین مصر را از زمان فراعنه تا به امروز به رشته‌ی تحریر درآورده است. او هم‌چنین سعی کرده که رخ‌دادهای سال‌های اخیر زمان سلسله‌ی پادشاهی ممالیک مصر را به‌صورت مشروح و جزء به جزء بیان کند.

ابن ایاس که خود شاهد زنده‌ی رویدادهای اخیر است، این حوادث را به‌طور کامل آشکار می‌سازد، و چون خود در دربار مصر پست مهمی داشته، در تمام جریانات ناظر حوادث بوده و به سهولت به آن دسترسی داشته، توانسته است وقایع را کاملاً به‌صورت آشکار بیان نماید. او زندگانی پنهانی و رویدادهای سری دربار، افتضاحات و بدنامی‌ها، شرح زندگانی افراد مشهور را به رایگان در اختیار عموم قرار داده است.

فرقه‌ی مجردها باعث جنبش کلیسا و اصلاحات می‌شوند. (ایتالیا، ۱۵۲۴):

پیروان شیوه و سبک نوینی که معتقدند در مذهب کاتولیک بایستی اصلاحاتی عمیق صورت گیرد، باعث تغییراتی در وضعیت کلیسای رم شده‌اند. پیروان این فرقه که به نام تئی‌تین *(Theatines)* مشهورند به رهبری جان پیترو کارافا *(Gian Pietro Carafa)* و گائه‌تانودی تین *(Gaetano di Thiene)* زندگانی خود را وقف رهایی بشر از دردها و آلام مبتلا به آن‌ها کرده‌اند. رهبران سابق فرقه‌ی سخنوران یا گروه خداپرستان (فرقه‌یی که در قرن شانزدهم تشکیل شد و پیروان آن با سخنرانی‌های پرشور خود خواستار اصلاحاتی در کلیسای رم بودند) و رهبران کنونی این فرقه هم‌چون دی تین و کارافا در تلاشند که مقرّرات مربوط به تربیت کشیشان تازه و وضع معیشتی آن‌ها در بخش‌های اسقفی و هم‌چنین طرز زندگی و امور دینی آن‌ها دگرگون شده و آن‌ها را از فقر و بدبختی و گرفتاری‌های دیگر نجات بخشند.

گروه‌های تئی‌تین *(Theatines)* با فقر و تجرد دست به گریبانند و برای گذران زندگی روزمره مجبور به کارهای بدنی در مدارس، بیمارستان‌ها و یتیم‌خانه‌های شبانه‌روزی و هم‌چنین اماکنی که زنان به‌طور شبانه‌روزی در آن به سر می‌برند، هستند.

هم‌چنین فرقه‌ی پوریتن‌ها *(Puritans)* هم برای اصلاح امور مکان‌های مقدس پیشنهاداتی داده‌اند تا این اماکن بتوانند به سیر پیشرفت خود ادامه دهند.

پاپ در حمایت از خانواده‌ی مدیچی (رم، ۱۹ نوامبر ۱۵۲۳):

کالج انتخاباتی کاردینال‌ها با کمال تأسف رأی به انتخاب جولیو دومدیچی *(Giulio de Medici)* به جانشینی آدریان *(Adrian)* ششم به‌عنوان پاپ داد و جولیو در مقام پاپ جدید منصوب شد.

این دومین عضو خاندان مدیچی است که به این مقام گمارده می شود.

آدریان ششم که ریشه‌ی فلاندری *(Flemish)* داشت، مردی سخت‌گیر و پیرو اصول مذهبی بود و سعی داشت که مراسم دینی را کاملاً رعایت کند و مدّت کمتر از دو سال در این مقام قرار داشت.

جانشین وی یعنی جولیو که به اسم پاپ کلمنت هفتم می‌باشد، با احترام به سنت و روش عمومی سلف خود پاپ لئوی دهم که دوستدار رافائل *(Raphael)* و میکل‌آنجلو *(Michelangelo)* بودند، در نظر دارد شیوه‌ی سیاسی او را در پیش گیرد. کلمنت هفتم با وجودی که از خانواده‌یی برخاسته که نسبت به امور دینی تجاهل داشته و هیچ‌گونه آگاهی از آن ندارند، معهذا برای استقلال امور کلیسا، پاپ در سعی و تلاش است و در نظر دارد مساعی عمده‌ی خود را در این راه به کار گیرد. او هم‌چنین در صدد اصلاحاتی در دربار پاپ می‌باشد.

شوالیه‌ی نیکوکار در درگیری به قتل رسید. (اسپانیا، ۲۵ آوریل ۱۵۲۴):

پی‌یردو ترای *(Pierre du Terrail)*، شوالیه‌ی اهل بایار *(Bayard)* که در سراسر اروپا به‌عنوان شوالیه‌ی نیکوکار و صحیح‌العمل مشهور بود، امشب به قتل رسید. وی در نبرد بین گروه‌های فرانسوی خودی و سربازان پیاده‌ی اسپانیایی مسلح به تفنگ آتش‌زا، از پشت هدف قرار گرفت و کشته شد.

او در حالی‌که میدان جنگ را ترک می کرد و به این نبرد اعتقاد نداشت، به زمین افتاد و در دستان دشمنانش جان سپرد. این شوالیه‌ی بی‌باک و بی‌گناه، روزها به علّت بی‌غذایی در قشون آرتور کاملو *(Arthur Camelot)* شاه، از گوشت اجساد تغذیه می‌کرده است.

وی چهره‌یی مقدّس بود که نسبت به پول و وسایل رفاهی و تجمّل بی‌اعتنا بود و هرگز به دشمن پیروز خود اهانت نمی‌کرد و از کلمات زشت بیزار بود.

فوت او باعث ماتم و عزا در بین طرفدارانش گردید و همه در رثای او مویه می‌کردند.

مزدوران پیزارو (Pizarro) از این پس در جنگ‌های پرو شرکت نخواهند کرد. (پاناما، ۱۵۲۴):

دو نفر از اسپانیولی‌های برجسته‌ی ساکن پاناما *(Panama)*، موفق به کشف یک امپراتوری در کرانه‌های دریای جنوب شدند که به‌طور موقتی در کنار

برزیل، اول مارس ۱۵۶۵
یک مستعمره‌ی پرتغالی در ریودو ژانیرو (Rio de Janeiro) تشکیل شد.
فلوریدا، مه ۱۵۶۵
بر اثر حملاتی که در سال گذشته به روستاهای قبیله‌ی اوتینا (Untina) توسط مردان رنه دو گولین دو لودونیر از استحکامات کارولین صورت گرفت شورش و آشوب و قحطی منطقه را فراگرفت. او برای این جریان مجبور شد مبالغی به‌عنوان غرامت بپردازد و هم‌چنین ذرت مصرفی مردم را تأمین کند.
اسپانیا، ۲۹ ژوئن ۱۵۶۵
پدرو منندز دو آویلس (Pedro Menendez de Aviles) در رأس نیروهای نظامی خود اسپانیا را به عزم تخریب مستعمره و استحکامات فرانسوی واقع در کارولین، ترک کرد.
فلوریدا، ۲۸ اوت ۱۵۶۵
نیروهای کمکی که برای تجدید قوای فرانسوی به کارولین به فرماندهی ژان ریبو اعزام شده بودند، خیلی دیر رسیدند.
فلوریدا، ۲۸ اوت ۱۵۶۵
نیروهای پدرو منندز دو آویلس تحت نام نیروهای سن آگوستین (San Augustin) در بندرگاه فورت‌کارولین (Fort Caroline) پیاده شدند.
فلوریدا، ۱۳ سپتامبر ۱۵۶۵
نیروهای نظامی اسپانیولی به فرماندهی منندز با غارت و تخریب در ناحیه‌ی سن‌آگوستین قوای ژان ریبو را تار و مار کردند.
فلوریدا، ۲۰ سپتامبر ۱۵۶۵
منندز تمام قوای مستقر در دژ کارولین را بیرون راندند و منطقه را پاکسازی کردند.
جزیره‌ی مالت، سپتامبر ۱۵۶۵
محاصره‌ی جزیره مالت (Malta) به‌وسیله‌ی سربازان عثمانی، سرانجام با رسیدن نیروهای نظامی اسپانیولی برای نجات آنان پایان یافت. سواران رزم‌آور سنت جان تا ماه مه در مقابل قوای ترک مقاومت کردند.
فلوریدا، نوامبر ۱۵۶۵
پس از تعویض نام فورت کارولین (دژ کارولین) به سن ماتیو (San Mateo)، منندز با همیاری پانصد نفر از بردگان بومی، استحکاماتی در سراسر کرانه‌ی رودخانه‌ی هندیان ایجاد کردند.
آنگولا، ۱۵۶۵
آلفونسوی (Alfonso) دوم پادشاه کنگو در هنگام اجرای آیین عشای ربانی به‌قتل رسید.
هندوستان، ۱۵۶۵
ویجایاناگار (Vijayanagar) در جریان جنگ تالی‌کوتا (Talikota) دستگیر شد، او در مقابل ارتش اتحادیه پنج ایالت دکن دچار شکست شد و پیروزمندان قلمرو وی را دستخوش ویرانی و غارت ساختند.
انگلیس، ۱۵۶۵
جان هاوکینز (John Hawkins) افسر دریایی، پس از فروش بردگان افریقایی به ساکنان امریکا با کشتی‌های پر از تنباکو به انگلیس بازگشت. سال گذشته هم او یک نوع سیب‌زمینی شیرین امریکایی را به کشور آورد و آن را به مردم انگلیس معرفی کرد.
فلوریدا، ۱۵۶۵
ساکنان اسپانیولی سان‌آگوستین بازی بیلیارد را به امریکایی‌ها یاد دادند.
اقیانوس آرام، ۱۵۶۵
لگازپی (Legazpi) اسپانیولی از سرزمین مکزیک به عزم دریانوردی سراسر اقیانوس به جزیره‌ی سبو (Cebu) در فیلیپین (Philippines) رسید و جزایر فیلیپین را جزئی از اسپانیا دانست و نفوذ اسپانیا را در آن دیار تحکیم بخشید. پس از آن به جزایر ویسایاس (Visayas) و لوزون (Luzon) دست یافت و آن‌جا را هم جزو مستعمرات اسپانیا به‌حساب آورد.
فلاندر (*Flanders*)، ۱۵۶۵
پیتر بروژل (Pieter Bruegel) (ارشد یا برادر بزرگ‌تر) پنج تابلوی نقاشی به‌نام فصل‌های سال ترسیم کرد.
انگلیس، ۱۵۶۵
قانونی در دربار انگلیس به‌تصویب رسید که به کالج سلطنتی لندن اجازه می‌داد که پزشکان برای پیشرفت علم پزشکی به تشریح بدن انسان بپردازند.

باتلاقی ایجاد شده بود و مدّتی بعد ساکنان آن به پرو مهاجرت کردند. این دو به نام‌های فرانسیسکو پیزارو *(Francisco Pizarro)* و دیه‌گودو آلماگرو *(Diego de Almagro)* در نقش رهبر گروه اعزامی به آمریکای جنوبی بودند که با فرصت به دست آمده، این منطقه را کشف کردند، آن‌ها از سال ۱۵۰۲ در هند غربی سکونت داشتند. پیزارو که فردی ثروتمند بود همراه بالبوآ *(Balboa)* برای پاره‌یی اکتشافات به دریای جنوبی سفر کرد.

پیزارو می‌گوید: من شانس خود را دوباره آزمایش کردم. نیروی اعزامی ما شامل ۸۰ سرباز و چهار اسب و یک نفر کشیش بود که یک بانک‌دار و قاضی نیز به همراه داشت. در دو سال پیش، سربازی به نام پاسکوآل‌دو آنداگویا *(Pascual de Andagoya)* حکایت می‌کرد که این سواحل بسیار اسرارآمیز است و بومیان این محلّ را افراد ثروتمندی تشکیل می‌دادند که مشهور به ویرو *(Viru)* یا پرو *(Peru)* بودند و به‌طور کلّی قبایل ساکن این منطقه را مردمان اسرارآمیزی تشکیل می‌دادند.

ناوگان آنداگویا اکنون در صددند که در این محلّ که به بندر هانگر *(Hunger)* معروف است، یک اردوگاه دایمی به‌وجود آورند، در این مکان تاکنون چیز قابل توجهی به دست نیامده، لیکن آلماگرو یک چشم خود را در درگیری‌های بین قبایل هند غربی از دست داده است.

گرچه اهالی بومی منطقه بی‌سواد و فقیر هستند، معهذا پیزارو که سال‌هاست در این منطقه سکونت دارد، ابتدا به شغل قصابی پرداخت و اکنون ثروتمندترین فرد این ناحیه به‌شمار می‌رود. او پس از گذراندن مدّتی از عمر خود در حاشیه‌ی جنگلی حاره، اکنون زندگی پرحادثه‌ی قبلی را رها کرده است.

سربازان وی را گروهی از مزدوران اروپایی تشکیل می‌دهند و گروهی دیگر هم پسران کم سنّ و سال خانواده‌های اشرافی اسپانیایی ماجراجو هستند که به جنگ و پیکار عشق می‌ورزند. در اسپانیا مردان جوانی وجود دارند که دوست دارند با زنان هند غربی ازدواج کنند و چون این افراد بلندپرواز و جاه‌طلب هستند، به سفرهای پرماجرا می‌پردازند و عاشق درگیری می‌باشند.

این پسران جوان رنج مسافرت‌های دور و دراز را بر خود هموار می‌کنند که با دختران محلی هند غربی ازدواج کنند ولو این‌که زندگانی آن‌ها موقتی باشد و در این مورد آن‌ها بیشتر عروس پرویی (اهل پرو) و ساکنان کوهپایه‌های منطقه‌ی آند را می‌پسندند.

کاشفان ایتالیایی به سواحل آمریکای شمالی دست می‌یابند. (آمریکا، ۱۷ آوریل ۱۵۲۴):

ناوگان کاشفان ایتالیایی با پرچم فرانسه و به فرماندهی جووانی ورراتزانو *(Giovanni da Verrazzano)* به کرانه‌ی دنیای جدید در دماغه‌ی برتون *(Berton)* رسیدند. آن‌ها ابتدا در روز اوّل مارس در دماغه‌ی وحشت لنگر انداختند و سپس با پیمودن ۳۲۰ کیلومتر به ساحل جنوبی دست یافتند. ورراتزانو و همراهانش هم‌چنان در دریا پیش می‌رفتند تا در کرانه‌های اقیانوس آرام به بومیانی برخورد کردند که روی خود را پوشانده و صورت خود را با رنگ‌های مختلف آراسته بودند.

در حالی‌که کاشفان به جست‌وجوی خود ادامه می‌دادند به تپّه‌هایی رسیدند که شیب بسیار زیادی داشت که این شیب به دریای خروشانی می‌رسید. مردمان این منطقه روستایی بودند و با شهر آشنایی نداشتند (نیویورک)

جریان دریا در این محلّ به حدی بود که یک قایق کوچک می‌توانست در دریا به راحتی عبور کند، چون باد به کمک قایق‌رانان می‌آمد. دهانه‌ی این دماغه با دهانه‌ی دریا از حیث عمق یکسان بود. این تنگه دو و نیم متر ژرفا داشت و هر نوع کشتی می‌توانست در این دماغه‌ی عمیق لنگر انداخته و در آنجا بارگیری کرده و یا بار خود را تخلیه کند. ورراتزانو سفر دریایی خود را در پاییز ۱۵۲۳ آغاز کرده بود. او چهار فروند کشتی داشت که دو فروند آن در اثر توفان از بین رفت.

وی این یک فروند کشتی را که نسبتاً سالم بود، برای مرمّت به یکی از بنادر کشور انگلیس برد تا آن را برای استفاده‌ی بعدی به اسپانیا بفرستد.

محموله‌ی یکی از کشتی‌ها با حمایت فرانسه به وسیله‌ی بومیان دنیای جدید به غارت رفت و کشتی دیگر که از مسافرت بازگشته بود به بندر دوفین *(Dauphine)* رفته و در آنجا لنگر انداخت.

مُبلّغان مذهب کاتولیک، به سرعت بار دیگر به مناطق مورد نظر بازگشتند. (اسپانیا، ۱۵۲۳):

گروه مبلّغان انجیلی *(evangelistic)* که از فرقه‌ی راهبان فرانسیسکن *(Franciscan)* تشکیل شده، در انتظارند که در ماه‌های آینده به آن‌ها اجازه دهند که برای تبلیغ مسیحیت به مکزیک بازگردند. این گروه‌ها که به وسیله‌ی شارل پادشاه اسپانیا و مردم پشتیبانی می‌شوند، هر لحظه مشتاق این مسافرت هستند. بیشتر پارسایان مسیحی عقیده دارند که این بار مانند دفعه‌ی پیش آن‌ها موفق نخواهند شد که تمام کافران را به دین مسیح درآورند. در سال گذشته، مرتدان مسلمان در شبه‌جزیره‌ی ایبری شکست خوردند. اسپانیا موفق به کشف ینگی دنیا (دنیای جدید) شد و توانست با دخالت خود، بیشتر کافران را به مسیحیت فرا خواند.

مردمان سرزمین مکزیک بیشتر ترجیح می‌دهند با راهبان تیره‌پوست (سرخ‌پوست) وارد مذاکرات دینی شوند و از آن‌ها بیشتر حرف شنوایی دارند، روی این اصل، گروه راهبان سفیدپوست، تعداد ۱۲ نفر از مسیحیان آزتک *(Aztecs)* را که تازه به دین مسیح درآمده و تحت تعلیم قرار گرفته‌اند، انتخاب کرده و برای ارشاد بومیان به آن منطقه فرستاده است این گروه به عاشقان خداوند موسومند.

قیام لوتر به وسیله‌ی شاهزادگان سرکوب شد. (آلمان، ۷ مه ۱۵۲۵):

قیام روستائیان آلمانی در شهر فرانکن هاوزن *(Frankenhausen)* با کشته شدن چندین هزار نفر خاتمه یافت.

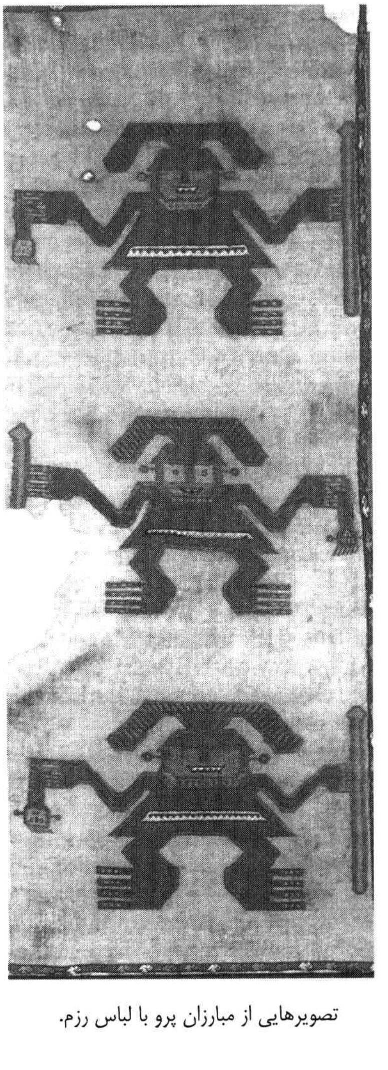
شاهزادگان آلمانی با خشم زایدالوصفی با این شورش که در منطقه باواریا *(Bavaria)* در سال گذشته شروع گشت و به زودی به مناطق هِس *(Hesse)*، فرانکونیا *(Franconia)*، تورینیا *(Thuringia)*، ساکسونی *(Saxony)* و تیرول



پس از محاکمه، شورشیان به اعدام محکوم شدند.



ظرف طلایی که در جشن ها و ضیافت ها مورد استعمال داشت. این ظرف ساخت هنرمندان پرویی دارای دو لوله ی خروجی آب می باشد.



تصویرهایی از مبارزان پرو با لباس رزم.



وراتزانو Verrazzano که توانست عمق رودخانه رامعین کند.



صحنه یی از قیام روستاییان بر ضد قوانین کلیسای رم و پاپ، قیام کنندگان هم چنین به متحدان پاپ معترضند.

(Tyrol) گسترش یافت، برخورد کردند. شاهزادگان آلمانی تصمیم گرفتند که با این قیام، قاطعانه روبرو شوند و امروز توماس مونزر *(Thomas Munzer)* یکی از بنیادگرایان آن‌ها را سر بریدند.

این قیام تحرکی همگانی نبود که بتوان برای فرونشاندن آن اقدام اساسی به عمل آورد، بلکه شورشی منقطع بود که متناوباً در مکان‌های مختلف علیه شاهزادگان، مالکان و کلیسا به وجود آمده بود.

مارتین لوتر با تعلیمات خود و ایجاد کمیته‌های اصول‌گرایان مسیحی در نقاط مختلف شبیه انجمنی که در سال ۱۵۲۳ در آلشتات *(Allstedt)* علیه مالکان بزرگ تأسیس شد، به‌وجود آمد. برخی از رهبران روستاها، بیانیه‌هایی در ممینگن *(Memmingen)* منتشر کردند، مبنی بر این‌که سیستم زمین‌داری سرف (کشاورز وابسته به زمین) باید الغا گردد و بهره‌ی یک‌دهم مالکانه کاهش یابد و کشیشان محلی اخراج شوند. همین برنامه‌ها کافی بود که شاهزادگان و اشراف را بر ضدّ آن‌ها تحریک کرده و در صدد برآیند که در همین ماه شورش آن‌ها را سرکوب کنند.

لوتر به اتّهام ایجاد شورش روستائیان تحت تعقیب قرار گرفت. (آلمان، ۱۵۲۵):

به‌نظر می‌رسد که مارتین لوتر در یک سال اخیر از نظریات خود عدول کرده و بر ضدّ شورش روستائیان برخاسته و در صدد است که بر ضدّ این براندازی‌ها اقدام کند. طبق تعلیمات لوتر، آن‌ها باید در یک موضوع اصلی به اعتراض برخیزند، و آن اصلاح امور کلیساهاست و موضوع‌های دیگر ارتباطی به این قضیه ندارد. سران روستاها برای احقاق حقوق خود، روستاییان را تشویق کردند که دست به قیام زده و کشیشان محلی را اخراج و بر اربابان و مالکان زمین‌ها غلبه کرده و آن‌ها را وادار به پیروی از منویات خود کنند.

در ابتدا لوتر با بعضی از خواسته‌های آن‌ها موافق بود و از آن‌ها حمایت می‌کرد، لیکن دامنه‌ی آشوب‌ها بالا کشید و روستاییان اقدام به کشتار مردم کردند و در شهر وینسبرگ *(Weinsberg)* کنت ناحیه‌ی هلفن اشتاین *(Count Helfenstein)* و همسر و فرزند او را به قتل رسانیدند. تکان سختی خورد و تصمیم گرفت که از دامنه‌ی شورش جلوگیری کند. لوتر در یک بیانیه‌ی چهار صفحه‌ای، اقدامات روستائیان را نوعی سرقت و دزدی و کشتار بدون منطق دانست و آن‌ها را از انجام این قبیل کارها بر حذر داشت. وی آن‌ها را مورد خطاب قرار داده و گفت: شما در هیچ انقلابی نمی‌توانید مقصر اصلی را بیابید. او همچنین نوشت: بهترین پاسخ آن است که شما تا حدّ امکان اجازه ندهید خون از دماغ کسی جاری شود.

واسکوداگاما، جنگ‌جو و فاتح هند، درگذشت. (هندوستان، ۲۵ دسامبر ۱۵۲۴):

جان، پادشاه پرتغال، واسکودو گاما *(Vasco da Gama)* دریانورد مشهور پرتغالی را از هندوستان برای بازنشستگی فراخواند و به جای وی فردی نامناسب را به سمت نایب‌السلطنه‌ی آن سرزمین انتخاب کرد، واسکو دوگاما هم پس از سه ماه که به کشور بازگشته بود، امروز در سنّ ۶۴ سالگی و در کلکته *(Calicut)* بدرود حیات گفت. او برحسب تاریخی که خود مبدأ آن را معین کرده بود، یعنی در سی سال پیش، از دماغه‌ی امیدنیک گذشت و مدّت پنج سال به تجارت ادویه از شرق و تنظیم و تجهیز ناوگان دریایی در هندوستان پرداخت.

او در هنگام بازگشت از شهر کلکته به کوچین *(Cochin)*، با آشوب و طغیان لگام‌گسیخته‌ی ملوانان روبه‌رو شد و خود این شورش را با زور و کشتن رهبر آشوب‌طلبان سرکوب کرد و بقیه‌ی مسیر دریایی را تا کوچین پیمود. او در این مسیر، جزایر سیشل *(Seychelles)* را کشف کرد و به‌عنوان کاشف دریاسالار، این جزایر را به نام دریاسالار نامید.

وی پس از بازنشستگی، به منطقه‌ی اِورا *(Evora)* رفت و در آنجا مقیم شد و همواره پادشاه پرتغال را در جریان امور هندوستان قرار می‌داد و توصیه‌هایی در این باره به وی می‌کرد. او منطقه‌ی ویدیگوئریا *(Vidigueria)* را به‌عنوان کنت‌نشین با امتیاز حق قضاوت مدنی و دیگر کارهای دادرسی شهری و حتا منطقه‌ی اسقفی مستقل تعیین کرد.

واسکوداگاما در سال ۱۴۶۰ و در زمانی که هانری دریانورد پرتغالی درگذشت، دیده به جهان گشود. او

رم، هفتم ژانویه ۱۵۶۶
با مرگ پاپ پیوس چهارم در اواخر سال گذشته، بازجوی بزرگ دادگاه تفتیش عقاید گیس‌لیری (Ghislieri) به‌عنوان پاپ و به‌نام پیوس پنجم برگزیده شد.
اسکاتلند، نهم مارس ۱۵۶۶
داوید ریزیو (David Rizzio) موسیقیدان ایتالیایی را به تحریک شوهر جدید ملکه ماری به‌نام ارل دارنلی (Darneley) و به‌دستور ملکه‌ی اسکاتلند در هالی رود هاوس (Holyroodhouse) واقع در شهر ادینبرو (Edinburgh) به‌هلاکت رسانیدند.
هلند، دوم آوریل ۱۵۶۶
تعداد ۲۰۰ نفر از اشراف هلندی با حمایت آشوب‌طلبان کالوینیست عرض حالی به مارگارت نایب‌السلطنه‌ی پارما درخواست کردند که دادگاه‌های تفتیش عقاید را در هلند برچینند. مارگارت هم این پیام را به فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا رسانید. رهبران این تقاضا عبارت بودند از: ویلیام اورانژ (William Orange)، اگمونت (Egmont) و دریاسالار هورن (Admiral Hoorne) ملقب به گدایان.
فرانسه، ۲۵ آوریل ۱۵۶۶
لوئیز لابه (Louise Labe) که به‌نام بل کوردیر (Belle Cordiere) مشهور بود در سن ۱۶ سالگی در حالی‌که به‌عنوان افسر سوار سلطنتی تحت نام فرمانده لویز (Captain Loys) به‌خدمت درآمده بود فوت نمود. او به زبان‌های یونانی، لاتین، ایتالیایی و اسپانیولی شعر می‌سرود و آن را می‌نگاشت.
فلوریدا، مه ۱۵۶۶
نیروهای نظامی اسپانیولی هجوم سربازان ایتالیایی را به مستعمرات جدید خود را در سنت آگوستین (San Agostin) دفع کردند، لیکن بیش‌ترین استحکامات خود را در اثر حریق و حملات آن‌ها از دست دادند.
لندن، هفتم ژوئن ۱۵۶۶
سر توماس گرشام (Sir Thomas Gresham) کاخ سلطنتی را با سنگ بنا کرد.
هلند، اوت ۱۵۶۶
یک موج بت‌شکنی مذهبی به قصد ازبین‌بردن قدرت کلیسای کاتولیک رم سراسر شهرهای فلاندر، گنت (Ghent)، آنتورپ (Antwerp) و سایر استان‌های شمالی را دربرگرفت، کالوینیست‌ها به صدها صومعه و کلیسا حمله بردند. این شورش ریشه در دشمنی با دادگاه‌های تفتیش عقاید و بالابردن درک مردم از جنایات این دستگاه‌ها داشت.
ژاپن، ۱۵۶۶
ای‌یاسو (Ieyasu) با پیمان اتحاد با اودانوبوناگا (Oda Nobunaga) یکی از قدرتمندترین اشراف ژاپن که در سال ۱۵۶۲ آن را امضا کرده بود، لقب خود را به توکوگاما (Tokugama) تغییر داد.
اسپانیا، ۱۵۶۶
با تلاش کلیسا و همکاری فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا بر ضد اعراب مسلمان مسیحی‌شده و جلوگیری از مراسم و آیین‌های پنهانی آن‌ها ترس بر جامعه‌ی آن‌ها مستولی شد، به‌طوری‌که سخن‌گفتن به زبان عربی و پوشیدن لباس‌های سنتی در بین آنان از بین رفت.
هلند، ۱۵۶۶
با میانجیگری ویلیام اورانژ، مارگارت نایب‌السلطنه‌ی پارما، محکومیت طرفداران کالوین و شرکت در انقلاب علیه کشور بخشوده شد و طرفین صلح کردند.
جزایر دریای اژه (*Aege*)، ۱۵۶۶
سپاهیان دولت عثمانی جزیره‌ی کیوس (Chios) را تسخیر کردند.
فلوریدا، ۱۵۶۶
نخستین هیأت مذهبی ژزوئیت به فلوریدا رسید.
فرانسه، ۱۵۶۶
نوسترا داموس (Nostradamus) پزشک و منجم فرانسوی درگذشت. وی در سال ۱۵۵۵ کتابی تحت عنوان قرن‌ها برای تعلیم مردم راجع به پیامبران منتشر کرد که عقاید عمومی را راجع به این موضوع ارتقا دهد.
ونیز، ۱۵۶۶
تین تورتو (Tintoretto) نقاش ایتالیایی، یک‌سری نقاشی از زندگی سنت مارک و بزرگداشت سان‌روکو (Grande de san Rocco) ترسیم کرد.

چون شیفته‌ی دریانوردی بود، از یادداشت‌ها و نوشته‌های هانری در امور دریانوردی و کشف راه‌های بحری استفاده‌ی فراوان کرد و مهارت بسیاری از این راه کسب نمود و این تجربیات در موفقیت او برای کشف شبه‌قاره‌ی هند، تأثیر به‌سزایی داشت.

داگاما در زمان جوانی، در جنگ بر ضدّ کاستیل *(Castile)* شرکت کرده بود و همین امر سبب معروفیت و ترفیع مقام وی گشت.

پادشاه فرانسه پس از مغلوب شدن در نبرد پاویا، دستگیر شد. (ایتالیا، ۲۴ فوریه ۱۵۲۵):

ارتش فرانسه در پاویا *(Pavia)* واقع در لومباردی، کاملاً شکست خورد. در این میان، اسب پادشاه فرانسه، فرانسیس *(Francis)* هم هدف تیر آرکباس *(Arquebus)* (نوعی تفنگ) قرار گرفته، سقط شد و پادشاه پیاده پیش می‌رفت تا به دست لانوی *(Lannoy)* نایب‌السلطنه‌ی ناپل، اسیر شد.

او این جنگ را در مقابل شارل پنجم، پادشاه اسپانیا و رهبر اروپا، باخت. حال به‌نظر می‌رسد که طبق روال معمول، وی باید تن به صلحی خفّت‌بار بدهد. این مصیبت برای پادشاه فرانسه از پاییز گذشته آغاز شد، هنگامی‌که فرانسیس با ارتش فرانسه در مقابل سربازان پیاده‌ی ایتالیایی، آلمانی و مزدوران سویسی با آتش پر حجم خود، منطقه‌ی پاویا را به محاصره درآوردند. در ابتدا وضع بالنسبه خوب پیش می‌رفت، امّا پس از مدّتی، آتشبار سنگین دشمن، نیروی مقاومت مدافعان را در هم شکست، به‌طوری که نیروهای دشمن به شکست نزدیک شدند. در این حال آنتونیو لی‌وا *(Antonio de Leyva)*، فرماندار شهر، استحکاماتی را در داخل دیوارهای شهر ساخت که فرانسوی‌ها بتوانند بر فراز این استحکامات دشمن را هدف قرار دهند و آن‌ها را از محاصره‌ی شهر بازدارند. بخشی از نیروهای نظامی فرانسه هم طبق نبردهای کلاسیک در ارتفاعات و کوه‌ها دشمن را هدف قرار می‌دادند و در تمام مدّت زمستان، به جنگ و گریز ادامه می‌دادند.

فرانسیس توانست با کمک سربازان ونیزی، نیروهای خود را تجدید سازمان کند، در این هنگام به‌نظر می‌رسید که پیروزی مدافعان حتمی است و

نیروهای متّحدین و دشمن از محاصره خسته شده‌اند، لیکن کمبود آذوقه و مهمّات، بزرگ‌ترین معضل آنان بود و آن‌ها را از پای درمی‌آورد.

نیروهای سلطنتی توانستند از یکی از شهرهای کوچک نزدیک پاویا مقداری آذوقه تهیه کنند، با این وصف، فرانسیس احساس کرد که دیگر در بین سندان و چکش قرار گرفته و در حال خرد شدن است (مقصود از چکش، نیروهای دشمن، و سندان، نیروهای تضعیف شده‌ی ارتش فرانسه بود).

در این حال، پاپ کلمنت هفتم، بین طرفین میانجی شد، لیکن مساعی او به شکست انجامید و وضعیت نبرد امروز روشن شد. ابتدا فرانسیس برای آخرین دفاع خود، سلاح به دست گرفت و به میدان جنگ رفت، لیکن پشتیبان نداشت و آتش دشمن به علّت کم شدن آتش خودی، مؤثر نبود و فرانسیس در حقیقت در نظر داشت خود را تسلیم کند، به این جهت دستور داد که سربازانش تیراندازی نکنند.

او سپس به مانند شوالیه‌های جنگ‌جو بدون این‌که منتظر شود، به میدان رفته و سلاح خود را که تنها یک شمشیر بود، به فرمانده‌ی نیروهای دشمن تحویل داد. در این جنگ شش هزار سرباز فرانسوی کشته شد و فرانسیس هم با چهره‌یی زخمی و خون‌آلود تسلیم شد.

نبرد پاویا (Pavia)، چهره‌ی جنگ را در اروپا دگرگون ساخت. (اروپا، ۱۵۲۵):

سلاح آتشینی که باعث سقط شدن اسب فرانسیس و نابودی ارتش فرانسه گردید، بخشی از انقلابی بود که چهره‌ی جنگ‌ها را در اروپا تغییر داد و سلاح‌های قدیمی را به کنار نهاد و سلاح‌های آتشین را جایگزین آن‌ها کرد و در یک کلام، ارتش‌های اروپایی را مدرنیزه کرد.

پس از نبرد پاویا، نیروهای سواره‌نظام و شوالیه، دیگر نتوانستند فرماندهی میدان جنگ را عهده‌دار شوند و سلاح‌های آتشین توانست یکه‌تاز شود. روش‌های قدیمی دیگر کاربرد خود را از دست داد و سلاح‌هایی هم‌چون کارابین *(Carabines)* و تپانچه *(Pistols)* که با آن می‌شد از روی اسب دشمن را نشانه گرفت، جای شمشیر و نیزه را گرفت و دیگر لازم نبود که از نزدیک با هدف مواجه شد، این سلاح‌ها از فاصله‌های نسبتاً دور هم کاربرد داشت.

بدین‌وسیله شاید مهم‌ترین تغییرات در سیستم دفاعی صورت گرفت، چون مدافعان شهرها می‌توانستند از سنگرهایشان، دشمن را در تیررس قرار دهند، توپ‌خانه قادر بود که حصار شهرها را سوراخ کرده و سربازان را از همان سوراخ‌های ایجاد شده به داخل شهر بفرستد، در نتیجه حصار شهرها ضخیم و قطور شد تا بتواند در مقابل آتش توپ‌خانه‌ی محاصره‌کنندگان مقاومت کند، دیگر دیوارها و حصارهای قرون وسطایی کاربرد نداشت، چون به آسانی تخریب می‌شد. این سلاح‌های تعرضی که مدّت‌ها به نام سلاح‌های ایتالیایی مشهور بود، جای قلعه‌کوب‌ها و منجنیق‌های پیشین را پر کرد و به حمله‌کنندگان امکان داد که از راه دور ضربات محکمی به حصار شهرها وارد کرده و نیروی مدافعان را در هم بشکنند و برای ارتش‌های مهاجم بسیار سودمند بود.

همان‌طور که ذکر شد، استحکامات پیشین در مقابل توپ‌خانه چندان مقاوم نبود و ارتش مهاجم می‌توانست از راه دور حصار و بارو و دیده‌بان‌های شهرها را با آتش سنگین گلوله‌های توپ هدف قرار داده و تخریب کند و از همان راه سربازان پیاده را به داخل شهر روانه نماید و بدین وسیله حالت دفاعی شهرها از بین رفت و شهرها بدون دفاع ماند. اکنون نیروهای مهاجم می‌توانند با آتش توپ‌خانه شهر را از هر سو محاصره کرده و از طریق ایجاد ترس و هراس و هم‌چنین گرسنگی، ساکنان شهرها را وادار به تسلیم نمایند. اکنون روش جنگی هر روزه تغییر پیدا می‌کند و میدان‌های جنگ به سیستم مهندسی مجهز می‌شود.

در نبردهای دریایی هم توانسته‌اند که توپ‌های سنگین را در کشتی‌های جنگی نصب کنند و آن را در دریا یا خشکی به مقابله‌ی دشمن ببرند و حتا از روی ناوها، بنادر و شهرها را هدف قرار دهند. هم‌چنین گلوله‌های توپ‌خانه سنگین نصب شده بر روی ناوها از هر سو دشمن را هدف قرار می‌دهند و با تضعیف ارتش مقابل، پیادگان را برای تسخیر شهرها اعزام می‌دارند.

اوّلین توپ‌خانه‌های دریایی در ۱۲ سال پیش در انگلیس ساخته شد. در نتیجه کشورهای دیگر اروپایی

اسکاتلند، نهم فوریه ۱٥٦۷
لرد دارنلی (Darnley) شوهر ملکه ماری هنگامی‌که در خانه‌اش مشغول کارکردن با باروت بود، در اثر خفگی به‌هلاکت رسید.

اسکاتلند، ۱۵ مه ۱٥٦۷
ماری ملکه اسکاتلند پس از این‌که برای بوث‌ول (Bothwell) در محاکمه‌ی ۱۲ آوریل خود که متهم به قتل لرد دارنلی بود، تبرئه شد، با وی ازدواج کرد.

اسکاتلند، ٢٤ ژوئیه ۱٥٦۷
نجبای پروتستان که علیه حکومت اسکاتلند قیام کرده بودند، در نبرد کاربری‌هیل (Carberry Hill)، بوث‌ول (Bothwell) شوهر ملکه ماری را به‌اتهام قتل لرد دارنلی کشتند و ملکه ماری را دستگیر و زندانی کردند و فرزند یک‌ساله‌ی وی را به‌نام جیمز ششم به سلطنت برگزیدند.

فرانسه، دهم نوامبر ۱٥٦۷
مونت مورنسی (Montmorency) ۷۴ ساله، محافظ و نگهبان کاخ پادشاهی فرانسه و یکی از مهم‌ترین نجبای کشور، در اثر حمله‌ی کاتولیک‌ها علیه هوگونوت‌ها (پروتستان‌ها) به رهبری پرنس کنده در شهر سنت دنیس (St Denis) نزدیک پاریس به‌قتل رسید.

هلند، ۱٥٦۷
فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا، فردیناند دوک منطقه‌ی آلبا (Alba) و سرفرمانده نیروهای نظامی خود را برای کمک به سرکوبی شورشیان کالوینیست به هلند فرستاد. او دستور داد کنت اگمونت و هورن را که از اشراف میانه‌رو بودند، دستگیر کنند و دادگاه جدیدی برای محاکمه‌ی شورشیان تشکیل دهند.

هلند، ۱٥٦۷
ویلیام اورانژ (William Orange) که با سیاست فیلیپ دوم در مورد هلند مخالف بود، تحت پیگرد قرار گرفت، پروتستان‌ها هم سعی داشتند که با حکومت، راه مسالمت را پیش گیرند و با موافقت آن بتوانند آیین‌های مذهبی را در فضای آزاد انجام دهند، لیکن برحسب دستور فیلیپ، ویلیام اورانژ و هواداران وی را از دفترش واقع در هلند، زیلند (Zeeland) و اوترخت (Utrecht) بیرون راندند.

ژاپن، ۱٥٦۷
اودا نوبوناگا (Oda Nobunaga) با پایداری در برابر خاندان سایتو (Saito)، توانست شهر اینابایاما (Inabayama) (جیفو (Gifu)) را به‌تصرف آورد.

ژاپن، ۱٥٦۷
معبد عظیم دای بوتسودن (Daibutsuden) که یکی از بزرگ‌ترین تندیس‌های بودا در آن قرار داشت در جریان جنگ دچار آتش‌سوزی شد.

فلوریدا، دوم مارس ۱٥٦٨
نیروهای دریایی اسپانیا به سرپرستی پاردو (Pardo) در جریان بازگشت از سانتا الەنا (Santa Elena)، مسیر رود می‌سی‌سی‌پی را پیمودند.

فرانسه، ۲۳ مارس ۱٥٦٨
کاترین دومدیسی جهت پایان‌دادن به دومین جنگ مذهبی فرانسه، عقدنامه‌ی صلح لونگ ژومو (Longjumeau) را با هوگونوت‌ها امضا کردند. برطبق پیمان آمبواز (Amboise) که در سال ۱۵۶۳ بسته شده بود، مقرراتی بر هوگونوت‌ها (Huguenots) تحمیل گردیده بود.

فلوریدا، سوم مه ۱٥٦٨
سپاهیان فرانسوی به سرپرستی افسر کاتولیک، دومی‌نیک دو کورگو (Dominique de Corgues) به تلافی قتل عام سال ۱۵۶۵ که در آن تعداد زیادی از افراد هوادار هوگونوت‌ها به‌دست اسپانیولی‌ها به‌هلاکت رسیدند، چندین صد نفر اسپانیولی را در ناحیه‌ی سان ماتیو فورت (San Mateo Fort) سوزاندند.

انگلیس، ۱۹ مه ۱٥٦٨
با پیروزی پروتستان‌ها در لانگ ساید (Longside)، ماری ملکه‌ی اسکاتلند از محل زندان خود در انگلیس گریخت.

هلند، پنجم ژوئن ۱٥٦٨
با ادامه‌ی مخالفت‌های اشراف طرفدار پروتستان‌ها در گرونینگن (Groningen)، دوک آلبا نایب‌السلطنه‌ی جدید هلند دستور داد ۲۰ نفر از نجبای بروکسل (Brussels) از جمله اگمونت (Egmont) و هورن (Hoorne) را دستگیر نمایند. در ضمن ساکنان ایالت شورشی را به پرداخت مالیات سنگین محکوم کرد.

هم به پیروی از این کشور، جهت تعرّض و دفاع، به ساخت این سلاح‌ها اقدام کردند.

انقلاب سویس، بر ضدّ مراسم عشای ربانی در کلیسا و برپایی مراسم ساده به‌جای آن (زوریخ، ۱۶آوریل ۱۵۲۵):

قیام مردم یکی از شهرهای کوچک سویس، این شهر را در کانون توجّه همه قرار داده است. فرماندار این شهر آئین عشای ربانی به سبک کلیسای رم را تحریم کرده و اولریخ زوینگلی *(Ulrich Zwingli)*، خطیب شهر زوریخ *(Zurich)*، به جای آئین عشای ربانی، مردم را به اصول دین مسیح آشنا می‌کند. این مراسم ساده به موزیک و خواندن سرودهای دسته‌جمعی نیاز ندارد. زوینگلی در پشت میزی چوبی قرار می‌گیرد و جماعت مؤمنان هم در مقابل او ایستاده و آماده‌ی شنیدن گفتار او هستند.

زوینگلی روح تازه‌یی به عقاید اراسموس *(Erasmus)* و لوتر بخشیده است، لیکن عقاید او اصولی‌تر می‌باشد. گرچه صدای زوینگلی رسا نیست و نمی‌تواند بلند صحبت کند، لیکن سکوت حضار این نقیصه را جبران می‌کند، او پیروان زیادی دارد و این امر مدیون سادگی اوست، و چون افکار وی همواره تأکید بر سادگی و استقلال از کلیسای رم دارد، توانسته تمام ساکنان کوهستان‌های سویس را جذب و جلب کند، چون‌که آن‌ها از هیبت و قدرت کلیسای رم منزجر و متنفّرند.

سپاهیان عثمانی، نیروهای نظامی مجار را در منطقه‌ی موهاک تار و مار کردند. (مجارستان، ۲۹ اوت ۱۵۲۶):

فردی که سمبل مردانگی مجارستان بود، در میدان نبرد موهاک *(Mohacs)* به قتل رسید. لویس *(Lewis)* دوّم، پادشاه مجارستان، در جنگ خونینی که بین سپاهیان سلطان سلیمان قانونی (شکوهمند)، پادشاه عثمانی و نیروهای نظامی مجارستان، رخ داد، لویس دوّم و ۲۰ هزار نفر از سپاهیان وی کشته شدند.

نیروهای مسیحی پس از شکست در سال ۱۵۲۱ در بلگراد *(Belgrade)* توانستند بار دیگر سازماندهی



واسکوداگاما Vasco da Gama (سده ی ۱۶)



با به کارگیری تفنگ شمخال (سرپر) توسط لان نوی Lannoy نایب السلطنه ی ناپل در نبرد پاویا Pavia فرانسیس دچار شکست و دستگیر شد.



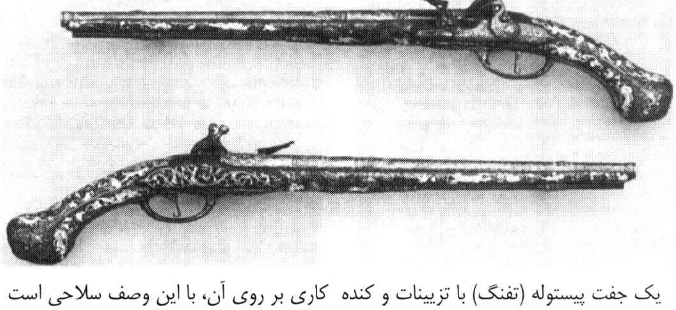
گریان سلیمان، پادشاه عثمانی، در میدان جنگ موهاک Mohacs.



فرانسیس پادشاه فرانسه ، که به اشتباه وی را در لباس شوالیه‌گری نشان داده اند وی در جنگ پاویا دستگیر و اسیر شد.



یک سرباز آلمانی با زره و لباس رزم.



یک جفت پیستوله (تفنگ) با تزیینات و کنده کاری بر روی آن، با این وصف سلاحی است برای کشتن.

رم، نهم اوت ۱۵۶۸
پاپ پیوس پنجم فرمان داد که سفیر اسپانیا از سوی وی به امریکا رفته و با کشیشان محلی درباره‌ی مشکلات و گرفتاری‌های آن‌ها بحث کرده و معضلات آن‌جا را برطرف نماید.
سوئد، ۳۰ سپتامبر ۱۵۶۸
اریک (Eric) چهاردهم پادشاه سوئد به‌علت بیماری روانی و جنون از سلطنت عزل شد و برادر او به‌نام یوهان (Johann) سوم به سلطنت رسید.
منطقه کارائیب، ۱۵۶۸
جان هاوکینز (John Hawkins) بازرگان برده و فرانسیس دریک (Francis Drake) که بومیان سیاه‌پوست افریقایی را به دام می‌انداختند، در سفری با کشتی‌های پر از بردگان در بندر اسپانیایی سان خوان دو اولوا (San Juan de Ulua) لنگر انداختند، لیکن در اثر حمله‌ی بومیان دو کشتی خود را از دست دادند.
هندوستان، ۱۵۶۸
اکبر پادشاه مغول هندوستان تمام استحکامات شهر چیتور (Chitor) را اشغال کرد. زنان اصلاح‌طلب راجپوت (Rajput) طی فرمانی (ژوهار (Jauhar)) دستور داد که افرادی که تحمل این رسوایی را ندارند، می‌توانند در راه اهداف مقدس، کشور خود را زنده به گور کنند تا شاید از این رسوایی‌ها رهایی یابند.
ژاپن، ۱۵۶۸
اومورا سومیتادا (Omura Sumitada) نجیب‌زاده‌ی ژاپنی که در سال ۱۵۶۲ به‌وسیله‌ی ژزوئیت‌ها به فرقه‌ی باپتیست‌ها پیوسته بود، به بازرگانان بیگانه اجازه داد که در روستای ماهی‌گیران به‌نام فوکایی (Fukae) (ناگازاکی (Nagasaki)) بندرگاهی مخصوص به خود تأسیس کنند.
پرو، ۱۵۶۸
فرانسیسکو دو تولدو (Francisco de Toledo) به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی پرو انتخاب شد.
اقیانوس آرام
آلوارو دو مندانا (Alvaro de Mendana)، دریانورد اسپانیولی، جزایر سلیمان (Solomon) و الیس (Elice) را در اقیانوس آرام کشف کرد.
رم، ۱۵۶۸
جاکامو باروتزی دو وینیولا (Giacomo Barozzi de Vignola) که به‌عنوان سرپرست معماران کلیسای سن‌پیتر و جانشین میکل‌آنژ در سال ۱۵۶۴ انتخاب شده بود، کار خود را در کلیسای عیسی مسیح شروع کرد. وی از سال ۱۵۵۰ تا ۱۵۵۵ مشغول ساختمان ویلای جولیا (Giulia) برای سکونت پاپ ژولیوس (Julius) سوم بود.
فرانسه، ۱۵۶۸
ژان بودن (Jean Bodin) اقتصاددان فرانسوی، نظریات خود را درباره‌ی فلزات پرارزشی که از امریکا به اروپا سرازیر شده، بیان داشت و تأثیر آن را در اقتصاد اروپا به‌روشنی تأیید کرد.
اسپانیا، ۱۵۶۸
جان فرمانروای کراس (John Cross)، نخستین صومعه‌ی گروه پابرهنگان کارملی (Carmelites) را تأسیس کرد. ترزا دو آویلا (Teresa Avila) پیشنهاد کرده بود که صومعه‌یی جهت طرفداران کارملی پابرهنه نون‌ها (Nuns) (راهبه‌ها) به‌وجود آید.
اسپانیا، ۱۵۶۸
شورش‌هایی در شهر گرانادا (Granada) به رهبری ابن‌امیه و ابن‌ابو که سرپرست موریسکوس‌ها (Moriscos) (مسلمان مسیحی‌شده) هستند در اعتراض به نبردهایی که از دو سال پیش برپا شده، صورت پذیرفته است، چون مسیحیان اسپانیا آزادی ادیان را قبول ندارند و پیروان سایر ادیان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند.
فرانسه، ۱۳ مارس ۱۵۶۹
نیروی نظامی طرفدار شاه در نبرد ژارناک (Jarnac)، هوگونوت‌ها را شکست دادند. لوئی دو بوربون، پرنس کنده و رهبر هوگونوت‌ها، در هنگام عبور از رود شارنت (Charente) توسط دوک آنژو (Anjou) رهبر کاتولیک‌ها و برادر شاه به‌قتل رسید.
لهستان، اول ژوئیه ۱۵۶۹
با اتحاد لوبلین (Lublin)، دوک بزرگ لیونیا (Grand Duchy of Livonia)، یکپارچگی لهستان تأمین و تضمین شد. اکنون ژاگلون (Jagiellon) شاه و سیگیسموند (Sigismund) دوم آگوستوس، فرمانفرمایی سراسر بالتیک (Baltic) تا رود دنیستر (Deniester) را برعهده دارند و این منطقه‌ی وسیع اروپای شرقی زیر نظر لهستان اداره می‌شود.

کرده و با جمع‌آوری و با تجهیز خود به نبرد تازه اقدام کنند. در سال ۱۵۲۵ فرانسیس، پادشاه فرانسه، به وسیله‌ی شارل پنجم در منطقه‌ی پاویا دستگیر شد، او قصد داشت که پیمان همکاری با سلطان سلیمان امضا کند. در همین حال، شارل مخالفان و معترضان به آیین پرهیز کلیسای رم را مورد تعقیب قرار داد، در ضمن مدافعان مجارستانی را که در جلوگیری از ترک‌ها سهل‌انگاری کرده بودند، در چند هفته‌ی اخیر مورد بخشش قرار داد. لویس پادشاه مجارستان، حریفان جنگی خود را ضعیف و ناتوان می‌پنداشت و هیچ‌گونه اقدام و کوششی برای دفاع از کرانه‌های رودخانه‌ی دراوا *(Drava)* انجام نشد و مدافعان این منطقه بدون پشتیبان ماندند. اشراف و سران مجاری نتوانستند گامی در راه تجهیز و بازسازی سپاهیان انجام دهند.

تجهیزات و آتش‌بارها و توپ‌خانه‌ی بسیار قوی عثمانی، مجارستان را تهدید می‌کردند و هیچ کس به فکر دفاع در مقابل این ارتش مسلمان نبود و شمار افراد آن، همه روزه افزایش می‌یافت. سرانجام قشون عثمانی تمام سپاهیان مجار را در جنگ به هلاکت رسانیدند.

باسک (Basque) می‌گوید بهترین راه تزکیه روح و التجای به مذهب است. (سالامانکا (Salamanca)، ۱۵۲۶):

ایگناتیوس لویولا *(Ignatius Loyola)* که از زیارت اماکن مقدسه به اسپانیا بازگشته است، تصمیم دارد در سن سی و سه سالگی به سلک راهبان درآید. وی برای همیشه شهر آلکالا *(Alcala)* را ترک نمود، چون عقیده دارد که با ریاضت و خودداری از منهیات، می‌توان به سلامت نفس نایل شد.

او در یک خانواده‌ی اشراف باسکی زاده شد و زندگی خود را به‌عنوان یک شوالیه آغاز کرد. در سال ۱۵۲۱، در جریان محاصره‌ی شهر پامپلونا *(Pamplona)*، یکی از مدافعان شهر بود، لیکن پایش در جنگ به شدّت صدمه دید، به‌طوری که به سختی راه می‌رود. پس از گذراندن دوره‌ی نقاهت بیماری، خود را وقف عیسی مسیح کرد و در صف سربازان فدایی عیسی درآمد و جزو راهبان کلیسای مانرزا

(Manersa) شد و اوقات خود را به نماز و عبادت در کلیسا سپری و به گناهان خود اعتراف کرد و برای طلب بخشایش با تازیانه خود را می‌نواخت و مستحق تنبیه می‌دانست. وی اکنون مشغول نگارش کتابی درباره‌ی تمرین‌های روحی و تفکر و تأمل درباره‌ی جهنّم می‌باشد و امیدوار به رحمت و بخشایش مسیح است.

سلطان سلیمان عثمانی و فتوحات او (امپراتوری عثمانی، ۱۵۲۶):

با فتح شهر قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ به وسیله‌ی سلطان محمّد فاتح (۱۴۵۱ـ۱۴۸۱)، دولت عثمانی از آن زمان پیوسته در اروپا به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌یی دست یافته است. در سال ۱۴۶۱ وی توانست جنوب یونان، بخش اعظم صربستان و سواحل دریای سیاه را تسخیر کند و در سال (۱۳۶۳ـ ۱۳۶۴) به سایر مناطق شبه‌جزیره‌ی بالکان حمله برد. در سال (۱۴۶۳ــ۱۴۷۹) ونیز را تصرّف کرد.

در سال‌های بین (۱۴۸۱ـ۱۵۱۲) حکومت ونیز با سلطان بایزید دوّم به مبارزه برخاست. در نبرد دیگری که بین سال‌های (۱۴۹۹ــ۱۵۰۳) برپا شد، ترک‌ها توانستند به دورترین قلمرو ونیز یعنی ویچنزا *(Vicenza)* دست یابند. سلطان سلیم در سال‌های (۱۵۱۲ــ۱۵۲۰) نظرش بیشتر معطوف به منطقه‌ی خاورنزدیک شد. فرزند وی موفق شد در سال ۱۵۲۰ بلگراد و در سال ۱۵۲۲ جزیره‌ی رودس را تسخیر کرده و نیروهای نظامی خود را به سوی اتریش و مجارستان اعزام کند. دولت عثمانی پس از پیروزی در موهاک، ارتش خود را به ۱۶۰ کیلومتری شهر وین رسانده است.

دربار سلطنتی مارگارت ناوار (Navarre)، هم‌چون ستاره‌یی می‌درخشد. (فرانسه، ۱۵۲۷):

مارگارت ناوار *(Margaret Navarre)*، خواهر پادشاه، با گردآوری روشنفکران و دانشمندان اروپا در دربار آژن *(Agen)* واقع در شاتودونراک *(Chateau de Nerac)*، آنجا را به کانون علم و ادب تبدیل کرده است. با وجود این‌که مارگارت شوهر اوّل خود را که دوک آلن کن *(Alencon)* بود، از دست داد، او با هانری آلبر *(Henry d' Albert)* ازدواج کرد و در حال حاضر ملکه‌ی ناوار محسوب می‌شود.

دربار مارگارت اکنون به خانه‌ی نویسندگانی چون دوله *(Dolet)*، مارو *(Marot)* و رابله *(Rabelais)* تبدیل شده. خود او هم نویسنده و شاعری برجسته محسوب می‌شود. برخی از این نویسندگان سبک شاعر و نویسنده‌ی ایتالیایی بوکاچیو *(Boccaccio)* را در کتاب وی به نام دکامرون *(Decameron)*، پیشه کرده‌اند، به‌طوری که مطالب نوشته‌های آنان بیشتر جنبه‌ی حماسی و قهرمانی دارد.

شاید یکی از مهمّ‌ترین جنبه‌های نوشتاری او توجّه به مذهب است که در سایه‌ی آن به بیشتر سؤالات روحانیان و کشیشان جواب می‌دهد و بسیاری از مشکلات آنان را از این راه حل می‌کند. وی با ارائه‌ی این طریق، توانسته است منطقه‌ی نراک *(Nerac)* را به یکی از کانون‌های اصلاح مذهب و پیشبرد علم و ادب تبدیل کند.

تفنگ، جواهری ارزشمند برای مغول محسوب می‌شود. (دهلی، ۲۱ آوریل ۱۵۲۶):

در میدان نبرد پانی‌پات *(Panipat)* واقع در شمال‌غربی دهلی، سلطان ظهیرالدین بابر *(Babur)* پادشاه مغول، قشون هندی ابراهیم لودی *(Lodi)* پادشاه دهلی را نابود کرد. بابر یکی از اعقاب و نوادگان چنگیز و تیمور لنگ است که در فرصت به دست آمده، توانست به این پیروزی دست یابد. وی از نسل سوّم تیمور لنگ بود که به پادشاهی فرغانه رسید (فرغانه بخش کوچکی از قلمرو تیمور بود.)، با این وصف از سلطنت معزول شد. وی با این‌که پادشاه است، لیکن گداصفت می‌باشد.

زمانی‌که سلسله‌ی صفویه در ایران به سلطنت دست یافتند و ازبکان *(Usbeg)* را از آسیای مرکزی بیرون راندند، بقایایی از سلسله‌ی تیموریان از جمله بابر برجا ماندند و بابر چون در ایران جایگاهی نداشت، در سال ۱۵۲۵ بخشی از افغانستان و شهر سمرقند را تسخیر کرد و سپس با نیروهای خود به سوی پنجاب رفته، آنجا را هم تصرّف کرد و پس از آن به طرف دهلی رهسپار شد.

بروکسل، پنجم سپتامبر ۱۵۶۹
پی‌یتر بروژل (Pieter Bruegel) نقاش عجیب و غریب که اغلب نقاشی‌های کارناوال‌ها را ترسیم می‌کرد و زندگی وی در این راه سپری می‌شد، درگذشت.

هندوستان، ۱۵۶۹
با تصرف ارتفاعات رانتامبور (Ranthambor) توسط اکبر امپراتور مغول هند، استقلال و اقتدار راجپوت خاتمه یافت.

امریکای شمالی، ۱۵۶۹
هیأت مذهبی ژزوئیت‌ها در مناطق هندی‌نشین در ایالات فلوریدا، جورجیا (Georgia) و کارولینای جنوبی (South Carolina) امیدوارند که به‌صورت همیشگی برای هدایت بومیان در این نواحی ماندگار شوند.

آلمان، ۱۵۶۹
گراردوس مرکاتور (Gerhardus Mercator) (گرارد کرمر (Gerhard Kremer)) برای نخستین‌بار نقشه‌ی جغرافیا را به‌صورت کروی با محاسبه‌ی طول و عرض جغرافی و مدارات آن منتشر کرد.

روسیه، ۱۵۶۹
دولت عثمانی به‌رغم این‌که ناوگان جنگی خود را از رود دون (Don) به ولگا (Volga) کشانید، در تسخیر شهر استراخان (Astrakhan) دچار شکست شد. آن‌ها با تحمل تلفات و زیان‌های فراوان و ازدست‌دادن سرزمین‌هایی، مجبور به عقب‌نشینی شدند، در حالی‌که اراضی زیادی در دست روسیه باقی ماند.

فلورانس، ۱۵۶۹
کازیمو دومدیچی، به سمت دوک بزرگ توسکانی (Tuscany) منصوب شد.

اسکاتلند، ۲۳ ژانویه ۱۵۷۰
جیمز استوارت (James Stewart) از هواخواهان پروتستان و ارل ناحیه‌ی مورای (Moray) که به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی انگلیس با کناره‌گیری ماری ملکه اسکاتلند معرفی شده بود، به‌قتل رسید.

رم، ۲۵ فوریه ۱۵۷۰
پاپ پیوس پنجم با فرمانی به‌نام «برتری جویی سلطنتی» الیزابت ملکه‌ی انلگیس را تکفیر کرد. با این وصف پاپ اعلام کرد که الیزابت هنوز هم می‌تواند با اطاعت از کلیسای رم همه‌ی جریانات گذشته را جبران کند و جایگاه خود را حفظ کند.

مسکو، ۲۵ ژوئیه ۱۵۷۰
ایوان مخوف (Czar Ivan the Terrible) تزار روسیه با تعقیب و پیگیری عمومی، تقریباً همه‌ی مشاوران و وزیران خود را در معرض اتهام قرار داد و آنان را از خود راند.

فرانسه، هشتم اوت ۱۵۷۰
شارل نهم با امضای موافقت‌نامه‌ی سن ژرمن (St Germain) به سومین نبرد مذهبی پایان داد. با این توافق‌نامه هوگونوت‌ها امتیازات زیادی به‌دست آوردند، آزادی مذهب و امنیت آنان تأمین شد و برای ایجاد امنیت اجازه یافتند پادگان‌هایی در شهرهای مهم فرانسه به‌وجود آورند.

قبرس، اوت ۱۵۷۰
سپاهیان عثمانی پس از شکست در قبرس (Cyprus) از پادگان ونیزی‌های این جزیره رانده شدند.

پرتغال، ۲۰ اکتبر ۱۵۷۰
خوآئو دوباروس (Joao de Barros) مؤلف کتاب فتوحات پرتغال (Portugal) در آن سوی دریاها، جان سپرد.

اروپای شمالی، دوم نوامبر ۱۵۷۰
با جزر و مد دریا و ایجاد امواج سهمگین، دیواره‌های دریا در هلند (Holand) و ژوتلند (Jutland) ویران شد و هزاران نفر از اهالی این مناطق به دیار عدم شتافتند.

اسکاندیناوی، ۱۳ دسامبر ۱۵۷۰
با امضای پیمان صلح اشته‌تین (Stettin)، به جنگ هفت‌ساله بین سه سرزمین پادشاهی پایان داده شد و دانمارک و سوئد به مرزهای پیش از جنگ بازگشتند.

افریقای جنوب شرقی، ۱۵۷۰
پرتغالی‌ها برای تجارت برده در زامبزی (Zambezi) به جنگ در منطقه‌ی زامبیا (Zambia) به رهبری زیمبا (Zimba) و در شمال چوا (Chewa) کشانده شدند.

در منطقه‌ی پنجاب، سلطان ابراهیم با یکصد هزار سپاهی و یکصد زنجیر فیل جنگی، راه او را سد کرد در حالی‌که تعداد سربازان بابر به سختی به دوازده هزار نفر بالغ می‌شد، لیکن سپاهیان وی را ۷۰۰ ارابه‌ی جنگی پشتیبانی می‌کردند، بابر توانست با توپ‌خانه که سلاحی ناشناخته در منطقه بود، سپاه عظیم ابراهیم را زیر آتش گرفته و راه خود را بگشاید.

سپاهیان بابر توانستند در هنگام ظهر، تقریباً جنگ را به پایان برسانند و هنگامی‌که بخش اعظم لشگریان ابراهیم از بین رفتند، بابر دستور داد جنگ را با سلاح‌های کلاسیک دنبال کنند، در این موقع، بقیه‌ی سربازان ابراهیم در اثر تاخت و تاز شدید مغولان، صحنه‌ی جنگ را که تمام روز در آتش و گرد و خاک بود، ترک کردند.

بابر که در این جنگ به پیروزی قاطع دست یافته بود و نیروهای وی دست‌نخورده باقی مانده بود، همایون فرزند دلبند خود را برای عقد پیمان صلح و دوستی به اگرا فرستاد تا به هندیان امان دهد و خاطر آن‌ها را آسوده دارد.

همایون در مراجعت، با خود الماس بسیار بزرگی آورد که ارزش آن برابر بود با هزینه‌ی خوراک دو روز و نیم تمام مردم جهان که آن را به حضور بابر تقدیم کرد. این الماس برای مردی که همه چیز در اختیارش بود، لیکن از آن استفاده نمی‌کرد، اهمیتی نداشت، معهذا آن را در خزانه‌ی خود جای داد، چون برایش مهمّ نبود. این الماس به کوه نور معروف شد.

فاتحان مسلمان، ساکنان مسیحی سرزمین نوبه را به اسلام درآوردند. (نوبه (Nubia) (سودان)، ۱۵۲۷):

فرهنگ و آیین مسیحی در نوبه به پایان رسید. کلیساها که مدّت یک هزار سال از زن و مرد پر بود، خالی شد و مسافران گزارش‌هایی تکان‌دهنده به اروپا می‌فرستادند. یک نفر از اهالی روبنی *(Reubeni)* که از شهر سوبا *(Soba)*، پایتخت آلوا *(Alwa)*، بازدید کرده، تنها چند کلبه را که محلّ سکونت بردگان بوده، مشاهده کرده است. آلوارز *(Alvarez)* یکی دیگر از گزارشگران، هیچ چیز جز ویرانه ندیده است.

مسیحیانی که شش سده‌ی پیش، از مصر فرار کرده و به نوبه آمده بودند، دو منطقه‌ی حکومتی یکی به نام ماکورا *(Maqurra)* (در نیل وسطا) و دیگری به نام آلوا (در نیل سفلی) به‌وجود آوردند. آلوا یک حکومت مذهبی بود، لیکن هیچ‌وقت در کلیساهای آنجا آیین عشای ربانی اجرا نمی‌شد. آن‌ها آداب و مراسم مذهبی را شبیه یونانیان برپا می‌داشتند که خیلی قابل درک نبود. کلیساهای نوبه شباهت کاملی به اتیوپی داشت و کاملاً مجزا و منفرد بود، در بقیه‌ی مناطق هم مسلمانان اکثریت داشتند. لیکن کوه‌نشینان سرزمین اتیوپی پیرو دین به‌خصوصی نبودند و هویت مشخصی هم نداشتند. در سال ۱۳۲۳ ماکورا به دست مصری‌ها سقوط کرد و تجّار مسلمان به ان منطقه رفتند، امّا قبایل مسیحی به آلوا کوچ کردند.

در حالی‌که مرز شمالی آلوا در تصرّف مسلمانان بود، لیکن بخش جنوبی با به دست آوردن قدرت به قسمت علیای رود نیل رسیدند و در نبردی که در ناحیه‌ی فونژ *(Funj)* در هفت سال پیش علیه مصریان و با کمک حاکم‌نشین آلوا برپا کردند، سراسر منطقه را تصرّف کردند، اکنون حکومت آلوا به شکوفایی رسیده و تمام نیروهای دشمن خارجی را تار و مار کرده و تسلیم نموده است.

برای نخستین بار، کتاب انجیل به زبان انگلیسی برگردانده شد. (انگلیس، ۱۵۲۶):

اوّلین ترجمه‌ی کتاب عهد جدید از اصل آن که به زبان یونانی موجود، بوده است، پس از یک سال که در شهر ورمز *(Worms)* به زبان آلمانی ترجمه شده بود، به زبان انگلیسی برگردانده و منتشر شد. گردآورنده و مترجم انجیل، شخصی به نام ویلیام تایندال *(William Tyndale)* است که تا سال ۱۵۲۲ به این کار اشتغال داشته است. ترجمه‌ی این کتاب به مردمی که قادر به خواندن زبان یونانی و دست‌نویس آن نیستند، کمک شایانی کرده است.

تایندال که پیش از این به شغل پرستاری کودکان نزدیک شهر بریستول *(Bristol)* اشتغال داشت، برای این‌که روحانیان و کشیشان بومی را از جهل برهاند و آنان را به اصل انجیل آشنا نماید، به این کار مهمّ اقدام نمود، چون آنان تنها زبان مادری خود را بلد بودند و به زبان‌های بیگانه آشنایی نداشتند که بتوانند چیزی به مردم جاهل‌تر از خود بیاموزند و اغلب آموزش آن‌ها گمراه‌کننده بود و نمی‌توانستند معانی این کتاب مقدّس را هضم کنند.

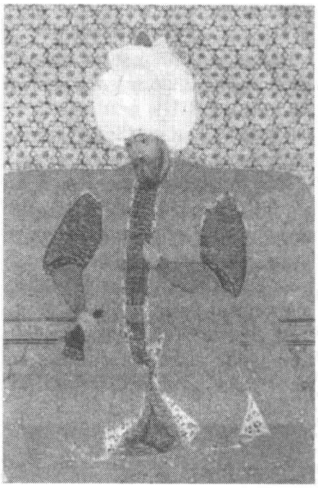
تایندال که زبان یونانی را به خوبی می‌دانست، برای نخستین بار انجیل به زبان یونانی را با چاپ جدید در سال ۱۵۱۶، طبق انجیل اصیل اراسموس منتشر کرد.

ترجمه‌ی تایندال به‌طور فصیح و روان بیان شده و تمام اسرار و رموز انجیل را به روشنی به زبان انگلیسی شرح داده، به‌طوری که برای همه‌ی افراد انگلیسی زبان، قابل درک و فهم باشد. او توانسته است در تمام زوایا و گوشه‌های این کتاب رسوخ کرده و مطالب آن را به روشنی بیان نماید و تمام فرقه‌های مسیحی و کاتولیک را تشریح کند و معانی صحیح آن را عریان به‌نظر خواننده برساند.

وی برای این‌که هیچ‌گونه ابهامی در این قضیه نماند و برای تحکیم درستی مطالب، این ترجمه را به مجمعی که در شهر ورمز وجود دارد ارسال داشت تا از صحّت آن اطمینان حاصل کند. با تشویق و همراهی مارتین لوتر این کمیته از صاحب‌نظران زبان انگلیسی و افرادی که در این کشور متولد شده‌اند ایجاد شده است. اکنون خوانندگان انجیل طعم این کتاب مقدّس را می‌چشند، چون به ذائقه‌ی آن‌ها سازگار است.

آلبرشت دورر، هنرمند و حکاک درگذشت. (نورمبرگ، ۱۵۲۸):

آلبرشت دورر *(Albrecht Durer)* در شهر نورمبرگ *(Nuremberg)* که در همین شهر زاده شده بود، در سنّ ۵۷ سالگی درگذشت. او به همان اندازه لئوناردو *(Leonardo)* مورد احترام عموم قرار داشت. پدر وی زرگر بود، او به زودی در سراسر آلمان معروف شد و نه فقط یک هنرمند بود، بلکه پس از دیدار با اراسموس و لوتر، یک شخصیت اجتماعی به حساب می‌آمد و در دوستی بسیار باصفا بود. در سال ۱۵۲۱، اراسموس را در هلند ملاقات و از این‌که اراسموس به روشنی از لوتر پشتیبانی نمی‌کند، مضطرب گشت.



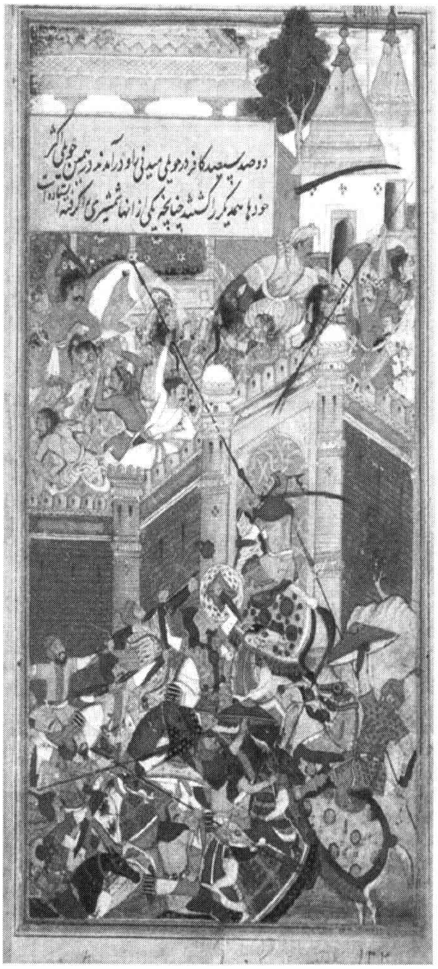
سلیمان قانونی (باشکوه) پادشاه عثمانی.



لات Lot و دخترانش



تصویری از مسیح که با آتش مقدس عشق الهی در حالت صعود و عروج به عرش است.



قوای نظامی امپراتوری در پای حصار شهر (نقل از بابرنامه، Baburnameh) سال ۱۵۹۰.



با وجود حالت آشفتگی و مالیخولیا که در دورر Durer نقاش آلمانی وجود داشت. وی در کار حکاکی و قلم زنی سرآمد استادان زمانه بود.



صفحه یی از کتاب انجیل جدید چاپ انگلیس.

او در یادداشت‌هایش می‌نویسد: بله، اراسموسِ هنرمند، تویی که حقیقت را در پای تاج و سلطنت شهید می‌کنی. وی تصویر خودش را با زغال کشید و چون اراسموس آن تصویر را دید، گفت دورر در این مورد کاری انجام نداده و نتوانسته به این تصویر آب و رنگ دهد.

دورر در منبت‌کاری روی چوب و قلم‌زنی بر روی فلزات، سرآمد استادان عصر بود. او می‌گفت اغلب کشیدن منظره بر روی یک صفحه کاغذ و یا کنده‌کاری بر روی یک قطعه چوب که در نصف روز انجام شود، بهتر از نقّاشی است که بر روی تابلویی در مدّت یک سال برای آن کار شده باشد. برخی از تابلوهای وی نظیر خشم و اضطراب، شوالیه، مرگ و جنون و ابلیس، از شاهکارهای او محسوب می‌شود که آن‌ها را به لوتر تقدیم کرد.

یکی از چهره‌های درباری، مطالبی را درباره‌ی اخلاق می‌نویسد. (ایتالیا، ۱۵۲۸):

کتابی درباره‌ی اخلاق و آداب معاشرت و رفتار و سلوک، برای تمام طبقات اجتماعی و به‌ویژه دولت‌مردان در ونیز منتشر شد. این کتاب تألیف یکی از درباریان به نام بالدازار کاستیلیون *(Baldassare Castiglione)* می‌باشد که خلاصه‌یی از اندیشه‌های وی درباره‌ی فرهنگ و رسوم اجتماعی نوین است. کاستیلیون خود یکی از کارمندان عالی‌رتبه‌ی دربار جودو بالدو دومونته فلترو *(Guidobaldo de Montefeltro)* دوک اوربینو *(duke Urbino)* می‌باشد که طی سال‌هایی که در آنجا مشغول بوده، با کسب تجربیات ارزشمند خود، دست به این کار زده است.

او هم‌چنین یکی از نجبای دربار پاپ لئوی *(Leo)* دهم و کلمنت *(Clement)* هفتم می‌باشد. نوشته‌های وی شامل یک سری گفت‌وگوهای بین خاندان مدیچی و دیگر چهره‌های مهمّ است که او از این مذاکرات نکات جالب و با اهمّیت آن را انتخاب و به رشته‌ی تحریر درآورده است.

این ندیم درباری، از یکی از خانواده‌های نجبا برخاسته و از تربیت صحیح برخوردار است و به‌طور کلّی نه اهل سیاست و نه از روحانیان است لیکن یکی از چهره‌های درخشان و محبوب زنان و مردان است. کاستیلیون شباهت تامی به سیسرو *(Cicero)*، پلوتارک *(Plutarch)* و لیوی *(Livy)* دارد و اهل خطابه و بیان است و با انسان‌دوستانی نظیر پیترو بومبو *(Pietro Bembo)* و جولیانو دومدیچی *(Giuliano de Medici)* هم داستان است.

کاستیلیون سعی می‌کند آداب و رسوم اجتماعی را به مردم بیاموزد و سطح تربیت آن‌ها را ارتقاء دهد، او نه فقط جامعه‌ی ایتالیا را مورد خطاب قرار می‌دهد، بلکه آموزش‌های وی مردم فرانسه و انگلیس را نیز دربر می‌گیرد و خواست کلّی او بهبود روابط اجتماعی است.

سرباز اندیشمند چینی پس از یک قیام جان سپرد. (چین، نهم ژانویه ۱۵۲۹):

وانگ یانگ مینگ *(Wang yang-ming)*، فیلسوف و خطیب مشهور چینی که در علوم مختلف سرآمد دوران خود بود، در سنّ ۵۶ سالگی درگذشت. این دانشمند که در عین حال، سربازی جنگ‌دیده و با مهارت بود، پس از سرکوب قیام راهزنان ایالت گوانگ‌زی *(Gwangxi)*، بدرود حیات گفت. او که دشمنان زیادی در دربار خواجه لیو ژین *(Liu Jin)* داشت، در اثر دسیسه‌کاری آن‌ها به زندان افتاد و پس از تحمّل ۴۰ ضربه تازیانه از زندان به تبعید فرستاده شد. هنگامی‌که وی به تبعید می‌رفت، مأموران جاسوس دربار لیوژین او را تعقیب می‌کردند، به‌طوری که بر جان خود بیمناک شد و در کنار رودخانه لباس‌های خود را کند و مأموران به تصوّر این‌که او در رودخانه غرق شده از تعقیب وی دست برداشتند، در نتیجه او توانست فرار کند.

نیروهای آلمانی، شهر رم را غارت کرده و سوزانیدند. (رم، ششم تا شانزدهم مه ۱۵۲۷):

پانزده هزار نفر از سربازان مزدور آلمانی، وحشیانه شهر رم را دستخوش چپاول و غارت کردند و آن را آتش زدند. آن‌ها در حالت مستی، زیباترین شهر جهان را تخریب کرده و آن را رها کردند. قصر و منطقه‌ی واتیکان *(Vatican)* به وسیله‌ی گروه‌های طرفدار لوتر اشغال شد، لیکن منزل پاپ که به وسیله‌ی رافائل

اسپانیا، ۱۵۷۰
دون ژوان (Don John) پادشاه اتریش و پسر نامشروع شارل پنجم، با بی‌رحمی و خشونت به سرکوبی شورشیان موریسکو (Morisco) (مسلمانان مسیحی‌شده) پرداخت.
روسیه، ۱۵۷۰
در پی تلاش‌های استقلال‌طلبانه‌ی فئودال‌ها در روسیه، ایوان مخوف دستور داد که شهر نووگراد (Novgorod) مرکز تجمع آن‌ها به‌وسیله‌ی اوپریچ‌نیکی (Oprichniki) تخریب و مورد چپاول قرار گیرد.
ژاپن، ۱۵۷۰
کشتی‌های بازرگانی پرتغال باب تجارت را با ناگازاکی باز کردند.
امریکای شمالی، ۱۵۷۰
هندیان ایروکوا (Iroquois) شمال شرق امریکای شمالی با عقد پیمان بین قبایل به صلح در مناطق مختلف بومی‌نشین رضایت دادند.
برزیل، ۱۵۷۰
قانون ایالتی مقرر می‌دارد بومیانی که در نبردهای قبیله‌یی و جنگ‌های عادلانه شرکت می‌کنند، اگر اقدام به آدم‌خواری کنند، به زندان یا بردگی محکوم خواهند شد.
عربستان، ۱۵۷۰
دولت عثمانی سرزمین یمن را تسخیر کرد.
آنتورپ، ۱۵۷۰
نخستین اطلس جغرافیایی که توسط آبراهام اورتلیوس (Abraham Ortelius) تهیه شده بود، منتشر گردید.
اسپانیا، ۱۵۷۰
طبق قانونی که درباره‌ی بومیان هندی تصویب شد، افراد دو رگه (نصف سفید و نصف سیاه) یعنی پدر یا مادر رنگین‌پوست یا سفید باشند، نمی‌توانند پست‌های مهم را اشغال کنند و یا فرماندار محلی باشند.
هلند، ۱۵۷۰
برحسب امر امپراتور ماکسیمیلیان دوم، اورلاندو دی لاسو (Orlando di Lasso) آهنگساز که آهنگ‌های زیادی برای آیین عشای ربانی ساخته بود و دسته‌ی کر کلیسا را اداره می‌کرد، به طبقه‌ی اشراف ارتقا یافت و جزو این طبقه گردید، او همان‌طور که آهنگ‌های بسیاری برای اجرا در کلیسا ساخت، کارهای بزرگی در موسیقی غیر مذهبی انجام داد.
رم، ۱۵۷۰
پاپ پیوس طی اعلامیه‌یی بومیان امریکا را از حق قضاوت و بازجویی در امور انکیزیسیون محروم کرد.
ونیز، ۱۵۷۰
ژاکوپو سانسووینو (Jacopo Sansovino) مجسمه‌ساز و معمار فلورانسی، درگذشت.
فلسطین، ۱۵۷۰
شهری در جلیله (Galilee) علیا که بر روی کوهستان بنا شده و از هر جهت امنیت دارد به مرکز صوفیان یهودی تبدیل شد. در اواخر سده گذشته، یهودیانی که تابعیت اسپانیولی داشتند به‌علت تحت ستم قرارگرفتن، آن کشور را ترک کردند. تا سال ۱۵۱۶ یهودیانی که رنگ پوست‌شان تیره‌تر از سفیدپوستان بود و این منطقه پس از پیروزی‌های عثمانی افزون گردید. این افزایش جمعیت یهود سبب رونق تجارت این ناحیه شد و بازرگانان یهودی با داد و ستد پارچه‌های ابریشمی، روغن، عسل و ادویه و ایجاد کارخانه‌ی نساجی در تمام موارد به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافتند.
امریکای شمالی، دوم فوریه ۱۵۷۱
اعضای هشت گروه مذهبی ژزوئیت‌ها با طرفداران‌شان در ویرجینیا (Virginia) به‌وسیله‌ی هندیان به هلاکت رسیدند. رهبر این قاتلان یک بومی به‌نام دون لویس (Don Luis) بود که به دین مسیحی درآمده و نام خود را هم به اسپانیولی برگردانده و مدتی هم در کاخ فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا میهمان وی بود.
فلورانس، ۱۳ فوریه ۱۵۷۱
بن ونوتو چلینو (Benvenuto Cellino)، نقره‌ساز و تندیس‌نگار ایتالیایی که خودش زندگی‌نامه‌ی خود را رنگی به‌نگارش درآورده بود، جان سپرد.
منطقه‌ی مدیترانه، ۲۰ مه ۱۵۷۱
جمهوری ونیز و اسپانیا و هم‌چنین پاپ پیوس پنجم اتحادیه‌ی مقدس در برابر عثمانی تشکیل دادند.

تزئین و نقّاشی شده بود، از آسیب مصون ماند. در حالی‌که شهر در آتش بیداد می‌سوخت، شارل پنجم از شورشیان درخواست کرد که پاپ کلمنت هفتم را مورد حمایت قرار دهند و به او آسیب نرسانند. به‌هر حال این درخواست خیلی دیر انجام شد. فرمانده‌ی شورشیان دستور داد که آشوب‌کنندگان شهر را تخلیه کنند و قرار شد که او با امپراتور و پاپ قرارداد ترک مخاصمه امضا کنند، بدبختانه در همین اوان، فرمانده‌ی شورشیان (فرمانده‌ی ارتش بوربون *(Bourbon)*) درگذشت و در نتیجه عقد پیمان صلح به تعویق افتاد. یکی دیگر از فرماندهان دست دوّم آشوبگران به نام گئورگ فن فرانسبرگ *(Georg Von Frunsberg)* به شدّت زخمی شد. او به سربازان خود گفته بود امیدوارم همه‌ی شما در رم ثروتمند شده و از اموال ساکنان این شهر بهره‌مند شوید. سرانجام مزدوران آلمانی در شهر اقامت گزیدند، در حالی‌که نه فرماندهی داشتند و نه مواد غذایی، به‌طوری که از این نظر به مضیقه دچار شدند و قحطی بروز کرد، در حالی‌که هر کدام ثروتی بادآورده باخود داشتند.

بدین ترتیب یک سال گذشت، در این مدّت، پیمان صلحی به نام کوییناک *(Cognac)* با اتّحاد بین رم و ونیز و با همکاری پاپ علیه شارل پنجم منعقد شد. در این حال عدّه‌ی کمی معتقد بودند که این تشنّجات و درگیری‌ها بتواند به توسعه‌ی قدرت امپراتوری مقدّس منجر شود.

مخالفت‌هایی که با دکتر شهر در جهت پیشرفت علم پزشکی صورت گرفت. (بال یا بازل (Basle)، ۱۵۲۸):

دکتر تئوفراستوس پاراسلوس *(Paracelus)*، که به‌عنوان طبیب شهر بازل سویس شهرت داشت، برحسب امر شهردار شهر که با شیوه‌ی درمان و پیشرفت علم پزشکی مخالفت می‌کرد، تبعید شد.

پاراسلوس که نام حقیقی وی تئوفراستوس بومباستوس فون هوهن هایم *(Dr Theophrastus Bombastus Von Hohenheim)* می‌باشد، در سال ۱۴۹۳ در یکی از بخش‌های سویس به نام اشویتز *(Schwyz)* متولّد شد. پدر او هم طبیب بود. وی در سنّ ۱۶ سالگی برای تحصیل علم کیمیا و شیمی به

دانشگاه بال رفت تا تحت نظر سراسقف وورزبورگ *(Wurzburg)* به آموزش بپردازد. او در حالی‌که اندوخته‌ی زیادی از علوم با خود داشت و در علم پزشکی تجارب و مهارت بسیاری کسب کرده بود، به بسیاری از اشتباهات سبک قدیم پی برده و روش‌های سنتی و محلی را غلط می‌پنداشت.

در دو سال پیش، او توانست یک شهرک پزشکی در بازل تأسیس کند.

او در حالی‌که در آن دانشگاه تدریس می‌کرد، لیکن نظریات پزشکان قدیمی مثل جالینوس *(Galen)* و ابن‌سینا *(Avicenna)* را رد می‌کرد. پاراسلوس هم‌چنین نظریه‌ی قدیمی را که معتقد بودند که چهارگونه ترشح در بدن وجود دارد که عدم تعادل آن‌ها باعث بیماری می‌شود، مردود شمرد. وی در عین حال عقیده داشت عوامل خارجی دیگری وجود دارد که ممکن است در خون تغییراتی ایجاد کنند، پس بایستی با استفاده از تجزیه‌ی شیمیایی خون به رمز بروز بیماری پی برد.

برای پیشگیری از بروز بیماری و درک علّت اصلی مرض، نیاز به مطالعه‌ی خون و ترکیب آن هست و به خصوص باید عوامل تغییردهنده‌ی شیمی خون را شناخت.

به‌هر حال به‌نظر می‌رسد شیوه‌ی تدریس و نوآوری وی در علم پزشکی یک حالت خودبینی و تکبّر در وی به‌وجود آورده و دشمنان زیادی برای وی پیدا شده است.

نظریه‌یی هست که چرا افرادی که صورت لاغر و استخوانی دارند، زود به خشم می‌آیند. (اروپا، ۱۵۲۸):

مدّت چندین قرن، دانشمندان این نظریه غالب را پذیرفته بودند که بدن انسان دارای چهارگونه خلط یا ترشح است، اکنون پاراسلوس و دیگران سخت به این نظریه تاخته‌اند.

طبق این نظریه، ترشحات بدن انسان شامل چهار نوع است: خون، بلغم، صفرا (صفرای زرد) و سودا (صفرای سیاه). در افراد سالم و تندرست، این چهار ترشح یا خلط در حال تعادل قرار دارد و به مجرد به هم خوردن این تعادل، بیماری ایجاد می‌شود، به عبارت دیگر، تمام بیماری‌ها منشاء داخلی دارند. هم‌چنین شخصیت و منش افراد هم وابسته به این اخلاط می‌باشد.

افراد سودایی چه زن و چه مرد، حالتی تیره و تار دارند، به زودی عصبانی می‌شوند و بدگمانند. اغلب اشخاص خونی که چهره‌یی گلگون دارند، واجد شخصیت مثبت هستند و به کارهای مثبت می‌پردازند و به آینده امیدوارند؛ برعکس افراد بلغمی، حالت انفعالی دارند و منفی‌باف هستند و بالاخره مردم صفراوی، تند مزاج و دم‌دمی هستند. این اخلاط چهارگانه، حالات خارجی و بیرونی را هم ظاهر می‌سازند. به‌عنوان مثال، اشخاص صفراوی مزاج، دارای صورتی لاغر و موهای پرپشت هستند.

آخرین امپراتور متفکر مغول هند درگذشت. (ساکری (Sakri)، هندوستان، ۱۵۳۰):

ظهیرالدین بابر، که از نژاد چنگیزخان مغول و تیمور لنگ بود، امپراتوری را که اجدادش در آسیای مرکزی بنیان‌گذاری کرده بودند، رها و با حمله به شمال هندوستان، آنجا را فتح کرد و امپراتوری عظیمی به‌وجود آورد و سرانجام جهان را بدورد گفت.

وی با خاطرات شیرینی که از کابل داشت، در باغ قصر خود، به نوشتن یادداشت‌هایی از زندگی خود پرداخت.

او هنگامی‌که بدین‌جا آمد، ۱۱ سال بیش نداشت و پادشاه فرغانه بود. سه بار قلمرو خود را از دست داد و باز هم پیروز شد. وی خاطرات خود را در حال یأس و نومیدی می‌نگاشت و از سال ۱۵۱۹ زمانی‌که هنوز نمی‌توانست سلاح برگیرد. سال‌های متمادی که قبیله‌ی موروثی‌اش تازه آغاز به کشورگشایی کرده بودند، وی در آن زمان وجود نداشت، لیکن از پدرانش تاریخ گذشته را شنیده بود و به‌طور ضمنی آن رویدادها را به خاطر می‌آورد. این رویدادها گاهی حزن‌انگیز و زمانی نشاط‌آور بود، و چون بابر هواخواه فلسفه بود و به وقایع اجتماعی علاقه داشت، سعی می‌کرد که تمام

رخدادها را به رشته‌ی تحریر درآورده، شکست‌ها وپیروزی‌ها را یادداشت کند.

سرزمین هندوستان که او بر آن سلطنت می‌کرد، برای او خیلی جالب توجّه نبود و علاقه‌ی چندانی در او ایجاد نمی‌کرد. مردمان آن زیبا و خوش‌اندام نبودند. آن‌ها عقیده اصیلی نداشتند، ولیکن به سحر و جادو معتقد بودند، ازدواج‌های آن‌ها فامیلی بود و صفات آن‌ها ترکیبی از بذل و بخشش و دوستی خانوادگی بود و اقوام مختلف همواره در جنگ و جدال بودند.

آنان هوش سرشاری نداشتند و از قوه‌ی ادراک متوسطی برخوردار بودند و افکار بدیعی نداشتند. آن‌ها مبادی آداب و تربیت نبودند و نسبت به هم صمیمی و مهربان نبودند، و از قوه ابتکار و تکنیک و کارهای عملی بیزار بودند، هم‌چنین از علم و کارهای ساختمانی و معماری بی‌بهره بودند، اسب برای سواری و جنگ نداشتند.

در هندوستان، انگور، خربزه و غذاهای مناسب و تمیز وجود نداشت، حمام در آنجا موجود نبود، مردم شب‌ها در تاریکی به سر می‌بردند، زیرا از فرط بیکاری از اوّل شب می‌خوابیدند، از شمع و شمعدان نیز خبری نبود.

آن‌ها اغلب حشیش به همراه داشتند که با دود کردن و استنشاق آن در حال خلسه و جذبه فرو می‌رفتند و محیط خود را پر از گل‌ها و ریاحین می‌دیدند و از این حالت بسیار لذّت می‌بردند، گاهی هم به حالت ستیز و جدال درمی‌آمدند و در این هنگام خیلی خطرناک بودند و دست به اعمال شریرانه می‌زدند.

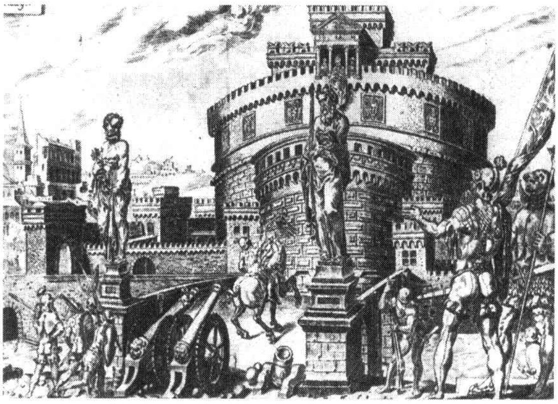
آنان در این حالت، به هذیان‌های بصری (هالوسیناسیون) دچار می‌شدند و در باغ‌هایی پر از گل‌های زیبا و حیوانات مختلف سیر می‌کردند که در آنجا طوطی‌های سخن‌گو و کرگدن وجود داشت و سراسر باغ‌ها را درختان سیب کاشته بودند و در افق دوردست غازها در حال پرواز بودند.

ناراحتی و غم بزرگ بابر در این اوقات، بیماری پسرش همایون بود. در این حال بابر همواره در فکر بیماری فرزندش بود و اگر کسی مژده‌ی بهبودی و سلامتی او را می‌داد، بابر حاضر بود مژدگانی ارزنده‌یی

مدیترانه، سپتامبر ۱۵۷۱
دون ژوان (Don John) پادشاه اتریش و ناوگان دریایی اتحاد مقدس دولت عثمانی را در نبرد لپانتو (Lepanto) شکست دادند. در این جنگ به‌علت وزش توفان شدید ناوگان دریایی عثمانی دچار خسارات فراوان شد.
انگلیس، ۱۵۷۱
توطئه‌یی که به‌وسیله‌ی یک بانکدار متفکر ایتالیایی به‌نام روبرتو ریدولفی (Roberto Ridolfi) با حمایت دولت اسپانیا برای کشتن ملکه الیزابت و جانشین‌کردن ماری ملکه اسکاتلند به‌وسیله‌ی ویلیام سسیل (William Cecil) لرد بورگلی (Lord Burghley) چیده شده بود، فاش شد. در این جریان ریدولفی از کشور فرار کرد، لیکن دوک نورفولک (duke of Norfolk) یکی از توطئه‌گران به‌قتل رسید.
ژاپن، ۱۵۷۱
اودا نوبوناگا (Oda Nobunaga) رهبر شورشیان فرقه‌ی ایک‌کو (Ikko) که در نزدیکی شهر اوزاکا (Osaka) دست به قیام زده بودند را تار و مار کرد و پس از آن معبد انریاکوجی (Enryakuji) واقع بر روی کوه هیی‌یی (Mount Hiei) را که پایگاه تعدادی از سربازان مرتاض بود را هم ویران کرد.
آنگولا، ۱۵۷۱
بازرگانان برده پرتغالی در آنگولا (Angola) در ساحل این سرزمین درگیر جنگ داخلی به رهبری ژاگا (Jaga) گشتند.
مجارستان، ۱۵۷۱
استفن باتوری (Stephen Bathory) به سمت شاهزاده‌ی ترانسیلوانی (Transylvania) منصوب گشت.
رم، ۱۵۷۱
به دستور پاپ پیوس پنجم از نشر تعدادی از کتاب‌ها جلوگیری به‌عمل آمد.
فیلیپین، ۱۵۷۱
لوپز دولگازپی (Lopez de Legazpi) اسپانیولی، شهری را در فیلیپین به‌نام مانیل (Manila) بنیان نهاد.
مکزیک، ۱۵۷۱
دولت اسپانیا یک دادگاه تفتیش عقاید در مکزیک تأسیس کرد.
اسپانیا، ۱۵۷۱
دکتر نیکلاس مونادس (Nicolas Mnardes) کتابی درباره‌ی ویژگی‌های گیاه تنباکو از نظر پزشکی انتشار داد.
انگلیس، مارس ۱۵۷۲
گدایان دریایی کالوینیست که در دوک‌نشین آلبا دست به شورش زده بودند، توسط بومیان هلندی سرکوب شدند و به‌اجبار بنادر انگلیس را ترک کردند. آن‌ها مدت سه سال در فاصله‌ی بین اسپانیا و هلند با سرعت زیاد به دریانوردی مشغول بودند.
هلند، اول آوریل ۱۵۷۲
گدایان دریا تحت سرپرستی گیلیوم دو لا مارک (Guillaume de la Mark) در ساحل هلند لنگر انداختند و شهر کوچک بریل (Briel) را اشغال کردند.
هلند، آوریل ۱۵۷۲
ویلیام دورانژ به ایالت هلند بازگشت و به‌عنوان فرماندار رسماً شروع به کار کرد.
رم، ۱۳ مه ۱۵۷۲
در پی مرگ پاپ پیوس پنجم، اوگو بون‌کامپاین (Ugo Buoncompagni) اهل بولونیا (Bologna) تحت نام گریگوری (Gregory) سیزدهم به مقام پاپی برگزیده شد. مدت شش سالی که پیوس این مقام را برعهده داشت، در مقابل اصلاحات کلیسا سخت مقاومت کرد و با تشکیل چندین اجلاس در شهر ترنت منویات خود را به کرسی نشانید و همچنین پرسش‌نامه‌هایی برای بازجویی عقاید پیروان مذهب کاتولیک در سال ۱۵۶۶ انتشار داد و در سال ۱۵۶۸ رساله‌هایی کوتاه درباره‌ی نماز و دعاهای کلیسا و نیز در سال ۱۵۷۰ جزوه‌هایی مربوط به سرودها و ادعیه‌ی آیین ربانی پخش نمود.
پرو، مه ۱۵۷۲
سپاهیان اسپانیولی به سرپرستی توپاک آمارو (Tupac Amaru) استحکامات شورشیان اینکا (Inca) را در ویلکابامبا (Vilcabamba) را تصرف کردند.
هندوستان، ۱۵۷۲
اکبر پادشاه مغول هندوستان مالیات غیر مسلمانان جزیه (Jizia) را لغو کرد.



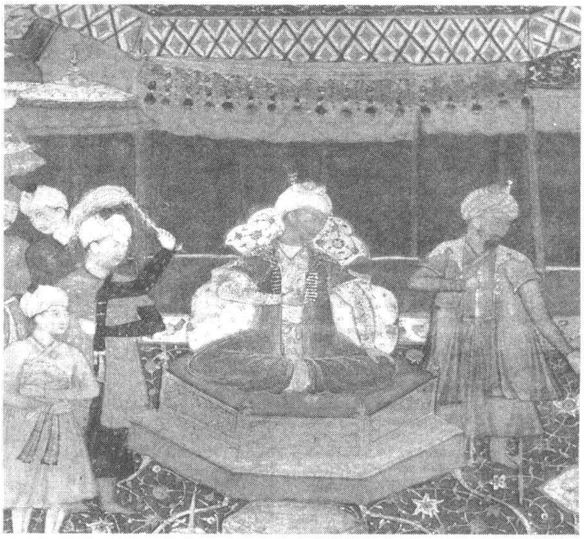
منظره یی از گروه پیروان عقاید جدلی (سوفسطایی) که توسط کراناک Cranach به تصویر درآمده.



صحنه یی از تسخیر و سقوط شهر رم توسط سربازان مزدور، واتیکان و قلاع آن به دست آن ها افتاد.



پاراسلوس Paracelus در نظر داشت که علم کیمیا را در پزشکی دخالت دهد.



بابر Babur، امپراتور مغول هند که در حال مرگ و مشرف به موت می باشد، مایل است که روزهای آخر عمر خود را در کنار همایون پسر خود بسر برد.



تصویر چهارنفر با طبیعت و خوی مختلف، ۱-مزاج صفراوی چون شیر درنده؛۲- مزاج خونی چون میمون؛ ۳- مزاج بلغمی هم چون گوسفند سر به زیر و حرف شنو؛ ۴- سودایی و افسرده به مانند خوک، حریص و طماع، آدمی که عیب و نقصی ندارد، این چهار خلط در او به حال تعادلی است و از نظر جسمی و مغزی سالم می باشد. نقل از کتاب تقویم راهنما.

پرو، مه ۱۵۷۲
توپاک آمارو، پادشاه پیشین اینکا به‌قتل رسید.

پاریس، ۲٤ اوت ۱۵۷۲
در جشن عروسی مارگارت والوآ (Marguerite Valois) دختر کاترین دومدیسی و هانری ناوار دوبوربون (Henry of Navarre) رهبر هوگونوت‌ها که در پاریس برپا شد، هزاران نفر از هوگونوت‌ها که محکوم به مرگ بودند، مورد بخشش قرار گرفتند.

پاریس، ۲٤ اوت ۱۵۷۲
در هنگامی که تعداد زیادی از مردم قربانی و قتل‌عام می‌شدند، پی‌یر دولارامی (Pierre de la Ramee)، ریاضی‌دان و عالم منطق، مشهور به پتروس راموس (Petrus Ramus) هم به هلاکت رسید. این دشمن سرسخت مکتب ارسطو (Aristotelianism) یعنی راموس از سوی دانشگاه سوربون (Sorbonne) به مجازات محکوم شده بود.

پاریس، اوت ۱۵۷۲
پس از ماجرای دردناک کشتار پاریس، هانری ناوار وفاداری خود را به پروتستان‌ها اعلام داشت.

پاریس، ۲۲ سپتامبر ۱۵۷۲
فرانسوا کلوئه (Francois Clouet) درگذشت. فرانسوا تحت تعلیم پدرش ژان کلوئه (Jean Clouet) قرار گرفت و به‌عنوان جانشین وی در دربار فرانسه منصوب شد. فرانسوا نقاش چهار پادشاه فرانسه بود که عبارتند بودند از: فرانسیس اول، هانری دوم، فرانسیس دوم و شارل نهم.

اسکاتلند، ۲٤ نوامبر ۱۵۷۲
جان ناکس پدر و مصلح اسکاتلند، در شهر ادینبورو (Edinburgh) درگذشت. او بر اثر فشار کاتولیک‌ها شهر ژنو گریخت و در آن‌جا به یکی از دوستان و مریدان ژان کالوین درآمد. در سال ۱۵۵۹ که انقلابی بر ضد ماری ملکه اسکاتلند صورت گرفت، ناکس توانست به موطن خویش اسکاتلند برگردد.

فلورانس، ۲۸ نوامبر ۱۵۷۲
آینولو دی کازیمو (Agnolo di Cosimo)، مشهور به برونزینو (Bronzino) نقاش ایتالیایی وفات یافت. وی شاگرد پرونتورمو (Prontormo) بود و به‌عنوان نقاش رسمی دوک بزرگ توسکانی در سال ۱۵۳۹ درآمد. وی دومین نسل از تصویربرداران بود که از رنگ‌های روشن و سرد در ترسیم چهره‌ها با کمال دقت و مهارت استفاده می‌کرد.

هندوستان، ۱۵۷۲
نیروهای نظامی اکبر شاه مغول سرزمین حاصلخیز گجرات را مورد تاخت و تاز قرار دادند.

منطقه‌ی کارائیب، ۱۵۷۲
ناوگان دریایی فرانسیس دریک (Francis Drake) انگلیسی به بنادر اسپانیولی هجوم برد و با کمین‌کردن در آن‌جا کشتی‌های اسپانیایی را مورد نهب و غارت قرار داد.

فرانسه، ۱۵۷۲
هانری اتی‌ین (Henri Etienne)، فرهنگ جامع زبان یونانی را به نگارش دراورد.

اسپانیا، ۱۵۷۲
خواهر ترزا آویلا (Teresa Avila)، کتابی به‌نام اساس‌نامه نوشت. او نخستین راهبه‌یی‌ست که با تجسم عیسی به‌صورت انسانی موافق بود و عیسی را یک انسان می‌پنداشت، در حالی‌که جان کراس (John Cross) اعتراف داشت که طرفدار عقاید کرملی می‌باشد.

پرو، ۱۵۷۲
اسپانیولی‌ها استخراج نقره را از معادن پوتوسی (Potosi) آغاز کردند. فرانسیسکو دو تولدو نایب‌السلطنه‌ی پرو مقرر داشت که اسپانیولی‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلف این فلز را حتی در لباس خود پنهان کرده و تحویل خزانه بدهند و در مقابل بهای آن را دریافت کنند.

ایتالیا، ۱۵۲۷
جیرولامو بنزونی (Girolamo Benzoni) برای نخستین‌بار، موز و سایر درختان میوه امریکایی را به‌عنوان نمونه به اروپا آورد و به مردم شناساند و کتابی در این زمینه به‌نام صحنه‌هایی از تاریخ نوین را به نگارش دراورد.

استانبول، هفتم مارس ۱۵۷۳
دوج ونیز با تنظیم قرارداد صلح با عثمانی، (دوج (Doge) عنوان فرمانروایان ونیز است) تصرف جزیزه‌ی قبرس را از سوی آن دولت به‌رسمیت شناخت.

به او بدهد. در نظر وی، الماسِ بسیار پرارزش کوه نور، چندان ارزشی نداشت و با خود می‌گفت هیچ چیز بهتر از سلامتی وجود ندارد و من چگونه می‌توانم سلامتی همایون را تأمین نمایم. بدین ترتیب بابر در کاخ خود نشسته و آرزوی مرگ می‌نمود.

سیل و توفان و بیماری، شهر وین را فرا گرفت. (وین، ۱۵ اکتبر ۱۵۲۹):

اروپا اکنون می‌تواند نفسی تازه کند. قریب سه هفته است که قشون عثمانی پس از فراغت از کار بلگراد، در پای دیوار شهر وین چادر زده‌اند. سلطان سلیمان، پادشاه عثمانی، یک مرتبه از این قشون‌کشی دیدن کرده، هوای بسیار بد و شیوع بیماری‌ها و عواملی هم‌چون مردان صلیبی که به پیروزی‌های نمایان رسیده بودند، سد راه پیروزی عثمانیان شده‌اند.

در دو سال پیش، هنگامی که امپراتور شارل پنجم، تمام مساعی خود را در پیشبرد جنگ دوّم صلیبی به کار گرفته بود، برادر او فردیناند زاپولیایی *(Ferdinand Zapolyai)* ناسیونالیست مجارستانی را شکست داد و خود را پادشاه خواند و تا به حال منطقه‌ی هابسبورگ *(Habsburg)* را در اختیار دارد.

فردیناند چون به اندازه‌ی کافی موقعیت خود را مستحکم کرد، سفیری به نزد سلطان سلیمان اعزام کرد و از وی خواست که استحکاماتی را که عثمانی تسخیر کرده، به وی برگرداند، زیرا او به خود حق می‌داد که آن‌ها را پیوست قلمرو خود کند، چون قبلاً منطقه‌ی موهاک *(Mohacs)* را هم تصرّف کرده بود.

سلطان سلیمان پادشاه عثمانی، که در نظر داشت زاپولیایی را به‌عنوان پادشاه دست‌نشانده‌ی خود در مجارستان بگمارد، از این جریان خشمگین شد و سپاهیان جاه‌طلب و جهان‌گیر خود را برای سرکوبی وی اعزام کرد، لیکن مشکل وی رسیدن فصل زمستان بود.

بالاخره چون وقت کم بود، او بدون اتلاف وقت، دستور داد برای آغاز جنگ بر روی رودخانه‌ها پل بزنند و طلیعه‌ی سپاه را برای عبور از مرداب‌ها به سرزمین خیانت‌کاران (البته برحسب عقیده‌ی او) فرستاد. گرچه او در روز دهم مه استانبول را ترک کرده بود، لیکن در اواسط ماه ژوئیه به بلگراد و سرانجام در ۲۷ سپتامبر، به

پای حصار وین رسید. در این هنگام فردیناند آماده‌ی جنگ بود.

در ماه مارس، مجلس آلمان در اینسبروک *(Innsbruck)* رأی داد که ۱۲۰ هزار نفر از مردم ناحیه‌ی راین برای دفاع در مقابل قشون عثمانی بسیج شوند و در ماه مه برخلاف نظر مخالفان، فیلیپ پادشاه منطقه‌ی هِس، ۱۶۰۰۰ سرباز پیاده و چهار هزار سوار برای نبرد با عثمانی آماده کرد. در زمان حمله‌ی قشون عثمانی، آن‌ها در یک پادگان داخل شهر مستقر شده بودند.

سلطان سلیمان برای فتح شهر وین عجله داشت وامواج سربازان هر دم دست به حمله‌ی جدیدی می‌زدند و به‌صورت موج‌های پشت سر هم حومه‌ی شهر را تسخیر کردند، لیکن نتوانستند در حصار شهر نفوذ کنند، سپاه عثمانی بر اثر گرسنگی و بیماری با صدمات بسیاری مواجه شدند و مردان زیادی را از دست دادند و اغلب اسبان آن‌ها هم سقط شد. عاقبت دیروز سلطان دستور عقب‌نشینی صادر کرد.

شاهزادگان شجاع و جسور آلمانی، ضرباتی بر امپراتور وارد آوردند. (اسپیر، آلمان، ۱۵۲۹):

نامه‌یی به امضای شش نفر از شاهزادگان طرفدار لوتر و اهالی ۱۴ شهر آلمانی، در ردّ عقاید کاتولیک‌های تابع مجلس شهر اسپیر *(Speyer)* نوشته و برای آن‌ها فرستاده شد.

این نامه که امضاکنندگان آن پیرو پروتستان بودند، در جهت مخالفت با حکومت مطلقه‌ی امپراتور آلمان بود که مانند ضربه‌یی بر پیکر طرفداران کاتولیک‌ها وارد آمد.

مفاد این نامه برخداشناسی تکیه می‌کرد و مشعر بر آن بود که تمام موجودات مخلوق خدا هستند. خداوند ازلی و ابدی است و میرایی ندارد و انسان‌ها قبل از آن‌که به‌وجود خود پی ببرند، خالق هستی را درمی‌یابند و روح خدایی بر تمام موجودات حکمفرماست و همه باید از او پیروی و متابعت نمایند. این پیامی بود که تقریباً در تمام آلمان منتشر شد و در سه سال پیش موجب گردید که شارل پنجم سوگند یاد کند که به آن وفادار خواهد ماند.

اصلاحات کلیسا باعث رفع اختلاف گردید. (آلمان، چهارم نوامبر ۱۵۲۹):

فیلیپ پادشاه هِس، تنها موفق شد که با ایجاد جنبش اصلاحات، بخشی از اختلافات کلیسا را مرتفع سازد. وی با کمک جمع دوستان، ترتیبی داد که مارتین لوتر و اورلیخ زوینگلی *(Ulrich Zwingli)*، در این دژ با هم ملاقات کنند تا قدری از اختلاف نظرها کاسته شود. از این جریان، شگفت‌انگیزتر آن‌که، آنان با امضای قراردادی درباره‌ی ۱۵ بند قانون ماربورگ *(Marburg)* به جز موضوع عشای ربانی، به توافق رسیدند و تمام مواد آن قطع‌نامه را مورد تأیید قرار دادند.

به‌هر حال ملاقات بین ان دو رهبر دین مسیح، توفانی در اروپا به‌وجود آورد، چون بین این دو فرقه اختلاف عمیقی وجود داشت.

لوتر قصد اهانت و قیام بر ضدّ امپراتور را نداشت، لیکن زوینگلی در سویس اقدام به شورش نمود.

با فتح سرزمین پرو، امپراتوری اسپانیا به موفقیت شایانی دست یافت. (تولدو (Toledo)، اسپانیا، ۲۶ ژوئیه ۱۵۲۹):

امروز برحسب فرمانی که به امضای ملکه رسید، به فرانسیسکو پیزارو *(Francisco Pizarro)* اجازه داد شد که به سرزمینی که در سه سال پیش در جنوب پاناما و در ساحل اقیانوس آرام کشف کرده بود، قدم گذارد.

در این جریان، ملکه به پیزارو عنوان کاشف و فاتح اعطا کرد و در ضمن او را به مقام فرمانداری سرزمین پرو منصوب نمود.

پیزارو در بدو ورود، ایلماس *(Ilmas)* یکی از جوانان بومی را برای ترجمه‌ی زبان محلی برگزید و مدارسی جهت تعلیم و تربیت آنان احداث کرد.

در ضمن با ساکنان بومی تماس گرفت و خود را دوست آنان نشان داد. پیزارو همچنین برای بزرگداشت قهرمان ملّی مکزیک هرناندو کورتس *(Hernando Cortes)*، یک بنای یادبود احداث کرد که به بومیان هرچه نزدیک‌تر شود.

لهستان، ۱۱ مه ۱۵۷۳
هانری دانژو (Henry of Anjou) برادر شارل نهم پادشاه فرانسه، به‌عنوان نخستین پادشاه لهستان منصوب شد. زمینه‌ی این انتصاب را مادر وی کاترین دومدیسی فراهم ساخته بود، هانری در لهستان با اشراف آن سرزمین که خواستار اقتدار پیشین خود بودند، مواجه گشت.

رم، ۱۱ مه ۱۵۷۳
جاکومو باروتزی داوینیولا (Giocomo Barozzi da Vignola) معمار ایتالیایی، وفات یافت.

هلند، دسامبر ۱۵۷۳
دولت اسپانیا، دوک آلبا را به کشور فراخواند و لوئیس دو رکوسنس زین‌یا (Luis de Requesenszynige) را به‌عنوان نایب‌السلطنه به‌جای وی گمارد. در حالی‌که مناطق بریل (Brill)، انک‌هایزن (Enkhuisen)، فلاشینگ (Flushing)، امه‌موئید (Amemuide)، ویره (Veere)، هلند و زیلند (Zeeland) در اختیار گدایان دریایی قرار داشت.

ژاپن، ۱۵۷۳
شوگون (Shogun) آشی‌کاگا یوشیاکی (Ashicaga Yoshiaki) تابعیت نجیب‌زاده اودا نوبوناگا (Oda Nabunaga) را پذیرفت و بدین ترتیب به عمر حکومت شوگون‌ها که در سال ۱۳۳۵ در ژاپن تأسیس شده بود، پایان داده شد.

افریقای جنوب شرقی، ۱۵۷۳
پس از تبعید مه ونه موپاتا (Mwenemutapa) در سال ۱۵۶۱ که به مرگ او انجامید، میسیون مذهبی پدر داسیلویرا (Father da Silveira) را که با ناوگان دریایی به سرپرستی فرانسیکو بارتو (Francisco Barreto) همراه بود را از دره‌ی زامبزی (Zambezi) بیرون راندند.

فرانسه، ۱۵۷۳
کاترین دومدیسی با امضای پیمان دوستی با پروتستان‌ها به چهارمین پیکار مذهبی پایان داد، وی که خود به‌وجودآورنده‌ی واقعه‌ی سن بارتولمی (St Bartholomew) و روز قتل‌عام پروتستان‌ها بود، این پیمان را برای رفع سوء تفاهم پذیرفت.

هلند، ۱۵۷۳
دولت اسپانیا شهر هارلم (Harlem) را از دست شورشیان خارج ساخت.

افریقای جنوبی، ۱۵۷۳
سپاهیان اسپانیولی به فرماندهی دون ژوان (Don John) پادشاه اتریش، سرزمین تونس و صحرا را از بربرها پس گرفتند.

برزیل، ۱۵۷۳
پس از اعتراضاتی که در مستعمرات پرتغالی به‌وسیله‌ی بومیان نسبت به قانون تبعیض و تضییقات و فشار بر مردم در سال ۱۵۷۰ صورت گرفت، قوانین جدیدی برای بردگان در مستعمرات این سرزمین به مورد اجرا گزارده شد.

انگلیس، ۱۵۷۳
کریستوفر تای (Christopher Tye)، سازمان‌دهنده‌ی کلیسای سلطنتی و آهنگساز برخی از سرودهای کلیسایی، درگذشت.

اسپانیا، ۱۵۷۳
بنا به فرمان دربار سلطنتی، قوانینی راجع به ایجاد مستعمرات تصویب شد که برطبق آن افراد و سازمان‌ها هیچ‌گونه حقی جهت تسلط بر سرزمین‌های متصرفی دولت را ندارند.

اسپانیا، ۱۵۷۳
خواهر ترزا آویلا، کتابی به‌نام «طریقت صحیح» را به رشته‌ی تحریر دراورد.

آرژانتین، ۱۵۷۳
شهری در آرژانتین به‌نام کوردوبا (Cordoba) بنیان‌گذاری شد.

ونیز، ۱۵۷۳
تینتورتو (Tintoretto) نقاش ایتالیایی، تابلوی نبرد لپانتو (Lepanto) را برای نصب در اتاق بزرگ پذیرایی دوج (فرماندار ونیز) به‌پایان رساند.

فرانسه، ۱۵۷٤
دوک آلن‌کون (Alencon)، جوان‌ترین فرزند کاترین دومدیسی با همکاری چند نفر از دوستانش، توطئه‌یی جهت ربودن برادرش شارل نهم پادشاه فرانسه ترتیب داد، لیکن نقشه‌ی او توسط یکی از همکارانش فاش شد.

مکزیک، ۲۸ فوریه ۱۵۷٤
برحسب امر اداره‌ی مقدس تفتیش عقاید که سه سال قبل در سرزمین اسپانیای جدید تشکیل شد، ۶۰ نفر از محکومان این دادگاه به ایراد تازیانه و امر پاروزنی در کشتی و هفت نفر محکوم به زندان و دو نفر هم که یکی از آن‌ها انگلیسی و دیگری ایرلندی می‌باشند، به مجازات سوختن در آتش محکوم شدند.

کاردینالی که نتوانست اجازه‌ی طلاق به هنری بدهد، موقعیت خود را از دست داد. (انگلیس، اکتبر ۱۵۲۹):

مردی که در مدّت پانزده سال گذشته، رهبری معنوی مردم انگلیس را عهده‌دار بود و هنری هشتم وی را به‌عنوان وزیر دربار و مهردار سلطنتی انتخاب کرده، در موقعیت بدی قرار گرفت. توماس ولسی *(Thomas Wolsey)*، کاردینال و نماینده‌ی پاپ در کشور، که پاپ را وادار کرد به هنری هشتم اجازه دهد که همسر خود کاترین آراگون *(Catherine Aragon)* را طلاق دهد. کاترین در مدّت ۲۰ سالی که با هنری ازدواج کرده بود، تنها یک دختر داشت و پنج جنین او مُردند و سرانجام نتوانست پسری برای وراثت سلطنت انگلیس به دنیا آورد، و تمام حاملگی‌های او بی‌ثمر ماند.

هنری که از این جریان سخت ناشکیبا بود و از سویی دل در گرو دختری ۱۸ ساله و طنّاز به نام آن‌بولین *(Anne boleyn)* داشت، این موضوع را بهانه قرار داد و از کلیسا اجازه خواست که کاترین را طلاق داده و با آن دختر که به عشوه‌گری مشهور بود، عروسی کند.

هنری هشتم از ولسی خواست که در سالروز ازدواجش با کاترین، وی را طلاق دهد تا او (کاترین) با برادر هنری، آرتور *(Arthur)* ازدواج کند، و چون ولسی اختیار این امر را نداشت، از پاپ کلمنت هفتم برای این موضوع کسب اجازه کرد.

پاپ هم برای این موضوع مهمّ که تاکنون سابقه نداشت، به خاطر مقام هنری، فرمان ویژه صادر کرد، به شرطی که روابط خانوادگی بین آن‌ها قطع شود. از سویی چون شایع بود که هنری روابط نامشروعی با ماری، خواهر بزرگتر آن *(Anne)*، دارد، این موضوع هم مورد سؤال بود و این زناشویی از نظر دین مسیحیت به اشکال برخورد می‌کرد و از نظر وراثت مانع بزرگی به‌شمار می‌رفت.

در دو سال گذشته، ولسی و هنری فشار شدیدی بر پاپ وارد کردند تا با این امر موافقت کند و پاپ هم از این‌که کاترین خواهرزاده‌ی شارل پنجم امپراتور می‌باشد، و شارل هم برای به قدرت رسیدن پاپ خیلی فعالیت کرده بود، نتوانست اجازه این کار را بدهد.

این موضوع بـر هنـری گـران آمـد و خشـم وی را برانگیخت، به طوری که ولسی را از تمام مقامات خـود برکنار کرد و حکم تبعید او را به عنوان سراسقف ناحیـه یورک (*York*) امضا کرد و منتظر دستور و فرمان پـاپ نماند.

پروتستان‌ها در پـی صـلح بـا کلیسـا برآمدنـد. (اوگسبورگ (Augsburg)، ۲۵ ژوئن ۱۵۳۰):

پروتستان‌های پیرومارتین لـوتر بـا تأییـد ۲۸ مـاده اصلاحی پیشنهاد کلیسای کاتولیک بـرای جلـوگیری از انشعاب و انشقاق و شکاف بین دو فرقـه مسـیحیت بـه اقدام مهمی دست زدند. تنها موردی که باعث اخـتلاف بود، موضوع اقرار به گناه بود که در اوگسبورگ پیش از این بحث شده بود و طرفین به توافق نرسیده بودند. ۲۱ ماده تحت این بیانیه قبلاً مورد موافقـت هـر دو طـرف قرار گرفته بود. هفت ماده دیگر مثـل فصـل راجـع بـه اقرار به معصـیت مـورد بحـث و جـدل بـود و از جملـه مهم‌ترین بخش آن مربوط به تجرّد راهبان و کشیشـان بود که پروتستان‌ها بـا آن موافـق نبودنـد و هـم‌چنـان مبحث داغ و مورد اختلاف قرار داشت.

موضوع اقرار به گناه و از کـرده پشـیمان شـدن، از پیشـنهادات و کارهـای فیلیـپ ملانکتـون (*Philip Melanchthon*) است.

شـخص مـارتین لـوتر بـه علّـت تبعیـد از قلمـرو امپراتوری نمی‌توانست در این جلسات شـرکت کنـد. در این میان ملانکتون به سبب وفاداری به کلیسا و احکام صادره از رم و نیز پای‌بندی به این‌که بایستی زمینـه‌ی آشتی با پروتستان‌ها را فراهم آورد، سعی می‌کرد کـه از اختلافات بکاهد و بالاتر از همـه، آرامـش را در محـیط مذاکرات فراهم آورد، چون این نقار و کدورت‌هـا سـبب انقلاب سویس شده بود.

شارل پنجم امپراتور هـم بـرای وحـدت و یگـانگی سخت در تلاش بود. او سعی داشت کـه از شـاهزادگان پروتستان آلمـانی حمایـت کنـد کـه آن‌هـا بتواننـد بـه مقاومت خود در قبال دولت عثمانی ادامـه دهنـد، زیـرا ترک‌های عثمـانی سـال گذشـته شـهر ویـن را تحـت محاصره قرار داده بودند. بـه‌هـر حـال طـرفین سـخت پای‌بند آشتی و صلح بودند و نمی‌خواستند روزنـه‌یـی را که برای رفع اختلاف باز شده، مسدود کنند.

البته از نظر بنیـادی، اخـتلاف عمیقـی در تفسـیر و احکام دین مسیحیت بین آن‌ها بود و روشن اسـت کـه لوتر نمی‌توانست با اسلحه و نیرو عقاید خود را در مقابل امپراتور به کرسـی بنشـاند و جنـگ بـا کاتولیـک‌هـای مدعی خداشناسی، ترسناک و متضمّن مخاطرات فراوان بود. از سویی کاتولیک‌ها هم در نظر داشتند کـه هرچـه زودتر مذاکرات به نتیجه برسد، پـیش از آن‌کـه شـکاف بین طرفین بار دیگر گسترش پیدا کند.

پیمانی که از کلیسای لوتری‌هـا دفـاع مـی‌کـرد، منعقد شد. (اشـمالکالدن (Schmalkalden)، ۲۷ فوریه ۱۵۳۱):

هشت نفر از شاهزادگان آلمانی و نماینـدگان یـازده شهر، قراردادی برای دفاع از کلیسـاهای اصـلاح‌طلـب لوتری امضا کردند که در مقابل حملات گـروه مخـالف پایداری خـود را حفـظ کننـد. ایـن پیمـان بـه قـرارداد اشـمالکالدن معـروف شـده اسـت. اشـمالکالدن شـهر کوچکی است که توانسـت مرزهـای خـود را در مقابـل حکومت‌های هس و ساکسونی حفظ کند و با انعقـاد دو قرارداد از آن‌ها در مقابل همسایگان زورمندش حمایـت می‌کنـد. دیگـر اعضـای ایـن پیمـان عبارتنـد از: دوک برانزویک (*Brunswick*) و لونبـورگ (*Luneburg*) و شهرهای استراسبورگ (*Strasbourg*)، اولـم (*Ulm*)، لوبـک (*Lubeck*)، بـرمن (*Bremen*) و ماگـدبورگ (*Magdeburg*).

امروز فرصتی به دست آمد کـه طـرفین نظریـات و عقاید خود راجع، به کلمه (خدا)، مسیح، انجیـل و آنچـه که به این مباحث مربوط می‌شود و سـایر مـواردی کـه کمک به روشن شدن آن‌ها می‌کند، بیان دارند.

شـاهزادگان آلمـانی یـک ایـراد اصـولی راجـع بـه سیاست و حیطه قدرت امپراتور دارند و برای آن‌ها ایـن امر مبهم می‌باشد. لیکن کلیه این امور بستگی به عـزم و تصمیم نمایندگان مجلس ملّی اوگسبورگ دارد که در نوامبر سـال گذشـته افتتـاح شـد، در آن روز نیروهـای نظامی هواخواه کاتولیک‌ها، مجلس را تهدیـد کردنـد و در نتیجه مجلس نتوانست در این بـاره تصـمیم قطعـی اتّخاذ کند، چون در زیر فشـار نظامیـان کاتولیـک قـرار داشت. این جریان پروتستان‌هـای میانـه‌روی لـوتری را



بابر Babur امپراتور مغول هند که در حال مرگ و مشرف به موت می باشد، مایل است که روزهای آخر عمر خود را در کنار همایون پسر خود به سر برد.



سربازان ترک با اسیران اتریشی ظالمانه رفتار می کنند.



سلیمان، پادشاه عثمانی، با نیروهای نظامی، ساکنان محاصره شده ی وین را دچار قحطی ساخت و بدون این که بتواند شهر را تسخیر کند، بازگشت.



هنری هشتم در حال مذاکره و تبادل نظر با کاردینال توماس ولسیThomas wolsey نخست وزیر انگلیس نقاشی کار جان گیلبرت Sir John Gilbert (۱۸۹۷–۱۸۱۷)



امپراتور شارل پنجم در صحن مجلس شورای اوگسبورگ Augsburg همراه با شاهزادگان آلمانی.

واداشت که با پروتستان‌های سویس هواخواه زوینگلی پیمان وحدت به بندند، چون در آنجا امکان شورش و غلیان وجود داشت.

فرمانروای اینکاها تعداد زیادی از اهالی را به هلاکت رسانید. (لیما *(Lim)*، پرو *(Peru)*، ۱۵۳۲):

آتاهولپا *(Atahualpa)* بر ضدّ برادرش، فرمانروای پرو اقدام به جنگ‌های داخلی کرد. در طی این نبردها که با خونریزی شدید همراه بود، موفق شد که به پیروزی برسد. حریف وی در این نبردها فرانسیسکو پیزارو که بسیار محیل، احیاناً بی‌سواد و سربازی که در جنگ‌های زیادی شرکت کرده بود. او تنها یکصد و پنجاه سرباز داشت که ۶۲ نفر از آن‌ها سوار بودند و مدّت سه ماه منتظر ماند که شاید بتواند از سرخ‌پوستان محلی سرباز برای لشگرکشی تهیه کند. او به طرز تفکر اینکاها *(Incas)* واقف نبود.

آتاهولپا که تعدادی از اسپانیولی‌ها را به گروگان گرفته بود، برای آزادی و خون‌بهای آن‌ها مبالغ معتنابهی پول طلب می‌کرد، چون فرصت طلایی بدست آورده بود، لیکن این پیشنهاد برای اسپانیولی‌ها غیرمنتظره بود. وی برای این کار یک ضرب‌الاجل اعلام کرده که اگر پیشنهادش مورد قبول واقع نشود، تعدادی از گروگان‌ها را برای خدای خورشید قربانی کرده و بقیه را با اخته کردن، به‌عنوان خواجه حرم‌سراء به کار خواهد گماشت. لیکن پیزارو که از قوه ابتکاری بسیار درخشان برخوردار بود، راه صلح و آشتی را اختیار کرد، او در اطراف قلمرو خود در ارتفاعات و نقاط کوهستانی و درّه‌ها حصاری بلند بنا کرد و دیواری پیرامون شهر کاژامارکا *(Cajamarca)* کشید، و از آتاهولپا دعوت کرد، با هم‌دیگر ملاقات کنند.

هنگامی‌که آتاهولپا فرمانروای اینکا در حالی‌که یک کتاب مقدّس در دست داشت به نزدیک پیزارو رسید، کتاب را به زمین انداخت، پیزارو هم با یک حرکت ناگهانی به سربازان امر کرد که او را به آتش توپ به بندند و در پی آن توپخانه پیزارو صف سواران وی را هدف قرار داد. آنان دچار وحشت شدیدی شدند. جوخه آتش به فرمان پیزارو دست به کشتار سرخ‌پوستان و اینکاها زدند و در مدّت دو ساعت از مردم اینکا، هفت هزار نفر را کشتند و احدی را زنده نگذاشتند، و فرمانده کل سربازان را هم دستگیر ساختند.

پس از کشتار بومیان، پیزار و عازم شهر کوزکو *(Cuzco)* پایتخت اینکا شد. در این هنگام که مردم کوزکو به پیروی از دستور آتاهولپا، برادر وی هوسکار *(Huascar)* را شکست داده بودند، در صدد برآمدند با دشمن قهار پیزارو دست دوستی و مودت بدهند پیزارو از هوش و زیرکی وافری برخوردار بود و با رقیب پیشین خود هرناندوکورتس مدّت‌ها دست و پنجه نرم کرده بود و با تقسیم قلمرو او به حکمرانی رسیده بود.

پیزارو که با نیروی نظامی اندک، هزاران مایل را طی کرده بود و از این زد و خورد و پیکارها انتظار سهم داشت، از بقایای قشون آتاهولپا که سخت درمانده شده بودند یک نیروی منظم ترتیب داد و به حملاتی بر ضدّ قبایل اطراف دست زد و با شکست بومیان نقاط دیگر، سرزمین تحت تسلّط خود را توسعه بخشید.

زوینگلی اصلاح‌طلب پروتستان در جنگ به قتل رسید. (سویس، ۱۱ اکتبر ۱۵۳۱):

اولریخ زوینگلی رهبر اصلاح‌طلبان سویس در جنگ کشته شد. وی همواره یار و مدد کار مردم بود و از اهالی ساکن محلّ مأموریت کلیسا تعدادی رزمجو ترتیب داده بود و چون در راه عقیده می‌جنگید، سرانجام او را به قتل رسانده و بدن او را چهار پاره کرده، سوزاندند.

زوینگلی همواره در سخنرانی‌هایش از صلح و دوستی و یگانگی صحبت می‌کرد و طرفدار اصلاح امور کلیسا و قدرت محلی بود و از تمرکز قدرت کلیسا امتناع می‌کرد. در شهر زوریخ اقدام به اصلاحاتی در کلیسا کرد و در همان حال دادگاهی با شرکت ریش‌سفیدان و زعمای شهر برای اعمال خلاف و نامشروع برپا کرد که متّهمان و مجرمان در آن دادگاه محاکمه شوند.

کلیساهای شهر زوریخ و چند شهر دیگر از جمله شهرهای برن *(Berne)* و بال (بازل) خود را از قید کلیسای رم آزاد کردند و مراسم عشای ربانی را تحریم کردند.

هلند، اوریل ۱۵۷٤
لوئیس دو رکوسنس زوین‌یا (Luis de Requesens Zuniga)، که در آخر سال گذشته به جانشینی دوک آلبا به سمت فرماندار هلند منصوب شد، شورش پروتستان‌ها را در شهر موک‌هاید (Mook Heide) سرکوب کرد.

فرانسه، ۳۰ مه ۱۵۷٤
شارل نهم در سن ۲۴ سالگی پس از ۱۴ سال سلطنت وفات یافت. وی در ده سال اول سلطنت خود تحت قیمومیت مادر خود به‌عنوان نایب‌السلطنه قرار داشت. پس از مرگ او برادرش هانری سوم که سال پیش به سمت پادشاه لهستان در آن سرزمین بود، برای احراز سلطنت فرانسه به موطن خود بازگشت.

هلند، ژوئن ۱۵۷٤
رکوسنس فرماندار هلند، به فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا، توصیه کرد که فرمان عفو عمومی را درباره‌ی شورشیان پروتستان صادر کند و مبلغ ده پنی مالیات را که برای هر فرد در زمان دوک آلبا وضع شده و اسباب شکایت و انزجار مردم را فراهم آورد، لغو نماید.

فلورانس، ۲۷ ژوئن ۱۵۷٤
جورجو واساری (Giorgio Vasari)، نقاش و نویسنده‌ی ایتالیایی، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. کارهای برجسته‌ی او عبارت است از: نقاشی‌های دیواری واتیکان (Vatican) در زمان پاپ پل سوم و تزئینات قصر وکیو (Vecchio) و سالن‌های اوفیزی (Uffizi) در فلورانس. وی هم‌چنین رساله‌هایی درباره‌ی زندگی معماران، نقاشان و تندیس‌نگاران ایتالیایی به‌نگارش درآورده است.

اسپانیا، هفتم سپتامبر ۱۵۷٤
پدرو منندز دو آویلس (Pedro Menendez de Aviles) که بنیانگذار شهر سن‌آگوستین (San Agostin)، نخستین شهر امریکای شمالی بود، در سانتاندر (Santander) درگذشت.

آلمان، ۱۵۷٤
با خالی‌شدن تخت و تاج لهستان بر اثر بازگشت هانری سوم پادشاه فرانسه و احراز سلطنت این کشور، ماکسیمیلیان دوم با ادعای سطنت لهستان، نیروی نظامی خود را بر ضد استفن باتوری (Stephen Bathory) شاهزاده‌ی ترانسیلوانی، تجهیز کرد.

استانبول، ۱۵۷٤
سلیم دوم پادشاه عثمانی، بر اثر لیزخوردن در حمام به‌هلاکت رسید. سلیم که در هنرها و علوم مختلف به‌عنوان یک نمونه به‌شمار می‌رفت، پس از این‌که در سال ۱۵۷۱ در نبرد لپانتو دچار شکست شد، خود را بازنشسته کرد و اغلب اوقات را در حرم خویش به صرف مشروب و در حالت مستی به‌سر می‌برد و کارها و زمام امور کشور وسیع خود را به وزیر اعظم خویش به‌نام مدحت زوغلو تفویض کرد. مراد سوم جانشین سلطان سلیم شد.

هلند، ۱۵۷٤
دانشگاه لیدن (Leyden) در هلند افتتاح شد.

افریقای شمالی، ۱۵۷٤
سپاهیان دولت عثمانی سرزمین تونس و بیزرت (Bizerta) را از اسپانیا پس گرفتند و برای بیرون‌راندن آن‌ها از لاگولتا (La Goletta) به پیش رفتند. در اکتبر سال گذشته، دون ژوان (Don John) پادشاه اتریش با یک نیروی بیست‌هزار نفری این مناطق را اشغال کرده بود.

اسپانیا، ۱۵۷٤
قانون سیاه که شامل یک‌سری قوانین در ارتباط با بردگی سیاهان افریقایی بود، انتشار یافت.

پرو، ۱۵۷٤
یک کرسی در دانشگاه لیما (Lima) برای تدریس زبان کوئه‌چوا (Quechua)، زبان بومیان سلسله‌ی جبال آند (Ande) به‌وجود آمد.

هلند، فوریه ۱۵۷۵
در کنفرانسی که در شهر بره‌دا (Breda) گشایش یافت، امپراتور ماکسیمیلیان دوم به میانجیگری بین رکوسنس فرماندار کل و پروتستان‌ها برای رفع اختلاف بر سر هلند و زیلند پرداخت. فرماندار کل موافقت کرد که سپاهیان اسپانیولی و مأموران رسمی را از هلند خارج کند.

اسپانیا، ۱۵۷۵
اسپانیا برای بار دوم دچار ورشکستگی شد.

فرانسه، اکتبر ۱۵۷۵
در پی پنجمین پیکار مذهبی، مردان کاتولیک تحت فرماندهی هانری، دوک گوئیز (duke of Guise) پروتستان‌ها را در ناحیه‌ی دورمان (Dormans) شکست دادند.

در این کلیساها مراسم سهل و ساده عبادی و خواندن انجیل انجام می‌شد.

سپس زوینگلی به موعظه می‌پرداخت و از احکام دینی و وطن‌پرستی و کشور سویس سخن می‌گفت. او مردم را به نبرد با کاتولیک‌ها سوق داد، لیکن به علّت عدم پشتیبانی پروتستان‌های شهرهای اطراف شکست خورد. عدّه‌یی که به موقعیت زوینگلی حسادت می‌ورزیدند، برخی هم با اعتقادات و شخص او مخالفت می‌کردند و خوش نداشتند که مردم سویس به‌عنوان مزدور در جنگ کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها شرکت کنند.

روسیه در پی گسترش قلمرو خود به فتوحاتی اقدام می‌کند. (مسکو، ۱۵۳۰):

حکومت مسکوی جهت توسعه قلمرو خود با مشکلاتی روبروست. در غرب با قدرت‌هایی نظیر لهستان و لیتوانی باید دست و پنجه نرم کند، هرچند واسیلی (*Vasily*) سوّم از پشتکار و انرژی وافری برخورد است که آن را از پدرش ایوان کبیر به ارث برده و یکی از شاهان مقتدر و با سیاست به‌شمار می‌رود و در اروپا از حسن شهرت بی‌نصیب نیست.

واسیلی با ادامه‌ی سیاست پدرش در حالی‌که ارتش قابل ملاحظه‌یی نداشت، لیکن با سعی و کوشش فراوان توانست دو سرزمین مهمّ مثل پاکوف (*Pakov*) و ریازان (*Ryasan*) را ضمیمه سرزمین خود کند و تا اندازه‌یی به رویای روسیه بزرگ حقیقت بخشد. وی یک فرماندار با لیاقت را هم برای خطه‌ی پاکوف تعیین کرد. او سیصد نفر از بزرگان یک خانواده را از پاکوف اخراج کرد و از اهالی مسکو جایگزین آنان کرد. برای تصرّف منطقه ریازان هم مذاکرات محرمانه‌ی با تاتارها انجام داد. در تعقیب فتوحاتی که پدرش ایوان در لیتوانی کرده بود، واسیلی با قشون خود که با کوشش فراوانی بسیج کرده بود به آن منطقه یورش برد و شهر اسمولنسک (*Smolensk*) که یک دژ دفاعی برای حکومت مسکو محسوب می‌شد را تصرّف کرد و از نظر غرب آسوده‌خاطر گشت. واسیلی به خاطر این‌که از سوی شرق و جنوب هم گرفتاری نداشته باشد و مرزهای کشور از آن طرف هم دچار مخاصمه نشود، به منطقه‌ی تاتارستان حمله‌ور شد.

سرخ‌پوستان ینگی دنیا هم به مریم باکره متوسل می‌شوند. (مکزیک، ۱۳ دسامبر ۱۵۳۱):

در سحرگاه روز نهم دسامبر، خوآن دیه‌گو (*Juan Diego*) یکی از سرخ‌پوستان پارسا و متدین کاتولیک مریم باکره را در رؤیا دید. در عالم خواب، مریم به دیه‌گو اظهار داشت تو اکنون می‌توانی به‌عنوان سراسقف منطقه‌ی مکزیک از مردم شهر بخواهی که یک کلیسا برایِ انجام عبادت من بنا کنند.

مردم شهر چون اعتقادی به دین مسیح نداشتند، به سخنان اسقف وقعی ننهادند. لیکن در هنگام بعدازظهر، اسقف دوباره مریم را در خواب دید و از مریم استدعا کرد که برای هدایت مردم یک میسیون مذهبی اسپانیولی برای آنجا تعیین کند. مریم فوراً از شخص دیه‌گو خواست که خودش با افراد تحت نظرش هدایت مردم را بر عهده گیرد و فوراً برای این موضوع دست به کار شود. برای بار سوّم هم دیه‌گو در مقام اسقف در مأموریتش ناکام ماند.

وی در راه بازگشت به منزل، مریم مقدّس را ملاقات کرد و مریم به او گفت فردا تمام سرگذشت را برای مردم بازگو کن. ولی در همان روز، عموی دیه‌گو به بیماری طاعون مبتلا شد و در نتیجه دیه‌گو مجبور شد در روز ۱۱ دسامبر برای پرستاری از عمویش در خانه بماند.

در روز دوازدهم دسامبر، مریم عموی او را شفا بخشید و در همان هنگام مریم را در بالای تپّه تیپاکاک (*Tepeyacac*) ملاقات کرد و مریم به او دستور داد که مقداری گل در زیر ردای خویش برای کلیسا ببرد و هنگامی‌که خوآن در خانه ردای خود را گشود، یک عکس زیبا و درخشنده‌یی در آستر ردای خود از مریم مقدّس یافت و در نتیجه در همان محلّ اقدام به ساختن کلیسا کرد.

ثروت‌های خصوصی و عدم بهداشت در شرق (خاورنزدیک، ۱۵۳۳):

در برخی از نقاط ساحل غرب دریای مدیترانه که اغلب محلّ سکونت افرادی بوده که همواره با دزدان دریایی در حال مبارزه بودند و به شرق اسرارآمیز مشهور شده بودند، زندگی آن قدر با نقاط دیگر متفاوت است که انسان انتظار دیدن آن وضع را ندارد.

در شهرهای باستانی نظیر قاهره و دمشق، شهر هنوز هم هاله‌یی اسرارآمیز و در پشت دیوارهای بلند مستور است. هنگام غروب دروازه شهر بسته می‌شود و اذان‌گو با صدای بلند در بالای مناره مردم را به خواندن نماز فرا می‌خواند.

شهر فاقد خیابان‌های عریض است و معابر منحصر به کوچه‌های تنگ و باریک است که در دو طرف کوچه ساختمان‌های نسبتاً بلند بنا شده که مانع تابش نور آفتاب می‌گردد، آن‌ها وسیله‌ی نقلیه بزرگ مانند ارابه ندارند و بار را بر پشت الاغ می‌گذارند، یا خود افراد حمل می‌کنند.

شهر اصولاً فاقد سالن تئاتر و نمایش می‌باشد و شباهتی به شهرهای اروپایی ندارد و محلی برای اقامت توریست موجود نیست، شاه با قدرت مطلقه در قصری دژ مانند زندگی می‌کند. شهرها به‌طور کلّی پرازدحام و شلوغ است و همه با صدای بلند همدیگر را می‌خوانند و یا برای کالای خود تبلیغ می‌کنند، بازار از راهروهای تنگ و باریک تشکیل شده و حجره‌هایی تاریک و مرطوب دارد که محلّ داد و ستد کالاهای عمده است. تنها محلّ‌هایی که ساکت و آرام به‌نظر می‌رسد، مساجد است که صحن وسیع و خنک دارد و همه با هم در صلح و صفا مشغول عبادت هستند. معماری ساختمان منازل هم به کلّی با اروپا تفاوت دارد. یک بیننده از پنجره‌های بسته خانه و دیوارهای بلند آن به شگفتی دچار می‌شود که مردم چگونه در این خانه‌های تنگ و تاریک زندگی می‌کنند. به‌طور کلّی اگر منازل تزئینات و دکور و شکوه جلال هم داشته باشند همه در داخل خانه است و در بیرون از آن نشانه‌یی از زیبایی به چشم نمی‌خورد چون فامیل و دوستان خانواده اغلب در صحن حیاط خانه دور هم جمع می‌شوند و در سایه و زیر درختان بلند به تفریح می‌پردازند.

شاعر غزل‌سرائی که اشعار حماسی قدیمی می‌سرود، جهان را بدرود گفت. (فرارا (*Ferrara*)، ایتالیا، ششم ژوئن ۱۵۳۳):

لهستان، ١٤ دسامبر ١٥٧٥
با حمایت دولت عثمانی، استفن باتوری، شاهزاده‌ی ترانسیلوانی، به پادشاهی لهستان رسید.

فرانسه، ١٥٧٥
دوک آلنکون (Alencon) با هانری ناوار بوربونی (Bourbon Henty of Navarre)، پیمانی علیه برادرش هانری سوم پادشاه فرانسه منعقد کرد.

بوهم، ١٥٧٥
رودولف (Rudolf) فرزند امپراتور ماکسیمیلیان دوم که در سال ۱۵۷۲ به پادشاهی مجارستان انتخاب شده بود، به سلطنت بوهم (Bohemia) رسید.

رم، ١٥٧٥
پاپ توسط فیلیپ نری (Philip Neri) به تأسیس انجمن خوانندگان سرودهای مقدس اقدام نمود.

پرو، ١٥٧٥
کریستوبال دو مولینا (cristobal de Molina) راهب کلیسا که علاقه‌ی تامی به جمع‌آوری اساطیری داشت، مجموعه‌یی درباره‌ی سرودهای مذهبی اینکاها نگاشت.

اقیانوس هند، ١٥٧٥
رالامبو (Ralambo)، وارث تخت و تاج حکومت مرینا در جزیره‌ی ماداگاسکار (Madagascar) گردید.

آنگولا، ١٥٧٥
پرتغالی‌ها شهری را به‌نام لوآندا (Luanda) در این سرزمین تاسیس کردند.

انگلستان، ١٥٧٥
سر همفری گیلبرت (Sir Humphrey Gilbert) عضو پارلمان انگلیس و کاشف دریاها، نشریه‌یی درباره‌ی راه آبی شمال شرق به کاتی (Gathey) نگاشت و مباحثی راجع به مستعمرات ساحلی انگلیس را در آن مطرح نمود.

اروپا، ١٥٧٥
نشریه‌یی راجع به جمعیت شهرهای بزرگ اروپا، جمعیت پاریس را ۳۰۰ هزار نفر، لندن ۱۸۰ هزار نفر و شهر کولن (Cologne) ۳۵ هزار نفر تخمین زده است.

ایتالیا، ١٥٧٥
بیماری طاعون که از جزیره‌ی سیسیل شروع شده، هم‌اکنون تمام نقاط کشور را در بر گرفته و به دورترین نقطه‌ی شهر میلان هم سرایت کرده است.

آلمان، ١٩ ژانویه ١٥٧٦
هانس ساکس (Hans Sachs)، خواننده‌ی تصنیف و آوازهای بزمی دوره‌گرد آلمانی، که در مراسم کارناوال با شوخی و سخنان طنزامیز خود مردم را شاد می‌کرد و موجب تفریح بود، در شهر نورمبرگ (Nuremberg) جهان را بدرود گفت.

فرانسه، ٦ مه ١٥٧٦
پیمان صلح شاست‌نوی (Chastenoy) به پنجمین نبرد مذهبی در فرانسه پایان داد. متعاقب این عهدنامه دوک آلنکون کنترل منطقه‌ی دوک‌نشین آنژو (Anjou) را به‌دست آورد و هوگونوت‌ها به‌یک‌باره به آزادی مذهبی دست یافتند.

امریکای شمالی، ژوئن ١٥٧٦
مارتین فروبیشر (Martin Frobisher) کاشف انگلیسی، در جریان نخستین سفر خود به منطقه‌ی قطبی قاره‌ی امریکا و گذشتن از ناحیه‌ی شمال غرب و رسیدن به قاره‌ی آسیا، موفق به کشف لابرادور (Labrador) و جزیره‌ی بافین (Baffin) گردید.

فلوریدا، ژوئیه ١٥٧٦
به فرمان هرناندو دو میراندا (Hernando de Miranda)، فرماندار جدید فلوریدا، آلونسو دو سولیس (Alonso de Solis) فرمانده سپاهیان اسپانیولی به روستای اوریستان (Oristan) حمله کرد. در این نبرد، سولیس و ۲۶ نفر از همراهانش به‌دست کوزابو (Cusabo) جنگجوی بومی کشته شدند.

ونیز، ٢٧ اوت ١٥٧٦
تیزیانو وچللی (Tizlano Vecelli) مشهور به تیت‌یان (Titian)، نقاش ایتالیایی، جان سپرد.

رم، ٢١ سپتامبر ١٥٧٦
ژروم کاردانوس (Jerome Cardanus) ریاضی‌دان ایتالیایی، درگذشت. بزرگ‌ترین کار او که در سال ۱۴۵۴ انجام داد، این بود که معادله‌ی چهار وجهی که تارتایلیا (Tartaglia) ریاضی‌دان مشهور انجام داده بود را حل کرد. وی با تیزهوشی خود در راه علم نجوم به کشفیاتی نائل شد و در راه علم شعبده‌بازی تا بدان‌جا پیش رفت که به‌عنوان یک جادوگر معروف شد.

لودویکو آریوستو *(Ludovico Ariosto)* مؤلف دیوان اشعار حماسی و زیبای اورلاندو فوریوزو *(Orlando Furioso)* در سنّ ۵۹ سالگی درگذشت. این شاعر که در بین مردم منطقه از شهرت خوبی برخوردار بود، بخش نخست اشعار خود را در سال ۱۵۱۶ منتشر کرد و در سال ۱۵۳۲ آن را به اتمام رسانید. در اشعار آریوستو، مطالبی درباره‌ی جشن‌ها، زنان، جنگ‌آوران، پیکارها، عشاق، ادب و جسارت و بی‌باکی سخن رفته است که انسان را شگفت زده می‌کند، تکیه اشعار آریوستو بیشتر روی اشعار حماسی و زورآزمایی‌های دوران قهرمانی سرزمین رم و زمانی که فرانسه قدرت غالب در سرزمین اروپا به‌شمار می‌رفت و شرح حماسه‌آفرینی‌های شانسون‌دو رولاند *(Chanson de Roland)* می‌باشد که مایه مباهات شاعر است، به‌طوری که داستان‌های اورلاندو مدّت‌ها ضرب‌المثل مردم شد.

وی دیوان اشعار خود را به خانواده استه *(Este)* که فرمانروای فرارا بود تقدیم کرد و حکمران منطقه وی را به‌عنوان یک دیپلمات در مشاغل سیاسی به کار گمارد، به‌طوری که او مدّت سی سال به این کار اشتغال داشت.

شاهی که پاپ را به مبارزه طلبید سرانجام با معشوقه خود ازدواج کرد. (انگلستان، ژوئیه ۱۵۳۳):

پادشاه انگلیس سرانجام بر پاپ پیروز شد و دستور طلاق کاترین را صادر کرد و با آن بولین معشوقه خود زناشویی کرد. در کشور انگلیس قدرت پاپ به هیچ انگاشته شد و دستورات وی طرد شد. وی با کمک توماس کرامول *(Thomas Cromwel)*، پارلمان را وادار کرد که قوانینی را تصویب کند و شاه را در رأس کلیساها قرار دهد و حق تعیین اسقف اعظم کانتربوری را به وی اعطا کند که هم پایه پاپ در کشور انگلیس باشد و دیگر مجبور نباشند که از پاپ تقاضا کنند با مرگ وارهام *(Warham)* اسقف اعظم انگلیس در ماه ژانویه برحسب تمایل (آن) همسر هنری، شاه، توماس کرانمر *(Thomas Cranmer)* را به ریاست کلیسای کانتربوری گماشت.



شمای مختصری از رفتار ظالمانه فاتحان اسپانیولی بامردم بومی امریکای جنوبی فیلیپ گوآمن پوماFelipe Guaman Poma که در سمت راست و یک جلاد اسپانیایی سر آتا هوالپا Atahualpa امپراتور اینکا Inca را از بدن او جدا می کند.



واسیلی Vasily، وارث تزار ایوان کبیر Ivan the Great.



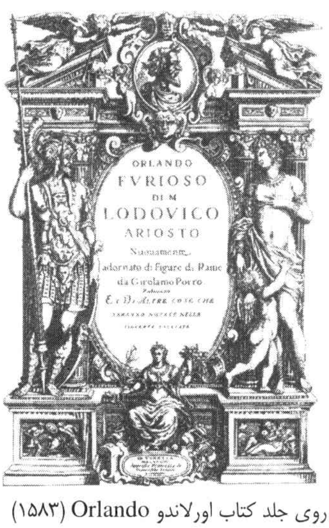
زندگی معمولی و خانه یک ترک عثمانی، نقاشی از اوژن دلاکروآ Eugene Delacroix (۱۷۹۸-۱۸۶۳)



زوینگلی Zwingli، اسقف میهن پرست سویسی.



پاپ زخمی و شکست خورده در مقابل هنری هشتم در بستر وادوارد ششم در جلسه یی با مشاوران نزدیک خود پاپ را مورد استهزا قرار داده، تاریخ این عکس مشخص نیست



روی جلد کتاب اورلاندو Orlando (۱۵۸۳)

پراگ *(Prague)*، ۱۲ اکتبر ۱۵۷۶
رودولف (Rudolf) دوم پادشاه مجارستان و بوهم به جانشینی پدرش ماکسیمیلیان دوم به‌عنوان امپراتور مقدس رم منصوب شد. ماکسیمیلیان در جریان حمله به لهستان غفلتاً درگذشت.

فرانسه، ۱۵۷۶
در پی جریان اهانت‌آمیزی که برای هانری سوم پادشاه فرانسه رخ داد، اکثریت کاتولیک‌ها به رهبری گوئیز معاهده‌ی مقدس را امضا کردند.

ژاپن، ۱۵۷۶
به دستور اودا نوبوناگا کارهای ساختمان یک دژ سنگی در منطقه‌ی ازوچی (Azouchi) واقع در کرانه‌ی دریاچه‌ی بیوا (Biva) آغاز شد.

هندوستان، ۱۵۷۶
سپاهیان اکبر امپراتور مغول هندوستان، توانستند منطقه‌ی بنگال (Bengal) استان ثروتمند شمال هند را به‌تصرف درآورند.

هندوستان، ۱۵۷۶
اکبر پادشاه مغول هندوستان، ساختمان فاتح‌پور سیکری (Fatehpur Sikri) را به‌عنوان یادبود فتوحات خود به‌پایان رسانید.

مکزیک، ۱۵۷۶
با شیوع بیماری ماتلازاهوتل (Matlazahauatl)، تقریباً ۴۰ درصد بومیان هندی اسپانیای جدید به‌هلاکت رسیدند.

ایران، ۱۵۷۶
شاه طهماسب صفوی پس از ۵۲ سال سلطنت فوت نمود و اسماعیل دوم پسرش جانشین او شد.

فلوریدا، ۱۵۷۶
با محاصره‌ی شهر سانتا الەنا (Santa Elena) توسط هندی‌های غربی، ۲۸۷ نفر از استعمارگران شهر را تخلیه کرده و به‌سوی شمال رهسپار شدند.

ایتالیا، ۱۵۷۶
دانته (Dante) شاعر ایتالیایی، پس از مرگ پدرش متولد شد.

لندن، ۱۵۷۶
نخستین سالن تئاتر دائمی با کشیدن پرده در محل شمال شهر لندن و در فضای باز گشایش یافت. کلیسای قدیمی راهبان سیاه‌پوست هم افتتاح شد.

هلند، نوامبر ۱۵۷۶
گروه‌های اسپانیولی در شهر آنتورپ (Antwerp) دست به شورش زده و شهر را تصرف کردند. آنان به‌زور آمرزش‌نامه‌ها را به‌دست آورده و شهر را هم غارت کردند.

هلند، هشتم نوامبر ۱۵۷۶
هلندی‌های شهر گنت (Chent) به‌آرامی توانستند با اتحادیه‌ی ۱۷ ایالت فدراسیون هلند را تشکیل داده و صلح را حفظ کنند، آنان به تبلیغات علیه یک‌دیگر پایان داده و از تکفیر و لعن هم‌دیگر احتراز کرده و بالاخره تمام اسپانیایی‌های مقیم کشور را اخراج کردند. مذاکرات بین ویلیام (مشهور به ساکت) رهبر انقلابیون و بارابانت (Barabant) فرماندار اسپانیولی سرانجام به ثمر رسید و این میهمانان خشمگین شهر انتورپ به آرامش دعوت شدند.

فلوریدا، دسامبر ۱۵۷۶
نیکلاس استروتزی (Nicolas Strozzi) فرمانده داوطلبان نظامی فرانسوی به شمال شهر سانتا الەنا یورش کرده و آن‌جا را ویران کردند. از قول هندی‌ها گفته شد که این مرد دشمن اسپانیاست و استحکاماتی ایجاد خواهد کرد که به آبادانی کمک می‌کند.

اسپانیا، آوریل ۱۵۷۷
هرناندو دو میراندا (Hernando de Miranda)، فرماندار پیشین فلوریدا، جهت استراحت به اسپانیا بازگشت. در سال گذشته وی متهم به اختلاس شش هزار دوکات (Ducats) (واحد پول طلا معادل نه شیلینگ و شش پنی) قبل از ترک پست خود و فرار به اسپانیا بود.

فلوریدا، ژوئیه ۱۵۷۷
پدرو مننذز مارکوئیز (Pedro Menendez Marquez) به شهر سن آگوستین رسید، او به‌عنوان فرماندار جدید می‌بایستی شهر سانتا الەنا را که به‌وسیله‌ی هندیان تخریب شده بود، بازسازی کند.

هلند، ۲۳ سپتامبر ۱۵۷۷
ویلیام اورانژ (William Orange) که به سمت فرماندار تعیین شده، در مدخل شهر بروکسل بنای پیروزی به یادبود ستوان ماتیاس آرک دوک هابسبورگ (Archduke Mathias) ساخت.

انگلیس، اکتبر ۱۵۷۷
مارتین فروبیشر (Martin Frobisher) دریانورد انگلیسی، پس از دومین سفر خود به امریکا با ۲۰۰ تن طلا به بریستول (Bristol) بازگشت، وی قبلاً از طلابودن این محموله‌ی عظیم آگاهی نداشت.

کرانمر هم به مجرد ادای سوگند، دستور پاپ را ملغی اعلام کرد و حاضر نشد برای اجرای مراسم از رم کسب تکلیف کند، وی طلاق کاترین را معتبر اعلام کرد و ازدواج هنری و آن *(Anne)* را هم از نظر کلیسا بلا مانع دانست.

این جریان به فوریت صورت گرفت، به‌طوری که هنری در سفر به فرانسه و ملاقات با فرانسیس پادشاه در شهر کاله *(Calais)*، همسرش (آن) را با خود برد. بالاخره (آن) در موقع بازگشت به لندن آبستن بود. اکنون او به‌عنوان ملکه تاج‌دار معرفی شده و هر دو منتظر مولود جدید در ماه سپتامبر هستند. در رم پاپ، هنری هشتم پادشاه انگلیس را تکفیر کرد.

شاه در رأس کلیساهای انگلیس قرار می‌گیرد. (انگلستان، نوامبر ۱۵۳۴):

سرانجام با مصوبات پارلمان روابط انگلیس و رم قطع شد. با قانون وراثت که توسط پارلمان تصویب شد، ملکه آن به جانشینی هنری هشتم منصوب شد، لیکن این امر سبب مناقشات و اعتراضاتی از سوی مردم گردید، چون آن‌ها نمی‌توانستند قبول کنند که زن به مقام پادشاهی انگلیس برسد و این امر تنها از راه زناشویی با شاه بدون هیچ‌گونه قرابتی صورت پذیرد. از سویی، با تصویب قانون رهبری دینی، هنری به‌عنوان اسقف اعظم در صدر کلیسا قرار می‌گرفت که این موضوع از نظر مردم غلط، شنیع و کفر به‌شمار می‌آید، به‌ویژه آن‌که شاه می‌تواند با قدرت حکومتی هر تغییری را در وضع کلیسا انجام بدهد و نیاز به دستور و فرمان پاپ ندارد.

از این پس دیگر هنری لازم نیست خراجی به دربار رم بدهد و فرمان تکفیر و الحاد او در کشور مؤثر نیست و این با اصلاحات کلیسای رم مغایر است و انتقاد و اعتراض رم راه به جایی نخواهد برد. از سویی هنری دستور داد که در کتاب مقدّس انجیل تغییراتی داده شود.

در باب زناشویی هنری هنوز هم مشکلاتی وجود دارد که موجب مباحات و مناقشاتی در وضع سیاسی کشور گردید. اکنون نه تنها مراوده انگلیس با پاپ قطع شده، بلکه عقاید و باورهای جدید را مشکل می‌توان به

مردم القا کرد و این امر سبب شده که هنری هرچه بیشتر نیاز به کمک پارلمان احساس کند و شاه کلید و مفتاح این گرفتاری‌ها را در پارلمان می‌جوید.

تغییر مشی مذهبی انگلیس زمینه انقلاباتی را در قاره اروپا فراهم آورد و موجب مناقشات و جنگ‌هایی در این قاره شد. مارتین با سخنرانی‌های خود که در اعتراض به آیین توبه و بخشش گناهان توسط دستگاه پاپ ایراد می‌کرد، توانست کنترل کلیساهای آلمان را در دست گیرد. در سویس و به‌ویژه شهر زوریخ شورش‌هایی برپا شد. سوئد و دانمارک ارتباط خود را با دستگاه پاپ قطع کردند، و این افکار و خیالات بدون شک اقتباس از روش و شیوه‌یی بود که هنری نسبت به کلیسای رم در پیش گرفت و باب مخالفت با پاپ را گشود. این روش کاملاً با مذهب ارتودوکس قابل انطباق بود. به‌هر حال ارتودوکس‌ها هم با نگارش کتابی عقاید لوتر را رد کردند و همان‌طور که پاپ هم بر این نظریه پافشاری می‌کرد. این کتاب با عنوان (دفاع از عقیده) منتشر شد.

نقّاشی که خانواده خود را رها ساخت، تا در انگلیس کار کند. (لندن، ۱۵۳۳):

هانس هولبین *(Hans Holbein)* نقّاش آلمانی به انگلیس رفت، او همسر و فرزندانش را در شهر بازل رها کرد تا در این کشور کار کند. وی در انگلیس از تجّار آلمانی و توماس کرامول نخست‌وزیر جدید شاه تصاویری کشید. او در دیدار قبلی خود در سال ۱۵۲۶ که خیلی جوان‌تر بود، مدّتی مهمان سر توماس مور *(Sir Thomas More)* بود و این شخص بود که او را به اراسموس معرفی نمود، لیکن اکنون او دیگر سر زندگی قبلی خود را از دست داده است. او تصویری از سرتوماس کرامول رسم کرد، در حالی‌که خانواده‌ی خود را نزد اراسموس فرستاده بود، او نوشت: من از آن بیم دارم که هنگام دیدار، شما را از خودتان بیشتر دوست داشته باشم. تابلویی که او از سفیران خارجی مقیم فرانسه ترسیم کرده، آن‌ها را از روبرو نشان می‌دهد در حالی‌که شاه کاملاً در میان جمع مشخّص است. این تصویر افراد را تمام قد نشان می‌دهد و سرهای آنان به سوی شاه کج شده و حالت احترام آمیزی نسبت به وی دارند. هانس چون در منطقه‌ی اوگسبورگ به دنیا آمده بود، نسبت به میهن خود حساسیت داشت. در نقّاشی که او بر روی دیوار بزرگ وایت هال *(Whitehall)* کشیده، تصویر خودش همراه با پدر و مادرش را نشان می‌دهد، در حالی‌که هنری هفتم و الیزابت ملکه یورک در اطراف او هستند.

نصب اعلان‌های ضدّ کاتولیک بر دیوارهای کاخ شاه (پاریس، ۱۸ اکتبر ۱۵۳۴):

پروتستان‌ها تعداد زیادی شب‌نامه و پلاکارد *(Posters)* ضدّ کاتولیکی و انقلابی در مخالفت با آیین عشای ربانی بر روی دیوارهای شهر پاریس و بسیاری از شهرهای فرانسه نصب کردند. آن‌ها حتا بر دیوارهای کاخ سلطنتی بلوآ *(Blois)* این اعلامیه را برای ابراز مخالفت چسباندند.

این عمل یک واکنش بسیار وحشت‌آور در بامداد روز یکشنبه در پی داشت. دسته‌جات مختلف کاتولیک پس از آیین عشای ربانی مانند امواج خروشان با خشم شدید به پروتستان‌ها حمله کردند و بسیاری از آن‌ها را کشتند. فرانسیس پادشاه فرانسه، انتظار این اعمال را بر ضدّ اصلاح‌طلبان مذهبی داشت و آن را حتمی‌الوقوع می‌دانست.

رابله، خالق غول وحشت‌زا (پاریس، ۱۵۳۴):

فرانسوا رابله *(Francois Rabelais)*، نویسنده‌ی داستان‌های تخیلی در داستانی که در دو سال پیش نوشت، لحظه‌ی تولّد یک نوزاد غول‌آسا را شرح می‌دهد که در هنگام زایمان به عوض صدای نوزاد که شبیه وع وع می‌باشد، با صدای وحشتناکی شبیه درینک درینک به دنیا آمد و اشتهای عجیبی که غیرانسانی می‌نمود، داشت.

رابله که پزشک شهرداری شهر لیون بود، می‌نویسد پس از زایمان، مادر از این همه زجر و ناراحتی فراغت حاصل کرد، و نام کاذب این موجود عجیب‌الخلقه را آلکوفریبا ناسیه *(Alcofribas Nasier)* گذاشتند.

رابله در عین حال که به شغل پزشکی اشتغال داشت، داستان‌های تخیلی و فانتزی هم می‌نوشت و کتابی را که به نگارش درآورد، مورد استقبال مردم واقع شد.

فرانسه، ۱۵۷۷
مارشال بلیز دو مون لوک (Marshal Blaise de Montluc)، فرماندار آکی‌تین (Aquitaine)، در سن ۷۵ سالگی وفات یافت. وی سربازی بود که از سن ۱۶ سالگی به خاندان گوئیز وفادار بود. مون لوک به درستکاری و امانت شهره بود و شاید در حق وی مبالغه شده که او یکی از باوفاترین و صدیق‌ترین سربازان بوده است.
ایران، ۱۵۷۷
اسماعیل دوم پادشاه صفوی، فوت شد و برادرش محمد جانشین وی گشت.
اتیوپی، ۱۵۷۷
اتیوپی قلمرو سلطان هرار (Harrar) را متصرف شد.
رم، ۱۵۷۷
جووانی پیرلوییجی دا پالسترینا (Giovanni Pierluigi da Palestrina)، استاد موسیقی سنت پیتر (St Peter) به پاپ گریگوری سیزدهم اظهار داشته که اصلاح و خلوص سرودهای گریگورین‌ها مردم را از سخن‌گفتن در کلیسا بازمی‌دارد و توجه آن‌ها را به مقدسات جلب می‌کند و هیچ‌چیز دیگر نمی‌تواند جایگزین موزیک کلیسا شود. در این راه تصمیمات مهمی در جلسات کلیساهای رم در سال‌های ۱۵۴۵_۱۵۶۳ در شهر ترنت اتخاذ شد.
اسپانیا، ۱۵۷۷
دومی‌نیکوس تئوتوکوپولوس (Domenikos Theotokopoulos) نقاش، در جزیره‌ی کرت (Crete) متولد شد. او شهر تولدو (Toledo) را به قصد ونیز (Venice) ترک کرد تا تحت تعلیم تیتیان (Titian) قرار گیرد. او نام خود را به ال‌گرکو (El Greco) (یونانی) تغییر داد.
انگلیس، ۱۵۷۷
فرانسیس دریک (Francis Drake)، بندر پورتسموث (Portsmouth) را به قصد به‌ستوه‌آوردن و عاجزکردن دریانوردان اسپانیایی ترک کرد و قصد او این بود که کرانه‌های اقیانوس آرام را از شمال بپیماید و کره زمین را دور بزند.
اسپانیا، سپتامبر ۱۵۷۸
خوان کراس (John Cross) از کلیسای شهر تولدو گریخت، چون از ماه دسامبر ۱۵۷۷ هواداران فرقه‌ی کارملی (Camelites) وی را به جرم این‌که پیشنهاد کرده بود که این فرقه بایستی روش مذهبی خود را اصلاح کند، زندانی شده بود. وی در زندان تعداد ۳۰ بند شعر مربوط به روحیات سلیمان نبی را نوشت.
امریکای جنوبی، پنجم دسامبر ۱۵۷۸
پس از این‌که ماژلان (Magellan) توانست سراسر اقیانوس آرام را طی کند، فرانسیس دریک به منطقه‌ی والپارزو (Valparaiso) دست یافت.
قفقاز، ۱۵۷۸
در این سال جنگ بین دولت عثمانی و دولت صفویه بر سر غلبه بر گرجستان و سایر شهرهای منطقه‌ی قفقاز (Caucasus) درگرفت.
افریقای جنوب شرقی، ۱۵۷۸
پرتغالی‌ها با حکومت مونهوموتاپا (Munhumutapa) واقع در جنوب منطقه‌ی زامبزی پیمان صلح امضا کردند.
انگلیس، ۱۵۷۸
مارتین فروبیشر از سفر سوم خود به امریکای شمالی دست خالی برگشت، او در جست‌وجوی یافتن طلا از امریکا، سرزمین یخبندان قطبی را برای دسترسی به هندوستان طی کرده بود.
فرانسه، ۱۵۷۸
دون ژوان پادشاه اتریش به‌علت بیماری تیفوس در نزدیک شهر نامور (Namur) درگذشت. پس از جانشین‌شدن رکوسنس به فرمانداری هلند، وی تلاش‌هایی را در جهت رفع اختلافات موجود با از سرگیری مذاکرات آغاز کرد. او ارتش دشمن را در ناحیه‌ی ژمبلو (Gembloux) شکست داد و سال گذشته اعلام کرد که هلند یکی از دشمنان ماست. پس از مرگ او آلکساندر فارنس (Alexander Farnese) به جانشینی او برگزیده شد.
مراکش، ۱۵۷۸
سرانجام سپاهیان پرتغالی در صحرای القصر الکبیر توسط لشگریان مولای احمد المنصور مغلوب شدند.
شیلی، ۱۵۷۸
شهر سانتیاگو (Santiago) در اثر زلزله ویران گردید.

غول مخلوق رابله هر روز در منظر عموم قرار می‌گرفت، او در عین حال که شباهتی به انسان داشت، لیکن کارهای زشت و زیبایی هم از او سر می‌زد و همواره از اعماق روح خود به گریه می‌افتاد. علاوه بر آن اغلب به افعال زشت خود معترف بود و از آن رنج می‌برد. تکیه کلام او این بود: شما چه می‌خواهید و چه کار خواهید کرد. بعد می‌گوید که از دستورات کلیسا و اوامر آن در زندگی اطاعت کنید و در مقام مبارزه با آن برنیائید.

کورِجو *(Correggio)*، نقّاش تصاویر شهوت‌انگیز ایتالیایی، در سنّ ۴۵ سالگی درگذشت. (کورجو، نزدیک شهر پارما *(Parma)*، ۱۵۳۴):

آنتونیو آلگری (Antonio Allegri)، مشهور به کورِجو که در شهر کوچکی به دنیا آمده بود، با وجودی که یکی از نقاشان بسیار با استعداد و شگفت‌انگیز ایتالیایی بود که نقّاشی‌های کلیسای بزرگ نزدیک شهر پارما را ترسیم کرده بود، در همین مکان بدرود حیات گفت. وی تصاویری را در زیر سقف گنبدی شکل کلیسا رسم کرده بود که تعدادی از قدیسین را در هاله‌یی از ابر و در معیت مریم باکره در آسمان نشان می‌دهد. منظره‌ی این سقف گنبدی شکل طوری بود که دیده‌ی بیننده را در عالم خیال به آسمان‌ها و عالم بالا سوق می‌داد و عظمت و وسعت آن را می‌نمایاند. کورجو در خیلی از ساختمان‌ها و کلیساهای شهر پارما و شهرهایی مثل لومبارد، رجو (Reggio) و بولونیا (Bologna) شاهکارهای زیبای دیگری نقش کرده است. وی در سال‌های آخر عمر خود تصاویری از اساطیر دانه (Danae) و لِدا (Leda) در سبک کلاسیک و با نقش‌های شهوت‌انگیز آفرید.

پادشاه انگلیس دومین همسر خود را به قتل رسانید. (لندن، ۱۹ ژوئن ۱۵۳۶):

آن‌بولین، ملکه‌ی انگلیس و دومین همسر هنری را امروز در برج لندن اعدام کردند، او قربانی تکبّر و عشق‌بازی‌های پنهان خود شد که در قصر سلطنتی انجام می‌داد، در حقیقت با اعمال خود شخص شاه را تمسخر و ریشخند می‌کرد، غافل از این‌که شاه به کارهای خلاف و اعمال ننگین او پی برده بود و

می‌دانست که او با مردان دیگری در خفا عشق‌بازی می‌کند. او دختری به نام الیزابت برای هنری به دنیا آورد، لیکن امسال جنین خود را سقط کرد، و پادشاه هم وی را به علّت این عمل شنیع محکوم کرد و دستور داد گردن ظریف او را به زیر تیغ قرار دهند.

سربازان شارل پنجم، ۳۰ هزار نفر را کشتند. (خلیج تونس، ژوئیه ۱۵۳۵):

نیروی نظامی ۶۰ هزار نفری فرانسه، تحت فرمان شارل پنجم، در اینجا به پیروزی چشمگیری دست یافتند. شهر تونس را تسخیر کرده و در بندر لاگولتا (La Goleta) تعداد ۸۰ قایق بزرگ پارویی بارباروسا را متصرّف شدند. شارل به لشگریان خود اجازه داد که مدّت پنج روز شهر را غارت کرده و ۳۰ هزار نفر اهالی شهر و حومه‌ی آن را به خارج برده و همه را قتل‌عام کنند.

امپراتور قول داده بود پس از حمله به سپاهیان بارباروسا (Barbarossa) که جنوب ایتالیا را مورد غارت و چپاول قرار داده بودند، به سپاهیان عثمانی بتازد. سپاهیان اسپانیولی در تونس قبلاً لشگریان بارباروسا فرماندار الجزایر را شکست داده بودند، به‌طوری که ارتباط آن‌ها با قسطنطنیه قطع شده بود.

ناوگان دریایی اسپانیا و کشتی‌های متعلق به ایالت جنوا (Genoa) ایتالیا در ماه آوریل متفقاً به سوی بارباروسا حرکت کردند.

شارل هم با دو نفر از فرماندهان به نام‌های آندره‌آ دوریا (Andrea Doria) و مارکی‌دل واسکو (marquis del Vasco) همراه سپاهیان به قصد بارباروسا رهسپار شدند. در اینجا تعداد ۲۲ هزار نفر سپاهی آلمانی و ایتالیایی و چندین فروند کشتی جنگی به آن‌ها ملحق شدند.

لشگریان شارل به مجرد ورود به بندر لاگولتا با توپ‌خانه و سپاه سوار به دشمن حمله کردند و بخش اعظم طلایه نیروی دشمن نابود شدند.

سپاهیان بارباروسا که ترجیح داده بودند در پشت حصار شهر به دفاع بپردازند، پس از مدّتی بر اثر کمبود آب و غذا دروازه‌های شهر را گشودند و بدین ترتیب شهر به دست دشمن افتاد. سایر متحدین برای ورود به شهر عجله نداشتند، چون در بین سربازان بیماری دیسانتری (اسهال خونی) بروز کرد. بارباروسا حساب اسلحه آتشین را نکرده بود که تقریباً هر سربازی تفنگ دارد و آن‌ها پنج ساعت پیش از آن‌که سواران به شهر وارد شوند، حصار شهر را خراب کرده بودند. بدین ترتیب شهر تونس به آسانی تسخیر شد.

مردم ناراضی پادشاه کهنسال آفریقایی را به تبعید فرستادند. (آفریقای غربی، ۱۵۳۶):

نارضایتی و عصیان هر لحظه در گائو (Gao) بیشتر می‌شود، پایتخت امپراتوری وسیع سونگایی (Songhai) بر اثر ستمگری آسکیا بانکوری (Askia Bankouri)، پادشاه در آتش التهاب می‌سوزد.

در سه سال پیش، مردم موسی، سلطان پیشین این کشور را در یک شورش عمومی که برای نجات کشور از مظالم او برپا شده بود، به قتل رساندند.

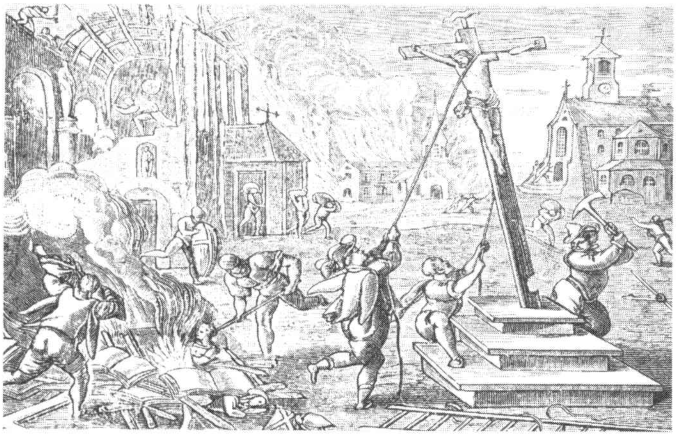
در سال ۱۵۲۸ موسی پدر ناتوان و علیل و تقریباً کور خود را که بنیان‌گذار سلسله اسکیا در سال ۱۴۹۳ بود و اسکیا محمّد نام داشت، تبعید و خود قدرت را در دست گرفت.

در زمان پادشاهی اسکیا محمّد کشور در صلح و صفا و امنیت بود و سرزمین سونگایی از نظر تجارت و فرهنگ و ادب اسلامی، دوره‌ی درخشانی بود، در حالی‌که سلف وی علی که پیرو مذهب سنت بود، آدمی سست عنصر و اهمال کار بود، لیکن پسرش محمّد هنگامی‌که به پادشاهی رسید، سیاست عاقلانه‌یی در پیش گرفت و کشور را به جاده‌ی ترقّی رهنمون شد.

پس از این‌که محمّد تبعید شد، افسردگی و بیماری او تشدید شد و از این‌که اوقات عمرش به بیهودگی کشانده شده بود، مهموم و افسرده گشت، چون او شخصاً آدم فعّال و پرکاری بود. سرانجام موسی (Musa) هم مقام و منصب خود را از دست داد، زیرا برادرزاده‌ی محمد سخت از عمل موسی خشمناک شده، بود مردم را علیه او به قیام واداشت و سرانجام موسی را به جزیره‌یی نزدیک رودخانه‌ی نیجر تبعید کرد. این واکنشی بود به عمل موسی که برادران و خانواده‌ی



کریستینا Christina، ملکه ی دانمارک، اثر هولباینHolbein.



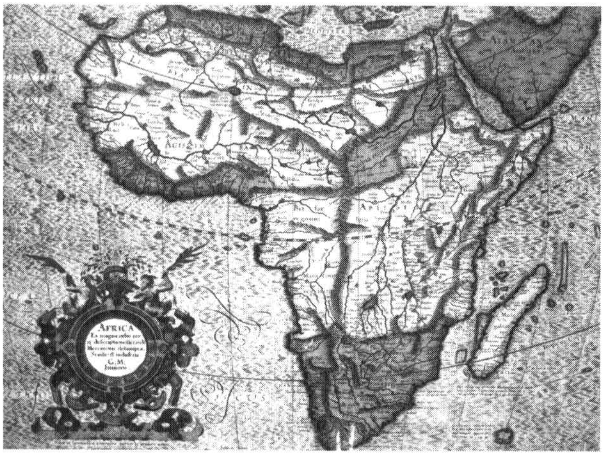
پروتستان های فرانسوی دستورهای پاپ در مورد مراسم مذهبی را پاره می کنند و کتابهای آن ها را به آتش کشیده اند.



هنری هشتم با آن بولین Anne Boleyn.



دید پیروان رابله Rabelai از پانتاگروئلPantagruel.



قاره ی افریقا در سده ی ۱۶، اقتباس از اطلس مرکاتور Mercator Atlas.

محمّد انتظار داشتند و با خلع او از سلطنت، امنیت و آسایش مردم سرزمین سونگایی تأمین شد.

شهری که مردان در آنجا چند زنه بودند، در اثر تنفّر جهانی سقوط کرد. (مونستر *(Munster)*، آلمان، اوّل ژوئیه ۱۵۳۵):

این شهر که در تمام شمال اروپا به‌عنوان آنا باپتیست (Anabaptist) (تعمیدی) شناخته شده بود و از نظر سیاسی دچار تلاطم گشته و از سویی نفرت شهرهای دیگر آلمان، هلند و سویس را برانگیخته بود، با شورش آناباپتیست‌ها که از دو سال پیش آغاز شده بود، سقوط کرد.

مونستر هفته‌ی پیش دروازه‌های خود را به روی شهروندان آلمانی گشود و از این نظر سلامت اجتماعی خود را بازیافت، زیرا مدّت یک هزار سال بود که در آنجا تعدد زوجات به‌صورت یک سنت امری رایج بود، لیکن با قیام مردم بر ضدّ این امر، سرانجام این روش ممنوع شد و آناباپتیست‌ها اعلام کردند، افرادی که بدین عمل ادامه دهند، کافر و غیرتعمیدی خواهند بود.

در همین هنگام، سران شهر لیدن (Leyden)، ژان (John) فرماندار شهر را دستگیر کردند، وی در ماه اوت گذشته از شغل مشاور شهر استعفا کرد و خود را پادشاه جدید صهیون (Newzion) خواند، وی این موضوع را در محلّ بازار مونستر که جایگاه اصلی خرید و فروش بود، اعلام کرد.

شهر لیدن از نظر امر تعدد زوجات سرآمد تمام شهرها به حساب می‌آمد و برخی از مردان حتا ۱۶ زن داشتند و ادعا می‌کردند که در تورات (عهد عتیق) تعدد زوجات و داشتن چند زن مباح و شرعی است.

یان ماتیس (Jan Matthys) که ۱۶ زن خود را طلاق داده بود با کمک ۲۰ نفر از سران شهر در سال گذشته سعی داشت که شهر را تسخیر کند، لیکن اهالی شهر آنان را به قتل رساندند. ماتیس ادعا می‌کرد که کسانی که از عقاید وی پیروی می‌کنند تعمید شده به حساب می‌آیند و این عمل سبب بطلان تعمید وی نخواهد شد.

او مردم شهر را دعوت کرد که در میدان بزرگ گرد آیند و در مورد این موضوع به بحث بپردازند که آیا داشتن چند زن سبب طرد مرد تعمید شده خواهد گشت و کافر محسوب می‌شود یا خیر؟

هفته‌ی پیش مردم برنارد روتمن (Bernard Rothmann) را در حین موعظه و سخنرانی به قتل رساندند.

سؤالی که در مورد کودکی که غسل تعمید داده شده مطرح است این‌که طفل با غسل تعمید از تمام گناهانی که در آینده انجام خواهد داد مبرّا خواهد شد و این عمل او را به راه رستگاری هدایت خواهد کرد. در دو سال پیش که اهالی متعصّب شهر، مشاور خود را بر کنار کردند و او را کافر شمردند، عملی صحیح بوده، و یا این‌که قیام مردم با این عمل ارتباطی نداشته است.

کارتیه با اکتشافاتی که در کانادا انجام داد به ثروت سرشاری دست یافت. (سن‌مالو *(St Malo)*، فرانسه، ششم ژوئیه ۱۵۳۶):

ژاک کارتیه (Jacques Cartier)، کاشف فرانسوی، پس از کشف یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های کانادا به اسم (رود سن لوران (St Lawrence)) در سفر دوّم خود به میهن بازگشت. او امیدوار بود که با کشف این رود، مسیر توسعه‌ی آمریکای شمالی را گشوده است. وی رئیس قبیله ایروکوا (Iroquios) به نام دوناکن‌نا (Donnaconna) و ده نفر دیگر از سران قبیله ایروکوا را در این سفر با خود برده بود.

وی امید آن داشت که راه آسیا را بیابد تا شاید مقداری طلا برای فرانسیس پادشاه فرانسه با خود به همراه ببرد، زیرا در سفر پیشین در سال ۱۵۳۴ که در رأس هیأتی انجام داد، توانست مقدار معتنابهی طلا جهت کشور خود ببرد.

او در این سفر اکتشافی ردّپای وراتزانو (Verrazzano) کاشف فلورانسی را تعقیب کرد.

کارتیه با سه فروند کشتی مسافرت خود را آغاز کرد و علاوه بر دونا کونا، دو پسر وی را نیز به همراه خود برد و با سرخ‌پوستان ساحل لابرادور (Labrador) طریق مدارا و دوستی پیش گرفت و خود را مصاحب

خوبی به آن‌ها معرفی کرد. در سال پیش که این سفر را شروع کرد، جمعی از جوانان سرخپوست محلی را، به‌عنوان بلد استخدام کرد. لیکن آن‌ها چون به بخش علیا (بالایی) رود رسیدند با زمستان بسیار سخت و سرمای شدید روبرو شدند، در ضمن سوخت کافی هم به همراه ند شتند.

هنگامی‌که کشتی‌های آن‌ها در یخ و برف رودخانه گیر کرد، تعدادی از مردان کارتیه در اثر سرمای شدید و در تاریکی محض به هلاکت رسیدند. آن‌ها تا رسیدن ماه مه نتوانستند به سوی کشور فرانسه عزیمت کنند.

رستگاری و یا منفور و دوزخی بودن انسان‌ها از بدو تولّد معین شده (بازل، سویس، ۱۵۳۶):

ژان کالون (John Calvin) یکی از مهم‌ترین و پیشروترین پروتستان‌ها و اصلاح‌طلبان دین مسیح، عقاید شخصی خود را درباره‌ی دین مسیح به‌صورت یک کتاب مقدّس به نام (بنیان دین مسیح) انتشار داد. وی این کتاب را در زمانی‌که در شهر استراسبورگ اقامت داشت با هدف رفع اختلاف بین فرقه‌های مختلف پروتستان و پایان درگیری‌های مذهبی به نگارش درآورد.

وی نظریات خود را در این کتاب بر دو پایه یا اصول مسلم قرار داد که خداوند، قادر مطلق و صاحب علم مطلق و دانش لایتناهی می‌باشد.

مارتین لوتر سلف کالون، که پیشرو معترضان دین مسیحیت بود، اصول پروتستانتیسم را برپایه انسان و گناهکاری و خلاف‌کاری‌های او قرار داد، در حالی‌که کالوین توجّه خود را بر خداوند و قدرت مطلقه و اقتدار بی‌پایان او منعطف ساخت.

کالوین اظهار می‌دارد که خداوند را که مظهر زیبایی است، باید ستایش کرد و از خشم و غضب او احتراز کرد و دنبال مناهی و کار زشت نباید رفت. در مورد گناه هم کالوین پیرو عقیده‌ی جبریون می‌باشد و معتقد است که آدم گناهکار این چنین آفریده شده، خداوند سرنوشت هر فردی را قبل از تولّد مقدّر فرموده و انتخاب این‌که فرد به بهشت و فردوس خواهد رفت از مشیات الهی است.

اسپانیا، ۱۵۷۹
خوان کراس به ریاست کالج بیزه (Beaza) در اندلس (Andalucia) منصوب شد.

هلند، ژانویه ۱۵۷۹
فدراسیون آراس (Arras) و فدراسیون اوترخت (Utrecht) به‌جای هلند معرفی شد و ایالات متحده شکل گرفت.

امریکای شمالی، ۱۷ ژوئن ۱۵۷۹
فرانسیس دریک دریانورد انگلیسی، در کالیفرنیا موفق به کشف خلیج کوچکی شد و آن را خلیج دریک نامید (خلیج سانفرانسیسکو) و اطراف آن را متعلق به ملکه الیزابت دانست. او این مناطق را سرزمین سفید نامید، زیرا دره‌های سفید این ناحیه او را به یاد تابستان‌های سرد انگلیس می‌انداخت.

فلوریدا، اوت ۱۵۷۹
پدرو منندز مارکوئیز (Pedro Menendez Marquez) فرماندار سن آگوستین، مورد حمله‌ی گروه‌هایی از قبایل کوزابو (Cusabo) قرار گرفت و در حدود چهل نفر از گروه فرانسوی نیکلاس استروزی (Nicolas Strozzi) به‌قتل رسیدند و بقیه‌ی آن‌ها هم به‌وسیله‌ی هندیان پراکنده شدند.

آلمان، ۲٤ اکتبر ۱۵۷۹
آلبرت پنجم دوک باواریا (Bavaria)، در شهر مونیخ (Nunich) فوت شد و ویلیام (پیوس) که از حامیان قدرتمند ژزوئیت‌ها بود، به جانشینی وی رسید.

پاریس، دسامبر ۱۵۷۹
گیلیوم دوبارتا (Cuillaume du Bartas) یک نجیب‌زاده که در خدمت شاه ناوار بود، برای اشعاری که اخیراً سروده بود، مورد تحسین قرار گرفت. وی هفته را به هفت روز تقسیم می‌کند که هر روز آن برای خلقت چیزی است، یعنی در هر روز هفته مخلوق جدیدی آفریده شده است. او قبلاً این اشعار را به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و اسپانیولی ترجمه کرده بود.

امریکای شمالی، ۱۵۷۹
برای نخستین‌بار در دنیای جدید و در روی کشتی هند زرین واقع در خلیج دریک، فرانسیس دریک (Francis Drake) رهبری پروتستان‌ها را در دست گرفت.

هندوستان، ۱۵۷۹
اکبر پادشاه مغول هند از هیأت ژزوئیت‌های پرتغالی در جزیره‌ی گوا (Goa) دعوت کرد که از دربار وی دیدن کنند.

مادرید، ۱۵۷۹
سالن تئاتر کراس در این شهر افتتاح شد.

رم، ۱۵۷۹
یک کالج انگلیسی برای تعلیم کشیش و راهب و مردمی که هنوز به کلیسای رم وفادارند، در این شهر افتتاح شد. در انگلیس سمیناری برای تحریم این کلیسا تشکیل شد.

ایرلند، ۱۵۷۹
اسپانیولی‌ها تلاش ناموفقی برای پیاده‌شدن در جزیره‌ی ایرلند (Ireland) انجام دادند. ناحیه‌ی اسقفی مونستر (Munster) علیه انگلیس و حاکمیت پروتستان‌ها شورش کردند.

استانبول، ۱۵۷۹
زوغلو وزیر اعظم عثمانی، که طرح بازپس‌گیری تونس و بیزرت را از اسپانیا اجرا کرده بود، وفات یافت. سلطان سلیم پادشاه عثمانی پیش از تصرف دوباره‌ی این مناطق به زوغلو بدگمان شده بود و فکر می‌کرد که او قصد دارد کنترل امپراتوری را در اختیار خود قرار دهد.

انگلیس، ۱۵۷۹
شرکتی به‌نام ایست‌لند (Eastland)، تجارت با منطقه‌ی بالتیک را در دست گرفت.

پرتغال، ۱۵۸۰
فیلیپ دوم پرتغال را ضمیمه‌ی اسپانیا کرد و بدین ترتیب شبه‌جزیره‌ی ایبری (Iberia) متحد گشت.

فرانسه، ۱۳ فوریه ۱۵۸۰
یک گروه از بورگرها (Burghers) به کاترین دومدیسی پیشنهاد کردند که شورش و آشوب دهقانان را سرکوب و رهبر شورشیان شهر رومیان (Romans) واقع در ایالت دوفین (Dauphine) را که به بهانه‌ی دریافت مالیات اضافی به این کار اقدام کرده‌اند، به‌قتل برساند.

پرتغال، دهم مه ۱۵۸۰
لوئیس دوکامئو (Luis de Cameos)، مؤلف کتاب «قهرمانان پرتغالی که به کشفیات مهمی در آن سوی دریاها دست زدند»، در شهر لیسبون (Lisbon) جان سپرد. وی ۱۷ سال از عمر خود را در هندوستان و خاور دور و افریقا سپری کرده بود.

هیچ کس به پارسایی و رستگاری دست نخواهد یافت مگر به فرمان او.

مقرراتی را که خداوند امر فرموده از ازل پا برجا بوده و کسی قادر نیست آن را شرح و تبیین کند. متفکران پیشین در این راه گام نهادند و در کار زشت انسان‌ها تفحّص کرده، لیکن راه به جایی نبردند.

از نظر کالوین انسان، موجود بی‌مقداری است که خلقت وی تحت اراده‌ی خالق است و با نافرمانی از بهشت عدن رانده شد و در پی هوس‌های خود رفت.

انسان قادر به تشخیص کامل اعمال نیک نیست، مگر این‌که به تقوا و پارسایی همّت گمارد و تنها راه نزدیکی به خداوند عبادت و پرستش اوست، لیکن اعمال وی خداوند را نمی‌فریبد مگر با خلوص نیت. تنها با پیروی از خداوند قادر مطلق است که انسان می‌تواند از زندگی بهره‌ی وافی نصیب خود کند.

انسان با فدا کردن زندگی خود به سوی بهشت برین نخواهد رفت، جز این‌که رضایت خداوندی را به سوی خود جلب کند و قلب و روح خود را پالایش دهد و در راه خوشنودی خداوند گام بردارد و تنها بدین طریق است که از پستی رهایی خواهد یافت.

تیتیان، نقّاش ایتالیایی، رهبر و سلطان نقاشان اروپا (ونیز، ۱۵۳۸):

تیتیان (Titian) در مقام نقّاشی بلندپایه در شهر ونیز رقیب ندارد، و در تمام ایتالیا تنها میکل‌آنجلو هماورد اوست.

او کمتر در ونیز اقامت داشته و بیشتر عمر خود را در منطقه‌ی اوربینو (Urbino)، جایی‌که تصویری تمام قد از ونوس برای دوک آن محلّ ترسیم کرد، سپری کرده است. تیتیان از ونوس تصویری رسم کرد که الهه زیبایی نیست، بلکه شمایل یکی از زنان درباری است که سگی در کنار وی خوابیده و کلفت او مشغول کشیدن پرده کتانی پنجره می‌باشد، این تصویر آن‌قدر زیباست که چشم را خیره می‌سازد.

وی هم‌چنین تابلویی برای دوک فرارا ترسیم کرد که الهه باکوس (Bacchus) و آریادنه (Ariadne) را با احساساتی شورانگیز نشان می‌دهد و در ضمن پلنگی در حال جهش در متن تابلو دیده می‌شود که نشانه‌ی اصالت و نجابت خانوادگی دوک است. او هم‌چنین تابلوهایی به تقاضای دوژ (Doges) (فرمانروا) ونیز و دوک مانتوآ (Mantua) و امپراتور ترسیم کرده است.

اراسموس (*Erasmus*) انسان اصیلی که در تبعید جان داد. (فرایبورگ (*Freiburg*)، آلمان، ۱۲ ژوئیه ۱۵۳۶):

دزیدریوس اراسموس (Desiderius Erasmus)، یکی از دانشمندان نادر دین مسیح که همان قدر علاقه به فرقه‌ی کاتولیک داشت که به مذهب پروتستان در سنّ ۶۹ سالگی در این شهر بدرود حیات گفت. اراسموس با افکار ارزنده‌ی خود به مسیحیت روح تازه‌یی دمید و فردی بود که سخت‌گیری‌ها و تعصب کلیسای رم را نمی‌پسندید و به تعلیم و تربیت و آموزش اعتقاد داشت که تنها روشنفکران می‌توانند در دین اظهارنظر کنند، وی یکی از طرفداران رنسانس بود. لیکن با قطع رابطه‌ی کامل با کلیسای رم مخالفت می‌ورزید. با این وصف، وی را به شهر پروتستان‌مذهب بازل سویس تبعید کردند که سال‌های درازی را در آن شهر به سر برد. او معتقد بود که انسان می‌تواند با اعمال نیک خود به رستگاری برسد و همواره باید برای آن انجیل را بخواند و در آن غور کند. یکی از کارهای برجسته‌ی وی ترجمه‌ی لاتین کتاب عهد جدید به زبان یونانی است که در سال ۱۵۱۷ با همیاری یکی از نقاشان مشهور به نام فروبن (Froben) آن را انتشار داد.

اراسموس در شهر روتردام (Rotterdam) به دنیا آمد و مسافرت‌های زیادی به سراسر اروپا کرد و مکاتباتی هم با اغلب دانشمندان پیرو عقیده‌ی اصالت انسانی به‌ویژه با ژان کوله (John Colet) و توماس مور (Thomas More) از دانشمندان انگلیسی و یکی از رهبران این فکر داشت. گرچه او سال‌ها در سلک راهبان و دانشمندان علوم دینی درآمد، لیکن در دانشگاه کمبریج (Cambridge) به تدریس زبان یونانی اشتغال داشت. برخی از نوشته‌های او از جمله (ستایش از حماقت و بلاهت) می‌رساند که او همزمان یکی از منتقدان اجتماعی و دینی می‌باشد.

المان، ۲۵ ژوئن ۱۵۸۰
طبق فرمول مورد توافق بین جان جورج (John George) نماینده‌ی انتخابی براندنبورگ (Brandenburg)، شخص پیروزمند ساکسونی و افسر کاخ‌های سلطنتی و ۲۰ نفر از شاهزادگان ۲۴ کنت‌نشین و ۳۸ شهر دیگر مقرر شد که همگان پای‌بندی خود را به اصول عقاید لوتر آلمانی اعلام نمایند.

فلوریدا، ۱۷ ژوئیه ۱۵۸۰
در حین بازجویی درباره‌ی نیکلاس استروزی که در محل دهانه‌ی رودخانه‌ی سن ژان (St John) به‌عمل آمد، وی اعتراف کرد که کشتی‌های جنگی فرانسوی تحت فرماندهی ژیلبرتو ژیل (Gilberto Gil) ضربات مهلکی به اسپانیولی‌ها وارد کردند و آن منطقه را ویران ساختند.

ایتالیا، ۱۹ اوت ۱۵۸۰
آندره‌آ دی‌پیترو (Andrea di Pietro) معمار ایتالیایی و معروف به پالادیو (Palladio)، درگذشت.

انگلیس، ۲۶ سپتامبر ۱۵۸۰
فرانسیس دریک در پایان سفر به دور دنیا به بندر پلیموت (Plymouth) وارد شد.

فرانسه، ۲۶ نوامبر ۱۵۸۰
پیمان فلیکس (Fleix) بین دوک آنژو (Anjou)، رهبر کاتولیک‌ها و هانری ناوار (Navarre) رهبر پروتستان‌ها به‌امضا رسید. با این پیمان صلح هفتمین جنگ مذهبی که در سال گذشته آغاز شده بود، پایان یافت و تعادل قوای قبلی بین دو گروه مذهبی بار دیگر برقرار شد.

لهستان، ۱۵۸۰
رهبر یهودیان لهستان با برپایی چهار اجلاس در چهار ایالت، به این کمیته‌ها رسمیت بخشید. در این پارلمان جدید یهودی که قرار است همه‌ساله تشکیل شود، نمایندگان در ملاقات با یک‌دیگر، امور جامعه‌ی یهود را بررسی خواهند کرد.

هندوستان، ۱۵۸۰
سه گروه فرقه‌ی ژزوئیت مسیحی با اکبر امپراتور هندوستان ملاقات کردند. این گروه‌ها با خود انجیل‌هایی به زبان‌های مختلف همراه داشتند که در شهر آنتورپ به‌چاپ رسیده بود. یکی از هنرمندان حکاک فلاندری که همراه هیأت بود، به اکبر پیشنهاد کرد که کاخ وی را با تزئینات روز هم‌آهنگ ساخته و بعضی از قسمت‌ها را نوسازی کند که دورنمای بسیار جالبی داشته باشد.

ایتالیا، ۱۵۸۰
تورکاتو تاسو (Torquato Tasso)، کتابی به‌نام «اورشلیم (Jerusalem)، پناهگاه یهودیان» انتشار داد که در واقع این شهر پناهگاه و ملجأ فکری و روحی یهودیان می‌باشد. گودفرای پادشاه بویون (Godfrey de Bouillon) که یکی از قهرمانان صلیبی است، می‌گوید تسخیر اورشلیم در حقیقت پیروزی نیکی بر شر و بدی و مظهر شیطان است.

لندن، ۱۵۸۱
شرکت لوانت (Levant) انحصار تجارت با کشورهای کرانه‌ی دریای مدیترانه را در دست گرفت.

آرژانتین، ۱۵۸۱
شهر بوینوس آیرس (Buenos Aires) که در سال گذشته به‌وسیله‌ی خوان دوگارای (Juan de Garay) در محل تقاطع رودخانه‌های پارنا (Parna) و اورگوئه (Uruguay) تأسیس شد، به‌نظر می‌رسد که یک شهر همیشگی است و بقای آن تضمین شده. اسپانیایی‌هایی که در سال ۱۵۳۶ آن‌جا را تبدیل به یک مستعمره کرده بودند، با یورش هندیان بساط‌شان توسط آن‌ها برچیده شد.

فرانسه، ۱۵۸۱
طبق رساله‌ی مونتاین (Montaigne) که در سال پیش انتشار یافت، بایستی در اصول تمام مذاهب شک کرد و نظریه‌ی شکاکیون در این مورد صادق است که می‌گویند پیروان هر مذهبی کورکورانه از بدو تولد عقاید آباء و اجدادی خود را بدون آنکه در آن بحث و استدلال کنند، پذیرفته‌اند.

امریکای شمالی، ۱۵۸۱
مساعی مردم انگلیسی‌زبان برای ایجاد مستعمره‌نشین در روآنوک (Roanoke) واقع در ویرجینیا (Virginia) با موفقیت همراه شد.

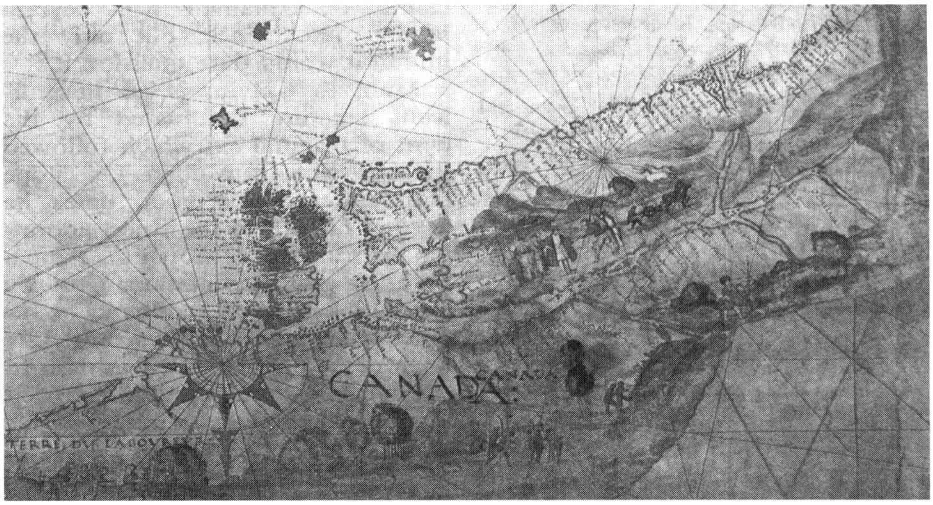
پرتغال، آوریل ۱۵۸۱
فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا که سپاهیان وی را در تابستان سال گذشته از کشور راندند، با مرگ کاردینال هانری (Cardinal Henry)، خود را پادشاه این کشور خواند.

پادشاه انگلیس با تصاحب اموال کلیسا به ثروت سرشاری دست یافت. (انگلستان، ۱۵۳۶):

پسر یک آبجوفروش که توسط هنری هشتم به یکی از وزارت‌خانه‌های کلیدی انگلیس رسیده بود، در رأس هیأتی به سراسر انگلیس سفر کرد تا از روابط نامشروع هنری از راهبان و راهبه‌ها و کشیشان سؤالاتی بکند، او که در واقع یکی از نوکران شاه محسوب می‌شد، لباس‌هایی فاخر می‌پوشید و در بستری از پر می‌خوابید و همواره مست بود. توماس کرامول که یک پروتستان مذهب محسوب می‌شد، آدمی هرزه و فاسد بود که مرتب به مقدّسات دین مسیح توهین می‌کرد و دستور می‌داد که اموال و دارایی کلیساها مصادر شده و به نفع هنری به فروش برسد.

کرامول با این عمل درصدد بود که هنری را به یکی از ثروتمندترین پادشاهان اروپایی مبدل کند. او با فروش دارایی‌های ۸۰۰ کلیسای انگلیس، سالی ۹۰ هزار پوند برای هنری درآمد کسب کرد و بیش‌تر این اموال و اثاثیه را به شاهزادگان و نجبای انگلیس فروخت. سندی در دست هست که مقدار زیادی از آن‌ها را به قصر شاه بردند و جزو اموال خصوصی وی درآمد.

با قطع درآمد کلیساها، تعداد زیادی از راهبان و راهبه‌ها و تارکان دنیا بیکار شدند و برخی از آن‌ها هم به دهات خود رفتند و در پی منبع درآمدی دیگر برای اعاشه زندگی خود پرداختند. گزارش‌های تأیید نشده حاکی است بعضی از کشیشان به کارهای طاقت‌فرسا پرداختند و عدّه‌یی هم از صدقات و خیرات مردم زندگی می‌گذراندند. برخی از کشیشان هم به مکان‌های زیارتی و مقدّس رفتند تا از محلّ نذر و برکات زائران در شمال کشور بهره‌مند شوند، عدّه‌یی برای رفع گناهان خود نذر می‌کردند که برای رسیدن به ثواب پولی برای تحریر انجیل به کشیشان بدهند و این هم یکی از منابع درآمد آن‌ها بود. در آن زمان کاتبان انجیل آن را بر روی پارشمن (Parchment) یا پوست که به‌صورت کاغذ درمی‌آوردند، می‌نوشتند و مردم آن‌ها را به‌عنوان بخش‌هایی از کتاب مقدّس می‌خواندند، لیکن با پیشرفت تکنولوژی، دیگر این نوع نوشته‌جات منسوخ شده است.



کارتیه Cartier و همراهان وی در ضمن کشف دهانه ی رود سن لوران St Lawrence، نقشه ی منطقه ی کانادا و وقایع آن را ترسیم کردند.



تصویر اراسموس، دانشمند الهیات و مغز متفکر مسیحیت، کار هانس هولباین Hans Holbein نقاش



تصویر کالون Calvin پروتستان مذهب در حال سخنرانی در مورد خداوند توانا.



پس از مصادره ی اموال کلیسا، کشیشان تنها توانستند اجناس بی ارزش را با خود ببرند.

هلند، ۲۶ ژوئیه ۱۵۸۱
اجلاس عمومی یا مجلس مشورتی (پارلمان) هاک (Hague)، فیلیپ دوم را از فرمانروایی در هفت استان هلند برطبق مفاد اجلاسیه‌ی اوترخت (Utrecht) در سال ۱۵۷۹ برکنار ساخت، نمایندگان این مجلس اعلام داشتند که برای استقلال حتی حاضر به جنگ هستند.
امریکای شمالی، ۲۱ اوت ۱۵۸۱
فرانسیسکو شاموسکادو (Francisco Chamuscado) که در رأس هیأتی به منطقه‌ی پوئبلو (Pueblo) در جنوب غربی امریکای شمالی رسیده بود، این ناحیه را جزو کشور اسپانیا تلقی کرد و نام آن را سان‌فلیپ دل‌نوو مکزیک (San Felipe del Nuevo Mexico) (مکزیک جدید فیلیپ مقدس) نهاد.
ژاپن، ۱۵۸۱
اودا نوبوناگا (Oda Nobunaga) به فرقه‌ی بودایی شینگون (Shingon) تحت سرپرستی مونت کویا (Mount Koya) حمله برد.
لندن، ۱۵۸۱
ادموند کامپیون (Edmund Campion) یکی از اعضای برجسته فرقه‌ی ژزوئیت انگلیسی دستگیر و اعدام شد. وی یکی از چهره‌های درخشانی بود که به مذهب کاتولیک و تخت و تاج شاهی در این کشور عقیده داشت، لیکن سرنوشت او به مرگ انجامید.
فرانسه، ۱۵۸۱
بازرگانان مناطق دی‌یپ (Dieppe)، سن مالو (St Malo) و روئن (Rouen) با سازماندهی یک اکیپ که کار آنها جمع‌آوری پوست خز بود، به منطقه‌ی رود سن لورنس (St Lawrence) در کانادا وارد شدند.
هلند، ۱۵۸۱
پس از آنکه سرزمین هلند تحت تابعیت ویلیام اورانژ درآمد، فرانسیس والوا (Francis Valois) برادر هانری سوم سعی کرد که شهر آنتورپ (Antwerp) را که مرکز تجمع کالوینیست‌ها بود، بار دیگر اشغال کند.
روسیه، فوریه ۱۵۸۱
قهرمانان حماسی روس در مقابل محاصره‌ی شهر پسکوف (Peskov) توسط اتحاد لهستان ـ لیتوانی (Polish Llithuanian) دست به مقاومت جانانه‌ای زدند.
رم، فوریه ۱۵۸۱
تاریخ وقوع ایستر (Easter) (عید پاک) که در ده سال گذشته بین پنج تا پانزده اکتبر در تقویم اعلام شده بود، برحسب تصمیم پاپ گریگوری (Gregory) سیزدهم به ۲۱ مارس که اول بهار و موسم اعتدال ربیعی و یکسان‌شدن شب و روز می‌باشد، تغییر کرد.
اقیانوس اطلس، ژوئیه ۱۵۸۲
فیلیپ استروزی (Philip Strozzi) که به عمه‌ی خود کاترین دومدیسی پیشنهاد کرده بود که نایب‌السلطنه‌ی برزیل (Brazil) شود، در جریان نبرد دریای آزور (Azores) به‌قتل رسید. وی از این طریق قصد داشت با حمایت دولت پرتغال علیه اسپانیا، این سرزمین را به زیر پرچم پرتغال درآورده و آنجا را ضمیمه‌ی آن کشور نماید.
روسیه، دهم اوت ۱۵۸۲
پس از ۲۵ سال نبرد، روسیه به صلح با لهستان دست یافت و توانست ناحیه‌ی لتونی (Livonia) در ساحل دریای بالتیک را که مورد ادعای او بود، به چنگ آورد.
اسپانیا، چهارم اکتبر ۱۵۸۲
ترزا آویلا (Teresa Avila) که در سال ۱۵۶۲ عقاید کرملی باستان را درباره‌ی قوانین یوشع پیامبر بنی اسرائیل تجدید کرد، دار فانی را وداع گفت.
روسیه، ۱۵۸۲
گروه عظیمی از سپاهیان قفقازی به فرماندهی یرماک تیموفیه‌ویچ (Yermak Timofeyevich) به سرزمین تاتارنشین واقع در سیبری (Siberia) یورش بردند و پایتخت آنجا را بنام کاشلیک (Kashlyk) تسخیر کردند.
چین، ۱۵۸۲
تسانگ ژوتسینگ (Zhang Juzheng) سیاستمدار چینی درگذشت. وی در ده سال گذشته به‌عنوان امپراتور سلسله‌ی مینگ (Ming)، کشور را با قاطعیت اداره کرد.

کاشفان به بردگی سرخ‌پوستان درمی‌آیند. (مکزیکوسیتی، ۱۵۳۶):

برخی آن را یک جریان شگفت‌انگیز و بعضی‌ها هم آن را دروغ می‌پندارند، در سال ۱۵۲۷ یک گروه اکتشافی به سرپرستی پانفیلودو نارواِئز (Panfilo de Narvaez) که قصد داشتند به جنگل‌های شمال مکزیک دست یابند به علّت گم کردن مسیر و گرسنگی و بیماری اسیر شده و توسط بومیان در حال نزار به بردگی کشانده می‌شوند.

کابه‌زا دو واکا (Cabeza de vaca)، یکی از سیاه‌پوستان مسلمانِ موسوم به استه‌وانیکو (Estevanico) و دو نفر از همراهان او از یک گروه ۸۰ نفری که بر اثر بیماری تسلیم آدم‌خواران شده بودند، می‌گریزند و پس از طی مسافتی طولانی، توسط سرخ‌پوستان دستگیر شده و به مدّت شش سال به باربری واداشته می‌شوند.

آن‌ها سرانجام از آن محلّ فرار کرده و خود را به‌عنوان شمن (Shamans) (پزشک قلابی) یا جادوگر جا می‌زنند و تعدادی از مرضای بیماران نومید و بیچاره را درمان می‌کنند و با بومیان صمیمی شده و مردم آنان را به‌عنوان بچّه‌های خورشید می‌خوانند.

آن‌ها در طی این مدّت، تمام سرزمین مکزیک را درمی‌نوردند و به‌ویژه در ساحل جنوبی مکزیک مدّت‌ها اقامت می‌کنند. آن‌ها سرزمین مکزیک را کشوری ثروتمند و یکی از زیباترین کشورهای دنیا می‌دانند.

از دید یک مورّخ، ایتالیا یک کشور منحصر به فرد می‌باشد. (فلورانس، ۱۵۳۶):

یکی از سیاستمداران پیشین ایتالیایی و مشاور پاپ کلمنت هفتم، کتابی تاریخی به نام رویدادهای کشور ایتالیا در زمان شارل هشتم تا سال ۱۵۲۶ را به رشته‌ی نگارش درآورده است.

فرانچسکو جوکاردینی (Francesco Giucciardini) که در سال ۱۴۸۳ در شهر فلورانس به دنیا آمده بود و بعدها به مقام فرمانداری شهر بولونیا منصوب شد، سه سال پیش از امور سیاست کناره‌گیری کرد. جوکاردینی طرفدار فلسفه‌ی خوش‌بینی نبود و انسانی ضعیف و ناتوان بود که قادر نبود از هرج و مرج

و بی‌نظمی جلوگیری کند و این حوادث برای او ناخوش آیند بود. او تنها از نیروی تفکر برخوردار بود و امید داشت که رویدادهای نابهنگام را با سیاست خنثی کند.

هرچند که جوکاردینی در دستگاه پاپ و مدیچی کار می‌کرد، با وجود این، شأن و ارزش شاهزادگان و پاپ را با سایر مردم برابر می‌دانست.

با این وصف، وی سرزمین ایتالیا را منحصر به فرد می‌دانست و معلوم نبود این نظرش بر چه استدلالی استوار است و مردم این کشور چه مزیتی بر سایر کشورها دارند، در حالی‌که سایر مورخان با مطالعاتی که انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که هر ایالت این کشور دارای ویژگی خاصی است و با هم مشابهتی ندارند، این مورخ عقیده دارد که همه‌ی مردم این سرزمین با هم شباهت دارند. جنگ و سیاست هیچ تفرقه بین آنان ایجاد نمی‌کند و به سادگی می‌توان به صمیمیت بین مناطق مختلف کشور پی برد.

اهالی شهر ژنو، کالون اصلاح طلب را تبعید کردند. (ژنو ژوئیه، ۱۵۳۸):

ژان کالون (John Calvin)، اصلاح‌گر مذهب پروتستان و ویلیام فارل (William Farel)، از شهر ژنو (Geneva) اخراج شدند. یکی از شهرهای سویس طی نامه‌یی که به فرمانداری ژنو نوشت، موافقت کرد که وی را برای اقامت در قلعه‌یی بپذیرد، با این وصف هنوز نتوانسته‌اند رضایت همه را به این امر جلب کنند.

فارل که از فن فصاحت و سخنوری بهره‌ی وافری دارد، در سال ۱۵۳۲ به این شهر آمد. در بدو ورود او، مخالفت کلیسا با وی آغاز شد و دستگاه پاپ وی را پروتستان مذهب و رافضی دانست و خواستار بیرون راندن او از شهر شد. در حالی‌که مردم در گروه‌های بی‌شمار برای استماع سخنان او جمع می‌شدند، اسقف‌ها مردم را از این کار برحذر می‌داشتند و به این اجتماعات حمله می‌کردند. در روز ۲۱ مه ۱۵۳۶، کالون و فارل به هم پیوستند و از تمام اهالی شهر خواستند که به سوگند خود برای انجام اصلاحات مذهبی پای‌بند باشند، و از تبعید و فشار بیزاری جویند. انجمن شهر اصلاحات پیشنهادی آن‌ها را نپذیرفت و هر دو نفر را به تبعید فرستاد.

در ساخت تالار شهر فلاندر، سبک جدیدی به کار برده شد. (فلاندر *(Flanders)*، ۱۵۳۷):

سبک معماری جدیدی با ترکیبی از نوآوری (Renaissance) ایتالیایی و شیوه‌ی سنتی گوتیک (gothic) توأم با دکوراسیون بسیار زیبا و تزئینات مجلّل و باشکوهی، تالار شهر فلاندر را بسیار خاطره‌انگیز می‌نمایاند. این ساختمان که متشکل از کاخ دادگستری در میشلن (Michelen) و بازار بورس و سهام و ارز شهر آنتورپ (Antwerp) و تالار شهر اوده‌نارد (Oudenaarde) می‌باشد در سال ۱۵۲۵ تکمیل شده است.

پیزارو دوست قدیمی خود را به طرز اسپانیولی در پرو خفه کرد. (کوزکو *(Cuzco)*، پرو، ۱۵۳۸):

فرانسیسکو پیزارو (Francisco Pizarro) فرماندار پرو، درخواست بخشایش دوست قدیمی و معاون فرماندهی نیروهای نظامی خود دیه‌گودو آلماگرو (Diego de Almagro) را که در آستانه‌ی ۶۳ سالگی قرار داشت، نپذیرفت و او را به روش اسپانیولی خفه کرد. آنان اغلب در دستورات فرماندهی با هم اختلاف داشتند و پیزارو چون فرماندار بود خود را برتر می‌دانست. آلماگرو هم چون خود را معاون فرماندهی می‌پنداشت با وی اختلاف داشت. وی اغلب فرمان‌هایش غیرواضح و برخلاف دستورات پیزارو بود. در همین سال‌های اخیر که شورشیان اینکا، ارتفاعات مشرف بر کوزکو پایتخت پرو را محاصره کرده بودند تنها برادران پیزارو دفاع از شهر را برعهده گرفتند. آلماگرو که برای به دست آوردن طلا به شیلی رفته بود، بدون نتیجه و دست خالی با قشونی که سراپا خشونت بودند و از سفر خود عایدی حاصل نکرده بودند به پرو بازگشتند و اقدام به کشتار یکدیگر کردند و سرانجام پیزارو، پیروز گشت.

شاعری که بنیانگزار جنبش سیک‌ها در هنر بود، فوت شد (پنجاب، هندوستان، ۱۵۳۹):

گورو نانک (Guru Nanak)، شاعر، صوفی و بنیانگزار مذهب و عقاید نوینی که ممزوجی از اسلام و مذهب هندو بود، درگذشت.

ژاپن، ۱۵۸۲
اودا نوبوناگا بانی اتحاد ژاپن و حاکم کشور، مورد هجوم آکه‌چی میتسوهاید (Akechi Mitsuhide) قرار گرفت و کشته شد. لیکن عاقبت این نبرد به سود وی تمام نشد و او هم مورد تعرض تویوتومی هایدیوشی (toyotomi Hideyoshi) قرار گرفت و کشته شد.

هندوستان، ۱۵۸۲
اکبر پادشاه هند سعی کرد که تمام ادیان بزرگ هند را با هم پیوند دهد.

ایتالیا، ۱۵۸۲
جوردانو برونو (Giordano Bruno) رساله‌یی با عنوان «عقایدی در سایه» درباره‌ی علم فلسفه به‌نگارش درآورد و روحی تازه به فلسفه‌ی نوافلاطونی (Neoplatonism) بخشید.

چین، ۱۵۸۲
ماتئو ریکی (Mateo Ricci) به جزیره‌ی ماکائو (Macao) وارد شد و به‌شدت در پی یادگرفتن زبان و آداب و رسوم چینی برآمد.

ژاپن، ۱۵۸۲
کشور ژاپن که اینک دارای ۱۵۰ هزار نفر پیرو دین مسیح می‌باشد، سفیری به واتیکان اعزام داشت.

هلند، ۱۵۸۲
آلکساندر فارنس (Alexander Farnese) که از سوی فیلیپ دوم به سمت فرماندار هلند تعیین شده بود، ناحیه‌ی اوده نارده (Odenaarde) را تسخیر کرد.

اسپانیا، ۱۵۸۲
فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا در سال ۱۵۷۶ با امضای پیمان مقدس در فرانسه موافقت کرده بود که دوک دوگوئیز را از نظر مالی در مقابل کالوینیست‌ها و دفاع از کاتولیک‌ها حمایت کند.

اروپا، ۱۵۸۲
ریچارد هاک‌لویت (Richard Hakluyt)، با انتشار کتابی به‌نام رویدادهای گوناگون سفر، می‌گوید کاشفان باید زبان انگلیسی را در دنیای جدید رواج دهند و خودشان با این زبان صحبت کنند.

استانبول، ۱۵۸۲
یک دانشگاه نظامی با مقررات و انضباط شدید جهت سربازان پیاده در این شهر با نام ینی‌چری (Janissaries) تأسیس شد. از ویژگی‌های این دانشگاه آن است که تنها مردان مجرد می‌توانند در آن‌جا به تحصیل علوم نظامی بپردازند.

انگلیس، ۱۵۸۲
رابرت براون (Robert Browne) تجزیه‌طلب و مخالف مراسم عبادات مذهب انگلیکان (Anglican) به سرزمین هلند گریخت.

هلند، ۱۵۸۳
هلندی‌های هفت ایالت متحده با تصرف دهانه‌ی رود شلدت (Scheldt)، محموله تمام کشتی‌ها را توقیف کرده و به شهر آنتورپ می‌فرستادند.

امریکای شمالی، پنجم اوت ۱۵۸۳
سر همفری گیلبرت (Si Humphrey Gilbert) نخستین اکتشاف خود در امریکای شمالی را جزو حقوق خود تلقی کرد و نیوفاوندلند (Newfoundland) را به‌نام ملکه الیزابت تصاحب نمود.

چین، ۱۵۸۳
استان یون‌نان (Yunnan) توسط برمه (Burmese) مورد تجاوز قرار گرفت.

اقیانوس اطلس، ۱۵۸۳
سر همفری گیلبرت پس از اعلام ضمیمه‌شدن نیوفاوندلند به انگلیس هنگام بازگشت کشتی‌اش در اثر توفان در هم شکسته شد و خود وی در دریا غرق گردید.

امریکای شمالی، ژوئیه ۱۵۸٤
ناوگان اعزامی انگلیس تحت سرپرستی والتر رالی (Walter Raleigh) در کرانه‌ی شمال شرقی امریکای شمالی لنگر انداخت و ادعا نمود که با طی مسافت ۱۸۰۰ مایل دریایی قدرت ناوگان انگلیس را به دنیا نشان داده و این عرصه را به‌نام ملکه باکره انگلیس، ویرجینیا (Virginia) نام‌گزاری کرد.

فرانسه، دهم اوت ۱۵۸٤
دوک آلنکسون (Alenconz) و آنژو (Anjou) برادر کوچک‌تر هانری سوم فوت نمود. با عدم پذیرش جانشینی توسط پرنس والوا (Valois)، هانری دوناوار (Navarre) دوک بوربون (Bourbon) و رهبر پروتستان‌ها به جانشینی و ولیعهدی برگزیده شد. در هر صورت هانری کاتولیک مذهب و دوک ناحیه‌ی گوئیز از مدعیان سلطنت فرانسه می‌باشد.

نانک در سال ۱۴۹۹ هنگامی‌که سی سال داشت، مدّت دو روز در عالم خلسه صوفیانه فرو رفت و سرانجام در حالت تفکر به آدی‌گرانت (Adi-Granth) رسید.

اصول دین سیک (Sikhs) یا آدی‌گرانت در عشق به پارسایی و ورع و ملحق شدن به دوستی و پرستش خداوندی، با تقدیم خیرات و برکات و سرانجام رسیدن به وصال معشوق یعنی پروردگار می‌باشد. پیروان این مسلک را سیک می‌گویند که بیشتر در پنجاب سکونت دارند و این منطقه محلّ مریدان نانک است.

گورو هنگام ظهور از نظر مریدانش، اظهار داشت که این مذهب نه اسلام حقیقی و نه هندوئیسم حقیقی است.

اختراع صنعت چاپ در اروپا تأثیر بسیاری به جا گذاشت (اروپا، ۱۵۳۹):

پس از پانزده سال که از فوت گوتنبرگ، مخترع دستگاه چاپ می‌گذرد، در همه‌ی کشورهای اروپایی دنیای مسیحیت از سوئد در شمال تا سیسیل در جنوب و از اسپانیا در غرب تا لهستان و مجارستان در شرق این قاره تکنولوژی چاپ گسترده شده است.

این تکنولوژی جدید به سرعت در تمام اروپا جای خود را باز کرد.

این تکنیک راه توسعه را از همه‌ی جهات باز کرد، چون در آن هم تکنیک و هم جنبه‌ی احساس وجود داشت. در ابتدا برای چاپ همان شیوه‌ی قدیمی را بکار می‌بردند و هیچ عمل جدیدی صورت نگرفت. لیکن به زودی راه‌های سهل‌تری جهت صنعت چاپ کشف شد و آن این‌که فلز را ذوب کرده و از آن حروف فلزی می‌ساختند که با قرار دادن این حروف در کنار هم جمله‌ی موردنظر شکل می‌گرفت. به تدریج روش قدیمی رمی که چاپ سنگی بود، منسوخ شد و روش سنتی گوتیک جای خود را به استفاده از فلز سرب بخشید. گوتنبرگ *(Gutenberg)* در ابتدا از یک جوهر روغنی که بر روی حروف پخش می‌شد، استفاده می‌کرد، لیکن این کار باعث می‌شد لکه‌هایی بر روی کاغذ بماند و حروف هم اغلب از کاغذ جدا نمی‌شد.

صنعت چاپ مرتباً در حال اصلاح و تغییر بود، تکنیک اوّلیه چاپی که گوتنبرگ اختراع کرده بود، تغییر کرد و برای این کار از مرکب بهتری که اثری اضافی بر روی کاغذ نگذارد، استفاده شد، در ضمن مرکب چاپ را به مقدار کمتری در چاپ استعمال کردند که تمام کاغذ را آلوده نکند. این کار سرعت بیشتری ایجاد کرد و از صفحات بزرگ استفاده شد.

بعداً عوامل دیگری که در کار چاپ دخالت داشت از بین رفت و بدین ترتیب شیوه‌های جدید تکنیکی به سرعت کار چاپ افزود.

پاپ با تأسیس انجمن مسیحیت موافقت نمود. (رم، ۲۷ سپتامبر ۱۵۴۰):

فرمان پاپ امروز درباره‌ی تشکیل انجمن‌های مسیحی و توصیه‌های او درباره‌ی مذهب به‌عنوان (انتشار عقاید جدید) صادر شد. این فرمان به دنبال اعلامیه‌ی پاریس در سال ۱۵۳۴ صادر شد، ایگناتیوس لویولا *(Ignatius Loyola)* یکی از افسران ارتش فرانسه که به سلک روحانیت درآمده بود، با شش نفر از همراهانش پیمان بسته بودند که از پاپ بخواهند آنان را با لباس روحانیت به نبرد عثمانی‌های کافر اعزام دارد. مندرجات این اعلامیه نشان می‌داد که افراد روحانی ضرورت ندارد که شغل خود را ترک کنند، بلکه آن‌ها می‌توانند به جنگ بروند و در ضمن اعمال مذهبی خود را در کمال سادگی و آرامش به جا بیاورند. نذر و پیمانی که لویولا با پاپ بست، اطاعت و پیروی او را از پاپ به‌عنوان رهبر اثبات می‌کند و پاپ را واداشت که در اجلاس عمومی این اعلامیه را به تصویب برساند: که لازم نیست مؤمنان برای انجام امور مذهبی حتماً به کلیسا بیایند، بلکه می‌توانند عبادات مذهبی روزانه را برای پرورش روح در هر مکان ساکتی به انجام رسانند و مؤمنان خود را برای زندگی در سایه‌ی مسیحیت آماده خواهند ساخت.

گنجینه‌های راهبان توسط دربار مصادره و تطهیر می‌شود. (انگلستان، ۲۳ مارس ۱۵۴۰):

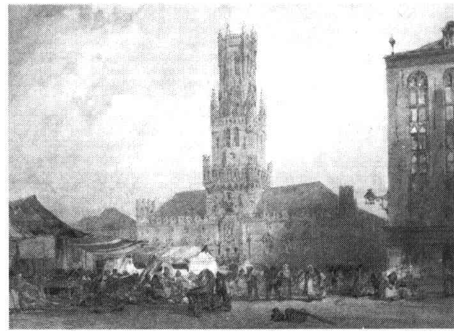
آخرین مکان‌های روحانی، هم‌چون کلیسای عظیم منطقه‌ی اسکس *(Essex)* که بر سر آن مدّت چهار سال بین دربار و کلیسا مناقشه ایجاد کرده بود، امروز توسط دربار مصادره و اموال آن به دربار ارسال شد، تاکنون اموال بیش از ۵۵۰ کلیسا به وسیله‌ی دربار توقیف شده و گنجینه‌هایی مثل ظروف زرّین و جواهر به تصاحب دربار درآمده است. در ابتدا ۳۷۰ کلیسای کوچک به وسیله‌ی دربار تصرّف شد که سالی ۳۲ هزار لیره برای هنری عایدی ایجاد کرد و در پی آن ۱۸۶ کلیسای بزرگتر با تمام دارایی آن‌ها به مالکیت سلطنت درآمد که سالی یکصد هزار لیره درآمد داشت، لیکن هنوز این پول‌ها تمام حرص و آز پادشاه را تکافو نمی‌کرد.

هنری برای حفاظت از این آثار، نگهبانانی گمارد و بقیه‌ی آن‌ها را برای فروش به حراج گذاشت. خانواده‌های ثروتمندان برای آن‌که از قافله عقب نیفتند، مقداری از اموال توقیف شده را خریدند. ویلیام کاوندیش *(William Cavendish)* که یکی از مالکان بزرگ محلی ناحیه‌ی ساسکس *(Sussex)* و قبلاً صاحب سه ملک اربابی در هرتفوردشایر *(Hertfordshire)* بود و ثروت بی‌شماری داشت، از هر جهت خوشبخت می‌نمود، او چند سالی در فکر این بود که مقام دوک منطقه را حائز شود. یکی از افراد مناسب که می‌توانست به او کمک کند، سر ریچارد ریچ *(Sir Richard Rich)* بود که خودش توانست ۵۹ پارچه زمین را از درآمد کشیشی و ۳۱ قطعه زمین زراعتی را از درآمد خلیفه‌گری کسب کند.

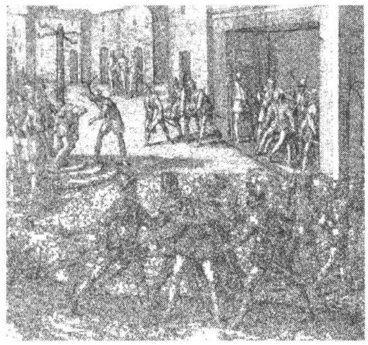
بعضی از این نوکیسه ها هم مدارسی تأسیس کردند. اکنون هنری هشتم پادشاه انگلیس، پس از فراغت از کار توقیف و مصادره‌ی اموال منقول کلیسا، در فکر آن است که با تصاحب زمین‌های متعلق به کلیسا پس از مشاجراتی که دربار رم برپا کرد، اضافه درآمدی از راه زمین‌های کشاورزی برای خود کسب کند، از سویی چون نفوذ کلیسا مانعی در جهت قدرت او به‌شمار می‌رفت، با از بین بردن ثروت کلیسا، این مانع را از پیش پای خود بردارد.

از طرفی، راهبان بزرگ و اسقفان، با از دست دادن تاج اسقفی، دیگر نمی‌توانند در مجلس لردان شرکت کنند.

پای مصنوعی به افرادی که دچار لنگی هستند، در راه رفتن کمک می‌نماید. (پاریس، ۱۵۳۹):



شهر بروژه Bruges با ساختمان های بلند و تالار باشکوه آن.



به دستور پیزارو Pizarro حکمران پرو Peru، دیه گو آلماگرو Diego de Almsgro را با طناب خفه کرده و سر او را قطع کردند.



فرمان پاپ پل سوم درباره ی ایگناتیوس لویولا Ignatius Loylo و پیدایش فرقه ی ژزوئیتJesuit.



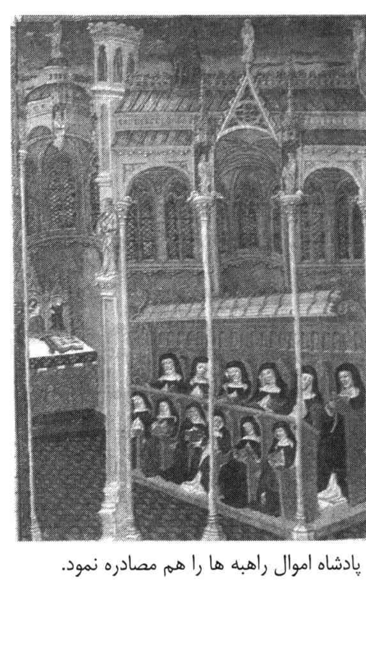
جلد کتاب انجیل به سبک رمی و گوتیک.



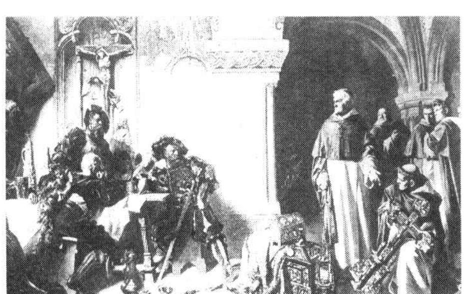
تصویر گورونانک Guru Nanak، بنیانگذار فرقه ی سیک، پس از سال ها گوشه نشینی.



نقشه ی قلمرو اینکا.



پادشاه اموال راهبه ها را هم مصادره نمود.



تمام اموال و گنجینه های کلیساها باید تسلیم هنری هشتم گردد.



دستگاه چاپ ساخت آلمان.

یک جراح ارتش فرانسه به نام آمبروآز پار *(Ambroise Pare)* برای کسانی که پای خود را در میدان جنگ و یا بر اثرحوادث دیگر از دست داده‌اند، با اختراع پای مصنوعی، امید آن‌ها را برای زندگی و راه رفتن برآورده ساخت. پار برای کسانی که دست و یا پای آن‌ها قطع شده، وسیله‌یی اختراع کرد که بتوانند راه رفتن و یا حرکت دست طبیعی را تا اندازه‌یی تقلید کرده و حرکاتی انجام دهند. وی در ابتدا تلاش کرد که نوعی پروتز برای این افراد تهیه کند که حرکات طبیعی را انجام دهند، لیکن هنوز نتوانسته این کار را به نحو صحیحی انجام دهد. برخی از دست‌های مصنوعی ساختِ پار، می‌توانند قلم به دست بگیرند و برخی انگشتان خود را حرکت دهند. پاهای مصنوعی ساخت وی می‌توانند چرخ را به حرکت درآورند.

پار پیش ازاین در میدان جنگ سربازانی را که مجروح شده بودند، درمان می‌کرد و از این طریق به شهرت رسید.

کاخ پادشاهان را به سبک ایتالیایی بنا می‌کنند. (فرانسه، انگلیس، ۱۵۴۰):

طراحی تازه‌یی که برای ساختن قصر پادشاهی فرانسه در فونتن بلو *(Fountainebleau)* در نظر گرفته شده، شور و هیجانات شدیدی در فرانسه ایجاد کرده و تمام نظرها را مجذوب کرده است.

قبلاً یکی از اشراف فرانسوی خانه‌یی دژمانند با این سبک برای دفاع از خانواده‌ی خود ساخته که بسیار زیبا و راحت است.

به فرمان فرانسیس، شاه فرانسه، که استیل ایتالیایی را ترجیح می‌دهد، یک قلعه‌ی قدیمی را طراحان فرانسوی تبدیل به چند قصر زیبا و باشکوه نمودند.

شاه که در زمان جنگ اخیر ایتالیا، ساختمان‌های ایتالیایی را دیده بود، سه نفر از معماران ایتالیایی را برای ساختن قصر فونتن بلو به فرانسه دعوت کرد. در همین اثنا، این معماران برای این‌که سبک معماری ایتالیایی را معرفی کنند، یک مدرسه در محلّ فونتن بلو بنا کردند و در نتیجه عقیده‌ی فرانسویان نسبت به این معماری تغییر کرد و تحت نفوذ این شیوه معماری قرار گرفتند.

در هر حال کاخ فونتن بلو در سال ۱۵۲۸ تکمیل شد و معماران ایتالیایی با بنای این کاخ مورد توجّه شدید سایر اروپاییان واقع شدند، به‌طوری که آثار زیادی در سراسر اروپا به‌وجود آوردند.

تجدید حیات و رنسانس فرهنگ و سبک ایتالیایی، جایگزین ساختمان‌های قدیمی با دیوارهای ضخیم و پنجره‌های کوچک و ارتفاع خیلی بلند شد و بیشتر به زیبایی و شکوه بنا توجّه شد و این شیوه در ساختمان‌ها و منازل اشرافی رعایت گردید.

در انگلستان هم این چنین روشی در قصر همپتون کورت *(Hampton Court)* طبق دستور کاردینال ولسی *(Cardinal Wolsey)* به کار برده شد که مورد استقبال هنری هشتم قرار گرفت، این کاخ در سال ۱۵۲۶ به پایان رسید و برخلاف نظر فرانسویان که همواره دژها را به‌عنوان پایگاه و برج دیده‌بانی استفاده می‌کردند، مورد استفاده‌ی نظامیان واقع نخواهد شد.

نام آمازون از زنان جنگجو اقتباس شده است. (آمریکای جنوبی، ۲۴ اوت ۱۵۴۲):

کشتی‌های جنگی اسپانیا طول بزرگ‌ترین رودخانه قاره‌ی آمریکا که از کوه‌های آند سرچشمه گرفته و به اقیانوس اطلس می‌ریزد را پیمودند. پس از این‌که گروه‌هایی از زنان وحشی کناره‌ی رود آمازون با تیر و کمان به این منطقه حمله‌ور شدند، این رودخانه‌ی عظیم را آمازون نام نهادند، آن‌ها از سرزمین خود که ساحل آمازون است دفاع می‌کردند.

در روز کریسمس ۱۵۳۹، ناوگانی مرکب از ۲۰۰ فروند کشتی بزرگ به فرماندهی گونزالو پیزارو *(Gonzalo Pizarro)* برای کشف سرزمین افسانه‌یی الدورادو *(El Dorado)* به آن سو حرکت کرد.

فرانسیسکودو اورلانا *(Francisco de Orellana)* یکی از مردان شجاع و باجسارت گروه، برای این‌که آگاهی زیادتری از رودخانه و سواحل آن کسب کند، یک قایق بزرگ ساخت و به همراه ۵۷ نفر از افراد اعزامی به تفحّص و کنکاش پرداخت، غافل از آن که با سرخ‌پوستان قوی‌هیکل و قایق‌های تندرو آنان روبرو خواهند شد. این سفر آن‌ها مدّت هشت ماه به دراز کشید و در برگشت پیزارو به سرچشمه و دهانه‌ی رود آمازون دست یافت.

بازرگانان برده، سراسر اقیانوس اطلس را می‌پیمایند. (لیسبون، ۱۵۴۲):

اکنون مدّت ۱۰۸ سال از زمانی‌که پرتغالی‌ها نخستین برده‌ها را برای فروش به لیسبون آورده بودند، می‌گذرد. از ده سال پیش، هر ساله تعداد ۸۰۰ نفر از سیاه‌پوستان آفریقایی را برای فروش به اروپا می‌آورند، و چون حرص و آز بازرگانان برده هر روز زیادتر می‌شود، آنان سیاه‌پوستان را بیشتر به جنوب آمریکا می‌برند، زیرا برای کشاورزی خوب، نیاز به کار بیشتری دارند، طالبان برده هم زیادتر می‌شوند.

ارزش یک برده سیاه‌پوست برابر یک چهارپاست و آن‌ها را با په‌کا *(Peca)* (واحد پول طلای پرتغال) می‌خرند. دو زن برده سیاه و یک بچّه ارزشی برابر یک مرد سیاه‌پوست دارد. در ده سال گذشته، بازرگانان برده، هر سال مبلغ پنج هزار سکه په‌کا تنها از سیاه‌پوستان کنگو درآمد دارند. تنها مانعی که بر سر راه داد و ستد و قاچاق برده وجود دارد، هیأت‌های مذهبی ژزوئیت *(Jesuit)* و فرانسیسکن *(Franciscan)* می‌باشند.

بحث‌هایی بر سر این موضوع در جریان است و عدّه‌یی عقیده دارند که روح فناناپذیر است و برده‌ها که چون حیوانات خرید و فروش می‌شوند، روح خود را از دست می‌دهند و انسان به حساب نمی‌آیند. آن‌ها با وجودی که روح دارند، مانند حیوانات زندگی می‌کنند و برده با چهارپا مساوی می‌باشد. اسپانیولی‌ها پیرو عقیده‌ی ارسطو هستند، چون او عقیده داشت انسان‌هایی که مشاغل پَست را انتخاب می‌کنند، سرشت و ضمیر آن‌ها با پستی عجین شده و این یک موضوع ارثی است و افراد طبقات پست از مادر با این وضع به دنیا می‌آیند.

پاپ قدم دیگری علیه پروتستان‌ها برداشت. (رم، ۲۱ ژوئیه ۱۵۴۲):

پاپ پل سوّم، امروز فرمان داد که دادگاه تفتیش عقاید رمی تشکیل شود. این دادگاه مرکب از شش کاردینال می‌باشد که توسط پاپ انتخاب می‌شوند و می‌توانند هر فرد مشکوک را زندانی نمایند و از اختیارات وسیعی برخوردارند، من‌جمله ضبط دارایی و اموال اشخاص و اعدام آن‌ها به‌هر جرم. یکی از

میلان، ۱۵۸٤
کاردینال کارلو برومئو (Carlo Borromeo)، سر اسقف اعظم شهر میلان و احیاکننده‌ی شیوه‌ی کاتولیک در شمال ایتالیا، درگذشت.

لهستان، ۱۵۸٤
یان کوچانوفسکی (Jan Kochanowski) شاعر و مترجم مزامیر تورات (بخش‌های تورات هر کدام مزمور نام دارد) در شهر لوبلین (Lublin) جان سپرد. وی مسافرت‌های زیادی به تمام اروپا کرد و با رهبران و نویسندگان مختلف از جمله پی‌یردو رونسار (Pierre de Ronsard) شاعر بلندپایه‌ی فرانسوی ملاقات کرد، از کارهای پر ارزش وی به‌کارگیری زبان بومی و ملی در اشعار سروده‌شده توسط او می‌باشد.

رم، ۲٤ آوریل ۱۵۸۵
فلیس پره‌تی (Felice Peretti) به‌دنبال مرگ پاپ گریگوری سیزدهم به این مقام برگزیده شد. او نام سیکستوس (Sixtus) پنجم را برای خود انتخاب کرد.

امریکای شمالی، ۱۳ ژوئیه ۱۵۸۵
یک گروه مرکب از ۱۰۸ نفر استعمارگر انگلیسی به سرپرستی سر ریچارد گرنویل (Richard Grenville) به جزیره‌ی روانوک (Roanoke) وارد شدند. این دومین هیأت اعزامی است که به‌وسیله‌ی والتر رالی (Walter Raleigh) سازماندهی شده و به امریکای شمالی اعزام می‌گردد، شخص رالی خود یکی از مبارزان شجاع و سرسخت انگلیسی در سال پیش بود.

هلند، ۱۷ اوت ۱۵۸۵
شهر آنتورپ سرانجام تسلیم آلکساندر فارنس دوک پارما (Parma) و فرماندار سرزمین هلند شد. فارنس اینک ایالات شمالی هلند از قبیل فلاندر (Flanders) و برابانت (Brabant) را به اطاعت و فرمانبری از اسپانیا وادار کرده و امنیت این مناطق را هم تأمین کرده است.

هلند، اوت ۱۵۸۵
انگلستان با هم‌یاری ایالات متحده‌ی هلند پیمان صلح با نونسوک (Nonsuch) را امضا کرد. رابرت دادلی(Robert Dudley) ارل ناحیه‌ی لی‌ستر (Leicester) سپاهیانی را به نمایندگی از سوی ملکه الیزابت برای کمک به هلندی‌ها در نبرد علیه اسپانیا به آن کشور فرستاد.

رم، نهم سپتامبر ۱۵۸۵
پاپ سیکستوس پنجم، هانری ناوار را از سلطنت فرانسه معزول ساخت.

هلند، اول نوامبر ۱۵۸۵
موریس ناسو (Maurice Nassau) فرزند ویلیام ارانژ به فرمانداری هلند، زیلند (Zeeland) و اوترخت (Utrecht) منصوب شد.

فرانسه، دسامبر ۱۵۸۵
پی‌یر دو رونسار (Pierre de Ronsard) شاعر فرانسوی، درگذشت. وی شاعری مردمی و شیفته‌ی اصلاحات در دربار فرانسه بود و با خودپرستی و نخوت و تکبر در تعارض بود و از اینکه اشعار کلاسیک خود را به زبان ملی می‌سرود، افتخار می‌کرد.

انگلستان، ۱۵۸۵
توماس تالیس (Thomas Tallis) آهنگ‌ساز انگلیسی، جهان را وداع گفت.

منطقه‌ی کارائیب، اول ژانویه ۱۵۸٦
فرانسیس دریک (Francis Drake) که در ماه سپتامبر قبل انگلیس را به عزم مسافرت تازه به امریکا ترک کرده بود، حمله‌ی شدیدی به ارتفاعات شهر سان‌دومینگو (San Domingo) در هیسپانیولا (Hispaniola) انجام داد و فرماندار آن منطقه را به پرداخت غرامت سنگین مجبور کرد.

امریکای جنوبی، فوریه ۱۵۸٦
دریک با حمله به شهر کارتاژنا (Cartagena) در سرزمین اصلی اسپانیا، آن‌جا را به تصرف درآورد، وی از طرف دریا، آن شهر را مورد هجوم قرار داده بود، وی شهر را به باد غارت داد و مبلغ ۱۱۰ هزار دوکات (سکه‌ی رایج اروپایی) غرامت جنگی دریافت کرد.

ویرجینیا، مه ۱۵۸٦
سپاهیان انگلیسی به فرماندهی رالف‌لین (Ralph Lane) به جزیره‌ی روانوک (Roanoke) حمله کردند و سردسته سرباران هندیان به‌نام وین‌جینا (Vingina) را کشتند.

کاردینال‌های بی‌رحم و خشونت‌طلب دادگاه انکیزیسیون *(Inquisition)* به نام کاردینال کارافا *(Caraffa)*، در نظر دارد که در مبارزه با پروتستان‌های میانه‌رو مانند طرفداران لوتر و کالوینیست‌ها نباید با ملایمت رفتار کرد و بایستی کار را یکسره کرد.

طبق عقاید کارافا، تمام پیروان کالون به نوعی در دین مسیح خدشه وارد آورده‌اند و باید آخرین حربه را علیه آن‌ها به کار برد. در سده‌ی گذشته که هزاران یهودی را در اسپانیا کشتند، ترس شدیدی بر محیط اسپانیا مستولی شد. در این قرن هم لبه‌ی تیز شمشیر کلیسای رم رو به‌سوی پروتستان‌هاست و افرادی که در مقابل عقاید و دستورات و قدرت کلیسا مقاومت کنند سرنوشتی جز مرگ نخواهند داشت.

سلطان پزشکان، اقدام به ربودن اجساد می‌کرد. (بازل، سویس، ۱۵۴۳):

برای آموزش علم پزشکی، امروزه به تشریح بدن انسان نیاز هست و با دیدن و تشریح بدن، انسان به سرعت و به‌طور واضح و روشن، از اعضای درونی و بیرونی بدن آگاه می‌شود. یکی از پیشروان و مبتکران علم آناتومی (تشریح)، دکتر آندره‌آس وسالیوس *(Andreas Vesalius)*، طبیب شارل پنجم می‌باشد که در این راه زحمات زیادی کشید و تعداد زیادی از اجساد را کالبدشکافی نمود. وی برخی اجساد را پس از دفن، از گور بیرون می‌آورد و عدّه‌یی را هم که محکوم به اعدام می‌شدند، پس از مرگ‌شان کالبدشکافی می‌کرد و بدین ترتیب به آموزش علم تشریح و ساختمان بدن انسان کمک شایانی کرد.

از کتاب‌هایی که سابقاً برای آموزش این علم استفاده می‌شد، بیشتر تجربیات اطبای یونانی هم‌چون جالینوس بود که اغلب تئوری و نظری می‌باشد، شاید آموزش برپایه‌ی تحقیقات جدید حاوی ۲۰۰ اشتباه باشد، لیکن طریقه‌ی کالبدشکافی انسانی که وسالیوس مبدع آن بود، از اشتباهات کمتری برخوردار می‌باشد، لیکن انجام این عمل قانونی نبوده و همواره تشریح‌کننده مواجه با خطراتی است و عموم مردم آن را نمی‌پسندند.

شاه سلیمان،سلطان عثمانی، خود را خلیفه‌ی مسلمین خواند. (قسطنطنیه، ۱۵۴۳):

با مرگ آخرین خلیفه‌ی عباسی (المستعصم بالله)، سلطان سلیمان خود را به‌عنوان خلیفه‌ی مسلمین و جانشین پیامبر اسلام خواند، خلیفه مقتدرترین و بانفوذترین سلاطین مسلمانان به‌شمار می‌رود، در ضمن سلطان عثمانی مقام شریف مکه را نیز دارد و به‌طور مستقیم جانشین پیامبر می‌باشد و دستورات خداوند را به مسلمانان ابلاغ می‌کند. سلیمان خود را سایه‌ی خداوند می‌داند و انجمن‌ها و جماعات اسلامی را قبول ندارد. شریف مکه صاحب کلیه‌ی برکات و نذرهای مسلمانان است و از برکات الهی برخوردار می‌باشد و امور حجاج بر عهده‌ی اوست. او بر تمام پادشاهان مسلمان ارجحیت و برترین مقام را در بین مسلمانان دارد و جانشین خداوند بر روی زمین است، دستورات و فرمان‌های وی بلامنازع و قابل اجرا می‌باشد و سرآمد کلیه‌ی شاهان مسلمان است.

دشمنان قدیمی با بستن پیمان محرمانه به هم نزدیک می‌شوند. (کرسپی، فرانسه، ۱۹ سپتامبر ۱۵۴۴):

دهکده‌ی کوچک کرسپی *(Crespy)* امروز شاهد امضا کردن پیمان صلح بین دو دشمن قدیمی و زورمند بود. شارل پنجم امپراتور و فرانسیس پادشاه فرانسه، دو طرف امضاکننده بودند که با انعقاد این پیمان به دشمنی‌ها پایان بخشیدند. آن‌ها مدّت ۲۰ سال در نبرد بودند، ولیکن فرانسیس موافقت کرد که علیه سلطان عثمانی با امپراتور دست دوستی بدهد.

یکی از عواملی که منجر به امضای این موافقت‌نامه شد، این بود که قرار شد پسر فرانسیس با یکی از دخترهای شارل، ماری *(Mary)* یا آن *(Anne)*، که در ضمن مادر آن‌ها دختر فردیناند پادشاه بوهم می‌باشد، ازدواج کند. جهیزیه‌ی عروس در درجه‌ی اوّل، مالکیت کشور هلند و در درجه‌ی دوّم شهر میلان می‌باشد.

عامل دیگری که در امضای این پیمان مؤثر بود، این‌که فرانسیس، شارل امپراتور را وادار کند که پروتستان‌های آلمانی را به قبول فرقه‌ی کاتولیک فراخواند و اصلاحات کلیسا را هم انجام دهد و از این نظر فرانسیس پذیرفت که برای تقویت نظامی آلمان نیرو بفرستد.

فلوریدا، هفتم ژوئن ۱۵۸۶
دریک (Drake) شهر اسپانیولی سان‌آگوستین (San Agostin) را به آتش کشید.
ویرجینیا، ۱۸ ژوئن ۱۵۸۶
فرانسیس دریک جزیره‌ی روآنوک را به عزم سفر به انگلیس ترک کرد. او کشتی‌های جنگی رالف‌لین و بقیه‌ی سربازان را در محل برای جلوگیری از هجوم دشمنان باقی گذاشت.
ویرجینیا، اوت ۱۵۸۶
سر ریچارد گرنویل (Richard Grenville) با ۲۰ نفر از دریانوردان، جزیره‌ی روانوک را ترک گفت.
ژاپن، ۱۵۸۶
تویوتومی هایدیوشی (Toyotomi Hideyoshi) ملقب به کامپاکو (Kampaku) (دیکتاتور مطلق) گردید و مالیات سنگینی را به طرفداران اودا نوبوناگا مظهر اتحاد ژاپن تحمیل کرد.
اسپانیا، ۱۵۸۶
ال گره‌کو (El Greco) نقاش اسپانیولی، ترئینات و نقاشی‌های مقبره‌ی کنت اورگاز (Count of Orgaz) در کلیسای سانتوتام (Santo Tome) واقع در شهر تولدو (Toledo) را به‌انجام رسانید. او شیفته و بی‌قرار نقاشی‌های درام و رنگ‌های تند بود و به همین سبک هم شهرت پیدا کرد.
هندوستان، ۱۵۸۶
اکبر امپراتور هندوستان، منطقه‌ی کشمیر (Kashmir) را ضمیمه‌ی هندوستان کرد.
فلوریدا، ۱۵۸۷
سپاهیان اسپانیولی شهر سانتا الهنا (Santa Elena) واقع در شمال فلوریدا را تخلیه کردند.
انگلیس، هشتم فوریه ۱۵۸۷
ماری ملکه‌ی اسکاتلند را به جرم شرکت در توطئه‌ی بابینگتون (Babington) در شهر فورترینگه (Fotheringhay) اعدام کردند. سرپرستی این توطئه را آنتونی بابینگتون (Anthony Babington) و پنج نفر از همراهانش برعهده داشتند که سال پیش به هلاکت رسیدند. برطبق این نقشه قرار بود ملکه الیزابت را به‌قتل برسانند و ماری ملکه‌ی اسکاتلند را از زندان آزاد کرده و کاتولیک‌های کشور انگلیس با همکاری و همگامی سپاهیان اسپانیولی به انگلیس حمله‌ور شوند.
اسپانیا، آوریل ۱۵۸۷
فرانسیس دریک به شهر کادیز (Cadiz) یورش برده و آن‌جا را غارت کرد و هم‌چنین کرانه‌ی آن کشور را تخریب و ناوگان جنگی آن را از بین برد. این حادثه به سوختن ریش پادشاه اسپانیا مشهور شد.
ویرجینیا، ۱۸ اوت ۱۵۸۷
اولین نوزاد انگلیسی در دنیای جدید زاده شد. این دختر که پدرش آنانیاس (Ananias) و مادرش الینوردیر (Ellinor Dare) نام داشتند، به اسم ویرجینیا نامگذاری شد، چون الیزابت ملکه‌ی انگلیس باکره بود و استعمار انگلیس هم جان تازه‌یی گرفت.
لهستان، ۱۹ اوت ۱۵۸۷
با مرگ ناگهانی استفن باتوری (Stephen Bathory) در اواخر سال پیش، سیگیسموند (Sigismund) پسر او به‌نام یوهان (Johann) پادشاه سوئد به‌عنوان سر دادرس لهستان انتخاب شد.
ویرجینیا، ۲۷ اوت ۱۵۸۷
با وجودی‌که جان وایت (John White) به همراهی ۱۷۷ نفر از دریانوردان استعماری در تاریخ ۲۲ ژوئیه اروپا را به قصد سفر ترک کرد، در این تاریخ به روانوک (Roanoke) رسید. با پیاده‌شدن گروه وایت در روانوک، آنان اثری از مجتمع ریچارد گرن ویل (Richard Grenville) که به‌دنبال آن بودند، مشاهده نشد.
انگلیس، اوت ۱۵۸۷
رابرت دادلی (Robert Dudley)، ارل لی‌ستر (Leicester)، پس از شکست سپاهیانش که برای کمک به هلندی‌ها برای ایجاد آشوب علیه اسپانیا به آن کشور رفته بودند، به انگلیس بازگشت.
فرانسه، ۲۰ اکتبر ۱۵۸۷
در جریان هشتمین نبرد مذهبی که از دو سال پیش آغاز شده، هانری ناوار (Henry Navarre)، نیروهای کاتولیک به فرماندهی دوک ناحیه‌ی ژوئیز (Joyeuse) را در کوترا (Coutras) شکست داد. این آخرین منازعه‌ی کاتولیک‌ها و هوگونوت‌ها به‌نام نبرد سه هانری موسوم شد، چون بین هانری گوئیز، هانری سوم پادشاه فرانسه و هانری ناوار برپا شده بود.

این بخش از پیمان محرمانه ماند و به خارج درز نکرد.

کره‌ی زمین مرکز عالم کائنات نیست. (پروس شرقی، ۲۴ مه ۱۵۴۳):

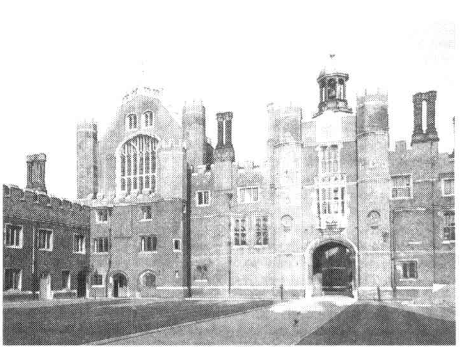
امروز کتابی از یک مؤلف گمنام انتشار یافت. این کتاب که توسط نیکلاس کوپرنیک *(Nicolaus Copernicus)* تألیف شده، نظریاتش کاملاً برخلاف عقیده‌ی عمومی است که زمین مرکز کائنات است و تنها کره‌یی است که موجودات بر روی آن زندگی می‌کنند. طبق عقیده‌ی قدیمی، خداوند آسمان و ماه و زمین و خورشید را در شش مرحله یا روز آفرید.

طبق نظریه‌ی کوپرنیک، خورشید در مرکز عالم قرار دارد و سیارات به دور آن گردش می‌کنند. مطابق عقیده‌ی بطلمیوس*(Ptolemy)* که در دو سده‌ی پیش از میلاد می‌زیست، کره‌ی زمین مرکز کیهان بود، لیکن کوپرنیک مدعی است که زمین مرکز کائنات نیست و به دور خورشید در گردش است. باز هم کوپرنیک می‌گوید سیارات و خورشید به دور زمین گردش نمی‌کنند، بلکه زمین هم نظیر سیارات دیگر، به دور خورشید می‌چرخد. در حقیقت کره‌ی خورشید هم مرکز کیهان نیست و خورشید فاصله‌ی بعیدی از زمین دارد، امّا این تئوری بر این پایه وضع شد و منجّمان و کوپرنیک به اجبار خورشید را مرکز کیهان فرض کردند، که با این فرضیه نظریه‌ی بطلمیوس و ارسطو*(Aristole)* را باطل اعلام کنند. آن‌ها اظهار می‌داشتند اگر زمین مرکز عالم نباشد، هیچ کره‌ی دیگری هم مرکز و کانون نیست و هیچ ستاره‌ی دیگر هم‌چون زمین وجود ندارد که قابل زندگی باشد.

اگر ما با دید روشنی به این موضوع نگاه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که ستارگان روشن‌تری در آسمان وجود دارند و زمین ما نسبت به آن‌ها خیلی کوچک‌تر است.

به‌علاوه، نظریه‌ی کوپرنیک می‌گوید که کائنات و کیهان خیلی وسیع‌تر و بزرگ‌تر از آن است که فکر بشری به آن برسد.

اگر مدار گردش زمین را به دور خورشید حساب کنیم، پی خواهیم برد که نسبت به مدار گردش ستارگان دیگر خیلی کوچک‌تر می‌باشد و مدّت این سیر و گردش بسیار کمتر از آن‌هاست.



برج و باروی قصر همپتون Hampton Court نزدیک شهر لندن با تزیینات آن.



آندره آ و سالیوس Andreas Vesalius ، دانشمند علم تشریح.



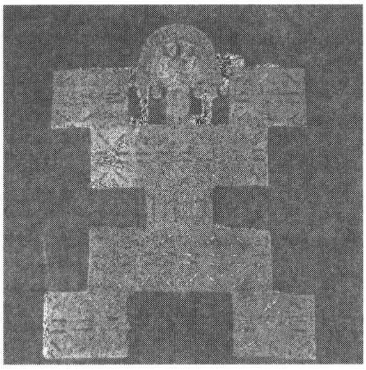
با ساخته شدن سالن فونتن بلو Fontainebleau، دیگر نیازی به استحکامات نیست.



نیکلاس کوپرنیک Nicolaus Copernicus، ستاره شناس.



آخرین روزهای اقتدار پاپ پل سوم با برادرزاده اش.



صلیب طلا کار مردمان تولیما Tolima مربوط به سال های ۵۰۰ تا ۱۵۰۰.



خلیفه ی جدید عثمانی، سلیمان.



گوبلن بافت شهر بروکسل که در متن آن تصویر چند راس سگ و حیوانات درنده در یک باغ عجیب و غریب به چشم می خورد. بافت این گوبلن یک شاهکار هنری به شمار می رود.



فرانچسکو ماریا ماتزوئولا Francesco Maria Mazzuola در لباس شیک ایتالیایی از حریر با تور اطراف یقه و آستین و جواهرات گران بها، دستکش و شال پوست خز. نقاشی از آنته آ لابلا Antea La Bella.

اگر ما ستارگان را با چشم غیرمسلّح ساکن و ثابت درمی‌یابیم، علّت آن فاصله‌ی بسیار زیادی است که آن‌ها با ما دارند و از این فاصله‌ی دور، ستاره را ثابت مشاهده می‌کنیم.

برخی می‌گویند کائنات فضایی لایتناهی است و گردش ستارگان تا بی‌نهایت ادامه دارد. تأثیر دیگر این نظریه آن بود که دید اخترشناسان را تغییر داد که ستارگان اجسامی بدون وزن هستند. طبق نظریه‌ی ارسطوئیان، علّت این‌که اجسام دیگر آسمانی به زمین سقوط می‌کنند، آن است که زمین کانون عالم است. در حالی‌که نظریه‌ی کوپرنیک برخلاف طرفداران ارسطو می‌باشد و می‌گوید این نیروی جاذبه است که توپ یا برگ درختان را به زمین برمی‌گرداند و در فضا معلق نمی‌مانند.

ژاپن برای نخستین بار به سلاح آتشین مجهّز می‌شود. (ژاپن، ۱۵۴۳):

نوعی سلاح آتشین به ژاپن رسید. این حادثه بدین ترتیب آغاز شد که کشتی‌های اروپائیان هنگامی‌که به جزیره ژاپن رسیدند و در ساحل این سرزمین لنگر انداختند، با خود تفنگ‌هایی آورده بودند، آن‌ها این سلاح را به حضور توکی‌تاکا(*Tokitaka*)، یکی از مالکان بزرگ منطقه‌ی تانگاشیما(*Tanegashima*) بردند و او در عوض به آن‌ها سکه‌های طلا داد.

توکی‌تاکا تفنگ را به نزد یاتسوئیتا (*Yatsuita*) شمشیرساز فرستاد و سفارش کرد که از این اسلحه تعدادی برای او بسازد. دختر یاتسوئیتا هم آن را پیش یک اسلحه‌ساز پرتغالی برد که با تکنیک ساخت آن آشنا بود و بدین ترتیب تعداد زیادی تفنگ تهیه شد.

دزدان دریایی عثمانی، شهر نیس را تسخیر و غارت کردند. (نیس، فرانسه، ۱۵۴۳):

ناوگانی از کشتی‌های بارباروسا شهر نیس(*Nice*) را تصرّف و دستخوش غارت کردند. نیس که در حقیقت دروازه‌ی سرزمین ایتالیاست، توسط دزدان دریایی ترک دچار حریق گشت و آن‌ها مانع از خاموش کردن آتش شدند و باقی‌مانده‌ی شهر را مورد چپاول قرار داده، تخریب کردند و زنان و دختران شهر را مورد

فرانسه، ۲۴ اکتبر ۱۵۸۷
هانری گوئیز (Guise) با فشار بر نیروهای سویسی و آلمانی که سعی می‌کردند به قشون هانری ناوار بپیوندند، آن‌ها را به عقب‌نشینی از مناطق ویموری (Vimory) و اونو (Auneau) وادار کردند.

افریقای جنوب شرقی، ۱۵۸۷
دومین جنگ زیمبا (Zimba) با شورش مردم موزامبیک (Mozambique) و مالاوی (Malawi) که به‌سبب تجارت برده توسط پرتغالی‌ها در زامبزی (Zambezi) برپا شد، به‌پایان رسید.

ژاپن، ۱۵۸۷
شیمازو یوشی هیزا (Shimazu Yoshihisa) تسلیم تویوتومی هایدیوشی (Toyotomi Hideyoshi) گردید، چون هایدیوشی کنترل تمام جزیره‌ی کیوشو (Kyushu) را در دست داشت.

ایتالیا، ۱۵۸۷
دو مؤسسه‌ی بانکی یکی به‌نام بانکودی ریالتو (Banco di Rialto) در شهر ونیز (Venice) و دیگر به اسم تاولا (Tavola) در مسینا (Messina) گشایش یافت.

امریکای شمالی، ۱۵۸۷
جان دیویس (John Davis) دریانورد انگلیسی در شمال شرق امریکا موفق به کشف مسیر مستقیم اقیانوس اطلس به دریای بافین (Buffin) شد.

اسکاندیناوی، چهارم آوریل ۱۵۸۸
در پی مرگ فردریک دوم، فرزند یازده ساله‌ی او به پادشاهی دانمارک و نروژ رسید و هم‌چنین به‌عنوان دوک شلزویگ (Schleswig) هولشتاین (holstein) انتخاب شد.

ونیز، ۱۹ آوریل ۱۵۸۸
پائولو کالیاری (*Paolo Caliari*) نقاش ایتالیایی معروف به ورونز (*Veronese*)، جان سپرد. شهرت ورونز مدیون شاهکارهای نقاشی او نظیر عروسی در کانا (*Cana*) و ضیافت منزل لوی (*Levi*) می‌باشد، او هم‌چنین بسیاری از مطالب کتاب مقدس را به تصویر کشید. وی در اواخر گرفتار دادگاه تفتیش عقاید شد، لیکن او خود را به دیوانگی زد و از آن‌جا گریخت، مأموران مخفی دستگاه هم وی را شاعر دیوانه‌یی تصور کردند و او را بخشیدند.

پاریس، ۱۲ مه ۱۵۸۸
هانری سوم پادشاه فرانسه تحت فشار قرار گرفت تا برای استقبال از هانری گوئیز که پیروزمندانه به پاریس بازگشته به خارج شهر برود.

انگلیس، دهم سپتامبر ۱۵۸۸
توماس کاوندیش (Thomas Cavendish) که با کشتی در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۵۸۶ از بندر پورتسموث (Portsmouth) به قصد سفر دور دنیا انگلیس را ترک گفته بود، به وطن بازگشت. او سومین فردی است که دور کره زمین را پیموده است.

انگلیس، ۱۵ سپتامبر ۱۵۸۸
آرمادا (Armada) افسر اسپانیولی که با گروهی به پشتیبانی فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا به انگلیس هجوم برده بود، به‌وسیله‌ی سپاهیان انگلیسی به فرماندهی لرد هاوارد (Lord Howard) دوک افینگ‌هام (Effingham) به‌سختی شکست خورد.

ایران، اول اکتبر ۱۵۸۸
سلطان محمد پادشاه صفوی شخصی سست‌عنصر و ضعیف‌النفس بود و توسط رؤسای قبایل حریف احاطه شده بود، از این رو پسر ۱۷ ساله‌ی وی به‌نام عباس او را برکنار و خود زمام قدرت را در دست گرفت.

فرانسه، ۲۳ دسامبر ۱۵۸۸
هانری دوک گوئیز و برادرش کاردینال لوئی گوئیز به دستور هانری سوم پادشاه فرانسه به هلاکت رسیدند.

فرانسه، دسامبر ۱۵۸۸
هانری سوم با همکاری هانری ناوار، پیمان مقدس را از بین بردند.

ژاپن، ۱۵۸۸
در پی فرمانی که علیه مسیحیان در سال ۱۵۸۷ صادر شد، تعداد زیادی از مسیحیان از ناگازاکی (Nagazaki) اخراج شدند.

رم، ۱۵۸۸
اوضاع دربار پاپ تغییر کرد.

ونیز، ۱۵۸۸
تینتورتو (Tintoretto) نقاش ایتالیایی، نقاشی‌های دوران زندگانی سنت مارک که از زمان مدرسه‌رفتن او در سال ۱۵۶۴ آغاز کرده و شامل چندین تابلو بود، در این سال به‌پایان رساند.

بی‌عفتی قرار دادند. نیروهای نظامی عثمانی به علّت این‌که شهر تسلیم فرانسه شده و به تبعیت آن کشور درآمده و فرماندار شهر هم پیوستگی شهر را به فرانسه اعلام کرده، دستخوش نهب و غارت و ویرانی کردند. اکنون دولت فرانسه، دولت عثمانی را مقصر قلمداد می‌کند و عثمانی هم فرانسه را محکوم می‌نماید.

ائتلاف شهر نیس و فرانسه به آسانی بر ضدّ امپراتور شارل پنجم صورت نگرفت. شارل این ائتلاف را پیوستگی مرتدان و بی‌دینان اعلام کرد و با یکصد فروند کشتی بارباروسا به جنوب فرانسه حمله‌ور شد و به انجام اعمال نامردمی علیه مردم و فرانسیس پادشاه فرانسه پرداخت. فرمانده‌ی کشتی‌های جنگی شارل به شهر تولون(*Toulon*) حمله‌ور شد، و در همین حال نیروی دریایی عثمانی مردم شهر را قتل‌عام کردند و بقیه را هم سوار قایق‌های پاروئی کرده، به اسارت بردند که به‌عنوان برده به فروش برسانند.

از سوی دیگر، نیروهای ترک به دهات جنوب فرانسه یورش می‌بردند و روستائیان را برای پاروزنی قایق‌ها جایگزین پاروزنان خود که در اثر ابتلا به تب ناشناخته مرده بودند، می‌کردند. آن‌ها برده‌های مسیحی را به بازار شهر تولون می‌بردند و جارچیان برای فروش آن‌ها با صدای بلند، قیمت آنان را اعلام کرده و در معرض فروش قرار می‌دادند.

کاشف سرزمین‌های ساحل می‌سی‌سیپی درگذشت. (مکزیک، سپتامبر ۱۵۴۲):

بقایای مردان اعزامی هرناندودِسوتو (*Hernando de soto*) که برای اکتشاف به آمریکای شمالی رفته بودند، از طریق رودخانه‌ی پانوکو(*Panuco*) در سواحل مکزیک پیاده شدند.

آنان در حالی‌که فرمانده‌ی خود را در روز ۲۱ ماه مه سال گذشته در ۴۶ سالگی در ساحل مردابی و لجن‌زار ساحل رود می‌سی‌سیپی از دست داده بودند، به مکزیک رسیدند. دسوتو یکی از نظامیان باتجربه‌ی اسپانیایی بود که در سال ۱۵۲۴ به‌عنوان یکی از فرماندهان نیروهای اکتشافی با پیزارو به پرو رفت.

گرچه وی از سفر پرو با باری سنگین از طلا و نقره به اسپانیا برگشت، لیکن بدون استراحت و فوت وقت در سال ۱۵۳۸ با دعای خیر پادشاه برای جستجوی طلای بیشتر با ۶۰۰ نفر دریانورد و ۲۰۰ اسب و تعدادی سگ ردیاب که با تیزی شامه‌ی خود آثار را تعقیب می‌کنند، به سوی آمریکای شمالی برای دومین بار رهسپار شد.

دسوتو با نیروی تحت فرمان خود که کاملاً مطیع او بودند، در ماه مه ۱۵۳۹ در کرانه‌های فلوریدا پیاده شد و هر فرد بومی را، چه آنان‌که از وی اطاعت می‌کردند یا نه، دستگیر می‌کرد. وی در ماه اوت ۱۵۴۰، به منطقه‌ی کوزا(*Coosa*) (آلاباما *Alabama*) رسید و سراسر این منطقه‌ی سرخ‌پوست‌نشین و معابد آن‌ها را مورد بازدید قرار داد. سه ماه بعد، دسوتو دستور داد رئیس توسکالوزا (*Tuscaloosa*) را به علّت این‌که با افراد خود در کمین اسپانیولی‌ها نشسته و ۱۸ نفر از آن‌ها را به قتل رسانده بود، زندانی کنند و در ضمن برای جبران خون‌بهای آن‌ها، تعداد دو هزار نفر از بومیان را کشت.

پس از آن دسوتو با گروگان گرفتن تعدادی از بومیان، بالاخره به ساحل مردابی و گل‌آلود رود می‌سی‌سیپی رسید و مدّت یک‌سال هم برای جست‌وجوی طلا در ناحیه‌ی غرب این رودخانه به سر برد. پس از مرگ وی، ۳۳۲ نفر از بازماندگان، با ساختن بنای یادبود در آن ناحیه، با کشتی‌های باقی‌مانده خود به مکزیک رفتند.

لوتر، فردی که در کلیسای کاتولیک شکاف ایجاد کرده بود، بدرود حیات گفت. (آیزلبن (*Eisleben*)، ۱۸ فوریه ۱۵۴۶):

مارتین لوتر، بنیانگزار بزرگ جنبش نوین پروتستان (معترضان)، امروز در شهر کوچک آیزلبن در سن ۶۳ سالگی در همان‌جایی که متولّد شده بود، دیده از جهان فرو بست. وی سال‌ها بر اثر فشار کار طاقت‌فرسا و بیماری، فرسوده شده و تحلیل رفته بود، لیکن مغزش بسیار خوب کار می‌کرد و افکارش روشن بود و تا آخرین مرحله‌ی حیات، بر افکار خود مسلّط بود. او که با طرح اصلاحات دینی، انقلابی در اروپا ایجاد نموده بود، در آرامش و سکوت مخصوص به خود، از دنیا رفت.

او به موفقیت عظیمی دست یافته بود و در یک

اسپانیا، ۱۵۸۸
فیلیپ دوم به کشیشان دورگه (نسل‌های اوروپایی هندی) اجازه داد که به استخدام کلیسا درآیند و مشروعیت آن‌ها را تأیید کرد، هرچند تعداد آن‌ها بسیار کم بود.
اسپانیا، ۱۵۸۸
نخستین اثر خواهر ترزا دو آویلا (Teresa de Avila)، کامل و منتشر شد.
ژاپن، ۱۵۸۸
تویوتومی هایدیوشی (Toyotomi Hideyoshi) دستور داد که تمام کشاورزان «بدون شمشیر» یعنی خلع سلاح شوند.
فرانسه، پنجم ژانویه ۱۵۸۹
کاترین دومدیسی (Catherine de Medici) در بلوا (Blois) فوت نمود. وی در سال ۱۵۱۹ در شهر فلورانس به‌دنیا آمد و با ازدواج با هانری دوم پادشاه فرانسه در سال ۱۵۴۷ ملکه‌ی فرانسه شد. او مادر سه پادشاه به ترتیب: فرانسیس دوم، شارل نهم و هانری سوم بود و بدین ترتیب قدرت سیاسی کشور فرانسه در اختیار وی بود. او از سال ۱۵۶۰ـ۱۵۷۰ زمام امور کشور را در دست داشت و پس از آن هم تا زمان مرگش به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی شارل نهم بود.
مسکو، ژانویه ۱۵۸۹
ژاب (Job) یکی از شهرهای مهم وابسته به حکومت مسکو به‌تازگی تحت اوامر بوریس گودونف (Boris Godunov) (که اکنون به‌عنوان نایب‌السلطنه‌ی تزار فئودور که به سن قانونی نرسیده و پس از مرگ ایوان مخوف که در سه سال پیش اتفاق افتاد) درآمده است، گودونف در حکم رییس خاندان تزار می‌باشد. سیستم پدر شاهی و ریاست ایلی مسکو پس از اورشلیم پنجمین سیستم محسوب می‌شود.
استانبول، ژانویه ۱۵۸۹
کلیساهای روسی برطبق تصمیمات متخذه‌ی شورای جهانی کلیساها، مستقل از کلیسای رم اعلام شد.
افریقای غربی، مارس ۱۵۸۹
ارتش مراکش تحت فرماندهی المنصور پس از پیمودن صحرای افریقا به قلمرو سونگایی (Songhai) حمله‌ور گشت.
فرانسه، سوم آوریل ۱۵۸۹
هانری سوم پادشاه فرانسه و هانری ناوار پس از مذاکرات مفصل و پیچیده با یک‌دیگر آشتی کردند.
اسپانیا، ژوئیه ۱۵۸۹
پدرو منندز مارکوئز (Pedro Menendez Marques) با موافقت دولت اسپانیا برای تثبیت قدرت آن کشور طرحی برای ویران‌کردن مجتمع‌های انگلیسی در ویرجینیا پیاده کرد که از ناوگان مستقر در هاوانا (Havana) برای حمله به مستعمره‌ی انگلیس استفاده شود.
فرانسه، دوم اوت ۱۵۸۹
هانری سوم آخرین پادشاه والو (Valois) بر اثر ضربت خنجر ژاک کلمنت (Jacques Clement)، کشیش متعصب دومی‌نیکان (Dominican) به‌قتل رسید و هانری ناوار پروتستان‌مذهب با نام هانری چهارم به پادشاهی فرانسه رسید.
فرانسه، ۲۱ سپتامبر ۱۵۸۹
سپاهیان دوک ماین (Mayenne) و برادر هانری گوئیز که به جانشینی وی سرپرستی کاتولیک‌های فرانسوی را عهده‌دار بود، در نبرد آرک (Arques) توسط هانری چهارم دچار شکست شد.
پرتغال، ۱۵۸۹
پس از شکست مساعی پرتغال برای به‌دست‌آوردن پیروزی دوباره در آزور (Azores) در سال ۱۵۸۳، آنتونیو کراتو (Antonio Crato) ناوگان جنگی خود را در کرانه‌ی شهر لیسبون (Lisbon) پرتغال پیاده کرد. برخلاف حمایت انگلیس از پرتغال، ناوگان آن کشور از اسپانیا شکست خورد.
پرتغال، ۱۵۸۹
بازرگانان انگلیسی از قلمرو پرتغال بیرون رانده شدند.
برزیل، ۱۵۸۹
با اجازه‌ی مقامات بلندپایه‌ی پرتغالی، دیوانی در پایتخت برزیل (باهیا (Bahia)) تشکیل شد که به امور پرتغالی‌های ساکن برزیل رسیدگی کند.
فرانسه، ۱۴ مارس ۱۵۹۰
هانری چهارم، در یک مخاصمه‌ی دیگر نیروهای کاتولیک‌ها را در ایوری (Ivry) به سرپرستی دوک ماین شکست داد.

خانواده‌ی روستایی پرورش یافت و مانند سایر مردم زندگی کرد. او در ابتدا به کسوت راهبان درآمد و سال‌ها به‌عنوان استاد در دانشگاه ویتن‌برگ *(Wittenberg)* تدریس و تمام اوقات خود را وقف این کار می‌کرد. بزرگ‌ترین اثر وی، ترجمه‌ی کتاب انجیل و کتاب‌های دیگر مذهبی می‌باشد، که به پرسش‌هایی درباره‌ی مراسم عشای ربانی جواب داده است. او نه تنها نوشته‌های خود را به زبان آلمانی می‌نوشت، بلکه در زبان‌های دیگر هم تبحّر داشت، به‌طوری کتاب انجیل را ساده نوشته بود که اشخاص کم‌سواد هم می توانستند با خواندن آن، مفاهیم آن را درک کنند. او در سال ۱۵۲۱ به حریم کلیسای کاتولیک تجاوز کرد و توسط پاپ تکفیر شد. این راهب پیشین، زندگی خانوادگی پرنشاطی داشت، در سال ۱۵۲۵ با کاترینا فون بورا *(Katharina Von Bora)*، راهبه‌ی پیشین، ازدواج کرد و صاحب شش فرزند شد.

لوتر بر خلاف این‌که یک دانشمند بود، ساده و بی‌آلایش و عامیانه صحبت می‌کرد و گاهی هم به خشم می‌آمد، سخنان وی در خور مردم عادی و عوام بود، وی از اقتدار و قدرت کلیسا عصبانی بود و گاهی آتشین‌مزاج می‌گشت. او دشمنان زیادی داشت و همسرش کاترینا یک بار به او گفت: تو آدم خشنی هستی و لوتر هم حرف وی را تکرار کرد که ما همگی باید درس خشونت بیاموزیم.

کشتار در فرانسه (پرووِنس *(Provence)*، فرانسه، ۲۰ آوریل ۱۵۴۵):

قتل‌عام وحشتناکی بر ضدّ پروتستان‌های والدنسی *(Waldensian)* و ساکنان این شهر انجام گرفت. روستاها را آتش زدند و خانه‌ها را غارت کردند، زنانی که در کلیسا مشغول عبادت بودند، سوختند و مردان آن‌ها را سوار قایق‌ها کرده و به‌عنوان برده فروختند. این شایعه هنگامی قوت گرفت که گفته شد مردم والدنسی در پی آشوب و فتنه هستند. به‌نظر می‌رسد این شایعات به علّت حرص و آز ژان می‌نیه *(Jean Meynier)* بارون، محلی که قصد تعرّض به زمین‌های همسایه‌ی خود والدنسی را داشت، آغاز شد که این کار با بی‌رحمی و قساوت کامل صورت گرفت، و بالاخره هم او به آرزوی خود که تصرّف زمین‌ها بود، دست یافت.

شیوع بیماری آبله درمکزیک (مکزیک، ۱۵۴۵):

بیماری آبله مانند بیماری طاعون در اروپا در تمام نقاط سرزمین مکزیک گسترش یافت و به‌طور وسیعی جمعیت بومی را فرا گرفت. اسپانیولی‌های ساکن این کشور هم به این بیماری دچار شدند و از رنج و عذاب آن مصون نماندند، لیکن سرخ‌پوستان بیشتر گرفتار شدند و ۸۰۰ هزار نفر تلفات دادند.

بیماری آبله را کاشفان اروپایی، هم‌چون بیماری‌هایی از قبیل کزاز، جذام، حصبه (تیفوئید) و انواع بیماری‌های روده‌یی، ریوی و بیماری‌های آمیزشی، با خود به این سرزمین‌ها آوردند.

سرخ‌پوستان و ساکنان مناطق هند غربی چون به‌طور طبیعی در مقابل این بیماری‌ها مصونیت ندارند، دچار وحشت عجیبی می‌شوند و تمام قبایل، دچار این بیماری‌ها می‌شوند و در نتیجه تلفات فراوانی می‌دهند.

مجمع مشورتی برای مقابله با تهدیدات پروتستان‌ها (ترنت *(Trent)*، ۱۵۴۶):

پاپ از مجمع عمومی کلسیاهای کاتولیک دعوت کرد که برای مقابله با تهدیدات مخفیانه پروتستان‌ها، جلساتی در شهر کوچک ترنت، واقع در نزدیکی آلپ (اکنون این ناحیه جزو کشور ایتالیایی می‌باشد)، تشکیل دهند و راه‌هایی برای دفاع در برابر پروتستان‌های لوتری و اصلاحات کلیسا بیابند. این جلسات سال‌ها بود که به علّت نبردهای امپراتور با پادشاه فرانسه به تعویق افتاده بود. شهر کوچک ترنت را بدین جهت انتخاب کرده بودند که نزدیک به کشور ایتالیا بود و این سرزمین در عین حال که سرزمینی مقدّس بود، محلّ استقرار و ملاقات سران می‌باشد و رؤسای مذهبی می‌توانستند با پاپ درتماس باشند و از سویی رهبران فرقه‌ی پروتستان سعی می‌کردند که این جلسات در خاک آلمان باشد.

پاپ پل سوّم از مذاکره‌کنندگان جلسات خواست که بحث با پروتستان‌ها را ادامه دهند، مشروط بر آن‌که اقتدار و نفوذ کلیسای رم حفظ شود. امّا امپراتور شارل پادشاه آلمان درخواست کرد که مجدداً جلساتی با لوترین‌ها تشکیل شود، که از نظر مذهبی سرزمین آلمان به دو قسمت تقسیم شود و به بخشی از آن‌ها اجازه داده شود که کشیشان حق ازدواج داشته باشند و این امر تجربه‌یی است برای آینده.

در حالی‌که اجلاس با ۶۰ نفر از اسقف‌های کاتولیک تشکیل شد، به هیچ یک از پروتستان‌های لوتری اجازه‌ی شرکت در آن را ندادند، این موضوع می‌رساند که در حقیقت این گردهمایی به منظور آشتی با پروتستان‌ها نبود، بلکه بیشتر به آن‌ها اهانت شد. برای مثال آن‌ها ادعا می‌کردند که کتاب انجیل تنها متعلق به کاتولیک‌ها می‌باشد و فرمان‌های صادره فقط مربوط به کاتولیک‌هاست و آن‌ها حق تفسیر و مکاشفه‌ی آیات آن را دارند. سنت‌های حواریون مربوط به کلیسای کاتولیک است و قدیسین نیز به آن‌ها تعلق دارد.

کنفرانس تشکیل شده با سؤالات دشواری مواجه شد، لیکن حق قضاوت در مورد آن پرسش‌ها با خود کلیسا بود. یکی از مسائل پیچیده، این بود که اگر فردی با اعمال نیک خود به مقامات روحانی برسد و یا شخص لوتر که در این راه مجاهدت‌ها نمود، جزو قدیسین به حساب می‌آید، که کنفرانس آن رد کرد و تنها پیروان کلیسا را مستحق تقدیس دانست.

چندین موضوع بغرنج دیگری هم بود که در سایه قرار گرفت و به روشنی روی آن بحث و استدلال نشد، از جمله، فرقه‌ی آگوستی‌نیان و دومی‌نیکن و نهضت جدید الهیون ژزوئیت که طرفدار مدارا و ملایمت و مروّت و انصاف هستند و از خشونت پرهیز می‌کنند و به عقیده‌ی آن‌ها تنها اعمال نیک و شیوه‌های پسندیده، انسان را به خدا نزدیک می‌کند که آن هم مورد بحث قرار نگرفت.

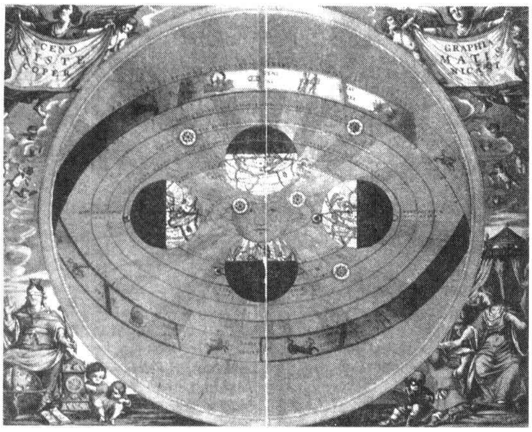
گردانندگان کنفرانس و سران کلیسا، قبلاً در این امر به توافق رسیده بودند که پیروی از عقاید لوتری جزو گناهان کبیره محسوب می‌شود.

دودی که از آتش چوپانان برمی‌خیزد، نشانی از وجود نقره می‌باشد. (کوزکو، پرو، ۱۵۴۵):

طبق تحقیقاتی که ایلاما *(Ilama)*، یکی از سرخ‌پوستان قبیله‌ی کوچوآ *(Quechua)*، مشهور به هولپا *(Huallpa)*، انجام داده، بومیانی که در ارتفاعات چهارده هزار پایی کوهستان پوتوسی *(Potosi)* و در



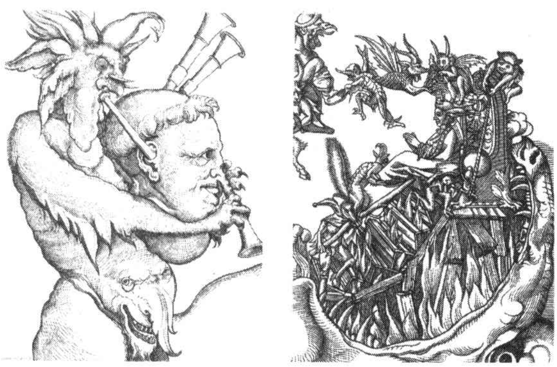
دسوتو De soto ، کاشف و مبارز اسپانیولی که سال گذشته مسیر رود میسی سی پی را کشف کرد.



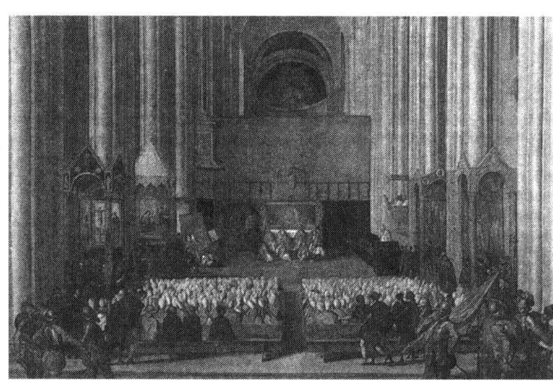
نظریه ی انقلابی: کره ی زمین وسایر ستارگان منظومه ی شمسی، جزیی از کره ی خورشید هستند.



پاپ پل سوم بر روی مسند پاپی.



لوتر از دید دشمنان و وسایلی که وی را به این حالت درآورده و تاج شیطانی بر سر نهاده.



جلسه یی که از سران مذاهب پروتستان و کاتولیک جهت حل اختلافات تشکیل شده است.



مبارزان و جهان خواران اسپانیولی در ضمن تسخیر سرزمین های جدید، به جنگلهای مرطوب و پرباران امریکای مرکزی رسیده و حکایاتی از حیوانات درنده و فلس دار شبیه مار و موجوداتی شبه انسان با سر آدمی و بدن جانوری یافته اند و نقاط جدیدی را کشف کرده اند.

چند مایلی کوزکو *(Cuzco)* زندگی می‌کنند، با مشکلاتی دست به گریبان هستند. آن‌ها شبانگاه آتشی می‌افروزند که عقیده دارند هم از روشنایی آن می‌شود استفاده کرد و هم شیاطین و ارواح پلید را از انسان دور می‌کند، گاهی هم در ورای این دود، اعمالی غیرعادی انجام می‌شود، از جمله سنگ‌های نقره را با حرارت آتش به نقره‌ی خالص تبدیل می‌کنند.

در زمان اینکاها، یکی از فرمانروایان محلی، بومیان را وامی‌داشت که با حفر زمین، نقره و طلا استخراج کنند و برای تزیین معبد خورشید در کوزکو از آن فلزات قیمتی استفاده می‌کرد. زمانی که آنان شروع به حفر زمین می‌کردند، صدایی از زمین برمی‌خاست که کار را متوقّف کنید. اکنون کاشفان اسپانیولی، با تجهیزات جدید خود، به حفر زمین می‌پردازند و از معدن نقره هم صدایی برنمی‌خیزد، چون آن‌ها تمام نقره‌ها را با خود می‌برند.

گلوله‌های توپ، اصلاح‌گران هندی را به قتل رسانید. (هند مرکزی، ۱۵۴۵):

شیرشاه سوری *(Sher shah Suri)* که امپراتوری مغول هند را در هم شکسته و گوی سبقت را در اداره‌ی کشور از همگان ربوده و شهر دهلی را نوسازی کرده بود، هنگامی‌که کالانجار *(Kalanjar)* را در محاصره داشت و بر ارتفاعات راجپوت *(Rajput)* مسلّط بود، توسط گلوله‌ی توپ به قتل رسید.

وی در اصل افغانی بود و پدربزرگش به نام بوهلولودی *(Buhlulodi)* و پدرش، همگی در خدمت جمال‌خان به‌عنوان فرمانده‌ی سواران مشغول بودند. شیرشاه هم همواره در التزام رکاب بابر مغول و پس از آن به خدمت جلال‌خان درآمد. وی اوّل بار، در نبردی بر جلال‌خان پیروز شد و او را از ناحیه‌ی لوهانی *(Lohani)* بیرون راند و پس از آن همایون، فرزند بابر را از هندوستان اخراج کرد و خود را امپراتور خواند. وی با حمایت یکصد و پنجاه سوار، حکومت مرکزی مقتدر تشکیل داد و سکه به نام خودش ضرب کرد و شهر دهلی پایتخت را تا حدّ امکان نوسازی کرد. سپس با انرژی طاقت‌فرسا، به اصلاحات همّت گماشت تا از نظر خانوادگی خود را لایق امپراتوری سازد و همواره در فعالیت و تلاش بود، لیکن دیروز آخرین روز حیات خود را گذراند.

کشتی افتخارآفرین شاه در یک لحظه غرق شد، در حالی‌که شاه به تماشای آن ایستاده بود. (پورتسموث، انگلیس، ۱۵۴۵):

در هنگام سپیده‌دمان، هنری هشتم پادشاه انگلیس، با یک قایق ماهیگیری در حالی‌که نیروی دریایی فرانسه او را زیرِ نظر داشتند، به کانال مانش رهسپار شد. در بندرگاه پورتسموث *(Portsmouth)*، نیروی دریایی انگلیس در حال آماده‌باش بودند. هنری هشتم هم در نزدیک ساحل مشغول تماشای کشتی فرماندهی مری رز *(Mary Rose)* بود، در این کشتی تعداد چهارصد نفر مردان تیرانداز که جملگی لباس چرمی پوشیده بودند، به انتظار فرمان بودند. کشتی ماری رز با کشیدن طناب‌ها، بادبان‌ها را برافراشت و به سوی منطقه‌ی سولنت *(Solent)* شراع کشید. باد تندی از کانال شروع شد و امواج شدیدی بر صحنه‌ی دریا نمایان شد. در حالی‌که توفان هم‌چنان می‌وزید، جاشویان و کارکنان کشتی بر عرشه و کناره‌های آن مشغول انجام مانور بودند. این منظره شاه را به هیجان آورد. در همین حال، تندباد شدیدی از تپّه‌های اطراف، شروع به وزیدن کرد، لیکن جاشویان در حالی‌که تفنگ‌ها را بر دست گرفته بودند و آماده‌ی تیراندازی بودند، بی‌اعتنا به این وضع، مشغول تمرین بودند که در عرض یک دقیقه، کشتی عظیم ماری رز از نظر غایب شد و در هم شکسته و غرق گردید، این گردباد، توفانی بود که از سوی سولنت می‌وزید.

شارل پنجم، شاهزاده‌ی پروتستان مذهب را دستگیر کرد. (مولبرگ *(Muhlberg)*، آلمان، ۲۴ آوریل ۱۵۴۷):

لشگریان بی‌شمار شارل پنجم، در یک نبرد حسّاس که امروز برپا شد، پروتستان‌ها را شکست دادند و پرنس فردریک، پادشاه ساکسونی و بنیانگزار پیمان اشمالکالدیک *(Schmalkaldic)* و فرمانده‌ی نیروهای نظامی پروتستان‌ها در آلمان را همراه فیلیپ، شاهزاده‌ی

هس (*Hesse*)، دستگیر کرد. فردریک پس از دستگیری و انجام محاکمه، به مرگ محکوم شد، چون علیه امپراتور اقدام به لشگرکشی کرده بود، لیکن بعداً این حکم قتال تبدیل به زندانی شدن وی با وضع شاهانه گردید.

در این جنگ کوتاه، قاعدتاً می‌بایست پروتستان‌ها برنده می‌شدند، چون که آن‌ها پس از تسلّط بر منطقه‌ی دانوب، دژها را یکی پس از دیگری تصرّف کردند و به سوی ناحیه‌ی تیرول (*Tyrol*) پیشروی نمودند، این نقشه‌ی جنگی طوری تنظیم شده بود که قشون ایتالیا نتوانند به نیروی امپراتور ملحق شوند.

سرانجام نقشه دچار شکست شد، زیرا بخش اعظم دشمنان امپراتوری، عقب‌نشینی کرده و صحنه را ترک کردند، زیرا هواخواهان لوتر هم‌چون هنری هشتم، بارباروسا و فرانسیس پادشاه فرانسه، همگی در زمانی نزدیک به هم از دنیا رفتند و نیروهای آن‌ها از صحنه خارج شدند.

در نتیجه، شارل، امپراتور آلمان، چون میدان را خالی دید، قد برافراشت و با تجهیز دوباره‌ی قشون خود، طبق جنگ‌های عادی و به روال معمول، شهرهای آلمانی را یکی یکی تسخیر کرد و به ساحل رود دانوب رسید.

پرو هنوز دچار آشوب می‌باشد. (لیما، ۱۵۴۸):

اکنون هفت سال از زمامداری فرانسیسکو پیزارو، فرماندار پرو، گذشته امّا میراث کشت و کشتار وی هم‌چنان باقی است و هنوز عدّه‌یی در خفا مشغول توطئه علیه یکدیگر در این مستعمره‌ی ثروتمند اسپانیایی هستند. در یک سانحه وِلا (*Vela*) نایب‌السلطنه‌ی پرو، که معادن نقره این سرزمین را ملک خصوصی خود می‌دانست و سه ساله میلیونر شده، در درگیری لشگریان به قتل رسید.

بسیاری دیگر از سران کشور هم‌چون پیزارو، با جهالت خود در دام گروه‌های مختلف افتاده و دشمنان او از فرصت استفاده کرده و او را کشتند. دیه‌گو آلماگرو را به دستور پیزارو در سال ۱۵۳۸ خفه کردند. در صبح روز یکشنبه، ۲۶ ژوئن ۱۵۴۱، کاخ فرمانداری که بدون دفاع مانده بود، توسط ۲۰ نفر از مستعمره‌چیان اشغال

اسپانیا، اوریل ۱۵۹۰
آنتونیو پرز (Antonio Perez)، وزیر پیشین و مشاور ویژه‌ی فیلیپ دوم، از شهر مادرید فرار کرد، وی از زندان خود از این شهر به آراگون (Aragon) پناه برد. او در ماه ژوئیه ۱۵۷۹ به جرم طرح نقشه‌ی قتل خوان دو اسکوبدو (Juan de Escobedo)، مشاور دون خوان (Don John) پادشاه اتریش و تحریک و تهدید پرز، زندانی شده بود.

مکزیک، ۲۷ ژوئیه ۱۵۹۰
کاستانا دو سوزا (Castana de Sosa) از نووا لئون (Nueva Leon) با ۱۵۰ نفر ساکنان این شهر برای تثبیت حاکمیت خود به شهر نیومکزیکو وارد شد.

فرانسه، سپتامبر ۱۵۹۰
آلکساندر فارنس (Alexander Farnese)، دوک پارما، که به‌عنوان فرماندار سرزمین اسپانیای هلند منصوب شده بود و در سال ۱۵۸۵ شهر آنتورپ را متصرف شده بود، به هانری چهارم فشار آورد و به قصد محاصره‌ی شهر پاریس حرکت کرد.

فرانسه، ۱۵۹۰
با عزل هانری چهارم از سلطنت، نیروهای کاتولیک، کاردینال بوربون (Bourbon) را با عنوان شارل دهم به پادشاهی فرانسه برداشتند.

افریقای غربی، ۱۵۹۰
دومین جنگ ژاگا (Jaga) که به‌سبب تجارت برده توسط پرتغالی‌ها در ساحل آنگولا (Angola) صورت می‌گرفت، در زئیر (Zaire) پایان یافت.

ژاپن، ۱۵۹۰
تویوتومی هایدیوشی (Toyotomi Hideyoshi) زمام قدرت تمام جزایر ژاپنی را در دست گرفت و این سرزمین را متحد ساخت. توکوگاوا ایاسو (Tokugawa Ieyasu) رهبر قدرتمند کشاورزان ژاپنی با سپاهیان تحت فرماندهی خود به ادو (Edo) (توکیو (Tokyo)) وارد شد، او با عزم آهنین تمام فلات بزرگ شرقی ژاپن را در حیطه‌ی قدرت دارد.

رم، ۱۵۹۰
پاپ سیکستوس (Sixtus) پنجم با نسخه‌برداری از انجیل قدیمی و تغییراتی که در آن داد، این کتاب را به‌عنوان سند قدیمی برای پیروان کاتولیک انتشار داد. این کتاب که برای نخستین‌بار توسط ژروم (St Jerome) در قرن چهارم از زبان عربی به لاتین ترجمه شده بود، در اجلاسیه‌ی شهر ترنت معرفی شد.

ایتالیا، ۱۵۹۰
کلودیو مونته وردی (Claudio Monteverdi)، آهنگساز ایتالیایی، به جمع‌آوری اشعار و غزلیات عاشقانه پرداخت.

پرتغال، ۱۵۹۰
در اجرای جنگ علیه اسپانیا، ناوگان انگلیسی تحت فرمان فرانسیس دریک (Francis Drake) و سر جان نوریس (Sir John Norris) برای پیاده‌شدن در بندر لیسبون تلاش کردند، لیکن توفیق حاصل نکرد و در انجام مأموریت خود ناکام ماندند.

خاور نزدیک، ۱۵۹۰
شاه عباس پادشاه صفوی ایران، با پیمان صلحی که با سلطان مراد سوم پادشاه عثمانی امضا کرد، به جنگ نه ساله که از سال ۱۵۷۸ تا ۱۵۸۷ به درازا کشیده بود، پایان داد. با این پیمان ترک‌ها توانستند گرجستان، آذربایجان و شیروان را تصاحب کرده و مرزهای خود را تا قفقاز جنوبی و دریای خزر برسانند.

هندوستان، ۱۵۹۰
محمدقلی قطب‌شاه سلطان گول کوندا (Golconda)، شهری را به‌نام حیدرآباد در کرانه‌ی رود موزی (Musi) بنیان نهاد.

ایران، ۱۵۹۰
شاه عباس پادشاه ایران که پیش از این بسیاری از سران عشایر و قبایل را به‌قتل رسانده بود، حکم کرد که پدر و برادرهایش را هم نابینا کنند.

ژاپن، ۱۵۹۰
بیشتر هیأت‌های مسیحی که در هشت سال پیش از ژاپن رانده شده بودند، بار دیگر با سفیر رم به ژاپن بازگشتند.

رم، ۱۵۹۰
گنبد وسیع کلیسای قصر سنت پیتر که میکل‌آنژ (Michelangelo) طراح آن بود، به‌پایان رسید.

شد و آن‌ها توانستند پس از ضرب و جرح پیزارو که ۶۳ سال از عمرش می‌گذشت، او را به قتل برسانند.

به روحانیان اجازه‌ی ازدواج داده شد. (آلمان، ۱۵۴۸):

کلیساهای سراسر آلمان که خواستار انجام اصلاحات سنّتی هستند، امسال پس از پیروزی شارل پنجم امپراتور در نبرد مولبرگ *(Muhlberg)* و اثبات قدرت خود، تغییر روش داده و برخلاف جهت عقربه‌های ساعت حرکت می‌کردند، به منویات خود رسیدند و شارل در تلاش اصلاحاتی در آنجاست. اکنون امپراتور در مقابل پروتستان‌ها تسلیم شده و یکی از حقوق کشیشان را که اجازه‌ی ازدواج است، به آن‌ها اعطا کرد، لیکن این تنها خواست آن‌ها نیست و کافی به‌نظر نمی‌رسد، آن‌ها تقاضا دارند که مراسم هفت‌گانه‌ی کاتولیکی مثل عشای ربانی، غسل تعمید و غیره، منسوخ شود.

پروتستان‌ها مایل نیستند مراسم عشای ربانی را انجام دهند و عدّه‌ی قلیلی از روحانیون کاتولیک بر آن‌ها مسلّط باشند و به خصوص در شمال آلمان پروتستان‌ها گروگان کاتولیک‌ها باشند.

با مرگ لوتر، کاتولیک‌ها که یک فرصت طلایی به دست آورده بودند، هواخواهان پروتستان‌ها را دستگیر و زندانی کرده بودند، امّا شارل دستور آزادی آن‌ها را صادر کرد و بدین ترتیب غائله در منطقه‌ی اوگسبورگ خاتمه یافت.

هنری هشتم در سنّ ۵۶ سالگی از دنیا رفت. (انگلیس، ۲۸ ژانویه ۱۵۴۷):

هنری هشتم در ۵۶ سالگی دنیا را بدرود حیات گفت و مهمّ‌ترین یادبودهای او شش بار زناشویی و قطع ارتباط فوری با کلیسای رم می‌باشد. وی با اعمال خود، شهرت فراوانی کسب کرد.

توماس لین ایکر *(Thomas Linacre)*، پزشک مخصوص هنری، او را تشویق کرد که یک مدرسه‌ی طب در لندن تأسیس کند. هنری با ارتباطی که با اراسموس *(Erasmus)* برقرار کرد، به وسیله‌ی این دانشمند، با رنسانس آشنا شد و با اراسموس هم طرح دوستی ریخت.

سیر توماس مور، هنگامی‌که در خدمت هنری بود، کتاب آتوپیا *(Utopia)* را نوشت.

هنری، پادشاهی خودمحور و حاکم مطلق و در ضمن بی‌رحم و سنگدل بود. وی در طریق استبداد فرمان صادر می‌کرد و از هیچ کس پند و مشورت نمی‌پذیرفت و به راه خود می‌رفت. در سیاست خارجی ناموفق بود و در جنگ با فرانسه هم در سال ۱۵۴۵ خود ناظر از بین رفتن بزرگ‌ترین ناو جنگی کشور با ۵۰۰ نفر از بهترین ناویان بود. ماری رز، زیباترین و باشکوه‌ترین ناو جنگی انگلیس بود که بر اثر لجاجت وی غرق شد، در حالی‌که در موقع وزش توفان، او می‌توانست انجام عملیات را به تعویق اندازد. او قصد داشت که ناوگان دریایی انگلیس را به مبارزه با ۲۰ کشتی فرانسوی در ناحیه‌ی سولنت *(Solent)* اعزام کند.

این جنگ برای انگلیس دو میلیون پوند هزینه داشت و خزانه‌ی سلطنتی را تهی ساخت. برج لندن برای او در حکم اتاق خلوت به‌شمار می‌رفت و افرادی را که هنگام پایان حیات‌شان بود، به آنجا می‌فرستاد و جان‌شان را می‌گرفت.

توماس مور به سبب مخالفت با سیاست او که در نظر داشت زمام امور کلیساها را به دست بگیرد و ارباب کلیسا شود، به قتل رسید. ولسی *(Wolsey)* را هم به جهت این‌که نتوانست در مقابل پاپ مقاومت کند و فتوای طلاق کاترین آراگون را از پاپ بگیرد، بدون محاکمه به جوخه‌ی مرگ سپرد. توماس کرامول، مغز متفکر و سرکوب‌کننده‌ی شورش کلیسا را هم به هلاکت رسانید. زنان او هم همواره در موضع خطر قرار داشتند.

پس از کشته شدن آن بولین، همسر دوّم هنری، وی با جین سی‌مور *(Jane Seymour)* ازدواج کرد و پس از زائیدن یک پسر به نام ادوارد، از دنیا رفت. پس از مرگ جین، هنری گفت من او را قبل از این‌که به بینم، دوست داشتم، ولی پس از دیدنش کمتر او را پسندیدم، او به دستور هنری مسموم شد و پس از مرگ او، هنری با کاترین هاوارد *(Catherin Howard)*، خواهرزاده‌ی دوک نورفولک *(Norfolk)* ازدواج کرد و

ایتالیا، ۱۵۹۰
پزشک و ریاضیدان ایتالیایی به‌نام جووانی باتیستا بنه‌دتی (Giovanni Batista Benedetti) در شهر تورینو (Turino) درگذشت. او در نزد تارتالیا (Tartaglia) ریاضیدان معروف به تحصیل پرداخت، بنه‌دتی نظریات ارسطو درباره‌ی دینامیک (قوه‌ی محرکه‌ی اجسام) را رد کرد و ثابت کرد که تمام اجسام در خلأ در یک زمان سقوط می‌کنند.
ویرجینیا، ۱۷ اوت ۱۵۹۰
جان وایت (John White) فرماندار جزیره‌ی روآنوک (Roanoke) از اروپا به امریکا بازگشت تا مکان سحرآمیز فراموش‌شده را بیابد. یک نظریه حکایت از آن دارد که این محل در جایی واقع شده که بومیان هندی به رهبری مانته‌ئو (Manteo) بر استعمارگران تاختند و از نظر امنیتی مکان خوبی است و بومیان آن‌جا را به‌نام کرواتوان (Croatoan) می‌نامند.
رم، ۲۷ اوت ۱۵۹۰
پاپ سیکستوس پنجم که از سال ۱۵۸۵ این مقام را اشغال کرده، فوت شد. او شخصی فروتن و باانرژی بود، وی قصر محل پاپ را آماده کرد و اغلب به اسقف‌ها سرکشی می‌کرد و به نظم و ترتیب آن‌ها علاقه نشان می‌داد. از نظر سیاست خارجی هم هدف او سرکوبی پروتستان‌ها و تثبیت و ایجاد تعادل قدرت کلیسای رم بود.
رم، ۱۵۹۰
در پی مرگ سیکستوس پنجم، دو نفر پاپ به‌سرعت جای او را در سنت پیتر اشغال کردند. سستاینا (Cestagna) اهل رم تنها پس از ۱۳ روز پس از رسیدن به تخت در تاریخ ۲۷ سپتامبر درگذشت. پس از آن اسفوندراتی (Sfondrati) اهل میلان با عنوان گریگوری چهاردهم به مقام پاپی رسید.
آلمان، سوم فوریه ۱۵۹۱
شاهزادگان پروتستان امضاکنندگان پیمان تورگو (Torgau)، متقابلاً کاتولیک‌ها را تهدید به جنگ کردند.
آلمان، ۱۷ مارس ۱۵۹۱
خوست آمان (Jost Amman)، نقاش آلمانی که شهرت خود را مدیون منبت‌کاری روی چوب بود، در نورمبرگ (Nuremberg) به خاک سپرده شد.
افریقای غربی، ۲۵ آوریل ۱۵۹۱
سپاهیان احمد المنصور، سلطان مراکش، به سرپرستی مسلمان عیسوی‌شده جوهر، به تیمبوکتو (Timbuktu) حمله‌ور شدند و آن‌جا را تصرف کردند.
روسیه، ۱۵ مه ۱۵۹۱
تزار وویچ دیمیتری ایوانوویچ (Czarevitch Dimitri Ivanovitch)، پسر ایوان مخوف، که به بیماری صرع دچار بود، به‌قتل رسید و بوریس گدانف (Boris Godunov) هم با نبودن جانشین تزار به‌عنوان نایب‌السطنه این مقام را عهده‌دار شد، در حالی‌که مظنون به قتل بود.
مکزیک، اوت ۱۵۹۱
کاستانا دو سوزا (Castana de Sosa) در شهر نیومکزیکو دستگیر شد.
اسپانیا، ۲۳ اوت ۱۵۹۱
لوئیس دو لئون (Luis de Leon) نویسنده‌ی صوفی‌مسلک، به حکم خلیفه‌ی اعظم پاپ به‌اتهام این‌که عضو فرقه‌ی آگوستی‌نیان (Augustinian) بود، در دژ به هلاکت رسید. او در سال ۱۵۴۴ به عضویت فرقه‌ی آگوستی‌نیان پذیرفته شد و در ناحیه‌ی سالامانکا (Salamanca) به یادگیری الهیات پرداخت و در سال ۱۵۷۲ به اتهام کفر در دادگاه تفتیش عقاید زندانی شد. از جمله کارهای وی تشریح ۱۳ مورد از عملیات خارق‌العاده و کرامات عیسی مسیح است که مسیح آن‌ها را در زندگی خود بروز داده است.
رم، اوت ۱۵۹۱
پاپ گریگوری (Gregory) ناماه، پس از انتخاب‌شدن به مقام پاپی، جان سپرد.
اسپانیا، اول نوامبر ۱۵۹۱
طبق قانونی که اخیراً به‌تصویب رسید، بایستی سیستم زمین‌داری و حق مالکانه‌ی اینکاها (Inca) در پرو شبیه قانون اسپانیا باشد. پادشاه و نایب‌السلطنه‌ی اسپانیا به جانشینی حکمرانان اینکا درآمدند.

به دستور شاه او را به هم سبب هرزگی به هلاکت رساندند. هنری شش بار عروسی کرد، دو نفر از زنان او بیوه بودند، و بار سوّم هم قصد داشت با بیوه‌ی دیگری ازدواج کند که مرگ به او مهلت نداد.

ایوان چهارم، تزار جدید روس (روسیه،۱۶ ژانویه۱۵۴۷):

ایوان چهارم، امروز طی جشنی در کلیسای بزرگ مخصوص پادشاه در محلّ کاخ کرملین، تاج‌گذاری کرد.

تزار جدید از خاندان تزارهای روس و ۱۷ ساله است. وی سه ساله بود که به پادشاهی رسید و در این مدّت، مادرش نایب‌السلطنه‌ی وی بود و زمام امور را در دست داشت و شایع است که به وسیله‌ی یکی از نجبای روسیه مسموم و هلاک شده است، در نتیجه مدّتی هم او که یکی از اشراف مهمّ روسیه بود، سمت نایب‌السلطنه را برعهده داشت.

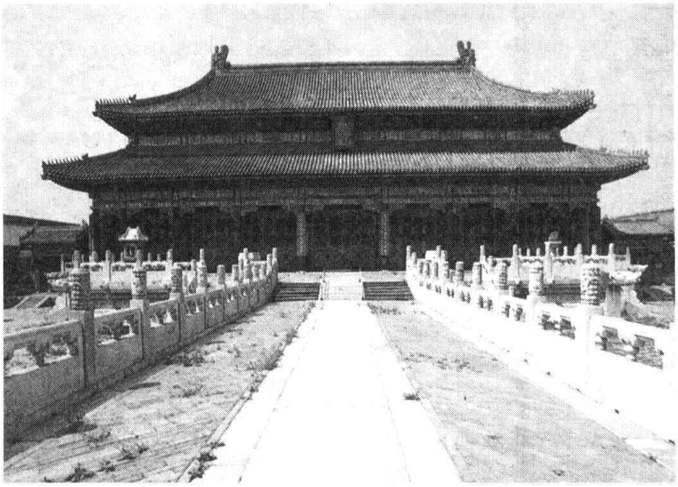
در سال گذشته‌ی ایوان، بویار *(Boyar)* (نجیب‌زاده و نایب‌السلطنه) را از سمت خود برکنار ساخت و به توصیه‌ی مشاوران خود، ماکاری *(Makary)*، اسقف اعظم پایتخت را که تنها فردی که به حسن شهرت معروف و انسانی صادق بود، به این سمت برگزید. ایوان در نظر داشت برای اداره‌ی امور کشور، دو نفر را انتخاب کند که یکی متصدی امور اشراف و نجبا و دیگری امور تجارت را برعهده گیرند، و چون سرپرستی امور اشراف به شخصی باتجربه نیاز داشت که باعث خصومت و عصیان آن‌ها نشود، باید فرد با کیاستی متصدی این امر شود.

ایوان نخستین پادشاه روسیه است که از نظر وراثت هیچ مشکلی نداشت، چون پدر و مادرش از خانواده‌ی سلطنتی هستند و برخلاف نظر سران قوم، سعی دارد که در جهت اتحاد و یکپارچگی روسیه حرکت کند، در عین حال وی که یک مسیحی است، در تلاش است که سرزمین روسیه را متّحد کند و مسکو را به پایتختی و کانون سیاست روسیه مبدّل سازد.

فرانسیس، پادشاه بزرگ فرانسه، درگذشت. (فرانسه، ۳۱ مارس ۱۵۴۷):



تصویرکنده کاری تزار جدید روس بر روی چوب.



شهر ممنوعه ی پکن در چین. در این شهر کاخ هایی جهت اقامت امپراتور و استحکامات و برج و بارویی از سال ۱۴۲۱ جهت جلوگیری از ورود افراد بیگانه ساخته شده. اغلب شهروندان چینی تاکنون این شهری را که به نام شهر صلح آسمانی است ندیده اند، زیرا هیچ کس حق ندارد به حصار آن جا نزدیک شود و در اطراف دروازه ی پکن ظاهر شود.



آخرین تمثال فرانسیس Francis در حین سوارکاری



هنری هشتم، پادشاه متکبر و مغروری که چندین بار ازدواج کرد.

پاریس، ۱۵ نوامبر ۱۵۹۱
بارناب بریسون (Barnabe Brisson) رییس پارلمان پاریس توسط یک نفر پوپولیست (Populist) ۱۶ساله به‌قتل رسید. وی به جرم عدم صمیمیت و همکاری‌نکردن با این فرقه کشته شد. این موج ترور و ایجاد وحشت که اخیراً سایه‌گستر شده، ثمره‌ی همان هم‌پیمان‌شدن می‌باشد که با قرارداد معروف به عهدنامه ایجاد شده است.

اسپانیا، ١٤ دسامبر ۱۵۹۱
خوان دو یپس (Juan de Yepes) راهب اصلاح‌طلب اسپانیولی، مشهور به خوان کراس (Juan Cross) در صومعه اوبه‌دا (Obeda) جان سپرد. وی مؤلف رساله‌ی تصوف می‌باشد و هم‌چنین راجع به اسفار مزامیر (اسفار خمسه مزامیر در کتاب تورات آمده است) سروده که یکی آثار برجسته تمام دوران زندگی او می‌باشد. در سال‌های آخر عمر وی را به اتهام خیانت تحت پیگرد قرار دادند.

آسیای جنوب شرقی، ۱۵۹۱
جیمز لانکاستر (James Lancaster) به‌عنوان نخستین دریانوردی که به شرق هندوستان رسید، شهرت یافت.

ایتالیا، ۱۵۹۱
پیگافه‌تا (Pigafetta) سیاح ایتالیایی، یک‌سری عوارض گمرکی در منطقه‌ی کنگو (Kongo) (اوگاندا) واقع در افریقای مرکزی برقرار ساخت.

اسپانیا، ۱۵۹۱
به‌سبب این‌که آنتونیو پرز (Antonio Perez) به‌عنوان مسؤول و مشاور انقلابیون در اراگون (Aragon) معرفی شده بود، در پی این جریان فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا به تلافی این وارد آراگون شد و تمام امتیازات ایالتی آن‌جا را لغو کرد. از سویی فیلیپ دستگاه انکیزیسیون را ترغیب کرد که پرز را به اتهام کفر تحت پیگرد قرار دهد، لیکن در اثر بلایی که در شهر ساراگوزا رخ داد، پرز آزاد شد و اکنون از کشور گریخته است.

رم، ۱۵۹۱
با مرگ پاپ گریگوری چهاردهم، فاچی‌نتی (Facchinetti) اهل بولونیا (Bologna) با نام اینوسنت (Innocent) نهم به این مقام برگزیده شد، اما تنها دو ماه سلطنت کرد.

رم، ۱۵۹۱
پی‌یر پائولو اولیوری (Pier Paolo Olivieri)، یک ناو جنگی بسیار زیبا به‌نام سن آندره‌آ دلاوال (Sant Andrea Della Valle) به یادبود روح مقابله با اصلاحات کلیسا ساخت.

ژاپن، ۱۵۹۱
سن نو ریکیو (Sen no Rikyu) که به‌عنوان سمبل و ارباب چای مشهور بود و سابقاً مورد التفات تویوتومی هایدیوشی (Toyotomi Hideyoshi) قرار داشت، به امر و فشار هایدیوشی دست به خودکشی زد.

اقیانوس اطلس، ۱۵۹۱
ناوگان اسپانیایی، ناوگان انگلیسی را در آزور (Azores) شکست داده و از این منطقه خارج کرد. سر ریچارد گرن‌ویل (Sir Richard Grenville) عملیات قهرمانانه‌یی در این نبرد انجام داد، با وجود این در جنگ کشته شد.

انگلیس، ۱۵۹۱
ویلیام شکسپیر (William Shakespeare)، نمایشنامه‌نویس انگلیسی، نمایشنامه‌ی درام تاریخی به‌نام هنری هشتم در سه قسمت و هر کدام شامل پنج پرده نوشت. شکسپیر این نمایشنامه را بر روی قالب رویدادهایی که در انگلیس، اسکاتلند و ایرلند اتفاق افتاده بود و توسط رافائل هولینشد (Raphael Holinshed) به‌نگارش درآمده بود، تنظیم کرد، این مورخ در سال ۱۵۸۰ درگذشت.

لندن، ۱۵۹۱
دومین سفر تئودور دوبری (Theodor de Bry) با موفقیت عظیمی همراه بود که آن را با تصاویری مزین و انتشار داد. در این کتاب که تصاویر آن به‌وسیله‌ی ژاک دوماین دومورگ (Jacques de Magne de Morgue) تهیه شده، نقاش آن‌ها را از چهره‌های هندیان فلوریدا ترسیم کرده است، آثار برجسته‌یی به‌چشم می‌خورد. نقاش سال‌هایی از عمر خود را با هوگونوت‌ها (پروتستان‌ها) در منطقه‌ی کارولین (Caroline) سپری کرد، تا این‌که در سال ۱۵۶۵ دژهای کارولین توسط اسپانیولی‌ها ویران شد. او تصاویری از خزندگان بسیار بزرگ و مهیب با پوست خالدار که آن را تمساح می‌نامند، هم‌چنین انسان‌هایی با قیافه‌ی وحشت‌آور که هیچ قرابتی با تمدن نداشتند و در حالت وحشیگری به‌سر می‌بردند، ترسیم کرده بود.

فرانسیس پادشاه بزرگ فرانسه، بدرود حیات گفت. وی در سنّ ۵۳ سالگی، انسانی فسادناپذیر، جسور و بی‌باک و بلند همّت و طرفدار احیای اصلاحات در کلیساها بود. از سویی دوست هنرمندانی هم‌چون رابله *(Rabelais)*، چلینی *(Cellini)* و لئوناردودا وینچی *(Leonardo da Vinci)* بود، و از هنر آن‌ها در بنای کاخی در لوآر *(Loire)* برای خود استفاده کرد.

وی به خلاف واجد بودن این صفات درخشان، جانشینی برای خود تعیین نکرد. او در چهار جنگ اروپا شرکت کرد، در حالی‌که خود رهبری و فرماندهی را عهده‌دار بود. در این چهار نبردی که با شارل امپراتور انجام داد، از ادعای خود بر سرزمین‌های ناپل، فلاندر و آرتوآ *(Artois)*، صرف‌نظر کرد و منطقه‌ی بولونی *(Boulogne)* را به متّحد خود، هنری هشتم پادشاه انگلیس، تسلیم کرد.

او به تعقیب پروتستان‌ها پرداخت و در کشتار والدنزیان‌ها *(Waldensians)* دخالت داشت. در توصیف صفات او می‌گویند که آدمی عصبانی و بدخلق بود، لیکن هیچ کس منکر شجاعت و قهرمانی‌های وی در نبرد نیست، در حالی‌که بخش اعظم زندگی خود رادر جنگ گذرانیده بود.

او در هنگام جنگ، هنری هشتم را در لباس زربفت دید، در حالی‌که هر دو پادشاه، بیشتر عمر خود را در مقام سلطنت گذرانده بودند و از نظر زور بدنی در حال کشتی، فرانسیس با شجاعت خود برنده می‌شد که البته این فرض است.

هنگامی‌که خبر مرگ هنری را در دو ماه پیش در مجلس رقص به او دادند، وی خندید، ولی به یاد آورد که هنری به او گفته بود: ما هر دو با هم می‌میریم. او از این جریان سخت در شگفت شد و جدی‌تر به کار پرداخت، لیکن در همان شب، تب کرد و هرگز بهبود نیافت.

پادشاهی که لهستان را در جرگه‌ی کاتولیک‌ها نگاه داشت، درگذشت. (لهستان، یکم آوریل ۱۵۴۸):

سیگیسموند *(Sigismund)* پادشاه لهستان، که مدّت ۴۰ سال در آن سرزمین سلطنت می‌کرد، در شهر کراکو *(Cracow)* و در سنّ ۸۱ سالگی فوت شد.

در زمان پادشاهی او، لهستان از نظر اجتماعی به بالاترین درجه‌ی کمال رسید و هم‌چنین حالت رنسانس و تجدید حیات هنری را از ایتالیا تقلید و پیروی می‌کرد و از این نظر به ترقّیات شگرفی دست یافت.

سیگیسموند فردی پارسا و پرهیزکار، با خصوصیات اخلاقی ویژه و سیاستمداری حساس و فهیم بود، در سال ۱۵۰۷ و پیش از این‌که به سلطنت لهستان برسد، مقام فرمانروایی لیتوانی *(Lithunia)* را داشت. یکی از امور مهمّی را که برای اوّلین بار به آن پرداخت، اصلاحات و اقدامات تجاری بود. در میدان جنگ با روسیه، وی لشگریان روس را به فرماندهی واسیلی سوّم، منهدم کرد و تصمیم داشت که حکومت والاشیا *(Wallachia)* را هم در اختیار بگیرد و هم‌چنین در تلاش بود که سرزمین پروس شرقی را هم جزو قلمرو خود کند. سیگیسموند کوشش داشت که لهستان را با دولت رم پیوند دهد و بدین وسیله وفاداری خود را به پاپ به اثبات برساند و از این راه فشار خود را نسبت به هواداران لوتری تشدید کند. وی با سوزاندن کتاب‌های پروتستان‌ها و به قول خود، مرتدان، به از بین رفتن نهضت پروتستان‌ها کمک کرد و حتا به دانشگاه‌ها دستور داد کتاب‌های ملحدان و مرتدان را جمع کنند. وی هم‌چنین امر کرد که مدّت محاکمه‌ی پروتستان‌ها را هرچه کوتاه‌تر کنند تا زودتر به مجازات برسند، لیکن بر خلاف دستور و فرمان او، این نهضت به زودی توسعه و گسترش یافت.

دوران طلایی آفریقا، برای اروپاییان ناراحت‌کننده و یأس‌آور بود. (رم، ۱۵۵۰):

یک کتاب عجیب و غیرمعمولی درباره‌ی تاریخ آفریقا که حاوی داستان‌های شگرف و باورنکردنی است، چندی پیش انتشار یافت و شایعاتی که درباره‌ی آن شنیده می‌شد، این بود که اروپاییان را به وحشت انداخته است.

مؤلف این کتاب هم مانند خودِ کتاب، غیرعادی است. وی در گرانادای *(Granada)* اسپانیا و در خانواده‌ی مسلمان متولّد شد. پس از چندی، به مراکش مهاجرت کرد و به نام الفازی *(al-Fasi)* یعنی اهل شهر فز، درآمد و به‌عنوان وکیل و حقوقدان و حسابدار به سراسر آسیای مرکزی و آفریقای مرکزی مسافرت کرد. او با نیرویی که گرد آورده بود، تونس را با کشتی‌های متعلق به مسیحیان تصرّف کرد و خود را به پاپ لئوی دهم معرفی کرد و خود را لئوی آفریقایی نامید. او دو بار صحرای آفریقا را به خاطر نمک پیمود و از بومیان صحرا تقاضای مقداری نمک کرد که در ازای آن طلا بدهد. وی ویرانه‌های سرزمین مالی *(Mali)* را مشاهده کرد و ایالت سونگایی *(Songhai)* را هم وادار کرد که علیه اروپاییان به پا خیزند. موضوعی که اروپاییان را به وحشت انداخته بود، این بود که بیم داشتند که الفازی یا لئوی آفریقایی، با نوشته‌هایش ساکنان سرزمین موزامبیک و تیمبوکتو را بفریبد و این سرزمین ثروتمند و طلاخیز را که به‌عنوان استان معابد نامیده می‌شد، به اسلام دعوت کند و مردم نجیب و ملایم آنجا را به شورش وا دارد. در حالی‌که در این سرزمین، یعنی موزامبیک *(Mozambique)*، کتابخانه‌هایی پر از کتاب و انجیل وجود دارد و از نظر افراد تحصیل‌کرده نظیر دکتر، قاضی، حقوقدان، اسقف و کشیش، بسیار غنی می‌باشد.

لئوی آفریقایی برای سکونت خود، یک کلبه‌ی روستایی که پوشش دیوارهایش از گچ بود، بنا کرده بود، در حالی‌که اروپاییان می‌دانستند که او می‌تواند خیابان‌هایی از طلا بسازد.

ایوان، تزار روس، سخت به اشراف و طبقات بالا حمله کرد. (روسیه، ۲۷ فوریه ۱۵۴۹):

ایوان چهارم، پادشاه روسیه، امروز کنفرانس مخصوصی را که به نام زمسکی سوبور *(Zemsky Sobor)* نامیده می‌شود، بازگشایی کرد. وی تصمیم دارد در این گردهمایی، سیاست‌های وارداتی را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. در این اجلاس، مطالبی درباره‌ی زمین، نمایندگان، اشراف، بویار *(Boyars)* (اشراف قدیمی) و خانواده‌های اشرافی که به تازگی در شهرها و بخش‌ها مقیم می‌شوند، هم‌چنین موضوعاتی از قبیل کلیسا، تجارت و غیره، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تزار در نطق خود موضوع جوانان را هم مطرح کرد و سخت به اشراف قدیمی و سیاست آنان تاخت که بر ضدّ او مشغول توطئه هستند و با سیاست وی مخالفت

فرانسه، ۱۵۹۱
فرانسیس ویت (Francis Viete)، ریاضی‌دان و مشاور ویژه‌ی هانری چهارم رساله‌یی درباره‌ی الجبرا به‌نام هنر آنالیز یا تجزیه تدوین کرد. او برای نخستین‌بار حروف را به‌جای اعداد در علم جبر به‌کار برد.
ایرلند، ۱۵۹۱
ملکه الیزابت کالج تثلیثی‌ها (Trinity) را در شهر دوبلین (Dublin) گشود.
رم، ۳۰ ژانویه ۱۵۹۲
کاردینال ایپولیتی آلدوبراندینی (Cardinal Ipoliti Aldobrandini) به‌عنوان پاپ به جانشینی اینوسنت نهم و با لقب کلمنت (Clement) هشتم برگزیده شد. وی اصلاحاتی را که در دو سال پیش به‌وسیله‌ی پاپ سیکستوس پنجم بر روی نسخه‌ی قدیمی کتاب مقدس انجام شده بود برگرداند و آن را ناقص دانست.
ایتالیا، ۱۳ فوریه ۱۵۹۲
ژاکوپو دا پونت (Jacopo da Ponte) نقاش ایتالیایی معروف به باسانو (Bassano) پس از بازگشت به شهر زادگاه خود، درگذشت. وی در مدت ۴۰ سالی که در شهر ونیز به‌سر برده بود، خصوصیات نقاشی خود را تغییر داد و رنگ‌آمیزی سبک سابق را ترک کرد و به رئالیسم و حقیقت‌گرایی روی آورد و رنگ‌های روشن را در نقاشی به‌کار برد.
فلورانس، ۲۲ آوریل ۱۵۹۲
بارتولومه آمانّاتی (Bartolomeo Ammannati) معمار و تندیس‌نگار ایتالیایی جهان را ترک کرد. او در کارهای مربوط به قصر پیتی (Piti) و پل سانتاترینیتا (Santa Trinita) و هم‌چنین چشمه‌ی نپتون (Neptune) در پیاتزا دل‌سینوره (Piazza delle Signorie) عمر خود را سپری کرد.
فرانسه، ۱۳ سپتامبر ۱۵۹۲
میشل ایکم دومونتاین (Michel Eyquem de Montaigne) جان سپرد. او یکی از اعضای پارلمان شهر بوردو (Bordeaux) بود و در راه توسعه‌ی ثروت و بازرگانی مساعی وافری مبذول داشت و یک‌سری قوانین درباره‌ی امور بازرگانی وضع کرد. وی در فقدان دوست خود اتین دولا بوئتی (Etienne de la Boetie) سخت متأثر شد و همواره روح او را با خود همراه می‌دانست و با وی مصاحبت داشت. در سال ۱۵۷۱ کرسی خود را در پارلمان فروخت و بازنشسته شد و بقیه‌ی عمر خود را در کوهپایه‌ی پریگور (Prigord) سپری کرد و در همان‌جا هم مقالات خود را به رشته‌ی تحریر درآورد.
سوئد، ۲۷ نوامبر ۱۵۹۲
یوهن (John) سوم پادشاه سوئد فوت شد و پسر وی سیگیسموند (Sigismund) که از سال ۱۵۸۷ پادشاه لهستان بود، جانشین وی شد.
ایتالیا، سوم دسامبر ۱۵۹۲
آلکساندر فارنس (Alexander Farnese)، دوک پارما (Parma) که در سال ۱۵۷۹ به‌عنوان پادشاه اسپانیایی هلند ایالات جنوبی آن سرزمین را به نفع اسپانیا تصرف کرده بود، درگذشت.
افریقای غربی، ۱۵۹۲
ژودر (Djouder) شهر گائو (Gao) پایتخت سونگایی (Songhai) را تصرف کرد.
کره، ۱۵۹۲
هنگامی‌که دولت کره (Korea) روابط بازرگانی با ژاپن را رد کرد، امپراتوری ژاپن به رهبری تویوتومی هایدیوشی، نیروهای خود را به کره اعزام کرد که در ابتدا به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافت و کونی‌شی (Konishi) ژنرال ژاپنی دژ منطقه‌ی پوسان (Pusan) را تسخیر کرد.
هندوستان، ۱۵۹۲
سپاهیان اکبر امپراتور هندوستان، اوریسا (Orissa) را به قلمرو خود ملحق کردند.
فرانسه، ۱۵۹۲
کشاورزان یاغی فرانسه اقدام به شورش کردند که به‌نام انقلاب کرواکانت (Croquants) معروف شد و علت آن اعتراض به افزایش مالیات‌ها بود، لیکن قیام آنان در مقابل نیروهای دولتی شکست خورد. این جنبش که در نواحی جنوب غربی کشور برپا شده بود، سرکوب شد.

می‌ورزند. وی به آنان گوشزد نمود که خود را از کشاورزان جدا تصوّر نکنند و به سبب اصالت و نجابت، خود را تافته‌ی جدابافته مپندارند. او از بزرگان و اشراف خواست که از سیاست وی پیروی کنند، در غیر این صورت، آن‌ها را در محاکم بازخواست خواهد کرد ودر صورت اثبات جرم، آنان را به تبعید می‌فرستد.

تزار هم‌چنین قوانین جدیدی را درباره‌ی جرایم محرمانه بیان کرد و از دادگاه‌ها خواست که این قوانین را رعایت کنند. این مقرّرات شامل ۱۰۰ ماده بود و به نام سودبنیک *(Sudebnik)* نامیده می‌شود. چند ماده از این قانون درباره‌ی مجازات توطئه علیه تزار و شورش مسلّحانه بود که اغلب حکم تبعید از پایتخت شامل آن می‌شد.

بحث‌هایی راجع به رعایت تقوا و اخلاق پسندیده در مستعمرات اسپانیا درگرفته است. (اسپانیا، ۱۵۵۰):

۶۰ سال پس از پیاده شدن موفقیت‌آمیز کریستف کلمب در سواحل دنیای جدید (ینگی دینا)، مشاجراتی بین روشنفکران و اهالی مستعمرات اسپانیا آغاز شده است.

مباحثه‌کنندگان به این نتیجه رسیده‌اند که آیا کاشفان اسپانیولی ناگزیر بودند با بومیان مناطق مستعمره این اعمال را انجام دهند و آیا لازم بود که تمام آثار تمدن آن‌ها را محو نمایند و اکنون این امر در برابر قضاوت عامه قرار گرفته است.

بارتولومه دولاس کازاس *(Bartolomeo de las Casas)*، از فرقه‌ی دومی‌نیکن *(Dominican)*، بر ضدّ فاتحان اسپانیولی اقامه‌ی دعوا کرده و تمام لشگریان و کاشفان را به علّت خشونت‌هایی که درباره‌ی بومیان به کار برده‌اند، محکوم می‌کند.

بر طبق بررسی‌هایی که خوان‌گینس دوسپولودا *(Juan Gines de Sepulveda)* انجام داده، این اعمال را برخلاف نص صریح کتاب مقدّس می‌داند. او می‌گوید: اگر متون کتاب انجیل را مرور کنید، کارهای نظامیان اسپانیولی را کاملاً مخالف آن خواهید یافت و نمی‌توان اعمال خشونت و کشتار انسان‌ها را با کتاب مقدّس مطابقت داد.

وی می‌گوید: فرض کنید که بومیان و سرخ‌پوستان آمریکا، بربر و وحشی و غیراجتماعی و در نتیجه بی‌دین و کافر هم بودند، آیا طبق چه قانونی شما حق کشتن آن‌ها را داشتید و حتا اگر آنان از فرمان شما پیروی نمی‌کردند، آیا مجازات آن‌ها مرگ بود؟ او بیشتر از همه، پادشاهان را در این امر مقصر می‌داند.

واساری، هنرمندان را بنیانگزار رنسانس می‌داند. (فلورانس، مه ۱۵۵۰):

جورجیو واساری *(Giorgio Vasari)*، معمار و نقّاش ایتالیایی، در کتابی که مورد استقبال عامه قرار گرفته، شرح زندگی هنرمندان را بیان کرده است. او در ناحیه‌ی آرتزو *(Arezzo)* به دنیا آمد و بیشتر عمر خود را در راه هنرهای بسیار ظریف معماری و نقّاشی و مجسّمه‌سازی مصروف کرد.

واساری تحت‌نظر میکل‌آنژ کار هنری خود را آغاز کرد و با وی دوست شد و با هدایت او، کتابی درباره‌ی شرح زندگی هنرمندان به نگارش درآورد. واساری، برای این کار به سراسر ایتالیا مسافرت کرد و به گردآوری داستان‌ها، حکایات و خاطرات هنرمندانی چون سیمابو *(Cimabue)* (که در سال ۱۳۰۲ فوت شد) و جوتو *(Giotto)* که در حال حاضر در قید حیات است، پرداخت و آن‌ها را با زبانی شیرین و بیانی روشن تحریر کرد. این نخستین کتابی است که بیوگرافی هنرمندان را شرح می‌دهد و در حقیقت تاریخ هنر است. در ضمن واساری، نظر انتقادی خود را راجع به بعضی از مباحث، بیان کرده، این کتاب بیشتر شرح حال استادان هنر می‌باشد که در توسکانی *(Tuscany)* منتشر شد.

ابزار جدیدی که دانه‌ها را از هم تفکیک می‌کند. (اروپا، ۱۵۵۵):

با پیشرفت تکنولوژی، دستگاهی اختراع شده که دانه‌های خوراکی را از مواد زاید تصفیه می‌کند. چون محصول به دست آمده از قبیل گندم، جو، ذرت و سایر غلّات و دانه‌های خوراکی، با آشغال و سنگ و چوب مخلوط می‌باشد، و این دستگاه می‌تواند دانه و آشغال را از هم جدا نماید. این دستگاه، به وسیله‌ی دست ساخته شده است.

ابزار دیگری که برای محکم کردن و اتّصال چوب‌ها به همدیگر اختراع شده، یک نوع میخ است که حالت پیچ دارد، چون میخ برای اتّصال چوب مناسب است، لیکن آن را نمی‌توان برای متّصل کردن فلز به کار برد. نوعی پیچ اختراع شده که فلز و چوب را به هم متّصل می‌کند و به آن استحکام می‌بخشد. تفنگ‌سازان که این پیچ را ساخته‌اند، برای اتّصال، همان‌طور که گفته شد، پیچ‌هایی می‌سازند که نوک تیزی دارد و از آن برای به هم وصل کردن ابزار استفاده می‌شود.

ژزوئیت‌ها از بومیان در برابر تجارت برده حمایت می‌کنند. (برزیل، ۱۵۵۱):

هیأت‌های مذهبی اقداماتی را برای بهبود وضعیت سرخ‌پوستان برزیلی در مستعمرات دنیای جدید آغاز کردند. پس از آن‌که شمه‌یی از ستمگری‌ها و مظالم رسوای فاتحان و کاشفان دنیای جدید درباره‌ی بومیان، برای مردم روشن شد و بی‌رحمی‌ها و کشت و کشتار این نوآوران هویدا گردید، هیأت‌های مذهبی برای بهبود زندگی بومیان و جلوگیری از تجارت برده، دست به کار شدند.

مانوئل دو نوبرگا *(Manuel de Nobrega)*، رهبر ژزوئیت مذهب پرتغالی برزیل، نخستین مدرسه‌ی روحانی را در پایتخت بنیان نهاد. همین‌طور سالوادور دوباهیا دوتودوس لوس سانتوس *(Salvador de Bahia de Todos los Santos)* هم یک کالج طرفدار ژزوئیت را در سائوپولو *(Saopaolo)* تأسیس کرد، که در آنجا بومیان هم می‌توانند به تحصیل بپردازند.

در همین زمان، پدران کاتولیک مسؤولیت روحی و روانی و مالی بومیان حومه‌ی محلّ را تقبّل کردند و اقداماتی برای رفاه آن‌ها آغاز کردند.

این افراد بشردوست، گرچه نتوانستند رسماً تجارت برده را در سرزمین برزیل لغو کنند، با این وصف، ناگزیر شدند که بومیان را در کارها شرکت دهند و تنها از آن‌ها به‌عنوان برده بهره‌برداری نکنند و بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد که بردگان احساس بهتری نسبت به اربابان خود پیدا خواهند کرد.



تندیس یادبود سیگیسموند Sigismund در کلیسای بزرگ واول Wawel واقع در شهر کراکوی Cracow لهستان.



مبارزان اسپانیا در مستعمرات امریکا، سرخ پوستان محلی را قتل عام می کنند. تصویر مربوط به سده های اخیر.



نقشه ی متصرفات اسپانیا در سال ۱۵۵۸ و فتوحات اولیه ی جنگجویان آن کشور.

هرچند بومیان با زبان اربابان خود آشنا نبوده و از سواد هم بی‌بهره بودند، معهذا، رابطه‌ی بهتری با آن‌ها برقرار کردند و به مذهب علاقه پیدا کردند، لیکن هنوز در اعماق روح سرخ‌پوستان، بیزاری از مذهب به خاطر ستمگری‌ها و شکنجه‌ها و بیگاری‌های سلطه‌گران وجود داشت و تصوّر آن‌ها این بود که مذهب عنوانی برای چیره‌گری و تسلّط اربابان و هم‌چنین از بین بردن و تخریب روحی آن‌ها و محو اعتقادات بومیان است که زمینه‌ی استیلای بیشتری بر آنان ایجاد کند، لکن هنوز هم به‌نظر می‌رسد که تنها راه جلب رضایت این افراد تحت استعمار، سعی در آشتی دادن آن‌ها با اعتقادات و افکار مذهبی می‌باشد.

بدین ترتیب، ژزوئیت‌ها نشان دادند که با مهربانی و عطوفت می‌توان بر قلب‌ها حاکم شد و یگانه راه به دست آوردن قلوب آن‌ها، مهربانی و شفقّت است، نه زور و شمشیر.

کشیشان ژزوئیت، به آزادی برای ژاپنی‌ها موعظه می‌کنند. (ژاپن، ۲۱ سپتامبر ۱۵۵۱):

فرانسیس خاویر *(Francis Xavier)*، سرپرست هیأت مذهبی ژزوئیت، در دو سال پیش با کشتی پرتغالی گوا *(Goa)* برای موعظه و تبلیغ و تدریس کتاب انجیل به ژاپن آمد. مسیری را که فرزند اشرافی باسک *(Basque)* برای این مأموریت پیمود، خیلی سخت و دشوار بود.

خاویر که در روز ۱۵ اوت ۱۵۴۹ به ساحل ژاپن رسید، از طرف یکی از شاهزادگان و فئودال‌ها به نام ساتسوما *(Satsuma)* مورد استقبال قرار گرفت و به او خوش‌آمد گفته شد و اجازه یافت که در یک ملک اربابی، به سخنرانی و تبلیغ بپردازد. وی توانست ۱۵۰ نفر، از جمله بارناباس *(Barnabas)* با تقوا را به دین مسیح درآورد. او پس از آن، خود دواطلبانه در خدمت خاویر درآمد و حفاظت و نگهبانی وی را عهده‌دار شد.

مدّتی بعد، یعنی در سال ۱۵۵۰، چند کشتی پرتغالی، تعداد زیادی از روحانیون مسیحی را به ژاپن آورد که مورد استقبال قرار نگرفته و در نتیجه خاویر نتوانست آمرزش‌نامه ساتسوما را بدهد و برای او طلب برکت و آمرزش کند و تنها به این اکتفا کردند که کتاب انجیل را به پایتخت بفرستند که باز هم عدّه‌یی به دین مسیح درآمدند. پس از آن، خاویر و دو نفر از دوستانش، به‌عنوان یک هیأت مذهبی سرگردان شدند و نتوانستند برای تبلیغ، به شهرها و نقاط مختلف کشور سفر کنند.

آن‌ها در زمستانی سخت و سرمایی طاقت‌فرسا، بدون پوشش و بی‌پول، راه کیوتو *(Kyoto)* را در پیش گرفتند، در حالی‌که به علّت گرسنگی و سرما، در شکنجه و عذاب بودند.

گاهی اوقات خاویر برای این‌که پولی جهت تهیه‌ی غذا به دست آورد، به حمل اثاثیه و بارهای افراد می‌پرداخت. سرانجام با این وضع فلاکت‌بار، توانستند به شهر کیوتو برسند و عدّه‌یی دیگر از مسیحیان را به آیین مسیح دعوت کنند.

لشگریان فرانسوی، نواحی اسقفی آلمان را تصرّف کردند. (لورن *(Lorraine)*، آوریل ۱۵۵۲):

هنری دوّم، پادشاه فرانسه، چندین ناحیه را که پدرش از دست داده بود، با پیروزی علیه شارل پنجم امپراتور آلمان، بار دیگر تسخیر کرد. ۳۵ هزار نفر از سربازان پر قدرت فرانسوی، به سرزمین آلمان حمله بردند و چند منطقه از قلمرو امپراتور نابالغ آلمان را به انضمام سه ناحیه‌ی اسقفی متز *(Metz)*، وردن *(Verdun)* و تول *(Toul)* را تصرّف و به فرانسه پیوست کردند. این کار به تحریک و نقشه‌ی موریس *(Maurice)*، پادشاه ساکسونی، انجام شد، چون او به پادشاه فرانسه القا کرد که قدرت شارل رو به زوال می‌باشد و خاندان هابسبورگ اقتدار خود را از دست داده‌اند، چون در سه ماه پیش، شاهزادگان آلمانی با انعقاد پیمان شامبور *(Chambord)*، دست به دامان هانری برای دفاع از خاک خود شدند.

در همین اوان که هانری این پیمان را امضا کرد، با همکاری و حمایت قوای آن‌ها، نواحی اسقفی از دست رفته را بار دیگر به چنگ آورد، شارل از این نقشه بی‌اطّلاع بود. وی از این ضربت گیج شد، به‌طوری که لشگریانش به سراسر منطقه‌ی آلپ متواری شدند.

ایوان مخوف، مغول‌ها را شکست داد. (روسیه، ۱۵۵۲):

اقیانوس ارام، ۱۵۹۲
خوان دوفوکا (Juan de Fuca) ادعا کرد که مسیر سراسری شمال غرب در شمال اقیانوس‌آرام را پیموده است.

فرانسه، ششم فوریه ۱۵۹۳
ژاک آمیو (Jacques Amyot) دانشمند کلاسیک و سرپرست زمان کودکی هانری دوم دار فانی را وداع کرد. او شرح زندگانی پلوتارک (Plutarch) را به فرانسه ترجمه کرد و رویدادهای زمان وی را به‌نگارش درآورد.

پاریس، فوریه ۱۵۹۳
مجلس عوام فرانسه که از سال ۱۵۷۶ برای بزرگ‌داشت مذهب کاتولیک در پاریس تشکیل می‌شد، اکنون به شهر ریم (Rheims) انتقال یافت و پادشاه فرانسه آن را افتتاح کرد.

انگلیس، ۳۰ ژوئن ۱۵۹۳
کریستوفرمارلو (Christopher Martlowe) درام‌نویس انگلیسی بر اثر مشاجره‌یی که در یک میخانه در دپت‌فورد (Deptford) نزدیک لندن با افراد مست درگرفت در سن ۲۹ سالگی درگذشت. او توانست با نوشتن نمایش تراژدی به‌نام تامبورلین (Tamburlaine) در سال ۱۵۸۷ التهاب و انقلابی ایجاد کند و هم‌چنین در نمایش تراژدی ترسناک دکتر فاستوس (Dr.Faustus) در سال ۱۵۸۸ و نیز یک یهودی در جزیره‌ی مالت در سال ۱۵۸۹، بدگویی درباره‌ی ادوارد دوم، و قدرت پول در سال ۱۵۹۲ و نیز عدم قدرت مردانگی، درام‌نویسی را در انگلیس به مقام والایی برساند و روح بلند پروازانه را در این‌گونه موارد توسعه بخشد.

میلان، ۱۱ ژوئیه ۱۵۹۳
جوزپه آرچمبولدو (Giuseppe Arcimboldo) نقاش دربار دو امپراتور رم، فردیناند (Ferdinand) ورودولف (Rudolf) دوم درگذشت. شهرت وی در ترسیم اشکال انواع گیاهان، میوه‌ها و گل‌ها بود و توانست زیبایی این مناظر را به حد کمال برساند، به‌حدی که هر فردی از دیدن شکوه رنگ‌ها لذت ببرد.

فرانسه، ۲۵ ژوئیه ۱۵۹۳
هانری چهارم پیمان خود را با پروتستان‌ها گسست و به امپراتوری رم رسید.

سوئد، ۱۵۹۳
مصوبه مجلس که در سال ۱۵۳۰ در شهر اپسالا (Uppsala) متروک شده بود، بار دیگر توسط سیگیسموند پادشاه سوئد به‌عنوان یکی از اصول مذهب لوتری پذیرفته و اجرا شد.

امریکای شمالی، ۱۵۹۳
هیاتی که تحت سرپرستی فرانسیسکو دولویا پونیلا (Francisco de Levya Bonilla) و آنتونیوگوتیرز دوهومانا (Antonio Gutierez de Humana) برای کشف و استخراج معادن طلا به تیندان (Tindan) رفته بودند، به‌وسیله‌ی هندیان در کانزاس (Kansas) به هلاکت رسیدند.

انگلیس، ۱۵۹۳
پارلمان انگلیس قوانین شدیدی را برعلیه مرتدان مذهبی تصویب کرد. برطبق این قوانین اگر پروتستان‌ها اعمالی مخالف کلیساهای انگلیس انجام دهند به تبعید و زندان محکوم خواهند شد، هم‌چنین اگر بر ضد دولت اجتماعاتی تشکیل شود، مجازات‌های شدید درباره‌ی آن‌ها اجرا خواهد شد.

انگلیس، ۱۵۹۳
جان پن‌ری (John Penry) به جرم اهانت به کلیسای انگلیکان (Anglican) و زیر سؤال‌بردن قدرت آن با انتشار کتاب مارپره‌لیت (Marprelate) با هواداری از فرقه‌ی پوریتن‌ها، دستگیر و حلق‌آویز شد. پن‌ری که یکی از اعضای پوریتن (Puritan) ساکن ویلز بود، اخیراً با درج سه مقاله یادآور شده بود که باید کلیسای انگلیکان اصلاحاتی صورت گیرد و کشیشان تحت تعالیم ویژه قرار گیرند.

انگلیس، ۱۵۹۳
ویلیام شکسپیر (William Shakespeare) نمایش‌نامه‌ی کمدی اشتباهات ریچارد سوم و دیوان اشعار ونوس (Venus) و آدونیس (Adonis) را نگاشت.

رم، دوم فوریه ۱۵۹٤
جووانی پی‌یرلوئیجی دا پالسترینا (Giovanni Pierluigi da Palestrina) جان سپرد و نعش او را هم در قصر سنت پیتر به خاک سپردند. در سال ۱۵۵۱ پاپ ژولیوس (Julius) دوم وی را به رم فراخواند تا گروه کر کلیسای ژولیان (Julian) را رهبری کند و او هم دسته‌ی موزیک را در کلیسای سنت جان لاترانو (St John Laterano) و گروه‌های عظیم کلیساهای سنت ماری را به‌صورت موفقیت‌آمیزی رهبری کرد، در سال ۱۵۷۱ هم رهبری گروه موزیک بزرگ سنت پیتر را عهده‌دار بود. او بیش از یک‌صد دوره موزیک مراسم عشای ربانی و ۶۰۰ فقره موزیک کر را به‌نگارش درآورده و آن را اجرا کرد.

ایوان مخوف *(Ivan Terrible)*، با طرح نقشه‌های جنگی عالی و با بهره‌گیری از سلاح‌های آتشین، در دو پیکار متوالی، توانست قدرت رو به زوال تاتارها و مغول‌ها را در هم بشکند و آن‌ها را از ناحیه‌ی شرقی سرزمین روسیه براند. وی با یک سپاه یکصد و پنجاه هزار نفری، دیوارهای شهر غازان *(Kazan)* را در ساحل رود ولگا *(Volga)* با استفاده از باروت فرو ریخت و آنجا را تصرّف کرد و در پی این پیروزی لشگریان ایوان، استراخان *(Astrakhan)* (هشترخان) شهر دیگری که مغول‌ها استحکاماتی در آن ایجاد کرده بودند را تسخیر کردند.

در پی این عملیات جنگی، روس‌ها سراسر دلتای رود ولگا تا دورترین نقاط دریای خزر را به قلمرو خود افزودند، از سویی آن‌ها با پیروزی در این نبرد، سرزمین خود را در سراسر کوه‌های اورال *(Urals)* تا کناره‌ی اقیانوس آرام، بسط دادند و به این اقیانوس دست یافتند و مسیر جدید بازرگانی شبیه راه ابریشم را برای بازرگانی خارجی روسیه گشودند

این موفقیت، حاصل تلاش ایوان و نیروهای نظامی روسیه انجام شد و بخشی از اقدامات او برای انجام اصلاحات بود که به او لقب گروزنی *(Grozny)* یعنی ترسناک (دِرِد *Dread*) یا مخوف را دادند.

یکی از طرفداران کالوین، به جرم الحاد، تکفیر و جسد او سوزانده شد. (ژنو، ۲۷ اکتبر ۱۵۵۳):

میشل سروِتوس *(Michael Servetus)* که از دادگاه تفتیش عقاید اسپانیا به جرم تألیف کتاب «اشتباهاتی در عقاید تثلیث» (یعنی اب و ابن و روح‌القدس) در سال ۱۵۱۳، فرار کرده بود را به دستور رئیس دادگاه مذهبی ژنو، زنده در آتش سوزاندند. وی یکی از پیروان ژان کالون بود.

شهر ژنو گرچه پایگاه طرفداران اصلاحات مذهب مسیح بود، لیکن سروتوس با حمله به عقاید تثلیث، در آن‌ها یک حالت عدم تحمّل به‌وجود آورد، چون پایه‌ی عقیده دینی مسیح محسوب می‌شد. از این جهت، فرمان سوزاندن وی را صادر کردند. کالون قصد داشت با بحث و گفت‌وگو، عقاید اصلاحی را به افراطیون و کاتولیک‌ها القا کند، در حالی‌که سروتوس که پزشکی

بی‌تجربه در مسائل دینی بود و توانسته بود گردش خون ریوی در انسان را کشف کند، بر عقاید خود پای می‌فشرد و گاهی هم کالوین بر عقاید وی صحه می‌گذاشت، رقیبان وی را تحریک کرد که دادگاه شهر ژنو را وادار به اجرای این حکم وحشتناک نمایند.

سروتوس که یک فراری و پناهنده بود، در این سال‌های اخیر، به سبب این‌که تصوّر می‌کرد شهر ژنو جایگاه و پایگاه طرفداران اصلاحات مذهبی است، شروع به سخنرانی و موعظه طبق باورهای خود کرد و عاقبت گرفتار شد.

کرانچ که تابلوهایی از لوتر ترسیم کرده بود، بدرود حیات گفت. (وایمار، آلمان، ۱۵۵۳):

لوکاس کراناخ *(Lucas Cranach)* که تا زمان مرگ دورر *(Durer)*، یکی از بزرگ‌ترین نقاشان آلمانی به‌شمار می‌رفت، در سنّ ۸۱ سالگی جهان را ترک گفت. او تحت سرپرستی ژان فردریک *(John Frederick)*، شاهِ انتخابی و شکست خورده‌ی ساکسونی قرار داشت و عضو کلیسای صلیبیون وایمار *(Weimar)* بود. در پنج سال قبل به‌عنوان نقّاش دربار فردریک (مشهور به عاقل) شاه پیشین انتخابی ساکسون در ویتن‌برگ *(Wittenberg)*، شهری که فردریک دانشگاه معروفی در آنجا تأسیس کرده بود، استخدام شد. او در اواخر عمرش به سمت شهردار ویتن‌برگ انتخاب شد و سه پسر نقّاش وی هم، به حمایت بازرگانان شهر، یک کارگاه نقّاشی در آنجا دایر کردند.

وی در یک تابلو نقّاشی، دورنمای اماکن مقدّس دینی را ترسیم کرد. کراناخ بقیه‌ی عمر خود را در مهاجرت به مصر سپری کرد و در آنجا تابلویی از جنگل‌های شمال مصر ترسیم کرد که در زمینه‌ی این تابلو، فرشتگان بر فراز درختان در پروازند. این تابلو اقتباس از کار دورر بود که خود او چندین تابلو از دوستش مارتین لوتر و عدّه‌یی از شاهزادگان آلمانی را همراه شارل جوان پادشاه اسپانیا قبل از رسیدن به سلطنت، ترسیم کرده بود. وی در چند سال آخر عمر، تابلوی ونوس زیبا و یک سری از شکارچیان را برهنه ترسیم کرد. مهم‌ترین و مشهورترین اثر او، تابلوی دیوان داوری پاریس است.

فرمانروایان تندمزاج شهر، در تالار رقص، سکوت را رعایت می‌کنند. (ژنو، ۱۵۵۲):

افراطیون مذهبی که چندی پیش ژان کالون را تبعید کرده بودند، اکنون بدون رقیب، در شهر ژنو عقاید پروتستان‌های ارتودوکس را که خود بنیانگزار آن بودند، تبلیغ می‌کنند. اساس عقاید افراطیون، بر مشیت خداوندی است که در کلیساها مورد پذیرش است. این اصول در سال ۱۵۴۱ از طرف کلیسا و حکومت محلی پذیرفته شد.

پدر کالون، وکیل دعاوی بود و خودش هم این شغل را انتخاب کرد و حکومت محلی هم از وی استقبال کرد و مورد تشویق واقع شد. از آنجاییکه کالوین در امور مذهبی تعصب داشت، هرگز تصوّر نمی‌کرد که رهبران سیاسی علیه عقاید عمومی عمل کنند. مشیت و خواست خداوندی، مدّت کوتاهی ملعبه‌ی سیاسی حاکمان واقع شد و به روشنی مشی دینی را معین نمی‌کرد و کالوین نمی‌دانست که آن‌ها راست می‌گویند یا دروغ. آن‌ها در نظر داشتند که عقاید دینی مردم را با آنچه که خواست کلیسا می‌باشد، تطبیق دهند، لیکن چون افکار تشکیل جمهوری در مغزها شکل گرفت و اکثریت مردم هواخواه رژیم جمهوری شدند، حکومت محلی شهر ژنو با آن‌ها مخالفت ورزید و بین حکومت و مردم جدایی افتاد. شهروندانی که پیرو آیین ارتودوکس بودند، با استبداد و حکومت مطلقه مواجه شدند. پیروان عقیده‌ی تقدیر و سرنوشت به عوض این‌که مردم را در انتخاب نمایندگان خود آزاد گذارند، عدّه‌یی را خود برگزیدند. نگهبانان کلیسا و سالمندان، از عقاید عمومی متابعت کردند. آن‌ها جلسات هفتگی برای مشاوره برای تعیین نوع حکومت ژنو، تشکیل می‌دادند.

آن‌ها می‌توانستند به‌هر جرمی، مرتکب را تبعید کنند، دکترها را وادار می‌کردند در کلیساها به اعمال و مراسم مذهبی بپردازند. علاوه بر آن، امور مهمّ اجتماعی مانند ازدواج و کفن و دفن مردگان هم باید

طبق مقرّرات موضوعه که مقرّر شده، انجام شود، لیکن سایر موضوعات آن چنان اهمیتی ندارد.

کالوین سخت پای‌بند تقوا و پارسایی بود و عقیده داشت تمام اعمال انسانی تحت کنترل واقع می‌شود. رقص را حرام می‌دانست و پوشیدن لباس‌هایی که ران و سرین را نمایان سازد، از اعمال زشت و قبیح بود و هم‌چنین وقت‌گذرانی و زندگی را به بطالت صرف کردن، از نظر وی عملی غیرموجه بود. وی عقیده داشت که کشیشان در تمام اوقات باید مردم را بپذیرند و هر سال وضع آن‌ها را از نظر مالی و اجتماعی بررسی کنند که زندگی مناسب داشته باشند تا فقیر و مسکین در اجتماع نباشد و دستورات دین مسیح باید کاملاً اجرا شود. امّا هنوز هم دولت‌مردان درگیر موضوعات پیش پا افتاده و جزیی هستند و با انگیزه‌های کوچک، مردم را از شهر و دیار خود تبعید می‌کنند، لیکن کالوین می‌خواست که مقرّرات خیلی دقیق اجرا شود و به ندرت افراد را از شهر و وطن خود آواره سازند، تا بدین ترتیب، اجتماع سالم و از نظر روحی در سلامت به سر برد.

راهب دومی نیکنی که عقیده داشت باید سرخ‌پوستان نابود شوند. (اسپانیا، ۱۵۵۲):

یک استعمارگر پیشین که در سلک روحانیت دومی نیکن درآمده بود و دنیای جدید را تیول و ملک مطلق اسپانیا می‌دانست، رژیمی ستمگر و ظالم‌پیشه در محلّ حکومت خود برقرار کرد و تمام بومیان سرخ‌پوست را به حالت بردگی درآورد.

بارتولومه دو لاس کازاس *(Bartolomeo de las Casas)* که سال‌ها در مستعمرات اسپانیا به سر بُرده و یک کارشناس امور مستعمراتی به‌شمار می‌رود، با نیروی قابل ملاحظه‌یی، وطن خود را ترک کرده و قصد دارد که با جنگ با بومیان دنیای جدید، اقدام به اصلاحات نماید. وی همان‌طور که ذکر شد، چون سال‌ها در بین سرخ‌پوستان زندگی کرده و به آداب و رسوم و شیوه‌ی زندگانی آن‌ها آشنا بود، زمانی‌که هیچ فرد اروپایی قدم به این مناطق ننهاده بود و هیچ یک از مسیحیان در آن‌جا وجود نداشت، مدّت‌ها با بومیان حشر و نشر داشت و یک خُبره‌ی دنیای جدید بود.

پاریس،۲۲ مارس ۱۵۹٤
بریساک (Brissac) فرماندار پاریس دروازه‌ی شهر را به روی هانری چهارم گشود. مخالفان پیمان کاتولیک که در ضمن به‌صورت مخفی مخالفت خود را در سال گذشته نسبت به هانری چهارم ابرازی داشتند، در آستانه‌ی سقوط قرار گرفتند.

ونیز، ۳۱ مه ۱۵۹٤
ژاکوپو دی روبوستی (Jacopo di Robusti) مشهور به تینتورتو (Tintoretto) درگذشت. وی در کار نقاشی و به‌کاربردن رنگ‌ها از شیوه‌ی تیت‌یان (Titian) و میکل‌آنژ تقلید می‌کرد، وی استاد مسلم ترسیم دورنما بود و یکی از مهم‌ترین کارهای او نقاشی‌های اسکوئولا دی سان روکو (Scuola di San Rocco) می‌باشد.

آلمان، ٢٤ ژوئن ۱۵۹٤
اورلاندو دی‌لاسو (Orlando di Lasso) موسیقی‌دان درگذشت. وی مدت زیادی رهبری گروه موسیقی کلیسای شهر مونیخ (Munich) را برعهده داشت و در خدمت دی‌وینو اورلاندو (Divino Orlando) دوک باواریا بود، وی با آمیختن سبک موسیقی فلاندر (Flanders) و سرودهای سنتی ایتالیایی، زیباترین سرودها و گروه کر را به‌وجود آورد.

انگلیس، ۲۲ نوامبر ۱۵۹٤
مارتین فروبیشر (Martin Ferobisher) کاشف انگلیسی مناطق مختلف امریکای شمالی که قصد داشت راه آبی جنوب شرقی را به چین کشف و مشخص سازد، در اثر زخمی که در هنگام محاصره‌ی منطقه‌ی کروزون (Crozon) در نزدیکی بندر فرانسوی برست (Brest) برداشته بود، جان سپرد.

هلند، دوم دسامبر ۱۵۹٤
گراردوس مرکاتور (Gerardus Mercator) (گرهارد کرمر (Gerhard Kremer)) جغرافیادان و ریاضی‌دان توانای فلاندری جهان را بدرود گفت.

آسیای مرکزی، ۱۵۹٤
اکبر شاه هندوستان کنترل بلوچستان و مکران را به‌دست گرفت و آن مناطق را ضمیمه‌ی امپراتوری مغول کرد.

آسیای جنوب شرقی، ۱۵۹٤
سر جیمز لانکاستر (James Lancaster) افسر دریانورد و بازرگان انگلیسی که در خدمت پرتغال کار می‌کرد پس از سه سال سیاحت در هند شرقی به اروپا بازگشت.

هلند، ۱۵۹٤
ایالت گرونینگن (Groningen) هلند به اتحادیه‌ی اوترخت (Utrecht) پیوست.

مجارستان، ۱۵۹٤
با شروع جنگ مجارستان، دولت عثمانی استحکامات منطقه‌ی راب (Raab) را تسخیر کرد.

فلوراید، ۱۵۹٤
پدر بالتازار لوپز (Father Baltasar Lopez) با برگزاری ۸۰ مورد مراسم عشای ربانی باپتیست، ۱۳ نفر از هندی‌های غرب را تشویق کرد که به لباس روحانیت درآیند.

انگلیس، ۱۵۹٤
شکسپیر نمایش‌نامه‌ی تیتوس آندرونیکوس (Titus Andronicus) و نمایش کمدی با عنوان رام‌کردن زن غرغرو را نوشت.

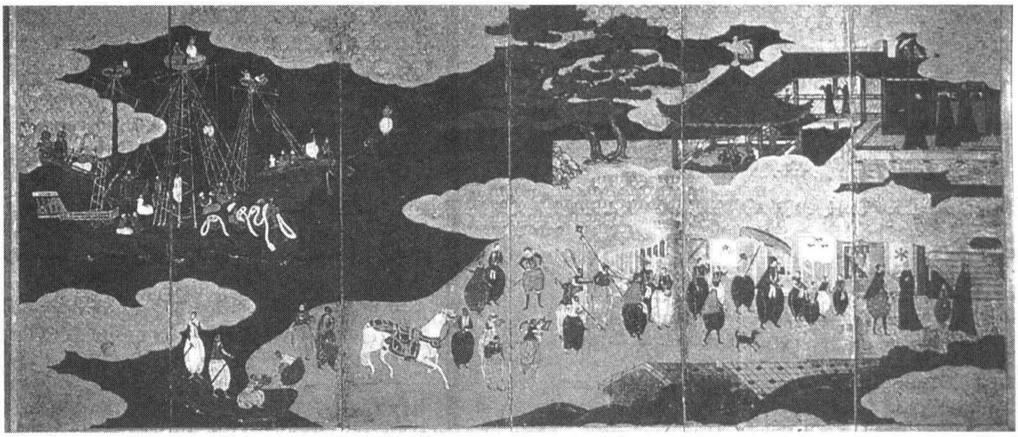
مکزیک، ۱۵۹٤
پدران مرسداریان (Mercedarian) (کشیشان مرسداری) اعضای گروه مهربانان به سرزمین مکزیک وارد شدند.

آنگولا، ۱۵۹٤
فورتادو دومندوکا (Furtado de Mendoca) به‌عنوان فرماندار سائوپولو (Sao paolo) لوآندا (Luanda) منصوب گشت.

فرانسه، ۱۵۹٤
گابریل دسترس (Gabrielle d' Estrees) معشوقه هانری چهارم فرزند نامشروع خود به‌عنوان سزار بوربون (Cesar Bourbon) را به سمت دوک واندوم (Vendome) منصوب کرد.

فرانسه، ۱۷ ژانویه ۱۵۹۵
هانری چهارم به اسپانیا اعلان جنگ داد و با تجهیز نیروهای فرانسوی به خیال ضمیمه‌کردن اسپانیا به فرانسه برآمد.

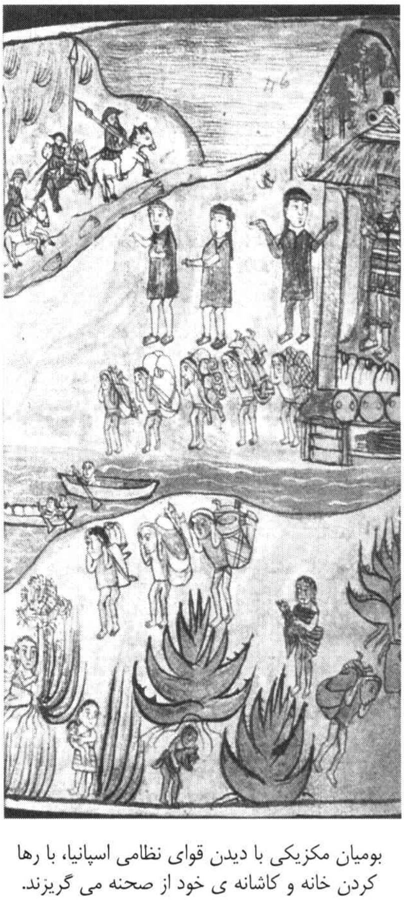
انگلیس، ۲۱ فوریه ۱۵۹۵
رابرت ساوث‌ول (Robert Southwell) شاعر ژزوئیت مذهب به جرم این‌که مذهب کاتولیک را پذیرفته و جزو کشیشان آن درآمده است در تای‌برن (Tyburn) به دار آویختند.



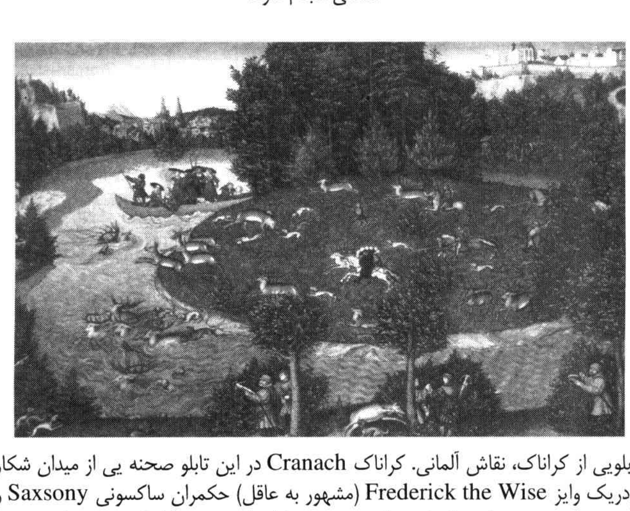
بازرگانان پرتغالی به همراهی و همیاری گروه های مذهبی مسیحی وارد ژاپن می شوند.



عکسی که در قرن هجدهم از روی نقاشی سده ی ۱۶ از میشل سروتوس Michael Servetus کپی شده، سروتوس مخالف عقیده تثلیثی بود و به باور او می بایستی درکلیسای کاتولیک اصلاحات اساسی انجام شود.



بومیان مکزیکی با دیدن قوای نظامی اسپانیا، با رها کردن خانه و کاشانه ی خود از صحنه می گریزند.



تابلویی از کراناک، نقاش آلمانی. کراناک Cranach در این تابلو صحنه یی از میدان شکار فردریک وایز Frederick the Wise (مشهور به عاقل) حکمران ساکسونی Saxsony را نشان می دهد که شاهزاده ساکسونی در جنگلی انبوه پی شکار گوزن می باشد.

در سال ۱۴۵۲، وی با حمایت همه جانبه‌ی شارل پنجم، مناطقی را که تحت سلطه‌ی بارتولومه بود، تیول وی قرار داد، او پیش‌نویس قوانین محلی را نوشت که باید به بردگی خاتمه داده شود و اصلاحاتی در این نواحی به‌وجود آید، لیکن چون سرخ‌پوستان بومی در این جریان سهمی نداشتند و منافع‌شان در خطر افتاد، دست به شورش زدند و حکومت محلی قوانین تازه‌یی را در سال ۱۵۴۶ جایگزین مقرّرات قبلی کرد که به‌طور خلاصه، کارگران در ازای انجام کار بایستی خراج و مالیات بپردازند و برای تجهیز سپاه، خود را برای سربازی در اختیار حکومت قرار دهند. در نتیجه‌ی اِعمال این قوانین، اروپاییان برای این‌که بومیان را به پیروی از مقرّرات وادارند، دست به خشونت و ستمگری زدند و بر اثر کار زیاد و شاقی که به بومیان تحمیل شد، در حدود ده درصد آن‌ها به بیماری‌های مختلف دچار شدند، به‌طوری که هیچ فردی دیگر نتوانست از زیر بار ظلم و ستم رهایی پیدا کند.

به فرمان مری تئودور *(Mary Tudor)*، خانم جین‌گری *(Jane Grey)* اعدام شد. (لندن، ۱۲ فوریه ۱۵۵۴):

خانم جین‌گری که تنها ۹ روز در سال گذشته اسماً ملکه‌ی انگلیس بود، به امر ماری تئودور به جرم خیانت، در برج لندن همراه شوهرش به قتل رسید.

این دستور اعدام مستقیماً از جانب ماری تئودور صادر شد، زیر از آن وحشت داشت که خانم گری با همدستی و همکاری نجبای پروتستان، بر ضدّ وحشی‌گری‌های کاتولیک‌ها به پا خیزند و وی اجباراً سلطنت را به او واگذار کند.

جین‌گری با کمال شهامت در سال گذشته خود را ملکه‌ی انگلیس معرفی کرد و مدّت ۹ روز سلطنت کرد، چون جان دادلی *(John Dudley)* دوک نورتامبرلند *(Duke Northumberland)*، وی را تحت حمایت خود قرار داده بود. لیکن به فرمان ماری، دوک نورتامبرلند فوری به قتل رسید و جین‌گری هم که نوه‌ی دختری هنری هشتم بود، به همراه شوهرش که فرزند نورتمبرلند بودند، به هلاکت رسیدند. ماری تئودور ظاهراً قصد داشت که پسر نورتامبرلند را زنده نگه دارد،

رم، ۲۵ اوریل ۱۵۹۵
پاپ کلمنت هشتم از تورکاتو تاسو (Torquato Tasso) دعوت کرد که به رم بیاید و تاج افتخار آراسته به برگ غار را بر سر بگذارد، لیکن وی قبل از این‌که در این جشن شرکت کند در صومعه سانتو اونوفریو (Santo Onofrio) از دنیا رفت. وی گردآورنده‌ی اشعار حماسی آزادی اورشلیم بود.
رم، ۲۶ مه ۱۵۹۵
فیلیپ نری (Philip Nery) شخص انسان‌دوست و کشیش ایتالیایی که در سال ۱۵۳۳ از سرزمین مادری خود فلورانس به رم آمده بود، از دنیا رفت. او در سال ۱۵۶۴ مدرسه‌ی نطق و بیان روحانیان مسیحی را بنیان نهاد و روحانیان را تشویق کرد که در این مؤسسه به تعلیم سخنرانی بپردازند.
فرانسه، پنجم ژوئن ۱۵۹۵
هانری چهارم سپاهیان اسپانیولی را در نبرد چشمه‌های فرانسه شکست داد و آنان را از ناحیه‌ی بورگوندی (Burgundy) بیرون راند.
ایرلند، ۱۵۹۵
هوف اونیل (Hugh o' Neil) ارل ناحیه تایرون (Tyrone) که به‌رهبری قبیله‌ی اونیل در دو سال قبل رسیده بود، خود را به‌عنوان قهرمان مذهب کاتولیک معرفی کرد و از اسپانیا خواست او را در نبرد علیه انگلیس یاری دهد.
امریکای شمالی، ۲۳ سپتامبر ۱۵۹۵
دولت اسپانیا در اجرای تصمیم خود مبنی بر این‌که تمام هندیان را به دین مسیح درآورد بخش جنوب شرقی امریکای شمالی را به ایالت مذهبی که هر یک زیر نظر یک هیأت مذهبی درآیند، تقسیم کرد.
سوئد، اکتبر ۱۵۹۵
سیگیسموند (Sigismund) پادشاه سوئد عموی پروتستان مذهب خود کارل (Karl) را به فرمانروایی سوئد تعیین کرد که در مواقع غیبت او جانشین پادشاه باشد.
مجارستان، اکتبر ۱۵۹۵
مدافعان مجاری به‌رهبری سیگیسموند پس از مدت کوتاهی که استحکامات استرگوم (Esztergom) را به دولت عثمانی تسلیم کردند بر سپاهیان ترک تاختند و آنان را در جورجو (Giurgiu) شکست دادند.
آسیای‌مرکزی، ۱۵۹۵
اکبر امپراتور مغول هند با تصرف شهر قندهار و تمام نواحی شمال هند در سراسر کرانه‌ی رود ناربادا (Narbada)، کابل و غزنه خود را به‌عنوان رهبر واقعی مغول معرفی کرد.
استامبول، ۱۵۹۵
محمد سوم به جانشینی مراد سوم به پادشاهی عثمانی رسید. او به‌هنگام جلوس بر تخت سلطنت از قانون برادرکشی برای احراز قدرت استفاده کرد و به‌ناچار تمام برادران و کودکان صغیر آنان را که بالغ بر ۱۹ نفر مرد و پسربچه‌های مراد سوم بودند به‌قتل رسانید.
پرو، ۱۵۹۵
لوئیس دو ولاسکو (Luis de Valasco)، نایب‌السلطنه‌ی پیشین اسپانیای جدید به‌سمت نایب‌السلطنه‌ی پرو تعیین شد.
اقیانوس آرام، ۱۵۹۵
با وجودی‌که مندانا دو نیرا (Mendana de Neyra) اسپانیایی، با ترک پرو و سیر در اقیانوس‌آرام به جزایر مارکوزاس (Marquesas) و سپس به جزیره‌ی سانتاکروز (Santa Cruz) (در شرق جزایر سلیمان) دست یافت و در همان مکان به دیدار مرگ شتافت.
آسیای جنوب شرقی، ۱۵۹۵
هلندی‌ها با سفر به دور دماغه‌ی نیک‌امید و سراسر اقیانوس هند به جزیره‌ی جاوه (Java) رسیدند و در آن‌جا مستعمره‌یی تأسیس کردند.
امریکای شمالی، ۱۵۹۵
سر والتر رالی (Walter Raleigh) دریانورد انگلیسی سواحل تری‌نیداد (Trinidad) را کشف کرد و در مسیر رود اورینوکو (Orinoco) به گشت‌زنی پرداخت.
فرانسه، ژانویه ۱۵۹۶
دوک منطقه‌ی ماین (Mayenne) و رهبر پیمان کاتولیکی، تسلیم هانری چهارم شد.

لیکن چون سه هزار نفر از مردان استان کنت به فرماندهی سِر توماس وایات *(Sir Thomas Wyatt)* عازم لندن بودند تا از ازدواج ماری و فیلیپ پادشاه اسپانیا جلوگیری کنند، در نتیجه ماری تصمیم گرفت که شوهر گری را به قتل برساند، در حالی‌که جین گری به‌طور مستقیم در این شورش دخالت نداشت.

نویسنده‌یی که داستان‌های هرزگان و اشرار را می‌نوشت، به ارتداد محکوم شد. (بورگوس *(Burgos)*، اسپانیا، ۱۵۵۴):

نوع جدیدی از داستان‌های اشخاص شرور و رذل در اسپانیا منتشر شد که نویسنده‌ی آن به شهرت رسید. پیکارو *(Picaro)*، داستان‌سرای اسپانیولی، با نوشتن حکایات افراد هرزه‌گرد و اراذل، از گمنامی به شهرت دست یافت و به علّت درج نکات غیراخلاقی و شنیع، تکفیر و ملحد شناخته شد.

پیکارو فردی معمولی بود و مانند تمام اسپانیولی‌های امروزی زندگی می‌کرد. انسانی مجرب و کارآزموده و سخت‌کوش بود و در بعضی مواقع، بذله‌گویی و شوخی می‌کرد و از فرصت‌ها استفاده می‌نمود.

پیکارو به تقدیر و سرنوشت اعتقاد داشت و عدم موفقیت را مولود سرنوشت ازلی می‌دانست و در نوشتن این کتاب قصد اذیت و آزار و ایجاد بیم و هراس در بین شهروندان خود را نداشت و مخصوصاً از این‌که برخلاف دستگاه روحانیت رفتار کند، احتراز می‌کرد.

ماری تئودور برای اثبات ارشدیت، دستور داد چند اسقف را در آتش بسوزانند. (انگلیس، ۱۵۵۵):

برای مقابله و رویارویی با ماری تئودور کاتولیک مذهب، ملاقات‌های محرمانه‌یی بین سران پروتستان در شهرها و روستاهای جنوب انگلیس صورت گرفت.

ماری تئودور در ماه فوریه، با فرمان سوزاندن افراد و به خصوص چهار اسقف که یکی از آن‌ها به نام نیکلاس ریدلی *(Nicholas Ridley)* بود، این نوع مجازات آغاز شد. ریدلی یکی از شریف‌ترین اسقف‌ها و همواره یار و همدم فقرا و بی‌چیزان بود.

ماری، پارلمان را وادار کرد که استقلال کلیسای انگلیس را منسوخ کند و آن‌ها را به پیروی از کلیسای رم وادارد. به همین منظور هم پاپ ژولیوس سوّم، رجینالد پل *(Reginald Pole)* انگلیسی را که مدّت‌ها در ایتالیا به سر برده بود، به‌عنوان سراسقف کلیسای کنتربوری تعیین کرد تا موقعیت از دست رفته‌ی خود را در انگلیس عودت دهد. قدرت کلیسای رم در زمان هنری هشتم و ادوارد ششم افول کرد، چون پاپ آن زمان به هنری اجازه‌ی ازدواج مجدد نداده بود.

برخی از ناظران بر این باورند که ماری شخصاً مسؤول تعقیب و کشتن افراد نبود و این نفوذ و قدرت کلیسای کاتولیک بود که برای جبران گذشته، اقدام به این اعمال می‌کرد، در حالی‌که سایرین عقیده داشتند ماری خود، فردی بی‌رحم و سنگدل است و از این نظر به وی لقب ماری خون‌آشام دادند و شخص اوست که مایل است قدرت کلیسای رم در انگلیس افزایش یابد.

پاپ در سالروز ازدواج هنری هشتم با کاترین آراگون، بار دیگر روح هنری را تکفیر، و به وی لعنت فرستاد.

از نظر عمومی، ماری دختری حرام‌زاده و نامشروع بود، زیرا مادر وی به اجبار به زوجیت هنری هشتم که خود را اسقف اعظم کلیسای انگلیس می‌دانست، درآمد، در حالی‌که کلیسا آن ازدواج را تحریم کرده بود. در نتیجه ماری فرزندی نامشروع بود و ماری هم به آن معترف بود و برای جبران امر و جلب رضایت پاپ، اقدام به خشونت علیه پروتستان‌ها کرد و اگر ماری می‌توانست رضایت پاپ را فراهم کرده و قدرت پاپ را در سراسر کشور استحکام بخشد، پاپ هم او را فرزند مشروع قلمداد می‌کرد و این لکه‌ی ننگ از دامان ماری پاک می‌شد.

رؤیای سلطه بر اوگسبورگ تعبیر نشد. (اوگسبورگ *(Augsburg)*، سوّم اکتبر ۱۵۵۵):

دیدارهایی که بین سران کاتولیک و پروتستان در مجلس آلمان از ماه فوریه سال گذشته انجام شد، بالاخره امروز به امضای پیمان صلح منجر شد و به سه سال زد و خورد در آلمان پایان بخشید. این پیمان هم‌چنین سبب شد که کاتولیک‌ها، کلیساهای نوبنیاد

مکزیک، ژانویه ۱۵۹۶
سباستیان رودریگوئز سرمنو (Sebastian Rodriguez Cermeno) پس از ۲۲ ماه دریانوردی در سواحل اقیانوس‌آرام به مکزیک بازگشت.

منطقه‌ی کارائیب، ژانویه ۱۵۹۶
سر فرانسیس دریک (Sir Francis Drake) دریانورد داوطلب و فرمانده‌ی کشتی مسلح انگلیسی، جان سپرد.

فرانسه، آوریل ۲۵۹۶
اسپانیا بندر کاله (Calais) را تسخیر کرد.

اسپانیا، اول ژوئیه ۱۵۹۶
لرد هاوارد (Lord Howard) اهل افینگهام (Effingham) ارل ناحیه‌ی اسکس (Essex) و فرانسیس ور (Francis Vere) به سرپرستی سپاهیان انگلیس، بندر کادیز (Cadiz) را تصرف و آن را به‌دست چپاول سپردند.

مجارستان، سپتامبر ۱۵۹۶
سپاهیان عثمانی تحت فرماندهی شخص محمد سوم سلطان عثمانی لشگریان مجار را در ارلو (Erlau) (اگر (Eger)) شکست دادند.

اوکراین، اکتبر ۱۵۹۶
به تصویب شورای کلیسایی تمام کلیساهای روسی منطقه‌ی برست لیتوفسک (Brest Litovsk) یک‌پارچه شدند، پس از یک سال بحث و مناظره شوراهای کلیسای اوکراین (Ukraine)، تصویب کردند که کلیساهای وابسته به مذهب کاتولیک رم و ارتودوکس (Orthodox) تحت نظارت انجمن ژزوئیت‌ها به کار ادامه دهند.

مجارستان، اکتبر ۱۵۹۶
محمد سوم سلطان عثمانی با تعداد بی‌شماری پیاده ترک که در نبرد مزوکرستس (Mezokeresztes) شخصاً شرکت کرده و در این نبرد به پیروزی چشم‌گیری دست یافته بود، برطبق گزارشات قشون مجار و آلمان‌ها برخلاف انتظار صحنه را ترک کرد. در حالی‌که افراد لشگر دشمن وی تنها سی‌هزار نفر مرد جنگی بود.

رم، ۱۵۹۶
پاپ کلمنت (Clement) هشتم، حکم تکفیر هانری چهارم پادشاه فرانسه را باطل و وی را عفو کرد.

فرانسه، ۱۵۹۶
فرانسه و انگلیس و هلند با عقد پیمانی بر ضد اسپانیا وارد جنگ شدند.

آفریقای شرقی، ۱۵۹۶
پرتغالی‌ها ساختمان دژ را در مومباسا (Mombasa) (کنیا (Kenya)) به‌پایان رساندند.

امریکای شمالی، ۱۵۹۶
نخستین گاری‌های چرخ‌دار، واگن مانند مشابه گاری‌های کشاورزی آلمانی در دنیای جدید به‌کار افتاد. این گاری‌ها برای حمل انواع لوازم و محصول به‌کار برده می‌شود و اسپانیولی‌ها در منطقه‌ی جنوب غرب با این گاری‌ها به کشف مناطق جدید می‌پردازند.

هلند، ۱۵۹۶
آلبرت (Albert) دوک اعظم اتریش به فرمانداری هلند تعیین شد. آلبرت سومین فرزند ماکسیمیلیان (Maximilian) دوم در سال ۱۵۷۷ به مقام کاردینالی رسید و در ۱۵۸۴ عنوان اسقف اعظم تولدو (Toledo) را یافت و در سال ۱۵۹۴ نایب‌السلطنه‌ی پرتغال گردید.

فرانسه، ۱۵۹۶
ژان بودن (Jean Bodin) فیلسوف و سیاستمدار فرانسوی و مؤلف کتاب جمهوری جان سپرد. بودن ثروت و دارایی و اصالت خانوادگی را پایه‌ی اجتماع می‌داند و بهترین نوع حکومت را حکومت مطلق روحانی و کلیسایی به‌حساب می‌آورد.

انگلیس، ۱۵۹۶
ادموند اسپنسر (Edmund Spenser) کتابی در هفت جلد شامل اشعاری درباره‌ی ملکه‌ی پریان سرود و آن را به ملکه الیزابت تقدیم کرد.

انگلیس، ۱۵۹۶
شکسپیر نمایش‌نامه‌ی کمدی رؤیای نیمه‌شب تابستان و هم‌چنین نمایش‌نامه‌ی عاشقانه‌ی رمئو و ژولیت (Remeo and Juliet) را تدوین کرد.

اتریش، ۱۵۹۶
یوهان کپلر (Johann Kepler) رسالات خود را درباره‌ی دنیای اسرارآمیز کیهان انتشار داد. او در این رساله روابط بین سیارات و ستارگان و مسافات و فواصل بین خورشید و سیارات را برحسب ارقام ریاضی و رقومی تعیین کرده است.

پروتستان را در سراسر اروپا به رسمیت بشناسند و همزیستی بین این دو فرقه ایجاد شود و از سوی شاهزادگان آلمانی حقوق امپراتور آلمان را تأیید کنند.

شارل پنجم امپراتور، همواره در رؤیای این بود که با پیوستن کلیساهای پروتستان به کاتولیک‌ها و ایجاد یک کانون قدرت، اقتدار امپراتور را تحکیم و افزایش دهد، به‌طوری که همه‌ی کانون‌های قدرت از وی تبعیت کنند.

در آغاز امسال، با عود کردن بیماری نقرس وی و حمله‌ی ترک‌های عثمانی به شرق کشور، شارل از این رؤیا و خواب خوش پرید و رؤیای او غیرممکن شد.

شارل برادر خود فردیناند را به ریاست پارلمان اوگسبورگ منصوب کرد تا بلکه وی بتواند زمینه‌ی آشتی را با شاهزادگان پروتستان فراهم کند و وی را از این موضوع خلاص کند.

موضوع اصلی که در این پیمان صلح مطرح شد، این بود که هر ناحیه و دوک‌نشین، از مذهب و آیین پیشین خود پیروی کند و از این نظر اجباری در بین نباشد و نیز، حکومت هر قسمت که زیرنظر هر یک از شاهزادگان است، کمافی‌السابق وضع قبلی خود را حفظ کند و هیچ تغییری در آن داده نشود و در نتیجه سایر آداب و رسوم و حدود جغرافیایی هر بخش هم، بر منوال قبل مورد پذیرش باشد، امّا چنانچه هر یک از دوک‌نشین‌ها مایل به پیوستن به یکی دیگر از آن‌ها باشد، نباید مردم آن دوک‌نشین به اجبار به مذهب دیگری درآیند.

شارل پنجم هم از عقد این پیمان خوشحال شد، چون برخی از دوک‌نشین‌ها اعتقادات کاتولیکی خود را حفظ کردند و شارل می‌توانست این موضوع را به رخ پاپ بکشد و پاپ هم از این جریان رضایت داشت.

برخی از شاهزادگان کاتولیک هم که به اغوای کلیسای رم، در نظر داشتند در مقابل پروتستان‌ها مقاومت کنند و خطر شورش و طغیان در بین بود، از این پیمان صلح احساس آرامش کردند، چون از نظر سیاسی و مذهبی، هیچ‌گونه تغییری در وضعیت آنان داده نشد.

یک طبیب محلی مدعی شد که پیامبر است و تغییراتی را در جهان پیشگویی نمود. (سالون دوپروونس (Salon-de Provence)، اوّل مارس ۱۵۵۵):

یک پزشک فرانسوی ستاره‌شناس که خود را پیامبر می‌نامد، مدعی شد که می‌تواند پیش‌بینی کند که در پانصد سال آینده در جهان چه رویدادهایی واقع خواهد شد.

میشل نوستراداموس (Michel de Nostradame)، که به نوستراداموس پانصد سال دیگر شهرت یافته، تنها کار نمایانش، سرودن یک هزار بیت رباعی است. این رباعیات و اشعار اسرارآمیز و مرموز که فهم آن مشکل است، بنابر ادعای نوستراداموس، تقدیر و سرنوشت بشر آینده را روشن می‌کند. برخی از پادشاهان اروپا از پیشگویی‌های او به وحشت افتاده‌اند و از او می‌خواهند که سرنوشت آنان را تغییر دهد و در زندگی آن‌ها دخالت کند، چون به قول نوستراداموس، او قادر است که در این امر مداخله نماید. برخی از رباعیات او قابل درک است و می‌شود مفهوم آن را استخراج کرد و همین اشعار است که سران اروپایی را دچار واهمه کرده، لیکن بقیه‌ی اشعارش غیرقابل فهم و ادراک نبوده و نوستراداموس ادعا می‌کند این‌ها رمزی است بین او و آفریدگار جهان و قابل درک برای افراد عادی نیست و حل این رموز تنها از خود او ساخته است، از سویی به ادعای نوستراداموس، این رموز بیشتر شامل خرابی‌ها و بیماری‌هایی است که دامن‌گیر بشر آینده خواهد شد و از آن گریزی نیست.

طبق پیشگویی پیامبر، در پنج قرن آینده، بشر دچار گرفتاری‌هایی خواهد شد که انتظار ندارد و این موضوع باعث نگرانی است. گرچه این پیشگویی‌ها ابهام‌آمیز است و عدّه‌یی او را یک شیطان مجسّم می‌دانند، چون گفتار پیامبر مغلق و قابل فهم نیست، معهذا وی خدا را در همه حال یاد می‌کند و در هر حال خداوند ناظر تمام اعمال بشری است و قدرت اوست که به انسان نیرو می‌دهد.

به‌هر صورت، نوستراداموس برای این‌که از نظر منتقدان، خود را تبرئه نماید، می‌گوید اساس تعلیمات اسرارگونه‌اش برپایه‌ی مطالعاتی است که از کتاب قابالای (Qabbalah) یهودیان خوانده و نوشته‌هایش از صوفیان (Sufis) و کالدنی‌ها (Chaldean) و آسوری‌ها (Assyrian) اقتباس شده است.

شمه‌یی از کتاب مقدّس سرخپوستان آمریکایی (گواتمالا (Guatemala)، ۱۵۵۵):

در سال ۱۵۲۴، نیروهای اسپانیولی با حمله به قبیله‌ی کیش (Qiches) در منطقه‌ی اوتات‌لان (Utatlan)، کتابی به دست آوردند که به زبان رمی یا لاتین ترجمه شد. تاکنون تنها کتابی که از بومیان محلی دنیای جدید در دسترس بود، حاوی مراسم آیین و تمدن مایاهای تولتک (Toltec-Maya) بود که تکامل یافته‌ترین نوشته‌یی است که از اقوام مایا باقی مانده، لیکن با کشف این کتاب که از قبیله‌ی کیش به دست آمده و به زبان باستانی است، عباراتی از آن استخراج شده که می‌گوید نوع بشر چگونه و در کجای زمین خلق شد، و در جای دیگر چون به بن‌بست می‌رسد، می‌گوید که انسان از حل این معما عاجز و ناتوان است.

اکبر شاه جوان، به مقام امپراتوری مغول رسید. (هندوستان، پنجم نوامبر ۱۵۵۶):

در نتیجه‌ی مساعی و کوشش‌های یکی از نجبای مغول به نام بیرام‌خان که فرمانده‌ی گارد محافظ دربار بود، در میدان جنگ پنجاب و ۶۰ میلی دهلی، اکبر پسر ۱۳ ساله‌ی همایون و نوه‌ی بابر، به امپراتوری مغول هند رسید.

همایون پس از مرگ شیرشاه سوری (Sher shah Suri) و پسرش اسلام‌شاه، بار دیگر توانست سلطنت و تخت و تاج خود را باز یابد، لیکن تنها چند ماهی زنده ماند و در موقع بالا رفتن از کتابخانه‌ی خود، به پایین سقوط کرده و جان سپرد.

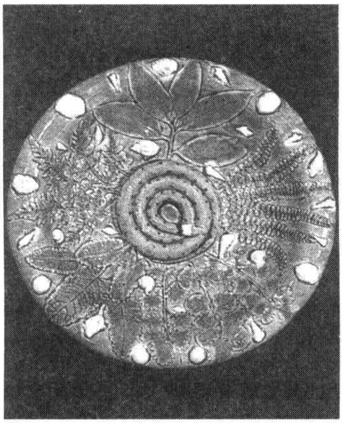
همو (Hemu)، وزیر هندوی سوری شاه که شخصی جاه‌طلب و بلندپرواز بود، با دخالت‌های بی‌جای خود در امور کشور، حکومت را ضعیف و به قهقرا برد و در نتیجه سلطنت او رو به افول گذاشت و با قیام پسر سیزده‌ی ساله‌ی همایون، اکبر حکومت سوری شاه



خانم جین گری Jane Grey و شوهرش از ملکه مری Mary Tudor تئودور تقاضای عفو می نمایند.
(نقاشی از جووانی باتیستا Giovanni Battista –۱۷۲۷-۱۷۸۵)



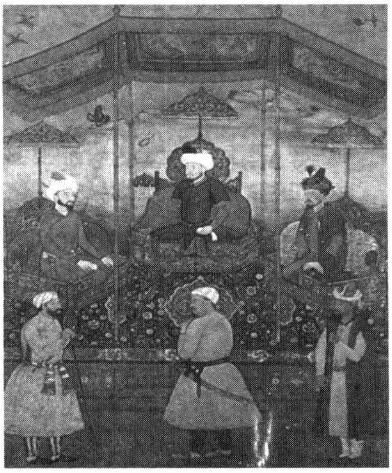
ملکه ماری کاتولیک مذهب که سعی داشت عنوان فرزند نامشروع را از خود بزداید.



برنارپالیسی Bernard palissy صنعتگر فرانسوی مدت ۱۶ سال در تلاش لعاب کاری به سبک جدید بود تا توانست روش لعاب دادن ظرف های سفالینه را با املاح سرب به خلاف طرز کار ایتالیایی ها انجام دهد، این عکس یک گلدان لعابی را نشان می دهد که پالیسی با روش جدید لعاب داده است.



نوسترادادموس Nosttadamus پیامبر که بیش تر به نظر می رسید که مجنون است.



تصاویر بابر مؤسس سلسله ی پادشاهی مغول هند، تیمور و همایون با خدمتکاران دربار همایون.

سقوط کرد. او توانست اگرا و دهلی را تصرّف کند و خود را به‌عنوان امپراتور یا راجا ویکرامادیتیا *(Raja, Vicramaditya)* معرفی کند.

بایرام خان با سپاه کوچک خود در پنجاب و در محلی که بابر پدربزرگ اکبر در ۳۰ سال پیش شمال هندوستان را فتح کرد، با لشگریان همو روبرو شد. پس از چند ساعت که نبرد بین طرفین در گرفت، لشگریان همو به پیروزی نزدیک شدند، لیکن ناگاه تیری به چشم همو، فرمانده‌ی سپاهیان دشمن، اصابت کرد، در نتیجه سربازان وی با مشاهده‌ی مرگ فرمانده‌ی خود، دچار تزلزل شده و چون تعدادی فیل جنگی معروف به هاوایی *(Hawai)* هم در سپاه آن‌ها بود، فیل‌ها غرّش‌کنان تعدادی از سربازان را زیر پای خود هلاک کرده و نظم قشون کاملاً بر هم خورد. سپاهیان اکبر با مشاهده‌ی زخمی شدن فرمانده‌ی دشمن و سقوط وی، سرِ وی را بریده و به نزد اکبر و بایرام بردند. اکبر هم مانند شکارچی عاشق صید، در نخستین سال‌های نوجوانی، به‌عنوان یک حاکم مقتدر به فرمانروایی رسید، لیکن به مجرد رسیدن به پادشاهی، با یک سری نزاع‌های داخلی و شورش که لازمه‌ی چنین حکومت‌ها می‌باشد، مواجه گشت. او چندین سال تحت نصایح و پندهای بایرام خان به سر برد و پس از آن خود رأساً امور کشور را زیرنظر گرفت و سال‌های متمادی با این روش کشور را اداره کرد.

با به کار بردن علامت مساوی، خیلی از اعمال ریاضی سهل‌تر گشت. (لندن، ۱۵۵۷):

رابرت رکورد *(Rebert Recorde)*، طبیب و ریاضیدان انگلیسی، به تازگی کتابی در علم ریاضی تألیف کرد که مورد استقبال عموم و به‌ویژه متخصصان این علم قرار گرفت. در کتاب مرسوم به وتستون وایت *(Whetstone Witte)*، رکورد با ابداع علامت = یا مساوی، پیشرفت فاحشی در حساب به‌وجود آورد. تاکنون دانشمندان علایم اختصاری زیادی برای این کار پیشنهاد کرده بودند، لیکن تا بدین حد، اعمال حساب و ریاضی را آسان نکرده بود و تا این اندازه هم کارآیی نداشت. با ابداع این علامت که برای نخستین بار در دانشگاه آکسفورد و انجمن پزشکان سلطنتی انگلیس به کار رفت، باعث آسان شدن حساب شد، در حالی در کالج آلسول *(All Souls' College)* تا به حال کتاب الجبرا تألیف حکیم عمرخیام نیشابوری، در این دانشگاه‌ها تدریس می‌شد.

امپراتوری جدیدی در جنوب صحرای آفریقا شکل گرفت. (تیمبوکتو *(Timbuktu)*، آفریقا، ۱۵۵۶):

امپراتوری بزرگ مالی در حال احتضار است. در همین حال یک امپراتوری جدید نام سونگایی *(Songhai)* در غرب آفریقا جایگزین آن می‌شود. امپراتوری مالی خیلی وسعت داشت. حکومت مالی که از سال ۱۴۳۳ تأسیس شده بود، به ضعف و ناتوانی رسیده و در حال نابودی است و قادر نیست دفاع تیمبوکتو را در مقابل قبایل چادرنشین تارِگ *(Tareg)*، برعهده گیرد.

از سال ۱۵۱۲ که لئوی آفریقایی زمام امور این سرزمین را در دست گرفت، مردم فقیرتر شده‌اند و لئو حتا قادر نیست امور معیشتی قبیله‌ی خود را تأمین نماید و فقر شدیدی سراسر کشور را فرا گرفته است. در حالی‌که با کناره‌گیری علی مشهور به سنّی در سال ۱۴۶۸ از قدرتی که توانسته بود تیمبوکتو را از زیر یوغ قبایل تارِگ‌ها رها سازد و به قدرت حکومت مرکزی بیفزاید، وضع وخیم‌تر شده است.

با این وصف، پس از چندی که شاهزاده اسکیا *(Askia)* که یک فیلسوف بود، جانشین او شد، توانست مرزهای حکومت سونگایی را گسترش دهد، به‌طوری که این سرزمین از شمال به صحرای مرکزی آفریقا، سنگال در غرب و دریاچه‌ی چاد در شرق محدود می‌شد. حدود ده سال قبل، نیروهای نظامی سونگایی مجدداً سرزمین مالی را مورد حمله قرار دادند و این کشور را که هنوز در سایه‌ی قدرت باستانی خود به استراحت پرداخته بود، به نابودی نزدیک‌تر ساخت.

شارل پنجم سرانجام مجبور به عقب‌نشینی شد (بروکسل، ۲۵ اکتبر ۱۵۵۶)

همه لباس عزا بر تن کردند، به جز مخالفان شارل پنجم امپراتور مقدّس رم، که مانند پادشاهان اسپانیا، ناپل و هلند، که با پوشیدن لباس یقه قرمز، شادمانی

فلوریدا، ۱۵۹۶
در طی مدت دو سال کشیشان مسیحی اسپانیولی توانستند تعداد ۱۵۰۰ نفر از بومیان را به دین مسیح درآورند.
اقیانوس اطلس، ۱۵۹۷
سپاهیان انگلیس در آزور (Azores) به‌رهبری ارل اسکس (Essex) توانستند لشگریان اسپانیولی را از منابع مالی خود محروم سازند.
قطب شمال، ۱۵۹۷
ویلهلم بارنتس (Willem Barents) درحین سومین سفر خود از شمالی‌ترین منطقه‌ی قطبی در مسیر راه چین جان باخت.
کره، ۱۵۹۷
نیروهای ژاپنی تحت فرماندهی هایدیوشی (Hideyoshi) به جزیره‌ی کره هجوم بردند، لیکن توسط چینی‌ها بیرون رانده شدند.
سویس، ۱۵۹۷
پیتر کانیسیوس (Peter Canisius) ژزوئیت هلندی در فرایبورگ (Freiburg) جان سپرد. وی معماری بود که اصلاحات عمیقی در آلمان انجام داد. او تعداد زیادی پرسش‌نامه‌ی مذهبی تهیه کرد و ۱۳ کمیته‌ی ژزوئیت تشکیل داد.
امریکای شمالی، ۱۵۹۷
سیمون فردیناندو (Simon Ferdinando) دریانورد پرتغالی در پی به‌دست‌آوردن تاج پادشاهی انگلیس در کرانه‌ی سرزمین اصلی انگلیس لنگر انداخت تا مراقب خزانه‌ی انگلیس باشد.
اسپانیا، ۱۵۹۷
فرناندو هره‌را (Fernando Herrera) شاعر حماسی‌گوی اسپانیولی در شهر سویل (Seville) درگذشت. او شهرت خود را مدیون سرودن اشعار حماسی نبرد لپانتو (Lepanto) در سال ۱۵۷۱ می‌باشد.
آسیای مرکزی، ۱۵۹۷
شاه عباس صفوی پادشاه ایران به منطقه‌ی ازبکستان در آن‌سوی آمودریا (Amudarja) (جیحون) تاخت.
روسیه، ۱۵۹۷
طبق دستور فئودور (Czar Fyodor) تزار روس سرف‌های فراری از مزارع را به شدیدترین وجه تنبیه و آنان را تبعید می‌کنند.
امریکای شمالی، ۱۵۹۷
سرتیپ مارکیز دو لاروش (marquis de la Roche) در سرزمین کانادا در ساحل جزیره‌ی سابل (Sable) مستعمره‌یی ایجاد کرد.
هندوستان، ۱۵۹۷
ابوالفضل وزیر اکبرشاه مغول کتابی جامع و مفصل به‌نام اکبرنامه در توصیف رویدادهای زمان سلطنت وی به رشته‌ی تحریر درآورد.
انگلیس، ۱۵۹۷
پارلمان انگلستان قانونی را تصویب کرد که به‌موجب آن حمل و نقل بردگان از مستعمرات جرم محسوب و تعقیب جزایی دارد.
انگلیس، ۱۵۹۷
شکسپیر رخدادهای زمان هانری چهارم را در دو پرده به‌نمایش گذاشت و نیز کمدی به‌نام شادمانی خانم‌های قصر ویندسور (Widsor) را نوشت.
انگلیس، ۱۵۹۷
فرانسیس بیکن (Francis Bacon) وکیل و سیاستمدار انگلیسی اولین جلد کتاب لوایح قانونی را انتشار داد.
انگلیس، ۱۵۹۷
نخستین محصول گوجه‌فرنگی بومی به ثمر رسیده و قابل خوردن شد.
مکزیک، هشتم ژانویه ۱۵۹۸
دون خوان دو اونات (Don Juan de Onate) در شهر نیومکزیکو (New Mexico) یک مجتمع ۵۰۰ نفری به‌وجود آورد.
روسیه، ۱۷ فوریه ۱۵۹۸
بوریس گدانف (Boris Godunov) از اشراف تاتارستان (boyar of Tartar) به جانشینی نابرادریش فئودور به‌عنوان تزار روس انتخاب شد.
فرانسه، ۱۳ آوریل ۱۵۹۸
هانری چهارم پادشاه فرانسه طی فرمانی اعلام کرد که برای ایجاد آرامش و سکون در شهر نانت (Nantes) بهتر است که بین کاتولیک‌ها و هوگونوت‌ها حالت آشتی و اتحاد و متقابل ایجاد شود. برطبق این فرمان تمام هوگونوت‌ها مورد عفو قرار گرفتند و آزادی مذهبی به آنان اعطا شد.

خود را این چنین ظاهر ساختند، چون امپراتور به نفع پسرش از سلطنت کناره‌گیری کرده بود. مردم سوار بر استران راهوار عازم دژ شدند تا به سخنان امپراتور گوش فرا دارند.

شارل پنجم زمام امور مناطق تحت سلطه‌ی خود را بر اثر ابتلای به بیماری، به دست پسر خود فیلیپ داد و امور امپراتوری را هم به برادرش فردیناند سپرد و خود را بازنشسته نمود. او فرصت را در این موقعیت غنیمت شمرد و از تمام اشتباهات و تقصیرهایی که در دوران امپراتوری مرتکب شده بود، از همه‌ی مردم طلب بخشایش کرد، شنوندگانی که سخنان او را می‌شنیدند، بغض‌شان ترکید و شروع به گریه کردند.

شارل به تمام نقاط امپراتوری سفر کرده و آثار زیادی از خود بر جای گذاشته بود، به‌ویژه نقاطی از سرزمین اروپا که به وراثت به وی رسیده بود. او به‌طور طبیعی یکی از صلیبیون محسوب می‌شد و نبردهای چندی برای دفاع از سرزمین‌های مقدّس با سلیمان قانونی امپراتور عثمانی، انجام داده و سال‌های زیادی از عمر خود را در آن سرزمین سپری کرده بود. چون دولت عثمانی همواره قلمرو وی را مورد تهدید قرار می‌داد.

او عقیده داشت که برای دفاع از سرزمین‌های مقدّس، می‌باید تمام کشورهای اروپایی متّحد شوند تا بتوانند این امر را با موفقیت به انجام رسانند، در حالی‌که آلمان در مرکز اروپا قرار داشت و شاهزادگان آلمانی این امپراتوری را تقسیم کرده و به علّت اختلاف مذهبی با کلیسای رم، همواره مورد تکفیر پاپ واقع می‌شدند. این شاهزادگان و دوک‌ها برای تأمین استقلال مذهبی و اصلاحات، دایم در جنگ و ستیز بودند، لیکن شارل به رغم عقیده‌ی افراطیون کاتولیک، در صدد بود که با مساعی خود، با شاهزادگان پروتستان باب دوستی و آشتی را باز کند و در نتیجه مرکز قاره‌ی اروپا را از تهدیدهای جنگی رهایی بخشد و آرامش را در این منطقه برقرار سازد. با این وجود. میراث او یک آلمان تقسیم شده و غرقه در نزاع و ستیز بود که تمام اروپا را تهدید می‌کرد.

این مرد غول‌آسا که سال‌ها در جنگ و پیکار گذرانده بود و در صحنه‌های نبرد همواره می‌درخشید و

به تمام نقاط و زوایای اروپا سیر کرده بود، یک امپراتوری بزرگ را از خود به یادگار باقی گذارد که هنوز جنگ و خونریزی بر آن حاکم بود، از این جهت، پریشان‌خاطر و افسرده به‌نظر می‌رسید، به‌ویژه آن‌که برخی عقیده دارند که او ویران‌کننده‌ی کلیسای رم بود و شخص او مقصّر تمام خراب‌کاری‌ها می‌باشد.

ایگناتیوس لویولا، پایه‌گزار عقاید و آیین ژزوئیت، از دنیا رفت. (رم، ۳۱ ژوئیه ۱۵۵۷):

ایگناتیوس لویولا *(Ignatius Loyola)*، بنیانگزار و نخستین فردی که انجمن مسیحی را تأسیس کرد، امروز دنیا را ترک کرد. با این وجود، از سال ۱۵۴۰ تا به حال، این انجمن تنها یک هزار نفر عضو دارد. ژزوئیت‌های طرفدار لویولا، سخت به تمرین‌های روحی او که از سال ۱۵۴۸ هواخواهان خود را به آن تشویق می‌کرد، پای‌بندند. او افراد خود را به ریاضت‌کشی و گذشت و تمرینات مشکل وامی‌داشت و به آن‌ها می‌آموخت که از پیشوای خود اطاعت و پیروی کنند و همواره به کلیسا عشق بورزند و اگر به فرض، کلیسا سیاهی را سفید تشخیص داد، آن‌ها هم آن موضوع را بپذیرند و دربست در اختیار کلیسا باشند.

در یک مورد، فرانسیس خاویر *(Francis Xavier)* که از طرفداران اصول ژزوئیت بود، برای این‌که همبستگی خود را با هیأت مذهبی ثابت کند، محلّ اقامت خود را با سه نفر از همکارانش ترک کرد و به آنان پیوست. وی برای این‌که سخنان و دستورات خود را به طرفداران خود برساند، در محله‌های کثیف شهر رم، برای بینوایان مدارسی تأسیس کرد، لیکن پس از چندی، برای آموزش طبقات بالای اجتماع و خانواده‌های ثروتمند شهر پادوآ *(Padua)* و سایر شهرها، کالج‌ها و دانشگاه‌هایی تأسیس شد که وی به تبلیغات درباره‌ی فرقه‌ی ژزوئیت می‌پرداخت و بدین ترتیب آیین ژزوئیت‌ها به شهرت رسید.

ورشکستگی به آرامی در اسپانیا تبدیل به بحران می‌شود. (اسپانیا، ژوئن ۱۵۵۷):

فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا، با فرمانی، تمام پرداخت بدهی‌های دولت را به خزانه‌ی کاستیل معوق کرد، از سویی، تمام بدهی‌های معوقه را که سررسید آن‌ها نزدیک بود، با ربح پنج درصد در سال قبول کرد که در آینده آن‌ها را بپردازد.

گرچه دولت اسپانیا به‌طور قطع ورشکست نشد، ولی پرداخت وام‌هایی را که به امپراتور شارل پنجم داشت و مبلغ بسیار معتنابهی بود، این کشور را در آستانه‌ی بحران قرار داده بود.

در این اواخر، یعنی در دوران سلطنت شارل، دولت‌های ایتالیا و هلند را مجبور به تأدیه بخشی از هزینه‌ی جنگ‌هایی که بین کاتولیک‌ها و مرتدین شمال اروپا جریان داشت و هم‌چنین نبردهای با عثمانی کرده بود، نمود، لیکن شورش‌های منطقه‌ی گنت *(Ghent)* در سال ۱۵۳۹ و درگیری‌های نایب‌السلطنه اسپانیا در سال ۱۵۴۰ و نیز مالیات‌های بسیار سنگینی که از سال ۱۵۲۵ به مردم تحمیل شده بود، کشور را در آستانه‌ی افلاس قرار داد.

منبع اصلی درآمد کشور اسپانیا، در درجه‌ی اوّل استان کاستیل و پس از آن آراگون، کلیساها و عایدات مستعمرات آمریکای جنوبی بود، امّا نبرد لاینقطع با امپراتور، تمام این درآمدها را می‌بلعید و هزینه‌ی جنگ‌ها، خزانه‌ی کشور را تهی ساخت. لاجرم کلیسا برای تأمین عایدی جدید، اقدام به انتشار توبه‌نامه و آمرزش‌نامه برای بخشش گناهان به‌ویژه خانواده‌های ثروتمند و اشراف نمود. کورتس *(Cortes)* و دادگاه انکیزیسیون هم بخشی از منابع عایدی را تأمین می‌کرد و چون شارل هم در انتظار وصول مطالبات خود از ایتالیا و اسپانیاست، در نتیجه سود و نزول بیشتری به این دو کشور تحمیل کرده و آن‌ها را به ورشکستگی سوق داده است.

نمایندگان فرانسه در کنفرانس صلح مورد اهانت قرار گرفتند. (کامبره *(Cambrai)* فرانسه، سوّم آوریل ۱۵۵۹):

نمایندگان فرانسه، اسپانیا و انگلیس، امروز قطع‌نامه‌ی صلح را در قصر ویرانه‌کاتو کامبرزی *(Cateau-Cambresis)* امضا کردند تا به جنگ ۶۰ ساله بین خود پایان دهند. گفته می‌شود تنها چیزی که نمایندگان روی آن به توافق رسیدند، این بود که محلّ

فرانسه، دوم مه ۱۵۹۸
پس از سه سال از آغاز جنگ گذشته، هانری چهارم با امضای پیمان صلح ورون (Vervins) با فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا از دخالت در امور فرانسه منع شد. برحسب این قرارداد هر دو طرف نیروهای خود را از هابسبورگ (Habsburg) عقب کشیدند. اسپانیا، ایالات فلاندر (Flanders)، آرتوا (Artois) و شاروله (Charolais) را متصرف شد، لیکن بایستی از شهر پیکاردی (Picardy) خارج شود.
انگلیس، چهارم اوت ۱۵۹۸
ویلیام سسیل (William Cecil) مشاور اعظم ملکه الیزابت در امور خارجی و داخلی کشور جان سپرد. او در سال ۱۵۷۱ منطقه‌ی بارون‌نشین بورلی (Burghley) را به‌وجود آورد. در سال ۱۵۷۲ هم پست لرد خزانه‌داری را ایجاد و یک‌سری اصلاحاتی در دارایی انگلیس انجام داد. وی سه دستگاه ساختمان عظیم و باشکوه یکی بورلی‌هاوس (Burghley House) در استامفورد (Stamford)، تئوبالد (Theobalds) در هرتفوردشایر (Hertford Shire) و سسیل‌هاوس (Cecil Hous) در شهر لندن بنا کرد.
ایرلند، ۱۵ اوت ۱۵۹۸
پس از گذشت دو ماه از فرمان عفو عمومی شورشیان ایرلند به‌وسیله‌ی الیزابت ملکه‌ی انگلیس، هوف اونیل (Hugh o' Neil)، ارل ناحیه‌ی تایرون (Tyrone) در رأس لشگریانی به عزم پیروزی بر انگلیس راهی نبرد یلو فورد (Yellow Ford) شد.
مادرید، ۱۳ سپتامبر ۱۵۹۸
فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا جان به جان‌آفرین تسلیم کرد و پسرش فیلیپ سوم جانشین وی گشت.
سوئد، ۲۵ سپتامبر ۱۵۹۸
در پی تصمیم اجلاس طرفداران لوتری (Lutheran) سوئد که با شرکت سیگیسموند تشکیل شد، عموی پادشاه به‌نام کارل مأمور شد در رأس سپاهیانی بر ضد برادر زن کاتولیک‌مذهب پادشاه در نبرد اشتانگبرو (Stangebro) شرکت کند.
امریکای شمالی، ۱۵۹۸
مارکیز دو لاروش (Marquis de la Roche) با ۴۰ نفر از بزهکاران فرانسوی، کشور را ترک کردند تا آن‌ها را در جزیره‌ی سابل (Sable) واقع در نووا اسکوتیا (Nova Scotia) اسکان دهد و این در واقع جرم محکومیت آن‌ها بود.
اقیانوس هند، ۱۵۹۸
ویژبراند فان وارویک (Wijbrand Van Warwijck) دریاسالار هلندی جزیره‌یی به‌نام موریسیوس را کشف کرد و به احترام موریس ناسو (Maurice Nasso) آن را موریتیوس (Mauritius) نامید.
ایران، ۱۵۹۸
شاه عباس با طرح برنامه‌های بلندپروازانه برای اجرای شهرنشینی اقدامات مهمی انجام داد و شهر اصفهان را به یکی از زیباترین شهرهای دنیا مبدل ساخت.
چین، ۱۵۹۸
ماتئو ریکی (Matteo Ricci) در دربار بجینگ (Beijing) به حضور امپراتور بار یافت.
ژاپن، ۱۵۹۸
تویوتومی هایدیوشی (Toyotomi Hideyoshi) که در سال ۱۵۸۶ خود را دیکتار ژاپن خوانده بود پس از این‌که سلطنت را به پسرش واگذار کرد، فوت نمود، وی در ضمن ایاسو (Ieyasu) و چهار مشاور عالی دیگر را برای راهنمایی پسرش تعیین کرد تا سلسله پادشاهی توکوگاوا (Tokugawa) هم‌چنان در رأس قدرت باقی بماند.
کره، ۱۵۹۸
در پی مرگ هایدیوشی، سپاهیان ژاپنی را از کره اخراج کردند.
افریقای غربی، ۱۵۹۸
اهالی بامبارا (Babara) واقع در سرزمین ژن (Jenne)، پس از عزل آخرین پادشاهان مالی (Mali)، حاکم‌نشین سه‌گو (Segu) را در آن‌جا بنیان نهادند.
آناتولی (Anatolia)، ۱۵۹۸
جلالی یکی از اعضای باند سارقان مسلح برعلیه دولت عثمانی قیام کرد.
انگلیس، ۱۵۹۸
شکسپیر (Shakespeare) دو نمایش‌نامه‌ی کمدی (فعالیت زیاد برای هیچ) و (آنچه را که شما مایلید) را نوشت، وی هم‌چنین دوست خود به‌نام بن جانسون (Ben Jonson) را در نقش (مردان و رفتار ویژه‌ی آن‌ها) به روی صحنه آورد.

کنفرانس جای ناراحت‌کننده‌یی بود. به‌هر صورت، مهم‌ترین موضوعی که از نظر سیاسی نتوانستند با وجود امضای این پیمان روی آن توافق کنند، ورشکستگی دو کشور فرانسه و اسپانیا بود که هر دو ادعای رهبری اروپا را داشتند.

در همین حال، با امضای این توافق‌نامه، دولت انگلیس مالکیت فرانسه را بر بندر کاله به رسمیت شناخت و فرانسه هم شهرهای تول *(Toul)*، متز *(Metz)* و وردون *(Verdun)* را حفظ کرد. از سویی دولت اسپانیا که مدّت نیم قرن قصد داشت فرانسه را از ایتالیا بیرون براند و غرق پیروزی‌های خود در جنگ بود، سرانجام موفق شد و فرانسه نیروهای خود را از ایتالیا خارج کرد.

بالاخره امضای این پیمان سبب شد که فرانسه خود را از این ورطه‌ی هولناک نجات دهد و خونریزی نبردها به حداقل کاهش یابد و زندگی تلخناک مردم فرانسه پایان یابد. در جلساتی که قبلاً جهت انجام این امر تشکیل شده بود، به علّت پافشاری نمایندگان فرانسه در موضوع خود، سایرین آن‌ها را مورد نکوهش قرار داده بودند.

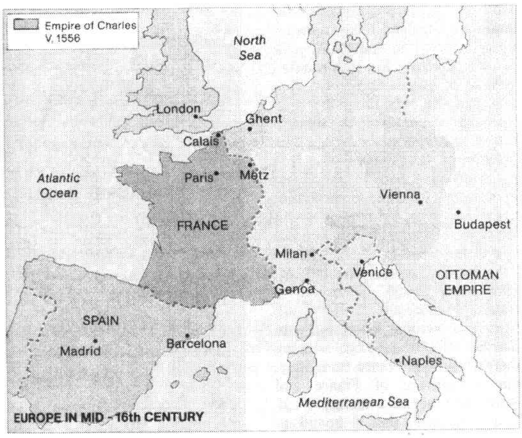
پادشاهی که پیرو عقاید جبری بود، در هنگام شمشیربازی دچار زخم مهلکی شد. (فرانسه، دهم ژوئیه ۱۵۵۹):

هانری دوّم پادشاه فرانسه، در جشنی که به خاطر امضای پیمان کاتو کامبرزی و ازدواج دخترش با فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا، برپا کرده بود، در حین شمشیربازی تفریحی، زخم جانکاهی برداشت که پس از ده روز فوت شد. مرگ هانری بر اثر تهور بی‌جایی بود که وی دچار آن بود. او پس از چندین دور بازی، بازوهایش بر اثر خستگی به کلّی از کار افتاد، معهذا بدون این‌که به روی خود بیاورد و از حریف خود گابریل دومونتگمری *(Gabriel de Montgomery)*، درخواست توقّف بازی را بنماید، به بازی ادامه داد و بر اثر خستگی، نوک شمشیر حریف کار او را ساخت.

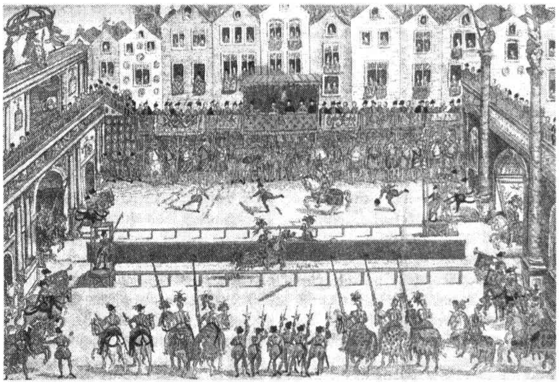
هانری با وجود خستگی مفرط، به بازی ادامه داده، و هرچند ملکه و مونتگمری از او درخواست کردند که از



آخرین عکس ایگناتیوس لویولا Ignatius Loyola ، فرمانده ی سربازان قشون مسیحی.



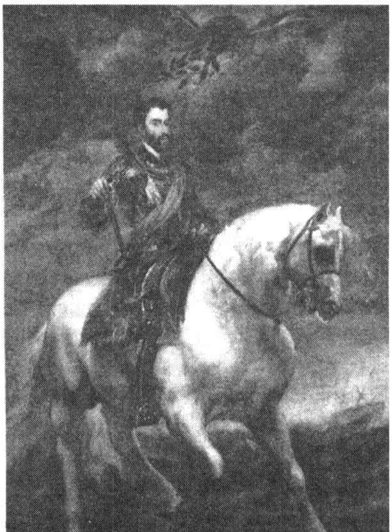
نقشه ی اروپا در اواسط سده ی ۱۶ و متصرفات شارل پنجم.



تماشاچیان بسیاری برای دیدن مسابقات ورزشی و نیزه بازی در استادیوم سلطنتی گرد آمده اند.



تصویری از خاندان سلطنتی اسپانیا که نشانه ی ثروت آن هاست.



تصویر شارل پنجم، کار وان دیکVan Dyck



فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیا (نقاشی از مورو‌Moro) او با عقد پیمان با کشورهای اروپا اهداف خویش را پیش برد.

انگلیس، ۱۶ ژانویه ۱۵۹۹

ادموند اسپنسر (Edmund Spenser) شاعر انگلیسی درگذشت. وی با نگارش کتاب ملکه‌ی پریان برای ملکه الیزابت، یادگار بزرگی از خود به‌جا گذاشت و بدین‌وسیله طرز تفکر خود را درباره‌ی مردان اشرافی و درباریان بیان داشت، و هم‌چنین در فرصتی که در هنگام عروسی دوم خود به‌دست آورده بود، اشعار زیبایی به‌نام مبارک‌باد سرود که بسیار معروفیت یافت.

انگلیس، سپتامبر ۱۵۹۹

ارل منطقه‌ی اسکس (Essex) که در اوایل امسال به‌سمت فرماندار کل ایرلند تعیین شده بود به فرمان ملکه الیزابت به انگلیس بازگشت و ملکه را به مبارزه طلبید. وی به قصد متارکه جنگ با هوف اونیل (Hugh o' Neil) رهبر شورشیان ایرلند و ارل منطقه‌ی تایرون (Tyrone) به ایرلند رفته بود و درصدد بود که با انعقاد قراردادی به جنگ پایان دهد.

سوئد، نوامبر ۱۵۹۹

سیگیسموند سوم که تا سال ۱۵۸۷ پادشاه لهستان و از سال ۱۵۹۲ پادشاه سوئد بود به‌وسیله‌ی پارلمان سوئد برکنار شد، چون به‌طور مرتب مخالفت با وی به‌سبب پشتیبانی او در ضدیت با اصلاح‌طلبان لوتری روزافزون می‌شد. پس از عزل وی از سلطنت عموی او کارل به‌عنوان نایب‌السلطنه تعیین شد.

لهستان، ۱۵۹۹

با تشکیل فدراسیون ویلنا (Vilna)، تمام شاخه‌های مختلف کلیسایی بر ضد کلیسای رم متحد شدند.

لندن، ۱۵۹۹

ریچارد بوربیج (Richard Burbage) هنرپیشه‌ی تئاتر، سالن نمایش بزرگی در ساحل جنوبی رودخانه‌ی تیمز (Thames) به‌نام شوردیچ (Shoreditch) بنا کرد و اکنون شروع به ساختن سالن تئاتر تابستانی دیگری به‌شکل کره و بدون سقف به گنجایش ۱۲۰۰ نفر تماشاگر نموده است. او هم‌چنین تماشاخانه‌ی زمستانی برای کشیشان سیاه‌پوست (Blackfriars) در کرانه‌ی شمالی تیمز ساخته که در زمستان‌ها قابل استفاده می‌باشد. در این تماشاخانه دوستان شکسپیر نمایش‌نامه‌های وی را اجرا می‌کنند.

ناپل، ۱۵۹۹

توماسو کامپانلا (Tommaso Campanella) راهب دومی نیکن و فیلسوف ایتالیایی به جرم تلاش‌هایی که در راه برپایی انقلاب در منطقه‌ی کالابریا (Calabria) به‌عمل آورده بود، زندانی شد.

اسپانیا، ۱۵۹۹

نخستین بخش از نوول ولگردان و اوباشان که توسط ماتیو آله‌من (Mateo Aleman) نوشته شده بود انتشار یافت. این نمایش‌نامه که به‌نام قهرمان نامیده شده، بخش مهمی از زندگانی و حوادث مبتلا به این افراد را نشان می‌دهد و برای مردم عادی بسیار ضروری می‌نماید.

اسکاتلند، ۱۵۹۹

مقاله‌یی با عنوان واقعیت آزادی در حکومت سلطنتی در زمان پادشاهی جیمز ششم پادشاه اسکاتلند و نیز دفاعیات اصولی از سلطنت مطلقه انتشار یافت.

اسپانیا، ۱۵۹۹

خوان دو ماریانا دو لارینا (Juan de Mariana de la Reina) مقاله‌یی درباره‌ی شاه و شاه‌کشی و نوع قضاوت‌های مردم درباره‌ی سلطنت و معضلاتی که در کشورهای پادشاهی وجود دارد، نوشت.

لندن، ۱۵۹۹

شکسپیر با نگاشتن تاریخ حوادث و وقایع دوران هنری پنجم و مقایسه‌ی آن با زمان ژول سزار از دید پلوتارک (Plutarch)، نظریات خود را درباره‌ی کشته‌شدن وی و بروز جنگ‌های داخلی رم به‌طور کامل بیان کرده است.

رم، ۱۷ فوریه ۱۶۰۰

فیلسوف ایتالیایی جوردانو برونو (Giordano Bruno) را پس از سپری‌شدن هفت سال از محاکمه‌ی وی به جرم الحاد در آتش سوزاندند. وی مطالعات عمیقی درباره‌ی فلسفه، نوافلاطونی (Neo Platonism)، رواقی (Stoicism) و اپیکوریسم (Epicureanism) داشت و علم هیأت و نجوم کوپرنیکی (Copernican) را براساس فلسفه‌ی وحدت وجود و وحدت موجود (عقیده به این‌که خداوند یعنی کل عالم هستی که انسان هم جزیی از این خلقت می‌باشد) می‌دانست.

بازی دست بکشد، هانری نپذیرفت. در دور دوّم، کلاه‌خود هانری و مونتگمری از سرشان افتاد و بر اثر ضربه‌ی مونتگمری، سرِ هانری مورد اصابت نوک شمشیر قرار گرفت و بر زمین سقوط کرد. هانری اظهار داشت این کارِ بختِ بد و تقدیر بود. به‌هر حال، امشب با این جریان پایان یافت و سلطنت نصیب پسر ۱۵ ساله‌ی وی شد.

شارل پنجم در یک کلیسای اسپانیایی دار فانی را وداع کرد. (یوست (*Yuste*)، اسپانیا، ۲۱ سپتامبر ۱۵۵۸):

شارل پنجم امپراتور، امروز در صومعه‌یی، تنها و در غربت، در جایی که سه سال در آنجا به سر برده بود، از دنیا رفت. او از این‌که مقبره‌یی باشکوه و عظمت برای او بسازند، امتناع کرد و وصیت کرد که بدن او را در محراب کلیسا دفن کنند، به‌طوری که نصف از بدنش زیر محراب و نصف دیگر بدن یعنی سر و سینه وی، در محلی که روی آن می‌ایستند، قرار گیرد.

او سال گذشته را در ویلایی نزدیک به همین کلیسا، در کمال آرامش و سکوت گذرانید، این کلیسا آن قدر به محلّ زندگی او نزدیک بود که هنگامی که به بستر می‌رفت، محراب کلیسا را می‌دید.

وی امروز پس از انجام مراسم مذهبی به بستر رفت و از همسرش خواست که صلیب مقدّس را روی سینه‌اش بگذارد و در حالی‌که صدای خواندن انجیل و مزامیر (*Psalm*) داود به گوش او می‌رسید، از دنیا رفت.

ملکه‌ی انگلیس بر اثر حمله‌ی قلبی در کاله از دنیا رفت. (انگلیس، ۱۷ نوامبر ۱۵۵۸):

ماری تئودور، نخستین زنی بود که به حاکمیت و پادشاهی رسیده بود. او پنج سال پیش که به قدرت رسید، به قصد توسعه قدرت کلیسای رم بر تمام کلیساهای انگلیس، اقداماتی انجام داد، از جمله سیصد نفر مرد و زن را به جرم داشتن عقاید پروتستان، زنده در آتش سوزاند.

او برخلاف پدرش هنری هشتم، هیچ‌گونه تجربه در اداره‌ی کشور نداشت و در ۴۲ سالگی جان سپرد. از سویی به توصیه‌ی دایی‌اش شارل پنجم، با فیلیپ پسر پادشاه اسپانیا ازدواج کرد و بدین سبب او را به خارج تبعید کردند. این وصلت به هیچ‌وجه مورد قبول ملّت واقع نشد، در نتیجه مردم را علیه او برانگیخت. وی خیال می‌کرد که حامله شده و از خدمات دولت در سرکوبی شورش سپاسگزاری می‌نمود، ولی بعد معلوم شد که نوزادی در کار نیست. در این هنگام، دولت‌های اسپانیا و فرانسه، جهت جنگ، پیمان اتّحادی امضا کردند و فرماندهی آن را فرانسه عهده‌دار شد.

لیکن برخلاف انتظار، قیامی خونین در کشور در روز سال نو برپا شد و شورشیان شهر کاله *(Calais)* را تصرّف کردند و انگلیس پس از ۲۰۰ سال تنها جایگاه خود را در قاره‌ی اصلی اروپا از دست داد. ماری که در بندر کاله اقامت داشت، گفت من در حالی از دنیا می‌روم که کاله ضربه‌یی بر قلبم فرود آورد و این بندر آزاد شد.

فیلیپ، شوهر ملکه، گاهی برای دیدن ماری به انگلیس می‌آمد، ولی قبل از فوت وی، چند ماهی در کنار ماری بود و ملکه به او گفت که از وی باردار است. در این حال، کارکنان دربار سلطنتی با خود به‌طور طعنه می‌گفتند که ملکه از عصبانیت افتاده است. به‌هر صورت، وی پس از هشت ماه که شوهرش او را ترک کرد، جان سپرد.

ایوانِ مخوف به ایالات ساحل دریای بالتیک یورش برد. (روسیه، ۱۵۵۸):

ایوان مخوف، برای این‌که از سوی دریای بالتیک امنیت کشورش را تأمین کند و در ضمن راه مفرّی برای خود داشته باشد، قوای روسیه را برای تسخیر ایالت لتونی *(Livonia)* به آن صوب گسیل داشت. در وهله‌ی نخست، لشگریان روس چند شهر را تصرّف کردند، لیکن به رغم تصوّر مسکو، در زمانی اندک نیروهای روس دچار خسارات و ضایعات فراوان شدند.

در همین هنگام در شهر ریگا *(Riga)*، نیروهای دفاع ملّی اقدام به تجهیز و ترمیم قوا کردند و سلحشوران و جنگجویان متهورانه به دفاع از سرزمین خود پرداختند. حکومت ریگا تحت‌الحمایه لهستان بود و سوئد و دانمارک هم به سبک و سنگین کردن قوای طرفین پرداختند. که اتّحاد با کدام طرف به سود آن‌هاست و سرانجام توانستند استونی *(Estonia)* را تصرّف کنند و بدین ترتیب لتونی هم از سایرین جدا شد.

ایوان نمی‌توانست از ایالات بالتیک صرف‌نظر کند، چون در حقیقت امتیازی بود که غیر قابل چشم پوشی بود، زیرا این منطقه از نظر کشاورزی و به مقدار کمتر صنعتی بسیار قابل توجّه بود و به هر صورت بنادر دریایی بالتیک از نقاط مهمّ تجاری اروپا به‌شمار می‌رفتند که به‌نظر می‌رسید در آینده نقش مهمّ‌تری در تجارت جهانی داشته باشند و دنیای غرب برای این ایالات دورنمای بسیار مهمّی تصوّر می‌کرد.

آغاز تاریخ صنعت زرگری و طلاسازی در اروپا. (فلورانس ، ۱۵۵۸):

بن‌ونوتوچلینی *(Benvenuto Cellini)*، تندیس نگار، موزیسین و طلاسازو سرباز ایتالیایی، صنعت تزیین و ساختن زیورآلات طلا را به بالاترین درجه خود رسانید. او در سال ۱۵۰۰ در زمانی‌که توفان جنگ و خون‌ریزی سراسر اروپا را فراگرفته بود به دنیا آمد و در این بحبوحه و بحران به خدمت خانواده‌ی مدیچی درآمد، چون خانواده‌ی مدیچی فرمانروای همیشگی فلورانس بودند. او در ابتدا به شهر رم رفت و به ساختن جواهرآلات، مدال، سکه و مهر پرداخت. سپس تحت‌نظر میکل‌آنجلو *(Michelangelo)* (میکل‌آنژ) فن تندیس‌نگاری آموخت و در حدود سال ۱۵۴۰ یک نمکدان و جای شرابی بسیار زیبا و ظریف ساخت که بسیار مشهور شد. این جای بطری شراب که شاهکار چلینی می‌باشد، به رنگ آبنوس و میناکاری شده بود. چلینی نمکدان طلایی را به فرانسیس اوّل، پادشاه فرانسه تقدیم کرد و در سال ۱۵۵۳ شاهکار دیگری از تندیس یکی از پسران زئوس ساخت و آن را هم به خاندان مدیچی تقدیم داشت.

ناجی سرزمین اتیوپی در هنگامه‌ی نبرد کشته شد. (اتیوپی، ۱۵۵۹):

ژاپن، اوریل ۱۶۰۰
ویلیام آدامز (William Adams) دریانورد انگلیسی که در خدمت هلندی‌ها کار می‌کرد به بندر ژاپنی بونگو (Bungo) رسید. بازرگانان پرتغالی به‌سبب حسادتی که با او داشتند به ژاپن گزارش دادند که وی دزددریایی و به همین علت ژاپنی‌ها او را به زندان انداختند.

مادرید، ۱۴ اکتبر ۱۶۰۰
لوییس دو مولینا (Luis de Molina) عالم الهیات درگذشت. مولینا که از مریدان سنت توماس آکنیاس (St Thomas Aquinas) بود، مولینا به‌علت درج مطالبی علیه اعتقادات آگوستی‌نیان که باعث تخریب کتاب‌خانه‌ی علوم انسانی شدند به معروفیت دست نیافت و در راه احقاق حقوق انسان‌ها و آزادی مبارزه کرد، زیرا آزادی را یک ودیعه‌ی الهی می‌پنداشت.

ژاپن، ۲۱ اکتبر ۱۶۰۰
توکوگاو ایاسو (Tokogawa Ieyasu) دشمنان خود را در نبرد شکست داد و بدین‌وسیله در مقام بزرگترین مرد قدرتمند ژاپن جای گرفت.

اسپانیا، پنجم نوامبر ۱۶۰۰
فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، پدرو دو والدس (Pedro de Valdes) فرماندار کوبا را به فرماندهی گروه جنگی در فلوریدا (Florida) منصوب کرد.

لندن، ۳۱ دسامبر ۱۶۰۰
شرکت تجارتی هند شرقی تحت نظارت فرماندار هند شرقی انتخاب شد.

لندن، ۱۶۰۰
برای نخستین‌بار بن جانسون (Ben Jonson) در نقش مردی که شوخی و مزاح را از خود دور می‌سازد، ظاهر شد.

اوگاندا، ۱۶۰۰
حاکم‌نشین بوگاندا (Buganda) (نزدیک دریاچه‌ی ویکتوریا (Victoria)) هجوم حاکم‌نشین بون یورو را (Bunyoro) که در همسایگی آن قرار داشت، دفع کرد.

فرانسه، ۱۶۰۰
هانری چهارم پادشاه فرانسه پس از جدایی از مارگارت والوا (Margaret Valois) با ماری دو مدیسی (Marie de Medici) دختر دوک بزرگ توسکانی (Tuscany) و دوشس یوهانا (Johanna)، ملکه‌ی اتریش ازدواج کرد هانری با این ازدواج با بزرگ‌ترین فامیل بانکدار فلورانس (Florence) پیوند برقرار کرد و همسرش هم جهیزیه‌ی زیادی با خود آورد و هم‌چنین سدی در مقابل پیشرفت‌های اسپانیا در ایتالیا گردید.

باربادوس *(Barbados)*، ۱۶۰۰
اسپانیولی‌ها نشای جدیدی از گیاه نیشکر به‌وجود آوردند. آن‌ها توانستند از شیره‌ی قهوه‌یی رنگ این گیاه (ملاس (molasses)) شکری تولید کنند که خوش‌طعم بود و با مخلوط‌کردن آن با الکل مشروبی به نام رم (Rum) تولید شد.

انگلیس، ۱۶۰۰
جمعیت انگلیس به چهار میلیون نفر رسید.

فلورانس، ۱۶۰۰
ژاکوپو پری (Jacopo Peri)، اپرای اوریدیس (Euridice) را به احترام ازدواج هانری چهارم و ملکه ماری دو مدیسی اجرا کرد. سرودهای این اپرا توسط اوتاویو رینوکینی (ottavio Rinuccini) و موزیک آن به‌وسیله‌ی جولیو کاکینی (Guilio Caccini) تنظیم شده بود، این اشعار امسال سروده شده، و نخستین اپرایی بود که تاکنون اجرا می‌شد.

کانادا، ۱۶۰۰
فرانسوی‌ها یک پایگاه تجارت پوست خز در تادوساک (Tadussac) واقع در ساحل رود سنت لاورنس (St Lawrence) تأسیس کردند.

هلند، ۱۶۰۰
موریس ناسو (Maurice Nassau) فرزند و جانشین ویلیام اورانژ (William Orange)، سعی کرد حملاتی به متصرفات اسپانیا در جنوب هلند انجام دهد تا این راه به درامد گروه‌های تحت نظر آلبرت دوک بزرگ نیوپورت (Archduke Albert of Nieuport)، لطمه وارد سازد.

لندن، ۱۶۰۰
شکسپیر نمایش‌نامه‌ی کمدی جدیدی به نام هاملت (Hamlet) نوشت که نشان می‌داد تور ماهیگیری یک ماهیگیر را کارکنان دربار دانمارک پاره کردند و او در این راه مقاومت سرسختانه‌یی از خود نشان داد تا بتواند راه دربار آل سینور (Elsinore) دانمارکی را بگشاید.

جلاودووس *(Gelawdewos)* که سرزمین اتیوپی و سومالی را از سلطه‌ی دولت عثمانی رهانیده بود و سپس قصد داشت که منطقه‌ی گالا *(Galla)* در جنوب اتیوپی را آزاد کند، در نبرد همین ناحیه به هلاکت رسید. وی در سال ۱۵۴۰، دوران طلایی را برای کشور به‌وجود آورد.

چون تقریباً تمام سرزمین اتیوپی در زیر چکمه‌های احمد بن ابراهیم موسوم به (ال‌گران) فرمانروای منطقه قرار داشت و ۹ نفر از ده نفر اهالی اتیوپی دین اسلام را پذیرفته بودند. وی برای مبارزه با احمد بن ابراهیم از قوای پرتغالی مستقر در افریقا یاری طلبید و توانست تا سال ۱۵۴۳ مسلمانان را از کشور برانند و سرانجام ال‌گران را در جنگ وی‌نا دگا *(Weyna Dega)* به قتل رسانید.

پادشاه پیرو مذهب لوتران، از سلطنت کناره گرفت. (استکهلم، ۲۵ ژوئن ۱۵۶۰):

گوستاو، پادشاه سوئد، که عمرش را در راه اعتلای کشور و اقتدار و کسب حقوق قانونی سوئد سپری کرده بود، پس از ۴۳ سال سلطنت به نفع پسرش اریک از مقام خود کناره‌گیری کرد.

گوستاو، پادشاه سوئد، که با انتخاب مردم به پادشاهی رسیده بود، در ۱۵ سال پیش با کمک مجلس، قانونی وضع نمود که سلطنت در خانواده‌ی وی موروثی باشد، مشروط بر آن‌که تنها اولاد ذکور به پادشاهی برسند و دختران نتوانند پادشاه شوند.

اریک *(Eric)* چهاردهم پادشاه جدید هم به پیروی از سیاست پدرش در صدد است که به توسعه سرزمین سوئد کمک کند و برای بالا بردن بنیه‌ی مالی کشور با قدرت‌های غربی نزدیک شود و از این راه به شکوفایی تجارت و اقتصاد سوئد بیفزاید و هرچه بیشتر به مرکز اروپا نزدیک شود.

گوستاو توانست استقلال سوئد را از دانمارک تأمین نماید و اتحادیه‌ی کالمار *(Kalmar)* تشکیل دهد، سوئد تنها یک راه باریک آبی برای رسیدن به غرب و خشکی داشت که آن هم تحت کنترل دانمارک قرار داشت، لیکن گوستاو مخاطرات رویارویی با دانمارک را

به جان خرید و زمینه‌ی استقلال کشور را فراهم کرد و سرانجام در این راه موفق شد.

قبل از این‌که پرنس اریک به پادشاهی برسد، پدرش یک سری مذاکراتی از راه دیپلماسی بین گوستاو و ملکه‌ی انگلیس جهت ازدواج اریک و ملکه الیزابت انجام داده بود.

پارلمان اسکاتلند مانع انجام مراسم مذهبی به روش کلیسای رم می‌باشد. (انگلیس، ژوئن ۱۵۶۰):

با انتقال قدرت و آغاز سلطنت ملکه الیزابت، اسکاتلند هم باب دوستی و مراوده با انگلیس را گشود، چون در زمان ماری تئودور روابط این کشور با اروپا رو به تیرگی نهاده بود و دوستان قدیمی اروپایی، این کشور را به حال خود گذارده بودند.

پارلمان اسکاتلند هم که از یکصد نفر خرده مالک تشکیل شده بود، در نخستین اجلاس خود، همه‌ی نمایندگان قطع‌نامه‌یی را امضا کردند، مبنی بر این‌که اسکاتلند پیرو آیین کالوین می‌باشد و تمام ادیان دیگر از جمله یهودی و غیره از نظر آن‌ها مردود شمرده می‌شوند و رهبر مذهبی آن‌ها هم جان ناکس *(John Knox)* می‌باشد. اسکاتلند پیروی از کلیسای رم را نمی‌پذیرد و استقلال خود را از دستگاه مذهبی پاپ اعلام می‌دارد.

قطع‌نامه‌ی پارلمان اسکاتلند هم‌چنین اعلام کرد که از این پس رابطه‌یی با رم از نظر مذهبی ندارد و یهودیان و سایر نجبا هم موافقت خود را با آن اعلام کردند.

در زمان ملکه ماری، روابط انگلیس با کشور کاتولیک مذهب فرانسه رو به بهبود گذاشت و در دو سال قبل، این روابط به شکوفایی رسید، لیکن اکنون با الغای قدرت کلیسای رم در این کشور، مناسبات با فرانسه رو به تیرگی نهاده و احتمال برخورد بین دو کشور وجود دارد. باید متذکر شد که اسکاتلند در کنار انگلیس باقی خواهد ماند و به علّت یگانگی مذهب و همسایگی با یکدیگر، در تمام زمینه‌ها توافق وجود دارد.

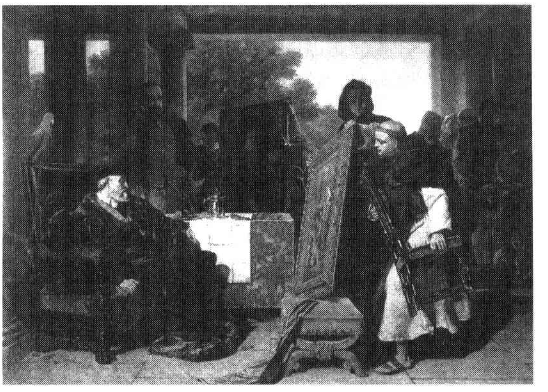
با روی کار آمدن الیزابت، این توهّم وجود داشت که روابط پاپ و الیزابت مستحکم‌تر شود، زیرا در بدو امر، الیزابت به پاپ روی خوش نشان داد و او را از راه دور فریب داد، چون رساله‌ی جان ناکس مشعر بر این بود که زنان حق حکومت و زمامداری مستقل را ندارند و این موضوع، پاپ را دچار اشتباه کرد زیرا موافق عقاید وی بود.

جان ناکس برای این‌که جریان را به روشنی توضیح دهد وهدف خود را صریح‌تر بیان کند، ماری لورن *(Mary Lorraine)*، مادر ملکه‌ی اسکاتلند را مثال زده بود که دخترش را نامزد فرانسیس دوفین *(Francis Dauphin)* پادشاه فرانسه کرده بود.

ناکس مدّت دو سال از عمر خود را در فرانسه گذرانید. زمانی‌که هنوز کاله در اختیار انگلیس بود و فرانسویان ادعای آن را داشتند و هنگامی‌که با دخالت انگلیس در آنجا شورشی به وقوع پیوست، به شهر ژنو فرار کرد، در جایی که کالوین ظهور کرده بود، جان ناکس آن فضا را موافق طبع خود دانست و با خیال فراغت، به مواعظ خود و تبلیغ آیین کالوین پرداخت و مؤسسه اسکاتلندی کرک *(Kirk)* را در آنجا پایه‌گذاری کرد.

ملکه الیزابت اوّل، با نفوذ پاپ در انگلیس مخالفت ورزید. (انگلستان، ۱۵۵۹):

پس از ماه‌ها بحث و جدل و انجام مانورهای مختلف و زیر و رو شدن‌های پارلمان، الیزابت با انتخاب ویلیام سیسیل *(William Cecil)* به‌عنوان وزیر کشور موافقت کرد. حکومت انگلیس چندین بار حاکمیت مطلق پاپ را در امور دینی رد کرد و پاپ هم یک بار با تصمیمات قبلی زمان هنری هشتم مخالفت ورزید، بدین معنی که اگر حکومت انگلیس بر تصمیم و سیاست قبلی خود باقی است، کلیسای رم آن را مطرود می‌شمارد. پارلمان هم در جلسات اخیر خود در فوریه گذشته، هنگامی‌که الیزابت تازه به سلطنت رسیده بود، شعارهایی بر ضدّ پاپ سر دادند و تظاهراتی علیه کلیسای رم برپا کردند و حتی در ساعت ۱۲ شب، جشن بالماسکه به افتخار الیزابت ترتیب دادند، عدّه‌یی از حضار به لباس اسقف‌ها درآمدند و آن‌ها را مورد تمسخر و استهزا قرار دادند و حتا سسیل به طعنه لایحه‌ی اخته کردن اعضای مجلس لردان را به پارلمان برد (چون از



شارل پنجم امپراتور در صومعه ی یوست Yuste، نقاشی از آلفرد المور Alfred Elmore (۱۸۱۵-۱۸۸۱)



ماری و فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا.



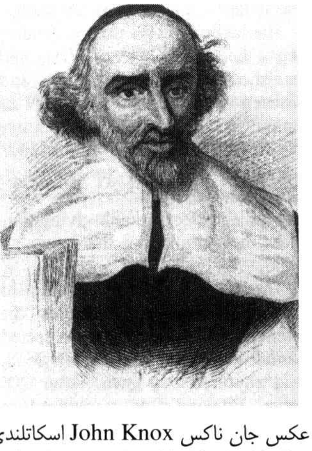
تصویری بسیار هنرمندانه و با شکوه ازملکه الیزابت در قرن ۱۶



تصویر گوستاوواسا Gustav vasa، پادشاه توسعه طلب سوئد، کار ویلهلم بوی Wilhelm Boy (۱۵۵۷)



فرانسیس دوم، طرح سال های ۱۵۵۹- ۱۵۶۰



آخرین عکس جان ناکس John Knox اسکاتلندی که در برابر کلیسای کاتولیک پایمردی نشان داد.

نظر کلیسای کاتولیک، کشیشان حق ازدواج ندارند) و لایحه دیگری در مورد تکفیر ماری تئودور به علت این‌که پاپ وی را فرزند مشروع قلمداد کرده بود، باز هم در یک جلسه خصوصی و محرمانه، سسیل آن قدر نمایندگان کاتولیک را دست انداخت که آن‌ها ناچار جلسه را ترک کردند.

معهذا چون لوایح سسیل جنبه‌ی شوخی داشت، آن‌ها را از پارلمان پس گرفت و طبق خواست الیزابت، کلیسا به‌عنوان راهبر و راهنمای دولت تلقی شد، نه رهبر و اداره کننده‌ی سیاست کشور.

اسقف‌ها چون وضع را دگرگون یافتند، از قلمرو خود بیرون رفتند. قانون ازدواج کشیشان دگرباره به اجرا درآمد و آن‌ها از حالت عزوبت خارج شدند. ماتیو پارکر *(Matthew Parker)* هم که زمانی اسقف عبادت‌گاه آن بولین *(Anne Boleyn)* مادر ملکه الیزابت بود، به مقام اسقف اعظم کانتربوری تعیین شد.

مذاکرات صلح در کشور فرانسه (فرانسه، سپتامبر ۱۵۶۱):

کاترین دومدیسی که اختلاف بین گروه‌های مذهبی فرانسه را برای موقعیت کشور خطرناک می‌دانست و آن را بر ضدّ حکومت تلقّی می‌کرد، از نمایندگان اکثریت کاتولیک و پیروان فرقه‌ی کالوینیست دعوت کرد که در اجلاسی با تفاهم به اختلاف خود پایان دهند. در حالی‌که در این اجلاس نمایندگان برجسته‌ی فرقه ژزوئیت مانند دیه‌گو لی‌نز *(Diego Laines)* و هم‌چنین کسانی نظیر تئودور بِزا *(Theodore Beza)* نماینده‌ی هواداران کالوین جای داشتند، چون خود را در اقلیت کامل دیدند، انجام بحث را به صلاح ندانسته، اجلاس را ترک کردند.

کاترین دومدیسی در مقام نایب‌السلطنه فرانسه (فرانسه، ۱۵۶۰):

کاترین دومدیسی، بیوه‌ی هانری دوّم پادشاه فرانسه، خود را نایب‌السلطنه پسر ده ساله‌ی خود شارل نهم معرفی کرد. این حرکت کاترین، او را به قدرتمندترین فرد کشور و از سویی در وضعیت خطرناکی قرار داد.

کاترین چون از سیاست آگاهی نداشت، در موقعیت غیرعادی قرار گرفت. وی در زمان حیات هانری دوّم، شوهرش، در جریان سیاست قرار نگرفته بود و هانری دوّم هم دربست در اختیار دیان دوپوآتیه *(Diane de Poitiers)*، معشوقه‌ی خود بود و تمام امور را وی اداره می‌کرد. در زمان کوتاه سلطنت فرانسیس دوّم که علیل المزاج و در ضمن برادر بزرگتر هانری بود، در سنّ ۱۶ سالگی قادر به زمامداری نبود و تحت نفوذ کاترین قرار داشت. فرانسیس را به اجبار وادار به ازدواج با ماری ملکه‌ی اسکاتلند کردند و همان طور که گفته شد چون از عهده‌ی زمامداری برنمی‌آمد، تحت حمایت عموی ماری، دوک دوگوئیز *(Duke de Guise)* کاردینال منطقه‌ی لورن که کاتولیکی دو آتشه بود، قرار گرفت.

به‌هر حال، هنگامی‌که کاترین دومدیسی کمی تجربه در امور سیاست پیدا کرد، به خاطر این‌که فرزندانش را به سلطنت فرانسه برساند و زمام امور را از کف ندهد، همواره عصبانی و تندخو بود. وی از سوی پدر به یکی از خانواده‌های اشرافی فلورانس وابسته بود و از سوی مادر هم با خانواده‌ی اصیل فرانسوی قرابت داشت و همواره روی این زن حساب می‌کردند. وی نخستین اقدام برای پیشرفت کار را ایجاد آرامش و صلح بین دو فرقه‌ی کاتولیک و پروتستان می‌دانست که کشور فرانسه را در آستانه‌ی بحران و تفرقه قرار داده بود.

شورای کلیساها با آرای خود به حمایت پاپ برخاست. (ترنت *(Trent)*، ایتالیا، چهارم دسامبر ۱۵۶۳):

طبق خبرهای موثّقی که از ترنت رسیده، پاپ پیوس *(Pius)* چهارم که مدت‌ها بیمار بود، در حال مرگ است و بدین مناسبت شورای کلیساها برای این کار اجلاس تشکیل داده است. در این چند روز اخیر، به سرعت نمایندگان اسقف‌ها گردهمایی تشکیل داده‌اند تا به موضوع اختیارات کلیسای رم و اقدامات مخالفان راجع به نقض و انکار حاکمیت دستگاه مذهبی پاپ رسیدگی و پیشنهاداتی ارائه دهند تا دستورات پاپ مؤکداً در تمام کلیساها اجرا شود و بدین وسیله قدرت پاپ تحکیم شود.

ایتالیا، ۱۶۰۰
امیلیو دو کاوالیری (Emilio de Cavalieri) آهنگساز ایتالیایی سرودی به‌نام کورپو تنظیم کرد. این نخستین قسمت از کتاب مقدس بود که با آواز دسته‌جمعی به‌اجرا درآمد.

انگلیس، ۱۶۰۰
ویلیام گیلبرت (William Gilbert) دکتر مخصوص ملکه الیزابت مقاله‌یی درباره‌ی آهن‌ربا انتشار داد. نظریات او به‌صورت فراگیر تمام نیروی مغناطیسی کره ارض را شامل می‌شد. هم‌چنین وی ثابت کرد که این نیروی مغناطیسی باعث به‌وجود آمدن محیط زیست در کره زمین است.

امریکای مرکزی و جنوبی، ۱۶۰۰
اسپانیولی ها طی قانون به سفیدپوستان در مستعمرات خود اخطار کردند که بدون اجازه هندی‌ها به مجتمع‌های آنان وارد نشوند.

فرانسه، ۱۶۰۰
اولیویه دوسره (Olivier de Serres) پروتستان‌مذهب رساله‌یی درباره‌ی رشد گیاهان در کشاورزی نوشت و آن را به پادشاه تقدیم کرد. در این رساله او به نکاتی اشاره کرده بود، از جمله این‌که برداشت محصول کشاورزی در زمان جنگ‌های مذهبی و پس از آن به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد و این زیان بزرگی به اقتصاد فرانسه وارد می‌آورد.

ایتالیا، ۱۶۰۱
دانشگاهی در شهر پارما (Parma) تأسیس شد.

فرانسه، ۱۷ ژانویه ۱۶۰۱
در پی پیروزی فرانسه در جنگ شامبری (Chambery)، با عقد پیمان صلح بین فرانسه و ساووی (Savoy) در شهر لیون (Lyons)، این نبرد پایان یافت. طبق این معاهده فرانسه، مرزهای خود را نزدیک سویس توسعه داد و از سرزمین‌های سالوزو (Saluzzo) نقاط پشت کوه‌های آلپ عقب‌نشینی کرد.

لندن، ۲۵ فوریه ۱۶۰۱
رابرت دورو (Robert Devereux) دومین شخصیت منطقه‌ی ارل اسکس، پس از شکست در انجام توطئه اعدام شد. در طرح توطئه‌یی که چیده شده بود، قرار بود اسپانیا با همکاری جیمز ششم پادشاه اسکاتلند، ملکه الیزابت را برکنار و اعدام و لندن و برج آن را تصرف کنند.

پراگ، ۲٤ اکتبر ۱۶۰۱
تیکو براهه (Tycho Brahe) ستاره‌شناس، وفات یافت. او با کمک رودلف امپراتور مجارستان، رصدخانه‌یی در پراگ (Prague) تأسیس کرد و با یوهان کپلر (Johann Kepler) در آن‌جا به کار پرداخت. براهه سهم بزرگی در پیشبرد علم نجوم دارد، او برای این کار تمام وسایل مورد لزوم را فراهم کرد تا بتواند برای مطالعه‌ی ستارگان آن‌ها را به‌کار برد و در این راه از ثبات قدم بی‌نظیری برخوردار بود و همواره سعی می‌کرد که کار صحیح انجام دهد. وی نظریه‌ی کوپرنیک (Copernicus) را مشعر بر این‌که زمین در مرکز فضا واقع شده و خورشید به دور آن می‌چرخد، مردود دانست.

نیومکزیکو، ۲٤ نوامبر ۱۶۰۱
خوان اونات (Juan de Onate) فرماندار مکزیک پس از شش ماه دردسر و تحقیق درباره‌ی افسانه‌ی کی‌ویرا (Quivira) (در کانزاس) به شهر سان گابریل (San Gabriel) پایتخت بازگشت، طبق این افسانه که از قول حکمرانان هندی نقل شده بود، نزیک کویر مرکزی کانزاس شهرهایی وجود دارد که پر از معادن طلا و سنگ‌های قیمتی است و پیشینیان در آن‌جا صاحب ثروتی سرشار بودند.

هندوستان، ۱۶۰۱
اکبر امپراتور مغول هند، حاکم‌نشین دکن (Dekhan) برابر (Berar)، احمد ناگار (Ahmad Nagar) و خاندش (Khandesh) را ضمیمه‌ی قلمرو خود ساخت.

لندن، ۱۶۰۱
ویلیام شکسپیر دو گونه بازی‌های تئاتری را در لندن گشود، یکی کمدی به‌نام «شب دوازدهم» که یک داستان مشهور مربوط به فستیوال آشوب‌طلبان در روز ششم ژانویه در انگلیس می‌باشد و دیگری داستان «ترویلوس و کرسیدا (Troilus and Cressida)» می‌باشد که درباره‌ی کره‌سیدا همسر ترویا قهرمان یونانی قرون وسطایی است که کره‌سیدا خود را در اختیار ترویلوس می‌گذارد و نشانه‌ی یک داستان کمدی است که مردی دلباخته و شیفته‌ی زنی بی‌وفا بوده است.

اصلاح‌طلبان امیدوارند که قدرت پاپ در بین اسقف‌ها تقسیم و از اقتدار پاپ کاسته شود. پاپ پیوس هم برای سومین بار از اسقف‌ها دعوت کرده که در گردهمایی خود کوشش کنند که بین کاتولیک‌ها و هوگونوت‌ها *(Huguenots)* (پروتستان‌های فرانسوی) صلح و صفا برقرار شده و از خونریزی جلوگیری نمایند، چون این درگیری‌ها باعث تضعیف اقتدار کاتولیک‌ها در جهان خواهد شد. بیماری مصلحتی پاپ هم در حقیقت باعث تقویت اقتدار کاتولیک‌ها خواهد شد، زیرا بدین وسیله پشتیبانی عمومی را جلب خواهد کرد و از سویی این حمایت باعث خواهد شد که مبارزه علیه کالوینیست‌ها در فرانسه و طرفداران لوتر در آلمان تشدید شده و آنان را به سقوط نزدیک کند.

این اجلاس، مخالفان مراسم عشای ربانی و قدرت اسقف‌ها را به مبارزه طلبیده، در حالیکه کالوینیست‌ها با تقدیر و سرنوشت قطعی برای فرد مخالف هستند و آن را رد می‌کنند و مردم را در سرنوشت خود دخیل می‌دانند، همان‌طور که می‌توانند وضع کشیشان را تغییر دهند، هم‌چنان هم کتاب مقدس را تفسیر کنند.

آن‌ها خواهان اصلاحاتی در کلیسا شدند و بخشی از خواسته‌های خود را به کرسی نشاندند. اسقف‌ها در محل مأموریت خود مقیم شدند. از تمرکز ثروت و دارایی آنها جلوگیری شد. آموزش دروس مذهبی به طرز مناسبی به اجرا درآمد.

انجیل توسط ژروم *(St Jerome)* یکی از قدیسان به لاتین ترجمه شد و بدین وسیله مخالفت کلیسا برای ترجمه‌ی کتاب مقدس درهم شکست.

به فتوای ۲۰۰ نفر از روحانیان، کتاب مقدس به زبان‌های ایتالیایی، اسپانیولی و فرانسه ترجمه شد. قدرت پروتستان‌ها در آلمان بسیار بالا رفت، در حالیکه کاتولیک‌ها در اقلیت قرار گرفتند.

با شیوع بیماری طاعون در شهر لندن، یک چهارم اهالی تلف شدند. (لندن، ۱۵۶۳):

یک بیماری که توأم با تب و عرق‌ریزان شروع می‌شود، در لندن شایع شده که آگاهان آنرا نوعی طاعون می‌دانند. این ششمین بار است که در یک قرن

طاعون در لندن بروز کرده و بیش از ۱۷ هزار نفر را به هلاکت رسانیده که یک چهارم ساکنان شهر را تشکیل می‌دادند. طاعون در حقیقت بیماری جدیدی است که در محلات پرجمعیت و کوچه و خیابان‌های تنگ بیشتر کشتار می‌کند. این بیماری دفعتاً آغاز می‌شود و غیرقابل پیش‌بینی است و همانطور که گفته شد در محل‌های شلوغ سرایت بیشتری دارد و می‌گویند از نظر پزشکی مقاومت در برابر آن مشکل است.

تمام کارشناسان عقیده دارند که مردم باید خود برای درمان اقدام کنند و از انحراف اخلاقی بپرهیزند، چون عقیده‌ی عمومی بر این است که این بیماری بر اثر سقوط و زوال اخلاقی در جهان بروز می‌کند و جهانِ فاقد احساس عقاید دینی، آماده برای پذیرش این بیماری است، چون این بیماری کمتر در بین روحانیان مشاهده می‌شود و افراد پیرو دین و عقاید مذهبی به آن دچار نمی‌شوند و در حقیقت این بیماری به فرمان الهی نازل می‌شود که جوامع گناهکار را از معصیت پاک کند.

کشتار و اعمال منافی عفت و هتک ناموس در جنگ‌های مذهبی اِعمال می‌شود. (فرانسه، ۱۵۶۲):

جنگ به بیرحمانه‌ترین شکل خود بین کاتولیک‌ها و هواخواهان هوگونوت در جریان است. این پیکار شکافی در بین کشاورزان و زمین‌داران اشرافی به رهبری گاسپاردو کولینیی *(Gaspard de Coligny)*، دریاسالار فرانسوی، و هواداران کاتولیک تحت فرمان دوک دوگوئیز، ایجاد کرده است.

با کمال تأسف، باید گفت که تلاش کاترین دومدیسی نایب‌السلطنه، برای جلوگیری از خونریزی به جایی نرسید. پس از اینکه کاترین به اریکه‌ی قدرت رسید، دستور داد که تعقیب طرفداران کالوین را متوقف نمایند و برای اجرای آن در ژانویه ۱۵۶۲، میشل دوهوپیتال *(Michel de Hopital)* یکی از کاتولیک‌های میانه رو را به عنوان نخست‌وزیر برگزید و او هم تا اندازه‌یی آزادی انجام آیین‌های مذهبی را به آنان اعطا کرد. این امر خشم صنعتگران و پیشه‌وران طرفدار خشونت را در پاریس و سایر شهرها برانگیخت. رهبران اشرافی تندرو، حمله به هوگونوت‌ها را آغاز کردند، و سربازان گروه دوک دوگوئیز، تعدادی از هوگونوت‌ها را در حین انجام مراسم مذهبی و نماز در ناحیه‌ی واسی *(Vassy)* به هلاکت رسانیدند.

پس از این جریان، پرنس کنده *(Prince de Conde)* فرمان بسیج و تجهیز هوگونوت‌ها را صادر کرد. آنان به کلیساها حمله بردند و هر که را توانستند، کشتند و راهبه‌ها را هم مورد تجاوز قرار دادند، شهرهای لیون *(Lyon)*، روئن *(Rouen)* و اورلئان *(Orleans)* را تصرّف کردند، لیکن نیروهای مخالف، ضمن کشتار عدّه‌ی زیادی، آن‌ها را از شهرهای دیگر بیرون راندند.

نابغه‌ی هنر و پایه‌گزار رنسانس ایتالیا، جهان را ترک گفت. (رم، ۱۸ فوریه ۱۵۶۴):

میکل آنجلو بوئوناروتی *(Michelangelo Buonarroti)* (میکل‌آنژ)، بزرگ‌ترین هنرمند نابغه‌ی تمام اعصار ایتالیا و شاید جهان، در سنّ ۸۹ سالگی جهان را بدرود گفت. وی در بستر مرگ به دوستانش گفت که کارهای ناتمام مرا به پسرانم واگذارید. او وصیت کرده بود که وی را در شهر رم دفن کنند، لیکن دوک کازیمو دومدیچی *(Casimo de Medici)*، مقبره‌ی باشکوهی برای او در فلورانس بنا کرد.

میکل آنژ پس از ۲۰ سال که سقف صومعه‌ی سیستین *(Cistine)* را برای پاپ ژولیوس دوّم به اتمام رسانید، پاپ کلمنت هفتم وی را فراخواند و از او خواست دیوار پشت محراب را با تصاویر بزرگ و زیبا به اندازه‌ی سه برابر طبیعی نقّاشی کند و وی را در این کار آزاد گذاشت که به‌هر طریق که دلخواه اوست آن را هرچه زیباتر، تزئین نماید. او هم با تصویر زیبایی از خاندان مقدّس یعنی عیسی و مریم، آنجا را زینت داد.

آخرین شاهکار وی، نقّاشی کلیسای سن پیتر و سن پل می‌باشد که در سنّ ۷۰ سالگی انجام داد. او علاوه بر سرودن شعر، یکی از بزرگ‌ترین معماران ایتالیا محسوب می‌شود. وی نتوانست نقّاشی سقف سن پیتر را به اتمام برساند و پس از او، طرح کلیسای کاپیتولین *(Capitoline)* واقع در تپّه‌های شهر رم، به عهده‌ی کامپیدولیو *(Campidoglio)* واگذار شد. او از این‌که نتوانسته تندیس‌های معبد پیه‌تا *(Pieta)* را کامل کند،

ناراضی بود چون قادر به انجام آن نبود. وی به دوست خود جورجیو واساری *(Giorgio Vasari)* گفته بود که چگونه برای صرفه‌جویی در وقت، شب‌ها در زیر نور شمع و در حالی‌که یک تکه کاغذ بر سر می‌گذاشت، تا هنگام صبح مشغول نقّاشی بوده است.

پس از مرگ دوک، قرارداد صلح آمبواز تنظیم شد. (آمبواز، فرانسه، ۱۹ مارس ۱۵۶۳):

با فرمان صلح آمبواز *(Amboise)* که امروز به امضا رسید، به جنگ وحشیانه‌ی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها که کشور را به دو پاره تقسیم کرده بودند و یک سال خونریزی در تمام نقاط فرانسه جریان داشت، پایان داده شد.

پس از مرگ دوک دوگوئیز، رهبر کاتولیک‌های فرانسه، که یک ماه پیش اتّفاق افتاد، کاترین دومدیسی عملاً مصمم شد که صلح را در کشور برقرار کند و بدین منظور از شخصیت‌های هوگونوت دعوت کرد که مذاکرات آشتی را آغاز کنند. در زمانی‌که این دوک درّنده خو در صحنه حضور داشت و رهبری کاتولیک‌ها را عهده‌دار بود، کاترین جرأت نداشت که تن به صلح و آشتی بدهد، لیکن اکنون وی در مقام نایب‌السلطنه، خود را موظف به این کار می‌داند که از شدّت تشنّج و درگیری بکاهد، معهذا چون کشور فرانسه کاتولیک مذهب بود، وی خود قادر نبود که آن‌ها را برای همیشه در سکوت و آرامش نگاه دارد.

البته در این مورد جای شک و تردید وجود دارد که کاترین دومدیسی در اقدامات خود صادق است یا خیر، معهذا چون هوا و فضای صلح و آشتی فراهم آمده بود، او از پروتستان‌ها خواست که از شدّت خشم خود بکاهند و کاتولیک‌ها را هم به آرامش دعوت کرد و به آن‌ها تفهیم کرد که مذهب جدید خواسته‌ی گروهی از مردم فرانسه می‌باشد و باید به آن تمکین نموده و آن را بپذیرند.

بروژل با ترسیم زندگی دنیوی و حقیقی روستائیان به شهرت دست یافت. (بروکسل، ۱۵۶۵):

پیتر بروژل *(Pieter Bruegel)* یکی از نوابغ هنر نقّاشی اهل فلاندر از شهر آنتورپ *(Antwerp)* هلند به

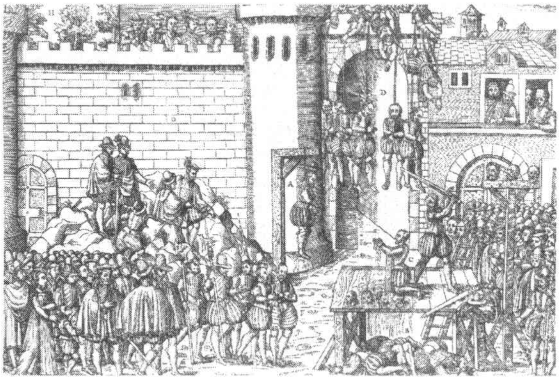
اروپا، ۱٦۰۱
آلمان و فرانسه موافقت کردند که با همکاری یک‌دیگر خدمات جدید پست را گسترش دهند.
آلمان، ۱٦۰۱
دولت آلمان دستور داد که تمام فاحشه‌خانه‌ها برای جلوگیری از اشاعه‌ی بیماری‌های آمیزشی بسته شود.
انگلیس، مارس ۱٦۰۲
سر والتر رالی (Sir Walter Raleigh)، آخرین مردان خود را برای تحقیق به مرکز تجمع رونواک (Roanoke) در ویرجینا (Viginia) اعزام کرد. در سال ۱۵۸۴، رالی تعداد ۳۲۵ نفر را در جزیره‌ی رونواک اسکان داد. او در سال‌های بین ۱۵۸۵ـ۱۵۸۷ و نیز در سال ۱۵۹۱ از آن جزیره بازدید کرد و احدی در آن‌جا ساکن نبود، وی از آن بیم داشت که شاید این افراد به‌وسیله‌ی هندیان کشته شده باشند.
رم، ۱۱ مارس ۱٦۰۲
امیلیو کاوالری (Emilio di Cavalieri) آهنگساز ایتالیایی، درگذشت. او نخستین بار سرودهای درام مقدس را نواخت.
هلند، ۲۰ مارس ۱٦۰۲
کمپانی هلندی هند شرقی تأسیس شد.
امریکای شمالی، ۱٦ ژوئن ۱٦۰۲
بارتولومه گوسنولد (Bartholomew Gosnold) یکی از فرماندهان دریایی انگلیسی اقداماتی برای تأسیس مستعمرات در شمال شرق قاره آمریکا انجام داد. او که در تاریخ ۲۶ مارس فالموث (Falmouth) را به عزم آمریکا ترک کرده بود، منطقه‌یی را کشف کرد و نام آن را دماغه‌ی کود (Cape Cod) نامید و پس از ماهیگیری در آن‌جا تاکستانی به‌نام مارتا (Martha) به‌وجود آورد و به احترام دختر خود آن‌جا را تاکستان مارتا نامید و اکنون به انگلیس بازگشته است.
پاریس، ۲۹ ژوئیه ۱٦۰۲
دوک بیرون (Biron) به جرم شرکت در توطئه‌ی اسپانیا و ساووی برای قتل هانری چهارم اعدام شد.
امریکای مرکزی، ١٤ دسامبر ۱٦۰۲
سباستین ویزکاینو (Sebastian Vicaino)، بازرگان و کاشف اسپانیایی در رأس ناوگان خود برای پیوستن به ناوگان خوان اونات (Juan de Onate) در ساحل دریای آرام به خلیج مونتری (Monterey) وارد شد، این خلیج تاکنون به‌وسیله‌ی دریانوردان کشف نشده بود.
بجینگ پایتخت چین، ۱٦۰۲
میسیون ژزوئیت‌ها به سرپرستی ماتیو ریکی (Matteo Ricci) برای دومین‌بار از شهر بجینگ (Bejing) بازدید کرد و اجازه یافت که در این شهر اقامت کند.
ناپل، ۱٦۰۲
توماسو کامپلانو (Tommaso Campanella) کشیش خارج از مذهب دومی‌نیکن و رهبر انقلابی جنوب ایتالیا در سال ۱۶۰۰ مقاله‌یی به نام شهر خورشید را در زندان به‌نگارش درآورد. این شهر خیالی زاییده ی افکار آن مرد بود که توسط راهبان دانشمند در علوم اسرارآمیز اداره می‌شد.
مجارستان، ۱٦۰۲
نیروهای ضداصلاحات مذهبی، پروتستان‌ها را در مجارستان و بوهم تحت تعقیب قرار دادند.
امریکای جنوبی، ۱٦۰۲
استعمارگران هلندی یک مجتمع مسکونی در گویان (Guiana) نزدیک رود اسکیبو (Essequibo) تأسیس کردند.
انگلیس، ۱٦۰۲
سر توماس بادلی (Sir Thomas Bodley)، کتابخانه‌ی بادلیان (Bodleian) را در شهر آکسفورد (Oxford) افتتاح کرد.
افریقای جنوبی، ۱٦۰۳
ادریس آلوما (Idris Aloma) پادشاه بورنو (Bournu)، درگذشت. وی در طول مدت ۳۴ سال سلطنت خویش نبردهای زیادی با سلاح‌های آتشین ترکی انجام داد.
ایران، ۱٦۰۳
شاه عباس پادشاه ایران، شهر تبریز را از دولت عثمانی بازستاند.
کانادا، ۱٦۰۳
مستعمره‌نشین جزیره‌ی سابل (Sable) خالی از سکنه شد. در سال ۱۵۹۷ این جزیره از بزهکاران و نگهبانان آن‌ها خالی شد. آن‌ها پوست خوک آبی و روغن به فرانسه ارسال می‌کردند. به هر حال در سال گذشته که فرستاده‌یی از فرانسه جهت بررسی موضوع به آن‌جا سفر کرد، دریافت که مجرمان مدنی تمام نگهبانان و محافظان خود را به‌قتل رسانده و هر کدام به سویی فرار کرده‌اند و در آن جزیره تنها دو نفر زنده مانده بودند.



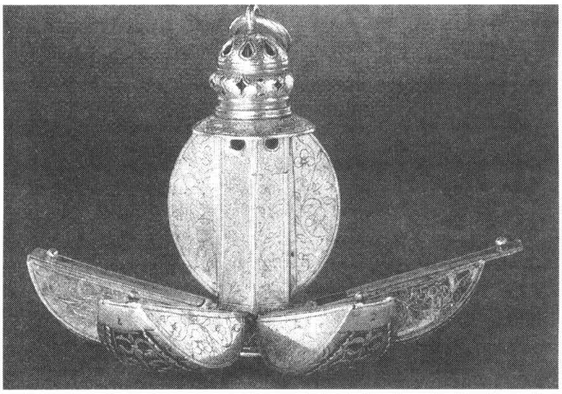
بشقاب برنزی با تصویر خاندان مقدس، اثر میکل آنژ، بزرگ ترین معمار و تندیس نگار ایتالیا.



نمایی رنگی از کلیسای بزرگ ارتودوکس سن بازیلSt Basil که در سال های آخر سلطنت تزار ایوان Ivan ساخته شد. این کلیسا در میدان بزرگ شهر قرار دارد، نظیر این کلیسا در میدان شهر مسکو بنا شد که نشانه ی استبداد و خود محوری مشخص فرد است. او تاب تحمل هیچ مخالفی را نداشت و با حکومت اشرافی سخت درتعارض بود.



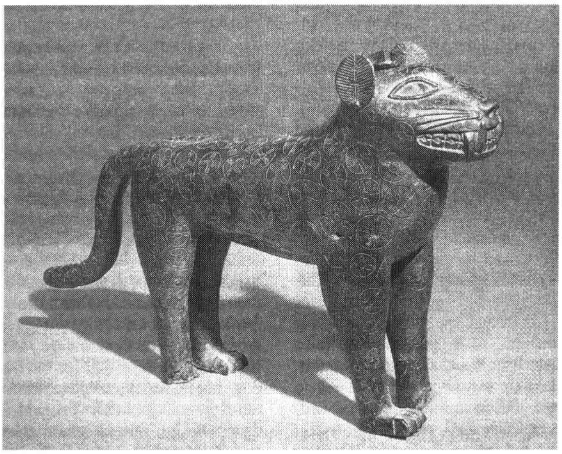
جنگ مذهبی در فرانسه چاره ناپذیر بود در این جنگ تعدادی زیادی از هوگونوت ها Huguenots (پروتستان های فرانسوی) اعدام شدند.



ظرفی نقره یی مخصوص بخوردان که جهت رفع امراض با بخار به کار می رود.



بازی های کودکان که به طور معمول توام با موسیقی و کارهای زنده توام است.



بنین Benin (کشور افریقایی) تندیسی از پلنگ که از مفرغ ساخته شده.

مکزیک، ۲۱ مارس ۱۶۰۳
یکی از کشتی‌های سباستین ویز کاینو (Sebastian Vizcaino) به‌نام سان دیه‌گو (San Diego) برای نخستین‌بار پر از مسافر از ساحل اقیانوس آرام و امریکای جنوبی به مکزیک بازگشت.

انگلیس، ۲٤ مارس ۱۶۰۳
ملکه الیزابت در ریچموند (Richmond) درگذشت و جیمز ششم پادشاه اسکاتلند جانشین وی شد.

کانادا، آوریل ۱۶۰۳
ساموئل دو شامپلن (Samuel de Champlain) کاشف فرانسوی، در ساحل کانادا لنگر انداخت تا به هیأت همراهش اجازه داده شود که به‌طور دایمی در این سرزمین که فرانسه‌ی جدید نامیده شده، اقامت کنند.

پاریس، ۲۰ ژوئن ۱۶۰۳
هانری چهارم پونت نوف (Pont Neuf) (پل جدید) را برای بهره‌برداری دوباره افتتاح کرد. این پل که در سال ۱۵۷۸ مورد استفاده واقع شده بود، بر اثر جنگ‌های متعدد مذهبی ویران شده بود.

ویرجینیا، ۲۹ ژوئیه ۱۶۰۳
بارتولومه گیلبرت (Bartholomew Gilbert) هنگام بازدید از مستعمره‌نشین روانوک به‌وسیله‌ی هندی‌ها به قتل رسید. او برای اولین‌بار در سال ۱۵۸۷ آن‌جا را کشف کرد.

هندوستان، ۳۰ نوامبر ۱۶۰۳
خواجه محمد باقی بالله که فرقه‌ی نقشبندیه را در هند تأسیس کرده و تعداد زیادی خانقاه صوفیه در آن کشور ایجاد کرده بود، به فرمان دولت هند کشته شد.

فرانسه، ۱۳ دسامبر ۱۶۰۳
فرانسوا ویت (Francois Viete) ریاضیدان مشهور فرانسوی، فوت شد. او اولین کسی بود که حروف الفبا را در جبر به‌کار برد.

انگلیس، ۱۶۰۳
هنری ژاکوب (Henry Jacob) رهبر پوریتن‌ها (Puritans) مشهور به هزار درخواست (به‌علت این‌که درخواستش توسط هزار روحانی امضاء شده بود)، از جیمز پادشاه تقاضا کرد به انگلیس بیاید، مشروط بر این‌که اصلاحات کلیسایی را به‌طور اعتدال بپذیرد، از مراسم پاپیش (Popish) در جشن‌های مذهبی ممانعت کند و حلقه‌ی نامزدی را در کلیسا هنگام مراسم عقد به‌کار نبرد و هم‌چنین صلیب را به‌عنوان مسیحی‌بودن از گردن آویزان نکنند. پادشاه قصد داشت در یک کنفرانس راجع به این موضوعات بحث کند.

فرانسه، ۱۶۰۳
هانری چهارم با به‌قدرت رسیدن دوباره‌ی ژزوئیت در سرزمین فرانسه موافقت کرد.

لندن، ۱۶۰۳
ساکنان شهر لندن به بیماری طاعون مبتلا شدند.

مراکش، ۱۶۰۳
احمد پنجم یا احمدالمنصور پادشاه مراکش درگذشت. او پس از غلبه بر پرتغال در سال ۱۵۷۸ به سلطنت رسید و دوران سلطنت او به دوران طلایی یا پیروزی شهرت یافت. در این زمان مراکش به اتحاد و ثروت رسید. او بر ضد اسپانیا با انگلیس پیمان بست و سرزمین موریتانی (Mauritania) را تحت سلطه درآورد و قلمرو حکومت امپراتور سونگایی را با معادن نمک آن به‌تصرف درآورد.

فرانسه، ۱۶۰۳
اولین محموله پوست سگ آبی از کانادا به بندر روشل (La Rochelle) رسید.

استانبول، ۱۶۰۳
سلطان محمد سوم پادشاه عثمانی فوت شد و پسرش سلطان احمد به‌جای او نشست.

ژاپن، ۱۶۰۳
یکی از خادمه‌های معبد ایزومو (Izumo) رهبری یک نمایش‌نامه را در بستر رود خشک‌شده عهده‌دار شد. این نمایش شامل یک‌سری رقص‌های محلی و پرده‌های کمیک بود و به‌خاطر اجرای این نقش به حضور کابوکی (Kabuki) امپراتور بار یافت. این جریان تکان و هیجان شدید در مردم ایجاد کرد، زیرا انتظار نداشتند یک زن به حضور امپراتور برسد.

بروکسل مهاجرت کرد و یک سری تابلو از زندگانی روستائیان تهیه کرد.

کارهای بروژل بیش‌تر صحنه‌ی زندگی حقیقی روستائیان را که همواره با خاک سر و کار دارند، نمودار می‌سازد. هرچند وی قبل از این‌که در کار تزئین‌هایی در آنتورپ بپردازد و در این کار استاد شود، در ایتالیا با فن و هنر نقّاشی آشنا گشت.

او که یک طراح زبردستی بود از موضوعات پیش پا افتاده و معمولی روستا از قبیل کاشت و برداشت یونجه، خرمن کردن محصول، بازی‌های کودکان، لانه‌گزینی پرندگان، شکار در برف، کار خود را آغاز کرد.

وی حکایات و ضرب‌المثل‌های دهاتی را دوست داشت و آن‌ها را مطابق طبیعت روستا تلقّی می‌کرد.

او تابلویی از افسانه ایکاروس *(Icarus)* را در حال شخم زدن و شبانی گوسفندان ترسیم کرد. ایکاروس در این حال مشغول پراکندن مگس‌ها از اطراف خود است.

کار دیگر او هم تابلویی است که مسیح را هنگام تولّد نشان می‌دهد و مردم زیادی به نیایش او پرداخته‌اند، زمینه‌ی تابلو خیلی شلوغ است در حالی‌که یکی از کشاورزان مشغول صحبت در گوشی با یوسف می‌باشد.

دو پسر بروژل هم به کار نقّاشی پرداخته‌اند، یکی از آن‌ها به نام پیتر مشهور به جهنم می‌باشد، چون صحنه‌های نقّاشی او بیشتر شیاطین و دیوان را نشان می‌دهد و پسر کوچک‌ترش هم یان *(Yan)* نام دارد.

رهبر هندوان در رأس قشون خود به جنگ می‌رود. (هندوستان، ۲۳ ژوئیه ۱۵۶۵):

ویجایاناگار *(Vijayanagar)*، امپراتور هند، در نبرد با مسلمانان شکست سختی خورد و لشگریانش در ناحیه‌ی تالیکوتا *(Talikota)* و در حمله‌ی چهارم مسلمانان به کلّی تار و مار شدند و فرمانده‌ی آن‌ها به قتل رسید.

پس از این شکست، رامارجا *(Ramaraja)* یکی از فرمانرویان هندو که خود سربازی مجرب بود، به جمع‌آوری سرباز و تجهیز آن‌ها پرداخت، لیکن باز هم

دچار شکست شد. هزاران مرد جنگی با سپاهی منظم و با بهره‌گیری از فیل‌های جنگی، در جناحین لشگر قرار گرفته و راماراجا در قلب سپاه، با حسین فرمانده‌ی سپاه مسلمانان روبرو شد. نظام شاه*(Nizam shah)* از احمد ناگار*(Ahamad nagar)* و برادرش تیروما‌لا *(Tirumala)* در مقابل فرمانروای بیجاپور *(Bijapur)* و برادر دیگرش به نام ونکاتادری *(Venkatadri)* قرار گرفتند، در حالی‌که تمام شاهزادگان استان احمدآباد و گل‌کوندا *(Golkonda)* هم در نبرد شرکت داشتند.

در ابتدای جنگ هندوها به پیشرفت‌هایی نایل شدند، لیکن هنگامی‌که فیل‌ها رَم کردند، راماجارا از بالای فیل سقوط کرد و در زیر پای فیل‌ها کشته شد. حسین فرصت را غنیمت شمرده، سر او را از بدنش جدا کرد، بالای نیزه برد و لشگریانش با دیدن سرِ خون‌آلود راماجارا از میدان فرار کردند و سپاهیان هندو دچار شکست شدند.

جزیره‌ی مالت که توسط عثمانی‌ها اشغال شده بود، بار دیگر توسط جنگجویان مالتی مسترد شد. (مالت *(Malta)*، سپتامبر ۱۵۶۵):

پس از عملیات قهرمانانه‌ی جنگجویان محلی که در تاریخ این جزیره بی‌سابقه بود، آن‌ها توانستند لشگریان عثمانی را از جزیره‌ی مالت برانند. پیش از این عقب‌نشینی، سلیمان پادشاه عثمانی امیدوار بود با اشغال مالت کنترل دریای مدیترانه را به دست آورد.

نیروی دریایی عثمانی در ابتدای جنگ دریایی، کشتی‌های جنگی فیلیپ دوّم را در هم شکستند و در سال ۱۵۵۸ شهر ژربا *(Jerba)* را تصرّف کردند و سپس نیروی دریای ترک‌ها توانستند کنترل سراسر ساحل آفریقای شمالی را به دست آورند. لیکن با وجود این‌که انتظار نمی‌رفت که آن‌ها توجّهی به جزیره‌ی مالت داشته باشند، با ناباوری نیروهای عثمانی در تایخ ۱۸ مه به مالت حمله‌ور شدند.

سلطان عثمانی، شاه سلیمان، در این لشگرکشی حضور نداشت، لیکن فرماندهی نیروی دریایی را پیال پاشا *(Piale Pasha)* و نیروی زمینی را مصطفی پاشا برعهده داشتند. با این وصف یکی از دلاور مردان مالت به نام سن ژان *(St John)* با شجاعت بی‌نظیری به قشون عثمانی تاخت. این مرد مدّت بیش از یک ماه با چند صد مرد جنگی در ارتفاعات سن المو *(St Elmo)* در کمین نشسته بود. هنگام سقوط جزیره به دست ترکان عثمانی، از مردان جنگی سن ژان تنها ۹ نفر زنده مانده بودند و ادعا می‌کردند که زندگی آنان را کشتی‌های رزمی دراگوت *(Dragut)* فرمانده‌ی نیروی رزمی ترک نجات داده است.

پس از مدّتی که نیروی نظامی سیسیل به کمک رسید، سربازان عثمانی دیگر روحیه‌ی ادامه‌ی نبرد را از دست داده بودند و تنها یک‌چهارم از لشگریان آن‌ها در مالت مستقر شدند.

باغ سِحرآمیز دوک اورسینی *(duke Orsini)* (ایتالیا، ۱۵۶۵):

دوک روشنفکر و لایق اورسینی، برای بخشایش گناهان خود، یک باغ عجیب و غیرقابل باوری به نام ساکرو بوسکو *(Sacro Bosco)* در اطراف خانه‌ی‌خود در بومارزو *(Bomarzo)* واقع در توسکانی *(Toscany)* احداث کرده است.

او سنگ‌ها را به شکل هیولا، اژدها، حوری دریایی و موجوداتی که سرِ زن و دمی به شکل ماهی دارند، تراشیده و از نظر فنّ معماری هم تمام اندازه‌ها و اشکال آن‌ها در نهایت زیبایی آفریده شده، لیکن با وضع در هم و بر همی قرار داده شده‌اند و نظم به‌خصوصی ندارند.

لیگوریو*(Ligorio)*، معمار ماهر و مجربی است که با ساختن ویلای استه *(Villa d' Este)* در ناحیه‌ی تیولی *(Tivoli)* در سال ۱۵۵۰ و هم‌چنین کارهای بسیار زیبایی که در واتیکان به دستور پاپ پیوس چهارم انجام داد، مشهور شد.

او یکی از معماران گروهی بود که در شهر رم و توسکانی شاهکارهایی به‌وجود آوردند. دو نفر از اعضای این گروه که باغ‌هایی با دورنمای بسیار زیبا خلق کردند، عبارتند از جووانی لیپی *(Giovanni Lippi)* و وینیولا *(Vignola)*.

ژاپن، ۱۶۰۳

در پی مرگ هایدیوشی (Hideyoshi) دیکتاتور ژاپن در سال ۱۵۹۸ و نیز کشته‌شدن نخست‌وزیر او در جریان جنگ‌های داخلی، توکوگوا ایاسو (Tokugawa Ieyasu) ، به‌فوریت جایگاه آنان را اشغال کرد و به‌عنوان شوگون (Shogun) (امپراتور) تعیین شد. وی دولتی نظامی (باکوفو (Bakufu)) در ادو (Edo) (توکیو) تشکیل داد و یک دژ بزرگ در آن‌جا بنا کرد.

امریکای شمالی، ژوئن ۱۶۰۴

پی‌یر دو گوست (Pierre du Guast) اهل منطقه‌ی کوه‌های خاکستری فرانسوی، یک ناحیه‌ی مستعمره‌نشین در شمال شرق رود سن کروا (St Croix) تشکیل داد.

هلند، ۲۰ سپتامبر ۱۶۰۴

پس از دو سال محاصره، نیروهای اسپانیولی ناحیه‌ی اوستند (Ostend) واقع در هلند را تسخیر کردند. ایزابلا (Isabella) دوشس بزرگ (دوک مؤنث) اسپانیایی به تقلید از شوالیه‌ها با خود عهد کرد تا سقوط اوستند، لباس خود را تعویض نکند.

اسپانیا، ۱۶۰۴

ماتیو آله‌من (Matteo Aleman)، اولین جلد نوول داستانی خود را که به‌نام حکومت اوباش در سال ۱۵۹۹ با موفقیت به‌پایان رسانده بود، نگارش دومین جلد از کتاب را آغاز کرد.

فرانسه، ۱۶۰۴

فرمان پائولت (Paulette) پس از بررسی متخصصان مالی فرانسه و تصویب هانری چهارم صادر شد. طبق این فرمان مؤسسات وابسته به مسیحیان رافضی‌مذهب مانند پروتستان‌ها باید مالیات مضاعف بپرازند و دیگر انجمن‌ها ادارات خود را به دولت بفروشند.

رم، ۱۶۰۴

آنیبال کاراکی (Annibale Carracci) نقاش ایتالیایی، تزئینات مربوط به سالن قصر فارنس (Farnese) را به‌اتمام رسانید.

لندن، ۱۶۰۴

جیمز پادشاه انگلیس اعتیاد به تنباکو را خطرناک و موجود پستی می‌داند و عقیده دارد که انسان را در ورطه‌ی هلاک می‌افکند.

اسپانیای جدید، ۱۶۰۴

برای نخستین‌بار روزنامه‌یی به‌اسم لاگازتا مکزیکانا (La Gasetta Mexicana) (روزنامه‌ی مکزیکی) به‌وسیله‌ی کرئول بالبونا (Creole Balbuena) چاپ و منتشر شد.

لندن، ۱۶۰۴

شکسپیر نمایش‌نامه‌ی اتللو (Othello) یا مرد مسلمان مراکشی (Moor) در ونیز را به روی صحنه آورد. موضوع این تئاتر ماجرای عشق مرد حسودی است که نسبت به همسر باوفای خود مشکوک می‌گردد.

ایتالیا، ۱۶۰۴

گالیلئو (Galileo) (گالیله) منجم ایتالیایی پس از دو سال تحقیق و تفحص به قوانین جاذبه و حرکت ستارگان پی برد.

انگلیس، ۱۶۰۴

جیمز پادشاه انگلیس درخواست پوریتن‌ها (Puritan) را که به امضای هزار نفر از کشیشان رسیده بود، در مورد اصلاحات کلیسایی به دور افکند. وی تنها اجازه داد که ترجمه‌ی تازه‌یی از کتاب مقدس انجیل به‌عمل آید.

کانادا، ۱۶۰۵

بندر سلطنتی آکادیا (Acadia) (نووا اسکوتیا (Nova Scotia)) افتتاح شد.

مسکو، دهم ژوئن ۱۶۰۵

فردی که خود را پرنس دیمیتری (Dimitri) معرفی می‌کرد، با حمایت حکومت لهستان به تصور این‌که فرزند ایوان چهارم درگذشته می‌باشد، به‌عنوان تزار روس به‌سلطنت رسید.

انگلیس، ۱۷ ژوئیه ۱۶۰۵

جورج وی‌موث (George Weymouth) با اخبار مهیجی درباره‌ی رشد گیاهان و پرورش بسیار مساعد محصولاتی مانند جو و نخود در منطقه‌ی ساحلی شمال شرقی امریکا (ایالت مین (Maine)) به انگلیس بازگشت.

امریکای شمالی، ۲۰ ژوئیه ۱۶۰۵

ساموئل شامپلن (Samuel Champlain) جغرافیادان و کاشف دماغه‌ی کود، در سفر دوم خویش به این منطقه رسید و خیال داشت که در همین منطقه یک مجتمع فرانسوی‌نشین ایجاد کند.

لندن، سپتامبر ۱۶۰۵

ناحیه‌ی ایست‌وارد هو (Eastward Ho) توسط بن جانسون (Ben Jonson) کشف شد. وی به کسانی که منطقه‌ی ویرجینیا و جزیره‌ی روانوک را به چشم مستعمره‌نشین می‌نگرند، به دیده‌ی حقارت می‌نگریست و آنان را مورد انتقاد قرار می‌داد.

باغی که اورسینی در بومارزو احداث کرد، کاملاً با ویلای دِسته که بسیار مجلّل و پر خرج است، متفاوت است. او در این محلّ، از زیبایی طبیعی پیرامون آن استفاده کرده و در بنای آن حالت متقارن را رعایت کرده است. به‌علاوه، در ویلای اورسینی، او از طرح‌های لیگوریو بهره برده و حالت طبیعی تپّه‌ها و سنگ‌های تراشیده‌ی آنجا را به‌صورت یک موزه‌ی تاریخ طبیعی درآورده است.

نیروهای اسپانیولی، سربازان فرانسوی را به کلّی از فلوریدا بیرون کردند. (فلوریدا، اکتبر ۱۵۶۵):

سربازان فرانسوی که در بندر کارولین *(Caroline)* فلوریدا در آمریکای شمالی استقرار یافته بودند، به نیروی شمشیر اسپانیولی‌ها، از محلّ رانده شدند.

جنگ‌هایی که سال‌ها پیش بین نیروهای دو طرف به علّت اختلافات مذهبی، موجب تلفات بسیاری شده بود، با خارج شدن فرانسوی‌ها از محلّ خاتمه یافت.

در ماه مه ۱۵۶۲، کاپیتان ژان ریبو *(Jean Ribault)* و ۱۵۰ نفر از همراهان هوگونوت او، به فلوریدا آمدند، لیکن بر اثر کمبود مواد غذایی و گرسنگی، تعدادی از آن‌ها تلف شدند و سایر بازماندگان آن‌ها به فرانسه بازگشتند.

با خروج فرانسوی‌ها از بندر کارولین، رنه دوگولن دو لودونیر *(Rene de Goulaine de Laudonniere)*، فرمانده‌ی دوّم نیروهای اسپانیولی، در ماه ژوئن سال پیش، مهاجران جدیدی را در این محلّ اسکان داد. سرانجام در ماه ژوئن امسال، پدرو منندزدو آویلس *(Perdro Menendez de Aviles)*، سرپرست نیروهای اسپانیولی، پس از تخریب محلّ سکونت فرانسوی‌ها، به آن‌ها اجازه‌ی تجدید قوا و استقرار مجدد آن‌ها را نداد.

ژان ریبو، کاپیتان فرانسوی، با نیروی مجهّز به آتشبار، در ماه اوت، درست هنگامی‌که منندز به لنگرگاه موسوم به سن آگوستین وارد می‌شد، به آن ناحیه بازگشت.

در روز ۱۳ سپتامبر، ریبو سعی کرد که به نیروهای اسپانیولی بتازد، لیکن توفان، تمام مساعی آن‌ها را نقش بر آب کرد و در اثر در هم شکستن کشتی‌های جنگی، تعداد ۲۰۰ نفر از ناویان وی هلاک شدند. یک هفته بعد، با حمله‌ی نیروهای اسپانیولی، بندر کارولین تسخیر و بقایای نیروهای فرانسوی دستگیر شدند.

هجوم اسپانیولی‌ها بسیار وحشیانه بود، به‌طوری که در یک ساعت، آن‌ها ۱۳۲ نفر از سربازان فرانسوی را قتل‌عام کردند. تعدادی از تسلیم‌شدگان، من‌جمله ریبو هم، به قتل رسیدند. تنها تعدادی از کاتولیک‌ها، زنان و بچّه‌ها از زیر تیغ آنان جان به در بردند.

مننذ به پادشاه اسپانیا نوشت: آن‌ها در راه خدا و پادشاه اسپانیا قربانی شدند و ثواب این عمل نصیب شاه خواهد شد.

آن‌ها بر روی پلاکاردی چنین نوشتند: ما حتا یک نفر فرانسوی را نکشتیم، بلکه آن‌ها که کشته شدند از پیروان لوتر بودند.

زنانِ پادشاه، کلید طلایی منابع طلای آفریقا را به پرتغالیان تقدیم کردند. (موزامبیک، ۱۵۶۵):

به رغم توطئه‌یی که مونهوموتاپا *(Munhumutapa)*، پادشاه موزامبیک، و تجّار عرب، برای کشتن نماینده‌ی ژزوئیت مذهب پرتغالی به نام گونکولا داسیلویرا *(Goncola da Silveira)* در سال ۱۵۶۱ انجام دادند و منجر به قتل او گردید، نیروهای پرتغالی اقداماتی در جهت امنیت منطقه‌ی زامبزی *(Zambezi)* سفلی انجام دادند.

آن‌ها بخش‌هایی از مناطق دور دست را که چندان سودی نداشت، اشغال کردند. امّا به‌هر حال بازرگانانی که به داد و ستد طلا می‌پرداختند، با پرتغالی‌ها ارتباط داشتند و پرتغالی‌ها از این راه به جمع‌آوری طلا اقدام و این فلز گران‌بها را به کشور خود صادر می‌کردند. تجّار عرب فطرتاً متّحد بومیان بودند و برای بیرون راندن بازرگانان پرتغالی از میهن سیاه‌پوستان با آن‌ها تشریک مساعی می‌کردند، لیکن اوضاع به گونه‌یی بود که بومیان ساکن روستاها برای زندگانی روزمره و سیر کردن شکم خود، نیاز به کمک داشتند. بدین جهت پرتغالی‌ها برای پیشبرد اهداف خود، به آن‌ها کمک می‌کردند. از این رو، سران هیأت‌های پرتغالی مقیم موزامبیک، با مازاریرا *(Mazarira)*، سوگلی حرم و ملکه‌ی مونهوموتاپا پادشاه، طرح دوستی ریختند و از این راه، روزنه‌یی برای نفوذ خود در منطقه یافتند. پرتغالی‌ها، مازاریرا را به دین مسیح درآوردند و او هم از مهاجران پرتغالی دعوت کرد که به موزامبیک برای ایجاد مستعمره بیایند. ملکه‌ی مادر هم، همسر دوّم پادشاه را که مسلمان بود، به‌جای مازاریرا به‌عنوان سوگلی حرم او برگزید.

اکبر پادشاه هندوستان، به سپاهیان خود فنّ شکار کردن را می‌آموزد. (اگرا، هندوستان، ۱۵۶۷):

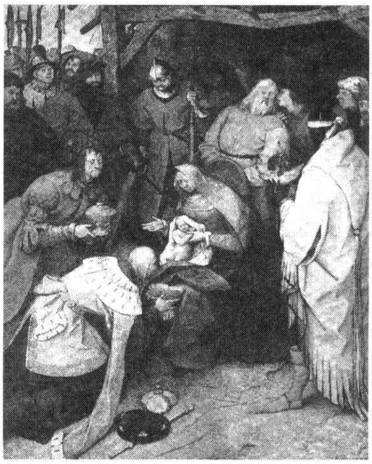
اکبر امپراتور ۲۵ ساله و جاه‌طلب مغول هندوستان، به تجهیز و تربیت نیروهای نظامی مغول مشغول است. سپاهیان مغول به پیروی از پادشاه، برای تمرین نظامی به شکار می‌پردازند. آنان در دسته‌های مجهّز به کوه‌پیمایی می‌روند و با صعود از قلّه‌ها، به تقویت نیروی بدنی خود کمک می‌کنند. تا این اواخر به‌نظر می‌رسید که اکبر تنها صید و شکار را دوست دارد و آن را به جنگ و نبرد ترجیح می‌دهد.

وی بایرام *(Bairam)* که سمت نایب‌السلطنه را داشت و امپراتوری را از بن‌بست نجات داده بود، برکنار کرد، در حالی‌که بدون شک، او شیفته‌ی اکبر و ترقّی و توسعه‌ی قلمرو امپراتوری مغول بود.

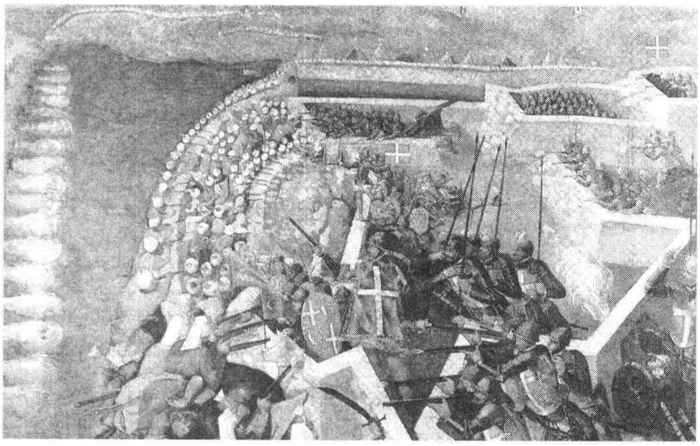
او آدام‌خان *(Adam Khan)*، پسر بایرام را به سمت رئیس گارد نگهبانان دربار سلطنتی تعیین کرد و دستور داد کاخ راجپوت *(Rajput)* را مرمّت و تزئین نمایند.

اکبر در این اواخر با مطالعه و تمرین از حالت خامی بیرون آمده و مردی است با تجربه که در امور سیاسی و کشورداری صاحب‌نظر می‌باشد و به‌نظر می‌رسد در آینده یکی از سیاستمداران بزرگ خواهد شد.

نیروهای اسپانیولی، رهبر مقاوم هلندی را به قتل رساندند. (بروکسل، پنجم ژوئن ۱۵۶۸):



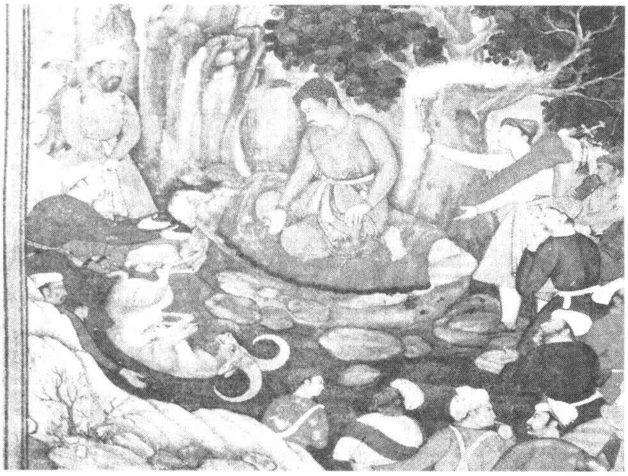
گروهی از زرتشتیان در معبد و درحال عبادت.



یورش شوالیه های پیرو سنت جان به سپاهیان عثمانی که منجر به شکست محاصره آن ها شد.



تندیس سر یک غول در بومارزو Bomarzo



صحنه یی از شکارگاه اکبر، وی از شکار حیوانات پشیمان و متاسف است. این نقاشی زیبا توسط یک نقاش مغول انجام شده.



لامورال Lamoral کنت ناحیه ی اگمونتEgmont.



صحنه ی زیبایی از ضیافت کاپیتان ریبو Ribault در بین سرخ پوستان بومی فلوریدا.

کنت اگمونت (*Egmont*)، رئیس شورای حاکمیت هلند که بعداً به رهبری نیروی مقاومت کشور برگزیده شده بود، به دستور دولت اسپانیا و تصویب کمیته‌ی جلوگیری از شورش‌های مستعمرات، امروز به هلاکت رسید.

اگمونت (*Egmont*) در سال ۱۵۵۶ به فرمان فیلیپ دوّم به فرمانداری هلند که مستعمره‌ی اسپانیا بود، منصوب شد، لیکن در سال ۱۵۶۳ به پرنس اورانژ (*Prince Orange*) و فیلیپ فرمانروای هورن (*Hoorne*) پیوست تا با کمک یکدیگر، حق خودمختاری هلند را کسب کنند و از تأسیس دادگاه انکیزیسیون (تفتیش عقاید) در این سرزمین ممانعت کنند. هر سه نفر پیمان بستند در صورت عدم پذیرش پیشنهادات آن‌ها، به نبرد با اسپانیا بپردازند. این جریان نشانه‌یی از جنبش مقاومت هلند در مقابل اسپانیا بود، لیکن مجازات آن را اگمونت تحمّل کرد.

عالیجاه سلیمان بدرود حیات گفت. (استانبول، ششم سپتامبر ۱۵۶۶):

عالیجاه سلیمان یا سلیمان قانونی امپراتور عثمانی، در سن ۴۶ سالگی درگذشت و بزرگ‌ترین پسر وی که در قید حیات بود، به نام سلیم، جانشین او شد. سلیم تمام صفاتی که در سلیمان وجود داشت، مانند میخوارگی، خونخواری و تحریک‌پذیری و تندخویی را واجد بود.

سلیمان در نیمی از مدّت سلطنت خود، تحت نفوذ روکسلانا (*Roxelana*) که نژاد وی از گالیسیا (*Galicia*) (منطقه‌یی در ساحل مدیترانه) و یکی از اسرای جنگی بود، قرار داشت و پس از آن گل‌بهار جای او را گرفت و سلطان او را سوگلی حرم قرار داد.

پس از این‌که روکسلانا پسری برای سلیمان زایید، به دین اسلام درآمد. این دومین همسر سلطان بود. مطابق شعائر اسلامی هر مرد می‌توانست چهار زن عقدی داشته باشد، لیکن مدّت دو قرن بود که رسم داشتن زن صیغه یا متعه مطرود و مردود شده بود و شاه هم از این قانون پیروی می‌کرد. هرچند که حدود ۱۰۰ نفر از زنان در دربار بودند که به‌عنوان کنیز کارهایی از قبیل آشپزی و خیاطی را برعهده داشتند و این خدمت‌کاران و کنیزان تحت نظر خواجه‌ی حرام‌سَرا در خدمت سلطان بودند.

گرچه به توصیه‌ی ابراهیم، مشاور سلطان، یک دست روکسلانا را بریده بودند، لیکن برحسب تمایل او، دختر وزیر اعظم رستم پاشا هم به عقد سلطان درآمد و زناشویی مهرماه با سلیمان مورد قبول او قرار گرفت.

از سوی دیگر، هدف سلطان از این ازدواج، بهبود روابط او با مصطفی فرزند سلیمان و گل‌بهار بود که در نظر داشتند او را پس از سلیمان به سلطنت برسانند.

هنگامی‌که مصطفی حاکم منطقه‌ی آمازیا (*Amasya*) بود، نفوذی در بین قشون ینی‌چری پیدا کرد. روکسلانا و رستم پاشا هم به اتّهام توطئه علیه سلیمان و برکناری وی از سلطنت، تحت پیگرد قرار گرفتند و به دستور سلطان مصطفی را هلاک کردند.

سه سال بعد هم روکسلانا از دنیا رفت و سلطان از غم مرگ او سخت ماتم‌دار شد و گریه و مویه کرد. در همین زمان، بین دو فرزند ارشد سلیمان، سلیم و بایزید، بر سرِ جانشینی مناقشه در گرفت و در جنگ قونیه (*Konya*) بایزید شکست خورد و در سال ۱۵۵۹ به ایران پناهنده شد. نیروهای عثمانی از شاه ایران خواستند که بایزید را به عثمانی مسترد دارد و شاه ایران هم برای این‌که دشمنی دو کشور را برنیانگیزد، او را تحویل داد و سلیم او را هم‌چون برادرهای ناتنی خود با طناب خفه کرد و بدین ترتیب پنج برادر او من‌جمله یک برادر سه ساله‌اش به هلاکت رسیدند.

بر اثر ورود سیل‌آسای طلا توسط اسپانیا، ارزش کالا هم بالا رفت. (اروپا، ۱۵۶۸):

در نتیجه‌ی جریان سیل‌آسای طلا و نقره از دنیای جدید به اروپا توسط کاشفان اسپانیولی، بهای اجناس به‌صورت غیرمنتظره تا حدّ هزار درصد یعنی ده برابر، در فرانسه بالا رفت، به‌طوری که این تورّم در قرن اخیر بی‌سابقه بود و در اقتصاد اروپا به نحو چشمگیری تأثیر گذاشت.

پایین آمدن ارزش پول و مسکوکات طلا و نقره، عدّه‌یی را طبق نظریه‌ی ژان بودن (*Jean Bodin*) بر آن داشت که سکه را جمع‌آوری و احتکار کنند و بدین

ترتیب عرضه‌ی پول در بازار کاهش یافت و قیمت لوازم زندگی هم تا اندازه‌یی کاهش پیدا کرد.

ضراب‌خانه‌ها هم عیار سکه‌های در جریان را کم کردند و عیار سکه‌های طلا و نقره به ۶۰ درصد رسید و این جریان با ورود طلا و نقره از دنیای جدید بستگی تام داشت.

طبق فرضیه‌ی بودن، با بالا رفتن تورّم، عرضه‌ی مواد خوراکی که لازمه‌ی حیات است، در بازار مصرف افزایش پیدا می‌کند و این جریان توسط محتکران و به‌طور مصنوعی، ایجاد می‌شود و نرخ مواد مصرفی هم تابع عرضه و تقاضا می‌باشد و در این آشفته بازار، محتکران همواره در پی کسب سود خود هستند و جهت تأمین منافع خود، قحطی مصنوعی به‌وجود می‌آورند.

یک بازرگان برده‌ی انگلیسی در هند غربی، از منطقه‌ی تحت سلطه‌ی اسپانیولی‌ها گریخت. (لندن، اکتبر ۱۵۶۸):

سه کشتی مخصوص حمل برده‌ی انگلیسی به فرماندهی جان هاوکینز *(John Hawkins)*، از یک تنگه‌ی دریایی که کشتی‌های اسپانیایی در آنجا کمین کرده بودند، فرار کرد.

در این حادثه پنج فروند کشتی انگلیسی درگیر شدند و با موانعی که کشتی‌های اسپانیایی ایجاد کرده بودند، صاحبان کشتی به خشم آمدند و دولت انگلیس بدون اعلان رسمی جنگ، با اسپانیا درگیر شد.

جان هاوکینز، از خویشاوندان نزدیک فرانسیس دریک *(Francis Drake)*، یکی از چهره‌های مردمی در امور تجارتی انگلیس بود و بردگان را از غرب آفریقا به هند غربی برای فروش می‌برد که این کار برخلاف میل دولت مادرید بود، چون اسپانیا تجارت برده را حق خود می‌دانست.

این سومین سفر هاوکینز از سال ۱۵۶۲ بود. دو کشتی هاوکینز در حادثه‌یی در ناحیه‌ی سن خوان‌دو اولوآ *(San Juan de Ulua)* از دست رفت و این امر خشم دربار انگلیس را برانگیخت. ملکه الیزابت رسما برده‌داری را تجویز نمی‌کرد و ظاهراً با آن مخالفت

ژنو، ۱۳ اکتبر ۱۶۰۵
تئودور بزا (Theodore Beza)، دانشمند علوم الهیات و نویسنده‌ی ایتالیایی، جان سپرد. وی جانشین کالون (Calvin) در مقام رییس آکادمی ژنو (Geneva) گردید و به‌عنوان شاعر، تاریخ‌نگار و مقاله‌نویس، رساله‌های چندی تدوین کرد و حتی تراژدی قربانی کردن ابراهیم پیامبر را به‌نگارش درآورد.

هند، ۱۶۰۵
اکبر امپراتور کبیر مغول هند وفات یافت و جهانگیر فرزندش جانشین وی گشت.

لندن، ۱۶۰۵
نمایش «مکبث (Macbeth)» نوشته‌ی ویلیام شکسپیر (William Shakespeare) درباره‌ی شورش اسکاتلند و شاه‌کشی توسط همسر جاه‌طلب وی در لندن، به روی پرده‌ی تئاتر درآمد.

لندن، ۱۶۰۵
بن جانسون، نمایش‌نامه‌ی کمدی خود را به‌نام روباره و سبد ماهیگیری آدم خیس را در لندن برای تماشای عموم به‌اجرا درآورد.

آلمان، ۱۶۰۵
تعداد ۲۰۵ نفر را در این دو سال اخیر به جرم جادوگری در دیر فولدا (Fulda) (زنده در آتش افکنده و سوزاندند. شاهزاده آبوت بالتازار فون درنباخ (Abbot Balthasar Von Dernbach) معاون بالتازار روس (Balthasar Ross)، یکی از وزرای آلمان، در این جریان نظارت داشت.

رم، ۱۶۰۵
کارا واجو (Caravaggio) نقاش ایتالیایی، تصویر پس از مرگ زنی به‌اسم مادونا (Madonna) را ترسیم کرد، لیکن در کمیسیونی که با شرکت سانتا ماریادلا اسکالا (Santa Maria della Scala) در کلیسای تراسته‌ور (Trastevere) تشکیل شد، وی به این موضوع اعتراض کرد و آن را عملی زشت دانست، جسد مادونا پس از مرگ باد کرده و متورم شده بود. او زن فقیری بود.

امریکا، ۱۶۰۵
بیماری‌های شایع در اروپا از قبیل آبله، سرخک، اسهال خونی، حصبه و سل در اثر تماس با بازرگانان و جنگجویان اروپایی ده درصد هندیان بومی مقیم امریکا را مبتلا ساخت و برحسب گزارش‌های واصله، این امر در اجتماعات هندی نگرانی شدید و ناراحتی‌های بسیاری برای آن‌ها فراهم کرده است.

جنوب شرقی آسیا، ۱۶۰۵
جان دیویس (John Davis) دریانورد انگلیسی، توسط دزدان دریایی در تنگه‌ی ماکالا (Malacca) به قتل رسید. وی در سال ۱۵۸۷ هنگام جست‌وجوی راه آبی از کرانه‌ی شمالی امریکا به اقیانوس اطلس، تنگه‌یی را کشف کرد که دریای بافین (Baffin) را به اقیانوس مرتبط می‌ساخت، و در سال ۱۵۹۲ نیز که سرپرستی ناوگان اعزامی به دریای جنوبی را عهده‌دار بود، موفق به کشف جزایری به‌نام مالویناس (Malvinas) (فالک‌لند (Falkland)) شد.

جنوب شرقی آسیا، ۱۶۰۵
هلندی‌ها جزیره‌ی آمبوینا (Amboina) و جزایر ملوک (Moluccas) را از پرتغالی‌ها گرفتند.

فلوریدا، مارس ۱۶۰۶
خوان کابزاد دو آلتی میرانو (Juan de la Cabezade de Altimirano)، نخستین اسقفی بود که از امریکای شمالی دیدار کرد.

ونیز، مه ۱۶۰۶
پاپ پل پنجم به فرمانروایان ونیز اخطار کرد از روش سیاسی خود که فشار روحی بر مردم وارد می‌کنند، دست بردارند و پیروی و متابعت از کلیسای رم را در پیش گیرند، حکومت ونیز از سال ۱۵۸۲ از فرامین پاپ سرپیچی کرده بود. آن‌ها فرمان پاپ را رد کردند و به سیاست خود ادامه دادند.

روسیه، ۱۹ مه ۱۶۰۶
واسیلی شوئیسکی (Vasily Shuisky)، دیمیتری کاذب را که ادعا می‌کرد فرزند ایوان چهارم است، برکنار کرد.

اروپای مرکزی، ۱۱ نوامبر ۱۶۰۶
پیمان صلح زیت واتوروک (Zsitvatorok) به نبرد چندین‌ساله بین دولت عثمانی و امپراتوری هابسبورگ (Habsburg) پایان داد.

کانادا، ۱۴ نوامبر ۱۶۰۶
با اجرای نوول فرانسوی به‌اسم نپتون (Neptune) در بندر رویال (Port Royal)، این اولین نمایشی بود که در دنیای جدید بر روی صحنه آمد.

می‌ورزید، لیکن هاوکینز، جرأت و جسارت این کار را داشت و این از ویژگی‌های او بود.

شورشیان هلندی، کلیساها را غارت و خراب کردند. (هلند، اسپانیا، ۱۵۶۶):

کمبود محصول سبب بالا رفتن قیمت نان شد و به شورش مردم انجامید. کالوینیست‌ها و سایر گروه‌های الحادی، بیشتر مردم را علیه فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا برانگیختند. مردم اقدام به غارت کلیساها و بردن طلا و آثار گران‌بهای متعلق به آن‌ها کرده و اموال چپاول شده را در دهات و سایر نقاط دور بردند، کشیشان و روحانیون، بدون دسترسی به کمک، تنها شاهد این جریان هستند.

مردم سال‌هاست که با غارت اموال کلیساها، خشم و غضب خود را نسبت به دادگاه انکیزیسیون نشان می‌دهند و مارگارت پارما *(Margaret Parma)* فرماندار ایالت پروونس *(Provinces)*، این موضوع را به فیلیپ پادشاه اسپانیا هشدار داده که این اعمال تنها به خاطر حاکمیت اسپانیا بر هلند می‌باشد و خواستار آنند که هرچه زودتر به هلند استقلال داده شود و نیروهای اسپانیا خاک هلند را ترک کنند.

هنگامی‌که شورش سراسر هلند را فرا گرفت، مارگارت به پرنس ویلیام دورانژ ملتجی شد و از وی یاری طلبید. طبق موافقت‌نامه‌یی که بین آن دو به امضا رسید، قرار شد تعقیب و پیگرد مخالفان متوقّف شود و عفو عمومی نسبی اعلام گردد و نیروهای نظامی به پایگاه‌های خود برگردند و از ایذا و اذیت مردم خودداری نمایند و به کاتولیک‌ها اجازه داده شود که اعمال و مراسم دینی خود را بدون مزاحمت انجام دهند.

این در حقیقت یک صلح موقّتی و متارکه محسوب می‌شود، مشروط بر آن‌که مارگارت از دولت اسپانیا تقاضای اعزام نیرو برای سرکوب مردم را ننماید.

مرکاتور *(Mercator)*، نقشه‌ی جدید کره‌ی زمین را منتشر کرد. (دویسبرگ *(Duisberg)*، آلمان، ۱۵۶۹):

نخستین نقشه‌ی جامع جهان در آلمان منتشر شد. تهیه‌کننده‌ی این نقشه یک تاجر هلندی به نام گرهارد کرِمِر *(Gerhard Kremer)* می‌باشد که به سبب این‌که پروتستان‌ها در هلند تحت پیگرد قرار گرفته بودند، به آلمان گریخت.

کرمر یا بهتر گفته شود گراردوس مرکاتور *(Gerardus Mercator)* (مرکاتور به معنی بازرگان)، برحسب نظریه‌ی کروی بودن زمین نقشه‌ی خود را طراحی کرده است. نقشه‌یی که مرکاتور از کره‌ی زمین ترسیم کرده به‌طور صحیح طول و عرض جغرافیا، خط استوا، مدارات و نصف‌النهارها را مشخّص نموده است.

این نقشه برای حرکت سپاهیان در خشکی و دریانوردان در صحنه‌ی دریاها، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، در حالی‌که تاکنون کسی نتوانسته بود نقشه‌ی صحیحی از کره‌ی زمین ارائه دهد.

به فرمان پادشاه اسپانیا، شورش مسلمانان مغربی (مراکشی) سرکوب شد. (گرانادا *(Granada)*، اسپانیا، ۱۵۷۰):

پس از دو سال جنگ وحشتناک و بی‌رحمانه، سرانجام فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا، مقاومت شورشیان مسلمان منطقه‌ی گرانادا را در هم شکست.

این سرکشی مسلمانان اسپانیا، برای احقاق حق خود جهت پوشیدن لباس‌های سنتی و آزادی در اجرای آیین‌های مذهبی مسلمانان بود. دولت اسپانیا برای این‌که در کشور تفرقه و شکاف ایجاد نشود، از ورود ۵۰ هزار نفر مهاجر به ناحیه‌ی اندلس *(Andalucia)* در جنوب ممانعت کرد، زیرا این عدّه مهاجر، برای دولت گرفتاری ایجاد می‌کردند و حکومت را به زحمت می‌انداختند. سیاستِ دولتِ تحت‌نظر فیلیپ هم برمبنای جلوگیری از شورش‌های قومی قرار داشت.

مسلمانان اسپانیولی عموماً از طبقه‌ی دوّم اجتماعی و مردمی بلا دیده، متنفّر از حکومت ظلم، و تحت ستم بودند که برای زندگی خود حتا به سرقت و دزدی اقدام می‌کردند.

فیلیپ اجازه‌ی انجام آیین‌های مذهبی مسلمانان را نپذیرفت و مسلمانان را به اجبار وادار کرد که از مراسم

انگلستان، ۲۰ دسامبر ۱۶۰۶
شرکت دریانوردی لندن، چند کشتی سریع‌السیر به‌نام سارا کنستانت (Sarah Constant) را تحت سرپرستی کریستوفر نیوپورت (Christopher Newport) ناخدای انگلیسی، قرار داد که برای کشفیات و تحقیقات جدید به ویرجینیا برود.

پرتغال، ۱۶۰۶
نیروهای هلندی بر روی رودخانه‌ی تاگوس (Tagus) سدی ایجاد کردند.

هند شرقی، ۱۶۰۶
ناوگان دریایی پرتغال در جزایر فیلیپین به قصد بازپس‌گیری بخشی از جزایر ملوک از هلند به آن‌جا حمله بردند، امّا حمله‌ی پرتغالی‌ها به جزایر ملوک با عدم موفقیت روبه‌رو شد.

آلمان، ۱۶۰۶
ماتیاس (Matthias) برادر رودولف دوم امپراتور آلمان، خود را وارث وی معرفی کرد.

انگلیس، ۱۶۰۶
شرکت ویرجینیا جهت مستعمرات انگلیسی منطقه‌ی فلوریدا (Florida) و دلویر (Delaware)، مالیات برقرار کرد. در همین حال کمپانی پلیموت (Plymouth) مستعمره‌یی در ناحیه‌ی خلیج کود (Cod) تأسیس کرد.

هندوستان، ۱۶۰۶
روبرتو نوبیلیس (Roberto de Nobilis) سرپرست گروه ژزوئیت‌ها، مدت دو سال در سرزمین دکن به موعظه و ارشاد پرداخت. او در این مدت توانست زبان‌های محلی را بیاموزد و با آداب و آیین برهمنان (Brahmins) آشنا شود. با این وصف تعلیمات وی دشمنی آنان را علیه گروه مذهبی ژزوئیت‌ها برانگیخت.

لندن، ۱۶۰۶
شکسپیر نمایش‌نامه‌ی آنتونی و کلئوپاترا (Antony and Cleopatra) را به‌نگارش درآورد، در این نمایش‌نامه تمام بدبختی‌ها و مصایب آنتونی در راه عشق کلئوپاترا ملکه‌ی نیل بر روی صحنه‌ی نمایش نشان داده شده است.

رم، ۱۶۰۶
آنیبال کاراکی (Annibale Carracci) نقاش ایتالیایی، بر اثر ابتلا به بیماری افسردگی به‌طور کامل هنر نقاشی را کنار نهاد.

ونیز، آوریل ۱۶۰۷
پاپ پل پنجم با صرف‌نظر کردن از فرمان مه ۱۶۰۶ در جهت آشتی با جمهوری ونیز از پشتیبانی فرانسه و اسپانیا برخوردار شد و آن‌ها از این امر استقبال کردند. در این فرمان از جمهوری ونیز درخواست شده بود که سیاست خود را در قبال اجتماع تغییر دهد و برای دسترسی به توافق با کلیسای رم اقدام کند.

انگلیس، یکم مه ۱۶۰۷
کشتی‌یی به‌نام هدیه‌ی خداوندی برای اندازه‌گیری عمق دریا به سرپرستی فردیناندو ژورژ (Ferdinando George) و ناخدایی جورج پاپهام (George Papham)، سفر به امریکای شمالی را آغاز کرد.

ویرجینیا، ۲۴ مه ۱۶۰۷
کریستوفر نیوپورت (Christopher Newport) ناخدای کشتی، با ۱۰۵ نفر همراهان، یک مهاجرنشین به‌نام جیمز تاون (James Town) را در دهانه‌ی رود جیمز و در ساحل ویرجینیا تأسیس کرد. او در دسامبر سال گذشته با ۱۴۴ نفر مهاجر انگلیس را ترک کرده بود.

امریکای شمالی، ۱۵ ژوئن ۱۶۰۷
ساختمان مهاجرنشین جیمز تاون و دژ و باروی آن به اتمام رسید. ساکنان این منطقه در مقابل تهاجم اسپانیولی‌ها و هندیان بایستی خودشان به دفاع بپردازند و بدین‌جهت سنگرهایی برای اهالی تعبیه شد.

انگلیس، ژوئن ۱۶۰۷
گدایان و بی‌خانمانان اطراف شهر نورث‌همپتون (Northampton)، در این اواخر با ویران کردن حصار شهر به درون شهر ریختند و مخالفت خود را در جهت از دست‌دادن زمین‌هایشان اعلام داشتند. تعدادی از آنان را کشتند و سه نفر را حلق‌آویز کردند.

امریکای شمالی، ۱۴ اوت ۱۶۰۷
گروه پاپهام به ساحل رود ساگاداهوک (Sagadahoc) در منطقه‌ی شمال شرق رسیدند و آن محل را جهت سکونت بازسازی کردند.

نیومکزیکو، اوت ۱۶۰۷
خوان اونات (Juan de Onate) مجدداً به فرمانداری منصوب شد و از سوی نایب‌السلطنه به وی اخطار شد که باید تا ماه ژوئن آینده مهاجرنشین منطقه را تجهیز کند و در غیر این صورت اجازه‌ی خروج از آن ناحیه را ندارد.

دینی مسیحیان پیروی کنند و در نتیجه به شورش و جنگ منجر شد. در آخرین نبرد مسلمانان با نیروهای دولتی، فیلیپ نابرادری خود به نام دون خوآن *(Don Juan)* حاکم اتریش را به فرماندهی منصوب کرد و سرانجام مسلمانان شکست خوردند.

وحشت از قوم تاتار سبب اتّحاد همسایگان می‌شود. (لوبلین *(Lublin)*، اوّل ژوئیه ۱۵۶۹):

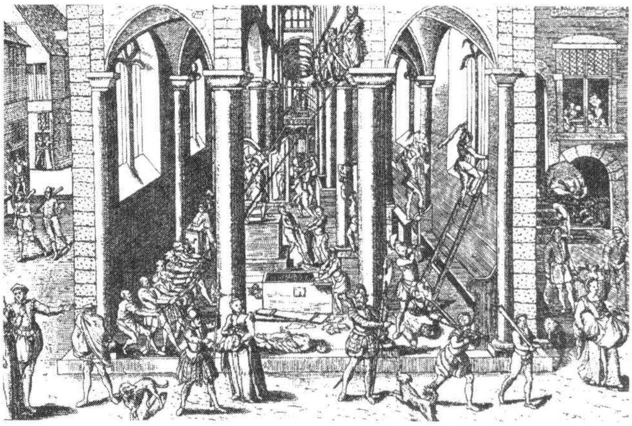
سرزمین لهستان و لیتوانی *(Lithuania)* به علّت هم‌جواری، یک اتّحادیه تشکیل دادند که با وجود اختلافی که در زبان و گویش داشتند، از دریای بالتیک تا ساحل رود دنیستر *(Dniester)* را شامل می‌شد. در تحت اتحادیه لوبلین علاوه بر دو منطقه‌ی مذکور، نواحی پروس شرقی و مناطقی که تحت تابعیت لیتوانی بودند مثل روسیه‌ی سفید و اوکراین هم در این اتّحادیه شرکت داشتند.

از نظر دینی هم، علاوه بر یهودیان، پیروان مذاهب ارتودوکس، پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها را شامل می‌شد.

علّت اصلی پیوستن این سرزمین و ایجاد اتحادیه، ترس از تاخت و تاز تاتارها در سرزمین لیتوانی و مناطق تابعه‌ی آن، و از سویی وحشت از امپریالیسم مسکو بود. اکنون اشراف لیتوانی از این‌که لشگریان بی‌شمار لهستانی حامی آنهاست و ثروت مناطق تابعه را در اختیار دارند، بسیار خوشنودند و اقتصاد این مناطق هم شکوفاتر شده و در حقیقت این امتیازات در پرتو اتّحاد و هم‌بستگی نصیب آن‌ها شده است.

لشگریان اسپانیولی تحت فرماندهی دوک آلبا، انقلابیون هلندی را سرکوب کردند. (گنت *(Ghent)*، پنجم ژوئن ۱۵۶۸):

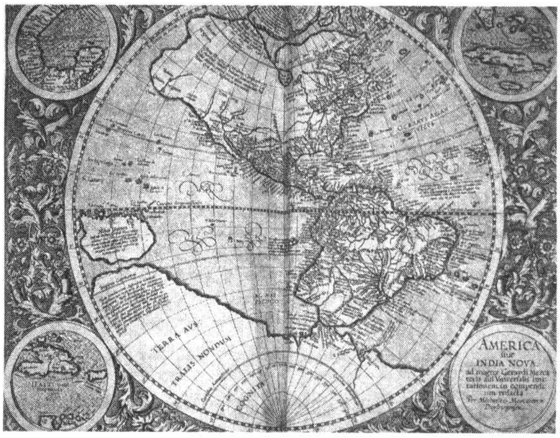
پس از مدّت کوتاهی که از شورش شهر گنت گذشته بود، ده هزار نفر از سپاهیان ارتش پادشاهی اسپانیا، با لباس‌های ارتشی، سوار بر اسب، در حالی‌که لرزه بر اندام مردم انداخته بودند، در پنج صف منظم، در خیابان‌های شهر ظاهر شدند و شهر را با قتل‌عام کالوینیست‌ها *(Calvinist)* از وجود آن‌ها پاک کردند.



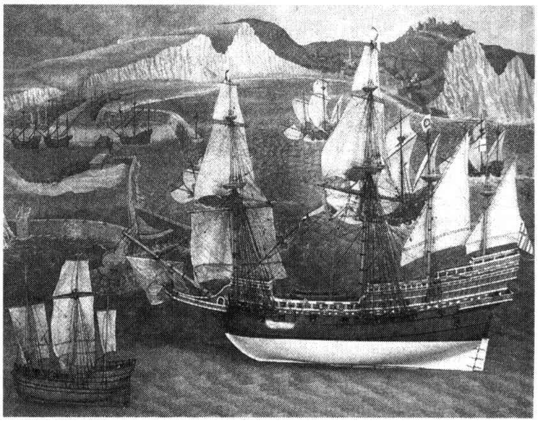
کلیسایی که به وسیله ی پروتستان ها غارت شده، آن ها تمثال مسیح را هم با خود بردند.



شاه سلیمان عثمانی در ناحیه ی قصر شیرین در میان رودان نقاشی سده ی ۱۶ (بدون شرح)



نقشه ی دنیای جدید، بر طبق نقشه یی که به وسیله ی مرکاتور جغرافی دان بزرگ تهیه شده.



یک نمونه از بندرگاه کشتی سازی انگلیس که توسط، ماتیوبیکر Mathew Baker به تصویر درآمده و چند کشتی هم در آن جا لنگر انداخته اند، تصویر مربوط به سال ۱۵۸۵. نکته ی مهم این است که ساخت کشتی ها در انواع گوناگون است که مصارف مختلف دارد.



فردیناند، دوک آلباAlba .

فرانسه، ۲۸ سپتامبر ۱٦۰۷
ساموئل شامپلن (Samuel de Champlain) و مهاجران همراه وی بندر رویال در (نوا اسکوتیا (Nova Scotia)) را ترک و آن‌جا را به حال خود واگذاشتند.

امریکای جنوبی، سپتامبر ۱٦۰۷
مهاجران تازه وارد شهر جیمز تاون سراسر تابستان را با خوردن ماهی استورژن و خرچنگ دریایی سپری کردند، لیکن ۵۰ نفر از آن‌ها به سبب گرسنگی و بیماری تلف شده و در همان‌جا مدفون گشتند.

روسیه، اکتبر ۱٦۰۷
شورش دهقانان به رهبری بولوت نیکوف (Bolotnikov) که قبلاً توسط تاتارها به بردگی کشیده شده و به عثمانیان فروخته شده و پیش از آن هم یکی از سرف‌ها (کارگر کشاورزی وابسته به زمین) محسوب می‌شدند، سرکوب شد. نجبا و اشرافی که سعی کردند دیمیتری دروغین را برکنار کنند، در ابتدا از شورشیان حمایت می‌کردند و چون نیروی آن‌ها از حد گذشت، احساس خطر کردند و با خیانت به بولوت نیکوف وی را زندانی ساختند.

امریکای شمالی، دهم دسامبر ۱٦۰۷
جان اسمیت (John Smith) یکی از بنیان‌گذاران مهاجرنشین جیمز تاون، در رأس گروهی در کرانه‌های رود چیکاهومینی (Chickahominy) به جست‌وجوی مواد غذایی پرداخت.

ایتالیا، ۱٦۰۷
اپرای مونته وردی (Monteverdi) در شهر مانتوا (Mantua) به روی صحنه آمد.

فرانسه، ۱٦۰۷
هونوره دواورفه (Honore d' Urfe) نخستین نوول را به‌نام «عشق چوپان» به نمایش درآورد.

مکزیک، ۱٦۰۷
پس از چهاربار که سیل شهر مکزیکو را فراگرفت، دولت درصدد برآمد مجرایی جهت خروج آب‌های سیلابی شهر بسازد. این کانال خروجی آب ۱۳ کیلومتر طول داشت که نصف آن روباز و نصف دیگر آن به‌صورت تونل و مجرا بود که آب‌های اضافی شهر را به دره‌های کوهستانی اطراف شهر در بخش شمال غربی هدایت می‌کرد و به رودخانه‌ی تولا (Tula) می‌ریخت و سرانجام به خلیج مکزیک سرازیر می‌شد.

امریکای شمالی، ۱٦۰۷
نخستین کشتی توسط مهاجران منطقه‌ی جورج پاپهام در شمال شرقی قاره‌ی امریکا ساخته شد و در رودخانه‌ی کنه‌بک (Kennebec) به آب انداخته شد، این کشتی به‌نام ویرجینای مسیحی نامیده شد.

هندوستان، ۱٦۰۷
جهانگیر امپراتور مغول هندوستان سفیری را جهت ملاقات نایب‌السلطنه‌ی پرتغال به جزیره‌ی گوآ (Goa) اعزام داشت.

انگلیس، ۱٦۰۷
ریچارد هاک‌لویت (Richard Hakluyt) و سر جان پاپهام، هر کدام نشریه‌یی درباره‌ی ارزش ایجاد مستعمرات و مهاجرنشین‌ها انتشار دادند.

آلمان، ۱۹ مه ۱٦۰۸
نواحی پروتستان‌نشین، انجیلی‌ها، لوترین‌ها و کالوینیست‌ها با اتحاد با یک‌دیگر زیرنظر حاکم‌نشین براندنبورگ (Brandenburg) قرار گرفتند.

روسیه، یکم ژوئن ۱٦۰۸
دومین دیمیتری دروغین (False Dimitri) با کمک لهستان تلاش می‌کرد که سلطنت روسیه را غصب کند و دولت لهستان هم بدین‌ترتیب درصدد تصرف مسکو بود. ولی با لهستان در این مورد در شهر توشینو (Tushino) به مشورت پرداخت.

کانادا، هفتم ژوئیه ۱٦۰۸
ساموئل شامپلن، نخستین مهاجرنشین را در کبک (Quebec) ایجاد کرد.

انگلیس، ۱٦۰۸
دولت انگلیس با ایالات متحده هلند پیمانی علیه اسپانیا منعقد کرد.

امریکای جنوبی، ۱٦۰۸
ژزوئیت‌ها در پاراگوئه (Paraguay)، ناحیه‌ی ژزوئیت‌مذهب تشکیل دادند.

لندن، ۱٦۰۸
شکسپیر نمایش تراژدی «تیمون قاتل (Timon) در شهر آتن (Athens)» را تنظیم کرد و توماس میدلتون (Thomas Middelton) کمدی زنده‌ی «ارباب من یکی از دیوانگان دنیاست» را اجرا کرد و در ضمن خیلی علاقه داشت که این تئاتر در حضور شاه به‌نمایش درآید.

دوک آلبا (*duke Alba*) فرمانده‌ی جدید نظامیان اسپانیولی که از روستائیان بود، برحسب فرمان جدید فیلیپ پادشاه اسپانیا و حمایت از انکیزیسیون که برای وی وجه امتیازی به‌شمار می‌رفت، اقدام به کشتن مخالفان کرد.

در سال ۱۵۶۷ که دوک آلبا برای نخستین بار به سرزمین هلند وارد شد، مایل بود که تمام نیروهای مسلّح مستقر در آنجا، تحت فرمان او باشند و با وحشی‌گری که در او مشهود بود، قصد داشت با خشونت تام با مخالفان رفتار کند. وی بازرگانان را مورد اذیت و آزار قرار می‌داد و آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌داد. او و حتا کاتولیک‌های میانه‌رو را در ملاء عام مورد توهین و دشنام قرار می‌داد و آن‌ها را خائن و بی‌دین می‌خواند.

رژیم آلبا به زودی تبدیل به یک حکومت دیکتاتوری شد. وی مارگارت پارما فرماندار را تحقیر می‌کرد و او را وادار به استفاده از زور می‌نمود. دو سال پیش هم او را وادار کرد که نیروهای نظامی اسپانیا علیه مردم اقدام کنند و همین امر موجب انقلاب و شورش شد، به‌طوری که مارگارت به اجبار پُست خود را ترک کرده و به ایتالیا رفت. به دستور او یک دادگاه انکیزیسیون مرکب از افراد حقّه‌باز و خبیث برای گناهکاران و حتا برای بزه‌های معمولی تشکیل شد و شورایی هم از افراد ظالم و ستمگر برای دستگیری افراد شهروند درست کرد و هزاران نفر را به جرم‌های گوناگون در بهار امسال زندانی کرد. متجاوز از یک هزار نفر را به اتّهام ارتداد، اعدام و اموال هشت هزار نفر را مصادره کرد. در شهر کالوینیست‌نشین تورنایی (*Tournai*)، به دستور او ۵۰۰ جلد کتاب مرتدان به آتش کشیده شد.

تاریخ مکزیک باستانی در اسپانیای جدید منتشر گشت. (مکزیک، ۱۵۶۹):

یک کتاب جالب توجّه درباره‌ی سرزمین مکزیک باستانی در اسپانیا که تقریباً جنبه‌ی دایرة المعارف دارد، به چاپ رسید. این کتاب که به‌عنوان تاریخ عمومی مکزیک یا کاله‌پینو (*Calepino*) مشهور شده، در مدّت ۱۱ سال تدوین شده است. مؤلف کتاب یک راهب

فرانسیسکن به نام برناردینودو ساهاگون *(Bernardino de Sahagun)* می‌باشد، که سال‌ها مشغول مطالعه درباره‌ی تاریخ این سرزمین بوده و یکی از مورّخان بزرگ به‌شمار می‌رود و مکزیک را هم به نام اسپانیای جدید نامید.

ساهاگون به سرعت یک هیأت مذهبی برای تبلیغ به دنیای جدید اعزام کرد و در رأس آن یکی از افراد صمیمی و فداکار به نام کولجو دو سانتیاگو تلاتلوکو *(Colegio de Santiago Tlateloco)* را گماشت و این شخص تمام اوقات خود را صرف تعلیم و آموزش جوانان سرخ‌پوست کرد.

او به موازات این کار، اقداماتی هم در جهت جذب بومیان مکزیکی به دین مسیح انجام داد و در همین اوان، اوقات خود را بیشتر صرف تدوین تاریخ می‌کرد و زندگانی اقوام مکزیکی را به‌طور مشروح در این کتاب به نگارش درآورد.

ساهاگون، بومیان مکزیکی را که به مظاهر طبیعت مانند خورشید و ماه اعتقاد داشتند و آن‌ها را می‌پرستیدند، از بت‌پرستی منع کرد و آنان را به دین مسیح فرا خواند و در مساعی خود توفیق حاصل کرد.

همان‌طور که گفته شد، تلاش‌های این مرد ساعی به ثمر رسید و نتیجه‌ی آن تدوین و تألیف کتاب بزرگ تاریخ علمی مکزیک می‌باشد، از سوی دیگر سرخ‌پوستان مکزیکی تعدادی راهب و روحانی را برای تبلیغ دین مسیح تربیت کردند که مذهب کاتولیک را در آن سرزمین رونق بخشیدند و این امر به کسب معلومات و دانش آن‌ها افزود.

او نه تنها تاریخ را برای ترقّی علم نگاشت، بلکه سیاست‌مداران را ترغیب کرد که از تاریخ جهت اقتدار حکومت و پیشبرد سیاست بهره‌برداری کنند.

وی علاوه بر یادگیری فنون و صنعت بومی مکزیک، توانست با زبان مکزیکی آشنا شود به‌طوری که خواندن و نوشتن این زبان را یاد گرفت.

کازیمودو مدیچی در حضور پاپ در توسکانی تاج‌گذاری کرد. (فلورانس، ۱۵۶۹):

کازیمودو مدیچی *(Casimo de Medici)*، رییس حکومت جمهوری فلورانس که از سال ۱۵۳۷ به این مقام منصوب شده بود و در نزد امپراتور شارل پنجم، از مقام و منزلت والایی برخوردار بود و در ایتالیا هم به‌عنوان یک فرد مقتدر به حساب می‌آمد و همچنین در امور سیاسی و کشورداری هم یک کارشناس و منتقد مشهور بود، امروز با حضور پاپ پیوس، به‌عنوان دوک بزرگ توسکانی تاج‌گذاری کرد. کازیمو که خود از قشر ثروتمند و مشهور فلورانس بود، با پیروی از امپراتور شارل پنجم، در سال ۱۵۴۳ توانست یک حکومت مستقل در فلورانس به‌وجود آورد. او زمانی‌که شارل برای هزینه‌های جنگ نیاز به پول داشت و در پی تأمین محلی برای اخذ وام بود، طی نامه‌یی مبلغ معتنابهی برای شارل فرستاد و هزینه‌های بعدی را هم تقبّل کرد و برای شارل نوشت این مبلغ را به‌عنوان خراج قلمرو فلورانس بپذیرید و بدین ترتیب رسمیت خود و استقلال این منطقه از ایتالیا را تحکیم بخشید.

وی در سال ۱۵۴۵ طی اعلامیه‌یی با پذیرش حاکمیت ازلی و ابدی خداوند، حکومت خود را نشانه‌یی از حاکمیت پروردگار تلقّی کرد و خویشتن را یک مأمور پروردگار برای اداره‌ی منطقه‌ی توسکانی دانست.

در زمان حکومت کازیمودو مدیچی، نه تنها قلمرو وی از طریق مرزی توسعه یافت، بلکه از نظر سیاسی و اجتماعی به رتبه‌ی بلندی نایل شد.

معماری و طراحی پالادیو در ساختن کاخ‌ها، روح تازه‌یی به معماری باستانی رم بخشید. (ایتالیا، ۱۵۷۰):

کارهای معماری آندره‌آدی پیترو *(Andrea di Pietro)*، مشهور به پالادیو *(Palladio)*، در این سال‌های اخیر در معماری ایتالیا تحرّکی تازه ایجاد کرده است. وی با تألیف چهار کتاب تازه با کمک کتاب ویترویوس *(Vitruvius)* معمار عهد باستان رم، روح تازه‌یی به معماری جدید ایتالیا بخشیده و شیوه‌ی قدیمی را دگرگون ساخته است. وی این کتاب‌ها را در سال ۱۵۵۶ منتشر نمود.

پالادیو با دید دیگری به معماری باستانی می‌نگرد و از آثار تخریب شده‌ی قدیم رم الهام گرفته و به سبک نوینی دست یازیده و در عین حال آن را به کلّی عوض کرده است و طرح و نقشه‌هایش جنبه‌ی تازه‌تری دارد.

شیلی، ۱۶۰۸
دولت اسپانیا قوانینی برای بردگان شیلی (Chile) تهیه و طی فرمانی آن را اعلام داشت.

آلمان، ۱۶۰۹
در شهرهای استراسبورگ (Strasbourg) و ولفن‌بوتل (Wolfenbuttel) روزنامه‌های یومیه منتشر شد.

لندن، دوم ژوئن ۱۶۹
قلمرو زمینی ایالت امریکایی ویرجینیا (Virginia) از یک دریا به دریای دیگر گسترش یافت.

فرانسه، ۲۵ سپتامبر ۱۶۰۹
به‌دستور ژاکلین آرنولد (Jacqueline Arnauld) راهبه‌ی دیر پورت رویال (Port Royal)، در اطراف دیر دیواری کشیده شد تا افراد بیگانه به‌راحتی نتوانند در آن‌جا رفت‌وآمد کنند و صومعه بدین‌وسیله از نقاط مجاور مجزا شود. این نخستین قدم در راه ایجاد سخت‌گیری در دیرها به‌شمار می‌رود و بازگشتی است به‌سوی صومعه‌های قدیمی.

هلند، نهم آوریل ۱۶۰۹
با میانجیگری هانری چهارم قرارداد متارکه‌ی جنگ ۱۲ ساله بین هلند و اسپانیا امضاء شد.

بوهم، نهم ژوئیه ۱۶۰۹
رودولف دوم امپراتور، طی نامه‌یی آزادی مذهبی و عبادی به بوهم اعطا کرد.

آلمان، دهم ژوئیه ۱۶۰۹
در پی تشکیل فدراسیون پروتستان‌های انجیلی، متعاقباً ایالات کاتولیک‌نشین آلمان تحت رهبری ماکسیمیلیان (Maximilian) پادشاه باواریا (Bavaria) نیز متحد شدند.

رم، ۱۵ ژوئیه ۱۶۰۹
آنیبال کاراکی (Annibale Carracci) هنرمند ایتالیایی، درگذشت. وی در ابتدا به شغل خیاطی اشتغال داشت و سپس به هنر نقاشی روی آورد. او در هنر نقاشی تحت‌نظر کورجو (Correggio) و رافائل (Raphael) به پیشرفت‌های شایانی دست یافت.

برمودا، ۲۵ ژوئیه ۱۶۰۹
در اثر وزش توفان شدید دو کشتی به‌نام سر توماس گیتس (Sir Thomas Gates) و سر توماس دیل (Sir Thomas Dale) در منطقه‌ی جیمز تاون واقع در برمودا (Bermuda) به گل نشستند.

امریکای شمالی، ۱۳ سپتامبر ۱۶۰۹
هنری هودسون (Henry Hudson) دریانورد انگلیسی در دومین سفر خود که در تلاش یافتن راهی به سرزمین چین بود، در نیمه‌ی ماه به رودخانه‌یی نزدیک جزیره‌ی مانهاتان (Manhattan) رسید (هودسن)، لذا کشتی خود را در همان‌جا نگاه داشت و دیگر نتوانست به‌سوی شرق پیش رود. این جریان هودسن را خیلی مأیوس ساخت.

آمستردام، ۱۶۰۹
یک شعبه بانک در شهر آمستردام (Amsterdam) به سبک بانک ریالتو (Rialto) در ونیز افتتاح شد. این بانک انحصاراً به کار حساب جاری و تبدیل پول و کارهای رهنی می‌پرداخت. تأسیس این بانک باعث پیشرفت هند غربی شد و هلندی‌ها از راه تجارت دریایی در تمام بنادر عایدی هنگفتی کسب کردند.

روسیه، ۱۶۰۹
دومین دیمیتری کاذب که به سارق توشینو (Toshino) معروف شد، از دولت لهستان درخواست کمک کرد. سیگیسموند واسا (Sigismund Vasa) پادشاه لهستان هم شهر اسمولنسک (Smolensk) را تصرف کرد.

انگلیس، ۱۶۰۹
ریچارد هاک‌لویت (Richard Hakluyt) با انتشار مقاله‌ی «ویرجینیای ثروتمند و باارزش» به ترقی و توسعه‌ی مهاجرنشین ویرجینیا کمک فراوانی کرد.

اسپانیا، ۱۶۰۹
فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا که با ایجاد فشار بر روی مسلمانان اسپانیا (موریسکوس (Moriscos)) برای تغییر دین آن‌ها با شکست روبه‌رو شد، تصمیم گرفت ک آن‌ها را از کشور بیرون کند. بدین جهت آنان را روانه‌ی افریقای شمال‌غربی کرد.

کانادا، ۱۶۰۹
ساموئل شامپلن (Samuel Champlain) اقدام به یک سفر متهورانه جهت کشف رود اتاوا (Ottawa)، خلیج جورجیا (Georgia) و دریاچه‌ی اونتاریو (Ontario) کرد. وی با کرجی به این سفر اقدام کرد و در ضمن به معلومات جغرافی خود افزود و بسیاری از جاهای ناشناخته را کشف کرد، لیکن بدبختانه در نبردهای بین اقوام هندی که به کشتن یک‌دیگر مبادرت می‌ورزیدند، گرفتار شد.

طرح‌های او در حقیقت راهنمای سبک کلاسیک است و همان طور که گفته شد در ساختن شهرها، کلیساها و مناطق مسکونی از مواد اوّلیه‌ی بهتری نسبت به قدیم استفاده می‌کند که این مصالح در استحکام و زیبایی بنا نقش مؤثری دارد، در حالی‌که در عصر قدیم این مواد در دسترس نبود.

یکی از شیوه‌های معماری کلاسیک، استفاده از تقارن و قرینگی است که در معماری باستانی معمولی نبوده و از آن در بنای چندین قصر به خصوص در ساختمان‌های شهر ونیز استفاده شده. لیکن پالادیو در بنای تمام ساختمان‌ها و به‌ویژه خانه‌های ویلایی در روستاها که نیاز به محوطه‌هایی خارج از بنای اصلی دارند، این سبک را توصیه نمی‌کند و تنها در ساختمان‌های بلند و رفیع و باشکوه از آن بهره می‌برد.

ایوان مخوف، سرزمین تحت فرمان خود را به‌صورت فئودالیته درآورد. (روسیه، ۱۵۷۲):

مدّت هشت سال سلطنت ایوان مخوف، که همراه با ترور و وحشت بود و مردم را به قلاده بسته و هم‌چون حیوانات در بند نگاه داشته بود، سرانجام به سر رسید و به پیشنهاد مجلسی که از درباریان و اطرافیان شاه تشکیل می‌شد، اداره‌ی امور کشور تحت نظارت این مجلس قرار گرفت.

در این سال‌ها مردم همواره در ترس و واهمه به سر می‌بردند، همه جا را ماتم و عزا فرا گرفته بود. تزار بدون اعلام قبلی، گروهی را زندانی می‌کرد و گروهی را به جوخه‌ی اعدام می‌سپرد و به سادگی جنگ و خونریزی بر پا می‌کرد. این موج وحشت همواره در جان مردم ریشه گرفته و تفرقه و پراکندگی قلمرو مسکوی را فرا گرفته بود.

پس از یک سری نبرد خونین خانوادگی، تزار شورای سلطنتی ذکر شده را توسعه بخشید و عدّه‌یی از طبقات اشرافی را هم به این شورا فرا خواند. ایوان برای این‌که تسلّط خود را بر مردم استحکام بخشد، افراد خیانت‌کار و پست و تبه‌کار را به جان هم انداخت. آن‌ها هم برای این‌که از این وضع بیشتر استفاده کنند، بخشی از سرزمین مسکوی را بین خود قسمت کردند و در حقیقت یک حالت ملوک‌الطوایفی تحت فرمان ایوان

به‌وجود آوردند که هرچه بیشتر رعیت و دهقانان را به زیر یوغ بکشند.

این گروه‌های فئودال و اشراف در حیطه‌ی حکومتی خود فعال مایشاء شدند.

فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ برای پیشبرد اهداف خود و بهره‌وری زورمدارانه از دهقانان، یک سپاه شش هزار نفری از جوانان تحت فرمان خود که همگی از طبقه‌ی فئودال بودند برای سرکوبی و فشار بر رعیت با لباس سیاه متّحدالشکل تشکیل دادند. این سپاه در واقع سگ‌های پاسبانی بودند تحت فرمان ارباب و مانند سگ اوامر و فرمان‌های ارباب خود تزار و پاسداران فئودال را انجام می‌دادند و افراد خیانت‌کار نسبت به اوامر وی را از بین می‌بردند.

این وضعیت در دو سال پیش ایجاد شد، چون تزار به سران شهر نووگرود *(Novgorod)* مشکوک شده بود که در پی اتّحاد با لهستان هستند و قصد جدایی از حکومت مسکوی را دارند، این موج کشت و کشتار به اوج خود رسید. دستور غارت شهر را صادر کرد، به فرمان وی تعداد بیش از ۶۰ هزار نفر کشته شدند و مردم از ترس و بیم، حتا در سوراخ‌های یخی پنهان شدند و بدین ترتیب نووگرود به شهری خالی از سکنه تبدیل گشت.

برای نگارش کتاب، روش سانسور برقرار شد. (رم، ۱۵۷۱):

پاپ پیوس پنجم فرمان داد مجمعی از اسقف‌های دربار پاپ دادگاهی تشکیل دهند و مندرجات کتاب‌ها را تحت بررسی قرار دهند تا اگر احیاناً مطلبی برخلاف دین مسیح و فرقه‌ی کاتولیک در آن یافتند، از انتشار آن جلوگیری کنند و حتا کتاب‌های چاپ شده در زمان پاپ‌های قبلی را تحت سانسور و بازبینی مجدد قرار دهند.

پاپ پیوس چهارم از انتشار کتاب‌های ارتدادی در سال ۱۵۶۴ جلوگیری کرده بود و حتا پاپ پل چهارم لیستی از کتاب‌های ممنوعه را در سال ۱۵۵۹ به‌طور رسمی تهیه کرد و آن‌ها را از دسترس مردم خارج کرد. او نه تنها کتاب‌هایی که مخالف سیره و عقیده‌ی کلیسا، هم‌چون نشریه‌های اراسموس *(Erasmus)* را ممنوع اعلام داشت، بلکه انجیل‌هایی که به زبان غیرلاتینی ترجمه شده بود را نیز قدغن کرد. وی دستور داد تمام تابلوهایی که نقش انسان‌های برهنه را دارند، معدوم کنند و حتا طبق رأی دادگاه، روی نقّاشی‌های میکل‌آنژ در کلیسای سیستین *(Sistine)* را بپوشانند.

نبرد گدایان دریایی با حکومت اسپانیا (بریل *(Briel)*، هلند، اوّل آوریل ۱۵۷۲):

سازمانی مرکب از یک سری کشتی‌های خصوصی هلند و گروهی از مزدوران بیگانه به نام «گدایان دریا»، در نبردی توانستند یکی از بنادر هلند را تسخیر و سرپلی برای حملات گسترده به کشورهای پست (کشورهایی که زمین‌های آن‌ها پست‌تر از دریاست) به دست آورند.

این کشتی‌ها با اجازه و امتیازی که از پرنس ویلیام اورانژ که دو بار در حمله به سرزمین هلند شکست خورده بود، اقدام به این حملات کردند. آنان به رغم قرارداد صلحی که بین شهردار و دولت اسپانیا امضا شده بود، سوگند خورده بودند که تمام تأسیسات و استحکامات این بندر را که در دست اسپانیولی‌ها بود، تخریب کرده و در مقابل نیروهای آن‌ها دست به مقاومت بزنند.

آن‌ها کلیساهای کاتولیکی را مورد تاراج قرار دادند، به‌طوری که اشراف پیرو عقاید کاتولیک برای اصلاح وضعیت جلسه‌یی تشکیل دادند. پرنس ویلیام که از حمایت طبقه‌ی متوسط و پیشه‌ور برخوردار بود، در اعتراض به قانون، یک‌دهم یا عشریه مالیاتی که نسبت به هر فرد به توصیه و تصویب دوک آلبا برقرار کرده بودند و موجب ناراحتی و رنجش مردم شده و از پرداخت آن عاجز بودند، اقدام به جنگ نمود، چون دوک آلبا این بودجه را برای جلوگیری از ورشکستگی دولت اسپانیا تعیین کرده بود.

قحطی، کمبود مواد غذایی اوّلیه، سیل و توسعه‌ی بیکاری هم بر این امر مزید گشت و آتش این جنگ دوّم را شعله‌ور ساخت. در ماه گذشته مردم گشت به تقلید از مراسم مذهبی که آلبا در کلیسا انجام می‌داد، سرودی بدین مضمون سر می‌دادند:



عکسی از کوزیمو دومدیچی Cosimo de Medici،
آرک دوک و فرمانروای فلورانس، نقاشی از برون
زینو Bronzino (سال ۱۵۴۵)



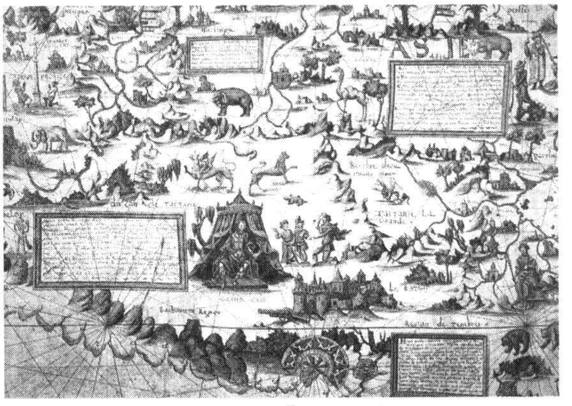
نمای قصر ویلا کاپرا Villa Capra با معماری کلاسیک و متقارن در شهر ویچنزا
(نقاشی از پالادیوPalladio)



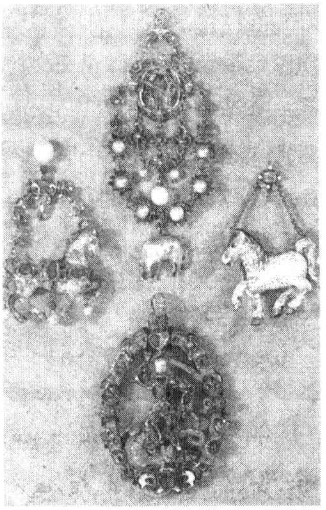
حملات و ضربات ناوگان دولت های مسیحی و امپراتوری عثمانی به
یک دیگر در جنگ لپانتو Lepanto.



توماس گرشام Thomas Gresham کار سر انتونیو
موروAntonio Moro.



نقشه یی تجسمی از سیبری و آسیای شمالی بر طبق دیدار
مارکوپولو Marco polo ازمنطقه.



نمونه ای از زیور آلات

ای پدر، به ساکنان و اهالی شهر بروکسل *(Brussels)*، نفرین و لعنت فرست.

ای پدر، این ملعونان را به قعر جهنم بینداز و درهای بهشت را بر روی آنان ببند.

گدایان دریا در ابتدا تصمیم داشتند که بندر دوور *(Dover)* در انگلیس را پایگاه خود قرار دهند، ولی ملکه الیزابت با آن مخالفت ورزید و آن‌ها را از آنجا بیرون راند.

بورس سهام و سرمایه در لندن گشایش یافت. (لندن، ۱۵۷۱):

محلّ جدیدی به نام بازار بورس سهام سلطنتی که در محلّه‌ی کورن‌هیل *(Cornhill)* در شهر لندن ساخته شده بود، توسط ملکه افتتاح شد. این مؤسسه به وسیله‌ی بازرگانان و صاحبان کارخانه و نماینده‌ی دربار سلطنتی به نام سرتوماس گرشام *(Sir Thomas Gresham)* که سال‌ها در کشورهایی مثل هلند و بلژیک به شغل واردات و صادرات و خرید و فروش کالا اشتغال داشت، پایه‌گذاری شد.

او در طی بازدیدهای مکرری که از محلّ بورس سهام و ارز شهر آنتورپ در بلژیک انجام داده بود، در صدد برآمد نظیر آن را در بریتانیا برای سهولت امور بازرگانی تأسیس کند.

بازار بورس سهام سلطنتی در میدان شهر لندن که یکی از محله‌های شلوغ شهر بود، با ستون‌هایی از سنگ مرمر بنا شد. طبقه‌ی هم‌کف ساختمان، مخصوص خرید و فروش عموم در نظر گرفته شد و مغازه‌های آن به معاملات جزیی می‌پرداختند. در طبقه‌ی بالای ساختمان که محلّ اجتماعات تجّار و بازرگانان بود، با زدن زنگ ورودی، اجازه‌ی دخول به اشخاص داده می‌شد.

نیروهای مسیحی در یک نبرد دریایی مقدّس، نیروهای دریایی عثمانی را از بین بردند. (دریای مدیترانه، هفتم سپتامبر ۱۵۷۱):

در این نبرد دریایی و بی‌نظیر، به‌نظر نمی‌رسید که فردی از ناویان عثمانی زنده مانده باشد. دو کشتی عظیم صلیبیون که پرچم صلیبی در بالای آن در اهتزاز بود و در سوی دیگر چندین کشتی که بر روی پرچم‌های آن‌ها آیاتی از قران نوشته شده بود، پاروزنان به جلو می‌شتافتند. این پاروزنان که از بردگان بودند، هر لحظه بر سرعت خود می‌افزودند و تقلا می‌کردند که زودتر به صحنه‌ی جنگ نزدیک شوند. در این جنگ که به نبرد واقعی شهرت پیدا کرد، کشتی بزرگ فرماندهی به نام دون ژوان *(Don John)* پادشاه اتریش در پیشاپیش با شمشیر آخته حرکت می‌کرد و در دل آرزوی پیروزی بر علی پاشا فرمانده‌ی نیروی عثمانی که به وسیله‌ی سلطان تعیین شده بود را داشت، و از هر جهت خود را آماده‌ی نبرد با طرف مقابل کرده بود.

در گذشته هم حاملان پرچم صلیبی بارها با پرچم عثمانی که بر روی آن هلالی نقش بسته بود، روبه‌رو شده بودند. در حالی‌که نیروهای صلیبی متشکل از کشتی‌های جنگی دولت اسپانیا، ونیز و پاپ پیوس پنجم در یک سو قرار داشتند، نیروهای عثمانی که به فرمان سلطان سلیم دوّم جانشین سلطان سلیمان کبیر، اقدام به حمله به جزیره‌ی قبرس کرده بودند، رودررو قرار گرفتند. شهر فاماگوستا *(Famagusta)* قبلاً سقوط کرده بود و طبق گزارش‌های باورنکردنی، نیروهای ترک با جنگ وحشیانه‌یی به سوی شهر مسینا *(Messina)* در حرکت هستند، در حالی‌که مدافعان شهر دست به مبارزات جانکاهی برای دفاع از شهر زده‌اند.

ناوگان علی پاشا در هنگامی‌که نیروهای صلیبی در ساحل نزدیک قبرس توقّف کردند، در خلیج لنگر انداختند، به طوی که در دید ناوگان طرف مقابل قرار داشتند. در این حال، کشتی‌های جنگی عثمانی به زحمت توانستند به حالت هلالی شکل درآیند و قصد داشتند که به پشت نیروهای دشمن موضع‌گیری کنند. در حالی‌که وضعیت استقرار آن‌ها از حرکت پرچم‌های کشتی‌هایشان مشاهده می‌شد.

در این هنگام، نبرد دریایی وحشتناکی آغاز شد. طرفین سخت به جان یکدیگر افتادند، در حالی‌که نیروهای طرفین بر روی لبه‌ی ناوها قرار داشتند، همدیگر را مورد اصابت سلاح قرار می‌دادند. این جنگ هولناک که هر دو طرف وحشیانه در آن درگیر شدند، مدّت دو ساعت ادامه یافت. دون ژوان جوان فرزند

شارل پنجم، و علی پاشا فرمانده‌ی نیروهای ترک، در لبه‌ی کشتی‌ها قرار گرفتند و یکدیگر را هدف قرار دادند که در اثر اصابت گلوله‌ی تفنگ، علی پاشا کشته شد و ناویان صلیبی بلافاصله سر او را جدا کرده و در جلوی پای دون ژوان افکندند.

در این نبرد، عثمانی‌ها ۲۳۰ فروند از ناوهای خود را از دست دادند، در حالی‌که صلیبی‌ها ۱۶ فروند از کشتی‌های‌شان نابود شد. هنگامی‌که اخبار این پیروزی به اروپا رسید، موجب شادی زایدالوصف در اروپای غربی شد.

دریک، گنجینه‌ی اسپانیا را تصرّف کرد. (لندن، ۱۵۷۳):

کاپیتان فرانسیس دریک *(Captain Francis Drake)* در آخرین یورش خود به منبع اصلی خزانه‌ی اسپانیا، مقدار زیادی نقره از این گنجینه به ارزش ۴۰ هزار پوند را تصاحب کرد. به‌نظر می‌رسید که دولت از این کار او خوشنود شده، لیکن دریک این گنج را در جایی پنهان کرده و خود او فراری شده است.

در حالی‌که روابط لندن و مادرید عادی است، یک گزارش موثّق حاکی است که یک نفر فراری، با کاروان حامل بردگان، در ماه فوریه‌ی گذشته همراه و در کرانه‌های پاناما پیاده شده و به ضرب سکه پرداخته که این خود موجب گرفتاری‌هایی شده است. از سویی شاید دریک به ایرلند گریخته و در سلک دزدان دریایی درآمده. در سال ۱۴۹۴ که پاپ آمریکای لاتین را بین دولت‌های اسپانیا و پرتغال تقسیم کرد، ملکه تنها یک قرارداد تجاری با آن‌ها امضا کرد.

به این ترتیب که ملکه الیزابت هم در پنج سال پیش به دریک اجازه داد که با کشتی تجاری به آمریکا برود و قراردادی با این دولت‌های مستعمراتی به بندد. دریک فردی پروتستان، با حمیت و پر شور و با تحرّک بود. در همان هنگام دریک با یک فروند کشتی موسوم به «ژودیت *(Judith)*» که ۵۰ تن ظرفیت داشت، به‌عنوان بخشی از نیروهای دریایی انگلیس به ناوگان اسپانیا که در بندر سان خوآن دو اولوئا *(San Juan de Ulua)* در دریای کارائیب *(Caribbean)* لنگر انداخته بودند، حمله‌ور شد. دریک احساس می‌کرد که انگلیس

اسپانیا، ۱۶۰۹
گارسیلاسو دو وگا (Garcilaso dela Vega) (یکی از افراد اینکا (Inca)) رساله‌یی درباره‌ی ریشه‌های تاریخی تمدن اینکا به رشته‌ی تحریر درآورد. او یکی از پسران شاهزاده اینکا بود که مغلوب اسپانیولی ها گردید.

پراگ، ۱۶۰۹
یوهان کپلر (Johann Kepler) ستاره‌شناس بزرگ آلمانی، در کتاب خود به‌نام آسترونومیا نووا (Astronomia Nova) ثابت کرد که تعدادی از سیارات در مداری بیضی‌شکل به دور خود می‌گردند.

ژاپن، ۱۶۰۹
جزیره‌ی ریوکو (Ryuku) (اوکیناوا (Okinava)) تحت کنترل خانواده‌ی شیمازو (Shimazu) درآمد، این خانواده از زمین‌داران بزرگ ساتسوما (Satsuma) هستند.

مکزیک، ۱۶۰۹
رهبر هندی‌ها به‌نام کاسیک (Casiques) با هواداران خود دست به شورش زدند.

برزیل، ۱۶۰۹
ژرونیمو آلبوکرک (Jeronimo de Albuquerque) دریانورد پرتغالی، در منطقه‌ی ریو گرانده (Rio Grande) کشور برزیل، معادن آهن کشف کرد.

بجینگ، ۱۱ مه ۱۶۱۰
ماتیو ریکی (Matteo Ricci) که گروه‌هایی از ژزوئیت‌ها را در چین اسکان داده بود، فوت شد.

روسیه، ژوئیه ۱۶۱۰
سپاهیان لهستانی تزار واسیلی شوئیسکی (Czar Vasily Shuisky) را شکست دادند و فرزند وی را به‌نام لادیسلاو واسا (Ladislav Vasa) چهارم را به‌عنوان تزار روس به پادشاهی رساندند.

نیومکزیکو، دسامبر ۱۶۱۰
پدرو پرلاتا (Pedro de Perlata) فرماندار مکزیک، ناحیه‌ی کوچکی به‌نام سانتافی (Santa Fe) را به‌عنوان پایتخت جدید این ایالت معرفی کرد. اولین پایتخت نیومکزیکو به سال ۱۵۹۹ و به‌نام سان گابریل (San Gabriel) بود، ولی پرلاتا آن‌جا را مکان مناسبی نمی‌دانست، چون خیلی نزدیک به قلمرو هندی‌ها و خطرناک می‌نمود.

لندن، ۱۶۱۰
شکسپیر نمایش‌نامه‌ی «سیمبلین (Cymbeline)» را که جنبه‌ی نیمه‌تاریخی داشت و مربوط به یکی از پادشاهان انگلیس بود، به‌روی صحنه آورد.

هلند، ۱۶۱۰
کمپانی هند شرقی هلند، حالت شرکت سهامی پیدا کرد.

لندن، ۱۶۱۰
بن جانسون (Ben Jonson) زندگانی محقر کیمیاگران را به‌صورت کمدی در لندن به‌نمایش درآورد.

ماداگاسکار، ۱۶۱۰
رالامبو (Ralambo) فرمانروای حاکم‌نشین مرینا (Merina)، درگذشت. وی در مدت سی و پنج سال سلطنت خود با غلبه بر سرزمین‌های اطراف، کشور را بسیار گسترش داد.

هلند، ۱۶۱۰
الهیون پروتستان علیه ایالات متحده‌ی هلند قیام کردند. آن‌ها ارامنه (Arminians) (ضد کالوینیست) را مورد نکوهش قرار دادند و کوماریست‌ها (Comarists) (کالوینیست) متقابلاً آن‌ها را سرزنش و نکوهش کردند.

پاریس، ۱۴ مه ۱۶۱۰
هانری چهارم پادشاه فرانسه به‌وسیله‌ی راهبی که ادعا می‌کرد قاتل ظالمان و ستمکاران می‌باشد، کشته شد. بدین‌ترتیب عمر کسی که خود حامی کاتولیک‌ها بود و بدان مباهات می‌کرد، به‌پایان رسید.

امریکای شمالی، ۲۴ مه ۱۶۱۰
سر توماس گیتس (Sir Thomas Gates) قوانین اخلاقی، مذهبی و جنگی جهت اجرا در اجتماع مدنی جیمز تاون (James Town) تدوین کرد.

ایتالیا، ۱۸ ژوئیه ۱۶۱۰
کاراواجو (Caravaggio) هنرمند ایتالیایی به‌علت ابتلا به بیماری مالاریا در سن ۳۶ سالگی در ناحیه‌ی پورتو ارکول (Porto Ercole) جهان را وداع کرد، در حالی‌که مدت‌ها منتظر بود که پاپ به او اجازه دهد به مقر پاپ برگردد. او در سال ۱۶۰۶ برای این‌که رقیب خود را در دوئل کشته بود، از موطن خود فرار کرده بود.

برای نبرد با اسپانیا آماده نیست و او تنها برای عقد قرارداد بازرگانی اعزام شده ولیکن فراموش نکرده بود که اسپانیولی‌ها گنجینه‌یی با خود دارند که از راه خیانت به دست آورده‌اند. او مدعی بود که این تاوان را باید بدهند، او احساس می‌کرد که به زودی محل گنجینه به وسیله‌ی او کشف خواهد شد، وی دست به اقدامی زد که جنبه‌ی داستان دارد. دریک گنجینه‌ی همراه خود را با دو کشتی پارویی به سواحل پاناما برد و در آنجا پنهان ساخت و به منطقه‌ی نومبردو دیوس *(Nombre de Dios)* رفت.

طرح نوین بنای کلیسا، باعث اقتدار بیشتر کلیسای کاتولیک شد. (رم، ۱۵۷۱):

جا کومو باروتزی وینیولا *(Giacomo Barozzi de Vignola)* که در هنگام بنای کلیسای سن‌پیتر توسط میکل‌آنژ به‌طور مستقیم دخالت داشت، طرح جدیدی برای ساختن کلیسا ارائه داده که مورد قبول تمام کلیساهای کاتولیک جهان قرار گرفته است. نصب تندیس عیسی در کلیسا مورد پذیرش فرقه‌ی ژزوئیت قرار گرفته و الگویی برای تمام کلیساهای کاتولیک شده است.

اصول این طرح مبنی بر این است که در هر کلیسا، محلّ وسیعی برای قرار دادن صلیب آراسته به تندیس عیسی در نظر گرفته شده است. به این ترتیب که، در دیوار این مکان وسیع یک قرنیز یا پیش‌آمدگی در دیوار می‌سازند که مستحکم باشد و قسمت بالای دیوار حالت فرورفتگی پیدا کند و صلیب حامل تندیس عیسی را در آن محلّ نصب می‌کنند. در این حال، با نصب چراغ‌های سقفی در سالن بزرگ کلیسا، روشنایی بر روی صلیب متمرکز شده و آن را درخشان می‌نماید.

در کلیساهای بزرگ تعبیه‌ی این محلّ و نصب صلیب و مجسّمه‌ی عیسی بر شکوه آن به نحو چشم‌گیری می‌افزاید، لیکن منظور از ایجاد این مکان، بیشتر از جنبه‌ی الوهیت و خداوندی است تا زیبایی و جنبه‌ی ایمانی آن قوی‌تر باشد.

کلیسای کاتولیک با این طرح و نقشه و ترفیع محلّ محراب برای انجام نماز و مراسم آیین عشای ربانی در نظر دارد که واکنش رفورمیست‌ها *(Reformist)* را دریابد.

این محلّ در حقیقت کانون انجام آداب نماز می‌باشد. محلّ محراب کلیسا علاوه بر نصب صلیب با گچ‌بُری‌های زیبا و ستون‌های مرمر و تذهیب و نقاشی رنگی مزین شده است. هم‌چنین دیوارهای شبستان کلیسا، با نقّاشی‌های زیبا زینت یافته است. طرح این محراب و روشنایی محلّ، سبب هجوم بیشتر مردم و شرکت در مراسم دینی خواهد شد. این تزئینات باشکوه و مجلّل، در محلّ محراب و استقرار راهبان در وسط سالن به زیبایی کلیساها افزوده و باعث هجوم تعداد زیادی از مؤمنان به کلیسا گردیده است.

کشتار وسیع در روز سن بارتلمی (پاریس، ۲۴ اوت ۱۵۷۲):

کشتار وحشتناک هوگونوت‌ها در پاریس در روز سن بارتلمی *(St Bartholomew)*، سبب نگرانی مردم شده است.

در پگاه روز سن بارتلمی، پیش از طلوع آفتاب، گروه‌های کاتولیک به داخل منزل گاسپار کولینی *(Gaspard de Coligny)* ریخته و شکم وی را پاره کرده، او را از رخت‌خواب بیرون کشیده و در حالی‌که هنوز زنده می‌نمود، از پنجره به بیرون پرتاب کردند.

دو روز پیش، هنگامی‌که گاسپار کولینی از لوور خارج می‌شد، او را هدف قرار داده و به‌طور سطحی زخمی کردند. به‌نظر می‌رسد که وی قربانی توطئه‌ی کاترین دومدیسی مادر شارل نهم، شده، زیرا کاترین، کولینی را عامل مرگ هانری دوگوئیز *(Henry of Guise)* و هم‌چنین مسبّب جنگ با اسپانیا که روابطش با فرانسه در حال بهبود است، می‌داند و قتل وی، کینه‌ی کاترین را فرو می‌نشاند.

هنگامی‌که شاه سوگند وفاداری به کشور را ادا می‌کرد، برحسب توصیه‌ی کاترین، متعهد شد که شورش هوگونوت‌ها را که عامل اصلی کشته شدن هانری دوگوئیز شده بود، به‌هر نحو سرکوب و سران آن‌ها را از بین ببرد و بدین وسیله‌ی قدرت کاتولیک‌ها را در کشور استحکام بخشد.

کانادا، سوم اوت ۱۶۱۰
هنری هودسن (Henry Hudson) دریانورد انگلیسی، خلیج بزرگی را در کرانه‌ی شرقی کانادا کشف کرد (خلیج هودسن).
افریقای غربی، ۱۶۱۰
حاکم‌نشینی به‌اسم داهومی (Dahomey) در این منطقه تأسیس شد.
امپراتوری آلمان، ۱۶۱۰
کنت تیلی (Count Tilly) یکی از درباریان فرانسوی به سمت سرپرست پیمان کاتولیکی که در سال ۱۶۰۹ منعقد شده بود، تعیین شد.
ویرجینیا، ۱۶۱۰
در جریان زمستان بسیار سردی که در جیمز تاون ایجاد شده بود، مردی به‌علت گرسنگی جسد مرده‌ی زن خود را خورد.
فرانسه، ۱۶۱۰
ژان بگوئن (Jean Beguin) دانشمند فرانسوی، کتابی در مورد قواعد شیمی به‌نام تیروسینیوم شیمیکوم (Tyrocinium Chymicum) به‌نگارش درآورد.
ایتالیا، ۱۶۱۰
گالیله (Galileo) دانشمند علوم نجوم ایتالیایی، با به‌کارگیری تلسکوپی که تازه اختراع کرده بود، توانست اقمار ژوپیتر (Jupiter) (مشتری) را ببیند، وی هم‌چنین گردش هذلولی سیارات را به دور خورشید، هم‌چنان‌که کپلر بیان کرده بود را ثابت کرد.
پرتغال، ۱۶۱۰
پادشاه پرتغال قانون آزادی تجارت را برای تازه مسیحی شده‌های (مارانوس (Marranos)) یهودیان اسپانیایی لغو کرد.
رم، ۱۶۱۰
کارلو برومئو (Carlo Borromeo) اسقف اعظم شهر میلان که در سال ۱۵۸۴ فوت شده بود، در زمره قدیسین محسوب شد.
پاریس، ۲۶ ژانویه ۱۶۱۱
ماکسیمیلیان بتون (Maximilian de Bethune)، مارکیز سولی (Sully) (مارکیز یکی از القاب اشراف است) که شغل نیابت سلطنت فرانسه را نپذیرفته بود، به سرپرستی دارایی فرانسه و نخست‌وزیر تعیین شد، ماری دو مدیسی، کونچینو کونچینی (Concino Concini) را به‌جای وی نایب‌السلطنه نمود.
بوهم، ۲۳ مه ۱۶۱۱
رودولف (Rudolf) دوم امپراتوری مقدس رم، تاج سلطنت بوهم را از برادرش ماتیاس (Matthias) دریافت کرد.
ویرجینیا، مه ۱۶۱۱
مهاجران جیمز تاون توانستند جام بازی‌ها را از آن خود کنند. این نخستین‌بار است که بازی‌های ورزشی در این مهاجرنشین انگلیسی انجام می‌شود.
امریکای شمالی، ۱۶۱۱
هنری هودسن دریانورد و کاشف انگلیسی با پسرش و سه نفر از افسران کشتی با توفان شدید و عصیان جاشوان خود روبه‌رو شدند و با یک قایق از این جریان فرار کردند، آنان شانس کمی برای زنده‌ماندن داشتند.
سوئد، ۳۰ اکتبر ۱۶۱۱
با مرگ کارل نهم، فرزند یکی از نجبای سوئدی ۱۶ ساله به‌نام گوستاو دوم آدولف (Gustavus Adulphus) که ادعا می‌کرد از خاندان شاهی است، به پادشاهی رسید و بدین ترتیب حقوق خود را بازیافت.
امریکای شمالی، ۱۳ دسامبر ۱۶۱۱
مصوبه‌ی قانونی دیل (Dale Code) که جنبه‌ی غلاظ و شداد داشت و در دو سال پیش اعلام شده بود، به وسیله دیل رسماً در ویرجینیا به مرحله‌ی اجرا درآمد.
روسیه، ۱۶۱۱
پل (Poles) یکی از پسران سوئدی با سپاهیانش به روسیه تاخت و هم‌چون سرزمین خود به پیشروی در آن‌جا ادامه داد و شهر مسکو را هم تسخیر کرد.
اسپانیا، ۱۶۱۱
توماس لوییس دو ویکتوریا (Thomas Luis de Victoria) آهنگساز اسپانیایی، فوت شد. وی شخص بسیار پرهیزکاری بود و تنها آهنگ‌های مذهبی کلیسا را تنظیم می‌کرد.
فرانسه، ۱۶۱۱
اجلاسیه‌یی درباره‌ی اصلاحات کلیسا در سومور (Saumur) تشکیل شد.

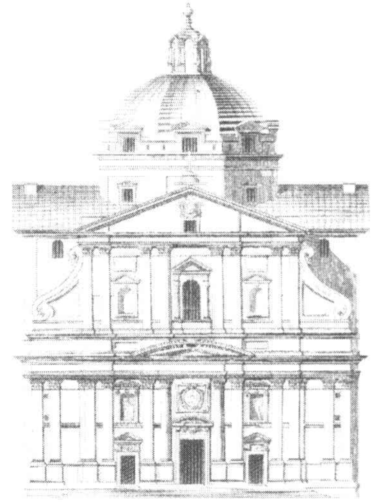
تعداد زیادی از مردم پاریس و هوگونوت‌ها در جشن ازدواج هانری ناوار *(Henry Navarre)* رهبرشان با خواهر مارگارت پادشاه شرکت کرده بودند. طبق لیست تهیه شده توسط کاتولیک‌ها، جمع زیادی از آنان هم‌چون کولینی به قتل رسیدند، لیکن یک باره مردم کشتار پروتستان‌ها را یک پیروزی دانسته و به کشتار عمومی دست زدند، چون در این گیر و دار کاتولیک و پروتستان از هم جدا نبودند و ازدحام و تاریکی شهر بلوای عجیبی ایجاد کرده و هر کس که سلاحی داشت به فکر کشتن دیگری می‌افتاد، به‌طوری که صدها مرد، زن و بچّه‌ی بی‌گناه در این غوغا و شورش هلاک شدند. گزارش‌هایی می‌رسد که علاوه بر شهر پاریس، کشتار در شهرهای دیگر فرانسه نیز آغاز شده است. امّا از کشتن هانری ناوار چشم‌پوشی شد، و او را در قصر شاه زندانی ساختند و بعدها معلوم شد که وی به آرمان پروتستان‌ها خیانت کرده و جان خود را نجات داده است.

آخرین رهبر اینکاها در شهر کوزکو *(Cuzco)* اعدام شد. (کوزکو، مه ۱۵۷۲):

توپاک آمارو *(Tupac Amaru)*، آخرین رهبر اینکا *(Incas)* و وارث پادشاهان خورشید، در سرزمین پرو به هلاکت رسید و بدین ترتیب امپراتوری او تجزیه گردید. وی را به جرم مخالفت با دولت اسپانیا و ایجاد مستعمره‌نشین در سرزمین پرو و هم‌چنین بت‌پرستی به قتل رسانیدند.

ناظرانی که این امر را مشاهده کردند، آن را عملی غیرعادلانه دانستند. با مرگ وی، مردم پرو از این جریان تکان خوردند. حتا عدّه‌یی از این جریان متأسف و غمگین شدند، تعدادی از راهبان مسیحی تقاضا کرده بودند که کشتن او را به تعویق اندازند که مجریان آن را نپذیرفتند. لیکن فرانسیسکودو تولدو *(Francisco de Toledo)* نایب‌السلطنه که با حاکمیت اینکاها مخالفت می‌ورزید، از سران حاکم بر پرو خواست که از کشتن وی صرف‌نظر کنند، معهذا موافقت نشد.

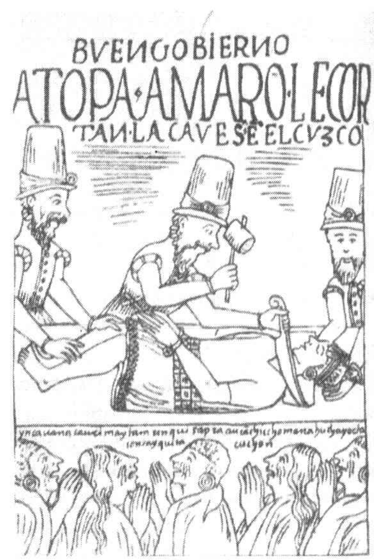
در حالی‌که وی در زندان به دین مسیح گرویده بود و قبل از کشته شدن از هواداران خود خواسته بود از پرستش خورشید دست بردارند و به مسیحیت به‌پیوندند.



نمای روبروی ساختمان کلیسای مسیح که به وسیله ی جاکوموباروتزی داوینیولاGiacomo Barozzi da Vignola بنا گردیده.



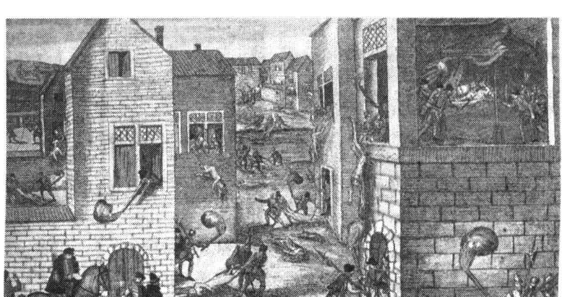
آخرین عکس فرانسیس دریک. لندن بر اعمال پنهانی او صحه گذاشت.



توپاک آمارو‌Topa Amaru، آخرین فرمانروای اینکا، توسط اسپانیولی ها اعدام شد



کاترین دومدیسیCatherine de Medici، بازجویی درباره ی این واقعه را آغاز کرد



کشتار روزسن بارتلمی که در آن گاسپارکولینی Caspard de Coligny زخمی و سپس فوت شد.

دریای بالتیک، ۱۶۱۱
نبرد بین دانمارک و سوئد خاتمه یافت. کریستیان چهارم پادشاه دانمارک قدرت کامل خود را در حاشیه‌ی دریای بالتیک حفظ کرد و همان‌طور که پیش از این ناحیه‌ی سوئد را تحت کنترل داشت، همچنان راه‌های آبی را مسدود نگاه داشت. گوستاو آدولف پادشاه سوئد که نیروی جنگی متوسطی را دارا بود، هم‌چون پدران خود با چند واحد از این سپاه همواره با سورتمه (درشکه‌ی برفی) در پی شکار گوزن شمالی بود، چون ورزش اسکی از سال ۱۵۶۷ پادشاهان سوئد را به خود مشغول می‌داشت.

فرانسه، ۱۶۱۱
با وجودی‌که سیاست فرانسه بر این اساس بود که با اسپانیا جنگ‌های متعددی انجام دهد، ماری دو مدیسی پیمان صلحی با اسپانیا امضاء کرد، چون ترجیح می‌داد با صلح خارجی به امور داخلی کشور بپرازد. با امضای این پیمان، لویی سیزدهم با پرنسس آن (Princess Anne)، ملکه‌ی اتریش، مراسم نامزدی به‌جا آوردند.

هندوستان، ۱۶۱۱
هلندی‌ها یک پست تجارتی در ماسولی پاتام (Masulipatam) واقع در قسمت شرقی مرکز کرانه‌ی اقیانوس هند تأسیس کردند.

آلمان، ۱۶۱۱
یک شرکت انگلیسی که به کار تجارت خارجی اشتغال داشت، مبادرت به تأسیس شعبه‌یی در شهر هامبورگ (Hamburg) نمود.

رم، ۱۶۱۱
دانشگاهی در شهر رم تأسیس شد.

انگلستان، ۱۶۱۱
ترجمه‌ی جدیدی از انجیل انتشار یافت. جیمز پادشاه انگلیس به کشیشان پروتستان در سال ۱۶۰۴ امتیاز ترجمه‌ی کتاب مقدس را اعطا کرده بود و اکنون این امر به سرانجام رسید.

ایتالیا، ۱۶۱۱
مارکو دو دومی‌نیس (Marco de Dominis) دانشمند ایتالیایی، رساله‌یی علمی درباره‌ی ایجاد رنگین‌کمان (قوس و قزح) پس از ریزش باران تهیه کرد.

لندن، ۱۶۱۱
شکسپیر نمایش‌نامه‌ی «توفان» را در لندن گشود. وی دیگر با آهنگ‌های حماسی خداحافظی و وداع کرد و قدرت سحر و افسونی را که در نوشته‌هایش بود و حالت جادویی در انسان ایجاد می‌کرد، از دست داد. او اقتدار و ابهتی که در کتاب‌هایش هویدا بود را به دریا افکند، او که زمانی با بال‌های خود به آسمان صعود می‌کرد و به سیاره‌ی اورانوس (Ariel) می‌رسید، دیگر صاحب آن بال‌ها نیست، او به مثابه‌ی موجودی زمینی است که نصف بدنش انسان و نصف دیگر آن حیوان می‌باشد و در دریا سبعانه به‌دنبال صیدی برای انباشتن شکم خود است.

آلمان، ۱۳ ژوئن ۱۶۱۲
ماتیاس (Matthias) دوم به جانشینی برادرش رودولف دوم، تاج امپراتوری مقدس رم را بر سر نهاد.

روسیه، ۲۷ اکتبر ۱۶۱۲
لهستان با یورش به سرزمین روسیه، درصدد است که روسیه تسلیم شود. مردم خشمگین و غضب‌آلود روسیه با سازماندهی نیروهای ملی تصمیم به اخراج سپاهیان سوئد و لهستان از سرزمین خود دارند. کوزما می‌نین (Kuzma Minin) تاجر روسی از مردم درخواست کرده که برای تشکیل ارتش ملی وی را از نظر مالی حمایت کنند. مردم هم داوطلبانه در این راه از بذل مال دریغ نمی‌کنند و می‌نین از پرنس دیمیتری پوژارسکی (Dimitri Pojarsky) قهرمان ملی دعوت کرده که با عملیات نظامی محاصره‌ی مسکو را بشکند. پوژارسکی رهبر سپاهیان ملی با حمایت قزاق‌ها (Cassacks) سرانجام به اهداف خود دست یافتند.

آنگولا، ۱۶۱۲
پرتغالی‌ها هر سال تعداد ده هزار زن و مرد این منطقه‌ی را جهت بردگی به برزیل (Brazil) می‌فرستند.

امریکای شمالی، ۱۶۱۲
هلندی‌ها دو کشتی به نام‌های ببر و نیک‌بخت را برای حمل کالاهای بازرگانی از طریق رود هودسن به امریکا فرستادند. آنان در این منطقه‌ی خانه‌های روستایی جهت سکونت مهاجران ساخته‌اند.

آهنگ‌سازان انگلیسی در اروپا مقام ارجمندی در صحنه‌ی موسیقی به دست آوردند. (انگلیس، ۱۵۷۳):

انگلیس در کنار ایتالیا در صحنه‌ی موسیقی اروپا پیش‌قدم است.

رابرت وایت (*Robert White*) جوان در زمینه نوت موسیقی، قدم‌های بسیار مؤثری برداشته، هم‌چنین توماس تالیس (*Thomas Tallis*) ۳۵ ساله، یکی از مهم‌ترین چهره‌های موسیقی به‌شمار می‌رود. او مشغول کسب اجازه از انجمن موسیقی سلطنتی می‌باشد و یکی از شاگردانش به نام ویلیام بایرد (*William Byrd*)، نظیر استاد خود، شخصیتی برجسته در این هنر می‌باشد و در کلیسای سلطنتی لندن کار می‌کند.

تالیس از نظر اروپاییان به ظرافت و زیبایی در کار هنر مشهور است و اخیراً یکی از آهنگ‌های بسیار زیبا و قدیمی کریستوفرتای (*Christopher Tye*) را نواخت (۱۵۰۵ـ۱۵۷۲) و در فقدان جان تاورنر (*John Taverner*) (۱۴۹۰ـ۱۵۴۵) آهنگ قشنگ جشن سالیانه عید میلاد مسیح را با مهارت بسیار اجرا کرد و اکنون در کالج جدید اسقف‌ها (نام جدید آن کلیسای مسیح است) در آکسفورد (*Oxford*) مشغول کار می‌باشد.

امّا اکنون وی که در فنّ موسیقی به مقام استادی رسیده و در این هنر تجربه و تبحّر بسیار کسب کرده و به بلوغ هنری نایل شده، در مراسم عشای ربانی با آلات موسیقی اندک هنر خود را به زبان لاتین و انگلیسی می‌نمایاند.

او یکی از اعضای گروه موسیقی دربار سلطنتی است و از سال ۱۵۴۳ یکی از نوازندگان آنجا بوده و از سال ۱۵۴۷ـ۱۵۵۳ به رهبری گره موسیقی انگلیکان (*Anglican*) اشتغال داشته و حتا در سال‌های ۱۵۵۳ـ۱۵۵۸ هم رهبری گروه موسیقی دربار ملکه ماری کاتولیک مذهب را عهده‌دار بوده و یکی از جدیدترین پیس‌هایی را که اجرا کرده، آهنگی چهار صدایی است که در ۴۰ قسمت تنظیم شده است.

منجّمی که یکی از ستاره‌های درخشان را رصد کرد. (کپنهاگ (*Copehagen*)، ۱۵۷۲):

تیکـو براهــه (*Tycho Brahe*)، ســتاره‌شــناس دانمارکی، ستاره‌ی درخشان جدیدی را در آسمان رصـد کرد.

در تـاریخ ۱۱ نـوامبر، براهـه در کـرات سـماوی، ستاره‌یی را به نـام کاسیو پیـه (*Cassiopeia*) را کـه درخشان‌تر از ستاره‌ی زهره بود، مشاهده کرد.

وی در تحقیقات بیشتر پی برد که چون این کـره‌ی نورانی در پشت ماه و قسمت تاریک این کره قرار دارد، به چشم نمی‌خورده، و از این نظر دریافت که این ستاره جزو ثوابت یعنی ستارگان ثابت به‌شمار می‌رود. کمیته‌ی علمی منجّمان، هر دو نظریه‌ی براهـه را در ایـن مـورد صحیح دانست و در نقشه‌ی جایگاه سیارات این موضوع را تصریح کرد. این بـدان معنـی اسـت کـه در کائنـات ستارگان وضـع ثابـت و لایتغیـری ندارنـد و فرضـیه‌ی ارسطو صحیح نیسـت و اجـرام سـماوی ازلـی و ابـدی نیستند. ستارگان زمانی به‌وجود می‌آیند و زمانی از بـین می‌روند. وی با عقیده‌ی کوپرنیک (*Copernic*) موافق بود و زمین را مرکز کائنات نمی‌دانست. براهه فرضیه‌ی حرکت زمین را اثبات کرد و عقیده‌ی کلیسا را راجع بـه ثابت بودن کره‌ی زمین مردود دانست.

اروپایی‌ها، در دنیای جدید دادگـاه انکیزیسـیون تشکیل دادند. (مکزیک، ۲۸ فوریه ۱۵۷۴):

تا سال ۱۵۷۱، ۷۰ نفر از مردان انگلیسی و ایرلندی در یـک دادگـاه بـزرگ تفتـیش عقایـد در آمریکـای اسپانیایی، محکوم گردیدند. اسپانیایی‌هـا اعـلام کردنـد که تمام فروشندگان بـرده کـه تحـت نظـر سِـر جـان هاوکینز (*Sir John Hawkins*) کار می‌کنند، بایـد تـا سال ۱۵۶۸ دریای کارائیب را ترک کنند، و اگر در پایان این مدّت، کسانی در این مکان باقی بمانند، بایسـتی در کارهای طاقت‌فرسـا در خـدمت مسـتعمرات اسـپانیا در مکزیک درآیند.

کسـانی کـه در عقایـد قبلـی خـود، یعنـی فرقـه‌ی الحادی لوتران، پافشاری کنند، در دادگـاه انکیزیسـیون (*Inquisition*) محاکمه خواهند شد. این افراد مـاه‌هـا تحت بازجویی قرار خواهند گرفت تا سرانجام به گناهان خود اعتراف کنند و کشیشانی که ازدواج کـرده باشـند، قبل از زناشویی مقصّر نیستند و پس از ازدواج، ۶۱ نفـر را به این اتّهام، محکوم به ۱۰۰ تـا ۳۰۰ ضـربه شـلاق کردند و پس از آن به‌عنوان برده در کشتی‌های پـارویی آن‌ها را به مدّت ده سال با اجبار به این کـار واداشـتند. هفت نفر را به‌عنوان خادم و نظافت‌چی بـه مـدّت پـنج سال در کلیسا به کـار گماردنـد و بـالاخره سـه نفـر از ایرلندی‌ها را برای نخستین بار در ایـن سـرزمین، زنـده سوزاندند، چون در عقایـد خـود پـای‌بنـدی نشـان داده بودند.

ساختمان مسجد اعظـم شـهر ادرنـه بـه پایـان رسید. (ادرنه، ترکیه، ۱۵۷۵):

بنای مسجد بزرگی کـه سـلیمان پادشـاه عثمـانی، شروع کرده بود، خاتمه یافت. معماری این مسجد که به دستور شـاه سـلیمان بـه انجـام رسـید، شـاید یکـی از زیباترین و باشکوه‌ترین ساختمان‌هـای شـهر اسـتانبول است و معماری آن توسط معمار مشهور تـرک بـه نـام سینان (*Sinan*) صورت گرفته است. تمـام شبسـتان و ساختمان مسجد در زیر گنبد بزرگی بنا شده و این گنبد عظیم تمام اتاق‌ها و سالن‌ها را پوشـانده اسـت. مسـجد به‌طور کلّی هشت‌گوشه بنا شده و صحن عظیم مرکزی به شکل مربع می‌باشد. سـینان نقشـه‌ی ایـن بنـا را از مقبره‌ی سلطان اولجاتیو (*Sultan Oljaito*) خدابنـده، واقع در زنجان اقتباس کـرده و چهـار منـاره‌ی بـزرگ، گنبد عظیم مسجد را احاطه کرده است. مسجد باشـکوه شـهر ادرنــه (*Edirne*)، نشـانه‌یـی از روح بلنـدپرواز سلیمان می‌باشـد و تمـام معمـاری‌هـای عثمـانی را در سراسر کشور تحت‌الشعاع قرار داده است.

اشراف لهستانی یـک فرانسـوی را بـه سـلطنت برگزیدند. (لهستان، ۱۵۷۳):

لهستانی‌ها یک شاهزاده‌ی فرانسوی به نام هـانری دانژو (*Henry Anjou*) را که فردی خودبین و خودستا و کج‌رفتار و حالت زنانه داشـت، بـه پادشـاهی انتخـاب کردند.

هانری را کـه قـرار بـود پـس از مـادرش کـاترین دومدیسی، پادشاه فرانسه شود، در مجمعی مرکب از ۴۰ هزار نفر فـرد سرشـناس لهسـتان، در شـهر ورشـو بـه پادشاهی لهستان برگزیدند و اکثریت شرکت‌کنندگان به

هلند، ۱۶۱۲
جان اسمیت (John Smith) رهبر پاتیست‌های انگلیسی، با درج رساله‌یی به‌نام اشتباهات خود و تأیید و تصدیق صداقت و راستی و پافشاری بر اعتقادات خویش به هلند، تبعید شد، لیکن دشمنان وی او را محکوم کردند به این‌که وی شخصی آشتی‌ناپذیر و ترسو می‌باشد.

ویرجینیا، ۱۶۱۲
ساکنان این منطقه‌ی به کشت گیاه تنباکو اقدام کردند.

زئیر، ۱۶۱۲
کی‌بیندا ایلونگا (Kibinda Ilunga)، بنیان‌گذار حاکم‌نشین لوندا (Luanda) در شرق زئیر (Zaire)، فوت شد.

آنتورپ (*Antwerp*)، ۱۶۱۲
روبنس (Rubens) تابلوی پایین‌آوردن عیسی را از صلیب برای کلیسای نوترام (Notre Dame) به‌تصویر کشید.

هندوستان، ۱۶۱۲
نیروهای کمپانی هند شرقی انگلیس، نیروهای پرتغالی را در ساحل غربی هند شکست دادند و نخستین کارخانه را در سورات (Surat) تأسیس کردند.

ژاپن، ۱۶۱۲
ضرابخانه‌ی سکه‌های نقره‌یی به‌نام گینزا (Ginza)، در شهر ادو (Edo) آغاز به‌کار کرد.

آلمان، ۱۶۱۲
ژاکوب بوهم (Jakob Boehme) عالم الهیات و کفاش آلمانی رساله‌یی درباره‌ی علوم سری به‌نام اورورا (Aurora) تحریر کرد. این رساله ارتباط انسان و خدا و پیامبران او و نیز انسان و طبیعت می‌باشد. او هم‌چنین نوشتجات و دست‌نویس‌هایی راجع به کیمیاگری تدوین کرده است و به‌خاطر همین موضوعات از سوی کلیسا احضار شده است.

انگلیس، ۱۶۱۲
هنری شاهزاده ویلز (Wales)، در اثر تب بدرود حیات گفت. بزرگ‌ترین پسر جیمز پادشاه انگلیس آرزومند است که پروتستان‌های انگلیس با پاپ از در صلح درآیند، چون وی مایل نیست با پاپ در این مسائل درگیر شود.

آسیای جنوب شرقی، ۱۶۱۲
کمپانی انگلیسی هند شرقی کارخانه‌هایی در سیریام (Syriam) (نزدیک رانگون (Rangoon))، پروم (Prome) و آوا (Ava) تأسیس کرد.

فرانسه، ۱۱ ژانویه ۱۶۱۳
کارگرانی که مشغول کندن زمین‌های شنی در اطراف شهر دوفین (Dauphine) بودند، در حین حفاری به اسکلتی برخورد کردند به قد نه متر که در اعماق زمین دفن شده بود و اهالی محل طبق داستان‌های روایت‌شده تصور می‌کنند این اسکلت غول‌پیکر تئوتو بوکوس (Theotobocus) پادشاه گل است که با امپراتوری رم جنگید.

اسکاندیناوی، ۲۰ ژانویه ۱۶۱۳
پیمان صلح کنارد (Knared) به جنگ بین سوئد و دانمارک پایان داد. این جنگ از سال ۱۶۱۱ بین دو کشور آغاز شد و دانمارکی‌ها توانستند شهر کالمار (Kalmar) را تسخیر کرده و مردم آن‌جا را تحت فشار قرار داده و حکومت خود را بر آنان تحمیل کنند. طبق این معاهده، سوئد ناحیه‌ی فنلاند (Finland) را تسخیر کرد و به بازرگانان دانمارکی اجازه داد که به شهر لیونیا (Livonia) رفت‌وآمد کنند و دانمارک هم منطقه‌ی آلوسبرگ (Alvsborg) را تحت قیمومیت قرار داد.

روسیه، ۲۲ فوریه ۱۶۱۳
میخائیل رومانوف (Michail Romanov) به‌عنوان تزار برگزیده شد.

ویرجینیا، ۱۶۱۳
فرماندار ویرجینیا به هر مهاجر سه جریب زمین به اجاره واگذار کرد، چون سیستم مزارع اشتراکی ناموفق از آب درآمد.

اسپانیا، ۱۶۱۳
سروانتس (Cervantes) نویسنده‌ی اسپانیولی، نوول اجمپلارس (Ejemplares) را به‌نگارش درآورد. این نوول مجموعه‌یی از حکایت عاشقانه و حوادث و رویدادهای شرم‌آور و زشت می‌باشد.

امریکای جنوبی، ۱۶۱۳
مهاجران هلندی در منطقه‌ی پاراماریبو (Paramaribo) (در ساحل گویان (Guiana)) مسکن گزیدند.

وی رأی دادند و این رویداد پس از مرگ سیگیسموند دوّم آگوستوس (*Sigismund Augustus*) فرزند سیگیسموند بزرگ، روی داد.

سیگیسموند دوّم وارثی برای سلطنت نداشت و در نتیجه سلسله‌ی پادشاهی ژاگیلون (*Jagiellon*) که در حدود دو سده بر لهستان حکم‌فرمایی می‌کردند، از بین رفتند. چندین نفر از شاهزادگان اروپایی که داعیه سلطنت داشتند و به جاه‌طلبی مشهور بودند، خود را برای این مقام کاندیدا کرده بودند، لیکن تبلیغات کاترین برای پسرش و کمک‌هایی که حکومت فرانسه به دولت لهستان قبلاً انجام داده بود، اشراف لهستانی را تشویق کرد که هانری را به این مقام منصوب کنند. در همین زمان نمایندگان سنای لهستان با تصویب قانونی، اختیارات شاه را محدود کردند و مجلس تشکیل دولت را در این کشور به منظور اداره‌ی امور سیاست تصویب کرد، در این صورت ممکن است هانری هم قدرت را از دست بدهد.

زبان شعر، در خدمت کشاورزان بریتانیایی (سوفولک (*Suffolk*)، انگلیس، ۱۵۷۳):

توماس توسِر (*Thomas Tusser*) یکی از زارعان اهل سوفولک، قصیده‌یی جهت برداشت محصول بیشتر، به کشاورزان تقدیم کرد که آن‌ها در موقع بذرافشانی با خود بخوانند تا زمین آن‌ها پر بارتر شود.

این اشعار شامل پانصد بیت می‌باشد و حاوی ضرب‌المثل‌هایی است که توسِر آن‌ها را برای تشویق کشاورزان به کار کشت و زرع ساخته تا آنان از این شغل سخت و طاقت‌فرسا دست نکشند و هرچه بیشتر مساعی خود را در این راه به کار گیرند تا هم خود و هم دیگران از دسترنج آنان بهره‌مند شوند.

توسِر تحصیلات ادبی را در دانشگاه کمبریج به اتمام رسانید و کتاب خود را که در آن زمان، تنها یکصد بیت شعر داشت، به چاپ رساند. استادان کمبریج اشعار توسِر را بسیار سهل و ساده تلقّی کردند و آن را در خور فهم کشاورزان دانستند.

وی در این کتاب، وضعیت تمام فصول را تشریح می‌کند و به‌عنوان مثال آمدن بهار را به این صورت بیان می‌کند:

خرمن‌کوب‌ها را برای خرمن‌ها آماده سازید، ماه مه در راه است.

آخورها را خالی کنید، چون کاه و یونجه‌ی تازه‌ی تو باید در انبارها ذخیره شود.

خوکدانی‌ها و لانه‌ی ماکیان (مرغ و خروس) را نظافت کنید، چون هنگام تولید جوجه و زائیدن خوک‌ها فرا رسیده.

ای مرد روستایی، این قدر پا به پا و درنگ مکن، زیرا وقت می‌گذرد و ابرهای باران‌زا می‌آید و مزرعه خیس و گل‌آلود خواهد شد و آن وقت تو پشیمان خواهی شد.

همسر مزرعه‌دار هم در انتظار آرد و سایر محصولات است که با آن‌ها کیک و کلوچه برای خانواده تهیه کند. او هم ظروف و لوازم کارش را آماده می‌کند و می‌گوید: کشاورز نیک‌سرشت برحسب خوی و عادت تمام هفته را در مزرعه به کار شخم زدن می‌پردازد. او برای روزهای یکشنبه و شب‌های جمعه گوشت کبابی تهیه می‌کند.

همسر کشاورز هم برحسب معمول تمام مواد خوراکی را ذخیره و در جای مخصوص می‌گذارد و لباس نو پوشیده و خود را می‌آراید.

دهقان هم همسر خود را صدا می‌زند و به او می‌گوید: عشق من، تو را دوست دارم.

پادشاهی اسپانیا در ورطه‌ی هولناک بدهی غوطه‌ور شده (اسپانیا، ۱۵۷۵):

دربار سلطنتی و حکومت اسپانیا که مدّت نزدیک به یک قرن است که در قاره‌ی اروپا یکی از قدرتمندترین کشورها محسوب می‌شود و صاحب مستعمرات بسیاری در دنیای جدید می‌باشد، به ورشکستگی دچار شده. این کشور که قدرت بزرگی در اروپا و دنیای جدید بود، در اثر جنگ‌های متوالی با سرزمین هلند و خصومت با انگلیس، ثروت و آبروی خود را از دست داده و به یک کشور سست و بی‌حال تبدیل شده و دچار گرفتاری عظیمی شده که با وضع ناهنجاری دست به گریبان و در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفته است.

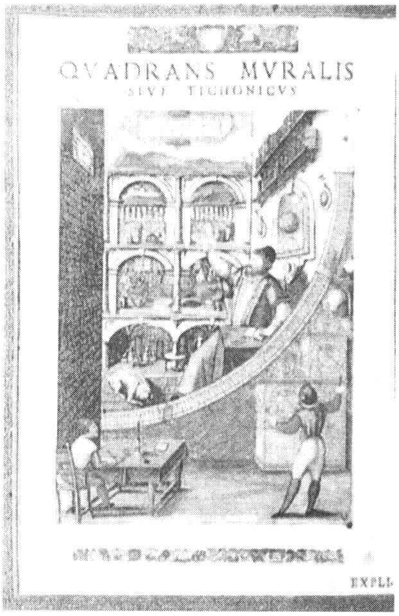
این دردسر و گرفتاری‌ها از سال‌های ۱۴۹۰، هنگامی‌که دولت اسپانیا در وهله‌ی اوّل یهودیان و سپس مرتدان را از کشور خارج کرد ایجاد شد، و در نتیجه سرزمین اسپانیا از بازرگانان و افراد طبقه‌ی ثروتمند خالی شد و درآمدهای حاصل از مستعمرات دنیای جدید تکافوی مخارج جنگ‌های متعدد با کشورهای مختلف را نمی‌کرد، فیلیپ دوّم که جانشین شارل پنجم و وارث کشوری مقتدر شده بود، با بلند پروازی‌های خود در جبهه‌ی سیاست، و داشتن ثروت کافی، بودجه‌ی کشور را در راه جنگ‌های بی‌سرانجام مصرف کرد. در نتیجه دولت اسپانیا از اجرای تعهدات خود و مخارج ارتش باز ماند، به‌طوری که ارتش مجبور شد که از مزدوران استفاده کند و چون حقوق و مزایای آن‌ها هم به موقع پرداخت نشد، دست به شورش و آشوب زدند و کشور در آستانه‌ی سقوط قرار گرفت و به کلّی قدرت سابق را از دست داد.

سلطان عثمانی در اثر لغزش پا در حمام ترکی، کشته شد. (استانبول، ۱۵۷۴):

سلطان سلیم دایم الخمر، از دنیا رفت. وی پس از هشت سال سلطنت افتضاح‌آمیز، به علّت نامعلولی درگذشت. گفته می‌شود که وی پس از یک تب و سردرد شدید، در حال مستی به حمام رفت و در اثر سقوط، و ضربه‌ی مغزی دچار خونریزی گردید که منجر به فوت او شد. وی آدمی کوتاه قد و خپل بود و اصلاً با جنگ و ستیز میانه‌یی نداشت و حتا به امور سیاسی کشور هم علاقه‌یی نشان نمی‌داد و بخش اعظم قدرت و اختیارات مملکتی در دست سوغلو (*Sokollu*) وزیر اعظم او قرار داشت.

او اغلب اوقات خود را در حال مستی در حرم و بین زنان می‌گذرانید و عدّه‌یی چاپلوس و متملّق با ملاطفت و مهربانی‌های مداهنه‌آمیز، اطراف وی را احاطه کرده بودند.

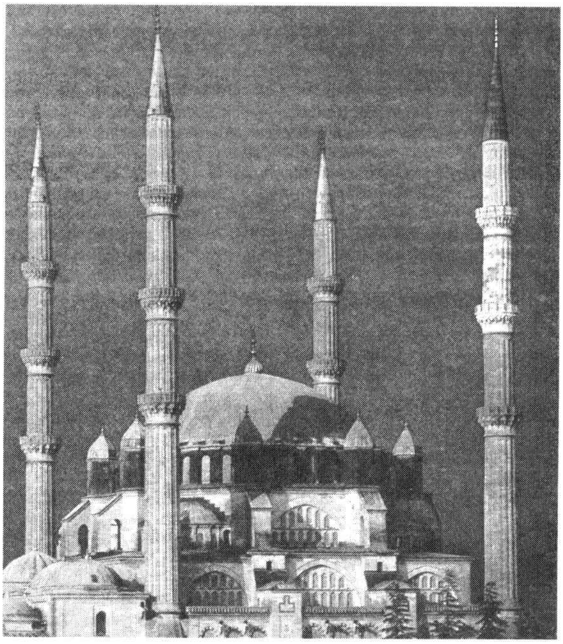
در خارج کشور عثمانی هم برای امپراتوری آبرویی نمانده بود، به‌ویژه آن‌که نیروهای نظامی وی در سال ۱۵۷۱ در لپانتو (*Lepanto*) شکست سختی خوردند.



تیکو براهه Tycho Brahe، دانشمند دانمارکی، پیشگام علم ستاره شناسی، در رصدخانه یی که خود تاسیس کرده و آن را به نام مؤسسه ی نجوم و فیزیک نامگزاری کرده بود.



یک گوبلن بسیار زیبا که در سال ۱۵۸۵ بافته شده و در زمینه ی آن بالرین های فرانسوی به افتخار سفیر لهستان مشغول رقص هستند.



مسجد بزرگ شهر ادرنه Edirne که به فرمان سلطان سلیم ساختمان آن آغاز شد و مدت شش سال بنای آن به طول انجامید.



سرسرای موسوم به اسکوریال Escorial با نقاشی های زیبای دیوارها و سقف در قصر پادشاهی اسپانیا که هنوز مورد استفاده واقع نشده.

فرانسوی‌ها از سلطنت مطلقه دفاع می‌کنند. (آنژر *(Angers)*، ۱۵۷۶):

بحث شدیدی سال‌هاست بین هواداران سلطنت و سایر گروه‌ها درباره‌ی اقتدار شاه در فرانسه ایجاد شده و منجر به درگیری و منازعات زیادی گردیده است. یکی از پیشگامان این عقیده که سلطنت ودیعه‌یی الهی است و از جانب پروردگار به اشخاص به خصوصی تفویض می‌شود، یک حقوق‌دان اهل شهر آنژر در فرانسه به نام ژان بودن *(Jean Bodin)* می‌باشد که کتابی به نام جمهوریت در شش جلد و درباره‌ی سرزمین‌های مشترک‌المنافع به نگارش درآورده است.

طبق عقاید بودن، هیچ سرزمینی بدون وجود فردی به‌عنوان حاکم و فرمانروا، قاضی و سیاستمدار، که تمام قدرت در اختیار اوست، نمی‌تواند به خوشبختی و سعادت برسد.

وارثان فرضیه‌ی ارسطو *(Aristole)* و ژوستی‌نیان *(Justinian)* عقیده دارند که اگر قدرت، متمرکز در وجود یک فرد به نام پادشاه نباشد و مراکز قدرت متعدد باشد، آن جامعه به فلاح و رفاه نخواهد رسید. در بررسی بیشتر عقاید بودن، به این نتیجه می‌رسیم که شخص شاه و حاکم در تمام امور مختار است و در نزد خداوند مسؤول خواهد بود و تمام رفتار و کردار وی در پیش خدا محفوظ است و اوست که در پیشگاه پروردگار پاسخ‌گو می‌باشد.

بودن می‌گوید، تمام اندیشه‌ها، افعال و رفتار پادشاه، از نظر زشتی و نیکویی، در نزد خداوند مورد سنجش و قضاوت دقیق قرار می‌گیرد و برحسب آن پاداش به وی اعطا خواهد شد. اوست که باید همواره مواظب و مراقبت اعمال خود باشد. پس اطاعت از شاه، فرمانبرداری از پروردگار است.

بیماری طاعون نُه‌دهم سرخ‌پوستان را به هلاکت رسانید. (مکزیک، ۱۵۷۶):

تعداد بی‌شماری از بردگان سرخ‌پوست که به دین مسیح درآمده بودند، روح‌شان پژمرد و جسم‌شان هم فنا شد.

اینان نه تنها هواخواه مسیحیت بودند، بلکه از جان و دل به عقاید خود بستگی داشتند. لیکن با ورود اروپائیان ناقل بیماری طاعون به آمریکای لاتین، همه نابود شدند.

از سال ۱۵۱۹ که اروپاییان برای ایجاد مستعمره با عجله بومیان را در نقاط مختلف سرزمین مکزیک و نیز برای رفاه اروپاییان متمرکز کردند، پیش‌بینی می‌شد که بیماری‌های مسری تلفات زیادی به‌وجود خواهند آورد. در آن زمان، جمعیت مکزیک بالغ بر ۲۵/۲ میلیون نفر می‌شد. در حالی‌که بومیان در انتظار زندگی بهتری بودند، مرگ آنان را از پای درآورد. با شیوع بیماری آبله در سال ۱۵۲۹ و سپس بیماری سرخک در سال ۱۵۳۲، تعداد جمعیت به ۱۷ میلیون نفر رسید. در سال ۱۵۶۸ نفرات بومیان مکزیک به زیر سه میلیون نفر رسید. اکنون با همه‌گیری بیماری طاعون جدیدی موسوم به ماتلازا هوتل *(Matlazahuatl)* که در حقیقت بومیان را درو کرد، به‌نظر می‌رسد جمعیت آن‌ها به یک‌ششم تقلیل یافته است.

تیتیان، نقّاشی که رنگ قرمز تیره را در تابلوهایش به کار می‌برد، درگذشت. (ونیز، ۲۷ اوت ۱۵۷۶):

شهر ونیز در غم از دست دادن تیتیان *(Titian)* که در فنّ نقّاشی شاهکار می‌کرد، سوگوار شد. وی بر اثر ابتلای به بیماری طاعون، جان خود را از دست داد.

هیچ کس سن حقیقی او را نمی‌دانست، امّا به‌نظر می‌رسد که او ۹۰ سال عمر کرد. او را در کلیسای فِراری *(Frari)* وابسته به روحانیت فرانسیسکن *(Franciscanfriars)* دفن کردند، خود او محراب این کلیسا را هم‌چون یاقوت سرخ نقّاشی کرده بود، او یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های هنر نقّاشی در اروپا بود.

پاپ پل سوّم و پادشاهان فرانسه و اسپانیا به خدمت او می‌رسیدند. هم‌چنین دوک اسفورزا *(Sforza)* حکمران میلان و گونزاگا *(Gonzaga)* فرمانروای مانتوا نسبت به وی عشق می‌ورزیدند. پیترو آرتینو *(Peitro Aretino)* شاعر ایتالیایی دوست تیتان خود شاهد بوده که شارل پنجم امپراتور با وی هم‌نشینی داشته. او برای هر تابلوی تیتیان یک‌هزار سکه طلا به وی می‌پرداخته، شارل، تیتیان را به سمت نقّاش دربار خود تعیین کرد و به او عنوان کنت اعطا نمود گفته می‌شود، حتا هنگامی‌که قلم نقّاشی از دست وی

ژاپن، ۱۶۱۳
دیت ماسامون (Date Masamune) زمین‌دار بزرگ سندایی (Sendai)، هیاتی به رم اعزام کرد.
کانادا، ۱۶۱۳
پدر ساگار (Sagard) اسقف فرانسیسکن (Franciscan)، گردآوری لغت‌نامه‌ی فرانسه ـ هورون (Huron) را آغاز کرد.
کانادا، ۱۶۱۳
ساموئل شامپلن (Samuel de Champlain) فرماندار فرانسوی کبک (که‌بک (Quebec)) به کشتیرانی بر روی رودخانه‌ی اوتاوا (Ottawa) پرداخت و دریاچه‌ی هورون (Huron) را کشف کرد.
فرانسه، ۱۶۱۳
ساموئل شامپلن اقدام به نشر مجله‌ی کاشفان و ناظران فرانسوی که پیرو اعتقادات دینی می‌باشند، کرد. در عین حال راهی که از شمال به سرزمین چنین منتهی می‌شود را مشخص کرد.
لندن، ۱۶۱۳
سر توماس اوربری (Sir Thomas Overbury) به‌خاطر مردودشمردن سیاست خارجی انگلیس در برج لندن زندانی شد. این اختلاف بر اثر این‌که بوجود آمد که جیمز پادشاه انگلیس درصدد بود که اوربری را از مقام ویسکونتی (Viscount) ناحیه‌ی روچستر (Rochester) برکنار سازد و این منطقه‌ی را تحت نفوذ دربار قرار دهد.
مکزیک، ۱۶۱۳
نیروهای دولت مکزیک در تلاش جمع‌آوری‌کردن بردگانی است که به کوهستان‌ها فرار کرده‌اند. رهبری این مجتمع‌های مسکونی را یانگا (Yanga) عهده‌دار است که مدت سی سال در این منطقه زندگی می‌کند. او با حملات چریکی گروه‌های هواخواه خود دولت مرکزی را به ستوه آورده و دولت قول داده که رفتار خود را در قبال بردگان تغییر دهد. اکنون اجتماعات بومی تا اندازه‌یی آزادی خود را به دست آورده‌اند و او هم سوگند خورده که دیگر مزاحمتی برای حکومت ایجاد نکند و فراری‌ها را هم بازگرداند.
اسپانیا، هفتم آوریل ۱۶۱٤
ال گرکو (El Greco) نقاش اسپانیولی، در شهر تولدو (Toledo) جهان را وداع کرد.
ویرجینیا، پنجم آوریل ۱۶۱٤
یک شاهزاده خانم هندی به‌نام پوکاهونتاس (Pocahontas) با یکی از اهالی جیمز تاون ازدواج کرد. بدین ترتیب حکومت محلی امیدوار است که با این زناشویی صلح بین حکومت و هندیان تأمین شود.
فرانسه، ۱۵ مه ۱۶۱٤
پیمان صلح سن منهول (St Menehould) به شورشی که در ماه فوریه توسط پرنس کنده (Conde) و سایر نجبای فرانسه ایجاد شده بود، خاتمه بخشید. ماری دومدیسی ملکه‌ی مادر که بازنشسته بود و در کار سیاست مداخله نمی‌کرد، دریافت که اگر جلوی پیشرفت شورش را نگیرد، منجربه نبرد داخلی خواهد شد، لذا از سیاستمداران دوطرف خواست که از راه آشتی به اختلافات خود پایان دهند. او هم‌چنین از مجلس عمومی (شورا) درخواست کرد که جلساتی راجع به این موضوع تشکیل دهد.
آمستردام، یکم اکتبر ۱۶۱٤
آدریان بلوک (Adriaen Block) با نقشه‌هایی از سواحل جزیره‌ی منهاتان (Mahattan) از سفر امریکای شمالی بازگشت.
آلمان، ۱۲ نوامبر ۱۶۱٤
در پی میانجیگری انگلیس و فرانسه، پیمان صلح زانتن (Xanten) به نبرد ژولیخ ـ کلوس (Julich-Cleves) که سایر مناطق را تهدید می‌کرد، پایان داد. یوهان سیگیسموند (Johann Sigsimund)، پادشاه انتخابی براندنبورگ (Brandenburg) با به‌دست‌آوردن کلوس و راونسبرگ (Ravensberg)، موقعیت خود را در شمال شرقی آلمان تحکیم بخشید، در همین حال فیلیپ لویی (Philippe Louis)، کنت پالاتین (Count Palatine) و نوبورگ (Neubourg)، مناطق ژولیخ و برگ (Berg) را به قلمرو خود اضافه کرد.
فرانسه، ۲۰ نوامبر ۱۶۱٤
لویی سیزدهم که به سن قانونی رسیده بود، خود را پادشاه خواند.
روسیه، ۱۶۱٤
میخائیل رومانوف (Mikhail Romanov) تزار روس، قزاق‌ها (Cossacks) را در منطقه‌ی روستوکینو (Rostokino) شکست داد.

می‌افتاد، امپراتور قلم را برداشته و به او می‌داد. حتا میکل‌آنژ، رنگهای مواجی را که او به کار می‌برد، مورد تحسین قرار می‌داد. وی برای فیلیپ پادشاه اسپانیا منظره‌یی از الهه‌های دیانا *(Diana)* و آکتائون *(Actaeon)* را به حالت عریان در سالنی به سبک مراسم نیایش کلاسیک ترسیم کرد که بسیار مجلّل و با شکوه به‌نظر می‌رسد. درسالهای اخیر او دیگر آن شور وحال دوران جوانی را از دست داده بود، چون دستانش می‌لرزید و به بیماری رعشه دچار شده بود.

امپراتور در جست‌وجوی آب حیات و زندگی ابدی (پراگ *(Prague)*، ۱۲ اکتبر ۱۵۷۶):

رودولف *(Rudolf)* دوّم، پادشاه هابسبورگ *(Habsburg)*، دوک اعظم اتریش، پادشاه مجارستان و بوهم و یکی از بزرگ‌ترین نمونه هنرمندان و دانشمندان اروپایی، امروز به مقام امپراتوری رم مقدس انتخاب شد و این هدیه‌یی بود به شخص او، چون در حال حاضر مهم‌ترین مقام سیاسی اروپا محسوب می‌شود. وی برخلاف مقام علمی خود، منجّمان و طالع‌بینان و کیمیاگران را تشویق می‌کند که در جست‌وجوی اکسیر زندگی و آب حیات که منظور از آن عمر جاودانی است، برآیند. وی هم‌چون پدرش ماکسیمیلیان *(Maximilian)*، تنها معتقد به مذهب واحد و خدای یگانه است.

ماکسیمیلیان به مذهب لوتری علاقه‌مند و مخالف عقاید کاتولیکی می‌بود، لیکن رودولف سخت پای‌بند مذهب کاتولیک است و در این راه مستحکم و ثابت می‌باشد. وی به خاطر ثبات قدم به این مقام منصوب شد و در پی آن است که فرقه‌های گوناگون مسیحیت نظیر لوتریان‌ها، مرتدین *(Ultraquists)*، کالوینیست‌ها و انجمن اخوت بوهم *(Bohemian Brethren)* را متّحد و یک‌پارچه و تحت حمایت خود قرار دهد. او باز هم نظیر پدرش، بدون این‌که تحت تأثیر عوامل گوناگون واقع شود و حتا فشار اشراف ثروتمند پروتستان او را به سوی خود بکشاند، از عقیده‌ی شخصی خود پیروی می‌کند.

وی برای این‌که به این مقام انتخاب شود، پروتستان‌های بوهم را وادار کرد که در کلیساهایشان

مراسم اعتراف به گناهان را اجرا کنند. بسیاری از ایالات، به دعوت امپراتور پاسخ مثبت دادند و از این‌که پادشاه به این مقام برسد، بهای آن را پرداختند.

رودولف برای این‌که به این امر جامه‌ی عمل بپوشاند، نیاز به زمانی طولانی داشت، زیرا رسیدن به این هدف در زمان کوتاه ممکن نیست. بنابراین از تمام دانشمندان از جمله کپلر *(Kepler)* و هنرمندان و کیمیاگران و حتا افراد شارلاتان و حقّه‌باز دعوت کرد که در کنفرانسی در پراگ جمع شده و در جست‌وجوی آب حیات و عمر جاودانی برآیند تا او به اهداف بلند خود دست یابد.

مردم اروپا به خوردن فلفل *(Pepper)* و آناناس *(Pineapples)* علاقه‌مند می‌شوند. (اروپا، ۱۵۷۶):

میز غذای اروپاییان حالت قبلی خود را به تدریج از دست می‌دهد و به پیروی از سلیقه و سبک غذای بومیان دنیای جدید، تغییرات بسیاری در آن به‌وجود آمده و خوراکی‌ها طعم و لذّت بیشتری پیدا کرده است.

در انگلیس، از ۲۲ سال پیش، آناناس را که یک میوه‌ی گرمسیری است، به‌عنوان دِسِر مصرف می‌کنند، البته چون این میوه خیلی گران است، تنها در سرِ میز ثروتمندان پیدا می‌شود. یکی دیگر از چاشنی‌های غذا که سخت طرفدار دارد، فلفل و مخصوصاً فلفل قرمز تند و هم‌چنین وانیل *(Vanilla)* است که برای پختن شیرینی به کار می‌رود و بسیار مورد توجّه است.

گیاه دیگری که برای تغذیه‌ی دام‌ها مصرف می‌شود، ذرت است که اکنون به فراوانی در اروپا کشت می‌شود. در عین حال، بعضی از خوارکی‌هایی که منشاء آسیایی دارند، هم‌چون گردو، از آسیا و اروپا به دنیای جدید برده می‌شود.

باید متذکر شد که در آمریکای لاتین تنها موز کاشته نمی‌شود، بلکه کشت درختانی نظیر لیمو، لیمو ترش، مرکبات، زیتون و نیز گیاهانی هم‌چون کلم و کاهو به‌طور فراوان به دست می‌آید. یکی دیگر از محصولات آمریکای لاتین به خصوص نقاط گرمسیر، نیشکر است که یکی از فراورده‌های بسیار ذی‌قیمت می‌باشد، در عین حال در مستعمرات اسپانیا مانند فلوریدا، گلّه‌بانان به پرورش گاو و خوک می‌پردازند که گوشت آن‌ها جهت غذاهای گوناگون استفاده می‌شود.

کاتولیک‌های شهر پاریس بر ضدّ هوگونوت‌ها *(Huguenots)* به نبرد می‌پردازند. (پاریس، ۱۵۷۶):

هانری دو گوئیز *(Henrie de Guise)* که به هانری زخمی معروف است، با عقد پیمان پاریس، در واکنش به کتابی که توسط بولیو *(Beaulieu)* منتشر شده، مبنی بر این‌که سرانجامِ تمام فرقه‌های مسیحی به هوگونوت‌ها خواهند پیوست و دوران دیگر مذاهب به سر آمده است، در پی نبرد با آن‌ها و از بین بردن این فرقه می‌باشد.

این اقدام گوئیز به علّت ترسی است که در وجود افراد غیور و غیرتمند کاتولیک پیدا شده و همه از این‌که شهر پاریس و حومه‌ی آن در اختیار پروتستان‌ها قرار گیرد، در هراسند، در حالی‌که این پیمان ترس بی‌مورد آن‌ها را چاره می‌کند و برای حمایت و پشتیبانی از آن‌ها می‌باشد.

پیش از این، سیاست کشور فرانسه بر پایه‌ی حمایت از کاتولیک‌ها قرار داشت و بت‌پرستان را در خیابان‌های پاریس قتل‌عام کردند. گوئیز با انعقاد پیمان پاریس، قصد دارد که اتّحاد مذهبی را در کشور برقرار نماید و خطری را که در کمین قدرت و حاکمیت هانری سوّم است، از بین ببرد.

شاه که آدمی متکبّر و خودخواه می‌باشد، در مورد مرگ و زندگی دچار تردید و وسواس است و در فکر آن است که زمینه‌ی ازدواج با ملکه الیزابت را مهیا سازد و در مورد قتل‌عام روز سن بارتلمی تحقیقات به عمل آید تا عامل این خیانت فاش شود. وی در پی آن است که پیمان پاریس لطمه‌یی به قدرت شاه وارد نسازد و اعلام نموده که با هوگونوت‌ها بر سرِ جنگ نیست و خصومت و دشمنی را مردود می‌شمارد.

به افتخار مرد روحانی، پایتخت جدیدی بنا می‌شود. (فاتح پورسیکری *(Fatehpur Sikri)*، مرکز هند، ۱۵۷۶):

رم، ۱۶۱۴
کالو مادرنا (Calo Maderna)، نمای سر در کلیسای سنت پیتر (St Peter) را تکمیل کرد.
ژاپن، ۱۶۱۴
شوگون (Shogun) (امپراتور) توکوگاو ایاسو (Tokugawa Ieyasu) طی فرماندهی به سرکوبی مسیحیان اقدام کرد. کلیساهای کیوتو (Kyoto) ویران و هیأت‌های مذهبی تحت‌نظر قرار گرفتند. ۱۴۸ نفر مسیحی ژاپنی از جمله دای‌میو (Daimyo) (زمین‌دار بزرگ) به‌نام تاکایاما اوکون (Takayama Ukon) به آن سوی دریای ژاپن، مانیل (Manila) یا ماکائو (Macao) تبعید شدند. ارتش ژاپن چون از مسیحیان بیم داشت که باعث طغیان سپاهیان شوند، این فکر را به‌اجرا درآورد، زیرا احتمال این‌که با دخالت مسیحیان وفاداری نسبت به شوگون مورد خدشه قرار گیرد، وجود داشت.
انگلیس، ۱۶۱۴
جیمز پادشاه انگلیس از ریاست مجلس درخواست عفو کرد و بدین‌وسیله خود از سلطنت بدون ادعا کناره گرفت. پس از اجلاسیه‌ی پارلمان گفته شده بود که پادشاه را دستگیر کرده و در سیاه‌چال برج لندن محبوس سازند.
رم، ۱۶۱۴
پاپ برای سنت ترزا (St Teresa Avila) تقاضای امرزش و سعادت جاودانی کرد.
دانمارک، ۱۶۱۴
کمپانی دانمارکی هند شرقی تأسیس شد.
برزیل، ۱۶۱۴
فرماندار ریو دو ژانیرو (Rio de Janeiro) امور بازرگانی (خرید و فروش) و پرداخت مالیات را تحت نظم قرار داد.
لندن، ۱۶۱۴
جان وبستر (John Webster) نمایش‌نامه‌ی تراژدی انتقام به‌نام «دوشس مالفی (Duchess of Malfi)» را در لندن افتتاح کرد. این زن شجاع و فداکار با پیشکار خود ازدواج کرد، تنها مرد نیکوکار دربار خود که می‌توانست به وی اعتماد کند، لیکن نتوانست از دست برادران تبهکار خود بگریزد.
انگلیس، ۱۶۱۴
جان ناپیر (John Napier) ریاضیدان انگلیسی یک‌سری اعداد را در قواعد لگاریتمی ناپیر به‌کار برد.
فرانسه‌ی جدید، ۲۸ ژوئیه ۱۶۱۵
ساموئل شامپلن کاشف فرانسوی، در هفتمین سفر خود دریاچه‌ی هوورون را کشف کرد و از این مسیر توانست جهت صدور پوست خز به راحتی بهره‌مند شود.
فرانسه، ۱۶۱۵
آنتوان مونشرشتاین (Antoine de Montchrestien) درام‌نویس و اقتصاددان فرانسوی، رساله‌یی درباره‌ی سیاست اقتصادی فرانسه تنظیم کرد. سیاست پولی وی شباهتی به اسپانیا نداشت و عقیده داشت طلا پشتوانه‌ی خوبی برای اقتصاد نیست، چون سبب می‌شود مردم حریصانه به جمع‌آوری این فلز قیمتی بپردازند و طلا را از کشور به‌خاطر دست‌یابی به پول بیش‌تر خارج سازند. او هم‌چنین در راه ایجاد هرچه بیش‌تر مهاجرنشین‌های فرانسوی اقدام کرد.
پاریس، ۲۳ فوریه ۱۶۱۵
مجلس شورای عمومی تا اکتبر ۱۶۱۴ منحل شده بود و تا این تاریخ هیچ جلسه‌یی نداشت. این مجلس نتوانسته بود بر سر مالیات کلیساها به توافق برسد.
کانادا، ۱۶۱۵
هیأت‌های مذهبی فرانسیسکن‌ها کار خود را در کبک آغاز کردند.
هندوستان، ۱۶۱۵
نیروهای انگلیسی، قوای پرتغالی‌ها را در شهر بمبئی (Bombay) شکست دادند.
فرانسه، ۱۶۱۵
جهت تحکیم پیمان صلح فونتن‌بلو (Fontainebleau)، لویی سیزدهم با ملکه‌ی آن ملکه‌ی اتریش ازدواج کرد.
جنوب شرقی آسیا، ۱۶۱۵
هلندی‌ها جزایر ملوک (Moluccas) را از پرتغالی‌ها بازپس گرفتند.

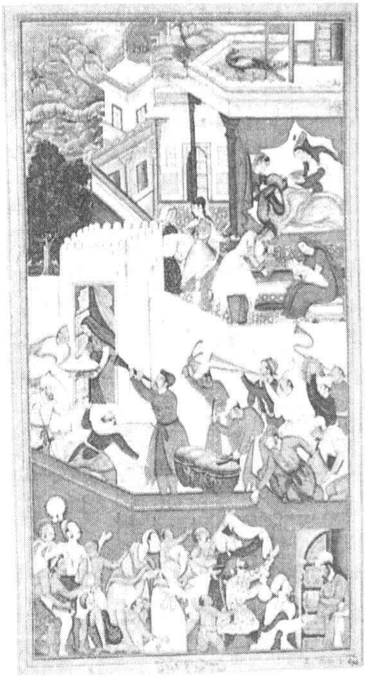
به دستور اکبر، امپراتور مغول هند، در منطقه‌ی سیکری پایتخت جدیدی در دست ساختمان است. این شهر در روی تپه‌ی مرتفع ساخته می‌شود که مشرف بر قصر پادشاه و مسجد مجاور آن است. معماری این شهر کاملاً هندی و شهر چهره‌ی هندی و مسلمان دارد.

برای قصر سلطنتی، یک سالن عظیم برای بارعام بر روی ستون‌های مرتفع و جهت استقرار وزرا و دولت، سالن ویژه‌یی در نظر گرفته شده و اطراف قصر با چهار پل به خارج ارتباط پیدا می‌کند. برای حرم دربار، یک ساختمان چهار اشکوبه با دیوارهای سنگی ساخته شده و ساختمان آن طوری است که زنان می‌توانند بیرون را نظاره کنند ولی از خارج داخل بنا دیده نمی‌شود.

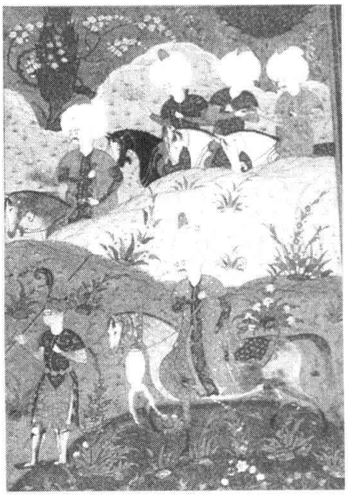
این شهر را به دستور اکبر امپراتور مغول، و به احترام شیخ سلیم کیشتی *(Shaikh Salim Chishti)*، مرد مقدّس و پیشگویی که توانست تولّد پسران وی به نام‌های سلیم (جهانگیر)، مراد و دانیال را پیشگویی کند، بنا کردند. او هم‌چنین پیروزی اکبر در راجپوت *(Rajputs)* و گجرات *(Gujarat)* را پیش‌بینی کرد. بدین مناسبت شهر را به نام سیکری فاتح‌پور به معنی شهر پیروزی نام نهادند.

شاه ایران بعد از ۴۳ سال سلطنت، دار فانی را بدرود گفت. (ایران، ۱۵۷۶):

شاه‌طهماسب صفوی، پس از ۴۳ سال سلطنت، درگذشت. او همواره از جنگ با عثمانی اجتناب می‌کرد، لیکن به خاطر استقلال و تمامیت ارضی، ناگزیر به جنگ اقدام می‌کرد. او قصد داشت که به کلّی ریشه‌ی ازبک‌ها را که مرز شمال شرقی ایران را تهدید می‌کردند، بِکند و در نتیجه حفظ صلح، مرزهای ایران از زمان شاه اسماعیل کمی محدودتر شد و قسمتی از سرزمین ایران به‌ویژه در شمال غرب از دست رفت. در عین حال دو فرزند وی به‌نام حیدر و اسماعیل برسر جانشینی وی همواره در مناقشه بودند. در جنوب غربی کشور در سال ۱۵۳۴ سلطان سلیمان قانونی شهر بغداد را تصرّف کرد. در شمال غرب کشور شاه سلیمان در سالهای ۱۵۳۴ و ۱۵۴۸ دوبار شهر تبریز پایتخت صفویه را اشغال کرد، به‌طوریکه شاه طهماسب مجبور شد، از سیاست توسعه زمین دست بکشد و چون در نبرد ۱۵۵۴



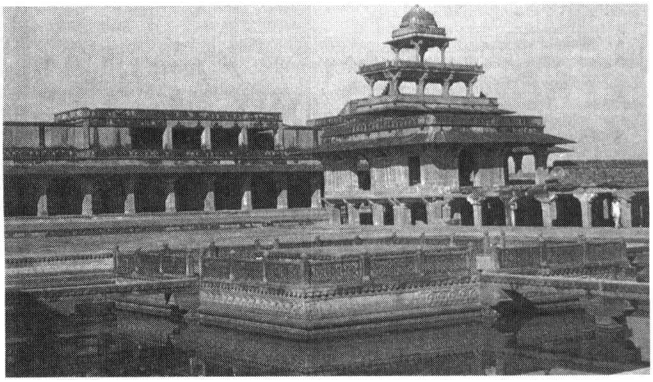
لحظه ی تولد سلیم، پسر اکبر امپراتور مغول هند، در شهر فاتح پور در سال ۱۵۶۹. نقاشی به تاریخ ۱۵۹۰ انجام شده.



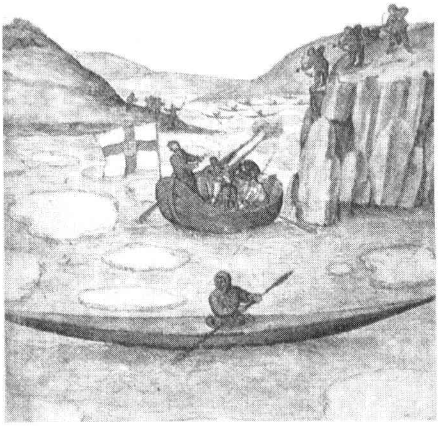
سلطان سلیم دوم، نقل از دیوان اشعار.



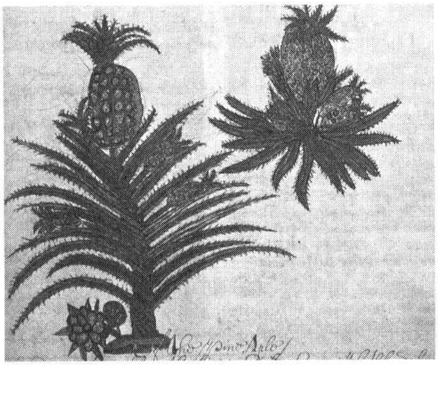
فروبیشر در جست و جوی کشف قطب زرین.



نمایی از حرم زنان دربار سلطنتی در شهر فاتح پور سیکریFatehpur sikri.



فروبیشر Frobisher و ملوانان او در زیر آتش بار به جزیره ی بافین نزدیک می شوند.



تصاویری نه چندان خوردنی بلکه هنری از میوه های شرقی.

پاریس، ۱٦۱۵
ماری دو مدیسی از سالومون بروس (Salomon de Brosse) درخواست کرد که قصری شبیه قصر پیتی (Pitti) در فلورانس در لوگزامبورگ (Luxembourg) برای وی بسازد، چون برای ملکه‌ی مادر این قصر خاطره‌ی زمان کودکی او را در شهر فلورانس تجدید می‌کرد.
انگلیس، ۱٦۱۵
یک مرد بازرگان انگلیسی، تجارت و صدور لباس را در انحصار خود قرار داد.
افریقای جنوبی، ۱٦۱۵
رمه‌داران خویزان (Khoisan) از انگلیس به دماغه‌ی نیک امید (Good Hope) رسیدند. آنها در سال گذشته برای یادگیری زبان، رسوم و عادات آنها و امور بازرگانی به آن منطقه رفته بودند.
فرانسه، مه ۱٦۱٦
پرنس کنده که در سال ۱۶۱۴ رهبری شورش نجبا را برعهده داشت، به عضویت شورای سلطنتی پیوست و به سمت فرماندار شهر بورژه (Bourges) برگزیده شد.
فرانسه، نوامبر ۱٦۱٦
ریشیلیو (Richelieu) توسط شورای سلطنتی احضار و به سمت وزیر جنگ و امور خارجه منصوب شد.
فرانسه‌ی جدید، ۲۰ ژانویه ۱٦۱٦
ساموئل شامپلن در دوئل با ایروکوا (Iroquois) زخمی شد و زمستان را در خانه‌اش واقع در هورون (Huron) سپری کرد.
ایتالیا، فوریه ۱٦۱٦
دادگاه انکیزیسیون، گالیله دانشمند نجوم ایتالیایی را زندانی کرد. گالیله برخلاف نظر دادگاه عقیده داشت که زمین خود یکی از اقمار خورشید است و خورشید در مرکز منظومه قرار دارد، در حالی‌که عقیده‌ی پیروان مسیح بر این بود که خورشید به دور زمین می‌گردد، چون ظاهراً این‌طور پیدا بود که خورشید از مشرق طلوع و در مغرب غروب می‌کند، در صورتی‌که عقیده‌ی اخترشناسان پیرو کوپرنیک (Copernican) خلاف آن بود.
مادرید، ۲۳ آوریل ۱٦۱٦
سروانتس (Cervantes) خالق سرگذشت دون کیشوت (Don Quixote)، جان سپرد.
انگلیس، ۲۳ آوریل ۱٦۱٦
ویلیام شکسپیر در موطن اصلی خود استراتفورد ان‌آون (Stratford-on-Avon) پس از سه سال مراجعت از لندن درگذشت. او با نمایش‌نامه‌های خود که در آن شهر نگاشته و به روی صحنه درآورد، به شهرت رسید.
ژاپن، یکم ژوئن ۱٦۱٦
شوگون توکوگاوا ایاسو بر اثر بیماری جان سپرد و پسر وی به‌نام توکوگاوا هایدتادا (Tokagawa Hidetada) جانشین وی گشت.
قطب شمال، ۱٦۱٦
ویلیام بافین (William Baffin) دریانورد انگلیسی در ادامه‌ی اکتشافات در شمال غرب از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام رسید و توانست در این مکان عمق اقیانوس منجمد شمالی را محاسبه کند و این دریا را به‌نام خود اسم‌گذاری کرد و پس از این‌که ناوگان او در پیداکردن مسیر شمالی توفیق نیافتند، بافین سرانجام به این نتیجه رسید که این مسیر شمالی نیست و بدین ترتیب به اشتباه خود پی برد.
امریکای جنوبی، ۱٦۱٦
ویللم شوتر (Willem Schouter) و ژاکوب لمر (Jacob Lemaire) برای اروپاییان راه جدیدی در اقیانوس آرام یافتند. بدین صورت که پس از دورزدن دماغه‌ی جنوبی به تنگه‌ی ماژلان (Magellan) رسیدند و این دماغه را به نام دماغه‌ی شاخ (Cape Horn) نامیدند.
ویرجینیا، ۱٦۱٦
اکنون جمعیت ویرجینیا بالغ بر ۳۵۱ نفر است که از این تعداد ۲۰۵ نفر در مزارع اشتراکی کار می‌کنند، ۸۱ نفر زمین اجاره‌یی و ۶۵ نفر از آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.
برزیل، ۱٦۱٦
پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها را از سن لویی دو مارینیان (St Louis de Maragnan) اخراج کردند و بدین ترتیب به فعالیت گروه‌های مهاجر در منطقه‌ی آمازون (Amazon) خاتمه دادند.
امریکای جنوبی، ۱٦۱٦
هلندی‌ها در گویان (Guiana) مهاجرنشینی بوجود آوردند.

باز هم از دولت عثمانی شکست خورد با امضای پیمان صلح آمازیا *(Amasia)*، حاکمیت آن کشور را بر میان‌رودان (بین النهرین) به رسمیت شناخت ولی آذربایجان آزاد شد و در اختیار دولت ایران قرار گرفت، لیکن شاه طهماسب از نظر احتیاط، محلّ پایتخت را تغییر داده و به نقطه نزدیک مرکز ایران یعنی به شهر قزوین برد.

در شرق ایران، طوایف آشوبگر و ظالم قرلباش با کمک عبیدالله حاکم ازبک، شهر هرات را از حکومت مرکزی جدا کردند، لیکن هنگامی‌که قشون شاه بدانجا رسید، به سهولت شکست خورده و شهر را رها کردند. با این وضعیت سرزمین خراسان در زمان حکومت طهماسب مورد تهدید قبایل ازبک قرار نگرفت.

در دوران فرمانروایی طهماسب، بردگانی که در سرزمین قفقاز می‌زیستند از موقعیت پیش آمده یعنی درگیری بین ایران و ترکها و اغتشاشاتی که طوایف قرلباش در سراسر ایران ایجاد کرده بودند، سود جسته و با کمک بومیان محلی تا مدّتی کنترل آن سرزمین به دست گرفتند.

فرو بیشر در جست‌وجوی گذرگاهی در شمال غرب لندن ۱۵۷۷):

کاپیتان مارتین فروبیشر *(Captain Martin Frobisher)* کاشف انگلیسی در سومین سفر خود که مدّت ۱۸ ماه به‌طول انجامید توانست، ناویان خود را مجاب کند به این‌که، بایستی گذرگاهی که از قطب شمال به کشور چین می‌پیوندد را پیدا کند، او سراسر شمال اقیانوس اطلس را پیمود تا مسیر موسوم به تنگه شمال غرب را بیابد.

درسال گذشته ناوگان تحت فرماندهی وی با عبور از دورترین نقطه غرب به‌طور مستقیم به منطقه گرین‌لند *(Greenland)* گروئنلند رسیدند و پس از طی ساحل گروئنلند به سوی راست اقیانوس منحرف شد و سرانجام به یک بندر آمریکایی دست یافت.

فروبیشر در قسمت شمالی آسیا به مردمانی بر خورد که آن‌ها را اسکیمو *(Eskimo)* می‌نامیدند و مقداری فلز سیاه رنگ را از انظار پنهان می‌کردند، یکی از

ناویان ایتالیایی می‌گفت که این فلز طلاست، لیکن زرگران لندن گفته‌ی او را تأیید نکردند.

امسال او در مسافرتی که بین ماه‌های مه و سپتامبر به منطقه‌ی قطبی انجام داد، مقدار ۲۰۰ تن طلا برای ملکه به ارمغان آورد و برای محفوظ ماندن آن، طلاها را در برج لندن جاسازی کرد. در زمانیکه تب به دست آوردن طلا همه‌گیر شد، وی دیگر مایل نبود که برای یافتن سرزمین چین (ختا *Cathay*) در آن مسیر دریانوردی کند (کشور چین را در آن زمان ختا می‌نامیدند و ختا و ختن، چین و هندوچین است) در عین حال برای وی مقدور نبود که ۲۰۰ تن سنگ معدن حاوی طلا را ذوب کند تا طلای خالص به دست آورد.

اسکیموها هم با جمع‌آوری سنگ حاوی طلا یا اور *(Ore)* موافق نبودند، چون آن را خطرناک می‌دانستند.

نیروهای اسپانیولی حتی زنان و کودکان را هم کشتند. (شهر گنت، هشتم نوامبر ۱۵۷۶):

سربازان اسپانیولی با تخریب حصار شهر آنتورپ *(Antwerp)*، سراسر شهر را به آتش کشیدند و آن‌چه را که در دسترس‌شان بود، غارت کردند، هشت هزار نفر را هلاک و یک‌هزار خانه را ویران کردند، سربازان اسپانیولی همه‌ی رهبران شورش را اعم از کاتولیک و پروتستان دستگیر کردند، شورشیان و سربازان به سبب اختلافات مذهبی رودرروی یکدیگر قرارگرفته بودند و چون همگی در تعصب غرق شده بودند، با خشم و خشونت بسیار با هم به جنگ پرداختند، لیکن در پایان روز، رهبران شورشی هابسبورگ هلند و نیروهای خصم با امضای پیمانی به نبرد پایان دادند و به‌طور نسبی آرامش در شهر گنت *(Ghent)* برقرار شد، در حالی‌که نیروهای نظامی اسپانیا، شورشیان را عامل این کشتار معرفی می‌کردند.

در حقیقت علّت اصلی این بلوا و شورش که منجر به خون‌ریزی شدید گردید، قانون مالیاتی است که به یک‌دهم پنی مشهور شده و این قانون در ۴ سال قبل یعنی در سال ۱۵۷۲ توسط دوک دو آلبا *(duke de Alba)* وضع شد و مردم را مجبور به پرداخت آن کرد و چون مردم از پرداخت آن سر باز زدند با خشونت و کشتار روبرو شدند.

در بدو امر هم چون ساکنان شهر گنت از وضع سیاسی متنفر بودند دست به شورش زده بودند که با واکنش شدید سربازان اسپانیولی برخورد کردند.

هزاران نفر از سربازان مسلّح، با تشکیل کمیته‌های انقلابی افسران اسپانیایی را از شهر بیرون راندند، سپس آشوب و بلوا آغاز شد.

در هنگام این شورش، هیچ چیز از بی‌رحمی و ستمگری سربازان نسبت به مردم نمی‌کاست. طبق مشاهدات یک خبرنگار انگلیسی، آنان به زنان و کودکان هم رحم نمی‌کردند. برای آن‌ها زن و مرد، پیر و جوان، افراد ضعیف یا زورمند، گدا و ثروتمند، کاتولیک یا معترف به گناه، تفاوتی نداشت و همه گرفتار خشم و غضب بودند و هیچ کس در امان نبود. آن‌ها تنها یک چیز را در نظرداشتند و آن هم پیروزی بر انقلابیون بود.

صدها کودک در شهر آنتورپ قربانی ظلم و ستم آن‌ها شدند و با این وصف خشونت سربازان اسپانیولی پایان نداشت.

برج بزرگی به روی پل لندن ساخته می شود که شباهت تامی به مشابه آن در هلند دارد. (لندن، ۱۵۷۸):

یک ساختمان جدید و غیرمعمول در بین خانه‌ها و مغازه‌های شهر و در جوار پل لندن ساخته شده است. این ساختمان از این نظر غیرعادی است که این برج در محلّ ساخته نشده، بلکه قسمت‌های مختلف آن در هلند درست شده و این قطعات را در محلّ وصل کردند. نظیر این کار تا به حال دیده نشده است.

در سال ۱۵۳۸ هم، قصر هنری هشتم به این ترتیب ساخته شد و مجریان آن هم همین معماران بودند و در نتیجه به نام طرح بی‌نظیر مشهور شد.

نیروهای صلیبی در نبرد با مسلمانان آفریقا شکست سختی خوردند. (مراکش، چهارم اوت ۱۵۷۸):

سباستین *(Sebastian)*، پادشاه پرتغال، در میدان جنگ قلعه الکبیر (نبرد سه پادشاه) کشته شد. هشت هزار سرباز پرتغالی به فرماندهی پادشاه در این جنگ شرکت داشتند که با کشته شدن فرمانده‌ی سپاه، روحیه‌ی خود را از دست دادند. آن‌ها در رؤیای پیروزی صلیبون بر مسلمانان غرق شده بودند.

سباستین در اوایل جوانی و هنگامی‌که فرمانده‌ی ناوگان جنگی پرتغال علیه کافران تعیین شده بود، همواره با تصمیم عاجل و قطعی، در صدد محو مسلمانان بود. در سال ۱۵۷۶، سباستین به بهانه‌ی این‌که مولای محمّد، شریف شهر فز *(Fez)*، که توسط پسر عموی خود و با حمایت دولت عثمانی از کار برکنار شده بود و شهر حکمران مستقلی نداشت، به آنجا حمله برد. چون فیلیپ دوّم، پادشاه اسپانیا، که از دختر سباستین خواستگاری کرده و قصد ازدواج داشت، تقاضایش رد شد، فیلیپ هم درخواست کمک سباستین را برای اعزام چند کشتی برای نبرد با مراکش نپذیرفت. با ردّ این تقاضا توسط فیلیپ، سباستین به اجبار مبالغ هنگفتی از پادشاهان اروپا وام گرفت تا مزدورانی برای جنگ با مراکش استخدام کند. به‌هر حال، سباستین با نیروی بی‌شماری که همه مجهّز بودند و به پیروزی در جنگ می‌اندیشیدند، روانه‌ی صحنه‌ی کارزار شدند. مع‌الوصف دچار شکست سختی شده و تلفات زیادی دادند و ۱۵ هزار نفر هم اسیر نیروهای نظامی مسلمانان مراکش شدند.

یکی از یهودیانی که تحت حمایت سلطان عثمانی بود، در استانبول فوت شد. (استانبول، ۱۵۷۹):

ژوزف نازی *(Joseph Nasi)*، دوک منطقه‌ی ناکسوس *(Naxos)*، در ایوان قصر شاه از دنیا رفت. وی یکی از یهودیانی بود که با دربار سلطان عثمانی ارتباط داشت. او یک یهودی پرتغالی بود که از حیطه‌ی تسلط دادگاه تفتیش عقاید گریخته و پس از سفرهای طولانی در سراسر اروپا، سرانجام به سلطان عثمانی پناهنده شد. وی فردی روشنفکر بود که در امور سیاسی و بازرگانی و مالی تخصص داشت و بدین جهت در دربار سلطان سلیمان قانونی پذیرفته شد.

استانبول، ١٦١٦
ساختمان مسجد سطان احمد مشهور به مسجد آبی (کبود) پایان یافت.

لهستان، ١٦١٦
کلیساهای پروتستان ها در شهر پوزنان (Puznan) ویران گردید.

ژاپن، ١٦١٦
بنادر ژاپنی به استثنای ناگازاکی (Nagasaki) و هیرادو (Hirado) به روی بیگانگان بسته شد.

انگلستان، ژانویه ١٦١٧
جیمز پادشاه انگلستان، جورج ویلیر (George Villiers) را به سمت ارل باکینگهام (Buckingham) منصوب کرد.

روسیه، نهم مارس ١٦١٧
قرارداد صلح استولبوو (Stolbovo) به اشغال سرزمین شمالی روسیه توسط سوئدی‌ها پایان داد. سوئدی‌ها هم اعلام کردند قلمرو کشورشان را تا دریای سفید گسترش خواهند داد و در ضمن بایستی تزار میخائیل رومانوف (Czar Mikhail Romanov) مقام خود را به بوریس گدانف (Boris Godunov) بدهد و شهرهای ساحل بالتیک هم در اختیار وی قرار گیرد.

فرانسه، ٢٤ آوریل ١٦١٧
کونچینو کونچینی (Concino Concini) که توسط ماری دومدیسی به نیابت سلطنت برگزیده شده بود، به دستور لویی سیزدهم پادشاه جوان فرانسه اعدام شد و لاین (Luynes) را به‌جای وی گمارد. هم‌چنین وی ملکه‌ی مادر را به همراه ریشیلیو (Richelieu) به بلوا (Blois) تبعید کرد.

ویرجینیا، مه ١٦١٧
جان رولف (John Rolfe) ناخدای انگلیسی پس از تأسیس یک مهاجرنشین در نزدیک صحرای جیمز تاون، بازگشت. آنان در منطقه اقدام به کشت توتون کردند.

رم، ٣٠ اوت ١٦١٧
رزا دو لیما (Rosa de Lima) اهل پرو، نخستین فرد روحانی بود که به مقام مقدس مذهبی برگزیده شد.

لیسبون، ٢٥ دسامبر ١٦١٧
فرانسیسکو سوآرز (Francisco Suarez) عالم الهیات و قانوندان ژزوئیت‌مذهب اسپانیایی، جان سپرد. وی در سال ١٥٩٧ به پیشنهاد فیلیپ دوم نخستین کرسی الهیات را در دانشگاه کویمبرا (Coimbra) اشغال کرد. او در کتاب‌هایش مطالب زیادی علیه جیمز پادشاه انگلیس نگاشته است.

استانبول، ٢٢ دسامبر ١٦١٧
مصطفی به جانشینی احمد به‌عنوان پادشاه عثمانی معرفی شد.

ویرجینیا، ٢٣ دسامبر ١٦١٧
قانون مجازات کیفری در این مهاجرنشین به‌مورد اجرا درآمد.

اسپانیا، ١٦١٧
اسپانیا با امضای پیمان همکاری با پاویا (Pavia) و ساووی (Savoy) به تجهیز قوا علیه فرانسه پرداخت.

افریقای غربی، ١٦١٧
هلندی‌ها جزیره‌ی گوره (Goree) را از بومیان دماغه‌ی سبز (Cape Verde) خریدند.

هلند، ١٦١٧
ویل برورد اسنلیوس (Willebrord Snellius) ریاضیدان هلندی، برای محاسبه‌ی مساحت مثلث، طریقه‌ی جدیدی ابداع کرد.

ژاپن، ١٦١٧
خاکستر جسد شوگون (امپرتور) توکوگاوا ایاسو (Tokugawa Ieyasu) را از شهر ادو به قبرستان نیکو (Nikko) انتقال دادند.

ژنو، ١٦١٧
ژان کالون عالم الهیات، نوشته‌های خود درباره‌ی کودکان متولد شده پیش از مرگ پدر را انتشار داد.

آلمان، ١٦١٧
هاینریش شوتز (Heinrich Schutz) آهنگساز آلمانی، به سرپرستی گروه نوازندگان ساکسونی (Saxony) در درسدن (Dresden) انتخاب شد.

ایران، ١٦١٧
سپاهیان دولت عثمانی بر لشگریان شاه عباس پادشاه ایران غلبه کردند.

سوئد، ١٦١٧
به فرمان روحانیت کاتولیک، اوربرو (Orebro) کشیش کاتولیک‌مذهب سابق مورد پیگیری قرار گرفته و محکوم شد، چون وی مذاهب دیگر را بر آن ترجیح می‌داد.

هنگامی که سلیمان به سلطنت رسید، وی را به‌عنوان دوک ناکسوس انتخاب و در اعداد دیپلمات‌ها پذیرفت. در ضمن به او اجازه داد که در شهر طبریه *(Tiberias)*، نزدیک اسراییل، یک مستعمره یهودی‌نشین به‌وجود آورد.

در بدو امر، یهودیان منطقه به او مشکوک بودند و او را جاسوس می‌پنداشتند، لیکن نازی سوگند یاد کرد که دشمن اسپانیا و ونیز می‌باشد و با حمایت کشورهای ساحل پست اروپایی، اقدام به این کار کرده است (کشورهایی که سرزمین آن‌ها از سطح دریا پایین‌تر است، به این نام موسومند؛ مانند هلند) و در نظر دارد که قبرس و ونیز را تصرّف کند.

ساختمان دژ با شکوه ژاپن به پایان رسید. (ژاپن، ۱۵۷۹):

یکی از جنگجویان ژاپنی به نام اودا نوبوناگا *(Oda Nobunaga)* قلعه‌ی عظیمی در ساحل دریاچه‌ی بیوا *(Biwa)* بنا کرده که از تمام سطح دریاچه نمایان است. این دژ تنها یک قلعه‌ی نظامی نیست، بلکه مانعی است بر سر راه تهاجم کشورهای شرقی و در برج دیده‌بانی آن، کوچک‌ترین حرکات دشمن دیده می‌شود که از نظر سوق‌الجیشی بسیار واجد اهمّیت می‌باشد. این بنا هم‌چنین از نظر استحکام، زیبایی و معماری، با دژهای اروپایی برابری می‌کند. دیوارهای قلعه با سنگ‌های سخت بنا شده و اسکلت داخلی از چوب‌های محکم ساخته شده است. منظره‌ی داخلی و دیوارهای آن هم با نقش‌های رنگین منقش گشته و در حقیقت مکانی است برای پذیرایی از مهمانان. در اطراف این دژ هم ساختمان‌هایی به سبک ژاپنی، به رنگ طلایی، برای مدافعان مرزها ساخته شده که در آینده در اینجا شهری بنا خواهد شد.

سرزمین‌های پایین‌تر از دریا در کنفرانس اوترخت به کلّی از هم جدا شدند. (اوترخت *(Utrecht)*، ۲۳ ژانویه ۱۵۷۹):

نمایندگان شش ایالت هابسبورگ هلند، امروز در ملاقات با یکدیگر با امضای یک پیمان تاریخی، همکاری نظامی مشترک خود را اعلام کردند که در تمام زمینه‌ها با هم تشریک مساعی نمایند. از جمله‌ی نکات برجسته‌ی این پیمان آن بود که هر ایالت می‌تواند رأساً به تشکیل دولت مستقل اقدام کند.

در مقدمه‌ی اعلامیه هیچ اشاره‌یی به نام پادشاه اسپانیا نشده و حتا ذکری نسبت به این‌که ایالات مذکور در عقاید کاتولیکی باقی بمانند، نگردید، هم‌چنین باب سازش و آشتی با اسپانیا هم‌چنان بسته ماند زیرا هیچ کس با دوستی با آن کشور موافق نبود.

بدون شک، پیمان اوترخت جایگزین اتحادیه‌ی کشورهای با ساحل پست گردید. در اوایل همین ماه، در شهر آراس *(Arras)* واقع در والونز *(Walloons)*، کاتولیک‌های جنوب هلند همبستگی خود را با ایالات های‌نو *(Hainaut)* و آرتوآ *(Artois)* اعلام داشتند و دوک ناحیه‌ی پارما *(Parma)* باب مذاکرات سازش و پیروی از ارباب بزرگ (اسپانیا) را گشودند و بدین ترتیب قدرت خود را به رُخِ پروتستان‌ها کشیدند.

نکته‌یی را که نباید فراموش کرد این است که اسپانیا در این مستعمره‌ی اروپایی ناکام ماند و تفرقه و شکاف ایجاد شده که اساس مذهبی داشت، منطقه را دچار آشفتگی ساخت و این درست در زمانی صورت گرفت که حکومت اسپانیا رودرروی قدرت بزرگ عثمانی در دریای مدیترانه قرار گرفته بود و مهم‌ترین نقطه‌ی امید دولت اسپانیا که همانا وجود دون ژوان *(Don John)* پادشاه اتریش و فرماندار جدید هابسبورگ بود، که می‌توانست تمام اختلاف را حل کند، در اثر ابتلای به طاعون از دنیا رفت.

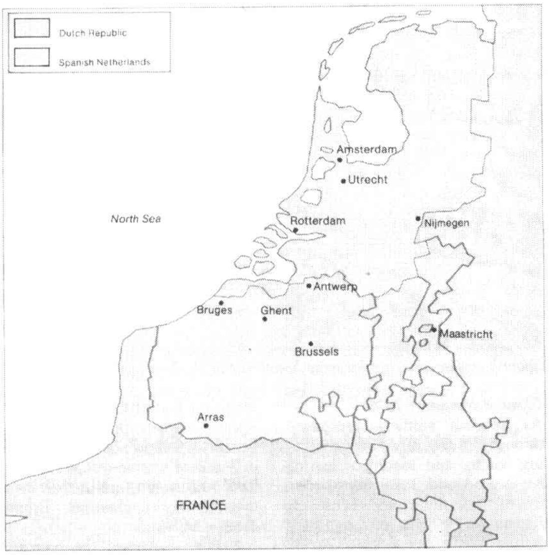
اعتراض لوتران‌ها *(Lutherans)* بر ضدّ کالوینیست ها *(Calvinists)* (دِرسدِن *(Dresden)* آلمان، ۲۵ ژوئن ۱۵۸۰):

جیمز آندره‌یی *(James Andreae)*، رییس دانشگاه توبینگن *(Tubigen)*، در یک مقاله‌ی هفده هزار کلمه‌یی بسیار ترسناک، تمام کلیساهای لوتری را برای بهبود وضعیت و التیام تفرقه‌پراکنی‌ها دعوت کرد. این مقاله امروز به مناسبت بیست و پنجمین سال قبول اعتراف‌نامه‌ی کاتولیکی اوگسبورگ *(Augsburg)* و به نام (فرمول توافق و هماهنگی) انتشار یافت.

رساله‌ی مذکور که در تأیید مجدد آیین اعتراف که به وسیله‌ی لوتران‌ها در سال ۱۵۳۰ منتشر شده بود و



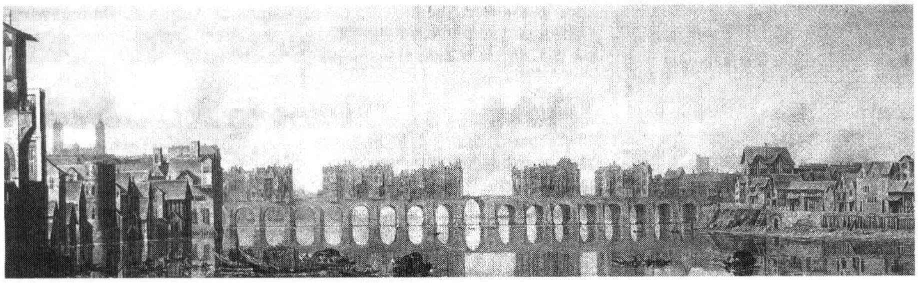
سباستیان Sabastian که در نبرد مقدس مبارزان شکست خورد.



نقشه ی جمهوری هلند و متصرفات اسپانیایی این سرزمین.



سربازان مزدور اسپانیولی در نبرد بی رحمانه علیه ساکنان شهر هارلم Harlem در هلند



پل لندن در سده ی ۱۷، نخستین راه عبور که پایتخت را از راه رود تیمز به نواحی اطراف مربوط می سازد.

در حقیقت قلب و کانون دکترین دینی پس از کتاب انجیل و سه فرمان است، صادر شد. مفاد این اعلامیه، کاتولیک‌ها را دعوت به صلح و آشتی می‌نماید و از سویی کالوینیست‌ها را مورد حمله قرار می‌دهد. سرنوشت و تقدیر را مردود شمرده و افکار کفرآمیز را هم مورد تقبیح قرار می‌دهد.

تا سال ۱۵۷۰، عقاید کالوینیستی از هایدلبرگ *(Heidelberg)* به راین‌لند *(Rhineland)*، وستفالی *(Westphalia)* و ناسو *(Nassau)* میهن سلسله‌ی اورانژ گسترش یافت. لودویگ *(Ludwig)* فرمانروای ناحیه سعی می‌کرد که این عقاید را انحرافی بنامد و به همین خاطر ۵۰۰ نفر از رهبران فرقه‌ی کالون را تبعید کرد. امّا در آلمان و در حال حاضر، کالوینیست‌ها برای فرقه‌ی لوتران خطرناک‌تر از کاتولیک‌ها به‌شمار می‌روند و کانون تهدیدی برای پیروان لوتر محسوب می‌شوند.

بریتانیا، به دِریک دزد دریایی، برای مراجعت به وطن خوش‌آمد می گوید. (پلیموت *(Plymouth)*، انگلیس، ۱۵۸۰):

فرانسیس دِریک *(Francis Drake)*، دزد دریایی انگلیسی، پس از سه سال سفر دور دنیا و گذشتن از دماغه‌ی کیپ *(Cape)* و امیدنیک، امروز در حالی‌که همه‌ی ملوانان و کشتی‌های وی سالم بودند، با گنجینه‌یی از ذخایر اسپانیولی‌ها به موطن خود شهر دِون *(Devon)* بازگشت. این گنجینه می‌توانست از مالیات فرد فرد مردم اسپانیا بکاهد.

اسپانیا جهت رسیدگی به این امر به دادگاه شکایت برد. سؤالی که مطرح شده این است که با وجود مردان سلحشور و شوالیه‌های اسپانیولی، چطور این سرقت صورت گرفته و از این بابت دولت اسپانیا از آنان دل سرد شده است.

اوّلین مردی که به عزم سفر دور دنیا با کشتی حرکت کرد، کاپیتان ماژلان *(Magellan)* بود که در حین سفر بر اثر حوادثی به هلاکت رسید. لیکن دِریک که نرم‌خو و ملایم بود و به ملوانانش ملاطفت می‌ورزید، موفق به انجام این کار شد و قهرمان گردید.

در سال ۱۵۷۷، دِریک با حمایت ملکه و سه کشتی، با درایت کامل برای این‌که ناوگان اسپانیا را فریب دهد اعلام کرد که عازم بندر اسکندریه‌ی مصر می‌باشد. وی پس از رسیدن به اسکندریه به سوی غرب شتافته و از نزدیک خط استوا گذشت. ناوگان او در کمال آرامش بدون این‌که توجهی به شورشیان بندر ژولیان *(Julian)* داشته باشد، راه مستقیمی را که ماژلان به سوی شمال طی کرده بود، ادامه داد. دِریک توصیه‌های توماس داوتی *(Thomas Doughty)* فرمانده‌ی پیشین خود را در این مورد به کار بست. اکنون دیگر معلوم بود که دِریک در پی یافتن محلّ گنجینه‌ی اسپانیولی‌ها در ساحل اقیانوس آرام می‌باشد. دِریک بدون در دست داشتن یک نقشه‌ی صحیح، مسافت ۴۸۰ کیلومتر را به‌طور مستقیم درمدت ۱۶ روز پیمود و گاهی ناچار می‌شد که یک تنه با یک کشتی مقداری از دریا را طی کند.

در همین هنگام، ناوگان وی گرفتار توفان شد و یک کشتی را غرق کرد، یکی دیگر از کشتی‌ها هم به انگلیس برگشت و دِریک این امر را یک عقب‌گرد طلایی نامید.

دِریک برای آن‌که از توفان فرار کند به سوی شمال روانه شد و پس از گذشت ۲۵ روز به دورترین نقطه‌ی جنوبی دماغه‌ی کیپ رسید. در تاریخ اوّل مارس ۱۵۷۹ ورق برگشت و بخت با دِریک یار شد. وی بدون استفاده از سلاح آتشین و سرباز، به گنجینه‌ی اسپانیا که حاوی ۲۶ تن نقره و ۴۰ کیلو طلا و ۱۳ صندوق پول و مقدار زیادی جواهر بود، دست یافت. این نخستین بار بود که طی یک مسافرت این مقدار پول و جواهر نصیب وی می‌شد. ملوانان پس از بارگیری کشتی، به قصد وطن خود انگلیس، راه شمال را پیش گرفتند و برای اغفال حریف از راه سان فرانسیسکو *(San Francisco)* پس از مدّت ۶۸ روز به انگلیس رسیدند. این کار باعث شهرت و برتری وی بر ناوگان اسپانیا شد، در حالی‌که اسپانیا تنها به شکایت اکتفا کرد.

چرخیدن چراغ سقفی در اثر زلزله‌ی ایتالیا، گالیله را غرق تفکر نمود. (پیزا *(Pisa)*، ایتالیا، ۱۵۸۱):

انگلیس، ۱۶۱۷
بن جانسون شاعر و نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی، نخستین شاعری بود که از جیمز پادشاه انگلیس مدال افتخار دریافت کرد.

رود هودسن (*Hudson*)، ۱۶۱۷
بازرگانان هلندی مهاجرنشین فورت ناسو (Fort Nassau) را که از سال ۱۶۱۴ تأسیس کرده بودند، تخلیه کردند.

پراگ، ۱۶۱۷
ماتیاس (Matthias) دوم امپراتور، فردیناند عموزاده‌ی خود را به پادشاهی بوهم منصوب کرد.

انگلیس، هفتم ژانویه ۱۶۱۸
فرانسیس بیکن (Francis Bacon) سیاستمدار انگلیسی، به نخست‌وزیری انگلیس منصوب شد و لقب لرد ورولام (Lord Verulam) به وی اعطا شد.

نیوانگلند، آوریل ۱۶۱۸
شیوع بیماری آبله مردم را در سراسر منطقه‌ی نیوانگلند (New England) به‌حالت جنون درآورده و بیماری به سراسر ساحل ویرجینیا هم سرایت پیدا کرده است. اقوام هندی از ناحیه‌ی رود پنوب‌اسکات (Penobscot) در (ماین (Maine)) تا خلیج نارانگانست (Narrangansett) (رود آیلند (Rhode Island)) به‌شدت گرفتار این بیماری شده و ۹۰ درصد جمعیت خود را از دست داده است. با این نسبت این منطقه در سال دیگر جمعیت خود را به‌کلّی از دست خواهد داد. نخستین قربانی این مرض پاوهاتان (Chief Powhatan) دختر رییس قبیله‌ی پوکاهونتاس (Pocahontas) و همسر یک مهاجر است که در سال گذشته پس از دیداری از انگلیس هنگام پیاده‌شدن از کشتی گراوسند (Gravesend) جان خود را از دست داد.

بروکسل، ۲۸ سپتامبر ۱۶۱۸
نخستین بنگاه رهنی در محله‌ی کاتولیک‌نشین هلند گشوده شد. مردمان طبقه‌ی متوسط اجتماع می‌توانند از این بانک با گروگذاری اموال خود پول دریافت کنند، چون بهره‌ی آن در سطح پایین است و اموال‌شان هم از ضمانت بنگاه برخوردار است.

انگلیس، ۲۹ اکتبر ۱۶۱۸
سر والتر رالی (Sir Walter Raleigh) به‌قتل رسید و این امر در اسپانیا آرامش ایجاد کرد.

ویرجینیا، ۱۸ نوامبر ۱۶۱۸
آرگال (Argall) فرماندار محلی به‌خاطر کمبود محصول که مورد انتقاد عمومی مردم قرار گرفته، احضار شد و مورد بازجویی رسمی کمپانی قرار گرفت و سر جورج یاردلی (Sir George Yardley) به‌عنوان فرماندار جدید به‌جای او منصوب شد.

آلمان، ۱۶۱۸
از سال ۱۶۱۱ تعداد ۳۹۰ نفر به جرم جادوگری توسط مأموران ناحیه‌ی کلیسایی الوانگن (Ellwangen) در آتش سوزانده شدند.

ویرجینیا، ۱۶۱۸
فرماندار محلی اعلام کرد که افرادی که به کلیسا نروند، به زندان محکوم خواهند شد و دست و پای آن‌ها در هنگام شب در غل و زنجیر گرفتار می‌شود و پس از آن هم به بردگی کشانده خواهند شد.

بوهم، ۱۶۱۸
کنت تورن (Count Thurn) رهبری شورش را بر ضد سیاست نایب‌السلطنه‌ی پراگ که حامی کاتولیک‌هاست، در دست گرفت.

مجارستان، ۱۶۱۸
فردیناند (Ferdinand) دوک اعظم که در سال ۱۶۱۷ به پادشاهی بوهم رسیده بود، تاج پادشاهی مجارستانی را هم بر سر گذارد.

فرانسه، ۱۶۱۸
ریشیلیو (Richelieu) به اتهام همکاری با ماری دومدیسی ملکه‌ی مادر در توطئه تبعید شد.

اسپانیا، ۱۶۱۸
لوپ دو وگا (Lope de Vega) نمایش‌نامه‌ی «سرچشمه‌ی انقلاب» که داستان کلبه‌هایی به همین نام می‌باشد را به روی صحنه آورد.

آنتورپ، ۱۶۱۸
آنتونی وان دیک (Anthony Van Dyck) هنرمند، تابلوی نقاشی شهرهای زرین را به انتها رسانید.

برزیل، ۱۶۱۸
رژیم کشور برزیل اعلام کرد که کاشفان معادن می‌توانند مالک معادن کشف‌شده‌ی خود باشند، مشروط بر آن‌که این معادن برای نخستین‌بار کشف گردیده باشد و این از حقوق قانونی آن‌هاست.

یک دانشجوی پزشکی ۱۷ ساله به نام گالیلئو گالی‌لئی (*Galileo Galilei*) که در دانشگاه شهر پیزا مشغول تحصیل بود و در هنگام وقوع زلزله‌ی شهر در کلیسای بزرگ آنجا به سر می‌برد، با شروع تکان‌های شدید زمین مشاهده کرد که چراغ‌های بزرگ سقف کلیسا در نوسان است. او مشاهده کرد که با حرکت زمین، چراغ‌ها هم به همان ترتیب به چرخش درمی‌آیند. بدین ترتیب که بین حرکات زمین و چراغ‌ها ارتباطی وجود دارد و این ریتم کاملاً منظم و بستگی کامل با تکان زمین دارد. گالیله در افکار خود پی برد که بین لرزش زمین و ارتعاش شمع‌های سقف باید یک ارتباط مکانیکی وجود داشته باشد.

گالیله در سال ۱۵۶۴، در یک خانواده‌ی موسیقی‌دان متولّد شد و پس از طی دوران کودکی، هنگامی‌که برای تحصیل پزشکی به دانشگاه رفت، با خود اندیشید که اگر به تحصیل در این رشته ادامه دهد، از نظر تئوری و تجربی به موفقیت‌هایی دست خواهد یافت. وی در حین تحصیل علم پزشکی، چون به علم هندسه علاقه‌مند بود، گاهی سر کلاس درس یکی از مشهورترین معلّمان این علم به نام اوستیلیوریکی (*Ostilio Ricci*) حاضر می‌شد و به درس استاد گوش می‌کرد، لیکن بزرگ‌ترین مشکل او جنبه‌ی مالی داشت و قادر به پرداخت هزینه‌ی تحصیلی خود نبود.

وی مقداری پول داشت که آن را از حق التدریس به دست آورده بود. در همین هنگام بود که زلزله شهر پیزا (*Pisa*) را تکان داد و جنبش شمعدان‌های سقفی وی را به تفکر واداشت.

فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا، سرزمین پرتغال را ضمیمه‌ی قلمرو خود ساخت. (پرتغال، ۱۵۸۰):

فیلیپ پادشاه اسپانیا، کشور پرتغال را به سرزمین خود الحاق کرد و با این عمل مستقیماً به اقیانوس اطلس دسترسی پیدا کرد و سرزمین‌های تحت سلطه‌ی آن کشور را هم‌چون سرزمین وسیع برزیل، تصاحب کرد، متصرفات پرتغال، کلکته (*Calicut*) و جزایر ملوک (*Moluccas*) را هم شامل می‌شد. وی در این راه از نیروی نظامی خود کمک گرفت تا مناطق آفریقایی پرتغال را هم به دست آورد.

دولت اسپانیا پس از دو سال مانورهای سیاسی و نظامی، سرانجام با اعزام سپاهیان خود برای جلوگیری از شورش‌های میهنی، به اهداف خود دست یافت. از سویی به کورتس *(Cortes)* که یکی از نزدیکانش بود فرمان داد که کنفراسی با شرکت سران کشور پرتغال تشکیل دهد تا این اقدام را رسمی و قانونی جلوه دهد. کورتس هم در آن اجلاس سوگند یاد کرد که به تمام قوانین و مقرّرات و آداب و رسوم پرتغال وفادار خواهد ماند و در همان هنگام اعلام کرد که قانون اساسی کشور پرتغال را به رسمیت می‌شناسد.

مشکلات پرتغال از زمانی آغاز شد که سباستین سپاهیان خود را به نام لشگریان صلیبی به شمال آفریقا (مراکش) بُرد و در آن جنگ، ارتش پرتغال از هم پاشید و شخص پادشاه و عدّه‌ی زیادی از سران کشور را به کشتن داد.

با مرگ سباستین پادشاه پرتغال، چون جانشینی نداشت، تخت و تاج کشور بلاصاحب ماند و عموزاده‌ی وی به نام کاردینال هنری، مدتی به کرّ و فرّ مشغول شد، لیکن فیلیپ او را از کشور اخراج کرد.

فیلیپ پس از آن‌که رقیب خود را از کشور راند، خود را جانشین سباستین خواند، بدین مقصود با ثروت پرتغال از ورشکستگی اسپانیا ممانعت به عمل آورد و به ملّت هم وعده‌ی آزادی داد و برای سرکوب حریفان اعلام کرد که زمینه‌های آزادی را فراهم کرده است. لیکن چون اصولاً پرتغالی‌ها افکار ضدّ اسپانیولی داشتند و این موضوع هم خلق‌الساعه نبود و سوابق آن در نسل‌های گذشته وجود داشت، آزادی‌خواهان لیسبون *(Lisbon)* به فیلیپ اولتیماتوم دادند. لیکن با خودخواهی و جهالتی که در شخص فیلیپ وجود داشت، وی برای سرکوبی شورش، سپاهی به فرماندهی دوک آلبا *(duke Alba)* به آنجا اعزام کرد.

فیلیپ به علّت مشکلات اقتصادی، سرزمین پرتغال را ضمیمه‌ی خاک خود کرد، چون این امر برای اسپانیا متضمن منافع زیادی بود.

کلیسا انکیزیسیون *(Inquisition)* را تحریم می‌کند. (مادرید، ۱۵۸۱):

درست بیش از یک سده از تشکیل دادگاه تفتیش عقاید اسپانیا به فرمان پاپ در سال ۱۴۷۸، می‌گذرد و در این مدّت انتقاداتی درباره‌ی ایجاد این دادگاه به وسیله‌ی اربابان کلیسای کاتولیک صورت گرفته است. هرچند فرقه‌ی ژزوئیت رسماً توسط کلیسای رم تایید نشده است، لیکن خوان دو ماریانا *(Juan de Mariana)* در کتابی فهرست فرقه‌های تحریم شده را به نگارش درآورده است.

کاتولیک‌ها آشکارا در قید و بند تاریخچه‌ی تأسیس فرق مسیحی نیستند و غیر از عقاید خود باورهای غیرخودی را نمی‌پسندند.

گرچه دادگاه انکیزیسیون به دستور پاپ تأسیس شده بود، معهذا عامل اصلی و مسؤول مستقیم آن پادشاه اسپانیا بود. نخستین بازجوی عمومی این دادگاه، توماس تورکومادا *(Thomas de Torquemada)* بود که قبلاً از پیروان مکتب دومی نیکن *(Dominican)* به‌شمار می‌رفت، ولی در سده‌ی پیش، وی یکی از وکلای کاتولیک شد و پیش از آن‌که یک راهب مسیحی باشد، یکی از طرفداران پروپاقرص انکیزیسیون گردید.

در قرن پانزدهم، دادگاه تفتیش عقاید شهرت بسیار بدی پیدا کرد، چون مردم آنجا را مرکز زجر و آزار و شکنجه می‌دانستند و از آن بسیار وحشت داشتند. این دادگاه در مورد تمام فرقه‌های مسیح ظلم و جور روا می‌داشت، خاصّه در مورد یهودیان.

در این مدّت چند هزار یهودی از ترس شکنجه و سوزانده شدن به دین مسیح گرویدند. تعداد زیادی از آن‌ها دستگیر و زندانی شدند و عدّه‌یی هم که نسبت به دین و عقاید خود بستگی بیشتری نشان می دادند، تحت آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و اگر هم تسلیم می‌شدند و نسبت به باورهای خود خیانت می‌کردند، مورد مرحمت واقع می‌شدند و می‌توانستند روابط دوستانه با حکومت داشته باشند.

عدّه‌یی هم که مقاومت می‌ورزیدند، با سوزاندن به مجازات می‌رسیدند. به‌هر حال آن روزها به پایان رسید و از شدّت خشونت کاسته شد. در سال‌های اخیر، در اسپانیا تنها شاید سه یا چهار نفری به جرم ارتداد اعدام

ویرجینیا، ۱۶۱۸
سرفصل قوانین مصوبه مبنی بر آن است که هر فرد مهاجر می‌تواند ۵۰ جریب زمین را در معبر وسطای اقیانوس اطلس خریداری کرده و در آن سرمایه‌گزاری کند.

ویرجینیا، ۱۶۱۸
مهاجرنشینان شروع به زراعت غلات در منطقه کردند.

انگلیس، ۱۶۱۸
جیمز پادشاه انگلیس، با انتشار کتابی که در آن اشاره شده بود که در روزهای یکشنبه به‌جای عبادات کلیسا به بازی‌های ورزشی پرداخته شود، ابراز تمایل کرده است. این موضوع باعث خشم پوریتن‌ها (Puritans) شده است.

فرانسه، نهم فوریه ۱۶۱۹
طبق نوشته‌ی لوچیلیو وانی نی (Lucilio Vanini)، ژولیو سزار (Giulio Cesare) به اتهام جادوگری و انکار وجود خداوند زنده در آتش و در شهر تولوز (Toulouse) سوزانده شد. وی با پیروی از عقل و منطق خود به این نتیجه رسید که طبیعت خودبه‌خودی است و با این باور او را از شهر ناپل (Naples) راندند و به انگلیس پناهنده شد و از انگلیس به فرانسه تبعید شد. در پاریس و در سال ۱۶۱۵ وی کتاب «تماشا ضد مشیت الهی» را نوشت و در سال ۱۶۱۶ رساله‌ی «اسرار طبیعی» را تألیف کرد که با بررسی های دانشگاه سوربون (Sorbonne) حکم الحاد او تأیید شد.

آلمان، ۲۰ مارس ۱۶۱۹
ماتیاس (Matthias) دوم امپراتور مقدس رم درگذشت.

ویرجینیا، ۱۴ اوت ۱۶۱۹
مجلس شورای ایالتی ویرجینیا که در جیمز تاون (James Town) پایتخت تشکیل می‌شود، یک‌سری قوانین شدید علیه میخوارگی، قماربازی، تنبلی و اعمال خلافی که حتی منجربه مرگ طرف مقابل نشود، مثل مردم‌آزاری و هم‌چنین اقداماتی که باعث ازبین‌رفتن درختانی هم‌چون توت، انگور و کنف (شاهدانه) به‌طوری‌که این درختان ضایع شده و از بین بروند، شود، وضع کرد. هم‌چنین هر بخشی موظف است که تأسیساتی جهت آموزش کودکان بوجود بیاورد.

بوهم، ۲۶ اوت ۱۶۱۹
فردریک (Frederick) پنجم پروتستان‌مذهب به‌عنوان پادشاه جدید بوهم انتخاب شد. در ضمن فردیناند کنت ناحیه‌ی هابسبورگ (Habsburg) که در سال ۱۶۱۷ به رسمیت شناخته شده بود، عنوان پادشاهی پیدا کرد.

آلمان، ۲۸ اوت ۱۶۱۹
در پی مرگ ماتیاس دوم، امپراتور فردیناند (Ferdinand) عموزاده‌ی او که از سال ۱۶۱۸ تا دو روز پیش پادشاه مجارستان بود و از آن روز به پادشاهی بوهم نیز رسید، با بی‌تفاوتی و عدم تمایل به امپراتوری مقدس رم منصوب شد. او تاکنون مراسم سوگند وفاداری نسبت به بوهم را اجرا نکرده و آن را نپذیرفته است، زیرا پیش از این پیمان همکاری با ماکسیمیلیان دوک باواریا و عهدنامه‌ی کاتولیکی را علیه دوک‌نشین‌های بوهم (Bohemia) امضا کرده است.

ویرجینیا، اوت ۱۶۱۹
یک کشتی بادبانی هلندی در بندر جیمز تاون لنگر انداخت و ۲۰ نفر از سیاهان افریقایی را به‌عنوان دستیار پیش‌خدمت در آن‌جا پیاده کرد. این نخستین‌بار است که یک کشتی محموله‌ی خود را در یک مجتمع انگلیسی در امریکای شمالی تخلیه می‌کند. این بردگان افریقایی چون به اخلاق و قوانین محلی آشنا نیستند، تنها می‌توانند به کار در معادن بپردازند و یا در مزارع به کارگری مشغول شوند.

ویرجینیا، ۱۶۱۹
با ورود ۱۲۰۰ نفر از مهاجران جدید، جمعیت اینجا به سه‌هزار نفر رسید. این تازه‌واردان اغلب مردانی هستند که کارگران کارخانه بوده و در خانواده‌ی کارگری به‌دنیا آمده و بزرگ شده‌اند. به همراه آن‌ها تعداد ۹۰ نفر زن و ۱۰۰ بچه که در محلات کثیف لندن زندگی می‌کرده‌اند، وجود دارند.

روسیه، ۱۶۱۹
پایتخت حاکم‌نشین ینی‌سی‌یسک (Yeniseysk) هم‌نام همان ایالت نامیده شد. این منطقه‌ی در قلب ناحیه‌یی است که دارای معادن طلا می‌باشد و در حاشیه‌ی رود ینی‌سئی (Yenisei) در مرز شرقی روسیه واقع شده است.

فرانسه، ۱۶۱۹
لویی سیزدهم پادشاه فرانسه، ریشیلیو را که به شهر آوینیون (Avignon) تبعید شده بود، فراخواند تا وی را در سرکوبی شورش ماری دومدیسی ملکه‌ی مادر، یاری دهد.

شده‌اند. مسیحیان قدیمی نه طرفدار پروتستان‌ها هستند و نه هوادار یهودیان، بلکه از عقاید باطنی خود پیروی می‌کنند . در زمان‌های پیشین، مردمی که به موهومات عقیده داشتند یا در جامعه بدرفتاری می‌کردند و یا اقدام به جادوگری می‌کردند و به شیادی و حقّه‌بازی روزگار می‌گذرانیدند، در دادگاه‌های عمومی محاکمه می‌شدند. در حالی‌که اکنون اغلب افراد را با انگیزه‌های جزیی از قبیل توهین به مقدّسات در حال مستی و اغفال و فریب زنان برای عشق‌بازی و هم‌جنس‌بازی، تحت پیگرد قرار می‌دهند و به مجازات‌های سخت محکوم می‌کنند.

انکیزیسیون باعث شد که مردم روش ریا و ظاهرسازی پیشه کنند و آنچه را که در مغز و افکار خود دارند، بروز ندهند و در دادگاه هم خود را تابع نشان داده و تسلیم شوند. این روش سخت‌گیری ماریانا *(Mariana)* که در ابتدای انکیزیسیون اعمال می‌شد، مردم را به اجبار به خودسانسوری واداشت و دادگاه‌ها هم بر شدّت خشونت و ظلم و ستم خود افزودند.

اکبر در تلاش برای ترکیب و امتزاج ادیان بزرگ هند (فاتح‌پورسیکری *(Fatehpur Sikri)*، هندوستان، ۱۵۸۲):

اکبر، امپراتور مغول و بی‌سواد هند، در حالی‌که در قصر خود در شهر فاتح‌پور واقع در استان سیکری نشسته، در تلاش است که ادیان بزرگ هند از قبیل سنّی، شیعه، هندو، زرتشتی و مسیحی را با هم تلفیق دهد. اکبر پادشاه هند، در مخیله‌ی خود شیفته‌ی این فکر است که بتواند تمام ادیان بزرگ هند را یکپارچه ساخته و این سرزمین را از تفرقه نجات داده و از شرّ فرقه‌گرایی رهایی بخشد و از ترکیب عقاید مختلف، دین جدیدی به‌وجود آورد که همگان از آن پیروی کنند. در جهت انجام این فکر، وی از عدّه‌یی مسلمانان دعوت کرد که با گروه‌هایی اساس این فکر را پیاده کنند، لیکن مسلمانان چون پای‌بند تعصّب دینی خود هستند، بر این عقیده پای می‌فشارند، که دین اسلام بر سایر ادیان ارجحیت دارد و یگانه دین حقیقی است.

در سال گذشته، در اجتماعی که در افغانستان تشکیل شد، نمایندگان شرکت‌کننده به اتّفاق تصویب



فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیا، که سرزمین پرتغال و نواحی وسیع حاکم نشین هابسبورگ Habsburg را جزو قلمرو اسپانیا ساخت و بدین وسیله وسعت امپراتوری اسپانیا را چند برابر کرد.



آخرین تصویر از دانشمند ایتالیایی، گالیله Galileo



دژخیمان ظالم، گناهکاران را در آتش می اندازند.



یک سرخ پوست در حال گرفتن طوطی از درخت، نقاشی یکی از همراهان دریک Drake.



نقشی از اکبر و پسرش سلیم (جهانگیر) در سال ۱۵۹۹.



صحنه یی از محل مجازات دادگاه بررسی عقاید عمومی که مردم را تحت پیگرد قرار می دهند. نقاشی از هنرمندان انگلیسی در سده ی ۱۷.

مادرید، ۱۶۱۹
طرح‌های پلازا مایور (Plaza Mayor) برای این‌که شهر مادرید جهت پایتختی اسپانیا آماده گردد و مناسب یک شهر پیشرفته‌ی اروپایی شود، آماده شد. طبق نقشه‌ی او در مرکز شهر میدان وسیعی ایجاد می‌شد که در چهار سوی آن عماراتی چهار طبقه مسقف و مغازه‌ها در آن‌جا ساخته خواهند شد.

آلمان، ۱۶۱۹
یوهان کپلر (Johann Kepler) که حقیقت عالم هستی و کائنات را به پیروی از کوپرنیک (Copernicus) دانشمند نجوم به‌دنیا معرفی کرد، کتابی به‌نام هارمونیک ماندی (Harmonices Mundi) را انتشار داد.

جنوب شرقی آسیا، ۱۶۱۹
هلندی‌ها که از سال ۱۵۹۶ شروع به ساختن استحکامات و مجتمع‌های مسکونی در جنوب شرقی آسیا کرده بودند، اینک آن‌ها را به پایان رسانیدند. این مناطق مسکونی را به‌اسم باتاویا جاکارتا (Batavia Djakarta) نامیدند که طرح آن مشابه ساختمان‌های هلند باستانی می‌باشد.

امریکای جنوبی، ۱۶۱۹
شرکت تجارتی لندن ـ آمازون (Amazon) تأسیس شد.

لندن، ۱۶۱۹
ویلیام هاروی (William Harvey) سیستم گردش خون انسان را کشف کرد.

ویرجینیا، ۳۱ ژانویه ۱۶۲۰
سران مهاجرنشین ویرجینیا برای کمک به یتیمان، پرورشگاهی برای نگهداری آن‌ها تأسیس کردند.

فرانسه، دهم فوریه ۱۶۲۰
نیروهای محافظ ماری دومدیسی ملکه‌ی مادر که به بلوآ (Blois) تبعید شده بودند، توسط سپاهیان پادشاهی در منطقه‌ی پونت دو سه (Ponts de Ce) دچار شکست شدند.

لندن، ۲۹ ژوئن ۱۶۲۰
پادشاه انگلیس کشت توتون را در انگلیس قدغن کرد. دولت کشت این گیاه را منحصراً در اختیار شرکت انگلیسی ویرجینیا قرار داد و برای ورود هر پوند (۴۵۳ گرم) توتون، یک شیلینگ عوارض تعیین کرد.

افریقای جنوبی، ژوئیه ۱۶۲۰
دو افسر انگلیسی به‌نام‌های شیلینگ (Captain Shillinge) و فیتز هربرت (Fitzherbert)، پرچم آن کشور را در سواحل خلیج تیبل (Table) به‌نام جیمز پادشاه انگلیس به اهتزاز درآوردند، لیکن نتوانستند یک پایگاه در ناحیه‌ی کیپ (Cape) بوجود آورند و آن‌جا را تصاحب کنند. اکنون دماغه‌ی امیدنیک (Good Hope) جهت پایگاه کشتی‌هایی که به هندوستان رفت‌وآمد می‌کنند، دارای ارزش زیادی است و این محل به‌عنوان یک پست دریایی هند به‌شمار می‌آید.

فرانسه، دهم اوت ۱۶۲۰
ریشیلیو در پست نخست‌وزیری از سوی پادشاه مأموریت یافت که زمینه‌ی آشتی و پیمان صلح را بین ملکه‌ی مادر و فرزندش لویی سیزدهم فراهم کند.

انگلیس، ۱۶ سپتامبر ۱۶۲۰
یک گروه مرتد و ملحد را با کشتی به ناحیه‌ی می‌فلاور ویرجینیا (Mayflower for Virginia) اعزام کردند که در آن‌جا مقیم شوند. آن‌ها هم با شادی و خوشحالی از این امر استقبال کردند که در دنیای جدید ساکن شوند، بدون این‌که مورد اذیت و آزار قرار گیرند و اموال آن‌ها دستخوش تاراج شود.

امریکای شمالی، ۱۱ نوامبر ۱۶۲۰
گروهی که مأمور کشف سرچشمه و دهانه‌ی رود هودسن بودند، به‌علت هوای بد مسافرت خود را لغو کردند و برای مصونیت از توفان مجبور به اقامت در بندرگاه خلیج هودسن (Hudson) شدند.

امریکای شمالی، ۲۱ نوامبر ۱۶۲۰
سران گروه می‌فلاور چند کشتی جهت انتقال گروه فراهم کردند تا آن‌ها را به امریکا منتقل کنند، این کشتی‌ها اتاق‌هایی جهت سکونت داشت، لکن فاقد زیرانداز و بالش برای خوابیدن بود، از این‌رو مسافران بسیار خشمگین و عصبانی شدند و حاضر نبودند که با کشتی‌ها مسافرت کنند، لیکن مای‌فلاور برای تسکین آنان روش جدید در پیش گرفت و قول داد که اقامتگاه آن‌ها در امریکا مجهز باشد و از حقوق مساوی برخوردار باشند، یعنی مساوات و حق قضاوت درباره‌ی آن‌ها اجرا گردد.

مکزیک، ۱۶۲۰
جمعیت مکزیک به ۱/۲ میلیون نفر رسید.

کردند که این کار شدنی است. مشروط بر این‌که پایه و اساس، اسلام باشد. کاتولیک‌های پرتغالی کاملاً با این فکر مخالف هستند و تندی نشان می‌دهند. سه نفر از فرقه‌ی ژزوئیت‌ها که یک نفر آن‌ها ایرانی است، به اسلام گرویدند. یک نفر اسپانیایی و سه نفر از اشراف ایتالیایی به خاطر این جریان به پایتخت اکبر مسافرت کردند، آن‌ها امیدوارند که از شدّت خشونت نسبت به اسلام و حملات مسیحیت کاسته شود، امّا اکبر پادشاه هند، مایل به تلفیق و تحمّل تمام ادیان می‌باشد.

علت اصلی این تفکری که در اکبر پیدا شده، جلوگیری از تفرقه در سرزمین هندوستان است، چون با وجود ادیان مختلف، حکومت بر آن مشکل است و اگر ادیان هندی به هم به‌پیوندند، حاکمیت بر این شبه‌قاره آسان خواهد شد.

امپراتور، حقیقت و راستی را از لله‌ی خود آموخت. (چین، ۱۵۸۲):

شانگ جوشنگ *(Zhang Juzheng)*، قدرتمندترین مرد چین، تنها پس از ۹ روز که از انتشار (فرمان کبیر) خود که شامل عفو عمومی بعد از ۲۰۰ سال جنگ و ستیز بود، به‌طور ناگهانی درگذشت.

شانگ در زمان کودکی حقیقت را از لله و سرپرست خود به نام وان‌لی *(Wan-li)* یاد گرفت. امپراتور هم مانند فنگ‌پائو *(Feng pao)*، خواجه‌ی حرمسرا و سرپرست کارکنان دربار، هنگام کار، دستکش به دست می‌کرد و آنچه را که یاد می‌گرفت یادداشت می‌کرد.

وان لی که به هنر خوشنویسی عشق می‌ورزید، با رنگ قرمز شنگرف به سهولت می‌نوشت و امپراتور هم تمام دروس و حرف‌های وان لی را با قلم مو و با همان شیوه‌ی استاد خود به نگارش درمی‌آورد تا دانسته‌های خود را از یاد نبرد. عدّه‌یی از کارمندان دربار، امپراتور را به تکبّر و خودپرستی متّهم می‌کردند، در حالی‌که امپراتور سعی می‌کرد که در جمع اعضای حکومت شرکت کند.

شانگ و فنگ‌پائو دارای ثروتی افسانه‌یی بودند و هنگامی‌که امپراتور به عزم سفر سراسر چین حرکت کرد، تعداد ۳۲ نفر خدمه، تخت روان وی را به دوش

می‌کشیدند. امپراتور دستور داد که اتاق خوابش را مجزاً کنند و یک اتاق هم برای پذیرش و اطلاعات در نظر گرفت. اکنون که امپراتور فوت شده، قطعاً می‌داند که آنچه را که از سرپرست خود آموخته، عین حقیقت می‌باشد.

در تقویم جدید، مدّت ده روز آخر سال را از بین بردند. (رم، ۱۵ اکتبر ۱۵۸۲):

امروز فصل جدیدی در عالم مسیحیت پدیدار گردید. بنا به فرمان پاپ، برای محاسبه‌ی سال مسیحی، روش جدیدی اتّخاذ شد و تقویم قدیمی ژولیان *(Julian)* که در سال ۴۶ پیش از میلاد تنظیم گردیده بود، اصلاح شد.

این تقویم که به نام گریگوری *(Gregory)* نامیده شد، به امر پاپ گریگوری سیزدهم که طرفدار اصلاح تقویم بود، تنظیم شد و کارشناسان در صدد برآمدند که تقویم ژولیان را تصحیح کنند. در این گاهشماری، به عوض هر ۱۲۸ سال، هر ۳۰۰ سال یک روز کامل باید به سال اضافه کرد. و بدین ترتیب تفاوت سال شمسی یا خورشیدی با سال‌شمار قدیمی، ده روز بود. در روش جدید، این ده روز را با محاسبه‌ی پنجم اکتبر به پانزدهم اکتبر از بین بردند. با گاهشماری جدید، به عوض تغییر هر سه سال در ۴۰۰ سال، بایستی یک روز به سال نو افزوده شود.

نیروی نظامی قزاق‌ها *(Cossack)* با سلاح آتشین، تاتارها *(Tartars)* را مغلوب کردند. (روسیه، ۱۵۸۲):

قبایل تاتار مقیم سیبری، توسط حکومت مسکو تار و مار شدند. آن‌ها قادر به ایستادگی و مقاومت در مقابل سلاح‌های آتشین نبودند. پایتخت خان کوخوم *(Kuchum)* را تسخیر و او را از شهر بیرون راندند. در بدو امر، نیروهای تزار در مقابل قبیله‌ی استروگانف قدرت چندانی نداشتند، چون خانواده‌ی استروگانف *(Stroganov)* از بازرگانان بسیار ثروتمند بودند، لیکن تزار روس با استفاده از نظامیان مزدور قزاق به فرماندهی یرماک *(Yermak)*، به آن‌ها حمله کرد و آنان را مغلوب ساخت.

قزاق‌ها افرادی ولگرد و راهزن بودند، ولی از نظر نیروی جنگی جسارت و شجاعت بی‌نظیری داشتند. یرماک فرمانده‌ی قزاق‌ها، فردی جسور، جنگ‌جو و با نفوذ بود که اغلب برق‌آسا در صحنه حاضر می‌شد و افراد خود را هم به کارهای شاق و سخت وادار می‌کرد. وی قبیله استروگانف را از گوشه‌ی شمال‌شرقی روسیه اروپایی بیرون راند و خود با استفاده از این فرصت، حکومتی مستقل در آنجا تشکیل داده و به خرید و فروش نمک و پوست پرداخت. وی برای سرزمین وسیع تحت فرمان خود نیاز به یک ارتش منظم داشت که مهاجمان تاتار را از صحنه خارج کند. او تعداد ۱۵۰۰ نفر از قزاق‌ها را برای شکل دادن به یک ارتش منظم استخدام کرد و بدین ترتیب توانست که منطقه‌ی تحت سلطه‌ی خود را سر و صورتی دهد.

ترزا، راهبه‌ی صوفی که اغلب در حالت خلسه و جذبه سیر می‌کرد، جهان را ترک گفت. (آلب دو تورم *(Albe de Tormes)*، چهارم اکتبر ۱۵۸۲):

ترزا *(Teresa)* اهل آویلا *(Avila)*، یکی از رهبران جنبش اصلاحات کلیسا، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. پدرش یک یهودی بود که به مسیحیت گرویده بود و مادرش هم یکی از اشراف‌زادگان مسیحی بود. ترزا در سن ۲۱ سالگی به فرقه‌ی کرملی *(Camelite)* پیوست. وی راه پرهیزکاری و امساک را در پیش گرفت و در سلک راهبان تارک دنیا درآمده و جزو فلسطینی‌های کرملی ساکن صحرا شد و بدین ترتیب راه زهد و عزلت را برگزید و پس از مدّتی به ریاست فرقه منصوب شد. او در بدو امر، یک صومعه به نام سن ژوزف *(St Joseph)* که از اهالی آویلا بود، تأسیس کرد و در آنجا به راهبه‌ها درس امساک و پرهیزکاری و انجام مراسم عبادت و نماز می‌آموخت تا روح آن‌ها را تزکیه و صیقل دهد و در این راه بسیار ساعی و جدّی بود.

وی تا سال ۱۵۶۷، چندین صومعه را با کمک و حمایت ژان *(John)* وابسته به کلیسای صلیبی بنیانگذاری کرد. ژان، خود یکی از طرفداران تصوّف بود و اغلب اوقات خود را در راه ریاضت و خلسه و جذبه سیر می‌کرد.

هلند، ۱۶۲۰
سیمون اشتفین (Simon Stevin) ریاضیدان، درگذشت. وی در نزد موریس ناسو (Maurice Nassau) به آموختن پرداخته بود و مدتی به سمت مهندس سدسازی زمین‌های پست هلند و جلوگیری از نفوذ آب دریا اشتغال داشت. او مقیاس یک دهم را در سیستم اعداد برای محاسبات پولی، اوزان و اندازه‌گیری وارد کرد. وی نظریه‌ی ارشمیدس (Archimedes) را در فیزیک به‌طور وسیعی در اغلب موارد گسترش داد و توانست فشار مایعات را بر ظرف محتوی آن حساب کند.
افریقای جنوبی، ۱۶۲۰
مهاجرنشین خلیج سالدانا (Saldanha Bay) نزدیک دماغه‌ی نیک‌امید از هم پاشیده شد.
انگلیس، ۱۶۲۰
فرانسیس بیکن (Francis Bacon) رساله‌یی به‌نام نووم ارگانوم (Novum Organum) نوشت که حاوی درک مصالح بشری از طریق پیشرفت و تحقیق علمی و بحث و استدلال حقوق انسانی با به‌کارگیری شیوه‌های علمی می‌باشد.
لندن، ۱۶۲۰
توماس کامپیون (Thomas Campion)، پزشک و موسیقیدان انگلیسی، دنیا را ترک کرد. او به زبان لاتین و انگلیسی شعر می‌سرود و آهنگ‌های اشعار خود را هم به‌خوبی تنظیم می‌کرد. وی چندین کتاب راجع به آهنگ‌های موسیقی نوشت و صداها و گام‌های آن را به‌خوبی بیان داشت.
فرانسه، ۱۶۲۰
ایالت بیرن (Bearn) به یک حاکم‌نشین فرانسوی مبدل گشت. این ایالت که از ۵۰ سال پیش وضعیت غیرمذهبی داشت، از سال ۱۶۱۷ طبق فرمان پادشاه فرانسه به ناحیه‌یی کاتولیک‌نشین تبدیل شد و برای مقاومت در برابر پروتستان‌ها دارای یک ارتش محلی شد و جزو یکی از نواحی کلیسایی وابسته به کاتولیک‌ها گردید.
ویرجینیا، ۱۶۲۰
هنریکو (Henrico) یکی از مالکان بزرگ منطقه‌ی، نخستین کتابخانه را به‌عنوان پایه‌گذاری یک کالج تأسیس کرد و تعدادی کتاب هم به آن‌جا هدیه کرد.
ژاپن، ۱۶۲۰
یک قصر سلطنتی در ناحیه‌ی کاتسورا (Katsura) در جزیره‌ی کیوتو (Kyoto) در کنار رودخانه‌ی کاتسورا بنا کردند و آب رودخانه را جهت استفاده‌ی استخرها در آن جاری ساختند.
رم، ۲۸ ژانویه ۱۶۲۱
پاپ پل پنجم جهان را بدرود گفت و یک کاردینال کهن‌سال به‌نام آلساندرو لودویزی (Alessandro Ludovisi) از شهر بولونیا (Bologna) با لقب گریگوری (Gregory) پانزدهم جانشین وی گشت.
آلمان، ۱۵ فوریه ۱۶۲۱
میکل پراتوریوس (Michael Praetorius)، رهبر ارکستر سمفونیک کلیسای لوتری‌ها (Lutheran)، در سن ۵۰ سالگی درگذشت.
نیوانگلند، ۲۲ مارس ۱۶۲۱
مهاجران انگلیسی که در ماه نوامبر سال گذشته در گروه می‌فلاور به این ناحیه‌ی وارد شدند، با وامپانوگ (Wampanoag) رهبر هندیان، پیمان همکاری امضا کردند.
مادرید، ۳۱ مارس ۱۶۲۱
فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، فوت شد و پسرش با لقب فیلیپ چهارم به سلطنت رسید.
نیوانگلند، یکم ژوئن ۱۶۲۱
مهاجران می‌فلاور تحت قوانین سلطنتی انگلیسی جهت به‌دست‌آوردن شغل به شهر جدیدالتأسیس پلیموت (New Plymounh) می‌روند، این شهر در خارج از نیوانگلند قرار دارد و این مهاجران در آن‌جا به کار مشغول می‌شوند.
آلمان، ۱٤ آوریل ۱۶۲۱
اتحادیه‌ی پروتستان‌های آلمان با ائتلاف با اتحادیه‌ی اشراف پروتستان‌مذهب، این اتحادیه را منحل اعلام کرد.
هلند، سوم ژوئن ۱۶۲۱
هلندی‌ها شرکت هلندی هند غربی را تأسیس کردند. این شرکت متعهد است که در مدت ۲۴ ساعت انحصار تجارت را با مهاجران امریکای شمالی و جنوبی در اختیار داشته باشد.

معروف‌ترین کتاب ترزا، کاستیلو اینتریور *(Castillo Interior)* نام دارد که در باب صوفی‌گری به نگارش درآورده است. وی صوفی‌گری را به مثابه‌ی هفت اتاق یا خوان می‌داند که صوفی در بدو امر بایستی شرایط ورود به قلعه یا دژ تصوّف را دارا باشد که پس از ورود بتواند این هفت خوان سیر و سلوک را طی کند تا به پاکی و خلوص کامل دست یابد.

صوفی در مرحله‌ی هفتم، به عشق و محبّت کامل نایل شده و به خدا متّصل می‌شود. پس سالک این مسیر، باید همواره برای سلامت روح و جسم بکوشد و از مناهی بپرهیزد تا به کمال مطلوب که همان عشق به پروردگار است، دست یابد و با حالت خلسه و از خود بی‌خود شدن، زودتر به این مرحله خواهد رسید و خلوص و پاکی را در خود احساس خواهد کرد. در این مرحله، روح کاملاً صیقلی شده و با یکپارچه شدن به الوهیت خواهد پیوست. عزلت و گوشه‌گیری و زهد و عبادت، انسان را به مرحله‌ی تکامل می‌رساند که نیازی به پرداختن به جسم را در خود پیدا نمی‌کند و از عشق جسمانی و شهوات به دور می‌سازد.

پروتستان‌ها حقوق خود را در فرانسه از دست می‌دهند. (نمور *(Nemours)*، فرانسه، هفتم ژوئیه ۱۵۸۵):

هانری سوّم، پادشاه فرانسه، امروز در یک اعلامیه‌ی وحشت‌انگیز تمام امتیازات هوگونوت‌ها را لغو کرد و بدین وسیله اقتدار و فشارکاتولیک‌ها را استحکام بخشید. وی در این فرمان تهدید کرد که تمام پروتستان‌ها را تبعید خواهد کرد و به هیچ یک از گروه‌های رفورمیست مذهبی میدان نخواهد داد. این اعلامیه، بار دیگر آتش پیکار بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را تیزتر خواهد کرد و پروتستان‌ها برای حق حیات خود، ناگزیر به این درگیری تن خواهند داد.

هانری سوّم، پروتستان‌ها را مسؤول مرگ دوک دوآنژو *(duke d' Anjou)*، برادر شاه فقید، دانسته است. هانری دوّم، چون جانشین و ورثه‌یی نداشت، به اجبار هانری ناوار *(Henry Navarre)*، یکی از رهبران هوگونوت‌ها را به سلطنت منصوب کرد. او هم تمام کاتولیک‌ها را پراکنده ساخت. لیکن هانری گوئیز

(Henry Guise)، مشهور به زخم‌خورده، در سال ۱۵۷۹، با اجرای پیمان کاتولیکی توانست به این وضع خاتمه دهد و اوضاع کاتولیک‌ها را مشابه قبل از سلطنت هانری ناوار سازد. با اجرای این قرارداد، به سرعت قدرت سیاسی و نظامی در اختیار رهبران گروه کاتولیک قرار گرفت و آن‌ها شهرهای زیادی را توسط نیروی نظامی اشغال کردند. حزب دوک دوگوئیز، با امضای پیمان همکاری با فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا و هانری پادشاه فرانسه، تهدیدات پروتستان‌ها را کاملاً جدی تلقّی کردند و در صدد ریشه‌کن کردن آن‌ها برآمدند.

رهبر جنگاور و بانی اتحاد سرزمین ژاپن، به هلاکت رسید. (ژاپن، ۲۱ ژوئن ۱۵۸۲):

اودا نوبوناگا *(Oda Nobunaga)*، رهبر همبستگی و اتّحاد ژاپن، سحرگاه امروز بر اثر یک توطئه‌ی قبلی در صومعه هونوجی *(Honnoji)* واقع در یک پایگاه در منطقه‌ی آزوچی *(Azuchi)*، در حالی‌که مشغول طرح نقشه‌های نبرد بود، کشته شد. این منطقه خارج از میدان جنگ قرار دارد.

خبرهایی که از میدان نبرد رسیده، حاکی از آن بود که سپاهیان زورمند وی توانسته‌اند ناحیه‌ی آکه‌چی میتسوهاید *(Akechi Mitsuhide)* را بدون پیکار مهمّی تصرّف کنند و این موضوع باعث خوشحالی و سرور نوبوناگا شده بود. او و سپاهیانش همواره در نبردها پیروز می‌شدند، لیکن این خبر بیشتر سبب شادی وی گشت، زیرا بدون جنگ ناحیه‌یی را به چنگ آوردند و او با غرق شدن در افکار خود، از پیرامون خود بی‌خبر بود و دشمنان، وی را کشتند.

بعضی گزارشات حاکی از آن است که وی خودکشی کرده است. جسد وی را در حالی یافتند که چراغ‌های صومعه افروخته بود. او تنها ۴۸ سال داشت. نوبونگا ۱۷ ساله بود که به جانشینی رییس زمین‌داران خانوادگی در منطقه رسید. او انسانی متواضع و فروتن بود. لیکن با بی‌اعتنایی به توصیه‌ی اطرافیان، برای توسعه‌ی قلمرو خود اقدام به جنگ کرد تا توانست حقّانیت خود را به اثبات برساند.

وی برادر خود را که طرح توطئه‌ی قتل وی را چیده بود، کشت و به سرعت گام‌های ترقّی را پیمود. سپس برای اتّحاد و یکپارچگی ژاپن اقدام کرد و با مخالفان این فکر به جنگ و ستیز پرداخت و بخش‌های جدا شده‌ی این سرزمین را فتح کرد و سرانجام یک ژاپنِ به هم پیوسته و متّحد ایجاد کرد.

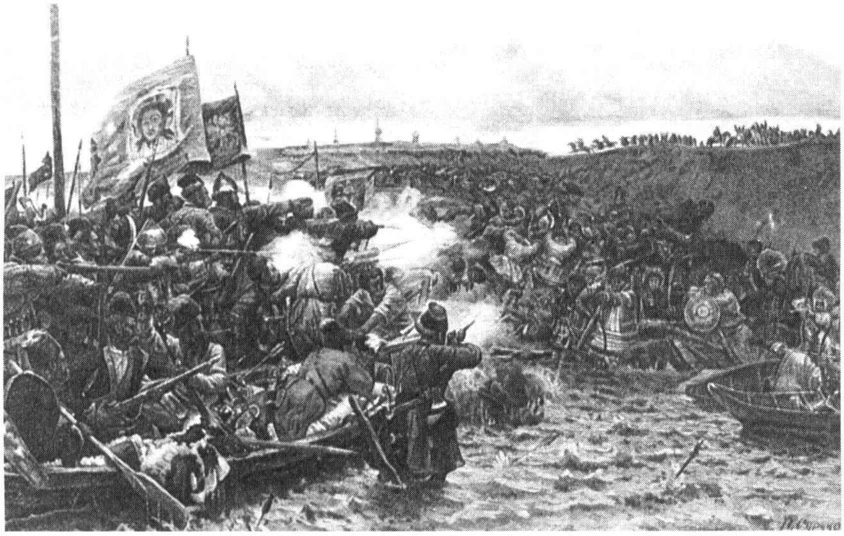
لهستانی‌ها یکی از شاهزادگان سوئدی را به سلطنت برداشتند. (لهستان، ۱۹ اوت ۱۵۸۷):

سران سرزمین‌های لهستان و لیتوانی *(Lithuvania)*، با توجّه به عدم دقّت و سهل‌انگاری پادشاه محلی، بر آن شدند که پادشاه خود را از سرزمین دیگری انتخاب کنند و در اجلاسی که تشکیل دادند تعداد ۱۵ هزار نفر رأی به نفع گزینش یکی از شاهزادگان سوئدی به نام سیگیسموند واسا *(Sigismund Vasa)* به صندوق آراء ریخته شد و بدین ترتیب زمام امور کشور لهستان و لیتوانی در اختیار واسا قرار گرفت.

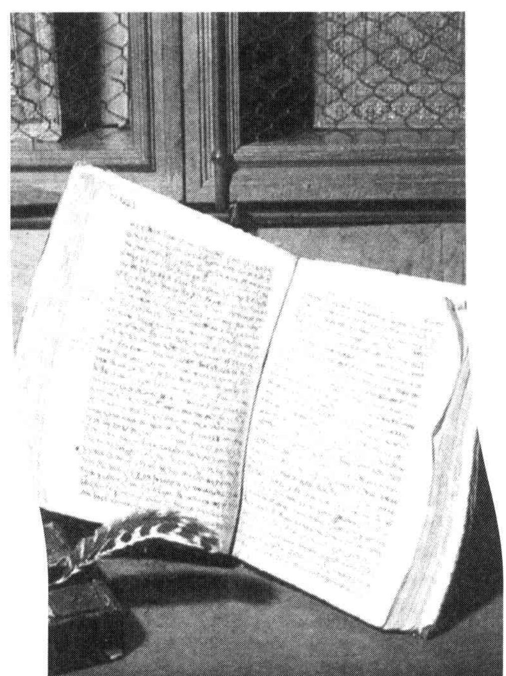
نمایندگان شرکت‌کننده در اجلاس، سیگیسموند را بر ماکسیمیلیان *(Maximilian)* آرک دوک هابسبورگ ترجیح دادند. او جانشین استفن باتوری *(Stephen Bathory)* گردید که پس از ده سال سلطنت استعفا داده بود. باتوری یکی از شاهزادگان ترانسیلوانی *(Transylvania)* بود که از سیاست خشونت و تلافی پیروی می‌کرد و مردم لهستان از وی ناراضی بودند. او شخصیتی مقتدر و افسری باتجربه به‌شمار می‌رفت، لیکن حکومت مسکو با پشتیبانی از او در تلاش به دست آوردن راهی به سوی دریای بالتیک بود و از این طریق درصدد بود که به دریای بالتیک دست یافته و یک امپراتوری مقتدر در شرق اروپا ایجاد کند.

سیگیسموند قبل از مرگش، برای این‌که به برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ی خود جامه‌ی عمل بپوشاند، در نظر داشت یک حکومت قدرتمند و مستقل به‌وجود آورد که همسایگان به طمع تسخیر آن برنیایند.

مشکل دیگری که بر سر راه آرزوهای سیگیسموند قرار داشت و از نیاکانش به ارث رسیده بود، آن بود که آن‌ها صاحبان افکار نو و تجددطلب را به خارج از کشور تبعید می‌کردند و این امر پیشرفت کشور را به تعویق می‌انداخت و سیاست خارجی را دچار اشکال می‌کرد و در حقیقت سدی برای توسعه‌ی کشور بود.



تفنگ روسی عامل پیروزی تاتارها Tartars، کار هنرمند روسی سوریکوفSurikov.



کتابی نوشته ی ترزا آویلا Teresa Avila.



سیگیسموند Sigismund که از دریای بالتیک گذشت

در قانون اساسی لهستان، شاه اختیارات فراوان داشت و از امتیازات متعدد برخوردار بود، لیکن بزرگ‌ترین سد در راه اصلاحات موردنظر او، پارلمان کشور بود.

دیو مهیبی که در راه اصلاحات گام برمی‌داشت. (مسکو، ۱۸ مارس ۱۵۸۴):

تزار ایوان مشهور به مخوف *(Ivan the Terrible)*، که یکی از مردان بزرگ به‌شمار می‌رود و با اقدامات وحشت‌انگیز خود، به غول مهیبی شباهت داشت، هنگامی‌که به بازی شطرنج مشغول بود، به‌طور ناگهانی و در سن ۵۴ سالگی جان سپرد. او مدّت ۲۵ سال از سلطنت خود را مصروف جنگ جهت توسعه قلمرو مسکوی کرد و با ایجاد انقلابات اجتماعی، کشور را به پرتگاه آشوب و هرج و مرج نزدیک کرد و از ترس شورش، همواره یک گارد محافظ قدرتمند را در اطراف کرملین گماشته بود. لیکن چون تنها یک پسر داشت، امر جانشینی وی به سهولت انجام شد و فئودور ایوانویچ *(Fyodor Ivanovitch)* پس از مرگ او به سلطنت رسید.

ایوان، پسرش را در حالی‌که بیش از سه سال نداشت، به ولیعهدی برگزید و اکنون که به سن ۱۳ سالگی رسیده و به مقام سلطنت هم دست یافته، کاملاً مشابه به پدرش می‌باشد و اخلاق و سیره‌ی او را اقتباس کرده، زیرا مشاوران و سرپرستان او، اخلاق پدرش را به او القا کرده‌اند.

همسر اوّل ایوان که از خاندان رومانوف *(Romanov)* بود، تعداد ۱۵۰۰ نفر از دختران باکره را از سراسر روسیه جمع کرده و به مسکو اعزام کرد تا یک کلیسای تارکان دنیا تشکیل دهد. ایوان هم در مدّت تقریباً ۱۳ سال، گروهی از مشاوران متفکر و خوب را که عمده‌ی آنان از روحانیان و کشیشان بودند، برای تدوین قانون اساسی و اصلاحات دولت‌های محلی انتخاب کرد و آن‌ها اقداماتی در جهت بهبود وضع اجتماعی و تقسیمات کشوری انجام دادند.

ایوان فرمانروایی مقتدر و موفق بود و اقدامات ارزشمندی برای پیشبرد و ترقّی قلمرو مسکوی انجام داد و سرزمین روسیه را گسترش داد. وی با تصرّف مناطق غازان *(Kazan)* و استراخان *(Astrakhan)* (هشترخان) مرزهای کشور را توسعه داد، به‌طوری که وسعت سرزمین روسیه نزدیک به کاتای *(Cathay)* و اقیانوس آرام رسید.

در حالی‌که ایوان قصد داشت مرزهای خود را از سوی غرب گسترش دهد، لیکن این موضوع را انکار می‌کرد، زیرا در انجام مقاصد خود در ساحل بالتیک شکست خورد و نتوانست به اهداف خود برسد، معهذا باب دوستی و همکاری‌های بازرگانی با انگلیس را باز گذاشت و مراودات خود را با آن کشور توسعه بخشید. وی در مقام تحقیق و تفحّص برآمد و از ملکه الیزابت برای زناشویی خواستگاری کرد، لیکن ملکه به او پاسخ منفی دارد. با این حال، باب مذاکرات را مفتوح نگه داشت و ملکه هم با آن مخالفت نشان نداد و بدین ترتیب ایوان مدّت ۲۵ سال، سلطنت خود را به تخریب و ویرانی گذرانید، چون عموم مردم از وی همواره در ترس و التهاب به سر می‌بردند.

یکی از عوامل اسپانیا، ویلیام اورانژ را به قتل رسانید. (دلفت *(Delft)*، دهم ژوئیه ۱۵۸۴):

ویلیام، شاهزاده‌ی منطقه اورانژ، که رهبری انقلاب بر ضدّ اسپانیا را عهده‌دار بود، امروز به وسیله‌ی یکی از عوامل فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا، به هلاک رسید. قاتل وی یک مرد فرانسوی به نام بالتازار ژرارد *(Balthazar Gerard)* از پناهندگان کالوینیست *(Calvinist)* بود.

ویلیام اورانژ در سال ۱۵۳۳ به دنیا آمد و در اوان جوانی به فرمانداری هلند، اوترخت *(Utrecht)* و زیلند *(Zeeland)* منصوب شد. در سال ۱۵۵۵ به عضویت شورای ایالتی منصوب شد، امّا به همراه کنت اگمونت *(Count Egmont)* و فیلیپ هورن *(Philip Hoorne)* استعفا داد. در سال ۱۵۶۳ بر ضدّ نفوذ رو به رشد اسپانیا به پا خاست. در سال ۱۵۷۳، که پروتستان‌ها بر ضدّ اسپانیا قیام کردند، او را به رهبری تظاهرات و شورش برگزیدند. پس از آرامشی که در شهر گنت *(Ghent)* توسط نیروهای سرکوب‌گر اسپانیولی برقرار شد (هشتم نوامبر ۱۵۷۶) وی هفت ایالت پروتستان‌نشین شمال را مستقل اعلام کرد و از

بروکسل، ۱۳ ژوئیه ۱۶۲۱
آلبرت (Albert) دوک اعظم شهر بروکسل (Brussels)، بدون وارث فوت شد. این نشانه‌ی آن است که افسانه‌ی استقلال کاتولیک‌های هلند خیالی بیش نیست، زیرا سیاست مذهبی هلند تحت کنترل مادرید می‌باشد و وزرای کابینه‌ی اسپانیا به دو شعبه به‌نام داوها (Doves) و هاوکها (Hawks) منشعب می‌شوند.

ویرجینیا، ژوئیه ۱۶۲۱
سر ادوین ساندیس (Sir Edwin Sandys) به مهاجران انگلیسی اظهار داشت که پادشاه از کشت توتون در ویرجینیا ناراضی است، لیکن مهاجران به حرف‌های او وقعی ننهادند، زیرا عقاید هر گروهی با گروه دیگر اختلاف دارد.

دریای بالتیک، ۱۶ سپتامبر ۱۶۲۱
سپاهیان سوئد تحت فرماندهی گوستاو آدولف (Gutavus Adolphus) پادشاه سوئد، با جدیدترین تجهیزات نظامی، شهر ریگا (Riga) را از لهستان پس گرفتند.

رم، ۱۷ سپتامبر ۱۶۲۱
روبرتو بلارمین (Roberto Bellarmine) روحانی کاتولیک، جان سپرد. وی که کاردینال ژزوئیت‌ها بود، یکی از مهم‌ترین چهره‌های کاتولیکی در مقابل اصلاح‌طلبان کلیسایی بود.

انگلیس، ۲۱ اکتبر ۱۶۲۱
در نخستین مجمع تجارتی اعلام شد که تمام کالاهای صادراتی از مهاجرنشینان مشمول عوارض گمرکی در انگلیس هستند.

امریکای شمالی، ۲۵ دسامبر ۱۶۲۱
فرماندار نیوپلیموت (New Plymouth) اعلام کرد که مهاجران تازه‌وارد حق ندارند با خود ورق بازی به‌همراه داشته باشند.

فرانسه، دسامبر ۱۶۲۱
آلبر دو لوین (Albert de Luynes)، سر فرمانده مونتوبان (Montauban) که پادشاه فرانسه سعی می‌کرد ایالت او را اشغال کند، درگذشت و سپاهیان لویی سیزدهم در مقابل نیروی پروتستان‌های انی هشر تسلیم شد و نتوانست کاری از پیش ببرد. در نتیجه هوگونوت‌ها (Hugoenots) در ماه اوت علیه دولت مرکزی دست به عصیان زدند.

ویرجینیا، ۱۶۲۱
کارگران ذوب‌آهن مهاجرنشین‌ها، نخستین کارخانه‌ی ذوب‌آهن را در فالینگ کریک (Falling Creek) ساختند.

آنگولا، ۱۶۲۱
نزینگا (Nzinga) خواهر نگولا ماندی (Ngola Mbandi) پادشاه مبوندو (Mbundu) (آنگولا)، نماینده‌ی خود را به پرتغال اعزام کرد که با کمک آن زینگا (Anne Zingha) به دین مسیح درآید.

رم، ۱۶۲۱
جووانی برنینی (Giovanni Bernini) تندیس‌نگار، پیکره‌ی سمبل کامیابی را به‌پایان رسانید.

انگلیس، ۱۶۲۱
رابرت برتون (Robert Burton) کتابی درباره‌ی تشریح بیماری ملانکولی (Melancholy) (مالیخولیا) انتشار داد. این کتاب عجیب حاصل مطالعات کلاسیک و قرون وسطایی اوست که سال‌ها برای تألیف و تنظیم آن صرف شد.

فرانسه، ۱۶۲۱
دانشگاه استراسبورگ (Strasbourg) گشایش یافت.

هلند، ۱۶۲۱
یان اسویلینک (Jan Sweelinck) رهبر ارکستر هلندی، در سن ۵۹ سالگی وفات یافت. کار اصلی وی سرودن اشعار مذهبی کلیسا و به‌ویژه سرودهای مزامیر (Psalms) تورات و دستجات اجراکننده‌ی سرودهای متواتر با آهنگ‌های دسته‌جمعی بود.

منطقه‌ی آلپ، ۱۶۲۱
نبرد بین سپاهیان سویسی گریزون (Grisons) و اسپانیولی‌ها جهت کنترل والتلینا (Valtellina) خاتمه پذیرفت.

آلمان، ۱۶۲۱
کتابخانه‌ی دانشگاه هایدلبرگ (Heidelberg) توسط گروه کنت تیلی (Count Tilly) کاتولیک‌مذهب به یغما رفت.

ویرجینیا، ۱۶۲۱
الیاس لگاردو (Elias Legardo) در ویرجینیا اقامت گزید. این نخستین فرد یهودی است که در امریکا مقیم می‌شود.

آلمان، ۱۶۲۱
سیب‌زمینی برای نخستین‌بار در امریکا کشت شد. بذر سیب‌زمینی را از امریکا به آلمان آوردند.

ژاپن، ۱۶۲۱
مردم ژاپن از سوارشدن کشتی و مسافرت به آن‌سوی دریا بیم دارند، چون دریا را عامل مرگ انسان می‌دانند و بیماری دریاگرفتگی در بین آن‌ها شایع است.

هلند جدا شد و در این موقع ویلیام به سمت سرپرست و حاکم این ایالات انتخاب شد.

برای مدّتی کوتاه ویلیام توانست حتا بر نیروهای ایالات جنوبی غلبه کند، امّا نقشه‌ی او با همکاری فرانسه به شکست انجامید و سران پروتستان مصمم شدند که خودشان به تنهایی اقدام کنند، او تا به امروز هم حاکمیت ایالات شمالی را برعهده داشت.

به دستور الیزابت، ملکه ماری فرمانروای اسکاتلند به قتل رسید. (انگلیس، هشتم فوریه ۱۵۸۷):

از سوی ملکه الیزابت در کلیسای انگلیس رسماً و با صدای بلند در حین انجام مراسم دینی و نماز، اعلام شد که ماری ملکه‌ی اسکاتلند، که پیرو مذهب کاتولیک بود، امروز در فوترینگ‌های *(Fotheringhay)* واقع در نورت‌همپتون‌شایر *(Northamptonshire)* اعدام شده است. الیزابت در اعلامیه‌ی خود متذکر شد که ماری در توطئه‌یی بر ضدّ وی دست داشته و در نظر داشت که الیزابت را به قتل برساند و اسپانیا را جهت حمله به انگلیس ترغیب کند.

ماری در اکتبر سال گذشته، مجرم شناخته شد، لیکن الیزابت دو بار از امضای حکم قتل وی خودداری ورزید. ماری مدّت در حدود ۲۰ سال به‌عنوان پناهنده‌ی سیاسی در انگلیس به سر برد و پس از آن ازدواج کرد و به دستور وی یکی از شوهرانش را اعدام کردند و از آن هنگام به بعد او را از اسکاتلند اخراج کردند.

مرگ شاعر حماسی انگلیس، ملکه را دچار ماتم کرد. (لندن، پنجم نوامبر ۱۵۸۶):

ملکه الیزابت، دربار انگلیس و تمام مردم شهر، در غمِ از دست دادن فیلیپ سیدنی *(Philip Sydney)* شاعر و افسر نیروی نظامی انگلیس، عزادار شدند. امروز جنازه‌ی او را از هلند به لندن آورده و در تاورهیل *(Tower Hill)* (برج بالای تپّه) به امانت گذاشتند. او در هنگام محاصره‌ی شهر زاتفن *(Zutphen)* به وسیله‌ی سه هزار سوار اسپانیولی، با کمال تهوّر با ۵۰۰ نفر از مردان سوار خود حلقه‌ی محاصره را شکافت و به سربازان اسپانیایی حمله‌ور شد. ناگهان گلوله‌یی از

تفنگ یکی از سربازان خارج شد و پشت او را شکافت و یکی از سربازان پیاده او را به چادر سربازان برد و جرعه‌یی آب به وی داد. هنگامی‌که او را به منزل حمل می‌کردند چنین گفت: تو بیشتر از من نیاز به مراقبت داری. سرانجام وی پس از ۲۶ روز درد و عذاب، جهان را در سن ۳۲ سالگی ترک کرد. اکنون اشعار و قصاید او در همه جا ورد زبان مردم می‌باشد.

اعداد اعشاری کشف و ابداع شد. (آنتورپ *(Antwerp)*، ۱۵۸۵):

دو جزوه‌ی کوچک اخیراً به نام‌های یک دهم و دیگری به نام اعداد اعشاری کشف گردیده است. این جزوه که توسط سیمون استیون *(Simon Stevin)*، ریاضی‌دان اهل فلاندر نوشته شده، برای یادگیری اعداد کمتر از یک و ارقام پایین‌تر از آن با سیستم دهگانی برای سهولت علم حساب و اندازه‌گیری کشف و ابداع شده است. استیون می‌گوید که روش کنونی می‌تواند تا یک‌دوازدهم را حساب کند، در حالی‌که سیستم جدید برای تمام زمان‌ها کاربرد دارد. شما با سیستم اعشاری می‌توانید کسرهای یک‌دهم را در مورد سکه‌ها و اوزان و سایر امور حساب کنید. این کشف به سرعت در تمام جاها منتشر شد و بسیار سودمند بود. او این سیستم را در مجمعی که از دانشمندان شهر آنتورپ تشکیل شده بود، ارائه داد.

دربار انگلیس از باکره بودن ملکه دفاع می‌کند. (انگلیس، ۱۵۸۸):

مشاوران الیزابت هرگز درباره‌ی ازدواج ملکه و وراثت و جانشینی با وی بحث نمی‌کنند. اعضای پارلمان در این باره تنها از خدا درخواست و تقاضا دارند که قلب ملکه را راضی به این امر کند و او را وادار کند که برای جانشینی وی طفلی به‌وجود آید، چون میوه و ثمره‌ی هر فردی داشتن فرزند است و در صورت وجود فرزند، انسان به زندگی وابسته می‌شود.

الیزابت اذعان دارد به این که ازدواج امر لازمی است، لیکن امور کشورداری به وی اجازه‌ی این کار را نمی‌دهد و مجادله و پیکار با فرانسه و شاهزادگان اتریش او را از انجام آن باز می‌دارد.

ملکه بارها شنیده که می‌گویند او باکره به دنیا آمده و با همان وضع می‌میرد. اعضای انجمن شهرداری لندن هم می‌گویند که حتماً عیب و نقصی در ملکه هست که به این امر رضایت نمی‌دهد. با این وصف، خودِ ملکه می‌داند که از نظر جسمانی نقصی ندارد. گفته می‌شود که بین ملکه و ویلیام سسیل *(William Cecil)* وزیر کشور، ارتباطات عمیق هیجانی و احساسی وجود دارد. در ابتدا الیزابت مایل نبود که زیر نفوذ هیچ مردی قرار گیرد، چون لازمه‌ی زندگی اطاعت زن از شوهر خود می‌باشد. در نتیجه جنس مرد بر زن غالب است و این موضوع از نظر الیزابت مردود می‌باشد. یک زن انتظار دارد که شوهرش در زندگی ساعی و کوشا باشد و شوهر هم حق دارد از همسرش بخواهد که از او پیروی کند و احترام وی را رعایت کند.

سر ویلیام فیتر ویلیام *(Sir William Fitzwilliam)*، نماینده‌ی ملکه در ایرلند، با زبانی عامیانه می‌گوید: خداوند زن را به این امر مبتلا کرده که همواره در آشپزخانه به سر برد، زن حکمران آشپزخانه است.

به افراد مسیحی دستور داده شد که ژاپن را ترک کنند. (ژاپن، ۲۵ ژوئیه ۱۵۸۷):

هایدیوشی *(Hideyoshi)* مرد قدرتمند ژاپنی، دین مسیح را تحریم کرد و دستور داد که ژزوئیت‌ها در عرض ۲۰ روز ژاپن را ترک کنند. این خبر هیأت مذهبی را تکان داد، چون آن‌ها دیروز با کشتی پرتغالی گاسپار کولهو *(Gaspar Coelho)* معاون ایالتی، وارد بندر شده بودند.

وی در اوّل از هیأت مذهبی اعزامی دوستانه خواست که کشور را ترک گویند. لیکن چون آن‌ها به این درخواست وقعی ننهادند، نماینده‌ی یوشی نیمه شب کولهو را از خواب بیدار کرد و پیام ارباب خود را به وی ابلاغ کرد و با خشم و غیظ ژزوئیت‌ها را مورد خطاب قرار داد که اگر از انجام فرمان سرپیچی کنند، آن‌ها را به‌عنوان برده در خدمت بودایی‌ها خواهد گمارد و شخصیت آن‌ها را له خواهد کرد. او چند بار این حرف را تکرار کرد.

کولهو در نظرداشت که به خدمت هایدیوشی برسد و از او مهلت بیشتری بخواهد، امّا با خشم و غضب او از این کار صرف‌نظر کرد.

لندن، ۱۶۲۱
جان فلشر (John Fletcher) نمایش‌نامه‌ی کمدی «در تعقیب بز کوهی» را به روی صحنه آورد.

لندن، ۱۶۲۱
فرانسیس بیکن (Francis Bacon Lord Verulam) لرد ورولام به جرم رشوه‌گرفتن از افراد و همراهان شاه تحت پیگرد قرار گرفت. او را از عضویت مجلس لردان اخراج و در برج لندن محبوس کردند. وی را هم‌چنین از پارلمان و دربار بیرون کردند.

رم، ۱۶۲۱
دستگاه سلطنتی پاپ روز اول ژانویه را به‌عنوان روز اول سال نو پذیرفت.

امریکا، ۱۶۲۱
مهاجرنشین اسکاتلندی در ناحیه‌ی نوا اسکوتیا (Nova Scotia) (اسکاتلند جدید) پایه نگرفت.

آلمان، ۱۶۲۲
رساله‌ی دفاعیه‌ی گالیله (Galileo) که توسط فیلسوف توماسو کامپانلا (Tommaso Campanella) در سال ۱۶۱۶ در دفاع از نظریات گالیله در زندان نوشته شده بود، در شهر فرانکفورت (Frankfurt) منتشر شد. این رساله حاوی مطالبی است که نشان می‌دهد گالیله انقلاب بزرگی در علم ستاره‌شناسی ایجاد کرده و برای نخستین‌بار خود را در برابر کاردینال بونی‌فاچو گائه‌تانی (Bonifacio Gaetani) قرار داده و به‌خاطر همین کار زندانی شده بود. او به‌طور وسیعی در سراسر هلند هواخواه پیدا کرده است.

هندوستان، ژانویه ۱۶۲۲
شاهزاده خسرو، فرزند ارشد جهانگیر شاه مغول که سخت مورد محبت او بود و جهانگیر او را بسیار گرامی می‌داشت و در سال ۱۶۰۶ علیه پدر دست به یاغی‌گری زده بود، جهان را بدرود گفت.

لندن، فوریه ۱۶۲۲
جیمز پادشاه انگلیس پارلمان را تنها پس از دو نشست منحل کرد.

ویرجینیا، ۲۲ مارس ۱۶۲۲
امروز صبح با حمله‌ی هندی‌ها به مهاجران، به هشت سال صلح بین دو طرف پایان داده شد، حمله در سراسر ساحل رود جیمز (James River) انجام شد. در این یورش تعداد ۳۵۰ نفر از مهاجران در مزارع و خانه‌های خود کشته شدند. با این وصف تعداد کشته‌شده‌ها به حداقل رسید، چون چانکو (Chanco) یکی از هندیانی که قبلاً به کیش عیسوی درآمده بود، مردم را از خطر آگاهانیده بود و بیش‌تر افراد با احساس خطر منطقه را ترک کرده بودند. چانکو در یکی از مزارع اشتراکی به سر می‌برد.

استانبول، ۲۰ مه ۱۶۲۲
عثمان دوم پادشاه ۱۹ ساله‌ی عثمانی، توسط گارد محافظ خودش برکنار و به‌قتل رسید.

رم، ۲۲ ژوئن ۱۶۲۲
طبق فرمان پاپ یک گروه یا کالج تبلیغاتی برای کلیساها ایجاد شد.

هندوستان، ژوئن ۱۶۲۲
امپراتوری مغول منطقه‌ی قندهار را در قبال دولت ایران از دست داد.

امریکا، پنجم سپتامبر ۱۶۲۲
کشتی‌های اسپانیولی در اثر توفان شدیدی که در سواحل هاوانا (Havana) رخ داد، به منطقه‌ی کادیز (Cadiz) رانده شده و تعداد ۲۶۰ نفر مسافر در دریا غرق شدند و نیز مبلغ ۲۰۰ میلیون پزو غنایم جنگی و چند کشتی به اعماق دریا فرورفت.

فرانسه، ۱۸ اکتبر ۱۶۲۲
لویی سیزدهم پس از نبرد سختی که علیه پروتستان‌ها در جنوب فرانسه انجام داد، منطقه‌ی مون‌پلیه (Montpellier) را تسخیر کرد و به دوک روهان (Duk of Rohan) فشار آورد که مفاد پیمان نانت (Nante) (پیمان نانت مشعر بر این است که طرفین بایستی باهم هم‌زیستی داشته باشند و به آداب مذهبی یک‌دیگر احترام گزارده و هم‌دیگر را تحمل کنند (این پیمان در سال ۱۵۹۸ توسط هانری چهارم منعقد شد) را به مورد اجرا گذارند، لیکن پروتستان‌ها از بیم سیاست دولت فرانسه و ظاهرسازی آن‌ها منطقه‌ی مونتوبان (Montauban) و لا روشل (La Rochelle) را ترک کرده و در دژها و پناهگاه‌ها مأمن گرفتند.

فرانسه، ۲۸ دسامبر ۱۶۲۲
فرانسوا ساله (Francois de Sales)، اسقف شهر ژنو (Genova)، نویسنده‌ی پارسا و کمک‌مؤسس (با ژان شانتال (Jeanne de Chantal) مؤسس اصلی) سازمان زنان پیر و ازکارافتاده، در شهر لیون (Lyons) زندگانی را ترک کرد.

کشتی‌های مجهز به سلاح آتشین، نیروهای دریایی اسپانیا را خرد کردند. (انگلیس، ۱۵ سپتامبر ۱۵۸۸):

چند فروند از بقایای کشتی‌های اسپانیولی آرمادا *(Armada)* در بنادر اسپانیا و پرتغال از نیروی دریایی انگلیس شکست خورده و برای این‌که از دید دشمن پنهان بمانند در زوایا و گوشه‌های اسکله‌ها مخفی شده بودند و بدین ترتیب افسانه‌ی شکست‌ناپذیری آنان باطل گشت. این کشتی‌ها تنها بازمانده‌ی نیروی عظیم اسپانیا بودند.

این کشتی‌های جنگی خلع سلاح شده، از ترس ناوگان آتش‌بار انگلیس، در پی مفرّی بودند که از تیررس دشمن نجات یابند. بدین منظور ابتدا به سوی جنوب غرب حرکت کردند تا به اقیانوس اطلس رسیده و سپس از اقیانوس به سوی شمال رفته و در اطراف ارکنی *(Orkneys)* و شتلند *(Shetlands)* پناهگاهی بیابند. ناوگان جنگی اسپانیا، تاکنون این چنین شکستی را تحمّل نکرده و این قدر تخریب نشده بود. با این وصف، این کشتی‌های شکسته، چون بدون آذوقه و ملزومات مانده بودند، به دنبال غذا می‌گشتند.

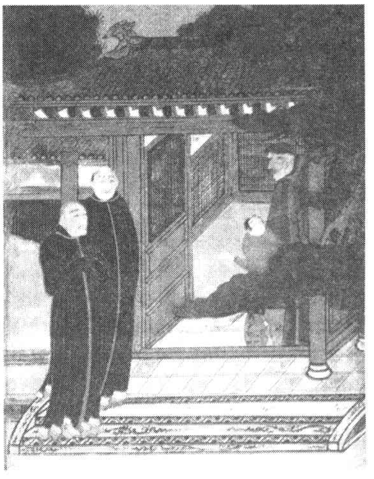
حال، فیلیپ پادشاه اسپانیا، باید درسی از انگلیس بگیرد، زیرا مستعمرات و ناوگان وی چند بار از کشتی‌های انگلیس به فرماندهی فرانسیس دِریک *(Francis Drake)* و جان هاوکینز *(John Hawkins)* دچار صدمه و آزار قرار گرفته و حتا مستعمرات آن کشور مورد تاخت و تاز قرار گرفته است.

معهذا سفیر اسپانیا در دربار الیزابت این موضوع را به سادگی و سهولت پذیرفته و این جریان ادامه پیدا کرد.

به‌هر حال الیزابت دستور داد که دولت ناوگان عظیم و مجهزّی برای دفاع و نبرد علیه دشمنان کشور تهیه کند که به‌ویژه بتواند با نیروی دریایی فیلیپ مقابله نماید. او به دِریک اجازه‌ی خراب‌کاری هم داده بود تا به‌هر ترتیب قدرت نیروی دریایی دشمن را با عملیات ایذایی تضعیف نماید. فرانسیس دِریک هم با ۲۳ فروند ناو جنگی در بندر کادیز *(Cadiz)*، ۳۰ فروند ناو اسپانیولی را مورد حمله قرار داد. تعدادی از آن‌ها را



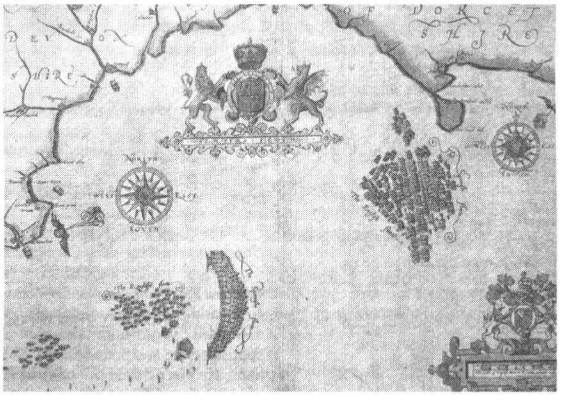
ملکه ماری کاتولیک، با روش خود کشور را اداره می کرد.



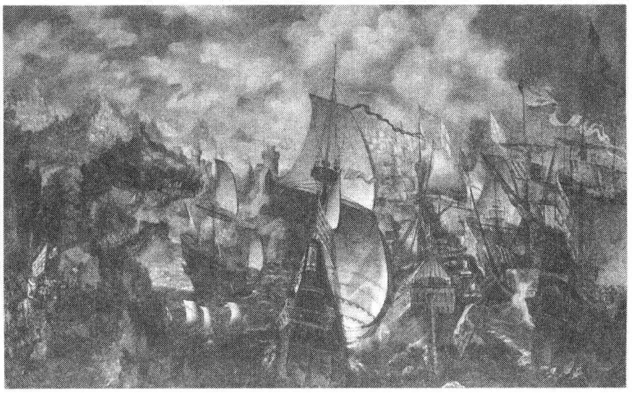
دو نفر از روحانیون پرتغالی از دید نقاش ژاپنی.



سر فیلیپ سیدنیSir Philip sydney، شاعر و سرباز فداکار و با گذشت.



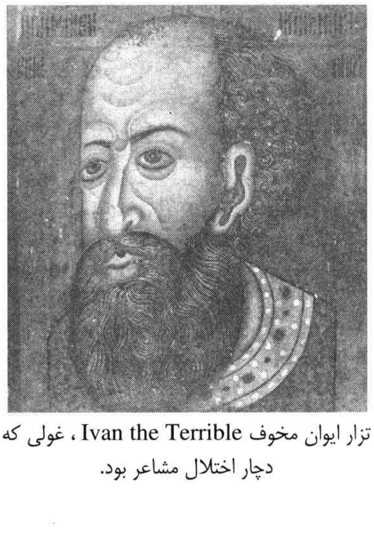
دو فروند از کشتی های انگلیسی در ساحل بر طبق نقشه ی رابرت آدامRobert Adam.



چند کشتی جنگی انگلیسی که در نبرد با ناوگان اسپانیا خراب شده، تصویر از کارهای آرمادا Armada و احیانا نیکلاس Nicholas Hillard هیلارد می باشد.



ملکه الیزابت بر خلاف رسوم دیپلماتیک، حالت تجرد را ادامه می دهد



تزار ایوان مخوف Ivan the Terrible ، غولی که دچار اختلال مشاعر بود.

انگلیس، ۳۰ دسامبر ۱۶۲۲
رابرت جورج (Robert Goerge) سرتیپ و فرماندار نیوانگلند (New England)، در کنفرانسی اعلام کرد که به ساکنان آن‌جا ۳۰۰ مایل مربع زمین در خلیج بوستون (Boston Bay) اهدا خواهد شد.

فرانسه، ۱۶۲۲
ریشیلیو (Richelieu) اسقف شهر لوکون (Lucon) و سیاستمدار مشهور فرانسوی به دربار فراخوانده شده و به مقام کاردینالی رسید.

هلند، ۱۶۲۲
مارکیز اسپینولا (Marquis Spinola)، فرمانده نیروهای اسپانیولی، کلید دژهای شهر برگن اوپ‌زوم (Bergen Op Zoom) را از هلندی‌ها دریافت کرد.

خلیج فارس، ۱۶۲۲
شاه عباس صفوی با کمک نیروهای انگلیسی، نیروهای پرتغالی را از جزیره‌ی هرمز بیرون راند.

مجارستان، ۱۶۲۲
پیمان صلحی در نیکولزبورگ (Nikolsburg) بین امپراتور مقدس رم و گابور بتلن (Gabor Bethlen) فرمانروای ترانسیلوانی (Transylvania) به امضا رسید. طبق این پیمان بتلن عنوان پادشاهی یافت. او از سال ۱۶۲۰ حاکم ترانسیلوانی بود.

ناپل، ۱۶۲۲
ناحیه‌ی ناپل امسال با یک سلسله گرفتاری و بدبختی از نظر اجتماعی و اقتصادی از جمله فقر و قحطی و مشکلات اقتصادی روبه‌رو شد.

پاریس، هفتم فوریه ۱۶۲۳
دولت فرانسه، ساووی (Savoy) و ونیز (Venice)، پیمان نظامی بر ضد اسپانیا تشکیل دادند.

انگلیس، چهارم ژوئیه ۱۶۲۳
ویلیام بایرد (William Byrd) آهنگساز انگلیسی، درگذشت. وی یکی از بزرگ‌ترین استادان موسیقی چندصدایی عصر خود بود. او آهنگ‌های بسیاری ساخت، از جمله سرودهای بزمی و قطعاتی مرکب از چند صدا و هم‌چنین سرودهای سه صدایی عشای ربانی، سرودهای عشائی ربانی از سه، چهار یا پنج ترکیب و در دورترین نقطه‌ی مقابل اجرا به‌طور زنده شنیده می‌شد.

رم، ششم اوت ۱۶۲۳
با مرگ پاپ گریگوری (Pope Gregory) پانزدهم، فلورنتین مافئو باربرینی (Florentine Maffeo Barberini) با لقب اوربان (Urban) هشتم به مقام پاپ برگزیده شد. در مدت دو سال و پنج ماه آخر سلطنت پاپ گریگوری پانزدهم کلیسای کاتولیک به موفقیت‌های مهمی دست یافت، از قبیل: تقویت دوباره‌ی روحیه‌ی سربازان بوهم در کوه سفید و ایجاد کالج تبلیغاتی روحانیت کاتولیک.

امریکای شمالی، دهم سپتامبر ۱۶۲۳
یک کشتی انگلیسی به کاپیتانی ویلیام پیرس (William Pierce) پر از الوار چوبی و پوست خز بندر پلیموت جدید را به مقصد انگلیس ترک کرد.

امریکای شمالی، ۱۳ دسامبر ۱۶۲۳
مهاجران ساکن بندر پلیموت جدید، دادگاهی برای قضاوت اعمال مهاجران با ۱۲ نفر عضو مرد برای هیأت منصفه تشکیل دادند. این سیستم در اصل در سال ۱۱۰۰ توسط هانری دوم پادشاه فرانسه جایگزین شکنجه و آزار بدنی متهمان شد که برحسب رأی دادگاه متهمان حتی بی‌گناهان را مورد اذیت قرار می‌دادند و هیأت منصفه از بسیاری از این اعمال جلوگیری به‌عمل آورد.

ژاپن، ۱۶۲۳
ایستگاه تجاری انگلیسی در شهر هیرادو (Hirado) به‌علت سودمندنبودن تعطیل شد.

نیوانگلند، ۱۶۲۳
جان میسن (John Mason) فرمانده نظامی منطقه‌ی همپشایر (Hampshire)، مقداری از سرزمین‌های خود واقع در نیوهمپشایر را به جیمز پادشاه انگلیسی بخشید. اگرچه بخش‌هایی از این سرزمین را جنگل‌های انبوه پوشانده بود و ماوای حیوانات وحشی و هندیان بود، میسن خواب آن را می‌دید و پیش‌بینی می‌کرد که این جنگل‌ها در آینده محل کشت و زرع و مسکن مردم خواهد شد و میراثی برای آیندگان خواهد بود.

اسپانیا، ۱۶۲۳
دیه‌گو ولاسکوئز (Diego Velasquez) به‌عنوان نقاش دربار فیلیپ چهارم معرفی شد.

تخریب و غرق و بقیه را هم تصاحب کرد، در صورتی‌که ناوهای اسپانیولی سلاح آتش بار هم داشتند.

این نبرد دریایی، ناوگان اسپانیا تحت فرمان دوک مدینا سیدونیا *(duke Medina Sidonia)* قرار داشت که در ماه مه ۱۵۸۸ به عزم کانال مانش حرکت کرد و در ۲۰ ژوئیه به آنجا رسید. در نیمه‌های شب این ناوگان در کانال لنگر انداخت و ناوگان انگلیس هم مخفیانه در پشت نیروهای اسپانیولی قرار گرفت. کشتی‌های اسپانیایی به تعداد بی‌شمار در صف‌های دوتایی که برخی از آن‌ها تا هزار تن ظرفیت داشتند، پر از سرباز در حالی‌که قلاب‌های آهنی آن‌ها دو به یک به هم بسته شده بودند، در صفی طولانی موضع گرفته بودند. در حالی‌که ناوهای انگلیسی با ظرفیت خیلی کمتر و قدرت مانور زیاد و توپ‌های آتش‌بار در پشت آن‌ها قرار گرفتند.

از سویی یک سری ناو جنگی سبک که قدرت زیادی در کاربرد زوبین داشتند و می‌توانستند که توپ‌های دشمن را هدف قرار داده و آن‌ها را از صحنه‌ی آتش‌باری برانند، در بین ناوگان انگلیس قرار داشتند. این ناوها گرچه سنگین بودند، لیکن چون سرباز جنگی در آن‌ها وجود نداشت، کاملاً قادر بودند سربازان دشمن را هدف قرار دهند و تنه‌ی کشتی‌های آن‌ها را سوراخ نمایند و هر کشتی که سوراخ می‌شد، در دریا غرق می‌گردید. در تمام طول بعدازظهر و شب، بحریه دشمن در انتخاب موضع بهتری در کانال انگلیس در حرکت بود و بالاخره پهلوی ناوگان انگلیس قرار گرفت. در این حال مدینا سیدونیا فرمانده‌ی بحریه‌ی اسپانیا در انتظار ناوگان هلندی اسپانیا بود تا مجهّزتر به صحنه‌ی دریا ظاهر شود، لیکن هرگز خبری از آن‌ها نشد. پاسداران شورشی هلندی (گدایان دریا) پس از یک هفته در صحنه ظاهر شدند، بنابراین مدینا سیدونیا فرمان داد که آن‌ها در بندر کاله *(Calais)* لنگر بیندازند. ناوگان انگلیس با آتش‌بارهای خود و مقداری چوب آماده‌ی انفجار در یک مایلی آن‌ها موضع گرفتند. سربازان انگلیسی به دستور فرمانده‌ی خود، برای به وحشت انداختن دشمن، با چوب‌های جنگلی در نیمه‌ی شب و در قایق‌های کوچک آتش روشن کردند. در حالی‌که کشتی‌های دشمن از ترس در صدد فرار بودند، لیکن لنگرهای محکم آن‌ها اجازه‌ی فرار به آن‌ها نمی‌داد.

با دمیدن طلوع فجر و سر زدن خورشید، ناویان اسپانیا که به شدّت در هراس بودند، دچار تلفاتی وحشتناک شدند، زیرا کشتی‌های انگلیسی حملات خود را تشدید کردند. تعدادی از رزم‌ناوهای اسپانیولی غرق شدند، برخی به ساحل شنی برخورد کرده و متلاشی شدند و آن‌ها هم که توانستند گریختند. گفته می‌شود که نیروی دریایی اسپانیا ۶۵ کشتی از دست داد و تلفات نیروی انسانی آن‌ها هم بالغ بر ده هزار نفر بود، در حالی‌که نیروی دریایی انگلیس کمتر از یکصد سرباز از دست داد و به کشتی‌های آن هم آسیبی نرسید.

پادشاه فرانسه راهِ گریز کاتولیک‌ها را سدّ کرد. (پاریس، ۱۲ مه ۱۵۸۸):

هانری سوّم در برابر شهروندان پاریسی شکست خورد، زیرا نیروهای مسلّح تلاش می‌کردند که دوک دوگوئیز، که باعث رسوایی فرانسویان شده و به ارتش توهین روا داشته را به تبعید بفرستند. آن‌ها در درجه‌ی اوّل این درخواست را از شاه کردند. در این مورد، بین شاه و مردم مقابله صورت گرفت، چون دوک دوگوئیز بدون توجّه به درخواست مردم، از شاه برای تبعید وی در اوایل ماه، بدون اعتنا وارد پاریس شد و در حقیقت به اهالی شهر پاریس خندید و آن‌ها را مورد تمسخر قرار داد.

شاه دستور داد که مردم را از خیابان‌ها دور کنند و قصد داشت که گوئیز را به قتل برساند، زیرا او در نظرداشت قتل‌عام دیگری در پاریس به راه بیندازد و این بار کاتولیک‌ها موردنظر او بودند و برای انجام این کار هشت نفر جلّاد استخدام کرده بود.

صبح امروز اهالی پاریس به صدای طبل و دهل سربازان از خواب پریدند، در حالی‌که گارد مخصوص شاه که از سویسی‌ها درست شده بود در جایگاه مخصوص قرار گرفتند. مردم هم با فریاد و غوغا در خیابان‌ها جمع شده و راه‌ها را بستند و در عقب نظامیان و نگهبانان موضع گرفتند. ناگهان رگبار تیر در سر پل متحرک سن میشل ۶۰ نفر از سربازان گارد را پشت سر هم به زمین ریخت و هیاهو و جنجال به اوج رسید.

در این گیر و دار، سربازان در گروه‌های مجزّا در هر نقطه مردم را محاصره کردند. عدّه‌ی زیادی از مردم هر سربازی را که می‌دیدند سر می‌بریدند و سایرین با هیاهو احساس سرور می‌کردند. شبانگاه شاه احساس کرد که در کار خود شکست خورده است.

امور جنسی و جنگ، راه گریزی است برای موهومات (فرانسه، ژوئن ۱۵۸۸):

میشل ایکوم *(Michel Eyquem)*، شاهزاده‌ی مونتین *(Montaigne)* که تا به حال فردی به مانند او حریص در کارهای ادبی مشاهده نشده. رساله‌یی انتشار داد که تاکنون چهار بار منتشر شده است. مونتین در سال ۱۵۳۳ متولّد شد و پس از مدّتی به زبان لاتین چون زبان مادری صحبت می‌کرد. او پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، به ریاست انجمن شهرداری شهر بوردو *(Bordeaux)* انتخاب شد ولی پس از مدّتی شغل خود را رها کرد و در سن ۳۷ سالگی بازنشسته گردید.

وی علاوه بر مسافرت‌هایی که در سال‌های ۱۵۸۰ـ۱۵۸۱ به شهرهای اطراف نمود و دو بار هم به سمت شهردار بوردو انتخاب شد، بیشتر اوقات عمر خود را در کتابخانه سپری می‌کرد، وی با مطالعه‌ی کتاب برای نخستین بار با افکار خود مبارزه می‌کرد و با بعضی از قضایا مخالفت ورزید.

وی محتاطانه و در سکوت و آرامش به تنقید از افکار مکتب شکاکیون *(Scepticism)* می‌پرداخت و به انحراف‌های بشر می‌اندیشید و همیشه سعی می‌کرد که افکار خود را به نوشتار تبدیل کند و هرچه در قلب و احساس دارد، عیان نماید. او سرانجام به این نتیجه رسید که منظور غایی آدمی در دو چیز خلاصه می‌شود، امور جنسی و جنگ، در حالی‌که عقل حکم می‌کند که در تمام موارد انسان از داوری عقل کمک بگیرد.

زارعان مسلّح ژاپنی، خلع سلاح می‌شوند. (ژاپن، ۱۵۸۸):

هاید یوشی *(Hideyoshi)*، نایب‌السلطنه‌ی ژاپن و ملقّب به شمشیر برنده، دستور داد که تمام سلاح‌های شهروندان ژاپنی توقیف و جمع‌آوری شود. او که همواره ردای قرمز ارغوانی می‌پوشید و عاشق شکار بود، مدعی شد که از فلز سلاح‌ها برای ساختن تندیس عظیم بودا

پاریس، ۱۶۲۳
تئوفیل دو ویائو (Theophile de Viau)، انسان منورالفکر و پروتستانی که به مذهب کاتولیک پیوسته بود، زندانی شد و کارهای او هم مورد تحریم قرار گرفت.

انگلیس، ۱۶۲۳
توماس ویلکز (Thomas Weelkes) آهنگ‌سازی که آهنگ‌های بزمی و عاشقانه می‌ساخت در سن ۵۰ سالگی درگذشت.

ایران، ۱۶۲۳
شاه عباس صفوی، شهر بغداد، موصل و تمام میان‌رودان (بین‌النهرین) را از دولت عثمانی پس گرفت.

رم، ۱۶۲۳
پاپ گریگوری پانزدهم، روبرتو نوبیلی (Roberto de Nobili) ژزوئیت‌مذهب را متهم ساخته بود که در زمان اقامتش در هندوستان مذهب کاتولیک را خدشه‌دار ساخته و مومنان را از آن بری ساخته است. در حالی‌که نوبیلی زبان‌های محلی را یاد گرفته و آداب و رسوم بومیان را آموخته بود و پیام مسیحیت را به هندوانی که از دین خود دفاع می‌کردند و نسبت به آن حساسیت نشان می‌دادند، رسانید.

آلمان، ۱۶۲۳
ژاکوب بوهم آلمانی (Jacob Boehme) که در سال ۱۶۱۲ مباحثی راجع به اسرار دینی مطرح ساخت که این جریان مورد توجه قدرت روحانیت کلیسای رم قرار گرفته بود، کتاب دیگری با عنوان اسرار بزرگ انتشار داد.

سویس، ۱۶۲۳
سپاهیان فرانسه از والتلینا (Vatellina) بیرون رفتند.

استانبول، ۱۶۲۳
سلطان مصطفی عثمانی بار دیگر از سلطنت برکنار شد و مراد چهارم جایگزین وی شد.

لندن، ۱۶۲۳
ادوارد بلونت (Edward Blount) و ایساک ژاگارد (Isaac Jaggard) تاکنون امتیاز این کار را دریافت کردند که ۱۶ فقره از نمایش‌نامه‌های چاپ و منتشر نشده ویلیام شکسپیر را چاپ و پخش کنند، آن‌ها تا روز هشتم نوامبر گذشته توانستند در حدود یک‌هزار صفحه از این نوشته‌ها را عنوان‌گذاری و سر صفات آن را بنویسند که این صفحات شامل ۱۶ نمایش‌نامه می‌شد. روی هم رفته تعداد پیس‌ها بالغ بر ۳۰ نمایش‌نامه‌ی بود که همه‌ی آن‌ها چاپ و جلد شد و کپی هر پیس به قیمت یک لیره به فروش رسید. تمام این پیس‌ها در سه جلد با عناوین کمدی، تاریخی و تراژدی منتشر شد.

رم، ۱۶۲۳
ماشه ساربیه وسکی (Maciej Sarbiewski) شاعر لهستانی، تاج افتخار مزین به برگ غار از پاپ دریافت کرد.

هندوستان، ۱۶۲۳
تولسی داس (Tulsi Das) شاعر هندی رامایی (پیرو مذهب راما (Rama)) جان سپرد. او مقیم بنارس (Benares) بود و بهترین اثری که از خود به‌یادگار گذاشت، برگردان رامایانا (Ramayana) به‌نام رام‌چاریت‌مانا (Ramcharitmanas) می‌باشد.

مکزیک، ۱۵ ژانویه ۱۶۲۴
در مکزیک این‌چنین شایع شد که به‌دستور دیه‌گوکاریلو دومندوزا پی‌منتل (Diego Carrillo de Mendoza Pimentel)، نایب‌السطنه‌ی غیرمردمی، کلیساها جهت انجام مراسم عشای ربانی بسته شده، چون وی از سوی پاپ تکفیر شده است. در همین حال فتنه و آشوب سراسر شهر را فراگرفت و مردم کاخ نایب‌السلطنه را آتش زده و چپاول کردند. این جریان توسط طبقات فرودست اجتماع به‌وقوع پیوست و در آن افراد سیاه آزاد، هندی‌ها و مکزیکی‌ها دخالت داشتند.

ویرجینیا، پنجم مارس ۱۶۲۴
طبق قوانینی که تصویب شد، طبقات اجتماعی در ویرجینیا برقرار شد و افراد طبقه‌ی بالای شهر از تبعید و اخراج معاف شدند.

فرانسه، ۲۹ آوریل ۱۶۲۴
لویی سیزدهم ریشیلیو را به نخست‌وزیری دربار سلطنتی تعیین کرد.

ویرجینیا، ۲۴ مه ۱۶۲۴
پس از سال‌ها به‌کارگیری اعمال بیهوده و لغو، سرانجام ویرجینیا جزو مهاجرنشینان سلطنتی محسوب شد.

رم، ۱۶۲۴
پاپ اوربان (Urban) هشتم از ورود توتون از امریکا به رم عصبانی شد و مصرف‌کنندگان توتون و کسانی را که از این ماده استفاده می‌کنند، تکفیر کرد.

در صومعه‌ی جدید هوکوجی *(Hokoji)* واقع در شهر کیوتو *(Kyoto)* استفاده خواهد شد و دولت به فولاد سلاح‌ها نیاز دارد. کشاورزان ژاپنی که دارای سلاح بودند، گفتند حاضرند در پای تندیس بودا قربانی شوند و داوطلبانه آن‌ها را تحویل دادند.

در حقیقت دولت نیاز واقعی به این سلاح‌ها نداشت و هاید یوشی در صدد بود که با خلع سلاح مردم از شورش آن‌ها بر ضدّ مالکان جلوگیری کند. در حقیقت در این کار دو هدف منظور نظر بود. یکی این‌که از کاربرد سلاح توسط افراد نادان علیه سربازان جلوگیری می‌شد و از درگیری‌های دولت با مردم می‌کاست و از سوی دیگر با استفاده از آن‌ها، راهبان محافظ صومعه‌های کویاسان *(Koyasan)* و هی‌زان *(Hieizan)* مجهّز و مسلّح شده و مانع طغیان مردم در این مکان‌های مقدّس می‌شدند.

پسر تعمیدی ملکه موفق به ابداعی در خلوتگاه شد. (انگلیس، ۱۵۸۹):

سِرجان هرینگتون *(Sir John Harington)* که به‌عنوان پسر تعمیدی ملکه محسوب می‌شد و خیلی گستاخ بود، به علّت به کار بردن الفاظ رکیک و زننده در حضور ملکه و بیان حکایات شنیع در مقابل خانم‌ها، از دربار طرد شد.

او در خانه‌ی بزرگ و اعیانی خود در کلستون *(Kelston)* واقع در منطقه‌ی سامرست *(Somerset)*، تانکی پر از آب در بالای توالت قرار داده بود که برای دفع فضولات انسانی، آب با فشار، توالت را تمیز می‌کرد، شاید در دنیا این ابداع بی‌نظیر باشد. گرچه تعدادی از مردم از این اختراع تقلید کردند، لیکن اکثریت از این‌که خانه‌های‌شان خراب نشود، از آن استقبال نکردند و توالت را با دست تمیز می‌کردند.

نصب کردن فلاش‌تانک در دهات و روستاها اشکالی نداشت، لیکن در شهرها مشکلات عمده ایجاد می‌کرد. نصب فلاش‌تانک از جنبه‌ی بهداشتی به سود جامعه می‌باشد و از سوی آب‌های روان رودخانه‌ها و استخرها را آلوده نمی‌کند.

یک راهب متعصّب، هانری سوّم را به هلاکت رسانید. (پاریس، دوم اوت ۱۵۸۹):

هانری سوّم پادشاه فرانسه از سلسله‌ی والوا *(Valois)*، امروز توسط ژاک کلمان *(Jacques Clement)*، یکی از راهبان متعصّب دومینیکن *(Dominican)*، به قتل رسید و بدین ترتیب جنگ‌های خونین فرانسه بارِ دیگر تشدید شد.

در دسامبر گذشته، به دستور هانری سوّم، دوک دوگوئیز *(Guises)* و برادر وی به نام کاردینال گوئیز اعدام شدند. پس از کشته شدن دوک گوئیز، اتحادیه‌ی کاتولیک‌ها اعلام کردند که دوک ماین *(duke Mayenne)* را به سمت فرماندار نظامی منطقه انتخاب کرده‌اند. امّا هانری قصد داشت که هانری ناوار *(Henrie de Navarre)* را که ضدّیتی با اتحادیه‌ی کاتولیک‌ها داشت به این سمت برگزیند، چون این امر برای او بسیار اهمّیت داشت.

در حالی‌که او از نظر جانشینی نسبت به دربار پادشاهی دور بود، معهذا چون رقیب مهمّی در مقابل کاردینال بوربون *(Bourbon)* بود و امکان داشت اتحادیه‌ی کاتولیک‌ها او را نامزد این مقام کنند، در نتیجه هانری سوّم مایل بود که هانری ناوار را که به او نزدیک‌تر بود، انتخاب کند.

قحطی کشور چین، مردم را وادار می‌کرد که در پی ذرات نان، سنگ و خاک را بکاوند. (چین، ۱۵۸۸):

قحطی و بیماری طاعون سراسر کشور را فرا گرفت و روستاییان در پی چاره، به اجبار راهی شهرها شدند، در حالی‌که کثافت و بیماری و عدم بهداشت همه گیر شده و مردم گرسنه در جست‌وجوی چیزی که شکمشان را سیر کند، بودند.

خشکسالی به‌طوری تمام کشور را در خود فرو برده بود که مردم، غازهای مُرده و حتا اجساد انسان‌ها را می‌خوردند. گدایان به تعداد زیاد به آشپزخانه و انبارهای مواد غذایی حمله‌ور می‌شدند. مردم فرزندان خود را رها کرده و بچه‌های شیرخوار را می‌کشتند. روستاییان لخت و عور در اطراف شهرها، هر چیز رستنی را با سنگ کوبیده و می‌خوردند.

آن‌هایی که در مقابل بیماری مقاومت می‌کردند، در اثر گرسنگی می‌مُردند. مردم در دسته‌های بی‌شمار به منازل بیماران یورش می‌بردند تا خوردنی به دست آورند و در خانه‌ها اغلب تعداد زیادی بیمار با کثافت و فضولات زندگی می‌کردند. با هجوم روستاییان فلک زده به شهرها، معابر و محلّهای عمومی شهرها مملو از جمعیت و آشغال و کثافتی بود که همه جا را فرا گرفته بود. در این هنگام بیماری طاعون بر اثر تراکم جمعیت همه‌گیر شد.

از علایم این نوع طاعون، سردرد شدید، درد و تورم گردن و بزرگ شدن غدد لنفاوی گردن و زیر بغل بود. بدین ترتیب، تلفات به‌ویژه در جنوب پایتخت بی‌اندازه زیاد بود و مردگان را هم‌چون لوبیا که در پیمانه می‌ریزند، در گورهای دسته‌جمعی می‌ریختند، به‌طوری که کسی نمی‌توانست آن‌ها را شمارش کند. در استان هونان *(Honan)*، نصف جمعیت تلف شدند.

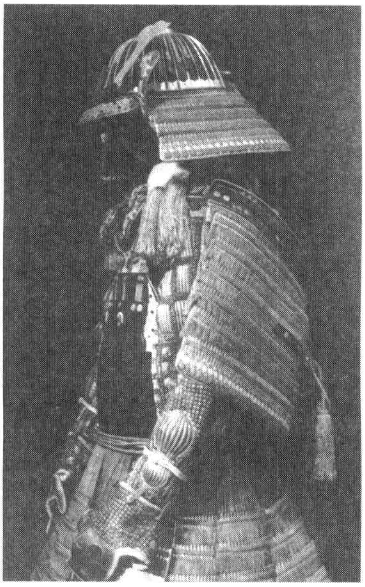
این وضع، بهداشت عمومی را تا حدّ تأسف‌آوری کاهش داد. ساکنان بعضی از روستاها شورش کرده، قایق‌های پر از برنج را در رودخانه‌ها غارت کردند و سربازان گرسنه به عوض این‌که سارقان را دستگیر کنند، خود دست به سرقت می‌زدند. در حالی‌که قحطی و گرسنگی سراسر کشور را فرا گرفته بود. بالاخره تمام این عوامل باعث کاهش شدید جمعیت در کشور شد.

شهر آمستردام به‌صورت پایتخت پناهندگان درآمده. (آمستردام، ۱۵۸۹):

آمستردام *(Amsterdam)* به‌سرعت به‌عنوان ملجأ پناهندگان اروپایی درآمده است. در سال ۱۵۷۹، طبق پیمان اوترخت، این شهر به‌عنوان مرکز مذاهب مختلف مسیحیت برگزیده شد، چون هواخواهان هر مذهبی می‌توانستند به راحتی و بدون مزاحمت، آیین‌های خود را اجرا کنند و از نظر سیاسی هیچ مانع و رادعی نداشتند. در ضمن تنها شهری در جهان بود که شبکه‌های بازرگانی در آنجا به معامله می‌پرداختند و چون داد و ستد تمام اقوام در آنجا آزاد بود، یهودیان پناهنده‌ی اسپانیولی، با تمام جهان مراوده داشتند و با موفقیت به امور بازرگانی می‌پرداختند.



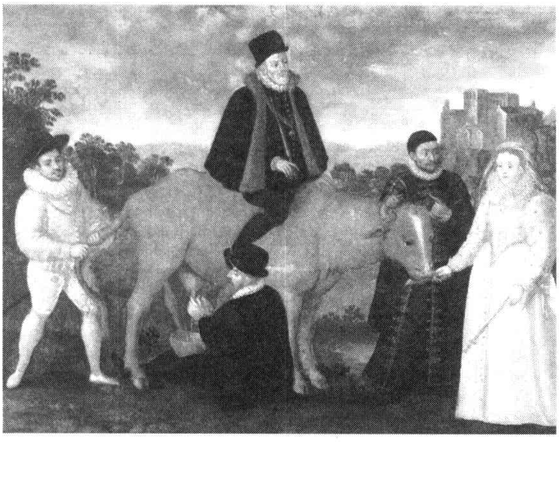
هاید یوشی Hideyoshi، رهبر بلامنازع گروه شمشیرداران. نقاشی بر روی پارچه ی حریر.



یک سامورایی Samurai با لباس زره و کلاه خود به تاریخ ۱۵۳۲ که در سال ۱۷۵۰ تجدید چاپ شده است.



قاتل هانری سوم (در وسط تصویر) و سرنوشت وی.



گاو هلندی که ویلیام اورانژ William Orang سر آن را به میل خود هدایت می کند. ملکه الیزابت با دادن علف به آن کمک می کند. فیلیپ دوم بر آن سوار است و دوک آلبا duke Alba نیز آن را می دوشد.

در قرن گذشته، دولت‌های اسپانیا و پرتغال، یهودیـان را اخراج کردند و اقوام یهودی در اروپـا سـرگردان و آواره شدند تا سرانجام به سرزمین هلنـد رسـیدند و در شـهر آمستردام به خاطر آزادی مذهبی به‌طـور دایمـی رحـل اقامت افکندند. عدّه‌یی از همین یهودیان سرگردان، بـه کشورهای مسلمان اروپایی رفتنـد و توانسـتند در آنجـا مقیم شـوند، چـون مسـلمانان بـا یهودیـان بـه‌طـور مسالمت‌آمیز زندگی می‌کردند. عدّه‌یـی بـه کشـورهای پروتستان مذهب گسیل شدند، لیکن چون در بعضـی از آن‌ها دادگاه انکیزیسیون بساط خود را گسترد، یهودیان هم فرار کردند تا به جای امن‌تری بروند، زیرا یهودیـان همیشه تحت پیگرد دادگاه انکیزیسیون بودند.

در عین حال، چون یهودیان بازرگانان خوبی هستند و از نظر اقتصادی خِبره و پول‌دار می‌باشند، در این شهر از آنان استقبال خوبی شده، زیرا آن‌ها هم برای رشـد و شکوفایی منطقه بسیار مفیدند.

روستاییان آواره به لبـاس سـامورایی *(Samurai)* درمی‌آیند. (چین، ۱۷ ژانویه ۱۵۸۸):

کـــویی جیگانـــگ *(Qi Jiguang)*، یکـــی از بزرگ‌ترین ژنـرال‌هـای سلسـله‌ی مینـگ *(Ming)*، در تنهـایی و انـزوا جـان سـپرد. وی یـک کـویی *(Qi)* محسوب می‌شد که وظیفه‌شـان رانـدن و پـاک کـردن سواحل ژاپن از دزدان دریایی بود. آن‌ها به تعداد هزاران نفر در این کرانه به سرقت مشغول بودنـد و در همـین سواحل تشکیلات شهری و حتـا دادگـاه‌هـایی تشـکیل داده بودند.

ارتش مینگ سال‌ها بـا آن‌هـا مـدارا مـی‌کـرد و در صلح و آشتی به سر می‌برد. سلاح‌هـای آن‌هـا کهنـه و قدیمی و مناسب روز نبود. تجهیزات و سازمان منظمـی نداشتند و از پیکار و نبرد منظور خاصـی نداشـتند و بـه همین دل‌خوش بودند که جزو جنگ‌جویان بـه حسـاب آیند. آن‌ها خود را به شکل افراد سامورایی درمی‌آوردنـد که قیافه‌ی ترسناک داشته باشند و مردم از دیدن آن‌هـا بترسند. شمشیرهای آن‌ها دو لبه و تیز بود و همواره در حال گریز از مردم بودند.

کویی این دسته‌های سرگردان و ویلان را بازسازی کرد. به آن‌ها تعلیمـات جنگـی و سـربازی آموخـت تـا نیروی بدنی لازم و اسـتحکام شخصـیت پیـدا کننـد و شیوه‌ی پیکـار و جنـگ در راه مـیهن را بیاموزنـد. وی آن‌ها را به دسته‌جاتی تقسیم کرد که شامل نیزه‌داران و پرتاب‌کنندگان زوبین بود. آن‌ها به انـدازه‌یـی قدرتمنـد شدند که می‌توانستند یک تنه یک درخت خیـزران را از ریشه درآورند و از آن لوازم مورد نیاز تهیه کنند.

وظیفه‌ی روزانه‌ی آن‌ها صـیقلی کـردن شمشـیر و پرتاب نیزه هم‌چون افـراد سـامورایی بـود. آن‌هـا ایـن اعمال را به سـهولت و سـادگی انجـام مـی‌دادنـد و بـا تمرین‌هـایی کـه انجـام دادنـد، توانسـتند تمـام دزدان دریایی را قلع و قمع نمایند.

آلاس *(Alas)* که در دربار سمت سرپرستی شـانگ *(Zhang)* امپراتور چین را به عهده داشت و در حقیقت تمام کارها به دست او بود، توسط امپراتور بر کنار شـد، زیرا تاکنون وی را در جریان کار کویی قرار نـداده بـود که به همین سبب با فقر و تنگدستی در انزوا جان داد.

امپراتـوری اکبـر بـا سیاسـت تحمّـل مـذاهب گوناگون، بـه پیشـرفت‌هـای درخشـان رسـید. (فاتح‌پور، سیکری، هندوستان مرکزی، ۱۵۸۹):

اکبر پس از سی و سه سال سلطنت، تقریبـاً نصـف هندوستان را تصرّف کرده بـود. سـپاهیان وی تـاکنون منـاطق راجپـوت *(Rajputs)*، گجـرات *(Gujarat)*، بنگـال *(Bengal)* و کشـمیر *(Kashmir)* را تصـرّف کردند و تا به حال شکست‌ناپذیر باقی مانده‌اند. در امـور کشوری، ضوابط قانونی کاملاً رعایت می‌شد و مالیات‌ها طبق مقرّرات وصول مـی‌شـد و یـک سیسـتم معتـدل اداری بر آن حکمفرما بود.

در این امپراتوری، پیروان ادیان مختلـف بـه آزادی زندگی می‌کردند و هر فرقه آیین و مراسم دینی خود را اجرا می‌کرد و همگان در برابر مقرّرات یکسان بودند. در پایتخت هم تمام تشریفات اداری و رسمی به مورد اجرا درمی‌آمد.

مهم‌ترین و نخستین پیروزی زمـان اکبـر، تصـرف راجپوت و انتخاب این شهر به‌عنوان مرکز ارتـش هنـد

ژاپن، ۱۶۲٤
اسپانیولی‌ها پس از ورود به مجمع‌الجزایر ژاپن دچار بیم و هراس شدند.
منطقه‌ی کارائیب، ۱۶۲٤
نخستین مهاجران انگلیسی در هند غربی پیاده شدند، در همین حال سر توماس وارنر (Sir Thomas Warner) جزیره‌ی سن کریستوفر (St Christopher) را با تعداد اندکی از همراهانش اشغال کرد.
آلمان، ۱۶۲٤
آلبرشت فون والنشتاین (Albercht Von Wallenstein)، به مقام دوک فریدلند (Friedland) رسید. وی که از نجبای بوهمی تغییر مذهب داده به کاتولیک است، از یک ارتش مجهز و آماده به خدمت برخوردار می‌باشد.
هندوستان، ۱۶۲٤
بیماری طاعون خیارکی که از هشت سال قبل در سراسر نواحی شمال و غربی هندوستان پیشرفت کرده بود، در حال فروکش‌کردن است.
فرانسه، ۱۶۲٤
وضع مالیات‌های سنگین، انتقام کشاورزان و روستاییان ایالت کورسی (Quercy) را برانگیخته و به ادامه‌ی شورش و نبرد تشویق کرده است.
بروکسل، ۱۳ ژانویه ۱۶۲۵
یان بروژل (Jan Bruegel) نقاش مشهور به بروژل مخملی درگذشت. او به‌عنوان یکی از ترسیم‌کنندگان گل‌های زیبا به‌صورت شاد و زنده معروف بود.
انگلیس، ۲۷ مارس ۱۶۲۵
با مرگ جیمز، پسرش چارلز به سلطنت انگلیس رسید.
انگلیس، پنجم ژوئن ۱۶۲۵
اورلاندو گیبونز (Orlando Gibbons) آهنگساز انگلیسی، در سن ۴۲ سالگی درگذشت. بهترین یادگاری که از وی به‌جا مانده، آهنگ‌ها و سرودهای بزمی و عاشقانه است.
چین، ۱۶۲۵
اولین پادشاه سلسله‌ی منچو (Manchu) شهر موکدن (Mukden) را به پایتختی برگزید. قلمرو حکومتی چین در زمان سلسله‌ی پادشاهی مینگ (Ming) دچار تزلزل شده و به ضعف دچار شد و این پادشاه درصدد تقویت و گسترش سرزمین تحت سلطه‌ی خود می‌باشد.
کانادا، ۱۶۲۵
لاله مان (Lallemand) و بربوف (Brebeuf) به عضویت دولت محلی کبک (Quebec) درآمدند. سابقاً تنها هیأت‌های مذهبی در عملیات اجرایی حکومت کانادا شرکت داشتند.
هند غربی، ۱۶۲۵
هلندی‌ها شهر سان‌خوان (San Juan) پورتوریکو (Puerto Rico) را اشغال کردند.
لندن، ۱۶۲۵
شهر لندن مورد هجوم و حمله‌ی بیماری طاعون واقع شد.
چین، ۱۶۲۵
مدارس خصوصی در سراسر امپراتوری تعطیل شد. این مدارس به‌صورت پایگاهی برای خواجه‌های ضددولتی و هواخواهان آن‌ها درآمده بود، آن‌ها سعی داشتند که از سلسله‌ی ضعیف پیشین مینگ حمایت کنند.
امریکای شمالی، ۱۶۲۶
شهر سیلم (Salem) به‌عنوان پایتخت ماساچوست (Massachusetts) برگزیده شد.
لندن، ۲۰ فوریه ۱۶۲۶
جان داولند (John Dowland) آهنگساز انگلیسی، امروز به خاک سپرده شد. زندگی وی در ابتدا مبهم و تیره بود، لکن چون در سال ۱۵۹۴ جزو گروه موسیقی دربار ملکه‌ی شد، به سرعت تغییر وضع داد، هرچند که در سال ۱۵۹۸ در دربار کریستیان (Christian) چهارم پادشاه دانمارک از عضویت گروه تارزن‌ها به رهبر ارکستر مبدل شد. به هر حال سرانجام در سال ۱۶۱۲ عضو گروه موسیقی دربار انگلیس شد.
لندن، نهم آوریل ۱۶۲۶
فرانسیس بیکن (Francis Bacon) سیاستمدار و فیلسوف انگلیسی در حالی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد که در سرمای برج لندن مانند مرغی که در برف فرو می‌رود تا از شر سرما مصون بماند، یخ زد.

بود که نظامیان در آنجا تعلیمات نظامی می‌دیدند و امور انتظامی هند را زیر نظر داشتند. وی در این شهر چندین پادگان نظامی تأسیس کرد.

او در هنگام بارعام، در سالن بزرگی، بر روی تخت سلطنتی و در وسط تالار می‌نشست و وزرا و درباریان هم در اطراف وی در روی مسندها و جایگاه‌های خود قرار می‌گرفتند. با وجود این، مقام او در حدّ یک نیمه‌خدا بود و در حرم او زنانی از سنّی و شیعه و هندو وجود داشتند. به واسطه‌ی این‌که اکبر فرقی بین ادیان مختلف قایل نبود و همه‌ی مردم به جهت ایجاد امنیت، به او احترام می‌گذاشتند.

او علاوه بر آرامش و سکونی که در هند برقرار کرده، چندین شهر جدید را هم بنیان نهاد. وی با وجود این که خودش سواد نداشت، مدارس چندی در کشور تأسیس کرد.

اکبر با کمک راجا تودار مال *(Raja Todar Mal)* و شاه منصور، دو تن از وزرای خود، اقدام به تدوین قانون جدید مالیاتی کردند. با اجرای قوانین جدید، کشور به ۳۳ استان تقسیم شد و به‌هر استان اختیارات داخلی اعطا شد و مرکزیت حکومتی و استقرار قدرت در پایتخت از بین رفت.

واتیکان به هیأت ژزوئیت ژاپنی خوش‌آمد می‌گوید. (رم، ۱۵۹۰):

چهار نفر از هیأت مذهبی ژزوئیت که مدّت هشت سال را در ژاپن گذرانده و دور از میهن بودند، به وطن بازگشتند. این چهار نفر که از خانواده‌های اصیل و جوان بودند، در بازگشت به شهر مادرید، توسط فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا و در شهر رم به وسیله‌ی پاپ گریگوری سیزدهم، مورد استقبال قرار گرفتند و به مناسبت ورود آن‌ها جشن‌های مفصّلی برپا شد. آن‌ها در شهر رم، با اسب‌های راهوار به سوی واتیکان شتافتند و به پای‌بوسی پاپ رسیدند و پاپ هم آن‌ها را در آغوش گرفت. آن‌ها در ژاپن به موفقیت بزرگی دست یافتند و آن طور که باید مأموریت خود را انجام دادند و حقیقت انجیل و مسیحیت را در ژاپن آشکار ساختند.

این مردان جوان در برگشت خود به وطن تسریع کردند، زیرا بیم داشتند که مرگ هر لحظه پاپ گریگوری را دریابد، با وجود این مخاطرات را به جان خریدند. هر چند که در ژاپن مأموریت آن‌ها با موفقیت همراه بود، لیکن دیر رسیدن آن‌ها هم موجب خطرهایی می‌شد.

پاپی که موجب تجدید و نوسازی شهر رم بود، فوت شد. (رم، ۲۷ اوت ۱۵۹۰):

پاپ سیکستوس *(Sixtus)* پنجم درگذشت. وی در مدّت پنج سال که در مقام سلطنت واتیکان قرار داشت، منظره‌ی تازه‌یی به شهر رم داد و به زیبایی آن کمک نمود. به دستور او، خانه‌های ویران و خراب را نوسازی کردند و تمام خیابان‌ها را تمیز کردند، چند خیابان جدید احداث و میدان‌های زیبایی ساخته شد. در میدان‌های شهر آب‌نماها و فواره‌هایی درست کردند. سالن نمایشات هنر تجدید بنا و با تزئینات و نقوش زیبا آراسته شد. به فرمان وی، یک کتابخانه‌ی بزرگ و کاخ جدیدی در واتیکان تأسیس شد.

وی کاردینال‌ها *(Cardinal)* را تشویق کرد که کلیساها و کاتدرال‌های *(Cathedral)* خود را دوباره‌سازی کنند. او معماران و مهندسان را به انجام مراسم عشای ربّانی و پرهیز و امساک دعوت می‌کرد. وی هم‌چنین در سیاست موفق بود و در مقابل جاه‌طلبی‌ها و امیال فیلیپ دوّم پادشاه اسپانیا ایستاد و قدرت واتیکان را استحکام بخشید.

جرّاحی که در جنگ تیر خورده بود، درگذشت. (فرانسه، ۲۰ دسامبر ۱۵۹۰):

آمبرواز پار *(Ambroise Pare)*، بزرگ‌ترین جرّاح مدرن، که در کارش به علّت تهور و شجاعت بی‌نظیر و همواره موفق بود، در سن ۸۹ سالگی در شهر پاریس بدرود حیات گفت. وی متخصص در جراحی‌های حاصله از جنگ و زخم‌بندی بود و در این مورد ابداعاتی انجام داده بود و زخمی‌های جنگ‌های اروپا را درمان می‌کرد.

او در سن ۳۶ سالگی استاد جراحی به‌شمار می‌آمد و در همین هنگام در میدان‌های جنگ به مداوای مجروحان می‌پرداخت. وی شیوه‌های نوینی در کار جراحی به کار می‌برد، شکستگی‌ها را در وضع طبیعی بی‌حرکت می‌کرد و برای بهبودی آن‌ها اقدامات مفیدی انجام می‌داد و برای ترمیم زخم‌ها، پماد و ضماد جوشیده به کار می‌برد و هرگز نسوج را با حرارت نمی‌سوزاند و روش‌های سنتی را هم رعایت می‌کرد، لیکن زخم‌ها را محکم پانسمان می‌کرد و روی زخم را باز نمی‌گذاشت، بلکه برای جلوگیری از خونریزی، محلّ آن را محکم می‌بست و روی آن را با ضماد می‌پوشاند.

در زمان جنگ، پار علاوه بر کارهای جراحی، کتابی موسوم به روش نوین درمان زخم‌ها تألیف کرد. او هرگز به تحصیل علم پزشکی نپرداخته بود، لیکن در علم و فن جراحی، مقام والایی را احراز کرد. او در سال ۱۵۵۴ به‌عنوان دکتر در طب شناخته شد و تز خود را به زبان فرانسه تحریر کرد، چون در آن زمان تمام رساله‌ها به زبان لاتین نوشته می‌شد.

رالی *(Raleigh)*، نخستین مستعمره را در دنیای جدید ایجاد کرد. (ویرجینا نیوانگلند، ۱۵۹۰):

در سه سال پیش، پیشگامان انگلیسی به جزیره‌ی رونوک *(Roanoke)* (دور از کرانه‌ی دریا که اکنون به نام کارولینای شمالی نامیده می‌شود) وارد شدند و اکنون تولد نخستین نوزاد متولد شده در این مستعمره را جشن می‌گیرند.

از زمانی‌که این زن و یکصد نفر دیگر که در حقیقت یک جماعت خانوادگی بودند، پراکنده شده و اثری از آن‌ها پیدا نشد و معلوم نیست که چه اتفاقی افتاده، زیرا صدایی از جایی نمی‌آید. تنها اثری که باقی مانده، کلمه‌ی کروآتون *(Croatoan)* است که نام یک قبیله‌ی سرخ‌پوستی است که بر روی پرچین نوشته شده است و همه جا خالی است.

در تاریخ ۱۷ اوت که جان وایت *(John White)*، فرماندار منطقه، با دو کشتی به آنجا برگشت، مشاهده کرد که بومیان مشغول رقص مرگ هستند. نوزادی که تازه متولد شده، نوه‌ی دختری وی و نامش را ویرجینا نهادند.

اکنون مدت شش سال از تاریخی می‌گذرد که ناویان انگلیسی پس از طی دو هزار مایل در ساحل

المان، ۲۷ اوت ۱۶۲۶
سپاهیان دانمارک توسط گروه پیمان کاتولیک به فرماندهی تیلی (Tilly) و نیروهای سلطنتی به فرماندهی والن‌اشتاین (Wallenstein) تار و مار شدند. این علامت پایان دخالت‌های قشون دانمارک بود که از سال ۱۶۱۸ در وقایع اروپا به دخالت می‌پرداختند.
امریکای شمالی، سپتامبر ۱۶۲۶
در پی مذاکراتی که یک گروه هلندی به سرپرستی پیتر مینوئیت (Peter Minuit) با رهبر هندی‌ها به سرپرستی کانارسی (Canarsee) انجام داد، کانارسی موافقت کرد در قبال دریافت مقداری منجوق و جواهر بدلی به ارزش ۶۰ گیلدر یا ۲۴ دلار، جزیره‌ی مانهاتان (Manhattan) را که ۲۲ مایل مربع وسعت داشت و در دهانه‌ی رود هودسن (Hudson) که توسط هنری هودسن کشف شده بود، به آنان واگذار کند. هندیان ظاهراً مایل نبودند بهای جزیره‌ی مانهاتان را به طلا یا نقره دریافت کنند.
امریکای شمالی، ۱۵ نوامبر ۱۶۲۶
پدران زائر (Pilgrim Fathers) (اشاره به مهاجران اولیه‌ی انگلیسی که از جور آن‌ها به امریکا پناهنده شدند) و در نیوپلیموت (New Plymouth) اقامت گزیدند، آن‌جا را در مقابل ۱۸۰۰ لیره‌ی انگلیسی خریدند.
ناپل، ۱۶۲۶
خوزه ریبرا (Jose de Ribera) تابلوی نقاشی «مستان خاموش» را به اتمام رسانید.
فرانسه، ۱۶۲۶
هانری کاله (Henrie de Calais) به تحریک دوشس شوه‌روز (Duchess de Chevreuse) معشوقه‌ی خود، توطئه‌یی علیه کاردینال ریشلیو (Richelieu) ترتیب داد، کاله تحت تعقیب قرار گرفت، ریشلیو دستور داد که تمام قلاع و استحکامات مربوط به طبقه‌ی اشراف را ویران کنند تا پناهگاه‌های آن‌ها از بین برود و هم‌چنین اعلام کرد ه برای دوئل آماده است.
فرانسه، ۱۶۲۶
کمبود موادغذایی در شمال کشور باعث تشنج و آشفتگی شده، دولت با محدودکردن صدور گندم درصدد است از این حالت جلوگیری کند و وضعیت را بهبود بخشد.
ویرجینیا، ۱۶۲۶
جورج ساندیس (George Sandys) به گردآوری و ترجمه‌ی گنجینه‌هایی دست زده و از جمله‌ی آن‌ها ترجمه‌ی اوید (Ovid) (شاعر باستانی رم) می‌باشد، وی با این کار دگرگونی در ادبیات امریکا پدید آورده است.
پاریس، ۱۶۲۶
ریشلیو فرمان داد که ساختمان سوربون (Sorbonne) (دانشگاه پاریس) را ویران نمایند.
فرانسه، ۱۶۲۶
تئوفیل ویائو (Theophile de Viau) شاعر فرانسوی، در سن ۳۶ سالگی درگذشت.
رم، ۱۶۲۶
ساختمان کلیسای سن پیتر (St Peter) موقوفه‌ی مذهبی اعلام شد.
پراگ، ۱۶۲۶
آدریان دو وری (Adrian de Vries) تندیس‌ساز هلندی که پیکره‌هایی از برنز می‌ساخت، جان سپرد. او را در شهر پراگ (Prague) دفن کردند. او در استخدام ژنرال والن‌اشتاین (Wallenstein) دوک فریدلند (Friedland) و مکلن‌بورگ (Mecklenburg) بود و کارهای زیادی برای او انجام داد.
کانادا، ۲۵ آوریل ۱۶۲۷
شرکت فرانسه‌ی نو کنترل سرزمین‌های فرانسه‌ی جدید را در اختیار گرفت (این شرکت با یک‌صد نفر کارمند مشغول به کار است) و انحصار صادرات پوست خز فلوریدا تا قطب شمال را دارد.
پاریس، ۲۲ ژوئن ۱۶۲۷
فرانسوا مون مورنسی بوتویل (Francois de Montmorency Bouteville) یکی از نجبای فرانسوی را به جرم این‌که قانون تحریم دوئل را ریشخند و مسخره کرده بود، به‌قتل رساندند. این قانون چند سال پیش به تصویب لویی سیزدهم رسیده بود.
انگلیس، نوابر ۱۶۲۷
چارلز پادشاه انگلیس، محموله‌ی توتون ویرجینیا را پس فرستاد و اظهار داشت تمام ویرجینیا در دود غرق شده است.

آمریکا، به این منطقه رسیدند و مدعی شدند که به سرزمین اصلی امریکا دست یافته‌اند. آن‌ها با دو فروند کشتی به ناخدایی آرتور بارلو *(Arthur Barlow)* و فیلیپ آماداس *(Philip Amadas)*، پس از گذشتن از اقیانوس اطلس، بدون توقف به پورتوریکو *(Puerto Rico)* و فلوریدا *(Florida)* رسیدند. آن‌ها به مجرد ورود به رونوک، از سوی رییس وینینا *(Chief Wingina)* مورد استقبال قرار گرفتند، و مقداری گوشت و ماهی و غذا به آن‌ها هدیه داده شد که مورد قبول بارلو قرار گرفت. وی در جواب پذیرایی آنان چنین اظهار داشت، ما از لطف و دوستی و مهربانی‌های شما سپاسگزاریم و هم‌چنین از هدیه‌یی که به ما دادید و سخاوت شما متشکریم. سپس رییس و فرمانده‌ی ارشد آن‌ها، در پاسخ چنین بیان داشت، ما شما را مردمان شریف و نجیبی می‌دانیم و به دوستی شما افتخار می‌کنیم و یقین داریم که نسبت به ما حیله و مکر به کار نخواهید برد و دست به جرم و جنایت نخواهید زد و امیداوریم در ایام اقامتتان در اینجا، دوران طلایی عمر خود را بگذرانید.

دو سال بعد، دولت انگلیس، والتر رالی کاشف اولیه‌ی نقاطی از سرزمین آمریکا را که به مقام شوالیه‌گری رسیده بود، به آن منطقه اعزام داشت و بارلو را برای تصدّی یک شغل سیاسی به انگلیس احضار کرد. او هم‌چنین با اجازه‌ی ملکه الیزابت، سرزمینی را که کشف کرده به احترام وی، سرزمین ویرجینا نام نهاد. (ملکه باکره)

او برخلاف بارلو، چندین بار به سیر و سیاحت و اکتشاف در آن ناحیه پرداخت. در پنج سال پیش، سر ریچارد گرویل *(Sir Richard Greville)*، تعداد ۱۰۸ نفر را در ساحل این منطقه اسکان داد، بدون این‌که آن‌ها دسترسی به غذای کافی داشته باشند. شکارچیان سرخ‌پوست آن‌ها را به گروگان گرفتند که یک سال بعد از آن، یعنی در ژوئن ۱۵۸۶، توسط فرانسیس دریک نجات یافتند. لیکن گرویل، ۱۵ نفر را پس از مدّتی در ساحل این منطقه اسکان داد. چند ماه بعد هم که وایت در نظر داشت یکصد نفر را در آنجا به حالت یک مستعمره‌نشین درآورد، دیگر اثری از آن ۱۵ نفر نبود و به‌نظر می‌رسد که آن‌ها توسط بومیان کشته شده باشند.



زندگی اکبر و شرح حال وی در کتاب اکبرنامه



کلبه های بومی سرخ پوستان . نقاشی آب و رنگ از جان وایت John white در سال ۱۵۸۷.



کلاس درس آناتومی (تشریح بدن انسان) به استادی آمبروازپار Ambroise pare که مورد استقبال وسیع علاقه مندان قرار گرفت.

مرگ آخرین فرزند ایوان، در پرده‌یی از ابهام باقی ماند. (مسکو، ۱۵ مه ۱۵۹۱):

دیمیتری *(Dimitri)*، دومین فرزند ایوان مخوف را که ۹ سال داشت و مبتلا به بیماری صرع (اپی‌لپسی) بود، در اتاق خوابش مُرده یافتند. به‌نظر می‌رسد که مستخدم وی با کارد حلقوم او را بریده و برای این کار باید دستمزد خوبی به او داده باشند، چون قاتل دستگیر نشد و به‌طوری که شایع است، بوریس گودانف *(Boris Godunov)* از اشراف زمین‌دار، برای رسیدن به قدرت او را اجیر کرده بوده است.

در حال حاضر، گودانف نایب‌السلطنه‌ی پسر کوچک‌تر ایوان می‌باشد که او هم بیمار روانی و مبتلا به زوال عقل است. گودانف با استفاده از این وضع، دیمیتری و مادر او را تبعید کرده بود که در پایتخت نباشند و خود زمام امور کشور را به جای تزار فئودور *(Fyodor)* کودن و مجنون در دست داشته باشد، لیکن نجبا و اشراف روسیه به او اعتراض داشتند و خواستار آن بودند که وی دیمیتری و مادر او را که هفتمین همسر ایوان بود، از تبعید باز گرداند. آن‌ها عقیده داشتند که دیمیتری با وجود بیماری صرع می‌تواند کشور را اداره کند و جانشین برادر خود شود، لیکن گودانف در باطن با این امر مخالفت می‌ورزید و در نتیجه فرمان قتل دیمیتری را صادر کرد.

آنارشیست‌ها، با قتل‌عام مردم در آنگولا، جوی خون جاری کردند. (آنگولا، ۱۵۹۱):

ایالات ساحلی سرزمین آنگولا *(Angola)* بر اثر تحریکات هیأت مذهبی کاتولیک‌ها در آتش و خون می‌سوزد. این آشوب بیشتر در نتیجه‌ی حوادثی است که بازرگانان برده‌ی پرتغالی به‌وجود آورده‌اند. آشوب‌طلبان قصد دارند که این ایالت را از بقیه‌ی سرزمین آنگولا جدا کرده و یک شاهزاده‌نشین مجزاً ایجاد کنند.

بر اثر بروز قحطی، اروپاییانی که به قصد تجارت بَرده تازه به این منطقه وارد شده‌اند، بیم دارند که این شورش به سرزمین‌های دیگر سرایت کرده و به آفریقای مرکزی برسد و تجارت بَرده را دچار اختلال

نیوفاوندلند *(Newfoundland)*، ۲۳ ژوئیه ۱۶۲۷
سر جورج کالورت (Sir George Calvert) که در سال ۱۶۲۲ مقدار زیادی زمین را بخشیده بود، به این سرزمین بازگشت.
فرانسه، ۲۷ اکتبر ۱۶۲۷
کاردینال ریشیلیو نخست‌وزیر لویی سیزدهم، قلعه‌ی لاروشل (La Rochelle) پروتستان‌مذهب را اشغال کرد.
ایسلند، ۱۶۲۷
ریک یاویک (Reykjavik) پایتخت ایسلند (Iceland)، مورد هجوم دزدان دریایی واقع شد.
چین، ۱۶۲۷
شورش‌های توأمان نیروهای نظامی و روستاییان، امپراتوری بیمار سلسله‌ی مینگ را در آستانه‌ی سقوط قرار داد.
ویرجینیا، ۱۶۲۷
بیش از ۱۵۰۰ کودک به‌وسیله‌ی آدم‌ربایان از خیابان‌های لندن دزدیده و به ویرجینیا برده شدند. در سال ۱۶۱۹ به فرمان جیمز پادشاه انگلیس کودکان یتیم و بی‌سرپرست جمع‌آوری و به ویرجینیا جهت کارگری برده شدند، در حالی‌که مردم نسبت به این امر اعتراض کردند، لیکن بچه‌دزدها در پی این فرمان جری شده و بچه‌دزدی هم افزایش یافته است.
هندوستان، ۱۶۲۷
جهانگیر یکی از پادشاهان بزرگ سلسله‌ی مغول هند، وفات یافت.
آنگولا، ۱۶۲۷
مبوندو نزینگا (Mbundo Nzinga) ملکه‌ی سالخورده‌ی آنگولا (Angola)، در نبرد بر ضد پرتغال پیروز شد. وی به خواهر خود ملکه‌ی ندونگو (Ndongo) که قبلاً با پرتغالی‌ها همکاری می‌کرد، پیوست.
هند غربی، ۱۶۲۷
ساکنان انگلیسی هند غربی به جزیره‌ی باربادوس (Barbados) وارد شدند.
بوهم، ۱۶۲۷
شاهزاده‌نشین هابسبورگ (Habsburgs) به‌طور قانونی جزو میراث بوهم محسوب شد. نجبای چک (Czech) دسته‌جمعی مهاجرت کردند.
لندن، ۱۶۲۷
پس از فوت فرانسیس بیکن (Francis Bacon)، نمایش‌نامه‌ی فلسفی وی به‌نام «آتلانتیس نو» توسط شاگردان او ساماندهی و به روی صحنه‌ی نمایش درآمد.
مراکش، ۱۶۲۷
با مرگ سلطان زیدان (Zaydan)، نشانه‌های سقوط سلسله‌ی سعدیان آشکار شد.
ویرجینیا، ۱۶۲۷
برخلاف مخالفت‌های پاپ و جیمز پادشاه انگلیس، در سال ۱۶۱۷ مقدار پانصدهزار پاوند (۴۵۳ گرم) توتون به ارزش ۱۸ هزار لیره از ویرجینیا صادر شده است.
امریکای شمالی، هفتم آوریل ۱۶۲۸
یوناس میکلیوس (Jonas Michaelius)، نخستین فرد هلندی است که جهت اصلاح امور مذهبی در مهاجرنشین‌ها به آمستردام جدید (New Amsterdam) وارد شد.
انگلیس، ۲۳ اوت ۱۶۲۸
جورج ویلیر (George Villiers) دوک باکینگهام (Duke of Buckingham) به‌قتل رسید. او همواره طرف توجه و محبت جیمز و سپس چارلز پادشاهان انگلیس و یکی از ثروتمندان بزرگ سراسر کشور بود. او با سیاست لجوجانه و سختگیرانه‌ی خود به یکی از چهره‌های ضدمردمی تبدیل شد.
امریکای شمالی، هشتم سپتامبر ۱۶۲۸
جان اندکات (John Endecott) دریانورد انگلیسی که به عزم نیوانگلند مسافرت می‌کرد. به مهاجرنشین سیلم (Salem) پایتخت ماساچوست (Massachusetts) وارد شد. وی برای انجام کارهای مربوط به مهاجرنشین‌ها از سوی دولت مأمور شده بود.
پاریس، ۱۶ اکتبر ۱۶۲۸
فرانسوا دو مالرب (Francois de Malherbe) شاعر فرانسوی، بدرود زندگی گفت. وی از دربار هنری چهارم حقوق دریافت می‌داشت و قصیده‌های بسیاری سرود که فاقد اصالت بود.
فرانسه، ۲۸ اکتبر ۱۶۲۸
پس از ۱۵ ماه محاصره‌ی شهر لاروشل (La Rochelle) پایگاه هوگونوت‌ها (پروتستان‌های فرانسوی) این شهر در مقابل نیروهای سلطنتی تسلیم شد.

سازد، چون شورشیان به بَرده‌داری و بَرده‌فروشی معترضند.

در سال ۱۵۶۱، دولت پرتغال سعی داشت که آلفونسوی *(Alfonso)* پرتغالی را به مقام پادشاهی کنگو منصوب سازد. در آن هنگام، برناردو *(Bernardo)* برادر آلفونسو، با انجام کودتا از این امر جلوگیری کرد و در این گیر و دار، تعدادی از پرتغالی‌ها کشته شدند.

در سال ۱۵۶۶، برناردو مُرد و با ضعفی که در سیاست این منطقه پیش آمد، هزاران نفر از قبایل ژاگا *(Jaga)* که ساکن ناحیه‌ی گرمسیری هستند، از کرانه‌های اقیانوس اطلس به آنجا حمله کردند و چون نیروی نظامی در مقابل خود ندیدند، به پیشروی ادامه دادند. در این هنگام، دولت محلی و بازرگانان بَرده، با اجیر کردن افراد بومی به مقابله با آن‌ها برخاستند، به‌ویژه آن‌که هیأت‌های کاتولیک هم به آتش دامن می‌زدند. در نتیجه، اغتشاش و خونریزی سراسر منطقه را فرا گرفت که تا سی سال بعد هم این اختلافات ادامه داشت.

شهری نامنظم و شلوغ در دامنه‌ی تپه‌ی پول و ثروت به‌وجود می‌آید. (پرو، ۱۵۹۱):

در ۲۸ سال قبل، در یک منطقه‌ی فقیر، دهکده‌یی به نام پوتوسی *(Potosi)* وجود داشت که مورد توجّه نبود. لیکن در این مدّت، این دهکده‌ی فقیر و کوچک به شهری ۱۳۰ هزار نفری تبدیل شده که از پاریس و مادرید هم بزرگ‌تر است.

۱۲ سال پیش، قاضی ماتین‌زو *(Matienzo)*، آن را شهری مرکز عیاشان و ولخرجان توصیف کرده است. این شهر دارای ۳۴ کازینو برای رقص، ۸۰۰ قمارخانه، ۱۲۰ فاحشه خانه، ۱۴ آکادمی تعلیم رقص و در عین حال ۳۶ کلیسا می‌باشد. منبع اصلی و پنهانی ثروت این شهر، تپّه‌ی پوتوسی است که دارای معادن نقره است و این کوه مملو از نقره به نام (سررو ریکو *Cerro Rico*) یا تپّه‌ی مال و ثروت نامیده می‌شود که از این کوه هر سال چندین تن نقره برای ضراب‌خانه‌های اسپانیا حمل می‌شود.

خیابان‌ها همه سنگ‌فرش با نرده‌های نقره و سواران با اسب‌های راهوار که نعل‌های آن هم از فلز نقره ساخته شده است، در حرکت هستند. کوهی که در خارج شهر واقع شده و پر از معادن نقره می‌باشد، و ۱۴ هزار پا ارتفاع دارد. هوای آن خنک و زمستان‌های بسیار سرد و بادهای سوزناکی دارد. برای استخراج نقره از این کوه، کارگران محلی در آنجا کار می‌کنند و سایرین قادر نیستند در این هوای سرد و توفانی به این کار طاقت‌فرسا بپردازند و صاحبان معادن هم به مشاغل سیاسی مهمّی دست یافته‌اند، لیکن پیوسته در جنگ و جدال به سر می‌برند. اسپانیا مدّت ۴۵ سال است که در این منطقه نایب‌السلطنه دارد و نخستین نایب‌السلطنه، بلاسکو نونزولا *(Blasco Nunezvela)* نام داشت که بر سر اختلافات نمایندگان سیاسی جان خود را از دست داد.

مراکش در پی به دست آوردن طلا از جنوب صحرا می‌باشد. (تیمبوکتو، ۱۵۹۲):

دولت مراکش که یکی از قدرت‌های منطقه می‌باشد، پس از مغلوب کردن سپاهیان پرتغالی و کشتن ۲۶ هزار نفر از سربازان آن، در صحرای بزرگ الکازار *(Alcazar)* به سونگایی *(Songhai)* یورش برد. سپاهیان مراکشی مرکب از چهار هزار سرباز قوی و ورزیده‌ی اندلسی مراکش که به شکل مزدور کار می‌کردند و نیز تعدادی از مسیحیان خائن، همراه با هشت هزار شتر و تجهیزاتی که به وسیله‌ی ملکه الیزابت پادشاه انگلیس برای آن‌ها فراهم کرده بود، سراسر صحرا را پیمودند. لشگریان سونگایی تاکنون دو بار به شکست دچار شده بودند. یک بار در توندیبی *(Tondibi)* نزدیک پایتخت گائو *(Gao)* و بار دوّم در بامبا*(Bamba)* نزدیک شهر تیمبوکتو *(Timbuktu)*.

هدف سلطان احمد المنصور (ملقّب به فاتح) پادشاه مراکش، تنها به دست آوردن طلا نبود، بلکه منظور او، تسخیر سرزمین‌ها و معادن طلا و نمک و کوتاه کردن دست حکومت‌های آفریقای سیاه از این منابع بود. به‌طوری که تجارت این دو محصول را در اختیار بگیرد و استخراج از این معادن را تعطیل نماید.

ویرجینیا، اکتبر ۱۶۲۸
لرد بالتیمور (Lord Baltimore) برای احداث یک مهاجرنشین به ویرجینیا وارد شد. وی چون کاتولیک‌مذهب است، از ادای سوگند نسبت به مذهب انگلیکان خودداری ورزید.

هند غربی، ۱۶۲۸
مهاجران انگلیسی به جزیره‌ی نویس (Nevis) وارد شدند.

فرانسه، ۱۶۲۸
بنابه فرمان پادشاه فرانسه اقامت هوگونوت‌ها در مناطق مهاجرنشین فرانسه‌ی نو ممنوع شده، آن‌ها را به مهاجرنشین‌های انگلیسی فرستادند.

امریکای شمالی، ۱۶۲۸
کمپانی انگلیسی مبادرت به گسترش شعبات خود در سراسر امریکا نمود و برای ترقی و بالابردن سود تجاری تحت لوای دولت انگلیس درآمد. این شرکت با کسب امتیاز، اراضی مابین منطقه‌ی مری ماک (Merrimack) و رود چارلز (Charles) را به شرکت منضم ساخت تا از آن برای تجارت بهره‌برداری کند.

فرانسه، ۱۶۲۸
نخستین بندرگاه با سد موج‌شکن در لوهاور (Le Havre) ساخته شد.

فرانسه، ۱۶۲۸
کتاب پذیرش ارواح توسط فرانسوا ساله (Francois Sales) پس از مرگش انتشار یافت او مدت زیادی جهت رسیدن به مقام اسقفی شهر ژنو (Genova) در انتظار به سر برد.

نیوهمپشایر *(New Hampshire)*، ۱۶۲۸
ساکنان امریکا جهت جلوگیری از قاچاق اسلحه درصدد راه جدید برآمدند که کمکی هم به اشاعه‌ی زندگی آن‌ها نماید و آن فروش مستقیم سلاح به بومیان بود، این امر مخاطراتی هم دربرداشت، لیکن فروشندگان چون به فکر منافع سرشار خود بودند، این شیوه را ادامه دادند.

مادرید، ۱۶۲۸
روبنس (Rubens) نقاش را با یک هیأت متشکل از سیاستمداران برای ملاقات و نقاشی از دوشس ایزابل (Archduchess Isabel) به شهر مادرید (Madrid) فرستادند، در این سفر وی موفق به دیدار ولاسکوئز (Velasquez) شد.

ایران، ۱۹ ژانویه ۱۶۲۹
شاه عباس صفوی پس از ۴۲ سال سلطنت در شهر اصفهان فوت شد. از پنج پسر وی، دو نفرشان به امر شاه کشته شدند، دو نفر هم به مرگ طبیعی دچار شدند و آخرین آن‌ها هم به دستور پدر نابینا گشت و به اجبار شاه صفی نوه وی جانشین او شد.

فرانسه، ۲۸ ژوئن ۱۶۲۹
بنابه فرمان عفو عمومی که به امضا رسید، پروتستان‌ها از نظر انجام امور مذهبی آزاد شدند، لیکن حق برگزاری جلسات سیاسی ندارند، هیچ‌گونه امتیازی در نیروهای نظامی هم نخواهند داشت. یعنی انتصاب به مقامات امنیتی هم برای آنان ممنوع است. در پی تسخیر شهر لاروشل (La Rochelle) (۱۶۲۷ـ۱۶۲۸) جنگ بر ضد پروتستان‌ها به دوک‌نشین‌های بزرگ کشیده شد. شهرها هم یکی پس از دیگری به‌دست کاتولیک‌ها افتاد.

کانادا، ۲۰ ژوئیه ۱۶۲۹
سر دیوید کرک (Sir David Kirke) ماجراجوی انگلیسی زمام قدرت را از ساموئل شامپلن (Samuel Champlain) منزوی در که‌بک به در آورد و خود اداره‌ی این منطقه‌ی را در اختیار گرفت. کرک دست فرانسویان را از دخالت در امور منطقه کوتاه کرد. در همین حال مدافعان گرسنه و قحطی‌زده که‌بک که در عسرت بودند، خود را تسلیم کردند.

هلند جدید، دهم سپتامبر ۱۶۲۹
هلندی‌ها در تلاش برای اسکان هم‌شهریان خود در دنیای جدید برآمدند و کمپانی هند غربی هلند، در حدود ۵۰ نفر را با پرداخت هزینه‌ی مسافرت در آن‌جا سکونت داد و این جمع ۵۰ نفری را از هر نظر مورد حمایت قرار داد، به‌طوری‌که آن‌ها در وضعیت بارون‌ها (Baron) زندگی می‌کردند و از هر نظر در آسایش به سر می‌بردند. همان‌طور که گفته شد کمپانی هند غربی هلند با توجه به رقابتی که با سایر مستعمره‌داران مثل انگلیس و فرانسه داشت، در نظر داشت که مستعمره‌یی مشابه آنان در امریکا بوجود آورد، از این‌رو این اجتماع کوچک را مورد پشتیبانی قرارداد و زمین‌هایی در اختیارشان قرار داد و مستخدماتی هم برای انجام کارهای روزانه داشتند و حتی حق قضاوت مدنی هم به آنان داده شده بود.

لیکن برخلاف تصوّر، فاتح در این نبرد مغلوب شد و تنها توانست بخشی از زمین‌های سوخته و تفتیده‌ی مرکز صحرا را تصرّف کند و نه تنها طلایی نصیب او نشد، بلکه گروه‌های پارتیزان سیاه به‌طور مرتب باعث ایذا و اذیت لشگریان مراکشی شدند.

ریالتو، معمار ونیزی، پل بزرگ شهر را بازسازی نمود. (ونیز، ۱۵۹۱):

ساختمان پل ریالتو *(Rialto)* در ناحیه‌ی فونداکودی تدیچی *(Fondaco dei Tedeschi)* بر روی کانال بزرگ، به اتمام رسید. عملیات ساختمانی این پل که ۱۵ متر درازا و هفت متر عرض داشت، با هنرمندی و مهارت کامل انجام شده و دارای دو مسیر رفت و برگشت می‌باشد که به سه دالان سر پوشیده ختم می‌شود که در دو طرف هر دالان مغازه‌هایی بنا شده است.

هنگامی‌که تصمیم به ساختن این پل گرفته شد، قرار شد که پل چوبی قدیمی را خراب کرده و پل جدید را با سنگ بنا کنند. برای انجام این امر چندین معمار مجرّب زیر نظر ریالتو شروع به کار کردند و برای تزیین و دکوراسیون محلّ، به پیروی از سبک میکل‌آنژ، هنرمندانی نظیر سانسووینو *(Sansovino)*، وینیولا *(Vignola)*، اسکاموتزی *(Scamozzi)* و پالادیو *(Palladio)*، نقشه‌هایی ارائه کردند و سرپرستی گروه را هم آنتونیودا پونته *(Anlonio da Ponte)* که معمار قصر دوژ *(Doge)* (حکمران) ونیز بود، عهده‌دار شد.

کشتی زره‌پوش، ناوگان دریایی ژاپن را در هم شکست. (کره *(Korea)*، ۱۵۹۲):

یک ناو جنگی که تمام بدنه‌ی آن از آهن پوشیده شده بود، مرحله‌ی جدیدی را در ساخت ناوهای جنگی آغاز کرد و در تاریخ جنگ‌های دریایی یک رکورد تازه بر جای گذاشت.

این نخستین ناو جنگی است که سراسر بدنه‌ی آن از آهن پوشیده شده و طراح آن دریاسالار یی‌سون سین *(Yi-Sun-Sin)* کره‌یی است که برای مقابله بر ضدّ نیروی دریایی ژاپن ساخته است و از نظر وضع ظاهری مهیب و ترسناک جلوه می‌کند.

ناوگان دریایی ژاپن، تقریباً به تمام سلاح‌های روز مجهّز است و از مواد خیلی سخت برای پوشش بدنه‌ی کشتی‌های جنگی استفاده می‌کند. لیکن این ناو جنگی جدید ظاهر مهیب و ترسناکی دارد و توپخانه‌ی قوی مجهّز و دستگاه قلعه‌کوب عظیمی دارد و دماغه‌ی آن قلاب بزرگی دارد که به کشتی‌های دشمن وصل می‌شود و آن را میخ‌کوب می‌کند و هنگامی‌که در بندری لنگر بیندازد، با تیرهای آتشین آنجا را مورد حمله قرار می‌دهد.

پادشاه فرانسه با پذیرش مراسم عشای ربّانی، خود را برای درگیری پاریس آماده می‌سازد. (پاریس، ۲۵ ژوئیه ۱۵۹۳):

هانری چهارم، پادشاه فرانسه، امروز عقاید پروتستان‌ها را تحریم و آن را غیر قانونی اعلام کرد و مذهب کاتولیک را مذهب رسمی کشور دانست. به این ترتیب، جشنی در کلیسای سن دنیس *(St Denis)* برپا و بویون *(Beaune)* را به‌عنوان اسقف اعظم انتخاب کرد.

وی در این مراسم سوگند یاد کرد که به کلیسای کاتولیک وفادار خواهد ماند و دستور داد تمام آیین‌های کاتولیکی از جمله مراسم عشای ربّانی را در کلیساها اجرا کرده و از انجام آداب پروتستان‌ها جلوگیری به عمل آورند، زیرا مذهب پروتستان را باطل اعلام داشته بود. او در حالی کلیسا را ترک گفت که مردم پاریس او را با هلهله و شادی بدرقه می‌کردند و اقدامات وی را می‌ستودند.

هانری قصد داشت با تحریم عقاید مذهبی پروتستان‌ها، فرانسه را یکپارچه در زیر پرچم کاتولیک‌ها درآورد و از جنگ و خونریزی در کشور جلوگیری کند و در ضمن، قدرت خود را هم استحکام بخشد.

این دومین بار است که هانری نقض عهد و پیمان‌شکنی می‌کند. بار اوّل در جریان کشتار روز سن بارتلمی *(St Bartholomew)* بود که هانری برای نجات جان خود از عقاید الحادی احتراز کرد و خود را شیفته‌ی مذهب کاتولیک نشان داد، لیکن پس از چندی خود را طرفدار پروتستان‌ها نشان داد و امروز این مذهب را غیر رسمی و غیر قانونی می‌داند.

امروز چون هانری به‌طور رسمی به‌عنوان پادشاه فرانسه سوگند یاد کرده، برای تحکیم پایگاه خود این شیوه را برگزیده، زیرا شاه کشور طبق یک سنت قدیمی باید پیرو کاتولیک باشد. وی هنگامی‌که به بالای تپّه‌ی مون‌مارتر *(Montmartre)* رسید و منظره‌ی شهر را از دور نظاره کرد، اظهار داشت که پاریس از این پس به عشای ربّانی ارج می‌نهد.

گالیله با اختراع حرارت‌سنج، هدیه‌یی به علم تقدیم کرد. (ایتالیا، ۱۵۹۲):

گالیله *(Gallileo)* دانشمند ایتالیایی، برای سنجش دما دستگاهی تعبیه کرد. این اختراع برپایه‌ی دستگاهی بود که دانشمندان یونانی در شهر اسکندریه ساخته بودند و نشان می‌داد که حرارت سبب انبساط هوا می‌شود.

اختراع گالیکه اهمّیت تلاش پیشینیان را در این راه نشان می‌دهد و حاکی از مهارت آن‌ها می‌باشد. حرارت‌سنج گالیله شامل یک حباب کوچک شیشه‌یی است که در بالای لوله‌ی بلند و نازک شیشه‌یی پر از آب قرار دارد. هنگامی‌که هوای درون حباب را گرم کنند، بر فشار هوای حباب افزوده می شود و به آبی که در لوله هست فشار آورده و سطح آب را در لوله پایین می‌آورد.

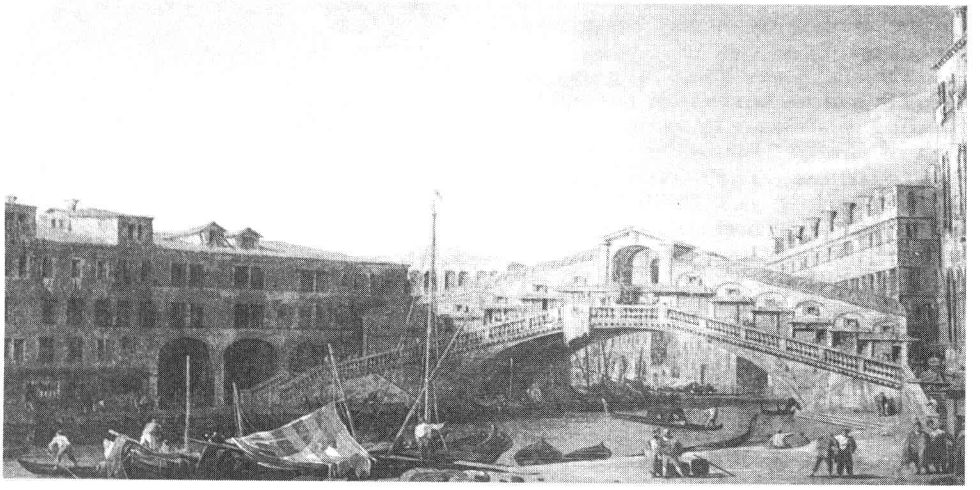
با حرارت‌سنج اختراعی‌گالیله، دانشمندان به پیگیری‌هایی در این موضوع پرداختند و در نتیجه لوازم علمی جدیدی ساخته شد.

داستان‌های جدید حاوی بذر ناراحتی‌های امور جنسی می‌باشد. (چین، ۱۵۹۳):

عقده‌های بزرگ امور جنسی، فلاسفه را بر آن داشته که مباحث جنسی را در ادبیات دنیا بگنجانند و این موضوع جای خود را در فرهنگ جهانی باز کند.

در حقیقت این جریان به این می‌ماند که غده‌یی چرکین در ظرف زرّین باز شود، لیکن جام طلایی از بوی عفن آن جلوگیری نمی‌کند و می‌بایستی این امر مورد توجّه قرار می‌گرفت.

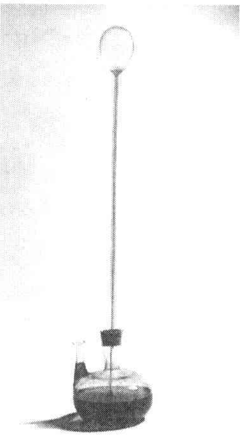
یکی از مؤلفان چینی به نام مستعار لان لینگ *(Lan-ling)*، کتابی در این مورد تألیف کرده که



پل ریالتو Rialto بر روی کانال بزرگ ونیز. کار کانالتو Canaletto، نقاش ایتالیایی (۱۶۹۷-۱۷۶۸)



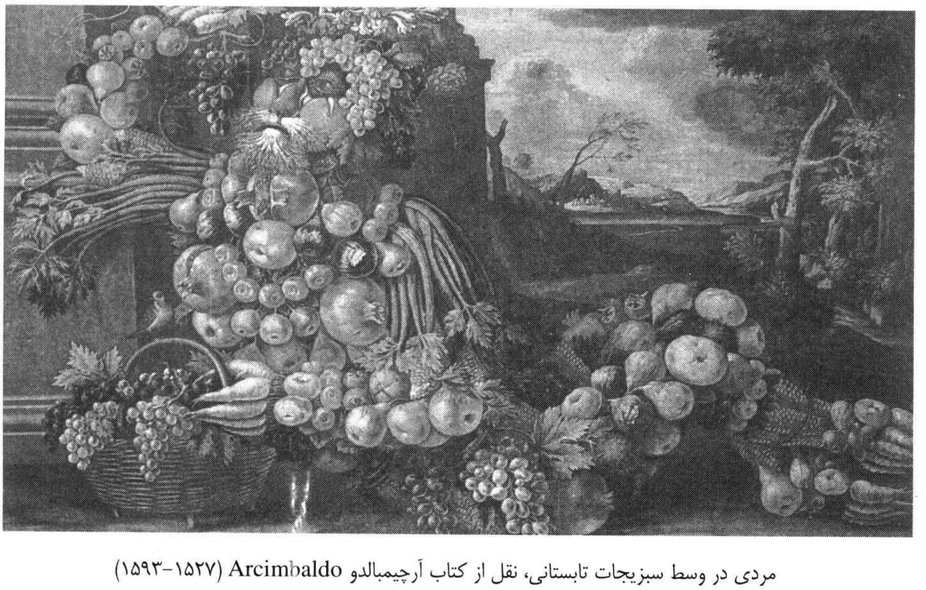
ویلیام سیسیل William Cecil که الیزابت به وی لقب لرد بورلی Lord Burghley داد و وزیر مستعمرات شد.



نمونه یی از حرارت سنج ساخت گالیله.



تصویر هانری چهارم، پادشاه فرانسه که سخت درگیر منازعات مذهبی بود و تمایل داشت که درگیری ها پایان یابد.



مردی در وسط سبزیجات تابستانی، نقل از کتاب آرچیمبالدو Arcimbaldo (۱۵۲۷-۱۵۹۳)

موجب خنده‌ی دانشمندان گشته است. او در این کتاب، داستان سقوط خاندان پادشاهی سونگ *(Sung)* را بیان می‌کند. این کتاب هم‌چنین حاوی کنایه‌هایی است که این خاندان به آن دچار شده بودند که بایستی بار دیگر مورد توجّه و دقّت واقع شود و به روشنی و وضوح، حقیقت قضایا بیان شود.

این مؤلف گمنام و باذوق، شیوه‌ی معمول و رمزی را به کنار نهاده و به صراحت و روشنی امور جنسی را که باعث عقده‌های روانی می‌شود، مورد بحث قرار می‌دهد، در حالی‌که پیش از این، جنبه‌های اخلاقی و عاطفی از تشریح این قضایا جلوگیری می‌کرد.

ملکه خط مشی تندی در برابر پارلمان در پیش می‌گیرد. (انگلیس، ۲۷ فوریه ۱۵۹۳):

الیزابت، ملکه‌ی انگلیس، پس از ۳۵ سال سلطنت، احساس می‌کند که باید در مقابل نمایندگان پارلمان مقاومت کند و حقوق آن‌ها را محدود سازد. وی در این مدّت با بعضی لوایح موافقت و با برخی مخالفت کرده و اغلب نظر نمایندگان را مورد قبول قرار داده و از حقوق قانونی خود چشم‌پوشی کرده است. او هم‌چنین به نمایندگان اجازه داد که در امور سیاست خارجی و مذهبی مداخله کنند و اقدامات وی را مورد انتقاد و حمله قرار دهند.

ملکه تنها به دو مورد از قوانین قبل از اظهارنظر نمایندگان ایراد گرفته، یک مورد آن، فشار بر کاتولیک‌ها برای پیروی از کلیسای انگلیس و نیاز به تدوین قوانینی در این باره بوده و دیگری تحریم جلسات کاتولیک‌ها و انجام مراسم مذهبی آن‌ها می‌باشد.

در سال‌های اخیر، اختلاف بین لرد بورگلی *(Lord Burghley)* نخست‌وزیر و نمایندگان پارلمان افزایش یافته است. در سال ۱۵۵۸، الیزابت بر تلاش ماری که سعی داشت سلطه کلیسای رم را بر انگلیس بار دیگر توسعه دهد، فایق آمد و او را از بین برد. در همان زمان، اسپانیا هم از اقدامات ماری حمایت می‌کرد و نزدیک بود که انگلیس به پیروی و متابعت دستگاه پاپ درآید.

ملکه برای جلوگیری از این امر شوم، یگانگی و وحدت بین دربار و مجلس را خواستار شد و در مقابل فشارها مقاومت کرد تا توانست استقلال مذهبی کشور را تأمین کند.

هنری هشتم اساس این فکر را بنیان نهاد و با مخالفت پاپ روبه‌رو شد، لیکن با هم‌فکری و همگامی پارلمان توانست بر این مشکل غلبه کند و به استیلای کلیسای رم بر انگلیس پایان داده و استقلال سلطنت را تضمین نماید.

اینک انگلیس یکی از قدرت‌های متوسط اروپایی به حساب می‌آید و این نظم نوین دشمنان کشور را بر سر جای خود نشانده و وحدت بین حکومت و پارلمان تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور می‌باشد.

هنرمند شوخ و بذله‌گوی ایتالیایی در قصر پادشاه درگذشت. (پراگ، ۱۱ ژوئیه ۱۵۹۳):

جوزپه آرچیمبولدو *(Giuseppe Arcimboldo)*، هنرمند و بذله‌گوی امپراتور رودولف *(Rudolf)* و دوست حقیقی و راستگوی وی، در کاخ سلطنتی جان سپرد. او هم‌چنین به واسطه‌ی نقّاشی‌های زیبا و فریبنده‌اش معروفیت داشت. وی مجموعه‌یی از کارهای نقّاشی را در کتابخانه‌اش داشت که از نقش انواع حیوانات، گیاهان، درختان و میوه‌ها تهیه کرده بود.

آرچیمبولدو یک منجّم و کیمیاگر بود و همانند یوهان کپلر *(Johann Kepler)* و تیکو براهه *(Tycho Brahe)* در امر ستاره‌شناسی صاحب نظر به‌شمار می‌آمد، معهذا از محیط علمی ایتالیا فرار کرده و به دربار رودولف پناهنده شد، زیرا بیشتر به هنر علاقه‌مند بود تا به علم.

تین تورتو *(Tintoretto)*، نقّاش بزرگ ایتالیایی، درگذشت. (ونیز، ۳۱ مه ۱۵۹۴):

بزرگ‌ترین نقّاشی که تصویری از بهشت ترسیم کرده، و تمام سطح دیوارهای سالن شورای کاخ دوژ *(Doges)* (حکمران ونیز) را که ۲۵/۶ متر درازا و ۱۰/۴ متر بلندی آن بود را با همکاری یکی دیگر از نقاشان مشهور به نام ژاکوپو روبوستی *(Jacopo Robusti)* به زیباترین وجه به‌صورت بهشت نقّاشی کرده بود، در سن ۷۶ سالگی دیده از جهان فرو بست.

مکزیکوسیتی (*Mexico city*)، سپتامبر ۱۶۲۹
شهر در اثر جریان سیل در آب فرو رفت، به‌طوری‌که در برخی نقاط ارتفاع آب به ۱/۸ متر می‌رسید. یکی از کشیشان محلی که خود شاهد این جریان بوده، اظهار می‌دارد که وضع شهر به‌صورتی درآمده بود که می‌بایستی از قایق برای رفت‌وآمد استفاده کرد. در حدود نصف اهالی شهر جهت امنیت و ترس از هلاک شدن در سیل به نقاط مرتفع خارج شهر پناه بردند.

آلمان، ۱۶۲۹
طبق فرمان امپراتور فردیناند دوم که به تازگی انتشار یافت، دستگاه روحانیت مسیحی اموال و دارایی‌هایی را که از سال ۱۵۵۵ به‌دست آورده، بایستی مسترد دارد. امپراتور امیدوار است که بتواند زمین‌هایی را که پروتستان‌ها در ۷۵ سال اخیر در اختیار خود گرفته‌اند، به نفع عموم از آن‌ها بازستاند.

امریکای شمالی، ۱۶۲۹
دسته‌هایی هرچه بیش‌تر از ایرلندی‌های کاتولیک‌مذهب برای اقامت و کارهایی از قبیل نوکری در منازل مهاجران مستقر در ویرجینیا (Viginia)، مری‌لند (Maryland) و کارولینا (Carolina)، روانه‌ی امریکا می‌شوند. آن‌هایی که روزبه‌روز بیش‌تر تحت فشار انگلیس در سرزمین خود هستند، همگی اقدام به فرار می‌کنند.

لندن، ۱۶۲۹
پیتر پل روبنس (Peter Paul Rubens) نقاش فلاندری (Flemish)، از سوی چارلز پادشاه انگلیس به لقب سفیر و شوالیه ملقب شد.

آمستردام جدید، ۱۶۲۹
یوناس برونک (Jonas Bronk)، یکی از مهاجران هلندی زمینی به مساحت ۵۰۰ جریب در شمال آمستردام جدید از هندیان گرفت. وی در نظر دارد در این مزرعه کشت ذرت و توتون به‌وجود آورد که محصول آن در سه سال آینده برداشت خواهدشد. این مزرعه که به‌نام آکواهانگیتو برونک (Aquahungtives Bronk) معروف است، در کنار رودخانه‌ی برونک (برونکس ریور (Bronx River)) واقع شده است.

لندن، ۱۶۲۹
طبق فرمان شاه، عینک‌سازان هم صنف مجزایی تشکیل می‌دهند.

پاریس، ۲۰ اکتبر ۱۶۲۹
کاردینال پی‌یر دو برول (Pierre de Berulle) دانشمند الهیات، از دنیا رفت، وی بینان‌گزار مکتب سخنوری بود که در سال ۱۶۱۱ آن را تأسیس کرد و یکی از کسانی بود که توانست در مقابل اصلاح‌طلبان مذهبی پایداری کند.

فرانسه، ۱۶۲۹
ماریلاک (Marillac)، یکی از معاونان ریشیلیو صدراعظم فرانسه، یک‌سری اصلاحات داخلی به‌نام «کدمیشو (Code Michaud)» در کشور انجام داد.

هلند، ۱۶۲۹
آلبرت گرارد (Albert Gerard) نخستین کسی بود که علامت پرانتز و سایر علایم اختصاری را در ریاضی به‌کار برد.

استرالیا، ۱۶۲۹
فرانسیسکو پلسیر (Francisco Pelsaert) دریانورد هلندی، پس از این‌که کشتی و در باتاویا (Batavia) واقع در کرانه‌ی صبحگاهی دچار سانحه شد و قسمتی از آن شکست، در ساحل شمال غربی استرالیا لنگر انداخت.

موزامبیک (*Mozambique*)، ۱۶۲۹
مونهو موتاپا (Munhumutapa) فرمانروای ایالتی، چهارمین و توهین‌آمیزترین قرارداد را با پرتغالی‌ها که در جنگ شکست خورده بودند، منعقد کرد.

آلمان، ۱۶۲۹
۲۷۴ نفر از اهالی ایش‌اشتات (Eichstatt) به جرم جادوگری در ناحیه‌ی اسقفی اعدام شدند.

ژاپن، ۱۶۲۹
زنان ژاپنی که به‌عنوان مهماندار در خدمت مردان کار و به اعمال ناشایست مبادرت می‌کردند، برحسب فرمان امپراتور توکوگاوا (Tokugawa) (شوگون (Shogun)) تبعید شدند. بسیاری از زنان فاحشه کابوکی (Kabuki) با رقص‌های شهوت‌انگیز در حضور مردان، اغلب باعث جنگ و زد و خورد در بین آن‌ها می‌شدند که به قتل افراد می‌انجامید.

رم، ۱۶۲۹
کارلو مادرنا (Carlo Maderna) معمار ایتالیائی، از دنیا رفت.

مادرید، ۱۶۲۹
ولاسکوئز (Velasquez) نقاش اسپانیایی، تابلوی نقاشی «پیروزی باکوس (Bacchus)» را به اتمام رسانید.

او را به‌طور معمول تین تورتو می‌نامیدند. پدرش هم مشهور به تین ترو *(Tintero)* بود. برای این کار تین تورتو و پائولو *(Paolo)*، مدّتی با هم مشورت کردند که سقف اتاق‌های کاخ را چگونه بیارایند. سرانجام بدین نتیجه رسیدند که سقف‌ها را طوری جلوه دهند که حالت برافروختگی و تابش داشته باشد و منظره‌یی از ملکه‌ی دریاها در آن منعکس شود که به بیننده حالت شادی و سرور دست دهد.

او در جوانی به علّت اختلاف با تیت‌یان *(Titian)* نقّاش معروف ایتالیا، از کار کردن با وی منصرف شده، استعفا داد. گرچه او را به نافرمانی متّهم کردند، لیکن اطرافیان گفتند که وی به علّت حسادت با تیت‌یان از کار برکنار شده است. تابلوی او جنبه‌ی اسرارآمیز دارد، ولی خیلی روشن و واضح به‌نظر می‌رسد. یکی از تابلوهای او، تصویر سن مارک را که نمونه‌یی از قدیسین شهر ونیز است، نشان می‌دهد و دیگری منظره‌ی شب‌های بندر اسکندریه است.

تین تورتو خیلی سریع نقّاشی می‌کرد. او تمام دکوراسیون قصر اسکولادی سن روکو *(Scula di San Rocco)* را در عرض مدّت شش سال تمام کرد، وی وصیت کرد که جسد وی را در ۱۵/۲ متری بالای صحن کلیسا دفن کنند.

نیروهای دریایی ژاپن به کره حمله‌ور شدند. (کره، ۱۵۹۳):

هاید یوشی *(Hideyoshi)*، فرمانده‌ی کل نیروهای مسلّح ژاپن، با حمله به جزیره‌ی کره، در باتلاق فرو رفت. وی پس از یک سال نبرد در این جزیره، نیمی از قوای نظامی خود را از دست داد و اکنون خطر شکست در انتظار اوست.

نیروهای دریایی ژاپن در ماه مه سال گذشته با حمله به سواحل کره در آنجا لنگر انداختند و به سوی شهر پوسان *(Pusan)* پیشروی کردند و به‌نظر می‌رسید که فاتح خواهند شد. جاشویان ژاپنی که توسط سربازان نیروی زمینی همراهی می‌شدند، در نظر داشتند که در این منطقه با نیروهای کره‌یی درگیر شوند. لیکن کره‌یی‌ها فرصت حمله به نیروی دشمن را از دست دادند. نیروهای کره‌یی در سواحل کشور خود پراکنده

شدند، چون قدرت دفاعی آن‌ها ضعیف بود، نتوانستند کاری از پیش ببرند و در چند روز اوّل، هشت هزار نفر از آن‌ها کشته شدند (سر خود را باختند). نیروهای ژاپنی با پیشرفت در خاک کره، شهر سئول *(Seoul)* را تصرّف کردند. پادشاه، شهر را رها کرده و به شهر پیونگ یانگ *(Pyongyang)* عقب‌نشینی کرد، در حالی‌که سربازان ژاپنی شهر را به باد غارت دادند. پس از چندی، نیروهای قدرتمند دریایی کره وارد صحنه شدند و حملات سختی را علیه دشمن آغاز کردند. آن‌ها در بدو امر، کشتی‌های تدارکاتی ژاپن را مورد حمله قرار دادند تا از نظر آذوقه و ملزومات آن‌ها در مضیقه قرار دهند. سپس به نفربرها هجوم بردند. در این حال، نیروهای کره‌یی سخت به دفاع پرداخته و راه‌های تدارکاتی و پشت جبهه‌ی آن‌ها را با ژاپن قطع کردند. از سویی روستاییان و کشاورزان کره‌یی در اطراف شهر به نبردهای پارتیزانی علیه دشمن دست زدند. پارتیزان‌ها با یورش به کشتی‌های نفربر، تعدادی از آن‌ها را غرق کردند، پس از آن، زمستان و سرمای طاقت‌فرسا آغاز شد. دولت چین از ماه‌های اوّلیه شروع سال جدید، با اقدامات میانجی‌گرایانه از ژاپن خواست که نیروهای خود را از کرانه‌های رود یالو *(Yalu)* عقب بکشد و شهر سئول را تخلیه نماید، نیروهای ژاپنی که در آستانه‌ی شکست قرار داشتند، با انجام گفت‌وگوهای صلح، موافقت نمودند و سرانجام هاید یوشی تن به امضای قرارداد صلح داد.

شورش ایرلند، زنگ خطری برای ملکه الیزابت (ایرلند، ۳۰ ژوئیه ۱۵۹۵):

یکی از سران ایرلندی که توسط دولت انگلیس به مقام اِرل ناحیه‌ی تایرون *(Tyrone)* انتخاب شده بود، امروز رسماً به خیانت متّهم شد. در این موقع، یکی از رجال مشهور ایرلندی به نام هوف اونیل *(Hugh o' Neill)* پنهانی عدّه‌یی را در اعتراض به روش پروتستان‌ها و این که مذهب پروتستان را به‌عنوان آیین رسمی به کشور تحمیل کرده بودند، وارد میدان کرد.

یکی دیگر از علل خشم و عصبانیت مردم، این بود که هنگامی‌که عدّه‌یی از کاتولیک‌ها به شهر اولستر *(Ulster)* وارد می‌شدند، مورد اذیت و آزار کالوینیست‌های ضدّ کاتولیک قرار گرفتند، این عدّه از مهاجران اسکاتلندی بودند که برای اقامت به شهر اولستر می‌رفتند.

اونیل با صدای رسا اطاعت خود را از دربار و ملکه انگلیس اعلام داشت. وی با دختر یکی از نجبای انگلیسی ایرلندی ازدواج کرده و منظور او از این زناشویی پیوند بین انگلیس و ایرلند بود. وی با اجازه‌ی دولت انگلیس ۶۰۰ نفر را به‌عنوان نیروی نظامی برای دفاع از ایرلند تحت تعلیم قرار داده بود. او همه ساله سربازان جدیدی جایگزین قدیمی‌ها می‌نمود و زمانی که به قیام اقدام کرد تعداد چهار هزار نفر سرباز تفنگ‌دار، یک هزار نفر نیزه‌دار و هم‌چنین یک هزار نفر نیروی سواره در اختیار داشت.

اونیل قلاع و استحکامات اِنیس کیلِن *(Enniskillen)* و موناگان *(Monaghan)* را تسخیر کرد و از فیلیپ پادشاه اسپانیا خواستار شد که نیروی کمکی برای او اعزام کند.

لیکن قوای انگلیس راه‌های ورودی را بر روی اونیل بسته و وی را تحت محاصره قرار دادند و در حقیقت اونیل در صحنه مات شد. دولت انگلیس دستور داد که مدارس ایرلند را بازگشایی و یک کالج تثلیثی برای کاتولیک‌ها تأسیس کنند و در این راستا امیدوار است که زمینه‌ی صلح با ایرلند فراهم شود.

اروپا دو نفر از استادان موسیقی را از دست داد. (مونیخ *(Munich)*، ۱۴ ژوئن ۱۵۹۴):

در چهار ماه اخیر، اروپا دو نفر از بزرگ‌ترین نوابغ موسیقی را از دست داد. در روز دوّم فوریه، جووانی پی‌یرلوئیجی دا پالسترینا *(Giovanni Pierluigi da Palestrina)* از دنیا رفت و امروز هم اورلاندودی لاسوس *(Orlando di Lassus)* جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

پالسترینا در سال ۱۵۲۵ در شهر کوچکی نزدیک رم به نام خودش (پالسترینا) چشم به جهان گشود. او سال‌ها در همین شهر به کار اشتغال داشت، تا این‌که پاپ ژولیوس سوّم او را به مقام اسقفی برگزید و چون

موسیقی‌دان بود به رهبری گروه موزیک کلیسای ژولیان سن پیتر *(Julian St Peter)* در سال ۱۵۵۱ برگزیده شد. وی با گذشت زمان اعتبار و شهرت بیشتری کسب کرد به‌طوری که در سال ۱۵۷۱ به اوج شهرت رسید.

وی رهبری موسیقی سرودهای مذهبی را بر عهده داشت و سرودهای مراسم عشای ربّانی او معروفیت بسیاری پیدا کرد. در پی اجلاس ترنت *(Trent)* (برای راهبرد تازه کلیساها) از وی خواسته شد که سرودهای مذهبی کلیسای کاتولیک را تغییر دهد.

لاسوس در سال ۱۵۳۰ در شهر فلاندر *(Flanders)* متولّد شد و در اوان جوانی سفرهای زیادی انجام داد. از سال‌های ۱۵۵۳ـ۱۵۵۵ وی سرپرست گروه موسیقی سن ژان لاتران *(St John Lateran)* را در شهر رم عهده‌دار بود (پالسترینا بعداً جانشین وی گشت.) او سپس با پیوستن به دوک باواریا در سال ۱۵۵۶ به رهبری گروه موزیک کلیسای شهر منصوب شد و تا سال ۱۵۶۳ یعنی هنگام مرگ دوک، این مقام را عهده‌دار بود. او کمتر از پالسترینا محافظه‌کار بود و برای اجرای مراسم عشای ربّانی سرودهای زیادی تنظیم کرد که با صدای موزون اجرا می‌شد.

پادشاه لهستان مقام سلطنت سوئد را هم احراز کرد. (استکهلم، ۱۷ نوامبر ۱۵۹۳):

به دنبال مرگ یوهان سوّم پادشاه سوئد، اشراف آن کشور از سیگیسموند واسا پادشاه لهستان، درخواست کردند که پادشاهی سوئد را بپذیرد. نجبای سوئدی پس از شور و مشورت فراوان به این نتیجه رسیدند که طبق سنّت و قوانین سوئد می‌توانند پادشاه مورد اعتماد را برای سلطنت و حفاظت از حریم کشور برگزینند، بدون آن‌که مدعی شرکت در حکومت باشد و در واقع سمبل سرزمین سوئد و یک مقام تشریفاتی باشد.

بنیادگرایان مذهب لوتری هم از این‌که سیگیسموند کاتولیک مذهب را به پادشاهی برگزینند، ابایی نداشتند، چون قدرت او محدود بود و حق دخالت در امور مذهبی این سرزمین را نداشت و تنها تاج پادشاهی سوئد را در اختیار داشت.

انگولا، ۱۶۲۹
پرتغالی‌ها برای نخستین‌بار بذر ذرت و کاساوا (Cassava) (ماینوک) را در سواحل آنگولا کشت کردند.

ماساچوست، ۱۲ ژوئن ۱۶۳۰
تعداد ۱۱ فروند کشتی با پرچم ماساچوست به شرکت آربلا (Arbella) با محموله‌یی مرکب از ۷۰۰ نفر مسافر، ۶۰ رأس اسب و ۴۰ رأس گاو در بندر سیلم (Salem) پایتخت ماساچوست لنگر انداخت. جان وینتروپ (John Winthrop) بلافاصله خود را به‌عنوان فرماندار منطقه‌ی مهاجرنشین معرفی کرد. این مسافران که از فرقه‌ی پوریتن‌ها (Puritans) (پرهیزکار) بودند، برای سیاحت و دیدن سرزمین امریکا آمده بودند و قصد داشتند در صورت امکان مهاجرنشین‌های جدید در این منطقه به‌وجود آورند.

ماساچوست، هفتم سپتامبر ۱۶۳۰
جان وینتروپ فرماندار و هیأت همراه او تصویب کردند که ناحیه‌ی تری‌مونتین (Trimontaine) در شبه‌جزیره‌ی شاوموت (Shawmut) را به‌نام بوستون (Boston) بنامند. طبق این تصویب‌نامه بوستون به‌جای سیلم به پایتختی مهاجرنشین ماساچوست برگزیده شد.

امریکای شمالی، ۳۰ سپتامبر ۱۶۳۰
جان بی‌لینگتون (John Billington) در نیوپلیموت (New Plymouth) نخستین فردی بود که در این مهاجرنشین به دار آویخته شد.

مادرید، پنجم نوامبر ۱۶۳۰
با انعقاد پیمان سوزا (Susa) در شهر مادرید صلح بین انگلیس و اسپانیا برقرار شد.

ماساچوست، نهم نوامبر ۱۶۳۰
اولین گذرگاه آبی از بوستون تا چارلز تاون (Charlestown)، واقع در کرانه‌ی رود چارلز گشایش یافت.

فرانسه، دهم نوامبر ۱۶۳۰
جنگ و منازعه‌یی شدید بین کاردینال ریشیلیو، جنگ‌طلب و تجاوزگر و ماری‌لاک (Marillac) که طرفدار سیاست خارجی ملایم و قوانین محلی مردمی و ازجمله کاهش مالیات بود، درگرفت. این برای اولین‌بار بود که لویی سیزدهم پس از تسلیم ملکه‌ی مادر از ریشیلیو در برابر ماری‌لاک جانبداری می‌کرد. روز بعد هم پادشاه اعلام کرد که ریشیلیو در مقام نخست‌وزیری باقی خواهد ماند و به دستور وی ماری‌لاک دستگیر و زندانی شد و ریشیلیو هم از سیاست خارجی سخت‌گیرانه‌ی خود دست برداشت و از روش خود بر ضد پادشاه هابسبورگ عدول کرد.

آلمان، ۱۶۳۰
پس از دو سال که از اعدام جادوگران می‌گذرد، بازهم ۱۲۴ نفر به جرم جادوگری به‌دستور تئوتونیک‌ها (Teutonic) در مرگنت‌هایم (Mergentheim) به هلاکت رسیدند.

ناپل، ۱۶۳۰
ولاسکوئز (Velasquez) با سفر به ایتالیا به ملاقات خوزه دو ریبرا (Jose de Ribera) (مشهور به اسپانیولی کوچولو) شتافت، نقاشی که در شهر معروف خاص و عام بود، اتفاقاً در همین هنگام تابلوی شهدای واقعه‌ی سن‌بارتلمی (Saint Bartholomew) را به پایان رسانید.

ژنو، ۱۶۳۰
آگریپا اوبیین (Agrippa d' Aubigne) که در سال ۱۵۵۲ زاده شده بود، جهان را ترک کرد. او یکی از سربازان جنگ‌های هوگونوت و در ضمن شاعر و تاریخ‌نگار بود.

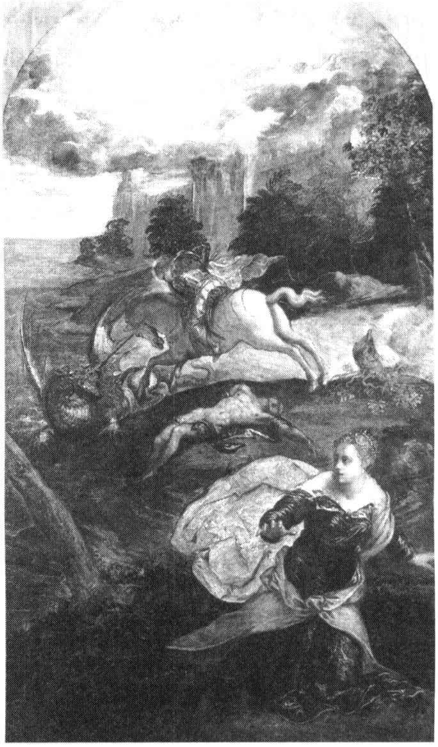
آلمان، ۱۶۳۰
تنها پس از گذشت هشت سال از تشکیل شاهزاده‌نشین اسقفی ورزبورگ (Wurzburg)، اسقف فیلیپ آدولف فون اهرنبرگ (Philipp Adolf von Ehrenberg) دستور داد که ۹۰۰ نفر جادوگر از جمله برادرزاده‌ی خود و ۱۹ کشیش و چندین نوجوان را به هلاکت برسانند.

سوئد، ۱۶۳۰
گوستاو آدولف (Gostavus Adolphus) پادشاه سوئد، با حمله به پومرانیا (Pomerania) و مکلن‌بورگ (Mecklenburg)، پیروزی‌های ارتش آلمان در جنگ‌های اروپا را خنثی کرد.

آلمان، ۱۶۳۰
کریستوف شاینر (Christophe Scheiner) ستاره‌شناس آلمانی، به‌خاطر نگارش کتابی به‌نام «روزا اورسینا (Rosa Ursina)» به معروفیت رسید، وی در این کتاب مشاهدات خود را درباره‌ی لکه‌های خورشیدی شرح می‌دهد، بدین‌معنی که: در زمانی‌که خورشید محورش تغییر می‌کند، این لکه‌ها در روی آن ظاهر می‌شوند.



تصویری از لحظه ی تولد ونوس Venus به وسیله ی جان دی John Dee، کیمیاگر، جغرافی دان، ریاضی دان و ستاره شناس متولد سال ۱۵۲۷ او یک بار به جرم جادوگری زندانی شد. دی چند بار تلاش کرد که راه آبی شمال غربی را کشف نماید.



صحنه ی پرشوری از نبرد سنت جورجSt George با اژدها، نقاشی از تینورتوTinoretto.



نمای قلعه ی هیمه جی Himeji، یکی از قلاع تویوتومی Toyotomi که به فرمان هاید یوشی بنا شده، تاریخ ساخت: ۱۵۷۷.



در سده ی ۱۶، آهنگ ساز و نوازنده، محترم داشته می شدند.

پاریس، ۱۶۳۰
ساختمان قصر لوگزامبورگ (Luxembourg) که توسط سلیمان بروس (Solomon de Brosse) برای ملکه‌ی مادر، ماری دو مدیسی (Marie de Medici) در ۱۵ سال قبل شروع شده بود، با نقاشی‌هایی درباره‌ی زندگی او به‌وسیله‌ی روبنس (Rubens) به‌پایان رسید.

دانمارک، ۱۶۳۰
آندرس کریستین سن آره‌بو (Andres Chritiensen Arrebo)، اسقف پیشین تورندهایم (Trondheim) که نامش مترادف با ترجمه‌ی مزامیر (Psalm) کتاب مقدس در سال ۱۶۲۳ بود، یکی از شاهکارهای خود را که به‌عنوان حماسه‌ی دانمارک (Demark) مشهور است، به‌نام «هگزا مرون (Hexaemeron)» یا پیدایش کائنات در شش روز انتشار داد.

موزامبیک، ۱۶۳۱
نبرد بین مونهوموتاپا (Munhumutapa) و ارتش پرتغال بار دیگر متارکه گردید.

فرانسه، ۱۳ ژانویه ۱۶۳۱
کاردینال ریشیلیو صدر اعظم لویی سیزدهم، نظرش را نسبت به حاکم‌نشین هابسبورگ و ضدیت با آن، معطوف به مسأله‌ی دیگری کرد و آن عقد پیمان صلح باروالد (Barwalde) با گوستاو آدولف پادشاه پروتستان‌مذهب سوئد بود که از بیم حمله‌ی گوستاو به قلب کشور آلمان، بدان تن در داد.

پاریس، ۳۰ مه ۱۶۳۱
نخستین مجله‌ی هفتگی به‌نام «لاگازت دو فرانس (La Gazette de France)» که حاوی مجموعه اخبار و ارگان دربار سلطنتی بود، به مدیریت تئوفراست رنودو (Theophraste Renaudot) با امتیاز دربار فرانسه، انتشار یافت.

آمستردام، ژوئن ۱۶۳۱
رامبراند (Rambrandt) باتوجه به موفقیت‌های اخیرش شهر لیدن (Leyden) را به عزم آمستردام (Amsterdam) ترک کرد تا در آن شهر که مرکز حسن سلیقه و مد به‌شمار می‌رفت، به نقاشی بپردازد.

ماساچوست، اوت ۱۶۳۱
اولین کشتی ساخته‌شده در امریکا با ظرفیت ۳۰ تن به‌عنوان تبریک و مبارکی خلیج به‌سوی بندرگاه بوستون حرکت کرد. این کشتی که مملو از الوار بود، به بهای نصف محموله‌هایی بود که از انگلیس وارد می‌شد و مهاجران امیدوارند بتوانند تجارت سودآوری با سرزمین‌های دیگر و به‌خصوص با انگلیس مبادرت کنند.

آلمان، ۱۷ سپتامبر ۱۶۳۱
پس از غارت و ویرانی شهر پروتستان‌نشین مادگبورگ (Madgeburg) توسط گروه تیلی (Tilly) فرمانده پیمان کاتولیک، نماینده‌ی انتخابی ساکسونی درصدد برآمد که پیمان آشتی با گوستاو آدولف پادشاه سوئد که نیروهای کاتولیک را در شهر بریتن‌فلد (Breitenfeld) تار و مار کرده بود، امضا کند.

رم، ۱۶۳۱
دومنیکو ماتزوچی (Domenico Mazzochi) اجراکننده، بخشی از سرودهای کتاب مقدس با آواز یک یا دو نفری را در رم به‌نمایش گذاشت.

فرانسه، ۱۶۳۱
گاستون اورلئان (Gaston d Orleans) و مادر وی ماری دو مدیسی، موضوع آشتی با ریشیلیو صدر اعظم فرانسه را نپذیرفتند و این جریان باعث آشوب در پایتخت گردید. در همین اثنا ملکه‌ی مادر به ملک خصوصی خود در هلند فرار کرد و نبرد بین مادر و فرزند آغاز شد.

فرانسه، ۱۶۳۱
پی‌یر ورنیه (Pierre Vernier) ریاضیدان فرانسوی، برای سهولت درجه‌بندی، دایره را به شش قسمت تقسیم کرد و یک‌ششم محیط دایره را ۶۰ درجه نامید. اختراع این موضوع سبب بهبود محاسبات هندسی گشت و شیوه‌ی محاسبه پدرونونز (Pedro Nunez) ریاضیدان اسپانیولی را اصلاح کرد.

انگلیس، ۱۶۳۱
ویلیام اوترد (William Oughtred) با به‌کارگیری علامت ضربدر، چندبارگی را در محاسبات به‌وجود آورد و جمع چندین‌باره‌ی اعداد را تسهیل کرد.

انگلیس، ۱۶۳۱
نمایش‌نامه‌ی «عشق خشونت‌بار» نوشته‌ی جیمز شرلی (James Shirley) به روی صحنه امد.

سیگیسموند هم قبلاً با امضای پیمان کالمار *(Kalmar)* خود به این امر واقف بود و تنها برای این‌که استقلال کشور سوئد در خطر قرار نگیرد، این مقام را پذیرفت و تعصب و تبعیض را در امور سیاسی دخالت نمی‌داد و پیرو آزادی اعتقادات مذهبی بود.

صدها نفر از شهروندان آلمانی را به اتّهام جادوگری سوزاندند. (ایالات آلمانی، ۱۵۹۵):

در چندین ایالت آلمان، یک بیماری شبیه طاعون بروز کرد و عدّه‌یی را به کام مرگ کشانید. این بیماری وحشتناک موحّش چیزی جز سوزاندن افراد به اتّهام جادوگری نبود که به سرعت به نقاط مختلف سرایت کرد. این بیماری هم‌چون طاعون علاج‌ناپذیر بود، لیکن یک بیماری جسمی نبود، بلکه یک مرض مغزی بود که عدّه‌یی متعصّب و جاهل بدان گرفتار بودند و هیچ درمانی برای مغز آن‌ها وجود نداشت. آن‌ها تصوّر می‌کردند علاج بیماری‌شان تنها مرگ افراد به اتّهام واهی جادوگری و افسون‌کاری است.

در آلمان تعدادی دادگاه عمومی ایجاد شده که مردم را به جرم‌های گوناگون دستگیر می‌کردند و آنان را تا حدّ مرگ شکنجه می‌دادند تا به گناهان ناکرده اقرار و اعتراف نمایند و چون شخص متّهم اقرار به معصیت کرد، وی را به مرگ محکوم می‌کنند. این بیماران هیستریکی هم‌چون چکش بر سر افراد به‌عنوان جادوگری فرود می‌آیند.

دادگاه‌های تفتیش عقاید در آلمان از سال ۱۴۸۷ به‌وجود آمد و در درجه‌ی اوّل پیروان دومی‌نیکن را تحت تعقیب قرار می‌داد. این دادگاه‌ها بر پایه و اساس قدرت پاپ تأسیس شد و منویات وی را اجرا می‌کرد. در راستای این عمل، بسیاری از روستاییان تحت تعقیب قرار گرفتند و محصولات کشاورزی آن‌ها به‌عنوان این‌که شیطانی است طعمه‌ی حریق واقع شد و به زمین‌های آنان حمله کردند و ثمره‌ی زحمات آنان را از بین بردند.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۵۸۷ تا ۱۵۹۳، به دستور اسقف اعظم که توسط پاپ انتخاب شده بود، تعداد ۳۶۸ نفر را به جرم افسون‌گری زنده سوزاندند. در یکی از روزهای سال ۱۵۸۹، در انجمن کودلین‌بورگ

(Quedlinburg) که ۱۳۳ نفر در آن شرکت داشتند، همه‌ی افراد را به مرگ محکوم کردند و به اجلاس پایان دادند.

تعدادی از بزرگان کلیسا را با وضعی بسیار وحشیانه تحت آزار و شکنجه قرار دادند، زیرا آنان به عقاید غیرمذهبی و آزادی‌های سیاسی و مراسم تمام فرقه‌های دینی احترام می‌گزاردند. آیا چه موضوعی باعث شعله‌ور شدن این جریان گردید، خود در خور بحث می‌باشد.

طبق تحقیقات مالەئوس *(Malleus)*، گروهی مخالف جنس زن بودند و شهوت و میل جنسی را مخالف اخلاق انسانی می‌دانستند و عقیده داشتند که اکثریت زنان گناهکار و مجرم هستند. سابات *(Sabbath)* معتقد بود که آن‌ها مراسم عشای ربّانی را به انحراف می‌کشانند و به سیاهی سوق می‌دهند.

ملکه الیزابت به شیوه و سبک گوتیک متمایل می‌شود. (انگلیس، ۱۵۹۵):

شیوه‌ی معماری گوتیک *(Gothic)* که در زمان ماری تئودور *(Tudor)* و در نیمه‌ی اوّل قرن شانزدهم به رکود و سکون کشیده شده بود، در زمان فرمانروایی ملکه الیزابت بار دیگر رونق گرفت و ملکه به این سبک متمایل شد.

این شیوه‌ی معماری و دکوراسیون، تا اندازه‌یی هم تحت تأثیر مدل‌های فلاندری و فرانسوی قرار گرفت و در راه رنسانس اروپا سیر می‌کند و تنها از تجددگرایی ایتالیا تقلید نمی‌کند. در سال ۱۵۶۳، معمار فلاندری به نام وردمن‌دو وری *(Vredeman de Vries)*، چندین جلد کتاب درباره‌ی سبک نوین ساختمانی تألیف کرد و تغییرات عجیبی در نمای ساختمان به‌وجود آورد، از جمله سه گوشه نشان دادن ستون‌ها و نوارهای تزئینی در بالای ستون‌ها و هم‌چنین ایجاد تغییراتی در نمای ساختمان.

این سبک نوین به سرعت به سراسر اروپای غربی سرایت کرد و انگلیس هم به پیروی از آن و هم‌چنین نفوذ سبک ایتالیایی به‌ویژه در ساختمان‌ها و منازل بزرگ مدل قرینه بودن دو طرف نمای ساختمان را مورد توجّه قرار داد.

در سال‌های اخیر، در وضع داخلی ساختمان‌ها هم تغییراتی به‌وجود آمده، از جمله آن‌که یک سالن بزرگ برای پذیرایی مهمان‌ها و برگزاری جشن‌ها در کانون ساختمان قرار دارد و چند اتاق هم برای خواب و نشیمن در اطراف آن می‌سازند. در سال ۱۵۷۳، معمار انگلیسی به نام لانگ لیت *(Longleat)*، در ساختمان‌های نو بنیاد و یا دوباره‌سازی شده تغییرات بزرگی به‌وجود آورد. هم‌چنین مهندسان ساختمان به نام هولدنبی *(Holdenby)* در سال ۱۵۷۷، تئو بالدز *(Theobalds)* در سال ۱۵۸۰ و هاردویک‌هال *(Hardwick Hall)* در سال ۱۵۹۰، به پیروی از سبک نوین شیوه ساختمانی را به کلّی تغییر دادند.

این تغییرات قیمت منازل بزرگ و کاخ‌های سلطنتی و کلیساها را به سرعت بالا برد، به‌طوری که تنها ثروتمندان قادر به پرداخت دستمزدها بودند و اکثریت مردم خانه‌های خود را به سبک قدیم برجای گذاردند. این منازل به رغم وسعت و بزرگی، از مصالح کم دوام ساخته شده و از نظر آتش‌سوزی پیش‌بینی لازم در آن‌ها نشده بود و تمام آن‌ها از زمان هنری ششم به همان وضع باقی مانده بود. هم‌چنین به علّت نداشتن پنجره، نور به اندازه‌ی کافی در صحن خانه وجود نداشت. دیوارها ستبر و کلفت ستون‌ها چهار گوشه و به‌طور کلّی بدون برج و بارو، و از نظر استحکام بسیار سست بود.

ویرانی‌های آرمادا *(Armada)* یا ناوگان دریایی و شورش‌های داخلی، اسپانیا را به سوی ورشکستگی سوق می‌دهد. (مادرید، ۲۹ نوامبر ۱۵۹۶):

این اوّلین بار نیست که اسپانیا دچار ورشکستگی می‌شود. ثروتمندترین و موحش‌ترین قدرت روی زمین که همواره مورد حسد و رشک دوستداران و دشمنان بوده، با خزانه‌ی تُهی و اقتصاد بیمار و خراب مواجه است. یکی از علل واضح این ورشکستگی، وضع سیاسی و اقتصادی است که فیلیپ دوّم به‌وجود آورده که یکی از آن‌ها برپا کردن جنگ‌های متعدد و به‌ویژه

امریکای شمالی، ۱۶۳۱
یک مهاجرنشین اروپایی در مریلند (Maryland) به‌وجود آمد.
اسپانیا، ۱۶۳۱
فرانسیسکو دو کوودو ویلگاس (Francisco de Quevedo Villegas)، شاعر و دانشمند اسپانیولی که در معرض اتهام این بود که کتاب مقدس را مورد تمسخر و ریشخند قرار داده، با انتشار کتابی که سخت مورد استقبال قرار گرفت، در سال ۱۶۲۷ خود را تطهیر کرد. او که قبلاً هجونانه و کتاب رؤیاها را به‌نگارش درآورده بود و مورد تکفیر قرار گرفته بود، توانست خود را از این تهمت پاک و مبرا سازد.
آمستردام، ۱۶۳۱
یان آموس کامنیوس (Jan Amos Comenius)، دانشمند اصلاح‌طلب چک، با نشر کتاب «دروازه‌های بسته‌شده‌ی زبان» نشان داد که آموختن زبان انسان را به حقیقت و وضعیت تمام اشیاء در جهان آشنا می‌سازد.
آنتورپ (*Antwerp*)، ۱۶۳۱
روبنس (Rubens) تابلوی «هنرمند و درخشش نور شهاب در باغ» را به‌اتمام رسانید.
تولوز، فرانسه، ۳۰ اکتبر ۱۶۳۲
هانری مونمورنسی (Henry of Montmorency) فرماندار لانگ دوک (Languedoc)، به اتهام همکاری در توطئه با ماری دومدیسی ملکه‌ی مادر و گاستون اورلئان علیه پادشاه به اعدام محکوم شد.
هلند جدید، ششم دسامبر ۱۶۳۲
تمام مجتمع اسوانادیل (Swanadael) از افراد خالی شد، زیرا یک سرقت کوچک در آنجا صورت گرفت. در پاییز همان سال یکی از سران هندی‌ها یک کت و یک سلاح قلعی و یک پیپ را از این مجتع هلندی به سرقت برد. ساکنان این مجتمع این جریان را به سرپرست یکی از قبایل گزارش دادند، او هم این خبر را فوراً به رییس قبیله رسانید، رییس قبیله هم به انتقام این عمل تمامی افراد را به هلاکت رسانید و تنها یک نفر زنده باقی ماند.
ایتالیا، ۱۶۳۲
گالیله (Galilieo) دانشمند نجوم ایتالیایی، بحث درباره‌ی سیستم دو جهان را به میان کشید.
ژاپن، ۱۶۳۲
در پی تعقیب مسیحیان در ناگازاکی (Nagasaki) و ادو (Edo)، پیگیری مسیحیان در سراسر ژاپن آغاز شد و تمام پیروان این دین دستگیر شدند.
لهستان، ۱۶۳۲
با پیمان آلتمارک (Altmark)، ایالت لتونی (Livonia) در ساحل دریای بالتیک به سوئد ملحق شد.
هندوستان، ۱۶۳۲
امپراتور شاه‌جهان دستور داد که تمام معباد هندوان را ویران سازند. در حوزه‌ی بنارس (Benares) تنها ۷۶ معبد تخریب شد.
هندوستان، ۱۶۳۲
پرتغالی‌ها را از ایالت بنگال (Bengal) بیرون راندند.
هندوستان، ۱۶۳۲
بر اثر قحطی شدیدی که در ایالت دکن (Dekhan) روی داد، بیش از یک میلیون نفر کشته شدند و تنها افرادی زنده ماندند که به آدم‌خواری پرداخته بودند. این قحطی بر اثر دو سال خشکسالی (۱۶۳۰ـ۱۶۳۱) روی داد و سال بعد هم بارندگی های شدید و سیل آنچه باقی مانده بود را از بین برد. پیش‌بینی می‌شود که در تعقیب آن بیماری طاعون بروز کند.
روسیه، ۱۶۳۲
تعداد یک‌سوم از افراد ارتش روسیه در خطوط غرب به‌حال آماده‌باش هستند. بقیه‌ی دسته های سپاهی، عده‌یی سربازان تازه‌کار و برخی مزدور و وظیفه‌بگیر هستند که در کشورهای پروتستان‌مذهب به‌صورت افسران حقوق‌بگیر خدمت می‌کنند.
هندوستان، ۱۶۳۲
شاه‌جهان دستور داد بنای یادبودی برای همسرش ممتازمحل که او را عاشقانه دوست داشت، بسازند. ممتازمحل در سال گذشته فوت شد، در حالی‌که پانزده فرزند به‌دنیا آورده بود.
ویرجینیا، یکم فوریه ۱۶۳۳
قوانین مربوط به تولید توتون در ویرجینیا به کاهش محصول این گیاه انجامید، در حالی‌که اقتصاد این ایالت تک‌محصولی و وابسته به تولید توتون می‌باشد.

تهاجم به انگلیس می‌باشد. این نبردها خزانه‌ی کشور را رو به افلاس کشاند و نیروی نظامی آن را به تحلیل برد. جوّ و وضعیت بد سیاسی، مدیریت ضعیف و وسعت سرزمین و نیز شورش‌های علیه امپراتوری اسپانیا در دنیای جدید، از مهم‌ترین علل ورشکستگی اسپانیا می‌باشد.

پایگاه‌های داخلی پرتغال در سرزمین آفریقا مورد تهدید قرار می‌گیرد. (آفریقای شرقی، ۱۵۹۶):

در زمانی‌که دولت پرتغال مشغول ساختن پایگاهی در جزیره‌ی مومباسا *(Mombasa)* می‌باشد، قیام‌های مکرر آفریقایی‌ها، پرتغال را دچار وحشت و هراس کرده، چون مستعمرات آن کشور و تجارت بَرده در معرض خطر جدی قرار دارد. یک معمار ارتش ایتالیا در حال ساختن قلعه‌یی سنگی در جزیره‌ی گوا *(Goa)* می‌باشد و کارگران آن را از سربازان ارتشی تأمین کرده، این دژ را هم به نام اسکله‌ی مسیح نامیده است. کارهای ساختمانی اسکله به کندی پیش می‌رود و کرانه‌های این بندر مورد تهدید بومیان است، از سویی لیسبون در پی آن است که این پول‌ها به کجا می‌رود. حکومت لیسبون یک نفر از هواخواهان پیشین از فرقه‌ی آگوستینیان *(Augustinian)* و یک قاضی را مأمور خرید مصالح ساختمانی برای ساخت اسکله کرده است.

پرتغالی‌ها احساس می‌کردند که به علّت تاخت و تاز نیروهای عثمانی در منطقه‌ی دریای سرخ و حملات نیروهای دریایی آن‌ها به مومباسا، موقعیت خود را از دست داده‌اند، لیکن با بنای این اسکله، بار دیگر قدرت خود را در کرانه‌های شرقی به دست خواهند آورد و هنگامی‌که ترک‌ها را از منطقه خارج کنند، شهرهای آن‌ها را به بادِ تاراج خواهند سپرد. در سال‌های اخیر، نیروهای عثمانی با استقرار در این منطقه، چندین بار شورش‌هایی در اینجا به‌وجود آوردند و پرتغالی‌ها را دچار گرفتاری نمودند، در حالی‌که تنها مالیندی *(Malindi)* پادشاه محلی به آن‌ها وفادار ماند. سرانجام دولت لیسبون برای تحکیم موقعیت مستعمرات آفریقایی و درخواست نیروهای محلی، اقدام به ساختن استحکامات بندر مومباسا با همیاری یکصد نفر از سربازان پادگان آنجا نمود.

فرانسیس دِریک، یکی از بزرگ‌ترین ناخدایان انگلیسی، درگذشت. (دریای کارائیب *(Caribbean)*، ۲۹ ژانویه ۱۵۹۶):

جسد سر فرانسیس دِریک *(Sir Francis Drake)* که ضربه‌یی بزرگ بر دولت اسپانیا وارد آورده بود، در چند مایلی پورتو بلو *(Porto Bello)* (بندر زیبا) در پاناما به خاک سپرده شد. او بر اثر ابتلای به بیماری دیسانتری (اسهال خونی) در سنین متوسط چهل سالگی از دنیا رفت.

در آوریل سال گذشته، او از پلیموت *(Plymouth)* به همراه یکی از دوستانش به نام سِرجان هاوکینز *(Sir John Hawkins)* با کشتی به این سفر شوم پرداخت. (در آن تاریخ دِریک یکی از نمایندگان پارلمان بود.) او برای کشفیات جدید و توسعه‌ی مستعمرات انگلیس عازم این سفر شد. ناوگان وی که شامل ۲۷ کشتی و دو هزار مرد جنگی بود، به هیچ‌وجه نمی‌توانست از دید ناوگان اسپانیا پنهان بماند، چون اسپانیا یکی از دشمنان سرسخت انگلیس و در صدد ضربه زدن به این کشتی‌ها بود. هاوکینز هم که قبلاً در نوامبر گذشته از دنیا رفته بود.

امپراتوری عثمانی از خطر بزرگی نجات یافت. (مجارستان، اکتبر ۱۵۹۶):

محمّد سوّم مشهور به شکوهمند، سلطان عثمانی، از یک بلای عظیمی که امپراتوری وی را تهدید می‌کرد، نجات یافت. ارتش مجارستان می‌توانست امپراتوری عثمانی را به اختناق دچار سازد، زیرا در نبرد دشت مزوکِرستِس *(Mezokeresztes)* به پیروزی چشمگیری دست یافت، در این صورت تمام متصرّفات عثمانی در مقدونیه *(Macedonia)*، بلغارستان و مجارستان، از کف رفته بود.

وقوع یک زمین‌لرزه‌ی متوسط، شاه عثمانی موهوم‌پرست را از اقدام به جنگ باز داشت، چون فکر می‌کرد که این کار خطرات زیادی خواهد داشت. وی با مشورت وزیران خود، از بیم شورش قشون ینی‌چری، خود به میدان نبرد رفت و چون در اواخر همین ماه ناحیه‌ی اِرلو *(Erlau)* را تسخیر کرده بود، این موضوع مشوّق او در اقدام به جنگ و رودررویی با لشگریان مجارستان بود.

نبرد در وضع بدی آغاز شد، چون سپاه زمین‌داران و مالکان بزرگ، عقب جبهه و پشت محمّد را خالی کردند و به سادگی به پیش رفتند، بدون این‌که پشتیبانی داشته باشند. سلطان عثمانی هم قصد داشت که به دنبال آنان به دشمن بتازد، لیکن امرای لشگر، او را از این عمل باز داشتند و به وی توصیه کردند که با بقیه‌ی لشگریان در همان جا متوقّف شود. سپاهیان مسیحی که از این جریان بسیار خوشحال شده بودند، به قصد حمله به چادرهای محمّد و سران سپاه، به این نقطه رسیدند، لیکن با مقاومت سواره نظام محمّد روبه‌رو شدند. سپاهیان عثمانی ۳۰ هزار نفر از سربازان آلمانی مجارستانی را کشتند و غنایم جنگی بسیاری از جمله یکصد عراده توپ به دست آوردند و بدین ترتیب محمّد و سپاهیان وی نجات یافتند.

سلطان قصد داشت که به استانبول مراجعت کند، زیرا مادرش سلطانه ولید بافو *(Valide Baffo)*، زمینه‌ی اقامت دایمی وی را در استانبول فراهم کرده و یکی از دختران زیبای شهر را به‌عنوان صیغه برای او در نظر گرفته بود.

منجّم دانمارکی ۷۷۷ ستاره را رصد کرد. (دانمارک، ۱۵۹۷):

تیکو براهه *(Tycho Brahe)*، ستاره‌شناس دانمارکی، در مدّت ۲۰ سال توانست ۷۷۷ ستاره را در آسمان رصد کند و این عمل او به سرعت علم ستاره‌شناسی را به پیش برد.

فردریک دوّم، پادشاه فقید دانمارک، جزیره‌ی کوچکی را در جنوب کشور به او بخشید تا براهه رصد خانه‌یی در آن جزیره بنا کرده و به مطالعات خود ادامه دهد. با این وضع، براهه اینک مشهورترین منجّم دنیا شناخته شده است.

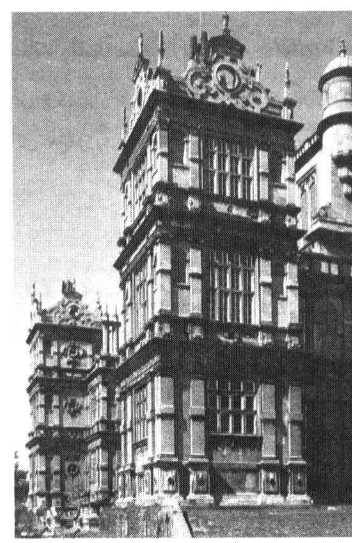
براهه هنگامی‌که از رصد ستارگان فارغ می‌شد، به تحقیق درباره‌ی کره‌ی ماه و انعکاس نور آن به کره‌ی زمین و نیز موقعیت ثوابت می‌پرداخت. او تابلویی تهیه کرد و موقعیت و وضعیت ستارگان کشف شده را در آن



اتاق خواب وسیع با تخت خواب و سایر لوازم.



جادوگران در روز شنبه (یهودی). نقاشی از فرانس فرانکن Frans Franken.



ولاتون هال Wellaton Hall در ناتینگ هام
(۱۵۸۰)Nottingham



سرباز مسلح پرتغالی در لباس رزم. تندیس
برنزی ساخت بنینBenin.



سر فرانسیس دریک Sir Francis
(۱۵۸۵) Drake

به‌طور صحیح یادداشت نمود، به‌طوری که این جدول اساس علم ستاره‌شناسی قرار گرفت. وی هم‌چنان که ذکر شد تمام اطلاعات و معلومات خود را درباره‌ی موقعیت، فاصله و اسامی ستارگان را گردآوری و یادداشت کرده است.

کاشف هلندی، در سرمای سوزنده‌ی قطبی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. (نووایازملیا *(Novaya Zemlya)*، ۲۰ ژوئن ۱۵۹۷):

ویلهلم بارنت *(Willem Barents)*، کاشف هلندی که جهت پیدا کردن راهی از شمال شرقی قطب به آسیا، به قطب شمال سفر کرده بود، با مرگ خود این کشف را ناتمام گذاشت. در پی انجام این فکر، سه بار اقدام به مسافرت کرد، لیکن تاکنون موفق نشده بود. او در بار سوّم هم از بالاترین نقطه‌ی مرزی سرزمین روسیه در نظر داشت که به چین دسترسی پیدا کند و برای این کار می‌خواست قطب شمال را دور بزند. وی قبل از آن‌که کشتی‌اش با یک قطعه یخ شناور برخورد نماید، منطقه‌ی اسپیتزبرگن *(Spitzbergen)* و جزیره‌ی خرس‌ها را کشف کرده بود و با این تصادف، مجبور شد که خود و مردانش زمستان را در منطقه‌ی قطبی بگذرانند.

به‌طوری که گریت دوویر *(Gerrit de Veer)* مورّخ نوشته است، آنان ناچار باید زمستان را با گرسنگی و سرمای قطبی طی کنند و این آزمونی بسیار سخت و دشوار بود.

هنگامی‌که آن‌ها دریافتند که کشتی با کوه یخی برخورد کرده و امکان پیمودن راه به کلّی سد شده، سعی کردند که از یخ‌های موجود، خانه‌یی جهت استقرار بنا کنند که از سه طرف مسدود باشد و در واقع از سرمای شدید در امان بمانند. طبق نگارش دوویر، آن‌ها می‌بایستی قطعاتی از یخ را جدا کرده و روی هم قرار دهند، لیکن چون می‌خواستند میخی را در یخ قرار دهد، میخ یخ می‌زد و امکان درآوردن و دوباره به کار بستن را ناممکن می‌ساخت.

آن‌ها چندین بار مورد حمله‌ی خرس‌های قطبی قرار گرفتند و از گرسنگی مجبور به خوردن گوشت روباه می‌شدند. معهذا تعداد ۱۶ نفر از آنان که زنده مانده بودند، روز تولّد و تعمید مسیح (اپی‌فانی *Epiphany*) را جشن گرفتند. برحسب نوشته‌ی دوویر، آن‌ها روزگار بسیار سختی را می‌گذرانیدند، چون چندین روز آب و نوشیدنی نداشتند و به اجبار برف و یخ می‌خوردند و برای گذراندن شب‌های قطبی که چندین ماه به درازا می‌کشید، اوقات خود را به خنده و تفریح سپری می‌کردند و از مواد غذایی باقی مانده با آرد و روغن کلوچه درست می‌کردند و گاهی با آشامیدن شراب سعی می‌کردند رنج این زندگی جهنّمی را از سر بدر کنند، در حالی‌که در روزهای آخر عمر تنها به مقدار یک کیلو مواد غذایی ذخیره داشتند و بدین ترتیب زندگی را بدرود گفتند.

اکبر، پادشاه مغول هند، فرمان داد که خاطرات و زندگی دوران سلطنت وی را به نگارش درآورند. (پنجاب، هندوستان، ۱۵۹۷):

در پایان این قرن، اکبر، امپراتور کبیر مغول هند که احساس می‌کرد روزهای پایانی عمر خود را می‌گذراند، به ابوالفضل فرزند شیخ مبارک، که مسلمانی تابع و هوادار تصوّف و در ضمن وقایع‌نگار دربار بود، دستور داد که شرح تاریخ زمان سلطنت وی را به نگارش درآورد.

هیچ فردی به اندازه‌ی ابوالفضل به کیفیت و زوایای زندگی اکبر آگاهی نداشت. او هم‌چون برادرش فیضی، یکی از رازداران و مشاوران خلوت اکبر بود. او مسلمانی آزاده و متفکر بود و به آزادی تمام مذاهب اعتقاد داشت و نیز، قهرمانی که افتخارش تأسیس کتابخانه‌یی با ۲۴ هزار جلد کتاب نفیس بود.

دو جلد از کتاب‌ها به نام تاریخ اکبرشاه و دیگری قوانین زمان اکبر، تألیف خودِ ابوالفضل بود که تمام مطالب این کتاب شرح رویدادهای دوران زمامداری اکبر، امپراتور مغول را شامل می‌شود.

بنا به تحقیقات ابوالفضل که صدها نفر شاهد و ناظر وقایع زندگانی او بوده‌اند، وی شرح رویدادها را به‌طور صحیح بیان داشته است. اکبر از سوی مادر به امپراتوران مغول هند منتسب می‌شد و پدرش همایون بود. همایون پدر اکبر، یک بار امپراتوری را از دست داد، ولی بار دیگر توانست به قدرت برسد.

المان، ۱۶۳۳
یوهان گئورگ فـون دورنهـایم (Johann Georg van Dornheim) دوم در مدت هشت سالی که ریاست ناحیه‌ی اسقفی بـامبرگ (Bamberg) را عهده‌دار بود، تعداد ۸۰۰ نفر از اهالی این ایالت را شامل سروزیر و شهردار آن را به جرم جادوگری به‌قتل رسـانید. بیش‌تر این افراد مردمی فقیر و بی‌چیز بودنـد. تعـدادی از آن‌هـا زنان سالخورده و حتی بیوه‌زنانی بودند که یار و یاوری نداشتند.
رم، ۱۶۳۳
برنینی (Benini) معمـار ایتالیـایی گنبـد و قبـه‌ی قصـر کلیسـای سن‌پیتر را به پایان برد.
اونتاریو (*Ontario*)، کانادا، ۱۶۳۳
هندی‌های هورون (Huron) یـک مـرد سفیدپوسـت را کشـتند و خوردند. ظاهراً معلوم نیست که آن‌ها جسد آن مرد را اول پختنـد یا خام خوردند.
فرانسه، ۱۶۳۳
ژاک کالو (Jacques Callot) تندیسـی بـه‌نـام خـانم گـوئر (Les Miseres de la Guerre) ساخت. وی بیش‌تر در زمینه‌ی گرافیـک و نقشه‌برداری کار می‌کـرد و در نبردهـای آلمـان شـکنجه و آلام بسیاری را تحمل کرد.
فرانسه، ۱۶۳۳
ونسان دو پل (Vincent de Paul) و لویی دو مـاری لاک (Louis de Marillac)، مؤسسه دختران نیکوکار را پایه‌گذاری کردند.
هندوستان، ۱۶۳۳
انگلیس یک پایگاه تجارتی در بنگال برقرار کرد.
روسیه، ۱۶۳۳
روسیه شهر اسمولنسـک (Smolensk) را کـه در اشـغال لهسـتان بـود، تصـرف کـرد. روس‌هـا بـه‌تـدریج در آن شـهر پیشـرفت می‌کردند، لیکن ولادیسلاو (Wladyslaw) پادشاه لهستان به مجرد آگاهی از این جریان برای نجات شهر اقدام کرد. ولادیسلاو برای این‌که شهر اسمولنسک را نجات دهد، از شورش و آشوبی که در این اواخر در مسکو ایجاد شده بود، پشتیبانی کـرد و بـرای ایـن کار سپاهیان خود را در ساحل رود دنیپر (Denieper) تقویت کرد تا بتواند به شورشیان قزاق (Cassacks) کمک برساند.
روسیه، فوریه ۱۶۳٤
فرمانده سپاهیان روسیه کـه در حـال اشـغال اسمولسـنک بـود، قرارداد متارکه‌ی جنگ را که پادشاه لهستان پیشـنهاد کـرده بـود، پذیرفت و جهت خواباندن موج شورشـی اجـازه داد کـه تعـداد هشت‌هزار نفر از مردان سپاهی بازنشسته شوند.
ماساچوست، چهارم مارس ۱۶۳٤
ساموئل کـول (Samuel Cole) نخسـتین مشـروب‌فروشـی را در شهر بوستون افتتاح کرد.
آلمان، پنجم تا ششم سپتامبر ۱۶۳٤
نیروهای امپراتوری و سپاهیان اسپانیولی بـه سرپرسـتی فردینانـد (Ferdinand) دوک بزرگ، ضربه‌ی سختی بر سوئدی‌هـا و سـایر نیروهای پروتستان در نزدیک شـهر باواریـا (Bavaria) از اسـتان نوردینگن (Nordingen) وارد آوردند که باعث پراکنـدن و تـار و مار شدن آن‌ها شد و بدین‌ترتیب پیـروزی لشـکریان سـوئدی در جنوب آلمان پایان پذیرفت.
فرانسه، ۱۶۳٤
ژان مایره (Jean Mairet) نمایش‌نامه‌ی تراژدی به‌نام سوفونیسـب (Sophonisbe) را به معرض تماشا گذاشت. در ایـن نمـایش کـه موضوع آن تنوع قانون می‌باشد، سه مطلب را مورد بررسی قـرار می‌دهد، به این ترتیب که در زمانی جریان به‌صورتی نمایش داده می‌شود که توطئه‌یی در کار است، در حالی‌که زمانی دیگر واقعـه به‌حالت بسیار خـوبی جلوه‌گـر مـی‌شـود و در سـومین حالـت موضوع نامربوط است و بی‌اهمیت تلقی می‌شود.
امریکای شمالی، ۱۶۳٤
ژان نیکوله (Jean Nicolet) کاشف فرانسوی، دریاچـه‌ی بـزرگ شـمال امریکـا را پشـت سـر نهـاد (دریاچـه‌ی میشـیگان (Lake Michigan)) و به سرزمینی رسید که اهالی لبـاس و ردای چینی بر تن داشتند و فکر کرد که به سرزمین‌های شرقی رسـیده است. او به سرزمینی رسیده بود که در شمال غرب قـاره امریکـا قرار داشت و مردمان آن به‌حالت توحش بـه‌سـر مـی‌بردنـد، وی نخستین مرد سفیدپوستی بود که قدم بدان جا می‌نهاد.
سنگال، ۱۶۳٤
فرانسوی‌ها مهاجرنشینی در شهر سنت‌لـویی (St Louis) تأسیس کردند.

ابوالفضل برای نوشتن تاریخ زندگی اکبـر از دو نفـر از نزدیکانش نیز به نام‌های جوهر و بایزیـد درخواسـت کمک کرد. بایزید کهن‌سال و بیمار کـه سـمت دبیـری ابوالفضل را داشت، برخی از رویدادها را دیکته می‌کرد.

کتاب شرح حال اکبر، شـامل رویـدادهای روزانـه‌ی زندگانی، دستورات و فرمان‌ها، گفته‌ها و فرامین، هنگام خوردن غذا و انواع غذاها، زندگی شبانه و انتخاب زنـان برای گذراندن شب‌ها با زن‌های گوناگون و رویـدادهای سیاسی و ملاقات با شخصیت‌های داخلی و خارجی بود که این مجموعه به ۱۵۰۰ صفحه بالغ می‌شد.

این دو نفر دبیر، یعنی جوهر و بایزید، برای نوشـتن این تـاریخ، تمـام وقـایع را یادداشـت مـی‌کردنـد و بـه ابوالفضل می‌دادند. ابوالفضل برای ایـن‌کـه گفتـه‌هـا و قوانین اکبر دارای وزن باشد و مورد تمسخر قرار نگیرد، آن‌ها را کاملاً با گفته‌های اکبـر مطابقـت مـی‌داد و بـه عرض شاه می رسـانید، چـون نمـی‌خواسـت بـرخلاف دستورات او عمل کند و این کار شـاقی بـود و نیـاز بـه چاپلوسی و مداهنه داشت و ایـن از عهـده‌ی ابوالفضـل خارج بود.

بازرگانان پرتغالی، در آسیای شـرقی بـا رقبـای هلندی محتاطانه روبه‌رو می‌شوند. (هلند، ۲۰ اوت ۱۵۹۷):

یک تاجر هلندی کـه مـدّت‌هـای زیـادی در شـهر لیسبون *(Lisbon)* اقامت داشـت و مـدّت دو سـال در جزایر ادویه‌ی شرق آسیا به مسافرت پرداختـه بـود، بـه وطن خود هلنـد بازگشـت. وی بـدون تـرس از قـدرت دریایی پرتغـال، در نظـر دارد کـه بـا انحصـار تجـارت ادویه‌ی پرتغال به مبـارزه برخاسـته و بـا آن دولـت بـه رقابت بپردازد.

کورنلیـوس وان هـوتمن *(Cornelius Van Houtman)* سال‌ها بـا خریـد فلفـل و جـوز هنـدی و سایر ادویه و فروش آن به کشورهای شـمال اروپـا، بـه ثروت کلانی دست یافته است. لیکن با تصـمیم فیلیـپ دوّم پادشاه اسپانیا در سـال ۱۵۸۰، مبنـی بـر ایـن‌کـه پرتغال جزیی از اسپانیا می‌باشـد و بـا اتّحـاد دو کشـور، تجارت ادویه دچـار رکـود شـد و در نتیجـه هـوتمن از درآمد سرشار آن محروم گردید. فیلیپ تجارت مسـتقیم

هلند با پرتغال را ممنوع کرد، بدین سبب، مردم هلند علیه فرماندار اسپانیایی هلند قیام کردند و بدین ترتیب داد و ستد ادویه از شرق دچار اختلال گردید.

هوتمن با یاری یکی دیگر از تجّار هلندی که با آسیای شرقی مراوده داشت، کتابی در این باره تألیف کرده است.

یان‌هویگن‌وان‌لین‌خوتن *(Jan Huyghen Van Linschoten)* به همراهی هوتمن، با چهار فروند کشتی تجاری، در تاریخ دوّم آوریل ۱۵۹۵ عازم شرق آسیا شدند و پس از یک سال در بندر بانتام *(Bantam)* جاوه لنگر انداختند و پس از ورود، از سوی فرماندار محلی پرتغالی مورد استقبال قرار گرفتند. امّا به زودی از طرف پرتغالی‌ها به سبب هلندی بودن، دستگیر شدند، چون حکومت پرتغال تجارت ادویه را به انحصار خود درآورده بود. لیکن هوتمن پس از آزادی، با کمک هوش و درایت فطری خود، قراردادی با سلطان بانتام امضا کرد و سهم خود را از پرتغال جدا کرد و پس از چندی با محموله‌ی ادویه رهسپار اروپا شد.

وی در راه بازگشت به وطن دچار مصیبت شد. بدین معنی که نیروی دریایی پرتغالی‌ها به علّت رشک و حسدی که نسبت به وی داشتند، کشتی‌های او را غرق و ناویان کشتی را هلاک ساختند و عوامل پرتغالی ثروت وی را در شهر آمستردام به آتش کشیدند و بدین ترتیب بازرگانی ادویه تا سال‌های زیادی در انحصار پرتغال باقی ماند.

پس از فروکش کردن همه‌گیری طاعون، هنر تئاتر تجدید حیات کرد. (لندن، ۱۵۹۶):

پس از بهبودی نسبی شیوع بیماری طاعون که به ناچار سالن‌های تئاتر در سال ۱۵۹۳ تعطیل شده بود، بار دیگر باز شد. با این حال، جای یکی از چهره‌های برجسته‌ی تئاتری به نام کریستوفر مارلو *(Christopher Marlowe)* خالی است. او در سال ۱۵۹۳، در سن ۲۹ سالگی درگذشت.

ظاهراً مارلو در حین نزاع در میخانه‌یی در دپت فورد *(Deptford)* واقع در ایالت کنت *(Kent)*، در اثر ضربه‌یی که به بالای چشم راست او وارد آمد، بلافاصله کشته شد. در آن سال‌های تاریک و سیاه، مارلو در هفت نمایش‌نامه بازی کرد که چند تای آن عبارتند از: یک یهودی در جزیره‌ی مالت، قتل‌عام در پاریس و دکتر فاستوس *(Dr. Faustus)*، که سخت مورد توجّه‌ی علاقه‌مندان به هنر تئاتر واقع شد.

تا پنجاه سال پیش، هنر تئاتر بیشتر بر روی مراسم مذهبی و اعتقادات دینی متمرکز بود و موضوعات مربوط به مذهب موردنظر بود، در حالی‌که متعاقب آن، بحث و فحص بیشتری روی عوامل غیر مذهبی و زندگانی فردی به عمل آمد و دنیای مادی زیادتر مورد توجّه قرار گرفت، از آن جمله در سال ۱۵۸۹، توماس کاید *(Thomas Kyd)* در یک درام تراژدی به نام تراژدی اسپانیا، رُل مهمّی داشت و در نتیجه داستان‌های کلاسیک و تاریخی مورد استقبال واقع شد.

در سال ۱۵۷۶، با ظهور نمایش‌نامه‌نویس بزرگ انگلیسی، ویلیام شکسپیر، فصل جدیدی در هنر تئاتر به‌وجود آمد. وی استعداد و نبوغ زیادی در هنر نمایش‌نامه‌نویسی داشت. شکسپیر با کمپانی لرد چمبرلین *(Lord Chamberlain)* در شوردیچ *(Shoreditch)* قرارداد بست و نمایش‌نامه‌هایش در آنجا به روی صحنه‌ی تئاتر ظاهر گشت.

شکسپیر در حدود پنج سال پیش به لندن آمد و کار نویسندگی نمایش‌نامه را دنبال کرد. موطن شکسپیر شهر استراتفورد *(Stratford)* بود و کار خود را از آنجا شروع کرد و در شهر لندن به اوج معروفیت و شهرت رسید. از زمره‌ی نمایش‌نامه‌های او، تئاتر هنری ششم در سه پرده، ریچارد سوّم، رومئو ژولیت *(Romeo Juliet)* و رام کردن زن حیله‌گر می‌باشد.

هانری، ارباب و فرمانروای مطلق فرانسه (فرانسه، ۱۵۹۸):

هانری چهارم سرانجام توانست خود را به پادشاهی برساند. کشور هنوز دستخوش جنگی مذهبی است که هم‌چون طاعون مردم را به کام مرگ می‌کشاند. این نبردهای دینی همه را به رنج و عذاب دچار کرده و خائنانی هم هستند که به این اغتشاشات دامن می‌زنند، لیکن به‌نظر می‌رسد این رنج و شکنجه به پایان رسیده است.

فرانسه، ۱۶۳۴
فرانسوا مانسار (Francois Mansart) متعهد شد که ساختمان شاتو (Chateau) در بلوآ (Blois) را طبق درخواست گاستون اورلئان (Gaston d Orleans) برادر شاه فرانسه دوباره‌ی بازسازی کند.

اسپانیا، ۱۶۳۴
فیلیپ چهارم پادشاه اسپانیا از فرانسیسکو دوزوباران (Francisco de Zubaran) درخواست کرد که به مادرید بیاید و در کار تکمیل تزئینات و نقاشی ساختمان بوئن رتیرو (Buen Retiro) که تحت نظر ولاسکوئز (Velasquez) اداره می‌شد، معاونت کند.

چین، ۱۶۳۴
بازرگانان انگلیسی یک کارخانه در بندر کانتون (Canton) چین احداث کردند.

ژاپن، ۱۶۳۴
دشیما (Deshima) مردی که در شهر ناگازاکی (Nagasaki) بندرگاهی تأسیس کرده بود، طرحی برای محل اقامت خارجیانی که به ژاپن می‌آیند، در نظر گرفت که آن‌ها تنها در محل سکونت کنند. هلندی‌ها از شهر هیرادو (Hirado) کوچ کردند.

دریای شمال، ۱۶۳۴
جزر و مد و ایجاد امواج سهمگین سبب خرابی جزیره‌ی استراند (Strand) در دریای شمال گردید.

امریکای شمالی، ۱۶۳۴
لرد بالتیمور (Lord Baltimore) انگلیسی بنیان ایالت مریلند را گذاشت.

پاریس، دهم فوریه ۱۶۳۵
لوئی سیزدهم پادشاه فرانسه در نامه‌یی سرگشاده به آکادمی جدیدالتأسیس علوم فرانسه نوشت که گروهی از فرهیختگان و دانشمندان تحت سرپرستی والنتین کونرار (Valentin Conrart) به شیوه‌ی ایتالیایی‌ها، زبان فرانسه را به شکل مفیدی درآورند که به فهم عامه نزدیک‌تر باشد و کتاب لغتی هم در این‌باره گردآوری کنند.

فرانسه، ۱۹ مه ۱۶۳۵
کاردینال ریشلیو (Richelieu) با اعلان جنگ علیه هابسبورگ (Habsburg) که متعلق به اسپانیا بود، به‌طور علنی در نبردهای اروپا شرکت جست.

فرانسه، ۱۶۳۵
شرکت جزایر امریکایی متعلق به فرانسه تأسیس شد. فرانسوی‌ها جزیره‌ی گوادولوپ (Guadeloupe) را تسخیر کردند.

مری‌لند، ۱۶۳۵
یکی از سران آلگونکین (Algonquin) در نامه‌یی به تحمیل عوارض انگلیسی بر ساکنین مری‌لند اعتراض کرد و نوشت که تا به‌حال شما در این‌جا بیگانه محسوب می‌شدید، چگونه خود را محق می‌دانید که بر سرزمین و کشور ما مالیات و عوارض برقرار کنید.

اسپانیا، ۱۶۳۵
لوپ دو وگا (Lope de Vega) نمایش‌نامه‌نویس اسپانیولی، به سرای باقی شتافت. گفته می‌شود که وی در زمان حیاتش تعداد ۱۵۰۰ نمایش‌نمه نوشته، گرچه نصف این تعداد هم صحیح باشد، او توانسته رکورد این جریان را به‌دست آورد. این هنرمند مردمی و مردم‌دوست که هنر را به مردم شناساند، همواره یادش در خاطره‌ی آن‌ها باقی خواهد ماند و از او به شایستگی یاد می‌شود.

انگلیس، ۱۶۳۵
روبنس (Rubens) نقاش هنرمند فلاندری (Flemish)، جهت ستایش از جیمز اول پادشاه انگلیس، سقف تالار بزرگ میهمانی در وایت‌هال (Whitehall) را با تزئینات بسیار زیبایی به یادبود وی آراست.

انگلیس، ۱۶۳۵
آنتونی وان دیک (Anthony Van Dyck) نقاش انگلیسی، تمثال چارلز اول را در حالت سواره و نیز او را در حال شکار به تصویر درآورد.

پراگ، ۳۰ مه ۱۶۳۵
فردیناند دوم امپراتور و ژان ژرژ (John George) فرمانروای انتخابی ساکسونی، پیمانی مشهور به پیمان صلح پراگ در زمینه‌ی مذهب و سیاست امضاء کردند.

ارمنستان، ژوئیه ۱۶۳۵
دولت عثمانی شهر ایروان (Yervan) را از دولت صفوی پس گرفت.

هانری با گفت‌وگوهای دیپلماسی، در صدد است که باورهای مذهبی کاتولیک‌ها، که خود را قهرمان کشور به حساب می‌آورند، تعدیل نماید و از شدّت التهابات بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بکاهد و در صحنه‌ی جنگ، اسپانیایی‌ها را که بیشتر عامل درگیری‌ها بودند، دفع کند و در نتیجه از شورش مردم بریتانی جلوگیری کرده و از تجزیه‌ی کشور ممانعت کند.

او هم‌چنین با حمایت از مراسم عشای ربّانی، با ذکر این‌که شهر پاریس به آیین ارج می‌نهد، کاتولیک‌ها را قانع کرد و از سویی به هوگونوت‌ها *(Huguenots)* تفهیم کرد که به‌نظر اکثریت احترام گزارند. وی در ماه آوریل، با امضای فرمان نانت *(Nantes)*، به پروتستان‌ها آزادی مذهب اعطا کرد و آن‌ها را مورد عفو قرار داد. در این فرمان اضافه شد که آنان در اجرای مراسم مذهبی آزادند و می‌توانند به نشر عقاید خود بپردازند، مشروط بر این که نظم عمومی مختل نشود. هم‌چنین در این فرمان قید شده که مصوبات آن غیرقابل تغییر و دایمی می‌باشد و تصریح شده که کلیساها و مکان‌های مذهبی کمافی‌السابق در اختیار صاحبان پیشین خود خواهد بود و آن‌ها می‌توانند این محل‌ها را توسعه دهند.

از دیگر مواد این فرمان، تساوی حقوق شهروندی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌هاست و صاحبان مشاغل و پست‌های اداری هم‌چنان شغل قبلی خود را دارا خواهند بود.

عفو عمومی شامل تمام افراد و گروه‌ها خواهد بود و همه می‌توانند سلاح‌ها خود را حفظ کنند، مشروط بر این که در جنگ‌های مذهبی آن را به کار نبرند. در ضمن تعداد یکصد شهر هوگونوت نشین در اختیار آنان قرار می‌گیرد و به هوگونوت‌ها اجازه داده می‌شود به آن شهرها کوچ نمایند.

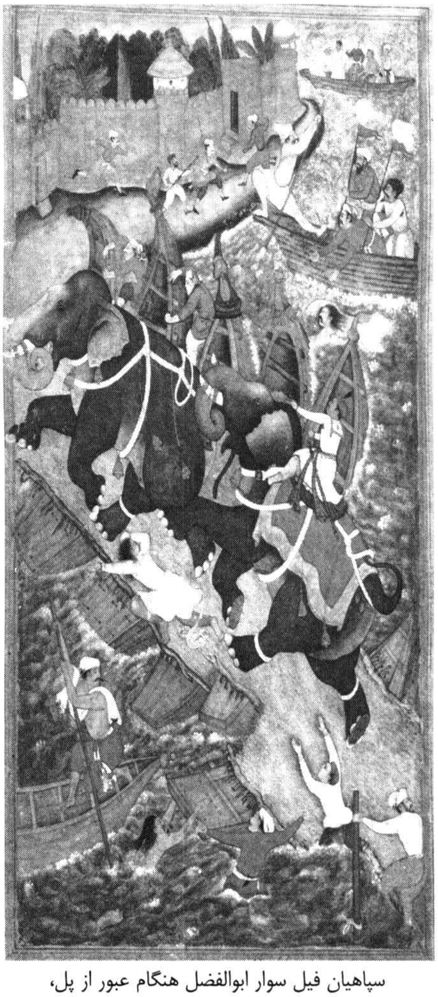
هنگامی‌که این فرمان منتشر شد، بسیاری از کاتولیک‌ها از آن دلتنگ و ناراحت شدند، لیکن عدّه‌یی هم چون به جنگ‌های مذهبی خاتمه داده می‌شد از آن استقبال کردند، چون از آن خسته شده و طالب صلح بودند. در اواخر همین ماه هم فیلیپ دوم به علّت بیماری خویش، نیروهای اسپانیایی را به وطن فرا خواند و با دولت فرانسه پیمان صلح ورvین *(Vervins)* را



ملوانان برای کمک به کشتی کاشف ویلهلم بارنتز Wilhelm Barents که در آب های یخ زده گیر کرده، می شتابند.



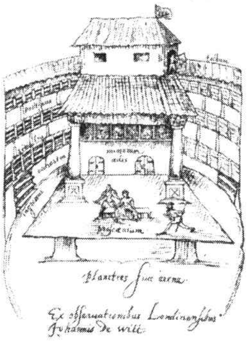
ستاره نگر تیکو براهه Tycho Brahe (۱۵۸۶)



سپاهیان فیل سوار ابوالفضل هنگام عبور از پل، نقل از داستان اکبر امپراتور هند.



تصویر رعب آور سلطان محمد سوم عثمانی.



نمایش تئاتر قو در لندن (۱۵۹۶)

کانادا، ۲۵ دسامبر ۱۶۳۵
ساموئل شامپلن (Samuel Champlain) کاشف و بنیانگذار فرانسه‌ی جدید در کانادا و در که‌بک جهان را ترک گفت.
ژاپن، ۱۶۳۵
به موجب فرمان «سانکین کوتایی (Sankin Kotai)» تمام افراد دای‌میو (Daimyo) (مالکان عمده) بایستی هریک سال در میان در منطقه‌ی ادو زندگی کنند و در مدت اقامت در آن‌جا نمی‌توانند خانواده‌ی خود را همراه بیاورند تا زمانی‌که به محل سکونت دایمی خود برگردند. این امر خود سبب می‌شود که صلح ادامه یابد و قوام خانوادگی پایدار بماند.
ژاپن، ۱۶۳۵
کانی سانارکو (Kany Sanarku) رییس هنرستان نقاشی کیوتو کانو (Kyoto Kano) و یکی از نقاشان برجسته‌ی ژاپنی، درگذشت. وی بدون احساس ضعف و خستگی، تمام مدت عمر خود را در مکان‌های مقدس کیوتو به کار اشتغال داشت. یکی از یادبودهای وی به‌کاربردن مرکب چینی در آثار به‌جای‌مانده از او می‌باشد.
استانبول، ۱۶۳۵
امیر فخرالدین دروزی (از طوایف اهل سنت لبنان که اصل آن‌ها از کوهستان دروز می‌باشد) و سه پسرش به هلاکت رسیدند، سال‌ها در پی آن بود که سرزمین لبنان را از دولت عثمانی بازستاند و آزاد نماید.
هلند، ۱۶۳۵
اوتاویو پیکو لومینی (Ottavio Piccolomini)، یکی از افسران امپراتوری و دوک آمالفی (duke of Amalfi) را برای کمک به سربازان اسپانیولی به هلند فرستادند که سپاهیان فرانسوی را از این سرزمین براند. پیکولومینی تا سال ۱۶۳۲ در خدمت ارتش والن‌شتاین (Wallenstein) در لوتزن (Lutzen) بود. سپس در عزل فرمانده سهم خود را ایفا کرد و برای این کار و نشان‌دادن شجاعت و شهامت خود به نوردینگن (Nordingen) رفت و به پیروزی رسید.
انگلیس، ۱۶۳۵
هوگو گروتیوس (Hugo Grotius) فیلسوف هلندی، در سال ۱۶۲۵ کتابی درباره‌ی مسؤولیت کشور هلند در اروپا به نگارش درآورد. جان سلدن (John Selden) هم کتابی به‌نام «دریاهای باعظمت» نوشت و در آن مدعی شد که انگلیس در بیش‌تر دریاها بر سایر دول برتری دارد.
چین، ۱۶۳۵
مجمعی از دانشمندان چینی تحت عنوان «چونگ‌تزن لیشو (Chongzhen Lishu)» به هیأت‌های مذهبی ژزوئیت‌ها (Jesuit) پیوست تا دانش‌پژوهان چینی را آموزش دهند.
افریقای شمال مرکزی، ۱۶۳۵
عبدالکریم بن جام، کانون قدرت را از ناپدری خود داود آخرین پادشاه تون‌ژور (Tunjur) در منطقه‌ی وادی (Wadi) بازستاند و سلطان‌نشین مسلمان چاد (Chad) را تأسیس کرد.
آلمان، ۱۶۳۵
فریدریش فون‌اسپی (Friedrich von Spee) یکی از معروف‌ترین علمای ژزوئیت‌مذهب جان سپرد. در جریان محاکمه‌ی کسانی که به تهمت جادوگری در سال ۱۶۳۱ به دادگاه کشانده شدند، فون‌اسپی مخالفت شدید خود را با آنان اعلام داشت و آن‌ها را جنایتکار قلمداد کرد. وی در عین حال یکی از شعرای نامدار زمان خود محسوب می‌شود. وی روح تازه‌یی به شیوه‌ی صوفی‌گری جان کراس (John Cross) داد و تصوف اسپانیولی را به درجه‌ی اعلا رسانید، هم‌چنین در سرودن اشعار مذهبی کلیسا و حکایات روستایی فعالیت داشت.
کارائیب، ۱۶۳۵
دو کاشف فرانسوی به‌نام‌های اولیو (Olive) و دوپلەسی (Duplessis) در ساحل گوادولوپ (Guadeloupe) لنگر انداختند و مالکیت این جزیره را جزیی از کشور فرانسه اعلام کردند.
امریکای شمالی ۱۶۳۵
امتیاز تأسیس و بنیانگذاری ایالت نیوانگلند (New England) که در سال ۱۶۲۰ به مورد اجرا گذاشته شده بود در این سال به پایان رسید و چون ساکنان این ایالت ادعای استقلال داشتند، پادشاه انگلیس این امتیاز را از آن خود دانست و در نتیجه آن‌ها در مقابل دولت انگلیس قرار گرفتند.
عربستان، ۱۶۳۶
امام زیدی فرماندار یمن نیروهای عثمانی را از این سرزمین بیرون راند و یمن را مستقل و حکومت آن را مذهبی اعلام کرد.

امضا کرد. اینک کشور فرانسه تنها به هانری چهارم تعلق دارد و او به یک فرمانروای واقعی بدل گشته است.

نیروهای ایرلند، قوای انگلیس را در یلوفورد *(Yellow Ford)* تار و مار کردند. (ایرلند، ۱۵ اوت ۱۵۹۸):

پس از چندین سال کشمکش و جنگ و متارکه بین انقلابیون ایرلندی و سربازان انگلیسی، سرانجام نیروهای انقلابیون ایرلند با عملیاتی حساب شده به پیروزی قطعی در یلوفورد در رودخانه‌ی کالان *(Callan)* نزدیک آرماگ *(Armagh)* واقع در اولستر رسیدند.

در سال گذشته، نیروهای انگلیسی از دو سو به نیروهای انقلابی ایرلند در ناحیه‌ی اسلیگو *(Sligo)* واقع در وست‌میس *(Westmeath)* یورش بردند، لیکن انقلابیون این حمله را از سه طرف دفع کردند و در نتیجه تا اواسط امسال بین طرفین قرارداد متارکه‌ی جنگ ادامه داشت. پس از آن، نیروهای ایرلندی به رهبری هوف اونیل *(Hugh o' Neill)* و رِدهوف اودونل *(Red Hugh o' Donnell)*، برای نبرد دوباره آماده شدند. قوای انگلیسی هم به رهبری سر نیکلاس باینال *(Sir Nicholas Bagenal)* یک پادگان کوچک ایرلندی‌ها را در رود بلاک‌واتر *(Black Water)* تسخیر کردند و یک نیروی چهار هزار نفری از سربازان انگلیسی را هم در آنجا مستقر نمودند.

سپاهیان ایرلندی اونیل که مجهّز به تفنگ‌های فتیله‌یی که ماشه برای تیراندازی نداشت، در پهلوی لشگریان باینال قرار گرفتند. در ابتدا، قوای انگلیسی سپاهیان مجهّز به تفنگ ایرلندی را توسط سواران خود به تفرقه و پراکندگی دچار ساختند، به‌طوری که تمام سربازان آن‌ها متفرق شدند، لیکن با موانع گوناگونی برخورد کردند و راهی برای فرار نداشتند. در این هنگام، ایرلندی‌ها آن‌ها را با سلاح‌های خود مورد حمله قرار دادند و عدّه‌ی زیادی از سربازان انگلیسی کشته و مجروح شدند و تنها تعداد ۱۵۰۰ نفر از چهار هزار نفر نیروهای اصلی توانستند به پادگان آرماگ برگردند. این نبرد یک پیروزی بزرگ برای ایرلندی‌ها بود و چون این

خبر به الیزابت رسید، بسیار خشمگین شد و فرمان داد که نیروهای بیشتری را به آنجا اعزام دارند.

بوریس گودانف، به‌عنوان تزار روسیه انتخاب شد. (مسکو، ۱۷ فوریه ۱۵۹۸):

بوریس گودانف *(Boris Godunov)* که آدمی نسبتاً خوش‌حال و خندان به‌نظر می‌رسد، توانست تاج امپراتوری روسیه را به خود اختصاص دهد. با مرگ مشکوک فئودور فرزند ایوان مخوف در کاخ امپراتوری، وی توانست به این مقام دست یابد.

گودانف برای این که پاک‌دامنی و خلوص نیت خود را ثابت کند و از سوی دیگر موقعیت خود را استحکام بخشد، پیش از آن که خود را نامزد امپراتوری کند و تمایل خود را نسبت به آن نشان دهد، از تمام روحانیان، زمین‌داران بزرگ، اشراف، نجبا، اشراف دسته دوّم، کارمندان بلندپایه و بازرگانان دعوت کرد که در مجمعی برای انتخاب امپراتور جدید گرد هم آیند و نسبت به این موضوع آرای خود را بدهند. گودانف خود یکی از اشراف تاتار روسیه و مدّت ۱۴ سال حاکم یکی از شهرهای آن دیار بود. او چون از خرابی اوضاع دربار ایوان مخوف پس از مرگ او آگاهی یافت، شتابان خود را به مسکو رسانید تا از موقعیت ایجاد شده بهره‌برداری نماید. او فردی کاملاً بی‌سواد بود، ولی از دخالت در امور سیاست خارجی احتراز می‌کرد و این امور را به افراد وارد واگزار می‌کرد و برای اجرای آن نمایندگانی انتخاب کرده و به خارج از روسیه گسیل داشت.

او همانند ایوان مخوف، یک دستگاه پلیس مخفی برای کشور تشکیل داد (اوپریک‌نینا *Oprichnina*) و برای تحکیم موقعیت خود، خواهر فئودور را به زنی گرفت و به‌عنوان شوهر خواهر امپراتور فئودور به مقام امپراتوری روسیه دست یافت.

کاتولیک‌ها را در روی تپه‌یی واقع در ناگازاکی به صلیب کشیدند. (ناگازاکی، پنجم فوریه ۱۵۹۷):

تعداد ۲۶ تن از مسیحیان را امروز به فرمان حاکم نظامی ژاپن، هاید یوشی، بر روی تپه‌های خارج شهر ناگازاکی *(Nagasaki)* با کشیدن بر صلیب به شهادت رساندند. این‌ها شامل هفت نفر از مسیحیان فرانسیسکن و ۱۹ نفر از ژاپنی‌های مسیحی شده بودند که به طریق صلیبی هم‌چون عیسی به هلاکت رسیدند.

آن‌ها در شهر توکیو محکوم به اعدام شدند و برای این‌که هرچه بیشتر آن‌ها را مورد خفّت و خواری قرار دهند. شهر به شهر می‌بردند تا به ژاپنی‌ها نشان دهند که سزای مسیحی شدن این است و افراد مسیحی مستوجب هلاکت هستند.

هاید یوشی برای قتل این افراد مستمسکی نداشت و از این‌که در سال ۱۵۸۷ هیأت‌های مسیحی را از کشور ژاپن اخراج کرده بود، خیلی خوشحال بود و میل نداشت که بار دیگر آن‌ها را در ژاپن به بیند و این امر را برای اقتدار ژاپن خطرناک می‌دانست. او چون فرقه‌ی فرانسیسکن را از مسیحیان مقتدر به حساب می‌آورد، در صدد بود ریشه‌ی آن‌ها را در ژاپن قطع کند تا دیگران جرأت اقدام به این امر را نداشته باشند. از سویی عوامل ژاپنی به او گزارش داده بودند که آن‌ها ممکن است شورشی در کشور ایجاد کنند و از این طریق این شهدا مورد سوءظن قرار گرفتند.

به‌طور یقین، مسیحیت در ژاپن بهای گزافی برای این امر پرداخت و این افراد فدای ستمگری حکومت شدند.

اسپانیا در عزای مرگ فیلیپ دوّم به سوگ نشست. (مادرید، ۱۳ سپتامبر ۱۵۹۸):

فیلیپ دوّم، پادشاه اسپانیا، که مدّت ۴۰ سال در مقام بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشور جهان سلطنت می‌کرد، پس از مدّت‌ها درد و رنج کشیدن از اولسر معده در کاخ ترسناک و تاریک خود در خارج از شهر مادرید زندگی را ترک گفت. وی که ۷۱ سال داشت، چند ماه آخر عمر به تدارک مرگ می‌پرداخت. او دستور داد که همه لباس سیاه برای سوگواری تهیه کنند و در مراسم ترحیم وی تقوا و انسان‌دوستی و صفات نیک او را بیان کنند و جسدش را با روغن مقدّس تدهین کنند و بلافاصله برای او نماز بخوانند و در کلیسا دفن نمایند.

تحت رهبری فیلیپ، اسپانیا به ثروتمندترین و هولناک‌ترین کشور روی زمین رسید، به‌طوری که

چین، ۱٦٣٦
منچوریان (Manchus) که در شمال شرق چین تازه به قدرت رسیده بودند، نام پادشاهی کینگ (Qing) را برای پادشاهان این سلسله پذیرفتند.
هلند، ۱٦٣٦
دانشگاه شهر اوترخت (Utrecht) گشایش یافت.
هلند، ۱٦٣٦
آنتوان فان دیمن (Antoine Van Dieman) به فرمانداری هند شرقی هلند منصوب شد.
سیلان، ۱٦٣٦
کندی (Kandy) پادشاه سیلان (Ceylon)، طی قراردادی حضور هلند را در جزیره‌ی سیلان (سریالانکا (Srilanka)) به رسمیت شناخت.
آلمان، ۱٦٣٦
هاینریش شوتز (Heinrich Schutz) آهنگساز پس از دیداری از شهر ونیز، رهبری کنسرت کلاین (Kleine) را در آلمان عهده‌دار شد.
کارائیب، ۱٦٣٦
دولت فرانسه جزیره‌ی مارتی‌نیک (Martinique) را از اسپانیا بازستاند.
ژاپن، ۱٦٣٦
توکوگاوا ای‌میتسو (Tokugawa Iemitsu) از ساختن کشتی‌های اقیانوس‌پیما ممانعت کرد.
امریکای شمالی، ۱٦٣٦
جان هاروارد (John Harvard) پوریتن‌مذهب نخستین دانشگاه امریکایی در شهر کمبریج (Cambridge) واقع در ایالت ماساچوست (Massachusetts) را تأسیس کرد.
امریکای شمالی، ۱٦٣٦
هلندی‌ها اولین امتیاز را در لانگ آیلند (Long Island) (جزیره‌ی بزرگ) به‌دست آوردند.
آلمان، چهارم اکتبر ۱٦٣٦
سوئدی‌ها سپاهیان ساکسون را در نبرد ویت‌استوک (Wittstock) شکست دادند.
فرانسه، اکتبر ۱٦٣٦
طبق پیمان صلح سن‌ژرمن ان لای (St Germain-en-Laye)، ریشیلیو به‌عنوان پاداش ژنرال برنار (Bernard) پروتستان‌مذهب فرماندار ساکس وایمار (Saxe-Weimar) را به‌عنوان دوک استان آلزاس (Alsace) منصوب کرد. برنار در سال ۱۶۳۲ فرماندهی سپاهیان سوئدی را در نبرد لوتزن (Lutzen) برعهده داشت و پیروز شد، لیکن اخیراً در ناحیه‌ی نوردینگن (Nordingen) در مقابل لشکریان سلطنتی فرانسه دچار شکست شد.
پاریس، دسامبر ۱٦٣٦
پی‌یر کورنل برای نخستین‌بار نمایش‌نامه‌ی تراژدی السید را را به روی صحنه‌ی تئاتر آورد که با تحسین همگانی روبه‌رو گشت.
پاریس، ۱٦٣٦
به‌دستور کاردینال ریشیلیو، کاخی جهت سکونت وی ساختند که اطراف آن را باغ‌هایی احاطه می‌کرد.
پاریس، ۱٦٣٦
تریستان هرمیت (Tristan Hermite) نمایش‌نامه‌ی ماریان (Marianne) را نوشت. این نمایش‌نامه در مسابقه‌یی که با السید (Elcid) برگزار شد، برنده گشت.
امریکای شمالی، ۱٦٣٦
راجر ویلیامز (Roger Williams) سرپرستی اولین گروه ساکن رود آیلند (Rhode Island) را عهده‌دار شد. ویلیامز که یک قهرمان فرقه‌ی پوریتن (Puritan) بود و به عقاید دیگران احترام می‌گذاشت و نسبت به سایر مذاهب بسیار حساس بود، به‌خاطر افکار و باورهایش در سال ۱۶۳۰ به نیوانگلند تبعید و مورد آزار و اذیت واقع شد. او از نیوانگلند گریخت و به کرانه‌های خلیج ناراگانست (Narragansett) پناه برد و قطعه زمینی را از هندیان خرید و نام آن را اراده‌ی خداوندی نهاد و در تحت نام مشیت الهی به‌کار پرداخت و از تمام ناراحتی‌های دوران پیشین رهایی یافت.
فرانسه، ۱٦٣٦
در پی اعلان جنگ ریشیلیو به اسپانیا، نیروهای نظامی اسپانیا و استان باواریای (Bavaria) آلمان در سال گذشته به مرزهای کشور فرانسه هجوم بردند، لیکن با عدم موفقیت روبه‌رو شدند.

فرمان‌ها و قلم او در دل مردم ایجاد هراس می‌کرد، لیکن این نیروی شکست‌ناپذیر نتوانست در سال ۱۵۸۸ در مقابل آرمادا پایداری کند و شکست و خفّت را پذیرفت.

وی قصد داشت که انگلیس را از پشتیبانی پروتستان‌های هلندی باز دارد و جهت انجام این امر با نیروهای انگلیسی به نبرد پرداخت. فیلیپ پس از این شکست، قدرت جهانی خود را از دست داد. شورشیان در متصرفات وابسته به او مانند مکزیک و امریکای جنوبی، شهر را غارت کرده و تقاضای استقلال داشتند. با وجود این، اسپانیا به‌عنوان یک قدرت بزرگ باقی ماند ولی حیثیت و اعتبار گذشته را از دست داد و ناوگان آن هم دچار صدمات زیادی شد.

به‌هر حال فیلیپ پس از آن هم مدّت زیادی زنده ماند. در سال ۱۵۷۱، فیلیپ دوّم و دون ژوان *(Don John)* پادشاه اتریش، عثمانی‌ها را در کرانه دریای مدیترانه شکست دادند و فیلیپ توانست سرزمین فیلیپین را تصرّف نماید. لیکن هلند یکی از با ارزش‌ترین متصرفات اسپانیا، در سال ۱۵۸۱ اعلام استقلال کرد و پس از مرگ فیلیپ، دولت فرانسه و هلند با امضای پیمان همکاری، منطقه تهدیدی در شمال اروپا علیه اسپانیا درآمد.

فیلیپ در اوان به سلطنت رسیدن، با ماری اوّل ملکه‌ی انگلیس ازدواج کرد و همواره از دید دولت انگلیس به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن محسوب می‌شد، لیکن این نظریه و حساسیت پیش از مرگ فیلیپ کاهش یافت. او خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین حامی کلیسای کاتولیک رم می‌دانست و از عقاید پاپ قهرمانانه دفاع می‌کرد و روی همین زمینه دادگاه تفتیش عقاید یا انکیزیسیون را با شقاوت و بی‌رحمی زیادی در کشورش بر پا داشت.

جزیره‌ی گوا *(Goa)* هم‌چون گوهری در شرق آسیا برای پرتغال می‌درخشد. (گوا، هندوستان، ۱۶۰۰):

جزیره‌ی گوآ مشهور به گوآی زرّین که مستعمره‌نشین پرتغالی در ساحل اقیانوس هند در شرق آسیا واقع شده از نظر حکومت پادشاهی پرتغال یک

مرکز تجاری بسیار مهمّ می‌باشد. مردمان گجرات، کتان را با فلفل سوماترا *(Sumatra)* در آنجا معاوضه می‌نمایند، چینی‌ها فلفل را با اجناس ساخته شده کشور خود و طلا می‌خرند و آن را در ژاپن با نقره می‌فروشند. یک شبکه‌ی تجاری برای خرید ادویه در این جزیره تشکیل شده که آن را به اروپا صادر می‌کنند که دارای سود سرشاری است و تمام این معاملات در گوا انجام می‌شود و گوا مرکز تجارت آسیای شرقی محسوب می‌شود.

در این‌جا تجّار پرتغالی در اقلیت کامل قرار دارند، از ۷۵ هزار نفر جمعیت گوآ تنها در حدود سه هزار نفر پرتغالی هستند، بقیه از اهالی هندوستان، آفریقایی و ماستیزوس *(Mastizos)* می‌باشند که از پدران پرتغالی و زنان آفریقایی به‌وجود آمده‌اند.

زنان بَرده‌ی آفریقایی اگر دوزندگی و خیاطی و رقص بلد بوده و یا باکره باشند، به مبلغ ۳۰ کروزادوس *(Cruzados)* (واحد پول پرتغال) قیمت دارد (در حالی‌که یک اسب خوب زایا ۵۰۰ کروز ادوس ارزش دارد).

گوآ یک شهر بازاری است با خیابان‌های تنگ که تعدادی کلیسا دارد. صنعت چاپ برای نخستین بار در آسیا و در این مکان به‌وجود آمد. یک بیمارستان عمومی سلطنتی هم در گوآ برای اروپاییان و آسیایی‌ها تأسیس شد که کارهای پزشکی و جراحی انجام می‌دهد و زخم‌های جراحی را پانسمان و از خونریزی آن توسط ادرار گاو استفاده می‌کنند.

پرتغالی‌ها به مشاغل تجاری، اداری و ارتشی و افسری ناوبری اشتغال دارند و بعضی از آن‌ها کشیش هم هستند.

آن دسته از اهالی پرتغال که به شغل‌های اداری اشتغال دارند به پیشرفت‌های محلی دست یافته‌اند. لیکن با وجود این در این اواخر با ظهور بازرگانان ایرلندی و انگلیسی کار و بار آن‌ها دچار رکود شده و رونق سابق را از دست داده و آن‌ها دیگر نمی‌توانند به سود سرشاری که قبلاً از آن بهره‌مند می‌شدند، برسند.

راهب دانشمند را به جرم ارتداد، زنده در آتش سوزاندند. (رم، ۱۷ فوریه ۱۶۰۰):

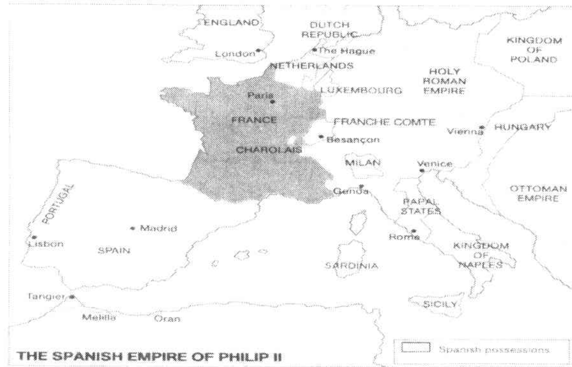
جوردانو برونو *(Giordano Bruno)* را که آرزو می‌کرد روابط بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها را اصلاح کرده و بین کلیسا و دانشمندان آشتی برقرار کند، امروز زنده زنده در آتش افکندند. او برای اوّلین بار در سال ۱۵۹۲ در شهر ونیز دستگیر شد، لیکن پس از یک هفته او را از اتّهام وارده تبرئه و آزاد نمودند. امّا یک هفته‌ی پیش، چون وی به عقاید خویش پای‌بند بود، با وجود انکار و ردّ عقاید ارتدادی از کلیسا اخراج کردند و به یک دادگاه غیر دینی فرستادند که در آنجا به اعدام محکوم شد.

برونو در سال ۱۵۴۸ در شهر نولا *(Nola)* به دنیا آمد و در سال ۱۵۶۵ جزو هواداران فرقه‌ی فرانسیسکن شد و در نزد کوپرنیک به ستاره‌شناسی متمایل شد و این علم را آموخت. به عقیده‌ی او خورشید مرکز کائنات است نه زمین که متعصبان دینی به آن اعتقاد دارند. وی آرزو داشت که بین باورهای کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را در مورد کائنات و کیهان اصلاح کرده و آن‌ها را آشتی داده و به این جدال خاتمه بخشد. لیکن کلیسای رم هرگز مایل به تجدیدنظر در عقاید خود نیست.

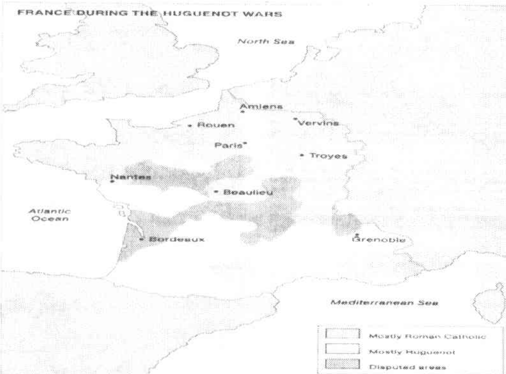
انگلیس شریک تجاری در شرق (لندن، اوّل ژانویه ۱۶۰۰):

ملکه الیزابت، امروز طی فرمانی، به بازرگانان انگلیسی اجازه داد که در هند شرقی به بازرگانی بپردازند. در این فرمان، به جورج کلیفورد *(George Clifford)* ارل منطقه‌ی کامبرلند *(Cumberland)* و ۲۱۵ نفر از انجمن شهر مزبور و عدّه‌یی از بازرگانان، اجازه داده شد که به مدّت ۱۵ سال در آسیای شرقی مقیم و در آنجا به شغل تجارت مشغول شوند.

سرمایه‌ی اوّلیه‌ی این شرکت، مبلغ ۷۲ هزار پوند است که اعضای شرکت آن را بایستی بپردازند. البته این پول برای خریدن پنج کشتی برای سفر به سوماترا و سرمایه جهت کار در بازار هند شرقی است.



نقشه ی متصرفات اسپانیا در زمان فیلیپ دوم.



نقشه ی فرانسه در هنگام جنگ های داخلی هوگونوت ها.



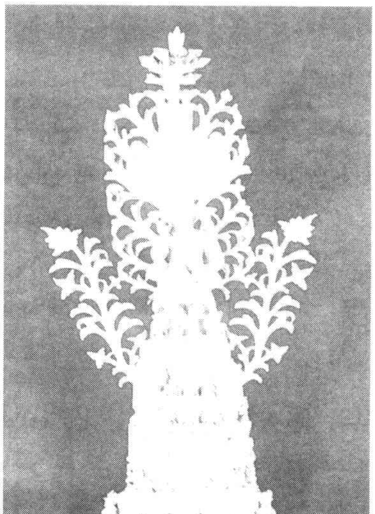
یک نفر انگلیسی برای اولین بار کشیدن پیپ را آزمایش می کند. از نقاشی های سده های معاصر.



بوریس گودانف Boris Godunov، فرمانروای فعال روسیه که اکنون به طور رسمی تزار کشور است.



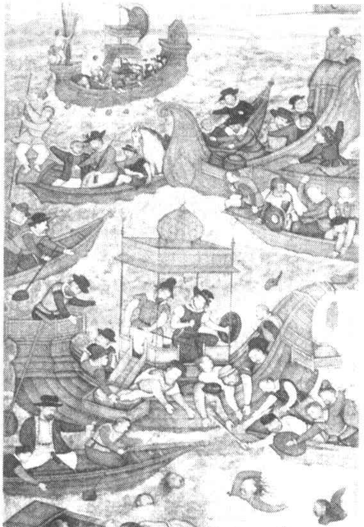
فیلیپ دوم در اواخر سلطنت خود غمگین به نظر می رسد.



شرق به غرب می نگرد . تثلیث مقدس با کنده کاری بسیار زیبا از عاج، ساخت شهر گوا Goa در هندوستان.



ناویان هند شرقی به سرزمین دو افتاده و پرت بریتانیا به امید توسعه ی تجارت با کشتی مسافرت می کنند.



بازرگانان پرتغالی با ناوگان جنگی به نبرد با هندیان غربی پرداخته اند. (نقاشی اواخر سده ی ۱۶)

جیمز لانکاستر *(James Lancaster)* هم که در شش سال پیش به‌عنوان پیش‌آهنگ به مناطق سوماترا *(Sumatra)*، مالاکا *(Malacca)* و سیلان *(Ceylon)* سفر کرده بود، به‌عنوان فرمانده‌ی کل ناوگان بازرگانی منصوب گشت. جان دیویس *(John Davis)*، کاشف اقیانوس منجمد شمالی و دریاهای وابسته به آن هم به سمت سر ناخدا انتخاب شد. این عدّه بازرگان و ناویان که در ضمن به ماجراجویی علاقه‌مند بودند، برای تجارت به دور دنیا سفر می‌کنند تا در زمان الیزابت برای انگلیس اقدامات مفیدی انجام دهند و بر ثروت کشور بیفزایند.

دروازه‌های ایران به روی مهمانان انگلیسی گشایش یافت. (ایران، ۱۶۰۰):

یک قرارداد همکاری بین شاه عباس پادشاه ایران و گروهی از شخصیت‌های انگلیسی به رهبری برادران سر آنتونی شرلی و سر رابرت شرلی *(Anthony and Robert Sherley)* منعقد شد. آن‌ها هنگامی‌که با ۲۶ نفر از همراهان به قزوین رسیدند، هدایای خود را به حضور شاه تقدیم نمودند. شاه عباس آن‌ها را پاس داشت و در دربار مکان داد. سال پیش، شاه عباس، سر آنتولی شرلی را به‌عنوان سفیر ایران به انگلیس فرستاد تا یک قرارداد نظامی بر ضدّ عثمانی با دولت انگلیس ببندد. سر رابرت هم در ایران ماند تا به قشون ایران تعلیمات نظامی بیاموزد و آن‌ها را با سلاح‌های آتشین آشنا سازد و با ساختن این سلاح‌ها در ایران و یا وارد کردن آن‌ها از انگلیس، سربازان ایرانی را مجهّز سازد و بدین وسیله‌ی به رژیم ایران کمک کند. یکی از نتایج ورود این هیأت به ایران آن بود که شاه عباس اجازه داد که بازرگانان مسیحی در ایران به تجارت بپردازند. در ضمن کالاهای وارداتی بازرگانان انگلیسی از پرداخت هزینه‌های گمرکی معاف باشند.

نابغه‌ی جنگی ژاپن در جنگ پیروز می‌شود. (ژاپن، ۲۱ اکتبر ۱۶۰۰):

توکوگاوا ایاسو *(Tokugawa Ieyasu)* امروز در هوای مه‌آلود در جنگ علیه دشمنان خود در دهکده‌یی نزدیک منطقه‌ی سکیگهارا *(Sekigehara)* به پیروزی چشمگیری دست یافت. حریف او در این نبرد ایشیدامیتسوناری *(Ishida Mitsunari)* بود که در عقب جبهه با سربازانش می‌جنگید، لیکن نتوانست با قوای ایاسو مقابله کند.

میتسوناری که در جنگ‌ها به خیانت مشهور بود، تلاش می‌کرد با اغوای حریف وضع جبهه را به سود خود تغییر دهد. میتسوناری سربازان خود را در ساعت چهار بعدازظهر در مسیر دشمن قرار داد، لیکن به علّت از دست دادن چندین هزار نفر از مردان خود از میدان نبرد گریخت. بدون شک ایاسو که در حدود پنجاه بار در جنگ‌ها شرکت کرده به حیله میتسوناری آگاهی داشت، او یک نابغه‌ی جنگی به‌شمار می‌آمد و با این پیروزی وی توانست به‌عنوان یک رهبر جنگی، مقام خود را در ژاپن حفظ نماید. او قبلاً هم نیروهایی برای پیگرد دشمنان کشور فرستاده بود و مورد احترام و قدردانی مردم قرار داشت.

دخانیات برای اروپایی‌ها اعتیاد ایجاد می‌کند. (اروپا، ۱۶۰۰):

کاشفان دنیای جدید برای اروپا دو محصول جدید با خود هدیه آوردند. در سال ۱۵۶۶، جان هاوکینز *(John Hawkins)*، تنباکو را به هموطنان خود معرفی کرد و اینک برخی از مردم با مصرف آن آشنا هستند. اکنون شاهزادگان و روستاییان، تنباکو را در داخل پیپ می‌کشند. با وجود گرانی تنباکو، کشیدن دخانیات در تمام میخانه‌ها متداول شده و مشتریان از یک پیپ عمومی استفاده می‌کنند، چون قیمت آن هر یک اونس سه شیلینگ تمام می‌شود و هر کس با چند پوک زدن به پیپ به حالت نشئه درمی‌آید.

محصول دیگری که از آمریکا به اروپا آمد، سیب‌زمینی بود که در ابتدا بخشی از غذای اروپاییان را تشکیل می‌داد، لیکن بعد از مدّتی بخش اعظم ماده‌ی غذایی قسمت‌هایی از این قاره را تأمین می‌کرد، در حالی‌که سروالتر رالی *(Sir Walter Raleigh)* ادعا می‌کند، بومیان آمریکایی ویرجینا از آن به‌عنوان غذای اصلی به اشکال گوناگون بهره می‌برند.

اسبان اسپانیولی به دست گروه آپاچی می‌افتد. (دشت آمریکای شمالی، ۱۶۰۰):

ژاپن، ۱۶۳۶
تزیین‌کننده و معمار قصر متعلق به توکوگاما ایاسو (Tokugama Ieyasu) در ناحیه‌ی نیک‌کو (Nikko) که مؤسس امپراتوری توکوگاما بود، در سال ۱۶۱۶ وفات یافت.

چین، ۱۶۳۶
دانگ کوئی‌چانگ (Dong Quichang)، نقاش و نویسنده‌ی حساس چینی، فوت شد. وی هنر نقاشی را در مدارس شمال و جنوب چین به‌عنوان یک درس برجسته به دانش‌آموزان معرفی نمود.

کانادا، ۱۶۳۶
یان دوبربوف (Jan de Brebeuf) ژزوئیت به هندی‌ها نشان داد که چگونه می‌توان از پوست خام توپ ساخت و با چوب‌دست از آن در بازی استفاده کرد (نوعی چوگان‌بازی). یعنی توپ را با چوب‌زدن.

آلمان، ۱۵ فوریه ۱۶۳۷
فردیناند دوم امپراتور مقدس رم که از سال ۱۶۱۹ در این مقام بود و همواره فردی ثابت‌قدم و استوار در دفاع از عقاید کاتولیک‌ها با آن‌ها هم‌گام و در نبرد بزرگ اروپا شرکت داشت و هم‌چنین مدافع امپراتوری هابسبورگ بود، از جهان رفت. فردیناند سوم پسر وی که در سال ۱۶۲۶ پادشاه مجارستان و نیز در سال ۱۶۲۷ به پادشاهی بوهم رسیده بود، جانشین او شد.

امریکای شمالی، پنجم ژوئن ۱۶۳۷
نیروهای پوریتن ساکن کانکتیکت (Connecticut) با پشتیبانی و همکاری هندیان (سرخ‌پوستان) از ساحل رود کانکتیکت به روستاهای قبایل پکوت (Pequot) حمله‌ور شدند و تعداد ۵۰۰ نفر از آن‌ها را اعم از زن و مرد و کودک قتل‌عام کردند و بدین‌ترتیب به جنگ چندساله که بین ساکنان این منطقه و قبایل پکوت جریان داشت، خاتمه دادند.

لندن، ۲۳ ژوئیه ۱۶۳۷
پس از منازعاتی که در دربار چارلز پادشاه انگلیس بر سر ریاست مهاجرنشین‌های امریکای شمالی درگرفت چارلز تصمیم گرفت ریاست انجمن شهر ماساچوست را به سر فردیناندو گورجس (Ferdinando Gorges) یکی از بنیان‌گذاران انجمن مشورتی نیوانگلند واگذار کند.

اسکاتلند، ۱۶۳۷
بر اثر شورش مذهبی که در اسکاتلند روی داد و تمام انگلیس را تهدید می‌کرد، چارلز پادشاه و ویلیام لود (William Laud)، سراسقف کانتربوری (Canterbury) در تلاش برای معرفی کتاب شرعیات و عبادات برای مردم پیرو کلیسای کانتربوری و نیز کلیسای اسکاتلند برآمدند.

فرانسه، ۱۶۳۷
حمله‌ی اسپانیولی‌ها به جنوب فرانسه توسط قوای آماده‌ی آن کشور دفع شد.

فرانسه، ۱۶۳۷
عصیان و آشوب روستاییان فرانسوی که انقلاب کروکوانت (Croquants) نام گرفت، باعث شورش مناطق پریگور (Perigord) و روارگ (Rouergue) گردید.

فرانسه، ۱۶۳۷
رنه دکارت (Rene Descartes) فیلسوف فرانسوی کتابی به‌اسم روش‌های استدلالی را به‌نگارش درآورد.

انگلیس، ۱۶۳۷
جان هامپدن (John Hampden) پسرعموی اولیور کرامول (Oliver Cromwell) یکی از نمایندگان پارلمان به برقراری مالیاتی به‌نام پول کشتی که در ناحیه‌ی باکینگهام شایر (Buckinghamshire) وضع شده بود، اعتراض کرد. خرج کشتی مالیاتی بود که چارلز بر شهرهای ساحل دریا تحمیل کرده بود و این یک هزینه‌ی اضافی بر دوش مردم بود که باید آن را بپردازند. این جریان در تمام بنادر و شهرهای ساحل دریا گسترش یافته موجبات نارضایتی مردم را فراهم آورده بود.

انگلیس، ۱۶۳۷
بن جانسون (Ben Jonson) درام‌نویس انگلیسی وفات یافت. از جمله‌ی شاهکارهای به‌یادماندنی وی چهار فقره نمایشنامه‌ی به‌نام‌های: ولپن (Velpone)، زن خاموش، کیمیاگر و حقایقی از واقعه‌ی بارتولمی (Bartholomew) می‌باشد.

انگلیس، ۱۶۳۷
جان میلتون (John Milton) شاعر انگلیسی اشعاری به‌نام مرثیه‌ی دهقانان با نام لیسیداس (Lycidas) سرود. وی با این قصاید اعتراض و طغیان دهقانان را بر ضد روحانیان لودیان (Laudian) ابراز داشت.

ساکنان اسپانیولی که مقیم جنوب شرقی آمریکا هستند، با کمال تأسف، از روزهایی می‌گویند که قبایل آپاچی *(Apache)* به آن‌ها حمله کرده و اسبان آن‌ها را به سرقت بردند، البته این دزدی به قیمت سالم ماندن جان آن‌ها تمام شد، چون اگر به آن‌ها این اجازه را نمی‌دادند، خودشان کشته می‌شدند.

پس از آن، سرخ‌پوستان آپاچی از این اقدام اسپانیولی‌ها قدردانی کردند، چون قدرت و نیروی اسب، زندگانی تازه‌یی برای آن‌ها ایجاد کرده، زیرا از آن برای سواری و شکار استفاده می‌کنند و از طرفی تولید نسل آن‌ها زیاد است و اذعان دارند که سرقت اسب‌ها خیلی ارزشمندتر از کشتن اسپانیولی‌ها بوده است. از سویی، سرقت اسب‌ها یکی از علل تاخت و تاز آن‌ها در مستعمرات اسپانیولی است.

هنگامی‌که جامعه‌ی اروپایی در آمریکا کم‌کم پا می‌گرفت، آن‌ها باز هم صدها رأس اسب را دزدیدند. بومی‌ها تعدادی از اسب‌ها را برای خود نگه داشتند و بقیه را به سایر بومیان در نقاط دیگر آمریکا فروختند. اسپانیایی‌ها هرگز تفنگ را به بومیان نشان ندادند، چون باعث مرگ همه‌ی آن‌ها می‌شد.

خلق آثار برنزی زیبا در دربار بنین *(Benin)* (بنین، آفریقای غربی، ۱۶۰۱):

مسافرانی که به شاهزاده‌نشین بنین واقع در غرب نیجریه سفر کرده‌اند، حکایاتی از ساخت تندیس‌های نفیس برنجی و عاج در آنجا بیان می‌کنند.

اوبا *(Oba)*، سلطان بنین، بار دیگر این هنر را که در قرن سیزدهم در آنجا رواج داشت، احیا کرد. در آن زمان هم تندیس‌های ظریفی از برنز و عاج در بنین ساخته می‌شد. به دستور اوبا، این اشیای ظریف و نفیس برای تزئین کاخ او و نیز برای زینت گور نیاکان او تراشیده می‌شد. تعداد پنج مجسّمه‌ی پلنگ از عاج بر روی صفحه‌ی برنجی با خال‌های روی بدن جانور و قلاده‌ی برنزی و نیز حلقه‌های ظریفی از برنز، کلاه‌خودهای بسیار زیبا که برای نخستین بار اروپاییان آن‌ها را در قفسه‌ها دیده‌اند و برای آن‌ها شگفتی‌آور بود در کاخ اوبا پیدا شد.

یکی از مسافران گزارش می‌دهد که در اطراف جسد و گور اوبا، پر از جمجمه‌های افرادی که ظاهراً همسران و کنیزان اوبا بوده است، مشاهده کرده که برای دنیای دیگر یار و مددکار او باشند.

برای بیکاران و ولگردان و فقرا، قانونی تنظیم می‌شود. (انگلستان، ۱۶۰۱):

گفته می‌شود دولت انگلیس لایحه‌یی برای رفاه و آسایش و زدودن فقر و بی‌چیزی برای افراد علیل و ناتوان و ولگرد به پارلمان تقدیم کرده که تاکنون در اروپا بی‌نظیر است. در نخستین جلسه‌ی کنگره‌ی ملّی، تصمیم گرفته شد که چون دولت در قبال مستمندان و ناتوانان مسؤول است، پس بایستی سازمانی برای کمک به این گروه تأسیس شود که از مصایب و گرفتاری‌های آنان بکاهد و این امر از نظر دوستی و صلح به سود جامعه می‌باشد. دولت بایستی با وضع مالیات جدید این افراد را اسکان دهد.

اغلب گفته می‌شود که بخش اعظم این گونه اشخاص قادر به انجام کار نمی‌باشند، پس باید تحت لوای قانون این اشخاص جمع‌آوری شده و توسط افسران و گماشتگان کشوری به روستاها و بخش‌های خودشان اعزام شوند تا زمینه‌ی ولگردی و گدایی در شهرها از بین برود و آن‌ها بتوانند در محله‌های خودشان زندگی کنند. قاضیان صلح یا داوران طرفدار صلح و آشتی لازم است آنچه در توان دارند در این امور بکوشند و برای آن‌ها پارچه‌های کتانی، کنف و سایر لوازم زندگانی را تهیه کنند و افراد بیکار را به کار بگمارند تا برای جامعه مفید واقع شوند، و آن‌هایی را که مایل به کار نیستند در خانه‌های مخصوص اسکان دهند.

در زمان سلطنت الیزابت، یکی از موضوعات مهمّ، گردآوری اشخاص ولگرد و سرگردان بیکار و علیل بود، چون دولت از آن بیم داشت که آن‌ها هر لحظه علیه اجتماع بشورند و مزاحمت برای کشور ایجاد کنند، بنابراین هرچه زودتر بایستی برای آنان فکری کرد تا از شرّ آنان در امان ماند و این موضوع به سود اقتصاد کشور تمام می‌شود، زیرا تجمّع این جمعیت و رشد هرچه زیادتر آن‌ها، به زیان کشور خواهد بود.

والاشیا *(Wallachia)* (والاشی) سقوط کرد. (والاشی، بالکان، ۱۶۰۱):

میشل دوبراو *(Michael Brave)*، شاهزاده‌ی والاشی، به دستور امپراتور هابسبورگ *(Habsburg)* کشته شد و با مرگ او ادعای استقلال والاشی خاتمه پذیرفت.

در چند سال پیش، والاشی و همسایگانش مانند مولداوی *(Moldavia)* و ترانسیلوانی *(Transylvania)*، رُل بسیار مهمّی در تعادل قدرت میان اتریش، ترکیه و لهستان بازی می‌کردند و این نقش بیشتر بر دوش میشل قرار داشت. او مایل بود که هرچه زودتر این سه ایالت کوچک متّحد شوند. او در سال ۱۵۹۹، به ترانسیلوانیا حمله کرد و سال پیش هم مولداوی را مورد تجاوز قرار دارد تا این جریان را به امپراتور تفهیم کند، لیکن امپراتور به او اطمینان نداشت.

مدعی سلطنت را حلق‌آویز کردند. (پرتغال، هفتم سپتامبر ۱۶۰۳):

یکی دیگر از مدعیان سلطنت پرتغال که ادعا می‌کرد سباستین پادشاه پرتغال را در ۲۵ سال پیش در نبردی به قتل رسانده، امروز حلق‌آویز شد. مارکو کالتیزونی *(Marco Caltizzone)*، اهل کالابریا *(Calabria)*، که در شهر ونیز ادعای پادشاهی بر پرتغال را داشت، به دستور سفیر اسپانیا دستگیر شد. تا به حال چندین نفر شبیه سباستین پیدا شده‌اند که مدعی هستند شخص سباستین می‌باشند و اعدام شده‌اند، چون سباستین همچنان که ذکر شد در ۲۵ سال پیش کشته شده است.

مارکو کالتیزونی هم چون سایرین با یک کشتی پارویی به شهر ونیز وارد شد و ادعا کرد که سباستین است. پدیده‌ی سباستین، دولت اسپانیا را ناچار کرد که کاستیلیان *(Castilian)* پادشاه اسپانیا، سلطنت پرتغال را هم به خود اختصاص دهد. سباستین چند ماهی پیش از جنگ مخرب پرتغال بر ضدّ مسلمانان مراکش، در پرتغال سلطنت می‌کرد.

هلند هم به مسابقه‌ی تجاری در شرق پیوست. (آمستردام، ۲۰ مارس ۱۶۰۲):

پرتغال، ۱٦۳۷
ژوان (John) دوک براگانزا (Braganza) خود را پادشاه خواند. وی ظاهراً این عمل را برای تهدید و ایجاد هراس در اسپانیا انجام داد و بدین‌ترتیب اقتدار خود را نشان داد.

ونیز، ۱٦۳۷
نخستین تماشاخانه‌ی عمومی ونیز به‌نام تئاتر سان کازینو (San Cassino) افتتاح شد و هزینه و مسئولیت آن را هم خانواده‌ی ترون (Tron) عهده‌دار شدند.

ژاپن، ۱٦۳۷
هونامی کوتسو (Honami Koetsu) یکی از بااستعدادترین هنرمندان عصر درگذشت. وی در عین حال در هنر نقاشی، خوشنویسی، سرامیک‌سازی و آرایش باغ‌ها مشهور بود.

آلمان، ۱٦۳۷
جان جرارد (John Gerard) یکی از اعضای هیأت مذهبی ژزوئیت که در عین حال مدیریت کالج روحانیت انگلیس را در شهر رم عهده‌دار بود، در شهر ژن (Jena) فوت شد. او پس از احداث چندین مرکز روحانیت کاتولیک در انگلیس، به مدت سه سال تبعید شد، لیکن در سال ۱۶۰۶ به اروپا گریخت.

افریقای غربی، ۱٦۳۷
توماس لامبر (Thomas Lambert) مدیر شرکت‌های دی‌یب (Dieppe) و روئن (Rouen) از مسافرت بر روی رود سنگال (Sengal) بازگشت. فرانسوی‌ها در این کشور به تجارت برده‌داری در سطح وسیع مشغول بودند.

ویتنام، ۱٦۳۷
هلندی‌ها به شهر هانوی (Hanoi) رسیدند.

کره، ۱٦۳۷
یی (Yi) فرمانروای کره در اجرای سیاست خارجی خود به جهت ترس از حملات خارجیان تصمیم گرفت مرزهای خود را به روی بیگانگان ببندد. طبق این تصمیم هریک از افراد کره‌یی که ارتباط با بیگانگان برقرار کند، به اعدام و تبعید محکوم خواهد شد.

امریکای شمالی، ۱٦۳۷
انگلیس دستور داد که هر فردی یک هندی (سرخ‌پوست) را به‌قتل برساند پوست سر او را به‌عنوان پاداش خواهد گرفت.

برزیل، ۱٦۳۷
موریس ناسو (Maurice Nassau) هلندی به فرمانداری برزیل منصوب گشت.

هلند ۱٦۳۷
تجارت لاله‌ی هلندی پس از یک ترقی برق‌آسا، در سال گذشته به رکود و افول دچار شد. بسیاری از مردم بیم دارند که این وضعیت ادامه پیدا کند.

اسپانیا، ۱٦۳۷
پدرو کالدرون دو لا براکا (Pedro Calderon de la Barca)، درام‌نویس پرکار اسپانیولی، نمایش‌نامه‌یی به‌نام ال‌ماژیکو پرودویگوزو (El Magico Prodigioso) را تنظیم و به روی صحنه آورد.

انگلیس، ۱٦۳۷
ویلیام پرینه (William Prynne) رساله‌نویس پوریتن‌مذهب انگلیسی که در سال ۱۶۳۳ زندانی شده بود، به‌خاطر اتهام به فتنه‌گری و ایجاد آشوب، گوش‌های خود را هم از دست داد، چون در زندان گوش‌های او را بریدند، با این وجود در زندان هم به نوشتن مقالات خود ادامه داد و آن‌ها را منتشر کرد.

آلمان، پنجم مارس ۱٦۳۸
فرانسه و سوئد پیمان صلح در هامبورگ (Hamburg) امضا کردند.

اسکاتلند، مارس ۱٦۳۸
مخالفان پرسبیتری (Presbyterian) (پیروان بخشی از عقاید کالون) سیاست مذهبی چارلز، عهدنامه‌یی ملی در اسکاتلند برای حفاظت از خلوص و پای کتاب انجیل امضا کردند.

هلند، ششم مه ۱٦۳۸
کورنلیس یانسن (Cornelis Jansen) یکی از علمای مذهبی و اسقف اعظم یی‌پرس (Ypres)، از دنیا رفت. وی پس از مطالعات زیادی درباره‌ی آگوستین (St Augustine) (یکی از قدیسین مسیحیت) کتابی درباره‌ی او به‌نام «آگوستینوس (Augustinus)» تألیف کرد و با طرفداران آزادی مذهب به منازعه برخاست.

فرانسه، ١٤ مه ۱٦۳۸
یکی از کشیشان ناحیه‌ی سن‌سیران (St Cyran) و یکی از چهره‌های برجسته‌ی ضد اصلاحات مذهبی، توسط ریشیلیو در شهر ونسن (Vincennes) زندانی شد.

امروزه رقابت‌های گوناگونی بین گروه‌های رقیب بر سرِ تجارت در هند شرقی در جریان است و هر طرف در تلاش است که گلوی طرف مقابل را گرفته و او را خفه نماید. در این میان، بازرگانان هلندی در صددند که در شرق دماغه‌ی نیک و امید، انحصار تجارت را در دست گرفته و مسیر دریایی ماژلان *(Magellan)*، که در ۲۱ سال پیش برای اوّلین بار طی کرده بود را به‌پیمایند و از نظر ناوگان دریایی قدرت منطقه را در اختیار خود بگیرند.

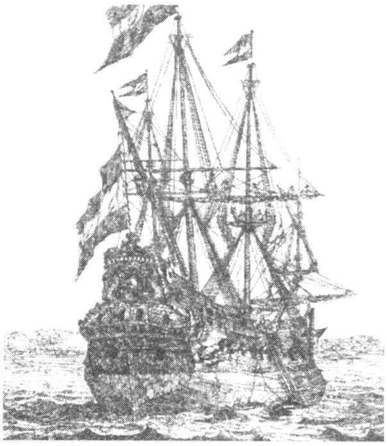
کمپانی هلندی هند شرقی هم تمام رقبا را پس زده است. این کمپانی متشکل از ۱۷ نفر بازرگان و مقامات بلند پایه است که می‌توانند قراردادهایی را با دولت منطقه به‌بندند و حتا برای همکاری‌های دفاعی پیمان‌هایی امضا کنند و برای ساختن تأسیسات دفاعی و استحکامات، اقدام به ساختمان نمایند. آن‌ها به تدریج اختیار یک یک ایالات را بدین وسیله‌ی در اختیار خواهند گرفت.

دریانوردان انگلیسی برای ژاپن کشتی می‌سازند. (ژاپن، ۱۶۰۱):

ویل آدامز *(Will Adams)*، دریانورد انگلیسی اهل کنت، قراردادی با ژاپن امضا کرده که بر طبق آن، کشتی‌هایی با ظرفیت یکصد تن برای آن کشور بسازد و دریانوردان ژاپنی را برای پیمودن راه‌های دور آموزش داده و مهارت آن‌ها را بیازماید. آدامز به‌عنوان سر ناخدا با یک کشتی هلندی به نام لیفد *(Liefde)* که بخشی از یک هنگ متشکل از پنج کشتی دریایی هلندی است، به اینجا آمد و غرض آن بود که در مسیر دریایی و ناوگان دولت‌های اسپانیا و پرتغال اختلال ایجاد نمایند. از قضا، توفان دریایی شدیدی در گرفت و کشتی لیفد دچار سانحه شد و گروهی از ناویان هلاک شدند. آن‌ها کشتی را تا بندر کیوشو *(Kyushu)* یدک کشیدند، در حالی‌که جاشویان زنده، ولی بی‌چیز و برهنه بودند. آنان مدعی شدند که ما جزو هیأت مذهبی مسیحیت هستیم و راهزنان دریایی ما را لخت کردند و به این روز انداختند و ما ناچار به شما پناهنده شدیم، آن‌ها ما را که جزو صلیبیون هستیم، تهدید به مرگ کردند.



تصویری که احساس وحشت از وجنات او مشهود است و موهای سر او به حالت مار وافعی درآمده و هر لحظه مترصد نیش زدن هستند. این تصویر هنرمندانه کار میکل آنجلو کاراجو Michelangelo da Carraggio می باشد. نقاشی در این تصویر حالات رعب و ترس، گناه و عقوبت و شکست و نومیدی رانشان داده است.



کشتی های جنگی هلندی متعلق به کمپانی هند شرقی در آب های عمیق و دور از سواحل حرکت می کنند و عنوان ملکه ی دریاها را به خود گرفته اند.



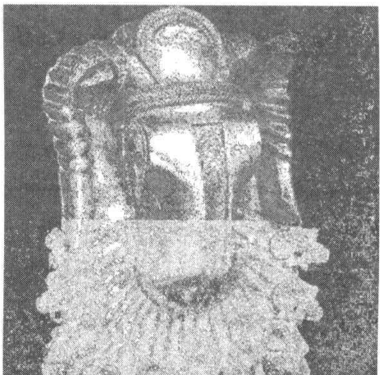
رقاصان آموفی Amufi در پشت یک درخت در حال رقص.



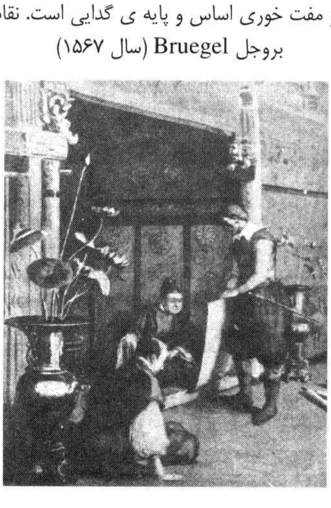
اوباسی جی Oba Esigies و سپاهش پیروزمندانه از نبرد بازمی گردند.



تنبلی و مفت خوری اساس و پایه ی گدایی است. نقاشی از بروجل Bruegel (سال ۱۵۶۷)



ماسک برنزی ساخت بنین که از زیبایی خاصی برخوردار است، به طوری که باعث شگفتی مسافران به این سرزمین شده.



در این نقاشی ویل آدامز Will Adams نشان می دهد که ای یاسو Ieyasu شوگون Shogun (فرمانروایان ژاپن) نقشه هایی برای اشتغال دارد.

بدین ترتیب ایاسو *(Ieyasu)* زندگی آن‌ها را نجات داد و سپس این جریان را برای آدامز تعریف کرد و از وی مدد خواست. مردان انگلیسی در ماه مه سال گذشته با کشتی مرمّت شده و مجهّز به توپ و تجهیزات، به بندر اوزاکا *(Osaka)* رسیدند و این همه را مدیون نیک‌صفتی و مردانگی ایاسو هستند.

جنگجوی راست‌گفتار و درست‌کردار، در آفریقا درگذشت. (بورنو، آفریقای غربی، ۱۶۰۳):

ادریس آلوما *(Idris Aloma)*، فرمانروای بورنو *(Bornu)* و یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان نظامی در عصر خود، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. او که در سال ۱۵۷۰ برکنار شده بود، یک ایالت ضعیف و ناتوان و فاقد وسایل دفاعی که در اثر قحطی دچار گرسنگی شده بودند را به قدرت رساند و حتا توانست ارتش آنجا را به سلاح‌های آتشین مجهّز سازد. بدین ترتیب، سربازان ارتش را با تفنگ‌های فتیله‌یی و سواران را با توپ‌های صحرایی مجهّز ساخت و بر قبایل تورگ *(Tuareg)*، کانو *(Kano)* و کانم *(Kanem)* غلبه کرد و به‌هر کجا که رفت، به ترویج دین اسلام پرداخت. بدین ترتیب، امپراتوری سونگایی *(Songhai)* را از بین برد و به یک قدرت مافوق بین کشور نیجریه و نیل تبدیل گشت و قلمرو خود را از پایین‌ترین وضعیت به موقعیتی ممتاز رسانید.

ادریس نه تنها یک مرد جنگ‌جو و مبارز بود، بلکه یک سیاستمدار و مدیر محسوب می‌شد. دولت‌های عثمانی و مراکش به او خراج می‌دادند. احمد بن فارتوا *(Fartua)* تاریخ‌نگار می‌نویسد که وی انسانی با حقیقت و درست‌کردار بود و هم‌چون چراغی فروزنده در بورنو درخشید.

قحطی روسیه، هزاران نفر را به کام مرگ کشانید. (روسیه، ۱۶۰۳):

قحطی شدید و وحشتناک روسیه، جمعیت را به شدّت کاهش داد و آنان که زنده بودند به ناچار به علف‌خواری و خوردن پوست درختان غان و غیره روی

امریکای شمالی، ۳۱ مه ۱۶۳۸
یک گروه صدنفری از پوریتن‌ها به سرپرستی توماس هوکر (Thomas Hooker) در بوستون برای رهایی از قید استبداد رهبران مذهبی یک وزیر محلی در هارتفورد کانکتیکت (Hartford, Connecticut) انتخاب کردند که امور این بخش تحت نظر او اداره شود.

پاریس، پنجم سپتامبر ۱۶۳۸
خانم آن (Anne) ملکه‌ی اتریش و همسر لویی سیزدهم، پس از ۲۳ سال که از ازدواج‌اشان می گذشت، صاحب پسری شدند که وارث سلطنت فرانسه گردید. پدرش اسم او را هم لویی گذاشت.

اسکاتلند، نوامبر ۱۶۳۸
در اجلاس عمومی کلیساها که در اسکاتلند تشکیل شد، تصمیم گرفته شد که رتبه‌ی اسقفی منسوخ گردد و در ضمن چارلز پادشاه انگلیس را به مبارزه طلبیدند.

آلمان، ۱۹ دسامبر ۱۶۳۸
برنار (Bernard) فرماندار ناحیه‌ی ساکس وایمار (Saxe-Weimar) که در نبرد با نیروهای سلطنتی در راین‌فلدن (Rheinfelden) دچار شکست شده بود، شهر فرایبورگ و استحکامات شهر بریساک (Breisach) را متصرف شد.

بغداد، ۲۴ دسامبر ۱۶۳۸
مراد چهارم سلطان عثمانی شهر بغداد را از صفویه پس گرفت.

استانبول، ۱۶۳۸
سیریل لوکار (Cyril Lucar) شهردار استانبول به اتهام تحریک قبایل قزاق (ایالات جنوب روسیه و قفقاز) علیه فرمانروایی عثمانی، به‌دستور سلطان مراد چهارم به هلاکت رسید. لوکار تحصیلات خود را در کلیسای استانبول گذرانیده بود، زیرا پیرو عقاید کالون بود.

افریقای غربی، ۱۶۳۸
فرانسوی‌ها یک پایگاه تجارت برده در بند سن لویی (St Louis) در دهانه‌ی رود سنگال تأسیس کردند.

اقیانوس هند، ۱۶۳۸
فرانسوی‌ها بندر رئونیون (Reunion) واقع در اقیانوس را تصرف کردند.

ژاپن، ۱۶۳۸
با سقوط قلعه‌ی هارا (Hara) به شورش مسیحیان در ناحیه‌ی شیمابارا (Shimabara) که در سال گذشته شروع شده بود، پایان داده شد. اینک سلاح‌های آتشین ژاپن بهتر از انواع غربی آن است.

ژاپن، ۱۶۳۸
مسیحیان در سراسر کشور ژاپن تحت تعقیب قرار گرفتند. تمام مرزهای ژاپن بسته شد و ورود و خروج بیگانگان ممنوع شد. تنها به هلندی‌ها اجازه داده شد که در جزیره‌ی دشیما (Deshima) که حصار و بارو دارد و نیروهای ژاپنی آن را حراست می‌کنند، به داد و ستد بپردازند. جزیره‌ی دشیما بندری به‌نام ناگازاکی (Nagasaki) دارد که هلندی‌ها و چینی‌ها در آنجا اقامت دارند.

پاریس، ۱۶۳۸
پدر ونسان.دوپل (Father Vincent de Paul) فرانسوی برای حمایت و سرپرستی یتیمان یک‌سری مؤسسات خیریه در سراسر شهر پاریس تأسیس کرد.

انگلیس، ۱۶۳۸
جان هامپدن (John Hampden) که در سال گذشته به برقراری مالیات بر کشتی‌ها اعتراض کرده بود، موضع خود را تغییر داد، زیرا از نظر اخلاقی پیروز شده بود.

ایتالیا، ۱۶۳۸
نیکلاس پوسین (Nicolas Poussin) تابلوی «چوپانان آرکادیا (Arcadia)» را به اتمام رسانید.

امریکای شمالی، ۱۶۳۸
سوئدی‌ها و فنلاندی‌ها در خلیج ناحیه‌ی دلویر (Delaware) لنگر انداختند و به ایجاد مجتمع «سوئد جدید» در این ناحیه‌ی پرداختند و نام پایتخت خود را هم کریستیانیا (Christiania) گذاردند.

امریکای شمالی، ژانویه ۱۶۳۹
اولین جلد کتاب که در چاپخانه‌ی کمبریج (Cambridge) ماساچوست به‌چاپ رسیده بود، منتشر شد. این کتاب که «سوگند آزادمردان» نام دارد، بطور وسیعی انتشار یافت و مهاجرنشینان با قسم‌خوردن به تاج چارلز پادشاه انگلیس، تابعیت آن کشور را پذیرفته و از آن پیروی می‌کنند.

آوردند و بعضی گزارش‌ها حکایت از آن دارد که مردم به مُرده‌خواری هم می‌پرداختند.

این قحطی به علّت کمبود محصولات و در انزوا قرار دادن بوریس گودانف و به رغم او بود که مزارع را بدون کشت و کار گذاشتند. روستاها از جمعیت خالی شد و گزارش می‌رسد که به علّت کمبود مواد غذایی، فقط ۱۲۵ هزار نفر در شهر مسکو تلف شدند.

اعلامیه‌های دولت حاکی از آن است که این مشکل لاینحل می‌باشد. این قحطی سبب سوءاستفاده‌ی بسیاری از محتکران شده و قیمت نان در بازار به شدّت ترقّی کرده است.

بوریس دستور داده که برای نیاز مردم از انبارهای غله دربار استفاده شود و در ضمن برنامه‌یی برای مردم مسکو جهت دریافت مواد غذایی تنظیم نمایند.

بسیاری از مالکان حتا قادر به تأمین مواد خوراکی دهقانان خود نیستند و آن‌ها را روانه‌ی شهر و دیار خود می‌کنند، عدّه‌ی دیگری از روستائیان گرسنه و بی‌خانمان با تشکیل اجتماعاتی به انبارهای غله بازرگانان و اشراف حمله می‌کنند و انبارها را به دست چپاول می‌سپارند.

بوریس گودانف بر اثر مرگ ناگهانی جان سپرد. (مسکو، ۱۳ آوریل ۱۶۰۵):

بوریس گودانف، تزار روسیه، امروز بر اثر مرگ نابهنگام از دنیا رفت، در حالی‌که حادثه‌یی برای او پیش نیامده بود و هیچ کس انتظار مردن او را نداشت. وی ۵۳ سال داشت و از زمان مرگ پسر ناتوان و علیل ایوان مخوف (فئودور) تا به هنگام مرگش، امپراتور روسیه بود.

بوریس با رأی نمایندگان روسیه به امپراتوری انتخاب شد و در سیاست داخلی و خارجی از سیاست سلف خود ایوان پیروی می‌کرد. وی در حقیقت زندانی و تابع مالکان روسیه بود و اگر حمایت آن‌ها از او نبود، مردم علیه وی قیام می‌کردند.

از نظر سیاست خارجی و مراوده با کشورهای دیگر هم، از روش ایوان متابعت می‌نمود. مشکلات بوریس هم در یکی دو سال اخیر مضاعف شده بود.

اشراف و مالکان بزرگ با او از درِ آشتی درنمی‌آمدند و به‌طور کلّی با انتخاب او موافق نبودند و او هر لحظه از آن بیم داشت که او را مسموم نمایند، بدین جهت، شش نفر از دکترهای خارجی را برای خود استخدام کرده بود.

در همین هنگام، قحطی در روسیه همه گیر شد و از بخت بد، یک مدعی سلطنت با نام قلابی دیمیتری پیدا شد که بوریس تصمیم داشت وی را نابود کند، از سوی مردم روسیه هم به سبب قحطی و گرسنگی قیام کردند.

با فوت گودانف، مدعی امپراتوری روسیه عازم شهر مسکو شده است.

مبارز اسپانیولی دیوانه، با شمشیر به نبرد آسیاب‌بادی شتافت. (اسپانیا، ۱۶۰۵):

کتاب جدیدی که توسط میگوئل سروانتس *(Miguel de Cervantes)* انتشار یافته، بسیار مورد توجّه‌ی شهروندان اسپانیایی قرار گرفته است. این کتاب که دون کیشوت *(Don Quixote)* نام دارد، داستان یکی از شوالیه‌های قدیمی و ملّی اسپانیاست که مقارن تشکیل انجمن‌های ایالتی در این کشور می‌باشد و خاطرات آن دوران و پهلوانی‌های بی‌مورد را نشان می‌دهد که تنها جنبه‌ی صوری و ظاهری دارد.

افسانه‌ی دون کیشوت جامعه‌ی آن روز اسپانیا را مورد تمسخر و استهزا قرار می‌دهد و سروانتس سعی می‌کند این جریان را به روشنی بیان کند که مردم همه سعی می‌کنند در خدمت کلیسای رم درآیند، وی آن‌ها را به دیوانگی متّهم می‌کند.

سروانتس این گونه شرح می‌دهد که مرد مبارزی به نام سانکو پانزا *(Sancho Panza)* که در خدمت دون کیشوت بود، با اسب خود موسوم به روزینانت *(Rosinante)* با شمشیر به سیر و سیاحت در اطراف جهان می‌رود تا اگر کسی خیالی خام علیه اربابش دارد و یا مزاحمتی ایجاد می‌کند، او را از بین ببرد که گذارش به یک آسیاب‌بادی می‌افتد و برای از بین بردن صدای آسیاب به نبرد با آن می‌پردازد.

امریکای شمالی، سوم مارس ۱۶۳۹
کالجی که در سه سال قبل در کرانه‌ی رود چارلز و در شهر کمبریج ماساچوست بنیان‌گذاری شده بود، به احترام جان هاروارد (John Harvard) وزیر پوریتن‌مذهب به‌اسم هاروارد نامیده شد، چون این مرد نیمی از ثروت خود را در این راه صرف کرده بود.
خاور نزدیک، مه ۱۶۳۹
پیمان صلح قصر شیرین بین دولت عثمانی و پادشاه صفوی منعقد شد که به‌موجب آن دولت عثمانی بغداد، شهرزور (Sharizur)، وان (Van) و قارص (Kars) را در اختیار گرفت، لیکن از دعاوی خود نسبت به آذربایجان صرف‌نظر کرد.
فرانسه، ۱۶۳۹
در اثر شورش دهقانان تمام نواحی نورماندی (Normandy) به‌دست آنان سقوط کرد و حکومت ملی واژگون گردید.
فرانسه، ۲۱ مه ۱۶۳۹
توماسو کامپلانا (Tommaso Campanella) فیلسوف پیرو عقاید آتوپی (Utopian) (آتوپیا نام مدینه‌ی فاضله‌ی افلاطون است) در صومعه‌ی سن هونوره (St Honore) وابسته به دومی‌نیکن‌ها (Dominican) نزدیک پاریس دیده از جهان فروبست. یکی از کارهای بزرگ وی به تقلید از افلاطون (Plato) تألیف کتاب جمهوریت با نام «سیویتا سولیس (Civitas Solis)» یا شهر دانشمندان می‌باشد. کامپلانا توسط کلیسای رم تکفیر و در سیاهچال زندان ناپل به‌مدت ۲۷ سال زندانی شد.
انگلیس، ژوئن ۱۶۳۹
عهدنامه‌ی صلح برویک (Berwick) به جنگ کوتاه‌مدت اسقفی بین انگلیس و اسکاتلند پایان بخشید. سال گذشته پیمان‌نامه‌یی بین نجبای اسکاتلند و روحانیان انگلیسی در دفاع از کلیسای اسکاتلند بر ضد کتاب شرعیات و عبادات جدید که تحمیلی از سوی انگلیس بود، در لندن به امضا رسید.
فرانسه، ۱۸ ژوئیه ۱۶۳۹
با مرگ برنار پادشاه ساکس وایمار (Saxe-Weimar) ارتش وی و سرزمین‌های فتح‌شده‌ی او توسط فرانسه مصادره شد.
سیبری، ۱۶۳۹
گروه کوچکی از روس‌ها پس از گذشت از سیبری (Siberia) به اقیانوس آرام رسیدند. سال قبل روس‌ها مناطق وسیعی از شمال آسیا را تصاحب کردند. آن‌ها با پیشروی به‌سوی شرق به صحرای پهناوری رسیدند که بومیان آن‌جا با دام‌گستری در راه حیوانات، از گوشت و پوست این جانوران وحشی اعاشه و با فروش پوست‌های گران‌قیمت پولی تحصیل می‌کردند لیکن روس‌ها با ساختن بناها و ایجاد استحکامات محلی، بومیان را به‌کلی از سرزمین‌های خود راندند.
فرانسه، ۱۶۳۹
ژرار دزارگ (Gerard Desargues) با انتشار کتابی با عنوان برنامه‌ی برویون (Brouillon)، پایه‌ی هندسه‌ی تحلیلی را بنا کرد.
فرانسه، ۱۶۳۹
بلیز پاسکال (Blaise Pascal) ریاضیدان و دانشمند فیزیک، ماشین‌حساب را اختراع کرد.
اسپانیا، ۱۶۳۹
از فرانسیسکو زوباران (Francisco de Zubaran) نقاش اسپانیولی درخواست شد که گالری محل نگاهداری ظروف مقدس کلیسای زاهدان تارک دنیای گودالوپ (Guadeloupe) را تزیین نماید. او هم یک اثر به‌یادماندنی در محراب صومعه‌ی هواداران کارتوزی (Carthusians) به‌نام خرز دو لا فرونترا (Jerez de la Frontera) ایجاد کرد.
بندر دانزیگ *(Danzig)*، ۱۶۳۹
مارتین اوپیتزفون بابرفلد (Martin Opitz von Boberfeld) که در سراسر عمر خویش به‌عنوان بزرگ‌ترین سراینده‌ی اشعار آلمانی مشهور و مورد احترام بود، از دنیا رفت. وی مدت‌ها ریاست مدرسه‌ی شعر و موسیقی را برعهده داشت و کتابی درباره‌ی شعر آلمانی تألیف کرد و همواره برای اصلاح و بی‌پیرایگی زبان آلمانی می‌کوشید و قصاید موزون زیادی هم از وی باقی است.
کارائیب، ۱۶۳۹
در جزیره‌ی مارتی‌نیک (Martinique) نیشکر کاشته شد.
آنگولا، ۱۶۳۹
هلندی‌ها سرزمین کنگو (Kongo) را از پرتغالی‌ها بازستاندند.
استانبول، فوریه ۱۶۴۰
ابراهیم به جانشینی مراد چهارم سلطان عثمانی شد، مراد از سال ۱۶۲۳ در مقام پادشاهی بود.

در این سیر و سفر، برای این دیوانه ماجراهای هولناک و وحشت‌زا رخ می‌دهد. در رویدادی، شوالیه‌ی این داستان با خانمی برخورد می‌کند و دختر از او پرسش‌هایی در مورد زنان می‌نماید و جوابی نمی‌شنود، چون او درباره‌ی این موضوع آگاهی نداشته است. سرانجام در طی مسیر خود، به آسیابی‌بادی برخورد می‌کند و به تصوّر این‌که غولی در آنجا آرمیده است، با شمشیر به سوی آسیاب می‌رود تا غول را از پای درآورد.

دون کیشوت فکر نوینی است که سروانتس از این طریق می‌خواهد به مردم تفهیم نماید که راه بهتر زیستن پیروی از حرص و آزمندی نیست، لیکن بدبختانه اسپانیای مدرن، همواره در پی آن است که ثروت مردم دنیای جدید را به غارت ببرد و با اغوا و تحریک افکار شوالیه‌گری و میهن‌پرستی غیرواقعی، به اهداف غیر مردمی خود دست یابد.

حکومت‌های سلطنتی انگلیس و اسکاتلند یکپارچه می‌شود. (انگلیس، ۲۴ مارس ۱۶۰۳):

صبح امروز در اوّلین ساعات پگاه، ملکه الیزابت در قصر ریچموند *(Richmond)* درگذشت و جیمز ششم جانشین وی و پادشاه اسکاتلند، سرزمین انگلیس و اسکاتلند را به‌عنوان یک کشور معرفی کرد. وی هم‌چنان‌که معروف است، آرزو داشت که طبق منویات جیمز اوّل، بریتانیای کبیر را به‌عنوان قدرتمندترین کشور سلطنتی پروتستان در اروپا بشناسند. جانشین الیزابت نیز با اختلاف و چنددستگی مذهبی در انگلستان روبه‌روست، در حالی‌که نبرد مذهب با فرانسه ادامه دارد و دولت انگلیس بدهی زیادی به بانکداران شهر آنتورپ دارد. الیزابت پس از ۴۵ سال پادشاهی، یک خزانه‌ی خالی برای جانشین خود به ارث گذاشته و با وجود خسّت و امساکی که در راه خرج کردن داشت، بخش اعظم ثروت کشور را در راه مبارزه با شورشیان ایرلند و نبرد علیه اسپانیا و حمایت از پروتستان‌های هلندی به مصرف رسانید.

لیکن با وجود این، هنر در انگلیس آن‌چنان شکوفا و درخشان شد که پیش از آن سابقه نداشت، به‌طوری که شکسپیر، یکی از نوابغ هنر، در همین زمان درام

هاملت *(Hamlet)* را تهیه کرد و با کمک لرد چمبرلن *(Chamberlain)* آن را به روی صحنه آورد.

از سویی الیزابت برای مردم و دولت انگلیس شخصیت به‌وجود آورد و به کشور روحیه‌ی بزرگ‌منشی اعطا کرد، به‌طوری که آرمادا *(Armada)* از قول ملکه می‌گوید: من می‌دانم که دارای جثه‌یی ضعیف و ناتوان هستم، امّا دارای قلب و روح پادشاه می‌باشم و حس می‌کنم با این جثه به‌عنوان یک پادشاه بزرگ اروپایی، هیچ یک از امرا و پادشاهان اروپا جرأت جسارت به قلمرو من را ندارند و به مرزهای ما با دیده‌ی احترام می‌نگرند.

عادت بدی که الیزابت داشت این بود که در هنگام نوشیدن آبجو سوگند یاد می‌کرد و می‌خواست که تأثیر این سوگند را در اطرافیان خود مشاهده کند.

جانشین او که فرزند ماری ملکه اسکاتلند می‌باشد، با لحنی خشن و بی‌ادبانه صحبت می‌کند و لهجه‌ی اسکاتلندی دارد و به‌نظر نمی‌رسد که مردم انگلیس این حالت وی را دوست داشته باشند و آن طور که باید رعایت او را بنمایند و در حدّ یک پادشاه به او احترام بگذارند.

ساختمان معبد زرّین آمریتسار به پایان رسید. (آمریتسار، هند، ۱۶۰۵):

بنای معبد بزرگ و مقدّس طلایی سیک‌ها در آمریتسار *(Amritsar)* واقع در پنجاب خاتمه یافت. سیک‌ها *(Sikhs)* پیروان صوفی بزرگ پنجابی به نام گرونانک *(Guru Nanak)* هستند که ادیان هندو و اسلام را مردود می‌دانست. اکبر امپراتور مغول هند، بخشی از مسیر یک رودخانه را به او اعطا کرده بود که وی آن را استخر همیشه زنده می‌نامید.

پیروان این رهبر مذهبی (گورونانک) در آن محلّ چهارمین معبد گورو را به نام رام‌داس *(Ram Das)* بنا کردند که در حقیقت یک شهر مقدّس به‌شمار می‌آید.

معماری این شهر ترکیبی از سبک هندو و اسلام می‌باشد، که بسیار زیبا بنا شده، در مرکز این مکان، استخر دایمی وجود دارد که اطراف آن را با نرده‌های قشنگ محصور کرده‌اند و در پیرامون آن هم با سنگ‌های مرمرین زیبا ساخته شده، در وسط استخر بزرگ یک مجرای آبی است که از آن آب به یک جزیره‌ی کوچک جریان دارد.

بر روی بنای اصلی، گنبد بلند مسی قرار دارد که پوششی از طلا بر روی مس کشیده شده و در زیر نور خورشید هند جلوه‌یی خاص و درخشان دارد و هر بیننده‌یی را مسحور می‌کند. ساختمان بنای مرکز دو اشکوبه می‌باشد که با سنگ مرمر ساخته شده و تزئینات و کنده‌کاری‌های زیبا بر روی آن‌ها نقش بسته است، در خارج بنای مرکزی هم ساختمان دیگری است که از نظر قرینه‌گی در هندوستان مشهور است و به‌نظر هم‌چون گل نمایان است.

صور فلکی بخش جنوبی آسمان را، یک منجّم آلمانی به تصویر درآورد. (اوگسبورگ *(Augsburg)*، آلمان، ۱۶۰۳):

یوهان بایر *(Johann Bayer)*، اخترشناس آلمانی، که دوستدار علم نجوم می‌باشد، توانست نقشه‌ی صور فلکی جنوب آسمان را در روی ۱۲ صفحه نمایش دهد. وی که مایل بود نقشه‌یی جهت آگاهی عموم از وضع استقرار ستارگان در آسمان تهیه کند، این نقشه یا اورانومتریا *(Uranometria)* را به انجمن شهر اوگسبورگ *(Augsburg)* ارائه‌کرد و انجمن شهر هم ۱۵۰ سکه‌ی طلا برای بایر فرستاد که شاید پاداشی برای زحمات ۳۱ ساله وی باشد.

اورانومتریا یا وضع صور فلکی هم‌چون مفتاحی است که آیندگان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و محلّ ستارگان را در آسمان مشخّص کنند، چون قبلاً ستاره‌شناسان مکان و محلّ هر ستاره را به‌طور شفاهی ذکر می‌کردند و نقشه‌ی دقیقی از آن موجود نبود. نشانه‌گذاری محلّ استقرار ستاره در این نقشه، برحسب شعاع‌های نورانی و درخشندگی آن‌ها تنظیم شده و از یک کتاب قدیمی یونانی اقتباس شده است که منجّمان یونانی نور هر ستاره را با ستارگان دیگر مقایسه می‌کردند و ستاره‌ی آلفا سمبل و کلید درخشندگی هر ستاره به حساب می‌آمد.

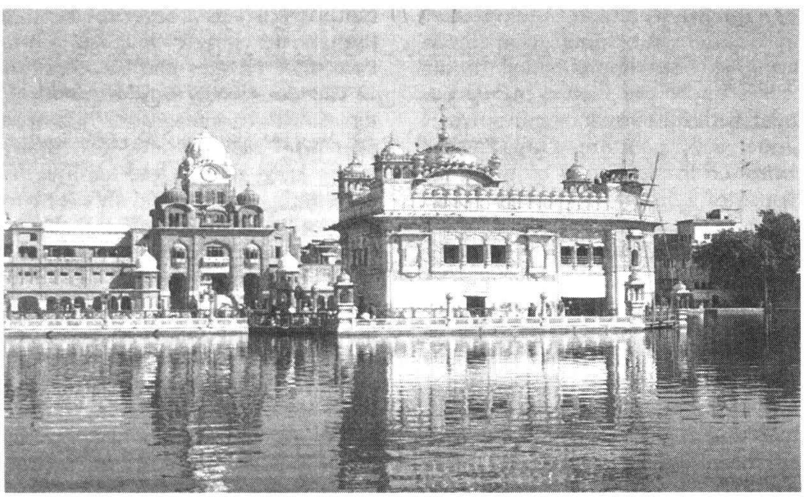
نقشه‌ی توطئه علیه پارلمان، نقش بر آب گردید. (لندن، نوامبر، ۱۶۰۵):



در این تصویر مارکوس گیرتس Marcus Gheeraerts کاملا قیافه ی عبوس ملکه الیزابت را در سن ۴۵ سالگی نشان می دهد.



تیتر صفحه ی اول کتاب سروانتس Cervantes، شاهکار ادب اسپانیولی که به انگلیسی برگردان شده.



معبد زرین در شهر آمریتسار Amritsar که مقدسترین مکان فرقه ی سیک می باشد با ورقه یی از طلا پوشانده شده و از نقاط دور کاملا تشعشع آن به چشم می خورد و این نشانه ی اعتقاد معمار بنا به مقدس بودن این معبد است.



این عکس نمای سقف کلیسای سیستین Sistine chapel را نشان می دهد که به ترتیب رافائل و میکل آنژ بزرگ ترین شاهکار هنر نقاشی را به وجود آورده اند. معماری ساختمان توسط آنیبال کارراکی Anibale Carracci اهل بولونیا Bologna انجام شده که سقف کاخ فارنس Farnese را در شهر رم نقاشی کرده است.

مردی از اهالی یورکشایر *(Yorkshire)* که در خدمت ارتش اسپانیا در هلند بود و مذهب خود را به کاتولیکی تغییر داده، به علّت جاگذاری ۲۰ بشکه باروت در زیرزمین پارلمان انگلیس توقیف شد.

گای فاوکز *(Guy Fawkes)* تحت شکنجه اقرار کرد که این مواد آتش‌زا را جهت اجلاسی که با شرکت شاه و ملکه پرنس هنری و کلیه‌ی نمایندگان دو مجلس لردان و عوام تشکیل می‌شود، کار گذاشته تا همه را به قتل برساند.

فاوکز در ابتدا شرکت خود را در توطئه رد کرد، لیکن چون به فرمان پادشاه شکنجه را ادامه دادند، او نام بعضی از شرکای این نقشه را مانند رابرت کیتزبی *(Robert Catesby)*، از نجبای واورویک شایر *(Warwickshire)* که یکی از مبارزان کاتولیک بود را برملا ساخت، در حالی‌که کیتزبی در توطئه‌یی که اخیراً بر ضدّ الیزابت برپا شده بود، دست داشته است. کیتزبی و همدستانش در نقشه‌ی دیگری دخالت داشتند و آن توطئه‌ی ربودن دختر پادشاه به نام الیزابت بود، لیکن در این توطئه فاوکز جایگزین کیتزبی شد.

این نقشه پس از اظهارات لرد مونت‌ایگل *(Lord Monteagle)* کشف گردید، در حالی‌که وی خود را حامی و وفادار نسبت به شاه می‌داند و از گشایش پارلمان در روز پنجم نوامبر آگاهی داشته و چون پیرو مذهب کاتولیک بوده، با این نقشه موافقت کرده است، زیرا خداوند آدمی را از عوامل وحشتناک رهایی می‌بخشد. مونت ایگل درباره‌ی این جریان گزارشی به لرد سالیسبوری *(Salisbury)* نخست‌وزیر می‌دهد و بشکه‌های باروت در زیرزمین کشف می شود.

کیتزبی و سه نفر از عواملش دستگیر شده، لیکن از اعدام نجات می‌یابند، امّا شش نفر دیگر از جمله فاوکز در انتظار اعدام به سر می‌برند.

یک فرقه‌ی نوظهور، در نظر دارند که انگلیس را ترک کنند. (انگلیس، ۱۶۰۶):

فرقه‌ی جدیدی در صحنه‌ی مذهبی انگلیس به‌نام باپ‌تیست *(Baptist)* ظاهر شده که قوانین کلیسای انگلیس و سازمان آن و نیز مذهب اورتودوکس، کالوینیست *(Calvinist)* را طرد می‌کند و خود را باپ‌تیست معرفی کرده. این فرقه به وسیله‌ی جان اسمیت *(John Smith)* خطیب پیشین گینزبورو *(Gainsborough)* به‌وجود آمده و همه‌ی مذاهب را رد کرده و قصد دارد که مذهب مردم انگلیس را جدا و مستقل اعلام نماید، از سویی چون اعتقادات این فرد حالت جدایی‌طلبانه دارد، تحت پیگرد قرار گرفته و بدین جهت به بندر آمستردام فرار نموده، زیرا این شهر روحیه‌ی اغماض‌گری نسبت به تمام مذاهب دارد.

اسمیت در نظر دارد که یک کانون باپ‌تیست به‌وجود آورده و این طفل نوپا را به بلوغ هدایت نماید. باپ‌تیست‌ها شستشوی بدن (غسل تعمید) را قبول ندارند، بلکه طرفدار شستشو و پاکیزگی روح هستند. اعتراف به گناه را به‌طور زبانی نمی‌پسندند، بلکه به باور آن‌ها روح انسان باید اعتراف به انحراف نماید و از آن بپرهیزد و هم‌چون کودک پاک و معصوم بماند.

اسمیت و ۳۲ نفر از هواداران سخت‌کوش او به سبب مساعی و تلاش‌های خود به زودی شهرت یافتند. آن‌ها به مباحث کتاب انجیل وقعی نمی‌نهند و تنها انجیل به زبان عبری و یونانی مورد قبول آنان می‌باشد و به‌طور کلّی اصول عقاید کالوینیست‌ها را که برپایه‌ی ارتکاب گناه می‌باشد از نظر آن‌ها پذیرفته شده است.

اکبر امپراتور مغول هند با مسمومیت مشکوک از دنیا رفت. (اگرا، هندوستان، ۱۳ اکتبر ۱۶۰۵):

اکبر بزرگ‌ترین امپراتور مغول هند درگذشت. او مدّت سه هفته از بیماری اسهال و خونریزی روده‌یی رنج می‌برد. به‌نظر می‌رسد که وی را با سمّ مسموم کرده باشند، چون عدّه‌ی زیادی در انتظار مرگ او هستند.

او مردی کاملاً عامی و بی‌سواد بود که از خوی خشن و عصبانیت شدید برخوردار بود و امپراتوری بزرگ خود را ذره‌ذره گسترش داد، یکی از اعضای فرقه‌ی ژزوئیت که همواره یار و همدم او بود، درباره‌ی وی می‌گوید: اکبر هم‌چون دریا توفانی و موّاج است و در مقابل نور خورشید درخشان می‌باشد.

وی در کودکی حاکمیت هند را از دست داد، لیکن نیروی جنگی خود را همچنان در اختیار داشت و مردی

انگلیس، ۱۳ اوریل ۱٦٤٠
برای تجهیز سپاه و از سرگیری نبرد علیه اسکاتلند، چارلز از پارلمان که از سال ۱۶۲۹ در حال تعطیل بود، دعوت کرد که جهت مشاوره برای این موضوع تشکیل جلسه دهند.
انگلیس، چهارم مه ۱٦٤٠
چون پادشاه از پارلمان تقاضای بودجه و پول برای هزینه‌ی جنگی کرد، و پارلمان هم آن را رد کرده بود، منحل شد.
آنتورپ، ۳۰ مه ۱٦٤٠
پیتر پل روبنس (Peter Paul Rubens)، شاعر فلاندری، جهان را وداع گفت. وی یکی از چهره‌های غالب هنری بود و در مدت عمر خود بیش از ۱۲۰۰ اثر هنری از خود به‌جا گذاشت. او مردی پرانرژی و باشهامت بود و در آثارش همواره از رنگ‌های درخشان و تابنده استفاده می‌کرد.
فرانسه، سپتامبر ۱٦٤٠
بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب عالم الهی هلند کورنلیس یانسن، به‌نام آگوستینوس (Augustinus) پس از مرگ وی که در دو سال پیش رخ داد، توسط دوستانش منتشر شد.
انگلیس، اکتبر ۱٦٤٠
پس از چندین شکست مرگ‌آور که انگلیس از اسکاتلند خورد، پیمان صلح ریپون (Ripon) به دومین پیکار اسقفی پایان داد. اسکاتلند طبق این قرارداد نواحی نورتامبرلند (Northumberland) و دورهام (Durham) را در اختیار گرفت و در ضمن قرار شد روزی ۸۵۰ لیره هم تا زمانی‌که این عهدنامه به تصویب پارلمان برسد، از انگلیس دریافت نمایند.
انگلیس، سوم نوامبر ۱٦٤٠
به جهت درماندگی و از روی ناچاری بر اثر قرارداد ریپون، چارلز پارلمان را مجدداً برای برگزاری جلسات دعوت کرد.
ژاپن، ۱٦٤٠
در پی اقداماتی که برای تعقیب مسیحیان صورت گرفت، مقامات محلی یه‌دو (Yedo) استفساریه‌هایی جهت بازجویی از عقاید مردم ساکن این نواحی منتشر کردند تا از مذهب اهالی آگاه شوند.
پاریس، ۱٦٤٠
سینا (Cinna) و هوراس (Horace) دو نقشی بود که توسط پی‌یر کورنل (Pierre Corneille)، مؤلف و نویسنده ال‌سید (El Cid) به نمایش درآمد.
آلمان، ۱٦٤٠
فردریک ویلیام (Frederick William) جانشین پدرش ژرژ ویلیام (George William) شد که از سال ۱۶۱۹ به‌عنوان فرمانروای انتخابی براندنبورگ (Brandenburg) بر مصدر قدرت قرار داشت.
هندوستان، ۱٦٤٠
داراشکوه (Dara Shikoh) فرزند ارشد شاه‌جهان امپراتور هند، کتاب اوپانیشادها (Upanishads) را به فارسی ترجمه کرد. داراشکوه عمیقاً با صوفیان هند، فلاسفه‌ی هند و پدران مقدس مسیحی هم‌نشین و مؤانست داشت، او در حالی‌که خودش مسلمان بود، با عقاید و منش سایر مذاهب آشنایی داشت، لیکن برادر کوچک‌ترش به‌نام اورنگ زیب (Aurangzeb) یک سنی معتقد و متعصب بود.
رومانی، ۱٦٤٠
پیتر مولیوا (Peter Moliva)، دانشمند اهل مولداوی (Moldavia) و اسقف شهر کی‌یف (Keiv)، کاخی جهت آکادمی (Basilian Academy) شبیه دانشگاه کی‌یف در رومانی (Romania) تأسیس کرد. در این دانشگاه زبان‌های لاتین، یونانی و اسلاو (Slav) تدریس می‌شد و هم‌چنین فنون سخنوری و هنر سرودن شعر را به شاگردان و دانش‌پژوهان می‌آموختند.
فنلاند، ۱٦٤٠
نخستین دانشگاه فنلاندی (Finnish) در شهر تورکو (Turku) به‌وسیله‌ی پربراهه (Per Brahe) گشایش یافت.کتابهایی به زبان فنلاندی برای آن‌جا از اطراف و اکناف فراهم شد. این کار برای این منظور انجام شد که مردم فنلاند به ریشه و اصلیت خود پی ببرند.
پرتغال، ۱٦٤٠
ریشلیو صدر اعظم فرانسه به پشتیبانی از انقلاب پرتغال علیه اسپانیا که بر این سرزمین تسلط داشت، برخاست. خوان (John) چهارم با استفاده از این فرصت خود را پادشاه خواند و سلسله‌ی پادشاهی براگانزا (Braganza) را بنیان نهاد.

بود که با جنگ‌های متوالی توانست امپراتوری خود را گسترش دهد و دو سوّم شبه قاره‌ی هند را تصرّف و بر آن حکومت کرد. وی برای اداره‌ی این سرزمین قوانین و مقرراتی جدید وضع کرد و تکنولوژی مدرن را جهت پیشرفت کشور به کار گرفت. و نیز ارتش هند را با سلاح‌های جدید مجهّز ساخت.

او در جست‌وجوی مذهبی مافوق عقاید دیگران بود و در این راه قصد داشت از ترکیب دین هندو، اسلام و بودایی، دین جدیدی بسازد.

او که شخصی خداپرست بود، به پیامبری اعتقاد نداشت. او یک صوفی بود که به دنبال حقیقت می‌گشت و تمام باورهای مذاهب را می‌کاوید تا بدان برسد. وی هنر و هنرمند را دوست داشت و در اواخر عمر به کتاب‌های تاریخی، جغرافیایی، فلسفی و خداشناسی سخت علاقه می‌ورزید. وی سعی داشت که نام‌خانوادگی خود را اعتلا بخشد. اکبر سه پسر از خود به‌جای گذاشت که هر سه الکلیک بودند و در نتیجه محیط کشور را به بیماری کشاندند.

فرانسیس بیکن *(Francis Bacon)* به آموزش مدرن می‌اندیشد. (انگلیس، ۱۶۰۵):

کتاب جدیدی به وسیله‌ی یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان انگلیسی منتشر شده است. بیکن در سال ۱۶۰۳ شیوه‌ی جدیدی برای پیشرفت علم و فراگیری دانش پیشنهاد کرد و روش قدیمی و کلاسیک را مورد بررسی و بازنگری قرار داد، به‌طوری که نظریه‌ی مدرن و عالمانه او بسیار مورد توجّه واقع شد. او در درجه‌ی اول به ترویج هرچه بیشتر زبان انگلیسی پرداخت و آموزش به زبان لاتین را در مراحل بعدی قرار داد، زیرا عقیده داشت که مردم، زبان انگلیسی را بهتر از لاتین درک می‌کنند.

هدف بیکن شرح و تفسیر علوم به روش نوین بود.

وی علوم انسانی را به سه بخش جغرافی، شعر و فلسفه تقسیم نمود و برای هر بخش یک مدرسه یا کالج در نظر گرفت، مانند علوم تخیلی، معنوی و نقلی یا آموزشی، وی علوم تجربی هم‌چون اخترشناسی را نوعی جادوگری می‌پندارد و درباره‌ی آن‌ها اظهار نظر

نمی‌کند و آن‌ها را غیر حقیقی می‌داند که رابطه با علیت ندارد، در واقع بیکن در تلاش بود که برای این موضوع، قوانین ثابتی تنظیم کند.

بیکن مدعی است که هوش و ذکاوت انسان‌ها تقریباً متوازن و برابر است، تنها اختلاف در طرز به کارگیری استعدادها می‌باشد و خداوند انسان را متعادل آفریده است و مقرّرات علمی همواره برای شکوفایی و پیشرفت انسان‌ها وضع می‌شود.

قاره‌ی استرالیا در فراسوی دریاهای جنوبی کشف شد. (استرالیای شمالی، اوت ۱۶۰۶):

یک هیأت اکتشافی پرتغالی به سرپرستی لوئیس وائز تورس *(Luis Vaez Torres)*، قاره‌ی جدیدی را در ورای دریاهای جنوبی کشف کرد. یک ناخدای ناوبر به نام پرو فرناندز دوکوئیروس *(Pero Fernandez de Quiros)* که همراه با عدّه‌یی از محکومان با سه فروند کشتی سراسر اقیانوس آرام را پیمود، لیکن این قاره را مشاهده نکرد.

لاجرم جاشویان این کشتی‌ها دست به شورش زدند و آن را به سوی مکزیک راندند، به‌هر حال نام این قاره‌ی جدید را استرالیا گزاردند.

تورس در حالی‌که به سوی سواحل فیلی‌پین در حرکت بود، در سفر به دور اقیانوس آرام، یک نظر اجمالی به شمال این قاره افکند. (نزدیک کیپ‌یورک *(Cape York*

او به ناویان خود دستور داد که در یکی از جزایر لنگر اندازند، و چون به ساحل رسید مشاهده کرد که بومیان جزیره سیاه‌پوست و تنومند و لخت هستند، او از روی کنجکاوی چند نفر از بومیان را ربود تا درباره‌ی آن‌ها به تحقیق بپردازد.

تنها پس از پنج ماه از وقوع این جریان گذشته بود که یک ناوگان هلندی به نام داو *(Dove)* یا دویفکن *(Duyfken)* که به سوی سرزمین گینه جدید *(New Guinea)* در حرکت بود، به سواحل استرالیا *(Australia)* رسید و گروهی از دریانوردان او به وسیله‌ی بومیان کشته شدند. این‌ها سپاهپوستانی بودند که از غارت زندگی خود را می‌گذرانیدند. گزارش ناوگان هلندی کاملاً با گزارشات تورس تطبیق می‌کند، چون تورس کاشف استرالیا هم پس از عبور از جزایر گینه نو به قاره‌ی استرالیا رسیده بود.

کشف استرالیا زیاد تعجب‌انگیز نیست. در حالی‌که شایعات فراوانی درباره‌ی طرز زندگی بومیان استرالیا منتشر شده، مارکوپولو *(Marco Polo)* سیاح ایتالیایی در قرن سیزدهم حکایاتی درباره‌ی آن‌ها از زبان بازرگانان چینی شنیده بود.

در سال ۱۵۰۳، یک دریانورد فرانسوی به اسم بینو پل‌میر *(Binot Paulmyer)* برای سیاحت، اقیانوس هند را می‌پیمود و در طی این سفر مجبور شد که در مکانی توقّف کند، در نتیجه به سرزمین وسیعی رسید که آن را استرالیا نام نهاد.

در سال ۱۵۹۷، یک مورّخ و جغرافی‌دان هلندی به نام وایت‌فلیت *(Wytfliet)*، اعلام کرد که با کشف قاره‌ی استرالیا، تعداد قاره‌های کره‌ی زمین به عدد پنج رسیده و این شامل تمام خشکی‌های کره‌ی زمین است.

دولت‌های عثمانی و هابسبورگ در یک زمان به توافق رسیدند. (زیت واتوروک، ۱۱ نوامبر ۱۶۰۶):

حکومت‌های عثمانی و هابسبورگ در یک شهر گمنام *(Zsitvatorok)* واقع در مرز دو کشور، با هدف پایان دادن به خصومت‌های فیمابین، پیمان صلح امضا کردند.

هرچند پیمان‌های صلح پیشین بین دو کشور اقدامی خیرخواهانه از سوی سلطان عثمانی محسوب می‌شد، زیرا دولت عثمانی همواره رقیب خود را شکست داده بود، لیکن قرارداد صلح جدید، دو کشور را هم‌طراز نشان می‌دهد. بدین صورت حکومت اتریش دیگر لازم نیست تا مدّت‌های مدیدی خراج سالیانه به دولت عثمانی بپردازد. سفیران دو قدرت بزرگ، توافق کردند که به جای خراج سالیانه، دولت اتریش هر سه سال هدایایی برای حکومت عثمانی بفرستد.

دولت عثمانی اعلام کرد که تمام سرزمین مجارستان به جز نواحی پرنس‌نشین مرزی و استحکامات منطقه‌ی اِرلو *(Erlau)*، گران *(Gran)* و

اسپانیا، ۱۶۴۱
تلاش‌هایی جهت ایجاد آشوب و شورش در اندلس (Andalucia) به‌عمل آمد.
لندن، ۱۲ مه ۱۶۴۱
ارل استرافورد (Earl of Strafford) رییس هیأت مشاوران چارلز پادشاه انگلیس به اتهام توطئه علیه جلسات طولانی‌مدت پارلمان (به دعوت شاه پس از شکست در نبرد دوم اسقفی اسکاتلند) اعدام شد.
پرتغال، اوت ۱۶۴۱
پرتغال پیمان همکاری و بازرگانی با سوئد امضا کرد.
فرانسه، ژوئن ۱۶۴۱
فرانسه و پرتغال پیمان همکاری علیه اسپانیا منعقد کردند.
لندن، نوامبر ۱۶۴۱
جان پایم (John Pym) و دیگر رهبران پارلمان، مخالفت شدید خود را نسبت به سیاست و توسعه‌ی اقتدار و خودسری چارلز پادشاه انگلیس اعلام داشتند.
ایرلند، اکتبر ۱۶۴۱
بر اثر مخالفت و ضدیت با پروتستان‌ها و قطع ارتباط با مهاجران انگلیسی در شهر اولستر (Ulster) و نیز شورش ایرلندی‌های گالیک (Gaelic) علیه آنان، هزاران انگلیسی ساکن این شهر قتل‌عام شدند، چون ایرلندی‌ها نمی‌خواستند روابط‌شان با انگلیس بهبود یابد.
لندن، نهم دسامبر ۱۶۴۱
سر آنتونی وان دیک (Sir Anthony van Dyck)، بزرگ‌ترین نقاش فلاندری، از جهان رخت بربست.
ماساچوست، دسامبر ۱۶۴۱
یک زن و مرد کاملاً برهنه و بدون لباس در ملأ عام زنا و نزدیکی کردند. این جریان بدین‌علت صورت گرفت که از سال ۱۶۳۲ مجازات اعدام برای عمل زنا و برای عاملان این کار منسوخ شده و تنها آن‌ها را تبعید می‌کنند.
ناپل، ۱۶۴۱
دومنیکو زامپیری (Domenico Zampieri) نقاش ایتالیایی که وی را به‌اختصار دومنیکینو (Dominichino) می‌خواندند، در شهر ناپل جان سپرد. او در سال ۱۵۸۱ به‌دنیا آمد و در جوانی یکی از همکاران کاراکی (Caracci) بود که جهت تزیینات قصر فارنس (Farnese) در رم کار می‌کردند، او در همین ماکن تصویر زن یک‌شاخ را کشید. یکی از شاهکارهای او تابلوی به‌دارآویختن سنت‌ژروم (St Jerome) در کلیسای واتیکان (Vatican) می‌باشد.
لندن، ۱۶۴۱
ویلیام لود (William Laud)، اسقف اعظم کلیسای کانتربوری (Canterbury) به اتهام توطئه علیه پارلمان بلندمدت در برج لندن زندانی شد.
لندن، ۱۶۴۱
دیوان عالی کشور انگلیس و هیأت دایم دربار پادشاهی که ستون‌های اصلی و پایه‌ی حکومت استبدادی و خودمحوری چارلز پادشاه انگلیس را تشکیل می‌دادند، به‌وسیله‌ی پارلمان طویل‌المدت منحل شد.
رومانی، ۱۶۴۱
شاهزاده واسیل لوپو (Vasile Lupu) دستور داد تصویر سه اسقف اعظم را در چاپ‌خانه‌ی قصری که دو سال پیش در جیبسی (Jassy) تکمیل شده بود، به‌چاپ برسانند. نخستین کتاب را در شهر مولداوی (Moldavia) چاپ کردند.
هلند، ۱۶۴۱
کاردینال دون فردیناند (Cardinal Don Ferdinand) فرماندار آلمانی هلند در سن ۳۲ سالگی وفات یافت.
ایتالیا، ۱۶۴۱
کلودیو مونته وردی (Claudio Monteverdi) اپرای «بازگشت اولیس به میهن (Ulysses)» را به روی صحنه آورد.
ماساچوست، ۱۶۴۱
مجلس عوام ماساچوست که در مجتمع خلیج تشکیل شده بود، قوانین آزادی حقوق فردی را در یک‌صد ماده تصویب کرد.
ژاپن، ۱۶۴۱
دولت ژاپن دستور داد که تمام بازرگانان هلندی باید از هیرادو (Hirado) به جزیره‌ی دشیما (Deshima) در بندرگاه ناگازاکی (Nagasaki) اقامت کنند. این امر در حقیقت زندانی‌شدن افراد توأم با دردسر و گرفتاری و اهانت بود.
ایتالیا، ۱۶۴۱
جاکومو تورلی (Giacomo Torelli) انقلابی در صحنه‌ی تئاتر به‌وجود آورد، او توانست سن تئاتر را به‌روشنی برای تماشاچیان بنمایاند.

کانیشکا *(Kanischa)*، جزو قلمرو دولت عثمانی می‌باشد. حاکم‌نشین ترانسیلوانی تحت رهبری پرنس استفن بوسکایی *(Stephen Bocskai)*، به خودمختاری قابل توجهی به وسیله‌ی دولت عثمانی دست یافت. این پیمان صلح به مدّت ۲۰ سال معتبر خواهد بود.

تزار مدعی سلطنت روسیه، هنگام پریدن از پنجره به قتل رسید. (مسکو، ۱۹ مه ۱۶۰۶):

دیمیتری *(Dimitri)*، مدعی سلطنت روسیه، که از زمان مرگ بوریس گودانف در سال ۱۶۰۵، خود را تزار روسیه می‌نامید، کشته شد و مالکان بزرگ زمین‌ها (بویار *Boyars*) شورش کردند.

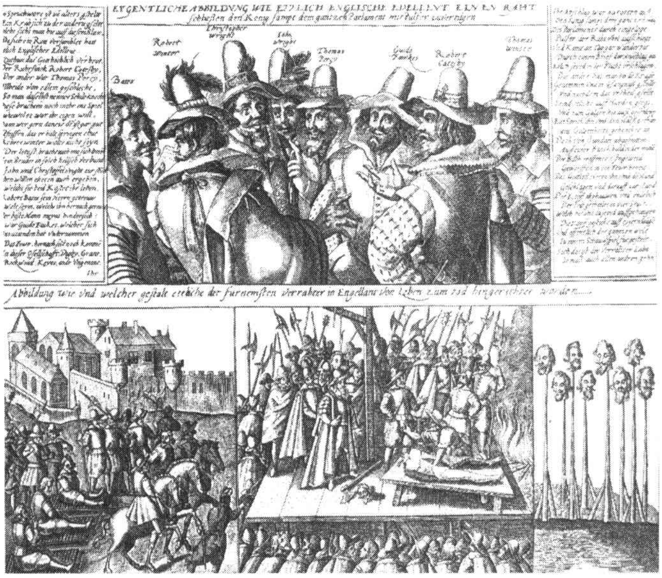
دیمیتری یا چنان‌که مشهور است، دیمیتری قلابی، که ادعا می‌کرد پسر تزار ایوان چهارم می‌باشد، هنگام فرار و پریدن از پنجره‌ی کرملین به زمین سقوط کرده و پایش شکست. مردم جسد او را سوزاندند و خاکسترش را در گلوله‌ی توپ ریختند. این مدعی پادشاهی که توسط رقبای نامزدی امپراتوری روسیه در کاخ کرملین احاطه شده بود، هنگام فرار سقوط کرد و کشته شد.

این حریفان که اغلب لهستانی بودند، حامیان وی را در مسکو برانگیخت و به شورش واداشت. زیرا آن‌ها نتوانستند او را به سلطنت برسانند و از وی بهره‌برداری کنند. اکنون شایع شده که یکی از مستخدمان دربار مسکو، جهت رسیدن به مقام امپراتوری روسیه، خود را دیمیتری معرفی کرده و نامزد این مقام شده است.

دولت اسپانیا، مسلمانانِ مسیحی شده را از کشور اخراج می‌کند. (اسپانیا، نهم آوریل ۱۶۰۹):

مسلمانان مراکشی که پیش از این به خاطر اجازه‌ی اقامت در اسپانیا به دین مسیح درآمده بودند، بنا به دستور دولت، بایستی خاک آن کشور را ترک کنند.

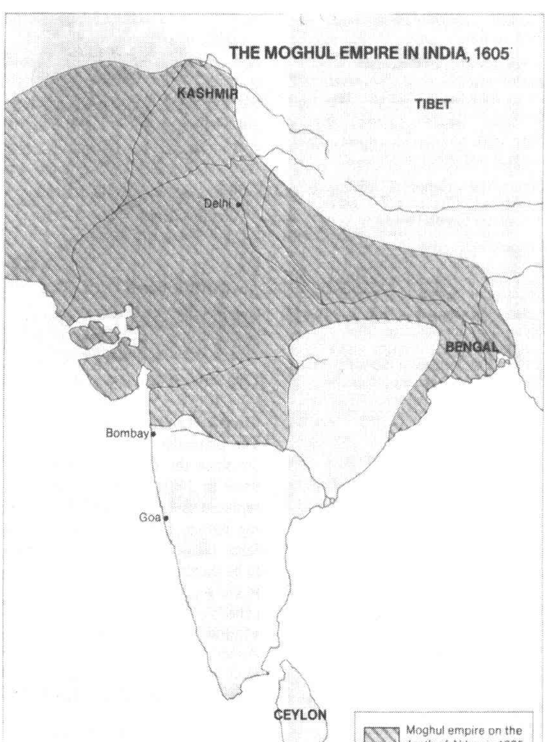
برحسب فرمانی که فیلیپ سوّم پادشاه اسپانیا امضا کرده، دولت آن‌ها را در یک محلّ جمع‌آوری و محصور کرده تا از کشور اخراج نماید. بیشترین مشکلات دولت



با به کارگیری سلاح هایی که با باروت کار می کنند، می توان توطئه گران را دستگیر و سپس حلق آویز کرد و بدین وسیله دشمنان و مبارزان را از بین برد. در این نقشه تعدادی سر جدا شده بر نیزه مشاهده می شود.



گاو سواران در محاصره ی شهرها به اکبرشاه هندوستان کمک کردند.



وسعت قلمرو پادشاهان مغول هند در سال ۱۶۰۵.

اسپانیا از آنجا ناشی می‌شود که این مسلمانانِ مسیحی شده، حاضر نیستند که شبیه جامعه‌ی اسپانیایی درآیند. برخی از اینان کاملاً به اعتقادات جدید پای‌بندند، لیکن اکثر آنان از روش‌های مسلمانان تقلید می‌کنند، به‌طوری که بخش اعظم یعنی ۳۰۰ هزار نفر از آن‌ها، در حقیقت عرب هستند.

زبان این افراد، کمیته‌ها و انجمن‌ها، طرز لباس پوشیدن، آداب و رسوم و غذا و نوشیدنی‌ها، به نحوی غیرقابل انکار با بومیان اسپانیا تفاوت دارد. تعداد کمی از آن‌ها خواندن قرآن را ترک کرده‌اند.

مسلمانان مراکشی مدّت حدود یک قرن به تابعیت از مسلمانان شمال آفریقا، بدین وضع خو گرفته‌اند و شبیه آن‌ها شده‌اند. عرب‌ها نتوانسته‌اند در طرز رفتار و گفتار خود تغییری بدهند و هنوز هم از شیوه‌ی زندگی آن‌ها تقلید می‌کنند.

کالوینیست‌ها با رقیب خود لوتران‌ها *(Lutheran)* ائتلاف کردند. (آلمان، ۱۹ مه ۱۶۰۸):

به‌طور اصولی هیچ کس باور نمی‌کرد که شاهزادگان پروتستان و کالوینیست‌های آلمان با هم متّحد شوند، امّا طرفین به پیروی از اصول پیمان هابسبورگ که در شهر دونوورث *(Donauworth)* بسته شد، قرارداد همکاری سیاسی و نظامی در شهر آنهاوزن *(Anhausen)* امضا کردند تا ارتشی علیه کاتولیک‌ها و تهدیدات آن‌ها به‌وجود آورند.

در این قرارداد تأکید شده که تمام کلیساها و صومعه‌ها به وضع سابق باقی می‌مانند و شهرهای پروتستان و کالوینیست، کلیساها و معابد خود را خواهند داشت و هم‌چنین روحانیان و کشیشان در معابد خود به کار می‌پردازند.

موارد اختلاف بسیار کم است، با وجود این برخی از این موضوع‌ها خشم پروتستان‌ها را برانگیخته. پروتستان‌ها نسبت به پیمان هابسبورگ اعتراض دارند و آن را شکستی برای خود تلقّی می‌کنند. آن‌ها قرارداد مذکور را که مطابق سلیقه‌ی دربار راتیسبون *(Ratisbon)* (رگنسبورگ *Regensburg*) تنظیم و در ماه فوریه به مورد اجرا گذشته شده، رد می‌کنند. گرچه

روسیه، ۱۶۴۱
روس‌ها بندر آزوف (Azov) را تصرف کردند.

رم، هشتم ژانویه ۱۶۴۲
گالیله (گالیله‌یی گالیلئو (Galilei Galileo)) فیلسوف و ستاره‌شناس ایتالیایی به جهان باقی شتافت. وی سهم بزرگی در پیشرفت علم ستاره‌شناسی دارد، او نظریه‌ی کوپرنیک (Copernicus) را درباره‌ی کائنات و کهکشان راه شیری تأیید کرد، هم‌چنین قمرهای ستاره‌ی مشتری و حرکات دورانی خورشید و لکه‌های خورشیدی در مواقع خاص و نیز حرکت ماه به دور زمین و حرکات وضعی و انتقالی کره‌ی زمین و پیدایش سال را از روی حرکات انتقالی آن و طلوع و غروب ماه و هلال و بدر و محاق ن را کشف و تشریح کرد.

هلند جدید، ۲۵ فوریه ۱۶۴۲
مهاجران هلندی، ساکنان دره‌ی پایینی هودسون (Hudson Valley) سرخ‌پوست‌ها را قتل‌عام کردند، چون به‌نظر می‌رسید که آنان درصدد حمله به پناهندگان موهاک (Mohawk) هستند.

فرانسه، ۱۲ سپتامبر ۱۶۴۲
مارکیز سنک مارس (Cinq Mars) به‌خاطر نقشه‌ی توطئه برای کشتن صدراعظم ریشیلیو اعدام شد. گفته می‌شود وی برای انجام این امر تماس‌های محرمانه‌یی با اسپانیا داشته است.

فرانسه، چهارم دسامبر ۱۶۴۲
در پی مرگ ریشیلیو(Richelieu) ، کاردینال ژول مازارن (Cardinal Jules Mazarin) به نخست‌وزیری فرانسه رسید.

استرالیا، ۱۶۴۲
آبل تاسمان (Abel Tasman) دریانورد هلندی، در جنوب خط استوا در نزدیکی قاره‌ی استرالیا، سرزمین وسیعی را کشف کرد (نیوزیلند (New Zealand)) یا زلاند جدید، او هم‌چنین جزیره‌ی کوچکی را در همان نواحی پیدا کرد و آن را سرزمین وان دیمن (Van Diemen' s) نامید (تاسمانی (Tasmania)).

ماساچوست، ۱۶۴۲
جوزف جنکس (Joseph Jencks) صنعتگر انگلیسی به ماساچوست (Massachusetts) آمد و کارخانجات ذوب آهن و برنز (آلیاژ مس و قلع) را در منطقه‌ی لین (Lynn) به‌کار انداخت.

رم، ۱۶۴۲
پاپ اوربان (Urban) هشتم کشیدن توتون (دخانیات) را تحریم کرد، وی ادعا می‌کرد انسان با استعمال دخانیات به هالوسیناسیون (توهم) دچار می‌شود و شخص را از خودبی‌خود می‌کند و بین زن و مرد و خانواده اختلاف ایجاد می‌کند و نظام اجتماع را دچار اختلال می‌سازد، چون توتون ماده‌یی شیطانی است.

افریقای غربی، ۱۶۴۲
هلندی‌ها استحکاماتی را که پرتغالی‌ها در بندر آکسیم (Axim) واقع در ساحل طلا (Gold Coast) ایجاد کرده بودند، تصرف کردند.

رم، ۱۶۴۲
اپرای مونته‌وردی (Monteverdi) درباره‌ی تاجگذاری پاپ در روم باستان برای تماشای عامه‌ی مردم به‌زودی بر روی صحنه‌ی تئاتر ظاهر خواهد شد.

لندن، ژانویه ۱۶۴۲
چارلز سعی کرد که پنج نفر از اعضای پارلمان، ازجمله جان پایم (John Pym) را دستگیر کند، ولی موفق نشد.

نورتینگ‌هام (*Nortingham*) انگلیس، ۲۲ اوت ۱۶۴۲
چارلز اخطار کرد که جنگ‌های خیابانی بین سلطنت‌طلبان (شوالیه‌ها) و اعضای پارلمان که سرهایشان را می‌تراشند (پوریتن‌ها (Puritans)) آغاز شده است.

انگلیس، ۱۶۴۲
تعداد شش کنت‌نشین به رهبری اولیور کرامول (Oliver Cromwell) نیروهای خود را علیه گروه سلطنت‌طلب تجهیز کردند و بدین ترتیب هسته‌ی ارتش ملی تشکیل شد.

مادرید، ۱۴ ژانویه ۱۶۴۳
فیلیپ چهارم وزیر خود را که کنت ناحیه‌ی اولیوارس (Olivares) بود، برکنار کرد و دون لوییس دو هارو (Don Luis de Haro) عموزاده‌ی خود را به‌جای وی گماشت

فرانسه، ۱۴ مه ۱۶۴۳
لویی سیزدهم در سنت ژرمن (St Germain) فوت نمود. وی وصیت کرد که تا پسرش لویی چهاردهم به چهار سالگی برسد، هیأتی مرکب از بیوه‌ی او، ملکه‌ی آن (Princess Anne)، برادرش گاستون اورلئان (Gaston Orleans)، پرنس کنده (Conde) و کاردینال مازارن (Mazarin) نخست‌وزیر عهده‌دار نیابت سلطنت باشند.

پیمان اتّحاد و ائتلاف تنها بین شش نفر از شاهزادگان آلمانی با حاکم ساکسونی و شاهزادگان شمال غرب این سرزمین بسته شده، با این حال هنوز هم موارد اختلاف پنهانی بین آن‌ها زیاد است، لیکن لوتریان‌ها و کالوینیست‌ها ترجیح می‌دهند که این اختلافات برملا نشود و راه صلح و آشتی را انتخاب کرده‌اند.

مهاجرت ارل‌های ایرلندی گالیک *(Gaelic)*، نشانه‌یی از پایان درگیری‌ها می‌باشد. (ایرلند، ۱۶۰۸):

دو نفر از ارل‌های مبارز ایرلندی به نام‌های تایرون *(Tyrone)* و تایرکونل *(Tyrconnel)* که از پیروی دربار انگلیسی سر پیچیده و به فرقه‌ی کاتولیک گرویده بودند، از انگلیس به اروپا گریختند و به تشویق هفت نفر از کاردینال‌ها به دروازه‌ی رم رسیده و تقاضای پناهندگی کردند. پاپ هم محلی برای زندگانی به آن‌ها داد، لیکن از آن‌ها خواست که به میهن‌شان برگردند، زیرا ممکن است حکومت انگلیس مقر آن‌ها را در اولستر توقیف کرده و به پروتستان‌های انگلیس و اسکاتلند واگذار کند.

آن‌ها پس از شکست در جنگ توسط دولت انگلیس، از پیروی آن دولت سر باز زدند، لیکن تایرون رییس خاندان اونیل *(O' Neill)* و تایرکونل سرپرست طایفه‌ی اودونل *(O' Donnells)* را جیمز پادشاه انگلیس عفو کرد و آن‌ها را در قلمروشان، ابقا نمود. پس از مدّتی آن‌ها دریافتند که مالکان بزرگ گالیک ایرلند و سران طوایف گالیک، جای آن‌ها را غصب کرده و به روش انگلیسی‌ها فرماندارانی برای بخش‌ها تعیین نموده‌اند. تایرون که در سنین ۶۰ سالگی به سر می‌برد، تا به حال دو بار توسط فرقه‌ی تثلیثی‌ها به ارتداد و الحاد محکوم شده بود و این شکست در جنگ، به‌عنوان آخرین مغلوبیت برای او محسوب می‌شد. او به علّت اختلافاتی که بر سر حقوق تیول‌داران داشت، با آن‌ها درگیر شد، لیکن پادشاه از او خواست به لندن برود و در آنجا زندگی کند. تایرون از بیم دستگیر شدن به تایرکونل پیوست و با کرایه کردن یک فروند کشتی، تمام فامیل و نوکران خود را به همراه برد.

نقشه‌ی آن‌ها این بود که به اسپانیا بگریزند، لیکن چون به سواحل فرانسه رسیدند، قصد نداشتند که در آنجا بمانند و مایل بودند که به هلند اسپانیا پناهنده شوند، لیکن در آنجا از آن‌ها استقبالی به عمل نیامد. آن‌ها از طریق لورن *(Lorraine)* و سویس به ایتالیا رفتند و به واتیکان در شهر رم پناهنده شدند.

هلند و اسپانیا قرارداد ترک مخاصمه امضا کردند. (شهر هاگ *(Hague)*، نهم آوریل ۱۶۰۹):

پس از ۴۰ سال شورش و درگیری، کشورهای اسپانیا و هلند، سرانجام به توافق رسیدند. آن‌ها پس از ماه‌ها مذاکره که با شرکت سفیران انگلیس و فرانسه به‌عنوان واسطه انجام دادند، سرانجام به قرارداد ترک مخاصمه تن دادند. مدّت این قرداد ۱۲ سال است، چون اسپانیا بایستی به تدریج سربازان و کشتی‌های جنگی خود را از منطقه خارج نماید و مقدمات این امر از سال پیش فراهم شده بود.

این پیمان ترک مخاصمه، بین آرک دوک آلبرت فرماندار اسپانیایی هلند و همسرش به نام اینفانتا ایزابلا *(Infanta Isabella)* از جنوب و موریس ناسو *(Maurice Nassau)* رهبر ایالات جدایی‌طلب کلیسای هلند از اسپانیا که در ضمن فرماندهی نیروهای هلندی را عهده‌دار بود (با عنوان فرمانده‌ی نیروهای جدایی‌طلب هلند)، در شمال امضا شد. آرک‌دوک *(Archduke)* از آن بیم داشت که نتواند امنیت کاتولیک‌های شمال را تضمین کند و آن‌ها به دام پروتستان‌ها بیفتند. در حالی‌که یک عدّه از سربازان ارتش هلند ازادی تجارت و امنیت مستعمرات اسپانیا را تضمین کردند.

طبق متن پیمان، به افراد ساکن ایالات هلند اجازه داده شد که به‌هر کشوری میل دارند مسافرت نمایند و تمام مکان‌ها، شهرها، بندرها و اسکله‌های بازرگانی، از حیطه‌ی قدرت فیلیپ سوّم پادشاه اسپانیا خارج گشت و محدودیت‌ها برطرف شد، لیکن هیچ یک از ایالات پیش از این‌که پادشاه اجازه دهد حق انعقاد قرارداد را با دیگر کشورها نخواهند داشت.

پاریس، ۱۸ مه ۱٦٤۳
با تصویب پارلمان پاریس نیابت سلطنت برعهده‌ی ملکه آن بیوه‌ی لویی سیزدهم قرار گرفت و ملکه تمام قدرت سیاسی و نظامی کشور را تا هر زمانی‌که لویی چهاردهم بتواند کشور را اداره کند، در دست گرفت و مطلق‌العنان شد.

پاریس، ژوئن ۱٦٤۳
ژان باپتیست پوکلن (Jean Baptiste Poquelin) (مولیر (Molire)) با همکاری مادلن بژار (Madelaine Bejart)، ژوزف (Joseph) برادرش و لویی (Louis)، یکی از مشهورترین و درخشان‌ترین تماشاخانه‌ها را در پاریس دایر کردند که در آن هنرمند معروف تیبریو فورلی (Tiberio Fiorelli) ملقب به اسکاراموش (Scaramouche) و هشت نفر هنرپیشه‌ی دیگر به هنرنمایی می‌پرداختند.

انگلیس، ۱۳ ژوئیه ۱٦٤۳
سپاهیان گروه پارلمانی سرتراشیده ها به فرماندهی سر ویلیام والر(Sir William Waller) از نیروهای سلطنت‌طلب به فرماندهی لرد ویلموت (Lord Wilmot) در نبرد میدان داون (Roundway Down) شکست خوردند. سپاهیان شکست‌خورده تمام تجهیزات و ارابه‌های خود را هم از دست دادند.

هلند جدید، سپتامبر ۱٦٤۳
آن هوچینسون (Anne Hutchinson) یکی از رهبران مذهبی و خانواده‌اش در حمله‌ی سرخ‌پوست‌ها به هلاکت رسیدند. وی و شوهرش به‌خاطر عقیده مذهبی توسط جان ونیتروپ (John Winthrop) فرماندار مهاجرنشین خلیج ماساچوست تبعید شده بودند.

انگلیس، ۲۵ سپتامبر ۱٦٤۳
با تشریفات رسمی و قید سوگند، پیمان صلح ملی بین مذاهب مختلف و با حمایت گروه پارلمانی انگلیس و ضمانت اسکاتلند برقرار شد. از دید اسکاتلندی‌ها این پیمان تضمین‌کننده‌ی فرقه‌ی پرسبیتریان (Presbyterian) در اسکاتلند و ایرلند و انگلیس و جلوگیری از نفوذ مشروطه‌طلبان پارلمانی انگلیس و اسکاتلند بود.

نیوهیون (*New Haven*)، نوامبر ۱٦٤۳
گروه سلطنت‌طلب دربار و نمایندگان در این موضع موافقت کردند که اداره‌ی حکومت انگلیس در چهارچوب سیستم قانونی و برپایه‌ی تنوع قوانین مملکتی باشد.

ونیز، ۲۹ نوامبر ۱٦٤۳
کلودیو مونته‌وردی (Claudio Monteverdi) آهنگ‌سازی که در این هنر انقلابی ایجاد کرد، از جهان فت. وی از این‌که اصوات ناموزون در سرودهای بزمی به‌کار برده شود، انتقاد می‌کرد و در سال ۱۶۰۷ به جهت این‌که این موضوع را در اپرا بنمایاند، اپرای آریانا (Ariana) را تنظیم و رهبری کرد. مونته‌وردی در سال ۱۶۳۲ به لباس روحانیت درآمد و در عین حال به ساختن آهنگ و رهبری گروه نوازندگان ادامه داد.

رم، ۱٦٤۳
جرولامی فرسکوبالدی (Girolami Frescobaldi)، رهبر ارکستر و سازمان‌دهنده‌ی آهنگ‌های موسیقی سن‌پیتر دار فانی را ترک کرد. وی اغلب به شهرهای کوچک و روستاهای ایتالیا سفر می‌کرد که از آهنگ‌های دهقانی و روستایی در هنر موسیقی استفاده کند و این کار را پایه و اساس آهنگ‌های بزمی و عاشقانه می‌دانست.

فرانسه، ۱٦٤۳
شورش شدیدی که در شهرهای روارگ (Rouergue)، اوورین (Auvergne) و دوفین (Dauphine) برپا شده بود، درهم شکست. صدور گندم از بریتانی (Britany) و نورماندی (Normandy) ممنوع شد، زیرا در این مناطق قحطی مردم را به عذاب انداخته بود.

انگلیس، ۱٦٤۳
شاهزاده روپرت (Rupert) رهبر سلطنت‌طلبان و خواهرزاده‌ی شاه، شهر بریستول (Bristol) را اشغال کرد. روپرت فرزند فردریک پنجم فرمانروای انتخابی پالاتین (Palatine) و الیزابت ملکه‌ی بوهم (Bohemia) (خواهر چارلز پادشاه انگلیس) است. او توسط شاه به هلند تبعید شده بود، لیکن با استفاده از فرصت به‌دست آمده در سال گذشته جزو لیست داوطلبان هواخواه سلطنت درآمد.

ایرلند، ۱٦٤۳
جیمز باتلر (James Butler) دوک اورموند (Ormonde)، شورش ایرلند را سرکوب کرد و درباره‌ی متارکه‌ی جنگ به گفت‌وگو پرداخت.

شکسپیر گوهری تابناک در ادبیات (لندن، ۲۰ مه ۱۶۰۹):

سرانجام پس از مدّت‌ها انتظار، امروز کتاب غزلیات ویلیام شکسپیر *(William Shakespeare)* توسط انتشارات توماس تورپ *(Thomas Thorpe)* منتشر شد. دیوان اشعار این شاعر بزرگ در سال‌های ۱۵۹۳ـ۱۵۹۴، هنگامی که بر اثر شیوع بیماری طاعون، سالن‌های تئاتر تعطیل شد، به نگارش درآمده بود و به‌طور خصوصی بین دوستان وی و به‌ویژه اِرل ساتمپتون *(Southampton)* به‌عنوان برگزیده‌ی اشعار، دست به دست می‌گشت.

ویلیام شکسپیر در ده سال گذشته، به‌عنوان یک بازیگر عالی‌مقام در تئاتر گلوب *(Globe)* در ساحل رود تیمز لندن، به ایفای نقش می‌پرداخت. او در استخدام کمپانی ریچارد باربیج *(Richard Burbage)* بود و تحت‌نظر بازیگران دربار سلطنتی به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

شکسپیر در نمایش‌نامه‌ی هنری پنجم، نقش سراینده‌ی سرودها را داشت و در نمایش هاملت *(Hamlet)* به‌عنوان روح و شبح ظاهر شد، لیکن در نمایش‌های تراژدی زیرنظر باربیج کار می‌کرد. او در سال ۱۶۰۲ نمایش‌نامه‌های هاملت، شاهزاده‌ی دانمارکی، اتللو *(Othello)*، مکبث *(Macbeth)*، شاه لیر *(King Lear)*، آنتونی *(Antony)* و کلئوپاترا *(Cleopatra)* و کوریولانوس *(Coriolanus)* را نوشت.

جیمز، پادشاه انگلیس، به نمایش مکبث خیلی علاقه داشت و شکسپیر را پیام‌آور نیاکان خود هم‌چون بانکو *(Banquo)* می‌دانست و معتقد بود که شاعر، یک جادوگر و افسون‌کار است که توانسته تمام این جریانات را به نحو احسن به روی صحنه بیاورد. ملکه الیزابت هم به روحیه‌ی قوی شکسپیر اعتقاد داشت و از او خواست که قسمت‌هایی از نمایش هنری چهارم و پنجم را که مورد علاقه‌ی اوست، نشان دهد. این درخواست مورد قبول شاعر واقع شد و شکسپیر آن را با عنوان مری همسر دوک ویندسور *(Windsor)* در روز سنت جورج *(St George Day)* به خدمت ملکه تقدیم داشت.

در همین اواخر، شکسپیر برای فصل زمستان نمایش‌نامه‌ی راهبان سیاه‌پوست را با همکاری عدّه‌یی از هنرمندان به روی صحنه آورد.

خداوند تمام گفته‌های فرانسوا را مورد تأیید قرار می‌دهد. (پاریس، ۱۶۰۹):

فرانسوا ساله *(Francois Sales)*، اسقف شهر ژنو، اخیراً کتابی به نگارش درآورده و با خداوند با لحن صمیمی و خودمانی صحبت می‌کند. در حالی‌که تمام کشیشان و روحانیان ایالات دیگر آرزو دارند که در موقعیت وی قرار گیرند و مورد لطف و عنایت پروردگار واقع شوند.

ساله در سال ۱۵۶۷ در شهر ساووی *(Savoy)* متولّد شد. وی پس از طی دوران کودکی در شهرهای پاریس و پادوآ *(Padua)* به آموختن دروس مذهبی پرداخت و در کلیسا به مقام ارجمندی رسید. در سال ۱۶۰۲، با روحیه‌ی جدیدی جهت بازدید به شهر پاریس آمد و با برول *(Berulle)* و ماری‌دو اینکارناسیون *(Marie de I' Incarnation)*، نمایندگان جامعه‌ی روحانیت فرانسه، ملاقات کرد. در این هنگام، ساله کتاب خود را با عنوان پرهیزکاری و احتراز، به آنان معرفی نمود.

در این کتاب، ساله آرزو و اشتیاق خود را به پارسایی و پرهیزکاری به نحو شایانی نشان می‌دهد. او می‌گوید: خداوند نه تنها راهبان و روحانیون را دوست دارد، بلکه انسانیت و تسلیم افراد بشر را می‌ستاید. ساله می‌گوید: انسان نه تنها باید جسم خود را شستشو دهد، بلکه این روح است که با پرهیزکاری و پارسایی راه آشتی و صلح را برمی‌گزیند و مورد عنایت پروردگار واقع می‌شود.

عدسی دوربین گالیله، مسیر و جهت ستارگان را مشخّص می‌کند. (پادوآ، ایتالیا، ۱۶۱۰):

با اختراع تلسکوپ، گالیلئو گالیلئی *(Galileo Galilei)*، دانشمند نجوم ایتالیایی، توانست تعداد زیادی از ستارگان را کشف کند. اختراع تلسکوپ کار گالیله نبود، بلکه وی با این اختراع به زودی موفق به رصد کردن اجرام آسمانی شد. اوّلین تلسکوپ، ستارگان را تا سه برابر نشان می‌داد، امّا تلسکوپ‌های بعدی، آن‌ها را تا ۳۲ برابر بزرگ می‌کرد. وی با تلسکوپ، سلسله کوه‌هایی را در ماه مشاهده کرد و تعداد زیادی از ستارگان را که با چشم غیرمسلّح دیده نمی‌شوند، رصد کرد و کهکشان راه شیری را با مجموعه‌یی از ستارگان نشان داد. وی هنگامی‌که مسیر تلسکوپ را تغییر داد، سیاره‌ی مشتری، با چهار قمر آن در دید قرار گرفت که وی آن‌ها را اقمار مدیسین *(Medicean)* نامید.

نابغه‌ی جوان، از پهنه‌ی دریاهای آزاد پشتیبانی می‌کند.

یک نابغه‌ی عجیب و جوان در سن ۲۶ سالگی رساله‌ی بسیار ارزشمندی در حمایت از دریاهای آزاد به نگارش درآورد.

هوگو گروتیوس *(Hugo Grotius)*، دانشمند الهیات و قاضی هلندی، رساله‌یی به نام دومار لیبروم *(De Mare Liberum)* یا آزادی دریاها و دفاع از آب‌های آزاد، که مورد تجاوز کمپانی هلندی هند شرقی قرار گرفته بود، به رشته‌ی تحریر درآورد. در این زمان، پرتغالی‌ها با کشتی‌های بادبانی تمام مسیر اقیانوس آرام را تا مالاکا *(Malacca)* تصاحب کرده بودند. دولت پرتغال با مالکیت این راه آبی، آن را جزو متصرّفات خود می‌داند و بدین وسیله از حقوق خود دفاع می‌کند و در حقیقت آن را باجی برای اقتدار خود در دریا می‌شمارد، چون آب‌های بخش شرقی جهان را پاپ رسماً در اختیار این دولت قرار داد.

گروتیوس به‌طور اصولی ثابت می‌کند که آب‌های آزاد اقیانوس‌ها به هیچ کشوری تعلق ندارد و همه‌ی کشورها می‌توانند از آن بهره‌داری کنند و پهنه‌ی دریاهای آزاد جزو مالکیت تمام انسان‌ها به‌شمار می‌رود. خداوند این بحث را به مغز گروتیوس القا کرد که انسان‌ها با دوستی و صمیمیت از مواهب زمینی بهره‌مند شوند و آنچه را که مورد نیاز آنان است، به شرطی که سایرین را به زحمت نیندازد، از زمین کسب کنند. این دریاها و اقیانوس‌ها، برای استفاده‌ی بشر به‌وجود آمده و همه چون باد، می‌توانند در آن به بحرپیمایی بپردازند.

گروتیوس در سن ۱۲ سالگی در دانشگاه به تحصیل علم پرداخت و در ۱۵ سالگی با یک هیأت به



تصویر برنزی پسر کریشنا boy Krishna در شهر مدرس Madras هند که با مار کالیا Kaliya می رقصد.



این تصویر که به نظر می رسد مربوط به شکسپیر Shakespeare است توسط نیکلاس هیلیارد Nichloas Hilliard میناتوریست ترسیم شده.



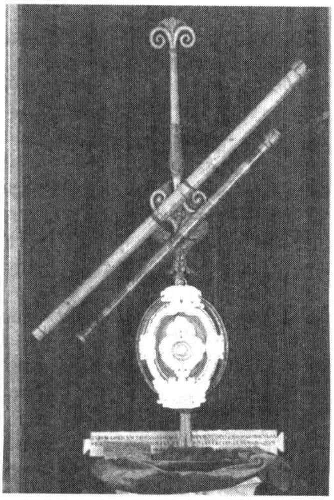
سمت راست، این شخص منتظر فرصت می باشد تا خود را به نام دیمیتری جا بزند.



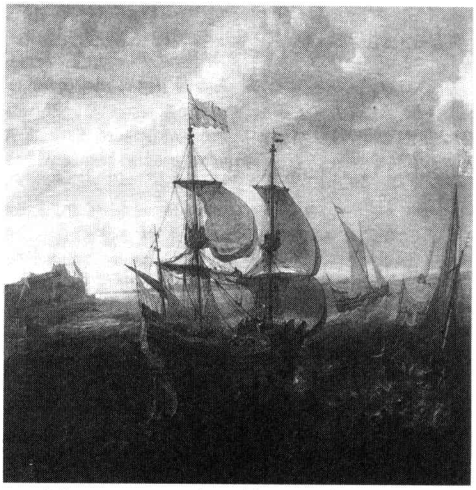
عکس سمت چپ، دیمیتری Dimitti قلابی (دروغین)



ریکی Ricci مسیحی انجیلی با لی پائولوس Li paulus همکار چینی خود.



با این تلسکوپ گالیله چهار قمر ستاره ژوپیتر Jupiter (مشتری) را کشف کرد.



اکنون حقوق دانان و دستگاه روحانیت عرصه ی دریاهای آزاد را برای کشتی رانی تمام کشورها باز گذارده اند.



جان اسپید John speed این نقشه را که مربوط به ناحیه ی جنوب غربی انگلیس است از نقشه ی بزرگ کورنوال Cornwall اقتباس کرده که بسیار زیبا و صحیح به نظر می رسد و برای انجام کارهای مختلف مفید است.

فرانسه رفت. در سن ۱۷ سالگی نمایش‌نامه‌یی درام به زبان لاتین نوشت و در ۲۰ سالگی به‌عنوان یک تاریخ‌نگار در ایالات مشترک‌المنافع هلند به کار پرداخت.

یک مسیحی که مردم را از گناه لواط آگاهی می‌داد، از دنیا رفت. (بجینگ (*Beijing*)، ۱۱ مه ۱۶۱۰):

پدر ماتئو ریکی (*Matteo Ricci*)، بنیان‌گذار کلیسای عیسوی در چین و سرپرست هیأت مسیحی در آن کشور، که مردم را از عمل لواط باز می‌داشت و آن را جزو گناهان می‌شمرد، امروز در همین مکان درگذشت. وی در سال ۱۵۸۳ برای تعلیم و آموزش دین مسیح به چین آمد و در بندر ماکائو (*Macao*) مقیم شد. وی حتم داشت که کلیسا در انجام مأموریت خود موفق خواهد شد و برای پیشبرد اهداف خود تمام آداب و رسوم چینی را رعایت می‌کرد، بدین جهت قبای بلند چینی می‌پوشید و نام خود را هم به لی‌ماتئو (*Li-Mateo*) تغییر داد.

ریکی همان‌گونه که یک کشیش خوب بود، یک نقشه‌بردار و ساعت‌ساز بود و با مطالعات خود با فلسفه‌ی چینی آشنا و در آن تبحّر یافت، به‌طوری که در سال ۱۶۰۱ به او اجازه‌ی اقامت در شهر بجینگ داده شد. وی تا هنگام مرگ همواره به سخنرانی مذهبی می‌پرداخت و عدّه‌ی زیادی از چینی‌ها را به دین مسیح درآورد و چندین نشریه برای چینیان انتشار داد که سخت مورد توجّه قرار گرفت. وی ده فرمان را به زبان چینی ترجمه کرد و به‌عنوان ارباب کلیسا معرفی شد و کارهای بزرگی برای اشاعه‌ی دین مسیح انجام داد. هم‌چنین عقاید مسیحیت را درباره‌ی حقیقت خداوند آسمان‌ها بیان داشت. ریکی سخت به طرفداران عمل لواط حمله کرد و آن را در ردیف گناهان بزرگ محسوب داشت و چینیان را از این عمل بازداشت. او این کار را جزو اعمال ناپسند و زشت قلمداد می‌کرد. ریکی می‌نویسد: در غرب هیچ فرد عاقلی دهان خود را با سخنان زشت و ناهنجار آلوده نمی‌کند. جسد او پس از مرگش، با احترام به خاک سپرده شد.

سرزمینی که تا چشم کار می‌کند، گسترش یافته است. (ماداگاسکار (*Madagascar*)، ۱۶۱۰):

رالامبو (*Ralambo*)، پادشاه آندریانا (*Andriana*)، قلمرو خود را تا کوهستان‌ها و جنگل‌های داخلی جزیره‌ی ماداگاسکار توسعه بخشیده. وی کشور خود را به نام ایمرینا (*Imerina*)، به معنی دورترین نقطه‌یی که با چشم می‌توان دید، نامیده است.

اهالی ماداگاسکار هفت جوش و از ملل مختلفی چون آفریقایی، عرب، هندی و اندونزیایی تشکیل شده‌اند و از هر ملیتی می‌توان در آنجا مشاهده کرد. وی سرزمین خود را به یک قدرت منطقه‌یی تبدیل کرده و این اقتدار زمینه‌ی تجارت و ثروت برای کشور به حساب می‌آید.

رالامبو همان‌طور که در جنگ‌ها موفق بوده، در اداره‌ی کشور نیز توفیق داشته و مؤسساتی هم برای گردآوری مالیات در جهت تجهیز یک ارتش نیرومند فراهم کرده است و ثروت و رفاه برای این سرزمین به‌وجود آورده و نیز به ترویج کشت برنج کمک کرده است.

ملکه‌ی جنگجو و مبارز درگذشت. (نیجریه، ۱۶۱۰):

امینه (*Amine*)، ملکه‌ی هائوسا (*Hausa*)، پس از ۳۴ سال سلطنت که بخش اعظم آن را در جنگ برای توسعه‌ی کشور خود مصروف داشته بود، دیده از جهان فرو بست. او ۱۶ ساله بود که پیکار برای توسعه‌ی کشور را آغاز کرد و به‌هر حال قصد داشت که قلمرو خود را از جنوب و غرب گسترش داده و مرزهای این سرزمین را تا دهانه‌ی رود نیجر برساند. وی دستور داد که ارتش به ساختن حصاری در اطراف مرزهای کشور اقدام کند و یک ارتش نیرومند برای حراست از کشور به‌وجود آورد و مبالغ هنگفتی را هم صرف خواجه‌سرایان و تغذیه‌ی مردم می‌کرد. او با تسخیر شهرهای کانو (*Kano*) و کاتسینا (*Katsina*) در شمال صحرا، مسیر بازرگانی در شمال صحرا را باز نمود. امینه برای مردم شهرهای تسخیر شده، پیام دوستانه می‌فرستاد، لیکن خود وی در صبح‌گاه دیروز به قتل رسید.

کار ساختمان صومعه آغاز شد. (مکزیک، ۱۶۰۹):

آمستردام، ۱۶۴۳
نقاش هلندی کارل فابریسیوس (Carel Fabritius) که از سال ۱۶۴۱ در نزد رامبراند (Rembrandt) به شاگردی پرداخته بود، وی را ترک کرد. رامبرند به‌طور مسلم در پیشرفت کار وی اثر غیرقابل انکاری داشت. فابریسیوس اخیراً تابلوی «طغیان لازاروس (Lazarus)» را به‌اتمام رسانید.
آمستردام، ۱۶۴۳
رامبراند تصویری از خودش و خانواده‌اش ترسیم کرد که در آن همسرش ساسکیا (Saskia) که سال قبل فوت شده بود هم وجود داشت.
امریکای شمالی، ۱۶۴۳
بنابه دستور ژنرال کی‌یفت (General Kieft)، هلندی‌ها، سرخ‌پوست‌های آلگونکین (Algonquin) را به‌هلاکت رساندند.
امریکای شمالی، ۱۶۴۳
مهاجران پوریتن ساکن ماساچوست، کانکتیکت (Connecticut) و نیوهیون (Newhaven)، به اتحادیه‌ی نیوانگلند پیوستند.
شیلی، ۱۶۴۳
شهر سانتیاگو (Santiago) در اثر زلزله به‌کلی ویران شد.
سیبری، ۱۶۴۳
گروه طلایه (پیشرو) روس به رود آمور (Amur) رسیدند.
جنوب اقیانوس آرام، ۱۶۴۳
تاسمان (Tasman) دریانورد هلندی، مجمع‌الجزایر تونگا (Tonga) را کشف و به سرزمین فیجی (Fiji) و گینه‌ی جدید (New Guinea) رسید.
انگلیس، ۱۶۴۳
جان میلتون (John Milton) پوریتن آتشین‌خو، مقاله‌یی در باب «قواعد و آداب طلاق» به رشته‌ی تحریر درآورد. او یکی از طرفداران بااحساس طلاق بود و به همین جهت هم همسرش را طلاق داد. ماری پاول (Mary Powell) دختر یک سلطنت‌خواه بود، او پس از دیدار فامیل خود به موطنش بازگشته بود.
هلند، ۱۶۴۳
آدریان وان‌اشتاد (Adriaan van Ostade)، هنرمند هلندی معروف به مزرعه‌دار که مدت کوتاهی زندگی کرد، تابلوی سربریدن خوک را ترسیم نمود.
انگلیس، ۱۶۴۳
شوالیه‌ها (سلطنت‌طلبان) اعلامیه‌ی جدیدی به‌نام مرکوریوس اولیکوس (Mercurius Aulicus) را برای نخستین‌بار در شهر آکسفورد (Oxford) منتشر ساختند که به گروه پارلمانی مدت یک هفته مهلت داده شد، گروه پارلمانی (سرتراشیده‌ها) هم اعلامیه‌یی به‌نام مرکوریوس بریتانیکوس (Mercurius Britanicus) در جواب آن‌ها در شهر لندن انتشار دادند.
لندن، ۲۴ مارس ۱۶۴۴
راجر ویلیامز (Roger Williams) تحت فشار اهالی نیوانگلند رضایت داد که با رودآیلند (Rhode-Island) یک کنفدراسیون تشکیل دهند.
انگلیس، دوم ژوئیه ۱۶۴۴
سپاهیان کرامول (Cromwll)، لشکریان سلطنت‌طلب را در نبرد مارستون‌مور (Marston Moor) تار و مار کرده و چهارهزار نفر از آن‌ها را کشته و ۱۵۰۰ نفر اسیر گرفتند.
رم، ۱۵ سپتامبر ۱۶۴۴
پاپ اوربان هشتم فوت شد. او در سال ۱۶۴۰ کورنلیس یانسن (Cornelis Jansen) را به‌خاطر رساله‌ی آگوستینوس (Augustinus) تکفیر کرد و هم‌چنین در سال ۱۶۳۳ برنینی (Bernini) را مأمور کرد که کارهای مربوط به گنبد کلیسای سنت پیتر را به اتمام برساند.
انگلیس، نوامبر ۱۶۴۴
جان میلتون شاعر پوریتن‌مذهب، رساله‌یی به‌نام آزادی را با عنوان دادگاه‌های عالی کشور به‌چاپ رساند.
آلمان، ۱۶۴۴
نیروهای فرانسوی تحت سرپرستی تورن (Turenne)، قشون سلطنتی آلمان را در فرایبورگ (Freiburg) شکست دادند و شهرهای ماینز (Mainz) و ورمز (Worms) را اشغال کردند.
هلند، ۱۶۴۴
یان باپتیست وان هلمونت (Jan Baptiste van Helmont) جراح فلاندری و کاشف گاز کربنیک، به دار باقی شتافت، در ضمن وی توانست نقش شیره‌ی معده را در هضم غذا تشریح کند.

بنای ساختمان و گنبد صومعه‌یی در نزدیکی شهر مکزیکو بر روی تپّه‌ی تپایاک *(Tepayac)* آغاز شد. این صومعه جایگزین کلیسای بومیان هند غربی خواهد شد که در سال ۱۵۵۵ به‌عنوان معبد باکره‌ی مقدّس در گوادلوپ *(Guadelupe)* احداث شده بود.

در ۱۲۲ سال قبل هم، خوآن دیه‌گو *(Juan Diego)* یک کلیسای خشتی در این محلّ جهت معبد باکره‌ی مقدّس بنا کرده بود. مادر مقدّس به دیه‌گو اطمینان داد که یک کلیسا برای عبادت سرخ‌پوستان منطقه بر روی تپّه بنا خواهد کرد و یک نفر اسقف اعظم را هم راهی آن منطقه نمود. با ساختمان این کلیسا، تعداد بسیاری از مردم به زیارت آنجا شتافته‌اند و در سال ۱۵۷۰ هم مبلغ هشت هزار پزو *(Pesos)* برای سنگ‌کاری بنای معبد هزینه شده است.

جان اسپید، تاریخ‌نگار انگلیس، نقشه‌ی جزیره را ترسیم نمود. (انگلیس، ۱۶۱۰):

جان اسپید *(John Speed)*، مورّخ و نقشه‌بردار انگلیسی که اقدامات مهمّی در هنر تئاتر برای کشور بریتانیای کبیر انجام داده، از چهار سال پیش نقشه‌ی انگلیس و منطقه ویلز *(Wales)* را در ۵۴ تابلو ترسیم و منتشر نموده است.

او که اکنون به اوج شهرت و ترقّی رسیده، ابتدا کار خود را با خیاطی در شهر لندن آغاز کرد. در سال ۱۵۸۰ یک شرکت دوزندگی لباس تأسیس کرد. لیکن پس از مدّتی در یک مؤسسه واقع در ناحیه مورفیلدز *(Moorfields)* به کار مطالعه و تحقیق درباره‌ی تاریخ پرداخت.

اسپید برای یادگیری تاریخ، با سر فولک گره‌ویل *(Sir Fulke Greville)* شاعر انگلیسی، که یکی از شعرای عالی‌مقام بود، ارتباط پیدا کرد. او هم‌چنین از دانشمندانی هم‌چون سر رابرت کاتن *(Sir Robert Cotton)* و سر هنری اسپلمن *(Sir Henry Spelman)* در این راه یاری طلبید. وی علاوه بر این کارها، اقدام به نگارش تاریخ بریتانیای کبیر نمود و جهت انجام آن تمام عوامل لازم را در این باره به کار گرفت.

هانری، پادشاه نیکورفتار، توسط یک راهب به قتل رسید. (پاریس، ۱۴ مه ۱۶۱۰):

هانری چهارم، پادشاه فرانسه، عصر امروز توسط یک راهب متعصّب کاتولیک به نام فرانسوا راویلاک *(Francios Ravaillac)* در شهر رودولا فرونری *(Rue de la Ferronnerie)* به قتل رسید.

شاه که با کالسکه از لوور *(Louvre)* به شهر آرسنال *(Arsenal)* سفر می‌کرد، بدون گارد محافظ بود و تنها چند نفر از شخصیت‌های درباری همراه وی بودند که در کالسکه به هم فشرده می‌شدند، ناگاه یک قاتل به درون کالسکه پرید و دو بار دشنه‌ی خود را در سینه‌ی شاه فرو برد. شاه فریاد زد: مرا کشتند و در همین لحظه بر اثر خونریزی از دهان، هیکل شاه به کف کالسکه سقوط کرد. در این هنگام، کالسکه به سرعت به سوی لوور روانه شد تا دکترها را خبر کرده و برای بهبودی وی اقدام کنند. قاتل، بلند قد و موهای قرمزی داشت و عامل یک توطئه بر علیه هانری چهارم بود و شاه را مقصر قلمداد می‌کرد، چون او را عامل خصومت بر علیه اقتدار کلیسای اسپانیا و اتریش می پنداشت و در ضمن اعتراف می‌کرد که باید هانری کشته می‌شد.

اخبار مرگ هانری، پاریس را در حیرت و شگفتی فرو برد. او فرمانروایی عاقل بود و مدّت بیش از ۲۰ سال فرانسه را افسانه‌وار هدایت کرد و این جریان در آن عصر کم‌سابقه بود. پس از مرگ هانری، سلطنت نصیب پسر هشت ساله‌ی وی به نام لوئی سیزدهم شد. هانری قبلاً همسر خود ماری‌دو مدیسی *(Marie de Medici)* را به‌عنوان نایب‌السلطنه برگزیده بود که در هنگام غیبت او در جنگ امور کشور را اداره کند، اینک ماری نایب‌السلطنه‌ی پسر خویش خواهد بود.

مونته وردی، سرود شامگاهی کلیسا را رهبری می‌کند. (ایتالیا، ۱۶۱۰):

مونته وردی *(Monteverdi)*، موسیقی‌دان ایتالیایی ۴۳ ساله، سرود شامگاهی مراسم عشای ربّانی را تنظیم کرد و به پیشگاه پاپ پل پنجم عرضه داشت که در کاتدرال باشکوه رم اجرا شود، همه بر این عقیده‌اند که تاکنون هیچ موسیقی‌دانی سرود و آهنگی بدین زیبایی اجرا ننموده است.

وی در سال ۱۵۶۷، در کره‌مونا *(Cremona)* زاده شد و تا سال ۱۶۰۱ در مقام رهبر ارکستر در دربار دوک وینچنزو گونزاگا *(Duke Vincenzo Gonzaga)* در شهر مانتوآ *(Mantua)* خدمت می‌کرد. وی قبلاً یکی از هواداران سبک جدید موزیک به نام «تمرین دوّم» بود و به‌عنوان رهبر ارکستر در اُپراهای اورفئو *(Orfeo)* و آریانا *(Arianna)* در سال ۱۶۰۸ انتخاب شد.

او هم‌چنین پنج جلد کتاب غزل و اشعار عاشقانه سروده و منتشر کرد. در عین حال، مونته وردی یک استاد مسلّم سبک موسیقی قدیم به نام «نخستین تجربه» بود و بر پالسترینا *(Palestrina)* و دیگر رهبران اخیر موسیقی ارجحیت داشت. شیوه‌ی آهنگ‌های اجرا شده توسط او و قطعات چند صدایی وی، در مراسم کلیسا وی را به‌عنوان یکی از چهره‌های درخشان موسیقی معرفی می‌نماید.

مأموران دولتی شرور، چین را به باد غارت دادند. (بجینگ، ۱۶۱۱):

دولت چین در سال‌های اخیر به ارزیابی رفتار و کردار مأموران شهری پرداخته، چون آنان با امریه‌ی دولت، اموال و دارایی شهروندان چینی را به غارت می‌برند.

در بدو امر، امپراتور وان لی *(Wan Li)* دستور داد که اعمال مأموران را مورد بررسی قرار دهند، بازرسان حکومتی گزارش دادند که تعدادی از این کارمندان خاطی هستند، لیکن گزارشات بعدی حاکی از آن بود که این شایعات بی‌اساس می‌باشد و زاییده‌ی افکار دشمنان آن‌هاست.

طبق گزارشاتی که در مجله‌ی بیجینگ درج شده، مأموران بازرسی امپراتور، تمام جریانات را به‌طور کامل مورد بررسی قرار داده و موارد اختلاف را روشن کرده‌اند و بدین جهت عدّه‌یی به این اتّهام محکوم شده‌اند. هفت تن از مقامات بلندپایه‌ی حکومت به بدنامی مشهور و در معرض اتّهام قرار دارند. در رأس این متّهمان، دانگ بی‌نین *(Dang Binyin)* و گوزین شون *(Gu Zienzhun)* قرار دارند که اعضای غیرفعال

رود ایلند، ۱۶۴۴
راجر ویلیامز (Roger Williams) نوشته‌یی به‌نام «شکنجه و آزار و تعقیب اشخاص به‌علت عقاید و مرام باطنی آن‌ها» که شامل مباحثی درباره‌ی تحمل و عقاید مذهبی غیرخودی به‌چاپ رسانید، لیکن این کتاب را چون از نظر سیاسی مردود شناخته شده بود، سوزاندند.
استرالیا، ۱۶۴۴
تاسمن (Tasman) دریانورد هلندی، نقشه‌ی سواحل شمالی و غرب سواحل استرالیا را بر روی کاغذ ترسیم کرد.
آنگولا، ۱۶۴۴
بازرگانان برده‌ی هلندی با همکاری نزینگا (Nzinga) ملکه‌ی آنگولا، منطقه‌ی لواندا (Luanda) را از تصرف پرتغالی‌ها خارج ساختند.
زیمبابوه *(Zimbabwe)*، ۱۶۴۴
فاتحان نبرد بین‌شهری توروا (Torwa)، سرانجام پایتخت جدیدی در تپه‌ی دانونگوم (Danongome) بنا کردند.
لندن، ژانویه ۱۶۴۵
ویلیام لود (William Laud) اسقف اعظم کلیسای کانتربوری، اعدام شد. وی با تقویت کلیسای کانتربوری و انجام مراسم عشای ربانی از ورود کاتولیک‌ها به آن خودداری کرد و این امر سبب شورش پوریتن‌ها و پرسبیتریان‌ها (Presbyterians) شد.
هلند جدید، نهم اوت ۱۶۴۵
مهاجران هلندی با میانجی‌گری قبایل موهاوک (Mohawks) با سرخ‌پوستان‌ها به صلح و آشتی دست یافتند.
اتریش، ۱۶۴۵
با انعقاد پیمان صلح لینز (Linz) توسط گیورگی راکوچی (Gyorgy Racoczi)، آزادی مذهب مجارها تضمین شد.
پاریس، ۱۶۴۵
پی‌یر گاسندی (Pierre Gassendi) به استادی کالج فرانسه تعیین شد. عقاید مادی‌گری و نفسانی وی کاملاً مغایر با فلسفه‌ی دکارت (Descartes) بود.
رم، ۱۶۴۵
آتانازیوس کرشر (Athanasius Kircher) دانشمند آلمانی با کشف رمز خواندن زبان قبطی (Coptic) و هیروگلیف (Hieroglyph)، پرده از اسرار فانوس دریایی اسکندریه برداشت.
بوستون، ۱۶۴۵
بازرگانان برده به سبب درآمد از کار کارگران سیاه‌پوست، بندر بوستون (Boston) را به عزم رسیدن به کرانه‌های غربی افریقا ترک کردند تا به‌طور مرتب به خرید و فروش برده بپردازند.
چین، ۱۶۴۵
یوهان شال (Johann Schall) دانشمند آلمانی عیسوی‌مذهب، به مدیریت مؤسسه‌ی ریاضی و نجوم شهر بجینگ (Beijing) انتخاب شد. وی سهم بزرگی در گسترش مذهب کاتولیک در چین دارد.
افریقای جنوب شرقی، ۱۶۴۵
برای نخستین‌بار پرتغالی‌ها سیاه‌پوستان سواحل موزامبیک (Mozambique) را به‌عنوان برده جهت کار در مزارع برزیل به آن سرزمین بردند.
انگلیس، ژوئن ۱۶۴۶
شهر آکسفورد به‌دست گروه پارلمانی انگلیس سقوط کرد.
ماساچوست، ۲۸ اکتبر ۱۶۴۶
جان الیوت (John Eliot) یکی از دهقانان این منطقه‌ی شروع به تعلیم زبان انگلیسی به فرقه‌ی هندی آلگونکین (Algonquin) کرد.
ویرجینیا، اکتبر ۱۶۴۶
رییس نکوتوانس (Chief Necotowance) از دو سال و نیم قبل به سرخ‌پوستان این سرزمین می‌آموخت که نسبت به تاج و تخت بریتانیا وفادار باشند و آن‌ها را به تبعیت از قوانین انگلیس وامی‌داشت. بدین ترتیب بومیان خود را تبعه‌ی بریتانیا خواندند.
هلند جدید، دسامبر ۱۶۴۶
شرکت هلندی هند غربی که درصدد بود یک مهاجرنشین نمونه در این ناحیه‌ی به‌وجود آورد، در کار خود به موفقیت نرسید. تعداد ۵۰ نفر از این مهاجران زمین‌های زراعتی بسیار بزرگی را در تصرف داشتند و ادعا می‌کردند که پول آن را پرداخته‌اند و آن را از حقوق قانونی خود می‌دانستند، آنان به هیچ‌وجه حاضر به فروش زمین‌ها نبودند و در املاک خود رعایت آداب و رسوم اجتماعی را نمی‌کردند و به میل و اراده‌ی خود زندگی می‌کردند.

نامیده شده‌اند. در حقیقت این رسوایی نتیجه‌ی منازعات بین خواجه‌سرایان که به تشریفات اداری پای‌بندند و دانگلین رهبر اصلاح‌طلبان می‌باشد که در این دوره، سرانجام منویات و اصلاحات دانگلین *(Dunglins)* پیروز شد.

ناویان شورشی، هنری هودسون را با یک قایق پارویی در آب‌های یخ زده رها کردند. (لندن، ۱۶۱۱):

هنری هودسن *(Henry Hudson)*، یک دریانورد مجرب انگلیسی، با یک قایق کوچک، همراه پسر کم سن و سال خود جان، و هفت نفر از همراهان شورشی خویش که در دریای یخزده‌ی قطب شمال سرگردان بودند، تصمیم می‌گیرند به لندن بازگردند. هودسن هیچ نشانه‌یی نمی‌بینند که بتوان راه را پیدا کرد و تقریباً مطمئن است که در این دریای توفانی و آب‌های سرد قطبی به هلاکت خواهند رسید.

بیشتر اعضای گروه اکتشافی، چون از پیدا کردن راهی از منطقه‌ی قطبی به جزایر ادویه مأیوس شده بودند، به انگلیس بازگشتند. آن‌ها چون از سرگردانی در دریا خشمگین شده بودند و هودسن هم برای این‌که مفرّی بیابد دریا را دور می‌زد، از سویی کمبود مواد غذایی و سرما هم آن‌ها را آزار می‌داد، دست به آشوب زدند و از ترس مرگ به وطن بازگشتند و در انتظار زندانی شدن بودند.

گروه اعزامی به سرپرستی هودسن در تاریخ ۱۷ آوریل سال گذشته از لندن عازم سفر شدند. در ماه اوت، پس از عبور از اقیانوس اطلس به یک راه باریک مستقیم در خلیجی به نام خلیج خرس‌ها رسیدند. هودسن و همراهان وی، مدّت سه ماه را در این مکان سپری کردند، زیرا این راه آبی حلزونی تقریباً انتها نداشت. لیکن سرانجام به جایی رسیدند که حالت مردابی داشت، آن‌ها با مشاهده و کشف این مکان تصوّر می‌کردند که از مناطق سرد و یخی گریخته و جان به در برده‌اند. در روز اوّل نوامبر، به کرانه‌ی دریا رسیدند که نزدیک خلیج موس *(Moose Fort)* بود.

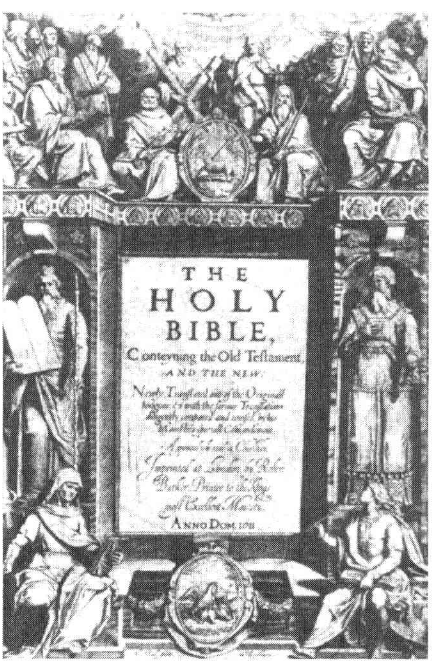
آن‌ها به ناچار مدّت شش ماه را با سرما، گرسنگی و توفان و یخ، دست و پنجه نرم می‌کردند، چون



کاشف قطب شمال با عبور از راه های غیر معمول مدت زیادی از زندگی و عمر خود را تلف نموده. این تابلو تصویری است که جی کولیهJ Collier ترسیم نموده و حاکی از حسرت و ندامت وی می باشد.



آخرین تصویر هانری چهارم پس از پیروزی در جنگ و در لباس رزم و شرکت در ضیافتی به همین مناسبت.



پشت جلد بسیار زیبا و متناسب کتاب انجیل، تالیف رابرت بیکر Robert Baker.

ماساچوست، ٢٦ مه ١٦٤٧
قوانین جدید ایالتی، روحانیت کاتولیکی را تحریم کرد و متخلفان از این قوانین را به تبعید و در صورت تکرار به اعدام تهدید کرد.

آسیای مرکزی، ١٦٤٧
مغول‌ها که در سال گذشته نواحی بلخ و بدخشان در شمال افغانستان را از ازبکان گرفته بودند، اکنون فرمانروایان محلی را برکنار کردند، برخلاف میل آن‌ها افسران مغول را به کارهای مهم برگماشتند، ازبک‌ها هم‌چون قادر به مقاومت در برابر آن‌ها نبودند، از دولت ایران یاری طلبیدند.

انگلیس، ١٦٤٧
جورج فاکس (George Fox) یکی از کفاشان انگلیسی که شروع به تبلیغ علیه روح‌القدس کرده بود و هوادارانی هم داشت، تکفیر شد. پیروان او هم از اوامر کلیسا سرپیچی می‌کردند.

مجارستان، ١٦٤٨
راکوفسکی(Rakowsky) فرمانروای ترانسیلوانی (Transylvania)، عهدنامه‌ی صلح با هابسبورگ (Habsburg) امضا کرد.

مریلند، ٢١ ژانویه ١٦٤٨
مارگارت برنت (Margaret Brent) نخستین زن حقوقدانی بود که در جلسات مریلند (Maryland) حق رأی داشت. او با برخوردهای غیرقانونی که با مالکان زمین‌ها صورت می‌گرفت، اعتراض کرد، چون خود را ذیمدخل در این جریانات می‌دانست.

هلند، ژانویه ١٦٤٨
با امضای صلح بین اسپانیا و هلند، به نبردهای ٨٠ ساله پایان داده شد. اسپانیا استقلال هفت ایالت هند را به‌رسمیت شناخت. در ضمن حق مالکان زمین‌ها را هم تأیید کرد و بندر آنتورپ (Antwerp) هم به روی بیگانگان بسته شد.

بریتانیا، مارس ١٦٤٨
سلطنت‌طلبان نواحی ویلز (Wales)، کنت (Kent) و اسکس (Essex) دست به شورش زدند و این نشانه‌ی شروع مجدد نبردهای بین شهری می‌باشد. در دسامبر سال گذشته، چارلز به پشتیبانی اسکاتلند برخاست و با بازگشت پرسبیتریان‌ها به انگلیس موافقت کرد، این جریان باعث تجدید قوای سلطنت خواهد شد.

ماساچوست، ١٣ مه ١٦٤٨
مارگارت جونز (Margaret Jones) اهل پلیموت (Plymouth) به حلق‌آویزشدن محکوم شد، لیکن وی اظهار داشت که به بیماری خطرناکی مبتلاست که تولید استفراغ و درد می‌کند و طبق آرای دکترها اگر به دار آویخته شود، استفراغش سبب خواهد شد که افراد دیگر هم به این بیماری مبتلا شده و به هلاکت برسند.

انگلیس، ١٩ اوت ١٦٤٨
پس از اتمام دو روز نبرد در پرستون (Preston)، سپاهیان اسکاتلند به سرپرستی دوک هامیلتون (duke of Hamilton) دست از حمله برداشتند و جنگ را رها کرده و به‌سوی اسکاتلند گریختند.

پاریس، ٢٦ اوت ١٦٤٨
مردم نسبت به دستگیری مشاور عالی شهر بروسل (Broussel) اعتراض کرده و عفو وی را خواستار شدند. اعضای خاندان سلطنت به سن ژرمن (St Germain) گریختند. مردم در شهر پاریس راه‌بندان‌هایی به‌وجود آوردند که به‌نام شورش فروند (Fronde) معروف شد (این نامگزاری از بازی بچه‌ها در خیابان‌های شهر پاریس الهام گرفت).

انگلیس، ششم دسامبر ١٦٤٨
توماس پراید (Thomas Pride) که از اتهامات پارلمانی تبرئه شده بود، دستگیر و به‌طور معمول به خارج از موطن‌اش تبعید شد و اموالش هم مصادره گردید.

مسکو، ١٦٤٨
مردم شهر مسکو در اعتراض به افزایش مالیات‌ها، دست به شورش زدند.

پاریس، ١٦٤٨
آکادمی سلطنتی هنر در پاریس گشایش یافت.

ناپل، ١٦٤٨
سرانجام نیروهای ناپل توسط آرکوس (Arcos) پیروزمند سرکوب شد و فرمانده آنان به‌نام دون ژوان (Don John) به اتریش فرار کرد.

ماساچوست، ١٦٤٨
تجارت برده از جزایر قناری (Canaries)، مادیرا (Madeira) و اسپانیا، اقتصاد این ایالت را از حالت رکود خارج ساخت.

سرگرمی و کاری هم نداشتند، از بیکاری رنجور و بیمار شدند، لیکن برای رفع بیکاری و مشغولیات و جلوگیری از یخ زدن دست و پا، با هم کشتی می‌گرفتند. هودسن مانند کلمبوس *(Columbus)*، یک ناخدای باتجربه بود، لیکن از نظر مدیریت و سرپرستی ضعیف می‌نمود و نیز فهم و درایت او را نداشت. ناویان وی را با کلمات زشت تحقیر می‌کردند و او هم از این نظر در رنج بود. هودسن چون چندین بار با خطر روبه‌رو شده بود، موقعیت و مقام خود را از دست داده و ناویان از او حرف شنوایی نداشتند. بنابراین رابرت بایلوت *(Robert Bylot)* را به جای خود گمارد تا در این زمستان فرماندهی را در دست گیرد، لیکن بایلوت هم نتوانست ناویان را ساکت کند و او هم مورد ریشخند آنان واقع می‌شد، با این وضع، تمام افراد گروه با وی خصومت می‌ورزیدند و در فکر نجات از این ورطه‌ی هولناک بودند.

پادشاه از حریف خود درخواست دوئل نمود. (استکهلم *(Stokholm)*، ۱۶ اکتبر ۱۶۱۱):

کارل نهم، پادشاه بوالهوس و مستبد سوئد، که دوران پیری را می‌گذرانید، امروز در سن ۶۳ سالگی درگذشت و پسرش به نام گوستاو دوّم آدولفوس *(Adolphus)* به جانشینی او منصوب گشت، در حالی‌که با یک سری تهدیدات خارجی و داخلی کشور روبه‌رو بود.

تنها هفت ماه از پادشاهی این پسر ۱۶ ساله می‌گذشت که کریستیان چهارم، پادشاه دانمارک، به او اعلان جنگ داد و ناوهای جنگی خود را در سراسر کرانه‌ی دریای بالتیک قرار داد و راه دریایی سوئد را بست، به‌طوری که این کشور تمام راه‌های بازرگانی خود را از دست داد. پس از چندین هفته که بدین منوال گذاشت، کارل از این وضع به خشم آمد و کریستیان را به دوئل دعوت کرد، لیکن کریستیان آن را با اهانت رد کرد. کارل برای این‌که از جنگ با دانمارک احتراز کند، یک راه دریایی از سوئد به روسیه را انتخاب کرد تا معاملات خارجی را از آن مسیر انجام دهد.

مسیحیان از الغای برده‌داری حمایت می‌کنند. (مادرید، ۱۶۱۱):

در حدود ۲۵۰ هزار نفر از افراد قبایل سرخ‌پوست گوارانی *(Guarani)*، که در ایالات مسیحی نشین پاراگوئه از فرمان فیلیپ سوّم پادشاه اسپانیا که برده‌داری را غیرقانونی و لغو کرده بود، تشکر کردند.

در هفت سال پیش، مسیحیان با تأسیس سازمان آتوپیا *(Utopia)*، این نوید را به بومیان داده بودند که مذهب مسیح با برده‌داری مخالف است و آن را منسوخ خواهد کرد و بومیان از این بابت خوشحال شده بودند. در آن هنگام، عوامل اجتماعی و معنوی مورد نیاز فراهم نبود و بومیان هیچ‌گونه سرگرمی و تفریح نداشتند که آن‌ها را شاد کند. اوقات بیکاری را به بطالت می‌گذرانیدند، لیکن در حال حاضر، آن‌ها نسبت به آینده خوش‌بین هستند و این نشانه‌ی طلوع آزادی است و بومیان و کودکانشان آینده‌ی بهتری خواهند داشت و زندگی شاداب‌تری در انتظار آنان خواهد بود.

از سال ۱۵۸۸، مسیحیان، بومیان گوارانی را به دین مسیح هدایت می‌کردند. مسیحیان افراد قبایل را به ساختن ۳۰ شهر جدید تشویق کردند که تقریباً یک شکل بود، بدین معنی که ساختمان هر شهر متشکل از یک میدان مرکزی بزرگ و چمن‌کاری شده که در جوار آن ساختمان کلیسای شهر با برج بلند و در پهلوی کلیسا سه دستگاه ساختمان بزرگ به گنجایش یک صد خانوار ساخته شده بود.

سرخ‌پوستان یک روز را به خواندن سرودهای مذهبی و عبادت و نماز اختصاص دادند. آن‌ها حتا در حین کار در مزارع، به خواندن سرود می‌پرداختند. مسیحیان در پشتیبانی از مقررات سخت می‌کوشیدند و مهربانی خاصی در بین خانواده‌ها به‌وجود آمد. آنان با تشکیل انجمن‌هایی که خودشان تأسیس کردند که به ردوکسیون *(reducciones)* مشهور شد، مواد غذایی مازادشان را صادر می‌کردند و بدون حسادت و کینه در انجام کارها جدّیت به خرج می‌دادند و با سازمان‌های مستعمراتی پرتغال بدون آزار و اذیت تشریک مساعی می‌کردند. در سرزمین پرو و در منطقه‌ی نقره‌خیز، کارگران معادن نقره، همیشه مشغول به کار هستند و تنها روزهای یکشنبه را برای عبادت در کلیسا تعطیل می‌کنند. آن‌ها در تولید محصول و ازدیاد ثروت عمومی به‌طور اشتراکی فعالیت می‌کنند. بومیان مسیحی عقیده دارند که با کار و صرف انرژی بیشتر، محصول زیادتری به دست خواهند آورد.

ترجمه‌ی کتاب انجیل به تصویب رسیده و رسمیت یافت. (لندن، ۱۶۱۱):

با تصویب و حمایت جیمز پادشاه انگلیس، رابرت بارکر *(Robert Barker)* سلطان چاپ‌خانه‌داران، چاپ و ترجمه‌ی کتاب انجیل را به زبان انگلیسی آغاز کرد. جلد این کتاب به رنگ سیاه و با حکاکی‌هایی توسط کورنلیوس بوئل *(Cornelius Boel)* یکی از نقاشان و حکاکان بزرگ انگلیسی تزئین و تذهیب شده است. هم‌چنین تصویر بسیار زیبایی از اقانیم سه‌گانه: خدا، عیسی و روح‌القدس، با ترجمه‌ی سلیس انگلیسی و دل‌نواز در اوّل کتاب، هویدا می‌باشد.

۴۵ نفر از دانشمندان بزرگ انگلیسی، در سه نقطه‌ی مختلف، یعنی در آکسفورد *(Oxford)*، کمبریج *(Cambridge)* و وست مینستر *(Westminster)*، به مدّت هفت سال مشغول ترجمه‌ی کتاب از نسخه‌ی اصلی آن که به زبان عبری و یونانی بوده، به این کار همّت گماشتند. در عین حال، ۱۲ کمیته به سرپرستی توماس بیلسون *(Thomas Bilson)* و مایلز اسمیت *(Miles Smith)*، برای بررسی و تصحیح آن مشغول به کار بودند و تا پایان ترجمه‌ی کتاب تمام آن را بررسی می‌کردند. در تمام مدّت هفت سال همه با یکدیگر هماهنگی داشتند تا این اثر به بهترین نحو به انجام برسد. هیچ کس کوچک‌ترین شکی درباره‌ی کار این کمیته‌ها نداشت. این کار حاصل کنفرانسی بود که در ژانویه ۱۶۰۴ در همپتون کورت *(Hampton Court)* تشکیل شد و همه مصمم شدند که بایستی ترجمه‌ی کتاب مقدّس به انگلیسی انجام شود.

در سال ۱۵۶۸، گروهی از اسقف‌های انجیلی ترجمه‌یی از آن را انتشار دادند، لیکن مورد توجّه مردم و انجمن کلیساها قرار نگرفت و مردم برای خواندن انجیل به کتابی که در شهر ژنو چاپ شده بود، مراجعه کردند. جیمز، پادشاه انگلیس، برای پایان دادن به این غائله، انجیلِ چاپِ ژنو را مورد بررسی قرار داد و دستور داد کتابی هم‌پایه‌ی آن به زبان انگلیسی ترجمه کنند. جیمز خود سرپرستی تمام کارها را برعهده گرفت و در

جزیره‌ی کرت، ۱۶۴۸
دولت عثمانی با تصرف شهر هراکلیون (Heraklion)، نبرد با ونیز را ادامه داد.
انگلیس، ۱۶۴۸
رابرت هریک (Robert Herrick) شاعر سلطنت‌طلب که در سال پیش از لباس روحانیت توسط پارلمان خلع شده بود، کتابی به‌نام «هسپراید (Hesprides) یا انسان در خدمت کار و عبادت» را منتشر کرد که حای قصاید و اشعاری است که بر ضد روحانیت سروده شده است.
مسقط، ۱۶۴۸
اعراب سرزمین مسقط (Muscat) را از پرتغالی‌ها بازستاندند.
هندوستان، ۱۶۴۸
پایتخت امپراتوری مغول که در سال ۱۵۹۸ از لاهور (Lahore) به آگرا (Agra) منتقل شده بود، اینک به شاه جهان‌آباد (دهلی) انتقال یافت. مهم‌ترین ساختمان‌های این شهر در حال حاضر عبارتند از: دژ قرمزرنگ و مسجد جمعه (جامع) که در سال ۱۶۳۹ بنا گردیده است.
مریلند، ۱۶۴۸
ریچارد بهنت (Richard Benett) به سرپرستی ۴۰۰ـ۶۰۰ نفر از افراد پوریتن جهت پاسداری از مرز پرویدنس (Providence) (آناپولیس (Annapolis)) گمارده شد.
افریقای جنوبی، ۱۶۴۸
بازماندگان کشتی هلندی هارلم (Haarlem) که سال پیش در خلیج تی‌بل (Table) دچار سانحه شده بود، به‌وسیله‌ی مردمان ساکن دماغه‌ی امیدنیک مورد استقبال و پذیرایی قرار گرفتند.
آنگولا، ۱۶۴۸
با تجدید قوا و حمایت دولت برزیل، نیروهای پرتغالی منطقه‌ی لوآندا (Luanda) را از نیروهای هلندی بازپس گرفتند.
انگلیس، ۱۶۴۸
با وجود مخالفت هایی که در سال گذشته علیه اقدامات و تبلیغات جورج فاکس (George Fox) صورت گرفت، وی کمیته‌یی مرکب از دوستان (کواکرها (Quakers)) تشکیل داد.
پاریس، ۱۶۴۸
لویی و آنتوان لونن (Antoine le Nain)، نقاشان فرانسوی، دار دنیا را ترک کردند. در اوایل سال این دو نقاش و برادرشان ماتیو (Mathieu) به عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته شدند. موضوعاتی که آن‌ها بر روی آن کار می‌کردند، کاملاً مغایر با زمینه‌های افسانه‌یی و رمزی بود، بدین معنی که این نقاشان صحنه‌های پیشین را رها کرده و زمینه‌های نوینی برای کار خود در پیش گرفتند. آنان از زندگی ساده‌ی دهقانان، غذای آن‌ها، کارت‌بازی کودکان و جریانات پیش‌افتاده و در ضمن حقیقی زندگانی استفاده می‌کردند که دیگر جنبه‌ی استعاری نداشت.
انگلیس، ۱۶۴۹
جرارد وینستانلی (Gerard Winstanley) اعلام کرد که که برده‌داری خود ثروتی برای جامعه محسوب می‌شود و از آن به‌عنوان ابزار کار می‌توان بهره برد، چون کارهایی از قبیل حفاری معادن نیاز به کارگر ارزان‌قیمت دارد و از برده‌ها می‌توان برای این کار استفاده کرد.
استانبول، ۱۶۴۹
سلطان ابراهیم پادشاه عثمانی، از سلطنت معزول و به‌قتل رسید، بدون این‌که مادرش به این امر توجهی داشته باشد. سلطان محمد چهارم هفت‌ساله به جانشینی وی منصوب شد.
امریکای شمالی، ۱۶۴۹
اجلاسیه‌ی مریلند قطعنامه‌یی را تصویب کرد که در آن به همه‌ی گروه‌های مسیحی اجازه‌ی انجام مراسم و عبادات را اعطا می‌کرد. این تسامح و تحمل مذاهب گوناگون به‌تدریج به خلیج چزاپیک (Chesapeake) و تعدادی زیادی از مهاجرنشین‌ها اعمال شد و مردم از آن استقبال کردند.
پاریس، ۱۶۴۹
سیمون ووئه (Simon Vouet) نقاش دربار لویی سیزدهم که از سال ۱۶۲۷ بدین کار اشتغال داشت، از دنیا رفت. کارهای وی بیش‌تر جنبه‌ی کلاسیک داشت و تعداد بی‌شماری از نقاشان جوان در استودیوی هنری او به آموختن رموز هنر می‌پرداختند. نیکلاس پوسن (Nicolas Poussin) یکی از شاگردان پیشین او و در عین حال بزرگ‌ترین رقیب وی به‌شمار می‌رفت.

نتیجه، روحانیان و کشیشان با علاقه‌ی وافر به کار مشغول شدند.

مسیحیان اسپانیولی، قهرمان دفاع از حقوق سرخ‌پوستان (اسپانیا، ۱۶۱۲):

در نتیجه‌ی نوشته‌جات فرانسیسکو سوآرز *(Francisco Suarez)* درباره‌ی مسیحیت، اختلاف شدیدی بین کلیسا و دولت اسپانیا ایجاد شده است. بر اثر تلاش‌هایی که دولت اسپانیا برای تسخیر قاره‌ی آمریکا و تحت تبعیت قرار دادن بومیان این سرزمین به عمل آورده، حقوق این مردم پایمال گشته است، سوارز به دفاع از حق زندگی آن‌ها پرداخته و پادشاه اسپانیا را مورد سؤال قرار داده و سؤال وی این است که: مگر شاه در مقام قدس پروردگاری است که زندگی بومیان را مورد تهدید قرار داده است.

سوآرز ۶۴ ساله، فیلسوف و عالم الهیات، عقیده دارد تمام قوانین از جانب پروردگار وضع شده و اوست که قادر به‌هر کاری می‌باشد و مانند پدر مهربان، بندگان خود را مورد لطف قرار می‌دهد. شاه هم مانند سایر مردمان، تحت قوانین الهی است و نمی‌تواند این امر را مورد تکذیب و انکار قرار دهد و خداوند چون سایه‌یی بر سرِ حکومت می‌باشد که اگر این سایه و لطف او نباشد، حکومت‌ها فنا خواهند شد.

سوآرز، تمام این حالات را بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که همه‌ی مردم باید در پی خوشنودی پروردگار باشند و او را همواره مدنظر داشته باشند. هیچ فرقی بین سرخ‌پوست و غیر سرخ‌پوست وجود ندارد و همه یکسان آفریده شده‌اند.

سوآرز یکی از پیروان مخلص لوئیس مولینا *(Luis Molina)* استاد مسیحی دانشگاه اِوورا *(Evora)* می‌باشد. او از افکار مولینا درباره‌ی سرنوشت تبعیت می‌کند و معتقد است که تقدیر هر فردی پیش از تولّد معین شده است. به عقیده‌ی سوارز، انسان‌ها یکسان آفریده شده‌اند و بایداز مواهب و عنایات الهی به‌طور یکسان برخوردار شوند و همگان مورد عنایت و لطف او قرار می‌گیرند. وی به این موضوع عقیده ندارد که فردی از افراد بشری از تمام امکانات اجتماعی بهره‌مند شود و این امر یک انتخاب الهی نیست، بلکه از جبر و

فشار سرچشمه می‌گیرد، چون هیچ فردی خطاناپذیر نمی‌باشد. این امر تنها ویژه‌ی پاپ است و پادشاهان از این موهبت برخوردار نیستند.

شاهزاده‌ی موسیقی‌دان که همسر اوّل خود را کشته بود، جان سپرد. (ایتالیا، هشتم سپتامبر ۱۶۱۳):

کارلو گزالدو (*Carlo Gesualdo*)، پرنس آتشین‌خوی وِنوزا (*Venosa*)، که قبلاً همسر خود را به قتل رسانده بود و هنوز هم نمایش‌نامه‌های عاشقانه همراه با موسیقی نشاط‌انگیز اجرا می‌کرد، بدرود حیات گفت. وی در سال ۱۵۹۰ با کشتن همسر و معشوقش، به رسوایی مشهور شد و مورد تقبیح خاص و عام قرار گرفت. در سال ۱۵۹۳، با لئونورا دو اِسته (*Leonora d' Este*) در شهر فرارا (*Ferrara*) ازدواج کرد، در همین اوان او به یکی از نوابغ دنیای موسیقی مبدّل شد و با نوشتن اشعار عاشقانه و آهنگ‌های روح‌انگیز به زودی به شهرت بسیار دست یافت و هم‌چنین با اجرای موسیقی چندصدایی به افتخارات غیرمنتظره رسید. در حالی‌که بین صداها ناهماهنگی وجود داشت، ولی از زیبایی و لطافت خاصی برخوردار بود.

سرانجام بیماری مالیخولیا و احتمالاً ندامت، وی را در یک دژ منزوی ساخت، در حالی‌که موسیقی تنها یار غار وی بود، او امروز در آستانه‌ی پنجاه سالگی درگذشت.

امپراتوری که به گردآوری اشیاء عتیقه می‌پرداخت، از دنیا رفت. (پراگ، ۱۶۱۲):

در پی مرگ رودولف دوّم، پادشاه هابسبورگ، اروپا امسال به موازنه‌ی قدرت رسید و حریفانی که در انتظار به دست آوردن قدرت بودند، به تعادل رسیدند. تنها پادشاهانی به سریر سلطنت تکیه زده‌اند که غیرفعال و بدون تحرّک هستند و این جریان به سود امپراتوری رم تمام می‌شود. در سال‌های اخیر، قدرت پادشاهان اروپایی کاهش یافته و تنها عنوانی برای آنان باقی مانده است. حتا پیش از مرگ رودلف، ماتیاس (*Matthias*)، برادر و جانشین او، به رودلف فشار می‌آورد که در ۵۹ سالگی از سلطنت بوهم کنار رود و زمام امور این سرزمین را به وی بسپارد تا او آن‌چنان‌که میل دارد آنجا را اداره کند. چهار سال پیش، ماتیاس، کنترل سرزمین‌های اتریش، مجارستان و موراوی (*Moravia*) را در دست داشت. او به تدریج زمام قدرت را در هانوور (*Hanover*) به دست آورد و با حمایت خاندانش به حالت خزنده امور اداره‌ی این سرزمین را در اختیار گرفت و رودولف را بی‌خاصیت ساخت و مسؤولیت‌ها را از وی سلب کرد.

یکی از مقامات دربار رودولف می‌گوید که وی دیگر تاب تحمّل نداشت و مقاومت خود را از دست داده بود. قدرت تصمیم‌گیری نداشت و احساس خجالت و شرمساری می‌کرد، چون برادرش در کارها خلل وارد می‌کرد و مزاحم وی بود. در بعضی مواقع، هم‌چون نوکر نسبت به ارباب و آقایش رفتار می‌کرد و نصایح وزرا و کارمندان را می‌پذیرفت. دوستانِ صمیمی وی به او اتّهامات غیرمنصفانه و انتقادات بی‌جا وارد کرده‌اند که پس از ۳۹ سال سلطنت به هنر و علم و دانش روی آورده است، با هنرمندان و مردان تحصیل‌کرده، هم‌چون اخترشناسان و کیمیاگران، مجالست دارد و دربار وی مأمن و مکمن آنان است. رودولف شهر پراگ را بر وین ترجیح می‌دهد و همواره در پی آن است که اشیای عتیقه و نفیس را از سراسر اروپا گرد آورده و مجموعه‌یی نفیس از آن‌ها تهیه کند و بدین‌وسیله سرگرمی جالبی برای خود فراهم کرده است.

پروتستان‌ها در شهر اولستر (*Ulster*) یک مجتمع به‌وجود آورده‌اند. (ایرلند، ۱۶۱۳):

در سال ۱۶۰۷، تعدادی از اِرل‌های پروتستان‌مذهب ایرلندی به شهر اولستر مهاجرت کردند تا در آن شهر یک پایگاه پروتستانی به‌وجود آورند. در حدود نیم میلیون جریب از زمین‌های ایرلند در اختیار کشاورزان برای تولید در نظر گرفته شد که به‌طور تخمین سه هزار جریب آن به کشاورزان انگلیسی و اسکاتلندی عرضه شد که تأسیسات دفاعی در آنجا بنا کنند.

آن دسته از بومیان ایرلندی هم که در جریان شورش‌ها وفاداری خود را نسبت به پادشاه انگلیس ثابت کرده بودند نیز مشمول این عنایات قرار گرفتند و به آن‌ها هم زمین اعطا شد.



فاتحان اسپانیولی، بومیان دنیای جدید را پیش حیوانات درنده می اندازند تا بدن آن ها را پاره کنند.



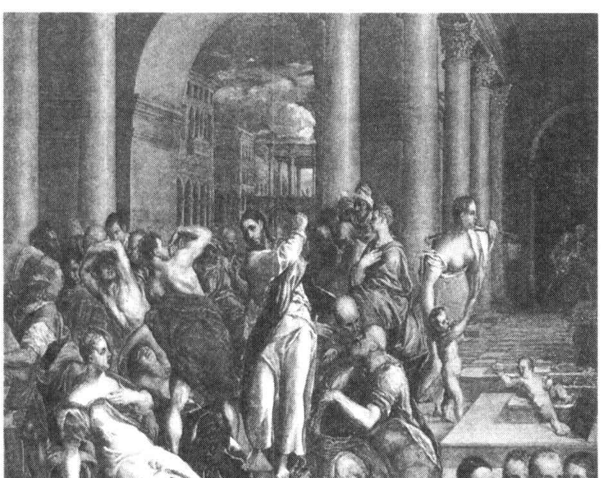
کارلوگزالدو Carlo Gesualdo (نقاشی دیواری)



ماتیاس Matthias به تدریج قصد داشت که قدرت را در دست گیرد.



تصویر زنی زیبا با چشمانی درشت در لباس پوست خز.



مسیح افرادی را که دین خود را در مقابل پول می فروشند، از معبد می راند.

در اجلاسیه پارلمان در دوبلین، تصمیم بر این قرار گرفت که شهر اولستر به‌عنوان پایتخت برگزیده شود و لندن هم با آن موافقت کرد که در این شهر یک پارلمان قانون‌گزاری جهت ایرلند تأسیس نمایند. در عین حال، اعلام شد که یک مرکز شیلات و ماهی‌گیری و قایق‌سازی در دهکده‌ی دری *(Derry)* به‌وجود آید و بدین ترتیب دهکده‌ی دری تبدیل به شهر لندن دری *(London Derry)* گردید.

حکومت لندن اعلام کرد که همه گونه همکاری را با ایرلند انجام خواهد داد، لیکن اسکاتلندی‌ها به‌عنوان اجاره‌دار در ایرلند به اشتغال پرداختند. بدین ترتیب، هزاران نفر مهاجر در آنجا مسکن گزیدند و دولت انگلیس سعی کرد با آن‌ها روابط دوستانه برقرار کند و اصلاحاتی در تمام امور انجام دهد. علاوه بر این، روستاییان ایرلندی از دهقانان انگلیسی و اسکاتلندی در این کار پیش‌قدم شدند و املاک و زمین‌های کشاورزی را از صاحبان آن‌ها به اجاره گرفتند و در مناقصات برنده شدند.

با تنظیم یک جدول نوین، یادگیری علم ریاضی به سهولت گرایید. (اسکاتلند، ۱۶۱۴):

جان ناپیر *(John Napier)*، ریاضی‌دان اسکاتلندی، پس از ۲۰ سال تلاش مداوم و طاقت‌فرسا، با تألیف کتابی درباره‌ی علم ریاضی، انقلابی به‌وجود آورد. این کتاب ۹۰ صفحه‌یی که به نام جدول لوگاریتم *(Mirifici Logarithmorum)* مشهور شده، شامل یک سیستم پیچیده‌یی است که لوگاریتم را هم‌طراز اعداد قرار داده است. مجموعه‌یی از یک، دو یا چند حرف به جای اعداد انتخاب شده و از جمع آن‌ها یک جدول لوگاریتم به‌وجود آمده که محاسبات را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، با جمع‌بندی این حروف می‌توان جواب را پیدا کرد. جدول لوگاریتم می‌تواند ترجمان حقیقی اعداد باشد. با حروف لوگاریتمی، حساب‌های تفریقی را می‌توان انجام داد.

ناپیر با تنظیم این جدول، بهترین کمک را به ستاره‌شناسان، دریانوردان و دانشمندان علم ریاضی انجام داده و چون یک وسیله در دست آنان است. این کتاب بیشترین فروش را داشته است.

یک پسر ۱۶ ساله از سرزمین بیابانی به فرمانروایی رسید. (مسکو، ۲۲ فوریه ۱۶۱۳):

حکومت روسیه که در سال‌های اخیر درگیر انتخاب یک فرمانروا برای روسیه بود، سرانجام با برگزیدن میخائیل رومانوف *(Mikhail Romanov)* این معضل را حل کرد و به سلسله رومانوف‌ها اجازه حکومت داد. رومانوف به وسیله‌ی مجلس نمایندگان زیمسکی سوبور *(Zemsky Sobor)* که از تمام مالکان زمین‌ها تشکیل می‌شود برگزیده شد. این انتخاب به اتّفاق آرا انجام نشد، بلکه به توصیه‌ی همسر اوّل ایوان مخوف که از خاندان رومانوف‌ها بود صورت گرفت. رومانوف ۱۶ ساله هیچ‌گونه تربیت و اصالت زمامداری را ندارد و هیچ‌گاه مسؤولیت مدیریت را نداشته است، بلکه مدّتی در کلیسا به آموختن علوم دینی پرداخته است. پدرش یکی از نجبای مسکو می‌باشد و مدّتی سمت نایب‌السلطنه را داشته است. رومانوف مایل است که در کرملین تاج‌گذاری کند و این در حقیقت امتیازی است که به خاندان رومانوف داده شده است. اگرچه خاندان رومانوف به مقام سلطنت رسیده، لیکن آن‌ها سرزمینی بیابانی را به ارث برده‌اند. نیمی از روستاهای روسیه در نقاط صحرایی و خشک قرار گرفته و بخش عظیمی از مساحت این سرزمین همواره مورد هجوم راهزنان و کوچ‌نشینان و آوارگان است. در عین حال، خزانه‌ی کشور تهی است و دولت رومانوف مجبور شده دست تکدی به سوی یکی از اشراف روسیه دراز کند و از او مقداری وام بگیرد و در عوض معادن نمک و امتیاز ماهی‌گیری در دریاها را به او بدهد و حتی مقداری غله در مقابل پول نقد از مالکان به آن‌ها بدهد، چون برای پرداخت جیره و حقوق ارتشیان و کارمندان دولت نیاز شدیدی به پول دارد. از سویی لهستانی‌ها و سوئدی‌ها هم چشم طمع به بخشی از سرزمین روسیه و مسکو دارند و باید نیروی نظامی را تقویت کرد.

نقّاش تندخو و متعصّب مذهبی، در اسپانیا درگذشت. (تولدو *(Toledo)*، هفتم آوریل ۱۶۱۴):

نقّاش، دومنیکوس تئوتوکوپولوس *(Domenikos Theotokopoulos)* مشهور به یونانی، که برای نخستین بار به اسپانیا آمده بود، امروز در سن ۷۳

لندن، ۳۰ ژانویه ۱٦٤۹
چارلز پادشاه انگلیس را اعدام کردند. این حکم توسط دادگاهی که از اعضای باقی‌مانده‌ی پارلمان تشکیل شده بود، صادر شد. رأی صادره به‌وسیله‌ی توماس پراید (Thomas Pride) که در سال قبل از دارایی‌اش محروم شده بود، امضا و به مورد اجرا گذاشته شد.

پاریس، ۱۱ مارس ۱٦٤۹
عهدنامه‌ی صلح رویل (Raueil) بین انقلابیون، دولت فرانسه و دربار سلطنتی به امضا رسید و بدین ترتیب به نبردی که از سال پیش شروع شده بود، پایان داد.

انگلیس، مارس ۱٦٤۹
پارلمان، حکومت سلطنتی و مجلس لردان را منحل ساخت.

انگلیس، ۱۹ مه ۱٦٤۸
بقایای پارلمان انگلیس، ایالات وابسته را مشترک‌المنافع و استان‌های آزاد اعلام کرد و رهبری و کانون قدرت را در اختیار مجلس عوام قرار داد. این کانون قدرت که قبلاً در اختیار شاه فقید قرار داشت، اینک به ۴۰ نفر اعطا شده که ۳۱ نفر آن‌ها عضو ام.پی.اس (M.P.S) هستند.

ایرلند، ۱۱ سپتامبر ۱٦٤۹
به‌دستور کرامول ۱۵۰۰ نفر از اهالی دروگدا (Dorgheda) اعدام شدند. این افراد از گروه سلطنت‌طلبان و روحانیان کاتولیک بودند. این سیاست ترور و وحشت در تعقیب خون‌ریزی‌های پیشین ادامه‌ی خواهد یافت، زیرا گردانندگان کشور تشنه‌ی خون دشمنان خود هستند.

انگلیس، ۱٦٤۹
جان میلتون (John Milton) در مقاله‌یی وضعیت کنونی کشور را در غیاب شاه و رؤسای صدر اول مورد بحث قرار داد. او مدافع و موافق کشتن چارلز و ازبین‌رفتن رژیم سلطنتی است و توصیه می‌کند به‌جای رژیم قبلی از وزرای لاتین (Latin) در پست‌ها استفاده شود. وی در عین حال به‌طور رسمی از ایالات مشترک‌المنافع پوزش خواست.

سوئد، ۱٦٤۹
ملکه‌ی کریستینا (Christina) پادشاه سوئد، از دانشمندان ریاضی سوئدی که دارای نشان جوراب آبی هستند، در شهر استکهلم (Stockholm) دعوت کرد که برای آشنایی با رنه دکارت (Rene Descartes) فیلسوف اصول‌گرای فرانسوی، جلساتی تشکیل دهند. رنه دکارت اخیراً کتابی به‌نام احساسات و عذاب روح به‌نگارش درآورده است.

اکراین، ۱٦٤۹
قبایل قزاق (Cossacks) به‌رهبری کملنیتسکی (Kmelnitsky)، شهروندان کلیمی را به هلاکت رسانیدند.

فرانسه، ۱۸ ژانویه ۱٦۵۰
پرنس کنده که به‌علت مخالفت و منازعه با ژول مازارن (Mazarin) نخست‌وزیر فرانسه دستگیر شده بود، دومین قیام شاهزادگان را علیه دولت فرانسه رهبری می‌کند.

سوئد، ۱۱ فوریه ۱٦۵۰
رنه دکارت فیلسوف فرانسوی در کاخ ملکه کریستینا در استکهلم جان سپرد. او تقاضا کرده بود که هر روز صبح پنج او را از خواب بیدار کند، زیرا او هر روز در این هنگام بر سر کلاس درس فلسفه حاضر می‌شد، لیکن امروز وی بر اثر سرماخوردگی و بیماری ریوی نتوانست از جا برخیزد و همان‌دم جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. از دکارت همواره این جمله در اذهان باقی‌مانده است: «من فکر می‌کنم، پس من هستم!»

اسکاتلند، سوم سپتامبر ۱٦۵۰
نیروهای انگلیسی به فرماندهی کرامول، ارتش عالی اسکاتلند را به سرپرستی دیوید لسلی (David Leslie) در جنگ دون‌بار (Dunbar) شکست دادند و بدین ترتیب اسکاتلند به اطاعت درآمد.

کانکتیکت، ۲۹ سپتامبر ۱٦۵۰
پیتر استوی وسان (Peter Stuyvesant)، فرماندار هلند جدید، پیمان مرزی با کنفدراسیون انگلیس بست. انگلیس قبلاً ادعای مالکیت لانگ‌آیلند (Long Island) و کانکتیکت (Connecticut) را داشت.

سالگی دنیا را ترک کرد. وی پیرو مذهب کاتولیک و به شدّت طرفدار قدرت کلیسای رم بود.

او در شهر کاندیا (*Candia*)، واقع در جزیره‌ی کرت به دنیا آمد و بعداً به شهر ونیز رفت و برای تعلیم هنر نقّاشی به خدمت تیت‌یان (*Titian*) درآمد. سپس به نزد حاکم شهر تولدو (*Toledo*) در اسپانیا شتافت که وی دومنیکوس را به عضویت شورای این شهر منصوب نمود. ال گرکو (*El Greco*) یا یونانی، در سال ۱۵۶۷ برای گذران امور زندگانی به کار اصلی خود که نقّاشی کلیسا بود پرداخت و محراب‌های کلیسا را با تصاویر خود به نحو بسیار زیبایی آراست. او بیشتر از رنگ‌های روشن به‌ویژه رنگ آبی ملایم استفاده می‌کرد.

خطوط جنگی در قاره‌ی اروپا تنظیم می‌شود. (آلمان، ۱۶۱۴):

با آمادگی جنگی شاهزادگان پروتستان آلمانی با فرقه‌ی کاتولیک، اروپا در انتظار پیکاری نفس‌گیر به سر می‌برد و به‌نظر می‌رسد این جنگ تمام این قاره را در خود غرق خواهد ساخت. فرقه‌های مختلف برای خود ارتش خصوصی تشکیل داده و جبهه‌ها مشخّص و خطوط هر طرف تعیین شده و در سراسر ایالات آلمان حالت آماده‌باش برقرار است.

در تمام شهرهای پروتستان‌نشین شمالی، حصارهای دفاعی ایجاد شده، خندق‌هایی کنده‌اند و دژها و قلاع بلند سر به فلک کشیده ساخته‌اند. در راین‌لند (*Rhineland*) و باواریا (*Bavaria*) کاتولیک‌ها وضع فوق‌العاده اعلام کرده و مردم را به حالت آماده‌باش درآورده‌اند، به‌نظر می‌رسد تمام سرزمین آلمان به یک میدان جنگ تبدیل شده است.

با این وصف گفت‌وگوهای سیاسی برای جلوگیری از جنگ در ایالت پروتستان‌نشین آن‌هالت برنبورگ (*Anhalt-Bernburg*) جریان دارد.

فرمانروایان ایالات پروتستان هم مذاکراتی را برای اتّحاد و ائتلاف تمام پروتستان‌های اروپایی جهت نبرد با کاتولیک‌ها آغاز کرده‌اند که این جریان در تمام قرن بی‌سابقه می‌باشد. مذاکرات با دولت‌های انگلیس و

فرانسه در ابتدا به پیشرفت‌هایی رسیده بود، لیکن جیمز پادشاه انگلیس، سرانجام موافقت کرد که با شش ایالت پروتستان آلمان پیمان همکاری نظامی به بندد و حتی هلند و دانمارک را هم تشویق کرد که شبیه همین قرارداد را با پروتستان‌ها منعقد کنند.

در این حال، لوئی سیزدهم پادشاه فرانسه، احساس می‌کند که از هر سو مورد تهدید است، چون اسپانیا درگیر اغتشاشات و شورش‌های داخلی هلند می‌باشد و قدرت خود را از دست داده و فرانسه سخت از آن بیم دارد که در مقابل دشمنان پروتستان تنها بماند و از هر سو در محاصره‌ی آن‌ها قرار گیرد. از سوی دیگر، کشورهای حامی پروتستان، مانند هلند، دانمارک، سوئد، انگلیس و ایالات پروتستان‌نشین فرانسه در شمال اروپا و حتا روسیه، استراتژی جنگی خود را علیه اسپانیای کاتولیک و بخش اعظم ایالات ایتالیایی و هابسبورگ در جنوب مشخّص ساخته و خطوط مبارزه را تعیین کرده، یعنی در واقع به دو جناح شمالی و جنوبی تقسیم شده‌اند.

فرمانروای ژاپن کشته شد و دژ عظیم دفاعی کشور سقوط کرد. (ژاپن، چهارم ژوئن ۱۶۱۵):

استحکامات عظیم شهر اوزاکا *(Osaka)*، پس از شش ماه محاصره توسط ارتش ایاسو *(Ieyasu)*، که در طی آن لشگریان طرف مقابل با شقاوت و بی‌رحمی‌ها روبه‌رو شده بودند و تلفات بی‌شماری را متحمل شدند، سقوط کرد و سپاهیان ایاسو آن را به آتش کشیدند. هایدیوری *(Hideyori)*، فرمانده‌ی مدافعان این دژ و هایدیوشی *(Hideyoshi)* که دستور ساختمان آنجا را داده بود، در حریق ایجاد شده خودسوزی کردند و به خاکستر تبدیل شدند.

ایاسو هم‌چنان‌که در امور جنگی پیروزی به دست می‌آورد، در عین حال، سیاستمداری محیل و زیرک به‌شمار می‌رفت. در ماه ژانویه، او با ایجاد اختلاف بین مدافعان، به آن‌ها پیشنهاد صلح کرد و به زودی پیمان صلح امضا شد و به نیروهای نظامی دستور داد که دژ بزرگ را ویران نمایند.

در ماه مه، ایاسو به دنبال پیروزی قبلی، در تلاش تسخیر شهر برآمد، لیکن مدافعان با وجود روحیه‌ی مأیوس خود و ناامید از پیروزی، به جنگ ادامه دادند، لیکن ایاسو سربازان دشمن را به بیرون از حصار شهر کشانید و به آنان حمله‌ور شد. دروازه‌ی شهر را طعمه‌ی حریق ساخت و مدافعان شهر تسلیم شدند و در نتیجه ایاسو به فرمانروایی تمام ژاپن رسید.

یک مرد انگلیسی از دربار مغول گزارش می‌دهد. (اگرا، هندوستان، دهم ژانویه ۱۶۱۵):

سر توماس رو *(Sir Thomas Roe)*، نخستین سفیر انگلیسی، در دربار امپراتور جهانگیر، فرزند فاسد و هرزه‌ی اکبر، شاه بزرگ هندوستان رسید. او می‌نویسد: کاخ امپراتوری، بسیار با عظمت و شکوهمند است و همه روزه در آن میهمانی برپاست و به عناوین مختلف جشن و ضیافت برقرار است. وی در صدر تالار بزرگ بارعام نشسته و تندیس چوبی یک فیل بزرگ بر بالای سر او قرار دارد و دو نفر از خدمتگزاران مشغول باد زدن او هستند. رو *(Roe)* از کرنش و دست‌بوسی جهانگیر خودداری ورزید و مانند رسم پادشاهان اروپایی، هدایای نفیسی تقدیم جهانگیر نمود. رو هدایایی را که شامل چندین مینیاتور و صندوقی پر از شراب مورد علاقه‌ی او بود از جانب جیمز پادشاه انگلیس به امپراتور عرضه کرد. موضوعی که او را رنج می‌داد، این بود که چگونه این پادشاه بی‌تدبیر و حقیر مغول، خود را ارباب بقیه‌ی دنیا تصوّر می‌کند.

رو ۳۵ ساله، عضو پارلمان انگلیس از تامورث *(Tamworth)* در ماه مارس، انگلیس را ترک گفت و در ماه مارس ۱۶۱۴ به بندر سورات *(Surat)* واقع در ساحل غربی هند رسید و در ۲۶ سپتامبر به دربار مغول بار یافت. وی نخستین سفیر انگلیس نیست که به دربار مغول می‌رسد. در هفت سال قبل، ویلیام هاوکینز *(William Hawkins)* به خاطر تشکیل کمپانی هند شرقی مذاکراتی را با جهانگیر انجام داد. هاوکینز زبان ترکی را به روانی صحبت می‌کرد و با ایجاد صمیمیت و دوستی با جهانگیر، اغلب با او مجالست می‌کرد و به مشروب‌خواری می‌پرداخت و در ضمن به مذاکرات خود درباره‌ی تأسیس کمپانی هند شرقی ادامه می‌داد و در هنگام بازگشت به وطن دست‌آورد سیاسی مهمّی با خود به همراه برد. هیأت اعزامی به سرپرستی رو، مذاکرات مفیدی درباره‌ی روابط دو کشورانجام داد.

هلند، ششم نوامبر ۱۶۵۰
ویلیام اورانژ (William Orange) بر اثر ابتلا به بیماری آبله فوت شد. به‌رغم پیمان صلح وستفالی (Westphalia) وی در نظر داشت جنگ با اسپانیا را از سر گیرد و حتی تلاش می‌کرد که در نبردهای بین‌شهری انگلیس به نفع شاه دخالت کند، زیرا ماری دختر او در سال ۱۶۴۱ با چارلز ازدواج کرده بود. در سال‌های آخر عمر، ویلیام اورانژ پشتیبانی پارلمان را از دست داد، چون او بیش از حد به دیکتاتوری روی آورده بود و بیش از اندازه در سیاست خارجی خودمحوری خویش را آشکار می‌ساخت و به حقوق دیگران تجاوز می‌کرد.

اسکاتلند، ۱۹ دسامبر ۱۶۵۰
دژ ادینبورو (Edinburgh) تسلیم کرامول (Cromwell) شد.

میشیگان *(Michigan)*، ۱۶۵۰
آخرین هیأت عیسوی هورون (Huron) در پی تخریب شهر و اذیت و آزار ساکنان آن به‌وسیله‌ی ایرکوا (Iroquois) و تاخت و تاز وی، شهر را ترک کردند.

هندوستان، ۱۶۵۰
کمپانی بریتانیایی هند شرقی یک پایگاه تجارت در هوگلی (Hughli) بنگال تأسیس کرد.

هندوستان، ۱۶۵۰
معبد عظیم و مجلل شیوا (Shiva) (چهارمین خدای مسیح هندو) که ویران شده بود، در شهر مادورای (Madurai) ساخته شد. هم‌چنین مسجد مروارید را هم در شهر اگرا (Agra) بنا کردند.

رم، ۱۶۵۰
دیه‌گو ولاسکوئز (Diego Velasquez) تابلوی نقاشی باغ‌های ویلای مدیچی (Medici) را به‌اتمام رسانید و تمثال پاپ اینوسان (Innocent) دهم را ترسیم کرد و بالاخره تابلوی ونوس (Venus) در آینه را در حالت برهنه کشید.

آلمان، ۱۶۵۰
پس از گذشت سی سال از انعقاد پیمان وستفالی (Vestphalia) که پس از گفت‌وگوهای مفصلی که بین امپراتوری و سوئد در نورمبرگ (Nuremberg) به امضا رسیده بود، جنگ بار دیگر آغاز شد.

آنگولا، ۱۶۵۰
پرتغالی‌ها تمام سواحل آنگولا را از هلندی‌ها بازستاندند.

انگلیس، ۱۶۵۰
فینه‌آ فلشر (Phineas Fletcher) شاعر انگلیسی، از جهان رفت. اشعار وی درباره‌ی جزیره‌ی ارغوانی یا جزیره آدمی به‌یادگار مانده، وی در این منظومه‌ی شعری، وجود جزیره‌یی که از استخوان‌های مردگان ساخته شده و در آن رودخانه‌یی از شراب جاری است را شرح می‌دهد.

آلمان، ۱۶۵۰
گئورگ کالیکستوس (Georg Calixtus) عالم الهیات، رساله‌یی درباره‌ی مذاهب نوشت و سعی کرد که بین طرفداران لوتر (Lutherans) و کالون (Calvinists) آشتی صورت گیرد.

ایتالیا، ۱۶۵۰
پدر ریکیولی (Father Riccioli) و گریمالدی (Grimaldi) منجمان ایتالیا، نقشه‌ی کره ماه را کشیدند.

انگلیس، ۱۶۵۰
هنری وگان (Henry Vaughan) شاعر صوفی‌مسلک انگلیسی، مجموعه اشعار خویش به‌نام سیلکس اسکین‌تیلان (Silex Scintillans)، که حاوی عقاید مذهبی ادیان مختلف است را انتشار داد.

افریقای شرقی، ۱۶۵۰
سلطان عمان نیروهای پرتغالی را از بنادر سواهیلی (Swahili) واقع در سواحل شرقی افریقا بیرون راند.

فرانسه، ۱۶۵۰
پی‌یر کورنل (Pierre Corneille) نمایش‌نامه‌ی آندرومد (Andromede) را به روی صحنه آورد.

هلند، ۱۶۵۰
یوست وان دل فوندل (Joost Van den Vondel) شاعر هلندی، اشعاری راجع به ظرافیت شعر هلندی سرود. وی یکی از ثروتمندان بزرگ شهر آمستردام (Amsterdam) بود و در اوقات فراغت قصایدی هم می سرود.

انگلیس، ۱۶۵۰
جان میلیتون (John Milton) در کتاب «دفاع مردمی در انگلیس» درباره‌ی ظرفیت دفاعی کرامول (Cromwell) مطالبی را بیان کرده است.

انگلیس در آن زمان یک قدرت تجاری و دریایی مهمّی به‌شمار می‌آمد.

جهانگیر هم برای حمایت زائران مکه، پشتیبانی دولت پرتغال را کسب کرده بود و کشتی‌های پرتغالی این زائران را از اقیانوس هند به سواحل بحر احمر حمل می‌کردند. دولت انگلیس هم به بازار بزرگی برای فروش محصولات صنعتی خود نیاز داشت که به‌طور مستقیم آن را بفروشد و هند یکی از طعمه‌های چرب و نرم محسوب می‌شد.

با اجرای نمایش‌نامه‌های کمدی و ترسناک، ازدحام شهر لندن را فرا گرفت. (لندن، اوّل نوامبر ۱۶۱۴):

رویدادهای روزانه‌ی شهر لندن و زندگانی مردم طبقه‌ی فقیر، نوشته‌ی بن جانسون *(Ben Jonson)*، شرح واقعه‌ی بارتولمی *(Bartholomew)*، دیروز در تئاتر بزرگ هوپ *(Hope)* نمایش داده شد که سخت مورد استقبال قرار گرفت و مقرّر شد که امشب در وایت‌هال *(Whitehall)* در حضور جیمز شاه انگلیس مجدداً به روی صحنه بیاید. این آخرین ضربه‌یی است که به موقعیت شهر وارد می‌آید و نمایش‌نامه‌یی است در ظاهر کمدی و در واقع سراسر خوف و وحشت که بر جامعه حکم‌فرماست.

نمایش کمدی جدید جانسون که در منطقه‌ی اسمیت فیلد *(Smithfield)* به روی صحنه آمد و باعث شادی و سرور بینندگان گردید، حاکی است که عدّه‌یی از شهروندان پول‌پرست و طمّاع، که تنها به فکر منافع مادی و گردآوری مال و منال هستند، با ریاکاری و چاپلوسی و مداهنه، در تلاش جمع‌آوری ثروت بیشتر می‌باشند و همواره در پی حیله‌گری و دغل‌بازی هستند.

بن جانسون که در ابتدا به شغل بنّایی اشتغال داشت، در ابتدا در نقش یک مرد شوخ‌طبع و ساده‌لوح با همکاری شکسپیر آغاز کرد و سخت مورد توجّه واقع شد. جانسون به زودی در نمایش‌نامه‌ها نقش خود را تغییر داد و کیمیاگران را مورد استهزا و انتقاد قرار داد. جان وبستر *(John Webster)* که خود را برای نخستین بار در نقش دوشس مالفی *(Duchess*



کاپیتان ایاسو Ieyasu، به همراه هوندا تاداموتو Honda Tadamoto با کلاه شاخدار در نبرد جهت تسخیر بندر اوزاکاOsaka.



یک اروپایی در دربار مغول.



پوکاهونتاسPocahontas، درخواست می کند که اسمیت Smith مورد بخشش قرار گیرد و زندگی خود را بازیابد.



ساختمان مسجد جامع و باشکوه کبود در شهر استانبول که به فرمان احمد سلطان عثمانی و معماری محمدآقا تکمیل شد. دکوراسیون و تزئینات این مسجد بانظارت وزیر دربار سلطان صورت گرفت، زیرا وی تمام برنامه ها را متمرکز کرد و این کار هنری را به انجام رسانید.

انگلیس، ۱۶۵۰
ریچارد باکستر (Richard Baxter) دشمن و مخالف روحانیت مسیحی، کتابی به نام «خواب ابدی قدیسان» را به رشته‌ی تحریر درآورد.
انگلیس، ۱۶۵۰
نخستین قهوه‌خانه در شهر آکسفورد (Oxford) گشایش یافت.
انگلیس، ۱۶۵۰
انگلیسی‌ها برای اولین‌بار چای می‌نوشند.
اسکاتلند، یکم ژانویه ۱۶۵۱
بزرگ‌ترین پسر چارلز فقید به نام چارلز دوم در شهر اسکون (Scone) تاجگذاری کرد.
بوستون، ژوئیه ۱۶۵۱
دو نفر از سران فرقه‌ی باپتیست بدون محاکمه و قضاوت به جهت این‌که برحسب عقیده‌ی رهبران مذهبی مانع اقتدار مذهب در این ایالت شده بودند، دستگیر و زندانی شدند. یکی از آن‌ها به‌نام اوبادیا هولمز (Obadiah Holmes) اغلب خیابان‌ها را جاروب و تمیز می‌کرد.
انگلیس، سوم سپتامبر ۱۶۵۱
نیروهای نظامی کرامول چارلز دوم را در ناحیه‌ی ورسستر (Worcester) شکست دادند.
لندن، نهم اکتبر ۱۶۵۱
پارلمان انگلیس طی قانونی به نیروهای دریایی و ناوگان انگلیس اجازه داد که تلاش کنند بر ناوگان هلندی در دریاها امتیاز تجاری کسب کنند و بر کشتی‌های هلندی فایق آیند. طبق قانون جدید تمام کالاهای تجاری و لوازم دیگر از سراسر دنیا و مهاجرنشینان بایستی به‌وسیله‌ی کشتی‌های انگلیسی و جاشویان این کشور صورت گیرد و در صورتی‌که دریانوردان انگلیسی به تعداد لازم در دسترس نبودند، حداکثر می‌توانند از کارگران خارجی به‌اندازه‌ی نصف آن‌ها استفاده کنند.
ماساچوست، ۱۴ اکتبر ۱۶۵۱
طبق قوانین تازه، افراد فقیر هم حق ندارند با لباس‌های زننده که باعث منظره‌ی زشت شهر می‌شود، در معابر رفت‌وآمد کنند.
انگلیس، ۱۷ اکتبر ۱۶۵۱
چارلز دوم بر اثر شکستی که خورده بود، به فرانسه گریخت.
بوستون، ۲۵ دسامبر ۱۶۵۱
قانون عمومی مالیات بر درآمد مقرر کرد که در روز کریسمس از تمام افراد مبلغ پنج شیلینگ به‌عنوان مالیات دریافت شود.
پاریس، دسامبر ۱۶۵۲
ژول مازارن (Jules Mazarin) نخست‌وزیر فرانسه، از افرادی که در ماه فوریه طبق مصوبه‌ی پارلمان از کشور اخراج شده بودند، درخواست کرد به فرانسه بازگردند تا با تعداد هفت‌هزار سرباز تازه‌استخدام‌شده به مرز آلمان بروند. وی قصد دارد که آن‌ها را برای سرکوب شورش حزب فروند (Fronde) که علیه مازارن به رهبری پرنس کنده (Conde) برپا شده، اعزام دارد.
ویرجینیا، ۱۶۵۱
آنتونی جانسون (Anthony Johnson) یکی از سیاهان آزادشده، با کمک پنج نفر از نوکران سیاه‌پوست کمیته‌یی در ساحل رود پونگوتیگ (Pungoteague) تشکیل داد.
ویرجینیا، ۱۲ مارس ۱۶۵۲
ویلیام برکلی (William Berkeley) فرماندار سلطنت‌طلب مهاجرنشین ویرجینیا، تعدادی از جنگجویان را به یاری پارلمان فرستاد، وی خودش از قوانین جدید کشور اطاعت می‌کرد.
افریقای جنوبی، هشتم آوریل ۱۶۵۲
افراد ناوگان دریایی هلند با ایجاد پایگاه نظامی در خلیج تی‌بل (Table) با سران خویزان(Khoisan) ملاقات کردند. دو نفر از آن‌ها نام‌های خود را تغییر داده و به هاری (Harry) و دونان(Donan) نامیده می‌شدند و به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند.
رودایلند، ۱۸ مه ۱۶۵۲
طبق قانون مصوبه‌ی اخیر، تجارت برده در مهاجرنشین‌ها ممنوع شد، لیکن این موضوع به مذاق بازرگانان برده خوشایند نبود و جنبشی علیه آن به‌وجود آورد.
انگلیس، ۲۱ ژوئن ۱۶۵۲
اینی‌گو جونز (Inigo Jones) بزرگ‌ترین معمار زمانه، درگذشت. وی یادگارهای چندی از خود به‌جا گذاشت. ازجمله کاخ ملکه در گرینویچ (Greenwich)، تالار پذیرایی بزرگ وایت‌هال (Whitehall) و هم‌چنین مهمان‌سرای لینکلن (Lincoln) در کاونت گاردن (Covent Garden). او همین‌طور تماشاخانه‌یی برای اجرای نمایش‌های بالماسکه را برای جیمز پادشاه انگلیس بنا کرد و سن‌های گردان را برای تماشاگران بوجود آورد.

(Malfi) در سال گذشته معرفی کرد، شاعری است که شعرهای ترسناک و وحشت‌انگیز می‌سرود، لیکن از قوه‌ی ابتکار خارق‌العاده‌یی برخوردار بود و همه‌گونه رُل جدید را به خوبی اجرا می‌کرد.

دوشس مالفی که مدّت‌ها سخت تحت شکنجه و آزار قرار داشت، در راه ازدواج با مباشر خود کشته شد. او خود را با رؤیاهای تیره و مبهم خویش زجر و آزار می‌داد. ویتوریای *(Vittoria)* فاحشه که در حقیقت یک دیو سفید بود، هنگامی‌که معشوقش با زهر کشته شد، وی خود را با زره‌ی او خفه کرد، چون آخرین حکم روحی به او امر کرد که خودش را نابود کند. سایر مؤلفان هم نوشته‌جاتی در باب روح دچار ترس و وحشت به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، از جمله تراژدی سیریل تورنر *(Cyril Tourneur)* که نشان می‌دهد دوک حسود و هرزه حاضر است با یک بوسه و هم‌بستر شدن با دوشس فاسد، جان خود را نثار کند.

شکسپیر در داستان تیتوس آندرونیکوس *(Titus Andronicus)* نشان می‌دهد، مادری با گوشت بدن پسران خود، شیرینی و کلوچه درست کرده و آن‌ها را می‌خورد. اغلب مؤلفان هم‌چون توماس میدلتون *(Thomas Middleton)* سیریل تورنر، جان مارستون *(John Marston)*، جورج چاپمن *(George Chapman)* و توماس دکر *(Thomas Dekker)*، اغلب موارد با هم همکاری و تشریک مساعی دارند. در کنار آن‌ها بی‌ئومونت *(Beaumont)* و فله‌چر *(Fletcher)* و حتا شکسپیر برای تنبیه کردن مردم و جلوگیری از مفاسد اجتماعی، تمام زوایای بدکرداری را نشان می‌دهند تا شاید اجتماع را از آلودگی‌ها مبرّا سازند و خود را واسطه‌ی کارهای زشت و قبیح با مردم قرار می‌دهند.

عامل آتش زدن و کشتن یهودیان اعدام شد. (فرانکفورت، ۲۸ فوریه ۱۶۱۶):

وینسنت فت‌میلش *(Vincent Fettmilch)*، رهبر حمله به محله‌ی کلیمی‌ها و آتش زدن آن‌ها در دو سال پیش، امروز با هواداران‌ش به دستور امپراتور ماتیاس اعدام شدند.

این حمله به سبب یک داستان ساده و جعلی ضدّ یهود صورت گرفته که، یهودیان را مسبّب شیوع بیماری طاعون می‌پندارند و این پندار از سال ۱۴۶۲ در بین جوامع جا افتاده و سبب شد که محله‌ی یهودیان (گتو) فرانکفورت ، در همان سال مورد هجوم قرار گیرد. یک مثال کوچکی که نشانه‌ی تحریکات و حملات ضدّ یهودی می‌باشد، آن‌که، بر دروازه‌ی شهر بروکن تورم *(Bruckenturm)*، نقاشی‌های تحریک‌آمیز بر ضدّ جوامع یهودی ترسیم شده و مردم را وادار به حملاتی بر علیه آن‌ها می‌کند. این نقّاشی‌ها بهانه به دست یهودیان می‌دهد که آن‌ها خود را همواره مظلوم جلوه دهند، مردگان خود را شهید معرفی کنند، مانند سیمون *(Simon)* اهل شهر ترنت *(Trent)* که در سال ۱۴۷۴ کشته شد. یهودیان درخواست کرده‌اند که این نقّاشی‌ها را از در و دیوار محو کنند. لیکن حکومت تقاضای آن‌ها را رد کرده است. اغلب گروه‌های مردمی، این جریانات را به‌عنوان تهمت و افترا تلقّی می‌کنند و معتقدند که یهودیان مردمی پارسا و پرهیزکارند و این‌ها را به کلّی تهمت می‌پندارند، لیکن به‌هر حال، یهودیان هر کشوری تحت انقیاد و آزار و اذیت قرار دارند.

یک زن دلاور سرخ‌پوست آمریکایی، به ملاقات جیمز رفت. (لندن، ۱۶۱۶):

یک شاهزاده خانم سرخ‌پوست، در میهمانی، با کالسکه‌ی بن جانسون به خدمت جیمز پادشاه انگلیس رسید. او ده سال پس از آن‌که زندگانی جان اسمیت کاشف انگلیسی را نجات بخشید و مدّتی به او جا و مکان و غذا داد و حتا او را در ایجاد مستعمرات انگلیسی در جیمزتاون *(Jamestown)* و ویرجینا یاری داد، به‌عنوان یک زن قهرمان معرفی شد. در سال ۱۶۱۴، پروکاهونتاس *(Procahontas)*، با جان رولف *(John Rolf)*، از اهالی جیمزتاون *(Jamestown)*، ازدواج کرد و به مذهب باپ‌تیست درآمد و نام خود را هم ربه‌کا *(Rebecca)* گزارد.

در ابتدا پدر ربه‌کا که رییس طایفه‌ی آلگونکین *(Algonquin)* بود، به نبرد با اهالی آنجا پرداخت، امّا پس از ازدواج دخترش با یک انگلیسی، روابط قبیله‌ی او با اهالی مستعمره‌ی ویرجینا اصلاح شد و دشمنی‌های سابق به دوستی مبدّل گشت.

مردان وابسته به امپراتور، از پنجره به داخل قصر پریدند. (پراگ، ۲۳ مه ۱۶۱۸):

امشب سه نفر مرد، عجولانه از پنجره به داخل پریدند، در حالی‌که تکرار می‌کردند: پرش از پنجره. دو نفر از این مردان به اسامی مارتینیز *(Martinitz)* و اسلاواتا *(Slavata)*، افسران وابسته به پادشاه بوهم فردیناند، که فردی متعصّب و دشمن اصلاحات دینی، بودند. نفر سوّم، منشی دربار فردیناند بود که متأسفانه در اثر اشتباهی دچار وحشت و هراس شده بود و در جست‌وجوی راه فراری برای اقوام خود بود.

چون فرماندار انتصابی فردیناند، اجازه‌ی ساختن دو کلیسای لوتری را به پروتستان‌ها نداده بود، فردیناند از حمله‌ی پروتستان‌ها در هراس به سر می‌برد. کنت تورن *(Count Thurn)*، رهبر پروتستان‌ها، از تمام اشراف و ساکنان قصبات سراسر آلمان، برای یک جلسه‌ی فوق‌العاده در خصوص کشتن این دو نفر دعوت کرد. مارتینیز در ابتدا از مریم مقدّس درخواست کمک کرده بود، امّا اسلاواتا در برابر آنان دست به مقاومت زد و به شدّت جنگید و سرانجام بی حس بر زمین نقش بست، لیکن او هم از خداوند و مریم کمک طلبید. گروهی از پروتستان‌ها به خیال این‌که آن‌ها جان داده‌اند، آن‌ها را به روی توده‌یی از زباله و اشغال رها کردند، در حالی‌که هر سه زنده مانده بودند. مارتینیز فرار کرد و اسلاواتا هم توسط کنتس تورن از مرگ نجات یافت.

روسیه نتوانست کنترل دریای بالتیک را به دست آورد. (روسیه، نهم مارس ۱۶۱۷):

امروز با میانجی‌گری دولت انگلیس و وامی که به روسیه داد، به سال‌ها جنگ میان سوئد و روسیه پایان داده شد و قرارداد صلح استولبوو *(Stolbovo)* امضا شد. روسیه با پرداخت ۲۰ هزار روبل به سوئد. آن دولت را راضی کرد که ناحیه‌ی نووگرود *(Novgorod)* و دیگر نقاط شمال روسیه را تخلیه نماید و از ادعای خود نسبت به تاج و تخت روسیه چشم‌پوشی کند. با این

ماساچوست، ۲۹ ژوئن ۱۶۵۲
پوریتن‌ها به رهبری کمیته‌های مذهبی مجتمع ماساچوست، پارلمان انگلیس را به مبارزه خواندند و اعلام کردند که این ایالات مستقل است و جزو ایالات مستقل مشترک‌المنافع می‌باشد.
فرانسه، ۲۲ ژوئیه ۱۶۵۲
قیام فروند تحت رهبری پرنس کنده توانست نیروهای مازارن صدر اعظم سلطنت‌طلب را در سن مارتین (St Martin) نزدیک پاریس به شکست اندکی دچار سازد.
پاریس، ۲۱ اکتبر ۱۶۵۲
نیروهای سلطنتی که در جنگ علیه قیام‌کنندگان فروند درگیر بودند، به پاریس وارد شدند و مورد استقبال ملکه آن نایب‌السلطنه و لویی چهاردهم که ۱۴ ساله بود، قرار گرفتند.
افریقای جنوب شرقی، ۱۶۵۲
مونهوموپاتا مانوزا (Muhumutapa Manuza) درگذشت و کازور کو موزاپا (Kazuruku Musapa) یکی از اعضای خاندان سلطنتی که مذهب دومی‌نیکن (Dominican) را نپذیرفته بود، به سلطنت رسید.
اسپانیا، ۱۶۵۲
اهالی شهر سویل (Seville) به‌علت کمبود درآمد و اقتصاد بد که در نتیجه‌ی رکود تجارت با امریکا پیش آمده بود و هم‌چنین خسارات سنگین طاعون سال ۱۶۴۹، دست به قیام زدند.
فرانسه، ۱۶۵۲
یک نوع رقص ظریف و زیبا که سه یا چهار بار در صحنه اجرا شده بود. در بین طبقه‌ی اشراف بسیار مورد استقبال قرار گرفت.
انگلیس، ۱۶۵۲
در پی نبرد گاهگاهی که در سال گذشته بین ناوگان هلند و انگلیس روی داد، دولت انگلیس به هلند اعلان جنگ داد. این اعلان جنگ در پی واقعه‌یی روی داد که هلندی‌ها به نواحی تحت سلطه‌ی انگلیس نزدیک شدند و به اخطار آن‌ها توجهی نکردند. این عملیات دریایی مخصوصاً زمانی به‌وقوع پیوست که ناوگان تجاری هلند به ناوگان انگلیس نزدیک و با تولید مزاحمت برای آن‌ها، مانع رفت‌وآمد ناوگان انگلیس شدند، در حالی‌که این کار آن‌ها برخلاف قوانین بحرپیمایی بود.
باربادوس، ۱۶۵۲
فرماندار باربادوس (Bardados) از کمبود درآمد این جزیره که به‌سبب تحریم تجاری با مهاجرنشینان که توسط پارلمان وضع شده بود، شکایت کرد.
افریقای غربی، ۱۶۵۲
سلطنت‌طلبان انگلیسی، جمهوری‌نشین واقع در ساحل رود گامبیا (Gambia) را ویران کردند.
پاریس، سوم فوریه ۱۶۵۳
کاردینال ژول مازارن که از بیم انقلابیون فروند در دو سال پیش از پاریس فرار کرده بود، به پایتخت بازگشت.
لندن، ۲۰ آوریل ۱۶۵۳
سربازان کرامول (Cromwell) بقایای پارلمان را هم تخریب کردند، ام.پی.اس که از سال ۱۶۴۸ و زمانی‌که افتخارات آن از بین رفته بود، اعلام کرد که به ایالات مشترک‌المنافع پیوسته است. کرامول به آن‌جا رفت تا خرابی‌های آن را مشاهده کند.
رم، ۳۱ مه ۱۶۵۳
پاپ اینوسان (Innocent) دهم، پنج نفر از پیروان یانسن از جمله نیکلاس کورنت (Nicolas Cornet) استاد دانشگاه سوربون (Sorbonne) پاریس را تکفیر کرد. پیروان یانسن (Jansenism) که در حقیقت به پاکی و خلوص نیّت و اصلحات اخلاقی معتقد بودند با اقتدار کلیسای رم و به‌ویژه با شخص پاپ مخالف بودند.
سویس، هشتم ژوئن ۱۶۵۳
آخرین سری از شورش‌های دهقانان در نزدیک برن (Berne) سرکوب شد، این قیام از شهر لوسرن (Lucerne) آغاز شده بود. اهالی روستاها به افزایش مالیات‌ها اعتراض داشتند و خواستار کاهش آن بودند و در مقابل گروگذاری و ودیعه‌های آن مقاومت می‌کردند، به‌طوری‌که این شورش به ایالات مجاور نیز کشیده شده بود.

وصف سوئد در سواحل جنوبی فنلاند باقی خواهد ماند، تا متصرفات خود را در استونی *(Estonia)* زیرنظر داشته باشد، در حالی‌که دولت مسکوی پایگاه‌های خود را در کرانه‌ی دریای بالتیک از دست داد و به آن دریا دسترسی نخواهد داشت و دوران وحشتی را که توسط بوریس گودانف برای مردم شهرهای سواحل بالتیک به‌وجود آورده بود، پایان یافت، چون طبق توافق انجام شده، ساحل بالتیک از تصرّف روسیه خارج شد.

اکنون تزار میخائیل رومانوف، درگیر مسائل بین روسیه و لهستان است.

به فرمان شاه، مسجد بزرگی در پایتخت ایران بنا شد. (اصفهان، ۱۶۱۷):

یک مسجد سلطنتی به نام مسجد شاه که از زیباترین و بزرگ‌ترین مساجد می‌باشد، به امر شاه عباس صفوی در شهر مجلّل و باشکوه اصفهان ساخته شد. این مسجد در میدان وسیع شهر به نام میدان نقش جهان ساخته شده که به‌طور مستقیم به چهارباغ ختم می‌شود. محیط و پیرامون شهر ۳۸ کیلومتر است و بیش از یک میلیون نفر در آن سکونت دارند و نمونه‌یی از یک شهر شاهنشاهی است که طبق دستور شاه ایجاد شده است. کاشی‌کاری مسجد شاه نمونه‌یی بسیار زیبا از هنر کاشی‌کاری می‌باشد و به هیچ وجه با کاشی‌کاری مسجد جمعه زمان تیموریان که در جوار آن واقع است، شباهت ندارد.

شکسپیر با نمایش‌نامه‌های خود امور دنیای مادی را به هم ریخت. (انگلیس، ۲۵ آوریل ۱۶۱۶):

جسد ویلیام شکسپیر، مشهورترین شاعر و درام‌نویس انگلیس را به خاک سپردند. محلّ دفن او در کلیسای تثلیثی *(Trinity)* واقع در استراتفورد *(Stratford)*، همان جایی بود که وی را غسل تعمید داده بودند. او دو روز قبل، در سن ۵۲ سالگی و درست در روز تولدش از دنیا رفت. پدرش، جان شکسپیر، یکی از مقامات شهرداری شهر استراتفورد و مادرش هم دختر یکی از کشاورزان روستای ویلم‌کوت *(Wilmcote)* بودند. شکسپیر را برای آموزش به یک

مدرسه‌ی قواعد زبان فرستادند. شکسپیر در اواخر سال ۱۵۸۰ به لندن رفت و به زودی به‌عنوان هنرپیشه در تئاتر مشغول به کار شد. در پی مرگ کریستوفر مارلو *(Christopher Marlowe)* در تاریخ ۲۹ مه ۱۵۹۳، بلافاصله با قراردادی که با کمپانی چمبرلین بست، از سال ۱۵۹۴ در تئاتر لندن شروع به اجرای نقش نمود و به زودی به‌عنوان مشهورترین بازیگر انگلیس معروف شد. در این هنگام، شکسپیر بیشتر در نمایشات تاریخی ظاهر می‌شد. او در سنین متوسط عمر به نوشتن نمایشات تراژدی و کمدی پرداخت و هم‌چنین نمایش‌نامه‌هایی درباره‌ی داستان‌های فانتزی و خیالی رم هم‌چون توفان را در سال ۱۶۱۱ نوشت. آخرین پیس شکسپیر راجع به زندگی اجتماعی انگلیس در زمان هنری هشتم بود که در سال ۱۶۱۳ آن را به نگارش درآورد.

شکسپیر مردی بذله‌گو و دوست‌داشتنی بود و چون به محلّ تولّد خود در شهر استراتفورد خیلی علاقه‌مند بود، یک خانه در آنجا به مبلغ ۶۰ پوند خرید و از سال ۱۵۹۷ تا ۱۶۱۰ در آنجا سکونت گزید. وی با دختری به نام آن *(Ann)* ازدواج کرد و صاحب دو فرزند دختر شد.

گالیله به دادگاه انکیزیسیون فراخوانده شد. (ایتالیا، ۲۶ فوریه ۱۶۱۶):

تا سال ۱۶۱۳، گالیله دانشمند و منجّم ایتالیایی در زیر موج حملات کمیته‌ی روحانیت رم به خاطر دفاع از ادعای کوپرنیک درباره‌ی این‌که زمین به دور خورشید در گردش است، قرار داشت. ستاره‌شناسان ایتالیایی همگی با فرضیه‌های کوپرنیک در مورد این‌که در یونیورس ستارگان زیادی در حال حرکت هستند و خورشید در کانون یک عدّه از این ستارگان سیار است، موافق بودند.

ارباب کلیسا و روحانیت فرضیه‌ی کوپرنیک را مخالف کتاب مقدّس می‌پندارند و با این نظریه بطلیموس که زمین در مرکز کائنات واقع شده و خورشید در اطراف آن گردش می‌کند، موافقند. آن‌ها گالیله را به بی‌دینی متّهم کردند و موفقیت‌های وی درباره‌ی ستاره‌شناسی را رد می‌کنند و او را مرتد و ملحد می‌دانند، از این رو وی را به دادگاه تفتیش عقاید فرا خواندند.

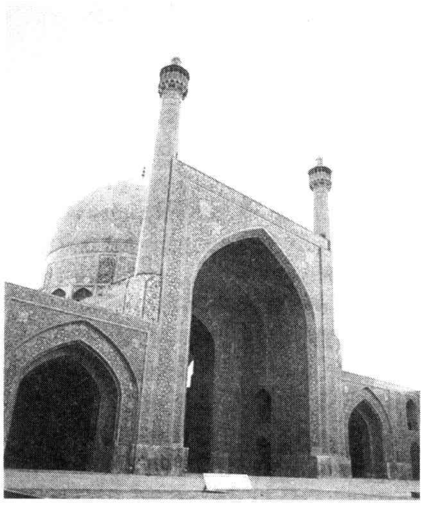
سال قبل هم وی را به رم احضار و به او اخطار کردند که از عقاید و تبعیت از کوپرنیک دست بردارد و از او پیروی نکند و به شاگردان خود فرضیه‌های او را نیاموزد، لیکن مؤثر واقع نشد. امروز گالیله فرضیه‌ی کوپرنیک را رد کرد و در ظاهر گواهی داد که زمین مرکز کائنات است.

سروانتس در اثر بیماری ناگهانی درگذشت. (اسپانیا، ۲۳ آوریل ۱۶۱۶):

میگوئل دو سروانتس ساودرا *(Miguel de Cervantes Saavedra)* خالق کتاب دون‌کیشوت *(Don Quixote)* و یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان اسپانیایی بدرود حیات گفت. او درست در موقعی که آخرین کار خود، به نام پرسیل و سیگیسموند *(Persiles Y Sigismonde)* را به پایان رساند، بر اثر یک بیماری ناگهانی درگذشت.

سروانتس در سال ۱۵۴۷ در شهر آلکالا *(Alcala)* و دریک خاندان اشرافی به دنیا آمد، لیکن خانواده‌ی او بعداً فقیر شدند. او در سن ۲۲ سالگی اسپانیا را ترک کرد و به ایتالیا رفت و به خدمت ارتش درآمد، لیکن در سال ۱۵۷۱ در جنگ له‌پانتو *(Le Panto)* زخمی شد، معهذا تا سال ۱۵۷۵ به خدمت در ارتش ادامه داد، امّا توسط نیروهای نظامی عثمانی در الجزایر زندانی شد. در این زمان خیلی تلاش کرد که از زندان فرار کند، لیکن پس از پنج سال با دادن فدیه از زندان الجزیره رهایی یافته و به مادرید بازگشت.

در مادرید او شروع به نوشتن کرد، با این وصف بی‌چیزی و فقر مانع وی از این کار شد و برای گذران زندگانی خود به حرفه‌های موقتی دست زد. نخستین کتاب او به نام لاگالاته *(La Galataea)*، در سال ۱۵۸۵ منتشر شد، لیکن تا سال ۱۶۰۵ که شاهکار خود را به نام دون‌کیشوت انتشار داد، به شهرت نرسید. سروانتس با این تجربه به موفقیت شایانی دست یافت، گرچه با نگارش نمایش‌نامه‌ی لوپه دووگا *(Lope de Vega)* موفقیت‌هایی کسب کرده بود، معهذا با نگارش دون‌کیشوت به شهرت جهانی رسید. در هر حال رمان



مسجدی بزرگ به نام مسجد شاه در اصفهان.



رسوخ سربازان به شهر پراگ با تخریب دروازه ی شهر.



تصویر میگوئل دو سروانتس Miguel de Cervantes که بر اثر بیماری ناگهانی درگذشت و تمام مردم اسپانیا را داغدار نمود.



تصویر ویلیام شکسپیر، نمایش نامه نویس و شاعر بزرگ انگلیسی که بر روی جلد آخرین تالیف وی که در سال ۱۶۲۳ چاپ شده.



تصویر مینیاتوری از یک زوج خوشبخت که درکمال آرامش در وسط بوستان به سر می برند، این تصویر نمونه یی از کاشی کاری بسیار زیبا و شکوهمند دیوارهای کاخ عالی قاپو در اصفهان پایتخت ایران است که به فرمان شاه عباس ساخته شده، شهر بزرگ اصفهان که پیش از این شهری کوچک بود، اکنون کانون هنرمندان و معماران می باشد که بناهای زیبایی که حاصل علم و هنر ایشان است در آن به وجود آمده.

دون‌کیشوت چون جنبه‌ی مردمی داشت، به‌ویژه در قسمت دوّم نویسنده را از گمنامی درآورد و به شهرت رسانید. سروانتس در سال گذشته با نوشتن رمان‌های خود، به خدمت مردم درآمد. علاوه بر این‌ها سروانتس چندین رمان دیگر به اسامی لانومانسیا *(La Numancia)* و لوس تراتوس دوآرژل *(Los tratos de Argel)* را نوشت. در سال ۱۶۱۳ او حکایت دیگری به نام داستان‌های نمونه را به رشته تحریر درآورد.

با این وصف، داستان دون‌کیشوت سرآمد و شاهکار اوست که همواره نام او را زنده نگه خواهد داشت، چون ویژگی‌های دون *(Don)* و سانکو پانزا *(Sancho Panza)* طرز فکر وی را نشان داد و بزرگ‌ترین یادگار تمام دوران زندگانی او را به‌وجود آورد.

امپراتور هند، قهرمان دوستی با حیوانات (اگرا، هندوستان، ۱۶۱۸):

جهانگیر، امپراتور مغول هند، برای فرار از گارد محافظ و تسلّط بدون چون و چرای همسرش، به یادگیری نقّاشی گیاهان و جانوران مشغول شد. از سوی دیگر، در این هنگام جهانگیر از فرط شراب‌خواری کور شد و مخالفان او وی را ترک کردند.

جهانگیر در سال ۱۶۰۵، پس از شورشی که بر ضدّ پدرش در هند برپا نمود و در نتیجه‌ی استعفای وی از سلطنت، به پادشاهی رسید و امپراتوری خود را از سوی منطقه‌ی دِکَن و مهوار *(Mewar)* گسترش داد و به‌طور طبیعی بر وسعت کشور افزوده گشت. جهانگیر به علّت اشتیاق به طبیعت و مناظر طبیعی، هر روز به گشت و گذار می‌پرداخت. او از بررسی و تحقیق در زندگی مارها و خرگوش‌ها و جفت‌گیری آن‌ها و اکتشاف در طبیعت لذّت می‌برد و سعی می‌کرد هرچه بیشتر در این‌گونه موارد تأمل و درنگ کند. هم‌چنین او از دیدن شهاب‌های آسمانی که هم‌چون برق ظاهر و ساطع می‌گشتند، به فکر فرو می‌رفت.

جهانگیر فرمان داد یکی از نقاشان نابغه‌ی درباری به نام منصور، از مناظر اطراف، نقّاشی‌های مینیاتوری تهیه کند. منصور هم از پرندگانی هم‌چون بوقلمون، طاووس، قوش، باز و صدها نوع پرنده و چرنده‌ی هندی و خارجی، نقّاشی‌های رنگی بسیار زیبا و قشنگ کشید.

به فرمان پادشاه، والتر رالی اعدام گردید. (لندن، ۲۹ اکتبر ۱۶۱۸):

پس از گرفتاری‌ها و بدبختی‌هایی که بر سر گروه اعزامی به سرپرستی سر والتر رالی *(Sir Walter Raleigh)* در ناحیه‌ی الدورادو *(El Dorado)*، واقع در آمریکای جنوبی، وارد شد، امروز شاه دستور داد که او را اعدام کنند. او ۶۶ سال داشت.

وی را در سال ۱۶۰۳، جهت اعدام به برج لندن فرستاده بودند، لیکن تصمیم شاه عوض شد و تنها به زندانی بودن او اکتفا کرد. رالی متّهم به توطئه‌ی قتل علیه جیمز شده بود و در مدّت طولانی زندان، شروع به نگارش کتابی موسوم به تاریخ جهان کرد. در دو سال پیش جیمز دستور داد از کتابخانه‌ی او در دهکده‌ی اورینوکو *(Orinoco)* بازرسی کنند، چون تصوّر می‌کرد او بخشی از طلاهایی را که در زمان الیزابت از گنجینه اسپانیولی‌ها به سرقت برده بود، در آنجا پنهان کرده باشد. او خشم دولت اسپانیا را تحمّل کرد و زندگی‌اش را به خاطر کشورش در مخاطره انداخت تا آن طلاها به خزانه‌ی کشور تحویل شود. وی حساب کرده بود که اگر با این ثروت عظیمی که به دست آورده بود، سرمایه‌گزاری می‌کرد، هرگز به این وضع دچار نمی‌شد و شاه هم این جریان را فراموش می‌کرد.

امّا رالی در ترینیداد *(Trinidad)* بیمار شد و گروه اعزامی را به جلو فرستاد که آن‌ها با نیروهای اسپانیولی درگیر شدند. در این درگیری، گروهی از اسپانیولی‌ها از بین رفتند و رالی هم پسرش را از دست داد، معهذا به فرمان پادشاه به میهن بازگشت.

در زمان الیزابت، ملکه او را تشویق کرد و حتا به او پاداش داد و نیز به او لقب جنگ‌جو اعطا کرد. امّا در موقعی که او با ناوگان جنگی اسپانیا در مصاف بود، ملکه او را به لندن فرا خواند و به نوکران دربار فرمان داد که او را به حضور آورده و مورد احترام قرار دهند. ملکه، رالی را با یکی از ندیمان خاصه به برج لندن فرستاد تا با آن ندیمه عروسی کند. در این ماجرا، زندگی آن‌ها به خوشی می‌گذشت و رالی واقعاً نشان داد که شوهر خوبی است. این زوج سرانجام صاحب دو پسر شدند و از زندگی خود لذّت می‌بردند.

سوئد، ۳۰ ژوئیه ۱۶۵۳
گابریل نود (Gabriel Naude) کتابدار کاردینال مازارن، هنگام سفر به شهر استکهلم در حین راه فوت شد. او توسط مازارن (Mazarin) به جرم طرفداری از انقلاب فروند به آن شهر تبعید شده بود. وی اولین کسی بود که کار کتابداری را سازماندهی کرد و پیش از آن هم کتابدار کاردینال ریشلیو (Richelieu) بود و مازارن هم او را در شغل پیشین ابقا کرد. گابریل نود چهل‌هزار کتاب را از سراسر اروپا جمع‌آوری و فهرست‌بندی کرده بود. این کتابخانه برای استفاده‌ی عموم همه‌روزه باز بود.

فرانسه‌ی جدید، پنجم نوامبر ۱۶۵۳
پیمان صلح ایروکوا (Iroquois) بین گروه‌های مختلف فرانسوی به امضا رسید. دستجات ایروکوا مدت چندین قرن با همسایگان خود در حال نزاع و جنگ بودند، لیکن در این اواخر افراد قبیله‌ی هورون (Huron) تقریباً از بین رفتند، مع‌هذا بازماندگان آن‌ها سعی کردند که به مهاجرنشین فرانسوی پناهنده شوند.

لندن، ۱۲ دسامبر ۱۶۵۳
پارلمان ورشکسته جای خود را به پارلمان تکیده و ضعیف داد (نام این پارلمان را لاغر و ضعیف، چون پوست و استخوان، گزاردند). اعضای این پارلمان توسط کرامول و از طبقات پایین اجتماع دست‌چین شده بودند و بیش‌تر از اصناف و گروه کاسب‌کاران تشکیل شده و جملگی مداح و ستایشگر شخص کرامول بودند. آن‌ها اغلب به‌طور تصادفی به این مقام رسیده بودند و بسیاری محافظه‌کارانه عمل می‌کردند، چون استحقاق این شغل را نداشتند و پس از رأی‌گیری نسبت به این موضوع جلسات آن‌ها هم پایان یافت.

لندن، ۱٦ دسامبر ۱۶۵۳
اولیور کرامول عامل مطلق کشور شد و خود را ارباب حامی ملت نامید. جان میلتون نویسنده‌ی انگلیسی سمت وزارت را در دستگاه وی عهده‌دار شد.

هندوستان، ۱۶۵۳
شهر قندهار که سه‌بار در سال‌های ۱۶۴۹، ۱۶۵۲ و ۱۶۵۳ توسط امپراتوری مغول به‌تصرف درآمده بود، هر شش ماه مبلغ ۱۲۰ میلیون روپیه برای امپراتوری درآمد داشت.

هلند، ۱۶۵۳
یوهان ویت (Johan de Witt) به مقام مستشاری دیوان عالی هلند منصوب شد.

بالکان، ۱۶۵۳
شورش دهقانان کرواسی (Croatia) سرکوب شد.

مجارستان، ۱۶۵۳
آپااوزای سزار یانوس (Apaozai Csere Janos) کتاب دایره‌المعارف به زبان مجاری را تدوین کرد.

هندوستان، ۱۶۵۳
ساختمان عظیم تاج محل تکمیل شد.

دریای شمال، ۱۶۵۳
در نبردی که بین ناوگان انگلیس به فرماندهی دریادار جورج مانک (George Monk) و ناوگان دریایی هلند تحت فرمان مارتن ترومپ (Marten Tromp) برپا شد، نیروهای هلندی درنزدیک پورتلند (Portland) دچار شکست شدند. ترومپ در این نبرد در روی پلی که برای عبور جاشویان ساخته شده بود، کشته شد.

چین، ۱۶۵۳
دالایی لاما (Dalai Lama) در شهر بجینگ (Beijing) نشان افتخار سلسله‌ی پادشاهی منچو (Manchu) را دریافت کرد.

روسیه، ۱۸ ژانویه ۱٦٥٤
استان اوکراین (Ukraine) تحت تابعیت روسیه درآمد.

لندن، ۱۵ آوریل ۱٦٥٤
عهدنامه‌ی صلح وست‌مینستر (Westminster) به جنگ‌های بین انگلیس و هلند پایان داد. نبردی که بین ناوگان انگلیس و هلند روی داد و به شکست هلند انجامید، رهبری این کشور را در دریاها تضمین کرد.

ماساچوست، سوم مه ۱٦٥٤
ریچاد تورلی (Richard Thurley) امتیاز ساختن پلی که برای عبور از آن باید عوارض پرداخت را بر روی رودخانه‌ی نیوبری (Newbury) گرفت. این پل برای عبور چهارپایان ساخته شده بود و انسان‌ها حق عبور از روی آن نداشتند.

مرد روشن‌فکر را در آتش سوزاندند. (فرانسه، نهم فوریه ۱۶۱۹):

لوچیلیو وانینی *(Lucilio Vanini)*، روشن‌فکر ایتالیایی، که سابقاً یکی از راهبان فرقه‌ی کارملی *(ex- Carmelite)* و دانشمندی آواره بود، سرانجام امروز بهای مقاومت در برابر قدرتمندان را با نثار جان خود پرداخت. در ابتدا زبان او را بریدند، سپس وی را خفه کردند و در آخر در آتش سوزاندند و تبدیل به خاکستر کردند. مجریان این امر، تمام دستورات پارلمان شهر تولوز *(Toulouse)* را درباره‌ی او اجرا کردند و بالاخره در ماه نوامبر وی را سوزاندند.

گرچه وانینی را اعدام کردند، لیکن او پیش از مرگ، با افتخار از عقاید خویش دفاع کرد و همه‌ی معجزات را واهی دانست. او را متّهم به توهین به مقدّسات کردند، در حالی‌که وی پیرو عقاید طبیعی خویش بود.

او در سال ۱۵۸۵ در شهر ناپل به دنیا آمد و با نام مستعار جولیو سزار *(Giulio Cesare)* به نویسندگی پرداخت. با وجودی که بسیاری از کارهای او به وسیله‌ی دانشمندان دانشگاه سوربون مورد تقدیر قرار گرفت، معهذا به سوزاندن محکوم شد. او تا هنگام سوزانده شدن، دست از دشنام دادن و تقبیح حاکمان کلیسا برنداشت و مردانه تا زمان مرگ پایداری کرد و از سوزاندن هیچ باکی نداشت.

سیاستمدار هلندی را بازداشت کردند. (هلند، ۱۶۱۹):

یان وان اولدن‌بارنولت *(Jan Van Oldenbarneveldt)* ۷۲ ساله، به اتّهام توطئه علیه جان پرنس موریس *(Prince Maurice)* شاهزاده‌ی ناسو *(Nassau)*، در دادگاه محاکمه و به مرگ محکوم شد.

اولدن بارنولت، یک سیاستمدار میانه‌رو بود که در سال ۱۵۷۹ با انعقاد پیمان اوتریخت *(Utrecht)*، اتّحاد ایالات هلندی را تأمین کرد. در سال ۱۵۹۶ با انگلیس و فرانسه بر ضدّ اسپانیا قرارداد همکاری امضا کرد و بالاخره در سال ۱۶۰۹ معاهده ترک مخاصمه ۱۲ ساله با دولت اسپانیا بست. او اطمینان داشت که پرنس موریس، خود پدرش را به قتل رسانده تا جانشین او

شـود، لـیکن در سـال ۱۵۸۵ وی ویلیـام سـایلنت *(William Silent)* استاندار و یکی از رهبران هلنـدی را به کشتن پدرش متّهم ساخت.

اولدن بارنولت پیرو عقاید آرمی‌نیوس *(Arminius)* (جیمز آرمی‌نیوس بانی یکی از فرقه‌های پروتستان بـود و این فرقه به نام آرمینیان مشهور شد) و مخالف عقاید موریس بود.

موریس خود با باورهای آرمینیان مخالف بـود، زیـرا آن‌هـا را دشـمن عقایـد کالوینیسـت‌هـای قـدری می‌پنداشـت. در حـالی‌کـه اولـدن بارنولـت از آرمینیـان حمایـت مـی‌کـرد و همـین حمایـت باعـث شـد کـه زندگی‌اش را از دست بدهد.

سیاه‌پوستان و زنان آن‌ها را در آمریکا به فـروش می‌رسانند. (جیمز تاون، ویرجینا، ۱۶۱۹):

یک قایق هلنـدی بـا محمولـه‌یـی شـامل ۲۰ نفـر سیاه‌پوست، به ویرجینا رسید و ناخدای کشتی تمـام آن عدّه را به فروش رسانید. ایـن اوّلـین دسـته از بردگـان هستند که به آمریکای شمالی حمل شـده‌انـد و هـدف آن‌ها از این کار روشن نیست.

نورمن‌های *(Normans)* جزیره‌ی انگلیس در شش قرن پیش برده‌داری و فروش برده را تحریم کرده بودند و این موضوع روشن نیست که چگونه و با چـه قـانونی هلندی‌ها این قانون قدیمی را لغو کرده و در سـه هـزار مایلی کشور خود اقدام به همین کار می‌نمایند. درسـت است که ساکنان این منطقه نیاز به برده برای کارهـای خدماتی دارند، لیکن خـدمتکاران آزاد و سفیدپوسـت در آنجا فراوان هستند که حاضرند قرارداد پنج سـاله بـرای خدمت به‌بندند و کارفرما مـدّت پـنج سـال آن‌هـا را در اختیار داشته باشد. آن‌ها در یک معاملـه‌ی جداگانـه ۹۰ نفر از سیاه‌پوستان را طی قراردادی فروختند که هـر دو طرف از انجام این معامله رضـایت داشـتند، خریـدار در مقابل این ۹۰ نفر تنها ۶۰ کیلـو توتـون در ازای بهـای آن‌ها پرداخت نمود.

کالوینیست‌های پاک و مخلص، هم‌چون چکشـی بر سر افراد منحرف فرود می‌آیند. (ایالات متّحد، هلند، ۲۹ مه ۱۶۱۹):

شورای روحانی کالوینیست‌هـا در شـهر دودریخـت *(Dodrecht)* اعلام کرد که پیروان این فرقـه بایسـتی سخت به عقاید تقدیری پـای‌بنـد باشـند و در ایـن راه همواره از آرمان خود دفاع نمایند و تنهـا راه رسـتگاری اجرای دستورات مذهبی است.

اغلب پیروان آرمینیان *(Arminians)* بر این عقیده پای می‌فشارند که خداوند هرگز نمی‌خواسـت حضـرت آدم را از عنایات خود محروم کند، لـیکن آدم بـا عمـل خود باعث شد که خداوند او را از حیطـه‌ی اکـرام خـود براند.

در ماه نوامبر گذشته، شورای کلیسـایی کالوینیسـت فرمان داد تا قبل از اتمام جلسات شورا، سـخنرانی‌هـای مذهبی ممنوع شود، چون شورا مشغول تنظـیم دسـتور کار روحانیت و کشیشان می‌باشد.

پرنس موریس، شـاهزاده‌ی اورانـژ، دسـتور داد کـه شورای کلیساها برای تحـریم آرمینیـان تشـکیل شـود. رییس این شورا یک کشـیش عبـوس و سـخت‌گیـر و بـدقلق بـود و سیاسـت او همـواره در جهـت تحـریم و ممنوعیت سیر می‌کرد.

در سال ۱۶۱۰ این شورا بیانیه‌یی حاوی نکـوهش و طرد عقاید مخالف انتشـار داد و تمـام ایـالات هلنـدی مستقل را مورد بازخواست قرار داد.

ملکه ماری بر ضدّ پسرش اقدام به شورش کرد. (فرانسه، ۱۶۱۹):

ملکه ماری دومدیسی که بـه خـارج پـاریس تبعیـد شده بود و در شهر بلوآ *(Blois)* به سر مـی‌بـرد، علیـه پسـرش لـوئی سـیزدهم قیـام کـرد. او در ایـن مبـارزه شکست خورد، در حالی‌که میل داشت مانند سـال قبـل که در پی کشته شدن هانری چهارم، نایب‌السلطنه بـود، هم‌چنان در این مقام باقی بماند. در پی این اقـدام وی، کـونچینی *(Concini)* را کـه مـدّتی در مقـام اداره‌ی کشور به کارهای عجیبی اقدام کرده بود، بـه مباشـرت خود انتخاب کرد.

ماری اقداماتی در جهت آرام کردن نجبای فرانسـه انجام داده و از نظر سیاست خـارجی از شـوهر متوفّـای خود تبعیت می‌کرد و در ضمن با اسپانیا پیمان همکاری

آمستردام جدید، هفتم سپتامبر ۱٦٥٤
گروهی مرکب از ۲۳ نفر از یهودیان اسپانیولی‌تبار با سلاح‌های ساخت فرانسه به منطقه‌ی سن‌شارل (St Charles) رسیدند. یهودیان ساکن رسیف (Recife) در برزیل که بالغ بر پنج‌هزار نفر می‌شدند، می‌بایستی آن مناطق را ترک کنند، آن‌ها مدت سه ماه در مسافرت بودند تا به آمستردام جدید رسیدند. طبق دستور پرتغال که در ماه ژانویه صادر شد، می‌باید تمام یهودیان شهر رسیف را ترک کرده و به هلند بروند.

ماری‌لند (مریلند)، ۲۰ اکتبر ۱٦٥٤
استان مریلند (Maryland) که در ارتباط با حقوق مذهبی همه‌ی افراد، برای کاتولیک‌ها هم حق را به‌رسمیت شناخته بود، امروز با قانون جدیدی روبه‌رو شد که از جانب کرامول و دولت وی وضع شده بود، مبنی بر این‌که، هیچ فرد حق ندارد از دستورهای صادره از سوی دستگاه پاپ تبعیت کند و در غیر این‌صورت از تابعیت ایالتی محروم خواهد شد، لیکن پیروان عقاید پوریتانیسم (Puritanism) در ماساچوست حق زندگی دارند و وسیله‌ی معاش و خوراک آن‌ها تأمین خواهد شد.

آلمان، ۱٦٥٤
ساموئل شیدت (Samuel Scheidt) آهنگساز و رهبر ارکستر آلمانی‌تبار که به‌خاطر رهبری و ساماندهی موسیقی آلمانی به شهرت رسیده بود، از دنیا رفت.

فرانسه، ۱٦٥٤
نامه‌هایی بین پاسکال (Pascal) و فرما (Fermat) دانشمندان فرانسوی راجع به قانون احتمالات رد و بدل گشت.

بوستون، ۱٦٥٤
جوزف جنکس (Joseph Jencks) مطالعاتی راجع به ساخت نخستین موتور احتراقی در امریکا انجام داد.

هلند، ۱٦٥٤
با خروج باروت و احتراق آن از یک کارخانه‌ی ساخت این ماده، یک‌چهارم شهر دلفت (Delft) در آتش سوخت. در اثنای این آتش‌سوزی کارل فابریسیوس (Carel Fabritius) یکی از بهترین شاگردان رامبراند (Remrandt) قربانی حریق شد. وی اخیراً تمثال خویش را ترسیم کرده بود.

مریلند، ۲۵ مارس ۱٦٥٥
گروه‌های هواخواه پوریتن پس از پیروزی نیروهای کاتولیک، استون (Stone) فرماندار مریلند را دستگیر و زندانی کردند.

آمستردام جدید، ۲٦ آوریل ۱٦٥٥
کمپانی هند غربی هلند به یهودیان اجازه داد که در این شهر اقامت کنند.

بوستون، ۲۳ مه ۱٦٥٥
جوزف جنکس مأمور ساختن موتوری شد که با سرعت زیاد قادر به کوتاه‌کردن چمن‌ها باشد (در حقیقت برای دروی گندم و جو به‌کار می‌رفت).

امریکای شمالی، سپتامبر ۱٦٥٥
فرماندار سوئدی در امریکا با نیروهای تحت فرمان خود به مقابله در برابر نظامیان هلندی ایستاد و لیکن هلندی‌ها بندر کریستینا (Christina) را که سوئدی‌ها تصرف کرده بودند و بندر کازیمیر (Casimir) را از سوئدی‌ها بازستاندند.

مراکش، ۱٦٥٥
سلسله‌ی پادشاهی سعدی در مراکش سقوط کرد.

آمستردام، ۱٦٥٥
یاکوب وان کامپن (Jacob Van Campen) معمار هلندی، تالار جدید شهر را به‌پایان برد. این ساختمان یکی از باشکوه‌ترین ساختمان‌های شهر و یادبود سبک قدیمی می‌باشد که با دکوراسیون ظریفی تزیین شده و به‌نظر نمی‌رسد که در شهرهای دیگر نظیر داشته باشد.

امریکای شمالی، ۱٦٥٥
تعداد زنان بی‌سواد در ماساچوت ۵۰ درصد، در آمستردام جدید ٦۰ درصد و در ویرجینیا ۷۵ درصد می‌باشد.

هلند، ۱٦٥٥
کریستیان هویگنس (Christiaan Huygens) فیزیکدان هلندی، تعداد چهار قمر ساتورن (زحل) و مسیر گردش طبیعی آن‌ها را کشف کرد.

منعقد کرد. لیکن در دو سال پیش، لویی خود را از قید و بند مادرش رها کرد و تمام رشته‌ی امور را به دست گرفت و از اقدامات او جلوگیری کرد. کونچینی را معدوم کرد و مادرش را از سمت خود معزول و از دربار اخراج کرد.

پادشاه بوهم، پس از صرف شام فرار کرد. (پراگ، هشتم نوامبر ۱۶۲۰):

فردریک، پادشاه بوهم، به همراه ملکه همسرش، امشب با روحیه‌ی عالی در سر میز شام حاضر شدند و به انتظار سفیر انگلیس نشستند. گرچه ارتشیان امپراتور فردیناند دوّم پادشاه اتریش، در عقاید خود نسبت به کاتولیک خیلی تعصب می‌ورزیدند و بدین جهت به مرزهای بوهم حمله‌ور شدند، لیکن فردریک از آن جهت خوشحال بود، زیرا آن‌ها دچار بیماری طاعون و قحطی و گرسنگی بودند و سخت تضعیف شده و به اجبار جنگ می‌کردند. با وجود این، سپاهیان مهاجم، لشگریان وی را در منطقه‌ی کوه سفید نزدیک شهر پراگ مورد تعرّض قرار دادند.

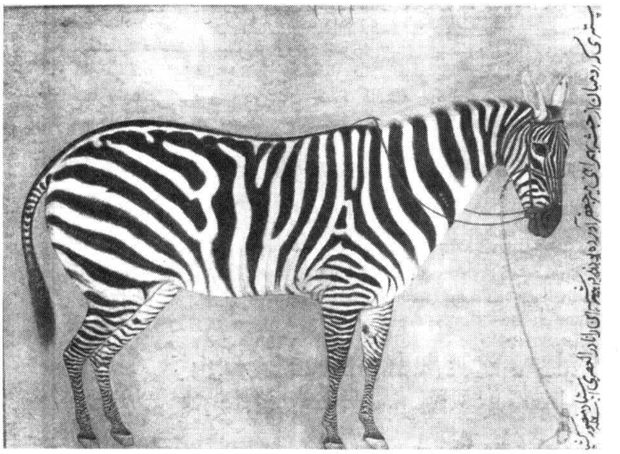
پس از صرف شام، شاه سوار بر اسب شد و برای تشویق سربازان، به میدان جنگ رفت. به‌هر حال او دیگر نتوانست به دروازه‌های شهر برگردد، زیرا خود برای نخستین بار از میدان نبرد فرار کرد، زیرا لشگریان او شکست خوردند و او مجبور شد از فراز کوه سفید به پایین بگریزد.

ژنرال آنهالت *(Anhalt)* وارد شهر شد و به شاه اظهار داشت که سربازان از جنگ سر باز زده و اقدام به شورش کرده‌اند و راه‌ها را بسته و تعدادی از آنان به لشگریان باواریا و اسپانیولی‌ها پیوسته‌اند و تجهیزات خود را هم به همراه برده‌اند. هنگامی‌که مدافعان شهر دروازه‌های آن را به روی مهاجمان بستند، شاه و ملکه با شتاب هرچه تمام‌تر از شهر فرار کردند، ولی فراموش کردند کوچک‌ترین فرزند خود را به همراه ببرند، ولی تاج و جواهرات سلطنتی را بردند.

فردریک مقام سلطنت بوهم را از دست داد و بوهم بدون پادشاه ماند. وی قبل از این‌که به سلطنت برسد، چند مدعی داشت و اکنون که تخت و تاج بلاصاحب



مردی در بستر مرگ، کار نقاش گمنام.



تصویر مینیاتوری از زبرا (گور اسب) که به دستور جهانگیر، امپراتور مغول هند، توسط منصور نقاش ترسیم شده.



تابلویی از وان دیک Van Dyck که چند نفر سیاه پوست ساکن امریکای شمالی را نشان می دهد و استعمارگران اروپایی برای نخستین بار است که این پدیده را کشف کرده اند.



تصویر سواره، زن جاه طلب و آتش افروز، ماری دومدیچی که رهبری طغیان علیه پسرش را برعهده داشت، تابلوی کارتئودور ژری کو Theodore Gericault (۱۸۲۴-۱۷۹۱)

مانده، به مردم اجازه داده شده که فردریک پنجم را به این مقام انتخاب نمایند.

زیرِ دریا مورد آزمایش قرار می‌گیرد. (انگلیس، ۱۶۲۰):

کورنلیوس دربل *(Cornelius Drebbel)*، از مردم هلند، به تازگی زیر رودخانه‌ی تیمز را مورد امتحان قرار داد. دربل با قایق چوبی که روی آن را با چرم‌های روغنی پوشانده، به زیر آب رفت. تعداد ۱۲ نفر پاروزن قایق را به جلو می‌رانند و قایق روغن‌کاری شده را به زیرآب هدایت می‌کنند. قایق‌رانان برای تنفس، هرچندی با کمک یک دکل چوبی به روی آب می‌آیند تا نفس تازه کنند و باز هم به زیر آب روند.

برای انجام این کار موانعی بر سر راه دربل قرار داشت. چون در زیر آب، فشار زیاد است، چرم‌های روپوش قایق کنده می‌شود و قایق بدون حفاظ می‌ماند، به‌طوری که قایق در آب فرو می‌رود، ماشینی برای انجام این عمل اختراع شده که روی قایق را به وسیله‌ی آن می‌پوشانند و این کار تدریجاً قایق را در آب فرو می‌برد و این عملی اطمینان‌بخش می‌باشد.

پاپ پل پنجم از دنیا رفت. (رم، ۲۸ ژانویه ۱۶۲۱):

پاپ پل پنجم، امروز در اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. او تنها پس از چند ماه که از پیروزی بزرگ کاتولیک‌ها در جنگ بر ضدّ پروتستان‌های آلمانی در کوه سفید می‌گذشت، جان سپرد.

او در قریه‌ی کامیلو بورگس *(Camillo Borghese)* در سال ۱۵۵۲ به دنیا آمد و دنیای کاتولیک را در مدّت ۱۶ سال سلطنت خود تحت سلطه درآورد. او دوژ *(Doge)*، فرمانروای ونیز، را به خاطر این‌که بدون اجازه‌ی سنا به ساختن کلیسا اقدام کرده بود، تکفیر نمود و هم‌چنین جیمز، پادشاه انگلیس را به سبب این‌که بر سر سوگند خود پافشاری می‌کرد مورد سرزنش و ملامت قرار داد. پل در زمان سلطنت خود، ترمیم و دوباره‌سازی کلیسای سنت پیتر را به پایان برد.

پاریس، ۱۶۵۵
با مرگ پی‌یر گاسندی (Pierre Gassendi)، دانشگاه پاریس یکی از استادان مبرز خود را از کف داد. وی به نظریات رنه دکارت انتقاداتی داشت و بیش‌تر روی تئوری‌های اپیکور (Epicurus) کار می‌کرد. او هم‌چنین یکی از طلایه‌داران و پیشروان علم ستاره‌شناسی بود و با دوستان خود گالیله و کپلر در این علم همکاری می‌کرده است.

سوئد، ۱۶۵۵
کریستینا ملکه‌ی پیشین سوئد، سرانجام به مذهب کاتولیک درآمد.

سیبری، ۱۶۵۵
روسیه یک منطقه‌ی مهاجرنشین در آلبازینو (Albazino) به‌وجود آورد و در تلاش آن است که به منطقه‌ی جنگلی منچوری (Manchuria) رسوخ کند، چون آن‌جا از نظر پوست حیوانات شکاری خیلی قوی است.

ویرجینیا، دهم مارس ۱۶۵۶
حق انتخاب و رأی در ویرجینیا برای تمام مردان آزاد، بدون درنظرگرفتن مذهب آن‌ها، آزاد گشت.

ویرجینیا، دهم مارس ۱۶۵۶
طبق طرحی که در دست اقدام است، مقرر شده که بچه‌های سرخ‌پوستان را تا سن بلوغ دینی تحت تعلیم قرار دهند و به هر فردی به‌ازای کشتن هشت رأس گرگ، یک رأس گاو بدهند. آن‌ها باید لاشه‌ی این گرگ‌ها را به سرپرست خود نشان دهند، در ضمن این عمل باعث تولید ثروت برای آن‌ها خواهد شد.

هندوستان، مارس ۱۶۵۶
امپراتور مغول هند اورنگ زیب (Aurangzeb)، به اجبار شهر گل کوندا (Golconda) را به تسلیم واداشت. او سلطان‌نشین دکن (Dekhan) را هم به دادن مبلغ قابل توجهی باج و واگذاری سرزمین آن‌ها کرد.

بوستون، ژوئیه ۱۶۵۶
ماری فیشر (Mary Fisher) و آن آوستین (Anne Austin)، نخستین افراد از گروه کوآکر (Quakers) بودند که به این مهاجرنشین وارد شدند (کوآکرها فرقه‌یی بودند که با نام خدا لرزه بر اندام‌شان می‌افتاد و از این‌رو به آنان فرقه‌ی مرتعش می‌گفتند). آن‌ها بدون این‌که با کسی ملاقات کنند، یکی زندانی و دیگری تبعید شد.

نیوهیون، ۲۳ ژوئیه ۱۶۵۶
نیوهیون (New Haven) تنها مهاجرنشینی بود که هیأت منصفه را برای دادگاه‌ها نپذیرفت.

هلند جدید، ششم سپتامبر ۱۶۵۶
موهاوک‌ها (Mohawks) از هلندی‌ها خواست که از فروش چیزهای خطرناک به سرخ‌پوستان خودداری کنند.

ماری‌لند (مریلند)، ۲۲ سپتامبر ۱۶۵۶
برای نخستین‌بار هیأت منصفه که اعضای آن همگی زن بودند، از دادگاه درخواست کرد که زنی به‌نام ژودیت کچ‌پول (Judith Cathchpole) را که به اعدام محکوم شده بود، به‌خاطر آبستنی و بچه‌ی به‌دنیا نیامده، از مجازات مرگ عفو نماید.

رم، ۱۶ اکتبر ۱۶۵۶
پاپ طی فرمانی اعلام کرد که آلکساندر (Alexander) هفتم را به‌علت پنج مورد جرم و پیروی از عقاید یانسن (Jansen) که یک اصلاح‌طلب ضد پاپ بود، تکفیر می‌کند.

مادرید، ۱۶۵۶
دیه‌گو ولاسکوئز (Diego Velasquez) تابلوی «خدمه‌های مؤدب» را ترسیم کرد.

آمستردام، ۱۶۵۶
رامبراند (Rembrandt) ورشکستگی خود را اعلام کرد و تمام لوازم زندگانی خود را به معرض فروش گذاشت.

هاگ (*Hague*) (لاهه)(*Lahe*)، ۱۶۵۶
یان ون گوین (Jan Van Goyen) نقاش پرکار و مشهور هلندی، از دنیا رفت. وی یکی از هنرمندانی بود که نقش دورنما را به‌خوبی ترسیم می‌کرد و زمینه‌ی تابلو را با دقت بسیار به‌تصویر می‌کشید، به‌طوری‌که صحنه‌ی تابلو بسیار شورانگیز بود، او در جوانی به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌یی رسیده بود.

ماساچوست، ۱۶۵۶
هاروارد (Harvard) تئوری کوپرنیکی (Copernican) راجع به کائنات را پذیرفت، منتها به این صورت که خورشید و زمین در مرکز فضا قرار دارند و سایر سیارات به دور آن‌ها در حال گردش هستند.

نمایندگان پارلمان، بر سرِ حق تبعید، بـا پادشـاه درگیر شدند. (وست مینستر *(Westminster)*، ۱۸ دسامبر ۱۶۲۱):

امروز بین نمایندگان مجلس عوام و پادشاه انگلیس، بر سر برخی ادعاهای او اختلاف بروز کـرد، چـون شـاه مدعی است که نمایندگان حق ندارند در امر کشـور بـه هیچ‌وجه دخالت کنند و شـاه مـی‌توانـد هـر نماینـده‌ی بزهکـار و خـاطی را بـه تبعیـد بفرسـتد. یکـی از سیاستمداران پارلمان می‌گوید که نمایندگان پارلمـان از حرمت و احترام خـاص برخوردارنـد، آن‌هـا آزادنـد و از امتیاز حق قضاوت می‌توانند اسـتفاده کننـد و در ضـمن حق ارشدیت دارند، چون نماینده‌ی مردم هستند و مردم آن‌ها را انتخاب کرده‌اند و هنگامی‌که در پارلمان سـخن می‌گویند هیچ کس نمی‌تواند سـخنان آنـان را سانسـور کند و از هرگونه تعرّض و آزار مصون خواهند بود.

جیمز هم دستورات پیشین خود را تکرار مـی‌کنـد و با نمایندگان در تمـام مـوارد اخـتلاف دارد و مـی‌گویـد بدون پارلمان هم امـور کشـور اداره خواهـد شـد، زیـرا انگلیس مدّت شش سال پارلمان نداشـت و او مسـاعی خود را برای پیشبرد کشور بـه کـار بـرد و بـا بودجـه‌ی بسیار کمی امور آن را به سامان رساند.

در سال‌های اخیر که انگلیس در اروپا درگیر جنـگ بود، وی مجدداً برای جلوگیری از برخـی پـیش‌آمـدها، پارلمان را افتتاح نمود، لـیکن پارلمـان همـان وضـعیت پیشین را پیدا کـرد و نماینـدگان بـر سـر حقـوق خـود پافشـاری کردنـد و همـان ادعاهـا را تکـرار نمودنـد. نمایندگان پارلمان به مجرد شروع بـه کـار، نسـبت بـه اختیارات نامحدود شاه اعتراض کردند و خواستار تحدید اختیـارات وی شـدند. در ضـمن فرانسـیس بـیکن *(Francis Bacon)* نخسـت‌وزیـر را بـه اتّهـام رشوه‌خواری تحت تعقیب قرار دادند، هم‌چنین وی را به ایجاد فشار نسبت به قـوانین مـذهبی و انجـام عبـادات متّهم نمودند که آزادی مـذهبی را از بـین بـرده اسـت، لیکن جیمز نسبت به اختیـارات آن‌هـا اعتـراض کـرد و آنان را از دخالت در امور کشوری بازداشت.

جیمز به نمایندگان گفت که حتا آن‌ها حق ندارند از پروتستان‌های اروپا حمایت کننـد. بـدین ترتیـب جیمـز پارلمان را خفه کرد و یکی از نمایندگان را هم بـه بـرج لندن فرستاد.

کشتی می‌فلاور، در زمسـتان بـه سـوی آمریکـا رهسپار شد. (نیوانگلند، نوامبر ۱۶۲۰):

کشتی ۱۸۰ تنی می‌فلاور *(Mayflower)* بـا ۱۲۰ نفـر از فرقـه‌ی پـوریتن *(Puritans)* کـه مخـالف کاتولیک‌ها هستند و با مقداری شراب، پس از رنج و تعب بسیار و مبارزه با باد و توفان و سرما و طی سراسر اقیـانوس اطلـس، سـرانجام بـه سـواحل نیوانگلنـد در آمریکای شمالی رسید. کشتی در بندرگاه لنگر انداخت و مسـافران آن بـه مجتمـع واقـع در نیوپلیمـوت *(New Plymouth)* پناه بردند. آن‌ها با کمـال تهـور خطـر را حس کرده و در انتظار آن بودند.

سال گذشته تعداد ۳۵ نفر از مردان انگلیسی که بـه اتّهام ارتداد، محکوم به ده سال تبعیـد در شـهر لایـدن *(Leyden)* در هلند شده بودند، به ویرجینا رفتنـد و بـه آن‌ها اجازه داد شد که در آنجا با همکاری یکـدیگر بـه کشت و زرع برای خودشان بپردازند. آن‌ها از منطقـه‌ی اسـپیدول *(Speedwell)* در انگلیس پـس از پیمـودن خاک آن کشور، با ۶۶ نفر دیگر، یـک کـاروان تشـکیل داده و قصد داشتند با کشتی می‌فلاور به اینجـا بیاینـد. هرچند هفته‌ها در اسپیدول به انتظار نشستند تـا دریـا و هوا مساعد برای مسافرت با کشتی شود.

آن‌ها مدّت شـش هفتـه در راه بـا توفـان شـدید و بیماری‌های گوناگون دست به گریبان بودند و تعـدادی از آن‌ها به علّت بیماری دچار مرگ ناگهـانی شـده و از بین رفتند، بقیه هم دست به شورش زدند و از مسافرت منصـرف شـدند. دوروتـی برادفـورد *(Dorothy Bradford)* همسر یکی از سران کاروان، به دریا پرت شـد و جـان سـپرد. برخـی از سـاکنان مجتمـع اظهـار می‌دارند هیچ کس از آن‌ها حمایت نمی‌کنـد و قـانون و مقرراتـی وجـود نـدارد و جـان همـه‌ی افـراد در خطـر می‌باشد. هـیچ کـس احسـاس مسـؤولیت نمـی‌کنـد و بی‌قانونی کامل حکم‌فرماست. کشتی مـی‌فـلاور دچـار توفان شدید شد و تعدادی جان خود را از دسـت دادنـد، بدون این‌که فردی مسـؤولیت آن را بپـذیرد. سـرانجام

سوئد، ۱۶۵۶
بانک سوئد هم گشایش یافت.
رم، ۱۶۵۶
آکادمی (انستیتو) نقاشی گشایش یافت.
رومانی، ۱۶۵۶
استان‌های مالاشی (Malachia)، مولداوی (Moldavia) و ترانسیلوانی (Transylvania)، کنفدراسیونی علیه دولت عثمانی تشکیل دادند.
انگلیس، ۱۶۵۶
جان بونیان (John Bunyan) حمله‌ی شدیدی را بر ضد عقاید کوآکریسم (Quakerism) آغاز کرد، بعضی از حواریون صحت آن را پذیرفته بودند.
امپراتوری عثمانی، ۱۶۵۶
کوپرولو (Koprulu) محمد آلبانی‌تبار به مقام صدراعظمی عثمانی منصوب شد. او در پی اصلاح تمامی دستگاه‌ها و قوانین کشور است.
اتریش، ۱۶۵۶
در پی پیروزی ارتش سوئد در سال گذشته و در جنگ براندنبورگ (Brandeburg)، کارل دهم پادشاه سوئد با پیمان صلح کونیگسبرگ (Konigsberg) موافقت کرد و فردریک ویلیام پادشاه انتخابی براندنبورگ را متعهد به اجرای این تعهدنامه نمود. این پیمان صلح مقرر می‌دارد که سرزمین پروس (Prussia) شرقی جزو مایملک سوئد درمی‌آید و امتیازاتی در بنادر ممل (Memel) و پیلو (Pillau) به‌دست آورد و ۵۰ درصد عوارض گمرکی این بنادر سهم کشور سوئد شود. این گامی به جلو برای تعبیر رؤیای سوئد در چیرگی بر دریای بالتیک (Baltic) می‌باشد.
رودآیلند، ۲۰ مه ۱۶۵۷
این مهاجرنشین سومین منطقه‌یی‌ست که با همکاری انگلیس، تجارت با هلند را تحریم می‌کند.
ماساچوست، ۲۱ مه ۱۶۵۷
ویلیام برادفورد (William Bradford) که مدت سی سال فرماندار این ایالت بود، جهان را بدرود گفت. وی برای توسعه و پیشرفت امور این ایالت زحمات زیادی را متحمل شد و در سال ۱۶۲۱ به مدت سی سال برای فرمانداری مجدد انتخاب شد.
انگلیس، ۲۵ مه ۱۶۵۷
نمایندگان پارلمان انگلیس طبق مشورت‌هایی که انجام دادند، از اولیور کرامول (Oliver Cromwell) درخواست کردند که عنوان پادشاهی و حامی مردم را بپذیرد، لیکن وی از این تقاضا سرپیچی کرد.
هندوستان، اوت ۱۶۵۷
اورنگ زیب (Aurangzeb) امپراتور مغول هند پس از یک‌سال دو قلعه را در حاکم‌نشین دکن (Dekhan) در استان بیجاپور (Bijapur) اشغال کرد و بیش‌تر آن سرزمین را دستخوش تاراج ساخت. اورنگ زیب به پیروی از پدرش شاه‌جهان برای تکمیل فتوحات خود به این امر اقدام نمود.
انگلیس، ۱۶۵۷
جان بون‌یان (John Bunyan) که رساله‌یی علیه کوآکرها نوشته بود، حال اقدام به موعظه جهت ارشاد آنان در میدلند (Midlands) کرد، مردم هم که شیفته‌ی سخنان او بودند، در پای میز خطابه‌ی او به تعداد زیاد جمع می‌شدند، به‌طوری‌که سبب ازدحام و شلوغی می‌شد، در نتیجه وی با این سخنرانی‌ها به شهرت رسید.
رودآیلند، ۱۶۵۷
رودآیلند (Rhode Island) که به طرفداری از آزادی مذاهب شهرت داشت و عقاید مذهبی تمام ادیان را تحمل می‌کرد، آن آزادی را مرهون مساعی راجر ویلیامز (Roger Williams) است. او که به حکومت غیرمذهبی معتقد بود و مردم را در انتشار عقاید خود آزاد می‌دانست، کتابی به‌اسم «شکنجه و آزار و تعقیب افراد به‌علت داشتن عقاید و مرام باطنی آن‌ها» نوشت که در سال ۱۶۴۴ پس از انتشار این کتاب، مغازه‌ی ناشر آن را در لندن آتش زدند.
دریای اژه، ۱۶۵۷
دولت ترکان عثمانی جزایر تنه‌دوس (Tenedos) و لمنوس (Lemnos) را از جمهوری ونیز (Venetians) بازپس گرفت.
افریقای غربی، ۱۶۵۷
نیروهای سوئدی از قلعه‌ی کارولسبرگ (Carolusberg) که پایگاه تجارت برده در ساحل طلا بود و در دو سال پیش اشغال کرده بودند، توسط نیروهای دانمارکی بیرون رانده شدند.

می‌فلاور در پی تقدیر و سرنوشت به سرزمینی وارد شد که بومیان آن را ماساچوست *(Massachusetts)* می‌نامیدند. ناویان می‌فلاور سرانجام ۴۱ نفر از سرنشینان کشتی را به نقطه‌ی موردنظر رساندند، در حالی‌که هیچ کس از آن‌ها بازخواست نکرد، چون وضع اجتماعی دستخوش دگرگونی بود و بی‌قانونی در آنجا حکم‌فرما بود.

در نخستین روزهای ورود به ساحل، مسافران که از بیماری رنج می‌بردند، هر کدام محلی را به‌طور موقت برای زندگی انتخاب کردند. این مکان‌ها اغلب نزدیک ساحل بود. مایلزاستاندیش *(Miles Standish)*، سرپرست گروه، افراد را مسلّح کرده و به کاوش و اکتشاف در منطقه فرستاد. این افراد که آشنایی با منطقه نداشتند، مورد حمله‌ی بومیان واقع شده و از ترس به‌هر سو شلیک می‌کردند تا جانشان سالم بماند. آن‌ها پس از کمی آشنا شدن با محیط خود، گرفتار زمستانی طاقت‌فرسا شدند و برای رفع گرسنگی در جست‌وجوی مواد خوراکی برمی‌آمدند. آن‌ها حتا به انبار غله‌ی بومیان دستبرد می‌زدند. یکی از منابع غذایی آنان، وجود پرندگان از جمله بوقلمون بود که به حد وفور، مورد استفاده‌ی مهاجران قرار می‌گرفت.

انگلیس اخبار جهان را با انتشار روزنامه به آگاهی همگان می‌رساند. (انگلیس، ۱۶۲۱):

برای دسترسی به اطلاعات جامع و همگانی، نشریه‌یی موسوم به پیک یا چاپار در انگلیس منتشر شد که اخبار و رویدادهای همه‌ی نقاط را در آن می‌توان یافت که وقایع داخل و خارج از کشور را شامل می‌شود. این پیک‌ها هر هفته منتشر می‌شود و رویدادهای اروپا و به‌ویژه آلمان و هلند را در دو سال اخیر به چاپ می‌رسانند.

اکنون این نشریه حوادث بریتانیا را به‌صورت مسلسل و مخصوصاً جریانات و اتفاقات جبهه جنگ‌های مذهبی را در تمام اروپا به‌صورت مشروح بیان می‌کند. هم‌چنین رویدادهای دربار سلطنتی انگلیس و قدرت پادشاه و اختیارات اعضای دربار و پارلمان، حقوق شرکت‌ها و شروط سرمایه‌گزاری

برپایه‌ی حقوق قانونی آن‌ها، در این نشریه به‌صورت مشروح بیان می‌شود.

دولت‌های اسپانیا و هلند، نبردهای بازرگانی را تجدید می‌کنند. (هلند، ۱۶۲۱):

قرارداد ۱۲ ساله‌ی ترک مخاصمه، بین اسپانیا و هلند، خاتمه یافت. در سال‌های اخیر دشمنی‌ها و مخاصمات دریایی بین این دو منطقه تجدید شده، چون کشتی‌های بازرگانی هلندی سرتاسر دریاهای کره‌ی ارض را می‌پیمایند و این تهدیدی برای متصرّفات و مستعمرات اسپانیا در دنیای جدید و نیز برای تجارت انحصاری اسپانیا و در حقیقت زنگ خطر به‌شمار می‌رود.

سلسله مباحثاتی در دربار اسپانیا نسبت به ادامه‌ی متارکه‌ی جنگ در جریان است، چون کشتی‌های هلندی مسیر خود را تا بندر اورانژ *(Orange)* در رودخانه‌ی هودسون در آمریکای شمالی به پیش برده‌اند و این اعمال و تجاوزات تمام مستعمرات اسپانیا را مورد تهدید قرار داده است و متصرّفات این کشور در دامن هلند قرار گرفته است. دولت هلند با تأسیس کمپانی هلندی هند غربی که یک شرکت پوشالی و به ظاهر تجاری است، به خود حق می‌دهد که در تمام امور آمریکای جنوبی دخالت کند و تاکنون به پیشرفت‌های شایانی در تجارت این منطقه دست یافته و تجارت اسپانیا را مختل ساخته است.

ضیافت شکرگزاری به خاطر محصول خوب (نیوپلیموت *(New Plymouth)*. آمریکا، ۱۶۲۱):

یک سال پس از وارد شدن گروه پوریتن مسیحی به نیوپلیموت، صلح و صفا بین بومیان سرخ‌پوست با تازه‌واردان ایجاد شد و بومیان قبیله وامپانوگ *(Wampanoag)* با اشتیاق به آموختن زبان انگلیسی پرداختند. یکی از افراد این قبیله به نام تیسکانتوم *(Tisquantum)* یا اسکوانتو *(Squanto)*، برای نخستین بار به همراهی گروه کاپیتان وی ماوث *(Waymouth)* در سال ۱۶۰۵ به انگلیس مسافرت کرده بود. در سال ۱۶۱۴ اسکانتو با کمک کاپیتان جان اسمیت سراسر اقیانوس اطلس را پیمود، چون وی را توماس هانت *(Thomas Hunt)* کاشف انگلیسی، به ناوگان اسپانیا به‌عنوان برده فروخته بود. به‌هر حال، آن‌ها فرار کردند و به انگلیس پناهنده شدند، تا این‌که دو سال پیش به ماساچوست بازگشتند.

علل زیادی برای اختلاف و کشمکش بین آن‌ها وجود داشت. در هفت سال پیش، برخی از افراد قبیله‌ی وامپانوگ را به‌عنوان برده جهت تجارت و فروختن آن‌ها، به شرق می‌بردند، لیکن در این چند سال وضعیت عوض شد و توجّه‌ی برده‌فروشان به غرب معطوف گشت. بومیان که سابقاً مورد تحقیر واقع می‌شدند، با ورود پوریتن‌ها برای نخستین‌بار مورد احترام قرار گرفتند و این وضع سبب شد که بومیان احساس شخصیت کنند و جریانات سابق را به فراموشی بسپارند، چون تازه‌واردان به آن‌ها اجازه دادند در گردهمایی‌های آن‌ها شرکت کنند، بدین مناسبت در آیین شکرگزاری برای فراوانی ذرت، ضیافت مفصّلی برپا کردند که با غذاهای بسیار لذیذ از قبیل گوشت آهو و بوقلمون وحشی، از میهمانان پذیرایی به عمل آمد.

پادشاه سوئد، راهی برای پیروزی در منطقه‌ی ریگا *(Riga)* پیدا نمود. (لهستان، ۱۶ سپتامبر ۱۶۲۱):

نیروهای نظامی سوئد، تحت رهبری پادشاه، با حفر سنگر و ایجاد استحکامات جنگی در اطراف ناحیه‌ی ریگا واقع در لهستان، پس از مدّتی محاصره‌ی شهر در طی نبرد شدیدی توانستند آن منطقه را تصرّف نمایند. گوستاو آدولفوس *(Gustavus Adolphus)*، پادشاه جوان سوئد، خود به‌عنوان طلایه قشون در جلوی سپاهیان حرکت می‌کرد، در حالی‌که توپ‌های آتش‌بار در اطراف وی قرار داشت و جان وی را از خطر محافظت می‌کرد. این ارتشِ مجهّز به توپ‌خانه به حالت استتار، ناگهان به حصار شهر حمله‌ور شدند.

دو روز پیش، حاکم ریگا، به گوستاو پیشنهاد مذاکره‌ی دوجانبه نمود، لیکن گوستاو با خشونت آن را رد کرد و اظهار داشت، تنها باید یکی از شاهزادگان سوئدی به جای سیگیسموند به سلطنت لهستان برسد و

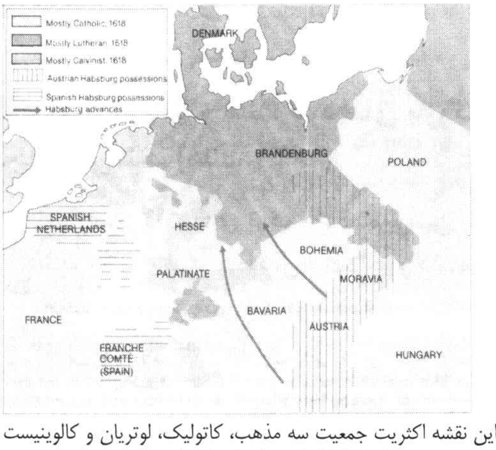

Iunij, 1621. 86.

Den Eedt met de welc-
ken Bethlem Gabor Prince van Transsilvanien hem verplicht ofte verbonden heeft aen de Turc tot Cassouw, in Hungarijen, inde tegenwoordicheydt van den Turckschen Legaet.
Met de Belofte die den Turck ghedaen heeft aen Bethlem Gabor.
Overgesedt vvt de Poolsche sprake, in onse Nederlantsche Tale.
Nv Eerst Ghedruckt den 9. Iunij 1621.

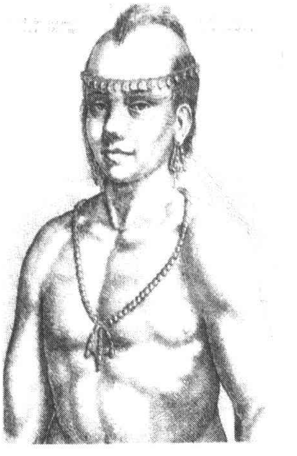
Thantwerpen/ By Abraham Verhoeuen / op de Lombaerde Veste/ inde gulde Sonne.

یک صفحه خبری از مقالات یک نشریه ی دانمارکی.


جیمز پادشاه بریتانیا که مورد توبیخ مجلس عوام واقع شد.



این نقشه اکثریت جمعیت سه مذهب، کاتولیک، لوتریان و کالوینیست Calvinist را در قاره اروپا نشان می دهد.

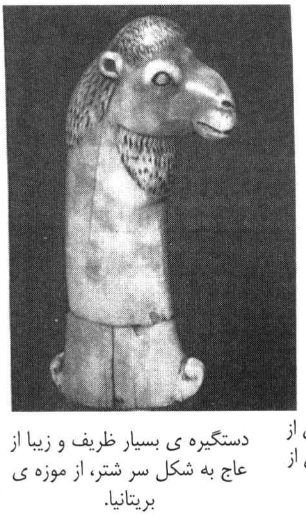

یکی از سرخ پوستان بومی ویرجینیاVirginia


تصویر جوانی گوستاووس آدولفوس Gustavus Adolphus (گوستاوآدولف) پادشاه سوئد که فردی مردمی، و در موارد بحرانی سخت و خطرناک، شریک و غم خوار سپاهیان بود.



آغاز دوران جدید، گوبلنی که زائران اروپایی را به هنگام ورود به امریکا نشان می دهد.


تصویر یک نفر اروپایی و خدمتکاران وی از دید یک نقاش مغول. این تابلو نمونه یی از توجه به روح اصالت و واقعیات است.


دستگیره ی بسیار ظریف و زیبا از عاج به شکل سر شتر، از موزه ی بریتانیا.


مکان مقدس ژزوئیت، مؤسس لویولا Loyola.


تصویر یک قدیس، سنت ترزا آویلا Teresa Avila.

سیگیسموند از سلطنت برکنار شود و در آن صورت می‌توان پیشنهاد مذاکره را در دستور کار قرار داد.

این ردّ پیشنهاد، در حقیقت توهین بود. سپس به سپاهیانش فرمان داد که شهر را غارت کنند و بدین صورت آرامش خود را بازیافت، امّا هنوز مدعی است که شهر ریگا به کشور سوئد تعلق دارد.

یک زن نویسنده، کتابی درباره‌ی تساوی حقوق جنسی به نگارش درآورد. (فرانسه، ۱۶۲۲):

ماری‌لو ژاردو گورنی *(Marie le Jars de Gournay)*، کتاب جدیدی در باب حقوق اجتماعی زنان منتشر کرد که مورد توجّه همگانی واقع شد. وی قبلاً هم کتابی درباره‌ی زنان نوشته بود که درخواست آزادی بیشتری برای زنان داشت. وی در این مورد بسیار ثابت‌قدم بود. این کتاب هم بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

دوگورنی در این کتاب جدید، سخت به افراد دو رو و چاپلوس در اجتماع می‌تازد و مردانی را که در مقابل زنان برای سوءاستفاده‌ی جنسی نرمش نشان می‌دهند، مورد حمله قرار می‌دهد. او چون با رفتار خصومت‌آمیز نسبت به مردان خو کرده، آن‌ها را مورد اهانت قرار می‌دهد و نمی‌تواند از روش خود دست بردارد و پیروی و اطاعت از مرد را توهین تلقّی می‌کند و خواستار احترام متقابل بین زن و مرد می‌باشد.

پاپ با کمال مهارت، یک قدیس جدید را انتخاب و معرفی نمود. (رم، ۱۶۲۲):

پاپ گریگوری پانزدهم، مهارت خویش را در سیاست به اثبات رساند. وی برای حراست از عقاید کلیسای کاتولیک در برابر پروتستانتیسم و تقویت روحیه‌ی پیروان کاتولیک‌مذهب خود، و تشویق آن‌ها به پرهیزکاری و پارسایی، به‌طور موقت نیاز به عاملی برای استحکام پایه‌های قدرت داشت. او از بین چهار نفر از برجسته‌ترین بنیان‌گزاران عقاید ژزوئیت، ایگناتیوس لویولا *(Ignatius Loyola)* را به‌عنوان یک قدیس جدید معرفی کرد. او مقدم بر سایر ژزوئیت‌ها و در رأس همه قرار داشت و یکی از مبارزان و اصلاح‌طلبان مذهبی بود که زمینه‌ی اصلاحات را فراهم نمود. لیکن پاپ یکی دیگر از بزرگ‌ترین زاهدان و صوفیان را هم به نام ترزا *(Teresa Avila)* اهل آویلا را در نظر داشت که سراسر زندگی‌اش را در راه تفکر و اندیشه‌ی مذهبی گذرانید، پاپ او را هم در زمره‌ی قدیسان قرار داده بود.

در عهد جهانگیر پادشاه مغول هند، هنر و علم به بالاترین حدّ خود رسید. (دهلی *(Delhi)*، ۱۶۲۲):

جهانگیز، سومین امپراتور مغول هند، ثابت کرد که مانند پدر خود اکبر، یک نمونه از زمامداران بزرگ می‌باشد. او توانست قلمرو خود را از شمال گسترش داده و تمام سرزمین کشمیر را متصرّف شود و وسعت آن را به زمان تیمور لنگ برساند. اکبر تمام نقاشان و شاعران را همانند دربار ایران، گرد خود جمع کرد.

او از تمام هنرمندان نقّاش هندو و مسلمان دعوت کرده بود که از واقعه‌ی شهید شدن حمزه، عموی پیامبر اسلام، یک کتاب محتوی تصاویر آن زمان تهیه کنند و آن‌ها هم این واقعه را در ۱۴۰۰ تصویر رنگی و زیبا تهیه کرده و به حضور امپراتور ارائه کردند، این کتاب مصور مانند کتاب بزرگ جنگ‌های مهابهارات *(Mahabharata)* هندو به زبان فارسی ترجمه گردید.

جهانگیر هم به نقاشان دربار توصیه کرد که کتابی محتوی تصاویر تمام حیوانات و پرندگان تهیه کنند که در دسترس علاقه‌مندان به مطالعه و تحقیق در زندگی حیوانات در طبیعت قرار گیرد. او عاشق طبیعت و جانوران بود، بدین جهت به منصور نقّاش دربار سفارش کرد که بدین مهمّ بپردازد، او هم تصاویر زیبایی از گوراسب (زبرا)، بز کوهی، قرقاول، بوقلمون و طاووس ترسیم نمود. جهانگیر هم به منصور لقب نادرالعصر یا اعجوبه‌ی زمان اعطا نمود.

جهانگیر به این کار خود افتخار می‌کرد و بی‌درنگ به‌هر یک از نقاشان جوایز و عطایایی هدیه می‌داد. جهانگیر پس از مدّتی به تریاک اعتیاد پیدا کرد، روزی از چندین نقّاش دعوت کرد که شمایلی از او تهیه کنند، لیکن نقاشان با فردی معتاد و لاغر و نزار مواجه شدند و هیچ کس جرأت نداشت تصویر او را به آن حال ترسیم نماید. در نتیجه، او از شاه‌عباس صفوی، پادشاه

ایران خواست که نقاشان ایرانی را برای این کار به دربار او اعزام کند، آن‌ها هم تصویر بسیار زیبایی از جهانگیر تهیه کردند که در اطراف سر او هاله‌یی از نور می‌درخشید و همانند تصاویر نقاشان اروپایی که در اطراف سر هر قدیس هاله‌یی از نور می‌درخشد، نشان دادند.

عثمان دوّم، پادشاه عثمانی را در سن ۱۹ سالگی خفه کردند. (استانبول، ۲۰ مه ۱۶۲۲):

عثمان دوّم، سلطان عثمانی که از کار برکنار شده بود، توسط گارد محافظ خودش که از افراد ینی‌چری بودند، به قتل رسید. عثمان ۱۹ سال داشت و مدّت چهار سال سلطنت کرد. چنین به‌نظر می‌رسد که سران قشون ینی‌چری شنیده بودند که سلطان در نظر دارد که به جای آن‌ها افراد دیگری را به این کار بگمارد و در نتیجه قشون ینی‌چری را در حاشیه نگه دارد و از اقتدار آن‌ها بکاهد، لیکن آن‌ها پیش‌دستی کرده و با کشتن عثمان قصد دارند که مصطفی دیوانه، سلطان پیشین را به سلطنت برسانند. عثمان قبلاً برای آرام کردن و سکوت ینی‌چری‌ها فرمان قتل دلاور پاشا وزیر اعظم را صادر کرده بود و در نظر داشت حسین را به جانشینی او برگزینند. عثمان بیهوده برای حفظ تاج و تخت و زندگی خود در تلاش بود، زیرا ملکه ولید مادر مصطفی زمام امور امپراتوری را در دست داشت و به اشاره او گاردینی چری اقدام به قتل عثمان کردند.

سپاهیان ینی‌چری از سال ۱۶۱۷ و پس از مرگ سلطان احمد، انضباط و نظم خود را از دست دادند و حالت یاغی‌گری به خود گرفتند. هنگامی‌که عثمان به سرعت جای مصطفی دیوانه را اشغال کرد و فرمان داد که سپاهیان ینی‌چری به نبرد با لهستان اعزام شوند، احساس کرد که آن‌ها تمایل به جنگ ندارند و اگر در جنگ شکست بخورند، تقصیر و گناه آن را به گردن او خواهند انداخت.

از میهمانان غربی با چای پذیرایی می‌کنند. (ماکائو (*Macao*)، ۱۶۲۲):

دنیای غرب، مدیون بصیرت و کارهای برجسته‌ی خوآئو رودریگوئز (*Joao Rodrigues*)، نویسنده‌ی ۶۱

انگلیس، ۱۶۵۷
کریستیان هویگنس (Christiaan Huygens) فیزیکدان دانمارکی ساعت پاندول‌دار را که گالیله برای اخترشناسی استفاده می‌کرد تکمیل ساخت و اولین رساله را در باب قانون احتمالات نوشت.
پاریس، ۱۶۵۷
سیرانو دوبرژراک (Cyrano de Bergerac) شاعر فرانسوی با نگارش کتابی درباره‌ی آدم‌های خیالی و بوالهوس عقاید درونی خود را ابراز داشت.
آمستردام جدید، ۲۵ ژانویه ۱۶۵۸
پیتر استوی وسان (Peter Stuyvesant) فرماندار، بازی تنیس را در هنگام اعمال مذهبی قدغن کرد. یکی از همسایگان این مجتمع یعنی مهاجرنشین ماساچوست در سال‌های ۱۶۵۵ــ۱۶۵۶ اعمالی نظیر پرتاب‌کردن، سرزنش و استهزا و ملامت‌کردن افراد، آمیزش با زنان هرزه، با صدای بلند حرف‌زدن، ناسزاگفتن، اجتماع گروهی، بازی ورق، کشیدن گیس زنان و کشیدن همسران را به سوی خود (یعنی در آغوش کشیدن) را مستوجب تبعید دانست و مقررات آن را اعلام کرد.
هندوستان، ۲۵ ژوئن ۱۶۵۸
اورنگ زیب خود را امپراتور مغول خواند.
آمستردام جدید، ۱۲ اوت ۱۶۵۸
اولین نیروی انتظامی (پلیس) در این مستعمره شکل گرفت.
مونرآل (*Montreal*)، اوت ۱۶۵۸
مدار شوارت (Medard Chouart) کاشف و تاجر پوست خز اهل فرانسه با پی‌یر اسپیریت رادیسون (Pierre Esprit Radisson) نابرادری خود، گروزیلیه (Groseilliers) و ۳۱ نفر از همراهانش از رودخانه‌های تروآ (Trois Rivieres) (سه‌گانه) به ناحیه‌ی سفلای رود سن‌لورنس (St Lawrence) رسیدند و دریاچه‌ی سوپریور (Lake Superior) (علیا) و سرزمین‌های جنوبی و غربی این منطقه را کشف کردند. آن‌ها امیدوارند که بتوانند باب داد و ستد را با سرخ‌پوستان این مناطق بگشایند.
افریقای جنوبی، ۱۶۵۸
هلندی‌های ساکن دماغه‌ای امیدنیک (Good Hope) ، اهالی جزیره‌ی ماداگاسکار (Madagascar) و جاوه (Java) را به‌عنوان برده می‌فروشند.
سوئد، ۱۶۵۸
بانک سوئد نخستین اوراق بهادار را در دنیای غرب منتشر کرد.
مریلند، ۱۶۵۸
نبرد بین انقلابیون پوریتن و لرد پروپریه‌تور (Lord Prorietor) با بازگرداندن لرد بالتیمور (Lord Baltimore) به مقام سابق خود پایان یافت و مردم از این‌که دوباره‌ی آزادی مذهبی برقرار شده، اظهار شادمانی می‌کنند. آن‌ها در سال ۱۶۵۵ درخواست کرده بودند که لرد بالتیمور به مقام خود منصوب گردد و چون این موضوع پذیرفته نشد، آن‌ها به قیام و شورش برخاستند.
هلند، ۱۶۵۸
یان اسوا مردام (Jan Swammerdam)، نخستین فردی بود که توانست فعالیت و اعمال گویچه‌های سرخ را شرح دهد.
اسپانیا، ۱۶۵۸
بالتازار گراسیان (Balthasar Gracian) فیلسوف و نویسنده‌ی اسپانیایی درگذشت. او چندین کتاب درباره‌ی سیستم اخلاقی و خصوصیات انسان‌ها نگاشت، لیکن بزرگ‌ترین اثر وی به‌نام ال کریتیکون (El Criticon) است که درباره‌ی غارتگری اخلاق بشری به رشته‌ی تحریر درآورده است.
لهستان، ۱۶۵۸
مخالفان اصلاحات مذهبی پیروز شدند و پروتستان‌ها را از مقام خود برکنار کردند.
سیلان، ۱۶۵۸
هلندی‌ها با اشغال جفنا پاتام (Jaffna Patam) در سیلان (Ceylon)، آخرین اشغال‌گران پرتغالی را از آن‌جا راندند.
انگلیس، سوم سپتامبر ۱۶۵۸
اولیور کرامول (Oliver Cromwell)، رهبر حامی ملت از جهان رخت بربست. او که از سال ۱۶۵۳ به‌وسیله‌ی پارلمان پوست‌فروشان از راه خیرخواهی به دیکتاتوری رهبری کشور را دست داشت و پارلمان هم وی را تأیید کرده بود، در سال گذشته مقام سلطنت را نپذیرفت، این مقام توسط پارلمان به وی پیشنهاد شده بود.

ساله و گمنام ژاپنی است که اخیراً یادداشت‌های علمی خود را به پایان برد.

گرچه او زندگی خود را وقف نوشتن جغرافیای ژاپن، تاریخ، سیاست، حکومت و قوانین بازرگانی می‌کرد، معهذا تمام آداب و رسوم ژاپن را در کارها رعایت می‌کرد و مخصوصاً در مهمانی‌ها پس از چهار فصل نوشتاری به مهمانان چای می‌داد. او سال‌ها به این وضع عادت کرده بود و اگر یک مهمان غربی نزد او می‌آمد، با چای از وی پذیرایی می‌کرد، لیکن چون افکار ضدّمسیحی و غربی در ژاپن نضج گرفت، رودریگوئز هم مورد انتقاد قرار گرفت و او را به خاطر مجالست با مسیحیان در سال ۱۵۸۷ تبعید کردند، امّا او در تبعید هم منزل خود را به‌صورت چای‌خانه درآورد و به سایرین هم طرز پذیرایی را می‌آموخت.

او عقیده داشت که این نوع پذیرایی وضع طبیعی دارد و همه می‌توانند این کار را به آسانی انجام دهند و نیاز به تشریفات ندارد و صاحب‌خانه را از رسوم کسل‌کننده و بی‌جا راحت کرده و از حالت تصنّعی رهایی می‌بخشد، چون همواره می‌توان با چای و در کمال سادگی از مهمان پذیرایی کرد.

مسیحیان در ژاپن به شهادت رسیدند. (ژاپن، ۱۶۲۲):

تعقیب و آزار مسیحیان در کشور ژاپن همه روزه تشدید می‌شود. در حالی‌که در زمان فرمانروایی شوگون ایاسو *(Ieyasu)*، دیانت مسیحی تحریم شد، لیکن آن‌ها را به هلاکت نمی‌رساندند، بلکه از کشور اخراج می‌کردند. امّا هایدتادا *(Hidetada)*، پسر و جانشین او، در تعقیب مسیحیان است و هر فرد مسیحی را که بیابد به فرمان او به قتل می‌رساند.

برخی از مسیحیان سرهاشان را از دست می‌دهند، بعضی از آن‌ها را در گودال یا چاه می‌اندازند تا در آنجا بمیرند، به فرمان او بدترین و سخت‌ترین مجازات‌ها درباره‌ی ژاپنی‌های مسیحی شده اجرا می‌شود، زیرا اغلب دین خود را انکار می‌کنند.

اگر یک فرد ژاپنی به انکار مسیحیت نپردازد و از آن دفاع کند، به شدیدترین وجه مورد عذاب و شکنجه قرار خواهد گرفت و در اثر شکنجه به هلاکت خواهد رسید. مأموران حکومتی نه تنها افراد مخالف و مبارز را تحت پیگرد قرار می‌دهند، بلکه اعضای هیأت‌های مذهبی مسیحی و غیربودایی را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و حتا با شمشیر، بدن آن‌ها را قطعه‌قطعه می‌نمایند. آن‌ها سربازان ارتش ژاپن را هم بازجویی می‌کنند، تا اگر به شخصی مشکوک برخورد نمایند، او را مجازات نمایند. این سیاست مستبدانه‌ی خاندان توکوگاوا *(Tokugawa)* و سلسله‌ی فرمانروایان، باعث شده که سرزمین ژاپن با غرب قطع رابطه کند.

وسیله‌یی اختراع شده که انسان را از زحمت حساب کردن خلاص می‌کند. (آلمان، ۱۶۲۳):

اگرچه چرتکه قرن‌ها برای محاسبه مورد استفاده‌ی بشر بوده و کاربرد زیادی داشته و ویلیام اوترِد *(William Oughtred)* هم با ساختن خط‌کش مهندسی قدم نوی برای پیشرفت محاسبات انجام داد و انقلابی در این راه به‌وجود آورد، با این وصف، ویلهلم شیکارد *(Wilhelm Schickard)* آلمانی، با قوه‌ی ابتکار خود، دستگاهی از چوب ساخته که قابلیت محاسبه‌ی جمع و تفریق را به‌طور خودکار انجام می‌دهد، علاوه بر این، دستگاه ساخت شیکارد می‌تواند محاسبه‌ی ضرب و تقسیم را هم انجام دهد. او این دستگاه را ماشین‌حساب دستی نامید، زیرا سیستم حساب دستی انسان را خسته می‌کند و مجبور است که نتیجه‌ی محاسبات را برای جلوگیری از اشتباه مجدداً کنترل نماید، با این وصف باز هم امکان اشتباه وجود دارد.

هلندی‌ها، ده نفر از رقبای تجاری خود را در شرق کشتند. (اندونزی *(Indonesia)*، ۱۶۲۳):

در یک عمل بی‌رحمانه و ظالمانه، هلندی‌های کمپانی هند شرقی ده نفر از بازرگانان انگلیسی رقیب خود را در آمبوینا *(Amboina)* واقع در اندونزی با آزار و شکنجه به هلاکت رساندند. آن‌ها چند نفر از

انگلیس، ۱۶۵۸
جان درایدن (John Dryden) شاعر انگلیسی، چندین بند رباعی درباره‌ی قهرمانی‌های کرامول در رثای او پس از مرگش سرود.
هندوستان، ۱۶۵۹
اورنگ زیب امپراتور مغول هند پس از احراز قدرت کشوری، فرامینی جهت اجرا صادر کرد.
هلند، ۱۶۵۹
اسپینوزا (Spinoza) فیلسوف و دانشمند الهیات یهودی ـ هلندی، رساله‌ی مختصری درباره‌ی اصالت وجود خداوند و طبیعت بشری به‌نام «خدا، انسان و زیستن او در بهترین شرایط موجود تحت عنایت خداوند» تدوین کرد.
پاریس، ۱۶۵۹
اولین اپرا به زبان فرانسه و به‌نام دهقان نوشته‌ی پی‌یر پرین (Pierre Perrin) کشیش و روبر کامبر (Robert Cambert) که اشعار آن را سروده بود، به روی صحنه آمد. با اجرای این اپرا آکادمی موسیقی سلطنتی هم در پاریس گشایش یافت.
برلین، ۱۶۵۹
کتابخانه‌ی سلطنتی در شهر برلین (Berlin) افتتاح شد.
هندوستان، ۱۶۵۹
سیواج ماراتا (Sivaji Maratha) در هنگام خوش‌آمدگویی به ژنرال افضل‌خان مغول با آلتی فولادی شبیه چنگال ببر شکم او را درید که به مرگ ژنرال انجامید.
فرانسه، ۱۶۵۹
پیمان آشتی پیرنه (Pyrenees) که بین کاردینال مازارن و دون لوییس دو هارو (Don Luis de Haro)، پس از مدت‌ها بحث و جدل به امضا رسید، سرانجام به جنگ فرانسه و اسپانیا پایان داد. ازدواج ماریا ترزا (Maria Theresa) دختر فیلیپ چهارم پادشاه اسپانیا و لویی چهاردهم شاه فرانسه این پیمان را تضمین کرد. جهیزیه‌ی عروس هم این بود که پادشاه اسپانیا از تمام ادعاهای خود راجع به فرانسه دست کشید.
ایتالیا، ۱۶۵۹
یکی از اهالی سیسیل (Sicilia) به‌نام فرانسیسکو پروکوپیو (Francisco Procopio) برای نخستین‌بار بستنی تولید کرد.
هلند، ۱۶۵۹
یان ورمیر (Jan Vermeer) یکی از هنرمندان نقاش هلندی، تابلوی دختر جوان فلوت‌زن را ترسیم کرد.
انگلیس، مه ۱۶۵۹
ریچارد کرامول (Richard Cromwell) فرزند اولیور که توسط پارلمان به عضویت گروه کرامول درآمده بود، پس از شش ماه که اولیور کرامول به‌عنوان حامی ملت به‌قدرت رسید، پسرش را از گروه پارلمانی اخراج کرد. ریچارد پدرش را فاقد شایستگی برای می‌پنداشت و سلطنت را یک عطیه‌ی الهی می‌دانست و منصب رهبری را مناسب او نمی‌دانست.
فرانسه، ۱۶۵۹
پی‌یر کورنل (Pierre Corneille) هنرمند دراماتیست با نمایش‌نامه‌ی اودیپ (Oedipe) بار دیگر به صحنه‌ی تئاتر بازگشت.
چین، ۱۶۵۹
پدر فردیناند وربیست (Father Ferdinand Verbiest) که ریاست میسیون فرانسوی را برعهده داشت، در شهر بجینگ (Beijing) اقامت گزید.
هلند، ۱۶۵۹
یوست وان دن وندل (Joost Van den Vondel) درام‌نویس هلندی، درام «ژفتا (Jephta)» را به روی صحنه‌ی تئاتر آورد.
کامبوج، ۱۶۵۹
با هجوم و تاخت و تاز عوامل کمپانی انگلیسی هند شرقی به آنامی‌ها (Annamite) ویتنامی‌ها (Vietnamese)، مردم این کشور از سرزمین خود گریختند.
ویرجینیا، ۱۳ مارس ۱۶۶۰
برای فروش بردگان مالیات قطعی تعیین شد.
ماساچوست، یکم ژوئن ۱۶۶۰
مری دایر (Mary Dyer) یکی از پیروان عقاید کوآکرها را در شهر بوستون به دار آویختند. او به جرم سرپیچی از دستورات، دگرباره به مهاجرنشین‌ها می‌رفت و به تبلیغ عقاید کوآکرها می‌پرداخت، تحت پیگرد قرار گرفت، لیکن از معرکه گریخت و پس از آن با مداخله و پیگیری پسرش دستگیر شد. او را به اذن و فرمان پروردگار و دستور حکومت به اعدام محکوم کردند.

بازرگانان ژاپنی و پرتغالی را هم به قتل رساندند. قاتلان، این افراد را متّهم به توطئه علیه هلند کرده بودند.

تنها سه سال پیش بود که هلندی‌ها با فرمان و امریه‌ی دولت انگلیس، اجازه یافتند که به تجارت ادویه در آمبوینا بپردازند و بدین ترتیب آن‌ها این تجارت را منحصر به خود کرده بودند و دیگران را از این کار بازمی‌داشتند.

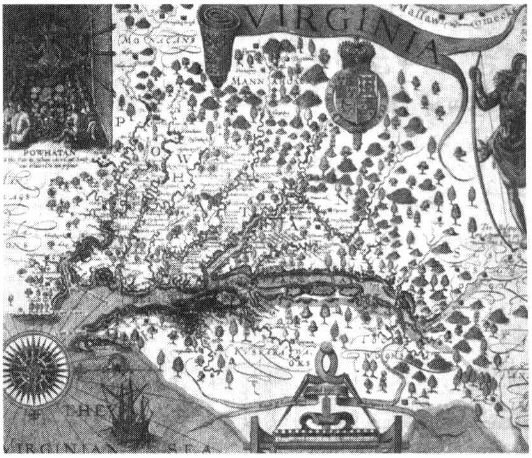
در سال ۱۶۱۹، دولت هلند با انتصاب یان پیترسون کوهن *(Jan Pieterszoon Coen)*، فرماندار کل در منطقه، دست او را در کار باز گذاشت و این فرد خودسرانه و با کمال بی‌رحمی اقداماتی را بر علیه افراد خارجی انجام می‌داد و بدین ترتیب به شقاوت و سنگدلی شهرت یافت. هنگامی‌که او در ناحیه‌ی باتاویا *(Batavia)* یک مستعمره‌ی هلندی را تأسیس می‌کرد، شهر قدیمی و مسلمان‌نشین منطقه را ویران و ساکنان آن را آواره ساخت، لیکن از کشتن آن‌ها صرف‌نظر کرد.

ویرجینیا، نخستین مستعمره‌ی انگلیسی در آمریکا، با بلایایی مواجه گشت. (لندن، ۱۶۲۳):

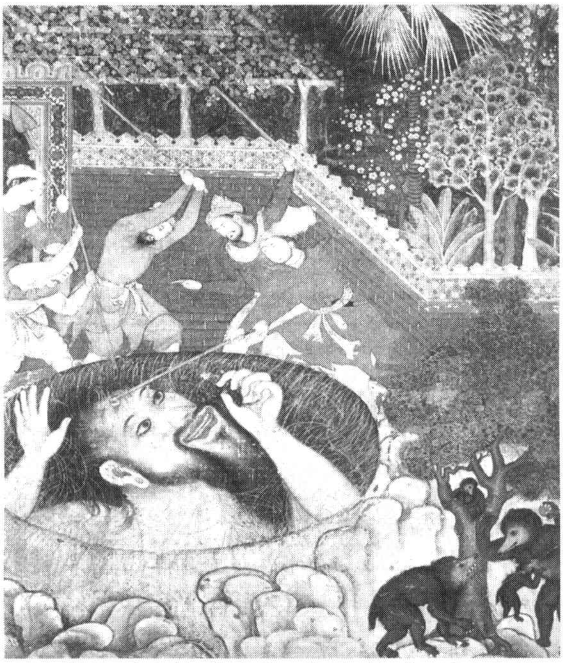
مستعمره‌ی رنج‌دیده‌ی ویرجینیا *(Virginia)* که به سرپرستی سر ادوین ساندیز *(Sir Edwin Sandys)* در آمریکا تأسیس شده، بنا بر گزارش انجمن سلطنتی انگلیس، در عرض مدّت ۱۵ سال، حدود سه هزار نفر ساکنان خود را از دست داده است.

در سال ۱۶۰۶، جیمز، پادشاه انگلیس، طی فرمانی منطقه‌ی ویرجینیا را به‌عنوان یکی از ایالات متعلق به انگلیس قلمداد کرد و کمپانی پیشین را الغا نمود. طبق فرمان، این ایالت مستقل اعلام شد و به اتباع انگلیس اجازه‌ی زندگی در آنجا اعطا شد و از این نظر به ساکنان آن منطقه آرامش روحی داد، زیرا از این پس آن‌ها احساس می‌کردند که حکومت بریتانیا حامی آنان می‌باشد.

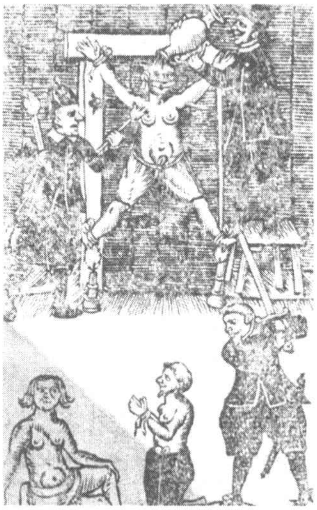
به‌هر صورت، از آن زمان، ساکنان این مستعمره، ایجاد انجمن‌ها را از حقوق خود دانسته و سعی می‌کردند که مجتمعی از هر جهت مجهّز، به‌وجود آورند، لیکن متأسفانه با انواع بیماری‌ها، قحطی و کشت وکشتار مواجه شدند که زندگی را به کام آنان تلخ نمود.



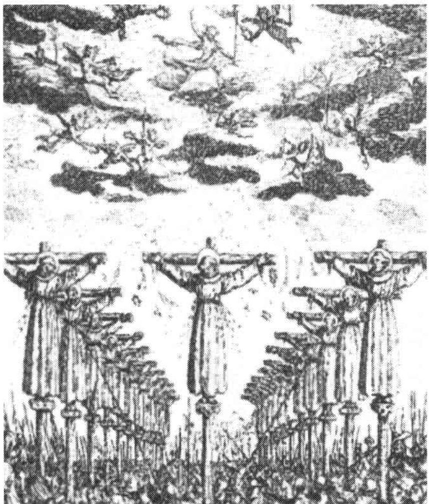
ضایعه ی مصیبت بار در مستعمره، نقشه ی سرزمین ویرجینیا که به وسیله ی جان اسمیت در سال ۱۶۲۴ ترسیم شده.



یک نمونه از ۱۴۰۰ تابلوهایی که به فرمان اکبرشاه مغول هند با اسلوب مخلوط ایرانی و هندی تا پیش از سال ۱۵۸۲ ترسیم شده. در این تابلو امیر حمزه (شاید حمزه ی سیدالشهداء) از خویشان حضرت محمد (عموی پیامبر) ونهمین فردی که مسلمان شد رانشان می دهد که غولی را دستگیر کرده و به دستور وی باغبانان غول را زیر ضربات تازیانه قرار داده اند.



دژخیمان هلندی یک بازرگان انگلیسی را زیر شکنجه قرار داده اند.



تابلویی از اعدام گروه فرانسیسکنFranciscans در ژاپن به دستور هاید تاداHydetada.



یک ستون از سربازان ترک ینی چری Jenissaries نیرویی قدرتمند و متزلزل که با شتر به جنگ می روند.

فرانسه، ۲۷ سپتامبر ۱٦٦۰

ونسان دو پل (Vincent de Paul) یکی از پیشروان اخلاق کلیسای فرانسه، از دنیا رفت. وی را در سن ۲۵ سالگی توسط دزدان دریای ربوده و به‌عنوان برده به تونس بردند. در سال ۱۶۰۷ با کمک اربابش که یک نفر مسیحی بود و به عقاید مسیحیان احترام می‌گذاشت، فراری داده شد و به فرانسه برگشت. او مؤسساتی برای کمک به بیماران تأسیس کرد و دسته‌هایی از کاتولیک‌ها را در قالب میسیون‌های مذهبی شکل داد که در سال ۱۶۳۲ مورد تقدیر پاپ اوربان (Urban) هشتم قرار گرفت.

انگلیس، یکم اکتبر ۱٦٦۰

به‌خاطر تقویت ناوگان دریایی انگلیس، مقرر شد که تمام مایحتاج و لوازم مهاجرنشین‌های آن کشور توسط کشتی‌های انگلیسی حمل گردد. ناوگان انگلیس در دهانه‌ی رودخانه راه را بر کشتی‌های هلندی سد می‌کرد و چون این کشتی‌ها ظرفیت محدودی داشتند، به‌ناچار کمیته‌های ایالتی مهاجرنشینان دستور داد که احتیاجات خود را منحصر به بار کشتی‌های انگلیسی بنمایند.

امریکا، ۱٦٦۰

ناران گانست پاساکوناوی (Narrangansett Indian Passaconaway)، یکی از رهبران سرخ‌پوست امریکا، در بستر مرگ چنین اظهار داشت که: در نزاع با انگلیس باید خیلی مراقب بود، گرچه شما ممکن است صدمات زیادی بر آن‌ها وارد آورید و فکر کنید که همه را به خاک هلاکت افکنده‌اید، با این وصف آنان بازهم رشد خواهند کرد، بنابراین باید ریشه‌ی آن‌ها را از بیخ کند.

افریقای جنوبی، ۱٦٦۰

گروه‌های جنگجوی ساکن دماغه‌ی نیک‌امید که به خویزان (Khoisan) مشهورند، به رهبری هاری (Harry) و دونان (Donan) به هلندی‌هایی که به آن‌جا وارد شدند، تهنیت و خوشامد گفتند، لیکن پس از چندی همه‌ی آن‌ها را در جزیره‌ی روبن (Robben Island) زندانی کردند.

فرانسه، ۱٦٦۰

نیکلاس پوسن (Nicolas Poussin) نقاش فرانسوی یک‌سری تابلوهایی به‌نام چهارفصل برای دوک ریشیلیو (duke Richelieu) ترسیم کرد.

سوئد، ۱٦٦۰

سوئدی‌ها در غم ازدست‌دادن کارل دهم پادشاه سوئد در نبرد با دانمارک، سوگوار شدند. بدین‌ترتیب پسر جوان وی با نام کارل یازدهم به سلطنت رسید.

کپنهاگ، ۱٦٦۰

نیل استن‌سن (Niels Stensen) عالم تشریح، جغرافیادان و دانشمند علوم دینی، ماهیچه‌های قلب را کشف کرد.

افریقای شرقی، ۱٦٦۰

انگلیس با حمایت دولت عثمانی بندر مومباسا (Mombasa) را از پرتغالی‌ها بازپس گرفت.

انگلیس، ۱۲ نوامبر ۱٦٦۰

جان بنیان (john Bunyan) که اکنون یکی از سران باپتیست به شمار می‌رود، به‌خاطر سخنرانی در کلیسای خارج از محدوده‌ی کلیسایی خود دستگیر شد. تعقیب وی تجربه‌یی است که کشیشان دیگر به این امر مبادرت نورزند و از دستورات حوزه‌ی خود پیروی کنند، او را در زندان ایالتی بدفورد (Bedford) محبوس کردند.

کپنهاگ، ۱٦٦۰

قرارداد صلح کپنهاگ (Copenhagen) به جنگ بین سوئد و دانمارک پایان داد. طبق این پیمان منطقه‌ی تروندهایم (Trondheim) جزو قلمرو نروژ و بورنهلم (Bornholm) به دانمارک تعلق می‌گیرد، امّا اسکانیا (Scania) و سایر سرزمین‌هایی که از سال ۱۶۴۳ به تصرف سوئد درآورده بود، جزو مرزهای غربی سوئد محسوب شده و در اختیار آن دولت قرار می‌گیرد.

انگلیس، ۱٦٦۰

جیمز هارینگتون (James Harrington) یکی از تئوری‌پردازان انگلیسی، نظریه‌ی جدیدی در سیاست ارائه کرد. برحسب نظریه‌ی وی گرچه سیاست چارلز اول به خودکامگی انجامید و جمهوریت و رأی سایرین در آن مدخلیت نداشت، مع‌هذا با توجه و مراقبت یعنی بررسی و جلوگیری از قدرت فردی می توانست از بروز فاجعه ممانعت به عمل آورد.

حوادث تأسف‌آور و وقایع ناراحت‌کننده، مانع رشد و شکوفایی این مستعمره گردید، در حالی‌که آنجا دارای خاک حاصل‌خیز، آب فراوان و هوایی معتدل بود که به آسانی می‌توانست محصول کافی برای تغذیه‌ی ساکنان آن تولید نماید. آن‌ها به اجبار مواد اوّلیه را از خارج تهیه می‌کردند و حتا ذرت محلی را از بومیان می‌خریدند، لیکن آن‌ها به جای حق‌شناسی از بومیان، آن‌ها را به قتل می‌رساندند و محصولات آن‌ها را آتش می‌زدند.

مهاجران خارجی قبل از این‌که به این منطقه مهاجرت کنند، هیچ‌گونه آگاهی از کشاورزی نداشتند. اغلب آن‌ها در گذشته به کار زرگری اشتغال داشتند، در حالی‌که آنجا از طلا خبری نبود. برخی از آن‌ها مدیران خوبی بودند و یا به شغل خرید و فروش اشتغال داشتند و از امور زراعت به کلّی بی‌اطّلاع بودند. عدّه‌یی تنها روزانه چهار ساعت کار می‌کردند و یا این‌که در ارتش به امور جنگی می‌پرداختند و مدّت هفت سال را در جبهه‌ی جنگ سپری کرده بودند، بدیهی است آن‌ها نمی‌توانستند از زمین بهره‌برداری کنند و همواره دستخوش فقر تغذیه بودند. آنان تنها محصولی را که تولید می‌کردند، توتون بود که در سال ۱۶۱۸ مبلغ ۵۰ هزار پوند عایدی داشت و چون جیمز، پادشاه انگلیس، کشیدن توتون و تنباکو را مضر تشخیص داده و موجد بیماری ریوی و تنگ‌نفس می دانست، این محصول هم در حال نابودی بود. با این وجود، تنباکو و توتون از نظر غذایی جایگاهی نداشت و تنها فروش آن منبع درآمدی برای ساکنان این ایالت به‌شمار می‌رفت. مهاجران که قبلاً طرح دوستی با بومیان را ریخته بودند، بر اثر نداشتن مواد اوّلیه‌ی غذایی، دست به غارت محصول آن‌ها می‌زدند و در نتیجه بومیان در مقام دفاع برمی‌آمدند. در این درگیری‌ها ۳۴۷ نفر از مهاجران کشته شدند.

ویلیام بیرد، استاد موسیقی بزمی، درگذشت. (انگلیس، چهارم ژوئیه ۱۶۲۳):

ویلیام بیرد (*William Byrd*)، یکی از آهنگ‌سازان بزرگ اروپایی، در خانه‌ی خود واقع در اسکس (*Essex*)، در سن ۸۰ سالگی از جهان رفت. اودر لندن سال‌های مدیدی تحت‌نظر توماس تالیس

(Thomas Tallis)، یکی از بزرگ‌ترین استادان موسیقی به آموزش هنر موسیقی پرداخت (وی در سال ۱۵۸۵ درگذشت.) و هم‌چنین مدّتی را تحت‌نظر دو نفر از موسیقی‌دانان کلیسای سلطنتی به تعلیم این هنر اشتغال داشت.

بیرد برای کلیساهای کاتولیک و انگلیکان *(Anglican)*، تعداد زیادی آهنگ ساخت و یا با آلات‌موسیقی آن‌ها را اجرا نمود. او آهنگ‌های مراسم عشای ربّانی و ترانه‌های شاد را هم تنظیم می‌کرد، و با اجرای آهنگ‌های تک‌صدایی در میهن خود و خارج از کشور به شهرت فراوان رسید و به خاطر ساختن آهنگ‌های متنوع و جالب خود به پدر موسیقی بریتانیا موسوم گشت.

پس از غارت دربار مکزیک، نایب‌السلطنه، مادرید را از این جریان آگاه ساخت. (مکزیک، ۱۶۲۴):

پس از این‌که کاخ نایب‌السلطنه در سرزمین اسپانیای جدید (مکزیک) مورد هجوم و غارت شورشیان گرسنه و فاقد مواد غذایی قرار گرفت و به آتش کشیده شد و در نتیجه‌ی آن ۷۰ نفر کشته شدند، نایب‌السلطنه، حکومت اسپانیا را از ماوقع آگاهی داد.

شورشیان علاوه بر آن، انبار غله را طعمه‌ی حریق ساختند، زیرا همواره از قدرت مصنوعی دربار منزجر بودند، از سویی، حکومت برای استفاده‌ی بیشتر، قیمت غله و مواد اولیه را بالا می‌برد و این فشار بیشتر بر روی دوش طبقه‌ی مستمند قرار می‌گرفت.

بومیان سرخ‌پوست و افراد دو رگه‌ی اسپانیولی ـ سرخ‌پوست، راه‌های ورودی و خروجی شهر را بسته و اموال دولتی را به آتش کشیدند و تعداد ۲۸۰ مغازه را پیش از رسیدن نیروهای نایب‌السلطنه، غارت و به ویرانی کشیدند.

نایب‌السلطنه‌ی مکزیک که یک حکومت غیرمردمی و استبدادی به‌وجود آورده و اسقف اعظم را به تبعید فرستاده بود، خشم مردم را برانگیخت و موجب عصیان مردم گردید.

نویسنده‌ی هلندی، قوانینی برای زمان جنگ نوشت (فرانسه، ۱۶۲۵):

هوگو گروتیوس *(Hugo Grotius)* که با نگارش رساله‌یی درباره‌ی دریاهای آزاد به شهرت جهانی دست یافته بود، کتاب باارزش دیگری درباره‌ی مقرّرات زمان جنگ و صلح تدوین و تألیف کرد. او در این کتاب سعی کرده که روابط بین‌المللی را در اروپا توجیه و تفسیر نماید.

مهم‌ترین بحثی را که گروتیوس پیش می‌کشد، آن است که تمام حکومت‌های سلطنتی بایستی حقوق شهروندان را رعایت نموده و هر کشوری رسوم و آداب ملّی را مدّنظر قرار دهد و در نتیجه قدرت خود را با خواسته‌های مردم مطابقت دهد تا زمینه‌ی استبداد و دیکتاتوری از بین برود. در زمان صلح برای جلوگیری از هجوم بیگانگان در اطراف، شهرهای مهمّ با ساختن حصار و بارو، قدرت دفاعی شهر را مستحکم کند. اگر ملتی مورد تهدید قرار گرفت، با بسیج نیروهای ملّی به جنگ بپردازد.

گروتیوس با درج این مقالات، مورد پیگرد دولت فرانسه قرار گرفته و به حبس و تبعید محکوم شد، لیکن از زندان گریخت و به هلند پناه برد. او دادخواستی به پرنس موریس *(Prince Maurice)*، حاکم ناسو *(Nassau)*، تقدیم داشت، امّا این عرض حال مورد توجّه او قرار نگرفت و باعث خشم و عصبانیت وی شد.

پادشاه انگلیس از سایر کشورها درخواست کمک کرد. (آلمان، ۱۶۲۳):

نیروهای نظامی باواریا به فرماندهی کنت تیلی*(Count Tilly)*، سپاهیان دوک برونزویک *(duke Brunswick)* را در ناحیه‌ی اشتادلوهن *(Stadtlohn)* کاملاً تار و مار کرده و آن‌ها را متلاشی نمودند. بیش از ۱۵ هزار نفر از ۲۱ هزار سپاهی برونزویک به قتل رسیدند. اکنون ژنرال تیلی با تصرّف هایدلبرگ *(Heidelberg)* و مانهایم *(Mannheim)*، کنترل تمام شاهزاده‌نشین‌های شمال را به دست آورده و حکومت هابسبورگ *(Habsburg)* به قدرت بزرگی تبدیل شده است. خبرهایی که از جبهه‌ی جنگ می‌رسد، حاکی است که فردریک پنجم شاهزاده‌ی انتخابی، بخش عظیمی از سپاهیان خود را از دست داده و از جیمز

المان، ۱۶۶۰
فریدریش اشتیدلر (Friedrich Staedtler) یک کارخانه‌ی مدادسازی در نورمبرگ (Nuremberg) به‌وجود آورد.

آلمان، ۱۶۶۰
پیمان صلح اولیوا (Oliva) به حملات سوئد به لهستان که از سال ۱۶۵۵ صورت می‌گرفت، پایان داد. از این پیمان سرزمین جدیدی نصب کشور سوئد نشد، لیکن منطقه‌ی لتونی (Livonia) همچنان جزو متصرفات آن کشور باقی ماند و لهستان (Poland) هم به‌صورت سلطنتی باقی ماند. طبق این پیمان هم‌چنین دوک‌نشین براندنبورگ (Brandenburg) و پروس (Prussia) هم به مناطق پادشاهی تبدیل شد.

فرانسه، ۱۶۶۰
پل اسکارون (Paul Scarron) نویسنده‌ی فرانسوی دنیا را ترک گفت. وی تا زمانی‌که به بیماری فلج اعضاء مبتلا شده بود، به نویسندگی ادامه‌ی می‌داد. اشعار وی شامل: غزلیات، شعرهای عاشقانه، رسالات منظوم و اشعار بزمی و طنز می‌باشد، لیکن مهم‌ترین اثر باقی‌مانده از وی نوول (کمدی رومی) است که بسیار مفصل و مطول می‌باشد که مانند اثر مل‌دو اسکودری (Mlle de Scudery) و هونوره دواورفه (Honore d' Urfe) بسیار شکوفا شد.

فرانسه، ۱۶۶۰
لویی چهاردهم با ماری ترز (Maria Tresa) (فرزند اسپانیا) ازدواج کرد. فرانچسکو کاوالی (Francesco Cavalli) آهنگساز بزرگ که موسیقی را زیرنظر مونته‌وردی (Monteverdi) تعلیم دیده بود، به افتخار استادش اپرای «سرس (Serse)» را تنظیم کرد.

انگلیس، ۱۶۶۰
جیمز هاول (James Howell) نویسنده‌ی انگلیسی کتاب عظیمی به‌نام «لگزیکون تتراگلوتن (Lexicon Tetraglotten)» یا فرهنگ لغات چهارزبانه شامل زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی و اسپانیولی تدوین و به‌چاپ رساند. هاول که به‌عنوان جاسوس معرفی شده بود، توسط سلطنت‌طلبان در سال‌های بین ۱۶۳۲ـ۱۶۴۲ زندانی شد و هم‌چنین بین سال‌های ۱۶۴۲ تا ۱۶۵۰ به‌وسیله‌ی پارلمان محبوس گردید. اکنون در دربار سلطنتی شرح کامل زندگی و تاریخچه‌ی تدوین فرهنگ او به یادگار مانده است.

هلند، ۱۶۶۰
یاکوب کاتس (Jacob Cats) سیاستمدار و شاعر هلندی، در سن ۶۷ سالگی دیده از جهان فروبست. وی که به پدر کاتس (Father Cats) معروف بود، دو بار به‌عنوان سفیر در دربار انگلیس معرفی شد و هشت سال آخر عمر خود را به نوشتن زندگی‌نامه‌ی خود پرداخت.

انگلیس، ۱۶۶۰
جیمز دوک یورک (James duke of York) به‌عنوان لرد دریاداری (دریاسالار) انگلیس منصوب شد.

فرانسه، ۲۳ آوریل ۱۶۶۱
در مبارزه علیه ژانسنیزم (Jasenism) که گروهی بودند تابع اخلاق و روحیه‌ی پاکان (پوریتانیسم)، پاپ فرمان داد که تمام اعضای این فرقه بایستی اعتراف‌نامه‌یی را امضا کنند، مبنی بر این‌که خصوصیات پنج‌گانه‌ی یانسن (Jansen) را ترک کرده و بدان‌وسیله از گناهان خود طلب عفو نمایند. عقاید یانسن بر پنج پایه قرار داشت که به آگوستینوس (Augustinus) معروف بود.

فرانسه، سپتامبر ۱۶۶۱
به‌دستور لویی چهاردهم، نیکلاس فوکه (Nicolas Fouquet) ناظر کل مالی فرانسه را در شهر نانت (Nantes) بازداشت کردند. ژان باپتیست کولبر (Jean Baptist Colbert) که تا مرگ مازارن در همین سال در خدمت او بود و از بازداشت فوکه مضطرب شده بود، به‌جای او منصوب شد.

ایتالیا، ۱۶۶۱
مارچلو مالپیگی (Marcello Malpighi) فیزیولوژیست ایتالیایی توانست گردش خون در ریه‌ی قورباغه را مشاهده کند. وی بدین‌وسیله سیستم گردش خون در انسان را که توسط ویلیام هاروی (William Harvey) کشف شده بود، تأیید کرد.

پادشاه انگلیس و ناپدریش تقاضای کمک و میانجی‌گری نموده، گرچه او از جیمز تقاضای وساطت کرده، با این وجود شخص جیمز قبلاً از کشورهای دیگر خواستار معاضدت و یاری می‌باشد، چون جیمز با برنامه‌ی بلندپروازانه‌ی خود در نظر دارد که فرزند خود، پرنس چارلز، را به سلطنت اسپانیا منصوب کند و با این انتصاب، انگلیس را از دست دشمنی بزرگ رهایی بخشد. پرنس چارلز مخفیانه سفری به مادرید نموده و مذاکرات سریع و کوتاهی درباره‌ی این موضوع با سران حکومت اسپانیا که با انگلیس روابط دوستانه دارند، انجام داده است.

پادشاه، چشم به حکومت فرانسه که جایگاه مذهب کاتولیک می‌باشد، دوخته است. (پاریس، ۱۱ مه ۱۶۲۵):

چارلز، پادشاه جدید انگلیس، برای زناشویی با هانریتا ماریا *(Henrietta Maria)*، دختر ۱۶ ساله‌ی هانری چهارم، شاه فقید فرانسه، دوک فرانسوی را از جانب خود به وکالت برگزیده تا از وی خواستگاری نماید. در زمان حیات جیمز، مذاکراتی با دولت فرانسه راجع به متارکه‌ی جنگ بین دولت انگلیس با کاتولیک‌ها انجام شد، زیرا ناوگان انگلیس بر نیروهای فرانسه غلبه کرده بود.

الیزابت خواهر چارلز هم، با فردریک شاهزاده‌ی علیل و انتخابی، ازدواج کرده بود. جیمز پادشاه فقید انگلیس، برای تقویت روح صلح و آشتی در اروپا، ازدواج بین شاهزادگان و دوشس‌ها را بهترین راه تشخیص داده بود.

کشتی‌های بازرگانی برای پرنس پیروزی می‌آفرینند. (پاریس، ۱۶۲۵):

جیمز پادشاه انگلیس و کاردینال ریشیلیو *(Cardinal Richelieu)*، در مذاکرات خود موافقت کردند که دولت انگلیس یک فروند ناو جنگی و هفت فروند کشتی بازرگانی خود را به دولت فرانسه برای سرکوبی شورشیان پروتستان هوگونوت شهر لا روشل *(La Rochelle)* اجازه دهد. از سوی پروتستان‌های بریتانیایی، این وثیقه را برای ازدواج بین چارلز و هانریتا

ماریا *(Henrietta Maria)* کافی نمی‌دانستند و این امر را یک هدف غیرمردمی تلقّی می‌کردند. با این حال، جیمز شورش بر ضدّ سلطنت را نمی‌پسندید.

دولت اسپانیا، در هلند شهری را به‌عنوان صلیبی معرفی کرد. (هلند، دوّم ژوئیه ۱۶۲۵):

امروز در حدود یک سال است که نیروهای اسپانیولی، شهر استراتژیک برەدا *(Breda)* را تحت محاصره دارند. با شکست محاصره‌ی این شهر، سپاهیان اسپانیا به کلّی از هلند رانده خواهند شد. تعدادی از سپاهیان مزدور انگلیسی، در زیر پرچم پرنس اورانژ محاصره‌ی شهر را شکستند.

لشگریان اسپانیا در آخرین ساعات، به اجبار از دولت فرانسه تقاضای کمک نمودند. کاردینال ریشیلیو دستور داد مبلغ یک میلیون لیور *(Livre)* (واحد پول) برای کمک به اسپانیا جهت سد کردن معبر کشتی‌های هلندی بپردازند تا این کشتی‌ها نتوانند به شورشیان هوگونوت در شهر لاروشل که در محاصره هستند، به‌پیوندند. نیروهای فرانسوی از هوگونوت‌های پروتستان مذهب فرانسوی سخت نفرت دارند، زیرا آن‌ها با کالوینیست‌های هلندی بستگی دارند و این امر احساسات فرانسویان را علیه آن‌ها برانگیخته است.

اولیوارس *(Olivares)*، نخست‌وزیر فیلیپ چهارم پادشاه اسپانیا، هم عصبانی است و میل دارد که اسپانیای کاتولیک‌مذهب از سیاست فیلیپ دوّم پیروی کند و رهبری مجدد را در اروپا به دست آورد. به‌هر حال، حمله به هلند از نظر استراتژی مشکلات زیادی برای وی فراهم کرده، زیرا اعزام نیروهای نظامی برای کشوری که خزانه‌اش خالی است، بسیار دشوار می‌باشد، چون این لشگرکشی‌ها متضمن مخارج زیادی می‌باشد. از سویی، ناوگان اسپانیا می‌باید از راه دریا، سرزمین ایتالیا و اقیانوس اطلس را پیموده و با هدایت ناوگان دریایی جنوا به هلند برسد، چون که ناوگان اسپانیا در بنادر شهر جنوا *(Genoa)* در حال انتظار می‌باشند. از طرف دیگر، بنادر دریای شمال و دریای بالتیک برای عبور ناوهای هلند باز است.

هلندی‌ها پایتخت برزیل را از تصرّف اسپانیا خارج ساختند. (برزیل، ۱۰ مه ۱۶۲۴):

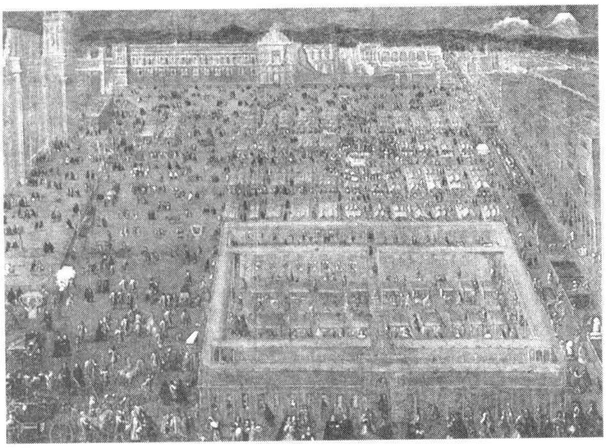
هلندی‌ها که مدّت ۶۰ سال است علیه دولت اسپانیا قیام کرده‌اند، اکنون در سراسر اقیانوس اطلس علیه آن دولت اقدام به نبرد کرده و بندر باهیا *(Bahia)*، پایتخت برزیل را تصرّف کرده‌اند. هلندی‌ها در تمام متصرفات آمریکایی ضربات مهلکی بر اسپانیا وارد کرده و همواره سعی می‌کنند به منافع تجاری و بازرگانی این کشور و پرتغال صدمه وارد آورند و مستعمرات دولت فیلیپ چهارم را متلاشی نمایند.

آن‌ها منافع آن دولت را در سرزمین‌های هند غربی و شرقی مورد حمله قرار دادند و این پیکارها جهت کسب استقلال هلند از دولت اسپانیاست که از سال‌های پیش آغاز شده است. هنگامی‌که ویلیام اورانژ، پرچم خود را علیه آن دولت برافراشت و اقدام به عصیان نمود، تنها ۲۰ شهر کوچک با جمعیتی در حدود ۷۵ هزار نفر، از او حمایت می‌کردند. آن‌ها نومیدانه تلاش خود را علیه منافع اسپانیا به کار بردند و از هر فرصت جهت پیشبرد اهداف خود بهره‌گیری کردند. آن‌ها ناخواسته ادعای خود را علیه اسپانیا و پرتغال ادامه دادند و به منافع آن‌ها در مستعمرات، زیان‌های فراوانی وارد آوردند. با صدماتی که بر پیکر اقتصاد اسپانیا وارد شد، پادشاه را از عقد پیمان صلح منصرف نمود، چون تمام اموال و دارایی‌های دولت اسپانیا در مخاطره بود، در حالی‌که هلندی‌ها چیزی نداشتند که از دست بدهند و هرچه را هم که به دست می‌آوردند به سود آن‌ها تمام می‌شد.

اسپانیا موقعیت خود را در اروپا از دست می‌دهد. (سویس، دوّم مارس ۱۶۲۶):

قرارداد مونزون *(Monzon)* که بین فرانسه، اسپانیا و دربار پاپ امضا شد، مبنای سیاست اروپا را در درّه‌ی آلپ معین می‌کند و ساکنان این منطقه را تحت حمایت قرار می‌دهد. این پیمان، وضعیت منطقه‌ی آلپ را که در سال ۱۶۱۷ تعیین شده بود، تضمین کرده است.

طبق این پیمان، دولت اسپانیا موظف است که استحکامات خود را در این ناحیه از بین ببرد و فرانسه هم بخش اعظم نیروهای نظامی خود را از ناحیه‌ی والتلینا *(Valtellina)* خارج و آن‌ها را تحت فرماندهی سازمانی موسوم به گریزون *(Grisons)* قرار دهد. درّه‌ی آلپ، شامل ناحیه‌ی جنوب شرقی ایالات سویس



نمایی از مکزیکوسیتی Mexico City در سده ی ۱۷. نقاشی از کریستوبال دوویلا پاندوCristobal de Villapando.



بازی ورق اقوام با حقه بازی و کلاه برداری، آس برنده یک الماس است. تابلویی از ژرژ دولاتورGeorges de la tour، نقاش فرانسوی، استاد هنرهای دراماتیک.



چارلز پادشاه انگلیس داماد.



هانریتا ماریا Henritta Maria، عروس فرانسوی.



کلید شهر بردا Berda طی مراسمی به فرمانده ی نیروهای نظامی اسپانیا تسلیم می شود و بدین ترتیب محاصره ی شهر هم پایان می یابد.

بوده و تنها ۸۰ هزار نفر جمعیت دارد، لیکن از نظر استراتژی، چهارراه سیاسی اروپا به حساب می‌آید.

دولت ایتالیا برای گذشتن از این منطقه و رسیدن به هلند و هابسبورگ، نیاز به معبری از اینجا دارد و فرانسه هم در نظر دارد، راهی برای رسیدن به‌طور مستقیم به ایتالیا و هابسبورگ به دست آورد.

رهبر چین در اثر حمله‌ی دشمن، زخمی شد و به هلاکت رسید. (چین، ۳۰ سپتامبر ۱۶۲۶):

نورهاسی *(Nurhaci)*، رهبر منچوها، در نتیجه‌ی زخمی که در جنگ برای دفاع از شهر مهمّ نینگ‌یوآن *(Ning-yuan)* برپا شده بود، در پایتخت خویش به نام شن‌یانگ *(Shenyang)* از دنیا رفت و سپاهیان او هم مغلوب شدند.

نورهاسی که تمام قبایل منچو را متّحد و یکپارچه کرده بود، مورد حمله‌ی طوایف شمال چین قرار گرفت. این ناحیه در طی دو هزار سال، مورد تجاوز اقوام شمالی قرار می‌گرفت و نورهاسی با کناره‌گیری از حکومت ایالت لیائو دانگ *(Liao-dong)*، به گردآوری تمام قبایل این ناحیه پرداخت تا سپاهیانی جهت حمله به ناحیه‌ی قلب امپراتوری سلسله‌ی مینگ *(Ming)* فراهم آورد. بخش اعظم سپاهیان نورهاسی به موفقیت‌هایی در جنگ نایل شدند، لیکن با وجود اختلاف رنگ پرچم‌ها، علیه قبایل دوست اقدام نمی‌کردند.

او در همین اواخر یک سازمان کشوری برای اداره‌ی امور سرزمین تحت تسلّط خود به‌وجود آورده بود. وی به رغم اختلاف و تهاجم اقوام شمالی و پیش از حمله به سرزمین اصلی چین، قلمرو خود را گسترش داده و سرزمین منچوها را برای یک حکومت ثابت و بادوام مهیا ساخته بود و در تلاش بود که با برخورداری از قدرت به چین حمله‌ور شود و مرگ او هم هیچ‌گونه کمکی به تجزیه‌ی کشور چین نخواهد کرد و به‌نظر می‌رسد سلسله‌ی مینگ همچنان پابرجا خواهد ماند. با مرگ نورهاسی، پسرش به نام آباهایی *(Abahai)* که به مقام فرمانروایی رسیده، جانشین وی خواهد شد.

سرپرست خواجه‌های درباری که از وضع ناراضی بود، خود را حلق‌آویز کرد. (چین، ۱۶۲۷):

ویی شونگ سیان (Wei Zhong-Sian)، یکی از مشهورترین خواجه‌سرایان دربار امپراتوری سلسله‌ی مینگ، به علّت مخالفت و خشم ناشی از روی کارآمدن شویوجیان (Zhu Yu-jian) امپراتور جدید، از دربار فرار و خود را به دار آویخت. ویی پس از سپری کردن دوران بلوغ، برای رسیدن به قدرت، داوطلبانه خود را اخته نمود و در نتیجه به دربار راه یافت. وی در زمان امپراتوری شویوجیائو (Zhu Yu-Jiao) که همواره بیمار بود، در حقیقت جانشین او بود و تمام امور کشور را اداره می‌کرد، لیکن پس از مرگ شویوجیائو و امپراتوری شویوجیان ۱۷ ساله، به علّت سیل اتهاماتی که بر او وارد شد، تمام خواجه‌سرایان مورد لعن و نفرین قرار گرفتند، و از دخالت در امور کشور منع شدند. در نتیجه ویی از اوضاع ناراضی گشت. به فرمان امپراتور جدید، ویی می‌باید پایتخت را ترک و در یکی از شهرها پُست کم‌اهمیتی را اشغال کند. او بدون این‌که از امپراتور پرسشی بکند و علّت آن را بپرسد، از دربار فرار کرده و خود را حلق‌آویز کرد و به کیفر اعمال خود رسید، جسد او را هم بدون هیچ‌گونه تشریفاتی دفن کردند.

ژنرال مغول، از زمامداری ملکه ممانعت می‌کند. (اگرا، هندوستان، ۱۶۲۶):

با مرگ جهانگیر امپراتور هند، همسر او نور جهان (روشنایی دنیا) زمینه را برای قدرت مطلقه‌ی خود هموار ساخت، لیکن ژنرال محبّت‌خان، جلوی ترقّی او را سد کرد و از به قدرت رسیدن او جلوگیری نمود.

هدف محبّت‌خان از این اعمال، رسیدن به سلطنت نبود، لیکن این زن درّنده‌خو و سبع که با کمال مهارت رقیبان خود را نابود کرده بود، نقشه‌ی قتل او را هم کشید.

در سال ۱۶۱۱ که نور جهان با جهانگیر ازدواج کرد، از همان زمان جهانگیر را به متابعت از خود واداشت. او دختر یکی از امرای ایرانی بود که درباره‌ی او افسانه‌هایی وجود داشت. وی در آن زمان دختر زیبایی بود، لیکن اکنون یک زن جاه‌طلب و بلندپرواز می‌باشد.

رودایلند، ۱۶۶۱
گروه کوآکرها (Quakers) نخستین ملاقات سالیانه‌ی خود را برپا کردند. این انجمن برای نخستین‌بار با عنوان انجمن دوستان توسط جورج فاکس (George Fox) در هنگامه‌ی انقلاب پوریتن‌ها در انگلیس تشکیل شد. به باور فاکس، عصاره‌ی مسیحیت در نور و روشنایی درون افراد خلاصه می‌شود و این تزکیه و نور درونی به روحانیت، آداب و مراسم نماز و عبادات و کلیسا نیاز ندارد.

انگلیس، ۱۶۶۱
رابرت بویل (Robert Boyle) فیزیکدان و شیمیست ایرلندی، تئوری ارسطو (Aristole) را راجع به عناصر طبیعی مردود دانست. وی پیرو تحقیقات خود در علم شیمی، عناصر را به ساده و مرکب تقسیم می‌کند. در مورد فیزیک بدن هم قلب را شبیه تلمبه‌ی فون گوریک (Von Guernicke) می‌داند که برحسب نیاز خون را به داخل ریه پمپاژ می‌کند و خون در ریه در مجاورت هوا قرار می‌گیرد و باعث تنفس می‌شود و هوا در ریه با خون ترکیب می‌شود.

ماساچوست، ۱۶۶۱
اولین کلیسای سرخ‌پوست‌ها توسط جان الیوت (John Eliot) دهقان هندی که مدت ۱۵ سال به زبان هندی در راه تبلیغ دین مسیح فعالیت می‌کرد، گشایش یافت. وی هم‌چنین نخستین ترجمه‌ی انجیل را برای اجتماعات هندی به زبان آلگونکین (Algonquin) ترجمه و منتشر ساخت، این ترجمه از روی کتاب عهد جدید برگردان شد.

چین، ۱۶۶۱
سلسله‌ی پادشاهی منچو (Manchu) که در حدود سال ۱۶۵۵ با انجام عملیات پارتیزانی به مخالفت با پادشاه مینگ (Ming) برخاسته بودند، اکنون در سراسر کشور احراز قدرت کرده‌اند. شون‌تسی (Shunzhi) اولین حکمران منچو، به‌طور عادی راه زمامداری در پیش گرفت.

امستردام، ۱۶۶۱
رامبراند (Rembrandt) نقاش برجسته و بلندآوازه‌ی هلندی، مهم‌ترین اثر خود را که تابلویی به وسعت یک چادر بسیار بزرگ که سقف آن ۵/۵ یارد مربع بود، با عنوان توطئه‌ی کلودیوس سیویلوس (Claudius Civilus) ترسیم کرد.

هندوستان، ۱۶۶۱
پرتغالی‌ها بندر بمبئی (Bombay) را به‌عنوان جهیزیه ملکه کاترین براگانزا (Catherine Braganza) تقدیم چارلز دوم کردند. این بندر طبیعی که ظرفیت بارگیری عظیمی دارد، اکنون به یکی از بنادر مهم انگلیس مبدل شده و نخستین منطقه‌یی است که در کشور هند به استقلال رسیده است.

فرانسه، نهم مارس ۱۶۶۱
کاردینال مازارن (Mazarin) نخست‌وزیر فرانسه در شهر ونسان (Vincennes) از دنیا رفت. پس از مرگ وی لویی چهاردهم بدون پست نخست‌وزیری تمام اقتدار کشور را به خود اختصاص داد.

فرانسه، ۱۶۶۱
فیلیپ دوک اورلئان (Orleans) با هانریتا آن (Henrietta Anne) خواهر چارلز دوم پادشاه جدید انگلیس، زناشویی کرد.

روسیه، ۱۶۶۱
پیمان صلح کاردیس (Kardis) که بین پارلمان‌های روسیه و سوئد در سال ۱۶۵۹ در والیسار (valiesar) به امضا رسیده بود، به نبرد شمال که از سال ۱۶۶۵ـ۱۶۶۰ به‌طول انجامیده بود، پایان بخشید. این پیمان که بین دو کشور مبادله شد، روسیه را مجبور به تسلیم تمام استان‌هایی که تا به‌حال در ساحل بالتیک در اشغال داشت، کرد.

افریقای غربی، ۱۶۶۱
انگلیس بندر جیمز (Fort James) در گامبیا (Gambia) را تصرف کرد و شروع به توسعه‌ی خرید و فروش برده در این منطقه نمود.

ویرجینیا، ۱۶۶۱
طبق قانونی که به تصویب رسید، مقرر شد که سیاهان بایستی تا آخر عمر برده باشند. پیش از این سیاهان با قراردادی که با سفیدپوستان داشتند، می‌توانستند برای مدتی در خدمت سفیدپوستان باشند. در سال قبل طبق قانون جدید، مالیاتی برای کشت‌کاران توتون وضع شد و چون کار کشت به فعالیت و زحمات زیاد نیاز داشت، آن‌ها برای این‌که سیاهان از مزارع فرار نکنند، این مقررات را پایه‌گزاری کردند تا به کمک آن‌ها هرچه بیش‌تر توتون تولید کرده و به خارجیان بفروشند.

نور جهان که وضعیت و موقعیت شوهرش را درک کرده بود، خودش امور کشور را در اختیار گرفت و آن طور که سر توماس رو (Sir Thomas Roe) سفیر انگلیس، در هندوستان می‌نویسد، وی توانست تمام قدرت امپراتوری را به خود اختصاص دهد و نسیم پیروزی را احساس کند، به‌طوری که تقریباً جهانگیر را از سلطنت کنار گذاشت و حاکمیت سه نفری، مرکب از خودش و پدرش اعتمادالدوله و پسر جهانگیر به نام خرّم که مورد محبت او بود، تشکیل داد، به این بهانه که جهانگیر همواره در خدمت علم و طبیعت می‌باشد.

پس از مرگ اعتمادالدوله، نور جهان دستور داد مقبره‌ی باشکوهی، مجلّل‌تر از مقبره‌ی اکبر برای او بنا کنند و خود زمام امور کشور را به تنهایی در دست گرفت.

برطبق گزارش رو، سفیر انگلیس، نور جهان مانند رب‌النوع غیرقابل دسترسی بود، با این وجود تمام مشاغل مملکتی را به وسیله‌ی مأموران خود تحت کنترل داشت. او حتا هنگام خواب افراد حرم را معین می‌کرد. در این اواخر، هم‌چون جهانگیر بستری و مشرّف به موت می‌نمود، زمینه‌ی زمامداری پسرش خرم را آماده می‌کرد و به دستور او خسرو (Khusrau)، بزرگ‌ترین پسر جهانگیر را کشتند و بدین وسیله از شورش هواداران او جلوگیری به عمل آورد. از سوی دیگر، دو فرزند دیگرش به نام شاهزاده داراشکوه (Dara Shukoh) و اورنگ زیب (Aurang Zeb) را که کوچک‌تر بودند، تحت مراقبت قرار داد تا علیه وی اقدامی نکنند. محبّت‌خان را هم که با حیله و نیرنگ در هنگام بیماری جهانگیر به دار فانی فرستاد، و بدین ترتیب صحنه را برای حکومت بلامنازع خود آماده ساخت.

شورشیان اتریشی را پس از انجام مراسم عشای ربانی به دار آویختند. (لینز (Linz)، اتریش، ۱۶۲۷):

۱۷ نفر از زارعان اتریشی را به قلعه‌ی فرانکن‌فلد (Frankenfeld) برده، حلق‌آویز کردند. بدین ترتیب بهای اتهامی را که به‌عنوان مرتد از طرف فرمانروای هابسبورگ به آنان زده شده بود، پرداخت کردند.

فرمانروای اتریش این همه خشونت را نمی‌پسندید، لیکن کشیشان جدید ایتالیایی که تازه به اینجا آمده بودند و سعی داشتند که تمام آثار کلیساهای پروتستان را از بین ببرند باعث کشتن آن‌ها شدند.

با مرگ اینان، جمعیت پروتستان مذهب اقدام به شورش کردند. لیکن کاتولیک‌ها شورش کشاورزان را با حمایت خارجیان سرکوب کردند. فردیناند دوّم پادشاه بوهم، که در همسایگی ایالت هابسبورگ واقع شده، مجدداً اعتراف کرد که به مذهب کاتولیک وفادار است، با این وجود پروتستان‌ها هنوز به مقاومت خود ادامه می‌دهند و برعلیه خشونت و قساوت کاتولیک‌ها اقدام می‌کنند. پادشاه بوهم تمام وزرای کالوینیست را از کار برکنار و تبعید نموده، اشراف این ایالت هم موضعی بین دو فرقه را انتخاب کرده‌اند تا گرفتاری برایشان پیش نیاید، امّا تمام هواداران پروتستان به تبعید فرستاده شدند.

تئاترهای سکسی ژاپن را تحریم و دستور بستن آن‌ها را صادر کردند. (ژاپن، ۱۶۲۸):

زنان رقّاص و خواننده‌ی ژاپنی که موسوم به کابوکی (Kabuki) هستند، تمام تئاترهای ژاپن را اشغال کرده و با حرکات شهوت‌انگیز و شوخی‌ها و بذله‌گویی‌ها، نمایشات سنتی و ملّی را از بین برده‌اند، به‌طوری که طبقات روشن‌فکر هم از آن‌ها استقبال می‌کنند و هر روزه هم به هواخواهان آن‌ها افزوده می‌شود.

اوکونی (Okuni)، یکی از خدمت‌کاران معبد شینتو ایزومو (Shinto Izumo)، از سال ۱۶۰۳ به‌عنوان یک زن کابوکی از اعتبار و موقعیت ویژه‌یی برخوردار است. او در بستر خشک رود کاموگاوا (Kamo-Gawa) در ناحیه‌ی کیوتو (Kyoto)، تئاتری تشکیل داده که سخت مورد علاقه‌ی جوانان ژاپنی است. او به موفقیت شایانی دست یافته، چون تمام نمایشات این تئاتر درباره‌ی امور جنسی و شهوت‌انگیز می‌باشد.

کابوکی، به معنی غیرعادی و تکان‌دهنده می‌باشد. در این تئاتر، علاوه بر نمایشات شهوانی، از مشتریان در شب پذیرایی می‌شود و هنرمندان زن را در اختیار مردان قرار می‌دهند و بازیگران، شب‌ها هم‌خوابه‌ی مشتریان می‌شوند. آن‌ها همان طور که بازیگر خوبی هستند، معشوقه‌هایی طناز هم هستند.

توکوگاوا (Tokugawa)، فرمانروای ژاپن (شوگون)، این مکان‌ها را از سال ۱۶۲۹، یعنی سال آینده، تحریم کرده و این‌گونه تئاترها یک سال فرصت دارند که بساط خود را برچینند. توکوگاوا از آن بیم دارد که این زنان نهضت مردان جنگ‌جوی سامورایی را از بین ببرند، چون این زنان زیبا و جوان می‌توانند دامی در راه آن‌ها گسترده و آن‌ها را منحرف سازند و در نتیجه مردان سلحشور را که مدافع مرزهای کشور هستند به انحراف بکشانند.

این زنانِ خودفروش می‌توانند اشتیاق مردان جوان را تحریک کرده و عشق‌بازی را بر جنگاوری مقدم بدارند و از وظایف دفاعی منصرف سازند، زیرا آن‌ها بهای کمی برای خودفروشی طلب می‌کنند.

نیروهای نظامی فرانسه، راه کوهستانی آلپ را گشودند. (مانتوآ (Mntua)، ایتالیا، اکتبر ۱۶۲۸):

دولت اسپانیا کنترل خود را بر راه کوهستانی آلپ از دست داد. یک نیروی مأمور بررسی راه‌های استراتژیک فرانسوی توانست لشگریان اسپانیولی به فرماندهی شارل حاکم گونزاگا (Gonzaga) و دوک ناحیه‌ی نورس (duke Nevers) را از آنجا رانده و این راه استراتژیک را تحت کنترل درآورد. این منطقه شامل مانتوآ و مون فررا (Montferrat) می‌باشد.

دوک گوستالا (Guastalla) که توسط فیلیپ چهارم حمایت می‌شود، در انتظار آن است که نیروهای فرانسوی ارتفاعات مون‌فررا را تخلیه نمایند. نیروهای نظامی فرانسه توسط لشگریان هابسبورگ در اسپانیا و سپاهیان هلندی در کوه‌های پیرنه (Pyrenees) تحت محاصره قرار دارند. لوئی، پادشاه فرانسه و مشاور ارشدش کاردینال ریشیلیو، در صددند که از پیشروی نیروهای دشمن جلوگیری کنند و در این نبرد به پیروزی دست یابند.

حکومت هابسبورگ هم مانند مشتری چشم به راه ایالات ایتالیایی است که یکی از خاندان خود را به فرمانروایی منطقه بگمارد و بدین وسیله از قدرت اشراف بکاهد.

انگلیس، ۱۶۶۱
ماتیو لاک (Matthew Locke) آهنگساز و رهبر ارکستر زمان تاجگذاری چارلز دوم، به رهبری ارکستر دایمی دربار سلطنتی منصوب گشت.
هلند، ۱۶۶۱
کریستیان هویگس (Christiaan Huygens) فیزیکدان هلندی فشارسنجی اختراع کرد که برای سنجش فشار گاز مایعات به‌کار می‌رفت.
هندوستان، ۱۶۶۱
در اثر خشکسالی که از سال ۱۶۵۹ شروع شده و کمی باران، قحطی سراسر هند را دربرگرفت.
ترکیه، ۱۶۶۱
محمد کوپرولو (Coprulu) صدراعظم ترکیه جهان را ترک گفت و پسرش کوپرولو فاضل احمد جانشین وی شد.
لندن، ۱۶۶۱
سر ویلیام د اونانت (Sir William d' Avenant) شاعر و درام‌نویس انگلیسی هتل تئاتر لینکلن (Lincoln) را با نمایش‌نامه‌ی هاملت (Hamlet) اولین کار شکسپیر (Shakespeare) افتتاح نمود.
تبت، ۱۶۶۱
دو هیأت مرکب از مبلغان مسیحی به پایتخت تبت (Tibet) وارد شدند.
انگلیس، ۱۶۶۱
پیتر للی (Peter Lely) هنرمند نقاش هلندی به سمت نقاش دربار چارلز دوم انتخاب شد. وی قبلاً در خدمت چارلز اول و اولیور کرامول بود.
فرانسه، ۱۶۶۲
لویی چهاردهم ملقب به خورشیدشاه دستور داد کاخ پرابهتی که در شأن وی باشد، در محل ورسای (Versailles)، نزدیک شهر پاریس، بنا کنند. این کاخ مجلل و پرخرج که برای میهمانان شاه از آن استفاده می‌شود، تحت نظر هنرمند و معمار مشهور فرانسوی شارل لبرون (Charles Lebrun) ساخته شد.
انگلیس، ۱۶۶۲
الیزابت ملکه‌ی بوهم مشهور به ملکه‌ی زمستان در انگلیس فوت شد. او دختر جیمز پادشاه انگلیس و ملکه آن از دانمارک بود. الیزابت با فردریک پنجم پادشاه انتخابی پالاتین (Palatine) ازدواج کرد و در سال ۱۶۱۸ به‌عنوان ملکه‌ی بوهم انتخاب شد. در سال ۱۶۲۰ پس از آن‌که نیروهای بوهم در نبرد سفیدکوه شکست خوردند، این زوج به نزد عموی خود فردریک موریس (Frederick Maurice) حکمران ناسو (Nassau) پناهنده شدند. فردریک در سال ۱۶۳۲ از دنیا رفت و الیزابت که دیگر به فقر دچار شده بود، توسط لرد کراون (Lord Craven) که پیش از این در خدمت ملکه بود، به انگلیس دعوت شد و او هم به‌عنوان یک دوست این دعوت را پذیرفت.
انگلیس، ۱۶۶۲
ساموئل باتلر (Samuel Butler) مؤلف انگلیسی، نخستین بخش از کتاب هودیبراس (Hudibras) را که به هزل و طنز پوریتن‌ها پرداخته بود، انتشار داد که مورد استقبال مردم قرار گرفت.
فرانسه، ۱۶۶۲
مولیر (Moliere) درام‌نویس فرانسوی، کمدی «مکتب زنانه» را به روی صحنه آورد که مورد استقبال بی‌نظیر مردم قرار گرفت.
لندن، ۱۶۶۲
برای بزرگداشت موقعیت کلیسا مقرر شد که تمام کتاب‌ها و دستورات دینی مربوط به نماز و عبادات همگی هماهنگ شده و مطابقت داشته باشد که باعث شک مومنان نگردد. این امر طبق دستور کلارندون (Clarendon Code) و به توصیه‌ی ادوارد هاید (Edward Hyde) نخست‌وزیر چارلز دوم انجام می‌شود و خود یک حالت استقلالی به مذهب انگلیکان (Anglican) داده که اکنون مذهب رسمی انگلیس محسوب می‌شود و انگلیس را از تبعیت کلیسای رم رهایی بخشید.
انگلیس، ۱۶۶۲
توماس فولر (Thomas Fuller) یکی از باستان‌شناسان انگلیسی، کتابی درباره‌ی ارزش‌های کشور نوشت که دو سال پس از مرگش توسط پسر وی انتشار یافت. وی مدت ۲۰ سال به مطالعه و تحقیق و نویسندگی اشتغال داشت و یک فرد سلطنت‌طلب بود و همواره به دفاع از موضع خود می‌پرداخت و در سال ۱۶۶۰ به اتاقداری کاخ شاه منصوب شد.

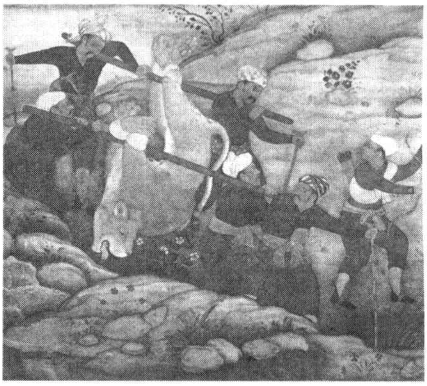
دوست و همکار پادشاه در باکینگهام (Buckingham) به قتل رسید. (لندن، ۱۶۲۸):

چارلز، پادشاه انگلیس، سومین پارلمان را که در زمان سلطنت او تشکیل شده بود، منحل ساخت. این تصمیم بر اثر تجاهل و طفره رفتن از مسؤولیت پارلمانی در امور کشور و این‌که شاه احساس می‌کند که به پارلمان نیازی نیست و حتا بدون وجود این پایگاه ملّی بر درآمد کشور اضافه خواهد شد (چون بودجه‌ی پارلمان ذخیره می‌شود) به این اقدام مخاطره‌آمیز مبادرت کرد. وی در سه سال قبل هم با مشورت مشاوران دربار، به این اقدام دست زد، زیرا سلطنتِ بدون پارلمان را ترجیح می‌داد و سه سال گذشته را بدون وجود پارلمان گذرانیده بود.

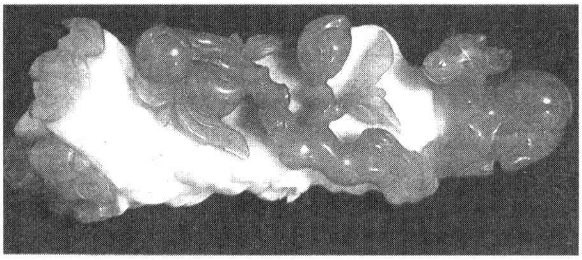
هنگامی‌که جورج ویلیر (George Villiers)، دوک باکینگهام، مشغول بازدید ناوگان انگلیس در بندر پورتسموث (Portsmouth) بود، یکی از افسران ملوان که مخالف حمله‌ی ناوگان دریایی به مناطق دیگر بود، از فرصت استفاده کرد و با خنجری که در دست داشت، بلافاصله به ویلیر حمله کرد و خنجر را در سینه‌ی او جای داد. کشتن دوک باعث شادی مردم در خیابان‌ها گشت.

چارلز که قبلاً نسبت به پارلمان بدبین و ظنّین بود، با استفاده از حقوق سلطنت، با نیرنگ و فریب و دروغ، پارلمان را به این امر متّهم کرد و آن را منحل ساخت. او بر اثر کمبود پول در خزانه، سعی کرد که جواهرات سلطنتی را نزد دولت هلند به گروگان بگذارد و برای هزینه‌ی دربار پولی تأمین کند. منظور چارلز از افتتاح مجلس نمایندگان این بود که با رأی نمایندگان اقدامات غیرقانونی خود را انجام دهند، امّا نمایندگان زیر بار نرفتند و در کمیسیون‌های متعدد، اعمال شاه را غیرقانونی خواندند و از حقوق قانونی نمایندگی استفاده کردند.

نمایندگان از آن بیم داشتند که با وضع مالیات اضافی، طبقه‌ی کم‌درآمد دست به شورش بزنند و این موضوع آن‌ها را ناراضی نمود، لیکن چارلز با تهدید به زندان و دستگیری آن‌ها به وسیله‌ی نیروهای نظامی، آن‌ها را در خانه‌های خودشان تحت‌نظر قرار داد. سرانجام با این اقدامات و تهدیدها، نمایندگان پارلمان



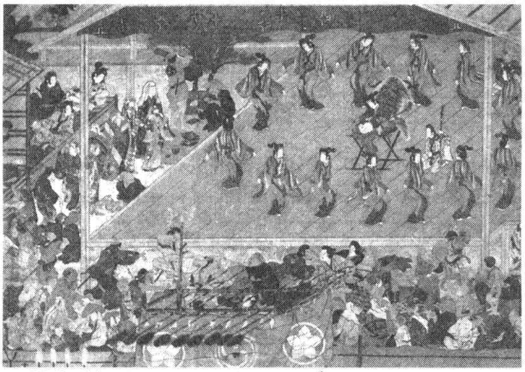
شکار شیر یکی از سرگرمی های ملکه نور جهان.



قطعاتی از عقیق قرمز و کوارتز سفید با کنده کاری برای زینت زنانه و قسمت هایی که شبیه هلوی قرمز پررنگ می باشد برای زینت مردان مورد استفاده قرار می گیرد که به نام یانگ Yang موسوم است.



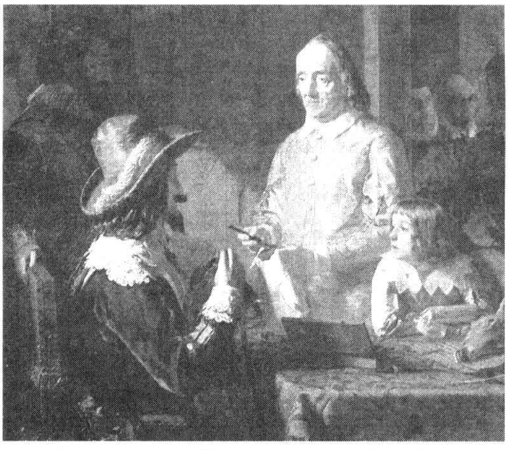
آخرین تصویر از یک نمایش کابوکی.



صحنه یی از رقص و آواز محلی ژاپن به نام کابوکی Kabuki که مورد علاقه ی مردم می باشد و تماشاچیان زیادی برای دیدن آن گرد می آیند.



باکینگهام Buckingham از اوضاع جاری ناراضی و دچار رنجش می باشد.



دکتر ویلیام هاروی William Harvey، نظریه ی خود را راجع به دستگاه گردش خون به چارلز پادشاه بریتانیا ارائه می کند.

لندن، ۱۶۶۲
چارلز پادشاه انگلیسی طی دستوری به گشایش انجمن سلطنتی برای پیشرفت علوم فرمان داد. این انجمن سلطنتی که برای اجلاس دانشمندان و فلاسفه در سال ۱۶۴۵ تأسیس شده بود، دگرباره در سال ۱۶۶۰ افتتاح شد و به فعالیت بیش‌تری پرداخت.
پاریس، ۱۶۶۲
فرانچسکو کاوالی (Francesco Cavalli) نمایش بالت اوپرای «انجمن دوست‌داران» را در پاریس اجرا کرد.
انگلیس، ۱۶۶۲
برای ساکنان مناطق مختلف قوانینی تصویب شد. برحسب این قانون افراد ولگرد و بیکار که در بخش‌های کشور به‌صورت سرگردان، اغلب به گدایی می‌پردازند، باید شناسایی و جمع‌آوری شده و به شهرها و زادگاه خودشان منتقل شوند.
انگلیس، ۱۶۶۲
برای کوره‌های مشعلداری که برای کارهای مختلف مورد استفاده واقع می‌شود، مالیات تعیین شد. صاحبان این کوره‌ها برحسب هربار روشن‌کردن کوره بایستی دو شیلینگ عوارض بپردازند. دولت انگلیس برای کسب درآمد اضافی سعی کرد که منبعی برای درآمد کشور ایجاد کند و چون مالکان بزرگ زمین‌ها صاحب کوره برای پختن آجر و آهک و گچ هم هستند، این مالیات اضافی را هم بایستی بپردازند.
فرانسه، ۱۶۶۲
مارکیز دو لووآ (marquis de Louvois) به سمت استاندار محلی و هم‌چنین وزارت جنگ منصوب شد و بدین ترتیب به میشل تلیه (Michel le Tellier) پدر خود پیوست.
لندن، سوم مه ۱۶۶۲
جان وینتروپ (John Winthrop) کوچک‌ترین فرزند نخستین فرماندار ماساچوست، به پاس احترام به دربار سلطنتی انگلیس، انجمن نوینی به‌نام دانشمندان تأسیس کرد. وینتروپ این تصمیم را هنگامی گرفت که شاه وی را برای اتحاد بین دو ایالت کانکتیکت (Connecticut) و نیوهیون (New Haven) برگزید و او هم توانست این مأموریت را با موفقیت به‌پایان برد.
پاریس، ۱۹ اوت ۱۶۶۲
بلیز پاسکال (Blaise Pascal) ریاضیدان، فیزیکدان و عالم علوم دینی فرانسوی، در سن ۳۹ سالگی وفات یافت. او فردی احساساتی و تندخو و در عین حال مدافع خستگی‌ناپذیر جبریون هواخواه ژانسن بود و خواهرش هم یکی از اعضای صومعه‌ی ژانسنیست (Jansenist) در پورت‌رویال (Port Royal) بود. او ۱۸ مقاله‌ی بدون اسم بر ضد ژزوئیت‌ها (Jesuits) که دشمن درجه اول طرفداران ژانسن بودند، نوشت. او در حقیقت در حال مرگ بود که وی را برای معالجه‌ی بیماری علاج‌ناپذیرش به بیمارستان بردند و در این حال هم در عسرت و فقر به سر می‌برد، به‌طوری‌که مخارج درمان خود را هم نداشت.
انگلیس، ۱۲ سپتامبر ۱۶۶۲
برکلی (Berkeley) فرماندار ویرجینیا (Virginia) با عزمی خلل‌ناپذیر درصدد آن بود که ناوگان دریایی تجاری بریتانیا را برای مبادله‌ی کالا جهت مهاجرنشین‌ها بازسازی کند، لیکن با درخواست او موافقت نشد.
آمستردام، ۱۶۶۲
رامبراند (Rembrandt) تابلوی سندیکس (Syndics) را ترسیم کرد.
فرانسه، ۱۶۶۲
انگلیس بندر دونکرک (Dunkirk) را در ازای مبلغ چهارصد هزار لیره به فرانسه واگذار کرد.
پاریس، ۱۶۶۲
فرانسوا (Francios) دوک ناحیه‌ی روش فوکو (duke de la Rochefoucauld) خاطرات خود را منتشر کرد. وی در این خاطرات شرح می‌دهد که چه‌گونه ارتش فرانسه را علیه ریشیلیو تحریک کرد و به‌خاطر این موضوع ریشیلیو فرمان داد که او را در زندان باستیل (Bastille) در سال ۱۶۳۷ محبوس سازند. هم‌چنین در مقام دشمنی با مبارزان به گروه انقلابی فروند (Fronde) پیوست. با این وصف چون بسیار حراف و زبان‌دار بود، اکنون باز هم وی را در دربار فرانسه پذیرفته‌اند و شغل مهمی را هم داراست.
ژاپن، ۱۶۶۲
یاماگا سوکو (Yamaga Soko) فیلسوف ژاپنی، علیه استادان خود طغیان کرد و تمام کتاب‌های او را طعمه‌ی حریق ساخت.

را با حیله و نیرنگ مخصوص به خود، وادار به امضای لایحه‌ی مالیاتی و کسب پول از این طریق نمود و این مالیات اضافی را مردم به اجبار پذیرفتند.

هلندی‌ها ۸۰ تن نقره را از گنجینه‌ی اسپانیا به سرقت بردند. (کوبا، دهم سپتامبر ۱۶۲۸):

آخرین محموله‌ی کشتی اسپانیایی که شامل ۸۰ تن نقره و مقداری جواهرات قیمتی بود و برای ضراب‌خانه جهت ضرب سکه حمل می‌شد، توسط پیت هاین (Piet Heyn)، یکی از دزدان باسابقه‌ی دریایی، به سرفت رفت.

ناخدا هاین ۵۱ ساله، فرماندهی ناوگان هلندی را در جنگ به عهده داشت و با پیمودن سراسر اقیانوس اطلس جهت نبرد با نیروهای اسپانیایی، به سوی مستعمرات آن کشور در آمریکای مرکزی رهسپار بود. او با هوش و درایت ذاتی خود، در جست‌وجوی گنجینه‌ی اسپانیا در هاوانا (Havana) بود و سرانجام توانست محلّ اختفای آن را بیابد و به‌عنوان غنیمت جنگی آن را برباید. برای انجام این کار، او قدم به قدم و با تأنی، همه جا را می‌کاوید تا بالاخره به یک خلیج کوچک که کرانه‌های خاکی و ماسه‌یی داشت، رسید. به دستور هاین، ملوانان قایق‌های پارویی را به آب انداختند و به سوی ساحل شتافتند. هاین بدون شلیک حتا یک گلوله و در کمال آهستگی و بدون سر و صدا، این راه را تا ساحل پیمود و توانست محلّ گنجینه را یافته و به‌عنوان جایزه آن را تصاحب کند. هم‌چنین او توانست اسرای جنگی هلندی را که در زندان دشمن بودند، آزاد ساخته و در عوض نگهبانان و مأمورین حفاظت از محلّ گنجینه را اسیر و زندانی کند. هاین با بردگان اسیر که گرفتار نیروهای نظامی اسپانیا بودند، با رأفت و مهربانی رفتار کرد و همه را آزاد ساخت. بدین ترتیب، حکومت مادرید باز هم به شکست دیگری دچار شد و این فلز قیمتی را که از بومیان به سرقت برده بود، از کف داد.

نیروهای نظامی پرتغال، شورش اهالی موزامبیک را درهم شکستند. (موزامبیک (Mozambique)، ۱۶۲۹):

پس از یک جنگ خونین که در مستعمره‌ی موزامبیک بین ارتش نیامبو کاپاراریدز (Nyambo Kapararidze)، پادشاه موزامبیک (مونهوموتاپا Munhumutapa) و نیروهای پرتغالی روی داد، پرتغالی‌ها به پیروزی رسیدند. پس از شکست کاپاراریدز، پرتغالی‌ها یک دولت دست‌نشانده به رهبری شخصی موسوم به ماوورا (Mavura) را جانشین وی نمودند و وی با امضای قرارداد صلح، یک دولت تحت حمایت پرتغال تشکیل داد.

این جنگ در اواخر سال ۱۶۲۸، با روی کارآمدن کاپاراریدز پادشاه جدید موزامبیک شروع شد. او که از پرتغالی‌ها بسیار منزجر بود، شروع به تاخت و تاز در این سرزمین نمود و سفیر پرتغال را به قتل رسانیده و به تحریک بازرگانان عرب، پایگاه بازرگانی آن کشور را ویران نمود تا انحصار تجارت پرتغالی‌ها را از بین ببرد، زیرا آن‌ها در منطقه بدون رقیب بودند. کاپاراریدز پس از مغلوب شدن در جنگ، تعداد چهارصد نفر از پرتغالی‌ها را به هلاکت رسانید.

دولت پرتغال، بازرگانان مسلمان را عامل جنگ معرفی کرد، زیرا آن‌ها تحت شعار ناسیونالیستی، از سکونت پرتغالی‌ها در این سرزمین ناراضی بوده و خواستار اخراج‌شان از موزامبیک بودند، در حالی‌که پادشاه جدید موزامبیک از اعمال و رفتار اعراب سخت عصبانی بود و به تدریج آن‌ها را از این سرزمین بیرون راند.

دولت اسپانیا با ولخرجی‌های خود در راه جنگ، تمام ثروت کشور را به باد داد. (اسپانیا، ۱۶۲۹):

فیلیپ چهارم ممکن است بهترین سوارکار در اسپانیا باشد، ولیکن به نصایح دوست صمیمی خود، کنت گاسپار اولیوارز (Count Gaspar Olivares) هیچ اعتنایی نمی‌کند. چهار سال پیش که اولیوارز در مسند قدرت جای داشت، چنین اظهار نمود: خداوند سرزمین اسپانیا و ملّت ما را در جنگ‌هایی که این روزها در آن درگیر شده‌اند، موفق بدارد.

دولت اسپانیا پس از یک سری پیروزی‌هایی که در جنگ‌ها به دست آورد، من‌جمله با پیروزی بر قوای بریتانیا در شهر کادیز (Cadiz)، در تلاش درگیری‌های زیادتری است و بدین ترتیب به‌نظر نمی‌رسد که اکنون دیگر جای خوش‌بینی باقی مانده باشد. امپراتوری اسپانیا که یک حکومت سست‌بنیاد می‌باشد، اکنون با تضعیف روحیه، با جریانات بین‌المللی روبه‌رو شده، چون طی جنگ‌های طولانی با سرزمین هلند و ضرباتی که از آن خورده و بهای گزافی که در این راه پرداخته، دیگر توان مقاومت در برابر حوادث را ندارد.

پروتستان‌های هلندی با اقدامات عصیان‌گرانه خود در حدود سال‌های ۱۵۶۰، پایه‌ی حکومت را نشانه گرفته و آن را سست کردند و در بین سال‌های ۱۶۰۹ تا ۱۶۲۱، مرتباً صدماتی بر حکومت اسپانیا وارد کردند و در نتیجه این دولت قوی و زورمند را از نظر پولی به افلاس کشاندند و اکنون، اسپانیا هم از نظر نیروی نظامی و سرباز و هم از نظر پولی، تحمّل خود را از دست داده است. این کشور وابستگی شدیدی به فلزات گران‌بهای دنیای جدید دارد که آن را جهت امور جنگ صرف کند و اگر این منبع از بین برود، پولی برای بودجه‌ی جنگی باقی نخواهد ماند زیرا سیاست امپراتوری هم برپایه‌ی جنگ استوار است.

در سال گذشته، دولت اسپانیا مجبور شد که از این سیاست عدول کند، چون گنجینه‌ی ارزشمند او را هلندی‌ها در دریای کارائیب به سرقت بردند، به‌طوری که دولت اسپانیا دیگر قادر نبود به جنگ بر ضدّ هلند اقدام نماید.

در همین زمان، سربازان اسپانیولی به علّت عدم دریافت حقوق و جیره، اقدام به شورش کردند و در نتیجه، قوای هلندی، سربازان اسپانیولی را از بنادر و شهرهای خود بیرون راندند. در همین هنگام، نحوه‌ی سیاست خارجی اولیوارز برمبنای اضافه‌ی درآمد کشور و دفاع از هنرمندان قرار داشت و از نظر داخلی هم حالت فقرزدایی و حمایت از فقرا مدّ نظر وی بود و طرح‌هایی هم برای سوق دادن کشور به اضافه تولید مطرح نمود که هرچه بیشتر کشور را از وابستگی به ثروت آمریکا برهاند.

در سال ۱۶۲۶، وی ایالات آراگون (Aragon) پرتغال (در این زمان کشور پرتغال از متصرفات اسپانیا به‌شمار می‌رفت)، والنسیا (Valencia) و کاتالونیا (Catalonia) را مجبور کرد که کشور را از نظر مالی و

سرباز حمایت کند که ایالت کاستیل (Castile) تنها بارِ جنگ را بر دوش نکشد، بلکه ایالات ذکر شده هم به پشتیبانی خود در جهت اهداف جنگی دخالت داشته باشند، چون به‌نظر می‌رسید کاتالان‌ها (Catalans) بخش اعظم درآمد ایالت خود را به خارج منتقل می‌کنند و همکاری چندانی با دولت ندارند.

هاروی (Harvey)، قلب را که حلقه‌ی اتّصال سیستم گردش خون می‌باشد، کشف کرد. (لندن، ۱۶۲۸):

یک جلد کتاب کوچک، شامل ۷۲ صفحه که حاصل تجربیات یکی از پزشکان انگلیسی است که بر روی حیوانات آزمایشاتی انجام داده و بدون هیچ تردید، فرضیات کلاسیک را برهم خواهد ریخت، منتشر شد.

این کتاب که به نام تجربیاتی به روی قلب و سیستم گردش خون حیوانات است، تألیف دکتر ویلیام هاروی می‌باشد. وی با کمال شجاعت، از این فرضیه دفاع می‌کند که قلب یک تلمبه‌ی طبیعی برای گردش خون در بدن است و به‌طور دائم خون را به اندام‌ها می‌رساند.

عموم پزشکان قرن‌ها بر این باور بودند که طبق نظریه‌ی جالینوس (Galen)، طبیب یونانی، قلب در حکم یک اجاقی است که خون را گرم نگاه می‌دارد و این خون گرم به مانند جزر و مد به اندام‌ها می‌رسد و جریان خون در بدن از قانون جزر و مد پیروی می‌کند. در رساله‌ی هاروی چنین آمده که قلب با فشردن عضلات خود، خون را همچون تلمبه از دریچه‌ی مخصوص خود عبور می‌دهد و هنگام انقباض، خون را با فشار به داخل شریان تمام اندام‌های بدن می‌رساند. این خون پس از سیر در اندام‌ها، به وسیله‌ی سیاهرگ‌ها جمع‌آوری شده و به قلب بازمی‌گردد، لیکن این خون مصرف شده که تمام مواد لازم اندام‌ها را تأمین کرده، باید بار دیگر تازه شود که بافت‌های بدن از آن استفاده کنند، هاروی به این سؤال پاسخ نمی‌دهد.

هاروی در سال ۱۵۷۸، در منطقه‌ی فولک استون (Folkestone) انگلیس به دنیا آمد. او بزرگ‌ترین پسر از هفت فرزند پدرش بود که شعل شهردار را در شهر کنت (Kent) برعهده داشت. ویلیام هاروی در بدو

چین، ۱۶۶۲
امپراتور کانگ زی (Kangxi) به‌عنوان سرسلسله‌ی پادشاهان منچو جانشین شونگ‌تسی (Shunkzhi) شد.
لندن، ۲۴ مارس ۱۶۶۳
چارلز دوم پادشاه انگلیس فرمان داد سرزمینی که مشهور به کارولینا (Carolina) واقع در امریکای شمالی بود، به کمک اشراف انگلیس اصلاح شود. لرد اشلی (Lord Ashley) یکی از مردان ثروتمند با هم‌یاری جان لاک (John Locke) فیلسوف انگلیسی درصدد برآمدند که دولت جدیدی در آن منطقه‌ی دورافتاده تشکیل دهند. آنان به هریک از اشراف اجازه دادند که مقدار سه‌هزار آکر (جریب) از زمین‌های آن‌جا را بخرند.
انگلیس، هشتم ژوئیه ۱۶۶۳
پادشاه انگلیس به ایالت رودآیلند (Rhode Island)، آزادی مذهبی أعطا کرد.
لندن، ۲۷ ژوئیه ۱۶۶۳
طبق قانونی که از پارلمان گذشت، بایستی تمام کالاهای موردنیاز مهاجرنشینان انگلیسی به‌وسیله‌ی کشتی‌های آن کشور و از بنادر آن حمل شود. برابر تصمیمی که در سال ۱۶۵۱ گرفته شد، به‌منظور گسترش ناوگان بازرگانی و استقلال آن و عدم نیاز به بیگانگان دستور داده شد که اصلاحاتی در آن صورت گیرد. این اصلاحات شامل مبارزه با قاچاق کالا از کشورهای دیگر و جلوگیری از ورود کشتی‌های بیگانه به مهاجرنشینان است که دولت درصدد است این عملیات را با شدت و حدت اجرا کند و بدین ترتیب در توسعه‌ی تجارت کشور بکوشد.
آنگولا، دسامبر ۱۶۶۳
دونا آنا دوسوزا (dona Ana de Souza)، ملکه‌ی آنگولا (Angula)، از دنیا رفت.
هلند جدید، ۱۶۶۳
لورنس دویتز (Laurens Duyts) به جرم خیانت و فروش همسرش به مجازات شلاق و ازدست‌دادن گوش راست محکوم شد.
لندن، ۱۶۶۳
کریستیان هویگنس (Christiaan Huygens) فیزیکدان هلندی، به عضویت انجمن سلطنتی انگلیس پذیرفته شد.
امریکای شمالی، ۱۶۶۳
گفته شد که جادوگران در تلاش هستند که در امریکا به انجام عملیات زیرزمینی دست بزنند و به همین منظور کمیته هایی هم تشکیل داده اند. تنها در ایالت کانکتیکت (Connecticut) ده نفر را به جرم دفاع از اعمال جنایت‌کارانه و خویشاوندی با شیطان به دار آویختند. در استان رودآیلند فردی که نسبت به افکار پوریتن‌ها جهت آزادی مذهبی به انتقاد از آن‌ها پرداخته و محکوم به خفه‌شدن شده بود، از ترس به گروه جادوگران پیوست.
لندن، ۲۲ مارس ۱۶۶۴
چارلز دوم پادشاه انگلیس مقدار زیادی از زمین‌های غرب ایالت کانکتیکت تا مشرق خلیج دلویر (Delaware) در امریکای شمالی را به برادرش جیمز دوک منطقه‌ی یورک (York) بخشید. هلندی‌ها ادعا کردند که بخش اعظم این زمین‌ها متعلق به آن‌هاست و چون جیمز اصرار داشت که آن‌جا را اشغال کند، از برادرش یاری طلبید که او با کمک نیروی نظامی انگلیس هلند جدید را اشغال کند تا هلندی‌ها از فکر خود منصرف شوند، انگلیس هم که با بازسازی ناوگان دریایی خود به‌صورت قدرت بحری منحصربه‌فرد در منطقه‌ی درآمده بود، در نتیجه هلند نتوانست زمین‌های ادعایی خود را بازستاند.
نیوجرسی، ۲۴ ژوئن ۱۶۶۴
سرزمین واقع در بین رودخانه‌های هودسن و دلویر را به احترام سر جورج کارترت (Sir George Carteret) معاون فرماندار جزیره‌ی جرسی، نیوجرسی (New Jersey) نام نهادند.
ماساچوست، ۲۳ ژوئیه ۱۶۶۴
اعضای ثروتمند غیروابسته به کلیسا، حق رأی به‌دست آوردند.
هلند جدید، ژوئیه ۱۶۶۴
پیمان صلح دونگان (Dongan) موضوعات عهدنامه‌ی ایروکوآ (Iroquois) را برای شاه انگلیس تجدید کرد.
مادرید، ۲۷ اوت ۱۶۶۴
فرانسیسکو زوباران (Francisco Zubaran) نقاش مشهور کلیساهای اسپانیا و یکی از محققان، در اوایل امسال در نهایت فقر و فاقه و در حالی‌که به‌کلی فراموش شده بود، زندگی را بدرود گفت.

جوانی، سرعت انتقال مطالب و حضور ذهن نداشت. امّا پس از تحصیل در شهر پادوآ (Padua)، در پی آن به دانشکده‌ی پزشکی رفت و پس از اتمام تحصیلات پزشکی، به یکی از استادان برجسته و بزرگ تبدیل شد و به مدارج عالی پزشکی نایل آمد.

پادشاه ایران که عثمانیان را از کشور بیرون راند، درگذشت. (قزوین، ایران. ۱۶۲۹):

شاه عباس، یکی از فرمانروایان برجسته‌ی سلسله‌ی صفویه، از دنیا رفت. او با وجودی که ملّیت ترک داشت، توانست عثمانیان را از ایران اخراج کند و یک حکومت مرکزی مقتدر و قدرتمند به‌وجود آورد و مرزهای کشور را از زمان شاه اسماعیل اوّل فراتر برده و اقتصادی شکوفا ایجاد نماید و قدرت و اقتدار کشور را به بالاترین سطح ممکن برساند.

او در شهر هرات به دنیا آمد و از ترس عمویش، اسماعیل دوّم، که قصد داشت وی را به قتل برساند، وی را پنهان نگاه داشتند. عباس در سال ۱۵۸۷، با کناره‌گیری پدرش، سلطان محمّد خدابنده، به سلطنت رسید. در سال ۱۵۹۰، با عقد پیمان حقارت‌آمیز با سلطان عثمانی، به نبرد ازبکان که پیوسته مرزهای ایران را تهدید می‌کردند، شتافت. در عین حال، ظرفیت و استعداد جنگی دشمنان خود را مورد آزمایش قرار داد و با کمال بی‌رحمی، یکی از پسران خود را به هلاکت رسانید و دو پسر دیگر خویش را کور کرد. بهانه‌ی او در این عمل، اقدام به توطئه علیه شاه و طرفداری از شورش قبایل قزلباش و تضعیف قدرت سلطنت توسط فرزندانش بود. از سویی شاه تصوّر می‌کرد که این توطئه به وسیله‌ی بردگان جنگ‌جوی قفقازی حمایت می‌شود و جملگی با اتّحاد با یکدیگر قصد داشتند که شاه را برکنار و به قتل برسانند. یکی از فتوحات شاه عباس، پیروزی بر قشون عثمانی در سال ۱۶۰۵ در ناحیه‌ی صوفیان بود که توانست قوای عثمانی را به کلّی تار و مار نماید، علاوه بر آن، شاه عباس در جنگ علیه دشمنان ایران به پیروزی‌های مهمّی دست یافت.

یک میلیون نفر ایتالیایی، در اثر شیوع بیماری طاعون به هلاکت رسیدند. (اروپا، ۱۶۳۰):

شیوع بیماری طاعون خیارکی در شمال ایتالیا، به‌طور وحشتناکی مردم را به دام مرگ کشانده و در حدود یک میلیون نفر را به هلاکت رساند. بیماری طاعون بخش جنوبی کشور فرانسه را هم آلوده ساخت.

آخرین بلایی که بر سر مردم ایتالیا وارد آمد، در شهر میلان بود که توسط سربازان آلمانی که به لومباردی (Lombardy) حمله کردند و شاید به وسیله‌ی حمل و نقل سربازان فرانسوی در پیه‌مونت (Piedmont)، صورت گرفت، شایع شد. اوّلین قربانی این مرض، یک سرباز آلمانی مستقر در میلان بود.

در گذشته، هر ده یا ۱۵ سال، معمولاً این بیماری سه کشور اروپایی را آلوده می‌کرد، در شهرها هم برای هر ده هزار نفر یک دکتر وجود داشت که می‌توانست در عرض چهل روز این ده هزار نفر را معاینه و احیاناً درمان نماید. مردم شهرهای بزرگ، کمتر آلوده می‌شدند و بیشتر افراد فقیر و مستمند در رنج و عذاب و ابتلا بودند. اغلب افراد پول‌دار و ثروتمند، از مناطق آلوده به نقاط مصون از بیماری در حاشیه‌ی شهرها می‌گریختند.

هلندی‌ها در مناطق تحت اشغال پرتغال، مستعمره به‌وجود می‌آورند. (برزیل، ۱۶۳۰):

هلندی‌ها پایتخت شکر برزیل و بندر رسیف (Recife) و جزایر این منطقه را که به ونیز برزیل مشهور است، اشغال کردند. اگرچه تنها در مدّت یک سال آن‌ها را از شهر باهیا (Bahia) بیرون راندند، لیکن آن‌ها خود را به مستعمرات پرتغالی در شمال شرق این منطقه رسانده و در آنجا مقیم شدند و شروع به کشت نیشکر در سطح وسیع کردند و محصول خوبی به دست آوردند، به‌طوری که محصول سالیانه‌ی شکر آن‌ها در حدود ده هزار تن می‌شود. هلندی‌ها در پایتخت پرتغال، با استفاده از بردگان آفریقای غربی، به کشت نیشکر اقدام کرده و طرز کشت آن را به پرتغالی‌ها آموختند و به بهره‌برداری از این محصول سودمند پرداختند و با فروش شکر به درآمد سرشاری رسیدند. آن‌ها هر سال به پنج هزار نفر کارگر آفریقایی نیاز دارند.

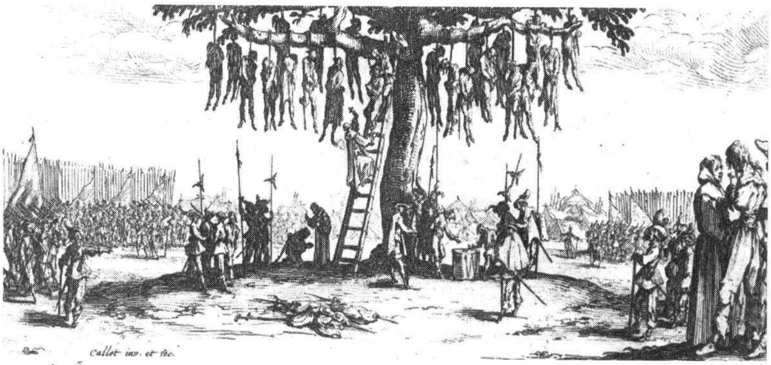
آنان با استفاده از یک مسیر دریایی، این محصول را به شهر آمستردام و شهرهای دیگر هلند حمل می‌کنند.



در این تصویر باز مانده های بیماری طاعون در تلاش اند که اجساد مردگان را در خارج از حصار شهر دفن نمایند.



آخرین عکس والن اشتاین Wallenstein.



توده یی از اجساد مرده، سربازان برای عبرت سایرین، اجساد را هم چون میوه بر درخت آویزان کرده اند. نقاشی از ژاک کالو Jacques Callot به تاریخ ۱۶۳۳.



اطفال هلندی سرخوش از آزادی موزیک می نوازند. کار یان مولنیرJan Molenaer نقاش هلندی.

بدین سبب، هنرمندان و مهندسان هلندی به این منطقه سرازیر شده‌اند. سیاست آن‌ها در این منطقه طوری است که پیروان تمام فرقه‌ها و ادیان بدون دخالت حکومت می‌توانند به عبادت و پرستش بپردازند. از این نظر پیروان مذهب کالوینیست (Calvinists)، کاتولیک و یهود، بدون هیچ‌گونه مانعی در این ناحیه اقامت می‌کنند.

فرضیه‌های این منجّم آلمانی به یادگار ماند. (پراگ، ۱۶۳۰):

اخترشناس آلمانی، یوهان کپلر (Johann Kepler)، که بدون شک یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان سال‌های اخیر محسوب می‌شود، در سن ۵۹ سالگی بدرود حیات گفت.

کپلر در ابتدا شروع به آموختن الهیات کرد و سپس در دانشگاه گِراز (Graz) به تحصیل در علم ریاضیات پرداخت. او در ابتدا به معاونت تیکوبراهه (Tycho Brahe)، ستاره‌شناس دانمارکی، به این مهمّ دست زد و سپس به‌عنوان منجّم دربار امپراتور رودولف (Rudolf) دوّم انتخاب شد. وی اساس کارش را روی علم هندسه جهت مسیریابی سیارات به‌ویژه مریخ (Mars) قرار داد. کپلر توانست خط سیر سه سیاره را که به دور خورشید گردش می‌کنند، مشخّص کند. به‌طوری که مسیر این سیارات به خوبی روشن شد و قوانین حرکت سیارات برطبق اصولی که وی معین کرده بود، از وی به یادگار باقی ماند و به‌عنوان قوانین کپلر معروف شد.

کپلر شیفته و مجذوب علم ستاره شناسی بود و اغلب ساعت‌ها به مشاهده‌ی حرکات و مسیر سیارات و ستارگان دنباله‌دار مشغول بود و تمام مشاهدات و اثرات برجسته را یادداشت می‌کرد که برای آیندگان مورد استفاده قرار گیرد.

امپراتور، والنشتاین را برکنار ساخت و خود فرماندهی امور جنگ را عهده‌دار شد. (بوهم، ۱۳ اوت ۱۶۳۰میلادی):

با یک اقدام غیرعادی امپراتور فردریک دوّم، آلبرشت فون والنشتاین (Albrecht Von Wallenstein) دوک فریدلند (duke Friedland) و ماکلن‌بورگ (Mecklenburg) که در ضمن فرمانده عالی و حاکم بر اقیانوس ها و دریای بالتیک و بزرگ‌ترین فرمانده‌ی ارتش بود را برکنار ساخت.

امپراتور در زیرِ فشار شاهزادگان آلمانی این کار را انجام داد. از سویی خودش هم پی برده بود که وجود والنشتاین برای قدرت پادشاه خطرناک بوده و ممکن است وی مقام امپراتور را اشغال نماید. او در ۴۷ سال پیش، در یک خانواده‌ی اشرافی به دنیا آمد، گرچه فامیل او خیلی مشهور نبود، لیکن خود وی یک مبارز موفق و بسیار ثروتمند بود، این خاندان بزرگ یک شبکه از مالکان را در بوهم ایجاد کرده بودند. با این وجود با یکی از زنان بیوه‌ی ثروتمند ازدواج کرد.

والنشتاین به این سبب با این بیوه‌ی پول‌دار ازدواج کرد که از ثروت او برای تشکیل یک سپاه استفاده کند. به همین مناسبت، مقداری از همسرش وام گرفت تا این سپاه را بر ضدّ شورشیان بوهم به کار گیرد و به کمک فردریک پنجم، پادشاه انتخابی هابسبورگ، و شاه زمستانی بوهم در سال‌های ۱۶۱۹ـ۱۶۲۰ اقدام کند.

در سال ۱۶۲۱، والنشتاین به مقام فرمانداری بوهم رسید و در ضمن رهبری ارتش را در دست گرفت و این مقام برای وی فرصتی ایجاد کرد که به نام خود سکه ضرب نماید و از پول آن ۶۰ ناحیه را خریداری کرده و حتا توانست اشراف ساکن چک و رقبای خود را تبعید و یا تحت پیگرد قرار دهد.

والنشتاین در هنگام نبرد با دانمارک، خود را به‌عنوان فرمانده‌ی عالی جنگ و جانشین پادشاه معرفی نمود و به نبرد با نجبای منطقه‌ی شمال المان و اتریش اقدام کرد.

با سقوط شهر ماگدبورگ (Magdeburg)، سربازانی که از خونریزی لذّت می‌برند، دست به کشتار زدند. (آلمان، ۲۰ مارس ۱۶۳۱):

نیروهای نظامی خشمگین و غارتگر، امروز به شهر آلمانی ماگدبورگ وارد شدند. سربازان مست که از ۹ ملّیت تشکیل شده بودند با تجاوز به زنان، از آن‌ها جایگاه انبار شراب را طلب می‌کردند و سپس آن‌ها را با دشنه و خنجر به قتل می‌رساندند و به سوی

فرانسه، ١٦٦٤
آرماند دو رانس (Armand de Rance) اصلاح‌طلب فرقه‌ی تراپیست (Trappist) (این فرقه مرکب از راهبان کاتولیکی است که طرفدار امساک در خوردن غذا بودند)، به پیروان خود و تارکان دنیا پیشنهاد کرد که قانون سکوت و آرامش را رعایت کنند.

هلند جدید، ١٦٦٤
نیکول (Nicolls) فرماندار لانگ‌آیلند (Long Island) در ناحیه‌ی بازار جدید هامپستد (Hempstead)، مسابقات اسب‌دوانی به راه انداخت.

مجارستان، اول اوت ١٦٦٤
سپاهیان فرانسه و آلمانی به فرماندهی افسر پادشاهی مونته‌کوکلی (Montecuccoli) در بندر سن گوتار(St Gothard) توانستند نیروهای نظامی عثمانی را شکست دهند. این جنگ به‌عنوان پیروزی مسیحیت بر سپاه کفر تلقی شد.

امستردام جدید، پنجم دسامبر ١٦٦٤
پس از چندین روز بحث تند و مجادله‌آمیز، سرانجام مهاجرنشین هلند جدید در مقابل نیروهای انگلیس بدون شلیک حتی یک گلوله تسلیم شد. به‌دستور چارلز دوم قرار بود هرطور هست هلندیان را به سکوت وادارند. اینک دولت انگلیس کنترل بندرهای واقع در بین ویرجینیا تا ماساچوست را در اختیار دارد. این مقدمه‌یی است بر آن‌که ناوگان تجارتی انگلیس بر تمام دریاها تلط یابد و انحصار تجارت تمام مهاجرنشینان را در دست گیرد.

مریلند، سپتامبر ١٦٦٤
آخرین قوانین وضع‌شده حکایت از آن دارد که اگر زنی سفیدپوست با یک مرد سیاه‌پوست ازدواج کند، این عمل سبب رسوایی ملی محسوب می‌شود و فرزند ثمره‌ی این زناشویی هم جزو بردگان خواهد بود.

کارولینا، نوامبر ١٦٦٤
مالکان زمین‌های بخش شمالی نواحی آلب‌مارل (Albemarle) و کلارندون (Clarendon)، دست به شورش تفرقه‌آمیز زدند.

فرانسه، ١٦٦٤
کمپانی فرانسوی هند شرقی هم تأسیس شد.

هلند، ١٦٦٤
فرانز هالس (Franz Hals) هنرمند نقاش هلندی، تابلویی باشکوه و عظیم به‌نام «فرمانداران سالخورده‌ی میهن‌مان هارلم (Haarlem)» را ترسیم کرد.

فرانسه، ١٢ ژانویه ١٦٦٥
پی‌یر دو فرما (Pierre de Fermat) ریاضیدان فرانسوی، در شهر تولوز (Toulouse) دیده از جهان فروبست. وی کشفیات زیادی در مورد اعداد انجام داد و با عمل ساده‌ی اندازه‌گیری سطوح مربعی داخل سطح بیضوی و شلجمی، سطوح آن‌ها را به‌دست آورد و با حساب عددی قانون احتمالات را ثابت کرد.

نیویورک، ١١ مارس ١٦٦٥
طبق قانون جدیدی که مورد موافقت هلند و انگلیس هم قرار گرفته است، مردم نیویورک که طرفدار پروتستان‌ها هستند، می‌توانند بدون مزاحمت و گرفتاری اعمال مذهبی خود را انجام دهند و این موضوع با تضمین کافی همراه است.

اسپانیا، ١٧ سپتامبر ١٦٦٥
فیلیپ چهارم پادشاه اسپانیا که به‌تازگی از دنیا رفت، به‌خلاف آن‌که به عشق‌بازی با زنان متعدد و بچه‌بازی (هوموسکسوئل) شهرت داشت، تنها سه‌بار در زندگی‌اش خندید و تنها فردی هم که دوست او بود، ولاسکوئز (Velasquez) نقاش اسپانیولی بود که تمثال‌های زیادی از وی ترسیم کرد. پس از مرگ او پسرچهارساله‌ی او که بیماری عقب‌افتاده بود، جانشین وی شد. بدین جهت ملکه ماری آن نایب‌السلطنه شد.

ویرجینیا، دسامبر ١٦٦٥
دو نفر هنرپیشه به‌نام‌های یه‌بار (Ye Bare) و یه‌کاب (Ye Cubb) در نقش محکومان یک دادگاه انگلیسی در مهاجرنشین ویرجینیا به روی صحنه آمدند، این نمایش‌نامه نقش دادگاه‌ها را در زندگانی مردم به‌خوبی نشان می‌دهد.

امریکا، ١٦٦٥
تعداد افراد انگلیسی مستقر در مستعمرات امریکایی، ۷۵ هزار نفر است، در حالی‌که تعداد فرانسویان ۷۵۰۰ نفر می‌باشد.

آنگولا، ١٦٦٥
نیروهای پرتغالی ساکن در آنگولا به کنگو (Kongo) حمله کردند، لیکن نتوانستند مردمان محلی را تحت اطاعت درآورند.

سردابه‌های جایگاه شراب هجوم آورده، آن‌ها را خراب و ویران می‌کردند. این مَستان لایعقل همه جا را می‌سوزاندند و به ویرانه مبدّل می‌ساختند. آن‌ها اهالی را که در ارابه‌ها می‌گریختند، با ارابه‌هاشان به رودخانه‌ی الب (Elbe) واژگون می‌کردند، به‌طوری که در حدود ۲۵ هزار جسد از رودخانه گرفته شد و تنها پنج هزار نفر زن از آن‌ها زنده ماندند.

عدّه‌ی زیادی بر این عقیده هستند که چون اهالی شهر ماگدبورگ از کمک دیتریش‌فون فالکن‌برگ (Dietrich Von Falkenberg)، فرمانده‌ی گروه هسیان (Hessian) خودداری ورزیدند و دفاع شهر را خود به عهده گرفتند، به این بلا و مصیبت گرفتار شدند و به دستور کنت تیلی (Count Tilly) فرمانده‌ی سپاهیان سلطنتی دچار این بلیه شدند. حتا زمانی‌که ژنرال تیلی اقدام به جنگ نمود، مدافعان شهر تسلیم شدند و از دفاع شهر دست کشیدند.

مهاجمان با رخنه در دو قسمت حصار شهر، آنجا را به اشغال درآورند و وحشی‌گری و غارت و چپاول و آتش‌سوزی را آغاز کردند. بیشتر سربازانی که شهر را تصرّف کردند، از قبایل کروآت (Croats) و والون‌ها (Walloons) بودند. آن‌ها شهر را غارت کردند، سوزانیدند، به زنان تجاوز نمودند و هر که را در اختیارشان بود، به قتل می‌رسانیدند. یکی از راهبان شهر دسته‌یی از زنان را که حدود ۵۰۰ نفر بودند، به کلیسای بزرگ شهر برد تا از آسیب مصون بمانند، لیکن وضع بدتر شد، زیرا به دستور فون فالکن‌برگ تمام شهر را آتش زدند و در اثر وزش باد شدید تمام شهر طعمه‌ی حریق شد. در عرض چند دقیقه شهر به کوره‌یی از آتش مبدّل شد و همه‌ی سربازان و مردم عادی بدون استثنا در آتش سوختند و به هلاکت رسیدند.

هلند به سرعت به سرزمینی آزاد و فارغ از تعصبات مذهبی تبدیل می‌شود. (هلند، ۱۶۳۰):

ما صادقانه و بدون ریا مردمی هستیم که می‌خواهیم در کمال سلامت در شهرهایمان زندگی کنیم و همه قصد داریم و مصمم هستیم که درست‌کار و راست کردار بوده و به تمام قوانین احترام نهاده و بدان پای بند باشیم. این بیانیه‌یی بود که از سوی

فرماندار شهر لایدن (Leyden) هلند، خطاب به گروه مرتدان انگلیسی که در پی شهری برای پناهندگی بودند، صادر شد و بدون شک اکنون تمام شهرهای جمهوری به روی تمام پیروان مذاهب گوناگون گشوده شده و آزادی مذهبی و تحمّل و بردباری در مقابل همه ادیان برقرار است.

در حالی‌که تمام سرزمین‌های اروپایی برای تحصیل زمین بیشتر مشغول نبرد هستند و جنگ مالکان پایان‌ناپذیر است. کشور هلند همه‌گونه آزادی را به ساکنان خود داده، سیل پناهندگان به کشور هلند و مخصوصاً آمستردام پایتخت هلند روان است. سی در صد اهالی شهر یک‌صد هزار نفری این شهر را پناهندگان تشکیل می‌دهند، به‌ویژه کاتولیک‌های جنوب هلند به‌طور دایم به این شهر وارد می‌شوند.

پروتستان‌های اغلب کشورهای اروپایی به خصوص افراد روشن‌فکر تشویق می‌شوند که به آن‌جا رفته و از آزادی برخوردار شوند، در حالی‌که در کشور خودشان آزادی وجود ندارد و تعصبات مذهبی آن‌ها را از سرزمین خود می‌راند.

نفوذ و رخنه مردم کشورهای دیگر منافع سرشاری برای هلند ایجاد کرده است. هلند به این موضوع افتخار می‌کند که تعداد نشریه و روزنامه‌هایش بیش از سایر کشورهاست. دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه لیدن مرکز تجمّع استادان ادبیات و نقاشان به‌نام و مشهور و روشن‌فکران گشته است.

از نظر تجارتی هم به رونق چشم‌گیری نائل شده. اسکله‌ها و بندرها از کالاهای گوناگون از قبیل غلّات محصول کشورهای اطراف دریای بالتیک، منسوجات انگلیسی، ابریشم هندی و ادویه اندونزی، شراب آلمانی و الوار اسکاندیناوی مملو گشته است.

کاتدرالی که بنای آن ۱۲۰ سال به درازا کشیده بود، به پایان رسید. (رم، ۱۶۳۳):

پس از ۱۲۰ سال که پاپ ژولیوس (Julius) اوّلین سنگ بنای کلیسای جدید سن‌پیتر را کار گذاشت، قسمت داخلی ساختمان پایان یافت. سقف یا سایبان این بنا که توسط جان لورنزو برنینی (Gianlorenzo Bernini) طراحی شده و بسیار زیبا ساخته شده، در ۹ سال پیش به پایان رسید، سقف و گنبد این قسمت بر روی چهار ستون برنزی قرار دارد که هر ستون با پیچش‌های زیبا طراحی شده و حالت زیبایی خاصی دارد، این چهار ستون حافظ گنبد این قسمت می‌باشد. طراح اصلی این گنبد که بسیار عظیم است برامانته (Bramante) بود که میکل‌آنژ (Michelangelo) پس از وی قسمتی از آن را به پایان برد و سرانجام توسط جاکومودلا پورتا (Giacomo della Porta) در سال ۱۵۹۰ خاتمه یافت، و بالاخره در زمان پاپ اوربان (Urban) هشتم در سال ۱۶۲۶ تمام نمای داخلی کلیسا و گنبد آن به اتمام رسید.

شاعر انگلیسی آخرین قصیده خود را با مرگ خویش به پایان رسانید. (لندن، ۱۲ فوریه ۱۶۳۱):

جان‌دونه (John Donne)، شاعر مشهور و پرشور انگلیسی که در کلیسای سنت پل به موعظه می‌پرداخت، امروز در اثر دوئل جان سپرد، موضوع مرگ او امروز بر سر زبان‌ها بود و شنیده شد که وی بر اثر بیماری فوت شده، معهذا ممکن است که او توانسته آخرین اثر خود را تمام کرده باشد. گرچه به دونه لقب آگوستین داده‌اند، با این وصف او به اندازه‌ی کافی شهرت داشت. نخستین اثر او هجونامه و قصایدی بود که در سال ۱۵۹۰ سروده بود. در پی آن، در سال ۱۶۰۱، قصایدی با آهنگ جهت عروسی خود سرود، و هم او مرثیه‌هایی در غم مرگ همسرش در سال ۱۶۱۰ تنظیم نمود.

هم‌چنین در همین سال، اشعاری برای کسانی که در اثر حملات کاتولیک‌ها به شهادت رسیده بودند سرود و طریقه‌ی خودکشی را به مردمی که در رنج و عذاب بودند یاد داد.

با وجودی که کشتار در عثمانی به اوج خود رسیده بود، پادشاه خیانتکاران را مورد عفو قرار داد. (استانبول، مه ۱۶۳۲):

سربازان ینی‌چری در استانبول دست به شورش زدند و سلطان مراد چهارم، پادشاه جوان عثمانی، آن‌ها را از اتهام خیانت تبرئه نمود. رجب پاشا که توسط

پاریس، ۱۶۶۵
روش فوکول (La Rochefoucauld)، کتاب پند و اندرزهای خود را منتشر ساخت، محتوای این کتاب آشکارا نشان می‌دهد که افراد درمانده و مأیوس ممکن است اقدام به عملیات شرم‌آور و افتضاح‌آمیز کنند. این جرایم تکان‌دهنده که با پشیمانی بعدی توأم است، از اجتماعات بی‌قانون سرچشمه می‌گیرد، به‌طوری‌که وضع اجتماعی تغییر می‌کند و بر روی افراد بسیار تأثیرگذار خواهد بود و به‌هرحال باید این نقایص برطرف شود.
ژاپن، ۱۶۶۵
یاماگا سوکو (Yamaga Soko) یکی از دانشمندان پیرو استدلالیون (جدلی) کتاب کوچکی با عنوان «کاربرد عبادات لازم و ضروری» تدوین کرد که در آن سؤالاتی درباره‌ی تعلیمات کنفوسیوس (Cofucius) فیلسوف چینی مطرح گردیده و مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. وی نظریاتی راجع به سلطنت ژاپن دارد و آن را مورد حمله قرار می‌دهد. در پی انتشار این کتاب، به‌دستور امپراتور کتاب‌های او تحریم شد. سوکو هم از شهر ادو (Edo) به ناحیه‌ی کوچک آکو (Ako) تبعید شد.
اقیانوس هند، ۱۶۶۵
فرانسوی‌ها جزیره‌ی بوربون (Bourbon) (رئونیون (Reunion)) را تسخیر کردند.
ایتالیا، ۱۶۶۵
فرانچسکو گریمالدی (Francesco Grimaldi) فیزیکدان ژزوئیت‌مذهب ایتالیایی، قوانین انکسار نور و ضریب شکست آن را شرح داد که پس از مرگش آن را انتشار دادند. وی هم‌چنین فاصله‌ی ماه را از زمین و موقعیت این کره را که یکی از کارهای بزرگ اوست، تعیین کرد.
رم، ۱۶۶۵
نیکلاس پوسن (Nicolas Poussin) نقاش فرانسوی، در شهری که بیش‌تر عمر خود را در آن‌جا سپری کرده بود، از دنیا رفت. وی با کارهایی که انجام داد، در زمره‌ی مهم‌ترین چهره‌های سبک کلاسیک محسوب می‌شود.
پرتغال، ۱۶۶۵
نیروهای اسپانیولی در نبرد مونت‌کرالوس (Montes Claros) توسط مارکیز ماریالوا (marquis Marialva) شکست خوردند.
انگلیس، ۱۶۶۵
ایساک نیوتون (Isaac Newton) با تجاربی که انجام داد، سرانجام به نیروی جاذبه‌ی زمین پی برد.
هلند، ۱۶۶۵
هلندی‌ها در جنگ با بریتانیا برای دومین‌بار دچار شکست شدند. ناوگان انگلیسی که در سال ۱۶۶۳ کشتی‌های حامل برده‌ی هلندی را مورد حمله قرار داده و آمستردام جدید (اکنون به نیویورک موسوم است) را تصرف کرده بود، سال گذشته هم برای دومین‌بار آن‌ها را مورد هجوم قرار دادند.
هلند، ۱۶۶۵
یان ورمیر (Jan Wermeer) نقاش هلندی، تابلوی مرد توربباف و زن جوان با کوزه‌ی آب را در شهر دلفت (Delft) ترسیم کرد.
انگلیس، ۱۶۶۵
رابرت هوک (Robert Hooke)، فیزیکدان و شیمیست انگلیسی برای نخستین‌بار به تنفس گیاهان پی برد و ثابت کرد که گیاهان هم از سلول‌های زنده تشکیل شده‌اند.
اتیوپی، ۱۶۶۵
یوهانس (Johannes) به جانشینی فاضل داس (Fazilidas) پادشاه اتیوپی (Ethiopia) نشست.
ایتالیا، ۱۶۶۵
جووانی کاسینی (Giovanni Cassini) منجم ایتالیایی، مدت گردش کرات مشتری (Jupiter)، مریخ (Mars) و ونوس (Venus) را معین کرد.
انگلیس، ۱۶۶۵
پیتر چمبرلین (Peter Chamberlen) پزشک دربار چارلز دوم، فورسپس (گیره‌ی حاملگی) را تعبیه کرد.
انگلیس، ۱۶۶۵
جان بون یان (John Bunyan) در زمانی‌که در زندان بود، مقاله‌یی به‌نام بیت‌المقدس را در سال ۱۶۶۰ شروع کرد. وی را به جرم سخنانی که علیه کلیسا گفته بود، محبوس کرده بودند.

نیروهای ینی‌چری به وزارت اعظم (نخست‌وزیری) برگزیده شده بود، به قتل رسید. از سال گذشته که سلطانه ولید، مادر سلطان مراد، به‌عنوان نایب‌السلطنه زمام امور را دست گرفت، شورش و آنارشی سراسر امپراتوری عثمانی را در هم پیچید و قشون ینی‌چری در پادگان‌ها قیام کرده و کشور را به ناآرامی کشیدند.

در چند هفته قبل هم شورشیان محلی، میدان‌های شهر را اشغال کرده و مدّت سه روز شهر در آشوب و اضطراب به سر می‌برد. سربازان تشنه به خون ینی‌چری برای آرامش و اسکات مردم، و با کینه‌یی که نسبت به حافظ پاشا وزیر اعظم که نابرادری مفتی (Mufti) شهر استانبول بود داشتند، او و پانزده نفر از مقامات دربار را به هلاکت رساندند.

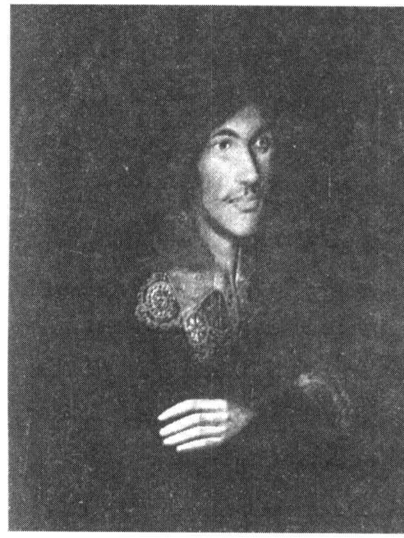
امّا هنگامی‌که سلطان مراد عثمانی به توطئه آن‌ها پی برد، شورش تشدید شد. با وجود این خواجگان دربار، رجب پاشا، وزیر اعظم جدید را خفه کرده و سر او را هم بریدند، سرانجام سپاه ینی‌چری و قضات عثمانی سوگندنامه‌یی حاکی از وفاداری و همکاری با پادشاه امضا کردند. مراد هم از سوءظن و تردید خود دست برداشت و تمام افراد خیانت‌کار را عفو و مورد بخشش قرار داد.

رهبر اتیوپی برعلیه رم اقدام می‌کند. (گندار (Gondar)، اتیوپی، ۱۶۳۲):

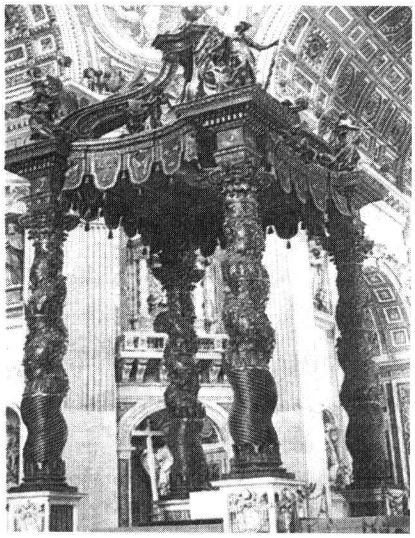
رؤیای ساسن‌یوس (Susneyos) درباره‌ی مدرنیزاسیون امپراتوری اتیوپی نقش بر آب گردید. امپراتور اتیوپی از مقام خود کناره گرفت و اعلام پیروی از مذهب کاتولیک نمود. ساسن‌یوس در سال ۱۶۰۷ با حمایت تفنگ‌داران به سلطنت رسیده بود.

سرزمین اتیوپی که با تهاجم اقوام گالا (Galla) و جنگ داخلی روبه‌رو شده بود، چنان دچار ضعف شد که دیگر نتوانست کمر راست کند. پادشاه قصد داشت با استعانت و همکاری فیلیپ سوّم، تمام دشمنان خود را مغلوب نماید.

او برای این‌که نظر فیلیپ را جلب کند، مذهب کاتولیک را مذهب رسمی کشور اعلام کرد. پادشاه اتیوپی با یاری برادرش سیلا کریستوس (Si'la



تصویر ژان دونه John Donne سال ۱۵۹۵.



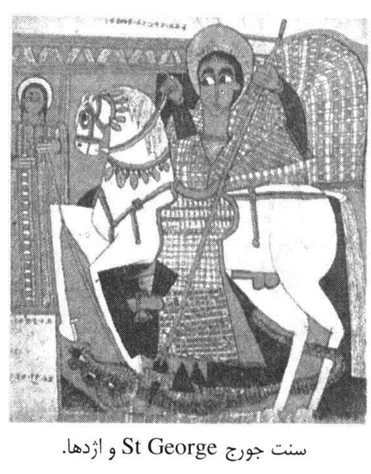
سقف مزین به تندیس های قدیسین، کار هنرمند ایتالیایی برنینی Bernini در سنت پیترSt Peter.



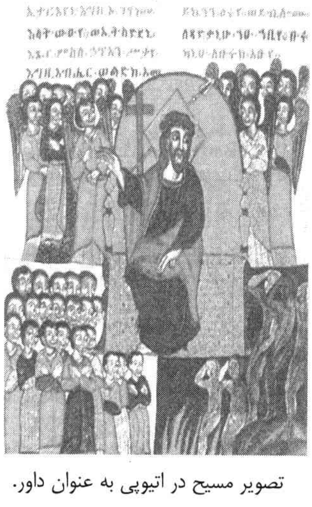
ژودیت لی ستر Judith Leyster در حال بازی ورق. در این تابلو ژودیت نشان می دهد که مردم عادی هم از این بازی لذت می برند، در حالی که نقاش چهره ی تصنعی از وی ترسیم نموده است.



آخرین نقش گوستاو آدولف دوم، پادشاه سوئد. درهای بهشت و عرش به روی او باز شد.



سنت جورج St George و اژدها.



تصویر مسیح در اتیوپی به عنوان داور.

پاریس، ۲۰ ژانویه ۱۶۶۶
ملکه‌ی مادر دیده از جهان فروبست. او دختر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا بود که در سال ۱۶۱۵ با لویی سیزدهم زناشویی کرد. وی در توطئه‌یی که علیه ریشیلیو چیده شده بود، با همکاری برادرش پادشاه اسپانیا، نقش عمده داشت. در سال ۱۶۴۸ پس از مرگ شوهرش لویی سیزدهم، به‌عنوان نایب‌السطنه‌ی پسرش لویی چهاردهم قدرت را در دست گرفت و در سال ۱۶۵۱ در وال دو گراس (Val de Grace) بازنشسته شده بود.

هندوستان، ژانویه ۱۶۶۶
شاه‌جهان امپراتور معزول مغول از دنیا رفت. وی درسال ۱۶۵۸ توسط پسرش اورنگ زیب (Aurangaeb) از سلطنت خلع و در اگرا (Agra) زندانی شد، در حالی‌که چشمش همواره به‌سوی تاج‌محل، جایگاه دفن همسرش که او را عاشقانه دوست می‌داشت، دوخته شده بود. شاه‌جهان هم خود علیه پدرش در سال ۱۶۲۴ طغیان کرد و تا سال ۱۶۲۷ و هنگام درگذشت، او را زندانی کرده بود.

آناتولی، مه ۱۶۶۶
ساباتایی زوی (Sabbatai Zevi) یکی از رهبران مذهبی که تحت فشار به مذهب اسلام درآمده بود، پس از مدتی خود را منجی موعود (صاحب‌الزمان) نامید.

پاریس، چهارم ژوئن ۱۶۶۶
مولیر (Moliere) نویسنده‌ی فرانسوی، کتاب «گریزان از بشر» را تدوین کرد.

پاریس، ژوئن ۱۶۶۶
لویی چهاردهم حقوق و اختیارات پارلمان پاریس را محدود ساخت.

ایتالیا، ۱۶۶۶
جووانی گوئرچینو (Giovanni Guercino) نقاش ایتالیایی، در شهر بولونیا (Bologna) جهان را بدرود گفت. وی بیش‌تر در خدمت پاپ گریگوری (Gregory) پانزدهم بود و تا سال ۱۶۳۰ در بولونیا زندگی می‌کرد.

فرانسه، ۱۶۶۶
فرانسوا مانسار (Francois Mansart) معمار فرانسوی، درگذشت. بناهای ساخته‌شده به‌وسیله‌ی او، سبک لوکس و تجملی داشت. شاهکار ساختمانی او در بلوا (Blois) به‌نام بال اورلئان (Orleans Wing) مشهور است که متأسفانه ناتمام ماند. وی آدمی مشکل‌پسند و عصبانی‌خوی بود و با کارمندان و کارگرانش به نحو بدی برخورد می‌کرد و آن‌ها را آزرده‌خاطر می‌نمود و تعداد زیادی از آنان را در هنگام کار اخراج کرد. وی مهم‌ترین کار ساختمانی خود را به‌نام خانه‌ی لافیت (Maison Lafitte) نزدیک شهر پاریس به‌اتمام رسانید.

هندوستان، ۱۶۶۶
سیواجی (Sivaji) رهبر گروه ماراتا (Marathas) در هند شرقی، به‌طور مخفی از دربار اورنگ زیب امپراتور مغول در شهر اگرا گریخت. پس از نبردهای چندی که نیروهای صاحب‌زمین هند علیه اورنگ زیب انجام داده و موفق شدند، اورنگ زیب از سیواجی درخواست کرد که به اگرا بیاید و به سرزمین تحت سلطه‌ی او هم خودمختاری داخلی اعطا کرد که بدین‌وسیله از گستردگی شورش بکاهد. سیواجی هم‌چون به هدف خود نرسیده بود و احساس می‌کرد از مشی خود منحرف شده، پنهانی از اگر فرار کرد و به هواداران خود پیوست تا بتواند در موقع مقتضی اقدام کند.

اسپانیا، ۱۶۶۶
بارتولومه موریلو (Bartolome Murrillo) نقاش اسپانیولی، با پشتیبانی ولاسکوئز تعداد ۲۲ تمثال قدیسین را برای صومعه‌ی کاپوچین (Capuchin) ترسیم نمود.

افریقای جنوبی، ۱۶۶۶
هلندی‌ها خلیج سالدانا (Saldanha Bay) واقع در نزدیکی دماغه‌ی امیدنیک را تسخیر کردند.

نیوجرسی، ۱۶۶۶
فیلیپ کارترت (Philip Carteret)، ساکنان مناطق نیوهیون (New Haven) و نیوجرسی (New Jersey) را با واگذاری زمین به آن‌ها تطمیع کرد. وی درصدد است که این مهاجرنشین‌ها را شبیه شهرهای نیوانگلند درآورد.

افریقای غربی، ۱۶۶۶
فرانسوی‌ها خلیج گینه (Gulf of Guinea) را کشف کردند.

ژاپن، ۱۶۶۶
کاکی مون (Kakiemon) استاد سفالگر ژاپنی، از دنیا رفت.

(Christos)، تمام رسوم قدیمی را از بین برد و نحوه‌ی اداره‌ی کشور را شبیه اروپا نمود و به میسیون‌های مذهبی مسیحی اجازه‌ی فعالیت داد.

اکثریت اقوام امهارا (Amhara) مذهب خود را تغییر داده و به کاتولیک گرویدند، لیکن با سه بار شورشی که در کشور صورت گرفت، ساسن‌یوس و همکارانش مجبور به کناره‌گیری شدند. آن‌ها در چهارمین عصیان‌گری خود، جانشین وی را به سلطنت رساندند و او ناچار استعفا داد. با مستعفی شدن ساسن‌یوس، پسرش فاسیلاداس (Fasiladas) به سلطنت منصوب گردید، او تمام میسیون‌های کاتولیک را از کشور بیرون راند و مذهب قبطی را در کشور ترویج نمود.

شهر بوستون (Boston) به‌عنوان پایتخت مستعمره‌ی پوریتن‌ها (Purtian) انتخاب شد. (بوستون، ماساچوست (Massachusetts)، ۱۶۳۳):

در حومه‌ی جنگلی منطقه‌ی ماساچوست، ساکنان این مستعمره، دولت تشکیل داده و شروع به ساختن کلیسا، خانه و حتا کارگاه کشتی‌سازی با استفاده از الوارهای محلی کردند، حتا در این اواخر ناقوس کلیسای شهر تا مسافتی بعید به گوش می‌رسید. اکنون فقط سه سال از زمانی‌که جان وینتروپ (John Winthrop)، مالک بزرگ منطقه، با اجازه‌ی فرمان سلطنتی، اقدام به تشکیل دولت کرد، می‌گذرد. در پی این فرمان، نزدیک به هزار نفر که به اتّهام پیروی از فرقه‌ی پوریتن به این منطقه تبعید شدند، اقدام به زراعت در زمین‌های حاصل‌خیز این ناحیه نمودند و بدین ترتیب رؤیای پیروان انجیلی به وقوع پیوست.

پس از این اعمال، به زودی در ماه سپتامبر ۱۶۳۰، وینتروپ و معاون وی اعلام کردند که در شبه‌جزیره‌ی شاوموت (Shawmut) مستعمره تشکیل داده و دولتی هم بر سر کار خواهد آمد، و محلّ کار این دولت هم در همین شبه‌جزیره خواهد بود. هم‌چنین برای انجام عبادت و نماز، یک کلیسا هم در نزدیکی محلّ استقرار دولت ساخته شده و امور مذهبی مستعمره را اداره خواهد کرد. دولت محلی برای بومیان هم مکانی را

انتخاب کرد که چشمه‌ی حیات نام داشت. این چشمه محلی بود که بومیان و مهاجران را از هم تفکیک می‌کرد. وینتروپ نام این مکان را بوستون گزارد که قبلاً به اسم لینکلن شایر (Lincolnshire) نامیده می‌شد و شامل دو مهاجرنشین لیدی آرابلا (Lady Arabella) و ایساک جانسون (Issac Johnson) بود.

وینتروپ سخت علاقه داشت که این مستعمره و یا مهاجرنشین محدودیت مرزی نداشته و دست او برای توسعه باز باشد و می‌گفت من دوست دارم شهرداری را روی تپّه بنا کنم، چون‌که این شهر چشم‌انداز زیبایی دارد.

یک خانم که چند تابلوی نقّاشی ترسیم کرده بود در زمره‌ی زنان نقّاش درآمد. (هارلم (Haarlem)، ۱۶۳۳):

خانمی از اهالی شهر سنت لوک (St Luke) که چند تابلو ترسیم کرده بود، به عضویت انجمن نقّاشان پذیرفته شد. وی به نام ژودیت لیستر (Judith Leyster) و دختر یک آبجوفروش بود. او در سال‌های اوّل جوانی یکی از نقّاشان مشهور و عالی‌مقام شد. تابلوهای او بیشتر درباره‌ی طبیعت و چهره‌نگاری بود. او خیلی دوست داشت که مردم را شاد و مسرور به بیند و از چهره‌های خندان جوانان تابلو تهیه کند. او از دیدن زنان جوانی که با مردان جوان در سرور و شادی به سر می‌برند، لذّت می‌برد و از این‌که دختران جوان جام شراب را به مردان جوان تعارف کرده و با تبسّم آنان روبه‌رو شوند، به هیجان درمی‌آمد و خوشحالی زوج‌ها برای او معنای زندگی می‌داد. وی در ضمن ویولون هم می‌نواخت و در حال مستی، سرودهای عاشقانه را ترنّم می‌کرد.

بسیاری از کارهای وی شباهت تامی به کارهای فرانتس هالز (Franz Hals) داشت، چون خانم لیستر از شاگردان او بود و لیکن از جهت آرامش و سکوت هم‌پایه‌ی وی بود و نقّاشی‌هایش روح انسان را سبک می‌کرد. در حالی‌که عدّه‌یی بر او انتقاد می‌کردند که او از هالز تقلید می‌کند، به‌نظر می‌رسد که این موضوعی طبیعی است، چون او شاگرد و نوآموز هالز بوده است.

پادشاه سوئد و یکی از فرماندهان سوار کشور، جهان را بدرود حیات گفت. (آلمان، ششم نوامبر ۱۶۳۲):

امروز کشور سوئد با از دست دادن پادشاه خود، در غم عمیقی فرو رفت. او یکی از مردان قدرتمند سوئد بود که این سرزمین فئودالی و مردابی را به یکی از قدرت‌های بزرگ اروپایی مبدّل کرد.

گوستاو دوّم آدولفوس (Gustavus Adolphus)، پادشاه سوئد، در جنگ منطقه‌ی لوتزن (Lutzen) نزدیک لایپزیک (Leipzig) که بر ضدّ والنشتاین (Wallenstein)، در رأس هنگ سوار شرکت کرده و در ابتدا به پیروزی‌هایی دست یافته بود، در حین جنگ کشته شد. او فقط ۳۷ سال داشت.

گوستاو با هیکل تنومند، موهای بلوند و چهار شانه، در حقیقت موهبتی برای سوئد محسوب می‌شد، در ضمن با مردم خیلی دم‌خور بود و از تکبّر و نخوت، بری و بیزار بود. او در سن ۱۶ سالگی به سلطنت رسید و در همان زمان فرمان داده بود که تنها اشراف و نجبا می‌توانند به مقامات عالیه برسند و فرمان‌ها را امضا کنند.

آکسل اوکسن اشتیرنا (Axel Oxenstierna)، که مقام نخست‌وزیر را در دربار او داشت، فردی زیرک و تیزهوش بود که از طبقات پایین اجتماع به این مقام رسیده بود و یکی از نمونه افرادی بود که قدرت اداره کشور را داشت. وی مرد قدرتمندی بود که در جلسات هیأت وزیران قاطعیت داشت و در غیاب او سایرین قدرت تصمیم‌گیری نداشتند.

گوستاو هم یک سیاستمدار بسیار قابل و بی‌نظیر و در عین حال فرماندهی بسیار لایق بود. او اوّلین فرد اروپایی بود که نظام وظیفه را در اروپا برقرار کرد که برطبق قانون، هر یک از افراد ذکور کشور برای مدّتی بایستی در ارتش خدمت کنند، در حالی‌که در تمام اروپای آن زمان می‌باید سرباز مزدور و جیره‌بگیر استخدام کنند. او توانست یک نیروی دریایی قوی و نیرومند به‌وجود آورد که هماورد نیروی دریایی دانمارک باشد، چون ناوگان دانمارک در دریای بالتیک بی‌رقیب بود.

پاریس، ۱۶۶۶
ایساک نیوتون (Isaac Newton) دانشمند ریاضیدان انگلیسی، حساب دیفرانسیل را کشف کرد.

پاریس، ۱۶۶۶
ژان باپتیست کولبر (Jean Baptiste Colbert) صدراعظم لویی چهاردهم که در ضمن سمت مارکیز ساین‌لی (Seignelay) را داشت، آکادمی علوم سلطنتی فرانسه را افتتاح کرد.

رم، ۲۲ مه ۱۶۶۷
پاپ آلکساندر (Alexander) هفتم از دنیا رفت. وی اغلب بر سر مسائل استقلال سلطنت که پادشاهان فرانسه خود را مستقل از پاپ می‌دانستند، منازعه می‌کرد و مقالات زیادی علیه آن‌ها نوشت و پیوسته برای کاهش قدرت آن‌ها می‌کوشید، در حالی‌که شاهان فرانسوی، حملات لفظی بر ضد پاپ در شهر آوینیون (Avignon) می‌کردند. آلکساندر هم‌چنین اولین گام‌ها را بر ضد ژانسنیست‌ها (Jansenist) برداشت و اقداماتی برای سرکوبی آن‌ها کرد. وی دستور داد که برنینی (Bernini) معمار ایتالیایی یک راهروی سرپوشیده در میدان سنت پیتر بنا کند. کلمنت نهم به جانشینی او منصوب شد.

ویرجینیا، ۲۳ سپتامبر ۱۶۶۷
طبق مصوبه، قانونی جدید در ویلیامزبورگ (Willamsburg) اعلام شد که بردگانی که مسیحیت را بپذیرند، از حالت بردگی خارج و به‌عنوان افراد آزاد شناخته می‌شوند.

پاریس، ۱۷ نوامبر ۱۶۶۷
نمایش تراژدی آندروماش (Andromache) توسط ژان راسین (Jean Racine) بر روی صحنه آمد و مورد تقدیر لویی چهاردهم قرار گرفت.

رم، ۱۶۶۷
فرانچسکو بورومینی (Francesco Borromini) معمار ایتالیایی، پس از به‌پایان رساندن ساختمان چهارچشمه‌ی سن‌شارل (St Charles) و نمای آن، اقدام به خودکشی کرد.

لیسبون، ۱۶۶۷
آلفونسوی (Alfonso) ششم پادشاه پرتغال، معزول شد. همسر وی شاهزاده‌خانم منطقه‌ی ساووی (Savoy)، برادرش را جانشین وی قرار داد و آلفونسو را هم در قلعه‌ی سینترا (Sintra) نزدیک لیسبون (Lisbon) زندانی کرد.

آلمان، ۱۶۶۷
یوهان فروبرگر (Johann Froberger) آهنگساز آلمانی، جهان را ترک کرد. وی مدت ۲۰ سال تا سال ۱۶۵۷ ارکستر دربار سلطنتی در وین (Vienna) را رهبری می‌کرد. بزرگ‌ترین اثر باقی‌مانده از وی یک نوع آلت موسیقی به‌نام هارپسیکورد (Harpsichord) بود (هارپیسکورد شبیه پیانو است، ولی بزرگ‌تر از آن می‌باشد).

پرتغال، ۱۶۶۷
فرانسیسکو مانوئل دوملو (Francisco Manuel de Melo) نویسنده‌ی اسپانیولی، درگذشت. وی در سال ۱۶۴۰ زبان اسپانیولی را رها کرد و به احترام و بزرگداشت خوان (John duke of Braganza) دوم دوک براگانزا به زبان پرتغالی روی آورد. خوان بر اثر بدرفتاری فیلیپ چهارم پادشاه اسپانیا، آن‌جا را ترک کرد و به پادشاهی پرتغال رسید. مانوئل اشعار پرحجمی درباره‌ی نبردهای کاتالان‌ها (Catalan) برای جدایی از سرزمین اصلی اسپانیا سرود که یکی از آثار به‌یادماندنی اوست و نسبت به این منازعات انتقاداتی هم کرده است.

هلند، ۳۱ ژوئیه ۱۶۶۷
قرارداد صلح بردا (Breda) به جنگ بین انگلیس و هلند پایان بخشید. قوانین تجارت طبق تمایل هلند تنظیم شد و ناحیه‌ی سورینام (Surinam) واقع در امریکای مرکزی هم در اختیار آن کشور باقی ماند، لیکن انگلیس کنترل ناحیه‌ی نیویورک (آمستردام جدید قبلی) نیوجرسی (New Jersey) و دلویر (Delaware) را عهده‌دار شد.

لندن، ۱۶۶۷
رابرت هوک (Robert Hooke) شیمیدان انگلیسی، تغییرات هوا را به‌طور منظم ثبت کرد.

لندن، ۳۰ اوت ۱۶۶۷
ادوارد هاید نخستین ارل کلارندون (Edward Hyde Earl of Clarendon)، توسط چارلز دوم از پست وزارت خارجه برکنار شد. وی مسؤولیت بزرگی در انعقاد پیمان صلح حقارت‌آمیز بردا که در ژوئیه امضا شد، برعهده داشت و به همین جهت هم معزول شد. هاید سهم بزرگی در سیاست ایجاد مهاجرنشین‌ها ایفا کرد و این کار را هم برای ارتقای قدرت سلطنت و بالابردن اعتبار مهاجرنشین‌ها و نیز حمایت از آزادی مذاهب انجام داد.

کشور ژاپن با بقیه‌ی دنیا قطع رابطه می‌کند. (ژاپن، ۱۶۳۳):

دولت ژاپن طی فرمانی، تمام کسانی را که به دین مسیح درآمده بودند، تحت پیگرد قرار داده، هیأت‌های مذهبی مسیحی را اخراج و ژاپنی‌هایی را که مسیحی شده بودند، بازداشت و زندانی نمود.

این مقرّرات به شکل بسیار تندی اجرا می‌شد و زندانیان را سخت تحت شکنجه و آزار قرار می‌دادند تا اعتراف کرده و از مسیحیت دست بشویند و آن‌هایی هم که پنهانی تغییر دین داده بودند را هم به مجازات‌های سخت محکوم می‌کرد، هیأت‌های مسیحی را هم از طریق بنا در ژاپنی اخراج می‌کرد.

طبق این فرمان، دین مسیحیت رسمیت ندارد و پیروان آن باید اخراج و یا زندانی شوند، چون این دین را مهاجمان و متجاوزان به مردم تحمیل کرده‌اند و با اعتقادات سنتی کشور منافات دارد.

با فرمان توکوگاوا (Tokugawa)، نه تنها پیشرفت ژاپن متوقّف می‌شود، بلکه بیم آن هست که ژاپن با بقیه‌ی دنیا قطع رابطه کند. برطبق دستور توکوگاوا، هیچ فرد ژاپنی حق خروج از سرزمین ژاپن را ندارد و کسانی که به‌طور قاچاق از کشور خارج شوند، در بازگشت اعدام خواهند شد.

به دستور امپراتور، لُرد خیانت‌کار اعدام شد. (بوهم، ۲۵ فوریه ۱۶۳۴):

والتر دورو (Walter Devereux)، فرمانده‌ی ایرلندی، امروز به‌طور ناگهانی به اتاق خواب آلبرشت فون والنشتاین (Albrecht Von Wallenstein) در قلعه‌ی اِگِر (Eger) حمله برد و این فرمانده‌ی مشهور را با دشنه به قتل رسانید. این عمل به دستور امپراتور فردیناند دوّم صورت گرفت، زیرا والنشتاین مخفیانه مذاکراتی با دولت سوئد و سایر دشمنان او انجام داده بود.

والنشتاین در سال ۱۶۳۰ از پست فرماندهی کل امور جنگی، به تصوّر این‌که وی خیال استقلال‌طلبی دارد، برکنار شد، ولیکن در سال ۱۶۳۲ برای جنگ با کشور سوئد احضار و به آن دیار اعزام شد. در این اواخر،

او از مرکز قدرت کناره گرفته و به بیماری مالیخولیا گرفتار شده بود و هر روز غرور و نخوت در او تقویت می‌شد. امپراتور هم اعمال او را تعقیب می‌کرد و چون احساس خطری از سوی او مشاهده کرد، از کارکنان و حتا افسران خواست که او را با شلیک تیر از پا درآورند و در هر شهر و دیاری ردّپای او را دنبال می‌کرد و یک بار هم مورد اصابت گلوله قرار گرفت، امّا جان به سلامت برد، نفرت از او به حدی رسید که امپراتور چند نفر را برای انجام این امر استخدام کرد. او در ماه گذشته در جهت وفاداری و تبعیت از امپراتور در حضور سرهنگان سپاه سوگند یاد کرد و تا به امروز به سوگند خود وفادار بود.

با شروع جنگ فرانسه و اسپانیا، ترس از جنگ اروپا را در خود فرو برد. (پاریس، ۱۹ مه ۱۶۳۵):

پس از ماهها تأمل و درنگ، لویی سیزدهم به بهانه‌ی تصرّف پایگاه تریه (Trier) توسط نیروهای اسپانیولی به فیلیپ چهارم پادشاه فرانسه، امروز اعلان جنگ داد. دولت فرانسه که همواره با دخالت خود، بین دولت‌های درگیر اروپایی رُل میانجی را داشت، اکنون پس از ۱۷ سال خود وارد در جنگی پیچیده شده است.

عامل اصلی این جنگ کاردینال ریشیلیو، نخست‌وزیر فرانسه می‌باشد، زیرا فردیناند دوّم با حمایت او بر پرنس‌های آلمانی در شهر نوردلینگن (Nordlingen) غلبه کرد و اینک قصد دارد رؤیای شارل پنجم امپراتور را جامه‌ی عمل بپوشاند و دنیای متمدن را تحت تابعیت خویش درآورد.

در سال ۱۶۳۱، سیاستمداران اروپایی سعی کردند که وی را از درگیری منصرف نمایند و به نتایجی هم رسیدند، امّا ریشیلیو تن به سازش نداد. کاردینال با یک اعانه پولی، سوئد را تشویق و تحریک به جنگ نمود تا به اهداف توسعه‌طلبانه‌ی خود دست یابد، از سویی قصد دارد با ایجاد اختلاف در نیروی پیاده‌نظام اسپانیا و انتقاد از نقطه‌نظرهای دولت اسپانیا و تخلیه‌ی سرزمین اشغال‌شده به وسیله‌ی آن دولت، شکاف در آن ایجاد کند.

اکنون سپاهیان فرانسوی تمام منطقه‌ی دوک‌نشین لورن (Lorraine) را به تصرّف درآورده و مشغول محاصره‌ی ناحیه‌ی آلزاس (Alsace) هستند، در حالی‌که با دولت سوئد و هلند قرارداد صلح امضا کرده تا آن کشورها را از دخالت در این جنگ باز دارد.

با ساختن تخت‌طاووس، میلیون‌ها تن به نکبت و بدبختی دچار شدند. (اگرا (Agra)، ۱۶۳۵):

شاه جهان، در سال ۱۶۲۷، در پی مرگ پدرش جهانگیر، جانشین او شده و به مقام امپراتوری مغول هند رسید. او به جمع‌آوری جواهرات و طلا به قیمت تهیدستی و بدبختی و فلاکت انسان‌ها بسیار علاقه‌مند بود. در بین سال‌های ۱۶۳۰ و ۱۶۳۲ که مردم هندوستان دچار قحطی شدید شده و میلیون‌ها نفر تلف شدند، او تنها به فکر گردآوری جواهر و پول و پر کردن خزانه‌ی خود بود. او ثروتمندترین فرد هند و شخصی سیری‌ناپذیری بود.

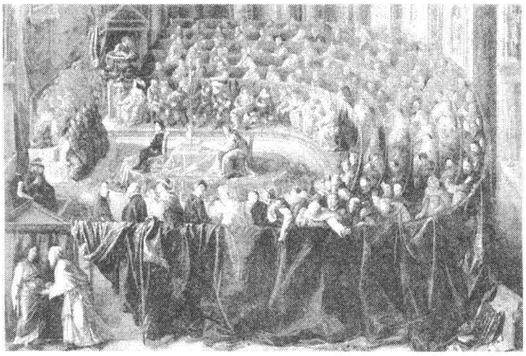
تخت‌طاووس شاه جهان با پایه‌های طلا و جواهر نشان و بر روی دیواره‌ی تخت تصویر طاووسی زیبا از جواهر منقّش شده بود که با نقشی از درختان با سنگ‌هایی از برلیان، زمرد و یاقوت تزیین یافته بود، و این حاصل امپراتوری، بر ملّتی فقیر بود.

انکیزیسیون (Inquisition) بار دیگر به سراغ گالیله رفت. (ایتالیا، ۱۶۳۳):

گالیله، مشهورترین و بزرگ‌ترین اخترشناس زمان را بار دیگر به سبب عقایدش که مخالف نظریه‌ی کلیسا بود، احضار کردند.

برحسب عقیده‌ی کلیسا، کره‌ی زمین مرکز کائنات است و هر نظریه‌ی مخالف آن، پایه های قدرت کلیسا را می‌لرزاند و کسی حق ندارد بر ضدّ این نظریه سخنی ابراز نماید. طبق دستور کلیسای رم، گالیله باید به شهر رم رفته و در محضر دادگاه از عقیده‌ی خود که در سال گذشته در کتاب او مطرح شده، دفاع نماید. گالیله بر خلاف نظریه‌ی ارسطو که زمین را مرکز کائنات فرض کرده که تمام اجرام سماوی و خورشید به دور آن در گردش هستند، قیام کرد.

گالیله هم‌چنین در کتاب خود مباحثی درباره‌ی ستارگان ثابت و سیارات و نیز ستارگان دنباله‌دار و



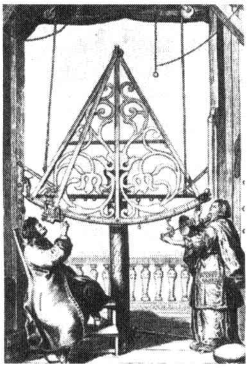
جلسه ی بحث و گفت و گو توام با خشم و غیظ کاردینال ها درباره ی عقاید و نظریات گالیکه محیط رعب آوری ایجاد کرده، متهم در وسط نشسته و در قسمت پایین هم تعداد زیادی از عوامل کلیسا غائله به راه انداخته اند.



والنشتاین Wallenstein به طور ناگهانی کشته شد.



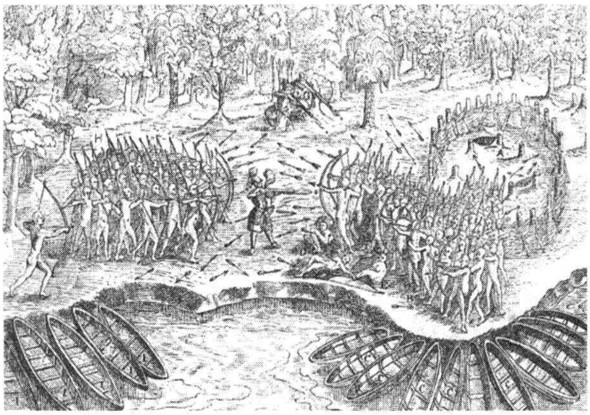
دوشامپلنde champlain ، بنیانگذار ایالت که بک Quebec کانادا.



یا تو می توانی با این دستگاه و با چشمان خود راز خلقت رامشاهده کنی یا این که روحانیون از آن آگاهند؟



شاه جهان به طور رسمی بر تخت طاووس نشست، یعنی پادشاه شد.



سربازان بی شمار تحت فرمان دوشامپلن در حالی که تفنگ های خود را به دست گرفته و آماده ی جانبازی هستند.



آخرین تصویر کریستینا Christina، ملکه ی سوئد.

لکه‌های خورشیدی مطرح کرده بود و این لکه‌ها را ادواری می‌دانست. در ضمن معتقد بود که کره‌ی زمین دارای حرکت وضعی هم می‌باشد، یعنی به دور محور خود هم در گردش است و این حرکت وضعی منتج به ظهور شب و روز می‌شود چون اگر زمین حرکت وضعی نداشته باشد، سقوط کرده و متلاشی خواهد شد.

پاپ، گالیله را با وجود بیماری و پیری به رم فرا خواند، در حالی‌که مسافرت برای وی بسیار ناراحت‌کننده بود و ظنّ آن می‌رفت که او را تکفیر نمایند. پس از تاریخ ۲۱ ژوئن که دادگاه تفتیش عقاید گالیله را به جرم آموزش عقاید کوپرنیک، محکوم نموده بود و هنوز هم این محکومیت پابرجاست، او با جملات کاملاً دقیقی، با همان ترتیب، عقاید قبلی را انکار نمود و ادعا کرد که در گذشته اشتباه نموده. پاپ هم دستور داد که براساس رأی قبلی وی را در منزلش تحت‌نظر قرار دهند. امّا چه موضوعی سبب شد که یک فرد اخترشناس بر سر عقاید خود پافشاری کند و دادگاه را به کشمکش بکشاند.

گالیله از نظریه‌ی خود سخت دفاع کرد و برعلیه خرافه‌پرستی و تصورات و عقاید واهی قیام نمود، و برای این بود که گالیله به‌عنوان رهبر و پیشرو علم ستاره‌شناسی معرفی شد. کتاب طبیعت نوشته‌ی گالیله از نظر ریاضی تمام خصایص و ویژگی‌های این جریان را روشن ساخته و مدعیان طرفداری از موهومات را به چالش دعوت نموده و گفته‌های آن‌ها را رد کرده است. امّا همین محکومیت او در دادگاه انکیزیسیون این مرد را به‌عنوان پدر علم از راه تجربه به جهانیان شناساند. او با تلسکوپ و رصد کردن ستارگان، کائنات را بسیار بیشتر از پیشینیان به دنیا معرفی کرد و وسعت آسمان را بسیار عظیم‌تر و بزرگ‌تر از پیش دانست به‌طوری که در تصوّر و پندار نمی‌گنجد و هیچ کس را یاری تفکر در آن باره نمی‌باشد. مشاهدات گالیله جهان را برای کشف حقایق زیادتری درباره‌ی کائنات آماده ساخت و به پیشرفت‌های آینده سوق داد و دانش نجوم را به راه جدید رهنمون ساخت، و عقاید و نظریات ستاره‌شناسان را توسعه بخشید و بدین ترتیب عقاید کهنه و قدیمی و دور از علم اربابان کلیسا را به محاق فراموشی سپرد.

بر اثر اصرار و ابرام کاشف فرانسوی، مستعمره‌ی کبک (Quebec) تشکیل شد. (که‌بک، فرانسه‌ی جدید،۱۶۳۵):

۳۳ سال پس از نخستین باری که ساموئل شامپلن (Samuel Champlain)، افسر و کاشف فرانسوی در کرانه‌ی که‌بک کانادا پیاده شد، اینک او برای بار دوّم به آنجا باز گشت و رؤیای فرانسه را برای تکمیل اکتشافات دنیای جدید به حقیقت مبدّل ساخت. پس از آن‌که دوشامپلن اوّلین بار به کشف این منطقه نایل شد، در سه سال پیش و هم‌چنین در سال ۱۶۲۹ نیروهای انگلیسی به این ناحیه شتافتند و سعی کردند که دوشامپلن را وادار کنند تا از آنجا دست بردارد.

در بازدید اولی که دوشامپلن از که‌بک به عمل آورد، به دولت فرانسه اصرار کرد. این منطقه را که از نظر کشاورزی استعداد بسیاری دارد، تبدیل به یک ایالت مستعمره فرانسه کند و بدین ترتیب دولت فرانسه پایگاهی در دنیای جدید ایجاد کرده و به اقتصاد کشور کمک نماید.

او به دولت توصیه کرد که چون در ایالت که‌بک کانادا مستعمره‌یی وجود ندارد و از سوی دولت انگلیس در معرض مخاطره می‌باشد و هر زمان انگلیس‌ها درصددند، که آنجا را تسخیر نمایند و همواره مطمح نظر آن دولت می‌باشد، پس باید هرچه زودتر دولت فرانسه یک مستعمره در آن ایالت به‌وجود آورد و با بومیان آن منطقه که به تجارت پوست خز اشتغال دارند، روابط برقرار نماید.

به رغم تمایلات دولت انگلیس که نظر خاصی به این منطقه داشت، دوشامپلن موفق شد نظر بومیان سرخ‌پوست را جلب نماید و با همکاری و معاضدت آن‌ها فرانسه توانست پایگاه مهمّی در ایالت که‌بک ایجاد کند.

سیاستمداری که تاج سلطنت سوئد را نصیب خود ساخت. (سوئد، ۱۶۳۳):

در پی مرگ گوستاو آدولفوس، پادشاه سوئد، مساعی دولت سوئد برای پایان جنگ ادامه یافت و چون پادشاه فقید، جانشینی از خود نداشت، در نتیجه در سال گذشته آکسل اوکسن‌اشتیرنا (Axel Oxenstierna)، نخست‌وزیر سیاستمدار و باتجربه‌ی سوئد، مقام نیابت سلطنت را از سوی دختر شش ساله‌ی او، ملکه کریستینا (Christina)، عهده‌دار شد.

پاریس، ۱٦٦٧
برای احراز مقام ریاست پلیس، درجه‌ی سرتیپی در نظر گرفته شد. وظایف پلیس بسیار وسیع و شامل تضمین امنیت، نظارت گمرکات و بازرسی و بررسی کتاب و سانسور آن می‌باشد.

فرانسه، ۱٦٦٧
مارکیز مون اسپان (Marquise de Montespan) به خیل معشوقه‌های لویی چهاردهم درآمد و شوهرش مارکی را هم به زندان باستیل انداختند.

ایتالیا، ۱٦٦٧
پیترو آنتونیوستی (Pietro Antonio Cesti)، آهنگ سیب طلایی را خلق کرد.

آمستردام، ۱٦٦٧
پیتر دو هوخ (Pieter de Hooch) برای اقامت در آمستردام پس از مدتی زندگی در شهر دلفت (Delft) به این شهر آمد و با فابریسیوس (Fabritius) و ورمیر (Vermeer) ملاقات کرد. او طی نامه‌یی به آن‌ها ابراز صمیمیت کرده بود در یک مهمان‌خانه‌ی درجه دوم و راحت مسکن گزید و به او خوش‌آمد گفتند.

آمستردام، ۱٦٦٧
یوهان دوویت (Johann de witt)، با خشم انتصاب پرنس اورانژ را به سمت فرماندار ایالتی رد کرد.

روسیه، ۱٦٦٧
انقلاب دهقانان تحت رهبری استنکارازین قزاق (Cossack (Stenka Razin) آغاز شد.

هاگ *(Hague)*، ۲۳ ژانویه ۱٦٦٨
در بحبوبه‌ی کسب قدرت، اتحاد مثلثی بین انگلیس، هلند و سوئد علیه جاه‌طلبی‌های لویی چهاردهم پادشاه فرانسه تشکیل شد. لویی درصدد احراز مقام همسرش به‌عنوان فرزند اسپانیا می‌باشد.

نیوانگلند، ۲٤ مارس ۱٦٦٨
فرماندار ادموند آندروس (Edmund Andros) در پی فردی است که بتواند نیروی نظامی مهاجرنشین را آرام سازد.

لانگ‌آیلند، ۲٥ مارس ۱٦٦٨
کاپیتان سیلوستر سالیسبوری (Sylvester Salisbury) برای نخستین‌بار مسابقه‌ی اسب‌دوانی را در امریکا رواج داد.

فرانسه، دوم مه ۱٦٦٨
پیمان صلح اکس‌لاشابل (Aix la Chapelle) به جنگ انتقال قدرت پایان داد.

ماساچوست، ۲۷ مه ۱٦٦٨
توماس گولد (Thomas Gold)، ویلیام ترنر (William Turner) و جان فارنوم (John Farnum)، نخستین افراد پیرو فرقه‌ی باپتیست بودند که از مجتمع ماساچوست اخراج شدند.

ماین *(Maine)*، ششم ژوئیه ۱٦٦٨
انجمن ولایتی یورک (York) در ایالت ماساچوست موافقت کرد که نمایندگانی جهت دادگاه عمومی بفرستد.

لهستان، ۱٦ سپتامبر ۱٦٦٨
یان کازیمیر (Jan Casimir) پنجم پادشاه لهستان از سلطنت کناره گرفت. زمان پادشاهی او یکی از تاریک‌ترین دوران‌های تاریخ لهستان به‌شمار می‌رود، چون کشور همواره مورد تهدید دشمنان خارجی بود و از سویی منازعات فرقه‌یی اشراف هم از داخل سبب آشفتگی اوضاع شده بود.

انگلیس، ۱٦٦٨
جان درایدن (John Dryden) شاعر و نویسنده‌ی انگلیسی، مقالاتی همراه با اشعاری درام انتشار داد. وی در این اشعار سعی کرده بود که بین درام‌های انگلیسی و نوشته‌های کلاسیک ملی فرانسه صلح و آشتی ایجاد کند.

امریکای شمالی، ۱٦٦٨
پدر ژاک مارکت (Jacques Marquette) نخستین مهاجرنشین (مستعمره) را در فلات شمالی به‌وجود آورد.

آلمان، ۱٦٦٨
هلوس یوس (Helvetius) نقشه‌ی حرکت ستاره‌ی دنباله‌دار را ترسیم کرد. این نقشه تمام ستاره‌های دنباله‌دار شناخته‌شده را نشان می‌دهد.

فلوریدا، ۱٦٦٨
رابرت سرلس (Robert Searles) یکی از دزدان دریایی انگلیسی، هنری وودوارد (Henry Woodward) را از زندان اسپانیولی‌ها نجات داد.

لیسبون، ۱٦٦٨
با انعقاد پیمان صلح، اسپانیا استقال پرتغال را به رسمیت شناخت.

اشتیرنا در سال ۱۶۱۲ به مقام نخست‌وزیری رسید و مذاکراتی را برای صلح با همسایگان خود از قبیل دانمارک، لهستان و روسیه بر سر کشتیرانی در دریای بالتیک انجام داد، لیکن پادشاه سوئد برای یکسره کردن قضیه، جنگ را انتخاب کرد، معهذا نخست‌وزیر وفاداری خود را با موافقت با نبرد به اثبات رسانید.

در تحت رهبری گوستاو و نخست‌وزیری اوکسن اشتیرنا، دولت سوئد و دربار به موفقیت‌های مهمّی دست یافت. نخست‌وزیر به اصلاح و مدرنیزه کردن امور خیلی علاقه‌مند بود و اقدامات مهمّی در جهت بهبود فرهنگ، اقتصاد، صنعت و مهاجرت انجام داد.

ولاسکوئز در ایتالیا به آموزش عملی و تکنیکی اقدام می‌ورزد. (مادرید، ۱۶۳۵):

یک تصویر بسیار زیبا و استثنایی که توسط دیه‌گو دو ولاسکوئز (Diego de Velazquez) ترسیم شده و درباره‌ی تسلیم شهر بردا (Breda) می‌باشد، در معرض دید مردم قرار گرفت. ولاسکوئز که به‌عنوان نقّاش جدید دربار بوئن رتیرو (Buen Retiro) به تازگی منصوب شده بود، مردم را از این همه تبحّر و مهارت شگفت‌زده کرد. ولاسکوئز بدین وسیله شهرت فراوان پیدا کرد و در حقیقت همه به استادی وی اعتراف کردند.

شهر بردا در ده سال پیش سقوط کرد و ولاسکوئز به‌عنوان نقّاش باسابقه و پیش‌کسوت دربار ژنرال اسپینولا *(Spinola)* و کنت شکست‌خورده ناسو *(Nassau)* منصوب شده بود. لازم است گفته شود، ناسو که کلید شهر را در اختیار داشت، چندی پیش فوت شده بود. اینک شهر بردا دوباره توسط نیروهای هلند مسخّر گشته است. ولاسکوئز پس از دیدار از ایتالیا، در شیوه‌ی نقّاشی خود تغییر به‌وجود آورد و از رنگ‌های درخشان بیشتر استفاده می‌کرد.

فیلیپ چهارم، پادشاه اسپانیا، ولاسکوئز را در سن ۱۸ سالگی به این هنر تشویق می‌کرد و اکنون که او ۲۶ سال دارد، کارهایش مورد توجّه شاه قرار می‌گیرد و او را خوشحال می‌کند. ولاسکوئز هم هرگز از کار در دربار شاه احساس خستگی و بی‌زاری نمی‌کند. او تصاویر شاه را در کمال درستی و امانت ترسیم می‌نماید

و حالتی دوستانه در بین این دو برقرار است. ولاسکوئز اکنون مشغول کشیدن تصویر کارلوس (Carlos) پسر هفت‌ساله‌ی فیلیپ در حالت اسب‌سواری می‌باشد.

هنرمندی که همواره در خدمت امپراتور چین بود، از دنیا رفت. (چین، ۱۶۳۶):

سیاستمدار بزرگ و نقّاش چینی، موسوم به دونگ کی‌چانگ (Dong Qichang)، در سن ۸۲ سالگی، در خانه‌ی خودش واقع در شهر هواتینگ (Huating) جهان را بدرود گفت. او هنرمند کارآزموده و مشهوری بود که شاید بزرگ‌ترین نقّاش و خوشنویس تمام دوران‌های چین و به‌ویژه از زمان روی کار آمدن سلسله‌ی شائومینگ‌فو (Zhao Mengfu) یعنی از سال ۱۳۲۲ می‌باشد.

با وجود این، دونگ نردبان ترقّی را به سرعت پیمود و در سال ۱۵۹۴ به مقام سرپرستی شاهزاده شوچانگل (Zhu Changle) رسید. ولی با وجود این شغل مهمّ، تا زمانی که مصدر این کار بود، درستی و امانت را کاملاً رعایت می‌کرد، لیکن دو بار از سمت خود استعفا داد. در دفعه‌ی دوّم، همسر صیغه‌یی او با نافرمانی‌هایش خانه‌ی او را آتش زد. در سن ۷۶ سالگی او برای آخرین بار به خدمت دربار مینگ درآمد. در سن ۸۰ سالگی با حکم و فرمان امپراتور و قدردانی از زحمات وی در تصدی و سرپرستی فرزند امپراتور از کار دست کشید، در حالی‌که ریاست یکی از مهمّ‌ترین مراکز دولتی را بر عهده داشت.

در زمان قدرت چارلز، هنر در انگلیس شکوفا شد. (لندن، ۱۶۳۵):

گفته می‌شود چارلز پادشاه انگلیس، بزرگ‌ترین و قشنگ‌ترین موزه‌ی هنری را با گردآوری آثار هنرمندان بزرگ ایجاد کرده که در نوع خود در تمام اروپا بی‌نظیر است.

کارگزاران و گماشتگان او، تمام آثار هنرمندان مشهور هم‌چون تیتیان (Titian)، تین‌تورتو (Tintoretto)، رافائل (Raphael) و دیگر نقاشان را در این موزه گردآوری کرده‌اند.

شعر و موسیقی هم در دربار چارلز مقام والایی دارد و او از این هنرها هم لذّت می‌برد و شاعران و موسیقی‌دانان را مورد تشویق قرار می‌دهد.

پیتر پل روبنس (Peter Paul Rubens) که تصویری از پدر او یعنی جیمز ترسیم کرده، اظهار می‌دارد که چارلز از تمام پادشاهان اروپایی بیشتر خواهان و دوستدار هنر می‌باشد. روبنس یکی از سه سقف تالار ضیافت وایت هال را به بهترین سبک نقّاشی و تزئین کرد، وی دو تصویر دیگر از جیمز ترسیم کرد که یکی به‌عنوان میانجی صلح و آشتی و دیگری هنگام تاج‌گذاری جیمز به‌عنوان پادشاه انگلیس و اسکاتلند می‌باشد. پس از آن روبنس تصویر دیگر چارلز را در نقش سنت جورج و در حال کشتن اژدها ترسیم نمود.

با این‌که چارلز در هنر و موسیقی صاحب نظر بود و به آن عشق می‌ورزید، در عین حال تمایل زیادی به دیکتاتوری داشت و حکومت را بدون پارلمان می‌خواست، در حالی‌که کشور بدون وجود پارلمان، به سوی بی‌نظمی پیش می‌رفت. چارلز حالتی مردم‌گریز داشت و اغلب از مردم دوری می‌کرد و اوقات خود را بیشتر در تالار ضیافت وایت هال با نمایشات بالماسکه می‌گذرانید. او میل داشت که تصویری از او را در همپتون کورت (Hampton Court) بکشند، بدین جهت دستور داد تا تصویری از او در آنجا تهیه کنند. این تصویر، او را سوار بر اسب با قدی حدود ۳/۷ متر در حالی‌که باتون بزرگی در دست دارد و شمشیر بلندی هم از کنار اسب او آویزان می‌باشد، نشان می‌دهد. وی به وان دیک (Van Dyck) نقّاش گفت که، مایل است قد او را در حدود ۱/۸ متر در عکس نشان دهد، در حالی‌که قد او در حقیقت از ۱/۶ متر تجاوز نمی‌کند.

نویسنده‌یی که هر نمایش‌نامه را در عرض یک روز تهیه می‌کرد، جهان را ترک کرد. (مادرید، ۱۶۳۵):

امسال، مردم شاهد مرگ یکی از پرکارترین نمایش‌نامه‌نویسان اسپانیولی به نام لوپ‌دِ وِگا (Lope de Vega) بودند. او در زمان حیاتش مدعی بود که تعداد ۱۵۰۰ نمایش‌نامه تهیه کرده و نیز شش نوول،

انگلیس، ۱۷ اوت ۱۶۶۹
سه فروند کشتی به فرماندهی جوزف وست (Joseph West) که عازم کارولینا (Carolina) از طریق باربادوس (Barbados) بود، با امضای قراردادی با مالکان کارولینا رضایت آنان را جلب کرد به این‌که در ساحل آن‌جا یک مستعمره‌نشین به‌وجود آورد.

امریکای شمالی، ۱۶۶۹
در پی کشفیاتی که در شمال غربی قاره‌ی امریکا انجام شد، چندین هیأت ژزوئیت به سرپرستی روبر کاوالیه (Robert Cavalier) با صمیمیت و حالت دوستانه‌یی که با ایروکوآها (Iroquois) داشتند، به ویرجینیا وارد شدند. در ویرجینیا یوهان لدرر (Johann Lederer) ماجراجو به آن‌ها پیوست تا با همکاری یک‌دیگر مبادرت به اکتشافاتی در منطقه بکنند و به همین منظور سه‌بار به‌سوی غرب مسافرت کردند تا مجتمع‌هایی در سلسله‌ی جبال آبی کرانه‌ی دریا و کنتاکی (Kentucky) ایجاد کنند.

فرانسه، ۱۶۶۹
سفیر دولت عثمانی در دربار لویی چهاردهم اظهار تمایل به نوشیدن قهوه نمود و در حضور پادشاه چندبار قهوه آماده کردند. نوشیدن قهوه به‌زودی همگانی شد، به‌طوری‌که قهوه در مهمان خانه‌ها و خیابان‌ها به‌فروش می‌رسید و مردم شیفته‌ی این نوشابه شدندف چون حالت وجد و شادابی در انسان ایجاد می‌کند، در ابتدا قهوه را به‌عنوان دارو مصرف می‌کردند، لیکن از زمانی‌که به خواص آن پی بردند، به‌صورت نوشابه‌ی سنتی درآمد، به‌ویژه آنکه حالت خواب‌آلودگی را برطرف می‌ساخت.

جزیره‌ی کرت، ۱۶۶۹
از زمانی‌که جزیره‌ی کرت (Crete) در دریای مدیترانه از دست ونیز توسط ترکان عثمانی خارج شد، ترک‌ها در آن‌جا یک مستعمره‌ی ترک‌نشین به‌وجود آوردند.

ماساچوست، ۱۶۶۹
مهاجرنشینان ناحیه‌ی پلیموت (Plymouth)، اولین مدرسه را که روزهای یک‌شنبه تشکیل می‌شد، تأسیس کردند.

هندوستان، ۱۸ آوریل ۱۶۶۹
اورنگ زیب (Aurangzeb) امپراتور مغول هند دستور داد که تمام معابد هندوها را تخریب و با خاک یکسان سازند.

انگلیس، ۳۱ مه ۱۶۶۹
ساموئل پپیس (Samuel Pepys) دریانورد و سیاستمدار انگلیسی، خاطرات خود را از روز اول ژانویه ۱۶۶۰ به‌نگارش درآورد.
رامبراند فان ریجن (Rembrandt Van Rijn) در تنهایی و تهی‌دستی و فقر، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد، در حالی‌که وی یکی از نوابع هنر نقاشی به‌شمار می‌رفت و صاحب سبک و روشی در این هنر ظریفه بود. او پس از مرگ پسرش تیتوس (Titus) مدتی در قید حیات بود، وی پس از مرگ همسرش ساسکیا (Saskia)، مدتی هم با هندریکا استوفل (Hendrickje Stoffels) معشوقه‌ی خویش زندگی کرد. او تابلوهای بسیاری از خود به‌یادگار باقی گذاشت و در مدت ۴۰ سال از زندگی‌اش، با خلق آثار بی‌نظیری بدون یاری دیگران روی پای خود ایستاد و شاهکارهایی خلق کرد که مایه‌ی افتخار اوست.

رم، ۱۶۶۹
پیترو دو کورتونا (Pietro da Cortona) نقاش و معمار ایتالیایی، از دنیا رفت. از آثار ارزشمند به‌یادمانده از او نقاشی‌های دیواری قصر باربرینی (Barberini) در رم و قصر پی‌تی (Pitti) در فلورانس می‌باشد.

آلمان، ۱۶۶۹
یوهان به‌شر (Johann Becher) کتابی به‌نام فیزیک تحت‌الارضی را منتشر ساخت. این کتاب حاوی نظریاتی درباره‌ی نور و چگونگی ایجاد منابع آن می‌باشد که باعث شد، نوری به جهان علوم بتابد.

آلمان، ۱۶۶۹
هانس گریمل‌شاوزن (Hans Grimmelshausen)، با نگارش نوولی به‌نام «سیمپلی‌سیسموس (Simplicissimus)» گرفتاری و رنج دهقانان آلمانی را در زیر چکمه‌های سربازان بی‌قانون نشان می‌دهد که با ایجاد مزاحمت برای آنان باعث آوارگی این مردمان بدبخت در سراسر کشور می‌شوند.

فرانسه، ۱۶۶۹
ژان باپتیست کولبر (Jean Baptiste Colbert) مشاور عالی امور مالی لویی چهاردهم که تجارت داخلی فرانسه را از حالت رکود و کسادی خارج کرد، به فرمان پادشاه به سمت وزیر دریانوردی منصوب شد.

آلمان، ۱۶۶۹
هننگ براند (Hennig Brand) شیمیدان آلمانی به‌طور اتفاقی هنگام تجزیه‌ی نمونه‌یی از ادرار، عنصر فسفر را کشف کرد.

چندین قصیده‌ی حماسی و صدها بیت شعر در قالب غزل و تصنیف سروده است.

مهم‌ترین اثر او نمایش‌نامه‌یی است که شورش روستاییان را برعلیه شاه و ملکه نشان می‌دهد و مردم به این امر معترضند که سرنوشت آن‌ها را به دست یک زن جوان سپرده‌اند.

لوپ در زندگی زناشویی بسیار بدنام بود، زیرا زنی هرزه و ولگرد داشت و از پنج فرزند وی، تنها سه نفر از آن‌ها را فرزند خود می‌دانست و دو فرزند دیگر حرام‌زاده و نامشروع بودند. با وجود تمام این اوصاف، او مردی روحانی و مذهبی بود که هنگام مرگ با فقر دست به گریبان بود، چون تمام عایدی و درآمدش را در راه نیکوکاری و خیرات صرف می‌کرد و حتا به کلیساها به‌عنوان اعانه می‌پرداخت. او مدعی بود که قادر است در هر روز یک نمایش‌نامه بنویسد.

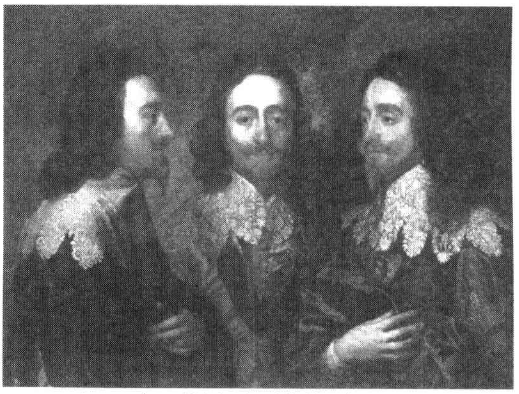
یکی از پیس‌هایی که او نوشت، موسوم به شهردار زالامی (Zalamea) است که قبلاً توسط پدرو کالدرون دِ لا بارکا (Pedro Calderon de la Barca) نوشته شده بود و او مجدداً این پیس را بازسازی کرده است. در این نمایش، یک روستایی به مقام شهردار شهر انتخاب می‌شود و یکی از اشراف به دخترش تجاوز می‌کند و شهردار با کینه‌یی که از او به دل دارد، او را به مبارزه می‌طلبد و وی را به قتل می‌رساند و ادعا می‌کند چون به‌عنوان نماینده‌ی پادشاه می‌باشد، حق این کار را داشته است.

نبرد در آلمان، با پیروزی هابسبورگ‌ها به پایان رسید. (پراگ، ۳۰ مه ۱۶۳۵):

جنگی که در آلمان مرتباً در حال توسعه بود، امروز با امضای قرارداد صلح بین دو رهبر انتخابی پروتستان‌ها و فرزند امپراتور که خود را فرمانده ارتش امپراتوری قلمداد می‌کرد، به پایان رسید.

پارلمان هابسبورگ پیمان پراگ را به تصویب رسانید، زیرا فردیناند دوّم، امپراتور را کاتولیکی باغیرت و حمّیت می‌دانست و برای بالا بردن ارزش معنوی وی فوراً آن را مورد تصدیق قرار داد.

در همین حال، دوک ساکسونی (Saxony) و دوک براندنبورگ (Brandenburg)، سرزمین‌های تحت



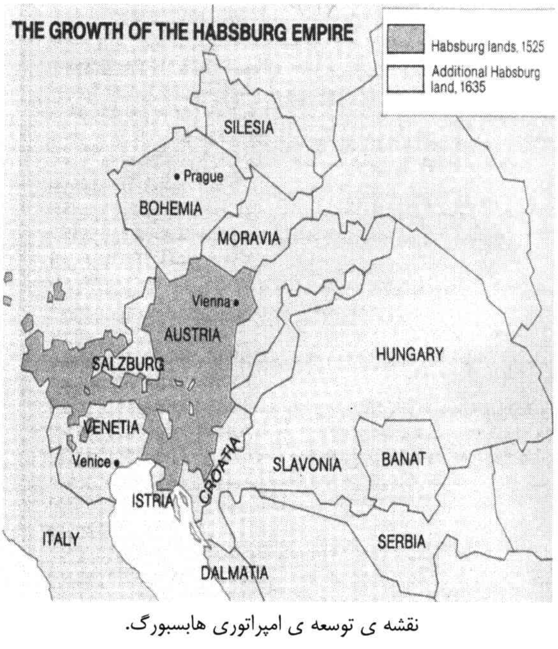
سه چهره از چارلز اول، پادشاه انگلیس که توسط کارلوماراتی Carlo Maratti پس از وان دیک Van Dyck نقاش دربار او بود کشیده شده. (۱۶۲۵-۱۷۱۳)



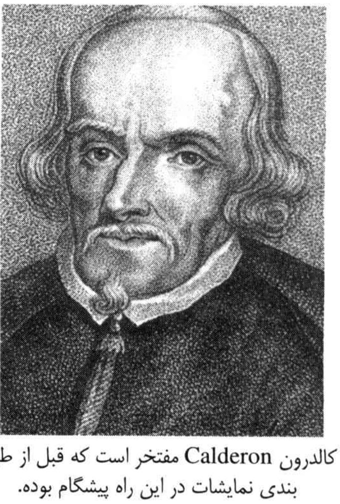
شاهزاده بالتازار کارلوس Balthasar Carlos در حین سواری، کار دیه گو و لاسکوئز Diego Velasquez، سال ۱۶۳۵.



دووگا De Vega، بازیگر تئاتر (۱۵۶۲-۱۶۳۵) مدعی است که می تواند هر روز یک نقش تازه بازی کند.



نقشه ی توسعه ی امپراتوری هابسبورگ.



کالدرون Calderon مفتخر است که قبل از طبقه بندی نمایشات در این راه پیشگام بوده.

سلطه‌ی خود را مانند سابق، یعنی سال ۱۶۲۷ مالک شدند، لیکن سپاهیان خود را تحت فرماندهی امپراتور قرار دادند. کالوینیست‌ها هم چون در مذاکرات صلح دخالت نداشتند، آن قرارداد را رد کردند و امپراتور هم داوطلبان مزدور را کماکان در سپاه خود نگه داشت. از سوی دیگر، ایالات پیرو لوتر، مانند باواریا، ماینز (Mainz)، کولون (Cologne) و تریه (Treir)، شتابان آن قرارداد را امضا کردند، زیرا امپراتور با این کار می‌توانست نشان دهد که تمام شاهزادگان مهمّ منطقه، حامی و طرفدار وی هستند و همه با یکدیگر متّحد می‌باشند.

در نبرد نوردلینگن (Nordlingen) قشون متّحد اتریش و اسپانیا، سپاهیان سوئد را مغلوب کردند و دولت سوئد با آتش‌بس و پیمان صلح موافقت نمود.

پیمان صلح پراگ، موجی از شادی و سرور در آلمان ایجاد کرد، لیکن بقیه‌ی قدرت‌های اروپایی، چون فرانسه و به‌ویژه هلند، کمتر از ایالات متّحد آلمانی خوشحال شدند، زیرا از سال‌ها پیش، فردیناند و ارتش وی را دشمن آشتی‌ناپذیر خود تلقّی می‌کردند.

خوشنویس ژاپنی در تبعید جان سپرد. (ژاپن، ۱۶۳۷):

هونامی کوئه‌تسو (Honami Koetsu)، یکی از خوش‌نویسان ژاپنی که خط او مورد تحسین همه بود و به دستور فرمانروای ژاپن (شوگون) ایاسو (Ieyasu) به روستای پیشه‌وران در ناحیه‌ی تاکاگامین (Takagamine) تبعید شده بود، درگذشت.

کوئه‌تسو در خانواده‌یی که پدرش استاد شمشیربازی بود، به دنیا آمد و چون خیلی علاقه به جنگاوری داشت، مدّتی به آموزش نظامی پرداخت. پس از مدّتی برای تهیه‌ی لوازمی که در مهمانی چای به مصرف می‌رسید، از قبیل فنجان و غیره، به کار خطاطی پرداخت و چون در این هنر مهارت تامی داشت، بر روی ظروف و سرامیک به کار خطنویسی مشغول شد.

او در کار خوشنویسی بسیار مشهور شد. او با قلم‌موی نرم و لطیفی بر روی ظروف به نقّاشی و خطاطی می‌پرداخت و کار خود را بسیار با دقّت انجام

المان، ۱۶۶۹
با ائتلاف شهرهای آلمانی تحت نام هانس (Hanse)، به جنگ سی‌ساله‌یی که باعث ویرانی بسیار شده بود پایان داده شد. این جریان در آخرین مراحل انجام شد.

لهستان، ۱۶۶۹
شورش اشراف فرانسه به‌رهبری پرنس کنده (Conde) به‌منظور رسیدن به سلطنت لهستان به شکست انجامید و نیروهای لهستانی وی را از سر راه برداشتند، آن‌ها به میخائیل ویس‌نووسکی (Michael Wisnowiecki) اهل لیتوانی (Lithuania) ابراز تمایل کردند و او را به پادشاهی برگزیدند.

امریکای شمالی، ۱۶۶۹
روبر کاوالیه (Robert Cavalier) سرزمین غرب میانه‌ی امریکای شمالی را کشف کرد، وی اولین فرد سفیدپوستی بود که به آن‌جا قدم نهاد.

هندوستان، ۱۶۶۹
درگیری شدیدی بین سپاهیان امپراتوری و دهقانان هندوی ژات (Jat) در اطراف شهر دهلی (Delhi) برپا شد و هندوها علیه فرمانروایان مغول دست به شورش زدند.

ایتالیا، ۱۶۶۹
فیزیولوژیست ایتالیایی مارچلو مالپیگی (Marcello Malpighi) بر روی کرم ابریشم و عادات آن مطالعاتی انجام داد.

هلند، ۱۶۶۹
پیتر پست (Pieter Post) معمار هلندی، از جهان رخت بربست. ساختمان شهرداری شهر هاگ (Hague) از ساخته‌های او می‌باشد.

کپنهاگ، ۱۶۶۹
نیل استانسن (Niels Stensen) زمین‌شناس دانمارکی برای نخستین‌بار فسیل‌های جانوری را تشریح کرد. وی پایه این علم را بر زمین‌شناسی تاریخی گذاشت (چینه‌شناسی). وی در دانشگاه کپنهاگ (Copenhagen) به تدریس علم تشریح اشتغال دارد.

کپنهاگ، ۱۶۶۹
اراسموس برتلسن بارتولن (Ersmus Bertelsen Bartholin) در طی مطالعات خود در ایسلند (Iceland)، هنگامی‌که نور را به کریستال‌های یخی می‌تاباند، مشاهده کرد که اشعه‌ی نورانی متفرق می‌شوند (قانون انکسار نور).

انگلیس، ۲۶ مه ۱۶۷۰
با امضای پیمان محرمانه بین چارلز دوم پادشاه انگلیس و لویی چهاردهم در بندر دوور (Dover) به خصومت بین هنریتا آن (Henrietta Anne)، دوشس اورلئان (Orleans) خواهر چارلز و خواهرزن لویی چهاردهم پایان داده شد. چارلز مدت‌ها در فکر امضای این پیمان بود که به لویی چهاردهم بپیوندد و هر دو کشور به هلند حمله کنند، از سویی در صورت مرگ پادشاه اسپانیا که فرزندی نداشت، لویی قصد داشت که سلطنت اسپانیا را نصیب خود کند. به این ترتیب قرار شد که لویی چهاردهم مخارج جنگ را برعهده بگیرد و چارلز هم نفرات سرباز را تأمین کند و در هنگام نبرد هم هلند حمایت مالی را عهده‌دار شود.

اسپانیا، ۱۸ ژوئیه ۱۶۷۰
انگلیس و اسپانیا با امضای پیمان صلح مادرید، اسپانیا، متصرفات انگلیس را در هند غربی به‌رسمیت شناخت.

ویرجینیا، ۱۳ اکتبر ۱۶۷۰
طبق قانونی که اخیراً به تصویب رسید، سیاه‌پوستانی که دین مسیح را بپذیرند، هرگز برده نخواهند شد.

پاریس، ۱۶۷۰
بدنه‌ی اصلی ساختمان قصر ورسای (Versailles) به‌پایان رسید.

شهر هاگ، هلند، ۱۶۷۰
اسپینوزا (Spinoza) فیلسوف یهودی هلندی در رساله‌یی بدون نام نظریات خود را راجع به طرز اداره‌ی حکومت بیان کرد، وی پیشرفت کشور را در سایه‌ی دموکراسی می‌داند و آزادی را برای همه‌ی مردم از امور مهم می‌شمارد و در نتیجه تمرکز قدرت و استبداد را در زمره‌ی امور ناشایست می‌داند.

ویرجینیا، ۱۶۷۰
سر ویلیام برکلی (Sir William Berkeley) تعداد جمعیت این ایالت را بدین‌گونه تخمین زده: تعداد سیاهان دوهزار نفر، سفیدپوستان کارگر و نوکر شش‌هزار نفر و کل جمعیت چهل‌هزار نفر.

افریقای شرقی، ۱۶۷۰
اعراب عمانی در ساحل شرقی و دورترین نقاط موزامبیک (Mozambique) به تاخت‌وتاز پرداختند.

می‌داد که مورد رضایت عموم قرار می‌گرفت سبک او سبک کلاسیک و بسیار ظریف و لطیف بود.

او با همکاری توارایا سوتاتسو (Towaraya Sotatsu) که طراحی بسیار هنرمند بود، کارهای زیبایی به‌وجود آورد که بسیار درخشان و چشمگیر بود، و مناظری زیبا تولید کرد. آن‌ها با همکاری یکدیگر، طرح‌های بسیار زیبا و شگفت‌انگیز تولید می‌کردند. بدین ترتیب که سوتاتسو طرح اوّلیه را روی چینی و سایر لوازم مانند بادبزن خانم‌ها می‌کشید و کوئه‌تسو آن را رنگ‌آمیزی کرده، لعاب و جلا می‌داد.

صنایع پنهانی چین به‌صورت آشکار درآمد. (چین، ۱۶۳۷):

سونگ یینگ زینگ (Song Ying-Xing) که یک کارمند کشوری در بخش فن‌یی (Fen-i) بود، با انتشار کتابی درباره‌ی آفرینش طبیعت و انسان و کشاورزی و صنعت، عقاید خود را در این باره تشریح کرده است. مؤلف این کتاب که به‌طور قابل ملاحظه‌یی فکر و اندیشه‌ی انسان را گسترش می‌دهد و به تفکر و اندیشه درباره‌ی خلقت راهنمایی می‌کند و در عین حال نقّاش بسیار زبردستی می‌باشد، تصاویری از حیوانات، از جمله سگ و اسب را با مهارت ترسیم نموده و همین طور نقّاشی‌هایی از اساطیر چین را به نمایش درآورده است.

او با تبحّر خاصی، طرز کشت غلّات و باروری آن، تولید و دوخت لباس، رنگرزی، استخراج نمک، تولید شکر و طرز ساخت آلات و ابزار فلزی را شرح می‌دهد. سونگ یینگ زینگ، هم‌چنین طرز تهیه‌ی سرامیک، کاغذ، انواع خمیر، مرکب و نیز طرز تولید مروارید و شناخت انواع جواهرات را به علاقه‌مندان می‌آموزد.

دکارت، نیروی تفکر را تحلیل می‌کند. (پاریس، ۱۶۳۷):

رنه دکارت (Rene Descartes)، ریاضی‌دان و فیلسوف فرانسوی، کتابی موسوم به دیسکوردولا متد (Discours de la Methode) یا روش تحقیق منتشر کرد. این کتاب بسیار مهمّ، شامل مراحل اصلی روش و شیوه‌ی تحقیق و تفحص است که انسان می‌تواند به حقیقت و کنه اشیا و عوامل زندگانی دسترسی پیدا کند و به مطالعه‌ی ذهنیات و عمق عواطف و احساسات افراد پی ببرد. دکارت می‌گوید چون من می‌اندیشم، پس هستم و وجود دارم. دکارت با این اندیشه‌ی وسیع، سرانجام به بن‌بست رسید، چون عقاید سنتی و موهومات و خرافات راه او را سد کرد و نتوانست آن‌چنان‌که باید، راه صحیح و درست را به جامعه معرفی کند.

او روشن و بی‌پرده عقاید خود را به زبان فرانسه، نه لاتین، (آن زمان، زبان علمی فلاسفه لاتینی بود) می‌نوشت، زیرا وی ترجیح می‌داد که به زبان ملّی، نوشتارهای خود را بیان کند. او با استدلال و منطق، راه‌های تشکیک و سوءظن را از ذهن می‌زداید و موارد مشکوک را با عقل و مباحثه برطرف می‌سازد. دکارت می‌گوید: هر فردی که برای نخستین بار می‌خواهد با محیط اطراف خود آشنایی پیدا کند، باید در وجود خود و تمام عوامل و ذهنیات تردید کند و با تعمق در کلیه‌ی عوامل، به اصل پی ببرد، چون مطالعه‌ی سطحی، یک نوع ساده‌انگاری است و انسان هرگز نمی‌تواند با دید ظاهری به متن و درون رهنمون شود و هرچه عمق مسأله شکافته شود، حقیقت بهتر آشکار خواهد شد.

این سرآغاز بحث و جدل دکارت برای پیگیری و رسیدن او به‌عنوان رهبر و پیشوای تفکر است. او پیشنهاد می‌کند برای ریشه‌یابی حقیقت هر چیز، در درجه‌ی اوّل آزمایش، انتخاب و قراردادن هر موضوع در جای خود می‌باشد، نه ساده‌انگاری و گردآوری معلومات به‌طور پراکنده و نامنظم. باید برای رسیدن به حقیقت، هر موضوع را به‌طور ریشه‌یی مورد بحث قرار داد و از نظر فلسفی بررسی کرد و مهم‌ترین موضوعی که انسان با آن روبه‌روست، اعتقاد به‌وجود خداوند است، چون هر کسی خداوند را با عقل خود می‌سنجد و به‌طور ناقص پیرو اعتقاداتی می‌باشد که اصولی نیست. عقل انسانی محدود بوده و خداوند لایتناهی است، پس بایستی با روح و عشق، خداوند را شناخت و اندیشه و تفکر در این راه به بن‌بست خواهد رسید.

شاعر شوخ‌طبع و بذله‌گو که شیفته‌ی یک جرعه شراب جزایر قناری بود. (لندن، نهم اوت ۱۶۳۷):

نیوجرسی، ۱۶۷۰
در هنگام جمع‌آوری کرایه‌ی زمین‌های کشاورزی که به‌دستور فرماندار صورت می‌گرفت و به‌منظور تشویق ازدیاد جمعیت مهاجرنشین در ایالت نیوجرسی (New Jersey)، مردم در اعتراض به پرداخت کرایه دست به شورش زدند.

فرانسه، ۱۶۷۰
در پی تسخیر ناحیه‌ی لورن (Lorraine) توسط فرانسه، دوک لورن از فرط عصبانیت برای مقابله با این امر، با هلند وارد مذاکره شد.

فرانسه، ۱۶۷۰
یان پیکارد (Jan Picard) منجم فرانسوی اندازه‌ی دقیق شعاع کره‌ی زمین را تعیین کرد.

رم، ۱۶۷۰
کلمنت (Clement) دهم جانشین پاپ کلمنت نهم شد. کلمنت نهم معمار آشتی بین کلیسای رم و ژانسنیست‌ها (Jansenists) بود و به کلمانتین صلح‌دوست مشهور شد.

ایتالیا، ۱۶۷۰
جووانی بورلی (Giovanni Borelli) فیزیولوژیست ایتالیایی سعی کرد که با تعبیه‌ی بال مصنوعی برای انسان او را به پرواز درآورد و بدین ترتیب به فلسفه‌ی مکانیکی دکارت روح تازه بخشید. بنیانگزار شیمی پزشکی عقیده دارد که تمام فعالیت و اعمال بدن انسان واکنش‌های شیمیایی است و قوانین شیمی در این مورد صادق است.

افریقای غربی، ۱۶۷۰
فرانسوی‌ها یک پایگاه تجاری در شهر اوفا (Offa) واقع در داهومی (Dahomey) تأسیس کردند.

نیوانگلند، ۱۶۷۰
شرکت انگلیسی خلیج هودسن (Hudson) تشکیل شد.

فرانسه، ۱۶۷۱
فرانسه با چندین ایالت آلمان و لئوپولد امپراتور عهدنامه‌یی امضا کرد که در جنگ بی‌طرف بمانند.

مجارستان، ۱۶۷۱
در پی لغو قانون مشروطه، مجارستان جزو یکی از ایالات اتریش گردید.

آنگولا، ۱۶۷۱
حاکم‌نشین ندونگو (Ndongo) در منطقه‌ی نگولا (Ngola) در مقابل پرتغال شکست خورد و جزو مستعمرات آنگولایی آن کشور شد.

امریکای مرکزی، ۱۶۷۱
در پی غارت و تخریب کوبا (Cuba)، پورتوبلو (Portobello) و ماراکایبو (Maracaibo)، هنری مورگان (Henry Morgan) دزد دریایی انگلیسی شهر پاناما را که تحت تسلط اسپانیا قرار داشت، دستخوش نهب و غارت کردند.

اوکراین، اکتبر ۱۶۷۱
پیتر دوروزنکو (Peter Doroszenko) رهبر طوایف قزاق، با حمایت لهستانی‌ها بخش اعظم اوکراین را متصرف شد. دوروزنکو سعی دارد که با اتحاد با تاتارهای کریمه (Crimea) و دولت عثمانی، امنیت طوایف قزاق را تضمین کرده و استقلال خود را در قبال روسیه و لهستان تأمین نماید.

لندن، ۲۷ سپتامبر ۱۶۷۲
به‌دستور دربار سلطنتی یک شرکت تجاری افریقایی تأسیس شد و انحصار داد و ستد برده از مراکش تا دماغه‌ی امیدنیک را در اختیار خود قرار داد.

لهستان، ۱۸ اکتبر ۱۶۷۲
در پی شکست‌های متعددی که لهستان در مقابله با دولت عثمانی متحمل شد، اکنون این کشور در پی جنگ با قزاق‌ها برآمده است و همان‌طور که گفته شد قزاق‌ها بخش مهمی از اوکراین را تصرف کردند، اکنون لهستان فشار خود را بر قزاق‌ها تشدید کرده تا آن‌ها را به امضای قرارداد صلح بوچاک (Buczacz) وادار کند، لهستان پیتر دوروزنکو را به رهبری قزاق به رسمیت شناخته و آن‌ها را جزو رعیت‌های سلطان عثمانی شمرده است.

پاریس، ۱۶۷۲
ویلهلم لایب‌نیتز (Wilhelm Leibniz) فیلسوف آلمانی طی دیدار از پاریس، در معیت قشون لویی چهاردهم به عزم تسخیر مصر حرکت کرد.

جسد بن‌جانسون (Ben Jonson) را امروز در کلیسای وست مینستر به خاک سپردند. جیمز پادشاه انگلیس، برای نخستین بار، برای این شاعر بلندآوازه و دارای تاج افتخار، مبلغ ۱۰۰ پوند مستمری تعیین کرده بود، لیکن بن‌جانسون در سال‌های اخیر، این عطیه‌ی پادشاه را در ایست واردهو (Eastward Ho) نپذیرفت و آن را نشانه‌ی خست و پستی شاه دانست. بن‌جانسون، یکی از طرفداران بزرگ ادبیات کلاسیک انگلیس بود و اشعار طنز می‌سرود و شیفته‌ی آن بود که با دوستان خود مانند شکسپیر (Shakespeare)، بی‌مونت (Beamont) و فلچر (Fletcher)، ساعتی به نوشیدن شراب محصول جزایر قناری بپردازد.

وی در وسط اجرای نمایش ولپون (Volpone) که موضوع آن تنبیه و مجازات فردی دیوانه است، با کمال شهامت در صحنه می‌گوید: من تنها برای چشمان تو می‌نوشم.

بر روی سنگ قبر او به زبان ساده این طور نوشته شده: اوه، این گور بن‌جانسون لطیفه گوست.

شاعره‌یی که داستان‌های وحشت‌آور می‌نوشت. (اسپانیا، ۱۶۳۷):

ماریا دِ زایاس سوفومایور (Maria de Zayasy Sofomayor)، بزرگ‌ترین داستان‌سرای اسپانیا، در این اواخر مجموعه داستان‌های خود را در دیوانی انتشار داد. در این مجموعه، او تصویری از اجتماع که شامل حوادث وحشت‌انگیز و نمایشات عشقی و نیک‌فرجام است، گردآوری کرده و سیمای اجتماع را نشان می‌دهد. او در یکی از نوشته‌های خود این چنین آورده که: دختران در عنفوان شباب و جوانی، بسیار شاد و مسرورند، لیکن گرفتاری‌های اجتماعی آنان را در سنین بالا و هنگام پیری، خانم‌هایی غم‌زده و حزن‌انگیز به بار می‌آورد.

مؤلف، استادانه این موضوع را مطرح می‌کند که انسان‌ها، چه زن و چه مرد، از نظر حقوق اجتماعی مساویند، در حالی‌که در ساراگوزا (Saragossa) که وطن شاعر است، این موضوع اصلاً رعایت نمی‌شود. در عین حال، برطبق گفته‌ی او، تمام این جریانات با غم و اندوه پایان می‌یابد، با این وجود، او مدافع حقوق زن در برابر مردان است و برتری مردان را بر زنان بسیار

نفرت‌انگیز و غیرمنصفانه می‌داند و همواره این بحث را به میان می‌کشد که زنان و مردان، بایستی در اجتماع برابر باشند.

متّحدین به ۵۰ مایلی پاریس رسیدند و حومه‌ی شهر را مورد یورش قرار دادند. (پاریس، ۱۸ اوت ۱۶۳۶):

جنگ داخلی، با حمله‌ی دهقانان شورشی که برعلیه قانون مالیات جدید قیام کرده و به مالیات اضافی اعتراض دارند، آغاز شد.

آن‌ها هرچه سر راه دیدند، خراب کردند و به شهرک‌های حومه پاریس خسارات زیادی وارد آوردند. در همین زمان، ارتش‌های اسپانیا، اتریش و باواریا، به کشور فرانسه حمله‌ور شدند، سپاهیان اسپانیایی تحت فرمان کنت اولیوارس (Count Olivares)، از مرز فلاندر گذشته و شهر کوربی (Corbie) در ۵۰ مایلی شمال پاریس را پس از هشت روز محاصره تصرّف کردند.

در حالی‌که سرنوشت فرانسه به مقاومت مردم بستگی دارد، تنها چند روستای کوچک ناحیه‌ی سن ژان‌دو لوزن (St Jean de Losne)، در مقابل سپاهیان اولیوارس به مقاومت شجاعانه اقدام کردند.

با پیشرفت نیروهای متحدین در کشور، سپاهیان سوار باواریا به اطراف شهر پاریس رسیدند و کاردینال ریشیلیو نخست‌وزیر، به جمع‌آوری و تجهیز سپاه برای مقابله با نیروهای بیگانه پرداخت و لویی سیزدهم پادشاه فرانسه هم در رأس این سپاه برای رویارویی با دشمن متجاوز به ناحیه‌ی سنلی (Senlis) شتافت.

گل لاله، با بهای طلای هم‌وزن خود، معامله می‌شود. (هلند، ۱۶۳۶):

حالتی شبیه وسواس، گریبان مردم هلند را گرفته و این گرفتاری، به سبب گردآوری گل لاله به‌عنوان یک ثروت، در مردم، نوعی بیماری به نام تب لاله ایجاد کرده است، به‌طوری که بهای یک شاخه گل لاله در شهرها و روستاها، به مبلغ شش هزار فلورن (Florins) خرید و فروش می‌شود.

عدّه‌ی زیادی بر این عقیده‌اند که خرید و فروش گل لاله به مثابه‌ی خریدن باد است، چون اولاً این گل چند روزی بیشتر نمی‌پاید و ممکن است در اثر وزش باد به کلّی نابود شود و برای اقتصاد کشوری نوپا چون هلند مخاطره‌آمیز است و باعث تورم و رکود بازار می‌شود.

گل لاله در اواسط قرن شانزدهم توسط سفیر عثمانی در اتریش به نام اوجه‌قیزلین (Ogier Ghislain) به اروپا وارد شد. پس از آن، این گل به‌عنوان مد روز در دسترس ثروتمندان و اغنیا قرار گرفت و باعث رقابت و افتخار این طبقه بود، چون داشتن گل لاله بر نخوت و تکبر آن‌ها می‌افزود. به تدریج پرورش گل لاله در زمین‌های روستا شروع شد و چون پرورش این گل با هوای کشور هلند که سرزمینی باد خیز است، منافات داشت، قیمت آن هم به نحو سرسام‌آوری ترقّی کرد و باغداران هم سعی می‌کردند آن را با بهای گزاف بفروشند.

امروزه مردم دچار جنون خرید و فروش گل لاله شده‌اند، به‌طوری که در سال ۱۶۳۴، نمایشگاهی از انواع گل لاله ترتیب داده شد، لیکن هنوز هم در بازار تجارت، گل لاله جایگاه خود را حفظ کرده است، چون به اندازه‌ی کافی به پرورش آن اقدام نشده و پرورش آن هم بسیار مشکل می‌باشد. در روستاها، تعداد زیادی از پیازهای گل لاله دچار فساد و خرابی می‌شود، لیکن شانس آن هست که این موانع به زودی برطرف شود و پیازهای این گل به بار نشیند. به‌هر حال، خرید و فروش پیاز گل لاله، عدّه‌یی را به حرص واداشته و حتا اشخاص فقیر، برای پول‌دار شدن، به گردآوری پیاز لاله اقدام می‌کنند و این یک قماری است که سرانجام آن روشن نیست.

یک کتاب دعای جدید، به آتش خشم و شورش در اسکاتلند، دامن زد. (ادینبورو (Edinburgh)، ۱۶۳۸):

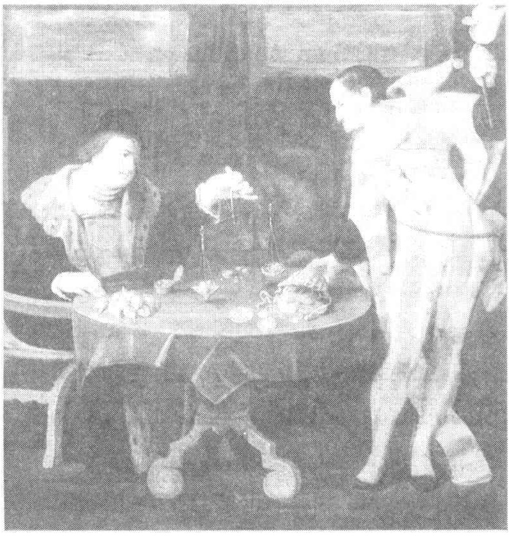
مردم اسکاتلند به علّت این‌که چارلز یک کتاب دعای سبک انگلیسی را به آنان تحمیل کرده، و اسکاتلندی‌ها باید مفاد آن را به اجرا بگذارند، برعلیه وی قیام نمودند.



تصویر رنه دکارت Rene Descartes،
فیلسوف فرانسوی که توسط یک نقاش گمنام
در قرن هفدهم ترسیم شده.



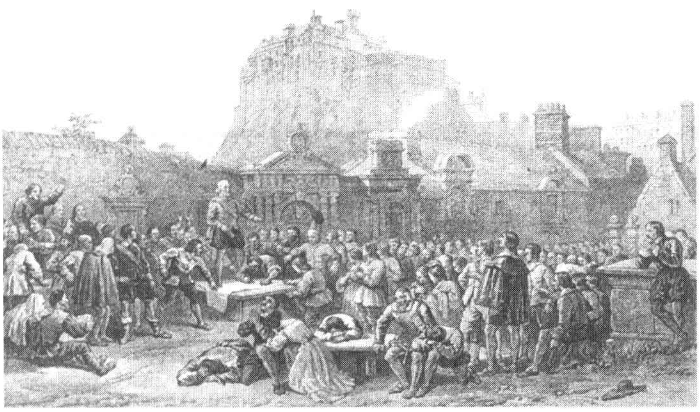
حواصیل ها در چمنزار. یک تابلوی نقاشی ژاپنی که شاگردان
مکتب توارایا سوتاتسو Towaraya Sotatsu ترسیم کرده اند.



یک تابلوی انتقادی و کمدی از گرانی سرسام آور یک شاخه
گل لاله که توسط یک نقاش هلندی ترسیم شده.



اوریربن جانسون Orare Ben Jonson ، یکی از بزرگ
ترین شعرای انگلیس و بیان کننده ی نقایص بشریت.



صحنه یی از تظاهرات راهبان در شهر ادینبورو Edinburgh. نقاشی سده ی ۱۹.

اسقف اعظم اسکاتلند بـه انگلیس گریخت و اسقف بِرچین (Brechin) به اجبار دستورات کتاب جدید را در کلیسای محلی اجرا کرد. او در ضمن دستور داد که تمام سلاح‌های کمری اهالی را ضبط نمایند.

صدها هزار نفر از اهالی، در ضمن راه‌پیمایی، توماری را امضا کرده و با خدای خود پیمان بستند که تا لحظه‌ی مرگ در مقابل زور بایستند و از انجام عبادات به سبک کالوینیست‌ها خودداری کنند.

چارلز با تحمیل این کتاب، امیدوار بود که اسکاتلند در مراسم عبادی به راه انگلیس بیاید و بدین وسیله‌ی اسکاتلند را ضمیمه‌ی انگلیس نماید و وحدت این جزیره را تأمین نماید، لیکن مردم در ورای این تحمیل، در انتظار یک توطئه بودند که برعلیه دستگاه کلیسای پاپ در حال روی دادن بود و از این‌که برای آمرزش گناهان خود به اجبار بایستی در مقابل اسقف کالوینیست زانو بزنند و اعتراف کنند، نفرت داشتند و آن را مشارکت در گناهان پروتستان‌ها تلقّی می‌کردند و از نظر روحی احساس حقارت می‌کردند. از سوی دیگر، مردم اسکاتلند این عمل را سرآغاز تجاوزاتی از سوی شاه بر ضدّ خود به حساب می‌آوردند، در ضمن شاه، همواره تهدید می‌کرد که زمین‌ها و امتیازاتی را که طی یکصد سال به آن‌ها اعطا شده، پس خواهد گرفت. شاه دستور دادکه اسپاتیس وود (Spottiswood)، اسقف اعظم اسکاتلند، باید با ردای کتانی سفید که لباس کشیشان انگلیسی است، در سر مقبره‌ی پدرش حضور یابد. هم‌چنین اسکاتلندی‌هایی که با آداب و رسوم دربار انگلیس آشنا نیستند، نمی‌توانند از آنجا بازدید کنند و بایستی با اوضاع دربار آشنایی داشته باشند. کتاب مراسم عبادی، باعث خشم مردم و ایجاد آتش در جامعه گردید و دستورات شاه هم به آتش دامن زد. مردم از خود می‌پرسیدند که به چه علّت آن‌ها بایستی از اوامر لندن متابعت کنند؟

دهقانانِ پابرهنه، در نورماندی (Normandy) قیام کردند. (فرانسه، ۱۶۳۹):

روستاییان پابرهنه‌ی نورماندی، در پی تخریب انبارهای غله، در حالی‌که از گرسنگی در رنج و عذاب بودند، دست به شورش زدند، زیرا در این زمان که سالی پر برکت بود و از نظر محصول سال خوبی به‌نظر می‌رسید، از نداشتن مواد غذایی کافی به خشم آمدند. آن‌ها با کمال عصبانیت، در اعتراض به پرداخت مالیات سنگین، چون قادر به تأدیه آن نبودند، مأموران جمع‌آوری مالیات را در زیر گاری‌ها و ارابه‌های خود کشتند، چون می‌گفتند این مالیات‌ها برای جنگ با کشور اسپانیا به مصرف می‌رسد و در عین حال فریاد می‌زدند: ما خواستار عمر طولانی برای پادشاه هستیم، اگر مالیات بر نمک را لغو کند. در این اثنا، افراد شهرنشین مغرض و آتشی هم به صفوف دهقانان شورشی ملحق می‌شدند و بدین سبب دستور داده شد که دروازه‌های شهرها را ببندند.

دولت برای جلوگیری از توسعه‌ی اغتشاش‌ها، به نیروهای نظامی زبده‌ی سلطنتی دستور داد که برای برخورد با قیام‌کنندگان اقدام کنند و در نتیجه تعدادی از افراد سرشناس که قبلاً با شورشیان تماس داشتند و اقداماتی در جهت بلوا انجام داده بودند، دستگیر و تبعید شدند. با این وجود، به‌نظر می‌رسد که شورش به نقاط دور کشور کشیده شده و همچون بیماری طاعون ده سال پیش، تمام روستاییان را دچار نموده و به سادگی نمی‌توان آن را فرونشاند و آرامش را برقرار ساخت.

دهقانان درخواست می‌کردند که مالیات‌های جدید لغو گردد و سایر مالیات‌ها هم به‌صورت منصفانه دریافت شود، چون زارعان به علّت بدی محصول امسال، قادر به تأدیه آن نیستند. آن‌ها در این امر، شاه را مقصر نمی‌دانستند، بلکه تنها مجریان و اداره‌کنندگان را مجرم تلقّی می‌کردند. آن‌ها به سادگی اظهار می‌داشتند که شاه حامی و پشتیبان رعیت است و این اطرافیان ظالم و ستمگر وی هستند که دستوراتی بر ضدّ مردم صادر می‌کنند. شاه از این قیام روستاییان که برعلیه کاردینال ریشیلیو صورت گرفته، بسیار خرسند است و خود در صدد است که این نخست‌وزیر مکار و حیله‌گر را تأدیب نماید و کشور را به آرامش سوق دهد.

کالوینیست‌ها مرگ اسقف اعظم را محکوم کردند. (استانبول، ۲۷ ژوئن ۱۶۳۸):

کلیسای ارتودوکس شرق، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین روحانی خویش را از دست داد، زیرا سیریل لوکار

هلند، ۱۶۷۲
با اعلان جنگ فرانسه علیه هلند، لشگریان آن کشور از رود راین (Rhine) گذشته و شهرها را یکی پس از دیگری تصرف کردند. دولت هلند هم برای جلوگیری از حملات دشمن، سدها و دیوارهای دریا را باز کرده و فرانسویان را طعمه‌ی سیل کردند.
انگلیس، ۱۶۷۲
چارلز دوم پادشاه انگلیس طبق قرارداد فیمابین انگلیس و لویی چهاردهم، برای حمایت از فرانسه به هلند اعلان جنگ داد.
نیویورک، ۱۶۷۲
هلند بار دیگر نیویورک را از انگلیس پس گرفت. در پی درگیری انگلیس و فرانسه بر ضد هلند، ۲۳ فروند کشتی آن کشور در تاریخ هفتم اوت به بندرگاه نیویورک وارد شدند و به پادگان انگلیس در فورت جیمز (Fort James) حمله‌ور شدند.
مراکش، ۱۶۷۲
مولای اسماعیل به پادشاهی آلائوئیت (Alaouites) رسید و سرزمین مراکش را متحد ساخت. وی بخش قدیمی شهر مکنز (Meknes) را خراب کرد و کاخی بزرگ و مجلل برای خود در آن محل بنا کرد.
هلند، ۱۶۷۲
یان استین (Jan Steen) نقاش هلندی، از شهر دلفت (Delft) به زادگاه خود شهر لیدن (Leyden) بازگشت. با وجود دسته‌های صنفی مختلفی که در شهر لیدن وجود داشت، استین ترجیح داد که به صنف نقاشان اجتماعی به پیوندد و در جمع اهالی باشد.
فرانسه، ۱۶۷۲
لویی چهاردهم، محل تشکیل دولت را از پاریس به کاخ ورسای انتقال داد.
نیوجرسی، ۱۶۷۲
مهاجرنشین‌های بندر الیزابت بر ضد پرداخت مالیات معروف زمین، اعتراض کرده و جلساتی برای لغو این قانون تشکیل دادند.
نیوانگلند، ۱۶۷۲
آن براد استریت (Anne Bradstreet) شاعره‌ی پوریتن‌مسلک و نخستین نویسنده‌ی زن امریکایی، جهان را بدرود گفت. او در انگلیس متولد شد و در سال ۱۶۳۰ به همراه جان وینتروپ (John Winthrop) به نیوانگلند رفت. وی نخستین دیوان اشعار خود را در سال ۱۶۵۰ در انگلیس انتشار داد، وی دهمین الهه‌ی شعر است که اخیراً در امریکا ظهور کرد (الهه‌های شعر به تفسیر یونانیان ۹ نفر بودند و براد استریت را دهمین آن‌ها قلمداد کرده‌اند).
امریکای شمالی، یکم ژانویه ۱۶۷۳
سرویس پستی منظم بین نیویورک و بوستون برقرار شد. محموله‌های پستی در فواصل راه‌های پستی توسط مردان سوار رد و بدل می‌شود تا به مقصد برسد.
پاریس، ۲۱ فوریه ۱۶۷۳
مولیر (Moliere) بزرگ‌ترین درام‌نویس و نویسنده‌ی کمدی فرانسه، پنهانی به خاک سپرده شد.
امریکای شمالی، ۱۱ سپتامبر ۱۶۷۳
جیمز نیدهام (James Needham) دریانورد انگلیسی با کشتی خود پس از چهار ماه توقف در غرب (تنسی (Tennessee)) به ویرجینیا (Virginia) بازگشت. وی اولین فرد انگلیسی بود که به آن سرزمین رسوخ کرده بود.
لندن، ۱۶۷۳
پارلمان انگلیس طبق قانونی بر روی کالاهایی مانند شکر، پنبه و توتون که از مهاجرنشین‌ها به بنادر حمل شود، مالیات تعیین کرد.
لندن، ۱۶۷۳
پارلمان انگلیس چارلز را مجبور کرد که از جنگ علیه هلند دست بکشد و هم‌چنین آزادی مذهب را در آن کشور به‌رسمیت بشناسد و کاتولیک‌های پیرو کلیسای رم را از پست‌هاشان برکنار سازد.
ماساچوست، ۱۶۷۳
جان وینسلو (John Winslow) که به فرمانداری پلیموت (Plymouth) منصوب شده، نخستین فرمانداری است که در این مستعمره متولد شده است.
لهستان، ۲۰ مه ۱۶۷۴
یوهان سوبیسکی (John Sobieski) به‌عنوان پادشاه لهستان انتخاب شد.

(Cyril Lucar)، اسقف اعظم شهر استانبول را به قتل رساندند.

به دستور سلطان مراد، پادشاه عثمانی، اسقف اعظم شهر را اعدام کردند، زیرا به‌نظر می‌رسید که وی نیروی قزاق را برعلیه دولت عثمانی تحریک کرده و قزاق‌ها را بر ضدّ ترک‌ها وادار به حمله نموده است.

برخی شایعات حاکی است که دشمنان سیریل در نزد شاه سعایت کرده و شاه را وادار به این حکم نموده‌اند، زیرا این دشمنان، مدّت‌هاست که بر ضدّ اودست به تحریک می‌زنند، چون کالوینیست‌ها برطبق سنت، همواره از کلیسای ارتودوکس شرق حمایت می‌کرده‌اند، در حالی‌که آن‌ها این امر را محکوم کرده بودند، زیرا عقاید کالوینیست‌ها را مردود می‌پنداشتند. در طی ۱۸ سالی که سیریل در مقام رهبری ارتودوکس قرار داشت، سه بار کلیسای رم سعی کرد که او را برکنار نماید، تنها به خاطر این‌که وی در تلاش بود به‌وسیله‌ی اعزام نمایندگان خود، روابط بین هلند و انگلیس را به سامان برساند.

لوکار، علاقه‌ی شدیدی به انجام اصلاحات مذهبی داشت، در حالی‌که از کلیسای رم متنفّر بود، در سال ۱۵۹۶ که شورای جهانی کلیساها در برست لیتوفسک (Brestlitovsk) تشکیل شد، او یک کشیش جوان را به آن شورا فرستاد. وی در سال ۱۶۲۸، یکی از دستیاران پیشین خود را برای آموزش قوانین مذهبی اسکندریه به نزد چارلز پادشاه انگلیس فرستاد.

نیروهای نظامی عثمانی، پس از ۱۵ سال نبرد، شهر بغداد را تصرّف کردند. (بغداد، ۱۶۳۸):

نیروهای نظامی عثمانی، تحت فرماندهی شخص سلطان مراد چهارم، شهر بغداد را که مدّت ۱۵ سال در تصرّف ایران بود، دوباره تسخیر کردند. سپاهیان ترک پس از هفت ماه محاصره‌ی این شهر، با شکست دادن لشگریان ایران، توانستند آخرین سرباز ایرانی را هم از آنجا بیرون برانند.

نبرد بین نیروهای ایران و ترکیه، از سال ۱۶۲۱، بر سرِ تعیین حاکم بغداد شروع شد و این یک حالت تثبیت قدرت بود، چون در آن هنگام یکی از افسران عالی‌مقام قشون ینی‌چری قصد داشت که حاکم بغداد را تغییر

دهد، در حالی‌که پاشای حاکم بغداد، در حمایت دولت ایران بود و ایران با تغییر حاکمیت موافق نبود. در نتیجه پاشا به ایران متمسک شد و درگیری از آن هنگام آغاز گردید.

برحسب رسوم دیپلماسی، بایستی دو طرف با این امر موافقت نمایند. دولت ایران موافقت دولت عثمانی را در مورد تغییر حاکمیت بغداد جلب کرد، لیکن ینی‌چری‌ها با تعیین حاکم از طرف ایران به مخالفت برخاستند و حاکم را به قتل رساندند و بدین ترتیب بغداد در تصرّف ایران باقی ماند.

این اختلافات سبب شد که پنج بار جنگ بین دو کشور صورت گیرد، لیکن با جوّی که بر محیط ایران حاکم بود و بی‌لیاقتی شاه و حکومت ایران، سرانجام شهر بغداد را تسلیم دولت عثمانی نمودند. اینک دولت عثمانی از حکومت بغداد حمایت می‌کند، امّا یروان (Yerevan)، حاکم بغداد، تمایل دارد تحت تابعیت ایران قرار گیرد.

پایگاه تجاری انگلیس در هند شرقی گشایش یافت. (مدرس، اوت ۱۶۳۹):

پایگاه تجارتی انگلیس در مدرس پاتام (Madraspattam) واقع در کرانه‌ی شرقی هند تأسیس شد. فرانسیس دِی (Francis Day)، تاجر انگلیسی، امتیاز این پایگاه را از حاکم محلی کسب کرد و زمین مورد لزوم خود را برای ایجاد انبار، کارخانه و اسکله را هم به دست آورد. دولت انگلیس، قبلاً، یعنی در سال ۱۶۳۵، با قراردادی که در جزیره‌ی گوا (Goa) با پرتغال امضا کرده بود، در کرانه‌ی غربی هندوستان، امتیاز تأسیس شرکت تجاری انگلیس را گرفته بود.

اکنون دولت انگلیس با کسب امتیاز جهت پایگاه تجاری هند شرقی، تمام معاملات بازرگانی سراسر هندوستان را در اختیار دارد و شعبات خود را در سراسر هند توسعه داده است.

مستعمره‌نشینان آمریکایی، شبانه تمام روستاییان سرخ‌پوست را مورد تهاجم قرار دادند. (کانکتیکات (Connecticut)، پنجم ژوئن ۱۶۳۷):

نیروهایی مرکب از مهاجران نیوانگلند که از ماساچوست (Massachussetts) و کانکیتکت آمده بودند، همراه با متّحدین سرخ‌پوست محلی، به روستاهای سرخ‌پوستان حمله کرده و طی جنگی خونین خانه‌های بومیان را غارت کرده و اهالی آنجا را کشتند، البته بومیان سال‌ها این منطقه را مورد هجوم قرار می‌دادند. در طی این تهاجم، در حدود ۵۰۰ نفر مرد و زن و کودک قبیله‌ی پکوت، قتل‌عام شدند.

این مواجهه و تقابل چاره‌ناپذیر به‌نظر می‌رسید، چون مهاجران هلندی و انگلیسی که تعداد آن‌ها مرتباً رو به تزاید بود، اجازه نمی‌دادند که تحت تسلّط قبیله‌ی پکوت به سر برند و پکوت‌ها اجازه‌ی زندگی به آن‌ها نمی‌دادند و هر لحظه مورد تهدید بومیان واقع می‌شدند.

طوایف پکوت (Pequot)، چون انحصار داد و ستد صدف و مروارید را در دست داشتند، هر لحظه قادر بودند که رقبای ضعیف خود را مورد حمله قرار داده و آن‌ها را از این منطقه برانند.

در سه سال گذشته، قبیله‌ی پکوت بارها سفیدپوستان را کشتند و هر روز هم تعداد تلفات سفیدپوستان رو به ازدیاد بود و نبرد بین دو طرف الزام‌آور شده بود. در اوایل ماه گذشته هم پکوت‌ها ۹ نفر از سفیدپوستان را به هلاکت رساندند. شب گذشته، سفیدپوستان برای اثبات قدرت خود، اقدام به نبرد کردند، لیکن باز هم به‌نظر می‌رسد که سفیدپوستان در آینده مورد تهدید قبیله‌ی پکوت قرار گیرند و زندگی آن‌ها دچار مصیبت شود.

میدانی که در شهر لندن به سبک ایتالیایی در دست ساختمان بود، پایان یافت. (لندن، ۱۶۳۸):

اینی‌گو جونز (Inigo Jones)، معمار دربار انگلیس، میدان واقع در کاونت گاردن (Covent Garden) را که درست در شمال بندرگاه قرار گرفته، به پایان رسانید.

لندن نخستین شهری است که باید از نظر نقشه‌ی شهرسازی، به خاطر این‌که محلّ زندگی شخصیت‌ها و

مالکـان زمـین و اِرل بـدفورد (earl Bedford) می‌باشد، نمونه باشد. این شهر وسیع، با خانه‌های یک شکل که سر در هلالی دارد، به سبک ایتالیایی ساخته شده است. کلیسای سنت جورج که با شیوه‌ی کلاسیک و به دستور توسکان (Tuscan) بنا شده، در یک سوی میدان و در مقابل بازار میوه و سبزی قرار دارد.

در این محلّ، آخرین ابداعات جونز در پایتخت به کار گرفته شده، لیکن مهم‌ترین بنای شهر، ساختمان تالار محلّ ضیافت وایت هال می‌باشد که معمار ایتالیایی جونز از روی رساله‌ی ویترویوس (Vitruvius) معمار رمی، آن را بازسازی نموده و یک شاهکار معماری محسوب می‌شود و آندره‌آ پالادیو (Andrea Palladio)، تمام تزئینات آن را با استیل ایتالیایی انجام داده و به آن روح داده است. سقف این تالار و قاب‌های دور سقف و دیواره‌های آن، در سال ۱۶۳۵، به دستور چارلز و با همکاری روبنس (Rubens) که برای انجام این کار به شهر آنتورپ رفته بود، با نقش‌هایی بسیار زیبا تزئین شد.

به دستور چارلز، روبنس تصویر جیمز را در هنگام پادشاهی بر روی دیوار تالار با استیل المپ ترسیم نمود. در همین سال، اینی‌گو جونز، معمار ایتالیایی، قصری برای ملکه‌ی هنریتا ماریا (Henrietta Maria) در گرینویچ (Greenwich) در کناره‌ی رود تیمز به سبک ویلای پالادین (Palladian) بنا کرد. در همین اواخر هم، باز برای ملکه کلیسایی در محلّ کاخ سنت جیمز ساخت.

جونز در محلّ وایت هال نقشه‌ی دیگری برای بنای تالاری برای ملکه به سبک قصر سامرست (Somerset) کشیده و در آینده آن را شروع خواهد کرد. او باز هم طرحی برای بنای تالار بالماسکه دارد که سقف آن قوسی شکل است و منظره و چشم‌انداز بسیار قشنگی خواهد داشت و بازیکنان آن با لباس‌هایی طلایی و نقره‌یی در مقابل چشم تماشاچیان ظاهر خواهند شد.

شوگون (Shogun) با کشتار مسیحیان در مراسم عشای ربانی، درس خوبی به آن‌ها داد. (ژاپن، ۱۶۴۰):

نیویورک، دهم نوامبر ۱۶۷۴
طبق پیمان وست‌مینستر (Westminster)، تمام هلندی‌های ساکن نیویورک تحت سلطه‌ی انگلیس درآمدند. نیروهای هلندی این شهر را در نهم اوت ۱۶۷۲ و در بحبوبه‌ی جنگ انگلیس و هلند پس گرفته بودند.

کانادا، چهارم دسامبر ۱۶۷۴
لویی ژوله (Louis Jolet) پوست‌فروش و پدر ژاک مارکت (Father Jacques Marquette) ژزوئیت‌مسلک پس از پیمودن چهارهزار کیلومتر راه محل دلتای بزرگ رودخانه‌یی که هندیان آن را می‌سی‌سی‌پی (Mississippi) می‌خواندند، کشف کرده و به مونرآل (Montreal) بازگشتند.

نیوانگلند، ۱۶۷۴
جورج فاکس (George Fox) مؤسس انجمن دوستان پس از گذشت سه سال که برای تبلیغ مراسم کوآکرها (Quaker) به رودآیلند (Rhode Island) رفته بود، به نیوانگلند (New England) بازگشت.

اسپانیا، ۱۶۷۴
دومین مجموعه‌داستان‌ها و حکایات ماریا زایاس سوفومایور (Maria de Zayas Sofomayor) پس از مرگ او منتشر شد. حکایات و امثال این نویسنده بسیار احساساتی و شورانگیز می‌نمود. در عین حال وی نمایش‌نامه‌هایی برای تعلیم زنان نوشت که بسیار مورد توجه و استقبال قرار گرفت، هم‌چنین اشعار سروده‌شده توسط او بسیار آموزنده بود.

پاریس، ۱۶۷۴
فیلیپ شامپاین (Philippe de Champaigne) نقاش دربار و کلیسای فرانسه از دنیا رفت. تزیینات و نقاشی‌های کلیسای سوربون (Sorbonne) توسط وی انجام شد. از او چندین تابلوی نقاشی از چهره‌ی ریشیلیو (Richelieu) و لویی سیزدهم برجای مانده است. او در سال ۱۶۴۳ به فرقه‌ی ژانسنیست‌ها پیوست و در این اواخر هم آثاری بسیار گران‌بها به سبک کلاسیک از خود به‌یادگار باقی گذاشت، او در این سبک خیلی متعصب و پابرجا بود.

پاریس، ۱۶۷۴
نیکلاس بویو (Nicolas Boileau) دیوان اشعار هنرمندانه خود را منتشر ساخت. او یکی از قهرمانان ادبیات کلاسیک به‌شمار می‌رود.

پاریس، ۱۶۷۴
نیکلاس مال برانش (Nicolas Malebranche)، فیلسوف و عالم روحانی فرانسوی کتاب خود را درباره‌ی «تحقیق و تفحص برای حقیقت‌یابی» انتشار داد. وی شیفته‌ی فلسفه‌ی دکارت (Descartes) بود و به انجمن مذهبی طرفداران دکارت پیوست و با هواخواهان فرقه‌ی آگوستی‌نیان (Augustinian) دوستی صمیمانه برقرار کرد.

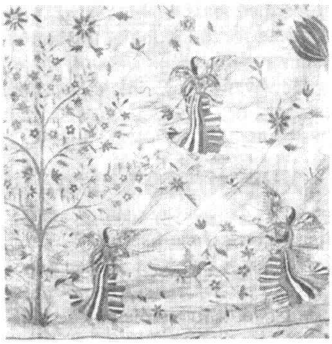
فرانسه، ۱۶۷۴
نیروهای فرانسوی، پناهگاه فرانش کومت (Franche-Comte) را متصرف شدند.

هندوستان، ۱۶۷۴
فرانسوا مارتن (Francois Martin) مؤسسه‌ی پوندیچری (Pondicherry) را برای شرکت فرانسوی هند شرقی تأسیس کرد.

ایسلند، ۱۶۷۴
هالگریمور پتورسان (Hallgrimur Petursson) یکی از مهم‌ترین شارحان مذهب ایسلندی و از شعرای این سرزمین جهان را ترک کرد.

انگلیس، ۱۶۷۴
جان مایو (John Mayow) شیمیدان انگلیسی یک شمع روشن را در زیر یک شمعدان و داخل آب قرار داد و طی سلسله‌مقالاتی پنج‌گانه درباره‌ی شیمی‌فیزیک این تجربه را تشریح کرد. او اظهار داشت که هوا از دو عنصر جداگانه تشکیل شده که یک بخش آن غیرفعال و بخش دیگر فعال می‌باشد. وی هم‌چنین دستگاهی اختراع کرد که با شعله‌ی گاز می‌سوخت.

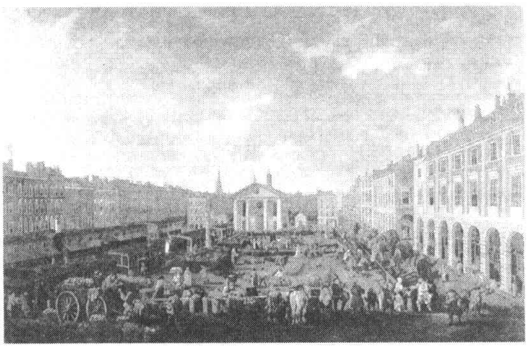
بلغارستان، ۱۶۷۴
پیتر پارشیه‌ویچ (Peter Parchevitch) اسقف اعظم از دنیا رفت. او یک میهن‌پرست افراطی بود که در تمام عمرش برای آزادی مردم می‌کوشید. وی به تمام نقاط اروپا جهت رسیدن به اهداف خود، همراه هیأت مذهبی به مسافرت پرداخت.



یک روتختی با نقش گل و گیاه، بافت گجرات، سال ۱۶۰۰



نمایی از یک کشتی عظیم پرتغالی در حال ترک بندر ناکازاکی Nagasaki. نقاشی سده ی ۱۷.



کاونت گاردن Covent Garden ، میدان و بازار لندن. تابلویی از ژان کوله John Collet (۱۷۲۵-۱۷۸۰)



یک نفر مشعل دار مسجد. طرح و نقاشی از جونز کاستوم Jones Costume.



نقش بازرگان هلندی با خانواده و کارکنان وی بر روی یک پرده ی کتانی بافت استان مدرس هند.



عکسی از یک تجمع که برای انتقاد و استهزای سیاست و امور مذهبی چارلز اول در شهر لندن گرد هم آمده اند. آن ها بدین وسیله عدم رضایت خود را از وی ابراز می دارند.

المان، ۲۸ ژوئن ۱۶۷۵
فردریک ویلیام (Frederick William) بزرگ‌ترین شخصیت انتخابی جهت فرمانروایی براندنبورگ (Brandenburg)، نیروهای سوئدی را شکست داد.
آلمان، ۲۷ ژوئیه ۱۶۷۵
تورن (Turenne)، مارشال فرانسوی در نبرد ساسباخ (Sasbach) در حین جنگ با نیروهای ایتالیایی به فرماندهی مونته کوکولی (Montecuccoli) کشته شد. تورن اخیراً ناحیه‌ی آلزاس (Alsace) را در جنگ تورکهایم (Turckheim) بازپس گرفته بود.
هندوستان، ۱۶۷۵
به‌دستور اورنگ زیب امپراتور مغول، نهمین رهبر سیک‌ها (Sikh) به‌نام گورو (Guru) به‌قتل رسید. تگ‌بهادر (Tegh Bahadur) از پذیرش اسلام سر باز زده بود.
مالی، ۱۶۷۵
در پی اغتشاشات در منطقه‌ی ماسینا (Macina)، سیل مهاجران فولانی (Fulani) به ناحیه‌ی هوده (Hodh) آغاز شد.
اسپانیا، ۱۶۷۵
شارل دوم شاه اسپانیا به بلوغ رسید، لیکن به‌علت ابتلای به بیماری هیچ‌گونه علاقه‌یی به سیاست نشان نمی‌دهد.
لندن، ۱۶۷۵
رصدخانه‌ی گرینویچ (Greenwich) گشایش یافت.
ایتالیا، ۱۶۷۵
اهالی شهر مسینا (Messina) علیه اسپانیا قیام کردند. لویی چهاردهم موقع را غنیمت شمرده، لشکریانی جهت شکست اسپانیا به منطقه اعزام کرد، لیکن سربازان فرانسوی به‌زودی آن‌جا را ترک کردند و سپاهیان اسپانیولی نیز به تلافی شورشیان را تارومار کردند.
هند غربی، ۱۶۷۵
پس از این‌که شارل دوم به مقام شوالیه‌گری رسید، سر هنری مورگان را به فرمانداری جامائیکا (Jamaica) منصوب کرد.
فرانسه، ۱۶۷۵
دولت فرانسه بار دیگر موضوع حقوق پادشاهی را به‌میان آورد و بر سر آن با پاپ به ستیز پرداخت، چون پادشاه فرانسه با مرگ اسقف اعظم فرانسه یک نفر دیگر را به‌جای او انتخاب کرده بود و این را از اختیارات خود می‌دانست، در صورتی‌که پاپ وی را از این کارها برحذر داشته بود و انتصاب اسقف‌ها را از اختیارات کلیسای رم می‌شمرد.
پاریس، ۱۶۷۵
در تلاش برای تعیین سرعت اشعه‌ی نورانی، دان اول‌رومه (Dane Ole Roemer) در هنگام خورشیدگرفتگی (کسوف) مطالعاتی بر روی اقمار کره‌ی مشتری انجام داد.
هلند، ۱۶۷۵
یان ورمیر (Jan Vermeer) نقاش هلندی در شهر دلفت (Delft) دیده از جهان فروبست.
رم، ۱۶۷۵
میکوئل دو مولینوس (Miguel de Molinos) عالم الهیات اسپانیولی، رساله‌یی تحت عنوان «راهنمای روحانیت» به‌نگارش درآورد. او در این‌باره می‌نویسد که: تقدیر و سرنوشت هرکس از بدو تولد او معین شده و باید به آن تسلیم شد و رضایت داد.
ماساچوست، ۲۸ اوت ۱۶۷۶
متاکوم (Metacom) رهبر گروه آلگونکین وامپانوآگ (Algonquin Wampanoags) و به تعبیر انگلیس فیلیپ پادشاه آن قبیله در نبرد با سربازان انگلیسی به‌هلاکت رسید. با کشته‌شدن او پیکار یک‌ساله بین هندیان و مهاجرنشینان نیز پایان یافت.
ویرجینیا، ۲۶ اکتبر ۱۶۷۶
ناتانیل بیکن (Nathaniel Bacon) رهبر شورشیان مسلح مستعمره‌نشین یورک‌تاون (Yorktown) درگذشت. این شورش بر ضد نیروهای ویلیام برکلی (William Berkeley) فرماندار ویرجینیا صورت گرفته بود و با عدم حمایت بیکن از دسته‌های یغماگر سرخ‌پوست پایان یافت.
پاریس، ۱۶۷۶
پل دوگندی (Paul de Gondi) کاردینال شهر رتز (Retz)، دفتر خاطرات خود را به‌پایان رساند. این مرد روحانی بدون این‌که شغلی داشته باشد، خودش با سیاست بلندپروازانه‌یی که داشت، بخشی از رهبری نبرد علیه شورشیان فروند (Fronde) را برعهده گرفت و در نتیجه‌ی اقدامات مؤثری که برای هدف خود داشت و در آن توفیق حاصل کرد، به مقام اسقف اعظم شهر پاریس منصوب شد.

ژاپنی‌ها تعداد ۶۱ نفر از پرتغالی‌ها را در مراسم عشای ربّانی و در شهر ناگازاکی (Nagasaki) به هلاکت رساندند. این عدّه به نمایندگی از سوی بازرگانان پرتغالی، برای کسب مجوز و پشتیبانی از آن‌ها در مقابل تحریم دولت، به ژاپن آمده و قصد داشتند به سفارش دولت پرتغال در ماکائو (Macao) یک پایگاه تجاری تأسیس کنند.

آن‌ها بدون آگاهی از قضاوت دولت ژاپن که مسؤولیت شورش دهقانان در دو سال پیش در ناحیه شیمابارا (Shimabara) را به عهده پرتغالی‌ها گذارده بود و به‌ویژه باکوفو (Bakufu) فرماندار این ایالت آنان را محکوم به اعدام کرده بود به این اقدام مبادرت کردند.

شوگون ایمی‌تسو (Imitsu)، فرماندار ژاپن هم همه‌ی تجّار پرتغالی را محکوم به اعدام کرده تا به سایر پرتغالی‌ها درسی بدهد که هرگز فراموش نکنند.

۱۳ نفر از دریانوردان را هم به ماکائو فرستادند تا این پیام را به تجّار پرتغالی ابلاغ نمایند.

دولت اسپانیا پرتغال را از دست داد و کاتالان‌ها (Catalans) هم دست به شورش زدند. (بارسلونا، ششم ژوئن ۱۶۴۱):

منطقه‌ی کاتالونیا برعلیه دولت مادرید قیام کرد و مردم شهر بارسلونا هم در این جریان، سانتا کولوما (Santa Coloma)، نایب‌السلطنه، را به قتل رساندند. این درگیری‌ها که از ۲۰ سال پیش شروع شده، در حقیقت بزرگ‌ترین مشکل برای رهبری اسپانیا به‌شمار می‌رود.

تقصیر این موضوعات به گردن کنت اولیوارس (Olivares) بود که کاتالان‌ها را با مشکلات خود رها کرده و آن‌ها را تنها گذاشت. آن‌ها در نبرد علیه سپاهیان فرانسوی از نظر مالی و نیروی نظامی سخت در مضیقه ماندند و این نفرت از دولت مادرید مرتباً تشدید شد و سرانجام عقده‌ها به این صورت سرباز کرد و به طغیان علیه حکومت انجامید. شخص نایب‌السلطنه هم در تمام امور بین قبایل فرق می‌گذاشت و رفتارش منصفانه نبود، تا سرانجام آن‌ها از گروه‌های خود فرار کردند و اقدام به شورش کردند.

در مورد سلطه‌ی اسپانیا بر پرتغال هم پس از پیروزی نسبی دوک براگانزا (Braganza)، کاتالان‌ها با وی همدست شده و وارد شهر لیسبون (Lisbon) شدند و از طرف خود جان چهارم را به پادشاهی برداشتند و او هم در کلیسای لیسبون تاج‌گذاری کرد.

سپس هلندی‌ها حکومت براگانزا را به رسمیت شناختند و او هم برای غلبه بر سپاهیان اسپانیا از دولت فرانسه درخواست کمک کرد، و در نتیجه ناوگان اسپانیا را در رودخانه تاگوس (Tagus) غرق کردند. در این هنگام تنها امید اولیوارس به انقلابیون متشکل از اشراف اسپانیا و یهودیانی بود که به دین مسیح درآمده بودند، چون آن‌ها مخالف هرگونه امتیازی بودند که پادشاه پرتغال می‌خواست و در مقابل او حاضر به همه‌گونه مقاومت بودند، زیرا در این صورت استقلال اسپانیا به مخاطره می‌افتاد، آن‌ها هم برای دفاع کشور و حکومت پاپ تا پای جان ایستادگی کردند.

به‌هر حال توطئه‌کنندگان در این جریان شناسایی شده و دستگیر شدند.

حکومت هلند تجارت دریایی را به خود اختصاص می‌دهد. (آمستردام، ۱۶۳۹):

کشتی‌های نو و ارزان‌قیمت، دریانوردان ماهر و مجرب و ناخدایان جسور و بی‌باک و نیز بازارهای جدید، ناوگان هلندی را قادر ساخت که پهنه‌ی دریاها را درنوردیده و تجارت دریایی را به نحو بی‌سابقه‌یی به خود اختصاص دهند، در عین حال، بندر آمستردام هم به‌عنوان مرکز داد و ستد در تمام اروپا مشهور گشت و در حقیقت به‌صورت پایتخت دریایی بیمه‌ی کالاهای بازرگانی درآمد.

جنگ دراز مدّت بین جمهوری‌های هلند و هابسبورگ با اسپانیا و عدم توافق بین آن‌ها، یک موضوع پیش پا افتاده و بی‌اهمّیت تلقّی می‌شد و بازرگانان هلندی به‌طور دائم در پی به دست آوردن بازارهای تازه بودند. هر دو طرف تجارت را بر خصومت مقدم می‌داشتند.

هلندی‌ها برای ناوگان تجاری اسپانیا، مالیات ویژه‌یی وضع کرده بودند و برای ساخت کشتی‌های جنگی، مبالغ زیادی پول دریافت می‌کردند. حکومت اسپانیا نیاز به مواد غذایی و غلّات و همچنین بندرگاه‌هایی در شمال اروپا داشت که سرزمین هلند می‌توانست بخشی از نیازهای او را تأمین کند.

هلندی‌ها با سفر به اطراف و اکناف دریاها، سواحل ماورای اروپا را درنوردیدند و به خاور دور و سپس به کرانه‌های آمریکا رسیدند. بازرگانان هلندی پس از رسیدن به آمریکا، از طریق رود هودسون (Hudson) به نیویورک دست یافتند و از این طریق به کرانه‌های رود وحشی آمازون رسیده و در این مناطق یک سری پایگاه تجاری تأسیس نمودند و بدین ترتیب باب تجارت بین برزیل و اروپا را گشودند. بازرگانان هلندی با این داد و ستدها به سود سرشاری دست یافتند و در ضمن مستعمراتی هم در آمریکا به‌وجود آوردند.

پیتر بوت (Pieter Both)، فرماندار کل هند غربی، می‌گوید: زنان با شخصیت هلندی، نمی‌توانند به این نقاط مهاجرت کنند و برای آن‌ها اقامت در این جاها ملال‌انگیز و ناراحت‌کننده می باشد، پس باید مردان مهاجر هلندی، با زنان کافر این مناطق ازدواج کنند.

دولت ژاپن، ورود غربی‌ها را به سرزمین اصلی کشور ممنوع کرد. (دژیما (Dejima)، ژاپن، ۱۶۴۱):

به دستور فرمانروای کل ژاپن، از این پس، ورود غربی‌ها به سرزمین اصلی ژاپن ممنوع شد، زیرا غربی‌ها باعث بروز شورش و اغتشاش در کشور شده و نظم عمومی را مختل می‌سازند و اگر کسی به این عمل اقدام کند، مقصر و خاطی شناخته می‌شود.

براساس این دستور، پایگاه تجاری هلندی‌ها در هیرادو (Hirado) را که تنها واسطه‌ی بازرگانی اروپایی بود، تخریب نمودند. لیکن در عوض از بین رفتن این پایگاه، به بازرگانان هلندی اجازه داده شد که ۱۳۰ جریب از زمین‌های دژیما در بندرگاه جزیره‌ی ناگازاکی را برای ایجاد اسکله و پایگاه آماده سازند. این زمین، دو سال پیش در اختیار پرتغالی‌ها قرار داشت و آن‌ها در این مکان بندرگاهی ایجاد کرده بودند، لیکن دولت ژاپن تمام آن‌ها را اخراج نمود. در بندرگاه دژیما هم تنها مردان ژاپنی و فواحش می‌توانند آمد و رفت کنند و ورود سایرین به آنجا ممنوع می‌باشد. هلندی‌ها هم می‌توانند تنها در مواقع جشن و شادی به داخل کشور وارد شوند.

پارلمان، شاه را وادار کرد که در هنگام تشکیل جلسات مجلس، سر پا بایستد. (لندن، ۱۶۴۰):

امسال، چارلز پادشاه انگلیس، نمایندگان پارلمان را دعوت به تشکیل جلسه کرد، لیکن نمایندگان به وی اجازه ندادند که سواره وارد پارلمان شود و بهانه‌ی آن‌ها این بود که سم اسب زمین پارلمان را خراب می‌کند و در نتیجه شاه باید پیاده به این اجلاس وارد شده و مانند سایرین سر پا بایستد.

هنگامی‌که برای نخستین بار، پس از ۱۱ سال، پارلمان افتتاح شد، چارلز بدون هیچ مقدمه و با بی‌تجربگی، اظهار داشت که من شما را برای این فرا خواندم که نیاز شدیدی به پول دارم و شما باید برای اجرای این امر قوانینی تهیه کنید. با این بیان، نمایندگان به صحبت‌های درِ گوشی پرداختند و نجوایی در بین آن‌ها در گرفت که، شاه در پی طلب امتیازاتی بیش از حقوق خویش می‌باشد و چون شاه موفق به اخذ پول از پارلمان نشد، به سرعت پارلمان را منحل نمود. پس از ردّ این درخواست، با شروع جنگ اسپانیا و فرانسه، پاپ و اهالی شهر لندن تقاضا کردند که برای مقابله با این امر، پارلمان را برای تشکیل جلسات دعوت کنند. در این موقع، اعلام شد که هیچ‌گاه پارلمان نباید منحل شود و جلسات آن تعطیل‌بردار نیست. تنها پس از هر سه سال، پارلمان با نمایندگان جدید باید افتتاح شود.

از دیگر تصمیمات پارلمان جدید، آن بود که دادگاه عالی مدنی انگلیس که چارلز از آن برای تبعید اشخاص استفاده می‌کرد، تعطیل شد. به این ترتیب، شاه از گذشته عذرخواهی کرد و به نمایندگان قول داد که به تصمیمات پارلمان احترام بگذارد و آن‌ها رارعایت کند و در نتیجه به ۱۱ سال بی‌قانونی پایان داده شد.

تبعیدیان پوریتن (Puritans)، مستعمره‌ی تازه‌یی تشکیل می‌دهند. (بوستون، ماساچوست، ۱۶۳۹):

پس از گذشت ده سال که از امضای فرمان ماساچوست می‌گذرد، مبنی بر این‌که تمام مخالفان اجتماعی را در این منطقه اسکان دهند و در حقیقت ماساچوست تبعیدگاه افراد شرور و ضدّ اجتماعی محسوب شد، اکنون دیگر تمام افراد ساکن این منطقه، معتقدند که بایستی با کمک کلیسا زندگی کرد و پیشرفت روحی افراد بستگی به کمک روحانیت دارد.

پاریس، ۱۶۷۶
ادم ماریوت (Edme Mariotte) کشیش فرانسوی برای تعیین تراکم گازها و کشف قوانین نقطه‌ی جوش و انتشار آن در سال ۱۶۶۱، آن را تحت فشار مناسب قرار داد و حجم و فشار و حرارت ثابت آن‌ها را اندازه‌گیری کرد.

پاریس، ۱۶۷۶
ابراهام بوس (Abraham Bosse) هنرمند و نظریه‌پرداز فرانسوی، جهان را ترک کرد. او در حرفه‌ی قلم‌زنی فردی بسیار پرکار و بااستعداد بود، به‌علت مشاجراتی که با لوبرون (le Brun) داشت، از آکادمی پاریس اخراج شد. لوبرون هم در مواردی مشخص با ماریوت اختلاف نظر داشت.

امپراتوری عثمانی، ۱۶۷۶
قره‌مصطفی به جانشینی برادر بزرگ‌ترش به صدراعظمی عثمانی منصوب شد.

ماساچوست، ۱۶۷۶
نخستین امتیاز تأسیس قهوه‌خانه در بوستون صادر شد.

پاریس، یکم ژانویه ۱۶۷۷
نمایش تراژدی فدر (Phedre) توسط راسین (Racine) بر روی صحنه ظاهر شد.

آمستردام، ۲۱ فوریه ۱۶۷۷
باروخ اسپینوزا (Baruch Spinoza) فیلسوف یهودی هلندی بر اثر ازبین‌رفتن نسج ریه در نتیجه‌ی استنشاق هوای پر از گرد بلورهای شیشه‌ی عدسی دوربین‌های نجومی که سال‌ها با آن سر و کار داشت (سیلیکوز ریه (Silicosis)) درگذشت. وی را در سن ۲۴ سالگی از جلسات یهودیان که هرساله برای تصمیم‌گیری در امور مهم تشکیل می‌شد، اخراج کردند. او در زندگی حالت استقلال خود را حفظ کرد. در سال ۱۶۷۳ مقام استادی دانشگاه هایدلبرگ (Heidelberg) را در رشته‌ی فلسفه پذیرفت و خود را مستقل خواند. تنها در سال ۱۶۷۰ رساله‌ی خود را منتشر کرد، در سال ۱۶۷۴ وی را به جادوگری متهم کردند. عقاید اسپینوزا درباره‌ی مذهب سبب گرفتاری و عذاب روحی وی شد، چون متعصبان آن را خطرناک و ویران‌کننده می‌دانستند.

ویرجینیا، ۲۷ آوریل ۱۶۷۷
کلنل جفری (Colonel Jeffreys) به جانشینی ویلیام برکلی به‌عنوان فرماندار ویرجینیا انتخاب شد و به‌دستور وی تعقیب و اعدام طرفداران شورش ناتانیل بیکن موقوف شد.

افریقای غربی، ۳۰ اکتبر ۱۶۷۷
نیروهای فرانسوی، منطقه‌ی گوری (Goree) را تصرف کردند.

انگلیس، ۱۵ نوامبر ۱۶۷۷
ماری دختر دوک یورک (duke of York) و خواهرزاده‌ی چارلز دوم، با ویلیام اورانژ (William Orange) ازدواج کرد. این ازدواج مهر تأییدی بر نزدیکی انگلیس و هلند بود که سرانجام خوشی داشت.

افریقای غربی، ۱۶۷۷
تأسیسات هلند در کشور سنگال (Senegal) به تصرف قوای فرانسه درآمد.

هلند، ۱۶۷۷
کتاب اصول اخلاقی اسپینوزا پس از مرگ وی منتشر شد. وی سیستم ماورای طبیعه و آن‌چه خارج از این دنیای ملموس است را مانند قضیه‌ی اقلیدس (Euclidian) تشریح و بیان می‌کند و تمام آن‌چه را که در اندیشه و خیال و وهم می‌آید، قابل درک و مشاهده می‌داند. او می‌گوید: تنها وجود خداوند است که به وهم و تصور نمی‌توان آن را شناخت، مگر به عشق و دنیای بی‌نهایت طبق میل و اراده‌ی او خلق شده است.

پاریس، ۲۱ آوریل ۱۶۷۸
ریشار سیمون (Richard Simon) مؤلف کتاب «انتقاداتی نسبت به عهد عتیق یا تورات» که اخیراً در آمستردام به‌چاپ رسید، توسط بوسوئه (Bossuet) یکی از رهبران روحانی تکفیر شد.

انگلیس، نوامبر ۱۶۷۸
سراسر کشور را تب و غش ضد کاتولیک فرا گرفته، به این علت که طبق گفته و شهادت سر ادموند گودفرای (Sir Edmund Godfrey)، دو نفر از کاتولیک‌های فرقه‌ی ژزوئیت به‌نام‌های اسرائیل تانگ (Israel Tonge) و تیتوس اوتس (Titus Oates) در توطئه‌یی که پاپ نقشه‌ی آن را طرح کرده بود، شرکت کنند و جیمز دوم پادشاه انگلیس را به‌قتل برسانند و تمام پروتستان‌ها را هم قتل‌عام کنند و جیمز دوک یورک را به سلطنت برسانند. شاهدان نتوانستند جرم اوتس را ثابت کنند و برای آن شهود کافی وجود نداشت، مع‌هذا او را از رفتن به کلاس درس مدرسه و کالج محروم کردند و حتی از رفتن به مکان‌های مقدس بازداشتند.

برخی حتا مدعی هستند که با پیروی از دستورات کلیسا به نجات و فلاح رسیده‌اند و از گناهان خویش پاک شده‌اند. حاکمان پیرو فرقه‌ی پوریتن می‌گویند که فرد مسیحی حقیقی کسی است که همواره خود را تحت رهبری کلیسا قرار دهد و در کلیسا حاضر شده و به عبادت بپردازد. گروه دیگری که پیرو عقاید کاتولیک هستند و به رهبری آن هوچینسون (Anne Hutchinson) معتقدند، می‌گویند که چون او این جزیره‌ی بزرگ را (که عدّه‌یی آن را رود آیلند (Rhode Island) نام‌گزاری کرده‌اند) خریده، و در نظر دارد هیچ کس را به آنجا راه ندهد، به جز افراد پیرو فرقه‌ی کاتولیک، و پیروان عقاید دیگر، اگر چه مسیحی باشند، در این منطقه جایی ندارند.

این تصمیم تازگی ندارد و نخستین بار نیست که این امر صورت می‌گیرد. سال گذشته هم، توماس هوکر (Thomas Hooker) که برای همیاری با اهالی کانکیتکت به این منطقه آمده بود، در حدود یکصد نفر از بازرگانان را برای این موضوع به همراه خود برد. منطقه‌یی که همواره با کانکیتکت متحد است و آن را نیوهی‌ون (New Haven) می‌نامند و رهبر آن جان دیون‌پورت (John Davenport) که قبلاً از اهالی بوستون بوده، می‌گوید: من پیش از آن‌که به نیوهی‌ون بیایم، سراپا آلوده به گناه بودم و هنگامی‌که پیرو فرقه‌ی پوریتن شدم، از تمام گناهانم پاک شدم.

پناهگاه دیگری که در پوتوماک (Potomac) مریلند (Maryland) تأسیس شده و اکنون یک مستعمره به حساب می‌آید، تنها جایگاه و مأمن کاتولیک‌های پیرو کلیسای رم می‌باشد. اوّلین امتیازی که لرد بالتیمور (Lord Baltimore) (جورج کالورت George Calvert) از چارلز پادشاه انگلیس گرفت، این بود که توانست در شش سال پیش، مستعمره‌یی با ۲۵۰ نفر، شامل دو نفر ژزوئیت و تعدادی دریانورد از منطقه‌ی کاوز (Cowes) به‌وجود بیاورد، ولی اکنون ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

در مرگ کاردینال ریشیلو، عدّه‌ی قلیلی عزادار شدند. (پاریس، چهارم دسامبر ۱۶۴۲):

کاردینال آرمان دوپله‌زیس (Cardinal Armand du Plessis)، مرد بزرگی که مردم از او نفرت داشتند و به دوک ریشیلیو (duke Richelieu) مشهور بود، امروز جان سپرد.

او ۵۷ سال داشت و گفته می‌شود که عقیده داشت که تنها بایستی در فرانسه، حکومت مطلقه و استبدادی حاکم باشد و از آن گریزی نیست. ریشیلیو در حالی‌که مریض و از سلامت کامل برخوردار نبود، معهذا مردی آهنین، مستبد و خودرأی بود و این سیاست را به خاطر لوئی سیزدهم اعمال می‌کرد.

او در یک خانواده‌ی اشرافی کوچک به دنیا آمد و در ابتدا به نظامی‌گری روی آورد، ولیکن به زودی به عضویت کلیسا درآمد، زیرا فامیل او به روحانیت تمایل داشتند و نیای او اسقف اعظم شهر لوکون (Lucon) بوده و در نتیجه او هم متمایل به کلیسا شد و تلاش کرد که گروه هوگونوت‌ها را در شهر لاروشل (La Rochelle) به فرقه‌ی کاتولیک دعوت نماید، لیکن موفق نشده و به شهر پاریس مهاجرت کرد.

وی در عین حال سعی می‌کرد که از طریق منطق، موضع قدرتمدارانه‌ی خود را توجیه کند. او تحت رهبری ملکه کونچینی که سمت نایب‌السلطنه را داشت، به رمز و راز سیاست آشنا شد، ولی تقدیر و سرنوشت کونچینی (Concini) آن بود که پس از تحمّل درد و رنج، به دستور پادشاه جوان به قتل برسد.

او سعی داشت که روابط فی‌مابین شاه و شاهزادگان شورشی را با میانجیگری حل و فصل کند. به این جهت در سال ۱۶۲۸ به عضویت شورای ایالتی منصوب شد، پس از آن به فوریت در سمت نخست‌وزیری جای گرفت و تا امروز هم بر اریکه‌ی قدرت جلوس داشت.

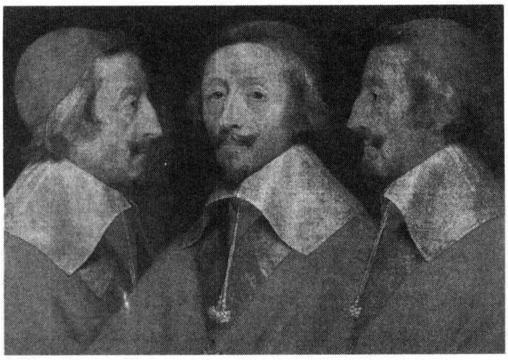
به‌طوری که گفته می‌شود، یکی از یادگارهای وی، بالا بردن اقتدار و عظمت شاه بود و در سیاست خارجی هم نام او همواره بر سر زبان‌ها جای داشت. او توانست امیال خود را به کرسی بنشاند، لیکن امروز تمام آن سیاست‌ها به تاق نسیان سپرده شد.

انکیزیسیون (Inquisition) با انجام توطئه، در صدد برکناری رهبر نقشه می‌کشد. (مکزیک، ۱۶۴۲):

گیلن دِ لامپارت (Guillen de Lampart)، یکی از نجبای اسپانیایی درجه دوّم، در جهت ایجاد محیط وحشت و ترس در انکیزیسیون، در تلاش و کوشش می‌باشد تا مردم را هرچه بیشتر در رعب و هراس نگاه دارد.



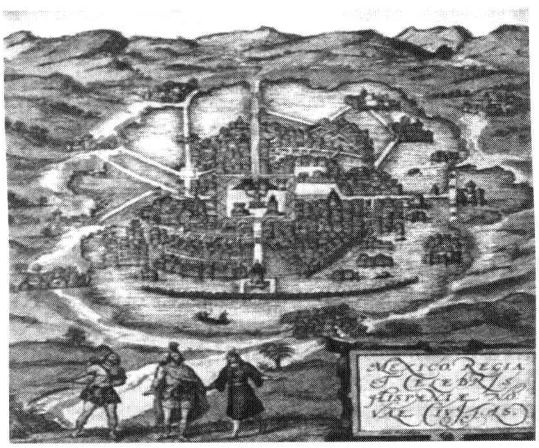
مارچز اسپینولا Marchese Spinola ، نقاشی از وان دیک.



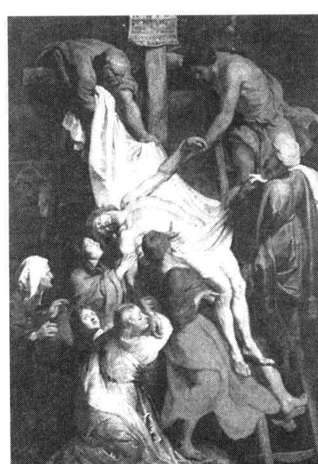
تصویری از سه طرف چهره ی کاردینال ریشلیو Cardinal Richelieu، نقاشی از فیلیپ دوشامپانی Philippe de Champaigne.



اندیمیون پورتر Endymion Porter، نقاشی از وان دیک.



نقشه ی کشور مکزیک. مکزیکوسیتی و کوزکوسیتی Cuzco City، پرو که توسط کارل نه بل Carl Nebel ترسیم شده.



پایین کشیدن صلیب از روبنس.



دوک دولرما Duque de Lerma از روبنسRubens.

او ادعا می‌کند که اسپانیای جدید (مکزیک) مستقل می‌باشد و با طرح نقشه‌یی، خود را فرمانروای این ایالت معرفی کرده و حاکمیت را در دست گرفته است. این دومین بار است که توطئه‌یی نظیر این، در منطقه در حال وقوع می‌باشد. در ۷۶ سال پیش هم، مارتین کورتز (Martin Cortez)، یکی از اعضای گروه اکتشافی اعزامی به دنیای جدید، این چنین ادعایی کرده بود.

دِلامپارت که مدّت‌ها تحت ستم و آزار و شکنجه‌ی حکومت اسپانیا بوده، دو سال پیش به مکزیک آمد و در نظر داشت با لغو مالیات و برده‌داری، نظر توده‌ی مردم را به خود جلب کند و روحانیت و مذهب را بر کشور چیره ساخته و قدرت را به کلیسا بسپارد و تمام امتیازات خانوادگی را در مستعمرات برقرار نماید.

شورشیان ایرلند، ده هزار نفر انگلیسی را کشتند. (ایرلند، ۱۶۴۲):

شورشیان ایرلندی، با یورش به مجتمعی در شهر اولستر (Ulster)، در حدود ده هزار نفر را قتل‌عام کرده و به سوی ایالات انگلیسی‌نشین حرکت کردند.

ظاهراً اختلاف بین پادشاه و پارلمان، کشور را به سوی جنگ داخلی کشانده و ایرلندی‌ها هم از فرصت استفاده کرده و با متّحد شدن با نمایندگان پارلمان، از هر دو سو به طرف شهر کیل‌کنی (Kilkenny) در حرکت می‌باشند که در آنجا به هم ملحق شوند.

شورشیان سخت پای‌بند وفاداری نسبت به چارلز هستند و او را نسبت به نمایندگان پروتستان پارلمان ترجیح می‌دهند. آن‌ها درخواست آزادی عقیده و بیان را دارند که فرقه‌ی کاتولیک هم در مراسم مذهبی مثل سایرین آزاد باشد و نیز از دولت می‌خواهند که اموال و دارایی‌های کلیساها را برگرداند. لیکن تمام شورشیان متّحد نیستند و درخواست‌های متفاوتی دارند. اکثریت افراد انگلیسی - ایرلندی، در پی حمایت دولت از کاتولیک‌ها هستند، در حالی‌که ایرلندی‌های مسن، تقاضا دارند اموال مصادره شده به صاحبان اصلی آن‌ها مسترد شود و به فوریت زبان و آداب و رسوم گالیک (Gaelic) در ایرلند برقرار شود. دولت اسپانیا قصد دارد که سربازان ایرلندی را که در خدمت ارتش بودند، به وطن خود بازگرداند. دولت انگلیس هم قصد دارد که برای کمک به ایجاد ارتش ناتوان انگلیس، کمک مالی بدهد.

پرتغالی‌ها، بندر کلیدی را به نفع هلندی‌ها از دست دادند. (مالاکا (Malacca)، جنوب شرقی آسیا، ۱۶۴۱):

در شش سال پیش، هلندی‌ها راه تجاری پرتغال را به سوی مالاکا مسدود کردند. آن‌ها تمام کشتی‌های پرتغالی را غارت کرده و از بین بردند و اکنون آخرین ضربه را بر پرتغالی‌ها با تسخیر جزیره‌ی مالاکا وارد ساختند.

آن‌ها برای دفاع از بنادر، استحکامات و قلاع جدیدی بنا کردند و ورود تمام کشتی‌های بازرگانی را به آنجا ممنوع ساختند. هلندی‌ها از ناحیه‌ی خلیج‌فارس تا کرانه‌های ژاپن، تمام پایگاه‌های تجاری پرتغال را تحت نظر دارند و تمام داد و ستد سودمند ادویه، از قبیل دارچین، جوز هندی و فلفل را در اختیار گرفته‌اند.

آن‌ها به برکت کشتی‌های نوساز و مدرن و مردان و دریانوردان مجرب و آزموده، هر روزه به پیشرفت‌های تازه‌یی نایل می‌شوند و قدرت اقتصادی کشور را ترقّی می‌دهند. هر دو کشور جمعیت یکسانی دارند (یک میلیون و پانصد هزار نفر)، امّا در ۲۰ سال اخیر، پرتغال جزئی از اسپانیا بوده و تمام ثروت آن را به یغما برده و مردان کشور را هم برای سربازی اجیر کرده است. فرمانروایان هلندی، افرادی مجرب و تعلیم‌دیده و وارد به امور می‌باشند، در حالی‌که رجال پرتغالی، افرادی نالایق و بی‌کفایت هستند.

با مرگ استادان نقّاش فلاندری، دوران آن‌ها به سر آمد. (لندن، نهم دسامبر ۱۶۴۱):

با درگذشت سر آنتونی وان دیک (Sir Anthony Van Dyck) و در پی آن مرگ زودرس سر پیتر پل روبنس (Sir Peter Paul Rubens) در شهر آنتورپ در سال گذشته، دوران رهبری نقاشان فلاندری به پایان رسید.

چارلز، پادشاه انگلیس هم، به پاس خدمات آن‌ها، به‌هر یک لقب شوالیه یا سِر، اعطا کرد.

وان دیک به مدّت ۹ سال سِمَت نقّاش دربار انگلیس را داشت و بیش از ۳۰ تصویر از چارلز و ملکه و هم‌چنین از کودکان زیبای آن‌ها در مراحل رشد تهیه کرد. خانه‌ی او در محله‌ی بلاک فریر (Blackfriars) قرار داشت که چارلز برای ملاقات او، از طریق دریا به آن محله می‌رفت و نوازندگان و دلقک‌های دربار را هم با خود می‌برد و معمولاً با لباس‌های فاخر سلطنتی و همراه زنان زیبارو و دلربا به آنجا می‌رفت. در بین این زنان، زنی به نام مارگارت لمون

امریکای شمالی، ۱۶۷۸
روبر کاوالیه دولاسال (Robert Cavalier de la Salle) کاشف فرانسوی، و فرمانده کشتی وی به‌نام پدر لویی هنه‌پن (Father Louis Hennepin)، نخستین اروپاییانی بودند که موفق به مشاهده‌ی آبشار نیاگارا (Niagara Falls) شدند.
پاریس، ۱۶۷۸
کریستیان هویگنس (Christiaan Huygens) ریاضیدان هلندی رساله‌یی درباره‌ی نور نوشت.
انگلیس، ۱۶۷۸
هنری پرسل (Henry Purcell) آهنگساز و رهبر ارکستر انگلیسی، موزیک و آهنگ نمایش‌نامه‌ی تیمون آتنی (Timon of Athens) نوشته‌ی شکسپیر (Shakespeare) را اجرا کرد.
انگلیس، ۱۶۷۸
جان بونیان (John Bunyan) ناطق و خطیب باپتیست، کتابی به‌نام «پیشروی زائران» را به‌نگارش درآورد. این کتاب داستان سفر فردی است که بخش عمده‌یی از عمر خود را به زیارت اماکن مقدس سپری کرده و شرح مشاهدات خود را به‌روشنی بیان کرده است.
انگلیس، ۱۶۷۸
جان درایدن (John Dryden)، شاعری که جایزه‌ی تاج برگ غار را دریافت داشته، داستانی تراژدی تحت عنوان «سراسر زندگی عشق است» را به‌نگارش درآورده که سراسر آن تعریف از پوریتن‌ها (Puritan) است و خود درایدن هم که ریشه‌ی پوریتن دارد، عقاید آن‌ها را به‌رسمیت شناخته است.
هلند، ۱۶۷۸
زردپوستان ژاپنی برای تحصیل و آموزش به هلند می‌روند.
هلند، پنجم فوریه ۱۶۷۹
فرانسه پیمان صلح را با امپراتوری رم در نیژماگن (Nijmegen) امضا کرد.
نیوانگلند، دهم ژوئیه ۱۶۷۹
پادشاه انگلیس مستعمره‌نشین نیوهمپشایر (New Hampshire) را جزو مستعمرات انگلیس به‌حساب آورد.
هندوستان، ۱۶۷۹
اورنگ زیب امپراتور مغول هند، نوعی مالیات به‌رسم جزیه (Jizya) را به افراد غیرمسلمان حتی آن‌هایی که در ارتش هند کار می‌کنند، تحمیل کرد.
امریکای شمالی، ۱۶۷۹
کاوالیه (Cavalier) کاشف فرانسوی، به منطقه‌یی در سمت شمال مرکزی قاره‌ی امریکا که هنوز روی نقشه نیامده (ایندیانا (Indiana))، مسافرت کرد.
هندوستان، ۱۶۷۹
اورنگ زیب امپراتور مغول دستور داد که بسیاری از معابد هندوها را ویران نمایند.
فرانسه، ۱۶۷۹
کتاب حل‌المسائل حساب دیفرانسیل که برای دانش‌پژوهان ریاضی و به‌وسیله‌ی پی‌یر فرما (Pierre Fermat) تهیه شده بود، پس از مرگ وی انتشار یافت.
فرانسه، ۱۶۷۹
آکادمی سلطنتی نقاشان به‌علت درگیری بین پوسی‌نیست‌ها (Poussinists) و روبنیست‌ها (Rubenists) (هواداران پوسن و روبنس) در اغتشاش فرورفته و تعطیل شد. کارمندان و استادان این آکادمی طرفدار عقاید و روش نیکلاس پوسن (Nicholas Poussin) بودند و از وی حمایت می‌کردند.
رم، ۱۶۷۹
آلساندرو اسکارلاتی (Alessandro Scarlatti) اپرای گلی اکی‌وچی نل آمور (Gli Equivoci nell' Amore) را در رم اجرا کرد.
انگلیس، ۱۶۷۹
ادموند هالی (Edmund Halley) کتابی شامل فهرست و آمار ستارگان نیمکره‌ی جنوبی انتشار داد.
لندن، مه ۱۶۷۹
برخلاف تمایل چارلز دوم، مخالفان حکم دادگاه‌های عمومی در پارلمان، لایحه‌یی را به‌تصویب رساندند که طبق آن هیچ فردی را بدون حکم رسمی دادگاه نمی‌توان بازداشت کرد.

(Margaret Lemon) وجود داشت که از فرط حسادت، یک بار انگشت سبابه‌ی یا دوّم وان دیک را گاز گرفت که دیگر استاد نقّاش نتواند تصاویری به این زیبایی ترسیم کند. او سال گذشته، با خانمی که در انتظار وی بود، ازدواج کرد.

روبنس حتا به امور سیاست وارد بود و به‌عنوان یک دیپلمات خدمت می‌کرد، او بر شش زبان تسلّط داشت و به تمام نقاط اروپا مسافرت کرده بود. وی از طرف چارلز مأمور شد که پیامی برای ایزابلا، نایب‌السلطنه‌ی اسپانیای هلند و از سوی دیگر نامه‌یی برای فیلیپ چهارم، پادشاه اسپانیا، برده و آن‌ها را تشویق به قرارداد صلح کند. چارلز وی را با لقب بزرگ‌ترین خبره‌ی اروپا می‌نامید و تمام کارهای نقّاشی او را خرید. از سوی دیگر، فیلیپ و ماری دومدیسی، ملکه‌ی مادر فرانسه، برای تزئین کاخ خود در لوگزامبورگ (Luxembourg)، تعدادی از تابلوهای نقّاشی او را خریدند. او نمایشگاهی از آثار نقّاشی خود را که بر روی پارچه‌های کرباسی تهیه کرده بود، ترتیب داد در روی تابلوهای او تصاویری از حوریان دریایی و چیزهای مسخره ترسیم شده بود. او انرژی زیادی برای این کار داشت و می‌گفت من هرگز کاری را که تعهد کرده‌ام، هرچند مشکل و طاقت‌فرسا باشد، تا انجام آن رها نخواهم کرد. وی مدّت ۵۳ سال در کاخ دربار زندگی می‌کرد و هنگام بازنشستگی با همسر ۱۶ ساله‌ی خویش و تابلوهایی که مناظر جالبی داشت، آنجا را ترک نمود.

یک گروه نظامی فرانسوی، برای نخستین بار، پس از یکصد سال به پیروزی رسید. (فرانسه، ۱۹ مه ۱۶۴۳):

سپاه فرانسوی تحت فرماندهی دوک اِنگ‌هاین (Enghein)، ارتش اسپانیایی هلند را امروز در روکروا (Rocroi) متلاشی نمود. سواران فرانسوی با حمله بر لشگر پیاده‌نظام اسپانیولی، آن‌ها را قتل‌عام کردند و بقیه سربازان از وحشت پا به فرار گذاشتند.

این دوک ۲۳ ساله که برحسب دستور عموی خود، صدراعظم ریشیلیو، برای اوّلین بار به فرماندهی برگزیده شده بود، در میدان نبرد با استفاده از نیروی جوانی در رأس سواران جنگی به قلب سپاه پیاده‌نظام دشمن تاخت و به سوی دون فرانسیسکو دِ ملو (Don Francisco de Melo) روانه شد تا او را به قتل برساند. در حالی‌که

سربازان آزموده و کارکشته‌ی پیاده‌نظام فرانسوی، اطراف او را گرفته بودند، قوای اسپانیولی با این تهاجم به شکست دچار شدند، به‌طوری که صفوف آن‌ها در هم شکست و با هزیمت از میدان گریختند. آنان تاب مقاومت را از دست داده بودند، چون تلفات آن‌ها را نمی‌توان تخمین زد. این اوّلین پیروزی قوای فرانسوی پس از سال‌ها بود که توانستند زبده‌ترین لشگریان اسپانیولی را از صحنه‌ی نبرد خارج کنند و اِنگ‌هاین هم به‌عنوان یکی از فرماندهان بی‌باک و شجاع ارتش فرانسه به معروفیت رسید.

حمله به ژزوئیت‌ها (Jesuits) (یسوعیون) زنگ خطری به دربار فرانسه بود. (فرانسه، ۱۶۴۳):

نزاع و دعوای شدیدی درباره‌ی آداب مذهبی، بین کلیساهای کاتولیک و مدافعان الهیات هلندی به رهبری کورنلیس یانسن (Cornelis Jansen) درگرفته است.

آن‌طور که آنتوان آرنو (Antoine Arnaud) می‌نویسد، در بسیاری از موارد در آیین عشای ربّانی مباحثات شدید بین شخصیت‌های بزرگ و عالی‌مقام روحانیت درگرفته است. به‌طوری‌که حملاتی از سوی انجمن مسیحیت برعلیه طرفداران ژزوئیت‌ها شده و آن‌ها را مخالف مسیح می‌دانند و این جریان سبب اغتشاشاتی بین طرفین گشته و انجمن عیسوی‌ها (ژزوئیت‌ها) را متّهم به استدلال‌های غیرمنطقی و غیراصولی کرده‌اند. کتابی هم که توسط ژزوئیت‌ها منتشر شده، آرامش کلیسای کاتولیک را بر هم زده و باعث شده که کاتولیک‌ها آن‌ها را خارج از مذهب تلقّی کنند. این جریانات ناراحتی‌هایی در ایمان و فکر مردم به‌وجود آورده و گرفتاری‌های بسیاری را برای مردم ایجاد کرده است.

آزمایشات نشان می‌دهد که هوا روشن و قابل مشاهده نیست. (ایتالیا، ۱۶۴۳):

یکی از شاگردان گالیله به نام توریچلی (Torricelli) در یک لوله‌ی شیشه‌یی که یک طرف آن را بسته و درز آن را گرفته بود، پر از جیوه کرد و سپس در حالی‌که با انگشت، یک سر آن را گرفته بود، آن را وارونه نمود و بدین ترتیب نشان داد که سطح جیوه در لوله شیشه‌یی به تدریج پایین می‌آید و در ۷۵ سانتی‌متری می‌ایستد.

توریچلی با انجام این آزمایش ثابت کرد که فشار هوا باعث می‌شود که سطح جیوه در لوله تا حدّ معینی ثابت باقی بماند و در نتیجه وی فشار هوا را در این لوله اندازه گرفت.

ابرهای جنگ داخلی، بر روی آسمان انگلیس متراکم می‌شود. (انگلیس، ژانویه ۱۶۴۲):

امواج شن‌های روان، به سرعت چارلز را دربرمی‌گیرد. شاه با درگیری طولانی که با پارلمان دارد، کشور را به سوی جنگ داخلی می‌کشاند، در حالی‌که در چند ماه گذشته هیچ کس این فکر به خاطرش خطور نمی‌کرد، فتنه‌هایی که در جریان عملیات جنگی برعلیه شورشیان ایرلندی انجام داد و تلاش‌هایی که با تحمیل کتاب مراسم مذهبی در جهت نارضایتی اسکاتلندی‌ها به عمل آورد و هم‌چنین رفتار بدی که برای کسب پول موردنیاز کرد، سرانجام نمایندگان پارلمان را به گله و شکایت از خویش واداشت و هنوز هم پارلمان انجام خواسته‌های وی را نمی‌پذیرد.

اکنون هم شاه سعی می‌کند عملیاتی را بر ضدّ رهبران کنگره انجام دهد. شاه طی اعلامیه‌یی، پنج نفر از اعضای مجلس عوام را به اتّهام سرپیچی از اوامر خود محکوم کرده، از جمله‌ی این نمایندگان، یکی جان همپدن (John Hampden) مالک بزرگ می‌باشد که از پرداخت مالیات غیرمنصفانه خودداری کرده و دیگری جان پیم (John Pym) مالک ناحیه‌ی سامرست (Somerset) می‌باشند. هنگامی‌که شاه در مقابل نیروهای مسلّح سوگند یاد کرد که بایستی این پنج نفر دستگیر و زندانی شوند، نمایندگان مجلس عوام از این امر طفره رفتند و به گفته‌های وی وقعی ننهادند. در روز دیگر شاه دستور داد که چند صد نفر از مردان جنگی را برای محاصره‌ی پارلمان اعزام کنند، لیکن نمایندگان پارلمان از جهت مصونیت شهر لندن را ترک کردند، و چارلز هم اظهار داشت: پرندگان از قفس پریدند.

در این دوره اجلاس پارلمان از نوامبر ۱۶۴۰ تا به حال به درازا کشیده و تمام این مدّت صرف مجادله و کشمکش بین شاه و پارلمان گشته است.

در ماه گذشته پارلمان ارل استرافورد (earl Strafford)، مشاور عالی شاه را به اتّهام خیانت محکوم کرد. پس از آن پارلمان طی اعلامیه‌یی عملیات شاه را مورد نکوهش قرار داد و در نتیجه روابط بین شاه و مجلس نمایندگان، دچار تیرگی بیشتری شد.

چین، ۱۶۷۹
لی‌یو (Li Yu) نویسنده و داستان‌پرداز چینی، جهان را ترک کرد. نوشته‌های وی اغلب داستان‌های مردمی و حکایات مبتلا به مردم بود، لیکن گاهی داستان‌های زشت را هم به‌نگارش درمی‌آورد. وی هم‌چنین نقاشی هنرمند و دکورساز بود. او مؤلف کتاب فرهنگ هنر چین بود و یک شرکت تئاتر را هم تأسیس کرد.

هندوستان، ۱۶۸۰
با مرگ سیواجی (Sivaji) قهرمان ملی ماراتاس (Marathas)، تصادم و درگیری بین اورنگ زیب امپراتور بزرگ مغول و متحدان ماراتاس مانند راجپوت (Rajputs) آغاز شد.

لندن، مه ۱۶۸۰
پس از آن‌که آماری علیه کارهای جیمز دوک ناحیه‌ی یورک انتشار یافت، پادشاه او را از سمت خود معزول کرد.

نیومکزیکو، اوت ۱۶۸۰
با اخراج نیروهای اسپانیولی از سانتا فی (Santa Fe) توسط سرخ‌پوستان تحت رهبری پوپ (Pope)، آتش جنگ فروکش کرد.

انگلیس، ۲۵ سپتامبر ۱۶۸۰
ساموئل باتلر (Samuel Butler) دانشمند انگلیسی و مؤلف کتاب «هودی‌براس (Hudibras)» شامل اشعار طنز، درگذشت.

نیوانگلند، سپتامبر ۱۶۸۰
یک هیأت از سوی دربار انگلیس جهت جدایی ایالت نیوهمپشایر از ماساچوست اقدامات لازمه را انجام داد.

لندن، ۲۰ نوامبر ۱۶۸۰
جان کول‌پپر (John Culpeper) افسر گمرگات کارولینای جنوبی که به جرم رهبری نخستین شورش مردمی در امریکا محکوم شده بود، از اتهامات وارده تبرئه گردید. او به اتهام مخالفت با قوانین تجارت انگلیس به زندان افتاده بود.

انگلیس، ۳۰ نوامبر ۱۶۸۰
پیتر للی (Peter Lely) هنرمند نقاش هلندی که از سال ۱۶۴۱ در لندن اقامت داشت و در خدمت چارلز اول، کرامول (Cromwell) و چارلز دوم بود، دار فانی را وداع کرد. از وی تعداد ۱۳ تصویر از دریاسالاران انگلیسی که در جنگ دوم با هلند رشادت‌هایی انجام داده بودند، باقی است.

فرانسه، ۱۶۸۰
فرانسوآ لاروش فوکو (Francois La Rochefoucauld) نویسنده‌ی فرانسوی، از دنیا رفت.

پاریس، ۱۶۸۰
تماشاخانه‌ی جدید کمدی فرانسه گشایش یافت.

اقیانوس هند، ۱۶۸۰
آخرین نسل دودو (dodos) در موریسیوس (Mauritius) توسط سربازان انگلیسی کشته شد. در این منطقه مرغ‌های زیبایی وجود داشت که قادر به پرواز نبودند، لیکن برای استفاده از گوشت لذیذ و پرهای رنگارنگی که داشتند، صید می‌شدند.

افریقای غربی، ۱۶۸۰
حاکم‌نشین اسانت (Asante) در سواحل طلا تأسیس شد.

لهستان، هشتم ژانویه ۱۶۸۱
قرارداد صلح رادزین (Radzin) به نبردی که از سال ۱۶۷۸ بین دولت عثمانی به فرماندهی وزیراعظم آن کشور قره‌مصطفی به‌جهت اخراج روس‌ها و لهستانی‌ها از منطقه‌ی اوکراین برپا شده بود، پایان داد. طبق این پیمان، ترک‌ها از ادعای مالکیت اوکراین دست کشیدند.

انگلیس، مارس ۱۶۸۱
چارلز دوم پادشاه انگلیس، از پارلمان انگلیس دعوت کرد که در جلسات خود در شهر آکسفورد به اخراج برادرش جیمز که کاتولیک‌مذهب بود، رأی دهند و او را از جانشینی خود محروم کنند. گفت‌وگوهای آشتی بین دو برادر انجام شد و پارلمان هم پس از یک هفته منحل شد.

فرانسه، ۱۶۸۱
ساختمان کانال دومیدی (Canal du Midi) که از سال ۱۶۶۴ شروع شده بود، پایان یافت. این کانال که ۱۹۲ کیلومتر طول دارد، خلیج گاسکونی (Gascony) را به دریای مدیترانه متصل می‌کند.

هلند، ۱۶۸۱
گرارد تربروخ (Gerard Terbroch) نقاش چهره‌نگار هلندی، در شهر دونتر (Deventer) از دنیا رفت. وی که یکی از نجیب‌زادگان بود، در صحنه‌آرایی یکی از بهترین حریفان ورمیر (Vermeer) به‌شمار می‌رود.

اکنون پارلمان اقدام به گردآوری سرباز برای محافظت از جان نمایندگان نموده و با تقدیم یک لایحه به هیأت رئیسه خواستار تصویب این لایحه شده، هم‌چنین آن‌ها به انتصاب اسقف اعظم مجلس لردان رأی مثبت داده‌اند. در پاییز گذشته هم مجلس تمایل خود را به کاستن از اقتدار شاه اعلام کرد و خواهان کاهش تدریجی این اختیارات شد. به‌هر صورت قدرت شاه دچار تزلزل شده و به‌نظر می‌رسد که به زودی انتقال قدرت صورت بگیرد.

قتل‌عام در برزیل (پرنامبوکو (Pernamboco)، برزیل، ۱۶۴۳):

ساکنان پرتغالی شهر که از سوی قبیله‌ی سرخ‌پوست توپی (Tupi) پشتیبانی می‌شوند، برعلیه اربابان هلندی خویش طغیان کردند. در یک سری عملیات وحشتناک که از سوی هر دو طرف انجام شد، هندیان گرفتار آزار و اذیت شدند که به سبب امور بی‌ارزش بود.

شورش به رهبری یکی از ماجراجویان پرتغالی به نام خائو فرناندز ویرا (Joao Fernandes Vieira)، برای مهار کردن مالیات جدید که به وسیله‌ی کمپانی هلندی هند غربی وضع شده بود، صورت گرفت که تحمیلی از سوی کالوینیست‌ها بر کاتولیک‌ها بود. این شورش در حقیقت دامی در راه اقداماتی بود که کمپانی در سر راه رهبر شورشیان قرار داده بود که رهبر شورش از آن سالم بیرون جست، لیکن ۲۰۰ نفر از سرخ‌پوستان تلف شدند. در این جریان، رییس قبیله‌ی آدم‌خواران تاپوئیا (Tapuia)، توسط ژاکوب راب (Jacob Rabe) هلندی هدایت می‌شد که در نتیجه مردم این قبیله، هندیان مخالف خود را قتل‌عام کردند.

ساکنان تبت (Tibet)، با ساختمان قصر طلایی، رقبای چینی خود را پس زدند. (لهاسا (Lhasa)، تبت، ۱۶۴۳):

در روی کوه، منطقه‌یی که بام دنیا نام دارد، قصری به نام پوتالا (Potala) برای دالایی لاما (Dalai Lama) پنجم در دست ساختمان بود که اکنون به اتمام رسید.

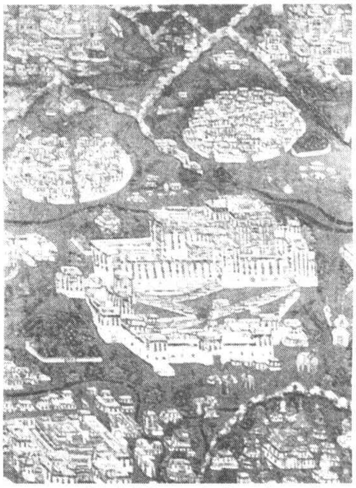
قصر پوتالا که از دور یک توده‌ی قرمز رنگ و طلایی به‌نظر می‌رسد و در میان یک‌سری خانه‌های سفیدرنگ بنا شده، به‌عنوان کاخ زمستانی دالایی‌لاما ساخته شده. این بزرگ‌ترین صومعه برای زیارت اهالی تبت می‌باشد و مردم از دور و نزدیک به زیارت آن می‌روند.



پاپ اوربان Urban هشتم مخالف آرنو Arnaud.



نبرد سرنوشت ساز و قاطع روکروا Rocroi نقاشی از سائوور لوکنت Sauveur Le Conte.



قصر دالایی لاما Dalai Lama در شهر لهاسا Lhasa.



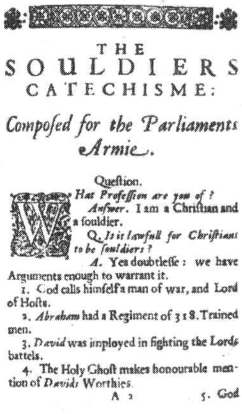
ویلیام بارنستون William Barnston سلطنت طلب.



دادگاه استرافورد Strafford و نفرات محکوم به اعدام.



اولیور کرامول Oliver Cromwell، رهبر پوریتن ها Puritan.



THE
SOULDIERS
CATECHISME:

Compofed for the Parliaments Armie.

Queftion.
W*Hat Profeffion are you of?*
Anfwer. I am a Chriftian and a fouldier.
Q. *Is it lawfull for Chriftians to be fouldiers?*
A. Yes doubtleffe: we have Arguments enough to warrant it.
1. God calls himfelf a man of war, and Lord of Hofts.
2. *Abraham* had a Regiment of 318. Trained men.
3. *David* was imployed in fighting the Lords battels.
4. The Holy Ghoft makes honourable mention of *Davids* Worthies.
A 2 5. God

کتاب انقلابی در مورد مسائل مذهبی



ماهاکالا Mahakala یکی از مدافعان دین بودا در تبت در حال خشم و غضب به کسانی که به دین باور ندارند، سخت حمله می کند. این تندیس با گل و خمیر و استخوان انسانی و مقداری گل ساخته شده.

هلند، ۱۶۸۱
پی‌یر بایل (Pierre Bayle) فیلسوف فرانسوی، در اثر تضییقاتی که به او وارد می‌شد، از فرانسه فرار کرد و به کشور هلند پناهنده شد و به سمت استاد فلسفه‌ی دانشگاه روتردام (Rotterdam) برگزیده شد. او فرزند یکی از وزرای کالوینیست بود که بعداً کاتولیک شد و سرانجام به پروتستان‌ها پیوست.
انگلیس، ۱۶۸۱
توماس بارنت (Thomas Barnet) دانشمند علوم دینی، کتاب «تاریخ قدیسین روی کره ارض» را منتشر ساخت که در طی زمان دچار چه تحولاتی شده است.
فرانسه، ۱۶۸۱
ژان مابیون (Jean Mabillon) یکی از بندیکتن‌های (Benedictine) تارک دنیا، کتابی درباره‌ی دانش و هنر دیپلماسی به‌نگارش درآورد.
مادرید، ۱۶۸۱
پدرو کالدرون دو لا بارکا (Pedro Calderon de la Barca) یکی از بزرگ‌ترین شعرای دراماتیک، دیده از جهان فروبست. اشعار او به‌روشنی هنر کمدی را بیان داشته و به مذهب و باورهای مذهبی، روحی تازه دمید.
چین، ۱۶۸۱
دولت چی‌ینگ (Ch'ing) پس از جنگ طولانی و بزرگ بین‌شهری، کنترل قدرت را از شاهزادگان نیمه‌دیکتاتور جنوب و جنوب‌شرقی چین خارج ساخت و یک دولت مرکزی مقتدر تشکیل داد.
هندوستان، ۱۶۸۱
اکبر فرزند اورنگ زیب امپراطور مغول که شورشی علیه پدرش برپا کرده بود، به منطقه‌ی دکن (Dekhan) گریخت، اورنگ زیب هم به همین بهانه به آن‌جا حمله کرد.
فرانسه، ۱۶۸۱
پس از تسخیر شهر استراسبورگ (Strasbourg) تو سط نیروهای لویی چهاردهم، وی این شهر را ضمیمه‌ی خاک فرانسه کرد.
روسیه، ۱۶۸۱
روسیه به‌منظور توسعه‌ی مرزهای شرقی خود، سرزمین تاتارستان (Tartar) واقع در جلگه‌ی رود ولگا (Volga) را تصرف کرد و با فشار، ساکنان آن‌جا را به دین مسیح درآورد.
مجارستان، ۱۶۸۱
با عهدنامه‌ی سوپرون (Sopron) که بین لئوپولد امپراتور و نجبای مجار منعقد شد، فدراسیون مجارستان تشکیل شد.
انگلیس، ۱۶۸۱
لرد شافتزبوری (Lord Shaftesbury) به اتهام حمایت از توطئه علیه جان‌لاک (John Locke) فیلسوف بزرگ انگلیسی، وی را بازنشسته و از دانشگاه آکسفورد اخراج کردند.
انگلیس، ۱۶۸۱
جان درایدن (John Dryden) شاعر انگلیسی، اشعار زیبایی درباره‌ی دنیای سیاست در لباس طنز و شوخی سرود.
زیمبابوه، ۱۶۸۱
چانگا مایر دومبو (Changamire Dombo) در رأس لشکریانی مشهور به روزوی (Rozvi) به فلات شرقی زیمبابوه (Zimbabwe) حمله‌ور شد و شهر تورو (Torwa) در ناحیه‌ی بوتوآ (Butua) را تسخیر کرده و شهر دانونگومب (Danongombe) را به پایتختی برگزید.
هلند، ۱۴ مارس ۱۶۸۲
یاکوب فان ریزدیل (Jacob Van Rysdael) نقاش هلندی، در شهر هارلم (Haarlem) از دنیا رفت. وی در ترسیم دورنمای دریاها از سایرین پیشی داشت.
اسپانیا، سوم آوریل ۱۶۸۲
بارتولومه استبان موریلو (Bartolome Esteban Murillo) نقاش اسپانیولی، رخت از جهان بربست. وی با نقاشی‌هایی که در صومعه‌ی فرانسیسکن (Franciscan) در شهر سویل (Seville) انجام داد، به شهرت رسید و در سال ۱۶۶۰، به سمت نخستین مدیر آکادمی شهر سویل انتخاب شد. مهم‌ترین اثری که از وی برجا مانده، تصاویری از کودکان روستایی است که بسیار جذاب و زیبا می‌باشد و طبق نظر استادان یکی از بهترین آثار وی محسوب می‌شود.

بنای این قصر، موجب افتخار و مباهات اهالی تبت است و مردم از این موضوع رضایت دارند و سبب حسادت سایر کشورهاست. بدین جهت، برای حفاظت و نگهداری آن، عدّه‌یی مأمور گمارده‌اند که آنجا را از گزند مغول‌ها و چینی‌ها در امان بدارند تا باعث خرابی و ویرانی این مکان مقدّس نشوند.

فیلیپ چهارم، با استعفای مرد راستین خود موافقت نمود. (مادرید، ۱۴ ژانویه ۱۶۴۳):

فیلیپ چهارم با استعفای کنت اولیوارز، نخست‌وزیر پر تحرّک خود، موافقت نمود.

اولیوارز مدّت ۲۰ سال در این پست خدمت می‌کرد، او قربانی تحریکات اطرافیان و به‌ویژه اشراف درباری شد. کنت سال‌ها مخالفت خود را با کاردینال ریشیلیوی فقید ابراز داشته بود و او را دشمن شماره‌ی یک اسپانیا می‌دانست. این دو مرد، همواره در صحنه‌ی شطرنج سیاست اروپا، مراقب حرکات طرف مقابل بودند.

اولیوارز با موافقت و تمایل فیلیپ چهارم و در زمان قدرت خود، تعداد چهار نفر از منشیان خود را که به آن‌ها مشکوک بود، به قتل رسانید. یکی از اشتباهات او این بود که قصد داشت سرزمین هلند را به جهت این‌که به متصرفات اسپانیا در آن سوی دریاها تجاوز کرده بود، دوباره تصرّف کند. از سوی دیگر، چون در نظر داشت که کاتالونیا و پرتغال را هم تحت تابعیت داشته باشد، سبب شورش و طغیان مردم آن نواحی شد.

کرامول (Cromwell)، ریشه‌ی ارتش پادشاه را در منطقه‌ی نیزبی (Naseby) قطع کرد. (نیزبی، انگلیس، ۱۴ ژانویه ۱۶۴۵):

نیروهای نظامی سلطنت‌طلب وابسته به چارلز، امروز در ناحیه‌ی خارج از روستای نیزبی، واقع در نورت‌همپتون‌شایر (Northamptonshire)، دچار شکست سختی شده و همگی تارومار شدند. مهم‌ترین عامل این شکست، انضباط شدیدی بود که بر نیروهای سوار طرف مقابل به فرماندهی اولیور کرامول وجود داشت.

در ابتدای شروع نبرد، به‌نظر می‌رسید که قشون طرفداران شاه، حاکم بر میدان جنگ هستند و با این حساب، هنگ سواره به نیروهای سوار پارلمانی یورش برد. امّا اشتباه آن‌ها این بود که نتوانستند به حمله‌ی خود ادامه

دهند و دشمن را تعقیب کنند. در این هنگام، کرامول با استفاده از فرصت به دست آمده، به بقیه‌ی لشگریان شاه یورش برد و طرفین به شدّت درگیر شدند. سواران زره‌پوش تحت فرماندهی کرامول، در تعاقب دشمن نتوانستند آن‌ها را پراکنده سازند، لیکن آن قدر در میدان جنگ باقی ماندند تا تمام سربازان حریف را از پای درآوردند. بدین ترتیب آن‌ها این نبرد را با پیروزی طرف پارلمان به پایان رسانیدند.

در سال ۱۶۴۲، چارلز در برابر نیروی نظامی خود با کمال تبختر گفته بود: سلطنت‌طلبان از نظر قانون در هر حال برنده هستند و تحریکات دیگران راه به جایی نخواهد برد.

با وجود این، چون پارلمان از پشتیبانی مردم شهرها و مخصوصاً ساکنان شهر لندن برخوردار بود، دریانوردان تمام بنادر را به روی کشتی‌های سلطنتی بستند و از ورود تدارکات و مواد غذایی برای لشگریان پادشاه ممانعت کردند.

تاسمان، دریاهای جنوبی را کشف کرد. (دریای جنوب، ۱۶۴۴):

ابل یانسون تاسمان (Abel Janszoon Tasman)، یکی از ناخدایان هلندی کمپانی هند شرقی، از مسافرت مجدد جهت اکتشاف دریاهای جنوب بازگشت.

او با این سفر افسانه‌یی، موفق به کشف قاره‌ی جنوبی گردید، امّا کمپانی هلندی امیدوار بود در این قاره هم نظیر پیدا شدن دنیای جدید به گنجینه‌هایی دست یابد و بدین منظور دریانوردان را تشویق نمود که سراسر قاره‌ی جنوبی را به‌پیمایند، در نتیجه در طی این سفر، بسیاری از سرزمین‌های جدید کشف شد که تا آن زمان کسی موفق به مشاهده‌ی آن‌ها نشده بود.

تاسمان برای اوّلین بار در سال ۱۶۴۳ـ۱۶۴۴، به سرزمینی رسید و آن را دیمن‌لند (Diemen's Land) نامید و پس از پنج روز بحرپیمایی، به سوی شرق به جزیره‌ی دیگری رسید و آن را اشتاتن‌لند (Staten Landt) نام‌گزاری کرد.

تزار آلکسیس (Czar Alexis)، امپراتور روسیه، سیستم سرف‌داری (Serfdom) را در کشور برقرار کرد. (روسیه، ۱۶۴۸):

قانون جدیدی در روسیه وضع و به مورد اجرا گذاشته شد که برطبق ادعای حکومت بسیار پیشرفته می‌باشد.

در پی خرابی و فساد اجتماعی که در سال‌های اخیر گریبانگیر دولت روسیه شده بود، تزار آلکسیس هم موقعیت خود را در خطر می‌دید و از افول آن به شدّت بیمناک بود، در نتیجه در صدد رفع خرابی‌ها برآمد و قانون جدید بخشی از اقتدار حکومتی را تأمین نمود.

این قانون، حقوق و امتیازات بازرگانان و مالکان عمده را به آنان بازمی‌گرداند و آنان می‌توانند با کسب امتیازات مجدد، رعیت و کارگران را تحت فشار بگذارند. اشراف و مالکان، دوباره میراث نیاکان را به دست می‌آورند و زارعان با این قانون به کشت و زرع می‌پردازند.

سیستم سرفداری، تمام حقوق معنوی و مادی مالکان را تأمین و دارایی آن‌ها را حفظ می‌کند و مالک در حقیقت ارباب زمین و کشاورز خواهد بود و زارع، وابسته به زمین خواهد شد و بدون اجازه‌ی ارباب و مالک، حق انجام هیچ کاری را نخواهد داشت.

امپراتور، زندگی خود را از دست داد. (چین، ۲۵ آوریل ۱۶۴۴):

مینگ چونگ‌شن (Ming Chongzhen)، امپراتور چین، امروز خود را در ساختمان اختصاصی خویش در قصر سلطنتی، به وسیله‌ی کمربند به دار آویخت. خودکشی او در پی خیانت خواجه کائو هواجون (Cao Huajun) بود که دروازه‌ی شهر را به‌روی انقلابیون شانگی‌من (Zhangyi Men) به رهبری لی‌زی چنگ (Lizi Cheng) گشود.

اکنون شهر بجینگ به لی تعلق دارد و بدین طریق داستان زندگی طولانی و مجلّل و پرشکوه سلسله‌ی مینگ خاتمه یافت. آن‌ها در حقیقت سال‌های متمادی، زندگی و اجتماع این کشور را به فساد و خرابی کشانده بودند. بر اثر ضعف و بی‌لیاقتی سران حاکم، روستاییان چینی به خاطر مالیات‌های کمرشکن، اقدام به شورش کردند، از سویی بر اثر تاخت و تاز منچوها در کشور سرانجام سلسله‌ی پادشاهی مینگ سقوط کرد و دولت پادشاهی منقرض شد.

به علّت تهی شدن خزانه‌ی دولت، سربازان ارتش نه پولی دریافت می‌کردند و نه جیره‌ی غذایی داشتند، دیگر روحیه‌یی برای ارتش چین باقی نمانده و همه در یأس و نومیدی به سر می‌بردند. یکی از ژنرال‌های چینی می‌گوید: اگر سربازی را با شلاق تنبیه کنی، او خود برعلیه تو قیام خواهد کرد و سایر سربازان هم جری شده و به دستورهای

امریکای شمالی، نهم اوریل ۱۶۸۲
روبر کاوالیه (Robert Cavelier) (شوالیه) مشهور به لاسال (La Sale) کاشف معروف فرانسوی، سراسر طول رودخانه‌ی می‌سی‌سی‌پی را پیمود و مدعی شد که تمام دره‌ی این رود متعلق به دولت فرانسه می‌باشد. وی این سرزمین را به احترام لویی چهاردهم، لوئیزیانا (Louisiana) نامید.
رم، ۱۱ آوریل ۱۶۸۲
پاپ اینوسان (Innocent) نهم، ژاک بنین بوسوئه (Jacques Benigne Bossuet) رهبر روحانیون فرانسوی را به چهار اتهام مورد تکفیر قرار داد، وی تلاش می‌کرد که کلیسای فرانسه را مستقل و از اقتدار پاپ بکاهد.
مجارستان، ۱۶۸۲
ایمره توکولی (Imre Tokoly) رهبر اشراف پروتستان‌های شورشی که بر ضد امپراتور لئوپولد در چهارسال پیش قیام کرده بود، با حمایت عثمانی به پادشاهی مجارستان رسید.
امریکای شمالی ۱۶۸۲
پوئبلوی (Pueblo) اسپانیولی با قوای نظامی خود که از نیومکزیکو به ایالت تگزاس (Texas) آورده بود، دست به شورش زد و نخستین مهاجرنشین را در این ایالت ایجاد کرد.
اتیوپی، ۱۶۸۲
ایاسوی کبیر (Iyasu the Great) به سلطنت اتیوپی رسید.
پاریس، ۱۶۸۲
ادموند هالی (Edmund Halley) ستاره‌شناس انگلیسی، ستاره‌ی دنباله‌دار را مشاهده و آن را رصد کرد.
انگلیس، نوامبر ۱۶۸۲
شافتبری (Shaftesbury) پس از اقدامات ناموفقی که پس از تبرئه و استخلاص از زندان انجام داد و اقدام به شورش ویگ‌ها (Whigs) کرده بود، از ترس دستگیری مجدد به کشور هلند فرار کرد.
انگلیس، ۱۶۸۲
جان بونیان (John Bunyan) کتابی به اسم «جنگ مقدس» که در آن از نارحتی‌های گوناگون بحث شده است را منتشر کرد.
انگلیس، ۱۶۸۲
ایساک نیوتون (Isaac Newton)، قانون جاذبه‌ی کائنات را کشف کرد و جاذبه‌ی زمین را در عالم گردون و تنهازیستی این کره را به اثبات رسانید، چون اگر نیروی جاذبه‌ی خورشید وجود نداشت، سرنوشت کره‌ی زمین نامعلوم بود.
امریکای شمالی، ۱۶۸۲
ویلیام پن (William Penn) یکی از پیروان مکتب کوآکرها، دو ایالت فیلادلفیا (Philadelphia) و پنسیلوانیا (Pensylvania) را تأسیس کرد.
هلند، ۱۶۸۲
پی‌یر بایل (Pierre Bayle) فیلسوف فرانسوی کتابی به‌نام «تفکراتی درباره‌ی ستاره‌ی دنباله‌دار» را در روتردام منتشر کرد. وی در این کتاب بر ضد خرافات و موهومات می‌پردازد و در همین رابطه سؤالاتی را درباره‌ی جهان ماورای طبیعه و دنیای فراتر از مشاهدات بشری، فارغ از عقاید اخلاقی و مذهبی مطرح می‌سازد.
فرانسه، ۱۶۸۲
دربار سلطنتی لویی چهاردهم در ورسای تشکیل شد.
فرانسه، ۱۶۸۲
هوگونوت‌ها (Huguenots) (پروتستان‌ها) را از صنف تجار، پست‌های دارایی و دربار سلطنتی اخراج کردند.
روسیه، ۱۶۸۲
فئودور (Fyodor) سوم تزار روسیه، فوت شد، در حالی‌که فرزندی نداشت و حتی نامی از جانشین او برده نشد. در این هنگام پسر تزار آلکسیس (Alexis) نه‌ساله را به پادشاهی برداشتند، در حالی‌که گارد سلطنتی مسکو مشهور به استرلتزی (Streltsy) به قیامی خونین دست زدند و پیتر (Peter) نامی را که نابرادری وی بود به‌عنوان دستیار شاه و سوفیا (Sophia) خواهر بزرگ پیتر نیابت سلطنت را عهده‌دار شدند.
ژاپن، ۱۶۸۲
یامازاکی آنسائی (Yamazaki Ansai) فیلسوف ژاپنی، از دنیا رفت. او با پیروی از عقاید فلاسفه‌ی سلسله‌ی سانگ (Song) چینی، روح تازه به دانش فلسفه‌ی ژاپنی دمید و هم‌چنین مدارسی در شهرهای کیوتو (Kyoto) و ادو (Edo) (توکیو (Tokyo)) تأسیس کرد.

مافوق خود اعتنا نخواهند کرد. با این کیفیت فرماندهان لشگر و سربازان و خواجه‌سرایان طغیان کردند که با هیچ اقدامی نمی‌توانستند آن‌ها را ساکت کنند، در نتیجه هنگامی‌که لی (Li) ادعا کرد که امپراتور است، همگان از او استقبال کردند و اطراف او را گرفتند، به امید آن‌که اوضاع کشور بهبود یابد. سرانجام لی سلسله‌ی پادشاهی جدید را به نام شون (Shun)، بنیان نهاد. در این هنگام، اطرافیان لی او را یاری کردند که پایتخت را اشغال نماید و کارمندان دولتی گرچه غارت و چپاول را ترجیح می‌دادند، لیکن به خاطر بهبود وضع کشور آرامش و صلح را برگزیدند.

بدون شک، اگر لی بتواند برای مدّتی اداره‌ی کشور را در اختیار بگیرد و یک دولت قوی تشکیل دهد، قطعاً یک ارتش ناجور و رنگارنگ را تحمّل نخواهد کرد و سعی خواهد کرد که نظام و مقرّرات در ارتش، جایگزین بی‌نظمی و اغتشاش شود تا به کمک آن بتوان از تجاوز فرماندار منچو (Manchu)، شاهزاده دورگون (Dorgon) به سایر نقاط چین جلوگیری به عمل آورد. این فرماندار در حال حاضر، در پشت دیوار بزرگ در ناحیه‌ی شان هایی گوان (Shanhaiguan) مستقر و در انتظار حمله به خاک اصلی چین می‌باشد.

یک فرماندار چینی موسوم به ووسانگویی (Wu-Sangui) هم مأمور حفاظت از دروازه‌های شهر شان‌هایی گوان می‌باشد.

لی قصد دارد که با ۴۰ هزار تائل (Taels) (واحد پول چین)، به تجیهز سپاه پرداخته و به کمک مرزداران بشتابد، همه‌ی جریانات بستگی به این تصمیم لی دارد.

اندیشه‌های دکارت، کلیسا را به ستوه آورده. (پاریس، ۱۶۴۴):

رنه دکارت (Rene Descartes)، فیلسوف فرانسوی، اکنون در تمام اروپا مشهور شده و اندیشه و افکار وی به سرعت در همه جا گسترده شده است.

اندیشه‌ی دکارت به‌طور کلّی روی شک و تردید دور می‌زند و توصیه‌ی او این است: به‌هر چیز و هر مطلب، با نظر تردید بنگر تا به یقین برسی.

به عقیده‌وی، امور زندگی، نظیر جن و پری، انسان را می‌فریبند و در این میان حقیقت گم می‌شود و اگر انسان با تردید به‌هر موضوعی فکر کند، در پی رسیدن به حقیقت برمی‌آید و با تفحص و جست‌وجو در کنه موضوع، به امور

واقعی پی خواهد برد و ساده‌انگاری، برعکس انسان را به انحراف کشانده و از واقعیت دور می‌کند و اساس امنیت و فلاح، در تکاپو و تجسّس نهفته است.

اگرچه نیروی فکری، درک انسانی را بالا می‌برد و قدرت و توان بشر را ترقّی می‌دهد و بسط و توسعه‌ی آن، برای راهنمایی به حقیقت اشیا و معنویات، پایه‌ی زندگی بشر را تشکیل می‌دهد، لیکن کلیسا با آن توافق نداشت و پیروان خود را بنده‌وار به پیروی از دستورات وادار می‌کرد و امکان تشکیک را از آنان سلب کرده بود، زیرا اصولاً با شک و تردید مخالف بود، در نتیجه با افکار دکارت ضدّیت داشت.

کلیسا دکارت را منکر وجود خداوند می‌دانست و وی را ملحد و مرتد خواند، در حالی‌که او سرچشمه‌ی فیاض خداوندی را در درک حقیقت می‌دانست و عقیده داشت برای رسیدن به واقعیت بایستی در همه چیز شک کرد تا وجود خداوندی را با عشق دریافت. دکارت تلاش می‌کرد که پدیده‌ی ساختمان هر جسمی را از نظر فیزیولوژی و فیزیکی بیان کند و منشاء علوم را از فلسفه می‌دانست و عقیده داشت از طریق فلسفه می‌توان به درک مسائل رسید و شگفت آن‌که به اعتقاد وی، اقتدار انسان بستگی به درجه‌ی علمی و تجربی دارد و از راه علم است که انسان می‌تواند از نظر روحی به مقامات عالیه و افکار بلند برسد.

یک ماهی‌فروش، رهبری انقلابیون ناپل را در دست گرفت. (ناپل، ژوئیه ۱۶۴۷):

توماسو آنیللو (Tommaso Aniello)، ماهی‌فروش ۲۷ ساله‌ی دوره‌گرد و بی‌سواد در شهر ناپل، توانست رهبری تظاهرکنندگان ضدّ اسپانیا را در آمالفی (Amalfi) برعهده بگیرد و بهتر از ماسانیلو، جمعیت شورشی را اداره کند.

در روز ۱۶ ژوئیه، فرمانده کل که به ادعای خودش ماسانیلو (Masaniello) نام داشت و در برابر نایب‌السلطنه اسپانیا در ناپل جهت لغو مالیات بر میوه ایستادگی کرد، در میدان مرکاتو (Mercato) به ضرب گلوله کشته شد. به‌طوری که شهرت داشت، وی سازمان‌دهنده‌ی جمعیت تظاهرکننده برعلیه دولت اسپانیا بود.

سران حاکم اسپانیایی حاکم بر ایتالیا، شهرت داده بودند که ماسانیلو به جرم قاچاق تحت پیگرد قرار دارد و در نظر داشتند که وی را بازداشت و زندانی نمایند، لیکن با گردآوری ۸۰۰ نفر، به سوی کاخ نایب‌السلطنه رهسپار شدند و نایب‌السلطنه از ترس فرار کرد.

ماسانیلو در ظاهر فردی اصلاح‌طلب و خواهان بهبودی اجتماع مردم ناپل بود، لیکن در پشت پرده، شخصی به نام جولیو جنوئینو (Giulio Genoino) ۷۰ ساله او را هدایت می‌کرد و ماسانیلو با مشاورزه با او، اقدام به عملیات می‌کرد و ترتیب‌دهنده‌ی تظاهرات در حقیقت جولیو بود.

دانمارکی‌های آزمند، رهبری خود را در دریای بالتیک از کف دادند. (بالتیک، ۱۶۴۵):

حاسدان و ازمندان دربار کریستیان چهارم پادشاه دانمارک، بر پادشاه فشار آوردند که کشورشان باید بر همسایه‌ی خویش سوئد، غلبه کند و آن سرزمین را تحت سلطه قرار دهد.

کریستیان، مدّت‌ها چشم طمع به سرزمین‌های آلمانی‌نشین دوخته بود و اکنون با استخدام ناویان مزدور سوئدی. بخش‌هایی از آن را تسخیر کرده، امّا بزرگ‌ترین اشتباه او این بود که از همین افراد مزدور در ناوگان جنگی کشور استفاده کرد، در حالی‌که این ناویان هرگز برعلیه کشور خود اقدام نمی‌کردند و به همین سبب، در هنگام جنگ به هم‌میهنان خود پیوستند. اگرچه سوئدی‌ها از پرداخت مالیات معاف بودند، معهذا کریستیان مالیات سنگینی بر کشتی‌های سوئدی تحمیل کرده بود.

در دو سال پیش، نیروهای سوئدی از طریق موراوی (Moravia) به دانمارک حمله کردند. در این یورش، نیروهای نظامی هلند هم به آن‌ها پیوستند و این نیروی مشترک، نواحی ژوتلند (Jutland) و اسکان (Skane) را اشغال کردند و برخلاف تصوّر، پس از یک نبرد دریایی، ناوگان سوئد بر ناوگان جنگی دانمارک غلبه کرد و دریای بالتیک را که همواره دانمارک آن را دریای خصوصی خود تلقّی می‌کرد، از انحصار آن کشور خارج شد.

پارلمان، مقرری شاه را قطع کرد. (لندن، ششم دسامبر ۱۶۴۸):

امروز اعضای مجلس عوام، برای تشکیل جلسه در مورد گردآوری سرباز و راننده ارابه‌های جنگی، در وست‌مینستر جمع شدند، امّا کلنل توماس پراید (Colonel Thomas Pride) از ورود نمایندگان به جلسه ممانعت کرد. گروهی از اعضای مجلس عوام و افسران ارتش در



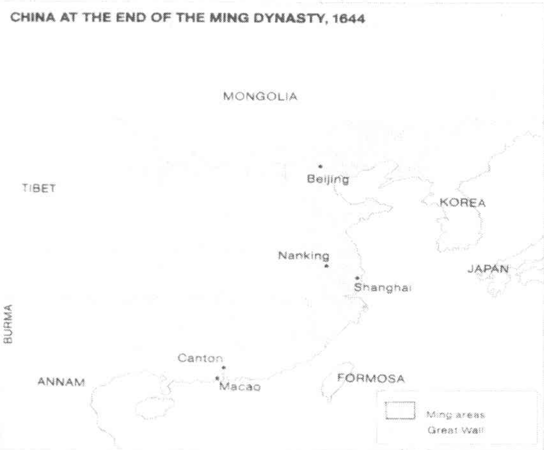
مازانیلو Masaniello با خشم برای جمعیت سخنرانی می کند.



تصویر رنگی بر روی شیشه ی پنجره. سال ۱۶۶۰



گروه سلطنت طلب در شهر چستر Chester، سال ۱۴۶۴.



نقشه ی کشور چین در پایان سلطنت سلسله ی مینگ Ming.



رنه دکارت، فیلسوف فرانسوی.



یک گوبلن از چین با تصاویری از گل های رز درشت (گل صدتوانی)، ققنوس (پرنده ی آتش خوار) و صخره.

جلسه‌یی سری موافقت کردند که در مذاکرات آینده تصمیم بگیرند که مقرری پادشاه قطع شود. از زمانی که لشگریان شاه در میدان جنگ مغلوب شدند، شاه با وجود اختلاف مرامی که با سربازان اسکاتلندی داشت، آن‌ها را ترغیب به حمله به نمایندگان کرد، به منظور این‌که آن‌ها را به ضعف و فتور بکشاند و در نظر عامه مردم تحقیر کند.

اکنون افسران حامی اولیور کرامول (Oliver Cromwell) به فرمان او، بقیه نمایندگان را از ورود به مجلس منع کردند.

فرقه‌های بنیادگرا در صددند که در انگلیس اصلاحات ارضی انجام شود. (انگلیس ۲۴ اکتبر ۱۶۴۹):

گروهی از مردمان فقیر و کشاورز بیل‌به‌دوش در ساعات اوّلیه روز یکشنبه در بلندی‌های سنت جورج واقع در والتون (Walton) در کنار رود تیمز (Thames) جمع شدند تا دولت تکلیف زمین‌های کشاورزی را معلوم کند. آن‌ها زمین‌ها را با بذر ذرت، شلغم و هویج کاشته بودند، امّا در عین حال فقیر و گرسنه بودند، چون زمین‌ها اربابی بود و حاصل کشت آن نصیب او می‌شد، لیکن دهقانان در فقر و فلاکت به‌سر می‌بردند. آنان می‌گفتند که زمین‌ها متعلق به مردم است و مالکان آن را از کشاورزان دزدیده‌اند.

آن‌ها به مالکان محلی هشدار دادند، چون لرد فیرفاکس (Lord Fairfax) سرفرمانده سربازان را دستگیر و بازداشت کرده بودند و به سایر مالکان نیز به این وسیله اخطار دادند عصیانگران با عصبانیت و خشم اعلام کردند که قوانین زمان چارلز را قبول ندارند و جرارد وینستانلی (Gerard Winstanley) یکی از رهبران شورشیان گفت که ملک اربابی دیگر وجود ندارد و زمین‌ها متعلق به همه می‌باشد چون شاه دیگر وجود ندارد و در جنگ شکست خورده است، با این وصف فیر فاکس اعلام کرد که مصادره زمین‌ها غیر قانونی می‌باشد و این یک تجاوز و تخطی به حقوق عمومی است و بابت این‌کار هر نفر بایستی ۴ پوند بپردازد، وینستانلی را هم تحت پیگرد قرار خواهد داد.

گروه کارگران شخم‌زن اعلام کردند پس از جنگ‌های داخلی به بدبختی و فلاکت دچار شده‌اند بنابراین قوانین پیشین باید الغا گردد و جان لیبورن (John Liburne) از پارلمان درخواست کرد که اصلاحات ارضی در کشور انجام شود تا کارگران کشاورز به حقوق از دست‌رفته خود برسند و از سویی آزادی مذهب برقرار شود. آن‌ها اذعان داشتند که پارلمان برای امور جنگی مقادیری پول قرض گرفته و باید آن را تأدیه نماید معهذا ملّت با کمال فروتنی تا آن‌جا که قدرت دارد، به آن کمک خواهد کرد لیکن گروهی عربده جو در حال مستی و پس از میگساری، یاوه‌سرایی می‌کردند و با سوء استفاده از موقعیت با زن‌های ولگرد هم‌صدا شده و خود را روح‌القدس می‌نامیدند.

کنفرانس صلح اروپا تشکیل، و به سی سال جنگ در اجلاس وست‌فالی (Westphalia) پایان داده شد. (مونستر (Monster)، ۲۴ اکتبر ۱۶۴۸):

پس از سه سال که به بهانه دفاع از شهر ۷۰ دستگاه توپ حصار شهر و اطراف را می‌کوبید امروز اعلام شد که قرارداد صلح برای تمام نقاط اروپا امضا شده است، جنگ‌های اروپایی مدّت سی سال تقریبا تمام سرزمین اروپا را در برگرفته و دولت‌ها را در زمین و دریا گرفتار ساخته بود.

البته قرارداد صلح پس از سه سال مذاکره در دو شهر مونستر و اوزنابروک (Osnabruck)، سرانجام در وستفالی به امضا رسید.

جنگ سوئد در منطقه بو هم با شورش پروتستان‌ها بر ضدّ کاتولیک‌های امپراتوری هابسبورگ آغاز شد و سپاهیان فرانسوی هم در زمان جلوس فردیناند سوّم بر تخت پادشاهی با واریا به پیروزی‌هایی دست‌یافته بودند.

قرارداد صلح مقرر می‌دارد که حکومت هابسبورگ به سرزمین آلمان برگردد و کاتولیک‌های این منطقه، هم‌چنان پیرو مذهب خود باقی بمانند، و حکومت آلمان هم تضمین می‌کند که از آزادی مذهب دفاع کند و پیروان سه مذهب کاتولیک، لوتران و کالون هم در اعتقادات خود آزاد باشند، به جز سرزمین میراثی هابسبورگ که مذهب نیاکان خود را خواهند داشت. در همین زمان سرزمین هابسبورگ هم استقلال خود را از سویس بازیافت و این استقلال به رسمیت شناخته شد و ایالات متحده هلند هم از اسپانیا جدا شده و به استقلال رسید. دولت فرانسه نیز منطقه آلزاس و سایر ایالات جدا شده خود را بازیافت.

سوئد ناحیه پومرانیا (Pomerania) را آزاد ساخت و سواحل دریای بالتیک را تحت سلطه قرار داد.

امّا هنوز هم در بوهم آتش جنگ برقرار است، و اروپا مدّت سی سال است که در آتش جنگ‌های پیاپی و وحشتناک می سوزد. اغلب شهرها در این مدّت تحت

المان، ۱۶۸۲
تعلیمات دوره‌ی ابتدایی به‌طور مرتب و دوره‌یی در آلمان اشاعه یافت.
افریقای غربی، ۱۶۸۲
کالادیان کولی‌بالی (Kaladian Coulibaly) پادشاه سگو (Segu) (مالی (Mali)) که از سال ۱۶۵۲ در آن‌جا سلطنت می‌کرد، از جهان رفت. وی قدرت سلطنت را ترقی داد و استقلال آن را در برابر حملات بامبارا (Bambara) تضمین کرد.
انگلیس، ۱۶۸۳
آلژرنون سیدنی (Algernon Sidney) که طرفدار حکومت جمهوری بود و در توطئه‌ی ری‌هاوس (Rye House) بر ضد استوارت (Stuarts) شرکت داشت، اعدام شد. دوک مون‌ماوس (Monmouth) پسر نامشروع چارلز دوم هم به اتهام شرکت در این نقشه تبعید شد.
پنسیلوانیا، ۲۳ ژوئن ۱۶۸۳
ویلیام پن پیمان صلح برادرانه‌یی را با سرخ‌پوستان برای مهاجرنشین جدید امضا کرد.
وین، ۱۳ ژوئیه ۱۶۸۳
نیروهای ترکان عثمانی با حمله به اتریش در اوایل امسال، شهر وین را مسخر کردند.
پاریس، ششم سپتامبر ۱۶۸۳
ژان باپتیست کولبر (Jean Baptiste Colbert) مشاور عالی لویی چهاردهم، وفات یافت. او در تمام دوران زندگی خود فردی فعال بود و وضع اقتصادی کشور را بسیار ترقی داد و همواره در وصول مالیات ایالات نظارت می‌کرد، لیکن وضع مالیات‌های سنگین و کمرشکن برای وی مخالفت‌هایی دربرداشت و مردم وی را ظالم می‌دانستند.
اتریش، ۱۲ سپتامبر ۱۶۸۳
نیروهای نظامی مشترک اتریش و لهستان به فرماندهی شارل لورن (Charles Lorraine) و یوهان سوبیسکی (Johann Sobieski) سوم، قوای ترکان عثمانی را در کالنبرگ (Kahlenberg) شکست دادند.
نیویورک، نوامبر ۱۶۸۳
به فرمان آزادی‌خواهان، پرداخت مالیات اضافی بدون رضایت فرد ممنوع شد.
صربستان (Serbia)، ۲۵ دسامبر ۱۶۸۳
بنا به دستور سلطان محمد چهارم پادشاه عثمانی، قره‌مصطفی وزیراعظم را به جرم شکست قوای عثمانی که قادر به جلوگیری از حمله‌ی اتریش نشده بود، در شهر بلگراد (Belgrade) خفه کردند.
ورسای، ۱۶۸۳
ماری ترز (Marie Therese) ملکه‌ی فرانسه، از دنیا رفت و لویی چهاردهم هم مخفیانه با مادام دومی‌تنون (Madame de Maitenon) که او را دوست می‌داشت ازدواج کرد.
ایسلند (Iceland)، ۱۶۸۳
گادبراندور تورلاکسون (Gudbrandur Thorlaksson) کتاب انجیل را ترجمه و پخش کرد.
آلمان، ۱۶۸۳
دانیل کاسپارفون لوهنشتاین (Daniel Caspar Von Lohenstein) استاد و نویسنده‌ی آلمانی درام‌های عجیب و غریب، از دنیا رفت. وی در حالی جهان را ترک کرد که رمان بزرگ او تحت نام آرمینیوس (Arminius) ناتمام مانده بود.
کریمه، ۱۶۸۳
مراد جیرای (Murat Giray) رهبر تاتارها، به فرمان شاه عثمانی تبعید شد. وی سعی داشت که شبه‌جزیره‌ی کریمه را از سلطه‌ی عثمانی رهایی بخشیده و مستقل سازد و دین اسلام را به سبک قانون خداوندی و کشور را به شیوه‌ی چنگیزخان اداره نماید.
افریقای غربی، ۱۶۸۳
بازرگانان اهل براندنبورگ (Brandenburg)، یک پایگاه تجارتی در ساحل طلا ایجاد کردند.
چین، ۱۶۸۳
بازرگانان هلندی امتیاز بازرگانی با بندر کانتون (Canton) را اخذ کردند.
تایوان، ۱۶۸۳
قوای نظامی چین، جزیره‌ی تایوان (Taiwan) را تصرف و آثار امپراتوری چنگ‌چینگ (Cheng Ching) را از بین بردند.

محاصره قرار داشته و دستخوش نهب و غارت بوده‌اند، در عین حال جنگ و بیماری طاعون قریب به ۵۰ درصد جمعیت را از بین برده و ساکنان شهرها دچار یأس و نومیدی می‌باشند.

بیش از یک‌صد هزار نفر مردان مزدور جنگ‌جو به خاطر گذران زندگی خویش در خدمت ارتش‌های بیگانه بودند که با امضای پیمان صلح بایستی به میهن‌شان بازگردند و چون عایدی آن‌ها قطع شده با تشکیل باند و گروه‌های مختلف دست به سرقت و دزدی می زنند، امّا مردم از این جنگ‌های طولانی خسته شده‌اند و آرزوی پایان آن را دارند.

هزینه بالا و کمرشکن نیروها باعث وضع مالیات‌های سرسام‌آور شده که اشراف و روستاییان را به طغیان و شورش واداشته بود.

مردم به پایان جنگ دلبستگی و علاقه دارند، لیکن هنوز واکنش پادشاهان اروپایی نسبت به آن معلوم نیست، زیرا حکومت‌ها بیشتر به جنگ وابسته هستند و قدرت خود را در آن می‌بینند.

چنین شایع شده که جنگ هشتاد ساله به پایان خود نزدیک است. (مونستر، ۱۶۴۸):

شایعات حاکی از آن است که مذاکراتی برای عقد قرارداد صلح بین دولت اسپانیا و سرزمین هلند در جریان است که به نبرد ۸۰ ساله‌ی آن‌ها خاتمه خواهد داد.

دولت اسپانیا در نظر دارد، چون در جنگ با فرانسه درگیر است، برای احتیاط، قرارداد صلح جداگانه‌یی با هلند و حتا با کاتالان‌ها (Catalonia) امضا کند و از مشکلات خود در پیکار با فرانسه بکاهد. اسپانیا به رغم مخالفت‌هایی که با کالوینیست‌های شمالی کشور دارد، به این مذاکرات تن داده و قصد دارد با کشورهای ساحل پست دریا (هلند و بلژیک) آشتی کند.

در حالی‌که این دولت با عصبانیت و خشم به هلند می‌نگرد و از این‌که هلند به استقلال برسد سخت خشمگین به‌نظر می‌رسد، معهذا به خاطر نبرد با فرانسه مجبور است که از بودجه‌ی نظامی خود بکاهد و قادر نیست در دو جبهه بجنگد. روی این زمینه، به اجبار در قرارداد صلح، تن به موافقت به آزادی تجارت هلند با هند غربی و شرقی داده و حتا متصرفات آن کشور را در فلاندر و برابانت (Brabant) به رسمیت شناخته است.

پادشاه دیوانه را زندانی و سپس به قتل رساندند. (استانبول، هشتم اوت ۱۶۴۸):

ابراهیم، پادشاه سست‌عنصر و علیل و مجنون و برادر مراد چهارم، که پس از مرگ وی به سلطنت رسیده بود را وادار به کناره‌گیری کرده و به هلاکت رساندند.

عزل این پادشاه دیوانه، باعث خوشحالی ملکه ولید مادر او شد، زیرا با اشاره‌ی او و دستور وزیراعظم کشور، ابراهیم را خفه کردند. با کشتن ابراهیم، پسر هفت ساله‌ی او را به پادشاهی منصوب نمودند. مادر ابراهیم در سال ۱۶۴۰ سعی داشت پادشاه وقت را به قتل برساند، لیکن وی با نیرنگ زندگی خود را نجات داد. ابراهیم سعی می‌کرد که اندرون و حرم را به خود اختصاص دهد و دیگران را در این امور دخالت نمی‌داد، معهذا هشت سال را با بی‌رحمی و شقاوت و حرص و آز سپری کرد و در این مدّت حتا مشاغل دولتی را می‌فروخت.

در سال ۱۶۴۴، ابراهیم دستور داد که قره‌مصطفی، صدر اعظم، را به قتل برسانند، لیکن در این امر توفیق نیافت. در سال بعد هم، گرفتار نبرد با ونیز شد که برای کشور هزینه‌ی سرسام‌آوری داشت. مجموعه‌ی این عوامل باعث شد که سران قشون ینی‌چری برعلیه وی به پا خیزند.

قشون قزاق اوکراین (Ukraine)، برعلیه لهستان اقدام کردند. (اوکراین، ۱۶۴۸):

جنگ شدید و سختی در اوکراین یا روسیه‌ی صغیر، بین لهستانی‌ها، روسیه و نیروی قزاق که برادرانه و با شجاعت در راه میهن جان‌فشانی می‌کردند، آغاز شد.

نیروی قزاق در کمال بی‌طرفی، با استفاده از کشتی‌های سبک، به نفع امپراتوری مقدّس رم در دورترین نقاط، یعنی آناتولی (Anatolia) و در راه عقیده‌ی خود، جنگیده بودند، اکنون به پشتیبانی تزار روسیه، برعلیه لهستان قیام کرده و بر ضدّ مالکان لهستانی شورش کرده‌اند. شورشیان به رهبری بوگدان خملینسکی (Bogdan Khmelnitski)، که یکی از اعضای گروه قزاق‌هاست، به نبرد پرداخته‌اند. او در عین حال، از نبرد با اشراف لهستانی سخت هراسناک است. با وجودی‌که نیروهای قزاق از نظر قانونی پایگاهی ندارند، معهذا چاره‌یی جز نبرد به نظرشان نمی‌رسد. قزاق‌ها در گروه‌های مختلف، با حمایت خملینسکی، در حالی‌که هزاران نفر از روستاییان اورتودوکس به آن‌ها پیوسته‌اند، عازم نقاط کاتولیک‌نشین شده و در تلاشند که خود را از قید و بند اربابان کاتولیک برهانند.

مغول‌ها، در هند شهرهای باشکوه بنا می‌کنند. (دهلی، ۱۶۴۹):

شاه جهان، امپراتور مغول هند، هفتمین شهر را در نزدیکی دهلی بنا کرد و نام آن را شاه جهان‌آباد گزارد.

این شهر در ساحل رود جمنا (Jumna) واقع شده و دارای بولوار زیبایی است که سایه‌ی درختان و جریان آب رودخانه، هوای آنجا را خنک کرده است. آب رودخانه‌ی جمنا، سرانجام به بندرگاه سرخ می‌رسد که در آنجا قصر مجلّل و باشکوهی در مرکز پادگان‌ها و قورخانه (مهمّات‌سازی) بنا کرده‌اند. در نزدیکی این مکان هم یک مسجد جامع در محلّ مرتفعی ساخته شده که با باغ‌های اطراف جلوه‌ی خاصی به شهر بخشیده است که در واقع یکی از زیباترین شهرهای هندوستان می‌باشد.

کار ساختمان شهر، پس از مشورت با ستاره‌شناس (منجّم‌باشی) در سال ۱۶۳۸ آغاز شد و بندرگاه قرمز در سال گذشته به اتمام رسید. از ابتدای شروع ساختمان، هر ماهه به شکوه و زیبایی شهر با بنای گنبدهای مرتفع و باغ‌ها افزوده می‌گشت.

شاه جهان آباد، تنها شهری نیست که مغول‌ها ساخته‌اند، بلکه مغول‌ها برای اینکه نشانه‌یی از آنها باقی باشد، شهرهای چندی با چشم‌اندازهای زیبا به وجود آورده‌اند. اکبر، شاه مغول هند، شهر فاتح‌پور سیکری (Fatehpur Sikri)، محل تولد شیخ سلیم کیشتی (Shaikh Salim Chishti) را به‌عنوان مکان مقدس بنا کرد که در چند مایلی شهر دهلی قرار دارد. بنای این ساختمان، با معماری سبک اسلامی و هندو ساخته شده و از این نظر شهرت فراوان دارد.

البته این شهر به خاطر کمبود آب و نداشتن مجاری آب برای استفاده‌ی اهالی، پس از ۱۴ سال متروکه شد. اکبر دومین شهر را برای پایتخت بنا کرد که نسبت به رود جمنا در سطح پایین‌تری قرار داشت، در نتیجه آب رودخانه به شهر سوار می‌شد ولی نسبت به شهر دهلی پست‌تر بود. پسر او، جهانگیز، شهر لاهور را ترجیح می‌داد و آن شهر را به پایتختی برگزید. اکنون شهر شاه جهان پایتخت از دیگر شهرها پیشی گرفته و بر شهرهای دیگر برتری دارد.

پرتغال، ۱۶۸۳
پتر دوم به جانشینی برادرش آلفونسوی (Alfonso) ششم به سلطنت پرتغال رسید. او در زمان سلطنت برادرش نایب‌السلطنه بود.
هلند، ژوئن ۱۶۸٤
نیروهای فرانسوی به فرماندهی مارشال کرکوی (Marshall Crequi)، لوگزامبورگ (Luxembourg) را تصرف کردند.
آلمان، اوت ۱۶۸٤
امپراتور لئوپولد پادشاه آلمان، عهدنامه‌ی ترک مخاصمه‌ی بیست‌ساله با لویی چهاردهم امضا کرد که طبق آن فرانسه، کماکان کنترل استراسبورگ و لوگزامبورگ را در اختیار خود قرار داد.
پاریس، ۳۰ سپتامبر ۱۶۸٤
پی‌یر کورنل (Pierre Corneille) تراژدی‌نویس فرانسوی که با اجرای نمایش‌نامه‌ی « ال سید (Le Cid)» در سال ۱۶۳۶ در شهر پاریس توفانی به‌پا کرده بود، درگذشت.
پاریس، ۱۶۸٤
گوتفرید لایب‌نیتز (Gottfried Leibnitz) فیلسوف آلمانی، در چهارمین رساله‌ی خود حالت ماکزیما (Maximus) و مینیما (Minimus) را در حساب دیفرانسیل ایجاد و آن را تشریح نموده است.
افریقای جنوب‌شرقی، ۱۶۸٤
چانگامایر دومبو (Changamire Dombo)، پرتغالی‌ها را در جنگ مونگوه (Maungwe) شکست داد.
رم، ۱۶۸٤
پاپ اینوسان (Innocent) نهم، با ونیز، اتریش و لهستان یک پیمان مقدس برضد دولت عثمانی به‌وجود آورد.
هلند، ۱۶۸٤
پی‌یر بایل (Pierre Bayle) با انتشار یک‌سری نامه‌هایی درباره‌ی حکومت جمهوری، نظریات ادبا و روشنفکران اروپایی را مورد تجدید نظر قرار داده است.
لندن، ۱۶۸٤
در هنگام زمستان بسیار سرد و غیرعادی شهر لندن، بر روی رود تیمز (Thames) قشر یخ بسیار ضخیمی بسته شد، به‌طوری‌که مردم در خیابان‌های ایجادشده، بر روی زغال کباب درست می‌کردند و هم‌چنین بازی فوتبال و نوعی بازی شبیه بولینگ انجام می‌دادند و حتی به شکار روباه می‌پرداختند. یک داستان حکایت از آن دارد که مشتاقان ورزش‌های زمستانی با اسکیت بر روی یخ‌ها می‌لغزیدند.
ژاپن، ۱۶۸٤
ایهارا سایکاکو (Ihara Saikaku) شاعر و نویسنده‌ی ژاپنی، در یک شبانه‌روز تعداد ۲۳۴۰۰ بیت شعر سرود.
انگلیس، ۱۶ فوریه ۱۶۸۵
با مرگ چارلز دوم، برادر وی جیمز دوم که مقام دوک یورک را داشت، به جانشینی او به پادشاهی انگلیس رسید.
انگلیس، ژوئیه ۱۶۸۵
نیروهای نظامی جیمز دوم در جنگ سج‌مور (Sedgemoor)، دوک مون‌ماوس (Monmouth) فرزند نامشروع چارلز دوم را شکست داده و او را به اعدام محکوم کردند. در ماه قبل به‌دستور جیمز پادشاه انگلیس، مون‌ماوس را به‌مدت دو سال تبعید کردند، چون او در یک توطئه بر ضد پادشاه با عده‌ی کمی از رای‌هاوس (Rye House) به بندر کوچک لایم‌رجیس (Lyme Regis) در منطقه‌ی دورست (Dorset) رفته و خود را پادشاه خوانده بود.
انگلیس، سپتامبر ۱۶۸۵
پس از آن‌که دادگاه جنایی انگلیس که از ۳۲۰ نفر تشکیل شده بود، رأی بر اعدام مون‌ماوس دادند، بنا به فرمان پادشاه، قاضی جورج جفری (George Jeffreys) ریاست دادگاه را به مقام لرد چانسلر (Lord Chancellor) منصوب کردند.
فرانسه، ۱۸ اکتبر ۱۶۸۵
لویی چهاردهم فرمان نانت (Nante) را که در سال ۱۵۹۸ به تصویب رسیده بود و تمام پروتستان‌ها را مورد عفو قرار داده و آزادی مذهبی به آنان اعطا کرده بود را لغو کرد و به تمام فرانسویان اعلام کرد که همه باید از فرمان کلیسای رم تبعیت نمایند.

قبایل گوناگون، سعی دارند که مراکش را در کنترل خود داشته باشند. (مراکش، ۱۶۵۰):

قدرت سلسله‌ی پادشاهی سعدی (Sa'di) رو به کاهش نهاده و قبایل مختلف بر سر فرمانروایی بر مراکش به رقابت برخاسته‌اند. تا سال ۱۶۲۷ و به هنگام مرگ مولای زیدان (Mawlay Zaydan)، او را تنها به اسم شاه مراکش می‌نامیدند.

پس از آن، در شهر تافیلالت (Tafilalt) سلسله‌ی دیگری از خاندان شریف حجاز به فرمانروایی رسید که قدرت آن هم از سلسله‌ی سعدی زیادتر بود. سلسله‌ی علوی هم سعی می‌کرد که کنترل راه اصلی بازرگانی در صحرا را در اختیار داشته باشد، اما مولای محمد، به عنوان شریف، نتوانست مراکش را تسخیر کند.

در حالی‌که شهر فز (Fez) و حومه آن، تحت سلطه‌ی برادران دیلا (Dila) قرار داشت. در ۲۰ سال اخیر، سلسله‌ی دیلا توانسته دامنه‌ی قدرت خود را گسترش دهد و اکنون مناطق شمالی و مرکزی مراکش را در اختیار گرفته است و قدرت سلطان محمد العسکر رو به افول نهاده و حاکمیت خود را از دست داده است.

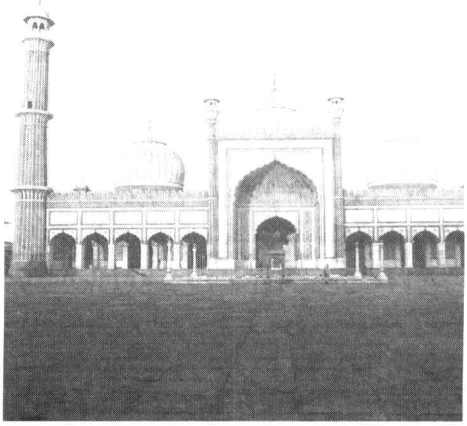
کاردینال، شاه کوچولو را وادار کرد که پایتخت را ترک نماید. (پاریس، ششم ژانویه ۱۶۴۹):

کاردینال ژول مازارن (Jules Mazarin)، نخست‌وزیر دربار فرانسه، اعلام کرد برای مصونیت از دشمن بزرگ شاه، ملکه آن (Anne)، مادر شاه کوچولو و خود او را در این اولین ساعات بامدادی امروز به خارج از پایتخت فرستاده و این تصمیم را با توافق اعضای گروه خود موسوم به فروند (Fronde) اتخاذ کرده است.

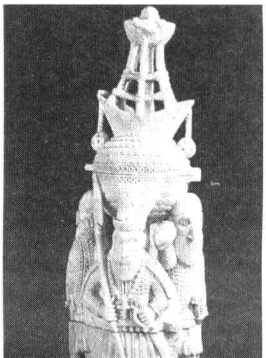
مازارن این کار را به این بهانه انجام داد که گروه‌هایی مرکب از موافقان شاه که طالب اقتدار بیشتر سلطنت بودند و اشراف و زمین‌داران ناراضی که در فکر مقام و موقعیت خود بودند و اکثریت مردم که از بالا بودن نرخ مالیات در عذاب بودند را راضی نگه‌دارد، این مالیات‌ها از زمان کاردینال ریشیلیو وضع شده و جانشین وی مازاران هم سیاست او را تعقیب می‌کند. این گروه‌های ناراضی در نظر داشتند به شورش اقدام کنند و شاه را که اغلب با همبازی‌های خود مشغول بازی بود، بربایند و بدین‌گونه به اهداف خود دست یابند. این گرفتاری در تابستان گذشته در تعقیب پیروزی بر ضدّ سپاهیان اسپانیا در منطقه‌ی لنس



فردریک ویلیام Frederick William، حکمران انتخابی براندنبورگ Brandenburg و الیزابت شارلوتElizabeth Charlotte از دید ماتیاس چویسکیMathias Czwieczek به سلیمان و ملکه ی سبا شباهت تام دارند. فردریک طبق پیمان وستفالی Westphalia مقام اسقف اعظم براندنبورگ را اشغال و یکی از اعضای کلیسای این منطقه شد.



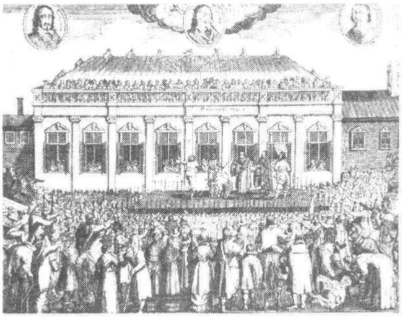
نمای ساختمان و حیاط مسجد جامع شاه جهان آباد دهلی.



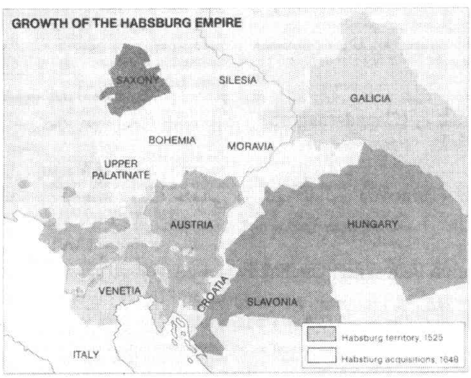
نمکدانی از عاج، حاصل کار هنرمندان افریقایی – پرتغالی.



تصویرهای هجوآمیز درباره ی آنانی که به مساوات فکر می کنند، آیا تمام این مشاغل با هم برابر است، مربوط به سال ۱۶۴۷.



این جمع تظاهر کننده، سرنوشت چارلز پادشاه انگلیس را برای اعدام قلم زد. تابلو از یکی از نقاشان آلمانی و سده های اخیر است.



گسترش قلمرو امپراتوری هابسبورگ.



یکی از اعضای فرقه ی فروندیست Frondist پاریس با حالت خشم مشغول سخنرانی علیه سیاست ظالمانه ی کاردینال مازارن Cardinal Mazarin ، نخست وزیر فرانسه می باشد که زمینه ی شورش را فراهم آورد. این تصویر مربوط به سال های معاصر می باشد.

اسکاتلند، ۱٦٨٥
شورشی که در اسکاتلند به‌خاطر اعدام مون‌ماوس برپا شده بود، سرکوب و رهبر شورشیان ارل منطقه‌ی آرژیل (Argyll) به‌قتل رسید.

آلمان، هشتم نوامبر ۱٦٨٥
فردریک ویلیام پادشاه انتخابی براندنبورگ، طی فرمان پتسدام (Potsdam) اعلام کرد که تمام پروتستان‌ها (هوگونوت‌ها) می‌توانند به براندنبورگ پناهنده شوند.

فرانسه، ۱٦٨٥
قانونی به‌نام سیاه در فرانسه اعلام می‌دارد که بردگان هیچ حقی نسبت به اموال و دارایی خود ندارند و نمی‌توانند صاحب ملک و دارایی شوند و هم‌چنین از حق قضاوت محروم هستند، آن‌ها اجازه دارند که در روزهای یکشنبه استراحت کنند و به انجام عبادات مذهبی کاتولیک بپردازند. از سویی کسانی‌که از این امر و دستور سرپیچی کنند، تبعید خواهند شد.

کارولینای جنوبی، ۱٦٨٥
با لغو فرمان نانت، هوگونوت‌های فرانسه دستاویزی پیدا کردند که به دماغه‌ی امیدنیک مهاجرت و در آن‌جا ساکن شوند.

افریقای غربی، ۱٦٨٥
وگبازا (Wegbaja) فرمانروای داهومی (Dahomey) که خود مؤسس این حاکم‌نشین بود، در آبومی (Abomey) از دنیا رفت و آکابا (Akaba) پسرش جانشین او شد.

افریقای جنوبی، ۱٦٨٥
پروتستان‌های فرانسه مهاجرت خود را به دماغه‌ی امیدنیک آغاز کردند.

چین، ۱٦٨٥
لویی چهاردهم پنج‌نفر از فرانسویان ژزوئیت‌مذهب را به چین فرستاد تا در شهر پکن میسیون مذهبی تشکیل دهند.

مجارستان، هشتم ژوئیه ۱٦٨٦
نیروهای اتریش، شهر بوداپست (Budapest) را از عثمانی پس گرفته و به سرزمین مجارستان دادند.

روسیه، اکتبر ۱٦٨٦
با پیوستن پاپ اینوسان نهم به پیمان مقدس، ناحیه‌ی کی‌یف (Kiev) برای اطمینان از امنیت خود با لهستان قرارداد همکاری امضا کرد، بدین ترتیب روسیه به عثمانی اعلان جنگ داد.

آلمان، ۱٦٨٦
لئوپولد امپراتور آلمان از پیمان متارکه‌ی جنگ که در سال ۱۶۸۴ در راتیسبون (Ratisbon) بسته شده بود، کناره گرفت و به عهدنامه‌ی اوگسبورگ (Augsburg) پیوست، در نتیجه ایالات آلمانی مخالف لویی چهاردهم با همکاری سوئد به فرانسه اعلان جنگ دادند.

هندوستان، ۱٦٨٦
فرانسوی‌ها مؤسسه‌ی چاندرناگور (Chandernagore) را تأسیس کردند.

بلغارستان، ۱٦٨٦
توطئه‌یی بر ضد دولت عثمانی در شهر تارنوو (Tarnovo) کشف شد و سپاهیان عثمانی شهر را تخریب کردند.

مسکو، ۱٦٨٦
سمیون‌فدروویچ اوچاکوف (Semion Fedrovitch Ouchakov) نقاش و قلمزن روسی، از دنیا رفت. او تزیینات و دکوراسیون کلیساها را به‌انجام رسانده بود و بدین‌سبب مشهور شد، اوچاکوف نگارستانی جهت تصویربرداری در مسکو تأسیس کرد.

ایرلند، ژانویه ۱٦٨٧
ریچارد تالبوت (Richard Talbot) ارل ناحیه‌ی تیرکونل (Tyrconnel)، به سمت نایب‌السلطنه‌ی ایرلند انتخاب شد.

امریکای شمالی، ۱۹ مارس ۱٦٨٧
لا سال (La Sale) کاشف فرانسوی، توسط مردان و همراهان خود در حین تحقیق و تفحص سرچشمه‌ی رود می‌سی‌سی‌پی (Mississippi) در ساحل خلیج مکزیک به‌قتل رسید.

انگلیس، ١٤ آوریل ۱٦٨٧
با وجود لغو قانون تحت تعقیب قراردادن افراد به‌سبب عقاید مختلف که در سال ۱۶۷۳ به تصویب پارلمان رسیده بود، جیمز دوم پادشاه انگلیس اعلامیه‌یی به این مضمون انتشار داد که: افراد کاتولیک‌مذهب و پیروان مذهب انگلیکان (Anglican) می‌توانند به مراسم مذهبی خود بپردازند و مورد بخشش و عفو قرار خواهند گرفت.

(Lens) ایجاد شد، چون نایب‌السلطنه احساس کرد که به اندازه‌ی کافی قدرت دارد که سه نفر از منتقدین پارلمان را دستگیر نماید.

بدین جهت راه‌های شهر پاریس را برای جلوگیری از اغتشاش و بی‌نظمی مسدود کرده بودند و مازارن از پارلمان درخواست کرد که برای محدود کردن اقتدار دربار در جست‌وجوی راه‌هایی برآیند.

این ایتالیایی مکار بر سر حرف خود ایستاده و سرانجام هم نیت خود را به مرحله‌ی عمل درآورد. او قصد داشت که کنده‌ی بزرگ دوک اِنگ‌هاین (Grand Conde duke of Enghein) را با خود همراه ساخته و وی را در رأس قدرت هرم فرانسه برای محاصره‌ی پاریس منصوب نماید. در همین حال، اهالی پاریس فریاد می‌زدند: مازارن قاتل، قاتل، قاتل.

ملکه آنگولا با پرتغالیان صلح نمود. (آنگولا، ۱۶۵۰):

پس از سی سال جنگ بین اهالی مبوندو و سپاهیان مستعمراتی پرتغال، سرانجام رهبر مبوندوها (Mbundu)، نزینگا (Nzinga) ملکه ندونگو (Ndongo) و ماتامبا (Matamba)، پیمان آشتی با پرتغال امضا کرد و در سال ۱۶۲۳، پس از این‌که برادر خود را مسموم و به قتل رسانید، به سلطنت رسید و رهبری نبرد با پرتغال را در دست گرفت، ابتدا او قرارداد همکاری با اهالی ژاگا (Jaga) بست و با یاری آنان به ندونگو و ماتامبا یورش برد و آن نواحی را به خاک خود پیوست. پس از گسترش قلمرو خود، با هلندی‌ها پیمان نظامی امضا کرد. او چون به حیله‌گری و مکر هر دو طرف واقف بود، سعی کرد با سیاست آن‌ها را از هم جدا نماید و با هر یک از آنان سیاست مخصوص در پیش گیرد، لیکن این اعمال هزینه‌ی زیادی برای آنگولا داشت، زیرا ده‌ها هزار نفر از مردم آنگولا به هلاکت رسیدند و هزاران نفر هم به بردگی کشیده شدند.

چارلز، پادشاه انگلیس، اعدام شد. (لندن، ۳۰ ژانویه ۱۶۴۹):

ساعت دو بعدازظهر، چارلز، پادشاه انگلیس، از پله‌های چوب‌بست اعدام که خارج از محلّ ضیافت وایت‌هال قرار داشت، بالا رفت. در همین حال اظهار می‌داشت، من استقلال و آزادی را برای افراد ملّت بیش از هر کس دیگر

می‌خواستم و این آزادی و استقلال شامل دولت هم می‌شد، نه این‌که دولت سهم ملّت را از بین ببرد. موضوع سلطنت و حکومت دو امر متفاوت می‌باشد.

پس از آن، چارلز سرِ خود را روی کنده‌ی زیر تبر نهاد و مأمور جلاد با تبر گردن او را قطع کرد و خون او از آنجا به اطراف جاری شد. در همین حال، صدای ناله و فریاد از هر سو بلند شد. مخالفت با شاه از چهار سال پیش که لشگریان او در منطقه‌ی نیزبی (Naseby) شکست خوردند، تشدید شد. در آن هنگام، شاه با تمهیداتی سعی کرد که اثرات این شکست را در اذهان از بین ببرد، لیکن امیدهای وی بر باد رفت و مردم بیشتر برعلیه او تشجیع شدند.

در بدو امر، او از حکومت ایرلند، تقاضای کمک کرد و جواب رد شنید. پس از آن، از کلیسای رم و پاپ یاری خواست که او را در مقام خویش تثبیت کنند و حتا اقرار به مذهب کاتولیک نمود. دست آخر، به حکومت اسکاتلند متمسّک و ملتجی شد که او را به پادشاهی به رسمیت بشناسند تا موقعیت خود را مستحکم کند، لیکن اسکاتلندی‌ها قول وی را نپذیرفتند. اسکاتلندی‌ها مدعی شدند که اگر شاه فرقه‌ی پرسبی‌تارین‌ها (Presbyterian) را بپذیرد و در انگلیس اسکان دهد، از او حمایت خواهند کرد.

به‌هر حال، بقایای اعضای پارلمان در دادگاه عالی کشور، وی را به اتّهام ظلم و بیدادگری، خیانت، قتل، آدم‌کشی و دشمنی با ملّت محکوم کرده و به قتل رسانیدند. در هنگام مرگ وی، سربازان طرفدار او فریاد می‌زدند: قضاوت، قضاوت و موقع جان دادن چارلز، همگی فریاد می‌زدند: خداوند او را نجات دهد.

حکومت روسیه، استحکامات خود را در سیبری گسترش می‌دهد. (روسیه، ۱۶۴۹):

در ده سال گذشته، روسیه پیشرفت قابل ملاحظه‌یی در سرزمین سیبری نموده. در سال ۱۶۳۹، با راه باریکی، به اقیانوس آرام دست یافت و شهر اوخوتسک (Okhotsk) را تصرّف نمود و بدین ترتیب بر تمام منطقه‌ی سیبری تسلّط پیدا کرد.

با تسخیر سرزمین پهناور سیبری، روسیه تأسیسات، پایگاه‌ها و استحکاماتی در سراسر این سرزمین ایجاد کرد. تأسیس این استحکامات، به روسیه اطمینان داد که از این پس می‌تواند مردم این نواحی را تحت کنترل درآورد. اما بخش اعظم ساکنان مناطق شرقی ساحلی، از این مهمانان ناخوانده منزجر شدند و به بخش‌های دیگر کوچ کردند، ولی عدّه‌یی که قادر نبودند، در همان‌جا ماندند و مأموران جمع‌آوری مالیات برای آن‌ها مالیات‌های سنگینی مقرّر داشتند، لیکن اهالی بومی ترجیح می‌دادند که با یکدیگر در استپ‌های سرد زندگی کنند و به شهرهای ساخته شده‌ی روس‌ها نروند تا به پرداخت مالیات‌های گزاف مجبور باشند. آن‌ها می توانستند مالیات خود را به‌صورت کالا، مثل خز، پوست خام و موادی که در محلّ پیدا می‌شود، بپردازند و بدین طریق به خزانه‌ی روس‌ها کمک کنند.

مردم سیبری بسیار جسور و دلیر بودند، لیکن با ورود پیشگامان روسی به آنجا و آوردن آداب و رسوم جدید و چیزهای نو، آن‌ها مجذوب تمدن جدید شدند و اغلب داوطلبانه ترجیح می‌دادند که به این سرزمین پر برکت مسافرت نمایند.

دریانوردی انگلیس، خشم هلندی‌ها را برانگیخته است. (لندن، نهم اکتبر ۱۶۵۱):

روابط بین انگلیس و هلند، تحت‌الشعاع ارتباط بازرگانی بین دو کشور گشته و آن را در آستانه‌ی گسست قرار داده، معهذا، امروز پارلمان از لایحه‌ی درگیری با هلند پشتیبانی نکرد و هنوز هم هلند خود را امیر البحر دریاها می‌داند.

قانون دریانوردی انگلیس، مقرّر می‌دارد که بایستی تمام کالاها، از آسیا، آفریقا و آمریکا، تنها به وسیله‌ی کشتی‌های انگلیسی به این کشور حمل شود. طبق این قانون، کالاهایی که به انگلیس حمل می‌شود، نباید توسط کشتی‌های سایر کشورها وارد شود. لیکن با وصف این‌که این قانون نیاز به تفسیر ندارد، دولت هلند چون بندر آمستردام را یگانه بندر مهمّ اروپا می‌داند، کشتی‌ها را وادار می‌کند که کالاهایشان را در این بندر تخلیه کنند تا از آنجا به سایر نقاط اروپا بارگیری شود.

در ورای این قانون، مقصود دیگری نهفته و آن جنبه‌ی اقتصادی قضیه است که بدین وسیله کرایه‌ی حمل کالا افزوده می‌شود و این به ضرر دولت انگلیس می‌باشد، در ضمن، کالاهایی که در این بندر می‌ماند، ممکن است آلوده به بیماری طاعون به وسیله‌ی موش شود، همچنان‌که این اتّفاق در سه سال پیش رخ داد.

هلند می‌کوشد که از سلطنت مطلقه جلوگیری به عمل آورد. (شهر هاگ (Hage)، ۱۲ ژانویه ۱۶۵۱):

در یادداشت‌های پرنس ویلیام دوّم، شاهزاده‌ی اورانژ، آمده که او کوشش می‌کرد که در اجلاسیه‌ی عمومی که از شاهزادگان حاکم بر ایالات مختلف هلند برای جنگ با اسپانیا تشکیل شده بود، این فکر را پیش آورد که برای جلوگیری از اختلافات آینده، حکومتی بر سراسر کشور به‌وجود آورد.

ویلیام ۲۴ ساله، سال پیش در اثر ابتلای به بیماری آبله و هشت روز قبل از به دنیا آمدن پسر و وارث خویش، از دنیا رفت. ویلیام در این انجمن به همه گوشزد کرد که برای آینده‌ی کشور حکومتی به‌وجود آورند تا از استبداد و دیکتاتوری فردی جلوگیری شود و قانون اساسی طوری تدوین شود که نیاز به تغییر در آینده نداشته باشد.

ویلیام روابط خود را با مجلس استوارت (Stuart) تشدید کرد، زیرا این مجلس با کشورهای مشترک‌المنافع بستگی داشت، در حالی‌که او همواره به سیستم جمهوری فکر می‌کرد و در نظر داشت که کشور را با رژیم جمهوری اداره کند. وی از آن بیم داشت که هر دو طرف سلاح‌هایشان را بر زمین گذارند و این تغییر وضع، ویلیام را خشمگین ساخت.

در این اجلاس، شاهزادگان کالوینیست شمال کشور تلاش می‌کردند که با فرانسه متّحد شوند و در جنگ با اسپانیا به‌طور مشترک عمل کنند و در واقع کشور را تقسیم کنند، لیکن شهرداران ۱۸ بخش جنوبی، در سخنرانی‌های رسمی این طرح را رد کردند، در حالی‌که هیچ‌گونه صمیمیتی در بین آن‌ها نبود. ویلیام، هم‌چون پدرخوانده ی خود چارلز، دستور داد که نمایندگان شش ایالت را در شورای مرکزی دستگیر نمایند، در همان زمان، شهر آنتورپ (Antwerp) توسط قوای ویلیام فردریک، پسرعموی ویلیام، تسخیر شد و بدین ترتیب جنگ داخلی آغاز شد.

زندگانی کثیف و حیوانی که در تبعید به چشم می‌خورد. (پاریس، ۱۶۵۱):

توماس هابس (Thomas Hobbes)، نویسنده‌ی انگلیسی، زندگی تبعیدی در پاریس را در کتابی جدید تحت عنوان فلسفه‌ی سیاست که دولت‌ها بر اشخاص تحمیل می‌کنند را به‌طور روشن و واضح شرح می‌دهد..

لویاتان (Leviathan) (به معنی خدای کوچک و میرا که البته خدای زمینی است) و منظور از آن روابطی است که بین تمام مردم وجود دارد و این روابط بین

مجارستان، ۱۲ اوت ۱۶۸۷
شارل لورن (Charles Lorraine) در نبرد موهاک (Mohacs)، قشون عثمانی را شکست داد.
هندوستان، ۱۶۸۷
اورنگ زیب (Aurangzeb) امپراتور مغول هند، بر سرزمین دکن (Deccan) دست یافت و آن را ضمیمه‌ی گولکوندا (Golconda) کرد.
یونان، ۱۶۸۷
سپاهیان ونیزی به فرماندهی فرانچسکو موروسی‌نی (Francesco Morosini) که اخیراً شهرهای دالماسی (Dalmatia) و موره‌آ (Morrea) را تصرف کرده بودند، در یونان به قوای عثمانی حمله‌ور شدند. آن‌ها ناحیه‌ی کورینت (Corinth) را تسخیر و آتن را محاصره کردند. لشگریان ترک، ساختمان پارتنون (Parthenon) را به انبار باروت و سلاح تبدیل کردند. ونیزی‌ها هم آن‌جا را به توپ بسته و خسارات عمده‌یی بر آن وارد کردند.
استانبول، ۱۶۸۷
شورش و اغتشاش سراسر ایالات دولت عثمانی را فراگرفت که سپاهیان ینی‌چری (Janissaries) به این جریان دامن می‌زدند که سرانجام به برکناری سلطان‌محمد انجامید. با عزل سلطان‌محمد، برادر کوچک‌تر وی سلیمان دوم جانشین او گشت.
انگلیس، ۱۶۸۷
سر ویلیام پتی (Sir William Petty) اقتصاددان و مؤلف کتاب «سیاست طبق واقعیات» که مطالعات زیادی بر روی آمار داشت، جهان را ترک گفت. پتی مقاله‌ای مفصلی هم راجع به قوانین مالیاتی تنظیم کرد، او هم‌چنین ماشین کپی‌برداری را ساخت و قایق‌های دو تیرکی را اختراع کرد. او یکی از نخستین اعضای انجمن سلطنتی انگلیس بود.
مسکو، ۱۶۸۷
در دنباله‌ی علاقه و اشتیاقی که در روسیه نسبت به غرب ایجاد شده بود و رهبران کلیسا باب آشتی را با غرب گشوده بودند، این تصور هم پیدا شد که ارتباط با غرب متضمن خطراتی است، لیکن علاقه‌مندان به علم و دانش یک آکادمی برای آموزش زبان‌های اسلاو (Slav)، یونانی و لاتین تأسیس کردند.
پاریس، ۱۶۸۷
فرانسوا فنه‌لون (Francois Fenelon) رساله‌یی درباره‌ی آموزش دختران تنظیم کرد. وی در این مقاله بحث‌هایی راجع به آموزش بچه‌ها از سنین کودکی را مطرح کرد و معتقد بود قدرت یادگیری و تعلیم در سنین طفولیت بسیار بالاست و کودکان قادرند که آموزش‌های مختلف را فراگیرند.
پنسیلوانیا، ۱۸ فوریه ۱۶۸۸
فرقه‌ی پروتستان‌های اصولگرا که در سده گذشته به منونیت‌ها (Mennonites) معروف و به‌وسیله‌ی آناباپتیست‌ها محکوم شده بودند، نخستین گروهی هستند که در معرض بردگی قرار گرفته‌اند.
مجارستان، نهم مه ۱۶۸۸
مجلس ترانسیلوانی (Transylvania) به تبعیت از هابسبورگ (Habsburg) موافقت کرد.
انگلیس، ۳۱ اوت ۱۶۸۸
جان بون‌یان (John Bunyan) مؤلف کتاب «زائران پیشرفته» دار فانی را وداع کرد.
صربستان، ششم سپتامبر ۱۶۸۸
لشکریان سلطنتی، قشون عثمانی را مغلوب کرده و بلگراد را تسخیر کردند.
اروپا، ۱۶۸۸
در حالی‌که سپاهیان امپراتور لئوپولد فعالانه در بالکان علیه ترکان عثمانی می‌جنگیدند و به پیشرفت‌هایی هم رسیده بودند، لویی چهاردهم بدون اخطار قبلی، نبردی علیه امپراتوری رم آغاز کرد. سپاهیان فرانسوی مناطق پالاتین (Palatinate)، تریه (Trier)، ماینز (Mainz) و کولون (Cologne) را تسخیر کرده و به فرانکونیا (Franconia) و اسوبیا (Swabia) حمله‌ور شدند.
ورسای، ۱۶۸۸
ژول هاردوین مانسار (Jules Hardouin Mansart) مهندس لویی چهاردهم، ساختمان سالن بزرگ تریانون (Trianon) را در قصر ورسای آغاز کرد.
فرانسه، ۲۶ نوامبر ۱۶۸۸
لویی چهاردهم به هلند اعلان جنگ داد.

خدایان فانی زمین و افراد ملّت‌ها می‌باشد که مردم تحت تسلّط خود را همواره در رنج و عذاب می‌دارند.

هابس می‌گوید: انسانیت به کلّی از جامعه رخت بربسته و انسان‌ها باید همیشه در جنگ و زندگانی کثیف و مشابه حیوانات دست به گریبان باشند و به خاطر اربابان موقتی، این عمر مشقّت‌بار را طی کنند، زیرا همیشه آن‌ها را برای تأمین مطامع خود به پیکار با دشمن فرضی، نه حقیقی، می‌فرستند و قربانی می‌کنند.

حاکمان، تنها به خاطر امیال فطری خود، آن‌ها را در بیم و هراس نگاه می‌دارند و همواره از هول مرگ، آنان را روانه‌ی صحنه‌های خطرناک و شوم می‌نمایند و بدون کوچک‌ترین آزادی که در زمره‌ی حقوق هر فردی است، خود را خدا و ارباب رعیت می‌شمارند و حق حیات و زندگی را به‌عنوان خدای زمینی، از آن‌ها سلب می‌نمایند و برده‌وار آنان را وادار به تسلیم اوامر خود می‌نمایند. بدین ترتیب، خود را خدای محلی با قدرت لایتناهی می‌دانند.

هابس باز هم می‌گوید: آن‌ها قدرت خود را فوق‌بشری می‌دانند و در ضمن با مردم ظالمانه رفتار می‌کنند. این مردم نه تنها نماینده‌ی قدرت نیستند، بلکه اراده‌ی خود را در مقابل زورمداران به کلّی از دست داده‌اند.

دو زن قدرتمند که دشمن کشور فرانسه هستند. (پاریس، ۱۶۵۲):

دو نفر زن زیرک و تندخو و بی‌رحم، که زمانی دوست یکدیگر بودند، اکنون به‌طوری که گفته شده، بدترین دشمنان همدیگرند. اولی ملکه مادر، به‌نام آن (Queen Anne)، ملکه‌ی اتریش و مادر لویی چهاردهم، و دیگری یک توطئه‌گر زیبا به‌نام دوشس شوروز (Duchesse Chevreuse) می‌باشد.

زمانی هر دو در توطئه‌ی به قتل رساندن کاردینال ریشیلیو همکاری داشتند، لیکن موفق نشدند. پس از این جریان، ملکه از سوی ریشیلیو متّهم به خیانت شد و دوشس هم تبعید شد. در تبعید هم دوشس دست از تحریکات خود برعلیه ریشیلیو بر نداشت و مخالفانش را بر ضدّ او تهییج می‌کرد. ریشیلیو ملکه را همواره در فشار قرار می‌داد و او هم این فشارها را تحمّل می‌کرد، چون با طنازی و عشوه‌گری، دوک باکینگهام (duke Buckingham) را در انتظار نگاه می‌داشت که در صورت کسب مقام نایب‌السلطنه، او را با خوش‌آمد استقبال کند. او دوشس را با این حیله و نیرنگ برای خود نگه می‌داشت تا در صورت لزوم از او هم در دربار بهره‌مند شود، لیکن موضوع آن طور که پیش‌بینی می‌کرد، نشد و اکنون دوشس با مازارن مخالف می‌باشد، در حالی‌که ملکه مادر او را به نخست‌وزیری برگزیده و عاشق اوست و ریشیلیو ترسناک و مهیب که با او مخالف بود، از دنیا رفته است.

ناویان هلندی، در دماغه‌ی امیدنیک اقامت می‌کنند. (کیپ (Cape)، هشتم آوریل ۱۶۵۲):

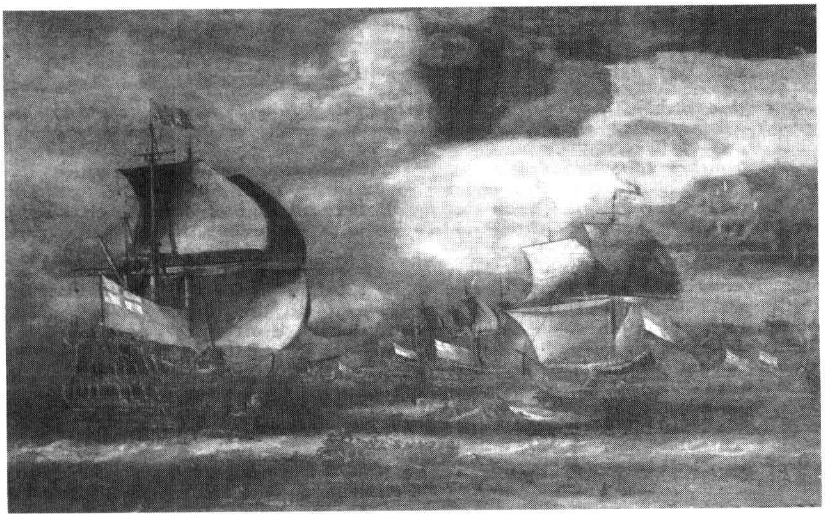
ناوگان اعزامی هلند، پس از پنج ماه دریانوردی، به دماغه‌ی امیدنیک آسیای شرقی رسیدند و از امروز قصد دارند یک پایگاه دریایی دایمی در این منطقه برپا کنند. آن‌ها از این‌که دو قبیله را در این منطقه مشاهده کردند، خیلی خوشحال شدند، به‌ویژه که آن‌ها زبان انگلیسی را سلیس و روان صحبت می‌کنند.

این ناوگان، تحت حمایت کمپانی هلندی هند شرقی و فرماندهی ژاکوب فان ربک (Jacob Van Riebeck) و ۹۰ نفر ناوی قرار داشت. این جاشویان، در سفر، چهار سال پیش، به هند شرقی در وسط راه بین اروپا و مقصد کشتی را شکسته و غرق کردند، زیرا در دریا به آن‌ها سبزیجات و میوه نمی‌دادند، در نتیجه‌ی این خراب‌کاری تعدادی از ناویان غرق شدند و از سرعت حرکت این ناوگان اعزامی کاسته شده بود.

اکنون روشن شده که رَحِم زنان، جایگاه زندگی است. (انگلیس، ۱۶۵۱):

ویلیام هاروی (William Harvey)، پزشک انگلیسی، سرانجام ثمره‌ی ۳۵ سال تحقیق خود را بر روی تولیدمثل حیوانات منتشر ساخت. تحقیقات هاروی بیشتر روی مرغ‌ها و آهوها انجام گرفته و در یک سلسله یادداشت‌های بی‌سابقه انتشار یافته است.

هاروی باور قدیمی را که تصوّر می‌کردند ترشحات بیضه و منی مرد در هنگام قاعدگی به تشکیل جنین می‌انجامد، رد می‌کند، بلکه تخم یعنی اسپرم مرد در



عکسی از نبرد دریایی انگلیس و هلند. کار ایساک اسحق کشتی ساز نقاشIsaac Sailmaker .



تصویر توماس هابسThomas Hobbes، فیلسوف انگلیسی که عقیده داشت انسان ضد انسان است، یعنی روح ستمگری بشر علیه هم نوع خودش غلبه دارد.



ژان پنجم کازیمیر John Casimir پادشاه لهستان.



با وجودی که سی سال از جنگ خانمان سوز و بلای آن می گذرد، این خانواده ی نروژی به داشتن ۱۴ فرزند مباهات می کنند.

زهدان ماده به جنین تبدیل می‌شود و مواد لازم برای رویش و پرورش آن در رحم زن به‌وجود می‌آید، به‌طوری که جنین مدّتی را در رحم حیوان زندگی می‌کند. او به ماماها توصیه می‌کند که جنین به‌طور غریزی در موقع مقرّر متولّد می‌شود و تنها آن‌ها می‌توانند برای بیرون آوردن نوزاد کمک کنند.

سیاست آنارشی و بی‌نظمی در لهستان، مورد مخالفت قرار می‌گیرد. (لهستان، ۱۶۵۲):

لهستان مدّت‌های زیادی را در خواب بود و بی‌نظمی تمام آن سرزمین را فرا گرفته بود. پس از این خواب خرگوشی، سیاستمداران به فکر تشکیل اوّلین پارلمان و انتخاب نماینده افتاده و خواستار لغو حکومت فردی شدند.

ولادیسلاو سیسینکی (Wladyslaw Sicinski) به این امر اعتراض کرد و مخالفت خود را ابراز داشت و در ضمن خواستار تعیین مهلت برای اجرای این موضوع گردید. او از سژم (Sejm) یا پارلمان خواست که مالیات‌ها را افزایش دهند و در غیر این صورت مجلس را منحل و آنان را روانه‌ی خانه‌هایشان خواهد کرد.

نمایندگان هم برای کسب آزادی فردی و حقوق قانونی افراد به پا خاسته و با الغای قوانین قبلی، خواستار تغییر وضع شدند. آن‌ها نتوانستند خواسته‌های ملّت را به کرسی بنشانند و از حقوق ملّی دفاع نمایند و مسؤولیت نمایندگی خود را ادامه دهند، چون کشور با تهدید خارجی مواجه گشت.

جنگ، طاعون و قحطی، اروپا را به ویرانی کشانید. (اروپا، ۱۶۵۰):

مدّت سه سده از بیماری مرگ‌زای طاعون سیاه که منجر به تلفات بی‌شماری در اکثر کشورهای اروپایی شد، می‌گذرد، و حساب این کشتار از شمارش بیرون است و نمی‌توان تلفات آن را تخمین زد. در قرن اخیر، تولیدمثل و زاد و ولد به حدی است که جای مرگ و میرهای گذشته را جبران کرده و آن خرابی‌ها را از بین برده و مردم حالا در انتظار روزهای بهتری برای زندگی می‌باشند. بسیاری از ملّت‌ها در آرزوی کاهش خرابی‌ها و تلفات انسان‌ها به سر می‌برند و خواستار ترقی و توسعه‌ی سرزمین خود می‌باشند.

اروپا از سه موضوع زخم خورده و همواره مردم را تهدید می‌کند: جنگ، طاعون و قحطی.

برخی از کشورها مانند انگلیس، کمتر دچار این وضع شده‌اند، بعضی مانند سرزمین اسپانیا و ایالات آلمانی از این بابت دچار خسارات عظیمی شده‌اند. در این قرن طاعون کمتر از سده چهاردهم کشته بر جای نهاده است.

امّا مهم‌ترین عامل تلفات جنگ است که در این سی سال اخیر موجب ویرانی‌ها و مرگ‌های ناخواسته در تمام قاره شده است.

سوای تلفات زیادی که جنگ سبب آن شده، بیماری‌های گوناگون گسترش بیشتری یافته و عدّه‌ی زیادی را مبتلا ساخته، این بیماری‌ها به زمین‌های کشاورزی صدمات زیادی وارد آورده، زیرا کارگر کشاورز بیمار قادر به کار نمی‌باشد. در نتیجه تولید محصول نقصان یافته و قحطی و کمیابی محصولات غذایی، مردم را دچار بلیه ساخته که مرتب رو به تزاید است. یکی دیگر از مشکلات عمده و بزرگی که در واقع اروپاییان برای دنیای جدید به‌وجود آورده‌اند، این است که با خود امراض گوناگون را به آن قاره بردند و باعث مرگ ۹۵ درصد از اهالی بومی دنیای جدید شدند.

اولیور کرامول، خود را حامی ملّت معرفی کرد. (لندن، ۱۶ دسامبر ۱۶۵۳):

اولیور کرامول (Oliver Cromwell)، ژنرال برجسته‌ی انگلیسی در جنگ داخلی، امروز با لباس سیاه کامل که حاکی از یک شهروند انگلیسی بود، برای قبولی لقب حامی ملّت انگلیس به جای آقای شهردار و رجل برجسته‌ی انگلیسی، در تالار شهر لندن حضور یافت. او پس از دریافت مهر بزرگ شهر و شمشیر به نشانه‌ی حمایت از ملّت، به تالار وایت‌هال رفت و به منظور قدردانی از وی سه تیر توپ شلیک شد.

در چهار سال پیش، سربازان و نظامیان در تلاش بودند که مشکل حکومت را پس از قتل چارلز حل کنند. در ماه آوریل سال پیش، کرامول عدّه‌یی تفنگ‌دار

انگلیس، ۲۸ دسامبر ۱۶۸۸

بنا به دعوت هفت‌نفر از لردان انگلیس از ویلیام اورانژ (William Orange) و همسر انگلیسی وی مری برای بازدید از لندن، آن‌ها با کشتی در ساحل لنگر انداختند و وارد شهر شدند. در همین اثنا جیمز دوم در ماه قبل به فرانسه گریخت.

ایرلند، سوم آوریل ۱۶۸۹

پس از آن‌که جیمز دوم با مقدار زیادی پول که برای لویی چهاردهم به‌همراه داشت در ساحل ایرلند پیاده شد، از پارلمان دوبلین (Dublin) خواست که او را به پادشاهی ایرلند بپذیرند.

نیوانگلند، ۱۹ آوریل ۱۶۸۹

با تحریک و تشجیع ویلیام اورانژ و ماری که در انگلیس پیروزی‌هایی در غیاب جیمز دوم پادشاه انگلیس به‌دست آورده بودند، اهالی بوستون ادموند آندروس (Edmund Andros) فرماندار را از شهر بیرون راندند و خود را تابع نیوانگلند خواندند.

لندن، ۲۱ آوریل ۱۶۸۹

ویلیام سوم و مری دوم به‌عنوان پادشاه و ملکه‌ی انگلیس، اسکاتلند و ایرلند تاجگذاری کردند.

اروپا، مه ۱۶۸۹

کشورهای انگلیس و هلند به پیمان اوگسبورگ (Augsburg) پیوستند.

انگلستان، ۱۷ مه ۱۶۸۹

به‌دنبال تصمیم لویی چهاردهم در حمایت از جیمز دوم، دولت انگلیس بر ضد فرانسه اعلان جنگ داد.

لندن، ۲۴ مه ۱۶۸۹

پارلمان انگلیس قانون تحمل مذاهب گوناگون را تصویب کرد، مبنی بر این‌که تمام مذاهب در کشور آزاد است، مگر پروتستان‌هایی که آن‌ها را از کلیسای انگلیس به جرم این‌که سوگند خورده‌اند که از قانون و رهبری متابعت نکنند، اخراج کردند. کاتولیک‌ها هم شامل این آزادی مذهبی نیستند و این قانون شامل آن‌ها هم نمی‌شود.

آلمان، ژوئن ۱۶۸۹

سپاهیان کینه‌توز فرانسوی مبادرت به قتل و غارت مردم پالاتین (Palatinate) کردند.

اسکاتلند، ۲۷ ژوئیه ۱۶۸۹

ژاکوبیت‌های (Jacobites) اسکاتلند که با حمایت خود به برکناری جیمز دوم از سلطنت یاری رسانده بودند، در نبرد کیلی‌کرانگی (Killiecrankie) در مقابل سپاهیان دولتی به شکست دچار شدند.

ایرلند، یکم اوت ۱۶۸۹

پس از ۱۵ هفته محاصره‌ی شهر لندن‌دری (Londonderry)، توسط نیروهای مشترک فرانسوی ـ ایرلندی این محاصره به شکست انجامید. پروتستان‌های لندن‌دری اعلام کردند از ویلیام و ماری تبعیت خواهند کرد.

سیبری (Siberia)، ششم سپتامبر ۱۶۸۹

چین و روسیه با پیمان صلح نرچینسک (Nerchinsk) موافقت کردند که رودخانه‌های آرگون (Argun) و گوربیتسا (Gorbitsa) و سلسله‌ی جبال استانووی (Stanovoi)، مرزهای دو کشور را تشکیل دهند.

نیویورک، ۱۴ اکتبر ۱۶۸۹

یاکوب لی‌سلر (Jacob Leisler) آلمانی‌نژاد در رأس شورشیان به حمایت از ویلیام و ماری و برعلیه ژاکوبیت‌ها اقدام کرده و نظارت دولت انگلیس را در تمام امور خواستار شدند.

روسیه، ۱۶۸۹

پتر کبیر (Peter the Great) تزار روسیه که از سال ۱۶۸۲ با ایوان پنجم نابرادری خود در سلطنت شریک بود، با ضربه‌یی که بر او وارد آورد، خود به‌تنهایی سلطنت روسیه را اشغال کرد.

آلمان ۱۶۸۹

سپاهیان ائتلاف بزرگ که به پیمان اوگسبورگ پیوسته بودند، توانستند شهرهای ماینز (Mainz) و بن (Bonn) را از نیروهای فرانسوی پس بگیرند.

امریکای شمالی، ۱۶۸۹

نبردهای ائتلاف بزرگ به امریکای شمالی گسترش یافت و به جنگ‌های ویلیام پادشاه انگلیس معروف شد.

لندن، ۱۶۸۹

توماس سیدنهام (Thomas Sydenham) که به بقراط (Hippocrates) انگلیس شهرت داشت، وفات یافت. داروی لودانوم سیدنهام (Laudanum Sydenham) از کشفیات اوست که ترکیب اصلی آن تریاک می‌باشد. سیدنهام هم‌چنین مقاله‌ی مفصلی درباره‌ی بیماری نقرس تألیف کرد.

را برای حفاظت از جان نمایندگان پارلمان فرستاد. این اعضای پارلمانی متشکل از افراد گروهی خداترس بودند، نه از پیروان کلیسای انگلیس و نه حتا از افسران ارتش کشور و این پارلمان را هم به‌نام پارلمان ضعیف و ناتوان یا بیربون (Barebones) (استخوانی) نامیدند که تا هفته‌ی گذشته برقرار بود. اکنون افسران ارتش در صددند که با تمهیدات لازم مجلسی تشکیل دهند تا لرد حامی ملّت را در جلسات خود انتخاب کنند و به این نابسامانی حکومتی پایان دهند.

اسقف ایرلندی، تاریخ آفرینش جهان را تعیین کرد. (آرماگ، ایرلند، ۱۶۵۴):

جیمز آشر (James Ussher)، اسقف شهر آرماگ (Armagh)، با تحقیق و تتبع خود، سال خلقت جهان را تعیین کرد. او پس از سال‌ها مطالعه و تفحّص از روی کتاب عهد عتیق (تورات) سالی که خداوند جهان را آفرید، تاریخ ۴۰۰۴ پیش از میلاد مسیح دانست.

جان لایت‌فوت (John Lightfoot)، یک کشیش دانشمند ایرلندی دیگر، تاریخ دقیق آفرینش را در ساعت ۹ صبح ۲۶ اکتبر ۴۰۰۴ پیش از میلاد تعیین نمود.

ملکه‌ی دانشمند سوئد، از مقام خویش کناره‌گیری کرد. (اوپسالا (Uppsala)، سوئد، ۱۶ ژوئن ۱۶۵۴):

ملکه کریستینا، پادشاه نابالغ سوئد و یکی از سیاستمداران زن اروپایی و پیرو مکتب دکارت، امروز در میان حیرت و افسوس اطرافیانش، از سلطنت استعفا کرد. او جانشین کارل گوستاو (Karl Gustav)، پسرعموی خود شده بود که قبلاً با او ازدواج نمود و تنها یک پسر به نام گوستاو آدولفوس و یک دختر به نام ماریا الینورا (Maria Eleanora) داشت. وی شش ساله بود که پدرش را در سال ۱۶۳۲ از دست داد و در سال ۱۶۴۴ رأساً به‌عنوان ملکه‌ی سوئد انتخاب شد و در این مدّت آکسل اوکسن اشتیرنا (Axel Oxenstierna) نخست‌وزیر، به جای وی نایب‌السلطنه بود. او یکی از زنان نادره‌ی دوران خود و یک زبان‌شناس و دانشمند به‌شمار می‌رود.

او یکی از امضاکنندگان قرارداد وستفالی بود که به جنگ سی ساله اروپا پایان داد و کنترل دریای بالتیک را در اختیار گرفت. وی تمام اراضی وابسته به دربار را فروخت و صرف امور ارتش و تجهیزات آن کرد و دهقانان را هم برعلیه اشراف و مالکان برای کسب حقوق خود برانگیخت و در ضمن کارل گوستاو را هم به جانشینی خود تعیین نمود. او موانع درباری را برای عموم مردم برداشت و با مردم با صمیمیت و دوستی رفتار می‌کرد و شاید علّت استعفای وی گرویدنش به مذهب کاتولیک باشد.

کرامول، زمین‌های کشاورزی ایرلند را به سربازان قدیمی و زخمی بخشید. (ایرلند، ۱۶۵۳):

کرامول، شورش ایرلندی‌ها را در هم شکست و همزمان با آن، اراضی مصادره شده را به سربازان قدیمی که مدّت‌ها در ارتش فعالیت داشتند، بخشید. در حدود دوسوّم از آن‌ها، تمام هستی خود را در راه جنگ با انگلیس از دست داده بودند و یک‌سوّم دیگر هیچ‌وقت با نیروهای نظامی انگلیس نجنگیده و لیکن در اثر شکست ایرلند، هیچ چیز نداشتند.

به دستور مالکان بخش شرقی ایرلند، می‌بایستی دهقانان وابسته به زمین این اراضی را آباد می‌کردند تا محصول بیشتری به دست آورند. کرامول با شکست شورشیان، در آغاز به ده سال عصیان‌گری آن‌ها خاتمه داد و حالت وحشت و ترور را در قلب و مرکز ایرلند از بین برد و ناحیه‌ی غارت زده دروگ‌هدا (Drogheda) را تسخیر کرد. او اهالی این ناحیه را به تسلیم شدن واداشت تا از خونریزی و کشتار جلوگیری شود. وی دو نبرد مهمّ در پیش داشت، اوّل این‌که از تمام افراد سواره‌نظام بخواهد که شمشیرها را بر زمین بگذارند، زیرا روحیه‌ی سربازان داخل پادگان‌ها در این نبردها تضعیف شده و خود را به دست تقدیر و سرنوشت سپردند و سلاح‌های خود را تحویل دادند و کرامول هم برای تشویق آنان سلاح خود را تسلیم کرد و گفت: خداوند قاضی‌القضات می‌باشد و اوست که درباره‌ی همه داوری خواهد کرد.

اسقف مسکو، تکفیر گردید. (مسکو، ۱۶۵۳):

بر اثر اختلافات مذهبی بین کلیساهای ارتودوکس و آتش زدن آن‌ها، هزاران نفر کشته شدند. این جریان، به علّت ظهور فرقه‌ی جدیدی موسوم به معتقدان قدیمی و جدا شدن آن‌ها از کلیسا به‌وجود آمد. رهبر این فرقه به نام آواکوم (Avvakum) را به سیبری تبعید کردند و هزاران نفر از هواداران او را هم حلق‌آویز نمودند.

پس از این اصلاحات، نیکون (Nikon) اسقف مسکو، که فردی روستایی بود و پس از آن به این مقام رسیده بود، اظهار داشت که عقاید این فرقه منشاء قدیمی دارد و در مراسم عشای ربّانی اجرا می‌شده است. آن‌ها در این مراسم، به عوض دو انگشت دست، سه انگشت را برای تصدیق خدای متعال به کار می‌برند و به زبان قدیمی عبری، سبحان‌الله می‌گویند و این حمد خداوند لایزال می‌باشد.

نیکون فردی متفکر بود و از جانب تزار آلکسیس حمایت می‌شد و همواره از اصلاحات مذهبی پشتیبانی می‌کرد، لیکن از اصول سیاست بهره‌یی نداشت، با این وصف مردی فکور و مقید بود. به پیشنهاد او، آواکوم را به سیبری تبعید کردند و در نتیجه تزار از وحشت و هراس شورشیان رهایی یافت، چون شخص تزار از موقعیت خودش بیمناک بود.

ساختمان تاج محلّ به پایان رسید. (اگرا (Agra)، هندوستان، ۱۶۵۳):

رؤیای امپراتور مغول، شاه جهان، با اتمام ساختمان تاج محلّ که به مناسبت مرگ ممتاز محلّ همسر سوگلی وی (انتخاب تاج محلّ به‌عنوان قصری برای گور او بود)، به حقیقت پیوست.

ساختمان تاج محلّ در سال ۱۶۳۱ و دو سال پیش از فوت ممتاز محلّ که ۱۴ فرزند برای شاه جهان زائیده بود، آغاز شد. طراح و معمار این بنا استاد عیسی افندی بود که هنرمندان و صنعت‌گران را برای این کار از سراسر شرق گردآوری نمود.

عموم کسانی که تا این زمان از آنجا بازدید کرده‌اند، در کمال سادگی اظهار می‌دارند که این عمارت مرتفع، یکی از شاهکارهای معماری جهان و شاید مجلّل‌ترین و باشکوه‌ترین آن‌ها باشد که در زمان

امپراتوری مغول هند بنا گردیده است. این بنا نشان می‌دهد که گسترش این امپراتوری تا چه اندازه بوده. معمار و طراح این بنا، یک نفر ایرانی و تزئین‌کننده‌ی مقبره و باغ یک نفر افغانی، طراح تزئینات آن شیرازی، سقف و گنبد آن سبک طراحی عثمانی و مبدع جریان آب همچون آینه، فردی از کشمیر بوده است.

مقبره از سه ساختمان تشکیل شده که شامل یک مسجد می‌باشد که در جنوب آن باغ زیبایی قرار دارد و در سراس این باغ آب جاری است که عکس ساختمان در آب نمایان است و تمام ساختمان هماهنگی کامل دارد و قرینه می‌باشد. در مرکز ساختمان، بنای دو اشکوبه با سقفی شبیه پیاز و در دو طرف آن دو ساختمان هشت گوشه قرار دارد و در اطراف بنا چهار مناره با کوشک‌های هشت گوشه واقع شده که هر کدام از این مناره‌ها در چهار گوشه بنا به پا خاسته‌اند.

یک حکم پنهانی، به هلند اجازه داد که آهسته‌تر عمل کند. (لندن، ۱۵ آوریل ۱۶۵۴):

پیمان صلح وست‌مینستر، که امروز بین انگلیس و هلند امضا شد، به جنگ دریایی کوتاه مدّت بین دو دولت پایان داد. انتقادکنندگان، به کرامول ایراد وارد می‌آورند که او در مذاکرات صلح، روش ملایمت به کار برده است، در حالی‌که هلند در مورد غرق کشتی‌ها و از بین بردن ناوگان تجاری کشور، اقدامات ناهنجاری انجام داده است.

به‌هر حال، اکنون دولت هلند بایستی غرامت ناوگان تجاری انگلیس را بدهد و به ناوگان انگلیس در آب‌های خویش احترام بگذارد و قوانین دریایی را مراعات کند.

علّت این نرمش و ملایمت هلند، دستوری بود که در جریان مذاکرات از سوی مجلس اورانژ، پنهانی به نمایندگان دولت ابلاغ شد و آن این‌که هلند نمی‌تواند با چارلز استوارت (Charles Stuart) همکاری کند. استاندار اورانژ این پیام را محرمانه به نمایندگان مذاکره‌کننده رسانید.

این جریان به ناوگان بازرگانی هلند اجازه داد که تا مدّت‌ها قدرت فائقه خود را در دریاها ادامه دهد و نیازی به همکاری با استوارت نداشته باشد.

امستردام، ۱۶۸۹
مایندرت هوبه‌ما (Meindert Hobbema) نقاش هنرمند هلندی که بیش‌تر بر روی ترسیم دورنما کار می‌کرد، شاهکاری به‌نام کوی‌میدل‌هارنیس (Middelharnis) به‌وجود آورد.

ایرلند، ۱۶۹۰
ویلیام سوم با ناوگان دریایی مشترک انگلیسی ـ ایرلندی در سواحل ایرلند لنگر انداخت.

کانادا، ۱۱ مه ۱۶۹۰
در نخستین درگیری بزرگ ویلیام پادشاه انگلیس، قوای نظامی بریتانیا به فرماندهی سر ویلیام فیپس (Sir William Phips) از ماساچوست (Massachusetts)، بندر سلطنتی آکادیا را از فرانسه پس گرفتند (این منطقه شامل نوااسکوتیا (Nova Scotia) و برونزویک جدید (New Brunswick) می‌شود). منظور اصلی نیروهای انگلیسی اشغال که‌بک (Quebec) می‌باشد.

هلند، یکم ژوئیه ۱۶۹۰
لشکریان فرانسوی تحت فرماندهی مارشال لوگزامبورگ (Luxembourg)، نیروهای ائتلاف بزرگ را در منطقه‌ی فلوروس (Fleurus) منهزم کردند. در این ائتلاف بزرگ علاوه بر انگلیس، هلند و اتریشی‌های هابسبورگ، ترکیبی از سپاهیان ساووی (Savoy)، سوئد، اسپانیا، ارتش امپراتوری مقدس رم، باواریا (Bavaria)، ساکسونی (Saxony) و پالاتین شرکت دارند.

انگلیس، ۱۶۹۰
ناوگان دریایی فرانسه، اکنون مصمم به شکست نیروهای دریایی مشترک انگلیس و هلند در ناحیه‌ی بیچی‌هد (Beachy Head) هستند.

افریقای جنوب‌شرقی، ۱۶۹۰
سپاهیان روزوی (Rozvi) چانگامایر دومبو (Changamire Dombo)، نیروهای مونهوموتاپا نیاکومبایر (Munhumutapa Nyakunembire) را مغلوب کردند.

افریقای غربی، ۱۶۹۰
حاکم‌نشین منطقه‌ی کوچک آژا (Aja) در منطقه‌ی کی‌دا (Quidah) (وی‌دا (Whydah)) در سرزمین داهومی به بندر بزرگی برای لنگرانداختن کشتی‌های اروپایی جهت تجارت برده تبدیل شد. این بندر در سراسر ساحل اقیانوس اطلس یکی از مهم‌ترین بنادر دادوستد برده می‌باشد.

هندوستان، ۱۶۹۰
انگلیس در بندر کلکته (Calcutta) پایگاه تجارتی تشکیل داد.

لندن، ۱۶۹۰
جان لاک (John Locke) فیلسوف انگلیسی، رسالاتی درباره‌ی فهم و ادراک بشری و هم‌چنین حکومت‌های اجتماعی را به‌نگارش درآورد.

پاریس، ۱۶۹۰
ژان دولا بورویر (Jean de la Bruyere) نویسنده‌ی فرانسوی، مجموعه‌یی از ویژگی‌های مردان و زنان امروزی را به‌وجود آورد. این مؤلف برنده‌ی یکی از بزرگ‌ترین جوایز ادبی شد و نیز تعداد زیادی دشمن سرسخت پیدا کرد.

ایرلند، ۱۱ ژوئیه ۱۶۹۰
ویلیام سوم پادشاه انگلیس، جیمز دوم را در نبرد بوین (Boyne) مغلوب کرد.

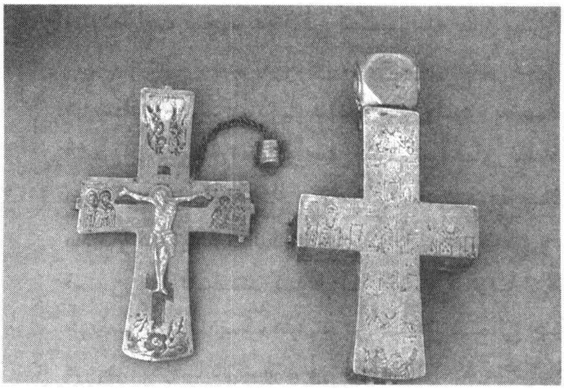
صربستان، هشتم اکتبر ۱۶۹۰
شهر بلگراد بار دیگر به‌وسیله‌ی عثمانی اشغال شد.

نیویورک، ۲۶ مه ۱۶۹۱
یاکوب لی‌سلر (Jacob Leisler) رهبر انقلاب مردمی، در حمایت از رسیدن ویلیام و ماری به سلطنت انگلیس، به جرم توطئه دستگیر و اعدام شد.

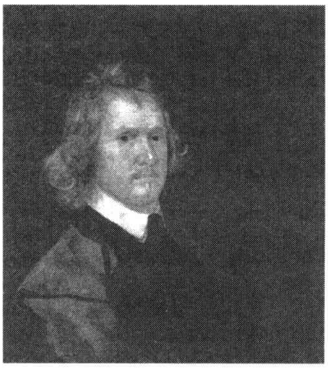
ایرلند، ۱۲ ژوئیه ۱۶۹۱
ویلیام سوم نیروهای نظامی ائتلافی مرکب از ایرلندی ـ فرانسوی را در جنگ اوگریم (Aughrim) شکست داد.

نیوانگلند، ۱۷ اکتبر ۱۶۹۱
استان‌های ماین (Maine) و پلیموت (Plymouth) با ماساچوست یک اتحادیه تشکیل دادند.

ایرلند، ۱۶۹۱
لیمریک (Limerick) رهبر و رییس ژاکوبیت‌ها پس از دو سال مقاومت در برابر ویلیام، سرانجام تسلیم وی شد. براساس پیمان صلح منعقده مقرر شد که کاتولیک‌ها در امور مذهبی آزاد باشند و جزو گروه تسامح و تساهل قرار گیرند و هم‌چنین سربازان ژاکوبیت بتوانند در ایرلند بمانند و جان و مال آن‌ها تضمین شود.



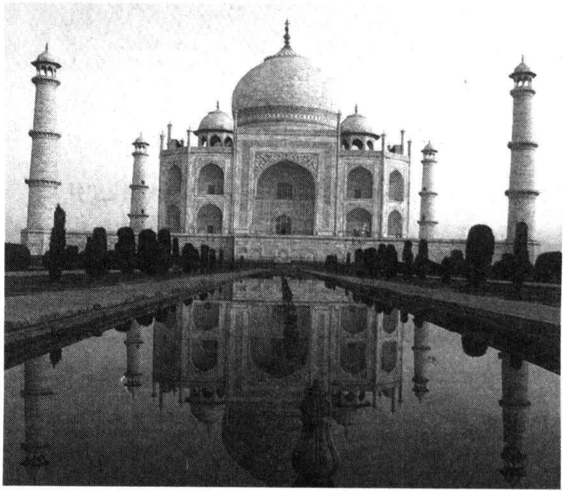
دو صلیب روسی از اشیای متبرکه که کلیسای ارتودکس مزین به تصویر عیسی که به صلیب کشیده شده و حواریون وی.



کرامول Cromwell در تابلویی از ادوارد ماسکالEdward Mascall که در سال های بین ۱۶۵۰-۱۶۶۷ به نقاشی می پرداخت.



ملکه کریستینا، پادشاه سوئد و یکی از مترقی ترین فرمانروایان اروپایی.



شاه جهان که همسر خود را بسیار دوست داشت، دستور داد که بنای یادبودی برای او بسازند. هنرمندان و معماران هم تحت سرپرستی یک معمار اصفهانی، تاج محل را با سنگ مرمر ساختند که یکی از باشکوه ترین بناهای جهان به شمار می رود.



پارچه ی حریر بافت ایران با تصویر دو عاشق دل خسته که در باغی به حالت قهر ایستاده اند و مربوط به دوران صفویه می باشد.

استانبول، ۱۶۹۱
با پشتیبانی فاضل‌مصطفی کوپرپرولو (Coprulu) وزیراعظم عثمانی، احمد دوم به جانشینی برادرش سلیمان دوم به سلطنت رسید.
لندن، ۱۶۹۱
ویلیام دامپیر (William Dampier) مقاله‌یی راجع به سفر دور دنیای خود نوشت. وی در این مقاله چه‌گونگی نزاع در پایگاه‌های تجاری دریایی اسپانیا را در مناطق آنتیل (Antilles) و خلیج مکزیک را شرح می‌دهد، وی با ناوگان دریایی انگلیس این پایگاه‌ها را منهدم ساخت.
اسکاتلند، ۱۳ فوریه ۱۶۹۲
به فرمان ویلیام سوم، نزدیک به چهل نفر از قبیله‌ی ماک‌دونالد (MacDonald) را به جرم همکاری و همراهی با ژاکوبیت‌ها که سوگند خورده بودند که از پادشاه تبعیت نکنند را به‌قتل رساندند.
هلند، سوم اوت ۱۶۹۲
در پی تسخیر منطقه‌ی نامور (Namur) در ماه ژوئن توسط نیروهای فرانسوی، آنان به فرماندهی مارشال لوگزامبورگ، نیروهای انگلیس را در نبرد اشتین‌کرک (Steenkerke) مغلوب کردند.
ماساچوست، ۱۶۹۲
بیست نفر از اهالی را در ناحیه‌ی سیلم (Salem) به جرم جادوگری به هلاکت رساندند.
فرانسه، ۱۶۹۲
نیروهای فرانسوی در نبرد شهر هاگ (Hague) در مقابل ارتش ائتلاف بزرگ دچار شکست سختی شدند.
مکزیک، ۱۶۹۲
شورش مردم مکزیکوسیتی به‌علت کمبود مواد غذایی سرکوب شد.
هلند، ۲۹ ژوئیه ۱۶۹۳
سپاهیان ائتلاف بزرگ در جنگ نیروندن (Neerwinden) در برابر ارتش فرانسه تار و مار شدند.
ورسای، ۱۵ سپتامبر ۱۶۹۳
لویی چهاردهم که در سال ۱۶۸۲ موضع آشتی در مقابل پاپ را رد کرده و به چهار عضو ائتلافی اعلان جنگ داده بود و در پی استقلال فرانسه از کلیسای رم بود، اکنون در جست‌وجوی راهی است که با دربار پاپ صلح کند و روابط حسنه با پاپ ایجاد کند.
آلمان، ۱۶۹۳
نیروهای نظامی لویی چهاردهم، سپاهیان ساکسونی یکی از اعضای ائتلاف بزرگ را نابود کردند.
نیومکزیکو، ۱۶۹۳
پونس دولئون (Ponce de Leon) فرماندار نیومکزیکو این استان را کاملاً در اختیار اسپانیا قرار داد.
جامائیکا (Jamaica)، ۱۶۹۳
انگلیس شهر کینگستون (Kingston) را بنیان نهاد.
افریقای غربی، ۱۶۹۳
دریاسالار توروبل (Tourville)، ناوگان انگلیس را در خلیج گینه (Gulf of Guinea) در اطراف شهر لاگوس (Lagos) مغلوب کرد و در حدود یک‌صد فروند کشتی را تصرف کرد، به‌طوری‌که تقریباً تمام ناوگان اسمیرنا (Smyrna) نابود شد.
ژاپن، ۱۶۹۳
ایهارا سائی‌کاکو (Ihara Saikaku) شاعر و نویسنده‌ی ژاپنی که مردم‌دوست بود، در سن ۵۱ سالگی در شهر اوزاکا (Osaka) دیده از جهان فروبست. وی چندهزار بیت شعر سرود و روش نوینی برای داستان‌سرایی ایجاد کرد. سبک وی به‌نام حکایات جهان مشهور شد.
افریقای جنوب‌شرقی، ۱۶۹۳
چانگامایر دمبو (Changamire Dombo) تمام پرتغالی‌ها را از سرزمین روزوی (Rozvi) در زیمبابوه (Zimbabwe) بیرون راند.
فرانسه، ژوئن ۱۶۹۴
در پی نومیدی و ناچاری از شکست تلاش‌های ناوگان بزرگ دریایی هلند در مقابل نیروی دریایی فرانسه، ژان بار (Jean Bart) فرمانده فرانسوی توانست تمام کشتی‌های شاخ‌دار (مسلح به نیزه‌های جلوی کشتی) و ناوگان کوچک آن‌ها را تصرف کرده و سالم به بندر دونکرک (Dunkirk) ببرد و موانع دریایی انگلیس را هم برطرف سازد.

منچوها، فشار خود را بر روسیه در سیبری تشدید می‌کنند. (سیبری، ۱۶۵۵):

طوایف منچو، به تلافی شکست سه سال پیش در شهر بجینگ توسط نیروهای دولتی چین، فشار خود را در منطقه‌ی سیبری تشدید کردند و جلوی پیشرفت قشون بی‌تفاوت روسیه را سد کردند. نیروهای نظامی منچو، در ابتدا قوای کافی برای نبرد با چین نفرستاده بودند و در نتیجه فعالیت آن‌ها سرانجامی نداشت و در ضمن می‌دانستند که قبایل تاتار که با آن‌ها خویشاوندی نزدیک دارند، در مناطق شمالی چین قرن‌ها سکونت دارند و سعی خواهند کرد که متجاوزان و مهاجمان را دفع کنند. اکنون شهر بجینگ در مقابل تهدید روس‌ها از خواب غفلت بیدار شده است. به هر حال پیروزی روس‌ها سبب شده که چینی‌ها نتوانند آن‌ها را از سواحل اقیانوس آرام برانند و اقدامات چینی‌ها برای تجهیز قوا برای بیرون راندن روس‌ها دیر شده است.

نیروی دریایی اعزامی انگلیس، جامائیکا را تصرّف کردند. (جامائیکا (Jamaica)، ۱۶۵۵):

یک گروه از قوای انگلیس، این جزیره را متصرّف شدند و اکنون در جست‌وجوی پایگاه‌های سربازان اسپانیولی در جنگل می‌باشند. نایب‌السلطنه‌ی اسپانیا در این منطقه قبل از این‌که اقدام به جنگ چریکی در این سرزمین بکند، خود را تسلیم کرد. این امر بر اثر اقدامات اولیور کرامول است که قبلاً بدون این‌که توجّه قوای اسپانیا را جلب کند، پنهانی نیرویی برای حمله به جامائیکا اعزام کرده بود و بدین وسیله قصد داشت منطقه‌ی هند غربی را از چنگ اسپانیا درآورد. در ابتدا قصد وی این بود که سانتودومینگو (Santo Domingo) را مسخّر کند. حملات قوای انگلیس بر اثر اشتباه بزرگی به شکست دچار شد، زیرا مدافعان آنجا با اقدامات شجاعانه نیروهای انگلیس را مجبور به عقب‌نشینی کردند و آن‌ها به اجبار جامائیکا را هـ.ف قرار دادند. دولت انگلیس هم دستور داد که دو نفر فرمانده‌ی سپاهیان را دستگیر و در برج لندن زندانی نمایند.

اسپینوزا، دانشمند یهودی پیرو اصالت عقل، به‌وسیله‌ی یهودیان تبعید شد. (آمستردام، ۲۷ ژوئیه ۱۶۵۶):

باروخ اسپینوزا (Baruch Spinoza)، فیلسوف یهودی که معتقد به اصالت عقل بود را از خانه‌ی خویش در آمستردام به خارج تبعید نمودند. انجمن یهودیان شهر آمستردام، او را به خاطر اعتقاداتش از شهر اخراج نمود.

اسپینوزا که تولیدکننده‌ی عدسی شیشه‌یی بود و به آن وسیله معاش خود را تأمین می‌کرد، در نزد گالیله و دکارت، دروس فلسفه را آموخت و معتقد بود که باید اصلاحاتی در دین یهود صورت گیرد و دین کلیمی حقیقی را به مردم شناساند. اسپینوزا عقیده داشت، خداشناسی و فلسفه دو عقیده‌ی متفاوت است و باید برای جست‌وجوی حقیقت به تلاش پرداخت و علّت و معلول را از هم جدا ساخت. چون علوم جدید هیچ سخنیتی با کتاب عهد عتیق ندارد و این امر قابل قبول نیست.

شاهزادگان رومانی، اقدام به شورش و نزاع کردند. (رومانی (Rumania)، ۱۶۵۵):

پیمان دوجانبه‌یی که توسط سه ناحیه‌ی اصلی حاکم‌نشین رومانی، بین شاهزادگان این مناطق امضا شد، استقلال نواحی مولداوی (Moldavia)، والاشی (Wallachia) و ترانسیلوانی (Transylvania) را تضمین می‌کند. این حرکت باعث شد که از شورش‌های اینده و تکرار عصیان‌ها در این سرزمین‌ها جلوگیری به‌عمل آید. گزارش‌های رسیده حاکی از آن بود که روستائیان این بخش‌ها در اعتراض به این عمل به پا خاسته و عصیان کرده‌اند که آن‌ها هم با اعزام قوای نظامی و جنگ و قتال شورش آن‌ها را فرو نشاندند، لیکن در این جریان هزاران نفر کشته و زخمی شدند. به‌نظر می‌رسد که قدرتمندان صرب و بلغارها کارگران را تحریک به اعتراض نسبت به سیستم سرفداری (کارگر کشاورزی وابسته به زمین) و مخالفت با مالکان زمین‌های کشاورزی و استخدام مزدوران غیربومی اقدام به انقلاب و شورش نموده‌اند.

پرتغالی‌ها، بار دیگر منطقه‌ی رسیف (Recife) را از هلند بازستاندند. (برزیل، ۱۶۵۴):

در پی جنگ‌های پراکنده طی این دو سال اخیر، که بین انگلیس و هلند بر سر تقسیم بعضی مناطق بر پا شده بود، پرتغالی‌ها فرصتی به دست آورند که منطقه‌یی را که در آن نیشکر می‌کاشتند، پس از ربع قرن مجدداً به تصرّف درآورند.

هنگامی‌که نیروهای نظامی پرتغال به شهر و بندر رسیف وارد شدند، ساکنان مستعمرات هلندی منطقه، از ترس منازل و مکان‌های خود را ترک کردند و پایگاه‌های هلندی و روستاهای آن از سکنه خالی شد و همه تسلیم شدند.

این سرزمین توسط مزدوران شرکت هند غربی هلند تصرّف شده بود و عدّه‌ی هم انگلیسی در آنجا سکنی داشتند که کلیساهایی برای پیروان فرقه‌ی پروتستان تأسیس کرده بودند. آنان از ریشه و نژادهای گوناگون و آداب و رسوم مختلف بودند، کاتولیک‌های پرتغالی هم با یهودیان، دو رگه‌ها و سیاه‌پوستان برده مخلوط بودند و به پیشرفت‌های درخشانی هم نایل شده بودند. معهذا زمانی که هلندی‌ها به کشور خود بازگشتند، کشاورزان پرتغالی برزیل با اقدام به شورش به هم پیوستند و مجدداً مستعمرات پرتغالی تأسیس شد.

گردهمایی مردم برای آزمایش، نتیجه‌یی به بار نیاورد. (آلمان، ۱۶۵۴):

اوتوفون گوئریک (Otto Von Guericke)، دانشمند علوم تجربی آلمان، با انجام یک آزمایش، پارلمان یا دیت (Diet) آلمان را به شگفتی و تحیر فرو برد.

فون گوئریک، با یک دستگاه تخلیه‌ی هوا، فشار آتمسفر را تعیین نمود. او قبلاً دو نیمکره‌ی برنجی بزرگ و مناسب و یک اندازه، با حجم مساوی، تهیه کرد و به وسیله‌ی دستگاه تخلیه، هوای آن‌ها را خالی کرد و سپس آن‌ها را به هم متّصل نمود، پس از آن از نیروی اسب برای جدا کردن این دو نیمکره استفاده نمود، لکن به هیچ‌وجه آن‌ها از هم جدا نگشت و نیروی اسب‌ها نتوانست فشار وارده بر آن‌ها را خنثی و از هم جدا کند. این آزمایش نشان داد که فشار جو (اتمسفر) چگونه باعث می‌شود که اجسام از هم نپاشند و به هم

کانادا، ۲۳ اکتبر ۱٦۹٤
سر ویلیام فیپس (Sir William Phips) که با لشکریان گردآورده از مستعمره‌نشین‌ها مدت دو هفته شهر کبک را در محاصره داشت، به گشودن آن توفیق نیافت و نیروهای فرانسه‌ی جدید توانستند پایتخت را نجات داده و قوای انگلیسی را از اطراف شهر برانند.

انگلیس، ۲۸ دسامبر ۱٦۹٤
ملکه ماری از دنیا رفت.

ایران، ۱٦۹٤
شاه سلطان‌حسین صفوی که شیعه می‌باشد، به پادشاهی رسید.

دریای اژه، ۱٦۹٤
حمله‌ی ونیزی‌ها به جزیره‌ی کیوس (Chios) با ضدحمله‌ی سپاهیان عثمانی دفع شد.

لندن، ۱٦۹٤
هنری پارسل (Henry Parcell) نمایش‌نامه‌ی ته‌دوم (Te Deum) درباره‌ی روزهای سن‌سیسیل (St Cecilia) و تیمون (Timon) در آتن را به روی صحنه آورد.

پاریس، ۱٦۹٤
آکادمی فرانسه کتاب لغت «دیکسیونر» را زیرنظر کلود فاور دووگلاس (Claude Favre de Vaugelas) تهیه کرده و انتشار داد.

رومانی، ۱٦۹٤
کنستانیتن برانکووان (Constantin Brancovan) یک آکادمی به‌نام سن‌ساوا (St Sava) در شهر بخارست (Bucharest) تأسیس کرد.

پروس، ۱٦۹٤
دانشگاه هال (Halle) افتتاح شد. ریاست این دانشگاه را پروفسور کریستیان توماسیوس (Christian Thomasius) که یک میهن‌پرست دوآتشه بود و زبان آلمانی را بر لاتین ترجیح می‌داد، عهده‌دار شد. یاکوب اسپنر (Jacob Spener) رییس دانشکده‌ی الهیات آن‌جا یک دانشگاه دیگری به‌نام پرهیزکاران تأسیس کرد که همواره برعلیه افراد لامذهب تبلیغ می‌کرد و پیرو کلیسای لوتران (Lutheran) بود.

هندوستان، ۱٦۹٥
مدرسه‌ی فیرانجی‌محل (Firangi Mahal) که مخصوص طلاب علوم دینی اسلام است، تأسیس شد.

فرانسه، چهارم ژانویه ۱٦۹٥
با مرگ مارشال لوگزامبورگ، دوک ویل‌روآ (duke of Villeroi) به جانشینی او و فرماندهی نیروهای مسلح فرانسه انتخاب شد.

استانبول، ۲۷ ژانویه ۱٦۹٥
مصطفی دوم به‌جای احمد دوم به سلطنت کشور عثمانی رسید.

پاریس، ۱۳ آوریل ۱٦۹٥
ژان لافونتن (Jean de La Fontaine) شاعر فرانسوی و مؤلف حکایات و داستان‌های کوتاه، دنیا را ترک کرد.

افریقای جنوب شرقی، ۱٦۹٥
چانگامایر دومبو (Changamire Dombo) که بیش‌تر عمر خود را در نبرد با پرتغالی ها گذرانیده و در بیش‌تر آن‌ها هم توفیق حاصل کرده بود، از جهان رفت.

لندن، ۱٦۹٥
سر کریستو فررن (Sir Christopher Wren) بیمارستانی جهت مداوای دریانوردان در گرینویچ تأسیس کرد.

لندن، ۱٦۹٥
ویلیام کونگ‌ریو (William Congreve) کمدی «عشق برای عشق» را تهیه کرد.

انگلیس، آوریل ۱٦۹٥
سانسور اخبار که از سال ۱۶۶۲ در کشور برقرار شده بود، لغو شد. این سانسور در هنگام دریافت امتیاز از دولت مقرر گشته بود.

بروکسل، اوت ۱٦۹٥
قوای فرانسه تحت فرماندهی دوک ویل‌روآ (Villeroi) شهر بروکسل را که در دست نیروهای ائتلاف بزرگ بود، اشغال و آن را بمباران کرد.

قفقاز، ۱٦۹٥
نیروهای تحت فرماندهی پتر کبیر، شهر آزوف (Azov) را که در دست دولت عثمانی بود، محاصره کردند. این شهر که در کنار رود دون (Don) قرار دارد، تسلیم روسیه نشد و قوای روسیه بدون مقدمه به محاصره‌ی شهر پایان دادند.

هلند، ۱٦۹٥
به دنبال شکست مجدد قوای فرانسه در نبرد نامور (Namur)، لویی چهاردهم یک‌سری مذاکرات پنهانی با ویلیام سوم معروف به اورانژ را آغاز کرد.

اتّصال یابند، چون در غیر این صورت، زندگی بر روی زمین امکان‌پذیر نبود.

خوآن چهارم، تأمین‌کننده‌ی استقلال پرتغال، دیده از جهان فروبست. (لیسبون، ششم نوامبر ۱۶۵۶):

خوآن چهارم که استقلال سرزمین پرتغال را پس از شش سال که تحت سلطه‌ی اسپانیا بود، به آن بازگرداند، امروز درگذشت.

او ۵۳ سال داشت. در سال ۱۵۸۰، فیلیپ دوّم، پادشاه اسپانیا، به‌رغم ادعای پارلمان براگانزا (Braganza)، این سرزمین را پیوست قلمرو خود کرد. وی هنگامی‌که در سال ۱۶۳۰، به جانشینی دوک براگانزا منصوب شد با کمک مردم غیرتمند و پرشور پرتغالی این جریان غیرعادلانه را تغییر داد و استقلال این سرزمین را اعاده کرد.

در بدو امر، نیروی نظامی پرتغال در جنگ قادر به مقابله با سپاهیان قدرتمند اسپانیا نبودند، لیکن او یک نیروی جنگی مجهّز دریایی و زمینی تشکیل داد و چون دولت اسپانیا به نیروی طرف پی برد، ناچار تن به مذاکره داد. با این وصف، خوآن از طریق مذاکرات سیاسی از پاپ درخواست کرد که سلطنت او را به رسمیت بشناسد، پاپ هم زیر نفوذ اسپانیا از این امر خودداری نمود. او برای نزدیکی با اسپانیا در سال ۱۶۳۳ با لوئیزا گوزمن (Louisa de Guzman) خواهر اسپانیولی دوک مدینا سیدونیا (Medina Sidonia) ازدواج کرد و بدین وسیله جایگاه خود را تحکیم بخشید، پس از مرگش پسرش، آلفونسو، جانشین او شد.

رامبراند، نقّاش و تصویرنگار هلندی، ورشکست شد. (آمستردام، ۱۶۵۶):

رامبراند وان ریجن (Rembrandt van Rijn)، یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین تصویرنگاران هلندی و ثروتمندترین فرد آمستردام، با اعلام ورشکستگی، شهر را تکان داد. ساختمان چهار اشکوبه‌ی وی که مدّت ۲۰ سال در آن سکونت داشت و کارهای هنری خود را انجام می‌داد، و به نام پسرش تیتوس (Titus)

بود، در معرض فروش گذاشته شد. او هم‌چنین مجموعه‌های هنری خود را هم به حراج گذارد.

رامبراند که اکنون ۵۰ سال دارد، نامش سرآغاز مردم شهر بود. با یک گروه هنرمند نقّاش به سرپرستی دکتر نیکلاس تولپ (Dr. Nicholas Tulp) که از پزشکان شهر بود، کار می‌کرد. او عکس‌های تشریحی بدن انسان را برای دانشجویان پزشکی که شیفته‌ی یاد گرفتن بودند، ترسیم می‌کرد. در سال ۱۶۴۲، وی یک سری تصویرهای جنگی با همکاری کاپیتان فرانس بانینگ کوک (Frans Banning Cocq) تهیه کرد که بیشتر جنبه‌ی دراماتیک داشت و به نام (حراست شب‌ها) نامیده شد. هم‌چنین تصاویری از ۱۸ پاسدار نیزه‌دار را ترسیم کرد و هر کدام را به بهای ۱۰۰ گیلدر (واحد پول هلند) فروخت، وی این نقّاشی‌ها را خیلی دوست داشت، ولی قبول کرد که آن‌ها را در معرض تماشای عموم قرار دهد. وی حتا جهت کارت‌های بازی سپاهیان، تصویرهایی تهیه کرد که روی ورق‌های بازی نقش شود.

رامبراند هم‌چنین تصاویری از حاکمان شهر آمستردام را در حال انجام مراسم مذهبی کشید، و بدین ترتیب نشان داد که یک شخصیت هنرمند و بی‌نظیر است. لیکن یکی از مشکلات عمده‌ی او، نگهداری از مجموعه‌های وی می‌باشد.

همسر او ساسکیا (Saskia)، در سال ۱۶۴۲ درگذشت و او طبق قولی که داده بود با زن دیگری ازدواج نکرد، لیکن پس از چندی با هندریکز استافل (Hendrickje Stoffels)، خادمه‌ی خود وصلت کرد و از او دختری زاده شد که در بسیاری از مسائل با تیتوس همکاری می‌کرد.

نیمی از جمعیت لهستان، در اثر جنگ و بیماری طاعون نابود شدند. (لهستان، ۱۶۵۷):

دوران طلایی لهستان سپری گشت و دروان خفقان و وحشت که نام آن را در این اواخر سیل و توفان نامیده‌اند، جایگزین آن شد. در زمان کوتاهی تهاجمات جنگی، بیماری طاعون و شورش بردگان سبب نابودی تقریباً نیمی از جمعیت این کشور شده است. از هنگامی‌که ژان دوّم کازیمیر (Casimir) در ۹ سال قبل به قدرت رسید، دوران ماتم و عزای ملّت آغاز شده و به‌نظر می‌رسد که قدم وی برای ملّت لهستان نامیمون بوده است.

شاید بیش از همه‌ی گرفتاری‌ها، حملات همسایگان برای این کشور زحمت‌افزا و مصیبت‌زا بوده. پس از آن‌که پیمان صلح پادشاه لهستان با قزاق‌ها با عدم موفقیت همراه شد، وی سوگند یاد کرد که از تزار آلکسیس (Alexis) تبعیت نماید، چون نیروهای نظامی از دو سو کشور را به شدّت تهدید می‌کردند. این حملات از سوی سوئدی‌ها و از ناحیه‌ی پومرانیا (Pomerania) و لیوونیا (Livonia) آغاز شد.

این عملیات مانع میانجیگری ویلیام، شاهزاده‌ی انتخابی براندنبورگ (Brandenburg)، در اختلافات لهستان و سوئد گردید. ویلیام در گذشته بر مرکز پروس تسلّط داشت و امسال حاکمیت بر ترانسیلوانی را هم برعهده‌دارد. این فشارهای خارجی بر اختلافات و گرفتاری‌های داخلی مزید گشته و کشور را در بحران فرو برده است. کشمکش پادشاه و پارلمان (سیم Sejm) هم بر سر تحصیل پول بیشتر برای اداره‌ی کشور همچنان ادامه دارد و شاه از پارلمان می‌خواهد که برای اصلاح قانون اساسی، مجلس مؤسسان تشکیل دهد، تازه علاوه بر کاهش جمعیت، اکنون اغلب شهرها هم ویران و تخریب شده است.

دانشمند و ریاضی‌دانی که به اشتباه جزو پیروان یسوعیون (ژزوئیت‌ها Jesuits) درآمد. (فرانسه، ۲۴ مارس ۱۶۵۷):

یکی از پیشگامان علم ریاضی فرانسه که در حقیقت هدیه‌یی در علوم ریاضی و الهیات محسوب می‌شد، سهواً در کشمکش بین فرقه‌ی ژزوئیت‌ها و ژانزنیست‌ها (Jansenists) وارد شد و به عضویت دیر (صومعه) پورت رویال (Port Royal) درآمد.

بلیز پاسکال (Blaise Pascal) که پیرو مکتب جدّلیون بود، ۱۸ عدد نامه به لویی مونتالت (Louis Montalte) بر ضدّ عقاید پدران روحانی ژزوئیت نوشت و عقاید آن‌ها را کورکورانه خواند.

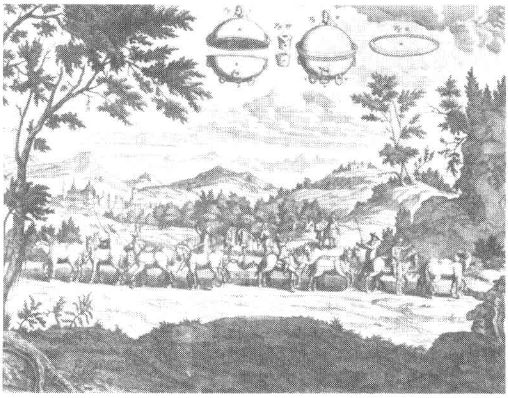
پاسکال برعکس آن‌ها به شدّت از عقاید پیروان راستین هواداری می‌کرد و جز راستی چیزی بر زبان نمی‌آورد.



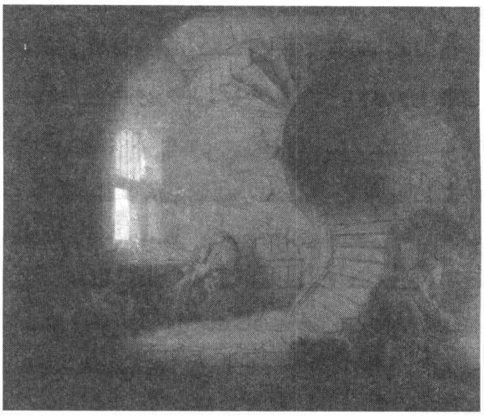
تزار آلکسیس میخائیلویچ Czar Alexis Makailovitch که در زمان وی قلمرو روسیه گسترش فوق العاده یافت.



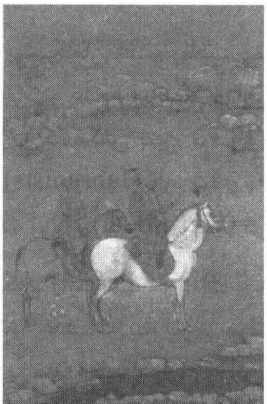
باروخ اسپینوزاBaruch Spinoza، یهودی سرگردان.



فون گوئریک Von Guericke، دانشمند آلمانی، نشان داد که اگر هوای دو نیمکره تخلیه شود، نیروی چند راس اسب هم نمی تواند آن را از هم جدا کند.



دانشمندی پشت پنجره، یکی از شاهکارهای اخیر رامبراند Rembrandt، نقاش هلندی.



شاه جهان و پسرش دارا در حال اسب سواری در خارج شهر. این پسر نسبت به پدرش خیانت ورزید.



پاسکال Pascal، دانشمند و عالم الهیات.



تصویر رامبراند، به وسیله ی خودش که حکایت از پریشان حالی وی دارد.

گرچه پاسکال به روشنی از فلسفه‌ی سوفسطایی و شکاکیون پیروی نمی‌کرد، ولی از اصولی تبعیت می‌کرد که انسان را به راه راستی و درستی هدایت نماید. وی پرسش‌های بغرنج و زیادی درباره‌ی الهیات داشت که شاید خیلی به‌نظر سهل و ساده می‌آمد، لیکن این سؤالات برای کارشناسان و اهل تخصص، بسیار پیچیده و مشکل می‌نمود و برای شنونده غامض بود و تنها مردان حقیقت‌بین و درستکار می‌توانستند به برخی از آن‌ها جواب دهند.

اروپایی‌ها، سرزمین ساحل طلا را غارت کردند. (ساحل طلا، آفریقای غربی، ۱۶۵۷):

سرزمین ساحل طلا، اینک به میدان نبرد بین حریفان اروپایی درآمده، در اوّلین مرحله، یعنی در سال ۱۶۴۲، استحکامات کارلوسبرگ (Carolusberg) را هلندی‌ها از تصرّف پرتغالی‌ها خارج ساختند و در سال ۱۶۵۱، سوئدی‌ها آن را از هلند باز ستاندند و اکنون در تصرّف دانمارکی‌ها می‌باشد.

در آن زمان، سیاه‌پوستان این منطقه، با عصیان خود برعلیه قبایل سفیدپوست، خودشان دفاع از شهر و دیار خود را عهده‌دار شدند. طرز اداره و سیاست آن‌ها تا سال ۱۶۴۲ به‌طور کلّی خیلی ساده بود، زیرا از حقه‌بازی‌های سیاست آگاهی نداشتند. در نتیجه پرتغالی‌ها حاکمیت منطقه را به انحصار خود درآوردند.

اکنون دولت‌های پرتغال، هلند، سوئد، دانمارک، انگلیس، فرانسه و آلمان بر سر چپاول و غارت منطقه به هم چنگ و دندان نشان می‌دهند و تجارت طلا، منسوجات، عاج، نمک و برده را در اختیار دارند، زیرا سود سرشاری نصیب آن‌ها می‌کند. مقدار طلای استخراجی از معادن منطقه‌ی مینا (Mina)، یک‌دهم طلای تولیدی کل جهان می‌باشد. هم‌چنین تجارت برده جهت کار زراعت در دنیای جدید، برای آن‌ها منافع هنگفتی به بار می‌آورد. آن‌ها هر نفر برده را در منطقه به بهای ۴۵ فلورن خریده و در امریکا به ۲۱۰ فلورن می‌فروشند. اروپاییان به خاطر منافع خود، هر کدام در ساحل طلا حکومتی جدا درست کرده و منطقه را دچار بی‌نظمی نموده‌اند. آن‌ها با سلاح‌های آتشین خود، مردم بومی را تهدید می‌کنند، آداب و رسوم محلی را زیر پا می‌گذارند و هزاران نفر را به ورطه‌ی هلاکت می‌کشانند.

قدرت‌های اروپایی برای حفاظت از جان و منافع خود، در کرانه‌ی دریا استحکاماتی بنا کرده و در آن زندگی می‌کنند، به خاطر آن‌که از گزند و آسیب در امان بمانند. این قلاع و استحکامات، اغلب دست به دست می‌گردد. آن‌ها در شهرهای اکرا (Accra)، کومندا (Comenda) و سکوندی (Sekondi) دژهایی بنا کرده و در آنجا گروه‌های تفنگ‌دار مستقر نموده‌اند.

پسر مورد احترام و توجّه پدر، وی را دستگیر و زندانی نمود. (دهلی، ۲۵ ژوئن ۱۶۵۸):

اورنگ زیب (Aurangzeb)، فرزند سوّم شاه جهان که سخت مورد توجّه و لطف او قرار داشت و شاه جهان او را بیشتر از سایرین دوست می‌داشت و ارزش وی در چشم پدرش زیاد بود، پدرش را در حرم خویش زندانی ساخت و خود قدرت را در اختیار گرفت.

برحسب اتّفاق، دو برادر اورنگ زیب، یک پسر و عموی او قبلاً فوت شده بودند. لاجرم او به جانشینی انتخاب می‌شد.

شاه جهان به‌طور ناگهانی بیمار شد و اورنگ زیب که در منطقه‌ی دکن (Dekhan) سپاهی در اختیار داشت، از بیم شورش اطرافیان شاه، با سپاهیان خود به دهلی آمد و چون سه نفر از برادران خود را مانع سلطنت می‌دانست، یکی‌یکی آن‌ها را به وسایلی از سر راه برداشت و بدبختانه هر سه برادر یک عقیده داشتند و آن این‌که اورنگ زیب به سلطنت برسد.

بزرگ‌ترین برادر او که دارا نام داشت و فردی آزادی‌خواه و محترم بود، به حاکمیت دهلی منصوب شد. دومین آن‌ها به نام شجاع، آدمی فاسد و هرزه و الکلیک، فرماندار بنگال بود که اورنگ زیب بر او هجوم برده، وی را شکست داد. بالاخره سومین برادر او مراد، با حیله و نیرنگ خود را متّحد اورنگ زیب معرفی کرد. امّا هنوز برادران جاه‌طلب اورنگ زیب در انتظار سلطنت سیر می‌کنند، لیکن شجاع که مسیر خود را می‌پیمود، توسط دارا شکست خورد و دارا هم در نبرد با اورنگ زیب مقهور شد. مراد خود را پنهان نمود و دیگر در منظر اورنگ زیب ظاهر نشد و سرانجام اورنگ زیب

لندن، دهم اوریل ۱۶۹۶
پارلمان انگلیس قانونی تصویب کرد که عملیات ناوگان دریایی تجاری مهاجرنشین‌ها باید کاملاً تحت نظارت دولت انگلیس باشد.
فرانسه، ۱۷ آوریل ۱۶۹۶
مادام سوینی (Madame de Sevigny) که بیش از هزار مقاله راجع به رویدادهای زمان خودش نوشت و بدین‌وسیله هم مشهور شد، به‌علت ابتلا به بیماری آبله جان سپرد.
قفقاز، ژوئیه ۱۶۹۶
با مساعی مجدد روسیه برای تصرف بندر آزوف در کرانه‌ی دریای سیاه، دولت عثمانی سد جدیدی برای جلوگیری از حملات آن‌ها در شمال قفقاز بنا کرد.
آلمان، ششم اکتبر ۱۹۶۹
ساووی (Savoy) از ائتلاف بزرگ اروپایی خارج شد.
لندن، ۱۶۹۶
سر جان وانبورو (Sir John Vanbrugh) نمایش‌نامه‌نویس و معمار انگلیسی، نخستین نمایش کمدی خود را به‌نام «توبه‌شکن» بر روی صحنه آورد.
لهستان، ۲۷ ژوئن ۱۶۹۷
فردریک آگوستوس (Frederick Augustus) شاه انتخابی ساکسونی با حفظ مقام به پادشاهی لهستان هم انتخاب شد و ملقب به آگوستوس دوم گشت.
مجارستان، ۱۱ سپتامبر ۱۶۹۷
نیروهای نظامی ساووی به فرماندهی اوژن (Eugene) پادشاه ساووی که فرماندهی شجاع و بالیاقت بود، سپاهیان عثمانی را در نبرد زنتا (Zenta) مغلوب کردند.
هلند، ۳۰ اکتبر ۱۶۹۷
انعقاد پیمان صلح رایزویک (Ryswick) به جنگ بین فرانسه و ائتلاف بزرگ پایان بخشید. لویی چهاردهم سلطنت ویلیام سوم را در انگلیس به‌رسمیت شناخت. فرانسه تمام سرزمین‌هایی را که در سال ۱۶۸۸ متصرف شده بود، پس داد، لیکن آلزاس (Alsace) و استراسبورگ (Strasbourg) در کنترل او باقی ماند. هم‌چنین برحسب همین قرارداد ویلیام به نبردهای مهاجرنشین‌ها پایان داد و سپاهیان خود را به انگلیس فراخواند و همین‌طور سپاهیان فرانسه در خلیج هودسن که سابقاً آن‌جا را تصرف کرده بودند، باقی ماندند.
فرانسه، فوریه ۱۶۹۷
فرانسوا فنه‌لون (Francois Fenelon) که دو سال پیش به سراسقفی کامبرای (Cambrai) منصوب شده بود، کتابی درباره‌ی شرح و تفسیر قدیسین به‌نگارش در آورد.
فرانسه، ۱۶۹۷
شارل پرول (Charles Perrault) مجموعه‌یی به‌نام «زمان و تاریخ کنت‌ها گذشت» را به رشته‌ی تحریر درآورد که این مجموعه شامل «خواب زیبایان، سوار کلاه‌قرمز و ریش‌آبی» می‌باشد.
پرتغال، ۱۶۹۷
آنتونیو ویرا (Antonio Veira) که پیرو فرقه‌ی ژزوئیت بود، جهان را ترک کرد. وی یکی از دشمنان سرسخت برده‌داری بود، او سراسر رودخانه‌های سرزمین برزیل را پیمود تا دین مسیح را در آن‌جا ترویج نماید.
سوئد، ۱۶۹۷
کارل نهم که بخش اعظم زمین‌های بزرگ اشراف را به نفع کشور مصادره کرد و سلطنت سوئد را به یک پادشاهی با اختیار مطلق تغییر داده بود، دنیا را ترک گفت و سلطنت را به پسرش کارل دوازدهم سپرد.
سیبری، ۱۶۹۷
به‌منظور گسترش سرزمین روسیه به‌سوی شرق، این کشور فلات وسیع سیبری (Siberia) را اشغال و به شبه‌جزیره‌ی کامچاتکا (Kamchatka) رسید.
مغولستان، ۱۶۹۷
مغولستان غربی توسط چین تسخیر شد.
افریقای غربی، ۱۶۹۷
با انتصاب آندره‌برو (Andre Brue) به مدیریت کمپانی فرانسوی سنگال (Senegal)، وی مساعی خود را برای ایجاد پایگاهی تجاری در دره‌ی سنگال مصرف کرد.

پدر را در حرم خود زندانی ساخت و به امپراتوری هند رسید.

شهر رم با کارهای معماری بورومینی به تکان درآمد. (رم، ۱۶۵۷):

فرانچسکو بورومینی (Francesco Borromini) که تزئیناتی بر روی یکی از ستون‌های کلیسای سن‌پیتر انجام داده بود، برای نخستین بار به شهر رم آمد و با شاهکارهای خود، حریفانی مانند برنینی (Bernini) را از میدان به در برد و به شهرت رسید. پاپ اوربان هشتم، برنینی را یک الگوی هنر و نقّاش برجسته می‌دانست. پس از مرگ وی، جانشین او اینوسان (Innocent) دهم، توجّهش به بورومینی معطوف شد و تمام تزئینات داخلی سن‌پیتر را به او سپرد. بورومینی هم محل کلیسای سن ژان لاتران (St John Lateran) را با ستون‌های عظیم و قوس‌های بسیار زیبا آراست.

لیکن مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ابداع بورومینی در کلیسای سن شارل (St Charles) واقع در محلّ چهار فواره به کار رفته و آن تعبیه ستون‌های موج‌دار در زیر سقفی بیضی شکل می‌باشد.

او هم‌چنین در داخل کلیسای سن اینز (St Agnes) واقع در میدان ناوونا (Navona)، شاهکاری آفریده است.

سلطان سخت‌گیر، در برابر هلندیان غارتگر تسلیم شد. (جاوه، ۱۵۶۷):

به‌رغم مشکلات جاری که گریبان‌گیر سلطان ماتارام (Mataram) واقع در جزیره‌ی جاوه (Java) شده بود، هلندی‌ها به تازگی تأسیسات دفاعی و جنگی در شهر باتاویا (Batavia) به‌وجود آوردند، در حالی‌که این امور با اجازه سلطان نبود و آن‌ها رأساً این کار را انجام می‌دادند.

در عوض، او از سلطان آمانگ کورات (Amangkurat) که هدایای ارزشمندی برای او فرستاده بود و از وی می‌خواست که برنج مورد مصرف قلمرو تحت سلطه او را فراهم کند، تشکر نمود و بدین

وسیله ارتباط سیاسی و اقتصادی خود را با او تحکیم بخشید.

از سویی، سلطان با پیشنهاد نمایندگان هلندی، مبنی بر این‌که او بهتر است که در تجارت ماورای دریاها شرکت کند، مخالفت کرد و گفت همه چیز در اختیار ماست و ما نیازی به این کار و گرفتاری آن نداریم و همان سیر طبیعی زندگی خود را ادامه خواهیم داد. او گفت که برای ملّت خود بیش از این رفاه و آسایش نمی‌خواهد.

ارتش مشترک انگلیس و فرانسه، ریشه‌ی سپاهیان اسپانیا را قطع کردند. (دونکرک (Dunkirk)، ۲۵ ژوئن ۱۶۵۸):

این شهر امروز در مقابل سپاهیان مشترک انگلیسی ـ فرانسوی به فرماندهی تورن (Turenne) تسلیم شد. لشگریان بی شهامت فرانسوی، با شکاف در اردوی خود که تحت محاصره بودند، به سرعت برای جلوگیری از خونریزی، با پیمان بین مازارن (Mazarin) نخست‌وزیر فرانسه و کرامول ملقّب به حامی و وکیل ملّت انگلیس، خود را تسلیم کردند.

مازارن از کمک انگلیس در جنگ برعلیه اسپانیا عصبانی بود و کرامول هم تحت فشار قرار داشت که به خاطر بازرسی ناوگان انگلیسی جنگ را متوقّف کرده و در بندر دونکرک کشتی‌های انگلیسی را تحت بازرسی قرار می‌دهند، چون به‌نظر بازرسان، کشتی‌های بازرگانی به جای کالا، اسلحه حمل می‌کنند. در هر حال، فرانسوی‌ها نتوانستند تمام امیال خود را عملی سازند.

قوای انگلیس در ۱۱ روز پیش، بخشی از ارتش اسپانیا را در بندر دون (Dunes) به کلّی نابود ساخت و تنها گروه کوچکی از سربازان پیاده اسپانیولی موفق به فرار شدند.

سپاهیان سوئدی، سرزمین دانمارک را تحت محاصره قرار دادند. (کپنهاگ، فوریه ۱۶۵۹):

اهالی شهر کپنهاگ، پایتخت دانمارک، دفاع سختی را برای رفع محاصره‌ی شهر خود برعلیه ارتش متجاوز سوئد آغاز کردند. نیروهای سوئدی با حمایت لشگریان هلندی، به دانمارک حمله کردند. سپاهیان سوئدی سال گذشته اقدام به حمله‌ی ناگهانی به کشور دانمارک نمودند و در آن زمستان سخت و استثنایی و سرد، شروع به پیشروی در آن سرزمین کردند و تمام جزایر این سرزمین را یکایک تصرّف کردند. آن‌ها دو جزیره‌ی بزرگ ژوتلند (Jutland) و زیلند (Zëaland) را تسخیر و به پایتخت بدون دفاع آن یورش بردند.

دولت دانمارک، چون وضع را وخیم دید، در جست‌وجوی صلح برآمد و سرانجام پیمان صلح راس‌کیلد (Roskilde)، بین سوئد و دانمارک امضا شد، مشروط بر آن‌که جزایر اسکان (Skane)، هالند (Halland) و بله‌کینگ (Blekinge) در اختیار سوئد قرار گیرد و بدین ترتیب تمام شبه‌جزیره‌ی شمال دریای بالتیک جزو کشور سوئد محسوب شد، در این صورت جزایر بورن‌هولم (Bornholm) و سرزمین نروژ هم جزو قلمرو سوئد درآمد.

این امر در اثر اقدامات کارل دهم، پادشاه سوئد، از سال ۱۶۵۵ انجام شد که یک حالت تهاجمی نسبت به دانمارک در پیش گرفته بود. کارل چون از حمایت روسیه در قبال لهستان خشمناک بود، به آن سرزمین حمله کرد و شهر ورشو را تصرّف نمود. در اثنای حملات سوئد به لهستان، دانمارک به تشویق هلند و اتریش، به سوئد اعلان جنگ داد. با این اعلان جنگ، سپاهیان سوئد، دست از لهستان کشیده و به فوریت به دانمارک یورش بردند. اکنون هم با وجود قرارداد صلح، بار دیگر لشگریان سوئدی به آن کشور هجوم برده و قصد دارند که تمام این سرزمین را اشغال نمایند. لشگریان سوئدی تنها به این شرط از محاصره شهر کپنهاگ صرف‌نظر خواهند کرد که دریای بالتیک در اختیار کامل آن کشور قرار گیرد.

کرامول، پیرو فرقه‌ی پوریتن و اصول اخلاقی، جهان را ترک گفت. (انگلیس، سوّم سپتامبر ۱۶۵۸):

لرد حامی ملّت، سراسر شب گذشته را در ناراحتی به سر برد و مرتب با خداوند صحبت می‌کرد و از او طلب آمرزش و مغفرت می‌نمود. وخامت حال وی از ساعت سه بعدازظهر روز جمعه شروع شد که کرامول

کالیفرنیا، ۱۶۹۷
هیأت ژزوئیت‌های اسپانیولی به شهر لورتا (Loreta) در کالیفرنیا وارد شد.
مسکو، ۱۶۹۸
پتر کبیر دستور داد که یک‌هزارنفر از شورشیان گارد محافظی که در زمان ایوان مخوف تشکیل شده بود و اکنون جزو عصیانگران استرلتزی (Streltsy) دست به اغتشاش زده‌اند را اعدام کنند.
مسکو، ۱۶۹۸
پتر کبیر دستور داد که اهالی روسیه از دخانیات استفاده کنند.
ایران، ۱۶۹۸
میرویس افغانی، شاه سلطان‌حسین را تحت نظر قرار داد و خود به‌جای وی سلطنت ایران را غصب کرد.
ویتنام، ۱۶۹۸
کامبوجی‌ها (Cambodians) شهر سایگون (Saigon) را تخلیه کردند.
بجینگ (Beijing)، ۱۶۹۸
پل جدیدی به‌نام مارکو پولو (Marco Polo) سیاح مشهور ساخته شد.
اروپا، یازدهم اکتبر ۱۶۹۸
فرانسه، انگلیس و هلند، قرارداد صلح جداگانه‌یی امضا کردند که برای حل مشکل اسپانیا و جانشینی شارل دوم که مشرف به مرگ بود و فرزندی نداشت بتوانند اقدام کنند. طبق این قرارداد، سرزمین اسپانیا به دو بخش تقسیم شد که بخشی از آن به دوفین (Douphin) شاهزاده‌ی انتخابی باواریا و بخش دیگر به شارل دوک اعظم و پسر امپراتور لئوپولد (Leopold) تعلق می‌گیرد.
نیوانگلند، یکم ژانویه ۱۶۹۹
آبه‌ناکی (Abenaki) سرپرست سرخ‌پوست‌های استان و فرماندار مهاجرنشین ماساچوست، یک قرارداد صلح امضا کردند که طبق آن به درگیری‌های نیوانگلند پایان داده شد.
اتریش، ۲۶ ژانویه ۱۶۹۹
پیمان صلح کارلوویتز (Karlowitz) بین اتریش و عثمانی به جنگی که از سال ۱۶۸۳ آغاز شده بود پایان داد. دولت عثمانی، ترانسیلوانی (Transylvania) و مجارستان را به اتریش، مورآ (Morea) و دالماسی (Dalamatia) به ونیز و بخشی از اوکراین (Ukraine) را به لهستان واگذار کرد.
روسیه، ۲۰ دسامبر ۱۶۹۹
پتر کبیر تقویم روسیه را تغییر داد، در ماه اوت هم پوشیدن لباس‌های محلی را ممنوع کرد و به‌جای آن لباس‌های اروپایی را برای مردم معمول کرد.
افریقای شرقی، ۱۶۹۹
فورت ژزوس (Fort Jesus) یا بندر مومباسا (Mombasa) و جزایر زنگبار (Zanzibar) توسط عرب‌های عمانی اشغال شد.
فیلادلفیا، ۱۶۹۹
اولین گزارش‌های موثق حاکی از آن است که یک‌ششم جمعیت این منطقه در اثر ابتلای به بیماری تب زرد به هلاکت رسیدند.
اروپا، ۱۳ مارس ۱۷۰۰
به‌دنبال مرگ پادشاه انتخابی باواریا (Bavaria) دومین امضاکننده‌ی جداگانه برای موضوع جانشینی اسپانیا از بین رفت و بدین ترتیب سهم عمده قدرت کشور اسپانیا نصیب دوک اعظم شارل گردید.
روسیه، ۲۳ ژوئن ۱۷۰۰
روسیه با امضای قرارداد ترک مخاصمه به جنگی که از سال ۱۶۹۵ بین این کشور و عثمانی برپا شده بود، خاتمه بخشید. طبق این قرارداد روس‌ها می‌بایستی ناوگان دریایی خود را از دریای سیاه خارج کنند، لیکن بندر ازوف ضمیمه‌ی روسیه شد.
بوستون، ۲۴ ژوئن ۱۷۰۰
قاضی ساموئل سوال (Samuel Sewall) مقاله‌یی به‌عنوان «فروختن یوسف» نگاشت (منظور فروش یوسف به‌عنوان برده است که طبق این داستان پس از آن‌که حضرت یوسف توسط برادرانش در چاه سرنگون شد، پس از رهایی از چاه وی را به‌عنوان برده فروختند). او از تجار برده درخواست کرد که این امر در امریکا به‌کلی منسوخ شود.
انگلیس، یکم ژوئیه ۱۷۰۰
جان درایدن (John Dryden) شاعر و درام‌نویس انگلیسی، چشم از جهان فروبست. از مهم‌ترین آثاری که او بیش‌تر روی آن‌ها کار کرده و یادگار ارزنده به‌شمار می‌رود، عبارتند از: «همه‌چیز با عشق» و اشعار طنز آبسالوم (Absalom) و اکیتوفل (Achitophel) و بالاخره ماک فلکنو (Mac Flecknoe) می‌باشد.

بی‌هوش در بستر افتاد. کرامول ۶۰ سال سن داشت و مدّت پنج سال حکمرانی انگلیس را برعهده داشت.

او یک فرد منضبط پیرو فرقه‌ی پوریتن بود (پورتین‌ها (Puritan)، مسیحیانی پاک‌دل و پیرو حقیقت بودند و به ظواهر دین اهمّیت نمی‌دادند) و از این نظر روحیه خوبی داشت. گرچه او در باطن ویژگی‌هایی داشت که تولید هراس در افراد می‌کرد، لیکن این صفات را کمتر بروز می‌داد و به اجتماع احترام می‌گزارد و به تظلم و شکایات افراد رسیدگی می‌کرد. او اصلاً طالب سلطنت و پادشاهی نبود.

جان تورلو (John Thurloe)، سرپرست اداره‌ی جاسوسی انگلیس، می‌نویسد: او به سگ‌هایی که دایم در حال فرار و جنبش هستند و زبان خود را بیرون می‌آورند، نمی‌ماند، بلکه حیوان آرامی است که به هیچ کس آزار نمی‌رساند.

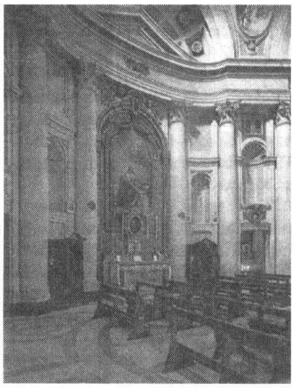
کرامول توانست سازمان جنگی را به شکل نوینی درآورد و سربازانی برای جلوگیری از شورش و اغتشاشات داخلی به‌وجود آورد. وی ۱۲ لشگر رزمی برای ۱۲ ناحیه‌ی انگلیس ترتیب داد و فرماندهی هر کدام را به یک نفر سرتیپ سپرد که در مواقع لزوم از شورش‌های داخلی جلوگیری کنند و توطئه‌ها را خنثی ساخته و آرامش را برقرار نمایند.

او تمام مشروب‌فروشی‌ها، تئاترها و فاحشه‌خانه‌ها را بست. وی برحسب دستور کتاب مقدّس به دستورات خداوند عمل می‌کرد و معتقد بود که هر فردی با پیروی از این دستورات به رستگاری خواهد رسید.

او بزرگ‌ترین مانع حکومت را، وابستگی آن به نیروی نظامی می‌دانست، در حالی‌که سران حاکم پشتیبانی مردمی ندارند. روابط او با پارلمان انگلیس همواره با مشکل همراه بود. نمایندگان از او می‌خواستند که در مواقع لزوم از ارتش استفاده کند، لیکن وی اعتقادی به نیروی نظامی نداشت. آن‌ها پادشاهی می‌خواستند که تنها سلطنت کند و با احساسات مردم بازی نکند و به مردم احترام نهد. ریچارد پسر کرامول، به جانشینی وی انتخاب شد، در حالی‌که مردم انگلیس با افکار او آشنایی نداشتند و برای او اهمیتی قائل نبودند.



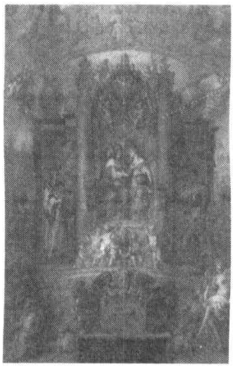
فردریک سوم، پادشاه دانمارک که برای استقلال کشورش سخت تلاش می کرد.



کلیسای سن کارلو San Carlo به معماری فرانچسکو برومینیBorromini.



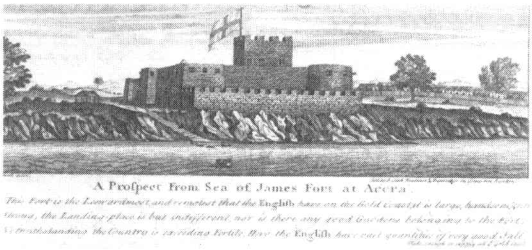
اورنگ زیب، سومین فرزنده شاه جهان که شایسته ترین و مقدس ترین فرزند وی بود.



تئودور وان تولدن Theodore Van Thulden، عامل صلح و آشتی منطقه ی پیرنهPyrenees.



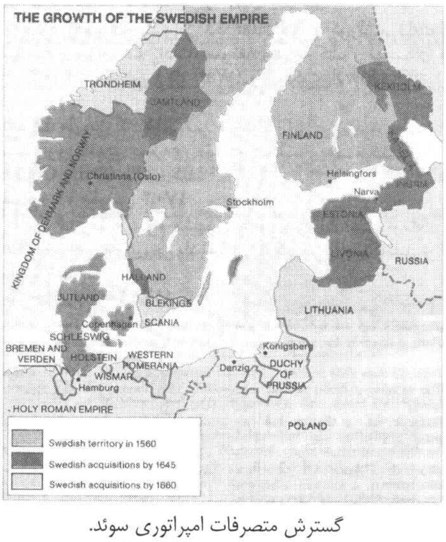
ماسکی که به صورت کرامول، حامی ملت، پس از مرگ گذارده شد.



پرچم بریتانیا بر فراز قلعه ی جیمز James Fort در شهر اکرا Accra ، مرکز ساحل طلا در افریقای غربی. دولت انگلیس و بازرگانان آن کشور با تسخیر ساحل طلا به ثروت سرشاری دست یافتند و در ضمن متصرفات آن گسترش یافت.



هلندی ها بازرگانان و بومیان را از مستعمرات اخراج می کنند.



گسترش متصرفات امپراتوری سوئد.

انگلیس، بزرگ‌ترین قرارداد خرید برده را با حاکمان آفریقایی منعقد کرد. (لندن، سوّم اکتبر ۱۶۶۰):

کمپانی سلطنتی آفریقایی، برنامه‌یی برای خرید برده با پرنس روپرت (Prince Rupert) امضا نمود و بر طبق آن، هیأتی برای کنترل منطقه‌ی گامبیا (Gambia) اعزام کرد تا این منطقه را از گزند همسایگان حفظ کند و بدین ترتیب تواسنت به یک امتیاز بزرگ در گامبیا دست یابد که سایر اروپایی‌ها از آن آگاهی پیدا نکنند. این امر به انگلیس فرصت داد که برنامه‌های جاه‌طلبانه خود را به وسیله‌ی پرنس روپرت (Rupert) جامه عمل بپوشاند و به بزرگ‌ترین شرکت تجاری برده در دنیا تبدیل شود.

ساموئل پپیس (Samuel Pepys)، خبرنگار انگلیسی را که سهمی در این شرکت طلب می‌کرد، مؤدبانه وادار به سکوت کردند.

بازرگانان انگلیسی از سال ۱۵۸۸ تمایل داشتند که پایگاهی در گامبیا به دست آورند، آن‌ها به تدریج مدعیان پرتغالی به رهبری آنتونیو (Antonio) را از آنجا اخراج کردند و انحصار تجارت برده را در آن منطقه به خود اختصاص دادند. پرنس روپرت که خیلی علاقه به تجارت برده داشت، حمایت کرامول (حامی ملّت) را جلب کرد، هرچند که عوامل دربار پرتغال کشتی‌های انگلیسی را بازرسی می‌کردند که حامل برده نباشند، معهذا بازرگانان انگلیسی به عملیات پنهانی خود ادامه می‌دادند.

حاکم بومی گامبیا زمانی گفته بود: در اینجا کوه‌هایی از طلا وجود دارد که بومیان علاقه‌یی به استخراج آن ندارند و بردگان بومی آن قدر زیاد هستند که همه می‌توانند از آن‌ها بهره‌برداری کنند. در هر حال، بازرگانان و عوامل دولت‌های فرانسه، هلند، سوئد و انگلیس، برای به دست آوردن طلا و فروش برده، به جان هم افتاده‌اند، زیرا این کار یک تجارت بسیار پرسودی است.

مرز فرانسه ـ اسپانیا، در منطقه‌ی پیرنه (Pyrenees)، تثبیت شد. (فرانسه، هفتم نوامبر ۱۶۵۹):

دانمارک، ۱۸ اوت ۱۷۰۰
نیروهای نظامی کارل دوازدهم با هجوم به کشور دانمارک، کپنهاگ پایتخت را تصرف کردند، لیکن فردریک چهارم پادشاه دانمارک با امضای پیمان صلح تراوندال (Travendal) به نبرد پایان داد.

اسپانیا، دوم اکتبر ۱۷۰۰
شارل دوم پادشاه اسپانیا ترجیح داد که فیلیپ دانژو (Philip d' Anjou) دوک بوربون (Bourbon) و نوه‌ی لویی چهاردهم، به جانشینی وی منصوب شود.

اسپانیا، یکم نوامبر ۱۷۰۰
با مرگ شارل دوم، فیلیپ دانژو به پادشاهی اسپانیا رسید و ملقب به فیلیپ پنجم شد.

دریای بالتیک، نوامبر ۱۷۰۰
کارل دوازدهم پادشاه سوئد، سپاهیان روس را مغلوب کرده و شهر ناروا (Narva) را تصرف کرد.

بوستون، ۱۷۰۰
بندر بوستون به یکی از مهم‌ترین مراکز تجارت برده در مستعمره‌نشین‌ها تبدیل شد.

نیوانگلند، ۱۷۰۰
نخستین گردهمایی فرقه‌ی باپتیست‌های مهاجرنشین در رودآیلند (Rhode Island) تشکیل شد.

اقیانوس هند، ۱۷۰۰
دزدان دریایی انگلیسی یک پایگاه در جزیره‌ی ماداگاسکار (Madagascar) به‌وجود آوردند.

آلمان، ۱۸ ژانویه ۱۷۰۱
فردریک سوم پادشاه انتخابی براندنبورگ (Brandenburg)، به پادشاهی پروس (Prussia) رسید.

مادرید، ۱۹ فوریه ۱۷۰۱
فیلیپ پنجم جشن باشکوهی به مناسبت پادشاهی خود در شهر مادرید برپا کرد.

انگلیس، ۲۳ مه ۱۷۰۱
کاپیتان ویلیام کید (Captain William Kidd) به‌عنوان دزد دریایی در بوستون دستگیر و در دادگاه محکوم شد. وی را به انگلیس برگرداندند و به این جرم حلق‌آویز شد.

لندن، ۱۲ ژوئن ۱۷۰۱
طبق مصوبه‌ی قانونی، پادشاه انگلیس نباید از فرقه‌ی کاتولیک باشد و در صورت اثبات، از سلطنت معزول خواهد شد.

میشیگان (Michigan)، ۲٤ ژوئیه ۱۷۰۱
آنتوان دو لا موت کادیلاک (Antoine de la Mothe Cadillac)، بندرگاهی در شهر دیترویت (Detroit) به‌وجود آورد.

هلند، هفتم سپتامبر ۱۷۰۱
انگلیس، اتریش و هلند قرارداد همکاری نظامی برعلیه فرانسه امضا کردند. این اتحاد بر اثر بیم از یکی‌شدن فرانسه و اسپانیا، پس از وصیت شارل دوم آخرین پادشاه اسپانیا، مبنی بر این‌که پس از او دوک بوربون و نوه‌ی لویی چهاردهم به سلطنت برسد، به‌وجود آمد.

لهستان، ۱۷۰۱
با وجود تصرف لیتوانی (Lithuania) و کورلند (Courland) توسط کارل دوازدهم پادشاه سوئد، وی به کشور لهستان هجوم برد و شهرهای ورشو (Warsaw) و کراکوی (Cracow) را اشغال کرد.

لندن، ۱۱ مارس ۱۷۰۲
نخستین روزنامه‌ی یومیه‌ی دنیا در انگلیس به‌نام دیلی کورانت (Daily Courant) منتشر شد.

انگلیس، ۱۹ مارس ۱۷۰۲
پس از مرگ ویلیام سوم مشهور به اورانژ، آن استوارت (Anne Stuart) خواهر ماری، به پادشاهی انگلیس، اسکاتلند و ایرلند منصوب شد.

اروپا، چهارم مه ۱۷۰۲
با انعقاد پیمان اتحاد فرانسه و اسپانیا، ائتلاف بزرگ به فرانسه اعلان جنگ داد.

فرانسه، ۱۷۰۲
پروتستان‌های فرانسه به‌نام کامیساردها (Camisards) نامیده شدند، زیرا آن‌ها در هنگام شب پیراهن سفید بر تن می‌کنند تا از سایرین مشخص شوند. آن‌ها علیه لغو فرمان نانت (Nantes) که به‌وسیله‌ی لویی چهاردهم در سال ۱۶۹۵ اعلام گردید، قیام کرده‌اند و پیراهن سفید نشانه‌ی انقلابی‌بودن آن‌هاست. رهبران کامیسارد دو نفر به‌نام‌های ژان کاوالیه (Jean Cavalier) (شوالیه) و رونالد لاپورت (Ronald Laporte) هستند.

سرانجام نبرد بین سپاهیان فرانسه و اسپانیا پایان پذیرفت. پس از یک سری ملاقات‌هایی که بین مازارن نخست‌وزیر فرانسه و دوهارو (de Haro) نخست‌وزیر اسپانیا در جزیره‌ی بیداسوآ (Bidassoa) در ساحل رودی به همین نام صورت گرفت، امروز پیمان صلح پیرنه بین طرفین امضا شد و اروپا هم از این جنگ خلاصی یافت.

این جنگ به خاطر تهی بودن خزانه اسپانیا و کمبود بودجه آن دولت که همواره به نیروهای نظامی خود افتخار می‌کرد، با شکست اسپانیا در نواحی روکروآ (Rocroi)، لنس (Lens) و دونکرک، خیلی به درازا نکشید. معهذا با ورود نیروهای سراپا زره‌پوش انگلیسی در کنار سپاهیان فرانسوی و حمایت آن‌ها از فرانسه، نیروی حریف در وضع بدی گرفتار شد و در نتیجه تن به صلح داد و این صلح در فرانسه با استقبال روبه‌رو شد.

این پیمان صلح که ۱۲۴ فصل مهمّ دارد، به فرانسه اجازه می‌دهد، مناطق روسیون (Roussillon) و پرپی‌نان (Perpignan) را که مدّت یک قرن و نیم در اختیار اسپانیا بود، بار دیگر، پیوست قلمرو خود نماید، در ضمن مرز بین فرانسه و اسپانیا هم در منطقه پیرنه تثبیت شد.

انگلستان، بندر دونکرک و جامائیکا (Jamaica) را در آمریکای مرکزی به تصرّف درآورد و فرانسه هم استحکامات شهرهای فلاندر (Flanders) و آرتوآ (Artois) را متصرّف شد. لیکن دولت فرانسه اتّحاد خود را با دوک لورن (Lorraine) که منطقه او مهمّ‌ترین دوک‌نشین اسپانیا می‌باشد، حفظ کرد. این پیمان هم‌چنین پرنس‌کنده را که برعلیه اسپانیا اقدام کرده بود، مورد عفو قرار می‌دهد.

در ضمن، لویی چهاردهم با ازدواج با ماریا ترزا (Maria Thereza)، پرنسس اسپانیولی، سلسله جدیدی تشکیل داد و عروس هم جهیزیه‌یی به مبلغ ۵۰۰ هزار اکو (ecus) با خود به فرانسه برد.

کوآکرها (Quakers) را در مجتمع بوستون به دار آویختند. (بوستون (Boston)، ماس (Mass)، ۲۷ اکتبر ۱۶۵۹):

امروز دو نفر از اعضای فرقه‌ی کوآکرها را به اتّهام تبلیغ برعلیه دولت پیرو پوریتن‌ها و تجاوز به حقوق این گروه، به دار آویختند. یک گروه ۲۰۰ نفری با نیزه‌های بلند، طبل زنان و پای‌کوبان، کوآکرها را برای سخنرانی برعلیه دولت محلی مجرم شناختند. سه نفر از مجرمان، از جمله یک زن که او را کور کرده و زنجیری به گردن او آویخته و با آن زنجیر او را می‌کشیدند.

این زن شامل تخفیف مجازات شد و به تبعید محکوم گردید، لیکن پسر وی را دار زدند. دو نفر دیگر از کوآکرها به نام رابینسون مارمادوک استیونسون (Rabinson Marmaduke Stevenson) و ماری دایر (Mary Dyer) را هم از ماساچوست اخراج کردند. آن‌ها به علّت اختلاف عقیده مذهبی در بوستون توقیف شده بودند. در هشت سال پیش، انجمن باپ‌تیست‌ها با تأسیس یک کمیته اختصاصی به مرکز فرمانداری حمله کرده بودند. یکی از آن‌ها را در ملاء عام شلاق زدند. این سمپاشی که فرقه پوریتن‌ها غیرقابل تحمّل هستند توسط کرامول رد شد و در انگلیس و مری‌لند عدّه‌یی از کاتولیک‌ها دستگیر و توقیف شدند، هم‌چنین در انگلیس اموال و دارایی کاتولیک‌ها توسط نیروهای نظامی ضبط شده و آن‌ها را در محظور قرار داده‌اند.

مرز حدّ فاصل قلمرو سیاه‌پوستان و سفیدپوستان، با درخت‌های بادام مشخّص شد. (کیپ‌تاون (Cape Town)ششم آوریل ۱۶۶۰):

جنگ‌های پارتیزانی بین رمه‌داران خویزان (Khoisan) و ساکنان هلندی این منطقه، پس از ۱۲ ماه، پایان یافت وان‌ری بیک (Van Riebeeck)، فرماندار هلندی این ناحیه، باب مذاکرات صلح را با طرف مقابل گشود. دو طرف مرز حدّ فاصل خود را با مانعی که از درخت‌های بادام تلخ تشکیل شده بود، مشخّص کردند. این مستعمره یا مجتمع در سال ۱۶۵۲ به وسیله‌ی کمپانی هلندی هند شرقی برای تهیه و تدارک خواروبار جهت ساکنان هند غربی تأسیس شد، که از آنجا مواد غذایی اوّلیه را با کشتی‌های هلندی به آمریکا حمل کنند. پس از گذشت پنج سال وان‌ری‌بیک، فرماندار این ناحیه، کمپانی را تشویق کرد که برای تهیه مواد غذایی تعدادی از کارگران خود را برای کشت گندم و سایر غلّات در این مکان به کار

دانمارک، ۱۷۰۲
فردریک چهارم پادشاه دانمارک، قانون سرف‌ها (کارگر وابسته به زمین) را لغو کرد.
فلوریدا، ۱۷۰۲
هجوم سپاهیان انگلیسی به شهر سن‌آگوستین (St Augustine) اسپانیا باعث شد که جنگ اروپایی‌ها علیه اسپانیا آغاز شود، چون اغلب کشورها با جانشینی نوه‌ی لویی چهاردهم به‌عنوان پادشاه آن کشور مخالف بودند.
پرتغال، ۲۷ دسامبر ۱۷۰۳
مذاکرات دیپلماتیک بین جان متوئن (John Methuen) سفیر انگلیس و دولت پرتغال جهت عقد قرارداد بازرگانی آغاز شد.
لهستان، ۱۳ آوریل ۱۷۰۳
نیروهای نظامی سوئد به فرماندهی کارل دوازدهم پادشاه سوئد، بخش عظیمی از سپاهیان آگوستوس (Augustus) دوم پادشاه لهستان را در جنگ پولتوسک (Pultusk) از بین بردند.
پرتغال، ۱۷۰۳
کشور پرتغال هم به ائتلاف بزرگ پیوست.
فرانسه، ۱۷۰۳
مهندس سباستین ووبان (Sebastien Vauban) یک نوع تفنگ سرپر جنگی اختراع کرد و گروه‌هایی از سربازان فرانسوی را به این سلاح مجهز ساخت. این تفنگ‌ها به سرنیزه هم مجهز بودند.
انگلیس، ۱۷۰۳
رابرت هوک (Robert Hooke) فیلسوف انگلیسی، جهان را ترک گفت. او نخستین فردی بود که پاندول را برای تعیین شتاب نیروی جاذبه‌ی زمین به‌کار برد.
روسیه، ۱۷۰۳
پتر کبیر شهر سن‌پترزبورگ (St Petersburg) را بنیان نهاد.
ماساچوست، ۲۹ فوریه ۱۷۰۴
سربازان فرانسوی بر ضد پیوریتن‌های فرانسه و متحدان سرخ‌پوست آن‌ها دست به حمله زده و تمام آن‌ها را کشتند. از سوی دیگر آن‌ها مهاجران انگلیسی را در سراسر نیوانگلند مورد تهاجم قرار دادند.
بوستون، ۲٤ آوریل ۱۷۰٤
روزنامه‌ی هفتگی اخبار بوستون و نامه‌های وارده به‌طور منظم منتشر شد.
لهستان، ۱۲ ژوئیه ۱۷۰٤
با برکناری آگوستوس دوم پادشاه لهستان، استانیسلاس لزیونیسکی (Stanislas Leszczynski) از سوی کارل دوازدهم پادشاه سوئد، نامزد سلطنت لهستان شد.
اسپانیا، ژوئیه ۱۷۰٤
نیروهای نظامی انگلیس به فرماندهی جان چرچیل (John Churchill) دوک مارلبورو (Marlborough)، جبل‌الطارق (Giraltar) را تسخیر کردند.
آلمان، ۱۳ اوت ۱۷۰٤
سپاهیان ائتلاف بزرگ تحت فرماندهی دوک مالبورو و اوژن (Eugene) فرمانروای ساووی (Savoy)، نیروهای فرانسوی و باواریا (Bavaria) را در بلن‌هایم (Blenheim) شکست دادند.
نیوفاوندلند (Newfoundland)، ۲۹ اوت ۱۷۰٤
مهاجرنشینان انگلیسی منطقه‌ی بوناویستا (Bonavista) در ساحل شرقی، مورد هجوم نیروی فرانسوی و سرخ‌پوستان واقع شدند.
انگلیس، ۲۸ اکتبر ۱۷۰٤
جان لاک (John Locke) فیلسوف انگلیسی، بدرود حیات گفت. وی که یکی از مدافعان وفادار آزادی بود، در اثر بدگمانی ویلیام سوم پادشاه انگلیس و با فشار او به فرانسه و هلند تبعید شد و تا زمانی‌که ویلیام بر سریر قدرت جای داشت، هم‌چنان دور از موطن باقی ماند.
انگلیس، ۱۷۰٤
ایساک نیوتون (Isaac Newton) مقالاتی درباره‌ی دید و نیروی بینایی در ارتباط با نور و رنگ‌ها و کشفیاتی راجع به این موضوع نوشت.
تونس، ۱۷۰۵
حسین بن علی سر فرمانده ینی‌چری‌های (Janissaries) تونس در تحت تابعیت دولت عثمانی به قدرت رسید.
ژاپن، ۱۷۰۵
دولت باکوفو (Bakufu) تمام اموال و دارایی و خانه‌ی بسیار مجلل یودویا (Yodoya) واقع در شهر اوزاکا (Osaka) را مصادره کرد. طبق محاسبه‌یی که در مورد اموال یودویا به‌عمل آمد، وی مبالغ هنگفتی به دولت بدهکار بود که با پرداخت آن از دارایی‌های یودویا رفع توقیف خواهد شد.

گمارد. آفریقایی‌ها هم سعی کردند، ساکنان آنجا به طرف جزیره رابین (Robben) برانند.

در این حال، جنگ چاره‌ناپذیر بود. خویزان‌ها، مزارع غلّات و محصولات را آتش زدند، به روستاهای هلندی‌نشین حمله کردند و گاوها و احشام آن‌ها را از بین بردند. با این وصف، سفیدپوستان، بومیان را به مذاکره فرا خواندند. هلندی‌ها با انجام مذاکرات صلح در نظر داشتند که مستعمرات را گسترش دهند، لیکن سیاه‌پوستان از این موضوع خشمگین و مضطرب بودند، چون زندگی و زمین‌های خود را در مخاطره می‌دیدند، معهذا سرانجام مذاکرات صلح ناخواسته، به نتیجه رسید.

سفرنامه یک فرانسوی درباره‌ی اوضاع سیاه و تاریک هند (دهلی، هندوستان، ۱۶۶۰):

امپراتوران مغول هند با ساختن کاخ‌های اشرافی و مجلّل خود که در دنیا کم‌نظیر بود، خزانه را تهی کردند و اکنون رعایای فقیر و گرسنه بایستی هزینه این ولخرجی‌ها را بپردازند. گرچه ممکن است شهر هند و ایرانی‌اگرا (Agra) در دهانه بندرگاه سرخ در دهلی و تاج‌محلّ بسیار زیبا باشد، لیکن به‌طوری که فرانسوا برنیه (Francois Bernier)، سیاح فرانسوی که در دربار شاه جهان امپراتور مغول و پسرش اورنگ زیب مشغول خدمت بوده، می‌نویسد: آن‌ها به‌طور خلاصه ستمگرانی بیش نبودند. آری آن‌ها ظالمانی بودند که حق حیات برای طبقات بدبخت و تهی‌دست قائل نبودند، آنان پادشاهانی ستمگر و مکار بودند که روستائیان، صنعتگران و کشاورزان را به دیار عدم می‌فرستادند، مردان و زنان و کودکان از فرط گرسنگی و بی‌غذایی در کنار کاخ‌های باشکوه آن‌ها جان می‌دادند. این شقاوت‌پیشگان، کشاورزان را از زمین‌های مزروعی تبعید و یا به‌عنوان سرباز در خدمت خود به بیگاری می‌کشاندند و خانه‌های مردم را ویران می‌کردند، مردم گروه‌گروه به‌عنوان مهاجر به نقاط دیگری می رفتند. در اثر این مهاجرت‌ها، اغلب خانه‌ها خراب می‌شد و کسی به ترمیم آن‌ها نمی‌پرداخت، مجاری و کانال‌های آب فرسوده و امکان آبیاری مزارع وجود نداشت.

کشـور در حـال ویرانـی و هـیچ کـس بـه فکـر چاره‌جویی نبود، تمام بودجـه‌ی کشـور صـرف مخـارج دربار می‌شد و برای ترمیم خرابی‌ها پول خرج نمی‌شد، مردم را در محاکم بی‌شمار محاکمه و به پیروی از اوامر مأموران وامی‌داشتند. کافی بود، فردی برعلیه حکومـت حرفی بزند، چون فوراً او را تحـت محاکمـه و شـکنجه قرار می‌دادند. کـارگران را بـه زور چمـاق و شـلاق بـه بیگاری وامی‌داشتند و از آنان بهره مـی‌بردنـد. بـه‌طـور خلاصه، آن طور که وی می‌نویسد، تمام سـرزمین‌هـا و ایالات و روستاها به فساد و خرابی دچار شده‌اند.

دزد دریایی چینی، پایگاهی در جزیـره‌ی تـایوان (Taiwan) ایجـاد و هلنـدی‌هـا را بیـرون رانـد. (تایوان، ۱۶۶۱):

کوکسینگا (Koxinga) که فرزند یک دزد دریـایی چینی و از سوی مادر ژاپنی بود، نیروهای هلندی مستقر در تایوان را مغلوب و آن‌ها را از این جزیره اخراج کرد.

هلندی‌ها برای ساختن پایگاه در این جزیـره، دچـار زحمات زیادی شدند و حتا آجر را با کشتی از هلنـد بـه اینجا آوردند، معهذا کوکسینگا با مشقّت بسیار توانسـت آن پایگاه را منهدم و سربازان آن‌هـا را شکسـت دهـد. لیکن از ساختن پایگاه در بندر زیلندیا (Zeelandia) به علّـت امـواج خروشـان دریـا عـاجز بـود، بـدین سـبب هلندی‌ها آن را بنا کرده بودند. فرمانده قشـون هلنـدی می‌نویسد: کوکسینگا به من گفت: شما هلندی‌هـا چنـد هزار نفر بیش نیستید، با این وصف چه‌طور توانستید بـر ضدّ ما که از نظر نفرات بیشتر هستیم، اقدام بـه جنـگ کنید و در حقیقت این یک نوع بی‌عقلی است. سـربازان چینی با محاصره‌ی پایگاه هلندی‌ها در تایوان، آن‌هـا را که از نظر آذوقه سخت در مضیقه قرار داشـتند و دچـار گرسنگی بودند، به هزیمـت دچـار سـاختند و سـرانجام مدافعان تسلیم شدند. کوکسـینگا آن‌هـا را مـورد لطـف قـرار داد و اجـازه داد کـه کالاهایشـان را بـه فـروش برسانند. او این پایگاه را سکویی برای حملـه بـه خـاک اصلی چین قرار داد که بتوانـد سلسـله مینـگ را مـورد حمله قرار دهد.

چارلز به‌عنوان پادشاه انگلیس به کشور بازگشت و مورد استقبال ملّت قرار گرفـت. (انگلـیس، ۲۶ مه ۱۶۶۰):

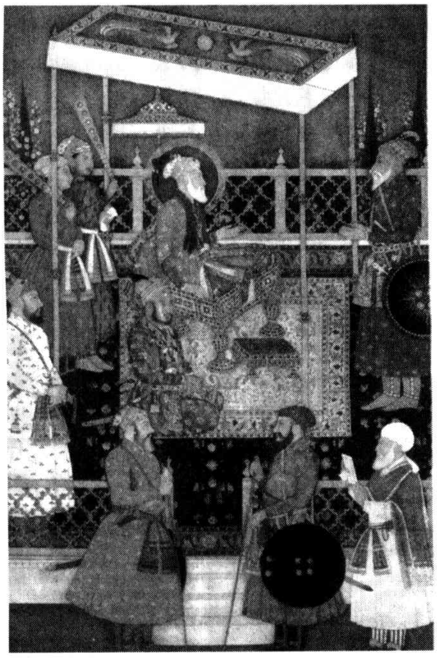
پس از ۱۱ سال که از حکومت کرامـول کـه رهبـر حزب حقیقت‌خواه محسوب مـی‌شـد و در سـایه ارتـش می‌زیست، اکثریت شهروندان انگلیسی آرزو مـی‌کردنـد که بار دیگر حکومت سـلطنتی در کشـور برقـرار شـود. روی این زمینه، کشتی چارلز دوّم، امـروز در بنـدر دوور (Dover) لنگـر انـداخت و خـود وی بـه سـوی لنـدن رهسپار شد، البته چارلز نه بـه‌عنـوان یـک فـاتح، بلکـه به‌عنوان یک پادشاه مشروطه بـه شـهر وارد شـد و بـه خاطر این جریان جشنی هم برپـا شـد و بـدین وسـیله حکومت پارلمانی هم بار دیگر برقرار شد.

چارلز در این موقعیت، با زیرکی، دور از انتظار عمل کرد. با مرگ کرامول، شـیرازه‌ی امـور سیاسـی از هـم گسست و فردی نبود که رهبـری کشـور را بـه دسـت گیرد. پسر کرامول فردی ضعیف بود و بـه زودی آن را رها کرد. در اواخر سال گذشته، وی تنهـا کـاری را کـه انجام داد، به رسمیت شناختن قانون اساسی و مشروطه بود که البته این پرسشی به خواسته‌های ملّت بود.

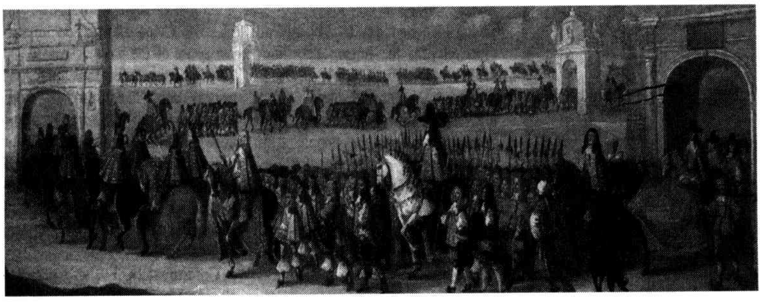
در پـاریس، هنریتـا ماریـا (Henrietta Maria)، ملکه‌ی مادر، که خـود پیـرو مـذهب کاتولیـک بـود، از سوی کالوینیست‌ها تحریک شد که سرپرستی و کنترل فرزند خود را در دست بگیرد، لیکن چارلز بـدون توجّـه به مادرش، اعلامیـه‌یـی در بـردا (Breda) انتشـار داد، مبنـی بـر ایـن‌کـه حکومـت پارلمـانی را بـه رسـمیت می‌شناسد و فرمان عفو عمومی خواهد داد و گذشـته را هم فراموش خواهد کرد.

همه‌ی شهروندان و تمام نقاط کشور، باید هزینـه‌ی نیروهای مسلّح را بپردازند و بـا پارلمـان در تمـام امـور تشریک مساعی نمایند. اکثریت اعضای پارلمان با ایـن اعلامیه موافقت کردند و چارلز را هم به‌عنـوان پادشـاه پذیرفتند.

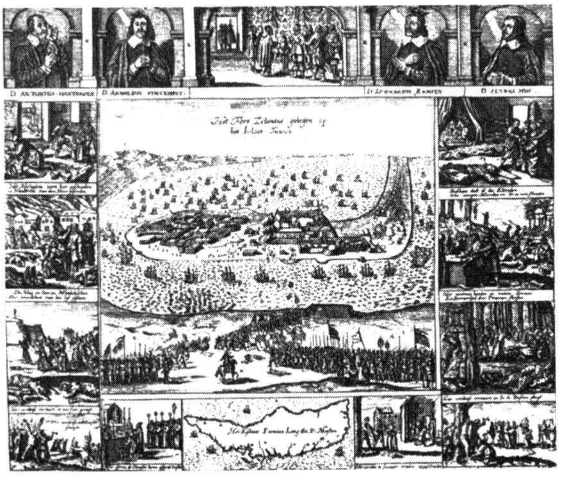
موقعیت بازرگانی دریای بالتیک، باعث افـروختن آتش جنگ می‌شـود. (کپنهـاگ (Copenhagen)، ۱۶۶۰):



اورنگ زیب بر سریر پادشاهی در حالی که درباریان در اطراف او هستند. در ضمن یکی از اطرافیان وی مشغول دادن گزارشی از وضع یکی از حکام ستمگر هند است که خود را از همه بالاتر می داند و زندگی پر تجمل و شاهانه یی دارد.



پس از ۱۱ سال که از اعدام چارلز اول به وسیله ی پارلمان می گذرد، چارلز دوم از سپاهیان سان می بیند. عده یی از مردم عقیده دارند که شاه در نظر دارد که در آینده سیاست و روش زمامداری سلسله ی استوارت Stuart را در انگلیس به مورد اجرا بگزارد.



نقشه ی جزیره ی تایوان Taiwan که پس از مدتی تسلیم لشگریان هلندی شد. دولت هلند پس از تسخیر این جزیره آن جا را به مستعمره تبدیل کرد و البته در این باره حکایات بسیاری نقل می کنند.

جنگ بین دانمارک و سوئد، بالاخره به پایان رسید. دو کشور قرارداد صلح کپنهاگ را امضا کردند، مشروط بر این‌که دانمارک از ادعای خود مبنی بر مالکیت بخش جنوبی سوئد صرفنظر کند. این جنگ از سال ۱۶۵۸ با حمله سوئد به دانمارک آغاز شد.

هر دو کشور با خشم فراوان توافق کردند که مسیر باریکه وصول به دریای شمال را آزاد بگذارند تا راه ورود به دریای بالتیک با مانع روبه‌رو نشود و این راه برای کشتی‌های همه کشورها باز باشد، برای اجرای این تصمیم چشم اروپایی‌ها به سوئد و بخش تحت تابعیت آن کشور دوخته شده بود، زیرا سوئد می‌توانست هر لحظه این راه را مسدود نماید. با مرگ کارل دهم، پسر کوچک او به نام کارل یازدهم جانشین او شد و روسیه به موقعیت خود در دریای بالتیک می‌نگریست و ردپای سوئد را تعقیب می‌کرد. همه‌ی نبردهای اروپا با شیوع بیماری طاعون همراه بود، دریای بالتیک هم نظیر دریای مدیترانه مرکز حیاتی راه‌های دریایی برای تجارت بود، لیکن اهمّیت آن کمتر بود، به‌ویژه قسمت جنوبی دریای مدیترانه از اهمّیت وافر برخوردار بود، چون از ناحیه لوانت (Levant) کالاهایی هم‌چون شراب، میوه و روغن زیتون صادر می‌شد که در شمال اروپا امکان تولید آن‌ها وجود نداشت، برعکس محصولات شمال اروپا، شامل آهن‌آلات، مس و نمک بود که برای تهیه غذا موردنیاز بود.

دریای بالتیک هم‌چنین تأمین‌کننده‌ی غلّات و غذا برای بقیه اروپا و نیز الوار و سایر مواد لازم برای تهیه کشتی بود. این دریا یک راه دریایی اقتصادی و سوق‌الجیشی محسوب می‌شد که تمام نواحی اروپا از آن بهره‌مند می‌شدند و تنها به دانمارک و سوئد تعلق نداشت و همه‌ی کشورهای اروپایی در حمایت از کشتیرانی در آنجا همگام بودند، و از تهدید کشورهای سوئد و دانمارک علیه همسایگان در بیم و هراس به سر می‌بردند، در این میان، بزرگ‌ترین حامی آزادی راه‌های دریایی کشور هلند بود. هلندی‌ها هم مانند سایر ملل بازرگان از بیم آن‌که ناوگان تجارتی آن‌ها در دام این باریکه راه قرار نگیرد و مورد تهاجم سایر کشورها واقع نشود، به سلامت و حفظ این راه علاقه‌مند بودند و نیز از جهت این‌که مسیر تنها متعلق به یک کشور باشد، دچار خشم و عصبانیت بودند و خلاصه به صلح این منطقه می‌اندیشیدند.

قوانین سرف‌داری (Serfdom) تزار، سرف‌ها را به سارق مبدّل کرد. (روسیه، ۱۶۶۰):

خطر جدید و بالقوه‌یی که مسافران روستایی را تهدید می‌کند، سارقان و دزدانی هستند که در راه‌ها کمین کرده و مسافران را غارت کرده و احیاناً به قتل می‌رسانند. بزرگ‌ترین عاملی که آن‌ها را به این کارها وادار می‌کند، سال‌ها قحطی و شیوع بیماری طاعون می‌باشد. ناظران معتقدند که قوانین سرفداری هم که در ۱۲ سال پیش توسط تزار به مورد اُجرا گذاشته شد، از دیگر عوامل مهمّ دزدی و فساد می‌باشد که سرف‌ها را به دزدی و سرقت واداشته است. در قانونی که توسط تزار آلکسیس (Alexis) در سال ۱۶۴۸ تدوین شد، کارگران کشاورزی را وابسته به زمین کرده بود، به‌طوری که مالک زمین می‌توانست با فروش زمین کشاورزی، کارگران را هم بفروشد و دهقان حق فرار از ملک را نداشت و در صورت فرار، توسط مالک به آزار و شکنجه محکوم می‌شد و کارگران به اجبار تا آخر عمر بایستی زندگی خود را به این صورت سپری کنند. این قانون هم‌چنین مقرّر می‌داشت که تمام خانواده زارع باید تحت این پوشش باشند، و فرزندان، نوه‌ها و اقوام نزدیک او هم تحت قید و بندگی مالک زمین به سر برند قوانین سرف‌داری شامل تمام خانواده بزرگ آن‌ها می‌شد، در حالی‌که پیش از وضع قانون جدید، تنها فرد کارگر، وابسته به زمین و ارباب بود.

علاوه بر آن، همه‌ی بار مالیاتی بر دوش کارگران قرار می‌گرفت و آن‌ها همواره وام‌دار ارباب و دولت بودند، بدین سبب آن‌ها فرار را بر قرار ترجیح داده و از محلّ زندگی خود می‌گریزند و اقدام به سرقت و راهزنی می‌کنند.

وقایع‌نگار انگلیسی، نسبت به کثیف بودن شهر لندن انتقاد کرد. (لندن، ۱۶۶۱):

جان اِولین (John Evelyn) مؤلف و وقایع‌نگار انگلیسی که از خانواده اشرافی روستایی است، می‌نویسد: زندگی در شهر کثیف لندن برای سلامتی و

انگلیس، ۱۷۰۵
برنار دو ماندویل (Bernard de Mandeville) نویسنده‌ی فرانسوی که در انگلیس متولد شده بود، کتابی نام «حکایت زنبوران عسل» را به رشته‌ی تحریر درآورد. وی در این حکایت بحثی را پیش می‌کشد که چگونه انسان نفع‌طلب همواره در پی سودهای شخصی است و چه گناهانی را در اجتماع مرتکب می‌شود.

انگلیس، ۱۷۰۵
ادموند هالی (Edmund Halley) مسیر حرکت ستارگان دنباله‌دار را تعیین کرد.

انگلیس، ۱۷۰۵
سر جان وانبرو (Sir John Vanbrugh) قصری به‌نام بلن‌هایم (Blenheim) در اکسفوردشایر (Oxfordshire) بنا کرد.

اتریش، پنجم مه ۱۷۰۵
لئوپولد امپراتور مقدس رم، از دنیا رفت و پسرش به‌نام ژوزف جانشین وی شد. لئوپولد در تمام مدت سلطنت خود سعی کرد که سرزمین تحت سلطه‌ی خود را گسترش دهد، مجلس قانون‌گزاری را تقویت کند، اصلاحاتی در نیروهای نظامی و مالیه‌ی کشور به‌عمل آورد. وی همواره در تلاش بود که از ضمیمه‌شدن مجارستان و ترانسیلوانی به دولت عثمانی ممانعت کند.

اسپانیا، ١٤ اکتبر ۱۷۰۵
ناوگان دریایی انگلیس شهر بارسلونا (Barcelona) را متصرف شد.

مسکو، ۱۷۰۵
پتر کبیر دانشگاه مسکو را افتتاح کرد.

آلمان، نهم مارس ۱۷۰٦
یوهان پاشلبل (Johann Bachelbel)، آهنگساز و رهبر ارکستر آلمانی در شهر نورنبرگ (Nuremberg) درگذشت. او یکی از زیباترین و جالب‌ترین دسته‌ی چندصدایی را به‌وجود آورد که تمام خوانندگان در حین اجرای موسیقی هم آهنگی بسیار خوبی با هم داشتند. پاشلبل توانست پیش‌درآمد و سرودها را به نحوی بسیار جذاب و شورانگیز به‌اجرا درآورد و از این نظر مورد احترام است.

اسپانیا، ۲۳ مه ۱۷۰٦
نیروهای فرانسوی شهر بارسلونا را که تحت اشغال انگلیس بود، محاصره کردند.

هلند، ۲۳ مه ۱۷۰٦
نیروهای نظامی انگلیس تحت فرماندهی مارلبورو، سپاهیان فرانسوی زیر نظر ویل‌روآ (Villeroi) را مغلوب کردند و سرزمین تحت سلطه‌ی اسپانیایی هلند هم به‌دست انگلیس سقوط کرد.

اسپانیا، اکتبر ۱۷۰٦
با وجودی‌که شهر مادرید در اوایل امسال به مناطق متعلق به پرتغال درآمده بود، لیکن فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا آن شهر را پس گرفت.

امریکای شمالی، ۱۷۰٦
خوان دو اوریباری (Juan de Uribarri)، سرزمین وسیعی در شمال غربی امریکا را متعلق به اسپانیا دانست (کلرادو (Colorado)).

نیومکزیکو، ۱۷۰٦
فرانسیسکو کوئرو والدس (Francisco Cuervo Valdes) فرماندار نیومکزیکو، اداره‌ی منطقه‌ی مرکزی و پایین ریو گرانده (Rio Grande) را به‌عهده گرفت. وی آلبوکرک (Albuquerque) دریانورد اسپانیولی را به‌عنوان نایب و قائم‌مقام آن‌جا منصوب کرد.

ایران، ۱۷۰٦
شاه سلطان‌حسین صفوی مدرسه‌ی دینی چهارباغ را در شهر اصفهان تأسیس کرد.

بریتانیا، یکم مه ۱۷۰۷
طی فرمانی، اسکاتلند به انگلیس پیوست و هر دو کشور واحدی گشتند.

مجارستان، ۱۷۰۷
پارلمان بوداپست سقوط شهر هابسبورگ (Habsburgs) و استقلال آن را از مجارستان اعلام کرد.

هندوستان، ۱۷۰۷
اورنگ زیب امپراتور مغول، در سن ۸۹ سالگی وفات یافت. او بخش اعظم شبه‌جزیره‌ی هند را تحت استیلا داشت. پس از مرگ وی بهادرشاه جانشین وی شد.

به‌ویژه ریه انسان مضر و خطرناک است. اِولین در هنگام رویدادهای مهمّ بریتانیا و آن زمان که کشور در حالت دگرگونی قرار داشت، در خارج از لندن به سر می‌برد و در سن ۱۱ سالگی به لندن سفر کرد. او سفرهای زیادی به تمام اروپا کرده و شهرهای زیادی را دیده بود و در طی مسافرت‌های خویش در امور سیاسی، تربیتی و مذهبی مردم تحقیق کرده و در نتیجه فردی با نفوذ و محقق به‌شمار می‌آمد و در تمام زمینه‌ها تبحّر داشت.

در سن ۴۱ سالگی، به دربار چارلز دوّم، پادشاه انگلیس، راه یافت و تمام زندگی خود را صرف امور اجتماعی نمود. او در چندین مأموریت، از طرف دربار شرکت جست و نظریات خود را در امور مختلف ابراز می‌کرد.

از نظر اِولین، آلودگی هوای لندن، باعث ناراحتی‌های زیادی برای ساکنان این شهر می‌شود و مبارزه با آن یک جهاد مذهبی است. او می‌گوید که این آلودگی معلول عوامل زیادی است که از آن جمله وجود کارخانه‌ها با سوخت زغال‌سنگ می‌باشد که مقدار زیادی دوده زغال تولید می‌کند و این هوای مسموم به ریه افراد صدمه می‌رساند.

به عقیده‌ی اولین، چاره‌ی کار، یکی کاشتن درخت و بوته‌هاست که به تلطیف هوا کمک می‌کند و دیگر جلوگیری از دود و مواد سوختنی کارگاه‌ها و کارخانه‌هاست که در شهر انتشار پیدا نکند. متأسفانه، طرح‌های اولین برای ایجاد هوای پاک و جلوگیری از آلودگی مورد توجّه قرار نگرفت و هنوز هم لایحه و قانونی برای کنترل آلودگی هوا شهر تدوین نشده و این موضوع با بی‌اعتنایی روبه‌رو شده است.

پادشاه دانمارک تمام قدرت را در دست گرفت. (کپنهاگ، ژانویه ۱۶۶۱):

پس از آن‌که فردریک سوّم، پادشاه دانمارک، اعلام کرد که حکومت مطلقه را در کشور برقرار خواهد کرد، خود را در تمام امور کشور خود محور دانست، یکی از اشراف‌زادگان خشمگین، با پشتیبانی گروهی از ساکنان قصبات و روستاها، بر ضدّ وی قیام کردند، زیرا شاه خود را مافوق بشر و بالاتر از قوانین می‌دانست که

مسؤولیتی در برابر ملّت نخواهد داشت و تنها در برابر خداوند جوابگو خواهد بود.

اکنون دو سال از محاصره شهر کپنهاگ توسط سوئد می‌گذرد. دو روز پیش، فردریک از تمام ملّت خواست در اجتماعی گرد هم آیند و برای تغییر وضعیت سیاسی کشور تصمیم بگیرند. در درجه‌ی اوّل او از مردم درخواست کرد برای کنترل سیستم مالیات اقدام کنند، و پست‌ها و مشاغل کشوری را که تاکنون دردست نجبا و اشراف بود، اشغال کنند. اراضی کشاورزی را از مالکان بخرند تا با اشراف سهم مساوی داشته باشند و با آن‌ها شریک شوند و از آزار و اذیت صاحبان املاک رهایی یابند.

او برای تقویت روحیه‌ی مردم مأیوس در مقابل کشور سوئد، آن‌ها را تشجیع کرد.

پادشاه به نیروهای نظامی دستور داد که دروازه‌ی شهر را بگشایند تا افرادی که می‌خواهند خارج شوند و در ضمن کنترل شهرها و روستاها را به‌طور موقت به دست نظامیان سپرد. (حکومت نظامی)

قبایل ایروکوا (Iroquois)، انحصار فروش پوست خز را در دست می‌گیرند. (آمریکای شمالی، ۱۶۶۲):

طوایف سرخ‌پوست آمریکای شمالی، نبرد بی‌رحمانه‌یی را برعلیه حریفان خود شروع کرده‌اند و انحصار فروش پوست خز با فرانسه را در اختیار خود گرفته و از این راه به سودهای سرشاری دست یافته‌اند.

در اوایل همین قرن، سرخ‌پوستان هورون (Huron)، حکومتی به مانند امپراتوری تأسیس کردند و مدّت چند سالی تمام تجارت پوست خز را به خود اختصاص دادند، لیکن در سال ۱۶۴۰، یک قبیله دیگر به نام ایروکوا تصمیم گرفت که به این امر پایان دهد و در نتیجه وارد نزاع با هورون‌ها شد.

با پیشرفت نبرد تجاری بین فرانسه و هلند، قبایل ایروکوا، تعدادی از شهروندان هلندی را برای حمایت خود در جنگ برعلیه حریف، استخدام کردند و آن‌ها با سلاح‌های خود در نبرد شرکت کردند و موفقیت‌هایی هم به دست آوردند. لیکن تلاش‌هایی برای ایجاد صلح بین دو طایفه شروع شد. قبیله‌ی ایروکوا چون با صلح موافق نبود، مأموران و عاملان طرفدار صلح را به قتل رسانید و جنگ ادامه پیدا کرد. سران قبیله سعی می‌کردند تا انهدام کامل حریف از پای ننشینند.

در سال ۱۶۴۹، هنوز جنگ ادامه داشت و قبایل ایروکوا به پیشرفت‌های بیشتری دست یافتند، هورون‌ها را از روستاها و دیار خود بیرون راندند و همه را کشتند و منطقه را از وجود هورون‌ها پاک کردند. با این کشتار عظیم، موقعیت ایروکوا تثبیت شد و راه برای ورود اروپایی‌ها باز شد، در عین حال حمام خونی که برپا شده بود، فروکش کرد و اوضاع آرام و عادی گشت.

مازارن که در حقیقت شاه دوّم فرانسه بود، از دنیا رفت. (پاریس، ۱۰ مارس ۱۶۶۱):

کاردینال مازارن (Cardinal Mazarin) که در حقیقت پادشاه فرانسه بود، دیروز درگذشت و لویی چهاردهم پادشاه ۲۲ ساله فرانسه تمام اختیارات کشور را در دست گرفت. او بدون شک در عزم خود راسخ خواهد بود، چون در گذشته با دستورات خود، این امر را به اثبات رسانده و امروز هم گفت من خودم نخست‌وزیرم. من خود تصمیم می‌گیرم و اجرا می‌کنم، هیچ امری بدون دستور من قابل اجرا نخواهد بود. اخیراً هم خود را در مقام ریاست کلیسا معرفی کرد و در شورای کلیساها هم به‌عنوان اسقف اعظم شرکت نمود و در کرسی وی جای گرفت و چنین اظهار داشت: آقایان من ریاست کلیساها را به عهده می‌گیرم، بله آقایان من اسقف اعظم هستم.

اکنون به خوبی آشکار است که او درس‌هایی را که مازارن به وی آموخته، کاملاً به مورد اجرا می‌گذارد و به خوبی یاد گرفته که قدرت خود را چگونه به کار برد. او میراث خوار مازارن و دوک ریشیلیو می‌باشد و تمام این امور را مدیون سیاست و آموزش مازارن می‌باشد و در سوگ او عزادار است، لویی مخفیانه و بدون اطّلاع مادرش ازدواج کرده و همان‌طور که گفته شد یک حکومت خودمحور به‌وجود آورده است.

پاپ‌ها شهر رم را به سبک میکل‌آنژ زراندود کردند. (رم، ۱۶۶۲):

فرانسه، ۱۷۰۷
لویی چهاردهم طی فرمانی به وضع اجتماعی و مالی کشور که زیر نظر سباستین ووبان (Sebastien de Vauban) اداره می‌شد، حمله کرد و نقایص و آشفتگی‌های آن را اعلام کرد و از دولت خواست در رفع مضیقه‌ی مالی آن بکوشد. این وضعیت در فرانسه دیم رویال (Dime Royale) نامیده می‌شود.
بریتانیا، مارس ۱۷۰۸
جیمز ادوارد استوارت (James Edward Stewart) پسر جیمز دوم، خود را وارث تاج و تخت انگلیس خواند و به این بهانه سعی کرد که با نیروهای تحت فرمان خود در اسکاتلند پیاده شود، لیکن مساعی او با عدم موفقیت روبه‌رو شد.
هلند، ۱۱ ژوئیه ۱۷۰۸
نیروهای فرانسوی در شهر اودنارد (Oudenarde) به‌وسیله‌ی سپاهیان تحت فرماندهی مارلبورو (Marlborough) و اوژن (Eugene) فرمانروای ساووی به هزیمت دچار شدند.
نیوفاوندلند، ۲۱ دسامبر ۱۷۰۸
نیروهای فرانسوی کنترل کرانه‌ی شرقی در منطقه‌ی سن ژان (St Jean) را به‌دست گرفته و آن‌جا را فتح کردند.
فرانسه، دسامبر ۱۷۰۸
نیروهای ائتلاف بزرگ به فرماندهی اوژن فرمانروای ساووی پس از پنج‌ماه محاصره شهر لیل (Lille) را فتح کردند.
مدیترانه، ۱۷۰۸
نیروی نظامی انگلیس جزایر ساردنی (Sardinia) و مینورکا (Minorca) را که تحت اشغال فرانسه بود، تصرف کردند.
هندوستان، ۱۷۰۸
گورو گوویند سینگ (Guru Govind Singh) رهبر فرقه‌ی سیک (Sikh) های هند، به‌قتل رسید.
روسیه، ۲۸ ژوئن ۱۷۰۹
کارل دوازدهم پادشاه سوئد با همکاری سرکرده‌ی طوایف قزاق به‌نام مازپا (Mazeppa) توسط نیروهای روس در ناحیه‌ی پولتاوا (Poltava) به شکست سختی دچار شدند.
هلند، ۱۱ سپتامبر ۱۷۰۹
نیروهای فرانسه در پی ازدست‌دادن بخش‌های زیادی از سرزمین‌های تحت اشغال خود، شکست‌های دیگری را هم به‌وسیله‌ی نیروهای تحت فرمان مالبورو و اوژن در ناحیه‌ی مال‌پلاکت (Malplaquet) متحمل شدند.
هلند، ۲۰ اکتبر ۱۷۰۹
مالبورو و اوژن شهر مونز (Mons) را تصرف کردند.
افغانستان، ۱۷۰۹
میرویس (Mir Ways) رییس طایفه‌ی غلجایی، رهبری شورش شهر قندهار را علیه دولت صفویه به‌دست گرفت.
لهستان، ۱۷۰۹
لهستانی‌ها علیه استانیسلاس لزیونیسکی (Stanislas Leszczynski) قیام کردند، به‌طوری‌که وی فرار کرد و بدین ترتیب راه را برای مراجعت آگوستوس دوم به سلطنت هموار کردند.
آلمان، ۱۷۰۹
جووانی ماریا فارینا (Giovanni Maria Farina) شیمیدان و تاجر، توانست اودکلن (Eau de Cologne) را بسازد. تولید این محلول معطر باعث شد که خریداران زیادی پیدا شود و از سراسر اروپا سفارشاتی به او رسید و بازرگانان برای خرید آن هجوم آوردند.
ترکیه، ۱۷۰۹
کارل دوازدهم پس از مغلوب‌شدن از ناحیه‌ی روس‌ها در پولتاوا به ترکیه پناهنده شد.
ونیز، ۱۷۰۹
گئورگ فردریک هندل (Georg Frederick Handel) آهنگساز آلمانی، با برپایی اپرای آگری‌پینا (Agrippina) در شب گذشته با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد و سبب شهرت وی گردید.
فلورانس، ۱۷۰۹
بارتولومه کریستوفری (Bartolomeo Christofori) سازنده‌ی معروف هارپ‌سیکورد (Harpsichords) (پیانوی بسیار بزرگ) موفق به اختراع پیانوی معمولی لولادار گردید.
چین، ۱۷۰۹
کانگ‌زی (Kangxi) امپراتور چین از ژزوئیت‌های فرانسوی درخواست کرد که نقشه‌ی امپراتوری چین را ترسیم کنند.
اسپانیا، ۲۸ سپتامبر ۱۷۱۰
کارل سوم پادشاه اتریش، شهر مادرید را از اسپانیا بازپس گرفت.

شهر رم به دستور سه پاپ، اوربان هشتم، اینوسان دهم و آلکساندر هفتم، به یک شهر مجلّل و باشکوه و زیبا درآمده و بافت و مناظر آن تحوّل یافته است. جان لورنزو برنینی (Gianlorenzo Bernini)، سرآمد معماران و تندیس‌سازان اروپایی، با بنای یک مقر جدید در کلیسای سن‌پیتر در مرکز میدانی بیضی شکل با ستون‌های عظیم در اطراف این میدان شاهکاری به‌وجود آورده و خودش می‌گوید: سن‌پیتر مادر کلیساهای جهان است.

محلّ ورودی کلیسا با ستون‌های زیبای گچ‌بری به ارتفاع ۱۸ متر و تندیس‌هایی از قدیسین که بر روی سردر ورودی بنا شده و در سال ۱۶۱۲ توسط کارلو مادرنا (Carlo Maderna) یکی از پیشگامان سبک جدید، دکوراسیون آن تکمیل شد.

در داخل کلیسا برنینی، تختی از برنز با تزئینات بسیار زیبا ساخت که سکوی جلوس پاپ می‌باشد.

برنینی هم‌چنین برای زیباسازی شهر، کارهای زیادی انجام داد، از جمله بنای میدان فواره‌ها شبیه تریتون (Triton) با مجسّمه‌های زیبا به شکل زنده که آب از دهان آن‌ها خارج می‌شود و این تندیس‌ها به‌نظر انسان زنده می‌آید، این میدان را به اسم ناوونا (Navona) می‌نامند.

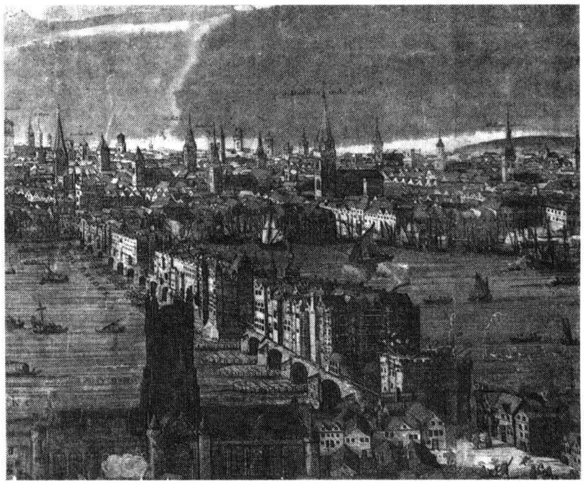
دیگر از کارهای برجسته برنینی، ساخت تندیس سن‌ترزا (St Teresa) در کلیسای کورنارو (Cornaro) در حالت جذبه و خلسه می‌باشد که او را در مکاشفه مقدسی فرو برده و لحظاتی پر از شور و عشق آفریده است.

این سبک را برخی به نام باروک (Baroque) می‌نامند که در زبان اسپانیولی به معنی خشن است و در سراسر ایتالیا از این سبک تقلید شده است.

در سال ۱۶۳۰، در جمهوری ونیز هم، به وی مأموریت داده شد که در کانال بزرگ شهر و در کلیسای سانتا ماریا دلا سالوته (Santa Maria della Salute)، برای سپاسگزاری از این قدیس، در جهت بهبودی مردم از بیماری طاعون تندیسی از وی تهیه کند.



سن ترزا St Teresa در حال خلسه و وجد. کار برنینی.



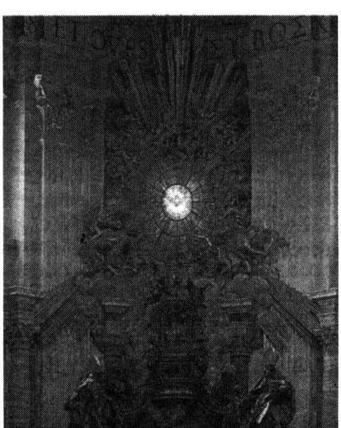
لندن بریج (پل لندن) در نقشه ی ویسچرVisscher هنرمند نقاش که نسخه ی اصلی آن در سال ۱۶۵۰ ترسیم شده.



تندیس مرمری چارلز دوم، کار پلله Pelle.



سقف تذهیب شده و بسیار باشکوه قصر باربرینی Barberini Palace.



تخت سلطنتی مخصوص پاپ که به وسیله ی برنینی Bernini ساخته شده و در کلیسای بزرگ سن پیتر قرار دارد.

ترکیه، ۳۰ نوامبر ۱۷۱۰
کارل دوازدهم پادشاه سوئد، ترکیه را وادار کرد که به روسیه اعلان جنگ دهد.

اسپانیا، دهم دسامبر ۱۷۱۰
نیروهای فرانسوی در نبرد ویلا ویسیوزا (Villa Viciosa)، لشکریان اتریش را مغلوب کرده و آن‌ها را وادار کردند که از شهر مادرید عقب‌نشینی کنند و هم‌چنین سلطنت فیلیپ پنجم در اسپانیا که نخستین فرد از بوربون (Bourbon) ها می‌باشد را به رسمیت بشناسند.

کانادا، ۱۷۱۰
سپاهیان انگلیسی تحت فرمان فرانسیس نیکلسون (Francis Nicholson)، استحکامات فرانسوی‌ها در پورت رویال (Port Royal) واقع در آکادیا (Acadia) (نوااسکوتیا (Novascotia) و نیوبرانزویک (New Brunswick)) را تسخیر کردند.

پاریس، ۱۷۱۰
فرانسه قانون مالیات یک‌دهم محصولات را وضع کرد و بدین‌وسیله به ازدیاد درآمد دولت کمک کرد.

انگلیس، ۱۷۱۰
جورج برکلی (George Berkeley) فیلسوف انگلیسی، حواس پنج‌گانه‌ی انسان را کشف و آن‌ها را از هم متمایز ساخت. وی این رساله را به‌نام احساسات پایه برای درک و فهم بشر نامید.

لندن، ۱۷۱۰
تعداد قهوه‌خانه‌های لندن که برای نخستین‌بار در اواسط قرن گذشته به‌وجود آمده بود، به دوهزار رسید.

وین، ۱۷ آوریل ۱۷۱۱
با درگذشت یوزف امپراتور، شارل سوم پادشاه اسپانیا با نام شارل چهارم به جانشینی او منصوب شد.

بوستون، ۲۵ ژوئن ۱۷۱۱
با ورود ۶۴ کشتی حامل پانصدنفر سرباز و شش‌هزار نفر جاشوی انگلیسی به بوستون، پیشروی به‌سوی کانادا آغاز شد.

روسیه، ۲۱ ژوئن ۱۷۱۱
با انعقاد پیمان صلح بین روسیه و عثمانی به جنگی که از سال گذشته بین دو کشور آغاز شده بود، پایان داده شد و روسیه مجبور شد که بندر ازوف (Azov) را به ترکیه تحویل دهد.

افغانستان، ۱۷۱۱
میرویس رهبر طایفه‌ی غلجایی که جانشین فرمانده ارتش شکست‌خورده‌ی ایران شده بود، طایفه‌ی غلجایی را به طغیان علیه ایران واداشت و بدین ترتیب استقلال استان افغانستان را در برابر ایران تضمین کرد.

مجارستان، ۱۷۱۱
با رد و عدم پذیرش فرانسه و روسیه از انقلابیون مجار، آن‌ها درجا و همان هنگام با صلح در هابسبورگ موافقت کردند.

آلمان، ۱۷۱۱
یوهان بوتگر (Johann Bottger) که به‌طور پنهانی به رموز ساخت چینی اطلاع حاصل کرده بود (چون چینی‌ها طرز ساخت آن را مخفی نگاه می‌داشتند)، اجازه‌ی تأسیس یک کارخانه‌ی چینی‌سازی را در شهر میسن (Meissen) کسب کرد.

بالکان، ۱۷۱۱
با حمایت ونیز و روسیه، دانیلو (Danilo) پادشاه مونته‌نگرو (Montenegro)، مسلمانان اهل این منطقه را قتل‌عام و ترک‌ها را از آن‌جا اخراج کرد.

انگلیس، ۱۷۱۱
کمپانی دریای جنوب هم تشکیل شد.

کارولینا، ۲۲ سپتامبر ۱۷۱۱
با هجوم سرخ‌پوستان به مهاجران مانند امواج بلند دریا، دگرگونی‌هایی در روانوک (Roanoke) و ناحیه‌ی ساحلی رود چوان (Chowan) به‌وجود آورده و منجر به پیکار توسکارورا (Tuscarora) گردید.

امپراتوری عثمانی، ۱۷۱۱
دولت عثمانی برای این‌که بتواند بر منطقه‌ی مولداوی (Moldavia) حکمرانی و نظارت مستقیم داشته باشد، در حومه‌ی شهر منطقه‌یی به آنان اختصاص داد، هم‌چنان‌که در حومه‌ی شهر استانبول یک ناحیه‌ی یونانی‌نشین به‌وجود آورد. دولت عثمانی در این امر عجله دارد، چون برای ایجاد روابط حسنه با روس‌ها مجبور است رعایت بعضی از نکات را بنماید، زیرا مردم این مناطق می‌خواهند هرچه زودتر از زیر یوغ عثمانی رهایی یابند.

روس‌های کینه‌توز، ایرانیان را دچار وحشت می‌نمایند. (ایران، ۱۶۶۴):

ساکنان کرانه‌ی مازندران و شبه‌جزیره‌ی آشوراده، در کنار بحر خزر، از گروه سارقان بارون استنکا رازین (Baron Stenka Razin) و فعالیت‌های غارتگرانه قزاق‌ها، همواره در هول و وحشت به سر می‌برند. آن‌ها با تاخت و تاز در این منطقه، نفرت و انزجار مردم را از همسایه شمالی خود برانگیخته‌اند. این مزاحمت‌ها و گرفتاری‌ها، دولت ایران را ناچار نموده که از راه مذاکرات سیاسی مسأله را فیصله دهد و دربار کمیسیونی از دیپلمات‌ها را مأمور این کار کرده است. این هیأت ۸۰۰ نفری، به بهانه‌ی اعتراض نسبت به این امر، تعدادی از بازرگانان را هم برای گفت‌وگوهای بازرگانی به همراه دارد، لیکن وظیفه‌ی اصلی آن‌ها، برطرف کردن اختلال در روابط بین دو کشور می‌باشد. سفیران روسیه با نمایندگان ایران با خشونت رفتار کردند و به علتی مجهول یکی از اعضای هیأت نمایندگی ایران کشته شد. تزار آلکسیس میخائیلوویچ (Alexis Mikhailovitch) فرمان داد که به تلافی اعمال خلاف‌کارانه قزاق‌ها، آنان را تنبیه نمایند.

ستاره‌شناس را به جرم تبعیت از فرقه‌ی ژزوئیت اعدام کردند. (بجینگ، ۱۶۶۴):

آدام اسکال (Adam Schall)، یکی از اعضای هیأت مذهبی ژزوئیت‌ها، که بیشتر ایام جوانی را در چین سپری کرده بود، به جرم پیروی از مسیحیت و این‌که کارهای او را دروغ می‌پنداشتند و نظریات وی را درباره‌ی علم نجوم واهی تصوّر می‌کردند، به اعدام محکوم گردید.

اسکال زمانی لباس چینی (ردای بلند) می‌پوشید و با زبان چینی به آسانی تکلّم می‌کرد و به‌عنوان مدیر اجرایی رصدخانه چین منصوب شد، لیکن پس از مدّتی مورد بی‌مهری قرار گرفته و مغضوب شد. این بی‌اعتنایی شاید به سبب تبعیت از فرقه ژزوئیت و تلاش وی برای برپا کردن یک صومعه مسیحی در دربار بجینگ بود که دشمنان وی او را به ارتداد از مذهب چینی محکوم کردند. سایر اعضای هیأت مذهبی او هم به سبب حسادت از موقعیت وی، به

سعایت از او در نزد امپراتور چین پرداختند و رقبای او هم شکایت او را به کلیسای رم بردند و مجموع این جرایم منجر به اعدام وی شد.

چینی‌ها علاوه بر آن، وی را متّهم کردند که او مردم را برعلیه دولت مرکزی می‌شوراند و در صدد تغییر مذهب چین به مسیحیت است.

اسکال در این هنگام علیل و بیمار بود و از اعدام وحشت داشت، معهذا باز هم از گناهانش چشم‌پوشی نشد و به نابودی او منجر شد.

کتاب جدیدی درباره‌ی عبادات منتشر شد و روحانیون مجبور به پیروی از دستورات آن شدند. (انگلستان، ۱۶۶۲):

نسخه‌ی جدیدی از کتاب توماس کرانمر (Thomas Cranmer)، یکی از شهیدان پروتستان که در سال ۱۵۴۹ تألیف شده بود، انتشار یافت. در بخشی از این کتاب درج شده که کلیساهای انگلیکان بایستی هم‌چنان در وضعیت پیشین باقی بماند و در ضمن تمام کلیساهایی که با انگلیس موقعیت همسانی دارند، کتاب جدید به کار گرفته شده و دستورات آن را به مورد اجرا بگذارند و این وظیفه دستگاه روحانیت است که تمام مفاد این کتاب را اجرا کند. هر یک از کشیشانی که این تجدیدنظر مندرج در این کتاب را نپذیرند و برطبق مفاد مقرره روز سنت بارتولمی (St Bartholemew) (۲۴ اوت) عمل نکنند، باید تاوان این امر را با اخراج از کلیسای محلّ خدمت خود بپردازند. عدّه‌یی از روحانیان به این موضوع احترام گزاردند و از مقرّرات آن پیروی نمودند، لیکن اسقف‌های زمان کرامول و چارلز اوّل پادشاه انگلیس از این امر سرپیچی نمودند و در مقابل این امر تا آنجا که امکان داشت، مقاومت ورزیدند.

مقاله‌یی درباره‌ی حقوق تساوی زنان انتشار یافت. (انگلیس، ۱۶۶۲):

یکی از موضوعات سخنرانی دوشس نیوکاسل (Duchess Newcastle)، درباره‌ی حقوق زنان دور می‌زد. او در کتاب خود موسوم به «اختلاف حقوق شخصیت‌ها» این جریان را به صراحت شرح می‌دهد. مؤلف این کتاب که بیشتر به نام مارگارت کاوندیش (Margaret Cavendish) مشهور است، در سری مقالات خود مدعی است که جنس زن قدرتی همسان مرد دارد و تبعیت او از مرد نوعی دسیسه و نیرنگ عشقی می‌باشد و از دوستی و عشق سرچشمه می‌گیرد.

مارگارت کاوندیش در سال ۱۶۲۴ زاده شد، او دختر سرتوماس لوکاس (Sir Thomas Lucas) است. وی مدّت دو سال را در دربار چارلز اول در کمال ناراحتی سپری کرد و در سال ۱۶۴۵ با نیوکاسل یکی از سلطنت‌طلبان ازدواج نمود. او زمانی که در تبعید در پاریس به سر می‌برد، اشعاری درباره‌ی زندگی خصوصی خویش و فلسفه سرود.

وی پس از استقرار مجدد حکومت پارلمانی، یعنی در زمان کرامول به کشور بازگشت و به‌عنوان یک نویسنده مردمی و فردی که از دربار و سلطنت گریزان بود، شهرت یافت.

انجمن علمی سلطنتی تأسیس شد. (لندن، ۱۶۶۲):

چند گروه از دانشمندان انگلیسی، انجمنی برای بازآموزی علمی تأسیس کردند. پایه‌گذار این کار، گروه علمی جان ویل‌کینز (John Wilkins) می‌باشد که با حمایت دانشگاه آکسفورد در سال ۱۶۵۰ به تلاش برای تأسیس این انجمن اقدام کردند.

سایر این افراد که در آسمان علمی این کشور می‌درخشند، عبارتند از: جان والیس (John Wallis) ریاضی‌دان، رابرت بویل (Robert Boyle) دانشمند فیزیک و شیمی، توماس ویلیس (Thomas Willis) محقق علم پزشکی و یکی از بزرگ‌ترین معماران این عصر موسوم به کریستوفر رن (Christopher Wren).

دانشمندان نامبرده با افراد دوستدار دانش و با همکاری کالج گرشام (Gresham College) و عدّه‌یی از گروه سلطنت‌طلبان این انجمن سلطنتی را تشکیل دادند.

هدف اصلی این انجمن، جلوگیری از مناقشات علمی و مرکزی برای گردهمایی روشنفکران و اهل علم می‌باشد. کلیه این گروه زندگی خود را وقف

کارهای علمی می‌کنند و هدف آن‌ها پیشرفت دانش می‌باشد.

آنان برای پیشبرد علم وسایل این کار را هم مهیا کردند و در این راه به تأسیس کتابخانه، آزمایشگاه و سایر لوازم جهت انجام کارهای علمی اقدام می‌کنند. انجمن نوین سلطنتی از پرداخت مالیات معاف است و از نظر سیاسی مستقل، و وابسته نیست و نشریه انجمن، مجله فلسفی نام دارد. در این انجمن، مباحثی همچون مذهب و الهیات و سخنرانی‌ها جایی ندارد و بیشتر بر روی علوم مورد استفاده عمومی همچون دریانوردی و مهندسی تکیه می‌کند و علم اقتصاد و بازرگانی هم از اهمّیت ویژه‌یی برخوردار است.

در همین زمان ساموئل پپیس (Samuel Pepys) یکی از نویسندگان بزرگ هم به عضویت انجمن پذیرفته شد. در جلسات انجمن و دیدار اعضا که بین این مردان عالی‌مقام علمی صورت می‌گیرد، تنها بحث بر روی پایه علمی است و دانشمندان دیدگاه‌ها و نظریات علمی را شرح می‌دهند و دولت در امور انجمن مداخله ندارد. در کشور فرانسه هم یک آکادمی سلطنتی علمی نظیر این انجمن تشکیل شده و به کارهای علمی مبادرت می‌کند.

حجم گازها در اثر جوشاندن ازدیاد پیدا می‌کند. (لندن، ۱۶۶۲):

رابرت بویل، دانشمند شیمی انگلیسی ـ ایرلندی، توانست فرمولی جهت انبساط گازها و ازدیاد حجم آن‌ها در اثر جوشیدن با حرارت یکنواخت پیدا کند. این دما بستگی به حرارت و فشار دارد و کیفیت و حجم گاز بستگی به حرارت مداومی دارد که در آن شرایط ایجاد می‌شود و اگر گاز در یک محیط وسیع و باز منتشر شود، از فشار و حرارت آن کاسته می‌شود. بویل در سن ۳۵ سالگی با کمک یک کاشف دیگر به نام رابرت هوک (Robert Hooke) در دانشگاه آکسفورد به این نتیجه رسید.

امّا این تمام ثمره‌ی فعالیت او نبود. بویل در ضمن تحقیقات خود به نتایج دیگری هم دست یافت. او هم‌چنین به نقش ریه‌ها در هوای آلوده و سوخت ناقص

پنسیلوانیا، هفتم ژوئن ۱۷۱۲

در جلسه‌ی عمومی شهر با واردکردن برده به این ایالت مخالفت و آن را ممنوع اعلام کردند.

نیویورک، چهارم ژوئیه ۱۷۱۲

با شورش سرخ‌پوستان علیه سفیدپوستان، آن‌ها ۹ نفر از سفیدپوستان را به هلاکت رساندند. دادگاه هم برای نخستین‌بار حکم اعدام ۱۲ نفر از سرخ‌پوستان را صادر کرد، تعداد شش‌نفر از آن‌ها هم از ترس محاکمه قبل از آمدن به محکمه خودکشی کردند.

پنسیلوانیا، ۱۷۱۲

ویلیام پن (William Penn) بانی و مؤسس فرقه‌ی کواکرها (Quaker) و هوادارانش تحت آزار و شکنجه‌ی شدید قرار گرفتند، همسر او هم به‌نام هاناه (Hanah) قبل از این جریان پنسیلوانیا را ترک کرده بود.

ناحیه‌ی دریای بالتیک، ۱۷۱۲

روس‌ها و دانمارکی‌ها نیروهای سوئدی را در ساحل بالتیک مقهور کردند. از سال ۱۷۰۰ که جنگ‌هایی موسوم به دومین جنگ شمال آغاز شد، پادشاه سوئد سعی داشت که خود را رهبر بلامنازع دریای بالتیک نشان دهد. به هر حال این شکست که در همین اواخر نصیب وی شد، همه‌چیز خود را از دست داد، اکنون کارل در تلاش است که هر طور هست صلح کند تا شاید بتواند امیدی برای آینده داشته باشد.

افریقای غربی، ۱۷۱۲

حاکم‌نشین بامبارا (Bambara) در بخش علیای رود تیمبوکو (Timbuktu) به‌نام سه‌گو (Segu) تشکیل شد. این سرزمین که از نظر دینی غیرمسلمان می‌باشد، پس از انقراض حکومت مالی در غرب به‌جای آن به‌وجود آمد.

کارولینای شمالی، ۲۳ مارس ۱۷۱۳

پس از مشاجرات مفصل با سرخ‌پوستان این ناحیه، سربازان آن‌ها توانستند نواحی شمال و جنوب بندر نوهوک (Nohucke) را که پایگاهی برای تسخیر توسکارورا (Tuscarora) می‌باشد را تصرف کنند. پس از آن‌که جنگ در سال ۱۷۱۱ به‌پایان رسید، سرخ‌پوستان در بخش وسیعی از این ناحیه مسکن گزیدند.

بریتانیا، ۲۶ مارس ۱۷۱۳

پس از نبردهای ملکه آن با اسپانیا بر سر گسترش مهاجرنشینان انگلیسی در امریکای شمالی و جانشین‌شدن پادشاه اسپانیا، بریتانیا با تصرف آسینتو (Asiento) به شرکت دریای جنوب اجازه داد که هرساله تعداد ۴۸۰۰ نفر برده‌ی سیاه‌پوست برای کار در مستعمره‌های اسپانیایی بیاورد.

هلند، ۱۱ آوریل ۱۷۱۳

با انعقاد پیمان صلح اوترخت (Utrecht) به مسأله‌ی جانشینی پادشاه اسپانیا پایان داده شد. طبق اساس‌نامه‌ی این پیمان، قرار شد که برای همیشه پادشاهی اسپانیا از فرانسه جدا باشد و در ضمن پادشاهی فیلیپ پنجم بر آن کشور به رسمیت شناخته شود.

آلمان، ۱۷۱۳

شارل ششم امپراتور آلمان، طی سندی رسمی اعلام کرد که برای این‌که فردی وارد و اهل خبره زمام امور هابسبورگ را در اختیار گیرد، وی ماریا ترزا (Maria Theresa) دختر خود را به این مقام می‌گمارد.

پروس، ۱۷۱۳

فردریک ویلیام به جانشینی پدرش فردریک به پادشاهی پروس منصوب شد.

افریقای جنوبی، ۱۷۱۳

با شروع بیماری آبله در سطح وسیعی بین سربازان مستقر در پایگاه دماغه‌ی نیک‌امید (Good Hope) و انتشار آن در بین شکارچیان و گله‌داران خویزان (Khoisan) تعداد زیادی از آن‌ها کشته شدند.

هلند، ۱۷۱۳

پی‌یر ژوریو (Pierre Jurieu)، روحانی دینی اهل جدل و مباحثه و پیرو مذهب پروتستان فرانسوی، در تبعید و در شهر روتردام (Rotterdam) درگذشت. وی رهبری کالوینیست‌ها را علیه لویی چهاردهم برعهده داشت.

روسیه، ۱۷۱۳

پتر کبیر پادشاه روسیه یک پایگاه کشتی‌سازی جهت ایجاد ناوگان روسی در شهر تالین (Tallin) مرکز استونی (Estonia) تأسیس کرد.

اجسام پی برد که در این حالت گردش خون دچار اختلال می‌شود.

بویل بسیار کنجکاو و دقیق بود و آزمایشات خود را با نکته‌سنجی بسیار انجام می‌داد. او توانست تمام قوانین انبساط گازها را بیان کند و حالت شیمیایی طبیعی هر جسم را شرح دهد و نیز انبساط حجم آب را در حالت انجماد به‌صورت مورد قبول درآورد. بویل هم‌چنین توانست قوانین انعکاس نور را در شیشه و آینه به‌صورت فرمول درآورد، بویل هم‌چنین الکتریسیته طبیعی اجسام را کشف کرد.

فرمانروای بزرگ پروس به قدرت رسید. (پروس، ۱۶۶۳):

فردریک ویلهلم، موقعیت خود را به‌عنوان حاکم براندنبورگ (Brandenburg) مستحکم کرد و پایتخت خود را هم در قلب حاکم‌نشین پروس قرار داد. او در سن ۲۰ سالگی به حکومت رسید و تمام هم‌ّ خود را مصروف تجهیز سپاه پروس کرد و یکی از قدرتمندترین ارتش‌ها را به‌وجود آورد.

فردریک به‌وجود پارلمان اهمّیت می‌داد و با تایید آن و مسؤولیت خودش مقرّرات مالیاتی را وضع نمود و به جمع‌آوری آن می‌پرداخت تا در راه هزینه‌های جاری صرف شود. یکی از هزینه‌های مهمّ، تشکیل یک ارتش مجهّز و رعب‌آور بود. او هم‌چنین برای اصلاحات، مردم را تشویق به ساختن کارخانجات، کانال‌های آبیاری و سیستم مرتب پستی با کمک دولت کرد، او هم‌چنین به هنر و امور علمی اهمّیت می‌داد.

افرادی که با لباس مبدّل در شاهراه‌ها دست به دزدی می‌زدند، شناخته شدند. (لندن، ۱۶۶۲):

مول کات پرس (Moll Cutpurse) در سال ۱۶۵۹ و در سن ۷۵ سالگی، در حالی‌که عمری را با جنایت و خیانت سپری کرده بود، از دنیا رفت.

در کتابی که اخیراً منتشر شده، این جریان به‌صورت مبسوط آمده که چه‌طور مری فرث (Mary Frith) که دختر یک کارگر ساده در منطقه‌ی باربیکن (Barbican) (حصار) بود، به نام مول، به یکی از مشهورترین سارقان زمانه تبدیل شد.

او فرزند نامشروع پدرش بود و اغلب با لباس مردانه و با سلاح، به سرقت مبادرت می‌کرد. او تنها یک بار به علّت دزدی منزل ژنرال فیرفاکس (General Fairfax) در منطقه‌ی هانسلو هیث (Hounslow Heath)، دستگیر و زندانی شد، لیکن با دادن رشوه‌یی به مبلغ دو هزار پوند، از زندان فرار کرد. او پس از فرار، یک مغازه در فلیت استریت (Fleet Street) لندن باز کرد و اموال سرقت شده را در این مغازه می‌فروخت، به‌طوری که خشم مردم را برانگیخت.

راهبه‌های پورت رویال، لویی چهاردهم را به مبارزه طلبیدند. (پورت رویال (*Port Royal*)، فرانسه، ۲۶ اوت ۱۶۶۴):

راهبه‌های صومعه‌ی پورت رویال، یعنی مرکز پیروان ژان‌سنیست‌ها (Jansenists)، پادشاه فرانسه و پاپ را جهت عدم پذیرش فورمولر (Formulaire)، یعنی چشم‌پوشی نکردن از عقایدشان، به مناظره دعوت کردند. آنان با امضای نامه‌یی، درخواست کردند که پاپ و لوئی چهاردهم، باید فرقی بین آن‌هایی که قانون را قبول دارند و آن‌هایی که خودسرانه عمل می‌کنند، قائل شوند.

خواهران ژانسنیست، به پیروی از تعلیمات سنت آگوستین (St Augustine)، اظهار می‌دارند که بین گناه کبیره و حقیقی با افرادی که به گناه غیرقابل مقاومت اقدام می‌کنند، بایستی تفاوت قائل شد و مرتکبان اخیر را مورد عفو و بخشش قرار داد.

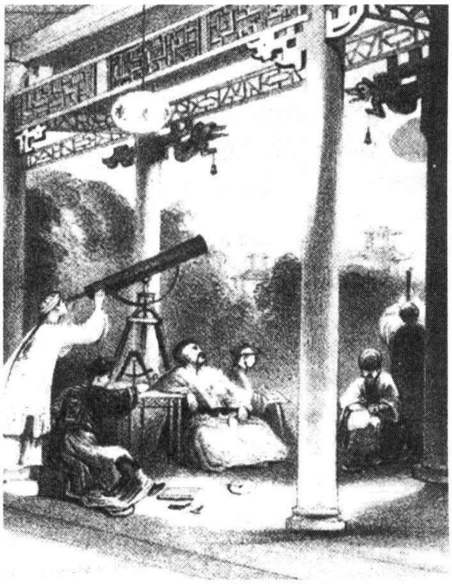
فیلیپ چهارم، پادشاه عیاش اسپانیا، از دنیا رفت. (مادرید، ۱۷ سپتامبر ۱۶۶۵):

فیلیپ چهارم که تئاتر شهر مادرید را بر تمام تئاترهای جهان ترجیح می‌داد و در مدّت ۴۴ سال سلطنت، این کشور را به تدریج به تباهی کشانید، امروز دار فانی را وداع کرد.

او در ابتدای سلطنت خود که تازه به قدرت رسیده بود، بیشتر اوقات خود را با کنت اولیوارز (Count Olivares) و هنرپیشه‌های تئاتر که در حقیقت عوامل او برای اجرای نمایشات بودند، می‌گذارنید. در حالی‌که



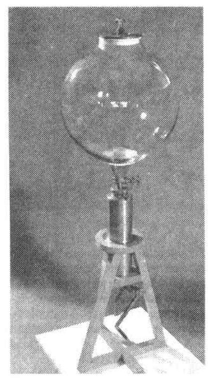
تصویر دانشمندان، فلاسفه و هنرمندانی که به انجمن سلطنتی بریتانیا پیوسته اند. از راست به چپ: ایساک نیوتونIsaac Newton، کریستوفر رن Christopher Wren، رابرت بویل Robert Boyle و جان لاکJohn Locke.



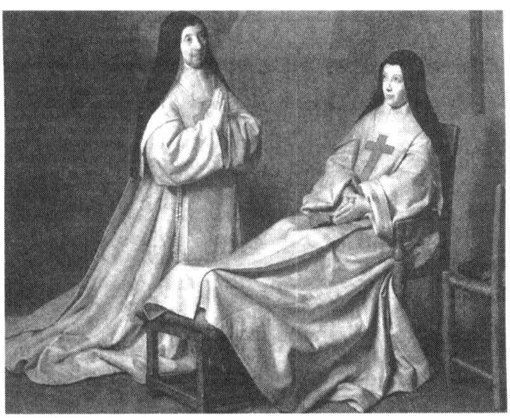
یک منجم چینی در حال رصد ستارگان و خورشید گرفتگی.



رابرت مول Robert Moll در لباس و قیافه ی معمولی و همیشگی.



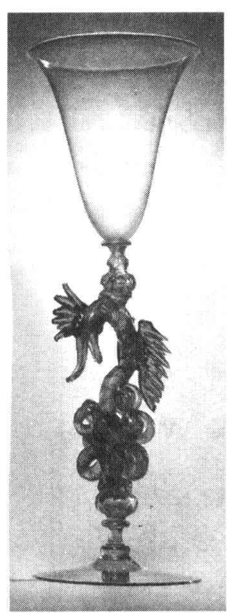
دستگاهی که به وسیله ی بویل و همکارش رابرت هوک Robert Hooke ساخته شده.



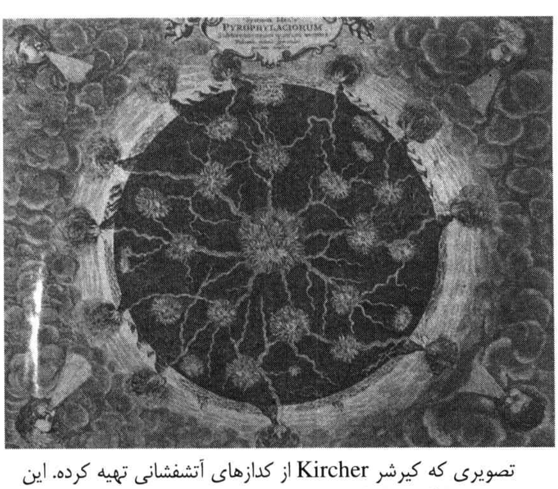
مادر آگنس Mother Agnesدر حال زانوزدن جهت عبادت در کنار یکی از خواهران مقدس.



فیلیپ چهارم، پادشاه عیاش و معشوقه باز و بداقبال.



جامی شیشه یی با پایه یی به شکل مار بالدار.



تصویری که کیرشر Kircher از کدازهای آتشفشانی تهیه کرده. این گدازه ها از اعماق زمین در اثر فشار خارج می شود.

شاه در دربار مشغول عشق‌بازی با زنان مختلف بود، اولیوارز محکوم بود که جهت استحکام قدرت پادشاه، به مأموریت در خارج از کشور برود و چند بار هم با موانعی روبه‌رو شد که از حل آن‌ها برنیامد.

سرزمین هلند، هرگز مجدداً به تصرّف درنیامد، اسپانیا در جنگ با فرانسه مغلوب شد و اهالی کاتالونیا (Catalonia) و سرزمین پرتغال برعلیه کشور شوریدند.

فیلیپ در زمان مرگ ۶۰ سال داشت و دارای معشوقه‌های زیادی بود که از آن‌ها ۳۰ فرزند نامشروع زاده شد، لیکن وی تنها یک پسر مشروع به نام شارل دوّم و وارث داشت که او هم علیل و بیمار بود.

کشیشی که گدازه‌های آتشفشانی را از نظر علمی مورد مطالعه قرار داد. (آلمان، ۱۶۶۵):

آتانازیوس کرشر (Athanasius Kircher)، راهب ژزوئیت آلمانی که از نظر علمی موهبتی به‌شمار می‌آید، مقداری از گدازه‌های دهانه‌ی کوه آتشفشان وزیوس (Vesuvius) (وزوو (Vesuv) در ایتالیا) را از نظر شکل و اندازه و قدرت تخریبی مورد آزمایش قرار داد.

با این آزمایشات، وی توانست به قدرت ویران‌کننده‌ی این مواد پی ببرد، به تصوّر او، مرکز زمین پر از مواد گداخته و مذاب می‌باشد که در اثر تولید فشار، گاهی از دهانه‌ی کوه این مواد بیرون می‌ریزد. کیرشر درباره‌ی این موضوع کتابی به نام طبقات تحت‌الارضی در علم جغرافیا به رشته‌ی تحریر درآورد. کیرشر به تشریح مواد مذاب درون هسته مرکزی زمین می‌پردازد که در بسیاری از نقاط سیاره‌ی ما، این هسته مرکزی توسط تنوره‌هایی به سطح زمین راه دارد و در اثر فشار، مقداری از مواد تشکیل‌دهنده‌ی آن به بیرون می‌ریزد، هسته‌ی مرکزی، کانون آتشفشان‌ها و چشمه‌های آب گرم است و مواد مذاب خارج شده، دارای حرارت بسیار زیادی هستند که پس از خارج شدن، به اشکال گوناگون درمی‌آیند. بسیاری از دانشمندان عقیده دارند که مواد تشکیل دهنده‌ی کانونی زمین، مدام در حال تلاطم و آشفتگی است و به مجرد این‌که راهی پیدا کند به سطح کره فوران می‌کند. به‌هر حال، کتاب کیرشر، راهنمای بسیار خوبی برای تحقیقات زمین‌شناسی در آینده خواهد بود.

کشتار پادشاهان، برای دولت عثمانی فرصتی پدید آورد. (امپراتوری عثمانی، ۱۶۶۴):

پس از کشته شدن دو نفر از پادشاهان عثمانی، اکنون فرصتی به دست آمده که با برگزیدن جانشین آن‌ها و تلاش‌های وزیراعظم که از خاندان کوپرولو (Koprulu) می‌باشد، اصلاحاتی در کشور به عمل آید.

در سال ۱۶۵۶، هشت سال پس از کشته شدن سلطان ابراهیم، ملکه توران (Turhan) همسر ابراهیم و مادر محمّد چهارم سلطان جدید عثمانی از کوپرولو محمّد آلبانی‌نژاد ۷۱ ساله که قبلاً به شغل ظرفشویی اشتغال داشته و بعداً به مقام فرمانداری رسیده بود، دعوت کرد که شغل نخست‌وزیری را بپذیرد. او این درخواست را قبول کرده و تمام قدرت را در دست گرفته است.

کوپرولو محمّد در نظر دارد افتخارات گذشته و انضباط را در ارتش عثمانی احیا و تجدید نماید، او با نظم نوینی که در ارتش به‌وجود آورده، توانست مناطق تنه‌دوس (Tenedos) و لمنوس (Lemnos) را از ونیز بازستاند و شورش‌های گسترده را با قتل ۳۵ هزار نفر از مردم سرکوب نماید، این اقدامات وی در عرض پنج سالی که او به قدرت رسیده انجام شده است. وی در سه سال قبل، باب‌علی (Bab-i-Ali) ۲۶ ساله را به جانشینی انتخاب کرد و تمام قدرت کشور را به او سپرد و اکنون فاضل احمد ۲۰ ساله فرزند کوپرولو در سمت نخست‌وزیری ابقا شده و سلطان هم از این انتخاب راضی است، زیرا او توانسته است، سر و صورتی به امور کشور بدهد.

از پیشروی ترک‌ها به وسیله‌ی مدافعان هابسبورگ (Habsburg)جلوگیری شد. (اتریش، دهم اوت ۱۶۶۴):

از پیشروی نیروی نظامی عثمانی در منطقه اتریش در ناحیه سن‌گوتار (St Gotthard) جلوگیری به عمل آمد و آن‌ها مجبور شدند که با پیمان صلح موافقت نمایند. با متوقّف شدن پیشرفت سپاهیان عثمانی، دولت هابسبورگ قرارداد صلح شیتواتروک (Zsitvatorok) را که شامل دادن مبلغی پول به عثمانی و تخلیه

ویتنام، ۱۷۱۳
با ادامه‌ی اقدامات بر ضد مسیحیت، دولت ویتنام هیأت مذهبی فرانسه را از شهر تانگ‌کینگ (Tangking) بیرون راند.

آلمان، ششم مارس ۱۷۱٤
امپراتوری مقدس رم با فرانسه در شهر راشتات (Rastatt) قرارداد صلح امضا کرد، این یکی از چندین عهدنامه‌یی است که در مورد جانشینی پادشاه اسپانیا به مرحله‌ی اجرا درمی‌آید.

بریتانیا، یکم اوت ۱۷۱٤
در پی مرگ ملکه آن که جانشین مشخصی برای سلطنت انگلیس معرفی نکرده بود، جورج پادشاه انتخابی هانوور (Hanover) و نوه‌ی بزرگ جیمز اول پادشاه انگلیس که از سال ۱۶۹۸ در این مقام بود را به پادشاهی بریتانیای کبیر و ایرلند منصوب کردند.

اسپانیا، ششم سپتامبر ۱۷۱٤
فیلیپ پنجم، الیزابت فارنس (Elizabeth Farnese) وارث سلطنت ایتالیا را به‌عنوان همسر دوم خود برگزید. این ازدواج را جولیو آلبرونی (Giulio Alberoni) پدر الیزابت، دوک پارما (Parma) و یکی از دیپلمات‌های ایتالیا ترتیب داد.

فرانسه، ۱۷۱٤
فرانسوا کوپرین (Francois Couperin) متخصص میزان‌کردن آلات موسیقی، ده کنسرت اجرا کرد. وی که از خانواده‌ی موسیقیدان برخاسته بود، از سال ۱۶۹۳ سازمان‌دهنده‌ی موسیقی در کلیسای پادشاهی بود.

ایتالیا، ۱۷۱٤
بارتولومه اوستاکیو (Bartolommeo Eustachio) عالم تشریح ایتالیایی، کتاب علم تشریح را در زمان خود به نگارش درآورده بود که مدت‌ها پس از مرگ وی منتشر شد. وی که در سال ۱۵۷۴ از دنیا رفته بود، یکی از مشهورترین دانشمندان علم تشریح بود که کشفیاتی درباره‌ی صداهای قلب و گوش انجام داده است.

آلمان، ۱۷۱٤
گوتفرید لایب‌نیتز (Gottfried Leibniz) فیلسوف و ریاضیدان آلمانی، کتاب خود را درباره‌ی ذره‌شناسی انتشار داد، وی معتقد است که عالم کائنات از ذرات بسیار ریزی ترکیب شده که عالم خلقت آن را به‌وجود آورده و این ذرات نقطه‌ی ایجاد و خلقت کائنات را تشکیل می‌دهند.

کارولینای جنوبی، ۱۵ آوریل ۱۷۱۵
یاماسی (Yamassee) یکی از رهبران سرخ‌پوست در اثر تحریک اسپانیولی‌ها هزاران‌نفر از مهاجران انگلیسی را به هلاکت رسانید.

افریقای جنوبی، ۱۷۱۵
ساکنان آزاده‌ی هلندی منطقه‌ی دماغه‌ی نیک‌امید برای انتخاب فرماندار با رمه‌داران خویزان (Khoisan) جهت پیشبرد اهداف خود در گسترش امر دامداری همکاری کردند.

فرانسه، سپتامبر ۱۷۱۵
به‌دنبال مرگ لویی چهاردهم و موضوع جانشینی وی، قرار شد که نوه‌ی پنج‌ساله‌ی او به پادشاهی فرانسه انتخاب شود، در عین حال نیابت سلطنت و زمام امور کشور به‌دست فیلیپ اورلئان (Philip Orleans) افتاد.

ماساچوست، ۱۷۱۵
پس از سه‌سال که از صید یک نهنگ در نانتوکت (Nantucket) گذشته، صیادان این حیوان به‌سرعت اقدام به ایجاد کارخانه‌ی روغن نهنگ کردند. در حال حاضر شهر نانتوکت دارای شش قایق بزرگی سی تنی است که می‌تواند هر شش هفته هم‌زمان با هم یک نهنگ شکار کند.

لوییزیانا، ششم ژوئن ۱۷۱۶
نخستین بردگان افریقایی توسط کشتی‌های کمپانی هند غربی فرانسه به مستعمرات این کشور در امریکای شمالی وارد شدند.

ژاپن، ۱۷۱۶
اوگاتا کوره‌تومی (Ogata Koretomi) نقاش مشهور ژاپنی معروف به اوگاتاکورین (Ogata Korin)، از دنیا رفت. وی در یک خانواده‌ی تاجر ثروتمند متولد شد. و در ترسیم چهره‌های نیم‌رخ بسیار متبحر بود. او در آغاز زندگی نیاز به مال و ثروت نداشت، لیکن پس از مدتی به‌ناچار برای تأمین معاش به یک نقاش حرفه‌یی مبدل گشت. وجه مشخصه‌ی کار او استفاده از مناظر طبیعی بود و در این زمینه طرح‌های او بسیار شهرت پیدا کرد.

ترانسیلوانی و به رسمیت شناختن حکومت دست‌نشانده آپافی (Apafy) بود را پیش کشید و آن را نپذیرفت.

پادشاه عثمانی هم که در شمال مجارستان به پیشرفت‌های زیادی دست یافته و هم‌چنین ناحیه نوهازل (Neuhausel) را به تازگی تصرّف کرده بود خواستار باقی ماندن نیروهایش در مناطق اشغالی شد.

در سه سال پیش، نیروهای نظامی هابسبورگ به ترانسیلوانی هجوم بردند، در حالی‌که قشون عثمانی هنوز در این منطقه و مجارستان مستقر بودند. در ماه ژوئن سال گذشته، سلطان محمّد چهارم، پادشاه عثمانی، که همواره در حرم خود به سر می‌برد، پیش از آن‌که به شکار برود، به‌طور غیرمنتظره در رأس سپاهیان قرار گرفت، لیکن به علّت این‌که روستاییان موراوی (Moravia) و سیلزی (Silesia) راه‌های ارتباطی و کشتزارها را ویران کرده بودند، کوپرولو فاضل احمد فرزند کوپرولوی بزرگ که با حمایت تاتارها به پیشروی خود در منطقه ادامه می‌دادند، به ناچار عقب‌نشینی کردند، چون با زمین سوخته مواجه شده بودند. از سویی سپاهیان کوپرولو شهر بلگراد را تصرّف و به سوی شهر وین رهسپار شدند، در این موقع حکومت هابسبورگ از مسیحیان اروپایی خواست که به کمک وی بشتابند.

با حمایت دولت‌های فرانسه و آلمان، نیروهای تحت فرمان ژنرال اتریشی به نام مونته کوککولی (Montecuccoli) در ساحل راست رآب (Raab) پیاده شدند. نیروهای آتشبار فرانسوی هم در منطقه‌ی سن‌گوتار (St Gothard)، سپاهیان عثمانی را زیر آتش گرفتند، به‌طوری که فرمانده عالی سپاهیان ترک مجبور شد، آن ناحیه را ترک کند، چون سپاهیان عثمانی همواره می‌توانستند این منطقه را مورد تهدید قرار دهند، در این هنگام ژنرال مونته کوککولی درخواست صلح کرد.

ساکنان شهر لندن از ترس بیماری طاعون از آنجا فرار می‌کنند، زیرا تا به حال یکصد هزار نفر به هلاکت رسیده‌اند. (لندن، ۲۸ دسامبر ۱۶۶۵):

اهالی شهر لندن، گروه‌گروه، از ترس ابتلای به بیماری طاعون، از شهر می‌گریزند. این بیماری که

تاکنون بیش از یکصد هزار نفر تلفات داده، از دو سده پیش که به‌عنوان طاعون سیاه شایع شده بود، به این شدّت سابقه نداشته است. آمار رسمی حاکی است که در هفته‌ی اخیر، بیماری طاعون خیارکی، تعداد هفت هزار نفر را به هلاکت رسانده که از اوّل شیوع بیماری بی‌سابقه بوده و در ماه ژوئیه به‌طور متوسط ۲۰۰ نفر در هر هفته در اثر این بیماری جان داده‌اند.

تمام شاغلین و تولیدکنندگان، کار خود را رها کرده‌اند، راه‌های خروجی شهر پر ازدحام و دچار ترافیک سنگین است، چون اهالی با هر وسیله از شهر فرار می‌کنند. مردم خانه‌های کثیف و آلوده‌ی خود را ترک می‌کنند و این اخطاری است به صلیب سرخ که به دفاع و کمک مردم بشتابد. آن‌ها انتظار دارند، مالکان و اربابان با رحم و شفقّت با آنان رفتار کنند، آن‌ها شیون‌کنان و فریادزنان، در خیابان‌های شهر، در سوگ عزیزان خود می‌گریند و صدای ناقوس کلیساها بلند است که برای دفن مردگان گورستان جدیدی احداث شود. گورستان‌ها مملو از اجساد مردگان طاعونی است و اغلب مکانی برای دفن پیدا نمی‌شود، به‌حدی که اغلب مجبور می‌شوند اجساد را در گودال‌ها بریزند.

بیماران اغلب بدون مداوا مانده‌اند، زیرا تعداد دکتر و داروساز بسیار کم شده و اغلب آن‌ها هم در اثر ابتلای به بیماری فوت شده‌اند. آگاهان می‌گویند از هر ده نفر بیمار، تنها یک نفر ممکن است دستش به دکتر و دارو برسد. بیماری در بدن زخم‌هایی ایجاد می‌کند که بر اثر بزرگ شدن غدد لنفاوی کشاله ران و زیر بغل و چرکی شدن آن‌هاست. بیماری معمولاً با تب شدید و سردرد شکافنده همراه است و این سردرد کشنده، با استفراغ و زخم‌های سطح بدن، موجب مرگ بیمار می‌شود.

انگلیس‌ها، شهر نیویورک را نامگزاری کردند. (جزیره‌ی مانهاتان (Manhattan)، دوّم فوریه ۱۶۶۵):

پس از تقریباً ۴۰ سال که سرخ‌پوستان کانارسی (Canarsee)، جزیره‌ی منهاتان را به هلندی‌ها به بهای ۲۴ دلار فروختند، مستعمره‌نشین‌های انگلیس در این منطقه رو به ازدیاد رفت و اکنون آنان در حقیقت مالک این جزیره هستند و بدین منظور نام آن را به اسم برادر پادشاه انگلیس، دوک منطقه‌ی یورک، نیویورک گزاردند.

هلندی‌ها در ازای خرید جزیره، تعدادی مروارید بدلی و منجوق به سرخ‌پوستان داده بودند، لیکن کشاورزان ناحیه‌ی نیوانگلند، آنجا را مورد بهره‌برداری قرار دادند، زیرا منطقه‌ی نیوانگلند مرتباً مورد حمله‌ی سرخ‌پوستان قرار داشت.

این منطقه دارای آب فراوان و خاک حاصلخیزی بود، لیکن مستعمره‌نشینان انگلیسی به این وضعیت قانع نبودند و برای حفاظت از جان و مال خود، در پی گروهی محافظ بودند. آن‌ها نیرویی مرکب از پانصد نفر سرباز ورزیده با ۱۲۰ تفنگ، تجهیز کردند، هم‌چنین یکی از اهالی به نام پیتر استوی وسانت (Peter Stuyvesant) را به‌عنوان حکمران برگزیدند.

فرماندار هم برای دفاع از این منطقه، ۲۰ دستگاه توپ و ۲۵۰ نفر سرباز محلی تدارک دید، لیکن قصد حمله و جنگ را نداشت و تنها برای دفاع، این نیرو را تجهیز کرده بود.

سرهنگ ریچارد نیکلز (Richard Nicholls) انگلیسی، فرمانده کل انگلیس در مستعمرات آمریکایی، طی نامه‌یی، از هلندیان خواست که حقوق ساکنان و امور بازرگانی انگلیس را در آن ناحیه به رسمیت بشناسند. استوی وسانت، فرمانده گروه دفاع منطقه، در حین گشت‌زنی و بازدید از توپ‌های خاموش، اظهار داشت: اکنون من حس می‌کنم که اینجا متعلق به ماست و سخت از آن حراست خواهیم کرد. چارلز دوّم، پادشاه انگلیس هم که نیاز به حداقل یک پیروزی برای تحکیم موقعیت خود داشت، با کمال خوشحالی، این پیروزی و موفقیت را به آگاهی مردم انگلیس رسانهد.

قوانین جدید، منادی دوران طلایی در تجارت (لندن، ۱۶۶۶):

نمایندگان پارلمان، با جسارت بی‌نظیری، یک سری لایحه مربوط به امور تجارت و مالی، جهت تصویب به پارلمان بردند که وضعیت اقتصاد کشور را دگرگون ساخته و آن را در مسیر ترقّی قرار دهد.

اسپانیا، ۱۷۱۶
فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا به نخست‌وزیری جولیو آلبرونی (Giulio Alberoni) اظهار تمایل کرد.
فرانسه، ۱۷۱۶
فرانسوا کوپرین (Francois Couperin) هماهنگ‌کننده‌ی موسیقی کلیسای دربار،کتابی موسوم به کاربرد دستگاه هارپ سیکورد (یک نوع پیانوی بسیار بزرگ) در هنر موسیقی انتشار داد. او در مقالات خود تکنیک تنظیم صوت این دستگاه را به‌خوبی شرح داده است.
پاریس، مه ۱۷۱۷
پتر کبیر در بازدید از اروپا و ملاقات با الیزابت پترونا (Elizabeth Petrovna)، دختر لویی چهاردهم پادشاه فقید، درخواست ازدواج با وی را مطرح کرد.
پاریس، چهارم اوت ۱۷۱۷
پیمان دوستی بین روسیه و فرانسه امضا شد.
اسپانیا، ۱۷۱۷
سپاهیان اسپانیولی جهت تصرف جزیره‌ی ساردنی (Sardinia) به بهانه‌ی این‌که تعدادی از شهروندان اسپانیایی در زندان‌های ایتالیا هستند، رهسپار آن‌جا شدند.
نیوانگلند، ۱۷۱۷
به کشتی‌های فرانسوی اجازه داده شد که هنگام مراجعت از هند غربی ملاس نیشکر ارزان‌قیمت را برای تهیه‌ی شراب رم حمل کنند.
وین، ۱۷۱۷
قصر اسکون برون (Schonbrunn) در شهر وین طبق طرح کاخ ورسای ساخته و تکمیل شد. طرح و ساخت این قصر با استفاده از فرصت لازم و وقت کافی انجام شد و اکنون به یکی از مجلل‌ترین و باشکوه‌ترین کاخ‌های اروپا تبدیل شده که اقتدار حکومت را نشان دهد.
هلند، ۱۷۱۷
پیمان سه‌جانبه بر ضد اسپانیا به‌وسیله‌ی فرانسه، انگلیس و هلند در شهر هاگ (Hague) به امضا رسید. این سه کشور احساس کردند که فیلیپ پادشاه اسپانیا، مقاصد بلندپروازانه‌یی دارد و درصدد است که سلطنت فرانسه را به‌عنوان این‌که نوه‌ی بزرگ لویی چهاردهم می‌باشد به خود اختصاص دهد و از سویی همسر وی الیزابت فارنس (Elizabeth Farnese) به‌سبب این‌که ایتالیایی‌تبار است، سرزمین ایتالیا را موروثی فرزند خود می‌داند.
چین، ۱۷۱۷
چی‌ته‌ئو (Che-t'ao) نقاش و نظریه‌پرداز هنر چینی، دنیا را ترک کرد.
افریقای غربی، ۱۷۱۷
پروس پایگاه تجارت برده خود را در غرب افریقا به هلند فروخت.
لندن، ۱۷۱۷
قهوه‌خانه‌یی مخصوص پذیرایی از زنان به‌نام شیر طلایی در لندن گشایش یافت.
اتریش، ۲۱ ژوئیه ۱۷۱۷
پس از مباحثات زیادی که بین شارل ششم امپراتور اتریش و ونیزی‌ها با دولت عثمانی انجام شد، معاهده‌ی صلح بین دو طرف امضا شد و بدین ترتیب به جنگی که در سال ۱۷۱۴ ترک‌ها آغاز کرده بودند، پایان داده شد. ترک‌های منطقه‌ی تمزوار (Temesvar) را به شارل تسلیم کردند و تمام سرزمین مجارستان را هم تحت کنترل هابسبورگ درآوردند، در نتیجه تهدیدات عثمانی نسبت به اروپا خاتمه یافت.
پنسیلوانیا، ۳۰ ژوئیه ۱۷۱۸
ویلیام پن (William Penn) مؤسس فرقه‌ی کوآکرها، در این مهاجرنشین بدرود حیات گفت.
اروپا، دوم اوت ۱۷۱۸
امپراتوری مقدس رم هم در سال قبل به اتحاد سه‌گانه‌ی هلند، انگلیس و فرانسه پیوست. این اتحاد چهارگانه به‌دنبال اتحاد سه‌گانه‌ی اوترخت (Utrecht) که در سال ۱۷۱۳ بسته شده بود، منعقد شد، لیکن فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا با تجاوز به جزیره‌ی ساردنی آن را از اعتبار انداخت.
اروپا، ۲۴ اوت ۱۷۱۸
در تعقیب امضای پیمان چهارگانه، ویکتور آمادوس (Victor Amadeus) پادشاه ساووی (Savoy) جزیره‌ی سیسیل را به اتریش واگذار کرد و در عوض جزیره‌ی ساردنی را پس گرفت.

با اخذ امتیاز، صدور هر نوع کالا و آزادی تجارت به کمپانی انگلیسی هند شرقی، یک بازار آزاد جهت مبادله پولی ایجاد شد و پایگاهی برای بهبود امور مالی کشور به‌وجود آمد که برای رشد و توسعه بسیار مفید بود. مدّت چندین سال، نواب انگلیسی در هند از این امر شاکی بودند که ظرفیت پولی به حدّ بسیار بالایی رسیده، ولی اجازه‌ی ایجاد ضرابخانه و ضرب سکه نداشتند و این امر تضییقاتی در امر صادرات به‌وجود می‌آورد، لیکن اکنون تمام موانع برطرف شده و آن شکایت‌ها برطرف گردیده است.

مدّت‌هاست که کارشناسان مالی به این امر واقفند که ثروت ملّی بستگی به ذخایر فلزات گران‌بها دارد و این ثروت ملّی، زمینه‌یی برای صادرات است و می‌توان از واردات کالا تا حدّ زیادی جلوگیری کرد که این ثروت برای مواقع ضروری باقی بماند. اکنون که مستعمرات ماورای دریاها گسترش یافته و طلا و نقره آن مناطق استخراج می‌شود، منبع ثروت جدیدی به‌وجود آمده و دست دولت را باز گذاشته است.

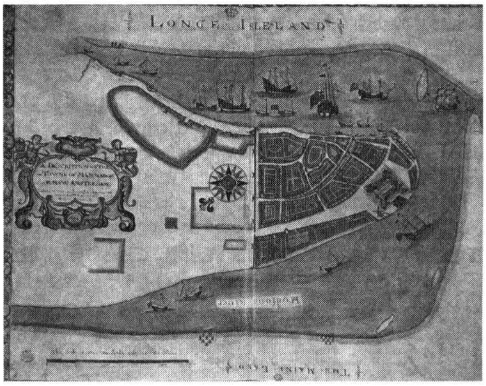
با تصویب قانون دریانوردی، دولت دیگر اجباری ندارد که کالاهای وارداتی را به وسیله‌ی ناوگان دریایی بیگانه به کشور بیاورد و این امر خود بخشی از سرمایه‌ی کشور را ذخیره می‌کند. در نتیجه‌ی تأسیس شرکت‌های بازرگانی و در اختیار گرفتن امور تجاری، مناقشات شدیدی بین شرکت‌های بازرگانی انگلیسی و شرکت تحت تابعه هلندی به‌وجود آمده و هلندی‌ها تجارت آن سوی دریاها را به خود منحصر کرده بودند.

به رغم موفقیت‌هایی که کمپانی‌های انگلیسی و هلندی در شرق تحصیل کرده‌اند، دولت‌های محلی دخالتی در امور بازرگانی خارجی ندارند و عملیات تجاری آزاد است و دولت فقط در مواقع ضروری پیشنهاداتی به آن‌ها ارائه می‌دهد، ولی در امور داخلی آن‌ها مداخله نمی‌کند.

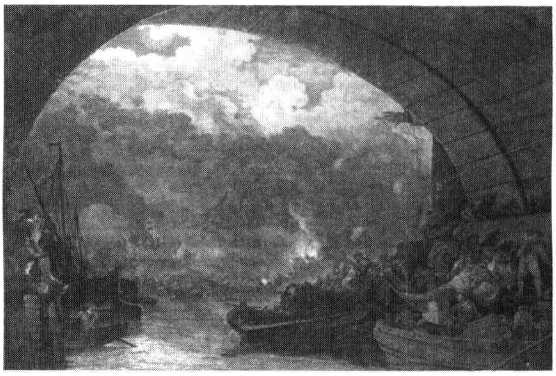
بسیاری از کارشناسان، بر این باورند که دیگر راه ترقّی و گسترش برای کشور مسدود شده و دیگر سرزمین جدیدی نیست که از آن سودی حاصل شود. در نتیجه تجارت با بقیه‌ی کشورها به صرف نیست و سود اقتصادی ندارد و تنها اساس و شالوده‌ی تجارت بین مستعمرات و کشور مادر قرار دارد و مبادله کالا در این حدّ باقی خواهد ماند.



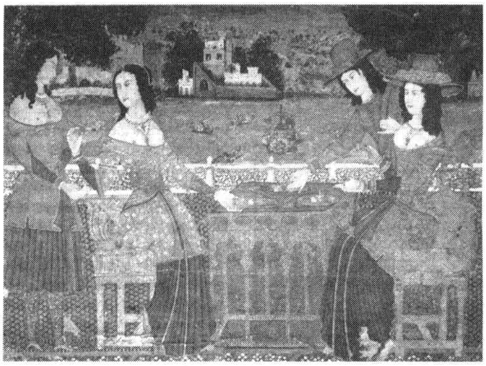
بازرگانان بین المللی که به دنبال معاملات سودآور هستند در بازار بورس و ارز شهر آمستردام Amsterdam .



نقشه یی از منهاتان Manhattan، لانگ ایلند Long Island و نیویورک که در سال های اخیر تهیه شده.



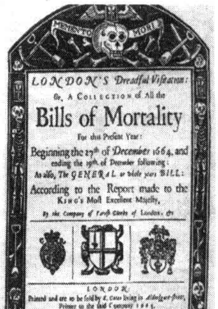
مردم لندن با قایق در روی رود تیمز به دنبال پناهگاه از ترس آتش. نقاشی اشتادلر Stadler سال ۱۷۹۹.



پارچه ی بافت هندوستان باتصویر تعدادی خدمه که نتیجه ی گسترش سرزمین و ثروت آن است.

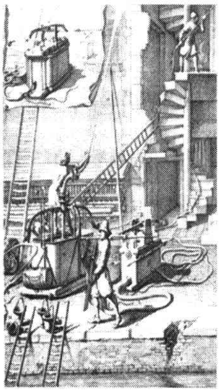


پیکره ی سگی از سرامیک که توسط کاکیه مون Kakiemon استاد سرامیک سازی ژاپن تهیه شده.



LONDON'S Dreadful Visitation:
Or, A COLLECTION of All the
Bills of Mortality
For this Present Year:
Beginning the 27th of December 1664, and ending the 19th of December following:
As also, The GENERAL or whole years BILL:
According to the Report made to the KING's Most Excellent Majesty,
By the Company of Parish Clerks of London, &c.
LONDON,

تابلویی از شمارش اجساد مردگان.



آتش نشانان شهر لندن با لوله های آب و سطل و دلو مشغول اطفای حریق هستند.



تصویری از تظاهرات طرفداران فرقه ی کواکرها Quaker که با عدم استقبال روبرو شد.

ویرجینیا، ۲۲ نوامبر ۱۷۱۸
یک دزد دریایی شریر موسوم به ریش‌سیاه (به‌علت این‌که ریش‌های انبوه خود را با روبان می‌بست، بدین نام خوانده می‌شد) توسط یک افسر نیروی دریایی انگلیس کشته شد. حکومت ویرجینیا برای دستگیری این فرد مبلغ یک‌صد لیره جایزه تعیین کرده بود.

لوئیزیانا، نوامبر ۱۷۱۸
بی‌ین ویل (**Beinville**) فرماندار لوئیزیانا (Louisiana)، شهری به‌نام نیواورلئان (New Orleans) را به افتخار نایب‌السلطنه‌ی فرانسه دوک اورلئان بنیان نهاد. این شهر در دهانه‌ی رود می‌سی‌سی‌پی قرار دارد.

نروژ، ۱۱ دسامبر ۱۷۱۸
کارل دوازدهم پادشاه سوئد، در نبرد فردریک شالد (Frederickshald) (هالدن (Halden)) به هلاکت رسید. او که در سال ۱۶۹۷ به قدرت رسیده بود، تقریباً بخش اعظم عمر خود را در دومین جنگ شمال سپری کرده بود. در چند سال قبل وی در نبرد با روس‌ها شکست خورد و درخواست صلح کرد، لیکن پس از چندی به سرزمین نروژ تاخت. او به‌وسیله‌ی تیر تفنگی که توسط سربازی از دژ فردریک شالد پرتاب شده بود، کشته شد.

اسپانیا، نهم ژانویه ۱۷۱۹
با صعود جنگ به‌سبب اشغال جزایر سیسیل و ساردنی توسط اسپانیا و تشکیل اتحاد چهارگانه، فیلیپ پنجم به فرانسه اعلان جنگ داد.

پروس، ۲۲ مارس ۱۷۱۹
فردریک ویلیام پادشاه پروس، قانون سرف را در کشور خود ملغی ساخت.

جنوب کالیفرنیا، نوامبر ۱۷۱۹
مهاجرنشین‌ها مالکیت انگلیس را بر سرزمین‌شان رد کردند.

تگزاس، ۱۷۲۰
به خصومت بین فرانسه و نیروهای اسپانیولی بر سر ایالات فلورایدا (**Florida**) و تگزاس (Texas) که مدت دو سال به‌طول انجامیده بود، پایان داده شد، این دشمنی به‌علت پیمان چهارگانه‌ی اروپایی برعلیه اسپانیا ایجاد شده بود. طبق قراردادی مالکیت اسپانیا بر تگزاس محرز گردید.

هلند، ۱۷ فوریه ۱۷۲۰
با امضای پیمان صلح هاگ (**Hague**) (یکی از شهرهای هلند) بین اسپانیا و اتحاد چهارگانه (متشکل از انگلیس، فرانسه، هلند و امپراتوری مقدس رم) که از سال ۱۷۱۸ سبب نبردهایی شده بود، خاتمه داده شد. طبق این معاهده قرار بر این شد که فیلیپ پادشاه اسپانیا، جزایر سیسیل و ساردنی را تخلیه کند و حملات خود را برعلیه همسایگانش متوقف سازد. فیلیپ هم‌چنین نخست‌وزیر خود به‌نام آلبرونی (**Alberoni**) را که مسؤول جنگ بود، به تبعید فرستاد.

سوئد، ۲۰ فوریه ۱۷۲۰
ملکه اولریکا الئونورا (**Ulrika Eleonora**) خواهر کوچک‌تر کارل دوازدهم، به همسری فردریک شاه هس کسل (**Hesse Kessel**) درآمد.

پاریس، ۲٤ مارس ۱۷۲۰
بانک‌های پاریس به‌علت اوضاع بد اقتصاد کشور و مراقبت از حمله به آن‌ها تعطیل شد.

افریقای غربی، ۱۷۲۰
بیتون ماماری کولوبالی (**Biton Mamari Kouloubali**) خود را به‌عنوان رهبر و پادشاه سه‌گو (**Segu**) (مالی (**Mali**)) معرفی کرد. ماماری قبلاً به سمت سرکرده‌ی سربازان انتخاب شده و مساوات و برادری را (تون ـ دن (**ton-den**)) در محیط خود برقرار ساخته بود، لیکن بامبارا (**Bambara**) این برابری را از بین برده بود. وی در نظر دارد قانون «تون ـ دن» مساوات را در تمام امور حفظ کرده و تسلط خود را در سراسر سرزمین حفظ کند.

امریکای شمالی، ۱۷۲۰
جمعیت مستعمره‌نشین‌های انگلیس اکنون بالغ بر ۴۷۴ هزار نفر می‌باشد، در بوستون که وسیع‌ترین شهر است ۱۲ هزار نفر، فیلادلفیا نزدیک به ده‌هزار نفر و نیویورک هفت‌هزار نفر زندگی می‌کنند.

امریکای مرکزی، ۱۷۲۰
مستعمره‌نشین انگلیسی هندوراس (**Honduras**) تشکیل شد.

حریق لندن، خرابی‌های زیادی در این شهر ایجاد کرد. (لندن، پنجم سپتامبر ۱۶۶۶):

پس از چهار شبانه‌روز آتش‌سوزی، سرانجام با مساعی دوک منطقه یورک که یک گروه از آتش‌نشانان ناوگان دریایی را برای فرونشاندن آتش به لندن آورد، حریق مهار شد. آن‌ها با تخریب چند ساختمان که در مسیر باد بود و به گسترش آتش‌سوزی کمک می‌کرد، مسیر باد را تغییر داده و از توسعه‌ی آن جلوگیری کردند. در حدود چهارصد جریب از سطح شهر، از جمله ۸۷ کلیسا و بیش از ۱۳ هزار خانه طعمه‌ی حریق و ویران شد، امّا تنها ۹ نفر در این جریان کشته شدند که به معجزه شباهت داشت.

آتش‌سوزی در یکشنبه شب گذشته، از خانه‌یی که در آن نان می‌پختند، در گذرگاه پودینگ (Pudding Lane) آغاز شد. هنگامی‌که نگهبانان بخش، موضوع را به سر توماس بلادورث (Sir Thomas Bloodworth) شهردار منطقه، گزارش دادند، او با عصبانیت گفت: په، یک زن به تمام محله شاشید. یعنی همه چیز را بر باد داد و در بستر خود خوابید. لیکن به‌طوری که ساموئل پپیس (Samuel Pepys) گزارشگر و وقایع‌نویس می‌نویسد، روز بعد شادی او مبدّل به عزا شد و همچون زنان شیون و زاری می‌کرد و می‌گفت، آقایان من چه کار می‌توانم بکنم، من فرصت را از دست دادم. مردم نتوانستند اسباب و اثاثیه‌ی خود را از آتش در امان دارند و خود را از ترس در رودخانه می‌افکندند. خانه‌ها فرو می‌ریخت و زبانه‌های آتش تمام روزنه و شکاف‌ها را فرا می‌گرفت.

پپیس، خبرنگار ذکر شده، با عزمی آهنین، با همراهی و مساعدت همسرش و با لباس شب (روبدوشامبر)، کیسه‌های طلا را بار گاری کرده و به منطقه‌ی وول‌ویچ (Woolwich) جهت جلوگیری از ذوب شدن انتقال داد. مردم برای مصون ماندن از آتش، در صحرا چادر می‌زدند و خود را با پارچه و لباس‌های پاره و مندرس می‌پوشاندند. شاه برای آن‌ها مقداری نان فرستاد و شایعات حاکی است که او گفته است که این یک توطئه از سوی بیگانگان می‌باشد.

پادشاه لهستان، منطقه‌ی اوکراین را تسلیم دولت روسیه کرد. (آندروسوف (Andrusovo)، روسیه، فوریه ۱۶۶۷):

پیکار ده ساله‌ی روسیه و لهستان، پایان یافت. یکی از شرایط متارکه‌ی جنگ، چشم‌پوشی لهستان از ادعای مالکیت بر اسمولنسک (Smolensk)، کیف (Kiev) و بخش اعظم منطقه‌ی اوکراین در ساحل چپ رود دنی‌پر (Dnieper) بود که مورد قبول ژان کازیمیر (John Casimir) پنجم، پادشاه لهستان، واقع شد. لیکن منطقه‌ی لیتوانی (Lithunia) در اختیار لهستان باقی ماند.

در این پیمان، نمایندگان قزاق (Cossack) اوکراینی که پیروز هم شده بودند، مسامحه کردند. جنگ برعلیه حاکمیت لهستان از سال ۱۶۴۸ تا ۱۶۵۶ به رهبری بوگدان خملینسکی (Bogdan Khmelnitsky) از طایفه‌ی قزاق‌ها شروع شد. وی از همکاری با تاتارهای سست‌پیمان منصرف شد و در سال ۱۶۵۴ با حمایت روس‌ها، نبرد با لهستان را ادامه داد که به پیروزی قزاق‌ها منجر شد.

نیروهای قزاق، با حمایت دهقانان، در جنگ با روسیه شرکت می‌کنند. (روسیه، نوامبر ۱۶۶۷):

استنکا رازین (Stenca Razin)، سرپرست و رهبر روستاییان انقلابی که در این اواخر به جمعیت آن‌ها گروه‌های زیادی هم اضافه شده است، از رسیدن به خدمت تزار روسیه و پوزش‌خواهی از وی استنکاف ورزید. روسیه میل دارد که جنگ‌های داخلی را شروع کند.

مدّت بیست سال است که شورش دهقانان روسیه به‌صورت فردی درآمده و دیگر حالت جمعی و گروهی را از دست داده‌اند، آن‌ها با ازدیاد قیمت نمک و مس و هم‌چنین کمبود مواد غذایی و ظلم و ستم مالکان زمین‌های سرفداری معترضند و گاهی این اعتراضات به قیام علیه دولت می‌انجامد. آن‌ها از سارقان و دزدها حمایت می‌کنند و قزاق‌هایی را که مبادرت به غارت و تاراج کشتی‌های دولتی در رود ولگا (Volga) می‌کنند، تشویق می‌نمایند.

در سال گذشته، یکی از رهبران قزاق به نام واسکااوس (Vaska Us)، با چندین هزار از هواخواهانش به سوی مسکو آمدند و به تزار پناه بردند. وی از رهبری شورشیان کناره گرفت و به تزار پیوست. با آغاز وضعیت جدید، استنکا به رهبری شورشیان رسیده، کشتی‌ها را غارت می‌کند، اشراف و افسران دولتی را نابود می‌سازد، در ماه ژوئن هم قلاع و استحکامات یائیتسک (Yaitsk) را تصرّف کرده و شهر استراخان (Astrakhan) (هشترخان) را تهدید می‌نماید.

یکی از زنان هوادار کوآکرها (Quaker)، کتابی درباره‌ی مذهب نگاشت. (انگلیس، ۱۶۶۶):

مارگارت فِل (Margaret Fell)، زنی بیوه و پرهیزکار و مادر ۹ فرزند، کتابی موسوم به طرز تفکر و اندیشه و قضاوت زنان و هم‌چنین آگاهی‌های آن‌ها درباره‌ی کتاب انجیل، به نگارش درآورد. وی با شرکت شوهرش که عقاید انقلابی دارد و از پیروان جورج فاکس (George Fox) رهبر انجمن اخوت می‌باشد، به شرح انقلاب‌ها می‌پردازد.

وی هم‌چنین با تبعیت از تز فاکس، به مبارزه با طرفداران آزادی مذهب ادامه می‌دهد، زیرا برخی از پیروان آزادی مذهب می‌گویند که روح مسیحیت نیاز به کلیسا و انجام مراسم مذهبی جهت وصول به رستگاری ندارد و پیروان مسیح خود می‌توانند از عقاید خویش پاسداری کنند. فل که از خانواده‌یی روشنفکر و تحصیل‌کرده برخاسته بود، در محله‌ی لیسستر شایر (Leicestershire) به کارگری مشغول شد و برای پیشرفت عقاید و گسترش سیاست کوآکرها، مساعی فراوان به کار برد. در سال ۱۶۶۳، هنگامی‌که پیروان انجمن اخوت را به زندان افکندند، وی در مقابل چارلز دوّم به دفاع از آن‌ها برخاست و از شاه درخواست آزادی آنان را نمود، لیکن بعداً به ناچار، سوگند یاد کرد که از شاه تبعیت و فرمانبرداری خواهد کرد و پیوند خود را با انجمن اخوت گسست.

سفال‌های کار ژاپن، در غرب به فروش می‌رسد. (ژاپن، ۱۶۶۶):

اتریش، ۱۷۲۰
بنا بر تصمیم قطعی شارل پنجم امپراتور در سال ۱۷۱۳ که برای جانشینی سلطنت سرزمین هابسبورگ اعلام شد که بزرگ‌ترین خواهر پادشاه ماری ترزا در نظر گرفته شده و او هم به‌تدریج خود را در جامعه‌ی اتریش معرفی می‌کند.

روسیه، ۲۵ ژانویه ۱۷۲۱
سیستم قیمومیت کلیساها بر خانواده جایگزین سیستم پدرشاهی می‌شود و عقاید قدیمی خانواده‌ها که پدر را خدای خانواده تلقی می‌کردند، منسوخ می‌شود و شهر مسکو نخستین گام‌ها را در این راه برمی‌دارد. با جدایی کلیسای ارتودوکس یونان از کلیسای رم موضوعات زیادی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و از جمله عبادات و مراسم مذهبی و نمازها دچار تغییرات کلی گردیده و کلیساهای روسیه هم به پیروی از یونان تجربیات آنان را موردنظر قرار می‌دهند.

آلمان، ۲٤ مارس ۱۷۲۱
یوهان سباستین باخ (Johann Sebastian Bach) موسیقیدان بااستعداد و عالی‌مقام آلمانی، در شهر براندنبورگ (Brandenburg) شش کنسرت ترتیب داد.

انگلیس، سوم آوریل ۱۷۲۱
با عدم موفقیت نقشه و بی‌ثمربودن طرح دریای جنوبی، رابرت والپول (Robert Walpole) عضو حزب آزادی‌خواه که شخصی جاه‌طلب بود، به‌عنوان خزانه‌دار و مهردار سلطنتی منصوب شد تا وضع مالی انگلیس را به وضع سابق برگرداند.

رم، هشتم مه ۱۷۲۱
پس از مرگ پاپ کلمنت یازدهم در روز ۱۹ مارس، میکل‌آنجلو دی کنتی (Michelangelo dei Conti) به‌عنوان پاپ انتخاب شد و به‌نام اینوسان سیزدهم موسوم شد. در جلسات پنهانی و پشت درهای بسته که برای انتخاب پاپ به‌وسیله‌ی کاردینال‌ها تشکیل می‌شد، پس از مشاجرات و نزاع‌های طولانی جملگی بر آن بودند که پاپ باید مردی باسیاست و کاردان و تیزهوش باشد و از امور سیاست آگاهی کامل داشته باشد.

فرانسه، ۱۸ ژوئیه ۱۷۲۱
آنتوان واته‌ئو (Antoine Watteau) نقاش فرانسوی، در اثر ابتلا به بیماری سل که سراسر عمرش را در رنج و عذاب گذرانیده بود، درگذشت. بزرگ‌ترین یادبود به‌جای‌مانده از وی نقاشی‌های گاردن پالاس (Palace-Garden) است که با تصاویری زیبا و دورنماهای بسیار جذاب منقش شده است.

سوئد، ۳۰ اوت ۱۷۲۱
عهدنامه‌ی صلح نیستاد (Nystad) به نبرد شمالی بین روسیه و سوئد که از سال ۱۷۰۰ آغاز شده بود، پایان داد. طبق این عهدنامه سوئد استان‌های لتونی (Livonia) و استونی (Estonia) و بخشی از کارلیا (Karelia) و اینگرمان‌لند (Ingermanland) را به روسیه تحویل داد، لیکن سرزمین فنلاند (Finland) هم‌چنان در اختیار سوئد باقی ماند. این امر نشان می‌دهد که روسیه از این پس یکی از قدرت‌های مهم منطقه‌ی بالتیک (Baltic) به‌شمار می‌آید.

گرین‌لند (Greenland) (گروئنلند)، ۱۷۲۱
هانس اگد (Hans Egede) یکی از وزرای پروتستان‌مذهب نروژی، به سرپرستی هیأت مذهبی در گات‌آب (Godthaab) برای تغییر مذهب اسکیموها (Eskimos)، روانه‌ی آن سرزمین شد.

نیواورلئان، ۱۷۲۱
گروهی از زنان فرانسوی برای اصلاح وضع اجتماعی و تربیتی به مستعمره‌نشین نیواورلئان اعزام شدند. به‌نظر می‌رسد که آن‌ها کمبودهایی در زندگی دارند و برای رهایی از این وضع به خارج از کشور فرستاده شدند. تعدادی از این زنان تقریباً به مجرد ورود به این استان، با مردان مجرد ازدواج کرده و بقیه‌ی عمر را به راحتی و آسایش سپری کردند.

ماساچوست، ۱۷۲۱
در جریان شیوع بیماری آبله، دکتر زابدیل بویلستون (Dr. Zabdiel Boylston) از اهالی بوستون، تجاربی با ریختن مایع تاول‌های آبله در چشم انجام داد و تصور می‌کرد که با این عمل بیمار به‌زودی بهبود می‌یابد و این کار احترام‌گزاردن به کوتون ماتر (Cotton Mather) می‌باشد، ماتر از یک برده‌ی افریقایی به‌نام انسیموس (Onesimus) شنیده بود که اگر مایع چرکی در چشم دشمنان ریخته شود، دشمنان آن‌ها به‌سرعت به این مرض مبتلا خواهند شد، گرچه بایل استون با این کار توانست از ۲۴۰ نفر تنها شش‌نفر را زنده نگه دارد.

ساکایدا کاکیه‌مون (Sakaida Kakiemon)، استاد سفالکار ژاپنی، در سن ۷۰ سالگی درگذشت. شاهکارهایی که وی خلق کرده، انسان را خیره می‌کند، به‌ویژه میناکاری او بر روی چینی و سفال، بی‌نظیر است. میناکاری ساکایدا مخصوصاً به رنگ قرمز، هر فردی را دچار حیرت و تعجب می‌نماید و درخشندگی خاصی دارد.

کاکیه‌مون، در ابتدا شهرت محلی داشت و مصنوعاتی از طلا و نقره با میناکاری برای یکی از اشراف به نام نابه‌شیما (Nabeshima) تهیه می‌کرد، ولی بعداً سفال‌های زیبا تولید کرد که در اروپا به فروش می‌رفت. گفته می‌شود که نام اصلی او کیزامون (Kizaemon) بوده، امّا به توصیه یکی از اشراف ژاپنی، نام خود را به کاکیه‌مون تغییر داده، چون اغلب بر روی چینی‌ها شکل خرمالوی ژاپنی را ترسیم می‌کرد، که به زبان ژاپنی به آن کاکی (Kaki) گفته می‌شود.

ناوگان جنگی هلند با ورود به رودخانه‌ی تیمز، شهر لندن را مورد تهدید قرار داد. (لندن، ۱۸ ژوئن ۱۶۶۷):

ناوگان جنگی هلند، برای تحقیر نیروی دریایی انگلیس از زنجیر مدافعان در منطقه چاتهام (Chatham) عبور و وارد رود تیمز شد و چهار کشتی انگلیسی را غرق و یا طعمه حریق ساخت، سپس با افتخار، ناوگان سلطنتی کارل را به دنبال خود روانه ساخت.

نیروی دریایی انگلیس در دو سال و نیم قبل، با شجاعت، با هلند درگیر شد و ضرباتی بر ناوگان دشمن وارد ساخت، سپس به مصیبت بیماری طاعون گرفتار شده و متعاقب آن هم آتش‌سوزی عظیم شهر لندن رخ داد و اقتصاد کشور را فلج کرد و سرنوشت کشور بر این قرار گرفت که با این مصایب روبه‌رو شود و بهای سنگینی برای آن بپردازد.

جان میلتون کور، کتاب بهشت گمشده را به نگارش درآورد. (لندن، ۲۰ اوت ۱۶۶۷):

جان میلتون (John Milton)، شاعر حماسی انگلیس، پس از مدّت‌ها تأخیر، کتاب بهشت گمشده را

انتشار داد. در کتاب ۱۰ جلدی میلتون، سرگذشت هبوط آدم و حوا را که خداوند برای امتحان نوع بشر خلق فرموده، شرح می‌دهد، امّا میلتون نتوانست دنباله‌ی این سرگذشت را ادامه دهد، زیرا این کتاب سر و صدای عجیبی در جامعه به راه انداخت که تا آن زمان نظیر آن دیده نشده بود. فی‌المثل شیطان از بهشت رانده شد و از برج شیشه‌یی همچون ستاره‌یی که از قلّه‌ی عظیمی فرو افتد، شیطان هم به حضیض ذلت گرفتار شد. میلتون که کرامول را به‌عنوان سرآمد همه‌ی مردان می‌نامید، به وسیله‌ی وی به‌عنوان کاتب زبان لاتینی کامنولث (Commonwealth) انتخاب شد و در جریان تعقیب و کشتن پادشاه، یکی از داوران دادگاه چارلز بود و رساله‌یی هم درباره‌ی دژخیمان کشوری تألیف کرد که پس از برقراری رژیم سلطنتی سوزانده شد. در سال ۱۶۵۲، کاملاً نابینا گشت و نوشته‌هایش را توسط کاتب خویش می‌نوشت.

فرانسه، روش ناسیونالیستی را در تجارت برگزید. (پاریس، ۱۶۶۷):

ژان باپتیست کولبر (Jean Baptiste Colbert)، نخست‌وزیر فرانسه، یک گام دیگر در جهت ملّی‌گرایی در تجارت برداشت. با روی کارآمدن لویی چهاردهم و احراز قدرت کامل، کولبر اصلاحاتی در سیستم مالی فرانسه به‌وجود آورد، از جمله برای مبادلات بازرگانی با هلند و انگلیس، تعرفه و مقرّرات جدیدی وضع کرد که بازرگانان باید برطبق آن عمل کنند و این مقرّرات هم لازم‌الاجرا خواهد بود. این پسر پارچه‌فروش سرسخت، قصد دارد که با این اقدامات جاه‌طلبانه اقتدار لویی چهاردم را بالا برده و فرانسه را به ثروتمندترین کشور اروپایی تبدیل کند.

او می‌گوید، پول بیشتر، قدرت و اقتدار می‌آورد و قدرت، بزرگی به همراه دارد. پس باید برای کسب پول هرچه بیشتر تلاش کرد. وی راه درآمد را تنها وصول مالیات نمی‌داند و قصد دارد که کشور را به یک قطب صنعتی تبدیل کند و پاریس پایتخت فرانسه را به‌عنوان یک مرکز اروپایی معرفی نماید. برای تکمیل و مجهّز ساختن ارتش فرانسه هم اقداماتی در دست اجرا دارد، گردآوری سرباز برای تدارک نیروی زمینی و ساخت کشتی برای تجهیز نیروی دریایی و تولید سلاح‌های جنگی جهت یک ارتش مدرن، از جمله اقدامات وی می‌باشد. در تمام این اقدامات، کولبر از امور مالی غفلت نخواهد کرد و سعی دارد بودجه لازم برای اصلاحات را فراهم کند. او شبیه سلف خود کاردینال مازارن به‌عنوان نمونه، تلاش می‌کند نیروی عظیمی را برای این اقدامات به کار گیرد.

دولت ژاپن، خودسوزی افراد را تحریم نمود. (ژاپن، ۱۶۶۹):

دولت ژاپن، عمل بی‌رحمانه‌ی خودکشی یا خودسوزی را که معمولاً پیروان مردان جنگی پس از مرگ فرمانده، به آن اقدام می‌کنند و جونشی (Junshi) نام دارد را تحریم کرد. این رسمی است که از پنج سال پیش آغاز شد و آن این‌که یکی از مردان جنگی که در خدمت دو فرمانده بود، هنگامی‌که یکی از آنان در جنگ زخمی و مشرف به مرگ بود، در اثر اهمال و عدم رسیدگی فوت شد و سربازی که خود را در مردن فرمانده مقصر می‌دید، اقدام به خودکشی کرد و خود را سوزاند. از پنج سال پیش، این رسم در بین مردان سپاهی معمول گشت و دولت هم چون این عمل را ناپسند می‌داند، آن را تحریم کرد. اخیراً هم یک سامورایی، پس از مرگ فرمانده‌ی خویش خود را کشت.

خودکشی‌کنندگان این عمل را کیفر و مجازات برای خویش تلقّی می‌کنند. در پی این اقدام سامورایی مذکور دولت به پاداش این کار دو فرزند او را کشت و سایر بستگانش را تبعید کرد، به امید این‌که در آینده کسانی مانند او پیدا نشوند و خود را در راه عبث به کشتن ندهند.

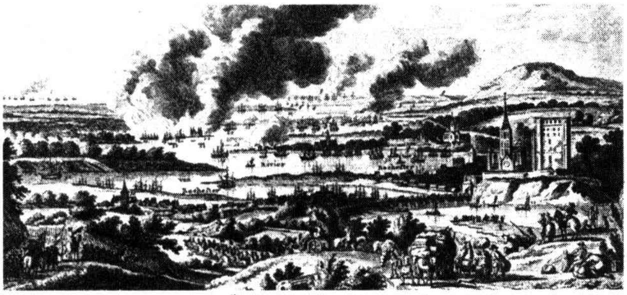
شهر لندن بار دیگر متولّد شده و به سوی ترقّی و پیشرفت سیر می‌کند. (لندن، ۱۶۶۹):

پس از پنج سال از شیوع بیماری طاعون و چهار سال بعد از حریق مهیب و وحشتناک شهر لندن، این شهر چنان به ترقّی و تکامل رسیده که هرگز پیش از آن دیده نشده بود.

رشد مبادلات بازرگانی، بنای ساختمان‌های نو و مرمّت ساختمان‌های کهنه و مهربانی و ملایمت مردم



کولبر Colbert، نخست وزیر فرانسه با وضع تعرفه ی جدید گمرکی، باعث ترقی اقتصاد فرانسه شد، لیکن به سایر کشورهای اروپایی خسارت وارد ساخت.



ناوهای هلندی چهار فروند کشتی جنگی تحت فرمان آدمیرال دو رویتر admiral de Ruyter را که در میدوی Medway لنگر انداخته بود زیر آتشبار گرفتند. این حمله برای ناوگان غرورآفرین انگلیس بسیار گران تمام شد و خسارات زیادی وارد کرد.



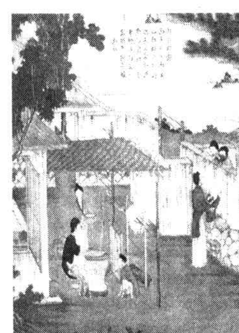
میگوئل Miguel March مارش، شخصیت آزادی خواه هنرمند. در این تابلو تمام چهره هایی که در رشته های گوناگون به تعلیم و آموزش می پردازند، از قبیل علوم گرامر (قواعد زبان) منطق، نطق و بیان، موسیقی، هندسه، حساب و نجوم جمع گردیده است.



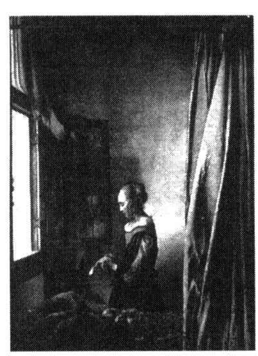
نیروی دریایی هلند به قایق های جنگی دولت عثمانی در استانبول خسارات فراوانی وارد کرد و ناوهای آن ها را در هم شکست. از سویی جمهوری و نیز و متحدین آن هم ضربات شدیدی به دولت عثمانی وارد کردند.



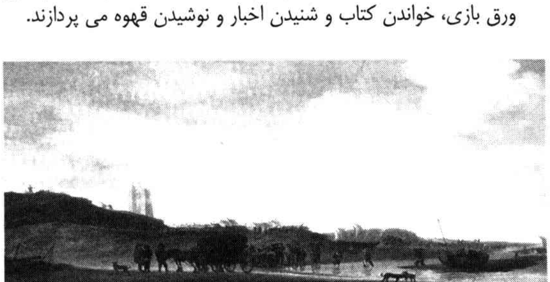
در ده سال گذشته، تعداد زیادی قهوه خانه در سراسر شهر لندن باز شد که پاتوق افراد مختلف گشت و این قهوه خانه ها به صورت یک سنت ملی درآمد. در این محل ها مردم به محاوره و مباحثه درباره ی جریانات گوناگون، ورق بازی، خواندن کتاب و شنیدن اخبار و نوشیدن قهوه می پردازند.



در این عکس که بر روی پارچه ی ابریشم نقش شده، یک کارخانه ی تولید ابریشم و حریربافی نشان داده شده است.



دختری در حال خواندن نامه. نقاشی از ورمیر Wermeer



ساحل اگموند آن زیEgmond – aan - Zee. نقاشی از سلیمان وان رویس دیلSolomon Van Ruysdael .

نسبت به یکدیگر، شهر لندن را به یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین پایتخت‌های اروپایی مبدّل کرده و از نظر مالی هم مردم در رفاه به سر می‌برند.

گرچه ممکن است که آتش‌سوزی بخش کهنه شهر را ویران کرده باشد، لیکن اهالی شهر را وادار کرد که ساختمان‌های جدیدی بنا کنند و این کار تحرّک بی‌سابقه‌یی در مردم به‌وجود آورد که موجب ترقّی آن شد.

تالار زرّین شهر توسط سر کریستوفر رن (Sir Christopher Wren) مرمت و بازسازی شد، او هم‌چنین بنای یادبودی برای حریق ساخت. و شهر در این مدّت توسعه یافته است.

خیابان لی‌سستر (Leicester) و میدان بلومزبری (Bloomsbury) تا آخرین قسمت غرب شهر، وست‌اند (West End) امتداد یافته و محله‌ی اشرافی‌نشین آن در سنت جیمز (St James) متمرکز شده است.

آتش‌سوزی همچون مهمیزی بود که بر پشت مردم فرو رفت و همه را نسبت به یکدیگر مهربان ساخت، بناها از آجر ساخته شد که پیش از آن چوبی و موجب حریق می‌شد و بدین ترتیب به تمیزی منازل کمک کرد. یکی از دستوراتی که برای جلوگیری از بیماری طاعون داده شده، نظافت و پاکیزگی منازل و محله‌هاست. به‌نظر می‌رسد که لندن از نظر داشتن قهوه‌خانه و محلّ تجمّع افراد در اروپا بی‌نظیر باشد، چون مردم در موقع بیکاری در آنجا گرد هم می‌آیند و درباره‌ی تجارت و سایر مطالب به گفت‌وگو می‌نشینند. در این قهوه‌خانه‌ها، اغلب مبادله‌ی اطلاعات صورت می‌گیرد و تریبون‌های آزادی است که افراد دور هم جمع می‌شوند و از مطالب گوناگون صحبت می‌کنند. این تریبون‌های آزاد همچون دانشگاهی است که افراد از دانستنی‌های همدیگر آگاه می‌شوند و اطلاعات رد و بدل می‌شود.

دولت عثمانی پس از ۲۱ سال محاصره جزیره کرت (Crete) را بار دیگر تصاحب کرد. (کاندیا (Candia)، کرت، ۲۷ سپتامبر ۱۶۶۹):

پس از ۲۱ سال محاصره، پایتخت جزیره‌ی کرت به دست ترکان عثمانی سقوط کرد. کوپرولو فاضل احمد، نخست‌وزیر و فرمانده سپاهیان عثمانی، ۲۲ روز پیش شهر کاندیا پایتخت را تصرّف کرد و طرح تسلیم شهر را به بزرگان آن قبولاند.

اسپانیا، بریتانیا، فرانسه، پاپ، توسکانی و مالت، همگی برای تدارک و تجهیز ناوگان جنگی جهت پشتیبانی از سپاهیان ونیزی، آماده شده بودند، لیکن ناویان و لشگریان زمینی قشون عثمانی، تمام راه‌ها را برای رسیدن نیروهای امدادی سد کرده بودند و به سختی از پیشروی این نیروها به سوی جزیره جلوگیری کرده و از نزدیک شدن آن‌ها ممانعت نمودند و نیروهای ونیزی به ناچار تسلیم شده، جزیره را تخلیه کردند، امّا با اجازه سلطان عثمانی ونیزی‌ها بخشی از امتیازات بازرگانی را همچنان در اختیار دارند.

ایالات هلندی اسپانیا توسط ارتش فرانسه سقوط کرد. (فلاندر، ۱۶۶۷):

سپاهیان مجهّز فرانسوی متشکل از ۷۰ هزار مرد جنگی که پس از لشگریان رم قدیم، عالی‌ترین نیروهای نظامی اروپا به‌شمار می‌آیند، به سوی شهر فلاندر بلژیک رهسپار شدند و تمام دوازده قلعه و باروی شهر را تصرّف کردند، در حالی‌که لشگریان بی‌شمار اسپانیایی با روحیه‌یی افسرده در مقابل آن‌ها اقدام به مقاومت بی‌حاصلی می‌کردند.

در رأس ارتش فرانسه، یکی از فرماندهان برجسته‌ی فرانسوی به نام ژنرال تورن (Turenne) قرار داشت و شخص لویی چهاردهم نیز بر برخی عملیات جنگی نظارت داشت. این در حقیقت نُبردی بود که حقوق ملکه اسپانیا و پسرش را پس از مرگ فیلیپ چهارم پایمال کرد و سرزمین موروثی او را که باید جانشینانش از آن پاسداری می‌کردند، از دست دادند و بدین ترتیب اسپانیا به کلّی از سرزمین هلند و بلژیک رانده شد.

ایساک نیوتون، در پی حساب‌های مجهول (کامبریج، انگلیس، ۱۶۶۹):

فرانسه، ۲۵ اکتبر ۱۷۲۲
لویی پانزدهم در شهر ریم (Rheims) تاج‌گذاری کرد.

اتریش، ۱۹ دسامبر ۱۷۲۲
شارل پنجم با همکاری بازرگانان فلاندری (Flemish) در شرق شرکتی را موسوم به اوستند (Ostend) تأسیس کرد. این جریان نتیجه‌ی پیمان اوترخت بود که در سال ۱۷۱۳ امضا شده بود و بازرگانان اجازه‌ی حمل کالا را از سرزمین هلندی که در اختیار اسپانیا قرار داشت به اتریش داشتند. به این ترتیب انگلیس و هلند کالاهای خود را از خطری که آن‌ها را تهدید می‌کرد، با تأسیس این شرکت نجات دادند.

نیوانگلند، ۱۷۲۲
پارلمان انگلیس بازرگانی با کانادا را ممنوع ساخت.

فرانسه، ۲۲ فوریه ۱۷۲۳
لویی پانزدهم به سن بلوغ رسید.

روسیه، ۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳
عهدنامه‌ی صلح سن‌پترزبورگ (St Petersburg) به جنگ ایران و روس که از یک‌سال پیش آغاز شده بود، پایان داد. پتر کبیر بر اثر تجاوز ترک‌های عثمانی به‌سوی دریای خزر به‌شدت خشمگین شده بود. این عهدنامه به روس‌ها اجازه می‌داد که مناطق بین دربند قفقاز تا شهر رشت را در ساحل بحر خزر در کنترل داشته باشند و شاه ایران هم مبلغی وام برای صلح داخلی و ایجاد امنیت در ایران از روس‌ها درخواست کرد.

انگلیس، دوم اکتبر ۱۷۲۳
انگلیس با ایجاد مانع در قبال فعالیت‌های اتریش و قانونی بر ضد شرکت اوستند، دادوستد بازرگانان آن کشور را به‌کلی سد کرد.

پروس، دهم اکتبر ۱۷۲۳
عهدنامه‌ی صلح بین انگلیس و پروس در شارلوتنبورگ (Charlottenburg) به‌امضا رسید. بریتانیا با روش دوستانه با پروس مواجه گشت و دست شارل ششم امپراتور پروس را برای ترقی و پیشرفت شرکت اوستند باز گذاشت.

فیلادلفیا، اکتبر ۱۷۲۳
بنیامین فرانکلین(Benjamin Franklin) ۱۷ساله یک هفته‌نامه‌ی غیرانتقادی درباره‌ی رویدادهای جاری نیوانگلند منتشر کرد و بوستون را به قصد فیلادلفیا در تعقیب ماجرای نزاع با برادرش ترک کرد. فرانکلین هم‌چنین پیس‌هایی با نام مستعار دوگود ساکت (Silence Dogood) نوشت.

افریقای غربی، ۱۷۲۳
آگاژا (Agaja) پادشاه داهومی (Dahomey) که در آبومی (Abomey) اقامت دارد، به حاکم‌نشین آلادا (Allada) هجوم برد. آلادا که در حدود ۱۵۰سال پیش احداث شده، یکی از مهم‌ترین و نیرومندترین حاکم‌نشین‌های مردم آژا (Aja) می‌باشد.

آلمان، ۱۷۲٤
یوهان سباستین باخ (Johann Sebastian Bach) آهنگ سن‌جان خشمگین (St John Passion) را در روز جمعه‌ی نیک (روز جمعهٔ پس از عید پاک) در شهر لایپزیگ (Leipzig) اجرا کرد.

رم، ۲۹ مه ۱۷۲٤
بندیکت سیزدهم پاپ جدید به‌علت کهولت سن به کاردینال نیکولو کوچیا (Cardinal Niccolo Coscia) اجازه داد که امور واتیکان (Vatican) را اداره کند.

لندن، ۲۷ دسامبر ۱۷۲٤
توماس گای (Thomas Guy) که به آدمی نوع‌دوست معروف و شغل وی کتاب‌فروشی بود، دیده بر جهان بست. وی که در دو سال پیش ساختمان بیمارستانی را روبه‌روی بیمارستان سن‌توماس (St Thomas) شروع کرده بود، به‌اتمام رساند. وی این بیمارستان را برای افراد شناخته و ناشناخته افتتاح کرد تا همگان از آن استفاده کنند و از درد و رنج آنان کاسته شود، به هر حال این بیمارستان جنبه‌ی عمومی دارد و او برای خدمت به هم‌نوعان خود آن را بنا کرده است.

اتریش، ۱۷۲٤
اختلافات تجاری بین انگلیس و اتریش حل شد، در نتیجه کمپانی و بازرگانان فلاندری اوستند (Ostend) با حل این نقار و کدورت به تجارت خود ادامه خواهند داد.

لوئیزیانا، ۱۷۲٤
قانون سیاه‌پوستان مقرر می‌دارد که اگر برده‌های سیاه شما قصد فرار داشته باشند، شما می‌توانید گوش و پی (تاندون) زانوی آن‌ها را ببرید تا قادر به راه‌رفتن نباشند. این قانون هم‌چنین ورود یهودیان و کاتولیک‌ها را به این ایالت ممنوع ساخته است.

گرچه ایساک نیوتون (Issac Newton) یک مرد ۲۷ ساله بود، لیکن از دانشمندان فیزیک و ریاضی دانشگاه کمبریج به‌شمار می‌رفت و به کشفیات مهمّی دست یافت. او فرزند لینکلن شایر یومن (Lincolnshire Yeoman) از اهالی سرشناس منطقه بود و زندگی وی به گونه‌یی بود که مناسب تحصیل و ابداع می‌نمود. نیوتون از استعداد سرشاری برخوردار بود و در زمان تحصیل در دانشگاه کمبریج تحت تأثیر نظریات کپلر (Kepler)، گالیله (Calileo) و دکارت (Descartes)، اقدام به آزمایش‌هایی در زمینه ریاضی نمود و فرضیه‌های مختلف آن‌ها راهگشای حرکات بسیار ارزنده‌یی برای وی گشت.

در سال ۱۶۶۵، دانشگاه کمبریج، به علّت شیوع بیماری طاعون تعطیل شد، لیکن وی فرصت را از دست نداد و از مجموع نوشته‌ها و فرضیات گوناگون، رساله‌یی به نام رنگ‌ها نوشت و سپس با تکمیل آن‌ها کتابی موسوم به دیدگاه‌ها تألیف کرد.

وی پس از چندی، کتاب دیگری موسوم به تحلیل و تجزیه ریاضیات مجهول نگاشت که در آن از حساب دیفرانسیل و عوامل دیگر ریاضی به‌طور مفصل و مشروح ذکر رفته است. اگرچه عقیده‌ی او درباره‌ی ریاضی تفریقی به‌نظر برخی از ریاضیدانان تفهیم شد، لیکن درک او در این زمینه بسیار وسیع‌تر می‌باشد و کمترین شکی درباره‌ی معلومات گسترده نیوتون وجود ندارد و دید او درباره‌ی محاسبات ریاضی بیش از تصوّر زمانه می‌باشد.

تفکراتی برای اثبات عقیده که موجب رنج و بلا می‌شود. (پاریس، ۱۶۷۰):

مغز متفکر علوم ریاضی و فیلسوف بزرگ، بلیز پاسکال (Blaise Pascal)، در چهار سال پیش در سن ۳۹ سالگی درگذشت. وی قبل از مرگ، کتابی در موضوع تعقل و نیروی فکری تألیف کرد که ناتمام مانده بود و پس از مرگ وی در میان نوشته‌هایش کشف شد. او که در سنین نوجوانی یک استاد زبان به‌شمار می‌رفت، همواره تحقیقاتی درباره‌ی اعتقادات درونی انجام می‌داد و در این راه با شک و تردید روبه‌رو بود و در تمام موارد برای اثبات حقیقت، در اصالت هر

موضوع با شک به آن می‌نگریست تا به درستی آن پی برد و چون در اصول هم تردید داشت، در نتیجه گرفتار رنج و درد می‌شد و از عذاب وجدان در زحمت بود.

او فرزند یک ریاضی‌دان قابل بود که پدرش در رشد شخصیت و آموزش وی رُل مهمّی بازی کرده بود. در سن ۱۱ سالگی، قضایای هندسی اقلیدس را حل کرد، در حالی‌که پدرش به هیچ‌وجه نمی‌توانست این جریان را باور کند. در آن زمان به‌نظر می‌رسید که وی یک ریاضی‌دان کوچولوست و احتمالاً در بزرگی، یکی از ریاضی‌دانان بزرگ خواهد شد.

تجربه و کار اصلی او روی نیروی مکانیکی مایعات دور می‌زد و از این طریق وی ثابت کرد که فشار مایعات در همه حال یکسان می‌باشد. در سال ۱۶۴۱، در حالی‌که خیلی جوان بود، یک ماشین حساب ابداع کرد.

در سال ۱۶۵۴، او با طرح نظریات خود در صومعه پورت رویال غوغایی برپا کرد و با هواداری از رهبری گروه ژان‌سنیت‌ها (Jansenite) به جدال ژزوئیت‌ها (Jesuits) رفت و در این باره نامه‌ها و نگارشاتی از او باقی است.

اسپینوزا به دنیای علّت و معلول می‌پردازد. (شهر هاگ (Hague)، هلند، ۱۶۷۰):

کتاب جدیدی درباره‌ی فلسفه توسط یکی نویسنده‌ی گمنام تحت عنوان خداشناسی با شیوه‌ی نوین در شهر هاگ منتشر شد. به‌نظر می‌رسد که مؤلف این کتاب باروخ اسپینوزا (Baruch Spinoza)، فیلسوف یهودی است که در سال ۱۶۵۶ به علّت طرفداری از اصول عقلیون (اصالت عقل) نظریاتش مورد مخالفت کمیته قرار گرفت و وی را از آمستردام (Amsterdam) تبعید کردند.

اسپینوزا در این مقاله که در تبعید نوشته، مدعی است که انسان با اصول طبیعی و کاوش و کنکاش در طبیعت، بهتر می‌تواند به شناخت خداوند نایل شود تا پیروی از آداب و مراسم مذهبی، چون به باور او، اعمال مذهبی تعبدی است، در حالی‌که با شناخت طبیعت، بهتر به خالق آن پی خواهد برد و با قوانین مذهبی رسیدن به این مرحله غیرممکن خواهد بود.

طبق قوانین طبیعی، آزادی حق هر فردی است و آزادی با انسان همزاد است. برای تأمین امنیت و رفاه جامعه، آزادی فرد محدود می‌شود و باید آزادی فردی را در قبال آزادی اجتماع محدود ساخت. فرمانروایان و پادشاهان بایستی نگهبان و حافظ اجتماع و آزادی مذاهب باشند و آزادی مذهب امر مقدّسی است، زیرا این آزادی‌ها پاسدار قدرت حکومت می‌باشد.

اسپینوزا با اصل اقتدار و حکومت موافق است، لیکن قدرت حقیقی را در قضاوت صحیح و عقلانی می‌داند، او معتقد است جامعه‌های غیراصولی و فاقد آزادی محکوم به فنا می‌باشند.

کشور چین پارچه ابریشمی نفیس و زیبا تولید می‌کند. (چین، ۱۶۷۰):

صنعت بافت پارچه‌های ابریشمی در چین هر روزه در حال ترقّی و تکامل است و تجارت این محصول هم در دنیا در حال رونق می‌باشد. شهرهای شانتونگ (Shantung)، کاوانگ تونگ (Kwangtung) و چکیانگ (Chekiang) از مراکز تولید این محصول هستند و پس از چای، صادرات ابریشم در مقام دوّم قرار دارد.

چینی‌ها برای تولید ابریشم، در درجه اوّل اصول پرورش و تغذیه کرم ابریشم را به خوبی فرار می‌گیرند. آن‌ها زمانی‌که کرم ابریشم در داخل پیله قرار دارد و در حال دگردیسی است و پیش از آن‌که به‌صورت پروانه درآید و پیله را سوراخ کند، پیله‌ها را با بخار آب حرارت می‌دهند تا حشره در حال دگردیسی از بین برود و پیله سوراخ نشود، آنگاه پیله‌ها را جمع‌آوری کرده و با ماشین‌هایی که تنها یک پدال (پایی) دارد، الیاف بسیار ظریف آن را تبدیل به نخ‌های ابریشم می‌کنند تا از آن پارچه‌های ابریشمی لطیف و ظریف بافته شود.

نقاشان هلندی از وقایع داخلی هلند تعریف می‌کنند. (دلفت، ۱۶۷۰):

شهر کوچک هلندی دلفت (Delft) به یکی از پایگاه‌های برجسته هنر نقّاشی تبدیل شده، پس از مرگ رامبراند (Rembrandt) در سال گذشته، دو نفر از استادان بزرگ هنر نقّاشی در این شهر ظهور کرده‌اند

فرانسه، ۱۷۲٤
فرانسوا کوپرین (Francois Couperin) سازنده‌ی آلات موسیقی مشهور و تیزهوش فرانسوی که توانست پیانو و چنگ را بسازد، اکنون دومین مجموعه‌کنسرت‌های سلطنتی را اجرا می‌کند.
روسیه، هشتم فوریه ۱۷۲۵
پتر کبیر در شهر سن‌پترزبورگ از دنیا رفت و همسرش کاترین جانشین وی شد.
اسپانیا، دوم مارس ۱۷۲۵
خوزه بنیتو دو کوری‌گوئرا (Jose Benito de Churriguera) معمار اسپانیولی، بدرود حیات گفت. یکی از آثار زیبا و باشکوه او، بنای محراب عظیم سن‌استبان سالامانکا (San Steban, Salamanca) می‌باشد.
اتریش، ۳۰ آوریل ۱۷۲۵
فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا و شارل ششم امپراتور اتریش، قرارداد صلح وین را امضا کردند و دربار اتریش هم به ائتلاف چهارگانه پیوست. فیلیپ به‌طور قاطع جانشینی دختر امپراتور را در صورت مرگ او تضمین کرد و در ضمن به آرزوی دیرینه‌ی خود که حمایت اتریش از او در تصرف جبل‌الطارق و مینورکا (Minorca) بود، رسید، گرچه وی از توسعه و تجهیز بیشتر ارتش خود محروم گشت. اسپانیا در این قرارداد به اهداف کوچکی دست یافت، لیکن ریپردا (Ripperda) مشاور فیلیپ در فرمانی پنهانی، به هدف خود که همانا کاستن از فشار و عصبانیت انگلیس و فرانسه بود، نایل شد.
فرانسه، ۱۵ اوت ۱۷۲۵
لویی پانزدهم با ماریا لزچینسکا (Maria Leszczynka) دختر پادشاه معزول لهستان استانیسلاو لزچینسکی (Stanislav Leszcznski) ازدواج کرد. وی پس از عزل از سلطنت نمایندگی استراسبورگ (Strasbourg) را برعهده داشت.
ناپل، ۲۲ اکتبر ۱۷۲۵
آلساندرو اسکارلاتی (Alessandro Scarlatti) آهنگساز بزرگ ایتالیایی، درگذشت. او تعداد زیادی اپرا از جمله پیروزی آزادی (در سال ۱۷۰۷)، تیگرون (۱۷۱۵) (Tigrone)، پیروزی صداقت و درستی (در سال ۱۷۱۸) و گریزلدا (Griselda) (به سال ۱۷۲۱) را نوشت.
هلند، ۱۷۲۵
آنتونیو ویوالدی (Antonio Vivaldi) آهنگساز هلندی، آهنگ چهارفصل را تنظیم کرد.
افریقای جنوبی، ۱۷۲۵
لانگا (Langa) جد رهبر فرقه‌ی نگوان اسوازی (Ngwane Swazi) و هلوبی (Hlubi) از دنیا رفت. لانگا خراج‌گذار حاکم‌نشین تمب (Tembe) در خلیج ماپوتو (Maputo Bay) بود.
امریکای جنوبی، ۱۷۲۵
شهر مونته‌ویدئو (Montevideo) بنا شد.
ناپل، ۱۷۲۵
جامباتیستا ویکو (Giambattista Vico) فیلسوف ایتالیایی، کتابی مرسوم به «پایه‌های دانش جدید» را منتشر ساخت.
فرانسه، ۱۲ ژوئن ۱۷۲۶
لویی پانزدهم پس از عدم رضایت از دوک بوربون (duke of Bourbon) لله (سرپرست) خود به‌نام فلوری (Fleury) را به نخست‌وزیری برگزید. وی از سیاست مخاطره‌آمیز نخست‌وزیر پیشین که ممکن بود فرانسه را با اسپانیا و اتریش در جنگ روبه‌رو سازد، بیم داشت.
روسیه، ۱۶ اوت ۱۷۲۶
روسیه به یکی از همکاران اتریش تبدیل شد و ماری ترز (Maria Theresa) را به جانشینی شارل ششم پادشاه اتریش در صورت فوت به رسمیت شناخت و پادشاهی وی را قاطعانه تضمین کرد.
امپراتوری عثمانی، ۱۷۲۷
ایران و عثمانی در قبال روسیه، پیمان همکاری نظامی تنظیم کردند.
اسپانیا، مارس ۱۷۲۷
اسپانیا از پیمان اوترخت کنار رفت و در جبل‌الطارق به نیروهای نظامی انگلیس حمله برد.
لندن، ۳۱ ژوئیه ۱۷۲۷
ایساک نیوتون (Isaac Newton) دانشمند بزرگ انگلیسی، جهان را وداع گفت او در چهارم ژانویه ۱۶۴۲ متولد شد، وی یک ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و ستاره‌شناس بزرگ بود و قانون نیروی جاذبه را در کائنات کشف کرد.

که یکی یان ورمیر (Jan Vermeer) و دیگری پیتر دِهوک (Pieter de Hooch) می‌باشند.

این هر دو نقّاش، افرادی سلیم و آرام هستند. از نظر هنری هم کارهای آن‌ها به انسان حالت آرامش می‌دهد، و به‌طوری که مشهور است آنان از نسل هنرمندانی هستند که پای‌بند اصول می‌باشند و حافظ هنر اصیل هستند.

ورمیر در دلفت متولّد شد و هرگز شهر بومی خود را ترک نکرد. تابلوهای او بیشتر از تصاویر و چشم‌اندازهای داخلی و تصاویر پدرش تشکیل می‌شود و اصالت هنر در آن‌ها کاملاً ملحوظ است. او هم‌چنین به هنر موسیقی علاقه دارد و به‌عنوان مثال تابلویی از زنی در کنار پنجره ترسیم کرده که با جواهرات آراسته و نامه‌یی را از عاشق خود دریافت می‌کند. کارهای این هنرمند جلا و شفافیت خاصی را دارند و هنرمند بیشتر از رنگ‌های شفاف و درخشان و مخصوصاً از رنگ آبی استفاده می‌کند. اهالی می‌گویند هنر ورمیر شهر دلفت را به موزه‌یی زرّین مبدّل کرده است.

بازرگانان ثروتمند شهر دلفت، شیفته‌ی نقّاشی‌های او هستند و اکنون به‌طور وسیعی تابلوهای این هنرمند را خریده و از آن‌ها مجموعه تهیه می‌کنند.

پیتر هوک بیشتر تابلوهایش صحنه‌هایی از حیاط خانه‌ها و اتاق‌هایی که در آن سربازان به بازی ورق و میخوارگی مشغول هستند و یا در آغوش زنان در حال بیهوشی می‌باشند تشکیل شده. او در یکی از تابلوهایش زنان گراردتر بورخ (Gerard Ter Borch) ثروتمند را با جواهرات و آرایش آن‌چنانی نشان می‌دهد. لیکن یکی از شاهکارهای او، تابلویی است که زنان نیکلاس مایز (Nicholas Maes) و گرارد دو (Gerard Dou) را در حال پوست کندن سیب و یا پر کندن اردک همراه با بچّه‌های بازیگوش می‌نمایاند و هم‌چنین تابلوی دیگری از مجلس بزم که اشتین (Steen) و هالس (Hals) را در حال مستی نشان می‌دهد.

بازرگانان برده انگلیسی سعی می‌کنند که برده‌های بیشتری برای فروش حمل کنند. (لندن، ۲۷ سپتامبر ۱۶۷۲):



مسیح در خانه ی مریم و مارتا Martha.
تابلویی از ورمیر.



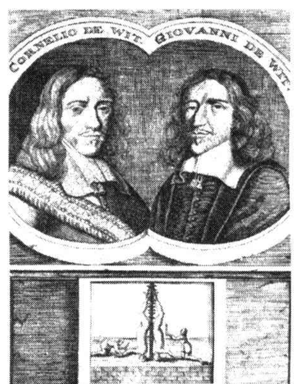
تصویر چند نفر در حال بازی. نقاشی از درک هالس Dirk Hals.



کشتی ویجد Wijdship که از سایر ناوها حراست می کند. تابلویی از وان دو ولدVan de Velde.



ژان باپ تیست پوکلنJean – Baptiste Poqulin که به نام مولیر Moliere نمایش نامه می نوشت.



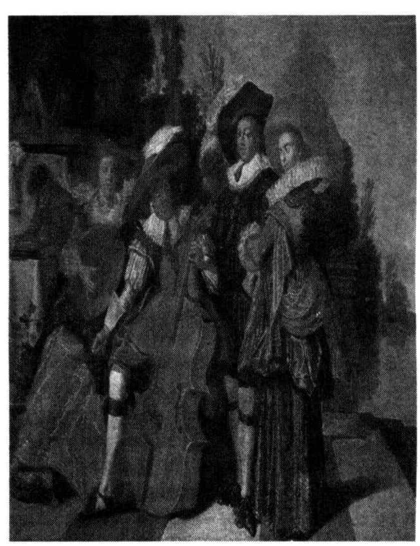
کورنلیس و یوهان دوویت Conelis and Johan de witt ، که هر دو برادر قربانی جاه طلبی های خود شدند.



تصویر چارلز دوم، پادشاه انگلیس. وی با سابقه ی همکاری با کاتولیک ها، اغلب از طرفداران آن دفاع می کرد، لیکن پارلمان به خواسته های وی اهمیت نداد و او را از برج پایین آورد.



ساموئل پوفندورف Samuel Pufendorf، فیلسوفی که عقیده دارد بشر دارای حقوق طبیعی از جمله آزادی می باشد.



چهره های عالی مقام موسیقی که در تراسی در کنار دریا مشغول نواختن هستند. کاردرک هالس.



لوبورژوآ ژنتیل هوم Le Bourgeois Genhilhomme ، یکی از هنر پیشه های کمدی مولیر.

فیلادلفیا، ۱۷۲۷
بنیامین فرانکلین (Bejamin Franklin) طنزنویس و دانشمند جدلی یک باشگاه فلسفی به‌نام ژونتو (Junto) با هدف (کاوش و تفحص درباره‌ی صداقت و صفا) در فیلادلفیا تأسیس کرد. مهم‌ترین عمل این باشگاه جلوگیری از به‌کارگیری تعصب و خشونت در زورمداران بود.
لندن، ۲۹ ژانویه ۱۷۲۸
جان گای (John Gay) نمایش‌نامه‌یی به‌نام اپرای گدایان را در هتل لینکلن فیلدز (Lincoln Fields) واقع در لندن افتتاح کرد که با استقبال بی‌نظیر مردم مواجه شد و جمعیت زیادی برای تماشای آن هجوم بردند.
اسپانیا، مارس ۱۷۲۸
با حمله‌ی نیروهای نظامی اسپانیا به جبل‌الطارق و درگیری با انگلیس، اسپانیا با بحث و گفت‌وگو در این‌باره در محل پادرو (Pardo) موافقت کرد.
آلمان، ۲۳ دسامبر ۱۷۲۸
پروس و امپراتور شارل ششم با امضای پیمان برلین از عقاید مذهبی خود حمایت و آن‌را تأکید کردند.
مادرید، ۱۷۲۸
اولین باشگاه و محل ملاقات طرفداران ماسونی (masonic) (فراموش‌خانه) به ریاست دوک وارتون (Wharton) که مدعی طرفداری از کاتولیک بود در شهر مادرید افتتاح شد. این لژ خانوادگی مردان انگلیسی بود.
آلمان ۱۵ آوریل ۱۷۲۹
یوهان سباستین باخ (Johann Sebastian Bach) آهنگ‌ساز آلمانی، رهبری ارکستر عظیم (سن ماتیو (St Matthew) و شام آخر عیسی) در عصر جمعه‌ی نیک (Good Friday) را برعهده داشت.
اسپانیا نهم نوامبر ۱۷۲۹
در هنگام امضای عهدنامه‌ی سویل (Seville)، اسپانیا حقوق خود را در جبل‌الطارق که در تصرف انگلیس بود، خواستار شد. عهدنامه تمام امتیازات تجاری انگلیس در مستعمرات اسپانیا را اعاده کرد.
لوئیزیانا، ۲۸ نوامبر ۱۷۲۹
به‌دستور ناشز (Natchez) رهبر سرخ‌پوست‌های لوئیزیانا تمام افراد شرور و بدکاره که تا به حال به این مستعمره‌نشین حمله می‌کردند و جملگی ۳۰۰ نفر سرباز و ساکنان دژ روزالی (Fort Rosalie) به خاک هلاکت افکنده شدند. تمام این افراد به‌وسیله‌ی شلیک گلوله کشته و در زمین‌های اطراف معبد به خاک سپرده شدند.
روسیه، ۲۹ ژانویه ۱۷۳۰
پتر دوم تزار روس که از سال ۱۷۲۷ سلطنت کشور را برعهده داشت، بر اثر ابتلا به بیماری آبله جان سپرد و آنا ایوانوا (Anna Ivanova) دختر تزار ایوان (Czar Ivan) پنجم به جانشینی وی منصوب شد. او در سال ۱۷۲۸ پایتخت خود را از سن پترزبورگ (St Petersburg) به مسکو انتقال داد.
انگلیس، ۱۵ مه ۱۷۳۰
در پی استعفای لرد تاونزند (Lord Townshend)، رابرت والپول (Robert Walpole) تنها وزیر کابینه‌ی انگلیس گردید.
لوئیزیانا، دسامبر ۱۷۳۰
سربازان فرانسوی به کیفر کشتار سال گذشته در بندر روزالی، سان (Sun) (خورشید) رهبر طایفه‌ی سرخ‌پوست ناشز (Natchez) را زندانی کردند.
افریقا، ۱۷۳۰
پرتغالی‌ها سرانجام بندر مومباسا (Mombasa) را به فرمانروای عمانی تحویل دادند.
رود آیلند، ۱۷۳۰
جورج برکلی (George Berkeley) متولد ایرلند، فیلسوف و وزیر انگلیکان مذهب، کتاب‌خانه و کمیته‌ی فلسفی در این استان دایر کرد.
پنسیلوانیا، ۱۷۳۰
بنیامین فرانکلین، یک دادگاه جادوگری در محل کوه مقدس (مونت هالی (Mount Holly)) به شوخی تشکیل داد و جادوگری را یک ائین خرافه‌پرستی معرفی کرد.

کمپانی سلطنتی آفریقایی که حق خرید و فروش برده را به خود اختصاص داده، تلاش می‌کند که هرچه بیشتر سیاه‌پوستان منطقه‌ی سالّی (Sallee) در ساحل مراکش را گردآوری کرده و به دماغه امیدنیک در جنوب آفریقا اعزام نماید تا از آنجا آن‌ها را به آمریکا بفرستند. کشتی‌های حمل برده با پرچم انگلیس در دریاهای آزاد حرکت می‌کنند. اخیراً این شرکت قراردادی به مبلغ ۱۰۰ هزار پوند برای حمل بردگان با سازمان کشتیرانی منعقد کرده تا آن‌ها را در سواحل آمریکا پیاده نماید. هزینه حمل هر برده که بین ۱۲ تا ۴۰ سال داشته باشد تا باربادوس (Barbados) ۱۵ پوند، تا منطقه‌ی نویس (Nevis) ۱۶ پوند، جامائیکا (Jamaica) ۱۷ پوند و ویرجینا ۱۸ پوند است که این مبلغ شامل هزینه حمل و سایر تدارکات مانند غذا می‌باشد.

فیلسوفی که از قانون طبیعت حمایت می‌کند. (لوند (Lund)، سوئد، ۱۶۷۲):

قوانین طبیعت، غیرقابل تغییر و برمبنای صحیح و شالوده‌ی استوار بنا شده و انسان هم می‌تواند با پیروی از قوانین طبیعت، جامعه را بر آن پایه بنا کند. دولت‌ها هم باید حاکمیت خود را گرچه بسیار بعید است، مانند حاکمیت طبیعی برقرار نمایند، لیکن تا آنجا که ممکن است باید الگوی بسیار کوچکی از آن را وجهه همّت قرار دهند. با این فرضیه، کتاب جدیدی موسوم به «قانون طبیعت و مردم»، توسط نویسنده، روزنامه‌نگار و فیلسوف آلمانی‌الاصل به نام ساموئل پوفندورف (Samuel Pufendorf)، استاد علوم طبیعی در دانشگاه لوند در سوئد انتشار یافت. با این مقدمه که، انسان موجودی اجتماعی است، با حقوق طبیعی و آزادی طبیعی که جزو لوازم اوّلیه زندگی اوست. این وظیفه‌ی دولت‌ها و زمامداران است که این حقوق را به رسمیت شناخته و در برقراری آن بکوشند تا انسان‌ها از نظر آزادی اطمینان خاطر داشته باشند و باعث شکوفایی استعدادها گردد، زیرا در جوامع بسته استعداد خفه می‌شود.

برطبق آداب و رسوم منچوها، همه باید سرهای خود را بتراشند. (پکن، ۱۶۷۱):

با استیلای حکومت منچوها (Manchu)، در چین تغییرات مهمّی در آداب و رسوم مردم پدیدار شده و در سراسر کشور مردم به ناچار بایستی از آن تبعیت کنند. هر روز بیشتر و بیشتر کشور چین به اجبار زیر حاکمیت منچوها درمی‌آید، مردم بایستی به سبک آن‌ها لباس بپوشند و موهای تمام سر را تراشیده و فقط موهای پس سر را بلند نگه داشته و مانند دم خوک از پشت گردن بیاویزند. بسیاری از مردم از این کارها شرمگین هستند، آن‌ها که سال‌ها نسبت به حکومت سلسله‌ی مینگ (Ming) وفادار بودند و پشتیبانان خوبی برای آن‌ها به‌شمار می‌آمدند، پس از برکناری مینگ‌ها، تحت تابعیت منچوها درآمده و به ناچار باید به سبک و شیوه آن‌ها رفتار نمایند و موهای خود را چون راهبان بودایی بتراشند و سرشان را هم سلمانی‌های منچو به سبک آن‌ها درآورد و این یک تابعیت همه‌جانبه از حکومت منچوها می‌باشد.

شگفت آن‌که کانگ هسی (Kang-hsi)، امپراتور جوان چین، اجازه داده که بچّه‌ها را از رسم منچوها که پاها را به شیوه‌یی می‌بستند تا کوچک باقی بماند، سرپیچی کنند.

برطبق رسم قدیمی منچوها، پای دخترها را در قالب‌هایی قرار می‌دادند تا پا رشد نکند و کوچک باقی بماند، در نتیجه آن‌ها قادر به راه رفتن به طرز عادی نبودند. منچوها چون دیگر قادر به تشدید فشار بر مردم چین نبودند، کم‌کم با سیاست امپراتوران چینی کنار آمدند و با آداب و رسوم چینی آشتی کرده‌اند. لیکن آن‌ها هنوز هم با رفتار خود مردم را سرخورده کرده‌اند و باید با آداب و رسوم چینی کاملاً آشنا شوند و به شیوه‌ی چینی رفتار کنند.

ریاضیدانی که توانست نیروی جنبشی را محاسبه کند. (پاریس، ۱۶۷۳):

کریستیان هویگنس (Christiaan Huygens)، ریاضیدان، ستاره‌شناس و فیزیکدان هلندی، به عضویت آکادمی علوم فرانسه منصوب شد. این آکادمی به محققان علوم در رشته‌های مختلف کمک می‌کند و آن‌ها را در انجام تحقیقات و تجربیات خود یاری می‌دهد. هویگنس در زمانی‌که در پاریس زندگی می‌کرد، کتابی موسوم به گاهشماری توسط پاندول، انتشار داد. او توانست قوانین حرکت پاندولی را محاسبه نماید و نیروی گریز از مرکز آن را بیابد. هم‌زمان هویگنس توانست با تجربه روی پاندول‌های گوناگون نیروی جنبشی آن‌ها را محاسبه کند. در سال ۱۶۵۶، او پاندولی برای ساعت تعبیه کرد که در عرض ۲۴ ساعت، تنها ۵ دقیقه اشتباه محاسبه داشت.

سکنه‌ی اورانژ (Orange)، دو برادر دیپلمات را کشتند. (شهر هاگ، ۲۰ اوت ۱۶۷۲):

یوهان دِ ویت (Johan de Witt)، کارمند بلندپایه و رهبر ایالات متّحد هلند که سال‌های زیادی باشکوه و جلال زیسته بود، با برادرش کورنلیس (Cornelis)، به دست یک گروه به هلاکت رسیدند. کورنلیس دِ ویت به اتّهام توطئه علیه ویلیام اورانژ در زندان به سر می‌برد و برادرش برای ملاقات او به زندان رفته بود. آن‌ها درباره‌ی گروه اورانژها صحبت می‌کردند که چگونه می‌توان آن‌ها را به دو دسته‌ی مجزاً مبدّل کرد و نیروی آن‌ها را از بین برد.

یوهان دِ ویت در فاصله‌ی مرگ ویلیام دوّم و زمانی‌که ویلیام سوّم به سن قانونی برسد، یعنی تا فوریه امسال، فرمانروای هلند بود. این زمانی بود که ایالات متّحد هلند در خوشبختی به سر می‌بردند ودر تجارت بین‌المللی سهم عمده‌یی داشتند و سرزمین هلند از نظر هنری و علمی بسیار پیشرفت کرده بود.

دِ ویت، حامی هنرمندان و بازرگانان بود، لیکن فردی پارسا و نیکوکار بود و هنگامی‌که بر اریکه‌ی قدرت قرار داشت، این صفات را نصب‌العین قرار داده بود. لیکن با دشمنان کشور بسیار بی‌رحم بود و با مجلس ملّی اورانژ هم مخالفت می‌ورزید. او از کلیسای کاتولیک و مردم فقیر و بی‌چیز و خرده‌مالکان دهات پشتیبانی می‌کرد. هنگامی‌که ویلیام به قدرت رسید، دِ ویت در این امر نقش به سزایی داشت، لیکن مردم که از پیوستن واتحاد اورانژ با لویی چهاردهم وحشت داشتند. او را به خاطر همین امر از بین بردند و به باور خود جنبه واقعیت دادند.

برپایی موزیک عزا به سبب مرگ شوتز (درسدن (Dresden)، ششم نوامبر ۱۶۷۲):

افریقای جنوبی، ۱۷۳۰
تائو (Tau) پادشاه رولونگ (Rolong) و فرزند تی‌بلا (Thibela)، فرمانروای اتحادیه‌ی حاکم‌نشین شمال رودخانه‌ی اورانژ (Orange) جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد.

افریقای جنوبی، ۱۷۳۰
هلندی‌ها پایگاه تجاری خود را در خلیج ماپوتو (Maputo) که از سال ۱۷۲۱ تأسیس شده بود رها کردند.

اتریش، ۱۶ مارس ۱۷۳۱
با امضای دومین پیمان وین، شارل ششم، انجام عبادات مذهبی آخرین شام مسیح را به رسمیت شناخت.

اتریش، ۲۲ ژوئیه ۱۷۳۱
اسپانیا به موافقت‌نامه انگلیس ـ اتریش پیوست و سومین پیمان وین را امضا کرد.

افریقای غربی، ۱۷۳۱
پس از شکست در جنگ، تیولداران امپراتوری اویو (Oyo) (حکومت مردمی یوروبا (Yoruba)) با تجارت برده در سرزمین داهومی (Dahomey) واقع در آبومی (Abomey) موافقت کردند.

ایران، ۱۷۳۱
شاه طهماسب دوم صفوی توسط برادرخوانده‌ی خود نادرقلی از سلطنت برکنار شد. وی کمتر از یک سال پادشاه بود. شاه طهماسب پسر هشت ماهه‌ی عباس دوم، عروسکی در دست نادر بود و زمام امور کاملاً در اختیار وی قرار داشت.

منطقه‌ی کارائیب، ۱۷۳۱
رابرت جنکینز (Robert Jenkins) ارباب ربه‌کا (Rebecca)، در هنگام عبور از این منطقه با یک کشتی پر از شکر و سایر کالاها که برای شهر لندن حمل می‌کرد، گوش‌های خود را توسط نگهبانان ساحلی اسپانیا از دست داد. نگهبانان ساحلی اسپانیا پس از مدت‌ها زجر و ناراحتی که برای جنکینز و همراهان وی به‌وجود آوردند، از وی طلب پول کردند و چون وی از دادن پول امتناع کرد، باقی گوش‌های او را بریدند و گفتند این گوش‌ها را پیش پادشاهتان ببر.

آلمان، ۱۱ ژانویه ۱۷۳۲
پارلمان (مجلس) در راتیسبون (Ratisbon) (رگنسبورگ (Regensburg)) احیای مراسم عبادی عشای ربانی و شام آخر را تصویب کرد و به جانشینی ماری تزر دختر شارل ششم امپراتور آلمان رأی مثبت داد.

پنسیلوانیا، مه ۱۷۳۲
بنیامین فرانکلین اولین روزنامه به زبان خارجی را به‌نام «فیلادلفیا زایتونگ (Philadelphia Zeitung)» در مهاجرنشین‌های انگلیسی منتشر کرد.

لندن، هفتم دسامبر ۱۷۳۲
محل تئاتر کاونت گاردن (Covent Garden) در لندن گشایش یافت.

لندن، ۱۷۳۲
طی قانونی صدور کلاه‌های امریکایی به لندن ممنوع شد. این قانون مقرر می‌دارد که طرح کلاه‌های انگلیسی توسط کلاه‌دوزان مخصوص کشور مادر بوده وبرای حمایت از آن نباید از این طرح بهره‌برداری کنند و تنها مردم انگلیس از این کلاه‌ها می‌توانند استفاده کنند.

فرانسه، ۱۰ اکتبر ۱۷۳۳
فرانسه به اتریش اعلان جنگ داد، بدین لحاظ که پس از مرگ آگوستوس دوم پادشاه لهستان جانشین وی کیست. آگوستوس سوم مورد حمایت اتریش، ساکسونی (Saxony) و روسیه می‌باشد و به پادشاهی لهستان برگزیده شده و بر استانیسلاو (Stanislav) نامزد مورد پشتیبانی فرانسه ترجیح داده شده است.

فرانسه ۱۷ نوامبر ۱۷۳۳
اوری (Orry) بازرس کل مالیاتی به فوریت مبلغ ده درصد مالیاتی را که نایب‌السلطنه برای مخارج جنگ با اتریش در تاریخ ده اکتبر وضع شده بود را لغو کرد.

ژاپن، ۱۷۳۳
بر اثر کمیابی موادغذایی، قحطی‌زدگان که تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۵۰۰ نفر بودند به انبار موادغذایی در ادو (Edo) (توکیو) که مقدار زیادی برنج در آن‌جا احتکار شده بود و قیمت سرسام‌آوری برای آن تعیین کرده بودند حمله کرده و همه را به تاراج بردند. در این اواخر این چنین غارت کردن‌ها در ژاپن رو به تزاید است، شبیه این امر در سال ۱۷۱۳ در ناگازاکی (Nagasaki) هم اتفاق افتاد.

هاینریش شوتز (Heinrich Schutz)، اولین موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز بزرگ آلمانی که به شهرت جهانی رسیده بود، در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او در زمانی‌که پسر بچه‌یی بیش نبود، در شهر کاسل (Kassel) به خوانندگی می‌پرداخت و در همان زمان به یک شخصیت موسیقی‌شناس شهرت یافت، در سال ۱۶۰۹، فرمانروای ونیز با پرداخت پول، از او خواست که هواخواهان موسیقی را تعلیم دهد. پس از مدّت کوتاهی یعنی در سال ۱۶۱۳ که فرمانروای ساکسونی (Saxony) مجدداً به قدرت رسید، وی به سرپرستی انجمن موسیقی دربار او در درسدن منصوب شد.

شوتز تجربه‌ی زیادی در ساختن آهنگ‌های چند صدایی و موسیقی تأثرانگیز هنگام به صلیب کشیدن عیسی در کلیسا داشت و به خوبی آن را اجرا می‌کرد. یکی از کارهای برجسته او که جنبه‌ی غیرروحانی داشت، اُپرای دافین (Dafine)، نخستین اُپرای آلمانی بود که شوتز در سال ۱۶۲۷ آن را به روی صحنه آورد.

اعمال پادشاه، آتش خشم پاپ را شعله‌ور ساخت. (لندن، ۱۶۷۲):

به سبب جنگی که هنوز انگلیس با هلند درگیر آن بود و شاید مردم به علّت تجاوزات دولت به آن معترض بودند، چارلز دوّم اعلام کرد که برطبق قانون کلیساهای کشور، تمام گناهان مردم بخشوده شد و مردم مورد عفو کلیسا واقع شدند. این امر بدین مضمون بود که همان‌طور که کلیسای رم حق بخشیدن گناهان را دارد، کلیسای انگلیس هم از این امر مستثنی نیست و می‌تواند مرتکبان را مورد بخشش قرار دهد.

با این‌که چارلز نمی‌توانست حکومت استبدادی برقرار کند و بایستی همه امور به تصویب پارلمان برسد، معهذا برای خوش‌خدمتی نسبت به پاپ و راضی نگه داشتن لویی چهاردهم، روابط خود را در ظاهر با کاتولیک‌ها بهبود بخشید و هیأتی را مخفیانه برای تبریک جلوس لویی چهاردهم به تخت سلطنت فرانسه به آنجا اعزام کرد و قراردادی پنهانی با آن دولت منعقد ساخت. پارلمان در این هنگام از موضع خود عقب‌نشینی کرد، لیکن نمایندگان با تشکیل اجلاسی، از چارلز خواستند که اعلامیه منتشره را کان لم‌یکن تلقّی نماید،

امّا پاپ به این نتیجه رسید که انگلیس و فرانسه با هم متّحد شده‌اند.

نمایش‌نامه‌نویس کمدی فرانسه، در روی صحنه جان سپرد. (پاریس، ۱۵ فوریه ۱۶۷۳):

مولیر، بزرگ‌ترین کمدین و نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی، دیشب در روی صحنه‌ی تئاتر، به هنگام اجرای نمایش «مالیخولیا» در نقش بیمار خیالی به علّت خونریزی ریه به زمین افتاد و جان سپرد. او ۵۱ سال داشت.

پادشاه فرانسه در غم از دست دادن مولیر سوگوار گشت، لیکن مولیر تعداد زیادی دشمن در دربار فرانسه و کلیسا داشت که همه از اعمال و کارهای طنز او به ستوه آمده بودند و مورد استهزای او قرار می‌گرفتند.

نام حقیقی مولیر (Moliere)، ژان باپتیست پوکلن (Jean Baptiste Pocquelin) بود. او در جوانی به گروه نمایش خانواده‌ی بژار (Bejart) پیوست و با همکاری آن‌ها تئاتری موسوم به درخشان را تأسیس کرد. در سن ۱۳ سالگی، به پاریس آمد و به تمام نقاط فرانسه مسافرت کرد و با آشنایی با کارکنان دربار فرانسه با آن‌ها به ورزش تنیس می‌پرداخت، در حالی‌که سردسته‌ی مخالفان او مادلین بژار (Madeleine Bejart) بود. در سال ۱۶۵۸، پادشاه هم به‌عنوان رهبر تیم تنیس برگزیده شد.

مولیر و یارانش، تئاتر پاله رویال (Palais Royal) را تأسیس کردند و مولیر در آنجا چندین نمایش کمدی اجرا کرد، امّا نمایش عابد سالوس و ریاکار او به مدّت چند سال توقیف شد. مولیر با دختر ۱۹ ساله‌یی به‌نام آرماند بژار (Armande Bejart) ازدواج کرد که عدّه‌یی با این ازدواج مخالفت می‌ورزیدند، چون توافق آن‌ها پنهانی صورت گرفته بود.

فرزند مأمور اخذ مالیات، در هندوستان به پادشاهی رسید. (رای‌گاره (Raigarh)، هندوستان، ششم ژوئن ۱۶۷۴):

سیواجی (Sivaji)، پسر مأمور مالیات، امپراتوری تشکیل داد و به پادشاهی رسید. او نخست از دزدان جنگل‌های دوردست لشگری تدارک دید و توانست یک امپراتوری در شمال غربی منطقه دکن به‌وجود آورد. او ثابت کرد که یک فرمانده حرفه‌یی و نابغه می‌باشد. در سال ۱۶۵۷، وی به قلمرو امپراتوری مغول تاخت. در این هنگام، افضل‌خان لشگری به جنگ علیه او اعزام کرد، لیکن سیواجی، افضل را به مذاکرات صلح دعوت کرد و با یک حیله‌ی نظامی، افضل را به دام انداخت و او را کشت و آن عمل را چنگال ببر نامید، چون هیچ موجودی نمی‌تواند از چنگال ببر خلاص شود. او با آگاهی از این امر که قادر به نبرد و پیروزی بر امپراتوری مغول نیست، در سال ۱۶۶۵ با مغول قرارداد صلح بست. با این وصف، عوامل اورنگ زیب امپراتور مغول هند، او را دستگیر و زندانی نمودند، امّا پس از ۹ ماه از زندان گریخت و شبانه با اسب فرار کرد. مدّت پنج سال وی به تحکیم موقعیت خود پرداخت و به اصلاحاتی در قلمرو خود (دکن) دست زد. سپس در سال ۱۶۷۰ بار دیگر به سرزمین تحت استیلای مغول یورش برد، در این هنگام، امپراتوری مغول رو به زوال بود و اورنگ زیب صلاح خود را در آن دید که مبلغی به‌عنوان خراج به او بپردازد. پرداخت این باج سبب شد که وضع مالی سیواجی اصلاح شود، در نتیجه به‌عنوان نخستین پادشاه سلسله ماراتا (Maratha) به سلطنت رسید.

مهاجمانِ به قلمرو مغولان، در معبر خیبر مجبور به توقّف شدند. (کابل، ۱۶۷۶):

شورشیان افغانی به رهبری اکمل‌خان (Akmal)، رییس طایفه‌ی افریدیس (Afridis)، در نظر دارد افغانستان را از مغول‌ها بازستاند و خود جانشینِ آن‌ها شود. نخستین تلاش برای فرونشاندن شورش افغان‌ها در سال ۱۶۷۲ با شکست مواجه شد و ده هزار نفر در جریان آن کشته شدند، در عوض ده‌ها هزار نفر افغانی به شورشیان پیوستند. دومین تلاش مغول‌ها هم مانند بار اوّل که اخیراً یعنی در سال ۱۶۷۴ صورت گرفت، در معبر کاراپا (Karapa) به شکست انجامید. نیروهای نظامی اورنگ زیب که از دهلی بدان صوب اعزام شده بودند، سراسر منطقه را زیر فرماندهی خود داشتند، امّا برخلاف تصوّر این‌که فرماندهی عملیات در این منطقه برعهده یکی از ورزیده‌ترین و مهم‌ترین ژنرال‌های ترک



مورگان و هم دستان وی که به ساکنان ماراکایبو Maracaibo در سال ۱۶۶۹ حمله ور شده اند.



هنری مورگانHenry Morgan ، دزد دریایی پیشین و حکمران کنونی جامائیکا Jamaica.



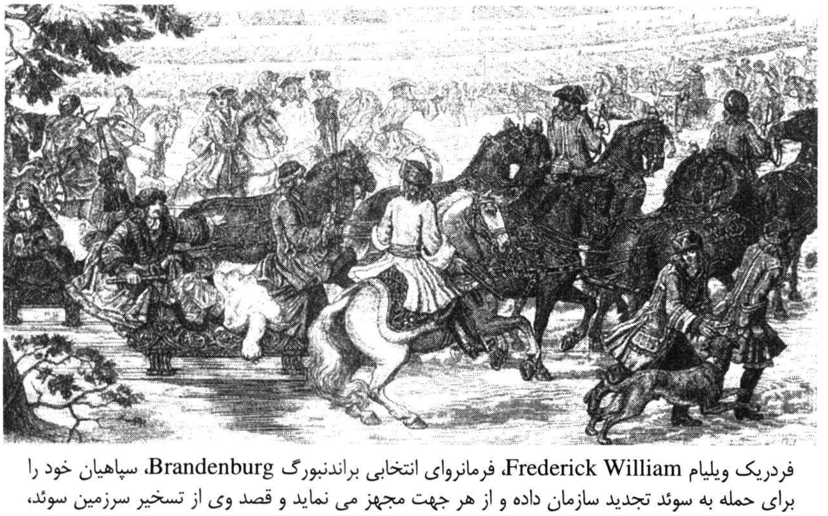
سیواجی Sivaji که از شغل مامور جمع آوری مالیات به پادشاهی رسید.



ستاره شناسان در رصدخانه ی گرینویچ با تلسکوپ و زاویه یاب به دیدن ستارگان می پردازند.



یک جعبه ساخت ناحیه ی دکن که از کاغذ ساخته شده، با تصاویر مینیاتوری و حاشیه یی که از تکه های عاج تزیین شده.



فردریک ویلیام Frederick William، فرمانروای انتخابی براندنبورگ Brandenburg، سپاهیان خود را برای حمله به سوئد تجدید سازمان داده و از هر جهت مجهز می نماید و قصد وی از تسخیر سرزمین سوئد، اتحاد و یکپارچگی اقوام پروس می باشد.

به نام آقارخان (Aghar Khan) بود، این نیروها نتوانستند کوچکترین راه عبوری در تنگه خیبر پیدا کنند و در عملیات خود هیچ‌گونه پیروزی کسب نکردند. نیروهای نظامی مغول چون نتوانستند در جنگ با سلاح پیروزی به دست آورند، از سلاح مذهبی استفاده کردند و از اختلافی که بین طوایف شیعه و سنّی وجود داشت، بهره‌برداری کردند و اکنون آتش جنگ بین شورشیان بیش از آنچه انتظار می‌رفت، شعله‌ور شده و دو طرف شورشی به جان یکدیگر افتاده‌اند.

یکی از جنگجویانی که سابقاً از دزدان دریایی بود، به فرمانداری جامائیکا منصوب شد. (کینگستون (Kingston)، جامائیکا، ۱۶۷۵):

برای تعیین فرمانداری جامائیکا، چندین نفر موردنظر بودند، لیکن پادشاه تصمیم گرفت، هنری پسر هنری مورگان (Henry Morgan) کنونی را که سابقاً از دزدان دریایی بود، به نیابت حکومت جامائیکا (Jamaica) بگمارد. این انتصاب از سویی موجب ترس و وحشت اسپانیا و از سویی دیگر سبب تعجب انجمن سلطنتی در لندن گشت. مورگان در سال گذشته از سوی شاه به‌عنوان شوالیه و لقب سِر مفتخر شد و به فرمانداری دریای کارائیب منصوب گشت و این همان جایی بود که به وسیله‌ی او سابقاً مورد غارت و تاراج قرار گرفته بود و بدان وسیله هم جزو متصرفات بریتانیا درآمد.

مورگان در سال ۱۶۳۵، در ناحیه‌ی گلامورگان (Glamorgan) واقع در ویلز (Wales)، به دنیا آمد و در جوانی به آمریکا رفت و سپس به‌عنوان داوطلب در قشون ادوارد مانسفیلد (Edward Mansfield) ثبت‌نام کرد و به فرماندهی رسید و با سربازان تحت فرمان خود به کوبا (Cuba) و نیکاراگوئه (Nicaragua) و سواحل آمریکای جنوبی یورش برد. هنگامی هم که مانسفیلد از دنیا رفت، وی جای او را گرفت. در سال ۱۶۶۸، مورگان در سمت فرماندار جامائیکا با ناوگان جنگی اسپانیا که قصد تعرّض به متصرفات انگلیس را داشتند به مبارزه برخاست، ولیکن چون آن‌ها را از این منطقه راند، به نیروهای تحت امر خود فرمان داد که به سمت پروتوبلو (Portobello) در پاناما برانند و آن شهر را مورد تاراج قرار داد.

در این موقع، هیچ مانعی بر سر راه هنری مورگان وجود نداشت، بدین جهت به شهر ماراکایبو (Maracaibo) یورش برد و این شهر ونزوئلایی (Venezuela) را طعمه‌ی حریق ساخت، سپس از تنگه‌ی پاناما گذشت و پاناماسیتی (Panama city) را هم به دست چپاول سپرد. همان‌طور که ذکر شد، چون نیرویی جهت مقابله با او وجود نداشت، شهرها را غارت می‌کرد، سرانجام عوامل دولت اسپانیا در منطقه از او تقاضای صلح کردند و به پیمان صلح خفّت‌باری تن دادند. در طی سه سال گذشته، مورگان با وجودی که در موقعیت بسیار مناسبی قرار گرفته و شغل آبرومندی داشت، باز هم گاهی اقدام به دزدی دریایی می‌کرد.

تأسیس رصدخانه گرینویچ کمک بزرگی به دریانوردی می‌باشد. (لندن، ۱۶۷۵):

اقدام خطیر جان فلامستید (John Flamsteed)، اخترشناس بزرگ انگلیسی، در خور پاداش است. وی با استدلال‌های خود ثابت کرد که این منطقه نیاز به یک رصدخانه برای تحقیق درباره‌ی ماه و ستارگان دارد که منجّمان با دیدن اجرام آسمانی به موقعیت آن‌ها پی ببرند و اطلاعات صحیحی از آن‌ها کسب کنند. اکنون این مؤسسه، به پایگاهی جهت هدایت و راهنمایی ناوگان دریایی تبدیل شده. این رصدخانه در ناحیه‌ی گرینویچ (Greenwich) در کنار رود تیمز بنا شده. فلامستید، با گروه ستاره‌شناسان خود ابزار و لوازم مورد لزوم را در آنجا فراهم آورده و اقدام به کارهای بزرگی کرده است. در این زیج یا رصدخانه، اخترشناسان با تلسکوپ به دیدن اجرام سماوی می‌پردازند و فاصله‌ی آن‌ها را تا زمین تعیین می‌کنند و موقعیت و اندازه‌ی آن‌ها را می‌سنجند. ستاره‌شناسان تلسکوپ را در زوایای ۶۰ و ۹۰ درجه میزان می‌کنند تا این اجرام را بهتر مشاهده کنند. فلامستید اکنون در پی آن است که درباره‌ی یک ستاره تازه شناخته شده، اطلاعات بیشتری کسب کند.

فردریک ویلیام، نیروهای سوئدی را از پای درآورد. (براندنبورگ، ۲۸ ژوئن ۱۶۷۵):

فردریک ویلیام (Frederick William)، حاکم براندنبورگ (Brandenburg)، با پیوستن به نبرد بین

اتریش، اول ژانویه ۱۷۳٤
غوغای جنگ بالا گرفته است، به ویژه آن‌که اتحادیه‌ی روسیه و ساکسونی هم با همکاری امپراتور شارل به فرانسه اعلان جنگ دادند.
لهستان، نهم مارس ۱۷۳٤
روس‌ها بندر دانزیک (Danzig) (گدانسک (Gdansk)) را اشغال کردند.
افریقای غربی، ۱۷۳٤
به دنباله‌ی نبردی که در سال ۱۷۳۱ در شمال نیجریه رخ داد، سلطان بورنو (Bornu) خود را ارباب کانو (Kano) خواند.
فرانسه، ۲۳ اوت ۱۷۳۵
رامئو (Rameau) موسیقی‌دان فرانسوی، اپرایی با آهنگ‌های گالانت (Galantes) (موسیقی شاد قرن هجدهم) را تنظیم و به روی صحنه آورد.
فرانسه، پنجم اکتبر ۱۷۳۵
فرانسه و اتریش گفت‌وگوهای محرمانه‌یی را بر سر جانشینی پادشاه لهستان آغاز کردند.
آلمان، ۱۷ ژانویه ۱۷۳٦
ماتائو پاپلمن (Matthaus Poppelmann) معمار آلمانی که در سال ۱۶۶۲ در هرفورد (Herford) متولد شده بود جهان را ترک کرد. وی مجموعه بناهای زوینگر (Zwinger) در شهر درسدن (Dersden) را به‌وجود آورد. هم‌زمان با آن وی شاهکاری از معماری در ساکسونی از خود به یادگار گذاشت.
امریکای شمالی ششم فوریه ۱۷۳٦
جان وسلی (john Wesley)، خطیب جوان انگلیکن (Anglican) در ساحل جورجیا (Georgia) پیاده شد.
اتریش، ۱۲ فوریه ۱۷۳٦
ماری تزر ملکه‌ی اتریش که وارث تاج و تخت کشور شده بود با پذیرش مراسم پراگماتیک سنکشن (Pragmatic Sanction) (شام آخر) که در سال‌های قبل هم مورد موافقت پارلمان و امپراتور قرار گرفته بود با فرانسوا استفان (Francois Stephane)، فرمانروای لورن (Lorraine) ازدواج کرد.
اتریش، ۱۳ آوریل ۱۷۳٦
گفت‌وگوهای فرانسه و اتریش که در سال ۱۷۳۳ درباره‌ی پاسخ به جانشینی پادشاه لهستان آغاز شده بود، دوباره از سرگرفته شد. در عین حال آگوستوس سوم هم‌چنان تاج‌وتخت لهستان را در اختیار داشت.
اتریش، ۲۱ آوریل ۱۷۳٦
پرنس اوژن (Eugene) که یک فرمانده بزرگ سپاهی و نابغه‌ی جنگ بود، جان سپرد. او که یکی از مشاوران نزدیک لئوپولد و با عملیات جنگی خود شهره بود، در جنگ معروف بلن‌هایم (Blenheim) با همراهی و هم‌گامی با دوک مارلبورو (Marlborough) در سال ۱۷۰۴ برنده شد و به شهرت رسید.
هلند، ۱٦ سپتامبر ۱۷۳٦
دانیل فارنهایت (Daniel Fahrenheit) فیزیک‌دان آلمانی جهان را ترک گفت. گرچه وی اولین نفری نبود که از جیوه در میزان الحراره‌ها استفاده می‌کرد، لیکن او نخستین فردی بود که از جیوه در به‌کارگیری حرارت‌سنج معمولی بهره برد. او هم‌چنین توانست دمای ذوب یخ و یخ همراه با نمک را به‌وجود آورد و درجه‌ی حرارت بدن انسان سالم را تعیین کند.
امپراتوری عثمانی، ۱۷۳٦
در پی نبرد بر سر جانشینی قدرت در لهستان که فرانسه دولت عثمانی را به یاری طلبیده بود، روسیه با اعلان جنگ برعلیه عثمانی به سرزمین تحت تسلط آن‌ها در شمال دریای‌سیاه حمله کرد. دولت عثمانی با دادن تلفات زیاد، سعی کرد که روس‌ها را وادار به عقب‌نشینی به‌سوی اوکراین (Ukraine) کند.
اتریش، ژانویه ۱۷۳۷
اتریش به پشتیبانی از دولت روس، به عثمانی اعلان جنگ داد.
ایتالیا، ۱۸ دسامبر ۱۷۳۷
آنتونیو استرادیواریوس (Antonio Stradivarius) استاد سازنده‌ی ویولون در منطقه‌ی کرمونا (Cremona) جان سپرد.
اسکاتلند، ۱۷۳۷
گروهی از مردم به زندان ادینبورو (Edinburgh) حمله کردند و کاپیتان پورتئوس (Porteous) را به دار آویختند. در شش هفته قبل یک نفر قاچاقچی که طرف‌دار مردم بود به هلاکت رسید و مردم به‌دنبال این امر دست به شورش زدند و حکومت دستور داد که قیام‌کنندگان را سرکوب نمایند، در این جریان کاپیتان پورتئوس دستود تیراندازی به مردم را داد و ساکنان شهر ادینبورو به تلافی کشته‌شدن مردم وی را دار زدند.

فرانسه و هلند، نه تنها خود را در جزو فرمانروایان بزرگ اروپایی جا زد، بلکه در صدد است نفوذ خود را در سرزمین دنیای جدید و هند غربی هم توسعه دهد.

او در سی و پنج سال پیش، وارث سرزمین‌های پراکنده و دور از هم و غارت شده‌یی بود که مدّت سی سال در طی جنگ‌های مختلف هویت خود را از دست داده بود و هر متجاوزی به آن تجاوز می‌کرد. وی در طی این مدّت، سعی کرد که یک حکومت مستحکم و قوی به‌وجود آورد و در این راه به موفقیت‌هایی هم دست یافت و اکنون یک نیروی نظامی مجهّز و قوی در اختیار دارد که می‌شود روی آن حساب کرد.

او با حمایت هلند، بخشی از متصرفات حریف سوئدی را در نبرد فربلین (Fehrbellin) تصرّف کرد و به نواحی بِرمن (Bremen)، وردن (Verden) و غرب پومرانیا (Pomerania) و سرزمین‌هایی که در شمال المان قرار داشت و تحت تصرّف سوئد بود، حمله و آن‌ها را تسخیر کرد. فرمانروای براندنبورگ سرانجام با مداخله دولت‌های دیگر جنگ را متوقّف ساخت. برطبق نوشته‌های ناظران اروپایی، پیش از این دولت فرانسه، فردریک ویلیام را تشویق کرده بود که برای اتّحاد و یکپارچگی سرزمین‌های پراکنده پروس اقدام کند تا یک حکومت متّحد پروسی در اروپا به‌وجود آید.

یکی از قهرمانان لهستانی به پادشاهی این کشور رسید. (لهستان، ۲۰ مه ۱۶۷۴):

یان سوبیسکی (John Sobiesky)، معمار پیروزی لهستان برعلیه دولت عثمانی، قزاق‌های اوکراین و سوئد، به پادشاهی لهستان رسید و در حال حاضر یکی از قهرمانان این کشور بار دیگر به فرمانروایی منصوب شده است.

هر فرمانروای لهستان، بایستی با قدرت‌های بزرگ اروپایی ارتباط داشته باشد و با نفوذ رقیبان خود در منازعه باشد، چون در غیر این صورت باید تحت سلطه درآید. سوبیسکی برای رسیدن به پادشاهی لهستان، سه نفر از رقیبان خود را شکست داد که هیچ کدام لهستانی نبودند. دوک شارل از منطقه‌ی لورن (Lorraine) که نماینده اتریش و مورد تمایل آن دولت بود، دو نفر دیگر که مورد حمایت فرانسه بودند، یکی دوک انگهاین

(duke Enghein) و دیگری شاهزاده نوبرگ (Prince Neuberg) بودند.

پدر تعمیدی سوبیسکی هم فردی خارجی بود. او با ماری کازیمیر دوآرکین (Marie Casimire d' Arquien) ازدواج کرد، چون شخص سوبیسکی میل داشت با پشتیبانی لویی چهاردهم به نبرد اتریش برود. پادشاه جدید لهستان، اکنون گرفتاری مهمّی ندارد. او در ناحیه شوتن (Chotin) در سال گذشته نیروهای ترک را از هم پاشید و در مقابل افرادی که خیال داشتند کشور را به بیگانگان بفروشند، سخت مقاومت کرد. سفیران خارجی هم که قصد داشتند با اِعمال زور، منویات خود را به این کشور تحمیل کنند، مقاومت کرد، چون سوبیسکی خود قهرمان بزرگی در مقابل زورگویی می‌باشد.

نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی در سن ۳۸ سالگی از نوشتن سر باز زد. (پاریس، دوّم ژانویه ۱۶۷۷):

نمایش فدر (Phedre) که در شب گذشته در هتل دوبورگوینی (de Bourgogne) به نویسندگی ژان راسین (Jean Racine) و به توصیه و حمایت دوشس بویون (duchess Bouillon) توسط گروه روآ (Troupe du Roi) به روی صحنه آمد، ناتمام ماند. راسین که با نوشتن این نمایش‌نامه در حقیقت شاهکاری آفریده بود، اعلام کرد که از این پس دیگر به نوشتن ادامه نخواهد داد، چون رقیب او نمایش‌نامه‌یی در همین زمینه به نام پرادون (Pradon) نوشته بود، در حالی‌که او ۳۸ سال بیشتر نداشت.

سرپرست گروه زنان تراژدین با شنیدن این خبر به سختی گریست. تراژدی‌های راسین بیشتر محدود به زندگانی و کارهای ارسطو بود، که راسین همه‌ی آن‌ها را در یک زمان و یک‌جا تحت عنوان فدر گردآوری کرده بود و با مرگ تأثرانگیز و پرهیاهوی هیپولیتوس (Hippolytus) پایان می‌پذیرفت که اختتامیه آن هم اشعار سروده شده توسط رسیت دوترامن (Recit de Theramene) بود.

رقیب راسین که از او مسن‌تر بود، به نام پی‌یر کورنل (Pierre Corneille)، یک نمایش‌نامه‌ی یک روزه به نام لوسید (Le Cid) تهیه کرد، لیکن منتقدان آن را نمایشی سست و بی‌حال خواندند. راسین هم نمایش‌نامه‌یی شبیه این به نام برنیس (Berenice) نوشت که موضوع آن نبرد بین عشق و وظیفه می‌باشد.

برطبق نظریه هویگنس، نور از امواج تشکیل شده (اروپا، ۱۶۷۸):

یکی از نظریات جدید کریستیان هویگنس، دانشمند هلندی که گفته می‌شود وی کار بر روی آن را به پایان رسانیده، رساله‌یی است با نام نور و شعاع تابش آن، که برطبق نظریه‌ی این دانشمند از امواج تشکیل شده است. در زمینه اصل نور، تئوری‌های متعددی وجود دارد.

دانشمندان یونان باستان عقیده داشتند که نور مربوط به دید و نظارت فردی است، طرفداران افلاتون می‌گفتند که منشاء تولید نور، موادی است که در خورشید به حال ذوب درمی‌آید و شعاع‌های نورانی را تولید می‌کند.

اسْحاق نیوتون بر این باور بود که نور از ذراتی بسیار ریز تشکیل شده که سرچشمه‌ی آن‌ها اجرام سماوی نظیر ستارگان می‌باشد که در فضا آن را منتشر می‌سازند. در حالی‌که دانشمند هلندی، نور را امواجی می‌داند که با سرعت بسیار زیاد در محیط منتشر می‌شوند و خط سیر آن هم مستقیم می‌باشد و در اثر برخورد با مانع دچار شکست می‌شوند و تحت زاویه‌ی معینی انعکاس می‌یابند.

نیروهای نظامی فرانسه که در جنگ پیروز شده بودند، با پیمان صلح موافقت کردند. (نیژمین، پنجم فوریه ۱۶۷۹):

سومین عهدنامه‌ی صلح نیژمین (Nijmegen) که امروز امضا شد، به جنگ هفت ساله‌ی اروپا که با حمله نیروهای فرانسه به هلند شروع شده بود، پایان داد. لوئی کبیر که مست از باده پیروزی بود، با امضای این پیمان از موضع افتخار پایین آمد و به مقرّرات گردن نهاد.

فرانسه ناچار بود که به جنگ پایان دهد و پیروزی خود را ثبت نماید.

اتریش، دوم مه ۱۷۳۸
پس از سه سال گفت‌وگوهای مشکل و بی‌سرانجام، عاقبت چهارمین پیمان صلح وین به امضا رسید و به جنگی که علت آن جانشینی پادشاه لهستان پس از مرگ آگوستوس دوم بود پایان داده شد.

سوئد، ۱۷۳۸
در بحبوحه‌ی جنگ بین فرانسه و روسیه، گروهی موسوم به کلاه، حزبی بدین نام تشکیل دادند که از روسیه تقاضا کنند به این جنگ پایان دهد. یک گروه مخالف این جمعیت هم حزبی به‌نام جام به رهبری آروید هورن (Arvid Horn) به‌وجود آوردند.

هندوستان، ۲۰ مارس ۱۷۳۹
نادرشاه افشار، پادشاه ایران شهر دهلی را تسخیر کرد و تخت طاووس را به ایران آورد.

اتریش، ۲۳ سپتامبر ۱۷۳۹
با وجودی‌که شهر بلگراد در دست دولت عثمانی قرار داشت، اتریش وارد گفت‌وگو جهت امضای قرارداد با این کشور شد.

روسیه، سوم اکتبر ۱۷۳۹
با عدم حمایت اتریش از روسیه، این دولت درصدد آشتی با دولت عثمانی برآمد و موافقت کرد که تمام سرزمین‌های اشغال شده را به‌جز بندر آزوف (Azov) به آن دولت واگذار کند. این پیمان که به نیسا (Nissa) موسوم است به نبرد سه ساله بین طرفین خاتمه داد.

انگلیس، ۱۹ اکتبر ۱۷۳۹
دولت انگلیس بر سر منازعه‌ی خط مرزی فلوریدا و رفتار ناشایست ماموران اسپانیایی با اتباع انگلیسی وارد نبرد برعلیه آن دولت گردید، رابرت جنکینز (Robert Jenkins) در پارلمان حاضر شد و توجه نمایندگان را به گوش‌های بریده شده‌ی خود توسط گارد ساحلی اسپانیا جلب کرد، در نتیجه به‌نام جنگ گوش جنکینز نامیده شد.

انگلستان، هفتم آوریل ۱۷۳۹
دیک تورپین (Dick Turpin) دزد و قاچاقچی معروف انگلیسی به‌قتل رسید و جسد وی را گروهی دزدیدند و برای دفن آن را به ناحیه‌ی یورک (York) بردند. پسر تورپین که یک جوان کم سن و سال بود وارد دسته‌ی راهزنان بدسابقه و شرور شد. در این اواخر با گروهی راهزن به سرپرستی تام کینگ (Tom King) دزد و سارق سوار هم‌پیمان شد، در حالی که شخص تام کینگ هنگام فرار از زندان به‌وسیله‌ی تیراندازی نگهبانان زندان به‌قتل رسید. به‌نظر می‌رسد که تورپین در طرح و اجرای این نقشه و کشتن کینگ مداخله داشته است.

انگلیس، ۱۷۳۹
دیوید هیوم (David Hume) فیلسوف ۲۸ ساله انگلیسی، رساله‌یی در باب «طبیعت انسانی» به‌نگارش درآورد. هیوم برخلاف نظریات جان لاک (John Locke) و جورج برکلی (George Berkeley) عقیده ندارد که تمام معلومات انسانی با انجام تجربه و آزمایش به‌دست می‌آید و تجربیات بشری مطلقاً پایه و اساس علم نیست، بلکه علوم‌تجربی بخشی از دانش‌ها را تشکیل می‌دهد و بسیاری از دانستنی‌ها از راه گوش و اصغایی است و معلومات ذهنی از طریق تجربه حاصل نخواهد شد.

امریکای جنوبی، ۱۷۳۹
اسپانیولی‌ها شهری موسوم به نیوگرانادا (New Granada) مستقل از حوزه‌ی نیابت سلطنت واقع در سرزمین بین آمازون (Amazon) و اورینوکو (Orinoco) احداث کردند.

کلورادو ۱۷۳۹
پی‌یر و پل ماله (pierre & paul mallet) کاشفان فرانسوی پس از ۹ ماه پس از ترک نیواورلئان و سیر در سراسر فلات بزرگ به سلسله کوه‌هایی رسیدند که در زبان سرخ‌پوست‌ها به آن راکی (Rockies) گفته می‌شود.

هلند، ۱۷۳۹
فرانسوا ولتر (Francois Voltaire) کتابی برعلیه عقاید ماکیا ول (Machiavelli) نوشت و آن‌را به‌وسیله‌ی فردریک پادشاه پروس در آمستردام (Amsterdam) منتشر نمود.

ماساچوست، ژانویه ۱۷٤۰
در حدود ۵۰ نفر از سرخ‌پوستان پس از این‌که نقشه‌ی آن‌ها برای ایجاد شورش لو رفت به دار آویخته شدند.

فلوریدا، ژانویه ۱۷٤۰
اگله تورپ (Oglethorpe) فرماندار فلوریدا با طرح دوستی با سرخ‌پوستان و با پشتیبانی آن‌ها به فلوریدا حمله کرد و دژهای پیکولاتا (Picolata) و سان فرانسیسکو دو پوپو (San Francisco de Pupo) را تصرف کرد.

در کنفراسی که در سال گذشته تشکیل شد، طرفین بر این نکته توافق کردند که ناحیه گنت (Ghent) به هلند برگردانده شود. برطبق این پیمان جدید، منطقه‌ی فرانسوی کومت (Comte) از اسپانیا به نفع فرانسه مسترد گردیده و هم‌چنین ناحیه‌ی لورن در کنترل فرانسه باقی ماند.

هم‌چنین در این پیمان مقرّر شد که مرزهای فلاندر که لویی بر سر آن به مبارزه برخاسته بود، به وضع قابل قبول واصولی درآید و طرف‌های مذاکره از خود گذشت نشان دهند و بر این اساس یک گروه مهندسی نظامی به آن صوب اعزام شد.

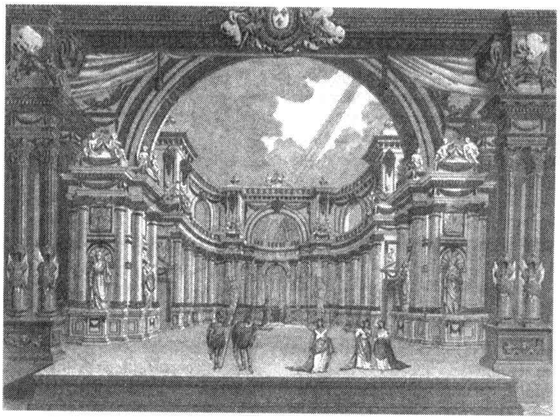
در حالی‌که فرانسویان به‌عنوان برنده‌ی جنگ به لوئی تبریک و تهنیت می‌گفتند، معهذا این موضوع آن چنان مهمّ و پیروزمندانه به‌نظر نمی‌رسید. لوئی این جنگ را با امید به این‌که پروتستان‌های هلندی را تار و مار کند و کنترل راه‌های بازرگانی دریایی را در دست گیرد، آغاز کرد. این جنگ به نفع فرانسه و لویی چهاردهم آغاز شد و در ابتدا لشگریان فرانسوی به پیروزی‌های درخشانی نایل شدند، لیکن با عملیات متهورانه ویلیام اورانژ و سپاهیان او مواجه شدند و آن‌ها توانستند در سپاه فرانسه شکاف ایجاد کنند. لوئی چهاردهم از نتایج این جنگ عصبانی شد و به‌نظر می‌رسید که شکست فاحشی برای فرانسه به‌وجود خواهد آمد و در نتیجه با پیمان صلح موافقت شد.

نویسنده‌یی که متّهم به ارتداد شده بود، داستان زائران را شرح می‌دهد. (بِدفورد (Bedford)، ۱۶۷۸):

یکی از کشیشان باپتیست که به سبب عقایدش متّهم به بی‌دینی شده و به ۱۲ سال زندان محکوم شده بود، در یک کتاب بسیار مهمّ داستان حقیقی زندگانی مسیحیان را به نگارش درآورد. وی بخش اعظم این کتاب را در سلول زندان نوشته است.

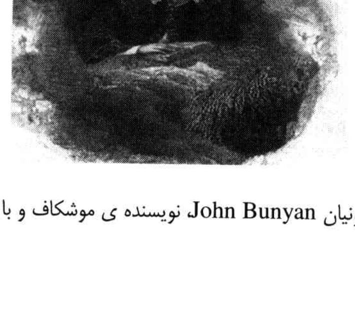
کتاب «زیاد شدن زائران» نوشته‌ی جان بون‌یان (John Bunyan)، یک حالت رؤیایی دارد. او در مقدمه‌ی کتاب شرح می‌دهد که مردم از شهرهای ویران و دورافتاده به شهرهای مذهبی و روحانی مسافرت می‌کنند. آن‌ها با تحمّل رنج سفر، به دیدن


صحنه یی از نمایش نامه ی راسین ایفی جنیا Racines Iphigenia که سرانجام تکمیل شد.


سالن باشکوه و بزرگی که برای اجرای تئاتر در قصر ورسای Versailles در نظر گرفته شده است.



مجلس ضیافتی به خاطر امضای پیمان جدید صلح.


جان بونیان John Bunyan نویسنده ی موشکاف و با بصیرت.


نقشه ی نجومی از کره ی زمین و اجرام سماوی و تصویر ستارگانی که تا به حال رصد شده اند به نشانه ی این که کره ی زمین یکی از ۲۹ ستاره یی است که در بین ستارگان دیگر واقع شده و با جایگاه دیگر ستارگان هم خوانی دارد. این نقشه توسط آندره اس سلاریوس Andreas Cellarius نوشته و تکمیل شد.

پروس، ۳۱ مه ۱۷۴۰
فردریک ویلیام (Frederick William) از دنیا رفت و پسرش باعنوان فردریک دوم جانشین وی گشت.
روسیه، ۱۷ اکتبر ۱۷۴۰
آنا ایوانوا (Anna Ivanova) ملکه‌ی روسیه به جهان باقی شتافت و ایوان چهارم به جای او نشست.
اتریش، ۱۹ اکتبر ۱۷۴۰
شارل ششم امپراتور، وفات یافت، و چون طبق قانون وراثت می‌بایستی ماری تزر دخترش که مراسم مذهبی شام آخر را هم در سال ۱۷۱۸ پذیرفته بود به جانشینی وی برگزیده شود، معهذا با فردریک دوم بر سر احراز این مقام درگیر شد.
پروس، ۱۶ دسامبر ۱۷۴۰
فردریک دوم به ناحیه‌ی سیلزی (Silesia) حمله کرد و جنگ دیگری را در اروپا به راه انداخت.
پاریس، ۱۷۴۰
ژان‌باپتیست شاردن (Jean Baptiste Chardin) که نسلی از هنرمندان در قید حیات بود، تابلویی به‌نام «برکت قبل از صرف غذا» را ترسیم نمود.
کارولینای جنوبی، ۱۷۴۰
طی جلساتی به سیاهان ناآشنا به قانون، تعلیماتی درجهت نوشتن و سایر امور از قبیل اجاره و غیره به آن‌ها داده شد.
بریتانیا، ژوئن ۱۷۴۱
رابرت والپول (Robert Walpole) نخست‌وزیر انگلیس یکی از مخالفان خود را که نسبت به سیاست خارجی او انتقاد کرد و او را خود محور دانست، در ضمن نامزد مقام نخست‌وزیری و یک میهن‌پرست واقعی بود در معرض اذیت و آزار قرار داد.
وین، ۲۸ ژوئیه ۱۷۴۱
انتونیو ویوالدی (Antoniao Vivaldi) ویولونیست و آهنگ‌ساز ایتالیایی دیده از جهان فروبست. وی در سال ۱۷۱۲ با اجرای ۱۲ کنسرت به‌نام استرو آرمونیکو (Estro Armonico) به شهرت رسید و در سال ۱۷۲۵ اپرای (فصل‌ها) را اجرا نمود که با استقبال بی‌نظیر مردم مواجه شد.
سوئد، اوت ۱۷۴۱
دولت سوئد برعلیه روسیه اعلان جنگ داد، این عمل برای حمایت از دولت فرانسه و همکاری با الیزابت تزاروینا (Czarevina Elizabeth) که قصد داشت کودتایی بر ضد حکومت موجود انجام دهد صورت گرفت. در حقیقت سوئد امید داشت که از پیشروی روسیه در خاک ترکیه بدین وسیله ممانعت به‌عمل آورد.
روسیه، ۲۶ نوامبر ۱۷۴۱
با اغتشاشاتی که در دربار مسکو برپا شد، تزاروینا الیزابت، ایوان ششم تزارو مادر او، ان لئوپولدونا (Anne Leopoldovna)، نایب‌السلطنه‌ی روسیه را برکنار و خود زمام امور را دردست گرفت و با این اقدام مانع پیشروی آلمان در روسیه گردید، این جریان با تشویق نایب‌السلطنه و حمایت وی بود.
نیویورک، ۳۱ دسامبر ۱۷۴۱
به‌دنبال یک سری آتش‌سوزی در نیویورک، تعداد ۲۹ نفر از بردگان را به‌قتل رساندند، ۱۱ نفر در آتش سوزاندند و ۱۸ نفر را حلق‌آویز کردند.
فرانسه، ۱۷۴۱
موریس کنتین لاتور (Maurice Quentin Latour)، تابلویی از چهره‌ی رییس ریو (Rieux) را ترسیم و در منزل وی نصب کرد. ماری‌وو (Marivaux) هم داستان «زندگانی مریم» را به‌نگارش درآورد.
پنسیلوانیا، ۱۷۴۱
عده‌یی از اهالی اسکاتلند و ایرلند که از فرقه‌ی پرسبی تارین (Presbyterian) بودند، (پرسبی تارین مشایخ یا شبانان کلیسا) به‌عنوان مهاجرنشین پنسیلوانیا وارد شدند. مهاجرانی که از ایرلند عازم بودند، به‌علت تغییر عقاید از شهر اولستر (Ulster) اخراج شده بودند.
هندوستان، ۱۷۴۱
ماراتاها (Marathas) ایالات پوندیچری (Pondicherry) و مدرس (Madras) را مورد تهدید قرار دادند.
آلمان، ۲۴ ژانویه ۱۷۴۲
شارل آلبرت پادشاه انتخابی باواریا باعنوان شارل هفتم به امپراتوری مقدس رم برگزیده شد.

مکان‌هایی می‌روند که جز پوچی و بیهودگی هیچ بهره‌یی عایدشان نمی‌شود، آن‌ها می‌روند تا به دیار مستر وردلی وایزمن (Mr Wordly Wiseman) (این نام کنایه‌یی از انسان‌های دنیاپرست و فاقد شعور است) نایل آیند و پس از این دیدارها مأیوس و ناامید، به مانند این‌که در باتلاقی فرو رفته باشند که با افراد دیوصفت و منحط به اسم روحانی روبه‌رو می‌شوند.

نگارشات بون‌یان بیشتر در مورد افراد معمولی و عامی و بی‌سواد صدق می‌کند و او به روشنی و وضوح سطح دید افراد انگلیسی را به تصویر می‌کشد که چگونه مردم تحت تأثیر افرادی گرگ‌صفت قرار می‌گیرند و تحت اغوای آنان در زندگانی به انحراف کشیده شده و مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و چطور در دنیا شعور و احساسات مردم به بازی گرفته می‌شود.

مجاهدان غیور و مسلمان، در جنگ آفریقا به شکست دچار و رانده شدند. (سنگال (Senegal)، ۱۶۷۷):

نیروهای مجاهدین اسلام که تا سال ۱۶۷۳ در صحرای غربی آفریقا، تمام دشمنان خود را از بین برده بودند، منهزم شدند. مجاهدان مسلمان تحت فرمان اوبق بن اشفاقا (Awbek ben Ashfaga)، خطیب و عالم الهیات، در ابتدا به منطقه فوتاتورو (Futa Toro) و ایالت ولوف (Wolof) در ساحل رود سنگال (Senegal) حمله بردند و دهقانان زوایا (Zawaya) را که به‌طور سنتی به عبادت می‌پرداختند، آزاد ساخته و ناحیه تحت سلطه مبارزان حسنی (Hassani) را هم مورد تهاجم قرار دادند.

اشفاقا به خود لقب ناصرالدین (حامی دین و عقاید مذهبی) داد. وی اعلام کرد که سرپرستی تمام گروه‌های اسلامی را به عهده دارد و قاضی‌القضات مسلمین است و بر ضدّ کشورهای استعماری برخاسته و به مناسبت هزارمین سال ظهور اسلام به مبارزه با کافران اقدام نموده است. او در ابتدا به جمع‌آوری زکوه (مالیات اسلامی) پرداخت و تمام مالیات‌های دیگر را ابطال کرد.

ناصرالدین از مالیات‌هایی که توسط خلیفه مسلمانان بر اکثریت زارعان زوایا تحمیل شده و آنان را

به شورش واداشته بود، ابراز انزجار می‌کرد و آن را یک بار اضافی بر دوش رعیت تلقّی می‌کرد و برای این‌که از تسلّط خلیفه رهایی یابد، فوراً با فرصتی که به دست آورده بود، با گروه حسنی به رهبری هادی، رییس فرقه ترازه (Traza) ائتلاف نمود.

سرانجام ناصرالدین که دو بار از نیروهای خلیفه شکست خورده بود، برای بار سوّم مغلوب و کشته شد. با کشته شدن ناصرالدین، نیروهای جهادگر دچار تفرقه شدند و گروه اسلامی که متّحد شده بود، تجزیه شدند.

کلیسا از تعلیمات نادرست پیروان انجیل ضربه‌ی شدیدی خورد. (آمستردام، ۲۱ آوریل ۱۶۷۸):

استنتاج‌های جدیدی که از کتاب عهد عتیق (تورات) برداشت شده و مورد استناد گروهی از مسیحیان هلندی قرار گرفته، خشم کلیسای کاتولیک را برانگیخته و پاپ آن‌ها را به بی‌دینی متّهم کرده است.

یکی از منتقدان داستان‌های دینی کتاب تورات که دانشمند علوم دینی و روحانی کاتولیک می‌باشد، به نام ریشارد سیمون (Richard Simon)، مباحث بزرگ کتاب تورات از قبیل سفر پیدایش و تکوین (سفر به معنی کتاب عظیم) و ظهور پیامبران و داستان‌های مذهبی را از نظر فلسفی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. وی با طرح این پرسش‌ها اصول اعتقادی کلیسای رم را مورد اعتراض قرار داده است.

کلیسای رم همواره اعلام داشته که تحقیق در امور دینی آزاد است، در حالی‌که در باطن با هرگونه انتقاد و بررسی اعتقادات دینی مخالفت می‌کند و اصول مسلم دینی را نص صریح و غیرقابل انکار می‌شمارد و در این باره تأکید دارد و با تعصب خاصی با نظریات سیمون به مبارزه پرداخته است.

به هر ترتیب، اگرچه تحقیقات سیمون اقدامی در جهت مبارزه با هوگونوت‌ها (Huguenots) (پروتستان‌های فرانسه) می‌باشد. با این وصف، بوسوئه (Bossuet)، یکی از روحانیون فرانسوی، کتاب‌های سیمون را برای معتقدان مذهب کاتولیک بسیار خطرناک دانسته و سیمون را به ارتداد محکوم کرده، خود سیمون هم از این پس برحسب امر بوسوئه از سخنرانی و بیان حقایقی که به آن اعتقاد دارد، ممنوع شده است.

مجلس عوام، وارث پیرو مذهب کاتولیک را از سلطنت محروم ساخت. (لندن، ۱۶۸۰):

عقیده‌ی عموم مردم این است که چون دستگاه حکومت پاپ، نقشه‌هایی بر ضدّ پروتستان‌ها دارد و آن‌ها را تحت تعقیب و مجازات قرار می‌دهد، بالطبع همه با پادشاهی جیمز برادر چارلز دوّم مخالفند و در نتیجه مجلس عوام تصمیم گرفت از حق وراثت جیمز (James) دوک منطقه‌ی یورک (duke of York) به علّت این‌که مذهب خود را تغییر داده و پیرو مذهب کاتولیک شده، ممانعت به عمل آورد و وی را به اجبار تبعید کند. از سویی جیمز با مری مودِنا (Modena)، پرنسس کاتولیک‌مذهب ازدواج کرده است.

اخیراً چارلز دوّم، پادشاه انگلیس، بیمار شد و جیمز به مجرد آگاهی از این موضوع، از بروکسل به لندن بازگشت تا به پادشاهی برسد. لیکن نمایندگان پارلمان با تهیه لایحه‌یی، او را از رسیدن به سلطنت مانع شدند، در حالی‌که مجلس لردان این لایحه را باطل اعلام کرد. نمایندگان عضو حزب ویگ (Whig) (کارگر)، از مردم طبقه‌ی متوسط دعوت کردند که به شاه فشار آورند که جیمز را از سلطنت معاف کند، لیکن اعضای حزب توری (Tory) (محافظه‌کار)، به خاطر رقابت با حزب ویگ، از جیمز حمایت کردند و اعلام کردند اگر نمایندگان حزب ویگ (کارگر) از حق خود صرف‌نظر کنند، آن‌ها پاپ را به تغییر روش وادار خواهند کرد.

نکته‌ی مهمّ این‌که، شاه اعلام کرد که رأی نهایی با دادگاه عالی یا دیوان کشور است و این دادگاه می‌تواند کسانی را که برخلاف قانون عمل کنند به زندان محکوم نماید.

فرانسوی‌ها در هند غربی به فروش برده پرداخته‌اند. (پاریس، ۱۶۷۹):

دولت فرانسه هم به جنگ آفریقایی کشیده شد. کمپانی فرانسوی هند غربی در هشت سال گذشته تعداد ۱۶ هزار سیاه‌پوست را به‌عنوان برده به هند غربی حمل کرده است. از سال ۱۶۴۲ که لویی سیزدهم به

انگلیس، ۲۵ ژانویه ۱۷٤۲
ادموند هالی (Edmund Halley) منجم معروف انگلیسی در گرینویچ (Greenwich) به جهان باقی شتافت.

بریتانیا، فوریه ۱۷٤۲
رابرت والپول نخست‌وزیر انگلیس برکنار شد و جان کارترت (John Carteret) به‌جای وی منصوب شد.

آلاسکا، نهم اوت ۱۷٤۲
ویتوس برینگ (Vitus Bering) با ۳۱ نفر از بردگان فراری که به‌عنوان جاشو خدمت می‌کردند به امید این‌که به سرزمین‌های روسیه وارد شده‌اند به تنگه‌ی برینگ رسیدند. این دریانورد هلندی پس از کشف و رسیدن به شرق سیبری و باب برینگ که به‌نام وی موسوم شد، در سال پیش دفعتاً از دنیا رفت.

ایرلند، ۱۳ آوریل ۱۷٤۲
جورج فردریک هندل (George Frederick Handel) آهنگ‌ساز، آلمانی ـ انگلیسی برای نخستین‌بار ارکستر مسیح موعود را در شهر دوبلین (Dublin) به‌اجرا درآورد.

آلمان، ۱۱ ژوئن ۱۷٤۲
ماری تزر ملکه‌ی اتریش و فردریک دوم پادشاه پروس، پیمان صلح برسلو (Breslau) را امضا کردند که طبق آن ادعای مالکیت سیلزی (Silesia) توسط فردریک تأیید شد.

رم، ۱۱ ژوئن ۱۷٤۲
پاپ، طی فرمانی، عملیات ژزوئیت‌ها را در چین محکوم کرد.

پرو، ۱۷٤۲
سرخ‌پوستان پرو (Peru) در این سرزمین قیام کردند.

لندن، ۱۷٤۲
ادوارد یانگ (Edward Young) نویسنده‌ی انگلیسی، کتابی باعنوان تفکرات شبانه درباره‌ی مرگ و زندگی را منتشر کرد.

فرانسه، ۲۹ ژانویه ۱۷٤۳
کاردینال فلوری (Cardinal Fleury) از دنیا رفت. وی در سال ۱۷۱۴ سرپرست لویی پانزدهم گردید و در سال ۱۷۲۶ در سن ۷۳ سالگی به‌جای دوک بوربون به نخست‌وزیری فرانسه منصوب شد. فلوری که همواره فردی صلح‌دوست بود به اتحاد با انگلیس پایدار ماند. او با کمال نارضایتی در نبرد بر سر جانشینی قدرت در لهستان در کنار انگلیس باقی ماند.

پنسیلوانیا، ژانویه ۱۷٤۳
بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) اختراعات خود درباره‌ی مغناطیس را چاپ و به شریک خود فروخت با این کار وی تمام زندگی خود را در راه علم و به ویژه الکتریسیته سپری نمود.

آلمان، ۲۷ ژوئن ۱۷٤۳
سپاهیان پیاده‌ی انگلیسی به فرماندهی شخص جورج دوم پادشاه انگلیس، سواران فرانسوی را در منطقه‌ی دتینگن (Dettingen) در باواریا تارومار کردند.

سوئد، ۱۷ اوت ۱۷٤۳
طبق عهدنامه‌ی آبو (Abo) (تورکو (Turku)) دولت سوئد ناحیه‌ی جنوب شرقی فنلاند را به روسیه واگذار کرد و الیزابت را هم به‌عنوان امپراتور روس به‌رسمیت شناخت، این تعهدنامه را آدولف فردریک (Adolf Frederick) پادشاه هولشتاین‌گوتورپ (Holstein-Gottorp) امضا کرد. این موافقت‌نامه به جنگ و خرابی‌های ناشی از آن در دو کشور سوئد و روسیه سبب تقویت روحیه‌ی ارتش نومید سوئد گردید که در این اواخر به‌کلی سازمان خود را از دست داده بود و هم‌چنین به اختلاف و نزاع‌های دربار روس خاتمه داد.

فرانسه، ۲۸ اکتبر ۱۷٤۳
لویی پانزدهم پادشاه فرانسه و فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا قرارداد همکاری دفاعی و عدم تجاوز را در ناحیه‌ی فونتن بلو (Fontainebleau) امضا کردند. این قرارداد باعث استحکام دو خانواده بوربون (Bourbon) گردید.

نیوانگلند، ۱۷٤۳
یک انجمن فلسفه در نیوانگلند بر پا شد.

نیوجرسی، ۱۷٤۳
جان وولمن (John Woolman) روحانی سیاح و مبلغ دینی، پیرو فرقه‌ی کواکرها، سخنرانی‌هایی درباره‌ی زیان‌های برده‌داری انجام داد.

ناپل، ۱۷٤٤
جامباتیستا ویکو (Giambattista Vico) فیلسوف ایتالیایی و مؤلف کتاب جدید، جهان را وداع کرد. وی در کتاب خود مدعی است که از راه تاریخ و ثبت رویداد نمی‌توان به‌تمام حقایق پی برد.

قدرت رسید، خرید و فروش برده برای کشور فرانسه سود زیادی به بار آورده و کارگران لازم برای کشت قهوه، چای و نیشکر را در دنیای جدید تأمین نموده. برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها، یک‌چهارم از سیاه‌پوستان که با کشتی حمل می‌شدند هم تلف شده‌اند. یکی دیگر از رقیبان فرانسه، کمپانی سلطنتی انگلیس در آفریقا، تا سال ۱۶۷۴ تعداد ۴۰ هزار نفر سیاه‌پوست را به‌عنوان برده به فروش رسانده است.

در اثر حرارت و فشار بر کتری پر از آب، می‌توان به سرعت جدیدی دست یافت. (لندن، ۱۶۸۰):

یکی از فیزیک‌دانان فرانسوی به نام دنیس پاپن (Denis Papin) که در انجمن سلطنتی انگلیس مشغول انجام تحقیقات بود، توانست یک دیگ زودپز اختراع کند. در این دیگ زودپز که از آهن ساخته شده، و کاملاً قالب و محکم است. هیچ روزنه‌یی برای خروج هوا ندارد، به گونه‌یی که آب درون ظرف در تحت فشار و در اثر جوشیدن، درجه حرارت را به بالاتر از حدّ عادی می‌رساند. در حالی‌که برای اطمینان از فشار داخل ظرف و جلوگیری از فشار بیش از حدّ و ترکیدن ظرف دریچه‌یی هم در سرپوش ظرف تعبیه شده و هنگامی‌که فشار بخار آب به اندازه‌ی کافی بالا رفت، دریچه باز و بخار آب زیادی خارج می‌شود. در این ظرف، ماده غذایی در عرض یک‌چهارم مدّت، تحت فشار بخارآب پخته می‌شود.

با اختراع این دیگ زودپز، انساج گوشت به خوبی پخته می‌شود و پیرترین وسخت‌ترین گوشت گاو، بسیار نرم و لطیف و قابل هضم خواهد شد.

برنینی، طراح میدان فواره‌های رم، در گمنامی جان سپرد. (رم، ۱۶۸۰):

جووانی برنینی (Giovanni Bernini) که در شهر رم یادگارهای زیادی از خود به جای گذاشته بود، از جمله نقشه و ساختمان میدان مقابل کلیسای سن پیترز که شباهت تامی به میدان بزرگ شهر پاریس داشت و حتا طرح‌های بلندپروازانه‌ی دیگری در سر داشت، در گمنامی از جهان رفت. در سال ۱۶۶۵، لویی چهاردهم

او را به پاریس فرا خواند و از وی خواست که میدان بزرگی در بخش شرقی لوور (Louvre) بنا کند. او هم طرح یک دروازه برای ساختمان سر در میدان تهیه کرد که مورد قبول شاه واقع نشد و نقشه‌یی را که لووو (Le Vau) و پرول (Perrault) تهیه کرده بودند، ترجیح داد. آخرین شاهکار برنینی، سقف و گنبد کلیسای عظیم سن‌پیترز بود که به دستور پاپ آلکساندر هفتم با تزئینات بسیار زیبایی ساخته شد.

اکبر، شاهزاده‌ی مغول هند، شانس خود را برای برکناری پدرش از دست داد. (اجمیر (Ajmir)، هندوستان، ۲۷ ژانویه ۱۶۸۱):

اورنگ زیب، شاهزاده‌ی متعصّب و پسر شاه‌جهان که مخالف با سلطنت پدر بود، سرانجام پدرش را از سلطنت برکنار کرد، ولی این شانس نصیب اکبر پسر اورنگ زیب نشد و اکبر نتوانست همان کار را درباره‌ی پدرش انجام دهد.

هنگامی‌که در راجپوت (Rajputs)، مردم در اعتراض به بالا بودن مالیات‌ها قیام کردند، اورنگ زیب، اکبر را به فرماندهی سپاهیان مغول برگزید و او را برای فرونشاندن تظاهرات به آن منطقه فرستاد، لیکن چون این انتصابی نامناسب بود، اکبر به کمک شورشیان شتافت تا برعلیه پدرش اقدام کنند. بدین ترتیب، اکبر پدر را متّهم به بدرفتاری و سیاست خشن نسبت به هندوهای راجپوت (Rajputs) نمود که آزادی مذهبی هندوها را از بین برده و آن‌ها را تحقیر نموده و بدین ترتیب با همکاری آن‌ها، تصمیم گرفت اورنگ زیب را از سلطنت عزل کند، لیکن در سال بعد، اورنگ زیب پس از مرگ سیواجی (Sivaji)، قشونی به آن دیار فرستاد و شورشیان را سرکوب و قوای آن‌ها را متلاشی ساخت. سیواجی، نخستین پادشاه سلسله ماراتا (Maratha) بود.

اکبر هم با سپاهیان راجپوت که متّحد وی بودند، به سوی اجمیر، محلّ اقامت پدرش رهسپار شد. اورنگ زیب چون از این امر خبر یافت، اعلام کرد که برای فرونشاندن شورش افغان‌ها، به آن سو می‌رود و نامه‌یی به اکبر نوشت که ما دو نفر بایستی متحداً برعلیه راجپوت‌ها اقدام کنیم و ناحیه راجپوت را تحت سلطه درآوریم و به این وسیله، سپاهیان راجپوت در یک سپیده‌دم تار و مار شدند.

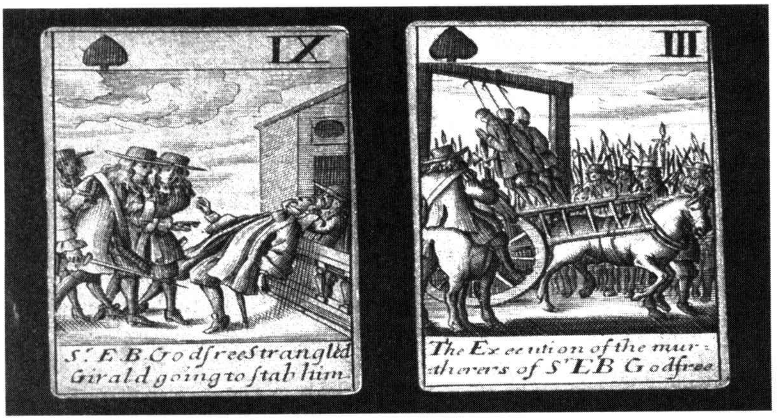
فروش طلا، ثروت هنگفتی برای حکومت آسانت (Asante) به‌وجود آورد. (غنا، آفریقای غربی، ۱۶۸۰):

در جنگل‌های غرب آفریقا، سرزمین‌های کوچک آکان (Akan) با هم متّحد شدند و به پشتوانه‌ی طلای فراوان و فروش بردگان و اشتراک دینی، فرمانروایان آکان توانستند قدرت بزرگی در منطقه به نام حکومت آسانت تشکیل دهند.

حکومت آسانت براساس رسوم قبیله‌یی ایجاد نشده. آن‌ها حکومتی مشروطه با وضع مالیات، شوراهای داوری و رژیم قانونی به‌وجود آورده‌اند. رهبر سرزمین آسانت، اوسی توتو (Osei Tutu)، نخستین رهبر اکان است که ایالات پراکنده را متّحد ساخت، پیش از این هر کدام از این ایالات تحت سلطه یکی از همسایگان قرار داشتند، از جمله سرزمین دنکیرا (Denkyira) نخستین ایالتی بود که به این اتحادیه پیوست. یک نمونه آن، ایالت تخت زرّین بود که رهبر آن پدر تعمیدی اوسی توتو بود که به نفع پادشاه آسانت از قدرت کناره گرفت، پادشاه یا فرمانروای حاکم، هنگام جلوس خود را جشن گرفت و عموم مردم را برای شادمانی در این جشن فرا خواند. توتو پادشاه آسانت، نه تنها بانی اتّحاد و استقلال این حکومت است، بلکه گام‌های مؤثری برای رفاه و آسایش ملّت برداشته است.

منچوها، مقاومت سلسله پادشاهی مینگ را در هم شکستند. (چین، ۱۶۸۱):

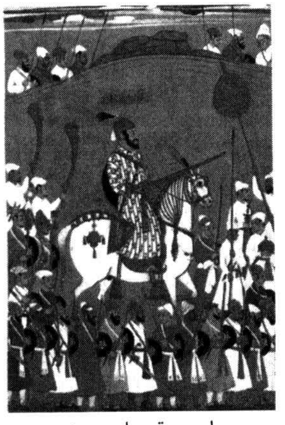
کانگ زی (Kangxi)، امپراتور منچو، سه نفر از فئودال‌های بزرگ چین به رهبری ووسان کویی (Wu San - Kuei)، که دهقانان را به شورش تحریک



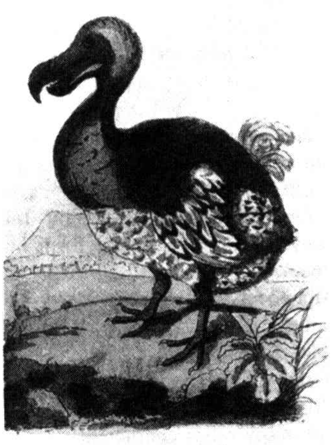
دو ورق بازی با نقش توطئه یی که علیه پروتستان ها در حال انجام است.



دنیس پاپنDenis Papin با دستگاه تولید بخار پاپن پیش آهنگ و سازنده ی موتور با نیروی بخار می باشد.



سیواجی، قهرمان سرزمین هند (در حدود سال ۱۷۰۰)



دودو dodo، آخرین نسل از پرنده یی که قادر به پرواز نیست و توسط سربازان انگلیسی به خاطر گوشتش نسل آن منقرض شد.



ساختمان کلیسای عظیم سن پیترSt Peter در پهلوی واتیکان Vatican و کنار میدان بزرگ رم که به وسیله ی برنینی Bernini ساخته شد.

می‌کردند، به قتل رسانده و شورش را سرکوب و سرانجام توانست قدرت خود را در سراسر کشور تحکیم بخشد.

این سه نفر فئودال (مالک بزرگ)، در حقیقت یک سازمان مقاومتی در برابر قدرت منچوها بودند و سه ایالت بزرگ کشور را به حالت نیمه‌مستقل اداره می‌کردند. آن‌ها مبالغ هنگفتی برای اداره امور ایالت خود ذخیره داشتند و هر کدام سپاهیانی جهت حفظ قدرت مجهّز کرده بودند. وو چند سال قبل دستور داد که امپراتور مینگ را در یون‌نان (Yunnan) خفه کنند، او فرماندهی بسیار وحشتناک بود.

شورش آن‌ها هنگامی آغاز شد که کانگ زی دستور داد که ارتش تحت فرمان آن‌ها را منحل کنند، در حالی‌که آن‌ها تهدیدی برعلیه امپراتوری مینگ نبودند.

وو همان‌طور که گفته شد، یکی از فرمانداران سلسله مینگ بود. در آن زمان در پشت دیوار بزرگ چین دست به مقاومت زد، در حالی‌که اکنون باید تسلیم منچوها شود، او چون حاضر به این تسلیم حقارت‌آمیز نبود، شهرها را ویران کرد و آنگاه تسلیم شد. او با کشتن امپراتور، خیلی زود توانست جانشین وی شود، لیکن از این‌که به دست دشمنانش کشته شود، به هراس افتاد و به شهر بجینگ (Beijing) حمله برد و زمینه‌ی تسلّط منچوها را فراهم ساخت، چون دو نفر دیگر از فرمانداران مینگ به سلسله‌ی مینگ وفادار بودند و خواستار ابقای این سلسله بودند. وو در جنگ با منچوها شکست خورد و جسد او را قطعه‌قطعه کردند و این ضربتی بود که به شکست آن دو دیگر وارد آمد و منچوها آن‌ها را هم منهزم کرده و به هلاکت رساندند و اکنون حکومت منچوها به نام سلسله چی‌یینگ (Ch'ing) بر سراسر چین تسلّط دارد.

شاهزاده‌یی که جنگ با فرانسه را تحریم کرد. (هلند، ۱۶۸۱):

موافقت نامه‌ی غیردوستانه بین ویلیام اورانژ و رهبران جمهوری‌های هلند درباره‌ی سیاست خارجی به امضا رسید. آن‌ها هیأتی را مأمور کردند که برای حمایت از اقتصاد هلند، کشورهای اروپایی را برعلیه فرانسه به جنگ دعوت کنند.

ویلیام که ناپسری جیمز وارث تاج و تخت انگلیس بود، در این زمان به رهبری سرزمین هلند رسید و به جانشینی ژان دِویت (John de Witt) رهبر برکنار شده هلند که در سال ۱۶۷۲ از سلطنت خلع شده بود، منصوب شد. او شش سال بر ضدّ فرانسه اقدام می‌کرد و قسمتی از خاک آن کشور را تصرّف کرده و در سال ۱۶۷۵ به حکومت موروثی منصوب شده بود. وی با اتّحاد با اسپانیا، آلمان و انگلیس، از آن کشورها خواست که پیمان فرانسه ـ هلند را که در سال ۱۶۷۸ امضا شده بود، تضمین کنند تا از جنگ جلوگیری شود.

شاه برای کمک، به کوآکرها هدیه‌یی تقدیم کرد و این یک آزمایش مقدّس بود. (فیلادلفیا، ۳۱ اکتبر ۱۶۸۲):

چند روز پیش، محموله‌یی ۳۰۰ تنی از انگلیس رسید که موجب خوشحالی شد. این محموله شامل ۱۲ کشتی پر از پناهندگان پیرو فرقه‌ی کوآکر (Quakers) بود که در یک سال اخیر مورد پیگرد مقامات مذهبی قرار داشتند. علاوه بر آن، در بین آن‌ها یک انگلیسی از فرقه‌ی کوآکرها به نام ویلیام پن (William Penn) بود که شاه او را مخصوصاً برای ایجاد یک مستعمره در اطراف منطقه پنسیلوانیا (Pennsylvania) فرستاده بود.

پن پیش از این در پنسیلوانیا اقامت داشت و اکنون برای تأسیس یک مستعمره تازه و ایده‌آل به آنجا آمده بود و قصد داشت در غرب ناحیه‌ی جرسی (Jersey) در صورت امکان مجتمعی تأسیس کند. او با حمایت دولت انگلیس، زمینی را که متعلق به چارلز دوّم بود، برای ایجاد مستعمره برگزید و با مبلغ ۱۶ هزار پوند که

لندن، ۳۰ مه ١٧٤٤
آلکساندر پاپ (Alexander Pope) بزرگ‌ترین شاعر طنزپرداز انگلیسی، درگذشت. شاهکار شعری او پرده‌دری از افکار جان‌لاک (John Locke) و دانسیال (Duncial) فلاسفه‌ی انگلیسی و عریان‌کردن پندارهای آنان است.

بوهم، سپتامبر ١٧٤٤
فردریک دوم پادشاه پروس به سرزمین بوهم (Bohemia) حمله‌ور شد و شهر پراگ (Prague) را تسخیر کرد.

پاریس، هشتم دسامبر ١٧٤٤
مادام پومپادرو (Pompadour) که زنی زیبا و جذاب و در عین‌حال باهوش بود به‌عنوان معشوقه لویی پانزدهم انتخاب شد.

افریقای شرقی، ١٧٤٤
محمدبن عثمان ال مازوری (Mazzuri) که در سال ۱۷۳۹ به فرمانداری موماسا (Mombasa) رسیده بود، استقلال خود را از عمان اعلام کرد.

اروپا، هشتم ژانویه ١٧٤٥
انگلیس، اتریش، ساکسونی (Saxony) و هلند ائتلافی برضد روسیه تشکیل دادند.

آلمان، ژانویه ١٧٤٥
شارل آلبرت پادشاه باواریا که در سال ۱۷۴۲ باعنوان شارل دوم به امپراتوری مقدس رم منصوب شده بود، درگذشت.

آلمان، ۲۲ آوریل ١٧٤٥
ماری تزر پادشاه اتریش و ماکسیمیلیان ژورف (Maximilian Joseph) پادشاه انتخابی باواریا و فرزند شارل هفتم پیمان صلح فوزن (Fussen) را امضا کردند. با این منظورکه وضع موجود قبل از جنگ جانشینی اتریش را حفظ نمایند.

هلند، ۱۱ مه ١٧٤٥
ارتش فرانسه به فرماندهی مارشال ساکس (Marshal Saxe)، سپاهیان مشترک انگلیس، هلند و باواریایی را در نبرد فونت‌نوی (Fontenoy) مغلوب کرد.

کانادا، ١٦ ژوئن ١٧٤٥
سپاهیان فرانسوی مستقر در بندر لوییزبورگ (Louisbourg) واقع در دماغه‌ی جزیره‌ی برتون (Cape Breton) پس ار شش هفته محاصره توسط نیروهای اعزامی از مستعمره‌ی نیوانگلند تسلیم شدند. این خصومت و دشمنی در نتیجه‌ی این بود که جورج پادشاه انگلیس در صدد بود که جنگ جانشینی اتریش در اروپا را به خارج از این قاره گسترش دهد.

نیوانگلند، اوت ١٧٤٥
با ائتلاف فرانسه و سرخ‌پوست‌ها، آن‌ها در مستعمره‌نشین‌های انگلیسی به تاخت‌وتاز پرداخته و آن‌ها را مورد هجوم قرار دادند.

آلمان، ۲۵ دسامبر ١٧٤٥
با انعقاد عهدنامه درسدن (Dresden)، فردریک دوم پادشاه پروس، مقام فرانسیس دوک لورن (duke of Lorraine) را به‌رسمیت شناخت و هم‌چنین ماری ترز (Maria Theresa) پادشاه اتریش را به‌عنوان امپراتوری مقدس رم پذیرفت. در عین‌حال فردریک کنترل ناحیه‌ی سیلزی را طبق همین پیمان در اختیار گرفت.

انگلیس، دسامبر ١٧٤٥
با وجود پیشروی قابل توجه نیروهای چارلز ادوارد استوارت در دورترین نقطه‌ی جنوب منطقه دبری (Debry)، (وی مدعی بود که فرزند استوارت می‌باشد و سلطنت انگلیس حق اوست و وی را مدعی جوان می‌خواندند) نیروهای خود را به عقب‌نشینی واداشت.

انگلیس، ١٧٤٥
ویلیام هوگارت (William Hogarth) تابلوی ازدواج به‌سبک نوین را به اتمام رساند. او در این اواخر در هنر نقاشی خیلی سریع پیشرفت کرد. وی حکایات حماقت و بلاهت مردم در ارتکاب گناه را به‌تصویر کشید. هوگارت در سال ۱۷۲۰ با مشاهده‌ی یک تابلوی کوچک، به یک‌باره بارقه‌ی هنری در وی درخشید و به تابلوهای خود حالت زندگی و روح بخشید.

اسکاتلند، سپتامبر ١٧٤٥
نیروهای تحت فرماندهی چارلز ادوارد استوارت نوه‌ی جیمز دوم پادشاه سابق انگلیس و مدعی سلطنت این کشور در نبرد پرستون پان (Prestonpans) به‌وسیله‌ی نیروهای سلطنتی مغلوب شدند. سپاهیان مدعی جوان یعنی چارلز فرزند مدعی پیر جیمز ادوارد استوارت فرزند جیمز دوم، در دو ماه پیش در سواحل اسکاتلند پیاده شدند و با اتحاد با سران محلی که در ارتفاعات اسکاتلند زندگی می‌کنند، بر ضد جورج دوم وارد نبرد شدند.

از پدرش دریاسالار پن وام گرفته بود، قصد داشت تأسیساتی در آنجا به‌وجود آورده و پس از آن وام خود را تأدیه نماید.

طبق فرمان سلطنتی، در ماه مارس، به پن اختیار تام داده شده بود، امّا پن قصد داشت که این تجربه‌ی مقدّس را با کمک سایرین انجام دهد، او می‌گفت من اگر موفق شدم به نفع همه و از جمله دولت انگلیس خواهد بود و در غیر این صورت، مسبّب بدبختی خواهم شد. من اطمینان دارم یک تنه نخواهم توانست از عهده‌ی این کار مهمّ برآیم وتمام این منطقه را آباد کنم، عموی او به نام ویلیام مارکهام (William Markham)، در آنجا شهرکی برای سکونت دو هزار نفر ساخت که یک دولت کوچک دموکرات آنجا را اداره کند. سرخ‌پوست‌ها هم از این اقدام ویلیام استقبال کردند که با پشتکار خود منطقه را ساکت و آرام کرده است.

نیروهای سپاهی فرانسه تغییر مذهب می‌دهند. (پوآتیه (Poitiers)، ۱۶۸۱):

هزاران نفر از هوگونوت‌های وابسته به نیروهای نظامی فرانسه، مذهب خود را تغییر می‌دهند. یکی از آرزوهای بزرگ لویی چهاردهم و اسقف‌های کاتولیک، این بوده که فرانسویان مذهب واحدی داشته باشند تا از اختلافات جلوگیری شود. در حالی‌که فرمان نانت (Nantes) در سال ۱۵۹۸، مقرّر کرده که مذهب هوگونوت آزاد است و پیروان آن می‌توانند مراسم خود را به شیوه‌ی خویش انجام دهند، لیکن جهّال و نادان‌ها به سبک خودشان رفتار می‌کنند و آن‌ها را از آزادی مذهبی محروم می‌نمایند.

به‌هر حال، مردم این شهر راه خود را که همان روش دراکونیان (Draconian) است، ادامه می‌دهند و ماریلاک (Marillac)، مباشر محلی، پیرو همان سیاست سنتی می‌باشد. در حالی‌که یک‌چهارم از سربازان، شهروندان غیرقانونی هستند و تغییر مذهب داده‌اند. انجمن‌های مذهبی که توسط دولت حمایت

می‌شوند، آن‌ها را می‌ترسانند و سربازان به اجبار به تغییر مذهب تن می‌دهند، لیکن هوگونوت‌های ثروتمند و پولدار که از اوضاع نگرانند، از این شهر فرار می‌کنند و به عنوان مهاجر به شهرهای مورد دلخواه می‌روند.

لوئی چهاردهم شهر استراسبورگ را ضمیمه قلمرو خود ساخت. (استراسبورگ (Strasbourg)، ۳۰ سپتامبر ۱۶۸۱):

شهر مستقل استراسبورگ که مدّت‌ها مورد تهدید نیروهای نظامی فرانسه قرار داشت و همچون شمشیری در بالای سر آن‌ها بود، امروز تسلیم فرانسه شد. اهالی شهر که مدّت‌ها شایعات مربوط به تصرّف شهر خود را توسط لویی چهاردهم شنیده و حق انتخاب خود را از دست داده بودند، دروازه‌های شهر را به روی سپاهیان فرانسوی گشودند.

شهر استراسبورگ، آخرین قربانی سیاست لویی چهاردهم است، او با نهایت زیرکی، ظاهراً برای این‌که این شهر را به فرانسه منضم کند، طرح یکپارچگی آن را پیش کشید و در پیمان وستفالی (Westphalia) و نیژمین (Nijmegen) آن را گنجانید، اکنون تمام منطقه آلزاس (Alsace) به جز ناحیه‌ی مولهاوس (Mulhouse) به سلطه فرانسه درآمده است.

قصر پادشاه آفتاب، به ورسای انتقال یافت. (ورسای، ششم مه ۱۶۸۲):

لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه، امروز با تمام خانواده، وزرا و درباریان خود به کاخ جدید ورسای (Versailles) منتقل شدند. او اعلام کرد که از این پس، جلسات هیأت دولت در ورسای تشکیل خواهد شد. او بارها برای نظارت در ساخت قصر جدید به آنجا می‌رفت و از نزدیک به آن سرکشی می‌کرد، این محلّ سابقاً محلّ شکارگاه پدرش بود و اکنون وسیع‌ترین قصر اروپا در آنجا بنا شده است.

در سال ۱۶۷۹، ژول هاردوئن مانسار (Jules Hardouin Mansart)، به جای لویی لو وائو (Louis le Vau)، معمار اصلی قصر برگزیده شد تا این ساختمان عظیم را تکمیل کند. او در قسمت جنوبی کاخ، دو ساختمان بزرگ همچون بال به آن اضافه نمود، یک قسمت برای سکونت شاهزادگان منسوب به دربار و خانواده‌ی آن‌ها و بخش دیگر محلّ استقرار درباریان که عدّه‌ی آن‌ها به صدها نفر بالغ می‌شد، بود. یک ساختمان بزرگ دیگر هم برای پیش‌خدمتان و نوکرهای درباری و اصطبل و آخور و پسربچه‌های پادو و اصطبل‌داران وجود دارد که عدّه‌ی آن‌ها را که حدود ۱۵۰۰ نفر می‌باشند، در خود جای می‌دهد.

این مجتمع کاخ‌ها در حقیقت شهر کوچکی با دو هزار نفر جمعیت است. در این محلّ، یک قسمت جایگاه و گاراژ کالسکه و درشگه و تخت روان‌های یک نفره یا چند نفره است.

مانسار، معمار اصلی این شهرک، در مرکز کاخ و محلّ استقرار شاه، یک تالار آیینه با آینه‌های عظیم و سقف تزئین شده ساخته که در واقع محلّ میهمان‌ها و ضیافت‌های شاه و همچنین استراحتگاه وی و اتاق‌های قمار درباریان است و نقّاشی‌های آن توسط شارل لو برون (Charles le Brun) انجام شده.

در اطراف کاخ مرکزی، آب‌نماها و تراس‌هایی برای نشستن ساخته شده و تعداد ۱۵۰۰ فواره‌ی آب‌فشان در حوض‌ها و استخرها کار می‌کند که البته کار محوطه‌سازی را آندره لو نوتر (Andre le Notre) انجام داده است. طراحی مبلمان و پرده‌ها و لوازم تزئینی به وسیله‌ی لوبرون و گوبلن‌ها ساخت کارخانجات فرانسوی می‌باشد.

شاه همه روزه جهت نظارت بر کار تزئینات کاخ و انجام امور ساختمانی به همه‌ی نقاط می‌رود و به همه‌ی کارها دقیقاً رسیدگی می‌کند که تالار ضیافت جهت میهمان‌ها آماده شود و عدّه‌یی را برای راهنمایی و هدایت سفرای خارجی مأمور نموده تا برنامه‌ها درست اجرا شود. او عصرها را به شکار می‌پردازد و شب‌ها با درباریان به تالار ناهارخوری برای صرف شام می‌رود و

اروپا، ۱۷٤۵
اوالد فون کلیست (Ewald Von Cleist) آلمانی و پتروس فان موسکن‌بروک (Petrus Van Musschenbrock) ایرلندی مستقلاً به اختراع مهمی دست یافتند و آن این‌که شیشه‌یی که بخشی از آن از آب پر شده (نیمی پر و نیمی خالی) و به‌وسیله‌ی چوب‌پنبه در آن را محکم بسته شده برگزیده و میخی از سر چوب‌پنبه به داخل بردند و از این وسیله بسیار ساده، خازنی به‌وجود آوردند که منبع الکتریسیته‌ی ساکن است.

اسکاتلند، ۱۷ ژانویه ۱۷٤٦
چارلز ادوارد استوارت (مدعی جوان) نیروهای سلطنتی را در نبرد فالکرک (Falkiirk) شکست داد.

بروکسل، ۲۱ فوریه ۱۷٤٦
پس از شکست نیروهای متحد اتریش در سال پیش، لشکریان فرانسوی شهر بروکسل (Brussels) را متصرف شدند.

انگلیس، اول آوریل ۱۷٤٦
جورج فردریک هندل (George Frederick Handel) آواز دسته‌جمعی خود را درباره‌ی مکابی، (مکابیان (Maccabeus) میهن‌پرستانی یهودی بودند که در زمان آنتیوخوس چهارم شورش کردند) اجرا کرد.

اسکاتلند، ۲۷ آوریل ۱۷٤٦
سپاهیان چارلز ادوارد استوارت (مدعی جوان سلطنت) در نبرد کولودن (Culloden) به‌وسیله‌ی نیروهای جورج دوم تارومار شدند و چارلز استوارت در کوهستان‌های اطراف محل متواری گشت.

اتریش، دوم ژوئن ۱۷٤٦
دولت اتریش با روسیه پیمان اتحادی برعلیه دولت‌های پروس و عثمانی امضا کرد.

اسپانیا، نهم ژوئیه ۱۷٤٦
با مرگ فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا، فرزند وی فردیناند ششم به سلطنت رسید.

هندوستان، ۲۰ اکتبر ۱۷٤٦
در پی گسترش جنگ بر سر جانشینی سلطنت اتریش در هندوستان، ژوزف فرانسوا دوپلکس (Joseph Francois Dupleix) فرماندار فرانسوی مهاجرنشین هندی، را تصرف نمود.

فرانسه، ۱۷٤٦
کتاب دنیس دیدرو (Denis Diderot) با مضمون تفکرات فلسفی را به‌دستور پارلمان پاریس در آتش سوزاندند.

فرانسه، ۱۷٤٦
اتین کوندیلاک (Etienne Condillac) فیلسوف فرانسوی، رساله‌یی به‌نام ریشه‌های معلومات بشری تنظیم کرد.

نیوجرسی، ۱۷٤٦
دانشگاه پرینستون (Princeton) در نیوجرسی گشایش یافت.

ایران، دهم ژوئن ۱۷٤۷
نادرشاه افشار در منطقه‌ی فتح‌آباد به هلاکت رسید. نادر در سال ۱۷۲۹ پس از مغلوب‌کردن و رفع حملات افغان‌ها، طهماسب میرزا را به سلطنت برگزید و برای شکست عثمانی‌ها به‌سوی غرب ایران شتافت. او در سال ۱۷۳۶ خود را شاه ایران نامید. او افغانستان را فتح کرد و در اوج قدرت خود به هندوستان در سال ۱۷۳۹ یورش برد و شهر دهلی را به باد غارت داد.

افغانستان، ژوئن ۱۷٤۷
پس از مرگ نادرشاه، افغانستان از تابعیت ایران خارج گشت.

هلند، دوم ژوئیه ۱۷٤۷
سپاهیان فرانسوی تحت فرماندهی مارشال ساکس (Saxe) بر قشون مشترک انگلیسی ـ هلندی زیر فرمان دوک کامبرلند در جنگ لوفلد (Lauffeld) فائق آمدند.

هلند، ۱٦ سپتامبر ۱۷٤۷
نیروهای فرانسوی پس از فتح برگن اوپ ـ زوم (Bergen-Op-Zoom)، فشار خود را برای تصرف سرزمین فلاندر (Flanders) که زیر سلطه‌ی اتریش بود، تشدید کردند.

هلند، ۱۷٤۷
جمهوری متحده ایالات هلند ساقط شد و ویلیام ناسو (William of Nassau) به‌عنوان فرماندار آن‌جا منصوب شد. ناسو شاهزاده‌ی اورانژ و برادر بزرگ همسر ویلیام سوم و وارث او بود.

بجینگ، ۱۷٤۷
کاخ تابستانی کیان لانگ (Qian Long) امپراتور چین را به سبک غربی تزیین و مبلمان کردند.

پنسیلوانیا، ۲٦ اوت ۱۷٤۸
اولین شورای کلیسایی لوترن‌ها (پیروان لوتر) در مستعمره‌ی فیلادلفیا گشایش یافت.

برحسب معمول، آخرین ساعات شب برای استراحت است. درباریان موظف هستند که جهت میهمانی لباس مخصوص بپوشند که با لباس عصرها و شب‌نشینی‌ها فرق می‌کند. بسیاری از اشراف و نجبا از آن بیم دارند که مورد سؤال و مؤاخذه شاه واقع شوند. به‌هر ترتیب، زندگانی این عدّه با این تشریفات، بودجه‌ی عظیمی را بر دوش ملّت فرانسه تحمیل کرده است.

هم‌چنین مادام مونت اسپان (Madame de Montespan) در این کاخ آپارتمان جداگانه‌یی دارد و مادام دومنتنون (Madame de Maintenon) که موردنظر لوئی چهاردهم و در حقیقت همسر او می‌باشد، با داشتن یک فرزند تازه متولّد شده، در ساختمان دیگری نزدیک کاخ شاه زندگی می‌کند.

نویسنده و روحانی روسی را زنده در آتش سوزاندند. (پوستوزرسک (Pustozersk)، روسیه، ۱۶۸۲):

آوواکوم (Avvakum)، رهبر برکنار شده‌ی فرقه‌ی معروف به کهنه‌پرستان، پس از ۱۵ سال را که در یکی از سیاهچال‌های شمال روسیه گذرانده بود، امروز سوزانده شد. او یکی از روحانیان عالی‌مقام و در عین حال متعصّب و خشک بود، وی در یک سخنرانی، تأثیر نفوذ یونانی و لاتین را در گسترش مذهب و کلیسا رد کرد و با نفوذ کلامی که داشت، تعداد زیادی هواخواه اطراف خود جمع کرد، لیکن این امر در مراکز قدرت کلیسای ارتودوکس تأثیر بدی بر جای گذاشت و آن‌ها مصمم شدند که وی را از بین ببرند.

طرفداران او که بیش از ۲۵۰۰ نفر می‌شدند، همگی خود را سوزاندند، چون خودکشی با آتش را بر آتش ابدی دوزخ ترجیح می‌دادند.

کلود لورن (Claude Lorrain)، نقّاشی که دورنماهای بسیار زیبایی ترسیم می‌کرد، در شهر رم جان سپرد. (رم، ۲۳ نوامبر ۱۶۸۲):



نصب چراغ در شهر لندن شهر را مانند روز روشن کرده و این کمکی است برای سهولت رفت و آمد و رونق بازار خرید و فروش.



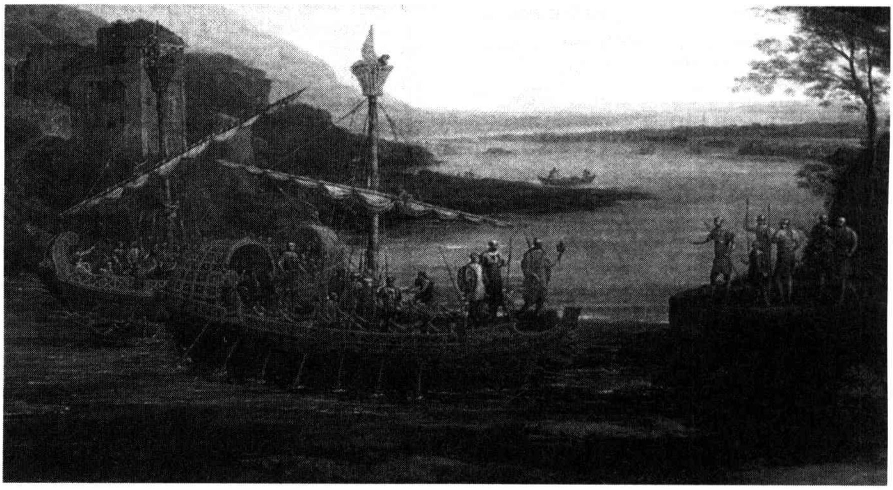
ویلیام پن William Penn در حال گفت و گو با بومیان هند غربی پنسیلوانیا.



نمایی از گالری گلاس Galerie des Glaces (تالار شیشه یی) که در سال ۱۶۸۴ به پایان رسید. نقاشی از مانسار Mansart



تصویری از پرده برداری از پیکره ی لوئی چهاردهم در ورسای به ترسیم لمونیه Lemonnier.



دورنمایی از ورود مسافران انیس Aeneas در پالانتئوم Pallanteum، کار کلود لورن Claude Lorrain .

فرانسه، ۱۸ اکتبر ۱۷۴۸
عهدنامه‌ی صلح اکس‌لا شاپل (Aix-la-Chapelle) به مسأله‌ی جانشینی اتریش پایان بخشید و انجام مراسم شام آخر هم مورد تأیید قرار گرفت و همین‌طور مالکیت سیلزی (Silesia) توسط پروس واقعیت یافت.

انگلیس، ۱۷۴۸
دیوید هیوم (David Hume) فیلسوف انگلیسی، کتاب تحقیقی خود را در مورد چه‌گونگی یادگیری دانش‌های انسانی منتشر ساخت.

فرانسه، ۱۷۴۸
ژولیان لامتری (Julien Lamettrie) فیلسوف فرانسوی، کتابی درباره‌ی علم ریاضی کارخانه‌ی ماشین بدن انسان انتشار داد.

انگلیس، ۱۷۴۸
ساموئل ریچاردسون (Samuel Richardson) مؤلف کتاب پاملا (Pamela)، آخرین قسمت از هفتمین جلد داستان کلاریسا (Clarissa) را که در آن دستورالعمل نامه‌نگاری را شرح داده، منتشر ساخت. در این داستان وی تمام گرفتاری‌های زن و مرد را از بدو ازدواج و هنگام بچه‌دارشدن و روابط آنان را با بچه‌ها به رشته‌ی تحریر درآورده است.

پنسیلوانیا، ۱۷۴۹
دانشگاه پنسیلوانیا (Pensylvania) در استان فیلادلفیا گشایش یافت.

کانادا، ۱۷۴۹
لرد هالیفاکس (Lord Halifax) در حدود ۲۵۰۰ نفر از مهاجران را برای تحکیم و توسعه‌ی منطقه‌ی نوا اسکوتیا (Nova Scotia) به آن‌جا اعزام کرد تا بنیاد شهر جدیدی به‌نام هالیفاکس را بریزند.

فرانسه، ۱۷۴۹
ژرژ لویی بوفن (Georges Louis Buffon) نخستین مجلد از سه جلد تاریخ طبیعی بزرگ خود را که در سال گذشته به طبع رسانده بود، پخش کرد.

اسپانیا، ۱۷۴۹
نخستین لژ فراماسونری در شهر کادیز (Cadiz) با ۸۰۰ نفر عضو گشایش یافت.

انگلیس، ۱۷۴۹
هنری فیلدینگ (Henry Fielding) کتاب تام جونز (Tom Jones) را منتشر ساخت. محتوای اخلاقی این داستان کمدی بی‌شباهت به داستان جوزف آندریو (Joseph Andrews) نیست و نتایج روشنی درباره‌ی انسان‌های نیکورفتار قصص ساموئل ریچارد سون دارد.

فرانسه، ۱۷۵۰
ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau) فیلسوف فرانسوی، کتابی درباره‌ی علوم و هنر انتشار داد.

ونیز، ۱۷ ژانویه ۱۷۵۰
توماسو آلبی‌نونی (Tomaso Albinoni) آهنگساز ایتالیایی در سن ۷۹ سالگی دیده از جهان فروبست. وی چندین اپرا، داستان‌هایی منظوم، قطعاتی در موسیقی جهت رقص‌های دونفره، همراه با قطعاتی از ترانه‌های خوش‌آهنگ را تنظیم کرده است.

پرتغال، ۳۱ ژوئیه ۱۷۵۰
خوآن (Juan) پنجم پادشاه پرتغال، از دنیا رفت و پسرش ژوزف امانوئل (Joseph Emanuel) به‌جای وی نشست. او سباستیائو خوزه کاروالوملو (Sebastiao Jose Carvalhoe Mello)، مارکی پومبال (Marquis Pombal) را به‌عنوان نخست‌وزیر برگماشت. وی بلافاصله پس از روی‌کارآمدن دادگاه‌های تفتیش عقاید را برچید.

هندوستان، ۱۷۵۰
ژوزف دوپلکس (Joseph Dupleix) فرماندار فرانسوی پوندیچری (Pondicherry)، پس از پیروزی در نبرد تانجور (Tanjore)، کنترل ناحیه‌ی کارناتیک (Carnatic) در جنوب هندوستان را به‌دست گرفت.

لندن، ۱۷۵۰
کاردستی‌هایی ساخته‌شده از استخوان توسط چینی‌ها (عاج‌کاری) در یک مغازه واقع در استراتفورد لوباو (Stratford-le-Bow) لندن به معرض نمایش گذاشته شد.

ونیز، ۱۷۵۰
جامباتیستا تیه‌پولو (Giambattista Tiepolo) نقاش هنرمند ایتالیایی، نقاشی‌های زیبایی راجع به ماجراهای عشقی آنتونیو و کلئوپاترا (Cleopatra) را بر روی سقف سالن عظیم قصر لابیا (Labia) در ونیز ترسیم کرد که در اوج زیبایی است.

کلود لورن، بزرگ‌ترین نقّاش ترسیم‌کننده دورنمای فرانسوی که مدّت ۱۳ سال در رم زندگی و کار کرده بود، در همین شهر دیده از جهان فروبست. او ۸۲ سال داشت و از نظر روشنی و وضوح رنگ‌هایی که در تابلوهایش به کار می‌برد، به شهرت رسید. او حتا می‌توانست در نقّاشی‌هایش نوررا همچون خورشید، بر آن بتاباند و مناظر دورنمایی را جذاب و درخشنده بنمایاند. نام واقعی لورن ژلی (Gellee) بود، و در ایالت محلّ تولدش او را به این نام می‌نامیدند. نیکلاس پوسن (Nicholas Poussin) هم تمام عمر خود را در رم سپری کرد. کلود دوست داشت که بیشتر عمر خود را در کامپانیا (Campagna) و در خارج از شهر رم صرف دیدنی‌های معماری رم بکند و عقیده داشت که هرچه بیشتر بتواند از معماری‌های باستانی چشم‌اندازهایی ترسیم نماید.

نمایندگان حزب ویگ (کارگر) به علّت طرح توطئه علیه جان چارلز تحت پیگرد قرار گرفتند. (لندن، ۱۶۸۳):

در پنج سال پیش این چنین بر سر زبان‌ها افتاده بود که در انجمن اشراف لندن توطئه‌یی برعلیه جان چارلز پادشاه انگلیس با حمایت کامل پاپ چیده شده بود که باعث رسوایی دستگاه کلیسا گردید، عامل این کار هم تیتوس اوتس (Titus Oates) معرفی شد.

لیکن برای سرپوش گذاشتن بر این جریان جاسوسان بر آن شدند که نمایندگان حزب کارگر انگلیس را عامل توطئه معرفی کنند و این حزب را قربانی مطامع خود نمایند.

به‌طوری که گفته شده در اجلاسیه اشراف لندن در معبر رامبولدزرای هاوس (Rumbold's Rye House) که در جادّه بازار جدید واقع است همگی مقصر اصلی را حزب کارگر شناختند که قصد داشته‌اند که چارلز و برادرش جیمز را به قتل برسانند. بدین لحاظ عدّه‌یی از اعضای حزب دستگیر و بقیه فرار کردند.

لرد شافتزبوری (Lord Shaftesbury) که پیش از این وزیر خزانه‌داری بود، به این اتّهام به هلند گریخت و اخیراً در آنجا از دنیا رفت. او مسأله را بدین ترتیب کشف کرد که رهبری توطئه را یک کشیش کاتولیک به نام اوتس برعهده داشته و او مصمم به قتل چارلز و جیمز بوده و این نقشه باعث رسوایی دستگاه روحانیت پاپ شده است، در نتیجه مردم به خیابان‌ها ریختند و لندن دستگاه پاپ را تهدید به انتقام کرد. تا این اواخر هم کاملاً نتوانسته‌اند که کلیسای رم را تبرئه نمایند.

به نظر می‌رسد از مکان‌هایی که مأمنی برای اعضای حزب کارگر (ویگ) انگلیس می‌باشد دانشگاه‌هاست و تعدادی از متهمان به دانشگاه‌ها پناهنده شدند. لیکن جان لاک (John Locke) فیلسوف بزرگ انگلیسی از بیم اتّهام به هلند گریخت و در آنجا به نام دکتر وان دِرلیندِن (Dr. Van der Linden) کتابی موسوم به شعور انسان‌ها را به نگارش درآورد.

امپراتور روشنفکری که سلسله‌ی پادشاهی منچوریان را تأسیس کرد. (بجینگ، ۱۶۸۳):

با آغاز سلطنت کانگ زی، سال‌های طلایی امپراتوری چین هم شروع شد. کانگ زی **(Kangxi)** یکی از امپراتوران روشنفکر چین است. وی ۲۲ سال است که بر این کشور حکومت می‌کند. از ویژگی‌های این امپراتور سیاست‌مدار، حالت مسالمت‌آمیزی است که وی از آن پیروی می‌کند. گرچه پرسش‌هایی درباره‌ی این روش مطرح شده، لیکن او با این شیوه محتاطانه از مخالفت‌ها جلوگیری می‌کند تا آحاد ملّت را راضی نگهدارد و این واکنشی است نسبت به سیاست‌های خشن گذشته که همواره به دشمنی‌ها دامن می‌زد، لیکن کانگ شی خیلی برای اخلاق و آداب و رسوم احترام قائل است و خود وی یک فرد اصیل می‌باشد. او به هنر و علم علاقه‌مند است و در عین حال، فردی موسیقیدان، شاعر و خویش‌نویس است و به دانشمندان عشق می‌ورزد. او از دانش و دانشمندان به جز آن‌هایی که در زمان سلسله‌ی مینگ جیره‌خوار دستگاه سلطنت آن زمان بودند، دفاع می‌کند، چون خودش آن‌ها را به جنوب چین تبعید نموده، امّا بیشتر دانشمندان چینی که به پادشاهی منچوها علاقه دارند، از نقاط مختلف کشور به دربار چین روی آورده‌اند.

همسر لوئی چهاردهم، مدرسه‌یی جهت دختران فقیر تشکیل داد. (فرانسه، ۱۶۸۴):

یک سال پس از ازدواج پنهایی لوئی با فرانسواز دو میتنون (Francoise de Maitenon)، همسر لویی یک مدرسه دخترانه در صومعه سن‌سیر (St Cyr) تأسیس کرد.

او در سال ۱۶۳۵ در زندان متولّد شد، چون مادرش به علّت بدهی در آن هنگام زندانی شده بود، لیکن وقار و متانت فرانسواز در لویی تأثیری مثبت بر جای گذاشت.

وی از آن بیم داشت که اگر لویی روش افراط‌کاری و اسراف را کنار نگذارد، خداوند او را مجازات خواهد کرد. فرانسواز زمانی لویی را ملاقات کرد که یک بچّه‌ی نامشروع در شکم داشت، لیکن در سال ۱۶۷۳ وی از لویی آبستن شد و طفلی مشروع از او به دنیا آورد، چون لویی با فرانسواز مخفیانه ولی رسمی ازدواج کرده بود، پس شاه دستور داد که او را به قصر بیاورند، با این وصف از مونت اسپان (Montespan) و دوفونتانژ (de Fontanges) به شدّت عصبانی بود، چون آن دو معشوقه لویی با هم سازش نداشتند. معهذا پس از مرگ ماریا ترزا (Maria Theresa) ملکه فرانسه، میتنون با ازدواج رسمی و قانونی با لوئی رسماً به مقام ملکه فرانسه منصوب شد.

با الغای فرمان نانت، کلیساهای پروتستان‌ها تعطیل و تخریب شد. (فونتن‌بلو (Fontainebleau)، ۱۸ اکتبر ۱۶۸۵):

لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه، امروز فرمان نانت را که در سال ۱۵۹۸ توسط پدربزرگش امضا شده و به

هوگونوت آزادی مذهبی داده بود را باطل اعلام نمود. این امر یک حرکت منطقی بود، زیرا در چهار سال گذشته سیاست آزادی مذهبی به آزمایش گذاشته شده و از این فرمان نتیجه خوبی حاصل نشده بود، و لوئی هم به‌طور کلّی فرمان داد که بساط مذهب پروتستان در فرانسه برچیده شود، به هر صورت امروز فرمان فونتن‌بلو صادر و به مورد اجرا درآمد، به‌طوری که تخطی از آن موجب جرم مشهود است. کشیشان و پیروان پروتستان از ترس به خود لرزیدند و کلیساها متروک شد. از این پس تمام شهروندان به اجبار بایستی از مذهب کاتولیکی باپتیسم (Baptism) پیروی کرده و به آن بگروند. ورزایی را هم که این مذهب را انکار نمایند، به تبعید خواهند رفت.

با وضعیت پیش آمده، اکثریت شهروندان پروتستان مذهب، اقدام به مهاجرت کردند. این امر اثر منفی بر اقتصاد فرانسه داشت، زیرا در چهار سال گذشته تا به امروز گروه کثیری از پیروان فرقه هوگونوت از کشور خارج شده و سرمایه عظیمی را با خود از کشور خارج کرده‌اند، از سویی با کم شدن نیروی انسانی تولید هم دچار کاهش گشته است.

از گروه مهاجرت‌کنندگان تعداد زیادی ثروتمند و افراد ماهر و صنعتگر و کشاورز بوده‌اند که به کشور انگلیس گریخته‌اند و دولت انگلیس هم از آنان استقبال شایسته‌یی به عمل آورده است. اغلب کاتولیک‌ها از این موضوع غرق شادی گشته‌اند. با فرمان نانت به تدریج کینه‌ها و انتقام‌ها فرو نشست و بین دو گروه مذهبی حالت صلح و صفا و همزیستی برقرار شد. امّا لویی که خود کینه‌یی از پروتستان‌ها در دل داشت و آرزوی نابودی آن‌ها را می‌کرد، سیاست تک‌مذهبی را برای وحدت فرانسه در پیش گرفت و این فرمان را صادر کرد. او با تأسی به شورش شهر لاروشل (La Rochelle) در سال ۱۶۲۸، پروتستان‌ها را تهدیدی برای سلطنت تلقی می‌کرد و آن‌ها را مضر به حال کشور می‌دانست.

کانادا، ۱۷۵۰
سپاهیان انگلیسی تلاش کردند که نواحی آکادیا (Acadia) (نوواسکوتیا (Nova Scotia)) و نیوبرانزویک (New Brunswick) را به اشغال خود درآورند.

امریکای شمالی، ۱۷۵۰
جمعیت مستعمره‌نشین‌ها در امریکا از مرز یک‌میلیون نفر گذشت.

کانادا، ژانویه ۱۷۵۱
دولت‌های فرانسه و انگلیس بر سر منطقه‌ی آدکایا به توافق رسیدند و قرارداد بستند.

بریتانیا، ۲۰ مارس ۱۷۵۱
فردریک لویی شاهزاده‌ی ویلز (Wales)، جهان را ترک گفت.

هندوستان، نوامبر ۱۷۵۱
با محاصره‌ی ناحیه‌ی آرکوت (Arcot) توسط نیروهای فرانسوی که در ماه سپتامبر به‌وسیله‌ی ۲۱۰ نفر سرباز انگلیسی تحت فرماندهی رابرت کلایو (Robert Clive) اشغال شده بود، سربازان انگلیسی پس از گذشت ۵۳ روز آن‌جا را ترک کردند.

فرانسه، ۱۷۵۱
ولتر (Voltaire) تاریخ دوران لویی چهاردهم را ثبت کرد.

انگلیس، ۱۷۵۱
جان برتون (John Burton) یکی از اطبای انگلیس اظهار داشت تب نفاسی یا تب زایمانی بیش‌تر به‌علت عدم توجه به نظافت و بی‌اعتنایی نسبت به بیمار و مدت طولانی در بسترماندن ایجاد می‌شود.

دانمارک، ۱۷۵۱
کنت یوهان برنستورف (Johann Bernstorff) که سابقاً سفیر دانمارک در آلمان و فرانسه بود، به سمت وزیرخارجه‌ی دانمارک منصوب شد.

آلمان، ۱۷۵۱
یوهان آلبرشت بنگل (Johann Albrecht Bengel) معمار آلمانی پروتستان‌مذهب که جزو فرقه‌ی انجیلی و به تقوا و پارسایی شهرت داشت، جهان را بدرود گفت.

پاریس، ۱۷۵۱
دانشگاه سوربون (Sorbonne) ۱۴ موضوع را برای سیر تکاملی تاریخ طبیعی ژورژ بوفون (Georges Buffon) پیشنهاد کرد. بافون اعلام کرد از هر بحثی که درباره‌ی تکوین و پیدایش زمین باشد، اجتناب و راجع به آن مخالفت خواهد کرد، چون در تضاد با افکار الهیون می‌باشد.

هلند، ۱۷۵۱
در پی مرگ ویلیام چهارم فرمانروا، اورانژ ناسو (Orange Nassau) بیوه‌ی او آن (Anne) به نیابت سلطنت فرزند سه‌ساله‌ی خود به‌نام ویلیام منصوب شد.

انگلیس، ۱۷۵۱
دیوید هیوم (David Hume) فیلسوف انگلیسی، کتابی درباره‌ی اصالت اخلاقی بشر و موضوعات حاصل از آن و عوامل فساد و رفتار و کنش جامعه منتشر کرد.

انگلیس، ۱۷۵۱
توماس گرای (Thomas Gray) شاعر انگلیسی، دیوان شعر خود را موسوم به الجی (Elgy) درباره‌ی حوزه‌ی تحت سلطه‌ی کلیسا تنظیم کرد.

انگلیس، ۱۷۵۱
توبیاس اسمولت (Tobias Smollett) نویسنده‌ی اسکاتلندی، دومین داستان خود را به‌نام پرگرین پیکل (Peregrine Pickle) نوشت. نخستین داستان او در سال ۱۷۴۸ موسوم به رودریک راندوم (Roderick Random) انتشار یافت.

فیلادلفیا، ژوئن ۱۷۵۲
بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) کتاب خود را راجع به تجارب و مطالعات الکتریسیته منتشر نمود. او در این کتاب شرح می‌دهد که با اصطکاک اجسام و مالش آن‌ها به یک‌دیگر روشنایی و نور تولید می‌شود.

پاریس، فوریه ۱۷۵۲
کنگره‌ی پاریس کتاب دایره‌المعارف (انسیکلوپدی) دنیس دیدرو (Denis Diderot) را انتشار داد. نخستین جلد این کتاب در سال گذشته به‌چاپ رسیده بود.

امریکای شمالی، ژوئیه ۱۷۵۲
افراد فرانسوی به پایگاه تجارت انگلیس در پیکاویلانی (Pickawillany) تجاوز کردند. آن‌ها سعی دارند که کنترل تجارت را در دره‌ی رود اوهایو (Ohio) به‌دست آورند.

لوگزامبورگ با فشار اسپانیا تسلیم نیروهای فرانسه شد. (لوگزامبورگ (Luxembourg)، اوت ۱۶۸۴):

سرزمین لوگزامبورگ که در ماه ژوئن به وسیله‌ی نیروهای فرانسوی اشغال شده بود، با فشار اسپانیا قرارداد ترک مخاصمه ۲۰ ساله‌یی در صومعه دومینیکن (Dominican) واقع در استان باواریا امضا کرد.

لویی چهاردهم از این‌که سپاهیان خود را در لوگزامبورگ معطل نگاه دارد ابا می‌کرد و تصمیم گرفت که در جنگ‌های بقیه اروپا شرکت کند، چون نیروهای عثمانی در پشت دروازه‌های وین مستقر شده بودند، از این نظر به سود فرانسه بود که نیروهایش را به سایر نقاط بفرستد. امضاکنندگان پیمان صلح راتیسبون (Ratisbon) همگی از این قرارداد منتفع شدند.

دولت اسپانیا به علّت کوبیدن سپاهیان فرانسه، لئوپولد به خاطر این‌که آرزو داشت جلوی پیشروی ارتش عثمانی را سد کند و لوئی هم به بهانه جنگ خارجی، می‌توانست فشار خود را بر مخالفان داخلی برای ایجاد وحدت تشدید کند.

جیمز دوّم با حیله‌گری جانشین چارلز شد. (لندن، ۱۶۸۵):

پس از سال‌ها سلطنت چارلز هرزه و همیشه عاشق، اینک نوبت جیمز جانشین اوست که با فریب‌کاری خود را شخصی درست‌کار و امین و صرفه‌جو معرفی کند و بدین وسیله حیله و نیرنگ خود را مخفی کند. او از لرد لیوتنانت (Lieutenants) خواست که از ورود نمایندگان حزب ویگ در مجلس عوام جلوگیری کند و تنها نمایندگان حزب توری (محافظه‌کار) را به آنجا راه دهد. او به علّت این‌که حزب کارگر، چارلز دوّم را فرزند نامشروع پدرش می‌دانست و مردم را به شورش علیه او واداشته بود، نامناسب تشخیص داد و مصمّم بود که از ورود آن‌ها به پارلمان جلوگیری کند، در ضمن رهبری این جریان را هم دوک آرجیل (duke Argyll) عهده‌دار بود.

به‌هر حال این امر بالا گرفت و دیوان عالی کشور به ریاست قاضی جفری (Jeffreys) رأی داد که ۳۲۰ نفر از هواخواهان مونماوث (Monmouth) را حلق‌آویز کنند، ۸۴۱ نفر را به بیگاری و بردگی در مزارع کشاورزی بگمارند و عدّه‌ی زیادی هم محکوم به خوردن تازیانه گردیدند.

محاصره‌ی شهر وین در هم شکست. (وین، ۱۲ سپتامبر ۱۶۸۳):

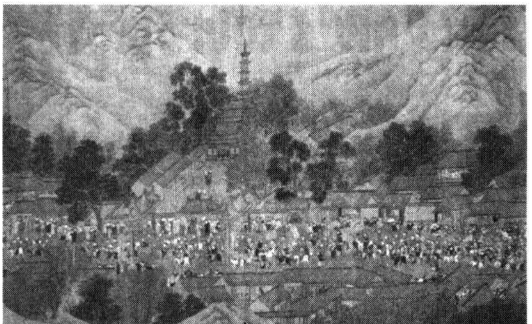
وین آزاد شد. یک سپاه قدرتمند ۷۰ هزار نفری به فرماندهی شارل دوک لورن (duke Lorraine) و یان سوبیسکی (John Sobiesky) پادشاه لهستان، حمله‌ی همه جانبه‌یی بر ضدّ لشگریان ترک که در حومه شهر وین مدّت هشت هفته شهر را به محاصره‌ی خود درآورده‌اند، انجام داد.

شش ماه پیش، قره‌مصطفی (مصطفی سیاه)، وزیر اعظم عثمانی در آدریانوپول (Adrianople)، سپاهیانی مرکب از ۲۰۰ هزارمرد جنگی به نیت کمک به تِکه‌لی (Tekeli) در مجارستان و تسخیر استحکامات گیور (Gyor) و کوماروم (Komarom) مجهّز ساخت. البته هدف اصلی او تصرّف شهر وین بود. در این هنگام، نیروی مخالفی برای جلوگیری و ممانعت از پیشروی او به سوی وین وجود نداشت. محاصره شهر در روز ۱۳ ژوئیه آغاز شد، گرچه یک نیروی ۱۳ هزار نفری از پادگان‌های شهر جهت مقابله با آن‌ها تجهیز شد و با کمک اهالی شهر اقداماتی متقابلاً برای دفاع صورت گرفت، امّا نتوانستند کاری صورت دهند و عدّه‌ی زیادی تلفات دادند.

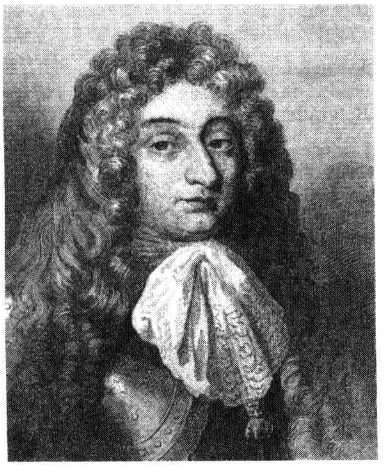
لیکن قره‌مصطفی هم یک اشتباه فاحش انجام داد. او به لشگریان خود اجازه داد به سواحل رود دانوب رفته و ارتفاعات کالنبرگ (Kahlenberg) را اشغال کنند.



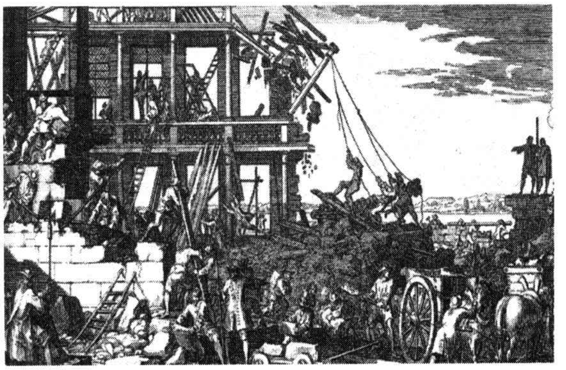
معشوقه ی لویی چهاردهم در موقعیت مناسبی است و حالتی رمانتیک دارد. نقاشی از گاسپر نشر Gasper Netscher.



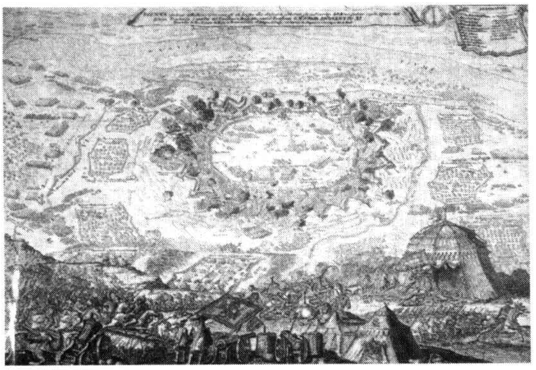
پس از سلطنت چای پنیگ چانChai Ping Chan در سال ۱۶۹۹ امپراتور کانگ زی Kangxi به قدرت رسید و به گردش در اطراف کیانگ هان Kiang Han پرداخت.



دوک لورن Duke Lorraine با سپاهیان خود شهر وین را از وجود قوای عثمانی پاک کرد و ناجی وین نامیده شد.



کاتولیک ها غیرتمندانه کلیسای پروتستان ها را در شهر شارنتون Charenton خراب کردند.



دورنمای صحنه ی سپاهیان عثمانی هنگام محاصره ی شهر وین.

او بدون نیروی پشتیبان توانست حملات سواران مدافع شهر را دفع کند، زیرا سپاهیان اصلی یعنی قوای ینی‌چری در سواحل رود دانوب بودند و او با تعدادی سربازان ناآزموده نمی‌توانست شهر وین را تصرّف کند.

دوک لورن قوای عثمانی را در هم کوبید. (مجارستان، ۱۶۸۵):

ارتش عثمانی که یک‌باره شهر وین را مورد تهدید قرار داده بودند، چون بخش اعظم آن‌ها به حوالی شهرهای مجارستان اعزام شده بودند، به وسیله‌ی لشگریان تحت فرماندهی شارل دوک لورن و گروه‌های سلطنتی، ضربات مرگباری را متحمّل شدند.

نیروهای عثمانی در سال ۱۶۸۳ با فرصتی که به دست آورده بودند، به وین یورش بردند، لیکن حملات آن‌ها دفع شد و نیروهای ترک دچار خسارات سنگینی شدند. پیمان مقدّس که متشکل از حکومت‌های ونیز، لهستان، مالت (Malta)، توسکانی (Tuscany) و نیروهای ویژه پاپ بودند، اکنون به حملات متقابلی علیه ارتش عثمانی در سراسر مجارستان اقدام کردند.

در آن هنگام، این حملات آن قدر مؤثر نبود که آن‌ها را به عقب‌نشینی وادار نماید، امّا اکنون همه‌ی مردم و ارکان دولت عثمانی روحیه‌ی خود را از دست داده‌اند، اشراف و مالکان هم به فقر دچار و زمین‌های کشاورزی به حالت بایر درآمده و مالکان قادر به آباد کردن آن نیستند، حقوق و جیره‌ی سربازان پرداخت نشده و اغلب پابرهنه می‌باشند، در این صورت توقع رشادت و جنگاوری از آنان بی‌مورد است.

پسر امپراتور به پادشاهی مجارستان رسید. (بوداپست، نهم دسامبر ۱۶۸۷):

امپراتوری عثمانی در جنگ با لئوپولد (Leopold) اوّل، پادشاه هابسبورگ، ضایعات فراوان دید، زیرا در آن جنگ که چهار سال پیش رخ داد، لئوپولد جسارت و شجاعت زیادی به خرج داد و توانست سراسر فلات مجارستان و ترانسیلوانی (Transylvania) را تصرّف کند، امّا پس از این فتوحات از سلطنت کناره گرفت. امروز ژوزف، پسر وی، به‌عنوان امپراتور هابسبورگ به جانشینی پدر تاج‌گذاری کرد، در حالی‌که مجارستان، اتریش را هم به مستملکات وی افزود. او علی‌رغم مخالفت و تمایل مجارها، این سرزمین را که پدرش از قید عثمانی نجات داده بود، جزو قلمرو خود محسوب داشت.

لئوپولد چون وین را در مخاطره دید، به ناچار به مجارستان حمله کرد تا عثمانی‌ها را از تصرّف آن شهر منصرف کند، او به‌هر ترتیب قصد داشت که نیروی عثمانی را در اروپا تضعیف کند. او از راه مذاکرات سیاسی با لوئی چهاردهم، پیمان ترک مخاصمه امضا کرد که نیروهای نظامی خود را در جنگ با عثمانی متمرکز کند و از سویی با لهستان و ونیز پیمان همکاری نظامی منعقد کرد.

نویسنده‌ی ژاپنی در کتاب خود به شرح داستان‌های هولناک می‌پردازد. (ژاپن، ۱۶۸۶):

یکی از استادان و شعرای ژاپنی به نام ایهارا سایکاکو (Ihara Saikaku)، به شرح زندگانی پنج نفر از زنان ژاپنی می‌پردازد که از فرط استیصال به خودفروشی می‌پردازند.

این داستان غم‌انگیز آخرین نوشته‌ی ایهارا نیست، زیرا در این حکایت، از افرادی صحبت می‌کند که در کمال آسایش به سر می‌برند و زندگی افراد بیچاره را به مسخره می‌گیرند و آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهند. ایهارا سایکاکو در کتاب خود اشعاری سروده و به‌نظر می‌رسد که در فنون شعری تبحّر ندارد. اکنون این نویسنده‌ی ژاپنی به سمت ریاست انجمن ادبی ژاپن منصوب شده است.

مامایی که مخفیانه به زایمان زنان کمک می‌کرد، زندانی شد. (لندن، ۱۶۸۷):

هندوستان، ژوئیه ۱۷۵۲
نیروهای انگلیسی به فرماندهی رابرت کلایو (Robert Clive) به تریچینوپولی (Trichinopoly) یورش بردند و به قشون فرانسه تحت رهبری بوسی (Bussy) فشار آوردند که منطقه‌ی اورنگ‌آباد را تخلیه کند.

هندوستان، ۱۷۵۲
احمدشاه درانی فرماندار افغانستان پس از چهارماه محاصره، شهر لاهور (Lahore) را تصرف کرد.

سودان، ۱۷۵۲
ابوالقاسم سلطان دارفور (Darfur) در حین جنگ با سربازان ژنرال ابوخلیق فرمانده‌ی ارتش سلطان کوردوفان (Kordofan)، به‌قتل رسید. دارفور از سال ۱۶۳۰ به پادشاهی سلطان‌نشین بورنو (Bornu) در اطراف دریاچه‌ی چاد (Lake Chad) در غرب کوردوفان نزدیک نیل شرقی (Nile) رسیده بود.

افریقای جنوب‌شرقی، ۱۷۵۲
پرتغالی‌های ساکن ساحل جنوب شرقی افریقا در جزیره‌ی موزامبیک (Mozabique)، زامبزی پرازوس (Zambezi Prazos) و سوفالا (Sofala) به تابعیت فرماندار موزامبیک درآمدند. آن‌ها مدت‌های مدیدی در تابعیت مستعمره‌نشین گوآ (Goa) در هندوستان بودند.

بریتانیا، ۱۷۵۲
انگلیس تقویم گریگوری (Gregory) را پذیرفت. در این تقویم ۱۱ روز بین دوم تا ۱۴ سپتامبر حذف شده است.

اتریش، ژانویه ۱۷۵۳
کنت انتون کونیتز (Count Anton Kaunitz) سفیر سابق اتریش در فرانسه، به سمت صدراعظم ماری ترز امپراتریس منصوب گردید.

لندن، ژوئن ۱۷۵۳
کنفرانسی با هدف پایان‌دادن به جنگ‌های انگلیس و فرانسه در هندوستان تشکیل شد.

پاریس، ۲۵ اوت ۱۷۵۳
ژورژ بوفون (Georges Buffon) طبیعی‌دان فرانسوی، عضو آکادمی علوم فرانسه شد.

امریکای شمالی، ۱۲ دسامبر ۱۷۵۳
جورج واشینگتون (George Washington) یاور و رهایی‌دهنده‌ی ویرجینیا که چندین‌بار به نیروهای فرانسه اخطار کرده بود، برای آخرین‌بار به آن‌ها اعلام کرد که دژ بوف (Boeuf) در جنوب دریاچه‌ی اری (Lake Erie) را تخلیه کنند، چون بریتانیا ادعای مالکیت تمام سرزمین‌های دره‌ی رود اوهایو (Ohio) را دارد.

انگلیس، ۱۷۵۳
خانه‌ی مسکونی جان‌کی (Jaohn Kay) که در سال ۱۷۳۳ گلوله‌ی پرنده را اختراع کرده بود، به‌وسیله‌ی شورشیان ویران شد.

انگلیس، ۱۷۵۳
ساموئل ریچاردسون (Samuel Richardson) سومین کتاب داستانی خود را منتشر کرد. او در این کتاب سر چارلز گراندیسون (Sir Charles Grandison) را به‌عنوان یک چهره و شخصیت محبوب معرفی کرده است.

لندن، ۱۷۵۳
بریتیش میوزیوم (موزه‌ی انگلیس) گشایش یافت.

بریتانیا، ششم مارس ۱۷۵۴
با مرگ هنری بلهام (Henry Belham)، برادرش توماس (Thomas) دوک نیوکاسل (duke of Newcastle) به‌عنوان نخست‌وزیر جانشین وی گشت. آن‌ها در ماه نوامبر سال گذشته به‌عنوان رؤسای گروه آشتی‌دهنده، یک حزب سیاسی موسوم به بنیاد بزرگ تشکیل دادند.

امریکای شمالی، ۱۷ آوریل ۱۷۵۴
مقر نیروهای انگلیسی در بندر فورک آلینی (fork Allegheny) در ناحیه‌ی رود مونونگالا (Monongahela) و دره‌ی رود اوهایو توسط قشون فرانسه تسخیر شد. افراد نظامی تحت فرماندهی جورج واشینگتون اسکله‌ی دیگری به‌وسیله‌ی رابرت دین‌ویدی (Robert Dinwiddie) فرماندار ویرجینیا بنا کردند تا به کمک نیروهای محاصره‌شده بشتابند.

نیویورک، ژوئیه ۱۷۵۴
در کنگره‌یی که در شهر آلبانی (Albany) از ۱۳ مستعمره‌نشین انگلیسی تشکیل شد، بنیامین فرانکلین به نمایندگی از سوی آن‌ها یک کمیته‌ی دفاعی جنگی در مقابل فرانسه و سرخ‌پوستان تشکیل داد.

الیزابت سلیر (Elizabeth Cellier)، مامای کاتولیک انگلیسی که در ماه ژوئن از اتّهام توطئه به جان پادشاه تبرئه شده بود (این توطئه به نام میل تاب (Meal Tub) یا غذای سمّی موسوم است)، به علّت انتقاد از شاه بار دیگر به زندان نیوگیت (Newgate) منتقل شد. بسیاری از مردم بر این باورند که او در توطئه برای قتل شاه شرکت دارد، لیکن شاهدی برای این اظهارات خود ندارند و تنها وی را به جرم کاتولیک بودن، دشمن شاه محسوب می‌کنند.

خانم سلیر یکی از پیشگامان مامایی است و به زنان زیادی در امر زایمان کمک کرده و در این امر مهارت دارد. در ضمن وی اوّلین زنی است که در زندان نیوگیت محبوس می‌شود، این طور شایع شده که این خانم با کمک عدّه‌یی قصد داشتند که جیمز شاه انگلیس را از رسیدن به سلطنت مانع شوند و در توطئه‌ی (غذای سمّی) میل تاب دست داشته است.

دانشمندی که از نیروی جاذبه جهان خلفت بحث می‌کند. (لندن، ۱۶۸۷):

دو سال سخت و طولانی از زمانی‌که ایساک نیوتون (Isaac Newton)، دانشمند علوم ریاضی و فیزیک که در تلاش نوشتن کتابی جدید درباره‌ی جاذبه‌ی زمین است، می‌گذرد. این کتاب که یک شاهکار بزرگ در زمینه‌ی علوم می‌باشد، تعجب همگان را برانگیخته و گام مهمّی در راه فهم انسان درباره‌ی کائنات می‌باشد. این کتاب با علم ریاضی، فلسفه‌ی طبیعت را بیان می‌کند و شامل سه بخش است. بخش اوّل آن اختصاص به شرح کرات سماوی دارد که به دور خورشید در یک مدار مخصوص در حال گردشند و جرم متوسطی دارند. بخش دوّم شامل اجرام آسمانی است که گرچه جرم آن‌ها متوسط است، لیکن شبیه مایعات است. بالاخره، بخش سوّم کراتی را شامل می‌شود که دانشمندان نجوم فرضیه‌های مختلفی درباره‌ی آن‌ها وضع کرده، امّا چون به اصل آن‌ها پی نبرده‌اند، نمی‌توان از وضعیت و چگونگی آن‌ها آگاهی پیدا کرد و این

مشکلی درباره‌ی شناخت ستارگان است، زیرا از مواد تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها اطلاعی در دست نیست.

اساس و پایه‌ی فرضیه نیوتون بر روی قانون جاذبه قرار دارد که این جاذبه بنیان کائنات را تشکیل می‌دهد. نیوتون بر روی قانون جاذبه تأکید و سعی دارد که دانشمندان را متقاعد کند که این فرضیه تمام کائنات را دربرمی‌گیرد.

نیوتون به‌طور صریح بر این امر تأکید دارد که تمام کائنات بر پایه‌ی این سه فرضیه قرار دارد و نیرو و حرکت هم از قوه جاذبه ناشی می‌شود و اگر این نیروی جاذبه وجود نداشت، کائنات از هم پاشیده می‌شد.

قانون جبری تمام اجسام موجود در کائنات را در وضع طبیعی و به حال تعادل درآورده و این نیروی جاذبه است که فعالیت و جنبش در اجسام به‌وجود می‌آورد و طبق بند دوّم کتاب نیوتون، نیروی جاذبه باعث می‌شود که تمام اجرام سماوی به حالت جنبش دائمی درآیند و مستقیماً به حرکت در خط افق ادامه دهند.

برطبق قانون سوّم، هر عملی که در طبیعت انجام شود، مساوی و به همان اندازه واکنش در پی دارد. به‌هر حال فرضیه‌ی موجود و وجوب نیروی جاذبه، در تمام آنچه که به چشم و تصوّر می‌آید، صادق است وبه عبارت دیگر این نیروی جاذبه و کشش موجب قوام کائنات و برپایی تعادل است و در غیر این صورت نظم کائنات بر هم می‌ریخت. در نظم کیهانی به عقیده‌ی نیوتون هر ذره از ستارگان و اجرام آسمانی همانند جرم یک پر می‌تواند در فضا معلق بماند، لیکن این نیروی جاذبه است که این ذرات ریز را با هم الصاق و متّصل می‌نماید تا از آن کره‌یی با جرم بی‌اندازه تشکیل شود.

این قوه جذب و کشش، باعث تعادل و به هم پیوستگی ذرات شده و از آن توده‌های عظیم به‌وجود می‌آید، در حالی‌که فواصلی هم بین تمام این ذرات وجود دارد و هر ذره هم استقلال خود را حفظ می‌کند و با ذره‌ی دیگر در حالی‌که تماس دارد، لیکن به هم کاملاً متّصل نیستند. قانون و اصل لاتغییر نیروی جاذبه در کائنات دارای احساس و قوه‌ی تمیز و شعور است و این اصل در تمام ذرات کائنات جاری و ساری است و اتّحاد و همبستگی را در کره‌ی زمین و سایر اجرام آسمانی به نحو بارز و آشکار هویدا می‌سازد.

قانون برده‌داری به دولت فرانسه در کشت نیشکر کمک می‌نماید. (فرانسه، ۱۶۸۵):

سیستم برده‌داری فرانسه کارگران مورد لزوم برای کشت و برداشت نیشکر و تولید ثروت را برای کشور به‌وجود آورده و این فرصت را ایجاد کرده که بردگان را به این کار شاق و طاقت‌فرسا در هوای گرم دنیای جدید وادار نماید. به گفته‌ی دست‌اندرکاران، این طرح از هر نظر جنبه‌ی انسانی دارد، نخست آن‌که برای کارگران غذای کافی در زمان مناسب تهیه می کند و محصول به دست آمده ثروتی محسوب می‌شود، لیکن شرایط کار به گونه‌یی است که باید با کارگران بی‌رحمانه و ظالمانه رفتار کرد و آن‌ها را به اجبار به کار گماشت.

پروتستان‌ها محتاطانه شاه کاتولیک را به آزادی مذهب وادار می‌کنند. (لندن، ۱۴ آوریل ۱۶۸۷):

ظاهراً روابط آشتی‌جویانه و مسالمت‌آمیزی بین جیمز دوّم پادشاه انگلیس و مردم برقرار می‌شود. جهت اثبات این امر، امروز شاه اعلام داشت که مرتکبان تمام جرایم بخشوده شدند و متهمان مذهبی هم آزاده شده و مورد بخشش واقع شدند. کسانی که به جرم ارتداد و بی‌دینی زندانی شده‌اند هم آزاد خواهند شد. لیکن هنوز جیمز پای‌بند و معتقد به مذهب کاتولیک است و جلساتی با دوستان صمیمی کاتولیک خود تشکیل می‌دهد. فرماندهان نیروی زمینی و دریایی انگلیس هم پیرو کلیسای کاتولیک می‌باشند و به دانشگاه‌ها هم فشار می‌آورند. حتا آن‌ها شخص لرد هالیفاکس (Lord Halifax) سلطنت‌طلب را دشمن می‌شمارند، و به او گفته‌اند شما شخص بسیار مهمّی هستید، لیکن

امریکای شمالی، سوم ژوئیه ۱۷۵٤
نیروهای انگیسی به رهبری جورج واشنگتن توسط سپاهیان فرانسوی نزدیک فورت نسه‌زیتی (Fort Necessity) در بندر و دره‌ی رود اوهایو به شکست دچار شدند.
اسپانیا، ۱۷۵٤
دولت اسپانیا با پاپ بندیکت (Benedict) چهاردهم پیمانی امضا کردند که از این پس کلیساهای اسپانیا مستقل شده و از کلیسای رم منتزع شوند و از نظر انجام امور مذهبی تحت فرمان دولت اسپانیا قرار گیرند.
انگلیس، ۱۷۵٤
انجمنی جهت تشویق هنرهای دستی و تجاری (انجمن هنرهای سلطنتی) تأسیس شد.
هندوستان، ۱۷۵٤
ژوزف دوپلکس (Joseph Dupleix)، فرماندار کل سرزمین‌های متعلق به فرانسه در هندوستان که از سال ۱۷۴۱ در این مقام بود، پس از ایجاد یک مستعمره‌ی باشکوه و درخشان، به فرانسه احضار شد. با رفتن او، مقام و موقعیت ازدست‌رفته‌ی بریتانیا در هندوستان برگشت.
انگلیس، ۱۷۵٤
هنری فیلدینگ (Henry Fielding) داستانسرای انگلیسی از جهان رفت. بزرگ‌ترین اثر به‌جای‌مانده از وی داستان قهرمانی تام جونز (Tom Jones) می‌باشد که در سال ۱۷۴۹ آن را نوشت. فیلدینگ با نوشتن نمایش‌نامه به‌سرعت ترقی کرد، اما با ظهور نمایش پاملا (Pamela) توسط ساموئل ریچاردسون، وی به پیروی از احساسات و عواطف خود جهت سرگرمی به نگارش کتاب پرداخت. او با نوشتن سرگذشت جوزف آندریو (Joseph Andrews) و هم‌چنین دوست خودش مستر آبراهام آدامز (Abraham Adams)، مقام اول را در داستان‌نویسی احراز کرد.
اسکاتلند، ۱۷۵٤
دیوید هیوم (David Hume) فیلسوف اسکاتلندی، شروع به نگارش اثر به‌یادماندنی تاریخ انگلستان نمود.
فرانسه، ۱۷۵٤
ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau) کتابی درباره‌ی ریشه‌یابی بی‌عدالتی‌ها و ستمگری‌های نوع بشر، منتشر کرد.
فرانسه، ۱۷۵٤
پی‌یر لویی مورو دو ماپرتویی (Pierre Louis Moreau de Maupertuis) دانشمند و ریاضی‌دان فرانسوی، برای نخستین‌بار به نگارش سیر تکاملی افکار فلسفی و حالات گوناگون آن پرداخت.
مسکو، ۱۲ ژانویه ۱۷۵۵
نخستین دانشگاه مسکو گشایش یافت. میخائیل لومونوسف (Mikhail Lomonosov) بزرگ‌ترین دانشمند روس، رل مهمی در برپایی این دانشگاه برعهده داشت.
پاریس، دهم فوریه ۱۷۵۵
بارون دومونتسکیو (Baron de Montesquieu) فیلسوف فرانسوی، دیده از جهان فروبست. اولین اثر بزرگ ادبی وی نگارش نامه‌های پرسان (Persanes) بود که کمینه‌های فرانسوی را مورد استهزا قرار می‌داد و در سال ۱۷۲۱ انتشار یافت. بزرگ‌ترین اثر وی کتاب روح‌القوانین است که شامل ۲۲ فصل و در مدت دو سال تحریر شد و در سال ۱۷۴۸ پس از اثر اول او به جامعه عرضه شد.
انگلیس، ۱۵ آوریل ۱۷۵۵
ساموئل جانسون (Samuel Johnson) کتاب لغت خود را به زبان انگلیسی منتشر کرد. برای تألیف این لغت‌نامه مدت هشت سال وقت صرف شد و از بهترین لغت‌دانان استفاده گردید. وی هر کلمه را به عالی‌ترین وجه توصیف کرده و معانی مختلف آن را شرح داده است، بدون این‌که آن را ریشه‌یابی و کاربرد تاریخی آن را بیان کند. جانسون در حالی‌که تمام لغات زبان را در این کتاب توصیف کرده، کلمات مصطلح زمان شکسپیر (Shakespeare)، بیکن (Bacon) و اسپنسر (Spenser) را نیز معنی کرده و به‌روز درآورده است.
فرانسه، ۲۶ مه ۱۷۵۵
لویی ماندرن (Louis Mandrin) یاغی و راهزن فرانسوی را در شهر گرنوبل (Grenoble) اعدام کردند.
بریتانیا، هشتم ژوئیه ۱۷۵۵
با درگیری‌هایی شدید و سخت در سرزمین‌های امریکای شمالی و منازعات دایمی در آن مناطق، انگلیس روابط سیاسی خود را با فرانسه قطع کرد.

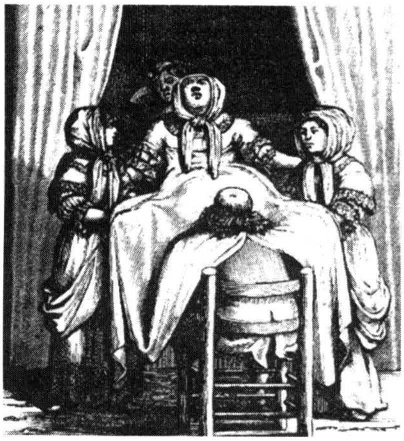
می‌توانید از این پس بهتر هم باشید و به او اخطار کرده‌اند که دیگر از پروتستان‌ها حمایت نکند.

شاعران فرانسوی در برخورد با طرفداران هنر مدرن (پاریس، ۲۷ ژانویه ۱۶۸۷):

اعضای آکادمی فرانسه به نبردهای لفظی و مشاجره بین هم پرداختند که باعث درگیری‌هایی شد. امروز زمانی‌که شارل پرول (Charles Perrault) مشغول خواندن اشعار سروده‌ی خود درباره‌ی مدح دوران لویی چهاردهم بود، ادعا کرد که ادبیات زمان حاضر بر ادب زمان آگوستوس (Augustus) و پریکلس (Pericles) رجحان دارد، او همچنان به بحث خود ادامه داد، که ادب کنونی بر کلاسیک هم برتری دارد و دارای ویژگی‌هایی است که ادبیات کلاسیک فاقد آن بوده است. در این هنگام، نیکلاس بویو (Nicholas Boileau) منتقد و داور شعر و ادب فرانسوی، با او به مقابله برخاست و اظهار داشت سبک فعلی هم از شیوه‌ی باستانی پیروی می‌کند و افراد هواخواه مدرنیسم همان پیروان ادب باستانی هستند.

ایالات آلمانی از شیوه‌ی سیاست فرانسه در وحشت و نگرانی به سر می‌برند و به واکنش می‌پردازند (پاریس، مه ۱۶۸۹):

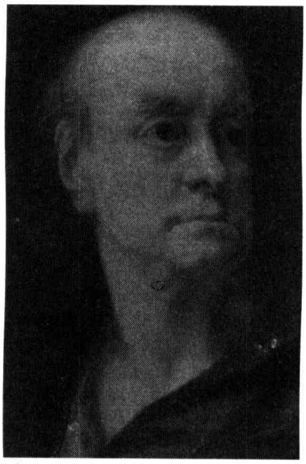
برای مقابله با تجاوزات لویی چهاردهم، یک پیمان همکاری بزرگ بین ایالات آلمانی‌نشین تشکیل شد. در اثر شرارت نیروهای نظامی شاه خورشیدصفت، آشفتگی و هرج و مرج در سراسر اروپا گسترده شده است. سربازان فرانسوی برای تضعیف روحیه‌ی مردم و تسلیم آن‌ها برای واگذاری شهرها، خانه‌های مردم را به آتش می‌کشند، امّا عرق میهن‌پرستی در آلمانی‌ها برعلیه دولت فرانسه تحریک شده. لوئی برای این‌که خواهرزاده‌ی خود را به حکومت دوک‌نشین‌های آلمانی برساند، این جنگ‌های محدود را آغاز کرد که به منویات او تن در دهند، وی برای این کار با شاهزاده فورشتن‌برگ (Furstenberg) و سراسقف ناحیه کلن



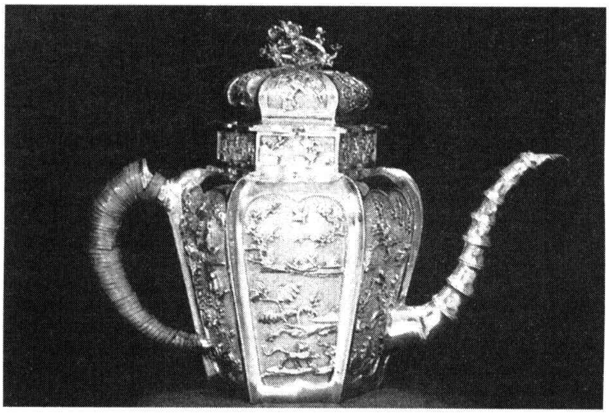
یک مامای با تجربه در حال کار برسر بالین زائو.



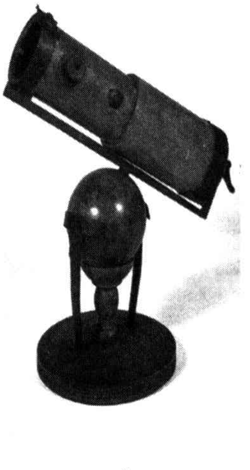
یکی از تابلوهایی که به وسیله ی کیتائو ماسانوبو Kitao Masanabu با رنگ و روغن ترسیم کرده یوشی وارای Voshiwara زیبا را نشان می دهد.



ایساک نیوتونIsaac Newton. نقاشی از آنتونیو ورریو Antonio Verrio.



یک قوری لوله دار ساخت چین که ازچوب خیزران ساخته شده و با فلز نقره پوشانده شده. این ظرف که به ندرت در چین مصرف می شود، جهت بازارهای اروپا تهیه شده است.



تلسکوپ نیوتون که با آن ستاره ها را رصد می کرد.



میکروسکوپ اولیه، ساخت کریستوفر کوکChristopher Cock.



شارل پرول عقیده دارد که نوآوری در هنر بهترین کار است.

امریکای شمالی، ژوئیه ۱۷۵۵
جورج واشنگتن (George Washington) پس از شکست در نبرد وایلدرنس (Wilderness) نزدیک دژ دوکوسن (Fort Duquesne) (پیتزبورگ (Pittsburgh)) در مقابل قوای فرانسه، خود فرماندهی نیروهای انگلیسی را عهده‌دار شد. ادوارد براد دوک (Edward Braddock) فرمانده قبلی در حین جنگ زخمی شده و از دنیا رفته بود.
امریکای شمالی، هشتم سپتامبر ۱۷۵۵
قوای انگلیسی تحت فرماندهی ویلیام جانسون (William Johnson)، سپاهیان مشترک فرانسوی و سرخ‌پوستان را در جنگ اطراف دریاچه‌ی جورج مغلوب کردند.
کانادا، ۲۴ اکتبر ۱۷۵۵
لشگریان انگلیسی نیروهای فرانسوی را در دژ نیاگارا (Niagara) به شکست قطعی وادار کردند.
لیسبون، نوامبر ۱۷۵۵
در زمین‌لرزه‌ی شهر لیسبون بیش از ده‌هزار نفر کشته شدند.
کانادا، نوامبر ۱۷۵۵
ادوارد هاک (Edward Hawk) دریادار انگلیسی، تعداد ۳۰۰ فروند کشتی بازرگانی فرانسوی را به مالکیت خود درآورد.
افریقای جنوبی، ۱۷۵۵
برای اولین‌بار بیماری آبله در کیپ‌تاون (Cape Town) شایع شد. این بیماری توسط دریانوردان به تمام نقاط داخلی افریقای غربی سرایت کرد و تعداد بی‌شماری از دام‌داران و صیادان خویزان (Khoisan) را به دام مرگ کشانید.
جزیره‌ی کورس، ۱۷۵۵
پاسکال پائولی (Pasquale Paoli) میهن‌پرست اهل کرس (Corsica)، فرماندهی شورشیان را علیه زمامداران جنوایی (Genoese) در دست گرفت.
کانادا، ۱۷۵۵
در حدود هفت‌هزار نفر انگلیسی که از سوگندخوردن نسبت به وفاداری تخت و تاج انگلیس امتناع کرده بودند، از آکادیا (Acadia) اخراج شدند. این مردم ساکن نوواسکوتیا (Nova Scotia) و برونزویک (Brunswick) بودند.
امریکای شمالی، ۱۷۵۵
اولین سرویس منظم مسافربری توسط کشتی بین انگلیسی و مهاجرنشینان برقرار شد.
برمه، ۱۷۵۵
آلونگ پایا (Alaungpaya) پادشاه برمه، پایتخت خود را در شهر رانگون (Rangoon) بنیاد نهاد.
لندن، ۱۶ ژانویه ۱۷۵۶
جورج دوم پادشاه انگلیس و فردریک دوم عهدنامه‌ی وست‌مینستر (Westminster) را امضا کردند. این عهدنامه مقرر می‌دارد که در نبردهای توسعه‌طلبی انگلیس و فرانسه در قاره‌ی اروپا بایستی ایالات آلمانی نشین از تعرض قوای دو طرف مصون بماند.
هندوستان، ۲۱ آوریل ۱۷۵۶
علی وردیخان فرمانروای بنگال (Bengal) از دنیا رفت.
امریکای شمالی، ۱۷۵۶
سازمان مسافربری بین فیلادلفیا و نیویورک تأسیس شد. با ۱۸ ساعت سفر در هر روز، این مسافت در سه روز پیموده می‌شود.
امریکای شمالی، ۱۷۵۶
کالج نیوجرسی در شهر نیوآرک پرینستون (Princeton) افتتاح شد.
تونس، ۱۷۵۶
سرزمین تونس (Tunisia) توسط سربازان بیگ (بای (Bey)) الجزایر تصرف شد.
فرانسه، ۱۷۵۶
با انتشار کتاب تاریخ جهانی ولتر (Voltaire)، وی به‌عنوان یکی از بهترین مورخان به اشتهار رسید.
ورسای، اول مه ۱۷۵۶
کونیتز (Kaunitz) نخست‌وزیر اتریش، عهدنامه‌ی همکاری با فرانسه امضا کرد.
مدیترانه، ژوئن ۱۷۵۶
جزیره‌ی مینورکا (Minorca) که در اختیار انگلیس قرار داشت، توسط نیروهای فرانسه اشغال شد.
هندوستان، ژوئن ۱۷۵۶
سراج الدوله (Sirajuddaula) فرمانروای جدید بنگال، کلکته (Calcutta) را تصرف کرد. بسیاری از ساکنان انگلیسی این شهر تسلیم شدند و مابقی را با اجازه‌ی سراج الدوله در سیاه‌چالی مدفون کردند.

(Cologne) دست دوستی داد تا از به قدرت رسیدن ویلیام اورانژ جلوگیری کند و در نتیجه از اخراج جیمز دوّم از سلطنت بریتانیا ممانعت به عمل آورد.

او هم‌چنین اکنون با کمبود پول و خالی شدن خزانه به علّت ساختمان شهرک ورسای و هزینه‌ی سنگین آن مواجه شده و قصد دارد با روی کار آوردن خواهرزاده‌اش از آن جهت بتواند بخشی از هزینه‌های جنگی را جبران کند. این است که اقدام به جنگ‌های کوتاه مدّت کرده است. او با این اقدامات اهانت‌آمیز به ملّت آلمان، از آن‌ها می‌خواهد هرچه زودتر تسلیم شوند. لیکن آلمانی‌ها شجاعانه از سرزمین خود دفاع می‌کنند و ویلیام اورانژ هم با انگلیس دست دوستی داده تا در جبهه علیه فرانسه پایداری کند.

فرمانروایی که بانی اتّحاد پروس بود، از جهان رفت. (کونیگسبرگ (Konigsberg)، پروس، ۱۶۸۸):

فردریک ویلهلم، مرزبان بزرگ براندنبرگ (Brandenberg) که همه او را با عنوان فرمانروای کبیر می‌شناختند، اتّحاد پروس و قدرت را رها کرد و از دنیا چشم پوشید. فردریک در سال ۱۶۴۰، وارث سرزمینی شد که سی سال جنگ، آن را به حالت فقر و بی‌چیزی رسانده بود و او با زیرکی و سیاست ماهرانه‌ی خود، توانست مناطق پومرانیای شرقی را دوباره تسخیر کند و ارتش کشور را که تنها از چند صد نفر مزدور تشکیل می‌شد، به ارتشی با ۳۰ هزار مرد جنگی و کارآزموده تبدیل کند که مورد رشک و حسد همسایگان اروپایی خود واقع شود.

زنی که سابقاً جاسوس بود، اینک یک نمایش‌نامه‌نویس از آب درآمد. (لندن، ۱۶ آوریل ۱۶۸۹):

آفرا بن (Aphra Behn)، نخستین زن نویسنده‌ی انگلیسی، امروز با تشریفات مذهبی در صومعه‌ی وست منیستر دفن شد. او در سورینام (Surinam)، واقع در

آمریکای مرکزی به دنیا آمد و اثر به یاد ماندنی او به نام اورینوکو (Orinooko) می‌باشد که درباره‌ی بردگان هند غربی نوشت و همین کتاب سبب شهرت وی گشت. او در سال ۱۶۶۸، به انگلستان آمد و با یک تاجر هلندی ازدواج کرد که شوهرش پس از مدّت کوتاهی درگذشت. او به قصد جاسوسی برای پادشاه، به هلند رفت و در آنجا به همین جرم دستگیر و زندانی شد، لیکن در زمان بیوگی شروع به کار نویسندگی نمود و چندین داستان نوشت و اشعار بسیاری هم از او باقی است.

مردم انگلیس، پادشاه خود را به تبعید فرستادند، ویلیام اورانژ به سوی لندن رهسپار شد. (لندن، ۲۸ دسامبر ۱۶۸۸):

سپاهی رنگارنگ متشکل از آلمانی‌ها، هوگونوت‌های فرانسوی، سوئد، سویس و لشگریان تازه تجهیزشده‌ی انگلیسی به فرماندهی جان چرچیل (John Churchill) یکی از بزرگ‌ترین ژنرال‌ها، به همراهی ویلیام اورانژ برای برکنار کردن جیمز دوّم و همسرش ماری از پادشاهی به سوی لندن رهسپار شدند. جیمز از ترس از شهر فرار کرد، لرد خزانه‌داری و قاضی جفری را گروهی از مردم در قسمت شرقی لندن دستگیر و در برج لندن زندانی کردند.

جیمز خود مایل به مذهب کاتولیک بود و از بیم مردم اعلامیه‌یی مبنی بر عفو عمومی زندانیان صادر کرد که در کلیساها خوانده شد. لیکن هفت نفر از اسقف‌ها که با وی مخالفت کرده بودند، به دستور او در برج لندن زندانی شدند. هنگامی‌که پسر جیمز و ماری متولّد شد، مردم حتم داشتند که پادشاه پس از جیمز هم کاتولیک خواهد بود. در اثر این افکار مردم انگلیس از بیم آن به ویلیام تأسی جستند.

پادشاه جدید با آزادی‌های اجتماعی موافقت نمود. (لندن، ۲۲ ژانویه ۱۶۸۹):

انقلاب بدون خونریزی انگلیس امروز به اوج خود رسید، چون نمایندگان پارلمان ظاهراً از ویلیام اورانژ و ماری ملکه درخواست کردند که به اتّفاق هم پادشاه شوند.

این دعوت همراه با اعلامیه‌یی شد که در آن ذکر شده بود که تمام حقوق فردی و اجتماعی مردم حفظ خواهد شد و حتا ماری و ویلیام هم از این اعلامیه حمایت کردند و حقوق همه‌ی افراد و شهروندان را به رسمیت شناختند، در ضمن نمایندگان پارلمان قول دادند که لوایح مالیاتی را تحت بررسی قرار دهند و ارتش انگلیس را از وضع فعلی نجات داده و تجهیز کنند.

در اطلاعیه هم‌چنین بر این موضوع تصریح شده بود که لایحه‌یی به پارلمان تقدیم شده که شهروندانی که بر اثر فشار تغییر مذهب داده‌اند، می‌توانند از حقوق حقه‌ی خود برخوردار شوند و از آزادی بهره‌مند خواهند شد.

نمایندگان حزب توری (محافظه‌کار) که در بدو امر تلاش می‌کردند که از برکنار شدن جیمز از سلطنت ممانعت کنند، اکنون با حزب مخالف خود یعنی حزب ویگ (کارگر) ائتلاف کردند تا او را از سلطنت معزول نمایند و دادگاهی برای محاکمه‌ی او تشکیل دهند، لیکن عدّه‌یی از محافظه‌کاران از این‌که نمایندگان کارگر به برکناری جیمز اصرار می‌ورزیدند، نارضی بودند و درخواست می‌کردند که شورای نیابت سلطنت تشکیل شود، عدّه‌ی دیگری در نظر داشتند که ماری را به تنهایی به سلطنت برگزینند. از سویی ویلیام با تعیین نایب‌السلطنه موافق نبود و ماری هم اظهار می‌داشت که بدون شوهرش پادشاهی را قبول نخواهد کرد.

عدّه‌یی هم زمینه را طوری آماده می‌کردند که سلطنت به سلسله پادشاهان استوارت برسد. عدّه‌ی قلیلی هم عقیده داشتند که وی را به زندان بیندازند، لیکن ویلیام اصرار داشت که بایستی با وی با

نیوانگلند، ۱۴ اوت ۱۷۵۶
نیروهای فرانسوی به فرماندهی لویی مون کام دو سن وران (Louis montcalm de st Veran) به مجرد رسیدن به امریکا، بندر اوزوگو (Oswego) را از انگلیس بازستاندند.
آلمان، ۲۹ اوت ۱۷۵۶
فردریک دوم پادشاه پروس به ساکسونی (Saxony) حمله کرد و جنگ جدیدی را در اروپا به راه انداخت. پروس با ائتلاف با انگلیس بر ضد اتریش و فرانسه به محاربه پرداخت.
نیوانگلند، ۳۱ اوت ۱۷۵۶
نیروهای انگلیسی مستقر در دژ ویلیام هنری تسلیم لویی مونکام شدند.
بریتانیا، نوامبر ۱۷۵۶
پس از امضای فرمان نخست‌وزیری دوک نیوکاسل (Newcastle)، ویلیام پیت (William Pitt) هم به سمت وزارت کشور منصوب شد و نخستین اقدام او، جنگ علیه فرانسه بود.
پاریس، پنجم ژانویه ۱۷۵۷
روبر فرانسوا دامین (Robert Francois Damiens)، در تلاش برای قتل لویی پانزدهم ناکام ماند.
هندوستان، ۲۸ ژانویه ۱۷۵۷
احمدشاه اولین پادشاه افغانستان، شهر دهلی را فتح کرد و ناحیه‌ی پنجاب را هم ضمیمه‌ی قلمرو خود ساخت.
اتریش، دوم فوریه ۱۷۵۷
دولت اتریش که قبلاً با فرانسه متحد بود، اکنون یک پیمان دفاعی با روسیه علیه پروس امضا کرد.
هندوستان، ۲۲ ژوئن ۱۷۵۷
رابرت کلایو (Robert Clive) فرمانده سپاهیان کمپانی هند شرقی، پس از بازپس‌گرفتن کلکته، پایگاه نظامی فرانسوی در چاندر ناگور (Chandernagore) را تحت محاصره قرار داد و لشکریان پادشاه بنگال را در پلاسی (Plassey) واقع در ۱۸۰ کیلومتری کلکته در منطقه‌ی هوگلی (Hooghly) مغلوب ساخت.
بوهم، ژوئن ۱۷۵۷
پس از شکست سختی که بر نیروهای بوهم (Bohemia) به‌وسیله‌ی نیروهای اتریشی در منطقه‌ی کولین (Kolin) وارد شد، پروس بر آن دولت فشار آورد که از محاصره‌ی شهر دست بکشد و شهر پراگ را هم تخلیه کند. آنها در اوایل امسال به پراگ هجوم برده بودند.
آلمان، سپتامبر ۱۷۵۷
کشور سوئد که با اتریش، فرانسه و روسیه تشکیل اتحادیه داده بود، به ایالت پومرانیا (Pomerania) حمله کرد.
آلمان، ۱۶ اکتبر ۱۷۵۷
نیروهای اتریشی به شهر برلین رسیدند.
آلمان، پنجم نوامبر ۱۷۵۷
نیروهای ارتش پروس به فرماندهی فردریک دوم سپاهیان مشترک فرانسه ـ اتریش را در ناحیه‌ی روزباخ (Rossbach) مغلوب کردند.
آلمان، ششم دسامبر ۱۷۵۷
سپاهیان پروس در جریان جنگ شکست دیگری در منطقه‌ی لوتن (Leuthen) بر اتریش وارد کردند.
مراکش، ۱۷۵۷
مولای محمد سوم ابن عبدالله که به سلطنت مراکش رسیده، دست به اصلاحاتی درباره‌ی اقتصاد و ارتش زد. ارتش مراکش از سال ۱۷۲۷ به‌دنبال مرگ مولای اسماعیل دستخوش نابسامانی و بی‌نظمی شده بود.
فرانسه، ۱۷۵۷
دنیس دیدرو (Denis Diderot) نمایش درام بورژوا (سرمایه‌داری) را با عنوان «آزمون پرهیزکاری» به روی صحنه آورد.
آلمان، ۲۳ ژوئن ۱۷۵۸
قوای انگلیسی و لشکریان هانوور در ناحیه‌ی کرفلد (Krefeld)، سپاهیان فرانسوی را مغلوب کردند.
نیوانگلند، هشتم ژوئیه ۱۷۵۸
حمله‌ی سربازان انگلیسی بر دژ کاریون (Fort Carillon) در منطقه‌ی تیکون دروگا (Ticonderoga) (در ایالت نیویورک) به‌وسیله‌ی نیروهای فرانسوی دفع شد.

جوانمردی و ترحّم رفتار کرد و با کسی که اینک در نهایت ضعف و ناتوانی است با زور و قُلدری مواجه نشد.

مردم شهر لندن که در واقع نقش کلیدی در کشور دارند، برای رفع گرفتاری‌ها و به سرانجام رساندن وضع، پیشنهاد کردند که به تدریج و آرامی سلطنت از خاندان استوارت به خاندان ویلیام منتقل شود. ویلیام هم از نمایندگان مجلس لردان و مجلس عوام دعوت کرد که برای اتّخاذ تصمیم نهایی قبل از افتتاح پارلمان، کنوانسیونی برای آینده‌ی سیاسی کشور تشکیل دهند و تصمیم نهایی خود را اعلام نمایند.

در امپراتوری عثمانی شایع است که شاهزاده صرب را مسموم کرده‌اند. (رومانی، ۱۶۸۸):

به‌نظر می‌رسد که در توطئه‌یی، شاهزاده کانتاکوزن (Cantacuzene)، پادشاه والاشی (Walachia) (منطقه رومانی Romania) را مسموم نموده‌اند، زیرا او در اثر مرگ ناگهانی و در سن ۴۸ سالگی فوت شد. کانتاکوزن که توسط حکومت عثمانی به حاکمیت رومانی منصوب شده بود، به عزم تسخیر شهر استانبول، اروپا را ترک کرده و عازم بغاز بوسفور (Bosporus) شد تا برعلیه ارباب پیشین خود اقدام کند.

شایعات بسیار سری حکایت از آن دارد که او از پشتیبانی قدرت‌های غربی برخوردار بوده و با روحیه‌یی قوی اقدام به این کار کرده است.

کانتاکوزن در یک خانواده‌ی اشرافی یونانی پرورش یافت و زمانی‌که به قدرت رسید، برای سرزمین والاشی (رومانی) اقدامات مفیدی انجام داد و در پیشرفت کشورش کوشید، بدین مناسبت مردم در مرگ او عزادار شدند.

در ۱۱ سالی که او پدر ملّت بود، محصول ذرت به حدّ کافی رسید، به گونه‌یی که غذای مردم را تأدین می‌کرد. از جمله اصلاحاتی که وی انجام داد، ترویج زبان رومانیایی و تأسیس مدارسی چند در شهر

بوخارست (Bucharest) و چاپ کتاب انجیل به زبان رومانی است.

تزار (Czar) کم سن و سال، خواهر خود را از صومعه‌ی زنان تارک دنیا به نیابت سلطنت رسانید. (روسیه، ۱۶۸۹):

در اثر یک تصادف غیرمترقبه، پتر، پسر ۱۶ ساله به سمت تزار روس منصوب شد و چون از عهده‌ی اداره‌ی کشور برنمی‌آمد، سوفیا (Sophia) خواهر ناتنی خود را که ساکن دیر و تارک دنیا بود، به‌عنوان نایب‌السلطنه انتخاب کرد که در انجام امور کشور وی را یاری دهد، سوفیا به محض رسیدن به قدرت دستور داد، مشاور امور سلطنتی را بازداشت نمایند. گالیتزین (Galitzin) را تبعید کرد و چالیتسکی (Chalitsky) فرمانده گارد حفاظت کاخ را هم به جوخه‌ی اعدام سپرد.

در مدّت هفت سال گذشته، پتر (Peter) همواره ایوان (Ivan) برادر ناتنی خود را در امور سلطنت شریک خود قرار داده بود. وی که خیال داشت به تنهایی به پادشاهی برسد، نقشه‌یی برای این کار طرح کرده بود، امّا سوفیا پیش‌دستی کرد و در خفا توطئه‌یی برای کشتن ایوان ترتیب داد تا خیال خود را از جانب او آسوده سازد، لیکن ایوان پس از آگاهی از این امر، فرار کرد.

اینک پتر پس از برکناری سوفیا، مادر خود را به‌عنوان نایب‌السلطنه انتخاب کرده که تا رسیدن به سن بلوغ، کشور را فعالانه اداره نماید.

اکنون تنها موضوعی که پتر را رنج می‌دهد، آن‌که چگونه با این هیجانات و گرفتاری عصبی دایمی مقابله نماید، زیرا دیگر اطمینان به هیچ کس ندارد.

روسیه و چین در مورد سیبری به توافق رسیدند. (سیبری (Siberia)، هفتم سپتامبر ۱۶۸۹):

دولت روسیه و امپراتوری چین، امروز با امضای موافقت‌نامه مرزی و ایجاد پایگاه مرزی در نرچینسک (Nerchinsk)، به نبردهای سر حدی ۲۰ ساله بین قزاق‌های (Cossacks) روسی و سپاهیان منچو (Manchu) پایان دادند.

ارتش روسیه برای انجام کشفیات خود در این سرزمین ناشناخته، اقداماتی کرده و بسیار علاقه‌مند بود که از این سرزمین زرخیز به ثروت سرشاری دست یابد، لیکن این اقدامات سوءظن دولت چین را برانگیخت و ادعاهای پیشین خود را مبنی بر مالکیت بخشی از این سرزمین تجدید کرد.

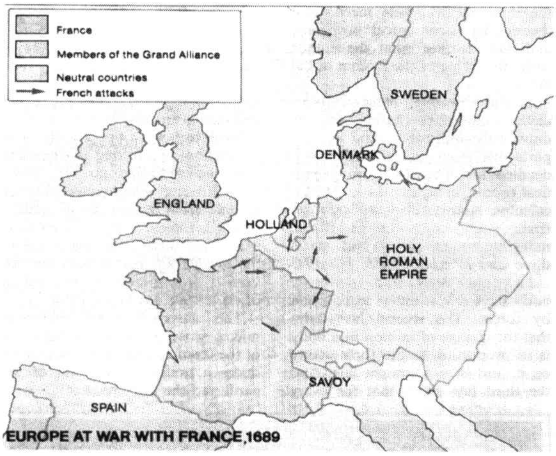
در چهار سال پیش، مرزداران دولت منچو، استحکامات روس‌ها را در منطقه آلبازین (Albazin) واقع در کرانه رود آمور (Amur) را ویران کردند و اکنون روس‌ها با تسخیر مجدد این منطقه، آنجا را بازسازی کردند.

در این حال با امضای قرارداد مرزی بین دو کشور وسیع، روس‌ها ادعای مالکیت مناطق ساحلی گوربیتزا (Gorbitsa) و آرگون (Argun) را توسط چین به رسمیت شناخته‌اند و کرانه‌های شمالی رود آمور را در اختیار آن دولت قرار داده‌اند.

شاه تبعید شده‌ی انگلیس در ایرلند مغلوب شد. (ایرلند، ۱۶۹۰):

ویلیام به‌عنوان پادشاه انگلیس، تصمیم گرفت با همکاری ایرلند، فرانسه و هواداران ژاکوبیت‌های (Jacobites) (فرقه‌ی دومی‌نیکن) انگلیسی، بر جیمز دوّم فائق شود. هنگامی که ویلیام با طرفدارانش به عزم سرکوبی قوای جیمز شتافت تنها عدّه‌ی کمی از مدافعان او در پشت رودخانه بوین (Boyne) یک سد دفاعی تشکیل داده بودند که در فاصله شهرهای بلفاست (Belfast) و دوبلین (Dublin) قرار داشت.

ویلیام در روز اوّل ژوئیه با نیروهای متّحد آلمانی، دانمارکی، هلندی، هوگونوت‌های فرانسوی و فنلاندی، اقدام به حمله علیه سپاه جیمز کرد و قشون انگلیسی را که فعالیتی نداشتند به کار نگرفت، چون از آن‌ها



اروپا در جنگ با فرانسه سال ۱۶۸۹



ویلیام اورانژ و ملکه ماری، لایحه ی حقوق اجتماعی افراد را مورد تصویب قرار دادند.



جیمز دوم پس از شکست از پارلمان، با کشتی در رود تیمز از لندن فرار می کند.



امپراتور جدید روسیه تزار پیتر که به ماورای سرزمین روسیه دست یافت.

بیمناک بود و فکر می‌کرد که ممکن است علیه او به مخالفت برخاسته و به کمک جیمز بشتابند. امّا تلاش‌های او سرانجام دست به دست هم داده و توانست با همکاری ایرلندی‌ها و فرانسویان و ژاکوبیت‌ها قوای نظامی جیمز را به شکست وادار سازد.

در این نبرد، جیمز ۱۶۰۰ نفر از نیروهای خود را اعم از کشته، زخمی و اسیر از دست داد، در حالی‌که ویلیام یک سوّم این عدّه تلفات داشت.

این فتح نمایان در ساحل رود بوین نتیجه‌ی فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر نیروهای نظامی ژنرال جان چرچیل بود که تمام سرزمین‌های جنوب غرب ایرلند را تحت کنترل انگلیس درآورده است، او با تجهیز نیروی دریایی نبردی را در مناطق کورک (Cork) و کینسیل (Kinsale) از دریا علیه نیروهای جیمز آغاز کرده بود.

امکان حیات در سایر ستارگان آسمانی وجود دارد. (هلند، ۱۶۹۰):

چند سال پیش، دانشمند هلندی کریستیان هویگنس (Christiaan Huygens)، نظریات خود را درباره‌ی اصل انتشار نور به‌صورت موج، در رساله‌یی به نام «نور» منتشر ساخت. اکنون وی فرضیه‌ی فلسفی خود را در موضوع امکان حیات و زیست در کرات دیگر آسمانی انتشار داده است. او با این نظریه که زمین مرکز ستارگان است و خورشید به دور آن در چرخش است را رد کرده و می‌گوید، چگونه است که ادعا می‌کنیم تنها زمین قدرت زیستی دارد و سایر کرات از این موهبت بی‌بهره هستند و چطور این امتیاز تنها نصیب کره‌ی زمین گشته است.

هویگنس اظهار می‌دارد که این فرضیه بی‌مورد است و موجوداتی در کرات دیگر آسمانی زندگی می‌کنند که شباهت به انسان‌ها دارند و از حیث هوش و ذکاوت و سایر احساسات حتا برتر از ما هستند و ما از آن موجودات هوشمند کمترین آگاهی نداریم.

هویگنس می‌گوید امکان دارد که در سایر کرات آسمانی موجوداتی شبیه انسان و حیوانات و گیاهان شبیه زمین وجود داشته باشند. او می‌گوید شاید موجودات ساکن ستارگان شبیه ما باشند و یا اختلافات کلّی با ما داشته باشند.

تأسیس بانک در انگلیس (لندن، ۱۶۹۴):

دولت انگلیس که با جنگ‌های مداوم و گاهی منقطع با فرانسه درگیر بود و بایستی هزینه‌های سرسام‌آور آن را تحمّل می‌کرد، در نتیجه خزانه دولت خالی می‌شد. از این رو، ویلیام سوّم با فکر نو و بدیعی به مقابله با آن برخاست و آن این‌که با تأسیس بانک جهت دریافت پس‌انداز مردم، دولت را از مضیقه‌ی مالی رهایی بخشید، بدین معنی برای مخارج ضروری از بانک درخواست وام می‌کرد و در مواقعی که دست دولت بازتر می‌شد، آن را تأدیه می‌نمود. گرچه ویلیام از اعتبار عمومی بهره‌مند بود، لیکن این پیشهاد لرد هالیفاکس به وی کمک کرد که اقدام خود را عملی سازد و این کار سبب توسعه‌ی امور اقتصاد کشور گردید. اشراف و ثروتمندان شهرها با تشکیل انجمن‌هایی تعهد کردند که مبالغی به بانک انگلیس بپردازند و سرمایه بانک با اخذ هشت درصد مالیات از آبجو و سایر محصولات تجاری بسیار بالا رفت.

در گذشته، بخش اعظم وام‌دهندگان، زرگرها و طلافروشان بودند که از این راه سود سرشاری عایدشان می‌شد و این امر موجب حرص و آز سایرین می‌شد و دشمنی آن‌ها را برمی‌انگیخت. در نتیجه آن‌ها نه تنها از تأسیس بانک خوشحال نشدند، بلکه مخالف این کار بودند و به همین ترتیب اسقف‌های عضو مجلس لردان هم از این امر ناراضی بودند. با فشار دولت بر ثروتمندان و درخواست از آن‌ها که تا حدّ امکان به سرمایه بانک کمک کنند، سرانجام سرمایه بانک به مبلغ یک میلیون و ۲۰ هزار پوند رسید که البته بانک نمی‌توانست تمام این مبلغ را در اختیار دولت قرار دهد، چون در این صورت دیگر پولی برای بانک باقی نمی‌ماند. پس از

کانادا، ۲۶ ژوئیه ۱۷۵۸
نیروهای انگلیسی به فرماندهی جیمز ولف (James Wolfe)، قلعه‌ی لوئیزبورگ (Fort Louisbourg) در دماغه‌ی جزیره‌ی برتون (Breton) را از فرانسوی‌ها بازستاندند. این قلعه در سال ۱۷۵۴ توسط قوای انگلیس تصرف شده بود، لیکن در سه سال پیش فرانسه آن را از قوای انگلیس طبق معاهده‌ی اکس‌لاشاپل (Aix-la-Chapelle) پس گرفته بود.
آلمان، ۲۵ اوت ۱۷۵۸
پروسی‌ها با حمله به قوای روسیه در نبرد زورن دورف (Zorndorf)، آنها را مغلوب کردند.
پرتغال، سپتامبر ۱۷۵۸
نقشه‌ی گروه اشراف علیه پادشاه و پومبال (Pombal) که به توطئه‌ی تاوورا (Tavora) معروف بود، کشف شد و سران توطئه به شکنجه و مرگ گرفتار شدند.
امریکای شمالی، ۲۵ نوامبر ۱۷۵۸
پس از سقوط لوئیزبورگ و دژ فرونتناک (Fort Frontenac) به‌دست سربازان انگلیسی، آنها به لشکریان فرانسه فشار آوردند که دژ دوکوزنه (Fort Duquesne) (پتیسبورگ (Pittsburgh)) که انگلیسی‌ها به آن دژ پیت (Fort Pitt) می‌گفتند را هم تخلیه کنند.
سنگال، دسامبر ۱۷۵۸
در حالی‌که قوای فرانسه شهر سن‌لویی را در ماه آوریل تسخیر کرده بود، انگلیس هم جزیره‌ی گوری (Goree) را به اشغال خود درآورد.
هندوستان، ۱۷۵۸
راگونات رائو (Raghunath Rao) رهبر ماراتا (Maratha)، شهر لاهور (Lahore) را متصرف شد.
فرانسه، ۱۷۵۸
ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau) مقاله‌یی به‌نام «نامه‌یی به آلمبر (Alembert)» به‌نگارش درآورد.
پاریس، ۱۷۵۸
کلود هلوسیوس (Claude Helvetius) فیلسوف و سیاستمدار نظامی که مشهور به الحاد و انکار وجود خداوند بود، طبق سیاست و روش دانشگاه سوربن و برحسب دستور پارلمان پاریس در آتش سوزانده شد.
هندوستان، ۱۷۵۹
احمدشاه درانی پادشاه افغانستان برای بار دوم به هند حمله‌ور شد.
انگلیس، ۱۷۵۹
ساموئل جانسون (Samuel Johnson) نمایش‌نامه‌ی راسلاس (Rasselas) شاهزاده‌ی ابی‌سینیا (Prince of Abyssinia) را که یک نمایش دراماتیک بود، برای مشاهده‌ی مردم اتیوپی به روی صحنه آورد که بسیار مورد استقبال واقع شد.
لندن، ۱۷۵۹
بریتیش میوزیوم (British Museum) (موزه‌ی انگلیس) که شش سال پیش افتتاح شده بود، درهای خود را به روی عموم باز کرد.
پاریس، هشتم مارس ۱۷۵۹
کتاب لغت‌نامه‌ی فرانسه تألیف دنیس دیدرو توسط پارلمان پاریس برای بار دوم تجدید چاپ شد.
هند غربی، ۲۳ آوریل ۱۷۵۹
نیروهای انگلیسی، باس‌ترر (Basse-Terre) و گوآدولوپ (Guadeloupe) در مجمع‌الجزایر آنتیل (Antilles) را از دست قوای فرانسه خارج ساختند.
کانادا، ۲۵ ژوئیه ۱۷۵۹
سربازان انگلیسی به فرماندهی جان پریدوکس (John Prideaux)، نیروهای فرانسوی را در استحکامات نیاگارا (Niagara) مغلوب کردند. در این جنگ پریدوکس به‌قتل رسید.
نیوانگلند، ۲۶ ژوئیه ۱۷۵۹
تعداد بی‌شماری از سربازان فرانسه در دژ کاریون (Fort Carillon) واقع در تیکون دروگا (Ticonderoga) پیش از حمله‌ی نیروهای انگلیسی از منطقه فرار کردند.
کانادا، ۳۱ ژوئیه ۱۷۵۹
سربازان فرانسوی مستقر در دژ سن‌فردریک (Fort St Frederic)، در مواجهه با حملات نیروهای انگلیسی در کراون پوینت (Crown Point) (ناحیه‌ی تاج) سیل‌آسا خارج شدند.
آلمان، اول اوت ۱۷۵۹
سربازان مشترک انگلیسی ـ باواریایی، نیروهای فرانسه را در نبرد میندن (Minden) دچار هزیمت کردند.

گذشت چند ماه با بررسی و محاسبات خزانه بانک، معلوم شد که بانک با یک کسری پرداخت روبه‌روست و سرمایه نقدی بانک پاسخ‌گوی اعتبارات آن نیست. بنابراین بانک با یک تمهید جدید با عنوان این‌که بانک انگلیس سهام بانک را به‌صورت نقدی به افراد می‌فروشد، به این وضعیت سر و صورت داد. مردم هم به خاطر این تصمیم و این‌که در مدّت ۱۲ روز ارزش سهام‌شان بالا خواهد رفت به بانک هجوم بردند، چون بانک اعلام کرد که افراد مجبور نیستند که پول سهام خود را نقداً بپردازند و تنها تعهد آن‌ها کافی است و به این اعتبار دولت با پشتوانه این سرمایه ملّی مقداری از بانک وام گرفت و پرداخت آن را هم متعهد شد، و در نتیجه نرخ سود سهام ترقّی کرد.

در این حال جنگ با فرانسه هم دولت را مجبور کرد که به توسعه بازرگانی خارجی بپردازد و برای ساخت تسلیحات ارتش به بهره‌داری از معادن زغال‌سنگ و مس و قلع اقدام کند. تعداد بی‌شماری از مردم هم سرمایه‌های خود را برای استخراج معادن، ذوب فلزات و ساخت اسلحه به کار انداختند و در نتیجه سرمایه ملّی بالا رفت.

نیروهای نظامی آلبانی مالکان ترک را از سرزمین خود بیرون راندند. (آلبانی (Albania)، ۱۶۹۰):

با ضعف و فتوری که در امپراتوری عثمانی به سرعت پدید آمده، عثمانی به تدریج متصرفات خود را از دست داد، آخرین سرزمینی که در بالکان با شیوه ناسیونالیسم و میهن‌پرستی دست به انقلاب علیه عثمانی زد، سرزمین آلبانی است میهن‌پرستان آلبانی با نیروهای نظامی خود سه شهر مهمّ کامینا (Kamina)، ولور (Vlore) و استحکامات مدون (Medun) را تصرّف کردند و راه برای دست‌اندازی به شهرها و روستاها گشوده شد.

بر پایه‌ی ائتلاف مسلمانان و مسیحیان، آن‌ها که روحیه‌یی ضدّ عثمانی داشتند، وحشیانه به قوای عثمانی هجوم بردند و به مقاومت در برابر ارتش آن کشور قیام

کردند. همزمان با این حملات ساکنان ایالت مونته‌نگرو (Montenegro) همسایه‌ی آلبانی هم برعلیه دولت عثمانی دست به شورش زدند و قوای نظامی فاقد روحیه‌ی جنگی عثمانی در دو جبهه مورد حمله قرار گرفت و منهزم شد، چون بخش عمده لشگریان عثمانی در جبهه وین گرفتار بود و از هر دو سو شکست خورد.

اشعار درخت موز سبب تنویر افکار مردم شد. (ادو (Edo) (توکیو Tokyo)، ژاپن، ۱۶۹۴):

باشو (Basho)، استاد دانشگاه زِن (Zen) و بزرگ‌ترین مفسر شعر و ادب زبان ژاپنی که کتابی موسوم به هایکو (Haiku) انتشار داده بود، درگذشت. او که یکی از شاخص‌ترین چهره‌های ادبی به‌شمار می‌رفت، در زمینه‌های دیگر اجتماع ژاپن هم دارای قابلیت شگرفی بود، معهذا آموزشگاهی با تعداد دو هزار دانش‌پژوه را ترک گفت.

باشو در زبان ژاپنی به معنی درخت موز است و این نام را به مناسبت این‌که وی زمانی در کلبه‌یی می‌زیست که اطراف آن پر از درخت موز بود، انتخاب کرد و به اسم ماتسو باشو (Matsuo Basho) نامیده شد. وی برای این‌که به استادی دانشگاه زِن انتخاب شود، توانست با هنرمندی تعداد ۱۷ سیلاب لهجه هایکو را شرح دهد.

او برای تألیف و تصنیف کتاب هایکو و شرح و تفصیل زبان ملّی به تمام نقاط ژاپن سفر می کرد و یادداشت‌های لازم را از لهجه‌ها و لغات محلی یادداشت می‌نمود و اشعار محلی را به نظم یا به نثر درمی‌آورد. وی با این کار خود نور علم را در سراسر کشور ژاپن انتشار داد، اکنون ژاپن در غم فقدان او اشک ماتم می‌ریزد.

پرتغالی‌ها منطقه‌ی زیمبابوه (Zimbabwe) را متصرّف شدند. (دره‌ی زامبزی (Zambezi Valley)، آفریقای شرقی، ۱۶۹۵):

بازرگانان پرتغالی و ساکنان این مناطق، حمله‌ی شدیدی بر ضدّ چانگامیر دومبو (Changamire Dombo) حاکم زیمبابوه را آغاز کردند، ولی این حمله طولی نکشید. به‌طوری که گفته شده، پرتغالی‌ها با مانعی در منطقه‌ی سنا (Sena) برخورد کردند و اهالی موقعی که به سر وقت دمبو رسیدند، او را مرده یافتند و در نتیجه لشگریان او پراکنده شدند. چند تن از جنگ‌طلبان پرتغالی امروز این شعله را برافروختند، لیکن سایر مردم در این امر مداخله نداشتند.

در حقیقت افراد جسور آتش جنگ را شعله‌ور می‌سازند تا قدرت را در آفریقا تصاحب کنند و مردم را برده‌وار در خدمت گیرند و رسوایی‌های سیاستمداران و پادشاهان آفریقایی را لوث نموده، و خراب‌کاری‌ها را بپوشانند، این بخشی از نوشته نایب‌السلطنه پرتغال در آفریقاست.

دومبو از حاکم‌نشین مونهوموتاپا (Munhumutapa) برخاسته و از نسل‌های قدیمی منطقه بود که بالاخره توانست تمام فلات زیمبابوه را قبضه کند.

او کنترل تجارت طلا و عاج منطقه را در دست گرفت و چون به قدر کافی ثروت اندوخت، در برابر دولت پرتغال ایستاد و تلاش‌هایی در جهت پیشرفت زیمبابوه انجام داد.

ناظران پرتغالی می‌گویند، او سعی کرد که تجّار مسلمان را از این سرزمین اخراج کند تا بر اقتصاد و تجارت تسلّط پیدا کند، او به استخراج طلا و فروش آن دست یازید تا بتواند به جنگ با دولت پرتغال اقدام کند. دومبو در جنگ ۱۶۸۴ برعلیه پرتغال به پیروزی رسید و در مقام خود ابقا شد.

قوانین کیفری ظلمی است در حق کاتولیک‌ها (ایرلند، ۱۶۹۵):

در ایرلند دو گروه پروتستان و کاتولیک را از نظر نژادی و مذهبی از هم جدا ساختند. کاتولیک‌های

اسپانیا، دهم اوت ۱۷۵۹
به‌دنبال مرگ فردیناند ششم، نابرادری وی با نام شارل سوم به جانشینی او منصوب گردید.
پروس، ۱۲ اوت ۱۷۵۹
ائتلاف ارتش‌های روسیه ـ اتریش بر فردریک دوم در ناحیه‌ی کونرسدورف (Kunersdorf) به پیروزی عظیمی دست یافتند که صدای آن بسیار در منطقه پیچید.
پرتغال، سپتامبر ۱۷۵۹
به فرمان مارکیز پومبال نخست‌وزیر پرتغال، تمام طرفداران فرقه‌ی ژزوئیت از کشور رانده شدند. این عمل در نتیجه‌ی اقدام به توطئه‌ی تاوورا (Tavora) بود که در سال گذشته رخ داد و گفته می‌شد که ژزوئیت‌ها در آن دخالت داشتند.
کانادا، ۱۸ سپتامبر ۱۷۵۹
ایالت کبک (Quebec) کانادا پس از مرگ جیمز ولف (James Wolfe) و لویی مونکالم (Louis Montcalm) فرماندهان ارتش انگلیس و فرانسه در جنگ، تسلیم قوای ارتش انگلیس گردید.
فرانسه، ۱۷۵۹
ولتر (Voltaire) داستان کوتاهی به‌نام کاندید (Candide) را منتشر کرد. این داستان حکایت طنزی است راجع به فلسفه که می‌گوید: بهترین‌ها در حول بهترین محورها در جهان امکان وجود دارند.
هندوستان، ۲۲ ژانویه ۱۷۶۰
قوای نظامی انگلیس به فرماندهی آیرکوت (Eyre Coote)، در ناحیه‌ی وندی‌واش (Wandiwash) در جنوب هند، بر نیروهای فرانسوی به فرماندهی کنت لالی (Count Lally) پیروز شدند.
کارولینای جنوبی، ۱۶ فوریه ۱۷۶۰
سرخ‌پوستان چروکی (Cherokee) (هندیان ساکن کارولینا (Carolina) و تنسی (Tennessi) را که به زبان‌های مختلف تکلم می‌کردند را چروکی می‌نامیدند) که در حصارهای سن جورج مستقر بودند و خصومت شدیدی با ساکنان مرزی داشتند، مورد هجوم آنان واقع شده و تلفات زیادی دادند.
هلند، آوریل ۱۷۶۰
با آغاز گفت‌وگوهای صلح در شهر هاگ هلند، به جنگ بین قدرت‌های مهم اروپایی خاتمه داده شد.
کبک، ۲۸ آوریل ۱۷۶۰
لشکریان فرانسوی با محاصره‌ی کبک، نیروهای انگلیسی را در دومین نبرد در ناحیه‌ی فلات آبراهام (Abraham) به فرماندهی جیمز موری (James Murray) مقهور کردند. در نتیجه نیروهای انگلیسی به شهر عقب‌نشینی کردند.
آلمان، ۲۳ ژوئن ۱۷۶۰
لشکریان اتریشی قوای پروس را در لندشات (Landshut) مغلوب کردند.
کارولینای جنوبی، هفتم اوت ۱۷۶۰
پادگان انگلیسی واقع در دژ لودون (Fort Loudon) مورد هجوم و تاخت و تاز سرخ‌پوستان چروکی قرار گرفت. آن‌ها مدتی به محاصره‌ی نیروهای انگلیسی ادامه داند تا این‌که آن‌ها به‌علت قحطی و گرسنگی تسلیم شدند.
آلمان، ۱۵ اوت ۱۷۶۰
فردریک دوم لشکریان اتریش را در پیکار لیگ‌نیتز (Liegnitz) مقهور کرد.
کبک، هشتم سپتامبر ۱۷۶۰
نیروهای فرانسه شهر مونترآل (Montreal) را به قوای انگلیس واگذار کردند.
بریتانیا، ۲۵ اکتبر ۱۷۶۰
با مرگ جورج دوم پدربزرگ جورج سوم، وی به جانشینی پدربزرگ خود رسید.
آلمان، سوم نوامبر ۱۷۶۰
در پی فتح شهر برلین پایتخت آلمان توسط نیروهای روسیه، فردریک دوم پادشاه پروس سپاهیان اتریش را در جنگ تورگو (Torgau) شکست داد.
امریکای شمالی، ۲۹ نوامبر ۱۷۶۰
سرگرد رابرت راجرز (Robert Rogers) شهر دیترویت (Detroit) را جهت مالکیت دولت انگلیس تصرف کرد.
امریکای شمالی، ۱۷۶۰
گفته می‌شود که ۳۰ درصد جمعیت ۱۳ مستعمره‌نشین انگلیسی در امریکا را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند که از افریقا وارد شده‌اند.

ایرلندی می‌توانند آداب مذهبی خود را انجام دهند، امّا از داشتن حق رأی و وارد شدن در ارتش ملّی محرومند. یک فرد پروتستان اجازه ندارد با یک نفر کاتولیک ازدواج نماید، مگر این‌که پیش از ازدواج گواهی رسمی مبنی بر تغییر مذهب و چشم‌پوشی از مذهب قبلی ارائه نماید.

کاتولیک‌ها اجازه ندارند تا موقعی که به این مذهب پای‌بندند، فرزندان خود را برای تحصیل به خارج بفرستند.

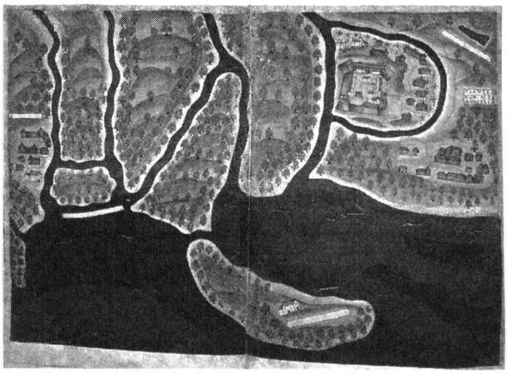
یکی دیگر از مواد این قانون، عبارت است از این‌که اگر فردی کاتولیک از طبقه‌ی اشراف اقدام به قماربازی کند، موقعیت خانوادگی خود را از دست می‌دهد. تمام مواد این قانون به وسیله‌ی یک گروه اقلیت بر ضدّ اکثریت وضع شده تا رضایت پروتستان‌ها فراهم شود. امّا به‌طور یقین خصومت دیرینه‌ی آنان تشدید خواهد شد.

با استخراج طلا در برزیل، پرتغالی‌ها به ثروت رسیدند. (برزیل، ۱۶۹۷):

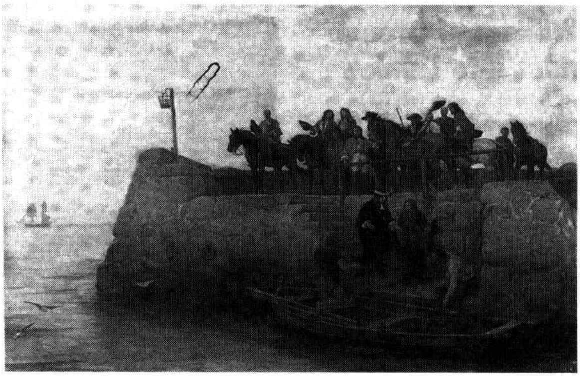
حکایت‌های متنوعی در سراسر برزیل راجع به پرتغال و حکومت میناس گریاس (Minas Gerias) بر سر زبان‌هاست که هنوز هیچ کس و هیچ فردی از چند و چون آن آگاهی ندارد. این داستان‌ها درباره‌ی ثروت بادآورده‌ی پرتغالی‌ها در برزیل می‌باشد. پرتغالی‌ها در بستر رودخانه نزدیک تپّه‌ها و در رسوبات شنی به طلا دست یافته‌اند.

چون استخراج طلا در این منطقه بسیار سهل و آسان است، به محض کشف طلا، مردم به آنجا هجوم آوردند و در مدّت کوتاهی، هزاران کلبه و خانه در ساحل رودخانه بنا کرده‌اند و اغلب شب هنگام به جست‌وجوی طلا می‌پردازند.

در همین حال، دولت پرتغال مقرّرات شدیدی را در این کشور به مورد اجرا درآورده است. تب طلا و جست‌وجوی این فلز گران‌بها سبب هیجاناتی شده که



نقشه ی منطقه سوفالا Sofala در افریقای شرقی با پایگاه های بازرگانی دولت پرتغال.



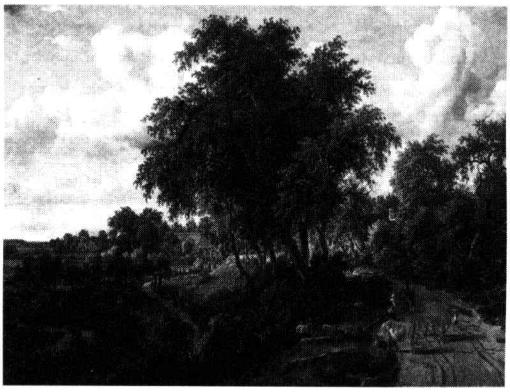
فرار جیمز دوم، شاه انگلیس، بعد از شکست در نبرد بوین Boyne، عکس از گاو Gow، سال ۱۸۸۸.



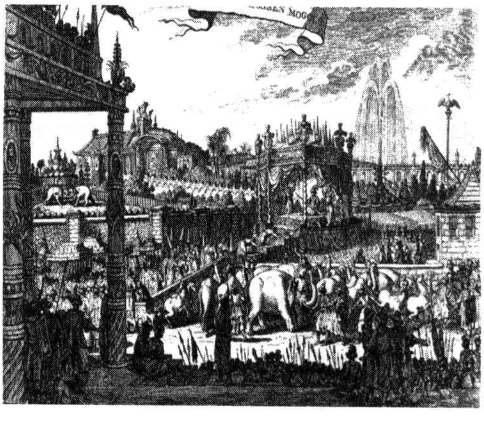
به عقیده ی هویگنس Huygens کره ی زمین در فضا تنها نیست.



علمای اقتصاد برای تاسیس بانک ملی درصدد برآمده اند.



جاده یی که به دره ختم می شود، تابلویی از مایندر هوبما Meindert Hobbema هنرآموز یاکوب وان رویزدیلJacob Van Ruisdael وی به عنوان یک هنرمند نقاش مردمی در بریتانیا و هلند شهرت داشت و تابلوهایش بیش تر از طبیعت و تابش خورشید نشأت می گرفت.



کاخ اورنگ زیب با فواره ها، فیل ها، سربازان و سایر تزئینات باشکوه.



اجلاسیه ی پاریس جهت امضای پیمان صلح ریزویک Ryswick.

فرانسه، ۱۷۶۰
ژان ژاک روسو داستان «ژولی هلوئیز (Julie Heloise)» را منتشر ساخت.
ایتالیا، ۱۷۶۰
کارلو گولدونی (Carlo Goldoni) بزرگ‌ترین نویسنده‌ی کمدی درام ایتالیا، یک نمایش کمدی با عنوان «تیرانت (Tyrants)» را روی صحنه آورد.
چین، ۱۷۶۰
بندر کانتون (Canton) در چین تنها بندری است که از نظر تجاری بر سایر کشورها برتری دارد.
اسکاتلند، ۱۷۶۰
جیمز ماک فرسون (James Macpherson) شاعر اسکاتلندی، دیوان شعر خود را به‌نام اوسیان (Ossian) منتشر ساخت. طبق ادعای شاعر، وی بخش‌هایی از اشعار شعرای باستانی را گردآوری کرده و از زبان گل (Gaelic) به انگلیسی برگردانده و در حقیقت این موضوع قدرت ماک فرسون را می‌رساند.
انگلیس، ۱۷۶۰
ژوزیا وج وود (Josiah Wedgewood) اشعار و ابیات خود را در اتروریا (Etruria) واقع در استافوردشایر (Staffordshire) منتشر ساخت.
انگلیس، ۱۷۶۰
لورنس استرن (Laurence Sterne) کشیش متولد ایرلند، کتاب دوجلدی خود را درباره‌ی اقتصاد با عنوان تریسترام شاندی (Tristram Shandy) انتشار داد.
هندوستان، ژانویه ۱۷۶۱
سپاهیان امپراتور مغول با همکاری متحد خود ماراتا (Maratha) در جنگ به‌وسیله‌ی احمدشاه درانی پادشاه افغانستان، منهزم گردیدند. ارتش هندوستان هم‌چنین نتوانست در مقابل لشکریان انگلیسی مدت زیادی مقاومت جدی کند.
فرانسه، هشتم ژوئن ۱۷۶۱
در پی شکست گفت‌وگوهای صلح بین انگلیس و فرانسه، سپاهیان انگلیسی ناحیه‌ی بل‌ایل سور مر (Belle Ile Sur Mer) را تصرف کردند.
بریتانیا، اکتبر ۱۷۶۱
با استعفای وزیر کشور انگلیس، ویلیام پیت تنها فردی بود که طرفدار سیاست جنگی بود.
پاریس، ۱۷۶۱
در پی رأی دادگاه علیه آنتوان دووالت (Antoine de Valette) روحانی ژزوئیت و رهبر انجمن فرانسویان در امریکای جنوبی، پارلمان پاریس انجمن عیسویان ژزوئیت را محکوم ساخت.
اسپانیا، ۱۷۶۱
دولت اسپانیا در اجرای سیاست خارجی خود را ملزم دانست که در نبرد قدرت‌های بزرگ اروپایی شرکت جوید، چون خویشاوندی درجه سوم با خاندان سلطنتی فرانسه دارد و شرکت وی در جنگ به سود آن کشور می‌باشد. روی این زمینه دوک کویزول (duke Choiseul) نخست‌وزیر لویی پانزدهم، پیمانی با اسپانیا بست که تمامی خاندان بوربون (Bourbon) در اروپا با هم متحد شده و در مقابل دشمن بایستند.
هندوستان، ۱۷۶۱
سپاهیان انگلیسی به فرماندهی آیرکوت (Eyre Coote)، ناحیه‌ی پوندیچری (Pondicherry) را از فرانسه بازستاندند.
انگلیس، ۱۷۶۱
ساموئل ریچاردسون (Samuel Richardson) نویسنده، از دنیا رفت. او در سال ۱۷۴۰ کتاب پاملا (Pamela) را که حاوی داستان‌های نوینی است، منتشر ساخت.
بریتانیا، دوم ژانویه ۱۷۶۲
بریتانیا علیه اسپانیا اعلان جنگ داد.
روسیه، پنجم ژانویه ۱۷۶۲
تزارینا الیزابت (Czarina Elizabeth) ملکه‌ی روسیه، از دنیا رفت و پتر سوم برادرزاده‌ی او که در ضمن نواده‌ی مادری پتر کبیر بود، جانشین او شد.
هند غربی، پنجم فوریه ۱۷۶۲
جزیره‌ی مارتی‌نیک (Martinique) که پایگاه بزرگ فرانسه در آنتیل کوچک (Lesser Antilles) بود، تسلیم انگلیس شد.

می‌توان رومان‌هایی درباره‌ی آن نوشت. به‌طوری که فرماندار برزیل، بومیان سیاه پوست را از این محلّ رانده، زیرا کشت نیشکر و توتون در معرض مخاطره قرار دارد و وی مجبور است کارگران مورد لزوم را برای این کار آماده نماید.

سربازان مغول اکنون بر روی مخدّه استراحت می‌کنند. (دکن (DeKhan)، هندوستان، ۲۱ مارس ۱۶۹۵):

زندگی سربازان ارتش اورنگ زیب مغول دیگر هیچ‌گونه شباهت به بنیان‌گذار امپراتوری مغول یعنی بابر (Babur) ندارد. در حالی‌که امپراتوری وسیع مغول که از مرکز و قلب آسیا تا جنوب هندوستان را دربر می‌گرفت، از نظر اجتماعی رو به زوال است، سربازان ارتش اورنگ زیب روی پر قو استراحت می‌کنند و هیچ نیازی به کشورداری ندارند.

این امر حاصل مطالعاتی است که دکتر گملی کاره‌ری (Dr. Gemelli Careri)، اهل ناپل که یک قاضی و حقوقدان است از وضعیت اجتماعی هندوستان به دست آورده. او که به تمام نقاط دنیا سفر کرده، اکنون در دربار مغول به تحقیق و تفحّص مشغول است، وی می‌گوید سیستم اداری کشور رو به ویرانی و فساد است، سربازان به استراحت مشغول و فربه می‌شوند، امّا روستایی در گرسنگی و فقر به سر می‌برد. اردوگاه‌های سربازان سلطنتی در سراسر دهلی به طول ۴۸ کیلومتر برپاست و سربازان بیکار و در حال استراحت هستند. اغلب این نیم میلیون سرباز در ۲۵۰ بازار به کار خرید و فروش کالا می‌پردازند و عدّه‌یی هم به‌عنوان نوکر و پیش‌خدمت در این اردوگاه‌ها عمر خود را می‌گذرانند.

در مقابل، شخص امپراتور، اورنگ زیب، کاملاً مانند اعیان ایتالیایی رأس ساعت ۱۰ صبح از خواب برمی‌خیزد و لباس ساده‌یی که از الیاف کتان سفید بافته شده می‌پوشد و صبحانه‌یی شبیه ایتالیایی‌ها که از نان

سفید و زیتون تشکیل شده، می‌خورد که در این سن باریک و لاغر بماند.

این شخص ملقمه‌یی از اضداد است، سست‌عنصر، بی‌رحم، مشکوک و در عین حال ناتوان از اداره کردن امور کشور و به‌نظر نمی‌رسد که قادر باشد تا مدّت زیادی زمام این سرزمین وسیع را در اختیار داشته باشد.

شاعره‌یی که طرفدار حقوق زنان بود، در اثر ابتلای به بیماری طاعون درگذشت. (مکزیک، ۱۶۹۵):

خووانا اینس دو لا کروز (Juana Ines de la Cruz)، نویسنده‌ی مکزیکی، در سن ۴۴ سالگی قربانی پرستاری از بیماران طاعونی شد و در این راه جان خود را از دست داد. در چهار سال قبل، خووانا با کلیسا پیمان بسته بود که زندگی خود را صرف کارهای خیریه کند، او شروع به نوشتن شرح زندگی خود کرد. وی در این کتاب انتقاداتی درباره‌ی دادگاه تفتیش عقاید و حقوق زن و تعلیمات زنان داشت و پیشنهاداتی برای رفع این معضلات کرده بود.

خووانا در سن ۱۸ سالگی دربار نایب‌السلطنه مکزیک را رها کرد و به فرقه‌ی سن ژروم (St Jerome) پیوست و برای ادامه‌ی تحصیل از ازدواج چشم پوشید. وی در مدّت ۲۱ سالی که در صومعه به‌سر می‌برد، به سرودن شعر و قصیده و نوشتن نمایش‌نامه‌های کمدی و هم‌چنین دستور و آیین‌های مذهبی پرداخت. خووانا با گردآوری چهار هزار جلد کتاب، بزرگ‌ترین کتابخانه را در آمریکای جنوبی به‌وجود آورد، لیکن با فروختن این کتاب‌ها، پول آن را صرف امور خیریه کرد.

کتاب لغتی که بیشتر به امور آزادی مذهبی و انتقادی می‌پردازد. (هلند، ۱۶۹۷):

پی‌یر بایل (Pierre Bayle)، یکی از هوگونوت‌های تبعیدی از فرانسه، کتابی انتقادی به نام «موارد مشکوک در کتاب انجیل» تدوین کرد. او در این کتاب سخت به استدلال‌های غلط اصول مذهبی می‌پردازد و در حقیقت تاریخ مذهب مسیح را به‌طور مشروح بیان می‌کند و اصول دین مسیح را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

وی در این کتاب به یک سری مسائل می‌پردازد که مربوط به آزادی فرقه‌های مذهبی است و به‌طور کلّی تعصب و تحجّر را در این موارد رد می‌کند و چسبیدن به موهومات را نمی‌پذیرد. او می‌گوید: هیچ فردی حق ندارد که خود را عین حقیقت پندارد و تنها راستی و درستی را منحصر به خود بداند و دیگران را گمراه و منحرف تصوّر کند. او حتا می‌نویسد که هر کسی می‌تواند در اصول شک کند تا به یقین برسد و مشکوک شدن در مورد هر چیز، راه رسیدن به حقیقت است.

افرادی که دراصول و بنیان دین شک می‌کنند، در جست‌وجوی پاسخ سؤالات خود برمی‌آیند و با پاسخ‌های منطقی به حقیقت پی خواهند برد.

نیروهای فرانسوی ساحل راست رود راین را ترک کردند. (اروپا، ۱۶۹۷):

با وجود پیمان همکاری نظامی که بین انگلیس، هلند، اتریش، اسپانیا و حکومت ساووی (Savoy) در ۹ سال پیش امضا شده بود، متّحدین مأیوس از پیروزی قطعی بر فرانسه، سرانجام تن به آشتی داده و با پیمان صلح ریز ویک (Ryswick) موافقت کردند.

اگرچه ویلیام اورانژ بر نیروهای فرانسوی در جنگ نامور (Namur) به پیروزی‌هایی دست یافته بود، متّحدین در جنگ اسپانیا و هلند مات شدند و به مرز شکست رسیدند.

با وجود پیمان صلح منعقد شده با دولت فرانسه و با علم به این‌که مدّت‌ها از سلطنت ویلیام بر انگلیس می‌گذشت، لویی چهاردهم با لجاجت و خیره‌سری که

المان، مه ۱۷۶۲
فردریک دوم پادشاه پروس، با سوئد پیمان صلح امضا کرد.

بریتانیا، ۲۹ مه ۱۷۶۲
لرد بوت (Lord Bute) مشاور و محرم اسرار جورج سوم که معتقد به رهبری دربار سلطنتی بود، به نخست‌وزیری برگزیده شد.

روسیه، ژوئیه ۱۷۶۲
پتر سوم با طرح توطئه‌ی همسرش کاترین (Catherine) به‌قتل رسید و وی با عنوان کاترین دوم ملکه‌ی روسیه شد. پتر سوم در زمان کوتاه سلطنت خود، در ازای به‌رسمیت‌شناختن پروس شرقی به‌عنوان جزیی از آلمان، حمایت فردریک دوم را برای خود جلب کرده بود.

آلمان، ۲۱ ژوئیه ۱۷۶۲
فردریک دوم سپاهیان اتریش را در برکرسدورف (Berkersdorf) واقع در سیلزی (Silesia) شکست داد.

هند غربی، ۱۲ اوت ۱۷۶۲
قوای بریتانیا با محاصره‌ی دوماهه‌ی کوبا، آن‌جا را از دست اسپانیا خارج ساختند.

فیلیپین، پنجم اکتبر ۱۷۶۲
سپاهیان انگلیسی با بمباران شهر مانیل (Manila)، آن‌جا را که مدت‌ها تحت تصرف اسپانیا بود، تسخیر کردند.

اتریش، پنجم اکتبر ۱۷۶۲
کریستوف گلوک (Christoph Gluck) موسیقیدان اتریشی، اپراهای اورفه (Orpheus) و اوریدیس (Eurydice) را اجرا کرد.

اتریش، ۲۴ نوامبر ۱۷۶۲
اتریش با فردریک پادشاه آلمان قرارداد متارکه‌ی جنگ امضا کردند.

امریکای شمالی سوم، دسامبر ۱۷۶۲
دولت فرانسه تمام سرزمین‌های غرب می‌سی‌سی‌پی (Mississippi) که به‌نام لوئیزیانای شمالی موسوم است را به اسپانیا واگذار کرد.

پرتغال، دسامبر ۱۷۶۲
با پشتیبانی بریتانیا، سپاهیان پرتغالی حمله‌ی مشترک فرانسه و اسپانیا را دفع کردند.

فرانسه، ۱۷۶۲
شارل امانوئل (Charles Emmanuel) پادشاه ساووی (Savoy) طی دو فرمان آزادی سرف‌ها را اعلام کرد.

فرانسه، ۱۷۶۲
ژان ژاک روسو (Jean jacques Rousseau) کتاب قرارداد اجتماعی را انتشار داد. وی در این کتاب می‌گوید: انسان آزاد آفریده شده و می‌تواند در هر جا که میل داشته باشد، زندگی کند. برای او قید و بندی در کار نیست و نمی‌توان او را به‌اجبار به سربازی واداشت. انسان با همسانان خود برابر و برادر است و از حقوق اجتماعی یکسانی باید بهره‌مند شود. وی کتاب دیگری هم به‌نام امیل (Emile) منتشر کرد. او در این کتاب حقوق کلیسا را مورد تردید قرار داده و وضعیت آن را ناصحیح و غیرواقعی می‌شمارد و متحد و متفق سلطنت تلقی می‌کند. وی را به‌خاطر این دیدگاه به کشور سویس تبعید کردند.

ورسای، ۱۷۶۲
ژاک آنژه گابریل (Jacques Ange Gabriel) معمار فرانسوی، کار ساختمان قصر کوچک سه‌گوشه (Petit Trianon) را آغاز کرد.

رم، ۱۷۶۲
نیکولو سالوی (Niccolo Salvi) معمار ایتالیایی، کار ساختمان سه‌چشمه (Trevi Foutain) را به‌اتمام رسانید.

پاریس، دهم فوریه ۱۷۶۳
با امضای عهدنامه‌ی صلح پاریس به جنگ هفت‌ساله پایان داده شد. طبق این عهدنامه، فرانسه تمام سرزمین‌های واقع در امریکای شمالی را که شامل کانادا می‌شد، به‌استثنای نیواورلئان (New Orleans) و جزایر سن پی‌یر (St Pierre)، میکه‌لون (Miquelon)، گوآدولوپ (Guadeloupe) و مارتی‌نیک (Martinique) از دست داد. اسپانیا ایالت فلوریدا را به انگلیس واگذار کرد و در قبال آن این کشور هم متصرفات اسپانیا را در کوبا به آن دولت تسلیم کرد.

آلمان، ۱۵ فوریه ۱۷۶۳
کشور پروس و اتریش با امضای پیمان صلح هوبرتزبورگ (Hubertusburg)، تمام ناحیه‌ی سیلزی را به پروس واگذار کرد. فردریک دوم هم قرارداد خود را با ساکسونی بر هم زد که این موضوع همواره سبب جنگ می‌شد.

داشت از به رسمیت شناختن وی به‌عنوان پادشاه انگلیس امتناع ورزید.

با این وصف، لویی قصد داشت که در این اتحادیه شکاف و نفاق ایجاد کند و برای انجام این امر سعی کرد که با یکایک متّحدین مذاکرات جداگانه انجام داده و با دوستی ظاهری آن‌ها را از این پیمان خارج کند. در همین حال و با انعقاد این پیمان، لویی از ادعای مالکیت خود بر ناحیه کلن و ساحل راست رود راین (Rhine) چشم‌پوشی کرد و هم‌چنین نواحی لوگزامبورگ (Luxembourg)، مونز (Mons)، کورتری (Courtrai) و بارسلونا (Barcelona) در اسپانیا را مسترد کرد، لیکن شهر استراسبورگ (Strasbourg) و چند شهر کوچک در آلزاس را ضمیمه‌ی قلمرو خود ساخت. سرانجام فرانسه سلطنت ویلیام را بر انگلیس به رسمیت شناخت و از حمایت خود بر خاندان استوارت (Stuarts) دست برداشت.

کلیسای رم توانست تنها با اعزام هیأت ژزوئیت بر مذهب اجدادی چین فائق شود. (بجینگ، ۱۶۹۷):

هیأت مذهبی ژزوئیت به سرپرستی موسیو شارل مگرو (Monsignor Charles Maigrot)، جانشین فوکین (Fukien) که سال‌ها شبیه حواریون عیسی مسیح زندگی کرده بود، با سبک جدید خود در چین به موفقیت‌های بزرگی دست یافت. در چهار سال قبل، او بدون تظاهر هیأت تحت سرپرستی خود را به آموختن آیین کنفوسیوس که دین اجدادی چین بود، واداشت و اکنون واتیکان می‌تواند که دین مسیح را با شیوه چینی در سراسر چین تبلیغ نماید. توفیق مسیحیت در چین مدیون این فکر است که این هیأت توانست به چینی‌ها تفهیم کند که بین مسیحییت و آیین کنفوسیوس جدالی در بین نیست و هر دو مذهب می‌توانند فلسفه‌ی خود را در کنار هم برای رستگاری تبلیغ کنند.

آن‌ها حتا از کتاب چینگ (Ching) به‌عنوان کتاب اخلاقی و معنوی که به مردم پند درست‌کاری و راست‌کرداری می‌دهد، ستایش می‌کنند که انسان از نظر جسمی باید خود را از تمام آلایش‌های دنیوی پاک سازد و روح خود را مصفا نماید، تقدیس می‌کند. به‌طوری که امپراتور طی فرمانی دین مسیحیت را به رسمیت شناخت و اجازه داد که ژزوئیت‌ها انجمنی در شهر ممنوعه تأسیس کنند.

دوم پرینیون (Dom Perignon) در شهر شامپاین مشروب مورد علاقه‌ی مردم را تولید می‌کند. (شامپاین (Champagne)، ۱۶۹۸):

کشور فرانسه که مهم‌ترین تولیدکننده‌ی شراب محسوب می‌شود. نوع جدیدی مشروب که مورد علاقه‌ی مردم می‌باشد، تولید کرد. این شراب که در لیوان کف می‌کند، در صومعه هوت ویلر (Hautvillers) در شهر شامپاین برای نخستین بار مورد آزمایش قرار گرفته است. شامپاین (ون‌گری Vin gris) سابقاً هم مشهور بود، لیکن این نوع جدید شراب از انگور سیاه به دست می‌آید و رنگ آن هم سفید می‌باشد.

شامپانی ون‌گری اغلب در خود بطری تخمیر می‌شود، لیکن این تخمیر به تأنی و خیلی آهسته صورت می‌گیرد. کسانی که در این کار مهارت دارند، مدّت ۶۰ سال آن را در زیرزمین نگاه می‌دارند. دوم پی‌یر پرینیون (Dom Pierre Perignon) این شراب را به روش جدیدی تخمیر می‌کند. وی شراب را در شیشه بطری‌های ساخت انگلیس با انگور تازه مخلوط می‌کند و درِ آن را با چوب‌پنبه محکم می‌بندد و مدّت زیادی برای این‌که تخمیر کامل شود، آن را نگاه می‌دارد، پس از آن شامپانی بسیار مطبوع و کف‌داری به دست می‌آورد.

پارسل، نخستین نویسنده‌ی اُپرای انگلیسی (لندن، ۲۱ نوامبر ۱۶۹۵):

هنری پارسل (Henry Purcell) که تنها ۳۶ سال از عمرش می‌گذشت، امروز جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. پارسل در سن هشت سالگی به نواختن موسیقی پرداخت ودر سن ۲۰ سالگی در کلیسای وست مینستر (Westminster) رهبری ارکستر مذهبی را به دست گرفت. او در خارج از کلیسا هم مشهور بود و توانست چند اُپرای معروف از قبیل دیدو (Dido) و اینیس (Aeneas) را بنویسد، این اُپراها در حقیقت نخستین اُپراهایی بود که به زبان انگلیسی اجرا می‌شد. قرار است جسد پارسل را در کلیسای وست مینستر دفن نمایند.

کاتولیک‌ها حق پادشاهی در انگلیس را ندارند. (لندن، ۱۷۰۱):

از گفته‌های دور و نزدیک، چنین استنباط می‌شود که پارلمان مشغول تصویب قانونی است که هیچ فرد انگلیسی که پیرو مذهب کاتولیک باشد، نمی‌تواند به سلطنت در انگلیس برسد. این قانون به‌طور کلّی از هر فردی که به‌طور موروثی سلطنت به او رسیده یا در آینده به مذهب کاتولیک گرویده و یا حتا با همسر کاتولیک ازدواج کند، سلب صلاحیت می‌کند. هم‌چنین اعضای کاتولیک خاندان اورلئان که با شاهزاده خانم‌های استوارت ازدواج می‌کنند، نمی‌توانند به مقام سلطنت برسند. بدین ترتیب، پس از سلطنت ویلیام و ماری، تنها خواهر او شاهزاده خانم آن و پس از او ملکه سوفیا فرمانروای هانور (Hanover) که نوه‌ی جیمز اوّل پادشاه اسبق انگلیس می‌باشد، می‌توانند به مقام پادشاهی برسند.

ویلیام در اثر سقوط از اسب کشته شد و ملکه (آن) به پادشاهی رسید. (لندن، ۱۷۰۲):

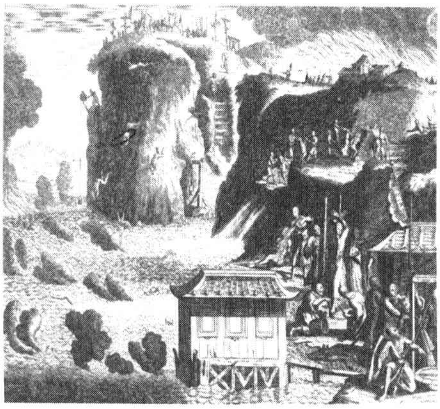
ویلیام سوّم، پادشاه انگلیس، (ویلیام اورانژ هلند)، امروز در حالی‌که با اسب به طرف کاخ همپتون (Hampton Court) می‌رفت، از اسب سقوط کرد و کشته شد. برابر وصیت او، ملکه آن خواهر ماری همسر ویلیام، به جانشینی او انتخاب شد. مرگ وی چند هفته



کارل دوازدهم پادشاه سوئد.



بایلBayle: انسانی که سوءظن دارد به همه چیز با نظر شک و تردید می نگرد.



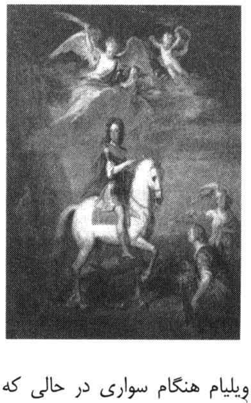
مسیحیان شرقی تحت آزار و شکنجه ی دشمنان دین قرار می گیرند.



ملکه Qveen Anne آن . تصویر قرن نوزده.



پتر کبیر تزار روسیه جهت بهره گیری ازتجربیات کارگران کشتی سازی دپت فورد Deptford از محل بازدید می نماید.



ویلیام هنگام سواری در حالی که فرشتگان از وی حراست می کنند.



قطع امتیازات، بویارها Boyars (مالکان عمده ی زمین) ریش یک دیگر را قیچی می کنند.



ناوگان دریایی انگلیس و هلند در نبرد ویکو Vico، به کشتی های اسپانیولی صدمات جبران ناپذیری وارد کرده و گنجینه های آنان را ربودند.

پس از تبعید جیمز دوّم که از سلطنت به وسیله‌ی یک انقلاب شکوهمند برکنار شده بود، اتّفاق افتاد. این انقلاب در سال ۱۶۸۸ برپا شد. مردم انگلیس طبق وصیت ویلیام عمل کردند و از این حسن انتخاب هم رضایت دارند. هلندی‌ها که در رژیم جمهوری زندگی می‌کنند، هم شاید بیشتر از این انتخاب راضی هستند و آینده نشان خواهد داد که در این امر محق بوده‌اند یا خیر.

گرچه ویلیام از نظر عدّه‌یی ممکن است یک چهره‌ی ضدّ مردمی باشد، لیکن هاین سیوس (Heinsius) نخست‌وزیر پیشین، امیدوار است که بتواند در مقابل آن‌ها مقاومت و ایستادگی کند.

عرب‌های عمانی، بندری را در ماداگاسکار تصرّف کردند. (مومباسا (Mombasa)، آفریقای شرقی ۱۶۹۹):

نیروهای نظامی پرتغال و متّحدانش، پس از سه سال محاصره‌ی بندر عیسی مسیح در ماداگاسکار (Madagascar)، سرانجام در مقابل ارتش عمان تسلیم شدند. چند ناحیه هم در زامبزی (Zambezi) و موزامبیک (Mozambique) که سال‌ها در تصرّف پرتغالی‌ها بود، همزمان تسخیر شد. قدرت پرتغال از سال ۱۶۵۰، در منطقه رو به زوال می‌رفت، لیکن آن‌ها با انجام مذاکراتی در دریای عرب، این ضعف را پوشانده و ظاهر امر را حفظ می‌کردند. در کرانه‌های شرقی آفریقایی هم چون به‌طور طبیعی حکومت‌های محلی از شیوه‌ی تجارت پرتغال رنجیده بودند و آن را به زیان منطقه می‌دانستند، به‌ویژه از این‌که پرتغالی‌ها مردم را وادر به گرویدن به دین مسیح می‌کردند، سخت آزرده‌خاطر بودند، در نتیجه از شورشیان عرب استقبال کردند. رقبای پرتغال در منطقه مثل هلند و انگلیس هم که ناظر بر اوضاع بودند، از این امر خوشنود بودند.

دزدان دریایی که خود را برادر می‌دانستند، حالت وحشت در کارائیب ایجاد کردند. (کارائیب، ۱۷۰۰):

یک گروه از دزدان دریایی که مشهور به گروه اخوّت ساحلی بودند، به پیشرفت‌هایی در جزایر جامائیکا (Jamaica) و هیسپانیولا (Hispaniola) رسیدند. آن‌ها افراد پست و نالایقی بودند که به هیچ قانونی جز غارت و چپاول پای‌بند نبودند، زیرا به همین جرایم سال‌ها در زندان به سر می‌بردند و اخیراً از آنجا فرار کرده بودند.

آن‌ها به خاطر دزدی کشتی‌های تجاری، بسیار آزمند و تشنه به خون بودند و از هیچ جنایتی فروگزاری نمی‌کردند و تنها در صدد چپاول و یغما بودند. تمام این گروه از مردان تشکیل می‌شد و هیچ زنی در بین آن‌ها نبود و تمام افراد هم از نظر موقعیت یکسان بودند. آن‌ها اموال غارت شده را به تساوی تقسیم می‌کردند و همگی از این سیاست پیروی می‌کردند، چون همگی محکوم به حبس و تبعید بودند، در مقابل حکومت مقاومت می‌کردند و از قانون سر باز می‌زدند.

تزار روسیه به انگلیس رفت تا در کشور خود کارخانه‌ی کشتی‌سازی دایر کند. (دپت فورد (Deptford)، لندن، ۱۶۹۸):

به دستور تزار روسیه و موافقت دولت انگلیس، عدّه‌یی کارگر کشتی‌سازی روسیه، مدّت سه ماه برای آموزش به کار بردن اره و تیشه برای ساختن کشتی و اداره کردن کارگاه در انگلیس به کار اشتغال داشتند و در این مدّت توانستند به درجاتی از مهارت برسند.

پتر کبیر، تزار روسیه که فردی بلندقامت و قوی‌هیکل بود، برای یادگیری صنعت و آموزش، مدّت‌ها در سراسر اروپا به تجسّس و تکاپو مشغول بود تا روسیه را به شیوه‌ی غربی اداره کرده و کشورش را شبیه غرب بسازد.

بریتانیا، ۲۳ اوریل ۱۷۶۳
این روزها یک روزنامه‌ی ضددولتی به‌نام بریتون شمالی (North Briton) به‌وسیله‌ی جان وایکلز (John Wilkes) یکی از اعضای پارلمان، منتشر شد که حاوی اهانت‌هایی به جورج سوم بود.
بریتانیا، آوریل ۱۷۶۳
لرد بوت (Lord Bute) که کابینه‌ی ضدمردمی تشکیل داده بود، سرانجام برکنار شد و جورج گرنویل (George Grenville) به‌جای او به نخست‌وزیری رسید.
امریکای شمالی، هفتم مه ۱۷۶۳
پونتیاک (Pontiac) رهبر سرخ‌پوستان اوتاوا (Ottawa)، جنگی تمام‌عیار را در پادگان‌های انگلیسی واقع در سرزمین غرب نیاگارا آغاز کرد.
لیتوانی (Lithuania)، سپتامبر ۱۷۶۳
نیروهای نظامی روسیه سرزمین لهستان را مورد تعرض قرار دادند.
لهستان، پنجم اکتبر ۱۷۶۳
فردریک آگوستوس دوم فرمانروای انتخابی ساکسون و پادشاه لهستان درگذشت.
امریکای شمالی، اکتبر ۱۷۶۳
سرزمین وسیعی که در مرز کانادا واقع شده و دو ایالت نیوهمپشایر (New Hampshire) و نیویورک مدعی آن هستند، به‌نام وردمونت (Verd-Mont) یا کوه سبز نامیده شد.
امریکای شمالی، نوامبر ۱۷۶۳
پونتیاک (Pontiac) رهبر سرخ‌پوست اوتاوا (Ottava) که در چندین نبرد، سپاهیان انگلیسی را در اطراف دریاچه‌ی بزرگ به شکست کشانده بود، با ازدست‌دادن حمایت فرانسه از انقلاب وی، مدت شش‌ماه دست از محاصره‌ی قلاع دیترویت (Detroit) برداشت.
امریکای شمالی، ۱۷۶۳
دو نفر از نقشه‌برداران انگلیسی به‌نام‌های چارلز میسون (Charles Mason) و ژرمیا دیکسون (Jeremiah Dixon)، نقشه‌ی مرز بین مهاجرنشین‌های پنسیلوانیا و مریلند (Maryland) را کشیده و مشخص کردند.
امریکای شمالی، ۱۷۶۳
دولت انگلیس از اسکان افراد تحت تابعیت خود در انتهای سرزمین‌های غربی کوه‌های آپالاچی (Apalachian) ممانعت کرد.
نیوانگلند، ۱۷۶۳
یک کمیته‌ی یهودی به‌نام تورو (Touro) که اولین مرکز بزرگ تربیتی و اجتماعی یهودیان است، در نیوپورت (Newport) رودآیلند (Rhode Island) گشایش یافت.
بریتانیا، ۱۷۶۳
جان وایکلز (John Wilkes) ناشر روزنامه‌ی بریتون شمالی (North Briton) که طبق شهادت عموم فردی مفتری محسوب می‌شد، امتیاز روزنامه‌ی او لغو شد و از عضویت در پارلمان هم محروم و با رأی دادگاه دستگیر و زندانی گردید.
روسیه، ۱۷۶۳
کاترین دوم ملکه‌ی روسیه، پیشنهاد کرد که یک هیأت اوضاع آینده‌ی اشراف کشور را تعیین نماید.
فرانسه، ۱۷۶۳
گروهی از روشن‌فکران سیاسی و اقتصاددانان مأمور شدند که روزنامه‌یی با عنوان لاگازت دو کامرس (La Gazette de Commerce) (روزنامه‌ی اقتصادی) انتشار دهند.
عراق، ۱۷۶۳
بندر بصره به‌عنوان پایگاه تجاری بریتانیا در خاورمیانه تعیین شد.
بریتانیا، ۱۹ ژانویه ۱۷٦٤
جان وایکلز عضو پارلمان انگلیس به‌عنوان فردی بی‌قانون و یاغی از عضویت در مجلس عوام معزول و تبعید شد.
امریکای شمالی، فوریه ۱۷٦٤
پایگاه تجاری فرانسه در سن‌لویی واقع در ساحل غربی رود می‌سی‌سی‌پی کمی دورتر از دهانه‌ی رود میسوری (Missouri) افتتاح شد.
لندن، پنجم آوریل ۱۷٦٤
پارلمان قانونی را درباره‌ی ورود شکر با هدف بالابردن سطح درآمد مستعمره‌نشینان وضع کرد.

وی نخستین تزار روسیه بود که از مرزهای روسیه عبور کرد، چون پیشینیان وی تنها برای جنگ به فراسوی مرز روسیه می‌رفتند، در حالی‌که پتر با ۲۵۰ نفر از همراهان که شامل افراد روحانی، کارمندان دولتی، چند سفیر و نماینده‌ی سیاسی و چندین نفر از افراد دون‌پایه‌ی محافظ بودند، به این سفر اقدام کرد. وی پس از حضور در مجلس لردان، چنین اظهار داشت: من از این‌که در این مجلس حضور دارم، خیلی مشعوفم.

بسیاری از فرزندان پادشاهان پیشین از این‌که پدران، به آن‌ها درس سیاست و کشورداری نمی‌دادند، شاکی بودند و ما از این‌که از انگلیس درس بیاموزیم، بسیار خوشوقت خواهیم شد.

پتر با ۱۵ نفر از همراهانش در خانه‌ی جان اولین (John Evelyn) روزنامه‌نگار مسکن گزیدند، لیکن چون اغلب مست بودند و تربیت صحیحی نداشتند، در آنجا خراب‌کاری می‌کردند و هنگام ترک این خانه، ۳۵۰ پوند به باغچه و اثاثیه‌ی منزل زیان رساندند.

شخص تزار همچون یک نجار معمولی، در کارگاه کشتی‌سازی کار می‌کرد و در ضمن از سه ایالت پروس و فرانسه در کناره‌ی دریای بالتیک دیدن کرد.

پتر نشان داد که به سیاست و دولت خود علاقه‌مند است و در راه پیشرفت کشور گام می‌نهد، لیکن در امور کشتی‌سازی، اسلحه و ساخت انبارهای غله و ضرب سکه بیشتر اراده‌ی خود را دخالت می‌داد و به گفته‌ی سایرین توجّه نداشت.

با به کارگیری ماشین بذرپاش، کارگران کشاورزی در هراس از دست دادن شغل خود افتادند. (برکشایر (Berkshire)، انگلیس، ۱۷۰۱):

ژترو تول (Jethro Tull)، مخترع انگلیسی اهل برکشایر، به تازگی ماشینی برای پاشیدن بذر غلّات اختراع کرده که طرزکشت را در تاریخ ۱۰ هزار ساله ی

کشاورزی دگرگون ساخته است. با به‌کارگیری این ماشین، دیگر نیازی نیست که کشاورز خود با دست به پاشیدن تخم غلّات بپردازد و وقت زیادی صرف این کار بکند، کشاورز مجبور نیست در هوای نامساعد وقت خود را تلف کند، بلکه این ماشین می‌تواند در فصل کاشت، این کار را انجام دهد. در ضمن ماشین اختراعی تول می‌تواند مقدار زیادی بذر را حمل و مستقیماً بر روی خاک قرار دهد و باد و باران از این کار جلوگیری نمی‌کند و در ضمن تخم گیاه به‌طور منظم و مرتب و در ردیف‌های معین کاشته شده و در موقع برداشت محصول هم کار آسان‌تر خواهد بود.

گرچه این اختراع کمک بسیار مفیدی برای کشت و برداشت و اداره‌ی مزارع به‌شمار می‌رود و هر سال از هدر رفتن مقدار زیادی از بذر جلوگیری می‌نماید، معهذا کارگران از آن بیم دارند که با بهره‌مندی از آن بیکار شوند و ماشین جای آن‌ها را بگیرد، به‌طوری که بعضی از کارگران اقدام به تخریب و از بین بردن ماشین‌ها کرده‌اند.

اروپا به سوی جنگ پیش می‌رود، سوئد به اتحادیه‌ی اروپا حمله‌ور شد و شهر ورشو را تصرّف نمود. (ورشو (Warsaw)، ۱۷۰۲):

در یک جنگ مهمّ، ارتش تحت فرماندهی کارل دوازدهم پادشاه سوئد، نیروهای نظامی این کشور به اتحادیه‌ی مرکب از دانمارک، لهستان و روسیه یورش بردند و شهر ورشو را متصرّف شدند. با تصرّف شهر ورشو، آگوستوس (Augustus) دوّم از کار برکنار و استانیسلاس (Stanislas) پادشاه جدید لهستان و دست نشانده‌ی کارل فرمانروای لهستان شد، او یکی از مخالفان سرسخت روس‌هاست و در ضمن با این پیروزی، سوئد خود را ارباب منطقه بالتیک می‌داند.

سرزمین دانمارک که از سال ۱۷۰۰ تحت محاصره بود، با تصرّف شهر کپنهاگ (Copenhagen) تسلیم شد، پس از آن کارل نیرویی مرکب از ده هزار نفر مرد جنگی به منطقه‌ی استونی (Estonia) اعزام کرد که در مقابل روس‌ها بایستند. برخی عقیده دارند که کارل پادشاه جوان سوئد، با شجاعت بی‌نظیری به تجهیز سپاه پرداخته تا به توسعه‌ی قلمرو کشور بپردازد و در ضمن به پسر کوچک خود که به مدرسه می‌رود، درس شجاعت و مردانگی می‌دهد تا از منافع کشورش در آینده دفاع کند و او را همچون اسکندر مقدونی تربیت کند که در تمام نبردها پیروز شود، همچنان‌که خود وی یک تنه با سربازان تحت فرمانش در جنگ ناروا (Narva) به پیروزی چشمگیری دست یافت.

اروپا از بیم اتّحاد فرانسه ـ اسپانیا، به دامن جنگ خانمان‌سوز پناه برد. (اروپا، ۱۷۰۲):

شارل دوّم، پادشاه اسپانیا، در حالی‌که فرزندی برای جانشینی نداشت، از دنیا رفت و فرمانروایان اروپایی تصوّر می‌کردند با این وضع به صلح و آرامش دست یافته‌اند، در حالی‌که با یکپارچگی اسپانیا و فرانسه و فرمانروایی یک پادشاه بر هر دو کشور اروپا در آستانه‌ی جنگ بزرگ دیگری قرار دارد. حتا در زمان مرگ شارل عدّه‌یی واسطه شدند که از درگیری در این قاره بپرهیزند و طرفین را به صلح و آرامش دعوت کردند، لیکن موضوع غامض‌تر از آن بود، چون با وصلت دو خانواده سلطنتی، طرف‌های دعوا دیگر مشخّص نبود.

قبلاً دولت‌های فرانسه، انگلیس و هلند، مذاکراتی را درباره‌ی متصرفات اسپانیا آغاز کردند، چون این‌ها یک طرف قضیه بودند. از سویی شارل این موضوع را نپذیرفت و میل داشت پسر دوک آنژو را به ولیعهدی انتخاب کند. لیکن با مرگ شارل، دولت فرانسه، دوک فرانسوی را که اکنون به نام فیلیپ پنجم نامیده می‌شود، به‌عنوان پادشاه اسپانیا برگزید، بدین ترتیب دولت‌های انگلیس و هلند بر ضدّ فرانسه اعلان جنگ دادند.

ستاره‌شناسی که مدعی است ستاره‌های دنباله‌دار بار دیگر ظاهر خواهند شد. (لندن، ۱۷۰۵):

فرانسه، ۱۵ اوریل ۱۷٦٤
مادام پمپادور (Pompadour) معشوقه‌ی سابق لویی پانزدهم که در عشق به هنر نمونه بود، از دنیا رفت. وی فردی با هوش و ذکاوت بود و در امور عمومی کشور مانند یک جادوگر رفتار می‌کرد و با حمایت او بود که دوک کویزل (duke Choiseul) به وزارت خارجه رسید. او یک انجمن نظامی تأسیس کرد و هم‌چنین یک کارخانه‌ی چینی‌سازی سلطنتی در شهر سور (Sevres) بنیان نهاد.

لندن، ۱۹ آوریل ۱۷٦٤
پارلمان قانونی تصویب کرد که مستعمره‌نشینان خارج از کشور حق نشر اسکناس را به‌عنوان پول رسمی ندارند.

بوستون، ۲٤ مه ۱۷٦٤
جیمز اوتیس (James Otis) قاضی اهل بوستون اعلام کرد که دولت انگلیس حق دریافت مالیات اضافی را ندارد و از شهروندان این مستعمره دعوت کرد که در مخالفت با قانون مالیاتی دست به اعتصاب بزنند.

بوستون، اوت ۱۷٦٤
تجار و کسبه‌ی شهری اعلام کردند که کالاهای لوکس وارداتی از انگلیس را تحریم می‌کنند. طبق این سیاست ورود این کالاها به بوستون ممنوع می‌باشد.

لهستان، ششم سپتامبر ۱۷٦٤
استانیسلاس پونیاتوفسکی (Stanislas Poniatowski) مدعی سلطنت لهستان، برحسب تمایل کاترین دوم امپراتریس روسیه به پادشاهی منصوب شد.

هندوستان، ۲۲ اکتبر ۱۷٦٤
امپراتور مغول هندی فرمانروای اودا (Oudh) که از نیروهای انگلیس شکست خورده بود، خود را به‌عنوان حاکم بنگال که از ثروتمندترین ایالات هند محسوب می‌شود، معرفی کرد.

فرانسه، نوامبر ۱۷٦٤
لویی پانزدهم پادشاه فرانسه رسماً انجمن ژزوئیت‌ها را منحل کرد.

امریکای شمالی، نوامبر ۱۷٦٤
پونتیاک رهبر سرخ‌پوستان اوتاوا، با انگلیس پیمان صلح امضا کرد، لیکن این پیمان تعهد یک‌جانبه‌ی پونتیاک بود و سازمان دیگری آن را تضمین نمی‌کند.

پاریس، ۱۷٦٤
ژولی دولسپیناس (Julie de Lespinasse) سالن ادبی ویژه‌ی سیاست‌مداران، تیزهوشان و هنرمندان در شهر پاریس را افتتاح کرد.

انگلیس، ۱۷٦٤
ویلیام هوگارت (William Hogarth) نقاش و قلمزن انگلیسی، جان سپرد. یکی از کارهای ویژه و به‌یادماندنی او در این اواخر، ترسیم کاریکاتور سیاست‌مداران می‌باشد.

روسیه، ۱۷٦٤
کاترین دوم دستور داد که اکتشافات منطقه‌ی آلاسکا (Alaska) بیشتر مورد توجه قرار گیرد. آلاسکا سرزمینی است که سراسر آن را دریا احاطه کرده و در شمال‌شرقی ناحیه‌ی سیبری (Siberia) قرار دارد.

سن‌پترزبورگ، ۱۷٦٤
ژان باپتیست والن دو لاموت (Jean Baptiste Vallin de La Motte) معمار اهل گوستینی دوور (Gostiny Dvor)، ساختمان قصر کاترین دوم را با مجموعه‌یی از هنر آغاز کرد.

فلوریدا، ۱۷٦٤
جان بارترام (john Bartram) زارع انگلیسی، منطقه‌یی در فلوریدا کشف کرد که درختان نارنج وحشی در سراسر آن‌جا کاشته شده بود.

درسدن، ۱۷٦٤
یوهان خواکیم وینکلمن (Johann Joachim Winckelmann) باستان‌شناس آلمانی، کتاب خود را درباره‌ی هنر باستان انتشار داد. وی در این کتاب از آثار باستانی حمایت کرده و آثار کلاسیک ملی را می‌ستاید.

لندن، ۲۲ مارس ۱۷٦٥
به‌منظور اضافه‌درآمد مستعمره‌نشین‌ها جهت هزینه‌ی استقرار سربازان انگلیسی در آنجا، پارلمان قانونی تصویب کرد که برای اوراق چاپی مبلغی مالیات به‌صورت تمبر به آن‌ها الصاق شود.

بررسی و تحقیق درباره‌ی ستارگان دنباله‌دار بسیار مشکل است، چون ناگهانی ظاهر شده و مدّت کوتاهی نورانی و سپس ناپدید می‌شوند. بدین مناسبت، تاریخچه‌ی آن‌ها موهوم و افراد خرافی آن را ترسناک و شوم تصوّر می‌کنند و ظهور آن را نشانه‌ی وقوع حوادث خطرناک و مایه‌ی بدبختی می‌شمارند. به‌هر حال، ادموند هالی (Edmund Halley)، ستاره‌شناس گمنام و دانشمند بزرگ انگلیسی، موفق شده که ظهور آن‌ها را محاسبه و ثبت نماید. وی در مبحث راجع به اجرام نورانی، ظهور و افول ستارگان دنباله‌دار را تعقیب کرده و آن را طبق قاعده‌ی منظم و مرتبی می‌داند.

مبنای محاسبه‌ی او برطبق عقاید نیوتون و کتاب برجسته و مشهور او به نام (اصول) می‌باشد. هالی می‌گوید گردش ستارگان دنباله‌دار به‌صورت مدار بیضی یا شلجمی می‌باشد. برابر محاسبه‌ی هالی، ستاره‌ی دنباله‌دار در سال‌های ۱۵۳۱، ۱۶۰۷ و ۱۶۸۲ پدیدار شده‌اند که در حقیقت عبور و گردش آن‌ها دوره‌یی بوده و هرچند سال یک بار ظاهر خواهند شد. در یک بررسی دیگر، هالی ظهور این ستارگان دنباله‌دار را در سده‌های گذشته در سال‌های ۱۳۰۵، ۱۳۸۰ و ۱۴۵۶ محاسبه کرده که در آن سال‌ها این اجرام در آسمان پدیدار شده‌اند.

براساس تخمین هالی، ستاره‌ی دنباله‌دار در دسامبر ۱۷۵۸ بار دیگر از نزدیک کره‌ی زمین عبور کرده و به چشم خواهد آمد. هیچ کس تا به حال این محاسبه و برآورد هالی را قبول نکرده و پیشگویی‌های وی را باور ندارد.

ضربات و حملات ارتش انگلیس باعث تلفات و ضایعات سنگین در نیروهای فرانسه شد. (بلن‌هایم، ۱۳ اوت ۱۷۰۴):

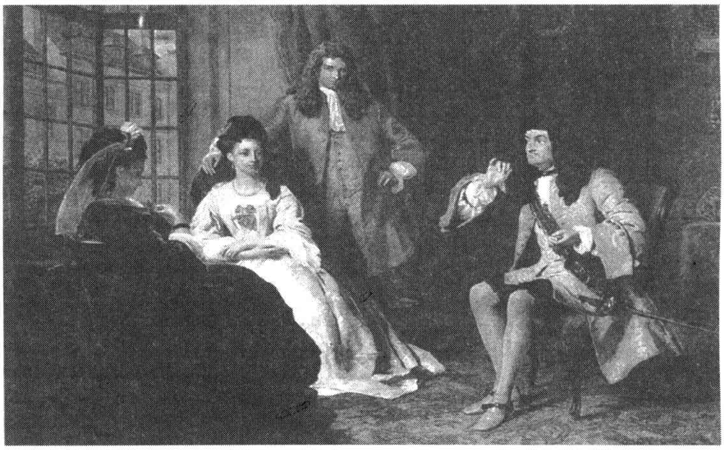
جان چرچیل، ژنرال انگلیسی و دوک مارلبورو (Marlborough)، امروز ضربه‌ی سنگینی بر ارتش فرانسه وارد آورد که موجب شکست آن‌ها گردید. این



تصویری که جان ووتون John Wooton از جنگ بلن هایمBlenheim به فرماندهی چرچیل Churchill و پیروزی سپاهیان وی تهیه کرده است.



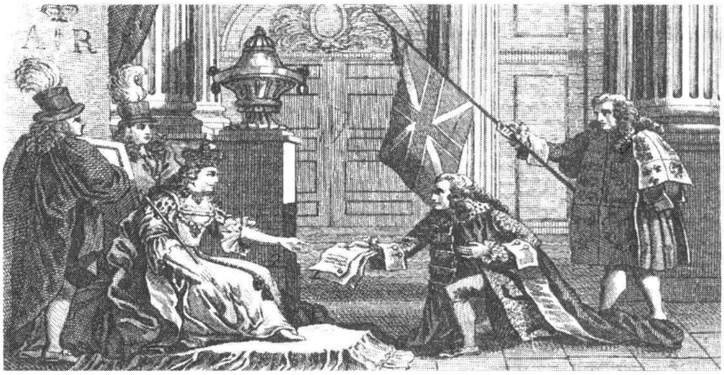
یک سرباز مبارز مجاری با لباس رزم به شیوه و عادات ملی.



لرد فوپینگتون Lord Foppington در دیدار با ملکه آن. نقاشی از فریت Frith، سده ی ۱۹.



تصویر ادموند هالی Edmund Halley در سن ۸۰ سالگی.



مبادله ی پیمان نامه اتحاد بین دوک کوئینزبری Duke Queensberry و ملکه آن.

لندن، ۲۴ مارس ۱۷۶۵
پارلمان قانونی به‌نام یک‌چهارم تصویب کرد که طبق آن مستعمره‌نشین‌ها باید یک‌چهارم از درآمد خود را به‌منظور تهیه و ایجاد سرپناه برای سربازان انگلیسی و هم‌چنین خرج خوراک و لباس و علوفه‌ی اسبان مالیات بپردازند.
بریتانیا، ۱۶ ژوئیه ۱۷۶۵
لرد گرنویل (Lord Grenville) از سمت نخست‌وزیری معزول شد و به‌جای او لرد راکینگهام (Rockingham) منصوب شد.
امریکای شمالی، ۱۷۶۵
با تصویب قانون حق تمبر توسط پارلمان، شورش و عصیان سراسر مستعمره‌نشین‌های انگلیسی را فراگرفت و تمام مهاجران نسبت به این امر اعتراض و ورود کالای لوکس انگلیسی را به مستعمرات تحریم کردند.
هندوستان، ۱۲ اوت ۱۷۶۵
رابرت کلایو (Robert Clive) با پیروزی برابر امپراتور مغول و تسخیر بنگال قدرت خود را بار دیگر بر آن‌جا تحکیم کرد.
اتریش، ۱۸ اوت ۱۷۶۵
فرانسیس (Francis) امپراتور اتریش مرد و همسرش ماری ترز هم از کارهای اجتماعی خود را بازنشسته کرد و نواده‌ی ارشد او باعنوان ژوزف دوم به امپراتوری رسید.
فرانسه، دسامبر ۱۷۶۵
با مرگ دوفین (Dauphin)، فرزند وی به‌نام لویی به سلطنت فرانسه رسید.
سن‌پترزبورگ، ۱۷۶۵
میخاییل لومونوسف (Mikhail Lomonosov) دانشمند و نویسنده، دیده از جهان فروبست. وی به‌عنوان دانشمند شیمی، برق، مکانیک و تاریخ مشهور بود و یکی از عوامل اصلی ایجاد و برپایی دانشگاه مسکو در سال ۱۷۵۵ به‌شمار می‌ورد.
اقیانوس اطلس جنوبی، ۱۷۶۵
مستعمرات انگلیسی به دو جزیره‌ی عمده‌ی مالوئین (Malouines) (جزایر فالک‌لند (Falkland)) نیز گسترش یافت. نخستین ساکنان دایمی این جزایر را فرانسوی‌ها تشکیل می‌دادند.
اتریش، ۱۷۶۵
هنگامی‌که پدر ژوزف درگذشت و مادرش ماری ترز از حقوق قانونی خود صرف‌نظر کرد و امپراتوری را به‌عنوان میراث به وی واگذار کرد، چون ژوزف به سلطنت رسید، ماری ترز مجدداً به‌عنوان کمک‌نایب‌السلطنه خود را به قدرت رسانید.
انگلیس، ۱۷۶۵
جیمز وات (James Watt) با تشریح و اثبات نیروی بخار، ماشین بخاری را که توسط توماس نیوکامن (Thomas Newcomen) برای اولین‌بار اختراع شده بود، با دستگاه تراکم بخار جداگانه مجهز ساخت.
دانمارک، ژانویه ۱۷۶۶
فردریک پنجم به‌عنوان پادشاه دانمارک جانشین پدرش کریستیان دوم شد.
فرانسه، ۲۳ فوریه ۱۷۶۶
استانیسلاس لزینسکی (Stanislas Leczinsky) پادشاه سابق لهستان، پدرخوانده‌ی لویی پانزدهم و دوک لورن (duke Lorraine) از سال ۱۷۳۷، در حریق کاخ خود در لونویل (Luneville) جان سپرد. با مرگ وی که پیشرو استقلال لورن بود، این دوک‌نشین تحت کنترل دولت فرانسه درآمد.
ورسای، سوم مارس ۱۷۶۶
پارلمان پاریس که به سبک و سیاق پارلمان انگلیس ایجاد شده و حالت استقلال داشت، در حال حاضر به محفلی تبدیل شده که جلسات آن را لویی پانزدهم به‌عنوان رییس و در حالی‌که شلاقی به دست دارد، اداره می‌کند و در گرو دربار سلطنتی می‌باشد و به‌کلی روش سابق متروک شده است.
لندن، چهارم مارس ۱۷۶۶
پارلمان قانون حق تمبر را که در سال گذشته تصویب کرده و موجب آشفتگی و عصیان مستعمرات انگلیس گشت، باطل اعلام کرد.
لوئیزیانا، پنجم مارس ۱۷۶۶
آنتونیو دو اولوا (Antonio de Ulloa) فرماندار لوئیزیانا (Louisiana)، به نیواورلئان بازگشت.

شکست که بر سر جانشینی سلطنت اسپانیا رخ داد، تعادل نیروهای نظامی را بر هم زد. این جریان که در منطقه‌ی حومه بلن‌هایم (Blenheim) در استان باواریا (Bavaria) اتّفاق افتاد، مصادف با زمانی شد که نیروهای فرانسوی قصد داشتند، شهر وین را تصرّف کنند و نیروهای چرچیل که در دورترین نقطه‌ی مرزی شمال هلند بودند، طوری وارد عملیات شدند که مرزهای هلند مورد تهدید قرار نگیرد، زیرا هلندی‌ها از مرز شمالی خود در هراس بودند.

چرچیل در این عملیات جبهه‌ی دیگری در چند مایلی ساحل رود راین و در ناحیه‌ی موسل (Moselle) گشود و به‌طور منظم با قشون خود در چند صد مایلی ساحل رود دانوب مستقر شد تا ارتش فرانسه را از رسیدن به شمال منصرف نماید.

او در این حال به لشگریان پرنس اوژن (Eugene)، شاهزاده‌ی ساووی (Savoy) پیوست تا با همیاری آن‌ها به ارتش فرانسه در باواریا یورش برند. در این جنگ، دشمن ۳۰ هزار نفر تلفات داشت و عدّه‌ی زیادی از سربازان آن هم در رود دانوب غرق شدند. در حالی‌که ارتش انگلیس، ۶۷۰ کشته و ۱۵۰۰ نفر زخمی بر جای گذاشت.

انگلیس و اسکاتلند، حکومتی یکپارچه ایجاد کردند. (لندن، اوّل مه ۱۷۰۷):

امروز جسد ۳۱ نفر در روی شن‌های کرک‌کالدی (Kirkcaldy) واقع در ویلز (Whales) کشف شد که گفته می‌شود در اثر پیشگویی‌هایی توسط ارواح شریر که با پیوستن پارلمان‌های انگلیس و اسکاتلند مخالفت کرده بودند کشته شده‌اند. امّا مخالفان پیوستن انگلیس و اسکاتلند از شمارش خارج است و عدّه‌یی هم طرفدار این موضوع می‌باشند و می‌گویند که این امر به نفع اسکاتلند می‌باشد و این تصمیم یک طرفه اتّخاذ شده و راه دیگری ندارد. در پارلمان ادینبورو (Edinburgh) پایتخت اسکاتلند، بحث و مناقشه درگرفته و چهل نفر از نمایندگان موافق، انگلیس را برادر می‌شمارند، لیکن

۵ نفر به شدّت به این امر معترضند و با این پیمان مخالفند.

در این میان، مهم‌ترین عاملی که موجود است و باعث برنده شدن اکثریت نسبت به این موضوع شده، آن است که پارلمان انگلیس با این امر موافقت نماید، زیرا شرط انعقاد این پیمان موافقت پارلمان لندن می‌باشد و پارلمان هم می‌خواهد از سوی کلیسای پرسبی‌تارین‌ها (Presbyterian) اطمینان حاصل کند، چون مخالفت این فرقه سبب بر هم خوردن پیمان خواهد شد. در عین حال، اسکاتلند می‌خواهد سیستم قانونی خود را حفظ نماید. آخرین مانع بر سر انعقاد این پیمان مخالفت گروه ژاکوبیت‌ها (Jacobite) که پشتیبان و حامی خانواده استوارت بوده و ادعای تاج و تخت انگلیس را دارند، که به‌نظر می‌رسد این مانع بزرگ‌ترین عامل بر سر راه پیوستن انگلیس و اسکاتلند می‌باشد.

حامیان اسکاتلندی این پیمان به آینده می‌نگرند که از نظر اقتصادی به یک باره وضع مالی اسکاتلند شکوفا خواهد شد و شهر گلاسگو (Glasgow) که بر سر راه تجارت اقیانوس اطلس قرار دارد، به رشد چشمگیری دست خواهد یافت. سابقاً هم اسکاتلندی‌ها در پی یافتن راهی از طریق انگلیس به سوی جنوب بودند که به تجارت و صنعت خود گسترش بخشند و ارتش خود را هم مجهّز نمایند، در حالی‌که در مناطق مرتفع و کوهستانی اسکاتلند این امر مانند سرزمین انگلیس میسّر نیست.

در لندن هم اکثریت توری‌ها (محافظه‌کاران) با این موضوع مخالفت می‌ورزند و ترس آن‌ها هم از قوای فالانژ پرسبیتریان‌هاست، و بر سر این موضوع هم مذاکرات مفصلی در پارلمان انگلیس در جریان است. مغهذا اکثریت مردم انگلیس از این جریان ابراز رضایت می‌کنند و نمی‌توانند شادی خود را پنهان نمایند، چون این موضوع برای آنان غیرمنتظره و بهت‌آور بود و این روز را تعطیل اعلام کردند. ملکه آن هم برای شکرگزاری به کلیسای سنت پل رفت و در آنجا جشنی برپا شد.

جزوه‌یی درباره‌ی تئاترهای کمدی هرزه و ناروا انتشار یافت. (لندن، ۱۷۰۷):

آخرین موفقیت تئاتر انگلیس، اجرای نمایش حیله‌های جنگی است که توسط جورج فارکهار (George Farquhar) نمایش‌نامه‌نویس جوان ایرلندی نوشته شده و آن را افسری که در جنگ شرکت داشته، اجرا کرده است، لیکن انتقادات و عکس‌العمل‌هایی هم در مخالفت با اجرای نمایش‌نامه‌هایی همچون کمدی‌های «سقوط وانبورو (Vanbrugh)» (سال ۱۶۹۶) و ویلیام کونگریو (William Congreve) در نقش (عشق برای عشق) که در سال ۱۶۹۵ به اجرا درآمده است، صورت گرفت و آن‌ها را ضدّ اخلاقی تلقّی کردند. تا به حال نمایش (راهی به سوی جهان) که توسط کونگریو اجرا می‌شود، در روی صحنه قرار دارد.

مجارها در مقابل فرمانروای اتریش برای تمرکز قدرت به مقاومت برخاسته‌اند. (بوداپست، مجارستان، ۱۷۰۳):

۱۶ سال پس از آزاد شدن مجارستان از تصرّف عثمانی، روستاییان این کشور بر ضدّ اضافه شدن مالیات توسط امپراتور هابسبورگ قیام کردند، تمام طبقات اجتماعی از این وضع نگران و به آن اعتراض دارند، امّا روستاییان و کشاورزان به خصوص قادر به پرداخت چنین مالیاتی نیستند. دولت به علّت ترس از مخالفان، اقدام به نیرنگ جنگی نمود و آن این‌که سربازان پادگان‌ها را در مسیر راه‌های روستایی به نگهبانی گماشت و بدین وسیله رفت و آمد آن‌ها را به شهرها و مناطق دیگر محدود نمود تا افراد به‌صورت انفرادی رفت و آمد نمایند و به مقرّرات مالیاتی گردن نهند و با این اقدام از گسترش شورش جلوگیری کرد.

اسپانیا، ژوئن ۱۷۶۶
شارل سوم، کنت اراندا (Count Aranda) را به‌عنوان نخست‌وزیر با حق دفاع در مقابل مشاوران ایتالیایی خود و سرکوبی شورشیان ژزوئیت تعیین کرد.
کانادا، ۲۴ژوئیه ۱۷۶۶
پونتیاک (Pontiac) رهبر سرخ‌پوستان اوتاوا، پیمان صلح با ویلیام جانسون سرپرست امور سرخ‌پوستان در قلاع اونتاریو (Ontario) امضا کرد و بدین ترتیب به جنگ سه‌ساله و شورش منطقه پایان داد.
لندن، اوت ۱۷۶۶
چارلز تاونزند (Charles Townshend) به‌عنوان مهردار و وزیر دارایی انگلیس منصوب شد. این وزارت‌خانه‌ی جدید توسط لرد گرافتون (Lord Grafton) و لرد چاتهام (Chatham) (ویلیام پیت (William Pitt)) نخست‌وزیران سابق تأسیس شده است.
نیویورک، ۱۹ دسامبر ۱۷۶۶
توماس گیج (Thomas Gage) فرمانده کل نیروهای انگلیس در نیویورک، بحث درباره‌ی قانون یک‌چهارم مصوبه‌ی پارلمان را رد کرد و آن را باعث تفرقه و جدایی استان نیویورک دانست.
فرانسه، ۱۷۶۶
لویی بوگن ویل (Louis de Bougainville) که به قصد سفر دور دنیا مسافرت خود را آغاز کرده بود، در سواحل فرانسه پیاده شد.
فیلادلفیا، ۱۷۶۶
بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) عینک دوچشمی را اختراع کرد.
فیلادلفیا، ۱۷۶۶
نخستین ساختمان تماشاخانه به‌نام ساوث‌وارک (Southwark) در فیلادلفیا برای اجرای نمایشات درام به‌سرعت آماده و افتتاح شد.
فرانسه، ۱۷۶۶
گریبووال (Gribeauval) مهندس قشون، یک حالت ابتکاری در سیستم توپ‌خانه‌ی فرانسه ایجاد کرد.
روسیه، ۱۷۶۶
کاترین دوم امتیازات اشرافی را استحکام بخشید.
آلمان، ۱۷۶۶
فردریک دوم یک بانک در شهر برلین به‌وجود آورد.
انگلیس، ۱۷۶۶
اولیور گلداسمیت (Oliver Goldsmith) نویسنده‌ی ایرلندی، داستانی به‌نام ویکارویک‌فیلد (Vicar of Wakefield) را به‌نگارش درآورد.
انگلیس، ۱۷۶۶
رابرت آدام (Robert Adam) معمار انگلیسی، ساختمانی را به سبک کلاسیک نوین در ناحیه‌ی لوتون هوو (Luton Hoo) نزدیک بدفورد (Bedford) بنا کرد.
آلمان، ۱۷۶۶
گوتهولدلسینگ (Gotthold Lessing) اثر خود به‌نام لائوکون (Laokoon) را انتشار داد. این کار اثر زیبایی در ارتباط بین شاعر و نقاش می‌باشد.
سن‌پترزبورگ، ۱۷۶۶
کاترین دوم تزاریس روسیه، از اتین فالکونه (Etienne Falconet) تندیس‌نگار فرانسوی دعوت کرد که مجسمه‌یی در خور مقام پتر کبیر امپراتور فقید روس در شهر سن‌پترزبورگ (St Petersburg) بسازد.
هندوستان، فوریه ۱۷۶۷
رابرت کلایو فرماندار منطقه‌ی تحت نفوذ کمپانی هند شرقی، معزول شد.
اسپانیا، ۲۷ فوریه ۱۷۶۷
آراندا (Aranda) نخست‌وزیر جدید اسپانیا، تمام طرفداران فرقه‌ی ژزوئیت را از کشور اخراج کرد.
لندن، ژوئن ۱۷۶۷
پارلمان قانونی را به‌نام تاونزند (Townshend) تصویب کرد. این قانون که توسط تاونزند وزیر دارایی و مهردار سلطنتی به پارلمان پیشنهاد شد، مالیات جدیدی را به مستعمره‌نشینان انگلیسی تحمیل کرد و بحث درباره‌ی قانون یک‌چهارم که ساکنان نیویورک بدان معترض بودند را معوق گذاشت.

در ضمن دو نفر از سران مجارستانی، یکی به نام فرانسیس راکوچی (Francis Rakoczi) از نجبای کشور و نیکلاس برچنی (Nicholas Berczenyi) را تبعید نمود و بدین ترتیب روستاییان به محلّ سکونت خود برگشتند، با این اقدامات، بسیاری از نقاط توسط ارتش اشغال شد و لئوپولد هم از پشتیبانی و حمایت افراد ثروتمند و اشراف برخوردار گردید.

گروهی از سامورایی‌های جنگجو دسته‌جمعی خودکشی کردند. (ژاپن، فوریه ۱۷۰۳):

۴۶ نفر از سامورایی‌های جنگجو و قهرمان، پس از انجام مراسم مذهبی، اقدام به خودکشی کردند. مرگ آن‌ها به علّت فرمان شوگون (فرمانروای کل ژاپن) مبنی بر مجازات فرمانده‌ی سامورایی‌ها و محکومیت وی در دادگاه رسمی کشور بود، کیرایوشیناکا (Kira Yoshinaka) برطبق رأی این دادگاه محکوم به خودکشی شده بود. آن‌ها به اجبار سر کیرا فرمانده‌ی خود را از بدن جدا کردند و به همین علّت تمام آن‌ها برحسب میل خود دست به خودکشی زدند.

پاپ در تلاش جایگزینی دین مسیح در سراسر چین می‌باشد. (چین، ۱۷۰۴):

پاپ کلمان نهم در مناقشه‌ی بین فرقه‌ی ژزوئیت‌ها و سایر هیأت‌های کاتولیکی چین مداخله کرد و به اختلاف عقیده‌ی آن‌ها دامن زد. او با امضای فرمانی، مراسم مذهبی ژزوئیت‌های چینی را محکوم و آن‌ها را مرتد شناخت. این منازعه بر اثر آن برپا شد، زیرا ژزوئیت‌ها اعتقادات مذهبی کنفوسیوس را محترم داشته و آزادی مذهبی آن‌ها را رعایت می‌کردند به‌طوری که پیروان مذهب کنفوسیوس برحسب میل خود می توانند به دین مسیح درآیند و در غیر این صورت متابعت آن‌ها از دین خود مورد احترام می‌باشد، چون اصول هر دو مذهب یکی است و مسیحیت با مذهب کنفوسیوس اختلاف اصولی ندارد. این داستان فرقه‌ی ژزوئیت‌ها در چین بالا گرفت و به مقامات بالای چینی رسید و

امپراتور با استقبال از این طرز تفکر، طی فرمانی این امر را به سراسر چین ابلاغ کرد، لیکن پاپ و سایر کاتولیک‌ها را به خشم واداشت.

پاپ، شارل مگرو (Charles Maigrot)، اسقف منطقه‌ی فوکین (Fukien) را به سرپرستی گروه مخالفان فرقه‌ی ژزوئیت منصوب نمود. او هم با کمال افتخار این مقام را پذیرفت، چون تاکنون به وی مقامی محوّل نشده بود. وی دادگاهی به نام محکمه بابل تشکیل داد و ژزوئیت‌های چینی را به بت‌پرستی محکوم نمود. از سویی پاپ نماینده‌یی جهت بررسی موضوع به چین اعزام کرد تا به این مسأله رسیدگی نماید.

با مرگ امپراتور مغول، موج بحران در هند بالا گرفت. (احمد ناگار (Ahmadnagar)، هندوستان، سوّم مارس ۱۷۰۷):

اورنگ زیب (Aurang Zeb)، امپراتور مغول هندوستان و آخرین پادشاه قدرتمند سلسله‌ی مغولان از دنیا رفت. با مرگ او، رؤیای اقتدار و اتّحاد هند هم مدفون شد. او مسلمانی متقی و پرهیزکار بود و قرآن را به خوبی می‌دانست. وی بسیار پارسا و باایمان بود. جدای از امور دینی، انسانی با صفا و خلوص نیت بود، لیکن پیروان ادیان هندو و سیک (Sikhs) را مورد تعقیب قرار می‌داد، با این وصف از نظر سیاسی با هندوها پیمان اتّحاد بسته و منطقه‌ی راجپوت (Rajputs) هندونشین یکی از استان‌های متّحد با وی بود. نیروهای نظامی اورنگ زیب در جنگ اغلب پیروز می‌شدند (این پیروزی‌ها بیشتر در اثر به کار بردن حیله‌های جنگی بود) و فتوحات وی به توسعه قلمرو او کمک کرد. مالیات‌های سرسام‌آور سبب فقر و گرسنگی مردم شد، زیرا رعیت از پرداخت مالیات سنگین عاجز بود و همین موضوع سبب جنگ‌های طولانی و شدید گردید. وی کاخی باشکوه و مجلّل بنا کرده بود که هزینه‌ی آن را مردم گرسنه پرداخت می‌کردند و به همین سبب اغلب سال‌ها در کشور شورش و بلوا برپا می‌شد و به ندرت مردم روی آرامش را می‌دیدند.

هنرمند چینی که برعلیه سبک سنتی قیام کرد. (کیانگ‌زی (Kiangsi)، چین، ۱۷۰۷):

نقّاش، شاعر و خوشنویس چینی به نام شیتائو (Shitao) که سبک نقّاشی دورنما را در چین احیا نمود، درگذشت. او برعلیه سبک تغییرناپذیر باستانی که سراسر تقلید بود، به پا خاست زیرا استادان هنر قدیمی به هیچ‌وجه حاضر به تجدیدنظر در آن نبودند و آن را اصل و اساس هنر می‌دانستند، وی روح و شخصیت خود را در این راه فدا کرد و سال‌های زیادی را در جنگ برعلیه هنر تقلیدی سپری نمود.

این روزها افرادی که او را دیده‌اند، می‌گویند وی بسیار پژمرده شده و همچون پوست و استخوان است و خاکستر مرگ بر چهره‌ی او پاشیده شده است. او می‌گفت: هنگامی که از من می‌پرسند که آیا تو در هنر نقّاشی پیرو مکتب شمال یا جنوب هستی، من می‌گویم، من این‌ها را نمی‌دانم. من در نقّاشی پیرو سبک خودم هستم.

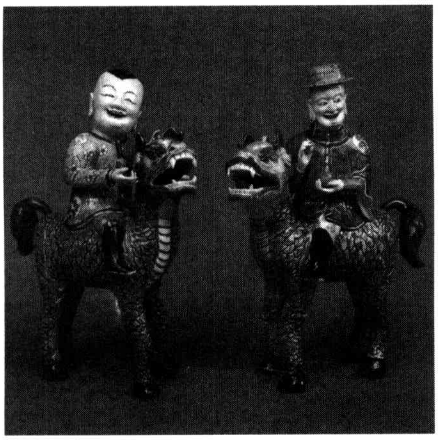
زمینه‌ی تابلوهای او بیشتر چشم‌اندازی از قلّه‌ی کوه‌ها و ابرهایی که در آن ارتفاع می‌چرخند و تولید باران می‌کنند و این باران از دامنه‌ی کوه‌ها سرازیر می‌شود و دشت‌ها را سیراب می‌کند، به‌صورت کم‌رنگ و سطوح دیگر را اغلب با مرکب سیاه و قلم‌مو نقّاشی می‌کرد، و بدین ترتیب دست هنرمندان را در استفاده از استعدادهای‌شان باز گذاشت و به گسترش هنر نقّاشی در چین کمک شایانی نمود.

زمستان سخت روسیه، به مهاجمان سوئدی تلفات سنگینی وارد آورد. (پولتاوا (Poltava)، روسیه، ۱۷۰۹):

نبردهای محدود و پایان‌ناپذیری که نیروهای سوئد برعلیه ارتش روسیه آغاز کردند، خود مسبّب بیم و وحشت و تحقیر آن‌ها گشت. مهاجمان پریشان‌حال و وحشت‌زده‌ی سوئدی، تحت فرمان کارل دوازدهم پادشاه سوئد، پس از تحمّل تلفات سنگین، در حالی که



نمای شمال غربی کلیسای بزرگ سنت پلSt Paul که به وسیله ی سر کریستوفررن Sir Christopher Wren ساخته شده.



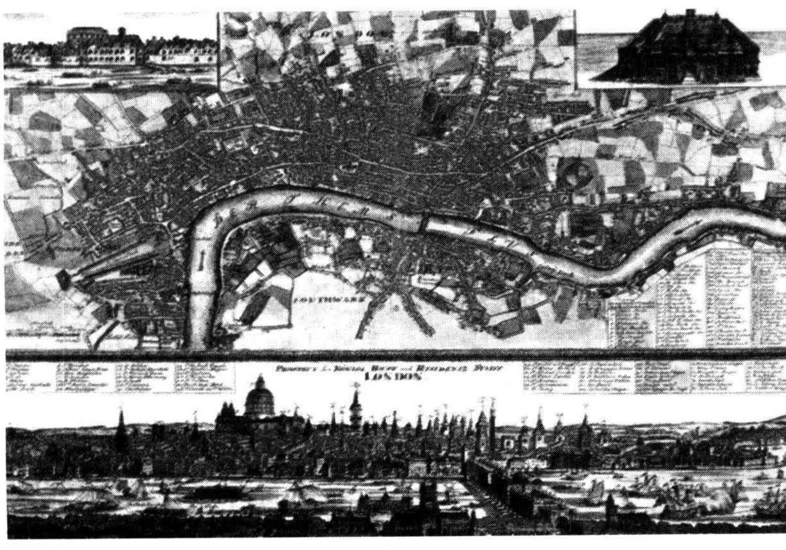
سیاست انزواطلبی ژاپن بر تمام زندگی داخلی و اجتماعی مردم این سرزمین تاثیر گزارده و این امر مغایر با شیوه ی کشورهای اروپایی است که با گل و حالات رمانتیک توأم می باشد. این دو پیکره سرامیکی در حدود سال های ۱۷۰۰ ساخته شده.



وزیر اعظم عثمانی، پناهندگان سوئدی را به حضور می پذیرد.



آخرین تصویر اورنگ زیب امپراتور هند.



دورنمایی از شهر لندن که در آن لندن بریج و کلیسای سنت پل نشان داده شده نقاشی از هومان Homann.

تنها عدّه‌ی کمی از آن‌ها باقی مانده بودند، همگـی بـه دربار عثمانی پناهنده شدند، چون از آن ارتش بـزرگ و باشکوه، تعدادی سرباز گرسنه و سرمازده بـه جـا مانـده بود.

لشگریان پیروزمند پتر تزار روس، با گستردن دامـی در راه ارتـش تجـاورزگر، آن‌هـا را در مغـاکی عمیـق افکندند و این دام زمستان وحشت‌زای روسیه بـود کـه فراموش‌نشدنی است و به گونه‌یی سپاهیان سوئدی بـر اثر حرص و طمع در آن دام افتادند که دیگـر رمقـی از آن‌ها باقی نمانده بود، در نتیجه در ماه ژوئن به شکست خود اعتراف کردند.

کارل در آن زمان، روی ارتش باتجربه و رزم‌دیده‌ی روس و سیاست آن دولت حساب نکرده بـود. سپاهیان روسیه در هنگام عقب‌نشینی، تمام انبارهای مواد غذایی را آتش می‌زدند تا دشمن نتواند از آن‌ها استفاده کند. از سویی، دشمن در فکر زمستان و سرمای روسیه نبـود و روس‌ها با تاکتیک زمـین‌سـوخته، سـوئدی‌هـا را در دام انداختند و اجازه دادند که در دشت‌های وسیع آن کشور سرگردان شده و از پا درآیند.

رهبر بزرگ مذهبی سیک‌هـا، بـه وسـیله‌ی یـک افغانی کشته شد. (دکن (Dekhan)، هندوسـتان، نوامبر ۱۷۰۸):

گووِیند سینگ (Govnid Singh)، دهمـین رهبـر مذهبی سیک‌ها، به هلاکت رسـید. بـدون شـک قاتـل یک مرد افغانی است که به دسـتور بهادرشـاه، امپراتـور جدید مغول و دریافت دستمزد، به این کار اقـدام کـرده است.

گـورو گوویـنـد (Guru Govind)، رهبـر مـذهبی سیک، علاوه بر مقام روحانی، یک سرباز مبارز بود کـه ارتش مجهزی ترتیـب داده بـود. وی بـه‌عنـوان رهبـر سیاسی و فرمانده‌ی عملیـات جنگـی قصـد داشـت بـا بهادرشـاه (Bahadur Shah) بجنگـد. او بـزرگ‌تـرین رهبـر مـذهبی از زمـان نانـک تـاکنون بـود. (نانـک (Nanak)، مؤسس و بنیانگزار مذهب سـیک اسـت) و فلسفه‌ی نوینی درباره‌ی فرقه‌ی مذهبی سیک داشـت و از نظر پیروانش شخصیتی استثنایی بـود. لازم بـه ذکـر است که نانک در دو قرن پیش، این فرقه‌ی مـذهبی را که التقاطی از دین اسلام و هندو بود، بنیان نهاد.

یک حکومت محلی آفریقایی، از راه فروش بـرده به ثروت سرشاری رسید. (ساحل طلا، ۱۷۰۸):

عوامل و مزدوران حکومت ایـالات شـرقی آفریقـا، مردان زورمند و قوی‌هیکـل سـیاه‌پوسـت را از خانـه و کلبه‌هاشان ربـوده و بـه آمریکـا مـی‌برنـد تـا از آن‌هـا به‌عنوان بـرده اسـتفاده شـود، آن‌هـا بـا ایـن اقـدامات وحشـیانه و ظالمانـه، از راه فـروش بـرده بـه ثـروت سرشاری دست یافته‌اند.

از این بدتر، کارهایی است که در منطقـه‌ی آبـومی (Abomey) در سرزمین داهومی (Dahomey) (بنین Benin) صـورت مـی‌گیـرد. ایـن منطقـه بـین کـوئن (Quene) و رودخانه‌ی مونو (Mono) واقع شده، آن‌ها بنـــدرهای آلادا (Allada) و کوئیـــداه (Quidah) را مخصوص تجارت برده کرده‌انـد و از ایـن راه خزانـه‌ی حکومتی مملو از پول و طلا شده. آن‌ها از بردگـان زن، ارتشی به‌وجود آورده‌اند و زنانی را کـه بـه کـار فـروش نمی‌خورند، به جنگ رقیب خود، منطقه‌ی پادشاهی اویو (Oyo) می‌فرستند.

مارلبورو (Marlborough)، ارتش خود را به سوی فرانسه می‌فرستد. (هلند، ۱۱ سپتامبر ۱۷۰۹):

یکی از بزرگ‌ترین ژنرال‌های ارتش انگلیس، یعنـی دوک مـارلبورو، امـروز بـا شکسـت دادن سـپاهیان فرانسوی، پیروزی دیگری بر پیروزی‌هـای قبلـی خـود افزود. پس از روزها جنگ سخت در منطقه‌ی مالپلا که (Malplaquet) که نزدیـک مـونز (Mons)، واقـع در جنـوب هلنـد (بلژیـک) انجـام شدسـرانجام لشـگریان فرانسوی عقب‌نشینی کردند. برخی از منتقدان می‌گویند این شکست قطعی برای ارتش فرانسه نیست، امّا بیشتر

روسیه، ۱۷۶۷
کاترین دوم ملکه‌ی روس از تمام طبقات اجتماعی به‌جز سرف‌ها دعوت کرد که برای اصلاحات در کشور جلساتی تشکیل داده و راجع به آن تصمیم بگیرند.
نیوانگلند، ۲۸ اکتبر ۱۷۶۷
سران ایالت بوستون، تحریم کالاهای انگلیسی را تجدید کردند.
دانمارک، ۱۷۶۷
کریستیان هفتم پادشاه دانمارک که سال پیش به پادشاهی رسیده بود، قلمرو خود را به نواحی شلزویگ (Schleswig) و هولشتاین (Holstein) گسترش داد.
انگلیس، ۱۷۶۷
جوزف پریستلی (Joseph Priestley) شیمیدان انگلیسی، کتابی درباره‌ی تاریخ گذشته و حال نیروی الکتریسته منتشر کرد.
انگلیس، ۱۷۶۷
لورنس استرن (Laurence Sterne) کتاب خود را موسوم به تریسترام شاندی (Tristram Shandy) به‌اتمام رسانید. این کتاب داستان مفصلی است که بخش اول آن در سال ۱۷۶۰ پایان یافت و خوانندگان آن را بسیار مشعوف کرد و از نظارت مقامات و سرپرستی سران کشور در امور زندگی انسان را آزرده‌خاطر می‌ساخت.
فرانسه، ۱۷۶۷
ژرژ لویی لکلر بوفون (Georges Louis Leclerc Buffon) آخرین بخش از کتاب ۱۵جلدی خود را درباره‌ی تاریخ طبیعی به‌اتمام رساند. بخش اول این کتاب که در سال ۱۷۴۹ پایان یافت، درباره‌ی تکامل حیوانات بود که موجب تشنجات بسیار و بدنامی‌های زیاد گردید.
اتریش، ۱۷۶۷
ژوزف دوم امپراتور درخواست کرد که در امور دربار پاپ حق نظارت اعمال شود.
اتریش، ۱۷۶۷
کریستوف ویلی بالدفون گلوک (Christoph Willibald Von Gluck) موسیقیدان آلمانی، اپرای السِ‌تیس (Alcestis) را اجرا کرد.
بوستون، فوریه ۱۷۶۸
ساموئل آدامز (Samuel Adams) نخستین رهبر امریکایی که سلطه‌ی انگلیس و پارلمان آن کشور را بر ایالات امریکایی رد کرده بود، بعلت مخالفت با قانون تاونزند (Townshend) از مقام خود برکنار شد.
لندن، دهم مه ۱۷۶۸
جان وایلکز (John Wilkes) روزنامه‌نگار انگلیسی که به جرم ایجاد اغتشاش و آشوب و کارهای خلاف قانون زندانی شده بود، آزاد و به‌عنوان نماینده‌ی ناحیه‌ی میدل‌سکس (Middlesex) به عضویت پارلمان انتخاب شد.
جزیره‌ی کورس، ۱۵ مه ۱۷۶۸
با امضای پیمان صلح ورسای (Verssailles)، فرانسه جزیره‌ی کورس (Corsica) را از جنوا (Genoa) بازستاند.
فرانسه، ۱۶ سپتامبر ۱۷۶۸
رنه نیکلاس دو ماپه‌ئو (Rene Nicolas de Maupeou) به سمت نخست‌وزیر به‌جای گیلیوم دو لاموینون (Guillaume de Lamoignon) انتخاب شد.
بوستون، اول اکتبر ۱۷۶۸
لرد هالیسبورو (Halisborough) وزیر مستعمرات انگلیس، دو هنگ از نیروهای نظامی را برای جلوگیری از اشاعه‌ی شورش و اغتشاش برای قانون تاونزند (Townshend) به بوستون (Boston) اعزام کرد.
نیواورلئان، ۲۸ اکتبر ۱۷۶۸
ساکنان آلمانی و آکادیان (Acadians) نیواورلئان به دورگه‌های فرانسوی‌تبار پیوستند تا علیه آنتونیو دو اولوآ (Antonio de Ulloa) فرماندار اسپانیولی دست به شورش بزنند.
نیویورک، ۳۰ اکتبر ۱۷۶۸
کلیسای کوچک وسلی (Wesley) نخستین کلیسای متدیست‌ها (Methodist) در مستعمرات را به شهر نیویورک اهدا کردند.
استانبول، اکتبر ۱۷۶۸
مصطفی دوم پادشاه عثمانی، علیه روسیه اعلان جنگ داد، چون روسیه قرارداد پروت (Pruth) سال ۱۷۱۱ را زیر پا نهاده و لهستان را اشغال کرده است.

مردم بر این باورند که پس از شکست دادن ارتش فرانسه در بلنهایم (Blenheim)، رامیلی (Ramillies)، آنتورپ (Antwerp)، منن (Menin)، اوستند (Ostend) و کودنارد (Qudenarde)، ارتش فرانسه، اشتهای پیروزی بر مارلبورو را از دست داده است. فتوحات دوک مارلبورو مدیون مراقبت صحیح از سربازان و در نظر داشتن رفاه و آسایش آن‌ها و به‌وجود آوردن محیط مناسب برای زندگی و خانواده‌ی آن‌ها می‌باشد، زیرا سرباز اگر از محیط خانوادگی خود اطمینان داشته باشد و مقرری وی به‌طور مرتب پرداخت گردد، در انجام فرمان کوتاهی نخواهد کرد.

رِن (Wren)، معمار انگلیسی، ساختمان کلیسای سنت پل را که در اثر حریق بزرگ لندن ویران شده بود، بازسازی و تکمیل کرد. (لندن، ۱۷۱۱):

ساختمان کاتدرال (کلیسای بزرگ سنت پل St Paul) پس از گذشت ۳۸ سال از زمانی‌که شروع به ساختن آن شده بود و پس از ۴۵ سال که از طرح آن توسط سر کریستوفر رِن (Sir Christopher Wren) معمار انگلیسی کشیده شده بود، بازسازی و ساختمان آن به پایان رسید. این کلیسا بار اوّل در قرون وسطی و بار دیگر در آتش‌سوزی بزرگ لندن کاملاً تخریب شده بود.

کریستوفر اکنون در حدود ۸۰ سال دارد و قادر به کار نیست و آخرین سنگ‌بنای آن را پسرش کار گذاشت و بدین ترتیب کلیسا افتتاح شد. وی برای نظارت در کار ساختمان، سالیانه ۲۰۰ پوند دستمزد دریافت می‌کرد. در سال ۱۶۹۷، پارلمان به وی پیشنهاد کرد که تا اتمام ساختمان، نصف این مبلغ را دریافت نماید تا کار ساختمان پایان یابد.

اکنون شهر لندن پس از کلیسای سن پیتر روم، دارای بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین کلیسا می‌باشد، لیکن مناره و گنبد کلیسای سنت‌پل، بلندترین برج جهان است. رِن، نقّاش گرین‌لینگ گیبونز (Grinling Gibons) را برای نقّاشی و تندیس‌نگاری قسمت

دسته‌های موزیک استخدام کرد و هم‌چنین ژان تیژوی (Jean Tijou) هوگونوت (Huguenot) مذهب را برای اتمام درِ ورودی کلیسا به کار گماشت، لیکن کار تزئینات داخلی و زیرسقف عظیم کلیسا را برعهده‌ی سر جیمز تورن‌هیل (Sir James Thornhill) گذاشت. هزینه‌ی کل ساختمان بالغ بر ۷۲۱/۵۵۲ پوند است که از محلّ مالیات بر زغال‌سنگ تأمین شده است.

رن در تمام شهر لندن تعداد ۵۱ کلیسا را که در آتش‌سوزی ویران شده بود، ترمیم کرد. ساختمان گنبد و برج کلیسای سنت پول که در حقیقت به بلندی یک آسمان‌خراش می‌باشد، کار معماری مجلّل و باشکوه است. گرچه رن نقشه‌ی چندین کلیسای بزرگ را در شهر لندن کشیده و آن‌ها را به اتمام رسانده که باعث درخشش و نورانی شدن شهر شده، لیکن تمام آن‌ها در مقابل چشم‌انداز این کاتدرال هیچ است.

پادشاه آفریقای غربی که به اروپاییان پناه برده بود، درگذشت. (غنا (Ghana)، آفریقای غربی، ۱۷۱۲):

اوسی توتو (Osei Tutu)، بنیانگذار ایالت آسانت (Asante)، در یک پناهگاه کشته شد. در سی سال پیش، ساکنان این ایالات که بسیار فقیر و بی‌چیز بودند، با اعانات و صدقات آکوامو (Akwamu) ایالت همسایه‌شان، زندگی می‌کردند. او مُرد، در حالی‌که فرمانروای امپراتوری آفریقای غربی بود.

حاکم آسانت که از جنوب به این منطقه مهاجرت کرده مانند نسل‌های پیشین خود، در جنگل‌ها زندگی می‌کرد. ملّت آسانت تحت رهبری اوسی توتو، به پیشرفت‌های زیادی نایل شده بود و همواره با اطمینان‌خاطر در نبردهای محلی شرکت می‌کرد و در این نبردها همواره برنده بود، به جز یک بار که در پیکار با دنکی‌یرا (Denkyira)، در ناحیه‌ی فیاض (Feyiase)، در سال ۱۷۰۱ شکست خورد. اوسی توتو (حامی قدرتمند اوکومفو آنوکیه (Okomfo Anokye) راهب بزرگ) با یک سیاست قاطع و نبردهای محلی، هم‌چنین با وصلت با حاکمان کشورهای همسایه و نیز فروش طلا و تجارت برده، ثروت زیادی برای کشور خود تهیه کرد و به یکی از قدرت‌های منطقه تبدیل شد. قدرت‌های اروپایی از این‌که در این ثروت شریک نیستند، سخت عصبانی بودند و او را به قتل رساندند، زیرا نمی‌توانستند در تجارت برده و طلای استخراجی از آسانت شرکت کنند. (آسانت به تمام طلاهای خود نیاز داشت.)

بازرگانان اروپا به خاطر ترس از حکومت، با اسلحه به شکار سیاه‌پوستان می‌پرداختند و پس از دستگیری، آن‌ها را با خود برای فروش می‌بردند.

در سالی که لشگریان اوسی‌توتو، بر دنکی‌یرا فائق آمدند و او را مغلوب کردند، هلند نمایندگانی به شهر کومازی (Kumasi) پایتخت آسانت فرستاد. دولت انگلیس هم که همواره با کشور هلند در قاره‌ی آفریقا رقابت می‌کرد به مقرّرات بازرگانی آسانت تسلیم گردید و در ضمن با دشمنان آفریقایی آن قرارداد همکاری امضا کرد.

درجه حرارت آب جوش و سایر درجات تعیین شد. (هلند، ۱۷۱۴):

دانیل فارنهایت (Daniel Fahrenheit)، آلمانی‌نژاد و ساکن کشور هلند، دماسنجی جیوه‌یی ساخته که از دماسنج الکلی مشابه، درجه حرارت و دما را صحیح‌تر نشان می‌دهد و کاربرد آن بسیار ساده و آسان می‌باشد. این دماسنج سه نقطه‌ی مشخّص دارد.

پایین‌ترین نقطه که ۳۲- می‌باشد، نقطه‌ی انجماد مخلوطی از آب و یخ و نمک است، بالاترین حدّ آن، نقطه‌ی جوش آب و ۲۱۲ درجه می‌باشد و بالاخره دمای بدن و خون انسان، بین این دو درجه قرار دارد و آن ۹۸/۴ فارنهایت است. فارنهایت هم‌چنین با دقّت زیاد، دستگاهی به نام بارومتر (barometers) ساخته که برای تعیین فشار هوا به کار می‌رود.

او هم‌چنین ثابت کرد که آب قبل از انجماد همچنان به حالت مایع باقی می‌ماند و اگر به نقطه‌ی جوش برسد، تغییر حالت داده و به‌صورت بخار درمی‌آید و این نقطه‌ی جوش تحت تأثیر فشار هوا و ارتفاع تغییر می‌کند و در مکان‌های مختلف متفاوت می‌باشد.

تجاوز نیروهای انگلیسی به خاک کانادا عقیم ماند. (که‌بک (Quebec)، ۲۳ اوت ۱۷۱۱):

آخرین تلاش سربازان انگلیسی در هجوم به سرزمین کانادا با شکست سختی مواجه شد، لیکن سبب خرابی و تلفات فراوان گردید. در تاریخ سی‌ام ژوئیه، ۹ کشتی جنگی انگلیسی به عزم کانادا، بندر بوستون را ترک کردند، لیکن در اطراف جزیره‌ی تخم‌مرغی در خلیج سن لوران (St Lawrence) دچار توفان و مه شدند که هشت فروند از آن‌ها در اثر برخورد با صخره‌های ساحلی در هم کوبیده و غرق شد. در این سانحه، نزدیک به یک هزار نفر از سرنشینان آن ناوها، از جمله ۳۵ نفر زن و تعدادی افراد طبّال کشته شدند و تنها دریاسالار واکر (Admiral Walker) و تعداد کمی از غواصان و ناویان زنده ماندند.

شاید این سانحه به علّت عدم توجّه به نصایح پدر روحانی دولا کولومبیر (dela Columbiere) اسقف اعظم شهر مونرآل (Monreal) در ۲۰ سال پیش روی داد، چون او دولت انگلیس را از تجاوز به حریم کانادا منع کرده بود. وی مدعی بود که منطقه‌ی که‌بک کانادا نظر کرده‌ی مریم باکره‌ی مقدّس است و او خودش که‌بک را حفظ خواهد کرد.

پیمان اوتریخت (Utrecht)، نقشه‌ی اروپا را تغییر داد. (لندن، ۱۷۱۳):

کشمکش و درگیری‌هایی که بر سر جانشینی سلطنت اسپانیا، قاره‌ی اروپا را به هم ریخته بود، سرانجام با سیاست انگلیس و مذاکرات دیپلماسی پایان یافت. در این پیمان موافقت شد که نیروهای انگلیسی در دو منطقه از متصرفات اسپانیا یعنی در جبل‌الطارق

نیویورک، پنجم نوامبر ۱۷۶۸
ویلیام جانسون فرماندار شمالی هند غربی، پیمان صلح با سرخ‌پوستان ایروکوآ (Iroquois) امضا کرد، به این منظور که بخش اعظم سرزمین‌های واقع در بین تنسی (Tennessee) و رودخانه‌ی اوهایو (Ohio) را برای سکونت مهاجران آینده اختصاص دهد.

لهستان، ۱۷۶۸
سازمانی متشکل از اشراف کاتولیک لهستان از تمام مردم مخالف با سلطه‌ی روسیه بر لهستان دعوت کرد که کنفدراسیونی از همه‌ی سازمان‌ها فارغ از پروتستان و ارتودوکس (Orthodox) و سایر ادیان تشکیل دهند و هدف آنها تنها آزادی مذهبی و سیاسی باشد. با پیشروی ارتش روسیه در لهستان تعداد بیست‌هزار نفر از مردمان کاتولیک‌مذهب و یهودی کشته شدند و در سه هفته‌ی اخیر هم بالغ بر دویست‌هزار نفر از مردم لهستان طی شورش و انقلاب بر ضد حکومت روس به‌هلاکت رسیدند.

مصر، ۱۷۶۸
با وجود این‌که در دو سال قبل چندین‌نفر از بیگ‌ها (سران قبایل) به‌قتل رسیدند، علی‌بیگ یکی از سران مملوکیان (Mamelukes) مصر که از سال ۱۷۶۳ به حکومت رسیده بود، خود را سلطان نامید.

روسیه، ۱۷۶۸
کاترین دوم ملکه‌ی روسیه از تمام سران کشور دعوت کرد که در اجلاسیه‌ی بزرگی شرکت کنند، بدین منظور که با اخراج عده‌یی از مقامات به نتایج مثبتی دست یابند.

سویس، ۱۷۶۸
آلبرشت فون هالر (Albrecht Von Haller) گیاه‌شناس سویسی، آخرین کتاب از مجموعه‌ی هشت‌جلدی خود را درباره‌ی عناصر فیزیولوژیکی بدن انسان انتشار داد و بدین ترتیب قوانین جدیدی راجع به فیزیولوژی بیان کرد.

سویس، ۱۷۶۸
لئونارد اولر (Leonhard Euler) ریاضیدان سویسی، مقالات خود را درباره‌ی حساب انتگرال انتشار داد.

نیوانگلند، ۱۷۶۸
در طی اجلاسی، اعلامیه‌ی ماساچوست راجع به تشکیل کنفدراسیونی از تمام ایالات امریکا که در بوستون به‌تصویب رسیده بود، خوانده شد.

لندن، ۱۷۶۸
آکادمی سلطنتی هنر تشکیل و جوشوا رینولدز (Joshua Reynolds) به‌عنوان نخستین رییس انتخاب گردید.

انگلیس، ۱۷۶۸
جیمز کوک (James Cook) افسر دریانورد انگلیسی بندر ساتمپتون (Southampton) را با کوشش جهت پیمودن سراسر اقیانوس آرام ترک کرد.

انگلیس، ۱۷۶۸
ریچارد آرک رایت (Richard Arkwright) چرخ ریسندگی را اختراع کرد و آسیابی برای آردکردن گندم که توسط نیروی اسب کار می‌کرد را در ناتینگهام (Nattingham) به راه انداخت.

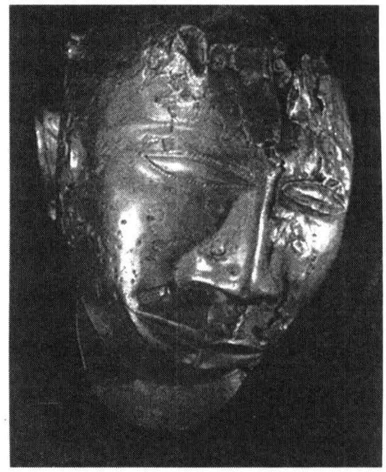
اسپانیا، ۱۷۶۸
شارل سوم دستور تقسیم اراضی را بین کشاورزان صادر کرد.

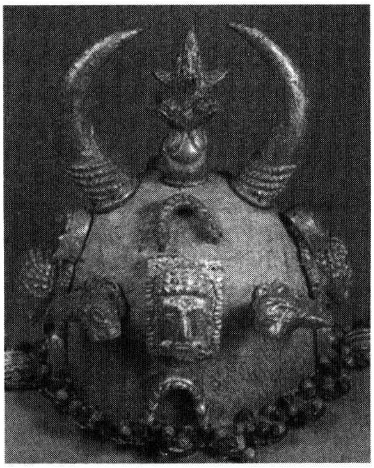
جزیره‌ی کورس، ۱۷۶۹
پاسکال پائولی (Pasquale Paoli) بعد از اقداماتی که در سال گذشته علیه فرانسه که با نیروی نظامی جزیره را از جنوا پس گرفته بود، انجام داد، به کشور انگلیس گریخت.

کالیفرنیا، ۱۷۶۹
اسپانیولی‌ها به‌تدریج در کالیفرنیا ساکن شدند و در عین حال انجمنی در سان‌دیه‌گو (San Diego) تأسیس کردند.

امریکای شمالی، ۲۰ آوریل ۱۷۶۹
پونتیاک رهبر سرخ‌پوستان اوتاوا که از سال ۱۷۶۳ تا ۱۷۶۶ علیه انگلیس قیام کرده بود، در ناحیه‌ی کاهوکیا (Cahokia) توسط یک سرخ‌پوست به‌هلاکت رسید. شایع بود که دولت انگلیس در قتل او دست داشته است.

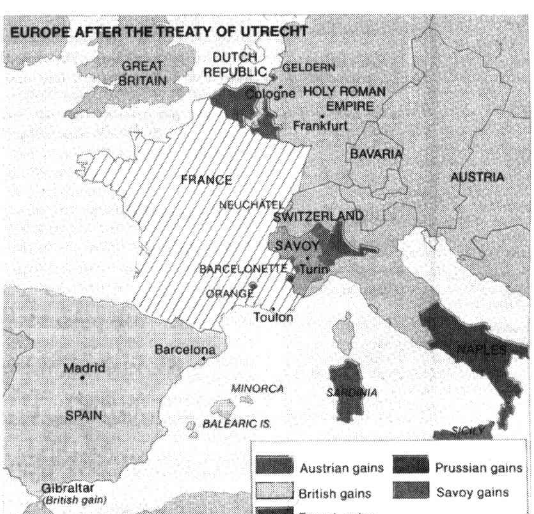
رم، ۱۷ مه ۱۷۶۹
جووانی ویچنزو گانگانلی (Giovanni Vicenzo Ganganelli) به‌نام کلمنت چهاردهم به‌عنوان پاپ انتخاب شد. وی به جانشینی کلمنت سیزدهم که از سال ۱۷۵۸ این مقام را عهده‌دار بود، برگزیده شد. هرچند او به سعی و همت ژزوئیت‌ها به این مقام رسید، مع‌هذا پاپ همواره در تضعیف آنها کوشید.


ماسک فلزی ساخت افریقا برای ترساندن و هلاک دشمن در جنگ ها.


کلاه خودی که با شاخ و سایر تزئینات آراسته شده.


جیمز استوارت James Stuart که به فرانسه تبعید شد.


ویولونی به وسیله آنتونیو استرادیواری Antonio Stradivari شاگرد آماتی Amati ساخته شده و کار او در جهان بدون رقیب است.



نقشه اروپا پس از پیمان اوتریخت Utrecht

ویرجینیا، مه ۱۷۶۹
انجمن بورجس (Burgesses) که با سیاست لندن مخالفت می‌کرد را محکوم کردند. اعضای این انجمن چون قصد داشتند دادوستد با بریتانیا را به‌طور کلی تحریم کنند، توسط سران دولت انگلیس منحل شد.

اقیانوس آرام، ۱۷ ژوئن ۱۷۶۹
جیمز کوک (James Cook) دریانورد انگلیسی، در جزیره‌ی تاهیتی (Tahiti) سیاره‌ی ونوس (Venus) را مشاهده کرد.

اقیانوس آرام، سپتامبر ۱۷۶۹
کوک و دریانوردان او، سراسر جزیره‌ی نیوزیلند (New Zealand) را پیمودند.

کارولینای شمالی، هفتم نوامبر ۱۷۶۹
کارولینای شمالی به پیروی از تصمیم ویرجینیا به کارولینای جنوبی پیوست. آن‌ها همگی مانعی برای تجارت با انگلیس تا زمانی‌که قانون تاونزند (Townshend) در دستور کار است، به‌وجود آوردند و آن را تحریم کرده‌اند.

امریکای شمالی، ۱۷۶۹
دانیل بون (Daniel Boone) کاشف انگلیسی به سرزمین افسانه‌یی جبال آبی که سرخ‌پوستان ایروکوا (Iroquois) به آن کنتاک (Kentake) (کنتاکی (Kentucky)) می‌گویند، رسوخ کرد.

ویرجینیا، ۱۷۶۹
توماس جفرسون (Thomas Jefferson) عالم و متفکر آزادی‌خواه، اخیراً توسط انجمن بورجس به ریاست آن انتخاب شد. وی اعلام کرد که خواهان آزادی بردگان است.

امپراتوری عثمانی، ۱۷۶۹
جنگ علیه ترکان عثمانی که در یک سال پیش آغاز شده، هم‌چنان ادامه دارد. روس‌ها که یکی از عمده‌ترین دشمنان عثمانی هستند، از رودخانه‌ی دنیستر (Deniester) گذشته و مولداوی (Moldavia) و والاچی (Wallachia) را مورد تاخت و تاز قرار داده‌اند.

هندوستان، ۱۷۶۹
کمپانی هند شرقی فرانسه منحل شد.

سوئد، ۱۷۶۹
دو حزب مهم کلاه و فنجان در دولت استکهلم (Stockholm) اخیراً با آدولف فردریک پادشاه سوئد به مخالفت برخاسته و درگیر شده‌اند.

امریکای شمالی، ۱۷۶۹
پیشنهاد تحریم کالاهای انگلیسی که توسط ویرجینیا مطرح شده بود، توسط مریلند، کارولینای شمالی و جنوبی، دلویر (Delaware) و کانکتیکت (Connecticut) مورد استقبال قرار گرفت.

فرانسه، ۱۷۶۹
دنیس دیدرو (Denis Diderot) داستان درام آلمبر (Alembert) را منتشر کرد. این داستان حکایت فیلسوفی است که فضای کائنات را زاییده‌ی تغییرشکل ماده تصور می‌کند و جسورانه آفرینش آن‌ها را توسط خالق نفی می‌کند و آن را تصور و خیال و وهم می‌شمارد.

فرانسه، ۱۷۶۹
لوئی آنتوان دوبویونویل (Louis Antoine de Bouginville) دریانورد فرانسوی، سفر دوساله‌ی خود را به دور گیتی به‌پایان رساند. وی که برای کشف سرزمین‌های جدید جهت دولت فرانسه به این سفر مبادرت ورزیده بود، جزایر تاهیتی (Tahiti)، ساموآ (Samoa) و هبرید جدید (new hebrides) را کشف کرد.

لندن، ۱۷۶۹
جان وایلکز (John Wilkes) که به‌علت رفتار خلاف اخلاق و قانون در سال گذشته پس از زندانی‌شدن آزاد شده بود، برای بار دوم به‌عنوان عضو مجلس عوام انتخاب گردید، لیکن پارلمان اعتبارنامه‌ی وی را باطل کرد.

نیویورک، ۱۹ ژانویه ۱۷۷۰
گروهی از ساکنان نیویورک به‌نام پسران آزاده که در نبرد علیه انگلیس در نیویورک شرکت کرده بودند، قانون یک‌چهارم را مورد قبول قرار دادند.

بریتانیا، ژانویه ۱۷۷۰
لرد نورث (Lord North) که از نظر اقتدار و شخصیت مورد قبول جورج دوم و مدیریت وی مورد تأیید بود، به‌جای لرد گرافتون (Grafton) به نخست‌وزیری انتخاب گردید.

(Gibraltar) و مینورکا (Minorca) باقی بمانند و بدین ترتیب انگلیس به یکی از قدرت‌های مدیترانه تبدیل شد، هم‌چنین دولت انگلیس منطقه‌ی ناپل (Naples) و رجو (Reggio) را از شارل ششم پادشاه ایتالیا بازستاند. دولت انگلیس هم‌چنین از دولت فرانسه، مناطق نیوفاوندلند (Newfoundland)، خلیج هودسن (Hudson) و سن‌کیتز (St Kitts) را پس گرفت و پادشاهی خاندان هانور در انگلیس را به تأیید دولت فرانسه رساند.

برطبق همین پیمان سلطنت فیلیپ پنجم بر اسپانیا به رسمیت شناخته شد، گرچه دولت اسپانیا قبلاً مناطق مهمّی از متصرفات خود را نظیر ناپل، ساردنی و هلند (به پادشاهی اتریش) و سیسیل (به پادشاهی ساووی) را از دست داده بود، معهذا مستعمرات اسپانیا همچنان در مالکیت آن کشور باقی ماند. در هر حال انگلیس حمل و نقل برده را در انحصار خود قرار داد.

پادشاه جدید انگلیس، نمی‌تواند انگلیسی تکلّم کند. (انگلستان، ۱۷۱۴):

جورج، فرمانروای هانوور برای تصاحب تخت و تاج انگلیس به لندن آمد. او با خود دو معشوقه‌ی آلمانی را به همراه آورده، تا آن‌ها را به مقام کنتس برساند. جورج قادر نیست انگلیسی صحبت کند و اخلاق تندی دارد که هیچ کس را تحمّل نمی‌کند، معهذا پیرو مذهب پروتستان است و از این لحاظ مورد پذیرش مردم می‌باشد. ملکه آن (Anne) پادشاه انگلیس در روز اوّل اوت در کنزینگتون (Kensington) لندن بدرود حیات گفت، او از مردم هانوور نفرت داشت، معهذا دو روز قبل از مرگش، جورج نوه جیمز اوّل پادشاه اسبق انگلیس را به جانشینی خود تعیین نمود. در حالی‌که در حقیقت می‌بایستی برطبق قانون استوارت جایگزین ملکه آن شود، لیکن او را به علّت کارهای ناشایست از این مقام محروم کردند.

مدعی سلطنت انگلیس، شکست خورد. (اسکاتلند، سپتامبر ۱۷۱۵):

اِرل ناحیه‌ی مار (Mar) مشهور به بابینگ جان (Bobbing John) یکی از اشراف ناراضی اسکاتلندی که سیاستی متلون دارد قیامی برعلیه دولت انگلیس ترتیب داد، تا مدعی قدیمی سلطنت جیمز استوارت را به پادشاهی انگلیس برساند.

استوارت پسر جیمز دوّم است، او معتقد است که مردم انگلیس مشتاقانه منتظر ورود او هستند و از وی به گرمی استقبال می‌کنند، امّا هنگامی‌که در کرانه‌ی دِوون (Devon) در بولینگ بروک (Bolingbroke) پیاده شد، اظهار داشت: من حتا یک شب هم حاضر نیستم در اینجا بمانم. او در سن ۱۸ سالگی به اسکاتلند رفت، تا با همکاری سران این سرزمین انقلابی بر ضدّ انگلیس ترتیب دهد، امّا سپاهیان انگلیسی با همکاری هلند این شورش را بر هم زدند و استوارت مغلوب و شکست خورده به فرانسه گریخت.

برکلی، اعتراضات عقیدتی خود را کاهش داد. (لندن، ۱۷۱۳):

تعداد کمی از فیلسوفان انگلیسی نظیر جورج برکلی (George Berkeley) جوان ایرلندی و دانشمند علوم الهیات پیشنهاداتی به انجمن علوم لندن دادند از جمله جاناتان سویفت (Jonathan Swift) یکی از روستاییان انگلیسی هم در این انجمن شرکت داشت. برکلی در هنگام ورود به انجمن سه سری از آخرین کارهای خود را که شامل نوشته‌هایی حاوی گفتگوهای بین هیلاس (Hylas) و فیلونوس (Philonous) بود به انجمن ارائه داد. این دیالوگ‌ها نشان می‌دهد که هرچه به مخیله و فکر انسان خطور می‌کند همان احساس را به‌صورت نقشه پیاده می‌کند، یعنی کارهایی که انسان انجام می‌دهد عکس‌العمل و واکنش احساسات اوست و ما به‌طور عادی کاری را بدون فکر و احساس انجام نمی‌دهیم و بدون نقشه قبلی عملیات و کارهای ما عبث و بیهوده می‌باشد.

برکلی از کالج تثلیثی (Trinity) در شهر دوبلین (Dublin) فارغ‌التحصیل شد و از همان اوان فردی منورالفکر و روشن‌بین و پیرو افکار متافیزیکی بود و به جهان ماورای طبیعی باور داشت. او در سه سال پیش رساله‌یی درباره‌ی اصول علوم انسانی نگاشت.

برکلی به تازگی در اصول فکری انسان تغییراتی قائل شده و در عقاید خود تجدیدنظر نموده، البته نه این‌که پرسش‌های روزمره را بی‌جواب بگذارد، او سعی می‌کند در این مورد اشارات پرارزشی ارائه کند. مهم‌ترین اصلی که برکلی مطرح می‌کند این است که خداوند منشأ و منبع و خالق تمام کائنات و موجودات است.

آزار و اذیت گاوها و جنگ خروس‌ها، باعث ازدحام و شلوغی می‌شود. (انگلستان، ۱۷۱۱):

از جمله ورزش‌های پر سر صدا و شلوغ، جنگ بین حیوانات است که به‌طور معمول در انگلیس برپا می‌شود، از جمله این تفریحات تماشای جنگ بین دو خروس و نبرد آزاردهنده‌ی گاوهاست که گروه‌های مشتاق را به تماشای آن فرامی‌خواند.

اشخاص بُزدل و ترسو این‌گونه کارها را نمی‌پسندند و آن را مخالف شئون اخلاقی می‌دانند، ولی سایرین به این مخالفت‌ها گوش نمی‌دهند و در این مورد کر و لال هستند. بیشتر مردم از هر طبقه، غنی و فقیر از این زجر و شکنجه حیوانات لذّت می‌برند. در جنگ خروس، افراد روی هر کدام از دو خروس شرطبندی می‌کنند و رقابت و نبرد خروس‌ها برای آن‌ها شادی‌آفرین است و هر کس شانس خود را می‌آزماید و خروس بازنده اغلب می‌میرد. آن‌ها خروس‌ها را در یک گودال وسیع قرار می‌دهند و مردم اطراف این گودال جمع شده و با یک سیخونک نقره‌یی آن‌ها را برای نزاع به سوی یکدیگر می‌رانند و بر روی خروس برنده شرطبندی می‌کنند، به‌طوری که گاهی مبلغ این شرطبندی به ۲۰ گینه (Guineas) یا بیشتر هم می‌رسد.

نزاع گاوهای نر تنها برای دیدن و لذّت بردن آزار و شکنجه آن‌ها برپا می‌شود و شرطبندی ندارد، بلکه چند

بوستون، پنجم مارس ۱۷۷۰
سربازان انگلیسی به محض مشاهده‌ی افراد شرکت‌کننده در تظاهرات بوستون علیه دولت انگلیس، فوراً بر روی آنان آتش گشودند و تعداد پنج‌نفر را به‌هلاکت رساندند.
لندن، ۱۲ آوریل ۱۷۷۰
پارلمان تمام قوانینی را که چارلز تاونزند (Townshend) بر مهاجرنشینان تحمیل کرده بود، به‌جز مالیات چای لغو کرد.
اقیانوس اطلس، ۱۹ آوریل ۱۷۷۰
جیمز کوک دریانورد انگلیسی در رأس نیروهای اعزامی به بررسی سواحل استرالیا پرداخت.
فرانسه، ۱٦ مه ۱۷۷۰
لویی دوفین (Louis Dauphin) با ماری آنتوانت (Marie Antoinette) دختر ماری ترز ملکه‌ی اتریش ازدواج کرد.
دریای اژه، ششم ژوئیه ۱۷۷۰
نیروهای عثمانی در نبرد سیزیم (Cesme) در مقابل لشکریان روس به‌کلی نابود شدند.
امپراتوری عثمانی، اوت ۱۷۷۰
سپاهیان روسی، ارتش ترک‌های تاتار را که سعی داشتند ناحیه‌ی مولداوی را مجدداً تصرف کنند، شکست دادند، به‌طوری‌که مهاجمان منطقه را ترک کردند.
فرانسه، هفتم دسامبر ۱۷۷۰
طبق آیین‌نامه‌ی انضباطی که لویی پانزدهم برعلیه اعضای پارلمان پاریس صادر کرده بود، آنان به‌طور گروهی استعفا دادند و به عضویت دایمی پارلمان ایالات منتخب خود پیوستند.
بوستون، ۱۲ دسامبر ۱۷۷۰
سربازان انگلیس مسؤول تیراندازی بر روی مردم در مارس گذشته که منجر به هلاکت عده‌یی شدند، از اتهامات تبرئه شدند.
فرانسه، ۲٤ دسامبر ۱۷۷۰
اتین کویزل (Etienne Choiseul) که مسؤولیت سیاست خارجی، ارتش و نیروی دریای فرانسه را به‌عهده داشت و از زمان زمامداری خود نقایصی را در سازمان‌های مربوطه به‌وجود آورده و در ضمن مورد حمایت مادام پومپادور (Pompadour) قرار داشت، از سریر قدرت سقوط کرد. گفته می‌شود علت برکناری وی خصومتی است که او با معشوقه‌ی جدید لویی پانزدهم مادام دو باری (Madame du Barry) دارد.
هندوستان، ۱۷۷۰
به‌علت قحطی شدیدی که از سال گذشته در بنگال آغاز شده، جمعیت این ایالت از ۲۹ میلیون نفر به ۱۹ میلیون نفر کاهش یافته است.
پاریس، ۱۷۷۰
اولین رستوران عمومی در شهر پاریس گشایش یافت.
لندن، ۱۷۷۰
جان وایلکز به‌عنوان شهردار لندن برگزیده شد.
دانمارک، ۱۷۷۰
با بهبودی بیماری روانی و حالت کندذهنی کریستیان هفتم پادشاه دانمارک توسط یوهان استرونسی (Johann Struensee) پزشک دربار سلطنتی و طرد کارولین ماتیلدا (Caroline Matilda) همسرش که زنی ولگرد و عیاش بود، وی توانست بار دیگر زمام کشور را در اختیار خود قرار دهد. به امر پادشاه استرونسی جانشین یوهان برنستورف (Johann Bernstorff) سرپرست وزارت خارجه شد که وی نیز از سال ۱۷۶۷ با کاترین کبیر امپراتور روسیه سرگرم برطرف‌کردن خصومت درازمدت درباره‌ی سرزمین هولشتاین گوتورپ (Holstein Gottorp) بودند.
یونان، ۱۷۷۰
شورشی که به تحریک عوامل روس‌ها در بین ساکنان یونانی پلوپونز (Peloponnese) علیه عثمانی برپا شده بود، توسط دولت عثمانی و با حمایت آلبانی‌ها خاموش شد.
اتریش، ۱۷۷۰
زمانی‌که شورش دهقانان بوهم بر ضد تسلط اتریش توسعه یافت، ماری ترز ملکه‌ی اتریش یک‌سری مجازات جدید علیه آنان اعمال کرد.
امریکای شمالی، ۱۷۷۰
نبردی که بر سر عدم واردات کالای انگلیسی علیه قانون تاونزند (Townshend) برپا شده بود، در این اواخر تخفیف یافت.

رأس سگ، گاوها را در میان می‌گیرند و آن‌ها را تشویق به دعوای با هم می‌نمایند. گاهی اوقات تعداد ۳۰ رأس سگ در اطراف گاو جمع می‌شوند و سگ‌ها به گاوها حمله می‌کنند و گاوها هم با شاخ از خود دفاع می‌کنند، سرانجام تمام سگ‌ها و گاوها زخمی و خون‌آلود می‌شوند.

خداوند پادشاه خورشیدصفت را تبعید نمود. (سن ژرمن، ۱۷۱۵):

لوئی چهاردهم، پادشاه خورشیدصفت فرانسه، در محله‌ی سن ژرمن ان لای (St Germain en Laye) امروز ساعت هشت صبح درگذشت. او چهار روز مانده بود که ۷۷ ساله شود و در این مدّت ۷۳ سال سلطنت کرد. وی از گانگرن پا در رنج بود و مرگ را هم قبول کرده بود و با شهامت این درد و بیماری را تحمّل می‌کرد و از جانشین خود خداحافظی کرد. او به نوه و جانشین ۵ ساله‌ی خود سفارش کرد و گفت تا می‌توانی با همسایگان خود روش مسالمت و آشتی در پیش بگیر. من جنگ را خیلی دوست داشتم، ولی تو دنباله‌رو من مباش، از جنگ و اسراف و ولخرجی بپرهیز.

او خیلی سخت‌کوش و پرکار و در عین حال آدمی متکبّر و متفرعن بود. وی همان‌طور که خودش اعلام کرده بود، کشور فرانسه را به سوی دیکتاتوری و استبداد مطلق برد و سلطنتی خودکامه داشت. (تنها من فرمان می‌دهم.)

در زمان به سلطنت رسیدن چون هنوز کودک بود، مادرش آن ملکه اتریش نایب‌السلطنه او بود و مدّت‌ها تحت سرپرستی و قیمومیت صدراعظم ریشیلیو (Richelieu) و مازارن (Mazarin) قرار داشت و چون به سن بلوغ رسید، خود را فعّال مایشاء و قدرت مطلق خواند. در سال‌های آخر سلطنت، وی کشور فرانسه را که در سال‌های پیش وضع درخشانی داشت، به سوی اضمحلال، فقر و ورشکستگی اقتصادی برد، از سویی با خزانه تهی نمی‌توانست ارتش فرانسه را تجهیز

کند. لذا در جنگ‌ها شکست خورد، او در حالی از دنیا رفت که می‌دانست خداوند او را به تبعید می‌فرستد، چون در زندگی همه‌ی مخالفان را تبعید می‌کرد، او مُرد و اروپا را از درگیری نجات داد.

امپراتوری که کشور را از جنگ نجات داده بود، از دنیا رفت. (بجینگ، ۲۳ دسامبر ۱۷۱۷):

امپراتور کانگ‌زی (Kangxi) امروز همه‌ی فرزندان و سران کشور را برای آخرین بار جهت مراسم خداحافظی و تودیع در اتاق شرقی کاخ جیان‌جینگ (Jianjing) فرا خواند و بدین وسیله برای مرگ آماده شد. او گفت خواهش من از همه این است که به حرف‌های یک محقق گمنام گوش فرا دهید.

امپراتور که اکنون نزدیک ۷۰ سال دارد، مدّت ۵۰ سال است که فرمانروای چین است و در زمان جوانی که فردی مقتدر و زورمند بود، اغلب با تحکم و اخلاق تند با اطرافیان روبه‌رو می‌شد و منویات خود را به زور تحمیل می‌کرد و فرمان‌های خود را به سراسر کشور می‌فرستاد، در حالی‌که کسی جرأت اعتراض نداشت. او اینک با نرمی و ملایمت شروع به صحبت نمود و گفت: من این سرزمین را ترک می‌کنم و به خواب ابدی خواهم رفت و کشور از جنگ و درگیری نجات خواهد یافت. او گفت: هنر فرمانروایی به چند موضوع بستگی دارد، فرمانده همواره باید ساعی و کوشا در امور بوده و مراقب همه چیز باشد. پادشاه باید اعتدال را رعایت کند و حالتی بین ملایمت و مدارا و سخت‌گیری داشته باشد، خیلی نرم‌خو و تندخو نباشد، هر کاری را به هنگام و به موقع انجام دهد. آخرین کلمات او به این صورت ادا شد. من همه چیز را به‌طور سربسته به شما گفتم و شما می‌توانید از این پندها نتایج گوناگونی بگیرید و چیز دیگری نیست که سفارش کنم. بیش از این سخنی ندارم و از شما وداع می‌کنم.

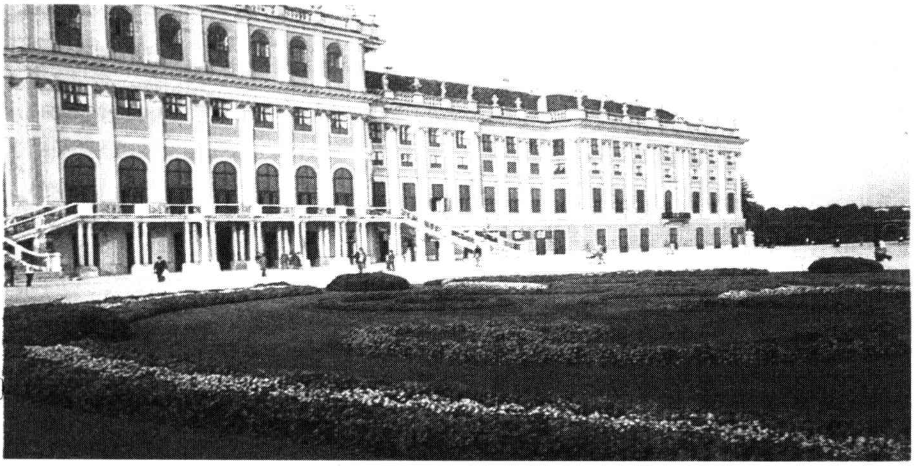
عثمانی‌ها شهر بلگراد را از دست دادند. (بلگراد، ۲۲ اوت ۱۷۱۷):

نیروهای نظامی اتریش امروز شهر استراتژیک و مهمّ بلگراد (Belgrade) را از تصرّف قوای عثمانی خارج ساخته و به استیلای ارتش آن کشور پایان دادند. نیروهای پیروزمند ارتش پادشاهی هابسبورگ هنگام تصرّف این منطقه شهر ۶۰ هزار نفری مسلمانان را غارت کرده و به ۲۰ هزار نفر سرباز ترک اجازه دادند که این شهر ا ترک کنند. نیروهای عثمانی که مدّت شش ماه بود در اطراف شهر در پادگان به سر می‌بردند، تصمیم داشتند که به وضع این منطقه پایان دهند و برای این منظور دست به کشتار اهالی شهر زده بودند، لیکن ارتش پادشاهی به فرماندهی پرنس اوژن (Eugene)، پادشاه ساووی به آن‌ها حمله کردند، در این جنگ لشگریان عثمانی شکست خورده و تسلیم شدند.

سپاهیان اوژن در تاریخ ۱۶ اوت حملات پیروزمندانه‌ی خود را برعلیه قشون عثمانی آغاز کردند و در بدو امر شانس کمی جهت پیروزی داشتند، لیکن در میدان نبرد با رشادت‌هایی که از خود نشان دادند، به فتح و پیروزی رسیدند.

در همین زمان، بیماری دیسانتری (اسهال خونی) در بین سربازان ترک شایع شده و تعداد زیادی را به هلاکت رسانید و بدین ترتیب ضعف و فتور در سپاه عثمانی افتاد و آن‌ها را به لبه‌ی پرتگاه شکست نزدیک ساخت. پرنس اوژن تعداد ۱۰ هزار نفر از لشگریان خود را جهت تصرّف شهر فرستاد و بقیه سربازان را چون هوا سرد و مه غلیظی محیط را فرا گرفته بود، به قلاع و پناهگاه‌ها اعزام کرد و آن‌ها با نوشیدن شراب و آبجو توانستند مقاومت کرده و از بروز بیماری در بین سربازان جلوگیری نمایند. سپس اوژن آن‌ها را برای نبرد با عثمانی‌ها آماده ساخت.

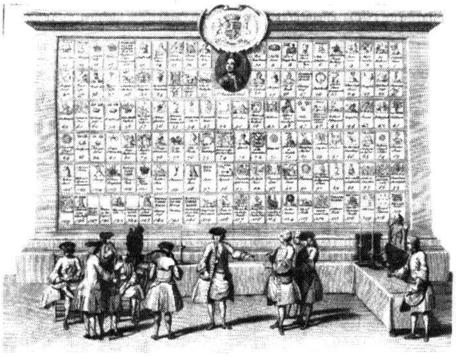
در داخل شهر وین هم پرنس اوژن و همراهانش از سوی اهالی شهر مورد استقبال قرار گرفتند و همین استقبال سبب پیروزی او شد. او در سال گذشته هم بر بخش اعظم سپاهیان عثمانی در مجارستان فایق شده بود. وی با مهارت و زیرکی مخصوص به خود، قبلاً



نمای قصر شون برون Schonbrunn در شهر وین که در سال ۱۷۱۷ تکمیل شد. این قصر برای استراحت و آرامش و اعصاب ساخته شد (هتل)، لیکن آن قدر وسیع و زیباست ومبلمان آن عالی می باشد که بیش تر به کاخ شاهان می ماند.



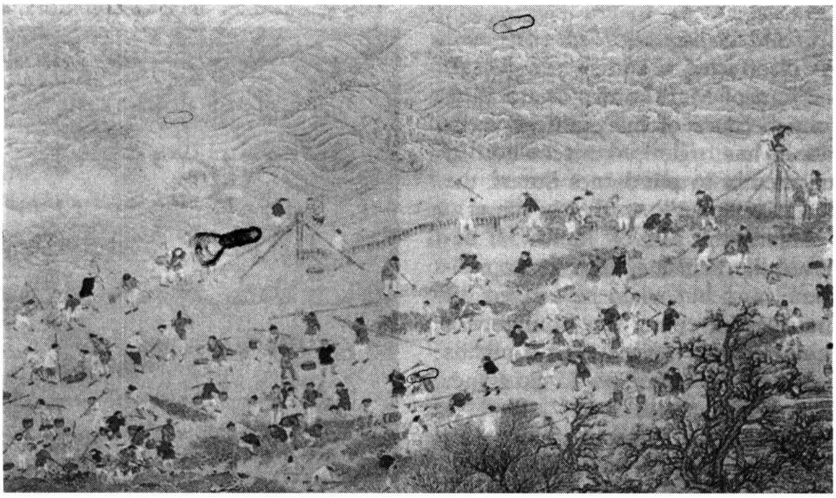
دو نفر خانم نوازنده پیانو در حال اجرای یک آهنگ جدید.



ملاقات جمعی از فراماسون ها برای تعیین لژ (جایگاه) از روی لیستی که اعلان شده.



لویی در لباس نجبای رومی.



کارگران ساختمانی در عملیات ساختن حصاری در یک دره در زمان سلسله پادشاهی کانگ زی Kangxi .

قراردادی با انگلیس و ایتالیا امضا کرده بود که از جانب آن‌ها احساس امنیت کند و یک‌باره مورد هجوم نیروهای فرانسه ـ اسپانیا قرار نگیرد و اکنون با این پیروزی می‌تواند نقشه‌ی یک ارتش مجهّز را برای جلوگیری از حملات دشمنان خود به مورد اجرا بگذارد.

به علّت کمبود مواد غذایی، فرانسوی‌ها از آلمان تقاضای کمک کردند. (لوئیزیانا (Louisiana)، دسامبر ۱۷۱۹):

بر اثر کمبود مواد غذایی که در استان لوئیزیانای فرانسه پدید آمده، سران محلی مجبور شدند که از کشور فرانسه آن را جبران کنند. دولت فرانسه هم برای رفع این کمبود، کشاورزان آلمانی را به کمک طلبید، زیرا نمی‌توانست به تنهایی از عهده‌ی این مهمّ برآید.

در نتیجه‌ی این درخواست، ماه گذشته نخستین کشتی آلمانی پر از خوار و بّار در جزیره‌یی نزدیک بیلوکسی (Biloxi) محموله‌ی خود را تخلیه کرد.

کشاورزان ورزیده و پرکار و قوی‌هیکل منطقه‌ی ساحل راین و همجوار سویس، پس از اتمام جنگ اروپا در تپّه‌های این سرزمین به کشت انواع محصولات غذایی می‌پردازند، به‌طوری که تمام مردمان این قسمت از اروپا از نظر مواد غذایی در وضع خوبی به سر می‌برند و به شکرانه‌ی پایان جنگ محصول بیشتری تولید می‌کنند.

پیش از این، تمام ساکنان ایالت لوئیزیانای آمریکا، فرانسوی بودند، امّا اکنون گفته می‌شود که تعداد افراد آلمانی در این مستعمره به اندازه‌یی زیاد شده که فرانسوی‌ها به اجبار بایستی زبان آلمانی بیاموزند.

بزرگ‌ترین متفکر آلمانی، جهان را بدرود گفت. (هانوور، ۱۴ نوامبر ۱۷۱۶):

گوتفرید ویلهلم لایب نیتز (Gottfried Wilhelm Leibnitz) یکی از فیلسوفان بزرگ آلمانی که تمام عمر خود را برای گسترش علوم انسانی و کشفیات در راه بشریت سپری کرده بود، در سن ۷۰ سالگی درگذشت.

وی برای توسعه‌ی ارتباطات علمی و فهم بیشتر باورهای جهانی، پیشنهاد کرد که یک زبان علمی بین‌المللی برای بحث در دنیا به‌وجود آید تا انتشار علم بهتر صورت گیرد و یک انجمن مرکزی متشکل از دانشمندان زبان‌شناس تشکیل شود و یک زبان گفتاری و نوشتاری ساده برای فهم مطالب علمی به‌وجود آورند.

موسیقی‌دانان اروپایی، تلاش زیادی برای ساخت دستگاه‌های جدید به کار می‌برند. (اروپا، ۱۷۱۵):

موسیقی‌دانان، در بیست سال اخیر تلاش زیادی برای اختراع دستگاه‌های جدید انجام داده‌اند. از جمله‌ی آن‌ها بارتولومه کریستوفری (Bartolomeo Cristofori) می‌باشد که در سال ۱۶۵۵ در فلورانس به دنیا آمد و برای تنظیم دستگاه‌های جدید، ردیف‌هایی برای مضراب تعیین نمود.

وی یک نوع هارپسی کورد (harpsichord) ساخته که با فشار دکمه به راحتی صدای رسا و دل‌انگیزی ایجاد می‌کند. این نوع پیانو، طوری ساخته شده که با فشار دکمه‌ها صداهای موزونی خارج می‌کند که هیچ شباهت با پیانوهای قبلی ندارد و از تمام دستگاه‌های قدیمی بهتر و روان‌تر می‌باشد. مکانیسم و طرز کار دستگاه طوری است که فشار انگشت بر دکمه‌ی پیانو به سیم‌های زیر آن فشار آورده و صداهای ایجاد شده در جعبه بزرگ انعکاس ایجاد می‌کند. (رزونانس) و این صدا برای هر دکمه یک نوع صوت مخصوص به خود تولید می‌کند و هر کدام از این دکمه‌ها برحسب آهنگی که نوازنده می‌خواهد، بم، زیر، بلند و کوتاه تولید می‌شود و مجموعه‌ی این اصوات به گوش شنونده می‌رسد.

فراماسون‌ها، شعائر مذهبی را همچون خوی ثانوی رعایت می‌کنند. (لندن، چهارم ژوئن ۱۷۱۷):

انگلیس، ۱۷۷۰

توماس گینز بورو (Thomas Gainsborough) نقاش انگلیسی با ترسیم تابلوی «پسر آبی» به شهرت رسید.

انگلیس، ۱۷۷۰

بنجامین وست (Benjamin Wsst) نقاش متولد امریکا، تابلویی موسوم به «مرگ ژنرال ولف (General Wolfe)» را ترسیم نمود. او با ترسیم این تابلو که اخیراً به اتمام رسید، نقاشان دوران قبل را به مبارزه طلبید، چون هنر وی با وجودی‌که اثری نو بود، در عین حال از سبک کلاسیک بهره‌مند می‌باشد.

اقیانوس اطلس جنوبی، ژانویه ۱۷۷۱

دولت اسپانیا ادعای مالکیت بخش غربی جزایر انگلیسی، مالویناس (Malvinas) (فالک‌لند (Falkland)) را مطرح ساخت. در سال ۱۷۶۵، یک سال پس از آن‌که فرانسویان نخستین مستعمره‌نشین را در این جزایر به‌وجود آوردند، انگلیس هم مهاجرنشینی در آن‌جا ایجاد کرد. در سال ۱۷۶۶ اسپانیا بخش فرانسوی‌نشین را از آن دولت خرید و اکنون ادعای مالکیت این جزایر را به‌میان کشیده است.

سوئد، ۱۲ فوریه ۱۷۷۱

گوستاو (Gustavus) سوم به جانشینی پدرش آدولف فردریک به‌عنوان پادشاه سوئد منصوب شد.

کارولینای شمالی، مه ۱۷۷۱

ویلیام تریون (William Tryon) فرماندار کارولینای شمالی، قیام گروهی به‌نام اعتدالیون را که از سال ۱۷۶۴ برعلیه انتخاب بخش شرقی این ایالت به‌عنوان مهاجرنشین انجام شده بود، سرکوب کرد.

انگلیس، ژوئیه ۱۷۷۱

توماس گرای (Thomas Gray) شاعر انگلیسی، مؤلف اود (Ode) درباره‌ی مسافت دور، ایتون کالج (Eton College) و الجی (Elegy) و هم‌چنین مرثیه‌یی راجع به محیط کلیساها سروده بود، از جهان رخت بربست. در این اواخر هم اشعاری جهت مقبره‌ی مادرش سرود و وصیت کرد که خودش را هم در کنار مادرش دفن نمایند. در سال ۱۷۵۷، گرای تاج افتخار ویژه‌ی شاعران را که به وی اهدا شده بود، نپذیرفت.

انگلیس، ۱۷ اوت ۱۷۷۱

جوزف پریستلی (Joseph Priestley) دانشمند دانشگاه بیرمنگام (Birmingham) ثابت کرد که تمام گیاهان اکسیژن آزاد می‌کنند.

کالیفرنیا، سپتامبر ۱۷۷۱

فرقه‌ی فرانسیسکن‌ها (Franciscans) سه مؤسسه‌ی دایمی جهت تبلیغ در کالیفرنیا تأسیس کرد.

اسکاتلند، ۱۷ سپتامبر ۱۷۷۱

توبیاس اسمولت (Tobias Smollett) داستانسرای اسکاتلندی، از دنیا رفت. در سال ۱۷۴۱ وی به‌عنوان افسر نیروی دریایی همراه گروه اعزامی به کارتاژ (Cartagena) سفر کرد، سپس تجارب و دیدنی‌های خود را در داستان اوباش رودریک راندوم (Roderick Random) به رشته‌ی تحریر درآورد. وی در دنباله‌ی این داستان، حکایت پرگرین پیکل (Peregrine Pickle) و همفری کلینکر (Humphrey Clinker) را امسال انتشار داد.

شبه‌جزیره‌ی کریمه، ۱۷۷۱

در تعقیب جنگ با عثمانی، روس‌ها کریمه (Crimea) را تسخیر کردند.

انگلیس، ۱۷۷۱

کاپیتان جیمز کوک (James Cooke) افسر دریانورد انگلیسی، مسافرت اکتشافی خود را به دور نیوزیلند (زلاند جدید) به‌پایان رسانید و ساحل شرقی استرالیا را به نفع انگلیس تصاحب کرد. وی از مسیر جاوه و دماغه‌ی امیدنیک به میهن بازگشت.

انگلیس، ۱۷۷۱

ریچارد آرک‌رایت (Richard Arkwright) مخترع ماشین ریسندگی، یک کارخانه‌ی ریسندگی نخ که با نیروی بخار کار می‌کند را در کرامفورد (Cromford) واقع در دربی‌شایر (Derbyshire) تأسیس کرد.

اسکاتلند، ۱۷۷۱

کتاب لغت‌نامه ی سه‌جلدی حاوی لغات هنری و علمی توسط ویلیام اسملی (William Smellie) موسوم به انسیکلوپدیا بریتانیکا (Encyclopaedia Britannica) منتشر شد.

یک انجمن سری که سال‌های زیادی فعالیت پنهانی داشت، اکنون در شهر لندن تشکیلات خود را گسترش داده است. این انجمن سال‌هاست در نزد اغلب مردم شناخته شده و فعالیت دارد.

اینک فراماسون‌ها (Freemasons) شعبه‌یی در محله‌ی پست و جایگاه مشروب‌خواران در گوز (Goose) و گریدیرون تاورن (Gridiron Tavern) در کاونت گاردن (Covent Garden) تأسیس کرده‌اند که محلّ لژ بزرگ فراماسونی است. اعضای این لژ بیشتر از کارگران و کسبه تشکیل می‌شود که خود را پسران آدم ابوالبشر می‌خوانند و اصل و ریشه‌ی خود را هم از معبد سلیمان (Solomon) بن داود پیامبر می‌دانند و معتقدند که سلیمان بنیانگزار فراماسون بوده است، از سویی گفته می‌شود، اگر افراد فراماسونی عقاید خود را برملا سازند، کشته خواهند شد، از این رو، فراماسون‌ها باید آداب خود را پنهانی انجام دهند.

نخستین لژ فراماسونی، در حدود سال‌های ۱۳۰۰ در انگلستان به‌وجود آمد و پیروان اوّلیه‌ی آن، رسته و صنف نجّار بودند و سپس عدّه‌یی از سایر اصناف به آن‌ها پیوستند و جلسات محلی برای ملاقات یکدیگر تشکیل می‌دادند و برای آن‌که شناخته نشوند، اغلب شغل و محلّ کار خود را تغییر می‌دادند و نقل مکان می‌کردند. لیکن امروزه کمتر افراد کارگر و صنعتگر در لژ فراماسونری عضویت دارند. در این انجمن‌ها، به تدریج کارگران و صنعتگران جای خود را به شخصیت‌های سیاسی و سران و بزرگان کشوری می‌دهند که فعالیت آن‌ها به سود اجتماع تمام شود و دیگر فعالیت آن‌ها مخفی و پنهانی نیست. عدّه‌یی از آن‌ها از شخصیت‌های عالی‌مقام مذهبی هستند و معتقدند که اعضای فراماسونی باید خون فراماسونی در رگ‌هایشان جاری و اعتقادات حزبی با خوی و خلق آن‌ها عجین شده باشد.

سخن آخر این‌که عقاید فراماسونی چیزی نیست که پنهان بماند و اعضا می‌توانند دیگران را به عضویت در انجمن‌ها فرا خوانند.

رؤیای سوئد مبنی بر استیلا بر بالتیک، مدفون گشت. (سوئد، ۲۱ ژانویه ۱۷۲۰):

یکی از شعرای سوئدی به نام کارل سدرهایلم (Carl Cederheilm)، درباره‌ی اوضاع اجتماعی و سیاسی سوئد اشعار پرمعنی در لباس لطیفه و مضمون سروده، بدین معنی که سوئد از ساعت ۱۲ به یک رسیده، یعنی کارل دوازدهم با شکست همه جانبه به نقطه‌ی مبدأ رسیده و با امضای پیمان استکهلم (Stockholm) همه چیز را از دست داده و دیگر در بالتیک موضعی ندارد.

منظور از عدد ۱۲، کارل دوازدهم است که با تصرّف منطقه‌ی فردریک شالد (Fredrikshald) به تصوّر این‌که می‌تواند روسیه را هم تسخیر کند در وسط زمستان سخت روسیه، با بی‌باکی و بی‌پروایی به آن کشور یورش برد و کشور را به بدبختی و بیچارگی کشانید و آن را زخم‌خورده بر جای گذاشت.

پس از شکستی که سپاهیان سوئد در پولتاوا (Poltava) متحمل شدند، سرزمین‌های پروس و هانور هم به اتحادیه‌ی دانمارک، لهستان و روسیه بر ضدّ سوئد پیوستند. بزرگ‌ترین تهدیدکننده‌ی امنیت منطقه هم سرانجام به استکهلم بازگشت.

اکنون، کشورهای انگلیس و فرانسه که مدّت‌های مدیدی با نیروی دریایی خود هم‌پیمان سوئد بودند، از شکست این کشور به خشم آمده‌اند، زیرا سوئد تأمین‌کننده‌ی الوار جنگلی برای کشتی‌سازی این کشورها بود.

حالیه سوئد، منطقه‌ی بالتیک را به پروس و هانور تسلیم کرد و یک مرتبه بزرگ‌ترین قدرت این منطقه، به یکی از ضعیف‌ترین قدرت‌ها مبدّل گشت.

داستان خرابی کشتی کروزوئه مورد قبول مردم قرار گرفت. (لندن، ۲۵ آوریل ۱۷۱۹):

کتابی حاوی داستان عجیب و شگفت‌انگیز یک ملوان اهل یورک (York) انگلیس به نام رابینسون کروزوئه (Rabinson Crusoe) که کشتی وی خراب شده، انتشار یافت و مردم مشتاقانه به خواندن آن پرداختند و آن را یک حقیقت محض دانستند. داستان به این صورت نقل شده که شش نفر ملوان به سرپرستی الکساندر سلکرک (Alexander Selkirk) به قصد مراجعت به وطن پس از چهار سال دوری، در اثر توفان دچار کشتی‌شکستگی می‌شوند و بدون هیچ کمکی به جزیره‌یی در اقیانوس آرام به نام خوآن فرناندز (Juan Fernandez)، پناه می‌برند.

رابینسون کروزوئه، مدعی است که مدّت ۲۸ سال در آنجا و در بین سیاه‌پوستان بومی زندگی می‌کند، لیکن پس از ۱۵ سال، در مالکیت جزیره با آن‌ها شریک می‌شود و آن جزیره را به اسم جمعه می‌نامد. دانیل دفوئه (Daniel Defoe)، نویسنده و مؤلف نشریه‌ی ریویو (Review)، چندین داستان و مقاله تا به حال منتشر کرده و تعدادی از آن‌ها بسیار مورد توجّه عموم قرار گرفته است.

نامه‌های یک نفر ایرانی که در پاریس زندگی می‌کرد، گم شد. (آمستردام، ۱۷۲۱):

نامه‌های یک ایرانی گمنام که در پاریس زندگی می‌کرد و درباره‌ی هجو انجمن فرانسه نوشته شده بود، مفقود گشت.

پایه و اساس کار این نامه‌ها، مکاتباتی بود که بین دو برادر که یکی به نام ریکا (Rica) در ونیز و دیگری به نام اوزبک (Usbek) در شهر پاریس رد و بدل می‌شود و در ارتباط با شهر اصفهان بود.

اوزبک از پاریس به برادرش راجع به پاپ و کارهای اسرارآمیز او می‌نویسد و شرح می‌دهد که انسان از کارهای حیرت‌آور پاپ دچار سردرگمی و گیجی می‌شود که چطور با این ترفندها سیاست پاپ به پیش می‌رود. این نامه‌ها در حقیقت پایه و اساس کار بارون مونتسکیو (Baron de Montesquieu) قرار می‌گیرد و او از این

فرانسه، ۱۷۷۱
نیکلاس موپه‌ئو (Nicolas Maupeou) که به جانشینی پدرش به‌عنوان نخست‌وزیر فرانسه انتخاب شده بود، پارلمان را منحل کرد و مجلس دیگری از افراد دیکتاتور و غیردموکرات تشکیل داد.
فرانسه، ۱۷۷۱
گاسپار مونژ (Gaspard Monge) هندسه‌ی آنالیز را اختراع کرد.
فرانسه، ۱۷۷۱
آنتوان لاووازیه (Antoine Lavoisier) شیمیدان و عضو آکادمی علوم فرانسه، ترکیبات هوا را از راه تجزیه تعیین کرد.
آلمان، ۱۷۷۱
ماکسیمیلیان ژوزف (Maximilian Joseph) فرمانروای باواریا (Bavaria)، جمعیت ایالت را از راه سرشماری معین کرد.
اتریش، ۱۷۷۱
دولت اتریش و عثمانی پیمان همکاری نظامی برضد روسیه امضا کردند.
نیوانگلند، دهم ژوئن ۱۷۷۲
جمعیت میهن‌پرستان به فرماندهی آبراهام وایپل (Abraham Whipple)، قایق‌های گمرکی انگلیس را که به‌نام گاسپی (Gaspee) نزدیک ایالت رودآیلند (Rhode Island) به بازرسی می‌پرداخت، تصرف کرده و آن‌ها را ویران کردند.
انگلیس، ۲۲ ژوئن ۱۷۷۲
جیمز سامرست (James Somersett) یکی از بردگان انگلیسی از نزد ارباب خود خود به‌نام لرد مانسفیلد (Lord Mansfield) که ریاست دادگاه‌های انگلیس را برعهده داشت، فرار کرد و اعلام کرد که برده‌داری در این کشور غیرقانونی است. در حال حاضر تعداد بردگان کشور بیش از ده‌هزار نفر می‌باشد.
بریتانیا، ژوئیه ۱۷۷۲
اغتشاش در سیستم بانکداری انگلیس در نتیجه‌ی کاهش اعتبار بازرگانی مستعمرات روی داد که باعث فروش اوراق بهادار در بانک‌ها شد و ترس و هراس تمام بانک‌های کشور را فراگرفت.
سن‌پترزبورگ، پنجم اوت ۱۷۷۲
دولت‌های روسیه، پروس و اتریش عهدنامه‌یی جهت تقسیم لهستان امضا کردند.
دانمارک، ۱۷۷۲
یوهان فریدریش استروئنسی (Johann Friedrich Struensee) به دار آویخته شد. پس از تفحص و کاوش‌های بعدی مشخص شد که وی ماجراهای زیادی با کارولین ماتیلدا (Caroline Matilda) ملکه‌ی جوان داشته، وی در سال ۱۷۷۰ پس از برکناری برنستورف (Bernstorff) نخست‌وزیر پیشین به قدرت رسید و به محض اشغال پست نخست‌وزیری، مطبوعات را آزاد اعلام کرد و هم‌چنین به پیروان تمام مذاهب آزادی داد و نیز شکنجه را ممنوع ساخت. این اقتدار و طرفداری از مردم به هر حال دشمنان زیادی در اطراف استروئنسی (Struensee) جمع کرد که به سقوط و اعدام او انجامید.
هندوستان، ۱۷۷۲
وارن هاستینگ (Warren Hastings) انگلیسی یکی از اعضای شورای شهر کلکته (Calcutta) و مدرس، به فرمانداری بنگال منصوب شد.
انگلیس، ۱۷۷۲
جیمز کوک دریانورد انگلیسی، ناوگان خود را برای سفر دوم اقیانوس آرام مجهز کرد.
اسکاتلند، ۱۷۷۲
دانیل راترفورد (Daniel Rutherford) پزشک و گیاه‌شناس اسکاتلندی گاز ازت و اکسیدوکربن زیان‌آور هوا را مجزا کرد.
روسیه، ۱۷۷۲
کاترین دوم امپراتریس روسیه، امتیازات قزاق‌ها را لغو کرد.
پرتغال، ۱۷۷۲
مارکیز پومبال (Marquis Pombal) نخست‌وزیر، علوم خاص و موردنظر برای تدریس در دانشگاه کویمبرا (Coimbra) را مشخص کرد. وی تغییرات و اصلاحات نظامی به‌کارگیری سلاح، کشاورزی و بازرگانی را از دانش‌های مهم و ضروری تشخیص داد.
فرانسه، ۱۷۷۲
کلود هلوسیوس (Claude Helvetius) فیلسوف فرانسوی که کتابی با عنوان «انسان» به نگارش درآورده بود، پس از مرگش انتشار یافت.

نامه برای نوشتن کتاب قرارداد اجتماعی بهره می‌برد و مفقود شدن آن‌ها به خاطر این موضوع بوده است.

مونتسکیوی ۳۲ ساله، یکی از اعضای آکادمی علمی پاریس و نویسنده‌یی استثنایی و باهوش و ذکاوت می‌باشد.

اوضاع مالی فرانسه موجب وحشت در پاریس شده است. (لندن، ۱۷۲۰):

رسوایی مالی لندن و پاریس، همگان را از خواب غفلت و مستی بیدار کرد و دست‌اندرکاران امور پولی را به تفکر واداشت، در حالی‌که برای سرمایه‌گذاران ساده‌لوح، فرصت بسیار خوبی فراهم ساخت. جان لاو (John Law) اسکاتلندی تبعیدی، نخستین فردی بود که دوک اورلئان، نایب‌السلطنه‌ی فرانسه را، از تمام جریانات آگاه ساخت و به او اطمینان داد که اوضاع بهتر خواهد شد. لاو با اجازه‌ی نایب‌السلطنه، نامه‌یی به بانک سلطنتی فرانسه نوشت و متذکر شد که مالیات‌های کمپانی فرانسوی هند را در آن بانک گردآوری کرده و به خزانه‌ی بانک واریز نماید. او به بانک یادآوری کرد که مردم را تشویق نماید که با پرداخت مبالغی به‌عنوان سهامدار، در کمپانی هند شرقی شریک شوند. وی این ایده را از رابرت هارلی (Robert Harley)، بنیانگذار کمپانی دریای جنوب، گرفت و افرادی که پولی راکد داشتند به کمپانی دریای جنوب برای خرید سهام هجوم بردند، و در عرض شش ماه بهای سهام از ۱۵۰ به یک هزار ترقّی کرد.

جان ویندهام (John Windham)، یکی از مالکان منطقه‌ی نورفولک (Norfolk)، به برادرش نوشت: من احساس می‌کنم که پولدار شده‌ام و قصد دارم تمام سرمایه‌ی خود را به سهام تبدیل کنم و به این شغل بپردازم.

تمام مردم انگلیس به این کار روی آوردند. صدها شرکت مانند قارچ روئید و برخی مدعی شدند که از آب دریا طلا به دست خواهند آورد. بعضی شرکت‌ها ادعا



تندیس های سنگی با اشکال عجیب که توسط راجوین Roggeveen در جزیره ی شرقی کشف شد.



برگزیده یی از روزنامه های انتقادی در مورد کنکاش خیالی برای یافتن راه دریای جنوب.



تصویر یک شاهزاده ی ایرانی در خارج از شکارگاه



دانیل دفوئه Daniel Defoe که نقش اصلی داستان رابینسون کروزوئه Robinson Crusoe را بر عهده دارد.



مینیاتور ایرانی بر روی پارچه ی ابریشمی، جوانی در حال نوشیدن شراب.

فرانسه، ۱۷۷۲
دنیس دیدرو (Denis Diderot) برای تکمیل لغت‌نامه‌ی خود بخش موجودات دریایی مهاجر را پیوست کرد.

آلمان، ۱۷۷۲
یوهان ولفگانگ گوته (Johann Wolfgang Goethe)، شاعر و داستانسرای آلمان، کتابی با عنوان گوتزفون برلی‌کینگن (Gotz Von Berlichingen) را انتشار داد.

آلمان، ۱۷۷۲
کریستوف مارتین ویلاند (Christoph Martin Wieland) کتابی موسوم به آینه‌ی تذهیب‌شده منتشر کرد.

سوئد، ۱۹ اوت ۱۷۷۲
گوستاو سوم که سال پیش به پادشاهی سوئد رسید، قانون تقسیم‌بندی ارتش به نیروهای ضربتی بدون خونریزی را لغو و تمام نیروهای نظامی را زیر فرمان شاه قرار داد.

مکزیک، ۲۲ اوت ۱۷۷۲
ایالات شمالی مکزیک (شامل ایالت تگزاس) از زیر فرمان حکومت مرکزی خارج شد و به استان مستقل داخلی تبدیل شد.

نیوانگلند، دوم نوامبر ۱۷۷۲
بر اثر تصادمات روزافرونی که بین مأموران دولت انگلیس و مهاجرنشینان جهت دریافت عوارض اضافی گمرکی پیش می‌آمد، امریکایی‌های طرفدار قانون کمیته‌هایی برای ایجاد ارتباط به‌وجود آوردند.

قطب جنوب، ۱۷ ژانویه ۱۷۷۳
کاپیتان جیمز کوک (James Cook) نخستین انسانی است که توانست از قطب جنوب عبور کند.

لندن، دهم مه ۱۷۷۳
برای جلوگیری از وضع مغشوشی که کمپانی هند شرقی با آن دست به گریبان بود، پارلمان انگلیس قانون چای را وضع کرد که طبق آن به کمپانی اجازه می‌داد که از هر پاوند چای صادره که مستقیماً به مستعمرات حمل می‌شود، مبلغ سه پنس دریافت شود.

لندن، اول سپتامبر ۱۷۷۳
فیلیس ویتلی (Phillis Wheatley) برده‌ی سیاه‌پوست بیست‌ساله، اشعاری درباره‌ی مطالب گوناگون از جمله مذهب و موضوعات اخلاقی سرود که در لندن انتشار یافت. ناشران امریکایی از چاپ و توزیع این کتاب امتناع ورزیدند.

روسیه، سپتامبر ۱۷۷۳
سپاهیان قزاق به فرماندهی یملیان پوگاشف (Yemelyan Pugachev)، شهرهای اورنبورگ (Orenburg) و غازان (Kazan) را به تصرف خود درآوردند. پوگاشف مدعی بود که پتر سوم را خلع خواهد کرد. او را در سال ۱۷۷۵ به‌قتل رساندند.

استانبول، دسامبر ۱۷۷۳
ابوالحمید جانشین پدرش مصطفی سوم به تخت سلطنت عثمانی نشست.

رومانی، ۱۷۷۳
تلاش‌هایی که برای پایان‌دادن به نبرد بین سپاهیان روس و ترک در بخارست صورت گرفت، سرانجام با عدم توفیق مواجه شد.

رم، ۱۷۷۳
پاپ کلمنت چهاردهم فرمان اخراج ژزوئیت‌ها را موقوف ساخت.

هندوستان، ۱۷۷۳
طبق قانون تنظیم که به تصویب پارلمان رسید، دولت انگلیس کنترل کمپانی هند شرقی انگلیس را در دست گرفت. وارن هاستینگ (Warren Hastings) هم از سوی دولت انگلیس به سمت فرماندار کل منصوب شد که امور شرکت را زیر نظر داشته باشد و همان‌طور که امور ساکنین مدرس و بمبئی را در اختیار دارد، شهر کلکته هم تحت سرپرستی وی باشد. پادشاه انگلیس هم هاستینگ را به سمت فرماندار کل امور کمپانی و ایالت کلکته مأمور کرد و حقوق قانونی وی را رسمی اعلام کرد.

افغانستان، ۱۷۷۳
در پی مرگ احمدشاه درانی، پسرش تیمورشاه به سلطنت افغانستان رسید.

انگلیس، ۱۷۷۳
رابرت کلایو (Robert Clive) که مظنون به اختلاس از خزانه‌ی دولت در هنگام اشتغال در هندوستان بود، از اتهامات وارده تبرئه شد و معلوم شد که پول‌های برداشتی را صرف هزینه‌های ملی کرده است.

کردند که با موی شما، کلاه‌گیس خواهند ساخت تا سود آن نصیب شما شود و عدّه‌یی هم به مردم قبر و مقبره فروختند.

به‌هر حال، هنگامی‌که رقبای کمپانی دریای جنوب به میدان آمدند و دغل‌بازی و فریب‌کاری آن را برملا ساختند، مردم دل‌سرد و ناراضی شدند و سهام خود را فروختند. در نتیجه، سهام کمپانی دریای جنوب در عرض چند هفته به ۱۸۰ سقوط کرد. ویندهام در این حال نوشت: به خاطر شتاب و عدم آگاهی، تمام زندگی را روی خرید سهام گذاشتم و اکنون در لبه‌ی پرتگاه قرار گرفته‌ام.

تمام این جریانات در شهر پاریس هم روی داد. تمام سهام کمپانی هند شرقی سقوط کرد و ساکنان پاریس به وحشت افتادند و بانک سلطنتی را برای دریافت غرامت محاصره کردند، امّا لاو از معرکه گریخت.

پایتخت ایران به دست افغان‌ها سقوط کرد. (اصفهان، ۱۲ اکتبر ۱۷۲۲):

شاه سلطان حسین صفوی، اصفهان پایتخت صفویه را به افغان‌ها تسلیم کرد. این شهر مدّت بیش از هفت ماه در محاصره‌ی افغان‌های یاغی قرار داشت و ۸۰ هزار نفر از اهالی آن در اثر قحطی به هلاکت رسیدند.

هم‌زمان با سقوط شهر اصفهان، سلسله‌ی پادشاهی صفویه هم برافتاد، زیرا ارتش ایران یک ارتش قبیله‌یی بود و اختلافات طایفه‌یی باعث شکست آن شد. از سویی، قدرت شاه به تدریج به ضعف مبدّل شد و این ضعف به‌طور قطع در تمام جامعه رسوخ کرده و حالت ملوک‌الطوایفی و خانخانی، ارکان کشور را سست کرده بود. از زمان شاه عباس دوّم، یعنی از سال ۱۶۶۶، قدرت حکومتی زایل شده و رو به افول می‌رفت.

شاه سلطان حسین در سال ۱۶۹۴ به پادشاهی رسید. او شخصی ضعیف‌النفس و سست‌عنصر بود و زیر نفوذ ملایان قرار داشت. در این هنگام، آخوندهای

شیعه‌ی درباری، قدرت فوق‌العاده‌یی داشتند و در مقابل سلطان حکومتی خودکامه و استبدادی تشکیل داده بودند و مردم را به شورش فرا می‌خواندند. در این حال، محمود افغان، رهبر سنی‌های افغانی، از این وضع به نفع خود استفاده نمود و توانست بخشی از ایران را تحت کنترل خود درآورد.

دولت اسپانیا در مقابل اتّحاد سه‌گانه شکست خورد. (مادرید، ۲۶ ژانویه ۱۷۲۰):

به جولیو آلبرونی (Guilio Alberoni)، کاردینال منحرف مادرید، امروز دستور داده شد که شهر را ترک کند، زیرا او تلاش می‌کرد که از راه جنگ‌های کوتاه‌مدّت و خونین، کشور را به‌عنوان یک قدرت مدیترانه‌یی همچنان پابرجا نگه دارد و نفوذ امپراتوری هابسبورگ را در ایتالیا از بین ببرد. در این حال، نیروهای نظامی انگلیس، منطقه‌ی ویگو (Vigo) را تصرّف کردند و نیروهای اسپانیولی، جزایر سیسیل و ساردنی را تخلیه کردند و نیز فیلیپ پنجم، پادشاه اسپانیا، با عهدنامه‌ی صلح اوتریخت موافقت نمود.

آلبرونی در راه تجهیز سپاه به پشتیبانی جیمز سوّم مدعی سلطنت انگلیس، تلاش بیهوده‌یی به عمل آورد که به کشور انگلیس حمله کند، لیکن مساعی وی در راه پیشبرد اهدافش به وسیله‌ی توفان فی‌نیستر (Finisterre) در هم شکست و تحریکات او برای ایجاد شورش عقیم ماند.

یک جزیره در اقیانوس آرام کشف شد و به نام روز ایستر (Easter day) (عید پاک) نامگزاری شد. (شیلی، ۱۷۲۲):

دریاسالار، ژاکوب روگه وین (Admiral Jacob Roggeveen)، دریانورد هلندی، یک جزیره‌ی دورافتاده و تنها را در اقیانوس آرام کشف کرد که ساکنان بومی آن خورشیدپرست هستند. مردم، این جزیره را به زبان بومی راپا نوی (Rapa Nui) می‌نامند، لیکن روگه وین آنجا را به نام ایستر (پاک) نامید. در این جزیره صدها پیکره ی عجیب و غریب سنگی با گوش‌های دراز و قدّی در حدود ۹/۷۵ متر وجود دارد.

تزار پتر کبیر، در روسیه اصلاحاتی انجام داد و مقام و شخصیت مردم عادی را ارتقا داد. (سن‌پیترزبورگ (St Petersburg)، ۲۴ ژانویه ۱۷۲۲):

تزار پتر کبیر، با تغییرات عمیقی که در روسیه انجام داد، کشور را در مسیر ترقّی برد تا جزو قدرت‌های بزرگ اروپایی درآید. این نظم و ترتیبی که در طی سی سال در روسیه به‌وجود آمده، انسان را دچار حیرت می‌سازد، وی امروزه فرم کلاه‌ها را تغییر داده و نظم و انضباط را از میز و دفتر کار خود آغاز کرده و تشکیلات نیروی نظامی و ارتش و جامعه‌ی مدنی را عوض کرده است. او به مردم عادی امکان داده که برحسب لیاقت و شایستگی خود، به ترقّی و کمال و عالی‌ترین مقامات برسند.

از دیگر اصلاحات او، انحلال مجلس شورای قدیمی روس، تجدید سازمان اداری و دولتی، بالا بردن بنیه‌ی امور مالی و اقتصادی از طریق اخذ مالیات‌های قانونی و نشان دادن مالیات به‌عنوان بودجه‌ی کشور است. انقلاب اجتماعی شامل کوتاه کردن و تراشیدن ریش و کوتاه کردن قبا و ردا و پوشیدن کت شبیه اروپای غربی، به‌طوری که هر فردی که از دروازه‌ی شهر وارد می‌شد، دروازه‌بان موظف بود که قبای او را تا سر زانو کوتاه کند تا روی زانوی فرد را بپوشاند.

چون بخش اعظم سلطنت پتر کبیر با جنگ توأم بود، او سعی کرد که قدرت ماشین جنگی روسیه را بالا ببرد و بدین لحاظ، تعداد مردان جنگی را به ۲۰۰ هزار نفر رسانید تا از مرزهای کشور وسیع روسیه دفاع کنند. از دیگر برنامه‌های او، ایجاد یک نیروی دریایی قدرتمند برای دفاع از آب‌های روسیه بود که اکنون نیروی

انگلیس، ۱۷۷۳
کارهای مربوط به پل آهنی بر روی رودخانه‌ی سورن (Severn) واقع در کول‌بروک‌دیل (Coalbrookdale) آغاز شد.

انگلیس، ۱۷۷۳
برادران رابرت و جیمز آدام (Robert & James Adam) بیانیه‌یی درباره‌ی طرح حرکات و امور حمل و نقل به روش نوین انتشار دادند.

انگلیس، ۱۷۷۳
اولیور گلداسمیت (Oliver Goldsmith) نمایش «زنی که در مقابل فاتح خم می‌شود» را به روی صحنه آورد.

سن‌پترزبورگ، ۱۷۷۳
به دعوت کاترین کبیر، دنیس دیدرو (Denis Diderot) نویسنده‌ی فرانسوی وارد شهر سن‌پترزبورگ (St Petersburg) گردید.

اسپانیا، ۱۷۷۳
پدرو آراندا (Pedro Aranda) نخست‌وزیر اسپانیا از اریکه‌ی قدرت سقوط کرد و به‌عنوان سفیر در فرانسه تعیین شد.

خاور نزدیک، ۱۷۷۳
قیامی که در مصر و سوریه علیه فرمانروایان ترک عثمانی برپا شده بود، سرکوب گشت.

بوستون، ۱٦ دسامبر ۱۷۷۳
میهن‌پرستان در اعتراض به قانون چای، صندوق‌های پر از چای سه فروند کشتی حامل آن را که در لنگرگاه بوستون پهلو گرفته بودند، باز کردند و محتویات آن‌ها را به دریا ریختند.

انگلیس، چهارم آوریل ۱۷۷٤
اولیور گلداسمیت نمایش‌نامه‌نویس و داستانسرای انگلیسی، دیده از جهان فروبست.

فرانسه، دهم مه ۱۷۷٤
لویی پانزدهم از دنیا رفت و نواده‌ی او لویی شانزدهم جانشین وی گشت.

لندن، ۲۰ مه ۱۷۷٤
پارلمان قانونی موسوم به موقعیت اجباری را تصویب کرد که طبق آن افراد امریکایی ساکن مستعمرات انگلیس که اعمال ضدکشوری انجام دهند و به کشور مادر احترام نگذارند و توهین کنند، بایستی از این مهاجرنشین‌ها بیرون رانده شوند و باز هم بنابر مفاد همین قانون بندرگاه بوستون تعطیل و قدرت قانونگزاری از مجلس ماساچوست سلب شد.

لندن، ۲۰ مه ۱۷۷٤
پارلمان قانونی به‌نام که‌بک (Quebec) تصویب کرد که مرزهای بخش انگلیس‌نشین گسترش یافته و تا خط مرزی ساکنان فرانسه‌زبان ادامه یابد (در اوهایو (Ohio) و ایلی‌نویز (Illinois)).

امپراتوری عثمانی، ژوئن ۱۷۷٤
سپاهیان روس ترک‌ها را در نبرد نزدیک شوملا (Shumla) مغلوب کردند، به‌طوری‌که میدان تقریباً از سربازان ترک تخلیه شد.

لندن، دوم ژوئن ۱۷۷٤
پارلمان انگلیس مجدداً قانون یک‌چهارم تصویب‌شده در سال ۱۷۶۵ را احیا کرد، زیرا برای اسکان و استقرار سربازان انگلیسی در مهاجرنشین‌ها بودجه‌ی کافی موجود نبود.

فرانسه، ۱۲ ژوئن ۱۷۷٤
لویی شانزدهم به تبعید دوک کویزل (Choiseul) وزیر پیشین که مشهور بود شخصی اصلاح‌طلب است و به‌وسیله‌ی لویی پانزدهم از وطن دور شده بود، پایان داد. او در سال ۱۷۷۰ از کار برکنار شده بود.

فرانسه، ۲۰ ژوئیه ۱۷۷٤
لویی شانزدهم با برهم‌زدن اوضاع کابینه و ترمیم آن، کنت ناحیه‌ی مائورپا (Maurepas) را به سمت وزیر کشور و کنت ورژنه (Vergennes) را به سمت وزیرخارجه تعیین کرد.

روسیه، ژوئیه ۱۷۷٤
سپاهیان قزاق به فرماندهی یملیان پوگاشف (Yemelyan Pugachev) شهر غازان را که یک سال در محاصره داشت، مسخر کردند.

امپراتوری عثمانی، ۱٦ ژوئیه ۱۷۷٤
دولتین روس و عثمانی با امضای پیمان صلح کوچوک کائین نارجی (Kuchuk Kainardji) به جنگ شش‌ساله بین خود پایان دادند. ناحیه‌ی مولداوی (Moldavia) و والاچی (Wallachia) به عثمانی تعلق گرفت، شبه‌جزیره‌ی کریمه مستقل شد، روسیه هم بخش اعظم کرانه‌ی شمالی دریای سیاه را در اختیار خود قرار داد.

بحری روسیه یکی از توانمندترین قدرت‌های اروپایی به‌شمار می‌رود.

با وجودی که او در بعضی موارد ظالمانه رفتار می‌کرد، لیکن برای پیشرفت کشور اقدامات او بسیار مفید بود. وی تقویم قدیمی را اصلاح و به‌صورت الفبایی درآورد و نخستین روزنامه‌ی روسی را منتشر کرد.

با استعفای پادشاه اسپانیا، کشور دچار تکان شدیدی شد. (اسپانیا، دهم ژانویه ۱۷۲۴):

با اعلام کناره‌گیری فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا از سلطنت به سود مسن‌ترین فرزندش لوئیز، تمام دربارهای اروپایی به لرزه درآمدند. فیلیپ این تصمیم را از سه سال پیش اتّخاذ کرده، لیکن آن را پنهان نگاه می‌داشت.

علّت اصلی این حرکت، نامعلوم است، لیکن به‌نظر می‌رسد که این جریان با یک حالت روان‌پریشی و افسردگی او در ارتباط باشد. او نخستین پادشاه از سلسله‌ی بوربون (Bourbon)هاست که از حالت خودمحوری و دیکتاتوری در کشور کاست و یک سیستم اداری قابل قبول به‌وجود آورد، فئودالتیه را از بین برد و اقتدار پادشاه را ترقّی دارد.

نایب‌السلطنه فرانسه پس از هفت سال دوران لذّت‌بخش، درگذشت. (پاریس، دوّم دسامبر ۱۷۲۳):

فیلیپ، دوک اورلئان (Philippe duke Orleans)، پس از ۹ ماه که از سکته‌ی قلبی او می‌گذشت، جان سپرد. او در تمام مدّتی که لویی پانزدهم به سن رشد نرسیده بود، امور کشور را اداره می‌کرد و درست زمانی‌که لویی جشن تولّد ۱۳ سالگی را برپا کرده بود، از دنیا رفت.

او با رأی اعتماد پارلمان و برخلاف آرزوی لویی چهاردهم، به نایب‌السلطنگی انتخاب شد و لیاقت خود

را در جنگ با اسپانیا و با فرمان‌های مناسب به ثبوت رسانید. مردم فرانسه در زمان نایب‌السلطنه، فارغ از دغدغه و با خوشی روزگار را سپری کردند. در حالی‌که عموی لویی چهاردهم که ظاهراً یکی از دوستان او بود، با اِعمال خشونت و هرزگی، همواره فیلیپ را رنجیده‌خاطر می‌کرد و سبب آبروریزی او می‌گشت.

کاشف نیروهای حیات‌بخش، زندگی را بدرود گفت. (هلند، ۱۷۲۳):

آنتونی وان لیوین هوک (Antoni Van Leeuwenhoek)، دانشمند هلندی، که عمری را در راه پیشرفت علم و تکنیک و اختراع نخستین میکروسکوپ سپری کرده بود، درگذشت.

او در سال ۱۶۷۱، در سن ۳۹ سالگی، با یک عدسی ساده‌ی دست‌ساز خودش، میکروسکوپ اوّلیه را ساخت. در سال ۱۶۷۴، وی توانست اجسام متحرک زنده، مانند باکتری و پروتوزوئر را با میکروسکوپ خود مشاهده کند. در سال ۱۶۷۷، یکی از شاگردان وی به نام یوهان هام (Johan Ham) که به تحصیل پزشکی اشتغال داشت، توانست در مایع منی انسان، موجودات ذره‌بینی متحرک را ببیند. سپس لیوین هوک مشاهدات یوهان هام را تأیید و تصریح کرد و آن را به نام اسپرماتوزوئید و عامل توالد و تناسل دانست.

روسیه در مدّت دو سال سه امپراتور به خود دید. (سن‌پیترزبورگ، ۱۷۲۷):

در وسیع‌ترین امپراتوری جهان، در عرض مدّت دو سال سه نفر فرمانروا به سلطنت رسیدند.

پس از مرگ پتر کبیر امپراتور در سال ۱۷۲۵، سلطنت به بیوه‌ی او کاترین تفویض شد. کاترین با وجود روح مهربان و شفیقی که داشت، اعمال زشت و شنیعی انجام می‌داد. او یکی از بزرگ‌ترین مشروب‌خواران برندی بود، در ضمن سواد نداشت، از این رو تمام امور را به پرنس آلکساندر منشیکوف (Alexander Menshikov)، دوست صمیمی و پیشین پتر تزار واگذار کرد. در این زمان کاترین از دنیا رفت و پتر ۱۲ ساله نوه‌ی پتر کبیر که هم‌نام او هم بود، جانشین کاترین شد و به پادشاهی رسید، لیکن از بدو پادشاهی، با الیزابت دخترعمه‌ی خود مشغول به عشق‌بازی شد. الیزابت هم که دختری شهوتران بود، تمام اوقات با پتر به سر می‌برد، پتر هم علاوه بر آن، بقیه‌ی اوقات را به شکار می‌رفت. سرانجام منشیکوف برای جلوگیری از رسوایی، دختر خود را به نامزدی پتر جوان درآورد، لیکن چون نیروی شهوانی پتر فرونشست، منشیکوف وی را به سیبری تبعید کرد و پسرخوانده‌ی خود را به سلطنت رسانید.

یکی از نویسندگان پیرو مکتب جدلی، سفرنامه‌ی گولیور (Gulliver) را به سرزمین لی‌لی‌پوت (Lilliput) و ماورای دریاها، به رشته‌ی تحریر درآورد. (لندن، ۲۸ اکتبر ۱۷۲۶):

کتاب کوچکی درباره‌ی سفرهای عجیب و دور و دراز به دور دنیا توسط لموئل گولیور (Lemuel Gulliver) ناخدای کشتی، انتشار یافت. خریداران کتاب و خوانندگان مشتاق آن، به بحث درباره‌ی این مسافرت‌های حیرت‌انگیز پرداختند.

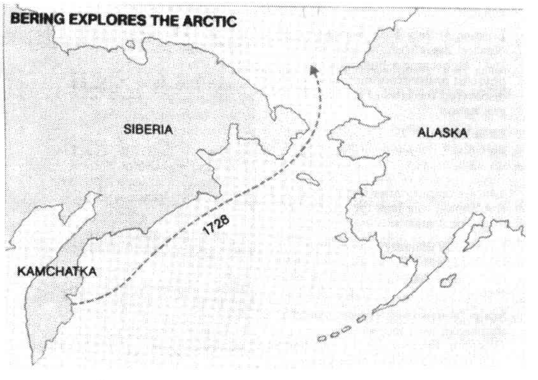
گولیور به شرح مسافرت خود به جزیره‌ی لی‌لی‌پوت واقع در هند غربی می‌پردازد و می‌گوید که دراین جزیره موجوداتی شبیه انسان را مشاهده کرده که قد آن‌ها تنها ۶ اینچ یا ۱۵ سانتی‌متر بوده است. او سپس به جزیره‌ی بروبدین گنگ (Brobdingang) می‌رسد و آدمیانی را می‌بیند که قد آن‌ها به اندازه‌ی مناره‌ی کلیسا می‌باشد. پس از آن، وی خود را به یک جزیره‌ی پرنده به‌نام لاپوتا (Laputa) می‌رساند و سرانجام به سرزمینی وارد می‌شود که حکومت آن در دست اسب‌های هوشمند است وتمام چهارپایان شبه‌انسان را زیر سلطه دارند. او آدم‌هایی را مشاهده می‌ند که خیلی عربده‌جو و بسیار تنومند و بزرگ هستند. به‌هر جهت، گولیور انواع و اقسام اجتماعات انسانی را کشف می‌کند



لوئی پانزدهم، پادشاه کم سن و سال جدید فرانسه.



پتر کبیر در لباس یکی از نجاران کشتی ساز.



کشف تنگه ی برینگ Bering درقطب شمال بین منطقه آلاسکاوسیبری.



قصر جدید پتر کبیر در یکی از شهرک های پترودورت Petrodvorets از توابع سن پترزبورگSt Petersburg.



صحنه یی از نمایش گولیور Gulliver با هنرپیشگی برابدینگ ناژیان Brobdingnagians، نقاشی سده ی ۱۹.

که به‌نظر خنده‌دار و مضحک هستند و اغلب در حالت توحّش به سر می‌برند. این داستان رئیس ایرلندی‌هاست که همواره در حال بربریت می‌باشند و به وسیله‌ی دکتر جاناتان سویفت (Dr. Jonathan Swift) به نگارش درآمده است.

برینگ در قطب شمال (مسکو، ۱۷۲۵):

ویتوس برینگ (Vitus Bring)، دریانورد دانمارکی کاشف اقیانوس‌ها که در خدمت پتر کبیر تزار روسیه بود، موفق شد که مسیر مستقیمی که سرزمین روسیه را از آمریکا جدا می‌کند، کشف کند. پتر، برینگ را مأمور کرده بود که راه درست بین سرزمین سیبری (Siberia) و آلاسکا (Alaska) را پیدا کند. برینگ قبلاً در ارتش روسیه که بر ضدّ سوئد می‌جنگید، خدمت کرده بود. برینگ با یک گروه کوچکی از سن‌پیترزبورگ (St Petersburg) عازم شبه‌جزیره‌ی کامچاتکا (Kamchatka) شد.

او با یک کشتی، سراسر کرانه‌های شبه‌جزیره‌ی کامچاتکا را پیمود. برینگ که سرپرستی گروه ۳۳ نفری را به عهده داشت، به سوی شمال حرکت کرد و تمام سواحل سیبری به طرف شمال شرقی را طی کرد. در این مسیر، برینگ سرزمینی که سیبری و آمریکا را به هم وصل کند، نیافت. او با کشتی و همراهان خود مسیر مستقیم اقیانوس شمالی را پیمود و در این راه نیازی به برگشت پیدا نکرد و این مسیر مستقیم، به نام تنگه یا باب برینگ نامیده شد.

پس از سلطنت پادشاه جبار، ملکه به پادشاهی رسید. (لندن، ۱۷۲۸):

برطبق شایعات منتشر شده قهوه‌خانه‌یی، جورج دوّم پادشاه انگلیس، همسر خود کارولین را برای سلطنت آماده می‌کند که وظایف این مقام را عهده‌دار باشد. ملکه مایل است که شوهر خود را فراری داده و درباره‌ی سیاست و امور کشور با رابرت والپول (Sir Robert Walpole) نخست‌وزیر مذاکره به عمل آورد. زمانی‌که جورج اوّل در ماه ژوئن از دنیا رفت، ملکه با مداخله‌ی خود از والپول خواست که آبروی شوهرش را حفظ کند.

جورج دوّم، آدمی بداخلاق، تندخو، عصبانی، مغرور و زن‌باره بود. او مردی خسیس و لئیم بود و هر روز تمام پول‌های خود را سکه‌سکه می‌شمرد و هر یک پنی را حساب می‌کرد، او هنگامی‌که شاهزاده‌ی ویلز (Wales) بود، پس از مشاجره با پدرش، حق نداشت از کاخ خود خارج شود، زیرا پدرش خروج او را قدغن کرده بود. از سویی پدر جورج دوّم یعنی جورج اوّل، در عین حال پدر تعمیدی فرزندان خود بود. اکنون او هم به تقلید از پدر خود، فردریک پسر خود را به تصوّر این‌که ممکن است برعلیه او اقدام کند، اجازه‌ی خروج از کاخ را نمی‌دهد و در واقع فردریک زندانی پدرش می‌باشد.

دایره‌المعارف مشتمل بر ده هزار فصل به پایان رسید. (بجینگ، ۱۷۲۸):

یک انسیکلوپدی بزرگ چینی که شامل دانستنی‌های هنری و ادبی می‌باشد، در پایتخت انتشار یافت. این کتاب مجموعه‌یی از مطالب و معلومات قدیم و جدید می‌باشد و به‌طور روشن هر مطلبی را تشریح کرده و در حدود ده هزار فصل دارد که فهرست آن شامل ۴۰ قسمت عمده می‌باشد، از سویی چون حجم این کتاب بسیار زیاد است، آن را در ۶۴ جلد تنظیم کرده‌اند که قابل چاپ و انتشار باشد.

کار اصلی و تألیف این کتاب، برعهده‌ی یکی از دانشمندان بزرگ چینی به نام چن منگلی (Chen Menglei) بوده که زمانی‌که به سمت سرپرست و قیم پرنس یین‌تسی (Yin Zhe) در خارج از پایتخت اقامت داشته، به انجام رسیده است. وی به امر امپراتور کانگ‌زی (Kangxi)، به این امر مهمّ مبادرت کرده، لیکن با مرگ امپراتور از تمایل او کاسته شد و تکمیل شدن آن را به عهده‌ی یکی دیگر از دانشمندان چین

فرانسه، ۱۳ سپتامبر ۱۷۷٤
تورگو (Turgot) سرپرست جدید دارایی فرانسه، به شاه پیشنهاد کرد که انبارهای غله در سراسر کشور ایجاد شود.
روسیه، سپتامبر ۱۷۷٤
کاترین کبیر امپراتریس روس تصمیم قطعی گرفت که به شورش قزاق‌ها به رهبری یملیان پوگاشف که بیش از یک سال ادامه داشت، پایان دهد.
فیلادلفیا، ۲٦ اکتبر ۱۷۷٤
در کنگره‌یی که از سران تمام مستعمرات انگلیسی در امریکای شمالی در فیلادلفیا تشکیل شد، تمام حاضران به سیاست انگلیس در مورد مهاجرنشینان اعتراض کردند و خواستار حقوق قانونی خود شدند و از آن دولت خواستند که از آزادی، حیات و جان و مال آن‌ها پاسداری کند.
پاریس، ۱۲ نوامبر ۱۷۷٤
لویی شانزدهم از سران ایالات خواست که درباره‌ی تشکیل مجدد پارلمان تصمیم بگیرند و موپه‌ئو (Maupeou) را از تبعید چندساله (۱۷۷۱) خارج سازند. موپه‌ئو در ماه اوت از مقام نخست‌وزیری فرانسه کناره گرفت.
ویرجینیا، اول دسامبر ۱۷۷٤
جورج واشنگتن (George Washington) قرارداد فیرفاکس (Fairfax) را امضا کرد. در این عهدنامه ذکر شده که واردات برده به امریکا ممنوع است و هم‌چنین تهدید شده که هیچ کالایی از مستعمرات به انگلیس صادر نخواهد شد.
نیوهمپشایر، ۱٤ دسامبر ۱۷۷٤
در نخستین عملیات جنگی مستعمرات برضد نیروهای سلطنتی انگلیس به رهبری جان سولیوان (John Sullivan) و شرکت گروه رزمی، ارتفاعات منطقه‌ی ویلیام و ماری تصرف شد و انبار اسلحه و باروت آن‌جا منفجر گردید.
ایتالیا، ۱۷۷٤
عالم تشریح خانم آن مانزولینی (Anne Manzolini) دیده از جهان فروبست. وی در سال ۱۷۶۰ به استادی دانشگاه بولونیا (Bologna) در رشته‌ی تشریح منصوب شد و به‌عنوان متخصص این علم از موم مدلی از بدن آدمی ساخت.
ایتالیا، ۱۷۷٤
شارل سوم پادشاه دو سیسیل، لوئیجی وان ویتلی (Luigi Vanvitelli) معمار ایتالیایی را مأمور کرد که در کاسرتا (Caserta) کاخی هم‌ردیف کاخ ورسای بنا کند.
آلمان، ۱۷۷٤
گوته (Goethe) نویسنده‌ی آلمانی با نگارش کتاب «وردر (Werther) مرد جوان غمگین» روح تازه‌یی به دنیای مأیوس نگارش دمید و با نوشتن این داستان مورد تحسین قرار گرفت.
اتریش، ۱۷۷٤
ماری ترز آزادی مذهبی را برای فرقه‌های مسیحی غیرکاتولیک در مجارستان برقرار کرد.
اتریش، ۱۷۷٤
ولفگانگ آمادوس موزارت (Wolfgang Amdeus Mozart) آهنگساز اتریشی، آهنگ عشای ربانی بزرگ را تنظیم کرد.
پاریس، ۱۷۷٤
گلوک (Gluck) آهنگساز آلمانی، نخستین اپرای فرانسوی (ایفی‌گنیا در اولیس (Iphigenia in Aulis)) را تنظیم کرد. این آهنگ که هم‌ردیف اورفه (Orpheus) (داستان یونانی) می‌باشد، بسیار موفقیت‌آمیز بود.
فرانسه، ۱۷۷٤
ژاک لویی داوید (Jacques Louis David) نقاش فرانسوی، جهت گرامی‌داشت شهر رم، تابلوی آنتیوکوس و استراتونیس (Antiochus et Stratonica) را ترسیم کرد.
انگلیس، ۱۷۷٤
ویلیام هرشل (William Herschel) منجم انگلیسی متولد آلمان، بزرگ‌ترین تلسکوپ را ساخت.
انگلیس، ۱۷۷۵
کاپیتان جیمز کوک دریانورد انگلیسی، با اتمام دومین سفر اکتشافی خود به وطن بازگشت. او سراسر قاره‌ی جنوب را درنوردید و جزایر ساندویچ جنوبی (South Sandwich) را کشف کرد و جزیره‌ی جورجیای جنوبی را جزو خاک انگلیس دانست و توانست چندین خوک آبی بزرگ صید کند.

که به نام جیانگ تینگ‌زی (Jiang Tingxi) که در عین حال مقام نخست‌وزیری را داشت، محول کرد.

سلطان عثمانی در پایان (دوران لاله) کناره‌گیری کرد. (استانبول، ۱۷۳۰):

با کناره‌گیری سلطان احمد سوّم پادشاه عثمانی از سلطنت و قتل وزیراعظم او دوران لاله زرّین به سر رسید و آداب و رسوم سنتی و اقتدار سلطان با به‌کارگیری نیروهای نظامی به این سرزمین بازگشت و هم‌چنین با عقد پیمان صلح، هنر و ادب کشور به بالاترین درجه ارتقا یافت.

قراردادهای سال‌های ۱۷۱۲ و ۱۷۱۳ مرزهای عثمانی با روسیه را تثبیت کرد، امّا دولت عثمانی با بهای زیادی توانست تعادل قدرت را در یونان و ونیز، با دادن امتیازاتی در اروپای شمالی برقرار سازد. اوج این گذشت و فداکاری در قرارداد پاساروویتس (Passarowitz) در سال ۱۷۱۸ آشکار شد که دولت عثمانی سرزمین مجارستان و صربستان را به اتریش بازگرداند.

اکنون سلطان عثمانی علاقه‌ی شدید خود را معطوف به بازسازی کشور و موسیقی و کتاب کرده است. او کاخی در منطقه‌ی آب‌های شیرین اروپا واقع در شاخ زرّین ساخته و تابستان‌ها را در آنجا می‌گذارند. در این کاخ آبراهه‌هایی از سنگ مرمر ساخته، چند دریاچه با فواره‌های بلند هم در باغ این قصر بنا کرده است. او هم‌چنین در سعدآباد کاخی نظیر قصر مارلی (Marly) فرانسه ساخته است. وی در هنگام بهار، جشن لاله‌ها را در این قصر برپا می‌کند و بارعام می‌دهد، در این روز تمام درباریان برای تبریک و تعظیم به حضور سلطان می‌رسند و به تماشای گل‌های لاله و چراغ‌های الوان و آواز پرندگان مشغول می‌شوند. در این روز، احمدندیم (Ahmet Nedim)، شاعر گران‌قدر، سروده‌های خود را به حضور سلطان تقدیم می‌کند و سایر هنرمندان و ادیبان هم نوشته‌هایی در مدح و ثنای

سلطان می‌خوانند. در سال ۱۷۲۷، سفیر فرانسه در ترکیه، یک کتاب نفیس و بسیار ارزشمندی که در پاریس به چاپ رسیده بود، به حضور سلطان عرضه داشت.

چند نفر از مجرمان و بدهکاران انگلیسی، مستعمره‌ی جدیدی در آمریکا به‌وجود آوردند. (نیوانگلند، ۱۷۳۲):

سیزدهمین ایالت مستعمره‌نشین آمریکایی به وسیله‌ی تعدادی از مجرمان و بدهکاران انگلیسی تأسیس شد. این مجرمان زندانی به وسیله‌ی ژنرال جیمز اوگل تورپ (James Oglethorpe) فرماندار جدید و عضو پارلمان، آزاد شده بودند. آن‌ها وفاداری خود را نسبت به سلطنت جورج دوّم پادشاه انگلیس ابراز داشته و خود را تابع قوانین کشور می‌دانند، به همین جهت نام این مستعمره را جورجیا (Georgia) نهادند. این افراد قصد دارند به مجرد رهایی از زندان، بدهی‌های خود را پرداخته و برعلیه اسپانیا اقدام نموده و به خصومت و دشمنی بین ایالت اسپانیولی فلوریدا (Florida) و کارولینای (Carolina) انگلیس پایان دهند. در ایالت جورجیا سیستم برده‌داری لغو شده و نوشیدن لیکور ممنوع است.

کاربرد الکل برای دماسنج‌های جدید تسجیل شد. (فرانسه، ۱۷۳۰):

در حدود یکصد سال است که در دنیا دماسنج اختراع شده، لیکن مقیاس و سنجش دما در نزد دانشمندان با هم متفاوت است و این موضوع را هم دانشمندان تصدیق می‌کنند. شخص فارنهایت با توجّه به این موضوع مقیاس دقیقی جهت رفع این گرفتاری تعیین و نقطه‌ی انجماد و سایر نقاط را مشخّص ساخت. امّا دماسنج فارنهایت تنها به قطر و بلندی لوله‌ی جیوه‌یی بستگی داشت و برحسب بلندی لوله‌ی دماسنج و قطر آن تغییر می‌کرد.

با توجّه به این مشکل، یکی از دانشمندان علوم طبیعی و فیزیکدان فرانسوی به نام رنه آنتوان فرشو دو رومور (Rene Antoine Ferchault de Reaumur) با نگرش به این گرفتاری دماسنجی الکلی اختراع کرده است. وی با به کارگیری یک لوله‌ی شیشه‌یی حاوی الکل درجه دمای هوا و کسری‌های کمتر از یک درجه را هم مشخّص ساخته است.

دولت روسیه با چین پیمان دوستی بست. (کیاختا (Kyakhta)، ۱۴ ژوئن ۱۷۳۰):

دولت‌های روسیه و چین، یک پیمان همکاری دوستانه و هم‌چنین عهدنامه‌ی بازرگانی در شهری واقع در مرز جنوبی دریاچه بایکال (Baikal) امضا کردند.

برطبق این عهدنامه‌ی جدید، مرزهای ۴۱ سال پیش که در زمان امپراتور کانگ‌زی (Kangxi) تعیین شده بود، مورد تأیید قرار گرفت. پیمان پیشین که در شهر نرچینسک **(Nerchinsk)** منعقد شده بود، در مورد تجاوز نیروهای قزاق به مرز چین بود و مقرّر می‌داشت که روسیه مسؤول این تجاوزات است و باید از این امر جلوگیری کند. ارتباط بین دو ملّت بزرگ با میانجی‌گری روحانیان مسیحی مقیم شهر بجینگ (Beijing)، برقرار شد، چون آن‌ها هم مانند روس‌های مسیحی هستند. روس‌ها علاقه داشتند که رود آمور (Amur) مرز بین دو کشور باشد، نه کوه‌های استانووی (Stanovoi) که ماورای این رودخانه واقع شده است.

این عهدنامه به زبان لاتین تنظیم شد و رونوشت آن به زبان‌های منچو و روسی ترجمه شد و برحسب آن کاروان‌های حامل کالا می‌توانند تا شهر پکن بدون مانع بیایند. این پیمان هم‌چنین به روسیه اجازه می‌دهد که از کشور چین پارچه، چای، ظروف سفالی، توتون و مرکب چاپ وارد کند و این موضوع از مواد مهمّ پیمان کیاختا می‌باشد.

راهزنان اهل جزیره‌ی کورس (Corsica)، بر ضدّ حکومت جنوا (Genoa) قیام کردند. (جنوا، ۱۷۲۹):

انگلیس، ۱۷۷۵
مهندس جیمز وات (James Watt) انگلیسی، امتیاز اولین موتور بخار را به جان ویلکینسون (John Wilkinson) کارخانه‌دار فروخت.
برزیل، ۱۷۷۵
کلیسای نوتردام (Notre Dame) در شهر ریودو ژانیرو (Rio de Janeiro) ساخته شد.
لندن، نهم فوریه ۱۷۷۵
پارلمان ماساچوست را ایالت آشوب‌زده اعلام کرد.
ماساچوست، ۲۱ فوریه ۱۷۷۵
با شدت‌یافتن نبرد با بریتانیا، کمیته‌ی امنیت عمومی رأی داد که برای تجهیز سپاهی مرکب از پانزده‌هزار مرد جنگی باید بودجه‌یی تخصیص داده شود.
پنسیلوانیا، فوریه ۱۷۷۵
توماس پاین (Thomas Paine) که سال پیش به پنسیلوانیا (Pensylvania) وارد شده بود، بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) را وادار کرد که روزنامه‌یی به‌نام پنسیلوانیا منتشر کند.
پاریس، ۲۳ فوریه ۱۷۷۵
نمایش جدید کمدی بومارشه (Beaumarchais) به‌نام «آرایشگر سویل (Seville)» با موفقیت عظیمی روبه‌رو شد.
لندن، ۲۲ مارس ۱۷۷۵
ادموند بورک (Edmund Burke) سیاستمدار انگلیسی طی نطقی در مجلس عوام به دولت پیشنهاد کرد سیاست صلح و آشتی با مستعمرات امریکایی در پیش گیرد.
لندن، ۱۳ آوریل ۱۷۷۵
لرد نورث (Lord North) با اعلام قانون تحریم نیوانگلند، این مجازات را به ایالات کارولینای شمالی، ویرجینیا، پنسیلوانیا، مریلند و نیوجرسی تعمیم داد. بیم آن می‌رود که این عمل تجارت انگلیس و ایرلند را با سایر کشورها به رکود بکشاند و باعث شود که کشورهای دیگر هم تمایلی به دادوستد با انگلیس نشان ندهند.
ماساچوست، ۱۴ آوریل ۱۷۷۵
ژنرال گیج (Gage) دستور داد که در تمام مستعمرات وضع غیرعادی و اضطراری اعلام شود و ارتش مهاجرنشینان به حالت آماده‌باش درآیند.
فیلادلفیا، ۱۴ آوریل ۱۷۷۵
بنیامین فرانکلین و دکتر بنیامین روش (Benjamin Rush) از کمیته‌ی رهایی سیاهان امریکا، اعلام کردند که داشتن برده و افراد را به بردگی واداشتن غیرقانونی است. باید خاطرنشان کرد که این ایالت نخستین ایالتی است که قانون ضدبردگی را اجرا می‌کند.
ماساچوست، آوریل ۱۷۷۵
نبرد بین نیروهای انگلیس و گروه‌های امریکایی در لگزینگتون (Lexington) در پی کشته‌شدن تعدادی از افراد طرفین با توافق این‌که بایستی جلوی خونریزی‌های بیش‌تر را گرفت، پایان یافت.
فرانسه، آوریل ۱۷۷۵
ژاک نکر (Jacques Necker) بانکدار اهل ژنو (Genevan)، کتابی درباره‌ی تجارت گندم و قوانین موجود نگاشت. وی در این کتاب به تورگو (Torgot) وزیر دارایی فرانسه و سیاست اصلاح مالیاتی او سخت حمله‌ور شده است.
کارولینای شمالی، ۲۰ مه ۱۷۷۵
مکلن بورگ (Macklenburg) نخستین مستعمره‌یی است که استقلال خود را اعلام کرد.
ماساچوست، ۱۲ ژوئن ۱۷۷۵
ژنرال گیج اعلام کرد تمام نیروهای مهاجرنشینان که برضد قوای سلطنتی انگلیس به جنگ اقدام کرده‌اند، طبق قوانین جنگی خائن محسوب می‌شوند و باید از این عمل پوزش خواسته و با قید سوگند، وفاداری خود را به پادشاه اظهار نمایند.
ماساچوست، ۱۷ ژوئن ۱۷۷۵
سربازان انگلیسی به فرماندهی ژنرال ویلیام هاو (William Howe)، لشکریان مهاجرنشینان را در جنگ بونکر هیل (Bunker Hill) شکست دادند و قلاع نظامی چارلستون (Charleston) در پنسیلوانیا و بوستون را تسخیر کردند. خاطرنشان می‌شود که این پیروزی ارزشمند بود.

دولت جمهوری جنوا از شورش بر ضد این حاکم‌نشین قدیمی تکان خورد. در طی نسل‌های متوالی همیشه حکومت این منطقه‌ی دریایی در اختیار یکی از فامیل‌های بزرگ جنوایی بوده و مردم هم به این وضع عادت داشته و به مقرّرات احترام گذاشته و از حقوق شهروندی هم بهره‌مند بوده‌اند. اکثر اهالی جزیره‌ی کورس، به راهزنی دریایی می‌پرداختند و آن را یکی از مشاغل معمول به‌شمار می‌آوردند که با کمال شگفتی، اتحادیه به‌وجود آوردند (چون به‌نظر نمی‌رسید که راهزنان بتوانند با هم متّحد شوند) و برعلیه حکومت جنوا دست به مقاومت بزنند. با وجود این‌که دریا بین دو جزیره‌ی اصلی آن‌ها جدایی افکنده، موانعی ایجاد کرده‌اند که جمهوری جنوا نتواند به آن‌ها حمله کند و بدین طریق یک حکومت خودمختار به‌وجود آورده‌اند.

در سرزمین پروس، خدمت در ارتش اجباری شد. (برلین، ۱۷۳۲):

فردریک ویلهلم اوّل، پادشاه پروس، که در عین حال افسر ارتش است، مقرّرات سربازی اجباری را برای خدمت در ارتش پروس وضع کرده است. این چهارمین ارتش بزرگ اروپایی، پس از فرانسه، روسیه و اتریش است که چنین قانونی را به مرحله‌ی اجرا می‌گذارد.

هسته‌ی اصلی و دائمی این ارتش اجباری را روستاییان تشکیل می‌دهند. برطبق این قانون، تمام مردان ۱۸ سال به بالا، موظفند این خدمت را انجام دهند. تمام خانواده‌های اشرافی هم بایستی یکی از پسران خود را برای تعلیمات افسری به ارتش بفرستند. داوطلبان خدمت نظام خارج از کشور هم در این ارتش پذیرفته می‌شوند، با این وصف ارتش نیروهای اضافی خواهد داشت.

نیروی پیاده‌نظام که باعث افتخار این ارتش است تحت فرماندهی پرنس لئوپولد فرمانروای منطقه‌ی آنهالت می‌باشد، آن‌ها سرآمد و نمونه‌ی درستی و نظم هستند و گوی سبقت را از سایرین ربوده‌اند و پیشرو و پیشاهنگ آتشباری می‌باشند.



صحنه یی از اپرای گدایان با نقاشی ویلیام هوگارتWilliam Hogarth، نقاش و حکاک انگلیسی، هوگارت پیش از این به عنوان نقاش معروف بود، لیکن به زودی نسل جدید وی را به عنوان یک نقاش با روحیه ی زنده و شاداب شناختند.



جورج دوم، پادشاه جدید انگلیس که زیاد مورد توجه و علاقه ی مردم نبود.



پادشاه پروس با درجه ی ستوانی ارتش.



رمور Reaumur و معاون او در حال ساختن ترمومتر جدید.



رقاصان و خوانندگان برای سرگرمی و تفریح سلطان احمد سوم پادشاه عثمانی در شکارگاه.

بوستون، ۲۶ ژوئن ۱۷۷۵
جورج واشنگتن از اهالی ویرجینیا به فرماندهی نیروهای قاره‌ی امریکا منصوب شد.
فرانسه، ۲۱ ژوئیه ۱۷۷۵
مالهرب (Malesherbes) که به‌علت نکوهش دربار سلطنت و هتک احترام آن در سال ۱۷۷۱ از دربار رانده و به تبعید محکوم شده بود، توسط لویی شانزدهم فراخوانده شد و به یکی از محارم دربار و وزارت کشور منصوب و جزو خاندان سلطنت محسوب گردید.
لندن، ۲۳ اوت ۱۷۷۵
جورج سوم پادشاه انگلیس، پیشنهاد صلح با مستعمرات را رد کرد و بدین ترتیب بار دیگر شورش و آشوب برضد دربار سلطنتی اوج گرفت.
فیلادلفیا، ۱۳ اکتبر ۱۷۷۵
کنگره از ورود سیاه‌پوستان به ارتش متحده ممانعت کرد.
فرانسه، ۲۷ اکتبر ۱۷۷۵
کنت سن ژرمن (St Germain) که حامی دوآتشه‌ی فردریک دوم و متفکر و استراتژیست نظامی پروسی بود، به سمت وزیرجنگ فرانسه انتخاب شد.
ویرجینیا، ۱۷ نوامبر ۱۷۷۵
دان مور (Dunmore) فرماندار ویرجینیا، آزادی بردگان سیاه‌پوست را اعلام کرد و وفاداری ارتش ایالتی را به این اعلامیه خواستار شد، در نتیجه کشاورزان منطقه به‌علت ازدست‌دادن کارگران خود از پشتیبانی وی خودداری کردند. او اظهار کرد که بردگان هم حق حیات و زندگی دارند.
ماساچوست، ۳۱ دسامبر ۱۷۷۵
سران ایالتی از بیم و واهمه‌ی فرمان لرد دانمور که امکان شورش را فراهم آورده بود، در نتیجه جورج واشنگتن دستور داد که از بردگان آزاده به‌عنوان افسر ارتش مهاجرنشینان استفاده شود.
اتیوپی، ۱۷۷۵
جیمز بروس (James Bruce) که برای نقشه‌برداری از سرزمین اتیوپی و بخش رود نیل آبی و کشف سرزمین‌های جدید به اتیوپی سفر کرده بود، با نقشه‌ی جامع منطقه به انگلیس بازگشت و نقشه‌ی جغرافیایی و راه‌های بازرگانی آن‌جا را ترسیم نمود.
اتریش، ۱۷۷۵
سیاست خارجی ماری ترز ملکه‌ی اتریش بر این پایه قرار دارد که عثمانی را وادار سازد ایالت بوکووینا (Bukovina) در شمال ترانسیلوانی (Transylvania) را به اتریش واگذار کند. در داخل کشور وی امتیازات بیگاری را در بوهم و ایالات اتریش لغو کرد (افرادی که در اجاره‌ی مالک زمین بودند و طبق دستور او بیش‌تر روزهای سال را به کار رایگان اشتغال داشتند).
فرانسه، ۱۷۷۵
بر اثر کمبود نان و قحطی و کسری محصول کشاورزی که سبب ایجاد شورش دهقانان شده بود، دولت تصمیم به بیرون‌راندن آنان از شامپاین بری (Champagne Brie) و پاریس گرفت. این امر که به جنگ گل معروف شد و تورگو وزیر دارایی فرانسه را واداشت که بین دولت و کشاورزان میانجی شده و باب آشتی را باز کند.
روسیه، ۱۷۷۵
کاترین دوم تصمیم گرفت که قلمرو وسیع کشور را به پنجاه فرمانداری که همه زیرنظر دولت مرکزی و تابعیت روسیه را دارند، تقسیم کند. این کار تسهیلاتی را جهت آزادسازی ایالات و خودمختاری در امر تجارت و صنعت به‌وجود آورد.
فلسطین، ۱۷۷۵
ابوالجهاد فرماندار مصر به منطقه‌ی فلسطین حمله برد تا آن‌جا را به‌خاطر دولت عثمانی تسخیر کند.
لیسبون، ۱۷۷۵
میدانی به‌نام کومرسیو (Comercio) در شهر لیسبون (Lisbon) در دنباله‌ی اقدامات نوسازی شهر که در اثر زلزله‌ی ۱۷۵۵ ویران شده بود، بنا گردید.
فرانسه، ۱۷۷۶
مارکیز ناحیه‌ی آبان (Abbans) یک قایق را که با نیروی بخار حرکت می‌کرد، در رود سائون (Saone) آزمایش کرد.
فرانسه، یکم مارس ۱۷۷۶
شارل گراویه (Charles Gravier) وزیر امور خارجه و کنت ورژن (Count Vergennes)، به همکار خود جرونیمو گریمالدی (Gronimo de Grimaldi) توصیه کرد که از شورش امریکاییان در قبال انگلیس پشتیبانی کند.

نزاع بر سر پادشاهی کشور لهستان (لهستان، ۱۷۳۳):

پس از مرگ آگوستوس پادشاه لهستان در ماه فوریه که از سال ۱۶۹۷ به پادشاهی لهستان رسیده و از سال ۱۶۹۴هم فرمانروای ساکسونی بود، تا به حال مرتباً صداهایی در مخالفت با تمرکز قدرت در این کشور به گوش می‌رسد و قدرت‌های بین‌المللی می‌خواهند هر کدام کاندیدای موردنظر خود را به پادشاهی برسانند و این کشمکش و نزاع‌ها سبب بحران شده است. بدین ترتیب که هر کدام از قدرت‌های اروپایی از کاندیدای خود پشتیبانی می‌نمایند.

از سویی به‌نظر نمی‌رسد که گفت‌وگوهای دیپلماتیک بتواند این بحران را رفع کند، زیرا این موضوع کشورها را تا به مرحله‌ی جنگ رسانده است.

در حالی‌که به‌طور طبیعی می‌باید آگوستوس دوّم به فرمانروایی برسد و به این موضوع بغرنج پایان داده شود. دولت فرانسه از ابتدا هم مخالف به قدرت رسیدن آگوستوس در سال ۱۶۹۷ بوده و میل داشته که پرنس کونتی (Conti) به پادشاهی لهستان برسد. او در آن زمان خیلی دیر به بندر دانزیگ (Danzig) رسید، در حالی‌که آگوستوس رسماً به این مقام انتخاب شده بود، در نتیجه فرانسه به‌طور صریح از این امر ابراز نارضایی می‌کرده است. بدین ترتیب، نامزد موردنظر آلمان‌ها به قدرت رسید و مورد حمایت این کشور قرار گرفت.

پادشاه جدید لهستان چندان علاقه‌یی به این سرزمین ندارد، چون بخش اعظم عمر خود را در درسدن (Dresden) سپری کرده و از زندگی مجلّلی نیز برخوردار بوده. از سویی دولت سوئد هم در سال ۱۷۰۴، استانیسلاس لزینسکی (Stanislas Lezcynski) را برای مقام پادشاهی لهستان پیشنهاد کرد، لیکن چون درگیر جنگ با روسیه بود، نتوانست نظر خود را تأمین کند، زیرا استانیلاس تنها مدّت پنج سال در آنجا حاکمیت داشت و هنگامی‌که دولت روسیه لهستان را اشغال کرد، استانیلاس برکنار شد و آگوستوس بار دیگر به سلطنت رسید.

دولت‌های فرانسه، اسپانیا، ساردنی (Sardinia) و گروهی از اشراف قدرتمند لهستانی، اکنون طرفدار بازگشت لزینسکی به قدرت هستند و لویی پانزدهم که ناپدری اوست، در ماه سپتامبر زمینه‌ی پادشاهی لزینسکی را فراهم کرده است، لیکن این انتخاب هم به جایی نرسید و فرصت از دست آن‌ها به در رفت.

روسیه از پسر آگوستوس که اکنون در اتریش است، حمایت می‌کند. از سویی با حمایت اشراف لیتوانی، یک تعادل قدرت برقرار شده، لیکن باز هم کفه‌ی ترازو به سود روسیه و اشراف لیتوانیایی می‌باشد. آن‌ها سرانجام موفق شدند در ماه اکتبر، پسر آگوستوس یعنی آگوستوس سوم را به پادشاهی لهستان منصوب کنند و با این وضعیت لزینسکی به بندر دانزیگ گریخت.

امپراتوری مغول هند توسط دشمن قدیمی خود تحقیر شد. (دهلی، هندوستان، ۱۷۳۷):

بر اثر ضعف امپراتوری مغول که در این سال‌ها پیش آمده، دشمن قدیمی مغول‌ها، یعنی ماراتاها (Marthas)، فرصتی به دست آوردند و با ارتش مجهّز خود در اطراف شهر دهلی و در پشت حصار و باروی آن اردو زدند، در حالی‌که ارتش فرتوت مغول در غفلت به سر می‌برد. ماراتاهای هندو که در هند مرکزی حکومت داشتند، با مستقر شدن در اطراف شهر دهلی به نمایش قدرت پرداختند و محمدشاه، امپراتور سست‌عنصر مغول را مورد تمسخر و تحقیر قرار دادند. باجی رائو پیشوا (Baji Rao Peshva)، رهبر ماراتا، چون به حومه‌ی شهر دهلی پایتخت مغول‌ها رسید، اظهار داشت: اکنون من ثابت می‌کنم که پادشاه حقیقی هند کیست و قدرت در اختیار چه کسانی قرار دارد. من او (محمّدشاه) را برکنار خواهم کرد. من دروازه‌های پایتخت را به آتش خواهم کشید و نشان خواهم داد که هندوستان متعلق به کیست.

هنگامی‌که قدرت امپراتوری مغول رو به زوال و انحطاط کشید، ماراتاها قدرت را قبضه کردند و به تدریج توانستند عرصه را از دشمن بربایند. ماراتاها چندین سال با جنگ‌های چریکی بر ضدّ مغولان، آن‌ها را به ستوه آوردند. در سال ۱۷۲۰، هنگامی‌که محمّدشاه به امپراتوری رسید، در پی یک منبع عایدی، مالیات‌هایی را به ایالات دکن تحمیل نمود.

با این درآمد تازه و ثروت بادآورده، محمّدشاه بر مناطقی همچون گجرات (Gujarat)، مالوا (Malwa) و باندل خند (Bundelkhand) را جزو امپراتوری خود دانست و سپاهیان خود را برای تسخیر این ایالات اعزام کرد، لیکن مغلوب حکومت‌های محلی شد.

اکنون ماراتاها بزرگ‌ترین قدرت هند به‌شمار می‌آیند.

لینه‌ئوس (Linnaeus) (لینه) گیاه‌شناس سوئدی، گیاهان را طبقه‌بندی کرد. (سوئد، ۱۷۳۷):

با گسترش بازرگانی در جهان و شناخت گیاهان و جانوران تازه که هنوز هم به‌طور دائم رو به افزایش است، شناخت و طبقه‌بندی آن‌ها مشکلاتی را برای دانشمندان ایجاد کرد.

کارل فون لینه (Carl Von Linne) یا به عبارت بهتر لینه‌ئوس، سال‌ها در راه سیستم طبقه‌بندی گیاهان فعالیت‌هایی را انجام داده بود. طرز طبقه‌بندی لینه براساس سیستم نام‌گزاری دوگانه قرار دارد، یعنی هر گیاه به نام نوع و دسته نامیده می‌شود. لینه چون نمی‌توانست یک نام دایمی برای هر گیاه انتخاب کند، ابتدا یک نام موقتی بر روی برخی از گیاهان گزارد و بدین ترتیب جایگاه هر گیاهی را در دسته و نوع خود تنظیم کرد. وی امسال کتابی به نام گیاه‌شناسی برحسب طبقه‌بندی انتشار داد و نخستین سنگ‌بنای گیاه‌شناسی را برجای گذاشت.

اسپانیولی‌ها گوش یک انگلیسی را بریدند. (هاوانا، نهم آوریل ۱۷۳۹):

یک کشتی بازرگانی بریتانیایی به اسم ربه‌کا (Rebecca)، که امروز از بندری در دریای کارائیب

بوستون، ۲٦ مارس ۱۷۷٦
سربازان انگلیسی که به خانواده‌ی سلطنتی وفادارند، پس از آن‌که امریکایی‌ها استحکامات استراتژیک و ارتفاعات دورچستر (Dorchester) را تسخیر کردند، بوستون را تخلیه کردند.

دانمارک، آوریل ۱۷۷٦
یک عهدنامه که بیش‌تر منویات دانمارک را تأمین می‌کرد، در شهر کپنهاگ به‌امضا رسید. در این عهدنامه روسیه از ادعای خود بر مالکیت هولشتاین (Holstein) صرف‌نظر کرد.

فرانسه، ۱۲ مه ۱۷۷٦
لویی شانزدهم تورگو (Turgot) را از مقام خود برکنار کرد.

نیوانگلند، هفتم ژوئن ۱۷۷٦
از ۱۳ ایالات امریکا تنها یکی از ایالات به استقلال رأی نداد و بقیه به آن رأی دادند. ایالت نیویورک در این رأی‌گیری شرکت نکرد.

فیلادلفیا، چهارم ژوئیه ۱۷۷٦
تمام مهاجرنشینان استقلال خود را اعلام کردند.

نیویورک، دهم ژوئیه ۱۷۷٦
سربازان و میهن‌پرستان تندیس جورج سوم را در شهر نیویورک به پایین کشیدند. این امر به مناسبت اعلامیه‌ی استقلال آزادی روز هفتم ژوئیه انجام شد.

فرانسه، ۱۹ اوت ۱۷۷٦
لویی شانزدهم وضعیت نیروی کارگری را که تورگو وزیر دارایی پیشین تغییر داده بود، به حالت سابق برگردانید.

فیلادلفیا، نهم سپتامبر ۱۷۷٦
کنگره نام پیشین مهاجرنشین‌های متحده را به ایالات متحده برگردانید.

تانزانیا، ۱٤ سپتامبر ۱۷۷٦
فرانسه قراردادی با سلطان کیلوا (Kilwa) امضا کرد که تعدادی از بردگان سیاه‌پوست را جهت کشت نیشکر در جزایر رئونیون (Reunion) و موریسیوس (Mauritius) اعزام دارد.

ایالات متحده، سوم اکتبر ۱۷۷٦
کنگره پنج‌میلیون دلار برای کسری و کاهش سریع ارزش اسکناس‌های جاری در جریان انقلاب سیاسی و اقتصادی وام گرفت.

فرانسه، ۲۲ اکتبر ۱۷۷٦
بای‌لیف تابورو درو (Bailiff Tabouréau de Reaux) به‌عنوان وزیر دارایی جانشین تورگو شد.

هند غربی، ۱٦ نوامبر ۱۷۷٦
در جزیره‌ی هلندی سن اوستاسیوس (St Eustatius) برای تهنیت و شادباش به مناسبت اعلام استقلال جمهوری جدید امریکایی، چندین تیر توپ شلیک شد.

پاریس، ۳۱ دسامبر ۱۷۷٦
بنیامین فرانکلین امریکایی وارد پاریس شد تا گفت‌وگوهایی را جهت جلب حمایت فرانسه در جریان انقلاب امریکا انجام دهد.

ناپل، ۱۷۷٦
برناردو تانوکی (Bernardo Tannucci) نخست‌وزیر که برای مدت ۲۰ سال به‌عنوان مشاور قانونی دربار برگزیده شده بود، تقاضای بازنشستگی کرد. تانوکی اصلاحاتی در جهت تغییر چهره‌ی زشت قوانین شهر ناپل (Naples) و لغو امتیازات فئودالی و اشراف انجام داده بود.

بریتانیا، ۱۷۷٦
ادوارد گیبون (Edward Gibbon) اولین جلد از کتاب چندین‌جلدی راجع به کاهش قدرت و سقوط امپراتوری رم را انتشار داد. خوانندگان کتاب بر این باورند که رفتار و برخورد مفتضحانه‌ی دولت رم در مقابل مسیحیت، علت عمده‌ی سقوط رم بوده است.

سنگال، ۱۷۷٦
سران قبایل توکلور (Tukulor) سنگال زمام قدرت را در دست گرفتند. آن‌ها به جانشینی سلطان سلیمان یکی از هواداران اجرای قوانین اسلام درآمدند.

اسپانیا، ۱۷۷٦
شارل سوم فلوریدا بلانکا (Floridablanca) را که یک اصلاح‌طلب بود، به نخست‌وزیری انتخاب کرد.

می‌گذشت، به فرمان ایست گارد ساحلی اسپانیا توجّه نکرد، در حالی‌که سرباز گارد ساحلی مشغول خوردن آب جو بود.

بالاخره گارد ساحلی اسپانیولی، این کشتی را که حامل شکر و مشروب رم بود، متوقّف کرد. (رم مشروبی است که از تخمیر نیشکر به دست می‌آید) و از ناخدای آن خواست که عوارض دریایی را بپردازد، لیکن ناخدای کشتی به نام رابرت جنکینز (Robert Jenkins) از پرداخت عوارض امتناع نمود. در اثنایی که ناخدا به اعتراض خود ادامه می‌داد، یکی از اسپانیولی‌ها گوش او را با چاقو بریده و در دست او قرار داد و به وی گفت: گوش خود را پیش پادشاه انگلیس ببر، جنکینز که از این موضوع به شدّت عصبانی بود، در بازگشت به انگلیس، گوش بریده خود را پیش والپول (Walpole) نخست‌وزیر انگلیس برد.

نادرشاه، تخت طاووس را از هند به ایران آورد. ●دهلی، هندوستان، ۲۰ مارس ۱۷۳۹):

نادرشاه، بزرگ‌ترین سرباز جنگجوی ایرانی که در تمام جنگ‌ها پیروز شده بود، به هندوستان لشگر کشید و وارد شهر دهلی شد. ورود نادر به دهلی هم‌زمان با سلطنت محمّدشاه بود که پس از شکست در جنگ‌های ده ساله، به علّت اختلاف دینی با مارتاها زندانی شده بود.

نادر در سال ۱٦۸۸، در شهر خبوشان (Kubkan) یا قوچان به دنیا آمد. وی در ابتدا در دربار آخرین پادشاهان سلسله‌ی صفویه که در حال اضمحلال بودند، به خدمت اشتغال داشت. نادر در ابتدا سرزمین خراسان را آرام کرد و سپس به تعقیب افغان‌ها که مرکز ایران را اشغال کرده بودند پرداخت و آن‌ها را مغلوب و منکوب کرد. پس از آن، به سرزمین عثمانی حمله برد و شهر بغداد را تصرّف کرد و دربند قفقاز را اشغال کرد. در روز هشتم مارس ۱۷۳٦، به اسم شاه ایران تاجگذاری کرد و سپس به افغانستان یورش برد. سه سال بعد، قشون مغولان را در ناحیه‌ی کارنال (Karnal) نزدیک

پانی‌پات (Pani Pat) در هم شکست و کنترل شهر دهلی را در دست گرفت.

دولت مغول هند که در اثر نبرد با ماراتاها در آستانه‌ی افول بود، به هیچ‌وجه نتوانست از خود واکنش در برابر ایرانیان نشان دهد.

جان وسلی (John Wesly)، یکی از کشیشان انگلیکن (Anglican)، فرقه‌ی متودیست (Methodist) را بنیان نهاد. (لندن، مه، ۱۷۳۹):

در این ماه، مردم انگلیس اغلب درباره‌ی مذهب جدیدی که یک کشیش جوان انگلیکان به نام جان وسلی به‌وجود آورده بود، بحث می‌کردند و همه می‌گفتند که این یک مذهب نو و تازه است.

به‌طوری که وسلی می‌گوید: در یک زمان کوتاه، شاید به اندازه‌ی یک ربع ساعت، دفعتاً و یک‌باره، گرمی و حالت مخصوصی در قلب خود احساس کردم و در این حال به خداوند نزدیک شدم و به من وحی و الهام شد.

پس از آن وسلی، به اطراف و اکناف ولایت برای ایراد سخنرانی و موعظه می‌پرداخت، و بیشتر هواداران او روستاییان، کشاورزان و کارگران بودند، او به مانند هاول هاریس (Howell Harris) از انجیل، مواردی را برای آنان می‌گفت تا از او پیروی کنند.

در سال ۱۷۲۹، وسلی به اتّفاق برادرش چارلز، یک کانون مقدّس تأسیس کردند. آن‌ها اسم این انجمن مقدّس را متدیست گزاردند، زیرا هواخواهان او را افراد تحصیل‌کرده و حقوقدان تشکیل می‌دادند.

دولت روسیه در مسأله‌ی بالکان مداخله می‌کند. (بلگراد، ۲۳ سپتامبر ۱۷۳۹):

در ساعاتی که طرف‌های جنگ مشغول امضای توافق‌نامه‌یی به نام پیمان سه‌جانبه جدید بودند، نیروهای نظامی روس شهر والاشی (Walachia) در منطقه‌ی یاسی (Iasi) را تصرّف کردند.

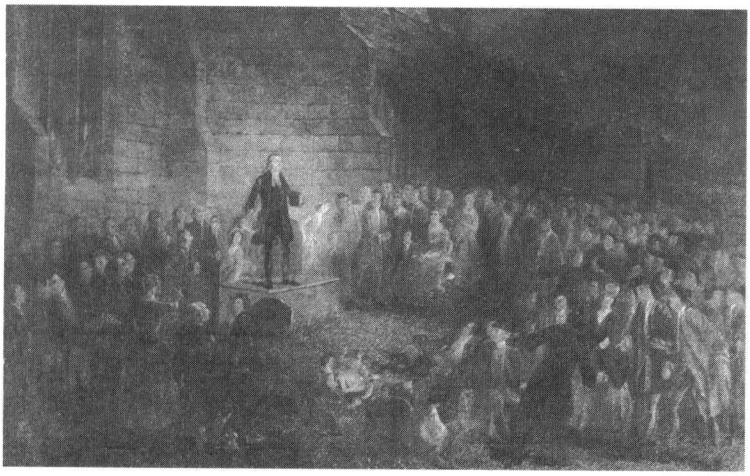
عهدنامه‌ی بلگراد بین روسیه، اتریش و عثمانی امضا شد.

پیشروی لشگریان روس نشان می‌دهد که تا چه اندازه تزارینا آنا ایوانونا (Czarina Anna Ivanovna) جاه‌طلب و بلندپرواز می‌باشد و چقدر مایل است روسیه در منطقه‌ی بالکان جای پایی داشته باشد، این امر باعث هیجان شدیدی در شهر بلگرداد شده، همه از این جریان حیرت‌زده هستند، زیرا در ۲۲ سال قبل لشگریان اتریشی از سقوط این شهر توسط عثمانی جلوگیری کردند و تمام استحکامات آن را ویران کردند و انتظار نداشتند که سپاهیان روس بلگراد را تسخیر کنند. برطبق این پیمان دولت اتریش تمام سرزمین‌هایی را که در سال ۱۷۱۸ ادعای مالکیت بر آن را داشت، از دست داد و به مرزهای تصریح شده در پیمان کارلوویتز (Carlowitz) که ۴۰ سال پیش امضا شده بود، برگشت. منطقه‌ی غرب والاشی، صربستان و بانات (Banat) همه در اختیار دولت عثمانی قرار گرفت.

استحکامات و قلاع بندر آزوف که در روی زمین بنا شده بود، ویران و تمام مناطق اطراف بندر و سرزمین‌های اطراف، جزو منطقه‌ی بی‌طرف بین روسیه و عثمانی اعلام شد.

کشمکش بر سر جانشینی سلطنت (وین، ۱۷۴۲):

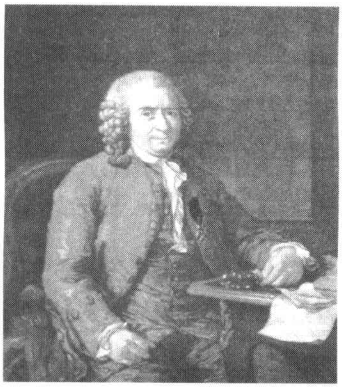
در طی دو سالی که از مرگ شارل ششم پادشاه اتریش می‌گذرد، اغلب قدرت‌ها و فرمانروایان اروپایی بر سر جانشینی او و به دست آوردن جایگاه مشغول کشمکش و جدال هستند و هر یک خود را از دیگری لایق‌تر برای احراز این مقام می‌دانند و سعی دارند سایرین را به حمایت از خود وادارند. ظاهراً جنگ و جدال بیشتر بر سر جانشینی پادشاه اتریش است و بدین



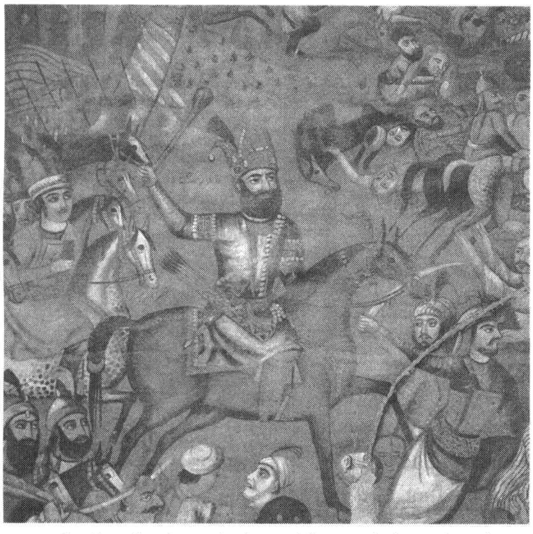
جان وسلی Johnn Wesley بنیانگزار فرقه ی متودیست در حال سخنرانی بر سر گور پدرش.



انفیه دان باتصویر استانیسلاس لزوینسکی Stanislas Lesczynski که دو بار به پادشاهی لهستان رسید و دو بار خلع شد.



لینه ئوس Linnaeus (لینه) دانشمند علوم طبیعی سوئدی.



نادر شاه و سپاهیان وی، قوای مغول را در دهلی تار و مار ساختند.

وسیله هر کدام در این بلوا شانس خود را مورد آزمایش قرار می‌دهند.

طی سال‌هایی که شارل ششم بر سر قدرت بود، همواره طوری رفتار می‌کرد که از پشتیبانی دستگاه روحانی برخوردار باشد و فعالیت خود را در این جهت به کار می‌برد.

وی تصمیم داشت که به نفع دخترش ماریا ترزا از سلطنت کنار رود، لیکن این جریان برخلاف میل شارل آلبرت پادشاه باواریا بود، چون وی با ازدواج با خواهرزاده‌ی شارل ششم، سلطنت بر اتریش را حق خود می‌دانست.

از سویی فدریک، پادشاه پروس، بیشتر نظرش روی ماری ترز بود، چون قصد داشت پیش از آن‌که ماری ترز تخت سلطنت را اشغال کند، از وی قول سرزمین سیلزی را بگیرد و آن را جزو قلمرو خود کند، در نتیجه از ماری ترز حمایت می‌کرد.

ماری ترز این ادعای فدریک را رد کرد و سپاهیانی برای جنگ با او اعزام داشت، لیکن قوای اتریش به وسیله‌ی سپاهیان پروس از هم پاشید.

در این حال، دولت فرانسه با نقشه‌یی در این امر دخالت نمود، بدین معنی که فرانسه پیشنهاد کرد که اگر بخشی از سرزمین سیلزی را به آگوستوس پادشاه ساکسونی تسلیم کند، فرانسه از فدریک حمایت خواهد کرد. از سوی دیگر، شارل آلبرت پادشاه باواریا، به بخش اعظم قلمرو امپراتوری اتریش نظر داشت، امّا فرمانروایان اسپانیا و ساردنی هم قسمت‌هایی از ایتالیا را مطالبه می‌کردند.

دولت فرانسه هم از دولت هلند مطالباتی داشت.

دولت بریتانیا و حکومت باواریا با طرفداری از ماری ترز ملکه اتریش وارد جنگ شدند. لیکن فدریک پادشاه پروس که از این امر آگاه بود، قبل از هر اقدامی به باواریا یورش برد. ماری ترز هم با اقدام به سربازگیری و تجهیز قوای اتریش و مجارستان، به سرزمین بوهم حمله کرد و شهر پراگ را برخلاف میل شارل آلبرت که ادعای پادشاهی بر اتریش را داشت، تسخیر کرد.

در عین حال، دولت بریتانیا ماری ترز را تشویق به جنگ با فدریک پادشاه پروس نمود و بخشی از هزینه‌ی این جنگ را تقبل کرد، چون سپاهیان انگلیسی از جنگ خسته و بیزار بودند و هزینه‌ی تجهیز سپاه برای انگلیس گران‌تر تمام می‌شد. با این وصف، دولت انگلیس سپاهیانی به هلند اعزام کرد که با همکاری آن کشور به اتریش به پیوندند و سه کشور با نیروی مشترک به فرانسه هجوم برند، امّا دولت هلند از این جریان سر باز زد و باز هم کشمکش‌ها ادامه پیدا کرد.

پسر روشنفکر و دانشمند پروسی به جای پدرش بر اریکه قدرت نشست. (برلین، ۱۷۴۰):

پادشاه جدید پروس به نام فدریک دوّم که در واقع یک دانشمند محسوب می‌شود، سبک نوی برای سلطنت ابداع کرده، وی برخلاف پدرش که آدمی عبوس و سخت‌گیر و یک سرباز ورزیده بود، فردی نوآور و دانش‌پرور می‌باشد.

وی تعدادی از موسیقی‌دان‌ها و هنرمندان فرانسوی را در کاخ خود واقع در راینزبرگ کاسل (Rheinsberg Castle) جمع کرده و اغلب به موسیقی و شعر گوش می‌دهد. جمعی از موسیقی‌دان‌ها مانند ژوردان (Jordan) از جنوا او را احاطه کرده‌اند و شاه هم مشغول یاد گرفتن آثار بایل (Bayle) و راسین (Racine) می‌باشد. او اغلب با ولتر (Voltaire) دانشمند فرانسوی به مکاتبه می‌پردازد و به تازگی کتابی هم منتشر نموده، در این کتاب که به نام آنتی ماکیاولی (Anti-Machiavelli) نامیده شده، وی برخلاف نظریه‌های ماکیاول معتقد است که شاه بایستی در خدمت ملّت و کشورش باشد.

در اثر شورش بردگان، ده‌ها نفر به هلاکت رسیدند. (چارلستون، کارولینای جنوبی، ۱۷۳۹):

انگلیس، ۱۷۷٦
جیمز کوک (James Cook) کاشف انگلیسی، سومین سفر اکتشافی بزرگ خود را آغاز کرد. وی امیدوار است که مسیر جدیدی از اقیانوس اطلس شمالی به اقیانوس آرام شمالی پیدا کند.
لندن، ۱۷۷٦
ویلیام چامبرز (William Chambers) معمار رسمی دربار، مأمور بنای خانه‌ی سامرست (Somerset) شد.
وین، ۱۷۷٦
ولفگانگ آمادوس موزارت (Wolfgang Amadeus Mozart) آهنگساز اتریشی، آهنگ «سرەنید (Serenade)» اشعار شبانه‌ی عاشقان را برای مراسم ازدواج الیزابت هافنر (Elizabeth Hafner) اجرا کرد.
امریکای مرکزی، ۱۷۷٦
گواتمالا نووا (Gutemala Nueva) (گواتمالای جدید) بنیان نهاده شد.
پاریس، اول ژانویه ۱۷۷۷
«ژورنال دو پاریس (Journal de Paris)» (روزنامه‌ی پاریس) نخستین روزنامه‌ی فرانسوی در خیابان‌های شهر به‌دست مردم رسید.
نیوجرسی، سوم ژانویه ۱۷۷۷
نیروهای امریکایی به فرماندهی واشنگتن، سپاهیان انگلیسی را در پرینستون (Princeton) مغلوب کردند.
پاریس، ۱۳ فوریه ۱۷۷۷
مارکی دوساد (marquis de Sade) دستگیر شد. وی در سال ۱۷۷۲ به جرم ارتکاب چندین مورد اعمال خلاف قانون زندانی و محکوم به مرگ شد، لیکن قبل از اجرای حکم از زندان فرار کرده بود.
پرتغال، ٢٤ فوریه ۱۷۷۷
ژوزف پادشاه پرتغال از دنیا رفت و دخترش ماریا بریانزا (Maria Braganza) جانشین او شد. مارکی پومبال (marquis Pombal) نخست‌وزیر توسط ملکه‌ی مادر ماریانا ویکتوریا (Marianna Victoria) از پست خود برکنار شد. پومبال در سال ۱۷۵۵ پس از احراز قدرت و سرکوب مخالفان به ترمیم خرابی‌های شهر لیسبون در اثر زلزله پرداخت و هم‌چنین از ظلم و ستم کلیسا درباره‌ی اخراج ژزوئیت‌ها از کشور جلوگیری کرد و در سال ۱۷۵۹ دادگاه‌های تفتیش عقاید را برانداخت.
بریتانیا، فوریه ۱۷۷۷
طبق قانون احضار به دادگاه بایستی جرم افراد دستگیرشده توسط دادگاه‌ها بلافاصله مشخص شود، در غیر این صورت زندانی‌کردن آن‌ها معلق خواهد شد.
نیوانگلند، ۱۳ مارس ۱۷۷۷
کنگره اعلام کرد که نمایندگانی در سطح بالا به کشورهای اروپایی جهت تجدید قوا و تجهیز ارتش امریکا اعزام می‌کند تا با کمک آن‌ها نیروهای نظامی کشور ارتقا پیدا کنند.
فرانسه، ۲۹ ژوئن ۱۷۷۷
در پی برکناری تابورو درو (Taboureau des Reaux)، نکر (Necker) به سرپرستی امور دارایی کشور منصوب شد.
نیویورک، هفتم ژوئیه ۱۷۷۷
سربازان امریکایی به ارتفاعات تیکون دروگا (Fort Ticonderoga) که دارای استحکامات و قلاع پیچیده‌ی نظامی واقع در اطراف دریاچه‌ی شامپلن (Champlain) و متعلق به قوای انگلیس می‌باشد، دست یافتند.
نیوانگلند، ۲۷ ژوئیه ۱۷۷۷
مارکی لافایت (Lafayette) برای یاری قیام‌کنندگان وارد عمل شد. وی با همکاری سایر افسران اروپایی از جمله کالب (Kalb) آلمانی که در خدمت پادشاه فرانسه بود اقدام کرد.
نیوانگلند، ٢٦ سپتامبر ۱۷۷۷
نیروهای انگلیسی اقدام به تهاجم بزرگی کرده و فیلادلفیا (Philadelphia) را تسخیر کردند.
نیوانگلند، ۱۷ اکتبر ۱۷۷۷
نیروهای انگلیسی مستقر در کانادا در ناحیه‌ی ساراتوگا (Saratoga) مغلوب شدند.
نیوانگلند، ۱۵ نوامبر ۱۷۷۷
کنگره موادی از قانون را به تصویب رساند، مبنی بر این‌که یک دولت مرکزی تشکیل شود و سایر ایالات از نظر قانون اساسی تابع آن باشند و نیز هر ایالت خودمختاری داخلی داشته و در آن‌جا قانون داخلی همان ایالت حاکم باشد.

گروهی از بردگان سیاه‌پوست آمریکایی، مزارع و کشت و زرع را رها کرده و برای آزادی به سوی فلوریدای اسپانیا روان شده‌اند و در حقیقت آمریکایی‌ها با نخستین قیام سیاهان روبه‌رو شده‌اند و از این امر به خود می‌لرزند.

آن‌ها سال‌های زیادی را به تلخی و وضعیت ناگوار سپری کرده‌اند، زیرا سیاهان هر سفیدپوستی را که در جاده به‌بینند، او را می‌کشند.

در همین مدّت، سیاهان ۲۱ نفر از سفیدپوستان را به تسلیم واداشته و سپس به قتل رسانده‌اند. روی‌هم‌رفته، تاکنون ۴۴ نفر را به قتل رسانده و اموال‌انها را به غارت برده‌اند. پس از این جریانات، سیاهان در ناحیه‌ی رود استونو (Stono) شورش کرده‌اند، در این شورش که به نام کاتو (Cato) موسوم است، آن‌ها سی نفر سفیدپوست را به قتل رساندند، در عین حال، بردگان شرقی کارولینای جنوبی که سخت به هیجان آمده‌اند، به شورش‌ها ادامه می‌دهند و به‌نظر می‌رسد که این شورش به نقاط دیگر هم سرایت کند.

موسیقی و هنر هم‌زمان در نقاط مختلف اروپا شکوفا شده است. نقّاشی از نظر دید عمومی گاهی به اوج و گاهی به پستی گرایید. (اروپا، ۱۷۴۲):

کانالتو (Canaletto)، یکی از مهم‌ترین و مشهورترین نقاشان ایتالیایی، امسال سرزمین مادری خود، شهر ونیز را رها کرده و به رم رفت. زیرا به تصوّر او، در نقاطی که جمعیت زیادتر است، مردم قدر هنر را بیشتر درک می‌کنند و راه ترقّی و شهرت باز است.

او در سال ۱۶۹۸، به نام جوانی آنتونیوکانال (Giovanni Antonio Canal) متولّد شد و در شهر ونیز با تابلوهایی که از مناظر ونیز و دیگر شهرها کشیده بود، مشهور شد، چون از رنگ‌های ملایم و آرام استفاده می‌کرد و مناظر و دورنماها را به بهترین وجه ترسیم می‌کرد. کانالتو با طبع ظریفی که داشت، اغلب طوری تابلوها را به تصویر می‌کشید که جنبه‌ی حقیقی

داشـــت و بـــا مهـــاجرت او، فرانچســـکو گـــواردی (Francesco Guardi) که در سال ۱۷۱۲ متولّد شـده بود، جای او را در ونیز گرفـت. یکـی دیگـر از نقاشـان ونیزی به نام پیترو لـونگی (Pietro Longhi) (متولّـد ۱۷۰۲) مـی‌باشـد کـه نقّاشـی دیـواری او سـحرآمیز و افسون‌گر است. کارها و آثار این مـردان هنرمنـد، تمـام نظرها را به سوی ونیز معطوف ساخت، ولی نباید نقّاش بزرگ دیگر ونیزی به نام جان باتیستا تیه‌پولـو (Gian Battista Tiepolo) را فراموش کـرد (متولّـد ۱۶۹۸)، آثار این نقّاش، آمیزه‌یی از جاه‌طلبـی و بـزرگ‌منشـی و افتخار است که انسان را به رعشه درمـی‌آورد، در عـین حال یک حالت نور و روشنایی در آثار وی هویداست.

یکی دیگر از بزرگان هنر نقّاشی که در عـین حـال یک فرد روسـتایی اسـت، آنتـوان واتـه‌ئـو (Antoine Watteau) فرانسوی است که بـا سـبک رئالیسـم ژان باتپیست بسیار صمیمی می‌باشد و کارهای وی جنبـه‌ی رئالیسـتی دارد. دیگـری شـاردن (Chardin) (متولّـد ۱۶۹۹) کـه زنـدگی حقیقـی خـود را در کنـار ویلیـام هوگارت (William Hogarth) (متولّـد ۱۶۹۷) نقّـاش انگلیسی سپری کرده و زمینه‌ی کـار او حیـات در روی زمین و اجتماعات بشری می‌باشد.

موسیقی: مدرسه‌یی که در سال ۱۶۸۵ گشـایش یافته و رهبران بزرگـی بـه جامعـه تحویـل داد. (اروپا، ۱۷۴۲):

موسـیقی یعنـی کلمـات و اصـواتی کـه بـزرگ، بلندمرتبه، احساس‌آفرین و در یک کلمه، سـرآمد تمـام هنرهاست. ایـن کلمـات عصاره نوشته‌هـای یکـی از منتقدان و بزرگان موسیقی شـهر دوبلـین (Dublin)، یعنی فردریک هندل (Frederic Handel) اسـت کـه برای نخستین بار سخنان و آیات کتاب مقـدّس را کـه جنبه‌ی شعری دارد و حکایت از ظهـور عیسـی مسـیح است، با زبان موسیقی به مردم توضیح می‌دهد، هنـدل این نوشته را در ۱۳ آوریل امسـال در نشـریه‌یـی بیـان کرده است.

هندل در ساکسونی (Saxony) بـه دنیـا آمـد و در جوانی آثار خود را در شهر هابسبورگ و ایتالیا خلق کرد. او پس از این‌که جـورج اوّل، پادشـاه انگلـیس در سـال ۱۷۱۴ به سلطنت رسید، به لندن آمـد و در آنجـا مقـیم شـد. وی آهنـگ‌هـایی بـه نـام بـر روی آب را بـرای قایق‌رانان دریا تنظیم نمود و آهنـگ زادوک (Zadoc) روحانی را برای مراسم تاج‌گـذاری جـورج دوّم در سـال ۱۷۲۷ نوشت. او هم‌چنین آهنـگ هنگـام خـواب و ۴۰ اپرای ایتالیایی را نوشت.

اپراهای ایتالیایی هندل چندان مورد استقبال مـردم واقع نشد، در نتیجـه او در سـال ۱۷۳۶ اپـرای ضـیافت اسکندر را به روی صحنه آورد و در سـال ۱۷۳۹ اپـرای اسرائیل (Israel) در مصر را نوشت و نیز عیسی موعود را هم به نمایش گذاشت.

یکی دیگر از موسـیقی‌دانـان ساکسـونی کـه بایـد پیکره‌ی او را به اندازه‌ی مناره کلیسـا سـاخت، یوهـان سباستیان باخ (Johann Sebastian Bach) است که در سال ۱۶۸۵ در ساکسونی متولّد شد و تا سـال ۱۷۲۳ رهبری گـروه موزیـک شـهر لایپزیـگ (Leipzig) را برعهده داشت. او بیشتر در تالار موسیقی مرکز شـهر و تنظـیم موزیـک کلیســا اشـتغال داشـت و رهبــری آهنگ‌های کر در دو کلیسای عمده را عهده‌دار بود.

باخ هم‌چنین آهنگ‌های مذهبی کلیسـا را در قالـب موتت (motets)، کانتاتـاس (Cantatas) و دو آهنـگ مصیبت عیسی (سال ۱۷۲۴) را بـه هنگـام بـه صـلیب کشیدن تنظیم کرده است، و همین‌طور آهنگ موزیـک سن ماتیو (St Matthew) یکی از حواریون عیسـی را ساخته (سال ۱۷۲۷).

دستگاه‌هایی که باخ برای نواختن آهنگ‌ها بـه کـار می‌برده، شامل چندین آلت موسیقی، مـن‌جملـه شـش دستگاه براندنبورگ کنسرتو می‌باشد. (سال ۱۷۲۰)

باخ، علاوه بر این‌ها، تعداد ۴۰۰ کنسرت اجرا کـرده که بیش از نصف آن‌ها با ویولون اجرا شده، همین‌طـور تعداد هشت نـوع موسیقی کلیسـایی (اوپـوس Opus)

ایالات متحده، ۲۳ دسامبر ۱۷۷۷
ژنرال واشنگتن از سوء قصدی که به جان او شد، جان به سلامت برد و رهبر توطئه کشته شد.
آلمان، ۳۰ دسامبر ۱۷۷۷
ماکسیمیلیان سوم پادشاه باواریا، از دنیا رفت و شارل تئودور (Charles Theodore) شاه انتخابی پالاتین (Palatine)، به‌جای وی منصوب گردید.
بریتانیا، ۱۷۷۷
جان هاوارد (John Howard) نویسنده‌ی انسان‌دوست و نیک‌خواه، در کتاب خود وضعیت زندان‌های انگلیس و ویلز (Wales) را تشریح کرده است وی، خواستار اصلاح این وضع و سیستم رسیدگی به جرایم شده است.
فرانسه، ۱۷۷۷
آنتوان لاوازیه (Antoine Lavoisier) شیمیدان فرانسوی، نظریه‌ی خود را راجع به فعل و انفعال سوختن اجسام انتشار داد.
پاریس، ۱۷ دسامبر ۱۷۷۷
لویی شانزدهم استقلال مستعمرات امریکایی را به رسمیت شناخت و خواستار گفت‌وگو در این‌باره شد.
فرانسه، ششم فوریه ۱۷۷۸
دولت فرانسه پیمان همکاری بازرگانی با ایالات متحده امضا کرد. طرف مقابل از فرانسه خواست که در جنگ علیه انگلیس دخالت کند. این پیمان نتیجه‌ی مذاکرات طولانی بنیامین فرانکلین با دولت فرانسه بود که خود وی به‌عنوان سفیر ایالات متحده در ورسای تعیین شده بود.
فرانسه، ۳۰ مه ۱۷۷۸
ولتر (Voltaire) فیلسوف و نویسنده‌ی فرانسوی، در سن ۸۴ سالگی دار فانی را ترک گفت.
نیوانگلند، ۲۸ ژوئن ۱۷۷۸
نیروهای انگلیسی که از عقب دچار هجوم سربازان ایالات متحده در نبرد مون‌ماوث (Monmouth) شده بودند، عقب‌نشینی کردند. آن‌ها با جمع‌وجورکردن سربازان خود سعی کردند در مقابل جورج واشنگتن و عمده‌ی قوای او بایستند تا گرفتار شکست نشوند و سرانجام شب‌هنگام به شهر نیویورک وارد شدند.
فرانسه، دوم ژوئیه ۱۷۷۸
ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau) فیلسوف فرانسوی و سیاستمدار اهل ژنو (Genevan) به‌علت ترومبوز قلبی دیده از جهان فروبست. بزرگ‌ترین اثری که از وی باقی مانده، کتاب امیل درباره‌ی تعلیم و تربیت می‌باشد که او در زمان حیات خود به‌نگارش درآورده است.
فرانسه، دهم ژوئیه ۱۷۷۸
در ادامه‌ی حمایت از شورشیان امریکایی، لویی شانزدهم برضد انگلیس اعلان جنگ داد.
فرانسه، ۳۱ ژوئیه ۱۷۷۸
دنیس دیدرو (Denis Diderot) بر اثر سکته‌ی قلبی جهان را ترک کرد او یک نویسنده‌ی اصولی و پرکار بود بزرگ‌ترین اثر وی تألیف لغت‌نامه یا انسیکلوپدی به زبان فرانسه است که اغلب نویسندگان بزرگ فرانسه در ترجمه و فهرست‌نویسی از روی نسخه‌ی اصلی کتاب یفرائیم (Ephraim Chambers) (پسر حضرت یوسف و رییس یکی از قبایل بنی‌اسراییل) تنظیم کردند.
نیوانگلند، اوت ۱۷۷۸
نیروهای فرانسوی با فکر حمله به نیویورک، کشتی‌های انگلیسی را از نیوپورت (Newport) بیرون راندند و اغلب آن‌ها را به گل نشاندند.
نیوانگلند، ۲۹ دسامبر ۱۷۷۸
نیروهای انگلیسی شورشیان امریکایی را به‌سوی جنوب راندند و ساوانا (Savannah) پایتخت جورجیا را تصرف کردند.
پاریس، دسامبر ۱۷۷۸
لویی شانزدهم مبلغ ۸۰ میلیون لیور جهت کسری بودجه‌ی ملی ایالات متحده به آن وام داد. این یکی از کمک‌های دولت فرانسه به انقلابیون امریکایی است.
پاریس، ۱۷۷۸
ولفگانگ آمادوس موزارت (Wolfgang Amadeus Mozart) ضمن بازدید از پاریس، آهنگ پوتی‌رن (Les Petit Riens) را اجرا کرد.

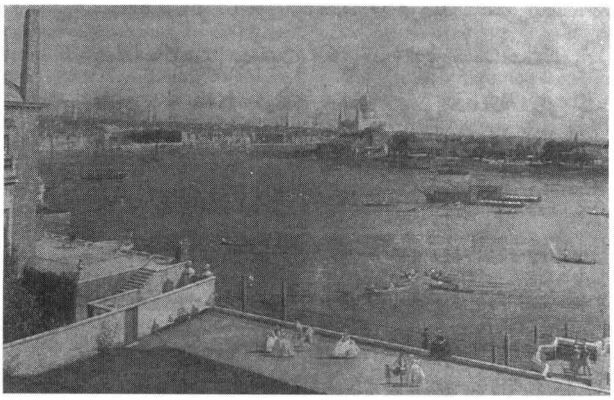
تنظیم کرد که به نام چهار فصل معروف شد، یکی دیگر از بزرگ‌ترین موزیسین‌های ایتالیایی به نام دومنیکو اسکارلاتی (Domenico Scarlatti) که دوست هندل بود که در سال ۱۶۸۵ متولّد شد و در صحنه‌ی موسیقی به شهرت رسید. پدر او هم به نام آلساندرو (Alessandro) در زمینه‌ی اوپرا درخشید. (۱۶۵۹ـ۱۷۲۵)

دومنیکو در دربار اسپانیا، سمت رهبر ارکستر سلطنتی را عهده‌دار بود و بدین وسیله به شهرت رسید. در زمینه‌ی اوپرای فرانسه یکی از فعّال‌ترین و کارآمدترین موسیقی‌شناسان و اوپرا نویسان ژان فیلیپ رومئو (Jean-Philippe Rameau) می‌باشد که در سال ۱۶۸۳ متولّد شد، وی همان‌طور که ذکر شد، اوپراهای زیادی تنظیم کرد، در حالی‌که خودش رهبری آن را بر عهده داشت.

بردگان پرویی برعلیه اسپانیا قیام کردند. (پرو، ۱۷۴۲):

سرخپوستان بومی سرزمین پرو که در دو سده‌ی پیش توسط فاتحان اسپانیولی به بردگی کشانده شده بودند، برعلیه اربابان خود قیام کردند. تمام بردگان سراسر قلمرو نایب‌السلطنه‌ی اسپانیا با گسستن زنجیر بردگی، یکپارچه و متّحد، نفرت خود را از اربابان ابراز داشته و به اسپانیولی‌ها حمله‌ور شدند.

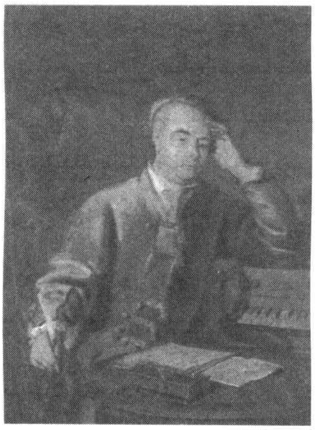
شورشیان به رهبری خوان سانتوس (Juan Santos) یک نفر از ایندیان‌های هاروچیری (Indian Huarochiri) قیام کرده‌اند. سانتوس سرزمین قدیمی و باستانی اینکا (Inca) را مسخّر و خود را به‌عنوان آتاهولپای (Atahaulpa) دوّم امپراتور اینکا نامید. وی خود را عمداً مرید و تابع و خراج‌گزار آتاهولپای اوّل نامید که نسب خود را به وی برساند. نامبرده در سال ۱۵۳۳ تحت پیگرد نیروهای اسپانیولی واقع شد و با سقوط او، سیستم برده‌داری در میان مردمان پرو آغاز شد.



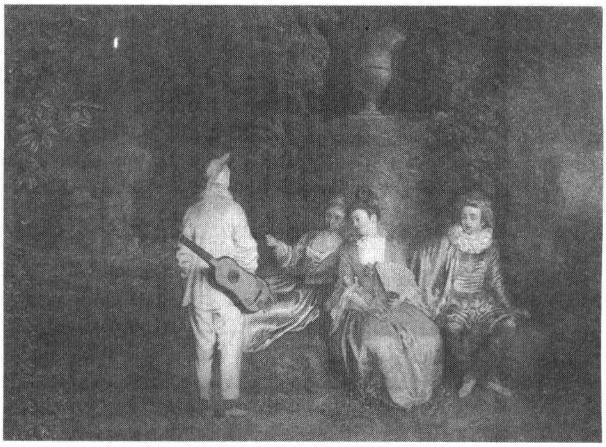
منظره ی رود تیمز و شهر لندن از طرف کاخ ریچموندRichmond ، نقاشی از کانالتو Canaletto.



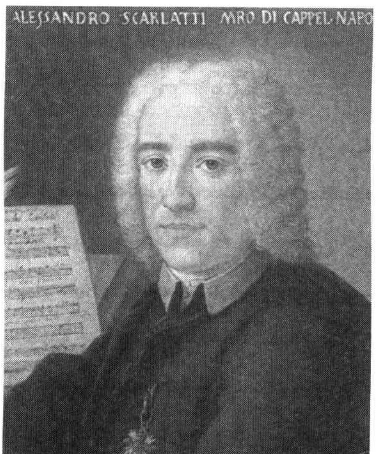
فردریک دوم، پادشاه دانشمند.



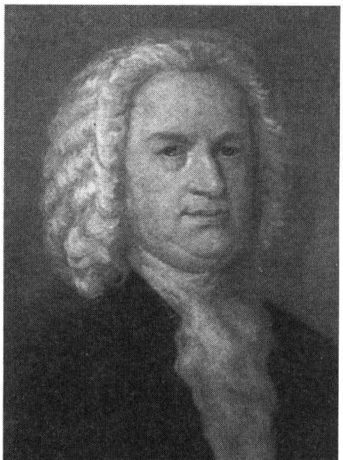
جورج فردریک هندل George Frederic Handel، خطیب و موسیقی دان درباری.



جشن بالماسکه با هنرمندی و بازیگری به سبک روستایی، نقاشی از واته ئو Watteau.



آله ساندرو اسکارلاتی Alessandro Scarlatti، احیاگر اپرا و آهنگساز.



یوهان سباستیان باخ Johann Sebastian Bach آهنگ ساز کنسرتو و سرودهای مذهبی.

بریتانیا، ۱۷۷۸
جان هانتر (John Hunter) پزشک انگلیسی ـ اسکاتلندی، طی مقاله‌یی نوشت که پوسیدگی و فساد دندان‌ها از داخل نیست، بلکه بقایای ذرات غذایی مانده در بین شیارهای دندانی موجب پوسیدگی آن‌ها می‌گردد.
افریقای جنوبی، ۱۷۷۸
فون پلتنبورگ (Von Plettenburg) فرماندار هلندی مهاجرنشین دماغه (Cape)، یک چراغ دریایی بر ساحل رودخانه‌ی ماهی نصب کرد و اعلام کرد که این‌جا مرز شرقی قلمرو اوست. ساکنان هلندی این منطقه که موسوم به بوئر (Boers) هستند، سعی کردند سرزمین ساحلی غرب رودخانه‌ی ماهی را که در سابق مسکن گله‌داران خویزان (Khoisan) و خوزهای (Khosa) دامدار بود، تصرف کرده و آن‌جا را جزو قلمرو بوئرها به‌حساب آورند.
ایتالیا، ۱۷۷۸
تماشاخانه‌ی جدیدی به‌نام اپراخانه‌ی لااسکالا (La Scala) در شهر میلان گشایش یافت.
باواریا، ۱۷۷۹
شورشی که بر سر جانشینی ماکسیمیلان دوم پس از مرگ او آغاز شده بود، مرتباً بالا گرفت شارل تئودور فرمانروای خودمختار پالاتین (Palatine) که به جانشینی فرمانروای باواریا منصوب شده بود، بخشی از سرزمین باواریا را برای به‌رسمیت‌شناختن فرمانروایی خود به ژوزف دوم بخشید، این موضوع باعث خشم مردم پروس و ساکسونی (Saxony) شد و با حمله به بوهم (Bohemia) به توسعه‌طلبی اتریش اعتراض کردند.
انگلیس، ۱۷۷۹
توماس چی‌پندال (Thomas Chippendale) مشهور به قفسه‌ساز از دنیا رفت. وی آن‌چنان شهرت داشت که از چوب‌های تازه‌ی ماهوگانی (mahogany) بهترین میز و صندلی و جایگاه کتاب به سبک کلاسیک تولید می‌کرد. او مرد شرافتمندی بود که به سازنده‌ی کابینت مشهور شد.
انگلیس، ۱۵ ژانویه ۱۷۷۹
دیوید گاریک (David Garrick) هنرپیشه‌ی انگلیسی در ۶۱ سالگی بدرود حیات گفت. او در سه سال پیش از مدیریت تئاتر دروری‌لین (Drury Lane) بازنشسته شد. وی در آغاز کار با اجرای نقش ریچارد سوم در سال ۱۷۴۱، به‌عنوان بزرگ‌ترین هنرپیشه تا آن زمان شناخته شد. او رل‌های مهمی را در نمایش‌نامه‌های شکسپیر بازی کرد و با حذف بازی دوئل در نمایش هاملت (Hamlet)، نقش «لرت (Laertes)» را در اشغال تاج شاهی به‌خوبی ایفا کرد.
ایالات متحده، فوریه ۱۷۷۹
سپاهیان امریکایی ارتفاعات ناحیه‌ی وین‌سن (Vincennes) را از سربازان انگلیسی پس گرفتند و آن‌ها را وادار به تسلیم کردند.
فرانسه، فوریه ۱۷۷۹
لافایت (Lafayette) از امریکا به پاریس برگشت و از شاه درخواست کرد که مبلغ بیش‌تری پول در اختیار انقلابیون امریکایی قرار دهد.
روسیه، ۳۱ مارس ۱۷۷۹
روسیه و عثمانی طی قراردادی که امضا کردند، شبه‌جزیره‌ی کریمه را منطقه‌یی عاری از نیروی نظامی اعلام داشتند.
اسپانیا، ۱۲ آوریل ۱۷۷۹
طی قرارداد محرمانه‌ی آرانژوس (Aranjues)، اسپانیا تضمین کرد که تعدادی سرباز برای پیوستن به نیروهای فرانسوی مستقر در امریکا و به حمایت آن‌ها اعزام دارد.
فرانسه، ۲۷ آوریل ۱۷۷۹
با توصیه‌ی نکر (Necker) وزیر دارایی فرانسه، مقرر شد در جلسات دوفین (Dauphine)، امور ولایات مطرح شده و از اقتدار ناظران اعزامی از مرکز کاسته و نجبا و اشراف ایالات کشور نقش بیش‌تری در اداره‌ی امور برعهده بگیرند.

در دویست سال اخیر، جمعیت سرخ‌پوستان این منطقه بر اثر عوامل مختلف، ۹۰ درصد کاهش یافت. از عوامل کاهش جمعیت، یکی بدرفتاری و سخت‌گیری فاتحان و به کار گماردن مردم بومی به کارهای پر مشقّت استخراج معادن و کار در مزارع گرم و مرطوب و دیگر که عامل مهم‌تری به‌شمار می‌رود، ابتلای به بیماری‌های مختلف و گوناگون اروپایی بود، زیرا مردمان بومی دفاعی در برابر این امراض را نداشتند و تلفات سنگینی دادند، در نتیجه جمعیت منطقه به سرعت رو به کاهش گذاشت و آنان که به تمدن خود می‌بالیدند، به وضع فجیعی مردم بومی را دچار ساختند.

نیروهای نظامی سانتوس به پیروزی‌های شگرفی دست یافتند. او با حمایت مردم و سپاهیان خود، منطقه‌ی مرکزی پرو و قسمت فلات آن را تصرّف کرده و لشگریان اسپانیایی را در چندین نبرد مهمّ شکست داده و تلفات عمده‌یی بر آن‌ها وارد ساختند. سرانجام نیروهای مردمی پرو به شهر لیما پایتخت حکومت اشرافی پرو وارد شدند و با اتّحاد با مردم بومی و اسپانیولی‌ها، حکومتی محلی تشکیل دادند.

فرمانروایان عرب عقاید دینی جدیدی را به مورد اجرا گزاردند. (عربستان، ۱۷۴۴):

شیخ و امیر ابن سعود که خاندان وی در مرکز صحرای عربستان زندگی می‌کنند، سوگند وفاداری نسبت به رژیم پادشاهی عثمانی یاد کرد و نظریات خود را نسبت به بنیادگرایی اسلامی و فرقه وهابیون ابراز داشت. او برای نخستین بار تشکیل فرقه وهابی را در آن سرزمین اعلام کرد.

یکی از حقوق‌دانان سرزمین نجد عربستان به نام محمّد بن عبدالوهاب در جهت ضدّیت و معاندت با شیعیان ایران و احیای مذهب رو به زوال سنی قوانینی برای دین اصیل اسلام و روشن کردن اصول و مذهب سنت که در قلمرو عثمانی رو به انقراض می‌رفت، فرقه‌یی به نام وهابی ایجاد کرد. او برای جدا کردن فروع دین از اصول آن و تأکید بر روی خداپرستی که مورد قبول عامه می‌باشد، اعتقادات فرقه‌ی وهابی را

تشریح کرد و بدین وسیله مشکلات مذهبی را از این طریق حل کرد. او زیارت مقابر ائمه و سایر بزرگان مذهب شیعه را مورد انتقاد قرار داد و آن را توهین به دین به حساب آورد. فرقه‌ی وهابی، قرآن را نص صریح اسلام می‌دانند و بقیه‌ی اعتقادات را حشو و زواید می‌شمارد و هواخواهان خود را از آن مبرّا می‌دارد و آنان را به پیروی از اصول دین و قرآن فرا می‌خواند. وهابیت سایر موارد را پایه‌ی شرک و کفر می‌شمارد و پیروان دیگر مذاهب اسلامی را رافضی و مرتد می‌دانند و حتا اعتقادات آن‌ها را چند خدایی تلقّی می‌کند و کشتن آن‌ها را واجب به حساب می‌آورد.

نخست‌وزیر انگلیس مستعفی شد. (لندن، فوریه ۱۷۴۲):

سر رابرت والپول (Sir Robert Walpole) که یکی از ملّاکان منطقه‌ی نورفولک (Norfolk) بود و مدّت بیست سال سرپرستی دولت را به عهده داشت در مبارزه با پارلمان شکست خورد و از سمت خود کنار رفت. دشمنان او علّت استعفای او را شکست در جنگ با اسپانیا می‌دانند و دیگران آن را ثمره‌ی کنترل پارلمان و پیروی نمایندگان آن از منویات او تصوّر می‌کنند و آن را یک جرم به حساب می‌آورند. آن‌ها که در هنگام رأی اعتماد، از او حمایت می‌کردند، هرگز تصوّر چنین روزهایی را نمی‌کردند، با این وصف تعداد زیادی از نمایندگان حزب ویگ (کارگر) ورقه‌ی رأی را امضا کردند، بدین ترتیب حزب ویگ باعث بحران سال ۱۶۸۸ شد.

والپول در ابتدا تنها لرد خزانه‌داری شد، لیکن اکنون با تصویب مجلس عوام و پادشاه، در مقام نخست‌وزیری قرار دارد. وی شهرت خود را مدیون مهارت واهی موضوع دریای جنوب می‌باشد، در حالی‌که چنین امری حقیقت ندارد. وی در دو مورد شکست خورده، یکی غائله‌ی مالی که نتوانست به آن سر و صورت دهد و دیگر جنگ قاره‌یی است که در آن هم مغلوب شد و نتوانست آزادی را تأمین کند.

هنگامی که کاپیتان رابرت جنکینز (Robert Jenkins) قضیه خود را با افسر گشت ساحلی اسپانیولی در دریای کارائیب برای بررسی محموله‌ی کشتی او برای والپول شرح داد که چگونه او با چاقو گوش وی را برید، والپول از این موضوع سخت به خشم آمد و برعلیه اسپانیا اعلان جنگ داد، این جریان در سال ۱۷۳۹ اتّفاق افتاد و انگلیس در آن نبرد شکست خورد.

الکساندر پوپ، شاعر و نویسنده‌ی شوخ‌طبع انگلیسی، درگذشت. (لندن، ۳۰ مه ۱۷۴۴):

امروز اعلام شد که شاعر حماسی و بزرگ‌ترین نویسنده‌ی مقالات هجوآمیز و انتقادی انگلیس، به نام آلکساندر پوپ (Alexander Pope)، در سن ۵۶ سالگی درگذشته است.

پوپ در یک خانواده‌ی کاتولیک مذهب و در نزدیک منطقه‌ی جنگلی ویندسور (Windsor) به دنیا آمد و بدون این‌که تحصیلات عالیه داشته باشد، در سن ۱۵ سالگی عازم شهر لندن شد و با چند نفر از نمایندگان حزب توری (محافظه‌کار) مثل سویفت (Swift)، آکسفورد (Axford) و بولینگ بروک (Bolingbroke) آشنا شد و در ضمن به تحصیلات خود در رشته‌ی ادبی ادامه داد.

او به زودی در محیط این شهر بزرگ به نوشتن مقالاتی انتقادی پرداخت. یکی از مقالات او درباره‌ی ویژگی‌های حماسی همچون پرده‌برداری از کارها و آثار لاک دانشمند بزرگ انگلیسی می‌باشد.

او با ترجمه‌ی کتاب‌های ایلیاد (Iliad) و اودیسه (Odyssey) هومر، شاعر باستانی یونان، به ثروت فراوان رسید. نامه‌های انتقادی و مطایبه‌آمیز او درباره‌ی جریانات روز، وی را به شهرت رسانید.

مهاجرت بزرگ ایرلندی‌ها و اسکاتلندی‌ها به آمریکا (فیلادلفیا، ۱۷۴۲):

موج عظیمی از مهاجران ایرلندی از ایالت اولستر (Ulster) ایرلند باعث به‌وجود آمدن مستعمراتی در آمریکا شده است. در حال حاضر، سالیانه در حدود ده هزار نفر به این سرزمین وارد می‌شوند و مدّت ده سال است که این جریان ادامه دارد. خوشبختانه سیستم دنیای جدید طوری است که می‌تواند مهاجران را بپذیرد، زیرا از نظر مذهبی هیچ مانعی در کار نیست و تمام پیروان مذاهب می‌توانند به آسانی در اینجا اقامت نمایند.

بیشتر این مهاجران، افراد پیرو فرقه‌ی پرسبیتریان‌ها (Presbyterian) هستند که از انگلیس و اسکاتلند وارد این سرزمین می‌شوند، چون آن‌ها با پروتستان‌ها اختلاف مذهبی دارند، لیکن در آمریکا از حمایت مذهبی برخوردارند. آن‌ها از سرزمین پست مانند ایرلند و اسکاتلند به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، زیرا در کشور انگلیس تحت تعقیب قرار می‌گیرند. این گروه‌های اسکاتلندی ایرلندی میل ندارند در آمریکا در مستعمرات انگلیسی زندگی کنند و در نظر دارند که با شهروندان هم‌فکر و هم‌دین خود به سر برند.

فرمان پاپ بر ضدّ افکار مذهبی مسیحیان ساکن چین صادر شد. (رم، ۱۱ ژوئیه ۱۷۴۲):

پاپ بندیکت چهاردهم، امروز فرمانی مبنی بر ارتداد مسیحیان ساکن چین که آزادی مذهب را در آن سرزمین اعلام کرده و به گفت‌وگوهای خود درباره‌ی مذاهب چینی می‌پردازند، صادر کرد. پاپ در این فرمان اکیداً قدغن کرده که مسیحیان از این پس نباید با پیروان مذهب کنفوسیوس به بحث بپردازند و یا آن‌ها را به دین مسیح دعوت کنند و آن را خلاف دین مسیح دانسته است.

مسیحیان چینی از این موضوع خبر نداشتند که پاپ کلمنت یازدهم قبلاً فرمانی صادر کرده بود که مسیحیان می‌توانند با پیروان مذاهب چینی به گفت‌وگو بپردازند و آن‌ها را از پیروی مذهب نیاکان خود بازدارند و به دین مسیح دعوت کنند، چون به عقیده‌ی

پروس، ۱۳ مه ۱۷۷۹
با امضای پیمان تەشن (Teschen) سیلزی، جنگ جانشینی باواریا که از سال ۱۷۷۸ آغاز شده بود، پایان یافت. شارل تئودور شاه جدید باواریا برای ساکت‌کردن ژزوف دوم امپراتور اتریش، بخش جنوبی باواریا را به آن دولت واگذار کرد، در نتیجه خشم فردریک دوم امپراتور پروس را برانگیخت و برای جلوگیری از افزون‌طلبی اتریش به بوهم حمله‌ور شد. وی طبق این تعهدنامه از تمام ادعاهای خود چشم‌پوشی کرد و تنها باریکه‌یی از باواریا را برای رسیدن به رودخانه‌ی این (Inn) تصاحب کرد و در عین حال دولت پروس هم از ادعای خود بر بوهم صرف‌نظر کرد و سلطنت شارل تئودور بر باواریا هم تحکیم یافت.

فرانسه، دهم اوت ۱۷۷۹
لویی شانزدهم در تمام سرزمین فرانسه، سرف‌ها را آزاد اعلام کرد و کارگران کشاورز وابسته به زمین آزاد شدند.

انگلیس، ۲۳ سپتامبر ۱۷۷۹
کشتی‌های جنگی داوطلب امریکایی که مأمور بازرسی و نظارت بر دریا بودند و در کنار انقلابیون امریکایی نبرد می‌کردند، توانستند یک ناو جنگی به‌نام سراپیس (Serapis) را تصرف کنند. این امر به‌دنبال یک نبرد بزرگ دریایی در سواحل انگلیس روی داد.

افریقای جنوبی، ۱۷۷۹
اچ ژ-ویکار (H.J Wikar) کاشف سوئدی توانست منطقه‌ی دلتای رودخانه‌ی اورانژ (Orange) را که به آب‌های اقیانوس اطلس می‌ریزد، کشف کند. این رودخانه را جهت بزرگداشت ویلیام اورانژ فرماندار محلی، به‌نام او نامیدند، لیکن ساکنان محلی سوتو (Sotho) بخش شمالی آن را به زبان محلی نتشو (Ntshu) می‌گویند که به‌معنی سیاه‌رود است.

روسیه، ۱۷۷۹
طبق فرمانی که اعلام شد، آزادی‌های ایالات روسیه تضمین شد.

انگلیس، ۱۷۷۹
ساموئل کرمپتون (Samuel Crompton) با ترکیب‌کردن دستگاه دوک نخ‌ریسی با دستگاهی که به‌وسیله‌ی آب به گردش درمی‌آید، از انرژی جریان آب برای گرداندن دستگاه‌های بافت پارچه استفاده کرد و در حقیقت از چرخش آسیاب به‌وسیله‌ی آب بهره برد و نخ‌های بسیار ظریفی تولید کرد که برای بافت پارچه‌ی موسلین (muslins) و ابریشمی که مورد توجه اشخاص مشکل‌پسند بود، قرار گرفت.

هلند، ۱۷۷۹
نماینده‌ی ساکنان هلندی امریکا که در نزد همه به وطن‌پرستی و نیک‌مردی شهرت داشت، جهت نوشتن قانون اساسی و سیستم حکومتی انقلابیون امریکا از شهر کیپ‌تاون (Cape Town) به هلند وارد شد.

پاریس، ۱۷۷۹
کریستوف ویلیبالد گلوگ (Christoph Willibald Gluck) نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی، اپرای «ایفی‌ژنی آن اولید (Iphigenie en Aulide)» را اجرا کرد که بسیار موفقیت‌آمیز بود.

ونیز، ۱۷۷۹
آنتونیو کانووا (Antonio Canova) تندیس‌نگار ایتالیایی، پیکره‌ی دیدالوس (Daedalus) و ایکاروس (Icarus) را به سبک نئوکلاسیسم (Neoclassical) ساخت.

افریقای غربی، ۱۷۷۹
دولت انگلیس منطقه‌ی سلطان‌نشین سنه‌گامبیا (Senegambia) را ترک کرد، از دلتای رود گامبیا (Gambia) خارج شد و ناحیه‌ی پهناور سنگال را به فرانسه واگذار کرد.

جزایر آنتیل، ۱۷۷۹
نیروهای انگلیسی جزیره‌ی سنت‌لوسی (St Lucia) را تصرف کردند و به نیروهای دریایی فرانسوی تحت فرماندهی دریادار دستاین (d' Estaing) فشار آوردند که جزیره‌ی مارتی‌نیک (Martinique) را ترک کنند.

فرانسه، ژانویه ۱۷۸۰
نکر (Necker) وزیر دارایی فرانسه، به پادشاه مملکت توصیه کرد که به ایالات وابسته فشار آورد که اصلاحات مالی موردنظر دولت را در قلمرو حکومتی خود رعایت کرده و از خرابی اقتصاد جلوگیری کنند.

مسیحیان، آن‌ها کافر محسوب و عقیده دارند که با اختلاط دین کنفوسیوس می‌توانند یک دین التقاطی به‌وجود آورند و بدین وسیله مسیحیت را در چین ترویج کنند.

مسیحیان غیرچینی ادعا می‌کنند که دین در مخاطره قرار گرفته، زیرا در چین کمیته‌هایی تشکیل شده که از همزیستی دو دین حمایت می‌کنند و آن را اهانت به مذهب مسیح می‌دانند.

به هر ترتیب، این فرمان پاپ پیروان هر دو دین را در رودرروی هم‌دیگر قرار داده، و در عین حال مسیحیان با این فرمان تحت تعقیب دستگاه امپراتوری چین قرار گرفته، چون دولت چین هم این امر را مخالف سیاست خود قلمداد می‌کند و قدرت خود را در مخاطره حس می‌کنند.

با پیش‌آمد کنونی، گروه‌های مسیحی که برای تبلیغ به این سرزمین آمده‌اند، پنهان شده‌اند و مبلّغان مذهبی هم بدون این‌که در انظار ظاهر شوند، به زندگی مخفیانه‌ی خود ادامه می‌دهند.

بازرگانان هند شرقی برای مصاف آماده می‌شوند. (هندوستان، ۱۷۴۳):

این‌طور احساس می شود که شرکت‌های بازرگانی انگلیسی و فرانسوی برای احراز مقام رهبری در شبه قاره‌ی هند، برای جنگ آماده می‌شوند. از یک سال پیش، اخباری می‌رسید که کمپانی انگلیسی هند شرقی در تلاش است که کمپانی فرانسوی رقیب خود را از میدان خارج کند و انحصار تجارت را در هندوستان به دست بگیرد و با این وضعیت، تعادل قدرت به هم خورده است، در نتیجه طرف‌های درگیر موافقت کردند برای پرهیز از جنگ، قراردادی منعقد کنند. با این وجود، نیروهای نظامی طرفین در مجاورت و نزدیک هم قرار گرفته و وقوع جنگ حتمی به‌نظر می‌رسد.

طرفین برای جلب دربار هندوستان، هر کدام خود را متّحد پادشاهان هندی قلمداد می‌کنند، گرچه هیأت فرانسوی مقیم هند از کمک کمتری برخوردار می‌باشد، معهذا دولت انگلیس ترجیح می‌دهد که از مقرّرات بازرگانی شانه خالی کند و خود به تنهایی با هند به داد و ستد بپردازد.

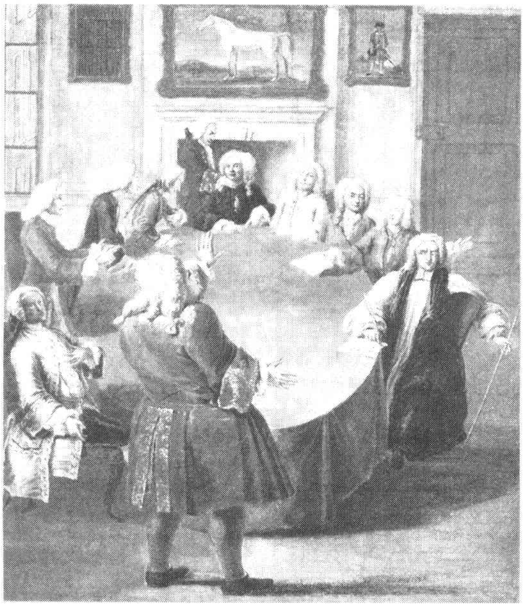
شهر رومی که به‌صورت گورستان درآمد. (ناپل، ۱۷۴۸):

یک شهر رم باستان که نزدیک ناپل قرار داشت، در سال ۷۹ میلادی در اثر مواد آتشفشانی کوه وزوو به‌صورت گورستانی درآمد و تمام ساختمان‌ها و ابنیه‌ی شهر در زیر پوششی از خاکستر و مواد مذاب پنهان شد. اکنون با برداشتن این لایه‌ی خاکستر و سنگ‌های سولفوره به‌صورت یک شهر تمام‌عیار و غیرعادی نمایان شده است. این حفاری‌ها و برداشتن خاک و خاشاک آتش‌فشانی به فرمان شارل سوّم انجام شده، این کار به وسیله‌ی ایجاد تونل در زیر خاکسترها انجام شده و اکنون خرابی‌ها نمایان گردیده، زیرا قرن‌ها از خرابی این شهر توسط مواد مذاب و گدازه می‌گذرد.

خیابان‌ها و خانه‌های سوخته در کنار دو تئاتر شهر، بازار و میدان و صومعه‌ی شهر در کنار هم قرار گرفته. هم‌چنین اسکلت ساختمان‌ها همچون جایی که مورد غارت واقع شده باشد، به‌نظر می‌رسد. یک سنگ‌نبشته (کتیبه) نمودی است که نشان می‌دهد این شهر پمپی (Pompeii) نام داشته است.

دو سرزمین آفریقایی که بر اثر فروش برده به ثروت رسیده‌اند، به جان هم افتادند. (آفریقای غربی، ۱۷۴۷):

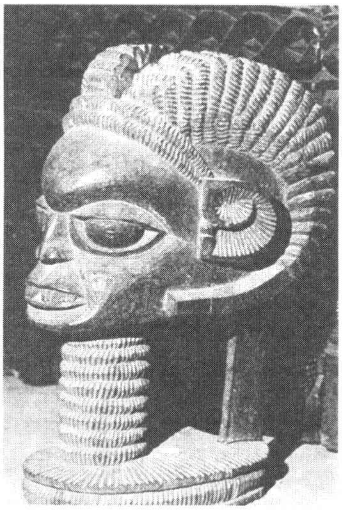
جنگ‌های پنجاه ساله بین سرزمین‌های داهومی (Dahomey) و اویو (Oyo) با شکست داهومی به پایان رسید. داهومی در نتیجه‌ی فروش برده به اروپاییان به ثروت فراوانی دست یافته است. فرمانروایان کنونی داهومی ابتدا نقاط دوردست را به اشغال درآوردند و سپس به سواحل آن دست یافتند و



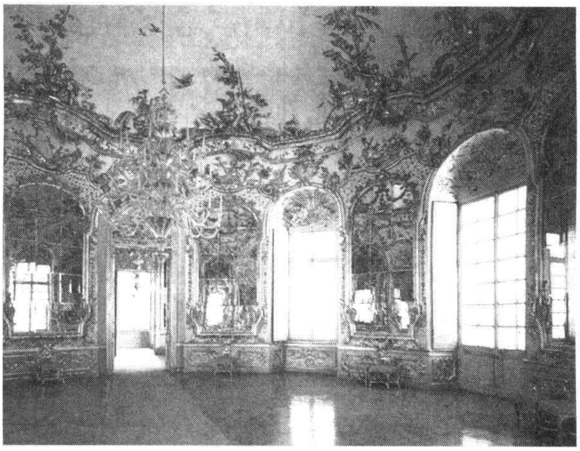
والپول Walpole نخست وزیر برای اعضای کابینه ی انگلیس مشغول سخنرانی است که توسط جوزف گوپی Joseph Goupy به تصویر درآمده.



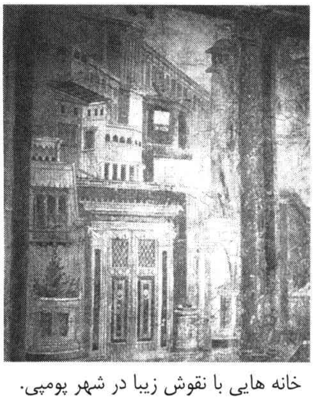
آخرین عکس آلکساندر پاپ Alexander Pope، استاد شوخ طبع، که در عین حال منتقد و نویسنده ی داستان های حماسی می باشد.



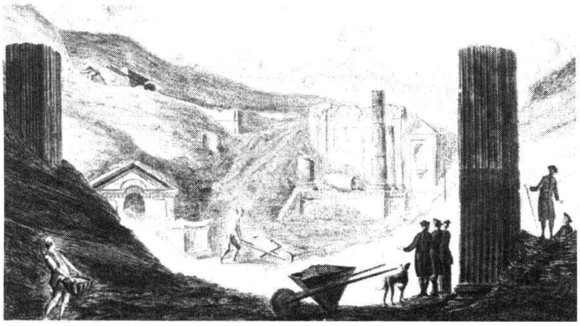
پیکره ی چوبی سر انسان با شاخ های قوچ که به امر پادشاه اویو Oyo برای معبدی در یورو بالند Yorubaland نیجریه ساخته شده است.



نمونه یی از نوآوری تالار آینه در آمالین بورگ Amalienburg در شهر مونیخ Munich با دکوراسیون بسیار زیبا به سبک معروف به روکوکو Rococo. گچبری آن به وسیله فرانسوا کوویلیه Francois Cuvillies اجرا شده و طراح آن هم زیمرمن J B Zimmerman بوده است.



خانه هایی با نقوش زیبا در شهر پومپی.



پس از آن که خاکستر و مواد آتشفشانی از این محل کنار زده شد، شهر پمپی Pompeii از زیر آن سر برآورد و در حقیقت این شهر کشف شد.

ده‌ها هزار نفر را جهت بردگی به دنیای جدید فرستاده‌اند. حکومت اویو از نظر سواره‌نظام بسیار قوی است. لیکن ثروت سرشار داهومی حسادت فرمانروایان اویو را برانگیخت و در سال ۱۶۹۸ به آنجا یورش بردند و در نتیجه پس از سال‌ها جنگ و خونریزی، داهومی شکست خورد و کنترل آن به دست اویو افتاد.

در حدود سال‌های ۱۷۳۰، نیروهای نظامی داهومی به جنگ‌های پارتیزانی روی آوردند و حملاتی بر ضدّ لشگریان اویو انجام دادند و توانستند کنترل بخش‌هایی از سرزمین خود را در دست بگیرند، امّا سپاهیان سواره‌ی اویو در سال ۱۷۳۸ نقاط تسخیر شده را از نیروی خصم پاک کردند. سرانجام پس از ۹ سال و اندی، داهومی شکست را پذیرفت. لیکن هیچ کدام از طرفین نمی‌توانند از فروش برده صرف‌نظر کنند، چون این امر عایدی فراوانی برای آن‌ها دارد و اروپاییان هم به کار آن‌ها نیازمند هستند.

پرنسِ بونی (Bonnie) شکست خورد. (اسکاتلند، ۱۷۴۶):

پرنس چارلی (Charlie)، حاکم منطقه‌ی بونی که مدعی سلطنت انگلیس بود، ضمن نبرد با لشگریان ژاکوبیت (Jacobite) تحت فرمان افسران انگلیسی در ناحیه‌ی کولودِن (Culloden) مغلوب شد و چون تحت پیگرد قرار داشت، با لباس زنانه به غاری در مناطق کوهستانی اسکاتلند پناه برد، در حالی‌که برای سر او ۳۰ هزار پوند جایزه گذاشته شده، به‌نظر می‌رسد که وی اینک از محلّ اختفای خود خارج شده و منتظر است که با یک کشتی فرانسوی فرار کند. در سال گذشته که او به ساحل اینورنس شایر (Inverness-Shire) به وسیله‌ی یک کشتی کوچک فرانسوی وارد شد، قصد داشت که با ایجاد شورش در قبایل اسکاتلندی، وضعیت را به نفع خانواده‌ی استوارت برگرداند تا به‌عنوان چارلز استوارت به سلطنت انگلیس برسد، لیکن پس از شکست تحت پیگرد قرار گرفت. او با دو هزار مرد جنگی برعلیه پادشاه انگلیس قیام کرده بود، در ابتدا با لشگریان تحت امر خود شهر ادینبورو (Edinburgh) را تصرّف کرد، بدون این‌که بر قلاع این شهر مسلّط شود و پدرش را به‌عنوان جیمز هشتم پادشاه انگلیس خواند.

گرچه نیروهای فرانسوی از وی حمایت می‌کردند، لیکن به‌طور مستقیم در این امر مداخله نداشتند و تنها او را به سوی جنوب می‌راندند. در همین زمان، سپاهیان او توانستند شهر دربی (Derby) را تصرّف و آن را به دست چپاول بسپارند، دولت انگلیس چون وضع را وخیم دید، دو لشگر جدید به صحنه‌ی نبرد فرستاد، لیکن او شهر را تسلیم نیروهای انگلیس نمود و به شمال عقب‌نشینی کرد.

چارلز اکنون ۲۵ ساله است و معتقد است که مردم انگلیس و اسکاتلند به محض ورود از او استقبال کرده و به او خوش‌آمد خواهند گفت، لیکن اکنون حامیان وی دیگر این مخاطره را به جان نمی‌خرند و در واقع از او دست شسته‌اند.

سپاهیان او که در کوهستان بودند، به شهرها مراجعت کرده و دولت انگلیس اعلام کرده که اگر به نبرد ادامه دهند، آن‌ها را به جرم راهزنی دستگیر خواهد کرد. چارلز تحصیلات عالیه‌ی خود را در رم به پایان رسانده و به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و ایتالیایی تسلّط دارد، لیکن نامه‌های انگلیسی او فاقد جنبه‌ی ادبی است.

لوله‌های سربی آب، سلامتی شما را به مخاطره می‌افکند. (نیویورک سیتی، ۱۷۵۰):

برطبق نظریه‌ی دکتر توماس کادوالادر (Thomas Cadwalader)، پزشک آمریکایی که سال‌ها روی زیان لوله‌های سربی آب کار کرده و مقاله‌یی در ناحیه‌ی درای گریپز (Dry Gripes) واقع در هند غربی به نگارش درآورده، لوله‌های سربی آب سبب می‌شود مقداری از سرب در آب مشروب حل شود و سرب محلول در آب، برای سلامت انسان زیان‌بار است.

اتریش، ۱۷۸۰
ماری ترز که از سال ۱۷۶۵ به‌عنوان معاون پادشاه در تمام امور کشور با ژوزف دوم پسرش تشریک مساعی می‌کرد، از دنیا رفت. وی اقدامات زیادی جهت بهبود وضع نیروهای مسلح، اداره‌ی امور کلیساها و مدیریت داخلی اتریش انجام داد.

اسپانیای جدید، ۱۷۸۰
در اسپانیای جدید (مکزیک) وضع فوق‌العاده و آماده‌باش جنگی اعلام شد.

بریتانیا، ۱۷۸۰
تمام مستعمرات امریکایی بریتانیا زیر پوشش وزارت کشور درآمدند و پست وزارت مستعمرات منحل شد. این عمل نمونه‌یی از توجه دولت به مشکلات اجتماعی، بازرگانی و مدیریت بود که در گذشته به آن اعتنا نمی‌شد و اکنون مدیریت امور نظامی تحت نظر مقامات کشوری قرار گرفته است.

اوگاندا، ۱۷۸۰
کیامبوگو (Kyambugu) پادشاه بوگاندا (Buganda) که از سال ۱۷۶۳ سلطنت را به‌عهده داشت، جان سپرد. در زمان پادشاهی کیامبوگو، وضع اقتصاد کشور به‌علت تجارت موز رونق گرفت و با اقتدار نیروهای مسلح مسیر بازرگانی به‌سوی شرق و در سراسر اقیانوس هند به‌ویژه سواحل سرزمین کنیا (Kenya) گشوده شد.

هندوستان، ۱۷۸۰
اولین روزنامه‌ی هندی به مدیریت جیمز هایکی (James Hickey) به‌نام بنگال گازت (Bengal Gazette) انتشار یافت.

روسیه، ۲۸ فوریه ۱۷۸۰
کاترین دوم تزاریس روسیه از کشورهای اروپایی درخواست کرد که در نبرد بین انگلیس و ایالات متحده بی‌طرف باشند و ارتش این کشورها پیمان بی‌طرفی را امضا کنند. در ارتباط با این موضوع، دولت انگلیس که در کانون جنگ قرار دارد، دستور داد کشتی‌های سایر کشورها را بدون تشخیص و شناسایی پرچم کشور مربوطه، مورد حمله قرار دهند. این پیمان نشان می‌دهد که تهدیدهای جنگی علیه امنیت سایر کشورها متوقف نخواهد شد.

جبل‌الطارق، فوریه ۱۷۸۰
یک گروه نظامی انگلیسی به سرپرستی دریادار رادنی (Rodney)، نیروهای اسپانیولی را از جبل‌الطارق راند و آنجا را تصرف کرد.

فرانسه، دوم مه ۱۷۸۰
پس از آخرین‌بار که لافایت (Lafayette) به امریکا وارد شد، لویی شانزدهم شش‌هزار مرد جنگی به فرماندهی روشامبو (Rochambeau) جهت تجدید قوای انقلابیون به امریکا اعزام کرد.

مادرید، ۱۱ مه ۱۷۸۰
مذاکراتی بین دولت اسپانیا و انقلابیون امریکا آغاز شد. فرانسه به اسپانیا فشار آورد که به هر صورت از ایالات متحده حمایت کند.

کارولینای جنوبی، ۱۲ مه ۱۷۸۰
تعداد پنج‌هزار نفر از سربازان امریکایی در چارلستون (Charleston) تسلیم سرگرد بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) شدند.

روسیه، ژوئن ۱۷۸۰
کاترین دوم ملکه‌ی روس و امپراتور ژوزف دوم در ساحل رود دنی‌پر (denieper) و سپس در شهر سن‌پترزبورگ راجع به فتوحات جدید در امپراتوری عثمانی به مذاکره نشستند.

فرانسه، ژوئیه ۱۷۸۰
در اجلاسی که از کشیشان تشکیل شده بود، قرار بر این شد که مبلغ ۳۰ میلیون لیور به دارایی ملی کمک شود.

فرانسه، ۲۴ اوت ۱۷۸۰
لویی شانزدهم با به‌کارگیری شکنجه جهت اعتراف به گناه و یا سوء ظن مخالفت ورزید و به‌طور کلی شکنجه را ممنوع اعلام کرد.

فرانسه، ۳۰ اوت ۱۷۸۰
پادشاه فرانسه در پی توصیه‌های نکر وزیر دارایی، فرمان داد که سازمان زندان‌ها و وضع زندانیان بایستی مورد تجدیدنظر قرار گیرد تا زندانیان در موقعیت بهتری زندگی کنند.

کادوالادر شرح می‌دهد که چگونه فشار آب باعث می‌شود که ذره‌هایی از لوله‌های سربی در آب جریان پیدا کند و این ذره‌های ریز، در بدن انسان ایجاد مسمومیت می‌نماید. این ذرات ریز سرب در لوله‌های آب جاری می‌شود و با آشامیدن این آب انسان به بیماری‌های گوناگون مبتلا می‌شود. گرچه کاد والادر نمی‌تواند تمام مسمومیت را به آب مشروب نسبت دهد، لیکن استدلال وی قانع‌کننده به‌نظر می‌رسد. اکنون مسمومیت با املاح سرب به اثبات رسیده، و می‌توان گفت که ممکن است در این جریان لوله‌های سربی مقصّر باشد.

هیچ کس از قرارداد صلح خرسند نیست. (اکس لاشاپل (Aix-la-Chapelle)، ۱۸ اکتبر ۱۷۴۸):

سرانجام جنگ بر سر جانشینی پادشاهی اتریش با تمام مذاکرات و مناقشات آن به اتمام رسید. این جنگ برای هیچ یک از طرفین پیروزی در بر نداشت، با این وصف، هیچ کدام نمی‌توانستند به این پیکار ادامه دهند.

با امضای پیمان صلحی که امروز به امضا رسید، ماری ترز ملکه‌ی اتریش با شهامت کامل سلطنت بر سرزمین اشغال شده‌ی هابسبورگ را پذیرفت و شوهرش فرانسیس لورن (Francis Lorraine) هم به پادشاهی اتریش انتخاب شد.

در عوض، ماری ترز از سرزمین سیلزی (Silesia) که خیلی برای اشغال آن زحمت کشیده بود، چشم پوشید و آنجا به فردریک پادشاه آلمان تسلیم شد. در حقیقت تنها فردی که از این پیمان صلح خوشنود است، شخص فردریک می‌باشد که توانست سیلزی را بقاپد و آن را به رایگان تصرّف کند، لیکن سایرین از آنچه که خواسته‌ی آن‌ها بود کمتر نصیب بردند، کشورهای انگلیس و فرانسه سرزمین‌های مستعمره را همچنان حفظ کردند.

دولت فرانسه موافقت کرد که نیروهای خود را از اتریش و هلند فرا خواند، چون از مارشال ساکس (Marshal Saxe) که مدّت‌ها گرفتاری‌هایی برای

لویی پانزدهم فراهم کرده بود، متنفر بود. دولت اسپانیا منطقه‌ی جبل‌الطارق (Gibaltar) و مینورکا (Minorca) را به انگلیس واگذار کرد و بار دیگر قرارداد پیشین را مورد تأیید قرار داد. بالاخره این پیمان باعث شد که ساکنان اروپا در آرامش نسبی به سر برند و از خونریزی‌های جنگ کاسته گردد.

شهرهای اروپایی، ثروتمند ولی کثیف و آلوده است. (اروپا، ۱۷۵۰):

اروپا مدّت‌های مدیدی است که تحت تأثیر مالکان، زارعان و روستاییان قرار دارد. با این وصف، در خفا اقدامات اساسی هم انجام می‌شود. اغلب روستاییان به شهرها روی آورده و به‌طور دائم شهرها وسعت یافته و شهرهای کوچک بزرگتر شده و جمعیت آن‌ها روزبه‌روز در تزاید است که نظیر آن قبلاً دیده نشده بود.

شهرهای لندن و پاریس که از نظر داد و ستد و تجارت دو شهر مهمّ اروپایی است، بر اثر ازدیاد نسل دارای جمعیت بیشتر شده و تعداد نفوس هر یکی از این شهرها به مرز نیم میلیون نفر رسیده است.

در حالی‌که جمعیت شهرهای بزرگ افزوده می‌شود، هیچ ضابطه‌یی در کار نیست، مردم برای اشتغال به مراکز و شهرها مهاجرت می‌کنند، زیرا امکان پیشرفت و ترقّی در شهرها زیادتر است.

مردم برای ترقّی و پیشرفت روز و شب نمی‌شناسند و اغلب وقت استراحت ندارند و به کار مشغولند، این موضوع سبب رشد طبقه‌ی متوسط اجتماع شده، آن‌ها مالک زمین نیستند، بلکه اغلب به کار داد و ستد و مشاغل اشتغال دارند. حالت اشرافیت در شهرها بیشتر به چشم می‌خورد و برخی از این طبقه در خانه‌های مجلّل و باشکوه زندگی می‌کند و در نتیجه تغییرات مهمّی در شهرها پدید آمده است، لیکن این تجمل‌پرستی را حدّ و اندازه نیست.

اشخاص فقیر و مستمند هم کلبه‌های روستایی را ترک کرده و به امید زندگی بهتر به شهرها هجوم آورده و در نتیجه ازدحام و شلوغی شهرها را فرا گرفته و خانه‌هایی در کوچه‌های باریک و تنگ و کثیف بنا کرده‌اند که از نظر بهداشت عمومی مخاطره‌آمیز است.

معهذا مردم اصلاح‌طلب و تحصیل‌کرده، تحت نظر مهندسان عالی‌مقام در مرکز شهرها، خیابان‌های وسیع با بلوارهای زیبا و مراکز خرید و خانه‌های زیبا ساخته و کثافات را از آنجا زدوده‌اند.

دولت برای شهرهای بزرگ و ثروتمند امتیازاتی قائل شده و در حقیقت از این طریق به نظافت شهرها کمک می‌کند، لیکن این موضوع هم برای آن‌ها زنگ خطری است، زیرا ممکن است باعث قتل و غارت به وسیله‌ی افراد شود.

در عین حال، چون شب‌ها در معابر نور کافی وجود ندارد، دزدان در کمین هستند و در جاهای شلوغ و پر تردد به سرقت پول و اموال مردم می‌پردازند.

در شهر لندن گاری‌ها و کالسکه‌ها راه عبور مردم را می‌بندند و بی‌نظمی ایجاد می‌کنند و افراد پیاده گیج می‌شوند، امّا از چندی پیش خیابان‌های بزرگ و معابر را با چراغ روشن کرده‌اند و این کمکی است برای مردم شهر.

مرگ به سراغ یوهان سباستیان باخ آهنگساز آمد. (لایپزیک، ۲۸ ژوئیه ۱۷۵۰):

در اواخر همین ماه، یوهان سباستیان باخ آهنگساز آلمانی، مریض و نابینا شد و به رغم عمل جراحی چشم، بینایی وی بهبود نیافت، به‌طوری که مجبور می‌شد که نت‌های موسیقی را دیکته کند و دستیار او به روی کاغذ آورده و بدین وسیله پیس‌ها را تنظیم کند. این آهنگساز ۶۵ ساله درصدد بود که عنوان آهنگ (پیش از سلطنت تو) را تغییر دهد، که چند روز پس از آن درگذشت.

باخ برخی اوقات بدون این‌که وظیفه و تکلیفی داشته باشد، نیرویی او را به خلق قطعه موسیقی وامی‌داشت که همان اثری جاودانی می‌گشت. با این

هندوستان، سپتامبر ۱۷۸۰
حیدرعلی فرمانروای مسلمان میسور (Mysore)، با ماراتا (Marathas) به جهت وحشیگری‌های نواب (فرمانروا) منطقه‌ی آرکوت (Arcot) که مورد حمایت انگلیس قرار داشت، ائتلاف کرد. با این ائتلاف و اتحاد، وی با نیروهای تحت فرمان خود به ناحیه‌ی ساحلی تحت نفوذ انگلیس حمله‌ور شد و ماراتا هم مدرس (Madras) را که مقر فرماندهی کمپانی هند شرقی بود، تهدید کرد. سربازان انگلیسی مدرس را نجات دادند و به‌طور جداگانه با ماراتا پیمان صلح بستند.
نیوانگلند، اکتبر ۱۷۸۰
ژنرال بندیکت آرنولد (Benedict Arnold) فرمانده امریکایی که زیر تهدیدات وحشیانه‌ی قشون انگلیسی قرار داشت، منطقه‌ی تحت نفوذ خود را به آنان واگذار کرد و در فرصتی که به‌دست آورد، منطقه‌ی وست‌پوینت (West Point) را تصرف کرد.
فرانسه، اکتبر ۱۷۸۰
آنتوان دو سارتین (Antoine de Sartine) وزیر نیروی دریایی فرانسه، نکر وزیر دارایی را در ملأ عام متهم کرد که مسؤولیت وام ۲۰میلیون لیور را بایستی قبول کند.
بریتانیا، ۲۰ نوامبر ۱۷۸۰
بریتانیا، هلند یکی از اعضای پیمان بی‌طرفی اروپا را مورد حمله قرار داد. این کشور ملزومات مورد نیاز ارتش‌های فرانسه و اسپانیا را جهت جنگ با ناحیه‌ی هند غربی و انقلابیون امریکا تهیه می‌کرد.
فرانسه، ۲۳ دسامبر ۱۷۸۰
شورای عالی که در رابطه با جنگ فرانسه علیه انگلیس در رشفلد (Reshuffled) تشکیل شده بود، بر سر بحث امور مالی بر هم ریخت.
نیویورک، ۱۷۸۰
نیروهای قبایل ایروکوا (Iroquois) که دره‌های رود موهاک (Mohawk) را در مرکز نیویورک اشغال کرده بودند، توسط گروه‌های ارتش ایالات متحده تار و مار شدند. در حدود یک‌ماه پیش، نیروهای امریکایی خانه‌ها، انبارهای علوفه و مزارع آن‌ها را ویران کرده بودند، در نتیجه بیش‌تر آن‌ها متواری شدند. ژنرال واشنگتن سربازان را از دست‌زدن به این اقدامات در حالی‌که ارتش ایالات متحده درگیر نبرد با انگلیس است، بازداشت و حمله به سرخ‌پوستان را برخلاف منافع ملی تلقی کرد.
موزامبیک، ۱۷۸۱
پرتغالی‌ها استحکامات مشهور به لورنکو مارکی (Lourenco Marques) را با پشتیبانی اتریش متصرف شدند و کنترل بازرگانی در خلیج ماپوتو (Maputo) را به‌دست گرفتند. آنان مناطق جنوب موزامبیک (Mozambique) و جزایر اقیانوس هند و عربستان جهت حمل به برزیل و فرانسه را به‌طور انحصاری در اختیار خود قرار دادند.
افریقای جنوبی، ۱۷۸۱
جنگی که از سال ۱۷۷۹ به‌نام نبرد سورولد (Suurveld) (در شرق مرزهای کیپ) آغاز شده بود، خاتمه پذیرفت. این جنگ به‌خاطر جلوگیری از حمله‌ی بوئرها و راندن لشکریان آن‌ها از مناطق خویزان (Khoisan) و ساکنان خوزا (Xhosa) در اطراف سورولد و حوالی رودخانه‌ی ماهی برپا شده بود، چون بوئرها (Boers) سعی داشتند که افریقایی‌ها را از مناطق کشت توتون برانند و با حمله‌ی مسلحانه به آن‌ها جنگ آغاز شد که بوئرها در شروع جنگ به موفقیت‌هایی هم دست یافتند.
پاریس، ۱۷۸۱
مارکی کندورسه (Marquis Condorcet) ریاضیدان مشهور و متفکر اصیل فرانسوی، با انتشار کتابی به‌نام «انعکاس بازرگانی بردگان سیاه‌پوست» این کار را به زیان اقتصاد فرانسه دانست و خواستار ممنوعیت آن شد.
اتریش، ۱۷۸۱
ژوزف دوم امپراتور اتریش، طی فرمانی مذاهب پروتستان، کاتولیک و ارتودوکس را آزاد اعلام کرد و هم‌زیستی با تمام آن‌ها را خواستار شد.
انگلیس، ۱۷۸۱
فرزند نامشروع گلوستر (Gloucester) نخستین مدرسه را در روزهای یکشنبه جهت تعلیم دروس مذهب مسیح به مدیریت رابرت رایک (Robert Raikes) تأسیس کرد. در این مدرسه به افراد خواندن و نوشتن و دروس دینی می‌آموختند.

وجود، وی معتقد به نبوغ خود نبود. بدون شک او یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان و رهبران ارکستر اروپایی است. تنها هندل در پاره‌یی از آهنگ‌های چند نفره و ساختن قطعاتی از موسیقی از او گوی سبقت را ربوده است.

او در ساختن تمام انواع آهنگ‌ها، استادی بی‌بدیل بود، تنها در کار اپرا تبحّر چندانی نداشت. وی مدّت ۲۷ سال گذشته را در شهر پروتستان‌نشین لایپزیگ به کار اشتغال داشت.

باخ دو بار ازدواج کرد. (همسر اوّل او در سال ۱۷۲۰ درگذشت.) وی از همسر اوّل و دوّم خود به ترتیب هفت و سه فرزند به‌وجود آورد. بزرگ‌ترین پسرش ویلهلم فریدمن (Wilhelm Friedmann) متولد سال ۱۷۱۰ و دومی به نام کارل فیلیپ امانوئل (Carl Philipp Emanuel) سال ۱۷۱۴ به دنیا آمدند و هر دو آهنگساز و موسیقی‌شناس شدند.

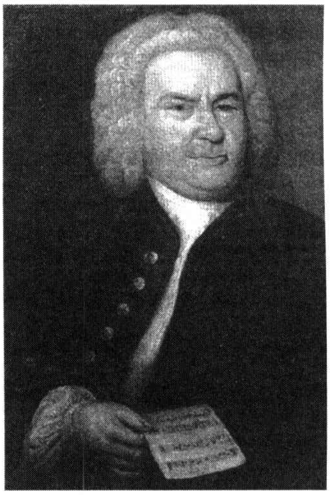
امانوئل در دربار فردریک دوّم پادشاه پروس هارپسیکورد (Harpsichord) می‌نواخت و در ضمن فلوت می‌زد و رهبری ارکستر سلطنتی را برعهده داشت. در سه سال قبل، باخ برای دیدن پسرش امانوئل به کاخ فردریک رفت و او را ملاقات کرد. وی همان‌طور که در نواختن آهنگ‌های ملایم با پیانو نبوغ بی‌نظیری داشت، گاهی در حضور پادشاه فی‌البداهه و بدون مقدمه آهنگی را می‌سرود. باخ چندین قطعه موسیقی جهت دربار سلطنتی ساخت و آن‌ها را به حضور پادشاه تقدیم کرد و آن‌ها را به نام آهنگ‌های سلطنتی نامید.

یک سرباز زن انگلیسی، در روی سن، نمایشاتی را اجرا کرد. (لندن، ۱۷۵۰):

با انتشار شرح حال یک زن سرباز در منطقه‌ی سادلرزولز (Sadlers Wells)، غوغای عجیبی برپا شد. این گزارش که توسط خود هانا اسنل (Hannah Snell) تهیه شده، حاکی است که او با لباس یونیفورم در ملأ عام ظاهر می‌شود و مردم با دیدن او شروع به ازدحام و هیاهو می‌کنند.



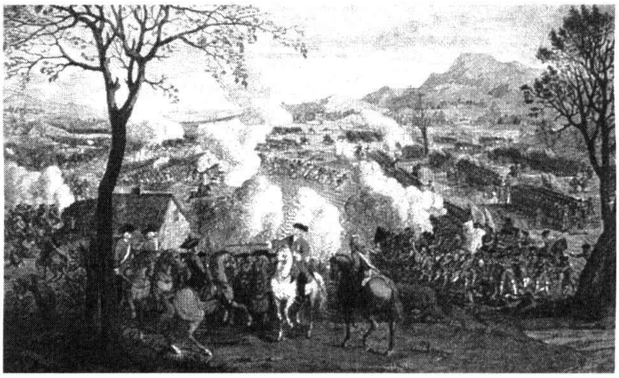
تبعید در بین قوای آلمان، نقاشی از فون فلمینگ Von Fleming، ۱۷۲۶.



یوهان سباستیان باخ Johann Sebastian Bach
کار میسترو Maestro.



تصویر پرنس چارلز استوارت، نقاشی
از بلانشه Blanchet.



دوک کومبرلند Cumberland با سپاهیان تحت فرماندهی وی پس از پیروزی در
نبرد کولودنCulloden.



جین لین Gin Lane که از نظر مردم زنی بدسابقه
می باشد. نقاشی از ویلیام هوگارت William Hogarth.



ماری ترز، ملکه ی اتریش.

هندوستان، ۱۷۸۱
وارن هاستینگ (Warren Hastings) فرماندار کل، در شهر کلکته (Calcutta) مدرسه‌یی جهت آموزش زبان عربی تأسیس کرد.
پاریس، ۱۹ ژانویه ۱۷۸۱
در ادامه‌ی اصلاحات نکر و برنامه‌های اصولی وی، امر به تأسیس بیمارستانی در شهر پاریس صادر شد.
هند غربی، سوم فوریه ۱۷۸۱
با اعلان جنگ انگلیس برضد هلند در سال گذشته، نیروهای آن کشور جزیره‌ی سن‌اوستاسیوس (St Eustatius) هلندی را اشغال کردند.
پاریس، ۱۹ فوریه ۱۷۸۱
نکر گزارش اقدامات انجام‌شده در سال ۱۷۸۱ را به حضور پادشاه تقدیم کرد. وی وضع مالی کشور را برخلاف تبلیغات دشمنان و افرادی که وی را مورد اعتراض و انتقاد قرار می‌دادند، بسیار موفقیت‌امیز نشان داد و اضافه‌وصولی و درآمد مملکت را طی بیلانی اعلام داشت، اما کارشناسان مالی فرانسه وی را متهم به خرج‌تراشی‌های بیهوده کردند و در پشت این بیلان زیان‌های مالی را که نکر پنهان داشته بود، برملا کردند.
ایالات متحده، دوم مارس ۱۷۸۱
مریلند (Maryland) آخرین ایالتی است که به اتحادیه‌ی ایالات پیوست و قوانین مربوطه را مورد تصویب قرار داد.
فرانسه، ۱۹ مه ۱۷۸۱
با پیش‌بینی‌هایی که در مورد وضعیت نکر وزیر دارایی فرانسه به‌عمل آمده، وی رضایت مردم و شاه را از دست داده و بیهوده تلاش می‌کرد که وضعیت را خوب جلوه دهد، در نتیجه مجبور به استعفا شد. این حرکت او باعث رضایت و خوشحالی صاحبان بورس (مرکز خرید و فروش سهام) فرانسه گردید.
روسیه، مه ۱۷۸۱
رد و بدل‌کردن نامه بین کاترین دوم تزاریس روسیه و ژوزف (Josef) دوم، باعث امضای پیمان همکاری‌های نظامی بین دو کشور برضد امپراتوری عثمانی گردید.
پروس، مه ۱۷۸۱
دولت پروس هم به پیمان بی‌طرفی کشورهای اروپایی پیوست که در جنگ بین انگلیس و ایالات متحده مداخله نکند و در نتیجه کشتی‌های بازرگانی این کشور مورد حمله‌ی انگلیس به‌علت عدم شناسایی قرار نگیرد.
هندوستان، اول ژوئیه ۱۷۸۱
نیروهای حیدرعلی پادشاه مسلمان میسور (Mysore) واقع در جنوب هندوستان، در دومین نبرد توسط قوای انگلیس مغلوب شدند.
کالیفرنیا، چهارم سپتامبر ۱۷۸۱
اسپانیولی‌ها دهکده‌ی کوچکی را که در نزدیکی سن گابریل (San Gabriel) واقع است، به‌نام لوس‌آنجلس (Los Angeles) خواندند.
امریکای شمالی، ۱۹ اکتبر ۱۷۸۱
نیروهای ائتلافی فرانسه و ایالات متحده، قوای انگلیس را در یورک‌تاون (Yorktown) شکست دادند، در حالی‌که این منطقه در جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود.
اتریش، هلند، نوامبر ۱۷۸۱
ژوزف دوم موانعی را که بر سر راه پیوستن اتریش به پیمان اوترخت (Utrecht) که در سال ۱۷۱۳ امضا شده بود، برداشت. به فرمان او تمام استحکامات شهرهای جنوب کشور منهدم گردید.
فرانسه، ۱۷۸۱
کتاب ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau)، موسوم به «اعتراف‌نامه» پس از مرگ او منتشر شد. وی با فاش‌ساختن اسراری از کلیسا، موجب تکان و هیجان شدیدی در اجتماع فرانسه شد. روسو در سال ۱۷۷۸ درگذشت و آخرین اثر وی به‌نام نامه‌هایی از کوهستان بود که در هنگام تبعید به سویس نگاشت.
فرانسه، ۲۲ اکتبر ۱۷۸۱
پسر لویی شانزدهم و ماری آنتوانت (Marie Antoinette) به‌نام لویی ژوزف (Louis Jeseph) پا به عرصه‌ی وجود گذاشت.
لندن، ۲۷ فوریه ۱۷۸۲
پارلمان پیگرد لرد نورث (Lord North) به‌علت عدم مداخله در نبرد با ایالات متحده را رد کرد.

در سال ۱۷۲۳، این مادر تنها که ساکن ورسستر (Worcester) بود، همچون مردان به سازمان نظامی می‌پیوندد و با یک فرد نظامی ازدواج می‌کند. او پس از تعلیمات اوّلیه‌ی سربازی، به منطقه و بندر کارلیسل (Carlisle) می‌رود و برای نخستین بار پا به کشتی می‌گذارد که قرار بود این کشتی به جنوب هندوستان حرکت کند. هنگامی‌که کشتی حامل او به شهر پوندیچری (Pondicherry) می‌رسد، مورد شلیک ناوگان فرانسوی قرار می‌گیرد، او هم که در لباس مردانه بوده، مانند سایر سربازان به تیراندازی می‌پردازد و پس از مدّتی با یک کشتی به پرتغال می‌رود و در آنجا به او خبر می‌رسد که شوهرش را در ایتالیا به قتل رسانده‌اند.

سرباز قهرمانی که تمام شانس خود را از دست داد. (پاریس، ۱۷۵۰):

یکی از بزرگ‌ترین افسران فرانسوی به نام موریس کنت ساکسونی مشهور به مارشال ساکس بدرود حیات گفت. او ۵۴ سال عمر خود را به درستی و راستی گذرانید. وی فرزند طبیعی آگوستوس دوّم پادشاه ساکسونی و کنتس ماریا اورورا کونیگسمارک (Countess Maria Aurora Konigsmark) بود و زندگی خود را در جنگ و عشق گذرانید، بدین معنی که نیمه‌ی عمرش صرف عشق و نیمه‌ی دیگر را در میدان جنگ گذرانید.

وی چند سالی را صرف عشق‌بازی با یک هنرپیشه به نام آدرین لوکوورور (Adrienne Lecouvreur) کرد که باعث بدنامی و رسوایی او شد.

همان‌طور که گفته شد، او مدّت‌ها در زیر پرچم فرانسه به خدمت مشغول بود، به‌طوری که توانست طی نبردی شهر پراگ را تسخیر کند و در جنگ فونت‌نوی (Fontenoy) به نفع لویی پانزدهم پیروز گردد. ساکس، آدمی خوش‌قامت و سربازی متفکر بود و توانست با پرورش و تربیت فرماندهان کماندو، انقلابی در سازمان نظامی به‌وجود آورد. وی یک سازمان نظامی

برای تربیت تمام افسران تمامی ارتش تشکیل داد و این سازمان را جایگزین سازمان قدیمی که افراد جانی و بزهکار را برای خدمات جنگی تعلیم می‌داد، نمود.

او معتقد بود و ثابت کرد که دولت فرانسه بیش از ۴۶ هزار نفر مرد جنگی و نیروی رزم‌دیده لازم ندارد و بیشتر از این تعداد سرباز، کشور را دچار نابسامانی و پریشانی می‌کند و در ضمن موجد هزینه‌ی زیادی است. از سویی، این تعداد سرباز جنگی می‌تواند تحرّک بیشتری داشته باشد و نیروهای نظامی سوار و پیاده جهت دفاع از کشور همواره کارآمد خواهند بود. امّا سربازان بدون اسلحه و تجهیزات، به جای نبرد، از میدان جنگ می‌گریزند و همیشه اسباب زحمت فرماندهان خواهند بود.

کلایو (Clive) به پیروزی درخشانی در جنوب هند نایل شد. (هندوستان، پنجم نوامبر ۱۷۵۱):

نیروهای نظامی انگلیس، پس از ۵۳ روز محاصره‌ی شهر آرکوت (Arcot) پایتخت منطقه‌ی کارناتیک (Carnatic)، به لشگریان تحت فرماندهی عالی نیروهای فرانسوی ضربه‌ی سختی وارد آوردند و ساحل جنوب شرقی هند را تصرّف کردند.

سپاهیان مختلط انگلیسی ـ هندی به فرماندهی رابرت کلایو ۲۶ ساله، در روز ۱۲ سپتامبر، شهر آرکوت را به محاصره درآوردند و سعی کردند که کنترل بخش جنوبی ساحل هند را که بین تأسیسات دو کمپانی هندی فرانسوی و انگلیسی واقع است، به دست گیرند و پس از پیروزی درخشان سال ۱۷۴۴، به پیروزی دیگری برسند.

نیروهای فرانسوی عمده قوای خود را در قسمت شمالی مستقر کرده و به این قسمت توجهی نداشتند و در نتیجه در این منطقه مغلوب شده و از صحنه خارج گشتند.

در بین جنگجویان مستقر در اردوگاه، همیشه از تهور و بی‌باکی کلایو صحبت می‌شود، چون‌که این منشی پیشین کمپانی انگلیسی هند شرقی، چگونه توانست در مدّت سه سال به این پیروزی‌های پیاپی دست یابد.

دایره‌المعارفی که درباره‌ی تمام موجودات و حیات بحث می‌کند. (پاریس، آوریل ۱۷۵۱):

نخستین جلد از انسیکلوپدی (Encyclopaedia) یا فرهنگ لغات ملّی به زبان فرانسه که شامل بیان و تشریح هنر، علوم و خصوصیات و آداب و رسوم است، در این ماه انتشار یافت.

ناشر، این کتاب را به‌صورت آبونمان می‌فروشد که تا به حال هشت جلد آن برای چاپ آماده شده و لو برتون (Le Bereton) گفته است که ممکن است تعداد آن به ۲۸۰ جلد برسد.

اصل این فکر و ابتکار، از انگلیس به فرانسه راه یافت، زیرا هنگامی‌که در سال ۱۷۲۳ مجالس انگلیس درصدد برآمدند لغت‌نامه‌یی منتشر کنند که تمام موضوعات در آن گنجانده شود، فرانسه هم این فکر را دنبال کرد. این انسیکلوپدی به زبان ساده درآمده و دنیس دیدرو (Denis Diderot) سر مؤلف آن، به ناشر پیشنهاد کرد که کتاب را به‌صورت کرایه‌یی به خوانندگان بدهد، لیکن ناشر (لوبرتون) آن را نپذیرفت و به‌صورت آبونمان به خوانندگان فروخت، چون اغلب نمی‌توانستند تمام مجلدات را یک جا بخرند.

مؤلف کتاب هم تصمیم گرفت هرچه زودتر لغت‌نامه را به پایان برساند تا در دسترس عموم قرار گیرد که با اتمام آن یک کار ریشه‌یی و اصولی انجام می‌شود که شامل همه‌ی دیدگاه‌ها و مطالب موجود در جامعه خواهد بود.

دیدرو از حمایت دو مرد پرکار و سخت‌کوش برخوردار بود؛ یکی ژان دالامبر (Jean d'Alembert) که از استعدادهای درخشان ریاضی فرانسه محسوب می‌شود و شخص ثروتمندی است و دیگری لوئی دوژوکور (Louis de Jaucourt) که بسیار پرکار

ایرلند، مارس ۱۷۸۲
بنا به پیشنهاد هنری گراتان (Henry Grattan) در جلسه‌ی دونگانون (Dungannon) که در ماه گذشته در پارلمان تشکیل شد، قانون بی‌طرفی ایرلند به‌تصویب رسید.
بریتانیا، ۱۹ مارس ۱۷۸۲
لرد راکینگهام (Lord Rockingham) به‌جای لرد نورث نخست‌وزیر سابق که در ۱۱ مارس استعفا داده بود، نشست. ویلیام پیت کوچک‌تر از پارلمان خواست اصلاحات را تصویب کند.
پاریس، دهم آوریل ۱۷۸۲
پی‌یر شودرلو (Pierre Choderlos) کتابی موسوم به «موقعیت خطرناک» منتشر کرد که سبب رسوایی بسیاری از سران کشور گردید.
هند غربی، ۱۲ آوریل ۱۷۸۲
نیروهای فرانسه و انگلیس در آبراهه‌ی سنت (Saints Passage)، در یک نبرد دریایی با هم روبه‌رو شدند.
فرانسه، هفتم مه ۱۷۸۲
گفت‌وگوهای صلح بین دولتین فرانسه و بریتانیا آغاز گشت.
وین، ۱۶ ژوئیه ۱۷۸۲
موزارت (Mozart) اپرایی به‌نام «ربودن زنان از سراگلیو (Seraglio)» که در آن جریان فرار زنان از حرم امپراتوری عثمانی را شرح می‌دهد، اجرا کرد.
جبل‌الطارق، ۱۳ سپتامبر ۱۷۸۲
استحکامات انگلیس در جبل‌الطارق به تصرف نیروهای ائتلافی فرانسه و اسپانیا درآمد. این ائتلاف به‌مناسبت جنگ ایالات متحده با بریتانیا انجام شده بود. به‌رغم این شکست، نیروهای بریتانیایی از یک سلاح سری به‌نام باتری شناور استفاده کردند که موجب زخمی‌شدن تعداد زیادی از سربازان متحدین و ترک ناوگان جنگی و سوختگی‌های شدید آن‌ها در اثر آتش سرخ این سلاح که منجر به مرگ عده‌ی بی‌شماری گشت، شد.
پروس، ۱۷۸۲
آکادمی زبان برلین جایزه‌ی آموزش زبان فرانسه را به آنتوان ریوارول (Antoine Rivarol) که رساله‌یی در این زبان تهیه کرده بود، تقدیم کرد.
روسیه، ۱۷۸۲
جاکومو کوارنگی (Giacomo Quarenghi) ساختمان تئاتر هرمیتاژ (Hermitage) در سن‌پترزبورگ را به‌اتمام رسانید.
بریتانیا، ۱۷۸۲
طبق لایحه‌یی که دوک مونت‌رز (Montrose) به پارلمان تقدیم داشت، پوشیدن دامن‌های مردانه‌ی اسکاتلندی و لباس‌هایی نظیر آن ممنوع شد. این قانون در سال ۱۷۴۷ پس از فرونشاندن شورش استوارت توسط دولت هانور (Hanover) به‌تصویب رسیده بود و پوشیدن این قبیل پوشش را مجاز دانسته بود.
هندوستان، ۱۷۸۲
حیدرعلی فرمانروای مسلمان میسور، در جریان جنگ دوم میسور به‌وسیله‌ی سربازان انگلیسی کشته شد. پسر وی به‌نام تیپوصاحب (Tipu Sahib) فرماندهی نیروهای نظامی پدرش را در اختیار گرفت، لیکن به‌سبب دیررسیدن کمک فرانسویان دچار شکست شد.
ایالات متحده‌ی امریکا، ۱۷۸۲
توماس جفرسون (Thomas Jefferson) طی یادداشتی به امپراتوری بریتانیا نوشت: خورشیدی که جهت گرمی و حرارت‌بخشی به شما طلوع کرده بود، به‌زودی از افق ناپدید خواهد شد.
اوهایو، دهم نوامبر ۱۷۸۲
نیروهای امریکایی سرخ‌پوستان شاونی (Shawnee) حامی قوای انگلیس را نابود کردند. یک‌هزار نفر تفنگدار کنتاکی (Kentucky) به‌طور مداوم بر تهیه‌کنندگان مواد غذایی سرخ‌پوستان آتش گشودند و تجهیزات و غذای سرخ‌پوستان را منهدم کردند.
پاریس، ۳۰ نوامبر ۱۷۸۲
در پی مذاکرات چندین‌ماهه که فرانسویان جهت تهیه‌ی مقدمات صلح و خاتمه‌ی نبرد بین نیروهای انگلیسی و لشکریان امریکایی صورت دادند، توانستند طرح خروج قوای انگلیس را در قلمرو امریکایی‌ها بدهند.

می‌باشد. او توانست فهرستی جامع از مطالب مورد لزوم با افکاری روشنگرانه تهیه کند. مونتسکیو (Motesquieu) بخش مربوط به سیاست را تنظیم کرد. بوفون (Buffon) بخش طبیعیات و تورگو (Turgot) هم بخش مربوط به اقتصاد را نوشتند و بدین ترتیب هولباخ (d'Holbach) قسمت ریاضی و سرانجام ولتر (Voltaire) و روسو (Rousseau) مطالب مربوط به فلسفه را نگاشتند.

در انگلیس مزرعه‌داران با حصارکشی در اطراف زمین‌های کشاورزی انقلابی در زراعت به‌وجود آوردند. (بریتانیا، ۱۷۵۰):

به توصیه و تشویق پارلمان، کشاورزان انگلیس برای جلوگیری از هدر رفتن محصول و پایمان نشدن زمین‌ها، اقدام به حصارکشی در اطراف مزارع کردند.

همان‌طور که ذکر شد، ایجاد حصار، سهم هر کشاورز را معین می‌کند و زارعان مستقلاً اقدام به کشت و کار می‌نمایند. زمین‌داران خرده‌پا خیلی راحت‌تر و آسان‌تر این کار را انجام می‌دهند، در حالی‌که این کار برای زمین‌های وسیع دشوار است و مشکلاتی را دربردارد.

حصارکشی یک کار اصولی و فنی است و جنبه‌های مفید آن بسیار زیاد است. در درجه‌ی اول، کشاورزان قادر خواهند بود که تجربیات خود را در زمین شخصی اعمال کنند و به خوبی زمین را آبیاری و زه‌کشی کنند و از این طریق آب را به تمام زمین زیر کشت برسانند، از سویی، وجین زمین آسان‌تر خواهد بود.

آنان هم‌چنین می‌توانند محصولات اضافی خود را انبار کنند و از طرفی می‌توانند تجربیات علمی بر روی گیاهان و دام‌های خود انجام دهند.

ژتروتول (Jethro Tull)، یکی از کشاورزان بریتانیایی، برای شخم زدن، خط مستقیم را انتخاب می‌کند و در یک خط راست به شخم زدن می‌پردازد تا گندم و سایر غلّات را در ردیف‌های منظم بکارد و برای

این کار از نیروی اسب استفاده می‌کند. وی همچنان‌که زمین را شخم می‌زند، دانه‌های بذر را در همان زمان می‌پاشد، در ضمن بیلی که زمین را می‌شکافد، سه‌گوش است و به جای گاومیش از نیروی دو اسب استفاده می‌کند و یک نفر مرد دستگاه شخم‌زنی و اسب‌ها را هدایت می‌کند. در این صورت، ارتباطی بین حیوان و دستگاه شخم‌زنی برقرار می‌شود و همان‌طور که اسب حرکت می‌کند و شیار ایجاد می‌کند، بذر را هم می‌پاشد.

زارعان هم‌چنین با بازار خرید و فروش محصول در ارتباط هستند، کارخانه‌ها از چربی دام‌ها برای ساخت صابون، از پوست آن برای تولید چرم و استخوان آن‌ها را جهت بازیافت سریشم به کار می‌برند. بدین ترتیب، به تدریج زارعان از تکنیک به جای کارگر بهره‌مند می‌شوند و هرچه کمتر از نیروی کارگر استفاده می‌شود، در حقیقت با به کارگیری تکنیک، انقلابی در روش‌های کشاورزی ایجاد شده و در ضمن مزرعه‌داران با ترویج روش‌های جدید، محصول بیشتری به دست می‌آورند. این شیوه‌ها در تمام زمین‌های کشاورزی اعمال می‌شود و مزرعه‌دار هم می‌تواند ملک خود را به اجاره واگذار کند و اجاره‌دار از این طریق معاش و زندگی خود را تأمین خواهد کرد. در ضمن کشاورزان انگلیسی این تکنیک‌ها را در مزارع پرمحصول مستعمره‌های خود در دنیای جدید به کار می‌گیرند.

مردم ژاپن از این‌که شوگون (فرمانروای کل) در یک قلعه محصور است، گله‌مند هستند. (ژاپن، ۱۷۵۱):

شوگون توکوگاوا یوشیمون (Shogun Tokugawa Yoshimune) که مدّت ۲۹ سال بر ژاپن حکمفرمایی می‌کرد، در سن ۶۷ سالگی از دنیا رفت. او فرمانروای قدرتمندی بود و به اندازه‌ی کافی ظرفیت فرمانروایی داشت، معهذا نیروی زمین‌داران بزرگ پشتیبان وی بود و این ثروتمندان جهت انجام خواسته‌های خود، از قضاوت و داوری شوگون بهره‌مند می‌شدند، بدین معنی که هر دو سو از یکدیگر سود می‌بردند.

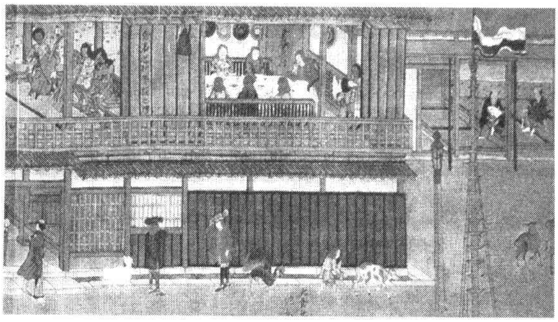
یکی از تدابیری که او برای حفظ امپراتوری خود به کار گرفته بود، این‌که خود را در قلعه‌یی محبوس کرده بود و تنها خواص کشور می‌توانستند به او دسترسی داشته باشند و اگر سایرین شکایتی داشتند و می‌خواستند با او ملاقات کنند، بایستی به حضور او برسند و نامه‌های خود را به او بدهند و بدین ترتیب دسترسی به شوگون خیلی آسان می‌نمود.

او آدمی صرفه‌جو بود، غذایش تنها از یک نوع برنج قهوه‌یی و مقداری سبزیجات تشکیل می‌شد، لباس وی بسیار ساده و کتانی بود. او کاخ مجلّل امپراتوری را ترک کرد و در قلعه‌یی بدون وسایل لوکس و تشریفاتی زندگی می‌کرد که تنها یک اتاق انتظار داشت. این زندگی ساده به او اجازه می‌داد که بهتر بتواند به شکایات مردم برسد و با آن‌ها تماس برقرار نماید، او بدین ترتیب توانست تغییری کلّی در دستگاه حکومت ایجاد کند و اساس یک اصلاحات را در کشور بریزد.

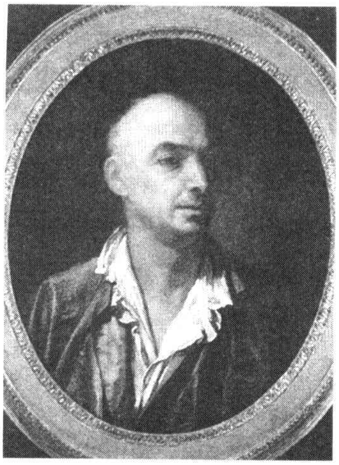
معبد آسمانی (بجینگ، ۱۷۵۱):

کار ترمیم و ساختمان تالار عبادت و نماز برای خدای محصول در معبد آسمانی پایان پذیرفت. این تالار دایره‌ای‌شکل که محیط آن ۳۰ متر و سقف آن به‌صورت سه مخروط ناقص می‌باشد که در سه لایه یا قسمت آن را پوشاده و به رنگ آبی خوش‌رنگ نقّاشی شده و بر روی آن یک گوی طلایی قرار دارد و داخل تالار هم، کف و دیوارها از سه لایه‌ی مرمری پوشیده شده است. ولی اسکلت بنا از چوب ساخته شده و روی‌هم‌رفته بنای بسیار زیبایی به‌نظر می‌رسد که ساختمان چوبی طوری ساخته شده که حتا یک میخ هم در آن به کار برده نشده است.

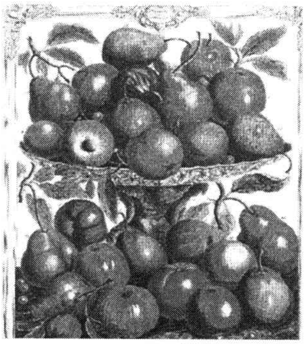
در هنگام کشت و درو محصول، امپراتور برای تعظیم و سپاسگزاری و هم‌چنین نماز و عبادت و قربانی کردن برای خدای محصول که جایگاه او در آسمان‌هاست، به این مکان می‌آید و تمام مراسم یاد



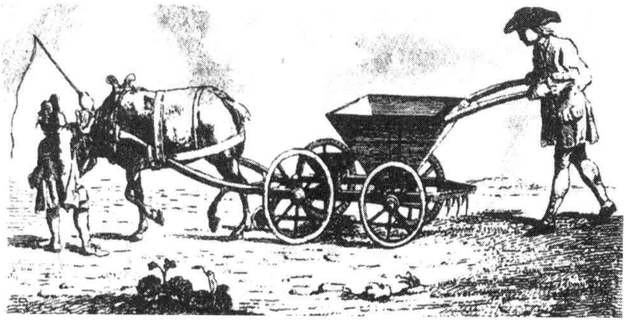
صحنه یی از زندگانی مردم بومی ژاپن و حیوانات خانگی، نقاشی سده ی ۱۸.



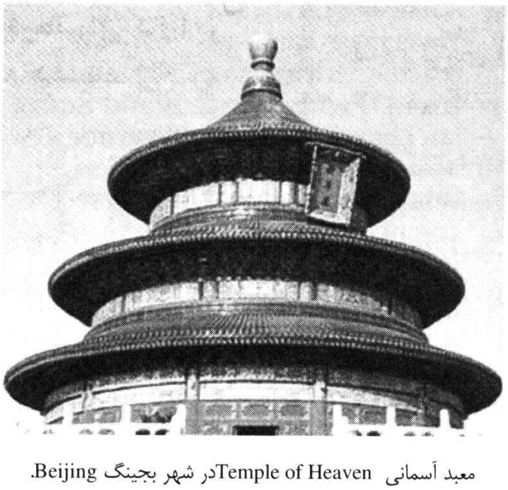
دنیس دیدرو Denis Diderot، نقاش گروئز Grueze .



مجموعه یی از میوه جات، نقاشی از فوبر، Furber ۱۷۳۲.



دستگاه شخم زدن و بذرپاش که در عین حال علف های هرز را از بین می برد و کود مورد لزوم را هم به زمین می دهد. سده ی ۱۸.



معبد آسمانی Temple of Heavenدر شهر بجینگ Beijing.

شده را انجام می‌دهد. در اطراف این معبد، باغ بزرگی احداث شده که ورود مردم به آنجا ممنوع می‌باشد.

تیه‌پولو، نقّاشی که در هوا تصویر می‌کشد. (وورزبورگ، آلمان، ۱۷۵۲):

یک نقّاش ونیزی که کارهایش روح آدمی را به هیجان درمی‌آورد، به نام جووانی باتیستا تیه‌پولو (Giovanni Battista Tiepolo)، برای زینت دادن کاخ محلّ اقامت پرنس اسقف به شهر وورزبورگ (Wurzburg) آوردند. با وصف این‌که وی در تابلوهایش رنگ سفید و طلایی را زیادتر به کار می‌برد، برای نشان دادن چهره‌ی فرمانروای بارباروسای (Barbarossa) عثمانی بر روی دیوارهای داخلی قصر وی توانسته شاهکاری بیافریند. در این دکوراسیون، تیه‌پولو توانسته تمام ناهمگنی‌ها را با هم جمع نموده و از این رنگ‌ها و اشکال غیرمتجانس روح آدمی را به حیرت و هیجان دچار سازد، در این نقّاشی‌ها او اشکال حیوانات و گل‌هایی را که تا این زمان شناخته شده با تعدادی تصویر خدایان به هم آمیخته و مناظری بسیار جالب پدید آورده است و به مانند این است که این تصاویر در هوا معلق هستند.

تیه‌پولو پیش از این هم کاخ‌هایی را در شهرهای ونیز، میلان، برگامو (Bergamo)، اودین (Udine) و روستاهایی را در ونیز با شاهکارهای خود زینت داده است. وی همان‌طور که تصاویر شلوغ را زیبا ترسیم می‌کند، قادر است یک شکل تنها را هم به همان زیبایی ترسیم کند. او در کارگاه نقّاشی خود، تصاویری از اسکندر و کامپاسپ (Campaspe) ونیز تمثالی از خود و زنش را به‌عنوان مدل و نمونه کشیده است.

آشوب‌طلبان به منزل مخترع شاتل (Shuttle) حمله کردند. (بری (Bury)، انگلستان، ۱۷۵۳):

جان کی (John Kay)، مخترع شاتل، پس از این‌که راه باریکه‌یی برای فرار پیدا کرد، از شهر بری به پاریس گریخت، چون یک گروه آشوب‌طلب به خانه‌ی وی حمله کرده بودند.

آشوب‌گران خانه‌ی کی را به آتش کشیدند، ولی کارگران منزل، کی را نجات دادند. آن‌ها دستگاه آسیابی که این مخترع مواد را در آن پودر می‌کرد، از بین بردند و نیز یک دستگاه که با دست نیروی شاتل را تأمین می‌کرد از وسط به دو نیم کردند، به حدی که خطر انفجار در بین بود که با کمک کارگران از وقوع انفجار جلوگیری شد.

کی که امتیاز شاتل را در ۲۰ سال پیش از دولت گرفته بود، به علّت این‌که دیگر نمی‌تواند با آرامش به کار خود ادامه دهد و همواره در مخاطره خواهد بود، کشور را ترک کرد. با این پیش‌آمد، کی از کار خود پشیمان شد، آن‌ها به هر نحوی می‌خواستند این امتیاز را که به فرمان شاه به او داده شده بود با اغتشاش و درگیری از بین ببرند، در حالی‌که کی قبلاً مراحل قانونی را طی کرده و مبالغی هم برای اخذ امتیاز پول خرج کرده بود. کی در این جریان برنده شد، زیرا هرچند که وسایل کارش از بین رفته بود، لیکن از نظر قانونی این کار آن‌ها جرم محسوب می‌شد. برطبق ادعای کی او پیش از این چندین اختراع دیگر از جمله شاتل پرنده را تهیه کرده بود و می‌توانست آن‌ها را به مورد اجرا بگذارد، لیکن سلطنت‌طلبان میل نداشتند که کی در انجام آن‌ها موفق شود.

دالایی لاما تابعیت بجینگ را پذیرفت. (تبت، ۱۷۵۱):

پس از آن‌که شورش تبتی‌ها بر ضدّ امپراتور چین شکست خورد، دولت چین دالایی لاما (Dalai Lama) را به اجبار واداشت که تابعیت چین را بپذیرد و چین تبت را از رعایای خود شمرد. در این شورش، دو هیأت چینی که از سوی دولت مأمور تبت بود و تعدادی از افراد چینی کشته شدند، لیکن چین با اعزام نیروهای نظامی به تبت شورش را به آسانی خفه کرد.

ویرجینیا، ۱۷۸۲
شورای قانونگزاری ایالت، قانونی به‌تصویب رسانید که کلیه‌ی مردان و بردگان را آزاد اعلام کرد.
بریتانیا، ۲۰ ژانویه ۱۷۸۳
بریتانیا با فرانسه و اسپانیا موافقت‌نامه‌ی صلح امضا کرد، به‌شرطی که این ائتلاف در جنگ علیه امریکا بی‌طرف بماند.
لندن، چهارم فوریه ۱۷۸۳
بریتانیا رسماً اعلام کرد که به خصومت خود علیه امریکا پایان داده است.
فرانسه، ۲۳ فوریه ۱۷۸۳
با بحرانی‌شدن اوضاع مالی، لویی شانزدهم کمیته‌یی را به سرپرستی شارل ورژن (Charles Vergennes)، مأمور رسیدگی به وضع اقتصاد کشور کرد.
اروپا، فوریه ۱۷۸۳
اسپانیا، سوئد و دانمارک، استقلال ایالات متحده‌ی امریکا را به رسمیت شناختند.
فیلادلفیا، ۱۱ آوریل ۱۷۸۳
با رسیدن رونوشت موافقت‌نامه‌ی صلح در روز ۱۳ مارس، کنگره‌ی امریکا اعلام کرد که به خصومت با انگلیس خاتمه داده است.
بریتانیا، آوریل ۱۷۸۳
حزب ویگ (Whig) به رهبری چارلز فاکس (Charles Fox) که سابقاً خدمت در کابینه‌ی لرد نورث (Lord North) را پذیرفته بود، اینک در ائتلاف با وی برای سقوط دولت شلبورن (Shelburne) اقدام کرد که منجر به استعفای اعضای کابینه شد. بدین ترتیب ویلیام پورت‌لند (William Portland) به نخست‌وزیری منصوب شد.
روسیه، سوم مه ۱۷۸۳
کاترین دوم به پیروی از افکار دولت‌های روشنفکر اروپایی، رسماً سیستم سرف‌داری را در ایالت اوکراین (Ukraine) لغو کرد.
فرانسه، چهارم ژوئن ۱۷۸۳
برادران مونگولفیه (Montgolfier)، ژوزف، میشل و ژاک اتین (Jacques Etienne)، بالونی با هوای داغ ابداع کردند که جهت پرواز در فضا از آن استفاده شد. در قرن چهاردهم یکی از راهبان فرقه‌ی آگوستین (Augustine) که شیفته‌ی هوانوردی بود و آلبرت (Albert) اهل ساکسونی به این کار اقدام کردند و در قرن هفدهم فرانچسکو دولونا (Francesco de Luna) راهب ژزوئیت بالونی درست کردند که در زیر آن دیگی پر از کاغذ را آتش زدند که حرارت حاصله بالون را به حرکت درآورد.
فرانسه، سوم سپتامبر ۱۷۸۳
با انعقاد عهدنامه‌ی پاریس، به انقلاب امریکا پایان داده شد. انگلیس استقلال امریکا را به رسمیت شناخت، اسپانیا فلوریدا و مینورکا (Minorca) را از انگلیس پس گرفت و فرانسه سنگال (Senegal) و توباگو (Tobago) را تصرف کرد. ایالات متحده حق ماهیگیری بریتانیا را در ساحل کانادای انگلیس تأیید کرد.
ماساچوست، اکتبر ۱۷۸۳
یک زن سیاه‌پوست مدت سه‌سال با نام رابرت شرت‌لیف (Robert Shirtliffe) در ارتش امریکا مشغول خدمت بوده است.
بریتانیا، ۱۹ دسامبر ۱۷۸۳
پیمان ائتلاف فاکس نورث (Fox-North) که منجر به‌قدرت‌رسیدن پورت‌لند در ماه آوریل شد، از هم گسیخت، در نتیجه ویلیام پیت (William Pitt) کوچک‌تر که کم‌سن و سال‌ترین نخست‌وزیر انگلیس تاکنون بود، در سن ۲۴ سالگی زمام امور کشور را در دست گرفت.
ایالات متحده‌ی امریکا، ۱۷۸۳
تخمین زده می‌شود که بیش از یکصدهزار نفر از کسانی‌که به دولت و پادشاهی انگلیس وفادار بودند، پس از شکست نیروهای آن کشور منطقه را ترک کردند. بخشی از آن‌ها به انگلیس مراجعت کردند، لیکن اکثریت عمده‌ی آن‌ها در مناطق نوواسکوتیا (Nova Scotia) و کانادا ساکن شدند و با زمین‌هایی که سران حکومتی به آنان بخشیدند، به‌نام ساکنان جدید در این نواحی زندگانی جدیدی را آغاز کردند.
اسپانیا، ۱۷۸۳
پدرو کامپومان (Pedro Campomans)، حقوقدان و اقتصاددان، ناظر شورای شهر کاستیل (Castile) که از سال ۱۷۶۲ در این مقام بود به ریاست شورای شهر برگزیده شد.

امپراتور کیان لونگ (Qianlong)، دالایی لاما را به‌عنوان رهبر تبت به رسمیت شناخت و هیأت وزیران را تحت نظر او قرار داد، با این همه بدون شک آن کسی که بر تبت حکومت می‌کند، دولت چین است.

با تصویب دربار سلطنتی به نفع بانوان، کشور به لرزش درآمد. (آلمان، ۱۷۵۴):

نخستین زن پزشک به نام دوروتی ارکس‌لبن (Dorothea Erxleben) که تحصیلات پزشکی خود را در دانشگاه هال (Halle) گذرانیده بود، با تصویب فردریک پادشاه آلمان به‌عنوان دکتر شناخته شد. دکتر ارکس لبن ۳۹ ساله که زمانی پرستاری پدرش را می‌کرد، در ۱۲ سال پیشن با گسستن از زندگی خانوادگی و در حالی‌که چهار فرزند داشت، تحصیلات خود را در دانشگاه آغاز و شوهرش او را طلاق داد.

وی پس از آن‌که با مخالفت مردم روبه‌رو شد و او را به خاطر تحصیلاتش محکوم کردند به دانشگاه برگشت و به تحقیقات خود ادامه داد و در این زمان کتاب خود را موسوم به طرز فکر مردم درباره‌ی تحصیلات جنس زیبا در سال ۱۷۴۹ منتشر کرد.

فرانکلین ایالات مستعمره‌ی آمریکایی را به الحاق دعوت کرد. (آلبانی (Albany)، نیویورک، دهم ژوئیه ۱۷۵۴):

در کنفرانسی که امروز با شرکت نمایندگان ۱۳ ایالت و هم‌چنین نمایندگان شش ملّیت ایروکوآ (Iroquois) تشکیل شد، اعلام شد که داوطلبانه ایالات ۱۳ گانه قبولی خود را نسبت به الحاق با یکدیگر ابراز داشتند تا مستعمرات انگلیسی آمریکای شمالی یک‌پارچه شوند، این پیشنهاد با استقبال پرشوری روبه‌رو شد.

این پیشنهاد توسط بنیامین فرانکلین صاحب امتیاز روزنامه‌ی پنسیلوانیا داده شد. او به پشتیبانی دولت انگلیس این پیشنهاد را کرد و غرض انگلیس از آن، این

بود که بتواند مستعمرات خود را بهتر اداره کند و حالت صلح و آرامش را در آنجا ایجاد کرده و سرخ‌پوستان را تحت امر این حکومت قرار دهد. این دولت جدید تحت امر ژنرال رییس جمهور خواهد بود که به تأیید پادشاه انگلیس برسد، و این رییس جمهور در حقیقت نماینده‌ی مستعمرات خواهد شد.

شخص رییس جمهور ایالات حق دارد که تمام اهالی هند غربی (سرخ‌پوستان) تحت امر خود قرار دهد و از سوی پادشاه انگلیس منحصراً این اجازه به او داده می‌شود که زمین‌های سرخ‌پوستان را از آن‌ها بخرد و امور آن‌ها را سامان بخشد. او هم‌چنین اجازه دارد که برای دفاع از سرزمین‌های تحت فرمان خود قلاع نظامی بسازد و حقوق سربازان را پرداخت نماید.

با این وصف، کنفرانس در بعضی امور توفیقی حاصل نکرد و آن این‌که نمایندگان سرخ‌پوستان از ویلیام جانسون (William Johnson) نماینده‌ی پادشاه انگلیس گله داشتند که چرا زبان و گویش سرخ‌پوستان را مطرح نکرده و تنها به امور حکومتی تحت فرمان اشاره کرده که باید اجباراً تابعیت آن‌ها را بپذیرند و منویات قبلی آن‌ها در این کنفرانس به دست فراموشی سپرده شده است.

یکی از هواخواهان سیاست ماکیاولی (Machiavellian) به‌عنوان نخست‌وزیر امپراتریس برگزیده شد. (وین، ژانویه ۱۷۵۳ میلادی):

پرنس ونزل آنتون فون کونیتز (Prince Wenzel Anton Von Kaunitz)، یکی از ماکیاولی‌های شیک‌پوش و ثروتمند که دارای هوش سرشاری بود، به‌عنوان نخست‌وزیر ماری ترز امپراتریس اتریش انتخاب شد، او با این قیافه حق به جانب بی‌رحم و ستمگر بود و در پشت این قیافه انسانی سخت‌گیر و افراطی پنهان بود.

او در یک خانواده اشرافی پیرو کلیسا به دنیا آمد و به دربار امپراتریس راه یافت. در ابتدا وزیر ایالت تورین (Turin) در ایتالیا شد و سپس به‌عنوان نماینده‌ی دولت اتریش در پیمان اکس لاشاپل (Aix-la-Chapelle) شرکت و در سه سال اخیر به‌عنوان سفیر اتریش در پاریس تعیین شد.

نامبرده یکی از دوستان صمیمی مادام پومپادور (Madame de Pompadour) معشوقه‌ی لویی پانزدهم بود، به‌طوری که او را دوست عزیز خطاب می‌کرد. روزی به پومپادور گفت: من برای دو موضوع در اینجا مانده‌ام، نخست آن‌که ملکه به من علاقه دارد و من وظیفه دارم که کار خود را به خوبی انجام دهم و این برایم شادی‌آفرین است و دیگر این‌که من علاقه‌مندم که مورد شور و مشورت واقع شوم. من دو شخصیت دارم، یکی در خدمت پادشاه و دیگری در خدمت معشوقه‌ام و من در عین حال در خدمت هر دو خواهم بود.

در این زمان، نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد که اروپاییان با جنگ دیپلماسی در نظر دارند اغتشاشاتی در اتریش علیه ماری ترز به‌وجود آورند، در حالی‌که اتریش فرانسه را خصم خود نمی‌داند، بلکه پروس را دشمن خود می‌خواند.

انتشار تقویم جدید در انگلیس غوغا برپا کرد. (لندن، ۱۷۵۲):

با تصویب پارلمان، تقویم گریگوری (Gregory) جایگزین تقویم ژولیان گردید، امّا این امر مردم را به شدّت عصبانی نمود. مردم با داد و فریاد می‌گفتند ما چگونه ۱۱ روز به عقب برگردیم.

در سال ۱۵۸۲ زمانی‌که پاپ گریگوری تقویم جدید را از تقویم ژولیان که در سال ۴۵ پیش از میلاد به‌وجود آمده صحیح‌تر دانست، بریتانیا آن را نپذیرفت و ۱۱ روز از کاتولیک‌ها عقب افتاد، در حالی‌که کشورهای پروتستان‌مذهب تقویم گریگوری را مورد استناد قرار دادند.

این تغییر جدید به پیشنهاد جورج پارکر (George Parker)، اخترشناس و ارل منطقه ماکلس فیلد (earl of Macclesfield) انجام شد و در مجلس لردان به

پاریس، ۱۷۸۳
ژان لو روند دالمبر (Jean le Rond d' Alembert) ریاضیدان و فیلسوف فرانسوی، جهان را ترک گفت. وی که شخصی دانشمند و واقف به علم لغت فرانسه بود، با همکاری دیدرو به تنظیم لغت‌نامه‌ی فرانسه مبادرت ورزیدند.
نیویورک، ۱۷۸۳
نوح وبستر (Noah Webster) جوان ۲۵ساله‌ی امریکایی، کتاب الفبایی لغات امریکایی را تهیه و تنظیم کرد. به اعتراف وی این نخستین فرهنگ امریکایی است که او از کتاب لغات انگلیسی استخراج کرده و تلفظ کلمات و شرح آن‌ها را بیان کرده است.
آنگولا، ۱۷۸۳
پرتغالی‌ها اسکله‌یی در منطقه‌ی کابیندا (Cabinda) در ساحل شمالی رودخانه‌ی کنگو (Congo) بنا کردند.
مریلند، ۱۷۸۳
این ایالت هم به پیروی از ایالات شمالی، تجارت و دادوستد برده را تحریم کرد.
اسپانیا، ۱۷۸۳
فرانسوا دوکا باروس (Francois de Cabarrus) کارشناس امور مالی، بانکی موسوم به سن‌کارلوس (San Carlos) تأسیس کرد.
اتریش، ۱۷۸۳
ژوزف دوم امپراتور اتریش طرح اصلاحات کلیسا را برخلاف عقیده‌ی فرقه‌های مذهبی ادامه می‌دهد. وی هم‌چنین تغییراتی در اقتصاد به‌وجود آورد، عوارض خصوصی را لغو کرد و نرخ خرید و فروش کالاهای ساخته‌شده را به نرخ روز تعیین کرد.
فرانسه، ۱۷۸۳
آنتوان لوران لاووازیه (Antoine Laurent Lavoisier) شیمیدان فرانسوی، از ترکیب اکسیژن و هیدروژن آب به‌وجود آورد.
پروس، ۱۷۸۳
امانوئل کانت (Immanuel Kant) فیلسوف آلمانی، مقدماتی بر متافیزیک (ماورای طبیعت) نوشت.
بوهم (Bohemia) (چکوسلواکی) (Czechoslovakia)، ۱۷۸۳
شورش دهقانان بوهم که جهت اصلاحات ارضی برپا شده بود، در هم شکست.
اتریش، ۱۷۸۳
موزارت سمفونی ماژور (Symphony Major) را تکمیل کرد.
استانبول، هشتم ژانویه ۱۷۸٤
ورژن (Vergennes) وزیر امور خارجه‌ی فرانسه، با منازعات طولانی یک منطقه‌ی مسکونی جهت اقامت فرانسویان در شبه‌جزیره‌ی کریمه بین مناطق تحت نفوذ روسیه و عثمانی ایجاد کرد. در سال گذشته روس‌ها به‌سهولت به این منطقه نفوذ کردند. این کار برخلاف پیمان ۱۷۷۹ بود که طرفین موافقت کرده بودند شبه‌جزیره‌ی کریمه عاری از نیروهای نظامی باشد. ترک‌ها هم به‌ناچار اکنون این قضیه را مورد تعقیب قرار داده‌اند.
فرانسه، ۱۸ ژانویه ۱۷۸٤
با تعیین شارل آلکساندر دوکالون (Charles Alexandre de Calonne) در روز سوم نوامبر ۱۷۸۳ به‌عنوان وزیر دارایی، وی به شورای سلطنتی پیوست و به‌عنوان وزیر کشور هم منصوب شد.
نیویورک، ۲۲ فوریه ۱۷۸٤
کاپیتان جان گرین (john Green) به‌منظور سفر به چین و آغاز گفت‌وگوهای بازرگانی بین دو کشور، ناوگان خود را تجهیز کرد.
هندوستان، ۱۱ مارس ۱۷۸٤
تیپوصاحب (Tipu Sahib) پسر حیدرعلی سلطان میسور (Mysore)، در منطقه‌ی مانگالور (Mangalore) قراردادی با انگلیس امضا کرد و به جنگ دوم میسور خاتمه داد. طرفین مناطق فتح‌شده‌ی یک‌دیگر را به‌رسمیت شناختند.
بریتانیا، ۲۵ مارس ۱۷۸٤
با رد اعلامیه‌ی ویلیام پیت نخست‌وزیر بریتانیا توسط پارلمان، مبنی بر این‌که بایستی کمپانی انگلیسی هند شرقی تحت کنترل دولت قرار گیرد، وی پارلمان را منحل کرد.
مریلند، ۲۳ آوریل ۱۷۸٤
توماس جفرسون (Thomas Jefferson) پیش‌نویس قانون اساسی ده ایالت جدید امریکا را در سه ایالت نیویورک، کانکتیکت (Connecticut) و ویرجینیا منتشر کرد.

پیشنهاد لرد چسترفیلد (Lord Chesterfield) مورد تصویب قرار گرفت.

فرانکلین، بادبادک (کایت) خود را در هوای توفانی به آسمان فرستاد. (فیلادلفیا، ۱۷۵۲):

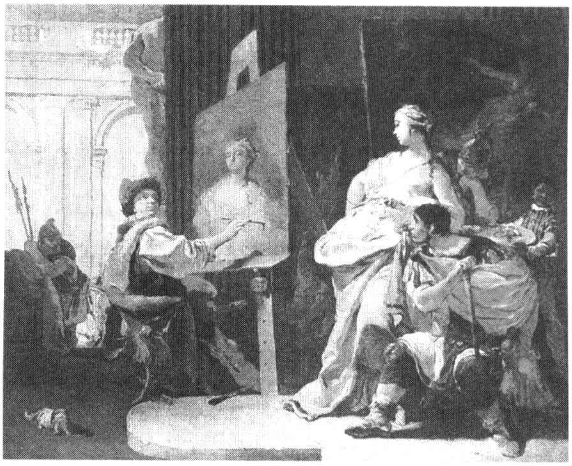
در جریان باد و توفان اخیر، بنیامین فرانکلین، سیاستمدار و مخترع آمریکایی یک بادبادک را که قسمت بالای آن فلزی بود به هوا فرستاد. این کایت توسط ریسمانی مهار شده و سر ریسمان در دست فرانکلین بود. در این هنگام، برق و صاعقه ریسمان را از دست فرانکلین خارج ساخت و بادبادک به شدّت به زمین پرتاب شد. در این حال او گفت که برق صاعقه نیرویش از ریسمان زیادتر بوده و الکتریسیته در اثر تماس با فلز بادبادک، آن را پرتاب کرده است.

فرانکلین می‌دانست که برق صاعقه در اثر برخورد با فلز ایجاد الکتریسیته می‌کند و ممکن است خطراتی برای انسان ایجاد کند، پس باید افراد در مواقع رعد و برق اجسام هادی الکتریسیته همچون فلزات را از دسترس خود دور رساند، چون الکتریسیته به‌وجود آمده باعث مرگ انسان می‌شود.

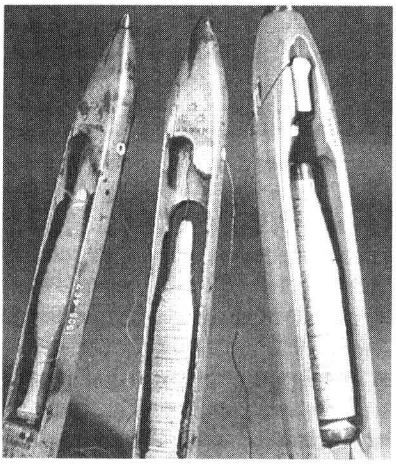
زلزله، سیل و آتش‌سوزی در شهر لیسبون ویرانی‌هایی ایجاد کرد. (لیسبون، نوامبر ۱۷۵۵):

زلزله‌ی هولناکی سراسر شهر لیسبون (Lisbon) را فراگرفت. در حدود ده هزار نفر را به هلاکت رسانید و سه چهارم ساختمان‌های شهر را به تلی از خاک و سنگ مبدّل کرد. پیش از این قرار بود برطبق نظریه‌ی مانوئل دو مایا (Manuel de Maia) مهندس ارتش، شهر جدیدی بنا شود.

زلزله زمانی روی داد که بخش اعظم مردم در کلیساها گرد آمده و مشغول انجام مراسم مذهبی بودند. این زلزله در حدود ۹ دقیقه به طول انجامید. در همین هنگام به علّت بسته شدن رود تاگوس، آب سراسر شهر را گرفت و جریان آب به‌صورت چرخان وارد شهر شد و بقایای ساختمان‌ها را هم ویران کرد و سیل عظیمی در



آلکساندر و کامپاسپ Alexander and Campaspe در کارگاه نقاشی آپل Apelles، ترسیم از تیه پولو Tiepolo.



شاتل پرنده، ساخت کای Kay.



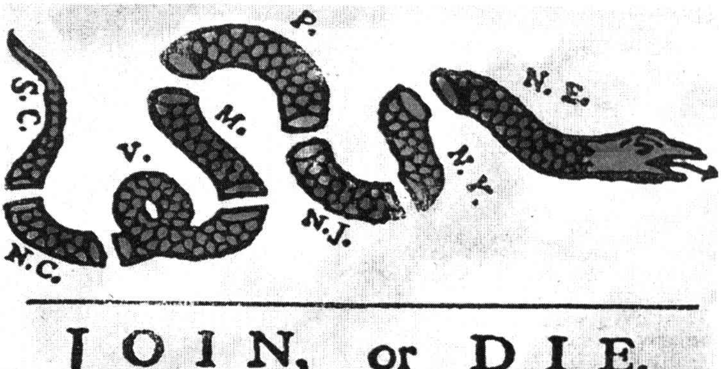
بنیامین فرانکلین Benjamin Franklin در حال آزمایش دستگاه لیتوگراف.



آنتون فون کونیتز Anton Von Kaunitz ، کنت ونزل Cont wenzel.



مجسمه ی برنزی از موجود فوق بشری آدی بودا Adi Buddha ساخت تبت با زنی که هم یار او بوده است.



یا مرگ یا الحاق، نقل از روزنامه ی امریکایی کارتن سیاست در پنسیلوانیا Pennsylvania.

پاریس، ۲۷ اوریل ۱۷۸٤
بومارشه (Beaumarchais) نمایش کمدی «عروسی فیگارو (Figaro)» را در کمدی‌تئاتر فرانسه به‌اجرا گذاشت. اجرای این نمایش در پی گفت‌وگوهای چهارساله که بین درام‌نویس با بازرسان و مأموران سانسور نمایشات انجام شد که نویسنده تمام قسمت‌های ممیزی را اصلاح کرد و از دستور آنان اطاعت کرد، مع‌هذا لویی شانزدهم آن را تحریم کرده و خلاف اخلاق و عفت عمومی اعلام کرد، چون گفته شد که این کمدی داستان نوکری برازنده و خوش‌اندام بود که به مراتب از ارباب خود باهوش‌تر بود.

بریتانیا، ۱۸ مه ۱۷۸٤
با انتخاب اعضای جدید پارلمان، ویلیام پیت اختیارات بیش‌تری کسب کرد. پارلمان قبلی در ماه مارس منحل شده بود.

فرانسه، ۲۰ مه ۱۷۸٤
با امضای پیمان صلح ورسای، به جنگ بین انگلیس و هلند که بر اثر کمک هلند به انقلابیون امریکا درگرفته بود، پایان داده شد. هلند ناحیه‌ی نگاپاتام (Negapatam) واقع در کرانه‌ی جنوب‌شرقی هند را به انگلیس واگذار کرد.

پاریس، مه ۱۷۸٤
در پی اجرای نمایش «عروسی فیگارو» بومارشه به‌علت این کار مورد تعرض قرار گرفت و در زندان سن‌لازار (Saint Lazare) محبوس شد، لیکن چون مردم به این امر اعتراض کردند و دست به قیام علیه حکومت زدند، وی پس از پنج‌روز آزاد شد.

انگلیس، ۱۳ اوت ۱۷۸٤
تصویب‌نامه‌یی که پس از گشوده‌شدن پارلمان در ماه مه بلافاصله اجرا شد، به‌صورت قانون موسوم به هند درآمد. با اجرای این قانون، تصویب‌نامه‌یی که در سال ۱۷۷۳ به‌اجرا گزارده شده بود، قطعیت یافت و آن مصوبه اصلاح شد و کمپانی هند شرقی تحت کنترل دولت بریتانیا قرار گرفت، لیکن این امر باعث شد که مقام فرماندار کل به دولت مستقل تبدیل شود و چون وارن هاستینگ (Warren Hastings) پست پیشین خود را با عنوان فرماندار داشت، به انگلیس احضار شد تا دولت بریتانیا پست جدیدی در هندوستان به‌وجود آورد.

فیلادلفیا، ۲۱ سپتامبر ۱۷۸٤
برای نخستین‌بار دو روزنامه‌ی پاکت (Packet) و دیلی (Daily) در این ایالت منتشر و در خیابان‌ها به مردم عرضه شد.

اتریش ـ هلند، ۱۸ اکتبر ۱۷۸٤
تصمیم یک‌جانبه‌ی ژوزف دوم امپراتور اتریش در مورد گشودن راه‌ابی رود اسکوت (Escaut)، سبب راهبندان در این رودخانه شد، چون این امر بدون توافق انگلیس و تنها با اراده‌ی اتریش انجام شده بود.

انگلیس، ۱۳ دسامبر ۱۷۸٤
ساموئل جانسون (Samuel Johnson) شاعر و واژه‌نگار و انتقادگر انگلیسی، در سن ۷۵ سالگی از دنیا رفت. او بیش‌تر عمر خود را در کار ادبیات، روزنامه‌نگاری و رسوخ در علم سپری کرد و منبع درآمد دیگری برای اعاشه‌ی زندگی نداشت، از این جهت دربار سلطنتی سالی سیصد لیره برای او مقرری تعیین کرد، مع‌هذا این پول کفاف زندگانی و موقعیت وی را نمی‌داد و همواره با فقر و فاقه مالی دست به گریبان بود، بدین جهت دربار را ترک نمود و با نبوغ و سبک روانی که در سرودن شعر داشت، گوشه‌گیری اختیار کرد. به‌نظر می‌رسد که بزرگ‌ترین اثر باقی‌مانده از وی، تألیف فرهنگ زبان انگلیسی می‌باشد که مدت هشت‌سال صرف نگارش آن شده، بود.

پاریس، دسامبر ۱۷۸٤
ژاک نکر (Jacques Necker) وزیر دارایی منتقد و شورشگر فرانسه که پیش از شارل کالون (Charles Calonne) عهده‌دار این سمت بود، مقاله‌یی موسوم به «مدیریت مالی فرانسه» نگاشت.

اتریش، ۱۷۸٤
ژوزف دوم سازمان اداره‌ی کلیساها را در تمام ایالات کشور تغییر داد و اوضاع سابق این مکان‌های مقدس را دگرگون ساخت.

ایالات متحده، ۱۷۸٤
اتان آلن (Ethan Allen) کتابی موسوم به «انگیزه‌ی تنها مرد پیشگو یا علت معجزه‌ی مرد الهی» را منتشر ساخت. این اولین کتاب ضدمسیحیت است که در امریکا به‌چاپ رسیده است.

شهر جاری شد. در همین زمان، علاوه بر زلزله و سیل، حریق بزرگی هم در شهر ایجاد شد که مدّت شش روز ادامه داشت. شهر لیسبون یکی از شهرهای ثروتمند اروپا می‌باشد و در حدود ۲۵۰ هزار نفر جمعیت داشت.

علوم تجربی روشنگر علوم نظری است. (پاریس، ۱۷۵۴):

اتین بونو (Etienne Bonnot) که یکی از صاحب‌نظران علم تجربی می‌باشد، می‌گوید، هرچند علم فلسفه برای پیشبرد علوم از جایگاه والایی برخوردار است، اگر با دقّت به این علم بنگریم، خواهیم دید که فلسفه در پیشرفت علوم بسیار مؤثر بوده است، لیکن این علوم تجربی است که روشنگر فلسفه می‌باشد و تجربه به فهم و درک علم نظری کمک فراوانی می‌کند.

بونو در این اواخر، رساله‌یی درباره‌ی درک و احساس انتشار داده و می‌گوید سرچشمه و منبع علوم از احساس می‌باشد و این درک و احساس است که به فهم علوم می‌انجامد، یادگیری علم در حقیقت واکنشی است از آنچه انسان حس و درک می‌کند.

بونو برای اثبات مدعای خود از یک سری خوانندگان نظریات خود دعوت کرد که یکی از احساسات خود مانند بویایی را مورد آزمایش قرار دهند و سپس حس چشایی و سایر احساسات پنج‌گانه‌ی آن‌ها را امتحان کرد و پس از آن این طور بیان کرد که برای درک هر حسی مرکز مخصوصی در مغز وجود دارد. سپس چنین نتیجه گرفت که از ترکیب این حس‌ها قوه دراکه حاصل می‌شود و علل و عوامل آن به قضاوت و داوری فرد موکول خواهد شد که چطور از این احساسات بهره‌برداری می‌کند. دکارت با نتیجه‌گیری از این عقاید نظریه‌ی خود را راجع به خداشناسی و این‌که همه چیز از خداوند منشاء می‌گیرد را پایه و اساس درک انسان از طبیعت می‌دانست و بونو با پیروی از افکار وی علم را نتیجه‌ی حس و شعور انسان می‌داند.

نجیب‌زاده‌یی که مخالف اعطای حقوق پادشاهان از سوی خداوند بود، در پاریس درگذشت. (پاریس، دهم فوریه ۱۷۵۵):

بارون دو مونتسکیو (Baron de Motesquieu)، یکی از فیلسوفان فرانسوی که همواره مخالف فرمانروایی پادشاهان که خود را منتسب به خداوند می‌دانستند و آن را عطیه‌یی خداوندی می‌شمردند که به آن‌ها ارزانی شده و بدین وسیله به شهرت رسیده بود، درگذشت.

او در سال ۱۶۸۹ متولّد شد و با نوشتن کتاب روح‌القوانین به شهرت رسید، در حالی‌که تا سال ۱۷۴۸ نویسنده‌یی گمنام بود. هرچند که این کتاب توسط کلیسا تحریم شد، ولی او در طی دو سال، ۲۲ جلد کتاب تألیف کرد.

مونتسکیو، سال‌ها با قدرت مطلقه‌ی پادشاهان که آن را علطیه‌ی الهی می‌شمردند، در کشمکش بود و منطق وی این بود که هر کشوری دارای عادات و رسوم، آب و هوا و مذاهب مختلفی می‌باشد و سابقه‌ی تاریخی معینی دارد، چگونه است که هر کس به قدرت می‌رسد، قدرت خود را از سوی خدا می‌داند و مخالفت با او مخالفت با خدا به حساب می‌آید.

قوانین و مقرراتی که برای کشور مستحسن است، ممکن است برای کشور دیگری بد و زشت به حساب آید، مگر تمام کشورها یک دست است که خاوند برای حکومت بر آن‌ها فردی را تعیین کند و با مرگ هر فرمانروا، حاکم بعدی هم خود را سایه‌ی خداوند و ظل‌الله می‌شمارد.

او در طی دو سال تحقیق درباره‌ی قانون مشروطیت کشور انگلیس، آن را قابل قبول دانست و می‌گفت، دین، شیوه‌ی حکومتی و آزادی بستگی به ناحیه دارد و در آب و هوای سرد مردم ناشکیبا می‌شوند و حاکمان ظالم و ستمگر همواره مردم را به غفلت می‌کشانند. از جمله نوشته‌های مونتسکیو، کتابی است که او درباره‌ی جامعه فرانسه نوشته و آن را به سخره گرفته است.

نیروهای انگلیس در امریکای شمالی توسط لشگریان فرانسوی از پا درآمدند. (امریکای شمالی، ۱۳ ژوئیه ۱۷۵۵):

دولت انگلیس که تلاش می‌کرد از توسعه‌ی نفوذ فرانسه در امریکای شمالی جلوگیری و شاید بتواند دست و پای آن دولت را در این منطقه جمع کند، در ناحیه‌ی دره‌ی رود اوهایو از نیروهای فرانسه شکست سختی خورد، در حالی‌که این دره جایی بود که طرفین می‌خواستند قدرت یک‌دیگر را بیازمایند.

در اوایل همین ماه، لشگریانی مرکب از نیروهای دولتی انگلیس و مستعمرات آن، برای تسخیر دوباره‌ی ناحیه‌ی دوکونه (Duquesne) (پیتزبورگ Pittsburgh) که سال گذشته توسط فرانسوی‌ها اشغال شده بود، اعزام شدند. در همین حال، یعنی اروز نهم ژوئیه، لشگریانی مرکب از مردان جنگی فرانسه و هندیانی که تحت تابعیت آن‌ها بودند، در هفت مایلی جنوب بندر در کمین بودند و به مجرد رسیدن نیروهای انگلیس، در حدود دوسوم از نیروی یک‌هزار نفری آن‌ها را کشته و یا زخمی کردند، به‌طوری که ادوارد برادوک (Edward Braddock)، فرمانده‌ی آن، به سختی زخمی شد و امروز درگذشت.

اکنون فرماندهی قوای انگلیس به سرهنگ دوم ۲۳ ساله، جورج واشینگتن محول شده. واشنگتن که یکی از افسران کارآمد می‌باشد، بلافاصله دستور عقب‌نشینی صادر کرد و برای گریز از معرکه‌ی جنگ، دو رأس اسب در زیر پای او سقط شدند. (او مدت دو ساعت در زیر رگبار گلوله قرار داشت و چهار گلوله هم کتف او را سوراخ کرده بود.)

سال گذشته، فرماندار ویرجینا، جورج واشنگتن را به قصد جاسوسی و جداکردن بنادری که مستعمره‌چیان انگلیس ادعای مالکیت آن را داشتند، فرستاده بود، و بدین‌وسیله جرقه‌ی شروع جنگ در همان زمان آغاز شد.

الاسکا، ۱۷۸٤
روسیه نخستین منطقه‌ی مسکونی را در جزیره‌ی کودیاک (Kodiak) آلاسکا واقع در شمال امریکا تأسیس کرد. این مکان که تا به حال مسکن تعداد بی‌شماری خرس قطبی و تعدادی اندک از افراد اسکیموی (Eskimos) امریکایی بود، اکنون مسکن روس‌هاست که در سراسر جزیره سرگردان و در حال حرکت برای شکار هستند.

ایالات متحده، ۱۷۸٤
یک حالت رکود اقتصادی که در جامعه‌ی امریکا در حال تکوین است، احساس می‌شود.

فرانسه، هفتم ژانویه ۱۷۸۵
ژان بلانشار (Jean Blanchard) فرانسوی و جان جفری (John Jeffries) انگلیسی دوبار با بالون از کانال مانش عبور کردند.

پاریس، ١٤ آوریل ۱۷۸۵
کالون (Calonne) ناظر کل مالی فرانسه، کمپانی فرانسوی هند را بازسازی کرد.

فرانسه، یکم اوت ۱۷۸۵
با موافقت پادشاه فرانسه، ژان فرانسوا دو لا پروس (Francois de la Perouse) جهت توسعه‌ی بازرگانی و دادوستد پوست خز با چین و ژاپن به اقیانوس آرام مسافرت کرد.

فرانسه، ۱۷ ژوئیه ۱۷۸۵
بنا به دستور شورای عالی بازرگانی، واردات کالا از بریتانیا محدود شد.

پاریس، هشتم نوامبر ۱۷۸۵
موافقت‌نامه‌ی صلح فونتن‌بلو (Fontainebleau) تحت نظارت دولت فرانسه بین امپراتور ژوزف دوم و هلند به‌امضا رسید. منازعه بین دو کشور در نتیجه‌ی این بود که هابسبورگ (Habsburgs) سعی می‌کرد کهاب رود شلدت (Sheldt) را به روی کشتی‌های اتریش باز کند و با فشاری که ایجاد می‌شود، کشتیرانی در این رودخانه مشکل می‌نمود و این برخلاف قرارداد مونستر (Munster) در سال ۱۶۴۸ بود. هلند کشتیرانی جهت حمل کالا در رودخانه‌ی شلدت را حق انحصاری خود می‌دانست و از دولت فرانسه درخواست کرد که در این مورد از او پشتیبانی کند. با بسته‌شدن این قرارداد، اتریش سرزمین‌های برابانت (Brabant) و لیمبورگ (Limburg) را باز یافت و کنترل کامل رود شلدت را در بالای سانف تینگن (Sanftingen) در دست گرفت، به‌علاوه مبلغ ده‌میلیون فلورن بابت ادعای تسلیم ماستریخت (Maastricht) دریافت داشت.

بریتانیا، ۱۷۸۵
جیمز ویلموت (James Wilmot) از اهالی وارویک شایر (Warwickshire) جهت قدردانی از ویلیام شکسپیر نمایش نامه‌نویس انگلیسی، نامه‌یی به فرانسیس بیکن (Francis Bacon) ویسکونت سنت آلبان (Viscount St Albans) نوشت.

پروس، ۱۷۸۵
امانوئل کانت (Immanuel Kant) فیلسوف آلمانی، کتابی در مورد اصول و پایه‌های اعتقادی ماورای طبیعه به رشته‌ی تحریر درآورد.

بریتانیا، ۱۷۸۵
وارن هاستینگ (Warren Hasting) فرماندار کل هند، بنا به دستور مقامات بلندپایه‌ی بریتانیا از پست خود استعفا داد و به بریتانیا بازگشت.

نیویورک، ۱۷۸۵
ایالت نیویورک هم به قانون منع برده‌داری پیوست.

هلند، ۱۷۸۵
وضعیت انحصاری کمپانی هند شرقی هلند به‌پایان رسید.

بریتانیا، ۱۷۸۵
بنا به پیشنهاد لیدی (خانم) اوستن (Lady Austen)، ویلیام کوپر (William Cowper) کتابی به‌نام «وظیفه» مربوط به بستگی طبیعت و مذهب به‌نگارش درآورد.

فرانسه، ۱۷۸۵
پی‌یر سیمون دو لاپلاس (Pierre Simon de Laplace) ستاره‌شناس فرانسوی، نظریه‌ی جدیدی درباره‌ی حلقه‌های نورانی اطراف ستاره‌ی مشتری بیان داشت. به اعتقاد او تعداد بی‌شماری حلقه در پیرامون این سیاره وجود دارد که هیچ‌کدام از آن‌ها به حالت جامد نیست.

معشوقه‌ی بافرهنگ لویی پانزدهم، خشم مردم فرانسه را برانگیخت. (فرانسه، ۱۷۵۵):

مردم فرانسه، یک‌پارچه، از اعمال احمقانه و غیرعادی لویی پانزدهم درباره‌ی مادام دو پمپادور (Madame de Pompadour)، معشوقه‌ی زیبای او، متحیرشده و دست به اعتراض زدند. در حالی‌که اقتصاد فرانسه در حال نابودی است، آن‌ها اقدام به ولخرجی‌هایی کرده و لویی کاخی اختصاصی با مبلمان گران‌قیمت و تابلوهای هنری برای او تهیه کرده است.

در سال ۱۷۴۵، هنگامی‌که لویی ولیعهد فرانسه بود و قصد ازدواج داشت، در یک شب با لماسکه پمپادور در حالی‌که لباس الهه‌ی دیانا (Diana) را در برداشت، لویی را با عشوه‌های خود فریفت، لیکن پس از مدت کوتاهی، دوشس شاتورو (Duchess de chateauroux)، نامزد مورد دلخوه لویی، از دنیا رفت. پادشاه هم پومپادور را به قصر ورسای برد و به‌عنوان معشوقه‌ی دوم خود و ملکه‌ی فرانسه معرفی کرد.

او در سال ۱۷۲۱، به‌نام ژانه پوآسون (Jeanne Poisson) به‌دنیا آمد. پدرش یک نفر منشی بود. وی در نزد مادرش پومپادور تربیت شد و چون مادرش نام پومپادور را دوست داشت، وی را به این نام نامید، در تحصیلات همواره موفق بود و به یک زن بافرهنگ مبدل شد، او عاشق و شیفته‌ی موسیقی و هنر بود. او حامی ولتر، مونتسکیو (Montesquieu) و روسو (Rousseau) بود و گفته می‌شود که یکی از پشتیبانان سلطنت و خانواده‌ی سلطنتی می‌باشد و دوست و یاور شاه است و همواره سعی می‌کند به استقرار سلطنت فرانسه کمک کند.

قهرمان فرانسوی هندوستان در جریان پیمان صلح فدا شد. (پوندیچری، هندوستان، ۱۷۵۴):

مارکی دوپلکس (marquis Dupleix)، فرماندار قدرتمند منطقه‌ی هندی تحت اشغال فرانسه، در جریان عقد پیمان صلح اروپا قربانی شد. او با جسارت خود از طرف دشمن خود، انگلیس هم قدردانی شده بود. او با

جثه‌ی نحیف و لاغر خود، کاردانی و لیاقت خود را در کنترل قسمت جنوبی هند نشان داده بود.

از سال ۱۷۴۲ که دولت‌های انگلیس و فرانسه درگیر جنگ شدند، او با وجود این‌که سرباز و نیروی جنگی نداشت، با کمال زیرکی و لیاقت، خود را در تحت حمایت شاهزادگان هندی قرار داد و از آن‌ها درخواست یاری کرد و از سربازان آن‌ها سپاهی تشکیل داد و با این سپاه مدرس را تصرف کرد. با این وجود، انگلیس با تجهیز سپاه خود به فرماندهی رابرت کلایو (Robert Clive)، بار دیگر مدرس را از نیروهای فرانسوی پس گرفت و در این موقع دریافت که اکنون با دشمنی مواجه شده که از حیث لیاقت و کاردانی با وی هم‌آورد است. کلایو توانست در عرض ۵۰ روز، منطقه‌ی آرکوت (Arcot) را اشغال کرده و این شهر دارای موقعیت استراتژیکی را از دست دوپلکس خارج سازد، لیکن این پیروزی مفت به‌دست نیامد و دولت فرانسه هم برای عقد قرارداد صلح وی را فدا نمود.

روشنایی و راحتی، از جمله مواردی است که در داخل کاخ‌های سلطنتی به آن توجه می‌شود، در حالی‌که قبلاً به آن توجه نمی‌شد. (پاریس، ۱۷۵۴):

با تغییراتی که لویی پانزدهم در کاخ ورسای که در زمان لویی چهاردهم ساخته شده بود، داد، جنبه‌ی انسانی و ظرافت آن بیش‌تر مورد عنایت قرار گرفت. این تغییرات که در نمای ساختمان و تزیینات باغ و اطراف بنا انجام شد، با توافق ژاک آنژه گابریل (Jacques Ange Gabriel)، معمار کاخ، صورت گرفت. تغییرات صورت‌گرفته بیش‌تر مولود طرز تفکر انگلیسی بود که اصول نیاکان و پیشینیان را مورد توجه قرار می‌دهند تا مناظر طبیعت را به چشم بیننده به‌نمایانند و بیننده خود را در طبیعت احساس کند.

تالار مرکزی که محل اجتماعات است، دیوارها نقشی از چهارپایان در محوطه‌ی سبز و پرگیاه با چوپانانی که نی می‌زنند و آواز می‌خوانند و پانل‌هایی با تصاویری از میمون‌ها نمایانده شده، مبل‌ها و صندلی‌ها با رنگ‌های روشن و بسیار راحت و با نقش‌هایی زیبا مصور شده است. پارچه‌های رومبلی که با طرح‌هایی هنرمندانه و نقش‌هایی با رنگ شاد تزیین شده‌اند. فرش کف تالار با مناظری از کارخانه صابون‌پزی با تزییناتی از برگ‌های کنگر مفروش شده است.

اتاقی برحسب عادات و رسوم معموله، برای بانوان با میز توالت و وسایل آرایش در گوشه‌ی تالار بنا کرده‌اند.

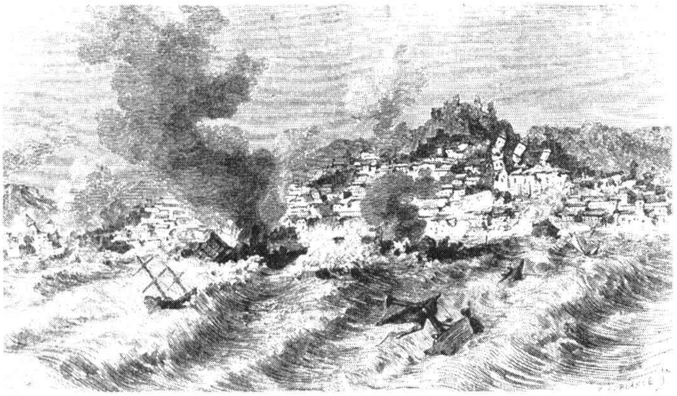
رنگ میزهای کار، زرد طلایی با روکشی از چوب آبنوس که گوشه‌های آن مرصع می‌باشد و پایه‌های مبل‌ها از برنز به حالت منحنی و خمیده ساخته شده است. یکی از مجلل‌ترین و باشکوه‌ترین تابلوهایی که در این تالار نصب شده، شاهکاری از ژان فرانسوا اوبن (Jean Francois Oeben) است که برای لویی پانزدهم ترسیم شده است.

تنظیم‌کننده‌ی آهنگ موسیقی (مسیح) در سن ۷۴ سالگی درگذشت. (لندن، چهاردهم آوریل ۱۷۵۹):

جورج فردریک هندل (George Frideric Handel) که در موسیقی انگلیس جایگاه بسیار ارزنده‌یی داشت و مدت ۳۰ سال دارای مقامی رفیع در هنر بود، امروز جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. جسد او را قرار است در کلیسای وست مینستر (Westminster Abbey) دفن کنند.

هندل هم مثل باخ (Bach) (آن‌ها هرگز همدیگر را ندیده بودند)، در سال ۱۶۸۵ در بخش شرقی آلمان متولد شد. بنابراین مدارج مختلف را به سرعت پیمود. باخ در آلمان باقی ماند، امّا هندل به ایتالیا سفر کرد و در سال ۱۷۲۷ به انگلیس آمد و تبعه‌ی این کشور شد.

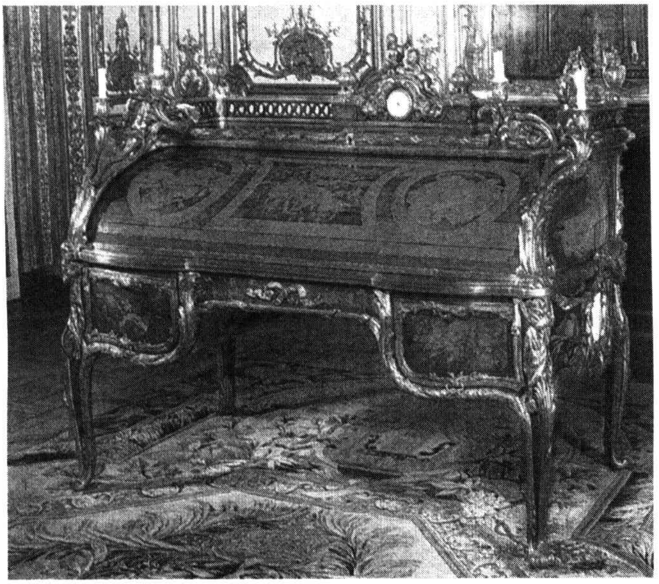
باخ تقریباً هیچ آهنگی به‌صورت اپرا نساخت، در حالی‌که هندل حدود ۴۰ اپرا تنظیم کرد که یکی از آن‌ها درد و رنج مسیح به‌صورت خطابه بود.



تصویری از ویرانی زمین لرزه ی شهر لیسبون، نقل از لوموند ایلوستر Le Monde Illustre.



شمعدان تزئینی از کریستال، نقاشی از کلود دو ویویه Claude Duvivier.



مبل چرخان و بسیار زیبای لویی پانزدهم، نقاشی از ژ.اف اوبن JF Oben که در این اواخر توسط ژ. اچ ریزنر JH Riesener تکمیل شده.



مادام پومپادور Mme Pompadour، معشوقه ی لویی پانزدهم، نقاشی از بوشر Boucher.



تصویر مارکی دوپله Marquis of Dupleix.

هندل برحسب موقعیت آهنگ می‌ساخت، از آن جمله موزیک بر روی آب و دیگری آهنگی برای تاج‌گذاری، که در سال ۱۷۲۷ آن را تنظیم نمود.

این آهنگ تاج‌گذاری، یادبودی از جورج دوم بود که توسط دسته‌ی کر که آهنگ مسیح را اجرا کرد، تنظیم شده بود و خاطرات شاه را من‌جمله اصل و نسب و مولد او را به‌یاد می‌آورد.

اسکارلاتی، آهنگ‌ساز دربار اسپانیا، درگذشت. (مادرید، ۲۳ ژوئیه ۱۷۵۷):

دومنیکو اسکارلاتی (Domenico Scarlatti) در سن ۷۱ سالگی از دنیا رفت. وی نیز مانند دو آهنگ‌ساز بزرگ اروپایی (باخ و هندل)، در سال ۱۶۸۵ به‌دنیا آمد، او پسر آلساندرو اسکارلاتی (Alessandro Scarlatti) (۱۶۶۰ـ۱۷۲۵) بود و در شهر ناپل متولد شد.

اسکارلاتی مدت ۱۵ سال در دربار ناپل آهنگ‌ساز و مدیر اجرا بود. وی از سال ۱۷۰۷ تا ۱۷۱۹، در رم به ساختن آهنگ مشغول بود و پس از مدت کوتاهی به شهر سیسیل در خدمت دربار ژان پنجم پادشاه پرتغال درآمد. پادشاه پرتغال هم که او را امین خود می‌دانست، دختر خود را به او سپرد تا وی را به اسپانیا برده و مراسم نامزدی این دختر را با ولیعهد اسپانیا در سال ۱۷۲۹ انجام دهد.

یکی از کارهای عمده‌ی اسکارلاتی، تنظیم صدها ردیف نت موسیقی برای اهدا به پرنسس بود و این کار باعث شهرت وی شد و وی را در ردیف بزرگ‌ترین آهنگ‌سازان اروپایی قرار داد.

ریاضی‌دان سویسی در علم حساب به پیشرفت‌های شایانی نایل شد. (برلین، ۱۷۵۵):

لئونارد اولر (Leonard Euler)، یکی از دانشمندان ریاضی آلمانی، علاوه بر تحقیقاتی که در علم ریاضی انجام داده و به پیشرفت‌های شگرفی دست یافت، در خارج از دانشگاه صدها مقاله و کتاب درباره‌ی علم منطق و علوم مختلفه، اجسام منفجره‌ی پرتاب‌شونده و توپ‌های جنگی، کشتی‌سازی، اجسام دوار و دریانوردی از نظر فنی مهندسی تألیف کرد. امّا یکی از کارهای درخشان او، تحقیق و تتبع درباره‌ی حساب دیفرانسیل است وی بدین‌وسیله نشان داد که یکی از درخشان‌ترین چهره‌های علم ریاضی پس از نیوتون (Newton) می‌باشد. اولر با نوشتن کتاب ریاضی خود، بسیاری از مشکلات علم ریاضی و مکانیک را حل کرد. این کتاب شامل مسایل ریاضی معمولی و حساب دیفرانسیل می‌باشد.

عهدنامه‌ی جدید، فرانسه و اتریش را به هم نزدیک کرد. (ورسای (Verssailles)، یکم مه ۱۷۵۶):

یکی از سیاست‌مداران اتریشی به‌نام کونیتز (Kaunitz) که تازه به مقام صدارت عظمای کشور اتریش منصوب شده، امروز با یک شم سیاسی بسیار درخشان، توانست دشمنی دیرینه‌ی بین فرانسه و اتریش را به دوستی تبدیل و قراردادی را به امضای پادشاهان هر دو کشور برساند.

این قرارداد بیش‌تر به نفع اتریش تمام شده، چون کشور فرانسه تضمین کرده که اتریش را در قبال حمله‌ی پروس حمایت کند، و فرانسه هرگونه تجاوز به اتریش را تجاوز به خود تلقی کرده و با نیروی نظامی از خاک هم‌پیمان خود دفاع خواهد کرد.

کونیتز باید از دوست خود، مادام پومپادور، سپاسگزار باشد، چون او بود که توانست لویی را به امضای این پیمان وادار کند و خصومت قدیمی بین دو کشور را مرتفع سازد. این عهدنامه‌ی همکاری، دو کشور را موظف می‌دارد که از منافع یکدیگر در اروپا حمایت نمایند و برای مدتی طولانی این قاره را از خطر جنگ دور نمایند.

قرارداد همکاری انگلیس و اتریش مدت‌هاست که دفن شده، زیرا هر دو کشور آن را به حال خود واگزاردند. در کنوانسیونی که با شرکت جورج دوم،

پاریس، ۱۷۸۵
لویی داوید (Louis David) نقاش فرانسوی، آخرین تابلوی خود را موسوم به سوگند هوراتی (Horatii) که اثری کلاسیک درباره‌ی کشف رمز خرابی‌های دو شهر پمپی (Pompeii) و هرکولانوم (Herculaneum) می‌باشد را ترسیم کرد که در پاریس مورد تحسین عموم واقع شد. وی با این اثر توانست خود را یکی از پیشروان مکتب کلاسیک معرفی کند.

ویرجینیا، ۱۶ ژانویه ۱۷۸۶
شورای ایالتی ویرجینیا اعمال مذهبی را آزاد اعلام کرد و پیروان تمام مذاهب را قانونی دانست.

وین، ۱۷۸۶
نمایش اپرای موزارت (Mozart) براساس کمدی «عروسی فیگارو» نوشته‌ی بومارشه (Beaumarchais) در وین به روی صحنه آمد. این داستانی است از یک ارباب فئودال و نوکر او به‌نام فیگارو که شبی ارباب همسر جدید نوکر خود را می‌بیند و آن زن را بر همسر خود ترجیح می‌دهد و با هم‌بستری با زن فیگارو غوغای عظیمی در خانه‌ی ارباب ایجاد می‌شود.

سوئد، ۱۷۸۶
کارل شیل (Carl Scheele) شیمیدان سوئدی در شهر استکهلم از دنیا رفت. وی تعداد زیادی از اسیدها و عناصری هم‌چون کلر، اکسیژن، باریم و منگنز را کشف کرد. در سال ۱۷۷۷، او نشان داد که هوا از دو نوع گاز تشکیل شده که یکی قابل اشتعال و دیگری مانع اشتعال و آتشگیری دیگری است.

اروپا، ۱۷۸۶
کنت میرابو (Count of Mirabeau) یکی از افسران مشهوری که در جنگ‌های استقلال امریکا شرکت داشت، از محل مأموریت خود بازگشت و سفر به کشورهای اروپایی را آغاز کرد.

بریتانیا، ۱۷۸۶
ویلیام پیت (William Pitt) نخست‌وزیر انگلیس، مبلغ یک‌میلیون پوند اوراق قرضه‌ی ملی برای پرداخت بدهی‌های دولت منتشر کرد که هر سال از این درآمد مبالغی از وام‌ها را پرداخت کند. اولین‌بار در سال ۱۷۱۷، والپول (Walpole) یک‌سری اوراق قرضه‌ی ملی انتشار داد که برای ثابت نگه‌داشتن ارزش پول ملی و بخشی از هزینه‌های موردنظر مورد استفاده واقع شد. پیت این مبلغ را جهت تنخواه برای مخارج دولتی و نیز هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده در نظر گرفت که تحت نظارت بازرسان دارایی که مورد اطمینان بودند، صرف شود.

سیسیل، ۱۷۸۶
مارکز دومنیکو کاراکولو (Marchese Domenico Caracciolo) به مقام نخست‌وزیری فردیناند چهارم، پادشاه ناپل و سیسیل منصوب شد که در عین حال عنوان نایب‌السلطنه را هم داشت. وی به یک‌سری اصلاحات سیاسی و اجتماعی مبادرت ورزید که دولت مرکزی را از حالت سستی و انفعال بیرون آورد و در عین حال اشراف مخالف سیسیلی را بر جای خود نشاند.

اتریش، ۱۷۸۶
ژوزف دوم امپراتور اتریش طی فرمانی طبقات صنفی و گروه‌بندی‌های اجتماعی را لغو کرد و در عین حال اصلاحات کلیسایی را مداومت بخشید. وی به کلیسای کاتولیک توصیه کرد که در مراسم عشای ربانی با پیروان سایر مذاهب محلی در تماس باشند.

مراکش، ۱۱ ژوئیه ۱۷۸۶
دولت مراکش موافقت کرد که در ازای دریافت ده‌هزار دلار، از حمله به کشتی‌های امریکایی در دریای مدیترانه خودداری ورزد.

مصر، ژوئیه ۱۷۸۶
سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی، نیرویی متشکل از یک‌هزار و پانصدنفر مرد جنگی به اسکندریه گسیل داشت. آن‌ها توانستند منطقه‌ی دلتای رود نیل را تصرف کنند و به‌سوی خلیج پیش روند و پناهگاهی برای ساکنان شمال مصر بسازند. سلطان عثمانی در سال ۱۷۸۵ قراردادی با فرانسه امضا کرد که برمبنای آن دولت عثمانی امنیت رفت‌وآمد کشتی‌ها را از بندر سوئز (Suez) به بندر اسکندریه تضمین کند تا امور بازرگانی دچار اختلال نشود.

ساووی (Savoy)، هشتم اوت ۱۷۸۶
ژاک بالما (Jacques Balmat) و دکتر میشل گابریل باکار (Dr Michel Gabriel Baccard)، نخستین کسانی هستند که به قله‌ی مون‌بلان (Mont Blanc) صعود کردند.

پادشاه انگلیس، و فردریک پادشاه پروس، در وست‌مینستر تشکیل شد، دولت انگلیس قراردادی را مبنی بر تضمین مالکیت دولت پروس بر هانوور (Hanover) و سیلزی (Silesia) امضا کرد.

در کنوانسیون وست‌مینستر در مورد فرانسه که سال‌ها با انگلیس در هندوستان و امریکا در جنگ و نزاع بودند، هم‌چنین پیشنهاد اتریش درباره‌ی رفع خصومت فرانسه و انگلیس قرائت شد. قبل از برگزاری این کنوانسیون دولت انگلیس یک قرارداد همکاری با دولت روسیه امضا کرده بود، لیکن این پیمان هم به‌کلی به بوته‌ی فراموشی سپرده شد، زیرا دولت انگلیس از راه‌های دیپلماسی پی برده بود که روسیه در پی ارتباط و همکاری با فرانسه و اتریش می‌باشد.

موزه‌ی بریتانیا به‌روی عموم مردم باز شد. (لندن، ۱۷۵۹):

موزه‌ی بریتانیا در خیابان بلومزبری (Bloomsbury) افتتاح شد. این موزه‌ی عمومی که جایگاه تمام آثار هنری و علمی می‌باشد، در حقیقت یک کار انقلابی در جهت شناخت علم و هنر و تاریخ است. این‌جا نخستین و بزرگ‌ترین جایگاه آثار تاریخی و باستانی اغلب کشورهای باستانی است که از این آثار در نهایت امانت نگه‌داری می‌کند و اجازه‌ی تأسیس آن توسط کلیسا و دولت داده شده است.

این موزه که در واقع نمایشگاهی است از مجموع آثار مکشوفه، که توسط سر هانس اسلوان (Sir Hans Sloane)، پزشک و عتیقه‌شناس و نیز یک گروه از اولین و دومین ارل‌های (earls) آکسفورد (Oxford) بنیان نهاده شد.

جورج، پادشاه انگلیس هم، کتاب‌خانه‌ی قدیمی سلطنتی را که ۳۰۰ سال قدمت دارد، به این موزه بخشید.

نقشه‌ی ساختمان موزه در سال ۱۷۵۳ پس از مرگ اسلوان ریخته شد.

دولت انگلیس که از راه فروش بلیت لاتاری در سال ۱۷۵۳ مبلغ ۳۰۰هزار پوند فراهم کرده بود، خانه‌ی وسیع مونتاگ (Montagu) در خیابان راسل (Russell) را برای تأسیس موزه خریداری کرد و هم‌چنین مجموعه آثار گردآوری‌شده اسلوان را برای بینندگان در موزه قرار داد و بدین‌ترتیب یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های جهان به‌وجود آمد.

دولت پرتغال اصلاحاتی را در کشور آغاز کرد، تا آن‌جا را به‌پایه‌ی کشورهای مترقی اروپا برساند. (لیسبون، ۱۷۵۹):

دولت مقتدر مارکی پومبال (marquis Pombal)، نخست‌وزیر مدبّر پرتغال، در نظر دارد بدون دفاع از قدرتمندان محلی، امتیازات انحصاری آن‌ها را لغو و اصلاحاتی در کشور انجام دهد. این اصلاحات که با کمک و حمایت ژوزف (Joseph)، پادشاه پرتغال، صورت می‌گیرد، یک‌سری تغییراتی در سیستم حکومت و اجتماع کشور پدید آورده و شاه به پومپال لقب ریشیلیوی (Richelieu) پرتغال داده است.

پومبال که یک فرد مسیحی سخت‌کوش می‌باشد، نه تنها اصلاحاتی در دربار و دستگاه حکومت پرتغال در برزیل انجام داده، بلکه در سیستم آموزش کشور هم اقدام به نوآوری کرده است. او تمام کشیشان کلیساها را اخراج و درِ آن‌ها را بسته است. در مورد تعلیمات و آموزش، وی یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین دانشگاه‌ها را به‌نام کویمبرا (Coimbra) تأسیس نموده. پومبال هم‌چنین برای حمایت از تجارت خارجی، دسته‌هایی هم‌چون فالانژ (Phalanx) ایجاد نموده که در مواقع لازم، دشمنان را مرعوب نموده و به بازرگانی خارجی در جهت ازدیاد ثروت کمک نمایند.

پومبال با وجود رنجشی که از دولت انگلیس به‌خاطر ویران‌شدن استحکامات بازرگانی خارجی انجام داده، به همکاری با آن دولت ادامه خواهد داد.

کشاورزی، کلید ثروت ملّی است. (پاریس، ۱۷۵۸):

یک گروه از طرفداران حکومت اقتصادی در پاریس معتقدند که هرچه کشور بتواند بر تولید ملّی بیفزاید، به همان اندازه ثروت ملّی افزون خواهد شد. دکتر فرانسوا کنه (Francois Quesnay)، طبیب فرانسوی، که عشق و علاقه‌ی وافری به علم اقتصاد دارد، در کتابی به‌نام تابلوی اقتصاد که تألیف خود اوست، می‌نویسد اساس و پایه‌ی درآمد و ثروت هر کشوری بستگی تام با تولید محصولات کشاورزی و سایر مواد غذایی دارد و کشور فرانسه با ازدیاد تولید می‌تواند به درآمد خود بیفزاید.

او می‌گوید در واقع پول ثروت نیست و تجارت خارجی تنها می‌تواند بخشی از درآمد و بودجه‌ی کشور را تأمین نماید، بلکه آن چیزی که ثروت ملّی می‌باشد، تولیدات کشاورزی است، چون آذوقه برای حیات و زندگی لازم است و انسان‌ها هستند که نیروی کار به‌وجود می‌آورند و همه نیاز به غذا برای ادامه‌ی حیات دارند و اضافه تولید و برداشت بیش‌تر از زمین به ثروت ملّی کمک می‌نماید.

هواداران گروه دکتر کنه (Quesnay) می‌افزایند که دولت با دخالت کم‌تر در امر کشاورزی و تعیین مالیات کم‌تر به گسترش بهره‌برداری از زمین خواهد افزود و کارگران و مزرعه‌داران با تولید بیش‌تر می توانند همیشه انباری پر داشته باشند.

دربار سلطنتی انگلیس که هواخواه صلح می‌باشد، پیت را وادار به استعفا نمود. (لندن، ۱۷۶۱):

ویلیام پیت (William Pitt) که دیگر دوران قدرتش سر آمده و در پی فرصت بود که هر طور شده جنگ با فرانسه را ادامه دهد، تحت فشار مجبور به استعفا شد. در حالی‌که وی می‌دید که دولت اسپانیا هم به اتحاد با فرانسه پیوسته، لیکن او پیش‌بینی می‌کرد که با یک اولتیماتوم از این کار منصرف شود. در این میان، جورج سوم در مخالفت با جنگ می‌گفت: جنگ گران تمام می‌شود و موجب خون‌ریزی است و من با آن مخالفم، در نتیجه کابینه‌ی انگلیس کنار رفت.

پروس، ۱۷ اوت ۱۷۸۶
فردریک دوم ملقب به کبیر پادشاه پروس که در سال ۱۷۴۰ به سلطنت رسیده بود، جان سپرد و پسرش موسوم به فردریک ویلیام جانشین وی شد. فردریک کبیر که یک نابغه‌ی نظامی بود، توانست کشور پروس را به یکی از قدرتمندترین دولت‌های اروپایی تبدیل کند. وی پس از به‌قدرت‌رسیدن، منطقه‌ی سیلزی را تصرف کرد و در جریان جنگ‌های هفت‌ساله (۱۷۵۶ـ۱۷۶۳) ضمن اتحاد با روسیه و فرانسه از پیشروی حکومت اتریش در اروپا جلوگیری کرد و ایالت پروونس (Province) را از آن کشور پس گرفت و در سال ۱۷۷۲ بخشی از لهستان را با اتریش و روسیه تقسیم کرد.

ورسای، ۲۰ اوت ۱۷۸۶
فراکسیون مخالف دولت در پارلمان فرانسه که سیاست مالی شارل کالون (Charles Calonne) وزیر دارایی دولت را قبول نداشت. به لویی شانزدهم پیشنهاد کرد که جلسه‌ی مهمی از سران کشوری تشکیل دهد تا راجع به اصلاحات مالی و برقراری یک سیستم عادلانه‌ی مالیاتی تصمیمات لازم گرفته شود.

آلمان، ۲۵ اوت ۱۷۸۶
گروهی از اسقف‌های حامی امپراتوری مقدس رم از ژوزف دوم خواستند که از کشمکش با پاپ بکاهد و مدارکی را که به‌عنوان انقطاع پیمان امز (Ems) در اختیار دارد، از بین ببرد و استقلال حکومت پاپ را تأیید نماید.

ویرجینیا، نهم سپتامبر ۱۷۸۶
جورج واشنگتن برده‌داری را ممنوع اعلام کرد.

مریلند، ۱۱ سپتامبر ۱۷۸۶
کنوانسیون آناپولیس (Annapolis) با هدف تجدیدنظر در مقررات مربوط به اتحادیه‌ی ایالات که در سال ۱۷۷۶ تنظیم شده بود، گشایش یافت.

هندوستان، ۱۲ سپتامبر ۱۷۸۶
لرد کورن والیس (Lord Cornwallis) ژنرال انگلیسی که خود را کارشناس جنگ‌های انقلاب امریکا می‌دانست و برخلاف انتظار در یورک‌تاون (Yorktown) به نیروی نظامی دشمن تسلیم شده بود، به‌عنوان فرماندار کل هندوستان تعیین شد.

لندن، ۲۶ سپتامبر ۱۷۸۶
دولت‌های انگلیس و فرانسه پیمان همکاری بازرگانی امضا کردند.

هلند، ۱۷۸۶
گروهی از میهن‌پرستان هلندی به فرماندهی ویلیام پنجم اخیراً موانعی در راه پیشروی نیروهای فرانسه در کشورشان به‌وجود آوردند و استاندار (Stadtholder) ویلیام پنجم را بیرون راندند.

ماساچوست، ۲۶ دسامبر ۱۷۸۶
عده‌یی در حدود ۱۲۰۰ نفر از کشاورزان به‌رهبری دانیل شایز (Daniel Shays) که یکی از سربازان قدیمی در جنگ‌های استقلال بود، با قیام خود به تصرف زمین، دام و خانه‌هاشان به جهت دیرکرد پرداخت وام اعتراض کردند.

ایتالیا، ۱۷۸۶
لئوپولد (Leopold) گراند دوک توسکانی (Tuscany) و برادر ژوزف دوم امپراتور اتریش، با قصد اصلاحاتی در ساختار کلیسا، اقدامات مهمی توسط گروه یانسنیزم (Jansenism) انجام داد. گرانددوک در پیرو اصلاحات خود، کاربرد شکنجه را برای اقرار متهمان ممنوع کرد و حکم اعدام مجرمان را نیز ملغی ساخت.

پاریس، ۱۷۸۶
حامیان و مخالفان اصلاحات دادگستری فرانسه، پس از تصویب فرمان اصلاحات، در شهر پاریس به منازعه پرداختند که در جریان این شورش سه‌نفر از دهقانان کشته شدند.

فرانسه، ۱۷۸۶
ویلمورن (Wilmorin) گیاه‌شناس فرانسوی، طرز کاشت و تکثیر چغندر قند را معرفی کرد.

اسکاتلند، ۱۷۸۶
رابرت برنز (Robert Burns) مروج کشاورز اسکاتلندی، اشعار جالبی به زبان محلی اسکاتلندی سروده که از جمله حاوی قصه‌هایی راجع به موش‌ها می‌باشد.

بریتانیا، ۱۷۸۶
کاپیتان آرتور فیلیپ (Arthur Phillip) افسر نیروی دریایی انگلیس، چند کشتی را برای انتقال مجرمان و بزهکاران کشور به استرالیا تجهیز کرد. وی در ضمن به سمت فرماندار ویلز جنوبی جدید منصوب شده است (نیوساوث ویلز (New South Wales) در استرالیا قرار دارد).

همین چند ماه پیش بود که مردم اقدامات دولت را ستودند، زیرا دریاسالار باینگ (Admiral Byng) در دادگاه نظامی را مسؤول شکست قوای انگلیس در مینورکا (Minorca) قلمداد شد و وی را تیرباران کردند. در آن هنگام، وضعیت نبرد در اروپا تغییر کرد و به گفته‌ی پیت، قدرت فرانسه مضاعف شد، در آن موقع به صرفه‌ی انگلیس بود که با دولت فرانسه کنار بیاید، در حالی‌که دولت فرانسه توسط ولف (Wolfe) در کانادا و نیز در هندوستان به‌وسیله‌ی ژنرال کلایو (Clive) و هم‌چنین در هند غربی توسط هاوک (Hawke) و در افریقای غربی هم توسط سایر فرماندهان جنگی انگلیس دچار شکست شد.

لیکن اکنون می‌باید پیت از پست خود برکنار شود، زیرا پیت با سیاست جدید اسپانیا مواجه شده است، این کشور توانسته مستعمراتی را در فیلیپین (Philippines)، فلوریدا، کوبا و سایر جزایر دریای کارائیب (Caribbean) دست و پا کند و بدین‌وسیله قدرت خود را در امریکا گسترش دهد.

شهر برلین توسط قوای نظامی روس مورد غارت قرار گرفته و طعمه‌ی حریق شد. (برلین، نهم اکتبر ۱۷۶۰):

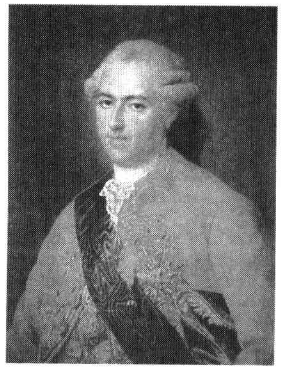
سربازان نیروهای مختلط روسیه و اتریش، امروز وارد شهر برلین شدند و به غارت کاخ‌های کارلوتنبرگ (Charlottenburg) و شونهاوزن (Schonhausen) پرداختند. اشغال‌کنندگان، از این شهر درخواست غرامت جنگ کرده بودند.

در حالی‌که مردم عادی از ترس در پشت درهای خانه‌های خود قوز کرده و پنهان شده بودند، سربازان اشغالگر با کوله‌پشتی‌های پر از غنایم جنگی که از کاخ‌ها غارت کرده بودند، در آن سوی شهر باز هم به تاراج شهر می‌پرداختند.

به‌نظر می‌رسد که در دومین عملیات جنگی، تعداد سربازان مشترک روس و اتریش ان‌قدر زیاد نباشد.



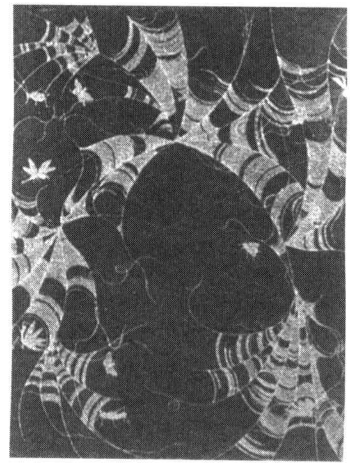
فردریک دوم، امپراتور پروس.



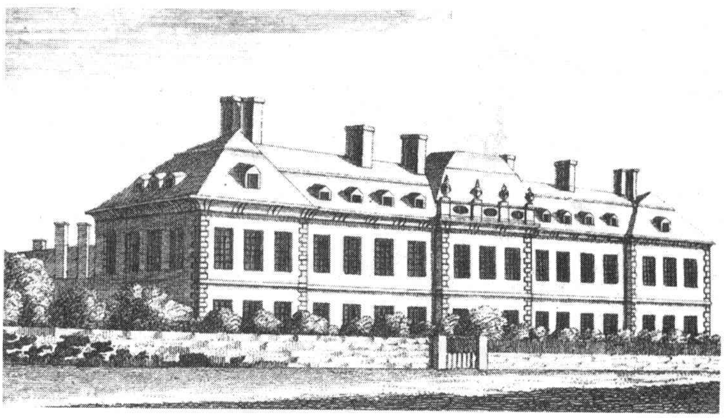
لوئی پانزدهم، پادشاه فرانسه.



تصویری از یک کارگر کشاورز با لباسی که نشانه ی شغل اوست.



تصویری از تار عنکبوت به شکل های مختلف
نقاشی از یاکور Iaquer.



عکسی از باغچه ی جلوی برتیش میوزیوم British Museum (موزه ی بریتانیا) در سال ها ۱۸۰۰.



تصویر اسکارلاتی Scarlatti توسط یک نقاش گمنام.



تصویر یادبود از هندل Handel (۱۷۸۴)

فرانسه، ۱۱ ژانویه ۱۷۸۷
با امضای قرارداد بازرگانی بین روسیه و فرانسه، فرصت‌های خوبی برای بازرگانان فرانسوی در تجارت دریای بالتیک و دریای سیاه به‌وجود آمده است.

ژاپن، ۱۷۸۷
ماتسو دایرا سادانوبو (Matsudaira Sadanobu) به سمت ریاست کل شوراهای کشوری تعیین شد. با این انتصاب، وی اقدام به اصلاحات عمیقی در در سیستم اداری کرده و برنامه‌های درازمدتی را برای این کار در پیش دارد. وی برای اقدامات خود حمایت تانوما اوجیتسوگو (Tanuma Ogitsugu) رییس دولت پیشین را جلب کرده است.

ژاپن، ۱۷۸۷
در اثر قحطی چندسال پیش، بهای برنج در شهر ادو (Edo) (توکیو (Tokyo)) ترقی کرد و به شورش دهقانان و مستمندان انجامید که دولت این شورش را سرکوب کرد. تعداد پنج‌هزار نفر در این عصیان شرکت داشتند که دست به غارت مغازه‌های برنج‌فروشی و خانه‌های ثروتمندان زدند.

هندوستان، ۱۷۸۷
کمپانی هند شرقی بریتانیا با امضای تعهدنامه‌یی تمام امور کشوری و درآمدها و نیروی نظامی و سربازگیری منطقه‌ی کارناتیک (Carnatic) واقع در جنوب هندوستان را تحت کنترل خود درآورد.

آسیای جنوب‌شرقی، ۱۷۸۷
در پی امضان پیمان دوستی بین ویتنام و کشور فرانسه، کنت توماس دو کونوی (Thomas de Conway) فرماندار پوندیچری (Pondicherry)، یک گروه نظامی را برای کمک به بقای پادشاهی نگوین‌آن (Nguyen Ann) به منطقه فرستاد.

اسکاتلند، ۱۷۸۷
ویلیام سیمینگتون (William Simington) امتیاز ساخت موتور لوکوموتیو را جهت استفاده در راه‌آهن کسب کرد.

اوکراین، ۱۷۸۷
ژوزف دوم امپراتور و کاترین دوم ملکه‌ی روسیه، جهت بحث درباره‌ی تسخیر شهر استانبول با هم ملاقات کردند.

ورسای، ۱۳ فوریه ۱۷۸۷
شارل ورژن (Charles Vergennes) وزیر امور خارجه فرانسه درگذشت و کنت مون مورن (Count Montmorin) به‌جای وی انتخاب شد.

ورسای، ۲۲ فوریه ۱۷۸۷
در جلسه‌یی که با حضور کالون وزیر دارایی فرانسه تشکیل شد، وی اعلام کرد که درآمد ملی کشور در حدود ۱۱۲ میلیون لیور (۸۰۰ میلیون لیره‌ی انگلیسی) کسری دارد.

ورسای، هشتم آوریل ۱۷۸۷
کالون وزیر دارایی تحت فشار سران کشور استعفا داد و لومنی دو برین (Lomenie de Brienne) جانشین وی شد.

پراگ، ۲۰ آوریل ۱۷۸۷
آردنت (Ardent) با پشتیبانی پاپ به کاتدرال پراگ حمله کرد و سنگ‌هایی را که اسکیپیونه دی ریکی (Scipione dei Ricci) گراند دوک لئوپولد شاه توسکانی به نشانه‌ی اصلاحات ژانسنیست در آن‌جا کار گذاشته بود، شکسته و تخریب کرد و ناقوس کلیسا را هم به علامت مرگ ژانسنیست‌ها به صدا درآورد.

ایتالیا، ۲۳ آوریل ۱۷۸۷
اسقف توسکانی جهت بحث درباره‌ی نظریات ژانسنیست‌ها با گراند دوک لئوپولد و مشاور او اسکیپیونه دی ریکی ملاقات کرد.

بریتانیا، مه ۱۷۸۷
وارن هاستینگ که از سال ۱۷۷۴ سمت فرماندار کل هند را داشت و در سال ۱۷۸۵ به انگلیس احضار شد، به جرم تخریب به دادگاه فراخوانده شد.

ایالات متحده‌ی امریکا، ۲۵ مه ۱۷۸۷
کنوانسیون تدوین قانون اساسی امریکا، به ریاست جورج واشنگتن در ایالت فیلادلفیا گشایش یافت.

ورسای، ژوئن ۱۷۸۷
لودومینی دو برین وزیر دارایی جدید فرانسه، به کارگران فشار آورد که مالیات بیش‌تری بپردازند و نیز اجازه داد گندم مورد مصرف شهروندان آزادانه توزیع شود.

شایع است که فردریک، پادشاه قبلی، خیلی عجله داشت تا هرچه زودتر شهر برلین را از سقوط نجات دهد.

به هر حال، مساعی او نتوانست کمکی به این شهر بکند و با پیشرفت قوای دشمن، وی در موقعیت بدی گرفتار شد. حکومت پروس از دست رفت و قوای مهاجم تلفات سنگینی را به پروس تحمیل کرد و آلات و ادوات جنگی هم یا از بین رفت و یا این‌که به تصرف نیروهای دشمن درآمد.

فردریک، سردار مشهور آلمانی، پس از شکست سال گذشته‌ی نیروهایش در ناحیه‌ی کونرزدورف (Kunersdorf)، تقریباً جنگ را رها کرد. سرانجام او پس از تفکر زیاد، اقدام به خودکشی کرد و در نامه‌یی به خط خود نوشت: من نمی‌توانم پس از این‌که سرزمین نیاکانم به دست دشمن تصرف شده، زنده بمانم.

با این وصف، او تا دو ماه پیش نبرد را برای مغلوب‌کردن اتریش ادامه داد تا این‌که در ناحیه‌ی لیگ‌نیتز (Liegnitz) از آن دولت شکست خورد.

در صحنه‌ی جنگ که‌بک (Quebec)، قوای فرانسوی مجبور به عقب‌نشینی شدند. (که‌بک، سپتامبر ۱۷۵۹):

بر اثر طرح نقشه‌های دقیق و نوظهور فرماندهان سپاه انگلیس و به‌اجرادرآمدن توسط سربازان در ارتفاعات که‌بک، دیگر برای قوای فرانسه غیرممکن می‌نمود که در نبرد که‌بک پیروز شوند. آن‌ها با دادن تلفاتی سنگین، از منطقه عقب‌نشینی کردند. در این نبرد، مدافعان منطقه توانستند اقدام به حملات کوچکی علیه قوای انگلیس کنند، و بدین‌وسیله کوشش‌هایی برای پیرزوی به‌عمل آمد که برای عده‌یی خوش‌حال کننده بود، لیکن سربازان تحت فرماندهی معاون دریارسالار چارلز ساندرز (Vice Admiral Charles Saunders) چنان با شهامت جنگیدند، به‌طوری که قوای دشمن به ستوه آمد، آن‌ها توانستند تمام راه‌های

خیانت را مسدود کنند و ۸۵۰۰ نفر از سربازان دشمن را در ساحل رود سن لوران (St Lawrence) اسیر کنند. حملات سربازان انگلیسی خاطره‌ی نبرد ۴۸ سال پیش را زنده کرد، در آن جنگ هم در حالی‌که قوای انگلیس در ساحل و در جهت مخالف نیروهای فرانسه مستقر شده بودند، سربازان فرانسوی تازه در آن‌سو ظاهر می‌شدند.

فرمانده‌ی نیروهای فرانسه، مارکی مونکام (marquis Montcalm)، از عملیات جنگی سربازان خود اظهار رضایت می‌کرد، لیکن دیگر برای او رمقی نمانده بود و تنها با تعداد معدودی سرباز نمی‌توانست به نبرد ادامه دهد و از سواحل عظیم اطراف شهر پاسداری نماید. او روی تهور و تجربه‌ی جیمز ولف (James Wolfe) جوان، افسر دسته‌ی دریایی و فرمانده قوای انگلیس، حساب نکرده بود.

ولف پس از هفته‌ها وقت‌گذرانی، سرانجام به این فکر رسید که سربازان خود را در تاریکی شب با استفاده از قایق‌های پهن مستوی که به‌ظاهر جنگی نمی‌نمود، به کرانه‌های شهر برساند و این خطر را برای خود خریده بود. قایق‌ها پس از رسیدن به ساحل، سربازان قرمزپوش خود را به ساحل هدایت کردند و شروع به حمله نمودند. مونکام، فرمانده قوای فرانسه، ترجیح داد که از حصار دفاعی شهر خارج شده و اقدام به حمله نموده تا کار دشمن یک‌سره شود، لیکن سربازان انگلیسی در عرض یک روز در جنگ فاتح شدند. مونکام و ولف هر دو به‌سختی مجروح شده و در آستانه‌ی مرگ قرار گرفتند. ولف در هنگام جان‌دادن، این سخنان را بر زبان می‌راند: من با وجود پیروزی در جنگ، همواره میل داشتم که در صلح و آرامش زندگی کنم.

با سخنان خطیب متودیست (Methodists) در مورد پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، اختلاف و تفرقه ایجاد شد. (بریستول (Bristol)، انگلستان، ۱۷۶۰):

جان وسلی (John Wesley) که همواره درصدد بود اختلاف بین کلیساهای انگلیس را مرتفع نماید، امروز در کنفرانس سالیانه‌ی کلیساها بر ضدّ این شکاف و نفاق شروع به ایراد سخن کرد. او در سخنان خود درباره‌ی امور دینی گفت که باید وزرا از سازمان کلیساها اجازه کسب کنند و این جنبه‌ی قانونی دارد. او در ضمن اظهار داشت که هرگز قصد ندارد که بین هیأت وزیران اختلاف ایجاد کند.

در صورتی‌که از سال‌ها قبل بر اثر فشارهای مختلف، در کابینه شکاف ایجاد شده بود. قدرت متودیست‌ها علنی و قابل مشاهده نبود، معهذا بر روی حدود یک‌صد باب کلیسا اثراتی به‌وجود آورده بود. ملاقات‌هایی جهت رفع اختلاف بین اربابان کلیسا گاه‌گاهی صورت می‌گرفت، معهذا خصومت بین کلیسا و متودیست‌ها رفع نشد و کلیسا بر موضع خود ابرام می‌ورزید و مخالفت‌ها علنی شد. به‌رغم تمایلات وسلی، اغلب تجار و اصناف در سخنرانی‌های خود وفاداری خود را نسبت به کلیسا اعلام داشتند و از گسترش اختلاف جلوگیری می‌کردند و تنها به اعتبار بالای وسلی از توسعه‌ی اختلافات پرهیز شد.

هزاران نفر از هندوها در جنگ با مسلمانان در ناحیه‌ی پانی‌پات به قتل رسیدند. (پانی‌پات (Panipat)، هندوستان، ۲۲ژانویه ۱۷۶۱):

در طی نبرد وحشتناک هشت ساعته بین نیروهای احمدشاه درانی و سپاهیان ماراتا (Marathas)، سرنوشت جنگ تعیین شد و نیروهای افغانی، ماراتاها را دچار شکست تحقیرآمیزی کردند.

از زمان مرگ نادرشاه افشار پادشاه ایران، و تقسیم قلمرو وی، متصرفات شرقی او نصیب پسرش احمدشاه درانی گردید و هندوستان هم صحنه‌ی جنگ بین نیروهای افغانی مسلمان و هندوهای ماراتا و هم‌پیمانان مغول آن‌ها شد.

اسپانیا، هشتم ژوئیه ۱۷۸۷
با تحقیقاتی که از فلوریدا بلانکا (Floridblanca) وزیر شارل سوم پادشاه اسپانیا به‌عمل آمد، وی دستور داد که این امر متوقف شود و وزرا بایستی در شورایی به‌نام ژونتا (Junta) محاکمه شوند. این امر نشانه‌ی آن است که سیستم نوینی در حال پیاده‌شدن است که قدرت حکومت مرکزی را افزایش می‌دهد و بخش‌های جداگانه را به هم پیوند می‌دهد.

امریکا، ۱۳ ژوئیه ۱۷۸۷
کنگره قانونی را تصویب کرد که به‌موجب آن ایالاتی که در آینده در زمین‌های بین اوهایو و دریاچه‌ی بزرگ و در منطقه‌ی آپالاچی (Apalachi) و می‌سی‌سی‌پی تأسیس می‌شوند، می‌توانند به ایالات متحده ملحق شوند. این زمینه‌یی است جهت پیوستن ایالات دیگر به اتحادیه‌ی اولیه.

پاریس، ۳۰ ژوئیه ۱۷۸۷
با وجود ملاقات سران کشور در جهت درخواست مالیات اضافی از زمین‌های کشاورزی، پارلمان این مالیات جدید را با توجه وضعیت عمومی کشور نپذیرفت.

امپراتوری عثمانی، ۱۳ اوت ۱۷۸۷
در پی رد اولتیماتوم دولت عثمانی علیه کاترین دوم ملکه‌ی روسیه که از حمایت دولت اتریش در کریمه دست بردارد، عثمانی به روسیه اعلان جنگ داد.

ورسای، ۲۷ اوت ۱۷۸۷
گردهمایی وزرا جهت تعیین خط مشی کشور بر هم خورد. کنت لوزرن (Count Luzerne) به سمت وزیر نیروی دریایی و کنت برین (Count Brienne)، لومینی (Lomenie) برادر وی به سمت وزیر جنگ منصوب شدند.

ورسای، ۳۰ اوت ۱۷۸۷
لویی شانزدهم پارلمان ورسای (Verssailles) را منحل کرد.

هلند، ۱۷۸۷
دولت پروس با مداخله و حمایت در موضوع (استاندار یا قائم‌مقام حکومتی) باعث تحریک ویلیام پنجم سرکرده‌ی حزب میهن‌پرستان هلند گردید و مساعی او را تشدید کرد.

اروپا، ۱۷۸۷
بریتانیا، پروس و هلند، بر ضد فرانسه و اتریش متحد شدند.

اتریش، ۱۷۸۷
امپراتور ژوزف دوم فرمان‌ها و پیشنهادات موسوم به ژوزفین (Josephine) را مافوق مقررات قانونی دانست.

انگلیس، ۱۷۸۷
اوتوبا کوگوآنا (Ottobah Cugoana) برده‌ی آزادشده، کتابی موسوم به «تفکرات و احساسات و عواطف بردگان» را که درباره‌ی آزادی بردگان و ترک این صفت زشت در انگلیس بود، انتشار داد. وی به دولت پیشنهاد کرد که ناوگان دریایی کشور را به هند غربی اعزام کند و جلوی تجارت برده را بگیرد.

انگلیس، ۱۷۸۷
در پی مساعی گرانویل شارپ (Granville Sharp) علیه تجارت برده، کمیته‌یی درباره‌ی منع تجارت برده تشکیل شد و رو توماس کلارکسون (Rev Thomas Clarkson) به همراهی ویلیام ویلبرفورس (William Wilberforce)، لایحه‌یی در مورد دادوستد برده تقدیم پارلمان کردند.

افریقای غربی، ۱۷۸۷
بردگان آزادشده‌ی کشور انگلیس در خلیج سیرالئون (Sierra Leone) پیاده شدند و آن‌جا را به‌عنوان منطقه‌ی برده‌های آزادشده تعیین کردند. آن‌ها جیمز ویور (James Weaver) را به فرمانداری این ایالت انتخاب و گرانویل شارپ را مأمور تدوین قانون اساسی نمودند.

کریمه، ۱۷۸۷
گریگوری پوتمکین (Grigori Potemkin) که خود را هواخواه کاترین دوم نشان می‌داد و تظاهر به دوستی او می‌کرد و مورد تمایل ملکه بود، هنگامی‌که در رکاب ملکه مسافرت می‌کرد، به فرمانداری کریمه انتخاب شد. وی در سال ۱۷۸۳ این شبه‌جزیره را جزیی از خاک روسیه دانست و ناوگان این کشور را در دریای سیاه گسترش داد.

در ماه اکتبر ۱۷۶۰، درانی برعلیه ماراتاها اقدام به عملیات جنگی نمود. قبلاً ماراتاها یک‌سری استحکامات جنگی در ناحیه‌ی پانی‌پات ساخته بودند، لیکن اقدام به جنگ نکردند. به هر حال، آن‌ها سیصدهزار مرد جنگی را برای این جنگ گردآوری کرده بودند و مواد غذایی و آذوقه‌ی کافی هم در قلاع پانی‌پات انبار کرده، در حالی‌که درانی با هشتادهزار سرباز با تجهیزات جنگی فراهم آورده بود.

ماراتا که می‌خواست این خار را که بر سر راه سلطنت وی قرار داشت، از میان بردارد، گفت: ما با اولین تلاش خود این خار را به‌دور خواهیم افکند.

با شروع نبرد، در شش ساعت اولیه، هندوها پیشرفت خوبی داشتند، امّا این امر بر درانی گران آمد و در فرمانی غیرمنتظره، نیروی سوار خود را وارد میدان کرد. با ورود سواران به میدان جنگ، وضعیت به یک‌باره تغییر کرد و هندوها تلفات زیادی متحمل شدند و پسر رهبر ماراتاها به‌نام ویسواس رائو (Viswas Rao) به‌شدت زخمی شد. با زخمی‌شدن رائو، مثل این‌که سربازان ماراتا را افسون کرده باشند، جملگی با سرعت اقدام به فرار از میدان جنگ نمودند، به‌طوری که عده‌یی در حین فرار به زیر دست و پای سایرین افتادند و جان خود را از دست دادند. برطبق گفته‌ی یکی از ناظران که شاهد ماجرا بوده است، در این جنگ ماراتاها دویست‌هزار نفر از سربازان خود را از دست دادند، لیکن خونریزی چندانی واقع نشد، به خاطر این‌که بیش‌تر این تلفات در حین فرار سربازان به‌وقوع پیوست و کوهی از اجساد در میدان جنگ مشاهده می‌شد. در این نبرد خوفناک، نیروهای هر دو طرف ضعیف شدند، لیکن این جریان به سود انگلیس تمام شد.

کتاب قرارداد اجتماعی که مخالف قانون شمرده می‌شد، منتشر گشت. (فرانسه، ۱۷۶۲):

یک کتاب فلسفی جدید به‌نام قرارداد اجتماعی به‌تألیف ژان ژاک روسو در هلند انتشار یافت. این کتاب

هم مانند سایر نشریات روسو در فرانسه تحریم شده بود، امّا برخلاف دستور تحریم رسمی دولت، چون کتاب مزبور بر دانستنی‌های علمی انسان می‌افزود و موجب توسعه و تقویت روابط اجتماعی می‌شد، به‌طور وسیع بین مردم و غیرمشروع دست‌به‌دست می‌گشت.

روسو در این کتاب از داوری صحیح در تمام جوامع دفاع می‌کند و مساوات و برابری را پیش از آن‌که به‌صورت قانون درآید، جزو حقوق اجتماعی هر جامعه می‌داند و این برابری اجتماعی را خیلی بالاتر از برابری حقوق مالی می‌داند. به‌عقیده‌ی او، دولت باید اصول قانون و قراردادها را خود بیش از مردم رعایت کند، زیرا واضع و مجری قرارداد می‌باشد.

دولت‌ها در زیر لوای «خواسته‌ی عمومی»، همه‌روزه بیش‌تر بر گرده‌ی مردم سوار می‌شوند و بر قدرت خود می‌افزایند و از خواسته‌های به‌حق مردم فاصله می‌گیرند.

در جامعه، دسته‌جات و احزاب بیش‌تر از فرد می‌توانند مؤثر واقع شوند و این احزاب و دسته‌جات در مقابل شهروندان مسؤول خواهند بود.

روسو اکنون در سن پنجاه سالگی، یکی از رهبران فلسفی فرانسه و در ضمن یکی از واضعان انسیکلوپدی می‌باشد. وی کتاب امیل (Emile) را امسال و نیز کتاب ارزشمند با موضوع اصول بی‌عدالتی‌های اجتماعی در سال ۱۷۵۵ منتشر نمود.

دانشمند انگلیسی موفق به کشف گرمای نهانی شد. (لندن، ۱۷۶۲):

جوزف بلاک (Joseph Black)، دانشمند فیزیک انگلیسی، یک دماسنج را در ظرفی پر از مخلوط یخ و آب قرار داد و نشان داد تا زمانی‌که هنوز تکه‌هایی از باقی‌مانده‌ی یخ در ظرف موجود است، میزان الحراره درجه دما را ثابت می‌نمایاند و هنگامی‌که تمام تکه‌های یخ آب شد، درجه‌ی دماسنج ناگهانی بالا می‌رود. پس بلاک نتیجه گرفت تا هنگامی یخ در ظرف وجود دارد، آب‌شدن پیوسته‌ی یخ‌ها هیچ اثری بر دماسنج ندارد. بلاک این حالت را حرارت پنهانی نام نهاد. وی در تجربیات بعدی خود توانست مقدار این انرژی پنهان را اندازه بگیرد. کشفیات او هم‌چنین به سیستم موتورهای بخار کمک فراوان نمود.

یکی از نمایندگان رادیکال پارلمان، شاه را به فساد اخلاقی متهم ساخت. (لندن، ۲۳ آوریل ۱۷۶۳):

جان وایلکز (John Wilkes)، یکی از نمایندگان رادیکال پارلمان انگلیس از ناحیه‌ی آیلزبری (Aylesbury) و یکی از اعضای کلوب آتش جهنم و ناشر روزنامه‌ی تندرو و فحاش «نورث بریتون (North Briton)»، حملاتی را بر ضد دولت شروع کرده و همه را به باد انتقاد گرفته است.

وی امروز در مندرجات شماره‌ی ۴۵ روزنامه‌ی «نورث بریتون»، ضمن انتقادهای شدید از دولت، لرد بوت (Lord Bute) نخست‌وزیر را فردی نالایق و بی‌کفایت شمرده و حتی شاه را متهم به فساد کرد. وایلکز که فردی دموکرات‌منش و غیور و احساساتی است، معتقد است که شاه به‌وسیله‌ی عده‌یی مفسد و پست و کثیف حمایت می‌شود که همواره اطراف او هستند و دربار سلطنتی را به فساد کشیده‌اند.

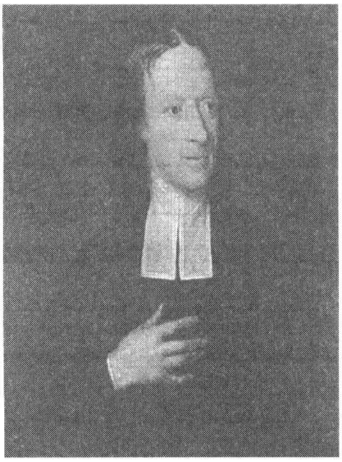
با این اهانت‌های آشکاری که وایلکز به دربار و سایر مقامات کرده، محال است که اطرافیان درباری شاه را از تصمیم به تبعید وی منصرف سازند.

تزارینا کاترین، ملقب به کبیر، به‌وسیله‌ی کودتا قدرت را در دست گرفت. (سن‌پیترزبورگ، روسیه، ۱۷۶۲):

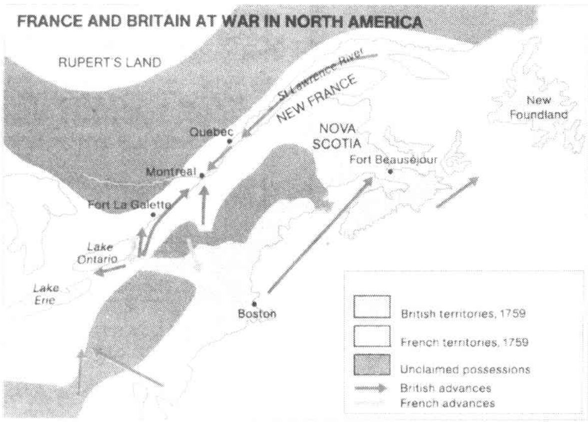
ملکه کاترین، امپراتریس روسیه، به‌وسیله‌ی کودتا قدرت را در دست گرفت. این کودتا توسط یک ستوان تندخو و عصبانی به‌نام گریگوری اورلف (Gregori Orlov) انجام شد، در حالی‌که ملکه از وی در ماه آوریل گذشته صاحب فرزندی شده بود. هنگام ورود



شیئی برنزی که به دستور پادشاه بنین Benin برای محراب معبد ساخته شده (سال های بعد از ۱۷۵۰)



جان وسلی John Wesley ، شخصی که برای جلوگیری از شکاف بین فرقه های مذهبی در تلاش است.



نقشه کشی فرانسه و انگلیس جهت نبرد در امریکای شمالی.



کشته شدن ژنرال مون کام Montcalm نزدیک که بک، نقاشی از واته ئو Watteau



صحنه یی از انتخاب یکی از اعضا به عنوان رییس، نقاش ویلیام هوگارت سال ۱۷۵۴

ملکه به پایتخت، استقبال بی‌نظیری از طرف سربازان پادگان شهر سن‌پیترزبورگ از وی به‌عمل آمد. آن‌ها دست ملکه را بوسیدند و او را مادر کوچولو خطاب می‌کردند.

چهار روز بعد، شوهر ملکه که عنوان پتر سوم را داشت، در سر میز شام در اثر نزاعی که درگرفت، کشته شد. یکی از افراد گارد محافظ اورلف که برادر وی بود، به‌نام آلکسیس، اظهار داشت: من نمی‌توانم بگویم قضیه از چه قرار بود، لیکن پتر به‌طور کلی آدمی تندخو و عصبانی‌مزاج بود.

پتر پس از مرگ مادرش تزارینا الیزابت، همه‌ساعات پس از مرگ او را در حالت مستی و بی‌خبری با زنان فاسد گذرانید، در حالی‌که کاترین مدت شش ساعت در کنار تابوت او زانو زده بود. پتر به کلیسای شهر تیراندازی نمود و کشیشان را به باد دشنام و ناسزا گرفت و به مقدسات اهانت نمود. او دستور داد که سربازان اونیفورم نظامی را که پتر کبیر مقرر کرده بود، کنار بگذارند.

صوفی و زاهد مسلمان، به اختلاف بین هندوان و مسلمانان دامن زد. (دهلی، ۱۷۶۲):

شاه ولی‌الله، بزرگ‌ترین فیلسوف مسلمان و صوفی هندی، درگذشت. او که احساس می‌کرد سال‌های آخر عمر خود را می‌گذراند، درصدد بود که دین اسلام را در هند احیا کند.

پدر او که یک شغل رسمی در دربار امپراتوران مغول هند داشت، دربار مجلل شاهی را ترک نمود و یک مدرسه‌ی دینی در دهلی تأسیس کرد. ولی‌الله هم تحصیلات خود را در مکه گذرانیده بود. او سال‌های سختی را در آن‌جا گذرانید تا توانست فلسفه‌ی دینی سنت را پایه‌گزاری کند و فقه سنت را گسترش و توسعه بخشد.

در این زمان عبادت در مکان‌های مقدس مرسوم نبود و بر این امور تأکید نمی‌ورزیدند. مسلمانان با وجود کمی جمعیت در هند حقوق انحصاری داشتند و کم‌تر با پیروان ادیان دیگر به‌ویژه هندوها آمیزش داشتند و در انتظار رهبری بودند که زندگی آن‌ها در دنیای بعد و بهشت موعود تضمین کند. آن‌ها همواره هنگام مرگ انتظار داشتند که پس از خودشان مسلمانان با نیروی قوی‌تری هندوها را هم به دین خود درآورند.

ایندیان‌ها (Indians) معتقد بودند تا هنگامی‌که با کانادایی‌ها هم‌مرز هستند، در هنگام مرگ عقبه خود را از دست خواهند داد. (امریکا، هفتم مه ۱۷۶۳):

چهار قبیله‌ی سرخ‌پوست (ایندیان) متشکل از شاونی (Shawnees)، دلویر (Delawares)، شیپاوا (Chippawas) و اوتاوا (Ottawa)، با شورش برعلیه چند صد نفر از سربازان سرخ‌پوش انگلیسی که زندگی آن‌ها را در مخاطره انداخته بودند، توانستند استحکامات بندر دیترویت (Detroit)، واقع در دریاچه‌ی بزرگ کانادا را متصرف شوند و ساکنان محلی را از آن‌جا برانند. شورشیان به رهبری پونتیاک (Pontiac) با کمال بی‌رحمی و قساوت چندین پایگاه انگلیسی را تخریب کرده و نیروی اعزامی آن‌ها را در هم شکستند.

پونتیاک که خود یکی از اهالی خردمند مقیم دلویر بود، با تکیه بر سنت‌های قدیمی و قبیلگی خود و آداب و رسوم محلی، چون مخالف سفیدپوستان بود، روح تازه‌یی در پیروان خود دمید و آن‌ها را به قیام علیه سفیدپوستان واداشت.

او در ارتباط با این موضوع می‌خواست قبایل محلی را وادارد که از سرزمین‌های خود و خرید و فروش پوست خز دفاع نمایند و اعلام کرد که انگلیس‌ها را از آن‌جا بیرون خواهد راند. او در نظر داشت که حملات گسترده‌یی را علیه تأسیسات انگلیسی در بندر دیترویت به‌عمل آورد، لیکن نقشه‌ی آن‌ها فاش شد و قوای انگلیسی، استحکامات و پایگاه‌های نوی در آن‌جا ایجاد کردند.

پیمان پاریس به جنگ پایان داد. (پاریس، دهم فوریه ۱۷۶۳):

مدت هفت سال جنگ که سبب خونریزی بسیار و هدررفتن بنیه‌ی مالی فراوان شد، امروز با امضای عهدنامه‌ی پاریس خاتمه یافت. این پیمان گرچه تمام اهداف پیت، نخست‌وزیر انگلیس را برآورده ساخت، لیکن سرزمین‌های بزرگی نصیب امپراتوری بریتانیا نمود، به‌طوری که جوانه‌های یک امپراتوری عظیمی برای آن کشور سر برآورد.

با مقدمات و تدارکات قبلی که برای امضای این پیمان انجام شده بود، دولت فرانسه سرزمین کانادا را تسلیم بریتانیا نمود و در هندوستان به جز ناحیه‌ی پوندیچری (Pondicherry) و چند پایگاه بازرگانی کوچک متعلق به فرانسه، بقیه‌ی هند به بریتانیا تعلق گرفت. هم‌چنین بریتانیا، فلوریدا را از دولت اسپانیا پس گرفت، در عوض دولت فرانسه ایالت لوئیزیانا (Louisiana) واقع در غرب میسی‌سی‌پی (Mississippi) را به اسپانیا واگذار کرد.

از دیگر تعدیل‌هایی که در این پیمان منظور شد، یکی بازگشت مینورکا (Minorca) به انگلیس و تغییراتی که در جزایر هند غربی صورت گرفت. بدین معنی که دولت بریتانیا قبول کرد که هاوانا (Havana) و مانیل (Manila) و مستعمرات افریقایی اسپانیا هم‌چنان در اختیار آن کشور باقی بماند. در طی دو سال گذشته این مذاکرات هم‌چون چکشی بر سر نیروهای جنگی فرود آمد و از این نظر بر صحنه‌های جنگ اثراتی باقی گذاشت و موجب شد که منافع سرشاری برای بریتانیا تولید کند، امّا در عین حال انگلیس باید از دولت فرانسه سپاسگزار باشد، چون فرانسه با وجودی که به مستعمرات خود در امریکا دلبستگی داشت و برنامه‌ی بلندپروازانه‌یی جهت آن‌ها در سر می‌پرورانید، معهذا با مواجهه شورش در آن مناطق می‌خواست که به جنگ پایان دهد.

در ضمن، فرانسه و بریتانیا بدین‌وسیله خود را از جنگ اروپا کنار کشیدند و منتظر بودند که دولت‌های

پراگ، ۱۷۸۷
ولفگانگ آمادوس موزارت (Wolfgang Amadeus Mozart) اپرایی به‌نام دون جووانی (Don Giovanni) تهیه و در این شهر آن را اجرا کرد. در سال گذشته که موزارت اپرای عروسی فیگارو (Figaro) را در معرض تماشای مردم قرار داد، احساسات شدید مردم را برانگیخت.

وین، ۱۷۸۷
کریستوف ویلیبالد گلوک (Christoph Willibald Gluck) یکی از بزرگ‌ترین پیش‌کسوتان هنر اپرا و آهنگسازان وین که نوک شمشیر خود را متوجه اصلاح این هنر کرده بود، جهان را ترک گفت. مهم‌ترین اثر اپرایی وی، نمایش ایفی‌ژنی ان تائورید (Iphigenie en Tauride) بود که در سال ۱۷۷۹ به معرض تماشا گذاشت.

آلمان، ۱۷۸۷
یوهان شیلر (Johann Schiller) درام‌نویس آلمانی، قصاید شعری بدون قافیه‌ی خود را موسوم به دون کارلوس (Don Carlos) به‌اتمام رسانید. بسیاری از اشعار شیلر در دو سال قبل در مجله‌ی تئاتر که خود شاعر مؤلف آن بود، انتشار یافت.

ورسای، چهارم سپتامبر ۱۷۸۷
لویی شانزدهم پارلمان فرانسه را افتتاح کرد.

ایالات متحده، ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷
کنوانسیون فیلادلفیا قانون اساسی ایالات را تدوین کرد.

ورسای، ۲۹ نوامبر ۱۷۸۷
لویی شانزدهم فرمان آزادی مذاهب را صادر کرد. این امر به پیروی از اصلاحات اجتماعی صورت گرفت و در نتیجه به پروتستان‌ها هم آزادی اعطا شد.

استرالیا، ژانویه ۱۷۸۸
ناوگان انگلیسی به فرماندهی کاپیتان آرتور فیلیپ به خلیج بوتانی (Botany) وارد شد و پرچم بریتانیا را بر فراز بندر جاکسون (Jackson) در خلیج کوچک (خور) سیدنی (Sydney) برافراشت. این ناوگان حامل ۵۷۹ مجرم و بزهکار اجتماعی بود که دولت در نظر داشت آن‌ها را به کشاورزی، کاشتن نباتات و بذرپاشی و پرورش حیوانات و دامداری در این سرزمین بگمارد.

پاریس، ژانویه ۱۷۸۸
ژوزف لاگرانژ (Joseph Lagrange) ریاضیدان فرانسوی، کتابی به‌نام «تجزیه‌ی مکانیک» منتشر کرد که حاوی ترکیباتی از پیشرفته‌ترین اصول مکانیک می‌باشد.

ورسای، ۱۷ ژانویه ۱۷۸۸
نمایندگان پارلمان پاریس از این‌که لویی شانزدهم بدون اجازه افرادی را از کار برکنار می‌کند یا کسانی را به مقاماتی می‌گمارد، خشمگین شدند و این کار را نوعی حالت استبدادی و خودمحوری دانستند و از وی خواستند که این امور را توضیح دهد و فرامین صادرشده را با اطلاع پارلمان مهر و تصویب کند و هم‌چنین وی نمی‌تواند بدون مراحل قانونی، افراد را زندانی کند.

نورماندی، ۲۰ ژانویه ۱۷۸۸
به‌رغم فرمان اعدام که درباره‌ی سه‌نفر کشاورز اهل شامون (Chaumont) صادر شده بود، این سه‌نفر را به دستور پارلمان نورماندی (Normandy) به دادگستری معرفی کردند که پس از محاکمه از اتهام وارده تبرئه شدند. آنان از سال ۱۷۸۳ زندانی شده بودند.

پاریس، ۲۰ ژانویه ۱۷۸۸
آنتوان ریوارول (Antoine Rivarol) سالنامه‌یی کوچک از زندگانی مردان بزرگ منتشر کرد که چه زیان‌ها و خساراتی بر جامعه وارد می‌کنند.

پاریس، ۲۹ ژانویه ۱۷۸۸
پارلمان فرمان پادشاه را راجع به آزادی مذهب پروتستان تصویب کرد، بدون این‌که به سایر فرقه‌های مذهبی آزادی اعطا شود یا این‌که دفاتر و پایگاه‌هایی در کشور دایر کنند.

پاریس، فوریه ۱۷۸۸
لومنی دو برین (Lomenie de Brienne) وزیر دارایی فرانسه، دسیسه‌یی علیه پارلمان ترتیب داد.

فرانسه، ۱۷ فوریه ۱۷۸۸
موریس کنتین دو لاتور (Maurice Quentin de la Tour) نقاش فرانسوی، جان سپرد. او که در ترسیم چهره‌های انسانی بسیار تبحر داشت، تابلوهایی از چهره‌ی اشخاص بزرگ و درباریان کشیده بود که در جهان هنر کم‌نظیر بود.

پروس و اتریش هم در چند روز آینده به این پیمان به پیوندند.

در حالی‌که جنگ آن دو کشور هم با پیروزی فردریک پادشاه پروس خاتمه یافته بود. پس با این پیروزی آلمان انتظار داشت که کشورهای دیگر حاکمیت او را در سیلزی به رسمیت بشناسند و آن منطقه به‌عنوان سرزمین آلمانی قلمداد شود، چون پروس آن‌جا را هم‌چون چشم خود می‌نگریست و دریچه‌یی با دنیای خارج از کشور تلقی می‌کرد.

شهر لندن تاریخ‌نگار هزل‌آمیز خود را از دست داد. (لندن، ۱۷۶۴):

ویلیام هوگارت (William Hogarth)، تذهیب‌کار و نقاش انگلیسی، فوت شد. او ۶۷ سال داشت. هوگارت فرزند یک خانواده‌ی تحصیل‌کرده و متوسط جامعه بود. او یک نقاش منتقد و مزّاح و هجونگار برجسته‌یی بود که قادر بود از اتفاقات و رویدادهایی که رخ می‌داد، کپیه‌برداری و آن را در لباس طنز و انتقاد به روی پرده‌ی تابلو درآورد و ایرادات خود را در نقاشی به‌کار برده و به‌نظر تماشاچیان برساند.

از سری نقاشی‌های مدرن او، تابلوهایی هم‌چون «پیشرفت‌های هارلوت (Harlot)» در سال ۱۷۳۱، «پیشرفت‌های ریک (Rake)» در سال ۱۷۳۵، «ازدواج مد روز» ۱۷۴۵ که تقریباً در سبک گاه‌شماری طنز در لندن بی‌رقیب است.

دیگر از تابلوهای او که همه را در سال ۱۷۵۱ تهیه کرده، عبارتند از: «جین‌لین (Gin Lane)»، «بیراستریت (Beerstreet)» و «چهار فرمان ظالمانه» که نشانه‌یی از فقر و بی‌عدالتی و صحنه‌ی تاریک و تیره اجتماع می‌باشد.

او که نقاشی موفق و مردمی بود، سعی داشت که همواره گرفتاری‌ها و مشکلات و ناگفته‌های اجتماعی را به‌صورت طنز در نقاشی‌های خود بنمایاند، لیکن نه تنها در این هنر، بلکه در هنر تذهیب و قلمکاری استادی بی‌نظیر بود و با استفاده از قانون حق تقلید و کپی‌رایت، توانست از سال ۱۷۳۵ به رقبای خود یادآوری کند که استفاده‌ی نامشروع و غیرقانونی از مدل‌های او ممنوع می‌باشد و تنها با اجازه‌ی او منع قانونی ندارد.

فیلسوف مبلّغ حقیقت و داوری صحیح (پاریس، نهم مارس ۱۷۶۵):

ولتر (Voltaire) یا به‌عبارت صحیح‌تر ژان کالاس (Jean Calas)، یکی از فیلسوفان نام‌آور و بلندپایه‌ی فرانسوی که نقش عمده‌یی در تنویر افکار مشروطیت‌خواهی در فرانسه داشت و در لباس طنز مقالاتی در این‌باره می‌نوشت، به جرم قتل فرزند خویش مارک آنتوان (Marc Antoine)، در سه سال پیش، اعدام شد.

جسد مارک آنتوان در خانه‌ی ژان کشف شد. ژان که احساس می‌کرد آنتوان، پسرش، از مذهب کالوینیست روی گردانده و تمایل به کاتولیک دارد، برای جلوگیری از این کار پسرش را می‌کشد. ژان در عین حال که می‌دانست پسرش بی‌گناه است، معهذا به‌خاطر تنبیه وی را در زیر شکنجه به قتل رسانید. (سال ۱۷۶۲)

ولتر برای عبرت سایر پسرانش می‌نویسد: مارک آنتوان به‌خاطر تعصب در مذهب کاتولیک اقدام به خودکشی کرد و داوری آن با خداوند است.

لیکن امروز داوران دادگاه به‌اتفاق آرای، رأی به ابطال و بی‌اعتباری ادعای او مبنی بر خودکشی آنتوان دادند و ژان یعنی ولتررا مستحق اعدام دانستند.

قانون مالیات بر تمبر پست، باعث شعله‌ور شدن شورش امریکاییان گردید. (بوستون (Boston)، ۲۵ اوت ۱۷۶۵):

قانون مالیات تمبر پست، اهالی مستعمرات امریکا را به خشم آورد، به‌طوری که گروهی از شورشیان عصبانی، امشب به محل فرمانداری توماس هوچینسون

پاریس، ۱۹ فوریه ۱۷۸۸
راهب گرگوار ژان پی‌یر بریسو (Abbot Gregoire, Jean Pierre Brissot) و مارکی لافایت (Lafayette)، کمیته‌یی به‌نام انجمن دوستی سیاه‌پوستان تشکیل دادند که در تضاد با تجارت بردگان بود.
ورسای، ۱۹ فوریه ۱۷۸۸
لویی شانزدهم اعضای پارلمان بریتانی (Brittany) را احضار و آنان را در مورد تبعیض بین افراد محلی و سایر شهروندان فرانسوی و این‌که آن‌ها را بالاتر از سایرین می‌شمارند، مورد سرزنش و توبیخ قرار داد. اعضای پارلمان بریتانی همشهری‌های خود را مورد حمایت مخصوص قرار می‌دادند.
پاریس، مارس ۱۷۸۸
برناردن دوسن پی‌یر (Bernardin de St Pierre) یکی دیگر از مجلدات کتاب سه‌جلدی خود را موسوم به «مکاشفات و تحقیقاتی در طبیعت» منتشر ساخت. اولین جلد این کتاب در سال ۱۷۸۴ به‌چاپ رسید.
استرالیا، ۱۵ مارس ۱۷۸۸
دو ناوگان قایق پارویی به‌نام‌های بوسول (La Boussole) و آسترولاب (L' Astrolabe) با دریانوردان فرانسوی، از منطقه‌ی لاپروس (la Perouse) به‌سوی خلیج بوتانی (Botany Bay) حرکت کردند. آن‌ها در نظر دارند که با این قایق‌ها به سراسر دنیا سفر کنند و بدین ترتیب آخرین سفر خود را به‌اتمام برسانند.
ایالات متحده‌ی امریکا، ۲۱ مارس ۱۷۸۸
تقریباً تمام شهر نیواورلئان (New Oreleans) در آتش سوخت و تخریب شد.
ورسای، ۱۶ آوریل ۱۷۸۸
لویی شانزدهم به تبعید برادرزاده‌ی خود دوک اورلئان پایان داد و او را به پاریس برگرداند.
پاریس، ۱۶ آوریل ۱۷۸۸
ژرژ لویی بوفون (Georges Louis Buffon) مؤلف کتاب ۳۶جلدی تاریخ طبیعی، دیده از جهان فروبست.
پاریس، هشتم مه ۱۷۸۸
پس از رفع موانع قانونی که در یک شب در دربار سلطنتی به‌وجود آمد و همگان در این‌باره تشریک مساعی کردند، گویی لار دو مون‌سابر (Goliard de Montsabert) و دوال‌دو اپرمنیل (Duval d' Epremesnil) که در راه اصلاحات برین (Brienne) وزیر دارایی، سد ایجاد کرده بودند را به فرمان لویی شانزدهم دستگیر کردند.
فرانسه، ۳۱ مه ۱۷۸۸
پارلمان‌های ایالتی علیه اصلاحات قضایی دست به شورش زدند.
بریتانی (Brittany)، سوم ژوئن ۱۷۸۸
رییسان ادارات ایالت رن (Rennes) که با اصلاحات مخالفت کرده و تهدید به تبعید شده بودند، توانستند مجازات خود را به تعویق اندازند.
فرانسه، هفتم ژوئن ۱۷۸۸
سربازان گارد سلطنتی، مخالفان اصلاحات قضایی لاموینون (Lamoignon) را که در خیابان‌های شهر گرنوبل (Grenoble) در تظاهرات غیرقانونی شرکت کرده بودند، دستگیر کرده و تظاهرات را بر هم زدند.
امریکا، ۲۱ ژوئن ۱۷۸۸
قانون اساسی ایالات متحده که به جریان افتاده بود، به تصویب ۹ ایالت رسید.
فنلاند، ۲۱ ژوئن ۱۷۸۸
گوستاو سوم پادشاه سوئد، بدون اعلان جنگ به منطقه‌ی تحت تصرف روس‌ها در داخل سرزمین فنلاند حمله‌ور شد.
پاریس، ۲۸ ژوئن ۱۷۸۸
یان فوگل (Jan Vogel) موسیقیدان آلمانی که آهنگ بسیاری از اپراهای مشهور را ساخته بود، از دنیا رفت.
دریای سیاه، ۱۷۸۸
ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه به فرماندهی جان پل جونز (John Paul Jones) قهرمان دریانورد امریکایی در دو فقره نبرد دریایی، نیروهای نظامی عثمانی را در دهانه‌ی رود دنیپر (Dnieper) شکست داد. در اوایل امسال نیروهای روس، قشون عثمانی را که به کریمه (Crimea) و مولداوی (Moldavia) یورش برده و تلاش می‌کردند این مناطق را تسخیر کنند، به عقب‌نشینی وادار کردند.

(Thomas Hutchinson) در ماساچوست (Massachusetts) حمله‌ور شده، دفتر وی را آتش زده و شهر را طعمه‌ی تاراج و حریق ساختند. نظیر این واقعه در سراسر مستعمرات امریکایی انگلیس هم رخ داده است. در بوستون، مردم برای ارعاب و ترساندن مقامات دولتی، پیکره‌ی جورج گرویل (George Greville) نخست‌وزیر را به دار کشیده‌اند و در نیویورک هم اغتشاشات شدیدی روی داده است. مالیات پستی به تصویب پارلمان انگلیس برای هزینه‌ی نیروهای نظامی در امریکای شمالی به‌صورت قانون درآمده. این قانون هم نظیر قانون کشت نیشکر و انحصاری‌شدن تجارت حمل و نقل کالا توسط کشتی‌های انگلیسی در مستعمرات در سال گذشته و اعلام انصراف از آن توسط سخن‌گوی مجلس عوام در جلسه‌ی عمومی، سرنوشتی شبیه به آن را دارد، چون آن هم با اعتراض شدید عمومی مواجه شد.

در بوستون یکی از سیاست‌مداران محلی به نام جیمز اوتیس (James Otis) با نوشتن عبارت هیچ‌گونه مالیاتی بدون درآمد اضافی مورد قبول نیست، فریاد اعتراض همگان را برانگیخت.

دولت انگلیس به‌علت تهی‌شدن خزانه و کمبود کسری بودجه در اثر چندین سال نبرد مداوم با فرانسه در هندوستان و امریکا، مالیات مقطوعی را بر مطالب روزنامه‌های منتشره، رسالات، مقالات، مدارک قانونی و دادخواست‌های حقوقی، امتیازات بازرگانی و تجارتی و کارت‌های دیگر وضع کرد.

پارلمان از این قانون پشتیبانی کرد، لیکن این تصمیم به اتفاق آرا تصویب نشد. پیت، نخست‌وزیر سابق انگلیس، تصویب این قانون را اشتباه دانست و آن را مغایر با توسعه‌ی تجارت کشور با مستعمرات می‌پنداشت که خطر قطع و محدودشدن روابط را در پی داشت.

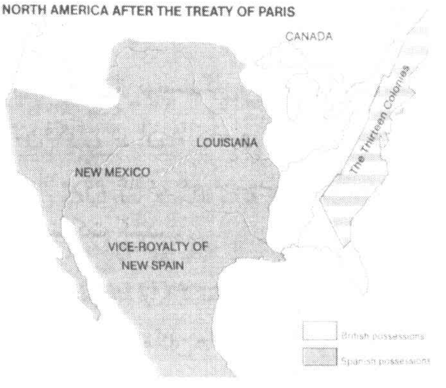
سالن‌های پاریس مبدّل به محل اجتماعات سیاست‌مداران و اشخاص روشن‌فکر شده است. (پاریس، ۱۷۶۴):



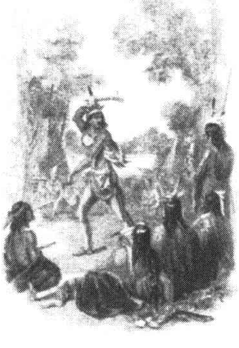
یک عکس کارتونی هم زمان با امضای پیمان پاریس ۱۷۶۳.



پیشرفت برنامه ی ریک Rake ، نوشیدن الکل و مستی حاصله از آن، نقاشی از ویلیام هوگارت William Hogarth.



نقشه ی امریکای شمالی پس از عهدنامه ی پاریس.



رییس پونتیاک Chief Pontiac ، از تصاویر سال های معاصر.



ژان ژاک روسو Jean Jacques Rousseau ، فیلسوف و نویسنده ی فرانسوی.



جان وایلکز John Wilkes ، عضو انجمن روزنامه نگاران.



ولتر Voltaire ، فیلسوف و شاعر فرانسوی.



کاترین کبیر، ملکه ی روسیه.

پاریس، ژوئن ۱۷۸۸
ژان ژاک بـارتولمی (Jean Jacques Barthelmey) نویسـنده‌ی فرانسوی کتاب داستان سفر آنارکارزیس (Anarcharsis) جوان را به یونان منتشر کرد. این کتاب برپایه‌ی داستان مسـافرت یکـی از مردان قوم اسکیت (Schyth) بـه آتـن و ملاقـات او بـا دموسـتن (Demosthenes) آتنی نوشـته شـده و حکایـت باسـتانی شـرقی می‌باشد که به سبک امروزی درآمد.
پاریس، ششم ژوئیه ۱۷۸۸
ده‌هزار نفر از سپاهیان فرانسـوی بـه شورشـیان فقیرتـر از خـود پیوستند.
فرانسه، ۱۳ ژوئیه ۱۷۸۸
توفان و گردباد شدیدی که سراسـر کشـور را فراگرفـت، باعـث نابودی محصولات کشاورزی و خرابی‌های بسیار شد.
پاریس، ۱۵ ژوئیه ۱۷۸۸
لویی شانزدهم تعداد دوازده‌نفر از وکلای برتون (Breton) را کـه با اصلاحات قضایی مخالفت کـرده و بـه دسـتور نخسـت‌وزیـر لاموینون (Lamoignon) در ماه مه زندانی شده بودند، آزاد کرد.
پاریس، ۱۹ ژوئیه ۱۷۸۸
بهای سهام بورس پاریس سقوط کرد.
آسیای جنوب شرقی، ۲۰ ژوئیه ۱۷۸۸
توماس کانوی (Thomas de Conway) فرماندار فرانسوی مجتمع پوندیچری، از اعزام نیروهای نظامی فرانسـه در جهـت حمایـت نهوین‌آن (Nhuyen Ann) پادشاه ویتنام و به‌سـلطنت‌رسـیدن وی صرف‌نظر کرد.
هندوستان، اوت ۱۷۸۸
تیپو صاحب (Tipu Sahib) سلطان میسـور (Mysore) کـه تحـت حمایت ارتـش فرانسـه از پیشـروی و غلبـه‌ی انگلـیس بـر هنـد جلوگیری می‌کرد، سه نماینده به فرانسه اعزام کرد.
انگلیس، دوم اوت ۱۷۸۸
توماس گینز بورو (Thomas Gainsborough) نقاش انگلیسی، در سن ۶۱ سالگی درگذشت. وی در کـار ترسـیم دورنماهـا رقیـب بزرگـی بـرای سـر جوشـوا رینولـد (Sir Jushua Reynolds) بزرگ‌ترین نقاش عصـر خـود بـود و همـواره کارهـای او مـورد تحسین قرار می‌گرفت. یکی از بهترین تابلوهای او، تصویر سـارا سیدون (Sarah Siddons) است.
ورسای، هشتم اوت ۱۷۸۸
به‌دنبال تـلاش‌هـایی کـه بـرای رفـع بحـران اقتصـادی صـورت می‌گرفت، لویی شانزدهم وضع فوق‌العاده اعلام کرد که تا تـاریخ یکم مه ۱۷۸۹ ادامه داشت.
ورسای، ۱۶ اوت ۱۷۸۸
با وجودی‌که کارشناسان اقتصاد در پـی اصـلاح وضـعیت پـولی خزانه بودنـد و چـاره‌ی کـار را در انتشـار اوراق قرضـه‌ی ملـی می‌دیدند، لومینی دو برین (Lomenie de Brienne) اقتصاد کشور را ورشکسته اعلام کرد.
ورسای، ۲۵ اوت ۱۷۸۸
در تلاش برای رهایی اقتصاد فرانسـه از ورشکسـتگی و سـقوط، لویی شانزدهم ژاک نکر (Jacques Necker) متولـد شـهر ژنـو و بانکدار پروتسـتان‌مـذهب را کـه در سـال ۱۷۸۳ بـه‌علـت عـدم رضایت از وی برکنار شده بود، فراخواند و او را به‌جای برین بـه سمت وزیر دارایی منصوب کرد.
پاریس، ۲۹ اوت ۱۷۸۸
در اعتراض به برکناری برین، در تظاهراتی کـه بـه نفـع وی برپـا شده بود، هشت‌نفر کشته شدند.
پاریس، ۱۲ سپتامبر ۱۷۸۸
به درخواست نکر، نجبای برتون (Breton) که بـه علـلی قربـانی مطامع سیاسی و به اتهام توهین به دربـار سـلطنتی زنـدانی شـده بودند، آزاد گشتند.
ایالات متحده‌ی امریکا، ۱۳ سپتامبر ۱۷۸۸
ایالت نیویورک به‌عنوان پایتخت و محل تشکیل کنگره اعلام شد.
شهر هاگ (Hague)، ۱۵ سپتامبر ۱۷۸۸
در روز ۱۳ اوت، پیمان اتحادی بین بریتانیـا، پـروس و هلنـد در شهر برلین امضا شد.
ورسای، ۱۹ سپتامبر ۱۷۸۸
شـارل دوبـارنتن (Charles de Barentin) بـه‌جـای لاموینـون (Lamoignon) کـه تحـت فشـار اسـتعفا داده بـود، بـه‌عنـوان نخست‌وزیر انتخاب شد.

ادیبان، نویسندگان، تحصیل‌کردگان و روشن‌فکران امروز فرانسوی، سالن‌های شـهر را تبـدیل بـه مرکـز و محل اجتماع و سخنرانی‌ها که مورد توجه دنیای نـوین است، کرده‌اند. دربار فرانسه نویسندگان و هنرمنـدان را برای چند صباحی می‌پذیرد و سپس از آن‌جا می‌راند. بـا وجود زنان زیرک و دغل‌بازی که در دربار وجود دارنـد، هنرمندان احساس می‌کنند که دیگر جایی بـرای آن‌هـا وجود ندارد، پس آن‌ها تالارهای بزرگ شـهر را بـرای سخنرانی و تبلیغ کارهای خود انتخاب کـرده و خـود را معرفی می‌کنند و آن‌جا را همانند خانه‌ی خود می‌دانند و نام آن‌ها را هم دربار نوین گزارده‌اند.

این مکان‌ها تنها مخصوص هنرمندان نیست، بلکـه همه‌ی طبقات، از نویسندگان، سیاست‌مداران، متفکـران و روشن‌فکران در آن‌جا حضـور دارنـد و ایـن گـروه‌هـا به‌ناچار از مردم عادی هم دعـوت مـی‌کننـد کـه در آن مجالس شرکت کنند.

این انجمن‌ها از ۶۰ سال پیش آغاز بـه کـار کـرده است. در ابتدا این مکان‌ها جهـت دعواهـای حقـوقی و مراسم جشن و سرور بود، لیکن اکنون از تمـام قشـرها در این اجتماعات گرد هم می‌آیند و جنبه‌ی قانونی دارد. در این گردهم‌آیی‌ها خانم‌هایی ماننـد مـل‌دو لسـپیناس (Mlle de Lespinasse)، مادام دو تنسن (Mme du Tencin) و مادام نه‌کر (Mme de Necker) هـم در جمع سیاست‌مداران حضور می‌یابند. مادام دفاند (Mme de Deffand) و مادام ژوفرن (Mme Geoffrin) که مادر انسیکلوپدی نام دارد، به‌عنوان میزبان فیلسوفان از شرکت‌کنندگان پذیرایی می‌کند.

آهنگ‌سازی کـه دوسـت ولتـر بـود، درگذشـت. (پاریس، ۱۲ سپتامبر ۱۷۶۴):

ژان فیلیـپ رامـو (Jean Philippe Rameau)، بزرگ‌ترین آهنگ‌ساز امروزی فرانسوی، قبـل از آن‌کـه سـالگرد ۸۱ سـالگی خـود را جشـن بگیـرد، جـان بـه جان‌آفرین تسـلیم کـرد. او در شـهر دیـژون (Dijon) متولد شد و مدت‌ها در شهرهای آوینیون (Avignon)،

کلرمون (Clermont) و لیون (Lyons) قبل از آن‌که در پاریس سکونت گزیند، به کار تحقیق هنر موسیقی مشغول بود و سرانجام در سال ۱۷۲۲ وارد پاریس شد. وی به زودی در کار نظریه‌های موسیقی سرآمد دوران و آهنگ‌سازی بلندپایه به‌شمار آمد و نظریات خود را در موزیک کاناتاس (Canatas) ابراز داشت.

او در سال ۱۷۳۳، نخستین اپرای خود را به‌نام هیپولیت و آریسی (Hipplyte et Aricie) به‌اجرا درآورد که موجب حیرت و شگفتی بینندگان گردید و هیأت ارکستر را به مقامی ارجمند و ثروت رساند، در حالی‌که رامو به‌خاطر آهنگ این اپرا مورد تشویق مردم قرار می‌گرفت. رامو دوست نزدیک و صمیمی عده‌یی از مشهورترین روشن‌فکران از جمله ولتر بود و نظریات او در موسیقی امروزی فرانسه مورد پسند اغلب موسیقی‌دانان واقع شده است. نظریات رامو در مورد موسیقی مورد بحث و جدل روشن‌فکران و نویسندگانی مانند روسو و دیدرو (Diderot) قرار گرفته است.

مارکیز دولت‌ها را دعوت به پایان امر شکنجه در زندان‌ها کرد. (ایتالیا، ۱۷۶۴):

مارکیز بک‌کاریا (Beccaria)، یک حقوق‌دان و راهنمای قانونِ ۲۵ ساله‌ی ایتالیایی، در کتاب خود از تمام کشورهای اروپایی خواسته است که از شکنجه‌ی متهمان جلوگیری به‌عمل آورند. او در زمانی‌که به شبیه جزیره‌ی کریمه تبعید شده بود، مشاهده می‌کرد که بازجویان در ابتدای بازجویی متهم را تحت شکنجه قرار می‌دهند و این سرنوشت همه‌ی متهمان است.

بک‌کاریا شاید بیش‌تر نظریات خود را مدیون اسلاف خود هم‌چون روسو و مونتسکیو و سایر روشن‌فکران که افکار صلح‌جویانه و آرامش‌طلب خود را برملا می‌سازد، به‌کاربردن افکار ملّی و تجزیه‌ی روح دموکراسی برطبق قانون و بحث و جدل سیاسی جرم نیست و نباید موجب کشتن، شکنجه و آزار و تبعید افراد گردد، این کارها حالت وحشیگری و بربریت دارد و بایستی به کلی منسوخ شود.

انسان قبل از قانون هم آزاد بوده و آزادی جزو شئون بشری است، بک‌کاریا می‌گوید هیچ فردی برای عقاید دینی و سایر افکارش که موجب آشفتگی جامعه نباشد، نباید تحت پیگرد و شکنجه قرار گیرد. اگرچه افکار و نظریات بک‌کاریا مشتاقانه و خالصانه به‌سود اجتماع تمام می‌شد، او که در نظر داشت جزو واضعان انسیکلوپدی قرار گیرد، لیکن به‌علت سرقت ادبی و اتهام به حیله‌گری در نوشته‌جات خود از این امر محروم شد.

یک باستان‌شناس تبعه‌ی آلمان، هنر یونانی را در اروپا ترویج می‌کند. (رم، ۱۷۶۴):

یک پسر کارگر ساده تبعه‌ی آلمان که در رشته‌ی هنر باستانی آموزش دیده و از منابع بسیار ارزشمندی بهره برده، با کمال شجاعت و شهامت نظریات خود را درباره‌ی تمدن یونانی ابراز داشته، متأسف است که کشورهای اروپایی شیوه‌ی این تمدن را از خاطره‌ها زدوده‌اند.

یوهان خواکیم وینکلمن (Johann Joachim Winckelmann) در سال ۱۷۵۵ وارد شهر رم شد. او به‌همراهی دو کاردینال که متصدی کتابخانه بودند، جهت بازدید رم آمده بود. او از شهر ناپل، هرکولانوم (Herculaneum)، که در اثر آتشفشان ویران شده، و پستوم (Paestum) بازدید کرد و با اجازه‌ی خصوصی پادشاه، مقداری از خاکستر و مواد آتشفشانی را با خود برد.

او اکنون به انتشار کتاب خود موسوم به تاریخ تمدن باستان پرداخته است. وی در نوشته‌جات خود، تمدن‌های مصر، ایران، اتروسک (Etruscan) (ایتالیا) و یونان را از هم تفکیک و دسته‌بندی کرده است. او می‌نویسد که عقیده‌ی نجبای یونانی را در مورد عشق‌بازی با پسران زیبا مردود دانسته، لیکن ساختن پیکره‌ی آنان را امری هنری می‌داند.

با شروع شورش سرخ‌پوستان، دستور داده شد که مسیحیان به میهن خود بازگردند.

ورسای، ۲۳ سپتامبر ۱۷۸۸
لویی شانزدهم اعلام کرد که اصلاحات قضایی به بن‌بست رسیده و قوانین پارلمانی سابق به‌جای آن به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.
پاریس، ۲٤ سپتامبر ۱۷۸۸
اعضای پارلمان پاریس دور هم جمع شده و جلساتی برگزار کردند.
لهستان، ششم اکتبر ۱۷۸۸
مجلس ملی لهستان که در سال ۱۷۷۲ تحت فشار کشورهای اروپایی با تجزیه‌ی کشور موافقت کرده و به قانون اصلاحات اداری رأی داده بود، برای مدت چهارسال دیگر تمدید شد.
پروس، اکتبر ۱۷۸۸
ژان بلانشار (Jean Blanchard) مخترع فرانسوی، قایق شش‌پارویی را با بالونی که با هوای داغ به پرواز درمی‌آمد، مجهز کرد و این اختراع سبب شد که قایق به حال پرواز درآید و سرعت سرسام‌آوری پیدا کند.
اسپانیا، ١٤ دسامبر ۱۷۸۸
شارل سوم پادشاه اسپانیا که در سال ۱۷۵۹ به سلطنت رسیده بود، از دنیا رفت و پسرش ملقب به شارل چهارم جانشین وی گشت.
استرالیا، ۱۷۸۸
کشتی‌های اعزامی که حامل چندین‌نفر از مجرمان انگلیسی به فرماندهی کاپیتان آرتور فیلیپ به استرالیا رسیده بود، سرزمین وسیعی را در پاراماتا (Parramatta) در قسمت بالای رودخانه‌ی نزدیک سیدنی، به مزرعه‌ی کشاورزی تبدیل کردند.
پروس، ۱۷۸۸
فردریک ویلیام دوم پادشاه پروس اعلام کرد که پیروان تمام مذاهب مسیحی در انجام مراسم دینی خود آزادند، هم‌چنین فشار بر افراد جهت اطاعت از یک فرقه‌ی مذهبی را ممنوع کرد.
امپراتوری عثمانی، ۱۷۸۸
نبرد برضد دولت عثمانی توسط روسیه و کشتار ساکنان شهرهای سرزمین مولداوی و هم‌چنین شهرهای کرانه‌ی دریای سیاه هم‌چنان ادامه دارد.
امپراتوری عثمانی، ۱۷۸۸
علی طالب یکی از نجبای آلبانی، شهر یانینا (Yanina) را متصرف شد و خود را «پاشا» فرمانروای کل سرزمین آلبانی خواند.
دانمارک، ۱۷۸۸
شیوه‌ی سرف‌داری زمین‌های مزروعی لغو شد.
انگلیس، ۱۷۸۸
ادوارد گیبون (Edward Gibbon) پیشینه‌نگار انگلیسی، کتاب «زوال و سقوط امپراتوری روم» را به‌پایان برد.
انگلیس، ۱۷۸۸
ژرمی بنتهام (Jeremy Bentham) کتابی موسوم به «قواعد و اصول اخلاقیات و داوری» منتشر ساخت.
انگلیس، ۱۷۸۸
اتحادیه‌ی افریقایی برای پیشرفت و ترقی تجارت مشروع، تشکیلاتی به‌جای دادوستد برده ایجاد کرد.
فرانسه، ۱۷۸۸
نیکول رین لوپوات (Nicole-Reine Lepaute) منجم فرانسوی، از دنیا رفت. وی در سال ۱۷۵۹ به‌وسیله‌ی لالاند (Lalande) به سرپرستی رصدخانه‌ی پاریس منصوب شد. این خانم ستاره‌شناس علاوه بر اشتغال، مقالاتی راجع به سیر گردش ستاره‌ی ونوس و هم‌چنین مدار حرکت این سیاره در سال ۱۷۶۱ نگاشت و فواصل بین زمین تا خورشید، ماه و سایر سیارات را تعیین کرد.
لهستان، ۱۹ ژانویه ۱۷۸۹
مجلس لهستان، شورای دایمی کشور را منحل کرد و زمام قدرت را در اختیار خود گرفت.
فرانسه، ژانویه ۱۷۸۹
در اثر بروز قحطی شدید، نکر وزیر دارایی، ناچار شد که هزاران تن گندم و آرد وارد کند.
فرانسه، ژانویه ۱۷۸۹
قانون انتخابات با وضع فوق‌العاده‌ی عمومی کشور روبه‌رو شد. در سومین انجمن میهن‌پرستان، ایالات بریتانی (Brittany) و پرونس (Provence)، آن قانون را غیرعادلانه خواندند و خواستار عدالت و مساوات برای این ایالات شدند (این انجمن متشکل از اشراف و سران کلیساها بود).

(مکزیکوسیتی (Mexico City)، ۲۵ ژوئن ۱۷۶۷):

اکنون درست یک‌سال از روز دستور پاپ راجع به ترک مسیحیان از اسپانیای جدید (مکزیک) می‌گذرد. هنوز چند صد نفر از آن‌ها در انتظار کشتی هستند تا آن‌ها را به قاره‌ی اروپا برساند. بقیه هم که در حال خروج از شهرهای محل سکونت خود بودند، توسط سربازان در محاصره هستند که زیرنظر آن‌ها شهرها را ترک نمایند.

رهبر مسیحیان، فردی روشن‌فکر می‌باشد، که مورد تأیید گروه‌های مختلف (اعم از سیاه و سفید و یا سفید و سرخ‌پوست) می‌باشد، او شخصی است دموکرات‌منش و مردمی.

حالت شورش و انفجار و غلیان سرخ‌پوست‌ها هنگامی به اوج شدت رسید که سربازانی که از سوی نایب‌السلطنه برای خاموش‌کردن شورش اعزام شده بودند، رهبر آن‌ها را مورد هدف قرار دادند که در این غائله کشته شد، سربازان اعزامی هم سر او را جدا کرده و بر سر نیزه قرار داده تا به قیام‌کنندگان شورشی نشان دهند، که غائله تشدید شد، در نتیجه آن‌ها مسیحیان را هدف قرار داده تا مکزیک را از وجودشان پاک نمایند.

اکنون نایب‌السلطنه‌ی اسپانیا سعی می‌کند که هر طور شده، مسیحیان را در آرامش و سکوت، از این سرزمین خارج کند. آن‌ها وظیفه دارند هنگام بیرون‌رفتن از مکزیک، دست سرخ‌پوستان را ببوسند.

حمله‌کنندگان برمه‌یی (Burme) به پایتخت تایلند (Thailand) هجوم برده و آن‌جا را ویران نمودند. (تایلند، ۱۷۶۷):

پس از دو سال که شهر آیوتایا (Ayutthaya) پایتخت سرزمین تایلند در محاصره‌ی سربازان برمه قرار داشت و طی این جنگ خونین، طرفین تلفات بسیاری دارند. سرانجام شهر به‌دست آن‌ها سقوط کرد. تا سال ۱۷۵۲، سرزمین برمه با جنگ داخلی درگیر بود

و هیچ‌گونه تهدیدی برای همسایگان نداشت. امّا آلائونگ پایا (Alaung Paya)، پادشاه برمه، پس از سرکوب شورش‌های داخلی و وحدت و یگانگی آن سرزمین، در فکر توسعه‌ی کشور و مرزهای جدید و مطمئن برآمد.

گرچه هجوم وی در سال ۱۷۶۰ دچار شکست شد، لیکن در سال ۱۷۶۴ حملات پسر او موفقیت‌آمیز بود. او در ابتدا شهر چی‌ینگ‌مای (Chieng-mai) را تصرف کرد، لشگریان تایلندی پیش‌بینی می‌کردند که پس از آن نوبت پایتخت است، زیرا آن‌ها حصار شهر را بسته و به دفاع از آن پرداختند، لیکن مقاومت آن‌ها پس از دو سال شکست و شهر به تسخیر برمه درآمد.

آهنگ‌سازی که در زمان حیات خود، تعداد شش هزار آهنگ ساخته بود، درگذشت. (هامبورگ (Hamburg)، ۲۵ ژوئن ۱۷۶۷):

گئورگ فیلیپ تله‌من (Georg Philipp Telemann)، در سن ۸۶ سالگی بدرود حیات گفت. او در شهر ماگدبورگ (Magdeburg) به‌دنیا آمد و از بدو آموزش موسیقی با چهار نوع وسیله‌ی موزیک که در زمان او تنها ده نوع وجود داشت، شروع به تمرین کرد. بدین معنی که به چهار نوع وسیله از ده گونه آلت موسیقی تسلط پیدا کرد و پس از مدتی به ساختن آهنگ پرداخت.

او تعداد شش هزار، یعنی پنج برابر باخ، آهنگ تهیه کرد و چندین اپرا تنظیم کرد. بسیاری از آهنگ‌های به‌جامانده از او سطحی است و محتوای چندانی ندارد، امّا چند صد فقره از ساخته‌های تله‌من بسیار سلیس و روان، و در ظرافت بسیار تنظیم گردیده است. وی از سال ۱۷۲۱، در مقام رهبر ارکستر تالار موسیقی شهر هامبورگ قرار داشت. در سال ۱۷۲۳، همین پست را در شهر لایپزیگ (Leipzig) رد کرد و در مقام سوم پس از یوهان سباستیان باخ (J.S.Bach) واقع شد.

کلایو (Clive) به سمت امپراتور در بنگال ابقا شد. (بنگال، هندوستان، ۱۷۶۵):

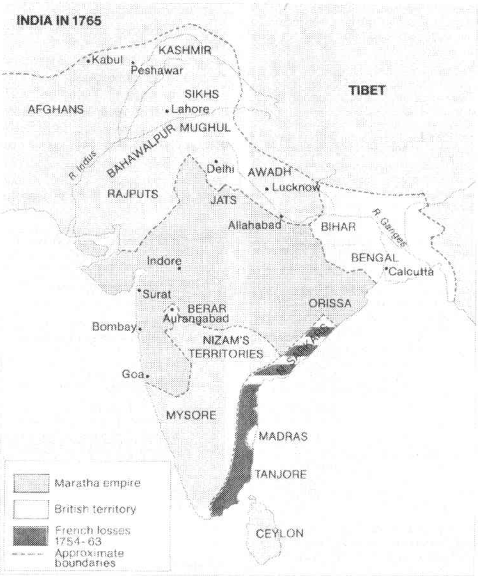
در حالی‌که امپراتوری مغول هند رو به اضمحلال و فساد می‌رفت و از سویی دولت‌های فرانسه و انگلیس و چندین شاهزاده‌ی هندی هر یک چشم طمع به بخشی از این سرزمین دوخته بودند، سلطان شاه عَلَم (Shah Alam) از کمپانی انگلیسی هند شرقی تقاضا کرد که او را به سمت دیوانی (حاکمیت) بنگال بگمارد.

در سال ۱۷۵۶، حاکم مغول بنگال یعنی در جایی‌که دولت انگلیس بیش‌ترین نفوذ را داشت و بساط خود را زیادتر گسترده بود، از دنیا رفت. پس از او، سراج‌الدوله، نوه‌اش، به‌جای وی نشست و به انگلیس اعلان جنگ داده و شهر کلکته را مسخّر کرد. وی در آن‌جا ۱۲۳ نفر انگلیسی را در سیاهچال اسیر کرده بود که همگی مردند. در این هنگام که رابرت کلایو سرپرستی کمپانی هند شرقی را برعهده داشت، به جنگ با سراج‌الدوله و متحد او دولت فرانسه پرداخت و نخست پیروز شد. در این حال سراج با کمک میرجعفر که شخصی متلون‌المزاج بود، به حکومت خود بازگشت. کلایو هم در سال ۱۷۶۰ به انگلیس بازگشت.

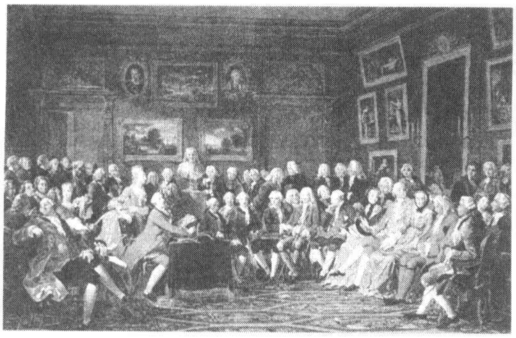
میرجعفر هم توسط ناپسریش بلافاصله برکنار شد و بدین‌وسیله سراسر منطقه بر ضد دولت انگلیس بسیج شد. میرکاظم که در خدمت کمپانی بود، از آن خواست که وی را در حاکمیت بنگال شرکت دهد تا بتواند شیره‌ی جان مردم را بدوشد.

در سال ۱۷۶۳، جنگ بین حریفان شروع شد و میرکاظم در پنج نوبت، ضربه‌های سختی خورد که آخرین آن‌ها در منطقه‌ی بک‌سر و در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۷۶۴ روی داد.

شاه علم، شاه مغول که در دوران جنگ ضعف و فتور از خود نشان داده بود، چون دید که دولت انگلیس به پیروزی‌هایی دست یافته، در نقش حامی کمپانی ظاهر شد.



نقشه ی هندوستان در سال ۱۷۶۵.



نخستین سخنرانی ولتر در سالن مادام جفرین Madame Geoffrin ، نقاشی از لومونیه Lemonier.



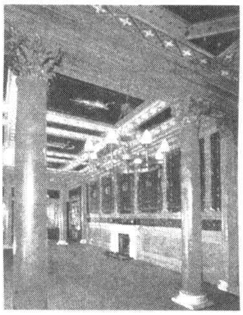
یک ظرف سوپخوری چینی نادر و گران بها به شکل کله گاو نر که قسمت بالایی آن جدا می شود و شاید ساخت کیان لونگ Qianlong و مربوطه به اواخر قرن هجدهم باشد و همان طور که گفته شد نصف قسمت بالایی جدا می شود و قسمت پایینی به عنوان سوپخوری مصرف دارد.



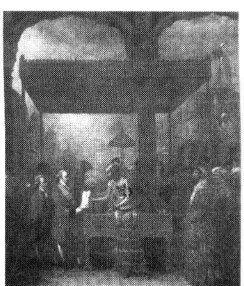
در تظاهراتی که در سال ۱۷۶۵ علیه حزب توری (محافظه کار) بر پا شد، مردم اعلامیه ی آزادی را که این حزب برتیرکهایی نصب کرده شده بود واژگون کردند و به همین مناسبت جان ترامبول John Trumbull در سال ۱۷۹۵ این تابلو را نقاشی کرد.



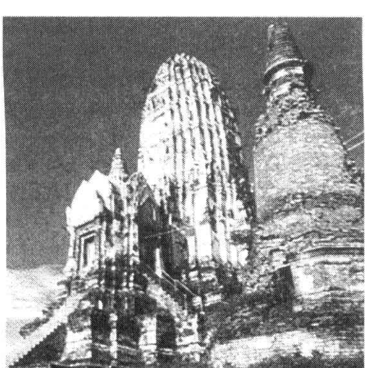
تصویری از یک مجتمع مسکونی اسپانیایی در نیویورک که ساکنان آن آداب و رسوم محلی را حفظ کرده اند.



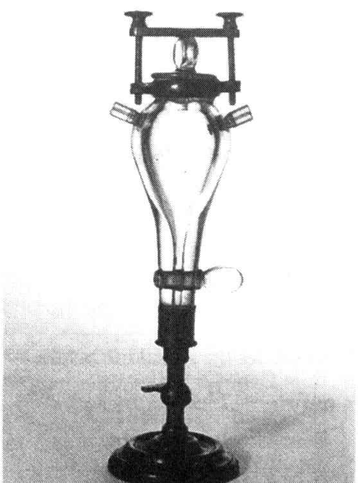
اتاق پمپی Pompeianدر پکینگتون هال Peckington Hall.



با رسیدن کلایو Clive به حکومت بنگال و سقوط امپراتوری مغول، درآمد دیوانی به حساب دولت جدید ریخته می شود.



ساختمان ویرانه ی آیوت هایا Ayuthayall.



دستگاه مهیا شده به وسیله ی کاوندیش Cavendish.

در توافق‌نامه‌ی جدیدی که بین کمپانی و میرکاظم رد و بدل شد، کمپانی قرارداد پیشین را به رسمیت شناخت و نیروهای تحت فرمان او را هم اعاده کرد، امّا کلایو به‌عنوان حاکم کل منطقه منصوب شد و بدین ترتیب کمپانی انگلیسی اداره‌ی کل بنگال را در اختیار گرفت. در نتیجه، بلوا و آشوب بالا گرفت و آنارشی و بی‌نظمی و هراس در منطقه آغاز گشت.

در این جریان، کلایو برنده و خوشحال شد، زیرا اغتشاشات دامن او را نمی‌گرفت و جنگ بین ساکنان محلی و بومی بر سر ریزه‌های قدرت بود، در حالی‌که کلایو آن‌ها را به جان هم انداخته بود. برخلاف تصور، او هنوز با فرصت به‌دست آمده مقام خود را در کف دارد و دیوانی (حاکمیت) بنگال را هم تا مدت‌ها در دست خواهد داشت.

کاترین، ملکه‌ی روسیه، همگان را جهت مدرنیزاسیون دعوت کرد. (سن‌پیترزبورگ، ۱۷۶۷):

کاترین، ملکه‌ی روسیه، که فردی آزادی‌خواه و طرفدار اصلاحات و ترقی کشور است، به‌خاطر این‌که کشور تحت سلطه‌ی خود را به‌پای تمدن اروپای غربی برساند، از ۵۶۴ نفر نمایندگان پارلمان (دوما (Duma)) روسیه دعوت کرد که پیشنهادات خود را در کمیسیون‌های مختلف مطرح ساخته و برای تجدید بنای کشور از هر جهت به مورد اجرا بگذارند تا کشور در سطح قاره‌ی اروپا مطرح شود. او خود این کمیسیون‌ها را طی تشریفات مفصلی افتتاح و دستور آغاز به کار آن‌ها را نوشت.

این نمایندگان از طبقات مختلف مانند مالکان، حاکمان ولایات، فرمانداران، قزاق‌ها (Cossacks) و اقوام کوچک نژادی و قومی (به‌جز نمایندگان کلیسا و سرف‌ها (Serfs)) تشکیل شد. آن‌ها در نظر دارند قوانین جدیدی برای انحصار و محدودیت زمین‌های کشاورزی و حدود اعمال قدرت بر روی سرف‌ها (کارگران زارع وابسته به زمین)، نقشه‌های اصلاحی برای تضمین تعلیمات و تحصیلات وضع کنند. البته آن‌ها میل ندارند تمام نظریات غربی را در روسیه اعمال کنند، چون این‌جا کشور دیگری و ویژگی‌های مربوط به خود را دارد. از برای مثال، روسیه کشوری است بسیار وسیع و نمی‌توان مدل انگلیس را در این‌جا پیاده کرد، لیکن تعقیب و پیگیری قانونی ذرت در کشور، سیستم داوری و قضاوت و آزادی‌های مدنی آن را می‌توان در این کشور اعمال کرد و از وضع قوانین تجربه‌نشده در این سرزمین جلوگیری کرد، زیرا قوانین عمل‌نشده، مشکلاتی را در بر خواهد داشت.

نمایش‌نامه‌ی انگلیس بماند، فرانسه خارج شود بر روی صحنه تئاتر (هامبورگ، ۱۷۶۷):

گات هولد افرائیم لسینگ (Gotthold Ephraim Lessing)، یکی از پیشروان نمایشات درام و انتقادی، هم‌اکنون نمایشی را به‌نام مینافون بارنهلم (Minna von Barnhelm) را به روی صحنه آورده است که در آن حملات شدیدی را به فرانسه نموده که می‌خواهد نفوذ خود را بر سرزمین‌های تحت سلطه‌ی خود هرچه بیش‌تر اعمال کند، و برعکس شکسپیر (Shakespeare) را انسانی می‌داند که نمایش‌نامه‌های با معانی عمیق دارد و کم‌تر قشری و سطحی است. در این نمایش کمدی، وی ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی یک افسر پروسی را نمایش می‌دهد که به‌طور مبالغه‌آمیزی پای‌بند امانت و درستی است، به‌حدی که مینا و اطرافیان وی با آن افکار عالی به‌هیچ‌وجه در بند امور مادی نیستند. او به این ویژگی‌ها چنان عشق می‌ورزد و همه را برابر و مساوی می‌داند که به‌صورتی غیرانسانی از کار برکنار می‌شود. ساکنان شهر هامبورگ که در نظر داشتند در یک تئاتر ملّی شرکت کنند و بر ملیت خود ببالند که چگونه هواخواه عدل و عدالت هستند، در نتیجه از لسینگ خواستند که در این‌باره تئاتری تهیه کند. لسینگ هم بر حاشیه‌نویسی و اقتباس از سبک کورنل (Corneille) و ولتر و اضافاتی بر آن مقالات و استفاده از شهرت خود، نوشته‌یی مرکب از شعر و هنر تهیه کرد که در سال گذشته انتشار یافت.

هوای قابل اشتعال از آب کشف شد. (لندن، ۱۷۶۶):

هنری کاوندیش (Henry Cavendish)، شیمیست انگلیسی شرح می‌دهد که چه‌گونه هوای قابل اشتعال را کشف کرده است. او می‌گوید همان‌طور که می‌دانیم آب از گازهای اکسیژن و هیدروژن تشکیل شده. کاوندیش این تجربیات را با وسواس و ترس وافر انجام داده که نتیجه‌ی درستی به‌دست آورد. او در یک ظرف حاوی اسید رقیق‌شده، فلزاتی همانند روی، آهن و قلع را قرار داد. او از این طریق مقداری گاز زود اشتعال به‌دست آورد.

کاوندیش هم‌چنین غلظت و خواص دیگر این گاز را از قبیل بی‌رنگی، بی‌بویی و بدون طعم بودن آن را شرح داد. کاوندیش هم‌چنین توانست پس از جداکردن اکسیژن و نیتروژن (ازت) از هوا، مقادیر بسیار کمی از گازهای بی‌اثر، که مقدار جزیی از آن در هوا موجود است را کشف کند.

کانالتو درگذشت در حالی‌که عاشق شهر ونیز بود. (ونیز، ۲۰ آوریل ۱۷۶۸):

معماری که کارهایش فناناپذیر بود و هم‌چون مروارید درخشان دریاچه‌ی ونیز می‌درخشید، به‌نام کانال که با هنرش غوغایی برپا کرد، درگذشت. او آنتونیو کانال (Antonio Canal) که در دنیا مشهور به کانالتو (Canletto) بود، جهان را ترک کرد. وی در سال ۱۶۹۷ در شهر ونیز نزدیک ریالتو (Rialto) به‌دنیا آمد، وی پس از نوجوانی با پدرش مناظر نقاشی اوپرای ویولدای (Vivaldi) را آغاز کرد. کانالتو چون عاشق شهر خود، ونیز بود، به‌هنگام بنای محوطه و بخش پشت کانال بزرگ ونیز به کار نقاشی این قسمت‌ها مشغول شد، لیکن حکومت ونیز مقرر کرده بود که مردمی که برای تماشای میدان سن‌مارک (St Mark) و نقاشی‌های گراند کانال می‌آیند، دسته‌جمعی و به‌صورت تور بیایند و مبلغی هم برای هزینه‌ی ساختمان گراند کانال بپردازند و در ضمن از مناظر

سوئد، ۲۰ فوریه ۱۷۸۹
گوستاو سوم پادشاه سوئد، قانون اتحاد و امنیت را بر ریک‌سداگ (Riksdag) تحمیل کرد. این نشانه‌یی از حاکمیت استبدادی به‌شمار می‌رود.

لندن، فوریه ۱۷۸۹
جورج سوم پادشاه انگلیس، پس از سه‌ماه ناراحتی روحی و روانی، سلامتی خود را بازیافت. در این مدت پیت نخست‌وزیر با اجازه‌ی پارلمان به‌عنوان نایب‌السلطنه، وظایف پادشاه را عهده‌دار بود و قوانین و اوامر پادشاه را از سوی او توشیح می‌نمود.

پروونس (Provence)، فوریه ۱۷۸۹
به‌دستور هونور گابریل ریکتی (Honore Gabriel Riqueti)، کنت میرابو (Count Mirabeau) را برای سخنرانی درباره‌ی سومین وضع غیرعادی در کشور از کانون اشراف فرانسه اخراج کردند.

فرانسه، فوریه ۱۷۸۹
پی‌یر لاووازیه (Pierre Lavoisier) مقالات خود را درباره‌ی عناصر شیمیایی به‌اتمام رسانید.

ایالات متحده امریکا، چهارم مارس ۱۷۸۹
اولین جلسه‌ی کنگره در شهر نیویورک تشکیل شد.

لهستان، مارس ۱۷۸۹
مجلس عوام لهستان قانون ده‌درصد مالیات بر درآمد و بیست‌درصد زمین‌های مربوط به کلیساها و اموال آن را تصویب کرد.

استانبول، هفتم آوریل ۱۷۸۹
سلطان سلیم سوم جانشین عموی خود سلطان عبدالحمید شد.

اقیانوس آرام، ۲۸ آوریل ۱۷۸۹
ویلیام بلیگ (William Bligh) دریانورد بریتانیایی پس از فرونشاندن شورش جزیره‌ی بونتی (Bounty) نزدیک جزایر دوستان با روش بسیار خردکننده و به‌هلاکت‌رساندن بومیان آن، با ناوگان خود در دریا دچار توفان شد، به‌طوری‌که تنها با ۱۸ نفر از ملوانان و یک کشتی توانست به یکی از جزایر پناه ببرد.

امریکا، ۳۰ آوریل ۱۷۸۹
جورج واشنگتن با نطق افتتاحیه در کنگره به‌عنوان نخستین رییس‌جمهور امریکا سوگند یاد کرد.

فرانسه، آوریل ۱۷۸۹
اعضای مجلس سوم وضع مالیات سنگین را بر فقرا محکوم کردند و آن را بار سنگینی بر دوش آن‌ها تلقی کردند و در ضمن خواستار محدودیت قدرت پادشاه شدند.

پاریس، آوریل ۱۷۸۹
آکادمی علوم فرانسه گزارش سالانه‌ی پیشرفت علم شیمی را به‌طور مختصر منتشر کرد و عناصر شیمیایی کشف‌شده و رابطه‌ی آن‌ها را در زندگی و حیات شرح داد.

پاریس، ۲۸ آوریل ۱۷۸۹
در شورشی که در جریان ضیافت شام کارخانه‌ی کاغذدیواری پاریس برپا شد، در اثر تیراندازی سربازان تعداد سیصدنفر کشته شدند. این تظاهرات بدین سبب برپا شد که اخباری رسیده بود که هزینه‌ی این ضیافت از بودجه‌ی عمومی پرداخت شده و شرکت‌کنندگان پولی بابت این میهمانی پرداخت نکرده‌اند.

پاریس، ۳۰ آوریل ۱۷۸۹
دو نفر از مردان را به جرم شرکت در تظاهرات علیه برپایی ضیافت شام کارخانه‌ی کاغذدیواری، حلق‌آویز کردند.

مارسی (Marseilles)، ۳۰ آوریل ۱۷۸۹
شورشیان کنترل شهر را در دست گرفتند. سه‌نفر از مدافعان قلاع دفاعی و یک‌نفر از فرماندهان شورش کشته شدند.

ورسای، پنجم مه ۱۷۸۹
مجلس شورا رسماً توسط لویی شانزدهم گشایش یافت.

ورسای، ۱۱ مه ۱۷۸۹
مذاکرات جلسات مجلس عوام به بن‌بست رسید، لیکن بیش‌تر بحث درباره‌ی انتخابات مجلس سوم بود و نمایندگان با سیستم رأی‌گیری موافقت کردند.

ورسای، ۲۲ مه ۱۷۸۹
در جلسات انجمن اشرافی پایتخت پیشنهاد شد که امتیازات کشیش‌ها را لغو کنند.

پروس، مه ۱۷۸۹
هرتزبرگ (Herzberg) وزیر امور خارجه‌ی پروس طی نقشه‌یی درخواست کرد که از پیشروی روس‌ها در لهستان جلوگیری به‌عمل آید.

زیبای آن لذت برند. یکی از بانک‌داران انگلیسی پول‌های پرداخت‌شده را در بانک جمع می‌کرد که برای کارگران مشغول به کار که در حدود ۵۰ نفر بودند هزینه شود. در سال ۱۷۴۶، کانالتو به انگلیس رفت که نقاشی‌های کلیسای سنت توماس و سایر مکان‌ها را انجام دهد، لیکن او با وجود کارهای مهمی که در آن کشور به او پیشنهاد شد، به میعادگاه عشق خود، یعنی شهر ونیز بازگشت.

روسیه با شلاق خود به لهستان تجاوز و تخطی کرد. (لهستان، ۱۷۶۸):

بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم لهستان که در پی آزادی دینی بودند و حقوق خود را می‌طلبیدند، در سه هفته‌ی اخیر در اثر تجاوز دولت روسیه که ادعای سیاست بهتری می‌کرد، در قشون‌کشی به هلاکت رسیدند.

این حرکات غیرمتعادل و شورش‌های مردم خشمگین لهستان برعلیه روسیه، زمانی آغاز شد، که آن‌ها عده‌یی از اعضای سیم (Seym) (پارلمان) و اسقف‌های لهستانی را دستگیر و زندانی کردند، به بهانه‌ی این‌که شورش را سرکوب کنند.

گروهی از مالکان کوچک شرق کشور ادعا کردند که خواهان کنفدراسیونی از مسیحیان کاتولیک در مقابل اورتودوکس‌های روسی هستند.

هنگامی‌که سربازان روسی برای اسکات مردم به آن سرزمین رفته بودند، کاترین امپراتور روس با پشتیبانی این نیرو، عاشق پیشین خود به‌نام استانیسلاس پونیاتوفسکی (Stanislaus Poniatowski) را به پادشاهی این سرزمین منصوب نمود، لیکن پونتاتوفسکی درصدد اصلاحات اجتماعی برخلاف نظر کاترین برآمد، در همین هنگام کاترین پرنس نیکلای رپنین (Nikolai Repnin) را برای اجرای اوامرش در لهستان از سن‌پیترزبورگ به آن‌جا اعزام داشت و سپس نیروهای نظامی روس هم به لهستان فرستاده شدند. با این وضع آتش جنگ شعله‌ور گشت و در حدود دویست هزار نفر از مردم لهستان نابود شدند.

شیمی‌دانی که قضیه الکتریسیته را حل کرد. (لیدز (Leeds)، انگلیس، ۱۷۶۷):

جوزف پریستلی (Joseph Priestley) شیمی‌دان انگلیسی که تحقیقات علمی را با وزارت آمیخته بود و طرفدار عقاید پرسبی‌تارین‌ها (Presbyterian) بود، درباره‌ی کشف مهم خود کتاب تازه‌یی انتشار داد. این کتاب که به‌نام جنبه‌های تاریخی و حال الکتریسته به‌وسیله‌ی تجربیات اصولی نامیده می‌شود در حقیقت اکتشافات عمیق و گسترده‌یی است راجع به قضایای علمی و آموزشی. وی این کتاب را به تحریک و تشویق سایر دانشمندان محقق در الکتریسته طبیعی نوشت.

وی در مورد تمام اجسام و ظرفیت الکتریکی آن‌ها با دیده‌ی عمیقی می‌نگریست و از این نظر همه را با هم مطابقت و مورد سنجش قرار می‌داد. او نخستین فردی است که هنگام صاعقه و برق در آسمان، تخلیه‌ی الکتریکی آن را روی صفحه‌ی فلزی مورد تحقیق قرار داد و از این نظر او را به‌نام پریستلی زنگ‌ها نامیدند، لیکن او هم یکی از هواخواهان نظریات نیوتن بود. پریستلی در ضمن مطالعات خود به این نتیجه رسید که بار الکتریکی به قدرت نیروی برق ایجاد شده در میدان مغناطیسی بستگی دارد.

روزنامه بنیادگرای روسی سخت به سیستم سرفداری حمله کرد. (مسکو، ۱۷۶۹):

گروهی از نویسندگان جوان و باروح روسی یک مجله‌ی ادبی به سبک مجلات آدیسون (Addison) و استیل (Steel) که مانند آینه اخبار انگلیس را منعکس می‌نمایند، با تشویق کاترین ملکه روسیه منتشر کردند. این روزنامه هم همانند سایر جراید غربی اخبار محلی روس را انتشار می‌دهد. نیکلای نوویکوف (Nikolai Novikov) مدیر ۲۵ ساله روزنامه درون (Drone)

اتریش ـ هلند، مه ۱۷۸۹
ژوزف دوم امپراتور اتریش به‌علت بیزاری از سیاست زمامداران هابسبورگ، از بلژیک دعوت کرد که زمام امور را در آن منطقه به‌دست گیرد.
اتریش، مه ۱۷۸۹
ایالات استیریا (Styria) و کارنیولا (Carniola) برضد ژوزف دوم قیام کردند.
فرانسه، چهارم ژوئن ۱۷۸۹
لویی دوفین (Dauphin Louis) بر اثر ابتلا به بیماری سل در سن هفت‌سالگی جان سپرد.
آسیای جنوب شرقی، ۱٤ ژوئن ۱۷۸۹
ناوگان کاپیتان ویلیام بلیگ (Willam Bligh) که در ماه آوریل پس از رفع غائله‌ی جزیره‌ی بونتی در اقیانوس دچار توفان شده بود، به جزیره‌ی تیمور (Timor) نزدیک جاوه (Java) وارد شد، در حالی‌که مسافت ۳۵۰۰ مایل را با یک قایق کوچک پیموده بود.
ورسای، ۱۷ ژوئن ۱۷۸۹
مجلس سوم نام خود را به مجلس ملی تغییر داد.
اتریش ـ هلند، ۱۸ ژوئن ۱۷۸۹
در پی امتناع ایالات بلژیک در پرداخت مالیات به اتریش، نیروهای نظامی رژیم نامردمی و استبدادی اتریش که به‌طور مرتب بر تضییقات نسبت به ملل تحت سلطه‌ی خود می‌افزود، به فرمان امپراتور ژوزف دوم، آن کشور را اشغال کردند.
ورسای، ۱۹ ژوئن ۱۷۸۹
انجمن کشیشان فرانسوی به پیروی از اتحاد ملی به مجلس سوم رأی داد.
ورسای، ۲۰ ژوئن ۱۷۸۹
پس از بسته‌شدن مجلس ملی توسط لویی شانزدهم، نمایندگان این مجلس سوگند یاد کردند که قصر سلطنتی را به زمین تنیس مبدل خواهند کرد که دوستداران این ورزش در آن‌جا به بازی بپردازند.
ورسای، ۲۷ ژوئن ۱۷۸۹
لویی شانزدهم از نمایندگان مستعفی پارلمان سوم و کشیشان وفادار به سلطنت و اشراف خواست که به مجلس سوم بپیوندند. پارلمان سوم مرکب از ۴۷ نفر از نجبای فرانسه به مجلس ملی پیوسته بودند.
پاریس، ۳۰ ژوئن ۱۷۸۹
گروهی به زندان آبی (Abbaye) حمله کردند و دسته‌یی از سربازان گارد سلطنتی که از طبقه‌ی متوسط مردم حمایت کرده و زندانی شده بودند را از حبس رهایی دادند.
برلین، ۱۷۸۹
موزارت آهنگساز مشهور از برلین دیدن کرد تا شاید شغلی در دربار به او بدهند. وی یک رشته کوارتت برای پادشاه اتریش ساخته بود که فوق‌العاده مورد توجه او قرار گرفت.
ورسای، نهم ژوئیه ۱۷۸۹
مجلس ملی فرانسه اعلام کرد که مسؤول تهیه‌ی قانون اساسی می‌باشد و بنابراین جلساتی را برای تهیه‌ی آن تشکیل خواهد داد.
پاریس، ۱۲ ژوئیه ۱۷۸۹
لویی شانزدهم نکر را که سخت مورد حمایت مردم بود، از پست وزارت دارایی برکنار کرد و بدین ترتیب به آتش ایجادشده در شهر پاریس دامن زد و دو روز بعد شورشی برپا کرد که به هیچ‌وجه متوقف نشد.
پاریس، ۱٤ ژوئیه ۱۷۸۹
زندان باستیل (Bastille) به تصرف مردم پاریس درآمد.
پاریس، ۱۵ ژوئیه ۱۷۸۹
نمایندگان مردم کمون پاریس را به ریاست بیلی (Bailly) تشکیل دادند و وی را به سمت شهردار انتخاب کردند. هم‌چنین لافایت (Lafayette) به فرماندهی گارد ملی منصوب شد.
ورسای، ١٦ ژوئیه ۱۷۸۹
لویی شانزدهم نکر را فراخواند.
ورسای، ١٦ ژوئیه ۱۷۸۹
اشراف دربار از فرانسه شروع به مهاجرت کردند.

برخلاف این‌که تازه شروع به کار کرده، از شهرت متوسطی برخوردار است، او به تازگی حملاتی را علیه وضعیت اجتماعی و به‌ویژه نظام سرفداری آغاز کرده.

در یکی از مقالات این روزنامه، آلکساندر رادیش‌چف (Alexander Radishchev) که از شاگردان روسو می‌باشد، مسافرت خود را از شهر سن‌پیترزبورگ (St Petersburg) به مسکو شرح می‌دهد و منظور وی از بیان ماجرا اعتراض به رژیم سرف‌داری و دیکتاتوری زمین‌داران بزرگ است. در حالی‌که نوویکوف در انتظار آن است که مجله‌ی او به‌زودی توقیف شود.

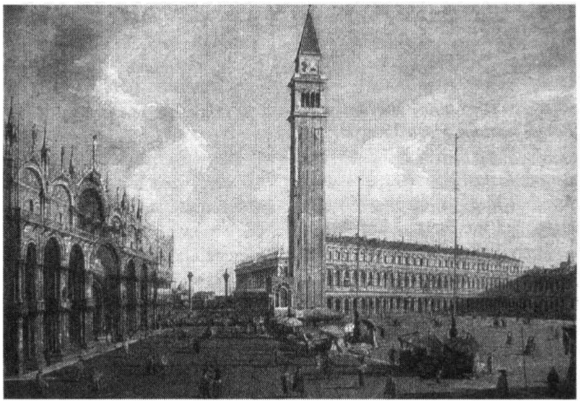
جنگجوی استقلال‌طلب اهل جزیره‌ی کورس را تبعید کردند. (توسکانی، ایتالیا، ۱۷۶۹):

ژنرال پاسکال پائولی (Paquale Paoli)، رهبر استقلال‌طلب اهل کورس (Corsica) و ۳۰۰ نفر از همراهان وی پس از شکست از نیروهای فرانسوی در ساحل توسکانی (Tuscany) پیاده شدند.

نیروهای فرانسوی قصد داشتند که این ژنرال ۴۴ ساله و گروه جنگجویان کورسی را از شهر خودشان به انگلیس تبعید نمایند. او که یک سرباز رزم‌دیده است و با نبردهای کلاسیک آشنایی کامل داشت مورد تقدیر و تحسین سیستم حکومت انگلیس بود. استقلال‌طلبان در نظر داشتند، این جزیره‌ی کوچک را به سبک سیستم پارلمانی بریتانیا اداره کنند. در حالی‌که دولت فرانسه سال پیش این جزیره را به مبلغ دو میلیون لیور به حکومت جنوا (Genoa) فروخته بود، پائولی به عمد دشمن سنتی فرانسه را انتخاب کرده بود که بتواند با دوستی با آن کشور از سلطه‌ی فرانسه رهایی یابد.

بزرگ‌ترین گروه هنرمندان لندن به آکادمی سلطنتی پیوستند. (لندن، دهم دسامبر ۱۷۶۸):

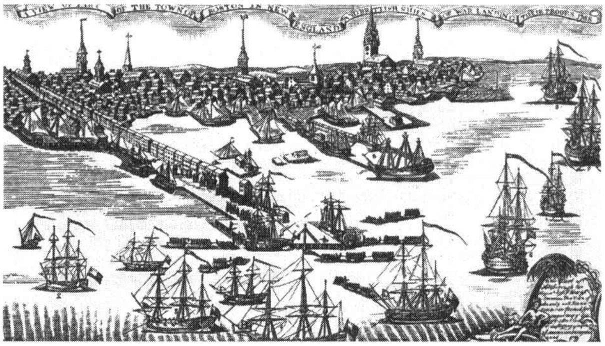
جورج سوم، پادشاه انگلیس، امروز مدارک مربوط به تأسیس انجمن سلطنتی را امضا و اعلام کرد که خود من یکی اعضای این آکادمی و حامی و پشتیبان آن



نمای جانبی کلیسای سنت مارک، یکی از چندین تابلویی است که کانالتو Canaletto از مکان های مختلف شهر ونیز تهیه کرده است.



خانم جین ویچ کات Jane Lady whichcote اثری از توماس گینز بورو Thomas Giansborough.



نیروهای نظامی انگلیس در بندر بوستون پیاده می شوند. تابلویی از پاول رور Paul Revere.



تابلویی از خانم هارتلی Mrs Hartly ، یکی از بهترین آثار نقاشی سرجوشوآرینولدز Sir Joshua Reynolds.



دو مجسمه ی چینی ساخت روسیه.

پاریس، ۱۸ ژوئیه ۱۷۸۹
کامیل دمولن (Camille Desmoulins) نخستین اعلامیه‌ی انقلابیون طرفدار جمهوریت را به‌نام فرانسه آزاد منتشر کرد.
ورسای، ۲۰ ژوئیه ۱۷۸۹
روبسپیر (Robespierre) نماینده‌ی آراس (Arras) از انقلابیون حمایت کرد.
پاریس، ۲۱ ژوئیه ۱۷۸۹
نمایش کمدی فرانسه در سالن تئاتر ملی بار دیگر به روی صحنه آمد.
پاریس، ۲۲ ژوئیه ۱۷۸۹
برتیه (Bertier) ناظر امور مالی پاریس و فولون (Foulon) ناپدری وی که یکی از مقامات وزارت دارایی بود، توسط گروهی به‌قتل رسیدند.
نیویورک، ۲۷ ژوئیه ۱۷۸۹
ساختمان وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا، نخستین محلی است که با پیگیری مداوم گشایش یافت و توماس جفرسون (Thomas Jefferson) هم به‌عنوان وزیر خارجه در آن‌جا مستقر شد.
فرانسه، ژوئیه ۱۷۸۹
ترس و واهمه‌ی شدیدی بر تمام ایالات فرانسه مستولی گشت و شور انقلاب به سراسر شهرها و نقاط کشور گسترش یافت.
پاریس، ژوئیه ۱۷۸۹
آنتوان لورن دو ژوسیو (Antoine Laurent de Jussieu) گیاه‌شناس فرانسوی، رده‌بندی تمام گیاهان دنیا را به‌اتمام رسانید.
ورسای، اوت ۱۷۸۹
مردم ایالات فرانسه ساختمان مجلس ملی را سنگباران کردند و در اثر منازعات آن‌جا را آتش زدند و پرداخت مالیات را ممنوع کردند.
آلمان، اوت ۱۷۸۹
با توسعه‌ی وقایع و رویدادها در کشور فرانسه، کشاورزان منطقه‌ی راین (Rhine) هم علیه امتیازات اشرافی قیام کردند.
نیویورک، دوم اوت ۱۷۸۹
نبرد بین مناطق مختلف امریکا به فرماندهی هنری ناکس (Henry Knox) آغاز شد.
ورسای، چهارم اوت ۱۷۸۹
مجلس شورای فرانسه، امتیازات اشرافی را لغو و ساختار اجتماعی رژیم کهن را واژگون کرد.
ورسای، ۲۶ اوت ۱۷۸۹
مجلس شورا در آخرین اجلاس خود، قانون حقوق بشر را اعلام کرد.
فرانسه، ۲۶ اوت ۱۷۸۹
کارگران معادن کوهستان پیرنه (Pyrenees) نسبت به شرایط کار در معدن دست به اعتراض زدند.
پاریس، اوت ۱۷۸۹
ژاک لویی داوید (Jacques Louis David) نقاش فرانسوی، ترسیم تابلوی موسوم به بروتوس (Brutus) را به‌پایان برد. این نمونه‌یی از فداکاری و احترام به جمهوری می‌باشد.
اورلئان، ۱۳ سپتامبر ۱۷۸۹
سربازان گارد به روی مردم شورشی که به غارت مغازه‌های نانوایی پرداخته بودند، آتش گشوده و ۹۰ نفر را به هلاکت رساندند.
پاریس، ١٦ سپتامبر ۱۷۸۹
ژان پل ماره (Jean Paul Marat) روزنامه‌ی جدیدی موسوم به دوستدار ملت انتشار داد.
نیویورک، ۲۴ سپتامبر ۱۷۸۹
کنگره قانون دادگستری فدرال را که متضمن ایجاد دادگاه‌های سیار، دادگاه‌های بخش و ناحیه و دادگاه‌های دیوان کشور بود، تدوین کرد.
نیویورک، ۲۵ سپتامبر ۱۷۸۹
کنگره ۱۲ ماده‌ی اصلاحی را که متضمن حقوق اجتماعی مردم بود، به قانون اساسی ایالات متحده افزود.
نیویورک، ۲۹ سپتامبر ۱۷۸۹
کنگره به تشکیل ارتش فدرال رأی مثبت داد.
پاریس، هفتم اکتبر ۱۷۸۹
پس از هجوم زنان پاریس به کاخ ورسای برای توزیع عادلانه‌ی نان، خاندان سلطنتی در زیر فشار مردم به‌ناچار کاخ را ترک کرده و به پاریس رفتند تا در کاخ تویلری (Tuileries) پنهان شوند.

خواهم بود. جوشوآ رینولدز (Joshua Reynolds) که به ریاست آکادمی انتخاب شده اظهار داشت: این اقدامی بسیار مفید و ارزنده است، ما در این آکادمی آن‌چه را که دیگران ادعا می‌کردند به همه خواهیم آموخت و هیچ موضوع را از نظر دور نخواهیم کرد، بلکه آن‌چه را که نیاموخته‌ایم، یاد خواهیم گرفت.

وی در این سخنرانی قصد داشت که به قوانین هنر اشاره کند و شاگردان کالج سلطنتی را راهنمایی نماید، او در ضمن محل نخستین آکادمی سلطنتی را در سامرست هاوس (Somerset House) قرار داد. وی گفت که از سال آینده همه‌ساله کارهای هنری ۵۰ نفر از هنرمندان را در آن‌جا به نمایش خواهد گذاشت. در همین حال یکی از مؤسسان انجمن سلطنتی به‌نام توماس گینز بورو (Thomas Gainsborough) که یکی از نقاشان مشهور شهر سوفولک (Suffolk) است یک استودیو هنری به سبک دنیای جدید در شهر بث (Bath) (بث یا شهر حمام یکی از شهرهای انگلیس که در آن حمامی از زمان رومیان در آن باقی‌ست) افتتاح نمود. رینولدز که خود نقاش زبردستی است اخیراً یک کانون هنر نقاشی در شهر لندن با بیش از یک‌صد تابلوی کار خود تأسیس نموده. در همین حال رقیبان رینولدز هم برای این‌که از قافله عقب نمانند، می‌گویند که گینز بورو بزرگ‌ترین نقاش دورنما ساز عصر حاضر می‌باشد.

گینز بورو که اغلب کارهایش آمیزه‌یی از دورنما و تصویر است، به‌طور معمول در منزل خود روبروی دهکده می‌نشیند یا این‌که در حال گردش می‌باشد. در حالی‌که رینولدز اغلب اوقات در نگارخانه با قلم موهای نقاشی مشغول طرح زمینه تابلوهای خود می‌باشد، او بیش‌تر علاقه به ترسیم صورت کودکان دارد و درصدد است که تصاویری از اعضای کانون ادبی انگلیس و افرادسرشناس آن مانند دکتر جانسون (Dr. Johnson)، گلد اسمیت (Gold Smith)، بازول (Boswell)، شریدان (Sheridan) و دیوید گاریک (David Garrick) را به‌روی تابلو بیاورد.

نیروهای انگلیس، پرچم خود را بر فراز شهر بوستون به اهتزاز درآوردند. (بوستون، اول اکتبر ۱۷۶۸):

امروز سربازان ترش‌رو و عبوس انگلیسی در بندر ساحلی پیاده شدند و با صدای مارش و طبل و فلوت در خیابان‌های اصلی شهر به مانور پرداختند، در حالی‌که صدای کوس طبل آن‌ها از چندین کیلومتری به گوش می‌رسید. مردان جنگی نیروی دریایی سلطنتی برای آن‌که قدرت خود را به اهالی نشان دهند، کشتی‌های خود را به ساحل رسانده و لنگر انداخته و بادبان‌ها را خواباندند، و دو هنگ از سربازان پیاده گارد ساحلی را در شهر پیاده کرده و در مرکز شهر به رژه پرداختند.

در حالی‌که دو هنگ دیگر از سربازان پیاده هم از شهر هالیفاکس (Halifax) به فرمان وزارت مستعمرات بریتانیا برای خواباندن شورش ناشی از اعتراض نسبت به مالیات تمبر به بوستون اعزام شدند، لیکن اهالی بوستون که از اقدام دولت سخت خشمگین و عصبانی بودند، در حالی‌که سکوت اختیار کرده بودند، به مرز آنارشی و اغتشاش رسیدند. از سویی قشون اعزامی که سخت از قیام مردم هراس داشتند به حالت مسالمت و آشتی از ناوها پیاده می‌شدند، از سوی ژنرال توماس گیج (Thomas Gage) فرماندار منطقه و سایر وابستگان به حزب محافظه‌کار و مقامات رسمی مورد استقبال واقع شدند، پس از مراسم استقبال، فرمانده نیروهای اعزامی آغاز به سخن کرد و رهبران مخالف دولت را به اقدام خیانت‌کارانه متهم ساخت و در ضمن آن‌ها را مورد بخشش قرار داد.

به هر حال، گروه زیادی از افراد میانه‌رو مستعمرات که بیش‌تر میل داشتند که در حالت آرامش و سکوت زندگی کنند به قشون اعزامی اجازه دادند که برای آبادانی و بهبود شرایط زندگی آن‌ها اقدام کنند.

یک اطلس جغرافیایی ارزنده توسط مسیحیان در چین تهیه شد. (چین، ۱۷۶۹):

به‌رغم تمایل کلیسای رم که خواستار قطع رابطه مسیحیان با چین است، گروه‌های مسیحی ساکن آن کشور همواره در تعقیب روابط بهتری با چینی‌ها هستند و بر روی این زمینه آن‌ها اقدام به تهیه یک نقشه جغرافیایی صحیح برای آن کشور کرده‌اند. این نقشه که به‌نام اطلس کیان لونگ (Qianlong) نامیده شده، پس از این‌که به حضور امپراتور تقدیم شد، آن را بهتر از تمام اطلس‌های اروپایی دانست.

در حدود ۲۰۰ سال پیش بود که نخستین گروه مسیحی به چین وارد شدند، آن‌ها بیش‌تر به کارهایی نظیر ریاضی و اخترشناسی پرداختند و تعدادی از آن‌ها هم توانستند به دربار چین راه یابند و به تبلیغات مسیحیت بپردازند.

این سیاست باعث اختلاف و تشنجاتی بین گروه‌های مسیحی و دولت چین شد و مسیحیانی که با کمال شهامت و شجاعت به این کار پرداختند، حساب‌شان غلط از آب درآمد و هرآن‌چه را که می‌خواستند انجام نشد.

لیکن با روی کار آمدن کانگ زی (Kangxi) امپراتور منچو (Manchu)، اکنون هم کیان لونگ بر سریر قدرت قرار دارد، مسیحیان از این موقعیت خوشحال هستند و اغلب به کارهای علمی می‌پردازند، البته دولت چین هم به امر امپراتور با آن‌ها همکاری و تشریک مساعی دارد و آن‌ها هم در کارهای خود به پیشرفت‌هایی نایل شده‌اند.

اختراع ماشین ریسندگی برای کارخانه پارچه‌بافی (یورکشایر (Yorkshire)، انگلیس، ۱۷۶۹):

جیمز هارگریوز (James Hargreaves) که مدت پنج سال با ماشین‌های نساجی کار کرده، آخرین اختراع خود را در این مورد ارائه کرد. این دستگاه شامل هشت دوک نخ ریسی است که به‌زودی به تعداد ۱۶ دوک رسید و وی خواهد توانست تعداد آن‌ها را باز هم افزایش دهد، دستگاه هم طوری ساخته شده که تمام

صربستان، نهم اکتبر ۱۷۸۹
پس از حملات صرب‌ها (Serbia) در بهار گذشته، نیروهای نظامی اتریش قشون عثمانی را مغلوب و شهر بلگراد (Belgrade) را تصرف کردند.
ورسای، دهم اکتبر ۱۷۸۹
مجلس شورا لویی شانزدهم را به‌نام پادشاه فرانسه نامید.
ورسای، دهم اکتبر ۱۷۸۹
ژوزف گیوتین (Joseph Guillotin) نماینده‌ی پاریس و استاد تشریح، دستگاهی اختراع کرد که برای قطع کردن گردن مجرمان به‌کار می‌رفت. بدین ترتیب که گردن شخص اعدامی را بر روی این دستگاه می‌نهادند و با تیغه‌یی که بر گردن فرود می‌آمد، به‌آسانی گردن فرد موردنظر قطع می‌شد.
پاریس، ۱۲ اکتبر ۱۷۸۹
مجلس شورای فرانسه از ورسای به پاریس منتقل شد.
پاریس، ۲۱ اکتبر ۱۷۸۹
نمایندگان مجلس پس از حمله‌ی مردم به نانوایی‌ها، قانونی برضد احتکار آرد و گندم وضع کردند و نیروهای نظامی را مأمور کشف این ذخایر و انبارها نمودند.
هلند ـ اتریش، ۲۴ اکتبر ۱۷۸۹
شورشیان و یاغیان هلندی اعلام استقلال کردند و ایالات هلندی را از قلمرو ژوزف دوم امپراتور اتریش جدا کرده و کشور جداگانه‌یی تأسیس کردند.
آلمان، ۲۴ اکتبر ۱۷۸۹
گئورگ فرانسوا مارشال (Georg Francois Marechal) مؤلف آلمانی، در منطقه‌ی تریه‌دورف (Triesdorf) باواریا جهان را بدرود گفت. وی به پدر لغت آلمانی و کاربردهای کلمات در موارد گوناگون و مفسر و شارح کلمات و لغات آلمانی مشهور بود.
پاریس، ۲۹ اکتبر ۱۷۸۹
مجلس شورا قانون معروف به «سیلور مارک (Silver Marc)» که تنها به ثروتمندان اجازه‌ی رأی‌دادن را می‌داد، لغو کرد.
دریای سیاه، اکتبر ۱۷۸۹
سووروف (Suvorov) ژنرال روسی، بندر اوچاکوف (Ochakov) واقع در دهانه‌ی رود بوگ (Bug) را از نیروهای عثمانی پس گرفت.
فرانسه، دوم نوامبر ۱۷۸۹
تمام دارایی‌های کلیسای فرانسه ملی اعلام شد.
پاریس، ۱۲ نوامبر ۱۷۸۹
مجلس ملی فرانسه قانونی تصویب کرد که تمام شهرها و قلمرو کلیساها بایستی شوراهای محلی تشکیل داده و اعضای شوراها را انتخاب کنند و در حقیقت شوراها، حکومت‌های محلی هستند.
هلند، ۱۸ دسامبر ۱۷۸۹
میهن‌پرستان بلژیک که اخیراً سرزمین بلژیک را مستقل اعلام کردند، در حمله به نیروهای اتریش در تورنهوت (Turnhout) به موفقیت‌هایی نایل شدند.
فرانسه، اول دسامبر ۱۷۸۹
شورش جاشویان در شهر تولون (Toulon) به‌وسیله‌ی نیروی دریایی فرانسه سرکوب شد.
فرانسه، ۱۳ دسامبر ۱۷۸۹
گارد ملی فرانسه تشکیل شد.
فرانسه، ۱۹ دسامبر ۱۷۸۹
چهارصد میلیون فرانک اسکناس (پول رایج در زمان انقلاب) برای تأدیه‌ی مطالبات دولت و کمک به اقتصاد عمومی انتشار یافت.
فرانسه، ۲۴ دسامبر ۱۷۸۹
پروتستان‌ها هم مانند کاتولیک‌ها حق رأی به‌دست آوردند.
اقیانوس آرام شمالی، ۱۷۸۹
یک هنگ از نیروهای اسپانیولی در نوتکا (Nootka) که یک بندر کوچک طبیعی بود (جزیره‌ی وانکوور (Vancouver)) واقع در کانادا وارد شدند و آن‌جا را جزو قلمرو اسپانیا محسوب کردند. در حالی‌که این جزیره در سال ۱۷۷۸ توسط جیمز کوک (James Cook) کاپیتان انگلیسی کشف شده و پس از آن محل استقرار تجار انگلیسی بود.

دوک‌ها هم‌زمان کار کرده و نخ تابیده را که بر روی دوک پیچیده شده، تحویل می‌دهد. از سویی چون هر دوک جداگانه کار می‌کند، برای هر ماشین یک نفر کارگر کافی است که آن را تنظیم کند و نخ‌های تابیده‌شده را جمع نماید.

یک مخترع دیگر به‌نام ریچارد آرک رایت (Richard Arkwright) به این ماشین دستگاهی که از قدرت و فشارآب استفاده می‌شود منضم کرده که فشارآب به‌سرعت ماشین بیفزاید و به‌نام دستگاه یا فریم (frame) آب مشهور شده است. بالاخره چندین نفر مخترع جدید دستگاه‌هایی به ماشین ریسندگی هارگریوز اضافه کردند که به تکمیل آن کمک نمود و در نتیجه فرم و شکل اولیه دستگاه ریسندگی تغییر کرد و برای استفاده هرچه پیش‌تر آماده گشت.

نورث که شخصی محتاط و کار کشته بود، به نخست‌وزیری رسید. (لندن، ۱۷۷۰):

جورج سوم، پادشاه بریتانیا که فردی آرامش‌طلب بود و همواره در زندگی طرفدار خواب و راحتی بود، لرد نورث (North) اهل اتونی (Etonian) سالخورده را به نخست‌وزیری برگزید. نورث در یک سفر طولانی سراسر اروپا را درنوردیده و به زبان‌های آلمانی، فرانسه و ایتالیایی صحبت می‌کرد. او که فردی محتاط و محافظه‌کار می‌باشد، در نظر ندارد که سیاست پیشین را تغییر دهد و برنامه نوینی برای کشور ندارد، تنها به فکر آن است که این سرزمین را از خطرات و مهالک حفظ کرده و آن‌چه را که مورد لزوم است انجام دهد. او درصدد است که میزان مالیات‌ها را کاهش دهد، زیرا بالابردن آن زنگ خطری برای مالکان است. وی میل دارد که با کمک پارلمان به اقداماتی دست بزند و همان رویه سلف خود، دوک گرافتون (Duke Grafton) را ادامه دهد.

در مورد سیاست خارجی، او در موضع اروپایی خود پافشاری می‌کند و مناقشات منطقه‌یی را ادامه می‌دهد و هم‌چنان بر سر سیاست مستعمراتی دنیای جدید

محکم ایستاده است. او در پی آن‌ست که با دولت اسپانیا روش آشتی و صلح در پیش بگیرد، زیرا آن دولت می‌خواهد انگلیس را از جزایر فالکند (Falkland) بیرون کند. نورث مصمم است که موضوع چای را در مستعمرات شمال امریکا حل کند و در حال حاضر هم مشغول پیش‌نویسی در مورد ایالت بوستون می‌باشد و آن را در فهرست کارهای خود قرار داده است.

روس‌ها نیروی نظامی عثمانی را در هم شکستند. (مدیترانه، ژوئیه ۱۷۷۰):

مفسران امور جنگی از حوادث جاری در امور مدیترانه شرقی صحبت می‌کنند که چگونه قدرت تاریخی امپراتوری عثمانی در خطر افتاده است. اخیراً دو هنگ از ناوگان دریایی انگلیسی به فرماندهی ادمیرال جان الفی‌نستون (Admiral John Elphinstone) از دریای بالتیک به اقیانوس اطلس و سپس به دریای مدیترانه وارد شد که در نبرد علیه عثمانی به ناوگان روسیه کمک نماید، و جزیره‌ی کیوس (Chios) را از آن دولت پس بگیرد.

در این درگیری نظامی، نیروهای ترک نابود شدند.

در خشکی هم، قوای روسیه، نیروهای عثمانی را از ایالت مولداوی (Moldavia) بیرون راندند و شهر بوخارست (Bucharest) را تصرف کردند، هنگام ورود به شهر مسیحیان از آن‌ها استقبال کرده و آن‌ها را نجات‌دهنده‌ی خود از دست مسلمانان دانستند.

ترک‌ها می‌گویند، آن‌ها از منطقه خارج خواهند شد، لیکن روس‌ها از سوی لهستان در خطر هستند و در لهستان دچار شکست خواهند شد. روس‌ها نباید از این پیروزی جدید مغرور شوند، چون به هر حال آن‌ها قوای روس را در نقاط دیگر مورد حمله قرار خواهند داد و چشم‌زخم شدیدی بر آن وارد خواهند کرد و کاترین، ملکه‌ی روس را از این پیروزی پشیمان خواهند ساخت.

نوعی وحشت و هراس در تصورات آلمانی‌ها به‌وجود آمده. (لندن، ۱۷۷۰):

تغییراتی که در این چند سده در سیاست‌های مذهبی اروپاییان به‌ویژه با افکار فیلسوفانه‌ی ولتر ایجاد شده، سبب تغییر سیستم طبیعی و طرز فکر انسان‌ها گشته، از آن جمله یکی از نویسندگان آلمانی‌الاصل به‌نام پل هانری دیتریش (Henri Dietrich) که بارون منطقه‌ی هولباخ (Holbach) است، نظریاتی را در این مورد مطرح کرده است.

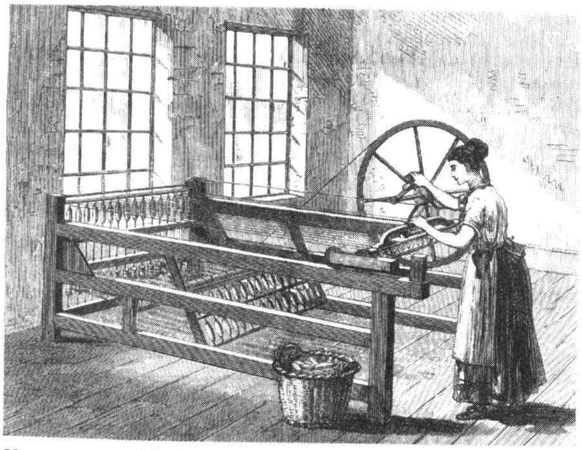
کتاب وی تحت نام مستعار میرابو (Mirabaud) انتشار یافته، زیرا که او از آن بیم دارد که به اتهام انکار وجود خداوند وی را در هولباخ مورد لعن و نفرین قرار دهند، در ضمن او یکی از هواخواهان دیدرو، بنیان‌گذار انسیکلوپدی می‌باشد. او یکی از سخنرانان فصیح‌البیان است که با بیانات خود، وجود خدا را منکر می‌شود و از این نظر به فیلسوف تکان‌دهنده در دنیا شهرت دارد. او می‌گوید: طبیعت و هستی خودبه‌خود به‌وجود آمده. هولباخ عقیده دارد که انسان از یک مقدار ماده تشکیل شده که دارای تفکر و حس می‌باشد و این‌ها مولود همان مواد فیزیکی هستند که با هم تشکیل جسم را می‌دهند و چیزی هم به‌نام روح آن‌ها را به هم نزدیک می‌نماید که حاصل آن احساسات و عواطف است، پس روح تنظیم‌کننده‌ی حالات و حرکات فیزیکی و اعمال ارادی بدن است و هر دو در مقابل یکدیگر اقدامات متقابل دارند و آن هم بستگی تام به حالت فرد در اجتماع دارد و ما هستیم که اشتباهات خود را به شیطان نسبت می‌دهیم و گاهی بیش از حد خوشحال می‌شویم و اگر به آموزش و تعلیم ادامه دهیم، راه صحیح و درست را خواهیم یافت، چون شادی انسان نخست به چشم می‌اید و انسان از راه دیدن بیش‌تر مسرور خواهد شد.

تصویر الهه‌های عریان به دربار فرانسه روشنایی خاص بخشید. (پاریس، ۱۷۷۰):

به فرمان لویی پانزدهم، پادشاه فرانسه، بسیاری از موانع برطرف شد. فرانسوا بوشر (Francois Bouher)، نقاش فرانسوی که امسال درگذشت، در



نوجوانی در حال آرامش و سکوت مشغول بازی با ورق می باشد. نقاشی از شاردن Chardin.



انقلاب در صنعت نساجی، اختراع ماشین بافندگی توسط هارگریوز Hargreaves.



کارتونی از لردنورث Lord North ، نخست وزیر انگلیس.



تابلوی پاییز اثر فراگونار.



تابلوی بهار، اثر فراگونار Fragonard.

تابلوهای خود بدون شرم و حیا تصاویری از الهه‌های عریان را و با رنگ‌های صورتی روشن ترسیم نموده که برای هر شخصی هوس‌انگیز می‌باشد، این الهه‌ها در تابلوهایی با نام‌های گوناگون به عرصه‌ی تصویر درآمده‌اند که سرآمد انها اشکالی از ونوس (Venus) هم‌چون تولدونوس، ونوس پس از شکار، پیروزی ونوس، هم‌چنین سایر همراهان او با لباس‌های حریر و بدن‌نما که تنها چین‌هایی از تور بر بدن آن‌ها نمایان است، در تابلوهای وی ترسیم شده است.

این تصاویر به هنگامی‌که با چراغ روشن می‌شود، به‌قدری زیباست که هر تماشاچی را افسون می کند و احساسات خفته‌ی وی را بیدار می‌کند. او هم‌چنین چند مدل از مادام پومپادور معشوقه‌ی مورد دل‌خواه لویی را هم به تصویر درآورد.

بوشر یکی از بهترین و خوش‌قریحه‌ترین شاگرد ژان هونور فراگونار (Jean Honore Fragonar) می‌باشد که او هم تصاویری از زندگی شاد و مسرور را نشان می‌داد، او تابلوهای دختران زیبا به‌نام دزدی بوسه، دزدی لباس زیرزنانه را ترسیم نمود که حالت شهوت‌انگیز داشت و همه‌ی تابلو عاری از شرم و حیا بود و اسرار نهانی را عیان می‌کرد.

دو نفر دیگر از نقاشان فرانسوی هم که تابلو و مدل‌های آن‌ها در این عصر غیرقابل تصور می‌باشند و روح لطیف را به انسان القا می‌نمایند، عبارتند از شاردن (Chardin) و گروز (Greuze) که هر دو از هواخواهان فرقه‌ی ژان باپتیست (Jean Baptist) می‌باشند.

شاردن که به ترسیم اشکال کودکان زیبا، اشیای بی‌جان و انواع غذاها و گیاهان علاقه دارد، با تابلوهای خود سعی می‌کند در زندگی حالت آرامش را به بیننده القا کند و مشقات و سختی‌ها را آسان نماید. در حالی‌که تابلوهای گروز سراسر مشحون از زیبایی است و شیرینی زندگی را با ترسیم اندام دختران زیبا دوچندان می‌کند و بدین‌وسیله مورد توجه و علاقه‌ی مردم می‌باشد.

لهستان یک‌سوم از خاک خود را از دست داد. (لهستان، پنجم اوت ۱۷۷۲):

در یک سرقت و بی‌آبرویی کامل که در سه بخش اروپای شرقی انجام شد، در حدود یک‌سوم از قلمرو پادشاهی لهستان و حدود نصف جمعیت این سرزمین به تاراج رفت.

فردریک دوم پادشاه پروس، مدت‌هاست که در آرزوی تصرف حاشیه‌ی شرقی پروس و اشغال ایالت براندنبورگ (Brandenburg) به‌سر می‌برد. کاترین هم که در این اواخر توانست به پیروزی بزرگی برعلیه عثمانی دست یابد و این جریان باعث وحشت دولت اتریش شده است. فردریک پیش خود حساب کرده بود که این حق طبیعی دولت پروس است که قلمرو خود را گسترش دهد. از سویی، کاترین توانست بخش شرقی لهستان را با عنوان این‌که می‌خواهد روسیه‌ی سفید را یک‌پارچه نماید، آن قسمت را اشغال کرد و بدین‌وسیله اتریش هم از بیم ارتش روسیه در قسمت دانوب (Danube) به دولت عثمانی فشار وارد آورد و عثمانی هم بخشی از سواحل دانوب را از دست داد. دولت اتریش هم ناحیه‌ی سیلزی را به‌عنوان جایزه و باج به فردریک واگذار کرد و دولت پروس با اشغال ناحیه‌ی سیلزی از نظر اقتصادی و دریایی به نوایی رسید و بخش غربی و شرقی این سرزمین به هم پیوست و منافع دولت پروس تأمین شد.

اصلاحات اساسی در سیستم داوری فرانسه (پاریس، ۲۳ فوریه ۱۷۷۱):

رنه نیکلاس مائوپو (Rene Nicolas Maupeou)، نخست‌وزیر فرانسه، امروز پیشنهاداتی را نسبت به سیستم داوری فرانسه ارائه کرد که در آن کم‌تر به منافع اشراف و نجبا لطمه می‌رساند، بلکه بیش‌تر نوک حمله متوجه سیستم قضایی است.

در حالی‌که پارلمان پاریس دستگاه عریض و طویلی است، معهذا به‌آرامی کار می‌کند و اغلب تعطیل است. شنیده‌ها حاکی است به پیشنهاد پارلمان در تمام شهرها

افریقای غربی، ۱۷۸۹
ایالت آزادی که در دو سال پیش به‌وسیله‌ی بردگان آزاد در سیرا لئون (Sierra Leone) تأسیس شده بود، با هجوم فرماندار محلی تمن (Temne) سقوط کرد و فرماندار خود را شاه جیمی (Jimmy King) خواند. برده‌های آزادشده هم عجولانه با دولت اروپایی محلی برضد جیمی‌شاه پیمان ائتلاف بستند.
افریقای غربی، ۱۷۸۹
ابیودون (Abiodun) بزرگ‌ترین پادشاه سرزمین اویو (Oyo) (جنوب‌غربی نیجریه) که در عین حال رهبر قبایل یوروبا (Yoruba) بود، درگذشت. سرزمین اویو تا سال ۱۷۸۳ هیچ‌گاه رنگ شکست در برابر دشمنان را ندیده بود، لیکن در این سال مورد هجوم نیروهای بورگو (Borgu) از شمال قرار گرفت و در نتیجه‌ی آسیب‌های فراوانی که بر آن وارد شد، قدرت خود را از دست داد و این منطقه‌ی ضعیف میراث آوول (Awole) پسر ابیودون شد.
هندوستان، ۱۷۸۹
تیپو صاحب سلطان میسور با پشتیبانی متحد خود کمپانی انگلیسی هند شرقی، به منطقه‌ی تراوانکور (Travancore) یورش برد.
امریکا، ۱۷۸۹
ویلیام هیل (William Hill) نویسنده‌ی امریکایی، کتابی به‌نام «نیروی وفق و مدارا یا موفقیت طبیعی» منتشر کرد. غرض نویسنده از نگارش این کتاب، نشان‌دادن گرفتاری در دام اغوا و فریب است که چه خطراتی در این امر مستتر می‌باشد. این کتاب نخستین اثر یک نویسنده‌ی امریکایی است که در این کشور انتشار یافت.
اوکراین، ۱۷۸۹
نجبای لهستانی شورش کشاورزان اوکراین را در روسیه نتیجه‌ی اقدامات دولت روسیه و سیاست این کشور در قبال لهستان می‌دانند و مقصر اصلی را حکومت مسکو به‌حساب می‌آورند.
پاریس، ۲۱ ژانویه ۱۷۹۰
دکتر گیوتین (Guillotin) پس از اختراع دستگاه قبلی، ماشین دیگری را ابداع کرد که با زجر و شکنجه‌ی کم‌تری سر افراد محکوم به اعدام را از تن جدا می‌کند.
پاریس، ۲۵ ژانویه ۱۷۹۰
ماکسیمیلین روبسپیر (Maximilien Robespierre) درخواست کرد که حق رأی سالیانه به افرادی که به مجلس ملی احترام می‌نهند، قائل شوند.
پاریس، ۱۳ فوریه ۱۷۹۰
مجلس ملی تمام تعهدنامه‌های کلیساها را لغو و مراسم مذهبی اندیشمندان را منسوخ اعلام کرد.
پاریس، ۱۹ فوریه ۱۷۹۰
مارکی فاورا (Marquis Favras) به جرم توطئه‌ی فراردادن پادشاه و کشتن لافایت (Lafayette) و بیلی (Bailly) حلق‌آویز شد.
وین، ۲۰ فوریه ۱۷۹۰
ژوزف دوم مظهر و نمونه‌ی استبداد و حکومت مطلقه، در سن ۴۸ سالگی از دنیا رفت و برادرش لئوپولد دوک توسکانی، جانشین او شد.
آوینیون ((Avignon، ۲۲ فوریه ۱۷۹۰
نماینده‌ی پاپ از پست خود در آوینیون استعفا داد و بدین ترتیب قدرت غیرروحانیون به‌پایان رسید. پیش از این حقوق فئودال‌ها و دریافت حق عشریه در این شهر لغو شده بود.
فرانسه، ۲۶ فوریه ۱۷۹۰
کشور فرانسه به ۸۳ استان تقسیم شد.
پاریس، هشتم مارس ۱۷۹۰
مجلس ملی با آرای خود به ادامه‌ی برده‌داری در ایالات مستعمره تمایل نشان داد.
پاریس، ۱۵ مارس ۱۷۹۰
ژان پل رابو سن‌اتین (jean Paul Rabaut St Etienne) که فردی پروتستان‌مذهب بود، به ریاست مجلس ملی انتخاب شد.
پاریس، ۲۱ مارس ۱۷۹۰
با وجودی‌که حق مساوات بین نمایندگان زنده و مرده به توشیح دربار رسیده بود، مجلس ملی برای ازبین‌بردن آداب و رسوم رژیم سابق از پذیرفتن آن سر باز زد و مالیات نمک را لغو کرد.

دادگاه‌های ایالتی تأسیس شود و به امور داوری رسیدگی نمایند.

شهر پاریس دارای دادگاه ویژه می‌باشد که با دربار در ارتباط می‌باشد. اصلاحات پیشنهادی دولت، خرید پست‌های قضایی را در تمام ایالات منسوخ می‌نماید. با این موافقت‌نامه و اصلاحات، اکنون کشور به‌سوی حکومت مطلقه و استبدادی به پیش می‌رود.

علم تشریح بدن در کشور ژاپن (ژاپن، ۱۷۷۱):

دانشجویان برای نخستین‌بار در کشور به یادگیری علم تشریح و کالبدشکافی می‌پردازند. پیش از این، در ژاپن تنها برای چرم‌سازی به کندن پوست حیوانات می‌پرداختند و هیچ‌گونه یادگیری برای علم اعضای بدن وجود نداشت.

دانشجویان رشته‌ی پزشکی با خواندن یک کتاب چاپ هلند در مورد آناتومی، کم‌کم به این علم علاقه‌مند شدند و دولت اجازه داد زنانی را که به اتهام ارتکاب گناه به اعدام محکوم شده بودند، تشریح نمایند که به آن‌ها مادر پیر قربانی چای سبز گفته می‌شد.

این دانشجویان پی بردند که ساختمان بدن انسان درست همان‌گونه است که در کتاب نوشته شده. یکی از دانشجویان ژاپنی به‌نام سوجیتا جمپاگو (Sugita Gempaku) که تعداد زیادی از اجساد چینی را کالبدشکافی کرده بود، شرح مفصلی درباره‌ی اعضای بدن انسان نوشت، که البته اسامی این اعضا را نمی‌دانست. اکنون وی مشغول ترجمه‌ی کتاب تشریح هلندی به‌زبان ژاپنی می‌باشد.

ملوانان نیروی دریایی انگلیس، نقشه‌ی بزرگ جنوب قاره را تنظیم کردند. (پورتسموث (Portsmouth)، انگلیس، ۱۷۷۰):

پس از سه سال جدیت مأموران نیروی دریایی انگلیس به میهن بازگشتند. ملوانان و دریانوردان دانشمند انگلیسی تحت فرماندهی کاپیتان جیمز کوک

(James Cook)، برای اکتشاف بزرگ از سرزمین تاهیتی (Tahiti) دیدن کردند و جزایر نیوزیلند (New Zealand) را کشف کرده و توانستند از مرزهای جنوبی استرالیا نقشه تهیه کنند، آنان اولین اروپاییانی هستند که از این مناطق دیدن کرده‌اند.

آنان در ماه آوریل ۱۷۶۹ از طریق کیپ هورن (Cape Horn) به تاهیتی رسیدند. به‌نظر می‌رسد که اهالی این جزیره از قوم آرکادی و انسان‌های ساکت و آرامی هستند که ژان ژاک روسو آن‌ها را به اختصار نجبای بربر و بی‌تمدن نامیده است. آن‌طور که جیمز کوک نوشته، آن‌ها عاشق و شیفته‌ی آزادی هستند و میل دارند در همه‌جا آزاد زندگی کنند.

در حالی‌که جاشویان پس از سه ماه که بار دیگر به آن‌جا رسیدند، اهالی آن‌جا را افراد فقیری یافتند که اموال خود را از دست داده و به تکدی و گدایی مشغولند، در ضمن مبتلا به بیماری‌های مقاربتی شده‌اند.

ملوانان انگلیسی پس از سیر در جزیره‌ی تاهیتی در ماه سپتامبر به نیوزیلند وارد شدند. آن‌ها پس از هفت ماه، یعنی در ۱۹ آوریل ۱۷۷۰، دورنمایی از جزیره‌ی استرالیا را مشاهده کردند. ملوانان پس از این‌که مدت سه روز در استرالیا توقف کردند، نخستین موجودی را که دیدند، یک پروانه بود. سپس کوک راه ساحل شرقی را پی گرفت تا یک لنگرگاه طبیعی پیدا کند. آن‌طور که یکی از دریانوردان دانشمند کاروان به‌نام جوزف بنکز (Joseph Banks) می‌نویسد: بامدادان که به سواحل استرالیا رسیدیم، آن‌جا را محلی مصفا دیدیم که تمام تپه‌ها را درختان جنگلی پوشانده و زمین سراسر سبز و خرم و خاکی بسیار حاصل‌خیز داشت، آن‌قدر این کرانه‌ها سبز و خرم بود که دریانوردان آن‌جا را خلیج جنگلی (Botany Bay) و لنگرگاه سبز خواندند.

نابغه‌ی جوان فرانسوی که توانست انقلابی در هنر جنگ ایجاد کند. (فرانسه، ۱۷۷۱):

کنت گیلبر (Count Guilbert)، جوان ۲۸ ساله‌ی فرانسوی که یکی از نوابع جنگی محسوب می‌شود، در کتاب خود به‌نام «رساله‌یی درباره‌ی فنون جنگی» با اقتباس از عنوان کتاب مقدس انجیل، خود را یکی از سربازان تحت تعلیم آن دانسته و برای فراهم‌کردن پیروزی در جنگ راه‌هایی را پیشنهاد کرده و انقلابی در امور لشگرکشی و نبرد پدید آورده است. گیلبر که یکی از مردان جنگی غیور و مورد تحسین فردریک کبیر پادشاه پروس است، تدابیری برای پیروزی در جنگ‌ها اندیشیده. او می‌گوید که گردان و ردیف آتشبار در جنگ از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است و سرنوشت جنگ، مربوط به عملکرد این گروه است. برطبق نظریه‌ی گیلبر، واحد آتشبار باید در صف اول قرار گیرد، چون با آتش آن دشمن از صحنه عقب خواهد نشست و در ضمن گروه آتشبار حامی و پشتیبان سربازان پیاده‌ی عقب جبهه است، در عین حال ستون آتشبار از تحرک و جنبش بیش‌تری برخوردار است.

به عقیده‌ی او، این گروه می‌تواند با آتش خود امکان مانورهای آزاد را برای پیاده‌نظام به‌وجود آورد، به‌طوری که آن‌ها بتوانند در صحنه‌ی نبرد بهترین موضع را انتخاب کنند. او می‌گوید: این تعلیمات بسیار سهل و آسان بوده و پیاده‌نظام می‌تواند این مانورها را به‌راحتی به مرحله‌ی عمل درآورد. به عقیده‌ی گیلبر، ستون آتشبار در کمال سادگی می‌تواند با آتش خود سربازان دشمن را شکست دهد، چون دشمن به‌ناچار باید از زیر آتش بگریزد و تغییر موضع ستون آتشبار به آسانی انجام می‌شود. ستون آتشبار در حقیقت مدافع بسیار خوبی برای لشگریان خود می‌باشد و می‌تواند مدافعان را از سر راه بردارد. پیشنهادات گیلبر برای تمام رسته‌ها، اعم از سواره‌نظام و پیاده‌نظام قابل اجراست و به‌ویژه به پیاده‌نظام فرصت می‌دهد که تجهیزات و سیورسات جنگی را به‌راحتی به انبارها و سایر مراکز انتقال دهد و در ضمن سواره‌نظام را برای هدایت و رهبری صحنه‌ی جنگ آماده سازد.

پاریس، ۳۱ مارس ۱۷۹۰
روبسپیر به ریاست انجمن ژاکوبن‌ها (Jacobin) انتخاب شد.
الجزیره، چهارم آوریل ۱۷۹۰
عهدنامه‌ی صلح صدساله که بین فرانسه و الجزایر تنظیم شده بود، تجدید شد.
پاریس، هفتم آوریل ۱۷۹۰
کتاب قرمزی که حاوی هدایای تقدیمی به لویی شانزدهم از بدو پادشاهی وی تاکنون بود و مبلغ آن ۲۲۸ میلیون فرانک برآورد شده، منتشر شد. البته تخمین پول‌های دریافتی توسط وی نامعلوم ماند.
فرانسه، ۱۷ آوریل ۱۷۹۰
معاهده‌ی انتشار اسکناس جزو مواد قانونی درآمد.
فیلادلفیا، ۲۱ آوریل ۱۷۹۰
تعداد بیست‌هزار نفر در مراسم به‌خاک‌سپاری بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) دانشمند و سیاستمدار امریکایی که در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت، شرکت کردند. وی سرحلقه‌ی کسانی بود که طرفدار رهایی انسان‌ها بودند و سعی می‌کردند که بشر را به نور و روشنایی هدایت کنند. فرانکلین شیفته‌ی عقاید پوریتن‌ها (Puritan) بود و عقاید آن‌ها را که پیگیر نیکی و احسان در جامعه و نکات سودمندی که برای اخلاق و صفات انسان‌ها ضروری می‌نمود، می‌ستود.
هند غربی، سوم مه ۱۷۹۰
آتش‌سوزی شهر پورت لویی (Port Louis) پایتخت منطقه‌ی توباگو (Tobago) را ویران ساخت.
فرانسه، دهم مه ۱۷۹۰
در تصادمی که در مونتوبان (Montauban) در جنوب فرانسه بین کاتولیک‌ها و نجیب‌زادگان با پروتستان‌ها و اعضای گارد ملی برپا شد، تعداد پنج‌نفر کشته و ۱۶ نفر مجروح شدند. در حالی‌که ۵۵ نفر از میهن‌پرستان به زندان افتادند و پروتستان‌ها از شهر گریختند.
پاریس، ۲۱ مه ۱۷۹۰
شهر پاریس به ۴۸ ناحیه تقسیم شد.
پاریس، ۲۲ مه ۱۷۹۰
با تصویب لایحه‌یی که از مجلس گذشت، حق اعلان جنگ به شاه داده شد.
فرانسه، ۲۹ مه ۱۷۹۰
میهن‌پرستانی که در ناحیه‌ی مونتوبان زندانی شده بودند، آزاد شدند.
هند غربی، نهم ژوئن ۱۷۹۰
پیکاری که بین ساکنان سفیدپوست و سیاهان جزیره‌ی مارتی‌نیک (Marinique) بر اثر حق مساوات در گرفته بود، پایان یافت.
آوینیون، ۱۲ ژوئن ۱۷۹۰
شهر آوینیون (Avignon) پیوند خود را با واتیکان و اتحادیه‌ی فرانسه از هم گسیخت.
فرانسه، ۱۵ ژوئن ۱۷۹۰
با سلب حمایت میهن‌پرستان از پروتستان‌ها، داوطلبان جنگی پروتستان‌ها در شهر نیم (Nimes) سیصدنفر از کاتولیک‌ها (اشراف) را به‌قتل رسانیدند.
پاریس، ۱۹ ژوئن ۱۷۹۰
مجلس ملی قانون حق وراثت اشراف و نجبا را لغو کرد.
پاریس، سوم ژوئیه ۱۷۹۰
مارکی کندورسه (Condorcet) خواستار حقوق اجتماعی زنان شد.
دریای بالتیک، نهم ژوئیه ۱۷۹۰
سوئد به‌دنبال نبرد با روسیه که در دو سال پیش متوقف شده بود، در نبرد دریایی عظیمی که با روسیه درگیر شد، تعدادی از ناوهای جنگی روسیه را در دریای بالتیک غرق کرد و سه فروند ناو آن کشور را تصرف نمود.
فرانسه، ۱۲ ژوئیه ۱۷۹۰
مجلس ملی قانونی را برای انتخاب کشیشان و اسقف‌ها در شوراهای ایالتی تصویب کرد.
پاریس، ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰
در جشن عظیمی که به‌مناسبت سالگرد ۱۴ ژوئیه و فتح زندان باستیل با شرکت همه‌ی گروه‌ها و در تمام ایالات کشور برپا شد، دولتمردان و ملت هم‌دیگر را متقابلاً و برادروار بر مساوات و برادری تأکید کردند و مجلس هم روز هفتم ژوئن را که سرآغاز این پیروزی بود، به‌نام شام دو مارس (Champ de Mars) نامید.

ماراتا (Marathas) به پادشاهی دست‌نشانده در شهر دهلی مبدل گشت. (دهلی، ۱۲ آوریل ۱۷۷۱):

شاه علم، امپراتور مغول هند که تحت سرپرستی نیروهای انگلیسی در شهر الله‌آباد در تبعید به سر می‌برد، به‌عنوان پادشاه دهلی تعیین شد. وی باید از گروه ماراتا و رهبر آن ماهاداجی سیندهیا (Mahadaji Sindhia) بسیار سپاسگزار باشد که در هند پادشاه می‌تراشد.

شاه علم که از پایتخت توسط روح‌الله افغان رانده شده بود، مدت‌ها تحت سرپرستی کمپانی هند شرقی به سر می‌برد. دولت انگلیس که میل داشت یک حکومت مغول بسیار ضعیف و حکومتی قدرتمند در دهلی داشته باشد، سرنخ را به‌دست ماراتا داد و ماراتا هم در واقع آن را خوب بازی کرد. گروه ماراتا که در حقیقت یک‌چهارم سرزمین شمال‌غربی شبه‌جزیره‌ی دکن را در اختیار داشت، به یک قدرت نظامی هند تبدیل شده بود. گرچه نیروهای ماراتا در سال ۱۷۶۱ از افغان‌ها شکست خوردند، امّا به هر حال واسطه‌یی برای تزلزل و نابودی حکومت‌های محلی شدند. آن‌ها سال‌هایی چند دارای حکومتی فعال و کارآمد بودند. هنگامی‌که شاه علم با شورش حریفان را تهدید می‌کرد، ماراتا در الله‌آباد یک متّحد طبیعی انگلیس محسوب می‌شد.

در روز دهم فوریه، نیروهای نظامی ماراتا، افغان‌ها را از شهر دهلی بیرون راندند و به‌طور موقت پسر شاه علم را به قدرت رسانیدند. اکنون هم ماراتا، به‌طور داوطلب حکومت الله‌آباد را ترک کرده تا در دهلی حکومت تشکیل دهد. حکومت دهلی هم برحسب خواسته‌ی دولت انگلیس تغییر خواهد کرد و بدین ترتیب سرنوشت این پادشاهان محلی در اختیار آن دولت می‌باشد.

روستاییان فقیر خشمگینانه با لغو سیستم سرفداری (Serfdom) به مخالفت برخاستند. (تورین (Turin)، ۱۹ دسامبر ۱۷۷۱):



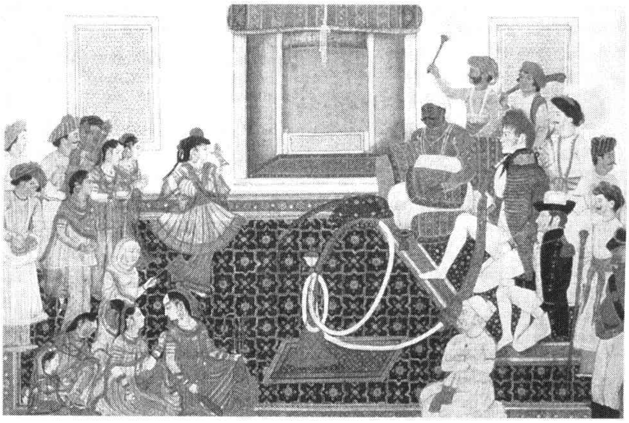
یکی از سران روستا از افراد جهت شرکت در نیروهای نظامی نام نویسی می کند تابلویی از از ژان باپ تیست کروز Jean-Baptist Greuze.



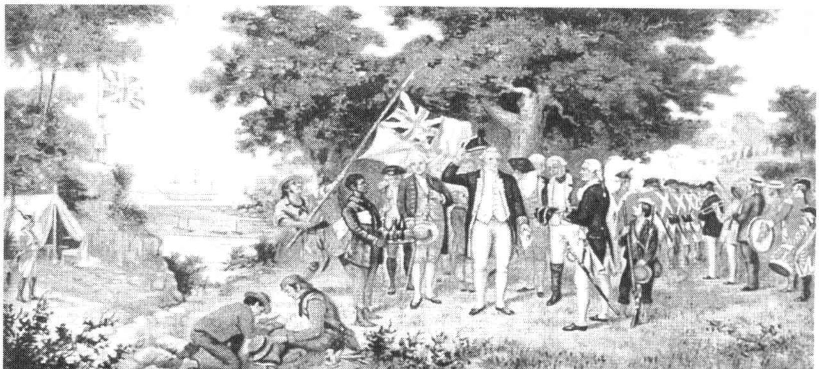
استانیسلاو Stanislaw Poniatowsky پونیاتوفسکی، آخرین پادشاه لهستان که مایل بود شخصیت دیگری داشته باشد.



یکی از چهره های برنزی و اساطیری ژاپن که از دوره ی باستان بدون تغییر باقی مانده، اثر فودو Fudo، نقاش ژاپنی در قرن ۱۸.



یک شاهزاده ی هندی در منزلش در دهلی از افسران انگلیسی پذیرایی می کند.



کاپیتان ـک Cook با افراد خود در یک منطقه با تلاقی مشهور به خلیج نباتات از کشتی پیاده می شوند.

پاریس، ۲۳ ژوئیه ۱۷۹۰
یک نامه از پاپ پیوس (Pius) ششم در تاریخ دهم ژوئیه رسید که پاپ در آن قانون اجتماعی جدید را که درباره‌ی کلیساهای فرانسه وضع شده بود، محکوم کرده بود. این درست فردای آن روزی بود که شاه این موضوع را مورد قبول قرار داده بود.
شهر لیون، ۲۶ ژوئیه ۱۷۹۰
مساعی گارد ملی جهت ازبین‌بردن مخالفان انقلاب، با موفقیت همراه شد.
پروس، ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۰
با امضای پیمان همکاری پروس و اتریش در شهر ریخن باخ (Reichenbach)، دست اتریش برای تصرف بلژیک باز شد.
پاریس، ۲۸ ژوئیه ۱۷۹۰
مجلس ملی قراردادی را که بین وین و پاریس در سال ۱۷۷۵ بسته شده بود و به لئوپلد دوم پادشاه اتریش اجازه می‌داد که از راه‌باریکه‌ی سرزمین فرانسه برای فرونشاندن شورش مردم بلژیک اقدام کنند، رد کرد.
امریکا، یکم اوت ۱۷۹۰
در نخستین سرشماری که در ایالات متحده انجام شد، جمعیت این کشور بالغ بر چهارمیلیون نفر شد.
سوئد، ۲۴ اوت ۱۷۹۰
با امضای پیمان صلح بین سوئد و روسیه که در وارالا (Varala) صورت پذیرفت، به نبرد طرفین پایان داده شد و وضعیت پیشین اعاده شد.
پاریس، ۲۶ اوت ۱۷۹۰
مجلس ملی دخالت دولت فرانسه در جنگ بغاز نوتکا (Nootka Sound) را که بین دولت انگلیس و اسپانیا برپا شده بود، رد کرد و بدین ترتیب ارتباط خانوادگی بین بوربون‌ها (Bourbons) و اسپانیا قطع شد.
فرانسه، ۳۱ اوت ۱۷۹۰
شورش سربازان در ناحیه‌ی شاتو ویو (Chateauvieux) و در پادگان نانسی (Nancy) با کشته‌شدن سیصدنفر فرونشانده شد.
هند غربی، اوت ۱۷۹۰
مساعی کشاورزان و زارعان در سانتو دومینگو (Santo Domingo) جهت استقلال و جدایی از کشور فرانسه که در آغاز به پیروزی رسیده بود، سرانجام به شکست انجامید.
پاریس، دوم سپتامبر ۱۷۹۰
تعداد چهل‌وپنج هزار نفر که در اعتراض به وضعیت موجود در شهر نانسی مبادرت به قیام کرده بودند، به هلاکت رسیدند.
پاریس، چهارم سپتامبر ۱۷۹۰
ژاک نکر در زیر فشار به‌ناچار از سمت وزیر دارایی استعفا داد.
فرانسه، ۱۷ سپتامبر ۱۷۹۰
سربازان در بندر برست (Brest) دست به شورش زدند.
اقیانوس آرام شمالی، اکتبر ۱۷۹۰
بریتانیا و اسپانیا در مورد دریانوردی در شمال اقیانوس آرام به توافق رسیدند و در ضمن به نبرد یک‌ساله‌ی تنگه‌ی نوتکا (Nootka) هم پایان دادند.
انگلیس، اکتبر ۱۷۹۰
ادموند بورک (Edmund Burke) فیلسوف و سیاستمدار انگلیسی، کتابی موسوم به «واکنش‌های انقلاب فرانسه» انتشار داد.
فرانسه، ۲۱ اکتبر ۱۷۹۰
پرچم سه‌رنگ ملی فرانسه به‌عنوان پرچم رسمی دولت انتخاب شد.
پاریس، ۲۷ اکتبر ۱۷۹۰
مجلس ملی فرانسه سیستم اعشاری را برای اندازه‌گیری اوزان مورد قبول قرار داد.
هلند، ۲۲ نوامبر ۱۷۹۰
نیروهای نظامی اتریش دست به فتوحاتی در بلژیک زدند و انقلابیون آن سرزمین را تحت پیگرد قرار دادند.
پاریس، ۲۷ نوامبر ۱۷۹۰
مجلس ملی کشیشان را تحت فشار قرار داد تا وفاداری به قانون اساسی فرانسه و تبعیت از مقررات اجتماعی را با قید سوگند مورد تأیید قرار دهند.
شهر هاگ (Hague) ـ هلند، دهم دسامبر ۱۷۹۰
امپراتور لئوپولد دوم پادشاه اتریش که در هفته‌ی قبل شهر بروکسل را تسخیر کرد و به پیروزی‌های دیگری در سرزمین بلژیک رسید، طی پیمانی حقوق مدنی و اجتماعی جامعه‌ی بلژیکیان را تضمین کرد.

شارل امانوئل (Charles Emmanuel) سوم که قاطعانه تصمیم گرفته بود که سیسم سرفداری را در ایالت ساووی (Savoy) منسوخ سازد و فئودالیته و بزرگ‌مالکی را براندازد، با شورش دهقانان عصبانی روبه‌رو شد، زیرا اشراف و نجبای این ایالت که این امر را برخلاف منافع خود می‌دانستند، دهقانان را تحریک به شورش و اغتشاش نمودند.

این دومین‌بار در ده سال اخیر است که فرمان شاه در این مورد صادر شده و برای نجات دهقانان از سیستم سرفداری اقداماتی صورت گرفته، لیکن اشراف و زمین‌داران با اغوای کشاورزان به این‌که لغو این سیستم باعث اضافه‌شدن مالیات‌ها خواهد شد و در این‌صورت روستاییان به‌اجبار بایستی بقیه‌ی اموال خود را بفروشند. در صورتی‌که تصمیم شارل در مورد لغو سیستم سرفداری به صرفه و صلاح دهقانان بود و آن‌ها را به طبقه‌ی متوسط اجتماع مبدل می‌کرد و در نتیجه آن‌ها قادر بودند برای خود زمین تهیه کرده و به‌صورت خرده‌مالک درآیند.

دولت اسپانیا با فشار از پاپ درخواست کرد که کنگره‌ی مسیحیان را تحریم نماید. (رم، ۲۱ ژوئیه ۱۷۷۳):

پاپ کلمان (Clement) چهاردهم، با انتشار فرمان کلیسایی، کنگره‌ی مسیحیان را لغو و تحریم نمود. کلمنت بیش از یک‌بار با شهامت از کتاب‌هایی که درباره‌ی مسیحیت نوشته شده بود، از نویسندگان حمایت کرده بود. امّا این‌بار با فشار پادشاهان اسپانیا و فرانسه، آن را تحریم کرد. یک منبع موثق در واتیکان (Vatican) اعلام کرد که پاپ پیش‌نویس این اعلامیه را برای تصویب به سفارت اسپانیا فرستاده است.

برخی از خداپرستان مسیحی در آن‌سوی دریاها برای دستگاه مسیحیت دشمن می‌تراشند و آنان کسانی هستند که در اقصی نقاط جهان به‌عنوان تبلیغ دین مسیح می‌کوشند. در سرزمین چین، عده‌یی خام طمع و

ناوارد به عوض تبلیغ برای شکوفایی دین، به مذهب کنفوسیوس پیوسته و برای این مذهب تلاش می‌کنند.

در اسپانیای جدید (مکزیک) هم تمام تلاش آن‌ها دچار شکست شد. مسیحیان در سرزمین مکزیک تنها توانستند زمینه‌ی فکری بومیان را آماده کنند و از اشخاص روشن‌فکر و تحصیل‌کرده استفاده کنند و عده‌یی از دورگه‌ها و سرخ‌پوستان را به دین مسیح درآورند، در حالی‌که زمینه برای پذیرش کاملاً آماده بود و با حمایت و پشتیبانی زیادتری می‌شد تمام بومیان را هدایت کرد. به هر حال، اکنون وضعیت به‌گونه‌یی است که پادشاه اسپانیا از آینده و موقعیت و قدرت خود بیمناک می‌باشد.

چهار نفر از دانشمندان علم شیمی به وجود هوای زیان‌آور پی بردند. (اروپا، ۱۷۷۲):

چهار نفر از شیمی‌دان‌های اروپایی به هوا یا گاز غیراکسیژن که آن را به نام نیتروژن (ازت) می‌نامند، پی برده‌اند. یکی از دانشمندان به‌نام اسکات دانیل راترفورد (Scot Daniel Rutherford) آن را هوای مضر یا بدون اکسیژن نامید. یک شیمی‌دان سوئدی به اسم کارل شیل (Carl Sheele) و دو نفر دیگر از شیمی‌دان‌های انگلیسی هم به اسامی جوزف پریستلی (Joseph Priestley) و هنری کاوندیش (Henry Cavendish) این موضوع را تأیید کرده‌اند. راترفورد یک تکنیک بسیار جالب توجه برای جداساختن این گاز (ازت) به‌کار برد. بدین ترتیب، راترفورد با سوزاندن هوای معمولی در محیط سربسته، در حقیقت اکسیژن را سوزانید و در نتیجه گاز ازت که غیرقابل اشتعال می‌باشد را به‌دست آورد.

تدوین و نوشتن انسیکلوپدی، کلیسا را به خشم آورد. (فرانسه، ۱۷۷۲):

کتاب انسیکلوپدی که جهت ارتقای سطح دانش عمومی نوشته شده، هر روز بیش‌تر مورد حمله واقع می‌شود. دولت مرتباً مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌گیرد و از این جهت، سبب رنجش مردم شده است. کلیسای کاتولیک رم هم از این‌که این کتاب وجود خداوند را مورد انکار قرار داده، آن را تحریم کرده است.

از سال ۱۷۵۸ که فهرست این کتاب به‌نظر اولیای کلیسای رم رسید، آن را تحریم نمودند. کسانی که بخش‌هایی از آن را خوانده بودند و یا به‌طور سطحی مطالب آن را مرور کرده بودند، خواندن انسیکلوپدی را ممنوع کردند. بیش‌تر دشمنی‌ها در سال ۱۷۵۸ هنگامی آغاز شد که کلود آدریان هلوسیوس (Claude Adrien Helvetius) از سوی ناشر مورد انتقاد قرار گرفت. وی که یکی از علاقه‌مندان انسیکلوپدی بود، به تعصب و سطحی‌نگری متهم گشت. آن‌ها این کتاب را منکر وجود خداوند دانسته، زیرا قدرت کلیسا را زیر سؤال برده و همه‌ی مردم را یکسان و برابر شمرده است. در نتیجه با کمال تأسف دستور داده شد که تمام نسخه‌های کتاب جمع‌آوری و سوزانده شود.

رهبر مصریان، زخمی مهلک برداشت که منجر به فوت او شد. (قاهره، هشتم مه ۱۷۷۳):

علی‌بیگ، فرمانروای مصر که تا سال ۱۷۶۰ در کشور قدرتش در تزاید بود، در نبرد با عبدالصاحب، دچار زخم مهلکی شد و پس از یک هفته فوت نمود. وی در دوران سلطنت خود با درگیری‌های شدیدی روبه‌رو شد، در ضمن او نخستین رهبر و شیخ مملوک مصری است که از غلامی به قدرت رسیده و اکنون بر سر احراز قدرت با دولت عثمانی در چالش می‌باشد. او در سال ۱۷۶۰ توسط عبدالرحمان کاهیا (Kahia)، رهبر قوم قزدوقلیه (Qazdughliyya) به نخست‌وزیری رسید، علی‌بیگ به‌زودی توانست دوست و دشمن خود را از هم تفکیک کند. او پس از احراز قدرت عبدالرحمان را به حجاز تبعید کرد، سپس صالح‌بیگ را هم به غزه فرستاد.

از سویی یکی از فرماندهان خود به‌نام حسین‌بیگ کش‌کش (Kashkash) را برای ترمیم خرابی‌ها به شهر قاهره اعزام کرد. پس از مدت کوتاهی

رودایلند (Rhode Island)، ۲۱ دسامبر ۱۷۹۰
ساموئل اسلاتر (Samuel Slater) کارخانه‌ی نخ‌ریسی‌یی را که تعداد ۲۵۰ عدد دوک ریسیدن نخ داشت و با نیروی آب کار می‌کرد و در ضمن بچه‌ها هم می‌توانستند با آن کار کنند، افتتاح کرد. اسلاترفن بافندگی را نزد ریچارد آرک‌رایت (Richard Arkwright) مخترع آسیاب آبی آموخته بود.

امپراتوری عثمانی، ۲۲ دسامبر ۱۷۹۰
نیروهای روسیه شهر اسماعیل در بسارابی (Bessarabia) (رومانی (Romania)) را تسخیر کردند.

پاریس، دسامبر ۱۷۹۰
لویی شانزدهم از فردریک ویلیام پادشاه پروس درخواست کرد که برای حمایت از وی کنگره‌یی از کشورهای اروپایی تشکیل دهد تا با نیروی نظامی آن‌ها، او را نجات دهند.

افریقای جنوبی، ۱۷۹۰
زوید (Zwide) به جانشینی پدر خود یاکا (Yaka) رهبر نظامیان ندواندو (Ndwandwe) در ناحیه‌ی رود پونگولا (Pongola) رسید. یکی از عواملی که باعث اقتدار قبیله‌ی ندواندو بود، حمله به همسایگان خود و پیروزی بر آن‌ها و تحمیل خراجی به‌صورت عاج و گاومیش می‌باشد. هم‌اکنون حاکم‌نشین تمب (Tembe) واقع در خلیج ماپوتو (Maputo Bay) بایستی این خراج را به زوید بپردازد.

اتریش، ۱۷۹۰
موزارت اپرای کمدی جنسی خود را با عنوان «کوزی فان‌توت (Cosi fan tutte)» به‌پایان برد. در این اپرا که به امر لئوپولد دوم امپراتور اخیر اتریش تنظیم شده بود، موزارت خود به‌عنوان رهبر نوازندگان ایفای نقش می‌کرد.

پاریس، ۱۳ ژانویه ۱۷۹۱
مجلس ملی مالیات سالیانه بر اجاره‌بها و سایر دارایی‌های اشخاص را تعیین کرد.

فرانسه، ۱۶ ژانویه ۱۷۹۱
نیروی پلیس نظامی تحت نام ژاندارمری (Gendarmerie) تشکیل شد.

فرانسه، ۲۰ ژانویه ۱۷۹۱
تالیران (Talleyrand) در اجرای پیروی از قانون اجتماعی کلیسا، خود با قید سوگند از سمت اسقفی ناحیه‌ی اوتون (Autun) استعفا داد.

فرانسه، ژانویه ۱۷۹۱
لزوم قید سوگند به قانون اساسی فرانسه، شورش و عصیان کشیشان را برانگیخت و این امر به سراسر کشور گسترش یافت.

فرانسه، دوم فوریه ۱۷۹۱
نخستین اسقف با قید سوگند در تبعیت از قانون اساسی کشور، برگزیده شد.

پاریس، ۱۴ فوریه ۱۷۹۱
لاپروس (la Perouse) دریانورد و کاشف مشهور فرانسوی که با عزم سفر به دور کره زمین با دو کشتی به‌نام‌های استرولاب (L' Astrolabe) و لابوسول (La bousole) حرکت کرد، ناپدید شد. به‌نظر می‌رسد که آن‌ها با کشتی‌های خود در اقیانوس آرام غرق شده باشند.

فرانسه، ۱۹ فوریه ۱۷۹۱
دو نفر از عمه‌های پادشاه به‌نام‌های آدلاید (Adelaide) و ویکتوار (Victoire)، کشور را به قصد پناهنده‌شدن به خارج ترک کردند.

آلمان، ۲۳ فوریه ۱۷۹۱
پرنس کنده (Conde) به شهر ورمز (Worms) وارد شد تا از تبعیدشدگان ارتشی فراهم آورد.

فیلادلفیا، ۲۵ فوریه ۱۷۹۱
پرزیدنت واشنگتن اعلامیه‌ی مربوط به تأسیس بانک را در ایالات متحده امضا کرد.

هند غربی، ۲۶ فوریه ۱۷۹۱
رهبران شورش مولاتو (Mulatto) در سانتو دومینگو (Santo Domingo) به‌هلاکت رسیدند.

پاریس، ۲۸ فوریه ۱۷۹۱
پس از سرکوبی شورشیان در شهر ونسان (Vincennes)، ژنرال لافایت (Lafayette) توطئه‌گران شورشی را خلع سلاح کرد و به پاریس انتقال داد.

علی‌بیگ با صالح‌بیگ متّحد شد و از سوریه به قاهره برگشت تا دشمنان مشترک را سرکوب کند. در این زمان کش‌کش و متحدش خلیل‌بیگ مغلوب و کشته شدند، پس از آن هم صالح‌بیگ را کشتند.

علی‌بیگ سرانجام به قدرت رسید و مملوکیان را بر سر کار آورد و جایگاه دولت عثمانی را هم اشغال کرد. امّا زمانی‌که می‌خواست سرزمین سوریه را به تصرف درآورد، پیش‌دستی کرده با نیروهای نظامی عثمانی به فرماندهی عبدالصاحب متّحد شد، چون در غیر این‌صورت نیروی چندانی برای نبرد با آن سرزمین نداشت.

کمپانی انگلیسی هند شرقی، خرید و فروش تریاک را به انحصار خود درآورد. (کلکته، ۱۷۷۳):

کمپانی هند شرقی تولید و فروش تریاک را در بنگال که مرکز تولید آن بود، در اختیار گرفت. ایادی کمپانی محصول تریاک دو ایالت پاتنا (Patna) و بنارس (Benares) را گردآوری و آن را بسته‌بندی کرده به کشور چین صادر می‌کردند. مقدار محصول هم مرتباً در حال افزایش بود. دولت‌های انگلیس و پرتغال مدت ۵۰ سال است که به کشور چین تریاک صادر می‌کنند. در سال‌های اخیر، سود این محصول کاهش یافته و کمپانی هم درصدد برآمده به‌جای چای وارداتی از چین، کنف و کتان به آن صادر کنند، زیرا این کالا هم دارای منافع سرشاری است. در حالی‌که سود صادرات کتان برای کمپانی بسیار سودآور است، لیکن هرگز جای تریاک را نمی‌گیرد، چون هواخواهان تریاک در چین رو به ازدیاد است و میلیون‌ها نفر تریاکی در آن کشور وجود دارد که به این تریاک‌ها نیازمندند و همه ساله هزاران تن تریاک با کشتی به آن‌جا حمل می‌شود.

امپراتور چین تصمیم دارد که مصرف تریاک را تحریم کند، لیکن هنوز بازار این محصول فعال است. اکنون کشتی‌های خصوصی به قاچاق تریاک اشتغال دارند، آن‌ها تریاک را به رودخانه‌ی کانتون می‌برند و از

آن‌جا به مرکز فروش آن در منطقه‌ی وامپوآ (Whampoa) حمل کرده و توزیع می‌کنند.

مستعمرات امریکایی به حاکمیت انگلیس معترضند. (بوستون، ماس (Mass (Massachusetts))، نوامبر ۱۷۷۲):

ساکنان مستعمرات امریکایی که علناً مشاهده می‌کنند که به آزادی‌های آن‌ها حمله می‌شود و دولت انگلیس تنها به فکر منافع خویش می‌باشد، همگی به آن دولت و پادشاه آن اعتراض می‌کنند و حاکمیت آن کشور را مورد سؤال قرار داده و خواهان استقلال هستند. آن‌ها در دو ایالت ماساچوست و ویرجینا کمیته‌هایی تشکیل داده و برای حفظ امنیت و حقوق سرزمین‌هاشان اقدام به تشکیل نیروهای خودی خواهند کرد.

در پی‌آمد این اعتراضات، و تعمیق اختلافات، امریکایی‌های میهن‌پرست چندین کشتی حامل آبجو را به کاپیتانی ستوان ویلیام دودینگستون (William Dudingstone) در آب‌های ساحلی آتش زدند، زیرا این کشتی‌ها قایق‌های ماهیگیری محلی را توقیف کرده بودند. مردم معترض و عصبانی از دولت انگلیس خواستند که کاپیتان مذکور را در دادگاه‌های انگلیس محاکمه و مجازات کند، امّا استفن هاپکینز (Stephen Hopkinz)، رییس دادگستری رودآیلند (Rhode Island)، فرمان دستگیری وی را منسوخ و از مردم تقاضا کرد که آرامش خود را حفظ کنند. اکنون دولت انگلیس ضمن حفظ حقوق دادگاه‌های محلی، آن‌ها را وابسته به دربار می‌داند، چون مأموران این دادگاه‌ها مستمری‌بگیر انگلیس هستند و از استقلال کامل برخوردار نیستند.

کودتایی که بر ضد پادشاه انجام شد. (استکهلم، ۱۹ اوت ۱۷۷۲):

در عرض مدت کم‌تر از یک ساعت، گوستاو سوم، افسران پادگان پایتخت را طی فرمانی احضار و کودتا انجام شد. افسران کودتاچی مورد استقبال مردم قرار گرفته و صدای شادی و هلهله‌ی آن‌ها برای کسب آزادی سراسر شهر را فراگرفت.

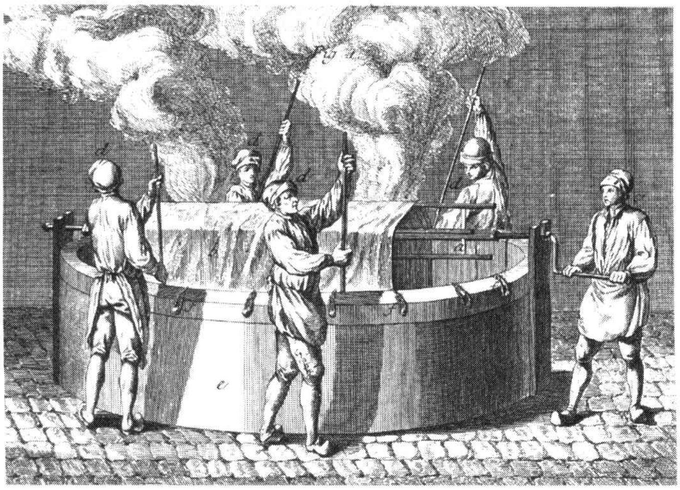
شاه در نطق خود اظهار داشت که خودش آزادی‌ها را گسترش داده و سرانجام رژیم پارلمانی و مشروطه را برقرار خواهد ساخت.

هنگامی‌که گوستاو موفق به در دست‌گرفتن قدرت در کشور شد، یک دولت آشتی ملّی برای ایجاد آرامش بین حریفان تشکیل داد. شاه اعلام کرد که خودش از اعضای حزب آرامش‌طلب شبکلاه است و گروه رقیب او به‌نام حزب کلاه سه‌گوش‌ها نام دارند، چون افسران وابسته به این حزب کلاه سه‌گوش بر سر می‌گذارند.

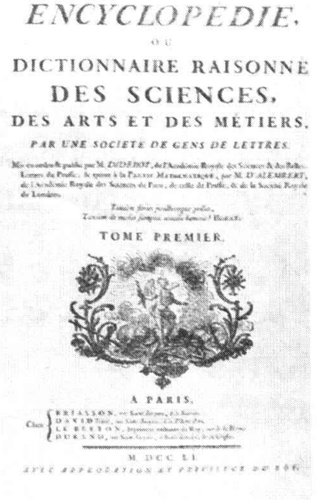
با این وصف، حزب افراطی کلاه سه‌گوش‌ها که دارای اکثریت آرا می‌باشد، اعلام داشت که تا زمانی‌که اقتصاد کشور با کمبود بودجه روبه‌روست، از همکاری با حزب رقیب و ائتلاف با آن خودداری خواهد کرد. گوستاو هم در عین حالی که می‌تواند این تصمیم را الغا کند، معهذا درصدد جنبش و حرکت جدیدی است.

قزاق شورشی محکوم و اعدام شد. (مسکو، ۲۱ ژانویه ۱۷۷۵):

یکی از سران قوم قزاق که آدمی بدخلق و عصبانی و خائن شمرده‌شده و در ضمن مدعی بود که شوهر کاترین ملکه‌ی روسیه است، از طرف دیگر بانی و رهبر شورش قزاق‌ها (Cossack) در روسیه می‌باشد، توسط سربازان ارتش روس دستگیر و در قفس به مسکو بردند و در آن‌جا وی را هلاک کردند. در ابتدا برای سر امیلیان پوگاشف (Emelian Pugachev) مبلغ ۵۰۰ روبل جایزه تعیین کرده بودند، امّا پس از چند هفته که شورشیان توانستند بنادر ولگا (Volga) و اورال (Oral) را تصرف کرده و به مسلمین بشقیر (Bashkir) ملحق شوند، مبلغ این جایزه به ۲۸ هزار روبل افزایش داده شد. پوگاشف را سرانجام در یک انبار علف خشک پیدا کرده و او را دستگیر کرده و به فرمان کاترین اعدام کردند، لیکن او که خود را شاهزاده‌ی



تغییر لباس برای بافت گوبلن، نقل از آنسیکلوپدی.



ENCYCLOPEDIE,
OU
DICTIONNAIRE RAISONNE
DES SCIENCES,
DES ARTS ET DES METIERS,
PAR UNE SOCIETE DE GENS DE LETTRES.

TOME PREMIER.

A PARIS,

M. DCC. LI.

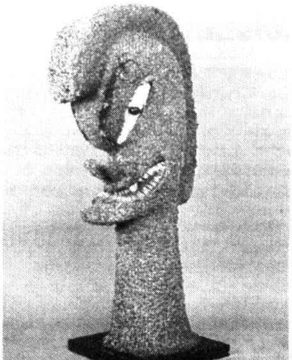
روی جلد آنسیکلوپدی، تالیف
دیدروو Diderot آلمبر Alembert.



پیکره ی چوبی عجیب با قیافه ی وحشتناک الهه ی جنگ و آدم کشی که مظهر و نمادی برای جزایر هاوائی Hawaii به شمار می رود و به نام خدای جنگ یاکو Ku نامیده می شود.



پاپ کلمنت چهاردهم که بلا و مصیبت عظیمی برای مسیحیت و مردم بود.



این تندیس چوبی با دندان های درنده هم چهره ی دیگری از خدای کو می باشد که به کاکائیلی موکوم Kakai limokom معروف است و در نبردها آن را جهت ایجاد واهمه و ترس در دشمن به میدان جنگ می برند.



کارگران با تیغ زدن گیاه، تریاک آن را جمع کرده و به صورت حب در می آورند، لیکن هرگز تریاک را با توتون مخلوط نمی کنند.

قزاق می‌نامید، درصدد بود با به‌دست‌آوردن قدرت، حکومت تشکیل داده و نیروهای خود را برعلیه روسیه تجهیز کند.

دانشمندان شیمی انگلیسی نظریات قدیمی را تغییر دادند. (انگلیس، ۱۷۷۵):

شیمی‌دان‌ها با کشفیات نوین خود نظریات گذشته را تغییر دادند و فرضیه‌های جدیدی ارائه کردند. در انگلیس، جوزف بلاک (Joseph Black) در تحقیقات خود به کشف موادی دست یافت که از نظر پزشکی حائز اهمیت می‌باشند و این‌گونه مواد با آن‌چه که در جوّ زمین وجود دارد، متفاوت است. هنری کاوندیش موفق شد گاز قابل اشتعال را در هوا کشف کند و گاز هیدروژن را که به دو صورت در هوا موجود است را برطبق نظریه‌ی بلاک به‌دست آورد.

امّا جوزف پریستلی موفق شد که وجود هفت نوع گاز ترکیبی را در هوا به اثبات برساند که عبارتند از: اکسیژن ((O_2) Oxygen)، هیدروژن کلراید ((HCL) Hydrogen Chloride)، آمونیاک ((NH_4)Ammonia)، اکسیدنیتریک (Nitric Oxide (NO_2))، اکسید نیترو ((No) Nitiro Oxide)، پراکسید ازت ((Nitrogen Peroxid (NO_3)) و سولفور دی‌اکسید ((Sulphurdioxide (SO_2)).

پریستلی برای اکتشافات خود، اقدامات جدی و مفیدی در مورد شیمی هوا انجام داد، برای مثال، وی جهت اثبات وجود گاز اکسیژن، هوا را در ظرف مخصوصی سوزانید.

هانری لاووازیه (Henri Lavosier) فرانسوی نشان داد که آب از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن ترکیب شده و این آب دیگر آن دو عنصر اولیه‌ی تشکیل‌دهنده نیستند و از حالت گازی خارج شده و به مایع (آب) تبدیل شده‌اند.

این کشفیات و توسعه‌ی علوم، موانع موجود بر سر راه سایر دانشمندان را برداشت.

دانشمند انگلیسی متولد آلمان، ویلیام هرشل (William Herschel) یک تلسکوپ بسیار قوی برای رصد ستارگان ساخت، در همین حال مهندس جیمز وات (James Watt)، موتور بخاری اختراعی خود را به یک کارخانه‌دار به‌نام جان ویلکینسون (John Wilkinson) فروخت.

ضیافت چای در ایالت بوستون (بوستون، ماساچوست، ۱۶ دسامبر ۱۷۷۳):

در حدود یک‌هزار نفر از مردم محلی با صدای سنج‌های برنجی و کوبیدن طبل هم‌چون سرخ‌پوستان با صداهای کرکننده، نیمه‌شب امشب از شهر خارج شده و به استقبال سه کشتی حامل چای در یک مکان قدیمی که محل تظاهرات می‌باشد، رفتند.

ملوانان کشتی‌ها ساکت و آرام بودند، لیکن پس از چند دقیقه، عده‌یی که با کوبیدن سنج در بندرگاه جمع شده و صورت‌های خود را پوشانده بودند، با هدایت و فرماندهی دارتموث (Dartmouth) و الینور (Eleanor)، صدها جعبه چای را در بندرگاه خالی کردند. با ریخته‌شدن چای خشک بر روی آب دریا، به مانند این‌که هزاران کیلو علف را روی آب ریخته باشند، منظره‌ی دریا عوض شد و چای‌ها سطح دریا را پوشاند، برطبق اظهار شاهدان عینی، بدون شک این حالت، طلیعه‌ی یک شورش بود که به‌هیچ‌وجه نمی‌شد از وقوع آن جلوگیری کرد. با انجام این عمل، اهالی بوستون در انتظار و واکنش ناویان بودند و به‌نظر می‌رسید که با شروع طغیان، جنگ بین ناویان و اهالی بر سر آزادی، حتمی‌الوقوع خواهد بود.

ژوزیا کوئینسی (Josiah Quincy)، یکی از رهبران میهن‌پرست و هفت نفر دیگر از رهبران میانه‌رو ایالت، در تلاش بودند که از وقوع فاجعه جلوگیری کنند، زیرا تاکنون هرگز چنین وضعی را ندیده بودند و هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد که مردم این‌گونه از آزادی دفاع نمایند.

کوئینسی می‌گفت: تا به حال قصد قیام نداشتند، لیکن عواملی سبب تحریک آن‌ها شد و آنان را به

ایالات متحده‌ی امریکا، چهارم مارس ۱۷۹۱
ایالت ورمونت (Vermont) به‌عنوان چهاردهمین ایالت به اتازونی پیوست.

لندن، ۱۳ مارس ۱۷۹۱
توماس پاین (Thomas Paine) یکی از حامیان سرسخت انقلاب فرانسه، دومین بخش از کتاب «حقوق بشر» را تألیف کرد. وی نظریات ادموند بورک (Edmund Burke) را که در کتاب «واکنش‌های انقلاب فرانسه» مطرح کرده، مورد بحث قرار داده و آن‌ها را مردود دانسته است.

بریتانیا، ۲۱ مارس ۱۷۹۱
بریتانیا با پروس راجع به توسعه‌طلبی و بلندپروازی‌های دولت روسیه به توافق رسیدند.

پاریس، ۲۳ مارس ۱۷۹۱
اتاپالم (Etta Palm) یکی از زنان قهرمان هلندی طرفدار حقوق زنان، کلوبی به‌نام کنفدراسیون دوستان راه حقیقت تأسیس کرد. این انجمن دوستی در جهت دست‌گیری و کمک به فقرا و مواظبت و مراقبت از فرزندان فرودست جامعه و آموزش و تعلیم آن‌ها تأسیس شده است.

پاریس، دوم آوریل ۱۷۹۱
میرابو (Mirabeau) که در مجلس ملی قدرتی فوق‌العاده یافته و دارای جایگاهی رفیع بود، درگذشت. شاید وی را مسموم کرده باشند.

رم، ۱۳ آوریل ۱۷۹۱
پاپ پیوس ششم به راهبان فرانسه مدت چهل‌روز مهلت داد که سوگندنامه‌ی خود را درباره‌ی تبعیت از قانون اساسی فرانسه پس بگیرند و در غیر این صورت از جامعه‌ی روحانیت طرد خواهند شد.

پاریس، ۱۸ آوریل ۱۷۹۱
گارد ملی از خروج لویی شانزدهم پادشاه فرانسه و فامیل او از پاریس ممانعت کرد.

لهستان، سوم مه ۱۷۹۱
استانیسلاس (Stanislas) دوم آگوستوس پونیاتوفسکی (Augustus Poniatowski) پادشاه لهستان، یک قانون اساسی با درنظرگرفتن اصل وراثت سلطنت و تفکیک قوای مجریه، مقننه و قضاییه از هم‌دیگر، تنظیم کرد.

پاریس، ۱۶ مه ۱۷۹۱
ماکسیمیلین روبسپیر (Maximilien Robespierre) چهره‌ی بانفوذ و زیاده‌طلب مجلس ملی، سرانجام پست خود را از دست داد و کسانی را که مانع آرای دوباره او در رسیدن به نمایندگی شده بودند، مورد تعقیب قرار داد.

پاریس، ۲۶ مه ۱۷۹۱
مجلس ملی به لویی شانزدهم فشار آورد تا تمام دارایی‌های خزانه‌ی سلطنتی و کلیه‌ی اموال دربار را به خزانه‌ی ملت واگذار کند.

پاریس، ۳۰ مه ۱۷۹۱
روبسپیر پیشنهاد کرد که اموال مجرمان اعدام‌شده را ضبط نمایند.

پاریس، اول ژوئن ۱۷۹۱
مجلس ملی تمام انواع شکنجه را در مورد مجرمان لغو کرد.

پاریس، ۱۴ ژوئن ۱۷۹۱
مجلس ملی هرگونه اعتصابات کارگری تحت نام اتحادیه‌های مختلف را ممنوع ساخت.

فرانسه، ۲۵ ژوئن ۱۷۹۱
خانواده‌ی سلطنتی فرانسه را پس از ناکامی در فرار از پایتخت، به پاریس برگردانده و آنان را در منطقه‌ی وارن (Varennes) زندانی کردند.

پاریس، ۲۵ ژوئن ۱۷۹۱
مجلس ملی به‌طور موقت قدرت سلطنت را به حال تعلیق درآورد.

فرانسه، ۲۶ ژوئن ۱۷۹۱
با اخباری که از فرار مجدد و قطعی لویی شانزدهم و خانواده‌ی او می‌رسید، وی را در ناحیه‌ی لیون (Lyons) زندانی کردند.

بروکسل، ۲۹ ژوئن ۱۷۹۱
کنت پروونس (Provence) برادر لویی شانزدهم پس از فرار موفقیت‌آمیز خود از پاریس، به شهر بروکسل (Brussles) وارد شد.

اقیانوس آرام، ژوئن ۱۷۹۱
اتین مارشان (Etienne Marchand) دریانورد فرانسوی، جزایر مارکیزاس (Marquesas) در اقیانوس را به نفع دولت فرانسه تصاحب کرد و نام آن را به جزایر انقلاب تغییر داد.

هیجان آورده است. این خرابکاری و اتلاف محصول چای، بسیار شجاعانه و دلیرانه بود و مردم جسارت این کار را داشتند و به موقع عمل کردند. آن‌ها مردمانی انعطاف‌ناپذیر و سخت‌کوش هستند و می‌توانند در کارهای مهم هم به موفقیت دست یابند.

اهالی بوستون هم‌چنان‌که قبلاً هم ثابت کرده‌اند، مردمانی پای‌بند به اصول هستند، آن‌ها خالی‌کردن جعبه‌های چای را در دریا، به‌عنوان ضیافت چای نامیدند و این جریان آن‌قدر پرسر و صدا بود که انعکاس آن در سراسر مستعمرات امریکایی انگلیس پیچید، در حالی‌که کشتی‌ها و ملوانان پس از تخلیه‌ی چای، به‌سرعت برای آگاهانیدن دولت انگلیس، بندرگاه را ترک کردند و چنین به‌نظر می‌رسد که در این‌صورت اهالی مستعمرات، حاضر به پرداخت هیچ مالیاتی نیستند و جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

با رسیدن اخباری که در مورد اتلاف کوهی از چای به لندن رسید، اکنون ورشکستگی، کمپانی هند شرقی را تهدید می‌کند.

با تحریم چای از سوی مستعمرات، وقوع جنگ حتمی است. (فیلادلفیا، پنجم سپتامبر ۱۷۷۴):

با وجودی که به‌نظر می‌رسد، وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر است و ایالات ۱۳ گانه‌ی دولت انگلیس را به مبارزه طلبیده‌اند، معهذا کنگره‌ی ایالات مذکور تصمیم گرفت که برای جلوگیری از نائره نبرد، جان آدامس را به‌عنوان نماینده‌ی بوستون برای مذاکرات با نمایندگان دولت انگلیس اعزام نماید، و این تصمیم باعث شادی و هیجان شد، امّا عقیده‌ی عمومی بر این است که مستعمرات در نظر دارند تا هنگامی‌که مالیات چای لغو نشود، از خرید و مصرف آن خودداری نمایند.

در چند ایالت شمالی امریکا که به «پسران آزادی» ملقب شده‌اند، تلاش بر این است که تمام کشتی‌های حامل کالای انگلیس را توقیف نمایند. برخی از بازرگانان به انگیزه‌ی عدم پرداخت مالیات پرچم دولت انگلیس را از عرشه‌ی کشتی‌ها برداشته و تعدادی از

آن‌ها را هم در لنگرگاه‌ها به آتش کشیدند. این عمل نشانه‌ی آن است که مستعمرات در آستانه‌ی جنگ استقلال قرار گرفته‌اند و این قیام و همکاری بین ایالات، آمادگی و مجهزشدن آن‌ها را برای نبرد نشان می‌دهد. بدین ترتیب مستعمرات آماده‌ی جنگ شدند.

با وجود تلفات بی‌شمار نیروهای ترک، پیمان صلح روسیه و عثمانی به امضا رسید. (امپراتوری عثمانی، ۱۶ ژوئیه ۱۷۷۴):

دولت روسیه که همواره در پی گسترش نفوذ خود در فراسوی مرزها می‌باشد، امروز با امضای پیمان صلح کوچوک قاینارچی (Kuchuk-Kainardji) با دولت عثمانی، به جنگ شش‌ساله‌ی بین دو کشور خاتمه داد، در حالی‌که این قرارداد موج تکان‌دهنده‌یی در عثمانی ایجاد کرد. با عقد این پیمان، زمین‌های کرانه‌ی دریای سیاه به روسیه تعلق گرفت و به کنترل آن کشور در این دریا پایان داده شد. هم‌چنین با فشار دولت روسیه، دولت عثمانی استقلال شبه‌جزیره‌ی کریمه را به رسمیت شناخت، در حالی‌که سلطان عثمانی از سال‌ها پیش آن‌جا را زیر سلطه داشت، معهذا عنوان خلافت سلطان بر مسلمانان کریمه هم‌چنان باقی ماند.

دولت روسیه هم‌چنین حق حمایت خود را بر کلیساهای شهر استانبول و بنای کلیساهای جدید، حفظ کرد که در صورت صلاح‌دید، کلیساهای تازه در آن شهر بنا کند.

این امر در واقع بهانه‌یی برای دخالت کشور روس در امور داخلی امپراتوری عثمانی به‌شمار می‌رود.

گوته به انجام عمل خودکشی، روح تازه‌یی بخشید. (فرانکفورت، ۱۷۷۴):

بسیاری از مؤلفان در آرزوی آنند که کتاب آن‌ها حاوی حقیقت عریان باشد، امّا تعداد بسیار کمی از آن‌ها موفق شده‌اند همانند یوهان ولفگانگ گوته (Johann Wolfgang Goethe)، شاعر جوان آلمانی، به این موفقیت دست یابند. وی در شرح زندگی خود در کتابی به‌نام ماجراهای غم‌انگیز ورتر (Werther) (ورتر یکی از قهرمانان کتاب اوست)، خودکشی و پایان حیات را آخرین هدف می‌شمارد، او به این عمل یک حالت طبیعی می‌دهد و آن را پایان عشق حقیقی جلوه می‌دهد.

داستان این کتاب، به‌طور ساده، به این ترتیب است که یک هنرپیشه‌ی تنها و مجرد در دام عشق دختری گرفتار می‌شود که خود دختر پای‌بند عشق فرد دیگری است. این داستان که پایانی غم‌انگیز دارد حاکی است شارلوت باف (Charlotte Buff)، قهرمان کتاب گوته، گرفتار عشق دختری می‌شود که قبلاً نامزد داشته است.

در این داستان که گوته سعی کرده است آن را جلوه‌یی از عشق واقعی نشان دهد، ورتر (Werther) تلاش می‌کند که درد و رنج را بر خود هموار کند و به مدح و ثنای معشوق بپردازد و زندگی مرتاضانه در پیش بگیرد، نوشته گوته شاعر آلمانی موجی از هیجان در اروپا به‌وجود آورد و جوانان اروپایی را به خود جلب کرد. اغلب جوانان برای این‌که شبیه ورتر درآیند و ابراز شخصیت و هویت کنند، خود را شبیه ورتر درآوردند. آن‌ها به تقلید از او با پوشیدن کت آبی‌رنگ و شلوار کوتاه و شرکت در مجلس چای خود را شبیه قهرمان مرد داستان گوته ساختند، لیکن اقدام به خودکشی نکردند.

سه پنس مالیات، برای هر پوند چای

خانم پیری در آن سوی دریاها زندگی می‌کرد، او ملکه‌ی جزیره بود. دختر او هم در یک جزیره‌ی دیگری سکونت داشت، در حالی‌که اقیانوسی بین آن‌ها فاصله بود.

خانم پیر مقدار زیادی سکه‌ی طلا داشت، لیکن هرگز از زندگی خود راضی نبود. او از دختر خود خواست که مالیات بپردازد، یعنی به‌ازای هر پوند چای، سه پنس.

به‌ازای هر پوند (۴۵۳ گرم)چای، سه پنس.

پاریس، ژوئن ۱۷۹۱
لویی آنتوان دوسن ژوست (Louis Antoine de St Just) یکی از حامیان دوآتشه‌ی روبسپیر، کتابی موسوم به «روح انقلاب» منتشر کرد که با استقبال عظیمی روبه‌رو شد.
ایتالیا، ششم ژوئیه ۱۷۹۱
لئوپولد دوم امپراتور اتریش، پادشاهان اروپا را در شهر پادوآ (Padua) دعوت کرد و از آن‌ها خواستار شد که برای رهایی لویی شانزدهم تشریک مساعی کنند.
انگلیس، ١٤ ژوئیه ۱۷۹۱
جشن‌هایی به نشانه‌ی سالگرد سقوط زندان باستیل و انقلاب فرانسه در شهر بیرمنگام (Birmingham) برپا شد. در یک ضیافت، یکی از روحانیان انگلیکان (Anglican) که سخت تحریک شده بود، جوزف پریستلی (Joseph Priestley) دانشمند شیمی و یکی از طرفداران آزادی را به‌قتل رساند.
پاریس، ۱۵ ژوئیه ۱۷۹۱
مجلس ملی لویی شانزدهم را مسؤول کارهای خود تلقی نکرد و فرمان داد که او بایستی در دادگاه محاکمه و راجع به فرار خود توضیح دهد و سپس از سلطنت استعفا دهد.
پاریس، ١٦ ژوئیه ۱۷۹۱
لویی شانزدهم از مقام خود معلق شد و به قانون اساسی انقلاب گردن نهاد.
پاریس، ١٦ ژوئیه ۱۷۹۱
در کلوب ژاکوبن‌ها (Jacobin Club) بر سر سلطنت آینده‌ی فرانسه اختلاف شدیدی بروز کرد.
پاریس، ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۱
جمهوری‌خواهان در شام دو مارس (Champ de Mars) علیه لویی شانزدهم دست به تظاهرات زده و خواستار عزل شاه شدند، لیکن این تظاهرات به آتش گارد ملی به روی مردم و کشته‌شدن دوازده‌نفر منجر شد و با خونریزی پایان یافت.
پاریس، ٢٤ ژوئیه ۱۷۹۱
به انگیزه‌ی روبسپیر، تمام ژاکوبن‌هایی که با اصول انقلاب مخالفت می‌ورزیدند و معروف به فویانت (Feuillants) بودند، از صحنه‌ی اجتماعی رانده شدند.
وین، ٢٥ ژوئیه ۱۷۹۱
کائونیتز (Kaunitz) نخست‌وزیر اتریش، گفت‌وگوهایی را با پروس درباره‌ی پایان بحث درباره‌ی مخالفت با انقلاب فرانسه آغاز کرد و به سایر پادشاهان اروپایی توصیه کرد که آن را پایان‌یافته تلقی کنند.
امپراتوری عثمانی، چهارم اوت ۱۷۹۱
دولت اتریش و امپراتوری عثمانی پیمان صلح سیستووا (Sistova) را امضا کردند، مشروط بر آنکه شهر بلگراد به عثمانی برگردد.
هند غربی، ۱۲ اوت ۱۷۹۱
بردگان سیاه‌پوست سانتودومینگو علیه اربابان سفیدپوست خود قیام کردند.
پروس، ۲۷ اوت ۱۷۹۱
لئوپولد دوم امپراتور اتریش و فردریک ویلیام پادشاه پروس در پیمان پیل‌نیتز (Pillnitz)، حمایت خود را از سلطنت فرانسه اعلام داشتند.
پاریس، هشتم سپتامبر ۱۷۹۱
سالن نمایشات قصر لوور (Louvre) با شرکت ۲۴۷ نفر هنرپیشه از جمله ۱۹ نفر زن جهت اجرای هنرهای نمایشی گشایش یافت.
فرانسه، نهم سپتامبر ۱۷۹۱
هواداران سلطنت کنترل شهر آرل (Arles) را به‌دست گرفتند و راه‌های ورودی شهر را بستند.
پاریس، ١٤ سپتامبر ۱۷۹۱
لویی شانزدهم طی مراسمی، سوگند وفاداری به قانون اساسی فرانسه را انجام داد.
فرانسه، ١٤ سپتامبر ۱۷۹۱
آوینیون (Avignon) و حوزه‌ی تحت کنترل پاپ در کومتاونیزن (Comtatvenaissin) به‌طور رسمی بستگی خود را با فرانسه اعلام کردند.
فرانسه، ۲۷ سپتامبر ۱۷۹۱
یهودیان فرانسه به شهروندی این کشور پذیرفته شدند.
پاریس، ۳۰ سپتامبر ۱۷۹۱
در آخرین اجلاس سالیانه‌ی مجلس ملی، فرمان عفو عمومی جهت تمامی بزهکاران از سال ۱۷۸۸ و به‌مناسبت انقلاب فرانسه صادر شد.

خانم پیر چای‌ها را به در منزل دختر خود فرستاد، لیکن او تمام چای‌ها را به دریا ریخت. دختر تمام چای‌ها را که صدها هزار پوند وزن داشت به دریا افکند. او این کار را در تاریکی شب انجام داد، در حالی‌که از شدت ناراحتی به جوش آمده بود.

دختر سپس ملکه‌ی جزیره را فراخواند و به او گفت: اوه مادر، مادر عزیزم، چای‌های شما مرا به دره‌ی نیستی می‌کشاند و از هستی ساقط خواهم شد. من هرگز برای آن‌ها مالیات پرداخت نخواهم کرد.

وات از نیروی بخار در کارخانه استفاده می‌کند. (بیرمنگام (Bimingham)، انگلیس، ۱۷۷۶):

فن مهندسی بخار به همه‌جا راه یافته. آخرین این اختراعات به‌وسیله‌ی جیمز وات صورت گرفته، وی سابقاً در دانشگاه گلاسگو به ساخت ابزارهای فنی اشتغال داشت. او که در سال ۱۷۱۲ برای نخستین‌بار توانسته بود از نیروی بخار برای ساخت لوازم استخراج در معدن استفاده کند، هنگامی‌که از وی خواسته شد که تغییراتی در ماشین قدیمی‌ساخت توماس نیوکامن (Thomas Newcomen) انجام دهد، این درخواست را پذیرفت و آن را تعمیر و بازسازی کرد.

وات همواره در این فکر بود که از نیروی بخار جهت حرکت در سیلندرهای جداگانه برای کم‌ترکردن سوخت استفاده کند. با این زمینه‌ی فکری، وی توانست اندیشه‌ی خود را با دیگران در میان گزارد، بدین جهت با یکی از دوستان خود به‌نام ماتیو بولتون (Matthew Boulton) که در ناحیه‌ی سوهو (Soho) نزدیک بیرمنگام به کار ساختن ادوات ماشین اشتغال داشت، موضوع را مطرح کرد.

به هر حال اختراع جدید وات به موتورهای بخاری کمک فراوان کرد و سرعت آن‌ها را بالا برد و حالت پرتابی به آن داد. وات در واقع توانست با کمک نیروی بخار حالت تخلیه در پیستون به‌وجود آورد و این حالت تخلیه باعث حرکت نرم پیستون و حرکات منظم آن در موتور شود.



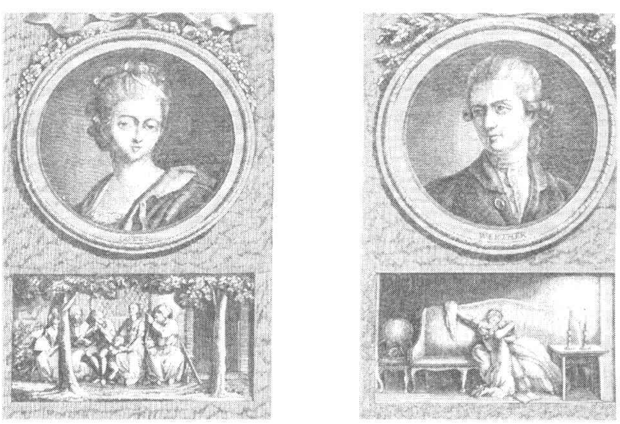
مردم شهر بوستون صورت مامور انگلیسی جمع آوری مالیات را قیر اندود می کنند.



انهدام محموله های چای ارسالی دولت انگلیس توسط ساکنان بندرگاه بوستون.



پوگاچف Pugachev که مدعی سلطنت روسیه بود، لیکن وی را در قفس زندانی کرده و به مسکو بردند.



لوت Lotte ورترWerther در نقش دو چهره در داستان جنجالی نوشته ی گوته Goethe.



آزمایش تخلیه یا پمپاژ کردن هوا توسط جوزف رایت Joseph Wright از دربی Derby.

پاریس، سپتامبر ۱۷۹۱
اولمپ دوگوژ (Olympe de Gouges) نویسنده‌ی فرانسوی، کتابی به‌نام حقوق زنان تألیف کرد.
پاریس، اول اکتبر ۱۷۹۱
قانونگزاران مجلس ملی نخستین جلسه‌ی ملاقات را برگزار کردند. در این اجلاس آشتی ۷۴۵ نفر نماینده شرکت داشتند که ۲۶۴ نفر عضو حزب دست‌راستی فوی یان (Feuillants)، ۱۳۶ نفر از ژاکوبن‌های (jacobins) چپ تحت رهبری کندورسه (Condorcet) و بری‌سو (Brissot) و ۳۴۵ نفر مستقل و منفرد بودند.
پاریس، هشتم اکتبر ۱۷۹۱
ژنرال لافایت (Lafayette) از مقام ریاست گارد ملی پاریس کنار رفت.
بلفاست(Belfast)، ۱٤ اکتبر ۱۷۹۱
تئوبالد ولف‌تون (Theobald Wolfe Tone) قاضی پروتستان‌مذهب، کانونی به‌نام اتحاد مردان ایرلندی تشکیل داد، این انجمن برای رهایی افراد کاتولیک تأسیس شد که از حق رأی محروم بودند و از شرکت در اصلاحات پارلمانی بازداشته می‌شدند.
آوینیون، ۱۷ اکتبر ۱۷۹۱
۶۱ نفر زندانی که در هنگام به‌دست‌گرفتن قدرت توسط میهن‌پرستان در ماه اوت دستگیر شده بودند، به انتقام کشته‌شدن منشی کمون له‌کویه (Lescuyer) در شهر آوینیون به‌قتل رسیدند.
هند غربی، ۱۹ اکتبر ۱۷۹۱
پیمان ائتلاف بین مولاتو (Mulatto) رهبر شورشیان سانتودومینگو (Santo Domingo) و فرمانده شاه‌دوستان حامی زارعان سفیدپوست در جزیره‌ی غربی امضا شد.
پاریس، اکتبر ۱۷۹۱
مارکی ساد (marquis de Sade) کتاب داستانی موسوم به «ژوستین (Justine) یا متقی بدشانس» انتشار داد. در این کتاب این فرد پرهیزکار و متقی به جرم فساد تبعید می‌شود. این کتاب را ساد در هنگام زندانی‌بودن در زندان باستیل (Bastille) به‌نگارش درآورده بود.
ایالات متحده، چهارم نوامبر ۱۷۹۱
سپاهیان زیر فرماندهی آرتور سنت کلر (Arthur St Clair)، فرماندار سرزمین شمال‌شرقی، در جنگ با سرخ‌پوستان اوهایو (Ohio) به‌رهبری لیتل تورتل (Little Turtle)، دچار شکست اهانت‌آمیز و وهن‌آوری شدند.
فرانسه، چهارم نوامبر ۱۷۹۱
مارکی هریسی (marquis de Hericy) و ۸۴ نفر از طبقه‌ی اشراف که در توطئه‌ی شاه‌دوستان شرکت داشتند، در ناحیه‌ی کین (Caen) دستگیر شدند.
هندوستان، ششم نوامبر ۱۷۹۱
ساکنان فرانسوی چاندرناگور (Chandernagore)، قانون اساسی فرانسه را پذیرفتند.
دوبلین، ششم نوامبر ۱۷۹۱
اتحادیه‌ی ایرلندی‌های شهر دوبلین تأسیس شد.
پاریس، ۱۱ نوامبر ۱۷۹۱
با فشاری که به لویی شانزدهم وارد می‌آمد، وی طی اعلامیه‌یی با مهاجرت و فرار به خارج از کشور مخالفت کرد و به برادرش سفارش کرد که به فرانسه بازگردد.
چین، ۲۱ نوامبر ۱۷۹۱
اتین مارشان (Etienne Marchand) دریانورد فرانسوی رکورد جدیدی در دریانوردی از خود به‌جا گذاشت، او توانست در مدت شصت روز سراسر اقیانوس‌آرام را بپیماید.
پاریس، ۲۸ نوامبر ۱۷۹۱
ماکسیمیلین روبسپیر (Maximilien Robespierre) به ریاست کلوب ژاکوبن‌ها انتخاب شد.
ایالات متحده، ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱
ویرجینیا دهمین ایالتی بود که قانون اساسی ایالات متحده را تأیید کرد و به اعلامیه‌ی حقوق بشر رأی داد. سه‌چهارم از ایالات امریکا، قانون اساسی را با تغییراتی جزیی که در آن دادند، پذیرفتند.
پاریس، ۱۹ دسامبر ۱۷۹۱
لویی شانزدهم کشیشانی را که از سوگند علیه کلیسا خودداری ورزیده بودند، گناهکار قلمداد کرد.

دولت اسپانیا سیاست تندی در امریکای جنوبی در پیش می‌گیرد. (پرو، ۱۷۷۶):

به فرمان دولت اسپانیا، نایب‌السلطنه‌ی اسپانیا در پرو (Peru)، سیاست جدیدی اعمال می‌کند. نایب‌السلطنه به پیروی از سیاست دولت خود برای جلوگیری از تلاش مردم برای کسب استقلال و حکومتی به سبک انگلیس، در منطقه لاپلاتا (La Plata) حالت استبدادی و زور برقرار کرده است. شخص نایب‌السلطنه که مرکز حکومتی او در شهر بوینوس‌آیرس (Buenos Aires) قرار دارد،از سلطه‌ی بدون قید و شرط در منطقه‌ی جنوب امریکای جنوبی حمایت می‌کند. برطبق دستور وی، تعدادی کشتی جنگی در رودخانه‌ی پلاتا برای محافظت مستقرشده که اوضاع داخلی و رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری را کنترل نمایند.

استقرار سیستم جدید و اعمال سیاست سلطه‌جویی برای حکومت بوینوس‌آیرس سود سرشاری داشته و اقتصاد آن را به‌نحو بی‌سابقه‌یی ترقی داده و در نتیجه ثروت هنگفتی را نصیب نایب‌السلطنه نموده است.

تب جنگ، امریکا را فراگرفته و سایه‌ی آن همه‌جا گسترش یافته است. (چارلستون (Charlestown)، ماساچوست، ۱۷ ژوئن ۱۷۷۵):

سربازان انگلیسی تمام مناطق استراتژیک و تپه‌های مشرف به شبه‌جزیره‌ی چارلستون و منطقه‌ی بوستون را تحت کنترل درآورده‌اند، لیکن این نظارت بهای سنگینی برای آن‌ها داشته. آن‌ها یک‌هزار نفر از سربازان خود را از دست دادند که این تعداد سه برابر تلفات نیروهای امریکایی است. در عین حال، هیچ نشانه‌یی از خاموش‌شدن شورشیان مشاهده نمی‌شود و مردم همان روحیه‌ی انقلابی خود را حفظ کرده‌اند. درست در سه ماه پیش با اولین شلیک سربازان در امریکا نخستین نایره جنگ شروع شد و مردم چون در پی استقلال سرزمین خود از سلطه‌ی حکومت انگلیس بودند، نبرد را ادامه دادند. هیچ‌کس نمی‌داند که این اولین شلیک از کدام سو و عامل آن چه‌کسی بوده است.

امّا به‌نظر می‌رسد یکی از سربازان تحت فرمان ژنرال توماس گیج (Thomas Gage) انگلیسی، مشهور به قرمزپوش‌ها، برعلیه میهن‌پرستان امریکایی معروف به سبزپوشان این عمل را انجام داده است. میهن‌پرستان امریکایی به رهبری پاول رور (Paul Revere) دندان‌ساز و حکاک که یکی از مؤسسان انجمن (پسران آزادی) می‌باشد به سربازان انگلیسی اخطار کرده که این عمل باعث آغاز جنگ خواهد شد، لازم به یادآوری است که این انجمن در چند ماه پیش تأسیس شده است. رور با روشنایی یک فانوسی که بر بالای برج کلیسا آویخته شده بود، شبانه توانست ۲۰ مایل راه را به پیماید و نشان دهد که نیروهای انگلیسی در پی تصرف یک انبار مهمات میهن‌پرستان امریکایی هستند.

سربازان قرمزپوش انگلیسی قصد دارند که از منطقه‌ی بوستون عقب‌نشینی کنند تا در موقع لزوم آن‌جا را اشغال نمایند، نیروهای انگلیسی درصدد برآمده‌اند که با حمله‌ی متقابل خود مناطق استراتژیک و تپه‌های منطقه را تصرف کنند، زیرا میهن‌پرستان در آن نقاط منتظر به دام‌انداختن سربازان قرمزپوش هستند. سرانجام نیروهای انگلیس با تجهیزات و آمادگی توانستند در این درگیری موفق شوند، امّا خطر جنگ در پیش است و دسترسی به صلح متصور نیست.

سیاح اسکاتلندی از سفر به اتیوپی بازگشت. (لندن، ۱۷۷۵):

جیمز بروس (James Bruce)، جهانگرد و خرده‌مالک اسکاتلندی، به لندن بازگشت. او ادعا می‌کند که سرچشمه‌ی رود نیل را یافته است. او در سال ۱۷۶۹ به شهر گندار (Gondar) پایتخت اتیوپی رسید، وی با راس میکائیل (Ras Michael) که یکی از حامیان پشت پرده‌ی پادشاه اتیوپی می‌باشد، دوست شد، او نسبت به دشمنان پادشاه اعتراض و انتقاد داشت. بروس مدت دو سال در اتیوپی ماند، امّا به‌سبب شروع جنگ‌های داخلی، سفرش سرانجامی نداشت.

اکنون سرزمین افریقا نیاز شدیدی به نوگرایی دارد، هوراس والپول (Horace Wapole) جهانگرد انگلیسی، مقالاتی درباره‌ی این سرزمین نگاشته و دکتر ساموئل جانسون (Dr. Samuel Johnson) لغت‌شناس هم که را نظریات او همواره مورد توجه قرار می‌دهد و افکار نوینی درباره‌ی این قاره وضع کرده است.

به عقیده‌ی این دانشمند، ثروت پایه و اساس علاقه‌ی فردی است. (لندن، ۱۷۷۶):

آدام اسمیت (Adam Smith)، عالم اقتصاد اسکاتلندی، پس از بررسی جامع و تجزیه و تحلیل‌هایی که در مورد اقتصاد به‌عمل آورده، به این نتیجه رسیده که عامل اصلی که ملّت‌ها را به درگیری با هم می‌کشاند، ایجاد ثروت و دارایی برای پیشبرد اهداف سیاسی است. او می‌گوید: هر فردی برای اثبات شخصیت خود، علاقه به جمع‌آوری مال و منال دارد و این امری اجباری است و در وجود هر فردی نهفته می‌باشد.

وی در محله‌ی کرک‌کالدی (Kirkcaldy) اسکاتلند به‌دنیا آمد و از دانشگاه آکسفورد (Oxford) فارغ‌التحصیل شد و سپس به استادی کرسی فلسفه اخلاقی در دانشگاه گلاسگو (Glasgow) رسید. در سال ۱۷۶۳ سرپرستی دوک بوک لوچ (Duke of Buccleuch) را به عهده گرفت و به یک سفر دور قاره‌یی دست زد. اسمیت مطالعات مفصلی درباره‌ی اقتصاد اروپا انجام داد و در شهر پاریس با عده‌یی از متفکران و فیزیوکرات‌ها که کشاورزی را اساس اقتصاد می‌دانستند، ملاقات کرد.

نتیجه‌ی این دیدارها، نوشتن کتاب ثروت ملّت‌ها بود که در ده سال پیش منتشر کرد. اسمیت در عین حال از طرز زندگی مردم مطالبی آموخت. مطالعات وی شامل کار و پیشرفت بود و هنگامی‌که از این امر فارغ شد، نتیجه‌ی این مطالعات را منتشر کرد. او می‌گوید: کار زمینه‌یی است برای سرمایه‌داری و تولید ثروت.

پاریس، ۱۷۹۱
اتاپالم (Etta Palm) بانوی هلندی طرفدار حقوق زنان، با توافق مجلس ملی، سخنرانی‌هایی درباره‌ی حقوق زنان در تعلیم و آموزش، سیاست، قضاوت و اشتغال ایراد کرد.

ژاپن، ۱۷۹۱
سانتو کیودن (Santo Kyoden) نویسنده‌ی مشهور ژاپنی را به اتهام تألیف سه‌جلد کتاب خطرناک که کمیته‌ی سانسور کتاب آن را غیرقانونی دانسته و در ردیف مواد کثیف و زاید شمرد، طبق حکم دادگاه، به‌مدت ۵۰ روز در خانه‌اش دست‌بند زدند، این کتاب‌ها را مأموران مشمول تحریم دانستند و ناشر را به پرداخت جریمه‌ی سنگین محکوم کردند.

افریقای غربی، ۱۷۹۱
عثمان دان فودیو (Uthman dan Fodio) شاعر و دانشمندی که به زبان عربی و فولا (Fula) شعر می‌سرود و در مسافرت‌ها و دربه‌دری‌ها، قوانین و مقرارت اسلامی را تبلیغ می‌کرد، به‌عنوان سرپرست گوبیر (Gobir) از خانواده‌ی سلطنتی نیجر (Niger) تعیین شد. وی پس از تصدی این شغل با مطالعه و تحقیق درباره‌ی تصوف، به یکی از چهره‌های شاخص دربار گوبیر مبدل شد.

افریقای غربی، ۱۷۹۱
پپل (Pepple) پادشاه بونی (Bonny)، کنترل تجارت برده در منطقه‌ی کالابار جدید (New Calabar) (نیجریه) واقع در دلتای رود نیجر را به‌دست گرفت و آن‌جا را به یک سرزمین تجارتی و ثروتمند تبدیل کرد.

استرالیا، ۱۷۹۱
سومین ناوگان مسافربری انگلیس که حامل تعدادی از بزهکاران و مجرمان بود، به بندر سیدنی (Sydney) وارد شد و در این شهر یک مجتمع مسکونی جدید تأسیس شد. از سال ۱۷۸۸ این سومین گروه از بزهکاران هستند که در این‌جا ساکن می‌شوند. این افراد را در استرالیا به کار کشت و زرع وامی‌دارند، سابقاً از تولید محصول در این مناطق کاسته شده بود، چون شیوه‌ی کشاورزی بسیار عقب‌افتاده بود.

انگلیس، ۱۷۹۱
کمپانی انگلیسی سیرالئون (Sierra Leone) با هدف پیشبرد بازرگانی طبق قانون تشکیل شد. این کمپانی به‌جای تجارت برده به دادوستد کالا اقدام خواهد کرد.

انگلیس، ۱۷۹۱
یکی از نویسندگان اسکاتلندی به‌نام جیمز بوزول (James Boswell)، زندگی‌نامه‌ی ساموئل جانسون (Samuel Johnson) را منتشر کرد که در نوع خود شاهکار محسوب می‌شود.

پاریس، ژانویه ۱۷۹۲
شکافی بین روبسپیر رهبر ژاکوبن‌ها و ژیروندن‌ها (Girondin) به‌رهبری بریسو (Brissot) ایجاد شد. ژیروندن‌ها تمایل دارند جنگی علیه کشورهای اروپایی ایجاد کنند که باعث تحکیم موقعیت انقلابیون شود.

امپراتوری عثمانی، نهم ژانویه ۱۷۹۲
دولت عثمانی با امضای پیمان صلح یاسی (Jassy) با روسیه، به جنگ پنج‌ساله با آن کشور پایان داد. طبق این معاهده، منطقه‌ی مولداوی (Moldavia) به کنترل عثمانی درآمد و در عوض روسیه هم ناحیه‌ی اوچاکف (Ochakov) و سراسر زمین‌های بین رودخانه‌های بوگ (Bug) و دنیستر (Dniester) را که قبلاً تسخیر کرده بود، در اختیار گرفت. باز هم برابر این قرارداد، سلطان سلیم سوم شبه‌جزیره‌ی کریمه را که روس‌ها در سال ۱۷۸۳ متصرف شده بود، رسماً جزو خاک روسیه نمود.

پاریس، ۲۴ ژانویه ۱۷۹۲
عصیان و غارت پنج‌روزه که در شهر پاریس جریان داشت، با ازبین‌رفتن جان عده‌یی به‌پایان رسید.

لندن، ۲۵ ژانویه ۱۷۹۲
انجمن مبارزان سیاسی در شهر لندن به‌سبک ژاکوبن‌های فرانسوی تشکیل شد. این انجمن به‌نام انجمن مساوات لندن موسوم شد.

هند غربی، ۲۸ ژانویه ۱۷۹۲
بردگان شورشی سانتو دومینگو به‌شهر کاپ (Cap) حمله کرده و آن‌جا را به‌تصرف درآوردند.

معماری در انگلیس دستخوش دگرگونی و انقلاب شد. (لندن، ۱۷۷۵):

انتشار کتاب مشهور و روشنی‌بخش کارهایی در زمینه‌ی معماری توسط رابرت و جیمز آدام (Robert and James Adam)، دو برادر اسکاتلندی، انقلابی در تمام رشته‌های معماری و تزیینات ساختمانی در انگلیس به‌وجود آورد. در همین سال، از این کتاب چندین بار نسخه‌برداری شده و در همه‌ی نقاط منتشر گشت و به دوران تاریک سبک پالادین (Palladian) پایان داد. در خانه‌یی که توسط برادران آدام بنا شده، اتاق‌هایی به شکل‌های مختلف با گچ‌بری‌های زیبا شامل رخت‌کن، مبلمان جدید و هم‌چنین درها با دستگیره‌های زیبا و قشنگ تزیین شده، که نشانه‌ی تغییرات کلی در سبک ساختمانی و تزیینات آن می‌باشد.

بالاخره در این شیوه‌ی ساختمانی برادران آدام گچ‌بری بزرگ‌ترین تغییری است که در سبک جدید به چشم می‌خورد. آن‌ها در روی بخاری و جای آینه نقاشی‌هایی به شیوه‌ی یونانی شامل اشکالی از موجودات افسانه‌یی مثل تصویر آدم و شیر یا سر زن و بدن ماهی و گیاهانی مارپیچ در روی دیوارها ترسیم کرده‌اند.

برادران آدام سبک جدید خود را در بهترین و بزرگ‌ترین خانه‌های لندن مثل کن‌وود (Kenwood)، پارک اوسترلی (Osterley Park) و خانه‌ی سیون (Syon House) به‌کار گرفته‌اند، معهذا این سبک که در بنای آدلفی (Adelphi Terrace) در منطقه‌ی استراند (Strand) نیز انجام گرفته، به‌هیچ‌وجه مورد استقبال واقع نشده است.

مقاله‌یی که بر ضد ستمگری پادشاه انگلیس به نگارش درآمد. (فیلادلفیا، نهم ژانویه ۱۷۷۶):

مقاله‌یی به قلم یک نویسنده‌ی گمنام درباره‌ی احساسات عمومی امریکا جهت استقلال کامل مستعمرات انگلیس در روزنامه‌ی پنسیلوانیا

(Pennsylvania) درج شده که بعداً معلوم شد که نویسنده‌ی آن یکی از افسران سابق انگلیس به‌نام توماس پاین (Thomas Paine) بوده که اکنون سردبیر این روزنامه می‌باشد. با انتشار این مقاله، تعداد ۱۲۰ هزار نسخه از آن به فروش رسید و چون بهای آن ارزان بود، بسیار مورد توجه واقع شد و همه‌ی مردم آگاهی‌های خود را مدیون پاین می‌دانند.

این مقاله که به‌نام احساسات عمومی مردم در قبال استقلال نام گرفت، در واقع جدالی است برعلیه جورج سوم، پادشاه انگلیس، که حقوق عمومی را پایمال می‌نماید و به اعمال ظالمانه‌ی خود افتخار می‌کند و روح آزادی‌خواهی آن‌ها را به هیچ می‌شمرد. وی با این اعمال، نفرت همه‌ی مردم امریکا را برانگیخته است. او اکنون میل دارد که امریکا را آن‌چنان‌که دلخواه اوست، اداره کند.

پاین عقیده دارد که مردم امریکا مدت‌هاست در فکر استقلال می‌باشند، امّا سیاست دولت انگلیس برپایه‌ی لغو این احساس عمومی عمل می‌کند و به جدایی مستعمرات از همدیگر می‌اندیشد.

احزاب کارگر و محافظه‌کار، آن‌طور که پاین می‌نویسد، سخت مخالف احقاق حقوق مردم امریکا هستند. آن‌ها هنگامی امریکایی‌ها را شهروند خوب می‌دانند که ادعایی نداشته باشند. در آن صورت از این شهروندان خوب پشتیبانی خواهند کرد، آن‌ها برای حقوق انسان‌ها ارزشی قائل نیستند و آزادی افراد را مدنظر ندارند و نمی‌خواهند استقلال ایالات را به رسمیت بشناسند.

امپراتور اتریش، اعمال شکنجه را مردود دانست و آن را لغو کرد. (وین، اتریش، دوم ژانویه ۱۷۷۶):

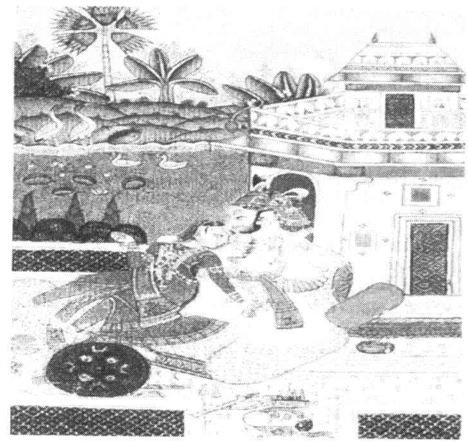
امروز یک‌سری اصلاحاتی در قوانین داوری از سوی امپراتور ژوزف دوم اعلام شد، مبنی بر این‌که احکام اعدام، شکنجه و سوزاندن افراد به اتهام جادوگری لغو گردید. امپراتور هابسبورگ (Habsburg) که سال گذشته به این مقام منصوب شده بود، علاوه بر لغو قوانین مربوط به اعدام و شکنجه، اصلاحاتی هم در مورد مجازات عمومی و قوانین اجتماعی را تصویب کرد. قوانین جاری اتریش که تا به حال اجرا می‌شد، مأخوذ از قوانین رومی، ساکسونی و قوانین محلی و روستایی توأم با فرمان‌های امپراتوران اتریش بود، این فرمان‌ها همراه با مقررات وضع‌شده به‌وسیله‌ی شهرداری‌های محلی به‌اجرا درمی‌آید. امپراتور ژوزف در نظر دارد قوانینی که با روحیه‌ی بومی کشور تطابق داشته باشد تدوین کند، زیرا با تعصب و موهوم‌پرستی و خرافات مخالف بود، بر این اساس تمام قوانین و مصوبات گذشته را که مغایر با پیشرفت‌های نوین بود، ممنوع اعلام کرد. وی در عین حال با جادوگری و سحر و افسون مخالفت می‌کرد و بدین‌وسیله بین مذهب کاتولیک و غیرکاتولیک و ارتداد حالت آشتی و صلح ایجاد کرد و عقاید ضددینی را هم مردود دانست.

امپراتور کمیسیونی را مأمور کرد که انواع شکنجه و زجر و آزار متهمان از قبیل به صلابه‌کشیدن افراد یا قراردادن آن‌ها بین دو چرخ گاری و کشیدن آن، شلاق زدن و علامت‌گذاری بر روی پوست به‌وسیله‌ی آتش و سوزاندن بدن متهم با آتش چوب را لغو کنند. او هم‌چنین فرمان داد رسم دوئل و درگیری دو نفر را ممنوع و امتیازی را که اشراف برای خود قائل بودند که کارگران کشاورزی سرف را تبعید کنند قدغن شود.

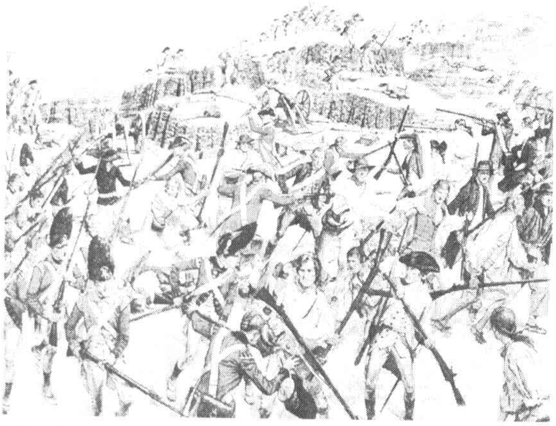
اصلاحات فرانسه از طبقه‌ی اشراف آغاز شد. (ورسای، ۱۲ مه ۱۷۷۶):

در راه تلاش برای اصلاحات در فرانسه، پادشاه دستور داد که روبر تورگو (Robert Turgot) از سمت خود برکنار شود، او کم‌تر از دو سال در این مقام قرار داشت. پادشاه با برکناری تورگو، بزرگ‌ترین پیروزی را در راه محو دشمنان به‌دست آورد.

در طی شش فرمان به‌دستور شاه، امتیازات طبقاتی ملغی شد و بدین‌وسیله پایگاه مخالفان برچیده شد و هم‌چنین مالیات کارگران کشاورزی بخشوده و مالیات سنگینی بر مالکان بزرگ بدون تبعیض و امتیاز اشرافی وضع گردید.



صحنه یی از کاخ سلطنتی هند که نقاش توانسته تصویری از شاهزاده و معشوقه ی وی را نشان دهد.



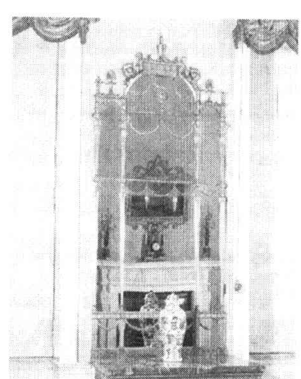
میدان جنگ بانکرهیل Bunker Hill در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۷۷۵، اثر چارلز مک بارون Charles McBarron.



اتاقی متعلق به طوایف اتروسک Etruscan. اثر رابرت آدام (Robert Adam) هوم هاوس (Home House)، پورتمن اسکوئر Portman Sq، لندن.



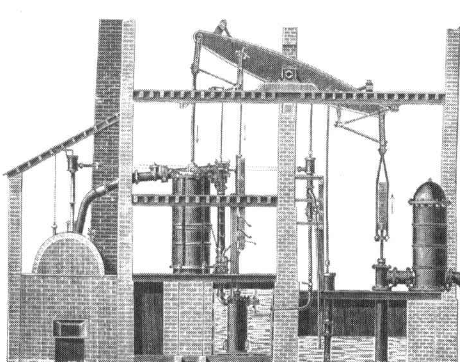
مریم باکره و فرزندش مسیح با لباس. نقاشی از فرقه ی قبطی، شهر گوندار، Gondar اتیوپی.



تذهیب و کنده کاری بر روی شیشه ی پنجره. نقاشی از رابرت آدام Robert Adam، اوستر لی هاوس Osterley House از ایالت میدکس Middx.



آدام اسمیت Adam Smith ،فیلسوف و نویسنده.



ماشین بخار، یکی از اختراعات مهم که توسط جیمز وات James Watt اهل گلاسکو Glasgow صورت گرفت.

در طی همین فرمان، حق ده درصد سهم کلیساها از مالیات منسوخ اعلام شد. امّا تورگو در طی مدت زمامداریش راه صدور و تجارت غله را به نقاط دیگر باز گذاشت و با کاستن از مصرف بی‌رویه، پرداخت وام‌های ایالتی را آغاز کرده و بدین‌وسیله به شکوفایی اقتصاد کشور یاری داد.

امریکایی‌ها اعلام استقلال کردند. (فیلادلفیا، چهارم ژوئیه ۱۷۷۶):

جان آدامز (John Adams)، نماینده‌ی ایالت ماساچوست، در سخنان خود به مهم‌ترین نکته در تاریخ ایالات امریکا اشاره کرد. وی به نمایندگی از ۱۲ ایالت از ۱۳ ایالت امریکا، مدارکی دال بر ادعای استقلال این ایالات و رهایی آن‌ها از قید حکومت بریتانیای کبیر ارائه نمود. تنها ایالت نیویورک بود که درخواست کرده بود مدت کوتاهی به او فرصت داده شود تا بررسی‌های بیش‌تری انجام دهد.

کمیته‌ی اعلام استقلال پیش‌نویسی را تهیه کرده بود که به امضای جان آدامز و بنیامین فرانکلین (Benjamin Franklin) نماینده‌ی ویرجینا رسیده است. توماس جفرسون (Thomas Jefferson) هم ریاست کمیته را برعهده دارد. متن اعلامیه‌ی کمیته‌ی استقلال بدین شرح است: ما اعضای کمیته بدین حقیقت اذعان داریم که تمام انسان‌ها یکسان آفریده شده‌اند و این تساوی حقوق اجتماعی غیرقابل انتقال به‌غیر می‌باشد و هیچ فردی حق ندارد و نمی‌تواند این مساوات را از هیچ انسانی بگیرد و او از این حق در سراسر زندگی برخوردار است، هر فردی در انتخاب شغل آزاد است، آزادی و لذت‌بردن از زندگی جزو حقوق انسان‌هاست و همه باید از آن بهره‌مند شوند.

در این اعلامیه، سخت به جورج سوم پادشاه انگلیس حمله شده و وی را محکوم نموده‌اند. شرح تاریخ کنونی جورج سوم تکرار تاریخ است و انگلیس خود زخم‌های زیادی در طی تار خ برداشته و غاصبانی بر آن حکومت کرده‌اند. دول ت انگلیس به‌طور غیرمستقیم ظالمانه با ایالات رفتار کرده، لیکن اکنون این مردم در پی آنند که این ظلم و ستم و بی‌عدالتی را دفع کنند.

در اعلامیه‌ی استقلال به ۲۶ مورد از اجحافات و تضییقاتی که به‌وسیله‌ی پادشاه بریتانیا بر مردم ایالات وارد شده، اشاره گردیده، از آن جمله بستن راه تجارت ایالات با سایر نقاط دنیا و اعزام نفرات و ناوهای جنگی برعلیه مردم امریکا و واردآوردن انواع ظلم و جور بر اهالی مستعمرات ذکر گردیده است.

هیچ‌کس نمی‌تواند در این موضوع شک کند که بارها مردم ایالات از رفتار سران حاکم بر امریکا دادخواست‌هایی فروتنانه و با کمال احترام به پارلمان انگلیس تقدیم داشته و شکایات بسیاری به آن دولت نوشته‌اند که همگی بی‌جواب مانده و تنها بدین عبارت بسنده کرده‌اند که عرض‌حال به جورج سوم برسد و ایشان این عبارت را تکرار کرده‌اند که: زمان مناسب برای تعویض و جایگزینی حاکمان نیست و مردم لیاقت آزادی را ندارند.

سرانجام زنگ‌ها در نیمه‌شب در شهر به‌صدا درآمد و مردم پیکره‌های شاه انگلیس را سرنگون و به زمین انداختند و جان آدامز احساس کرد که روزگار دیگری پیش آمده است.

جان آدامز در سخنان خود اظهار داشت: امروز روز شادی و رژه و نمایش و تفریح است، ما باید، نیروی خود و سلاح‌ها را به تماشا بگذاریم، آتش‌بازی کنیم تا درخشندگی سلاح‌هامان به چشم دشمن برسد، این آغاز پایان سلطه بر ماست، ما در این قاره هم‌چنان به‌پیش می‌رویم تا به پیروزی نهایی دست یابیم.

پومبال، دیکتاتور ظالم برزیل، با استقرار حکومت دیکتاتوری خود موجب لرزش و تکان شدیدی در منطقه شد. (برزیل، ۱۷۷۷):

آدمی کینه‌توز با قدرتی هم‌چون آهن و ظالمی هولناک، این تنها بخشی از القابی است که مردم به مارکیز پومبال (marquis Pombal) حاکم دیکتاتور

وین، هفتم فوریه ۱۷۹۲
دولت‌های اتریش و پروس، با امضای قرارداد همکاری نظامی علیه فرانسه، موافقت کردند.
وین، هفتم فوریه ۱۷۹۲
آهنگساز ایتالیایی دومنیکو سیماروزا (Domenico Cimarosa)، تئاتر کمدی به‌نام اپرای «عروسی مخفی» را اجرا کرد که با تحسین عمومی روبه‌رو شد.
لندن، ۲۳ فوریه ۱۷۹۲
سر جوشوا رینولدز(Sir Joshua Reynolds)، نخستین رییس آکادمی سلطنتی و یکی از برجسته‌ترین نقاشان چهره‌نگار انگلیسی در عصر خود، دار فانی را وداع کرد.
استراسبورگ، یکم مارس ۱۷۹۲
لئوپولد دوم از دنیا رفت و پسرش فرانسیس دوم به‌عنوان امپراتور جانشین وی شد.
پاریس، پنجم مارس ۱۷۹۲
دانشگاه سوربون (Sorbonne) و دانشکده‌ی الهیات وابسته به آن، مورد تحریم قرار گرفت.
پاریس، ۲۰ مارس ۱۷۹۲
کمیته‌ی قانونگزاری مجلس ملی، استفاده از دستگاه گیوتین را تأیید کرد.
پاریس، ۲۴ مارس ۱۷۹۲
به رنگین‌پوستان ساکن کولونی‌ها، حقوق سیاسی اعطا شد.
سوئد، ۲۹ مارس ۱۷۹۲
گوستاو سوم پادشاه سوئد که از سال ۱۷۷۱ این مقام را عهده‌دار بود، در اثر زخمی که یکی از اشراف سوئدی به‌نام آنکی‌استروم (Ankaestrom) در تاریخ ۱۶ مارس و در جریان ضیافت بالماسکه بر او وارد آورده بود، جان سپرد. وی یکی از افرادی بود که معتقد بود بالاخره سلطنت به فرانسه اعاده خواهد شد و در این عقیده ثابت‌قدم بود.
ایالات متحده، دوم آوریل ۱۷۹۲
اولین دلارهای نقره‌یی ضرب شد.
انگلیس، ۱۷۹۲
ویلیام مردوک (William Murdoch) شیمی‌دان انگلیسی، از شیوه‌ی سوخت گاز برای روشنایی بهره‌برداری کرد.
اروپا، ۲۰ آوریل ۱۷۹۲
به‌دنبال خودداری کونیتز (Kaunitz) نخست‌وزیر از انحلال کنگره‌ی پادشاهان اروپایی، کمیته‌ی قانونگزاری مجلس ملی، از پادشاهان اروپا خواست که برضد پادشاه اتریش مبادرت به جنگ کنند. فرانسیس دوم امپراتور اتریش و عموزاده‌ی لویی شانزدهم، طرحی در دست داشت که به فرانسه حمله کند و شاه فرانسه را نجات دهد. فرانسه و اتریش از سال ۱۷۵۶ پیمان اتحاد دوجانبه امضا کرده بودند.
ایالات متحده، ۲۲ آوریل ۱۷۹۲
پرزیدنت واشنگتن اعلام کرد که در نبردهای اروپا بی‌طرف خواهد ماند.
فرانسه، ۲۹ آوریل ۱۷۹۲
ژاکوبن‌ها کنترل شهر آوینیون (Avignon) را مجدداً در دست گرفتند.
نیویورک، ۱۷ مه ۱۷۹۲
یک گروه ۲۴ نفره مرکب از تجار و دلالان، در وال‌استریت (Wall Street) بنگاه‌های تبدیل ارز و بورس دایر کردند.
لهستان، ۱۸ مه ۱۷۹۲
سپاهیان روسی به لهستان یورش بردند.
پاریس، ۲۷ مه ۱۷۹۲
به فرمان مجلس ملی تمام کشیشانی که از سوگند وفاداری به قانون اجتماعی کلیساها خودداری ورزیده بودند، از کشور اخراج شدند.
پاریس، ۱۵ ژوئن ۱۷۹۲
دولت تشکیلات فوی‌یان‌های (Feuillants) میانه‌رو را برهم ریخت و در نیجه حزب ژیروندن‌ها و هواداران بریسو (Brissot) رهبر این حزب، قدرت را کاملاً در دست گرفتند.
پاریس، ۲۰ ژوئن ۱۷۹۲
گروه عظیمی از مردم، کاخ تویلری (Tuileries) را غارت کردند. این عمل به‌خاطر این بود که به هواخواهان بریسو دستور داده شده بود برای تهدید شاه که فرمان مجلس ملی را زیر پا نهاده و هیأت وزیران را احضار کرده بود، مبادرت به‌غارت محل سکونت وی کنند.

برزیل که از سوی دولت پرتغال بدین سمت منصوب شده، داده‌اند. او از سال ۱۷۵۱ حاکم این سرزمین است. هنوز هم مردم از این فرد نفرت دارند، امّا ترس حاکم بر کشور مانع از آن است که این تنفر را ابراز دارند و این هیبت و هراس باعث شده که مردم احترام او را به‌ظاهر رعایت کنند.

او توسط حاکمان قدرتمند پرتغال مورد حمایت قرار گرفته، پومبال به‌وسیله‌ی انقلابیون به قدرت رسید، تمام دشمنان خود را نابود و مخالفان داخلی را از کشور اخراج کرد و در عین حال برای حفظ منافع پرتغال، مساعی زیادی به خرج داد تا این مستعمره‌ی ثروتمند به اقتصاد کشور مادر کمک کند.

وی با کمال بی‌رحمی و قساوت، مأموران را برای اخذ مالیات به سراغ مردم می‌فرستد و سیاست کلی او برپایه‌ی احداث کارخانجات و توسعه‌ی زراعت و کشاورزی قرار داده شده و هم‌چنین به مسیحیت اختیارات فراقانونی داده و نیز سیستم بردگی را لغو نموده است.

جنبش و هیجانی که بر ضد منطق و استدلال قدیمی حادث شد، ناشی از علل طبیعی است. (فرانکفورت، ماین (Frankfurt Maine)، دوم ژوئیه ۱۷۷۷):

شور و هیجان و اضطراب، القابی است که به نمایش‌نامه‌های نوشته‌ی فریدریش ماکسیمیلیان کلینگر (Friedrich Maximlian Klinger) داده شده. در کنوانسیونی که به‌مناسب اجرای نمایشات تئاتری تشکیل شد، هیأت داوران برای اولین‌بار پس از شنیدن توضیحات کلینگر، نمایش او را مناسب و مورد پذیرش قرار دادند.

ظاهراً این نمایش‌نامه حکایت دو خانواده‌ی اسکاتلندی است که در جریان جنگ‌های استقلال‌طلبی امریکا قرار می‌گیرند. آن‌ها به نفاق و دورویی در بین مردم می‌پردازند، امّا نمایش‌نامه‌نویس با هوش و درایت

ذاتی خود، نمایش توفان و اضطراب را می‌نویسد و آن را مافوق منطق و استدلال جلوه می‌دهد.

کلینگر که مخالف سفسطه و بزرگ‌نمایی آن است، اساس فکر خود را برمبنای اخلاق و تربیت شخصی افراد قرار می‌دهد و می‌گوید مردم به‌طور طبیعی به تحریکات جواب می‌دهند و شهروندان و منسوبان خود را به‌صورت مصنوعی مورد احترام قرار می‌دهند و این حالات به‌شکل طبیعی و غریزی در اکثر افراد مشاهده می‌شود.

نیروهای مزدور پس از نوشیدن مشروب فراوان، به جبهه‌ی جنگ اعزام می‌شوند. (نیوجرزی (New Jersy)، ۲۶ دسامبر ۱۷۷۶):

گروهی از سربازان مزدور قبیله‌ی هسیان (Hessian)، پس از جشن و سرور شب کریسمس صبح زود و در تاریکی صبحگاهی به‌اجبار با یک کشتی کوچک که گنجایش این هنگ ۲۴۰۰ نفری را نداشت، بایستی از رودخانه‌ی یخزده دلویر (Delaware) گذشته و به نبرد بروند. در همین هنگام، ژنرال جورج واشینگتون (George Washington)، سر فرمانده‌ی نیروهای امریکا، در ساحل رودخانه اوضاع را زیرنظر داشت. حدس وی درست بود، زیرا به مجردی که می‌خواستند یوهان رال (Johann Rall)، فرمانده‌ی هسیان را از خواب بیدار کنند، وی را مرده یافتند، زیرا شب قبل در خوردن مشروب زیاده‌روی کرده بود. در حالی‌که مردان ژنرال واشنگتن با عجله به جمع‌آوری چادرهای خود مشغول بودند، رال که فردی روشن‌فکر بود، در گزارشی به مرکز فرماندهی می‌گوید: احتمالاً آن‌ها حمله خواهند کرد، بگذار آن‌ها بیایند، ما با سرنیزه‌های خود آن‌ها را قتل‌عام خواهیم کرد. آن‌ها پیش از این‌که به ما حمله کنند، ما آن‌ها را زیر پاهای خود له خواهیم نمود. در حدود یک‌صد نفر از سربازان هنگ هسیان و از جمله فرمانده آن‌ها کشته و ۹۰۰ نفر هم اسیر شدند.

به‌طوری که یکی از سرهنگان آن گروه می‌گوید: ما هرگز واشنگتن را ندیده‌ایم، در حالی‌که او فرمانده کل سپاهیان امریکایی است.

امریکاییان اکنون روش سختی در پیش گرفته‌اند و حاضرند در راه کسب آزادی هرگونه رنجی را تحمل نمایند.

این یک پیروزی درخشان برای امریکاییان بود، زیرا آن‌ها توانستند سرنوشت جنگ را به سود خود تغییر دهند، این یک انتقام‌جویی بزرگ برای آن‌ها محسوب می‌شود. در دو هفته‌ی پیش، ژنرال واشینگتن قصد داشت از ساحل این رود عقب‌نشینی کند، زیرا در حدود ۱۲ هنگ از نیروهای لرد کورنوالیس (Lord Cornwallis) وی را تعقیب می‌کرد.

نیروهای انگلیسی در منطقه‌ی ساراتوگا مغلوب شدند. (ساراتوگا (Sartoga)، ۱۷ اکتبر ۱۷۷۷):

در حالی‌که نیروهای امریکایی دشمن را تحت‌نظر داشتند، امروز سپاهیان انگلیسی را که در شهر اسکوار (Square) مستقر شده بودند، مورد حمله قرار داده و تلفات سنگینی بر آن‌ها وارد آوردند. ژنرال جان بورگوین (Burgoyne) در حالی‌که شمشیر خود را در دست می‌فشرد و از شادی لبریز بود، به فرمانده نیروهای امریکایی هوراسیوگیتز (Horatio Gates) اظهار داشت که نیروهای انگلیسی که در لبه‌ی پیروزی بر ارتش میهن‌پرستان در شمال و ناحیه وسطای ایالات قرار داشتند، دچار شکست سختی شده و تسلیم شدند. گیتز که به یک پیروزی غیرمنتظره رسیده بود، با مشورت با سران سپاه موافقت کرد که راه گریزی به باقی‌مانده‌ی ارتش انگلیس برای برگشت به میهن بدهند، زیرا آن‌ها دیگر جرأت نخواهند کرد که در خاک امریکا اقدام به جنگ کنند. فرماندهان ارتش امریکا با تسلیم‌شدگان به ملایمت و مدارا رفتار کردند.

در حالی‌که گیتز در بالای تپه مشغول تماشای سربازان شکست‌خورده‌ی انگلیسی بود، بورگوین آن‌ها را مورد خطاب قرار داد و گفت: ژنرال گیتز در فرصتی که در جنگ پیش آمده بود، به من دستور دادند که شما را زندانی کنم. گیتز بار دیگر تأکید کرد که چون شما در

پاریس، ۲۹ ژوئن ۱۷۹۲
ژنرال لافایت به گارد ملی دستور داد که محل حزب ژاکوبن‌ها را با نیروهای نظامی محاصره و ویران سازند، لیکن موفق به این کار نشد.

آلمان، ۱٤ ژوئیه ۱۷۹۲
دوک برانزویک (Brunswick) و سرفرمانده‌ی ارتش پروس، اعلامیه‌یی در شهر کوبلنز (Koblenz) انتشار داد، مبنی بر این‌که: مردم پاریس جهت تهدید کلیساها و به انتقام ملت، دست به تخریب کلیساها بزنند و آن‌ها را مجبور به تبعیت از پادشاه کنند.

لهستان، ۲٤ ژوئیه ۱۷۹۲
با ایجاد کنفدراسیونی از اشراف ایالات مختلف لهستان و با حمایت روسیه در شهر تارگوویکا (Targowica) که به تصویب این مجمع رسید، استلانیسلاس دوم (Stanislas II) آگوستوس پونیاتوفسکی پادشاه لهستان به‌اجبار تسلیم کاترین دوم امپراتریس روسیه شد. این امر نشانه‌ی مرگ قانون اساسی لهستان می‌باشد.

پاریس، دهم اوت ۱۷۹۲
سان کولوت‌ها (Sans-Culottes) کاخ تویلری را به تصرف درآوردند و شاه در خانه‌ی خود تحت فرمان نیروهای نظامی زندانی شد.

پاریس، ۱۱ اوت ۱۷۹۲
کمون انقلابی تشکیل شد. آنتوان سانتر (Antoine Santerre) به فرماندهی گارد ملی منصوب شد. مجلس ملی کمیته‌ی نظارت و پیگیری مرکب از شش عضو، شامل ژرژ دانتون (Georges Danton) و ژان ماری رولاند (Jean Marie Roland)، کنوانسیون ملی را دعوت به تشکیل اجلاسیه کردند.

هلند، ۱۹ اوت ۱۷۹۲
لافایت به‌وسیله‌ی دولت اتریش دستگیر شد. سقوط کاخ تویلری (Tuileries) توسط انقلابیون نشانه‌ی شکاف بین لافایت و انقلابیون بود. فرمانده ارتش شمالی زمام قدرت دوموریز (Dumouries) را در دست گرفت و چون استقلال منطقه را اعلام کرد، تحت تعقیب قرار گرفت، از طرفی با احتمال این‌که به گیوتین سپرده شود، از مرز هلند گریخت.

پاریس، ۲۵ اوت ۱۷۹۲
دو روزی (Du Rozy) مدیرمسؤول مجله‌ی پاریس، به اتهام این‌که مقداری پول برای فرار به خارج جمع‌آوری کرده و سعی می‌کرد که جنگ داخلی به راه بیندازد، نخستین روزنامه‌نگاری است که زیر تیغه گیوتین قرار گرفت. قبلاً تمام روزنامه‌های درباری تحریم و چاپخانه‌های آن‌ها بسته شده بود.

فرانسه، ۲٦ اوت ۱۷۹۲
شهر لونگ‌وی (Longwy) با دژها و استحکاماتش تسلیم پروس شد.

پاریس، دوم سپتامبر ۱۷۹۲
بیش از ۱۱۰۰ نفر زندانی که در زندان اغتشاش کرده بودند، به هلاکت رسیدند. تعدادی از مقتولان کسبه‌یی بودند که می‌خواستند از زندان فرار کنند، ولی اکثریت آن‌ها به جرایم عمومی متهم بودند.

پاریس، پنجم سپتامبر ۱۷۹۲
چند نفر از نمایندگان مجلس ملی، از جمله روبسپیر و دانتون (Danton) به عضویت کنوانسیون ملی برگزیده شدند.

پاریس، ۱۷ سپتامبر ۱۷۹۲
جواهرات سلطنتی به سرقت رفت.

پاریس، ۱۹ سپتامبر ۱۷۹۲
تامس پاین (Thomas Paine) یکی از مدافعان انقلاب فرانسه که تحت پیگرد قرار داشت، از انگلیس به پاریس فرار کرد. وی به جرم خیانت به کشور و حمایت از حقوق بشر مندرج در اعلامیه‌ی مجلس ملی فرانسه، متواری بود.

پاریس، ۲۰ سپتامبر ۱۷۹۲
مجلس ملی، طلاق را قانونی تلقی کرد.

چین، ۱۷۹۲
جورج سوم پادشاه بریتانیا، هیأتی را به سرپرستی لرد ماکارتنی (Lord Macartney) سفیر ویژه‌ی دربار، به دربار کینگ اعزام کرد، لیکن این هیأت که از نظر دیپلماسی تمام تشریفات را رعایت کرده بود، در مورد روابط بازرگانی بین دو کشور کم‌تر توفیق یافت.

جنگ مقصر نیستید، من شما را مورد عفو قرار خواهم داد و حاضرم مسؤولیت این امر را بپذیرم.

در روزهای اخیر در حدود ۷ ژنرال و ۳۰۰ افسر و نزدیک به شش هزار سرباز انگلیسی توسط نیروهای نظامی امریکا دستگیر شدند.

یک بانکدار سویسی به دولت فرانسه کمک مالی می‌دهد. (پاریس، ژوئن ۱۷۷۷):

یک نفر بانکدار ثروتمند سویسی به‌نام ژاک نه‌کر (Jacques Necker) خزانه‌ی خالی فرانسه را پر کرد. لویی شانزدهم، پادشاه فرانسه، یک نفر متخصص امور مالی ۴۵ ساله را برای بررسی حساب‌های مالی کمپانی هند شرقی فرانسه تعیین نمود و این شخص که مائورپا (Maurepas) نام داشت به‌اجبار می‌بایستی نظریات خود را درباره‌ی این موضوع به وزیر دربار فرانسه ارائه کند. لویی شانزدهم حس می‌کرد که اکنون فرصتی پیش آمده که سیاست پولی فرانسه بیش‌تر مورد توجه واقع شود و حالت ثابتی به خود بگیرد.

نه‌کر در هیأت وزرای فرانسه مدت ۱۸ ماه مقام سوم را به‌عهده داشت.

نه‌کر یکی از چهره‌های برجسته‌ی اجتماعی فرانسه به‌شمار می‌آمد و عقیده داشت تکنیک بر سیاست ارجحیت دارد، او برخلاف تورگو (Turgo) هیچ‌گونه حالت بنیادگرایی نداشت و در امور اجتماعی انعطاف‌پذیر بود و برای پیشبرد فرانسه اصلاحاتی را هم پیشنهاد کرد.

نخستین پل آهنی بر روی رودخانه‌ی سورن (Severn) بنا شد. (شروپ شایر (Shropshire)، انگلیس، ۱۷۷۹):

کارهای مربوط به ساخت اولین پل آهنی جهان به‌پایان رسید و پل آماده‌ی بهره‌برداری گردید. این پل سرتاسر رود سورن، واقع در منطقه‌ی صنعتی انگلیس و در ناحیه‌ی مرکزی کشور را می‌پوشاند و ساخت آن به عبور و مرور کالا کمک مؤثری خواهد کرد.



ژنرال جورج واشینگتون، سر فرمانده نیروهای نظامی امریکا، نقاشی از چارلز پیل Charles Peale در سنوات بعدی.



اجلاسی که به صدور اعلامیه ی استقلال امریکا منجر شد، نقاشی از جان ترامبول (John Trumbult) .



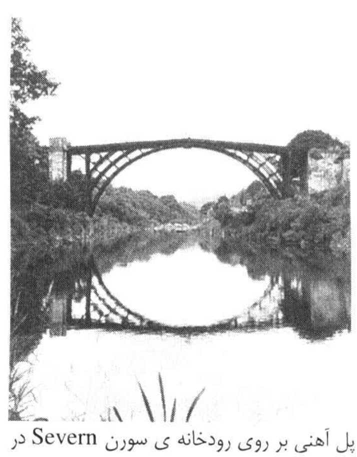
ژاک نکر Jacques Necker بانکدار سویسی که تمام خرج و دخل فرانسه در دست او می باشد.



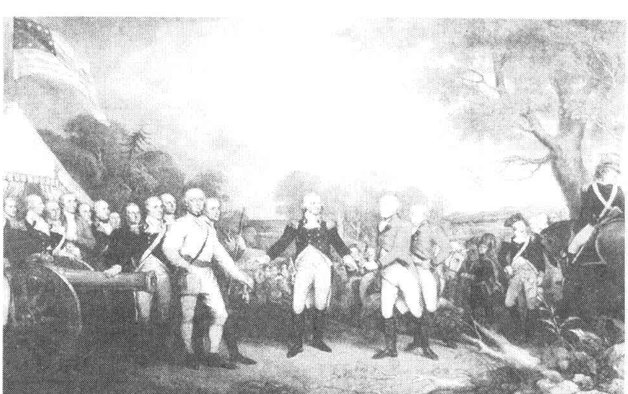
پیشگامان استقلال، روح سال ۱۷۷۶، اثر ای . ام. ویلارد A M Willard.



مد تام Mad Tom یا مرد راستین، تصویر کارتونی از توماس پاینThomas Paine، ۱۷۹۹.



پل آهنی بر روی رودخانه ی سورن Severn در منطقه ی کولبروک دیل Coalbrookdale در شروپ شایرShropshire.



تسلیم جان بورگوین John Burgoyne فرمانده نظامی انگلیس در منطقه ی ساراتوگا Saratoga(۱۸۱۷-۱۸۲۱) اثر جان ترامبول John Trumbull.

هندوستان، ۱۷۹۲
رانجیت سینگ (Ranjit Singh) ۱۲ساله به پادشاهی سیک‌ها (Sikhs) منصوب شد.
استرالیا، ۱۷۹۲
کاپیتان آرتور فیلیپ (Captain Arthur Phillip) مؤسس نخستین مجتمع انگلیسی، در سال ۱۷۸۸ به انگلیس بازگشت. از زمانی‌که این کولونی تشکیل شد، ساکنان آن دچار کمبود مواد غذایی شدند و همواره نبرد بین سفیدپوستان و ساکنان محلی جریان داشت، چون بومیان سفیدپوستان را غاصب می‌دانستند.
فرانسه، ۲۰ سپتامبر ۱۷۹۲
سپاهیان فرانسوی به فرماندهی کلرمن (Kellerman)، قشون پروس تحت فرماندهی دوک برونزویک (Brunswick) را در ناحیه‌ی والمی (Valmy) مغلوب کردند.
پاریس، ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲
در نخستین اجلاسیه‌ی عمومی کنوانسیون ملی، نمایندگان الغای سلطنت را اعلام داشتند.
فرانسه، ۲۲ سپتامبر ۱۷۹۲
کشور فرانسه رژیم جمهوری را مورد قبول قرار داد. کنوانسیون مصمم است که تمام قوانین کشور را تا به امروز در مدت یک سال به حالت جمهوری تبدیل کند.
فرانسه، ۲۴ سپتامبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسه به‌سوی شامبری (Chambery) حرکت کردند و با اشغال این شهر، تمام ایالت ساووی (Savoy) را تحت کنترل خود درآوردند.
ایالات متحده، ۲۹ سپتامبر ۱۷۹۲
به‌رغم اعتراض گسترده‌ی مردم در پنسیلوانیا و جنوب آن، پرزیدنت واشینگتن، اعمال فشار مالیات بر ویسکی را مطابق سال گذشته برقرار کرد.
فرانسه، ۲۹ سپتامبر ۱۷۹۲
سپاهیان فرانسوی شهر نیس (Nice) را تسخیر کردند.
راین‌لند (Rhineland)، ۳۰ سپتامبر ۱۷۹۲
ارتش فرانسه در راین به فرماندهی ژنرال کوستن (Custine)، قبل از آن‌که برای تصرف ورمز (Worms) نیروی خود را تجهیز کند، منطقه‌ی اسپه‌یه (Speyer) را اشغال کرد.
آلمان، پنجم اکتبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسوی شهر ورمز را تصرف کردند.
فرانسه، هفتم اکتبر ۱۷۹۲
نیروهای اتریش از محاصره‌ی شهر لیل (Lille) دست کشیدند.
پاریس، نهم اکتبر ۱۷۹۲
نیروهای پروس شهر وردون (Verdun) را ترک کردند.
پاریس، ۱۱ اکتبر ۱۷۹۲
سانتر (Santerre) فرمانده گارد ملی، به‌سبب شورشی که در گارد صورت گرفت، استعفا داد.
آلمان، ۲۱ اکتبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسوی تحت امر کوستین مستقر در راین، شهر ماینز (Mainz) را گرفتند.
آلمان، ۲۳ اکتبر ۱۷۹۲
انجمن دوستی، آزادی و مساوات نظیر کلوب ژاکوبن فرانسه، در شهر ماینز تشکیل شد.
هلند، ۲۷ اکتبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسوی تحت فرماندهی ژنرال دوموریز (Dumouriez) به‌بخش اتریشی هلند حمله برده و عازم شهر مونز (Mons) شدند.
سویس، ۳۰ اکتبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسه، شهر بال (بازل (Basle)) را تصرف کردند و بلافاصله حکومت جمهوری اعلام کردند.
هلند، ششم نوامبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسوی تحت امر دوموریز، قوای نظامی اتریشی‌ها را در ناحیه‌ی ژماپ (Jemappes) شکست داده و تارومار کردند.
هلند، ۱٤ نوامبر ۱۷۹۲
با وجود این‌که ارتش اتریش در تاریخ ۲۷ اکتبر وارد بلژیک شده و قوای بلژیک را در ژماپ شکست داده و شهر مونز را تسخیر کرده بودند، فرانسویان به‌رهبری دوموریز به شهر بروکسل (Brussels) وارد شدند.

آبراهام داربی (Abraham Darby)، مهندس مسؤول ساخت پل، در حقیقت پدر و پدربزرگش از پیشگامان صنعت ذوب آهن محلی بوده‌اند. عرض پل ده متر و بلندی آن از سطح بستر رودخانه پنج متر و دارای پنج پایه‌ی عظیم است که کف پل بر روی آن پایه‌ها اتکا دارد. وزن این پل و آهن‌های متصل‌شده‌ی به آن که از به‌هم‌پیوستن آن‌ها درست شده، ۳۷۸ تن است.

چند نفر مهندس دیگر هم داربی را در ساخت پل کمک کرده‌اند و در نظر دارند نظیر این پل را برای نقاط دیگر انگلیس بسازند.

پیرانزی توانست رقص مرگ خیالی را در رم بهتر از واقع تجسم کند. (رم، نهم نوامبر ۱۷۷۸):

جووانی باتیستا پیرانزی (Giovanni Battista Piranesi)، پس از عمری که در کار معماری و نقاشی بناهای اروپا سپری کرده و صحنه‌هایی از دوران رم باستان را به‌تصویر کشیده بود، درگذشت. او از این کار راضی و خشنود بود که توانسته صحنه‌هایی از زندگی اخلاف و احفاد رمی خود را زنده نگه داشته و دوران جلال و شکوه را به رؤیت بینندگان برسد.

وی در شهر ونیز کار و تعلیم معماری را آغاز کرد و توانست نقوش و زمینه‌ی تصاویر موردنظر خود را به‌نمایاند، لیکن در کار ساختمان نقشی نداشت. او در ابتدا برای کسب درآمد به کار نقاشی در زندان‌ها پرداخت و سپس کار نقاشی بر روی تاق‌ها و گنبدهای شیب‌دار را شروع کرد و در این زمانه شاهکارهایی به‌وجود آورد و توانست نقش رقص مرگ خیالی را در تابلوهای خود به طرز غیرقابل تصوری به‌نمایاند و هم‌چنین بسیاری از تصاویر دیگر را به صحنه آورد. او مناظری از رم باستان و شهر رم کنونی را ترسیم نمود.

پیرانزی دورنماهایی از شهرهای ویران‌شده را در نور مهتاب و مناظری از بوستان‌ها و گل‌کاری‌ها را هم به‌تصویر کشید. او با شاهکارهای خود نظر توریست‌ها

را جلب کرد و با ترسیم مناظر شاعرانه و دراماتیک شکوه و جلال ساختمان را ترقی داد. به هر ترتیب پیرانزی با نقاشی‌های نوظهور و بدیع توانست نقاشی را از حالت رکود خارج کرده و به حال پویا درآورد.

نابغه‌ی انقلابی که در تمام عمر یک افسانه بود. (پاریس، ۳۰ مه ۱۷۷۸):

یکی از بزرگ‌ترین مردان قرن فرانسه، فرانسوا ماری آروئه (Francois Marie Arouet) که میلیون‌ها نفر از مردم اروپا با نوشته‌های او آشنا بودند و او را به‌نام آقای ولتر (Voltaire) می‌شناختند، در شهر پاریس جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. وی در مدت عمر ۸۴ سال‌ی خود زندگی پرثمری داشت و به‌عنوان نویسنده و فیلسوف مشهور، و نیز چهره‌ی افسانه‌یی قرن بود، درگذشت. او شخصیتی آهنین داشت و مورد تقدیر و احترام بود و در نتیجه به پیروزی‌های شگرف دست یافت. در دو هفته‌ی قبل، او به پاریس بازگشت، زیرا با اراده‌ی خود به تبعید در سویس رفته بود تا بتواند در تنهایی آخرین نوشته‌های خود را تنظیم کند، چون او به‌عنوان شخصیتی بزرگ همواره مورد تکریم بود و از این نظر ملاقات‌کنندگان فراوانی داشت و این ملاقات‌ها وقت او را می‌گرفت، لذا به سویس رفت تا در تنهایی به افکار خویش بپردازد.

در دور روز پیش، به‌مناسبت بزرگداشت او جشنی برپا کردند و این تکانی بود که روح او را معذب ساخت، وی تاکنون هرگز این‌چنین احساسی در خود سراغ نداشت. ولتر در تمام عمر طولانی خود، همواره با قدرت مطلقه مخالف بود. نوشته‌های او مشحون از طرفداری از آزادی انسان‌ها بود و این نوشته‌ها وی را به شهرت و ثروت رسانید، وی بر ضد سرمایه‌گزاری در زمینه‌ی خرید و فروش برده و هم‌چنین هزینه‌های هنگفت جنگ‌ها و کشتار انسان‌ها قیام کرد و از این‌که برعلیه داوری‌های غلط و سرکوب مردم برخیزد، خوش‌حال بود.

او یک دوست خطرناک و در عین حال با شجاعت چهار پادشاه بود که پادشاهان از او بیم داشتند. وی دو بار در باستیل زندانی شد و مدت طولانی از عمر خود را هم در تبعید گذرانید.

فسیل‌شناسی، علمی که حیوانات جدیدی را به انسان نشان می‌دهد. (فرانسه، ۱۷۷۸):

ژورژ بوفون (Georges Buffon)، یکی از مباشران هیأت طبقه‌بندی حیوانات به رده و گروه، مدت‌ها بر این عقیده بود که با استفاده از علم زیست‌شناسی می‌توان به شناختن وسیع طرز زندگی و حیات حیوانات پی برد و بر این اساس درگیری‌هایی با سایر دانشمندان داشت.

بوفون عقیده داشت با شناخت و مطالعه‌ی فسیل‌ها می‌توان به طبقه‌بندی حیوانات برپایه‌ی محیط زندگی و اقلیمی آن‌ها پی برد و در نتیجه محیط طبیعی زندگی آن‌ها را شناخت، او می‌گوید فسیل‌ها در واقع سرمایه و ثروت بزرگی‌ست که می‌توان از آن به‌عنوان علم زیست‌شناسی استفاده نمود.

بوفون تاکنون ۳۶ جلد کتاب به‌نام تاریخ طبیعی درباره‌ی علم نجوم، ریاضی، جغرافیا و علوم طبیعی به نگارش درآورده است. او برخلاف لینه (Linnaeus) که براساس شکل ظاهری گیاهان را طبقه‌بندی کرده، معتقد است که دسته‌بندی باید برپایه‌ی اصولی‌تری که شامل طبقه‌بندی براساس دستگاه‌های داخلی بدن حیوان است، مورد توجه قرار گیرد.

زندگی و حرکت، اساس علم زیست‌شناسی است و بوفون به‌جای عوامل متافیزیکی عقیده دارد که عواملی در دسترس انسان هست که می‌توان با مطالعه‌ی آن پی به شیوه‌ی هستی برد و این عوامل بر موهومات و خیال‌پرستی ارجح است. او معتقد است که به‌طور مثال می‌توان از مهاجرت پرندگان و سایر حیوانات به عوامل این حرکات و انگیزه‌ی آن پی برد، در حالی‌که پدیده‌های بسیاری در طبیعت وجود دارد که با شناخت آن می‌توان به زندگی آن‌ها در جهان آشنایی پیدا کرد.

اسپانیا، ۲۲ نوامبر ۱۷۹۲
مانوئل گودوی (Manuel Godoy) که اخیراً به‌جای آراندا (Aranda) به نخست‌وزیری رسیده بود، دستور داد که تمام کشیشان فرانسوی را که به اسپانیا پناهنده شده بودند، دستگیر نمایند.
فرانسه، ۲۷ نوامبر ۱۷۹۲
ناحیه‌ی دوک‌نشین سابق ساکسونی (Saxony) به‌بخش مون‌بلان (Mont Blanc) فرانسه تبدیل شد.
هلند، ۲۸ نوامبر ۱۷۹۲
لشکریان فرانسوی تحت امر ژنرال میراندا (Miranda) عازم شهر لی‌یژ (Liege) شدند.
هلند، ۲۹ نوامبر ۱۷۹۲
فرانسوی‌ها شهر آنتورپ (Antwerp) را تسخیر کردند.
فرانسه، یکم دسامبر ۱۷۹۲
شورشی که در شهر بئوس (Beauce) برپا شده بود، سرکوب شد.
آلمان، دوم دسامبر ۱۷۹۲
نیروهای پروس به سپاهیان فرانسوی که مدت ۴۰ روز در شهر فرانکفورت (Frankfurt) اقامت داشتند، هجوم بردند.
هلند، دوم دسامبر ۱۷۹۲
شهر نامور (Namur) در مقابل لشکریان فرانسه تسلیم شد.
ایالات متحده، پنجم دسامبر ۱۷۹۲
جورج واشنگتن بار دیگر به ریاست‌جمهوری برگزیده شد.
هلند، هفتم دسامبر ۱۷۹۲
نیروهای فرانسوی تظاهرات شهر بروکسل را که خواستار استقلال بلژیک بودند، سرکوب کردند.
پاریس، ۱۱ دسامبر ۱۷۹۲
لویی شانزدهم که قبل از کنوانسیون در انظار ظاهر شده بود، بار دیگر خود را به مردم نشان داد. شنیده شده که او مجدداً شغل خود را باز خواهد یافت.
لندن، ۱۳ دسامبر ۱۷۹۲
پارلمان پشتیبانی خود را در جنگ علیه فرانسه اعلام کرد.
هند غربی، ۱۳ دسامبر ۱۷۹۲
اجلاسیه‌ی مجتمع جزیره‌ی مارتی‌نیک (Martinique)، علیه جمهوری فرانسه اعلان جنگ داد.
ناپل، ۱۷ دسامبر ۱۷۹۲
یک لشکر فرانسوی به شهر ناپل (Naples) وارد شد و با تحت فشار قراردادن فردیناند چهارم پادشاه دوسیسیل (سیسیل (Sicilies) و ساردنی (Sardinia))، از او خواست که جمهوری فرانسه را به‌رسمیت بشناسد و به آن کشور سفیر اعزام دارد.
اسپانیا، ۲۸ دسامبر ۱۷۹۲
دولت اسپانیا اعلام کرد، در صورتی‌که خاندان سلطنتی فرانسه آزاد شوند، این کشور در نبردهای اروپا بی‌طرفی اختیار خواهد کرد.
هند غربی، ۲۹ دسامبر ۱۷۹۲
شورشی که در جزیره‌ی گوادولوپ (Guadeloupe) با تمایل به جمهوریت کشور فرانسه برپا شده بود، با شکست روبه‌رو گردید.
لهستان، دسامبر ۱۷۹۲
نیروهای پروس شهرهای تورون (Torun)، دانتزیک (Danzig) و لهستان کوچک (Little Poland) را تسخیر کردند.
انگلیس، ۱۷۹۲
الیزابت آن شریدان (Elizabeth Ann Sheridan) خواننده‌ی انگلیسی و نخستین همسر ریچارد برینسلی (Richard Prinsley) ـ نمایش‌نامه‌نویس مشهور ـ درگذشت.
استراسبورگ، ۱۷۹۲
روژه دو لیزل (Rouget de Lisle)، دیالوگ و موزیک نمایش‌نامه‌ی مارسیز (Marseillaise) را تنظیم کرد.
افریقای غربی، ۱۷۹۲
شهری در سرزمین سیرالئون به‌نام فری‌تاون (Freetown) با ۱۱۹۰ نفر از بردگان آزادشده که از انگلیس آمده بودند، تأسیس شد.
انگلیس، ۱۷۹۲
مری‌وول استون‌کرافت (Mary Wollstonecraft)، کتابی موسوم به «حمایت از حقوق زنان» انتشار داد.

فرمانروای ایران که هواخواه زندگی مدرن بود، درگذشت. (شیراز، ایران، ۱۷۷۹):

کریم‌خان زند که خود را وکیل مردم می‌نامید و مردی صلح‌طلب و فرمانروایی که مدت ۲۰ سال با آرامش سلطنت کرد، از دنیا رفت. او که خود را وکیل‌الرعایا می‌دانست، مؤسس سلسله‌ی پادشاهی زندیه می‌باشد و لقب شاه را دوست نداشت، چون پادشاهان را افرادی راحت‌طلب می‌دانست، وی مدتی با اسم شاه در شهر آباده‌ی فارس در انزوا به‌سر برده بود.

از سرگذشت پیشین وی، و این‌که چه‌گونه توانست سپاهیانی فراهم آورد، آگاهی درست در دست نیست، به جز این‌که وی مردی مقتدر در شرق محسوب می‌شد. بیش از این‌که کریم‌خان زند به پادشاهی برسد، کشور وضع نابه‌سامانی داشت و سیستم داوری و قضاوت دچار هرج و مرج و وضعیت حکومت و اداره‌ی کشور بسیار درهم و برهم بود.

در حالی‌که کریم‌خان از این وضع آشفته نگران و مضطرب بود، معهذا برای شادی مردم، دسته‌جات موسیقی ترتیب داد تا مردم از زندگی لذت ببرند. وی بازرگانان انگلیسی را تشویق به داد و ستد با ایران کرد و در ضمن یک پایگاه تجاری در بوشهر به آنان اعطا کرد.

او شهر شیراز را به پایتختی برگزید و یک مسجد عظیم و بازاری به‌نام وکیل در آن شهر بنا کرد.

مردم اتریش در مرگ ملکه‌ی خود سوگوار شدند. (وین، ۲۹ نوامبر ۱۷۸۰):

ماری ترز، امپراتریس هابسبورگ، آرک دوشس اتریش و ملکه‌ی بوهم و مجارستان، امروز در سن ۶۳ سالگی و پس از ۴۰ سال سلطنت دوران توفانی و بحران درگذشت.

او انسانی خون‌گرم، پارسا و ساده بود و از شوهرش فرانسیس لورن (Francis Lorraine) صاحب ۱۶

فرزند شد، او در تمام دوران جنگ رهبری دل‌سوز برای ملّت بود و در عین حال زنی باجرأت و شجاع و سخت‌گیر بود. او هنگامی‌که به پادشاهی رسید تنها ۲۳ سال داشت، لیکن مردم اتریش سخت او را عزیز می‌داشتند و بقیه‌ی اروپا هم به‌وجود وی مباهات می‌کرد.

او همواره در فکر امور کشور بود و مخصوصاً به امر آموزش توجه داشت و تا هنگام مرگ هم لحظه‌ای از فکر مردم غافل نبود. اغلب روی یک صندلی می‌نشست و مدارک و اسناد مهم را امضا می‌کرد، در حالی‌که فرزندان او هم در اطرافش در کمال راحتی مشغول می‌شدند. او به آرامش و راحتی خود توجهی نداشت و می‌گفت: بزرگترین آرزوی من مرگ است، در حالی‌که پس از مرگش همه‌ی ملّت اتریش عزادار شدند.

لوئی شانزدهم به‌کارگیری شکنجه و سیستم سرفداری را منسوخ نمود. (پاریس، ۱۷۸۰):

روش به‌کار بردن شکنجه جهت اقرار متهم و مجرم که شیوه‌یی متداول بود، به فرمان لوئی شانزدهم پادشاه فرانسه لغو شد. تصمیم به الغای شکنجه، یک‌سال پس از محو سیستم سرفداری گرفته شد، در گذشته مالکان زمین به‌طور سنتی حق داشتند کارگران کشاورز را هر طور که میل داشتند تنبیه کنند و با زمین به ارباب جدید بفروشند، در حالی‌که او حق اعتراض و فرار نداشت، چون وابسته به زمین بود، لیکن لوئی این وابستگی را از بین برد و کارگر زارع تا اندازه‌یی آزاد شد.

مالکان و فئودال‌ها از این تصمیم بی‌جهت پادشاه متحیر شدند و حتی مالهرب (Malesherbes)، نخست‌وزیر فرانسه، در عین شگفتی احساس آرامش نمود. در بین سیاست‌مداران کشور شایع شد که این کار یک قدم به مساوات است، هم‌چنان که پروتستان‌ها بدین امر اصرار داشتند، زیرا آن‌ها برای نخستین‌بار برای مردم تساوی حقوق قائل شده بودند.

لیبرال‌ها عقیده دارند که پادشاه از ترس مخالفان لیبرال این فرمان را صادر کرده است. اکنون اشراف سخت‌گیر و قسی‌القلب به‌اجبار باید این امر را بپذیرند و آن را به مورد اجرا بگذارند.

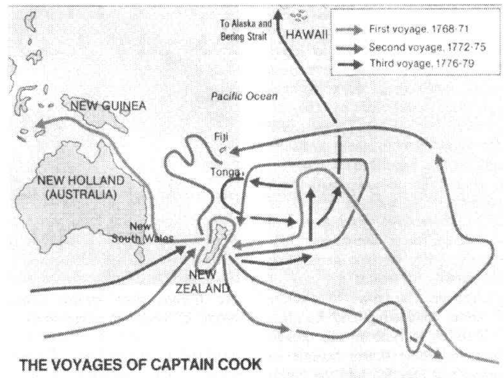
کوک در هاوایی از دنیا رفت. (هاوایی، ۱۴ فوریه ۱۷۷۹):

کاپیتان جیمز کوک که زمانی ناخدای کشتی حامل زغال‌سنگ در منطقه‌ی پورکشایر بود، بر اثر لیاقت و کاردانی، خیلی زود موفق شد در صف ناویان نیروی دریایی سلطنتی قرار گیرد و در فن دریانوردی مهارت بسیاری پیدا کند، علاوه بر آن وی با سفر به دور نیم‌کره‌ی زمین، به دانستنی‌های مردم اروپا درباره‌ی جهان کمک به‌سزایی کرده بود، امروز درگذشت.

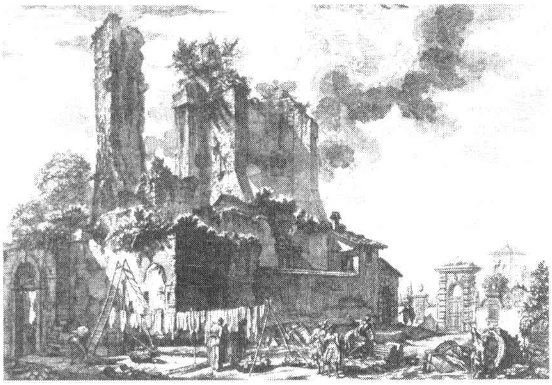
وی در هنگام سومین سفر بزرگ خود به هاوایی، بی‌جهت در کشمکش بین بومیان شرکت کرد و به همین علت کشته شد، در حالی‌که قصد داشت به کشفیات خود در اقیانوس آرام ادامه دهد.

وی در سفر اول خود از جزیره‌ی تاهیتی (Tahiti) بازدید کرد، نقشه‌ی نیوزیلند را کشید و از سواحل استرالیا هم بازدید کرد.

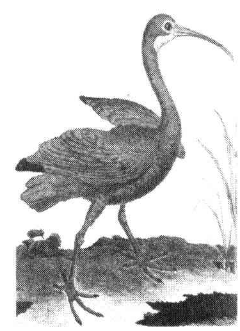
در سفر دوم کوک به قطب جنوب رسید و جزایر کالدونی جدید (New Caledonia) را کشف کرد و در سفر سوم به‌سوی آلاسکا (Alasca) راند و تحقیقاتی درباره‌ی معبر شمال‌غربی بین اقیانوس آرام و اطلس انجام داد. او این سفر را ناتمام گذاشت و به‌سوی هاوایی (Hawaii) برای بازدید بیش‌تر حرکت نمود. بومیان جزایر هاوایی که در سفر اول وی را دیده و با وی آشنا بودند، به وی مظنون شدند. آن‌ها به‌دستور فرمانروای محلی راه بر ناوگان کوک بسته و مقداری از اموال آن‌ها را دزدیدند، به‌علاوه ۱۲ فروند کشتی را توقیف کردند. مردم جزایر با سلاح‌های آتشین آشنایی نداشتند، لیکن با حمله‌ی ناویان مجهز به این سلاح روبرو شدند، با این وصف اقدام به حمله‌ی متقابل



نقشه ی مسیری که کاپیتان کوک پیمود.



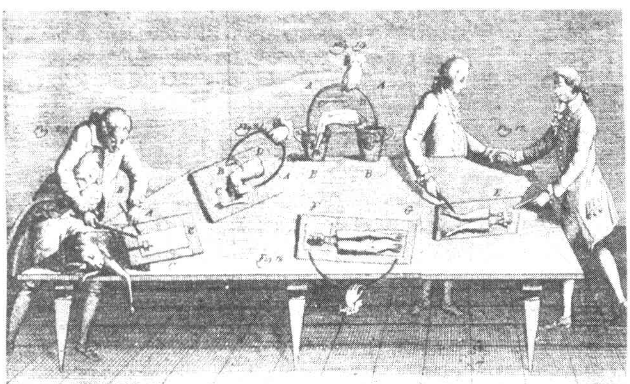
ویرانه های محل آبشار ژولیا Julia در شهر رم، نقاشی از جووانی باتیستا پیرانزی Giovanni Battista Piranesi معمار ونیزی.



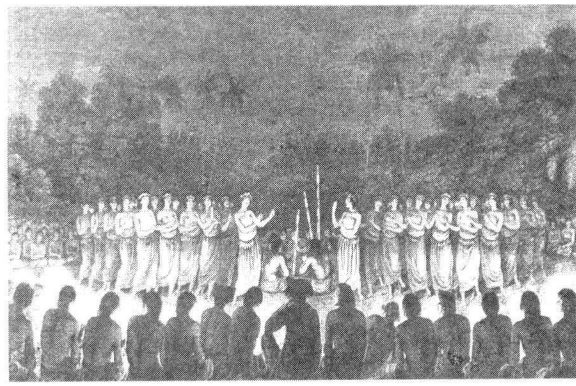
تصویری از یک پرنده ی برزیلی به نام کورلو قرمز Red Curlew، نقل از کتاب تاریخ طبیعی بافون Buffon.



تمثال کریم خان زند، مشهور به وکیل الرعایای ایران، اثر یک نقاش فرانسوی.



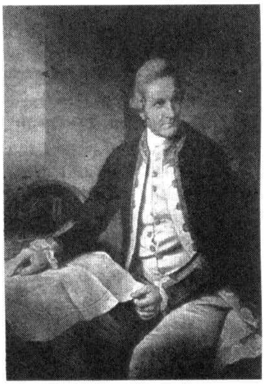
تجربیات تشریحی گالوانی Galvani، دانشمند ایتالیایی و کشف نیروی الکتریکی در ماهیچه توسط صفحه ی مسی.



رقص شبانه ی زنان در منطقه ی هاپایی Hapaee.اثر هوج Hodges نقل از روزنامه ی کاپیتان کوک.



ماری ترز Maria Theresa، ملکه ی اتریش در سن چهل سالگی، که به قول خودش به بلوغ سیانسی رسیده.



کاپیتان جیمز کوک، کاشف.

کردند و بدین ترتیب بزرگ‌ترین کاشف انگلیسی امروز دنیا را وداع کرد.

قورباغه‌های گالوانی و نیروی الکتریسیته‌ی بدن (رم، ۱۷۸۰):

یک اتفاق عجیب سبب شد که علاقه‌مندان به یادگیری الکتریسیته به نیرویی که در بدن حیوانات وجود دارد، پی ببرند. لوئیجی گالوانی (Luigi Galvani)، دانشمند علم تشریح و فیزیک‌دان ۴۳ ساله‌ی ایتالیایی، با قراردادن یک سیم هادی بین دو ران قورباغه به وجود الکتریسیته‌یی که طناب نخاعی ایجاد می‌کند، پی برد و توانست میزان این الکتریسته را به‌وسیله‌ی ماشین اندازه بگیرد.

گالوانی در یادداشت‌های خود می‌نویسد با دست‌زدن به ران قورباغه در این حالت می‌توان الکتریسیته‌ی ایجاد شده را حس کرد و از سوی دیگر با قطع این اتصال و برداشتن سیم تا مدتی این جریان الکتریسیته در عضله‌ی ران قورباغه وجود خواهد داشت.

با این آزمایش گالوانی ثابت کرد که اگر با یک تکه سیم هادی عضلات ران قورباغه را به هم اتصال بدهیم، جریان برق ایجاد خواهد شد. بدین‌ترتیب ثابت می‌شود که در حالت عادی در عضلات حیوانات یک جریان الکتریسیته وجود دارد که به‌وسیله‌ی اعصاب به جریان می‌افتد.

کشیشی که اصرار دارد تاریخ گذشته‌ی کشور مکزیک را باید حفظ کرد. (ایتالیا، ۱۷۸۰):

یک کشیش مسیحی ۵۹ ساله به‌نام کلاوی‌یرو (Clavijero) که در سرزمین مکزیک متولد شده، امّا از سال ۱۷۶۷ به ایتالیا تبعید شده، تاریخ کشورش را در کتابی به‌نام هیستوریا آنتی‌گوا دومکزیکو (Historia Antigua de Mexico) به‌طور مشروح به‌نگارش درآورده است.

وی برخلاف پیشینه‌نگاران قدیمی که به‌اختصار رویدادها را بیان می‌کردند، شرح مبسوطی از فرهنگ و تمدن این سرزمین را در کتاب خود آورده است. او به‌عنوان یک فرد مسیحی عقاید روشنگرانه‌ی خود را درباره‌ی تاریخ مکزیک به‌قلم آورده و عقاید کسانی را که آگاهی‌های اندکی راجع به این سرزمین دارند را رو می‌کند. کلاوی‌یرو می‌گوید: هدف من از نوشتن این کتاب آن است که تاریخ حقیقی و واقعی این سرزمین تشریح شود و آن‌چه را که در پرده‌ی ابهام مانده از محاق فراموشی بیرون آید و گذشته‌ی این سرزمین روشن شود، زیرا عده‌یی از نویسندگان جدید حقایق را نتوانسته‌اند آن‌طور که هست شرح دهند.

کلاوی‌یرو راجع به عقاید دینی گذشتگان و تربیت و تمدن آن‌ها از نظر فیزیکی مطالب مشروحی بیان کرده است. او با یک حالت هیجانی از همه تقاضا می‌کند و درخواست ملتمسانه دارد که با تأسیس موزه‌ها و نشان‌دادن آثار گذشته و تاریخی این سرزمین، به آگاهی مردم بیفزایند و تا حد امکان آثار باقی‌مانده‌ی معماری را نشان دهند، چون وی معتقد است که با سلطه‌ی اسپانیا بر این سرزمین اغلب آثار تمدن کشور از بین رفته و دولت اسپانیا سعی می‌کرده که گذشته مکزیک را نابود سازد.

مردم ایرلند نیاز به فرمانروایی مقتدر و با کیاست دارند. (دوبلین (Dublin)، آوریل ۱۷۸۰):

برای این‌که حقوق اقلیت پروتستان در ایرلند مانند اکثریت کاتولیک حفظ شده و مشکلاتی که از این طریق گریبان‌گیر دولت است حل شود، هنری گراتان (Henry Grattan) رهبر ملیون ایرلند از نمایندگان پارلمان دعوت کرد که یک فرمانروای مقتدر و باسیاست برای کشور برگزینند. جهت رفع این مشکلات و حل گرفتاری‌ها عده‌یی پیشنهاد کردند که از وجود لرد لیوتنان (lord Lieutenant) نماینده‌ی ایرلند که یک کرسی در پارلمان لندن دارد استفاده شود، لیکن مردم ایرلند با آن مخالفت کردند، زیرا معتقدند که وی از گرفتاری‌های بومی این سرزمین آگاهی کامل ندارد و از امور مربوط به اجتماع کشور بی‌اطلاع می‌باشد.

پاریس، ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳
گردن لویی شانزدهم به زیر گیوتین رفت.
فرانسه، ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳
بخش نیس به کشور فرانسه پیوست.
لهستان، ۲۳ ژانویه ۱۷۹۳
دولت‌های پروس و روسیه، کشور لهستان را به دو پاره تقسیم کردند.
امپراتوری عثمانی، ژانویه ۱۷۹۳
سلطان سلیم سوم پادشاه عثمانی، برای معرفی کشور خود به‌عنوان یک سرزمین نوین، دستگاه اداری را تغییر داد و ارتش را به سبک اروپایی تجهیز کرد.
ایرلند، ژانویه ۱۷۹۳
کاتولیک‌ها حق رأی به‌دست آوردند.
فرانسه، اول فوریه ۱۷۹۳
دولت فرانسه علیه انگلیس و هلند اعلان جنگ داد.
فرانسه، ۱٤ فوریه ۱۷۹۳
پرنس‌نشین موناکو (Monaco) به فرانسه پیوست.
اقیانوس هند، ۲۵ فوریه ۱۷۹۳
در پی اعلام جمهوریت در جزیره‌ی فرانسوی موریسیوس (Mauritius)، غائله‌ی گروه ضدسلطنت در این جزیره پایان یافت.
اروپا، فوریه ۱۷۹۳
بریتانیا، اتریش، پروس، اسپانیا، هلند، ساردنی، توسکانی و ناپل، ائتلافی برضد فرانسه تشکیل دادند.
جزیره‌ی کورس، فوریه ۱۷۹۳
درگیری بین پاسکال پائولی (Pascal Pauli) که در جست‌وجوی استقلال کورس (Corsica) از فرانسه می‌باشد و ناپلئون بوناپارت دوستدار فرانسه، شدت یافت.
هلند، پنجم مارس ۱۷۹۳
سپاهیان پروس، نیروهای فرانسه را در هم شکستند و شهر لی‌یژ (Liege) را دوباره به‌تصرف درآوردند.
فرانسه، هفتم مارس ۱۷۹۳
دولت فرانسه علیه اسپانیا اعلان جنگ داد.
فرانسه، ۱۱ مارس ۱۷۹۳
شورش ضدجمهوری در شهر وندی (Vendee) شکست خورد.
هلند، ۱۸ مارس ۱۷۹۳
سپاهیان فرانسوی که تحت فرمان ژنرال دوموریز (Dumouriez) در تاریخ ۲۵ فوریه به شهر بردا (Breda) وارد شده بودند، توسط قوای اتریش به فرماندهی فردریک پادشاه ساکس‌کوبورگ (Saxe-Coburg) در ناحیه‌ی نیروینden (Neerwinden) مغلوب شدند.
آلمان، ۲۰ مارس ۱۷۹۳
سپاهیان فرانسوی به‌نیروهای آلمانی ناحیه‌ی دوک‌نشین زوییروخن (Zweibrucken) پیوستند.
فرانسه، ۲۰ مارس ۱۷۹۳
نیروهای شورشی دوره‌گرد، ضربه‌ی محکمی به ارتش انقلابی فرانسه وارد کردند.
اروپا، ۲۵ مارس ۱۷۹۳
با امضای پیمان لندن، روسیه هم به ائتلاف ضدفرانسه پیوست.
هلند، چهارم آوریل ۱۷۹۳
دوموریز فرمانده‌ی ارتش فرانسه، در اتریش زخمی شد.
پاریس، پنجم آوریل ۱۷۹۳
ژان پل ماره (Jean Paul Marat) که به‌عنوان رییس انجمن ژاکوبن‌ها برگزیده شده، دستور داد که نیروهای ضدانقلاب را دستگیر کنند و بخش اعظم نمایندگان ژیروندن‌ها را اخراج کنند.
پاریس، ششم آوریل ۱۷۹۳
کنوانسیون، کمیته‌ی امنیت عمومی تشکیل داد.
هند غربی، ۱٤ آوریل ۱۷۹۳
سپاهیان انگلیسی کنترل توباگو (Tobago) را در دست گرفتند.
هند غربی، ۱٤ آوریل ۱۷۹۳
غائله‌ی سلطنت‌طلبان در سانتودومینگو (Santo Domingo) توسط نیروهای ارتش جمهوری درهم شکسته شد.
فرانسه، ۲۰ آوریل ۱۷۹۳
سپاهیان اسپانیا، ناحیه‌ی پرپینیان (Perpignan) را تصرف کردند.
ایالات متحده، ۲۱ آوریل ۱۷۹۳
دولت ایالات متحده رسماً اعلام کرد که در جنگ‌های اروپا بی‌طرفی اختیار خواهد کرد.

گراتان فردی میانه‌رو و هواخواه سلطنت انگلیس می‌باشد، لیکن این خطر وجود دارد که گروه‌های دیگر با او مخالفت کنند. پیش از این سران کشور از این‌که ارتش ایرلند طبق قوانین انگلیس اداره شود و حقوق انقلابیون را پایمال نمایند مخالفت کرده بودند. به‌طور مثال دولت انگلیس حقوق ایرلندی‌های ساکن مستعمرات امریکا را مدنظر ندارد، در حالی‌که تعداد ایرلندی‌ها خیلی زیاد است. در همین حال ایرلندی‌های امریکا اعم از کاتولیک و پروتستان داوطلبانه در جنگ علیه بریتانیا شرکت می‌کنند، زیرا با سایر مردم آن دیار هم‌درد هستند.

شورشیان ضد کاتولیک، سراسر شهر لندن را اشغال کردند. (لندن، ژوئن ۱۷۸۰):

در اثر شورش پروتستان‌های متعصب به رهبری لرد جورج گوردون (Lord George Gordon) ۲۹ ساله یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس، سراسر شهر لندن و محله‌ی ویلت‌شایر (Wiltshire)، تعداد زیادی خانه و مغازه طعمه‌ی حریق شد و در حدود ۵۰۰ نفر کشته و زخمی و پنج نفر دستگیر و زندانی شدند. خانه‌های زیادی هم در حال فروریختن و ویرانی است.

او لایحه‌یی به پارلمان تقدیم کرده بود که به‌صورت قانون ضدکاتولیکی درآید، لیکن با مخالفت اکثریت روبرو شد. وی در سخنرانی خود هنگام طرح لایحه دچار عصبانیت شد، در نتیجه نظم جلسه به هم خورد و نمایندگان با اعتراض به وی، سخنان او را قطع کردند و در نتیجه پارلمان دچار اغتشاش شد، به‌زودی این اغتشاش به شهر هم سرایت کرد و غارت و چپاول و آتش به تمام شهر لندن رسوخ کرد.

یک کارخانه‌ی تقطیر الکل و ساخت مشروب مورد حمله‌ی شورشیان قرار گرفت و مردم آن‌قدر مشروب خوردند که همگی مست شدند و پس از آن کارخانه را آتش زدند و تعدادی از آن‌ها هم در اثر زیاده‌روی در شرب خمر هلاک شدند.

سرانجام شاه و مشاوران درجه‌ی اول دربار به این نتیجه رسیدند که باید با مردم با سلاح گرم روبرو شد. در این هنگام قضات کانون وکلای لندن هم اجازه‌ی تیراندازی دادند و رییس بانک لندن برای جلوگیری از سرقت و دستبرد به بانک و خواباندن شورش، به مأموران بانک اجازه داد که به متجاوزان تیراندازی کنند.

تماشای کشتی سومو در ژاپن جنبه‌ی عمومی به خود گرفت. (ژاپن، ۱۷۸۰):

یکی از ورزش‌های باستانی ژاپن که به‌نام کشتی سومو (Sumo) معروف است و در سابق در معابد و صومعه‌های ژاپن به‌عنوان یک عبادت مذهبی انجام می‌شد، اکنون تماشاچیان بسیاری را به خود جلب کرده. این کشتی که در واقع مسابقه‌یی بین جوانان است، در مدت ده روز که هوا صاف و بدون باران باشد، انجام می‌شود. کشتی‌گیران از افراد زورمند و قوی‌البنیه انتخاب می‌شوند، حریفان هر کشتی‌گیر هم معین شده‌اند و در یک رینگ کوچک به انجام مسابقه می‌پردازند.

کشتی‌گیران در حقیقت برای تمرین رشادت و شجاعت مسابقه می‌دهند و غرض از آن حمایت از عقاید مذهبی و پایداری در عقیده و مرام می باشد و این یکی از اهداف دینی آنان محسوب می‌شود. کشتی‌گیران از سوی طرفداران‌شان مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرند و زنان و مردان تماشاچی هم می‌توانند در صورت بروز ناراحتی‌های بین دو نفر آن‌ها را مورد اعتراض و توبیخ قرار دهند. شوگون (Shogun) (امپراتور) هم خودش هواخواه این نوع کشتی می‌باشد.

بوئرهای زمین‌خوار، دست به کشتار قبایل بومی می‌زنند. (کیپ‌تاون، ششم ژوئن ۱۷۸۱):

برای سومین بار در سه سال اخیر، بوئرها (Boers) افراد قبیله‌ی سیاهپوست خوزا (Xhosa) را قتل‌عام کردند. این حرکت برای تصاحب زمین‌های متعلق به آن‌هاست. در تمام قرن اخیر، هلندی‌های (ترِک بوئرها (Trekboers)) مرزنشین مرتباً اقدام به تجاوز به زمین‌های این قبایل کرده و به‌سوی مشرق پیش رفته‌اند. در حالی‌که خویزان‌ها (Khoisan) مقیم این سرزمین به کم‌ترین دفاع از خود دست زده‌اند، زیرا آن‌ها زمین‌های خود را در مقابل لیکور و توتون می‌فروشند و چون دیگر شغلی ندارند، آواره و یا به بردگی کشانده می‌شوند.

قبایل خویزان چون چادرنشین هستند، اکنون با مشکلات فراوانی دست به گریبانند. این قبایل برای رفع گرفتاری‌هایشان، آدریان فان‌یار سولد (Adrian van Jaarsveld) را به رهبری برگزیده‌اند تا به دفاع از آن‌ها بپردازند. حکومت غدار و استبدادی کیپ‌تاون با ابراز انزجار از این حرکت مردمی، از یارسولد خواسته، که سیاهپوستان را هرچه زودتر از این سرزمین برانند، چون در غیر این‌صورت آن‌ها را با سلاح آتشین مورد حمله قرار خواهد داد.

غربی‌ها در یک‌سال تعداد یک‌صد هزار نفر از افریقاییان را برای کشت تنباکو و درست‌کردن مشروب رم (rum) به‌عنوان برده فروخته‌اند. (اقیانوس اطلس، ۱۷۸۰):

کشتی‌های تجاری حامل بردگان از کوره‌راه‌های ترسناک دریایی بین سه قاره‌ی اروپا، افریقا و امریکا، اغلب بدون پرچم در حرکت هستند که بردگان سیاه را از قاره‌ی بومی خود به مزارع امریکا منتقل کنند.

یک فروند کشتی از بندر لیورپول (Livrpool) با محموله‌یی شامل کتان، شکر، توتون و دیگر انواع کالاهای بازرگانی مانند منسوجات، ظروف آشپزخانه، مشروبات الکلی و جواهر بدلی برای افریقای غربی به آن صوب حرکت می‌کند، تا این کالاها را در ساحل طلا و دلتای رود نیجر تخلیه کند، در همین حال تعدادی از افراد طبقه‌ی متوسط در ساحل منتظرند که بردگانی را که از مناطق مختلف گردآوری کرده‌اند،

تحویل این کشتی بدهند. کاپیتان کشتی هم با قراردادی که با سران محلی دارد، ممکن است مدت دو ماه صبر کند تا بردگان موردنظر را انتخاب کند. یک پادشاه محلی به یک خریدار برده گفت: من شما را در مقابل ظروف آبخوری و جواهرات زردرنگ بدلی و امثال آن‌ها می‌فروشم.

آن‌ها پاهای بردگان را به زنجیر بسته، پهلوی هم یا پشت‌به‌پشت مانند کنده‌های درخت می‌گذارند. از زمانی‌که کشتی حرکت می‌کند در طی مسافرت هولناک بوی عفونت و تعفن از روزنه‌ی کشتی که محل استقرار بردگان است متصاعد می‌شود، از سویی صدای فریاد و ناله‌ی مردان و زنان و کودکان همراه با کلمات کفرآمیز به آسمان بلند می‌شود، در همین حال ناویان هم آن‌ها را به باد کتک و سیلی می‌گیرند تا صدای جیغ و داد آن‌ها بلند نشود.

سرانجام کشتی به بندر چارلستون یا بندری دیگر می‌رسید، تا بردگانی را که تا آن زمان زنده مانده‌اند، تخلیه کند. کشتی پس از تخلیه‌ی بردگان از کالاهایی هم‌چون پنبه و توتون انباشته شده و مسافرت خوفناک بار دیگر آغاز می‌شود. در حقیقت تجارت برده برای انگلیس و فرانسه و سایر کشورهای اروپایی کالای سودآوری است.

آن‌ها بردگان را بیش‌تر به ایالات جنوبی امریکای شمالی و سراسر دریای کارائیب و برزیل متعلق به پرتغال می‌فرستند. اروپاییان به این بهانه که نمی‌توانند در مناطق گرمسیر کار کنند و به مرگ افراد سفیدپوست می‌انجامد، سیاه‌پوستان را که عادت به گرما دارند، برای کارهای سخت و طاقت‌فرسا می‌برند. آن‌ها می‌گویند که سرخ‌پوستان در اثر ابتلای به امراض سفیدپوستان طاقت نداشته و به مرگ دچار می‌شوند، در حالی‌که سیاه‌پوستان نسبت به این امراض مقاومت نشان می‌دهند و در مقابل بیماری‌های گرمسیری مقاوم هستند. اکنون تعداد بردگانی که هر ساله از افریقا از طریق اقیانوس اطلس حمل می‌شوند، به مرز یک‌صد هزار نفر رسیده است، لیکن موج اعتراضات نسبت به تجارت برده در انگلیس هر روز تشدید می‌شود.

پاریس، ۲۳ اوریل ۱۷۹۳
کنوانسیون طی اطلاعیه‌یی، به کشیشانی که از سوگند وفاداری به قوانین جدید کلیسایی امتناع کرده بودند، فشار آورد تا به تعهدات خود پایدار بمانند.

پاریس، ۲٤ آوریل ۱۷۹۳
دادگاه انقلاب، ماره (Marat) را از اتهام به دیکتاتوری تبرئه نمود.

پاریس، ۲٤ آوریل ۱۷۹۳
دولت جمهوری، ژنرال میراندا (Miranda) را دستگیر کرد، چون با ژنرال دوموریز (Dumouriez) همدست شده بود.

هندوستان، ۲۷ آوریل ۱۷۹۳
سر ویلیام جونز (Sir William Jones) مستشرق انگلیسی که متخصص در ادبیات شرق و به‌ویژه زبان سانسکریت (Sanskrit) در غرب بود، در شهر کلکته (Calcutta) جهان را ترک گفت.

فرانسه، نهم مه ۱۷۹۳
ژنرال دامپیر (Dampierre) فرمانده ارتش شمال فرانسه، در شهر والن‌سین (Walenciennes) اتریش به‌وسیله‌ی ارتش مدافع کشور، دچار زخم مهلکی شد.

پاریس، دهم مه ۱۷۹۳
کلر لاکومب (Claire Lacombe)، انجمن زنان انقلابی طرفدار جمهوری را تشکیل داد.

اقیانوس اطلس‌شمالی، ۲٤ مه ۱۷۹۳
نیروهای انگلیسی مجمع‌الجزایر سنت‌پی‌یر (St Pierre) و میکه‌لون (Miquelon) را که گل سرسبد ماهیگیران فرانسوی و پر از ماهی‌های خاویاری بود، بار دیگر تصرف کردند.

فرانسه، ۳۰ مه ۱۷۹۳
ژیروندن‌ها در شهر لیون (Lyons) قدرت را از ژاکوبن‌ها گرفتند.

پاریس، دوم ژوئن ۱۷۹۳
پس از تظاهرات سه‌روزه‌ی خیابانی توسط میانه‌روهای ژیروندن، ژاکوبن‌ها نمایندگان این حزب را از کنوانسیون اخراج کردند.

فرانسه، ششم ژوئن ۱۷۹۳
شهرهای مارسی (Marseilles)، نیم (Nimes) و تولون (Toulon)، علیه کنوانسیون شورش کردند.

فرانسه، نهم ژوئن ۱۷۹۳
سپاهیان دوره‌گرد طرفدار سلطنت، منطقه‌ی سامور را تسخیر کردند.

هند غربی، ۲۰ ژوئن ۱۷۹۳
شهر کاپ (Cap) در سانتودومینگو که در آن سلطنت‌طلبان طغیان کرده بودند، توسط نیروهای دولتی ویران شد.

هندوستان، ۲٤ ژوئن ۱۷۹۳
یک هنگ انگلیسی، راه‌های پوندیچری (Pondicherry) را بست.

پاریس، ۲۵ ژوئن ۱۷۹۳
ژاک رو (Jacques Roux) رهبر رادیکال‌های فرانسوی (تندرو) ، گروهی نظامی ترتیب داد و دادخواستی علیه قانون اساسی تقدیم مجلس ملی کرد.

فرانسه، ۳۰ ژوئن ۱۷۹۳
شهر سامور (Saumur) به‌وسیله‌ی سپاهیان جمهوری بار دیگر تصرف شد.

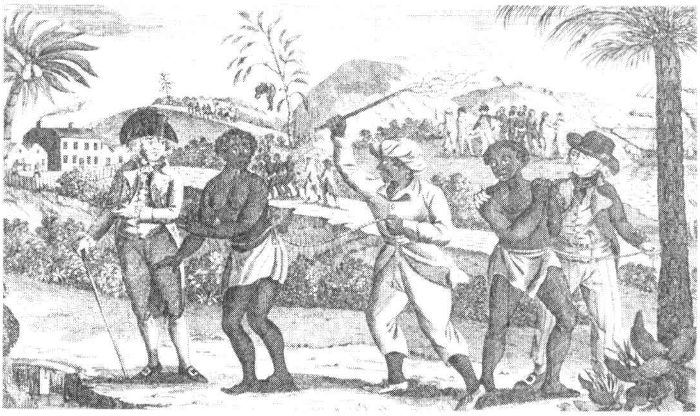
فرانسه، ژوئن ۱۷۹۳
به‌دستور پاسکال پائولی (Pascale Paoli)، ناپلئون بوناپارت (Napoleon Bonaparte) و خانواده‌ی وی را از جزیره‌ی کورس اخراج کردند و او مجبور شد که به سرزمین اصلی فرانسه پناهنده شود.

فرانسه، اول ژوئیه ۱۷۹۳
کنوانسیون جزیره‌ی کورس (Corsica)، در نخستین جلسه، جزیره را به دو قسمت تقسیم کرد و بخش کوچک‌تر را در اختیار پاسکال پائولی قرار داد.

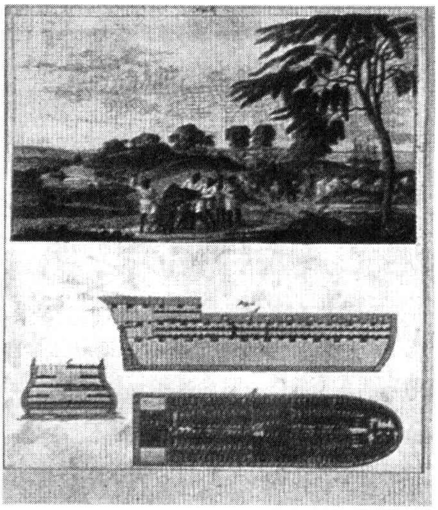
هندوستان، ۱۱ ژوئیه ۱۷۹۳
نیروهای مسلح بریتانیا در نزدیک سرزمین پوندیچری پیاده شدند که آن‌جا را در مقابل قوای فرانسه محافظت کنند.

پاریس، ۱۳ ژوئیه ۱۷۹۳
ژان پل ماره، توسط شارلوت کوردی (Charlotte Corday) به‌قتل رسید.

فرانسه، ١٤ ژوئیه۱۷۹۳
ژاک کاته‌لینو (Jacques Cathelineau) رهبر کاتولیک‌ها و فرمانده سپاهیان دوره‌گردهای سلطنت‌طلب، در اثر زخمی که هنگام محاصره‌ی شهر نانت (Nantes) بر او وارد شده بود، درگذشت.



تربیت بردگان با خشونت و شکنجه در هند غربی، اثر نقاش هنرمند انگلیسی. این گونه اقدامات احساسات انسان دوستانه ی عده یی را برانگیخت تا علیه بردگی بپا خیزند.



دستگیری بردگان سیاه پوست و انتقال آنان به کشتی، نقل از مجله ی «کراس ـ سکشنCross - Sections.»



نمایش کشتی، اثر هوکوسایی Hokusai، نقاش ژاپنی.



ولفگانگ آمادئوس موزارت Wolfgang Amadeus Mozart، موسیقی دان اتریشی.



شورش تحت رهبری گوردون Gordon، افراد شورشی محوطه ی خارج زندان نیوگیت Newgate را آتش زده اند.

فرانسه، ١٦ ژوئیه ١٧٩٣
ژوزف شالیه (Joseph Chalier) رهبر ژاکوبن‌های شهر لیون، به‌هلاکت رسید.
پاریس، ١٧ ژوئیه ١٧٩٣
پاسکال پائولی، به خیانت نسبت به فرانسه متهم شد.
پاریس، ١٧ ژوئیه١٧٩٣
شارلوت کوردی به زیر تیغه‌ی گیوتین رفت.
پاریس، ٢٢ ژوئیه ١٧٩٣
کوستین (Custine) فرمانده ارتش شمال، دستگیر شد.
آلمان، ٢٣ ژوئیه ١٧٩٣
پادگان سربازان فرانسوی در شهر ماینز (Mainz) تسلیم شد و پروسی‌ها به آن‌ها اجازه دادند که از شهر خارج شوند.
پاریس، ٢٧ ژوئیه ١٧٩٣
روبسپیر (Robespierre) به عضویت کمیته‌ی امنیت عمومی منصوب شد.
فرانسه، ٢٨ ژوئیه ١٧٩٣
نیروهای والن‌سین (Valencienne) به سپاهیان ائتلافی دوک یورک (York) تسلیم شدند.
پاریس، یکم اوت ١٧٩٣
کنوانسیون دستور داد که تمام تشکیلات شورشیان دوره‌گرد را از بین ببرند.
فرانسه، ١٤ اوت ١٧٩٣
نیروهای نظامی جمهوری، شهر لیون را محاصره کردند.
هندوستان، ٢٣ اوت ١٧٩٣
با اخباری که از سقوط و کشته‌شدن لویی شانزدهم به پوندیچری رسید، سپاهیان فرانسوی بندر که از روز ٢۴ ژوئن تحت محاصره بودند، تسلیم لشکریان انگلیس شدند.
فرانسه، ٢٥ اوت ١٧٩٣
ارتش جمهوری، شهر مارسی (Marseilles) را فتح کرد.
فرانسه، ٢٨ اوت ١٧٩٣
نیروهای فدرال شهرهای پروونس (Provence) و تولون، بر نیروهای انگیسی فایق شدند.
پاریس، ٢٨ اوت ١٧٩٣
ژنرال کوستین به‌وسیله‌ی گیوتین اعدام شد.
هند غربی، ٢٩ اوت ١٧٩٣
برده‌داری در سانتودومینگو لغو شد.
فیلادلفیا، اوت ١٧٩٣
به‌علت عدم بهداشت، تنها در یک شهر ایالت فیلادلفیا متجاوز از چهارده‌هزار نفر بر اثر ابتلا به تب زرد به‌هلاکت رسیدند.
هلند، هشتم سپتامبر ١٧٩٣
سپاهیان فرانسوی تحت امر ژنرال هوشار (Houchard)، قوای نظامی انگلیس به فرماندهی دوک ناحیه‌ی یورک را در منطقه‌ی هوندشوت (Hondschoote) شکست دادند.
پاریس، ١٧ سپتامبر ١٧٩٣
کنوانسیون قانونی تصویب کرد که به سوءظن مشهور شد. طبق این قانون، تمام افراد ضدانقلابی بایستی دستگیر و به جبهه‌ی جنگ اعزام شوند.
ایالات متحده، ١٨ سپتامبر ١٧٩٣
جورج واشینگتن (George Washington) رییس‌جمهور امریکا، در شهر واشنگتن نخستین سنگ بنای پایتخت را کار گذاشت.
فرانسه، نهم اکتبر ١٧٩٣
شورشیان حزب ژاکوبن شهر لیون، پس از ۶٠ روز نبرد با ارتش جمهوری، سرانجام تسلیم شدند.
هندوستان، دهم اکتبر ١٧٩٣
لرد کورنوالیس (Lord Cornwallis) پس از ایجاد حاکمیت انگلیس در هندوستان و تحکیم قدرت آن کشور، به بریتانیا بازگشت. وی امتیازات بسیاری در زمینه‌ی تجاری و اداری در پیشبرد اهداف دیپلماسی کمپانی انگلیسی هند شرقی کسب کرد و تلاش می‌کرد زندگی اجتماعی هندیان را به‌شیوه‌ی اروپایی درآورد و در جهت رسیدن به این هدف چندین کلونی (مجتمع) انگلیسی در منطقه‌ی بنگال هند به‌وجود آورد.
پاریس، دهم اکتبر ١٧٩٣
انقلابیون به‌فوریت یک دولت تشکیل دادند.
فرانسه، ١٦ اکتبر ١٧٩٣
سر ماری آنتوانت (Marie Antoinette) هم به زیرگیوتین رفت.

موزارت جوان تندخو و عصبانی برای آزادی هنرمندان دست به اقدام زد. (وین، ژوئن ١٧٨١):

ولفگانگ آمادئوس موزارت (Wolfgang Amadeus Mozart)، آهنگساز ٢۵ ساله و کودک نابغه و شگفت‌انگیز سابق از مقام خود که در خدمت پرنس اسقف اعظم سالزبورگ (Salzburg) کناره‌گیری کرد. او که مورد حمایت اشراف بود، شغل پیشین خود را رها کرد و به‌عنوان یک نفر آهنگساز آزاد در خدمت کشورش درآمد.

موزارت گرچه مدت دو سال از ١٧٧٧ تا ١٧٧٩ خدمت پرنس سالزبورگ را تحمل کرد، لیکن پس از کناره‌گیری به مسافرت در آلمان و پاریس رفت (چون مادرش در آن‌جا فوت شده بود)، وی با اتکا به استعداد ذاتی خود سعی کرد که پست جدیدی پیدا کند، لیکن موفق نشد. در ماه مارس امسال، ژوزف دوم از او دعوت کرد که در فستیوال موسیقی وین که در ناحیه‌ی اسقفی آن شهر تشکیل می‌شود، شرکت کند، موزارت در جلوی میز ویژه‌ی بزرگان قرار گرفت، در حالی‌که این‌جا به امر امپراتور جای ممنوعه بود.

موزارت را از آمدن به این مکان ممنوع کرده بودند. به هر حال وی در تاریخ نهم ژوئن این شغل را هم رها کرد و بدین‌وسیله از اوامر مباشر اسقف خلاص شد و آن‌طور که پدرش لئوپولد می‌نویسد: او آدمی هیجانی و عصبانی بود و به وضعیت پیشین خود برگشت. شغل او را در سالزبورگ به میشل هایدن (Michael Hydn) برادر جوان‌تر ژوزف دادند.

مارکی با پیوستن به متّحد خود در امور مستعمرات دخالت می‌کند. (فیلادلفیا، ١٧٨٠):

مارکی لافایت (marquis Lafayette)، پس از دیداری کوتاه از پاریس، جهت یاری ژنرال جورج واشینگتن فرمانده نیروهای امریکا از دولت فرانسه خواست که لشگریان را همراه با ناوهای جنگی مجهز به مستعمرات امریکایی اعزام دارند.

لافایت ۲۳ ساله که از سال ۱۷۷۷ به‌عنوان داوطلب در جنگ‌های استقلال شرکت کرده، علاقه‌ی شدیدی نسبت به استقلال امریکا دارد. وی یکی از صمیمی‌ترین دوستان ژنرال واشینگتن است. او در نبرد برندی واین (Brandywine)، جایی که واشینگتن تعداد زیادی از مردان جنگی خود را در مقابل هنگ تحت فرماندهی کلنل هوو (Howe) از دست داده بود، شرکت کرد.

لافایت هم‌چنین در جنگ دره‌ی فورج (Valley Forge)، هنگامی‌که ارتش واشینگتن در آستانه‌ی شکست قرار داشت و زمستان بسیار سخت و فراموش‌نشدنی در پیش بود، مشارکت داشت.

در این هنگام، سپاهیان فرانسوی با تجهیزات کامل در تعقیب درخواست لافایت از دولت فرانسه برای کمک به ارتش واشینگتن رسید و وضعیت جنگ به نفع امریکا تغییر کرد، این سپاه فرانسوی در پی تعهدی که اشراف به دولت سپرده بودند، جهت حمایت از واشینگتن اعزام شده بود. با رسیدن این نیرو، سپاهیان تحت فرماندهی کورنوالیس (Cornwallis) که به‌تازگی تجدید سازمان داده بودند، مورد تهدید قرار گرفتند و ژنرال واشینگتن ضربات سختی به آن‌ها وارد کرد و به پیروزی درخشانی دست یافت، و پیشروی نیروهای امریکایی وضعیت نبرد را تغییر داد و به شکست ارتش انگلیس منجر شد.

قدرت تازه‌یی در ساحل رود نیل ظهور کرد. (اوگاندا (Uganda)، ۱۷۸۰):

یک قدرت تازه در بوگاندا (Buganda) واقع در افریقای مرکزی به‌ظهور رسید. در قرن هفدهم یک ایالت کوچک در شمال‌غربی حاشیه‌ی دریاچه‌ی ویکتوریا (Victoria) تأسیس شد، این ایالت که به‌نام باگاندا (Baganda) معروف شد و پیش از این در وضعیت مبهمی به سر می‌برد، توانست سرزمین‌هایی را یکی پس از دیگری تصرف نماید. در سی سال اخیر این ایالت تحت پادشاهی سونا (Suna) و موتزا (Muteza) که پس از یکدیگر به سلطنت رسیدند، نواحی دیگری هم به تصرف آن‌ها درآمد. آنان با شکست‌دادن رقبای عمده‌ی خود هم‌چون بانیورو (Banyoro) و انضمام بقیه‌ی سرزمین پادشاهی کیتارا (Kitara)، امپراتوری بزرگی تشکیل دادند و سرانجام بوگاندا با تسخیر سواحل سرچشمه‌ی رود نیل تمام این مناطق را تحت سلطه‌ی خود قرار داد.

یکی از عللی که سونا پادشاه این منطقه را در انجام خواسته‌هایش به موفقیت رسانید، این بود که سونا مرکزیتی در منطقه به‌وجود آورد و چون وارث سرزمینی کوچک بود، توانست با تسخیر سرزمین اطراف، این امپراتوری را تشکیل دهد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در این امر، ارتش مجهز بوگاندا می‌باشد.

بعضی از ناظران معتقدند که صادرات موز از این منطقه به سایر نقاط دنیا که یک ماده غذایی است در اقتصاد بوگاندا بسیار تأثیر گزار بوده است: در حالی‌که سران کشور معتقدند که آزادی‌های زیادی به مردم بوگاندا داده‌اند، لیکن آن‌ها بیشترین بودجه را صرف امور جنگی می‌نمایند و همواره در مضیقه می‌باشند.

ستاره‌شناسی که مکان سیاره‌ی جدیدی را کشف کرد. (آلمان، ۱۷۸۲):

یک دانشمند جوان آلمانی که مدت کوتاهی است که به علم ریاضی و نجوم علاقه‌مند شده، به کشف غیر منتظره و شگفتی دست یافت. در روز ۱۳ مارس امسال، ویلیام‌هرشل (William Herschel) با تلسکوپ توانست گروهی از ستارگان صور فلکی را در منطقه البروج رصد کند، زیرا یکی از این ستارگان نور و شکل ویژه‌یی داشت که تا آن زمان منجمان آن‌را بدین صورت ندیده بودند.

این ستاره که خیلی زود در تلسکوپ نمایان می‌شد و هرشل تاکنون در منظومه شمسی آن را مشاهده نکرده بود، تا این زمان با کره زمین از دوران باستان ۶

فرانسه، ۱۷ اکتبر ۱۷۹۳
نیروهای کاتولیک و سلطنت‌طلب دوره‌گرد در شهر کوله (Cholet) در مقابل نیروهای جمهوری دچار شکست شدند.
فرانسه، ۱۶ اکتبر ۱۷۹۳
سپاهیان فرانسوی، نیروهای اتریش را در منطقه‌ی واتین‌یی (Wattignies) مغلوب کردند و فشار آن‌ها سبب شد که اتریشی‌ها از محاصره‌ی شهر مابوگ (Maubeuge) دست بکشند.
فرانسه، ۱۷ اکتبر ۱۷۹۳
کمپانی فرانسوی هند شرقی منحل شد.
پاریس، ۳۱ اکتبر ۱۷۹۳
ژاک بریسو (Jacques Brissot) و ۲۰ نفر از ژیروندن‌ها، به‌وسیله‌ی گیوتین به‌هلاکت رسیدند.
آلمان، ۱۷۹۳
فریدریش شیلر (Friedrich Schiller)، در کتابی تاریخ جنگ سی‌ساله را به‌طور مشروح به‌نگارش درآورد.
آلمان، ۱۷۹۳
یوهان گوتفرید هردر (Johann Gottfried Herder) فیلسوف آلمانی، مقالاتی درباره‌ی پیشرفت‌های بشریت در تمام زمینه‌ها به‌رشته‌ی تحریر درآورد.
امریکای شمالی، ۱۷۹۳
سر آلکساندر مک‌کنزی (Sir Alexander Mackenzie) نخستین فرد سفیدپوستی است که توانست سراسر شمال امریکا را درنوردد. او توانست با یک قایق بدون بادبان (کرجی) سراسر رودخانه‌ی بلاکولا (Bella Coola) در ایالات اورگون (Oregon) را تا اقیانوس آرام بپیماید.
ژاپن، ۱۷۹۳
ماتسو دایرا سادانوبو (Matsudaira Sadanobu) که از سال ۱۷۸۷ سمت ریاست عالی شوراها را در کشور عهده‌دار بود، از شغل خود کناره‌گیری کرده و بازنشسته شد. استعفای وی به‌علت ناراضی‌بودن از کار امپراتور و مخالفت او با حالت استبدادی و دیکتاتوری وی در امر سلطنت بود.
پاریس، سوم نوامبر ۱۷۹۳
اولمپ دوگوژ (Olympe du Gouges) یکی از زنان طرفدار حقوق زنان که از لویی شانزدهم پشتیبانی کرده بود، به‌هلاکت رسید.
پاریس، ششم نوامبر ۱۷۹۳
فیلیپ اورلئان (Philippe Orleans) برادرزاده‌ی لویی شانزدهم، به‌قتل رسید.
پاریس، هشتم نوامبر ۱۷۹۳
مادام رولان (Madame Roland) مغز متفکر ژیروندن‌ها، کشته شد.
فرانسه، دهم نوامبر ۱۷۹۳
ژان ماری رولان (Jean Marie Roland)، بر اثر کشته‌شدن همسر خود در شهر روئن (Rouen)، دست به خودکشی زد.
پاریس، ۱۶ نوامبر ۱۷۹۳
ژنرال هوشار (Houchard) را به‌اتهام مذاکره با دشمنان انقلاب به‌قتل رساندند.
پاریس، ۱۸ نوامبر ۱۷۹۳
موزه‌ی ملی هنر فرانسه در کاخ لوور (Louvre) گشایش یافت.
پاریس، ۲۴ نوامبر ۱۷۹۳
کنوانسیون، سال‌نامه‌ی جدیدی (تقویم) درست کرد.
نیویورک، ۲۵ نوامبر ۱۷۹۳
در یک‌سری شورش که بردگان سیاه‌پوست در منطقه‌ی آلبانی (Albany) واقع در استان نیویورک برپا کردند، با ایجاد حریق خسارات زیادی به شهر وارد شد.
فرانسه، ۳۰ نوامبر ۱۷۹۳
نیروهای فرانسوی تحت امر ژنرال لازار هوش (Lazare Hoche) توسط قوای نظامی پروس در کایزرلاترن (Kaiserslautern) واقع در ایالت آلزاس (Alsace) که سعی داشتند محاصره‌ی شهر لاندو (Landau) را بشکنند، مغلوب شدند.
پاریس، چهارم دسامبر ۱۷۹۳
دولت جدید جنگی فرانسه مستعفی شد.
پاریس، پنجم دسامبر ۱۷۹۳
کامیل دمولن (Camille Desmoulins)، روزنامه‌یی به‌نام ویوکوردلیه (Vieux Cordelier) در جهت ضدیت با حکومت ترور و وحشت، منتشر کرد.

سیاره را در منظومه شمسی شناخته بودند. این هفتمین سیاره از زمین فاصله بسیار زیادی دارد و فاصله آن از زمین دوبرابر فاصله ستاره زحل یا کیوان از خورشید می‌باشد.

تهیه‌کننده‌یی که یک نمایش‌نامه نوشت و پس از آن دیگر اقدام به این کار نکرد. (مانهایم (Mannheim)، آلمان، ۱۴ ژانویه ۱۷۸۲):

فریدریش فون شیلر (Friedrich Von Schiller)، افسر جوان ۲۲ ساله ارتشی، نخستین نمایش‌نامه را تنظیم کرد. این نمایش که امشب به روی صحنه‌ی تئاتر آمد، یک موفقیت عظیم ملّی بود و انقلابی در تئاتر ایجاد کرد.

شیلر تحت فشار اطرافیان به سمت افسر و جراح در خدمت ارتش دوک کارل اوژن (Duke Karl Eugen)، فرمانروای ستمگر وورتمبرگ (Wurttemberg) در آمد.

وی مدت چهار سال را با بی‌میلی در مدرسه کادت (Cadet) گذراند و سپس به سمت جراح شهر اشتوتگارت منصوب شد، و در سال گذشته اولین نمایش‌نامه خود را نوشت و هزینه زیادی را هم متحمل شد. او چون به شهر مانهایم علاقه زیادی داشت، حاضر نشد، آن‌جا را ترک کند. دوک کارل وی را تحت نظر گرفت و دیگر به وی اجازه نداد به کار پزشکی در آینده بپردازد. نمایش‌نامه‌ی او به نام دزدان در حقیقت هشداری است به سیستم داوری و انقلابی برعلیه سیاست ظالمانه و دستگاه حکومت، و نویسنده به زبان بسیار خشن و تندی از آن انتقاد می‌کند.

شیلر همانند گوته پیرو (سیاست انتقادی توفان و تحریکات حاصل از آن می‌باشد) این نمایش‌نامه حکایت دو برادر است که یکی از آن‌ها فرمانده یک دسته دزدان جنگلی است و چون از سری طبقه اشراف و ثروتمندان طرد شده دست به این کار زده است. شیلر پس از نوشتن این نمایش‌نامه از پست خود کناره‌گیری کرد و از مانهایم فرار کرد.

پسر بچه دریانورد از جنگ سخن می‌گوید. (گولیات (Goliath) از نیروی دریایی سلطنتی، ۱۷۸۲):

پسری ۱۲ ساله به‌نام جیمی گاردنر (Jimmy Gardner) که یکی از افسران نیروی دریایی انگلیس می‌باشد و در عملیات جنگی بر ضد نیروهای فرانسه شرکت داشته، در ضمن شرح رویدادهای نبرد، می‌گوید که صدای شیپورهایی که توسط ستون‌های دسته موزیک نواخته می‌شد، اجازه نمی‌داد که توپچی‌ها، گلوله‌های جنگی را برعلیه دشمن شلیک کنند. و افسران کاربرد آن‌ها را نمی‌دانستند، به‌طوریکه یک گلوله توپ به شکم توپچی اصابت کرد و او را کشت، در حالی‌که می‌بایست گلوله به سوی دشمن شلیک شود. در این‌حال دژخیم، ناو جنگی که مرده‌ها را می‌برد، هنگامی‌که می‌خواست گلوله را از شکم مجروح بیرون بیاورد، اظهار داشت: ببین شیطان چگونه این گلوله به این بزرگی را در شکم او تپانده‌اند که امکان بیرون آوردن آن نیست.

یک پسر ۱۱ ساله‌ی دیگر پس از این‌که کشتی جنگی حامل او در ناحیه‌ی اسپیت‌هد لنگر می‌انداخت، به مادرش نوشت: من بسیار خوشحالم و الان حس می‌کنم در خانه‌ی خودمان و در سکوت و آرامش به سر می‌برم، و همه چیز روبراه است. من هنوز بلندی دکل بزرگ کشتی را می‌بینم. من برای شیرینی‌ها دعا می‌خوانم، و حاضر نیستم در ننو بخوابم، چون همه چیز به‌هم گوریده است.

امّا این توضیحات و مناظری که او از صحنه‌ی جنگ و ناوهای جنگی توصیف می‌کند، مورد قبول اکثر افرادیکه در جنگ شرکت کرده‌اند، نیست.

ناویان نیروی دریایی بریتانیا که در گروه‌ها و دسته‌هایی که تحت فرماندهی یک افسر است، نام‌نویسی کرده و باید او امر افسر فرمانده را رعایت کنند و یا مورد بخشش وی قرارگیرند.

آن‌چنان‌که یکی از افسران می‌نویسد: یک مرد جنگی مانند یک زندانی، کثافت و آلودگی را برخود هموار می‌کند و منبع آلودگی می‌باشد. او نه تنها کرانه دریا را ملوث می‌کند، بلکه این کثافات را پخش و پلا می‌کند.

از نظر من دریانوردی کشور بریتانیا از فرانسه در سطح پایین‌تر قرار دارد، و مانند سایر کشورهای اروپایی است. بدنه این کشتی‌ها روکش مسی ندارند و ته آن‌ها پوشیده از جلبک و خزه است که باعث پوسیدگی آن می‌شود، دهانه‌ی لوله گشاد و کالیبر (Calibre) آن‌ها تنگ‌تر است، هدف‌گیری و نشانه روی آن‌ها برای مدت کوتاه خیلی خوب است، لیکن پس از آن خراب می‌شود.

بریتانیا بزرگ‌ترین قدرت دریایی جهان است. این کشور دارای ۱۷۴ فروند ناو بزرگ جنگی و ۲۹۴ ناو کوچک‌تر است.

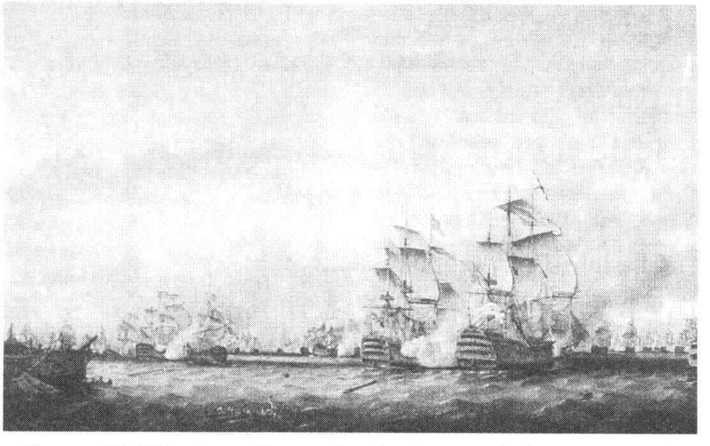
بریتانیا، سرزمین آمریکا را از دست داد. (ویرجینیا، ۱۹ اکتبر ۱۷۸۱):

چارلز کورنوالیس (Charles Cornwallis) سرفرمانده نیروی نظامی انگلیس، امروز دیگر قادر نیست که از تسلیم شدن ناویان و سربازان تحت فرمان خود در یورک تاون (Yorktown) جلوگیری کند. او در حالی‌که بیمار است از افسران زیردست خود درخواست کرد که با شمشیر از خود و سربازان دفاع کنند، و در مقابل نیروی فاتح آمریکایی تسلیم نشوند، البته شکی نیست که دولت بریتانیا تمام ۱۳ ایالت مستعمره‌ی خود را از دست داده و آمریکایی‌ها پس از ۵ سال جنگ مداوم به استقلال دست یافته‌اند.

گروهی از مردان قدرتمند جنگی در حین سان و رژه با صدای آهنین، سرودی به این مضمون را سر می‌دهند: ما دنیا را تغییر خواهیم داد، زیرا بزرگ‌ترین قدرت جنگی را مغلوب کردیم، با این وصف آمریکایی‌ها در کمال سکوت و آرامش به سوی سربازان انگلیسی می‌روند و به آن‌ها دستور می‌دهند که اردوگاه‌های خود را برچینند، در حالی‌که از این امر احساس رضایت و خوشحالی می‌کنند، سربازانی که قبلاً لباس قرمز روشن و تمیز در بر داشتند، اینک با



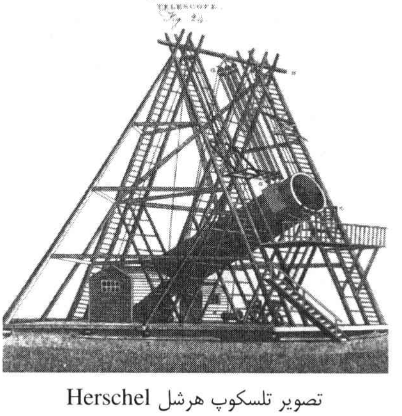
ملوانان کشتی مری (مری شیپ Merry Ship) یک تصویر کا.تونی و انتقادی از نظام خشونت در نیروی دریایی بریتانیا.



جنگ مقدس روز ۱۲ آوریل ۱۷۸۲. نقاشی از توماس ویت کامب Thomas WhitCombe.



فریدریش فون شیلرFriedrich Von Sehiller، نویسنده ی آلمانی.



تصویر تلسکوپ هرشل Herschel



پیروزی امریکا، نیروهای نظامی انگلیس در یورک تاونYorktown تسلیم جورج واشنگتن شدند.

لباس‌هایی ژنده و پاره در ملأ عام ظاهر می‌شوند. بسیاری از سربازان انگلیسی هم از غم شکست، مست و لایعقل به این سو و آن‌سو می‌روند. آنان افتان و خیزان در صف‌های نامنظم در حرکت هستند. آن‌ها حالت منظم سربازی را از دست‌داده و ژولیده و کثیف به‌نظر می‌رسند. در اواخر جنگ که فرمان تسلیم به آن‌ها داده شد، سربازان سلاح‌های خود را در روی زمین ریختند و با فریاد و فغان اقدام به فرار کردند.

ژنرال جورج واشینگتون (George Washington) سرفرمانده نیروهای آمریکایی با نیروهای فرانسوی تحت فرمان مارکی لافایت متّحد خود تمام مراسم تسلیم سربازان انگلیسی را تحت نظارت داشتند، نیروهای متّحد، متّفقاً به استحکامات نیروهای انگلیس حمله بردند و آن‌ها با کمترین مقاومت تسلیم شدند، چون در این اواخر در وضع بسیار ضعیفی بودند.

ژنرال واشنگتن طبق نقشه‌یی که داشت، به مجرد تسلیم سربازان انگلیسی، بدون فوت وقت ناوگان جنگی فرانسه را به سوی یورک تاون روانه کرد، تا شهر نیویورک را از طریق خلیج چزاپیک (Chesapeake) مورد حمله قرار دهند، تا شانس تجهیز قوا را از انگلیس بگیرند و راه‌های ارتباطی را قطع نمایند.

کانت می‌گوید: اغلب اکتشافات بدون علت معلوم ظاهر می‌شوند و دلیل آن هم مشخص نیست. (کونیگسبرک، آلمان، ۱۷۸۱):

امّا نوئل کانت (Emmanuel Kant) استاد ریاضی دانشگاه کونیگسبرگ (Konigsberg)، کتاب جدیدی درباره‌ی تاریخ فلسفه تمام اروپا نشر کرد. مشکلاتی که از زمان دکارت (Descartes) و لایب‌نیتز (Leibniz) دانشمندان با آن روبرو بوده‌اند، کانت را هم بر آن داشت که درباره‌ی موضوع احساس عمومی بشر اقدام به تجربیاتی بنماید.

کانت درباره‌ی سنتز و ترکیب بین تحلیل و تجربه، کتابی موسوم به: انتقاداتی درباره‌ی علل اصلی ناراحتی‌های انسان‌ها انتشار داد. به عقیده‌ی کانت احساساتی که به تجربه اثبات شده بیش از فرضیه‌های به اثبات نرسیده معتبر و قابل اعتماد است.

پدر کانت سراج و سازنده‌ی زین اسب بوده و کانت در ابتدای زندگی وابسته به ثروت شخصی پدر بوده و درآمدی نداشته است، او بعدها پیرو فرقه پوریتانیسم (Puritanism) شد. وی به سرنوشتی که خداوند برای بشر مقرر داشته معتقد بود و از سال ۱۷۴۰ که به سمت استادی دانشگاه انتخاب شد، زندگی خود را وقت تدریس فیزیک، ریاضی و فلسفه نمود. قد او کمی بیش از ۱۵۰ سانتیمتر و شانه‌ی راستش غیر عادی وتغییر شکل داشت و هرگز بیش از ۶۰ کیلومتر از محل استقامت خود دور نشده بود. وی بسیار مطالعه می‌کرد و به بحث درباره‌ی موضوعات مختلف علاقه داشت و به مسافرت‌های دوردست هم علاقه‌مند بود.

پیت ۲۴ ساله به سمت نخست‌وزیری منصوب شد. (لندن، ۱۹ دسامبر۱۷۸۳):

مرد جوانی که مانند بچه‌ها شاد و سلامت به‌نظر می‌رسد و در منزل به تحصیل پرداخته در سن ۲۴ سالگی به نخست‌وزیری انگلیس منصوب شد. جورج سوم، ویلیام پیت (William Pitt) را که تنها دو سال سابقه نمایندگی در پارلمان داشت و همواره مورد ریشخند و استهزای سایر نمایندگان واقع می‌شد و همه او را پسربچه شوخ و حقه‌بازی می‌دانستند به این سمت انتخاب کرد. امّا سیاستمداران پیر که برای وی اعتباری قایل نبودند، مشاهده کردند، که در نبرد با آمریکا هشیار و به وقایع کوچک اهمیت نمی‌دهد.

پیت در عین جوانی آدمی سنگدل و بی‌رحم می‌باشد، و نگهبانان را در صورت اهمال در وظایفشان به سختی مجازات می‌کند و آن‌ها را بی‌لیاقت می‌نامد. او می‌پرسد چرا لرد نورث (Lord North) برای محل سکونت خود باید ۱۳۰۰ پوند اجاره بپردازد. وی با نظارت مجلس عوام بر سراسر کشور مخالف است، و می‌گوید آنان نمایندگان مردم نیستند.

گروهی از انقلابیون به میهن‌پرستان هلندی حمله کردند. (هلند، ۱۷۸۳):

تعدادی از انقلابیون که به‌طور انفرادی در شهرهای هلند جایگیر شده و مورد پشتیبانی سایر افراد انقلابی بودند، در برخی شهرها از جمله اشتاد هولدر (Stadholder) یعنی مراکز استان‌ها به بورژواها (طبقه متوسط) که جزو ارتش میهن‌پرستان بودند حمله کردند. علت این امر مقاله‌یی بود که به نام (مردم هلند) در دو سال پیش انتشار یافت، که در آن نویسنده ریشه‌های گرفتاری کنونی را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده شرح می‌هد که چگونه مردم در خیابان‌ها از اوضاع گله و شکایت دارند، و درخواست می‌کنند که مطبوعات و روزنامه‌ها باید آزاد باشند و ارتش از افراد عادی انتخاب شوند، لیکن این مقاله فوراً به دستور دولت توقیف شد.

مؤلف این مقاله شخصی است به‌نام بارون یوان درک فان در کاپلن توت‌دن پل (Baron Joan Derk van der Capellentot den pol)، که قائم‌مقام رهبری نمایندگان اصناف متوسط از قبیل صنعتگران، کاسب‌ها، بازرگانان و مغازه‌داران می‌باشد. او هم مانند سایر بورژواها، یکی از منتقدان و خرده‌گیران دولت در امور اجتماعی است و می‌گوید روحیه‌ی مردم رو به انحطاط می‌باشد. قائم‌مقام میهن‌پرستان هم مانند فان در کاپلن، حامی ارتش آزاد و مردمی می‌باشد و گروه طرفدار او هم این موضوع را با کمال شهامت به آگاهی استاندار رسانده است. اخیراً گروهی از ثروتمندان، بورژواها مورد حمله واقع شده و حتی خانه‌های آن‌ها ویران شده و دولت هم سیاست سختی در قبال این آزادمردان اتخاذ کرده و مخصوصاً در شهر روتردام (Rotterdam) مقررات شدیدی اعمال می‌شود.

شاعره‌ی سیاه‌پوست در امریکا از دنیا رفت. (بوستون، ماساچوست، ۱۷۸۴):

فیلیس ویتلی (Phillis Wheatley)، شاعره‌ی افریقایی ـ امریکایی، که مردم را به‌سوی خداوند، حقیقت و راستی فرا می‌خواند، با فقر و تنگ‌دستی و

پاریس، هشتم دسامبر ۱۷۹۳
مادام دوباری (Madame de Barry) معشوقه‌ی سابق لویی شانزدهم، به زیر تیغه‌ی گیوتین رفت.
فرانسه، ۱۲ دسامبر ۱۷۹۳
نیروهای نظامی حکومت جمهوری به فرماندهی مارسو (Marceau) و کلبر (Kleber)، شورشیان دوره‌گرد را در منطقه‌ی لومن (Le Mans) درهم شکستند.
فرانسه، ۱۹ دسامبر ۱۷۹۳
نیروهای فرانسه، شهر تولون را از قوای انگلیس پس گرفتند.
فرانسه، ۲٤ دسامبر ۱۷۹۳
شورشیان دوره‌گرد که چندین‌بار در منطقه‌ی ساونه (Savenay) مغلوب شده بودند، سرانجام پراکنده شدند.
پاریس، ۲۵ دسامبر ۱۷۹۳
روبسپیر از سیاست ترور و وحشت حمایت می‌کند.
فرانسه، ۲٦ دسامبر ۱۷۹۳
سپاهیان فرانسوی به فرماندهی لازارهوش، قوای اتریش را در گیسبرگ (Giesberg) شکست دادند و شهر استراسبورگ (Strasbourg) را مورد تهدید قرار دادند.
ایالات متحده، ۳۱ دسامبر ۱۷۹۳
توماس جفرسون (Thomas Jefferson) از وزارت امور خارجه استعفا داد و از زندگی سیاسی کناره گرفت.
افریقای جنوبی، ۱۷۹۳
دومین جنگ سورولد (Suurveld) که از سال ۱۷۸۹ شروع شده بود، به‌پایان رسید. این جنگ توسط ندلامب (Nedlambe) رهبر خوزها (Khosa) برای به‌دست‌آوردن کنترل سورولد (واقع در مرز شرقی کیپ (Cape)) برپا شده بود. طبق توافق بین طرفین، بوئرها (Boers) تسلیم ندلامب شدند و گناه این شکست به گردن فرمانده ارتش بوئرها افتاد.
اقیانوس اطلس شمالی، ۱۷۹۳
بریتانیا که در سال گذشته سعی داشت یک مجتمع انگلیسی در جزایر کیپ‌ورد (Cape Verde) ایجاد کند، در مساعی خود دچار شکست شد.
پاریس، ۱۱ ژانویه ۱۷۹٤
لامورت (Lamourette) که از آوریل ۱۷۹۱ سمت سراسقفی شهر لیون را عهده‌دار بود و در ۲۹ سپتامبر ۱۷۹۳ توسط جمهوری‌خواهان زندانی شده بود، در جریان محاصره‌ی شهر به‌دست انقلابیون به زیر گیوتین رفت.
پاریس، ۱۳ ژانویه ۱۷۹٤
فابر داگلانتین (Fabre d' Eglantine) شاعر و موسیقی‌دان فرانسوی و دشمن دالتونیست‌ها (Daltonist)، در جریان موج تروری که در فرانسه برپا شده بود، به‌علت رسوایی مالی کمپانی فرانسوی هند شرقی که چندین‌بار هم وسایل آشتی سردمداران این شرکت را فراهم کرده بود، دستگیر شد. وی طی فرمانی انحلال شرکت را اعلام کرد و عقیده داشت که وجود این کمپانی موجب زیان دولت فرانسه است و انحلال آن مفید می‌باشد.
فرانسه، ۲۸ ژانویه ۱۷۹٤
هانری لا ورش‌ژاکلین (Henrie la Rochejaquelein) رهبر شورش دوره‌گردها، توسط دو سرباز جمهوری در جاده‌ی نزدیک نوئل در ماین ولوآر (Nouaille in Maine et Loire) به‌قتل رسید.
فرانسه، ژانویه ۱۷۹٤
نیروهای جمهوری به فرماندهی ژنرال تورو (Turreau)، با نظم ویژه حکومت دوره‌گردها را به‌طور کامل متلاشی ساختند.
پاریس، چهارم فوریه ۱۷۹٤
طبق فرمان کنوانسیون، سیستم برده‌داری و بردگی در تمام نقاط فرانسوی‌نشین لغو شد.
پاریس، دهم فوریه ۱۷۹٤
ژاک رو (Jacques Roux) یکی از رهبران انقلاب که با سیاست ترور و وحشت جمهوری‌خواهان افراطی مخالف و از اعمال آن خشمگین بود، در زندان مبادرت به خودکشی کرد.
منطقه‌ی مدیترانه، ۲۷ فوریه ۱۷۹٤
دولت‌های اتریش و روسیه، بر سر تقسیم سرزمین‌های متعلق به ونیز به‌توافق رسیدند.

مقداری وام درگذشت. او هشت ساله بود که از سنگال به بوستون آمد. او با ویتلی ازدواج کرد و هر دو زوج تحصیل‌کرده و باسواد بودند.

در سال ۱۷۷۸، دیوان اشعار خود را که شامل موضوعات متنوعی از قبیل مذهب و اخلاق بود، انتشار داد. وی پس از پنج سال، یک سفر موفقیت‌آمیز به انگلستان نمود، لیکن بخت از فیلیس برگشت، زیرا شوهرش ویتلی مُرد.

ازدواج او سرانجامی نداشت، چون ویتلی پس از مدتی زندانی شد و فرزندش هم فوت شد و شاعر در تنهایی با کتاب‌هایش به‌سر می‌برد که او هم امسال از دنیا رفت.

ایالات متحده‌ی امریکا به رسمیت شناخته شد. (پاریس، چهارم سپتامبر ۱۷۸۳):

دو سال پس از تسلیم ارتش هفت‌هزار نفری کورنوالیس در یورک تاون (Yorktown) ویروجینا، دولت انگلیس ظاهراً ۱۳ مستعمره‌ی سابق خود را با عنوان ایالات متحده‌ی امریکا به رسمیت شناخت، در حالی‌که این ملّت نوین استقلال خود را در هفت سال پیش اعلام کرده بود. این سرزمین بین کانادا و فلوریدای اسپانیا، از اقیانوس اطلس تا ساحل رود میسی‌سی‌پی ادامه دارد.

در این کشمکش، دولت انگلیس هیچ دوستی نداشت و بنابراین از راه دیپلماسی مخفی تصمیم گرفت که با دشمن سابق خود ارتباط پیدا کند. سپاهیان فرانسوی که به کمک استقلال‌طلبان شتافتند، از سال ۱۷۷۸ یک پایگاه سیاسی در ایالات متحده به‌دست آوردند و به جنگ با اسپانیا پایان دادند. کشورهای هلند و روسیه که با جنگ‌های انقلابی درگیری داشتند، در تلاش بودند که هرچه زودتر ریشه‌ی آن‌ها را با ارتش‌های منظم خود بکنند.

مذاکرات صلح از دو سال پیش آغاز شد. بنیامین فرانکلین، نویسنده‌ی امریکایی که با سیاستمداران انگلیس روابط صمیمانه داشت، اینک یکی از افراد سرشناس امریکایی محسوب می‌شود. دولت امریکا به دولت‌های فرانسه و اسپانیا ظنین بود که نکند این دولت‌ها ادعایی بر سرزمین مابین کوه‌های آلن‌یی (Allegheny) و رود میسی‌سی‌پی داشته باشند، در نتیجه ورود اتباع آن‌ها را به این منطقه ممنوع اعلام کرد. بدین جهت، با امضای پیمانی با دولت انگلیس، توافق کرد که از دخالت دولت فرانسه در امور امریکای لاتین جلوگیری کند.

در متن این موافقت قید شده بود که لازم نیست دولت انگلیس به فوریت به حمایت امریکا برخیزد، بلکه این پشتیبانی به اقتدار امریکا می‌افزاید، در ضمن امریکا متّحد جدیدی پیدا می‌کند.

دیروز هم با پیمانی که بین فرانسه و انگلیس بسته شد، موافقت‌نامه‌ی امریکا و انگلیس تأیید شد. آخرین تبصره‌ی این پیمان، حکایت از این دارد که امریکا باید بدهی‌های خود را به انگلیس بپردازد و دارایی‌های ضبط‌شده‌ی آن دولت را به انگلیس اعاده کند.

تعدادی از سیاهان آزادشده به خدمت ارتش درآمدند. (ویرجینیا، امریکا، ۱۷۸۲):

توماس جفرسون، از مجلس قانون‌گزاری ایالتی درخواست کرد که قانونی به تصویب برسانند که سیاه‌پوستانی که از هفت سال پیش از قید اربابان خود خلاص شده‌اند، به خدمت ارتش درآیند. در نتیجه بیش از ده‌هزار نفر از ساکنان سابق مستعمرات به صفوف نظامیان پیوستند و این جریان روحیه‌ی این افراد را تقویت کرد. در عین حال جفرسون از برده‌داران خواست که بردگان خود را آزاد سازند.

بیش‌تر بردگان به‌طور خصوصی در نیروی زمینی یا دریایی مشغول خدمت هستند. برطبق فرمان جفرسون، بیش‌تر این عده که جزو نظامیان هستند، با شجاعت و رشادت در مأموریت‌ها و نبردها شرکت و جانفشانی کرده‌اند، آن‌ها این کار را بر بردگی ترجیح می‌دهند.

جزیره‌ی کورس، فوریه ۱۷۹٤
پاسکال پائولی (Pascale Paoli) رهبر میهن‌پرستان که اکنون به فرمانداری جزیره رسیده و با حمایت بریتانیا سعی داشت یک جمهوری خودمختار در جزیره به‌وجود آورد، توسط حزب ژاکوبن جزیره تهدید شد. یکی از ناسیونالیست‌های کورس، در شورای همگانی، جورج سوم پادشاه انگلیس را پادشاه جزیره اعلام کرد.

پاریس، ۱۳ مارس ۱۷۹٤
در پی غائله‌یی که به‌مناسبت تألیف کتاب کوردلیه (Cordelier) برپا شد، ژاک هربر (Jacques Herbert) توسط انقلابیون افراطی دستگیر گردید. کوردلیه انجمنی به‌نام حزب کوردلیه تأسیس کرده بود که خودش رهبر آن بود.

هند غربی، ۲۳ مارس ۱۷۹٤
نیروهای نظامی انگلیس جزیره‌ی مارتی‌نیک (Martinique) را که در سال قبل فرانسویان آن را به تصرف درآورده بودند، بار دیگر مسخر کردند.

لهستان، مارس ۱۷۹٤
تادوسز کوشیوچسکو (Tedeusz Kosciuszko) که رهبری میهن‌پرستان لهستانی در تبعید را پس از تقسیم لهستان بین اتریش و روسیه، که در سال گذشته صورت گرفته بود را برعهده دارد، به شهر کراکو (Krakow) وارد شد. وی که توانسته بود عقاید افسران مخالف را هم به‌سوی خود جلب کند، اعلام کرد که با قدرت به حکومت ادامه خواهد داد.

پاریس، ٢٤ مارس ۱۷۹٤
ژاک هربر (Jacques Herbert) رهبر افراطی حزب هربرتیست، به‌اتهام خیانت علیه کشور سر خود را با گیوتین از دست داد.

پاریس، ۲۷ مارس ۱۷۹٤
ارتش انقلابی سان‌کولوت (Sans-Culotte)، به‌فرمان کنوانسیون، منحل شد.

اسکاندیناوی، ۲۷ مارس ۱۷۹٤
ایالات منطقه‌ی اسکاندیناوی (Scandinavia)، ارتشی بی‌طرف تشکیل دادند.

پاریس، ۲۸ مارس ۱۷۹٤
تشکیلات کمون پاریس بازسازی شد،و هربرتیست‌ها (Herbertists) به پشتیبانی روبسپیر جایگاه خود را بازیافتند.

فرانسه، ۲۹ مارس ۱۷۹٤
ماری‌ژان کندورسه (Marie Jean Condorcet) فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی که در سال ۱۷۹۲ به ریاست کمیته‌ی قضایی مجلس ملی منصوب شده بود را در سلولی در یک شهر که سابقاً به‌نام بورگ‌لارن (Bourg la Reine) معروف بود، مرده یافتند. کندورسه که به‌اتهام همکاری با بریسوتن (Brissotin) چند ماه قبل دستگیر شده، به‌عقیده‌ی برخی از سیاست‌مداران اقدام به خودکشی کرده بود.

پاریس، ۳۱ مارس ۱۷۹٤
ژرژ ژاک دانتون (Georges Jacques Danton) و گروهی از دوستانش از جمله کامیل دمولن (Camille Desmoulins)، به‌جرم ارتباط با سلاطین دشمن جمهوری فرانسه دستگیر شدند. یکی دیگر از جرایم آنان، همکاری با فابر دو گلانتین (Fabre d' Eglantine) و شرکت در رسوایی کمپانی فرانسوی هند شرقی بود.

لهستان، چهارم آوریل ۱۷۹٤
راکلاویس (Raclawice) یاغی لهستانی، تحت فرمان تادوسز کوشیوچسکو، در جنگ علیه سپاهیان روس، شکست سختی به ارتش آن کشور وارد آورد.

اقیانوس هند، ۱۷۹٤
سیاست‌مداران جزیره‌ی فرانسوی (موریسیوس (Mauritius)) بدون آگاهی کنوانسیون، سیستم برده‌داری را در این جزیره لغو کردند.

افریقای جنوبی، ۱۷۹٤
حاکم‌نشین ماپوتو (Maputo)، در جنگ‌های منطقه‌یی به‌نام تمب (Tembe) در نیم‌قرن گذشته به پیروزی رسید و تمام خلیج ماپوتو را در اختیار گرفت. نیروی نظامی ماپوتو اکنون کنترل اوضاع این منطقه را در دست داشته و کشتی‌های بازرگانی پرتغال با اجازه‌ی حکومت محلی در رفت‌وآمد بودند، در عین حال منطقه‌ی تحت نفوذ ماپوتو با افریقای جنوبی (ناتال (Natal)) به توافق همه‌جانبه رسیده بودند، هم‌چنین با سوازیلند (Swaziland) یک ارتش قدرتمند تشکیل دادند و روابط خود را با فرمانروایان نداواندو (Ndwandwe) و میته‌وا (Mithewa) گسترش دادند.

برطبق اعلامیه‌یی که در کانکتیکت (Connecticut) منتشر شده، ۴۸ نفر از سیاه‌پوستان این ایالت اسامی خود را تغییر داده و موقعیت جدیدی پیدا کرده‌اند. آن‌ها نام‌هایی مثل پومپ (Pomp)، جفری (Jeffrey)، لیبرتی (Liberty)، دیک (Dick)، پری‌نیس (Prinnis)، کاف (Cuff)،نِد (Ned) و ژوپ (Jube) را انتخاب کرده‌اند.

روس‌ها، پایگاه عظیمی در کریمه (Crimea) ایجاد کردند. (کریمه، ۱۷۸۴):

کاترین، تزار روسیه، پس از این‌که شبه‌جزیره‌ی کریمه را جزو متصرفات روسیه قلمداد کرد، فرمان داد که پایگاه عظیمی در آن‌جا بنا کنند. این پایگاه از وسعت بی‌نظیری برخوردار است.

روس‌ها برای این‌که یک نام روسی روی آن بگذارند، با ترکیب دو کلمه‌ی لاتینی آگوستوس (Augustus) و یونانی پلیس (Polis)، و یک نام روسی سواستوپول (Sevastopol)، نامی بر روی آن پایگاه نهادند.

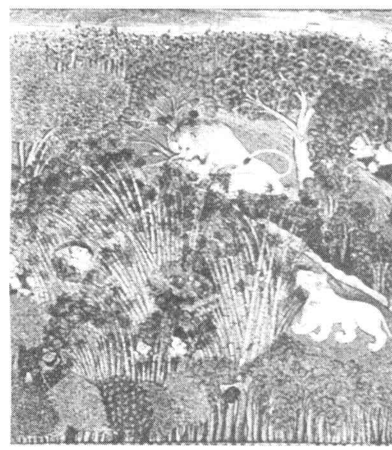
کریمه در سابق تحت حکمرانی مردی ضعیف به‌نام خان (Khan) بود و این خان هم تحت امر حکومت عثمانی قرار داشت.

کاترین رؤیاهای زیادی برای گسترش قلمرو خود در جنوب دارد و به عاشق پیشین و مورد علاقه‌ی خود، پرنس گریگوری پوتمکین (Grigori Potemkin)، گفته است زمینه‌ی این کار را فراهم آورد. او برای تحریک سلطان عثمانی به نبرد، به عوامل خود دستور داده که هرچه بیش‌تر سلطان را مورد لعن و نفرین قرار داده و او را تحقیر نمایند. کاترین برای انجام این امر، جوایزی هم تعیین کرده که به افراد دروغگو و هتاک بدهند.

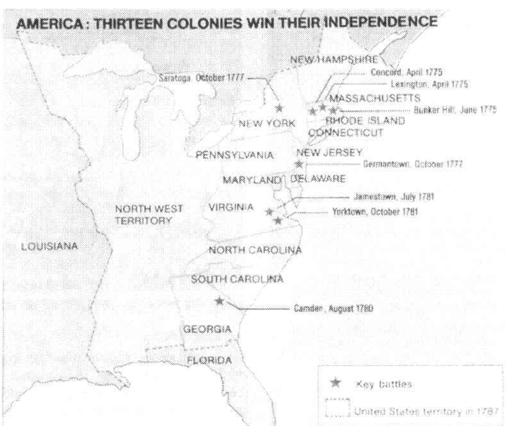
قهرمان استقلال سرزمین پرو و خانواده‌ی وی را به قتل رساندند. (کوزکو (Cuzco)، پرو، ۱۷۸۳):



یک عکس کارتونی از نقاشان هلندی که نشان می دهد در حالی که کنگره ی امریکا مشغول بریدن شاخ گاو است، دولت انگلیس هیچ گونه کمکی نمی کند. دولت هلند شیر حیوان را می دوشد، فرانسه و اسپانیا هم منتظرند که از شیر آن استفاده کنند. در عقب تصویر یک ناو انگلیسی به گل نشسته و سربازان بدون هدف در فیلادلفیا به افراد تیراندازی می کنند و سپاهیان امریکایی به خواب فرو رفته اند. در طرف راست عکس شیر بریتانیا در روی زمین خود را به خواب زده و میمون ها هم با استفاده از موقعیت به پشت شیر می پرند و تفریح می کنند، در حالی که ملت بریتانیا به دعا و نماز پرداخته اند و نمی توانند از این غفلت چه گونه تعبیر کنند.



بررسی رخداد پس از مرگ راجا گومان سینگ Raja Goman Singh، حکمران کوتا Kotah در راجستان Rajasthan که در سال ۱۷۷۱ درگذشت. وی که همراه شاه به شکار رفته بود، بدون غرض و مقصودی تیری به سوی شیری رها کرد که باعث خشم شاه شد، در حالی که اگر شاه می توانست شکار کند، شیر در راجستان فراوان بود.



نقشه ۱۳ ایالت مستعمره ی امریکایی استقلال یافته.



کاترین کبیر، تزار روسیه که همواره بلای جان دولت عثمانی است.



پیت Pitt مرد نامتناهی. کاریکاتوری از ویلیام پیت پسر، سال ۱۷۹۲.

پاریس، پنجم اوریل ۱۷۹٤
ژرژ ژاک دانتون و چندین‌نفر از هواخواهان وی از جمله کامیل دمولن، با گیوتین اعدام شدند.

ایتالیا، ۱۸ آوریل ۱۷۹٤
ناپلئون بوناپارت که در ماه فوریه ژنرال ارتش فرانسه شد، بندر اونیلیا (Oneglia) در کوهپایه‌هایی که در بخش جنوا (Genoa) قرار داشت را تسخیر کرد.

لهستان، ۱۹ آوریل ۱۷۹٤
تادوسز کوشیوچسکو رهبر شورشیان، وارد شهر ورشو (Warsaw) گردید و مردم را برضد اشغالگران روسی تجهیز کرد. وی در مدت دو روز، سپاهیان روس را از شهر بیرون راند.

هلند، ۱۹ آوریل ۱۷۹٤
دولت‌های بریتانیا، پروس و هلند، در شهر هاگ (Hague) عهدنامه‌یی علیه فرانسه امضا کردند.

پاریس، ۲۲ آوریل ۱۷۹٤
شرتین مالرب (Chretien Malesherbes) وزیر پیشین لویی شانزدهم، به‌همراه توره لوشاپلیه (Thouret le Chapelier) و دووال دمپرنیل (Duval d' Epremesnil)، توسط اعضای مجلس ملی دستگیر و اعدام شدند.

لهستان، ۲۳ آوریل ۱۷۹٤
کوسیوزوکو (Kosciuszko) وارد شهر ویلنا (Vilna) شد. این شهر در دو روز قبل به‌دست ژاکوبن‌ها افتاده بود.

فرانسه، ۳۰ آوریل ۱۷۹٤
شهر لاندرسی (Landrecies) در شمال کشور فرانسه، تسلیم نیروهای اتریش شد.

اسپانیا، یکم مه ۱۷۹٤
نیروهای فرانسوی وارد شهر کاتالونیا (Catalonia) در اسپانیا شدند.

پاریس، هفتم مه ۱۷۹٤
بر اثر اصرار ماکسیمیلین روبسپیر، کنوانسیون اعلامیه‌یی صادر کرد مبنی بر این‌که: روح، مهم‌ترین عامل حیات انسانی است و وجود آن مورد تأیید و نامیرا می‌باشد.

پاریس، هشتم مه ۱۷۹٤
آنتوان لاووازیه (Antoine Lavoisier) شیمیدان مشهور فرانسوی و کاشف ترکیبات آب را به‌قتل رساندند.

پاریس، دهم مه ۱۷۹٤
الیزابت خواهر لویی شانزدهم را هم به‌هلاکت رساندند.

فرانسه، ۱۷ مه ۱۷۹٤
نیروهای ژنرال مورو (Moreau)، با تصرف تورکویینگ (Tourcoing)، راه ارتش فرانسه را برای تسخیر بلژیک گشودند.

اقیانوس هند، ۱۷ مه ۱۷۹٤
نیروهای نظامی بریتانیا، جزیره‌ی ماهه (Mahe) را برای امنیت مجمع‌الجزایر سیشل (Seychelles) از قوای فرانسه پس گرفتند.

جزیره‌ی کورس، ۲۲ مه ۱۷۹٤
پاسکال پائولی، به پشتیبانی انگلیس، منطقه‌ی باستیا (Bastia) را تصرف کرد.

پاریس، ۲٤ مه ۱۷۹٤
روبسپیر، یک دختر ۲۵ساله فرزند یک نوشت‌افزارفروش به‌نام سیسیل رنو (Cecile Renault) را از مرگ حتمی رهانید. این دختر در عرض دو روز دوبار تهدید به مرگ شده بود.

فرانسه، ۲۹ مارس ۱۷۹٤
دولت اتریش با ساکنان کوهپایه‌های مرزی قرارداد دوجانبه‌ی امنیتی در شهر والنسیان (Valenciennes) امضا کرد.

اسپانیا، ۳۱ مه ۱۷۹٤
مردم شهر کاتالونیا، با ایجاد حریق علیه اشغالگران فرانسوی، اقدام به شورش کردند.

پاریس، یکم ژوئن ۱۷۹٤
دانشگاه نظامی مارس (Mars) جهت آموزش فنون جنگی تأسیس شد.

پاریس، چهارم ژوئن ۱۷۹٤
روبسپیر با آرای هم‌فکرانش به ریاست کنوانسیون انتخاب شد.

هند غربی، چهارم ژوئن ۱۷۹٤
لشکریان بریتانیایی، پورت‌اوپرنس (Port au prince) پایتخت اداری سانتودومینگو را پس از پنج‌روز محاصره، تسخیر کردند.

شورش مختصری که بر ضد نایب‌السلطنه‌ی ستمگر و ظالم اسپانیایی به رهبری توپاک آمارو (Topae Amaru) دوم از قبیله‌ی اینکا (Inca) برپا شده، با اعدام وی و خانواده‌اش در میدان اصلی شهر پایان پذیرفت. همسر و پسران او را پس از اعمال شکنجه‌های جانفرسا به هلاکت رساندند. زبان توپاک را قطع کردند، چهار دست و پای او را به چهار رأس اسب بسته و از چهار سو او را کشیدند و سپس سر او را قطع کردند و قسمت‌هایی از بدن وی را برای عبرت دیگران به سراسر کشور برده و در معرض تماشای مردم قرار دادند. جرم توپاک این بود که برعلیه دولت اسپانیا قیام کرده و برای پشتیبانی سرخ‌پوستان اقداماتی انجام داده بود.

سال گذشته وی سوار بر اسبی سفید شده و رهبری شورشیان را برعهده داشت. به دستور فرماندار این مستعمره، هزاران نفر از شورشیان را هم قتل‌عام کردند. او اعلام کرده بود که سیستم برده‌داری را لغو خواهد کرد و با پشتیبانی کارگران بر ضد قانون مالیات قیام خواهد کرد. به مجردی که دولت اسپانیا تمام وابستگان او را از بین برد، پسرعموی توپاک به‌نام دیه‌گو (Diego)، رهبری شورشیان جدید را در دست گرفت.

شهر وین (Vienna) به صحنه‌ی موسیقی اروپا مبدل شد. (وین، ۱۷۸۴):

در سال‌های اخیر، شهر وین به پایتخت موسیقی اروپا تبدیل شده است. یکی از مردان بزرگ در این زمینه، کریستوف ویلی‌بالد گلوک (Christoph Willibald Gluck) هفتاد ساله است که به‌خاطر نوشتن اوپرا در تمام اروپا شهرت دارد. اپرای مشهور اورفه (Orpheus) و اوریدیس (Eurydice) را وی در سال ۱۷۶۲ نوشت. گلوک در بوهم زاده شد و در جوانی چندین آهنگ تنظیم کرد که تعدادی از آن‌ها درام‌های بسیار مناسب بود.

گلوک در حال حاضر به سن بازنشستگی رسیده و معلوم نیست که به ساختن آهنگ ادامه خواهد داد یا خیر.

یکی دیگر از بزرگ‌ترین و فعال‌ترین آهنگ‌سازان اتریشی، فرانتس ژوزف هایدن (Franz Joseph Haydn) است که ۵۲ سال دارد و اکنون سمت رهبری ارکستر پرنس استرهازی (Prince Esterhazy) را برعهده دارد. هایدن با ساختن چندین سمفونی و کوآرتت و تنظیم آهنگ‌ها، خیلی به‌سرعت به شهرت رسید. شهرت آهنگ‌های او به زودی به فرانسه و اسپانیا هم رسید. یکی از دوستان خوب و صمیمی هایدن، ولفگانگ آمادئوس موزارت ۳۴ ساله است که در مقام مقایسه با او در رتبه‌ی پایین‌تری قرار دارد. شهرت و معروفیت موزارت به‌خاطر نواختن پیانو می‌باشد.

فرمانروای اتریش به تمام مذاهب آزادی مذهبی اعطا کرد. (وین، ۱۷۸۴):

از زمانی‌که در امپراتوری مقدس رم بخشی از آزادی‌های مذهبی رواج پیدا کرد، امپراتور ژوزف دوم، پادشاه اتریش، به‌طور وسیعی به تمام مذاهب اجازه داد که مراسم و آیین‌های مذهبی برحسب دستورات دینی خودشان انجام دهند. برطبق آخرین فرمان صادرشده، تحمل ادیان دیگر در اتریش پذیرفته شد و اجازه‌ی تأسیس کلیسا برای پروتستان‌ها و ارتودوکس‌های شرقی هم صادر گردید. عروسی و طلاق و فرقه‌ی فراماسونری هم به رسمیت شناخته شد. موانعی هم که برای ورود یهودیان به دانشگاه وجود داشت، مرتفع شد.

کلیساهای مربوط به کاتولیک مورد تأیید دولت واقع شد، لیکن این کلیساها باید تحت نظر دولت باشند و اسقف‌ها هم باید سوگند یاد کنند که نسبت به امپراتور و دولت وفادار باشند. هم‌چنین باید مسؤولیت خود را راجع به قوانین مذهبی بپذیرند و حدود ناحیه‌ی اسقفی و مرزهای آن را مشخص کنند. جشن‌ها، مراسم و آداب و عطایای دریافتی را هم به آگاهی دولت برسانند.

کشیش‌ها و روحانیون کلیسا نمی‌توانند که فرمان‌های پاپ را بدون آگاهی و رضایت امپراتور منتشر کنند، صومعه‌ها اجازه ندارند اطفال و بیماران را در در کلیسا اسکان دهند و زائران نمی‌توانند به‌طور گروهی برای زیارت حرکت کنند.

امپراتور ژوزف در چهار سال پیش که پس از مرگ مادرش به سلطنت رسید، اکنون دیگر مدعی سلطنت ندارد و تنها فرمانروای کشور اتریش است و بدین سبب اقدام به اصلاحات کرده و سیاست نوینی در پیش گرفته است.

پیمان جدید، بریتانیا را از فرمانفرمایی بر دریاها معاف نمود. (لندن، ۲۰ مه ۱۷۸۴):

با وجود پیروزی انگلیس در نبرد دریایی سنت (Saints) در دو سال پیش بر فرانسه، چون ایالات متحده از قید آن دولت رهایی یافته بود، قدرت و اقتدار او بر دریاها کاهش یافت و حالیه انگلیس نمی‌تواند مدعی سلطه بر دریاها باشد، و این موضوع می‌رساند که آن دولت منافع خود را از دست داده و مسلط بر آب‌های اقیانوس‌ها نیست.

زمانی دولت هلند به مخالفت خود بر انگلیس اشاره نمود و مدعی شد که در جنگ بی‌طرف خواهد ماند، با این وصف نیروهای دریایی انگلیس، ناوگان تجاری آن کشور ا توقیف نمود. برطبق پیمانی که امروز بین دو کشور هلند و انگلیس امضا شد، دولت انگلیس منطقه‌ی ناگاپاتام (Nagapatam) نزدیک مدرس (Madras) را ضمیمه‌ی قلمرو خود کرد و به دولت هلند فشار آورد که دریانوردی در هند شرقی را آزاد اعلام کند. این امر به دولت انگلیس اجازه می‌دهد که ارتباط خود را با هندوستان و بندر کانتون در چین حفظ نماید و بدین‌وسیله ارتباط تجاری با آن کشور مجدداً احیا شد و منافع او در آسیا تأمین گردید. مع‌هذا بریتانیا مثل سابق چشم طمع به پایگاه هلند در جزیره‌ی سیلان (Ceylon) دوخته است.

مسمر برای بیماران خود از نیروی مغناطیسی استفاده می‌کند. (پاریس، ۱۷۸۴):

هند غربی، هفتم ژوئن ۱۷۹۴
پس از اعلام لغو سیستم برده‌داری، ویکتور هوگ (Victor Hugues) نماینده‌ی کنوانسیون فرانسه، جزیره‌ی گوادولوپ را که اوایل امسال توسط نیروهای انگلیسی اشغال شده بود از آنان پس گرفت.
پاریس، هشتم ژوئن ۱۷۹۴
روبسپیر (Robespierre) جشنی به‌مناسبت احراز شغل فرماندهی نیروهای مسلح کشور برپا کرد.
پاریس، دهم ژوئن ۱۷۹۴
طبق قانونی که از مجلس ملی گذشت، برای تحکیم قدرت، وضعیت اضطراری یا حکومت ترور تثبیت شد. این امر برای جلوگیری از وقایع احتمالی آینده انجام شد و گواهان در دادگاه‌های فرانسه شهادت می‌دهند که ممکن است در آینده خطراتی در کشور به‌وجود آید و وضعیت اضطراری ضامن این جریان خواهد بود. رؤسای دادگاه‌ها هم می‌توانند برای متهمان حکم برائت و یا اعدام صادر کنند و زندانی‌شدن در این شرایط پذیرفته نیست.
لهستان، ۱۵ ژوئن ۱۷۹۴
نیروهای پروس، قوای فرانسوی مستقر در شهر ورشو را مغلوب کردند، به‌طوری‌که آن‌ها مجبور به ترک شهر شدند.
هلند، ۲۶ ژوئن ۱۷۹۴
نیروهای فرانسوی به فرماندهی ژنرال ژان ژوردن (Jean Jourdan)، پس از تصرف شهر شارل‌روا (Charleroi)، قشون اتریش تحت فرمان فردریک پادشاه ساکس‌کوبورگ (Saxe-Coburg) را در فلوروس (Fleurus) شکست دادند و آنان را به‌عقب‌نشینی واداشتند.
هلند، یکم ژوئیه ۱۷۹۴
سپاهیان فرانسوی لشکریان اتریش را از شهر اوستند (Ostend) بیرون راندند.
بروکسل، هشتم ژوئیه ۱۷۹۴
سپاهیان فرانسوی شهر بروکسل را متصرف شدند.
فرانسه، ۱۵ ژوئیه ۱۷۹۴
لاندرسی (Landrecies)، یکی از آخرین استحکامات نیروهای فرانسوی که در دست دشمن بود، آزاد شد.
پاریس، ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴
به‌دستور کنوانسیون، روبسپیر و طرفدارانش دستگیر شدند. کمون پاریس اعلام کرد که آنان انقلاب را وارونه جلوه داده بودند.
بریتانیا، ۱۷۹۴
هستر بیت‌من (Hester Bateman) نقره‌ساز و عیارسنج فلزات گران‌بها، جان سپرد. وی پس از مرگ شوهرش دچار تکان شدیدی شد و در سال ۱۷۶۰ شغل او را دنبال کرد و به یکی از عیارسنج‌های مشهور فلزات طلا و نقره مبدل شد و چون اقدام به ساخت فنجان‌های قهوه‌خوری، قاشق چایخوری و سایر وسایل روی میز کرد، کار وی بسیار پررونق شد و عایدی خوبی از این کار داشت.
بریتانیا، ۱۷۹۴
خانم آن رادکلیف (Ann Radcliffe) داستان‌سرای انگلیسی، رمانی به‌نام «آدولفوی (Udolffo) مرموز» نوشت، این داستان عبارت از حکایت رعب‌آور نجیب‌زاده‌یی است که خواننده را دچار بهت و حیرت می‌سازد و لرزه بر اندام وی می‌افکند.
پاریس، ۲۸ ژوئیه ۱۷۹۴
روبسپیر و ۲۱ نفر از طرفدارانش، توسط گیوتین اعدام شدند.
پاریس، دوم اوت ۱۷۹۴
داوید (David) نقاش فرانسوی که زمانی یکی از طرفداران شیفته‌ی روبسپیر بود، دستگیر شد.
پاریس، دوم اوت ۱۷۹۴
جیمز مونروئه (James Monroe)، یکی از دوستداران فرانسه و پارتیزان‌های انقلابی، به‌سمت سفیر امریکا در پاریس منصوب شد.
فرانسه، ۲۰ اوت ۱۷۹۴
ژنرال بوناپارت که مشکوک به هواداری از روبسپیر می‌نمود و در تاریخ نهم اوت به همین علت دستگیر شده بود، به درخواست سرفرماندهی نیروهای فرانسوی در ناحیه‌ی آلپ (Alps) و شمال ایتالیا، آزاد شد و به‌عنوان یکی از افسران ارتش فرانسه در شمال ایتالیا برای تجهیز مجدد نیروهای فرانسوی درآمد.

روشی که دکتر فرانتس مسمر (Franz Mesmer) آلمانی برای بیماران توصیه می‌کند و آن را برای اجتماع ترجیح می‌دهد، از سوی کمیته‌ی آکادمی علوم فرانسه محکوم شد.

طرز کار مسمر به این ترتیب است که لوله‌ی مغناطیسی را که منتهی به میله‌یی است در مایعی قرار می‌دهد، آن‌گاه دکتر در حالی‌که لباس ابریشمی بنفش پوشیده، میله‌ی فلزی را به تکه آهنی می‌چسباند و از آن امواجی متصاعد می‌شود. این اعمال به‌هیچ‌وجه مورد تأیید کمیته نیست و حتی بنیامین فرانکلین، سفیر امریکا در پاریس که خودش یک دانشمند الکتریسیته می‌باشد، آن را از نظر علمی بی‌معنی می‌داند. عده‌یی از اعضای کمیته می‌گویند که این کار استفاده از نیروی الکتریسیته‌ی موجود در بدن حیوانات است و تأثیر چندانی بر انسان ندارد و کار صحیحی نیست.

آنان می‌گویند که تشنجات ایجادشده در بیمار، حاصل نیروی مغناطیسی می‌باشد. حتی گفته می‌شود مسمر این تجربیات را در مورد یکی از دوستان موزارت در شهر وین به‌کار برد که منجر به نابینایی وی شد و مسمر مجبور شد که در سال ۱۷۷۸ وین را ترک کند، در حالی‌که عده‌یی عقیده دارند که این شایعات را رقیبان وی پخش کرده‌اند.

در حالی‌که کمیته‌ی آکادمی این اعمال را مردود می‌شمارد، امّا بسیاری از بیماران سابق مسمر اظهار می‌دارند که به‌کارگیری لوله‌ی مغناطیسی وضع آن‌ها را بهبود بخشیده است.

مشکلات مالی، عده‌یی را وادار کرد که از روش گل رس در ذوب فلز استفاده کنند. (بریتانیا، ۱۷۸۴):

هنری کورت (Henry Cort)، مخترع و کارخانه‌دار انگلیسی، برای ذوب فلزات طریقه‌یی ابداع کرده که به آن قالب گِلی (خاک رس) گفته می‌شود و این روش انقلابی در ذوب آهن به‌وجود آورده و ارزش آن را به‌زودی آشکار ساخت.

کورت برای انجام این کار نمی‌توانست آن را پنهان کند، و اکنون تمام صنایع آهن‌کاری از روش کورت استفاده می‌کنند. کورت نتوانست به‌طور کامل در کارخانه‌ی خود این طریقه را به‌کار گیرد.

طریقه‌ی آهن‌ریزی که سال‌های متمادی به‌کار می‌رفت و از قالب‌های آهنین استفاده می‌شد، تدریجاً در حال از بین رفتن بود، زیرا آهن تولیدی چندان دوام نداشت، لذا کورت این طریقه را تغییر داد و آهن تولیدی وی از دوام بیش‌تری برخوردار شد.

در این روش که با استفاده از کوره‌ی آهن‌ریزی انجام می‌شود، زغال بر روی آهن ذوب‌شده پخش می‌شود و موجب خلوص فلز می‌شود. پس از آن اهن ذوب‌شده را در قالب می‌ریزند.

روش ذوب آهن کورت دارای سه مزیت است، اول این‌که کورت به‌جای زغال چوب، از زغال سنگ استفاده می‌کند. دوم این‌که او توانسته از کوره‌های ذوب فلز انگلیسی بهره‌برداری کند که بر روش سوئدی‌ها ارجحیت دارد و آهن خالص‌تری تولید می‌کند. مزیت سوم این روش آن است که با استفاده از خاک رس که قالب‌ها را در آن قرار می‌دهند، فلز تولیدشده را می‌توان با چکش به صورت‌های مختلف درآورد.

کودکان فقیر را یک‌شنبه‌ها به مدرسه می‌فرستند. (گلوسستر، ۱۷۸۴):

در دو سال پیش، رابرت رایکز (Robert Raikes)، مؤسس و مدیر روزنامه‌ی گلوسستر (Gloucester)، چهار نفر از خانم‌ها را برای تدریس در روزهای یک‌شنبه استخدام کرد تا به ۹۰ نفر از کودکان تعلیم دهند. اکنون با این طریقه، توانسته‌اند ۲۵۰ هزار نفر را در سراسر کشور آموزش دهند.

در واقع رایکز این روش را اختراع نکرد، بلکه در روزنامه‌اش آن را برای افراد خیر و نیک‌خواه تبلیغ کرد و این سیاست مورد قبول اکثر افراد نیکوکار واقع شد.

در حالی‌که افراد بی سواد بر اثر ناچاری محکوم به کار در کارخانه‌ها هستند، گروه انگلیکان‌ها (Anglican) و طرفداران اصلاحات تصمیم گرفتند روز یک‌شنبه را که روز تعطیل می‌باشد، برای تحصیل این‌گونه افراد در نظر بگیرند، تا آن‌ها خواندن و نوشتن را بیاموزند. استفاده از روز یک‌شنبه برای آموزش، در حقیقت یک امر اصلاحی در اجتماع به‌شمار می‌رود.

متدیست‌ها (Methodists) هم مشتاقانه از این روش استقبال کردند. جان وسلی (John Wesley) از ثروتمندان اغلب کشورهای اروپایی که هواخواه فرقه‌ی متودیست هستند، دعوت کرد که با تأسیس انجمن‌ها این روش را توسعه بخشند. خانم سارا تریمر (Sarah Trimmer) با تأسیس یک مدرسه‌ی عالی آموزشی در ناحیه‌ی برنت فورد (Brentford)، در نزدیکی شمال لندن، از خانم‌ها خواست که برای یادگیری روش تدریس و استفاده از تجربیات آموزشی، در این مدرسه نام‌نویسی کنند تا برای تدریس به کودکان آماده شوند.

خانم تریمر خودش کتاب‌هایی برای تدریس در این‌گونه مدارس تألیف کرده که یکی از آن‌ها موسوم به سرگذشت و تاریخ رابین (Robins) است که فروش فوق‌العاده‌یی هم داشته است.

بالون‌ها با استفاده از هوای داغ سراسر اروپا را درمی‌نوردند. (لندن، ۱۵ سپتامبر ۱۷۸۴):

بالون‌ها چند صد متر بالاتر از سطح زمین در حال گردش هستند و موجب تحسین شاهزاده ویلز و ۱۵۰ هزار تماشاچی شده است. وین سنت لئوناردی (Vincent Lunardi)، منشی، سفیر ناپل در بریتانیا، اولین فردی است که بالونی با استفاده از هوای گرم را بالا برد و در هوا به گردش درآورد.

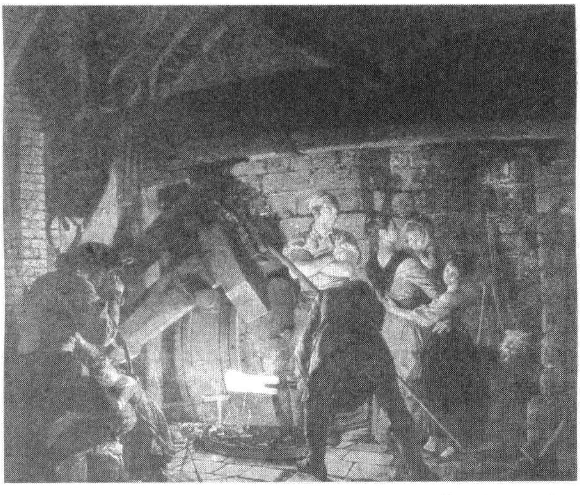
در سال قبل، لئوناردی یک سگ و یک گربه را در زنبیلی قرار داد و با بالون هوای گرم به فضا فرستاد. او با شور و شوقی که داشت، توانست این بالون را هدایت کند و تمام اروپا را به پیماید. نخستین افراد بالونیست، برادران اتی‌ین (Etienne) و ژوزف مون گلفیه (Joseph Montgolfier) بودند که در سال گذشته با استفاده از پارچه‌ی کرباس که تمام سطح آن را با کاغذ



سالن انتظار و بیماران دکتر فرانس مسمر Franz Mesmer که روانکاوی را به جای تجویز دارو مورد بهره برداری قرار می دهد.



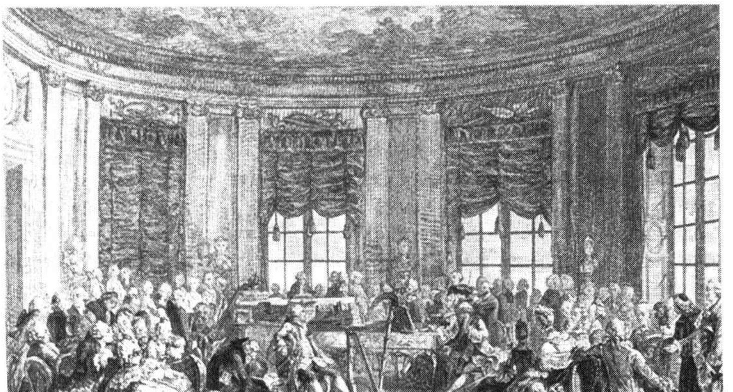
کاریکاتوری از دکتر مسمر که با جادوگری و سحر و افسون و استفاده از نیروی مغناطیس بیماران مورد مداوا قرار می دهد.



کوره ی ذوب آهن در برودلندز Broadlands همپشایر Hampshire، اثر جوزف رایت Joseph Wright از اهالی دربای Derby.



یوزف هایدن Joseph Haydn آهنگساز اتریشی، اثر کریستیان لودویگ سی هاس Christian Ludwing Seehas.



تالار موسیقی اغلب اوقات به طور خصوصی برنامه اجرا می کند. نقاشی سده ی ۱۸.

و چسب پوشانده بودند و با بهره‌گیری از ماده‌ی اشتعال‌زا مثل کاه، در منطقه‌ی آنونی (Annonay) بالون خود را به فضا فرستادند. این بالون اولیه توانست تا ارتفاع ۹۵۰ متری صعود کرده و مدت ده دقیقه در هوا بماند.

سه ماه پس از آن، برادران مون گولفیه، یک خروس و یک مرغابی و یک گوسفند را در زنبیل قرار داده و در حضور لویی شانزدهم و کارکنان قصر ورسای در منطقه‌ی مارسیال (Martial) به فضا فرستادند. این بالون که وزن آن بیش‌تر از وزن خود آن‌ها بود، در ارتفاع ۴۸۰ متری به اندازه‌ی یک مایل آن طرف‌تر به زمین نشست، در حالی‌که سر خروس کنده شده بود، امّا گوسفند زنده ماند و این گوسفند را به باغ حیوانات ماری آنتوانت (Marie Antoinette) بردند.

پیشرفت ماشین بخار و استفاده از آن در صنایع. (بریتانیا، ۱۷۸۶):

در مدت ده سالی که از اختراع مهم ماشین بخار توسط جیمز وات (James Watt) می‌گذرد، او توانسته است که از این تکنولوژی در بسیاری از موارد صنعتی استفاده کند. نیروی بخار، انقلابی در صنعت به‌وجود آورده است. استفاده از نیروی بخار، بشر را قادر می سازد که از فن جدیدی و قابل اطمینانی بهره‌مند شود که نیاز به نیروی عضلانی و نیروی باد نداشته باشد.

موتور بخار می‌تواند آب را با فشار پمپاژ کند. این بدان معنی است که با استفاده از این موتور در اعماق معادن زغال‌سنگ، کارگران می‌توانند زغال را استخراج کرده و آن را به سطح زمین برسانند و خود منبعی است برای ثروت که هم تولید را بالا می‌برد و هم از نیروی کارگر کم‌تر استفاده می‌شود و کارگران راحت‌تر خواهند شد.

به هر حال، نیروی بخار از منابع زغال‌سنگ بهره‌برداری زیادتری می‌کند و این زغال هم به سهولت به سطح زمین می‌رسد.

موتورهای بخار هم‌چنین برای کوره‌های ذوب آهن مورد استفاده است و این کوره‌ها به‌جای زغال چوب که خیلی گران است از زغال کک که زغال سنگ نیم‌سوخته است استفاده خواهند کرد. این کار به کوره‌ها اجازه خواهد داد که در تمام فصول سال کار کرده و محصولات خود را روانه‌ی بازار کنند.

این موتورها برای صنایع دیگر هم قابل بهره‌برداری است. این موتورها می‌توانند برای ریسندگی و بافندگی هم استعمال شود. موارد دیگر مصرف این موتورها عبارتند از آسیاب‌های تولید کاغذ، آبجوسازی و آسیاب‌های تولید آرد.

بدین‌ترتیب می‌توان پیش‌بینی کرد که در تمام صنایع کاربرد این موتورهای بخاری گسترش خواهد یافت. از دیگر موارد استفاده‌ی آن، برای دهات و روستاها برای حمل مقدار معتنابهی بار و غلات و مواد خوراکی که در سابق حمل آن مشکل بود، است.

چه موضوعی سبب شد که در انگلیس تغییرات اساسی رخ دهد و استفاده از چوب‌های جنگلی و آب و آهن کم‌تر شود، زیرا این‌گونه موتورها تحولی در صنعت به‌وجود آورد که جنگل‌ها کمتر مورد تخریب قرار گیرد.

مدت‌های مدیدی است که از نیروی عضلات اسب و توان آن برای آسیاب‌کردن استفاده می‌شد و نیز آسیاب‌های بادی و ابی این کار را انجام می‌دادند، لیکن نیازها رو به افزایش بود. آسیاب‌های بادی قدرتی معادل پنج تا حداکثرده اسب داشت و بزرگ‌ترین آسیاب بادی که تاکنون ثبت شده، نیرویی برابر ۳۰ اسب داشته است، در حالی‌که اکنون کوچک‌ترین موتورها، نیرویی معادل ۳۰۰ اسب را داراست.

در حالی‌که معجزه‌ی بولتون و وات بود که توانست موتورهایی در حدود ۵۰۰ اسب به‌وجود آورد، به‌نظر می‌رسد که در این موارد هیچ نشانه‌یی از کمبودها وجود ندارد.

ماری آنتوانت، قربانی یک گردن‌بند (پاریس، ۱۷۸۵)

ایالات متحده، ۲۰ اوت ۱۷۹٤
ژنرال انقلابی مد آنتونی واین (Mad Anthony Wayne)، لشکریان سرخ‌پوست‌ها را در نبرد ناحیه‌ی فالن‌تیمبرز (Fallen Timbers) در منطقه‌ی شمال‌غرب مغلوب کرد و بدین‌ترتیب مقاومت آن‌ها در این نواحی درهم شکست.
جزیره‌ی کورس، ۲۱ اوت ۱۷۹٤
با بمباران توپخانه‌ی کاپیتان نلسون (Nelson) از ساحل جزیره‌ی کورس که سپاهیان فرانسه را فلج کرده بود و نیروهای پاسکال پائولی (Pascale Paoli)، میهن‌پرست بومی، سرانجام این جزیره به‌دست نیروهای انگلیسی و میهن‌پرستان سقوط کرد و لشکریان فرانسوی آن‌جا را ترک کردند.
روسیه، ۲۸ سپتامبر ۱۷۹٤
پیمان همکاری بین دولت‌های انگلیس، روس و اتریش در سنت‌پترزبورگ (St Petersburg)، برضد فرانسه به‌امضا رسید.
لهستان، دهم اکتبر ۱۷۹٤
ژنرال آلکساندر واسیلوویچ سووروف (Alexander Vasilyevich Suvorov) افسر فرمانده روسی، ارتش انقلابی لهستان را در ماسی‌ژویس (Maciejowice) درهم شکست و کوشیوچسکو (Kosciuszko) رهبر لهستانی آن که زخمی شده بود، زندانی شد.
لندن، ۱۷ اکتبر ۱۷۹٤
ویلیام پیت (William Pitt) نخست‌وزیر انگلیس، بودجه‌ی دفاعی لشکریان آلمانی را قطع کرد، زیرا پروس را مسؤول شکست‌های پی‌درپی نیروهای ضد فرانسه در آلمان می‌دانست.
آلمان، ۲۳ اکتبر ۱۷۹٤
ژنرال ژوردن (Jourdan) فرانسوی، شهر کوبلنز (Koblenz) را اشغال کرد.
هلند، ۲۵ اکتبر ۱۷۹٤
نیروهای نظامی پروس، به پیروی از پیمان هاگ که بین پروس، انگلیس و هلند امضا شده بود، سپاهیان خود را از هلند فراخواند.
پاریس، سوم نوامبر ۱۷۹٤
با میانجیگری جیمز مونروئه سفیر امریکا در پاریس، توماس پاین (Thomas Paine) نویسنده‌ی انقلابی که زمانی به‌عضویت کنوانسیون انتخاب شده بود، از زندان آزاد شد. وی در اوایل امسال به جرم دفاع از حزب روبسپیر زندانی شده بود.
لهستان، چهارم نوامبر ۱۷۹٤
بیش‌تر افراد ارتش انقلابی لهستان توسط روس‌ها در پراگ (Praga) به جوخه‌ی مرگ سپرده شدند.
لندن، ششم نوامبر ۱۷۹٤
توماس هاردی (Thomas Hardy) رهبر افراطی انجمن ارتباطات که به جرم خیانت در اواخر این ماه محاکمه شده بود، تبرئه شد.
لهستان، نهم نوامبر ۱۷۹٤
سربازان روسی، پس از درهم‌شکستن نیروهای انقلابی لهستان به‌رهبری کوشیوچسکو، وارد شهر ورشو شدند.
بریتانیا، ۱۱ نوامبر ۱۷۹٤
به‌علت ترس و بیمی که در جامعه‌ی انگلیس حکم‌فرما شده بود و مردم از فعالیت‌های هواداران ژاکوبن‌ها آزادی خود را در مخاطره می‌دیدند، دولت قانون قدیمی «هابیس کورپوس (Habeas Corpus)» را بار دیگر به مردم اعلام کرد، که طبق آن هیچ‌کس حق ندارد فردی را بدون محاکمه در دادگاه و اعلام رأی آن بازداشت کند.
فیلادلفیا، نوامبر ۱۷۹٤
شورش‌هایی که به‌علت قانون مالیات بر ویسکی برپا شده بود، پایان یافت. این غائله در ماه ژوئن توسط کشاورزان غرب پنسیلوانیا و سراسر نواحی آپالاچی (Appalachi) علیه اضافه‌پرداخت مالیات ویسکی آغاز شد. کشاورزان این نواحی از این‌که شخص پرزیدنت واشنگتن با نیروی ۱۲۵۰۰ نفری جهت اجرای این حکم بسیج شده بود، ناراضی بودند.
پاریس، ۲٦ دسامبر ۱۷۹٤
داوید نقاش فرانسوی، به‌وسیله‌ی شورای نظارت مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد. وی به‌اتهام همکاری با روبسپیر زندانی شده بود.
هلند، ۲۷ دسامبر ۱۷۹٤
در پی نقض پیمان هاگ، نیروهای فرانسه به هلند هجوم بردند.
فرانسه، ۳۱ دسامبر ۱۷۹٤
دولت فرانسه با اتریش قرارداد متارکه‌ی جنگ امضا کرد.

ماری آنتوانت (Marie Antoinette) ملکه‌ی فرانسه، به گردن‌بندی که با ۶۴۷ الماس زینت یافته و خیلی غیرمعمولی است، بسیار علاقه دارد و این در حقیقت وضع او را دچار آشفتگی نموده، زیرا او در کاخی زندگی می‌کند که خرج آن بر دوش مردم است و این سهم افراد فقیر است که با وام زندگی می‌کنند و حاصل آن در راه بیهوده صرف می‌شود و این جریان موقعیت ملکه و شوهر وی لویی شانزدهم پادشاه فرانسه را مورد مخاطره قرار داده و به عدم ثبات وضع آن‌ها کمک کرده است. گفته می‌شود که کاردینال روهان (Cardinal Rohan) این گردن‌بند گران‌بها را به ملکه هدیه کرده و این جریان سبب رسوایی‌هایی در دربار فرانسه گشته، با این وجود، کاردینال در دادگاه از تمام موارد اتهامی تبرئه شده، از سویی شایعات حاکی است که بین ملکه و کاردینال روابط جنسی وجود دارد، ولی این حرف‌ها از سوی دشمنان پراکنده شده و غیرقابل باور است. با این وصف، شرح این ماجراها افتضاحی برای دربار ایجاد کرده و دربار فرانسه را بی‌حیثیت ساخته و جنبه‌ی مردمی آن را به‌کلی از بین برده است.

شیمیدان فرانسوی از آب، گاز خشک تولید می‌کند (فرانسه، ۱۷۸۵)

آنتوان لورن لاووازیه (Antoine Laurent Lavoisier) شیمیدان فرانسوی از ترکیب دو گاز توانست آب تولید کند. وی با سوزاندن این دو گاز به انجام این امر توفیق یافت. او توانست از تجزیه‌ی مقداری آب، به همان اندازه و همان وزن گاز تولید کند. او اعلام کرد که آن‌طور که تصور می‌شد، آب جسم ساده‌یی نیست، بلکه از دو گاز به‌نام‌های اکسیژن و هیدروژن ترکیب شده است. لاووازیه به تصدیق اغلب دانشمندان بزرگ‌ترین دانشمند شیمی معاصر است. او در سال ۱۷۴۳ در یک خانواده‌ی اشرافی به‌دنیا آمد و توانست ثروت خود را در یک شرکت دولتی که کار جمع‌آوری مالیات را به‌عهده دارد، به کار اندازد و از این راه آن را حفظ کند. او این ثروت را صرف ایجاد یک

آزمایشگاه نموده که به سود تمام مردم است و در این راه گام می‌نهد. لاووازیه مانند اکثر دانشمندان فرضیه‌های زیادی دارد و کشف اخیر او و تجربیات شخصی وی، بسیاری از فرضیه‌های او را به‌ویژه در مورد گازهای قابل اشتعال باطل کرده است.

اخترشناسی که از قبل وجود ستارگان سیاه و تاریک را در فضا پیش‌بینی کرده بود (انگلیس، ۱۷۸۴)

یک ستاره‌شناس انگلیسی طبق محاسباتی که انجام داده، پیش‌بینی نموده که ستارگانی در فضا وجود دارند که در عین حالی که وزن مخصوص آن‌ها برابر خورشید است، شعاع آن‌ها ۵۰۰ بار بزرگ‌تر از این سیاره می‌باشد. این ستارگان نیروی جاذبه و نور خود را از دست داده و تاریک می‌باشند و در فضا سرگردان‌اند و هم‌چنین خارج از منظومه‌ها جای دارند و سرنوشت آن‌ها مبهم است. طبق فرضیه‌ی جان مایکل (John Michell) منجم انگلیسی، سرعت سیر این ستارگان که تحت تأثیر نیروهای جاذبه‌ی بی‌شماری در فضا هستند، به‌تدریج کم می‌شود، به‌طوری‌که دیگر نمی‌توانند به سیر خود در فضا ادامه دهند.

یک شکارچی سویسی قله‌ی کوه مون‌بلان (*Mont Blanc*) را فتح کرد (شامونیکس (*Chamonix*)، فرانسه، ۱۷۸۶)

یک شکارچی و یک دکتر سویسی توانستند برای نخستین‌بار قله‌ی مون‌بالان در ارتفاع ۱۵۷۸۲ پایی که بلندترین کوهستان آلپ و مرتفع‌ترین بلندی اروپا می‌باشد را فتح کنند. مدت‌های مدیدی فکر می‌کردند که کوهستان آلپ برای مردم عادی جای مناسبی نیست و کسانی‌که به قله صعود کنند، کور خواهند شد و این‌جا تنها محل گذر می‌باشد. در سال‌های اخیر دوستداران طبیعت هم‌چون روسو (Rousseau) و عده‌ی دیگری مانند دو ساسور (de Saussure) اهل ژنو با صعود به این کوهستان، عقیده‌ی عمومی را تغییر دادند. دو ساسور برای کسانی‌که به قله‌ی مون‌بلان صعود کنند، جوایزی تعیین کرد و سرانجام اولین نفر به این قله رسید. بالاخره ژاک بالمار (Jacques Balmart) و میشل گابریل پاکار (Michel-Gabriel Paccard) با کمک یک‌دیگر به این قله صعود کرده و شاهکاری به‌وجود آوردند.

زارعان خرده‌مالک علیه قوانین سخت وامداران قیام کردند (ماساچوست، ۲۵ ژانویه ۱۷۸۷)

پس از ماه‌ها نارضایتی، زارعان خرده‌مالک امروز در اسپرینگ‌فیلد (Springfield) و در مقابل دادگاه فدرال و انبار سلاح‌های جنگی اجتماع کرده و نسبت به قوانین سختی که دولت نسبت به بدهکاران وضع نموده، اعتراض کردند. این گروه‌ها پس از مدت‌ها خون‌شان به جوش آمد و با مأموران دولتی درگیر شدند. این کشاورزان که با شلیک مأموران روبه‌رو شدند، اغلب با وجود برف فراوان اقدام به فرار کرده و برای مصون‌ماندن از گلوله‌های آتشین پراکنده شدند. رهبر گروه مقاومت دانیل شیز (Daniel Shays) به ورمونت (Vermont) گریخت و ستوان فرمانده مردان جنگی به اتهام توطئه کشته شد.

علت شورش زارعان قانون جدیدی بود که علیه بدهکاران وضع شده بود. کشاورزان می‌گویند که محصول تولیدی آن‌ها خریدار ندارد و نمی‌توانند مالیات سنگین وضع‌شده را بپردازند، در نتیجه جهت اعتراض در نزدیکی منطقه‌ی استنداستیل (Standstill) شورش کردند تا اعتراض خود را به گوش مسؤولان برسانند. مأموران هم تعدادی از آن‌ها را به‌علت نپرداختن بدهی از املاک‌شان بیرون رانده و عده‌یی را هم زندانی کردند. آن‌ها اظهار می‌دارند که بایستی قانون جدیدی وضع کنند و بدهی‌های آنان را به بخشند و اموال و کالاهای آن‌ها را که در عوض بدهی ضبط کرده‌اند، به صاحبان‌شان مسترد دارند.

دولت عثمانی در مصر نیروی نظامی پیاده کرد (اسکندریه، مصر، ۱۷۸۶)

نیروهای دولت عثمانی برای مبارزه با دولت

پاریس، ۱۷۹۴
کلر لاکومب (Claire Lacombe) مشهور به «رز قرمز (Red Rose)»، هنگام فرار ازپاریس دستگیر شد.
آلمان، ۱۷۹۵
ژان پل ریشتر (Jean Paul Richter) نویسنده‌ی آلمانی که ترجیح می‌داد او را با اسم اولش صدا کنند، داستانی به‌نام «هسپروس (Hesperus) مدت چهل‌وپنج روز در جایگاه سفلگان» را به‌نگارش درآورد (در افسانه‌های یونانی، دختر هسپروس یکی از خدایان یونانی، در جزیره‌ی خوشبختی با کمک یک اژدها از سیب طلایی حفاظت می‌کرد).
بریتانیا، ۱۷۹۵
ویلیام بلیک (William Blake) نویسنده‌ی انگلیسی، پس از به‌پایان‌بردن کتاب موسوم به «ازدواج بهشت و جهنم»، کتاب دیگری به‌نام لوس (Los) یا گمگشتگی را به‌رشته تحریر درآورد.
نیجریه، ۱۷۹۵
سلطان آگواراجی (Agwaragi) پادشاه کاتزینا (Katsina)، باوایان گوارزو (Bawa Jan Gwarzo) پادشاه گوبیر (Gobir) را در نزدیکی کیاوا (Kiawa) مغلوب کرده و او را به‌قتل رسانید.
آلمان، ۱۷۹۵
فریدریش شیلر (Friedrich Schiller) نویسنده‌ی آلمانی و استاد افتخاری دانشگاه ژن (Jena)، کتابی به‌نام «نامه‌هایی در ارتباط با زیبایی و یادگیری و آموزش نسل انسان» را به‌نگارش درآورد.
بریتانیا، سوم ژانویه ۱۷۹۵
شوان‌ها (Chouans) (سلطنت‌طلبان) و جمهوری‌خواهان، با قرارداد آتش‌بس موافقت کردند.
روسیه، سوم ژانویه ۱۷۹۵
سران روسیه و اتریش، در ملاقاتی پنهانی، نقشه‌ی تقسیم لهستان را کشیدند.
آمستردام، ۱۹ ژانویه ۱۷۹۵
نیروهای نظامی فرانسه به سرپرستی ژنرال پیشگرو (Pichegru)، پس از جنگ در یک زمستان دشوار، به شهر آمستردام وارد شدند. اشتاد هولدر (Stadholder) استاندار و ویلیام پنجم به‌عنوان میهن‌پرستان باتاویا (Batavia) به این آزادی‌خواهان تبریک گفتند.
هلند، ۲۳ ژانویه ۱۷۹۵
سپاهیان جمهوری فرانسه، تمام سربازان هلندی را که در محاصره‌ی برف و یخ در منطقه‌ی تکسل (Texel) گرفتار شده بودند را نجات دادند.
فرانسه، ۳۱ ژانویه ۱۷۹۵
شورش و آتش‌سوزی‌هایی که در شهر رن (Rennes) به‌سبب قحطی مواد غذایی ایجاد شد، توسط قوای نظامی ژنرال هوش (Hoche) سرکوب شد.
فرانسه، سوم فوریه ۱۷۹۵
چهار نفر از افراطیون فرانسوی در شهر لیون به‌نشانه‌ی ایجاد تغییر وضعیت عمومی و در اعتراض به حالت آشفتگی در کشور مورد حمله‌ی ارتجاعیون قرار گرفتند. آن‌ها مورد حمایت گروهی موسوم به جمعیت واپس‌گرایان قرار داشتند.
فرانسه، نهم فوریه ۱۷۹۵
فرانسه و گراند دوک توسکانی پیمان صلحی امضا کردند که طبق این پیمان، توسکانی در نبردهای اروپایی بی‌طرفی را رعایت کند.
فرانسه، ۱۴ فوریه ۱۷۹۵
ژوزف فرنکس (Joseph Fernex) قاضی کمیته‌ی انقلاب که پس از برکناری روبسپیر به زندان افتاده بود، به‌وسیله‌ی ارتجاعیون کشته شد. ارتجاعیون جسد او را در رودخانه‌ی رون (Rhone) انداختند که در هنگام روشنایی روز از آب گرفته شد.
فرانسه، ۲۱ فوریه ۱۷۹۵
کنوانسیون، طی اعلامیه‌یی، انجام اعمال مذهبی را به سبک و سیاق پیشین آزاد اعلام کرد.
پاریس، ۲۷ فوریه ۱۷۹۵
بر اثر نزاعی که بین ارتجاعیون و ژاکوبن‌ها در سالن تئاتر پاریس رخ داد، آن‌جا را به مدت نامعلوم تعطیل کردند.
پاریس، سوم مارس ۱۷۹۵
سالن بورس پاریس (تبدیل ارز) بازگشایی شد.

مملوکیان مصر در این سرزمین، سربازان جنگی خود را به‌سوی بندر اسکندریه اعزام کرد. این نیروها مأموریت دارند که با خواسته‌های این حکومت، از جمله ادعای استقلال مبارزه و مدعیان را سرکوب نمایند.

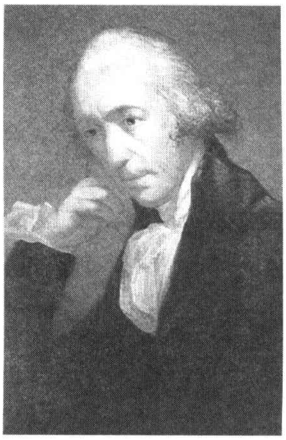
از زمان مرگ علی‌بیگ کبیر در سال ۱۷۷۳، سرزمین مصر دو فرمانروا به خود دید؛ یکی مرادبیگ و دیگری ابراهیم‌بیگ از مملوکیان مصر که پادشاهانی قدرتمند بودند، اما به‌واسطه‌ی بروز قحطی و خشکسالی چندین‌ساله و افزایش قیمت مواد غذایی، به وضع فلاکت‌باری رسیدند. از یادداشت یکی از اروپاییانی که سال‌ها در آن‌جا مقیم بود، چنین برمی‌آید که تنها مرگ پادشاه می‌تواند به این وضع پایان دهد.

کشورهای بریتانیا و فرانسه هر دو به وضعیت مصر ذی‌علاقه می‌باشند و سیاست خارجی بیگ پادشاه مصر هم بر این مبنا قرار گرفته که هر دو کشور را علیه یک‌دیگر تحریک کند. البته این سیاست خارجی هم مورد تأیید سلطان عثمانی می‌باشد و سلطان در ظاهر بر حکومت مصر نظارت دارد و بدین جهت سلطان عثمانی قصد دارد که بار دیگر قدرت خود را بر مصر تثبیت کرده و حکومت بیگ‌ها را تحت کنترل درآورد.

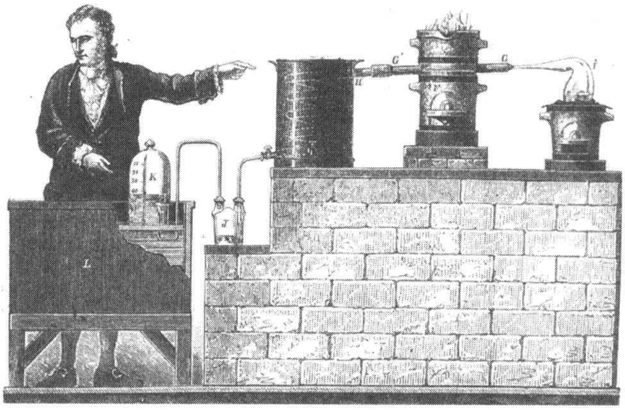
فردریک کبیر از دنیا رفت (پوتسدام (*Potsdam*)، ۱۷ اوت ۱۷۸۶)

فردریک پادشاه پروس که در جوانی فلوت‌زنی ظریف‌الطبع بود، پس از مرگ پدرش فردریک ویلهلم به‌جای او نشست. او همواره درصدد بود که ارتش پروس را به‌صورتی منظم و تحت ضابطه درآورد. لباس او تنها از یک بلوز آبی و ژنده و یک تونیک آلوده تشکیل می‌شد و یک تفنگ سرپر فتیله‌یی هم همراه داشت که برای خاموش‌کردن آن پف می‌کردند. اما در مواقع سان و رژه و هنگام توفان و باران، با این لباس دچار بیماری می‌شد. وی امروز در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

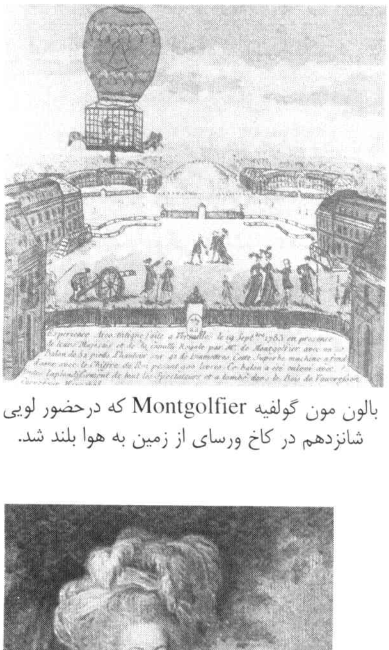
رفتار و افعال وی به‌گونه‌یی بود که تمام کشورهای اروپایی در ترس و وحشت به‌سر می‌برند. وسعت



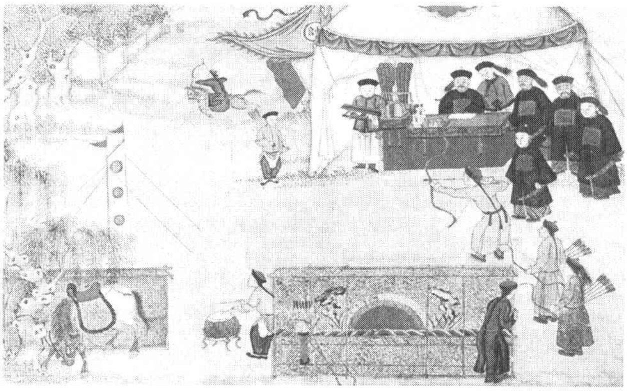
جیمز وات James Watt مخترع ماشین بخار و پیشگام صنعت.



لاوازیه Lavoisier با دستگاه اختراعی خود توانست بخار را به آب مبدل کند.



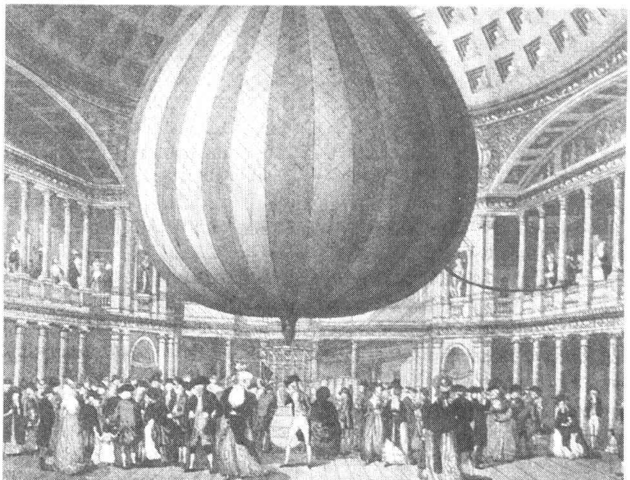
بالون مون گولفیه Montgolfier که درحضور لویی شانزدهم در کاخ ورسای از زمین به هوا بلند شد.



هنر تیراندازی. نقاشی روی پارچه ی حریر چینی. تصویر اواخر سده ی ۱۸.



ماری آنتوانت Marie Antoinette، ملکه ی ولخرج و اسراف کار که مردم از وی دل خوشی نداشتند.



بالون و نسان لوناردی Vincent Lunardiدر سال ۱۷۸۴ در پانتئون به نمایش گذاشته شد.

سرزمین پروس در زمان این پادشاه از ۴۶هزار به بیش‌تر از ۷۱هزار مایل مربع و جمعیت آن از ۲/۲ میلیون به ۵/۸ میلیون نفر رسید. با وجودی که فردریک هرگز بدون اعلان جنگ به هیچ سرزمینی حمله نمی‌کرد، لیکن یک ارتش ۲۰۰هزار نفری که با آموزش‌ها و تمرین‌های سخت تربیت شده بودند، آماده‌ی هرگونه عملیاتی بودند. این ارتش چه در زمان جنگ و چه هنگام صلح در حالت آماده‌باش بودند. فردریک چون با کشور بریتانیا روابط خوبی داشت، این ارتش را شاید برای کمک به انگلیس مجهز کرده بود.

او در سن ۲۱ سالگی با الیزابت دختر دوک برانزویک (Brunswick) ازدواج کرد، اما کم‌تر با او آمیزش داشت و فرزندی هم از آن‌ها به‌وجود نیامد. به‌طور قطع این ازدواج سرانجامی پیدا نکرد. هرچند روشنفکران او را حاکمی ستمگر می‌دانستند، با این وجود فردریک اعمال شکنجه را جز در موارد کسانی‌که عده‌یی را کشته بودند یا به توطئه علیه پادشاه اقدام می‌کردند یا محکومیت بزرگی داشتند، الغا نمود. او در مکتب ولتر پرورش یافت، هرچند او را اغلب مورد سؤال قرار می‌داد و اذیت می‌کرد و وی را نویسنده و شاعری لایق نمی‌دانست. به هر حال فردریک طوری بار آمده بود که همواره تنها به بستر می‌رفت و تنها می‌خوابید.

مندلسون یهودی درباری، جهان را ترک گفت (برلین، چهارم ژانویه ۱۷۸۶)

موزس (موسی) مندلسون (Moses Mendelssohn) فیلسوف مشهوری که به سقراط آلمانی معروف بود و رهبری انجمن یهودیان آلمانی را برعهده داشت، در سن ۵۶ سالگی درگذشت. مندلسون توسط گوتفرید لسینگ (Gottfried Lessing) نمایشنامه‌نویسی که سابقاً یهودی بوده، به دربار فردریک دوم راه یافت. لسینگ از نظر اخلاقی مندلسون را شبیه یکی از بازیکنان نمایشنامه‌ی خود (ناتان (Nathan)) می‌دانست و او را به‌نام ناتان می‌نامید. فردریک هم مندلسون را از تضییقاتی که در

پاریس، ۲۵ مارس ۱۷۹۵
با ذخیره‌کردن مواد غذایی توسط محتکران ثروتمند، زمینه‌ی توزیع گندم پایین آمد و اعلام شد که گندم ذخیره در سیلوها برای مصرف ۱۱۵ روز کشور کافی می‌باشد.

پاریس، یکم آوریل ۱۷۹۵
گروهی از مردم شهر با شعار «ما نان می‌خواهیم» به کنوانسیون داخل شدند و در حالی‌که لحظه‌به‌لحظه به تعداد مردان و زنان گرسنه و اعتراض‌کننده افزوده می‌شد، نظامیان با سرنیزه و پرتاب نارنجک و کشتن عده‌ی زیادی از اهالی، پاسخ آن‌ها را دادند.

بازل (بال) پنجم آوریل ۱۷۹۵
فرانسه و پروس با امضای پیمان صلح در شهر بال (Basle) به خصومت بین دو کشور پایان دادند.

پاریس، دهم آوریل ۱۷۹۵
کنوانسیون مقرراتی علیه معترضان روز اول آوریل اعمال کرد. نمایندگان کنوانسیون هم‌چنین فرصتی به‌دست آوردند که اسامی ماه‌ها را که توسط گروه روبسپیر تغییر یافته بود را به وضع پیشین برگردانند (ترمیدوریان‌ها (Thermidorians)). کنوانسیون اعلام کرد که: گروهی که در آن روز آشوب برپا کرده بودند، قصد تضعیف و براندازی ارتش جمهوری را داشتند.

پاریس، ۱۲ آوریل ۱۷۹۵
در حدود یک‌سال پس از درگذشت اسرارآمیز کندورسه (Condorcet) فیلسوف فرانسوی در زندان، جلسه‌یی به احترام او تشکیل شد و مرگ او را غیرقانونی اعلام کردند.

بریتانیا، ۲۰ آوریل ۱۷۹۵
سلطنت‌طلبان، جمهوری فرانسه را به‌رسمیت شناخته و موافقت کردند که نیروهای خود را بار دیگر برضد جمهوری تجهیز نکنند و از حمله به آنان خودداری ورزند.

پاریس، ۲۶ آوریل ۱۷۹۵
کنوانسیون به‌علت ترس از سقوط ارزش اسکناس، دستور داد که هرساله از طلا و نقره در کار تجارت استفاده شود.

فرانسه، چهارم مه ۱۷۹۵
هزاران نفر از افراد آشوب‌طلب به زندان‌های شهر لیون حمله‌ور شدند و ۹۹ نفر از ژاکوبن‌های زندانی را به‌هلاکت رساندند.

فرانسه، هشتم مه ۱۷۹۵
شنیده‌ها حاکی از آن است که ژنرال بوناپارت که به فرماندهی نیروهای غرب منصوب شده بود، با اعتراض شهر پاریس را ترک کرد و درصدد برآمد که پست دیگری به او محول شود.

فرانسه، ۱۶ مه ۱۷۹۵
دولت فرانسه در پیمانی که در شهر هاگ به‌امضا رسید، قید کرد که جمهوری باتاویا (Batavia) باید به‌رسمیت شناخته شود.

بوداپست، ۲۰ مه ۱۷۹۵
ایگناک مارتینوویچ (Ignac Martinovics) رهبر جنبش مجارستان، تحت پیگرد قرار گرفت، چون با کمال گستاخی امید داشت که انقلابیون مجارستان را به پیروزی هدایت کند.

پاریس، ۲۳ مه ۱۷۹۵
پس از چهارروز، غائله و آشوب گروه افراطی به خاموشی گرایید. این جریان در پی تظاهراتی بود که جهت کمبود نان رخ داد و آن‌ها را با نیروی نظامی و آتش سرکوب کردند. دیروز باز هم نیروی نظامی با تظاهرکنندگان درگیر شد و امروز با دستگیری سن آنتوان (Saint Antoine)، آشوب‌ها خاتمه یافت.

فرانسه، مه ۱۷۹۵
حالت ترروی به‌نام ترور سفید که کاملاً با ترور قرمز زمان روبسپیر متفاوت بود، سراسر کشور را فراگرفت. این وضعیت که به‌نظر می‌رسد آن را تروریست‌ها به‌وجود آورده‌اند، سیاستی است که برضد ارتجاعیون اعمال می‌شود و نیروهای نظامی قصد دارند که به آن‌ها تفهیم کنند که جان‌شان در دست قدرتمندان می‌باشد.

شهر مارسی، پنجم ژوئن ۱۷۹۵
سلطنت‌طلبان جنوب فرانسه که خود را همکار خورشید می‌نامند، تعداد ۷۰۰ نفر از زندانیان بی‌دفاع را به‌نام تروریست در زندان سن ژان فور (Saint Jean Fort) به‌قتل رساندند.

لوگزامبورگ، هفتم ژوئن ۱۷۹۵
دوک‌نشین لوگزامبورگ (Luxembourg) که مدت ۸۲ سال جزو قلمرو پروس بود، تسلیم سپاهیان فرانسوی شد.

پاریس، هشتم ژوئن ۱۷۹۵
لویی دوفین (Louis Dauphin) جوان که مدت سه‌سال در یک معبد زندانی بود، از دنیا رفت.

آلمان برای یهودیان فراهم می‌کردند، خلاص کرد و در حقیقت از سال ۱۷۶۳ زندگی او را نجات داد. از این زمان وی را به اسم یهودی دربار می‌خواندند. مندلسون به پشتیبانی شاه، انجمن روشنفکران یهودی را در آلمان تأسیس نمود.

شوگون به‌عنوان عامل قحطی و شیوع بیماری متهم شد (ژاپن، ۱۷۸۶)

تانوما اوژیت سوگو (Tanuma Ogitsugu) که عامل انتظام امور سرزمین ژاپن و ایجاد بوروکراسی در ژاپن بود و به‌طور رسمی به عالی‌ترین مقام اداری رسیده بود، دومین نفری است که با رسوایی و خفت از این مقام معزول می‌شود. شوگون (Shogun) تانوما یکی از چهره‌هایی است که با استدلال و منطق پرورش یافته و همواره درصدد است که منافع دولت را حفظ کند و قلمرو ژاپن را توسعه بخشد، لیکن اکنون مردم وی را عامل بدبختی می‌دانند و قول‌های او را دروغ می‌پندارند. ژاپنی‌ها او را مسبب تمام بلایای طبیعی از قبیل آتشفشانی، ویرانی، قحطی و شیوع بیماری می‌دانند.

دولت فرانسه در تلاش است که خود را از ورشکستگی نجات دهد (پاریس، ۲۰ اوت ۱۷۸۶)

دولت فرانسه به‌علت نپرداختن مالیات‌ها در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفته، زیرا عموم مردم حاضر به پرداخت مالیات نیستند. الکساندر دو کالون (Alexandre de Calonne) وزیر دارایی که تمام امور مالی را تحت نظر دارد و به کنترولر عمومی مشهور است، امروز اعلام کرد که با انجام اصلاحاتی فرانسه را از وضع بد اقتصادی نجات خواهد داد. او پیشنهاد کرد که بایستی از آزادی تجارت حمایت شود و انجمن‌های ایالتی را هم برای تشکیل جلسات درباره‌ی امور اقتصادی دعوت کرد.

او از سال ۱۷۸۳ به دولت هشدار داده بود که میزان وام‌ها به‌طور تصاعدی و غیرمنتظره بالا رفته و دولت باید هرچه زودتر مقداری از وام‌ها را بپردازد و از وضعی که پیشینیان برای اقتصاد به‌وجود آورده‌اند، خود را خلاص کند. یکی از این افراد نکر (Necker) بود که هزینه‌ی دربار را به‌نحو شگفت‌آوری بالا برد و این وضع هنوز هم ادامه دارد. میزان قرضه‌ی ملی به مرز ۸۰۰ میلیون پوند رسیده، در حالی‌که بودجه‌ی سالیانه‌ی کشور در حدود ۵۵۰ میلیون پوند می‌باشد.

تفنگ ته‌پر در لندن ساخته شد (لندن، ۱۷۸۶)

هنری ناک (Henry Nock) اسلحه‌ساز اهل لندن، با اختراع جدید خود به شهرت رسید. در حالی‌که تفنگ سرپُر قدیمی یک سلاح همگانی است، وی با اختراع نوع جدیدی از تفنگ که به ته‌پُر شهرت دارد، انقلابی در این صنعت به‌وجود آورد و به فن ساخت اسلحه کمک بزرگی کرد. ساختمان این تفنگ طوری است که در ته یا قنداق آن محلی تعبیه شده و فشنگ را در آن قرار می‌دهند و پس از شلیک گلوله، فوراً چاشنی پودرمانند آن به‌صورت دود از ته تفنگ خارج می‌شود و دیگر نیازی به فتیله‌گذاری نیست و گلوله بدون هدف به اطراف پراکنده نمی‌شود و مشکلات تفنگ‌های قدیمی را ندارد.

تفنگ‌های سرپُر قدیمی مدت ۲۵۰ سال است که مورد استعمال هستند و در عرض این مدت تغییرات بسیاری از جهت سهولت کاربرد در آن‌ها ایجاد شده تا برای فرد صاحب سلاح گرفتاری کم‌تری داشته باشند. این تغییرات تفنگ‌های چخماقی و فتیله‌گذاری قدیمی را به تفنگ سرپُر مبدل کرده بود که اکنون با اختراع تفنگ ته‌پُر تمام این مشکلات حل شده است.

جوانان اروپایی به شرق روی می‌آورند (استانبول، ۱۷۸۷)

مردان متمول جوان انگلیسی پس از تمام‌کردن مدرسه و فارغ‌التحصیل‌شدن، به‌سوی شرق می‌روند و

پاریس، ۱۵ ژوئن ۱۷۹۵
ژنرال ناپلئون بوناپارت که به‌مقام موردنظر خود که همانا فرماندهی بود، نرسید، خود را به بیماری زد و از مقام خود کناره‌گیری کرد.
پاریس، ژوئن ۱۷۹۵
مادام استال (Madame de Stael) نویسنده‌ی فرانسوی و دختر نکر (Necker) وزیر دارایی سابق، به پاریس برگشت و سالن خود را گشود. وی خود را از حامیان انقلاب و جمهوری فرانسه نامید.
پاریس، هفتم ژوئیه ۱۷۹۵
توماس پاین (Thomas Paine) یکی از اعضای اصلی کنوانسیون، از حق رأی هرساله‌ی نمایندگان دفاع کرد و اظهار داشت اگر به این موضوع توجه نشود، نمایندگان در کنوانسیون بعدی شرکت نخواهند کرد.
فرانسه، ۲۱ ژوئیه ۱۷۹۵
نیروهای سلطنت‌طلب در منطقه‌ی کیبرون (Quiberon) واقع در ساحل شمال‌غربی مغلوب شدند. آن‌ها که نتوانسته بودند نیروهای حریف را تخمین بزنند، به پشتیبانی انگلیس به آن کشور مهاجرت کردند و از ساحل جمهوری‌خواهان را مورد هدف قرار دادند، مع‌هذا موفق نشدند.
بازل (بال)، ۲۲ ژوئیه ۱۷۹۵
دولت‌های فرانسه و اسپانیا به‌دنبال سقوط شهرهای بیلبائو (Bilbao) و ویتوریا (Vittoria)، تن به قرارداد صلح دادند.
پاریس، چهارم اوت ۱۷۹۵
داوید (David) هنرمند فرانسوی، از اتهام ارتباط و همکاری با روبسپیر تبرئه شد. وی که در سال گذشته صاحب جاه و مقام بوده و در حد یک رهبر اقتدار داشت، مورد تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد.
فرانسه، ۱۵ اوت ۱۷۹۵
کنوانسیون سکه‌ی جدیدی به‌نام فرانک ضرب کرد که در تمام کشور رایج شد.
پروس، اوت ۱۷۹۵
دولت پروس هم به گفت‌وگوهای بین روسیه و اتریش برسر تقسیم لهستان پیوست.
افریقای جنوبی، ۱۶ سپتامبر ۱۷۹۵
در پی بیرون‌راندن نیروهای دولتی هلند توسط فرانسه و ژاکوبن‌های بومی، ویلیام پنجم فرماندار از دولت انگلیس دعوت کرد که مستعمره‌نشین هلند را تسخیر و ساکنان آن را تحت تابعیت قرار دهد. در پی این دعوت، نیروهای انگلیسی شهر کیپ (Cape) را تسخیر کردند.
هلند، ۲۹ سپتامبر ۱۷۹۵
دولت جمهوری باتاویا، ویلیام پنجم فرماندار را به‌اتهام خیانت بزرگ به‌کشور به محاکمه کشاند.
پاریس، سپتامبر ۱۷۹۵
مارکی دوساد (Marquis de Sade) نویسنده‌ی فرانسوی، کتاب داستان خود را به‌نام «سرگذشت آلاین و والکور (Aline et Valcour)» منتشر کرد. این داستان حکایت مردی است که همسر پرهیزکارش عقیم است، وی با خواهر خود در هنگام سفر به دور دنیا هم‌خوابه می‌شود و از او دو فرزند می‌آورد و در مواجهه با همسر باوفایش دچار دردسر و گرفتاری می‌شود.
پاریس، ۱۵ اکتبر ۱۷۹۵۸
طبق قوانین کنوانسیون پاریس، افراد ثروتمند ساکن پاریس نمی‌توانند به نمایندگی برگزیده شوند، مگر با فشار ارتش جمهوری که ممکن است در این امور مداخله کند. در همین حال ژنرال ناپلئون بوناپارت جوان تنها افسری است که به نمایندگی کنوانسیون انتخاب می‌شود. پیش از این افسران حق انتخاب در کنوانسیون را نداشتند.
پاریس، ۱۶ اکتبر ۱۷۹۵
بوناپارت به رتبه‌ی سرلشگری رسید.
لهستان، ۲۴ اکتبر ۱۷۹۵
سرزمین لهستان به سه بخش تقسیم گردید که این امر برحسب موافقت دولت روسیه، پروس و اتریش بود.
پاریس، ۳۱ اکتبر ۱۷۹۵
مدیریت کنوانسیون به‌عهده‌ی یک هیأت پنج‌نفری واگذار شد، که این پنج‌نفر نماینده‌ی ۵۰۰ نفر اعضای کنوانسیون بودند. این رسم طبق سنت باستانی سنای رم بود که توسط سه‌نفر کنسول اداره می‌شد.

به سیاحت در شرق می‌پردازند. این سیر و گردش عظیم روزبه‌روز در حال توسعه می‌باشد. تا چند سال پیش این گردش‌ها برای دیدن فرانسه و ایتالیا صورت می‌گرفت، اما اکنون با بهترشدن راه‌ها، مردان جوان پولدار به‌سوی شرق روی می‌آورند. از سویی با ایجاد زمینه‌ی صلح و بازشدن راه امپراتوری عثمانی، آن‌ها ترجیح می‌دهند که به مسافرت‌های رومانتیک بپردازند.

مردان جوان و به‌تدریج زنان جوان که شیفته‌ی دیدن آثار باستانی می‌باشند، در ابتدا سری به یونان می‌زنند و پس از بازدید از این سرزمین باستانی، از طریق تنگه‌ی داردانل (Dardanelles) به جزایر دریای مرمره می‌روند و سپس با رسیدن به استانبول سرگرم دیدار از کاخ‌های مجلل دولت عثمانی می‌شوند. آنان در این شهر به خرید اشیای شرقی می‌پردازند. از جمله چیزهایی که اغلب نظر آن‌ها را جلب می‌کند، قلیان است. در استانبول با کمک مترجمان از مکان‌های دیدنی و بسیاری از آثار مخصوص شرقی دیدن کرده و به آناتولی (Anatolia) و آله‌پو (Aleppo) (حلب) می‌روند. در این‌جا به‌سوی راست متمایل شده و از سرزمین مقدس اورشلیم و کلیسای بتلهم (Bethlehem) و شهر دمشق بازدید کرده و بدین‌وسیله به بلندپروازی‌های خود می‌رسند و بدین ترتیب گردش و مسافرت دسته‌جمعی در این منطقه پایان می‌یابد. تعدادی از افراد روشنفکر هم با تشکیل گروه‌های علمی، به مطالعه‌ی جغرافیایی مناطق مختلف و آموختن زبان عربی می‌پردازند و مردم این نواحی را هم با اخلاق و رسوم و آداب انگلیسی آشنا می‌سازند.

در یک مستعمره‌ی افریقایی، زمینه‌ی آزادی بردگان فراهم شد (افریقای غربی، دهم مه ۱۷۸۷)

۳ فروند کشتی حمل و نقل در کرانه‌ی رود سیرالئون (Sierra Leone) پهلو گرفت. این کشتی‌ها حامل ۴۱۱ مهاجر بود که چهارپنجم آن‌ها را مردان سیاه‌پوست و یک‌پنجم بقیه را زنان سفیدپوست تشکیل

می‌دادند که به این سرزمین مستعمره اعزام شده بودند. این افراد شامل تعدادی از بردگان آزادشده بودند که به سلطنت انگلیس وفادار و به جبهه‌ی جنگ استقلال امریکا رفته و علیه استقلال‌طلبان می‌جنگیدند و عده‌ی دیگری که در شهر لندن مستخدم محلی بودند و به خدمت ثروتمندان اشتغال داشته و به آداب و رسوم آشنایی داشته و رسوم افریقایی خود را از دست داده بودند.

آن‌ها سابقاً مقیم شهر گرانویل (Granville) که سپس به گرانویل‌شارپ (Granville Sharp) تغییر نام داد، بودند. دولت بریتانیا ساکنان این شهر را به بردگی می‌فروخت و این تجارت روزبه‌روز افزایش یافت. ریو جان نیوتون (Rev John Newton) کشیش ناحیه‌ی سنت‌ماری وول‌نوت (St Mary Woolnoth) برده‌ی سابق و اوتوبا کوگوآنا (Ottobah Cugoana) و اولودا اکیانو (Olaudah Equiano) بردگان پیشین، به‌تازگی خاطرات خود را انتشار دادند. آنان در شهر لندن کمیته‌یی به سرپرستی توماس کلارکسون (Thomas Clarkson)، گرونویل شارپ، ساموئل هوآر (Samuel Hoare) و ویلیام ویلبرفورس (William Wilberforce) تشکیل دادند و خواستار الغای بردگی شدند.

مباشر امور هند به فساد متهم شد (لندن، سوم آوریل ۱۷۸۷)

وارن هاستینگ (Warren Hastings) فرماندار کل بنگال و عامل مؤثر انگلیس در هندوستان، به‌عنوان متهم به پارلمان احضار شد. اتهامات وی ۲۲ مورد است که شامل تخلف و تجاوز از مقررات پیمان‌ها، فروش مناصب و مقام‌ها، اختلاس بودجه، کلاهبرداری، فساد در امور اداری و کشتن و اعدام افراد بدون محاکمه و دادرسی، از جمله‌ی مواردی است که ادموند بورک (Edmund Burke) یکی از نمایندگان پارلمان در سخنرانی مهیج و مشعشع خود درباره‌ی هاستینگ بیان کرد و اظهار داشت که وی زیان هنگفتی به حیثیت و موقعیت مالی کمپانی هند شرقی وارد آورده است.

گروه متحد یا فراکسیون کارگر در پارلمان علیه هاستینگ رأی دادند، لیکن محافظه‌کاران از این‌که ائتلاف دولت در معرض شکست واقع شود، خوشحال شدند. هاستینگ دوستان بسیاری دارد و یک در ده‌هزار هزار از مردم هند از اصلاحات او منتفع شده‌اند، لیکن نقش مؤثری در پارلمان ندارند و نمی‌توانند از او حمایت کنند. هنگامی‌که هاستینگ در سال ۱۷۷۲ به مقام فرماندار کل بنگال منصوب شد، سیستم مالیاتی دچار هرج و مرج و در حال نابودی و فساد بود، در همین حال فرصتی برای مأموران کمپانی پیش آمد تا دست به تاراج بزنند. او اظهار داشت اینک ما در آن‌جا دارای یک ارتش قدرتمند هستیم، به‌طوری‌که سران قوم نوشته‌اند: «هاستینگ اصلاحاتی در تمام امور انجام داد تا از منافع کمپانی حمایت کند. این اصلاحات شامل سیستم جمع‌آوری مالیات و یکسان‌شدن نرخ مالیات برای انگلیسی و هندی بود، به‌طوری‌که افرادی‌که در امور کمپانی اخلال می‌کردند، از کار برکنار شدند».

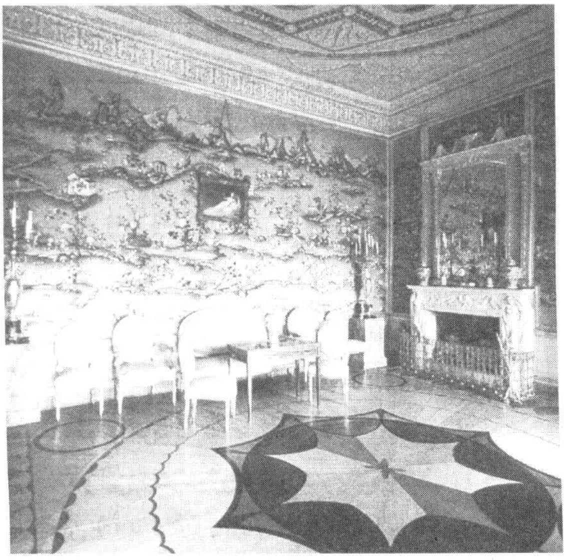
هاستینگ با فعالیت و پشتکار خود توانست کارمندانی درستکار و امین را در رأس کارها قرار داده و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرد. دشمنان، وی را به خودبینی و تکبر متهم می‌کردند و چون افراد خاطی از کار برکنار شدند، سخت به مخالفت با او برخاستند، در حالی‌که حداقل ده‌هزار نفر از هندیان دوست و یار او بودند، با این وجود، ده نفر از نمایندگان با او خصومت می‌ورزیدند. در عین حال، هیچ فردی به‌اندازه‌ی سر فیلیپ فرانسیس (Philip Francis) یکی از اعضای انگلیسی پیشین فرمانداری بنگال، زهر در کام هاستینگ کرد و او بود که بورک را تحریک نمود تا فرماندار را متهم به فساد کرده و اعتبارنامه‌ی او را مخدوش نماید.

کشتی‌های عجیبی از آهن و غول‌آسا ساخته شد (لندن، ۱۷۸۷)

جان ویلکینسون (John Wilkinson) صنعتگر و



فردریک کبیر، پادشاه پروس. دوستدار زیبایی و میلیتاریست.



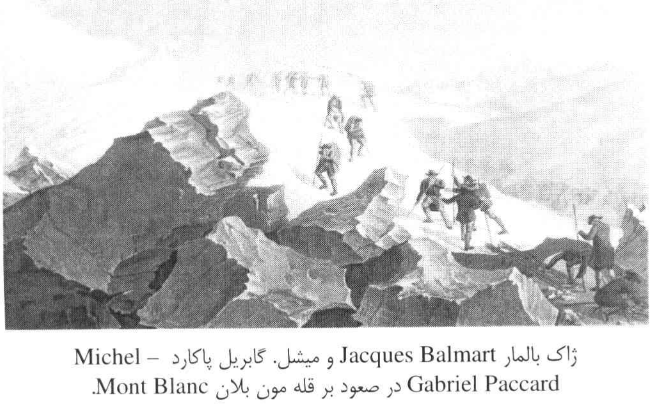
کاخ باشکوه و پر تجمل نئوکلاسیک کاترین کبیر که ساختمان آن در سال ۱۷۹۶ پایان یافت و مدت ده سال طول کشید. او دوست داشت که با کمال قدرت، یکه تاز سیاست در روسیه باشد و هیچ کس را در سلطنت مداخله ندهد و نیز مایل نبود که سرف ها مانند سایر مردم در بنای روسیه شرکت کنند.



آلکساندر دوکالونAlexandre de Calonne سرمایه دار و اقتصاددان.



موزس (موسی) مندلسونMoses Mendelssohn فیلسوف آلمانی.



ژاک بالمار Jacques Balmart و میشل. گابریل پاکارد – Michel Gabriel Paccard در صعود بر قله مون بلان Mont Blanc.

آهـــن‌ســـاز انگلیســـی، در منطقـــه‌ی استافوردشـــایر (Staffordshire) با به‌کارگیری آهن در ساخت کشتی به شهرت رسید. این آخرین رویدادی اسـت کـه سـبب احساس غرور وی شد. ویلکینسون یک کشـتی سـاخته که طول آن ۷۰ پاست، این کشتی که روپوشی از آهـن بر بدنـه‌ی آن کشـیده شـده، تریـال نامیـده مـی‌شـود. کشتی‌هایی که روپوشی از آهن دارند، مخصوص حمـل سلاح‌هـای سـنگین و توپخانـه هسـتند و تنهـا دولـت خریدار آن‌هاست. در طی قرن‌های متمادی تنهـا چـوب برای ساخت کشتی بـه‌کـار مـی‌رفـت و تکنولـوژی آن همان روش سنتی براساس بهـره‌منـدی از چـوب بـود، لیکن با به‌کارگیری آهن در سـاخت کشـتی، راه بـرای صنعت تولید آهن در انگلیس بـاز شـد. ناوهـای تریـال (Trial) نه‌تنها اولین کشتی تولیدشده از آهـن هسـتند، بلکه در نوع خود از بزرگ‌ترین کشتی‌ها نیـز محسـوب می‌شوند.

کاترین تزار روس، با حیله و نیرنگ اهداف خـود را پیش می‌برد (کریمه، ۱۷۸۷)

کاترین کبیر تزارینای روسیه در ضمن سفر به بنـدر سواســتوپل (Sevastopol) در کرانـــه‌ی رود دنیپـــر (Dnieper)، فرمان داد که ناوگان جنگی روسیه در این پایگاه متمرکز شود. وی مخصوصاً از سـاختن پایگـاه و اسـتحکامات بناشـده در سـاحل ایـن رودخانـه اظهـار خشنودی کرد، اما به‌طوری‌که شـایع اسـت، قـرار شـده قلاع این پایگاه را به‌نام فیلد مارشال پوتمکین (Field-Marshal Potemkin) (عاشق و مشاور مخصوص او) نامگزاری کنند. کاترین این خدعه و نیرنـگ را مـدیون بازی‌های سیاسی عاشـق پیشـین خـود، پونیاتوفسـکی (Poniatowski) کـه اکنـون پادشـاه لهسـتان اسـت، می‌باشد و از سـویی بـا کمـک و هـم‌یـاری ژوزف دوم امپراتور اتریش بود که کاترین موفق شد شـبه‌جزیـره‌ی کریمه را جزو قلمرو خود به‌حساب بیاورد. با افتتاح ایـن پایگاه کـه ظرفیـت ۴۰ نـاو جنگـی را دارد، کـاترین از نیروهـای مسـتقر در سواسـتوپل سان دیـد و ضـیافت مفصلی هم با شرکت سران نظامی ترتیب داد. پوتمکین در حالی‌که با لباسی شبیه رومیان قدیم ملـبس بـود، در این ضیافت شرکت کرد و مدالی هم از طرف کاترین به او اعطا شد. در ضمن، هنگـام ورود کـاترین بـه محـل پایگاه، چند تیر توپ شلیک شد و نقشه‌ی پایگـاه را بـه حضور او بردند.

یکی از بردگان قدیمی مـی‌گویـد تجـارت بـرده نباید به کشتن آن‌ها منجر شود (لندن، ۱۷۸۷)

یکی از بردگان پیشین که برضد تجارت برده اقـدام کرده، مـی‌گویـد: هنـوز صـدای آن‌هـا در هنـد شـرقی به‌گوش مـی رسـد و ایـن فریـاد و فغـان مرتبـاً رو بـه افزایش است. اوتوبا کوگوآنـا بـرده‌ی آزادشـده‌یـی کـه خاطرات خود را منتشر کرده، از دولـت انگلـیس تقاضـا کرد که فوراً نیرویی برای جلوگیری از تجارت بـرده بـه مناطق مورد نظـر گسـیل نمایـد. کوگوآنـا را در زمـان کودکی از افریقا به امریکا بردند و در زمـان جـوانی آزاد شد و به‌عنوان پیشخدمت به انگلستان آمد. او با کمـک توماس کلارکسون دشمن سیسـتم بـرده‌داری و ویلبـر فورس سخنگوی پارلمان، کمیتـه‌ی کـوچکی در لنـدن تأسیس کرد و تمام بردگان فقیر سـیاه‌پوسـت بـه ایـن انجمن پیوستند تا بتوانند تجارت برده را منسوخ نمایند. کوگوآنا می‌گوید که دولت انگلیس می‌توانـد بـه توقـف تجارت برده در افریقا کمـک کنـد و بازرگانـان را وادار نماید که نسبت به سیاه‌پوستان رفتـاری انسـانی داشـته باشند و سـیاه‌پوسـتان را بـه‌عنـوان انسـان بشناسـند و مشتریان و خریداران برده را از این کار منصرف نمایند.

اصلاحات مالی فرانسه بر اثر تـرس از شـورش متوقف شد (پاریس، سپتامبر ۱۷۸۷)

مشاوران لویی شانزدهم کـه درصـدد بودنـد بـرای جلوگیری از ورشکستگی کشور یک‌سری اصلاحاتی در وضع مالی فرانسه بـه‌عمـل آورنـد، بـا هـرج و مـرج و آشفتگی روبه‌رو شدند. مردم در خیابان‌ها بر اثـر کمبـود مـواد غـذایی اقـدام بـه شـورش کردنـد. در حـالی‌کـه محافظه‌کاران سرسخت به پادشاه توصیه می‌کردند کـه

لهستان، ۲۵ نوامبر ۱۷۹۵
استانیسلاس (Stanislas) پادشاه لهستان، پس از تقسیم کشورش، از سمت خود استعفا داد.

فرانسه، ۱۷ دسامبر ۱۷۹۵
سپاهیان انگلیسی تحت فرمان کنت آرتوآ (Artois) (مدعی تخت‌وتاج فرانسه) جزیره‌ی دویو (Ile d' Yeu) را ترک کردند.

پاریس، نهم مارس ۱۷۹۶
بوناپارت با ژوزفین دوبو هارنه (Josephine de Beauharnais) زناشویی کرد.

سانتودومینگو، ۳۱ مارس ۱۷۹۶
کودتای رنگین‌پوستان شکست خورد.

ایتالیا، ۱۱ آوریل ۱۷۹۶
بوناپارت با چهل‌هزار مرد جنگی، نبرد با ایتالیا را آغاز کرد.

ایتالیا، ۱۵ آوریل ۱۷۹۶
آخرین دسته‌های نظامی اتریشی مستقر در منطقه‌ی آپنین (Apennines)، در نبرد دگو (Dego) تسلیم شدند.

ایتالیا، ۲۲ آوریل ۱۷۹۶
بوناپارت در فاصله‌ی روزهای ۱۳ـ۲۲ آوریل در نبردهای مونته‌نوت (Montenotte)، میل‌سیمو (Millesimo)، دگو و موندووی (Mondovi) فاتح شد.

پیه‌مون، ۲۸ آوریل ۱۷۹۶
بوناپارت با پادشاه پیه‌مون (Piedmont) و ساردنی (Sardinia) در شراسکو (Cherasco) پیمان صلح منعقد کرد. وی بدون کسب اجازه از پاریس این پیمان را امضا کرد.

پاریس، دهم مه ۱۷۹۶
توطئه‌یی برضد کمون توسط فرانسوا بابوف (Francois Babeuf) به قصد سرنگونی هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون کشف شد و سردمداران آن دستگیر شدند.

ایتالیا، دهم مه ۱۷۹۶
بوناپارت در روی پل رودخانه‌ی لودی (Lodi) به پیروزی درخشانی برضد سپاهیان اتریش دست یافت.

ایتالیا، ۱۲ مه ۱۷۹۶
میهن‌پرستان لومباردی (Lombardy) برضد قشون فرانسه به تظاهرات دست زدند و تقریباً تمام شهر میلان (Milan) را تصرف کردند.

میلان، ۱۵ مه ۱۷۹۶
بوناپارت با پیروزی به شهر میلان پایتخت منطقه‌ی لومباردی وارد شد.

پاریس، ۱۵ مه ۱۷۹۶
باامضای پیمان فرانسه با پیه‌مون و ساردنی، ساووی (Savoy) و نیس (Nice) هم تابعیت جمهوری فرانسه را پذیرفتند.

ایتالیا، ۲۳ مه ۱۷۹۶
مردم منطقه‌ی پاویا (Pavia) سربازان فرانسوی را که به دژها پناه برده بودند، قتل‌عام کردند.

ایالات متحده، اول ژوئن ۱۷۹۶
سرزمین جنوب‌غربی به‌عنوان شانزدهمین ایالت به سایر ایالات پیوست و تنسی (Tennessee) نام گرفت.

ایتالیا، پنجم ژوئن ۱۷۹۶
بوناپارت با حکومت ناپل پیمان متارکه‌ی جنگ امضا کرد.

ایتالیا، ۲۳ ژوئن ۱۷۹۶
پاپ پیوس (Pius) ششم با بوناپارت عهدنامه‌ی متارکه‌ی جنگ را در بولونیا (Bologna) امضا کرد.

منطقه‌ی الب، نهم ژوئیه ۱۷۹۶
لشکریان بریتانیا ناحیه‌ی الب (Elba) دریای مدیترانه را تصرف کردند و در عین حال ناحیه‌ی لگهورن (Leghorn) را در قبال فرانسه از دست دادند.

فیلادلفیا، ۱۷ سپتامبر ۱۷۹۶
واشنگتن رییس‌جمهور ایالات‌متحده، پس از بیست‌سال با شغل خود وداع کرد.

اسپانیا، پنجم اکتبر ۱۷۹۶
اسپانیا به دولت انگلیس اعلان جنگ داد.

روسیه، هفتم نوامبر ۱۷۹۶
کاترین دوم ملقب به کبیر، تزارینای (Czarina) روسیه، از دنیا رفت.

ایرلند، ۲٤ دسامبر ۱۷۹۶
ناوگان جنگی فرانسه دچار توفان شد و جهت کمک به سواحل ایرلند که در حال نبرد با بریتانیا بود، پناه برد.

در مقابل شورشیان بایستی خشونت به‌کار برد. بنابراین توصیه‌ی نیروهای تحت فرمان مارشال بی‌رون (Biron) با تظاهرکنندگانی که کاریکاتورهای پادشاه و وزیران دولت را بر دیوارها به‌عنوان مسخره ترسیم می‌کردند، درگیر شدند و بدین ترتیب نبردهای خیابانی آغاز شد.

تنها امید و روزنه‌ی نوری که وجود داشت، این بود که پارلمان پاریس را که دو ماه پیش تعطیل شده بود، بار دیگر افتتاح کنند. در ضمن دولت تصمیم گرفت با نظر و تأیید، نمایندگان کلیساها، اشراف و بورژوآهای تمام کشور، تقاضای وام کند و با این پشتوانه‌ی مالی، به رفع بحران ایجادشده کمک نماید و حداقل خواسته‌های مردم را برآورده نماید و در ضمن به اصلاحات مالی ادامه دهد.

در ماه آوریل، کالون مسؤول رفع بحران مالی، درصدد بود که با اصلاح امور مالی، اقتصاد کشور را از ورشکستگی نجات دهد. او نخستین فردی بود که تصمیم گرفت این امر را انجام دهد و از نابه‌سامانی‌ها بکاهد. در حالی‌که لومنی دوبرین (Lomenie de Brienne) اسقف اعظم ناحیه‌ی تولوز (Toulouse) و جانشین وی، مخالف اصلاحات پیشنهادی بود و بدین منظور از مقام خود کناره‌گیری کرد. او می‌گفت: با تظاهرکنندگان و آشوبگران بایستی با خشونت روبه‌رو شده و آن‌ها را سرکوب کرد. در ضمن نظر انجمن‌های ایالتی و اشراف را جویا شد. مردم پاریس با سیاست دولت در مورد سرکوبی شورشیان مخالف بودند، چون تظاهرات را برای رفع گرفتاری‌ها ضروری می‌دانستند، از سویی برای تضمین این امر تقاضا داشتند که دولت پارلمان‌های ایالتی را هم تشکیل دهد.

طرح‌های کنگره برای سرزمین‌های تحت سلطه‌ی سرخ‌پوستان (واشنگتن، ۱۷۸۷)

تنها ۱۱ سال پس از اعلام استقلال امریکا جهت رهایی از قید استعمار انگلیس، کنگره تصویب کرد که سرزمین‌ه ای شمال غرب که قبلاً جزو قلمرو

سرخ‌پوستان بوده، جزو ایالات متحده به‌حساب آید. اکنون دولت ایالات متحده متشکل از ۱۳ ایالت است که سابقاً جزو مستعمرات انگلیس بود. این ایالات شامل پنج ایالت شمال غربی است که در اطراف اوهایو (Ohio) قرار دارند.

سرخ‌پوستان این نواحی را جزو متصرفات خود می‌دانند و برای دفاع از حقوق خویش از این سرزمین‌ها دفاع خواهند کرد، لیکن کنگره با تصویب قانون قصد دارد که با اعمال زور و جنگ با بومیان، قدرت خود را در آن‌جا اعمال کند و برای اثبات آن فرماندار جدیدی انتخاب کرده که در آن منطقه مستقر شود و غائله‌ی سرخ‌پوستان را فرونشانده و قلمرو امریکا را توسعه بخشد و به هر صورتی‌که صلاح می‌داند، سرخ‌پوستان را سرکوب کند. این فرمان، اختلافات بین مالکان و بومیان را به‌رسمیت نمی‌شناسد. در این فرمان آمده که رأی‌دهندگان از نظر سنی باید بالغ، آزاد، مذکر و دارای حداقل ۲۰۰ جریب زمین باشند. فرماندار هم مالک ۱۰۰۰ جریب ملک موروثی و حداقل ۵۰۰ رأی باشد.

قانون اساسی ایالات متحده به تصویب رسید (فیلادلفیا، ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷):

تعداد ۳۳ نماینده از ۱۲ ایالت از ۱۳ ایالت استقلال یافته امریکا، امروز قانون اساسی ایالات متحده را تصوب کردند و سپس با نطق جورج واشنگتن ریاست اجلاس، جلسه خاتمه یافت و آنان در محیط صمیمانه در یک رستوران شهر با هم ناهار خوردند و یکدیگر را ترک کردند. همه‌ی نمایندگان پیش‌نویس اعتبارنامه‌های خود را به رییس جلسات ارائه کردند و رییس جلسه مدارک هر یک را بررسی و تأیید نمود. تنها مدارک یک ایالت کوچک، به‌نام رود آیلند (Rhode Island) با بقیه اختلاف داشت.

چندین هفته بحث و مناقشه بر سر مدارک نمایندگان جریان داشت و موضوع مهم آن که بایستی این مدارک در یک چهارچوب قانونی بررسی و انطباق داشته باشد، چون حکومت ایالات متحده بر سیستم فدرال بنا شده، باید تمام نمایندگان از نظر حقوقی و قانونی وضع یکسانی داشته باشند.

قانون اساسی ایالات متحده براساس سیستم تمرکز به تصویب رسیده، و در حالی‌که هر ایالت قدرت اجرایی جداگانه دارد، لیکن همه‌ی ایالات در حکم یک دولت می‌باشد و از نظر اجرای مقررات تعادلی بین همه‌ی ایالات از نظر قانونگزاری و سیستم قضایی وجود دارد.

تمام قدرت قانونگزاری به کنگره که شامل مجلس سنا و مجلس نمایندگان است محول شده و تعداد نمایندگان هر ایالت بستگی به تعداد افراد مالیات‌دهنده و جمعیت هر ایالت دارد. نمایندگان هر ایالت هم شامل سناتورها و نمایندگان مجلس شورا می‌باشند.

رییس جمهور ایالات متحده نقش قاطع در اداره‌ی کشور دارد، او برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شود و دارای حق وتو می‌باشد. همه‌ساله دو سوم نمایندگان کنگره تجدید انتخاب می‌شوند و این عده برای تشکیل جلسات کافیست. رییس جمهور می‌تواند نمایندگان خاطی را از طریق دادگاه‌ها و اثبات جرم آن‌ها با تأیید سنا مورد تعقیب قرار دهد، این جرایم شامل سرقت، اختلاس و سایر بزهکاری‌ها می‌باشد. بعضی از ایالات جنوبی نگران آن هستند که نتوانند از نظر تعداد جمعیت به حدنصاب برای انتخاب نماینده برسند، لیکن جیمز مادیسون (James Madison) یکی از نمایندگان جنوبی این موضوع را به نحوی حل کرد. او اظهار داشت که ما نمی‌خواهیم اساس یک امپراتوری را بنیان نهیم. وی همچنین در جلسات کنگره طی سخنرانی خود گفت که ما باید همواره درباره‌ی این موضوعات بررسی کنیم تا زمینه‌ی دیکتاتوری در این سرزمین ایجاد نشود.

خانواده اورانژ به سرزمین پست (منظور پایین‌تر از سطح دریاست) مراجعت کردند (هلند، ۱۷۸۷):

ویلیام پنجم از خانواده اورانژ، بار دیگر به قدرت رسید. ویلیام در راه مهین‌پرستی قربانی سیاست خارجی

ایتالیا، ۱٤ ژانویه ۱۷۹۷
بوناپارت ارتش آلوینتزی (Alvinczy) را در ریولی (Rivoli) درهم شکست.
ایتالیا، ۱٦ ژانویه ۱۷۹۷
بخش عمده‌ی ارتش اتریشی پروورا (Provera) در ناحیه‌ی لافاوریت (La Favorite) تسلیم بوناپارت شد.
ایتالیا، ۲۰ ژانویه ۱۷۹۷
طبق قراردادی که بوناپارت با دوبروفسکی (Dobrowski) ژنرال ارتش لهستان امضا کرد، دوبروفسکی از میهن‌پرستان کشور دعوت کرد که به خدمت سپاهی درآیند و پس از تشکیل‌شدن چند هنگ، آن‌ها را به کمک ارتش فرانسه در جنگ با ایتالیا اعزام کرد.
ایتالیا، دوم فوریه ۱۷۹۷
بوناپارت شهر مانتوا (Mantua) را از اتریش بازستاند و بدین‌ترتیب راه سپاهیان فرانسه را به شهر وین گشود.
ایتالیا، نهم فوریه ۱۷۹۷
بوناپارت به‌سوی ایالت واتیکان (Vatican) رهسپار شد و با تسخیر شهر آنکونا (Ancona) به پاپ پیوس ششم فشار آورد که در گفت‌وگوهای صلح شرکت کند.
ایتالیا، ۱۹ فوریه۱۷۹۷
بوناپارت با پاپ پیوس ششم در تولن‌تینو (Tolentino) پیمان صلح امضا کرد.
پرتغال، ۱٤ فوریه ۱۷۹۷
نیروهای نظامی اسپانیا که با فرانسه ائتلاف کرده بودند، توسط قوای بریتانیا در محل دماغه‌ی سن‌ونسان (Cape of St Vincent) دچار شکست شدند.
پاریس، دوم مارس ۱۷۹۷
کشتی‌های امریکایی که در جنگ اروپایی بی‌طرفی اعلام کرده بودند، اغلب توسط اداره‌کنندگان دیکتاتور کنوانسیون اشغال و مورد بازرسی قرار می‌گرفتند، در حالی‌که آن‌ها در جنگ شرکت نداشتند.
انگلیس، دوم مارس ۱۷۹۷
هوراس والپول (Horace Walpole) احیاکننده‌ی سبک گوتیک (Gothick)، در قلعه‌ی اوترانتوی (Otranto) رومی، جان‌به‌جان‌آفرین تسلیم کرد. وی در استراوبری هیل (Strawberry Hill) (تپه‌ی توت‌فرنگی) در نزدیکی لندن در قلعه‌یی که خود به سبک گوتیک ساخته بود، زندگی می‌کرد و میل داشت این سبک را در مقابل سبک کلاسیک به‌نمایش درآورد.
ایالات متحده، چهارم مارس ۱۷۹۷
جان آدامز (John Adams) معاون ریاست‌جمهور، به‌عنوان جانشین جورج واشنگتن در تاریخ هفتم دسامبر، در مراسم معارفه سوگند یاد کرد.
لندن، ۱۸ مارس ۱۷۹۷
شاتو بریان (Chateaubriand) نویسنده‌ی فرانسوی، کتابی موسوم به «مقالاتی درباره‌ی تاریخ انقلاب‌های جهانی» منتشر کرد که بی‌درنگ توسط مردم طبقه‌ی بالای اجتماع خریداری و نایاب گردید.
پاریس، ۲۰ مارس ۱۷۹۷
در شب عید میلاد مسیح، هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون قانونی تصویب کرد که تمام رأی‌دهندگان بایستی به جمهوریت و نظام کشور سوگند وفاداری یاد کنند.
ایتالیا، ۲۷ مارس ۱۷۹۷
سیس‌پادیان‌ها (Cispadian) در بولونیا (Bologna) قانون‌اساسی و حکومت جمهوری اعلام کردند.
اتریش، ۳۱ مارس ۱۷۹۷
بوناپارت پیشنهاد صلح را با آرک‌دوک شارل پادشاه اتریش مطرح کرد.
پاریس، چهارم آوریل ۱۷۹۷
نتایج انتخابات مردم فرانسه نشان می‌دهد که گروه‌های دست راستی پیروی از ارتجاعیون (سلطنت‌طلبان) را بر انقلابیون ترجیح می‌دهند.
اتریش، هفتم آوریل ۱۷۹۷
با وجودی‌که اخبار جنگ آلمان به فرانسه نمی‌رسد، لیکن از اتریش خبر رسیده که بوناپارت مشغول گفت‌وگو با نمایندگان دولت اتریش برای امضای پیمان صلح می‌باشد.

غلط و ائتلاف با بیگانگان و اعمال سیاست داخلی، ضعیف شده بود.

مدت پنج‌سال بود که دموکرات‌های میهنی کنترل شهرهای اوترخت (Utrecht) و هلند را در دست داشتند، این دموکرات‌ها مورد پشتیبانی و حمایت یک گروه ارتشی آزاد و محلی بودند. اما به یک‌باره افراد طبقه‌ی متوسط و پایین اجتماع علاقه پیدا کردند که قدرت اقتصادی کشور به‌حد فرانسه و انگلیس برسد و دولت خود را همپایه‌ی آن‌ها بدانند، اما هرگز طبقه‌ی دهقانان و اشراف هلندی نتوانستند به اندازه‌ی آن‌ها به ثروت و دارایی برسند، زیرا بازرگانی خارجی کشور ضعیف‌تر از دو کشور مذکور بود.

دموکرات‌ها چون احساس کردند که کشورشان در وضع وخیمی قرار دارد، به ویلیام پیشنهاد همکاری و همیاری دادند، در حالی‌که ویلیام با شهروندان سر مخالفت داشت و آن‌ها را عامل شورش علیه حکومت می‌دانست. هنگامی‌که برادرزاده‌ی وی به پادشاهی پروس رسید، ویلیام با کمک ارتش پروس موفق به سرکوبی شورشیان شد و بیش از ۵ هزار نفر از بقایای میهن‌پرستان را به کشورهای دیگر و مخصوصاً به فرانسه تبعید کرد.

کارت‌رایت به رقابت با ماشین‌های بافندگی دستی برمی‌خیزد (دربی‌شایر، انگلیس، ۱۷۸۷)

یک کشیش انگلیسی با بازدید از دستگاه‌های ریسندگی در دربی‌شایر (Derbyshire) به تکنولوژی جدیدی دست یافت. ادموند کارت‌رایت (Edmund Cartwright) با بررسی ماشین‌های ریسندگی ریچارد آرک رایت (Richard Arkwright)، توانست ماشین‌های جدیدی برای این کار تعبیه کند. تاکنون بافندگان پارچه از ماشین‌های قدیمی و دستی استفاده می‌کردند که با مقایسه با سایر صنایع بسیار عقب‌افتاده بود، چون صنایع دیگر به سرعت مکانیزه می‌شدند.

کارت‌رایت موج جدیدی در تولید ماشین‌های بافندگی ایجاد نمود و توانست نیازهای این صنعت را



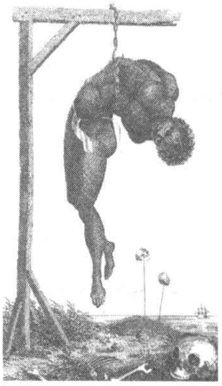
یک خواجه ی چینی با زنی از حرم امپراتور چین.



حرم رؤیایی و هوس انگیز سلطان عثمانی با زنان زیبا.



هاستینگ، اثر جورج رامنی George Romney



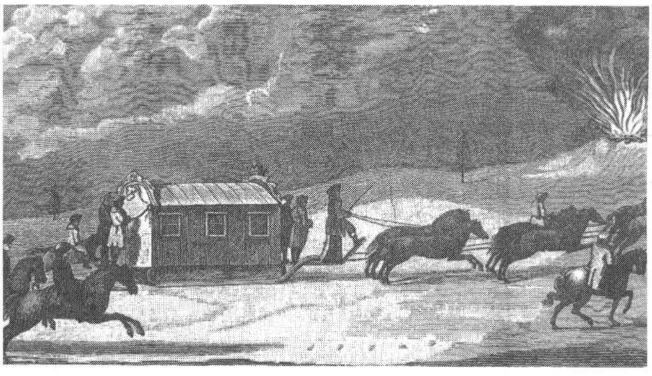
هلندی ها یک برده را به دار آویخته اند.



وارن هاستینگWarren Hastings به وسیله ی یکی از نمایندگان پارلمان مورد انتقاد قرار گرفت. نقاشی از ادموند بورک Edmund Burke



نقشه ی متصرفات انگلیس در امریکای شمالی.



سورتمه سواری کاترین کبیر تزارینای روسیه در سیبری.

بریتانیا، ۱۵ اوریل ۱۷۹۷
سپاهیان انگلیس در اسپیت‌هد (Spithead) دست به شورش زدند.
ورونا، ۱۷ آوریل ۱۷۹۷
در روز یک‌شنبه عید پاک، چندصدنفر از سربازان فرانسوی به‌دست مردم محلی به‌هلاکت رسیدند.
ورونا (ایتالیا)، ۲۷ آوریل ۱۷۹۷
با شورش و عصیان مردم ورونا (Verona) و ونیز (Venice) در واکنش به وضع قوانین مالیاتی فرانسه، شورشیان سرکوب و دوژ (Doge) (فرمانروای ونیز) حاکم محلی نیز عزل شد.
پاریس، ۳۰ آوریل ۱۷۹۷
هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون موافقت‌نامه‌ی لوبن را در مورد صلح بین فرانسه و اتریش تصویب کرد. گرچه بوناپارت در تاریخ ۱۸ آوریل این موافقت‌نامه را امضا کرده بود، لیکن وی حق این کار را نداشته است.
بریتانیا، دوم مه ۱۷۹۷
شورش ناویان انگلیس که از اسپیت‌هد شروع شده بود، به ناوگان دریای شمال رسید.
ونیز، ۱۲ مه ۱۷۹۷
شورای عالی به‌جای دوژ (فرمانروای محلی) زمام امور حکومت را با قید جمهوری دموکراتیک در دست گرفت.
فیلادلفیا، ۱۵ مه ۱۷۹۷
جان آدامز رییس‌جمهور ایالات متحده، کنگره را به تشکیل جلسه دعوت کرد تا راهی برای حل معضلات با فرانسه پیدا کند.
هندوستان، ۱۵ مه ۱۷۹۷
پیمان اتحادی بین دولت فرانسه و حاکم‌نشین میسور (Mysore) در سرینگاپاتام (Seringapatam) امضا شد.
پاریس، ۲۶ مه ۱۷۹۷
محاکمه‌ی بابوف (Babeuf) و طرفداران وی که به‌اتهام توطئه‌ی براندازی حکومت تشکیل شده بود، پایان یافت و بابوف با رأی دادگاه اعدام شد.
ایتالیا، ١٤ ژوئن ۱۷۹۷
بوناپارت ۲۲ نفر از اعضای دولت را به نمایندگی کشور فرانسه و به‌مناسبت اعلام جمهوری لیگوریان‌ها (Ligurian) به شهر جنوا (Genoa) اعزام کرد.
ایران، ۱۷ ژوئن ۱۷۹۷
آقامحمدخان شاه قاجار به‌هلاکت رسید و برادرزاده‌ی او فتحعلی جانشین وی گشت.
ایتالیا، نهم ژوئیه ۱۷۹۷
جمهوری سیزالپین (Cisalpine)، مرکب ازلومباردی(Lombardy) و جمهوری سیسپادین (Cispadian)، در شهر میلان تشکیل شد.
بریتانیا، نهم ژوئیه ۱۷۹۷
ادموند بورک (Edmund Burke) یکی از باارزش‌ترین سیاستمداران و فلاسفه‌ی عصر خود، در سن ۶۸ سالگی درگذشت. وی یکی از مدافعان دولت مشروطه و ضد انقلابیون فرانسه بود و در عین‌حال دوستدار مهاجرنشینان امریکایی قبل از جنگ‌های استقلال به‌شمار می‌رفت.
مدیترانه، ۲۸ اوت ۱۷۹۷
ایالات متحده با پرداخت خراج به تونس (Tunis) جهت جلوگیری از دزدان دریایی که کشتی‌های آن کشور را به سرقت می‌بردند، موافقت کرد.
فرانسه، ۲۲ سپتامبر ۱۷۹۷
ژنرال پیشگرو (Pichegru) به‌اتهام خیانت مجرم شناخته شد، زیرا با سلطنت‌طلبان روابط صمیمانه‌یی برقرار کرده بود. وی فرانسه را به قصد گویان (Guyana) در امریکای مرکزی ترک کرد، لیکن در همان‌جا دستگیر و زندانی شد.
پاریس، ٢٦ اکتبر ۱۷۹۷
قرارداد صلح کامپوفورمیو (Campo Formio) که در تاریخ ۱۸ اکتبر بین دولت اتریش و بوناپارت تنظیم شده بود، توسط هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون تصویب شد.
ایالات متحده، چهارم نوامبر ۱۷۹۷
کنگره با پرداخت خراج سالیانه به طرابلس (Tripoli)، نظیر خراجی که به بیگ‌الجزیره می‌پرداخت، موافقت کرد، زیرا این یگانه راه حفاظت از کشتیرانی ایالات‌متحده در مقابل دزدان دریایی مدیترانه بود.

برطرف کرده و به نوسازی آن بپردازد، او در شهرهای دونکاستر (Doncaster)، یورکشایر (Yorkshire) یک‌سری کارخانجات جدید بافندگی تأسیس کرد. متأسفانه دستگاه‌های ریسندگی و بافندگی در آینده آن قدرت لازم را نخواهند داشت که نیازهای کشور را تأمین کنند. موضوعی که کارت‌رایت را در انجام مقاصد خود ناتوان ساخت، نبودن بودجه و پول برای توسعه و گسترش این صنعت بود. همچنین این موضوع برای برخی از بافندگان تضییقاتی فراهم کرد و آن‌ها نتوانستند در ماشین‌های سابق خود تغییراتی ایجاد کنند و در نتیجه به ماشین‌های بافندگی دستی بسنده کردند.

پسر باخ جهان را بدرود گفت (هامبورگ، ۱۴ دسامبر ۱۷۸۸):

یکی از پیشگامان آهنگساز به‌نام کارل فیلیپ امانوئل باخ (Carl Philipp Emanuel Bach)، در سن ۷۴ سالگی درگذشت. اولین فرزند یوهان سباستیان باخ (J.S. Bach) از سال ۱۷۳۸ تا ۱۷۶۷ در دربار پادشاهی پروس (و در این اواخر فردریک دوم) اشتغال داشت و چون فردریک خود نوازنده فلوت بود و به آهنگسازان علاقه شدید داشت، موافقت نمود که وی به جانشینی تلمان (Telemann) (تلمان پدر تعمیدی کارل فیلیپ امانوئل باخ بود) به‌عنوان مدیر ارکستر هامبورگ (Hamburg) منصوب شود. او در این شهر که کم‌تر جنبه‌ی محافظه‌کارانه داشت، بیش‌تر روی دستگاه‌های موسیقی به کار پرداخت، او توانست چندین سمفونی اوورتور خلق کند. باخ چون آدمی عصبی‌مزاج بود، از سبک و روش تند پیروی می‌کرد.

روزنامه‌ی تایمز (*Times*) در خیابان‌های لندن در دسترس مردم قرار گرفت.

با ازدیاد خوانندگان و علاقه‌ی آن‌ها به روزنامه‌ی دیلی یونیورسال رجیستر (Daily Universal Register)، امروز نام این روزنامه به تایمز تغییر یافت. جان والتر (John Walter) صاحب‌امتیاز این روزنامه

که قبلاً کتاب‌فروش بود، مدعی است که این تیتر جدید خیلی ساده و آسان‌تر از رجیستر است و این تغییر نام، هم برای مجله‌ی سالیانه‌ی رجیستر آسان‌تر است و هم برای مجله‌ی بانوان هاریس رجیستر کاونت‌گاردن (Harris Register of Covent Garden). با این وجود، بسیاری از خوانندگان می‌دانند که این روزنامه با عنوان و طرح جدید در ماه مارس جزو فهرست روزنامه‌ها درخواهد آمد. روزنامه با طرح و سبک نوین خود می‌تواند در دنیای روزنامه‌نگاری به رقابت با رروزنامه‌های مهم دنیا برخیزد. تایمز جدید حاوی مطالبی درباره‌ی ادبیات، اخبار پارلمانی و رویدادهای شهری است. در هر حال، سیاست و سبک روزنامه‌ی تایمز دارای دوگانگی است، بدین‌معنی که با دوستان کشور انگلیس هم‌چون ژانوس (Janus) تبسم بر لب و با دشمنان چهره‌ی اخمو و ترش‌رو خواهد داشت.

بنیادگرایان قلمرو سلطان را تهدید می‌کنند (عربستان، ۱۷۸۸)

عبدالعزیز برای این‌که امنیت قلمرو فرزندش امیرمسعود را تضمین کند، حکومت او را به‌رسمیت شناخت. عبدالعزیز به نفع فرزندش از سلطنت کناره‌گیری کرده بود. یکی از وفاداران سلطنت به‌نام محمد بن عبدالوهاب که از بنیادگرایان واقعی اسلامی است، با حکومت عثمانی و نفوذ او سخت مخالفت می‌ورزد.

فرقه‌ی وهابیون در ۴۰ سال پیش به‌قدرت رسید. این فرقه در بدو امر در فلات نجد کرّ و فرّی داشت، سپس در سال ۱۷۷۳ شهر ریاض را پیوست قلمرو خود ساخت و در سال گذشته جبل شامار (Jabal Shammar) را هم تحت نفوذ خود درآورد و اینک قبیله‌ی ال احصا را در شرق این سرزمین و هم‌چنین سرزمین حجاز را در غرب و منطقه‌ی مونتافیق را که در حقیقت جزیی از میان‌رودان است، مورد تهدید قرار داده است.

مسیحیت از سقوط رم جلوگیری کرد (لندن، ۱۷۸۸)

مدت ۲۴ سال پیش که ادوارد گیبون (Edward Gibbon) متفکر انگلیسی درباره‌ی رویدادها و انحطاط و ویرانی حکومت رم باستان کتابی به‌نگارش درآورده، عقاید خود را در مورد تاریخ سقوط امپراتوری رم در این کتاب آورده است. ادوارد گیبون که فردی ضعیف و لاغر و کوتاه‌قد می‌باشد (قد او کم‌تر از ۱۵۰ سانتی‌متر است)، توانست تاریخ رم را در پنج یا شش جلد تنظیم کند که به‌سرعت هم به‌فروش رسید که البته این امر اقدامی بزرگ محسوب می‌شود. این تاریخ از سال ۱۸۰ میلادی و با مرگ مارک اورل (Marcus Aurelius) شروع و تا سال ۱۴۵۳ یعنی سقوط قسطنطنیه به‌دست سلطان‌محمد فاتح و سقوط امپراتوری رم شرقی را شامل می‌شود و در ضمن رویدادهای مهم تاریخی مثل ظهور حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام، جنگ‌های صلیبی و تاریخ زمان صلاح‌الدین ایوبی، حملات چنگیزخان و تیمور لنگ در آن به‌طور مشروح آمده است.

گیبون علت سقوط رم را بیش‌تر در نتیجه‌ی ازدست‌دادن تقوای ارتش رم باستان و ظهور و پیشرفت مسیحیت تلقی می‌کند و یکی یگر از علل آن را حملات و یورش‌های اقوام بربر به شهرها و سقوط تمدن و فرهنگ رم می‌داند. او می‌گوید ما نمی‌توانیم به‌درستی علت این امر را بیان کنیم، لیکن به‌نظر می‌رسد اشتیاق مردم به پیشرفت و بهبود شیوه‌ی زندگی، قبایل وحشی و بربر را واداشت که به شهرهای آباد و ثروت آن‌ها حسادت ورزیده و آن‌ها را هدف امواج حملات خود سازند و بدین طریق تمدن و فرهنگ کهن رم دستخوش تاراج شد و بنیان آن فرو ریخت.

رفتار و سلوک بشر زیربنای قوانین عمومی را تشکیل می‌دهد (کونیگسبرگ (*Konigsberg*)، پروس شرقی، ۱۷۸۸)

امانوئل کانت (Immanuel Kant) استاد فلسفه‌ی آلمانی که در جهان شهرت دارد، هفت‌سال پیش در کتابی به‌نام «انتقاد» درباره‌ی فلسفه و ریشه‌ی اخلاق و احساسات بشری شرح مبسوطی را پیش کشید و به

پروس، ۱٦ نوامبر ۱۷۹۷
فردریک ویلیام دوم پادشاه پروس از دنیا رفت و پسرش به‌نام فردریک ویلیام سوم جانشین او شد.

آلمان، یکم دسامبر ۱۷۹۷
بوناپارت عهدنامه‌یی با دولت اتریش در راشتات (Rastatt) امضا کرد و بین طرفین توافق شد که هر دو طرف به‌طور هم‌زمان شهرهای ماینز (Mainz) و ونیز را تخلیه کنند.

پاریس، ۱۲ ژانویه ۱۷۹۸
بوناپارت نقشه‌ی خود را جهت حمله به انگلیس، برای هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون تشریح کرد.

پاریس، ۱۸ ژانویه۱۷۹۸
برای ایراد فشار بر تجارت انگلیس، هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون قانونی تصویب کرد که تمام راه‌هایی که در دست کشورهای بی‌طرف است، توسط نیروهای فرانسوی مسدود گردد تا کشور بریتانیا نتواند از آن راه‌ها به مبادله‌ی کالا بپردازد.

سویس، ۲٤ ژانویه ۱۷۹۸
ساکنان شهر وائود (Vaud) در مغرب کشور، منطقه‌ی لمان (Leman) را یک جمهوری مستقل اعلام و مرکز قدرت خود را هم شهر برن (Berne) معرفی کردند.

رم، ۱۵ فوریه ۱۷۹۸
فرانسه، رم را یک جمهوری مستقل اعلام کرد.

رم، ۲٤ فوریه ۱۷۹۸
نیروهای فرانسوی علیه برتیه (Berthier) فرمانده خود، شورش کردند. این فرصتی بود که مردم رم برضد اشغالگران کشور طغیان کنند.

پاریس، پنجم مارس ۱۷۹۸
با وجودی‌که حمله‌ی بوناپارت به انگلیس به‌تأخیر افتاد، هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون با نقشه‌ی وی موافقت کرد و توصیه‌های بوناپارت را در مورد حمله‌ی قوای نظامی فرانسه به مصر پذیرفت.

سویس، ششم مارس ۱۷۹۸
سپاهیان فرانسوی شهر برن را به بهانه‌ی کمک به میهن‌پرستان شهر وائود در جهت احراز استقلال، تصرف کردند.

اقیانوس هند، چهارم آوریل ۱۷۹۸
سربازان فرانسوی، آسایشگاه سربازان را در جزیره‌ی فرانسوی (موریس (Mauritius)) مورد محاصره قرار دادند، چون سفیدپوستان و ساکنان جزیره که به‌نام مولاتو (mulatto) نامیده می‌شدند، علیه برده‌داری دست به تظاهرات زده بودند. سربازان فرانسوی سعی می‌کردند که با گفت‌وگو اعتصابیون را آرام کنند و آن‌ها را تشویق می‌کردند به کشور فرانسه برگردند.

سویس، ۱۲ آوریل ۱۷۹۸
نمایندگان ۱۲ بخش سویس در شهر آرائو (Aarau)، تشکیل جمهوری سویس را اعلام کردند.

اتریش، ۲۹ آوریل ۱۷۹۸
هایدن (Haydn) برای نخستین‌بار سرود «آفرینش» را با صدای چند نفری به‌روی صحنه آورد. وی روح تازه‌یی به سرودهای هاندل (Handel) انگلیسی بخشید و خاطره‌ی میلتون (Milton) و جیمز تامسون (James Thomson) را زنده کرد. هیأت نوازندگان سرودهای هایدن یک ارکستر کامل را شامل بود و با یک دسته کر بزرگ و چند تک‌نواز همراه بود که سبب موفقیت عظیم وی شد.

منطقه‌ی کارائیب، دوم مه ۱۷۹۸
توسنت لـه اوورتور (Toussaint L' Ouverture) ژنرال سیاه‌پوست، به سپاهیان انگلیس فشار آورد که لااقل بخشی از سانتودومینگو (Santo Domingo) را که تاکنون در تصاحب آن‌ها بود، تخلیه کنند.

ایرلند، ۲۳ مه ۱۷۹۸
با احتمال حمله‌یی که انتظار می‌رفت نیروهای فرانسوی برضد نیروهای بریتانیا انجام دهند، ناسیونالیست‌های ایرلندی علیه انگلیس قیام کردند.

جزیره‌ی مالت، ۱۱ ژوئن ۱۷۹۸
جزیره‌ی مالت (Malta) تسلیم بوناپارت گردید.

ایرلند، ۲۱ ژوئن ۱۷۹۸
سپاهیان بریتانیایی قیام میهن‌پرستان ایرلندی را در تپه‌ی وینگار (Vinegar) نزدیک وکسفورد (Wexford) سرکوب کردند.

مصر، ۲۹ ژوئن ۱۷۹۸
نخستین کشتی بادبانی فرانسوی به بندر اسکندریه رسید تا نحوه‌ی پیاده‌شدن و جست‌وجوی راه‌های استراتژیک را به قشون فرانسوی در مقابل لشکریان نلسون بیاموزد.

بررسی علل اصلی آن پرداخت. وی می‌گوید: «تا آن‌جا که دانش و معلومات ما حکم می‌کند، ما نمی‌توانیم از روی ظواهر فردی به احساسات درونی اشخاص پی ببریم» و این موضوع را دیوید هیوم (David Hume) فیلسوف اسکاتلندی هم تأیید نموده است. تجربه نشان می‌دهد که در تمام دنیا، نمونه‌ها یا گروه‌هایی وجود دارند که برحسب موقعیت زمانی و مکانی و عوامل دیگر، شیوه‌ی تفکر خود را تغییر می‌دهند، یعنی این عوامل در طرز فکر آن‌ها تأثیر به‌سزایی دارد.

اینک کانت برای درک علت احساسات مغزی افراد به تجربیاتی اقدام نموده و عقیده دارد که عقل و احساسات بشری بستگی به آگاهی‌ها و نیازهای او دارد که برحسب زمان و مکان دچار تغییراتی خواهد شد که حتمی و غیرقابل تغییر است. این دگرگونی و تغییرات حالات انسان‌ها، اساس و پایه‌ی قوانین عمومی و کلی است که بر تمام جوامع بشری حاکم است. کانت در تمام زندگی خود مجرد زیست و هیچ‌وقت شهر کونیکسبرگ را ترک نکرد و همه‌ی اوقات خود را وقف مطالعه نمود. او هر روز ساعت ۵ صبح شروع به کار می‌کرد.

فرمانروایان هم به‌بازی کریکت باستانی اشتیاق می‌ورزند (لندن، ۱۷۸۸)

بازی کریکت (چوگان) که از بازی‌های مورد علاقه‌ی عمومی است و مردم خیلی به آن علاقه دارند، بیش‌تر در روستاها و دهات انجام می‌شد، اکنون مورد توجه اشراف و اعیان و سران کشور قرار گرفته، و به‌طوری که نوشته‌اند سران ماریل‌بون (Marylebone) یک باشگاه چوگان بازی در لندن تأسیس کرده‌اند.

این بازی با چند توپ و چوب یا عصای چوگان‌زنی انجام می‌شود (اندازه‌ی چوب بازی معین شده) و محل آن معمولاً در فضای سبز و وسیع دهات است و چون مکان بازی در فضای باز است، طبقات مرفه از هوای تمیز و آزاد لذت می‌برند.

به‌طور معمول اشخاص و افراد طبقه‌ی مرفه بدین بازی علاقه‌ی بیش‌تری دارند، چون در موقعیت بهتری هستند. بازی بین رقبا صورت می‌گیرد و در پایان بازی به برنده جایزه تعلق می‌گیرد. در مستعمرات انگلیس هم این بازی مرسوم شده است.

پادشاهی که کشور اسپانیا را به شکل امروزی درآورد، دیده از جهان فروبست (مادرید، ۱۷۸۸)

شارل سوم، پادشاه اسپانیا که چندین دهه بر کشور حاکم بود، پس از ابتلای به بیماری سرماخوردگی که به تب شدید منجر شد، در بستر درگذشت. او که نزدیک به سی سال در اسپانیا حاکمیت داشت با سیاستی روشن از فرهنگ و تربیت پیشرفته برخوردار بود و برای اعتلای کشور اصلاحات زیادی انجام داد و ثابت کرد برای انسان‌ها ارزش قائل است.

شارل در ابتدا پادشاه ناپل و در ضمن برادر آخرین پادشاه اسپانیا بود و زمانی که به سلطنت رسید ۴۳ ساله بود و چون به پادشاهی اسپانیا رسید، فوراً از سلطنت بر ایتالیا چشم‌پوشی کرد. او ثابت کرد که واقعاً لایق حکمرانی بر کشور وسیع اسپانیا می‌باشد. او فردی دستکار و ثابت‌قدم، اما در عین حال بسیار معقول و منطقی بود و امور سلطنت را با صحت و درستی انجام می‌داد.

تنها نقطه‌ی کور در اعمال وی این بود که در امور سیاست خارجی، متصّف به تبعیض و تعصب بود و نسبت به بریتانیای کبیر حسّ نفرت شدیدی داشت و در جنگ استقلال امریکا روش غیرعاقلانه‌یی در پیش گرفت و این جریان ضربه شدیدی بر درآمد اسپانیا وارد کرد و به اقتصاد کشورش آسیب فراوان زد.

شارل همچنین علاقه قلبی عجیبی نسبت به جبل‌الطارق داشت و مدتی حاشیه این کوهستان را در محاصره گرفت، ولی توفیقی حاصل نکرد. با وجود این با پیمان صلح ورسای، از مینورکا (Minorca) و فلوریدا (Florida) عقب نشست.

مردم فرانسه به مجلس قانونگزاری رأی دادند (ورسای، ۲۶ دسامبر ۱۷۸۸)

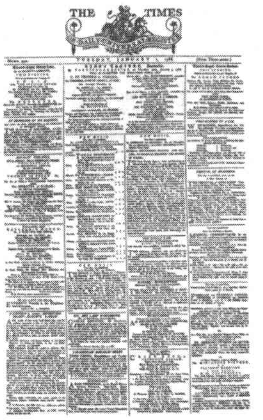
لویی شانزدهم پادشاه فرانسه، از طبقه‌ی بورژوا درخواست کرد که هر چه زودتر جلسات مجلس عامه قانونگزاری را تشکیل دهند و در ضمن فرمان داد که تعداد اعضای این مجلس دو برابر شود. او پس از ۱۷۴ سال وعده داد که این مجلس را در ماه مه آینده افتتاح خواهد کرد.

برای تشکیل این مجلس پادشاه از تمام اقشار مردم همچون اشراف و بزرگان، طبقه‌ی دوم و روحانیون دعوت کرد که در انتخابات اولین مجلس عمومی شرکت کنند و در جلسات آن فوریت اصلاحات اقتصادی را در نظر بگیرند و به این بحران خاتمه دهند و برای ایجاد وحدت، مناقشات قومی و طبقاتی را کنار گذارده و به وضع مالی یأس‌آور کشور توجه بیش‌تری مبذول دارند. در ضمن به‌طوری‌که طبقه‌ی سوم اجتماعی فرانسه می‌گویند جمعیت فرانسه برای رأی‌دهندگان ۲۴ میلیون است، در حالی که جمعیت فعلی بیش از ۲۵ میلیون نفر می‌باشد.

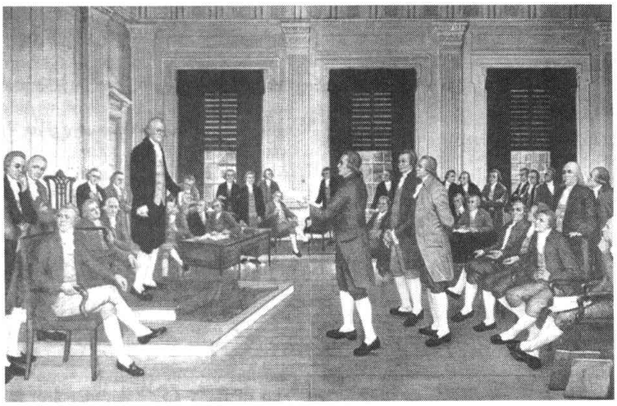
در فرمان شاه آمده که افراد طبقه‌ی سوم اجتماعی می‌توانند در رأی‌گیری شرکت کنند، لیکن نمی‌توانند به عضویت مجلس عوام انتخاب شوند و تنها اشراف و بزرگان به نمایندگی انتخاب خواهند شد، با این وصف پادشاه با رأی‌گیری و انتخابات آزاد موافق است و همه‌ی ملت می‌توانند در این انتخابات آزاد شرکت نمایند.

کشتی حامل محکومان به استرالیا رسید (سیدنی ـ استرالیا، ۲۶ ژانویه ۱۷۸۸):

یک کاروان شامل ۶ کشتی حامل ۷۳۰ نفر از محکومان و بزهکاران انگلیسی در بندر جکسون (Jackson) استرالیا لنگر انداخت. ناخدا و فرمانده‌ی کشتی‌ها اظهار داشت که این بندرگاه قشنگ‌ترین بندرگاه در تمام جهان است. این بندر که خلیج سیدنی


THE TIMES

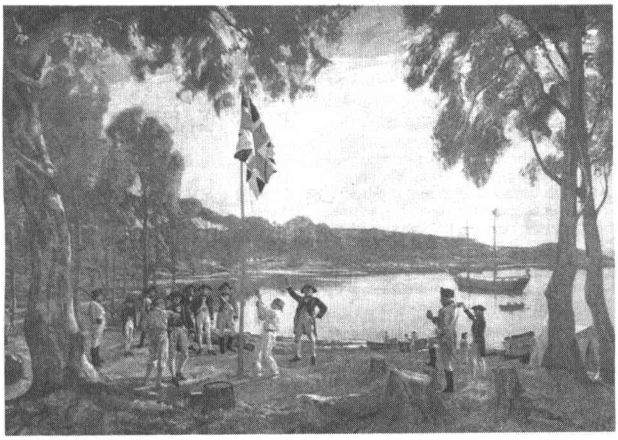
طرح جدید روزنامه ی تایمز.



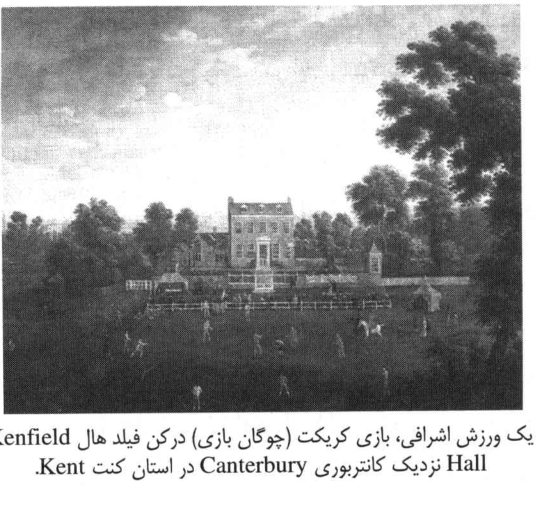
جورج واشنگتن با قانون اساسی موافقت کرد.



شارل سوم، پادشاه اسپانیا.



با سعی و جدیت دریانوردان و ناویان انگلیسی، سرانجام خلیج کوچک سیدنی Sydny در استرالیا کشف شد و کاشفان پرچم بریتانیا را در آن جا به اهتزاز درآوردند.



یک ورزش اشرافی، بازی کریکت (چوگان بازی) درکن فیلد هال Kenfield Hall نزدیک کانتربوری Canterbury در استان کنت Kent.



سومین گروه اجتماعی. امتیازات و تسهیلات طبقه ی روحانیون و اشراف، فشار را بر سومین طبقه (کشاورزان و صنعت گران) تشدید می کنند.

(Sydney) نام دارد، در حدود یک‌ششم مایل وسعت و نیم مایل هم عمق دارد. این کاروان ۳۶ هفته پیش از انگلیس حرکت کرد. آن‌طور که فیلیپ می‌گوید در طول مسیر دچار بیماری آبله و امراض مقاربتی شدند. به هر ترتیب فیلیپ با معالجاتی که انجام داد، تعداد ۴۸ نفر از مسافران این کاروان تلف شدند. تعداد بزهکاران مرد ۵۷۰ نفر و زنان ۱۶۰ نفر بود، کوچک‌ترین آن‌ها پسری ۹ ساله بود که برای دزدی از لوله‌ی بخاری دست به سرقت زده بود. این پسر جان هودسون (John Hudson) نام داشت.

پیرترین فرد هم، دوروتی هندلند (Dorothy Handland) ۸۸ ساله بود که به شغل دست‌فروشی لباس‌های کهنه اشتغال داشت. فیلیپ این محکومان را به استرالیا برد، زیرا نمی‌خواست که آن‌ها را به بردگی وادارد.

نخستین کشتی در ۶ روز قبل به خلیج بوتانی (Botany Bay) وارد شد. فیلیپ این بندر را مناسب زندگی و ایجاد مستعمره ندید و به‌سوی ساحل سیدنی رهسپار شد، خلیج سیدنی جایی بودکه کاپیتان جان هانتر (John Hunter) آن‌جا را شبیه پارک گوزن‌ها خوانده بود، این کاروان دومین کشتی حامل محکومان بود که در آن‌جا مستقر می‌شد.

هنگامی‌که بقیه محکومان به بندر بوتانی رسیدند با دو کشتی فرانسوی مواجه شدند، که کاپیتان آن، لاپروس (la Perouse) نام داشت و عازم سفر دور دنیا بود. همچنین کاروانیان چون به خلیج سیدنی رسیدند، با تعدادی افراد بومی برخورد کردند که مشغول شنا در آب بودند و به مجردی که افراد بیگانه را دیدند با تیر و کمان آن‌ها را نشانه گرفته و به زبان محلی آن‌ها را طرد می‌کردند و می‌گفتند (وارا وارا (Warra Warra)) یعنی از این‌جا دور شوید.

خبرنگاران انگلیسی از فقر و تهیدستی فرانسوی‌ها گزارش می‌دهند (فرانسه، ۱۷۸۸)

آرتور یانگ (Arthur Young) خبرنگار و سیاح و کشاورز انگلیسی از فقر و بدبختی روستاییان و دهقانان فرانسوی گزارشی تهیه کرده و آن را به انگلیس فرستاده است. این جریان در محیط دیپلماتیک انعکاس شدیدی پیدا کرده و دیپلمات‌ها بر این عقیده هستند که جوّ انقلاب فراهم شده است. در سال گذشته هم یانگ در گزارش خود نوشته بود که دختران و زنان فرانسوی از شدت فقر و بیچارگی بدون کفش و جوراب هستند و این موضوع باعث ناراحتی شدید آنان شده است. یانگ امسال نیز به نقاط مختلف مسافرت نموده و مشاهده کرده که وضع کشاورزان اسفبار است. آن‌ها در کلبه‌های گلی زندگی می‌کنند که کف آن‌ها سنگفرش هم ندارد. مردم مانند وحشیان در اطراف کلبه‌ها پراکنده هستند. او می‌نویسد که در منطقه‌ی مون دو شاتوبریان (Mons de Chateaubriand)، صاحبان زمین و ساکنان این منطقه در محیطی بسیار آلوده و کثیف به‌سر می‌برند، هم‌چنین در ناحیه‌ی مونتابان (Montauban) مردم در محرومیت و مسکنت زندگی می‌کنند. در تاریخ هفدهم آوریل یکی از کارکنان سفارت بریتانیا در پاریس در نامه‌یی به وزارت امور خارجه‌ی متبوع خود می‌نویسد: نارضایتی و مشکلات به‌حدی است که مردم در انتظار انقلاب هستند و با ذوق و اشتیاق از آن استقبال می‌کنند.

باز هم در تاریخ دوم ژوئیه یکی از نمایندگان سفارت که دو ماه پیش بر اثر ناراحتی‌هایی از شغل خود استعفا کرده بود، می‌نویسد که روحیه‌ی مقاومت در مقابل قانون در مردم پیدا شده و شهروندان فرانسوی بر ضد مقررات و قوانین عصیان می‌کنند و در سراسر کشور حالت شتاب و عجله در مردم ظهور کرده که این نشانه‌ی سرکشی و طغیان همگانی می‌باشد.

تظلم و دادخواهی فرانسویان نسبت به وضع موجود (فرانسه، مارس ۱۷۸۹)

کمبود مواد غذایی، بالابودن مالیات‌ها، دخالت بی‌جای دولت در امور مردم، اقتدار و توانایی اشراف و روحانیون ثروتمند و بیکاره، این‌ها بخشی از فهرست

مصر، یکم ژوئیه ۱۷۹۸
ناپلئون بوناپارت بندر اسکندریه را اشغال کرد.
مصر، هفتم ژوئیه ۱۷۹۸
سپاهیان بوناپارت شروع به پیشروی به‌سوی قاهره (Cairo) کردند.
فیلادلفیا، ۱۱ ژوئیه ۱۷۹۸
با افزایش احتمال شروع جنگ با فرانسه که هر لحظه شدت می‌یافت، کنگره حالت فوق‌العاده اعلام کرد و اختلاف عقیده‌ی داخلی هم تشدید شد. نیروهای فرانسوی که با انجام مذاکراتی با سفیر ایالات متحده سعی در ایجاد هراس در امریکا داشتند و پیش از این هم ناوگان امریکا را در دریا مورد تهدید قرار داده بودند، جنگی اعلام‌نشده را آغاز کردند. با اعلام وضعیت اضطراری، نویسندگان و کسانی‌که حالت وحشت به‌وجود می‌آوردند، با قانون فدرال بازداشت و زندانی شدند.
روسیه، ۲۱ ژوئیه ۱۷۹۸
تزار پل (Czar Paul) امپراتور روسیه، سپاهیانی برای حمایت از نیروهای نظامی اتریش در ستیز با فرانسه اعزام کرد.
فرانسه، ۱۷۹۸
مهندس رابرت فولتون (Robert Fulton) امریکایی، نخستین زیردریایی را اختراع کرد. وی در دو سال پیش به فرانسه آمد و به پیروی از اهداف کنوانسیون نقشه‌ی این کار را پیاده کرد. اکنون زیردریایی نوتیلوس (Nautilus) با موفقیت به آب انداخته شد و به معرض تماشا گذاشته شد. افسران نیروی دریایی با این کار رضایت خود را ابراز داشتند.
انگلیس، ۱۷۹۸
ویلیام وردزورث (William Wordsworth) و ساموئل تایلورکولریج (Samuel Taylor Coleridge)، متفقاً، قصایدی به‌صورت ترجیع‌بند سرودند که به مجموعه‌اشعار دیوانی اضافه گردید. این مجموعه‌ی شعری حاکی از آن است که صنعت شعری به ترقیات شگرفی دست یافته و به اصالت کم‌نظیری رسیده است. کولریج به‌خصوص برضد سبک قرن هجدهم شعر می‌سرود و شیوه‌ی نوینی در صنعت شعر به‌وجود آورد و به احیای زبان کمک بسیاری نمود، در حالی‌که وردزورث سعی می‌کند تغییر بنیانی در شعر امروزی ایجاد کند که براساس رابطه‌ی انسان با طبیعت است.
اتریش، ۱۷۹۸
لودویک وان بتهوون (Ludwig Van Beethoven)، با پیانو، قطعات موسیقی به‌نام اوپوس (Opus) سیزدهم که به «هیجان» مشهور شده است را نواخت.
مصر، ۲۳ ژوئیه ۱۷۹۸
ژنرال بوناپارت با لشکریانش به شهر قاهره که دو روز پیش آن را تسخیر کرده بود، وارد شد.
مصر، یکم اوت ۱۷۹۸
ناوگان دریایی فرانسه توسط نلسون (Nelson) در منطقه‌ی ابوقیر (Aboukir) از هم پاشید و فرانسویان عملاً در مصر زندانی شدند.
فرانسه، ششم اوت ۱۷۹۸
شورش غیرمنتظره‌ی ایرلندی‌ها شکست خورد. با این وصف، فرانسه سپاهیانی جهت کمک به ایرلند در جنگ با انگلیس به آن‌جا اعزام داشت.
جزیره‌ی مالت، دوم سپتامبر ۱۷۹۸
مردم مالت علیه اشغالگران فرانسوی دست به آشوب زدند و سپاهیان آن کشور از ترس به قلاع نزدیک شهر والتا (Valetta) پناه بردند.
ایرلند، ۲۷ اوت ۱۷۹۸
پس از شکست اتفاقی نیروهای انگلیسی در ایرلند، ژنرال هامبرت (Humbert) تشکیل جمهوری ایرلند را اعلام کرد.
امپراتوری عثمانی، نهم سپتامبر ۱۷۹۸
امپراتوری عثمانی به‌خاطر اشغال سرزمین مصر به فرانسه اعلان جنگ داد.
ایرلند، ۱۵ سپتامبر ۱۷۹۸
نیروهای فرانسوی تحت امر ژنرال هامبرت، در بالیناموک (Ballynamuck)، تسلیم ژنرال کورن والیس (Cornwallis) شدند و با این امر، مساعی نیروهای فرانسوی در حمله به ایرلند پایان یافت.
مصر، ۲۲ اکتبر ۱۷۹۸
شورش مردم قاهره برضد نیروهای فرانسوی توسط سربازان اشغالگر با کمال بی‌رحمی و شقاوت سرکوب شد...

گله و شکایت‌هایی است که فریاد همگان را به آسمان رسانده و ثابت می‌کند که وضع عمومی اسفبار است. درباره‌ی وضعیت مردم و شکایات و ناله‌های آن‌ها قرن‌هاست که کتاب‌هایی انتشار یافته است. از سال ۱۴۸۴ که نخستین اجلاس مجلس عامه برای قانونگزاری تشکیل شد، مقرر شد که افراد ۲۵ سال به بالا باید مالیات بپردازند و همه‌ساله مبلغ مالیات بالا می‌رفت. مردم با تشکیل شوراهای محلی نسبت به وضع مالیات اعتراضات خود را ابراز می‌داشتند، لیکن همواره دولت شهروندان را مجبور به پرداخت مالیات می‌نمود و از همان زمان گله و شکایت مردم نسبت به این موضوع آغاز گشت و همکاری مردم هم هیچ تأثیری نداشت. یک‌بار مأموران جمع‌آوری مالیات آن قدر به مردم فشار آوردند که آن‌ها به‌اجبار لیستی از شکایات ملت را تهیه کرده و به عرض شاه رساندند.

امسال مساعی دولت صرف امور اقتصادی شد تا به بحران جاری پایان دهد. از سویی مأموران جمع‌آوری مالیات فشار خود را بر قشر طبقه‌ی سوم جامعه مضاعف کردند و چون این طبقه قادر به پرداخت مالیات نیستند و فقیرترین افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، در زیر این بار طاقت‌فرسا نتوانستند مقاومت کنند، لذا دست به عصیان زده و سیستم حکومت در معرض فساد و تباهی قرار گرفت و خرابی و ویرانی شروع شد.

در شهرها دسته‌جات و گروه‌های حرفه‌یی به آتش‌زدن مراکز انحصاری و مالی پرداختند. زهر فئودالیسم مرده جای خود را به طبقات بورژوا و صاحبان مشاغل داده و شورشیان این مراکز را مورد هدف قرار دادند. مهم‌ترین موضوعی که مورد تقاضای عمومی است، تشکیل حکومت مشروطه برای محدودیت اختیارات دربار و شاه و اجرای قانون مساوات و یکسان‌بودن افراد در مقابل قانون، تثبیت حقوق مدنی شهروندان و آزادی فردی، می‌باشد.

اصلاحات اساسی در ژاپن منجر به صعود و ترقی مالیات‌ها گشت (ژاپن، ۱۷۸۹)

برنامه‌ی اصلاحات اساسی که به‌وسیله‌ی دربار

شوگون مشهور به اصلاحات کانسی (Kansei) در دست تهیه می‌باشد، بیش‌ترین تلاش خود را روی بالابردن درآمد و عایدی دولت قرار داده است تا عمیقاً حالت تورم را در کشور از بین ببرد. این اصلاحات منحصر به امور اقتصادی و مالی نیستند، بلکه هدف اصلاحات ازبین‌بردن بوروکراسی است که دولت را در اداره‌ی امور کشور تضعیف نموده است. هدف دیگر اصلاحات در روستاها و حومه‌ی شهرها، اصلاح امور مالیاتی و ذخیره‌ی برنج برای موارد قحطی و هنگام بروز بیماری طاعون و بلایای طبیعی است. یکی دیگر از اهداف اصلاحات، ذوب‌کردن سکه‌های نقره‌یی است که به اشکال مختلف در کشور رایج بوده و ضرب مجدد آن‌ها به‌شکل واحد و بالابردن ارزش سکه‌های طلا می‌باشد.

شنیده‌ها حاکی است که طبقه‌ی بورژوا درخواست‌هایی دارد (ورسای، پنجم مه ۱۷۸۹)

پادشاه فرانسه از نمایندگان مجلس عامه خواست تا اجلاسی برای بررسی امور جاری کشور تشکیل دهند. این جلسات از سال ۱۶۱۴ تعطیل شده بود. مردم فرانسه کم‌تر به مجالس جشن و سرور علاقه نشان می‌دهند. آن‌ها خواهان وفور نان و تغییر وضع طبقه‌ی سوم و فقرا هستند، در ضمن خواستار گشایش مجلس قانونگزاری می‌باشند. بیش‌تر مردم در انتظار اجلاس این مجلس و قوانین مصوبه‌ی آن هستند. آن‌ها می‌خواهند به شکایات آنان رسیدگی شود و برای انجام این امر خواستار آنند که درِ این مجلس به روی آنان باز شود و طبقات مختلف از جمله طبقه‌ی محروم کشور هم در آن عضویت داشته باشد و در ضمن تعداد نمایندگان هم دو برابر شود و نمایندگان ملت بتوانند باری از دوش طبقات محروم و رنج‌دیده بردارند.

آب سیه (Abbe Sieyes) جهت بررسی وضعیت طبقه‌ی سوم و خواسته‌های آنان مقاله‌یی به‌نگارش درآورده و می‌پرسد: «طبقه‌ی سوم چه‌گونه به‌وجود آمده و زندگی آن‌ها چه‌گونه می‌گذرد؟» آنگاه خود او جواب می‌دهد و می‌گوید که: «هر چیزی امکان دارد، شما چه‌گونه می‌توانید به خواسته‌های آن‌ها پاسخ دهید؟»

اکنون همه به شاه متکی هستند، نکر (Necker) که یک بانکدار سویسی و وزیر دارایی فرانسه است، به شاه توصیه می‌کند که امروز برای آرامش و تسکین مردم نطقی ایراد کند.

واشنگتن به‌عنوان نخستین رییس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شد (نیویورک‌سیتی، ۳۰ آوریل ۱۷۸۹)

او خسته و لاغر و رنجور به‌نظر می‌رسد. جورج واشنگتن پیش از آن‌که در جلسه‌ی کنگره شرکت کند، مراسم تحلیف و سوگند ریاست‌جمهوری را انجام داد. واشنگتن به‌عنوان اولین رییس‌جمهور ایالات متحده سوگند یاد کرد که همواره پشتیبان ملت و قانون اساسی بوده و از آن دفاع خواهد کرد.

این مرد ۵۷ ساله که در ویرجینیا یکی از مالکان می‌باشد، با هیبت و وقار مخصوص در جایگاه سخنرانان کنگره قرار گرفت و با ابهت به سخنرانی پرداخت. یکی از سناتورها می‌گفت که این مرد بزرگ و قهرمان جنگ‌های استقلال، سخت برآشفته و متحیر به‌نظر می‌رسد، در حالی‌که هنگامی‌که در مقابل توپ و تفنگ قرار داشت، این‌چنین مضطرب و نگران نبود.

انتخاب واشنگتن به ریاست‌جمهوری حتمی بود و هیچ‌کس شکی در این مورد نداشت. تمام اعضای کالج انتخاباتی به اتفاق آرا به او رأی دادند و این پاداشی بود که به قهرمان نبرد یورک‌تاون (Yorktown) اعطا شد و امروز او با اتکا به این آرا می‌تواند کشور خود را به دامنه‌ی مونت ورنون (Mount Vernon) برساند و تا جایی‌که خواسته‌ی ملت است، پیش خواهد رفت تا آرزوهای آن‌ها را برآورده کند.

واشنگتن برخلاف این‌که به حاکمیت سرزمینی بزرگ رسیده، از نظر پولی و مالی در مضیقه می‌باشد و باید برای اداره‌ی امور کشور و افتتاح باب اقتصادی به

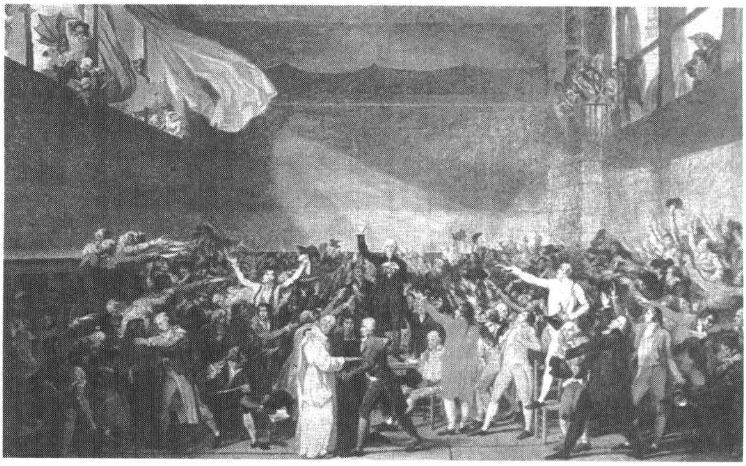
دریای کارائیب، ۲۲ اکتبر ۱۷۹۸
توسنت لـه اوورتـور (Toussaint L' Ouverture) ژنـرال سیاه‌پوست، با کمک سربازان خـود، آخـرین نماینـده‌ی دولـت فرانسه را از جزیره‌ی سانتودومینگو اخراج کرد.
مدیترانه، ۲۷ اکتبر ۱۷۹۸
سپاهیان روسیه که در تاریخ ۲۵ اکتبر جزیـره‌ی زانتـه (Zante) را از نیروهای فرانسوی پس گرفتند، اکنون سـفالونیا (Cephalonia) را هم تصرف کردند. از تمام جزایر دریای ایونی، تنهـا جزیـره‌ی کورفو (Corfu) در دست فرانسه باقی ماند.
لوگزامبورگ، ۳۰ اکتبر ۱۷۸۹
کشاورزان بلژیکی علیه اقدام سربازگیری فرانسویان به‌پا خاسـتند که نیروهای آن کشور غائله را خاتمه دادند.
یونان، پنجم نوامبر ۱۷۹۸
سپاهیان مشترک روسیه و عثمانی، راه‌هـای منتهـی بـه جزیـره‌ی کورفو را که در دست فرانسه بود، سد کردند.
اقیانوس هند، هفتم نوامبر ۱۷۹۸
ساکنان جزیره‌ی فرانسه (مـوریس) برضـد اشـغالگران فرانسـوی شورش کردند و مجلس ملی آن جزیره را هم منحل ساختند.
ایرلند، ۱۹ نوامبر ۱۷۹۸
ولف تون (Wolfe Tone) رهبر ناسیونالیست‌هـای ایرلنـد کـه در زندان منتظر اعدام بود، دست به‌خودکشی زد.
ایتالیا، ۲۲ نوامبر ۱۷۹۸
فرمانده ارتش اتریشی در شهر ناپل بـا نیـروی نظـامی خـود بـه جمهـوری رم کـه زیـر چتـر حمایـت ژنـرال شـامپیونه (Championnet) فرانسوی بود، حمله کرد.
ایتالیا، ۲۷ نوامبر ۱۷۹۸
ارتش فردیناند (Ferdinand) چهارم پادشاه ناپل و سیسیل کـه در دو سال پیش قرارداد صلح با فرانسه امضا کرده بـود، شـهر رم را تسخیر کرد.
مصر، هفتم دسامبر ۱۷۹۸
نیروهای فرانسوی، شهر سوئز (Suez) را تسخیرکردند.
رم، ۱۴ دسامبر ۱۷۹۸
قوای فرانسه، شهر رم را پس از ترک ناپلی‌ها، دوباره اشغال کرد.
لندن، ۲۰ دسامبر ۱۷۹۸
دومین ارتش ائتلافی انگلیس، اتـریش، روسـیه، ناپـل و پرتغـال، برضد فرانسه، تشکیل شد، نخستین ائتلاف به‌خاطر پیمـان صـلح کامپوفورمیو (Campo Formio) که اتریش با فرانسه امضـا کـرده بود، لغو شد. حال این پیمان به‌سبب جنگ‌هـایی کـه فرانسـه در هلند، ایتالیا و بریتانی برپا کرده است، منعقد شد.
موزامبیک، ۱۷۹۸
پرتغالی‌ها بـار دیگـر بنـدر لورنکومـارک (Lourenco Marques) واقع در خلیج ماپوتو (Maputo) را تصرف کرده و تجارت خـود را با دولت محلی ماپوتو بـرای دادوسـتد عـاج و بـرده گسـترش دادند.
بریتانیا، ۱۷۹۸
تـامس رابـرت مـالتوس (Thomas Robert Malthus)، مقـالاتی راجع به خطـر ازدیـاد جمعیـت آینـده‌ی جهـان و اثـرات آن بـر اجتماع به‌نگارش درآورد. وی تاکید کـرد کـه اضـافه‌شـدن نسـل هیچ‌گونه تطابقی با تولیـد محصـولات غـذایی نـدارد و همـواره ازدیاد محصول کم‌تر از ازدیاد نفوس می‌باشـد و رشـد جمعیـت بیش‌تر از تولید می‌باشد.
اتریش، ۱۷۹۸
هایدن (Haydn)، آهنگ موسیقی «مسیح در تنگنـا» را کـه کـاری درخشان و فوق‌العاده بود، رهبری کـرد. ایـن آهنـگ درسـت بـه فاصله‌ی کوتاهی قبل از پیروزی نلسون در مصـر ساخته شـد و اینک دوبله‌ی انگلیسی آن مشهور به عشـای نلسـون در انگلـیس به‌اجرا درآمده است.
ایتالیا، ۲۳ ژانویه ۱۷۹۹
نیروهای فرانسوی، شهر ناپـل را پـس از یـک‌سـری جنـگ‌هـای خیابانی وحشت‌انگیز، تصرف کردند.
ایتالیا، ۲۶ ژانویه ۱۷۹۹
اصولگرایان ناپلی، با موافقت فرانسـه، در ناپـل جمهـوری اعـلام کردند.

قرضـه و وام روی آورد. او در هنگـام جلـوس در کنگره و آداب سوگند، یک لباس ساده‌ی کـم‌ارزش بـر تن داشت و جورابی سفید و ابریشمین بر پا کرده بود. او که در میدان جنگ بسیار خوشحال و راضی بود، به این لباس در هنگام سوگند بسنده کرده بود. او کـه ریاسـت قوه‌ی مجریه را دارد، از توماس جفرسـون (Thomas Jefferson) که در امور سیاسی تجربیات فـراوان دارد، به‌عنوان وزیر امور خارجه اسـتفاده خواهـد کـرد. جـان آدامز (John Adams) هـم معـاون ریاسـت‌جمهـوری خواهد بود.

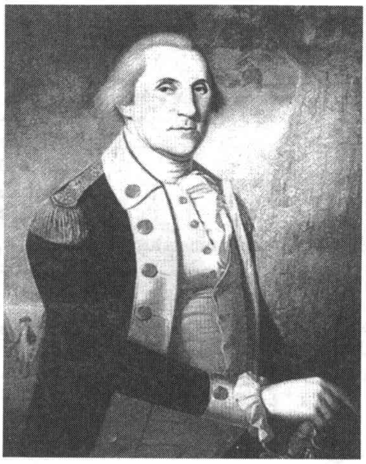
نمایندگان طبقه‌ی سوم فرانسه در میدان تنـیس سوگند یاد کردند (ورسای، ۲۰ ژوئن ۱۷۸۹)

نمایندگان گروه سوم اجتماعی و عده‌یی از اعضـای کلیساها، سه روز پیش اعلام کرده بودند که به اجلاس ملیون خواهند پیوست. آنان امروز صبح در منوس پلازر هال (Menus Plaisirs Hall) گرد آمده و تظـاهراتی علیه دستورات شاه برپا کردند، این دستورات پاکسـازی نامیده شده است. در همین ضمن دکتـر ژوزف گیـوتین (Joseph Guillotin) کـه یکـی از نماینـدگان کنوانسیون پاریس است، پیشنهاد کرد که این تظاهرات را در محـل ژو دو پـوم (Jeu de Paume) نزدیـک میدان تنیس برپا سـازند، چـون ایـن مکـان گنجـایش جمعیت را نـدارد. پـس از آن جمعیـت تظاهرکننـده بـا شتاب به‌سوی آن محل خالی شتافتند که تنها ساختمان آن یک سقف آبی‌رنگ بود که جمعیت را از باد و بـاران مصون می‌داشت و چند نیمکت و میـز در آن قـرار داده بودند. میتینگ با اجتماع تظاهرکننـدگان آغـاز شـد، در حالی‌که فریاد آن‌ها بـه خـارج مـی‌رسید. آن‌هـا فریـاد می‌زدند: پاینده باد مجلس ملی.

در ابتدا جلسه با سخنرانی ژان ژوزف مونیه (Jean Joseph Mounier) آغاز شد. او پیشنهاد کرد که بایـد عده‌یی به خارج از پـاریس برونـد و از مـردم شـهرهای دیگر بخواهند که به صفوف آن‌ها به پیوندند، در ضمن وی از جمعیت خواسـت کـه سـوگند یـاد کننـد کـه در



ازدحام و ناسزاگویی در زمین تنیس، نقاشی از ژاک لویی داوید Jacques Louis David (۱۷۴۸-۱۸۲۵)



تصویر جورج واشینگتون اثر جیمز پیل James Peale.



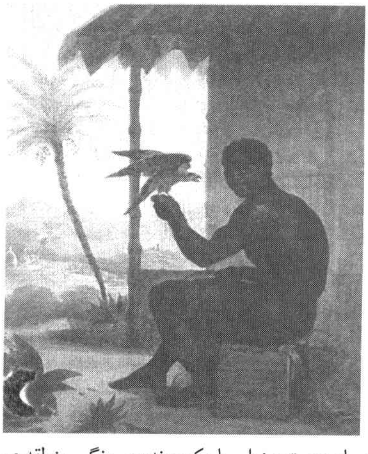
لباس رسمی طبقات مختلف اجتماعی: ۱-روحانی، ۲-یکی از نجبا، ۳-فردی از طبقه سوم یا عوام.



ماری آنتوانت، ملکه ی اتریشی الاصل فرانسه در کاخ ورسای.



لویی شانزدهم، پادشاه فرانسه، به فقرا هدیه مرحمت می کند.



یک سیاه پوست برزیلی با یک پرنده ی رنگی منطقه ی حاره.

بوتسوانا (Botswana)، ۱۷۹۹
رمه‌داران و شکارچیان کورا (Kora) (خویزان‌ها (Khoisan)) که پایتخت آن‌ها شهر نگواکتز (Ngwaketse) می‌باشد، از راه شکار به ثروت قابل توجهی رسیدند. آن‌ها گله‌های گاومیش را به خارج صادر می‌کنند و از این راه درآمد سرشاری چون صادرات مس به‌دست می‌آورند. کوراها به‌رهبری گریکا (Griqua) و بوئرهای (Boers) شمالی از مسیری نزدیک به صحرای کالاهاری (Kalahari) محصولات خود را صادر می‌کنند و حملات دشمنان را دفع می‌نمایند.
فیلادلفیا، ۱۷۹۹
در ۹ روز پیش، برای اولین‌بار، اتحادیه‌ی کارگری ایالات متحده به‌نام انجمن کوردوینز (Cordwainers) (کفاشان)، در اعتصاب پیروز شد.
ژاپن، ۱۷۹۹
در پی غائله‌یی که به تشویق ساکنان اینو (Ainu) در سراسر ازو (Ezo) (جزیره‌ی هوکاییدو (Hokkaido)) برپا شد، نیروهای تحت رهبری شوگون (Shogun) در ادو (Edo) (توکیو (Tokyo)) آن را تحت کنترل درآوردند.
آلمان، ۱۷۹۹
فریدریش شیلر (Friedrich Schiller) نویسنده‌ی معروف آلمانی، داستان درام سه‌گانه «والنشتاین (Wallenstein)» را که مربوط به جنگ‌های سی‌ساله‌ی ژنرال‌های مشهور آلمانی بود، منتشر ساخت.
هندوستان، سوم فوریه ۱۷۹۹
نیروهای بریتانیا به‌امر تیپو صاحب (Tipu Sahib) که تابعیت انگلیسی را پذیرفته بود، به منطقه‌ی میسور (Mysore) وارد شدند. در عین‌حال بوناپارت سعی داشت که تماس بیش‌تری با وی برقرار کند.
مصر، دهم فوریه ۱۷۹۹
بوناپارت قاهره را با ۱۳هزار مرد جنگی به عزم سوریه ترک کرد.
فلسطین، ۲۴ فوریه ۱۷۹۹
لشکریان بوناپارت غزه (Gaza) را تصرف کردند.
یونان، سوم مارس ۱۷۹۹
آخرین پادگان فرانسه در جزایر ایونی (Ionian) تسلیم قوای روسیه ـ عثمانی شد. این نیروها به جزیره‌ی کورفو (Corfu) حمله کرده بودند.
فلسطین، هفتم مارس ۱۷۹۹
ناپلئون، بندر یافا (Jaffa) (حیفا) را تسخیر کرد و بیش از دوهزار نفر از زندانیان آلبانیایی که در زندان شهر بودند، کشته شدند.
آلمان، ۲۵ مارس ۱۷۹۹
نیروهای فرانسوی توسط شارل (Archduke Charles) آرک دوک ساکس وایمار (Saxe-Weimar) در ناحیه‌ی استوکاش (Stokach) مغلوب شدند.
ایتالیا، ۲۷ مارس ۱۷۹۹
نیروی نظامی اتریش به‌سوی شهر ورونا (Verona) حرکت کرد و نیروهای فرانسوی را در منطقه‌ی لینانو (Legnano) نزدیک شهر میلان شکست داد.
فلسطین، مارس ۱۷۹۹
هر روز تقریباً سی‌نفر از سربازان فرانسوی مستقر در پادگان‌های شهر حیفا در اثر ابتلا به بیماری طاعون خیارکی تلف می‌شوند.
آلمان، ۲۳ آوریل ۱۷۹۹
کنفرانس نمایندگان اتریش و فرانسه که در راشتات (Rastatt) تشکیل شده بود، بر اثر تجدید خصومت‌های دیرین بین دو کشور به شکست انجامید. این کنفرانس پس از عقدنامه‌ی صلح کامپوفورمیو (Campo Formio) تحت نظارت دولت پروس تشکیل شد و فرانسه مدعی مالکیت زمین‌های ساحل چپ رود راین (Rhine) بود.
ایتالیا، ۲۹ آوریل ۱۷۹۹
لشکریان ضدائتلاف فرانسه، وارد شهر میلان شدند.
هندوستان، چهارم مه ۱۷۹۹
تیپوصاحب فرمانروای میسور، هنگام جنگ با انگلیس به‌فرماندهی مارکیز ولسلی (marquis Wellesley)، به‌هلاکت رسید.
فلسطین، ۱۷ مه ۱۷۹۹
بوناپارت پیش از سقوط شهر عکره (Acre)، دست از محاصره‌ی آن کشید.

صفوف تظاهرکنندگان تفرقه ایجاد نکنند و از هم جدا نشوند و به طرفداران و حامیان شاه نه پیوندند. آنان باید صفوف خود را تا تصویب قانون اساسی حفظ کرده و تا استحکام حکومت مشروطه در کشور پایداری کنند.

سپس نمایندگان طبقه‌ی محروم یک به یک سوگند یاد کردند. آن‌ها قبلاً یک ستاره‌شناس به‌نام ژان سیلویان بایلی (Jean-sylvian Bailly) را به‌عنوان سناتور و نماینده‌ی طبقه‌ی سوم انتخاب کرده بودند. تنها یکی از نمایندگان به‌نام مارتن دو اوش (Martin d' Auch) با وجود اعتراض و فریاد جمعیت از سوگند خودداری کرد و گفت به وی اجازه دهند به‌عنوان یک عضو گروه مخالف تا به‌دست‌آوردن آزادی در انتظار بماند. تمام نمایندگان پس از این مراسم از محل خارج شدند، در حالی‌که از این اجلاس راضی به‌نظر می‌رسیدند.

در تظاهرات انقلابیون برزیلی یک دندانساز دستگیر شد (میناس گراس (*Minas Gerais*)، برزیل، دهم مه ۱۷۸۹)

دستگاه حاکمیت پرتغال تصمیم قطعی دارد که نقشه‌ی ملیون برزیلی را در مورد به‌دست‌آوردن استقلال این سرزمین در نطفه خفه کند. پیرو این امر، امروز رهبر انقلابیون و چهره‌ی مشهور برزیلی خوزه خواکین دا سیلوا (Jose Joaquim da Silva)، افسر سواره‌نظام را دستگیر کرد. وی معروف به دندانساز است، زیرا تحصیلات خود را در این رشته انجام داده است. گرچه او در مذاکرات خود با مقامات پرتغالی هیچ‌گونه توفیقی به‌دست نیاورد، اما به‌نظر می‌رسد که تعدادی از افراد انقلابی نسبت به او خیانت کرده‌اند. انقلابیون از قشرهای مختلف از قبیل شاعر و کشیش و غیره تشکیل شده‌اند و قصد دارند حکومت تحت سلطه‌ی پرتغال را واژگون و یک جمهوری تشکیل دهند و سرنوشت کشور را خودشان در اختیار بگیرند، چون دولت پرتغال تمام منابع و معادن طلا را به نفع خود از این سرزمین خارج می‌کند.

اغتشاشات و تنش‌های شهر پاریس سبب شد که شاه دستور دهد نیروهای مسلح دخالت کنند (ورسای، ژوئیه ۱۷۸۹)

تنها چند روز پس از این‌که از عموم طبقات غیرروحانی دعوت شد که در اجلاسی نظریات مفید خود را درباره‌ی تغییر وضعیت طبقه‌ی سوم که قشر محروم می‌باشند، ابراز دارند، شاه برای اسکات مردم، مارشال دو بروگلی (marshal de Broglie) را دعوت کرد که با ۳۰هزار نیروی تحت فرماندهی خود اغتشاشات مردم پاریس را سرکوب کرده و به شورش آن‌ها پایان دهد. در این موضوع تردیدی نیست که شاه در نظر دارد با اعلان جنگ علیه طبقه‌ی سوم، در عین حال طرفداران مشروطه را سرکوب کرده و اوضاع کشور را به نفع خود تغییر دهد و تنها با به‌کارگیری نیروی نظامی این اقدام میسر خواهد شد. این حرکت متضمن مخاطراتی است، زیرا مردم پاریس و شهرهای دیگر فرانسه در آستانه‌ی انقلاب هستند و تنها کافی است که این بشکه‌ی باروت منفجر شود.

دولت فرانسه اعلام کرد که تمام شهروندان در مقابل قانون از مساوات و برابری برخوردار خواهند بود (پاریس، ۲۶ اوت ۱۷۸۹)

امروز مجلس ملی فرانسه اعلام کرد که شهروندان از حق برابری و مساوات برخوردار می‌شوند و عموم مردم حقوق یکسان خواهند داشت. این امر محرز و مسلم است که همه‌ی مردم آزاد به دنیا آمده و از حقوق برابر بهره‌مندند. این اعلامیه براساس نظریه‌ی روسو (Rousseau) و منشور حقوق بشر در پایان جنگ استقلال امریکا تنظیم شده است.

گرچه این اعلامیه حقوق شهروندان را ملحوظ قرار داده، لیکن خیلی پارسایانه نیست، اما چون هدف امضاکنندگان آزادی و برابری حقوق است و این آزادی قرن‌هاست که از سوی پادشاهان و حکومت‌ها مورد تجاوز قرار گرفته و حکومت مطلقه و استبدادی با دخالت کلیسا و همکاری با شاهان حقوق مردم را انکار می‌کنند، در نتیجه برای کسب آزادی و حقوق مدنی به‌نظر کافی می‌رسد. این اعلامیه بر آزادی ارتباطات مردم تأکید می‌ورزد و حقوق ازدست‌رفته‌ی مردم را به آنان بازمی‌گرداند. از امروز یعنی به‌محض صدور این اعلامیه، آزادی افکار، گفتار و بیان و نوشتار تأمین شد. در این اعلامیه تمام نمایندگان محکوم نشده‌اند. یکی از نمایندگان درباره‌ی این موضوع به بحث پرداخته و می‌گوید: چرا ما بعضی از افراد بشری را به قله‌ی عظمت و بزرگی می‌رسانیم و شخصیت آن‌ها را بیش از حد می‌ستاییم و سپس با فشار آن‌ها را مجدداً از آن مقام پایین می‌آوریم و آن‌ها را به تسلیم واداشته و محدود می‌نماییم.

نویسنده‌ی فرانسوی که به صراحت اقرار به جنون کرد (پاریس، ۱۷۸۹)

آرزومندم که فردی مانند من پیدا شود که به صراحت تمام حقایق طبیعت را بیان کند و به راستی و صحت رفتارش اعتراف نماید.

ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau) با این مقدمه کتاب «اعترافات» را آغاز می‌کند. او در هنگام تبعید به انگلیس شروع به نوشتن کتاب اعترافات نمود. به این ترتیب دومین جلد از کتاب وی پس از ۱۱ سال که از مرگش می‌گذشت منتشر شد، در حالی‌که وی به جنون متهم شده بود. مؤلف کتاب «قراردادهای اجتماعی»، به‌نحو بی‌سابقه‌یی احساسات درونی خود را جوانمردانه بیان می‌دارد و می‌نویسد: من قادر نیستم که آن‌چه را می‌بینم و حس می‌کنم، شرح دهم. این است که آن‌چه را بیان می‌کنم، انجام می‌دهم. من فکر می‌کنم و حس می‌کنم، پس من وجود دارم. آدم بخشنده آن‌چه را که تصور می‌کند نیک است، باید انجام دهد. خوبی و بدی هرگز با هم مطابق نیستند و نیک و بد با هم در تضاد هستند.

روسو اعتراف می‌کند که احساسات شدیدی نسبت به زنان دارد، چون خودش یک بچه‌ی غیرشرعی

اسپانیا، پنجم ژوئن ۱۷۹۹
آلکساندر فون هامبولت (Alexander Von Humboldt) طبیعی‌دان و کاشف اسپانیایی، سفر دریایی خود را به قاره‌ی امریکا جهت کشف ونزوئلا (Venezuela)، کلمبیا (Colombia) و پرو (Peru)، آغاز کرد.

پاریس، ۱۸ ژوئن ۷۹۹
انجمن حقوقدانان پاریس، برای استعفا و برکناری هیأت‌مدیره‌ی کنوانسیون، فشار خود را تشدید کردند، چون اختلاف عقیده درباره‌ی انتخاب نمایندگان آن به‌علت وضعیت بد ارتش فرانسه شدت یافته است.

بریتانیا، ۱۲ ژوئیه ۱۷۹۹
قانونی تصویب شد مبنی بر این‌که: اجتماع دو نفر یا بیش‌تر برای بهترکردن وضعیت کار و اضافه‌دستمزد افراد، از بیم ایجاد شورش در اجتماع، منوط به اجازه‌ی رسمی می‌باشد. این تصمیم نشانه‌ی آن است که ممکن است این اجتماعات کوچک نشانه‌ی برپاشدن انقلابی شبیه انقلاب فرانسه باشد.

مصر، ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۹
سپاهیان عثمانی با همراهی و همکاری لشکریان انگلیسی، شهر ابوقیر را از فرانسه بازستاندند.

مصر، ۱۹ ژوئیه ۱۷۹۹
یک قطعه‌سنگ، به خط هیروگلیف (Hieroglyph) مصر باستانی و خط یونانی، در شهر روزتا (Rosetta) در ساحل غربی شاخه‌ی رود نیل، پیدا شد. این هدیه‌یی بود به باستان‌شناسان که باعث خوشحالی و هیجان آنان شد و طلیعه‌یی بود برای کشفیات آینده.

مصر، ۲۵ ژوئیه ۱۷۹۹
بوناپارت، به‌هنگام برگشت از سوریه، قشون عثمانی را شکست داد.

ایتالیا، ۳۰ ژوئیه ۱۷۹۹
پادگان سربازان فرانسوی در منطقه‌ی مانتوا (Mantua)، تسلیم نیروهای اتریش شد.

فرانسه، اوت ۱۷۹۹
شورش سلطنت‌طلبان در سراسر کشور به شکست انجامید.

مصر، ۲۳ اوت ۱۷۹۹
ناپلئون با ناوگان خود به‌سوی فرانسه عزیمت کرد.

فرانسه، ۲۹ اوت ۱۷۹۹
پاپ پیوس ششم در شهر والنس (Valence) درگذشت.

هلند، ۳۱ اوت ۱۷۹۹
سپاهیان جمهوری باتاویا (Batavia) که در شهر تکسل (Texel) عاطل مانده بودند، بدون جنگ، تسلیم ژنرال آبرکرومبی (Abercrombie) فرمانده نیروهای انگلیس شدند.

فرانسه، ۱۵ سپتامبر ۱۷۹۹
تعداد ۲۰۰ نفر از سران سلطنت‌طلبان در اجلاسیه‌یی در شهرهای آنژو (Anjou)، ماین (Maine) و وندی (Vendee)، خصومت خود را با جمهوری فرانسه و آمادگی خود را برای نبرد با آنان اعلام داشتند.

هلند، ۱۹ سپتامبر ۱۷۹۹
فرانسه، نیروهای مشترک انگلیس ـ روسیه را در برگن (Bergen) هم‌چون جنگ جمهوری باتاویا، شکست داد.

فرانسه، نهم اکتبر ۱۷۹۹
پس از جلوگیری از پیشرفت نیروهای انگلیس توسط سپاهیان فرانسوی، ناپلئون به ساحل سن‌رافائل (Saint Raphael) رفت.

هلند، ۱۸ اکتبر ۱۷۹۹
انگلیس و ژنرال‌های فرانسوی، پیمان صلحی در ناحیه‌ی آل‌کمار (Alkmaar) و در رابطه با بیرون‌راندن نیروی نظامی مشترک روسیه ـ انگلیس از جمهوری باتاویا امضا کردند.

پاریس، ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹
ناپلئون با احراز شغل فرماندهی کل ارتش فرانسه، به مقام کنسول اول نیز انتخاب شد.

فیلادلفیا، ١٤ دسامبر ۱۷۹۹
جورج واشنگتن رییس‌جمهور بازنشسته‌ی ایالات متحده، با ذکر این جمله: «راحت شدم.» دنیا را بدرود گفت.

اتریش، ۱۷۹۹
هایدن با اجرای اپرای عشای ربانی ترزا (Theresa Mass)، هماهنگی آن را با فرانسیس دوم امپراتور اتریش نشان داد.

اسپانیا، ۱۷۹۹
فرانسیسکو گویا (Francisco Goya) نقاش دربار اسپانیا، با انتشار لوس‌کاپریکوس (Los Caprichos)، به انتقاداتی درباره‌ی فنون نقاشی که این هنر را تخریب و به قهقرا سوق می‌دهد، پرداخت. وی هم‌چنین سیستم پخش و انتشار را به باد انتقاد گرفت، لیکن پس از این جریان، مورد پیگرد دادگاه تفتیش عقاید واقع شد.

مادرش بود که فردی نیکوکار او را به بیمارستان می‌رساند و تحت مداوا قرار می‌دهد. او هرگز پدرش را ندیده است. پس از این‌که به سن رشد می‌رسد، دستگاه حاکمه به وی بدگمان می‌شود و او را توطئه‌گر می‌شناسد، بدین جهت کتاب‌ها و منزل او را طعمه‌ی حریق ساخته و خود او را هم تبعید می‌کند.

ساکنان شهر پاریس زندان باستیل را مورد حمله قرار دادند (پاریس، ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹)

امروز مردم پاریس زندان مخوف باستیل (Bastille) را که نشانه و سمبل حکومت مطلقه و استبدادی فرانسه است، مورد حمله قرار دادند. در سحرگاه امروز مردم رنج‌دیده و محزون در محله‌ی زندان انوالید (Invalides) پاریس گرد آمده و با سربازان وابسته به دربار درگیر شدند. آن‌ها تمام محله را غارت کردند. این اقدام مردم غیرمنتظره به‌نظر می‌رسید، لیکن گروهی در انتظار این حملات بودند.

جمعیت با ۳۲هزار سرباز روبه‌رو شدند که همه را خلع سلاح کردند، زیرا تفنگ‌های آن‌ها خالی از مهمات و گلوله بود و قادر به تیراندازی نبودند. این‌طور شایع است که مهمات آن‌ها در زندان باستیل انبار شده بود، پس جمعیت به‌سوی باستیل یورش بردند. در اطراف زندان ۸۰ سرباز توپخانه کشیک می‌دادند و ۳۰ نفر از سربازان نگهبان سویسی هم آن‌ها را حمایت می‌کردند. جمعیت تظاهرکننده با غارت مغازه‌ها به انواع و اقسام سلاح‌ها مثل چوب و غیره مجهز شدند. سربازان هم با شلیک توپ، زمین و ساختمان‌ها را شیار کرده و همه‌چیز را به پودر تبدیل و گرد و خاک به‌پا کردند، به‌طوری‌که همه‌چیز در تاریکی و غبار محو شد.

برنار دو لونه (Bernard de Launay) رییس زندان باستیل، طی پیامی از کارمندان زندان درخواست کرد برای رسیدگی به این امر تشکیل جلسه دهند. او نمایندگان را امروز به صرف ناهار در زندان دعوت کرده بود، لیکن وقتی که دریافت جمعیت به تصرف زندان مشغول هس ند و فهمید که مردم کارمندان را دستگیر

کرده‌اند، سخت عصبانی شد. مردم هم وقتی دریافتند که رییس زندان حاضر به تسلیم نیست، بقیه‌ی نگهبانان و کارمندان زندان را هم بازداشت کردند. سخنگوی جمعیت خطاب به سربازان و لونه اظهار داشت: اگر توپچی‌ها مردم را مورد شلیک قرار ندهند و مهمات خود را به زمین بگذارند، مردم هم از حمله دست خواهند کشید. اما شلوغی و غوغا اجازه نداد که مردم سخنان آن‌ها را بشنوند و در نتیجه به حملات خود ادامه دادند.

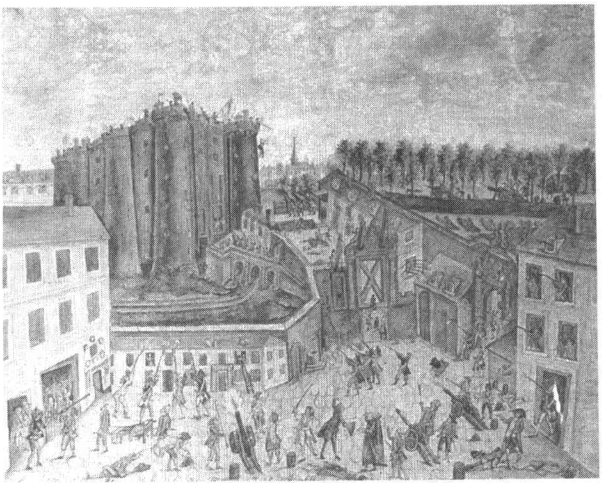
آن‌ها فریاد می‌زدند: ما می‌خواهیم باستیل را تصرف کنیم، مرگ بر ارتش پادشاهی. در حقیقت سربازان هم زیاد مایل به مداخله نبودند، آن‌ها سعی داشتند که اردوگاه خود را در شام دو مارس (Champ de Mars) تخلیه کنند. در همین حین ناگهان عده‌یی از دیوار مغازه‌ی عطرفروشی که روبه‌روی زندان واقع شده، بالا رفتند و به حیاط زندان پریدند و چون پل متحرک این قسمت افتاده بود، یک نفر از مهاجمان در حین پرش سقوط کرد و کشته شد. وقتی در زندان باز شد، جمعیت به محوطه‌ی زندان هجوم بردند و با شلیک مأموران زندان روبه‌رو شدند و چند تن به زمین افتادند. عده‌یی هم با خشم و فریاد از ترس تیراندازی برگشتند. جنگ و فریاد و غوغا تا بعدازظهر ادامه داشت و در این مدت سربازان توانستند توپ‌ها را در خیابان‌های جلوی زندان برپا کرده و مردم را مورد تهدید قرار دهند. دو لونه رییس زندان باستیل پس از دیدن گروه مهاجمان و پیش از آن‌که فرمان آتش بدهد، تسلیم شد. اکنون تنها هفت‌نفر در زندان محبوس هستند که چون قادر به حرکت نبودند، در آن‌جا ماندند و بدین ترتیب زندان مخوف و باستانی باستیل که نشانه‌یی از ظلم پادشاهان بود، به یک‌باره فروریخت.

کشور پادشاهی افریقایی که از راه تجارت لباس و برده ثروتمند شد (افریقای غربی، ۱۷۸۹)

مردم ایالت برده‌فروش پادشاهی افریقای غربی به‌نام اویو (Oyo) (جنوب‌غربی نیجریه (Nigeria)) در مرگ فرمانروای خویش ابیودون (Abiodun) سوگوار شدند. او ۱۵ سال پیش با کودتا به قدرت رسید و حکومت ضعیف پیشین را با متمرکزساختن قدرت در یک حکومت اولیگارشی (حکومت طبقه‌ی ثروتمندان و اغنیا) به اوج اقتدار رسانید. اویو با تجارت لباس که در این سرزمین تولید می‌شد و از حیث جنس و دوخت از کیفیت بالایی برخوردار بود و همین‌طور فروش برده، به ثروت هنگفتی دست یافت. در پورتو نوو (Porto Novo) (بندر جدید)، ده‌هاهزار برده به‌فروش می‌رسید. این درآمدها مستقیماً به خزانه‌ی آبیودون واریز می‌شد. به این ترتیب اویو در منطقه به شهرت فراوانی دست یافت و دکتر ساموئل جانسون (Dr Samuel Johnson) دانشمند علم اخلاق انگلیسی با محاسبه‌ی خویش اعلام کرد که سرزمین اویو دارای ۶۶۰۰ شهر و روستا می‌باشد. لیکن معلوم نیست که این سرزمین تا چه‌وقت این‌چنین خوشبخت خواهد بود. ارتش این سرزمین چندان قدرتمند نیست و به وضع سنتی و بومی اداره می‌شود. از سویی در شمال این سرزمین حکومت‌ها دارای سپاهیانی تعلیم‌دیده هستند، به‌طوری‌که می‌توانند در نبردها مشکلاتی برای حکومت اویو ایجاد کنند، به‌ویژه که آن‌ها دارای سوارانی ورزیده و تربیت‌شده هستند. آن‌ها هرچه بیش‌تر از سربازان داهومی (Dahomey) استفاده می‌کنند، لیکن هنوز نتوانسته‌اند شورش مردم اگبا (Egba) را سرکوب کنند. مهم‌ترین و ورزیده‌ترین سپاهیان ارتش اویو در سال ۱۷۸۳ توسط ارتش بورگو (Borgu) مغلوب شدند.

امتیازات فئودال‌ها در فرانسه از بین رفت (پاریس، پنجم اوت ۱۷۸۹)

با کمال شگفتی، هر شب نمایندگان مجلس ملی درباره‌ی برانداختن امتیازات طبقاتی تشکیل جلسه می‌دهند، در حالی‌که فئودال‌ها در رژیم قبلی دارای امتیازات ویژه‌یی بودند. این نمایندگان تمام روز را در بیم و هراس به‌سر می‌برند، چون اخباری مبنی بر قیام روستاییان علیه مالکان و زمین‌داران در تمام ایالات



یک اثر خام لیکن زنده از محاصره ی باستیل Bastille توسط شولا Cholat، نقاش فرانسوی، که خودش در این ماجرا و شلوغی شرکت داشته است.



رییس قبیله ی اویو Oyo از یوروبالند Yorubaland نیجریه، یک چتر را به عنوان پرچم ایالت انتخاب کرد.



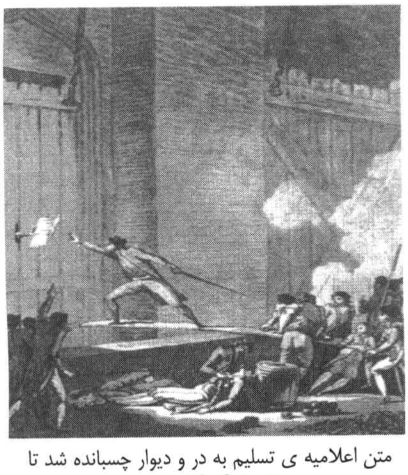
روسو، نویسنده ی کتاب اعترافات.



اعلامیه ی حقوق بشر.



امتیازات طبقه ی اعیان و اشراف که چون مار فقرا را مورد حمله قرار می دادند، لغو شد.



متن اعلامیه ی تسلیم به در و دیوار چسبانده شد تا همگان از آن آگاهی یابند.

فرانسه می‌رسید. آن‌ها از این جهت می‌ترسیدند، زیرا نمی‌توانستند تصمیم قطعی درباره‌ی آن‌ها بگیرند.

در ساعت هشت بعدازظهر، ویسکونت نویل (Viscount Noailles) قیام کرد و گفت که: دهقانان برای احقاق حقوق خود خانه‌ها را غارت کرده و نسبت به امتیازات اربابی اعتراض دارند، لذا باید آن‌ها را خاموش کرد. در این جلسه برای نخستین‌بار یک نکته‌ی شگفت‌انگیز مطرح شد و علاقه‌ی حاضران را برانگیخت؛ موضوع این بود که همه فراموش کرده بودند که نویل دیگر جزو مالکان نیست و به اندازه‌ی کافی در فقر و فاقه به‌سر می‌برد و مردم وی را به‌عنوان ژان بی‌زمین (Landless Jean) می‌شناسند. او تمام امتیازات خود را از کف داده است.

در این وقت، علاقه‌مندان وحشیانه به جلسه حمله کرده و نمایندگان در محاصره قرار گرفتند و به آن‌ها امر کردند که از آن‌جا خارج شوند، زیرا مردم دیگر امتیازات طبقاتی و فئودالی را قبول نداشتند و مالکان را هم‌چون سایر مردم می‌دانستند. اسقف ناحیه‌ی شارتره (Chartres) درباره‌ی لغو حقوق کلیسا صحبت می‌کرد. در همین ضمن، دوک شاتله (duke Chatelet) زیر لب گفت: آه! ما اسقف‌ها را هم در جمع خود پذیرفته‌ایم، من خودم بعضی چیزها را از او خواهم گرفت. در نتیجه او اعلام کرد که سهم یک‌دهم کلیسا و روحانیون مورد قبول نیست و ملت آن را منسوخ می‌داند. با اعلام این موضوع، حاضران سخنان او را تصدیق کرده و آفرین گفتند. در ساعت هشت صبح امروز، ۳۰ لایحه‌ی قانونی به‌تصویب رسیده و اعلام شد. بدین ترتیب انقلاب اجتماعی با شرکت گروه‌های مردمی آغاز شد و یک شب غیرعادی که طی آن تصمیمات مهمی اتخاذ شده بود، پایان یافت.

با وجودی که آزدی بیان در فرانسه اعلام شده، سخنان افراد هم‌چنان مورد تمسخر واقع می‌شود (پاریس، ۱۷۸۹)

بحث‌های سیاسی که پیش از این هرگز در بین طبقات فقیر و ژنده‌پوش فرانسه مرسوم نبود، بر اثر تحریک روزنامه‌ها و کلوپ‌های سیاسی رایج شده و مردم درباره‌ی امور کشوری و دولت و جایگاه دولت فرانسه در دنیای کنونی بحث‌های تندی می‌کنند. آن‌ها پیشنهادهایی می‌دهند و همه‌ی امور را تحت انتقاد قرار می‌دهند، حتی عده‌یی تمام اوقات خود را صرف مباحث و جریانات سیاسی می‌نمایند.

اخیراً روزنامه‌یی به‌نام آمی دو پوپل (L' Ami du Peuple) به مدیریت ژان پل ماره (Jean-Paul Marat) که یکی از بنیادگرایان جاه‌طلب می‌باشد، منتشر می‌شود. وی در این روزنامه درباره‌ی سیستم برده‌داری که در سال ۱۷۷۴ در انگلستان غیرقانونی شناخته شده، به بحث می‌پردازد و در ضمن اشاره می‌کند که امسال مردم فرانسه نسبت به سلطنت بدبین شده و از سیاست سرزمین مادری خود گله و شکایت دارند که چه‌طور در سیاست خارجی هیچ اشاره‌یی نسبت به خرید و فروش برده نشده است، هم‌چنین مردم نسبت به اقتدار شاه اعتراض دارند. اما ماره تنها این امور را بررسی نمی‌کند، بلکه از بسیاری از سیاست‌های دولت فرانسه نیز انتقاد می‌کند. ماره هم‌چنین مبحث جدیدی را پیش کشیده و آن، موضوع مجلس عامه و ملی است که مردم نسبت به آن حساسیت شدیدی نشان می‌دهند و انتظار دارند که این مجلس هرچه زودتر تشکیل شده و در جلسات خود تمام امور جاری و مشکلات کشور را مورد بررسی قرار دهد.

روز باستیل در فرانسه جشن گرفته شد (پاریس، ۱۴ ژوئیه ۱۷۹۰)

در حدود ۳۰۰هزار نفر از مردم پاریس و اطراف، امروز در میدان شام دو مارس (Champ de Mars) گرد آمده‌اند که نخستین سال‌روز حمله به زندان باستیل را جشن بگیرند. آن‌ها با پرتاب گلوله‌های هوایی و آتش‌بازی، فستیوال تشکیل اتحادیه‌های کشور را گرامی می‌دارند. با وجود بارش باران شدید و سیلاب،

فرانسه، یکم فوریه ۱۸۰۰
در جلسه‌یی که با شرکت ناپلئون به‌عنوان کنسول اول فرانسه تشکیل شد، با رجوع به آرای عمومی (رفراندوم) درباره‌ی آینده‌ی سیاسی کشور موافقت شد.

بریتانی (Brittany) (برتانی)، ۱٤ فوریه ۱۸۰۰
ژرژ کادودال (Georges Cadoudal) رهبر سلطنت‌طلبان (شوآن (Chouan))، تسلیم شد. سایر سران این گروه، ماه گذشته سلاح‌های خود را بر زمین گذاشته بودند.

رم، ۱٤ مارس ۱۸۰۰
پاپ پیوس هفتم به‌جای پاپ پیوس ششم که در سال ۱۷۹۹ از دنیا رفته بود، انتخاب شد.

مصر، ۲۰ مارس ۱۸۰۰
کلبر (Kleber) سرفرمانده نیروهای فرانسوی در مصر، سپاهیان تحت فرماندهی ابراهیم‌بیگ نخست‌وزیر را در هلیوپولیس (Heliopolis) شکست داد.

ایتالیا، ششم آوریل ۱۸۰۰
سپاهیان مهاجم اتریشی، بر نیروهای فرانسوی یورش بردند.

فیلادلفیا، هفتم مه ۱۸۰۰
کنگره سرزمین شمال‌غرب را در محل التقای رودخانه‌های اوهایو (Ohio) و کنتاکی (Kentucky) به دو بخش تقسیم نمود. بخش غربی به‌نام سرزمین سرخ‌پوستان هند غربی و قسمت شرقی به‌نام سرزمین شمال‌غرب نامیده شد.

ایتالیا، دوم ژوئن ۱۸۰۰
با وجود آن‌که سپاهیان مهاجم اتریشی در تاریخ ۲۳ مه از ناحیه‌ی سن‌برنارد (St Bernard) گذشتند، ناپلئون شهر میلان را اشغال کرد.

مصر، ۱٤ ژوئن ۱۸۰۰
کلبر (Kleber) فرمانده فرانسوی ارتش، در سرزمین مصر به‌قتل رسید.

ایتالیا، ۱۷ ژوئن ۱۸۰۰
با وجود شکست نیروهای ارتش اتریش در مونته‌بلو (Montebello) و مارینیو (Marengo)، بوناپارت موافقت‌نامه‌یی با ملاس (Melas) ژنرال اتریشی امضا کرد و تمام سرزمین دوردست ایتالیا در ساحل رود مین‌چو (Mincio) را به وی واگذار کرد. در عین حال، جمهوری سیزالپین (Cisalpine) را مجدداً احیا کرد.

پاریس، ۳۰ سپتامبر ۱۸۰۰
با انعقاد پیمان مورفونتین (Morfontaine)، جنگ اعلام‌نشده و خونین ناوگان امریکا و فرانسه در اقیانوس هند آغاز شد. فرانسوی‌ها از توقیف کشتی‌های امریکایی صرف‌نظر کردند و کشتی‌های امریکایی هم از ماموریت خود بازگشتند.

فرانسه، یکم اکتبر ۱۸۰۰
شایعات حاکی از آن است که شارل چهارم پادشاه اسپانیا، طی قراردادی پنهانی با ناپلئون موافقت کرده که ایالت لوئیزیانا (Louisiana) را به فرانسه واگذار کند.

ویرجینیا، ۳۰ اکتبر ۱۸۰۰
متجاوز از یک‌هزار نفر از اهالی سیاه‌پوست ویرجینیا که در تظاهرات ضدبرده‌داری شرکت کرده بودند، حلق‌آویز شدند. شورش سیاه‌پوستان که جنبه‌ی ضدملی داشت، در آخرین دقایق به توطئه‌یی علیه حکومت تبدیل شد. این‌طور به‌نظر می‌رسید که آن‌ها در نظر دارند با دشمن سازش کنند؛ در نتیجه ۲۵ نفر از سران توطئه هم اعدام شدند.

اروپا، ۲۲ نوامبر ۱۸۰۰
نبردهای میان ارتش اتریش و فرانسه، پایان یافت.

اتریش، سوم دسامبر ۱۸۰۰
ژنرال فرانسوی مورو (Moreau) در شهر هوهن‌لیندن (Hohenlinden)، در نبرد علیه اتریشی‌ها به پیروزی‌های مهمی دست یافت.

اروپا، ۱٦ دسامبر ۱۸۰۰
دولت روسیه که در سال ۱۷۹۹ از صحنه‌ی جنگ اروپا اخراج شده بود، به‌دنبال آن، با امضای پیمانی، بی‌طرفی خود را در منطقه‌ی بالتیک اعلام کرد؛ لیکن نیروهای نظامی خود را در آن منطقه به حال آماده‌باش برضد اقدامات انگلیس نگاه داشت.

پاریس، ۲٤ دسامبر ۱۸۰۰
تلاش‌هایی که برای ازبین‌بردن ناپلئون صورت گرفت، به شکست انجامید.

فیلادلفیا، ۱۸۰۰
ویلیام یانگ (William Young) کفاش امریکایی، کفش‌هایی برای پای چپ ساخت. تا این زمان، کفش طوری ساخته می‌شد که چپ و راست آن مشخص نبود.

شاه هم‌چون سایر مردم در این جشن حضور یافته و سوگند یاد کرد که نسبت به قانون اساسی وفادار خواهد ماند و جشن اتحاد ملی را به همه شادباش می‌گوید.

فرمانروای روشنفکر و بانی اصلاحات از دنیا رفت (وین، ۲۰ فوریه ۱۷۹۰)

امپراتور ژوزف دوم پادشاه هابسبورگ (Habsburg) امروز درگذشت. او شخصی بدون تظاهر، سخت طرفدار اصلاحات، بلندپرواز و در عین حال حامی و ادامه‌دهنده‌ی آتش احساسات علیه امپراتوری مقدس رم بود. این پادشاه ۴۸ساله اغلب بیمار بود. در این چند ماه آخر سلطنت ده ساله، ژوزف سخت در مقابل اصلاحات مورد نظر خود پایداری می‌کرد و می‌خواست با وجود بیماری، اهداف خود را به پیش برد، لیکن انتظار مرگ را داشت. روی سنگ قبر او نوشته شده: این‌جا آرامگاه ژوزف دوم است که در تمام عمرش با شجاعت و تهور زیست. پس از مرگ ژوزف، برادر وی لئوپولد را از توسکانی (Tuscany) فراخواندند تا میراث برادر را حفظ کند.

نخستین کار ژوزف، پایان‌دادن به جنگ با عثمانی بود که سال‌ها مالیات سنگینی را بر دوش ملت هابسبورگ تحمیل کرد. ژوزف همواره در تلاش بود که مجارستان را هرچه بیش‌تر به حکومت وین وابسته نماید، چون پیش از این هم مجارستان تحت فرمانروایی اتریش قرار داشت و لئوپولد هم قبول کرد که مراسم تاجگذاری خود را در این سرزمین برگذار کند.

لئوپولد برخلاف برادرش با اصلاحات بی‌ثمر موافق نبود، وی قاطعانه درصدد برآمد با وجود مخالفت‌های مردم مجارستان و فلاندر (Flanders)، زبان آلمانی را زبان رسمی اعلام کند، در صورتی‌که مجارستانی‌ها این امر را ضدمردمی می‌دانستند. او تنها راه‌باریکه‌یی برای ارتباط با قدرت کلیسای رم برقرار ساخت. کلیسا و روحانیون را که همواره شیوه‌ی ضدمردمی داشتند، با یک سیاست مخفی تضعیف نمود، زیرا مردم از آن‌ها

شدیداً متنفر بودند و می‌گفتند: افراد روحانی هم باید زندگی‌یی هم‌چون سایرین داشته باشند. جان کلام در این است که ژوزف همیشه معتقد بود که اصلاحات به روشن‌شدن مردم کمک می‌کند و شخصیت فرد را ترقی داده و این به صلاح جامعه می‌باشد.

روزنامه‌نگاران اروپا می‌گویند: داد و ستد برده در جامعه‌ی سورینام (*Surinam*) رو به افزایش است (لندن، ۱۷۹۰)

زمانی‌که جان اشتدمن (John Stedman) افسر اسکاتلندی ـ هلندی، در ۲۰ سالگی قدم به ساحل گویان (Guiana) هلند (سورینام) گذاشت، اولین فردی را که دید یک مستخدمه‌ی زیبای سیاه‌پوست بود. او سخت، اندام و صورت وی را برانداز کرد. تنها لباس این دختر یک پارچه‌ی ژنده بود که برای پوشش به دور کمرش بسته بود. او آثار شلاق را بر بدن او مشاهده کرد که قسمتی از پوست وی را کنده و جای آن باقی بود. این امر به فرمان فرمانده جزیره انجام شده بود. دختر در حالی‌که گریه می‌کرد، اظهار داشت که شلاق‌خوردن یک موضوع پیش‌پاافتاده و جزیی است و باید شکر کند که بیش از این تحت شکنجه قرار نگرفته است.

اشتدمن با یک گروه سرباز برای جنگ با سیاه‌پوستان آمده بود، چون سیاه‌پوستان قبلاً تعداد زیادی از سفیدپوستان را به‌قتل رسانده بودند. او گفت: من هرگز فراموش نمی‌کنم که چه‌گونه برادرم به‌دست سیاه‌پوستان از بین رفت. او پس از یک زندگی پرحادثه مقیم انگلیس شد و مدت پنج سال روزنامه‌یی را که علیه شورشیان مقاله می‌نوشت، اداره کرد. او سخت علاقه‌مند بود که به انجمن ضد بردگی به پیوندد.

اشتدمن مانند برادرش آن‌چنان ضدبرده‌داری نبود، لیکن این جریان را غیرضروری می‌دانست و طرفداران سیستم برده‌داری را ملامت می‌کرد، زیرا برده‌داری تعداد زنان جوان بیوه را افزایش می‌داد و آن‌ها را وامی‌داشت که به خدمت اربابان درآیند. برده‌داران، زنان زیبای سیاه‌پوست را با شکنجه می‌کشتند، برخی از مردان سفیدپوست با زنان سیاه‌پوست بیش از حد اعمال جنسی انجام می‌دادند. اشتدمن مدعی بود که بسیاری از مردان سفیدپوست در این‌جا و سایر مستعمرات پس از ارتباط جنسی با زنان سیاه‌پوست، آن‌ها را از محل سکونت‌شان بیرون می‌اندازند. او می‌گوید: سیاهان در نبردهای جنگل بسیار مهارت دارند و قابل تمجید هستند و باید سیاه‌پوستان را هم‌چون سایر سربازان به لباس قرمز ملبس کرد تا در جنگ‌ها رشادت خود را نشان دهند.

کشیش فرانسوی هم باید زندگیش مشابه میهن‌پرستان باشد (پاریس، ۲۲ ژوئیه ۱۷۹۰)

پادشاه فرانسه امروز اعلام کرد که با مقررات و آیین‌نامه‌ی کلیسا و جدایی کشیشان از سایر مردم مخالف است. طبق این فرمان که پس از ماه‌ها بحث و مذاکره صادر شد، اموال و دارایی کلیساها جزو اموال ملی شده و کشیشان هم موظف شدند مانند سایر افراد به خدمات اجتماعی بپردازند و تن‌پروری را کنار بگذارند. مجلس ملی هم‌چنین مقرر کرد که نقشه‌یی از کلیساها و نواحی اسقفی تهیه شود و تعداد آن‌ها را از ۱۳۹ به ۸۳ برسانند و نیز نقشه‌یی هم از تشکیلات اداری شهری تهیه کنند.

دستگاه روحانیت رم این امر را توهین و بی‌احترامی به پاپ قلمداد و آن را باطل اعلام کرد، در حالی‌که کنت میرابو (Mirabau) آن را موافق با سیاست فرانسه دانست و بدین‌وسیله نبرد بین انقلابیون و پاپ بدسگال و زشت‌کردار شروع شد. انقلابیون پاپ را آدمی ظالم، ستمگر و فاقد معلومات دانستند که دستگاه امپراتوری برقرار و ذخایر طلای فرانسه را غصب کرده، یعنی دارایی و طلای خزانه بین دربار فرانسه و پاپ تقسیم شده است.

پاپ هم‌چنین تشکیل مجلس ملی فرانسه را موافق طبع خود نمی‌دانست که بدون مشورت با او تأسیس شده، اصلاحات آن را مردود شمرد و خواستار آن شد

هندوستان، ۱۸۰۰
بریتانیا، نظام حیدرآباد را مجبور کرد که تحت‌الحمایگی آن کشور را بپذیرد.
واشنگتن دی‌سی (Washington DC)، ۱۸۰۰
سرشماری امسال ایالات متحده، جمعیت را بالغ بر ۵/۳ میلیون نفر اعلام کرد که قریب یک‌سوم آن در ده‌سال آخیر اضافه شده است.
آلمان، ۱۸۰۰
یک شاعر آلمانی که دو نام دارد و اسم مستعار او نووالیس (Novalis) می‌باشد، قصایدی درباره‌ی شب روحانی سرود. آخرین کتابی که او به‌چاپ رسانید، «آتنئوم (Athenaeum)» نام دارد.
هندوستان، ۱۸۰۰
نانا فادناویس (Nana Fadnavis) وزیر عالی‌مقام ماراتاها (Maratha)، از دنیا رفت.
آلمان، ۱۸۰۰
یوهان گوته (Johann Goethe) شاعر پرکار درام‌نویس آلمانی، قصایدی به سبک عاشقانه و به‌شکل ترجیع‌بند سرود.
افریقای جنوبی، ۱۸۰۰
دینگیس وایو (Dingiswayo)، ریاست قبیله‌ی متتوا (Mthethwa) را از دست برادرش در ربود. متتوا قبیله‌ی کوچکی در ناحیه‌ی مفولوزی (Mfolozi) (شمال ناتال) می‌باشد. دینگیس وایو سابقاً به‌عنوان یک مرد شکارچی و مبارز شهرت داشت، لیکن ندواندو (Ndwandwe) پادشاه زوید (Zwide) یکی از حریفان وی بود و قدرت ناحیه را در دست داشت. دینگیس وایو با ائتلاف با لورنکو مارکوئز (Laurenco Marques) (ماپوتو سلطان (Maputa)) علیه ندواندو، کنترل تجارت عاج را به‌دست گرفت و دادوستد این محصول گران‌قیمت را برای فروش به پرتغالی‌ها در اختیار خود قرار داد.
آلمان، ۱۸۰۰
ژجی فیخته (J.G Fichte) فیلسوف آلمانی، کتابی موسوم به «حالت انحصاری تجارت» منتشر کرد. فریدریش شلینگ (Friedrich Schelling) هم کتابی به‌نام «سیستم‌های فوق‌تصور» را انتشار داد.
سیرالئون، ۱۸۰۰
سیاه‌پوستان شورشی جامائیکا (Jamaica) را به سیرالئون (Sierra Leone) بازگرداندند. آن‌ها در پی استقلال سرزمین بومی در منطقه‌ی کوهستانی داخل سیرالئون، حکومت آزادی به‌نام مارون‌ها (Maroons) تشکیل دادند.
واشنگتن دی‌سی، چهارم مارس ۱۸۰۱
تامس جفرسون (Thomas Jefferson) رییس‌جمهوری ایالت متحده، آرون بور (Aaron Burr) را به سمت معاون رییس‌جمهور به کنگره معرفی کرد، در حالی‌که دو نفر دیگر در کالج انتخاباتی تعداد آرای‌شان هم‌تراز بود.
فرانسه، نهم فوریه ۱۸۰۱
با ابراز تمایل بوناپارت به پایان نبرد با اتریش، پیمان صلح لون‌ویل (Luneville) به امضای طرفین رسید. اکنون انگلیس، تنها عضو باقی‌مانده از ائتلاف پیشین، علیه فرانسه عمل می‌کند.
مصر، ششم مارس ۱۸۰۱
نیروهای بریتانیایی وارد مصر شدند، جایی‌که در این اواخر در دست فرانسوی‌ها قرار داشت.
اسپانیا، ۲۱ مارس ۱۸۰۱
فرانسه و اسپانیا پیمان صلح آرانژوئز (Aranjuez) را امضا کردند. دوک‌نشین توسکانی مبدل به حاکم‌نشین اتروریا (Etruria) شد و سرزمین لوئیزیانا به فرانسه برگشت داده شد.
ایتالیا، ۲۸ مارس ۱۸۰۱
فرانسه با فردیناند پادشاه ناپل و سیسیل پیمان صلح امضا کرد. جزیره‌ی الب (Elba) به فرانسه واگذار شد و بندر این جزیره به روی کشتی‌های بازرگانی انگلیسی مسدود گردید. اوترانتو (Otranto) و برینندیزی (Brindisi) در دریای آدریاتیک (Adriatic) که سابقاً به فرانسه تعلق داشت نیز به پادگان نیروهای آن کشور تبدیل شد.
دانمارک، دوم آوریل ۱۸۰۱
با بمباران بندر کپنهاگ (Copenhagen)، دانمارک فوراً بی‌طرفی خود را نسبت به بریتانیا اعلام کرد. اعلام این بی‌طرفی به‌علت کشته‌شدن پل تزار روس در تاریخ ۲۳ مارس بود. آلکساندر پسر پل جانشین وی گردید.

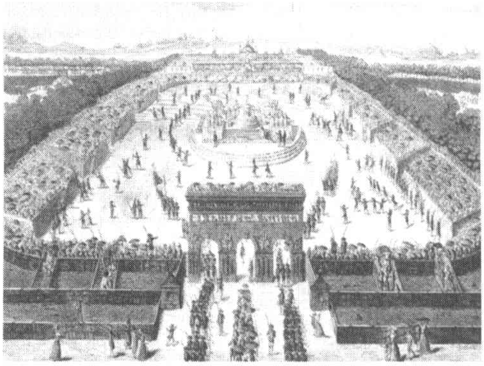
که مجلس جدید مشورتی با نظر او تشکیل دهند. در حقیقت پاپ اعلام کرد که این مجلس باید رهبری مذهبی پاپ و دستگاه روحانیت رم را بپذیرد و حق قضاوت کشیشان فرانسوی را در امور جاری کشور به‌رسمیت بشناسد.

هیچ ماده‌یی ثابت نمی‌ماند، همه‌چیز تغییرپذیر است! (پاریس، ۱۷۸۹)

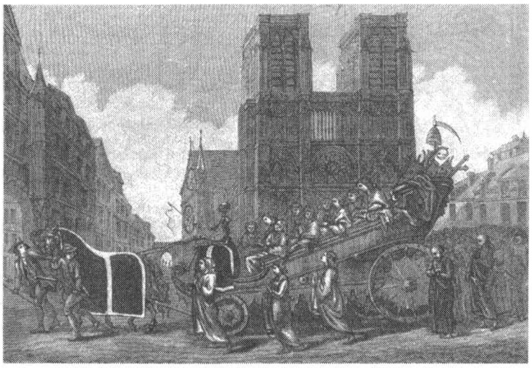
کتاب جدیدی توسط آنتوان لاووازیه (Antoine Lavoisier) دانشمند شیمی فرانسوی که شامل نظریات جدید وی درباره‌ی خاصیت مواد شیمیایی است، منتشر شد. این کتاب که به‌نام «مقالاتی درباره‌ی عناصر شیمیایی» موسوم است، شامل تمام کشفیاتی است که تا این زمان به ثبت رسیده و نخستین کتاب کاملی است که تمام عناصر شیمیایی را مورد بحث قرار می‌دهد. این کتاب راهنمایی برای شناخت آن‌چه که دانشمندانی نظیر بلاک (Black) و کاوندیش (Cavendish) و سایر دانشمندان علم شیمی کشف کرده‌اند، می‌باشد و تمام قوانین علم شیمی در آن محفوظ است. لاووازیه اعلام کرد که تمام مواد شیمیایی در آزمایشگاه و طبیعت همیشه در معرض تخمیر و تجزیه قرار دارند، زیرا مقداری از عناصر بیولوژیک وجود دارند که هر ماده‌ی شیمیایی را تجزیه کرده و به موادی تبدیل می‌کنند که با ماده‌ی قبلی اختلاف دارد.

با ساختن کانال مانیا *(Mania)*، تجارت انگلیس شکوفا می‌شود (انگلیس، ۱۷۹۰)

همه‌روزه بر تعداد ناراضیان، افراد و بازرگانانی که مال‌التجاره‌ی خود را به‌وسیله‌ی پست ارسال می‌کنند و بخش اعظم اموال آن‌ها به‌وسیله‌ی دزدها به‌سرقت می‌رود، افزوده می‌شود. آنان از سرقت مال‌التجاره‌ی خود در راه‌ها شاکی بوده و راه‌های زمینی را غیرقابل اطمینان می‌دانند و تقاضا دارند که راه‌های امن‌تری برای این کار اختصاص یابد. به‌زودی کانالی که قابل



محراب پدر ملت، محل جشن عمومی به مناسبت فتح باستیل.



سرنوشت بدتر از مردن. کاریکاتور ۱۷۸۹، روحانیونی که تمام دارایی و اموال خود را از دست داده اند.



پوست کندن مار در گویان Guiana هلند.



ژوزف دوم، امپراتور مقدس رم، روشنفکر و مستبد.



یکی از عللی که سبب شورش بردگان شد.



صحنه یی از یک مغازه که بر اثر فشار جمعیت افرادی هم زیر پا مانده اند، اکنون اعتصاب و ازدحام جنبه ی عمومی پیدا کرده.

ترپیولی (Tripoli) (طرابلس)، ١٤ مه ١٨٠١
یوسف پاشا قهرمانی (Karamanli)، علیه ایالات متحده اعلان جنگ داد.
ترپیولی (لیبی) (Libya)، ۱۷ ژوئیه ۱۸۰۱
یوسف پاشا قهرمانی که به ایالات متحده اعلان جنگ داده و خواستار دریافت خراج زیادتری از کشتی‌های آن کشور بود، نتوانست به هدف خود برسد، چون کشتی‌های ایالات متحده بندر ترپیولی را تحریم کردند و خطر دزدان دریایی را به جان خریدند.
جزیره‌ی مالت، یکم اوت ۱۸۰۱
کشتی‌های کوچک امریکا، کشتی‌های دزدان دریایی ترپیولی را که هرکدام حاوی ۱۴ توپ سنگین بود، توقیف کردند و بادبان‌های آن‌ها را کندند.
مصر، دوم سپتامبر ۱۸۰۱
با ورود نیروهای نظامی انگلیس به مصر، قوای فرانسه تحت امر ژنرال منو (Menou) شروع به تخلیه‌ی نیروهای خود از کشور مصر کرد. فرانسوی‌ها شهر قاهره را در ۲۸ ژوئن و بندر اسکندریه را در ۳۰ اوت از دست داده بودند.
اسپانیا، ۲۹ سپتامبر ۱۸۰۱
پیمان صلح مادرید به جنگ اورانژ (Oranges) که بین اسپانیا و پرتغال ایجاد شده بود، پایان داد. دولت پرتغال از دولت فرانسه تقاضا کرد که به ناوگان انگلیس اجازه ندهد از بنادر پرتغال استفاده کنند. اسپانیا شهر اولیونزا (Olivenza) را به‌عنوان نقطه‌ی مرزی مورد قبول قرار داد. در زمان جنگ، نیروهای بریتانیا شهر مادیرا (Madeira) را تصاحب کردند و پرتغالی‌ها یک پایگاه تجاری در هندوستان تأسیس کردند.
هلند، ششم اکتبر ۱۸۰۱
بوناپارت، قانون اساسی جدیدی را به هلند تحمیل کرد.
فرانسه، هشتم اکتبر ۱۸۰۱
فرانسه و روسیه پیمان صلح امضا کردند. در این زمان روابط آن‌ها در اوج بهبودی بود. خصومت‌ها از سال ۱۸۰۰ آغاز شده بود.
نیویورک، ١٦ نوامبر ۱۸۰۱
آلکساندر هامیلتون (Alexander Hamilton)، با شرکت جان ژای (John Jay)، روزنامه‌یی به‌نام نیویورک اوینینگ پست (New York Evening Post) انتشار دادند که در معرض دید عموم قرار گرفت.
ژاپن، ۱۸۰۱
اینو تاداتاکا (Ino Tadataka) منجم و نقشه‌بردار ژاپنی، به شوگون (امپراتور) پیشنهاد کرد که یک سازمان نقشه‌کشی در شمال ژاپن و در ناحیه‌ی ازو (Ezo) (هوکائیدو (Hokkaido)) برای تشخیص و نقشه‌برادری کشور تأسیس شود که بتواند نقشه‌ی کامل ژاپن را ترسیم کند.
هندوستان، ۱۸۰۱
رانجیت سینگ (Ranjit Singh) رهبر فرقه‌ی سیک‌ها (Sikhs)، بهانجیز (Bhangis) را مغلوب کرد.
بریتانیا، ۱۸۰۱
اولین سرشماری، جمعیت کشور را ۱۰/۴ میلیون نفر تعیین کرد.
ایران، ۱۸۰۱
دولت بریتانیا پیمان تجاری با شاه ایران امضا کرد.
آلمان، ۱۸۰۱
فریدریش شیلر (Friedrich Schiller) نمایش‌نامه‌نویس آلمانی، نمایش‌نامه‌ی «نوکر اورلئان (Maid of Orleans)» را به‌نگارش درآورد.
ایالات متحده، ۱۸۰۱
اوانس (Evans) مخترع امریکایی، ماشینی را که موتورش با قدرت بخار کار می‌کرد، در خیابان‌های فیلادلفیا به راه انداخت.
وین، ۱۸۰۱
لودویگ فان بتهوون (Ludwig Van Beethoven)، اپرای سوناتا (Sonata) (اوپوس (Opus) شماره‌ی دوم، سری ۲۷) که «مهتاب» نام داشت را نوشت.
آلمان، ۱۸۰۱
ویلیام هرشل (William Herschel) در هنگام کار با اسپکتروسکوپ مشاهده کرد که در انتهای نور قرمز (ترکیبی از نور سفید)، اشعه‌ی دیگری وجود دارد که نتوانست آن را اثبات کند. این تحقیقات را یوهان ریتر (Johann Ritter) آلمانی هم انجام داد و اشعه‌یی به‌نام ماورای بنفش را کشف کرد.

کشتیرانی باشد و بتواند اشیای سنگین‌وزن از قبیل تیرهای چوبی و زغال‌سنگ را از خود عبور دهد و به دریا متصل سازد، افتتاح خواهد شد. این کانال که یک راه آبی است و با هوش و ذکاوت مردم ساخته شده و مخارج زیادی در بر داشته، به‌نام کانال مانیا موسوم است و کشتی‌های دراز و کم‌عرض با پرداخت عوارض می‌توانند از آن‌جا عبور کنند. کانال مانیا که یک راه آبی تجاری بوده و از بندر لیورپول (Liverpool) تا بندر ویگان (Wigan) امتداد دارد، در سال ۱۷۸۶ ظرفیت عبور ۳۸۳۶ تن کالا را داشت که در سال ۱۷۸۷ به مرز ۴۶۱۰ تن رسید. طول این کانال در حدود چهار هزار مایل است که در مدت ۳۰ سال و با مبلغ ۱۱ میلیون پوند ساخته شده است. درست است که سرعت حمل کالا از این راه آبی کم‌تر از راه خاکی است، لیکن با توجه به امنیت آن بر راه خاکی ترجیح داده می‌شود. طول مدت مسافرت بین لندن و گلاسگو (Glasgow) به‌وسیله‌ی اسب ۶۳ ساعت است و بازرگانان در حالی‌که گاری سرعت کم‌تری از اسب دارد، حمل بار با گاری را ترجیح می‌دهند.

اکنون با ایجاد راه آبی جدید، بازرگانان از نظر حمل کالا مشکلی ندارند و تمام کالاها را از این راه ارسال می‌کنند. با این وصف، ارسال محموله‌های پستی اغلب توسط راهدارخانه‌های سلطنتی انجام می‌شود، بدین معنی که چون فرستادن این محموله‌ها با پست به زمان کم‌تری نیاز دارد، هنوز هم عده‌یی این طریق را انتخاب کرده‌اند. برخی از روستاها هم کالاهایی از قبیل سیب‌زمینی، شکر و پنبه را از راه زمینی به نقاط دیگر حمل می‌کنند، چون راه آبی متضمن خطرات بیش‌تری است.

دربار سلطنتی برای چرای دام‌ها از صاحبان دام حق چرا دریافت می‌کند (آنام، ۱۷۹۰)

نگوین هوئه (Nguyen Hue) پادشاه آنام (Annam) (ویت‌نام (Vietnam))، عوارض و خراجی را که توسط امپراتور کیان‌لونگ (Qianlong) برای

حق چرای دام‌ها در مسیر شهر بجینگ (Beijing) تعیین کرده و آن را حق اربابی می‌نامد، پذیرفت. هوئه که به دعوت دولت چین به آن کشور سفر کرده، طبق سیاست سنتی و بومی چین، پرداخت حق چرا را پذیرفت، زیرا برای نگهداری چراگاه‌ها، دولت چین نیاز به بودجه دارد و آن را برای حُسن رابطه بین دو کشور ضروری می‌داند. در ضمن هوئه در این سفر با استفاده از شیوه‌ی سیاست دولت چین، پسر خود را به‌عنوان ولیعهد تعیین کرد که در امور کشورداری با او همکاری نماید. در این موضوع تردیدی وجود ندارد که هوئه با سفر به چین مطالبی آموخته است. گفته می‌شود هوئه در مقابل دشمنانش که می‌خواهند او از سلطنت کناره‌گیری کند، مقاومت خواهد کرد و در ضمن در نظر دارد تعداد نمایندگان خود را برای اعزام به شهر بجینگ دوبرابر کند.

بچه‌های یتیم شهر لندن در آسیاب یک نماینده‌ی پارلمان مشغول کار می‌شوند (لندن، ۱۷۹۰)

رابرت پیل (Robert Peel) یکی از نمایندگان مجلس عوام و فرزند سوم صاحب آسیاب لانکاشایر (Lancashire) که توانسته بود زمام امور آسیاب پدرش را به‌دست گیرد و خود را برای این کار آماده سازد، اکنون به یکی از ثروتمندترین افراد کشور تبدیل شده و مالک املاک زیادی است. پیل یک خرده‌مالک بود که در نزدیکی بلاک‌بورن (Blackburn) زندگی می‌کرد و مانند خیلی از همکارانش سعی داشت زمین‌های خود را هرچه بیش‌تر زیر کشت ببرد و محصول زیادتری تولید کند، بدین جهت با جدیت به کار کشاورزی پرداخت و حاصل زیادتری برداشت کرد. رابرت پدر پیل زمین خود را گرو گذارد و با برادر همسرش شریک شد و یک کارخانه‌ی قلمکاری برای چاپ روی پارچه افتتاح کرد، پس از آن با توسعه‌ی کارخانه، کار ریسندگی و بافندگی را هم با ماشین‌های قدیمی ساخت جیمز هارگریو (James Hargreaves) آغاز کرد. وی با به‌کارگیری ماشین‌های دست‌بافت، تا اندازه‌یی به وضعیت کارخانه سر و سامان داد و چون ماشین‌های دستی تولید زیادی نداشت، پس از مدتی که وضع مالی او بهتر شد، ماشین‌های قدیمی را که با دست کار می‌کردند، کنار گذاشت و از ماشین‌های جدیدی که با تکنولوژی نوینی کار می‌کردند، استفاده نمود. در همین حال رابرت پیل در ناحیه‌ی برتون آن ترنت (Burton-on-Trent) سه دستگاه آسیاب آبی با کانال آب‌بر، جهت آسیاب‌ها ساخت. این آسیاب‌ها به کارگر کم‌تری نیاز داشتند. با این وصف وی تعدادی از بچه‌های ولگرد و یتیم را استخدام کرد تا در آسیاب‌های او کار کنند.

رابرت برای جمع‌آوری این‌گونه کودکان به بخش‌های تامورث (Tamworth) و استافوردشایر (Staffordshire) رفت تا این کودکان را در کارگاه‌ها به کار گمارد و از ولگردی آن‌ها جلوگیری کند.

یکی از اشراف روس با درج مقاله‌یی، سرفداری را یک کار شیطانی می‌داند (سن‌پترزبورگ، ۱۷۹۰)

یکی از نجبا و ثروتمندان روسی به جرم نگارش کتابی که سرفداری را کار شیاطین می‌دانست و معتقد بود که باید به‌تدریج آن را مسنوخ ساخت، به اعدام محکوم شد.

الکساندر رادیشچف (Alexander Radishchev) که توسط دولت برای تحصیل به دانشگاه لایپزیگ (Leipzig) فرستاده شده بود، در مراجعت به میهن به شغل خصوصی پرداخت. در سال‌های ۱۷۷۳ـ۱۷۷۴ که قیامی به رهبری پوگاشف (Pugachev) برپا شد، به فرمان او دهقانان و کشاورزان روسی مالکان را قتل‌وعام کردند، زیرا سال‌ها در زیر شکنجه‌ی آن‌ها بودند. این قیام هشداری به اربابان و مالکان بود.

وی در کتاب خود، با شرح سفر خود از

فرانسه، ۱۸ ژانویه ۱۸۰۲
بوناپارت خود را از قید اعضای تریبون (Tribunate) که همگی مخالف وی بودند، رها ساخت (در این زمان، تریبون یا هیأت نظامی فرانسه، یک‌صدنفر عضو داشت).

ایتالیا، ۲۶ ژانویه ۱۸۰۲
بوناپارت به‌عنوان رییس‌جمهور ایتالیا انتخاب شد و این جمهوری را به‌نام سیزالپین (Cisalpine) نامید.

فرانسه، ۲۷ مارس ۱۸۰۲
بوناپارت با ارامنه‌ی ارمنستان قرارداد صلح امضا کرد.

فرانسه، ۲۰ مه ۱۸۰۲
تجارت برده و برده‌داری در مجتمع‌های فرانسه کماکان پابرجاست.

فرانسه، دوم اوت ۱۸۰۲
بوناپارت به سمت کنسول تمام‌عمر با آرای عمومی انتخاب شد.

چین، ۱۸۰۲
بیش از سه سال است که از شورشی به تحریک «انجمن نیلوفر سفید. (White Lotus Society)» که یک سازمان مخفی است، می‌گذرد. این سازمان که ضد حکومت منچوها (Manchu) بود، با حمایت نیروهای مسلح چینی با بی‌رحمی و شقاوت سرکوب شد.

مکزیک، ۱۸۰۲
آنتونیو دو لئون گاما (Antonio de Leon Gama) نخستین باستان‌شناس مکزیکی، دیده از جهان فروبست. بهترین اثر به‌جامانده از وی، کتابی است در شرح وضعیت کوتلیکو (Coatlicue) یا الهه‌ی مادر و صخره‌یی از خورشید (این سنگ که حاوی بخش اعظم تاریخ باستانی مکزیک است، در حین حفاری‌هایی که برای زهکشی فاضلاب مکزیکوسیتی انجام می‌شد، کشف گردید).

ایتالیا، ۱۸۰۲
اوگو فوسکولو (Ugo Foscolo) نویسنده‌ی ایتالیایی، کتابی به‌نام «نامه‌های ژاکوپو اورتیس (Jacopo Ortis)» منتشر کرد. این کتاب حاوی ناله‌ها و زجر و شکنجه‌هایی است که در هنگام پیروزی اتریش، در شهر ونیز (Venice) که مردم شهر با آن دست به گریبان بوده‌اند.

ایتالیا، ۱۱ سپتامبر ۱۸۰۲
حاکم‌نشین پیه‌مون (Piedmont) ضمیمه‌ی خاک فرانسه شد.

روسیه، ۲۰ سپتامبر ۱۸۰۲
آلکساندر تزار (Czar Alexander) اصلاح‌طلب روسیه که در سال پیش به قدرت رسید، مجلس سنای قانون‌گزاری و شورای قضایی یا دیوان عالی قضایی را در کشور بنا نهاد و ژان فرانسوا دو لاهارپ (Jean Francois de Laharpe) دانشمند سویسی را برای اصلاح آموزش مردم تعیین کرد و هم‌چنین فرمان عفو عمومی صادر کرد که تمام زندانیان و تبعیدشدگان به جایگاه و مسکن خود بازگردند.

لوئیزیانا، ۱۶ اکتبر ۱۸۰۲
با انعقاد قرارداد سال ۱۷۹۵، سان لورنزو (San Lorenzo) که مرز آبی بین امریکا و اسپانیا را در ناحیه‌ی شمالی مشخص کرده بود، اسپانیا بندر نیواورلئان (New Orleans) را به روی کشتی‌های امریکایی بست.

هندوستان، ۳۱ دسامبر ۱۸۰۲
ماراتا پشوا باجی رائو (Maratha Peshwa Baji Rao)، با عقد قرارداد باسی‌ین (Bassein) با لرد ولسلی (Lord Wellesley)، حاکمیت بریتانیا را بر هند مرکزی به‌رسمیت شناخت.

ایالات متحده، ۱۸۰۲
تمام ایالات شمالی خط میسون ـ دیکسون (Mason-Dixon) (بین پنسیلوانیا (Pensylvania) و دلویر (Delaware) در شمال و مریلند (Maryland) و ویرجینیای غربی (West Virginia) در جنوب)، به‌استثنای نیوجرسی (New Jersey)، اکنون به قانون ضدبرده‌داری موسوم به آزادی بردگان پیوسته‌اند.

وین، ۱۸۰۲
لودویگ فان بتهوون (Ludwig Van Beethoven) آهنگساز، احساس شنوایی خود را به‌کلی از دست داد، لیکن دومین سمفونی خود را به این حالت اختصاص داد که کم‌تر حالت افسردگی و دلتنگی وی را آشکار می‌سازد.

سن‌پترزبورگ (St Petersburg) تا مسکو، به قیام دهقانان که به حالت انفجار رسیده بود، اشاره می‌کند که آنان تا چه‌اندازه در رنج و عذاب به‌سر می‌برند. او می‌نویسد که کارگران زارع می‌بایست شش روز در هفته برای ارباب کار کنند و تنها یک روز برای شخم‌زدن و وجین‌کردن و غیره در زمین‌های خود مشغول شوند. همه‌ی افراد باید کار کنند تا همه‌چیز برای ارباب مهیا شود. همه باید به‌کار اجباری بپردازند. دهقان‌ها می‌گفتند: ما همیشه باید مراقب منافع ارباب باشیم تا لطمه‌یی به او وارد نشود؛ از سوی دیگر، اگر ما کوچک‌ترین کاری برای خودمان انجام دهیم، ارباب ما را تنبل و تن‌پرور خواهد دانست و باید مورد مؤاخذه قرار گیریم.

رادیش‌چف که یک اصول‌گرا می‌باشد، در کتاب خود می‌نویسد: «کاترین تزار روس، اعمال دهقانان را علیه اربابان خود براندازی تلقی می‌کند و افرادی که جهت واژگونی حکومت تلاش کنند، به فرمان او اعدام خواهند شد و حداقل مجازات آن‌ها تبعید به سرزمین سیبری است».

بورک انقلاب فرانسه را مورد انتقاد قرار می‌دهد (لندن، اکتبر ۱۷۹۰)

ادموند بورک (Edmund Burke) یکی از اعضای پارلمان انگلیس و عضو حزب کارگر، نخستین فردی است که از انقلاب فرانسه بدگویی می‌کند. او انعکاس این انقلاب را از نظر فلسفی بررسی کرده و آن را یک عمل غیراخلاقی و نادرست دانسته و محکوم می‌نماید. او نظریات روسو رادر قرارداد اجتماعی و حقوق طبیعی افراد مردود می‌شمارد و می‌گوید: حق طبیعی افراد این است که مردم با تشکیل انجمن‌ها و احزاب، حقوق خود را از فرمانروایان بگیرند. در حقیقت امنیت جانی و مالی افراد باید مصون بماند، دیگر این‌که قانون باید از مردم در مقابل زورگویی دفاع کند. همه‌ی افراد در مقابل قانون یکسان هستند، حقوق موروثی و ثمره‌ی کوشش افراد باید از دستبرد محافظت شود. آیا بهتر نیست که

به‌جای انقلاب و شورش، ملت‌ها بر روی تجارت محصولاتی از قبیل فلفل، قهوه، پارچه‌های قلمکار و توتون با هم توافق کنند، زیرا حاصل انقلاب چیزی جز نبرد و خونریزی نیست و ملت فرانسه هم نباید برای تشکیل مجلس عامه به خونریزی بپردازد.

بورک می‌نویسد: ملت انگلیس طی یک‌صد سال پیش با تشکیل انجمن‌های ایالتی برای تأسیس مجلس مؤسسان قانونگزاری اقدام کرد و انقلابی بدون خونریزی انجام داد، اکنون ملت فرانسه هم می‌باید به‌عوض جنگ و خونریزی، به‌طور تدریجی اهداف ملی را پیش برده و هم‌چون انگلیس درصدد واژگونی حکومت نباشند.

بورک پیش‌بینی می‌کند که نتیجه‌ی انقلاب فرانسه چیزی جز کشت و کشتار نبوده و سرانجام حکومتی ظالم و ستمگر بر این ملت مسلط خواهد شد، زیرا آنارشی به‌وجودآمده جز با یک حکومت مستبد و ظالم نظامی پایانی نخواهد داشت.

ویلیام بلیک، شاعر انقلابی معاصر (لندن، ۱۷۹۰)

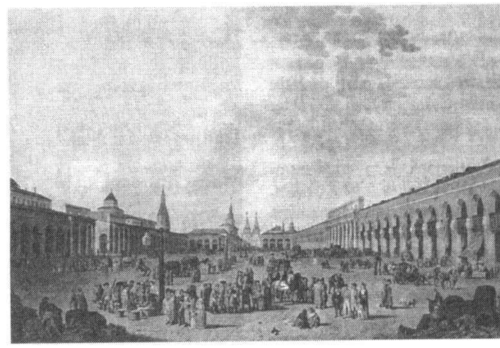
ویلیام بلیک (William Blake) قلم‌زن دوره‌گرد خیابان‌های لهستان که در محله‌ی سوهو (Soho) (یکی از محلات شهر لندن) کار می‌کرد، شیوه‌ی بدیعی به اسم فریاد بی‌گناهان را جهت روشن نشان‌دادن تصاویر کتاب خود کشف کرد. او با ترکیب کلمات و عبارات با تصویر در یک صفحه توانست دست‌نبشته‌های قرون وسطی را به‌روشنی بنمایاند. هر کدام از کتاب‌های او تمام‌رنگی است و هیچ‌کدام با دیگری شباهت ندارد. اشعار او هم مربوط به زندگی دوران کودکی‌اش بوده و هر فردی را شاد و خوشحال می‌سازد. کودکی زمانی است که انسان از قید و بند دین، مذهب، اجتماع و غیره رها می‌باشد و تمام فکرش بازی و تفریح است. همان‌گونه که پرنده پس از آن‌که از تخم بیرون می‌آید، در قفس شروع به آوازخواندن می‌کند و از آواز خودش لذت می‌برد، کودک هم در این زمان همه‌ی اوقاتش را به بازی می‌گذراند.

بلیک که خود را فرزند آزادی می‌داند، با پوشیدن لباس قرمز و بر سر گذاردن کلاه قرمز، در خیابان‌ها غوغا به‌راه می‌اندازد. او هم نقاشی می‌کند و هم می‌نویسد، با این حال هیچ اثری از خود منتشر نساخته است. او انقلاب فرانسه را مناقشه‌یی بین شاه و اشراف از یک‌سو و مجلس ملی از سوی دیگر می‌داند. یکی از نوشته‌های او که جنبه‌ی صوفیانه دارد، درباره‌ی ارتباط بهشت و جهنم است. او ارتباط بین خداوند و روح انسانی را انکار می‌کند. وی می‌گوید: راهی که انسان را به‌سوی قصر فرزانگی هدایت می‌نماید، در حقیقت از جهنم دور می‌سازد.

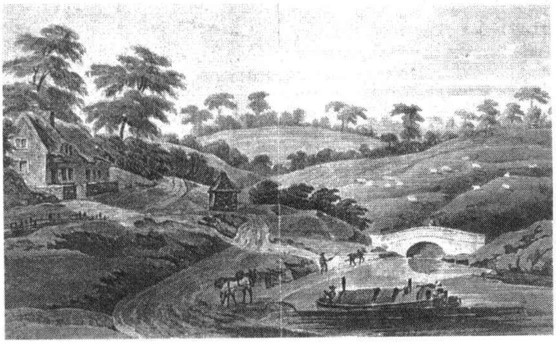
تله‌گراف (تلگراف) ارتباطات را سریع‌تر می‌کند (پاریس، دوم مارس ۱۷۹۱)

سیستم نوینی که ارتباطات را خیلی تسریع کرده و اطلاعات را به‌سرعت به طرف دیگر مخابره می‌نماید، امروز در شهر پاریس به نمایش گذاشته شد. این سیستم تاکنون مورد استفاده‌ی بشر قرار نگرفته است. کلودشاپ (Claude Shappe) مهندس فرانسوی و مخترع تلگراف حضوری است که اختراع وی انقلابی در مخابرات نیز به‌وجود آورد. کاربرد این اختراع بسیار ساده است، یک گروه چندنفری در برج بلندی که زمین اطراف آن باز است، با دستگاه‌های مربوطه می‌نشینند. دستگاه انتقال صدای آن‌ها از ۱۹۶ حرف تشکیل می‌شود که حامل ۹۲ حالت است و آن‌ها را رمز تلگراف می‌نامند و بدین‌وسیله پیام را به‌طرف مقابل می‌رسانند. این سیستم تلگراف ساحلی نامیده می‌شود.

اپراتور با استفاده از کتاب راهنما، خبر را به برج طرف مقابل مخابره می‌کند. در برج دیگر هم اکیپی متشکل از چند نفر مستقر هستند. اپراتور کلمات رمزی را که حامل پیام است، مخابره و طرف دیگر آن را ثبت می‌نماید، بدین معنی که هر علامت نشانه‌ی یک حرف است و مجموع این کلمات، پیام را می‌رساند. بدین ترتیب، اپراتور طرف مقابل آن نشانه‌ها را می‌نویسد و سرانجام تمام خبر به‌سمت مقابل می‌رسد، بدون این‌که این مسافت را به پیمایند.



میدان وسیع و مغازه های بی شمار آن در مرکز شهر مسکو در سال ۱۷۹۵.



محل تلاقی کانال بزرگ که از زیر تونل می گذرد در منطقه ی بلیس ورث Blisworth.



تجهیزات مخابراتی که توسط کلود چاپ Claude Chappeبرای تلگراف حضوری ساخته شده.



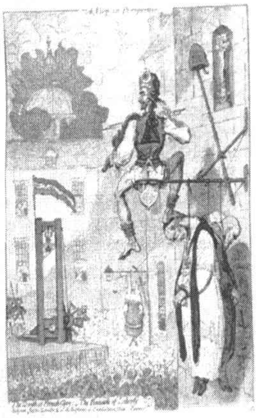
حملاتی که به انقلابیون می شود از دید بورک Burke نقاش کاریکاتوریست.



عنوان کتاب ویلیام بلیک، مشهور به نغمه های معصومان.



کیان لونگ Qianlong امپراتور چین که متصرفات کشور را تا سرزمین آنام Annam گسترش داد.



نقطه اوج عظمت و شکوه فرانسه از نظر یک انگلیسی انقلابی

پاین می‌گوید: به‌دست‌آوردن حقوق بشر تنها با انقلاب میسر است (لندن، مارس ۱۹۷۱)

بسیاری از نویسندگان به مخالفت با مقاله‌ی ادموند بورک برخاسته‌اند. یکی از بزرگ‌ترین مخالفان یک نویسنده رُک‌گوی اهل نورفولک (Norfolk) به‌نام توماس پاین (Thoma Paine) است که در انقلاب امریکا برای به‌دست‌آوردن استقلال نقشی داشت. او می‌گوید: مقاله‌ی بورک بر روی انقلابیون فرانسه تأثیرگذار خواهد بود و آن‌ها را تضعیف خواهد نمود و اعلامیه‌ی حقوق بشر که به تصویب جورج واشنگتن رسید، مؤید این موضوع است. انقلابیون فرانسوی، بورک را به‌اتهام تجاوز به حقوق انسان‌ها که در حقیقت اعلامیه‌ی آزادی است، تحت تعقیب قرار داده‌اند. در تراکتی که توسط پاین نوشته شده، تصریح گردیده که هسته و اساس انقلاب، حاصل نظریات مونتسکیو (Montesquieu)، روسو و دیگر نویسندگان علوم اجتماعی است که می‌گویند: انسان آزاد آفریده شده و بایستی از حقوق برابر و یکسان بهره‌مند شود و بتواند از آزادی مال و امنیت خود در مقابل ستمگران پایداری کند و هیچ‌گونه تجاوز دیگران را بر حقوق شخصی خود تحمل نکند. او می‌گوید: انسانی که به‌دنیا می‌آید، هیچ مال و منالی ندارد و به‌تدریج به مال و ثروت و سایر چیزها دست می‌یابد و این موضوع علت بقای بشر در جهان می‌باشد و انقلاب فرانسه طلیعه‌ی این امر است.

سرنوشت سیستم برده‌داری به رای گذاشته شد (لندن، ۱۸ آوریل ۱۷۹۱)

ویلبرفورس (Wilberforce) یکی از نمایندگان پارلمان، طی سخنرانی چهارساعته‌ی خود، سیستم برده‌داری را محکوم کرده و واردکردن سیاهان افریقایی را به‌عنوان برده شرم‌آور خواند. آرای او از ۱۶۳ به ۸۸ تقلیل یافت، با این حال، وی نظریه‌ی خود را در این مورد تا حد زیادی به سایرین القا کرد. ویلبر فورس فرزند یکی از تجار ثروتمند یورکشایر (Yorkshire) است و می‌گوید: علت اصلی کشتار سفیدپوستان برده‌دار در مستعمره‌ی فرانسوی سانتودومینگو (Santo Domingo)، همین برده‌داری است که این موضوع به تجارت خارجی کشورها آسیب می‌رساند.

در حفریات انجام‌شده در سرزمین آزتک‌ها، هنر آن دوران کشف شد (مکزیک، ۱۷۹۰)

در کاوش‌های باستان‌شناسی در مکزیکوسیتی، دو قطعه‌ی بزرگ از دوران تمدن آزتک‌ها (Aztec) یعنی قبل از فتوحات اسپانیا که شامل تندیس‌هایی است، کشف گردید. اولین قطعه، سنگی است که آزتک‌ها به‌عنوان خدای خورشید آن را مورد پرستش قرار می‌دادند که صورت و زبان این تندیس توسط افراد خراب شده است. دومین تندیس مربوط به الهه‌یی است به‌نام کوآتلیکو (Quoatlicue) یا تئویامی‌کی (Teoyamiqui) که چندین تُن وزن دارد. این مجسمه دارای چنگال، پا و دندان‌های درشتی نیز می‌باشد. هر دو تندیس به دانشگاه فرستاده شد. یک تکه سنگ دایره‌یی‌شکل هم به‌دست آمده که به‌نظر می‌رسد تقویم آن زمان است.

لویی شانزدهم در فرار خود ناکام ماند (وارن *(Warennes)*، ۲۱ ژوئیه ۱۷۹۱)

خانواده‌ی دربار سلطنتی فرانسه که قصد فرار از پاریس را داشتند، در وارن دستگیر شدند. لویی که خود را شبیه متز (Metz) ساخته بود، همراه با چند تن سپاهی متعلق به مارکی بویه (marquis Bouille)، شناخته شد. آن‌ها با یک نقشه‌ی دقیق و با کمک یک افسر سوئدی به‌نام فرسن (Fersen) که هواخواه ملکه بود، عزم فرار داشتند. شاه با لباس سواره‌نظام به‌طور مخفیانه قصر تویلری (Tuileries) را ترک کرده بود. آن‌ها قصد داشتند به‌سوی شرق و به‌طرف ویلای پون دو سامویل (Pont de Someville) رفته و به سواران دوک جوان شوزل (duke Choiseul) ملحق شوند، لیکن چون در سفر خود تأخیر کردند، سربازان وابسته به انقلابیون به آن‌ها ظنین شدند، در حالی‌که در این

مکان آن‌ها در انبار کاه و چوب مخفی شده و پوستین در بر داشتند. شاه در آن‌جا لباس نوکرها و ملتزمین رکاب را پوشیده بود، اما در ناحیه‌ی وارن در ۱۴۲ مایلی پاریس توسط یک سوار شناخته شد، آن‌گاه فوراً او را به نزد لافایت (Lafayette) فرمانده گارد ملی اعزام داشتند.

شاه فراری و دیگر همراهان را با اسکورت محلی به فرماندهی سواری به‌نام سوس (Sauce) به پاریس فرستادند. این شخص احترامات لازمه را نسبت به شاه انجام داد. آن‌ها اکنون به‌سوی پاریس برگردانده می‌شوند.

آزادی‌خواهان لهستان فرمانروای قدیمی روس را معزول ساختند (ورشو، سوم مه ۱۷۹۱)

گروهی از وطن‌پرستان لهستانی امروز با یک کودتا فرمانروای روسی را که با نظر امپراتوری عثمانی کشور را زیر سلطه داشت، برکنار کردند و سرزمین خود را از یوغ استعمار روس رهایی بخشیدند. آن‌ها قصد دارند که برای اداره‌ی کشور قانون اساسی تنظیم کرده و مجلس ملی تشکیل و به هرج و مرج و آنارشی پایان دهند. هوگو کولونتاج (Hugo Kollontaj) هنگامی‌که عضو پارلمان بود، با اصلاحات به مخالفت برخاسته بود. میهن‌پرستان امتیازات مالکانه را که به خانواده‌ی اشراف تعلق داشت و سیستم طبقاتی سختی را که اعمال شده بود، لغو کردند و درهای کلیسا را به روی تمام همشهریان گشودند. آن‌ها طرحی هم برای برانداختن سیستم سرفداری تهیه کرده‌اند، لیکن کاترین تزار روسیه این کودتا را غیرقانونی اعلام کرد.

شاه انگلستان سرزمین کانادا را به دو بخش تقسیم کرد (لندن، ۱۹ ژوئن ۱۷۹۱)

جورج سوم امروز با امضای قانون اساسی کانادا، مردم کانادا اعم از انگلیسی یا فرانسوی را دارای حقوق برابر دانست. وی با امضای این فرمان، کانادا را به دو بخش جداگانه تقسیم کرد که هر بخش دارای قانون

سویس، ۱۹ فوریه ۱۸۰۳
بوناپارت با اجرای قانون مداخله در سویس، این کشور را به ۱۳ بخش تقسیم کرد و حالت پیش از سال ۱۷۹۸ را برقرار کرد، در حالی‌که شهرهای ژنو (Geneva) و مولهاوس (Mulhouse) شامل این قسمت‌بندی نشد. بدین ترتیب، تعداد شش بخش به بخش‌های قبلی اضافه شد. قانون اساسی کشور که به‌صورت فدرال اداره می‌شود، یکی است و هر بخش یک مجلس ایالتی دارد که امور خارجه به آن وابسته است.

ایالات متحده، یکم مارس ۱۸۰۳
اوهایو (Ohio)، هفدهمین ایالت امریکا به‌حساب آمد.

بریتانیا، ۱۵ مارس ۱۸۰۳
بریتانیا مخالفت خود را با قرارداد آمی‌ین (Amiens) که مقرر می‌دارد جزیره‌ی مالت (Malta) در مدت ده‌سال حقوق خود را به‌دست آورد، ابراز داشت. طبق معاهده‌یی که بوناپارت در ماه مارس ۱۸۰۲ با انگلیس امضا کرد، بریتانیا متعهد شد که تمام متصرفات خود را در آن‌سوی دریاها به ساکنان محلی واگذار کند.

فرانسه، ۱۲ آوریل ۱۸۰۳
اجتماع و تظاهرات کارگران، بار دیگر ممنوع شد. این قانون در مورد کارگران کارخانه‌هایی که علامت تجارتی دارند، قابل اجراست.

فرانسه، ١٤ آوریل ۱۸۰۳
بانک فرانسه امتیاز نشر اسکناس را تحصیل کرد که به‌مدت ۱۵ سال پول‌های کاغذی را در جریان بگذارد، لیکن این اسکناس‌ها تنها در شهر پاریس معتبر است.

لوئیزیانا، ۱۹ آوریل ۱۸۰۳
دولت اسپانیا، بندر نیواورلئان را به روی ناوگان بازرگانی امریکا گشود.

هلند، ٢٦ آوریل ۱۸۰۳
با وجود مخالفت اخیر بریتانیا با عهدنامه‌ی آمی‌ین، بوناپارت شهرهای فلوشینگ (Flushing) و داچ برابانت (Dutch Brabant) را تصرف کرد و در عین تصرف بخشی از خاک هلند، انگلیس را بر آن داشت که به فرانسه اولتیماتوم بدهد.

هلند، ۱۲ مه ۱۸۰۳
ناپلئون شهرهای فلوشینگ و داچ برابانت را تخلیه کرد.

فرانسه، ۱۸ مارس ۱۸۰۳
در پی ادامه‌ی تجهیز نیروهای فرانسوی و فعالیت آن‌ها در ایتالیا، هلند، سویس، آلمان و دولت انگلیس عهدنامه‌ی آمی‌ین را لغو کردند و به دولت فرانسه اعلان جنگ دادند.

آلمان، مه ۱۸۰۳
ژنرال مورتیه (Mortier) فرانسوی، حاکم‌نشین هانوور (Hanover) را که سرزمین اختصاصی پادشاه انگلیس بود، تسخیر کرد.

اروپا، پنجم ژوئن ۱۸۰۳
آلکساندر تزار روسیه، به قصد میانجی‌گری و رفع اختلاف بین فرانسه و انگلیس، قدمی به جلو برداشت، لیکن موفق نشد.

فرانسه، ۲۰ ژوئن ۱۸۰۳
دولت واردات کالاهای انگلیسی را به کشور ممنوع اعلام کرد.

ایرلند، ۲۳ ژوئیه ۱۸۰۳
میهن‌پرستان ایرلند علیه الحاق ایرلند به بریتانیا دست به تظاهرات زدند. قانون الحاق در اول ژانویه ۱۸۰۱ به‌تصویب رسیده بود.

منطقه‌ی کارائیب، ۱۸۰۳
ژنرال دسالین (Dessalines)، استقلال جزیره‌ی هائیتی (Haiti) را که در منتهاالیه غرب جزیره‌ی سانتودومینگو واقع بود، اعلام کرد.

پتیسبورگ (Pittsburgh)، ۳۱ اوت ۱۸۰۳
کاپیتان مری‌ودر لویس (Meriwether Lewis) پتیسبورگ را به‌خاطر شایعه‌یی که نخستین دولت این منطقه ضامن کشف مناطق غربی کشور است، ترک کرد تا مامورانی را برای تجسس این مناطق اعزام نماید.

هندوستان، ١٤ سپتامبر ۱۸۰۳
ژنرال لیک (Lake) که با ایجاد نقب در زیر دیوارهای شهر، قشون ماراتاها (Maratha) را شکست داده بود، شهر دهلی را به نفع دولت انگلیس تسخیر کرد. اتحاد ماراتاها، آخرین سد باقی‌مانده در مقابل کمپانی هند شرقی بریتانیا در جنوب و شرق هند بود که بالاخره از پا درآمد.

هندوستان، ۲۳ سپتامبر ۱۸۰۳
سر آرتور ولسلی (Sir Arthur Wellesley) به پیروزی قابل ملاحظه‌یی علیه ماراتاها و در شهر آسائیه (Assaye) در منطقه‌ی دکن (Dekhan) دست یافت.

اساسی و نمایندگان مخصوص به خود بود. در استان که‌بک (Quebecl) که فرانسویان از اکثریت قاطع برخوردارند، دولت انگلیس زبان فرانسه را به رسمیت شناخته و حقوق کامل آن‌ها را تحت فرمان کلیسای کاتولیک تأیید نمود. ناظران دولت انگلیس از فرانسویانی که در زمان جنگ‌های استقلال وفاداری خود را نسبت به دربار اعلام داشته بودند، قدردانی کردند. برخی عقیده دارند که چون دولت انگلیس نمی‌توانست نفوذ خود را بر بخش شمالی کانادای فرانسوی‌زبان اعمال کند، به این تقسیم تن داد تا در آن‌جا یک جمهوری جدید استقرار یابد.

کشورهای اروپایی قصد دارند سلطنت فرانسه را حفظ نمایند (پیل‌نیتز (*Pillnitz*)، پروس، ۲۷ اوت ۱۷۹۱)

پادشاهان اروپایی در یک اعلامیه اشاره کردند که از برادرزاده‌ی خود لویی شانزدهم دفاع خواهند کرد تا او در مقام سلطنت فرانسه باقی بماند. در دیداری که در پیل‌نیتز بین لئوپولد دوم پادشاه اتریش و فردریک ویلیام دوم پادشاه پروس صورت گرفت، آن‌ها از فرماندهان اروپایی دعوت کردند که با پیوستن به یک‌دیگر، به دولت کنونی فرانسه حمله کنند. در نخستین پاسخ به این امر، نمایندگان مجلس ملی آمادگی خود را برای جنگ با اروپا اعلام کرده و در ضمن به شرکت‌کنندگان در کنفرانس پیل‌نیتز اظهار داشتند که آن‌ها باید به مغزهای خشک خود این موضوع را فروکنند که نمی‌توانند با یک ژست دیپلماتیک، فشار وارده بر پادشاه فرانسه را تعدیل کنند.

بردگان شورشی بخشی از سانتودومینگو را تصرف کردند (سانتودومینگو، ۲۴ اوت ۱۷۹۱)

بردگان سیاه‌پوست ساکن مستعمره‌ی فرانسوی سانتودومینگو (مروارید جزایر آنتیل)، شورش خونینی را علیه اربابان یا زارعان ثروتمند برپا کردند. دولت فرانسه هم برای سرکوبی این شورش، سپاهیانی به آن منطقه اعزام کرد. در منطقه‌ی نورد (Nord)، سیاهان تعدادی از سفیدپوستان را به هلاکت رسانده و دشت‌های حاصل‌خیز و مزارع نیشکر را به آتش کشیدند. شورش سانتودومینگو متعاقب انقلاب فرانسه رخ داد و روحیه‌ی آن‌ها را تقویت کرد. در ماه مه مجلس ملی رأی‌گیری درباره‌ی مستعمره‌ی مولاتو (Mulattoes) را آغاز کرد و به سیاهان این ناحیه آزادی اعطا نمود. کارگران کشاورز این ناحیه درخواست خودمختاری نمودند و هرگونه موافقت‌نامه‌ی دیگری را رد کرده و تقاضا کردند که هرچه زودتر بحث درباره‌ی آزادی بردگان آغاز شود. در تاریخ ۱۲ اوت، حدود یک‌صدهزار نفر از جمعیت نیم‌میلیونی این جزایر از انقلاب پشتیبانی کردند. شورشیان به‌سوی مزارع نیشکر سرازیر شده و تمام مزارع و محصولات انبارشده‌ی متعلق به سفیدپوستان را منهدم کردند و بخشی از این جزیره را متصرف شدند.

انقلاب فرانسه، آتش انقلاب را در ایرلند تیزتر کرد (دوبلین، دسامبر ۱۷۹۱)

ولف تون (Wolfe Tone) حقوق‌دان جوان پروتستان‌مذهب ایرلندی، به تشویق و ترغیب از ایده‌ی انقلاب فرانسه، انجمنی برای اتحاد سرزمین ایرلند تشکیل داد و از دولت انگلیس خواست که این اتحادیه را به‌رسمیت بشناسد، در ضمن وعده داد که حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها یکسان، و همگان از این مزایا بهره‌مند خواهند شد.

طبقه‌ی متوسط ساکنان شهرهای دوبلین (Dublin) و بلفاست (Belfast) از انقلابیون حمایت می‌کنند و همه‌جا فریاد آزادی، مساوات و برادری هم‌چون انقلابیون امریکا و افراد انقلابی فرانسه به گوش می‌رسد و این امر نشان می‌دهد که مردم ایرلند تا چه اندازه از سلطه‌ی انگلیس رنج می‌برند.

لندن با مکاتباتی که با کاتولیک‌های ایرلندی انجام داده، در پی آن است که به شکایات کاتولیک‌های ایرلندی پاسخ مثبت بدهد، چون کاتولیک‌ها می‌خواهند

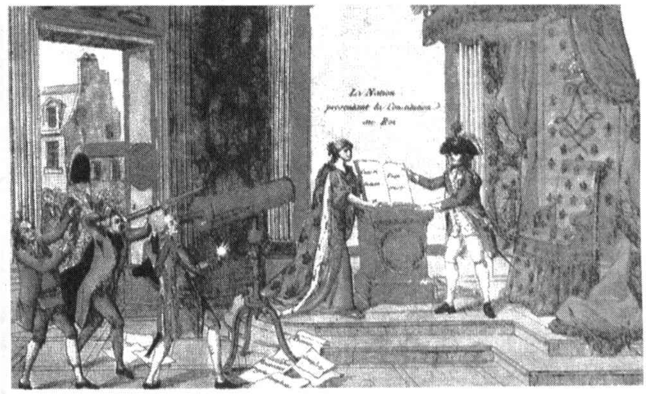
اروپا، ۲۷ سپتامبر ۱۸۰۳
دولت فرانسه و جمهوری هلوسیا (Helvetia) (سویس)، قراردادی درباره‌ی همکاری‌های نظامی طرفین امضا کردند.
فرانسه، دوم دسامبر ۱۸۰۳
آماده‌باش نظامی جهت حمله به انگلیس در کمپ بولونی (Boulogne) اجرا شد.
ایالات متحده، ۲۰ دسامبر ۱۸۰۳
امریکا ایالت لوئیزیانا را از دولت فرانسه خریداری کرد.
روسیه، ۱۸۰۳
آلکساندر تزار روس، به جنوب گرجستان یورش برد و شرق سرزمین آلاسکا (Alaska) را تسخیر کرد.
جزایر آنتیل (Antilles)، ۱۸۰۳
بریتانیا جزایر سنت‌لوسیا (st Lucia)، توباگو (Tobago) و گویان هلند (Duthch Guiana) را تصرف کرد.
برزیل، ۱۸۰۳
طی ۴۵ سال، تعداد ۶۴۲ هزار نفر از سیاه‌پوستان بنادر لوآندا (Luanda) و بنگوئلا (Benguela) در ساحل آنگولا (Angola) جمع‌آوری شده و برای بیگاری و بردگی به سرزمین برزیل فرستاده شدند.
هونولولو(Honolulu)، ۱۸۰۳
ریچارد کلیولند (Richard Cleveland) و ویلیام شالر (William Shaler)، نژاد اسب را به مردم هاوایی (Hawaii) شناساندند.
آلمان، ۱۸۰۳
یوهان فون هردر (Johann Von Herder) نویسنده‌ی آلمانی، از دنیا رفت. او یکی از دوستان و رفقای گوته نویسنده‌ی جوان آلمانی و سخت شیفته‌ی آوازهای محلی مردم کوچه‌بازار و هم‌چنین قطعات موسیقی پراکنده‌ی آلمانی بود و به تمام آثار شکسپیر (Shakespeare) نمایش‌نامه‌نویس شهیر انگلیسی علاقه‌مند بود. وی توانست سنت زمان خود را بشکند و تأثیر بسیاری در موسیقی آلمانی برجای گذارد و حرکت نوینی در سبک رومانتیک (Romantic) به‌وجود آورد.
بریتانیا، ۱۸۰۳
هنری شرپنل (Henry Sherapnel) مخترع پوکه‌ی فشنگ و نارنجک، در سال ۱۷۸۴ در ارتش انگلیس پذیرفته شد.
بریتانیا، ۱۸۰۳
جی. ام. دبلیو ترنر (J.M.W. Turner) نقاش، در سن ۲۷ سالگی، جوان‌ترین عضو آکادمی لندن به‌شمار می‌رفت. او پسر آرایشگر کاونت گاردن (Covent Garden) بود. وی از سن چهارده‌سالگی به تحصیل در این آکادمی پرداخت و امسال توانست اسکله‌ی کاله (Calais Pier) را ایجاد کند. وی تعداد زیادی از هنرهای مدرن و غیرحقیقی که موجب تباهی هنر می‌شد را از بین برد.
منطقه‌ی کارائیب (Caribean)، ژانویه ۱۸۰۴
حکومت هائیتی (Haiti)، با اشغال نیمه‌ی غربی جزیره‌ی سانتو دومینگو (Santo Domingo)، نخستین حکومت سیاه‌پوستان را تشکیل دادند. آن‌ها پس از ۱۱ سال جنگ‌های وحشتناک، سرانجام استقلال آن را اعلام داشتند.
فرانسه، ۲۸ فوریه ۱۸۰۴
در پی کشف توطئه‌ی یک سلطنت‌طلب برای کشتن ناپلئون بوناپارت، دو نفر از افسران ارشد به‌نام‌های ژنرال پیشگرو (Pichegro) و ژنرال مورو (Moreau) دستگیر شدند.
صربستان (Serbia)، فوریه ۱۸۰۴
کارا ژرژ (Karageorges) (ژرژ سیاه (Black George)) رهبر صرب‌ها، علیه دولت عثمانی عصیان کرد.
فرانسه، ۲۱ مارس ۱۸۰۴
ناپلئون فرمانی صادر کرد که طبق آن، قوانین اجتماعی در سراسر کشور یکسان اجرا شود و همه از این قوانین پیروی کنند. این موضوع نشانه‌ی آشتی بین رژیم گذشته و رژیم انقلابی بود که شعارش مساوات و برادری است. در ضمن این قانون حافظ مال و ثروت تمام افراد کشور می‌باشد.
هندوستان، آوریل ۱۸۰۴
جنگ بین ماراتاها به‌رهبری هولکار (Holkar) و کمپانی هند شرقی پایان پذیرفت.
ایالات متحده، ۱۴ مه ۱۸۰۴
مری ودر لویس (Meriwether Lewis) و ویلیام کلارک (William Clark) کاشفان امریکایی، جهت تحقیق و تجسس، سفر خود را به اقیانوس آرام آغاز کردند.

از حقوق مساوی با پروتستان‌ها بهره‌مند شوند. آن‌ها با تشکیل دادگاه‌های ساده به اعتراضات مردم پاسخ می‌دهند و در ضمن ارتش کوچکی برای مقابله با پروتستان‌ها سامان داده‌اند. کاتولیک‌ها دولت متشکل از انگلیس و ایرلند را قبول ندارند، چون از آن بیم دارند که حقوق‌شان پایمال شود و هیچ‌گونه حقی در حاکمیت نداشته باشند.

ایرلندی‌ها اصلاحات موردنظر انگلیس را نمی‌پذیرند و همه خواهان استقلال کامل ایرلند هستند و نمی‌خواهند دولت انگلیس آن‌ها را مورد رحم و شفقت قرار دهد. ایرلندی‌ها خواهان تقسیم اراضی کشاورزی بوده و تون رهبر شورشیان، سفری پنهانی به فرانسه انجام داد و طی این سفر از دولت انقلابی فرانسه درخواست کرد که سپاهیانی برای پشتیبانی از انقلابیون ایرلند به این سرزمین اعزام دارد. در همین حال، پروتستان‌های اولستر (Ulster) در پاسخ به اقدامات کاتولیک‌ها، کانونی به‌نام اورانژ (اورانژیست سازمانی است که به پشتیبانی از سلطنت انگلیس تشکیل شده) تأسیس کرده‌اند تا در مقابل کاتولیک‌ها به مقاومت بپردازد.

شاه قانون حکومت مشروطه را امضا کرد (پاریس، چهارم، سپتامبر ۱۷۹۱)

لویی شانزدهم امروز نخستین قانون اساسی حکومت مشروطه را مورد تأیید قرار داد. این قانون دیروز بعدازظهر پس از دو سال فعالیت و تلاش مجلس ملی مورد قبول پادشاه واقع شد. قانون اساسی مشروطیت که در یک روز سرنوشت‌ساز در میدان تنیس سلطنتی ورسای مورد قبول طبقه‌ی سوم اجتماعی قرار گرفت، مافوق تمام قوانینی است که تا به حال مورد تصویب واقع شده و قوانین موضوعه‌ی قبلی را تحت تأثیر قرار داده است. از سویی، لویی در حقیقت با امضای این قانون به مرگ حکومت مطلقه رضایت داد. مردم و انقلابیون فرانسه با شاه مخالفتی ندارند، لیکن با اختیارات مطلقه‌ی او در کنکاش هستند و شاه را



از دید روحانیون و اشراف فرانسه، ملت سرانجام قانون اساسی را با بررسی دقیق به تصویب رساند و آزادی را بازیافت.



پادشاهان محکم و ثابت قدم، یک امپراتور پادشاه پروس و حکمران انتخابی ساکسون.



ولفگانگ آمادئوس موزارت Wolfgang Amadeus Mozart.



ولف تون Wolfe Tone
یکی از هواداران اتحاد مردم



نمایی از فرار خانواده ی سلطنتی و دستگیری آن ها.



توسان لوورتور Louverture Tussaint، رهبر انقلابی.



توماس پاین Thomas Paine از منظر کروک شانک Cruikshank، کاریکاتوریست سیاسی.

به‌عنوان سمبل و مقام تشریفاتی قبول دارند، بدون آن‌که در حکومت دخالتی داشته باشد. سه سال پیش، مجلس ملی تصویب کرد که شاه می‌تواند سلطنت کند، مشروط بر آن‌که قدرت سیاسی نداشته باشد و فقط فرمان‌ها به توشیح او برسد. او به‌عنوان یک شهروند معمولی با حقوق سالی ۵۰ میلیون لیور در خدمت مردم می‌باشد. حتی به او اختیار داده شد که به دشمنان اعلان جنگ داده و قراردادهای بین‌المللی را با سایر کشورها امضا کند.

قدرت قانونگزاری به یک مجلس متشکل از ۷۴۵ نماینده محول می‌شود. هر یک از آن‌ها حداقل ۵۰ هزار رأی کسب کند و رأی‌دهندگان هم شهروندانی خواهند بود که مالیات سالیانه‌ی خود را بپردازند. مدت دوره‌ی نمایندگی دو سال است، در ضمن رأی‌دهندگان هم بایستی مالیات سالیانه‌ی خود را حداکثر در سه روزه‌ی آخر سال تأدیه کنند. شاه هم که برخلاف تمایلات خود مصوبات اجلاسیه‌ی مجلس را قبلاً تصویب کرده بود.

موزارت در سن ۳۵ سالگی در اثر تب جان‌به جان‌آفرین تسلیم کرد (وین، پنجم دسامبر ۱۷۹۱)

موزارت (Mozart) در سفر درازمدت خود در لندن با دوست کهن‌سال خود هایدن (Haydn) ملاقات کرد. وی بیم داشت که او را به‌علت کبر سن نتواند بار دیگر ملاقات کند، پس به او گفت: آیا من می‌توانم بار دیگر شما را ببینم؟ پیش‌گویی او بدبختانه به‌شکل دیگری به‌وقوع پیوست. وی امروز بر اثر ابتلای به تب در سن ۳۵ سالگی درگذشت.

برخلاف مرگ زودرس موزارت، هیچ‌یک از موسیقی‌دانان نمی‌توانند در بزرگی او شک کنند. این نابغه‌ی موسیقی به‌زودی در دربارهای وین، پاریس و لندن نفوذ پیدا کرد، آن‌طور که می‌نویسند: موزارت در سن ۹ سالگی نخستین سمفونی خود را تنظیم و در سن ۱۲ سالگی اولین اپرا را نوشت. او در مدت عمر کوتاه خود به‌رغم فرصت کمی که داشت، چون به شهر و دیار

نیوجرسی، ۱۲ ژوئیه ۱۸۰۴
وزیر خزانه‌داری پیشین به‌نام آلکساندر هامیلتون (Alexander Hamilton) در اثر زخمی که در روز گذشته در دوئل با آرون بور (Aaron Burr) یکی از مخالفان سیاسی وی برداشته بود، جان سپرد.

اتریش، دهم اوت ۱۸۰۴
فرانسیس دوم اعلام کرد که خود را وارث قانونی فرانسیس اول می‌داند و تمام میراث وی از جمله عنوان امپراتوری مقدس رم به او تعلق دارد؛ در ضمن، از بیم اشغال ساحل چپ رود راین (Rhine) توسط فرانسه، به تجهیز و بازسازی و مدرنیزه‌کردن سپاه پرداخت.

فرانسه، ۱۶ سپتامبر ۱۸۰۴
گی‌لوساک (Gay Lussac) دانشمند فرانسوی فیزیک، برای اندازه‌گیری فشار و ترکیب هوا در ارتفاعات، تا ۷۰۱۶ متری زمین با بالون صعود و تغییرات هوا را بررسی نمود.

منطقه‌ی کارائیب، اکتبر ۱۸۰۴
ژاک دسالین (Jacques Dessaline) از اهالی گینه (Guinea)، در پی اعلام استقلال هائیتی در ژانویه قبل، خود را به‌نام ژاک پادشاه خواند.

فرانسه، ششم نوامبر ۱۸۰۴
ناپلئون بوناپارت، با آرای عمومی، به‌نام امپراتور موروثی فرانسه معرفی شد.

اروپا، ششم نوامبر ۱۸۰۴
دولت‌های اتریش و روسیه یک قرارداد پنهانی برضد فرانسه امضا کردند.

پاریس، دوم دسامبر ۱۸۰۴
ناپلئون بوناپارت به‌نام امپراتور فرانسه رسماً تاجگذاری کرد و اعلام شد: از این پس او را تنها ناپلئون بنامند.

آلمان، ۱۸۰۴
در پی تاجگذاری ناپلئون به‌عنوان امپراتور فرانسه، لودویگ فان بتهوون (Ludwig Van Beethoven) سمفونی شماره‌ی سه خود را ناتمام گذاشت و آن را به‌نام سمفونی عشق نامید.

دانمارک، ۱۸۰۴
فردریک چهارم پادشاه دانمارک، سیستم سرفداری را ممنوع اعلام کرد.

ژاپن، ۱۸۰۴
نیکلا رزانف (Nicholas Rezanov) سفیر روسیه در ژاپن، به شهر ناکازاکی (Nagasaki) وارد شد و با اجازه‌یی که در سال ۱۷۹۲ از ژنرال آدام لاکسمن (Adam Laxman) اخذ کرده بود، از دولت ژاپن درخواست کرد به دولت روسیه اجازه دهند با ژاپن قرارداد همکاری بازرگانی ببندد، لیکن با وجود شش‌ماه انتظار، به او گفته شد: درخواست وی غیرمقدور است.

انگلیس، ۱۸۰۴
ویلیام بلیک (Willian Blake) شاعر انگلیسی، برای تحریک احساسات مذهبی و میهنی، اشعاری درباره‌ی اورشلیم (Jerusalem) سرود.

چاد(Chad)، ۱۸۰۴
عثمان دان فودیو (Uthman dan Fodio) رهبر مسلمانان قبایل فولانی (Fulani)، علیه اکثریت غیرمسلمان هوزا (Hausa) حکم جهاد صادر کرد و خود را خلیفه‌ی سوکوتو (Sokoto) خواند.

انگلیس، ۱۸۰۴
ریچارد تره‌وی‌تیک (Richard Trevithick)، نخستین موتور بخار را جهت راه‌آهن ساخت و آن را پنی‌داران (Penn-y-Daran) نامید.

فرانسه، ۱۸۰۴
شارل نیکلا اپر (Charles Nicolas Appert)، روش مخصوصی را که برای حفظ و نگهداری مواد غذایی در سال ۱۷۵۵ اختراع کرده بود، به اطلاع مردم رسانید.

چین، ۱۸۰۴
شورش عظیمی که به تحریک انجمن مخفی نیلوفر سفید در سال ۱۷۹۶ علیه دولت منچو (Manchu) برپا شده بود، سرانجام به شکست انجامید. سلسله‌ی پادشاهی کینگ (Qing) توانست ادامه‌ی حیات بدهد، لیکن بسیار ضعیف شده بود.

اروپا، هشتم ژانویه ۱۸۰۵
دولت‌های فرانسه و اسپانیا طبق موافقت‌نامه‌یی اعلام کردند که در نبرد دریایی علیه انگلیس متفقاً اقدام می‌کنند و هر حمله علیه دو کشور را جواب خواهند داد و کمک‌های لازم دریایی را برای یک‌دیگر به‌انجام خواهند رسانید.

خود عشق می‌ورزید، در سال ۱۷۸۱ در شهر وین مقیم شد. در سال ۱۷۸۲ ازدواج کرده و در سال ۱۷۸۷ در دربار اتریش مقامی کسب کرد.

موزارت به‌خلاف درآمد کمی که داشت و همیشه بدهکار بود، انسانی منیع‌الطبع بود و زندگی خوبی داشت و اغلب اوقات خود را صرف تدریس موسیقی می‌کرد و در زمینه‌ی پیانو و نوشتن اپرا مهارت بسیار داشت. اپراهای او شامل «ازدواج فیگارو (Figaro)» (۱۷۸۶)، «دون جووانی (Don Giovanni)» (۱۷۸۷) و «فلوت اسرارآمیز» (۱۷۹۱) می‌باشد. او بدون این‌که آهنگ نماز عشای ربانی را به‌اتمام برساند، زندگی را بدرود گفت.

یهودیان و هنرپیشگان مجبور به ترک پاریس شدند (پاریس، ۱۷۹۱)

با وجودی‌که انقلاب فرانسه سخت با امور اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد و یهودیان، هنرپیشگان و پروتستان‌ها از حقوق قانونی و رسمی برخوردارند، با این حال، ارباب هنر برای مراسم ازدواج خود در کلیسا با مشکلاتی روبه‌رو هستند، در عین حال یهودیان و پروتستان‌ها به‌علت سخت‌گیری در انجام مراسم مذهبی دچار اشکال شده و مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

در عین حالی‌که ازدواج‌ها به‌طور رسمی ثبت می‌شود، افراد در مورد متارکه و طلاق دچار گرفتاری‌هایی می‌شوند و به‌طور کلی اجازه‌ی طلاق بسیار مشکل‌آفرین است و قانون رسمی در این مورد وجود ندارد. با وجودی‌که تأتر و قمارخانه رو به افزایش است، لیکن افراد در پوشیدن لباس و اداره‌ی آن‌ها آزاد نیستند و برای این کار مقررات ویژه‌یی وجود دارد. با ازبین‌رفتن سیستم مالکیت و فئودالیته، مالکان زمین‌های مزروعی دیگر مسؤولیتی در قبال نگهداری و تغذیه‌ی اطفالی که پدر و مادرشان به کار مشغول هستند یا آن‌ها را ترک گفته‌اند، احساس نمی‌کنند، در صورتی‌که پیش از این اربابان نسبت به این امور حساس بودند و آن را جزو وظایف خود می‌دانستند که از فرزندان کارگران خود مراقبت کنند.

شاید بیش‌تر مردمی که طرفدار اصلاحات بودند، قانونی را که به توشیح شاه رسیده بود، از یاد برده‌اند، در هر صورت، متمردان از این قانون به زندان محکوم می‌شوند. طنز قضیه در این است که در حالی‌که همه‌ی مردم از الغای مالیات نمک و سکونت در شهر پاریس قلباً احساس خوشحالی می‌کنند. لیکن لغو تعرفه‌ی گمرکی که باعث ضرر و زیان کارخانجات است، مخالفت بسیاری از مردم را برانگیخته است.

نویسنده‌ی ژاپنی به‌خاطر هشدار به دولت در قبال حمله‌ی روسیه زندانی شد (ژاپن، ۱۷۹۱)

هایاشی شی‌هی (Hayashi Shihei) یکی از فرماندهان ارتش ژاپن به‌خاطر انتشار کتابی که خطر حمله‌ی روسیه را در مرز شمالی کشور تذکر و به دولت هشدار می‌دهد که با تمام قوا از این مرز دفاع کند، تحت پیگیری قرار گرفته و دستگیر شد. او برای چاپ این کتابِ مشکلات زیادی را پشت سر نهاد و مقدار زیادی وامدار شد. وی در مقدمه‌ی کتاب خود می‌نویسد: «من با وجودی که می‌دانم این نوشته‌ها به ضرر من تمام می‌شود و موقعیت خود را در خطر می‌بینم، نمی‌خواهم فرار کنم، هرچند به تبعیدم بیانجامد، این حرف‌ها باعث انحراف من از تصمیمی که گرفته‌ام، نخواهد شد».

هنگامی‌که شی‌هی دستگیر شد، پلیس ژاپن از هرگونه خبر راجع به اتهامات او جلوگیری کرد و تمام اخبار را تحت سانسور قرار داد. وی طی ضرب‌المثلی می‌گوید: هرچند که سرم با گفتن برخی از حقایق بر باد خواهد رفت، لیکن به‌زودی نتایج آن معلوم خواهد شد. دولت ژاپن وی را در شهر ادو (Edo) (توکیو (Tokyo)) زندانی کرد. وی اکنون در انتظار محاکمه به‌سر می‌برد.

تنبلی و خشونت در ارواح بزرگ هم رسوخ می‌کند (لندن، ۱۷۹۱)

هفت سال پس از مرگ دکتر ساموئل جانسون

ایتالیا، ۱۷ مارس ۱۸۰۵
جمهوری ایتالیا مبدل به کشور پادشاهی شد و ناپلئون به سلطنت این کشور رسید. بدین ترتیب، با وجود سلطنت موروثی، ایتالیا هرگز به استقلال نخواهد رسید.
اروپا، یازدهم آوریل ۱۸۰۵
بریتانیا و روسیه موافقت‌نامه‌یی در سنت پترزبورگ امضا کردند که در نبرد با فرانسه هم‌دیگر را یاری دهند. این سومین ائتلافی است که بین دو کشور صورت می‌پذیرد. کشور سوئد قبلاً با روسیه قرارداد همکاری در ماه ژانویه امضا کرده بود و حکومت پیه‌مون ـ ساردنی (Piedmont-Sardinia) هم به این موافقت‌نامه پیوسته بودند.
ویرجینیا، یکم مه ۱۸۰۵
قانونی از مجلس ایالتی گذشت مبنی بر این‌که: تمام بردگان آزادشده بایستی این ایالت را ترک کنند، در غیر این صورت زندانی‌شدن و یا طرد آن‌ها از محل سکونت‌شان اجباری است.
تریپولی (لیبی)، چهارم ژوئن ۱۸۰۵
یوسف قهرمان پاشا (Yusuf Karamanli Pasha) قرداد صلح با ایالات متحده امضا کرد و بدین ترتیب به جنگی که بین طرفین در ماه مه ۱۸۰۱ از طرف پادشاه لیبی اعلام شده بود، پایان داده شد. پاشا بدین جهت تسلیم نیروهای دریایی ایالات متحده شد، چون برادرش حامد (Hamed) به پشتیبانی ایالات متحده برخاسته و شهر درنا (Derna) در شرق لیبی را تصرف کرده بود.
جنوا، دهم ژوئن ۱۸۰۵
مجلس محلی جنوا تصویب کرد که این ایالت با هماهنگی با لیگوریا (Liguria) به امپراتوری فرانسه به پیوندد.
ایتالیا، ۲۸ مه ۱۸۰۵
ناپلئون در شهر میلان تاج‌گذاری کرد و فرزندخوانده‌ی خود اوژن دو بوهارنه (Eugene de Beauharnais) را به سمت نایب‌السلطنه‌ی ایتالیا برگزید.
اوهایو، چهارم ژوئیه ۱۸۰۵
سرانجام پیمان بین دولت ایالات متحده و حکومت بومی هند غربی راجع به خرید منطقه‌ی کلیولند (Cleveland) به توافق منجر گردید.
لوئیزیانا، ۲۵ ژوئیه ۱۸۰۵
یکی از رهبران سیاسی ایالات متحده به‌نام آرون بور (Aaron Burr)، ضمن بازدید از منطقه‌ی نیواورلئان پیشنهاد کرد که برای توسعه‌ی منطقه بهتر است که این ایالت به‌عنوان کشوری مجزا از ایالات متحده تشکیل شود و شهر نیواورلئان را به پایتختی آن برگزینند.
اروپا، نهم اوت ۱۸۰۵
اتریش هم به سومین ائتلاف متشکل از کشورهای بریتانیا، روسیه، سوئد و حکومت پادشاهی پیه‌مون ـ ساردنی علیه فرانسه پیوست.
اروپا، ۲۵ اوت ۱۸۰۵
ناپلئون با عقد پیمانی با حکومت باواریا (Bavaria) در بوگن‌هاوزن (Bogenhausen)، پیشنهاد کرد که ارتش محلی باواریا را با سلاح‌های جدید مجهز نموده و مدرن نماید، با این قید که پادشاه انتخابی آن‌جا هم‌چنان بر سر قدرت باقی بماند.
باواریا، هشتم اکتبر ۱۸۰۵
ناپلئون با لشکریان بی‌شمار به شهر اولم (Ulm) در اتریش حمله کرد و سپاهیان اتریش را شکست داده و از پیشروی آنان ممانعت کرد.
پروس، سوم نوامبر ۱۸۰۵
با اجبار و فشار روسیه، پروس هم به سومین پیمان همکاری‌های کشورهای اروپایی علیه فرانسه پیوست و عهدنامه‌ی آن در شهر پوتسدام (Potsdam) امضا شد.
اقیانوس آرام، هفتم نوامبر ۱۸۰۵
ناوگان دریایی ایالات متحده به فرماندهی مری ودر لویس (Meriwether Lewis) و ویلیام کلارک (William Clark)، پس از ۱۸ ماه مسافرت و پیمودن چهارهزار مایل، سرانجام به ساحل اقیانوس آرام رسیدند. آنان امیدواری زیادی داشتند که راه آبی جدیدی برای سرزمین غربی و توسعه‌ی این منطقه برای ایالات متحده بگشایند.

(Dr. Samuel Johnson)، یادداشت و یادبودهای وی مورد بررسی قرار گرفت. جیمز بازول (James Boswell) پس از مدت‌ها انتظار سرانجام کتاب دوجلدی «زندگی و سرگذشت جانسون» را تکمیل نمود. بازول اسکاتلندی یکی از همکاران جانسون بود. بازول در سال ۱۷۶۳ به ملاقات دکتر رفت. در آن زمان جانسون ۵۴ ساله بود، همسرش تازه فوت شده و کتاب فرهنگ لغات را به‌پایان برده بود. او بخش اعظم انرژی خود را صرف نوشتن این فرهنگ کرد. بازول هنگام دیدار وی، او را سرزنده و شاداب یافت که با شهامت و شجاعت بی‌نظیری مشغول نگارش بود و در مدتی که با او بود، از حضور چنین شخصیتی لذت می‌برد، لیکن به‌زودی او را از دست داد.

در سال ۱۷۸۵ دکتر جانسون در سن ۶۰ سالگی کتاب «گردش در جزایر هبراید (Hebrides)» را به نگارش درآورد که با موفقیت بزرگی روبه‌رو شد، ولی او تمام این خصوصیات و ویژگی‌ها را به‌زودی از دست داد و تنها چیزی که از او باقی ماند، لباس‌هایش بود. او دیگر فعالیت و حرکتی نداشت، لحن کلامش تغییر کرده و لکنت داشت، مایل به خوردن غذا نبود، حالت مالیخولیا و تنبلی و خشونت بر او عارض گشته و به فراموشی دچار شده بود، به‌طوری‌که بازول می‌نویسد: «جانسون در حقیقت نابود شده بود».

یک انگلیسی اقدام به ساختن زندان برای فرانسوی‌ها نمود (لندن، ۱۷۹۱)

یک فیلسوف انگلیسی طی سفر دوستانه به کشور فرانسه، اقدام به تأسیس زندانی در فرانسه نمود که دربان یا نگهبان زندان از محل استقرار خویش می‌تواند تمام زندانیان را زیر نظر قرار دهد. ژرمی بنت‌هام (Jermy Bentham) با بنای این‌چنین زندانی در حقیقت توانست اصلاحاتی در مورد مجرمان زندانی به‌کار بندد. بنت‌هام درسال ۱۷۴۸ متولد شد. او فردی شاد و پرکار بود و هرگز ازدواج نکرد، در ضمن وی آدمی خیالباف نبود و چون خیلی احساساتی بود، جهت

لذت و تفریح دوستان به ترنم موسیقی می‌پرداخت و صدای حیوانات را تقلید می‌کرد. در سال ۱۷۶۸ برای جمع کثیری از دوستان خود بزرگ‌ترین خوشحالی را به‌وجود آورد و در اصول فلسفه تغییرات شگرفی ایجاد کرد. به‌عقیده‌ی مردم، وی را به‌خاطر عقاید اصولی نمی‌توان تبعید کرد، خواه این عقاید صحیح یا غلط باشد، چون افرادی را می‌توان تبعید کرد که جرم و جنایتی از آنان سر زده باشد یا این‌که اعمال ضداجتماعی انجام داده باشند، در حالی‌که افرادی که عقاید آن‌ها برخلاف دیگران می‌باشد را نمی‌توان مجرم دانست و به تبعید فرستاد، چون در جامعه تعداد این‌گونه افراد بسیار زیاد می‌باشند.

نمایندگان ایالتی به حقوق مدنی رأی دادند (ویرجینیا، ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱)

ده تبصره‌ی حیاتی برای اصلاح قانون اساسی به‌عنوان لوایح قانونی تقدیم مجلس ایالتی شد که با سه‌چهارم آرای نمایندگان به‌صورت قانون درآمده و تصویب گردید. این مواد مورد تأیید جیمز مادیسون (James Madison) و حامیان مخالف اتحاد ایالات امریکا بود. آن‌ها عقیده دارند که قانون اساسی فدرال به‌اندازه‌ی کافی حقوق اجتماعی افراد را در نظر نگرفته، در نتیجه شهروندان این ایالت مخالفت خود را با قانون اساسی ایالات متحده اعلام می‌دارند و حکومت مرکزی را قبول ندارند. هشت ماده از لایحه‌ی اصلاحی قانون اساسی عبارتند از: آزادی مذهبی تمام مردم و اقلیت‌های مذهبی، آزادی بیان در کنفرانس‌ها و مجالس عمومی، آزادی حمل سلاح، عدم تجسس حکومت از زندگی اشخاص و بازرسی غیرقانونی و بدون علت، هم‌چنین بررسی اموال و دارایی شخصی افراد غیرقانونی است. این حق تمام افراد است که باید به قضاوت عمومی گزارده شود.

سلطان عثمانی در زیر فشار، شبه‌جزیره‌ی کریمه را تسلیم دولت روس کرد (یاسی (*Jassy*)، مولداوی (*Molavia*)، هشتم ژانویه ۱۷۹۲)

پس از سال‌ها تعلل و طفره‌ی دولت عثمانی از انجام خواسته‌های دولت روس، سرانجام سلطان عثمانی به این موضوع تن داد و کریمه را تسلیم آن دولت نمود، زیرا روس‌ها قبلاً گرجستان را تسخیر کرده و شبه‌جزیره‌ی کریمه هم وابسته به گرجستان بود.

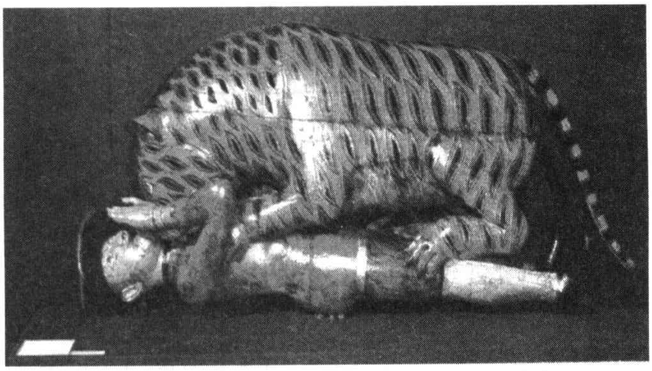
کاترین در نظر داشت با تهدید و فشار بر دولت عثمانی بتواند بخشی از قلمرو آن دولت را ضمیمه‌ی سرزمین روسیه نماید و چون عثمانی از این امر آگاه بود، به آن دولت اعلان جنگ داد، اما قشون عثمانی چند بار از روسیه شکست خورد، با این فتوحات پشت سر هم و شکست قطعی قشون عثمانی و تلفات بسیار زیاد آن‌ها، سرانجام سلطان مجبور شد که با قبول شکست، پیمان صلح ماشین (Mashin) را در چهارم آوریل سال گذشته بپذیرد. این پیمان امروز در شهر یاسی مولداوی امضا شد. کاترین از سوی دریای سیاه سرزمین‌های زیادی را تسخیر کرده بود و تمام کرانه‌ی شمالی این دریا را در تصرف داشت، از سویی، کاترین نمی‌خواست که پای دولت انگلیس به دریای مدیترانه باز شود و چون دولت عثمانی در موقعیت ضعیفی قرار داشت و سپاهیانش چندبار شکست خورده بودند، آن دولت را تحت فشار قرار می‌داد تا قلمرو خود را بیش‌تر گسترش دهد. برخی از ناظران معتقدند که کاترین در نظر دارد رؤیای خود را برای ایجاد مجدد امپراتوری بیزانس به پایتختی کنستانتینوپول (Constantinople) تحقق بخشد.

جنگ رژیم جدید فرانسه را دچار تلاطم کرد (پاریس، ۲۵ مارس ۱۷۹۲)

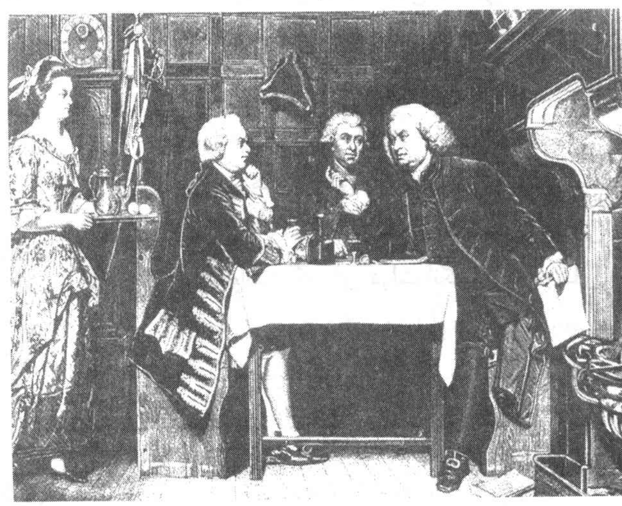
گروهی از ژاکوبن‌ها (Jacobins) ی میانه‌رو که سازمانی به‌نام ژیروندن‌ها (Girondins) را رهبری می‌کردند، چون دریافتند که فویانت‌ها (Feuillants) در حال سقوط هستند، از شاه خواستند که با تشکیل دولتی جدید به اوضاع نابه‌سامان کشور سر و صورتی بدهد. بریسو (Brissot) رهبر ژیروندن‌ها میل ندارد در



گوستاو سوم، پادشاه سوئد.



ببری غرش کنان مشغول خوردن یک انگلیسی کت قرمزی می باشد. این تندیس به سفارش تیپو Tipuسلطان ایالت میسور ساخته شده.



گلد اسمیت Gold Smith، بازول Boswell و جانسون Johnson در میخانه ی میتر Mitre Tavernدر لندن.



تصویر ژوزف گیوتین Dr Joseph Guillotin که فردی بشر دوست بود.



آخرین تصویر از هدیه دادن میوه ی درخت نان توسط بومیان به کاپیتان بلی Captain Bligh.

دولت آینده شرکت کند، چون می‌خواهد کرسی خود را در پارلمان فرانسه حفظ کند. او می‌خواهد دولت راجع به جنگ با اتریش موضع خود را روشن نماید. ژیروندن‌ها تمایل به جنگ دارند، لیکن می‌خواهند در دربار شاه وضعیت خود را در مقابل دولت اتریش، پس از مرگ لئوپولد دوم و جانشین‌شدن برادر ملکه به‌صراحت تعیین کنند.

لئوپولد امپراتور اتریش از سران کشورهای اروپایی خواسته که علیه دولت انقلابی فرانسه وارد جنگ شوند، یعنی در واقع لئوپولد سایر کشورها را تحریک به جنگ نمود. به هر ترتیب، ژیروندن‌ها و متحد آن‌ها یعنی شاه از کشورهای اروپایی دعوت کردند که برضد دولت انقلابی وارد نبرد شوند.

پادشاه خودمختار و مقتدر سوئد از دنیا رفت (استکهلم، ۲۹ مارس ۱۷۹۲)

گوستاو سوم پادشاه قدرتمند و خودرأی سوئد که مدت دو دهه بر سوئد فرمانروایی می‌کرد، امروز در اثر زخمی که دو هفته‌ی قبل در مجلس بالماسکه و در نتیجه‌ی شلیک یک سرباز زخمی شده بود، درگذشت. او قربانی نقشه‌یی شد که افسران ناراضی علیه اشراف و ثروتمندان کشیده بودند، زیرا آن‌ها از شکست ارتش سوئد در مقابل سربازان روسی ناراحت بودند و بدین وسیله بیزاری و نفرت خود را از این طبقه ابراز داشتند.

گوستاو که ۴۶ سال داشت، مدت زیادی از عمر خود را قبل از به‌سلطنت‌رسیدن در فرانسه گذرانیده بود و در نظر داشت که نظیر فرانسه یک مجلس ملی تشکیل دهد که امور قانونگزاری و سیاسی کشور تحت نظر آن اداره شود، در نتیجه از قدرت اشراف کاسته شود. پادشاه سوئد در واقع یک ظالم و مستبد روشنفکر بود. گوستاو هواخواه اصلاحات بود، وی سیستم دفاعی کشور را سامان داد، لیکن در این راه توفیقی به‌دست نیاورد. از سوی دیگر، چون دستور داده بود که دستگاه تقطیر مشروبات الکلی باید مخصوص دربار باشد، به توسعه‌ی الکلیسم کمک کرد، اما چون جنگ با روس موجب تورم و خالی‌شدن خزانه شده بود، در نتیجه باعث شکست سوئد در مقابل روسیه شد و این امر دشمنی زیادی تولید کرد و توطئه‌ی دشمنان موجب مرگ شاه شد.

جنگجویان وابسته به دربار برای دریافت جایزه اقدام به شورش کردند (پورتسموث *(Portsmouth)*، ۱۷۹۲)

یک دوک جنگجوی وابسته به دربار که بارها موفق به گرفتن جایزه شده بود، در ۱۲ اوت با سربازان تحت فرمان خود دست به شورش زد، زیرا چند نفر از آن‌ها را به فرمان دربار به دار کشیده بودند تا موجب عبرت سایرین شود، در نتیجه این امر سبب شورش گردید. ناظرانی که این موضوع را پیگیری کرده‌اند، اظهار می‌دارند که کاپیتان ویلیام بلی (William Bligh) فرمانده نیروهای دریایی دربار با ۱۸ کشتی که هر کدام از آن‌ها ۲۳ پا طول داشت، در ۲۸ آوریل سال قبل در ساحل جزایر دوستی لنگر انداختند. کاپیتان بلی با یک عمل مشعشع و دلیرانه، ۳۵۰۰ مایل را بدون نقشه و با ذخیره‌ی غذایی اندک، تا جزیره‌ی تیمور (Timor) در مدت ۴۷ روز پیمود. بلی و ۱۲ نفر از همراهانش که زنده مانده بودند، سرانجام در اواخر سال گذشته به انگلیس رسیدند. تعداد ده نفر از ناویان در سرزمین تاهیتی (Tahiti) توسط بومیان دستگیر شدند، در حالی‌که کاپیتان و ۱۲ نفر دیگر زنده به میهن پا نهادند. به احتمال زیاد فلچر (Fletcher) و سه نفر دیگر به‌خلاف خواست خودشان گم شدند. طبق گزارشات آن‌ها این محل را مطابق سلیقه‌ی خودشان دانسته و در آن سکونت گزیدند. گروه شورشی که در تاهیتی دستگیر شده بود، مدت شش ماه در این جزیره اقامت کردند و در این مدت به‌اجبار از چوب یک‌هزار درخت نان چند فروند کشتی ساخته و با این کشتی‌ها عازم هند غربی شدند. چند نفر از جاشویان هم با زنان بومی تاهیتی ازدواج کرده و در آن‌جا مقیم شدند. آن‌ها برای

اتریش، ۱٤ نوامبر ۱۸۰۵
سپاهیان فرانسه وارد شهر وین شدند.
اتریش، دوم دسامبر ۱۸۰۵
ناپلئون قشون مشترک اتریش ـ روسیه را در جنگ اوسترلیتز (Austerlitz) شکست سختی داد.
اتریش، ۲۷ دسامبر ۱۸۰۵
دولت اتریش عهدنامه‌ی صلح پرسبورگ (Pressburg) را با فرانسه امضا کرد و از سومین ائتلاف خارج گشت.
ایتالیا، ۲۷ دسامبر ۱۸۰۵
ناپلئون با نیروی نظامی تحت فرمان خود به منطقه‌ی ناپل حمله کرده، پادشاه ناپل را معزول کرد، به‌طوری‌که وی فرار را بر قرار ترجیح داد.
فرانسه، ۳۱ دسامبر ۱۸۰۵
گاهشماری که توسط انقلابیون تنظیم شده بود، منسوخ شد و تقویم قدیمی گریگوری (Gregory) بار دیگر مورد استفاده قرار گرفت.
چین، ۱۸۰۵
دولت چین چندین نفر از کشیشان کاتولیک را از کشور بیرون راند، زیرا آن‌ها به رهبری آدئو داتو (Adeodato) کشیش ایتالیایی، نقشه‌ی شمال کشور چین را تهیه و به رم فرستاده بودند.
مکزیک، ۱۸۰۵
نخستین روزنامه‌ی مکزیکی به‌نام ال دیاریو دو مکزیکو (El Diario de Mexico) منتشر شد.
فرانسه، ۱۸۰۵
ژوزف ژاکار (Joseph Jacquard) با دستگاه بافندگی یک نوع پارچه‌ی غیرابریشمی تهیه کرد که بسیار ظریف و نازک و از نمونه‌های ابریشمی آن زیباتر می‌نمود.
بریتانیا، ۲۳ ژانویه ۱۸۰٦
ویلیام پیت (William Pitt) نخست‌وزیر انگلیس از دنیا رفت و زمام امور دولت به دست لرد گرنویل (Lord Grenville) و چارلز جیمز فاکس (Charles James Fox) افتاد.
فرانسه، ۱۳ فوریه ۱۸۰٦
روابط ناپلئون و پاپ پیوس هفتم پس از فعالیت پاپ به‌عنوان پادشاه کاتولیک‌ها تیره شد، چون پاپ هم وی را متهم می‌کرد که وی خود را خدای روی زمین می‌داند.
اروپا، ۱۵ فوریه ۱۸۰٦
با امضای عهدنامه‌ی پاریس، پروس متعهد شد که بنادر خود را بر روی کالاهای انگلیسی به بندد، چون اخیراً ارتش پروس از نیروهای ناپلئون شکست خورده، در پی این قرارداد، بریتانیا به پروس اعلان جنگ داد.
امریکای اسپانیایی، فوریه ۱۸۰٦
فرانسیسکو میراندا (Francisco Miranda) انقلابی اسپانیایی‌تبار که در نظر داشت از ملیت‌های جنوب امریکا اتحادیه‌یی تشکیل دهد، از سفر اروپا بازگشت. او در تلاش است که در ونزوئلا ضربه‌یی به دولت آن کشور وارد کند، لیکن پشتوانه‌ی مردمی خود را از دست داده است.
سان‌فرانسیسکو، پنجم آوریل ۱۸۰٦
حکومت‌های خودمختار اسپانیایی امریکا، جهت ایجاد مجتمع‌های مسکونی برای اهالی ساکن آلاسکا که ترکیبی از امریکایی ـ روسی هستند، درصدد است که آلاسکا را از روسیه خریداری کند و آن سرزمین را تحت نظارت خود قرار دهد. در این مورد ماه‌هاست که گفت‌وگوهای دشواری بین نماینده‌ی روس به‌نام نیکلای رزانف (Nicholai Rezanov) و نمایندگان اسپانیا در جریان است و به‌نظر می‌رسد که به سرانجام رسیده است. اکنون رزانف نه‌تنها با فروش آلاسکا موافقت کرده، بلکه با دختر فرماندار سان‌فرانسیسکو نیز ازدواج کرد.
فرانسه، دهم مه ۱۸۰٦
دانشگاه کشور فرانسه گشایش یافت.
بریتانیا، ۱٦ مه ۱۸۰٦
چارلز فاکس (Charles Fox) وزیر امور خارجه کابینه‌ی بریتانیا، توصیه کرد که تمام بنادر اروپایی از برست (Brest) تا هامبورگ (Hamburg) مسدود شود.
هلند، پنجم ژوئن ۱۸۰٦
جمهوری باتاویا به حکومت پادشاهی هلند تبدیل شد و لوئی بوناپارت برادر کوچک‌تر ناپلئون به سلطنت آن‌جا منصوب شد.
آلمان، ۱۲ ژوئیه ۱۸۰٦
سرزمین‌های ساحل رود راین (Rhine) در یک کنفدراسیون به هم پیوستند.

دفاع از خودشان به اعمال ناهنجار جنسی مانند سادیسم دست می‌زدند.

برای نخستین‌بار سکه‌ی دلار نقره در امریکا ضرب شد (فیلادلفیا، دوم آوریل ۱۷۹۲)

یکی از ایالات تازه استقلال‌یافته‌ی ایالات متحده برای نخستین‌بار به ضرب سکه‌یی به‌نام دلار اقدام کرد. این سکه که بر روی آن نقش سر عقاب حک شده، توسط بانک ایالات متحده در فیلادلفیا که دستور تأسیس آن توسط کنگره در دسامبر سال گذشته صادر شده بود، ضرب شد.

دلاز طلایی ۲۴/۷۵ گرین (Grains) طلا دارد (هر گرین مساوی ۰/۰۶۴۸ گرم وزن دارد، در حالی‌که دلار نقره ۳۷۱/۲۵ گرین وزن دارد و از نقره‌ی خالص ترکیب شده است). دلار نقره خیلی خشن‌تر از دلار طلا می‌باشد و از دو فلز ترکیب گردیده که همیشه نسبت آن‌ها معلوم نیست. عده‌یی در این موضوع شک دارند که نسبت این دو فلز همواره باید ثابت بماند و اگر نسبت این دو فلز تغییر کند، بهای آن هم ثابت نخواهد ماند. این دلارها که موسوم به پول سخت هستند، از نظر برخی بر دلار کاغذی ارجحیت دارند، زیرا دلار سکه‌یی، صدای خیلی قوی ایجاد می‌کند، در حالی‌که دلار کاغذی بی‌صداست و از طرف دیگر ضرب آن از سوی کنگره به‌تصویب رسیده است.

مردی که امریکا را از دست داده و حکومت هندوستان را نجات بخشید (هند جنوبی، ۱۶ مارس ۱۷۹۲)

لرد چارلز کورنوالیس (Lord Charles Cornwallis)، مردی که مستعمره‌ی امریکایی انگلیس را از دست داد، هندوستان انگلیس را نجات بخشید. تیپوصاحب (Tipu Sahib) حکمران میسور (Mysore) که سه بار برضد بریتانیا جنگ کرد، بالاخره تسلیم قوای آن دولت شد. قوای انگلیس به وسیله ماراتا (Maratha) و نظام حیدرآباد که فاتحان این نبردها بودند، هر کدام نصف این سرزمین را مالک

شدند. تیپوصاحب در بخشی که به مالکیت بریتانیا درآمد، رمق روستاییان را کشید. مردم به او اطمینان نداشتند و بدین لحاظ پسر وی را که در انگلیس تربیت شده بود، به گروگان گرفتند و او را واداشتند که هم‌چون دختران هندی برای آن‌ها برقصد. در حالی‌که شیوه‌ی کشورداری کورنوالیس کاملاً برعکس تیپو بود. او در فوریه‌ی ۱۷۹۱، ۹ سرباز انگلیسی را به‌علت دستبرد اموال مردم به دار آویخت. وی به این جریان در آن زمان اقرار کرده بود، لیکن پیش از آن به یکی از مشاوران خود گفته بود که می‌خواهد برای سر و صورت‌دادن به اوضاع، دست به اقدامات شدیدی علیه بریتانیا بزند.

تیغه‌ی تیز گیوتین برای کشتار به‌کار افتاد (پاریس، ۲۵ آوریل ۱۷۹۲)

برای نخستین‌بار جهت آزمایش به‌کارگیری گیوتین که توسط دانشمند فرانسوی ساخته شده بود، سر راهزنی به‌نام ژوزف پلیته (Joseph Pelletier) را به‌وسیله‌ی آن بریدند. این دستگاه به‌گونه‌یی ساخته شده که با فشار یک تیغه‌ی تیز عمودی بسیار سنگین به گردن محکوم، سر وی از بدنش جدا شده و در کمال راحتی و نظافت، بدون کوچک‌ترین حرکت، اعدام به‌پایان می‌رسد. در سال ۱۷۸۹، دکتر ژوزف گیوتین (Dr. Joseph Guillotin) عالم تشریح فرانسوی، برای نخستین‌بار این آلت قتاله‌ی ساخت خویش را به مجلس ملی معرفی کرد و خصایص آن دستگاه را که فوراً و بدون زجر مجرم را می‌کشد، بیان داشت. از نظر گیوتین مجرمی که به اعدام محکوم شده، باید به‌گونه‌یی کشته شود که هرچه کم‌تر زجر جان‌دادن را تحمل کند و گیوتین این خصیصه را دارد که این عمل را با کم‌ترین شکنجه به‌پایان می‌برد.

دیدگاه ملوان اسکاتلندی راجع به کرانه‌ی اقیانوس آرام (اقیانوس آرام شمالی، ۲۰ ژوئیه ۱۷۹۲)

آن‌چنان که از فحوای نامه‌ی ملوان انگلیسی وابسته به دربار سلطنتی انگلستان برمی‌آید، او موفق شده به کرانه‌ی شمال غربی امریکا رسیده و آن‌جا را مورد کشف و بررسی قرار دهد. او می‌نویسد: «ما اکنون در محلی قرار داریم که از نظر جغرافیایی هم‌عرض نیوفاندلند (Newfoundland) می‌باشد. این محل مابین یک جزیره‌ی بزرگ و سرزمین اصلی واقع شده که اطراف آن را کوه‌های پُربرف احاطه کرده و در قسمت‌های پایین آن از درختان کاج پوشیده شده است. ما امروز با قایق‌های محلی به دیدن جایی رفتیم که صیادان آن با تفنگ، سمور آبی شکار کرده و پوست آن را صادر می‌کنند، عده‌یی از آن‌ها هم ماهی سالمون شکار می‌کنند. کاپیتان وانکوور (Captain Vancouver) به‌دیدن افسر عالی‌رتبه‌ی اسپانیایی که مدت‌ها مقیم آن‌جاست، رفت. در طی این ملاقات وی گفته بود که ما با ایجاد پایگاهی در محل نوتکا ساوند (Nootka Sound)، دیگر اجازه نخواهیم داد که به سرزمین تحت اشغال ما تجاوز شود. این کشور زیبا مرا به یاد اسکاتلند می‌اندازد و پیشنهاد می‌کنم که دولت انگلیس مهاجرانی را به این منطقه گسیل دارد تا در این‌جا ساکن شوند».

با ورود گروه تندرو به صحنه جهت کنترل انقلاب؛ کاخ تویلری به اشغال مردم درآمد، لیکن شاه مورد مرحمت قرار گرفت (پاریس، ۲۰ ژوئن ۱۷۹۲)

امروز که سالگرد اجتماع مردم در میدان تنیس و سوگند آنان و هم‌چنین روز فرار شاه به وارن (Varennes) بود، حادثه‌ی غیرمنتظره‌ی دیگری در تاریخ انقلاب روی داد که بی‌سابقه بود. گروه‌هایی از مردان مسلح به انواع سلاح‌ها، ابتدا به مجلس ملی حمله کرده و مدت سه ساعت آن‌جا را تسخیر کردند، سپس برای الغای حق وتوی شاه به‌سوی کاخ تویلری رفته و آن‌جا را هم اشغال کردند. مردم درِ اتاق انتظار شاه را با سرنیزه شکسته و وارد اتاقی شدند که شاه در آن‌جا حضور داشت. آنان شاه را که بر روی نیمکتی

آلمان، یکم اوت ۱۸۰۶
ناپلئون طی یادداشتی به فرانسیس دوم اعلام کرد که امپراتوری مقدس رم منسوخ گردیده است.
آلمان، ششم اوت ۱۸۰۶
فرانسیس دوم امپراتور مقدس رم، اولتیماتوم ناپلئون را پذیرفت و تسلیم شد.
امریکای اسپانیایی، ۱۲ اوت ۱۸۰۶
نیروهای نظامی بریتانیا که در ماه ژوئن جهت تسخیر شهر بوینوس‌آیرس (Buenos Aires) به آرژانتین (Argentine) اعزام شده بودند، پس از مقاومت مختصری که توسط قشون محلی انجام شد، خود را تسلیم کردند.
فرانسه، ۲۲ اوت ۱۸۰۶
ژان هونور فراگونار (Jean Honore Fragonard) نقاش دربار لویی شانزدهم و ماری آنتوانت (Marie Antoinette) که تصاویری بسیار دل‌فریب ترسیم می‌کرد، جهان را بدرود گفت. وی پس از انقلاب فرانسه از جایگاه و مقام خود سقوط کرد و با فشار انقلابیون اتاق خود را در موزه‌ی لوور (Louvre) از دست داد و عاقبت در فقر و گمنامی دنیا را ترک کرد.
لندن، ۲۷ اوت ۱۸۰۶
مذاکرات دولت ایالات متحده باب گفت‌وگو را با لرد هلند (Lord Holland) گشود و منجر به خاتمه‌دادن خصومت دریایی بین دو کشور گردید.
بریتانیا، ۱۳ سپتامبر ۱۸۰۶
با مرگ فاکس وزیر امور خارجه‌ی انگلیس، لرد یارموث (Lord Yarmouth) با فراخواندن هیأت اعزامی، گفت‌وگوهای صلح بین فرانسه و انگلیس، که در ماه مارس آغاز شده بود را قطع کرد.
فرانسه، ۲۱ نوامبر ۱۸۰۶
ناپلئون با انتشار اعلامیه‌ی برلین، فرمان داد که تمام جزایر متعلق به بریتانیا را مسدود کنند، اموال و کالاهای انگلیس را در فرانسه و سایر سرزمین‌های تحت تابعه توقیف کنند، نمایندگان انگلیس را محبوس و هم‌چنین تمام بنادر فرانسه را به روی کشتی‌های انگلیس به بندند.
فرانسه، دهم دسامبر ۱۸۰۶
شورای عالی مذهبی که انجمنی متشکل از ۱۱۱ عضو یهودی یا خاخام بود، در فرانسه تشکیل شد. این انجمن که اعضای آن فرانسوی و ایتالیایی بودند، در سی‌ام ماه مه در پاریس تشکیل شد. این جریان نشانه‌ی آن است که دولت فرانسه امپراتوری قدیم یهود را به رسمیت می‌شناسد و درصدد است که این امپراتوری را تجدید کند.
امپراتوری عثمانی، دسامبر ۱۸۰۶
به‌دنبال اعلان جنگ عثمانی علیه روسیه، نیروهای روس شهر باکو (Baku) در ساحل دریای خزر را تسخیر کردند.
بریتانیا، ۱۸۰۶
دریاسالار فرانسیس بوفورت (Admiral Francis Beaufort) موفق شد که سرعت توفان‌های دریایی را اندازه‌گیری کند.
هائیتی، ۱۸۰۶
ژاک (Jacques) پادشاه هائیتی که دو سال قبل به قدرت رسیده بود، به‌دنبال قانونی مبنی بر این‌که تمام سفیدپوستان بایستی کشته شوند و تعداد زیادی هم با این قانون وحشیانه به‌قتل رسیدند، به هلاکت رسید.
افریقای جنوبی، ۱۸۰۶
با هجوم نیروهای بریتانیا به فرماندهی هلند به شهر کیپ (cape Town)، این شهر تسلیم شد. حکومت شهر کیپ که در سال ۱۸۰۳ به جمهوری تبدیل شده بود، سال قبل برحسب قرارداد آمی ین (Amiens) به کشور پادشاهی مبدل شد. پس از جنگ هم در سال ۱۸۰۵ ناوگان دریایی انگلیس در ساحل کیپ‌تاون لنگر انداخت، لیکن بدون جنگ مراجعت کرد.
هندوستان، ۱۸۰۶
تانجیت سینگ (Tanjit Singh) رهبر سیک‌ها (Sikh)، شهر لاهور (Lahore) را اشغال کرد.
پاریس، چهارم ژانویه ۱۸۰۷
ناپلئون از تالار نقاشی لویی داوید (Louis David) بازدید کرد. داوید تابلویی را که از مراسم تاجگذاری ناپلئون در ۲۱ دسامبر ۱۸۰۵ شروع کرده بود، به اتمام رساند.

نشسته و مشغول مناجات بود، مورد خطاب قرار داده و گفتند که از این پس حکومت اشراف و ثروتمندان منسوخ و حق وتو و اعتراض شاه ملغی شده و شاه دیگر به‌عنوان یک روحانی نمی‌تواند ریاست مذهبی کشور را داشته باشد. آن‌ها زیان زیادی به کاخ وارد نکردند، لیکن شاه را تحقیر کرده و به او فشار آوردند که باید نقش انقلابی مردم را به‌رسمیت بشناسد. یکی از افرادی که کلاه فریژی (Phrygian) بر سر داشت، شاه را واداشت که گیلاس خود را برداشته و به سلامتی مردم پاریس و ملت فرانسه بنوشد و مقداری نان تست را هم به‌عنوان دسر خورده و کلاه فریژی بر سر نهد. اما شاهی که زمانی با شجاعت سخنرانی می‌کرد، اینک قدرت خود را از دست داده است.

تمام انقلابیون کلاه قرمز بر سر می‌گذارند (فرانسه، ۱۷۹۲)

افراد انقلابی اگر مطابق مُد روز لباس نپوشند، از جرگه‌ی انقلابیون خارج خواهند شد. طبق اعلامیه‌ی رسمی که از سوی مجمع انقلابیون صادر شده، بایستی تمام انقلابیون لباس متحدالشکلی بپوشند. همه باید کلاه پشمی قرمزی که سمبل و نشانه‌ی بردگان فریژی است، بر سر گذارند و یک نوار سه رنگ به‌رنگ‌های قرمز و سفید و آبی به نشانه‌ی پرچم ملی فرانسه بر سینه‌ی لباس خود بدوزند. این لباس که علیه میل حکومت اشرافی است، نشانی از حکومت انقلابی دارد. اغلب افراد انقلابی برای تمسخر اشراف، جوراب‌های تنگ و محکمی که تا زیر شکم امتداد دارد، به‌همراه شلواری کوتاه بر تن می‌کنند.

قدرت های خارجی انقلاب فرانسه را مورد تهدید قرار داده‌اند (پاریس، ۲۵ ژوئیه ۱۷۹۲)

ترس از دخالت قدرت‌های خارجی در انقلاب فرانسه رو به افزایش است. به‌عنوان نمونه، سخنان دوک برانزویک (Brunswick) در آلمان که پیشنهاد کرده خانواده‌ی پادشاه فرانسه را به آلمان تبعید کنند،



پاریس. هجوم انقلابیون به انبار شراب دربار سلطنتی.



انقلابیون مست قبل از حضور در دادگاه زندانی می شوند.
(دوم تا سوم سپتامبر).



یک فرد انقلابی کلاه فریژی ها Phrygian را به سر تندیس ولتر Volteaire می گذارد.



سربازان فرانسوی با انقلابیون هم گام هستند. نقاشی از یگ ضد انقلابی.

لندن، هفتم ژانویه ۱۸۰۷
به‌دنبال فرمان ناپلئون که در برلین صادر و طی آن تمام جزایر متعلق به بریتانیا را مسدود اعلام کرد، دولت انگلیس هم دستور داد به کشتی‌های بازرگانی فرانسه که در ساحل لنگر می‌اندازند، آب و مواد غذایی ندهند.

بریتانیا، ۲۵ مارس ۱۸۰۷
طبق قانونی که به تصویب پارلمان رسید، تجارت برده لغو شد. پیش از این هم پارلمان در سال ۱۷۸۹ این کار را منسوخ دانست.

امپراتوری عثمانی، ۲۵ مه ۱۸۰۷
شورش سربازان ینی‌چری (Janissaries) (سربازان پیاده‌یی که از بردگان تشکیل می‌شد)، باعث برکناری سلیم سوم و جانشینی مصطفی چهارم به‌عنوان امپراتور عثمانی گردید.

روسیه، ۲۵ ژوئن ۱۸۰۷
در کنوانسیونی که با شرکت ناپلئون و تزار آلکساندر تشکیل شد، هر دو طرف موافقت کردند که به خصومت‌های دو کشور پایان دهند.

امریکای اسپانیایی، پنجم ژوئیه ۱۸۰۷
با وجود اشغال شهر مونته‌ویدئو (Montevideo) در سوم فوریه، نیروهای انگلیسی در تلاش خود جهت تصرف بوینوس‌آیرس ناکام ماندند.

پروس، ژوئیه ۱۸۰۷
گنی‌سنو (Gueisenau) و شارن هورست (Scharnhorst) وزرای آلمان، با تجدید سازمان ارتش موافقت کردند.

انگلیس، ۱۸۰۷
چارلز لمب (Charles Lamb) و خواهرش ماری، داستانی از ویلیام شکسپیر را به روی صخته آوردند. لمب نگهانی خواهرش را به‌عهده گرفت، چون او مادر خود را به‌علت ابتلا به جنون به‌قتل رسانده بود.

چین، ۱۸۰۷
رابرت موریسون (Robert Morrison) رییس انجمن پروتستان‌های شهر لندن، اولین هیأت مذهبی را به چین اعزام کرد و این میسیون به شهر گوانگ‌شو (Guangzhou) وارد شد.

ژاپن، ۱۸۰۷
کشتی‌های جنگی روسیه به تلافی رفتار ناهنجاری که نسبت به نیکلای رزانف سفر روسیه در ژاپن در سال ۱۸۰۴ ابراز داشته بودند، سکنه‌ی شمال ژاپن را مورد حمله قرار دادند.

ویرجینیا، سوم اوت ۱۸۰۷
آرون بور (Aaron Burr) به‌علت اقدام به خیانت، تحت پیگرد قرار گرفت و دادخواستی علیه وی تنظیم شد، چون وی در توطئه‌ی انفصال نیوانگلند از ایالات متحده شرکت داشته است.

فرانسه، ۱۸ اوت ۱۸۰۷
ناپلئون چون تنها فرمانروای کشور فرانسه به‌عنوان امپراتور بود، از سمت کنسول اولی کنار رفت.

ویرجینیا، یکم سپتامبر ۱۸۰۷
هیأت منصفه‌ی دادگاه، آرون بور معاون ریاست جمهوری را از اتهام خیانت تبرئه نمود.

پروس، سپتامبر ۱۸۰۷
فردریک ویلیام سوم پادشاه پروس، در سوم ماه ژانویه از سلطنت عزل شد. در این حال با پادرمیانی ملکه، هنریخ فون‌اشتاین (Heinrich Von Stein)، به‌طور موقت جانشین وی شد و به‌طور ضمنی موافقت ناپلئون را درباره‌ی نوسازی ارتش پروس جلب کرد، به شرطی که غرامت جنگ را بپردازد.

پروس، نهم اکتبر ۱۸۰۷
با احراز قدرت هنریخ فون‌اشتاین، وی برنامه‌ی اصلاحات و نوسازی را در کشور آغاز کرد. وی برای این کار سیستم سرف‌داری و امتیازات اشرافی را لغو کرد.

دانمارک، ۳۰ اکتبر ۱۸۰۷
به‌علت این‌که ناپلئون اعلام کرده بود که کشورهای قاره‌ی اروپا بایستی سعی کنند که جزایر انگلیس را در تنگنا قرار دهند و روابط خود را با آن کشور قطع کنند، دانمارک به پیروی از این امر با فرانسه ائتلاف کرد. انگلیس هم شهر کپنهاگ پایتخت دانمارک را بمباران کرد که در نتیجه خسارات فراوانی به دانمارک وارد شد.

اروپا، هفتم نوامبر ۱۸۰۷
پس از برگزاری کنوانسیون تیلسیت (Tilsit) در ژوئیه امسال، ائتلاف انگلیس و روسیه به پایان رسید و بدین ترتیب سومین ائتلاف کشورهای اروپا علیه فرانسه بدون نتیجه‌ی ملموسی قطع شد.

بیش‌تر افکار عمومی مردم فرانسه را تحت تاثیر قرار داده است. در پاریس گفته می‌شود که تبعید شاه از نظر خارجیان بسیار پسندیده است، ولی موقعیت انقلابیون را در معرض مخاطره قرار می دهد. این سخنان دوک که به‌صورت اعلامیه‌یی رسمی منتشر شد، در حقیقت عقیده‌ی او نیست، بلکه شخص مارکی لیمون (marquis Limon) که یک مهاجر فرانسوی است، آن‌ها را افشا کرده و دوک برانزویک نوشته‌ی او را بازگو می‌کند. این تهدید به‌دنبال آن صورت گرفت که مردم در گروه‌های بی‌شمار به کاخ تویلری حمله‌ور شده و شاه را وادار کردند که کلاه قرمز فریژی بر سر گذارده و به سلامتی ملت فرانسه بنوشد. این یک تحقیر آشکار نسبت به شاه فرانسه بود.

به هر حال، این اعلامیه به‌عوض این‌که وضعیت شاه را بهبود بخشد، موقعیت او را بیش‌تر در معرض مخاطره قرار داد و سر و صدا و غوغا به راه انداخت. این موضوع ثابت می‌کند که لویی میل دارد که قدرت‌های خارجی در امور کشور فرانسه دخالت کنند و ارتش‌های اروپایی مجهز به سلاح برای نجات وی اقدام کرده و نیروی انقلابیون را مضمحل سازند. در هر صورت، انقلابیون اینک آماده‌ی دفاع در برابر هر نوع حمله‌ی خارجی هستند، در حالی‌که وضعیت پادشاه بیش از پیش با انتشار اعلامیه‌ی رسمی اروپاییان به خطر افتاده است.

روحانیون و زندانیان بندها را می گسلند (پاریس، چهارم سپتامبر ۱۷۹۲)

مدت سه روز است که مردم پاریس با دیوانگی‌های خود به خونریزی دست زده‌اند. بر اثر شایعات منتشره مبنی بر این‌که به‌زودی ارتش پروس به فرانسه حمله کرده و حکومت انقلابی را بر خواهد انداخت، مردم به زندان‌ها یورش برده و محکومان زندانی را کشتند و برای استهزای دادگاه‌ها، با کمال بی‌رحمی، زندانیان را از دم تیغ گذارندند. علت اصلی این جریان، تبرئه‌ی یکی از روحانیون سلطنت‌طلب بود که در دادگاه به

اعدام محکوم شده بود و اطرافیان شاه او را فراری داده بودند، لیکن مردم از این‌که دادگاه حتی بی‌گناهان را محکوم به اعدام می‌کند، خشمگین شدند. مردم خشمگین دیوانه‌وار به کانون خیریه‌یی که از زنان فاحشه، دیوانه و دختران یتیم پرستاری می‌کرد، حمله‌ور شده و تمام آن‌ها را بدون استثنا کشتند، به‌طوری‌که خون آنان بر زمین جاری شد و هیچ‌کدام از آن‌ها زنده نماندند. آن‌ها تمام روحانیون زندانی را کشتند، چون از خانم لامبال (Lamballe) (دخترخاله‌ی شاه) حمایت کرده بودند، آن‌ها سرِ خانم لامبال را جدا کرده و بر سر نیزه زدند، در حالی‌که چند روز قبل شاه و ملکه ماری آنتوانت از زندانیان کلیساها بازدید کرده و آن‌ها را مورد تفقد قرار داده بودند.

کارگران انگلیسی مقالات اصولی را درباره‌ی زندگی می‌خوانند (انگلستان، ۱۷۹۲)

اصلاحات انقلابی کشور فرانسه باعث تقویت روحیه‌ی مردم انگلیس شد و نویسندگان شروع به انتشار مقالاتی در پشتیبانی از حقوق بشر نمودند. پارلمان در جلسات سالیانه‌ی خود، قوانینی راجع به زمین و سایر حقوق مدنی به‌تصویب رساند، چون دولت را کوچک‌تر از آن می‌دانست که در مقام معارضه برآید. این اقدامات بیش‌تر در اثر فعالیت‌های توماس هاردی (Thomas Hardy) که سابقاً به شغل کفاشی اشتغال داشته و اکنون رهبری انجمن ارتباطات مردمی را در لندن برعهده دارد، صورت می‌گیرد. این جریانات هنگامی آغاز شد که در جلسه‌ی مقدماتی که در هتل بل (Bell) نزدیک کاونت گاردن (Covent Garden) تشکیل شد، افراد شرکت‌کننده نظریات خود را راجع به مقالاتی که فردی از روشنفکران انگلیسی آگاهی‌هایی درباره‌ی قانون مشروطیت داده، بیان کنند. از آن‌جایی‌که برابر قانونی که تصویب شده بود، دستمزد هر خبرنگار مبلغ پنج گینه (سکه‌ی طلای انگلیسی که در قرن هفده و هجده رواج داشت) در سال و هر هفته یک پنی بود، لیکن در قانونی که از ژانویه به‌مورد اجرا درآمد، در مناطقی چون منچستر (Manchester)، شفیلد (Sheffield)، لیدز (Leeds) و نوریچ (Norwich) به‌مدت ۹ روز، ۶۲۵ پنی برای خبرنگاران فرانسه تعیین شد، گروه زیادی از خبرنگاران برای کسب این حقوق گزاف داوطلبانه به پاریس رفتند تا اخبار مجلس ملی فرانسه را گزارش کنند. در ضمن اخباری که آن‌ها به‌دست آوردند، این‌که طبق قوانین مصوبه‌ی مجلس ملی که از ماه اوت به‌مرحله‌ی اجرا درآمد، فرانسویان مالیات کم‌تری خواهند پرداخت. وضع تحصیل بهتر، امور زندان‌ها اصلاح شده و تصمیمات مهمی درباره‌ی فقرا و مستمندان گرفته خواهد شد.

پادشاه با ملکه در امور کشور همکاری می‌نماید (مادرید، ۱۷۹۲)

شارل چهارم پادشاه اسپانیا، دوک آلکودیا (Alcudia) را که مردی بلندقامت و برازنده بود، به‌عنوان اولین وزیر کابینه تعیین کرد. دوک آلکودیا که به‌نام مانوال گودوی (Manual Godoy) مشهور می‌باشد، از همکاران نزدیک ملکه است، لیکن مردم اسپانیا تمایلی به او ندارند. گودوی که مردی ۳۵ ساله است، در اوایل جوانی به صف ارتشیان پیوست و سه سال اخیر، به‌سرعت به مقامات عالیه رسیده و به‌عنوان یکی از اعضای کابینه تعیین شد، در ضمن به طبقه‌ی اشراف راه یافت، زیرا از حمایت ماریا لوئیزا (Maria Luisa) ملکه‌ی اسپانیا برخوردار بود.

این امر یکی از رویدادهای زندگانی اشرافی در شهر مادرید است که فردی را به این طبقه تحمیل می‌کنند. به‌گفته‌ی شارل پادشاه اسپانیا، این جریان پاداشی است که به گودوی داده شده و در حقیقت دستمزد فعالیت‌های او می‌باشد. درحالی‌که اگر فردی از طبقه‌ی پایین اجتماعی به طبقه‌ی اشرافی برسد، این امر باعث رسوایی و خفت می‌شود.

اقداماتی که برای کسب حقوق زنان صورت گرفته، خشم مردان را برانگیخته است (انگستان، ۱۷۹۲)

بریتانیا، ۱۱ نوامبر ۱۸۰۷
پس از انحلال سومین ائتلاف کشورهای اروپایی علیه فرانسه، بریتانیا تمام راه‌های دریایی روسیه را مسدود و بنادر آن کشور را در محاصره قرار داد و تهدید کرد که راه‌های ارتباطی بازرگانی تمام کشورهای بی‌طرف را مسدود خواهد کرد و کشتی‌های بازرگانی آن‌ها را مورد هدف قرار خواهد داد.

ایالات متحده، ۲۲ دسامبر ۱۸۰۷
کنگره قانون توقیف کشتی‌ها را مورد تصویب قرار داد و بدین ترتیب بازرگانی خارجی به‌فوریت قطع شد. این قطع ارتباط بازرگانی نه‌تنها با انگلیس و فرانسه بود، بلکه مشمول تمام صادرات و واردات با همه‌ی کشورهای جهان می‌شد. رییس‌جمهور امیدوار است که هرچه زودتر دو کشور فرانسه و انگلیس به صلح و آشتی برسند و ترس و هراس ایالات متحده هم کاهش یابد. این قانون هم‌چنین مقرر می‌دارد که بازرگانان باید به‌طور موقتی این امر را رعایت کنند و نقل و انتقال سربازان و تسلیحات هم موقوف شود.

ایالات متحده، یکم ژانویه ۱۸۰۸
قانون تحریم برده‌داری و واردکردن برده به امریکا بسیار تأثیرگزار بود، لیکن باعث مخالفت گسترده‌یی شد.

اروپا، ۲۱ فوریه ۱۸۰۸
ارتش روسیه سرزمین فنلاند را که تحت تابعیت سوئد بود، اشغال کرد.

فرانسه، یکم مارس ۱۸۰۸
ناپلئون یک حکومت اشرافی تشکیل داد.

اسپانیا، ۱۸ مارس ۱۸۰۸
در پی حملات فرانسه به اسپانیا، پادشاه این کشور از بیم شورش مردم، دستور بازداشت گودوی (Godoy) نخست‌وزیر را صادر کرد.

پروس، ۱۶ آوریل ۱۸۰۸
میهن‌پرستان آلمانی، انجمن‌هایی برای تعلیم و تربیت افراد از راه علمی تأسیس کردند که ضد روش‌های ناپلئون اقدام کنند.

فرانسه، ۱۷ آوریل ۱۸۰۸
ناپلئون فرمان داد تمام کشتی‌های تجاری امریکایی را در همه‌ی بنادر جهان توقیف کنند. گفته می‌شود این اقدام به تلافی قانون توقیف کشتی‌های سایر ممالک انجام می‌شود که ایالات متحده دستور آن را صادر کرده بود.

فرانسه، آوریل ۱۸۰۸
دریاسالار سباستیانی (Sebastiani) فرمانده ناوگان فرانسه در شرق مدیترانه، احضار شد، چون وی دستور داده بود مسیر ناوهای انگلیسی را که برضد عثمانی می‌جنگند، باز نگاه دارند.

اسپانیا، دوم مه ۱۸۰۸
مردم مادرید برضد قشون ناپلئون دست به شورش زدند.

اسپانیا، ششم ژوئن ۱۸۰۸
شنیده‌ها حاکی از ان است که ناپلئون قصد دارد برادر خود ژوزف را به پادشاهی اسپانیا برگزیند، چون شورای عالی اداری کشور (ژونتا (Junta)) فرمانده شهر سویل (Seville) را که برضد ناپلئون اعلان جنگ داده بود، برکنار ساخت.

اسپانیا، ۲۲ ژوئیه ۱۸۰۸
هنگام ورود ژوزف ناپلئون به شهر مادرید، ژنرال فرانسیسکو خاویر کاستانوس (Francisco Javier Castanos) رهبر میهن‌پرستان اسپانیا، به استقبال وی آمد و میهن‌پرستان تسلیم نیروهای فرانسوی به فرماندهی ژنرال دوپون (Dupont) شدند. هم‌چنین نیروهای مستقر در اندلس (Andalucia) (آندالوزیا) در شهر بایلن (Bailen) پیروی خود را از دولت جدید اعلام داشتند.

امپراتوری عثمانی، ۲۸ ژوئیه ۱۸۰۸
سلطان مصطفی چهارم پادشاه عثمانی، برکنار شد و پسرعموی او به‌نام محمود دوم به‌سلطنت رسید.

امریکای اسپانیایی، ژوئیه ۱۸۰۸
در پی دستگیری فرانسیسکو میراندا (Francisco Miranda) انقلابی اسپانیولی که قصد داشت ضربه‌یی به حکومت ونزوئلا بزند، یکی از هواخواهان او به‌نام سیمون بولیوار (Simon Bolivar) در کاراکاس (Caracas) به قدرت رسید.

لندن، ۱۸۰۸
ساختمان بانک انگلیس که طرح آن را جان سوآن (John Soane) معمار انگلیسی ریخته بود و در سال ۱۷۸۸ آغاز شده بود، به پایان رسید.

در مقاله‌یی که اخیراً منتشر شده، مردان باید به این سؤالات پاسخ دهند که عقیده‌ی آن‌ها درباره‌ی تبعیت زنان از مردان چه می‌باشد. این مقاله به‌قلم مری ولستون کرافت (Mary Wollstonecraft) ۳۵ ساله نوشته شده و تیتر آن چنین است: «زنان حقوق ازدست‌رفته‌ی خود را مطالبه می‌کنند». وی عقیده روسو را که ادعا می‌کند زنان در درجه‌ی پایین‌تری از مردان هستند و باید تابع مردان باشند، نمی‌پذیرد. او می‌گوید: زن و مرد حقوق مساوی دارند و در هیچ موردی زن از مرد کم‌تر نیست. زن و مرد باید در تحصیلات و کسب علم هم‌پایه باشند و در مورد شغل و کار هم هیچ فرقی بین آن‌ها نباشد و در تمام موارد زن و مرد بایستی از حقوق یکسان برخوردار شوند.

مری در یک خانواده‌ی ایرلندی و در محلی نزدیک لندن به‌دنیا آمد. پدرش دایم‌الخمر و الکلیک بود و مادرش را مرتباً کتک می‌زد و چون معتاد به مشروب بود، اغلب اوقات را در مستی و بی‌خبری به‌سر می‌برد. ماری دارای افکاری بکر و استقلال‌طلب بود، روی همین زمینه، از سال ۱۷۸۲ تا سال ۱۷۹۰ جهت کسب دانش به مدرسه رفت. او ضمن تحصیل، در بنگاه نشر کتاب متعلق به تام پین (Tom Paine) مشغول به کار شد و با مطالعه‌ی کتاب‌های گوناگون با افکار اصولگرای وی آشنا گردید. از آثار او کتابی موسوم به «عقیده‌ی عمومی درباره‌ی تحصیل دختران» و دیگر مقالاتی است که راجع به انقلاب فرانسه نوشته است.

انقلاب فرانسه از خطر جست (والمی، فرانسه، ۲۰ سپتامبر ۱۷۹۲)

در جنگی که در دشت والمی (Valmy)، بین سربازان ورزیده‌ی دوک برانزویک و سربازان فرانسوی برپا شد، چون پادشاه فرانسه نیروی کمکی و توپخانه جهت پشتیبانی ارتش نفرستاده بود، انقلاب را در هاله‌یی از مه و غبار پوشانده و بیم هزیمت آن می‌رفت.

درست است که دولت پروس کینه‌یی از سلسله‌ی پادشاهی فرانسه در دل دارد، ولی نیروهای نظامی

پروس به‌سوی پاریس رهسپار شدند تا مگر ساکنان شهر تسلیم شوند، لیکن این جریان برعکس شد، چون سپاهیان پروس دریافتند که حداقل ۵۰ هزار فرانسوی در مقام مقابله با بیگانگان بوده و آماده‌ی نبرد هستند تا ملت فرانسه بتواند به زندگی ادامه دهد. سربازان آماده‌ی فرانسوی اغلب جنگ‌دیده نبودند، لیکن تبادل آتش بین این دو سپاه باعث مرگ ۲۰۰ سرباز فرانسوی و ۳۰۰ نفر پروسی شد، چون پروسی‌ها روحیه‌ی جنگی نداشتند. در این حال برونزویک اظهار داشت که ما قادر نیستیم ضربه‌ی سختی به آن‌ها وارد آوریم، در نتیجه با خفت و خواری فرمان عقب‌نشینی داد. یکی از سربازان پروسی در کمال نومیدی گفت: نگاه کن! آن‌ها مانند جوجه‌خروس‌ها خرامان می‌گریزند. ما در واقع بیش‌تر از یک نبرد زیان دادیم. صاحب یک آسیاب بادی نیز به دو ژنرال فرانسوی به نام‌های دوموریز (Dumouriez) و کلرمن (Kellerman) گفت: شما در نبرد والمی واقعاً معجزه کردید.

دومین مستعمره‌ی آزاد بردگان افریقایی تشکیل شد (افریقای غربی، ۱۷۹۲)

دومین گروه از سیاه‌پوستان وارد سییرا لئون (Sierra Leone) شدند. سه سال پیش که ۴۱۱ نفر از سیاه‌پوستان به این مستعره وارد شدند، در حدود یک‌دهم از آن‌ها بر اثر گرسنگی، جنگ و بیماری تلف شدند، لیکن بقیه که زنده ماندند، توانستند به پیشرفت‌هایی دست یابند. مستعمره‌نشین‌های کهن‌سال خیلی واقع‌بین هستند. آن‌ها بدون کمک دیگران دولت تشکیل داده و ریچارد ویور (Richard Weaver) را به‌سمت فرماندار تعیین کردند.

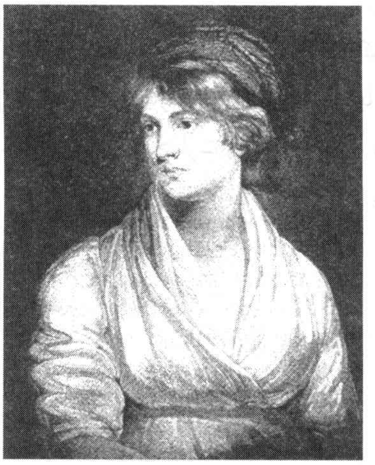
بیش‌تر مستعمره‌نشین‌های جدید سیاه‌پوستانی هستند که قبلاً ساکن نووا اسکوتیا (Nova Scotia) و برانزویک (Brunswick) بودند که پس از جنگ‌های استقلال امریکا از آن‌جا گریختند. آن‌ها به‌تازگی دولتی تشکیل داده و در این امر سابقه‌ی طولانی ندارند، زیرا پیش از این اقتصاد دولت در دست شرکت مستعمراتی انگلیسی بود و این کمپانی سییرالئون را اداره می‌کرد. تازه‌واردان مصمم هستند که یک مستعمره‌ی ایده‌آل و اصولی تشکیل دهند، لیکن چون در امر کشاورزی تجربه ندارند، در این کار موفق نشدند. آن‌ها با اقتباس از همسایگان خود به تجارت برده پرداخته و اکنون می‌خواهند ثابت کنند که تجارت برده تنها راه پیشرفت و ترقی نیست.

تجاوز روس‌ها به ژاپن، این کشور را از انزوا خارج ساخت (ژاپن، ۱۷۹۲)

سپاهیان کاترین کبیر امپراتریس روسیه به فرماندهی آدام لاکسمن (Adam Laxman) که درخلیج نه‌مورو (Nemuro Bay) لنگر انداخته بود، وارد جزیره‌ی هوکائیدو (Hokkaido) شدند. آن‌ها تعداد زیادی از ژاپنی‌ها را به بهانه‌ی این‌که آن‌جا محل استقرار نیروهای روس است، از محل اخراج کردند. لاکسمن با اجازه‌ی دولت روسیه به شهر ادو (توکیو) پایتخت ژاپن رفت تا با تشکیل اتحادیه‌یی از همسایگان، علیه کفر و بت‌پرستی آن‌ها اقدام کند. پس از آن لاکسمن به قصد مراجعت به روسیه، فردی ژاپنی به‌نام دایکو کویا کودایو (Daikokuya Kodayu) را که ده سال پیش در شهر سن‌پترزبورگ به حضور کاترین رسیده بود، با خود به روسیه برد. بدون شک لشگرکشی دولت روسیه و اشغال شهر ادو (توکیو) سبب شد که شوگون (فرمانروای ژاپن) از انزوا خارج شده و از این پس شهروندان ژاپنی بتوانند به قصد مسافرت به کشورهای دیگر بروند و این قرق شکسته شود.

سیستم سلطنتی در فرانسه منسوخ و حکومت جمهوری اعلام شد (پاریس، ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲)

در اجلاسی که مجلس ملی فرانسه در میدان اسب‌دوانی پاریس تشکیل داد، نمایندگان اعلام داشتند که از این پس سیستم پادشاهی مطرود و حکومت جمهوری برقرار خواهد شد. برخی حقوقدان‌ها در این



مری ول استون کرافت Mary Wollstone Craft، زن بنیادگرای طرفدار حقوق زنان.



نیروهای انقلابی نهال آزادی را می کارند. نقاشی از برادران سوئور le Sueur Brothers.



شارل چهارم، پادشاه و ماریا لوئیزا Maria Luisa، شاه و ملکه ی اسپانیا.



یکی از طلایه داران نیروهای انقلابی با شلوار ساده و بدون پالتوی نظامی.



نبرد والمی Walmy، جایی که ارتش نوین انقلابی از مخمصه رهایی یافت.

امر تردید داشتند که به این فوریت حکومت تغییر کند، لیکن کولو دو هربوآ (Collot d' Herbois) رهبر نمایندگان پاریس گفت که این موضوع به تأخیر نخواهد افتاد، چون مردم آرزوی برافتادن اساس سلطنت را دارند و اگر این امر تحقق نپذیرد، آرزوهای ملت در خطر خواهد افتاد. یکی دیگر از نمایندگان طی سخنان شدیداللحنی به هواخواهان سلطنت اظهار داشت که این طلسم شیطانی شکست و آنان که عقیده داشتند شاهان مظهری از اخلاق پاک و سایه‌ی خداوند هستند، در اشتباه می‌باشند و در جهالت گرفتارند. برخی در سخنان‌شان توجه مردم را به هیجانات بیش از اندازه هشدار داده و آن‌ها را ازدست‌زدن به اعمال شدید بازمی‌دارند. با فرمانی که امروز صادر شد، دیگر بساط سلطنت در فرانسه برچیده شد و کسانی که برای این امر روزشماری می‌کردند و مشتاقانه انتظار آن را می‌کشیدند، طی پیام و نامه این خبر را به سراسر کشور رساندند. اما اغلب اشاره‌یی به برقراری حکومت جمهوری نکردند، زیرا به‌نظر می‌رسد که این امر چاره‌ناپذیر می‌باشد.

انقلابیون فرانسه شلوار بلند را ترجیح می‌دهند (پاریس، ۱۷۹۲)

بالاخره پس از بحث‌های زیادی که انقلابیون در مورد لباس هواخواهان انقلاب کردند، پوشیدن شلوار کوتاه قدغن شد و رأی جملگی بر این قرار گرفت که همه از شلوار بلند استفاده کنند. اینک با تصمیم اتخاذشده، از این پس تمام جمهوری‌خواهان بایستی شلوار بلند بپوشند و دیگر کسی جرأت لغو دستور را ندارد، زیرا آن را توهینی به انقلاب و جمهوری تلقی می‌کنند. بدین ترتیب لباس فرد انقلابی از شلواری بلند که در قسمت کمر با کمربند بسته می‌شود و بلوزی کوتاه که در قسمت گردن باز است و نیز کلاهی قرمزرنگ فریژی که نشانه‌ی آزادی است، تشکیل می‌شود. در حالی‌که زنان به‌جای شلوار بلند، از جوراب بلند استفاده کرده و وضع جالب‌تری نسبت به مردان دارند. زن و مرد سلاحی گرم به‌همراه دارند و شمشیر هم که نشانه‌ی نظامیگری است، بر کمر بسته و به جز این‌ها سرنیزه هم جزو اسلحه‌ی آنان است. بسیاری هم مانند اشراف تنگ‌نظر و کوته‌فکر که همواره مانند جلادان رفتار می‌کنند، با زورگویی و قلدری سایرین را معذب می‌کنند. چون سلاح در دست ایشان است، آنان دیگر کلمات مؤدبانه هم‌چون آقا را مطرود دانسته و هم‌دیگر را همشهری خطاب کرده و در خیابان‌های پاریس یک‌دیگر را با این کلمه صدا می‌زنند.

ماشین پنبه‌پاک‌کنی به‌اندازه‌ی ۵۰ نفر کارگر کار انجام می‌دهد (کارولینای جنوبی، ۱۷۹۳)

یکی از محصولات امریکایی، ماشین پنبه‌پاک‌کنی است. این اختراع باعث شد که در یک روز، مقدار معتنابهی پنبه را پاک کرده و به‌اندازه‌ی پنجاه کارگر کار انجام بدهند. در حالی‌که هنوز این ماشین تکمیل نشده است. الی ویتنی (Eli Whitney) مخترع این ماشین که سال‌ها مشکلات پنبه‌پاک‌کردن دستی را حس کرده بود، به فکر افتاد که ماشینی تولید کند تا مشکلات کشاورزان پنبه‌کار مرتفع شود و در ضمن سرعت بیش‌تری به این کار بدهد. چون محصول پنبه در کارولینا رو به ازدیاد می‌رفت، در نتیجه ماشینی اختراع شد که تخم‌های پنبه را از الیاف جدا می‌کند. نخستین‌بار این فکر برای کارخانه‌داران انگلیسی پیش آمد که کاری کنند تا الیاف پنبه هرچه سریع‌تر و خالص تولید شود، لیکن هنوز به حل این مشکل فایق نیامده بودند تا این‌که ویتنی این معما را حل کرده و ماشین اختراعی وی پاک‌کردن پنبه را به‌صورت ماشینی درآورد. ویتنی از دانشگاه ییل (Yale) فارغ‌التحصیل شد و سپس به جنوب آمد و چون مشکلات پنبه‌کاران را مشاهده کرد، شانس با او یاری کرده و این دستگاه را ساخت و طرز کار آن را هم به زارعان آموخت. مجلس قانونگزاری کارولینای جنوبی پیش از آن مبلغ ۵۰ هزار دلار از بودجه‌ی ایالتی را برای این اختراع اختصاص داده بود. برای بزرگداشت ویتنی، دولت محلی یک

واشنگتن دی‌سی، ۱۸۰۸
اعلام شد که سیاه‌پوستان می‌توانند در تمام دادگاه‌های ایالات متحده به‌عنوان شاهد حضور یابند.

افریقای غربی، ۱۸۰۸
نیروی دریای سلطنتی اعلام کرد که کشتی‌های حامل بردگان سیاه‌پوست را مورد بازرسی قرار می‌دهد. این دستور فعلاً در سواحل غربی سیرالئون (Sierra Leone) انجام می‌شود و پاسداران مرزی حق توقیف کشتی را دارند. پارلمان انگلیس قانون منع تجارت برده را در تاریخ اول مارس ۱۸۰۸ اعلام کرده بود.

آلمان، ۱۸۰۸
گوته (Goethe) شاعر آلمانی که به احترام ناپلئون در تاریخ دوم اکتبر نخستین بخش از کتاب خود را به‌نام «فاوست (Faust)» منتشر کرده بود، اینک با انتشار کتاب «شعور عمقی» یا «دانستنی‌های ژرف»، روح تازه‌یی به داستان عشقی مینا هرزلیب (Minna Herzlieb) بخشید.

پرتغال، ۳۰ اوت ۱۸۰۸
با وجود این‌که نیروهای انگلیسی در آغاز همین ماه در سواحل پرتغال پیاده شدند، چون تاب مقاومت در برابر لشکریان فرانسه را نداشتند، تسلیم شدند.

الجزایر، ۲۷ اوت ۱۸۰۸
نیروهای بریتانیا شهر الجزیره را بمباران کردند.

اروپا، ١٤ اکتبر ۱۸۰۸
در آخرین دقایق ملاقات ناپلئون و آلکساندر تزار روس که در ارفورت (Erfurt) صورت گرفت، پیمان تیلسیت (Tilsit) که در سال گذشته بین دو کشور امضا شده بود، تجدید شد.

پروس، ٢٤ نوامبر ۱۸۰۸
ناپلئون، اشتاین (Stein) یکی از وزرای دولت فرانسه را از کار برکنار کرد، زیرا به گمان وی، اشتاین مردم را به قیام علیه فرانسه تحریک می‌کرد.

اسپانیا، چهارم دسامبر ۱۸۰۸
ناپلئون شهر مادرید را تصرف کرد و نیروی مقاومت را در شهر سوموسییرا (Somosierra) درهم شکست.

واشنگتن دی‌سی، هفتم دسامبر ۱۸۰۸
جیمز مادیسون (James Madison) بر توماس جفرسون (Thomas Jefferson) پیروز و به‌عنوان رییس‌جمهور برگزیده شد.

وین، ۲۲ دسامبر ۱۸۰۸
بتهوون (Beethoven) سمفونی‌های شماره‌ی ۵ و ۶ خود را با وجود ناشنوایی، از حفظ برای اجرای کنسرت تنظیم کرد.

صربستان، دسامبر ۱۸۰۸
کاراژرژ (Karageorges) (ژرژ سیاه (Black George)) رهبر مردم صربستان، در یک مجلس فرمایشی متشکل از هواخواهانش، خود را به‌عنوان شاهزاده‌ی سلسله‌ی پادشاهی موروثی معرفی کرد.

چین، ۱۸۰۸
نیروهای بریتانیا جزیره‌ی ماکائو (Macao) را تسخیر کردند.

ژاپن، ۱۸۰۸
مامی‌یا رینزو (Mamiya Rinzo) منطقه‌ی ساخالین (Sakhalin) را کشف و ثابت کرد که ساخالین یک جزیره می‌باشد.

بریتانیا، ۱۸۰۸
همفری دیوی (Humphry Davy)، پیل ولتای (Volta) جدیدی با به‌کارگیری از فلز باریوم (Barium) کشف کرد. همفری امسال موفق شد عناصر استرانسیوم (Strontium)، کلسیم (Calcium)، منیزیم (Magnesium) و بور (Boron) را جدا کند.

هندوستان، ۱۸۰۸
هولکار (Holkar) رهبر ماراتاها (Maratha) به بیماری جنون مبتلا شد.

فرانسه، ۲۸ ژانویه ۱۸۰۹
با کشف توطئه علیه جان ناپلئون به کارگردانی فوشه (Fouche)، تالیران (Talleyrand) هم مورد غضب قرار گرفت و برکنار شد. وی با وجود منفصل‌شدن از شغل خود، به خدمت مترنیخ (Metternich) درآمد و به‌عنوان سفیر اتریش در پاریس منصوب شد.

ایران، ۱۲ مارس ۱۸۰۹
دولت بریتانیا قراردادی با دولت ایران امضا کرد که طبق آن ایران به ناپلئون برای بیرون‌بردن نیروهایش از کشور فشار وارد کند.

ستون یادبود به‌نام جین (gin) (ماشین پنبه‌پاک‌کنی) که مخفف انجاین (ماشین یا موتور) می‌باشد، در کارولینای جنوبی بنا کرد. این ماشین یک سیلندر چنددنده دارد که فلزی است. یک کارگر پنبه‌های پاک‌نشده را در آن می‌ریزد و ماشین الیاف پنبه را از تخم جدا کرده و تخم پنبه را در عقب ماشین انبار می‌کند. غلطک دیگری دندانه‌های سیلندر را از پنبه پاک کرده و آن را صاف و ورقه‌ورقه می‌نماید، سپس عدل‌بندی کرده و بیرون می‌دهد.

این ماشین به‌وسیله‌ی نیروی اسب یا قوه‌ی آب به‌کار می‌افتد. ویتنی پس از اختراع این ماشین به فکر افتاد که آن را به‌صورت اتوماتیک و بدون استفاده از فرد درآورد و سرعت بیش‌تری هم به آن بدهد.

آغاز مخالفت با انقلاب در فرانسه (وندی *(Vendee)*، فرانسه، ۱۴ مارس ۱۷۹۳)

ضدانقلابیون به رهبری ژاک کاتلینو (Jacques Cathelineau) که فردی ارابه‌ران بود و مسافران را از شهرهای فرانسه به این طرف و آن طرف می‌برد و مدعی بود که از جانب خداوند مأمور این کار شده، توانست منطقه‌ی شمیل (Chemille) را تسخیر کرده و بر ناحیه‌ی وندی (در غرب فرانسه) مسلط شود. شورشیان هوادار او مدعی هستند که رژیم پادشاهی بایستی پابرجا بماند و کلیسا و مذهب مسیح که عرق دینی در افراد ایجاد می‌کند هم باید امور مذهبی را اداره کند.

امروز، اسقف باربوتن (Barbotin) یکی از روحانیون کلیسا طی نطق شدیداللحنی مخالفت خود را با انقلاب اعلام کرد. او و پیروانش در حالی‌که سرود ته دوم (Te Deum) را می‌خواندند، به‌سوی شهر پاریس حرکت کردند. در این حال کاتلینو که شخصی فروتن و متواضع می‌باشد، به ضدانقلابیون خدمت می‌کرد. تصرف شهر شمیل نخستین پیروزی دهقانان مسلح این منطقه نیست، چرا که دو روز پیش هم آن‌ها دهقانان را مسلح کرده و به‌سوی سن‌فلوران (Saint Florent)

فرستادند که این موضوع باعث اشتهار آنان شد. کاتلینو و طرفداران کاتولیک‌مذهب او بدون شک در نظر دارند شورشی علیه انقلاب برپا کنند. هنگامی‌که کاتلینو در رأس شورشیان در نظر داشت به‌سوی پاریس حرکت کند، همسرش در مقام اعتراض و مخالفت با او به مقابله برخاست. کاتلینو در مقابل اظهار داشت که خداوند ما را یاری نماید، من به جنگ انقلابیون می‌روم و او از ما حمایت خواهد کرد.

فرانسوی‌ها سر پادشاه را قطع کردند (پاریس، ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳)

امروز لویی شانزدهم پادشاه فرانسه به محل اعدام ضدانقلابیون که به‌وسیله‌ی گیوتین به‌قتل می‌رسند، رفت. در این هوای سرد و مه‌آلود، تیغه‌ی گیوتین بر گردن شاه فرود آمده و سر او چرخ‌زنان به داخل زنبیل افتاد و سرانجام در ساعت ده و نیم شاه به هلاکت رسید. لویی کاپه (Louis Capet) (لقبی که نمایندگان مجلس ملی به او داده بودند) در کمال آرامی مرگ را پذیرفت. او به‌وسیله‌ی یک کالسکه‌ی سبزرنگ بزرگ در حالی‌که اجورث دو فیرمون (Edgeworth de Firmont) روحانی دربار او را بدرقه می‌کرد و توسط اسکورت محافظ ملی احاطه شده بود، کاخ تویلری را ترک کرد. گروه طبل‌زنان در حالی‌که مارش حکم دادگاه را می‌نواختند، در جلوی کالسکه‌ی شاه حرکت می‌کردند و این صدا تمام فریادها را تحت‌الشعاع قرار داده بود و در تمام پاریس می‌پیچید. تمام مغازه‌های شهر تعطیل و شهر در سکوت کامل فرو رفته بود و تنها صدایی که شنیده می‌شد، صدای افرادی بود که به تماشای خون آمده بودند.

شاه با جمع محاصره‌کنندگان به محل قتلگاه رسید، در حالی‌که سان‌سوم (Sansom) جلاد در انتظار وی بود. در این‌جا گروه سربازان مسلح در اطراف شاه بودند. هیچ شانسی برای رهایی شاه از این ظلمت وجود نداشت. هنگامی‌که کالسکه‌ی شاه به آن محل رسید، شاه به کشیش گفت که سربازان را از اطراف او بخواند و در ضمن به او گفت که مواظب باشید که پس از مرگ من به آن‌ها آسیبی نرسد. همکاران سان سوم میرغضب، شاه را از آن میانه به‌در بردند. شاه خود را برای مرگ آماده می‌کرد. شاه شال‌گردن را به دور انداخت و سپس یقه‌ی پیراهنش را باز کرد و دستان خود را به‌سوی گردن برد. وی با کمک کشیش از پله‌ها بالا رفته و به طرف جمعیت رو کرد. بلافاصله فرمان قتل صادر شد که گردن وی را بزنند، او در حالی‌که کلماتش به زحمت شنیده می‌شد، اظهار داشت: من از مرگ استقبال می‌کنم، در حالی‌که از تمام گناهانی که به من نسبت داده شده، مبرا هستم. من از تمام افرادی که در این موقعیت در انتظار مرگ من هستند، پوزش می‌خواهم. من دست نیاز به سوی خدا دارم، زیرا خداوند هرگز نمی‌خواهد که خون بی‌گناهی در کشور فرانسه بر زمین ریخته شود.

در این وهله سکوت مرگباری بر صحنه سایه افکند و هنگامی‌که سر شاه بر زمین افتاد، جمعیت فریاد برآورد که: زنده‌باد جمهوری. این صدای هزاران نفر از فرانسویان جمهوری‌خواه بود. پس از آن مجدداً سکوت بر فضا حاکم شد و مردم از خود می‌پرسیدند: چه‌گونه این اتفاق رخ داد. در حالی‌که ضدانقلاب ادعا داشت که این بزرگ‌ترین شهید راه میهن است.

سلطان عثمانی با اعلام فرمان جدیدی، وضعیت سابق را نادیده می‌انگارد (امپراتوری عثمانی، ۱۷۹۳)

سلطان سلیم سوم پادشاه عثمانی، با صدور فرمانی، ۱۲ هزار نفر دواطلب را جهت تقویت بنیه‌ی نظامی کشور و رفع مشکلات در برابر تجاوز بیگانگان به قلمرو عثمانی فراخوند. سلیم قصد دارد اصلاحات عمده‌یی در تمام شؤون کشور انجام دهد. در اجرای این مقصود، سلیم با حمایت از عبدالله افندی قاضی‌القضات کشور در نظر دارد مجدداً سازمان مشورتی یا مجلس شورا را سر و سامان دهد و پست نخست‌وزیری را هم برقرار ساخته و در حکومت‌های محلی کشور اصلاحاتی صورت دهد

که مهم‌ترین آن‌ها، تجدید سازمان نیروهای نظامی می‌باشد. او با کمک کارشناسان نظامی اروپایی تصمیم دارد که ارتش خود را به سلاح‌های جدید مجهز کرده و تمام دسته‌های نظامی را با فنون جنگی جدید آشنا سازد، لیکن با اقتدار بیش از حد ینی‌چری‌ها که سیل‌آسا بر همه‌ی امور غالب شده‌اند، این امر مشکل به‌نظر می‌رسد.

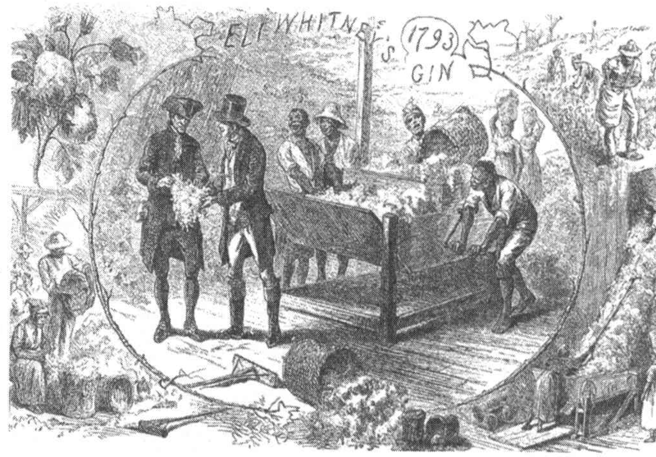
برای دومین‌بار کشور لهستان تقسیم شد (ورشو، ۲۳ ژانویه ۱۷۹۳)

کاترین ملکه‌ی روسیه و فردریک ویلهلم دوم امپراتور خیانتکار پروس، در مورد تقسیم مجدد لهستان به توافق رسیدند. کاترین بخش اعظم لیتوانی (Lithuania) و منطقه‌ی اوکراین غربی (Ukraine) را با جمعیتی در حدود سه میلیون نفر تصاحب کرد. دولت پروس هم بخش دانزیگ (Danzig) و قسمتی از سرزمین لهستان تکه‌شده را با جمعیتی در حدود یک میلیون نفر ضمیمه‌ی قلمرو خود کرد. فردریک قبلاً موافقت‌نامه‌یی با لهستان امضا کرده بود که در صورت تجاوز روسیه، از آن کشور حمایت کند، اما هنگامی‌که احساس کرد دولت لهستان در موضع ضعف قرار دارد، به خیل دشمنان آن کشور پیوست. قوای نظامی روس، نمایندگان لهستان را از ساختمان مجلس آن کشور بیرون راندند، زیرا ظاهراً کشور ضمیمه‌ی روسیه شده بود.

دولت فرانسه برای آن‌که از عقده‌ی زنان بکاهد، آن‌ها را در ارتش پذیرفت (فرانسه، ۱۷۹۳)

زنان فرانسوی با وجود تلاش‌ها و رشادت‌هایی که در انقلاب انجام داده بودند، از شرکت در ارتش فرانسه محروم هستند و انتظار دارند که در ارتش پذیرفته شوند. بیش‌تر مردم عقیده دارند که استخدام زنان به‌عنوان سرباز موجب خفت و رسوایی است و کنوانسیون هم امروز تصویب کرد که شرکت زنان در نیروی نظامی به‌مدت طولانی غیرممکن است. عده‌ی

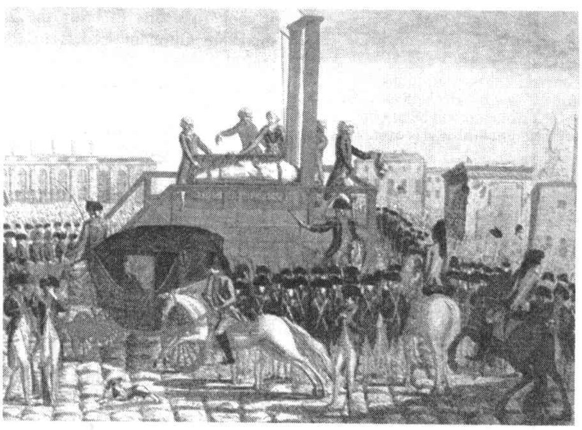
اروپا، دهم اوریل ۱۸۰۹
دولت اتریش به دولت فرانسه اعلان جنگ داد و نیروهای خود را وارد منطقه‌ی باواریا (Bavaria) کرد.
هندوستان، آوریل ۱۸۰۹
حکومت آمریتسار (Amritsar) با دولت انگلیس قراردادی امضا کرد که طبق آن بریتانیا موافقت کرد که دست رانجیت سینگ (Ranjit Singh) پیشوای فرقه‌ی سیک را در غرب رود سوتلج (Sutlej) باز بگذارد تا وی بتواند نیروهایش را به قسمت شرق ساحل رودخانه بازگرداند.
پرتغال، ۱۲ مه ۱۸۰۹
ناوگان بریتانیا به فرماندهی ویسکونت ولینگتون (Viscount Wellington)، برای دومین‌بار در سواحل پرتغال پیاده شدند.
نیویورک، هشتم ژوئن ۱۸۰۹
تامس پاین (Thomas Paine) نویسنده‌ی انقلابی، از دنیا رفت. وی در سال ۱۷۳۷ در بریتانیا به‌دنیا آمد و در سال ۱۷۷۴ به امریکا رفت. پس از آن نقش رهبری انقلابیون امریکایی را برعهده گرفت و چون تمایل زیادی به سیاست فرانسه داشت، به عضویت مجلس قانونگزاری درآمد. پاین مدت یازده ماه زندانی شد و پس از آزادی، کرسی خود را در مجلس بازیافت. سرانجام وی از این شیفتگی که نسبت به سیاست فرانسه داشت، بیرون آمد و در سال ۱۸۰۲ به ایالات متحده مراجعت نمود.
امریکای شمالی، دوم ژوئیه ۱۸۰۹
تکومسه (Tecumseh) رییس حکومت مشهور شاونی (Shawnee) و برادر (پیغمبر) طایفه‌ی هند غربی، با گردآوری ده‌هزار سپاهی، به نبرد با قبیله‌یی از سرخپوستانی که در ساحل غربی رود می‌سی‌سی‌پی (Mississippi) زندگی می‌کردند، شتافت. غرض وی از این لشکرکشی، ایجاد اتحادیه‌یی از سرخپوستان و جلوگیری از توسعه‌ی مناطق تحت نفوذ ایالات متحده بود.
واشنگتن دی‌سی، نهم اوت ۱۸۰۹
مادیسون (Madison) رییس‌جمهور ایالات متحده، قانون توقیف کشتی‌ها را مجدداً به مرحله‌ی اجرا درآورد، چون بریتانیا از لغو مقررات مربوط به توقیف ناوگان ایالات متحده و آزادشدن رفت‌وآمد آن‌ها امتناع کرده و اسباب آزار و اذیت کارکنان کشتی‌ها را فراهم کرده بود.
رم، ۲۰ اوت ۱۸۰۹
پاپ پیوس هفتم که به‌دستور ناپلئون در ششم ژوئیه به‌علت تکفیرکردن امپراتور در تاریخ ۱۲ ژوئن دستگیر شده بود، آزاد شد و از گرنوبل (Grenoble) به ساوونا (Savona) رفت.
اسپانیا، ۲۸ ژوئیه ۱۸۰۹
نبرد بی‌سرانجامی بین فرانسه و نیروهای مشترک انگلیسی ـ اسپانیولی در منطقه‌ی تالاورا (Talavera) درگرفت.
رم، ۲۰ اوت ۱۸۰۹
ژنرال ماله (Malet) در انجام یک توطئه علیه ناپلئون، ناکام ماند.
هلند، سی‌ام سپتامبر ۱۸۰۹
یک اسکادران از ناوگان بریتانیا که در سی‌ام ژوئیه در ساحل والشه‌رن (Walcheren) لنگر انداخته بود، بار دیگر بادبان‌های خود را برافراشت و از منطقه دور شد.
روسیه، ۱۷ سپتامبر ۱۸۰۹
با امضای پیمان صلح هامینا (Hamina)، فنلاند جزو قلمرو این کشور محسوب شد.
بریتانیا، ۱۸۰۹
ترنر (Turner) نقاش انگلیسی، نمایشگاهی از آثار خود در گرینویچ (Greenwich) دایر کرد.
اسپانیا، ۱۸۰۹
آلساندرو مانزونی (Alessandro Manzoni) داستان‌سرای اسپانیولی، کتاب خود را به‌نام اورانیا (Urania) منتشر ساخت.
فرانسه، ۱۸۰۹
لامارک (Lamarck) دانشمند فرانسوی کتاب فیزیولوژی جانوران را که درباره‌ی فرضیه‌ی تکامل موجودات و رده‌بندی آن‌ها بحث می‌کند، انتشار داد.
پروس، ۱۸۰۹
به‌دستور پادشاه پروس، مؤسسه‌ی تحقیقات علمی و پژوهشی ضد ناپلئون که تازه تأسیس شده بود، منحل شد.



با اختراع ماشین پنبه پاک کنی محصول آن بسیار زیاد شده آمریکایی ها این محصول را برای کارخانجات نساجی انگلیس ارسال می کنند.



شاه کشی، فیلیپ اگالیت Philippe Egalite دوک سابق اورلئان Orleans در دست دژخیم. نقاشی از کروک شانک Cruikshank .



تصویر لوئی شانزدهم که در میدان انقلاب اعدام شد. وی در راه انقلاب قربانی گشت.



کاتلینو Cathelineau، فرد ضدانقلابی.



یکی از زنان ارتش انقلابی فرانسه که اکنون منحل شده.



یکی از افراد ترک ینی چری که بزرگ ترین مانع اصلاحات هستند.

اروپا، ۱٤ اکتبر ۱۸۰۹
دولت اتریش با امضای عهدنامه‌ی شون‌برون (Schonbrunn)، ایالت ایلیریا (Illyria) را به فرانسه واگذار کرد.
امریکای اسپانیایی، ششم نوامبر ۱۸۰۹
بریتانیا اختیار بازرگانی شهر بوینوس‌آیرس (Buenos Aires) را به‌دست گرفت.
فرانسه، ۱٦ دسامبر ۱۸۰۹
ناپلئون همسر خود ژوزفین (Josephine) را به‌علت این‌که نتوانست برای او پسری بزاید، طلاق داد.
بریتانیا، ۱۸۰۹
والتر اسکات (Walter Scott) کتابی به‌نام «مروری چهارگانه» درباره‌ی مناقشات حزب اصلاح‌طلب و عقاید آنان تألیف کرد.
روسیه، چهارم فوریه ۱۸۱۰
آلکساندر تزار روس، طی نامه‌یی دوستانه، درخواست ناپلئون برای ازدواج با خواهر ۱۵ساله‌ی خود را رد کرد.
ایتالیا، ۱۷ فوریه ۱۸۱۰
دولت فرانسه قلمرو فرمانروایی پاپ را ضمیمه‌ی سرزمین خود کرد.
هلند، نهم ژوئیه ۱۸۱۰
در پی کناره‌گیری لویی بوناپارت (Louis Bonaparte) بر اثر عدم توافق با برادر خود و مخالفت با مسدودکردن بنادر هلند، ناپلئون سرزمین هلند را به قلمرو خود پیوست و آن‌جا را به هفت قسمت تقسیم کرد.
مکزیک، ۱٦ سپتامبر ۱۸۱۰
هیدالگو (Hidalgo) کشیش منطقه‌یی در مکزیک، درخواست استقلال اهالی مکزیک را عنوان کرد.
آلمان، سپتامبر ۱۸۱۰
دانشگاه برلین که در اوت ۱۸۰۹ به‌طور موقت افتتاح شده بود، به ریاست فیخته (Fichte) پروفسور فلسفه، رسماً گشایش یافت.
واشنگتن دی‌سی، ۲۷ اکتبر ۱۸۱۰
در پی شورش ساکنان بخش غربی فلوریدا علیه حکومت دیکتاتوری اسپانیا، مادیسون (Madison) طی اعلامیه‌یی آن‌جا را جزو قلمرو ایالات متحده اعلام کرد و سپاهی جهت حمایت از شورشیان به منطقه اعزام کرد.
ایالات متحده، دوم نوامبر ۱۸۱۰
مادیسون رییس‌جمهور ایالات متحده که در چهارم مارس برگزیده شده بود، بار دیگر تجارت با کشور فرانسه را آزاد اعلام کرد، به شرطی که اروپاییان هم بنادر خود را به روی کشتی‌های امریکایی بگشایند.
سوئد، ۱۷ نوامبر ۱۸۱۰
سوئد به انگلیس اعلان جنگ داد.
اقیانوس هند، سوم دسامبر ۱۸۱۰
ناوگان دریایی بریتانیا در پی نبرد گراندپورت (Grand Port) در ماه اوت امسال، جزایر رئونیون (Reunion) و موریس (Maurice) را تصرف کرد و اهالی را متعهد کرد که زبان و آداب و رسوم انگلیسی را بیاموزند.
آلمان، ۱۳ دسامبر ۱۸۱۰
حکومت فرانسه سراسر کرانه‌ی دریای شمال و دوک‌نشین اولدنبورگ (Oldenburg) را به قلمرو خود پیوست.
بریتانیا، ۱۵ دسامبر ۱۸۱۰
خانم سارا تریمر (Mrs. Sarah Trimmer) نویسنده‌ی انگلیسی، در سن ۶۹ سالگی دیده از جهان فروبست. او که یکی از دوستان ساموئل جانسون (Samuel Johnson) بود، چندین مدرسه‌ی ابتدایی جهت تعلیم افراد فقیر و بی‌بضاعت تأسیس کرد. علاوه بر آن وی چندین کتاب آموزشی تألیف کرد و هم‌چنین دو مجله‌ی «خانواده» و «پاسدار آموزش» را اداره می‌کرد.
روسیه، ۳۱ دسامبر ۱۸۱۰
تزار آلکساندر مسدودکردن بنادر اروپا را لغو کرد و بنادر کشور خود را به روی تمام کشتی‌های بازرگانی کشورهای بی‌طرف گشود و در عین حال، واردات کالاهای فرانسه را به روسیه تحریم کرد.
بریتانیا، ۱۸۱۰
والتر اسکات معروف‌ترین نویسنده‌ی حکایات رمانتیک و مصنف کتاب «آخرین روزهای زندگانی یک مطرب» و «مارمیون (Marmion)»، کتاب «پری دریایی» را انتشار داد.

زیادی از زنان در سال ۱۷۹۲ با نام‌نویسی در ارتش انقلابی به صف سربازان پیوسته و تعدادی از آن‌ها هم‌چون خواهران جوان فرنیگ (Fernig)، رن شاپوی (Reine Chapuy)، رز بویون (Rose Bouillon) و کاترین پوشتا (Catherine Pochetat)، در جنگ‌ها شجاعت و رشادت بی‌نظیری از خود نشان دادند و مانند سربازان مرد در نبردها شرکت کردند. تنها تفاوت، احساسات شدید آن‌هاست، با این حال، زنان در صف مقدم جبهه‌ی جنگ والمی (Valmy) و ژماپ (Jemappes) قرار گرفتند. اینک به‌نظر می‌رسد که آن‌ها برای شرکت‌نکردن در صف سربازان عصبانی و خشمگین هستند. اکنون تمام نمایندگان کنوانسیون بر این عقیده‌اند که هر پنج نفر از زنان متحده شده و پس از این سفر جنگی به میهن بازگردند. تعدادی از زنان هم مایلند که از این پس به خانه مراجعت کنند، لیکن عده‌ی کمی از این بیم دارند که پس از بیرون‌آمدن از ارتش، شغل و درآمدی نخواهند داشت. در تمام موارد به‌نظر می‌رسد که زنان از شرکت در جنگ لذت می‌برند، چون تابع هیجان و احساسات هستند و زندگی دسته‌جمعی نظامی و اقامت در پادگان را بر زندگی در خانه ترجیح می‌دهند. آنان می‌گویند: دنیای خانوادگی هیچ‌گونه هیجانی ندارد و زیستن در پادگان‌ها، راهی دیگر جهت ارضای تمایلات زنانه است.

۲۱ نفر از عوامل میانه‌رو به قتل رسیدند (پاریس، ۳۱ اکتبر ۱۷۹۳)

امروز تعداد پنج گاری حامل ۲۱ نفر از رهبران میانه‌رو ژیروندن (Girondin) در حالی‌که آواز مارسیز (Marseillaise) را می‌خواندند و به‌وسیله‌ی سربازان انقلابی محاصره شده بودند، به محل گیوتین رسیدند. گروه زیادی از تماشاچیان گریه می‌کردند، لیکن کسی دستگیر نشد. ژیروندن‌ها که در طول هفته‌ی جاری، پیوسته مورد بازجویی در دادگاه قرار گرفته بودند، از قبل می‌دانستند که سرنوشت آن‌ها محتوم است و باید با گیوتین اعدام شوند. در طی این مدت هیچ وکیلی

برای دفاع از آن‌ها تعیین نشد و زندگی و حیات آنان به‌وسیله‌ی کنوانسیون معین گردید. آن‌ها از این بیم داشتند که به‌طور مرتب آن‌ها را برای عبرت دیگران در شهر پاریس بگردانند. ایشان در ماه ژوئن با رأی نمایندگان مجلس ملی از نمایندگی معزول شدند، زیرا آن‌ها را گروهی ضدانقلاب می‌دانستند که همواه در کمین هستند تا به انقلاب آسیب برسانند، لیکن از نظر قانونی اشکالاتی جهت پیگیری آنان وجود داشت. در نتیجه در تاریخ ۳۱ مه، هنگامی‌که یک کمیته‌ی مخفی توسط ماره (Marat) کشف شد که ژیروندن‌ها با همکاری تعدادی از کوه‌نشینان که خود را از مردم پاریس معرفی می‌کردند، در بین مردم سلاح پخش می‌کردند که علیه انقلابیون اقدام به مبارزه نمایند. در این زمان، دستگیری ژیروندن‌ها آغاز شد و این خود دلیلی بر مجرمیت آنان بود و از نظر قانونی هم اشکالی نداشت. با کشف این کمیته، یکی از رهبران اصولگرای ژاکوبن‌ها به‌نام روبسپیر (Robespierre) در نطق شدیداللحنی اظهار داشت که این گروه مجرم و خیانتکار هستند و نباید تبرئه شوند و از حاضران خواست که حکم اعدام آن‌ها را بلافاصله اجرا نمایند.

بامداد روز بعد که نمایندگان برای تشکیل مجدد جلسات به محل پاله‌ناسیونال (Palais National) آمدند، مشاهده کردند که توپخانه در محل مستقر شده و نیروی انتظامی شهر آماده است تا خائنان انقلاب را دستگیر نماید.

شارلوت کورده *(Charlotte Corday)*، ماره را در حمام خانه‌اش به هلاکت رسانید (پاریس، ۱۳ ژوئیه ۱۷۹۳)

ژان پل ماره (Jean-Paul Marat)، مؤسس انجمن دوستی با مردم، نماینده‌ی مردم پاریس و یکی از رهبران ژاکوبن (Jacobin) (گروه جمهوری‌خواهان افراطی) به‌قتل رسید. وی زمانی‌که در حمام مشغول پانسمان بیماری پوستی قدیمی و لاعلاج خود بود، توسط شارلوت کورده که دختر یکی از اشراف مالباخته و فقیر هواخواه سلطنت فرانسه بود، کشته شد. کورده قبلاً از ماره اجازه خواسته بود که مطالبی را درباره‌ی توطئه‌ی کالوادو (Calvados) از طرف ژیروندن‌ها با او در میان نهد و در یک ملاقات خصوصی اسرار آن‌ها را فاش نماید، وی با موافقت ماره به آپارتمان شماره‌ی ۲۰ محل رو دو کوردلیه (rue de Cordeliers) رفت.

هنگامی‌که ماره مشغول شنیدن ماجرا بود، کورده مخفیانه و بدون فوت وقت به آشپرخانه رفت و کاردی را برداشت و در سینه‌بند خود پنهان کرد و در فرصت مناسب، سینه‌ی ماره را شکافت. کورده که با عمه‌اش در منطقه‌ی کائن (Caen) زندگی می‌کرد و با گروه ژیروندن روابط صمیمانه داشت و در خیانت با آنان شریک بود، دو روز پیش به پاریس آمد و چون شخص ماره را یکی از دشمنان حقوق انسان‌ها می‌شناخت، اقدام به کشتن وی نمود. کورده در روز حمله به زندان باستیل، نقشه‌ی قتل ماره را کشیده بود، چون ماره در آن روز خیلی احساس سرور و شادمانی می‌کرد و وی برای این‌که این احساس را در وی بکشد، خودش را در منزل مورد حمله قرار داد. او هنگامی‌که پلیس برای رسیدگی به ماجرا در صحنه ظاهر شد، مقاومتی نکرد و با کمال آرامی به مردمی که در آن‌جا جمع شده و انتظار دستگیری او را داشتند، نگریست.

چینی‌ها حمله‌ی بربرهای غربی را دفع کردند (کانتون، اکتبر ۱۹۷۳)

هیأتی که به سرپرستی لرد مکارتنی (Lord Macartney) برای پیگیری مذاکرات بازرگانی با چینی‌ها وارد بندر کانتون (Canton) شده بود، در گفت‌وگو با مقامات چینی جهت تجارت با انگلیس، شکست خورد. این هیأت که با شرکت ۹۵ نفر از مقامات برجسته‌ی چینی تشکیل شده و قرار بود یک معاهده‌ی ۷۸۰۰۰ پوندی جهت مبادلات بازرگانی با چین امضا کنند، در ملاقات با کیان‌لونگ (Qianlong) امپراتور آسمانی و پسر خداوند، با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد و امپراتور با کالاهای وارده از انگلیس موافقت نکرد.

المان، ۱۸۱۰
فرانز گال (Frnz Gall) و یوهان اسپورزهایم (Johann Spurzheim)، چهار جلد کتاب درباره‌ی تشریح سیستم اعصاب انتشار دادند. آن‌ها فرضیه‌ی اعمال انسانی را مربوط به نقاط مختلف مغز دانستند که هر عملی در مغز جایگاه ویژه‌یی دارد. گال هم‌چنین فرنولوژی یا علم تشخیص نقاط مختلف مغز را بنیان نهاد و مکان‌های مغزی را چون هوش و استعداد و یادگیری را مشخص ساخت و بدین‌وسیله شخصیت و حالات گوناگون عصبی را در سطح مغز تشریح کرد.

هونولولو(Honolulu)، ۱۸۱۰
جزیره‌ی هاوایی (Hawaii) به جزایر متحده تحت فرمانروایی کام‌هامه‌ها (Kamhameha) کبیر پیوست.

واشنگتن دی‌سی، ۱۸۱۰
جمعیت ایالات متحده ۳۶/۴درصد افزوده گشت و طبق سرشماری اخیر، جمعیت آن به ۷/۲ میلیون نفر رسید.

ماداگاسکار، ۱۸۱۰
نامپونا (Nampoina) پادشاه جزیره‌ی بزرگ ماداگاسکار (Madagascar) که از ۱۷۸۲ قدرت را در دست داشت، جان سپرد و راداما (Radama) جانشین وی گشت.

غنا، ۱۸۱۰
لشکریان قبایل فانت (Fante) به تلافی ازبین‌رفتن تجارت محلی با قبیله‌ی دشمن خود اسانت (Asante)، به هم پیوستند و به بنادر اکرا (Accra) و المینا (Elmina) یورش بردند.

فرانسه، ۱۸۱۰
ناپلئون نوشته‌ی مادام دواشتال (Madame de Stael) در رابطه با ویرانی آلمان را از بین برد.

فرانسه، ۱۸۱۱
جیمز روچلید (James Rothschild) یکی از بانکداران عمده‌ی دنیا، یک شعبه بانک در پاریس تأسیس کرد.

ونزوئلا، ۱۸۱۱
کنگره‌ی ونزوئلا کشور را سرزمینی مستقل و رژیم آن را جمهوری اعلام کرد. سیمون بولیوار (Simon Bolivar) رهبر مردمی ونزوئلا و فرانسیسکو میراندا (Francisco Miranda) سرباز ازموده‌ی انقلابی با هم متحد شدند.

اقیانوس هند، ۱۸۱۱
ناوگان دریایی بریتانیا، سرانجام با اشغال جزایر سیشل (Seychelles)، موریسیوس (Mauritius) و ماداگاسکار، به اقتدار فرانسه در اقیانوس هند پایان داد.

چین، ۱۸۱۱
انقلاب فرقه‌ی آسمانی چین (تیانلی جیامو (Tianlijiamo)) به شکست انجامید و آن‌ها را از ایالات شاندونگ (Shandong) و هه‌بی (Hebei) بیرون راندند.

چین، ۱۸۱۱
پس از تحریم هیأت مبلغان مسیحی در سال ۱۸۱۰، چینی‌ها در اقدامی علیه میسیون‌های مذهبی بیگانه که برای تغییر دین می‌آمدند، به موفقیت رسیدند.

هائیتی، ۱۸۱۱
هانری کریستوف (Henri Christophe) یکی از بردگان پیشین، به‌عنوان پادشاه بخش شمالی جزیره‌ی هائیتی (Haiti) تاجگذاری کرد. بخش جنوبی جزیره هم به‌دست آلکساندر پیه‌تون (Alexander Pieton) تحصیل‌کرده‌ی مولاتو (Mulatto)، سقوط کرد.

نیواورلئان، دهم ژانویه ۱۸۱۱
تعداد ۴۰۰ نفر از بردگان سیاه‌پوست که قیام کرده بودند، دستگیر شدند و تعداد ۶۶ نفر از آن‌ها در هنگام جدال کشته شدند. سفیدپوستان هم سر آن‌ها را جدا کرده و در مسیر راه‌ها به تیر نصب کردند که عبرت سایر سیاه‌پوستان شود.

واشنگتن دی‌سی، ۱۵ ژانویه ۱۸۱۱
کنگره در یک جلسه‌ی سری، نقشه‌ی ضمیمه‌شدن بخش شرقی فلوریدا را به ایالات متحده اعلام کرد.

ایالات متحده، دوم فوریه ۱۸۱۱
مادیسون به بریتانیا اولتیماتوم فرستاد و تقاضا کرد که تصمیمی را که درباره‌ی تحریم بندرها برای کشتی‌های تجاری در سال ۱۸۰۷ اتخاذ شده، لغو کند، چون این تحریم سبب گرفتاری‌های زیادی برای ایالات متحده شده است.

امپراتور هم‌چنین درخواست این هیأت راجع به تأسیس سفارتخانه در سرزمین چین را رد کرد.

کمپانی انگلیسی هند شرقی امیدوار بود که با تأسیس سفارتخانه‌ی دایمی در چین، موانع موجود بر سر راه تجارت با چین را بردارد. کمپانی در نظر داشت تمام بهای کالای وارداتی چین مانند چای و ابریشم را با نقره پرداخت کند. هم‌چنین بهای کالای صادراتی به چین را هم با وجه رایج در چین معامله کند و در ضمن این کالا را از پرداخت عوارض گمرکی معاف سازد.

هیأت مکارتنی مؤدبانه با امپراتور ملاقات کرد، با این وجود، امپراتور چین به گروه ایرلندی که همتای هیأت انگلیسی بود، اجازه داد که مذاکرات بازرگانی را با مقامات چین برگزار کنند، چون میسیون ایرلند پیش از باریافتن به حضور امپراتور ۹ بار زمین را بوسه زد. به هر ترتیب، این موضوع روشن شده که امپراتور به دولت‌های غربی به‌اصطلاح بربر اجازه نخواهد داد که از آن سوی اقیانوس در امور چین مداخله نمایند.

فرماندار منطقه‌ی جداشده هند می‌گوید: تمام بومیان افرادی فاسدند (کلکته، ۱۷۹۳)

پس از هفت سال حکومت، چارلز لرد کورنوالیس (Charles Lord Cornwallis) فرماندار کل بنگال، هندوستان را ترک کرد. او پس از تسلیم‌شدن در مقابل قوای استقلال‌طلبان امریکا در یورک‌تاون (Yorktown)، با روحیه‌ی تازه به هندوستان آمد و به‌عنوان نماینده‌ی دولت انگلیس مشغول به کار شد، در حالی‌که هیچ اتهام و جرمی نداشت. او به محض شروع به کار، اصلاحات انجام‌شده به‌وسیله‌ی وارن هاستینگز (Warren Hastings) را ادامه داد و تغییرات مهمی در کادر انگلیسی مستقر در هندوستان برای رسیدن به اقتدار کامل در شبه‌قاره انجام داد. وی برخلاف کلایو (Clive) و هاستینگز، دسته‌بندی را کنار گذارده و به تنظیم امور پرداخت و همین امر به شهرت او افزود، در نتیجه رضایت بیش‌تر مافوق خود، ویلیام پیت نخست‌وزیر انگلیس را جلب نمود. کورنوالیس توانست

اصلاحات اساسی در هند به‌عمل آورد و در این زمینه کمپانی را از دخالت در امور اجرایی برحذر داشت و امور اقتصادی و تجارت را به آن محول نمود و رشوه و ارتشا را در کمپانی برانداخت. در نبردهایی که برضد تیپو صاحب انجام داد، روحیه‌ی انسانیت و جوانمردی را مرعی داشت و در نظر داشت که روش و سبک اروپاییان را در آن‌جا پیاده کند. او گفت: «من به‌راستی دریافته‌ام که تمام بومیان این دیار فاسدند». این سخنان موجبات رنجش و انزجار مردم را فراهم کرد. او سیستم مالیاتی را تغییر داده و از زمین‌داران مالیات بیش‌تری وصول می‌کرد و به درآمد منطقه‌ی بنگال می‌افزود و عقیده داشت که باید از بار مالیاتی طبقه‌ی دهقانان کاست و برعکس از مالکان مالیات بیش‌تری وصول کرد.

با ترقی روبسپیر، وضعیت انقلاب فرانسه تغییر کرد (پاریس، ۲۷ اوت ۱۷۹۳)

ماکسیمیلیان روبسپیر (Maximilien Robespierre)، جوان جاه‌طلب دست‌چپی و حقوقدان فرانسوی که به ریاست کمیته‌ی انقلابی و کنوانسیون برگزیده شده بود، دگرگونی در سیستم انقلاب و امور کشور فرانسه به‌وجود آورد. روبسپیر که از منظر عمومی، شخصی فسادناپذیر و غیرقابل انعطاف بود، تا زمانی‌که کنوانسیون تحت نفوذ ژیروندن‌های میانه‌رو قرار داشت، آن‌چنان نفوذی نداشت، لیکن پس از قلع و قمع آن‌ها، از دوستان خود که نقش دست‌چپی در کمیته داشتند، دعوت کرد که به تدوین قانون اساسی بپردازند، زیرا تا هنگامی‌که بی‌قانونی در کشور حکم‌فرماست، افراد صاحب‌نفوذ مقاومت خواهند کرد و انتظارات عمومی برآورده نخواهد شد و مخالفان انقلاب، کشور را تجزیه و تمامیت ارضی آن را تهدید خواهند کرد. در وهله‌ی اول به‌نظر نمی‌رسید که روبسپیر، این جوان ۳۲ ساله، قیافه‌ی جذابی داشته باشد، یعنی قادر به انجام امور باشد. او فردی کوتاه‌قد با جثه‌ی نحیف و مغرور به‌نظر می‌رسد. موهای او خشن و شانه‌زده و دارای پوستی رنگ‌پریده و سبزه‌رو می‌باشد. او مردی است عصبی، با پشتکار و سخت‌کوش که اغلب ناخن‌های خود را می‌جود. صورت وی برافروخته است و هنگام نطق به‌ندرت می‌خندد و همواره جدی است.

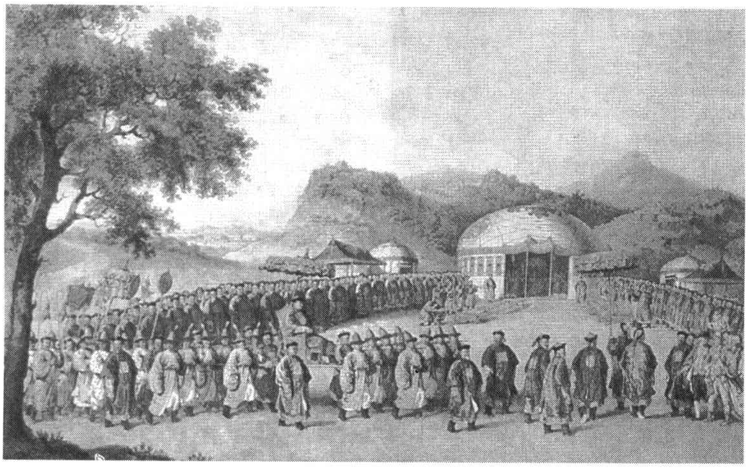
روبسپیر ثابت کرده که آدمی است پرکار و اغلب اوقات خود را وقف کار می‌کند و در تمام امور ساعی و جدی است. او برخلاف صدا و کلمات نرمی که در سخنانش به‌کار می‌برد، برای نمایندگای مجلس ملی، سخنان درشتی را علیه مخالفان بیان داشت، به‌طوری‌که دوستان دست‌چپی او مأیوس شدند، زیرا به همه تاخته بود. هنگامی‌که برای گروه اکثریت سخنرانی می‌کرد، بسیار مورد تشویق واقع شد. او قصد دارد که رهبری مجلس ملی را در اختیار داشته باشد. در نگاه او حرف‌های بسیار نهفته شده و در عین حال از چشمان او می‌توان پی برد که فساد، تحریک‌پذیری، پیمان‌شکنی و نقض عهد در وی وجود ندارد، در عین حال، روبسپیر ادعا می‌کند که شخصی جسور و بی‌باک می‌باشد.

انقلابیون تقویم پیشین را کنار نهاده و نام ماه‌ها را تغییر دادند (فرانسه، ۲۴ نوامبر ۱۷۹۳)

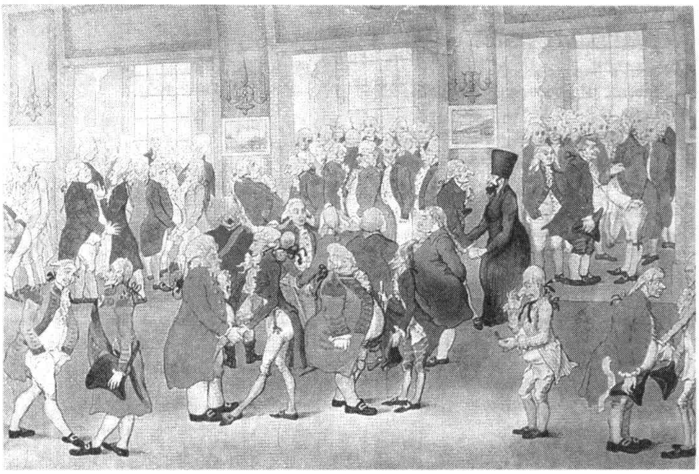
انقلاب بسیاری چیزها را در کشور تغییر داد، لیکن شاید هیچ‌کدام از این تغییرات به‌اندازه‌ی تغییرات اسامی ماه‌ها در زندگی مردم تأثیر نداشته است. همین امروز کنوانسیون براساس نظریه‌ی شارل روم (Charles Romme) ریاضیدان و فابر اگلانتین (Fabre d' Eglantine) درام‌نویس فرانسوی، اعضای کمیته تقویم جدید را منتشر کردند. از امروز گاهشمار سنتی که برپایه‌ی سیستم بردگی قرار داشت، منسوخ شد و روزشمار جدیدی جای آن را گرفت. این تقویم یا روزشمار براساس پدیده‌های طبیعت نام‌گزاری شده. روزشمار جدید شامل ۱۲ ماه سی‌روزه است که اسامی آن از طبیعت اقتباس شده، مانند پولوواز (Pulviose)، نیوز (Nivose) یا اسامی فصول سال مثل ژرمینال (Germinal) و فلورال (Floreal). پنج روز در سال هم که مربوط به مرسم شلواربلند می‌باشد، تعطیل



ماکسیمیلین روبسپیر Maximilien Robespierre، سیاست مدار انعطاف ناپذیر و خشونت گرا.



کیان لونگ، امپراتور چین به ملاقات لرد مک کارتنی Lord Macartney، سفیر بریتانیا ، می رود.



یک ضیافت پر تجمل و لوکس در بنگال هند که لرد کورنوالیس Lord Cornwallis حکمران کلکته، میزبان آن می باشد.



یک مرد سوسول یا درهم و برهم که قربانی مد روز شده با شلوار چسبان و گیسوی مصنوعی و عجیب با صورت پودرزده. اینان در اواخر سده کنونی با آرایش آنچنانی در انظار ظاهر می شوند و بیشتر از زنان تابع مد و تجمل هستند.



شارلوت کورده Charlotte Corday، قاتل ژان پل ماره Jean Paul Marat دستگیر شد.

است. نام روزهای هفته هم تغییر کرده، مثل پریمیدی (Primidi) و دوئودی (Duodi)، هم‌چنین تعطیلات مذهبی هم از بین رفت. روزهای تعطیلی تولد عیسی هم منسوخ شد و اسامی روزهای مذهبی به‌نام‌های گیاهان، اشیا و حیوانات تبدیل شد.

تمام شهروندان فرانسوی از حقوق مساوی برخوردار می‌شوند، اما این امر شامل زنان نیست (پاریس، نوامبر ۱۷۹۳)

المپ دوگوز (Olympe de Gouges) و مانون رولند (Manon Roland) به دار آویخته شدند. تروئین دو مریکور (Theroigne de Mericourt) ظاهراً دیگر جزو قدیسین به‌شمار نمی‌رود. باشگاه‌های زنان تعطیل و در عرض مدت یک‌ماه خراب خواهد شد، در حالی‌که زنان در پیشبرد انقلاب به‌اندازه‌ی مردان ایفای نقش کردند. سهم زنان را در انقلاب نمی‌توان اندازه گرفت، چون فداکاری آن‌ها بیش از حد بود. تعدادی از زنان انقلابی مانند رولند، تحت تأثیر ژیروندن‌ها قرار گرفتند. او با کمک دوگوز که طرفدار احقاق حقوق زنان بود، باشگاهی به‌نام تریکوتوز (Tricoteuses) را تأسیس کرد، هم‌چنین تروئین که پیش از این از ندیمه‌های درباری بود و برای انقلاب زحمات زیادی کشیده بود، تنها توانست باشگاهی برای هواداری از حقوق زن تأسیس کند. از همه مهم‌تر این‌که، یکی از زنان ماهی‌فروش بازار زنانه که فردی گمنام بود، با تعدادی از روسپی‌ها به‌عنوان پیشاهنگ زنان در نیروهای نظامی انقلاب فداکاری‌های زیاد انجام دادند. در روز فتح باستیل، یکی از شیرزنان حملات سختی بر نگهبانان باستیل کرد که موجب تحیر مردم شد. هم‌چنین در اکتبر ۱۷۸۹ زنان به‌سوی قصر ورسای رهسپار شدند و برای پیروزی انقلابیون دست به تظاهرات زدند. هنگامی‌که لویی از شهر پاریس فرار کرد، در ابتدا زنان عزیمت او را به مقامات دولت انقلابی گزارش کردند و در نتیجه سربازان، شاه را تعقیب کردند. زنان فرانسوی بسیاری از مقامات دولت سابق را از پست‌هاشان به زیر کشیده و با اولتیماتوم قانونی، چندین نفر از آن‌ها را تحویل انقلابیون دادند.

زن هم مانند مرد آزاد به‌دنیا آمده و باید از حقوق یکسانی با مرد برخوردار شود. انجمن طرفدار حقوق زنان اعلام کرد که باید زنان و مردان از نظر شغل و مقام و غیره، برحسب ظرفیت آن‌ها مساوی باشند و هرگونه تبعیض بین زن و مرد مطرود است. این اعلامیه را المپ دوگوز در سال ۱۷۹۱ انتشار داد. اکنون به‌نظر می‌رسد که انجمن طرفدار حقوق زنان، اقدامات مهمی در این‌باره انجام داده است. در حالی‌که انقلاب برای کسب حقوق مردان برپا شد، امروز به‌ناچار بایستی توجه بیش‌تری به زنان مبذول داشت.

جفرسون از مقام خود استعفا داد (ویرجینیا، ۳۱ دسامبر ۱۷۹۳)

توماس جفرسون (Thomas Jefferson) واضع اعلام استقلال امریکا، امروز با تشکر از رییس‌جمهور، از مقام خود به‌عنوان وزیر خارجه ایالات متحده استعفا و در مزرعه‌ی شخصی خود در ویرجینیا (Virginia) دوران بازنشستگی خود را آغاز نمود. جفرسون که قبلاً سفیر امریکا در پاریس بود، به‌علت مخالفت با احضار الکساندر هامیلتون (Alexander Hamilton) وزیر خزانه‌داری که بزرگ‌ترین دشمن اوست، به‌اتهام نادرستی و ناشایستگی در امور مالی، از شغل خود استعفا داده بود. این دو نفر، یعنی جفرسون و هامیلتون، از زمان تصویب قانون با هم مخالف بودند. هامیلتون از یک دولت مقتدر مرکزی پشتیبانی می‌کرد، در حالی‌که جفرسون عقیده داشت که باید به دولت‌های محلی اختیارات بیش‌تری داده شود. جفرسون با سیاست هامیلتون در مورد پرداخت وام‌های اخذشده هنگام جنگ‌های انقلاب و دفاع از خزانه‌داری، سخت مخالفت می‌کرد و می‌گفت: برای پرداخت این وام‌ها، بانک ایالات متحده هرچه زودتر تأسیس شود.

گرچه جفرسون با اقدامات و حرکات دوستش جیمز مادیسون (James Madison) موافق بود، اما

بریتانیا، پنجم فوریه ۱۸۱۱
برابر قانون نیابت سلطنت که از پارلمان گذشت، قرار شد جورج شاهزاده‌ی ویلز (Wales) در زمان حیات پدرش جورج سوم که مبتلا به جنون شده، وظایف سلطنت را انجام دهد و این تمرینی است برای وی که در زمان احراز قدرت از آن منتفع خواهد شد.

اتریش، ۱۵ مارس ۱۸۱۱
با بالارفتن هزینه‌های جنگ در قاره‌ی اروپا و موانعی که بر سر راه تجارت به‌وجود آمده، میزان درآمد کاهش پیدا کرده و افکار اقتصاددانان را به خود جلب کرده و از سویی باعث ورشکستگی اقتصاد دولت‌ها گردیده است.

بریتانیا، دهم مه ۱۸۱۱
با بحران اقتصادی که گریبان‌گیر دولت گردیده است، حکومت انگلیس مجبور به انتشار اسکناس شد.

ویرجینیا، ۱۶ مه ۱۸۱۱
در پاسخ به حملاتی که ناوگان بریتانیا به نیروی دریایی ایالات متحده به‌عمل آورد و باعث صدمات و خسارات زیاد شد، رییس‌جمهور دستور داد که شبانه به قایق‌های کوچک دشمن حمله کنند. این حمله به فرماندهی افسر نیروی دریای امریکا جان راجرز (John Rodgers) انجام شد و بر اثر آن تعداد نه نفر کشته و ۲۳ نفر زخمی شدند.

وین، مه ۱۸۱۱
لودویگ فان بتهوون (Ludwing Van Beethoven) پنجمین کنسرت پیانوی خود را به افتخار امپراتور اجرا کرد.

اسپانیا، ۲۸ ژوئن ۱۸۱۱
هنگامی‌که نیروهای فرانسوی به فرماندهی مسنا (Massena) از نیروهای انگلیسی به سرپرستی ولینگتون (Wellington) در تاریخ سوم ماه مه و در محل فونت دو اونورو (Fuentes de Onoro) شکست خوردند، میهن‌پرستان سوکت (Suchet) استحکامات تاراگونا (Tarragona) را تصرف کردند.

مکزیک، ۳۰ ژوئیه ۱۸۱۱
هیدالگو (Hidalgo) کشیش یکی از بخش‌های مکزیک که در سال گذشته خواستار استقلال مکزیک بود، توسط دادگاه تجسس عقاید به اعدام محکوم شد.

پروس، ۱۴ سپتامبر ۱۸۱۱
دولت قوانینی جهت تنظیم و بهبود روابط بین کشاورزان و زمین‌داران وضع و سیستم فئودالیته را لغو کرد.

اروپا، ۱۷ اکتبر ۱۸۱۱
دولت پروس و روسیه عهدنامه‌ی نظامی جهت جلوگیری از حملات و حوادثی که فرانسه به‌وجود می‌آورد، امضا کردند تا در مواقع مقتضی به‌طور مشترک به آن عمل کنند.

واشنگتن دی‌سی، چهارم نوامبر ۱۸۱۱
دوازدهمین اجلاس کنگره تشکیل شد. این اجلاس به‌منظور ترویج احساسات ملی‌گرایی و تحریک عرق ملی در مقابل دشمنان و پیروی از فرمانهای حکومتی در زمان جنگ برپا شد.

می‌سی‌سی‌پی، ۱۶ دسامبر ۱۸۱۱
زلزله دره‌ی می‌سی‌سی‌پی را درنوردید و باعث خسارات فراوانی گردید.

مصر، ۱۸۱۱
سلطان عثمانی زمام قدرت را در مصر به محمدعلی پاشا یکی از تجار توتون آلبانی که رهبری قشون سربازان آلبانی را در جنگ علیه فرانسه برعهده داشت، واگذار کرد.

ژاپن، ۱۸۱۱
در پی حملات وحشیانه‌ی روس‌ها به ژاپن که در سال ۱۸۰۷ صورت گرفت، نیروهای ژاپنی فرمانده سربازان روس ستوان گولوونین (Golovnin) و همراهان وی را دستگیر و در ماتسومای (Matsumae) زندانی ساختند.

پروس، ۲۴ فوریه ۱۸۱۲
دولت فرانسه و پروس عهدنامه‌ی نظامی امضا کردند که طبق آن پروس متعهد شد که یک‌چهارم از تمام متصرفات خود را به فرانسه واگذار کند و تسهیلات لازم را برای نظارت بر راه‌های روسیه در اختیار این کشور قرار دهد و برای این کار بیست‌هزار سرباز جهت بازرسی راه‌ها بگمارد.

اتریش، چهارم مارس ۱۸۱۲
ناپلئون پیمانی نظامی نظیر قرارداد با آلمان، با مترنیخ (Metternich) صدراعظم اتریش امضا کرد. تنها تفاوت آن، اعزام سی‌هزار تن سرباز جهت نظارت بر راه‌ها بود.

نمی‌خواست که این جریانات در دنیا سر و صدا کند. تعداد کمی از مردم ایالات متحده هم نسبت به انجام اصلاحات مورد نظر جفرسون نظر خوشی نداشتند، چون او با سیستم برده‌داری مخالف بود و در برابر اعاده‌ی این امر که در زندگی عموم تأثیر به‌سزایی داشت، مقاومت می‌نمود.

سلاطین اروپا در مقابل حکومت فرانسه، اتحادیه تشکیل می‌دهند (اروپا، سپتامبر ۱۷۹۳)

تمام کشورهای اروپایی در مقابل انقلاب فرانسه متحد شده‌اند. با امضای قرارداد بین انگلیس و پرتغال، کشور اخیر ضدیت خود را با انقلابیون و کنوانسیون اعلام داشت و در مخالفت با جمهوری فرانسه، به جمع سلاطین اروپا پیوست. از زمان اعلامیه‌ی پیل‌نیتز (Pillnitz) در سال ۱۷۹۱ که دولت‌های اتریش و پروس از سایر کشورهای اروپایی دعوت کردند که برضد فرانسه دست همکاری به یک‌دیگر دهند، دولت‌های اروپایی موضعی خصمانه در برابر فرانسه اتخاذ کردند. گرنویل (Grenville) نخست‌وزیر بریتانیا هم‌زمان با این جریانات از سایر کشورها خواست برضد اقدامات کنوانسیون متحد شوند، در نتیجه یک‌یک کشورهای اروپایی این دعوت را پذیرفتند. اکنون اعضای این اتحادیه عبارتند از: اتریش، پروس، روسیه، ساردنی، اسپانیا، ناپل و پرتغال.

در حالی‌که این قرارداد همکاری سست و بی‌دوام است و هیچ‌کدام از کشورها قلباً با اقدامات اعلام‌شده موافق نیستند. اعضای این اتحادیه می‌خواهند بار دیگر سیستم سلطنتی در فرانسه برقرار شود و تمام اقدامات کنوانسیون باطل اعلام گردد، لیکن تا به‌حال توافق‌نامه‌ی کلی در این مورد امضا نشده است، زیرا در مورد رهبری هنوز تصمیمی اتخاذ نشده و هریک از اعضا در این فکر هست که این مقام را به خود اختصاص دهد.

ایجاد ترور و وحشت در فرانسه یک رسم عادی و معمولی شده است. (پاریس، ۱۷۹۳)

هیچ فردی در کشور از گیوتین در امان نیست، چون ممکن است به‌ناگهان مجرم شناخته شده و به زیر تیغه‌ی این دستگاه برود. این جریان به‌صورت یک قانون درآمده که همسایه از همسایه‌ی خود بدگویی کند و با اشاره و شکایت او یا ایجاد شایعه‌یی مبنی بر این‌که اقداماتی برضد جمهوری در جریان است، اشخاص را مجرم شناخته و تحویل گیوتین بدهد. کمیته‌ی انقلاب با کار مداوم و تعصب غیرعادی به‌طور دایم در جست‌وجوی افرادی است که کوچک‌ترین انتقادی نسبت به امور جاری کشور انجام دهند، چون به هر اتهامی، فرد با کمال بی‌رحمی مجرم شناخته شده و به اعدام محکوم می‌شود. همین‌طور اگر کتاب یا نوشته‌یی در ارتباط با انقلاب یا احیاناً به حمایت از ضدانقلاب تشخیص داده شود، مؤلف یا نویسنده به هلاکت خواهد رسید. مردم شهر لیون (Lyons) چون از نظر انقلابیون پشتیبانی چندانی از انقلاب نکردند (با قانون دراکونی (draconian Laws) یکی از سرکردگان یونان باستان در سال ۶۲۱ پیش از میلاد قانون شکنجه‌ی افراد را در یونان معمول داشت) مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند. جوخه‌ی آتش که مأمور به‌راه‌انداختن گیوتین می‌باشد، همواره مشغول اعدام شهروندان است و در یک روز، ۵۹ نفر را به تیغه‌ی گیوتین سپرده است. در شهر پاریس، رابو سنت اتین (Rabaut St Etienne) وزیر پروتستان‌مذهب را که سخت شیفته‌ی آزادی مذهب بود، اعدام کردند. والمپ دوگوژ (Olympe de Gouges) هم که طرفدار حقوق زنان بود و از لویی شانزدهم طرفداری می‌کرد را با گیوتین به هلاکت رساندند. هم‌چنین یکی از شعرای زن به‌نام مادام رولند (Mme Roland) که هواخواه ژیروندن‌ها بود را به اعدام محکوم کردند. وی با دیدن جوخه‌ی اعدام گفت: «اوه ای آزادی، چه جنایت‌ها که به‌نام تو برپا می‌کنند».

به‌علت بحران اقتصادی، دستمزدها و بهای کالا تثبیت شد (پاریس، ۲۹ سپتامبر ۱۷۹۳)

طبق تصمیم کمیته‌ی انقلابی جهت مبارزه با بحران اقتصادی، سطح دستمزدها و قیمت کالا باید ثابت بماند و این یکی از راه‌های مقابله با ورشکستگی مالی کشور طاعون‌زده‌ی فرانسه می‌باشد. برابر قانون کلی مصوبه‌ی کنوانسیون که حداکثر قیمت را تضمین می‌کند و بایستی توسط تمام دستگاه‌های مملکتی رعایت شود، تنها ۳۰ درصد بهای کالا نسبت به سال ۱۷۹۰ می‌تواند افزایش یابد و این امر ضامن تورم است، یعنی با این افزایش از تورم جلوگیری خواهد شد. در حالی‌که کنوانسیون اجازه داده که دستمزدها تا سطح ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۷۹۰ افزایش پیدا کند. این تصمیم به‌دنبال احتمال جنگ تابستانی با کشورهای اروپایی گرفته شد و چون ممکن بود قحطی مواد غذایی در شهرها پیش آید و از سویی ارتش و نیروهای مسلح دچار کمبود آذوقه شوند، لیکن کشاورزان و دهقانان هم با این شایعات اقدام به مخفی‌کردن آذوقه کرده و این را از حقوق خود می‌دانند. در همین اثنا، کارگران و کارمندان شهر پاریس تقاضای اضافه دستمزد کرده‌اند.

گروه‌های شرور، انقلابیون فرانسه را مورد حمله قرار می‌دهند (وندی، ژانویه ۱۷۹۴)

ژنرال تورو (Turreau) فرمانده ارتش غرب فرانسه، از سربازان و نیروهای مسلح سرگردان و آواره دعوت کرد که به ارتش به پیوندند. به‌عبارت دیگر، این دسته‌های آواره و شرور که بیش‌تر از روستاییان و دهقانان هستند، با اقداماتی از قبیل غارت منازل و کشتار مردم در منطقه‌ی وندی (Vendee)، سبب آزار و اذیت شهروندان شده و خواب را از مردم ربوده‌اند. ارتش هم جهت جلوگیری از این اعمال وحشیانه درصدد برآمده که از این نیروهای سرگردان سپاهی درست کرده و از آن‌ها استفاده کند.

پس از دو هفته و در نتیجه‌ی شکست شورشیان در ناحیه‌ی ساونه (Savenay)، شورش آن‌ها پایان یافت و جمعی از دهقانان توسط جوخه‌ی آتش به‌قتل رسیدند. اکنون تورو رهبر شورشیان، ۱۲ ستون از آن‌ها را که به

ونزوئلا، ۱۲ مارس ۱۸۱۲
زلزله‌ی شهر کاراکاس (Caracas) پایتخت ونزوئلا (Venezuela) با خرابی‌های بسیار و غارت و چپاول همراه بود و دامنه‌ی آن سایر مناطق این جمهوری را فراگرفت. کشیشان سلطنت‌طلب اعلام کردند که این انتقام خداوندی است که انقلابیون را دچار کرد.
نیواورلئان، چهارم آوریل ۱۸۱۲
سرزمین اورلئان به‌عنوان هجدهمین ایالت پذیرفته شد و لوئیزیانا نام گرفت.
فنلاند، نهم آوریل ۱۸۱۲
روسیه و سوئد یک پیمان ائتلافی در منطقه‌ی آبو (Abo) امضا کردند. سوئد سرزمین فنلاند را به روسیه واگذار کرد و تعهد کرد که تعداد سی‌هزار نفر سرباز به کمک ارتش روسیه بفرستد. روسیه هم قول داد در پیوستن نروژ به سوئد، این کشور را یاری نماید.
فرانسه، نهم مه ۱۸۱۲
ناپلئون در پاسخ به رد پیشنهادش توسط تزار آلکساندر مبنی بر بستن بنادر اروپایی به روی ناوگان تجاری انگلیس، روابط این کشور با روسیه را قطع کرد.
آلمان، ۱۸۱۲
هگل (Hegel) فیلسوف آرمان‌گرا (ایده‌آلیست) آلمانی، نخستین جلد از کتاب علم منطق خود را انتشار داد.
فرانسه، ۱۸۱۲
ژورژ کوویه (Georges Cuvier) طبیعی‌دان فرانسوی نخستین جلد از کتاب «تحقیقات فسیل‌شناسی درباره‌ی جانوران مهره‌دار» را منتشر کرد.
افریقای جنوبی، ۱۸۱۲
در بحبوحه‌ی چهارمین نبرد برای تصرف مرزهای کیپ شرقی، نیروهای انگلیسی تحت امر سرهنگ گراهام (Colonel Graham) در پشتیبانی از اقوام بوئرهای زمین‌خوار، تعداد ۲۲هزار نفر از طوایف خویزان (Khoisan) و خوزا (Xhosa) را به سواحل رودخانه‌ی ماهی تبعید کردند. آن‌ها پس از اتمام این کار، یک خط دفاعی در سراسر این رودخانه ایجاد کردند.
مکزیک، ۱۸۱۲
ونه گاس (Venegas) نایب‌السلطنه‌ی مکزیک، از بیم توسعه‌ی حرکت استقلال‌طلبان، نیرویی مرکب از یک‌چهارم تمام افراد نظامی کشور را جهت امنیت شهر دانشگاهی مکزیکو و حفاظت دانش‌پژوهان به‌کار گرفت و در ضمن گسترش بخش‌های کلیسایی را معلق گذاشت.
امپراتوری عثمانی، ۲۸ مه ۱۸۱۲
دولت‌های عثمانی و روسیه در شهر بخارست (Bucharest) عهدنامه‌یی امضا کردند. طبق این پیمان، روسیه بسارابی (Bessarabia) (رومانی (Romania)) را تصرف کرد و نیروهای روسیه و عثمانی خط مرزی در سراسر رود پروت (Pruth) را مشخص و از آن پاسداری کردند.
بریتانیا، نهم ژوئن ۱۸۱۲
در پی کشته‌شدن اسپنسر پرسیوال (Spencer Perceval) نخست‌وزیر بریتانیا، لرد لیورپول (Lord Liverpool) کابینه‌ی جدیدی تشکیل داد.
ایالات متحده، ۱۹ ژوئن ۱۸۱۲
ایالات متحده با این احساس که بریتانیا در امور داخلی آن کشور مداخله می‌کند، به گردآوری سربازان احتیاط برای نیروی دریایی و زمینی پرداخت و به انگلیس اعلان جنگ داد.
روسیه، ۲۴ ژوئن ۱۸۱۲
ناپلئون در رأس ارتش عظیم خود از نیمان (Nieman) گذشت و حمله به روسیه را آغاز کرد.
لهستان، ۲۸ ژوئن ۱۸۱۲
ناپلئون شهر ویلنا (Vilna) پایتخت بخش روسی لهستان را اشغال کرد.
لندن، ۲۹ ژوئن ۱۸۱۲
خانم سارا سیدونز (Mrs. Sarah Siddons) در نقش ملکه‌ی انگلیس، آخرین قسمت نمایش‌نامه‌ی لیدی مکبث (Lady Macbeth) را تهیه کرد.
سوئد، ۱۸ ژوئیه ۱۸۱۲
بریتانیا با امضای عهدنامه‌ی اوربرو (Orebro) با دولت روسیه و سوئد، به صلح دست یافت.

سپاه آبی‌پوشان معروف هستند را برای محو آثار خرابی‌هایی که در اثر این قیام خونین برپا شده بود و پیمان صلح به آن منطقه اعزام داشته است. اکنون تنها آثار آن‌ها، زمین‌های سوخته‌یی است که از آن‌ها باقی مانده، چون روستاییان تمام زمین‌های زراعتی و محصول را با کمال شقاوت و بی‌رحمی آتش زده بودند. برابر فرمان دولت مرکزی، تمام راهزنان مسلح و کسانی‌که در جاده‌ها مسلح هستند، باید به‌وسیله‌ی سرنیزه به‌قتل برسند. طبق این دستور، عوامل حکومتی، زنان، دختران و کودکان وابسته به این شورشیان هم باید کشته شوند، علاوه بر آن سربازان اعزامی، خانه و شهر و محصولات باقی‌مانده و هرچیز قابل اشتعال را طعمه‌ی حریق می‌سازند تا دیگر هیچ‌گونه اثری از آن‌ها باقی نماند.

تمام قدرت حکومتی در اختیار دولت انقلابی قرار گرفت (پاریس، ۱۹ آوریل ۱۷۹۴)

امروزه چه‌کسی بر فرانسه حکومت می‌راند؟ جواب این سؤال روشن است، تمام افراد! شاید کمیته که مسؤول حفظ و امنیت عمومی است، تقریباً تمام قدرت حاکم را در دست داشته باشد، لیکن این هم ادعایی بیش نیست. در رأس کمیته شخص روبسپیر قرار دارد که همه‌ی تصمیمات سیاسی و اجرایی را در اختیار دارد و بر تمام کشور حکومت می‌کند و خود را مسؤول تمام امور می‌داند. هرچند که ظاهراً کمیته در برابر کنوانسیون که تنها چند نماینده دارد، باید پاسخگو باشد، لیکن به‌دستور کمیته همه‌روزه تعدادی از افراد در دادگاه فرمایشی محاکمه و به اعدام با گیوتین محکوم می‌شوند. هم‌چنین به‌دستور کمیته، همه‌ی وزیران از کار برکنار شدند، زیرا کمیته آن‌ها را به توطئه علیه انقلاب متهم کرد و این موضوع در تریبون انقلابی پاریس اثبات شد. در نتیجه آن‌ها را از قدرت برکنار کردند و اخیراً پلیس آن‌ها را دستگیر نمود.

سکه‌های طلای ضرب انگلیس در راه جنگ با سرخ‌پوست‌ها به مصرف می‌رسد (فیلادلفیا، ۱۹ نوامبر ۱۷۹۴)

به‌دستور دولت فدرال تا تاریخ اول ژوئن ۱۷۹۶



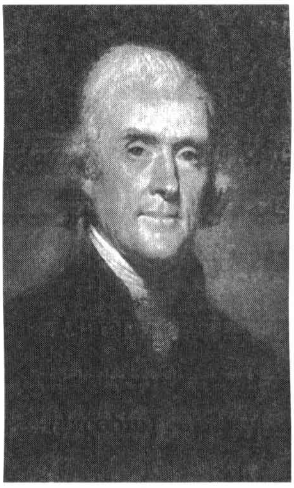




سه نمونه ی جدید برای نام گزاری ماه های جدید: ۱-ونتوز Ventose، نشانه ی ماه فوریه، تره میدور Thermidor: در ژوئیه و فریمر: Frimaire در نوامبر. در تقویم جدید ماه ها نموداری از آب و هوا و فصول هستند.



تصویر یک روستایی فرانسوی که با پیوستن به انقلابیون به موفقیت نایل شده. او تنها از نظر ایمنی و امنیت در خطر است و هم چنین از نوسانات نرخ ها رنج می برد.



توماس جفرسون Thomas Jefferson، یکی از بانیان قانون اساسی که به پدر میهن ملقب شد.



زنان میهن پرست در انجمن ها به تمرین سخنرانی های انقلابی می پردازند و در ضمن محدود هستند.



سربازان بی شوار انقلابی پس از یک روز خسته کننده از پا درآمده اند. نقاشی از نظر مردم انگلیس.



انقلابیون فرانسوی با عقاید انقلابی خود مغزهای مردم اروپا را بمباران می کنند.

اسپانیا، ۲۲ ژوئیه ۱۸۱۲
نیروهای بریتانیایی به فرماندهی دوک ولینگتون (Wellington)، قوای فرانسه را در شهر سالامانکا (Salamanca) مغلوب کردند.

ونزوئلا، ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۲
فرانسیسکو میراندا فرمانده ارتش انقلابی ونزوئلا، تسلیم نیروهای اسپانیایی شد. وی در سال ۱۸۱۰ استقلال ونزوئلا را اعلام کرد و در آن‌جا حکومت جمهوری به‌وجود آورد.

اسپانیا، ۱۲ اوت ۱۸۱۲
نیروهای ارتش بریتانیا شهر مادرید را تصرف کردند و به ژوزف بوناپارت (Joseph Bonaparte) فشار آوردند که پایتخت را ترک کند.

روسیه، ۱۸ اوت ۱۸۱۲
ناپلئون به شهر اسمولنسک (Smolensk) وارد شد.

امریکای شمالی، ۱۸۱۲
ژنرال ویلیام هول (William Hull) فرماندار میشیگان (Michigan)، در جنگ با قوای بریتانیا، حاکمیت خود را از دست داد و به‌سوی بندر دیترویت (Detroit) رفت تا آن‌جا را تسخیر کند. قوای انگلیس با دو حرکت گازانبری نیروهای امریکایی را در میان گرفت و آن‌ها را تار و مار کرد و ضرباتی هم به پاسداران مرزی کانادا وارد آورد.

روسیه، ۱۴ سپتامبر ۱۸۱۲
با وجود فشاری که قوای روسیه در اوایل این ماه به ارتش فرانسه وارد آورد تا آن‌ها را مجبور به عقب‌نشینی کند، ناپلئون به شهر مسکو وارد شد، شهری که مردم آن فرار کرده و آن را آتش زده بودند.

کانادا، ۱۶ اکتبر ۱۸۱۲
نیروهای بریتانیا قوای ایالات متحده را در کوئینزتاون (Queenstown) نزدیک آبشار نیاگارا (Niagara) شکست دادند. امریکایی‌ها سعی کردند که از رود نیاگارا بگذرند و کانادا را از داخل‌شدن در جنگ بازدارند.

روسیه، ۱۸ اکتبر ۱۸۱۲
مراد پادشاه دوسیسیل (منظور از دوسیسیل، جزیره‌ی سیسیل و ساردنی است) که فرماندهی سواران ناپلئون را در جنگ برعهده داشت، در مقابله با قوای روسیه در شهر وینکوو (Vinkovo) مغلوب شد.

روسیه، ۱۹ اکتبر ۱۸۱۲
ناپلئون پس از ناامیدشدن از تعقیب تزار آلکساندر جهت به‌دست‌آوردن او، شروع به عقب‌نشینی از مسکو کرد.

اسپانیا، دوم نوامبر ۱۸۱۲
ژوزف بوناپارت شهر مادرید را پس از سقوط آن توسط بورگوس (Burgos) در ماه سپتامبر و افتادن آن به‌دست قوای انگلیس، مجدداً تسخیر کرد.

کانادا، ۲۳ نوامبر ۱۸۱۲
اشتباه تاکتیکی دوستون فرمانده سربازان ایالات متحده، باعث ضعف روحیه‌ی لشکریان شد و آن‌ها دست از جنگ در کانادا برداشتند و عقب‌نشینی کردند و یک‌چهارم از فصل زمستان را در ایالت نیویورک گذرانیدند.

روسیه، ۲۸ نوامبر ۱۸۱۲
بازماندگان ارتش بزرگ ناپلئون توانستند از برسینا (Beresina) عبور کنند.

ایالات متحده، ۲ دسامبر ۱۸۱۲
جیمز مادیسون (James Madison) دوباره به ریاست‌جمهوری انتخاب شد.

روسیه، پنجم دسامبر ۱۸۱۲
ناپلئون به قصد پاریس روسیه را ترک کرد تا به شایعات علیه خود پایان دهد و یک نیروی سپاهی جدید علم کند.

پروس، ۲۰ دسامبر ۱۸۱۲
بقایای ارتش بزرگ به پروس شرقی رسید.

لیتوانی (Lithuania)، ۳۰ دسامبر ۱۸۱۲
با وجود شکست مفتضحانه‌ی ارتش کبیر ناپلئون در هجوم به روسیه، پروس در شهر تائورگن (Tauroggen) پیمان بی‌طرفی با روسیه در جنگ امضا کرد.

افریقای شرقی، ۱۸۱۲
سربازان اهل لامو (Lamu)، سپاهیان مومباسا (Mombasa) و پیت (Pate) را در نبرد شلا (Shela) منهزم کردند. اینک لامو استقلال خود را از پیت اعلام کرده است.

بایستی تمام پایگاه‌های انگلیسی مستقر در سرزمین‌های شمال غربی امریکا برچیده شود، زیرا این پایگاه‌ها برای حمایت سرخ‌پوستان و ایجاد مزاحمت برای دولت امریکا برپا شده‌اند. این موافقت‌نامه‌ها بین گرنویل نخست‌وزیر انگلیس و وزیر دادگستری ایالات متحده امضا شد و در نتیجه کانون مزاحمت برای ایالات متحده، با مذاکرات طولانی که بین طرفین صورت گرفته بود، برچیده شد. از دیگر مواد این پیمان، توافق بر سر پرداخت غرامتی است که باید انگلیس بابت خسارات ایالات متحده در طی جنگ تأدیه نماید.

دولت بریتانیا، سرخ‌پوستان را تحریک می‌کرد که به ساکنان لمریکایی ایالات مختلف امریکا حمله کنند و آن‌ها را از اماکن مسکونی خود برانند. این موضوع باعث ایجاد بدبینی بین دو کشور شده بود و چون این امر باعث تحریک کنگره و احیاناً اعلان جنگ می‌شد، واشنگتن رییس‌جمهور، نمایندگان کنگره را قانع ساخت و از بروز جنگ ممانعت به‌عمل آورد. تا تاریخ اوت سال گذشته، دولت امریکا در مقام معارضه برنیامد، لیکن در این ماه سرلشگر واین (Wayne) با لشگرکشی به آن نواحی سرخ‌پوستان تحت حمایت دولت انگلیس را در منطقه‌ی فالن تیمبرز (Fallen Timbers) شکست داده و تمام خانه‌های آن‌ها را تخریب کرد و قلاعی به‌نام واین برای جلوگیری از حملات بعدی آن‌ها در آن منطقه بنا نمود. بر اثر این شکست، سیاست دولت انگلیس دگرگون شد. با این وصف، امریکایی‌ها مخالف انعقاد پیمان با بریتانیا بودند، لیکن به‌نظر نمی‌رسد که ادامه‌ی جنگ به نفع طرفین باشد و امضای قرارداد به درگیری‌ها پایان بخشد.

یکی از بنیادگرایان می‌گوید: جانوران از نظر خلقت و آفرینش ثابت نمی‌مانند (لندن، ۱۷۹۴)

اراسموس داروین (Erasmus Darwin) پزشک متفکر آزادی‌طلب و یکی از بنیادگرایان انگلیسی، معتقد است که گونه‌های جانوران ثابت نمی‌ماند و تغییرپذیر است. او در کتاب جدید خود به‌نام «زونومیا

(Zoonomia)» ثابت می‌کند که جانوران تحت تأثیر سازش و تطابق با محیط زیست تکامل می‌یابند و این تکامل تدریجی و دایمی است.

طبق نظریه‌ی داروین، گونه‌های جانوران مشخصاتی را که با محیط زندگی هم‌آهنگ است و امتیازی جهت زیست به‌شمار می‌رود، برمی‌گزینند و خصیصه‌های ناهم‌آهنگ را از دست می‌دهند، زیرا ویژگی‌های برجسته، آن‌ها را با محیط تطابق داده و سبب می‌شود دوران زندگی آن‌ها طولانی‌تر شود و این عوامل موجب بقای نسل آن‌ها خواهد شد.

هرچند این نظریه به‌طور کامل ثابت نشده، لیکن داروین معتقد است که منبع و سرچشمه‌ی حیات یکی است و زندگانی موجودات طبیعت از منبع واحدی سرچشمه گرفته و تکامل گونه‌های جانوران باعث تغییر گونه‌ها می‌شود و موجودات زنده‌ی اولیه در اثر تطابق و همزیستی با محیط زیست تکامل می‌یابند و به‌شکل موجودات عالیه درمی‌آیند.

انقلاب سبب شکوفایی هنر و صنعت شده است (پاریس، ۱۷۹۴)

هنرمندان و صنعتگران فرانسوی هم در خدمت انقلاب قرار گرفته و مناظر و رخدادهای مربوط به آن را به‌تصویر درمی‌آورند. نقاشان مردمی تصاویری از سقوط باستیل و اعدام پادشاه یا ماری آنتوانت را به روی صحنه می‌آورند. آن‌ها مناظری هم‌چون تظاهرات برای کسب حقوق زن و کلاه قرمز فریژی را که سمبل آزادی است، بر روی بشقاب‌های چینی و انفیه‌دان و قوطی‌های تنباکو و توتون ترسیم می‌کنند.

ژاک لویی داوید (Jacques Louis David) که یک نقاش رسمی است، همواره در خدمت کنوانسیون است، او یکی از نمایندگان می‌باشد و تصاویر قهرمانان و شهیدانی را که در راه انقلاب به شهادت رسیده‌اند (هم‌چون ژوزف باره (Joseph Bara)، پسری که فریاد زد: زنده‌باد جمهوری! به‌عوض این‌که بگوید: زنده باد فرانسه) و یا قتل ماره را ترسیم کرده است. داوید روز پیش از کشته‌شدن ماره، به ملاقات او رفته بود. ماره در روزی که به‌وسیله‌ی شارلوت کورده به هلاکت رسید، در حمام مشغول پانسمان بیماری مقاوم پوستی خود بود که مورد هدف شارلوت قرار گرفت.

در موزه‌ی لوور هم هنرمندان تصاویری از قهرمان انقلابی کشیده‌اند. این تصاویر که به‌وسیله‌ی بوشر (Boucher) و فراگونار (Fragonard) ترسیم شده، قهرمانان انقلابی را که توسط هواداران سلطنت به شهادت رسیده‌اند، نشان داده است. مردم هنر نقاشی را نزد داوید که استاد نقاشی است، می‌آموزند. از سال ۱۷۹۲، هنرمندان نقاش، برای تمسخر و استهزای شاه و ملکه، کارت‌های بازی با نقش شاه و ملکه و سرباز به نشانه‌ی کامیابی و خوشبختی، شرم و حیا و داوری ترسیم نمودند یا به تفسیر دیگر، این علائم نقش راسین (Racine)، ولتر (Voltaire) و روسو (Rousseau) را داشت.

سیستم برده‌داری در کشور فرانسه منسوخ شد (پاریس، چهارم فوریه ۱۷۹۴)

در حالی‌که سه نفر از سیاه‌پوستان محلی در سانتو دومینگو (Santo Domingo) به‌عنوان نماینده‌ی پارلمان محلی صاحب کرسی شدند، امروز نمایندگان کنوانسیون، به‌اتفاق آرا، سیستم برده‌داری را در تمام متصرفات فرانسه لغو کردند و اعلام داشتند: تمام شهروندان فرانسوی از حقوق برابر برخوردار خواهند شد. به مجرد اعلام رسمی مصوبات مجلس دومینگو، رییس کنوانسیون فرانسه هم پشت تریبون قرار گرفت و از تصمیم مجلس محلی دومینگو مبنی بر لغو سیستم برده‌داری استقبال نمود. تصمیم لغو برده‌داری در فرانسه، توسط لهواسو (Levasseur)، دانتون (Danton) و لاکروآ (Lacroix) اتخاذ شد، اما در حقیقت این مجلس سانتودومینگو بود که به کنوانسیون روحیه داد تا این حرکت را شروع کند.

در سال ۱۷۹۲، یک‌سال پیش از وقوع شورش سانتودومینگو، دو هیأت مرکب از نمایندگان محلی

آلمان، ۱۸۱۲
ژاکوب و ویلهلم گریم (Jakob and Wilhelm Grimm) دو نفر از کارشناسان آداب و رسوم قدیمی آلمان، کتابی موسوم به «داستان پریان» انتشار دادند.
انگلیس، ۱۸۱۲
لرد بایرون (Lord Byron) با انتشار کتاب «زیارت هارولد (Harold) در روز عید بی‌گناهان» (منظور از عید بی‌گناهان، روز بیست‌وهشتم دسامبر است)، به حدی مورد استقبال قرار گرفت که اشعار وی در سراسر اروپا نقل می‌شد.
کانادا، ۲۲ ژانویه ۱۸۱۳
نیروهای بریتانیا به فرماندهی هنری پروکتور (Henry Proctor)، قوای ایالات متحده را که درصدد حمله به دژ دیترویت (Fort Detroit) بودند، شکست دادند.
فرانسه، ۲۵ ژانویه ۱۸۱۳
ناپلئون به پاپ پیوس هفتم فشار آورد که دومین موافقت‌نامه‌ی مربوط به الحاق منطقه‌ی پاپ‌نشین که پیمان آن در سال ۱۸۰۹ بسته شده بود و منظور از آن ضمیمه‌شدن آن به فرانسه بود را مورد تصویب و تأیید قرار دهد.
اتریش، ۳۰ ژانویه ۱۸۱۳
اتریش پیمان متارکه‌ی جنگ را با روسیه امضا کرد.
پروس، سوم فوریه ۱۸۱۳
فردریک ویلهلم سوم پادشاه پروس، همه‌ی مردم را به شرکت در ارتش فراخواند.
لهستان، ۱۸ فوریه ۱۸۱۳
تزار آلکساندر در رأس ارتش خود وارد شهر ورشو (Warsaw) شد.
امریکای جنوبی، ۲٤ فوریه ۱۸۱۳
کشتی بریتانیایی طاووس توسط ناوگان دریایی ایالات متحده در ساحل گویان (Guiana) غرق شد.
پروس، ۲۷ فوریه ۱۸۱۳
فردریک ویلهلم سوم پیمان تهاجمی و تدافعی با دولت روسیه در کالیتز (Kalisz) امضا کرد.
سوئد، سوم مارس ۱۸۱۳
بریتانیا با امضای پیمانی عدم مخالفت خود را با یکپارچگی سوئد و نروژ اعلام داشت. برمبنای این معاهده، آرامش در سوئد برقرار شد و ارتش جدید سوئد با سی‌هزار سرباز به رهبری پرنس برنادوت (Bernadotte) نایب‌السلطنه‌ی کشور تشکیل شد.
آلمان، چهارم مارس ۱۸۱۳
ارتش روسیه به برلین رسید. پادگان‌های فرانسوی بدون جنگ شهر را تخلیه کردند.
آلمان، ۱۸ مارس ۱۸۱۳
سپاهیان روس شهر هامبورگ را فتح کردند. آن‌ها همچنین شهر درسدن (Dresden) پایتخت ساکسونی (Saxony) را در ۲۷ مارس تصرف کردند.
رم، ۲٤ مارس ۱۸۱۳
پاپ پیوس هفتم موافقت‌نامه‌یی را که در ژانویه با ناپلئون در فونتن‌بلو (Fontainebleau) امضا کرده بود، الغا کرد.
پروس، ۲۷ مارس ۱۸۱۳
فردریک ویلهلم سوم پادشاه پروس، به فرانسه اعلان جنگ داد.
امریکای شمالی، ۱۵ آوریل ۱۸۱۳
سربازان تحت فرماندهی جیمز ویلکینسون (James Wilkinson)، شهر موبایل (Mobile) (در ایالت آلاباما (Alabama)) را که در دست اسپانیولی‌ها بود، تصرف کردند.
کانادا، ۲۷ آوریل ۱۸۱۳
سپاهیان امریکایی شهر یورک (York) (تورنتو (Torento)) پایتخت ایالت اونتاریو (Ontario) را از نیروهای انگلیسی باز پس گرفتند.
آلمان، دوم مه ۱۸۱۳
ناپلئون لشکریان مشترک روس و پروس در گروسگورشن (Grossgorschen) نزدیک شهر لوتزن (Lutzen) را منهزم کرد.
ایالات متحده، نهم مه ۱۸۱۳
لشکریان امریکایی تحت فرمان ویلیام هاریسون (William Harrison)، دژ میگز (Fort Meigs) در اوهایو را که مدت ده روز در محاصره‌ی نیروهای بریتانیا بود، از محاصره رهایی بخشیدند.
آلمان، ۱۸ مه ۱۸۱۳
سپاهیان دریایی سوئد در پومرانیا (Pomerania) پیاده شدند.

به‌وسیله‌ی سونتونا (Sonthonax) و پل ورل (Polverel) برای رسیدگی به امور جزیره اعزام شدند. در اوت ۱۷۹۳، تمام ۵۰۰ هزار برده‌ی سیاه‌پوست آزاد شدند و این سیاست طرفدار حقوق بشر، به‌عنوان نمونه مورد تأیید قرار گرفت. از سویی چون حکومت انقلابی فرانسه درگیر امور کشور بود، نمی‌توانست در مقابل دولت‌های انگلیس و فرانسه بایستد و به جنگ تن در دهد و در نتیجه امور مستعمرات معوق ماند. عوامل وفادار به سلطنت فرانسه هم به میهن‌پرستان تبدیل شدند و در نتیجه انقلاب بردگان شروع شد. اکنون کنوانسیون امیدوار است که لغو سیستم برده‌برداری در مستعمرات، سیاه‌پوستان و بردگان مستعمرات انگلیس را هم تحریک به جنگ علیه آن دولت نماید و در ضمن دولت انقلابی در خفا به بردگان مستعمرات انگلیس کمک می‌رساند تا از حقوق خود دفاع نمایند. امروز در جلسه‌ی کنوانسیون، دانتون با شور و شوق فراوان فریاد زد که پیت نخست‌وزیر سابق انگلیس مرد، او امیدوار است که بردگان مستعمرات بریتانیا هم بر ضد اربابان خود قیام کنند.

جمهوری‌خواهان شهر فرانسوی را از بریتانیا پس گرفتند (تولون، فرانسه، ۱۹ دسامبر ۱۷۹۳)

تولون (Toulon) نخستین پایگاه دریایی فرانسه که مدتی در چنگ بریتانیا قرار داشت، توسط نیروهای جمهوری‌خواه پس گرفته شد. این بندر تا سه ماه پیش به‌عنوان پایگاه و دژ سلطنت‌طلبان در اختیار بریتانیا بود. نیروهای جمهوری پنج روز پیش حملات خود را به این بندر آغاز کردند. سه روز قبل، یکی از فرماندهان جوان قوای جمهوری‌خواه به‌نام بوناپارت (Bonaparte) احساس کرد که سربازان تحت فرماندهی اوگیلت (Aiguillette) از ترس، روحیه‌ی خود را از دست داده‌اند، زیرا قوای ژنرال دوگومیه (Dugommier) همچون سیل به آنان تاخته‌اند. در روز بعد نیروهای دریایی انگلیس برای ایجاد ترس در نیروهای فرانسه به آتشباری علیه آن‌ها اقدام کردند تا سربازان فرانسوی

را از آن‌جا برانند، لیکن امروز قوای جمهوری به شهر یورش برد.

شهر تولون که تا ماه سپتامبر گذشته در دست سلطنت‌طلبان بود، با حمله‌ی جمهوری‌خواهان سقوط کرد و این حمله باعث کشته‌شدن ۱۷ نفر از ساکنان آن شد. در این درگیری، تعداد زیادی از ناویان فرانسوی کشته شدند و چندین فروند کشتی، انبار مهمات و قایق‌های نیروی دریایی از بین رفت. اکنون نیروهای فرانسوی باید خرابی‌های گذشته را بازسازی و تجهیزات ازدست‌رفته را جبران نمایند.

تجلیل و سپاس از وجود روبسپیر به‌عنوان روح ابدی (پاریس، هشتم ژوئن ۱۷۹۴)

به‌رغم این‌که انقلابیون فرانسه وجود خداوند را منکر بودند، امروز از روبسپیر به‌عنوان رهبر عالی‌قدر و موجود فناناپذیر تجلیل به‌عمل آورده و وجود او را برای کشور و انقلاب ضروری دانستند. این مراسم در تمام کشور انجام شد.

امروز، صبح‌گاهان، ساکنان پاریس سردر منازل و مغازه‌ها را با گل و گیاه آراسته و همه برای سپاسگزاری از روبسپیر به‌سوی کاخ تویلری روان شدند، در حالی‌که هر نفر یک دسته سنبله‌ی گندم به علامت سپاسگزاری در دست داشت. با این‌که تمام مردم فرانسه مراسم سپاسگزاری و جشن برای کشف روبسپیر به‌عنوان روح جاویدان برپا کرده بودند، عده‌یی می‌گفتند: چون برای تضعیف قدرت کلیسای کاتولیک رم متحمل زحمات زیادی شده، دربار پاپ با وجود این روح جاویدان دچار بیم و هراس شده، پس باید این جشن هرچه باشکوه‌تر انجام شود تا شخصیت روبسپیر را به پاپ نشان دهند.

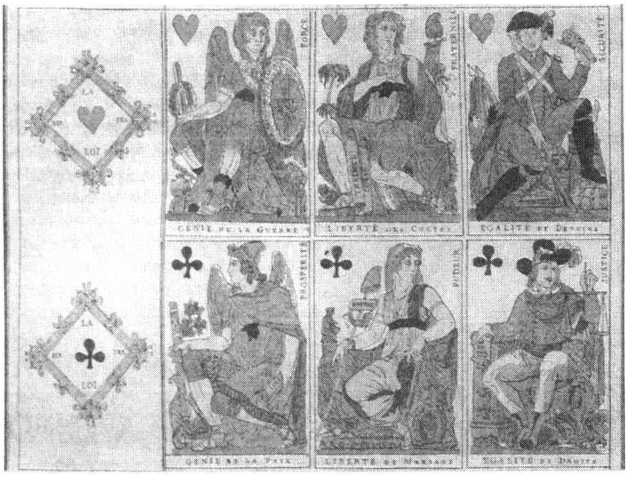
برای انتقام از محکومیت‌های بی‌دلیل، مردم خشمگین اسکاتلند اقدام به تظاهرات تکان‌دهنده‌یی کردند (اسکاتلند، ۱۷۹۴)

شایعات منتشره حاکی از آن است که اسکاتلندی‌ها که از وضع اقتصادی و سیاسی خود سخت نگرانند، به‌زودی با انقلاب، دولت و حکومت را سرنگون خواهند کرد. حکومت اسکاتلند هم شورشیان را مرتد خوانده است که قصد براندازی مذهب کاتولیک را دارند. از سویی دولت پارلمان را به‌علت تصویب قانون محاکمات عمومی (: هیچ‌کس حق ندارد افراد را بدون حکم دادگاه توقیف کند)، معلق و تعطیل کرده است. اکنون مهم‌ترین و بالاترین سمبل قدرت، لرد براکس‌فیلد (Lord Braxfield) رییس دیوان‌عالی کشور است. او می‌گوید هر کسی که قصد تغییر حکومت را داشته باشد، دشمن کشور محسوب می‌شود. با این وصف، با تعطیل قوه‌ی مقننه، قانون اساسی را معوق ساخته است.

در سال گذشته توماس موئیر (Thomas Muir) حقوقدان و مؤسس انجمن دوستی با مردم را به‌علت اتهام ایجاد فتنه و آشوب به‌مدت ۱۴ سال و توماس پالمر (Thomas Palmer) را هم به جرم نظریه‌ی ایجاد قدرت مرکزی به‌مدت هفت سال تبعید نمودند. در عین حال، پالمر را به‌علت نوشتن مقاله‌یی در مخالفت با دولت، جزو سربازان به جنگ با فرانسه فرستادند و موئیر را هم به جرم پیوستن با جمهوری‌خواهان ایرلند به پاریس اعزام کردند. از سویی موئیر را به‌علت تشکیل یک جلسه‌ی مخفیانه در مخالفت با دولت، پس از به‌پایان‌رسیدن مدت تبعید، به یک بار اعدام محکوم کردند، لیکن چون هیجاناتی در انگلیس به‌وجود آمد و این امر را مخالف قانون دانستند، از این حکم تبرئه شد و تنها می‌باید مدت تبعید خود را طی کند.

دادگاه انقلابی، دانتون را به اعدام با گیوتین محکوم کرد (پاریس، پنجم آوریل ۱۷۹۴)

برحسب درخواست گروه سان‌کولوت‌ها (Sans-Culottes) (جمهوری‌خواهان اشرافی) و به جهت این‌که صداهای مخالف خاموش شود، امروز طبق رأی کمیته‌ی انقلاب، ژرژ ژاک دانتون (Georges Jacques Danton) یکی از همکاران انقلابی سابق، به اعدام با گیوتین محکوم و سرش از بدن جدا شد.



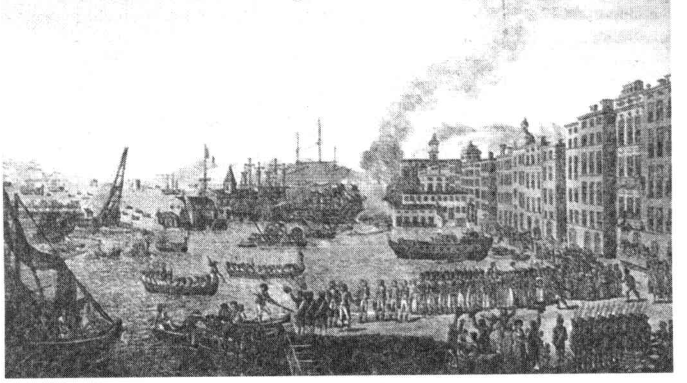
کارت های ورق بازی پس از انقلاب بدون تصویرشاه و ملکه.



راسین Racine جایگزین شاه در انجمن ها.



جعبه جای توتون انقلابیون.



رز مناوهای انگلیسی تحت فرمان آدمیرال هودAlmira Hood، در بندرگاه تولون Toulon.



بلی Belley، جانشین حکمران
سانتودومینگو Santo Domingo.

دانتون با همکاری جمعی از اعتدالیون و اغماض‌گران، سعی داشت با فرمان دادگاه انقلاب، با سلطنت‌طلبان سابق تماس گرفته و از خرابی بیش‌تر اوضاع کشور و هم‌چنین خرابکاری‌های انقلابیون جلوگیری کند. بیش‌تر ناظران معتقدند که دادگاه انقلاب به توصیه‌ی روبسپیر مدارک قلابی علیه دانتون جمع‌آوری کرده و او را به اتهاماتی واهی و دروغ منتسب نموده است. دانتون که به فصاحت و سخنوری مشهور بود، با کملاتی روشن از خودش دفاع کرد، به‌طوری‌که حاضران سخنان او را تأیید کردند. رییس دادگاه انقلاب از استماع سخنان دانتون، دفاعیات وی را خارج از موضوع دانست و آن را قطع کرد و بلافاصله حکم قتل او را صادر کرد. دانتون هم که دفاعیات خود را به‌پایان رسانده بود، با صدور این حکم اظهار داشت: حالا هرچه زودتر مرا به تیغه‌ی گیوتین بسپارید. او بر سر کامیل دمولن (Camille Desmoulins) رییس دادگاه فریاد کشید که مرا راحت کنید.

گروه اغماض‌گران که طرفدار تسامح و چشم‌پوشی بودند و عقیده داشتند که انقلاب نباید فرزندان خود را ببلعد و سخت‌گیری‌های بی‌مورد را کنار بگذارد، سخنانی علیه کمیته‌ی انقلاب بیان داشتند و حتی گفته شد که انقلاب از راه و مسیر خود منحرف شده و به دیکتاتوری متمایل شده و درخواست کردند که کنوانسیون نباید از اهداف خود دور شود. این سخنان به‌خصوص از افرادی امثال دانتون، کینه‌توزی روبسپیر را زیادتر کرد و به توصیه‌ی وی، دانتون را از روی غرض‌ورزی اعدام نمودند.

کوررنگی به‌وسیله‌ی کسی که خود به این بیماری مبتلا بود، تشریح شد (لندن، ۱۷۹۴)

برخی از افراد قادر نیستند رنگ سبز و قرمز را تشخیص دهند. آن‌ها به نوعی کوررنگی مبتلا می‌باشند. جا ن دالتون (John Dalton) دانشمند شیمی و فیزیک انگلیسی، انواع حالات کوررنگی را شرح داد. وی گفت این بیماری کاملاً بستگی به دید دارد و یک موضوع غیرطبیعی است که در برخی اشخاص وجود دارد. دالتون علاوه بر کشف نابینایی رنگ در برخی از اشخاص، نظریاتی درباره‌ی وجود گازهای طبیعی د رکائنات بیان کرده و با این نظریه به پیشرفت دانستنی‌هایی درباره‌ی یونیورس (Universe) کمک نمود. نظریه‌ی او راجع به اتم هم خیلی مشهور است. او می‌گوید که در حقیقت جهان و کائنات از ذرات بسیار ریزی تشکیل شده که اتم نام دارد.

نیروهای نظامی فرانسه به منطقه‌ی پیه‌مون حمله‌ور شدند (شمال ایتالیا، آوریل ۱۷۹۴)

برای مقابله با اتحادیه‌ی اروپا علیه فرانسه و ایجاد ترس در متحدان، دولت انقلابی فرانسه سپاهی برای حمله به پیه‌مون (Piedmont) و در حمایت از انقلابیون این منطقه که در کوهپایه‌های بین کشور فرانسه و ایتالیا واقع شده است، اعزام کرد. با افشای توطئه‌یی برضد حکومت انقلابی پیه‌مون، گروه ژاکوبن‌ها که افراطی‌ترین گروه انقلابی هستند، برای خنثی‌کردن این نقشه، با موافقت سران انقلابی، شهرهای تورن (Turin)، نیس (Nice) و دیگر شهرهای عمده‌ی این منطقه، لشگریانی به پیه‌مون فرستاده شدند. با کشف این توطئه، ۴۸ نفر از این توطئه‌گران دستگیر و سه نفر آن‌ها اعدام شدند. دولت محلی پیه‌مون هم برای مقابله با تهدیدات دولت اتریش، از فرانسه تقاضای اعزام سرباز کرد. نیروهای فرانسوی به فرماندهی ژنرال بوناپارت پس از تسخیر ناحیه‌ی اونی‌لیا (Oneglia) در منطقه توقف نکرده و از آن‌جا عقب‌نشینی کردند.

فرانسوی‌ها لشگریان دولت اتریش را وادار به عقب‌نشینی کردند (فلوروس (*Fleurus*)، فرانسه، ۲۶ ژوئن ۱۷۹۴)

هم‌چنان‌که بالون‌های محتوی هوای داغ در فضای بالای سر سربازان فرانسوی که مشغول صف‌آرایی بودند، این طرف و آن‌طرف رفته و این نیروها با

المان، ۲۰ مه ۱۸۱۳
ناپلئون با آلمان در شهر بوتزن (Bautzen) ائتلاف کرد.
پاریس، ۲۰ مه ۱۸۱۳
ترس و وحشت در بازار تبدیل ارز حکم‌فرما شد.
ایالات متحده، ۲۷ مه ۱۸۱۳
نیروهای تحت امر وینفلید اسکات (Winfield Scott)، پس از بیرون‌راندن نیروهای بریتانیایی از سه دژ دریاچه‌ی اونتاریو، کنترل ناحیه را به‌دست گرفتند.
آلمان، چهارم ژوئن ۱۸۱۳
نیروهای آلمانی پس از شکست اخیر، قرارداد متارکه‌ی جنگ چهل‌روزه را با ناپلئون در پلی‌اشویتز (Pleischwitz) امضا کردند. ناپلئون با وجود تلفات زیادی که در این جنگ داد، توانست با فشار جنگی نیروهای ائتلافی را از سیلزی (Silesia) بیرون براند.
اسپانیا، ۱۲ ژوئن ۱۸۱۳
نیروهای فرانسوی، شهر مادرید را تخلیه کردند.
آلمان، ۱۵ ژوئن ۱۸۱۳
بریتانیا عهدنامه‌یی با پروس و روسیه در ریشن‌باخ (Reichenbach) امضا کرد و آن را ائتلاف جدید نامید.
اسپانیا، ۲۱ ژوئن ۱۸۱۳
نیروهای فرانسوی به سرپرستی ژوردن (Jourdan)، در نبرد ویتوریا (Vittoria)، از قوای بریتانیایی به فرماندهی ولینگتون (Wellington)، دچار شکست شدند، در نتیجه ژوزف ناپلئون پادشاه اسپانیا به فرانسه فرار کرد.
آلمان، ۲۷ ژوئن ۱۸۱۳
روسیه، پروس و اتریش با امضای قرارداد ریشن‌باخ موافقت کردند که دوک‌نشین ورشو منحل شود، ایالات ایلیریان (Illyrian) به اتریش منضم شود و متصرفات فرانسه در شمال آلمان آزاد گردد و اگر فرانسه از قبول این معاهده امتناع کرد، دولت اتریش به آن کشور اعلان جنگ دهد.
هندوستان، یکم ژوئیه ۱۸۱۳
کمپانی انگلیسی هند شرقی که تجارت در هندوستان را در انحصار داشت، آن را لغو کرد.
پراگ، ۱۵ ژوئیه ۱۸۱۳
نمایندگان ناپلئون و هم‌پیمانانش برای گفت‌وگو درباره‌ی صلح در شهر پراگ ملاقات کردند.
اتریش، ۱۲ اوت ۱۸۱۳
اتریش به فرانسه اعلان جنگ داد.
بریتانیا، ١٤ اوت ۱۸۱۳
کشتی امریکایی به‌نام آرگوس (Argus) که در چندماه گذشته ۲۷ فروند کشتی انگلیسی را در کانال توقیف کرده بود، تمام آن‌ها را به عوامل نیروی دریایی انگلیس پس داد.
آلمان، ۱۷ اوت ۱۸۱۳
دولت‌های پروس، روسیه و سوئد در پروتکل تراخنبرگ (Trachenberg) موافقت کردند که مشترکاً به ارتش ناپلئون بتازند.
امپراتوری عثمانی، اوت ۱۸۱۳
با پیشروی جنگ در اروپا، نیروهای نظامی دولت عثمانی، صربستان را اشغال کردند و سربازان کارا ژورژ (Karageorges) رهبر استقلال‌طلبان صرب را تارومار کردند.
امریکای جنوبی، اوت ۱۸۱۳
در حالی‌که اسپانیا مشغول فتح مجدد شیلی (Chile) بود، سیمون بولیوار (Simon Bolivar)، ونزوئلا و کاراکاس (Caracas) پایتخت آن‌جا را اشغال کرد.
آلمان، ۲۳ اوت ۱۸۱۳
نیروهای نظامی فرانسه به فرماندهی اودینو (Oudinot)، در گروس‌بیرن (Gross-Beeren) توسط سربازان سوئدی به سرپرستی پرنس برنادوت (Bernadotte) مغلوب شدند.
آلمان، ۲۷ اوت ۱۸۱۳
ناپلئون بخش عمده‌ی ارتش ائتلافی متحدین به فرماندهی شوارزنبرگ (Schwarzenberg) را در ناحیه‌ی درسدن (Dresden) به هزیمت کشانید.
آلمان، ۲۹ اوت ۱۸۱۳
نیروهای ارتش فرانسه تحت امر مکدونالد (Macdonald) مغلوب نیروهای آلمان به سرپرستی بلوخر (Blucher) در کاتزباخ (Katzbach) شدند.

شاهکارهای خود، ارزش جنگی خویش را نشان می‌دادند، لشکریان اتریش هم به فرماندهی شاهزاده ساکس کوبورگ (Saxe-Coburg) بر اثر فشار ارتش فرانسه مجبور به عقب‌نشینی به‌سوی روستای فلوروس (Fleurus) در نزدیکی مرز بلژیک شدند. ارتش قدرتمند ۱۸۵هزار نفری اتریش که برای پیروزی بر قوای فرانسه مجهز شده بودند، در تاریخ ۱۳ مه تابستان امسال اقدام به حمله برضد نیروهای فرانسه نمودند، لیکن در ناحیه‌ی تورکوان (Tourcoing) دچار شکست شدند. اکنون شکست مجدد در منطقه‌ی فلوروس، به ساکس کوبورگ شاهزاده‌ی جاه‌طلب اتریشی نشان داد که باید در پیشروی خود متوقف شود و دیگر پیروزی برای وی محال است. ارتش ۸۰ هزار نفری فرانسه که در مدت ۱۴ ساعت حداکثر کوشش خود را به‌کار بردند تا نیروی نظامی عظیم اتریش را به‌عقب برانند، بر اثر اشتباهات تاکتیکی دشمن به پیروزی دست یافتند و این اشتباهات کمک بزرگی برای آن‌ها بود. در حالی‌که سربازان شجاع اتریش رشادت‌های بسیاری به خرج دادند، اما در یک لحظه که پیروزی دشمن قطعی به‌نظر می‌رسید، یکی از جناحین لشگر در دام نیروهای فرانسوی گرفتار آمد. تا به حال چنین امری به تصور آن‌ها هم نمی‌آمد.

قانون اساسی جدید پروس با هدف بنیادگرایی تدوین شد (برلین، ۱۷۹۴)

قانون مدنی پروس براساس روابط متقابل بین شهروندان و دولت تنظیم شد و حکومت درصدد است که با اجرای این قانون، ارتباط مردم و دولت تحکیم شود. شاه تصمیم دارد که سیستم وصول مالیات با رضایت عمومی انجام شود. این وضعیت، حقوق سلطنت و قدرت او را محدود می‌کند تا مردم بتوانند بیش‌تر در امور مربوط به خود شرکت کنند. پیش‌نویس این قانون را حقوقدانان تهیه کرده و امیدوارند که به تأیید دادگستری و سیستم قضایی کشور برسد. نکته‌ی مهم این‌که شاه در این میان نقشی ندارد و تنها

واسطه‌های بی‌طرف و مستقل در روابط بین دولت و مردم تأثیرگزار هستند. این قانون شهروندان را به سه طبقه‌ی اشراف، بورژوا (صنعتگران و تجار) و کشاورزان تقسیم می‌کند. طبق این قانون، دولت و دستگاه‌ها حق بررسی و سانسور در دانشگاه‌ها را ندارند و دانشگاه‌ها آزاد هستند، لیکن هر شهروندی که مرتکب خطا و جرمی شود، باید در دادگاه‌های مربوطه محاکمه و به مجازات برسد و شهروندان نمی‌توانند بدون رعایت قانون از سیاست‌های دولت انتقاد کرده و عقاید خود را به مردم تحمیل نمایند، زیرا این امر باعث تشنج در جامعه شده و افراد خاطی از این قانون، دستگیر و تحت بازجویی قرار خواهند گرفت. شاید منظور از تنظیم و تدوین چنین قوانینی این بوده که به پادشاهان کشورهای اروپایی فرصت دهد تا جریانات و رخدادهای کشور فرانسه را زیر نظر داشته باشد.

موجد ترور و کشتار فرانسه به پایان رسید (پاریس، ۲۸ ژوئیه ۱۷۹۴)

مردم شهر پاریس امروز همه‌ی توجهشان به‌سوی روبسپیر زوال‌ناپذیر معطوف شده است و به طنز و طعنه می‌گویند که معمار ترور و وحشت و ۲۱ نفر از هواخواهان وی، چه‌طور به پای گیوتین خواهند رفت. سرانجام، کشور که با اقدامات آن‌ها دچار فلج شده بود، رهایی یافت. برخی انتظار داشتند که این درام چه‌موقع به‌پایان خواهد رسید و توطئه‌یی که برخی نمایندگان ستمگر و ظالم علیه ملت چیده بودند، چه‌وقت خنثی خواهد شد. عاقبت این لحظه فرارسید و مردمی که مدت‌ها در عذاب و ترس و وحشت بودند، از آن وضع خلاص شدند.

روبسپیر و همراهانش که کنوانسیون را پر کرده و تمام تصمیمات را گرفته و اجرا می‌کردند، امروز با نطق یکی از اعضای مؤثر کمیته‌ی امنیت ملی به‌نام بیلو وارن (Billaud Varenne) از خواب خرگوشی بیدار شدند، اما دیگر دیر شده بود، زیرا وارن حمایت تمام اعضای میانه‌رو را پشت سر داشت و بدین جهت علیه روبسپیر اقدام کرده بود. درگیری در کنوانسیون شروع شد و روبسپیر از هواداران کوه‌نشین خود خواست که به او یاری دهند، لیکن آن‌ها چون از او روی‌گردان شده بودند، کوچک‌ترین اقدامی در جهت حمایت از او به‌عمل نیاوردند. سرانجام به‌دستور دو نفر از اعضای کنوانسیون، روبسپیر را زندانی کردند، اما چون به مأمور و کلیددار زندان اطمینان نداشتند، بقیه‌ی دستگیرشدگان را در سلول‌های انفرادی محبوس ساخته و کلیدهای زندان را در آن شب نزد خود نگه داشتند. وقتی روبسپیر را برای دستگیری تعقیب می‌کردند، گلوله‌یی به‌سوی او شلیک شد که وی با تکان‌دادن سرش به چانه‌ی او اصابت کرد و زخمی سطحی برداشت. با این وصف، وی را دستگیر و برای اجرای حکم به پای گیوتین بردند. با کشتن هواداران روبسپیر در شب گذشته، حمام خون در شهر پاریس به راه افتاد، با این حال، نیروهای بیگانه در آن موقع نتوانستند علیه فرانسه دست به اقدامی بزنند.

نیروهای نظامی روسیه، شورشیان لهستان را سرکوب کردند (ورشو، نوامبر ۱۷۹۴)

پس از هشت ماه شادی و شادمانی مردم ورشو که در قیام خود توفیق حاصل کرده بودند، بار دیگر این شهر به اشغال قوای روسیه درآمد. این قیام به رهبری قهرمان میهن‌پرست لهستانی به‌نام تادوسک کوشیوزکوف (Tadeusz Kosciuszko) برپا شد که در جنگ‌های استقلال امریکا و هم‌چنین در انقلاب فرانسه شرکت کرده بود. در ماه آوریل گذشته، مردم لهستان در مخالفت با تقسیم مجدد کشور خود بین روسیه و پروس، دست به شورش زدند و نیروهای پروس را از سرزمین خود بیرون راندند و بدین‌وسیله به پیمان‌شکنی فردریک ویلیام پاسخ دادند. کاترین ملکه‌ی روسیه هم برای سرکوب شورشیان، بزرگ‌ترین و سفاک‌ترین ژنرال ارتش روسیه به‌نام الکساندر سوروف (Alexander Suvorov) را با نیروی نظامی عظیمی به لهستان اعزام کرد. سوروف با به‌دام‌انداختن

نیروهای شورشی در کرانه‌ی رود ویستول (Vistula)، تعداد شش هزار نفر از شورشیان را قتل‌عام کرد و بدین‌وسیله شورش لهستان درهم شکست.

ترور و وحشت و خونریزی پایان یافت (پاریس، اوت ۱۷۹۴)

حکومت ترور پایان پذیرفت. با کشته‌شدن روبسپیر و اعوان و انصار او که از ماه سپتامبر سال پیش، حکومت واقعی کشتار را بر کشور فرانسه برقرار کرده و مردم را در محیط ارعاب و وحشت قرار داده بودند، خاتمه یافت و بار دیگر کنوانسیون زمام امور کشور را به‌دست گرفت و به این وضع عجیب و غریب و نابه‌سامان پایان داد. هیچ‌کس نمی‌داند که چند نفر با محاکمه‌ی کوتاه و قلابی کشته شدند، لیکن ارقام رسمی تعداد ۲۵ هزار نفر را نشان می‌دهد که به‌وسیله‌ی گیوتین به دیار عدم رهسپار شدند.

انقلاب برای قاتلان و آدم‌کشان موهبتی بود و این فرصت را به آن‌ها داد تا عقده‌های خود را بروز دهند، به‌ویژه این انتقام و خونریزی بیش‌تر در مورد سلطنت‌طلبان و حامیان دربار فرانسه به‌مورد اجرا درآمد. شهر پاریس رکورد این امر را شکسته است. تنها در این شهر ۲۶۳۹ نفر تحت پیگرد قرار گرفته و تبعید شدند. هم‌چنین تعداد ۳۵۴۸ نفر به تیغ گیوتین سپرده شدند و نیز در بحبوحه‌ی بحران بیش از هشت‌هزار نفر در زندان‌های شهر پاریس زندانی بودند، چون انقلابیون گروه‌گروه مردم را به جرم‌های گوناگون روانه‌ی زندان‌ها می‌کردند.

روزا شهر پاریس را به آتش کشید (پاریس، ۱۷۹۴)

کلر لاکومب (Claire Lacombe) مشهور به رز قرمز که آرزو می‌کرد زنان حق رأی به‌دست آورند، دستگیر شد. لاکومب هنرپیشه‌ی ۲۹ ساله که یک قهرمان و شیرزن محسوب می‌شود، دو سال پیش در حمله به کاخ تویلری شرکت داشت. او پس از مدتی

امریکای شمالی، ۳۰ اوت ۱۸۱۳
به انتقام تجاوز و تخطی سفیدپوستان به اراضی متعلق به کریک‌های (Creek) هند غربی، آن‌ها هم قلاع میمز (Fort Mims) واقع در ایالت آلاباما را غارت کردند و پانصد تن از سفیدپوستان را کشتند.

آلمان، ۳۰ اوت ۱۸۱۳
نیروهای فرانسوی به رهبری واندام (Vandamme) از نیروهای متحدین در کولم (Kulm) شکست خوردند.

افریقای جنوبی، ۱۸۱۳
جمهوری گریکوا (Griqua) در کلاآرواتر (Klaarwater) (گریکواتاون (Griquatown)) واقع در سمت شمال رودخانه‌ی اورانژ (Orange)، اعلام موجودیت کرد. اهالی گریکوا از خویزان‌ها (Khoisan) و نیاکان بوئرها (Boer) که اغلب به شغل گله‌داری، پرورش اسب و شکار می‌پرداختند و در شمال کیپ (Cape) سکونت داشتند، تشکیل شده است.

ایتالیا، ۱۸۱۳
جواکینو روسینی (Gioacchino Rossini)، محل اپرای «تانکرد (Tancred)» را در ونیز گشود که با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد.

انگلیس، ۱۸۱۳
چاپ هشتم دیوان اشعار لرد بایرون (Byron) به‌نام «گیائور (Giaour)» منتشر شد و در یک سال تمام آن فروخته شد.

آلمان، ششم سپتامبر ۱۸۱۳
در حالی‌که نیروهای فرانسوی به فرماندهی مارشال نی (Ney) سعی می‌کردند که شهر برلین را به اشغال خود درآورند، سپاهیان پروس تحت امر بولو (Bulow) و در ناحیه دنه‌ویتز (Dennewitz) آن‌ها را مغلوب کردند.

آلمان، نهم سپتامبر ۱۸۱۳
دولت‌های پروس، روسیه و اتریش قراردادی را در شهر تپلیتز (Teplitz) امضا کردند که طبق آن موافقت شد در جنگ با ناپلئون یک‌دیگر را معاضدت و یاری کنند.

کانادا، دهم سپتامبر ۱۸۱۳
لشکریان بریتانیایی مستقر در ساحل دریاچه‌ی اری (Erie)، به‌وسیله‌ی نیروهای امریکا درهم شکستند.

آلمان، سوم اکتبر ۱۸۱۳
سپاهیان پروس از الب (Elbe) عبور کردند.

چین، هشتم اکتبر ۱۸۱۳
با یاری اعضای خواجه قصر سلطنتی مراسم هزاره‌ی مذهبی که آن را هشتمین «تریگرام (Trigrams)» یا سه‌خطی می‌نامیدند، در شهر بجینگ (Beijing) در حالی‌که سعی می‌شد که سبب ازدحام مردم نشود، انجام شد. این اغتشاشات در شهرهای شاندونگ (Shandong) و هنان (Henan) با موافقت و تصمیم قطعی شورای شهر سرکوب و آرامش برقرار شد.

فرانسه، هشتم اکتبر ۱۸۱۳
با آن‌که کشور اسپانیا از تسلط دولت فرانسه آزاد گشت، با این حال نیروهای انگلیسی به فرماندهی ولینگتون به جنوب فرانسه حمله‌ور شدند.

آلمان، هشتم اکتبر ۱۸۱۳
با انعقاد پیمان راید (Ried) که توسط دولت اتریش و باواریا (Bavaria) به‌امضا رسید، باواریا از کنفدراسیون راین خارج شد و به ائتلاف علیه ناپلئون پیوست.

آلمان، ۱۹ اکتبر ۱۸۱۳
پس از شکست ناپلئون در جنگ سه‌روزه‌ی لایپزیگ (Leipzig)، متحدین جهت تصرف شهر هجوم بردند، به‌طوری‌که پادشاه ساکسونی و پادشاه وستفالی (Westphalia) در اثر این حمله مجبور به فرار شدند.

اتریش، اکتبر ۱۸۱۳
با هجوم قشون امپراتوری عثمانی به صربستان، کارا ژورژ (ژورژ سیاه (Black Georges)) رهبر حرکت استقلال‌طلبان، به اتریش پناه برد که در آن‌جا وی را دستگیر و زندانی کردند.

امپراتوری عثمانی، ۲۸ اکتبر ۱۸۱۳
سپاهیان انگلیسی شهر راگوزا (Ragusa) (دوبرونیک (Dubrovnik)) را اشغال کردند.

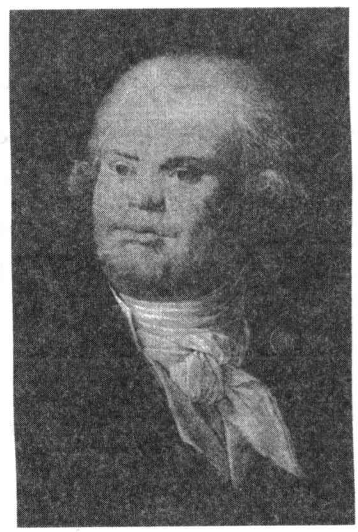
امریکای شمالی، سوم نوامبر ۱۸۱۳
به تلافی حمله‌ی کریک‌های (Creek) هند غربی به دژ میمز (Mims) در ماه اوت، سربازان ایالات متحده روستاهای تالوشاچی (Tallushatchee) واقع در دره‌ی می‌سی‌سی‌پی (Mississippi) متعلق به آن‌ها را ویران ساختند.



جان دالتون John Dalton دانشمند انگلیسی.



مظهری از خداوند در فستیوال، تفسیری از نقاش ایده آلیست.



ژرژ ژاک دانتون Georges Jacques Danton به سبب سخنوری و صراحت کلام و طرفداری از تجدید نظر طلبی اعدام شد.



یک افسر پروسی.



نبرد فلوروس Fleurus، در این مکان نیروهای فرانسوی مانع پیشروی قشون اتریش شدند.

مکزیک، ٦ نوامبر ۱۸۱۳
خوزه ماریا مورلوس (Jose Maria Morelos) در کنگره‌ی شیل‌پانسینگو (Chilpancingo) استقلال مکزیک از اسپانیا را اعلام داشت.

فلوریدا، ۹ نوامبر ۱۸۱۳
سپاهیان ایالات متحده به فرماندهی آندریو جکسون (Andrew Jackson) در حدود ۳۰۰ نفر از اهالی روستای تالادگا (Talladega) را در حمله‌ی خود به هلاکت رسانیدند.

پاریس، ۱۵ نوامبر ۱۸۱۳
ناپلئون پس از مراسم سان از سپاهیان نزار و فاقد روحیه‌ی خود در هنگام عبور از رود راین در تاریخ بین دوم تا چهارم نوامبر، به پاریس بازگشت. از ارتش ۴۵۰هزار نفری و نیرومند فرانسه در پاییز، تنها نزدیک به ۵۰هزار نفر زنده مانده بودند.

هلند، ۱۵ نوامبر ۱۸۱۳
هلندی‌ها برضد دولت فرانسه قیام کردند و مأموران رسمی آن دولت را از خاک خود بیرون راندند.

ایالات متحده، ١٦ نوامبر ۱۸۱۳
دولت بریتانیا اعلام کرد که طبق موازین حقوقی، لانگ آیلند (Long Island) متعلق به این کشور است و تنها می‌تواند سربازان خود را از نیوانگلند (New England) برای پهلوگرفتن آزاد کشتی‌ها تخلیه کند.

آلمان، ۱ دسامبر ۱۸۱۳
ناپلئون پیشنهاد صلح متحدان را که قرار بود جلسات آن از تاریخ نهم نوامبر در شهر فرانکفورت (Frankfurt) تشکیل شود، رد کرد.

فرانسه، ۱۱ دسامبر ۱۸۱۳
در عهدنامه‌ی والن‌کی (Valencay) ناپلئون فردیناند هفتم را از زندان آزاد و وی را جهت پادشاهی اسپانیا معرفی کرد.

ایالات متحده، ۱۷ دسامبر ۱۸۱۳
با توقیف کشتی‌های بازرگانی انگلیس، تحریم تجاری به مرحله‌ی اجرا درآمد. ناوگان امریکا در پی این هدف، یک کشتی انگلیسی را که از نیوانگلند لوازم و کالا برای انگلیسی‌های مقیم کانادا حمل می‌کرد، توقیف کردند.

امریکای شمالی، ۲۳ دسامبر ۱۸۱۳
سپاهیان امریکایی به فرماندهی فردیناند کلایبورن (Ferdinand Claiborne)، شهر اسکاناکاها (Escanachaha) و به‌عبارت دیگر «شهر مقدس» را که ساکنان آن از سرخ‌پوستان مکزیک بودند، تصرف کردند و تعداد زیادی از سرخ‌پوستان را با زجر و شکنجه به هلاکت رساندند.

فرانسه، ۳۱ دسامبر ۱۸۱۳
در طلیعه‌ی سال جدید میلادی، نیروهای پروس به سرپرستی بلوخر (Blucher) از رود راین (Rhine) گذشته تا با کمک متحدین به فرانسه حمله کنند.

بریتانیا، ۳۱ دسامبر ۱۸۱۳
لرد کاسل‌ریف (Lord Castlereagh) وزیرخارجه، در پیامی که به دولت آلمان فرستاد، اعلام کرد که با تمامی قوا از متحدین پشتیبانی می‌کند.

روسیه، ۱۸۱۳
با انعقاد عهدنامه‌ی گلستان، روسیه تمام نواحی قفقاز را از ایران بازستاند و کنترل کامل آن‌جا را به‌دست گرفت.

کلمبیا، ۱۸۱۳
سرزمین کلمبیا استقلال خود را از اسپانیا اعلام کرد.

ایتالیا، ۱۱ ژانویه ١٨١٤
یوآخیم مراد (Joachim Murat) پادشاه ناپل به اتحادیه‌ی اتریش پیوست، همان دولتی که در سال گذشته سپاهیان او را در درسدن (Dresden) از بین برد. وی درصدد است که بخش مرکزی ایتالیا را به چنگ آورد.

اسکاندیناوی، ١٤ ژانویه ١٨١٤
با عقد پیمان کی‌یل (Kiel)، برنادوت (Bernadotte) نایب‌السلطنه‌ی سوئد و مارشال ارتش شمال آن کشور در مقابل ناپلئون، فشار خود را به دانمارک جهت پیوستن به سوئد هم‌چون نروژ تشدید کرد.

فرانسه، یکم فوریه ١٨١٤
به‌دنبال شکست بلوخر در ۲۹ ژانویه در منطقه‌ی بری‌ین (Brienne)، ناپلئون هم در ناحیه‌ی لاروتیر (La Rothiere) وی را مغلوب کرد.

برای شرکت در تئاتر بندر دونکرک پاریس را ترک کرد، لیکن نیروهای گارد ملی فرانسه وی را بازداشت کرده و روانه‌ی زندان باستیل نمودند. رزا در نامه‌یی به روبسپیر ماجرای زندگی خود را شرح داد، البته او می‌خواست با رهبر انقلاب ملاقات کند، لیکن اطرافیان وی به او تذکر دادند که ملاقات با روبسپیر ممنوع است. وی طی این نامه درخواست کرد که به زنان حق رأی اعطا شود تا آن‌ها بتوانند در کمیته‌ی انقلاب شرکت نمایند. او با همکاری گروه چپ، سازمان کارگران زن را تشکیل داد تا زنان بتوانند حق رأی به‌دست آورده و در کمیته‌ی انقلاب و کنوانسیون شرکت نمایند.

بازتاب انقلاب فرانسه در کشورهای اروپا (اروپا، ۱۷۹۴)

انقلاب فرانسه باعث تحریکاتی در اروپا شده و شهر پاریس به یکی از مراکز سیاست اروپا مبدل گردید، به‌طوری‌که روشنفکران را به خود جذب کرد، در ضمن روزنامه‌های فرانسه اخبار کشورهای فرانسه و انگلیس را به آگاهی سایر کشورها می‌رسانیدند. قربانیان ترور در آلمان باعث شدند که گروه آنارشیست‌های کلوتز (Cloots) و هربرتیست‌ها (Hebertists) تحت پیگرد به‌وسیله‌ی حکومت قرار گیرند و هم‌چنین در انگلیس، توماس پین (Thomas Paine) که از بنیادگرایان بود، در ماه دسامبر زندانی شد. اصولگرایان انگلیسی سخت علاقه‌مند به انقلاب فرانسه بودند، لیکن دولت شدیداً با آن‌ها ضدیت داشت. در جزیره‌ی کورس (Corcica)، بوناروتی (Buonarotti) رهبر عصیان‌گرایان با حکومت تحت سلطه‌ی بریتانیا مخالفت می‌ورزید و حاکمیت نایب‌السلطنه را مردود می‌دانست. در امپراتوری هابسبورگ، ژاکوبن‌ها (Jacobin) برای سلطه بر وین و مجارستان به توطئه دست زدند، لیکن انقلابیون به رهبری برابانت (Brabant) شکست خوردند. در ایتالیا در شهر فراماسونری اغتشاشاتی به‌وقوع پیوست و بالاخره انقلابیون هلند، پیوستگی خود را با انقلابیون فرانسه اعلام داشته و به یاری نیروهای آن کشور که به مرزهای هلند یورش برده ب د، شتافتند.

در کشور فرانسه همه‌ی گروه‌ها میل شدیدی به مد نشان می‌دهند (پاریس، دسامبر ۱۷۹۴)

با وجود سرمای شدید و زمستان شهر پاریس، زنان فرانسوی پیرو مد با لباس‌های باز و لختی در معابر ظاهر می‌شوند. انان به مغازه‌های پارچه‌فروشی برای خرید و دوخت لباس‌هایی به سبک شهر آتن باستان هجوم‌آور شده‌اند و به مدهای جدید روی آورده‌اند. زنان ثروتمند فرانسوی با وجود بدبختی و بیچارگی که گریبان‌گیر اکثر مردم است، با غرور و گستاخی از لباس‌های شیک و لوکس خود دفاع می‌کنند. آنان لباس‌هایی با یقه و سینه‌ی باز می‌پوشند و کمربندهای زیبایی بر کمر می‌بندند و موهای مصنوعی بلوند بر روی موهای خود می‌گذارند. هم‌چنین برای جلب نظر مردان جوان، از زینت‌آلات و آرایش آن‌چنانی استفاده می‌کنند.

شاه ظالم و ستمگر و خواجه در ایران به سلطنت رسید (ایران، ۱۷۹۴)

آغامحمدخان قاجار با ازبین‌بردن کامل سلسله‌ی زندیه، به پادشاهی ایران رسید. او یکی از ستم‌کارترین پادشاهان ایران بوده و به ظلم و شقاوت و بی‌رحمی شهرت دارد. او در پنج سالگی توسط عادل‌شاه افشار به خواجه تبدیل شد و به امر شاه بیضه‌های او را کشیدند. آغامحمد بزرگ‌ترین پسر محمدحسن‌خان قاجار بود و پس از مرگ کریم‌خان زند در سال ۱۷۷۹، خود را وارث سلطنت ایران خواند و پس از تلاش‌های طولانی در سال ۱۷۸۶ پادشاه ایران شد. او پس از رسیدن به سلطنت، پایتخت را از شیراز به تهران منتقل ساخت که هرچه بیش‌تر به پایگاه قبیله‌ی قاجار در دشت گرگان نزدیک باشد. او سپس با به‌تبعیت‌درآوردن جنوب که در حقیقت نصف کشور بود، به کرمان که تحت سلطه‌ی لطف‌علی‌خان پسر کریم‌خان زند بود، لشکر کشید و آن شهر را که حالا مرکز فرمانروایی سلسله‌ی زندیه بود، تسخیر و لطف‌علی‌خان را که در حین نبرد زخمی شده بود، کور کرده و به تهران آورد و سپس فرمان داد که او را خفه کنند. به دستور وی زنان کرمانی را هتک عصمت کرده و برخی را هم کشتند. سپس فرمان داد که ۲۰هزار جفت چشم از مردم این شهر درآورند و برای درستی تعداد چشم‌ها خودش آن‌ها را شمارش نمود.

به‌عقیده‌ی این فرد اسکاتلندی، جنبش و حرکت زمین در اثر اجسام داغ درونی است و این حرکت به‌آهستگی می‌گراید (ادینبورو *(Edinburgh)*، ۱۷۹۵)

زمین ما در اثر کدام نیرو شکل گرفته است؟ جیمز هوتون (James Hutton) یکی از دانشمندان زمین‌شناس اسکاتلندی، پس از بررسی طولانی درباره‌ی کره زمین، سرانجام به انتشار دو کتاب درباره‌ی این موضوع اقدام کرد. این دانشمند اسکاتلندی درباره‌ی به‌وجودآمدن زمین مدعی است که حرکات این کره بسیار سریع‌تر از امروزه بوده و اکنون این حرکات آرام‌تر شده است. هوتون می‌گوید: برای مثال، طبقات رسوبی و سنگ‌ها پس از گردش کره، بالاخره در اعماق دریاها رسوب کرده و با خشک‌شدن قسمت‌هایی از اقیانوس‌ها که در ابتدا تمام کره زمین را احاطه کرده بودند، طبقات تحت‌الارضی شکل گرفتند و این شکل‌گیری رسوبات باعث حرکات منظم عمودی زمین شد و این جنبش عمودی زمین سبب شکل‌گیری پوسته و قشر زمین بر روی هسته‌ی مرکزی داغ داخل آن گردید.

نیروهای نظامی بریتانیا، مستعمره‌ی کیپ‌تاون را از هلندی‌ها پس گرفتند (کیپ‌تاون *(Cape Town)*، افریقای جنوبی، ۱۷۹۵)

به مجردی که انقلابیون بوئر (Boers) برای کسب آزادی، مساوات و اخوت و برادری قیام کردند، نیروی دریایی بریتانیا در ساحل کیپ‌تاون پیاده شده و این مستعمره را از هلندی‌ها پس گرفت و اکنون سربازان انگلیسی، شورشیان جمهوریخواه را تحت محاصره درآورده و سرکوب کردند.

فرانسه، ١٤ فوریه ١٨١٤
ناپلئون برای چهارمین‌بار ارتش بلوخر را در مدت چهارروز در ناحیه‌ی ووشامپ (Vauchamp) مغلوب ساخت.
فرانسه، فوریه ١٨١٤
کنفرانس کاتیون سورسین (Chatillon-Sur-Seins) که با شرکت متحدین اروپایی برضد ناپلئون تشکیل شده بود، اعلام کرد که ناپلئون بایستی به مرزهای سال ١٧٩٢ بازگردد، لیکن ناپلئون این امر را نپذیرفت.
فرانسه، ٩ مارس ١٨١٤
چهار قدرت بزرگ اروپایی، اتریش، روسیه، پروس و بریتانیا، در کنفرانس شامون (Chaumont) با شرکت لرد کاسل ریف وزیرخارجه‌ی انگلیس، گفت‌وگوهای خود را درباره‌ی وضعیت آینده‌ی اروپا آغاز کردند. هریک از کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس تعهد کردند که یک قشون ١٥٠هزار نفری برای مقابله با ناپلئون مجهز کنند، لیکن انگلیس تعهد کرد که مبلغ پنج‌میلیون لیره هزینه‌ی این لشگرکشی را بپردازد.
فرانسه، ١٠ مارس ١٨١٤
سپاهیان ناپلئون در مقابل ارتش متحدین در نبرد لائون (Laon) منهزم شدند.
فرانسه، ١٢ مارس ١٨١٤
سپاهیان تحت فرماندهی دوک ولینگتون (Wellington)، شهر بوردو (Bordeaux) را اشغال کردند.
فرانسه، ٢١ مارس ١٨١٤
با شکست نیروهای ناپلئون، وضعیت گروه‌های جنگی بلوخر بهبود یافت و ناپلئون باز هم در منطقه‌ی آرسیس سوراوب (Arcis-Sur-Aube) توسط سپاهیان اتریش به فرماندهی ژنرال شوارتزنبرگ (Schwarzenberg) دچار شکست شد.
امریکای شمالی، ٢٧ مارس ١٨١٤
سربازان ایالات متحده به فرماندهی ژنرال آندریو جاکسون (Andrew Jackson)، در نبرد با سرخ‌پوستان کریک (Creek) در منطقه‌ی هورس‌شو بند (Horseshoe Bend) (واقع در شرق آلاباما) جان بیش از ٨٠٠ نفر از آن‌ها را گرفتند.
پاریس، ٣٠ مارس ١٨١٤
مردم فقیر و محصورین پاریس که به‌وسیله‌ی نیروهای ائتلافی احاطه شده بودند، از بی‌غذایی و فقر به متحدین پناه بردند.
پاریس، ٣١ مارس ١٨١٤
تزار آلکساندر امپراتور روس و فردریک ویلهلم سوم، فاتحانه وارد شهر پاریس شدند.
فرانسه، ششم آوریل ١٨١٤
با استعفای ناپلئون از سلطنت در فونتن‌بلو (Fontainebleau)، وی را به جزیره‌ی الب (Elba) تبعید کردند و دولت او سقوط کرد، لیکن به او اجازه دادند که لقب امپراتور را حفظ کند.
ایالات متحده، ١٤ آوریل ١٨١٤
دولت امریکا قانون توقیف کشتی‌ها و منع واردات کالا از انگلیس را تجدید کرد.
ایتالیا، ٢٨ آوریل ١٨١٤
پس از شورشی که در اوایل همین ماه علیه فرانسه صورت گرفت، ارتش اتریش شهر میلان را تصرف کرد.
فرانسه، ٢ مه ١٨١٤
با وضعیت ایجادشده در کشور فرانسه، لویی هجدهم در ٢٤ ماه آوریل در بندر کاله (Clalais) پیاده شد و در ناحیه‌ی سن‌کوئن (St Quen) اعلام کرد که به‌عنوان پادشاه کشور دولتی تشکیل خواهد داد و قانون اساسی سلطنتی را رعایت خواهد کرد.
پاریس، ٣ مه ١٨١٤
لویی هجدهم وارد پاریس شد.
منطقه‌ی مدیترانه، ٤ مه ١٨١٤
ناپلئون در بندر پورتو فرایو (Portoferraio) واقع در جزیره‌ی الب پیاده شد.
اسپانیا، ٤ مه ١٨١٤
فردیناند هفتم قرارداد ١٨١٢ را فسخ کرد.
نروژ، ١٧ مه ١٨١٤
طبق تصویب‌نامه‌ی اجلاسیه‌یی که از سران کشور تشکیل شد، دولت نروژ حکومت ملی مخصوص خود را دارا خواهد شد و پادشاه نروژ حق وتو و انحلال مجلس را نخواهد داشت و تنها یک پادشاه با قوانین مشروطه خواهد بود.

مستعمره‌ی بوئرنشین طی سال‌ها به‌تدریج قلمرو خود را به‌سوی شمال گسترش داد و با حملات خود و بیرون‌راندن بومیان افریقایی و به‌قتل‌رساندن آن‌ها در راه توسعه‌ی مستعمره کوشیدند. کشور هلند با این شیوه‌ی سیاسی مخالف بود، اما بوئرها برای انجام اهداف خویش، کارکنان رسمی هلندی را از آن‌جا بیرون راندند و پس از مدتی جهت اداره‌ی این سرزمین اعلام جمهوری کردند. اگرچه برخلاف تصورشان حکومت جمهوری برای افریقاییان ضروری بود، با این وصف، این سیستم برای حمله به همسایگان و توسعه‌ی سرزمین بوئرها کاربرد بیش‌تری داشت، چون دولت هلند که بوئرها از آن مشتق می‌شوند، پیوسته با این امر مخالفت می‌ورزید.

دولت فرانسه برای مقیاس یک سیستم دقیق اندازه‌گیری معین کرد (پاریس، ١٧٩٥)

یکی از دست‌آوردهای مهم علمی انقلاب فرانسه، معرفی یک سیستم اندازه‌گیری دقیق برای اوزان و اندازه‌هاست. این روش جایگزین شیوه‌ی اندازه‌گیری مغشوش پیشین می‌شود که هر رژیمی برای خود تعیین کرده بود و هر ولایت و سرزمینی روش اندازه‌گیری ویژه‌ی خود را داشت. سیستم اندازه‌گیری جدید برای تمام مردم و هر زمانی قابل استفاده بوده و کاربرد دارد. این روش اندازه‌گیری به‌نام متریک نامگزاری شده و لغت متر همان لغت یونانی اندازه می‌باشد. واحد متر یک واحد اندازه‌گیری طول است و آن به‌اندازه‌ی یک‌چهل‌میلیونیم محیط کره‌ی زمین در ناحیه‌ی استوایی زمین می‌باشد. این واحد اندازه‌گیری براساس دهگان بنا شده، مثلاً سانتی‌متر یک‌صدم متر و میلی‌متر یک‌هزارم آن می‌باشد و اضعاف متر هم کیلومتر یعنی یک‌هزار متر است که جانشین مایل انگلیسی می‌باشد. واحد اندازه‌گیری وزن به‌نام گرم است و آن، وزن یک سانتی‌متر مکعب آب چهار درجه‌ی حرارت می‌باشد. یکی دیگر از مقیاس‌های متریک، به‌کارگیری درجه‌ی حرارت اجسام برحسب سانتیگراد است که با درجه‌ی حرارت فارنهایت متفاوت است.

سربازان دولتی شورش شهر پاریس را سرکوب کردند (پاریس، ۲۳ مه ۱۷۹۵)

شورشیان گرسنه در گروه‌های چندهزار نفری گریه‌کنان با فریاد «یا مرگ، یا نان» به‌سوی شهر پاریس عزیمت کردند. آن‌ها در تمام خیابان‌های شهر پراکنده شده و به طرف دروازه‌ی کنوانسیون هجوم برده، در آن را شکستند و یکی از اعضای کنوانسیون به‌نام فرو (Feraud) را به‌قتل رساندند. عده‌یی سرنیزه‌ها و شمشیرهای خود را پیشاپیش رییس کنوانسیون بوآسی د انگلا (Boissy d' Anglas) به علامت تهدید حرکت می‌دادند. بسیاری از زنان شورشی هم ساعت‌ها در صف نانوایی به انتظار نان صف کشیده بودند، در حالی‌که به هر نفر قطعه نانی به وزن حدود ۶۰ گرم می‌دادند. در این غوغا و بلوا، برخی از سران کوه‌نشین در خیابان‌ها راه افتاده و با فریاد و فغان، آرزوی برگشت روبسپیر را برای تنظیم امور کشور و اعاده‌ی قدرت وی داشتند، در حالی‌که همه می‌دانستند که او بر اثر ظلم و ستم و رفتار خشن خود به فرمان کمیته به‌قتل رسید. شامگاهان بیش‌تر سان‌کلوت‌ها (Sans-Culottes) یا گروه افراطیون جمهوری‌خواه روانه‌ی خانه‌های خود شدند و به فرمان کنوانسیون، ارتش منظم انقلاب برای اعاده‌ی نظم شهر در خیابان‌ها مستقر شد. روز بعد سربازان و یاغیان رودررو قرار گرفته و سربازان به جست‌وجوی قاتلان فرو نماینده‌ی کنوانسیون پرداختند. نیروهای پلیس و نظامی افراد گروه افراطی را به تسلیم واداشته و خلع سلاح کردند.

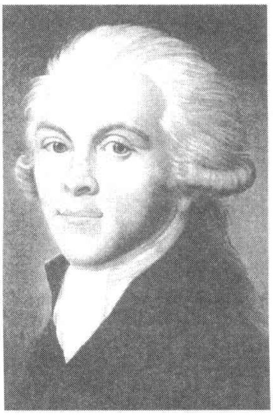
جیمز بازول مؤلف و دانشمند انگلیسی، با کتاب‌هایی که منتشر نمود (لندن، ۱۹ مه ۱۷۹۵)

جیمز بازول (James Boswell) و به‌عبارتی دکتر جانسون (Dr. Johnson)، بیوگرافی‌نگار انگلیسی، چهار سال پس از انتشار کتاب «انتظار طولانی برای زندگی» بدرود حیات گفت. او به‌زودی توانست در کارهایش توفیق حاصل کند و در سال ۱۷۹۳ چاپ دوم کتاب وی منتشر شد. بازول چون استعداد و ذوق فراوانی نسبت به ادبیات داشت، در سن ۱۸ سالگی شروع به انتشار یک مجله‌ی ادبی کرد. وی شب‌ها تا دیرگاه مشغول نوشتن حکایات و قصه‌های عشقی بود. او انسانی خوش‌خو و باروحیه بود و در عین حال، گفتن لطیفه و طنز را فراموش نمی‌کرد. وی هنگامی‌که وارد لندن شد، مورد استقبال بزرگ‌ترین نویسندگان و دانشمندان از قبیل گلداسمیت (Goldsmith)، بورک (Burke)، رینولدز (Reynolds) و وایلکز (Wilkes) قرار گرفت. از دیگر آثار مشهور دکتر جانسون، مقاله‌ی وی درباره‌ی دیدنی‌های جزیره‌ی کورس و سفر به جزایر هبرید (Hebrides) است.

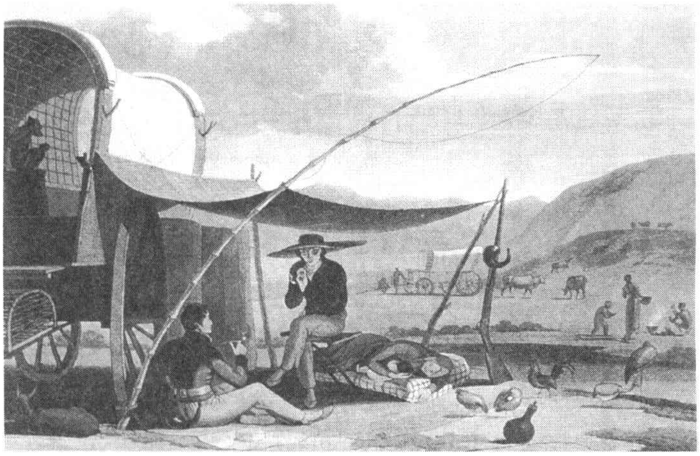
جمهوری نوبنیاد هلند به تابعیت فرانسه درآمد (شهر هاگ، ۱۶ مه ۱۷۹۵)

دولت جمهوری فرانسه که سال پیش به‌صورت ظاهری جمهوری باتاویا (Batavia) را که متعلق به کشور هلند می‌باشد، به‌رسمیت شناخت، این جمهوری از چند ایالت تشکیل شده، لیکن چون ناوگان هلند که برای محافظت از این جمهوری اعزام شده بود، در آب‌های یخ‌زده گرفتار شد، نیروهای فرانسوی آن‌جا را تسخیر کردند.

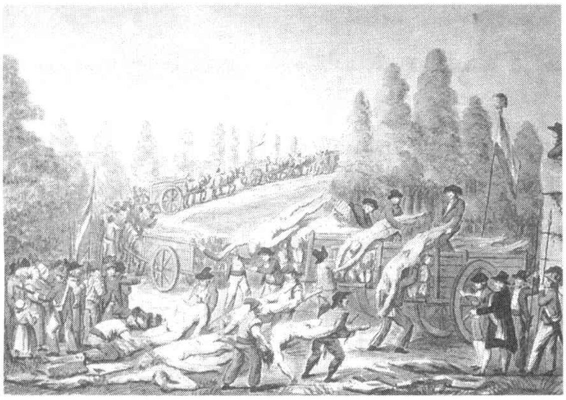
در پی شورش اهالی این جزایر برضد هلند و اخراج استاندار محلی، نیروهای فرانسوی به یاری شورشیان شتافتند و آن‌جا را اشغال کردند، زیرا شورشیان درخواست کرده بودند که این جمهوری باید به روش حکومت فرانسه اداره شود. در حالی‌که هلندیان با مردم این جزایر دوستانه رفتار می‌کردند و از نظر سیاسی آزاد بودند. جمهوری تازه‌ی هلندی متشکل از منطقه‌ی فلاندر (Flanders) هلندی‌نشین، ماستریخت (Maastricht) و ونلو (Venlo) تسلیم نیروهای فرانسوی شد و ۱۰۰ میلیون فلورن هم بابت غرامت جنگی پرداخت کرد. این دولت محلی هم‌چنین موافقت کرد که یک پایگاه دریایی در اختیار دولت فرانسه قرار دهد و پیمان اتحادی هم با فرانسه برضد دولت‌های



روبسپیر مرد فسادناپذیر



دهقانان قبایل بوئر که خود را افریقایی می دانند و از رفتار بریتانیا ناراضی هستند.



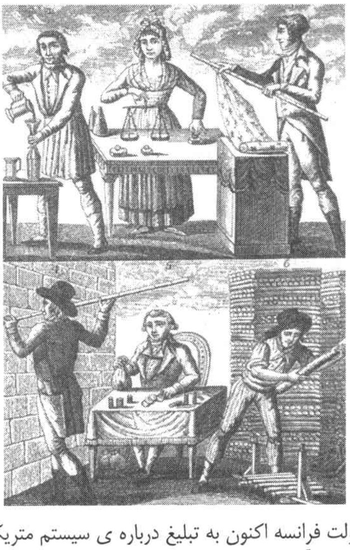
قربانیان انقلاب پس از فروکش کردن تب انقلاب، مردم به موضع اولیه برمی گردند.



یک زن و مرد پیرو مد و شیک پوش . اثر انکرو آبل Incroyables، نقاش فرانسوی.



آغا محمدخان قاجار، پادشاه ایران.



دولت فرانسه اکنون به تبلیغ درباره ی سیستم متریک پرداخته، آنان مدعی هستند که این سیستم ده گانه برای تمام مردم در مورد اوزان، اندازه ها و فواصل راه ها در همه جا کاربرد دارد و اشتباه محاسبه بسیار اندک است.



روبسپیرRobespierre ملقب به دوست ملت، به علت شکستگی فک در تصادف با ارابه در حال احتضار می باشد.

اتریش و آلمان امضا کرد. اکنون دولت انقلابی فرانسه و هلند در مسایل انقلابی خیلی تعصب و غیرت به خرج می‌دهند، لیکن مشخص نیست که کدام‌یک از این دولت‌ها سمت برتری بر دیگری دارد.

وج‌وود استاد خالق سفالگری، بار دیگر این هنر را به مردم معرفی کرد (بریتانیا، سوم ژانویه ۱۷۹۵)

ژوزیا وج‌وود (Josiah Wedgwood) سازنده‌ی بزرگ‌ترین گلدان سفالی دنیا، امروز در سن ۶۴ سالگی و در ناحیه‌ی اتروریا (Etruria) نزدیک استوک‌اُن‌ترنت (Stoke-on-Trent) از دنیا رفت. او پس از سپری‌کردن دوران کودکی، به موفقیت‌های بزرگی دست یافت. وی در سن هشت سالگی هنر سفالگری را شروع کرده و در سن ۱۳ سالگی پس از مرگ پدرش، استاد این هنر شد. وج‌وود به‌زودی تبحر و تجربه‌ی زیادی در این هنر کسب کرد، اما در سن ۱۵ سالگی به بیماری آبله دچار شده و مدت‌ها بر اثر ضعف بنیه نتوانست به کار ادامه دهد، در ضمن برادر بزرگ‌ترش هم به او در کار کمک نکرد. او بیش‌تر فکر خود را در طراحی و تکنیک این هنر به‌کار برد، به‌طوری که توانست برای ملکه ظروف بسیار نفیسی بسازد. ظروف ساخت وی از کیفیت بسیار عالی برخوردار بود و بدین جهت شهرت جهانی کسب کرد.

کشور فرانسه صاحب قانون اساسی جدید شد (پاریس، ۲۳ سپتامبر ۱۷۹۵)

امروز مردم فرانسه با یک‌میلیون رأی به قانون اساسی جدید که مورد تمایل و دلخواه آنان بود، رأی مثبت دادند، در حالی‌که ۵۰ هزار نفر مخالف این قانون بودند، با این همه‌پرسی، قانون اساسی جدید تصویب شد. با این وصف، تنها یک‌هشتم جمعیت به پای صندوق‌های رأی رفتند. این قانون به تمام افراد ملت از جمله زنان حق رأی داده و جایگزین سیستم حکومتی پیشین شده، هم‌چنین طبقات اجتماعی را برحسب ثروت، به دو طبقه تقسیم کرده است. طبق این قانون، تمام افراد ذکور بایستی مالیات بپردازند و در سن ۲۱ سالگی یا بالاتر به خدمت سربازی بروند، هم‌چنین تمام افراد واجد شرایط که در کشور فرانسه متولد شده‌اند، می‌توانند در رأی‌گیری شوراهای محلی شرکت نمایند. تعداد نمایندگان این شوراها ۳۰هزار نفر خواهد بود. حائزین شرایط نمایندگی شوراها بایستی ۲۵ سال تمام داشته و سالیانه ۲۰۰ روز در کشور مشغول به کار شوند. در دومین مرحله‌ی رأی‌گیری، تعداد پنج نفر برای مجلس قانونگزاری با اختیارات وسیع انتخاب می‌شوند. قانون اساسی جدید طوری تنظیم شده که موانع قبلی را از سر راه بردارد و قدرت دیکتاتوری را از زمامداران سلب نماید.

شورش کارگران به انگلیس هم سرایت کرد (لندن، ۲۹ ژوئن ۱۷۹۵)

مردم لندن با میتینگ بزرگی که در جنوب لندن برای اعتراض به جنگ‌های ناخواسته با فرانسه و حق رأی برای زنان برپا کردند، باعث ترس و وحشت دولت انگلیس شدند، به‌طوری‌که دولت از نیروهای سوار و گارد محافظ لامبت (Lambeth) برای جلوگیری از اغتشاش تقاضای کمک کرد. در حدود ۱۰هزار نفر و به‌گفته‌ی سامان‌دهندگان میتینگ، یک‌صدهزار نفر که وفاداری خود را قبلاً نسبت به شاه اعلام کرده بودند، برای اجرای خواسته‌های خود اقدام به راه‌پیمایی و تظاهرات کردند که سرانجام با صلح و آرامش پراکنده شدند.

بسیاری از شهروندان بنیادگرا به پیروی از رویداد فرانسه، با تشکیل انجمن‌ها و کانون‌هایی در لندن و سایر شهرستان‌های انگلیس، با اقدامات شدید، لبه‌ی تیز شمشیر خود را علیه برپایی جنگ با فرانسه نشان دادند. صادرات کالا به‌طور کلی افت کرد، چون کارگران در بنادر و تنگه‌ها دست از کار کشیدند. در منطقه‌ی نوریچ (Norwich) از ۴۰هزار جمعیت شهر، ۲۵هزار

ایتالیا، ۲۰ مه ۱۸۱٤
ویکتور امانوئل (Victor Emmanuel) پادشاه پیه‌مون (Piedmont)، به شهر تورین (Turin) وارد شد.
رم، ۲٤ مه ۱۸۱٤
پاپ پیوس هفتم که به فرانسه تبعید شده بود و با قرارداد ناپلئون مبنی بر پیوستن ایالات تحت نظر پاپ به کشور فرانسه موافقت کرده بود، به رم بازگشت.
پاریس، ۳۰ مه ۱۸۱٤
طبق عهدنامه‌ی پاریس، مرزهای فرانسه به سال ۱۷۹۲ بازگشت. برحسب آخرین موافقت‌نامه، نمایندگان ساکنان مختلف کشورهای اروپایی برای اخذ تصمیم درباره‌ی آینده‌ی این قاره بایستی در کنفرانسی در شهر وین گرد هم آیند.
فرانسه، ۱٤ ژوئن ۱۸۱٤
لویی هجدهم قانون اساسی مشروطه‌ی سلطنتی را بدین شرح اعلام نمود که فرانسه یک کشور سلطنتی موروثی خواهد بود و دارای دو مجلس که یکی مجلس سنا با سناتورهایی که شاه انتخاب خواهد کرد و مجلس شورای ملی که نمایندگان آن توسط ملت برگزیده می‌شوند.
کانادا، ۵ ژوئیه ۱۸۱٤
سپاهیان ایالات متحده تحت فرمان جاکوب براون (Jacob Brown) یک لشکر مهم بریتانیا را در چیپوا (Chippewa) شکست دادند.
ایالات متحده، ۲۲ ژوئیه ۱۸۱٤
پنج قبیله‌ی سرخ‌پوست ساکن اوهایو با دولت صلح کردند و علیه انگلیس اعلان جنگ دادند.
بریتانیا، ۲۵ ژوئیه ۱۸۱٤
مهندس جورج استفن‌سون (George Stephenson)، نخستین لوکوموتیو بخار را در کیلینگ ورث کولیری (Killingworth Colliery) آزمایش کرد.
کانادا، ۲۵ ژوئیه ۱۸۱٤
بریتانیا و ایالات متحده هر دو بر سر نبرد لاندیزلین (Lundy's Lane) که به خونریزی زیادی منجر شده و یکی از سخت‌ترین و بدترین جنگ‌های برپاشده از سال ۱۸۱۲ بود، توافق کردند که آن را متوقف و به آن پایان دهند.
امریکای شمالی، ۹ اوت ۱۸۱٤
با عهدنامه‌ی فورت جکسون (Fort Jackson) به جنگ با کریک‌ها پایان داده شد. ایالات متحده به قبیله‌ی سرخ‌پوست‌های کریک فشار آورده بود که ۲۳میلیون جریب زمین را که شامل نصف ایالت آلاباما و بخش جنوبی جورجیا می‌شد را بایستی به دولت واگذار کنند.
ایالات متحده، ۲۵ اوت ۱۸۱٤
سپاهیان انگلیس با اشغال واشنگتن دی‌سی آن‌جا را آتش زدند که محل کاخ سفید هم طعمه‌ی حریق شد و در نتیجه پرزیدنت مادیسون (Madison) از آن‌جا فرار کرد.
ایالات متحده، ۱۱ سپتامبر ۱۸۱٤
نیروهای ایالات متحده به فرماندهی ماکدونوف (Macdonough)، قوای انگلیسی را در ناحیه‌ی دریاچه‌ی شامپلین (Lake Chamlain) درهم شکست.
ایالات متحده، ۱۳ سپتامبر ۱۸۱٤
سپاهیان بریتانیایی حمله‌ی ناموفقی را به بالتیمور (Baltimore) آغاز کردند. در بحبوحه‌ی این جنگ، فرانسیس اسکات‌کی (Francis Scottkey) امریکایی گروهی از میهن‌پرستان را تحت نام «پرچم درخشان پرستاره» جهت دفاع از میهن گردآوری کرد.
شهر نیویورک، اکتبر ۱۸۱٤
فولتون (Fulton) نخستین موتور بخاری جهان را که در جنگ‌ها به‌کار می‌رفت، ساخت.
وین، یکم نوامبر ۱۸۱٤
کنگره‌یی از نمایندگان تمام کشورهای اروپایی در شهر وین افتتاح شد.
کانادا، پنجم نوامبر ۱۸۱٤
نیروهای امریکایی شهر مرزی نیاگارا (Niagara) را ترک کردند و از ناحیه‌ی دژ اری (Fort Erie) خارج شدند.
فلوریدا، هفتم نوامبر ۱۸۱٤
نیروهای امریکایی به فرماندهی ژنرال آندریو جکسون به منطقه‌ی پنزاکولا (Pensacola) یورش برده و آن‌جا را تسخیر کردند و قشون اسپانیولی‌ها را هم شکست داده و به‌سوی نیروهای انگلیس حمله‌ور شدند.

نفر به فقر گرفتار شده‌اند. وضع سیاسی کشور هم به‌گونه‌یی است که نمی‌تواند امیال و خواسته‌های همه را برآورده سازد.

یکی از فعالان سیاسی به‌نام هنری رد هد یورک (Henry Redhead Yorke) (هنری کله قرمز) را به‌سبب ایجاد توطئه علیه دولت زندانی کردند، اما در زندان عاشق دختر یکی از مأموران رسمی دولت شده و با او ازدواج کرد و از آن پس دیگر گرد آن‌چنان سازمان‌هایی نرفت و رابطه‌ی خود را با اصولگرایان قطع کرد.

در نبردی که بین سپاهیان فرانسه و اتریش بر سر تصرف پل روی داد، نیروهای اتریشی مجبور به عقب‌نشینی شدند (ایتالیا، ۱۷ نوامبر ۱۷۹۶)

نبردی که از ماه آوریل بر سر تصرف پل رودخانه‌ی آلپون (Alpone) بین نیروهای نظامی فرانسه به فرماندهی ناپلئون بناپارت افسر ۲۷ ساله و شجاع و سربازان اتریشی در جریان بود، امروز با پیروزی نیروهای ناپلئون پایان یافت و اتریشی‌ها به منطقه‌ی آرکول (Arcole) عقب نشستند. این جنگ با پیشروی سپاه ۵۰ هزار نفری اتریش به فرماندهی ژنرال آلوینزی (Alvinczy) در زمانی‌که گروهی از ارتش فرانسه به‌سوی مرزهای آلمان عقب‌نشینی می‌کردند، آغاز شد. در اوایل این ماه، سربازان فرانسوی به فرماندهی ماسنا (Massena) که از جنگ خسته شده بودند، در نبرد باسانو (Bassano) مغلوب شده و هنگام عقب‌نشینی بار دیگر توسط نیروهای اتریشی به فرماندهی اوگرو (Augereau) در ناحیه‌ی کالدیزو (Caldiso) دچار ضربه‌ی سختی شدند و بدین ترتیب وضعیت قشون فرانسوی در ایتالیا به مخاطره افتاد. در این هنگام، ناپلئون با ژنرال آلوینزی در منطقه‌ی آرکول ملاقات کرد تا ترتیب متارکه‌ی جنگ را بدهد، لیکن مورد موافقت آلوینزی قرار نگرفت و ناچار نیروهای طرفین در زمین‌های باتلاقی مدت دو روز به بدترین وجهی به جنگ ادامه دادند تا این‌که ناپلئون با یک تاکتیک

حیرت‌انگیز که نشانه‌ی نبوغ جنگی او بـود، سـربازان را در سراسر ساحل رودخانه مستقر سـاخته و پـل پونتـون (Pontoon) که تنها محل عبور بود را تصرف کـرد و بدین ترتیب راه تهاجم دشمن را سد کـرد تـا سـرانجام قوای اتریشی به‌ناچار عقب‌نشینی کردند. اکنـون ماسـنا افسر فرانسوی در تعقیب سـربازان اتریشـی مـی‌باشـد، به‌طوری‌که جناح تحت فرمان اوگرو افسـر اتریشـی، در ناحیه‌ی آرکول به‌ستوه آمده‌اند.

طی ایـن جنـگ ۳ روزه، نیروهـای اتریشـی تعـداد هفت هزار نفر از سربازان و ۱۱ عراده تـوپ را از دسـت دادند. نیروهای فرانسوی هم متحمل تلفـات عمـده‌یـی شده و زخمی‌ها و کمبود آذوقه بسیار طاقت‌فرسا شـده است. بوناپارت در نطق خود سـربازان را مـورد خطـاب قرار داده و به آنان گفت: شما بدون اسلحه‌ی آتشین در جنگ پیروز شدید، بـدون پـل از رودخانـه عبورکردیـد، اکنون هم بدون چکمه می‌توانید به پیشروی ادامه دهید و بدون غذا هم در چادرهای خود چند روزی به‌سر برید.

آزادی بدون اطاعت از قانون غیرممکن است (ژن *(Jena)*، آلمان، ۱۷۹۶)

طبق نظریه‌ی یوهـان گوتلیـب فیختـه (Johann Gottlieb Fichte) فیخته فیلسوف آلمانی که یکـی از مریدان کانت (Kant) می‌باشد، بشر هیچ‌گاه نمی‌توانـد آزادی بدون حد و مرز داشته باشد و همواره باید از یک سیستم قانونی مستدل و منطقی پیروی کند. طبق ایـن فرضیه‌ی جدید، آزادی بدون قانون موجب هرج و مـرج خواهد شد. پروفسور فیخته‌ی ۳۴ ساله در کتـاب جدیـد خود که تـازه منتشـر شـده و بـه «اسـاس مطالعـات و معلومات بشری» موسوم است، می‌نویسد: بشر موجودی است اجتمـاعی و مـی‌بایـد در جوامـع بـا سـایر مـردم زندگانی کند و قوانین هم باید بر این جوامع حاکم باشد و این قوانین، مقررات بین مردم و ارتباط آن‌ها را تعیین می‌کند.

مباحثی که فیخته شرح می‌دهد، حاکی از آن اسـت که قوانین اجتمـاعی لازمـه‌ی زنـدگانی است و نظـام اجتماع در گرو رعایت و بـه‌کاربسـتن مقـررات اسـت و سرپیچی از آن، نظام اجتماعی را مختل می‌کند. قـانون از حقوق افراد پشتیبانی کـرده و حـافظ جـان و مـال و ناموس مـردم اسـت. ایـن فرضـیه‌ی جدیـد، نشـانه‌ی برگشت به زندگی و قوانین مربوط به آن است. در سه سال پیش نظریه‌ی فیخته غوغایی در جامعه ایجاد کرد و وی را مخالف حکومت قلمداد نمود، لیکن اکنـون بـا توجه بیش‌تر به نکات آن، این مخالفت‌ها فروکش کرده است.

سـتاره‌شـناس فرانسـوی وضـعیت کواکـب را روشن‌تر کرده است (پاریس، ۱۷۹۶)

پی‌یـر سـیمون دو لاپـلاس (Pierre-Simon de Laplace)، ریاضیدان، ستاره‌شناس و دانشمند فیزیـک فرانسوی، با کشفیات خود ثابت کرد که در اوج افتخـار قرار دارد. او با انتشار کتاب خود کـه بـه زبـان سـاده و مردمی نوشته شده، انقلابی در علم نجـوم پدیـد آورد و توانسـت سیسـتم کائنـات و پدیدآمـدن سـتارگان و منظومه‌ها را به‌طور روشن و واضح تشـریح کنـد. او در کتابی کـه اخیـراً منتشـر کـرده، موقعیـت منظومـه‌هـا، کهکشـان‌هـا و سـتارگان را بـه‌خـوبی تعیـین کـرده و مکانیسم به‌وجودآمدن اجـرام سـماوی را روشـن کـرده است. او توانست مـدار تمـام سـیارات را کشـف کنـد و مسیر هر ستاره را به‌خوبی نشان دهد. به‌عنـوان مثـال، وی می‌گوید که مدار ستاره‌ی مشتری کوتاه‌تـر از مـدار ستاره‌ی زحل یا کیوان می‌باشد و ستاره‌ی مشـتری بـه خورشید نزدیک‌تر است. از دیگر کشفیات لاپلاس، طرز تشکیل ستارگان و سـیارات اسـت. برحسـب نظریـه‌ی لاپلاس، منظومـه‌ی شمسـی در ابتـدا از یـک تـوده‌ی عظیم گاز تشکیل شده که این توده‌ی گاز به‌تدریج سرد و متراکم شده و کرات منظومـه‌ی شمسـی را بـه‌وجـود آورده است.

ملکه‌ی ظالم و سـتمگر روسیه کـه موجـد یـک روسـیه‌ی قدرتمنـد بـود، از دنیـا رفـت (تـزار اشکویه‌سلو، هفتم نوامبر ۱۷۹۶):

امروز کاترین مشهور به کبیر در سن ۶۷ سالگی در

ایالات متحده، ۱۳ دسامبر ۱۸۱٤
ژنرال آندر جکسون که در جنگ با سرخ‌پوست‌ها به شهرت رسیده بود، اعلام کرد طبق قوانین جنگی اجازه نخواهد داد که نیروهای دریایی انگلیس از ۶۵ کیلومتری ساحل دریاچه‌ی بورن (Lake Borne) شهر به آنجا نزدیک‌تر شوند.
ایالات متحده، ۲۳ دسامبر ۱۸۱٤
آندریو جکسون جلوی پیشروی نیروهای بریتانیا را به شهر نیواورلئان (New Orleans) سد کرد.
هلند، ۲٤ دسامبر ۱۸۱٤
بریتانیا و نمایندگان ایالات متحده با امضای قرارداد گنت بین نمایندگان طرفین به نبرد میان دو کشور پایان دادند. طبق این عهدنامه، انگلیس تمام سرزمین‌های متصرفی را به ایالات متحده مسترد کرد، البته مدت یک‌ماه طول خواهد کشید که متن این قرارداد به گوش مسؤولان در امریکا برسد.
پاراگوئه (Paraguay)، ۱۸۱٤
خوزه فرانسیا (Jese Francia) به‌عنوان دیکتاتور پاراگوئه معرفی شد. وی در سه سال پیش استقلال این سرزمین را اعلام داشته بود.
رم، ۱۸۱٤
پاپ پیوس هفتم دادگاه بررسی عقاید را جهت تطبیق آن با قوانین مسیحیت برپا ساخت.
دانمارک، ۱۸۱٤
کریستیان راسک (Kristian Rask) نویسنده‌ی قواعد زبان، مقاله‌یی در ارتباط و تطبیق‌دادن بین زبان‌های ایسلندی (Icelandic) و اسلاوی (Slavonic) و مقایسه‌ی آن با زبان‌های یونانی و لاتین تألیف کرد. وی نخستین فردی است که توانست میان زبان‌های هند و اروپایی ارتباط برقرار کرده و آن را تشریح کند.
اسپانیا، ۱۸۱٤
فرانسیسکو گویا (Francisco Goya) نقاش اسپانیولی، دو تابلو به‌نام دوس دمایو (Dos de Mayo) و ترس دمایو (Tres de Mayo) ترسیم کرد که مظهر جشن‌های مردم مادرید در برابر زورگویی‌ها و تسخیر شهرشان به‌وسیله‌ی ناپلئون و سقوط وی در مقابل اراده‌ی آن‌ها می‌باشد.
بریتانیا، ۱۸۱٤
کتابی به‌نام ویورلی (Waverley) که مؤلف آن مشخص نمی‌باشد و مربوط به انقلاب ژاکوبن‌ها در سال ۱۷۴۵ می‌باشد، منتشر شد که بهترین فروش را داشت.
لندن، ۱۸۱٤
ماریلبون (Marylbone) یک کلوب بازی کریکت (Cricket) در زمین لرد کریکت دایر کرد که جهت مسابقه این بازی در نظر گرفته شده است.
لندن، ۱۸۱٤
تایمز (Times) نخستین روزنامه‌یی است که توسط دستگاه‌های چاپ با موتور بخاری چاپ و انتشار یافت.
لندن، ۱۸۱٤
دو لویچ (Dulwich) در نخستین تالار هنری که مجموعه‌ی بزرگی از عکس‌های گوناگون در آن گردآوری شده، در معرض تماشای عموم گذارده شد.
ایالت کانکتیکت (Connecticut)، پنجم ژانویه ۱۸۱۵
فدرالیست‌های سراسر ایالت نیوانگلند در هارتفورد (Hartford) کنوانسیونی تشکیل دادند و خواستار تغییرات مهمی در قانون اساسی ایالات متحده شدند.
ایالات متحده، هشتم ژانویه ۱۸۱۵
نیروی نظامی تحت فرمان آندریو جکسون، قوای نظامی بریتانیا را در جنگ نیواورلئان منهزم کردند.
ایالات متحده، ۱۱ فوریه ۱۸۱۵
اخبار راجع به انعقاد عهدنامه‌ی گنت (Ghent) در مورد پایان جنگ با بریتانیا سرانجام به امریکایی‌ها رسید.
زلاند نو، ۲٤ فوریه ۱۸۱۵
جناب ساموئل مارسدن (Reverend Samuel Marsden) نخستین فرد اروپایی است که مقداری زمین در نیوزیلند (New Zealand) از قبیله‌ی نگاپوهی (Nega-Puhi) خریداری کرد. وی در نظر دارد در این زمین کلیسایی جهت میسیونرهای مذهبی مسیحی تأسیس کند.
فرانسه، یکم مارس ۱۸۱۵
ناپلئون با یک‌هزار نفر مرد جنگی از جزیره‌ی الب در بندر کانه (Cannes) پیاده شد و به‌سوی شهر پاریس عزیمت کرد.

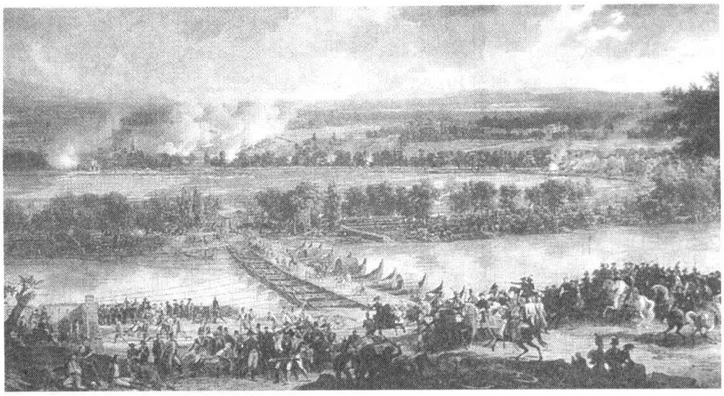
ویلای خویش (تزار اشکویه سلو (Czarskoye Selo)) نزدیک سن‌پترزبورگ (St Petersburg) که مسکن یک‌سری اشراف رذل و پست و بدسگال و از نظر ساختمانی اسرارآمیز بود، جهان را بدورد گفت. کاترین در حقیقت اصالت روسی نداشت و خون روسی در رگ‌های او جریان نداشت، زیرا در اشتیتن پومرانیا (Stettin Pomerania) زاده شد. او دختر پرنس آنهالت زربست (Anhalt-Zerbst) بود، او را در سن ۱۵ سالگی به عقد ازدواج گرانددوک پتر (Grand Duke Peter) که از نظر مغزی غیرعادی و عقب‌افتاده بود، درآوردند. کاترین دو سال تمام را با بدبختی تحمل کرد و قرار بود که شوهرش پتر به سلطنت برسد، لیکن کاترین به کمک یکی از عشاق خود ترتیب قتل او را داد. کاترین هنگامی‌که به فرمانروایی رسید، از روس‌ها روس‌تر شد. او می‌گفت: آرزوی من این است که این سرزمین را با کمک خداوند که اگر او مرا یاری دهد، به سعادت و خوشبختی برسانم. او می‌گفت: سیستم سرفداری مخالف با قانون الهی است، با این وصف، سرفداری در زمان او ترقی و توسعه پیدا کرد. او با زور و کمک نیروهای مسلح روسیه، مرزهای امپراتوری را توسعه داد، به‌طوری‌که مرزهای روسیه در غرب به رود دنیستر (Dniester) و از جنوب به دریای سیاه رسید. او به جانشینانش می‌گفت که حتی‌المقدور از مشورت با آلمانی‌ها احتراز کنید.

رابی برنز (*Robbie Burns*) شاعر اسکاتندی (دومفریز (*Dumfries*)، اسکاتلند، ۲۱ ژوئیه ۱۷۹۶)

رابرت یا رابی برنز شاعر و رامشگر اسکاتلندی در سن ۳۷ سالگی بر اثر ازدست‌دادن سلامتی خود و ابتلا به بیماری درگذشت. او صدها بیت اشعاری را که به‌نام کوه‌های بلند لاسی (Lassie) و گدایان الکی‌خوش و اولد لانگ ساین (Auld Lang Syne) یا (روزهای خوش گذشته) سروده بود، به‌زبان محلی می‌خواند، به‌طوری‌که روح مردم اسکاتلند را تسخیر کرده بود. وی



یک گلدان پورتلند Portland، نقاشی از وج وود Wedgwood.



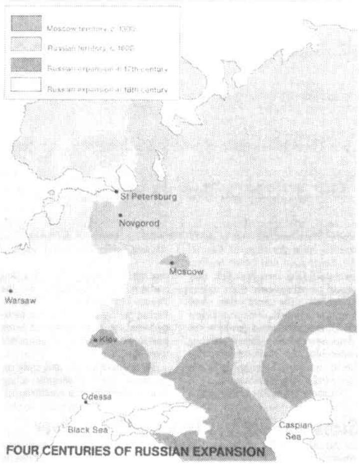
سپاهیان فرانسوی با عبور از رود آلپون Alpone و استحکام مواضع خود، لشگریان اتریشی را عقب راندند.



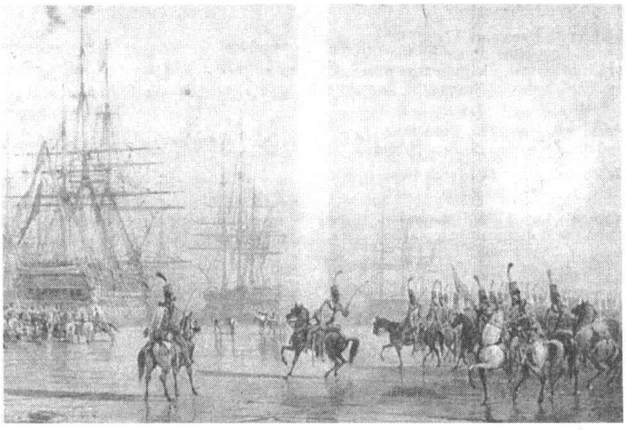
مردمی که از ترس واکسن آبله سرگردانند. از دید یکی از نقاشان مخالف واکسیناسیون



انقلابیون پابرهنه ی فرانسوی برای کمبود نان قیام کرده اند.



نقشه ی چهار سده پیشروی روسیه و تصرف سرزمین های مجاور.



سپاهیان سوار فرانسوی در زمستان گذشته از روی آب های یخ زده به رزمناوهای هلندی حمله ور شدند.

مدیترانه، ۳ مارس ۱۸۱۵
با ازسرگیری دزدی دریایی در مدیترانه، کنگره‌ی امریکا به ارتش اختیار داد که اقدامات ازم را علیه بیگ (حاکم) الجزایر به‌کار گیرد.
هلند، ۱۳ مارس ۱۸۱۵
لویی هجدهم پادشاه فرانسه به شهر گنت گریخت.
پاریس، ۲۰ مارس ۱۸۱۵
ناپلئون وارد پاریس شد.
وین، ۲۵ مارس ۱۸۱۵
بریتانیا، اتریش، پروس و روسیه، بار دیگر قرارداد جدیدی علیه ناپلئون بستند.
اتریش، ۱۰ آوریل ۱۸۱۵
دولت اتریش برضد یوآخیم مراد پادشاه ناپل اعلان جنگ داد، چون او مجدداً از ناپلئون حمایت کرد.
فرانسه، ۲۳ آوریل ۱۸۱۵
قانونی که در مجلس ملی فرانسه در مورد سلطنت موروثی در خانواده‌ی لویی هجدهم در ماه ژوئن سال گذشته به تصویب رسیده بود، از اعتبار افتاد.
ایتالیا، ۳ مه ۱۸۱۵
مراد پادشاه ناپل توسط یک گردان از نیروهای اتریش در تولن‌تینو (Tolentino) هزیمت یافت.
ایتالیا، ۲۰ مه ۱۸۱۵
دولت‌های انگلیس و اتریش با امضای پیمان کازالانزا (Casa Lanza)، تمام سپاهیان مراد پادشاه ناپل را بیرون راندند و خود او هم به فرانسه فرار کرد.
پروس، ۲۲ مه ۱۸۱۵
فردریک ویلهلم سوم پادشاه پروس، اهداف پیمان سال ۱۸۱۰ را بار دیگر تجدید کرد.
فرانسه، ۱ ژوئن ۱۸۱۵
ناپلئون در مجلس ملی فرانسه سوگند وفاداری یاد کرد.
ایتالیا، ۳ ژوئن ۱۸۱۵
فردیناند چهارم پادشاه پیشین ناپل جانشین مراد شد.
وین، ۹ ژوئن ۱۸۱۵
دولت‌های بریتانیا، روسیه، پروس، اتریش، فرانسه، سوئد و پرتغال، مفاد عهدنامه‌ی صلح در اروپا را که در کنگره‌ی وین به رأی گذاشته شده را امضا کردند.
وین، ۹ ژوئن ۱۸۱۵
قانونی به تصویب رسید که تمام ۳۹ ایالت آلمانی در یک کنفدراسیون تحت حکومت واحد جمع شوند و این حکومت متحد، جانشین جمهوری امپراتوری مقدس رم قدیم بشود.
هلند، ۹ ژوئن ۱۸۱۵
در عهدنامه‌ی وین قید شد که حکومت بلژیک و هلند تحت یک حاکمیت هلندی متشکل شوند.
هلند، ۱۶ ژوئن ۱۸۱۵
ناپلئون لشکریان بلوخر (Blucher) را در نبرد لیگنی (Ligny) مغلوب کرد.
مصر، ۱۸۱۵
انقلابی که رژیم محمدعلی پاشا را توسط مردم آلبانی‌تبار درگیر کرده بود، شهر قاهره را هم دربرگرفت. نیروهای دولتی شورش را سرکوب کردند و سران شورشی را به مصر علیا تبعید نمودند.
هلند، ۱۸ ژوئن ۱۸۱۵
ناپلئون در جنگ واترلو (Waterloo) توسط قوای پروس و بریتانیا به شکست قطعی رسید.
پاریس، ۲۲ ژوئن ۱۸۱۵
ناپلئون پس از عدم همکاری پارلمان با وی، بار دیگر از سلطنت استعفا داد.
الجزایر، ۳۰ ژوئن ۱۸۱۵
ایالات متحده با تهدید به بمباران الجزایر، بیگ (پادشاه) کشور را مجبور به توقف و جلوگیری از دزدی دریایی کرد و در نتیجه از زندانی‌شدن رهایی یافت.
پاریس، ۷ ژوئیه ۱۸۱۵
نیروهای متحدین با پیروزی وارد پاریس شدند.
پاریس، ۸ ژوئیه ۱۸۱۵
لویی هجدهم به پاریس بازگشت.
فرانسه، ۱۷ ژوئیه ۱۸۱۵
ناپلئون پس از تلاش بیهوده‌یی که برای پناهندگی به امریکا انجام داد، سرانجام در منطقه‌ی راچفورت (Rochefort) تسلیم بریتانیا شد.

هنوز ۲۵ سالگی را تمام نکرده بود که با دیوان کوچک اشعار خود، جهان را تکان داده و دیوان او بلافاصله به فروش رسید. برنز پسر بزرگ یک زارع فقیر بود. او با سرودن کتاب دوم اشعار خود به شهرت زیادتری رسیده و با فروش این کتاب یک مزرعه خرید. وی با عضوشدن در انجمن ادبی شهر ادینبورو (Edinburgh)، سخت مورد توجه واقع شده و به‌عنوان یکی از مأموران مالیاتی در منطقه‌ی جنوب غربی اسکاتلند استخدام شد.

کشور لهستان را مانند کیک به سه بخش تقسیم کردند (ورشو، ۱۷۹۵)

آخرین فرد انگلیسی که قربانی سیاست خارجی ورشکسته‌ی کشور در شهر ورشو پایتخت لهستان بود، مواجه با ۳۰۰ پناهنده‌ی لهستانی که به سفارت انگلیس پناهنده شده بودند و در این مورد از دولت مرکزی درخواست پول برای هزینه‌ی سفارت کرد، لیکن دولت با درخواست او موافقت نکرد، زیرا با فتوحات دولت انقلابی فرانسه را برادر می‌خواند و در جواب مأمور سفارت نوشت که این عده‌ی قلیل قابل توجه نیستند و شما باید هرچه زودتر محل را ترک کنید.

در سال گذشته با سرکوب شورش لهستان دولت‌های روس، پروس و اتریش، سرزمین لهستان را به سه پاره تقسیم کردند و هر کدام تکه‌ی بزرگی از آن‌جا را سهم خود دانستند و بدین‌وسیله کار لهستان را خاتمه‌یافته تلقی کردند، لیکن دولت پروس با فشار به مرز شرقی، ورشو را ضمیمه‌ی قلمرو خود کرد و اتریش هم استان کراکو (Cracow) را تسخیر نمود و بالاخره روس‌ها هم بقیه‌ی این سرزمین را مالک شدند، به‌طوری‌که سهم روسیه از پروس و اتریش زیادتر شد. آن‌ها طی عهدنامه‌یی این تقسیم را ابدی دانسته و بر سرزمین‌های متصرفی کاملاً مسلط شدند.

چینی‌های تنبل و راحت‌طلب دست به شورش زدند (چین، ۱۷۹۶)

انجمن آسوده‌طلبان سفیدپوست که از یک عده

مرتاض معتقد و پیرو بودا تشکیل شده و بودا را معلم و راهنمای صلح و دوستی می‌دانستند، علیه دولت مرکزی دست به شورش زدند. آن‌ها برای تبلیغ و پشتیبانی از عقاید خود، تمام روستاییان را دعوت به همکاری کردند و از مظالم و ستمگری دولتمردان گله داشتند. مردم هم تحت تأثیر احساسات قرار گرفته و به‌زودی شورش تمام روستاها و شهرهای کوچک را فراگرفت. این انجمن که در قرن چهاردهم جهت بیرون‌راندن مغول‌ها از کشور به شهرت رسیده بود، هیچ‌گاه با جنگ‌طلبان و وحشیگری‌های جنگجویان میانه‌یی نداشت و از جنگ و جدال بیزار بود، لیکن با فرستادن هیأت‌هایی به اطراف و اکناف، تمام روستاها را یکی‌یکی به حمایت و همکاری دعوت کرد که در صورت بروز درگیری، اقدام به دفاع موضعی کنند. آن‌ها به روستاییان اجازه دادند که با خود سلاح حمل کرده و برای جلوگیری از تجاوز غارتگران محلی، به ساختن قلاع و استحکاماتی در نقاط مرتفع و کوهستانی اقدام کنند و برای حفاظت و حراست از شهرها و دهات، تعداد زیادی سرباز مأمور استخدام کردند تا همواره مراقب و مواظب جان و مال اهالی باشند.

زنان شیردوش نشانه‌یی از مصونیت در مقابل بیماری آبله هستند (لندن، ۱۷۹۶)

مصونیت از ابتلا به بیماری آبله، مدیون اقدامات یک دکتر روستایی به‌نام ادوارد جنر (Edward Jenner) می‌باشد که اهل ناحیه‌ی گلوسسترشایر (Gloucestershire) است و او بود که افراد را در مقابل این بیماری خطرناک مصون داشت. جنر هنگامی‌که هنوز دانشجو بود، مشاهده کرد که زنانی که شیر گاو را می‌دوشند، با تاول‌هایی که روی پستان گاو می‌زند و به تاول گاوی مشهور است، در تماس هستند و این افراد هیچ‌وقت به بیماری آبله دچار نمی‌شوند. جنر برای اثبات این تجربه، روی پوست بازوی یک پسر هشت ساله به‌نام جیمز فیپز (James Phipps) را با سوزن خراش داد و مقداری از مایع تاول پستان گاو را بر روی آن خراش قرار داد. در اثر این عمل، یک تاول در روی پوست جیمز جوان ایجاد شد و جنر مشاهده کرد که جیمز حتی با تماس با کودکان مبتلا به آبله نیز به این بیماری دچار نشد. وی از این راه دریافت که این کودک واکسینه و مصون شده است. دکتر ادوارد جنر بدین‌وسیله مردم را برای واکسیناسیون برضد آبله آماده ساخت تا از بروز عفونت در بدن افراد جلوگیری شود.

طغیان افراد نیروی دریایی بریتانیا سرکوب شد (لندن، ۱۷۹۷)

در تاریک‌ترین زمان جنگ که ارتش بریتانیا در مقابل لشگریان پیروزمند انقلابی فرانسه قد علم کرده و از سویی دشمن به پایگاه دریایی تکسل (Texel) هلند حمله‌ور شده بود، شورش در ناوگان انگلیس آغاز شد و از یک کشتی به کشتی دیگر سرایت نمود. طغیان در بندر اسپیت‌هد (Spithead) نزدیک بندر پورتسموث (Portsmouth) آغاز شد. هنگامی‌که ناوگان دریایی در کانال مانش مستقر بود، لرد بریدپورت (Lord Bridport) فرمان داد که ناویان کشتی ملکه شارلوت (Queen Charlotte) به نمایندگی از سایر ناوها، پرچم انگلیس را برافرازند و پیش روند و سایر ناوها از آن پیروی و در دنبال آن به صحنه وارد شوند. این دستور موجب خشم ملوانان شده و از این‌جا طغیان و سرکشی آغاز گردید.

ملوانان پیش از این از مجلس عوام درخواست کرده بودند که حقوق ماهیانه‌ی آن‌ها را اضافه نمایند (هر ملوان از زمان شارل دوم ماهی ده شیلینگ به‌عنوان حقوق ماهیانه دریافت می‌کرد و این مبلغ تاکنون اضافه نشده بود)، هم‌چنین تقاضا کرده بودند که وضع غذا و درمان پزشکی آن‌ها بهبود یابد. ناویان می‌گفتند: هنگامی به دریا خواهند رفت که طلیعه‌ی دشمن نمایان شود. آن‌ها با کمال قدرت و برای اخطار به قسمت وسیع عرشه‌ی ناوها آمدند، ولی اقدامی نکردند. آن‌گاه فرمانده و رهبر ملوانان اظهار داشت که ما باید از

فرانسه، ژوئیه ۱۸۱۵
سلطنت‌طلبان کاتولیک جنوب فرانسه، به تلافی جنگ‌های موسوم به ترور سفید علیه طرفداران بوناپارت و انقلابیون، تعدادی از سربازان مستقر در پادگان را به هلاکت رسانیدند.

افریقای شمالی، پنجم اوت ۱۸۱۵
ناوگان دریایی قهرمان استفن دکاتور (Stephen Decatur) با تعقیب دزدان دریایی توسط حاکم تریپولی (Tripoli) موافقت کرد و در عین حال نظر حاکم الجزایر را هم به این موضوع جلب کرد که با سرپیچی از این فرمان دستگیر خواهد شد.

سویس، هفتم اوت ۱۸۱۵
۲۲ بخش کشور، پیمان کنفدراسیون سویس را پذیرفتند، مشروط بر آن‌که هریک از این بخش‌ها یک مجلس محلی داشته و استقلال داخلی خود را حفظ کنند. در ضمن، تمام بخش‌ها موافقت کردند که جهت جلوگیری از دشمنان بیگانه، سربازانی برای ارتش کشور اعزام نمایند.

فرانسه، ۲۲ اوت ۱۸۱۵
سلطنت‌طلبان افراطی در پارلمان فرانسه حائز اکثریت آرا شدند.

هلند، ٢٤ اوت ۱۸۱۵
ویلیام پادشاه جدید هلند، مجلس آزادی‌خواه میانه‌رو تشکیل داد.

اروپا، ٢٦ سپتامبر ۱۸۱۵
به تحریک تزار الکساندر پادشاه روس، روسیه، اتریش و پروس به امضای یک ائتلاف مقدس تن در دادند؛ بدین معنی که هرکدام از دولت‌ها موافقت کردند برای جلوگیری از حملات دشمنان به مقدسات مسیحیت هم‌پیمان شوند و در این امر یک‌دیگر را یاری دهند و هم‌چنین قوانین دین مسیح را رعایت کنند.

فرانسه، ٢٦ سپتامبر ۱۸۱۵
دوک ریشیلیو (duke Richelieu) یکی از مخالفان سلطنت‌طلبان افراطی، به‌عنوان نخست‌وزیر و وزیرخارجه‌ی کشور منصوب شد.

فرانسه، هفتم اکتبر ۱۸۱۵
مارشال نی (Ney) به‌سبب پشتیبانی از ناپلئون و ترک خدمت در دستگاه سلطنتی، به اعدام محکوم شد.

اقیانوس اطلس جنوبی، ۱۷ اکتبر ۱۸۱۵
ناپلئون توسط متحدین به تبعید در جزیره‌ی سنت‌هلن (St Helena) محکوم و به آن محل فرستاده شد.

بریتانیا، پنجم نوامبر ۱۸۱۵
بریتانیا با امضای قراردادی جزایر ایونی (Ionian Islands) در دریای مدیترانه را تحت‌الحمایه‌ی خود قرار داد.

پاریس، ۲۰ نوامبر ۱۸۱۵
با امضای دومین عهدنامه‌ی پاریس، مرزهای فرانسه به سال ۱۷۸۹ برگشت و به جنگ و دشمنی فرانسه با سایر کشورهای اروپایی پایان داده شد و به یکی از کشورهای حافظ امنیت اروپا تبدیل گشت.

اروپا، ۲۰ نوامبر ۱۸۱۵
بریتانیا، اتریش، پروس و روسیه با عقد پیمان چهارجانبه موافقت کردند که تا بیست سال از به‌قدرت‌رسیدن سلسله‌ی بوناپارت در فرانسه ممانعت کنند.

لهستان، نوامبر ۱۸۱۵
دوک‌نشین ورشو که ضمیمه‌ی قلمرو امپراتوری روسیه شده بود، با عقد پیمان وین به‌صورت یک کشور مستقل به‌نام کشور پادشاهی لهستان تبدیل و آلکساندر تزار روس هم این امر را تصویب کرد.

افریقای جنوبی، ۱۸۱۵
تعداد پنج نفر از بوئرها که در شورش برضد بریتانیا شرکت داشتند، در منطقه‌ی اسلاگترزنک (Slagter's Nek) واقع در مرز شرقی کیپ در ملأ عام حلق‌آویز شدند. نخستین جرقه‌ی این آتش به‌وسیله‌ی بوئرهای خشمگین به‌علت مخالفت کارگران خویزان (Khoisan) علیه اربابان بوئر خود آغاز شد و دادگاه بریتانیایی حکم اعدام این پنج نفر را صادر کرد. بوئرها در تلاش خود از این‌که خود را رییس و ارباب خوزاها (Xhosa) در سراسر نقاط مرزی به‌حساب آورند، ناکام ماندند.

امپراتوری عثمانی، دسامبر ۱۸۱۵
میلوس اوبرنوویک (Milos Obrenovic) مزرعه‌دار و خوک‌چران سابق، با فرصتی که به‌دست آورده بود، علیه امپراتوری عثمانی قیام کرد و به رهبری شورشیان خواستار استقلال صربستان انتخاب شد. وی هم‌چنین آزادی و خودمختاری صرب‌ها را درخواست کرد و برای این کار علیه عثمانی به جمع‌آوری سپاه پرداخت.

تحصیلات و معلومات بهتری برخوردار شویم و پیرو عدالت و مساوات هستیم و چون سرباز هستیم، باید در جنگ شرکت کنیم و لندن هم باید به‌سرعت به درخواست‌های ما پاسخ دهد. اما شورش به‌سرعت پایان نیافت، بلکه به اسپیت‌هد و دریای شمال و خلیج تیمز (Thames Estuary) هم سرایت کرد. فرماندهی شورش برعهده‌ی ریچارد پارکر (Richard Parker) افسر سابق ناوگان انگلیس بود که یک ماه پیش هم ملوانان را تحریک به اعتصاب کرده بود. به‌دستور فرمانده پارکر، ۲۸ نفر دیگر از افسران به جرم طغیان و سرکشی از دستورات مافوق به دار کشیده شدند. لازم به ذکر است که این تنها شورشی نبود که با دستگیری و اعدام چند نفر پایان یافت، بلکه شورش و سرپیچی از فرمان در ناوگان مدیترانه هم ایجاد شده بود.

یک اسکاتلندی برای حمل کالا مسیر رودخانه‌یی را کشف کرد (نیجریه، ۲۱ ژوئن ۱۷۹۶)

یک دکتر اسکاتلندی ۲۴ ساله در طی مسافرت خود به رودخانه‌ی عظیم نیجر در ناحیه‌ی سگو (Segu) در ساحل مونگو پارک (Mungo Park) رسید و پیشنهاد کرد که برای حمل و نقل کالا و برای دسترسی به داخل قاره‌ی افریقا از این راه اسرارآمیز استفاده شود. طبق گزارش وی، رود نیجر یک مسیر آبی وسیع می‌باشد که مانند رود تیمز قابل کشتیرانی است و آب آن هم به‌سوی غرب جاری است. او برای اثبات این اکتشاف از آب این رودخانه آشامید و شکر خدا را به‌جای آورد. این نخستین پارکی است که اروپاییان از این راه به داخل سرزمین افریقا رسوخ کردند. این دکتر اسکاتلندی به‌تنهایی به این سفر مبادرت کرد و در مدت اقامت خود از غذاهای محلی استفاده کرد، بدون این‌که زندگی لوکس غربی را به‌یاد آورد و در کمال راحتی با بومیان حشر و نشر داشت. تنها وسیله‌یی که او به همراه خود برده بود، یک دماسنج و یک قطب‌نما بود و برای مخارج غذا و سرپناه، مقداری مروارید و منجوق و عنبر و تنباکو به آن‌ها داد و در آخرین وهله هم دکمه‌های لباس خود را در ازای قیمت غذا به بومیان

هدیه کرد. به‌هر حال، کتاب سرگذشت وی به‌سرعت به فروش رسید.

لوکنو در تحت فرمانروایی آصف‌الدوله به خوشبختی رسید (لوکنو، هندوستان، سپتامبر ۱۷۹۷)

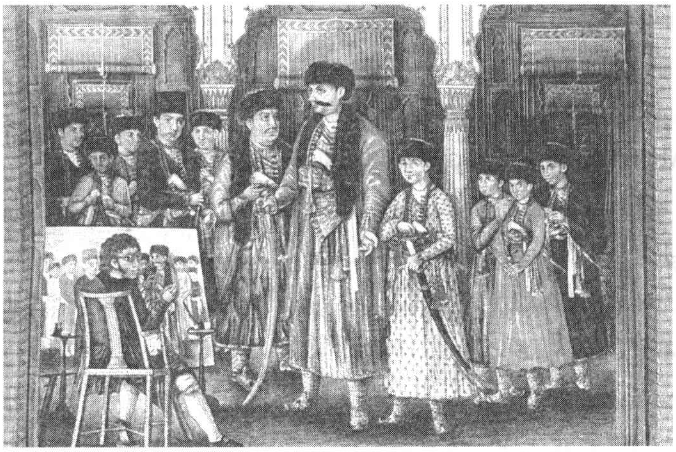
آصف‌الدوله پادشاه بخشی از هند، پایتخت خود را به شهر جدید لوکنو (Lucknow) انتقال داد و در این شهر، چندین قصر، مدرسه و مسجد بنا کرد. وی هم‌چنین شعرا، نقاشان، معماران و موسیقی‌دانان بزرگ مسلمان هندوستان را در دربار خود گرد آورده و بدین‌وسیله توریست‌ها، بازرگانان و شیادان بسیاری به این منطقه از هندوستان جلب شدند. پیش از این هم شهر لوکنو از این نظر از شهر دهلی جلوتر بود و شاعرانی مثل میرزا رفیع مشهور به سودا، میرطاقی مشهور به میر و میرغلام‌حسن که از برجسته‌ترین شاعران عصر بودند، در این شهر اقامت داشتند. این شاعران و ادبا برخی ایرانی و بعضی هندی بودند. شعرای دربار آصف‌الدوله نه‌فقط برای تحصیل ثروت اوده (Oudh) به این شهر روی آوردند، بلکه شخص شاه، دانشمندان شیعه‌ی ایرانی و نقاشان هندی و اروپایی، هنرمندان و موسیقی‌دانان مغول را نیز از اطراف و اکناف به این شهر جلب نمود. آصف‌الدوله از نظر غذایی، تنها به نان و کره بسنده می‌کرد، لیکن مانند اکثر شاهزادگان هندی به جمع‌آوری جواهر و اشیای نفیس و گران‌بها علاقه داشت، به‌طوری‌که دربار وی بسیار شکوهمند و مجلل بود و این جلال و شکوه مدیون ثروت اوده بود. اقتصاد اوده (Oudh) (حکومت لوکنو) کاملاً در اختیار کمپانی انگلیسی هند شرقی قرار داشت. آصف‌الدوله هم بیش‌تر متکی بر ارتش قدرتمند و خزانه‌ی اوده و وام کمپانی بود، با این وصف آصف‌الدوله با این اعمال شگفت‌انگیز در حقیقت کمپانی انگلیسی را به مبارزه دعوت کرد.

اختراع چتر نجات و نمایش آن (میلان، ۲۲ اکتبر ۱۷۹۷)

امروز یک نمایش هوانوردی در شهر پاریس انجام شد، بدین معنی که یک بالون که به‌وسیله‌ی هوای گرم به‌فضا رفته بود، در حین پرواز یک چتر نجات به‌سوی زمین فرستاد و خلبانی که چتر را هدایت می‌کرد، سالم در پارک مونسو (Monceau) به زمین نشست. این اختراع مدیون آندره ژاک گارنرین (Andre Jacques Garnerin) دانشمند فیزیک فرانسوی است که در حقیقت پیش‌آهنگ فن هوانوردی می‌باشد. این بالون توسط ۳۶ شمع گچی، هوای داغ تولید می‌کند و این هوای گرم، بالون را به فضا رها می‌کند. این بالون که از پارچه‌ی نفوذناپذیری به هم دوخته شده، هشت متر قطر دارد و گارنرین مخترع چتر نجات که خود هدایت آن را به‌عهده داشت، از ارتفاع یک‌هزار متری با چتر نجات در پارک مونسو فرود آمد. چتر نجات در حالی‌که به‌وسیله‌ی ریسمان به بالون متصل شده بود، از بالون به پایین پرتاب شد و ناظران مشاهده کردند که گارنرین این طناب را قطع کرد، در همین زمان چتر باز شده و هوانورد از آن ارتفاع به‌آهستگی فرود آمد و سالم در پارک به زمین نشست.

جمهوری ایتالیا به متصرفات فرانسه اضافه شد (میلان، نهم ژوئیه ۱۷۹۷)

ناپلئون امروز به‌مدت سه ساعت بر روی اسب در هوای بسیار گرم تابستانی به‌سوی جمهوری سزالپین (Cisalpine) رهسپار شد تا در جشن این جمهوری شرکت کند، در حالی‌که صدای موزیک شاد در تمام خیابان‌های شهر میلان شنیده می‌شد. سزالپین شامل دو ایالت کوچک پیشین ترانسپادین (Transpadian) و سیزپادین (Cispadian) و هم‌چنین ایالت مودنا (Modena) که تحت حکومت یک دوک معزول بود، می‌شد. ناپلئون قصد داشت با پیروی از سیاست انقلابی فرانسه، سزالپین را ضمیمه‌ی قلمرو دولت فرانسه سازد، بدین خاطر لشگریان خود را واداشت که اموال غارت‌شده را به‌عنوان غرامت جنگی به پاریس بفرستند. این یکی از اهداف جاه‌طلبانه و کوچک ناپلئون بود که با پیروزی بر سرزمین سیزالپین به آن دست یافت. سپس یکی از کاخ‌های ناحیه‌ی مونته‌بلو



تصویری از خانواده ی سلطنتی اوده Oudh که در شهر لکنو Lucknow ترسیم شده، اثر تیلی کتل Tilly Kettle با زمینه ی قبلی که از این جریان داشته.



ماموران جمع آوری مالیات اغلب در سر راه قاچاقچیان کالا به کمین می نشینند تا مردان قاچاقچی را به دام بیندازند.



ریچارد پارکر Richard Parker، رهبر شورشیان



بالون گارنرین Garnerin با چتر نجات در حال فرود در حومه ی شهر پاریس.



تصویری از بوناپارتBonapart



جمهوری جدید، سربازان ارتش انقلابی در تمام نقاط ایتالیا، بذر افکار انقلابی و جمهوری را پاشیدند.



نخستین پارک افریقایی موسوم به پارک عالی در سرزمین نیجرNiger، نقاشی سال های اخیر.

(Montebello) در نزدیکی شهر میلان را تصاحب کرده و خود و همسرش ژوزفین (Josephine) زندگی شاهانه‌یی را در آن‌جا آغاز کردند و بیش‌تر فامیل و نزدیکان خویش را هم در اطراف این کاخ سکونت داد تا همه از منافع او دفاع کنند. ناپلئون در این کاخ نمایندگان اشراف محلی را به حضور پذیرفت و سران منطقه‌ی لومباردی (Lombardy) احتراماتی شاهانه نسبت به او انجام دادند. او هم استعفای سران محلی را به‌عنوان یک امپراتور پذیرفت.

بوناپارت در کودتای پاریس دخالت داشت (پاریس، چهارم سپتامبر ۱۷۹۷)

ژنرال اوگرو (Augereau) مردی تنومند بود که در کشور اقدام به کودتا علیه حزب سلطنت‌طلبان طرفدار انگلیس نمود و همه‌ی ثروتمندان هواخواه رژیم سلطنتی را که در بهار گذشته آرای زیادی را کسب کرده بودند، تصفیه نمود. ژنرال اوگروی شراب‌خواره اعلام کرد که من آمده‌ام تا تمام سلطنت‌طلبان را به‌قتل برسانم و هنگامی‌که نمایندگان این حزب گفتند: قانون بایستی تکلیف همه را مشخص کند، یکی از افسران اظهار داشت که فعلاً شمشیر، حاکم و قانون است. در همین حال، اوگرو مشاهده کرد که تمام افسران مسلح گوش به فرمان او هستند و کوچک‌ترین شکی نداشت که بوناپارت در ایتالیا قدرت را به‌دست گرفته و در سلامت به‌سر می‌برد. بوناپارت با کمال تحقیر به اوگرو نوشت که اگر در اداره‌ی امور کشور دچار مشکل هستید، من می‌توانم نیروی نظامی به کمک شما بفرستم.

یک هیأت مذهبی انگلیسی وارد تاهیتی شد (تاهیتی، ۱۷۹۷)

یک هیأت ۳۹ نفره‌ی انگلیسی در ساحل جزیره‌ی تاهیتی (Tahiti) پیاده شدند. این هیأت اجرایی که به‌وسیله‌ی انجمن پرسبی‌تارین (Presbyterian) از لندن به تاهیتی اعزام شده بودند، شامل چند نجار، بافنده، بنّا و حتی مغازه‌دار بودند که جهت پیشبرد امور بازرگانی و مالی به این جزیره رفتند. در مدت نزدیک به ده سالی که کاپیتان کوک (Cook) در نزدیکی بهشت آرکادی (Arcadia) به‌سر می‌برد، او و همراهانش با خود سلاح آتشین و بیماری‌های مقاربتی را به‌همراه آوردند که موجب شد ده درصد جمعیت جزیره از بین بروند. این افراد که عموماً از طبقه‌ی پایین اجتماع بوده و نسبت به مذهب پروتستان تعصب زیاد نداشتند و در ضمن نصف کره زمین را با کشتی پیموده بودند، با کمال بی‌عدالتی، مردم این جزیره را فریب دادند. آن‌ها که اغلب مجرم و مرتکب اقدامات خلاف اخلاق در انگلیس شده بودند، از نجابت و سادگی اهالی استفاده کرده و ساکنان این جزیره را آلوده ساختند. اکنون هم این هیأت اعزامی با بی‌رحمی و سنگدلی با اهالی روبه‌رو می‌شوند و آن‌ها را تحقیر می‌کنند. جالب این است که هیأت اعزامی تاریخ را فراموش کرده و نمی‌دانند که این مردم به دین خود ایمان دارند و روزهای شنبه (سبت (Sabbath)) را احترام می‌نهند و در این روز دست به کاری نمی‌زنند.

قاچاقچیان در مسیر مسافرت خود، برندی (نوعی مشروب) به وطن خود می‌برند (انگلیس، ۱۷۹۸)

سواحل بریتانیا از دریای شمال تا بندر دون (Devon) و کورنوال (Cornwall) به‌طور کلی تحت سلطه‌ی انواع و اقسام افراد دریانورد شیاد و حقه‌باز قرار دارد. این جریان در نتیجه‌ی یک‌صد سال برآورده‌شدن منافع و سودهای کلان قاچاقچیان است و این محل جایگاه پرورش افراد شارلاتان و نیرنگ‌باز شده است. در سال ۱۷۸۲، سازمان گمرک کشور اطلاع داد که تعداد افراد قاچاقچی به‌نحو بی‌سابقه‌یی افزایش یافته، آنان به‌محض به‌دست‌آوردن فرصت، اقدام به کارهای خلاف کرده و به حقوق دیگران تجاوز می‌نمایند، به‌نحوی‌که بازرگانان از این اعمال دلسرد می‌شوند، زیرا منافع آن‌ها مورد تهدید قرار گرفته است. در ضمن هیچ اثری هم از کارهای خلاف آن‌ها برجای نمی‌ماند.

اروپا، ۱۸۱۵
پیمان ائتلاف مقدسی که در ماه اوت با شرکت اغلب کشورهای عمده‌ی اروپایی تشکیل شد، مشمول بریتانیا و امپراتوری عثمانی و قلمرو حکومتی پاپ نیست.
اسکاندیناوی، ۱۸۱۵
کشورهای سوئد و نروژ با یکپارچگی موافقت کردند.
آلمان، ۱۸۱۵
فریدریش کارل فون ساوینیی (Friedrich Karl von Savigny) حقوقدان آلمانی، کتابی با عنوان «تاریخ حقوق رم در قرون وسطی» انتشار داد.
آلمان، ۱۸۱۵
فریدریش فون شلگل (Friedrich von Schlegel) فیلسوف و منتقد آلمانی، کتاب دیگری با عنوان «تاریخ ادبیات» منتشر کرد.
چین، ۱۸۱۵
ژان گابریل تورین دوفرس (Jean Gabriel Taurin Dufresse) سرپرست هیأت مذهبی، توسط دولت چین اعدام شد.
چین، هفتم فوریه ۱۸۱۶
حکومت چین دستور اعدام جووانی لانتروا (Giovanni Lantrua) اهل تریورا (Triora) سرپرست ایتالیایی و مبلغ میسیون مذهبی را در شهر چانگشا (Changsha) (هونان (Hunan)) صادر کرد.
پرتغال، مارس ۱۸۱۶
خوان (Joan) ششم به جانشینی مادرش ماریا ملکه‌ی برایانزا (Braganza) به سلطنت رسید. وی که تا سال ۱۸۰۷ امپراتور برزیل بود، از ترس ارتش ناپلئون از پرتغال گریخته بود.
هندوستان، دوم مارس ۱۸۱۶
قبیله‌ی گورخای (Gurkha) در نپال (Nepal)، عهدنامه‌ی صلح با انگلیس امضا کرد و به نبرد یک‌ساله پایان بخشید.
امریکای جنوبی، نهم ژوئیه ۱۸۱۶
ایالات متحده ریودولاپلاتا (Rio de la Plata) (آرژانتین (Argentina)) اعلام استقلال کرد.
فلوریدا، ۲۷ ژوئیه ۱۸۱۶
استحکامات آپالاچی‌کولا (Fort Apalachicola) که پس از بیرون‌رفتن قوای انگلیس از سوی بردگان فراری اشغال شده بود، به‌وسیله‌ی نیروهای ایالات متحده محاصره شد و در مدت ده روز تعداد ۲۷۰ نفر از اشغال‌کنندگان به هلاکت رسیدند.
چین، ۲۸ اوت ۱۸۱۶
یک هیأت مذهبی به سرپرستی لرد آمهرست (Lord Amherst) که در تاریخ هشتم فوریه بریتانیا را ترک کرده بود، به شهر بجینگ (Beijing) وارد شد.
فرانسه، پنجم سپتامبر ۱۸۱۶
لویی هجدهم پادشاه فرانسه، مجلس نمایندگان را منحل کرد و با عکس‌العمل شدیدی روبه‌رو شد. نمایندگان استقلال این مجلس را اعلام کردند که پادشاه حق انحلال آن را نداشته و به همین علت بین نمایندگان و دوک ریشیلیو نخست‌وزیر، اصطکاک شدیدی بروز کرد.
فرانسه، چهارم اکتبر ۱۸۱۶
با پشتیبانی حزب سلطنت‌طلب میانه‌رو و لیبرال‌ها از ریشیلیو، وی بر حزب اکثریت سلطنت‌طلبان افراطی پیروز گشت.
آلمان، پنجم نوامبر ۱۸۱۶
مجلس کنفدراتیو آلمان که برای نخستین‌بار در شهر فرانکفورت تشکیل شده بود، قرارداد ۱۸۱۵ وین را تصویب کرد.
لندن، دوم دسامبر ۱۸۱۶
تظاهرات افرادی که خواستار اصلاحاتی در پارلمان انگلیس بودند، در هنگام انجام مراسم عشای ربانی در منطقه‌ی اسپافیلدز (Spa Fields) سرکوب شد.
ایالات متحده، چهارم دسامبر ۱۸۱۶
جیمز مونروئه (James Monroes) که سمت وزیر خارجه را در کابینه‌ی پرزیدنت مادیسون برعهده داشت، در انتخابات ریاست‌جمهوری برنده و جانشین مادیسون شد.
ایالات متحده، ۱۱ دسامبر ۱۸۱۶
ایالت ایندیانا (Indiana) به‌عنوان نوزدهمین استان پذیرفته شد.
ایالات متحده، ۲۸ دسامبر ۱۸۱۶
رابرت فینلی (Robert Finley) کشیش فرقه‌ی پرسبی‌تارین‌ها (Prebyterian)، مؤسسه‌یی به‌نام انجمن مهاجران امریکایی با هدفی نظیر انجمن امریکایی مقیم افریقا، در جهت مساعدت به سیاه‌پوستان تأسیس کرد.

قاچاقچیان برخلاف قانون مدت یک قرن است که کالاهایی هم‌چون مشروبات الکلی مانند رم (Rum) و برندی (Brandy) و چای را بدون گمرک وارد کشور می‌نمایند، در حالی‌که این کالاها مالیات سنگینی دارند. در زمان ویلیام سوم برای کمک به بودجه‌ی جنگ‌های مختلف که دولت ناچار به انجام آن‌ها بود، قانونی تصویب شد که برخی از کالاهای وارداتی از گمرک معاف باشند، لیکن این امر به قاچاقچیان ساحل دریا فرصت داد که بسیاری از اجناس خود را به‌طور مخفی با استفاده از این قانون وارد کرده و زندگی خود را از این راه غیرقانونی تأمین نمایند.

به هر حال، همه‌روزه بر حجم کالاهای قاچاق افزوده می‌شود و طرز عمل قاچاقچیان هم تغییر پیدا می‌کند. به مجردی که یک کشتی پر از کالا در دریا لنگر می‌اندازد، چندین قایق بدون سر و صدا و در حالی‌که مواظب مأموران دولتی هستند، به کشتی نزدیک شده و اجناس را از بار زده و به‌سرعت به‌سوی ساحل روان می‌شوند و کالاهای خود را در ساحل تخلیه می‌نمایند، بدون این‌که مأموران گمرک باخبر شوند. برخی اوقات هم قاچاقچیان از گذرگاه مخصوص با کشتی تماس می‌گیرند و کالاها را از این معبر غیرعادی به ساحل می‌رسانند.

قاچاقچیگری کار بسیار پرسودی است. کاپیتان هاری کارتر (Harry Carter) با بررسی‌هایی در کرانه‌ی بندر دون‌کرده، اظهار داشت که قاچاقچیان دست کم هفته‌یی یک‌هزار پوند از این راه به جیب می‌زنند. آن‌ها به‌قدری در کار خود مهارت دارند که به‌محض آغاز تاریکی شب، قایق‌های خود را پر از جنس کرده و خطرات زیاد را متحمل می‌شوند، لیکن با مهارت خاصی آن را به بازار فروش می‌رسانند. با وجود این‌که این کار درآمد زیادی دارد، تعداد افراد ماهری که به کار قاچاق اشتغال دارند، کم و محدود است. دولت می‌تواند با کشتن این افراد به کار قاچاق پایان دهد، لیکن این‌گونه افراد، دوستان زیادی در مقامات بالای کشوری دارند که در این راه آنان را یاری می‌نمایند و دولت هم نمی‌تواند به این غائله پایان دهد.

سپاهیان اتریشی در ایتالیا تسلیم نیروهای بناپارت شدند (کامپو فورمیو (*Campo Formio*)، ۱۸ اکتبر ۱۷۹۷)

امروز بوناپارت پس از پنج ماه کشمکش عهدنامه‌ی صلح با دولت اتریش امضا کرد. اتریشی‌ها به این دلیل پیشنهاد صلح دادند که نیروهای فرانسوی شهر وین را تهدید می‌کردند و بالاخره مذاکرات بین طرفین به عقد پیمان صلح منجر شد. دولت اتریش سرزمین بلژیک را تسلیم فرانسه نمود، ولی در مورد سواحل رود راین (Rhine) تصمیمی اتخاذ نشد. حکومت وین هم‌چنین منطقه‌ی لومباردی را به جمهوری سیزالپین واگذار کرد، در حالی‌که شهر ونیز و بخشی از سرزمین اصلی ایتالیا هم جزو این پیمان محسوب می‌شد. در نتیجه، بسیاری از نقاط دورتر منطقه‌ی آدیژ (Adige) به تصرف دولت فرانسه درآمد. بوناپارت چون با آداب و رسوم سطح بالای مردم ونیز آشنایی نداشت و مطابق سبک روز نمی‌توانست عمل کند، برخلاف سنت مردم رفتار می‌کرد. وی اوامر ضد و نقیض صادر کرده و از سیاست اجرایی پاریس نیز آگاه نبود، در نتیجه با امضای قراردادها کشور را به قهقرا برد. با این حال، آشکار بود که او با تسخیر سرزمین‌های دیگر قصد دارد که سرنوشت اقتصادی فرانسه را تغییر داده و این کشور را از نظر مالی تقویت نماید.

سیاره‌ی زمین به‌مانند گلوله‌ی سربی در فضا به گردش ادامه می‌دهد (لندن، ۱۷۹۸)

هنری کاوندیش (Henry Cavendish) فیزیکدان انگلیسی، طبق آخرین تحقیقات خود مدعی شده است که وزن و جرم مخصوص کره زمین را معین نموده است. تحقیقات کاوندیش شامل حرکت افقی زمین نیز می‌باشد، از سویی او نشان داده که زمین بدون این‌که به جایی متصل باشد، مانند یک گلوله‌ی سربی در فضا معلق است. زمین تحت جاذبه‌ی کره بزرگ‌تری قرار دارد و این جاذبه باعث می‌شود که وضعیت و موقعیت این کره در فضا ثابت بماند و حرکت افقی همیشگی آن پابرجا. این نیروی جاذبه مانند میله‌یی که از دو قطب زمین گذشته باشد، به این کره یک حرکت افقی می‌دهد و زمین حول این میله یا محور حرکت می‌کند. از سویی کاوندیش توانست شکل و فرم این توده‌یی را که زمین نامیده می‌شود، معین کند. در عین حال، این دانشمند موفق شد با توصیف شکل زمین، وزن مخصوص آن را هم محاسبه نماید.

دمای معمولی اقیانوس‌ها معین شد (ایالات متحده، ۱۷۹۸)

بنیامین تامپسون (Benjamin Thompson) دانشمند امریکایی در مقاله‌یی که انتشار داد، توانست دما و حرارت مایعات را تعیین کند، بدین معنی که در اثر تابش اشعه‌ی خورشید بر سطح اقیانوس‌ها، میزان حداکثر و حداقل حرارت را در بستر دریا و اقیانوس‌ها نشان داد. طبق اندازه‌گیری تامسون، حرارت آب دریا در خط استوا به حداکثر می‌رسد و هرچه از این خط دورتر شویم، با این‌که میزان اشعه‌ی خورشید تفاوت نمی‌کند، دمای آب پایین می‌آید. آب دریا تحت تأثیر جاذبه‌ی خورشید، پیوسته گرم یا سرد، یا با جزر و مد در حال تغییر است و این جریان همواره تکرار می‌شود. تامسون هم‌چنین ثابت کرد که آب دریا با تغییرات جوی و اقلیمی و جریان دایمی که دارد، دستخوش دگرگونی حرارتی شده و دمای آن ثابت نمی‌ماند.

یکی از دانشمندان مدعی است که حیوانات دستخوش تغییرات نمی‌شوند و ساختمان بدن آن‌ها ثابت می‌ماند (پاریس، ۱۷۹۸)

در حالی‌که اکثر دانشمندان معتقدند که حیوانات کره‌ی زمین طی دوران‌های حیات خود دچار دگرگونی‌هایی می‌شوند، ژورژ کوویه (Georges Cuvier) دانشمند زیست‌شناس و عضو آکادمی فرانسه می‌گوید: حیوانات همان‌طور که خلق شده‌اند، پایدار می‌مانند و در طی دوران‌های تاریخ هیچ‌گونه دگرگونی حاصل نمی‌کنند و قدرت آفرینش سیستم بدنی آن‌ها را

هندوستان، ۱۸۱٦

فرمانـدار منطقـه‌ی هیمالایـا (Himalaya) واقـع در مـرز سـیکیم (Sikkim)، قراردادی با بریتانیا امضا کرد که طبق آن به آن دولـت حق می‌دهد که روابط این ایالت را با سایر نقاط هندوستان تحت کنترل قرار دهد.

ژاپن، ۱۸۱٦

کشتی‌های انگلیسی برای تجسـس در امـور بازرگـانی ژاپـن، بـه جزایر ریوکیو (Ryukyu) (اوکیناوا (Okinawa)) و خلـیج اوراگـا (Uraga) نزدیک ادو (Edo) (توکیو) رسیدند. آن‌ها به دولت ژاپن پیشنهاد کرده‌اند که تجارت خـارجی خـود را محـدود کنـد، در حالی‌که اکثر اعضای دولت با سیاست درهای باز بـرای دادوسـتد بیش‌تر تلاش می‌کردند تا تجارت خارجی رونق بـیش‌تـری پیـدا کند.

غنا، ۱۸۱٦

عـالی‌جنـاب فیلیـپ کـوآک (Reverend Philip Quaque) اولـین کشیش انگلیکان (Anglican) مقـیم افریقـا، جـان سـپرد. او یـک چهره‌ی کلیدی بود که در راه گسترش فعالیت مـذهب انگلیکـان در تمام سواحل افریقای غربی انجام وظیفه می‌کرد و هم‌چنین به توسعه‌ی دادوستد کالا کمک می‌نمود.

آسیای جنوب شرقی، ۱۸۱٦

جزیره‌ی جاوه (Java) تحت کنترل هلند باقی ماند.

روسیه، ۱۸۱٦

گروهی از افسران نگهبان روسیه، اتحادیه‌یی از بردگان مترقـی را یافتند که از یک قانون اساسی پیشرفته و الغای سیستم سـرفداری بهره‌مند بودند.

هلند، ۱۸۱٦

جـان کوکریـل (John Cockerill) مهنـدس انگلیسـی، بـا کمـک پدرش در سال ۱۸۰۷ کارخانه‌یی در سـرینگ (Seraing) نزدیـک شهر لی‌یژ (Liege) ساخت که موتور آن بـا فشـار بخـار بـه‌کـار می‌افتاد.

فرانسه، ۱۸۱٦

با انتشار کتاب «تشریح مقایسه‌یی» توسط ژرژ کوویـه (Georges Cuvier)، دانش جدیدی متولد شـد. در ایـن کتـاب دسـته‌بنـدی جانوران به‌طور کامل مشخص شده اسـت. کوویـه هـم‌چنـین بـا هوش سرشاری که داشت، توانست با پیداکردن چند اسـتخوان از یک اسکلت، تمام استخوان‌هـای آن را بـه هـم ارتبـاط داده و از اسکلت جانوران ازبین‌رفته به رده‌بندی آن جانور پی ببرد.

آلمان، ۱۸۱٦

فرانتس بوپ (Franz Bopp) زبان‌شناس آلمـانی، بـا تحقیقـات و مطالعاتی که بر روی زبان سانسکریت (Sanskrit) بـه‌عمـل آورد، پی برد که این زبان ریشه‌ی زبان‌هـای فارسـی، یونـانی و لاتـین می‌باشد و همه‌ی آن‌ها منشأ سانسکریتی دارند.

انگلیس، ۱۸۱٦

یک نویسنده‌ی ناشناس که کتابی موسوم به غـرور و خودپرسـتی تألیف کرده بود، داستان دیگـری بـه‌نـام «اِمـا (Emma)» منتشـر ساخت.

امپراتوری عثمانی، ۱۸۱۷

ژورژ سیاه یا کارا ژرژ (Karageorges) که به اتریش تبعیـد شـده بود، به صربستان بازگشت. کارا ژرژ رهبر حرکت استقلال‌طلبان صرب امیدوار بود کـه بـا برکنـاری میلـوس ابرنوویـک (Milos Obrenovic) رهبر ضدمردمی، استقلال صرب‌ها تأمین شـود، امـا به فرمان وی به هلاکت رسید.

افریقای غربی، ۱۸۱۷

عثمـان دان فودیـو (Uthman dan Fodio) دانشـمند جنگجـو و محرک اصلاح وضعیت مذهبی، دار فانی را وداع کرد.

ماداگاسکار، ۱۸۱۷

رادامـا (Radama) پادشـاه مرینـا (Merina) کـه پیوسـته درصـدد توسعه و گسترش قلمرو خود بود و سعی داشت که تمام جزیـره را متحد سازد، قراردادی با انگلیس امضا کرد که منظـورش از آن بالابردن قدرت دفاعی نیروهای نظامی و جلب کمـک آن کشـور بود. از سویی، غرض بریتانیا هم آن بود که از این پایگاه بتواند با تجارت در سراسر ساحل اقیانوس هند مبارزه نماید.

هاوایی، ۱۸۱۷

بازرگانان پوست خز روسی که حدود دوازده سال مـورد محبـت و پذیرایی مـردم جزایـر هـاوایی (Hawaii) قـرار گرفتـه بودنـد، توسط کامه‌هامه‌ها (Kamehameha) پادشاه ایـن سـرزمین تبعیـد شدند.

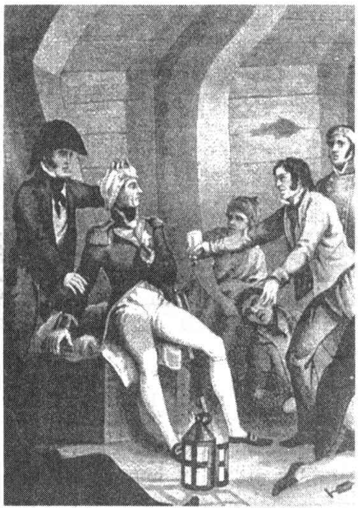
تغییر نمی‌دهد. کوویه از تحقیقات خود نتیجه مـی‌گیـرد که سیستم تشریحی بدن هر حیوان متناسب با جنس و تیـره‌ی آن موجـود اسـت و هـیچ‌گونـه تغییـری در خصوصیات آن پدید نمی‌آید. کوویه مـی‌گویـد هرگونـه دگرگونی در ویژگی جنس و تیره‌ی حیوان زنـدگی او را دچار مخاطره نمـوده و بـا حیـات او سـازگاری نـدارد و منجر به مـرگ حیـوان مـی‌شـود، پـس، دگرگـونی در ساختمان بدن حیوان قابل قبول نیست، بدین معنی که کوویه مدعی است نسل و خلقـت هـر حیـوان ثابـت و لایتغیر است و همان‌طور که خلق شده، به زندگی ادامه می‌دهد.

پادشاه اسرارآمیز و تبهکار پروس بـدورد حیـات گفت (برلین، ۱۶ نوامبر ۱۷۹۷)

دروازه‌ی کـاخ برانـدنبورگ (Brandenburg) در شهر برلین برای مرگ فردریک ویلهلـم دوم بـاز نشـد. تنها فردی که برای پادشاه عزادار شـد، معشـوقه‌ی وی که دختر یکی از نوازندگان ارکستر درباری بـود کـه بـا نواختن شاخ گاو، عضو دسته‌ی موزیک شد. ایـن زن از سن ۱۶ سالگی همخوابـه‌ی شـاه بـود. او بـه‌وسـیله‌ی لانگ‌هانس (Langhans) معمار دربار به شـاه معرفـی شد و شاه هم از وی حمایت کرد. امـروز کـه فردریـک ویلهلم در سن ۵۳ سالگی پس از مدت طولانی بیماری جهان را ترک گفت، ویلهلمین (Wilhelmine) همـان معشوقه در کنار بالین شاه بود و هـیچ‌وقـت او را تـرک نکرد. پس از فوت فردریک کبیر که رژیمی باانضـباط و قدرتمند را در پروس به‌وجود آورد، پسرعموی وی به‌نام فردریک ویلهلـم کـه از نظـر اخـلاق وضـع نـامعلومی داشـت، بـه سـلطنت رسـید. در زمـان سـلطنت وی، هنرمندان تشویق شدند و هنر ترقـی کـرد و از امانوئـل کانت (Immanuel Kant) بـه‌خـاطر نگـارش کتـابی موسوم به «انتقادی در مورد علل و موجبـات اصـولی» که شاهکاری در عالم دانش بود، تجلیل به‌عمل آمد، اما به او اجازه داده نشد کـه دربـاره‌ی مسـیحیت بنویسـد. بـه‌دسـتور شـاه شخصـی بـه‌نـام روزی‌کروشـن



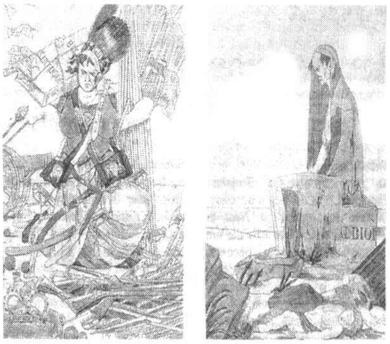
در سال ۱۷۹۶ یک کاریکاتوریست انگلیسی قدرت های بزرگ اروپا را به یک باغ وحش سیار تشبیه کرده: ۱-اتریش: پلنگ؛ ۲-پروس: عقاب؛ ۳-رژیم سلطنتی فرانسه: خروس؛ ۴- روسیه: خرس؛ ۵-ساردنی: جوجه تیغی؛ ۶- حکومت ناپل: خفاش؛ ۹-هلند: قورباغه؛ ۱۰-سوئد: خوک؛ ۱۱- در این تشبیه هنرمند می گوید آیا آن ها واقعا مانند زنان بدکاره ی بابل Babylon باستان نیستند که هر لحظه برای مرد دیگری جهت به دست آوردن بهای خود دام می گسترند؟ اثر پاپ Pope.



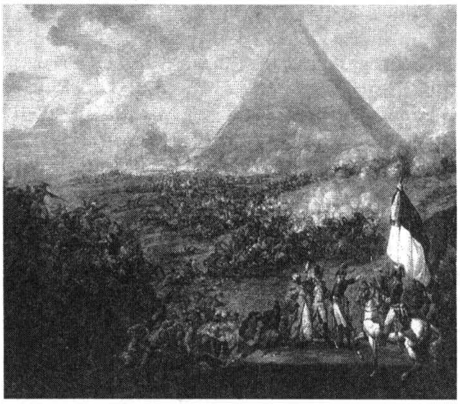
نلسون Nelson در جنگ مجروح شد.



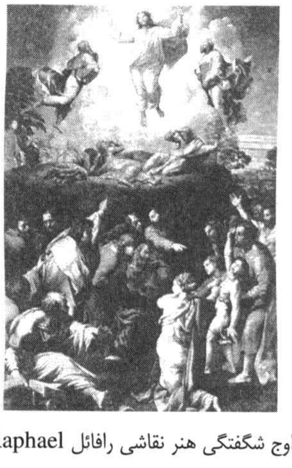
فردریک ویلیام، پادشاه پروس.



یک کاریکاتوریست فرانسوی با این تصویر نشان می دهد که نتیجه ی تا به دندان مسلح شدن نیروهای نظامی انگلیسی با هزینه ی بسیار، خرابی اغلب شهرها وکشته شدن و بی خانمانی مردم آن است.



در جنگ ناحیه ی هرم ها در مصر، قوای ناپلئون سپاهیان مملوکMamelukes را در هم شکست.



اوج شگفتگی هنر نقاشی رافائل Raphael.



توماس رابرت مالتوس Thomas Robert Malthus.



گروه خرابکاران و بقایای نیروهای از جنگ برگشته به محل فستیوال هنرمندان ودانشمندان یورش بردند.

آلمان، ۱۸۱۷
گئورگ هگل (Georg Hegel) که در سال گذشته به استادی فلسفه در دانشگاه هایدلبرگ (Heidelberg) انتخاب شده بود، کتاب فرهنگ علم فلسفه را انتشار داد.

بریتانیا، مارس ۱۸۱۷
بر اثر شورشی که سال گذشته در اسپافیلدز (Spa Fields) در لندن بروز کرد، پارلمان یک‌سری قانون اضطراری را که شامل جلب افراد بدون حکم دادگاه می‌شد، به‌تصویب رساند و قوانین ضد تجمع و تظاهرات سال ۱۷۹۸ را بار دیگر به‌اجرا گذاشت.

بریتانیا، مارس ۱۸۱۷
گروهی از نساجان و بافندگان به نمایندگی از صنف بافندگان شهر منچستر (Manchester)، با کشیدن پتو بر روی خود که به‌نام پتوپوشان معروف شدند، عازم شهر لندن شدند تا از وضع بد اقتصادی کشور گله و شکایت خود را به گوش شاهزاده‌ی نایب‌السلطنه برسانند، لیکن در بین راه به‌وسیله‌ی نیروی نظامی متوقف شدند و رهبران آنان زندانی شدند.

مکزیک، پنجم آوریل ۱۸۱۷
ناوگان مشترک انگلیس و ایالات متحده به سرپرستی فرانسیسکو خاویر مینا (Francisco Xavier Mina) در ساحل خلیج مکزیک پیاده شدند تا حکومت سلطنت‌طلب اسپانیولی مکزیک را براندازند.

مریلند، هفتم آوریل ۱۸۱۷
تعدادی در حدود ۲۰۰ نفر از بردگان سیاه‌پوست در مریلند دست به آشوب زده و به سفیدپوستان حمله‌ور شدند.

آلمان، ۱۸ اکتبر ۱۸۱۷
در فستیوال شهر وارتبورگ (Wartburg) که به یادبود سیصدمین سال اصلاحات مذهبی و نبرد لایپزیگ (Leipzig) در دانشگاه ژن (Jena) به‌وسیله‌ی دانشجویان برپا شده بود، دانشجویان تصاویر شخصیت‌های نظامی را به آتش کشیدند. دانشگاه ژن مرکز جنبش آزادی‌خواهان است و به منزله‌ی سرنیزه‌یی است که در قلب و جان مستبدین فرومی‌رود و مشهور به بورخن شافتن (Burschenschaften) می‌باشد.

امپراتوری عثمانی، پنجم نوامبر ۱۸۱۷
دولت عثمانی به صربستان خودمختاری اعطا کرد.

کلمبیا، نوامبر ۱۸۱۷
شهر پولاسالاوارتا (Polasalavarreta) تسخیر شد و مأموران در چهارراه مرکزی شهر بوگوتا (Bogota) مردم را به گلوله بستند. وقتی جریان به گوش زنان کارگری که در کارگاه‌های نساجی کار می‌کردند، رسید، جملگی دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند و بدین ترتیب انقلاب در کلمبیا آغاز شد.

مکزیک، ۱۱ نوامبر ۱۸۱۷
خاویرمینا (Xavier Mina) که تلاش می‌کرد رژیم سلطنت‌طلب مکزیک را سرنگون سازد، دستگیر و اعدام شد.

ایالات متحده، دهم دسامبر ۱۸۱۷
می‌سی‌سی‌پی به‌عنوان بیستمین ایالت امریکایی پذیرفته شد.

ایالات متحده، دسامبر ۱۸۱۷
نبرد شدیدی بین نیروهای نظامی ایالات متحده و سرخ‌پوستان سمینول (Seminole) درگرفت، چون آن‌ها از فرمان دولت مبنی بر ترک سرزمین بین جورجیا و فلوریدا سرپیچی کرده بودند.

استرالیا، ۱۸۱۷
الیزابت ماک آرتور (Elizabeth Macarthur) یکی از پیشروان تجارت پشم، از شغل خود که مدیریت مزرعه‌ی بزرگ الیزابت که یکی از بزرگ‌ترین مراکز کشت و صنعت استرالیا به‌شمار می‌رفت، مستعفی و بازنشسته شد. وی پس از کناره‌گیری شوهرش در سال ۱۸۰۹، عهده‌دار این شغل شد و گوسفندانی پرورش داد که پشم آن‌ها معروف به مرینوس (Merino) می‌باشد و برای بازاریابی به سراسر سرزمین استرالیا سفر کرد و فعالیت زیادی جهت فروش پشم به کشور انگلیس انجام داد و در منطقه‌ی نیوساوث ویلز (New South Wales) بازار مهمی برای فروش محصولات خود به‌دست آورد.

امریکایی جنوبی، ۱۸۱۷
در پی موفقیت‌هایی که ساکنان ریودولاپلاتا (Rio de la Plata) (آرژانتین) برای کسب استقلال و آزادی از اسپانیا به‌دست آوردند، ژنرال خوزه دوسان مارتین (Jose de San Martin) جهت سرکوبی آزادی‌خواهان شیلی در سواحل آن کشور همراه با نیروهای نظامی اسپانیا وارد شدند.

(Rosicrucians) که قدرت اصلی در اختیار وی بود و پنهانی کشور را اداره می‌کرد، ارتش پروس سر و سامان گرفت و تعدادی سرباز هم به خدمت درآمدند. او علاوه بر ویلهلمین، چندین معشوقه‌ی دیگر و دو زن عقدی و دو دختر دیگری که از نظر طبقاتی پایین‌تر بودند را در حرم خود داشت.

با پایان‌یافتن سفر به افریقا، کشفیات در این قاره ناتمام ماند (زامبیا *(Zambia)*، ۱۸ اکتبر ۱۷۹۸)

فرانسیسکو ماریا دو لاسردا (Francisco Maria de Lacerda)، جغرافیدان و کاشف دلاور و شجاع پرتغالی که سراسر افریقا را پیموده بود، مساعی خود را ناتمام گذاشت. او در نیمه‌ی راه مسافرت خود در افریقای مرکزی در سلطان‌نشین لوآندا (Luanda) درگذشت.

از زمانی‌که قوای انگلیس کیپ تاون (Cape Town) را تسخیر کرد، دولت پرتغال از ترس این‌که بریتانیا مستعمرات خود را از سمت شمال گسترش دهد، قوای خود را در سواحل بین مستعمرات آنگولا (Angola) و موزامبیک (Mozambique) تقویت کرد. در سال گذشته، بازرگانان پرتغالی به حضور کازمب (Kazembe) پادشاه لوآندا رسیدند. در این موقع، لا سردا فرماندار ایالات ساحل رود موزامبیک، فرصت را غنیمت شمرده و دو مستعمره را با هم تلفیق کرد. در حالی‌که نیروهای نظامی در حال نابودی بودند، بیش‌تر سربازان چون از سیاه‌پوستان انتخاب شده بودند، بر اثر جنگ، تب‌های جنگلی و دیسانتری (اسهال خونی) گرفته و از ارتش فرار کردند و با فوت لاسردا فرماندار ناحیه در خارج از کاخ کازمب، قوای نظامی هم به نابودی کشیده شد. سربازانی هم که زنده مانده و فرار نکرده بودند، قادر به اجرای فرمان‌های کازمب پادشاه لوآندا نبودند. بدین ترتیب با مرگ بزرگ‌ترین کاشف افریقا، مساعی وی در راه کشف این قاره ناتمام ماند.

رشد جمعیت، بشریت را تهدید می‌کند (انگلیس، ۱۷۹۸)

برحسب گفته‌ی توماس مالتوس (Thomas Malthus)، در واقع بزرگ‌ترین خطری که بشریت را تهدید می‌کند، ازدیاد جمعیت بشر است. مالتوس که یکی از اقتصاددانان و کشیشان انگلیکان (Anglican) می‌باشد، می‌گوید: تولید مواد غذایی متناسب با رشد جمعیت نیست. جمعیت اروپا در سال ۱۷۰۰ از ۶۶ میلیون نفر به ۱۷۰ تا ۱۸۰ میلیون نفر رسیده است. مالتوس که یک نویسنده‌ی گمنام می‌باشد، در جزوه‌ی منتشره به‌نام «علل رشد جمعیت» می‌نویسد: ازدیاد جمعیت بشری با تصاعد هندسی افزایش می‌یابد، در حالی‌که افزایش مواد غذایی با تصاد عددی بالا می‌رود و با این‌ها هم تناسبی ندارد. او با ذکر مثال می‌گوید: جمعیت ایالات متحده‌ی امریکا در مدت ۲۵ سال دو برابر شده، در حالی‌که مواد غذایی در این مدت دو برابر نشده و این دو امر هیچ مشابهتی با هم ندارد. طبق فرضیه‌ی مالتوس، دولت انگلیس همه‌ساله مبلغ چهار میلیون پوند را مطابق قانون هزینه‌ی فقرای کشور می‌کند، لیکن تعداد این افراد مرتباً در حال افزایش است و این بودجه در سال‌های آینده تکافوی این امر را نخواهد داد.

مالتوس می‌گوید: سیاست دولت باید به‌نحوی باشد که از ازدیاد فقر و تنگدستی جلوگیری کند، وگرنه در سال‌های بعدی بر مشکلات افزوده خواهد شد. دولت باید با قدرت با فقر مبارزه کند و بودجه‌ی کمک‌هزینه‌ها را تقلیل داده و در ضمن تولید مواد غذایی را افزایش دهد و به‌جای کمک به فقرا، به تولید کارخانه‌ها و محصولات کشاورزی بیفزاید و بیکاران را در این راه به کار گمارده و قانون کمک‌هزینه را لغو نماید.

پیمان همکاری تازه‌یی برضد ناپلئون به‌امضا رسید (اروپا، ۱۷۹۹)

در اواخر ماه دسامبر گذشته از کشورهای اروپا خواسته شد که علیه دولت فرانسه به پیمان همکاری به پیوندند تا در جنگ با فرانسه متحداً عمل کنند. تزار پل، امپراتور روسیه موافقت خود را با پیوستن به ائتلاف انگلیس ـ اتریش اعلام داشت و در ضمن، یک نیروی نظامی برای جنگ با حکومت دست‌نشانده‌ی ناپلئون به ایتالیا اعزام داشت. دولت روسیه هم‌چنین موافقت کرد که با نیروهای نظامی انگلیس، برای حمله به هلند و برچیدن حکومت تحت سلطه‌ی فرانسه، همکاری نماید و نیروهای خود را به منطقه‌ی بریتانی (Brittany) گسیل دارد. در عوض دولت انگلیس هم موافقت کرد که مبلغ ۲۲۵ هزار پوند هزینه‌ی این جنگ را به‌طور ماهیانه ۷۵ هزار پوند بپردازد. دولت‌های عثمانی، پرتغال، حاکم‌نشین ناپل و سیسیل هم به این ائتلاف پیوستند. این امر در واقع یک ائتلاف قابل توجه بین کشورهای اروپایی برای پیکار با سلطه‌طلبی ناپلئون می‌باشد.

پاریسی‌ها گنجینه‌ی هنر ایتالیا را تاراج کردند (پاریس، ۲۸ ژوئیه ۱۷۹۸)

سربازان فرانسوی پس از پیروزی بر ایتالیا در جنگ، دست به غارت گنجینه‌های هنر ایتالیا که مملو از اشیای تاریخی و باستانی بود، زدند و آن‌ها را چپاول کردند؛ در حالیکه مردم این امر را باور نمی‌کرده و توقع آن‌چنانی نداشتند.

آنان در مدت دو سالی که در این سرزمین به سر می‌بردند، تمام گنجینه‌های هنری ایتالیا را از نظر گذرانیده بودند و امروز به مناسب جشن سالیانه (شام دومارس (Champ de Mars)) که بخشی از جشن‌های انقلاب فرانسه بود، آن‌ها را به پاریس فرستاند. این گنجینه‌ی ارزشمند، در حقیقت نمایشگاهی از پیروزی‌های روم باستانی بود و هر کدام از آن‌ها به‌وسیله‌ی یک هیأت از هنرمندان انتخاب شده بود.

عده‌یی از هنرمندان فرانسوی مخالفت خود را بر ضدّ سربازانی که دست به تاراج زده بودند، ابراز داشتند، اما جمعی از گردآوری این خزانه‌ی هنر در خاک فرانسه

و به‌ویژه از ۲۹ تندیس مشهور، بسیار خوشحال شدند. این پیکره‌ها شامل مجسمه‌یی از آپولو (Apollo Belvedere the Laocoon) که با اسب‌های متعلق به سنت مارک (St Mark) با تقدیر دست و پنجه نرم می‌کند که از کارهای رافائل (Raphael) تندیس‌گار ایتالیایی است و تندیسی از عیسی که از حالت جسمانی به روحانی درمی‌آید، همراه با سن ژروم (St Jerome) و باکره‌ی مقدس، کار کورجو (Correggio) یکی دیگر از تندیس‌سازان ایتالیایی است. علاوه بر آن تعداد بسیاری مدال و نشان و کتاب‌های قدیمی و دست‌نبشته، بدون این‌که از محتوای آن‌ها آگاهی داشته باشند، به‌دست چپاول سپرده شده و به پاریس منتقل شد. هم‌چنین مجسمه‌هایی از خرس از سویس و تندیس‌هایی از شیر و شتر و سایر جانورانی که از افریقا آورده شده بود، از ایتالیا به فرانسه فرستاده شد.

ناوگان دریایی ایالات متحده رخنه‌یی در نیروی دریایی پیروزمند فرانسه ایجاد کرد (نویس (Nevis)، هند غربی، نهم فوریه ۱۷۹۹)

ناوگان دریایی ایالات متحده، مرکب از کشتی‌های بادبانی بزرگ، در یک اقدام بی‌سابقه به پیکار نیروی دریایی سرکش و یاغی فرانسه رفته و برای نخستین‌بار در یک نبرد دریایی خونین شرکت کرد. کاپیتان توماس تراکستون (Thomas Truxton) این نبرد دریایی را به فرانسه تحمیل و توانست یک کشتی فرانسوی را که دارای بلندترین دکل بود، از بین ببرد. در همین حین، نیروهای فرانسوی سعی کردند یک صف از رزم‌ناوهای خودشان در مقابل رزم‌ناوهای دشمن ایجاد کنند، اما تراکستون با شلیک گلوله‌های توپ، دودی در فضا به‌وجود آورد که دشمن نتواند اقدام به مانور نماید، در نتیجه اقدام فرانسوی‌ها بی‌نتیجه ماند. ثمره‌ی این کار آن بود که سربازان امریکایی توانستند به رزم‌ناو سن کیتز (St Kitts) وارد شده و ۱۷۳ نفر از سربازان دشمن را دستگیر نمایند.

ارتش ناپلئون سرزمین مصر را تسخیر کرد (قاهره، ۲۱ ژوئیه ۱۷۹۸)

اکنون بناپارت فرمانفرمای مصر است. سربازان

انگلیس، ۱۸۱۷
جان کیتز (John Keatz) شاعر رومانتیک انگلیسی، نخستین دیوان اشعار خود را منتشر کرد.
انگلیس، ۱۸۱۷
لرد بایرون (Byron) جنگ شعری خود را به‌نام مانفرد (Manfred) انتشار داد.
واشنگتن دی‌سی، یکم ژانویه ۱۸۱۸
پرزیدنت مونروئه نخستین جلسه‌ی پذیرایی از نمایندگان خارجی مقیم امریکا را در سالن عمومی کاخ سفید پس از بازسازی آن که در سال ۱۸۱۴ توسط سربازان انگلیسی به آتش کشیده شده بود، برگذار کرد.
نیویورک‌سیتی، پنجم ژانویه ۱۸۱۸
نخستین ارتباط ترانزیتی منظم بین نیویورک و لیورپول (Liverpool) آغاز شد.
سوئد، پنجم فوریه ۱۸۱۸
ژان باپتیست برنادوت (John Boptiste Bernadotte) که از سال ۱۸۱۰ سمت ولیعهدی سوئد را برعهده داشت، به‌جای کارل سیزدهم و با عنوان کارل چهاردهم به پادشاهی منصوب شد.
فلوریدا، آوریل ۱۸۱۸
آندریو جکسون (Andrew Jackson) که به جنگ علیه سرخ‌پوستان سمینول دست زده بود، پیش از آن‌که استحکامات قبیله‌ی سمینول (Seminole) را به تصرف درآورد، بندرگاه اسپانیولی سنت مارک (St Mark) را اشغال کرد.
آلمان، ۲۶ مه ۱۸۱۸
دولت محلی باواریا در اولین جلسه‌ی مجلس قانون اساسی کشور آلمان شرکت کرد و مصوبات آن راجع به توسعه‌ی قدرت پادشاه در سراسر کشور و حکومت اشراف را مورد پذیرش قرار داد. دومین اجلاس این مجلس با شرکت سایر طبقات در آینده گشایش خواهد یافت.
پروس، ۲۶ مه ۱۸۱۸
برنامه‌ی مالی که توسط کارل ماسین (Karl Maaseen) اقتصاددان و رییس شورای شهر تنظیم شده بود، مورد موافقت قرار گرفت. در این برنامه اخذ حق گمرکی لغو شده و به امور بازرگانی سخت توجه شده است.
هندوستان، دوم ژوئن ۱۸۱۸
قلمرو ماراتاها (Marathas) توسط ارتش انگلیس تصرف شد و امپراتوری آن‌ها به امپراتوری هند انگلیس ضمیمه گشت.
فلوریدا، مه ۱۸۱۸
آندریو جاکسون بندر اسپانیولی پنساکولا (Pensacola) را تصرف کرد و در آن‌جا حکومت نظامی برقرار کرد.
هندوستان، ژوئن ۱۸۱۸
پینداریس (Pindaris) یکی از دزدان غارتگر که از سال ۱۸۰۶ در هند مرکزی یک حکومت چپاولگر برقرار کرده بود، سرانجام تحت تعقیب قرار گرفت.
آلمان، ۲۲ اوت ۱۸۱۸
ایالت بادن (Baden) هم نظیر باواریا، قانون اساسی کشور را پذیرفت.
ایالات متحده، ۲۳ اوت ۱۸۱۸
نخستین کشتی بخاری در دریاچه‌ی بزرگ به آب افتاد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.
امریکای شمالی، ۱۹ اکتبر ۱۸۱۸
در پی واگذاری سرزمین آرکانزاس (Arkansas) توسط قبیله‌ی سرخ‌پوستی کواپاو (Quapaw) به ایالات متحده، قبیله‌ی چیکاساو (Chickasaw) هم تمام اراضی شمال مرز جنوبی تنسی (Tennessee) را به دولت فروخت.
امریکای شمالی، ۲۰ اکتبر ۱۸۱۸
بریتانیا و ایالات متحده موافقت کردند که خط مرزی بین امریکا و کانادا به موازات چهل و نهمین خط مداری قرار گیرد.
اروپا، ۱۵ نوامبر ۱۸۱۸
پیمان چهارگانه بین بریتانیا، روسیه، اتریش و پروس از جهت احتیاط برضد فرانسه تجدید شد.
فرانسه، ۳۰ نوامبر ۱۸۱۸
طبق توافق‌نامه‌یی که در اوایل این ماه در اجلاس اکس‌لاشابل (Aix-la-Chapelle) تشکیل شد، مقرر گردید تمام نیروهای بیگانه خاک فرانسه را ترک کنند. در این اجلاس هم‌چنین قرار شد فرانسه غرامت جنگی متحدین را بپردازد و متحدین هم فرانسه را برای شرکت در ائتلاف بزرگ پذیرفتند.

خسته و تشنه‌ی فرانسوی که در گرمای سوزان کویر کباب شده‌اند، به یک‌باره با سواران جنگجوی مملوک مصر روبه‌رو شده و در یک جنگ خونین، مغلوب سپاهیان فرانسه شدند. لشگریان فرانسوی در ناحیه‌ی غزه و نزدیک اهرام فرعون‌های مصر با آن‌ها مواجه شدند. نزدیک به ۵۰ هزار نفر سرباز مملوکیان در انتظار سربازان فرانسوی بودند. تمام سپاهیان مملوک، سوار بر اسبان زیبای عربی بودند. صبحگاهان با تابش نور خورشید، آن‌ها به ساحل چپ رود نیل رسیدند، در حالی‌که نور خورشید بر سرنیزه‌ها و شمشیرهای آنان می‌درخشید و تلألوی خاصی داشت.

بوناپارت دستور داد که قسمت نخست سپاه حالت مربع به خود گرفته و توپخانه را در گوشه‌های لشگر قرار دهند. سپس هنگامی‌که صف‌آرایی به‌پایان رسید، در انتظار سواران مملوک مصر بودند تا آن‌ها را تشویق به نبرد نمایند. آن‌ها با شلیک گلوله‌های توپ که با فتیله روشن می‌شد، در صف سواران مملوک رخنه‌ی بزرگی ایجاد نمودند و سواران با اسبان‌شان رقص‌کنان به هوا پرتاب شده و به زمین می‌خوردند.

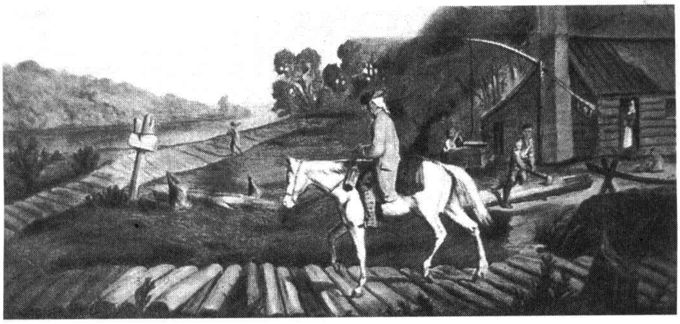
این جنگ و خونریزی تا بیش‌ترین هنگام روز ادامه داشت و تعداد دو هزار نفر از سواران دشمن به هلاکت رسیدند. مراد فرمانده‌ی سپاه مملوکیان به‌سختی مجروح شد. در آخرین ساعات روز، مراد به لشگریان خود فرمان عقب‌نشینی داد و گفت: تمام قایق‌ها را آتش بزنند تا سپاهیان فرانسوی وسیله‌یی برای تعقیب آن‌ها در سراسر کرانه‌ی رود نیل نداشته باشند. امشب سراسر صحرا بر اثر روشنایی آتش سربازان فرانسوی روشن است، چون سواران مملوک، لباس‌ها و تدارکات آن‌ها را ربوده و آن‌ها در سرمای شبانگاه صحرا به‌اجبار به گرمای آتش پناه بردند، ولی شهر قاهره به تصرف بوناپارت درآمد.

نلسون، ناوگان فرانسه را در ابوقیر در هم شکست (ابوقیر، مصر، یکم اوت ۱۷۹۸)

در تمام طول شب نبرد دریایی بین ناوگان مدیترانه‌یی فرانسه و رزم‌ناوهای انگلیسی به فرماندهی لرد نلسون (Lord Nelson) ادامه داشت و سرانجام ناوگان فرانسه تقریباً معدوم شد. ناوگان انگلیس، نیروهای دریایی فرانسه را در مصر به تله انداختند. از ماه مه، نلسون در جست‌وجوی ناوگان فرانسوی بود و بالاخره آن‌ها را در حالی‌که لنگر انداخته بودند، پیدا کرد. وی رزم‌ناوها را به دو ردیف کرد، صف اول تحت فرماندهی اچ ام اس (سرویس سلطنتی) گولیات (HMS Goliath) که بایستی محل تمرکز اصلی ناوگان دشمن را هدف قرار می‌داد و دیگری به فرماندهی خود وی که نقش پیشتاز را برعهده داشت و بایستی دو جناح دشمن را مورد حمله قرار دهد. در این نبرد دریایی، پنج رزمناور فرانسوی با چهار هزار ملوان غرق شدند. دو فروند از آن‌ها نیز به تصرف ناوگان انگلیس درآمده و دو فروند کشتی بادبانی آن‌ها موفق به فرار شد.

امپراتور چین دستور داد که با مرگ او عده‌یی از درباریان هم کشته شوند (بجینگ، هفتم فوریه ۱۷۹۹)

کیان‌لونگ (Qianlong) امپراتور چین، پس از ۶۰ سال فرمانروایی درگذشت. وی سه سال پیش رسماً بازنشسته شد، ولی به دستور او کسی نمی‌توانست جانشین پدربزرگ شود و نوه‌ی او حق نداشت به فرمانروایی برسد. او اسماً از کار کناره گرفت، لیکن رسماً قدرت را در دست داشت و رهبر واقعی کشور بود؛ بدین معنی‌که امپراتور، هشن (Heshen) را که ندیم و شخص دوم کشور بود، بر سایرین ترجیح می‌داد، لیکن عنان قدرت را خود در دست داشت. برخی از مردان درباری که از زندگانی طولانی هشن آگاهی دارند، نسبت به او نفرت دارند و این انزجار را پنهان نمی‌کنند. هشن قدرت زیادی در برابر امپراتور ندارد، ولی امپراتور از قدرت نامحدودی برخوردار است. وی یکی از عناصری است که سال گذشته کسانی را که خواستار مبارزه با فساد بودند، سرکوب کرد و از ادامه‌ی فرمانروایی کیان لونگ حمایت نمود، چون امپراتور به



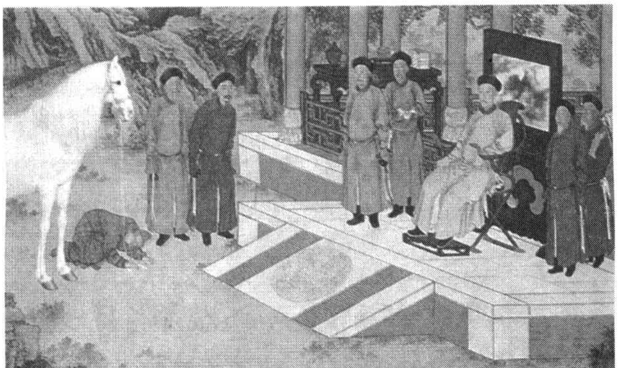
خدمات پستی آمریکا هم به بخشی از سرزمین های غرب پیوست و اکنون مأموران پست با سرعت زیاد می توانند مسیر ۱۶ هزار مایلی را برای رساندن بسته های پستی طی نمایند در سالهای اخیر شش مسیر برای ارسال پاکات تعین شده و هزینه آن برای مردم بسیار اندک است زیرا هر پاکت پستی برای فرستنده ۲ سنت است و از سال ۱۷۹۴ مأموران پست در تمام مدت جهت انجام خدمات آماده هستند.



تیپو صاحبTipu Sahib، سلطان میسور Mysore.



ژنرال جورج واشینگتون.



یکی از افراد سوار قبیله قرقیز با اسب به حضور کیان لونگ Qianlong امپراتور چین بار یافته، اثر یک نقاش مسیحی دربار چین که به رموز و سبک شرقی چینی آشنا شده.



پیراهن متعلق به یکی از زنان صیغه یی دربار چین.



کودتای نهم نوامبر (۱۸ برومر Brumaire با تقویم انقلابیون)

قدرت چسبیده و در این مورد حریص است. از سویی چون هشن اهل رشوه‌خواری است، یکی از ارباب‌رجوع برای او جعبه‌یی مرواریدنشان که پوششی از طلا داشت، تقدیم کرد. وی هر روز صبح یادداشت‌های روزانه‌ی خود را می‌نویسد تا از قدرت روزافزون خود اطمینان حاصل کند، در ضمن عده‌یی را در خدمت دارد که حاضرند هرگونه فداکاری را درباره‌ی او انجام دهند. با این وصف، ترجیح می‌دهد که تعدادی مأمور رسمی شجاع دستورات وی را انجام دهند. آن‌ها نمی‌توانند به زیرکی و کیاست هشن پی ببرند، در نتیجه قادر نیستند که در امور سیاسی او را مغلوب نمایند. در حالی‌که وارث سلطنت شاهزاده جیاکینگ (Jiaqing) از هشن متنفر است. امپراتور حق دارد که از هشن بخواهد اقدام به خودکشی کند تا در مرگ او شریک باشد، یعنی هشن پس از فوت امپراتور، حق حیات ندارد.

سازمان‌های کارگری همکاری با دولت را تحریم نمودند (لندن، ۱۷۹۹)

در حالی‌که دولت انگلیس در جنگ با حکومت انگلیس پیش‌قدم شده و نیاز شدیدی به تجهیزات جنگی دارد و کابینه‌ی ویلیام پیت در این مورد به هموطنانش هشدار داده که وضعیت کنونی کشور اضطراری است، با این وجود، عده‌ی زیادی از کارگران ماهر دست از کار کشیده و اعتصابات هم گسترش یافته است. پیت هم در این مورد دست به یک‌سری اقدامات جدی زده است. او در نظر دارد که برای شکست اعتصاب کارگران، از قانون استفاده کند. این قانون به وی اجازه می‌دهد که در زمان صلح، سران کارگر اعتصابی را به جرم اخلال در تجارت، تحویل دادگاه داده و دادگاه هم با یک بازجویی مختصر، آن‌ها را محکوم نماید.

دولت سران گروه‌های رادیکال را مسؤول تظاهرات و اجتماعات در لندن و سایر شهرها معرفی نموده، اعتصابات را قدغن و سران اعتصاب‌کننده را دستگیر کرد. افراد دستگیرشده شامل کارگران بافندگی، کفش‌دوزی، نقاشان و منشیان می‌باشند. کارگران چاپخانه هم شامل این گروه‌ها هستند.

هیأت حاکمه به کارگران چاپخانه و روزنامه‌ها دستور داده که همه روزه یک نسخه از روزنامه‌های چاپ‌شده را به مأموران دولت تحویل دهند تا معلوم شود که کارکنان روزنامه‌ها، به‌خصوص کارگران چاپ و نشر و صاحب‌امتیاز، در اعتصاب شرکت ندارند. این تصمیم طبق گزارش یکی از نمایندگان مجلس عوام گرفته شد و دستور داده شد که کمیته‌ی بررسی تشکیل شود و اقدامات لازمه را به‌عمل آورد.

جورج واشنگتن، نخستین رییس‌جمهور ایالات متحده، درگذشت (فیلادلفیا، ۱۴ دسامبر ۱۷۹۹)

امروز در غم ازدست‌رفتن اولین رییس‌جمهور همه‌ی مردم عزادار شدند. در کاخ ریاست‌جمهوری و تمام کلیساها، پرچم‌های سیاه برافراشته شد و مردم در فقدان جورج واشنگتن لباس سیاه پوشیدند. رییس‌جمهور بر اثر بیماری کوتاه‌مدت، امروز جهان را بدرود گفت.

تمام نمایندگان کنگره لباس سیاه پوشیدند و یک قطعه سنگ مرمر را به رسم یادبود بر روی قبری که برای او از پیش ساخته شده بود، گذاشتند، در ضمن با کسب اجازه از همسر وی، شهری را به‌نام او نامگزاری کردند. تابوت حامل جسد ژنرال را به امانت سپردند.

جورج واشنگتن در خانواده‌یی ثروتمند در ویرجینیا متولد شد. وی پس از طی دوران کودکی، در جنگ‌های فرانسه و هندوستان به‌عنوان افسر ارتش انگلیس شرکت کرد و قبل از ترک ارتش به درجه‌ی سرهنگی ارتقا یافت. واشنگتن با سیاست مقتدرانه‌ی خود به حمایت از استقلال ایالات متحده همت گماشت و پس از جنگ استقلال به‌عنوان فرمانده کل قوا انتخاب و در دومین اجلاس کنگره شرکت جست.

مهم‌ترین کار واشنگتن، استخدام ۱۶هزار داوطلب در ارتش ایالات متحده برای جنگ با انگلیس بود که

عاقبت به پیروزی استقلال‌طلبان انجامید. وی در هنگام ریاست‌جمهوری هم سعی داشت که بر همان شیوه‌ی سیاسی خود عمل کند و حکومت فدرال را به‌رسمیت بشناسد، زیرا از اول هم بر آن پای می‌فشرد.

انگلیس دشمن اصلی در امور سیاست هندوستان را به‌قتل رسانید (هند جنوبی، چهارم مه ۱۷۹۹)

تیپو صاحب (Tipu Sahib) مبارز اهل میسور (Mysore) که مانند سدی در مقابل دولت انگلیس مقاومت می‌کرد و مانع گسترش قلمرو کمپانی هند شرقی بود، کشته شد. تا سال ۱۷۸۴ که تیپو از کورنوالیس (Cornwallis) شکست خورد، همواره بزرگ‌ترین قدرت نظامی در جنوب هند بود و آمادگی نبرد را با قوای انگلیس داشت، زیرا مدافع هند در برابر مطامع آن دولت بود. درگیری دولت بریتانیا هم با حکومت انقلابی فرانسه برای تیپو صاحب فرصتی به‌وجود آورد. وی درخت آزادی را با همکاری انقلابیون فرانسه کاشت و برای کمک به آن‌ها لشگریانی به مصر فرستاد.

با این وصف، مارکیز ولسلی (marquis Wellesley) فرماندار کل بریتانیا در انگلیس، تعداد چهارهزار نفر سرباز مجهز به تمام وسایل جنگی به هند آورد و در جنگ پیش‌قدم شد. آن‌ها توانستند به قوای تیپو، شهر سرینگا پاتام (SeringaPatam) پایتخت وی را متصرف شوند. امروز با همکاری یکی از فرماندهان خیانتکار تیپو، با پنج‌هزار سرباز به این شهر وارد شدند. تیپو هم با وجود چهار زخمی که برداشته بود، تا آخرین مرحله به مقاومت ادامه داد.

او فردی بزرگوار بود، شاید سیما و رفتار خشنی داشت، لیکن همواره در جهت منافع و حیثیت مردم گام برمی‌داشت. یک افسر انگلیسی درباره‌ی وی می‌گوید: «اگرچه تیپو درخت آزادی را کاشت، لیکن این درخت از ریشه قطع شد».

با کودتای پاریس، بوناپارت قدرت را قبضه کرد (پاریس، نهم نوامبر ۱۷۹۹)

ایالات متحده، سوم دسامبر ۱۸۱۸
ایلی نویز (Illinois) که شامل شهر شیکاگو هم می‌شود، به‌عنوان ایالت بیست‌ویکم امریکا پذیرفته شد.

فرانسه، دسامبر ۱۸۱۸
دوک ریشیلیو نخست‌وزیر بازنشسته شد و مارکی دسول (Dessoles) جانشین وی گردید. الی دکاز (Elie Decazes) هم وزیر داخله شد.

افریقای جنوبی، ۱۸۱۸
پایتخت حکومت قوم ندواندو (Ndwandwe) در دره‌ی پونگولا (Pongola) مورد تهدید قرار گرفت. جنگجویان این طایفه در نبرد متت‌وا (Mthethwa) با لشگریان دشمن در نبرد مبوزی هیل (Mbuzi Hill) به فرماندهی یکی از بزرگ‌ترین جنگاوران طایفه‌ی دینگیس وایو (Dingiswayo) توانستند آن‌ها را مغلوب کنند. در این جنگ دینگیس وایو بر اثر شکست دچار جنون شد و رهبر ظالم قبیله‌ی ندواندو به‌نام زوید (Zwide)، وی را به‌قتل رسانید. در این حال یکی از رؤسای قبیله‌ی زولو (Zulu) به‌نام شاکا (Shaka) از پشت جبهه خودش را به طایفه‌ی دینگیس وایو رسانید تا قشون جدیدی برای نبرد آینده با قبیله‌ی ندواندو آماده سازد.

پراگ، ۱۸۱۸
موزه‌ی ملی شهر پراگ افتتاح شد.

آلمان، ۱۸۱۸
آرتور شوپنهاور (Arthur Schopenhauer) فیلسوف آلمانی، کتابی به‌نام «دنیای خیالی و واقعی» منتشر کرد.

ایتالیا، ۱۸۱۸
جاکومو لئوپاردی (Giacomo Leopardi) شاعر ایتالیایی، دیوان اشعار خود را به‌نام «عشق اولیه» انتشار داد.

آلمان، ۲۰ ژانویه ۱۸۱۹
کارل فون اشتاین (Karl von Stein) انجمنی موسوم به «تاریخ اجتماعی مردم اولیه‌ی آلمان» انتشار داد.

امریکای شمالی، ۲۲ فوریه ۱۸۱۹
جان کوئینسی آدامز (John Quincy Adams) وزیرخارجه‌ی ایالات متحده، با لوئیس دو اونیس (Luis de Onis) همکار اسپانیولی خود، قطع‌نامه‌یی امضا کرد مبنی بر این‌که: بخش شرقی فلوریدا به امریکا واگذار شود و رود می‌سی‌سی‌پی به‌عنوان مرز دایمی بین دو دولت تلقی شود.

آلمان، ۲۳ مارس ۱۸۱۹
اوگوست کوتزبو (August Kotezbue) درام‌نویس، توسط یکی از دانشجویان دانشگاه ژن به‌قتل رسید، زیرا این‌طور به‌نظر می‌رسید که او جاسوس تزار روس می‌باشد و جنبش آزادی‌خواهانه‌ی ملی‌گراها به‌نام بورخن‌شافتن (Burschenschaften) را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

آلمان، آوریل ۱۸۱۹
گئورگ فریدریش لیست (Georg Friedrich List) کارشناس اقتصاد، در مقابل کنفدراسیون آلمان، سازمان همکاری‌های صنعتی را برای الغای تعرفه‌ی گمرکی تأسیس کرد.

هاوایی، هشتم مه ۱۸۱۹
کامه‌هامه‌ها (Kamehameha) تنها و نخستین رهبری که برای اتحاد مردم سراسر جزایر هاوایی (Hawaii) تلاش می‌کرد، از دنیا رفت.

بوهم (Bohemia)، یکم اوت ۱۸۱۹
پرنس مترنیخ (Metternich) و کارل هاردنبرگ (Karl Hardenberg) نخست‌وزیران اتریش و پروس، بالاخره به این نتیجه رسیدند که می‌باید پرده از عوامل مخفی اجلاسیه‌ی تپلیتز (Teplitz) بردارند و واکنش مردم را در مقابل سیاست کنفدراسیون آلمان بپذیرند.

بوهم، اوت ۱۸۱۹
یک سری مقررات برای جلوگیری از عکس‌العمل انقلابیون آلمانی و جنبش آزادی‌خواهانه‌ی استقلال‌طلبان در کارلسباد (Carlsbad) وضع شد.

ایالات متحده، ۱۴ دسامبر ۱۸۱۹
منطقه‌ی آلاباما به‌عنوان ایالت بیست‌ودوم درآمد.

آسیای جنوب شرقی، ۱۸۱۹
سر توماس استامفورد رافلز (Sir Thomas Stamford Raffles) تصویب کرد که کمپانی انگلیسی هند شرقی جزیره‌ی سنگاپور (Singapore) را از راجای (Rajah) منطقه‌ی جوهور (Johore) خریداری کرده و اشغال کند.

بوناپارت بساط حکومت فرانسه را در هم ریخت و سرنوشت جمهوری را به‌دست گرفت. این کودتا نزدیک بود به شکست بیانجامد، لیکن با نقشه‌یی که امانوئل سیه (Emmanuel Sieyes) یکی از اعضای دیرکتور (گروه حاکم) کشید، قصد داشت که مجلس را منحل نماید، ناپلئون هم با رأی اکثر ژنرال‌ها به فرماندهی سپاهیان مستقر در پاریس برگزیده شد.

به هر حال، ناپلئون امروز با رهبر گروه نئوژاکوبن‌ها (neo-Jacobins) که در اجلاس قانونگزاری با حضور پانصد نماینده در سالن سن کلود (Saint Cloud) تشکیل شده بود، تماس گرفت و نظریات خود را درباره‌ی آینده‌ی جمهوری ابراز داشت. این گروه مخالف حکومت فعلی هستند. با جنجال و زد و خوردی که در این اجلاس برپا شد، کودتا پیروز گشت.

شرکت‌کنندگان در جلسه با چاقو به هم حمله کردند و غوغا و جنجال باعث شد که سربازان گارد محافظ با خشم وارد تالار اجلاس شوند. سرانجام امشب بوناپارت، سیه (Sie yes) و دوکلو (Duclos) به‌عنوان کنسول، زمام امور را به‌دست گرفتند.

روش ترسیم تصویر به یکباره گام مهمی به جلو برداشت (اروپا، ۱۷۹۹)

سواد و آموزش باعث شد که کتاب‌های بسیاری برای آموزش و یادگیری به‌وجود آید. با اختراع ماشین چاپ، روش نوشتن و نسخه‌برداری منسوخ شد و فن چاپ در قرن پانزدهم سبک انشا و کتابت را به‌طور کلی تغییر داد، یعنی به‌سرعت به جلو برد، زیرا کار دستی، ماشینی شد و در نتیجه انتشار علم به سرعت گرایید. اکنون آلوآ سنفلدر (Alois Senefelder) با اختراع لیتوگرافی، کار نقاشی و ترسیم را دگرگون ساخت. این سبک عکس‌برداری، روش ترسیم و کشیدن تصویر را به طرز نوینی تغییر داد. در فرانسه هم خانواده‌ی دیدو (Didot)، فن کلیشه‌سازی را به‌وجود آورد. با مجموع این فنون، سرانجام هنر چاپ عکس به‌ظهور رسید.

دولت انگلیس اعلام کرد که تمام چای تولیدی کشور چین را می‌خرد (کانتون، چین، ۱۸۰۰)

سنّت نوشیدن چای از سرزمین چین به کشور انگلیس رسوخ کرد. طبق برآورد انجام‌شده، تنها در شهر لندن پنج درصد درآمد کارگران صرف چای می‌شود. دولت انگلیس مقرر کرده که ۱۰۰درصد از چای وارداتی مالیات اخذ خواهد کرد. تجارت چای به‌طور کامل در اختیار کمپانی هند شرقی است و سالیانه حدود چهار میلیون پوند از این بابت درآمد دارد. این مثلث بازرگانی بدین شکل است که کشتی‌های انگلیسی تمام پنبه‌ی خام تولیدی کلکته و استان‌های مجاور را به بندر کانتون حمل کرده و در ازای آن چای از آن دولت می‌خرند و چای را هم به لندن حمل می‌کنند و پول آن را برای کاهش وام‌های کمپانی می‌پردازند. بدین ترتیب مصرف‌کننده‌ی چای اطمینان دارد که واردات چای از چین ادامه خواهد داشت، در حالی‌که برای این کار سفیر انگلیس نمی‌تواند در مقابل امپراتور چین خم شده و زمین را سجده نماید تا وی اجازه دهد که چای تولیدی کشور را به بریتانیا بفروشند.

ولتا موفق به کشف نیروی الکتریسیته (برق) شد (رم، ۱۸۰۰)

آلساندرو ولتا (Alessandro Volta) دانشمند فیزیک ایتالیایی، با اختراع باطری توانست جریان برق تولید کند. اساس این کار استفاده از دو صفحه‌ی فلزی متفاوت است که باید آن‌ها را در یک محلول اسیدی، آلکالین (قلیایی) یا نمک قرار داد و با وصل دو سیم به این صفحات فلزی، جریان برق برقرار خواهد شد. ولتا، فلزات مناسب برای این عمل را روی، مس و نقره می‌داند. حال اگر این صفحات فلزی را با فاصله در مایع قرار دهیم و حد فاصل آن را، کاغذ یا پارچه قرار دهیم، این اسباب در واقع پیل الکتریکی ولتا را تشکیل خواهد داد. هرکدام از این صفحات به‌وسیله‌ی مایع داخلی با صفحات دیگر تماس دارد و این تماس غیرمستقیم همواره جریان برق تولید می‌کند.

افریقای جنوبی، ۱۸۱۹
نیروهای انگلیسی در پنجمین نبرد سوورولد (Suurveld) (مرز شرقی کیپ) پیروز شدند و بزرگ‌ترین دشمن خود را که پیغمبر ماخاندا (Prophet Makhanda)، رهبر قبیله‌ی خوزا (Xhosa) در جزیره‌ی روبن (Robben) بود را دستگیر و زندانی کردند. ماخاندا پس از غلبه بر نگ‌کیکا (Ngqika) رهبر قبیله‌ی خوزای شرقی، از مهاجرنشین کیپ که محل اسکان مردان سفیدپوست بود، گذشت و تمام آن منطقه را مورد تجاوز قرار داد و سفیدپوستان را از آن‌جا بیرون راند.

افریقای جنوبی، ۱۸۱۹
سربازان قبیله‌ی زولو به فرماندهی شاکا، جنگجویان طایفه‌ی ندواندو را در جنگ رودخانه‌ی مهلاتوز (Mhlatuze) شکست دادند و سراسر منطقه‌ی ناتال (Natal) را به زیر فرمان خود درآوردند.

ایالات متحده، ۱۸۱۹
ترس بی‌موردی به‌علت جنگ سال ۱۸۱۲ ناظران پولی و اقتصادی را فراگرفت، زیرا از مواجهه با افلاس و ورشکستگی بسیار نگران بودند.

فرانسه، ۱۸۱۹
سه ماده‌ی قانونی که مطبوعات را در فشار گذاشته بود، از پیش پای آنان برداشته شد و دست آن‌ها را باز گذاشت. قانون سانسور قبلی لغو شد، مقررات جنجال‌برانگیز کاهش یافت و هیأت نظارت بر مطبوعات تأسیس شد که در صورت تخلف از قوانین نظارت، ارباب مطبوعات با رأی هیأت منصفه محکوم خواهند شد.

فرانسه، ۱۸۱۹
دکتر رنه لاینک (Rene Laennec) یک نوع گوشی اختراع کرد که با آن صداهای قلب و ریه را می‌شنیدند. این دستگاه که استتسکوپ (Stethoscope) نام دارد، صداهای طبیعی قلب و ریه را از صداهای مرضی مشخص می‌کند.

آلمان، ۱۸۱۹
فریدریش یان (Friedrich Jahn) که نخستین ورزشگاه روباز را تأسیس کرده بود، بازداشت شد و ورزشگاه او هم تعطیل شد. یان که رهبری بخش دانشجویی انجمن میهن‌پرستان موسوم به بورخن‌شافتن را برعهده داشت، متهم به خراب‌کاری و عضویت در سازمان‌های غیرقانونی بود.

اسکاتلند، ۱۸۱۹
توماس هانکوک (Thomas Hancock) و چارلز ماسیتاش (Charles Macintosh)، دو نفر از کارخانه‌داران اسکاتلند، موادی ساختند که پارچه را در مقابل آب غیرقابل نفوذ می‌ساخت.

امریکای جنوبی، ۱۷ دسامبر ۱۸۱۹
کنگره‌ی آنگوستورا (Angostura) برای تشکیل کشور جمهوری کلمبیای بزرگ با شرکت نیوگراندا (New Granda)، ونزوئلا (Venezuela) و کیتو (Quito) گشایش یافت. در این کنگره، سیمون بولیوار (Simon Bolivar) به سمت رییس‌جمهور و فرمانده کل ارتش انتخاب شد.

بریتانیا، ۱۸۱۹
پس از اعدام پیترلو (Peterloo)، دولت قانونی در شش‌ماده تصویب کرد که شامل: ممنوع‌شدن اجتماع ۵۰ نفر یا بیش‌تر، ممنوعیت حمل هر نوع پرچم و علامت، قدغن‌بودن حمل هر نوع سلاح گرم و هم‌چنین تحمیل مالیات جدید بر روزنامه‌ها، بود.

اسپانیا، ژانویه ۱۸۲۰
سربازان و نظامیان در شهر کادیز (Cadiz) دست به شورش زدند که این شورش به سراسر شمال اسپانیا گسترش یافت. انقلابیون علیه سیاست ضد آزادی و عدم کفایت و لیاقت دولت فردیناند هفتم پادشاه اسپانیا اعتراض کردند.

بریتانیا، ۲۹ ژانویه ۱۸۲۰
جورج پرنس (George Prince) که از سال ۱۸۱۱ سمت نایب‌السلطنه را در هنگام حیات جورج سوم بر اثر ابتلا به بیماری جنون برعهده داشت، در پی مرگ پدرش به سلطنت رسید.

نیویورک، ششم فوریه ۱۸۲۰
کشتی می‌فلاور اف لیبریا (Mayflower of Liberia) (گل همیشه بهار آزادی)، با ۸۶ نفر از بردگان آزاشده، بندرگاه نیویورک را به عزم سرزمین سیبرالئون (Sierra Leone) در افریقای غربی، ترک کرد.

پیل الکتریکی اختراعی ولتا نخستین دستگاهی است که با دو صفحه که بین سلول‌های آن مایعی ریخته شده، تولید برق می‌کند و تا هنگامی‌که این مایع رسانا بین صفحات موجود است، نیروی جریان برق هم تولید خواهد شد.

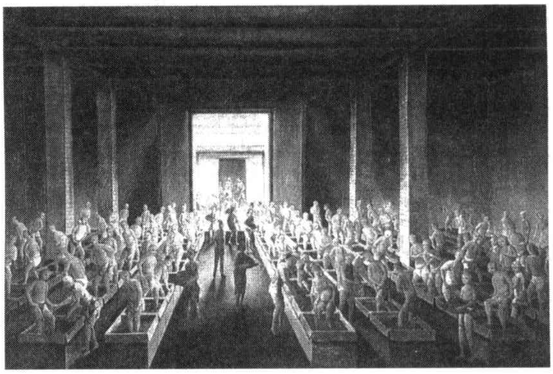
کاخ ریاست‌جمهوری ایالات متحده به واشنگتن انتقال یافت (ایالات متحده، ۱۸۰۰)

در زمین‌های کشاورزی و پرآب که از رود پوتوماک (Potomac) مشروب می‌شود، کارگران مشغول ساختن کاخی دوطبقه هستند که در واقع خانه‌ی پرزیدنت جان آدامز (John Adams) و همسر وی خانم ابی‌گیل (Abigail) (نخستین زن ایالات متحده) خواهد شد. در چند صد جریب زمین‌های استان مریلند (Maryland) در پهلوی کاخ، معماران و مهندسان در حال کار جهت بنای شهری زیبا برای استقرار پایتخت فدرال هستند، این ناحیه که مشهور به کلمبیاست، به‌نام واشنگتن نامگزاری خواهد شد. کنگره هم این محل را تصویب کرده، چون متعلق به مالک بخصوصی نیست و یک معمار فرانسوی به‌نام پی‌یر شارل آنفان (Pierre Charles l' Enfant) این ناحیه را برای پایتخت مناسب تشخیص داده است. شهر واشنگتن که در آینده ساخته می‌شود، دارای بلوارها و ساختمان‌هایی زیبا خواهد شد و چشم‌انداز و مناظری بسیار قشنگ خواهد داشت. به‌طوری‌که عده‌یی آرزو می‌کنند که این شهر از پاریس زیباتر شود.

پاپ پیوس هفتم پیمانی با ناپلئون امضا کرد (پاریس، ۱۵ ژوئیه ۱۸۰۱)

امروز بالاخره پس از مذاکرات سخت و طولانی قرارداد بین پاپ پیوس (Pius) هفتم و ناپلئون امضا شد. در مراسم امضای این عهدنامه، هیچ‌کس حضور نداشت.

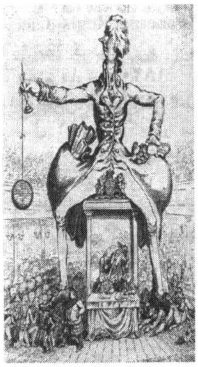
طبق این پیمان، پاپ متعهد می‌شود که در مقابل کشورهایی که علیه ناپلئون هستند، ایستادگی کند،



کارگران کارخانه های چای متعلق به دولت انگلیس در سواحل چین صندوق های چای را پر می کنند.



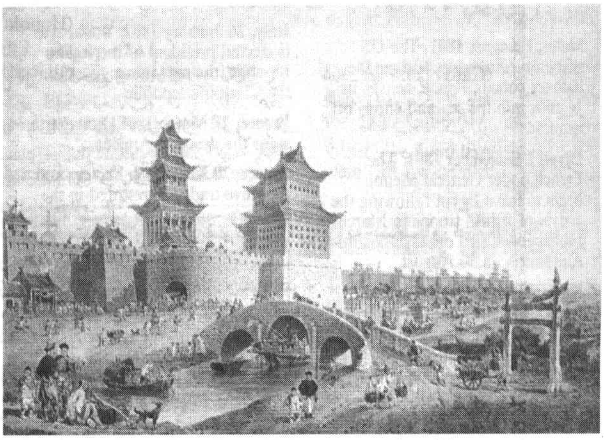
دو پادشاه، سزارCaesar و خدا.



ویلیام پیت، در یک سرزمین متحد پادشاهی.



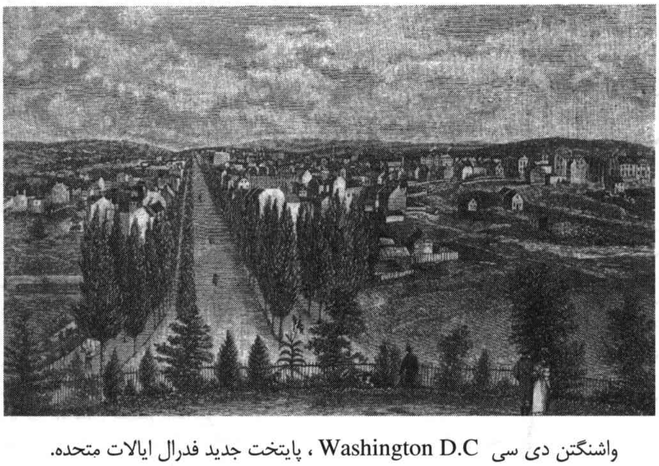
ولتا Volta باتری اختراعی خود را به بوناپارت معرفی می کند.



پینگ زیمن Ping Zimen، یکی از دروازه های بجینگ، پایتخت امپراتوری چین.



مهمانی چای در باغ. اکنون نوشیدن چای در کشور بریتانیا در بین مردم بسیار متداول شده.



واشنگتن دی سی Washington D.C ، پایتخت جدید فدرال ایالات متحده.

چین، ۱۸ فوریه ۱۸۲۰
مأموران دولتی چین در ووچانگ (Wuchang)، فرانسوا رژی کلت (Jean Francois Regis Clet) سرپرست هیأت مذهبی فرانسه را خفه کردند.
اسپانیا، هفتم مارس ۱۸۲۰
در پی زدوخورد و شورش اسپانیا، فردیناند هفتم پادشاه، قانون اساسی سال ۱۸۱۲ را که در سال ۱۸۱۴ لغو کرده بود، مجدداً برقرار کرد.
ایالات متحده، نهم مارس ۱۸۲۰
طبق قانون اصلاحات ارضی که تصویب شد، اقدامات شدیدی علیه زمین‌داران بزرگ و ثروتمند منطقه‌ی غرب کشور برای گسترش و توسعه‌ی کشاورزی، انجام شد.
ایالات متحده، ۱۵ مارس ۱۸۲۰
کنگره باب آشتی را با ایالات پیرو قانون منع برده‌داری گشود، در همین حال، ایالت ماین (Maine) به ایالات ضدبرده‌داری و ایالت میسوری (Missouri) برضد آن قانون پیوستند.
اروپا، ۲۸ مارس ۱۸۲۰
لویی هجدهم پادشاه فرانسه و ویلیام پادشاه هلند، قراردادی امضا کردند که طبق آن، مرزهای قطعی دو کشور به مرزهای سال ۱۷۹۰ تبدیل شد.
هاوایی، ۳۰ مارس ۱۸۲۰
اولین هیأت اعزامی امریکا از ایالت نیوانگلند به هونولولو (Honolulu) رسید.
بریتانیا، یکم مه ۱۸۲۰
یکی از جنگجویان بنیادگرای انگلیسی، در خیابان کاتو (Cato) در شهر لندن، نخست‌وزیر و سایر اعضای کابینه را در یک توطئه به‌قتل رساند. طبق تحقیقات پلیس، رهبر این توطئه یک نفر از اعضای برکنارشده‌ی پلیس به‌نام آرتو تیسل‌وود (Arthur Thistlewood) می‌باشد.
ایالات متحده، ۱۵ مه ۱۸۲۰
کنگره تجارت برده را در ردیف دزدی دریایی به‌حساب آورد.
وین، ۲۴ مه ۱۸۲۰
طبق آخرین تصمیم کنگره‌ی وین، قرار شد که کشورها از دخالت در امور داخلی آلمان جهت اتحاد و یکپارچگی ایالات مختلف آن بپرهیزند و آن را منوط به عزم ملی و اختیار دولت آن کشور کنند، چون مداخله‌ی خارجی تهدیدی برای ایجاد شورش و آشفتگی محسوب می‌شود.
آلمان، ۲۰ ژوئیه ۱۸۲۰
کنفدراسیون آلمان با تصمیمات اتخاذشده در کنگره‌ی وین موافقت نمود.
پرتغال، ۲۹ اوت ۱۸۲۰
با تشویق و تحریک دولت اسپانیا، سپاهیان پرتغالی مستقر در ناحیه‌ی اوپورتو (Oporto) دست به شورش زدند.
ایالات متحده، ۲۶ سپتامبر ۱۸۲۰
دانیل بون (Daniel Boone) مرد مرزنشین افسانه‌یی، درگذشت.
ایالات متحده، سپتامبر ۱۸۲۰
واشنگتن ایروینگ (Washington Irving) نویسنده‌ی امریکایی، دست‌نویس کتاب خود را منتشر کرد. این کتاب مجموعه‌یی‌ست از داستان‌های خیالی و موهوم مانند «شکاف چشمک» و داستان «مرد خواب‌آلود سبک‌مغز».
آلمان، ۱۹ نوامبر ۱۸۲۰
در کنگره‌ی تروپائو (Troppau)، تزار آلکساندر موضوع انقلاب و شورش کشورهای اسپانیا و پرتغال و جمهوری ناپل را مورد بحث قرار داد و در نتیجه قرار شد اتریش و روسیه و پروس موافقت‌نامه‌یی را امضا کنند که در صورت گسترش شورش در قاره‌ی اروپا، تهدیدی متوجه کشورهای بزرگ نشده و جنگ بین‌المللی برپا نشود. بریتانیا با این موافقت‌نامه مخالفت نمود و آن را نپذیرفت.
ایالات متحده، ششم دسامبر ۱۸۲۰
جیمز مونروئه (James Monroe) با اکثریت آرا برای بار دوم به ریاست‌جمهوری برگزیده شد.
پرتغال، ۱۸۲۰
انقلابیون پرتغال به سمت نایب‌السلطنه در برزیل که از سال ۱۸۰۷ توسط خوان (Joan) پادشاه پرتغال منصوب شده بود، اعتراض کردند.

ناپلئون هم تضمین می‌کند که در برابر دولت‌هایی که دشمن کلیسا و پاپ هستند، مقاومت کند. در این موافقت‌نامه تصریح شده که مذهب کاتولیک، دین اکثریت مردم فرانسه است، اما پاپ هیچ ادعایی در مورد غرامت آسیب‌های وارده به اموال کلیسا نخواهد داشت. نکته‌ی مهم این عهدنامه این است که ناپلئون با به‌رسمیت‌شناختن مذهب کاتولیک این‌چنین می‌اندیشد که صلح را برای کشور فرانسه تضمین کرده است.

در باتری‌های جدید، بایستی بین دو صفحه‌ی فلزی را با آب پر کرد (لندن، ۱۸۰۱)

طی چند هفته که پیل الکتریکی را اختراع و عرضه کردند، دو نفر از شیمیدان‌های انگلیس به‌نام‌های ویلیام نیکلسون (William Nicholson) و آنتونی کارلیسل (Anthony Carlisle) با ابداع جدید خود ثابت کردند که بایستی بین صفحات فلزی پیل یا باطری با آب یا گازهای اکسیژن و هیدروژن پر شود. این دو دانشمند به این ترتیب نشان دادند که آب بین صفحات فلزی باعث رساناشدن و ارتباط بین دو صفحه شده و جریان برق را برقرار خواهد کرد و در آخر سیمی که به صفحات فلزی وصل می‌شود، سبب می‌شود که گازهای اکسیژن و هیدروژن ایجاد شده و جریان الکتریسیته‌ی دایمی ایجاد شود.

نمایندگان پارلمان دوبلین، پارلمان را منحل کردند (دوبلین، پنجم فوریه ۱۸۰۰)

ویلیام پیت نخست‌وزیر انگلیس، حساب کرده بود که با انحلال پارلمان ایرلند، گرفتاری‌ها نه برای یک‌بار بلکه برای همیشه مرتفع خواهد شد. نخست‌وزیر می‌دانست که ایرلندی‌ها با وجود پارلمان، خود را در کشور شهروندان درجه‌ی دوم محسوب می‌کنند. امروز با انحلال پارلمان ایرلند، راه آشتی و صلح بین انگلیس و ایرلند و پیوستن به پارلمان وست‌منیستر (Westminster) هموار شد، هم‌چنان‌که در یک

سده‌ی پیش نیز اتحاد بین اسکاتلند و انگلیس انجام شد.

پیت امروز با این تصمیم توانست در حقیقت اقلیت پروتستان را در مقابل اکثریت مردم ایرلند که کاتولیک‌مذهب هستند،نجات دهد، چون با قوانین انگلیس، پروتستان‌های ایرلند هم‌کیش انگلیسی‌ها خواهند شد و این بار کاتولیک‌ها در اقلیت خواهند بود. همان‌طور که گفته شد، چون کاتولیک‌ها در اقلیت هستند، از این پس پروتستان‌ها دیگر از آزار و اذیت آن‌ها مصون خواهند ماند و جای اکثریت و اقلیت عوض خواهد شد و بالاخره با صف‌آرایی در پارلمان انگلیس، پروتستان‌ها کنترل آن را در دست خواهند گرفت و از این پس دیگر هوس سلطه بر پارلمان را از دست خواهند داد.

در ضمن نمایندگان پارلمان، بایستی از طبقه‌ی ثروتمند و اشراف باشند و برای هر کرسی پارلمان، مبلغ هفت هزار پوند بپردازند. بالاخره پس از یک‌سری جنگ و جدال در پارلمان، سرانجام قرار شد فرزند لرد کورن والیس (Cornwallis) نایب‌السلطنه‌ی ایرلند، به‌عنوان فرماندار کل ایرلند برگزیده شده و کاتولیک‌ها را که با اتحاد ایرلند با انگلستان مخالفت می‌کنند، مجاب نماید. بوناپارت هم از سوی فرانسه به انگلیس هشدار داد که مواظب حرکات و اعمال خود باشد و هیچ‌گاه انقلاب ایرلند را دست کم نگیرد.

کشور چین با ازدیاد نسل روبه‌روست و جمعیت آن چندبرابر شده است (چین، ۱۸۰۰)

جمعیت کشور چین به‌شکل انفجارآمیز اضافه شده و این موضوع هشداری است به کشور و دولت. در این سده که کشور از نظر داخلی در صلح به سر می‌برد و با وجود انقلاب موسوم به نیلوفر سفید که در چهار سال پیش روی داد، جمعیت کشور از یک‌صد و پنجاه میلیون به بیش از سیصد میلیون نفر بالغ شده است. این ازدیاد جمعیت با وجود عوامل تخریبی طبیعی که اثر کمی بر آن دارد، هم‌چنان ادامه دارد. در نتیجه‌ی ازدیاد نفوس، مردم با فشار بر زمین می‌خواهند با کشاورزی محصول بیش‌تری به‌دست آورند تا بتوانند زنده بمانند. مردم فقیر و بی‌چیز هم که با کاهش مواد غذایی روبه‌رو هستند، برای به‌دست‌آوردن زمین جهت کشت و زرع به اقصی نقاط کشور هجوم می‌برند و سیل پناهندگان در درگیری با بومیان موجب ایجاد تنش می‌شود. دولت هم برای ازدیاد محصول و کمک به فقرا، سیاست اقتصادی نوینی در پیش گرفته تا این آوارگان و پناهندگان را جذب کند.

ناوگان دریایی بریتانیا، باب کشتیرانی در دریای بالتیک را گشود (کپنهاگ (Copenhagen)، دوم آوریل ۱۸۰۱)

با اشاره‌ی دریاسالار هوراسیو نلسون (Horatio Nelson) فرمانده ناوگان انگلیس، رزمناو بزرگ دانمارکی در دریای بالتیک غرق شد و بدین ترتیب راه برای رفت‌وآمد کشتی‌های جنگی بریتانیا در دریای بالتیک باز شد.

سر هاید پارکر (Sir Hide Parker) قایم‌مقام دریاسالار نلسون فرمانده یک اسکادران (هنگ) نیروی دریایی بریتانیا در آب‌های کم‌عمق دریای بالتیک به مجرد مشاهده‌ی ناوگان فرمانده کل دستور داد که توپخانه‌ی انگلیس به‌شدت آن را بمباران نمایند تا رزم‌ناوهای دانمارکی به‌کلی نابود شوند. در این هنگام نلسون به اطرافیان خود گفت: «دیدید که چه‌گونه آن را به جهنم فرستادم» و آن‌گاه با دوربین خود آن منظره را تماشا کرد و بدین ترتیب یک‌چهارم از نیروی دریایی سلطنتی دانمارک از بین رفت. پس از آن نلسون بیان داشت: «با نابودی بخشی از نیروی دریایی دانمارک که برادر ما محسوب می‌شود، راه برای رزم‌ناوهای انگلیسی باز شد».

نیروی دریای بریتانیا با زیر پا گذاشتن مقررات بین‌المللی، پنهانی دامی در مقابل رزم‌های دانمارکی گسترد و با نابودی آن‌ها راه را برای حمله به نیروهای فرانسوی با همیاری متحدان خود گشود.

افریقا، ۱۸۲۰

کشت دو نوع محصول جدید، ثمره‌ی بسیار خوبی برای صادرات در افریقا به‌وجود آورد: میخک در زنگبار (Zanzibar) و توتون در آنگولا (Angola). کشت این محصولات که با تجارت برده و انتقال کارگران کشاورز به سایر کشورها، رو به خرابی می‌رفت (چون کارگر برای کاشت وجود نداشت)، با لغو سیستم برده‌داری، مجدداً رونق گرفت.

افریقا، ۱۸۲۰

والی مصر محمدعلی پاشا، کشور سودان و قلمرو کوردوفان (Kordofan) را تصرف کرد.

انگلیس، ۱۸۲۰

شللی (Shelley) شاعر انگلیسی، دیوان اشعار خود را درباره‌ی شهر پرومتئوس (Prometheus) منتشر ساخت.

انگلیس، ۱۸۲۰

کیتز (Keats) نویسنده‌ی انگلیسی، قصیده‌هایی درباره‌ی عشق و شوریدگی را هم‌زمان با اشعار عرفانی در یک جلد منتشر نمود.

روسیه، ۱۸۲۰

پوشکین (Pushkin) شاعر رمانتیک روس، دو جلد کتاب به‌نام‌های «روسلان (Russlan)» و «لودمیلا (Ludmilla)» منتشر نمود.

فرانسه، ۱۸۲۰

آلفونس دولامارتین (Alphonse de Lamartine) دیوان اشعار خود را به‌نام «اندیشه‌های یک شاعر»، انتشار داد.

فرانسه، ۱۸۲۰

دکترها پی‌یر ژوزف پلیته (doctor Pierre Joseph Pelletier) و ژوزف بی.ین.ام کاونتو (Joseph Bienaime Caventou)، کینین (quinine) را کشف کردند.

افریقای جنوبی، ۱۸۲۰

افریقای جنوبی درگیر جنگ‌های عمده‌یی نظیر جنگ بزرگ مفه‌کان (Mfecane) شد. قبیله‌ی ندواندو (Ndwandwe) سال گذشته در منطقه‌ی مهلاتوز (Mhltauze) مغلوب طوایف زولو (Zulu) گردید. این شکست مثل سلسله‌زنجیر شکست‌های بعدی را به‌دنبال داشت. حریفان سعی می‌کردند هر کدام طرف مقابل را از میدان به در کرده و خود زمام قدرت را در دست گیرند. هنگامیکه قبایل زولو مردم این ناحیه را تحت فرمان خود درآوردند، بقایای سپاهیان ندواندو، بخش‌های دیگری را مورد تاخت و تاز قرار دادند. آن‌ها چون در داخل منطقه جایی برای اعمال نفوذ نیافتند، به دورترین نقاط افریقای جنوبی مانند ماپوتو (Maputo) در خلیج موزامبیک (Mozambique) حمله کردند.

ژاپن، ۱۸۲۰

برای حفاظت از سواحل ژاپن و جلوگیری از تجاوز کشتی‌ها به سواحل این کشور، کمیسیونی برای دفاع از آب‌ها و سواحل ژاپن به‌ویژه کرانه‌های شهر ادو (توکیو)، تشکیل شد.

روسیه، ۱۸۲۰

قیام و شورش منطقه‌ی سمونوفسکی (Semonovsky)، تزار آلکساندر را واداشت که در برنامه‌ی اصلاحات سیاسی و اجتماعی خود، جانب احتیاط را مراعات کند.

ایالات متحده، ۱۸۲۰

جمعیت ایالات متحده به مرز ده میلیون نفر رسید.

چین، سوم فوریه ۱۸۲۱

در پی مرگ امپراتور جیاکینگ (Jiaqing) در سال قبل، دائوگوانگ (Daoguang) جانشین او شد.

رم، ۲۳ فوریه ۱۸۲۱

جان کیتز (John Keats) شاعر انگلیسی، به‌خاطر انتشار کتاب «نظیر یک بلبل» در سال قبل، در فقر و فاقه و بیچارگی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

مکزیک، ۲٤ فوریه ۱۸۲۱

ژنرال آگوستین دو ایتوربایذ (Augustin de Iturbide) اعلام کرد که سرزمین مکزیک باید مستقل شود و حکومت مشروطه‌ی سلطنتی به پادشاهی اسپانیا یا یکی از سلاطین اروپایی داشته باشد.

یونان، فوریه ۱۸۲۱

ژرمانوس سراسقف پاتراس (Archbishop Germanos of Patras)، مردم را به قیام برضد دولت عثمانی دعوت کرد.

امپراتوری عثمانی، مارس ۱۸۲۱

آلکساندر ایپسلانتی (Alexander Ypsilanti) رهبر ملی‌گرایان یونانی، با یک گردان از نیروهای رزمی، با حمله به مولداوی (Moldavia)، شهر یاسی (Jassy) پایتخت و بخارست (Bucharest) را تصرف کرد.

فشار شاه بیمار و علیل به ویلیام پیت باعث کناره‌گیری وی شد (لندن، ۱۴ مارس ۱۸۰۱)

پس از ۱۷ سال که از نخست‌وزیری ویلیام پیت می‌گذرد، شاه که با قیمومیت کاتولیک‌ها به‌وسیله‌ی پروتستان‌ها مخالف بود، وی را وادار به استعفا از مقام خود کرد و هنری ادینگتون (Henry Addington) دوست قدیمی پیت و سخنگوی مجلس عوام، به جانشینی او منصوب شد. او اظهار داشت که تمام مساعی خود را در راه صلح با فرانسه به کار خواهد برد، لیکن درباره‌ی رهایی کاتولیک‌ها اقدامی نخواهد کرد. پیت که ماه گذشته بر اثر اصرار شاه کناره‌گیری کرده بود، هم‌چنان در برابر شاه و اقدامات او ایستاده و ظاهراً به درخواست ایرلند پاسخ مثبت داده است. پیت توانست پارلمان ایرلند را با لندن یکپارچه نماید و در این راه گرفتاری‌ها را به جان خرید تا کاتولیک‌ها را رها کند. لیکن با دستور شاه درباره‌ی استعفای خود به خشم آمد. پیت گفت: از این پس دیگر به امر شاه پست دیگری را نخواهد پذیرفت.

پس از ۳۰ سال تلاش، سرانجام کشور یکپارچه شد (هوئه (Hue)، آنام (ویتنام)، ۱۸۰۲)

نگوین آنه (Nguyen Anh) امپراتور آنام (ویتنام) پس از ۳۰ سال مساعی سلسله‌ی پادشاهی سلطنتی و گذراندن یک‌سری جنگ‌های داخلی، بالاخره موفق شد که کشور ویتنام را یکپارچه و متحد سازد. امپراتور همان‌طور که یک سرباز رشید و شجاع در امور جنگی در دفاع از میهن خود به‌شمار می‌رود، هم‌چنان یک سازمان‌دهنده‌ی بسیار لایق است. وی توانسته شهری زیبا با قصرهای باشکوه بنا کند، به حدی که رودخانه‌ی نزدیک به پایتخت را عطرآگین نماید.

به هر حال، هنگامی‌که نگوین آنه به سلطنت رسید، سرزمین آنام دست‌نشانده و خراج‌گزار چین بود و به‌اجبار این امر را پذیرفت. چین هم با این‌که عملاً این سرزمین را به اشغال خود درنیاورده بود، با این وجود،

آن را به چشم همسایه‌یی که درآمد سرشاری برای او تولید می‌کرد، می‌نگریست. یکی دیگر از اقدامات مهم نگوین آنه این بود که یک هیأت مذهبی فرانسه به ریاست پیگنو دوبهین (Pigneau de Behaine) را پذیرفت و این هیأت به وی در رسیدن به سلطنت یاری نمود. نگوین آنه اکنون به این هیأت فرانسوی اجازه داده است که در تمام سرزمین ویتنام به تبلیغ دین مسیح بپردازند و مذهب کاتولیک را به‌وسیله‌ی پیروان کلیسا در سراسر کشور اشاعه دهند.

عهدنامه‌ی صلح بین دولت‌های انگلیس و فرانسه مورد انتقاد قرار می‌گیرد (آمی‌ین (Amiens)، ۲۵ مارس ۱۸۰۲)

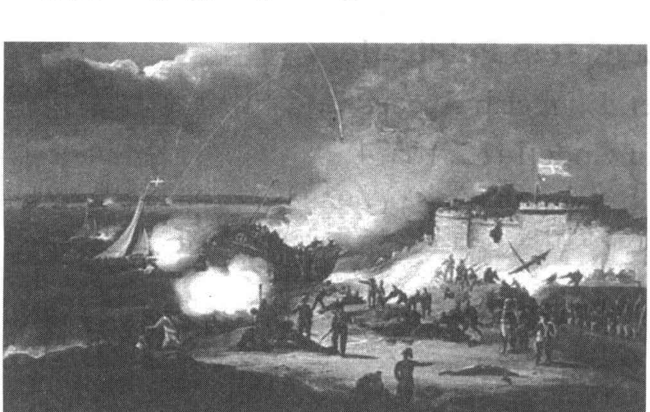
عهدنامه‌ی صلحی که امروز بین دولت‌های فرانسه و انگلیس منعقد شد، مورد تقدیر جهانیان واقع شد، اما بیش‌تر مردم بریتانیا آن را نپذیرفتند. طبق مواد تصویب‌شده‌ی این قطع‌نامه، جزایر سیلان و تری‌نیداد (Trinidad) هم‌چنان در اختیار انگلیس خواهد ماند، اما جزایر مالت و کیپ‌تاون و مصر و بخش اعظم متصرفات انگلیس در کرانه‌ها، به حال خود رها خواهد شد. از سوی دیگر، دولت فرانسه بخش اعظم ایتالیا به‌جز ناپل را به‌تصرف در خواهد آورد، اما استقلال کشور پرتغال را تضمین می‌کند. از سوی دیگر، بوناپارت آزادی تجارت را در زمان جنگ ضمانت نکرد و بازرگانی با بریتانیا را با قاره‌ی اروپا محدود ساخت، زیرا در هنگام جنگ، تجارت با جزیره‌ی بریتانیا را نمی‌توان تضمین نمود، لیکن اکثر مردم بریتانیا این قرارداد را سست و فریبنده توصیف کردند که ظاهری چشم‌گیر و بنیانی بی‌ثبات دارد و کاملاً به زیان دولت انگلیس می‌باشد.

پل تزار روسیه در اتاق خواب خود به‌قتل رسید (سن‌پترزبورگ، ۲۳ مارس ۱۸۰۱)

در ساعت دو بامداد امروز، در یک میهمانی که با شرکت افسران گارد محافظ دربار سلطنتی تشکیل شده بود و پس از گذشت یک شب میگساری، مأموران گارد به کاخ سن‌میخائیل و اتاق خواب تزار پل رفتند و این امپراتور مبتلا به بیماری مغزی را خفه کردند. پس از کشته‌شدن تزار پل، یکی از قاتلان او به‌نام نیکلای زوبوف (Nikolai Zubov)، پسر پل را از خواب بیدار کرد و اعلام داشت که الکساندر فرزند پل امپراتور روسیه است. پل چون از مادرش نفرت داشت، فرمان صادر کرد که از این پس هیچ زنی به امپراتوری روسیه انتخاب نخواهد شد. او در ابتدا علیه فرانسه وارد جنگ شد، ولی سپس موضع خود را تغییر داد و به صف متحدان بوناپارت درآمد. او با لغو قانون کاترین در مورد معاف‌کردن افسران دون‌پایه از تبعید، پایگاه مردمی خود را از دست داده بود.



پل Paul فرزند کاترین کبیر، ملکه‌ی روس.



نبرد کپنهاگ، در این جنگ نلسون دریاسالار انگلیسی،

Chronicle of the World

Editors of the English Edition:
Jerome Burne and Derrik Mercer

Persian Translation by:
Dr M. Zanjani

Supervised and Introduced by:
Professor S.H. AMIN
Ph.D. (Glasgow), Advocate (Edinburgh), Editor in Chief of Hafiz Monthly, Iran
Formerly Professor of Law at Glasgow Caledonian University, U. K.

ISBN: 964-96370-8-7
Volume Two: 978-600-52-04-001

Publishers and Distributors

دایرة المعارف ایران
ENCYCLOPAEDIA OF IRAN

The Encycolpaedia of Iran Publications
312, Felestin Street, Enghelab Aveneue
Tehran, Iran, Post Code 1416814574
Tel: (0098+21) 66968488 Fax: (0098+21) 66968487

E. mail: Hafizmonthly@hotmail.com